

خطبه‌های حرمین

مترجم:

محمد امین عبداللهی

عنوان کتاب:	خطبه‌های حرمین
مترجم:	محمد امین عبداللهی
موضوع:	مساجد و خطبه‌ها
نوبت انتشار:	اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار:	خرداد (جوزا) ۱۳۹۵ شمسی، شعبان ۱۴۳۷ هجری
منبع:	سایت عقیده www.aqeedeh.com



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaiislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

عنوان خطبه: پس از رمضان	۲۳
خطبه‌ی اول:	۲۳
خطبه‌ی دوم:	۲۷
عنوان خطبه: خلیفه‌گی انسان در زمین و خوردن طیبات	۳۰
خطبه‌ی اول:	۳۰
خطبه‌ی دوم:	۳۶
عنوان خطبه: مقاصد و اهداف شریعت	۳۹
خطبه‌ی اول:	۴۰
عنوان خطبه: قلم؛ اهمیت و جایگاه آن	۴۸
خطبه‌ی اول:	۴۸
خطبه‌ی دوم:	۵۳
عنوان خطبه: علم، و تاثیر آن بر امت	۵۶
خطبه‌ی اول:	۵۶
خطبه‌ی دوم:	۶۳
عنوان خطبه: گفتگوی میان ملتها	۶۷
خطبه‌ی اول:	۶۷
خطبه‌ی دوم:	۷۴
عنوان خطبه: تقوای خداوند و محاسبه‌ی نفس	۷۷
خطبه‌ی اول:	۷۷
خطبه‌ی دوم:	۸۳

- عنوان خطبه: هجرت نبوی ۸۷
خطبه‌ی اول: ۸۷
خطبه‌ی دوم: ۹۳
عنوان خطبه: نگاهی به حوادث غزه ۹۵
خطبه‌ی اول: ۹۵
خطبه‌ی دوم: ۱۰۲
عنوان خطبه: اسباب پیروزی و نگاهی به حوادث غزه ۱۰۷
خطبه‌ی اول: ۱۰۷
خطبه‌ی دوم: ۱۱۳
عنوان خطبه: برادری و اثر آن بر امت ۱۱۶
خطبه‌ی اول: ۱۱۷
خطبه‌ی دوم: ۱۲۲
عنوان خطبه: ندایی به مسئولان امت به مناسبت حوادث غزه ۱۲۴
خطبه‌ی اول: ۱۲۴
خطبه‌ی دوم: ۱۳۱
عنوان خطبه: اهمیت و فضیلت تربیت و تعلیم ۱۳۴
خطبه‌ی اول: ۱۳۵
خطبه‌ی دوم: ۱۴۲
موضوع خطبه: درس‌ها و عبرت‌های برگرفته از داستان‌های پیامبران ۱۴۶
خطبه‌ی اول: ۱۴۷
خطبه‌ی دوم: ۱۵۴
عنوان خطبه: گروه گمراه میان علم و جهل ۱۵۶
خطبه‌ی اول: ۱۵۶
خطبه‌ی دوم: ۱۶۳

- عنوان خطبه: تعطیلات تابستانی و چگونگی استفاه از آن ۱۶۶
- خطبه‌ی اول: ۱۶۶
- خطبه‌ی دوم: ۱۷۲
- عنوان خطبه: حوادث راه و فرهنگ رانندگی ۱۷۶
- خطبه‌ی اول: ۱۷۶
- خطبه‌ی دوم: ۱۸۱
- عنوان خطبه: نکوهش اسراف به ویژه در مراسم ازدواج ۱۸۵
- خطبه‌ی اول: ۱۸۵
- خطبه‌ی دوم: ۱۸۹
- عنوان خطبه: استقامت و میانه‌روی ۱۹۲
- خطبه‌ی اول: ۱۹۲
- خطبه‌ی دوم: ۱۹۹
- عنوان خطبه: برکت و اثر آن در زندگی ۲۰۲
- خطبه‌ی اول: ۲۰۲
- خطبه‌ی دوم: ۲۰۷
- عنوان خطبه: وطن‌دوستی در سایه‌ی اسلام ۲۱۰
- خطبه‌ی اول: ۲۱۱
- خطبه‌ی دوم: ۲۱۸
- عنوان خطبه: آتش جهنم ۲۲۰
- خطبه‌ی اول: ۲۲۱
- خطبه‌ی دوم: ۲۳۳
- عنوان خطبه: استقبال از رمضان ۲۳۶
- خطبه‌ی اول: ۲۳۶
- خطبه‌ی دوم: ۲۳۹

- عنوان خطبه: فتنه‌های رسانه‌ای ۲۴۳
- خطبه‌ی اول: ۲۴۳
- خطبه‌ی دوم: ۲۴۸
- عنوان خطبه: حرمت قتل انسان‌ها و پیمان شکنی و خیانت ۲۵۱
- خطبه‌ی اول: ۲۵۱
- خطبه‌ی دوم: ۲۶۰
- عنوان خطبه: خداحافظ ای رمضان ۲۶۳
- خطبه‌ی اول: ۲۶۳
- خطبه‌ی دوم: ۲۶۸
- عنوان خطبه: بزرگداشت خداوند ۲۷۱
- خطبه‌ی اول: ۲۷۱
- خطبه‌ی دوم: ۲۸۰
- عنوان خطبه: آنچه را به تو ربطی ندارد ترک کن ۲۸۲
- خطبه‌ی اول: ۲۸۲
- خطبه‌ی دوم: ۲۸۶
- عنوان خطبه: انصاف و نقش آن در زندگی ۲۸۹
- خطبه‌ی اول: ۲۸۹
- خطبه‌ی دوم: ۲۹۴
- عنوان خطبه: نماز و جایگاه آن ۲۹۸
- خطبه‌ی اول: ۲۹۸
- خطبه‌ی دوم: ۳۰۳
- عنوان خطبه: امنیت و اهمیت آن در زندگی مردم ۳۰۷
- خطبه‌ی اول: ۳۰۷
- خطبه‌ی دوم: ۳۱۴

عنوان خطبه: خشیت الهی؛ اهمیت و آثار آن.....	۳۱۸
خطبه‌ی اول:	۳۱۸
خطبه‌ی دوم:	۳۲۴
عنوان خطبه: عوامل شرح صدر و از بین رفتن غم‌ها و غصه‌ها.....	۳۲۶
خطبه‌ی اول:	۳۲۶
خطبه‌ی دوم:	۳۳۲
عنوان خطبه: مکه مکرمه؛ تاریخ و خاطره.....	۳۳۵
خطبه‌ی اول:	۳۳۵
خطبه‌ی دوم:	۳۴۱
عنوان خطبه: حج؛ نقطه‌ای برای به هم رسیدن مسلمانان.....	۳۴۶
خطبه‌ی اول:	۳۴۶
خطبه‌ی دوم:	۳۵۰
عنوان خطبه: نصیحت؛ فضیلت، جایگاه و احکام آن.....	۳۵۴
خطبه‌ی اول:	۳۵۴
خطبه‌ی دوم:	۳۶۰
عنوان خطبه: فضیلت صبر در برابر مصیبت‌ها.....	۳۶۳
خطبه‌ی اول:	۳۶۳
خطبه‌ی دوم:	۳۶۹
عنوان خطبه: آغاز سال هجری جدید و وظیفه‌ی ما در برابر آن.....	۳۷۱
خطبه‌ی اول:	۳۷۱
خطبه‌ی دوم:	۳۷۷
عنوان خطبه: امانت‌داری و نقش آن در پیشرفت امت.....	۳۸۰
خطبه‌ی اول:	۳۸۱
خطبه‌ی دوم:	۳۸۷

- عنوان خطبه: مقدم‌داشتن رضایت خداوند بر رضایت بندگان ۳۹۰
خطبه‌ی اول: ۳۹۰
خطبه‌ی دوم: ۳۹۴
- عنوان خطبه: وجوب بندگی و اطاعت از خداوند به یگانگی ۳۹۷
خطبه‌ی اول: ۳۹۷
خطبه‌ی دوم: ۴۰۱
- عنوان خطبه: فضیلت راستی و اهمیت آن ۴۰۵
خطبه‌ی اول: ۴۰۵
خطبه‌ی دوم: ۴۱۵
- عنوان خطبه: جنبه‌ی مجازات و آزمایش در حوادث و بحران‌ها ۴۱۸
خطبه‌ی اول: ۴۱۸
خطبه‌ی دوم: ۴۲۶
- عنوان خطبه: نقش «وقف» در تحکیم برادری اسلامی ۴۳۰
خطبه‌ی اول: ۴۳۰
خطبه‌ی دوم: ۴۳۴
- عنوان خطبه: وجوب پیروی از سنت رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) ۴۳۸
خطبه‌ی اول: ۴۳۸
خطبه‌ی دوم: ۴۴۹
- عنوان خطبه: امر به معروف و نهی از منکر ۴۵۲
خطبه‌ی اول: ۴۵۲
خطبه‌ی دوم: ۴۵۹
- عنوان خطبه: آزمایش، سنت خداوندی در گذشتگان و آیندگان ۴۶۳
خطبه‌ی اول: ۴۶۳
خطبه‌ی دوم: ۴۷۳

۴۷۶.....	عنوان خطبه: تجاوز و زیاده‌روی در دشمنی
۴۷۶.....	خطبه‌ی اول:
۴۸۱.....	خطبه‌ی دوم:
۴۸۳.....	عنوان خطبه: آثار و نشانه‌های اخلاق نیک
۴۸۴.....	خطبه‌ی اول:
۴۹۰.....	خطبه‌ی دوم:
۴۹۴.....	عنوان خطبه: نصیحتی برای ثروتمندان
۴۹۴.....	خطبه‌ی اول:
۴۹۸.....	خطبه‌ی دوم:
۵۰۰.....	عنوان خطبه: فضیلت و جایگاه مسجد الاقصی
۵۰۱.....	خطبه‌ی اول:
۵۰۹.....	خطبه‌ی دوم:
۵۱۲.....	عنوان خطبه: آثار سخنان انسان و اهمیت آن
۵۱۲.....	خطبه‌ی اول:
۵۱۷.....	خطبه‌ی دوم:
۵۱۹.....	عنوان خطبه: خطر توهم و خیالپردازی
۵۱۹.....	خطبه‌ی اول:
۵۲۴.....	خطبه‌ی دوم:
۵۲۷.....	عنوان خطبه: خشم و آثار ناگوار آن
۵۲۷.....	خطبه‌ی اول:
۵۳۴.....	خطبه‌ی دوم:
۵۳۸.....	عنوان خطبه: پیامدهای ناگوار اذیت و آزار مسلمان
۵۳۸.....	خطبه‌ی اول:
۵۴۶.....	خطبه‌ی دوم:

- عنوان خطبه: خطر غم و اندوه ۵۴۹
خطبه‌ی اول: ۵۵۰
خطبه‌ی دوم: ۵۵۴
- عنوان خطبه: راستی با خداوند ۵۵۷
خطبه‌ی اول: ۵۵۷
خطبه‌ی دوم: ۵۶۳
- عنوان خطبه: تحریم حيله و نيرنگ در شريعت خداوند ۵۶۴
خطبه‌ی اول: ۵۶۵
خطبه‌ی دوم: ۵۷۲
- عنوان خطبه: بد رفتاری با پدر و مادر ۵۷۴
خطبه‌ی اول: ۵۷۵
خطبه‌ی دوم: ۵۷۹
- عنوان خطبه: مصادر شريعت ۵۸۲
خطبه‌ی اول: ۵۸۲
خطبه‌ی دوم: ۵۹۱
- عنوان خطبه: نیاز به همکاری و تعاون ۵۹۴
خطبه‌ی اول: ۵۹۴
خطبه‌ی دوم: ۵۹۹
- عنوان خطبه: بزرگواری پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) ۶۰۲
خطبه‌ی اول: ۶۰۲
خطبه‌ی دوم: ۶۰۸
- عنوان خطبه: نیکی و تقوا ۶۱۰
خطبه‌ی اول: ۶۱۰
خطبه‌ی دوم: ۶۱۵

۶۱۷.....	عنوان خطبه: نماز
۶۱۷.....	خطبه‌ی اول:
۶۲۳.....	خطبه‌ی دوم:
۶۲۵.....	عنوان خطبه: خطر پیروی از شهوات
۶۲۵.....	خطبه‌ی اول:
۶۳۳.....	خطبه‌ی دوم:
۶۳۷.....	عنوان خطبه: پیروی کورکورانه
۶۳۷.....	خطبه‌ی اول:
۶۴۲.....	خطبه‌ی دوم:
۶۴۴.....	عنوان خطبه: هشدار آتش
۶۴۴.....	خطبه‌ی اول:
۶۵۱.....	خطبه‌ی دوم:
۶۵۴.....	عنوان خطبه: استغفار
۶۵۵.....	خطبه‌ی اول:
۶۵۹.....	خطبه‌ی دوم:
۶۶۱.....	عنوان خطبه: محبت میان مسلمانان
۶۶۱.....	خطبه‌ی اول:
۶۶۵.....	خطبه‌ی دوم:
۶۶۷.....	عنوان خطبه: خشیت الهی
۶۶۷.....	خطبه‌ی اول:
۶۷۵.....	خطبه‌ی دوم:
۶۷۷.....	عنوان خطبه: توصیه‌هایی برای رمضان
۶۷۷.....	خطبه‌ی اول:
۶۸۲.....	خطبه‌ی دوم:

- عنوان خطبه: غنیمت شمردن دهه‌ی پایانی رمضان..... ۶۸۴
خطبه‌ی اول: ۶۸۴
خطبه‌ی دوم: ۶۸۹
- عنوان خطبه: پایان رمضان ۶۹۱
خطبه‌ی اول: ۶۹۱
خطبه‌ی دوم: ۶۹۳
- عنوان خطبه: ادامه‌ی اعمال نیک پس از رمضان..... ۶۹۵
خطبه‌ی اول: ۶۹۶
خطبه‌ی دوم: ۶۹۹
- عنوان خطبه: حال مردم پس از رمضان ۷۰۱
خطبه‌ی اول: ۷۰۱
خطبه‌ی دوم: ۷۰۶
- عنوان خطبه: تاثیر ایمان به خداوند در حمایت از محیط زیست ۷۰۸
خطبه‌ی اول: ۷۰۸
خطبه‌ی دوم: ۷۱۹
- عنوان خطبه: فضائل ام المومنین عایشه رضی الله عنها ۷۲۲
خطبه‌ی اول: ۷۲۲
خطبه‌ی دوم: ۷۲۸
- عنوان خطبه: توحید و فضیلت آن ۷۳۱
خطبه‌ی اول: ۷۳۱
خطبه‌ی دوم: ۷۳۹
- عنوان خطبه: سنت‌های شبانه‌روز ۷۴۱
خطبه‌ی اول: ۷۴۱
خطبه‌ی دوم: ۷۴۹

- عنوان خطبه: فضائل مکه‌ی مکرمه ۷۵۳
- خطبه‌ی اول: ۷۵۳
- خطبه‌ی دوم: ۷۶۰
- عنوان خطبه: پاداش حج مبرور ۷۶۲
- خطبه‌ی اول: ۷۶۲
- خطبه‌ی دوم: ۷۶۷
- عنوان خطبه: فضیلت حج و دهه‌ی اول ذی الحجه ۷۷۰
- خطبه‌ی اول: ۷۷۰
- خطبه‌ی دوم: ۷۷۶
- عنوان خطبه: حج و محقق ساختن توحید ۷۷۹
- خطبه‌ی اول: ۷۷۹
- خطبه‌ی دوم: ۷۸۴
- عنوان خطبه: تأملی پس از پایان موسم حج ۷۸۸
- خطبه‌ی اول: ۷۸۸
- خطبه‌ی دوم: ۷۹۵
- عنوان خطبه: اهمیت وحدت اسلامی ۷۹۷
- خطبه‌ی اول: ۷۹۷
- خطبه‌ی دوم: ۸۰۴
- عنوان خطبه: خود را محاسبه کنید، پیش از آنکه محاسبه شوید ۸۰۸
- خطبه‌ی اول: ۸۰۸
- خطبه‌ی دوم: ۸۱۲
- عنوان خطبه: گذر عمر، پندها و اندرزها ۸۱۴
- خطبه‌ی اول: ۸۱۴
- خطبه‌ی دوم: ۸۲۰

- عنوان خطبه: فضیلت زهد در دنیا..... ۸۲۳
خطبه‌ی اول: ۸۲۳
خطبه‌ی دوم: ۸۳۱
- عنوان خطبه: خطر رشوه برای جامعه‌ی بشری ۸۳۴
خطبه‌ی اول: ۸۳۴
خطبه‌ی دوم: ۸۳۸
- عنوان خطبه: اهمیت مبدأ پاداش و جزا..... ۸۴۰
خطبه‌ی اول: ۸۴۱
خطبه‌ی دوم: ۸۴۶
- عنوان خطبه: تفاوت میان لذت‌های دنیا و آخرت..... ۸۴۹
خطبه‌ی اول: ۸۵۰
خطبه‌ی دوم: ۸۵۵
- عنوان خطبه: احکام و آداب رقیه‌ی شرعی..... ۸۵۷
خطبه‌ی اول: ۸۵۷
خطبه‌ی دوم: ۸۶۳
- عنوان خطبه: اسباب هلاکت و نابودی در دنیا و آخرت ۸۶۶
خطبه‌ی اول: ۸۶۷
خطبه‌ی دوم: ۸۷۱
- عنوان خطبه: اهمیت تخصص در پذیرفتن مسئولیت‌ها ۸۷۳
خطبه‌ی اول: ۸۷۳
خطبه‌ی دوم: ۸۷۹
- عنوان خطبه: خطر غیبت..... ۸۸۱
خطبه‌ی اول: ۸۸۱
خطبه‌ی دوم: ۸۸۹

۱۸۹۲.....	عنوان خطبه: نصیحت و اهمیت آن.....
۱۸۹۲.....	خطبه‌ی اول:
۱۸۹۷.....	خطبه‌ی دوم:
۹۰۰.....	عنوان خطبه: دوستی در راه خداوند.....
۹۰۰.....	خطبه‌ی اول:
۹۰۵.....	خطبه‌ی دوم:
۹۰۸.....	عنوان خطبه: فضائل عثمان بن عفان رضی الله عنه.....
۹۰۸.....	خطبه‌ی اول:
۹۱۶.....	خطبه‌ی دوم:
۹۱۷.....	عنوان خطبه: برخورد حکیمانه با بحران‌ها.....
۹۱۸.....	خطبه‌ی اول:
۹۲۳.....	خطبه‌ی دوم:
۹۲۶.....	عنوان خطبه: نقش شیطان در شعله‌ور ساختن فتنه‌ها.....
۹۲۶.....	خطبه‌ی اول:
۹۳۲.....	خطبه‌ی دوم:
۹۳۵.....	عنوان خطبه: اهمیت امنیت در زندگی.....
۹۳۵.....	خطبه‌ی اول:
۹۴۲.....	خطبه‌ی دوم:
۹۴۴.....	عنوان خطبه: لزوم انصاف و دوری از هوای نفس و یک جانبه‌گرایی.....
۹۴۴.....	خطبه‌ی اول:
۹۵۰.....	خطبه‌ی دوم:
۹۵۳.....	عنوان خطبه: اکنون هنگام توبه است.....
۹۵۳.....	خطبه‌ی اول:
۹۵۷.....	خطبه‌ی دوم:

- عنوان خطبه: برادری اسلامی و مقتضیات آن ۹۵۹
- خطبه‌ی اول: ۹۶۰
- خطبه‌ی دوم: ۹۶۴
- عنوان خطبه: آداب و سنت‌های خواب و بیداری ۹۶۷
- خطبه‌ی اول: ۹۶۷
- خطبه‌ی دوم: ۹۷۷
- عنوان خطبه: توبه و فضیلت آن ۹۸۱
- خطبه‌ی اول: ۹۸۱
- خطبه‌ی دوم: ۹۸۹
- عنوان خطبه: تاثیر هم نشین خوب و بد ۹۹۳
- خطبه‌ی اول: ۹۹۳
- خطبه‌ی دوم: ۹۹۷
- عنوان خطبه: خوشبختی واقعی در سایه‌ی پایبندی به کتاب و سنت ۱۰۰۰
- خطبه‌ی اول: ۱۰۰۰
- خطبه‌ی دوم: ۱۰۰۵
- عنوان خطبه: شَرَف انتساب به سلف صالح ۱۰۰۸
- خطبه‌ی اول: ۱۰۰۸
- خطبه‌ی دوم: ۱۰۱۴
- عنوان خطبه: پایبندی به کتاب و سنت، تنها راه نجات ۱۰۱۷
- خطبه‌ی اول: ۱۰۱۷
- خطبه‌ی دوم: ۱۰۲۳
- عنوان خطبه: عادت خطرناک سخن‌چینی ۱۰۲۷
- خطبه‌ی اول: ۱۰۲۷
- خطبه‌ی دوم: ۱۰۳۴

- عنوان خطبه: محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - بهترین الگو ۱۰۳۷
- خطبه‌ی اول: ۱۰۳۷
- خطبه‌ی دوم: ۱۰۴۴
- عنوان خطبه: تزکیه‌ی نفس و اصلاح قلب ۱۰۴۷
- خطبه‌ی اول: ۱۰۴۷
- خطبه‌ی دوم: ۱۰۵۴
- عنوان خطبه: اخلاق پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) ۱۰۵۸
- خطبه‌ی اول: ۱۰۵۸
- خطبه‌ی دوم: ۱۰۶۷
- عنوان خطبه: روزه و تقوای خداوند ۱۰۶۹
- خطبه‌ی اول: ۱۰۶۹
- خطبه‌ی دوم: ۱۰۷۷
- عنوان خطبه: وجوب تدبیر در قرآن ۱۰۸۱
- خطبه‌ی اول: ۱۰۸۱
- خطبه‌ی دوم: ۱۰۸۷
- عنوان خطبه: اسباب رستگاری در دو جهان ۱۰۸۹
- خطبه‌ی اول: ۱۰۸۹
- خطبه‌ی دوم: ۱۰۹۵
- عنوان خطبه: حسن ظن نسبت به خداوند و آثار آن ۱۰۹۸
- خطبه‌ی اول: ۱۰۹۸
- خطبه‌ی دوم: ۱۱۰۴
- عنوان خطبه: مفهوم آزادی از دیدگاه اسلام ۱۱۰۶
- خطبه‌ی اول: ۱۱۰۷
- خطبه‌ی دوم: ۱۱۱۳

- عنوان خطبه: داستان ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام ۱۱۱۶
 خطبه‌ی اول: ۱۱۱۶
 خطبه‌ی دوم: ۱۱۲۲
- عنوان خطبه: اسلام، دین اخلاق ۱۱۲۷
 خطبه‌ی اول: ۱۱۲۷
 خطبه‌ی دوم: ۱۱۳۷
- عنوان خطبه: راه‌های محافظت از طاعات و نیکی‌ها ۱۱۴۱
 خطبه‌ی اول: ۱۱۴۱
 خطبه‌ی دوم: ۱۱۴۶
- عنوان خطبه: اسلام، دین پایدار ۱۱۴۹
 خطبه‌ی اول: ۱۱۴۹
 خطبه‌ی دوم: ۱۱۵۸
- عنوان خطبه: کوتاه‌نمودن آرزوها ۱۱۶۱
 خطبه‌ی اول: ۱۱۶۱
 خطبه‌ی دوم: ۱۱۶۷
- عنوان خطبه: مفهوم صلح در اسلام ۱۱۷۱
 خطبه‌ی اول: ۱۱۷۲
 خطبه‌ی دوم: ۱۱۷۹
- عنوان خطبه: فضیلت کلمه‌ی توحید ۱۱۸۳
 خطبه‌ی اول: ۱۱۸۳
 خطبه‌ی دوم: ۱۱۸۹
- عنوان خطبه: صدق و راستی ۱۱۹۲
 خطبه‌ی اول: ۱۱۹۲
 خطبه‌ی دوم: ۱۱۹۷

- عنوان خطبه: در ستایش آشتی ۱۱۹۹
- خطبه‌ی اول: ۱۲۰۰
- خطبه‌ی دوم: ۱۲۰۵
- عنوان خطبه: آداب تعامل در زندگی زناشویی ۱۲۰۹
- خطبه‌ی اول: ۱۲۰۹
- خطبه‌ی دوم: ۱۲۱۶
- عنوان خطبه: اسباب مجازات خداوندی ۱۲۲۰
- خطبه‌ی اول: ۱۲۲۱
- خطبه‌ی دوم: ۱۲۳۱
- عنوان خطبه: اشتباهات شرعی در قضیهٔ بخشش و وصیت ۱۲۳۵
- خطبه‌ی اول: ۱۲۳۵
- خطبه‌ی دوم: ۱۲۳۹
- عنوان خطبه: دوری از بی‌خردی ۱۲۴۱
- خطبه‌ی اول: ۱۲۴۱
- خطبه‌ی دوم: ۱۲۴۷
- عنوان خطبه: کارهای آسان، پاداش‌های بزرگ ۱۲۴۹
- خطبه‌ی اول: ۱۲۵۰
- خطبه‌ی دوم: ۱۲۵۹
- عنوان خطبه: فضیلت و تاریخ سرزمین شام ۱۲۶۱
- خطبه‌ی اول: ۱۲۶۱
- خطبه‌ی دوم: ۱۲۶۸
- عنوان خطبه: خطاهای به ظاهر کوچک، گناهان بزرگ ۱۲۷۵
- خطبه‌ی اول: ۱۲۷۵
- خطبه‌ی دوم: ۱۲۸۶

- عنوان خطبه: به همراه سختی آسانی است ۱۲۸۸
خطبه‌ی اول: ۱۲۸۸
خطبه‌ی دوم: ۱۲۹۲
- عنوان خطبه: در نکوهش انتقام ۱۲۹۵
خطبه‌ی اول: ۱۲۹۵
خطبه‌ی دوم: ۱۳۰۲
- عنوان خطبه: مسالهی فقر و راه حل آن در اسلام ۱۳۰۴
خطبه‌ی اول: ۱۳۰۵
خطبه‌ی دوم: ۱۳۱۴
- عنوان خطبه: فضیلت درود بر رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) ۱۳۱۸
خطبه‌ی اول: ۱۳۱۸
خطبه‌ی دوم: ۱۳۲۴
- عنوان خطبه: چرا از اسلام در هراسند؟ ۱۳۲۷
خطبه‌ی اول: ۱۳۲۷
خطبه‌ی دوم: ۱۳۳۶
- عنوان خطبه: هشدار نسبت به خوردن مال حرام ۱۳۳۹
خطبه‌ی اول: ۱۳۳۹
خطبه‌ی دوم: ۱۳۴۴
- عنوان خطبه: اهمیت استقرار و آرامش در زندگی ۱۳۴۷
خطبه‌ی اول: ۱۳۴۷
خطبه‌ی دوم: ۱۳۵۱
- عنوان خطبه: خطر تفرقه و اختلاف ۱۳۵۳
خطبه‌ی اول: ۱۳۵۴
خطبه‌ی دوم: ۱۳۵۹

عنوان خطبه: رمضان، فرا رسید... ۱۳۶۲
خطبه‌ی اول:	۱۳۶۲
خطبه‌ی دوم:	۱۳۶۸
عنوان خطبه: فوائد و ویژگی‌های روزه در اسلام..... ۱۳۷۱
خطبه‌ی اول:	۱۳۷۱
خطبه‌ی دوم:	۱۳۷۶
عنوان خطبه: قرآن... ای امت اسلام!..... ۱۳۷۹
خطبه‌ی اول:	۱۳۷۹
خطبه‌ی دوم:	۱۳۸۶
عنوان خطبه: تدبیر در امثال قرآن کریم..... ۱۳۹۰
خطبه‌ی اول:	۱۳۹۰
خطبه‌ی دوم:	۱۳۹۶
عنوان خطبه: محافظت بر طاعات و نیکی‌ها پس از رمضان..... ۱۴۰۱
خطبه‌ی اول:	۱۴۰۱
خطبه‌ی دوم:	۱۴۰۵
عنوان خطبه: پاداش‌های بزرگ در برابر عباداتی آسان..... ۱۴۰۶
خطبه‌ی اول:	۱۴۰۶
خطبه‌ی دوم:	۱۴۱۳
عنوان خطبه: بر آنچه به سودت هست حریص باش!..... ۱۴۱۷
خطبه‌ی اول:	۱۴۱۷
خطبه‌ی دوم:	۱۴۲۰
عنوان خطبه: معیارهای مومن برای شناخت حق و عدالت..... ۱۴۲۳
خطبه‌ی اول:	۱۴۲۳
خطبه‌ی دوم:	۱۴۳۱

- عنوان خطبه: چگونه پیامبرمان را یاری دهیم؟ ۱۴۳۴
- خطبه‌ی اول: ۱۴۳۴
- خطبه‌ی دوم: ۱۴۴۰
- عنوان خطبه: توصیه‌های قرآن کریم ۱۴۴۵
- خطبه‌ی اول: ۱۴۴۵
- خطبه‌ی دوم: ۱۴۵۱
- عنوان خطبه: دفاع از حرمت دین ۱۴۵۳
- خطبه‌ی اول: ۱۴۵۴
- خطبه‌ی دوم: ۱۴۵۹
- عنوان خطبه: حج؛ پندها و اندرزها ۱۴۶۱
- خطبه اول: ۱۴۶۱
- خطبه‌ی دوم: ۱۴۶۶
- عنوان خطبه: یاری پیامبر - صلی الله علیه وسلم - چرا و چگونه؟ ۱۴۷۰
- خطبه‌ی اول: ۱۴۷۰
- خطبه‌ی دوم: ۱۴۸۱
- عنوان خطبه: فضیلت ذکر در روزهای تشریق ۱۴۸۴
- خطبه‌ی اول: ۱۴۸۴
- خطبه‌ی دوم: ۱۴۸۹
- عنوان خطبه: اهداف و مقاصد حج ۱۴۹۲
- خطبه‌ی اول: ۱۴۹۳
- خطبه‌ی دوم: ۱۴۹۹
- عنوان خطبه: اندیشه و تدبیر در آفرینش باها ۱۵۰۲
- خطبه‌ی اول: ۱۵۰۲
- خطبه‌ی دوم: ۱۵۰۹

- عنوان خطبه: امید و خوش بینی با آغاز سال نو..... ۱۵۱۳
- خطبه‌ی اول: ۱۵۱۳
- خطبه‌ی دوم: ۱۵۱۷
- عنوان خطبه: داستان عاشورا..... ۱۵۲۱
- خطبه‌ی اول: ۱۵۲۱
- خطبه‌ی دوم: ۱۵۲۷
- عنوان خطبه: شایعه و تأثیر بد آن بر امت ۱۵۳۲
- خطبه‌ی اول: ۱۵۳۲
- خطبه‌ی دوم: ۱۵۳۷
- عنوان خطبه: تاملی در معنای برکت ۱۵۴۰
- خطبه‌ی اول: ۱۵۴۰
- خطبه‌ی دوم: ۱۵۴۹
- عنوان خطبه: از خداوند یقین بخواهید..... ۱۵۵۲
- خطبه‌ی اول: ۱۵۵۲
- خطبه‌ی دوم: ۱۵۵۹
- عنوان خطبه: عظمت الهی..... ۱۵۶۲
- خطبه‌ی اول: ۱۵۶۲
- خطبه‌ی دوم: ۱۵۶۹
- عنوان خطبه: روش صحیح اصلاح عیب‌های دیگران..... ۱۵۷۲
- خطبه‌ی اول: ۱۵۷۲
- خطبه‌ی دوم: ۱۵۷۸
- عنوان خطبه: نصیحت و فضیلت پذیرش آن..... ۱۵۸۱
- خطبه‌ی اول: ۱۵۸۱
- خطبه‌ی دوم: ۱۵۸۵

- عنوان خطبه: درجات والا، نتیجه‌ی کارهای نیک ۱۵۸۷
- خطبه‌ی اول: ۱۵۸۸
- خطبه‌ی دوم: ۱۵۹۷
- عنوان خطبه: از خداوند عافیت بخواهید ۱۵۹۹
- خطبه‌ی اول: ۱۵۹۹
- خطبه‌ی دوم: ۱۶۰۴
- عنوان خطبه: دنیا را برای آخرت غنیمت بشمار ۱۶۰۷
- خطبه‌ی اول: ۱۶۰۷
- خطبه‌ی دوم: ۱۶۱۴
- عنوان خطبه: بیان فضیلت بخشش و انفاق ۱۶۱۷
- خطبه‌ی اول: ۱۶۱۷
- خطبه‌ی دوم: ۱۶۲۳
- عنوان خطبه: وسائل یاری رساندن به دین خداوند ۱۶۲۷
- خطبه‌ی اول: ۱۶۲۷
- خطبه‌ی دوم: ۱۶۳۳
- عنوان خطبه: اندرزهایی برای مسئولان و مردم ۱۶۳۷
- خطبه‌ی اول: ۱۶۳۷
- خطبه‌ی دوم: ۱۶۴۶
- عنوان خطبه: فضیلت نماز شب ۱۶۴۸
- خطبه‌ی اول: ۱۶۴۸
- خطبه‌ی دوم: ۱۶۵۸
- عنوان خطبه: بسیار بودن راه‌های خیر ۱۶۶۰
- خطبه‌ی اول: ۱۶۶۰
- خطبه‌ی دوم: ۱۶۶۷

عنوان خطبه:

پس از رمضان

خطیب: دکتر سعود الشریم

مسجد الحرام: جمعه: ۴ شوال ۱۴۲۹ هجری برابر با ۱۲ مهرماه ۱۳۸۷

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است که دارای عزت است و جلال، آن بزرگ متعال که دارای نام‌های نیک و صفات کمال است، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد است و شریکی ندارد و یار و یاور هر مرد و زن مومن است و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و رسول اوست، آنکه صادق‌ترین انسان‌ها در کردار و گفتار خود است، پیامبری که خوش‌بینی را دوست داشت و پرسخنی و هدر دادن مال و درخواست بسیار را ناپسند می‌دانست.

درود و سلام و برکات خداوند بر وی و بر اهل بیت و یاران وی و بر همه‌ی آنانی باد که راه و روش آنان را تا روز قیامت در پی گیرند.

اما بعد: ای مردم، خود و شما را به تقوای الله و لزوم اطاعت وی در خوشی و ناخوشی و در خشم و خشنودی و در خلوت و آشکار، سفارش می‌کنم، که هر که تقوای الله را در پیش گیرد خداوند کار وی را آسان می‌گرداند.

ای مردم: گو اینکه هیچ چیزی اتفاق نیفتاده باشد و انگار نه انگار که این روزها به پایان رسیدند. روزها به مانند عبور ابرها می‌روند و شب می‌رود و صبح جای آن را می‌گیرد. زمان با سرعتی عجیب در جریان است. عمر انسان نیر به مانند طنابی کشیده شده است که معلوم نیست کی قطع خواهد شد.

انسان عاقل با نگاه به گذشته مایوس نمی‌شود و دچار غم نمی‌گردد و برای فهمیدن آینده پیش از آمدن آن عجله نمی‌کند که لذت و سختی گذشته از یاد رفته است. اما آینده

همه‌اش در پرده‌ی غیب است. همه‌ی آن چیزی که در واقع وجود دارد همین روز و همین ساعتی است که در آن به سر می‌بریم و همه‌ی آنچه می‌توان از گذشته بهره برد چیزی نیست جز عبرت و پند. هرکه زنده بماند پیر می‌شود و هرکه پیر شود بی‌شک خواهد مرد و اجل اهمیت نمی‌دهد که کی بیاید، و هر جمعی ناگزیر به جدایی ختم خواهد شد.

ماه رمضان نیز به همین منوال گذشت و رفت. رمضان در میان ما بود و گوش و چشم ما را پر کرده بود تا اینکه این موسم تقوا نیز به پایان رسید. صدای بلبلان روح آرام گرفت و خاطرات آن به مانند برگ‌های خزان به همراه باد پراکنده شدند...

اما اگر ماه رمضان با همه‌ی فضائیل و ویژگی‌های خود به پایان رسید، فضائل طاعت هرگز قطع نشده و پایان نمی‌پذیرد و هرکه در رمضان بندگی الله را می‌کرد بداند که خداوند همیشه زنده است و نمی‌میرد و او پروردگار همه‌ی ماه هاست و هرکه رمضان را عبادت می‌کرد بداند که رمضان رفته است.

این باعث تاسف هر بنده‌ی پاک و پرهیزگار است که با گذشت رمضان مظاهر تنبلی و عقب نشینی از طاعت را به چشم ببیند که این پدیده برای هر صاحب بصیرتی قابل مشاهده است، گو اینکه دین تنها در رمضان خلاصه شده باشد...

بله، این درست است که ماه مبارک رمضان دارای ویژگی آشکاری است که در ماه‌های دیگر سال وجود ندارد، اما دین ما بر تلاوت قرآن در غیر رمضان نیز تاکید کرده است برای همین است که درباره‌ی رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم روایت شده است که ایشان در همه‌ی زندگی خود اهل بخشش و خیر بود اما در رمضان این چود و کرم ایشان بیشتر می‌شد و اگر در رمضان شب قدری است که هرکه از روی ایمان و احتساب آن را به پا دارد گناهان گذشته‌اش آمرزیده می‌شود، در دیگر روزهای سال نیز اعمالی همپای آن وجود دارد:

بخاری و مسلم در صحیح خود روایت کرده‌اند که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «هر که صد بار بگوید: «سبحان الله و بحمده» گناهانش پاک می‌شود حتی اگر به اندازه‌ی کف دریا باشد».

همچنین شیخین بخاری و مسلم از رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده‌اند که فرمود: «هر که به مانند این وضوی من وضو بسازد سپس دو رکعت نماز بخواند که در آن با خود سخن نگوید (و با حضور قلب نماز گزارد) گناهان گذشته‌اش آمرزیده می‌شود» این دو حدیث و احادیث دیگر بر این دلالت می‌کنند که برخی از اعمال به اندازه‌ی کار کسی که شب قدر را از روی ایمان و احتساب به پا داشته است دارای خیر و پاداش است.

همینطور مسلم در صحیح خود به سند صحیح روایت کرده است که از رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم درباره‌ی روزه‌ی عرفه سوال شد؛ ایشان فرمودند: «باعث تکفیر گناهان گذشته و باقی مانده‌ی سال می‌شود».

حال اگر انجام گناه در نظر اسلام زشت و ناشایست است، انجام آن پس از انجام خوبی‌ها و کارهای نیک بسیار زشت‌تر و ناگوارتر می‌باشد. اگر نیکی‌ها باعث از بین رفتن بدی‌ها می‌شود به همین اندازه نیز کارهای بد باعث از بین رفتن صفای کار نیک خواهد شد. رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم از بدی بعد از خوبی به خداوند پناه می‌برد و خداوند متعال در این باره می‌فرماید:

﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِي نَقَصَتْ عَزَلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَلْنَا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَىٰ مِنْ أُمَّةٍ إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ ۗ وَيُبَيِّنُ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٩٢﴾﴾ [النحل: ٩٢].

«و مانند آن [زنی] که رشته خود را پس از محکم بافتن [یکی یکی] از هم می‌گسست مباشید که سوگندهای خود را میان خویش وسیله [فریب و] تقلب سازید [به خیال این] که گروهی از گروه دیگر [در داشتن امکانات] افزون‌ترند جز این نیست که الله شما را

بدین وسیله می‌آزماید و روز قیامت در آنچه اختلاف می‌کردید قطعا برای شما توضیح خواهد داد».

برای همین است که هرکس پس از کامل نمودن کار دچار تقصیر گردد و پس از ترک گناه دوباره به آن برگردد، اوست که خود را از به دست آوردن مقام طاعت محروم نموده و حتی اگر برای خود عبادتی موسمی قرار دهد این چه فایده دارد وقتی که از لذت مناجات و بندگی محروم شده است.

اما برعکس آن، مردان و زنان مومنی هستند که در همهی ماه‌ها بندهی خداوندند، شوالشان به مانند رمضان است و برای آن‌ها بندگی و نزدیکی به خداوند قطع نمی‌شود مگر با مرگ، چنانکه خداوند می‌فرماید:

﴿وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ﴾ [الحجر: ۹۹].

«و تا رسیدن مرگ به عبادت پروردگار پرداز»

اکنون که این‌ها را شنیدی و دانستی و مقداری از لذت عبادت را در رمضان درک نمودی هرگز آن را با گناه تلخ مکن و تلاش کن که بر نیکی‌ها مداومت کنی که اندازه و مقدار مهم نیست بلکه کیفیت و چگونگی و دوام کار نیک مهم است و خداوند متعال اینگونه فرموده است:

﴿لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ﴾ [الملك: ۲].

«تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید».

خداوند نفرمود کدامیک از شما بیشتر کار کرده‌اید. رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرماید: «ای مردم کارهایی را انجام دهید که توانایی آن را دارید زیرا خداوند خسته نمی‌شود و بلکه خود خسته می‌شوید و دوست داشتنی‌ترین کارها نزد خداوند کاری است که دوام داشته باشد حتی اگر کم باشد» [به روایت بخاری و مسلم].

آنچه را بیان نمودم اگر درست بود از سوی خداوند است و اگر اشتباه بود از سوی نفس است و شیطان، و از الله آمرزش می‌خواهم که او بس آمرزنده است.

خطبه‌ی دوم:

الحمد لله و درود و سلام بر آنکه پیامبری پس از وی نیست. اما بعد: بدانید که بهترین سخن کلام خداوند است و بهترین روش راه و روش رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم است و بدترین کارها در دین نوآوری در آن است و هر نوآوری در دین بدعت است و هر بدعتی گمراهی است.

سپس بدانید که پیامبرتان صلی الله علیه وآله وسلم روزه‌ی شش روز از شوال را مشروع گردانده و آن را از جمله‌ی ادامه‌ی نیکی پس از نیکی قرار داده است. رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم می‌فرماید: «هرکه رمضان را روزه گیرد و سپس آن را با شش روزه از شوال ادامه دهد این به مانند روزه‌ی همه‌ی دوران خواهد بود» [به روایت مسلم]. اما اینکه چگونه شش روز روزه‌ی بعد از رمضان به مانند روزه‌ی همه‌ی دوران است این از آن جهت است که خداوند متعال کار نیک را به اندازه‌ی ده برابر آن حساب می‌کند. بر این اساس رمضان به اندازه‌ی ده ماه حساب می‌شود و روزه‌ی شش روز پس از آن ۶۰ روز محسوب می‌شود و با این حساب جمع همه‌ی آن دوازده ماه خواهد شد که یک سال کامل است.

بهتر این است که این شش روز مستقیماً پس از عید باشد اما اشکال ندارد میان آن‌ها جدایی انداخته شود و یا تا آخر ماه به تاخیر بیفتد و این روزه واجب نیست بلکه مستحب است و هر کس هر سال بر آن مداومت کند اگر در یک سال بیمار شد یا به مسافرت رفت و نتوانست آن را انجام دهد، از روی فضل و منت الهی اجر آن برایش نوشته خواهد شد. زیرا رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم می‌فرماید:

«اگر بنده بیمار شد یا به مسافرت رفت اجر کارهای خیری که در حالت سلامتی و

اقامت انجام می‌داد برایش نوشته خواهد شد» [به روایت بخاری].

همچنین لازم است که قبل از گرفتن روزه‌ی شش روز شوال، روزه‌های قضای رمضان گرفته شود. اما سخن کسانی که تاخیر روزه‌ی قضا را به این دلیل که عایشه رضی الله

عنها بخاطر رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم قضای روزه‌های رمضان را تا شعبان به تاخیر می‌انداخت، جایز می‌دانند هیچ وجهی ندارد.

در پاسخ آنان می‌گوییم: چطور ممکن است که عائشه رضی الله عنها روزهی قضا را که واجب تر است بخاطر نیاز پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم ترک کند و روزهی مستحبی را به جای بیاورد؟ در حالی که نیاز رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم همچنان وجود دارد.

در ضمن کسی که روزهی قضای رمضان را به جا نیاورد نمی‌توان گفت که رمضان را روزه گرفته است. زیرا اگر کسی یک روز از رمضان را روزه بگیرد سپس برای عذر نتواند بقیه رمضان را روزه بگیرد و عذر وی در شوال برطرف شود هرگز نمی‌توان به وی گفت اول روزهی شش روز شوال را بگیر و بعد از آن قضای رمضان را به جا بیاورد زیرا این تکلیف چیزی است که قابل تحمل نیست.

همچنین کسی که برخی از شب‌های رمضان را از روی ایمان و احتساب به پا دارد و برخی را رها کند نمی‌توان درباره‌اش گفت که رمضان را از روی ایمان و احتساب به پا داشته‌اش.

همینطور برخی که در مورد روزهی شش روز شوال مردم را دچار تردید و سردرگمی می‌کنند و اینگونه نقل می‌نمایند که برخی از سلف روزهی شش روز شوال را از ترس ملحق شدن آن به رمضان سنت نمی‌دانند و یا از برخی از سلف نقل می‌کنند که آن را روزه نگرفته‌اند، اینان نیز دچار اشتباه شده‌اند زیرا مهم حدیث صحیح است و ما سخن رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم را برای سخن هیچ کسی، هرکه باشد، رها نخواهیم کرد.

﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ

الْعِقَابِ ﴿٧﴾ [الحشر: ۷].

«و آنچه را پیامبر به شما داد آن را بگیرید و از آنچه شما را باز داشت بازایستید و از

الله پروا بدارید که الله سخت کیفر است».

سپس درود و سلام بفرستید بر بهترین انسان‌ها و پاکترین بشریت، محمد بن عبدالله آن صاحب حوض کوثر و مقام شفاعت که خداوند شما را به آن امر نموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

«همانا الله و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود و سلام فرستید».

و رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرماید: «هرکه بر من یک درود فرستد خداوند بر او ده درود خواهد فرستاد».

خداوندا بر محمد و آل محمد درود فرست همانگونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی که تو ستوده شده و بزرگواری و بر محمد و آل محمد برکت ارزانی دار همانگونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم برکت ارزانی داشتی که تو ستوده شده و با عظمتی. وراضی و خشنود باش از چهار خلیفه‌ی پیامبرت ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه‌ی پیامبرت و از تابعین و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند و همچنین از ما با عفو و کرمات ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده. خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار بگردان. خدایا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومنت را یاری ده. خداوندا غصه‌ی غصه داران مسلمان را برطرف ساز و سختی سختی دیدگان را از بین ببر و وام داران را ادا نما و بیماران ما و دیگر بیماران مسلمان را شفا ده.

خدایا هرکه را برای ما و برای اسلام و مسلمانان اراده‌ی بدی دارد به خودش مشغول ساز و نیرنگ او را علیه خود او قرار بده. ای شنونده‌ی دعاها!

بارالها ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان ما را صالح گردان و مسئولیت امور ما را در دست کسانی قرار بده که تقوای تو را داشته باشند و در پی خشنودی تو باشند.

بارالها! تویی آن الله که معبودی به حق نیست جز تو. تو بی‌نیازی و ما فقیریم. بر ما باران ببار و ما را از مایوسان قرار مده. بار الها بر ما باران نازل کن و ما را از ناامیدان قرار مده. بار الها بر ما باران فرو ریز و ما را از مایوسان مگردان.

خدایا ما را به دلیل بدی‌های خودمان از نیکی‌های خود محروم مساز. بار الها ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بدار. پاک و منزه است پروردگار تو آن پروردگار عزت از آنچه به دروغ وصفش می‌کنند و سلام بر پیامبران و سخن آخر اینکه: والحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

خليفةگی انسان در زمین و خوردن طيبات

خطيب: دکتر اسامه خياط

مسجد الحرام: جمعه ۱۷ شوال ۱۴۲۹ برابر با ۲۶ مهر ۱۳۸۷

خطبه‌ی اول:

حمد و ستایش از آن الله است. او را مورد ستایش قرار می‌دهیم و از وی آمرزش می‌خواهیم و از بدی‌های نفس خود و از کارهای ناشایستمان به الله پناه می‌بریم الله هرکه را هدایت کند وی گمراه‌کننده‌ای نخواهد داشت و هرکه را گمراه سازد، هدایتگری نخواهد یافت و گواهی می‌دهم که معبود به‌حقی نیست مگر الله به تنهایی که هیچ شریکی ندارد و گواهی می‌دهم که پیامبران محمد بنده و پیامبر اوست.

بارالها بر بنده و پیامبرت محمد و بر آل و اصحاب و تابعین و پیروان آنها درود و سلام بفرست.

اما بعد ای بندگان خداوند، تقوای الهی پیشه کنید و از روزی که در آن به‌سوی الله برمی‌گردید بترسید.

﴿ثُمَّ تَوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۲۸۱].

«روزی که هر شخص جزای آنچه به دست آورده را کسب می‌کند و آن‌ها مورد ستم قرار نمی‌گیرند».

ای مسلمانان! از خوشبختی و سعادت انسان این است که در هدف آفرینش خود اندیشه کند. زیرا شناخت آفریدگار و آگاهی نسبت به هدف سبب پایداری در راه و ثابت قدمی و سالم ماندن از لغزش و هدر رفتن تلاش و تلف نمودن وقت و عمر در امور بی‌فایده است. و از نعمت خداوند و نیکی وی بر بندگانش این است که در کتاب‌هایی که برایشان نازل نموده و در وحیی که بوسیله پیامبران آورده هدف خود از خلقت آنان را بیان نموده تا اندیشه‌ها در فهم آن گمراه نشوند.

و پروردگار توضیح داده است که همه‌ی بندگانش را برای عبادت وی به تنهایی و بدون شریک آفریده است:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ [الذاریات: ۵۶].

«من جن‌ها و انسان‌ها را نیافریده‌ام مگر برای آنکه مرا عبادت کنند».

و او آدم را و پس از وی ذریه‌اش را در زمین جانشین ساخت:

﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَأِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾ [البقرة: ۳۰].

«و آنگاه که پروردگارت به فرشتگان فرمود: من در زمین جانشینی قرار داده‌ام».

اما این جانشینی از سوی پروردگار برای آدم و فرزندانش و مسخر نمودن زمین و روزی‌ها و نیروها به این شرط از سوی الله صورت گرفته است که انسان براساس برنامه‌ی خداوند و شریعت وی در زمین جانشینی کند و چیزی را در اختیار انسان قرار نداده تا هرگونه و در هر راهی که خواست از آن استفاده کند

و از آنجا که این مال که خداوند به بندگانش بخشیده و به فضل و رحمتش آن را در

اختیار آنان قرار داده در واقع از آن الله است فرمود:

﴿وَعَاثُوهُمْ مِّن مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ﴾ [النور: ۳۳].

«و از مال خداوند که به شما اعطا نموده به آنان نیز بدهید».

و خداوند عزوجل در مقام منت نهادن بر انسان فرمود:

﴿وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا﴾ [المدثر: ۱۲].

«و مال بسیاری به او بخشیدم».

و مقتضای جانشینی در زمین کمال حرف‌شنوی از الله و اطاعت از امر و نهی وی با در نظر داشتن حلال و حرام وی در کسب و خرج است.

درباره‌ی کسب حلال خداوند متعال به همه‌ی بندگانش دستور می‌دهد:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ

عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾ [البقرة: ۱۶۸].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید. از آنچه در زمین است حلال و پاک را بخورید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید که او برای شما دشمنی آشکار است».

و همچنین می‌فرماید:

﴿وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ﴾ [المائدة: ۸۸].

«از آنچه الله روزی شما نموده حلال و پاکش را بخورید و اگر به الله ایمان دارید تقوای وی را پیشه سازید».

و در حدیثی که مسلم در صحیح خود از ابوهریره رضی الله عنه روایت نموده آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

«همانا الله پاک است و جز پاک را نمی‌پذیرد و الله مؤمنان را همانگونه امر نموده که به پیامبرانش امر نموده است که»:

﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾

[المؤمنون: ۵۱].

«ای پیامبران از پاکیزه‌ها بخورید و کار نیک انجام دهید. من به آنچه انجام می‌دهید آگاهم».

و فرمود:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ...﴾ [البقرة: ۱۷۲].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید از پاکی‌هایی که روزی‌تان نموده‌ایم بخورید...».

سپس درباره‌ی مردی سخن گفت که سفرش به طول انجامید، ژولیده موی و غبارآلود دستش را به آسمان دراز نموده و می‌گوید: پروردگارا! پروردگارا! در حالی که غذایش و نوشیدنی‌اش و لباسش از حرام است و حرام خورده است. پس چگونه دعایش استجابت شود؟»

اما درباره‌ی خرج کردن در راه حلال نیز مسئولیت اخروی آن را در روز قیامت در برابر خداوند، بیان نموده است.

در حدیثی که ترمذی آن را در جامع خود با سند صحیح از ابی برزه اسلمی رضی الله عنه روایت نموده آمده است که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود:

«پاهای بنده در روز قیامت جابجا نمی‌شود تا آنکه درباره‌ی عمرش که در چه راهی گذرانده و درباره‌ی علمش که با آن چه کرده و درباره‌ی مالش که از کجا به دست آورده و چگونه خرجش نموده و از بدنش که در چه کاری از آن استفاده کرده مورد سوال قرار گیرد».

و این سوالی است که باید برای آن آمده شد و برای آن با طلب روزی پاک و دوری از ناپاک و پایبندی به پاکی در نیت و عمل و پاکی در وسائل و اهداف و التزام به میانه‌روی و اعتدال و پرهیز از اسراف و زیاده‌روی در خرج کردن از مال خداوند که به ما داده است، پاسخی درخور آماده کرد. و این نصیحتی است که پروردگار در این سخنش ما را به ان امر کرده است:

﴿وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا ﴿۲۹﴾﴾

[الإسراء: ۲۹].

«و دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسیار هم گشاده‌دستی نکن تا ملامت‌شده و حسرت‌زده بر جای مانی».

و این سخن خداوند متعال که می‌فرماید:

﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿۳۱﴾﴾ [الأعراف: ۳۱].

«و بخورید و بیاشامید ولی اسراف ننمایید که او اسراف‌کننده‌گان را دوست ندارد».

تا اینکه احتیاج به مصرف مال و روزی پاکیزه محدود به حدود میانه‌روی باشد. و پس از آن از مقداری از مال باقی بماند که در آن فریضه‌ی زکات واجب شود، و همچنین صدقه‌ی مستحب نیز مورد پسند است.

و همین‌طور برای اینکه از این مال مقداری نیز برای سرمایه‌گذاری و زیاد نمودن آن باقی بماند البته به شرطی که از این سرمایه‌گذاری ضرر به دیگران وارد نیاید بطوری که این سرمایه‌گذاری سد و مانعی در برابر جریان ثروت و دارایی بین همه‌بندگان شود و این همان چیزی است که خداوند متعال در کلام خود ما را از آن برحذر داشته است:

﴿كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ﴾ [الحشر: ۷].

«تا آنکه ثروت بین ثروتمندان شما دست به دست نشود».

و تا آنکه ثروتمندان برای زیاد نمودن ثروتشان راه‌هایی را انتخاب نکنند که به اخلاق فرد ضربه وارد کند. یا آنکه رابطه‌ی بین افراد جامعه را ضعیف بگرداند یا به یکپارچگی آن ضربه وارد کند

و از ناپاکترین این راه‌ها و مضرت‌ترین و بدترین آن می‌توان به بلای فریب و احتکار و رباخواری اشاره کرد که پیامبر صلی الله علیه وسلم ما را آگاه نموده که یکی از هلاک‌کننده‌های هفت‌گانه است که پیامبران در حدیث متفق علیه ما را از آن برحذر داشته است. که پیامبر صلی الله علیه وسلم گیرنده و دهنده و نویسنده و دو شاهد آن را لعنت کرده است و فرموده: «آنان برابرند» [به روایت مسلم].

و وقتی گروهی در زمان پیامبر به علت شبهه‌ای که برایشان پیش آمده بود به تحریم آن اعتراض کردند که اساس آن بر این بود که هم در خرید و فروش و هم در ربا سود وجود دارد خداوند متعال این اعتراض آنان را رد کرد و فرمود:

﴿الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ
ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ
رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا

خَالِدُونَ ﴿٢٧٥﴾ [البقرة: ۲۷۵].

«کسانی که ربا می‌خورند، از قبربرنمی‌خیزند مگر مانند برخاستن کسی که شیطان بر اثر تماس، آشفته‌سرش کرده است این بدان سبب است که آنان گفتند: خرید و فروش به مانند ریاست حال آنکه خدا داد و ستد را حلال، و ربا را حرام گردانیده است. پس، هر کس، اندرزی از جانب پروردگارش بدو رسید، و از رباخواری دست کشید، آنچه گذشته، از آن اوست، و کارش به خدا واگذار می‌شود، و کسانی که به رباخواری باز گردند، آنان اهل آتشند و در آن ماندگار خواهند بود».

این تفاوت چیزی جز این نیست که داد و ستد تجارتمندی است قابل برد و زیان که از تفاوت مهارت‌های شخصی و اختلاف تلاش بشری ناشی می‌شود بر این اساس هر تبادل صحیح به دور از خوردن مال دیگران به ناحق، داد و ستدی است حلال اما ربا در واقع مقدار سودی است مشخص در هر قرارداد ربوی و خداوند این سود را حرام نموده زیرا صاحب مال آن را به خاطر تاخیر در مهلت می‌گیرد و این سود در برابر هیچ کالا یا خدمتی گرفته نمی‌شود. بر این اساس بدون شک نوعی ظلم است.

ای بندگان خداوند تکیه کردن بر سود ربوی در غالب مانع مشغول شدن به کار و کسب می‌شود زیرا در اشتغال و کار، سختی و زحمت وجود دارد اما سود به دست آمده از قراردادهای ربوی هیچ سختی و زحمتی را متحمل گیرنده ربا نمی‌کند و همچنین باعث قطع شدن رشته‌ی همدردی و خوبی و نیکی میان مردم می‌شود و همینگونه باعث می‌شود ثروتمند و ام‌دهنده با گرفتن پول بیشتر بر فقیر و ام‌گیرنده تسلط یابد و این خود امری خلاف عدل است

و این کسب ربوی آنگونه که بعضی از علما گفته‌اند به مانند دوشیدن فقرا به نفع ثروتمندان است و نتیجه ربا این است که ثروتمند، ثروتمندتر و فقیر، فقیرتر شود که این باعث ورم کردن یکی از طبقات جامعه به حساب طبقات دیگر می‌شود آنجاست که کینه‌ها و نفرت‌ها و آتش درگیری میان فرزندان یک جامعه بالا می‌گیرد. و خطرهای امنیت و صلح جهانی را تهدید خواهند کرد.

برای همین است که از سوی خدا و رسولش علیه ربا اعلان جنگ شده است. آنجا که خداوند می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۲۷۸﴾ فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ ﴿۲۷۹﴾ وَإِن كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَن تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۲۸۰﴾﴾ [البقرة: ۲۷۸-۲۸۰].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تقوای پروردگار را پیشه کنید؛ و اگر مؤمنید، آنچه از ربا باقی مانده است رها سازید. و اگر چنین نکردید، بدانید به جنگ با خدا و رسولش، برخاسته‌اید؛ و اگر توبه کنید، سرمایه‌های شما از آن خودتان است. نه ظلم می‌کنید و نه مورد ظلم قرار می‌گیرید. و اگر (بدهکار) تنگدست باشد، پس تا (هنگام) گشایش، (به او) مهلتی دهید؛ و بخشیدن آن برای شما بهتر است - اگر بدانید.»

از خداوند می‌خواهم من و شما را بوسیله قرآن و سنت مورد منفعت قرار دهد. این سختم را می‌گویم و از پروردگار جلیل برای خودم و شما و سایر مسلمانان از هر گناهی طلب آمرزش می‌کنم. اوست که آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

حمد و ستایش از آن الله است. او را مورد ستایش قرار می‌دهیم و از وی آمرزش می‌خواهیم و از بدی‌های نفس خود و از کارهای ناشایستمان به الله پناه می‌بریم الله هرکه را هدایت کند وی گمراه‌کننده‌ای نخواهد داشت و هرکه را گمراه سازد، هدایتگری نخواهد یافت و گواهی می‌دهم که معبود به‌حقی نیست مگر الله به تنهایی که هیچ شریکی ندارد و گواهی می‌دهم که پیامبرمان محمد بنده و پیامبر اوست

بارالها بر بنده و پیامبرت محمد و بر آل و اصحاب و تابعین و پروان آنها تا روز

قیامت به نیکی درود و سلام بفرست

اما بعد ای بندگان خداوند. در معرض بیان بخشی از حقایق درباره‌ی تحریم ربا در اسلام و مبارزه‌ی آن با نظام ربوی برخی از علما می‌گویند: از آشکارترین حقایق در اینباره این است که از نظر عقیدتی محال است یعنی سزاوار نیست و حرام است که یک مسلمان به آن اعتقاد داشته باشد از نظر عقیدتی غیر ممکن است که خداوند چیزی را که زندگی بشری بدون آن برقرار نمی‌ماند حرام بکند

همانگونه که از نظر عقیدتی محال است یک چیز ناپاک باشد و با وجود آن برای برپایی امور زندگی و پیشرفت آن حتمی باشد زیرا الله سبحانه و تعالی خالق زمین است و اوست که انسان را در آن جانشین ساخته و اوست که انسان را امر به آبادسازی و پیشرفت آن نموده. اوست که همه‌ی این‌ها را اراده کرده و توفیق آن را می‌دهد پس ممکن نیست که چیزی را حرام کرده باشد که بدون آن زندگی و پیشرفت امکان پذیر نباشد

و همچنین محال است که چیزی ناپاک بوده ولی برای برپایی حیات لازم باشد این در واقع بدفهمی و تاثیر تبلیغات مسمومی است که نسل‌هایی را بر این عقیده بار آورده که ربا برای پیشرفت اقتصادی ضروری است و نظام ربوی تنها نظام طبیعی است و سپس این تصور دروغین را در منابع معرفت و فرهنگ انسانی وارد کردند و سپس زندگی جدید معاصر نیز عملاً بر همین اساس بنیان نهاده شد تا جایی که سخت است تصور کرد نظامی دیگر و بر اساسی دیگر شکل بگیرد

این پندار نیز در وهله‌ی اول از عدم ایمان یا از ضعف آن سرچشمه می‌گیرد. و ثانياً از ضعف اندیشه و ناتوانی آن در آزاد شدن از این پندار است که سالیان دراز بر عقل‌ها چیره شده است

پس ای بندگان خداوند. تقوای وی را پیشه ساخته و بر روزی حلال پاک پایبند بمانید و از حرام ناپاک و زیانبار دوری کنید

و بیاد داشته باشید که پروردگار شما را به درود و سلام بر خاتم پیامبران و امام مرسلین و رحمت بر جهانیان امر نموده است.

خداوند در کتاب روشنگرش فرموده: همانا الله و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر او درود و سلام بفرستید.

بارالها بر بنده و پیامبرت محمد درود و سلام بفرست و بارالها راضی باش از چهار خلیفه‌ی پیامبر، ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از سایر اهل بیت و صحابه و تابعین و از کسانی که به نیکویی از آنان پیروی کرده‌اند تا روز قیامت و از ما نیز به همراه با عفو و بزرگواری و احسانت راضی شو. ای بهترین کسی که گذشت می‌کند و عفو می‌ورزد.

پرودگارا اسلام و مسلمانان را عزت عنایت فرما. پرودگارا اسلام و مسلمانان را عزت عنایت فرما. پرودگارا اسلام و مسلمانان را عزت عنایت فرما.

و چارچوب دین را حفاظت کن و دشمنان دین و سایر سرکشان و مفسدان را از بین ببر.

و بین دل‌های مسلمانان الفت ایجاد کن و صف‌هایشان را یکپارچه بگردان و رهبران‌شان را اصلاح فرما و کلمه‌ی آنان را بر حق یکجا بگردان ای پروردگار جهانیان

پروردگارا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت محمد صلی الله علیه وسلم را و بندگان مومن مجاهدت را پیروز بگردان

پروردگارا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن بگردان و اولیای امورمان را اصلاح بفرما و ولی امرمان را مورد تایید خود قرار بده و برای وی همنشینان صالح مهیا کن. و وی را برای آنچه دوست داری و مورد رضایت تو است توفیق بده. ای شنونده دعا.

پروردگارا او را برای آنچه در آن خیر اسلام و مسلمانان است موفق بگردان و برای هر آنچه در آن صلاح بندگان و سرزمینمان است. ای آنکه در روز فریادرسی بازگشت بسوی توست

پروردگارا ما را از شر دشمنانت و دشمنان ما حفظ بگردان ای پروردگار جهانیان.

پروردگارا ما را از شر دشمنانت و دشمنان ما حفظ بگردان ای پروردگار جهانیان.

پروردگارا به تو پناه می‌بریم از شر آنان

پروردگارا به تو پناه می‌بریم از شر آنان

پروردگارا از تو می‌خواهیم آنگونه که اراده می‌کنی ما را از دشمنان خود و دشمنانمان حفظ بفرمایی

پروردگارا از تو می‌خواهیم آنگونه که اراده می‌کنی ما را بر دشمنان خود و دشمنانمان غالب گردانی

پروردگارا از تو می‌خواهیم آنگونه که اراده می‌کنی ما را بر دشمنان خود و دشمنانمان غالب گردانی

پروردگارا هر خیری را بر این سرزمین ارزانی دار و از هر شری سالم بگردان و همینگونه تمام سرزمین‌های مسلمان را

پروردگارا عاقبت ما را در تمام امور به خیر بگردان و ما را از خواری دنیا و عذاب آخرت حفظ کن.

پروردگارا دین ما را که نگهدارنده‌ی امر ماست حفظ بفرما و دنیای ما را که زندگانی ما در آن است و آخرت ما را که بازگشت ما به آن است اصلاح گردان. و زندگی را برای ما باعث زیادی در هر خیری گردان و مرگ را باعث راحتی از همه‌بدی‌ها بگردان.

پروردگارا بیماران ما را شفا ده و مردگان ما را مورد رحمت قرار ده و ما را به آرزوهایی که باعث رضایت توست برسان و اعمال ما را با کارهای خیر پایان ده.

پروردگارا ما به خود ستم نمودیم و اگر تو ما را مورد مغفرت قرار ندهی و بر ما رحمت ننمایی از زیانکاران خواهیم بود.

پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بگردان.

و درود و سلام پروردگار بر بنده و پیامبرش محمد و بر خاندان و اصحابش و ستایش از آن پروردگار جهانیان است.

عنوان خطبه:

مقاصد و اهداف شریعت

خطیب: دکتر عبدالرحمن سدیس

مسجد الحرام: جمعه ۲۴ شوال ۱۴۲۹ برابر با ۳ آبان ۱۳۸۷

خطبه‌ی اول:

حمد و ستایش از آن الله است. وی را ستایش می‌کنیم و از او آمرزش می‌خواهیم و بسویش توبه می‌کنیم.

و به او پناه می‌بریم از بدی‌های نفس خویش و از اعمال ناپسند خویش، الله هرکه را هدایت کند وی هیچ گمراهگری نخواهد داشت و هرکه را گمراه سازد، هدایتگری نخواهد داشت

بارالها ستایش برای توست همانگونه که شایسته شکوه و بزرگی قدرت توست تویی که ما را آفریدی و ما را از امت قرآن قرار دادی پس همه‌ی بزرگواری‌ها و ستایش‌های عملی و زبانی از آن توست.

و گواهی می‌دهم که نیست معبودی به حق جز الله به تنهایی، و وی شریکی ندارد که از دین خویش بهترین اهداف و مقاصد را برای مشروع گردانید و با بزرگ‌ترین شریعت که برای به دست آوردن منفعت‌ها و جلوگیری از مفسد آمده است ما را مورد منت خویش قرار داد و گواهی می‌دهم که سرورمان و پیامبران محمد بنده‌ی خداوند و پیامبر وی است که بهترین الگو برای متقیان است و بهترین فرمانده و بالاترین قدوه برای رهروان، دروذهای پروردگار بر وی و بر اهل بیت وی و اصحاب وی، آن بهرین‌های بزرگوار و بر تابعین و آنان که به نیکی از آن‌ها پیروی کردند تا آنگاه که شب و روز در پی هم می‌آیند و سلام پروردگار بر آنان باد.

اما بعد ای بندگان خداوند خود و شما را نصیحتی از روی ایمان که عطرآگین از عطر محبت و برادری و نیکی است می‌نمایم که همان نصیحت به تقوای پروردگار است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾

[آل عمران: ۱۰۲].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید از الله پروا کنید آنگونه که شایسته‌ی وی است و نمیرید مگر در حالی که مسلمان هستید».

بیاید به سوی مولای خویش ره بپوییم و جز تقوای وی برای خویش رهنمایی نجوییم.

ای مسلمانان در برهه‌ای از زمان که جهان آکنده از بحران‌ها و آبستن چالش‌هاست و در مدتی از زمان که در آن مادیات طغیان نموده است و تحولات شگفت‌پی در پی هم می‌آیند. در زمانه‌ای که تغییر و تحول ویژگی بارز آن است قضیه‌ای اساسی خود را آشکار می‌کند. قضیه‌ای که می‌توان آن را مهمترین مساله‌ی محوری دانست که با آن مصلحت عمومی و سعادت بشریت و رفاه آنان تحقق می‌یابد و با آن مصلحت دنیایی و آخرتی بندگان به دست خواهد آمد.

چرا که نه! در حالی که این قضیه آرامبخش و دوایی است برای پیروزی و سبب رستگاری و به دست آوردن نیکی است.

این قضیه همانا مساله‌ی مهم «مقاصد شریعت» از جنبه‌ی علمی و عملی است. و همچنین قضیه‌ی شناخت این مقاصد و اسرار و اهداف و آثار آن در معالجه‌ی قضایا و مسائل مهم و رخدادها و بحران‌ها است. که باید این گنجینه‌ی باارزش را رهبران امت و علمایش و اهل نظر و روشنفکران و اندیشمندان و قلم به دستان و اهل رسانه و پیشروان اصلاح مورد بررسی قرار دهند.

ای مومنان این شریعت اسلامی جاودان که خداوند آن را به عنوان آخرین رسالت‌ها و خلاصه‌ی همه آن‌ها و کامل و شامل همه‌ی آنان قرار داده است همانا همان شریعت زیبا و شگفت‌آور در حقایقش و محکم در ریزه‌کاری‌هایش است که همه‌ی بندگان را غرق در رحمت و رستگاری و خوشبختی نموده است:

﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ﴾

«و ما کتاب را که آشکارگر همه چیز و هدایت و رحمت و بشارتی برای مسلمانان است بر تو نازل نمودیم».

آری قسم به پروردگار که این رسالت مبارک فرخنده‌ای است که که برخوردار از ویژگی پیشرفت و هماهنگی و همراهی با زمانه و مسائل جدید و رخدادها و هم‌هی قضایا در هم‌هی عصرهاست. بدون هیچ اشتباه و مشکل و هیچ کندی و لغزشی.

﴿مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ﴾ [الأنعام: ۳۸].

«ما در کتاب چیزی رو فرو نگذاشته‌ایم».

که همانا این شریعت فراگیر و کامل و صلاح تمام مکلفین در حال و آینده است

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾

[المائدة: ۳].

«امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم و اسلام را برای شما به عنوان دین برگزیدم».

که از بزرگ‌ترین ویژگی‌های آن توانایی‌اش در اصلاح اوضاع مردم در حال و آینده است که برای آن‌ها هم‌هی منفعت‌ها و خیرها و بزرگ‌ترین هدایت‌ها و نیکی‌ها را به ارمغان می‌آورد.

شیخ مقاصد شریعت، امام شاطبی در کتابش موافقات می‌گوید: «ما شریعت را مورد بررسی قرار دادیم و دانستیم که شریعت اسلامی برای مصلحت بندگان قرار داده شده است».

و امام غزالی رحمه الله می‌گوید: اهداف شریعت نسبت به بندگان پنج چیز است: «اینکه برای آن‌ها دین و جان و عقل و نسل و مالشان را حفظ کند».

پس هر چیزی که شامل حفظ این اصول باشد مصلحت به حساب می‌آید. و هر چیز که باعث شود این اصول از دست برود نوعی فساد به حساب می‌آید که از بین بردن آن مصلحت به حساب می‌آید.

و شیخ الإسلام ابن تیمیه رحمه الله می‌گوید: «شریعت برای به دست آوردن اهداف و به کمال رساندن آن و برای از بین بردن مفسد و کم کردن آن آمده است».

و امام ابن قیم رحمه الله می‌گوید: «مبنای شریعت بر حکمت‌ها و منافع بندگان در امور دنیا و آخرت است بر این اساس این شریعت همه‌اش خیر و رحمت و عدالت و مصلحت است».

آری. و چه این مقاصد در باب ضروریات باشد یا در باب حاجیات و تحسینیات قرار بگیرد براساس این طرح دقیق مقاصد شریعت، خواهیم دانست که این شریعت بدون هماهنگی و حکمت گزارده نشده است یا برای اینکه صرفاً هدف آن قرار دادن مردم زیر اسارت دین باشد. هرگز! بلکه این شریعت برای این قرار داده شده تا اهداف شارع را برای تنظیم مصلحت بندگان در دنیا و آخرت محقق سازد:

﴿أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾ [المک: ۱۴].

«آیا کسی که آفریده است نمی‌داند با اینکه او خود باریک بین آگاه است».

برادران ایمانی. این معانی اصیل و این اهداف زیبای مہراگین وقتی روشنی و زیبایی بیشتری می‌یابد که آن را به عرصه زمانه و میادین آن وارد سازیم و به آوردگاه رخداده‌ها و مسائل جدید واردش سازیم.

تا امت را به هدفگاه تطبیق صحیح مہربانانه و انتخاب بہتر صحیح تر براساس دلیل روشن برساند.

برای آنکه بتواند بالاترین منافع را به دست آورده و بیشترین مفسد را از راه بردارد بوسیله‌ی مجموع‌های خیراندیش برای محقق گرداندن صحیح شریعت و اهدافش از نظر ریزیبنی و وسعت فهم و عمق برداشت و استنباط و چیرگی در استفاده از نصوص شرعی و غوص در معانی آن و ربط دادن آن با رخداده‌ها و جوانب آن و همچنین اولویت‌ها و حالات آن و مصلحت‌ها و اهداف آن به ویژه در عصر ما و ویژگی آن از نظر پیشرفت حیرت آور که در زمینه تکنولوژی رخ داده است که باعث شده بسیاری از مسائل نیاز به

بیان حکم شریعت در مورد آن‌ها از نظر علمی و مقاصد شریعت توسط علمای خبره داشته باشد.

در وضعیتی که دشمنان و غرض ورزان و نکوهشگران و کینه ورزان زبان‌های خویش را به انتقاد گشوده و گاه این شریعت را به خشونت و سختگیری و گاه به جمود و رکود متهم می‌نمایند.

و در حالی که از سویی دیگر نصوص شریعت و ادله‌ی آن از سوی برخی بدون در نظر گرفتن تحقیق مقاصد شریعت و بدون در نظر گرفتن مصلحت‌ها و اولویت‌ها و تفاوت درجات میان آن‌ها و همچنین بدون در نظر گرفتن مفاسد و تفاوت بین آن‌ها، مورد تاویل و نظر قرار می‌گیرد تا جایی که این قضیه به سوی پروردگار از افراط تندروها و از آشوب‌گزینشگران شکایت می‌برد.

و این قضیه (مقاصد شریعت) از ضرورت‌های زمانه است که کشتی امت را بر جودی امن و امان مستقر خواهد کرد و از توفان آرای گمراهگر و امواج هواهای نفسانی فتنه‌گر گمراه‌کننده نجات خواهد داد.

دوستان گرامی و اهل نظر با وجود آنکه این قضیه بسیار بزرگ و مهم است اما با وجود آن هنوز احتیاج بسیاری به ابراز آن و روشن نمودن آن وجود دارد. و ارتباط دادن آن با قضایای این عصر و استفاده‌ی صحیح از آن برای بررسی قضایای مشکل این عصر و چالش‌های آن است که تنها بزرگان و عقلا از پس آن برمی‌آیند.

و به کار انداختن آن و تحقیق بخشیدنش در جهان امروز قبل از آنکه این شکاف گسترده‌تر شود برای آنکه برای فقه مبتنی بر مقاصد شریعت قاعده‌گذاری شود و برای آنکه مقاصد آشکار این شریعت پربار ربانی و جهانی اصولگذاری شده و مورد تطبیق قرار گیرد و برای آنکه مقاصد بلند معنا و زیبای آن برای جهانیان منتشر شود. زیرا دین برای خوشبختی بشریت و دور ساختن بدی‌ها و ضررها از آنان آمده است و هدف آن به دست آوردن منافع و دور نمودن مفاسد است.

ای امت مسلمان؛ قضیه مقاصد شریعت آنگاه در بهترین صورت خویش را به نمایش می‌گذارد که عبودیت تنها از آن خداوند باشد و مصلحت و رحمت از آن بندگان باشد و آنان را بسوی همه‌ی خیرها و مصلحت‌ها و نیکی‌ها و رستگاری‌ها برساند.

آیا امت مسلمان امروزه در حالی که از بحران‌های جهانی و از چالش‌های بین‌المللی رنج می‌برد پی به این قضیه‌ی مهم در تمام عرصه‌های زندگی خواهد برد و آن را به دیگران عرضه خواهد کرد؟ در حالی که این شریعت بدون هیچ رقیبی است که می‌تواند رخدادهای معاصر را همراهی کند. با استفاده از پژوهش و عرضه‌ی منظم و گفتمان معتدل و روشی زیبا تا دردهایی را که بر امت و بر جهان می‌گذرد مورد علاج قرار دهد از بحران‌هایی که امنیت جهانی و ارزش‌ها و اقتصاد آن را به خطر می‌اندازد این تنها شریعت اسلامی است که برای احقاق حقوق و برپا داشتن عدل قرار داده شده است.

و برای ایجاد امنیت و تحریم ظلم و فریب و ربا و کلاهبرداری و روش‌های درآمد حرام و حیل‌های خیالی..

اینجا لازم است همت علما و اصحاب اندیشه و اصلاح را برانگیخت و تلاش آنان را مورد استفاده قرار داد تا روش اسلامی صحیح مبتنی بر مقاصد شریعتاً مثبت‌نگری در قبال احتیاجات زمانه و تحولات آن مورد استفاده قرار گیرد.

و همچنین برای معالجه‌ی قضایای زمانه و امور جدید آن تا اینکه امت مسلمان جایگاهی اصیل در نقشه‌ی جهان به دست آورد چرا که نه در حالی که این امت، امتی است گواه بر مردم و رحمتی است برای جهانیان.

ای امت مسلمان. فجایع و بحران‌هایی که امروزه جهان در آن به سر می‌برد همانا مشکل مشکل‌ها و درد دردهاست که حل و راه برون رفتی ندارد مگر فهم صحیح مقاصد شریعت روشن ما و فهم اهداف بلند آن که هرگز گوهرهای آن نابود نمی‌شود و گل‌های آن در تحقیق سعادت بشری و اصلاح آن پژمرده نخواهد شد.

امروز که تمام شعارهای دیگر فروریخته و حق برای هر بینایی آشکار گردیده است تا آنجا که خردمندان جهان و منصفان شریف اعلام کردند که احکام تطبیق شریعت اسلامی برای نجات بشریت سختی کشیده از دامن هلاکت لازم و ضروری است پس آیا ممکن است کسی که در ثوابت عقیدتی و مسلمات آن شک دارد می‌تواند مقاصد شریعت را درک نماید.

و آیا کسی که در ثوابت کش اندازی می‌کند و اصول و مبانی را به فروش می‌گذارد و در معرض طعنه قرار می‌دهد و سعی در به زیر آوردن شخصیت‌های آن کرده و درباره‌ی آنان به نشر شایعه‌ها پرداخته و از ارزش و مکانت علمای ربانی می‌کاهد و هیبت آنان را در نظر مردم کم کرده و از اعتماد مردم نسبت به آنان می‌کاهد و فضا را از فتوای بی‌ارزش بدون دلیل و برهان آکنده ساخته و به نشر اجتهادات شخصی پرداخته که به عواقب و بازتاب‌های آن اهمیتی نمی‌دهد. و نسبت به وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر بی‌اهمیت است و از منهج وسط و میانه‌روی کنار رفته است؟

و آیا درک کرده است مسئولیت مقاصد شریعت درباره‌ی حفاظت از جان را کسی که فتنه را بیدار می‌کند و بروی امت اسلحه می‌کشد و تجاوز و خشونت را دلیل و شعار خود خویش قرار داده و هیچ توجهی به ریخته شدن خون بیگناه و هتک حرمت‌های آشکار نمی‌کند.

پیمان‌ها نزد او بی‌چیز است. سر از طاعت بر میکشد و تنهایی را همانند جماعت می‌انگارد و روش تکفیر و ویرانی را مسلک قرار داده و هیچ ارزشی برای امنیت امت و استقرار و نظم و یکپارچگی آن‌ها قایل نمی‌شود

و آیا برای کسی که امنیت جامعه را با مصرف مست کننده‌ها و با ترویج و توزیع مواد مخدر پایین آورده و زمام عقل و هدایت فکرش را به دست دزدان فکر و اشغالگران عقل سپرده تا امنیت فکری و همبستگی اجتماعی را به شکلی ترسناک مورد تهدید قرار دهند سبحان الله ای بندگان الله انسان عاقل چگونه می‌خواهد برای دیوانگی تلاش کند!

و آیا کسی که نسبت به آبرو و شخصیت بی‌توجه است و آنرا در معرض اغراض پست قرار می‌دهد و خواستگاه‌های رذیلت را باز گذاشته و مجراهای فضیلت را مسدود نموده و مخصوصاً در مورد زن و مسائل مربوط به او از حیاء و حجاب و عفت و دعوت به آنچه که به باطل آنرا آزادی زن نامیده‌اند که این در واقع و در حقیقت آزاد کردن آن از دین و اخلاق و ارزش‌ها با ادعاهایی است که برای تبرج و خودنمایی زنان و اختلاط محرم چشم دوخته‌اند

و همچنین با تسخیر شبکه‌های ماهواره ای و کانال‌های آن و تمام وسائل رسانه‌ای برای این هدف پست که زنان و دختران بزرگوار از افتادن در دام آن ابا می‌ورزند و خود را بالاتر از آن می‌دانند که از بلندای ارزش و احترامی که در آن هستند به پستی آن سقوط کنند.

و آیا برای امت آنگاه که در اخلاق و ارزش‌ها و ناموس خود مورد اصابت قرار گیرد چیزی هم باقی می‌ماند؟ پس تنها از الله درخواست کمک می‌کنیم.

ای امت مقاصد. اما مقاصد شریعت در مورد حفظ مال در وجود و سرمایه گذاری و نه در هدر دادن آن است. و این قاعده‌ی مهم اقتصاد اسلامی است که امروز احتیاج به آن بیشتر احساس می‌شود چگونه و درحالی که توفان‌های اقتصادی و بحران‌های مالی بر جهان می‌گذرد پس آیا وقت آن نرسیده که منهج اقتصادی صحیح مطابق با مقاصد شریعت مورد عمل قرار گیرد؟ برای آنکه جهان از بحران‌های نابودگر با تقدیم نمونه بارز اقتصاد اسلامی نجات دهد؟

تا جهان بتواند از اندوخته‌هایش بهره برد و تا امت ما بتواند از بحران‌هایش به سلامت بیرون آید تا دستاوردهایی فراچنگ آورد تا بتوانیم از این امت قدرتی اقتصادی بسازیم که ضامن حق و عدالت و خیر و سلامت برای همه‌ی جوامع روی زمین گردد و این مهم برای الله دشوار نیست. آرزو و امید دشوار نیست. و بر ما تلاش و صدق در آن لازم است.

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم

﴿ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيحَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨﴾﴾

[الجنائیه: ۱۸].

«سپس تو را در طریقه آیینی که ناشی از امر خداست نهادیم پس آن را پیروی کن و هوس‌های کسانی را که نمی‌دانند پیروی مکن».

خداوند برای من و شما در قرآن و سنت برکت دهد و من و شما را از آنچه از آیات و حکمت در آن دو هست مورد نفع قرار دهد این سخن را می‌گویم و از الله برای خود و شما و برای همه‌ی مسلمانان از تمام گناهان طلب آمرزش می‌کنم پس از او آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده و بسیار مهربان است.

بارالها تو مولای مایی پس ما را مورد مغفرت و رحمت قرار ده که تو بهترین غافرانی.

عنوان خطبه:

قلم؛ اهمیت و جایگاه آن

خطیب: دکتر سعود شریم

مسجد الحرام: جمعه ۲ ذوالقعدة ۱۴۲۹ برابر با ۱۰ آبان ۱۳۸۷

خطبه‌ی اول:

حمد و ستایش از آن الله است که تنها است و یگانه است، یگانه ای است بی‌نیاز که نه زاده است و نه زاده شده است و هیچگاه برای او همتایی نبوده است و گواهی می‌دهم که هیچ معبود به حقی نیست مگر الله به تنهایی که هیچ شریکی ندارد و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر او و برگزیده‌ی وی و خلیش و بهترین خلق اوست که رسالت را رساند و امانت را به جای آورد و برای امت خیرخواهی نموده و ما را بر راهی روشن رها کرد که شب آن چون روز است و از این راه روشن جز آنکه خود راه هلاکت را انتخاب نموده است کسی کج نمی‌رود.

درودهای الله و سلامش بر وی و بر اهل بیت پاکش و بر اصحابش و بر تابعین و تمام کسانی که تا روز قیامت به نیکی از آنان پیروی کنند.

اما بعد: بهترین سخن سخن الله است و بهترین هدایت، هدایت محمد صلی الله علیه وسلم است و بدترین امور در دین، امور جدید است، و هر تازه ساخته شده‌ای در دین بدعت است و هر بدعتی گمراهی است و جماعت مسلمانان را رها نکنید که دست خداوند بر جماعت است و هر که جدا شد و تکروری نمود بسوی آتش جدا شده است

﴿وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصَلِّهِ ۖ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿١١٥﴾﴾ [النساء: ۱۱۵].

«هر کس پس از آنکه راه هدایت برای او آشکار شد با پیامبر به مخالفت برخیزد و غیر راه مؤمنان در پیش گیرد وی را به همان راهی که روی خوی خود را بدان سو کرده واگذاریم و به او را به جهنم کشانیم و چه بد بازگشتگاهی است».

ای مردم. خداوند متعال بر امت اسلام با فرستادن آن پیامبر امی منت نهاد، پیامبری که به کلمات پروردگار ایمان دارد

﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ﴾ [الجمعة: ۲].

«اوست کسی که در میان بی سوادان پیامبری از خودشان برگزید».

با وجود این امی بودن پیامبر صلی الله علیه وسلم هیچ گاه اشکالی در رسالت وی وارد نمی‌سازد، هرگز. بلکه این همان پیامبری است که خداوند وی را اینگونه فرمان می‌دهد که:

﴿أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ۝ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ۝ أَلَمْ يَكُنْ الْأَكْرَمُ ۝ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ۝ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ۝﴾ [العلق: ۱-۵].

«بخوان به نام پروردگارت که آفرید انسان را از علق خلقت نمود بخوان و پروردگار تو کریم‌ترین است همان کسی که بوسیله‌ی قلم آموزش داد به انسان آموخت آنچه را نمی‌دانست».

که قسم به الله او همان پیامبر درس ناخوانده‌ای است که امتش را به خواندن و نوشتن فرامی خواند چرا که نه! درحالی که او صلی الله علیه وسلم عظمت قلم را به علت قسمی که الله در این سخن خود به قلم یاد کرده است می‌داند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا قُلُومَ بَعْضِكُمْ مَعَ بَعْضٍ لَّعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [القلم: ۱].

«ن و سوگند به قلم و آنچه می‌نگارند».

و قسم از جانب الله سبحانه تعالی نماید مگر قبل از ذکر آفریده‌های شریف و باارزشش که از این جمله قلم است که وسیله‌ی نگاشتن است و براساس یکی از اقوال ذکر شده در سنت اولین مخلوقی است که الله آفریده است، آنگونه که در سخن پیامبر صلی الله علیه وسلم آمده که:

«اولین چیزی که الله آفرید قلم بود..» [به روایت ابوداوود و ترمذی].

ای مردم، قلم سخنور انسان‌ها و فصیح آنان و نصیحتگر آنان و طبیبشان است

با قلم‌هاست که سرزمین‌ها اداره و تدبیر می‌شود.

قلم نظم دهنده‌ی فهم‌ها و نماینده‌ی ساکت زبان است و نوشتن با قلم شرف و بلندمرتبگی شخص و کالایی است پر سود، قلم برای دانش آموختگان به منزله‌ی وسیله قدرت است و چشم روشنی و بلکه انس و آسایش وی است.

با قلم است که علوم ثبت می‌شود و حق ثابت می‌گردد. اگر نوشتن نبود اخبار ملت‌ها پس از آن‌ها به فراموشی می‌رفت، و سنت‌ها نابود می‌شود و پسینیان مذهب پیشینیان را نمی‌دانستند.

خداوند رحمت کند سعید بن العاص را که می‌گفت: «هر آنکه ننویسد دست راستش چپ است!».

و چه نیک می‌گوید معن بن زیاد آن جا که می‌گوید: «اگر دست ننویسد به مانند پاست!».

ای مسلمانان بسیاری از مسلمانان با قلم بر دیگران فخر می‌فروختند تا آنجا که با آن به هم‌آورد شمشیر و نیزه رفتند.

آری. با قلم بود که دانشمندان و شعرا و سخنوران و واعظان مسلمان افتخار می‌کردند. آنان با قلم جدیت نامه‌های اهل نیکی می‌نگاشتند تا با آن نامه‌های اهل شر را نابود سازند. قلم‌های آنان در ایجاد وحشت در دل دشمن از راه دور کاری می‌کرد که شمشیر از راه نزدیک انجام نمی‌داد نیت آنان آشکار نمودن خیر برای اهل اسلام بود از راه نصیحت و راهنمایی و از طریق فقه و احکام و از راه امر به معروف و نهی از منکر، و از طریق شعر و ادبیاتی که مردانگی و شخصیت و منطق و ارزش را زیر پا نمی‌گذاشت.

قلم‌های آنان هیچگاه مزدوری دیگران را نمی‌کرد، آنان با قلم خویش حیای ملت خود را زیر پا نهداند و در هویت آن خدشه وارد نکردند، هیچگاه فکر و ذکر آنان خم شدن در برابر درهم و دینار و در برابر خواسته‌های بی‌ارزش نفس نبود

بندگان خداوند. راستی قلم و فصاحت آن از بهترین چیزهایی است که نویسنده از آن برخوردار شده و عاقل از آن بهره گرفته و همانگونه که توجه به ادبیات قلم در مبنا و اساس ضروری است، در معنا نیز مهم و ضروری است. و اینگونه است که قلم همراه غربت و مونس در تنهایی و زینتی در جمع است. همانگونه که قلم نشان دهنده‌ی عقل و شخصیت و محکمی شخصیت و بیزاری از تنگنای محیط و احتکار حق و عشق به پیروی از هوا و هوس که چشم را کور و گوش را کر می‌کند

﴿فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً ۖ وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ ۚ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ﴾ [الرعد: ۱۷].

«اما کف روی آب خشک می‌شود اما آنچه برای مردم نافع است در زمین باقی می‌ماند اینچنین الله مثال می‌زند».

اما آنچه در آن شکی نیست این که هرکه با قلمش نهالی بکارد ثمره‌اش را خواهد خورد و این دو قلم نزد صاحبان عقل و خرد یکی نیستند:

یکی نادان و پر سخن که قبل از اندیشه می‌نویسد و پیش از آنکه ببیند تیر می‌اندازد دردی کوچک را دوا می‌کند اما دردی بزرگ‌تر به وجود می‌آورد!

و قلم دیگر قلمی است که براساس حیایی ستوده شده می‌نویسد و با احساس مسئولیتی که قلم دارد و همینگونه محاسبه‌ای که باید در برابر خداوند پس دهد و با این وجود این قلم از غیرتی برخوردار است که از محبت خداوند و رسولش سرچشمه می‌گیرد و از محبت خیرخواهی برای هر مسلمان.

و اگر این دو قلم در تعارض قرار گرفتند سخن نگفتن از گفتن سخن باطل بهتر است همانگونه که ره فروبسته از بی‌بند و بار بهتر است.

﴿قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ﴾ [المائدة: ۱۰۰].

«بگو ناپاک و پاک برابر نیستند اگرچه زیادی ناپاک تو را به تعجب وادارد».

پس ای صاحبان خرد از الله پروا دارید باشد که رستگار شوید و در نتیجه‌ای صاحبان اندیشه چیزی دیده نشده که به مانند قلم اینگونه متناقض باشد که نزد صاحب عقل هدایت یافته وسیله‌ای از وسائل خیر و نیکی و مرکبی از مراکب رسیدن و پیروزی و پوشاندن شکاف‌های کشتی سوراخ شده است

اما نزد یک کم خرد به مانند عقربی خبیث و کرمی است که به گوشت هرکه به آن نزدیک شود می‌چسبد و با این وجود قلم در این زمانی گسترشی بس بزرگ یافته که در زمان‌های گذشته سابقه نداشته است و گستره‌ی آن چنان پهناور شده که به دور و نزدیک رسیده است.

همانگونه که مصطفی صلی الله علیه وسلم می‌فرماید:

«از علامت‌های قبل از قیامت این است که تنها با آشنایان سلام شود و تجارت گسترش یابد تا جایی که زن نیز به همسرش در تجارت کمک کند و [همچنین] قطع پیوند خویشاوندی و گواهی دروغ و پوشاندن گواهی حق و آشکار شدن و گسترش قلم» [به روایت امام احمد در مسند].

و چیزی که در آن شکی نیست این است که اگر چیزی گسترش یافت مدعیانش نیز زیاد می‌شوند و آنانی که به حق آن را برمی‌دارند کم می‌شوند و اینگونه اشتباهات زیاد می‌شود اینجاست که بعضی از قلم‌ها از حیطه‌ی ادب خارج می‌شوند و هیچ حرمت و

عاطفه‌ای را در جدل پاس نمی‌دارد و به سبب آن پوشیده‌های درون آشکار شده و کینه‌ها رخ می‌نماید و به سبب این قلم پرده‌ها کنار زده شده و آشوب و جنجال به پا می‌شود. جدای از دروغ و افترای بر دیگران و آشکار ساختن آنچه باید پوشیده بماند.

و همچنین به قلم آوردن آنچه عدالت و انصاف و راستی را به زیر پا می‌نهد که اگر همه‌ی این‌ها با یاری و هماهنگی یک قلم باشد خطر بیشتری خواهد داشت که آنگاه همه‌ی این‌ها باعث می‌شود این قلم صاحب خود را مجبور به حمل باری سنگین و طاقت فرسا کند و در پایان اشک ندامت بر به قلم آوردن نامه‌ی اعمالی که مرکبش هیچگاه تمام نمی‌شود:

﴿وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ ﴿١١﴾ كِرَامًا كَاتِبِينَ ﴿١٢﴾ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ ﴿١٣﴾﴾

[الإنفطار: ۱۰-۱۲].

«و بر شما نگهبانانی گمارده شده. نویسندگان بزرگوار که می‌دانند آنچه را انجام می‌دهید.»

پروردگار من و شما را با قرآن بزرگ مورد برکت قرار دهد و من و شما را با آنچه در آن از آیات و ذکر حکیم است مورد نفع قرار دهد آنچه را گفتم به زبان آوردم. اگر درست بود از سوی الله است و اگر اشتباه از سوی نفسم و شیطان است و از او طلب آمرزش می‌کنم. او بسی آمرزنده است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله است و درود و سلام بر آنکه پیامبری پس از وی نیست ای مردم: مسلمانان شدیداً به قلم راستگو نیاز دارند به قلمی امین و پاک از شائبه‌های دیگر، به آن قلم ملهمی که خواننده‌ی خود را به راستی و خیرخواهی و پاکی رهنمون می‌شود، قلمی که حق را منتشر و سنت را زنده و انسان را به خیر دین و دنیایش هدایت کند:

﴿...وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ...﴾ [البقرة: ۲۸۲].

«و هیچ نویسنده‌ای از این که بنویسد چنانچه الله به او آموزش داده دریغ نوزد». قطعاً قلم امانت است و حاملان آن از بنی آدم فراوانند ولی انسان بسیار ظالم و جاهل است، و هر حامل امانتی، قدر آن را نمی‌داند و به همین دلیل علمای اسلام صفات و قواعدی را بیان نموده‌اند که امت نباید به آن بی‌توجهی کند و شایسته نیست که نویسنده یا اهل قلم نسبت به آن کوتاهی کند

از سویی دیگر نسبت به خوانندگان که از کجا آنچه را نافع است به دست بیاورند. و (علما) درباره نویسنده گفته‌اند که باید مسلمان و راستین باشد تا از جانب او احساس امنیت شود و آنچه سرانگشتان او به نگارش می‌آورند مورد اطمینان باشد تا اینکه خوانندگان تلخی نوشته‌ی او را نچشند.

همچنین علمای اسلام گفته‌اند که نویسنده باید عالم و با بصیرت باشد و اینکه متخصص به تخصص خود اکتفا کرده و نویسنده بوسیله‌ی قلم خود از روزنامه نگار به فقیه و مفتی و از ادیب به پزشک و از متفکر به کسی که بر اندیشه‌ی خوانندگان و مصادر اندیشه شان حکم براند. باید مرجع کتاب الله و سنت رسول الله صلی الله و علیه و سلم باشد.

و از مهمترین مواردی که علمای اسلام مخصوصان دلسوزانشان بیان نموده‌اند این است که صاحب قلم متصف به عدالت و انصاف باشد و معنای گفتگوی صحیح را درک کرده باشد زیرا نویسنده ستمکار هیچ رهبری در فکر و قلمش به جز هوا و تدلیس و تلبیس و هرج و مرج ندارد و چه بسا که کم و زیاد کند یا به تحریف و تأویل پردازد چنانچه الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿تَجْعَلُونَهُ وَقَرَّاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا﴾ [الأنعام: ۹۱].

«آن را به صورت طومارها درمی‌آورید [آنچه را] از آن [می‌خواهید] آشکار و بسیاری را پنهان می‌کنید».

و زمانی که انسان‌ها به خاطر حاصل زبان‌شان با صورت به طرف آتش جهنم کشیده می‌شوند در حالی که زبان فنا شدنی است و سخن به پایان می‌رسد پس در مورد قلمی که اثراتش باقی مانده و اگر صاحبش بمیرد او زنده می‌ماند چه فکر می‌کنید. این دو قلم است که اگر آن دو را بشناسی مرکبش را نیز خواهی شناخت: قلمی نیکو و پایدار و قلمی سست و احمق پس برای خود یکی را انتخاب کن که روز قیامت تو را نجات دهد.

و درود بفرستید بر بهترین مخلوقات و پاکترین بشر محمد بن عبدالله صاحب حوض و شفاعت و الله شما را به چیزی امر کرده که از خودش شروع می‌کند و دوم فرشتگان تسبیح گویش و شما را نیز در این سخنش اینگونه امر نموده که:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿۵۶﴾ [الأحزاب: ۵۶].

«الله و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای مومنان بر او درود و سلام بفرستید.» الهی درود و سلام و برکت بفرست و بر بنده و فرستاده‌ات محمد صاحب صورت نورانی و و زیبا و راضی باش الهی از چهار جانشین او ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر یاران پیامبرت محمد صلی الله و علیه و سلم و از تابعین و کسانی که به نیکی از آن‌ها پیروی کرده‌اند تا روز جزا و (راضی باش) از ما با بخشش و سخاوت و کرم و احسانت ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان.

بار الها به اسلام و مسلمانان عزت ببخش و شرک و مشرکان را ذلیل بگردان.

بار الها دین و کتابت و سنت پیامبرت و بندگان مؤمنت را یاری بگردان.

بارالها غصه و غم را از غم دیده گان دور بگردان و قرض قرض داران را ادا کن و بیماران ما و مسلمانان را شفا ده.

بارالها به نفوس ما تقوا عطا بفرما و آنرا پاک بگردان زیرا تو بهترین کسی هستی که می‌تواند آن را پاک سازد تو ولی و مولای آن هستی.

بارالها ما را در سرزمین هایمان ایمن بگردان و مسئولان ما را اصلاح بگردان و مسئولیت ما را به کسانی بسپار که تقوای تو را دارند ای پروردگار جهانیان.

بار الها تو الله هستی که غیر از تو هیچ معبود به حقی نیست و تو بی‌نیازی و ما فقیرانیم بر ما باران فرو فرست و ما را از نا امیدان قرار مده. بار الها از خیری که نزد توست ما را محروم مگردان.

بار الها ما مخلوقی از مخلوقات تو هستیم پس به خاطر گناهانمان ما را از فضلت محروم مگردان ای ذو الجلال و الإکرام پروردگارا در این دنیا و در آخرت به ما خیر عطا بفرما و ما را از عذاب جهنم نجات بده.

پاک و منزه است پروردگار ما از آنچه (مشرکان) توصیف می‌کنند و درود بر پیامبران و این آخرین سخن ماست که حمد و سپاس از آن الله است که پروردگار جهانیان است.

عنوان خطبه: علم، و تاثیر آن بر امت

خطیب: صالح آل طالب

مسجد الحرام: جمعه ۹ ذوالقعدة ۱۴۲۹ برابر با ۱۷ آبان ۱۳۸۷

خطبه‌ی اول:

ستایش مخصوص الله است که علمش به همه‌ی کائنات احاطه دارد و قدرتش زمین و آسمان‌ها را در بر گرفته است.

با نور وحی قلب‌ها را زنده نگه می‌گرداند همانگونه که زمین را بوسیله‌ی باران.

شان علم را بلند گردانید و قدر علما را افزونی داد:

﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ...﴾ [المجادلة: ۱۱].

«الله کسانی از شما را که ایمان آورده و کسانی را که دانشمندند بر حسب درجات بلند

گرداند».

و گواهی می‌دهم که معبودی به حق جز الله وجود ندارد که بدون شریک است و گواهی می‌دهم که محمد بنده‌ی الله و رسولش است که رسالت را رساند و امانت را ادا کرد و برای امت خیرخواهی نمود و در راه الله به شایستگی جهاد نمود تا آنکه به دیدار حق شتافت

خداوندا درود و سلام بفرست بر او و بر خاندان نیک و پاکش و بر صحابه‌اش و بر تابعین و کسانی که تا قیامت از آن‌ها پیروی کنند.

اما بعد: تقوای الله را آنگونه که شایسته‌ی وی است پیشه دارید. و به ریسمان محکم اسلام چنگ بزنید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾

[آل عمران: ۱۰۲].

«ای مومنان! آنگونه که شایسته‌ی است تقوای الله را پیشه کنید و نمی‌رید مگر در حالی که مسلمانید».

بندگان الله: یک ویژگی است که معیار تفاوت میان امت‌ها را تشکیل می‌دهد و ارزشی است که کشورها و ملت‌ها به آن می‌بالند و دستاوردی است که همه ادعای آن را دارند گرچه فاقد آن باشند و همه خلاف آن را از خود دور می‌دانند اگر چه در آن‌ها باشد آن، ارزشی است که شرع‌ها و عقل‌ها به سویش فرامی‌خوانند و اهل شرف و نجیبان برای آن رقابت می‌کنند.

این ارزش اولین چیزی است که انسان به آن گرامی داشته شد و در روز وجود از آن برخوردار شد. ای مسلمانان؛ آن چیزی نیست جز ارزش علم:

﴿وَعَلَّمَ ءَادَمَ ءَالَاسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ...﴾ [البقرة: ۳۱].

«و خداوند به آدم تمام نام‌ها را آموزش داد و سپس آن‌ها را بر ملائکه عرضه کرد».

ای مسلمانان از آن روز که آدم در آن دانشی آموخت علم و انسان با هم همراه بوده‌اند که هر کدام بر دیگری اثر گذاشته‌اند، و هرگاه دانشی نافع در یک ملت یافت شود، آن امت راهیاب می‌گردد و رفتار آن امت را راست گردانده و در پله‌های تمدن بالا می‌برد.

قصد ما بیان اهمیت علم و فضیلتش نیست که این در درون همه‌ی انسان‌ها مستقر شده و از بدیهیات گردیده است

در گذر زمان دانش شعبه شعبه گردیده و متعدد شده است اما با این وجود می‌توان علم را زیر دو دسته تقسیم‌بندی کرد:

علم شریعت و دین و علم طبیعت و تحریری.

این دو علم بشر را در طول تاریخ به سوی خود جذب کرده‌اند گاه از این بهره گرفته‌اند و گاه از این

و بشر به هر دو یا به یکی از این دو دانش مشغول بوده است.

در قرن‌های گذشته معمولا علوم شریعت و ادیان نزد ملت‌ها از اولویت برخوردار بوده و اهل این علم از احبار و علما همنشین پادشاهان بودند و نزد فرمانروایان دارای نظر و مشورت بوده‌اند و همیشه نزدیکی مردم به شریعت به نزدیکی علما و والیان امر بستگی داشته است و هر اندازه این دو از هم دور بوده‌اند به همان اندازه امت از دین خود دور بوده.

این نزدیکی و همگرایی در قرن نخست هجری به وضوح به چشم می‌خورد، بدین ترتیب امت اسلام راه هدایت را در پیش گرفته و به دنبال این نهضت دینی نهضتی دنیایی نیز پا گرفت که در پی آن علوم تجربی بسیاری رشد کرد تا جایی که می‌شود گفت این قضیه همیشگی است.

به طوی که می‌شود گفت هر نهضت صحیحی در تاریخ اسلام به دنبالش نهضت دنیایی در پی داشته است و می‌شود برای این موضوع در قرآن نیز اشاره‌هایی یافت:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾

[الأعراف: ۹۶].

«و اگر مردم شهرها ایمان آورده و تقوا پیشه می‌کردند قطعا برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم».

ای مسلمانان: در قرن گذشته و در اواخر قرن قبل از آن بر بشر از علوم دنیا درهائی گشوده شد که در گذشتگان آن‌ها سابقه نداشته است و نوعی انفجار معرفتی و اکتشافی رخ داد و این علوم و معارف به برتری سیاسی و صنعتی انجامید که به همراه آن تولید فکری و ادبی گرانباری رخ داد و بشر را به وضعیت رفاه نسبی منتقل کرد و این دانش‌ها صاحبان خود را به آقایی رساند و آنان را قادر کرد که نفوذ خود را بر بسیاری از کشورها از طریق استعمار و اشغال گسترش دهند.

و اینجا همان احساسی برای ملت‌های مغلوب پیش آمد که معمولا برای شکست خوردگان رخ می‌دهد، حالتی که اهل تاریخ و جامعه‌شناسی آن را تقریر کرده‌اند و آن این است که همیشه مغلوب در لباس و رسوم و نشانه‌ها و دیگر چیزها، خود باخته‌ی غالب است.

و این بار پیروزی و غلبه از آن غیرمسلمانان بود، در زمانه‌ای که آنان در امر دین و دنیای خویش ضعیف شده بودند.

این بار بیشتر مسلمان مورد ضربه قرار گرفتند، نه تنها در بدن و پوستشان بلکه در افکار و درون خویش، و هنگامی که یک ملت به این درد ویرانگر یعنی بی‌هویتی دچار می‌شود بیشترین نشانه‌های بیماری در خودباختگی کشنده در برابر دیگر ملت‌ها و برگرفتن ناآگاهانه از روش و برنامه و نظام‌ها و ارزش‌های آنان، خود را نشان می‌دهد.

و از آنجایی که طرف پیروز دین و دینداری را کنار نهاده و علوم شریعت و دین را به حاشیه برده و از ارزش و مقام علمای دین کاسته بود این بیماری به بسیاری از سرزمین‌های مسلمان نیز که زیر یوغ استعمارگر بودند سرایت کرد.

اما خداوند این سرزمین مقدس را حفظ کرد تا آنکه دست استعمار به آن نرسید. هنگامی که بسیاری از کشورهای مسلمان در آن مدت برنامه‌های آموزشی خویش را تدوین کردند و موسسات آموزشی و دانشگاهی خویش را تشکیل دادند سهم علوم شرعی از این دانشگاه‌ها بسیار ناچیز بود و سهم جوانان مسلمان نیز از این علوم بس اندک بود.

با وجود این سهم کم برای دروس اسلامی در بسیاری از مدارس قبول شدن در این دروس شرط قبولی در سال تحصیلی نبود. این‌چنین، نسل‌هایی از مسلمانان به وجود آمدند که از تاریخ خود جدا بودند و نسبت به احکام دین خود آگاهی کمی داشتند. آگاهی‌شان از تاریخ غرب بیشتر از آگاهی‌شان در مورد تاریخ سرزمینشان بود و از زندگی‌نامه‌ی رهبران استعمارگر و دانشمندان‌شان چیزهایی می‌دانستند که درباره‌ی بزرگان خود نمی‌دانستند اما دانششان نسبت به امور دینشان را تنها باید به خداوند شکایت برد. با این وجود سرزمین‌های اسلامی از پایگاه‌های علم شرعی خالی نماند و این پایگاه‌ها تلاشی از خود بروز دادند که اثرش فراگیر شد و خداوند به وسیله‌ی این مراکز علم شریعت و علمای آن را حفظ کرد که از این مراکز می‌توان به الازهر در مصر و همچنین مراکز علمی در این سرزمین پاک اشاره کرد که این مراکز بذره‌های اصلی دانشگاه‌های اسلامی گردیدند که خداوند به وسیله‌ی آنان مسلمانان را مورد منفعت قرار داد که برای تدریس علوم شریعت به پاخواسته و جویندگان علم از نقاط مختلف به سوی‌شان شتافتند. به همراه آن می‌توان از حلقه‌های علمی در مساجد و مراکز علمی در دیگر سرزمین‌های مسلمان نام برد.

ای مسلمانان:

آنچه گذشت هرگز به معنای کوچک شمردن علوم تجربی و طبیعی نیست و نه به معنای چشم‌پوشی از مهارت‌هایی است که در خدمت اهداف دنیایی‌اند. زیرا علمی که در خدمت دنیای مردم و زندگی آنان است یادگیری برخی از آن‌ها و یاد دادن آن زیر واجب کفایی قرار می‌گیرد.

ولی تاسف‌بار این است که نگاهت را به بسیاری از کشورهای مسلمان بیندازی و ضعف و بی‌تفاوتی نسبت به علوم شریعت را مشاهده کنی و ببینی که قبول در مراکز و دانشگاه‌های دینی بسته به نیاز بازار کار و یا موقعیت شغلی آن است گو اینکه علم شریعت برای اهداف این دنیایی باشد.

کما اینکه وقتی می‌بینی در بسیاری از دانشگاه‌های اسلامی پیشرو در جهان اسلام تخصص‌های غیر شرعی با تخصص‌های دینی تداخل می‌کند، گو اینکه مشغول شدن این دانشگاه‌ها به علوم شرعی کافی نیست، که تنها نیروها و توجه‌ها به همین تخصص مشغول گردد، یا چنانکه دانشگاه‌های اسلامی پیشرفته و پیشرو خوانده نمی‌شود، مگر آنکه علوم دیگر را در کنار علوم شریعت داشته باشد.

با وجود آنکه ما نسبت به گردانندگان این دانشگاه‌ها گمان نیک می‌بریم با این وجود باید همه را به اهمیت و عظمت علوم شرعی تذکر داد و همینطور به عظمت سرچشمه و ثمرات این علوم و اینکه این علوم برای امور دین و دنیا لازم است و به نیاز جهانیان به این علوم و اهمیت آن برای امت تذکر داد.

ما نباید در برابر رقابت مردم و اهمیت شدیدی که آن‌ها به دیگر دانش‌ها می‌دهند دچار ضعف شویم و اعتماد به خویشتن و ارزش علوم شرعی خویش را از دست بدهیم، که این علوم از آسمان سرچشمه گرفته، و نخستین معلمان آن انبیاء و رسل بوده‌اند و ثمره‌ی آن خوشبختی بندگان در دنیا و آخرت است و علم شرعی به دارنده‌ی خود خیریت می‌بخشد.

پیامبر ما صلی الله علیه وسلم در این باره می‌فرماید:

«هرکه الله نسبت به وی اراده‌ی خیر کند، وی را در دین آگاه می‌گرداند».

که به دست آوردن فهم و دانش برای یک مسلمان دستاوری است برای جامعه‌ی وی، اگر یکی از افراد یک جامعه اهل خیر شود حتی اگر به دیگران نفع نرساند، برای آن جامعه یک دستاورد محسوب می‌شود حال چگونه است اگر به علم خود عمل نموده و آن‌را به دیگران نیز برساند.

این علم میراث پیامبران است و پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید:

«علما وارثان پیامبرانند و انبیاء دینار و درهم به ارث نگذاشته‌اند پس هرکه این میراث

را برگرفت، بهره‌ای افزون برده است».

علم شرعی و دارندگان آن در دنیا و آخرت پیشتاز و پیشروند و رسول الله صلی الله علیه و سلم می‌فرماید که «معاذ بن جبل در روز قیامت در پیشاپیش علما خواهد بود». ای مسلمانان: علمای شریعت را دریابید که علمای ربانی دارند دار فانی را ترک می‌گویند و اهمیت به این علم دارد ضعیف و کم می‌شود، و جهان در تاریکی‌های جهل نسبت به الله و آخرت آشفته و سرگردان است و اخلاق و ارزش‌ها در تاریکی‌های سیاست و تبلیغات و اقتصاد و قانون‌گذاری‌ها از بین می‌روند و می‌بینی که برخی با نادانی و هوای نفس در مسائل دین دخالت کرده و برخی دیگر که در احکام دین با غلو و تعصب، سخت‌گیری می‌کنند.

همه‌ی این‌ها نتیجه‌ی به حاشیه راندن علم شرعی حقیقی است و پیامبر صلی الله علیه و سلم می‌فرماید:

«خداوند علم را انگونه از سینه‌ی علما بر نمی‌دارد بلکه آن را با برداشتن علما برمی‌دارد تا وقتی که عالمی باقی نمی‌ماند، آنگاه مردم سرانی نادان را برمی‌گزینند و از آنان می‌پرسند و آنان نیز بدون دانش فتوا می‌دهند. پس گمراه شده و گمراه می‌کنند». نیاز مردم به علما و به علم شریعت به مانند نیاز تشنه به آب و به مانند نیاز غریق به هوا است مخصوصا در دوران درگیری هواها و خواسته‌ها هم اکنون می‌توانی غربت مراکز علم شرعی را مشاهده کنی.

و پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده‌اند:

«اسلام غریبانه آغاز شد و دوباره به مانند آغاز خود به غربت بازخواهد گشت پس خوش به حال غریبان» [به روایت مسلم].

و در روایتی دیگر به سند حسن آمده است:

«علم غریبانه آغاز گردید و دوباره به غربت بازخواهد گشت».

ای دلسوزان! اگر ما قصد اصلاحی و بازسازی مراکز علم شرعی را داشته باشیم این امر مجال‌های خود را دارد از جمله مجال تزکیه روحی طالبان علم و اهمیت به مسائل نوین علمی شرعی و پیشرفت وسائل آموزش و روش‌های آن و بازسازی ترتیب برنامه

های آموزشی و راه‌های آن و حمایت از مراکز پژوهشی علمی و دیگر مجال‌ها که انسان‌های مخلص متخصص از آن عاجز نیستند.

باید بدانیم که علومی که وارد دانشگاه‌های شرعی متخصص می‌شود خود دارای دانشگاه‌هایی هست که به خوبی و توسط متخصصین در طول و عرض کشور اداره می‌شود، اما دانشگاه‌هایی که به تدریس علوم شرعی می‌پردازند در دنیا کم هستند و آنانی که به روش صحیح پیش می‌روند نیز کم‌تر از کم! حال باید گفت پس از این از این تعداد کم چه باقی خواهد ماند؟

باز می‌گویم: بحثی بر سر اهمیت علوم طبیعی و تجربی نیست که این قضیه‌ای واضح است و وجود دانشگاه‌های متخصص در این علوم نیز امری مطلوب است اما این به این معنا نیست که این علوم عرصه را بر علوم شرعی تنگ سازد.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

﴿وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَآفَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾ [التوبة: ۱۲۲].

«و شایسته نیست مؤمنان همگی برای جهاد کوچ کنند پس چرا از هر فرقه‌ای از آنان دست‌های کوچ نمی‌کنند تا دست‌های بمانند و در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را وقتی به سوی آنان بازگشتند بیم دهند باشد که آنان از کیفر الهی بترسند».

الله برای من و شما در قرآن بزرگ برکت دهد و ما و شما را به آنچه در آن آیات و ذکر حکیم است نفع برساند این سخنم را می‌گویم و از الله برای خود و شما طلب آمرزش می‌کنم پس از او آمرزش بخواهید که او غفور و رحیم است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش الله را سزااست که علم را موجب پیروزی و غنیمت قرار داد و آن را راهی به سوی بهشت گرداند و شهادت می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله به تنهایی که

شریکی ندارد و گواهی می‌دهم که محمد بنده‌ی الله و پیامبر اوست که خداوند او را به عنوان هدایتگر و معلم برانگیخت.

درودهای پروردگرم و سلام‌هایش بر وی و بر اهل بیت و صحابه‌ی بزرگوارش که دین را به ما رساندند و بهترین امانتداران بودند و میراث پیامبران و انبیاء را به ما سپردند پس الله از آنان راضی گشت و آنان را راضی گرداند و راضی گشت از آنانی که بر راه و روش آنان راه پیمایند.

اما بعد ای مسلمانان:

در زمانه‌ی انتشار اطلاعات و گسترش منابع اطلاعاتی و در زمانه‌ای که هر صاحب رای به رای خود دلخوش است احتیاج به علم شرعی بیشتر نمود پیدا می‌کند زیرا که علم تنها معلوماتی نیست که به دست بیاید بلکه علم فهم است و تمرین و دین و ایمان و قواعد است و اصول و همینطور احاطه بر اصول است و برگرفتن دلیل و روش‌ها و دلایل آن و همچنین مقایسه بین ادله و روش‌های استنباط و ترجیح، و دانش نسبت به اوضاع و پیشامدها و مقاصد و دیگر چیزها با صرف عمر و گذراندن شب و روز در به دست آوردن آن و برگرفتن از آن.

امام مالک می‌فرماید: «فتوا ندادم تا وقتی که هفتاد نفر شهادت دادند که من اهل آن هستم».

حال چگونه می‌شود اگر برای امر فتوا کسانی جلو بیایند که اهلیت آن را ندارند از کسانی که با قلم خویش در هر تخصصی و بر هر منبری جولان می‌دهند و هیچگاه در طلب آموزش علم نبده و بلکه چیزهایی دانسته یا از رای خویش آمده و آن را برگرفته! علما چیزی بالاتر از واعظان و متفکرانند و پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: «زمانی بر امت من خواهد آمد که قاریان آن زیاد می‌شوند و فقهای آن کم می‌شوند و علم برگرفته شده و هرج و مرج زیاد می‌شود» [حاکم آن را تخریج کرده و صحیح دانسته و ذهبی در تصحیح با وی موافقت نموده].

باید قدر و ارزش عالم واقعی دانسته شود و برای خداوند و برای علمی که در سینه دارد برای وی ارزش نهاده شود و برحذر باشید از آنکه شان و مقام آنان نزد عموم مردم زیر پا نهاده شده یا آنکه برای به زیر آوردن مقام آنان تلاش شود و در علما طعن وارد نمی‌کند مگر شخص گمراه.

علما امان و حفظ زمین از نقصان و کمبودند و در کلام خداوند آمده است که:

﴿أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا...﴾ [الرعد: ۴۱].

«آیا ندیده‌اند که ما [همواره] می‌آییم و از اطراف این زمین می‌کاهیم».

ابن عباس رضی الله عنه در یکی از تفسیرهای این آیه می‌گوید: «خرابی زمین با مرگ علما و فقهایش است».

و همچنین مجاهد می‌گوید: «خرابی آن با مرگ علماست».

در اسلام کهنات وجود ندارد و تنها انبیاء معصومند اما سینه‌هایی هستند که از علم شریعت سرشار شده و قلب‌هایی که از خشیت و ایمان پر شده و انسان‌هایی که عمر خویش را در علم نسبت به الله و آیات و احکامش صرف کرده‌اند که چنین کسانی شایسته احترام و بزرگداشتند.

ای مسلمانان: منصفان از سوی غرب ندا داده‌اند که ما صنعت و اختراعات را به شما تقدیم کردیم شما نیز نور ایمانی را که دارید به ما تقدیم کنید. آنان که با این تمدن به بدبختی رسیده‌اند و سپس نظام سرمایه‌داری و پیش از آن کمونیسم در پی هم سقوط کردند و باز اهل انصاف از سوی آن‌ها اهل اسلام را مورد خطاب قرار دادند که نظامی را که نور خود را از آسمان برگرفته به ما عرضه کنید.

آیا غیر از علمای راسخ کس دیگری می‌تواند این کار را انجام دهد؟ و آیا امت اسلامی خواهد توانست نظام اقتصادی اسلامی جهانی را عرضه کند مگر آنکه دارای مراکز پژوهشی علمی تخصصی و دانشگاه‌های معتبر متخصص و پژوهشگران اهل تخصص باشد؟

و درود و سلام بفرستید بر بهترین مخلوقات و پاکترین انسان‌ها محمد بن عبدالله پیامبر الله و برگزیده‌اش.

بارالها درود بفرست بر محمد و بر آل محمد همانگونه که درود فرستادی بر ابراهیم و بر آل ابراهیم در جهانیان، تو ستاش شده و با عظمتی و برکت بده بر محد و بر آل محمد همانگونه که برکت دادی بر ابراهیم و بر آل ابراهیم در جهانیان، تو ستایش شده و با عظمتی.

بارالها اسلام و مسلمانان را عزت عطا کن، بارالها اسلام و مسلمانان را عزت عطا کن، بارالها اسلام و مسلمانان را عزت و پیروزی عطا کن، و شرک و مشرکان را خوار بگردان، و دشمنان دین را نابود کن و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امان بدار. بارالها ما در سرزمین‌ها و خانه‌هایمان ایمن بگردان. و ائمه و مسئولان ما را اصلاح بگردان. بارالها ولی امر ما را به سوی هدایت خویش توفیق ده و عمل وی را در رضایت خویش قرار بده.

بارالها وی را و نایب وی را به سوی آنچه در آن صلاح اسلام و مسلمانان است توفیق ده. بارالها همشینیان آنان را اصلاح بگردان و همنشین بد را از آنان دور سازی پروردگار جهانیان.

بارالها والیان امور مسلمانان را به سوی آنچه دوست داری و مورد رضایت توست توفیق ده و آنان را به سوی نیکی و تقوا پیش ببر.

بارالها اوضاع مسلمانان را در هر جا اصلاح بگردان ای پروردگار جهانیان. بارالها آنان را به سوی خویش به زیبایی بازگردان و آنان را بر حق و هدایت و کتاب و سنت جمع بگردان ای زنده پایدار ای دارای جلال و بزرگواری

بارالها دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومن را یاری ده. بارالها مجاهدین در راهت را در هر مکان یاری ده ای پروردگار جهانیان. بارالها دشمنان دین را نابود ساز که آنان تو را ناتوان نمی‌کنند. بارالها ای معبود به حق سختی و عذابت را بر آنان نازل کن

پروردگارا به ما در دنیا و در آخرت نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش دور گردان. بارالها غصه‌ی غمگینان مسلمان را دور بگردان و سختی سختی دیدگان را آسان کن. و اسیران را آزاد ساز و قرض بدهکاران را پرداخت کن و به رحمت بیماران ما و بیماران مسلمانان را شفا ده.

بارالها ما را و پدران آنان را و همه‌ی مسلمانان را مورد مغفرت قرار ده.

بارالها گناهان ما را ببخشای و عیب‌های ما را بپوشان و کارهای ما را آسان گردان و ما را به آرزوهایی که در آن رضایت توست برسان.

بارالها تو را سپاس می‌گوییم برای نعمت بارانی که بر ما ارزانی داشتی. بارالها برای ما در عطای خویش برکت ده و ما را از نعمت خویش بیشتر عطا کن و آنچه را برای ما نازل نمودی نیرویی بگردان برای طاعت بیشتر خویش و تا آن هنگام معلوم. بارالها بر ما افزونی دار و کم مگردان. و ما را انتخاب کن و بر ما انتخاب مکن

بارالها ما را از شاکران نعمت و از ستایش کنندگان خویش بر آن قرار ده. بارالها بز ما بپذیر که تو شنونده و دانایی و از ما توبه پذیر که تو توبه‌پذیر مهربانی.

پاک و منزّه پروردگار تو پروردگار عزت و بزرگی از آنچه مشرکان وصف می‌کنند و سلام بر پامبران و ستایش از آن الله است پروردگار جهانیان.

عنوان خطبه:

گفتگوی میان ملت‌ها

خطیب: دکتر صالح بن حمید

مسجد الحرام: جمعه ۱۶ ذوالقعدة ۱۴۲۹ برابر با ۲۴ آبان ۱۳۸۷

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است که مردم را در روزی که شکی در آن نیست گرد می‌آورد. پاک و منزه است و ستایش برای اوست که از آنچه انسان آشکار یا پنهان می‌کند آگاه است و آنچه را بر قلبش می‌گذرد و آنچه بر زبان می‌آورد شمارش می‌کند.

او را ستایش می‌کنم و شکرش را به جای می‌آورم و بسویش باز می‌گردم و از او آمرزش خواسته و هدایت را طلب می‌کنم.

و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله به تنهایی که هیچ شریکی ندارد که عطا و فضلش کامل است و بی‌دریغ است.

و شهادت می‌دهم که سرور و پیامبرمان محمد بنده‌ی الله و رسول وی است که بالابرنده و افزاینده‌ی پرچم حق و حقیقت است درود و سلام و برکت خداوند بر او و بر اهل بیت و اصحابش و بر پیروان آنان و بر کسانی که از آنان به نیکی پیروی کنند تا آنگاه که شب و روز در پی هم می‌آیند. و سلامی بسیار و پاک و مبارک بر آنان باد. اما بعد.

ای مردم شما و خودم را به تقوای الله توصیه می‌کنم. پس تقوای الهی را پیشه سازید که دنیا ما را با پندهای خود فرامی‌خواند و با عبرت‌های خویش تذکر می‌دهد و اهل خود را با نشان دادن تغییر اوضاع و نابودی برخی از ساکنانش و تفاوت‌های میانشان از سلامتی و بیماری و جوانی و پیری و بلندی و پستی و فقر و غنا پند می‌دهد.

هر آنکه به دنیا با چشم زوال‌پذیری نگاه کند، دنیا در چشمانش کوچک شده و با طلب روزی بدون تکلف گرامی می‌شود:

«و برای آنچه به دست آورده‌اید مغرور و شاد نشوید. الله هر متکبر فخرفروشی را دوست ندارد» [الحدید: ۲۳].

ای مسلمانان..

اهل این زمانه در جهانی زندگی می‌کنند که تغییرات ناگهانی در آن بسیار رخ می‌دهد و در آن مظاهر فرهنگی و دینی و قضایای سیاسی و مسائل اقتصادی و اجتماعی و دیگر

عرصه‌های فعالیت انسانی با هم تداخل داشته و روابط بین المللی در این انقلاب اطلاعات و تکنولوژی ارتباطات در هم تنیده است.

هم اکنون ممکن نیست اهل یک دین یا یک فرهنگ به تنهایی به حل مشکلات و چالش‌های جهان امروز بپردازند. بر این اساس لازم است همه به یک درک مشترک برای نگاه به آینده‌ی بشریت برسند و مانع از وقوع درگیری‌های اجتماعی یا تمدنی و یا انتشار دشمنی و نفرت جمعی و کینه ورزی شوند.

به این دلیل خردمندان و رهبران و صاحبان قدرت لازم است موقفی جدی و عملی در این مورد داشته باشند و مسیر پیش روی خویش را مشخص کرده و اهداف آینده را براساس وضعیت کنونی و چالش‌ها و متغیرات آن مشخص نمایند.

تلاش برای اجباری کردن جهانی سازی یا املا کردن یک نمونه مشخص آیا صادر کردن حکم‌های از پیش تعیین شده و به تصویر کشیدن چهره‌ای نادرست از دیگری... همه‌ی این‌ها طی یک گفتگو و تفاهم مشترک نیاز به مراجعه و بازنگری دارد. گفتگویی که تصویر دیگر و تصور از او را اصلاح کند و میدان وسیعی را برای همکاری در نیکی و تقوا و معروف و عدالت و نیکوکاری و مقاومت فساد و گناه و تجاوز و منکر و ستم و طغیان و ایجاد روحیه همزیستی مسالمت آمیز ایجاد کند. همینطور برای ابراز مشترکات و ارزش‌های میانه روی و سنت‌های خداوندی در اختلاف و تعدد مثبت و عمیق گرداندن منافع مشترک:

«ای کسانی مردم ما شما را از یک نر و ماده آفریدیم و شما را ملت‌ها و قبایل مختلف قرار دادیم تا با یکدیگر آشنا شوید» [الحجرات: ۱۳].

گفتگو از اساس‌های زندگی بشری و یکی از وسایل رسالت‌های آسمانی و از روش انبیای الهی است. قوم نوح درباره‌ی وی گفتند:

«ای نوح تو با ما جدال کردی و بسیار جدل نمودی» [هود: ۳۲].

و درباره‌ی ابراهیم آمده است که:

«و قومش با وی حجت آوری کردند. گفت: آیا با من در مورد خداوند حجت آوری و جدل می‌کنید در حالی که او مرا هدایت نموده است؟» [الأنعام: ۸۰].

و همینطور:

«آیا ندیدی آن را که با ابراهیم در مورد پروردگارش حجت آوری و جدل نمود؟» [البقرة: ۲۸۵].

و درباره‌ی یوسف چنین آمده است که:

«ای یاران زندانی من آیا خدایان گوناگون بهترند یا الله یگانه‌ی قهار؟» [یوسف: ۳۹].
و درباره‌ی پیامبران - که درود و سلام خداوند بر وی و دیگر پیامبران باد - در کتاب خداوند آمده که:

«و با آنان به روشی که بهتر است جدال و گفتگو کن» [النحل: ۱۲۵].

بندگان خداوند! این برای آن است که اختلاف انسان‌ها در واقع مدخل و خواستگاهی است برای شناختن و ارتباط و همکاری میان آن‌ها و بلکه این اختلاف باعث رقابت و مسابقه در همکاری و آبادانی زمین و انجام وظیفه خلیفگی انسان در زمین است. الله متعال بشر را گوناگون آفرید - ملت‌ها و قبیله‌هایی مختلف - تا با یکدیگر آشنا شوند و همکاری کنند نه برای این که با یکدیگر به کشمکش پردازند و از هم جدا گردند...

پیامبران الهی همه برای این آمده‌اند تا به وظیفه‌ی هدایت انسان‌ها و اصلاح و سعادت آن‌ها پردازند و آنان را به روش‌های خیر و راه‌های تقوا و عبادت الهی راه نما شوند. و تا آن که آنان را به مسیر انسانیت و ارزش‌های نگهدارنده‌ی خیر و تعاون و عدالت در روابط انسانی راهنمایی کنند::

«ما پیامبران خود را با دلایل آشکار فرستادیم و به همراه آنان کتاب و ترازو را نازل نمودیم تا مردم [در امور و روابط خود] براساس عدل بپا خیزند» [الحديد: ۲۵].

برادران من! گفتگو تنها یک فراخوان خالی برای تفاهم نیست. بلکه گفتگویی است دارای ارکان و اساس‌هایی مشخص. گفتگو نیت‌های پنهان و افکار مخفی را که دیر یا

زود خود را آشکار کرده و گفتگو را از محتوای واقعی خود - یعنی صداقت و وضوح و تجرد - تهی می‌نماید رد می‌کند.

بندگان خداوند! گفتگو تلاشی است برای شناخت صادقانه از طرف مقابل و برای درک نقاط اختلاف و تفاوت و فهمیدن مقدار نزدیکی و دوری از یکدیگر. گفتگو تلاشی است در مجال‌های مختلف اندیشه و براساس اهداف نیک و ارزش‌های برگرفته از رسالت پیامبران و فطرت خدایی:

«از [احکام] دین آنچه را که به نوح درباره آن سفارش کرد برای شما تشریح کرد و آنچه را به تو وحی کردیم و آنچه را که درباره آن به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نمودیم که دین را برپا دارید و در آن تفرقه‌اندازی مکنید» [الشوری: ۱۳]

گفتگو مبادله‌ی اندیشه‌ها و حقایق و اطلاعات و مهارت هاست که باعث ازدیاد معرفت شده و دایره فهم مشترک را در جوی از احترام و برخورد نیکو و گفتگوی براساس روش نیک و به دور از شک اندازی و حمله و تجریح، و بلکه براساس اشاعه‌ی روحیه تفاهم و همگرایی و در عرصه‌ی منافع عمومی برای همه‌ی بشریت، وسیع می‌گرداند.

برادران من! گفتگو روشی است متمدن و کنشی است فرهنگی که بر نقاط مشترک مثبت بین تمدن‌ها تاکید می‌کند. گفتگو در جهت تثبیت مشخصه‌ی اساسی فرهنگ انسانی و در جهت پاسخ به تغییر و استفاده از کنش و واکنش برای غنای روابط انسانی است و تا آنکه انسان‌ها از یکدیگر بهره ببرند.

گفتگو... گفتگوی پخته از خواستگاه آمادگی هر طرف برای فهمیدن دیگری برمی‌خیزد. گفتگوی مفید از پیش داوری دوری می‌کند. و آماده است تا حق را بجوید و آن را در چارچوب تفاهم و عدالت و رغبت مشترک برای قبول ارزش انسانی صحیح برای ایجاد همکاری تمدنی، قبول کند.

گفتگویی که بر مبدأ همکاری و تعاون در برابر نژادپرستی و نفی دیگری و دوری از نعره‌های برتر اندیشی و دعوت صادقانه و جدی برای حمایت کرامت بشری و حقوق آن استوار است.

برادران و خواهران! گفتگو نزد مسلمانان از خواستگاه ایمان به الله و پیامبرش محمد - صلی اله علیه وسلم - و سپس براساس علم و بصیرت و حکمت استوار است که این از منبع دین و سماحت آن سرچشمه گرفته است و تطبیق عملی سیرت پیامبرمان محمد صلی الله علیه وآله وسلم و دعوت وی می‌باشد و براساس روشی است که امامان هدایت و دعوتگران آن طی مسیر گهربار تاریخ اسلامی به نمایش گذاشته‌اند که:

«به راه پروردگارت با حکمت و موعظه‌ی نیک دعوت کن و با آنان به روشی که بهتر است گفتگو کن...» [النحل: ۱۲۵].

«به بندگانم بگو سخنی را که بهتر است بگویند که شیطان در بین آنان دشمنی ایجاد می‌کند» [الإسراء: ۵۱].

«با اهل کتاب مجادله نکنید مگر به روشی که بهتر است مگر با آنانی که ستم نموده‌اند...» [العنکبوت: ۴۶].

فرهنگ گفتگو فرهنگی است رسوخ یافته در خاطره‌ی امت مسلمان و روابط میان مسلمانان و دیگران در سیر تاریخی این تمدن همیشه رنگ گفتگو به خود گرفته است. هم اکنون چرا روش گفتگو را انتخاب نکنیم در حالی که خردمندان ناصح می‌دانند امروزه بشریت در سیاست و اقتصاد و اخلاق با چه بحران‌هایی دست و پنجه نرم می‌کند و می‌داند که در اثر دوری از هدایت دین و رسالت‌های الهی با چه چالش‌های ویرانگری مواجه است این چالش‌ها را می‌توان در فروپاشی خانواده دید که خود باعث گرفتار شدن بشریت زیر پنجه‌های رذائل و ظلم و ترور و هتک حقوق بشر و از بین بردن محیط زیست گردیده که بشر به حکم خلیفه بودن خود در زمین مامور به حفظ و آبادسازی آن بود:

«او شما را از زمین به وجود آورد و شما را در آن آبادگر ساخت» [هود: ۶۱].

«و در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید» [الأعراف: ۵۶].

چرا برای کمک به قضایای عادلانه‌ی ملت‌های مظلوم و حقوق مشروع انسان‌ها و دفاع از آن و همکاری برای تحقیق حق و از بین بردن باطل، به گفتگو روی نیاوریم؟ گفتگویی برای تحقق ارزش‌های اخلاقی و و یاری حق و حقیقت و صلح و ایستادن در برابر سلطه و ستم و فساد و ضرررسانی و بی‌بندوباری و نژاد پرستی و تعصبات پوچ و برای محکوم کردن راه‌های زشت سلطه و تسلط...

که گرامی‌ترین مردم نزد خداوند و نزد مومنین باتقواترین آن‌هاست. پیامبرمان محمد - صلی الله علیه و آله وسلم - می‌فرماید: «ای مردم... پروردگارتان یکی است و پدرتان یکی است. هیچ عربی بر عجم و هیچ عجمی بر عرب و هیچ سرخی بر سیاه و هیچ سیاهی بر سرخ برتری ندارد مگر براساس تقوا».

بندگان خداوند! خداوند متعال بندگان را براساس فطرتی سالم سرشته است:

﴿فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ﴾ [الروم: ۳۰].

آن فطرت سالم و مستقیم که خیر از دوست داشته و از بدی متنفر است و از عدالت و یاری مظلوم دفاع می‌کند. برای این لازم است که انسان‌ها را به فطرت خدایی بازگرداند. تا آنان را از بدی‌ها و نگون بختی‌هایی که آینده‌ی بشر را تهدید می‌کند نجات یابند. و تا آنکه اخلاق حفظ شود و انسان‌ها از ستم و ترور و خشونت و غلو و بی‌بند و باری در امان بمانند.

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

«بنابراین به دعوت پرداز و همان گونه که ماموری ایستادگی کن و هوس‌های آنان را پیروی مکن و بگو به هر کتابی که خدا نازل کرده است ایمان آوردم و مامور شدم که میان شما عدالت کنم الله پروردگار ما و پروردگار شماست اعمال ما از آن ما و اعمال شما از آن شماست میان ما و شما خصومتی نیست الله میان ما را جمع می‌کند و عاقبت به سوی اوست» [الشوری: ۱۵].

پروردگار من و شما را بوسیله قرآن و سنت مورد منفعت قرار دهد. این سخن را می‌گویم و از پروردگار برای خود و شما و دیگر مسلمانان از هر گناهی مغفرت می‌خواهم. پس از او آمرزش بخواهید که او آمرزنده‌ی مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن خداوند است برای گناهایی که پوشاند و ستایش از آن اوست برای سختی‌هایی که برطرف نمود. بسوی او توبه می‌کنم و از او آمرزش می‌خواهم که او آمرزنده‌ی گناهان است. و گواهی می‌دهم که خدایی به حق نیست به جز او که شریکی ندارد و داننده‌ی غیب هاست و گواهی می‌دهم که محمد بنده و پیامبر اوست که خداوند به وسیله‌ی وی خستی‌ها و مصیبت‌ها را از بین برد درود و سلام و برکت‌های خداوند بر وی و اهل بیت و یاران و تابعین وی و بر کسانی باد که از آنان پیروی نمایند تا آنگاه که خورشید طلوع و غروب می‌کند...

اما بعد

ای مسلمانان... گفتگوی آرام و همزیستی مسالمت آمیز و همکاری بین انسان‌ها هرگز به معنای زیر آمدن از مسلمات و کم ارزش نمودن ثوابت و یا مخلوط کردن بین ادیان و ارزش‌های مختلف نیست.. هرگز! چنین چیزی نه مورد قبول است و ممکن. چیزی که مطلوب و ممکن است همکاری در جهت خیر انسان‌ها و حفظ کرامت آنان و حمایت از حقوق و از بین بردن ستم و ایستادن در برابر تجاوز و حل مشکلات و تامین زندگی شرافتمندانه برای انسان هاست. هدف ایستادن در برابر مظاهر ستم و تجاوز و سوء استفاده از منابع و امکانات ملت‌های ضعیف و فقیر زیر پرده‌ی ادعای آزادی و حمایت از حقوق بشر است...

بر این اساس نباید گمانه برد که گفتگو تنها در مسائل دین و اعتقاد رخ می‌دهد. بلکه گفتگو در مورد مسائل مشترک بین انسان‌ها و بدور از مسائل اعتقادی و در مسائلی مانند محط زیست و حقوق بشر و قضایای اقتصاد و قیمت‌ها و گرانی و فقر و مسائل مربوط

به فقرا و مستمندان و مواد مخدر و دیگر اموری که مردم در سنت‌ها و رسوم خویش دارند نیز انجام می‌گیرد.

گرچه نباید از نگاه دور داشت که از اهداف مهم گفتگو دعوت به سوی الله و اظهار حق و ابطال باطل و برپا داشتن دلیل و حجت است. چنانکه گفتگو یکی از وسائل دعوت است که به همراه حکمت و پند نیکو انجام می‌گیرد که مجموع آن را می‌توان همان بصیرتی دانست که در این سخن پروردگار آمده است:

«بگو این راه من است که من و هرکس پیروی‌ام کرد با بصیرت به سوی الله دعوت می‌کنیم و منزّه است الله و من از مشرکان نیستم» [یوسف: ۱۰۸].

پس تقوای الهی را پیشه سازید و در دیتان آگاه شوید و به ندای الله و رسول آنگاه که شما را به سوی حیات حقیقی دعوت می‌دهند پاسخ گوئید. سپس درود و سلام بفرستید بر آن رحمت هدایتگر و بر آن نعمت الهی پیامبران محمد فرستاده الله. زیرا که پروردگار شما چنین دستور داده که:

«الله و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود و سلام بفرستید» [الأحزاب: ۵۶].

پروردگارا بر بنده و پیامبرت محمد، صاحب چهره‌ی نورانی و اخلاق کامل درود و سلام و برکت ارزانی دار. و همچنین بر اهل بیت پاکش و بر همسرانش مادران مومنان. بارخدایا از خلفای راشدین و امامان هدایت ابوبکر و عمر و عثمان و علی راضی شو و همچنین از صحابه و تابعین و کسانی که تا روز قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند و از ما نیز به عفو بخششت راضی شو ای کریم‌ترین کریمان.

بارالها اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار و ذلیل گردان و دینت را حفظ کن و بندگان وحدت را یاری ده.

الهی ما را در سرزمین‌های خود امنیت عطا کن و مسئولان ما را اصلاح گردان و ولایت و سرپرستی امور ما را در دست کسانی قرار ده که تقوای تو را پیشه گیرند و در پی رضای تو باشند ای پروردگار جهانیان.

پروردگارا ولی امر ما را با توفیق خویش یاری ده و او را با طاعت خویش عزت بخش و بوسیله‌ی او کلمه و دین خویش را نصرت عطا کن و کلمه‌ی مسلمانان را بر حق و هدایت جمع گردان.

بارالها برای امت مسلمان دولتی راشد ارزانی دار که در آن اهل طاعت تو عزت یابند و اهل معصیت هدایت یابند و در آن به معروف و نیکی امر شده و از بدی و منکر بازداشته شود که تو بر هر چیزی توانایی

پروردگارا گرانی و امراض واگیردار و ربا و زنا و زلزله‌ها و مصیبت‌ها و فتنه‌های بد آشکار و پنهان را از سرزمین ما و سرزمین‌های مسلمان دور گردان.

پروردگارا! ما از او خشیت تو را در تنهایی و گواهی به حق را در حال خشم و رضایت و میانه روی در تهی دستی و ثروتمندی و رضایت بر قضای الهی و زندگی راحت پس از مرگ، می‌خواهیم.

و از تو خوشی و سعادت می‌خواهیم که تمام نشود و آن روشنی چشمی که قطع نشود و از تو لذت دیدن تو را و شوق دیدارت را خواستاریم...

پروردگارا... ما را با زینت ایمان مزین فرما و ما را هدایت شدگانی هدایتگر قرار ده و نه گمراهانی گمراه کننده...

بارالها! از تو ماندگاری در امر دین و عزیمت در هدایت را خواستاریم و از تو شکر نعمت و حسن عبادت و قلبی پاک و زبانی راستگو می‌خواهیم.

از تو خوبی‌هایی را که خود می‌دانی می‌خواهیم و از بدی‌هایی که می‌دانی به تو پناه می‌بریم و از گناهانی که می‌دانی از تو درخواست بخشش می‌کنیم.

پروردگارا! بیماران ما را شفا ده و مردگان ما را بیامرز و ما را و والدین ما و همه‌ی مسلمانان را مورد مغفرت خویش قرار ده.

پروردگارا ما به خود ظلم نمودیم و اگر تو ما را مورد مغفرت قرار ندهی و رحمتت را بر ما ارزانی نداری بی‌شک از زیانکاران خواهیم بود.

پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ حفظ بفرما.

پاک و منزّه است پروردگار تو پروردگار عزت و بزرگی از آنچه به دروغ وصف می‌کنند و سلام بر پیامبران و ستایش از آن پروردگار جهانیان...

عنوان خطبه:

تقوای خداوند و محاسبه‌ی نفس

خطیب: دکتر صالح آل طالب

مسجدالحرام: جمعه ۲۱ ذی الحجه ۱۴۲۹ برابر با ۲۹ آذر ۱۳۸۷

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است. او را حمد گفته و از او یاری جسته و آمرزش می‌خواهیم و از بدی‌های خود و کارهای ناشایستمان به الله پناه می‌بریم. هر که را الله هدایت کند گمراهگری نخواهد داشت و هر که را گمراه سازد او هدایتگری نخواهد یافت... و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد بنده و پیامبر اوست. درود و سلام و برکات خداوند بر وی و بر اهل بیت پاک و صحابه‌ی نیک وی و تابعین و همه‌ی کسانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند.

اما بعد... راست‌ترین سخن کلام خداست و بهترین روش، روش محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - است و بدترین امور در دین نوآوری در آن است و هر نوآوری بدعت است و هر بدعتی گمراهی است. و بر شما باد جماعت مسلمانان که دست خدا با جماعت است و هر که راه تکروی را در پیش گیرد به تنهایی به آتش درافتد. سپس شما و خود را به تقوای خداوند در پنهان و آشکار سفارش می‌کنم که او - سبحانه و تعالی - به آنچه در پنهان و آشکار می‌گذرد آگاه است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿١٠٢﴾

[آل عمران: ۱۰۲].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید آنگونه که شایسته‌ی الله است تقوای وی را پیشه سازید و نمی‌رید مگر در حالی که مسلمان هستید».

ای بندگان خداوند، روزهای حج و مناسک آن به مانند ابرهای بارانی، غرید و بارید، بارانی که رحمت بود و بخشش گناهان، و چنین بارانی می‌رویانند و ثمر می‌بخشد. آری ثمره‌ای که صلاح است و تقوا، و استقامت است و هدایت... این از فضل خداوندی است که هر که کار نیک انجام دهد ایمانش افزوده شده و اعمالش نیکو شود.

﴿وَالَّذِينَ أَهْتَدُوا زَادَهُمْ هُدًى وَءَاتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ﴾ [محمد: ۱۷].

«و کسانی که به هدایت گرایش یافتند بر هدایتشان افزوده شده و [توفیق] پرهیزگاری به آنان داده شد».

و تا بنده‌ی مومن از نور خداوند نور بگیرد و به واسطه‌ی اعمال صالح به او نزدیک شود. و کار نیک نوری است در قلب مومن و باعث روشنی در چهره و وسعت در روزی و محبت در قلب مردم است.

روزهایی که گذشت موسمی بابرکت بود برای حجاج و برای دیگر مردم و روزهایی بودند بس بزرگ از روزهای خداوند...

وارد شده است که آزاد شدن از آتش در روز عرفه شامل حاجیان و غیر حاجیان می‌شود پس مبارک باد بر آنهایی که خداوند طاعتشان را پذیرفته حتی اگر در خانه‌ی خود نشسته بودند... مبارک باد برای آنکه از حج خود بازگشته به مانند روزی که از مادرش زاده شده، بدون هیچ گناه و معیصتی... مبارک باد برای آن حاجی که با پاکی درون و بیرون به خانواده‌ی خود بازمی‌گردد.

ای مسلمانان... پایان موسم حج به مانند پایان سال، وقتی است برای مراجعه و محاسبه، چنانکه بازرگانان و سرمایه‌داران در پایان هر سال انجام می‌دهند و در مورد تجارت خویش به دقت محاسبه نموده و زیردستان خود را مورد بازخواست قرار می‌دهند تا اشتباهات تصحیح شود و عملکردهای صحیح مورد استفاده‌ی دوباره قرار گیرد و همچنین برای سوددهی و دوری از زیان دوباره...

انسان مومن در سیر و سلوک به سوی خداوند به این محاسبه نیامندتر است مخصوصا که وی موسم عظیمی از مواسم خداوند را به پایان رسانده. موسمی که خداوند درباره‌ی آن می‌فرماید:

﴿فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ...﴾ [البقرة: ۲۰۰].

«پس هنگامی که مناسک خود را به پایان رساندید الله را یاد کنید...».

ذکری که در مرحله‌ی اول به ذهن آدم می‌رسد ذکر زبانی با همه‌ی انواع آن است که بدون شک چنین ذکری مورد نظر می‌باشد اما آن ذکری که نباید آن را به فراموشی سپرد ذکر قلبی خداوند متعال و به یاد داشتن مراقبت همیشگی او و یادآوری اطلاع و علم او نسبت به ماست و اینکه او حرکات و سکنتات تو را دیده و او مراقبی است که غافل نمی‌شود و گواهی است که آگاه است.

اگر انسان مسلمان این را به یاد داشته باشد و پروردگار خود را در همه حال ذکر کند به آن درجه‌ی بلند و باارزشی دست پیدا خواهد کرد که در این حدیث متفق علیه بدان اشاره شده است که: «مرتبه‌ی احسان آن است که پروردگارت را طوری عبادت کنی که انگار او را می‌بینی و اگر او را نمی‌بینی [بدانی که] او تو را می‌بیند».

کسی که در همه حال پروردگارش را در یاد داشته باشد با همه‌ی همت و تلاش و با شادی و خوشحالی رو به انجام طاعات می‌آورد و اگر فتنه‌ها و شهوت‌ها به او روی آورد دورترین مردم از گناهان خواهد بود زیرا او خداوندی را به یاد خواهد آورد که خیانت چشمان و آنچه را در سینه‌هاست می‌داند.

یاد خداوند و به یاد داشتن مراقبت وی باعث هر خیر و جلوگیری کننده از هر بدی است... همیشگی بودن مراقبت الهی در واقع ثمره‌ی دانستن این نکته است که خداوند تو را می‌بیند و سخن تو را می‌شنود و در هر حال و هر هنگام بر عمل تو آگاه است:

﴿...وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ رَّقِيبًا ﴿۵۲﴾...﴾ [الأحزاب: ۵۲].

«... و الله بر هر چیزی مراقب و ناظر است...».

هر که این مساله را دانسته و به این یقین داشته باشد و آن را به یاد بیاورد روی به محاسبه‌ی نفس و بازجویی آن خواهد آورد، و در وضعیت و کارهای خود دقیق خواهد شد و به یاد ایستادن خود در برابر خداوند بزرگی خواهد افتاد که هیچ کوچک و بزرگی را رها نخواهد کرد...

این محاسبه‌ی نفس مخصوصا پس از مواسم طاعات و در پی گذشت شب‌ها و روزها و با گذشت ماه‌ها و سال‌ها بیشتر مورد تاکید است و این سخن خداوند متعال دال بر این مساله است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ﴾ [الحشر: ۱۸].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را در پیش گیرید و هر کس نگاه کند که برای فردای خود چه پیش فرستاده است».

خداوند متعال در این آیه بندگان را امر نموده که ببینند برای فردای خود چه فرستاده‌اند که این دربرگیرنده‌ی محاسبه‌ی نفس و نگاه به این قضیه است که آیا آنچه پیش فرستاده برای ملاقات با پروردگار مناسب است یا نه و هدف از این نگاه به اعمال آماده شدن برای روز بازپسین و پیش فرستادن اعمالی است که بنده را از عذاب الهی نجات داده و او را در برابر مولایش روسفید گرداند.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿...وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ...﴾ [البقرة: ۲۳۵].

«... و بدانید که الله به آنچه در درون شماست آگاه است پس از وی پروا دارید».

در کتاب «صفة الصفوة» چنین آمده که: «هرکه در درون خود مراقبت خداوند را در نظر گیرد خداوند نیز در حرکات اعضا و جوارحش وی را حفظ می‌کند» و همچنین گفته شده که: «مراقبت الهی یعنی خالص گرداندن پنهان و آشکار برای خداوند» که چنین خصوصیتی از بزرگداشت خداوند و بزرگداشت حرمت وی نشأت می‌گیرد که در پی آن قلب انسان از عظمت الهی و هیبت و خشیت وی پر شده و به همراه آن کمال محبت و

بزرگداشت وی در قلب جای می‌گیرد که همه‌ی این‌ها مستلزم اطاعت امر الهی و ایستادن در کنار منهیات وی است.

خداوند متعال در آیات حج در سوره‌ی حج می‌فرماید:

﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ حُرْمَتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ...﴾ [الحج: ۳۰].

«اینچنین است و هر آنکه حُرُمات الله را پاس دارد این برای او نزد پروردگارش بهتر است...».

گروهی از مفسران در تفسیر این آیه گفته‌اند: «حرمت خداوند در این آیه به معنای آن چیزهایی است که باعث خشم وی می‌شود و از آن نهی نموده است و بزرگداشت آن یعنی ترک انجام آن» لیث می‌گوید: «بزرگداشت حرمت خداوند یعنی این که بنده زیر پا نهادن آن را برای خود روا نداند» و همچنین گفته شده که: «حرمت یعنی امر و نهی الهی» و گفته شده که: «حرمت همان مناسک و شعائر و آداب حج است».

که البته صحیح این است که لفظ «حرمت خداوند» همه‌ی این تفسیرها را در بر می‌گیرد، زیرا «حُرُمات» جمع کلمه‌ی «حُرْمَت» است و حرمت چیزی است که احترام و نگهداری و مراعات و حفظش لازم است و این همان حقیقت تقوا است که خداوند در مورد حج بدان امر نموده و فرموده است:

﴿الْحُجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ﴾ «حج ماه‌هایی است مشخص» تا آنجا که می‌فرماید: ﴿وَتَزَوَّدُوا

فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى...﴾ «و توشه بگیرید که بهترین توشه تقوا است» [البقرة: ۱۹۷].

و تقوی اینچنین تفسیر شده است: «ترس از خداوند جلیل و عمل به وحی منزل و آمادگی برای روز رفتن» این کلماتی است که انسان عاقل را در پایان هر سال و انسان عابد را پس از پایان عبادت به فکر فرو می‌برد زیرا او براساس رهنمودهای قرآنی آیات حج خود را مورد محاسبه قرار می‌دهد.

ای مسلمانان... هنگامی که خداوند متعال بنده‌اش را با چنین نعمتی یعنی نعمت تقوا و مراقبت و بزرگداشت خداوند و محاسبه‌ی نفس مورد منت قرار دهد، او را شادی و لذتی می‌چشاند که سعادت و خوشبختی آن را در قلب خود می‌یابد، زیرا هیچ لذتی در دنیا

شبيه شادی قلب با خداوند و چشم روشنی و سروری که در آن است نیست بلکه این شادی، از حالات بهشتی است تا آنجا که یکی از صالحان می‌گوید: «لحظاتی [از سرور و شادی] بر من می‌گذرد که با خود می‌گویم اگر اهل بهشت در این حالت باشند واقعا در لذت به سر می‌برند».

که بی‌شک این شادی کمکی است برای ادامه‌ی راه رسیدن به رضایت الهی و بذل تلاش در طلب بهشت او و فرار از خشم خداوند. و هرکه این سرور و شادی را در خود نیافت باید که ایمان و اعمال خود را مورد اتهام قرار دهد زیرا ایمان، شیرینی و حلاوت دارد و هرکه این شیرینی را نچشیده باید برگردد و از نور آن برگردد.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم شیرینی ایمان را در حدیثی ذکر نموده. در صحیح مسلم آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «طعم ایمان را چشیده است کسی که به پروردگاری الله خشنود گردید و اسلام را با خشنودی به عنوان دین خود پذیرفت و با رضایت، محمد را به عنوان پیامبر خود برگزید».

و در صحیحین آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «سه چیز است که هرکه آن‌ها را در خود بیابد شیرینی ایمان را خواهد چشید: [یکی] این که الله و رسولش برای او از دیگران محبوب‌تر باشند، و [دیگر این که] شخص را تنها برای الله دوست بدارد، و [دیگر این که] پس از آن که خداوند او را از کفر نجات داد چنان از بازگشت به آن نفرت داشته باشد که از افتادن در آتش متنفر است».

آیا به خود بازگشته‌ایم و نفس خود را در این پایان سال و پایان موسم حج مورد محاسبه قرار داده‌ایم؟ و آیا این را درک کرده‌ایم که ما چه بخواهیم و چه نخواهیم داریم آرام آرام به سوی خانه‌ی آخرت می‌رویم؟ این مراحل طی می‌شود و عمرها پایان می‌یابد و راه روشن و آشکار است:

﴿وَاللَّهُ يَدْعُوْا إِلَىٰ دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٢٥﴾﴾ [یونس: ۲۵].

«و الله به سوی سرزمین امن و امان (که بهشت است) فرا می‌خواند و هر آنکه را بخواهد به سوی راه راست هدایت می‌کند».

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا هَلْ أَذِلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ ﴿١٠﴾ تُوْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيْلِ اللّٰهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١١﴾ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسْكِنٍ طَيِّبَةٍ فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٢﴾ وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِّنَ اللّٰهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٣﴾﴾ [الصف: ١٠-١٣].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید آیا شما را بر تجارتي راهنمای کنم که شما را از عذابی دردناک می‌رهاند؟ (١٠) به الله و رسول او ایمان بیاورید و در راه الله با مال و جانتان جهاد کنید این، اگر بدانید برای شما بهتر است (١١) تا گناهانتان را بر شما ببخشاید و شما را در بهشت‌هایی که از زیر آن جویبارها روان است و سراهایی خوش در بهشت‌های همیشگی وارد سازد این، کامیابی بزرگ است (١٢) و [رحمتی] دیگر که آن را دوست دارید یاری و پیروزی نزدیکی از جانب الله است، و مؤمنان را بشارت ده.»
خداوند من و شما را با قرآن عظیم مبارک گرداند و ما را با آیات و ذکر حکیم سود رساند؛ این سخنم را گفته و برای خود و شما از خداوند متعال آمرزش می‌خواهم.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله است که با نعمت او نیکی‌ها به کمال می‌رسد و با رحمت او رحمت‌ها به دست می‌آیند و با عفو و گذشت او لغزش‌ها بخشیده شده و با لطف او خواسته‌ها اجابت می‌شوند...

خداوندا گناهان ما را بیامرز و عیب‌های ما را بپوشان و کارهای ما را آسان بگردان و ما را به خواسته‌هایی که باعث رضایت توست برسان و عاقبت ما را ختم به خیر بگردان... و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر اوست؛ درود و سلام و برکات خداوند بر او و بر اهل بیت و همه‌ی یاران وی باد.

اما بعد... ای مسلمانان... از ابوذر و معاذ بن جبل رضی الله عنهما از رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم روایت است که ایشان فرمودند: «هر جا که باشی تقوای خداوند را پیشه کن و پس از کار بد کار نیک انجام بده تا آن را پاک سازد و با مردم با اخلاق نیک رفتار کن» [به روایت ترمذی با سند صحیح].

تقوا نصیحت همیشگی خداوند برای پیشینیان و پسینیان است، و انجام نیکی پس از بدی همان مراجعه‌ی همیشگی و استغفار و توبه است و بهترین کلمات، کلمه‌ی توحید است چنانکه در حدیثی که احمد در مسند خویش با سند صحیح روایت نموده آمده که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «لا إله إلا الله بهترین نیکی‌هاست» و این کلمه مقتضی این است که عبادت تنها برای خداوند بی‌شریک انجام گیرد.

و مهمترین مراجعه و محاسبه‌ای که بر افراد و گروه‌های امت واجب است، محاسبه‌ی درونی آنان در مورد توحید و پاک سازی عبادت‌ها از آرایش‌های شرک با همه‌ی انواع آن است. رد کردن محاسبه‌ی درون و گردن نهادن به آن، روش مشرکان نخستین است که گفتند:

﴿...إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَرِهِمْ مُّقْتَدُونَ ﴿۲۳﴾﴾ [الزخرف: ۲۳].

«ما پدرانمان را بر راه و روشی یافته‌ایم و ما بر اثر آنان ره می‌پیماییم».

آنان ندانسته‌اند که شرک در واقع خطرناک‌ترین عامل نابودی و گمراهی و ویرانگری است:

﴿وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكَ لَئِن أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿۶۵﴾ بَلِ اللَّهُ فَاعْبُدْ...﴾ [الزمر: ۶۵-۶۶].

«و به تو و به کسانی که پیش از تو بودند وحی نمودیم که اگر شرک بورزی بطور قطع عمل تو ساقط خواهد شد و از زیانکاران خواهی بود (۶۵) بلکه الله را عبادت کن...».

کلمه‌ی شهادتین «لا إله إلا الله، محمد رسول الله» است که به معنای طاعت رسول الله صلی الله علیه وسلم در اوامر و نواهی وی است و اقرار به این است که حق قانون‌گذاری

در عقاید و عبادات تنها از آن الله پروردگار جهانیان است و هیچ مجالی برای نوآوری در دین وجود ندارد بلکه نوآوری و بدعت در دین راهی است به سوی شرک. خداوند عزوجل می‌فرماید:

﴿أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ...﴾ [الشوری: ۲۱].

«یا شاید آنان شریکانی دارند که دینی برای آنان بنیان نهاده‌اند که الله بدان اجازه نداده است...».

پس از کلمه‌ی توحید نمازهای پنجگانه قرار دارند که پنج نمازند که در روز و شب به جای آورده شده و برای شخص مکلف ترک آن جایز نمی‌باشد... اگر امت خواهان پیروزی و موفقیت است باید رابطه‌ی خود را با پروردگارش در نمازهای پنجگانه مورد محاسبه قرار دهد که این نمازها علاوه بر آنکه ستون دینند، پاک کننده گناهان نیز می‌باشند

﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَرُفَا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾ [هود: ۱۱۴].

«و نماز را در دو سوی روز و در اوائل شب به پا دار. همانا خوبی‌ها، بدی‌ها را از بین خواهد برد...».

همچنین زکات رکنی از ارکان اسلام و پاک‌کننده مسلمانان است:

﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا...﴾ [التوبة: ۱۰۳].

«از اموال آنان صدقه بگیر تا آنان را به واسطه‌ی آن پاک و پاکیزه سازی...».

پس از آن روزه‌ی رمضان می‌آید که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم درباره‌ی آن می‌فرماید: «هر که رمضان را از روی ایمان و احتساب روزه گیرد گناهان گذشته‌اش آمرزیده خواهد شد» [متفق علیه].

اما در مورد حج همین کافی است که شخص حاجی از آن به مانند روزی که از مادرش زاده شده است پاک باز می‌گردد. [صحیحین]

دیدید چگونه ارکان بزرگ اسلام پاک کننده‌ی گناهان است؟ این ارکان با عظمت و اهمیتی که دارند شایسته فرد مومن است که خود را در مورد آن‌ها مورد محاسبه قرار دهد

تا آنکه حال و روزش نیک شده و اشتباهات و نقص‌ها را بیابد و اشکالات را اصلاح نموده و از گناهان توبه کند زیرا او وقت رسیدن اجل را نمی‌داند.

چه کسانی که در این سال مرگ آنان را از میان برد و چه تغییراتی که در دنیا رخ داد و پایان همه چیز به سوی زوال است:

﴿وَأَنْتُمْ يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿۲۸۱﴾﴾

[البقرة: ۲۸۱].

«و از روزی بترسید که در آن بسوی الله بازخواهید گشت سپس هر کس آنچه را انجام داده بازخواهد یافت و به آنان ستم نخواهد شد».

و در پایان درود و سلام فرستید بر رحمت هدایتگر و آن نعمت خداوندی، محمد بن عبدالله، رسول و برگزیده‌ی خداوند... خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد همانگونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی و بر محمد و آل محمد برکت ارزانی دار همانگونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم ارزانی داشتی که تو بسیار ستوده شده و باعظمتی.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام را عزت ده و مسلمانان را پیروز بگردان و شکر و مشرکان را خوار گردان و دشمنان دین را نابود گردان و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امن و امان بدار.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن بدار و مسئولان ما و والیان امر ما را صالح گردان و مسئولیت ما را در دست کسانی قرار ده که تقوای تو را داشته و در پی رضایت تو باشند.

خداوندا آنان را که دینت را یاری می‌دهند یاری ده و طاغیان و ملحدان و فاسدان را خوار گردان. خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومنت را یاری ده. خداوندا مجاهدان در راهت را در فلسطین و در همه جای دنیا یاری ده. خداوندا محاصره‌ی آنان را در هم شکن و جان‌های آنان را حفظ نما و آنان را در امن و امان بدار و بر دشمنانشان پیروز گردان...

خداوندا غم و غصه‌ی غصه‌داران مسلمان را از بین برده و سختی سختی دیدگان را رفع نما و بند اسیران را بگشا و وام وام‌داران را ادا کن و با رحمت خویش بیماران ما و بیماران مسلمانان را شفا ده.

خداوندا ما به خود ستم نمودیم و اگر تو ما را مورد مغفرت و رحمت قرار ندهی از زیانکاران خواهیم بود... خداوندا تویی آن خداوندی که معبودی به حق جز تو نیست، تو بی‌نیازی و ما فقیریم... باران را بر ما ببار و ما را از مایوسان مگردان... خداوندا ما را باران عطا نما، خداوندا ما را باران عطا نما و ما را بارانی گوارا و خوش و پی در پی و فراگیر و سودمند و بی‌زیان عطا کن که بندگان را سیراب گرداند...

خداوندا آن را باران رحمت بگردان نه باران عذاب و نابودی و ویرانی و غرق... خداوندا ما از تو آمرزش می‌خواهیم که تو بسیار آمرزنده‌ای پس آسمان را بر ما بباران. خداوندا ما بنده‌ای از بندگان توایم پس با گناهان ما فضل خود را از ما دریغ مدار. خداوندا حاجیان و زائران را حفظ نما و آنان را به سلامت و با دست پر به سرزمین‌هایشان بازگردان و از ما و آنان بپذیر ای صاحب جلال و برگواری... پروردگارا از ما بپذیر که تو شنوا و دانایی و از ما توبه پذیر که تو بسیار توبه‌پذیر و مهربانی. پاک و بی‌عیب است پروردگار تو، آن پروردگار عزت و بزرگی از آنچه مشرکان به دروغ وی را وصف می‌نمایند و سلام بر پیامبران و الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

هجرت نبوی

خطیب: شیخ اسامه خیاط

مسجد الحرام: جمعه ۲۸ ذوالحجّة ۱۴۲۹ برابر با ۶ دی ۱۳۸۷

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است، او را حمد می‌گوییم و از او آمرزش می‌خواهیم و از بدی‌های نفسمان و از اعمال ناشایست به او پناه می‌بریم. هرآنکه الله او را هدایت نماید، گمراه‌کننده‌ای نخواهد داشت و آنکه الله او را گمراه سازد هیچ هدایتگری نخواهد یافت. و گواهی می‌دهم که معبودی به حق جز الله نیست و محمد بنده و پیامبر اوست. بارالها بر بنده و پیامبرت محمد، و بر آل و اصحاب وی درود بفرست.

اما بعد...

ای بندگان الله تقوای وی را پیشه سازید و بیاد داشته باشید که در برابر او برای حساب خواهید ایستاد، پس برای آن خود را آماده سازید و زندگی دنیا با لذت‌ها و بیهودگی‌ها و زیبایی‌های خود شما را فریب ندهد و شیطان فریبگر شما را نفریبد.

ای مسلمانان!

عبرت گرفتن از حوادث تاریخ و گذشت ایام با توقف برابزش و اندیشه و تامل در آن و با برگرفتن درس‌ها و پندها و فراگرفتن درس‌ها و اندرزهایش روش صاحبان عقل و خرد است که خواندن تاریخ وسیله‌ای برای لذت و همنشینی با دوستان و پر کردن وقت خود نمی‌دانند.

آنان اگرچه این روش را همیشه در هنگام مطالعه تاریخ در پیش می‌گیرند، با این وجود در هنگام خواندن تاریخ سرور فرزندان آدم - صلی الله علیه وسلم - که در سیرت وی موجود است، بیشتر بر این روش تاکید می‌کنند.

سیره‌ای که مملو از حوادث و اخبار و وقایعی است که گنجی است از درس‌های سودمند و اندوخته‌ای است بزرگ از فواید که شایسته نیست از آن غافل ماند و به چیزهایی مشغول گشت که هرگز در ارزش و مکانت به آن نمی‌رسند.

از گرامی‌ترین حوادث سیره‌ی نبوی و پربرترین آن از نظر معنا و فایده، هجرت شریف پیامبر از مکه به مدینه است... آن هجرت که مسیر تاریخ را تغییر داد و دارای بزرگ‌ترین تاثیر در برپایی جامعه‌ی اسلامی و بنای دولت اسلامی بود. آن هنگام که کفار

قریش به انواع روش‌ها میان پیامبر هدایت - صلی الله علیه وآله وسلم - و تبلیغ رسالتش ایستادند و با آن به مبارزه برخاستند و سعی در جلوگیری از گسترش آن کردند. گاه با ایجاد تشکیک در کتاب خدا و ایجاد سروصدا براثر بر دیگران انگونه که خداوند عزوجل می‌فرماید: «و کافران گفتند: به این قرآن گوش فراندهید و - در هنگام قرائت - آن به بیهودگویی پردازید تا آنکه پیروز شوید» [فصلت: ۲۶].

و گاه با پناه بردن به روش مسخره‌گری و اشاره‌ی چشم و ابرو که اینگونه روش‌ها همیشه و همه جا از روش مجرمان بوده است. خداوند متعال می‌فرماید: «کسانی که گناه می‌کردند آنان را که ایمان آورده بودند به ریشخند می‌گرفتند. و چون بر ایشان می‌گذشتند اشاره چشم و ابرو با هم رد و بدل می‌کردند و هنگامی که نزد خانواده‌های خود باز می‌گشتند به شوخ‌طبعی می‌پرداختند. و چون مؤمنان را می‌دیدند می‌گفتند این‌ها گروهی گمراهند. و حال آنکه آنان برای بازرسی شان فرستاده نشده بودند»

[المطففین: ۲۹-۳۳].

و گاهی نیز با اعمال انواع اذیت و آزار و شکنجه علیه مومنان صابری که برای اجر الهی بر این آزارها صبر پیشه می‌کردند... تا آنکه این آزارها به جایی رسید که مومنان دست بسوی پروردگار دراز کرده و آنگونه که پروردگار می‌گوید چنین تضرع نمودند: «چرا شما در راه الله و در راه نجات مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید. همانان که می‌گویند پروردگارا ما را از این شهری که مردمش ستم‌پیشه‌اند بیرون ببر و از جانب خود برای ما سرپرستی قرار ده و از نزد خویش یآوری برای ما تعیین فرما» [النساء: ۷۵].

پایان این جنگ علنی علیه مومنان تصمیمی بود که آن مشرکان تکذیب‌کننده‌ی آیات خداوند و رسولش گرفتند و پس از مشورت با یکدیگر به ای نتیجه رسیدند که رسول خداوند - صلی الله علیه وآله وسلم - به دست گروهی که افرادش از قبائل مشترک باشد به قتل برسد، تا آنکه این دین در همان آغاز خود در نطفه خفه شده و پایان یابد.

«و [یاد کن] هنگامی را که کافران درباره تو نیرنگ می‌کردند تا تو را به بند کشند یا به قتل رسانند یا [از مکه] اخراج کنند و نیرنگ می‌زدند و الله تدبیر می‌کرد و الله بهترین تدبیرکنندگان است» [الأنفال: ۳۰].

آن هنگام خداوند، پیامبرش را از آنچه کفار تدبیر نموده بودند آگاه نمود و برای آنکه نیرنگشان را نابود سازد او را امر نمود که خانه‌اش را ترک کند.

و پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - در حالی که در حفظ و عنایت الهی بود از میانشان خارج شد و به همراه یار صدیقش «ابوبکر» رضی الله عنه با گام‌هایی استوار و مطمئن از عنایت الهی و پیروزی و تاییدش به سوی غار حرکت کرد...

شیخین بخاری و مسلم در صحیح خود از انس بن مالک از ابی‌بکر صدیق روایت نموده‌اند که گفت: «به پیامبر - در حالی که در غار بودم - گفتم: اگر یکی از آنان به زیر پایش نگاه کند ما را خواهد دید». پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - فرمود: «ای ابوبکر! چه گمان می‌کنی یه دو نفری که خداوند سومینشان است».

و اینگونه خداوند درباره‌ی آنها قرآنی فر فرستاد که تا قیامت خوانده می‌شود: «اگر او [پیامبر] را یاری نکنید قطعاً الله او را یاری کرد هنگامی که کسانی که کفر ورزیدند او را بیرون کردند و او نفر دوم از دو تن بود آنگاه که در غار [ثور] بودند وقتی به همراه خود می‌گفت اندوه مدار که الله با ماست پس الله آرامش خود را بر او فرو فرستاد و او را با سپاهسانی که آنها را نمی‌دیدند یاری کرد و کلمه کسانی را که کفر ورزیدند پست‌تر گردانید و کلمه الله است که برتر است و الله شکست‌ناپذیر حکیم است» [التوبة: ۴۰].

در این آیه همانگونه که اهل علم می‌گویند، خداوند همه‌ی مومنان را جز ابوبکر صدیق مورد عتاب قرار می‌دهد. ابوبکری که پیامبر خدا را در هیچ صحنه‌ای از صحنه‌های سخت ترک نکرد و عزمش در سخت‌ترین شرایط نیز سست نگردید. خداوند خطاب به مومنان می‌فرماید که ای مومنان: اگر پیامبر خدا را یاری ندهید، آن پیامبری را که با یاری‌اش در واقع با آن دینی را که خداوند به آن شما را از تاریکی‌ها خارج ساخته یاری داده‌اید، این پیامبر هیچ نیازی به شما و یاری شما ندارد زیرا خداوند متعال از آنگاه که

نور وی بر تاریکی زندگی تابیدن گرفت وی را در رعایت خود داشته و او را با فضل خود تربیت نموده و در زیر چشمان خود او را امین و راستگو و آراسته به زیباترین رفتارها و بهترین مکارم، بار آورده است. تا آنکه بر وی منت نهاد و او را به عنوان رحمتی برای جهانیان و رسولی بسوی تمام انسان‌ها برگزید.

پس وی مردم را به آنچه به آنان زندگی می‌بخشد دعوت کرد اما آنان از او رویگردانی کردند و به هدایت و نوری که آورده بود پشت نمودند و وی را تکذیب کرده و به مسخره گرفتند و گفتند: «... آیا این است که خداوند به عنوان پیامبر برگزیده؟» [الفرقان: ۴۱] و بر دشمنی با وی و سنگ‌اندازی در راه او و رسالتش با یکدیگر توافق کردند و دشمن وی شدند. دشمنانی که علیه وی مکر ورزیده و برای کشتن وی توطئه نمودند ولی خداوند پیامبرش را پیروز گردانید و نیرنگشان را باطل نمود و توطئه‌شان را به خودشان برگرداند و خداوند پیامبرش را با نیرو و اقتدار خود و با سربازانی از آفریدگانش نیرو بخشید و او را با قدرت و قهر خود بر دشمنانش پیروز ساخت و در آن روز که در سخت‌ترین لحظه‌ها و تنگ‌ترین حالات قرار داشت و درحالی که کسی جز دوستش ابی‌بکر صدیق همراه او نبود و به غار پناه برده بودند، عزت و بزرگی بخشید.

همه‌ی این‌ها ای بندگان خداوند از عظمت صنع خداوندی و تقدیر حکیمانه‌ی وی بود تا آنکه کلمه‌توحید یعنی لاله‌الا الله بلند گردد و تا آنکه شرک و اهلش در پایین‌ترین درجات پستی قرار گیرند. این قضای حق الهی است که هیچ جلوگیری ندارد و حکم عدلی است که کسی بر آن حق اعتراض ندارد و وعده‌ای است که خلاف آن نمی‌شود: «او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند هر چند مشرکان خوش نداشته باشند» [التوبة: ۳۳].

بر این اساس مشخص می‌شود که هجرت یک فرار نبود. بلکه یک پیروزی بود و یک آشکارسازی بود برای دین خداوند و عزت و سربلندی برای پیامبرش و برای مومنان. عوامل و اسبابی که در درون پیامبر گذشت - آنگونه که برخی از علما می‌گویند - برای این دعوت حتمی و لازم است. این‌ها اسباب و عواملی است خاص برای مصلحت

دعوت اسلامی که برای جستجوی فضایی باز برای پیش بردن رسالت لازم می‌نمود. برای یافتن فضایی آزاد برای خواستگاه دعوتی جهانی تا بتواند به اهداف اصلاحی روحی و مادی خود دست یابد. و نیاز به عوامل اجتماعی داشت که به رشد جامعه اسلامی برمی‌گردد. جامعه‌ای که در خواستگاه جدید دعوت و در آغوش رسالتی جاودانی پرورش یابد.

و برای محافظت از عناصر به وجود آمدن این جامعه در چارچوب ضوابط و مقرراتی قوی که از طبیعت این دعوت شکل گرفته است.

و همچنین عوامل اقتصادی که بنیان این جامعه‌ی تازه‌شکل یافته در مدینه را محافظت کرده تا آنکه رشد نموده و استحکام یافته و در زندگی عملی برای تشکیل یک بنای اقتصادی که براساس آنچه در این رسالت جدید آمده است یعنی دستور به کار و تشویق آن و عدالت در معامله و بخشش مال در راه دعوت و فراهم نمودن زندگی بزرگوارانه برای افراد و گروه‌ها. و همچنین آماده سازی وسائل مناسب برای ارشاد هماهنگ جامعه... پس ای بندگان خداوند... تقوای وی را در پیش گیرید و تلاش کنید که خاطره‌ی هجرت شریف و معانی بلند آن برایتان بهترین زاد و توشه در راه حرکت در راه استحکام پایه‌های زندگی اسلامی پاک باشد، براساس هدایت خداوند و برای به دست آوردن رضایت او و برای آبادسازی زمین با کلمه الهی...

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

﴿وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ ﴿١٧١﴾ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ ﴿١٧٢﴾ وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ

الْغَلِيْبُونَ ﴿١٧٣﴾﴾ [الصافات: ۱۷۱-۱۷۳].

«و قطعاً فرمان ما درباره بندگان فرستاده ما از پیش [چنین] رفته است که آنان حتماً پیروز خواهند شد. و سپاه ما قطعاً غالبند».

خداوند من و شما را بوسیله‌ی کتاب و سنت پیامبرش مورد نفع قرار دهد. این سختم را می‌گویم و از الله بزرگوار برای خود و شما و دیگر مسلمانان از همه‌ی گناهان آمرزش می‌خواهم. او غفور و رحیم است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله، یاور نیکوکاران؛ او را حمد می‌گویم و گواهی می‌دهم که خدایی برحق جز او نیست به تنهایی که شریکی ندارد... بنده‌اش را پیروز گرداند و سربازانش را عزت بخشید و شکست را بر کافران دروغ‌انگار تحمیل کرد و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد بنده و پیامبرسان او و امام مهاجران و سرور فرزندان آدم است. بارالها! بر بنده و پیامبرت محمد و بر آل و اصحاب و تابعین و دنباله‌روان آنان تا روز قیامت درود و سلام بفرست.

اما بعد... ای بندگان پروردگارا! بزرگی و مکانت بلند دعوت و منزلت آن همانا برای آن است که کلمه‌ی الله بلند گردد. زیرا دعوت راهی است برای یاری دین خداوند و طریقی ست برای عبادت او و فرمانبرداری‌اش و گردن نهادن به امر و نهی وی و این بی‌تردید ما را به یاد هجرتی دیگر می‌اندازد و آن هجرت قلب به سوی خداوند و رسولش است که این اصل و اساس هجرت است و بدن نیز تابع قلب است.

این هجرت قلب دو هجرت دیگر را در بر دارد. ترک آنچه خداوند دوست می‌دارد و انجام آنچه خداوند دوست دارد و از آن خشنود می‌شود.

بر همین اساس در حدیثی که بخاری در صحیح خود از عبدالله بن عمرو بن عاص - روایت نموده است آمده که سول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «مسلمان آن است که مسلمانان از دست و زبانش در امان باشند و مهاجر آن کسی است که آنچه خداوند از آن بازداشته است را ترک گوید» زیرا مهاجر از یک چیز به چیز دیگر باید آنچه به سوی هجرت کرده است برایش محبوب‌تر از آن چیزی باشد که از آن هجرت کرده است و وی آنچه را بیشتر دوست دارد بر آنچه کمتر دوست دارد ترجیح می‌دهد.

اگر نفس انسان و هوای درونش و شیطان او را به سوی خلاف خشنودی خداوند و آنچه دوست دارد می‌برد و دعوتگر ایمان او را بسوی خداوند راهنمایی می‌کند، باید بنده در هر لحظه و هر وقت بسوی خداوند هجرت کند و این هجرت را تا لحظه‌ی مرگ ترک نکند.

پس ای بندگان الله تقوای وی را در پیش گیرید و همیشه و در هر حال و در همه‌ی مراحل زندگی بسوی الله و رسولش هجرت کنید تا زندگی‌تان نیک گردد و رضایت خداوند را به دست آورید.

و همیشه بیاد داشته باشید که خداوند شما را به درود و سلام بر خاتم پیامبران و امام مرسلین و رحمت بر جهانیان دستور داده است. خداوند متعال در کتاب مبینش می‌فرماید: «الله و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود و سلام بفرستید» [الأحزاب: ۵۶].

بارالها بر بنده و پیامبرت محمد درود بفرست و از خلفای چهارگانه‌ای بکر و عمر و عثمان و علی خشنود و دیگر اهل بیت و اصحاب و تابعین و کسانی که تا روز قیامت از آنان به نیکی پیروی نمایند و از ما با عفو و کرم و احسانت راضی باش. ای کریم‌ترین کریمان!

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت بخش. خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت بخش. خداوندا اسلام و مسلمانان را حفظ نما و دشمنان دین و دیگر گردنکشان و مفسدان را از بین ببر و بین قلب‌های مسلمانان الفت ده و صف‌هایشان را یکی گردان و رهبرانشان را اصلاح گردان و کلمه‌ی آنان را بر حق یکی گردان. ای پروردگار جهانیان!

بارالها! دینت و کتابت و سنت پیامبرت محمد - صلی الله علیه و آله وسلم - و بندگان مومن مجاهدت را یاری ده. و ما را در سرزمین‌هایمان در امن و امان نگهدار و رهبران و مسئولان ما را صالح گردان...

خداوندا! از تو می‌خواهیم که ما را از شر دشمنانت و دشمنان ما به هر روشی که اراده می‌کنی حفظ کنی. خداوندا! از تو می‌خواهیم که ما را از شر دشمنانت و دشمنان ما به هر روشی که اراده می‌کنی حفظ کنی. خداوندا! از تو می‌خواهیم که ما را از شر دشمنانت و دشمنان ما به هر روشی که اراده می‌کنی حفظ کنی. خدایا ما به تو در برابر دشمنان تو و دشمنانمان رجوع می‌کنیم و از بدی‌هایشان به تو پناه می‌بریم.

خدایا این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را برخوردار از خیر و سالم از هر بدی بگردان ای پروردگار جهانیان.

خدایا عاقبت ما را در همه‌ی امور به خیر بگردان و ما را از خاری دنیا و عذاب آخرت نجات ده. خدایا دین ما را که حافظ امر ماست و دنیای ما را که زندگیمان در آن است و آخرت ما را که بازگشت ما به آن است اصلاح گردان و زدگی را برای ما باعث زیادی در همه‌ی خیرات و مرگ را برای ما راحتی از همه‌ی بدی‌ها بگردان. خدایا عاقبت ما را در همه‌ی زمینه‌ها اصلاح گردان و ما را از خاری دنیا و عذاب آخرت حفظ گردان. خداوندا! ما به تو از زوال نعمت و برگشت سلامت و خشمیت ناگهانی تو و هر آنچه باعث نارضایتی تو گردد پناه می‌بریم.

الها! بیماران ما را شفا عنایت کن و رفتگان ما را مورد رحمت قرار بده و ما را به آن آرزوهایی که مورد رضایت توس برسان و با اعمال نیک پرونده‌ی اعمالمان را پایان بخش و ما را به کمی دچار نکن و ما را عطا کن و محروم نساز و گرمی بدار و بی‌ارزش مگردان و ما را بر دیگران ترجیح ده و دیگران را بر ما ترجیح مده. پروردگارا! ما به خود ستم نمودیم و اگر تو را مورد مغفرت قرار ندهی و رحمتت را بر ما نگسترانی از زیانکاران خواهیم بود. پروردگارا! برای ما در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش دوزخ حفظ کن. و درود و سلام خداوند بر بنده و پیامبرش محمد و بر اهل بیت و اصحابش.

عنوان خطبه:

نگاهی به حوادث غزه

خطیب: دکتر عبدالرحمن سدیس

مسجد الحرام: جمعه ۵ محرم ۱۴۳۰ برابر با ۱۳ دی ۱۳۸۷

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن خداوند است که به همه‌ی صفات بلندی و بزرگی و قدرت و کمال متصف است. او را ستایش می‌گویم که او راست ستایش همیشگی و شکر بسیار بر نعمت‌هایی که پی در پی عنایت می‌کند. چه پروردگار با عزت و جلالی است و چه خداوند بزرگ مرتبه‌ای است. و شهادت می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنهاست و شریکی ندارد، شهادتی که در تاریکی‌های شب نوری است تابان و در برابر لشکر نومیدی سدی است سنگین. و گواهی می‌دهم که پیامبر و سرور ما محمد بنده و رسول اوست که برای تمام بشریت الگو و پیشوا است، پس ای پروردگار شامگاهان و بامدادان براو درود و سلام بفرست، درودی که پایانی نداشته باشد و همچنین بر اهل بیت و اصحاب وی که در مکارم و فضایل پیشروند؛ آنانی که در به دست آوردن افتخارات به جایی دست یافتند، دست نیافتنی.

و درود و سلام بفرست بر تابعین و بر کسانی که از آنان به نیکی پیروی نمودند و آرزوی دست یافتن به فضل الهی و بهشت او را دارند.

اما بعد... ای بندگان خداوند! خود و شما را به تقوای خداوند عزوجل سفارش می‌کنم پس تقوای او را پیشه سازید و تلاش کنید تا در شروع این سال جدید کم کاریها و اشتباهات گذشته را جبران نمایید و سعی کنید با طاعات و نیکی‌ها، اشکالات را پیش از پایان فرصت، جبران نمایید.

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را آنگونه که حق تقوای وی است رعایت کنید و نمیرید مگر در آن حال که مسلمانی» [آل عمران: ۱۰۲].

ای مومنان... روز و شب در حال گذر است. و دورن‌ها در پی هم می‌آیند و سال‌ها می‌گذرند... در این گذر ایام، ملت‌هایی سختی می‌کشند و ملت‌هایی دیگر شادی می‌بینند. و این اراده و مشیت خداوند در خلقت است که آن را براساس حکمتی بزرگ اینگونه قرار داده است.

در آغاز این سال جدید، همچنان امت ما در گرو سختی‌ها و دردها و زخم هاست. دردهایی که قلب را به درد می‌آورد.

این واقعیت دردناک باعث شده بسیاری از مسلمانان دچار یاس شوند و در مسیر ورزش بادهای ناامیدی قرار گیرند. تا آنجا که از آن‌ها جز سخن ناامیدی چیزی نمی‌شنوی و جز چهره‌های غمگین و گریان نمی‌بینی. آنگاه چون آن شاعر به خود می‌گویی:

هرآنکه رادیدم از زمانه‌ی خود شکایت می‌کرد کاش می‌دانستم پس این دنیای چه کسانی است؟
ای مسلمانان در این فضای فکری غبارآلود که بر بسیاری از مسلمانان و حتی بر تحلیل‌های پژوهشگران، مسلط شده است؛ لازم و ضروری است که نوع تفکر و نحوه‌ی اندیشه‌ی امت اصلاح گردیده و قضیه‌ی بسیار مهم دیگری را جایگزین آن کرده که آن فرهنگ امید و خوش بینی و کنار نهادن ناامیدی و بدبینی است.

برادران و خواهران ایمانی... هرکه به حقایق درون انسان و به نهان‌های وجودی وی آگاه باشد به راحتی به این پی خواهد برد که ناامیدی تاریکی و ظلمتی است که نور درونی انسان را خاموش کرده و افق امید را نابود کرده و نیرو و قدرت درون را از بین می‌برد و آن را طعمه‌ی نابودی قرار می‌دهد.

شاعر می‌گوید:

تا به کی در نگرانی اسیر خواهی ماند؟ آیا ناامیدی از وجود تو رفتنی نیست؟
بدان که از دام شب رها نخواهی شد مگر آنکه امیدی تو را آزاد سازد
دلیل اصلی این یاس و نومیدی چیزی نیست جز کمبود علم و ضعف روح و غفلت از سنت‌های الهی. و همه‌ی این دردها در ضعف ساختار ایمانی خلاصه می‌شود. آری ای بندگان خداوند... ناامیدی از اصلاح و تغییر و رسیدن به سروری و بزرگی، رایی است خطا و روشی است ضدآسودگی در زندگی و بر همین اساس است که قرآن این صفت نازیبا و این ضدارزش را که باعث سستی و ضعف می‌شود، بد داشته و دارندگان این صفت را از زمره‌ی گمراهان دانسته است. خداوند می‌فرماید:

«و چه کسی از رحمت پروردگار مایوس می‌شود مگر گمراهان؟» [الحجر: ۵۶].

و باز خداوند متعال می‌فرماید:

«همانا از رحمت الله ناامید نمی‌شوند مگر گروه کافران» [یوسف: ۸۷].

و سوگند به خداوند که احساس ناامیدی در واقع نوعی سرکشی است از تسلیم در برابر حکمت خداوند لطیف و آگاه، و نوعی بدگمانی است نسبت به مولای نیکوی رحیم. و ای انسان ناامید تو چه می‌دانی شاید رحمت خداوند در همین ناخوشی باشد که به تو رسیده است و چه بسا خیر تو در از دست دادن آنچه باشد که دوست می‌داری. ای امت اسلام... آنانی که از بُعد عقیدتی و روحی و درونی و اخلاقی و فرهنگی و فکری دچار یاس و ناامیدی‌اند، زندگی زیبا و تابناک و رویایی را تنها به گونه‌ای تاریک و تار و آلوده به اشک‌های نومیدی می‌بینند. آنان زندگی زیبا را آمیخته به رنگ تنگی و اندوه و در مسیر ضعف و سستی به تماشا می‌نشینند، در حالی که لشکرهای یاس شکستشان داده و قافله‌های ناتوانی خسته شان نموده است و احساس شکست روحیه آنان را از هم دریده است.

آنان ناامیدی را خوب فراگرفته‌اند و نور خوش بینی و تشویق را خاموش کرده و به زندگی در حاشیه‌ی امت دل خوش کرده و از برداشتن بار مبارزه طلبی و ابداع و ادامه دادن راه رقابت سازنده و تلاش و مسئولیت که باعث انتشار خیر و نیکی و هدایت می‌شود، شانه خالی کرده‌اند.

اما ای نومیدان مایوس... به امت خود رحم کنید... ای ناامیدان بدبین... به خود رحم کنید! قلبی که آیات قرآن آن را در بر گرفته است و نسیم ایمان بر آن وزیده است و قلبی که به عظمت دین سر خم کرده و به حکمت باری تعالی پی برده و به هدایت سرور انسان‌ها - که درود و سلام خداوند بر او باد - راه نمون شده است، چنین قلبی ممکن نیست که به دست لشکر یاس و نومیدی، معانی بلند عزت و عظمت را ترک گوید یا اسیر ناتوانی و ضعف گردد... خداوند متعال می‌فرماید:

«و شما را آزمایش خواهیم کرد تا آنکه مجاهدان شما و صابرانان معلوم شوند و تا

آنکه اخبار شما را بیازماییم» [محمد: ۳۱].

ای امت پیروزی موعود! ای امت قهرمانی و مقاومت! اکنون دشمن گزافه‌گوی صهیونیست کینه‌توز با وحشیگری و جنایت پیشگی علیه برادرانمان در غزه‌ی مقاومت و

افتخار، دست به حمله‌ای وحشیانه و نسل کشی دست جمعی زده است و با دست کشیدن از کوچک‌ترین حس انسانی اقدام به کشتاری زشت و غیر انسانی نموده، بی‌آنکه حتی به پیران و کودکان و زنان رحم کند.

هولوکاست ترسناکی که نه حرمت مسجد را نگه می‌دارد و نه ارزشی برای مدارس و دانشگاه‌ها و بیمارستان‌ها و اماکن عمومی قائل می‌شود. و اینگونه تمام پیمان‌ها و معاهده‌های بین‌المللی را بدون کوچک‌ترین توجهی به دین و ارزش‌ها و بدون در نظر گرفتن اخلاق و وجدان به چالش طلبیده است.

اینجا ما حق خود می‌دانیم که چنین فریاد برآوریم که:

ما در برابر این سرکشی و تجاوز که از خطرناک‌ترین جنایت‌ها و فاجعه‌های انسانی معاصر به حساب می‌آید و در سایه‌ی سکوت بین‌المللی و جهانی، از این منبر مسجد الحرام، به اسم همه‌ی ملت‌های مسلمان و به اسم تمام خردمندان و شریفان انسانیت، خواهان توقف فوری تروریسم صهیونیستی هستیم و خواهیم که از طریق تریبون‌های بین‌المللی و هیئت‌ها و سازمان‌های جهانی این جنایت محکوم شده و کشتار و خونریزی علیه مسلمانان در سرزمین معراج هر چه سریعتر متوقف شود.

اما با وجود بزرگی این حادثه و با وجود آنکه این جنایت در تمام مقایسه، از بزرگ‌ترین جنایت‌های معاصر به حساب می‌آید، باز هم با خوش بینی به نزدیکی پیروزی، جز این نمی‌گوییم که «خداوند برای ما کافیست و او بهترین پشتیبان است و او یاور ماست، چه نیک یآوری است او و چه نیک یاری رسانی است».

کما اینکه بر کشورهای اسلامی - حاکمان و مردم - لازم است که برای یاری برادرانشان در سرزمین مبارک فلسطین با تمام روش‌های حمایت و یاری و همدردی به پا خیزند و برای یاری برادران مستضعفان و کمک به قضیه‌ی اقصی و فلسطین متحد شوند و برای برطرف شدن این حالت به دعا و تضرع به درگاه الهی روی بیاورند.

پس ای برادران ایمانی و ای امت خوش بینی... ای برادران مقاوم در غزه... مزده دهید به یاری و پیروزی و عزت... بر شما باد در پیش گرفتن راه صبر و پایداری و وحدت و

همکاری و برحذر باشید از درگیری و تفرقه و بدانید که با وجود این طوفان بنیان کن سنگین باز امید داریم که بعد از سختی فرج بیاید و پس از سختی آسانی در پیش باشد و این شب تاریک صبحی روشن در پی داشته باشد. از دردهاست که آرزوها به ثمر می‌رسد و این شکست هاست که پیروزی را در پی دارند... پس ای اهل غزه صبر پیشه کنید که به اذن خداوند فردا روز پیروزی و سربلندی و افتخار خواهد بود.

دوستان گرمی... در حالات سختی و ناامیدی هیچ چیز به اندازه‌ی پناه بردن به خوشبینی و امید و بشارت موثر نیست و این روش رسول خداوند صلی الله علیه و آله و سلم است. از انس رضی الله عنه رویت است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «فال نیک را دوست دارم» گفتند: فال نیک چیست؟ فرمود: «فال نیک کلمه‌ی نیکو است» [به روایت شیخین بخاری و مسلم].

و رسول خداوند صلی الله علیه و سلم که پدر و مادرم فدایش باد این روش را در واقع محسوس و در بدترین و سخت‌ترین شرایط، در بدر و احد و احزاب و دیگر موقعیت‌ها، پیاده و عملی نمود. وی بارها در بدترین شرایط با امید و خوش بینی چنین می‌فرمود: «امر این دین تا جایی که شب و روز برسد، خواهد رسید و خداوند هیچ خانه‌ی گلی و پشمی را نخواهد گذاشت مگر اینکه این دین وارد آن شود. با عزت یافتن عزیز و با خوار و ذلیل شدن ذلیل. عزتی که خداوند نصیب اسلام می‌کند و با ذلتی که نصیب کفار خواهد شد» [به روایت امام احمد و حاکم به سند صحیح].

پس ای مسلمانان و ای زخم خورده‌ها! خوش بینی چراغی است در ناشناخته‌های زندگی و صبحی است روشن در تاریکی‌های سختی‌ها. و آیا می‌شود از منهج و روش انبیا که برگزیده‌ی انسان‌ها هستند غافل شد؟ انبیایی که سخت‌ترین سختی‌ها را متحمل شدند ولی با این وجود رسالت خود را رساندند و هدایت الهی را منتشر کردند تا آنکه پیروزی و قدرت را به دست آوردند و این نبود جز با خوش بینی و امید و صبر و یقین به خداوند متعال. و آیا نوابغ تاریخ و و بزرگان انسانیت جز از طریق خوش بینی و امید به این عظمت و بزرگی دست یافته‌اند؟

ای امت امید و خوش بینی! امید و نگاه امیدوارانه نور چشمان است و بوی خوش گل‌های توکل است. همانا با نگاه زیبا روح مسلمانان با عزیمت و پایداری زنده شده و به کمال و بلندی، عشق پیدا می‌کند. روح بشری با امید به وعده‌ی خداوند پاینده می‌ماند و برای رسیدن به قله‌های افتخار بی‌تابی می‌کند.

بر این اساس است که اعتماد بر امید و خوشبینی باعث قدرت گرفتن عزیمت و اراده می‌گردد.

پس چه زیباست آن زندگی که شریعت آسمانی آن را شکل داده و عزت و مردانگی آن را پایدار می‌کند.

با این احساس خوشبینانه‌ی جای گرفته در وجود و شکل گرفته در صفحات زندگی است که انسان مسلمان لباس یأس را از تن به در می‌کند و جامه‌ی ناامیدی را به اذن خداوند پاره کرده و دور می‌اندازد.

ای آنکه غم شکست او را به زمین کشانده است... خوش بین باش تا نیکویی را بیابی و ای آنکه سختی و مصیبت دیده‌ای، امید نیکی کن تا نیکی به دست آوری و ای آنکه مصیبت‌ها و ناخوشی‌ها به تو رسیده است، مژده بده که پیروزی با صبر است و گشایش با سختی و همانا با ناخوشی آسانی است، اما این، نیاز به کار و تلاش در سایه‌ی شعله‌ی شمع دارد و تنها بسنده کردن به ناسزا گفتن به تاریکی و اشک ریختن کافی نیست.

برادران و خواهران عقیده! همیشه این را در نظر داشته باشیم که امید و خوش بینی در واقع اصطلاحاتی هستند شرعی که دارای تاثیر و اعتبار می‌باشند و اگر جز این باشد، این کلمات چیزی نخواهند بود جز اوهام و خواب‌هایی بی‌ارزش. و تا اینکه این احساس، آلوده‌ی تنبلی و رکود و توکل نشود [باید براساس حقیقت شرعی خود به آن نگاه شود] و حقیقت امید آن است که عمل قلب با عمل اعضا در هم آمیخته شود و این است منهج صحیحی که با آن شعله‌ی اراده و امید روشن شده و عزیمت را قوی می‌گرداند. و همین است امید واقعی که غیوران امت و رهبران تفکر و اندیشه و صاحب نظران و اندیشمندان و مردان رسانه از آن بهره می‌گیرند...

بیاید همگی با هم با وجود سختی شرایط موجود و با وجود دردهایی که هست برای احیای منهج خوش بینی و امید در امت تلاش کنیم و سعی در از بین بردن یأس و نومیدی نماییم تا به اذن خداوند بتوانیم پیروزی را برای امت خویش محقق سازیم.

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم

«آیا پنداشتید که داخل بهشت می‌شوید و حال آنکه هنوز مانند آنچه بر [سر] پیشینیان شما آمد بر [سر] شما نیامده است آنان دچار سختی و زیان شدند و به [هول و] تکان درآمدند تا جایی که پیامبر [خدا] و کسانی که با وی ایمان آورده بودند گفتند پیروزی خدا کی خواهد بود هوش دارید که پیروزی خدا نزدیک است» [البقرة: ۲۱۴].

آری! آگاه باشید که پیروی خداوند نزدیک! آگاه باشید که پیروزی خداوند نزدیک است!

خداوند من و شما را با برکات قرآن و سنت مورد خیر و برکت قرار دهد و من و شما را با آنچه از آیات و حکمت در آن است مورد نفع قرار دهد. این را می‌گویم و برای خود و شما و همه‌ی مسلمانان از خداوند بلندمرتبه از همه‌ی گناهان آمرزش می‌خواهم. پس از او آمرزش بخواهید و بسوی او برگردید که او شکیبیا و بخشنده است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن خداوندی است که یاور هر امیدواری است که در پی فرج است، و شهادت می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که شریکی ندارد، شهادتی عطرآگین و گواهی می‌دهم که پیامبر ما محمد بنده‌ی خداوند و فرستاده‌ی اوست و بهترین کسی است که به خوش بینی و امید دعوت نموده است. درود خداوند بر وی و بر اهل بیت و یارانش و بر همه‌ی آنان که به نیکی از پیشینیان پیروی نمایند.

اما بعد...

ای بندگان خداوند تقوای وی را در پیش گیرید و هر اندازه که بحران‌ها فزونی یابد از در پیش گرفتن روش ناامیدی و یأس حذر کنید که عاقبت آن چیزی جز ضعف و شکست نخواهد بود.

ای امت مسلمان! آغاز سال هجری جدید با درس‌ها و عبرت و مبشراتی که هجرت نبوی دربر دارد برای دماندن روح بشارت و امید و برای آماده سازی نسل‌های مسلمان کافی است. درس‌هایی که به اذن خداوند امید و نیک بینی را برای اراده‌های محکم و سربلند فراهم خواهد نمود. اراده‌هایی که تنها وعده‌ی حق سبحانه و تعالی برای آنان کافی است آنجا که می‌فرماید:

«اگر خدا در دل‌های شما خیری سراغ داشته باشد بهتر از آنچه از شما گرفته شده به شما عطا می‌کند و بر شما می‌بخشاید و خدا آمرزنده مهربان است» [الأنفال: ۷۰].

و از جمله خوش بینی‌هایی که نسبت به روزهای آغازین این ماه - یعنی ماه محرم - می‌توان به آن اشاره نمود، محقق شدن پیروزی حق بر باطل و عدالت بر ستم است، هرچه این باطل و این ستم سرکشی و طغیان نماید. چنانکه خداوند متعال پیامبرش موسی علیه السلام و قوم وی را در دهم همین ماه بر فرعون و قومش پیروز ساخت و به همین خاطر پیامبر ما صلی الله علیه و سلم به شکرانه‌ی این پیروزی روز دهم محرم را روزه گرفت و با تبیین عظمت این روز و فضیلت آن به روزه‌ی آن دستور داده و فرمود: «بر خداوند اینگونه گمان می‌برم که روزه‌اش کفاره‌ی گناهان سال قبل آن خواهد بود» [به روایت امام مسلم از حدیث ابی قتاده رضی الله عنه].

بر همین اساس برای مسلمانان سنت است که با اقتدا به سنت مصطفی صلی الله علیه و سلم، این روز را روزه بگیرند و با به فال نیک گرفتن انجام عمل صالح در آغاز سال، چراغی روشن و منهجی عملی به کار برند و هر چه این پیروزی به تاخیر افتد باز هم به پیروزی اسلام و عزت مسلمانان خوش بین و امیدوار باشند.

«... و عزت از آن الله و رسولش و مومنان است...» [المنافقون: ۸].

و درود و سلام بفرستید بر سرور امیدواران و رحمت بر جهانیان پیامبر مصطفی و رسول مجتبی و حبیب مرتضی، همانگونه که مولای عزوجل ما را امر نموده و فرموده است:

«الله و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای مومنان بر او درود و سلام بفرستید» [الأحزاب: ۵۶].

خداوندا درود و سلام بفرست بر سرور پیشینیان و پسینیان و خاتم انبیاء، پیامبر ما محمد بن عبدالله و بر اهل بیت پاکش و بر صحابه و بر همسران پاکش مادران مومنان، و بر تابعین و بر آنانی که تا روز قیامت به نیکی از سیرت و روش پیشینیان پیروی نمایند و نیز بر ما، به رحمت خویش ای مهربان‌ترین مهربانان.

بارالها اسلام و مسلمانان را عزت بخش، بارالها اسلام و مسلمانان را عزت بخش، بارالها اسلام و مسلمانان را عزت بخش، بارالها اسلام و مسلمانان را عزت بخش، و کفر و کافران را خوار بگردان و دشمنان دین را نابود کن و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمانان را در امن و امان قرار ده.

بارالها ما را در سرزمین‌هایمان ایمن بگردان و مسئولان و سران ما را اصلاح بگردان. بارالها همه‌ی سران مسلمانان را برای حاکم گرداندن شریعت خود و پیروی از سنت پیامبرت - صلی الله علیه وسلم - موفق بگردان. خداوندا آنان را رحمتی برای بندگان مومن قرار ده. بارالها غم‌های مسلمانان را از بین ببر و غصه و سختی سختی دیدگان را برطرف نما و بیماران ما و بیماران مسلمانان را شفا ده و وام‌داران را ادا کن و به رحمت خود مردگان ما و مردگان مسلمانان را مور رحمت خود قرار ده.

خدایا! برادران مجاهد ما را که در راه تو و برای اعلای کلمه‌ی تو و عزت دین تو جهاد می‌کنند، یاری ده. خداوندا! آنان را هر جا که هستند یاری کن. خدایا تویی که به سوی تو استعانت می‌شود و گشایش از سوی توست و تنها به سوی تو شکایت برده می‌شود و هیچ نیرو و قدرتی نیست جز نیروی تو...

معبودی به حق نیست جز الله شکیبای بزرگ... معبودی به حق نیست جز الله، پروردگار عرش عظیم... معبودی به حق نیست جز الله، پروردگار آسمان‌ها و زمین و پروردگار عرش کریم...

خدایا! بارالها! عزتمندی تو، و بزرگ است ثنای تو، و مقدس است نامهای تو، و هیچ نیرو و قدرتی نیست جز از تو. تو برای ما کافی هستی و تو بهترین پشتوانه‌ای... بارالها مصیبت، بس بزرگ و عظیم است. و ترس، بسیار شدید، و موقعیت برادران مستضعف ما در فلسطین بس سخت و ناگوار است... خدایا تو یاور برادران ما در غزه باش... خدایا به آن‌ها پایداری و یاری و عزت عطا کن... خدایا به ضعف آنان رحم نما و شکستگی آنان را دوا کن و امر آنان را بر عهده بگیر...

خدایا! مردگان آنان را مورد رحمت قرار ده و بیمارانشان را شفا ده و اسرا و دربندان آنان را آزادی عطا کن و ترس را از آنان دور کن و آنان را بپوشان و گرسنه‌ی آنان را سیر گردان...

خدایا! آنان پابرنه‌اند... آنان بی‌لباسند... آنان را بپوشان... و گرسنه‌اند... آنان را غذا ده... و مظلومند... یاری شان ده... ای یاور مستضعفان و ای دوست مومنان! خدایا محاصره‌ی اقتصادی را از آنان بردار و بین آنان وحدت بوجود آور و کلمه شان را یکی بگردان و نشانه‌ی آنان را به سوی هدف قرار ده و از سوی خویش برای آنان فرج و پیروزی نزدیک مهیا گردان.

الها! ما به سوی تو ضعف آنان و کم ارزشی امر آنان برای دیگران را شکایت می‌بریم. ای یاور مستضعفان، خدایا ما امر صهیونیست‌ها را به تو می‌سپاریم. خدایا صهیونیست‌ها و یهودیان تجاوزگر غاصب را نابود گردان.. خدایا بر تو باد امر آنان که آنان قادر به ناتوانسازی تو نیستند. خدایا بر آنان خشم و عذاب خود را نازل ساز. ای اله به حق از شر آنان به تو پناه می‌بریم. خدایا آنان طغیان نمودند و سرکشی پیشه کردند و کشتند و در جنایت زیاده روی کردند... خدایا تو سلامت عطا کن و یاری ده... خدایا جمع آنان را متفرق کن و یکپارچگی‌شان را تکه تکه گردان و آنان را عبرتی برای دیگران و غنیمتی

برای مسلمانان قرار ده. خدایا از تجاوز آنان جلوگیری کن و حملاتشان را برگردان و نیرنگشان را از بین ببر و نقشه‌هایشان را باطل گردان...

خدایا! تدبیر و نیرنگ آنان را باطل کن و تلاششان را پوچ بگردان. خدایا آنان را نشانه و عبرتی برای دیگران قرار بده. ای عزیز! ای دارای بزرگی و اکرام. خدایا پرده‌های غم را از این امت برگیر. بارالها مسجد الاقصی را از رجس یهود تجاوزگر پاک ساز و آن مسجد را تا روز قیامت سربلند و عزیز بگردان... ای گشایش ما آنگاه که درها بسته شوند، همه‌ی امیدها جز از تو قطع گردیدند و از همه‌ی گمان‌ها ناامید شدیم مگر از گمان به کمک و لطف تو، و تنها اعتماد به تو برای ما باقی مانده است... ای زنده‌ی پایدار! به رحمت تو پناه برده و کمک می‌خواهیم. پس ما را برای یک چشم به هم زدن به خود وامگذار و امر ما را اصلاح بگردان.

خدایا از رحمت تو اصلاح احوال مسلمانان را خواهانیم و به سوی تو برای رفع ظلم از آسیب دیدگان و بینوایی از ناتوانان و رفع مصیبت از مستضعفان، دست دعا بلند می‌کنیم... ای مهربان‌ترین مهربانان!

پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و ما را از آتش دوزخ حفظ کن.

خدایا تویی آن الله که معبودی حقیقی نیست جز تو، تویی بی‌نیاز و ماییم نیازمند. بر ما باران نازل کن و ما را از ناامیدان مگردان... خدایا ما را باران عطا کن، خدایا ما را باران عطا کن، خدایا ما را باران عطا کن. خدایا قلب‌های ما را به ایمان و یقین و سرزمین‌های ما را با خیرات و باران فراگیر نعمت ده.

خدایا ما از تو آمرزش می‌خواهیم که تو آمرزشگری پس آسمان را بر ما بارانی بگردان... پرودگارا، از ما بپذیر که تو شنونده‌ی دانایی و بر ما توبه پذیر که تو بسیار توبه پذیر و مهربانی. و ما را و والدین ما و همه‌ی مسلمانان را مورد مغفرت خود قرار ده. خدایا ما را ناامید بازمگردان خدایا ما را ناامید بازمگردان خدایا ما را به رحمت و بزرگواری و بخشندگی‌ات نا امید بازمگردان ای گرامی‌ترین گرامیان و ای بخشنده‌ترین بخشندگان.

پاک و منزّه است پروردگار تو، پروردگار عزت و بزرگی از آنچه مشرکان به باطل و صفتش می‌کنند و سلام بر پیامبران و حمد و ستایش از آن الله، پروردگار جهانیان.

عنوان خطبه:

اسباب پیروزی و نگاهی به حوادث غزه

خطیب: دکتر سعود شریم

مسجد الحرام: ۱۳ محرم ۱۴۳۰ برابر با ۲۰ دی ۱۳۸۷

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن خداوند دوستدار ستوده شده است که کتاب را بر بنده‌اش نازل نمود و او دوستدار بندگان نیک است. ستایش در آغاز و در پایان از آن اوست و حکم به او تعلق دارد و بسوی او بازخواهید گشت.

و گواهی می‌دهم که معبودی حقیقی نیست جز او که تنهاست و شریکی ندارد و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر او، امام پیامبران و فرماندهی نمازگزاران پاک است.

او که ما را بر راه و روشی روشن باقی گذاشت، راهی که شبش چون روز، روشن و آشکار است و از این راه روشن کسی کج نمی‌رود جز هلاک شده گان.

دروود و سلام خداوند بر وی باد و بر اهل بیت پاکش و بر اصحاب و تابعین و همه‌ی کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی کنند.

اما بعد... ای مسلمانان! تقوای الله را پیشه سازید و بدانید که بهترین سخن، کلام خداوند است و بهترین هدایت، روش محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - است. و بدترین امور در دین، امور نوپیداست و هر نوپیدایی در امر دین، بدعت است. و بر شما باد پی گرفتن راه جماعت که دست خداوند با جماعت است و هرکه راه جدایی و تکروی در پیش گیرد، به تنهایی به آتش می‌رود.

ای مردم! اسلام بشریت را از جنبه‌ی روح و جسم و اندیشه و عاطفه به بلندا رسانیده و هرگر در گردن و در دست و پای وی قید و بند قرار نداده است. این دین هیچگاه پاکیزه‌ای را حرام نکرده و هیچگاه ناپاکی را مباح قرار نداده است. چنانکه اسلام انسان را چون تویی نگردانده که عوامل مختلف او را به بازی گرفته و در هر جهتی به حرکت دریاورند. بلکه خداوند انسان را با صراحت تمام مورد خطاب قرار داده است که:

«ای انسان! چه چیز تو را در مورد خداوند مغرور کرده است؟ [خدایی] که تو را آفرید و اندامت را درست کرد و تو را سامان بخشید و به هر صورتی که خواست ترکیب کرد» [الإنفطار: ۶-۸].

و همچنین فرموده است:

«ای انسان! به تحقیق که تو بسوی پروردگارت در حال تلاشی و او را ملاقات خواهی کرد» [الإنشاق: ۶].

خداوند از میان مخلوقاتش انسان را ویژه گردانید و او را بزرگوار و شریف گرداند و کتاب‌های خویش را بر او نازل کرده و پیامبران را از میان آنها انتخاب کرد و بسوی آنها فرستاد. پس انسان گمان نبرد که بیهوده رها خواهد شد و بسوی خداوند بازگشتی نخواهد داشت.

هر که گمانش این باشد که بیهوده آفریده شده و بازگشتی در کار نخواهد بود، ناگزیر فقط برای خود و برای متاع دنیا، زندگی خواهد کرد...

حال اگر انسان‌های بی‌خرد برای این زندگی می‌کنند که بخورند، انسان‌های عاقل می‌خورند تا زندگی کنند؛ و در پایان نتیجه یکی خواهد بود!

اما کسی که معتقد است برای خداوند و عبادت وی و برای دین وی و یاری آن و دعوت بسوی آن، آفریده شده است، چنین شخصی همان مومن موحدی است که با زبان حال و مقال چنین می‌گوید:

«پروردگارا! این [جهان] را بیهوده نیافریده‌ای؛ تو پاک و منزهی! پس ما را از عذاب

دوزخ حفظ کن» [آل عمران: ۱۹۱].

این است تفاوت میان مسلمان و کافر و میان موحد و مشرک.
در این مسیر، مومنان موحد دارای ویژگی خاصی هستند که همان یکی بودن منبع، و یکی بودن هدف است:

«... بگو سررشته‌ی کارها همه به دست الله است...» [آل عمران: ۱۵۱].

«بگو: نماز من و عبادات من و زندگی و مرگ من برای الله پروردگار جهانیان است»
[الأنعام: ۱۶۲].

کسی که این‌ها را درک کند هرگز خواستگاهی جز اسلام نخواهد داشت و شکی در این نیست که اهل اسلام دارای دینی هستند که نه می‌میرد و نه شایسته است که بمیرد، هر چه بادهای فنا وزیدن گیرد و هرچه سختی‌ها فشار بیاورند و هرچه اهل آن دچار پیری و ناتوانی گردند...

زیرا اسلام پیری و فرتوتی نمی‌شناسد، که این دین در قدمت و روشنی و پی در پی تازه شدن، به مانند خورشید است.

هر چه دشمنان این دین چشم انتظار به خاکسپاری و نابودی آن می‌مانند، همچنان چشمانشان مایوس و ناامید باز می‌گردد و نخواهند دید جز طلوع دوباره‌ی خورشید اسلام را...

«... هر بار که آتشی برای پیکار برافروختند، الله آن را خاموش ساخت و [آنان] در زمین برای فساد می‌کوشند و الله مفسدان را دوست نمی‌دارد» [المائدة: ۸۴].

مسلمانان در این قرون پایانی، بیشترین دردها و بزرگ‌ترین زخم‌ها را متحمل شدند و چه بسا سرزمین‌ها و ثروت‌ها و دژهای آنان عرصه‌ی تاخت و تاز مرغکانی شده است که ادای عقاب در می‌آورند و یا الاغ‌هایی که پوستین شیران بر تن کرده‌اند.

عرصه بر آنان تنگ گردید تا آنکه به سختی و شکنجه گونه جام تلخ حقیقت‌های دروغین را سرکشند! و این میسر نیست جز آنکه از روی اجبار حق خود را باطل بدانند و باطل دیگران را حق!

گو اینکه زبان حالشان چنین می‌گوید:

ما بیماریم و لی باید به عیادت شما بیاییم، و شما اشتباه می‌کنید و ما معذرت می‌خواهیم!

مومن راستین هرگز از بیان مصیبت‌های مسلمین و از زیرپا گذاشته شدن حقوق و حرمت‌های آنان و اشغال سرزمین‌های آنها خسته نمی‌شود زیرا لیوان، آن هنگام که پر شود لبریز خواهد شد و اگر می‌خواهی بدانی بیمار، بیمار است، باید صدای سرفه‌اش را بشنوی و همچنین باید شکایت به انسان منصفی برد که تو را دلداری دهد و یا دردت را کم کرده و برایت دردمند شود.

باشد که با ذکر دردها کمی از بار غم کم کرده باشیم...

ما در خلال این سخن قصد آن نداریم که نوحه خوانی را، برای سرودن دردنامه مان اجیر کرده باشیم چرا که گریه، مرده را زنده نخواهد کرد و اشک را نمی‌توان اجاره کرد، و اندوه و تاسف، غایبی را برنخواهد گرداند...

اما این، تلاش است که کلید پیروزی است و سرمایه‌ی آن، بازگشت به کتاب خداوند و سنت پیامبرش - صلی الله علیه وآله وسلم - و پس از آن وحدت و برادری است. وحدتی است که از ذات و درون این امت، دوستی و برادری اسلامی و احساس دلسوزی و یاری‌رسانی را به تجلی درآورد. همانگونه که چنین احساسی، غرور و نخوت اسلامی معتصم، خلیفه‌ی عباسی را به حرکت درآورد تا به یاری یک زن ستم دیده‌ی مسلمان بشتابد.

کسی که به شکست‌ها و ناکامی‌های مسلمانان نظر بیاندازد خواهد دید که چنین چیزی بدون مقدمه و بی‌دلیل رخ نداده است. همه‌ی این ناکامی‌ها ثمره‌ی اشکالات و کم‌کاری و سهل‌انگاری‌های خود مسلمانان در انجام وظایفشان و در عدم پایبندی به دین و عمل نکردن به وظیفه‌ی برادری و یاری‌رسانی به یکدیگر است.

این باعث شد مسلمانان از سوی دشمنان خویش نمونه‌های گوناگونی از مکر و فریب و عذاب و شکنجه را متحمل شوند.

ای انسان‌ها... همه‌ی آنچه گفته شد دردهای سینه‌ی پردردی است که قلب غیرتمندان را به شنیدن داستان سومین مسجد و محل‌ اسرای رسول خداوند - صلی الله علیه و آله وسلم - دعوت می‌کند.

سخن درباره‌ی فلسطین سربلند و غزه‌ی پایدار... آری! فلسطین سربلندی که می‌توان آن را در میان قضایای اسلامی معاصر، نقطه‌ی پرگار و مرکز اهمیت دانست.

غم‌ها و دردهای متعلق به فلسطین نیز نقطه‌ی امتحانی است برای فهم میزان اهتمام مسلمانان نسبت به قضایای مشترک و یاری آنان نسبت به همدیگر.

این سرزمین مبارک همیشه و هنوز ایستگاهی است برای مقایسه‌ی بین روش جنگی لشکرهای مسلمان و روش غیر مسلمانان مسیحی و یهودی و دیگر ارتش‌های معاصر.

مسلمانان فاتحانه وارد این سرزمین مسلمان شدند و نه خونی به زمین ریختند و نه دست به غارت زدند و نه پیران و کودکان و زنان را مورد کشتار قرار دادند بلکه پیمان نامه‌ی عُمَری که در آن زمان صادر شده است را اگر کسی مورد مطالعه قرار دهد و عدالت و انصاف و تسامح موجود در آن را ببیند هرگز گمان نمی‌برد که این تواقنامه ایست از سوی یک لشکر پیروز در برابر یک لشکر شکست خورده...

اما در مقابل، هنگامی که صلیبی‌ها این سرزمین مقدس را پس از چند قرن مورد تاخت و تاز قرار دادند کار را به جایی رساندند که فرمانده شان می‌گوید پاهای اسبهای ما در خون مسلمانان غوطه می‌خورد و سربازان صلیبی در کوچه‌ها و خیابان‌های بیت المقدس مشغول کشتار زنان و کودکان شدند تا جایی که تعداد کشته‌های غیرنظامی به ده‌ها هزار شهید رسید.

اما در کمتر از یک قرن پس از این کشتار، ارتش صلاح الدین در نبردگاه «حِطین» (Hettin) به پیروزی دست یافت و مسلمانان پیروزمندانه وارد بیت المقدس شدند و با وجود پیروزی، عدالت و سماحت اسلام را بطور کامل اجرا کردند، بطوری که حتی مورخان غربی مجبور شده‌اند به این حقیقت تاریخی اعتراف نمایند.

اگرچه انسان‌ها می‌میرند اما تاریخ ثابت است و هرگز نمی‌میرد.

اما مصیبت بزرگ و جنایت کور، وقتی رخ داد که در نیمه‌ی دوم قرن گذشته‌ی میلادی، یهودیان صهیونیست در کشتار معروف به «دیرپاسین» دست به جنایت وحشیانه و کشتاری جنایتکارانه زدند که به سبب آن، ساکنان فلسطین از ۸۰۰ هزار نفر به ۱۶۰ هزار نفر کاهش یافتند. اما نکته‌ی بسیار عجیب اینجاست که قصاب آن کشتارگاه معروف بعدها مهمترین جایزه‌ی جهانی صلح را دریافت کرد تا جهانیان بدانند صلح نزد دشمن کینه توز و غرب ستمگر به چه معناست.

این مقایسه ای بود میان ارتش اسلام و جنگ‌هایش و ارتش دشمنان اسلام از صلیبی‌ها و صهیونیست‌ها و جنگ‌هایشان. نتیجه‌ی این مقایسه این است که مسلمانان همیشه قربانی تجاوزهای ظالمانه بوده‌اند.

تاسف ما وقتی بیشتر می‌شود که خاطره‌ی تاریخی ما تا حدی ضعیف شده که حوادث گذشته را که هنوز از برخی از آنان مدت زیادی نگذشته است به فراموشی سپرده‌ایم. تمدن غربی تبدیل به تمدنی استکباری شده که «جدال به بهترین روش» را با جدل به خشن‌ترین روش به وسیله‌ی جنگنده‌ها و ماشین‌های جنگی تبدیل کرده است. آنان به این ترتیب خود را به اشباحی ترسناک، و حقوق دیگران را به آدامسی شبیه کردند که پس از جویده شدن به بیرون تف می‌شود.

انقلاب نظامی غرب، موفق شد بیشتر جهان اسلام را اینگونه با بسیاری از انواع تجاوزهای سیاسی و اقتصادی و نظامی آشنا و همدم سازد. تا آنجا که برای این امت‌ها، آسایش و امنیت سرابی شد دست‌نیافتنی و همه‌ی تضمین‌هایی که در پیمان‌نامه‌های بین‌المللی برای حفاظت امنیت ملت‌ها پیش‌بینی شده است نیز تنها تا وقتی وجود دارد که مسلمانان در طرف مقابل قرار نداشته باشند.

اما اگر ملت مسلمانی مورد ظلم قرار بگیرد قضیه رنگ دیگری به خود خواهد گرفت و دادخواهی آنان با «وتو» مواجه خواهد شد.

این تنها به دلیل این است که طرف مظلوم مسلمان است و این مسلمان برعکس غیرمسلمانان مستحق هیچگونه خوشرفتاری و ملامت نیست، تا جایی که می‌توان گفت

آنکه تلاش دارد به اسم عدالتِ جامعه‌ی بین الملل حق خود را بگیرد دست به حماقت زده است و زیانکار واقعی آن ضعیفی است که از قدرت‌های ظالم با استفاده از اشک و نه با استفاده از سلاح درخواست کمک کند!

نزد این قدرت‌ها عدالت نیست مگر آنجا که ظلم است و صلحی نیست مگر آنجا که جنگ در میان باشد. با این حال آیا عجیب است اگر ستم‌دیده‌ها از اساس نسبت به جامعه‌ی بین الملل بدبین باشند؟

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید از غیر خودتان [دوست و] همراز مگیرید [آنان] از هیچ نابکاری در حق شما کوتاهی نمی‌کنند، [آنان] آرزو دارند که در رنج بیفتید، دشمنی از لحن و سخنان آشکار است و آنچه سینه‌هایشان نهان می‌دارد بزرگ‌تر است در حقیقت ما نشانه‌ها [ی دشمنی آنان] را برای شما بیان کردیم اگر تعقل کنید» [آل عمران: ۱۸۰].

آری! نشانه‌ها را برای شما بیان نمودیم؛ اگر تعقل نمایید!

این سخن را گفته، و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از الله متعال درخواست آموزش می‌کنم، پس از او آموزش بخواهید و بسویش بازگردید که او بس آمرزنده است...

خطبه‌ی دوم:

ستایش تنها از آن الله است. و درود و سلام بر آنکه پیامبری پس از وی نیست... اما بعد؛ ای مسلمانان تقوای الله را در پیش گیرید و بدانید که آنچه دانستنش برای ما ضروری است این است که پیروزی یا شکست مسلمانان به آن اندازه که به حقیقت و وضعیت خود امت مسلمان مربوط است، ضرورتاً به میزان قدرت و یا ضعف دشمنانشان بستگی ندارد.

اگر این امت، پروردگار خود را به یکتایی عبادت کند و وحدت کلمه را در میان خود محقق سازد بی‌تردید پیروز و کامروا خواهد بود. خداوند متعال اینگونه می‌فرماید:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر الله را یاری نمایید او نیز شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌گرداند» [محمد: ۷].

کمی و زیادی نیرو نیز معیارهای حقیقی برای پیروزی نیستند چنانکه مسلمانان با وجود آنکه کم بودند در بدر پیروز شدند، اما در حالی که در روز حنین زیاد بودند دچار شکست شدند.

درک این حقیقت همه را، چه مسئولان و چه مردم و علما و چه مصلحان و اندیشمندان، در برابر مسئولیتی که مقابل خداوند بر عهده دارند، قرار می‌دهد، تا آنکه همه‌ی مسلمانان یک تنه در برابر این طوفان نظامی تمدن معاصر، موضعی واحد و یکپارچه گرفته و بتوانند آنچه را در توان دارند برای یاری برادرانشان در غزه به هر نحوی به انجام برسانند و تا جایی که می‌توانند برای پایان پذیرفتن این تجاوز ظالمانه تلاش کنند. و هیچکس در سستی و یاری نرساندن به برادرانش معذور نخواهد بود.

و باید بدانیم که حق و حقیقت هرچه سال‌های سخت بر آن بگذرد، گوهر وجودی بارزش خود را از دست نخواهد داد و باز هم باید بدانیم که باطل حتی اگر در دوره‌ای از دوره‌های تاریخ داری قدرت شود و تشکیل دولت و حکومت دهد، تبدیل به حق نخواهد شد.

جنایت‌هایی که فرعون مرتکب شد به این دلیل که دارای قدرت امر و نهی بود و توانست کودکان را کشته و زنان را زنده نگه دارد، هیچگاه به فضیلت و نیکی تبدیل نشد. پس آیا حق در این دایره‌ی کور، گم خواهد شد؟ هرگز! بر پدران ما نیز چنین سختی‌ها و مصیبت‌هایی گذشته است ولی آن‌ها پس از آنکه خود را اصلاح کردند و قبل از آن رابطه‌ی بین خود و خداوند را اصلاح نمودند، از این فتنه‌ها و سختی‌ها به سلامت گذشتند:

«... و الله بر کار خویش چیره است ولی بیشتر مردم نمی‌دانند» [یوسف: ۲۱].

و این از سنت‌های الهی است که اجازه می‌دهد این تمدن ستمگر آنچه کاشته است را درو کند تا هنگام درو طعم محصول تلف شده‌ی خود را بچشند و هرچه پرنده‌ای بلندتر بپرد همانگونه باید سقوطی بدتر داشته باشد. خداوند متعال می‌فرماید:

«و کسانی که کافر شده‌اند پیوسته به [سزای] آنچه کرده‌اند مصیبت کوبنده‌ای به آنان می‌رسد یا نزدیک خانه‌هایشان فرود می‌آید تا وعده‌ی الله فرا رسد. آری الله، وعده‌ی [خود را] خلاف نمی‌کند» [الرعد: ۳۱].

و درود و سلام بفرستید بر بهترین انسان‌ها محمد بن عبدالله، دارای حوض کوثر و دارای مقام شفاعت؛ که خداوند شما را به این درود و سلام امر نموده و خود و ملائکه‌اش آن را آغاز نموده‌اند و چنین فرموده است که:

«الله و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود فرستید و به فرمانش بخوبی گردن نهید» [الأحزاب: ۵۶].

بارالها درود و سلام و برکات خود را بر محمد ارزانی دار. و راضی شو از خلفای چهارگانه - ابوبکر و عمر و عثمان و علی - و از سایر صحابه‌ی پیامبرت محمد - صلی الله علیه و آله وسلم - و از تابعین و آنانکه تا روز قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند. و از ما نیز با عفو و بزرگواری‌ات راضی شو ای مهربان‌ترین مهربانان.

بارالها ما را در سرزمین‌هایمان ایمن بگردان و رهبران و مسئولان ما را صالح بگردان و ولایت ما را در دست کسانی قرار بده که تقوای تو را پیشه گیرند و رضایت تو را در پی گیرند. ای پروردگار جهانیان!

بارالها مسئولان ما را به آن گفته‌ها و کارهایی که محبت و رضایت تو در آن است موفق بگردان. بارالها برای آنان همنشینان و مشاوران نیک قرار بده.. ای دارای بزرگی و بزرگواری!

بارالها برادران مستضعفان را در غزه پیروز بگردان. بارالها برادران مستضعفان را در غزه پیروز بگردان. بارالها برادران مستضعفان را در غزه پیروز بگردان. خدایا! آنان را بر دشمنانشان و دشمنانت پیروز گردان.

خدایا ای دارای جلال و بزرگی! مکر و تدبیر و تجاوز آنان را از برادران ما بر بگردان. خدایا ما را در برابر یهودیان صهیونیست غاصب یاری ده. خدایا تو را در برابر صهیونیست‌های غاصب قرار می‌دهیم. خدایا تو آنان را نابود گردان که آنان قدرت عاجز کردن تو را ندارند.

بارالها! ای نازل کننده‌ی کتاب و ای گرداننده‌ی ابرها و ای شکست دهنده‌ی احزاب! آنان را شکست ده ای پروردگار جهانیان! و برادرانمان را بر آنان پیروز بگردان ای دارای جلال و بزرگی! خدایا کار دشمنان را در شکست و نابودی بگردان.

خدایا آنان را در خشکسالی نابود گردان و بر آنان سال‌های قحطی چون قحطی دوران یوسف قرار ده. ای دارای جلال و شکوه! بارالها هر که برای ما و برای اسلام و مسلمانان اراده‌ی بد دارد را به خود مشغول ساز و تدبیرش را علیه او قرار ده، ای شنونده‌ی دعا و ای دارای جلال و بزرگواری.

بارالها تویی که هیچ معبودی حقیقی جز تو نیست... توی بی‌نیاز و ما فقیرانیم؛ باران را بر ما نازل گردان و ما را از ناامیدان مگردان.

بارالها باران را بر ما نازل گردان و ما را از ناامیدان مگردان...

بارالها ما را باران ده! بارالها ما را باران ده! بارالها ما را باران ده!

بارالها آن را باران رحمت بگردان نه باران نابودی و بلا و بیماری. بارالها آن را بارانی بگردان که سرزمین‌ها را زنده گرداند و بندگان را سیراب کرده و شهرنشینان و بادیه نشینان را بهره مند کند.

بارالها ما را در دنیا و آخرت، نیکی و خوبی عطا کن و ما را از آتش دوزخ دور نگه دار، پاک و منزّه است پروردگار ما، پروردگار عزت از آنچه مشرکان او را وصف می‌کنند و سلام بر پیامبران و آخرین سخن ما این است که الحمدلله رب العالمین.

عنوان خطبه:

برادری و اثر آن بر امت

خطیب: دکتر اسامه خیاط

مسجدالحرام: ۲۳ ذوالقعدة ۱۴۲۹ برابر با ۱ آذر ۱۳۸۷

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است که بندگان را به چنگ زدن به ریسمانش دستور داده و از تفرقه و درگیری نهی کرده است. او را ستایش می‌کنم و وی را برای نعمت‌های بزرگ و ارزنده‌اش سپاس می‌گویم و شهادت می‌دهم که خدایی به حق نیست مگر او که شریکی ندارد و شهادت می‌دهم که سرور ما و پیامبر ما محمد بنده و فرستاده‌ی او و بهترین خلقش و سروران دیگر بندگان است.

بارالها درود و سلام بفرست بر بنده و پیامبرت محمد و بر آل و اصحابش آن امامان پارسا و نیکو.

اما بعد. بندگان خداوند! تقوای او را در پیش گیرید و بیاد داشته باشید که او شما را برای عبادتش آفریده پس وی را خالصانه عبادت کنید که خوشبخت کسی است که دینش را برای الله خالص کند و از پیامبرش پیروی نماید.

مسلمانان! از نعمت‌های بزرگ و باارزش خداوند نعمت برادری در دین است. آن نعمتی که خداوند اینچنین درباره‌اش سخن گفته است:

«همانا مومنان برادر و خواهر یکدیگرند» [الحجرات: ۱۰].

و خداوند این برادری را رابطه‌ای قرار داده است که اساس آن بر عقیده و ستون آن ایمان به الله است. زیرا ایمان، نیروی جذب‌کننده‌ای است که اهل خود را به نزدیکی و محبت بیشتر نسبت به یکدیگر وامی‌دارد. ممکن نیست در بین قلب‌هایی که براساس ایمان به الله و دوستی خدا و رسولش جمع شده‌اند دوری و جدایی رخ دهد. این همان الفتی است که خداوند در این آیه به آن اشاره نموده است:

«و بین قلب‌های آنان الفت ایجاد نمود. اگر همه‌ی آنچه در زمین است را هزینه می‌نمودی نیر نمی‌توانستی میان قلب‌های آنان الفت و نزدیکی ایجاد نمایی ولی این الله است که میان آنان الفت ایجاد نمود همانا او عزیز و حکیم است» [الأَنْفَال: ۶۳].

این همان الفت در واقع خصوصیتی است که جامعه مسلمان از آن برخوردار است که رسول الله صلی الله علیه و سلم آن را اینچنین زیبا به تصویر کشیده است:

«مثال مومنان در مودت و محبت و عاطفه‌ی بینشان به مانند یه بدن است که اگر عضوی از اعضای آن به درد بیاید همه‌ی اعضای دیگر به همراه او با شب‌بیداری و تب همراهی می‌کنند» [به روایت مسلم در صحیحش].

زیرا همانگونه که اهل علم می‌گویند خداوند متعال رابطه‌ی بین مسلمان را بر اساسی قوی‌تر و محکم‌تر از رابطه‌ی خونی و نسبی قرار داده است و آن رابطه‌ی عقیده است که از آن احساسی مشترک و الفت و تعاون و برادری سرچشمه می‌گیرد زیرا رابطه‌ی خونی و خویشاوندی را ممکن است سردی و فتور فرا بگیرد اما وحدت عقیدتی، نوعی رابطه همیشگی و همیشه‌تازه است. مسلمانان با ذکر کلمه‌ی شهادتین در پنهان و آشکار خویش و با نماز و روزه و زکات و حجشان، این رابطه را بیاد می‌آورند. چنانکه این روزهای مبارک و در اجتماع مبارک برادران ایمانی در انحای بیت الله الحرام و در زیر سایه‌ی خانه‌خداوند می‌بینیم.

آنان این رابطه‌ی برادری را در اطاعت از خداوند متعال و در پناه بردن به او و در هر چشم به هم زدن و در هر تپش قلب و در هر دم و بازدم بیاد می‌آورند...

برای ثابت نگه داشتن این برادری و حفظ این وحدت در کتاب خداوند دستور به چنگ زدن به ریسمان الهی داده شده است که این ریسمان براساس سخن «حبر امت» و «ترجمان القرآن» عبدالله ابن عباس - رضی الله عنهما - به معنی دین خداوند است و یا براساس تفسیر عبدالله بن مسعود «جماعت» می‌باشد و براساس سخن دیگر مفسرین ریسمان الهی همان قرآن است زیرا اجتماع بر کتاب خداوند ضامن اساس وحدت است. از آنجایی که ممکن نیست قلب‌ها بر هیچ اجتماع کنند و مقبول هم نیست که بر باطل

جمع شوند، باید این اجتماع بر حقی باشد که باطل از هیچ سوی بر آن راه نیابد. حال اگر بر اثر این اجتماع قلب‌ها یکجا جمع شده و هوا و هوس درونی افراد نیز به دور گذاشته شود، هم این بنا سالم خواهد ماند و هم منهج و برنامه‌ی مسلمانان روشن خواهد شد و هم خود مسلمانان به آسودگی دست خواهند یافت.

اما این در صورتی خواهد بود که وحدت مورد نظر ما شامل تمام فرزندان جامعه‌ی مسلمان و همه‌ی امت مسلمان را در برگیرد و هیچ کس و نه حتی یک نفر از آن جدا نگردد. خداوند متعال می‌فرماید:

«به ریسمان الهی چنگ زنید و متفرق نشوید و نعمت الله را بر خود بیاد آورید آنگاه که با هم دشمن بودید پس بین قلب‌های شما الفت ایجاد کرد پس با نعمت او برادر یکدیگر شدید و بر پرتگاهی در کناره‌ی آتش جهنم قرار داشتید پس شما را از آن نجات داد اینچنین خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌کند باشد که هدایت یابید»

[آل عمران: ۱۰۳].

بندگان خداوند... احساس این نعمت مبارک برای ما این را لازم می‌کند که با تمام توان از حقوق این برادری پاسداری کنیم و شدیداً بر حفظ آن از تمام عواملی که می‌تواند آن را ضعیف یا بی‌رنگ کند، چه کوچ و چه بزرگ، حساس باشیم. برای همین نهی شده است که یک مسلمان برادر خود را با وسیله‌ای آهنی مورد اشاره قرار دهد. در صحیح مسلم از ابوهریره رضی الله عنه چنین روایت شده است:

«هیچکدام از شما به برادرش با سلاح اشاره نمی‌کند. زیرا چه می‌داند شاید شیطان دستش را بلغزند و در چاله‌ای از چاله‌های آنش بیفتند» این حدیث با صیغه‌ی نفی آمده است و گفته است: «اشاره نمی‌کند» و این معنا را می‌رساند که مومن این کار را نمی‌کند و چنین کاری از مومن سر نمی‌زند و همانطور که اهل علم در مورد این حدیث گفته‌اند این بلیغ‌ترین نوع نهی است.

همچنین مسلمان از اینکه مسلمان دیگری را بترساند نیز نهی شده است. امام احمد مسند خویش و همچنین ابوداود در سنن با سند صحیح از ابی عبدالرحمن بن ابی لیلی

روایت می‌کنند که گفت: اصحاب محمد صلی الله علیه وسلم با رسول الله صلی الله علیه وسلم در مسیری میرفتند پس یکی از آنان به خواب رفت. برخی از آنان طنابی را که همراه آن مرد بود را کشاندند و این باعث شد آن مرد [ناگهان بیدار شود] و بترسد. پس رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «برای مسلمان حلال نیست که مسلمانی را بترساند».

پس از آن این نهی به آنچه که بالاتر و خطرناک‌تر و شدیدتر از موارد قبل است می‌رسد و آن جنگ و درگیری بین برادران ایمانی است که این درگیری خود نشانه‌ی انکار این برادری و این نعمت است. و همچنین برای اینکه اینکار مشابَهت به کار کفار است که همدیگر را می‌کشند: رسول الله صلی الله علیه‌السلام در خطبه‌ی روز نحر پس از یادآوری مسلمانان نسبت به حرمت آن روز و این و آن سرزمین حرام و آن ماه حرام فرمود: «خون‌ها و مال‌ها و ناموس‌های شما بر یکدیگر حرام است به مانند حرمت این روز در این ماه در این رزمین تا آنکه به ملاقات پروردگارتان بروید. آگاه باشید! آیا ابلاغ کردم؟... خدایا شاهد باش؛ پس بعد از من به کفر بازنگردید که گردن همدیگر را بزنید». ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: «قسم به آنی که جانم در دست اوست این وصیت پیامبر با دستان خودش است... پس از من به کفر بازنگردید که گردن یکدیگر با بزنید» [به روایت بخاری در صحیحش].

و در صحیح مسلم از ابوهریره چنین روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «همه‌ی مسلمان بر مسلمان دیگر حرام است؛ خونس و مالش و ناموسش...». از آنجا که عوامل درگیری و اختلاف در بین مومنان بسیار است و جلوگیری از آن بطور همیشگی سخت است، خداوند متعال راهی برای پیشگیری از عواقب سوء انکار برادری قرار داده است و آنان را به حکم‌پذیری از کتاب خداوند و سنت پیامبرش دستور داده زیرا این تنها راهی است که آنان را به اهدافشان می‌رساند و از طریق آن عدالت را تضمین کرده و قلب‌ها و درون‌ها آرامش می‌یابد. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید از الله اطاعت کنید و از رسولش اطاعت کنید و همچنین از اولیای امور خود؛ پس اگر در چیزی دچار اختلاف شدید آن را به الله و رسولش برگردانید اگر به الله و آخرت ایمان دارید که این بهتر و نیک‌فرجام‌تر است» [النساء: ۵۹].

حال اگر پس از این آنچه که ترس آن می‌رود رخ داد و بین مومنان جنگ و درگیری رخ دهد باز هم خداوند آنان را رها نمی‌کند تا یکدیگر را از بین ببرند بلکه در این مورد نیز آن‌ها را راهنمایی کرده است که چه راهی بروند و چه روشی در پیش گیرند تا اینکه جنگ متوقف شود و آتش فتنه خاموش شده و دوباره صلح برپا گردد. خداوند می‌فرماید:

«و اگر دو گروه از مسلمانان با یکدیگر جنگیدند بین آنان اصلاح کنید پس اگر یکی از آنان باز بر دیگری تجاوز کرد با آنکه تجاوزگر است بجنگید تا آنکه به امر خداوند بازگردد. پس اگر بازگشت میان آنان عادلانه اصلاح کنید و دادگری پیشه سازید که الله دادگران را دوست دارد».

و در این دستور خداوندی رحمت و دلسوزی و خیرخواهی بی‌نهایتی نسبت به مومنان مشاهده می‌شود که پایانی ندارد.

ای بندگان خداوند تقوای وی را در پیش بگیرید و این نعمت الهی را بیاد آورید که شما را پس از دشمنی برادر یکدیگر گرداند و تلاش کنید تا حقوق برادری دینی را پاس بدارید. و از رفتن راه فتنه برحذر باشید که در پی آن جز نابودی و خشم الهی هیچ نیست.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ:

﴿وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ

الصَّابِرِينَ ﴿٤٦﴾ [الأنفال: ٤٦].

«و از الله و رسولش اطاعت کنید و اختلاف نکنید که ضعیف شده و ابهت شما می‌رود و صبر پیشه کنید که الله با صابران است».

خداوند من و شما را با هدایت قرآن و سنت پیامبرش مورد نفع قرار دهد. این سختم را می‌گویم و از پروردگار بلند مرتبه برای خود و شما و همه‌ی مسلمانان از همه‌ی گناهان آمرزش می‌خواهم که او آمرزنده‌ی مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله است، وی را ستایش گفته و از وی استعانت جسته و آمرزش می‌خواهیم. و به او پناه می‌بریم از بدی‌ها نفس خویش و از کارهای ناشایست خویش. الله هرکه را هدایت کند گمراه‌گری نخواهد داشت و هرکه را گمراه نماید هداینگری نخواهد یافت و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست مگر الله به تنهایی و بدون شریک و گواهی می‌دهم که محمد بنده و پیامبر اوست. خداوند بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یارانش درود و سلام بفرست.

اما بعد. ای بندگان الله... برخی از اهل علم در توضیح این گفته‌ی خداوند که می‌فرماید: «اختلاف نکنید...» می‌گویند: خداوند از آنجا اختلاف و تفرقه را برای ما بد دانسته است که اختلاف اولین در ورود سستی و ضعف و نابودی است. و انسان و امت ضعیف هیچ ارزش و وزنی نه در این دنیا و نه در آخرت خواهد داشت. و خداوند ما را از قدم برداشتن در راه اختلاف‌کنندگان و آنانی که راه تفرقه را در پیش گرفتند باز می‌دارد زیرا او برای چنین کسانی به سزای تفرقه‌شان مجازات در نظر گرفته و فرموده است:

«و مانند آنانی نباشید که بعد از آنکه نشانه‌های روشن به نزدشان آمد، فرقه‌فرقه شدند و راه اختلاف را در پیش گرفتند و آنان عذابی بس بزرگ خواهند داشت» [آل‌عمران: ۱۰۵].

حال اگر راه تفرقه را در پیش گرفته و هدف امت را ضایع کرده و فرقه‌فرقه و دسته‌دسته شدیم اولین چیزی که خداوند بر سر ما خواهد آورد بیزاری و جدایی رسولش صلی الله علیه وسلم از ما خواهد بود. زیرا امتی که او بسوی تشکیل آن فراخواند و آن را برای بردوش گرفتن دعوتش می‌خواست امتی است که تفرقه را نمی‌شناسد. آن امت یک امت واحده است که پروردگارش یکی است و کتابش یکی است و افرادش در یکی صف قرار دارند همانگونه که خداوند می‌فرماید:

«آن‌هایی که دینشان را فرقه‌فرقه گرداندند و دسته‌های متفاوت شدند تو مسئول آنان نیستی و امرشان با الله است سپس آنان را به آنچه انجام می‌دادند آگاه خواهد کرد» [الأنعام: ۱۵۹].

پس ای بندگان خداوند، تقوایش را در پیش گیرید و برای ازبین بردن شکاف‌ها و اختلافات و برای وحدت این صف و برای از بین بردن عوامل اختلاف و تفرقه از هیچ‌گونه تلاشی فرونگزاید و همیشه بباد داشته باشید که خداوند متعال شما را به فرستادن درود و سلام بر خاتم پیامبران و امام مرسلین و رحمت جهانیان امر نموده و اینچنین در کتابش فرموده که:

«الله و فرشتگانش بر رسول خدا درود می‌فرستند، ای کسانی که ایمان آورده‌اید [شما نیز] بر او درود و سلام بفرستید» [الأحزاب: ۵۶].

خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد درود و سلام بفرست و از خلفای وی - ابوبکر و عمر و عثمان و علی - و دیگر آل و اصحاب وی و تابعین و آنانکه تا روز واپسین از آنان پیروی کنند و از ما با عفو و کرمات راضی شوای بهترین بخشندگان و عفو کنندگان. بارالها اسلام و مسلمانان را عزت عطا کن و مرزهای دین را حفظ کن و دشمنان دین و دیگر تجاوزگران و فسادگران را نابود کن و بین قلوب مومنان را الفت ده و صف‌هایشان را یکی بگردان و رهبران آنان را اصلاح کن و کلمه‌ی آنان را بر حق جمع بگردان.

خدایا دینت و کتابت و سنت پیامبرت و بندگان مومن مجاهد صادق را یاری ده. خداوندا! ما را در سرزمین‌های خویش ایمن بدار و رهبران و مسئولان ما را اصلاح بگردان. خداوندا! این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را از هر خیری بهره‌مند گردان و از هر بدی و شری سالم نگهدار.

خداوندا! ما از تو می‌خواهیم که ما را از دشمنانت و دشمنانمان به هر صورت که اراده می‌کنی حفظ نمایی خدایا ما از تو می‌خواهیم آنان را نابد گردانی و از شرآنان به تو پناه می‌بریم

بارالها! پایان ما را در همه‌ی امور، نیک گردان و ما را از خواری دنیا و عذاب آخرت نجات ده... بارالها! دین ما را که حافظ امر ماست و دنیای ما را که زندگی ما در آن است و آخرت ما را که بازگشت ما بسوی آن است اصلاح گردان و زندگی را برای ما باعث افزونی در خیر گردان و مرگ را برای ما آسودگی از بدی‌ها قرار ده... خداوندا! بیماران ما را شفا ده و مرده‌گان ما را بیامرز و ما را به آن آرزوهایی که باعث رضایت توست برسان و با کارهای نیک کارهای ما را پایان ببخش... خدایا این حج را حجتی مبرور و باعث بخشودگی گناهان و تلاشی ستوده شده گردان... پروردگارا ما به خود ستم روا داشتیم و اگر تو ما را مورد مغفرت قرار ندهی و ما را نبخشایی قطعاً از زیانکارن خواهیم بود. پروردگارا ما را در دنیا و در آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ حفظ بگردان. و درود و سلام خداوند بر بنده و پیامبرش محمد و بر آل و اصحاب وی و ستایش از آن الله پروردگار جهانیان.

عنوان خطبه:

ندایی به مسئولان امت به مناسبت حوادث غزه

خطیب: دکتر صالح بن حمید

مسجد الحرام: جمعه ۱۹ محرم ۱۴۳۰ برابر با ۲۷ دی ۱۳۸۷

خطبه‌ی اول:

حمد و ستایش برای الله است، ستایش برای آن کسی است که کتاب را بنده‌اش نازل نمود و در آن هیچ کجی و نقصی قرار نداد، او که اسلام را برای ما به عنوان دین و شریعت و منهج برگزید.

او را ستایش می‌گویم. اوست که در هر غم و تنگی، فراخی قرار داده است و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله، به تنهایی که شریکی ندارد و پیامبر ما محمد،

بنده و پیامبران اوست که پیروزی و نجات در گرو پیروی از اوست، درود و سلام و برکت‌های خداوند بر وی و بر اهل بیت و یاران نیک و خردمند وی و بر تابعین و کسانی باد که از آنان به نیکی پیروی می‌کنند تا وقتی که شب و روز در پی هم می‌آیند.

اما بعد...

ای مردم! خود و شما را به تقوای خداوند عزوجل سفارش می‌کنم. پس تقوای او را در پیش گیرید. کسی تقوای وی را پاس داشته است که خیر خود را بخواهد و توبه کند و بر خواهش نفس غالب شود، زیرا اجل نوشته شده و آرزو فریبده است، و حسرت نصیب کسی است که عمرش حجتی است بر ضد او و روزهای زندگی‌اش، او را به بدبختی کشانده است.

و بدانید که شما در اجلی هستید که روز به روز از آن، کم می‌شود و بدانید که مرگ نزدیک است و هرچه در دستان شماست به سوی نابودی می‌رود، و شایسته است که هرکس ببیند چه پیش فرستاده است، و پایان کار، یا بسوی بهشت است و یا بسوی جهنم:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تقوای الله را در پیش گیرید و هر کس ببیند برای فردای خویش چه پیش فرستاده است و تقوای وی را پاس دارید که الله به آنچه می‌کنید آگاه است» [الحشر: ۱۸].

ای مسلمانان! خداوند در تقدیر و تدبیر خود حکمت و مشیئت دارد انجام شدنی که مُلک، مُلک اوست و خلق، خلق اویند و امر، به دست اوست. هرچه او بخواهد خواهد شد و هرچه نخواهد، نخواهد شد. او از آنچه می‌کند مورد پرسش قرار نمی‌گیرد ولی دیگران باید پاسخگو باشند، و خداوند بر امر خود غالب است ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. اوست که در اوج سختی‌ها، دستاوردهایی قرار داده و اوست که با صبر و شکیبایی، رحمت و آسایش نازل می‌کند:

«و مژده ده شکیبایان را (۱۵۵) کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد می‌گویند ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می‌گردیم (۱۵۶) بر ایشان درودها و رحمتی از پروردگارشان [باد] و راه‌یافتگان [هم] خود ایشانند» [البقرة: ۱۵۵-۱۵۷].

برادران من! از آثار نیک ایمان به قضا و قدر، سالم ماندن از کجروی و نجات از حیرانی و پریشانی، و سلامت توکل، و درست در نظر گرفتن امور و عاقبت آن، و عزیمت در استفاده از اسباب است.

شاید در این حماسه‌ی بزرگ اخیر نیز بتوان آثار رحمت و صدق محاسبه و صحت رجوع به الله را یافت.

ای مسلمانان! در حالی که این روزها داریم محنت و سختی برادرانمان در غزه و ستمی را که بر آن‌ها می‌رود مشاهده می‌کنیم و همه‌ی ما ظلم و مصیبتی را که توسط دشمن تجاوزگر یعنی یهودیان غاصب رخ داد به چشم دیدیم و همه‌ی این‌ها قلب ما را دردناک کرد.

اما... بیایید به درس‌هایی که از این سختی‌ها و مصیبت‌ها می‌شود آموخت فکر کنیم... در همه‌ی حوادث سخت، و مصیبت‌هایی که برای ملت‌ها رخ می‌دهد، این ملت‌ها اختلافات داخلی خود را ترک گفته و صف‌های خود را پیوسته ساخته و سعی می‌کنند از خطرگاه‌ها پرهیز نمایند؛ اما... آنچه جای تاسف دارد این است که امت مسلمان در مدت اخیر در بسیاری از موضع‌گیری‌های خود از ضعف و عدم یکپارچگی خود پرده برداشت و فریادهای اختلاف و درگیری سر داد.

در محنت اخیر غزه نیز وضعیت تفاوت چندانی نداشت. در این مدت سخنان و عباراتی شنیدیم که پر بود از اشارات طعنه گونه و سرزنش آمیز...

جای تاسف است! در حالی که شهدا دارند یکی پس از دیگری به زمین می‌افتند و آه و ناله‌ی مجروحان به گوش می‌رسد و صدای گریه‌ی کودکان و بیوه زنان شنیده می‌شود، در این وضعیت، امت اسلامی مشغول درگیری کلامی علیه همدیگر است... دشمن

اشغالگر مشغول کشتار است و در مقابل، امت مسلمان در زیر سایه‌ی عدم اعتماد به نفس و اهداف نامعلوم و اولویت‌های نامنظم، در ناتوانی و سرگردانی به سر می‌برد.

دوستان من! ای سیاستمداران و ای مردان رسانه... این مصلحت قضیه‌ی فلسطین و دیگر قضایای امت نیست و نجات برادران ما در غزه نیز اینچنین و از طریق استفاده‌ی ابزاری از قضیه‌ی فلسطین به نفع یک دولت یا گروه یا یک جهت، حاصل نخواهد شد.

همه‌ی ما سوار یک کشتی هستیم. این کشتی به اندازه‌ی کافی دچار سوراخ و اشکال هست که با این شرایط، اختلاف میان مسافران این کشتی و سر و صدای بیهوده در نهایت بی‌حکمتی و بی‌خردی است. گو اینکه در بین مسافران این کشتی فردی خردمند نیست!

شایسته است اینگونه حوادث و مصیبت‌ها، سببی برای دوری گزیدن از رد و بدل کردن اتهامات و تهمت‌ها و گروه بندی‌ها باشد. زیرا همه‌ی این‌ها باعث بیشتر شدن شکاف میان ما می‌شود و نفعی به قضیه‌ی فلسطین نمی‌رساند و حتی باعث برگرفته شدن اعتماد از رهبران امت و اهل اندیشه و دانشمندان و سیاستمداران آن می‌شود و همچنین باعث قدرت گرفتن دشمن خواهد شد.

بلکه اینگونه موضع‌گیری‌های اشتباه باعث می‌شود تلاش‌های امت بی‌تاثیر و بی‌فایده شده و از استعدادهای آن استفاده نشود.

از زشت‌ترین و بدترین رفتارهایی که می‌شود در این شرایط صورت گیرد این است که اینگونه مصیبت‌ها و دردها وسیله‌ای برای استفاده‌ی سیاسی به سود یا به زیان گروهی در برابر گروهی دیگر قرار گیرد... باید از اینگونه رفتارهای سرزنش آمیز و استفاده‌های منفعت جوینانه که حرکت ما را از مسیر صحیح منحرف می‌نماید و فرصت را برای دشمن فراهم می‌آورد، دست کشید.

اکنون و در شرایطی که دشمن در حال کشتار و تخریب و سرقت و فساد است، هرگز وقت مناسبی برای ملامت و سرزنش یکدیگر نیست... همه‌ی ما [چه بخواهیم و چه نخواهیم] در یک سنگر قرار داریم و همه‌ی ما مورد هدف دشمن هستیم.

برادران و خواهران من! دشمن اشغالگر و آنانی که پشت سرش قرار دارند، قصد دارد بحران‌های این امت را به درگیری‌های داخلی و فتنه‌های سیاسی و مذهبی و حزبی و طایفه‌ای تبدیل نماید.

باید رجال این امت و رهبران و رسانه‌ها و اهل رسانه و اندیشمندان آن به امت خویش رحم کنند... بر آنان است که میان این امت و موسسه‌های آن اعتماد متقابل به وجود بیاورند و آنان را از وضعیت مایوسانه‌ی کنونی و عدم اعتماد به خود و امت خود نجات دهند.

این نه از روی سیاست، و نه از روی دانایی و نه از حکمت است که محنت‌ها و سختی‌های امت را برای اهداف خاص سیاسی و گروه‌بندی‌های فکری استفاده کرد. و همینطور از حکمت و خرد نیست که در این شرایط شعارهای تفرقه‌گونه و فرصت‌طلبانه و اتهام و هجوم علیه شخصیت‌ها سر داد شود.

ای مسلمانان... از نشانه‌های راستی در محاسبه‌ی خود و از درس‌های این محنت این است که: قضیه‌ی فلسطین و این مقاومت ملت‌مان در سرزمین‌های اشغالی و فداکاری‌های آنان در غزه و همینطور حق مشروع آنان در مقاومت مورد احترام قرار گیرد. اما جایز نیست و شایسته نیست که این قضیه بزرگ یعنی قضیه‌ی مقاومت چون ورقه‌ای در اختلافات و درگیری‌های میان کشورها و حکومت‌ها و پروژه‌های منطقه‌ای یا بین‌المللی مورد استفاده قرار گیرد.

در همین راستا از برادران فلسطینی مان می‌خواهیم از حوادث اخیر درس بگیرند و صف واحدی را در برابر این دشمن پیمان شکن تشکیل دهند... شایسته است برادران فلسطینی‌مان زیر یک پرچم قرار گیرند و یک صدا و با اراده‌ای واحد و در تشکیلاتی یگانه و با دوری واقعی از هرگونه سوء استفاده و گروه‌بندی و تبادل اتهامات به مسیر خویش ادامه دهند.

رهنمود پروردگاران برای مای کافی است که می‌فرماید:

«و از الله و رسولش اطاعت کنید و اختلاف نکنید که سست شده و هیبت شما از بین می‌رود و صبر پیشه کنید که الله با صابران است» [الأنفال: ۴۶].

برادران فلسطینی ما... وحدت شما به اذن و اراده‌ی خداوند دژ می‌محکم و قلعه‌ای استوار است برای خودتان و برای ملت محترمان و پناهگاهی است امن برای قضیه‌ی مقاومت و راهی است بسوی پیروزی.

دوستان من! برادران من! چرا محتاج چنین اتحادی نباشیم در حالی که جویهای خون روان است و کشتارهای وحشیانه در حال جریان... کشتاری که از زمین و هوا و دریا و در محاصره و در جنگ، در جریان است... همه‌ی این‌ها و بدتر از آن، مرگ وجدان جهانی و سکوتی همه جانبه است که از سوی جامعه‌ی بین الملل مشاهده می‌کنیم. هولوکاست غزه در وسائل اجرا و در طراحی خود، جنایتی همه جانبه محسوب می‌شود. عدالت بین المللی و جامعه‌ی بین الملل با این سکوت شرم آور خود، ارزش‌ها را با نفوذ و سلطه، و حق را با ستم درآمیخت...

تجاوزی وحشیانه و کینه توزانه که در حمام خونی که به راه انداخت نه رحمت می‌شناسد و نه شفقت، و غیرنظامیان و زنان و کودکان و پیران و شیرخوارگان را مورد هدف قرار می‌دهد.

تجاوزی که بیمارستان‌ها و مساجد و دانشگاه‌ها را ویران کرد... تجاوزی که همه‌ی حریم‌ها را زیر پا گذاشت و همه‌ی خط‌های قرمز را درنوردید.

همه‌ی این کشتارهایی که رخ داد چیزی نیست جز ادامه‌ی نسل‌کشی‌های مستمر یهود که از کشتار گروه‌کهایشان در «دیر یاسین» و «صبرا و شاتیلا» و «قانا» تا کنون ادامه دارد و اینگونه جنایت‌ها نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت جز خشونت و تندروی و دوری بیشتر از صلح واقعی و راه‌های آن.

این رفتار جنایتکارانه هیچ صلحی را محقق نخواهد کرد و هیچ امنیتی را در بر نخواهد داشت کما اینکه نخواهد توانست حق را از بین برده و یا مظلوم را از پای درآورد

و هرگز رفتار ستمگر را توجیه نخواهد کرد. و باید دانست که خشونت و قدرت از پس پایداری و مقاومت برنخواهد آمد.

ملت فلسطین ملتی است عزیز و بزرگ و مجاهد که به مدت ۶۰ سال در زیر ظلم و ستم زندگی می‌کند و با این حال بارها تحت محاصره قرار گرفته و گرسنگی کشیده و از تمام اسباب و عوامل زندگی به جز هوا برای تنفس محروم شده! بلکه حتی هوای تنفس آنان را آلوده کرده‌اند! با این همه، برخی ستمدیده را ملامت می‌کنند و چشم از ظالم دروغگو می‌پوشند!

اما ای مسلمانان... پس از همه‌ی این‌ها این صدای عقل و اندیشه است که بحران را هدایت کرده و ابعاد حادثه را دربر می‌گیرد و این صدای حکمت است که برای امت وحدتش را حفظ نموده و امور را به دقت اندازه گرفته و ابعاد حوادث را به دقت می‌سنجد.

استفاده‌ی صحیح از این محنت و برگرفتن پندها و درس‌ها از آن و استفاده کردن از آن برای بازگرداندن یکپارچگی امت و وحدت کلمه، همان منهج و روش صحیحی است که به اذن خداوند بسوی پیروزی منتهی خواهد شد.

بر امت مسلمان و حکومت‌ها و ملت‌های مسلمان لازم است که گام‌هایی جدی و عملی برای جلوگیری از تکرار اینگونه دردهای انسانی بردارند. حرکتی در جهت برداشتن محنت‌ها و دردها که حق را به حقدار برگردانده و مسیر امت را به سوی راه صحیح هدایت کند.

ای رهبران امت! ای صاحبان رای! این‌ها باید از شما شنیده شود! امت باید این را از شما بشنود! یا باید جامعه‌ی بین الملل با قضایای ما بطور جدی و مسئولانه و عادلانه رفتار کند و یا اینکه مسلمانان در مورد تمام التزامات و مسئولیتهای خود در قبال موسسات جامعه‌ی بین الملل برحسب لزوم و برحسب منافع مشروع و حقوق عادلانه‌ی خویش، اعاده‌ی نظر خواهند کرد...

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم:

«این [قرآن] بیانی است برای مردم و رهنمود و اندرزی است برای پرهیزگاران (۱۳۸) اگر مؤمنید سستی مکنید و غمگین مشوید که شما برترید (۱۳۹) اگر به شما آسیبی رسیده آن قوم را نیز آسیبی نظیر آن رسید و ما این روزها [ی شکست و پیروزی] را میان مردم به نوبت می‌گردانیم [تا آنان پند گیرند] و خداوند کسانی را که [واقعا] ایمان آورده‌اند معلوم بدارد و از میان شما گواهانی بگیرد و خداوند ستمکاران را دوست نمی‌دارد (۱۴۰) و تا خدا کسانی را که ایمان آورده‌اند خالص گرداند و کافران را [به تدریج] نابود سازد (۱۴۱) آیا پنداشتید که داخل بهشت می‌شوید بی‌آنکه الله، جهادگران و شکیبایان شما را معلوم بدارد» [آل عمران: ۱۳۸-۱۴۲].

خداوند من و شما را به وسیله‌ی قرآن بزرگ و با سنت و روش محمد - صلی الله علیه وسلم - مورد نفع قرار دهد. این سخن خویش را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از هر گناهی آمرزش می‌طلبم. پس از او آمرزش بخواهید که اوست غفور و رحیم.

خطبه‌ی دوم:

حمد و ستایش از آن الله است، ستایش از آن اوست که براساس حکمت و تقدیر حکم می‌کند و از هرگونه شبیه و نظیر منزّه است. او را حمد می‌گوییم و برای فضل فراگیر و خیر فراوانش او را شکر گفته و شهادت می‌دهم که معبودی حقیقی نیست جز او، به تنهایی و بدون شریک، و شهادت می‌دهم که او حکیم و آگاه است و گواهی می‌دهم که سرورما و پیامبرمان محمد، بنده و پیامبران اوست... و اوست آن بشیر نذیر و اوست چراغ تابان. صلوات و سلام و برکات پروردگار بر او و اهل بیت و یارانش و تابعین باد. و بر کسانی که به نیکی تا روز قیامت از آنان پیروی نمایند و بر راه آنان روند. اما بعد... ای مسلمانان! از دیگر درس‌ها و عبرت‌هایی که در این حماسه‌ی بزرگ - حماسه‌ی غزه - می‌توان به آن اشاره کرد، همبستگی بزرگی بود که از سوی عموم مسلمانان با برادرانشان رخ داد و حس یک بدن واحد بود که در آنان به وجود آمد...

همه‌ی شعارها به اسم دین و به اسم اسلام و یاری حق، داده شد... همه‌ی گریه‌ها و دعاها و کمک‌ها...

آری! قضایای امت و در راس آن، قضیه‌ی فلسطین در درون و وجدان تمام ملت‌های مسلمان در شرق و غرب جهان اسلام و از شمال تا جنوب آن، ریشه دوانده است. این قضیه در نزد همه‌ی ملت‌های مسلمان در پاکستان و افغانستان، و در مالزی و نیجریه، و در استانبول و رباط و ریاض، و در بغداد و مصر و شام، و در مغرب و مشرق، از همه‌ی منافع سیاسی بالاتر است. و این جنایت‌ها جز به یکپارچگی و همبستگی بین مسلمانان و ایمان آنان و ارتباط آنان با خداوند نیفزود. زبان‌ها به تکبیر و دعا گشوده شد و پرچم قرآن افراشته گردید و این قضیه همچنان در قلب‌ها و در مجالس و مدارس و روزنامه‌ها و رسانه‌ها و در سخن مردم، زنده خواهد ماند...

پس با دعای بیشتر برای برادرانمان در نهران و در آشکار از خداوند کمک و مدد بخواهیم و باید که کمک و پشتیبانی مالی از برادرانمان ادامه یابد که بزرگ‌ترین انفاق، انفاق برای جهاد در راه خداوند است. و پیش از آن و پس از آن، بیاییم اوضاع خویش را اصلاح نموده و مسیر زندگی خویش را تصحیح کنیم و خود را مورد محاسبه قرار دهیم و بدانیم که خداوند حال وضعیت قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنکه خود، آنچه را در درون خویش دارند تغییر دهند.

پس درود و سلام بفرستید بر آن رحمت هدایتگر و آن نعمت فرستاده شده، پیامبرتان محمد، رسول خداوند، که پروردگارتان شما را به این امر نموده و فرموده:

«الله و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود بفرستید و تسلیم او شوید».

خدایا! درود و سلام و برکت بفرست بر بنده و پیامبرت، پیامبرمان محمد آن صاحب صورت تابناک و اخلاق کامل و بر اهل بیت پاکش و بر همسرانش، مادران مومنان و خشنود باش از چهار خلیفه‌ی راشد و امامان هدایت، ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از

همه‌ی صحابه و از تابعین و از کسانی که به نیکی از آنان تا روز قیامت پیروی نمایند و از ما نیز به عفو و بزرگی‌ات خوشنود باش ای کریم‌ترین کریمان.

بارالها اسلام و مسلمانان را عزت ده.. بارالها اسلام و مسلمانان را عزت ده... بارالها اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار بگردان و دین را حفظ کن و بندگان مومن را پیروزی عطا کن.

بارالها ما را در سرزمین‌هایمان ایمن بگردان و مسئولان و رهبران ما را صالح بگردان و سرپرستی و مسئولیت ما را در دست کسانی قرار ده که تقوای تو را پیشه سازند و رضای تو را در نظر گیرند.

بارالها! مسئولان و سرپرستان مسلمانان را برای عمل به کتاب و سنت پیامبرت موفق بگردان و آنان را رحمتی برای ملت‌هایشان قرار ده و کلمه‌ی آنان را یکی بگردان.

بارالها! ای نازل کننده‌ی کتاب و ای گرداننده‌ی ابرها و ای شکست دهنده‌ی احزاب! برادران ما را در غزه پیروز بگردان! بارالها! ای نازل کننده‌ی کتاب و ای گرداننده‌ی ابرها و ای شکست دهنده‌ی احزاب! برادران ما را در غزه پیروز بگردان! بارالها! ای نازل کننده‌ی کتاب و ای گرداننده‌ی ابرها و ای شکست دهنده‌ی احزاب! برادران ما را در غزه پیروز بگردان! آنان را بر دشمن خود و دشمن آنان پیروز گردان. بارالها آنان را ثابت قدم بدار و قلب‌هایشان را قوی ساز و نشانه‌ی آنان را به هدف برسان و اراده‌ی آنان را محکم بگردان و آنها را بر دشمن پیروز گردان.

خداوندا... یهودیان صهیونیست متجاوز، طغیان و سرکشی و آزار و فساد و زیاده روی در طغیان، پیشه ساختند... خدایا! جمعشان را متفرق ساز و شکست را بر آنان قرار ده و ترس را بر قلب‌هایشان مسلط ساز. خدایا! عذاب خویش را که از قوم جنایتکار خطا نمی‌رود بر آنان قرار ده. خدایا! آنان توان عاجز نمودن تو را ندارند پس عجایب قدرت خویش را در آنان بر ما نمایان بگردان. بارالها ما از شر و بدی آنان به تو پناه می‌بریم.

خدایا! تو برای یاری برادران ما در غزه با آنان باش. بارالها اراده‌ی آنان را قوی گردان و شهدای آنان را مورد رحمت قرار ده و بیمارانشان را شفا عطا کن. بارالها! آنان

ضعیفند... قویشان بگردان و گرسنه‌اند... غذایشان ده و برهنه‌اند... آنان را بیوشان و آنان را بر دشمن خود و دشمنشان پیروز بگردان. تنها الله برای ما کافیت و چه نیک تکیه گاهی است او... و ما از خداوندیم و به سوی او بازخواهیم گشت.

خدایا! برای این امت حکومتی راشده قرار ده که در آن اهل طاعتت عزیز گردند و اهل معصیت هدایت یابند و در آن به معروف امر شود و از منکر نهی گردد. تو بر هر کاری توانایی.

بارالها، گرانی و وبا و ربا و زنا و زلزله‌ها و دیگر بلاها و سختی‌ها و فتنه‌های پنهان و آشکار را از سرزمین ما و دیگر سرزمین‌های مسلمان دور گردان.

بارالها، تویی آن الله که جز تو معبودی به حق نیست. تویی بی‌نیاز و ما فقیرانیم. بر ما باران را نازل کن و ما را از ناامیدان قرار مده. بارالها! ما را باران عطاکن...

خدایا! ما از تو آمرزش می‌خواهیم که تو بس آمرزنده ای پس آسمان را بر ما بارانی کن. بارالها! ما بندگانی از خلق توایم و نمی‌توانیم از باران تو بی‌نیاز شویم. پس بخاطر گناهانمان ما را از فضل خویش محروم مساز.

بر الله توکل کردیم. پس خدایا ما را فتنه ای برای قوم کافران قرار مده. پروردگارا ما به خود ستم نمودیم و اگر تو ما را مورد مغفرت و رحمت خویش قرار ندهی بی‌تردید از زیانکاران خواهیم بود.

ستایش از آن پروردگارت است آن پروردگار عرت از وصفی که مشرکان می‌کنند. و سلام بر پیامبران و حمد و ستایش از آن الله پروردگار جهانیان...

عنوان خطبه:

اهمیت و فضیلت تربیت و تعلیم

خطیب: دکتر صالح آل طالب

مسجد الحرام: جمعه ۱۲ جمادی الثانی ۱۴۳۰ برابر با ۱۵ خرداد ۱۳۸۸

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است، ستایش از آن اوست که موصوف به علم است و «عالم» نام گرفته و از علم آن مقداری را که خواسته بر پیامبرش ارزانی داشته است. ستایش از آن اوست که چه اندازه علمش به کائنات احاطه یافته و خردها را با آیات محکم خویش روشن گردانده و ذهن بشریت را با انواع علوم در گذر زمان باز گردانید.

شهادت می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که شریکی ندارد. او که تقوا را

سببی برای علم قرار داد و فرمود:

﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيَعْلَمَكُمُ اللَّهُ...﴾ [البقرة: ۲۸۲].

«... و تقوای الله را پیشه سازید و الله شما را علم می‌آموزد...».

و گواهی می‌دهم که محمد بنده و پیامبر اوست... درود و سلام و برکت خداوند بر وی و اهل بیت و اصحاب و تابعین وی و بر کسانی باد که تا قیامت از آنان به نیکی پیروی نمایند.

اما بعد.. ای مسلمانان... اگرچه دل مشغولی مصلحان گوناگون گردد، و اگر قضایای امت، اهتمامات دلسوزان را به خود مشغول دارد و آرزوها در چشم امیدواران رنگارنگ شود، اما همه‌ی این‌ها در یک قضیه‌ی بزرگ و در یک طرح که همه‌ی فکرها و غم‌های مصلحان به آن منتهی می‌شود، جمع می‌گردد و آن، قضیه‌ی آموزش و پرورش است.

تربیت و تعلیم وظیفه‌ی پیامبران و معیار تمدن ملت‌ها و پیشرفت کشورهاست. اولین

چیزی که برای بشر فرستاده شد «آموزش» بود:

﴿وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا...﴾ [البقرة: ۳۱].

«و [خداوند] به آدم همه‌ی نام‌ها را آموخت».

و اولین معلم در این امت، محمد صلی الله علیه وآله وسلم و نخستین مدرسه در اسلام، در گوشه‌ی ای از همین مسجد حرام کنار کوه صفا قرار داشت که همان مدرسه‌ی خانه‌ی ارقم است.

از آن معلم و در آن مدرسه و از آن دانش آموزان بود که عرب، نخستین شالوده‌ی تمدن خود را پایه ریخت و آن هنگام بود که جهان نام آنان را شنید و آنان را به حساب آورد در حالی که آنان تا پیش از آن در حاشیه‌ی تاریخ قرار داشتند...

و اکنون تاریخ بار دیگر خود را تکرار می‌کند، و خداوند منزلت و مقام این امت را بالا نخواهد برد جز آنکه همانگونه که پیشینان این امت برخاستند اینان نیز برخیزند.

ای مسلمانان: فضیلت علم همراه با تربیت صحیح، بر هیچ عاقلی پوشیده نیست. با این علم است که انسان مسلمان پروردگارش را براساس شناخت عبادت می‌کند و با این علم است که با مردم به نیکویی برخورد می‌کند و با آن است که در زمین در پی روزی خداوند به تلاش می‌پردازد.

به وسیله‌ی علم، تمدن‌ها ساخته می‌شود و به وسیله‌ی آن افتخارات به دست می‌آید و باعث سازندگی نیک، و توسعه می‌شود. علم است که دارنده‌ی خود را در جای پادشاهان قرار می‌دهد و اگر با ایمان همراه باشد باعث بلندمرتبگی دنیا و آخرت می‌شود:

﴿...يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ...﴾ [المجادلة: ۱۱].

«الله، کسانی از شما را که ایمان آورده و علم را به دست آورده‌اند براساس درجه‌هایی بلند می‌گرداند».

در این میان، مردان و زنان معلم بر تخت‌های پادشاهی تکیه زده‌اند. ملکی که مردم آن فرزندان مسلمانانند. زیرا این معلمانند که اندیشه‌ها را شکل می‌دهند و به خردها وسعت داده و زبان‌ها را باز می‌کنند و بدن را تربیت می‌نمایند.

شایسته‌ی این زحمتکشان است که مورد عزت و بزرگداشت و نهایت احترام قرار گیرند. حق آنان است که به جایگاه بالای خود دست یابند و حقوق خود را به طور کامل به دست آورند و حق آنان است که قدرشان دانسته شود و هیبت و ارزششان پاس داشته شود.

آیا کسی را بزرگووار تر از آنان که درون‌ها و عقل‌ها را می‌سازند می‌شناسید؟

اما نصیحت من به آنان پس از تقوا و صداقت و اخلاص این است که الگوی نیکی برای کسانی باشند که از آنان پیروی می‌کنند.

ای معلمان: فرزندان مسلمانان، امانت خداوند و امت در گردن شمایند. معلم نخواهد توانست دانش آموزان خود را بر ارزش‌ها تربیت کند مگر آن که خود ارزش مدار باشد، و نخواهد توانست آنان را بر راه اصلاح پیش برد مگر آن که خود در درون خود صالح باشد زیرا تاثیری که دانش آموزان از نظر الگویی می‌گیرند بسسیار بیشتر از تاثیری است که از آموزش به دست می‌آورند.

کودکان و نونهالان دارای حس و ادراکی قوی هستند. اگر خواستید راستی و صداقت را برای آنان زیبا جلوه دهید باید در مرحله‌ی اول خود راستگو باشید و اگر خواستید ارزش صبر را برای آنان نمایان سازید باید خود از صبرپیشه گان باشید.

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...﴾ [الأحزاب: ۲۱].

«قطعا برای شما در رسول الله اسوه و سرمشقی نیکو وجود دارد...».

سرمایه گذاری در مورد انسان، همان سرمایه گذاری موفق است که اجر و منفعت آن پس از مرگ نیز در دنیا باقی می‌ماند و در حدیث صحیح آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«هنگامی که فرزند آدم بمیرد همه‌ی اعمال او قطع می‌شود جز در سه مورد...» و سپس

از میان این موارد از «علمی که از آن سود برده می‌شود» نام بردند [به روایت امام مسلم].

اکنون که مقام و منزلت علم اینگونه والا و مهم است، انتخاب مردان و زنان معلم و برگزیدن آنان از میان بهترین‌ها و بالا بردن سطح علمی و عملی آنان، برای موفقیت فرایند تربوی امری است حتمی و اساسی.

معلم محور اساسی و نقطه‌ای است که فرایند آموزش و پرورش بر آن می‌چرخد؛ بر

این اساس استقرار دورنی و مادی معلمان و بزرگداشت آنان از سوی جامعه امری است ضروری.

ای مسلمانان.. ای مربیان: بهترین قلب‌ها و مناسب‌ترین آنان برای پذیرش نیکی و خوبی، قلبی است که در آن بدی جای نگرفته باشد. از سوی دیگر مهم‌ترین قضیه‌ای که نصیحتگران به آن اهمیت داده‌اند و راغبان اجر الهی برای به دست آوردن اجر آن رغبت نموده‌اند، راسخ نمودن خیر در قلب فرزندان مسلمان، و آگاه نمودن آنان از حدود شریعت و معالم دینداری است که این - قسم به خداوند - وظیفه‌ی پیامبران است.

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم می‌فرماید:

«الله و فرشتگانش و اهل آسمان‌ها و زمین بر معلم نیکی به مردم درود می‌فرستند» [به روایت ترمذی] پس خوش به حال آن که نیت خود را پاک گرداند و عمل نیک انجام داد. بندگان خداوند: تمدن اسلامی در طول قرن‌ها بر اصول و مبادی خود پایبند مانده و به نوآوری در علوم پرداخت. شریعت اسلامی نیز با کمال و فراگیری خود به آموختن همه‌ی دانش‌های سودمند دستور داده است. از دانش توحید و اصول دین تا علوم اجتماعی و اقتصاد و سیاست و علوم نظامی و تجربی و دیگر علوم که مصلحت فرد و جامعه به آن بستگی دارد و باعث بی‌نیازی یک امت از دیگر امت‌ها می‌گردد.

همچنین در مبادی دین ما چنین آمده است که:

﴿... وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ...﴾ [المائدة: ۲].

«در نیکوکاری و تقوا با یکدیگر همکاری کنید و در گناه و تعدی همکار هم نشوید».

بیاید این نصیحت ربانی را به سیاست و برنامه‌ای عملی تبدیل نماییم که مردان و زنان تربیت و تعلیم و رسانه و سرمایه و همه‌ی جامعه براساس آن عمل نمایند. این یعنی کار مشترک و براساس روحیه‌ی گروهی.

شایسته است فناوری نوین برای عرصه‌های نوآوری بکار گرفته شود. انقلاب علمی و فناوری که به سرعت در حال پیشرفت است در انتظار هیچ کس نمی‌ماند. باید که در امور سودمند و گذاشتن ضوابط اخلاقی و رفتاری انسان‌ها مشارکت داشته باشیم. اگر مسلمانان در حالی که حاملان بهترین و آخرین رسالت‌ها هستند، از قافله عقب بمانند بسیار سخت خواهد بود که دیگران به حرف آنان گوش فرا دهند.

ای مسلمانان، ای مریبان: شما برای ساختن این نسل و برای شکل دادن به آینده و همراهی قافله‌ی تمدن، امین دانسته شده‌اید. تمدن و پیشرفتی که همراه با اصالت و ثباتی است که از شریعت اسلام برگرفته شده است.

آری... اصالت و ویژگی برگرفته از کتاب و سنت. به هدف معرفی پروردگار جهانیان به مردم و به هدف موالات نسبت به این دین و به هدف ساختن شهروند صالح و تولیدکننده و سالم از انحرافات فکری و سلوکی.

مبادی راسخ و در عین حال انعطاف پذیر اسلام همان خواستگاه صحیح تمدن اسلامی بود که خداوند آن را بر اهل زمین مبارک گردانید. این تمدن، ضعیف و سست نگردید مگر هنگامی که امت از خواستگاه‌هایی غیر شرعی استفاده کرد.

بندگان خداوند: هر امتی افراد خود را براساس آنچه‌ی که می‌خواهد تربیت می‌نماید. زیرا تربیت و تعلیم در حقیقت به معنای ساختن جامعه و نسل‌ها و آماده سازی و راهنمایی آن است.

همه‌ی امت‌ها و حکومت‌ها این جنبه‌ی مهم تربیت را درک کرده‌اند و سعی می‌کنند با همه‌ی توان، مبادی و اهداف خود را از طریق تربیت و تعلیم در جامعه راسخ گردانند. همه‌ی این ملت‌ها روش تربیتی خود را از ویژگی‌ها و خصوصیت‌هایی می‌دانند که هیچ جایی برای کوتاه آمدن و تغییر ندارد.

آموزش و پرورش و برنامه‌های آموزشی هر کشور قضیه‌ای داخلی و خصوصی است و هیچ کشوری به دخالت دیگران در آن رضایت نمی‌دهد و آن را به دیگران نمی‌سپارد. از این جاست که می‌دانیم وارد کردن روش‌های تربیتی از دیگر کشورها بطور کامل و بی‌هیچ تغییری، اشتباهی است بس بزرگ و داری عوارضی خطرناک است و به معنای دور نمودن کامل نسل‌ها از فرهنگ و تاریخشان و به معنای قطع کامل رابطه آنان با عقیده و ارزش‌هایشان است. امتی که مسخ گردیده و هویتی ندارد را می‌توان به راحتی به بردگی کشاند.

تربیت، کالایی نیست که بتوان آن را وارد نمود. تربیت لباسی است که به اندازه‌ی قامت هر امت و براساس سنت‌ها و ارزش‌ها و اهداف یک جامعه طراحی شده است. اهداف و ارزش‌هایی که یک امت برای آن جان می‌دهد.

این به معنای عدم استفاده از تجربه‌ی دیگر ملت‌ها نیست. زیرا که حکمت، گمشده‌ی مومن است و هر جا که آن را بیابد، به آن شایسته تر است.

این نوعی خلط مبحث و مغالطه است که به بهانه‌ی پیشرفت، سکولاریسم را بر این امت اجبار کنیم. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿...إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ...﴾ [فاطر: ۲۸].

«...همانا تنها بندگان عالم الله خشیت او را دارند...».

این آیه دلیل بر این است که علم و دانش نافع حتی اگر از علوم دنیا باشد باعث نزدیکی به خداوند است. این، آنگاه حاصل می‌شود که این علوم را رنگ ایمانی دهیم و از آن در جهت خدمت به دین و مسلمانان و آبادانی زمین استفاده کنیم همانگونه که خداوند از ما می‌خواهد و با در پیش گرفتن راه توازن و فراگیری و وسطیت و اعتدال... اما در صورتی که آموزش و اهداف آن از ایمان فاصله گیرد و به جای آن وسائل و اهداف انسان‌ها صرفاً مادی شوند، این همان وبال و بدبختی فراگیر است.

تمدن امروز شاهدی است زنده بر این، بگونه‌ای که امت‌ها آن هنگام که از خالق خود غافل شدند با تولید و صنعت خود، راه بدبختی را پیمودند و در تولید وسایل نابودی با یکدیگر مسابقه دادند و به دنبال آن، قدرت، در سیاست و اقتصاد و دیگر عرصه‌ها معیار برتری گردید و نه حق و عدالت.

هنگامی که ارزش‌ها در زیر خاک مدفون است، فخرفروشی به ساختمان‌هایی که آسمان را درنوردیده چه فایده‌ای خواهد داشت؟ وقتی که مردم با شهوت‌ها مشغولند و در پی ماده می‌دوند و از آخرت غافلند «سود» به چه کار خواهد آمد؟

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿... وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٦﴾ يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَفِلُونَ ﴿٧﴾﴾ [الروم: ۶-۷].

«...ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. آنان تنها ظاهری از این زندگی دنیا را می‌دانند و آنان از آخرت غافلند».

بندگان خداوند: برای برنامه‌های آموزشی این ضروری است که هویت اسلامی و فرهنگ ملی و جنبه‌های ویژه‌ی تمدنی امت را محکم و راسخ گردانده و جایگاه جهانی و اسلامی امت را از دیدگاه دینی و اقتصادی و سیاسی و صنعتی در ذهن دانش آموزان استقرار بخشید.

نونه‌الان ما در برابر چالش‌های فکری و تمدنی و منحرفانی که در ثوابت دینی و ارزش‌های والای جوامع ما شک اندازی می‌کنند، نیاز به آگاهی و مقاوم سازی بیشتری دارند تا اینکه این نسل در برابر جریان‌های فکری ذوب نگردد...

ما دارای یک رسالت و همینگونه دارای ویژگی‌های خاص به خود هستیم.

ای مسلمانان: وجود تفاوت میان جنس مرد و زن امری است که از نظر عقلی و شرعی و حسی بدیهی می‌نماید. تجربه‌ی این کشور در امر آموزش دختران در نوع خود بی‌نظیر بود تا آنجا که سازمان‌های بین‌المللی به این امر اعتراف نموده‌اند. در گزارش یونسکو آمده است که تجربه‌ی کشور ما در امر آموزش دختران نمونه و منحصر به فرد است.

اگر اختلاف میان نوع زندگی در میان اروپا و این منطقه وجود نداشت می‌گفتیم این روش تربیتی برای آموزش دختران حتی در اروپا نیز مناسب است. حال که سخن منصفان آنان چنین است نیازی به توجه به سخن شک اندازان مغرض نیست.

ما، در روش تربیتی اسلامی و مخصوصا در تجربه‌ی آموزشی این کشور، دستاوردها و مزایا و تجربه‌ها و پیروزی‌هایی داریم که باید از آن محافظت نماییم. از بارزترین جنبه‌های این موفقیت، اعتدال و میانه روی، و درس‌های علوم شرعی و نور فضیلت و ادبی است که دختران دانش آموخته در این برنامه از آن برخوردارند.

این از حق و عدل است که ما بتوانیم به روش آموزشی در سرزمین حرمین و برنامه‌ی تربیتی آن افتخار نماییم. آموزش و پرورش در این کشور در حال رشد و باروری است و با وجود برخی اظهار نظرهای غربی که گاه گاه مطرح می‌شود، بر روش‌های آموزشی بسیاری از کشورهای دیگر برتری دارد و هنوز ویژگی و اصالت، سمت بارز آن است که باید به همراه سعی در پیشرفت و تلاش برای به‌ترسازي و استفاده از تجربه‌ی دیگران، آن را پاس داشت.

حال که زمانه‌ی ما، زمانه‌ی نبرد تمدن‌ها و عقاید و فشارهای جهانی سازی در زمینه‌ی اندیشه و آموزش است، از نشانه‌ی اخلاص و آگاهی مسئولان آموزش و پرورش است که در برابر این چالش بایستند و برای آینده‌ی روشن به مسئولیت خویش عمل نمایند. خداوند این سرزمین و دیگر سرزمین‌های اسلامی را با عزت و امنیت حفظ نموده و در هر خیری جلو دار و از هر شری سالم بدارد.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَٰكِن جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِ مَن نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٥٢﴾﴾

[الشوری: ۵۲].

«و این چنین ما به سوی تو روحی را از امر خویش وحی نمودیم و تو پیش از این نه می‌دانستی کتاب چیست و نه می‌دانستی ایمان چیست اما ما آن را نوری گرداندیم که هر که از بندگانمان را بخواهیم به سوی آن هدایت می‌کنیم و تو به سوی راه راست هدایتگری.»

خداوند من و شما را به وسیله‌ی قرآن و سنت برکت دهد و با آیات آن و حکمت، سود رساند. این سخن را گفته و برای خود و شما از الله آمرزش می‌خواهم.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله، پروردگار جهانیان است، آنکه رحمان است و رحیم است، و مالک روز قیامت است، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله، به تنهایی و بدون شریک، آن پادشاه آشکار به حق. و شهادت می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر اوست. درود و سلام خدا بر او و بر اهل بیت و یاران وی.

اما بعد... ای مسلمانان... نظریه پردازان می‌گویند: آموزش و پرورش فرایندی است تکاملی. و باید از خود بپرسیم که نقش پدران و مادران در این فراینده چه است و از خود بپرسیم که نقش رسانه‌ها در تربیت و راهنمایی و نصیحت و تعلیم این میان چه چیزی است. و اصولاً برنامه‌ی جامعه‌ی اسلامی در این فرایند چه باید باشد.

نوجوان‌هنگامی که با تناقض و اختلاف میان آنچه در مدرسه آموزش دیده و آنچه از برخی رسانه‌های دیداری و خواندنی، می‌بیند مواجه می‌گردد دچار نوعی دوگانه‌گی و اضطراب درونی می‌گردد.

از یک سو مدرسه سعی در راسخ گرداندن قواعد تربیتی و بنای آن دارد و از سوی دیگر با فضای باز موجود در رسانه‌ها و فناوری‌های نوین ارتباطی شاهدین که دیگران دارند با ما در تربیت فرزندان ما رقابت می‌کند مخصوصاً اگر در نظر داشته باشیم که گناه بیشتر این رسانه‌های از نفعشان بیشتر است.

این شرایط چنین ایجاب می‌کند که اصحاب رای و اندیشه و غیرتمندان، تلاش‌های خود را در پژوهش این پدیده و ایجاد راه حل، دوچندان نمایند و در راه ایجاد راهکارهایی برای حمایت نسل جوان و پاسداشت امت تلاش نمایند.

هر جامعه‌ای دارای مرزها و خط قرمزهایی است که در کنار آن می‌ایستد و دارای فرهنگ و سنت‌هایی است که برای آن احترام قائل است، حتی در سرزمین‌هایی که الحاد و بی‌دینی حاکم است نیز مردم بر اموری که باعث ایجاد همبستگی میان آن‌هاست توافق دارند و زندگی خود را از آن خواستگاه‌ها نظم می‌بخشند.

ما مسلمانان نیز زندگی خود را تنها براساس یقین به خداوند متعال یگانه بنا می‌کنیم و خطوط کلی جامعه و آینده‌ی خویش را براساس هدایت خداوند همانگونه که پیامبرمان ابلاغ داشته ترسیم می‌کنیم.

بر این اساس هرگز نمی‌توان اشاعه‌ی فحشا و الحاد را در زندگی جامعه‌ی مسلمان تحمیل کرد و هرگز نمی‌توان زیر پا گذاشته شدن احکام الهی را در هیچ یک در شئون زندگی قبول کرد و نمی‌توان مظاهر ایمان را در زندگی عمومی مردم این جامعه مختل نمود.

خشنود نمودن خداوند، عملی مستحبی نیست که زاهدان در آن زهد ورزند یا آنکه مترددان در انجام آن تردید کنند. غیر ممکن است که میراث حق خداوندی را که از او به ما رسیده است رها کنیم سپس در انتظار خیر و نیکی نزدیک یا دور باشیم.

برای آنکه به سطح بالایی در تربیتی که در نظر داریم دست یابیم باید در گام نخست عقاید خویش و قدسیت آن را حفظ نماییم زیرا ایمان به الله و آخرت و اطمینان مطلق به آن چه از نزد خداوند و رسولش به ما رسیده است، اساسی است محکم و متین برای تربیتی کامل و فراگیر.

بلکه همانگونه که واگن‌ها به قطار متصل‌اند، رفتار به عقیده وابستگی کامل دارد. بنابراین اگر ایمانی وجود نداشته باشد که حرکات و سکنات شخص را به خود مرتبط سازد، عرصه برای دیگر محرک‌ها باز خواهد شد و شهوات و اهواء و خواسته‌ها و غرایز و رقابت‌ها این عرصه را تصاحب خواهند کرد و مردم برای به دست آوردن خواسته‌های خود بدون هیچ مرز و حدی به هم خواهند ریخت.

می‌شود آغاز این وضعیت را در برخی از جوامع که در آن‌ها دینداری به عقب کشانده شده و نیروی ایمان در اصول رفتار و تربیت، ضعیف گردیده است مشاهده کرد. در این جوامع هر شخص در زندگی خصوصی خود و در برخورد با دیگران، براساس خواسته‌های خود و براساس وضعیت خاص محیطی که در آن زندگی می‌کند، رفتار می‌نماید و این باعث فروپاشی ترسناکی در سطح اخلاق اجتماعی گردیده تا آنجا که

می‌توان آثار خودخواهی زشت و منفی و خودپرستی و تلاش بیش از حد برای دنیا و اهمیت ندادن به آخرت را در این جوامع به سادگی مشاهده کرد.

این عقاید اسلامی بود که نسل‌هایی را بنا نمود که دارای قدرت بنای زندگی انسانی و تربیت آن بودند. و این عقاید است که می‌تواند اخلاق متین و محکم را ساخته و در ورای آن مردانگی را بنا نهاده و در برابر بحران‌ها بایستد.

تربیت موفق بر حقایق اقرار شده و بر مسلمات غیرقابل شک بنا نهاده می‌شود. حال اگر محیط به فساد کشانده شود و در آن شک رواج یابد و بسوی آنچه از آسمان نازل شده است انگشت اتهام دراز گردد، پس هیئات اگر بتوان در چنین محیطی نسل‌هایی تربیت کرد که بتوان به ادب و عفت و عدالت آن اعتماد نمود

نباید به دارندگان قلب‌های مریض اجازه داد تا هر چند وقت یک بار در میان مسلمانان به انتشار شک و تردیدهای ساختگی بپردازند. نباید افکاری که بسوی بی‌نظمی دعوت می‌دهند و با فریب آزادی بسوی آزاد شدن از هر قید بندگی دعوت می‌کنند.

ممکن است نوجوانان مسلمان و مردم بر اثر تکرار این سموم در خطر فساد قلب قرار

گیرند

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ...﴾

[التحریم: ۶].

«ای کسانی که ایمان آورده اید، خود و خانواده‌ی خود را از آتشی که مردم و سنگ‌ها

هیزم‌اند، نجات دهید».

هر آنکه خود و خانواده‌اش را حفظ نکند به تحقیق مورد بازخواست قرار خواهد

گرفت...

این است آنچه قصد گفتنش را داشتم و درود و سلام بفرستید بر بهترین انسان‌ها

محمد بن عبدالله... بارالها درود و سلام بفرست بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و

یارانش و بر آنان که بر راه او روند و روش او را در پیش گیرند.

خداوندا از چهار خلیفه‌ی پیامبرت ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه‌ی پیامبرت و تابعین و تابعین آنان تا روز قیامت خشنود باش.

بارالها اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار بگردان. بارالها آنان را که دینت را یاری می‌دهند یاری ده و طاغیان و ملحدان و مفسدان را ذلیل بگردان. خدایا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت را و بندگان مومنت را یاری ده.

خدایا مستضعفان مسلمان را یاری ده. خدایا آنان را در فلسطین و هر جای دیگر یاری ده. ای پروردگار جهانیان برای آنان یاور و یاری ده باش. بارالها ما را در سرزمین هایمان ایمن بگردان و امامان و والیان امر ما را صالح بگردان.

خدایا گرانی و بیماری و ربا و زنا و زلزله‌ها و سختی‌ها و فتنه‌های بد آشکار و پنهان را از ما دور گردان. بارالها بر مسلمانان لطف بورز و بلا را از آنان دور گردان ای زنده‌ی پایدار ای دارای بزرگی و بزرگواری.

بارالها غم‌های غمگینان مسلمان را دور گردان و سختی سختی دیدگان مسلمان را برطرف گردان و اسیران را آزاد گردان و بدهی بدهکاران را از آنان بردار و به رحمت خود بیماران ما و دیگر بیماران مسلمان را شفا ده.

پروردگارا برای ما در دنیا و در آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دورمان گردان. پروردگارا ما را و پدران ما را و همه‌ی مسلمانان را مورد آمرزش قرار ده. بارالها جوانان مسلمان و پیران آنان و زنان و مردان و همه‌ی آنان را هدایت کن.

پروردگارا از ما بپذیر که تو شنوای دانایی و بر ما توبه پذیر که تو بسیار توبه پذیر و مهربانی. پاک و منزّه است پروردگار تو، پروردگار عزت، از آنچه مشرکان وصف می‌کنند و سلام بر پیامبران و الحمدلله رب العالمین.

موضوع خطبه:

درس‌ها و عبرت‌های برگرفته از داستان‌های پیامبران

خطیب: دکتر اسامه خیاط

مسجد الحرام: جمعه ۱۹ جمادی الثانی ۱۴۳۰ برابر با ۲۲ خرداد ۱۳۸۸

خطبه‌ی اول:

ستایش می‌گویم خداوندی را که برای ما داستان‌های پیامبران را که پندی است برای صاحبان خرد، بازگفته است و حمدش را به جای می‌آورم که او پاک و منزّه است.

و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله، به تنهایی و شریکی ندارد. آن آفریدگار زمین و آسمان‌های هفتگانه که عزیز است و وهاب است. و شهادت می‌دهم که سرورمان محمد، بنده‌ی الله، و رسول اوست که خداوند او را با بهترین دین و گرامی‌ترین کتاب به سوی مردم فرستاد.

خداوندا درود و سلام بفرست بر بنده و پیامبرت محمد، و بر اهل بیت و یارانش. آن درود و سلامی که در نزد خداوند و در روز حساب، امید اجر و پاداش آن را داریم.

اما بعد... ای بندگان خداوند، تقوای او را در پیش گیرید و برای روز بازپسین بهترین توشه را برگزید و زندگی دنیا و شیطان فریب دهنده، شما را فریب ندهد.

ای مسلمانان: همانا ارزش داستان به ارزش موضوع و هدف و آثار آن بستگی دارد و بدون شک داستان‌های قرآن از این نظر بالاترین مقام را دارا می‌باشند. این داستان‌ها از نظر عمق تاثیر و از نظر جایگاه زیبای آن در نفس بشری، در جایگاهی دست نیافتنی قرار دارند.

در مقدمه و در قله‌ی این داستان‌ها که خداوند متعال آن را بر پیامبرش و بر بندگانش برخوانده است، داستانی است که او آن را «احسن القصص» یعنی بهترین داستان‌ها نامیده است. پروردگار متعال می‌فرماید:

﴿مَنْ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ

لَمِنَ الْغَافِلِينَ ﴿۳﴾ [یوسف: ۳].

«ما بهترین داستان‌ها را به موجب این قرآن که به تو وحی کردیم بر تو حکایت می‌کنیم و تو قطعاً پیش از آن از بی‌خبران بودی».

این وصف از سوی خداوند متعال نشان‌دهنده‌ی این است که این داستان، از راست‌ترین داستان‌ها و بلیغ‌ترین و سودمندترین آنان است زیرا داستان‌های قرآن به قصد لذت عقلی و یا برای همنشینی و شب‌نشینی با دوستان نازل نشده و بلکه برای مقصودی بزرگ و با ارزش نازل گردیده تا آنکه یادآوری و عبرت باشد و تا آنکه مایه‌ی پایداری و هدایت و رحمت شود. چنانکه خداوند متعال در پایان همین سوره فرموده:

﴿لَقَدْ كَانَ فِي قَصصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ ۗ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَٰكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿١١١﴾﴾ [یوسف: ۱۱۱].

«به راستی در داستان آنان برای خردمندان عبرتی است. (این داستان‌ها) سخنی نیست که به دروغ ساخته شده باشد بلکه تصدیق آنچه [از کتاب‌هایی] است که پیش از آن بوده و روشنگر هر چیز است و برای مردمی که ایمان می‌آورند رهنمود و رحمتی است.»

زیرا در داستان پیامبران با اقوامشان - چنانچه برخی از اهل علم می‌گویند - تقریری است بر ایمان به الله و توحید وی و خالص گرداندن عمل برای او و برای روز قیامت، و همچنین حاوی بیان توحید و وجوب آن و بدی شرک است و بیانگر این است که شرک سبب هلاکت در دنیا و آخرت است.

همچنین در این داستان‌ها عبرتی است برای مومنان که آن را در همه‌ی عرصه‌های دین و دعوت و از نظر پایداری در برابر سختی‌ها و در عرصه‌ی صدق و اخلاص برای خداوند در همه‌ی حرکات و سکانات، اسوه و راهنمای خود قرار دهند که تنها ثواب و پاداش را از الله بخواهند و از هیچ‌یک از بندگان نه پاداش و نه تشکری نخواهند.

همچنین این داستان‌ها دربرگیرنده‌ی پند و اندرز و ترغیب و ترهیب و مژده‌ی فرج پس از تنگی و آسانی پس از سختی و عاقبت نیک در این دنیا و ثنای نیک و محبتی است که پیامبران در قلب مردم به جای گذاشتند که همه‌ی این‌ها سروری است برای عابدان و دوایی است برای قلب غمگینان.

همچنین در آنچه خداوند از این داستان‌ها بازگفته است، آنچه است که درباره‌ی شعیب علیه السلام و قومش - اهل مدین - حکایت شده که میان شرک به خداوند و

عادت خویش در کم کردن پیمانہ و خیانت به مردم در اموالشان از راه انواع روش‌های فریب و تقلب در معامله و راهزنی و دیگر راه‌های فساد در زمین، جمع بسته بودند که همه‌ی این‌ها از کفر به خداوند و دروغ پنداشتن آیات وی ناشی شده بود.

شعیب پیامبر آنان را به عبادت خدای یگانه فراخواند و آنان را از شرک نسبت به خداوند بازداشت و به عدالت در معاملات امر نمود و کم نمودنشان در پیمانہ و ترازو را بد داشت. او به آنان یادآوری نمود که خداوند انواع نعمت‌هایش را بر آنان ارزانی داشته به طوری که دلیلی برای ستم نمودن به مردم در اموالشان و زیر پا نمودن حقشان ندارند. وی همچنین آنان را از عاقبت کارهایشان هشدار داد اما آنان او و نماز و عبادتش را مورد مسخره قرار دادند. شعیب برای آنان تبیین نمود که وی از آنجا که خداوند بر وی با نبوت و روزی حلال منت نهاده است، نسبت به آنچه از سوی پروردگار برای آنان آورده است بر بصیرت و آگاهی است و او آنان را از چیزی که خود انجام می‌دهد نهی نمی‌کند بلکه او اولین کسی است که از آنچه نهی می‌کند دست کشیده است و قصدی جز اصلاح اوضاع دینی و دنیایی آنان ندارد و در این راه همه‌ی سعی و تلاش خود را با توکل بر خداوند، صرف خواهد کرد.

وی سپس آنان را از اینکه به دلیل دشمنی با وی بر کفر خود باقی بمانند یا بر دروغ انگاری خویش پافشاری کنند و در نهایت به عاقبت بد امت‌های هلاک شده‌ی پیشین دچار شوند، هشدار داد.

سپس وی بازگشت و توبه‌ی به سوی خداوند و دور شدن از گناہانی که در آن هستند را بر آنان عرضه کرده و از آنان خواست نزد خداوند استغفار نمایند و به آنان بیان کرد که خداوند توبه‌ی صادقانه‌ی بندگان را می‌پذیرد زیرا او مهربان و دوستدار است.

اما آنان بر کفر و تکذیب و فسادشان در زمین و رویگردانی از آیات روشن و هدایت الهی، پافشاری نمودند و با تعداد نیروها و توانی که داشتند، شعیب و مستضعفانی را که با وی بودند، مورد تحقیر قرار دادند.

وقتی که شعیب نسبت به ایمان آوردن آنان و استجابت آنان نسبت به خیر و هدایت و اصلاحی که بر آنان عرضه می‌نمود، ناامید گشت، راهی جز تهدید آنان به عذابی که خواری و زیان و هلاکشان در آن است ندید و در پایان عذابی که به آنان وعده داده بود رخ داد...

خداوند بر آنان بادی گرم و شدید فرستاد که نفس‌هایشان را تنگ گردانید سپس در این حال بر آنان ابری فرستاد که بر آنان سایه افکند. آنان یکدیگر را به سایه‌ی این ابر فراخواندند، تا اینکه وقتی همه‌شان زیر آن جمع شدند، آتشی بر آنان شعله‌ور گردید و در پی آن فریادی بلند آنان را هلاک گردانید و اینچنین در سرزمین خود در نهایت خواری و ذلت خاموش شدند.

خداوند متعال همه‌ی این داستان را در کلام خود اینچنین حکایت نموده است:

﴿وَالِی مَدَیْنِ اَحَاهُمْ شُعَیْبًا قَالَ یَقَوْمِ اَعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِّنْ اِلٰهِ غَیْرُهُ ۗ وَلَا تَنْقُصُوا الْمِکَیَالَ وَالْمِیْزَانَ ۗ اِنِّیْ اَرٰنُکُمْ بِخَیْرِ وَاِنِّیْ اَخَافُ عَلَیْکُمْ عَذَابَ یَوْمٍ مُّحِیْطٍ ﴿۸۵﴾ وَیَقَوْمِ اَوْفُوا الْمِکَیَالَ وَالْمِیْزَانَ بِالْقِسْطِ ۗ وَلَا تَبْخُسُوا النَّاسَ اَشْیَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِی الْاَرْضِ مُفْسِدِیْنَ ﴿۸۶﴾ بَقِیْتُ اللّٰهَ خَیْرًا لَّکُمْ اِنْ کُنْتُمْ مُّؤْمِنِیْنَ ۗ وَمَا اَنَا عَلَیْکُمْ بِحَفِیْظٍ ﴿۸۷﴾ قَالُوْا یَشْعِیْبُ اَصْلُوْتْکَ تَأْمُرْکَ اَنْ تَتْرَکَ مَا یَعْبُدُ اٰبَاؤُنَا اَوْ اَنْ نَّفْعَلَ فِیْ اَمْوَالِنَا مَا نَشَآءُ اِنَّکَ لَانتَ الْاَحْلِیْمُ الرَّشِیْدُ ﴿۸۸﴾ قَالَ یَقَوْمِ اَرَعِیْتُمْ اِنْ کُنْتُ عَلٰی بَیْنَتِیْ مِنْ رَبِّیْ وَرَزَقْنِیْ مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا اُرِیْدُ اَنْ اُخَالِفْکُمْ اِلٰی مَا اَنْهَکُمْ عَنْهُ اِنْ اُرِیْدُ اِلَّا الْاِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِیْقِیْ اِلَّا بِاللّٰهِ عَلَیْهِ تَوَكَّلْتُ وَاِلَیْهِ اُنِیْبُ ﴿۸۹﴾ وَیَقَوْمِ لَا یَجْرِمَنَّکُمْ شِقَاقِیْ اَنْ یُّصِیْبَکُمْ مِّثْلُ مَا اَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ اَوْ قَوْمَ هُوْدٍ اَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَمَا قَوْمٌ لُّوْطٍ مِّنْکُمْ بِبَعِیْدٍ ﴿۹۰﴾ وَاسْتَغْفِرُوْا رَبَّکُمْ ثُمَّ تُوبُوْا اِلَیْهِ اِنَّ رَبِّیْ رَحِیْمٌ وَّدُوْدٌ ﴿۹۱﴾ قَالُوْا یَشْعِیْبُ مَا نَفَقَهُ کَثِیْرًا مِّمَّا تَقُوْلُ وَاِنَّا لَنَرٰکَ فِیْنَا ضَعِیْفًا وَّلَوْ لَا رَهْطُکَ لَرَجَمْنَاکَ ۗ وَمَا اَنْتَ عَلَیْنَا بِعَزِیْزٍ ﴿۹۲﴾ قَالَ یَقَوْمِ اَرْهَطِیْ اَعَزُّ عَلَیْکُمْ مِنَ اللّٰهِ وَاتَّخَذْتُمُوْهُ وَّرَآءَکُمْ ظَهْرِیًّا ۗ اِنَّ رَبِّیْ بِمَا تَعْمَلُوْنَ مُحِیْطٌ ﴿۹۳﴾ وَیَقَوْمِ اَعْمَلُوْا عَلٰی مَّکَانَتِکُمْ اِنِّیْ عَمِلٌ سَوِّفٌ تَعْلَمُوْنَ مَنْ یَّاتِیْهِ عَذَابٌ یُّجْزِیْهِ وَمَنْ هُوَ کَاذِبٌ ۗ وَارْتَقِبُوْا اِنِّیْ مَعَّکُمْ رَقِیْبٌ

﴿۹۳﴾ وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَحْنُ شُعَيْبًا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَأَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيرِهِمْ جَثِيمِينَ ﴿۹۴﴾ كَأَن لَّمْ يَعْنُوا فِيهَا آلَا بُعْدًا لِّمَدِينٍ كَمَا بَعَدَتْ ثَمُودُ ﴿۹۵﴾ [هود: ۸۴-۹۵].

«و به سوی [اهل] مدین برادرشان شعیب را [فرستادیم] گفت ای قوم من الله را پرستید برای شما جز او معبودی نیست و پیمانہ و ترازو را کم مکنید به راستی شما را در نعمت می‌بینم و [لی] از عذاب روزی فراگیر بر شما بیمناکم (۸۴) ای قوم من پیمانہ و ترازو را با عدالت بصورت کامل دهید و حقوق مردم را کم مدهید و در زمین به فساد سر برمدارید (۸۵) اگر مؤمن باشید باقیمانده [حلال] خدا برای شما بهتر است و من بر شما نگاهبان نیستم (۸۶) گفتند ای شعیب آیا نماز تو به تو دستور می‌دهد که آنچه را پدران ما می‌پرستیده‌اند رها کنیم یا در اموال خود به میل خود تصرف نکنیم راستی که تو بردبار فرزانه‌ای (۸۷) گفت ای قوم من بیندیشید اگر از جانب پروردگارم دلیل روشنی داشته باشم و او از سوی خود روزی نیکویی به من داده باشد [آیا باز هم از پرستش او دست بردارم] من نمی‌خواهم در آنچه شما را از آن باز می‌دارم با شما مخالفت کنم [و خود مرتکب آن شوم] من قصدی جز اصلاح [جامعه] تا آنجا که بتوانم ندارم و توفیق من جز به [یاری] خدا نیست بر او توکل کرده‌ام و به سوی او باز می‌گردم (۸۸) و ای قوم من زنهار تا مخالفت شما با من شما را بدانجا نکشاند که [بلایی] مانند آنچه به قوم نوح یا قوم هود یا قوم صالح رسید به شما [نیز] برسد و قوم لوط از شما چندان دور نیست (۸۹) و از پروردگار خود آمرزش بخواهید سپس به درگاه او توبه کنید که پروردگار من مهربان و دوستدار [بندگان] است (۹۰) گفتند ای شعیب بسیاری از آنچه را که می‌گویی نمی‌فهمیم و واقعا تو را در میان خود ضعیف می‌بینیم و اگر عشیره تو نبود قطعاً سنگسارت می‌کردیم و تو بر ما پیروز نیستی (۹۱) گفت ای قوم من آیا عشیره من پیش شما از الله عزیزتر است که او را پشت سر خود گرفته‌اید [و فراموشش کرده‌اید] در حقیقت پروردگار من به آنچه انجام می‌دهید احاطه دارد (۹۲) ای قوم من شما بر حسب امکانات خود عمل کنید من [نیز] عمل می‌کنم به زودی خواهید دانست که عذاب

رسواکننده بر چه کسی فرود می‌آید و دروغگو کیست و انتظار برید که من [هم] با شما منتظرم (۹۳) چون فرمان ما آمد شعیب و کسانی را که با او ایمان آورده بودند به رحمتی از جانب خویش نجات دادیم و کسانی را که ستم کرده بودند فریاد [مرگبار] فرو گرفت و در خانه‌هایشان از پا درآمدند (۹۴) گویی در آن [خانه‌ها] هرگز اقامت نداشته‌اند همان مرگ بر [مردم] مدین همان گونه که ثمود هلاک شدند».

بندگان خداوند: بندها و درس‌هایی که از این داستان بزرگ قرآنی برداشت می‌شود قابل شمارش نیست. از جمله اینکه:

بنده در حرکات و سکنات و رفتارها و معاملات مالی خود محکوم به حکم شریعت است و هرآنچه را شریعت برایش حلال دانسته انجام داده و آنچه را حرام دانسته ترکش بر وی واجب است و بنده حق ندارد که بگوید در انجام هرچه دوست دارد در مال خود آزاد است مگر نه به مانند قوم شعیب خواهد شد که در پاسخ به شعیب خود را در انجام آنچه دوست دارند در مال خویش آزاد دانستند.

همچنین ستم به مردم در مالشان بطور کلی و خیانت در پیمان و ترازو بطور ویژه، از بزرگ‌ترین جنایت‌ها و زشت‌ترین گناهی است که انجام دهنده‌ی آن مستحق شدیدترین عقوبت‌ها در دنیا و آخرت می‌گردد.

همچنین از درس‌های این سوره این است که: وقوع معصیت از شخصی که بسوی آن دعوت نیز می‌دهد زشت‌تر و شدیدتر است. چنانکه وقوع گناه زنا از پیرمرد ضعیف زشت‌تر از انجام آن توسط یک جوان است و همین‌طور تکبر و فخرفروشی از شخص فقیر شدیدتر و بدتر است.

همچنین: همه‌ی انبیا برای همه‌ی خیرها و صلاح بندگان در دنیا و پیروزی و نجات و رضوان بزرگ خداوند در آخرت مبعوث شده‌اند و هر خیر و خوبی و اصلاحی از دین انبیاء است.

از درس‌های دیگر این داستان این است که نماز سببی است برای انجام نیکی‌ها و ترک منکرات و دلسوزی برای مردم و خواستن خیر و نیکی برای آنان به واسطه‌ی

نصیحت و ترغیب و ترهیب. زیرا نماز دارای تاثیری است مثبت که از شخص نمازگار به دیگران می‌رسد.

همچنین لازم است که شخص دعوتگر به خوبی، اولین کسی باشد که به سخنان خود عمل می‌کند و نیز اولین کسی باشد که از انجام آنچه از آن نهی کرده باز ایستد. در غیر این صورت در این نکوهش خداوند متعال واقع می‌شود که:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿۲﴾ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿۳﴾﴾ [الصف: ۲-۳].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید چرا چیزی می‌گویید که انجام نمی‌دهید (۲) نزد الله بسیار ناپسند است که چیزی را بگویید و انجام ندهید».

همچنین قانع بودن به روزی خداوند و بی‌نیازی از حرام خبیث با قناعت به حلال پاک از درس‌های این داستان است، زیرا این از جمله چیزهایی است که خداوند به پیامبرانش و همه‌ی بندگانش امر نموده است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿۵۱﴾﴾

[المؤمنون: ۵۱].

«ای پیامبران از پاک‌ی‌ها بخورید و کار نیک انجام دهید. من به آنچه می‌کنید بسیار آگاهم».

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿۱۶۸﴾﴾ [البقرة: ۱۶۸].

«ای مردم از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه را بخورید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید. او برای شما دشمنی است آشکار».

خداوند متعال من و شما را با هدایت قرآن و سنت، سود رساند. این سخن را گفته و از الله بزرگ برای خود و شما و دیگر مسلمانان از هر گناهی آمرزش می‌خواهم پس از او آمرزش بخواهید که او بس غفور و رحیم است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله است. وی را حمد گفته و از او استعانت می‌خواهیم و از وی آمرزش می‌طلبیم. به الله پناه می‌بریم از بدی‌های نفس خویش و از کارهای بد خویش. هر که الله او را هدایت کند گمراهگری نخواهد داشت و هر که را خداوند گمراه سازد هدایتگری نخواهد داشت.

و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنهاست و شریکی ندارد و گواهی می‌دهم که محمد بنده و پیامبر اوست. بارالها بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یارانش درود و سلام بفرست.

اما بعد: ای بندگان خداوند از درس‌های داستان شعیب و قومش - اهل مدین - این است که دعوتگران به خیر و حاملان مشعل هدایت - همگی - محتاج به شکیبایی و اخلاق نیک دائمی و صبری زیبا هستند تا بتوانند در برابر بدی دیگران به نیکی برخورد نمایند و با شکیبایی از آنان درگذرند و این اخلاق - چنانکه برخی از اهل علم می‌گویند در پیامبران بصورت کامل وجود دارد.

نگاهی به شعیب و اخلاق نیک وی با قومش و دعوت وی بیاندازید. در حالی که قومش سخنان ناشایست را نثار او می‌سازند و وی را مسخره می‌کنند او در مقابل شکیبایی ورزیده و از آنان درمی‌گذرد و به گونه‌ای با آنان سخن می‌گوید که گویی جز نیکی از آنان ندیده است.

از جمله چیزهایی که اینگونه صبر و شکیبایی را آسان می‌گرداند این است که انسان بدانند این اخلاق، اخلاقی است که هر که بدان دست یابد بهره‌ای بزرگ برده و صاحب آن نزد الله جزایی بزرگ و نعمی ماندگار دارد و چنین فردی خواهد توانست امت‌هایی را معالجه و هدایت نماید که دارای اخلاقی هستند که برداشتن آن از بلند کردن کوه‌های استوار دشوارتر و بر عقاید و مذاهبی عادت کرده‌اند که در راه آن مال‌ها و جان‌ها داده و برایش چیزهای باارزشی را فدا نموده‌اند. پس از این همه آیا گمان می‌برید که این چنین انسان‌هایی به مجرد این که به آنان گفته شود عقایدتان باطل است دست از آن خواهند

کشید؟ یا گمان می‌برید که اینگونه انسان‌هایی کسانی را که به عقایدشان توهین کنند خواهند بخشید؟

خیر. قسم به خدا که هرگز چنین نیست. امثال اینگونه انسان‌ها به معالجه‌های متنوع به واسطه‌ی روش‌هایی نیازمندند که پیامبران بسوی آن دعوت داده‌اند. پس ای بندگان خداوند تقوای وی را پیشه سازید و بر سود بردن از داستان‌هایی که در قرآن کریم وجود دارد و عبرت گرفتن از عبرت‌های آن و پند گرفتن از پندهای آن حریص باشید.

همیشه به یاد داشته باشید که الله متعال شما را به درود بر خاتم پیامبران و امام متقیان و رحمت بر جهانیان، امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿۵۶﴾ [الأحزاب: ۵۶].

بارالها بر بنده و پیامبرت محمد درود و سلام فرست و از چهار خلیفه‌ی راشد، ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگران اهل بیت و صحابه و تابعین و از آنانی که تا قیامت به نیکی پیروی آنان نمایند، و همچنین از ما نیز با عفو بزرگواری و احسان خویش خشنود و راضی باش. ای بهترین کسی که گذشت و عفو می‌نماید.

بارالها اسلام و مسلمانان را عزت ده، بارالها اسلام و مسلمانان را عزت ده، بارالها اسلام و مسلمانان را عزت ده، بارالها اسلام و مسلمانان را عزت ده و مرزهای دین را حفظ گردان و دشمنان دین و دیگر طاغیان و مفسدان را نابود گردانده و میان قلب‌های مسلمانان الفت داده و صف‌هایشان را متحد گردان و فرماندهان و سران آنان را صالح بگردان و کلمه‌ی آنان را بر حق یکجا بگردان.

بارالها دینت و کتابت و سنت پیامبرت و بندگان مومن مجاهدت را یاری ده. بارالها ما را در سرزمین‌هایمان در امان بدار و مسئولان ما را صالح بگردان. بارالها این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را از هر بدی حفظ گردان و در هر نیکی موفق بدار. ای پروردگار جهانیان.

بارالها ما از تو مسألت داریم که ما را از دشمنانمان و دشمنانت به هرگونه که می‌خواهی حفظ بگردانی. بارالها ما از تو نابودی آنان را می‌خواهیم و از بدی آنان به تو پناه می‌بریم. بارالها عاقبت ما را در همه‌ی امور به خیر بگردان و ما را از خواری دنیا و عذاب آخرت نجات ده.

خدایا دین ما را که حفظ کننده‌ی امر ما و دنیای ما را که زندگی ما در آن است و آخرت ما را که بازگشت ما بسوی آن است صالح و نیک بگردان و زندگی را برای ما زیاده در هر نیکی، و مرگ را برای ما آسودگی از هر بدی قرار ده.

بارالها بیماران ما را شفا ده و مردگان ما را پیامرز و آن آرزوهای ما را که در آن رضایت توست برآورده ساز و عاقبت ما را با اعمال نیک خاتمه ده.

بارالها دانش آموزان و دانشجویان را در امتحانات موفق بگردان و آنان را به پاسخ‌های صحیح راهنمایی کن.

پروردگارا ما به خود ستم نمودیم و اگر تو ما را مورد آمرزش و رحمت قرار ندهی از زیانکاران خواهیم بود.

پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کرده و از آتش دوزخ برهان. و درود و سلام خداوند بر بنده و پیامبرش محمد و بر اهل بیت و یاران وی. والحمدلله رب العالمین.

عنوان خطبه:

گروه گمراه میان علم و جهل

خطیب: دکتر صالح بن حمید

مسجد الحرام: جمعه ۲۶ جمادی الثانی ۱۴۳۰ برابر با ۲۹ خرداد ۱۳۸۸

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است، ستایش از آن اوست که به تنهایی دارای جبروت و ملک و ملکوت است... او که میراند و زنده گرداند و خنداند و گریاند و فقیر گرداند و غنی گرداند. وی را ستایش گویم و شکر وی را به جای آورم و به سوی وی بازگشته و آمرزش وی را می‌طلبم. او که نعمتش پی در پی است و کرمش شماره نمی‌شود.

و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنهاست و شریکی ندارد، شهادتی که باعث نزدیکی به وی می‌شود. و گواهی می‌دهم که سرور ما و نبی ما محمد، بنده و پیامبر او خاتم پیامبران و سرور جهانیان است. درود و سلام و برکت خداوند بر او و بر اهل بیتش، آن ستارگان شب‌های تاریک، و بر یارانش، آن خورشیدهای هدایت، و بر انانی که به نیکی پیروی آنان را نموده و هدایت یافته‌اند.

اما بعد... خود و شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم، پس تقوای وی را پیشه سازید و زندگی دنیا و شیطان فریبگر شما را نفریبید که دنیا حلالش حساب دارد و حرامش عذاب، و آبادش ویران‌شدنی است و رفتگانش بازگشتی ندارند و هرکه بسوی خداوند بازگردد خداوند توبه‌اش را می‌پذیرد. و به یاد داشته باشید که دستان مرگ عمرها و روح‌ها را می‌رباید. سالم دنیا نمی‌داند کی بیمار می‌شود و بیمار آن نمی‌داند کی شفا می‌یابد:

﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا ﴿١٠٥﴾ فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا ﴿١٠٦﴾ لَا تَرَىٰ فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا ﴿١٠٧﴾﴾ [طه: ۱۰۵-۱۰۷].

«(منکران رستاخیز) از تو درباره (سرنوشت) کوه‌ها می‌پرسند. بگو: پروردگرم آن‌ها را از جا می‌کند و پراکنده می‌دارد (۱۰۵) سپس زمین را به صورت فلات صاف و هموار و بی‌آب و گیاه رها می‌سازد (۱۰۶) (که) در آن هیچ گونه پستی و بلندی نمی‌بینی.»

ای مسلمانان: هر آنکه علما را کوچک شمارد دین خود را فاسد کرده و هرکه ولی امر را کوچک شمارد امور خود را فاسد گردانده و هرکه برادرانش را ناچیز شمارد مردانگی‌اش را به باد داده است. انسان عاقل دیگران را کوچک و حقیر به حساب

نمی‌آورد و همیشه آرامترین قسمت دریا همان جایی است که عمیق‌تر است و همیشه ظرفی که خالی است صدای بیشتری تولید می‌کند.

اگر دشمنت توانست تو را تحریک کند خواهد توانست شکست دهد. در کتاب خدا درباره‌ی روش شیطان چنین آمده است که:

﴿وَأَسْتَفْزِرُّ مِنْ أَسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبُ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدَّهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا ﴿٦٤﴾ إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَى بِرَبِّكَ وَكِيلًا ﴿٦٥﴾﴾ [الإسراء: ٦٤-٦٥].

خداوند به شیطان گفت: «و بترسان و خوار گردان با ندای خود هرکسی از ایشان را که توانستی، و لشکر سواره و پیاده خود را بر سرشان بشوران و بتازان و در اموال آنان و در اولاد ایشان شرکت جوی، و آنان را وعده بده، و وعده شیطان به مردمان جز نیرنگ و گول نیست (٦٤) بی‌گمان سلطه‌ای بر بندگان من نخواهی داشت، و همین کافی است که پروردگارت حافظ و پشتیبان است».

سبحان الله! آیا ممکن است انسان دشمن خانواده‌ی خود و فاسدگر دین و ستیزه‌گر وطن خود و عامل آزار و نگرانی و فساد و رعب و وحشت شود؟ آیا هیچ عاقلی - چه رسد به یک مسلمان - راضی می‌شود که برای قوم خود آزار و ناراحتی به ارمغان آورده و باعث نیرو گرفتن دشمنان شده و درهای خیر را ببندد؟

دلسوزانی که نوشته‌ها و گفتگوها و اعترافات جوانان تندرو را مشاهده و دنبال می‌کنند و به آنچه در رسانه‌های جمعی و اینترنت و تالارهای گفتگوی اینترنتی موجود است نظر می‌افکنند، مسائلی بس نگران کننده و دردناک می‌بینند. همه‌ی این‌ها نشان‌دهنده‌ی عمق فریبی است که این گروه در آن گرفتار شده‌اند و همچنین نمایانگر ضعف علمی و کوتاه بینی و کم فهمی آنان است...

آنگاه که انسان در سخنان و مصاحبه‌های آنان متوجه کم علمی و فهم اشتباهشان می‌شود و نسبت به جهل آنان در بسیاری از بدیهیات آگاهی می‌یابد دچار غم و اندوه می‌گردد...

این جوان پرشور با ذهنی پراکنده و درونی مضطرب و تفکری آشفته و تجربه‌ای اندک، که نمی‌تواند میان حق و ناحق و مصلحت و مفسده، و سود و زیان تفاوت بگذارد و در حالی که ضعف مصونیت فکری در وی هویداست، چنین جوانی نمی‌تواند آینده‌نگری کند بلکه حتی شاید برخی از آنان بخاطر شنیدن سخنانی در برخی مجالس یا نوشته‌های موجود در شبکه‌های اجتماعی بر روی اینترنت و یا در گفتگو با دوستان، دست به تکفیر و تبدیع و تفسیق و یا حلال نمودن خون دیگران بزنند.

در میان چنین اشخاصی فرمانبری کورکورانه و پیروی مطلق و سرعت در قبول نمودن و تسلیم در برابر هر فرمانی، هویداست. این جدای از عدم اطمینان از صحت افکار و دستوراتی است که به آنان دیکته می‌شود. علاوه بر این مشکل دیگری که این جوانان از آن رنج می‌برند عدم فهم ادله‌ی شرعی و ناتوانی در بررسی دلایل و نقد آن است. بر این اساس در این جوانان خصوصیتی چون سرعت پذیرش و فرمانبری آسان به وجود آمده است.. نه تنها فرمان بردن از دعوتگران انفجار و تکفیر، بلکه فرمان بردن از مزدوران سازمان‌های اطلاعاتی دشمن و روباه‌های سیاست.

این جوانان بدون آنکه خود متوجه باشند در چنگال دستگاه‌های اطلاعاتی بین‌المللی دچار شده‌اند و این سازمان‌ها برای این جوانان خط‌دهی کرده و آنان را به پیش می‌برند و حتی با خط‌دهی دقیق، آنان را بسوی خرابکاری و آزار و اذیت و انتشار بی‌نظمی و قدرت‌دهی برای دشمنان راهنما می‌شوند. دشمنان دین و ملت و وطن...

جوانان پرشوری که بدون نگاهی خاص و یا روشی مشخص به پیش برده می‌شوند. این جوانان صاف و ساده در واقع ربوده شده‌اند تا به سود صاحبان منافع مورد استفاده قرار بگیرند. نه برای اهدافی که به سود مسلمانان و دعوت و حق و عدالت باشد بلکه برای تضعیف امت و وارد کردن مسلمانان به درگیری‌ها و یاس و ناامیدی تا آنکه دشمنان بتوانند به اهداف خود رسیده و امت را در سرزمین‌ها و عقاید و مذاهب و طوائف گوناگون خود تکه تکه و دور از هم نموده و به سوی چاهی تاریک و پر پیچ و خم بکشانند.

جوانانی که در حقیقت تبدیل به سوختی شده‌اند برای فتنه‌ای که دست‌های بیگانه و اندیشه‌ی سازمان‌های اطلاعاتی مهیا نموده‌اند. فتنه‌ای نمود یافته در طرح ریزی و اجرای برنامه‌هایی در جهت ضربه وارد ساختن بر پیکر امت و سرزمین‌ها و زیرساخت‌ها آن.

آیا این جوانان تداخل منافع نیروهای مکار و اهداف دشمنان در کمین نشسته را که از پشت بر پیکر امت ضربه وارد می‌سازند درک نکرده‌اند؟

نیروهای این گروه‌های گمراه در حقیقت آلاتی هستند برای نبرد سیاسی در سرزمین‌های مسلمان. اینان اقدامات خود را براساس حماسه و شور و شوقی خالی از فهم ضابطه‌مند و شریعتی بازدارنده انجام می‌دهند که در نتیجه مفسد و هلاکت به بار آورده و فتنه‌های بزرگی را به وجود می‌آورد که بسیاری از این جوانان و جوامع آنان از آن رنج می‌برند.

آنان به علت کوتاهی اندیشه و ضعف بصیرتی که از آن رنج می‌برند این را ندانستند که اینگونه اعمال تروریستی هرگز براساس هدفی دینی و ملی انجام نگرفته بلکه تنها سیاستی بوده در خدمت منافع دشمنان.

آنان ندانستند که چگونه راه انحراف را پیش گرفته و در تور نقشه‌های بیگانه و کجروی‌های خود دچار شدند.

آیا این فریب خوردگان متوجه نشدند که پول‌هایی که به آنان می‌رسد و حمل و نقل آسان آنان و دیگر تسهیلاتی که در اختیار آنان قرار می‌گیرد نه حاصل اندیشه‌ی آنان است و نه با تدبیر و پول آنان، بلکه همه‌ی این‌ها چیزی نیست جز طراحی و نقشه و نیرنگ بدی از سوی کشورها و سازمان‌هایی که با نفوذ دستگاه‌های اطلاعاتی و مزدوران و ارتباطات و اهداف آنان تغذیه می‌شود.

آیا ندانستند که هدف از چاله‌ای که بسوی آن کشیده می‌شوند چیزی نیست جز انتشار بی‌نظمی و هرج و مرج و برانگیختن فتنه‌ها و در پی آن تسلیم نمودن میدان و منطقه به دشمنان امت، بی‌آنکه خود بدانند!

بندگان خداوند! برادران و خواهران: اینجا باید در منهجی که اینان براساس آن پیش می‌روند توقفی نمود و به کتاب‌ها و مراجع و فتاویی که بر آن استناد و اعتماد دارند نظر افکند..

آیا آنان متوجه این نشده‌اند که این کتاب‌ها و مراجع آنان را چنان منحرف نموده که باعث شده آرای فاسد و اشتباه و افکار شاذی را قبول کنند که باعث گردیده ضعف علمی آنان عمیق‌تر شده و انحراف فکری و پراکندگی عقیدتی آنان تشدید شود؟ آیا در انحراف شدیدی که بدان درافتاده‌اند نیاندیشیده‌اند؟ آیا به تغییر خطرناکی که در منهج آنان رخ داد اندیشیده‌اند؟ آنان می‌گفتند که تنها کفار و منافع بیگانه را مورد هدف قرار می‌دهند و این سخن گرچه خود منکر است و ممنوع اما آنان در اوج یاس و نگونبختی چنان تغییر یافتند که بعدها با دستان خود به تخریب خانه و وطن خود پرداختند.

این تحول خطرناک گرچه خود باید مورد انکار و مجازات واقع شود اما از سوی دیگر باعث برانگیخته شدن دلسوزی برای آنان می‌شود که تا چه اندازه ساده‌اند و به چه آسانی ممکن است بازیچه‌ای در دست مکاران قرار گیرند.

از سوی دیگر هنگامی که در منهج و روش آنان نظری می‌اندازی به تعجب می‌افتی. آنانی که ادعا می‌کنند، حامل اندیشه‌ی سلف این امت‌اند اما به آغوش مخالفان و دشمنان آنان پناه می‌برند. این را نه از روی انکار دیگر مذاهب مسلمان و فرقه‌های دیگر بلکه برای مخاطب قرار دادن این فریب‌خوردگان می‌گوییم.

یکی از این فریب‌خوردگان از روی جهل و انحراف فکری چنین می‌گوید: من دوست ندارم درباره‌ی خانواده و خویشاوندانم که در قبال آنان دارای احساسات متناقضی هستم سخن بگویم... بعضی وقت‌ها می‌ترسم دلسوزی در مورد آنان باعث شود در دین خود دچار اشتباه شوم...!

سبحان الله! آیا سطحی‌تر از این نوع تفکر می‌توان یافت؟! پیامبر ما محمد - صلی الله علیه وسلم - درباره‌ی پدر و خویشان خود چنین افتخارآمیز می‌گوید: «من بهترینم از بهترین» و می‌گوید: «من پیامبرم که این دروغ نیست / منم فرزند عبدالمطلب». او این سخنان را از روی تکبر و تعصب قومی و قبیله‌ای نگفته. هرگز! بلکه این از روی افتخار آن حضرت به نسب شریفش و برای بیان اصالت خانوادگی‌اش بود. در حالی که این جوان فریب خورده می‌گوید از ترس دینش دوست ندارد درباره‌ی خانواده و خویشانش حرفی بزند.

اینان جوانانی‌اند فریب خورده که تنها سوختی هستند برای فتنه و آلاتی هستند برای درگیری در خدمت همیشگی دشمنان. آیا برای این گروه گمراه روشن نشده است که قضیه هرگز فتاوا و یا استدلال به نصوص و دلیل آوری از سخنان و آثار صحابه و بزرگان نیست، بلکه قضیه طرحی است بین المللی و خبیث که ادعای دشمنی با «القاعده» را دارد اما خود، القاعده را در آغوش گرفته و خود تروریسم را مورد حمایت مالی قرار می‌دهد. در پایان ای جوانان و ای مردم: سیاست‌های انتحاری و مسلک‌های انفجاری و تبدیل شهروندان - با هر هویت و مذهب - به بمب‌های انسانی و اسلحه‌ی آتشین، همه‌ی این‌ها چیزی نیست جز اغراق در نادانی و سفاهت در اندیشه.

از سوی دیگر چنین کشتار و تخریبی نه دین را یاری می‌دهد، نه وطن را حفظ می‌کند و نه ملتی را سربلند می‌سازد.

ملت‌ها، خود را از طریق عقیده‌ی صحیح و تربیت استوار و علم و تدبیر نیک و وحدت کلمه می‌سازند، نه با انفجار و تخریب و کشتار. و کسی به اینگونه شعارها و قهرمانی‌های انتحاری گوش فرا نمی‌دهد جز آنکه از نظر فکری عقب افتاده و از نظر علم و درک ضعیف باشد.

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم

﴿أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ فَلَا

تَذَهَبُ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَتٌ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ﴿۸﴾ [فاطر: ۸].

«آیا کسی که عمل‌های بدش در نظرش زینت و آراسته شده است و آن را زیبا و آراسته می‌بیند (همانند هدایت یافتگان است؟) الله هرکس را بخواهد گمراه می‌سازد، و هرکس را بخواهد هدایت می‌نماید. پس خود را با غم و غصه‌ی آنان هلاک مکن. الله بس آگاه از کارهائی است که می‌کنند».

خداند من و شما را بوسیله‌ی قرآن بزرگ و روش محمد - صلی الله علیه وسلم - نفع رساند. این سخن را گفته و از خداوند برای خود و شما و دیگر مسلمانان از هر گناه و معصیتی آمرزش می‌طلبم. پس از او آمرزش بخواهید که او بس غفور و بس رحیم است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش تنها از آن الله است. و درود و سلام بر آنکه پیامبری پس از وی نیست. پیامبر ما محمد، و بر اهل بیت و یاران وی.

ای مسلمانان... اندوه آنگاه شدت می‌یاد که سرزمین حرمین آن بازگشتگاه ایمان و قبله‌ی مسلمانان مورد حمله‌ی این گروه قرار می‌گیرد. تا جایی که یکی از بزرگان آنان در خطاب به فریب خوردگان و ساده لوحان زیر دست خود چنین می‌گوید: به جز سردمداران این سرزمین و مردان آن به فکر کس دیگری نباشید...

آیا این گروه گمراه حتی از کمی زیرکی و اندکی هشیاری برخوردار نیست؟ آنان را از اینکه سران این مملکت و مردانش را با دیگران مقایسه کنند بازداشتند زیرا این مقایسه به نفع مزدوران سازمان‌های اطلاعاتی نیست.

آیا این بیچارگان پذیرفته‌اند که منافع سرزمینشان را اینگونه مورد هدف قرار دهند تا اینکه عرصه‌ی زندگی بر پدران و مادرانشان تنگ گردد؟ در حالی که آنان به خوبی وضعیت سرزمین‌های اسلامی همسایه را می‌بینند که در چه وضعیتی هستند و چگونه مورد غارت قرار گرفته و ویران می‌شوند؟!

انسان از این انحراف خطرناک و لغزش مهلک ویرانگر به تعجب می‌افتد...

با همه‌ی این‌ها و با اعتمادی که به پروردگار و پس از آن به مسئولان امر داریم، با این وجود باید آنان مورد همکاری قرار گرفته و با در پیش گرفتن طرحی پیشگیرانه در داخل

و با برنامه‌ای کامل و فراگیر که همه‌ی جهات و دستگاه‌های دینی و آموزشی و فرهنگی در آن مشارکت داشته باشند و با همکاری دوجانبه از سوی خانه و مدرسه و دانشگاه و بازار و از سوی همه‌ی اقشار جامعه - کوچک و بزرگ، مرد و زن - به نبرد این فکر منحرف برویم و همه‌ی خرده‌ها و تجربه‌ها و امکانات و استعدادها در داخل و خارج کشور را در خدمت این طرح قرار دهیم.

با وجود آن باید برای برخورد حکیمانه‌ی مسئولان در مواجهه‌ی این قضیه و برخورد با این گروه گمراه به روش‌های مختلف، آنان را مورد ستایش قرار داد. آنان توانسته‌اند با بسیج نیروها براساس جدیت و خردمندی و مهربانی و مواجهه‌ی فطری انحرافات و نصیحت شرعی و قرار دادن اندیشه در برابر اندیشه، به نبرد اینگونه افکار انحرافی بروند. اما با این وجود از برخی از نویسندگان و اندیشمندان و اهالی رسانه که در این طرح مشارکت ندارند دیده شده که گاه طرح‌ها و برنامه‌هایی را مطرح کرده و برنامه‌های درسی شرعی این کشور و فعالیت‌های تابستانی و حلقه‌های علم را متهم می‌نمایند. از خداوند برای آنان و خود هدایت می‌خواهیم. در حالی که آنان به خوبی می‌دانند که اینگونه فعالیت‌های تروریستی و گروه‌های گمراه حتی در کشورهایی که هرگز برنامه‌های شرعی و حلقات درسی علمی ندارند و حتی در کشورها و جوامع غیر اسلامی نیز موجود است. در این شرایط لازم و ضروری است که نیروها و گفتمان خویش را در چارچوب کلمه‌ای واحد و منهجی یگانه در خدمت دین خداوند و حمایت کشور خویش قرار دهیم و در این همکاری، دولت و علما و اندیشمندان و برنامه‌های آموزشی و رسانه‌ها با یکدیگر باشند.

پس تقوای خداوند را پیشه سازید و به ریسمان او چنگ زنید و به شریعت الهی پایبند بوده و از الله و رسولش فرمان برید و درود و سلام بفرستید بر آن رحمت هدایتگر و آن نعمت الهی، پیامبرتان محمد رسول خداوند که خداوند شما را به این کار امر نموده و در آیات محکم کتابش چنین فرموده که:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴾ [الأحزاب: ۵۶].

«الله و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند، ای مؤمنان! شما هم بر او درود بفرستید و چنان که باید سلام بگوئید».

بارالها درود و سلام و برکت بفرست بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت پاک وی و بر همسرانش مادران مومنان و خشنود باش از چهار خلیفه‌ی راشد و امامان هدایت، ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه‌ی پیامبرت و از تابعین، و کسانی که تا روز قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند و از ما به همراه آنان خشنود باش ای مهربان‌ترین مهربانان.

بارالها مسئولان این کشور و دیگر مسئولان مسلمان را برای عمل به کتاب خود و سنت پیامبرت موفق گردان و آنان را رحمتی برای بندگان مومنت قرار ده و کلمه‌ی آنان را یکی بگردان.

بارالها برای امت مسلمان دولتی راشده قرار ده که در آن اهل طاعت تو عزت یابند و اهل معصیت به راهت رهنمون شده و در آن به معروف امر شود و از آن منکر باز داشته شود که تو بر هر چیزی توانایی.

خدایا یهودیان صهیونیست غاصب اشغالگر را نابود گردان خدایا آنان را نابود گردان که آنان قادر به شکست تو نیستند. بارالها ما از آنان به تو پناه برده و از بدی آنان به تو روی می‌آوریم.

خداوندا گرانی و وبا و ربا و زنا و زلزله و سختی‌ها و فتنه‌های بد آشکار و پنهان را از سرزمین ما و دیگر سرزمین‌های مسلمان دور گردان.

بارالها ما از تو خشیت تو را در نهان و آشکار و کلمه‌ی حق را در حال خشم و خشنودی، و میانه‌روی را در فقر و غنا، و خشنودی پس از قضا و زندگی خوش پس از مرگ را مسالت داریم. و از تو خوشی و سعادت را خواهانیم که پایان نیابد و از تو لذت نگاه به سویت و شوق به دیدارت را خواهانیم.

بارالها ما را با زینت ایمان مزین گردان و ما را هدایت شدگانی هدایتگر قرار ده و نه گمراهانی گمرازان کننده.

خدایا بیماران ما را شفا ده و مردگان ما را مورد رحمت خویش قرار داده و ما و همه‌ی مسلمانان - زندگان و مردگان - را بیامرز. پروردگارا ما به خود ستم نمودیم و اگر تو ما را مورد آمرزش و رحمت خویش قرار ندهی بی‌تردید از زیانکاران خواهیم بود. پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کرده و از آتش دوزخ حفظ کن.

بندگان خداوند... همانا الله به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان امر کرده و از فحشا و منکر و دست‌درازی و ظلم بازمی‌دارد. او شما را اندرز می‌دهد تا اینکه نصیحت پذیرید؛ پس او را یاد کنید تا شما را یاد کند و او را بر نعمت‌هایش شکر گذارید تا شما را افزون دهد و بی‌تردید یاد الله از همه چیز بزرگ‌تر است و الله به آنچه می‌کنید آگاه است.

عنوان خطبه:

تعطیلات تابستانی و چگونگی استفاه از آن

خطیب: دکتر عبدالرحمن سدیس

مسجد الحرام: جمعه ۱۰ رجب ۱۴۳۰ برابر با ۱۲ تیرماه ۱۳۸۸

خطبه‌ی اول:

حمد و سپاس از آن الله است که وقت را گنجینه‌ای قرار داد برای نزدیکی به خداوند و آن را عاملی گرداند برای طاعات و پیروزی برای آنانی که در راه نیکی‌ها «سبقت جویند» و به سوی وی بازگشت‌کننده‌اند. و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که یکتاست و شریک ندارد، شهادتی که باارزشتار از گنجینه‌هاست. و گواهی می‌دهم که پیامبر و محبوب و اسوه‌ی ما محمد، بنده و پیام‌رسان اوست که والا مقام‌ترین پیامبران و بزرگ‌ترین آنان است.

پس ای پروردگار درود و برکت بفرست بر او و بر اهل بیتش که اسوه‌هایی‌اند در پاکی و بر صحابه‌اش که در راه حق جهاد نمودند و بر تابعین و کسانی که به نیکی از آنان پیروی نموده و امید درجات عالی بهشت را دارند نیز درود و برکات خود را ارزانی دار و بر آنان سلامی پی در پی و مستدام فرست.

اما بعد؛ ای بندگان خداوند تقوای وی را در پیش گیرید... تقوای وی را با غنیمت شمردن فرصت‌ها و محاسبه‌ی نفس پیش از نزدیکی به خاک و پایان فرصت، در پیش گیرید. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَأَتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾

[البقرة: ۲۸۱].

«و بترسید از روزی که در آن، به سوی الله بازگردانده می‌شوید، سپس به هر کسی آنچه به دست آورده، تمام داده شود؛ و آنان مورد ستم قرار نمی‌گیرند».

شاعر چنین می‌گوید:

بر تقوای خود همیشه در خوشی و ناخوشی و پنهان و آشکار پایبند باش
که هرکه تقوای رحمن را داشته باشد گشایش و آسانی وی را در بر گرفته و امرش
آسان می‌شود و از سختی هراسی نخواهد داشت

پس ای انسان پارسا! مبارکت باد این پیروزی که تنها تو شایسته‌ی زندگی آسوده‌ای
پس از آنکه پسران و دختران دانش آموز ایام امتحانات را با همتی بلند به سر
رسانده‌اند از خداوند متعال خواهانیم که کوشش آنان را با توفیق و موفقیت، و تلاششان
را با سربلندی و پیروزی، و کارهایشان را با خیر و صلاح همراه سازد.

پس از گذشت این روزهاست که تعطیلات تابستانی صورت عیان نموده و با بوی
خوش خود فضا را عطرآگین می‌نماید که استفاده‌ی سودمند از این فرصت امید است و
چشم‌ها در انتظار نتیجه‌ی آن است. پس خوش به حال آنکه از این فرصت با طاعت و
فعالیت مفید استفاده نموده و خوش به حال آنکه آن را آبستن خیر و صلاح گردانده
است.

ای عزیزان: در این مدت زمان مبارک شایسته است که از وقت‌ها مرده استفاده شده و از فرصت‌های مناسب آن بهره‌وری درست شود بویژه آنکه موسم تابستان با گرمای طاقت فرسای خود آمده است...

و باید این را در نظر داشت که وقت محور زندگی و اساس و سرمایه‌ی آن است و بلکه می‌توان گفت که وقت، یا دوستی است صمیمی و یا دشمنی سرسخت. و «وقت کشی» یکی از نشانه‌های بدبختی است. در ارزش وقت همین کافی است که خداوند متعال به آن و به بخش‌هایی از آن به مانند عصر و فجر و شب و روز و ضحی (ضحاح) سوگند یاد نموده است.

پروردگار بزرگ چنین فرموده است:

﴿وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِّمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا﴾

[الفرقان: ۶۲].

«و اوست کسی که برای هرکس که بخواهد عبرت گیرد یا بخواهد سپاسگزاری نماید شب و روز را جانشین یکدیگر گردانید».

و رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم می‌فرماید: «دو نعمت است که بسیاری از مردم در آن زیان می‌کنند: سلامتی و فراغت» [به روایت امام بخاری].
و چه زیبا می‌سراید ابن هبیره آنجا که می‌گوید:

وقت گرانبهارترین چیزی است که باید در حفظ آن بکوشی امامی بینم که آسانترین چیزی است که از دستش می‌دهی!

آری بندگان خداوند! فراغت نعمتی است بزرگ که قدرش را نمی‌داند جز آنکه از دستش داده باشد و چه عجیب است از عاقل که وقت گرانبهای خود را با بطالت هدر داده و زمان ارزشمند را به بیهودگی از دست دهد و این همان کسی است که فرصتش فوت شده و در نهایت گرفتار غصه‌ها و غم و ناخوشی می‌گردد.

پس ای کسی که در اوج فراغتی... آیا کسی نیست که نسبت به اوقات و ساعات خود بخیل باشد؟ آیا کسی نیست که بر از دست رفتن ماه‌ها و سال‌هایش عبرت گیرد؟ آیا کسی نیست که در اثر گذشت روزها و لحظه‌هایش پند گیرد؟

شاعر می‌گوید:

سپس همه‌ی آن سال‌ها و مردمش رفتند گواينکه همه‌اش خواب بود و همه‌ی مردمش رویا
امام ابن جوزی رحمه الله می‌گوید:

«شایسته است که انسان شرف زمان و قدر وقت خود را بداند و هیچ لحظه‌ای از آن را
جز برای قربت الهی از دست ندهد و در راه آن بهترین و باز هم بهترین سخن‌ها و
کردارها را تقدیم نماید و خوشبخت کسی است که زمانی را که آخرش ابتلاست و
بیماری قدر داند و از عمری که ممکن است پایانش نزدیک باشد سود برد و چه زیبا
گفته است شاعر که:

دیروز با آنکه به همین نزدیکی رفته است همه‌ی اهل زمین از بازگرداندن آن عاجزند
و گذشت هر روز از روزهای دنیاگرچه ما را بشگفت آورد در واقع کم شدن از عمر است
برادران و خواهران ایمانی: با تغییر رویه‌ی زندگی معاصر و بازتر شدن مجال مردم در
روش‌های استراحت و تفریح، امروزه فقه تفریح و سرگرمی و اصولمند نمودن فرهنگ
تفریح و همینگونه بهره بردن از اوقات فراغت نیازی ضروری و حیاتی برای این عصر
است که بر دوش مردمان خود با مسئولیت‌هایی بس بزرگ سنگینی می‌کند تا آنجا که
استمرار تلاش و کار باعث به وجود آمدن دلزدگی و خستگی و تنفر می‌شود و اینجاست
که همت‌ها سست شده و انسان همراه دردها و خستگی‌ها می‌گردد.

در این حالت است که تفریح و سفر و سرگرمی باعث تجدید نشاط و ادامه‌ی مسیر
کار و تلاش می‌شود.

پس ای عزیزان: شریعت اسلام که براساس جلب منافع و دور نمودن مفسد و
براساس رفع سختی و مراعات آسانگیری و دوری از تشدد و سختگیری بنا شده است
هرگر فطرت پاک و سالم را از تفریح محروم نگردانده و آرزوهای نفس و رغبت‌های
پاک آن را زیر پا نمی‌نهد.

خداوند متعال درباره‌ی تفریحی که برادران یوسف از آن سخن گفتند چنین می‌گوید:

﴿أَرْسَلْنَا مَعَنَا عَدَا يَرْتَعُ وَيَلْعَبُ وَإِنَّا لَهُ لَحَفِظُونَ﴾ [یوسف: ۱۲].

«فردا او را با ما بفرست تا بگردد و بازی کند».

اهل علم می‌گویند: «منظور از این تفریح همان رفع خستگی و از بین بردن دلزددگی است که این در همه‌ی شریعت‌ها تا آنجا که تبدیل به عادت‌ی همیشگی نشود مباح است» ابن جماعه - رحمه الله - می‌گوید: «اشکال ندارد که انسان اگر از خسته شدن ترسید تفریح و رفع خستگی کند»

شیخ الاسلام ابن تیمیه - رحمه الله - می‌گوید: «هرکه به تفریح مباح زیبا به هدف کمک گرفتن برای انجام کارهای خیر روی آورد در واقع این از اعمال صالح است» ای مسلمانان: نبودن اصل‌گذاری شرعی برای فقه تفریح و اهداف آن به همراه نبودن اصل استفاده بردن از اوقات فراغت و تعطیلات، امت‌ها و جوامع را به پرتگاه تنبلی و انحراف می‌کشاند که بطور قطع در چنین حالتی بسیاری از استعدادها و مهارت‌ها که شایسته بهره‌برداری و استفاده‌بری بودند بیکار و بی‌استفاده خواهند ماند. زیرا منهج تفریح اسلامی از اوقات فراغت و تعطیلات با امید و خوش‌بینی استقبال کرده و سرگردانی و تنبلی را برای مردم بد می‌داند زیرا سستی روحی و فکری و خستگی درونی و فطری باعث می‌شود انسان بد اندیش و بی‌تدبیر شده و جز بسوی تفریح منفی بی‌ارزش مبتذل که انسان را به باتلاق پستی و تاریکی بی‌بند وباری و فروپاشی و شهوات می‌کشاند، رهنمون نگردد و چون آنانی شود که دنیای خود را به آخرت فروخته و توشه‌ی روزهایشان را به اوقات روزشان.

پس ای گرامیان... آیا نیاز نیست که تاریخ را با چشمانی تیزبین و بصیرتی روشنگر بررسی نمایید؟ چه آنکه حقیقت دارای نوری است که از ورای پرده‌ها می‌تابد هر چند که تاریکی‌ها کشنده و ضخیم باشند و هیچ قومی نیست که به سلک راحت‌طلبی و تنبلی در آمده مگر آنکه خورشید ارزش‌ها در درونشان ضعیف گشته و بدی‌ها و ناشایستگی‌ها در آنان شعله‌ور شده است و سپس طعمه‌ی سقوط و انحطاط گردیده‌اند.

شاعر می‌گوید:

در جستجوی امور بزرگ و باارزش تلاش نما و نگو که بزرگی‌ها و بلندمرتبتگی روزی
برخی هاست

و از اینکه در راه رسیدن به آن هدف با ارزش دچار تقصیر و ضعف شوی ابا داشته
باش

همانا تفریح پاک و به هدف جلب خیر و دفع بدی‌ها و محکم سازی روابط میان افراد
و محیط‌ها و روابط میان ملت‌ها و گروه‌ها که بر اساسی از محبت و عاطفه‌ی دوجانبه و
یگانگی بوده و با انواع وسائل و روش‌های مباح صورت گیرد در واقع علامتی است بر
ترقی جامعه و پایبند بودن آن به ارزش‌ها و مبادی... چرا که نه؟! در حالی که عاقبت و
فرجام چنین تفریحی چیزی نیست جز احساس شادی و خوشحالی و انس یافتن به
خشنودی و رضایت پروردگار؟!!

ای امت مسلمان: و برای همین اصل اسلامی در تفریح است که اسلام سفرهای
هدفمند و سیر و سیاحت وسیع و گسترده و طی نمودن این زمین گسترده و صحراها و
دریاها و دشت‌های آن را پسندیده دانسته است.

امام شافعی رحمه الله می‌فرماید:

سفر کن که در عوض آنانی که ترکشان می‌کنی دوستان دیگری خواهی یافت / و
سختی بکش که لذت زندگی در همین سختی کشیدن است

پس «نه» برای سفر لهو و بیهودگی و فخر فروشی و بیکارگی و گناه و زیر پا نهادن
ارزش‌ها و اخلاق و مبادی! که چه بسا مسافرانی که در سفر پرده از درون ناپاک خویش
کنار زده و بدی‌ها را آشکار نموده‌اند!

و در مقابل «آری» برای سفر تفکر در ملکوت خداوند و پند و عبرت گرفتن از احوال
ملت‌ها که چگونه از شکوفایی به سقوط رسیدند و «آری» به درس گرفتن از اخبار
گذشتگان. که روح و عقل هرگز شکوفایی خود را از یکجا نشینی و تنبلی بر نمی‌گیرند و
بلکه باید در این راه در افق‌های وسیع معرفت و عصرهای گوناگون و مختلف سیر نمایند

و سیرت بهترین انسان‌ها محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - شاهی است بر این مدعا. خداوند متعال چنین می‌فرماید:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ

كَثِيرًا ﴿٢١﴾ [الأحزاب: ۲۱].

«قطعا برای شما در رسول الله سرمشقی نیکوست برای آن کس که به الله و روز بازپسین امید دارد و الله را فراوان یاد می‌کند».

اوقات زندگی پیامبر ما صلی الله علیه وآله وسلم بهترین مثال است برای پیروزی، و تفریح وی بهترین الگو است در میانه‌روی و اعتدال و بلندمرتبگی و کمال، که او - صلی الله علیه وسلم - از یک سو در کمال جدیت و لطف و از سوی دیگر در اوج انس و الفت و عطوفت قرار داشت.

پس ای بندگان خداوند تقوای وی را پیشه سازید و به هدایت پیامبران چنگ زنید و سنت وی را در پیش گیرید تا آنکه به پیروزی و غنیمت و نعیم دنیا و آخرت دست یابید:

﴿قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ ﴿٣٧﴾

هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٣٨﴾ [آل عمران: ۱۳۷-۱۳۸].

«قطعا پیش از شما سنت‌هایی سپری شده است پس در زمین بگردید و بنگرید که فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است (۱۳۷) این [قرآن] برای مردم بیانی و برای پرهیزگاران رهنمود و اندرزی است».

خداوند متعال من و شما را با دو وحی خویش - قرآن و سنت - خیر و برکت عطا فرماید و با هدایت آن بهترین پیامبران سود رساند. این را بدون آنکه نیرو و قدرتی از خود داشته باشم گفته و برای خود و شما و همه‌ی مسلمانان از خداوند بزرگ برای هر گناه و معصیتی مغفرت می‌خواهم پس از او آمرزش بخواهید که او بس غفور و بس رحیم است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله است که احسان و لطف وی همچنان بصورت آشکار و پنهان بر ما سرازیر است و گواهی می‌دهم که هیچ معبودی به حق نیست جز الله که یگانه است و شریکی ندارد، شهادتی از سوی کسی که به توحید وی اعتراف داشته و برای نعمت‌های وی شاکر است.

و گواهی می‌دهم که پیامبر ما محمد بنده و پیامبران اوست که تاریکی‌های گمراهی را کنار زد تا آنکه نور هدایت روشن و عیان گردید. درود و سلام و برکت‌های خداوند بر وی و بر اهل بیت وی و بر صحابه و تابعین باد. آنان که حق را پس از آنکه پنهان بود گسترش داده و قصر فضیلت‌ها را پس از ویرانی دوباره بنا نمودند و همچنین بر همه‌ی کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند و بر همه‌ی آنان سلامی بسیار فرست. پس ای بندگان الله تقوای وی را پیشه ساخته و وقت‌های خود را قبل از رفتن آن و با انجام کار نیک غنیمت شمارید و از گذر تعطیلات بر گذر این دنیا نظر کنید و آن را آباد سازید.

برادران و خواهران مسلمان: از آنجایی که زندگی پر بار بدون تفریح مباح ممکن نیست لازم است که جهان اسلام در برابر خواست‌های مسلمانان در زمینه‌ی تفریح مباحی که با دین و رفتار و ارزش‌ها و عرف آنان در هماهنگی باشد پاسخگو باشد. بر پدران و مادران و مردان تربیت و رسانه و لازم است که بر اساس مقتضای تفریح سالم رفتار نمایند و مقتضای این تفریح چیزی نیست جز محکم نمودن پایه‌های حق و خیر در درون این نسل و به همراه افتخار به اسلام به عنوان برنامه‌ای برای زندگی به عنوان یک پیام و عقیده و شریعت و تمدن و اخلاق و ارزش و شعائر عبادی...

و لازم است که فرصت تعطیلات و تفریحات تابستانی را در جهت منهجی بر اساس قواعد شریعت و آداب نبوی و طی یک برنامه‌ی عملی و پروژه‌هایی مثبت عملی سازند. پروژه‌ای که میان اصول‌گرایی و عصرگرایی جمع بسته و دارای توازن و هماهنگی با تکالیف ربانی باشد.

پس مبارک است بر آن جوان هدفمند و با انگیزه که وقت خود را یا در علمی سودمند و یا عملی صالح و یا برای ازدواجی که براساس ضوابط شریعت و به دور از اسراف و فخرفروشی است صرف می‌کند.

شاعر می‌گوید:

بنت شخص اورا بلندمرتبه می‌سازد ونه مال او ونه عمویش اورا شریف می‌سازد و نه دایمی
تنها آن شخص به سوی بلندی هارهنمون می‌شود که همت و عزیمتش بلند و جدی است و سختی‌هاوی را از طی نمودن راه منصرف نمی‌سازد

ای عزیزان: از بهترین برنامه‌هایی که در روزهای تابستان در این سرزمین مبارک انجام می‌گیرد همین باشگاه‌های تابستانی و درس‌ها و دوره‌های علمی سودمند و دیدارهای فرهنگی و تفریحی پاک است که همه‌ی این فعالیت‌ها قلعه‌هایی است برای روح‌های پاک و بی‌آلایش که توسط نیروهای امین و قابل اطمینان و در محیط‌هایی جذاب اجرا می‌شود.

پس خداوند را در هر لحظه و ثانیه یاد کرده و بدانید که پروردگار شما را به درود و سلام بر سرور فرزندان عدنان امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

«الله و ملائکه‌اش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود و سلام بفرستید».

پروردگارا بر پیامبر ما محمد و بر اهل بیت و اصحاب و همسران و ذریه‌ی وی درود فرست و به پیامبر ما محمد و به اهل بیت و اصحاب و همسران و ذریه‌ی وی برکت عطا فرما. بارخدا یا از چهار خلیفه‌ی پیامبرت آن امامان بزرگ ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه و تابعین و از آنانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند و از ما با رحمت خویش راضی و خشنود باش.

خدایا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خدایا اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار بگردان و دشمنان دین را نابود ساز و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امن و امان بدار.

خداوندا! ای زنده‌ی پایدار! سرزمین حرمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را از آفت‌های فتنه و هوا و هوس سالم نگه داشته و این سرزمین‌ها را از دردها و آفت‌ها و بیماری‌ها دور نگه دار. خدایا از این سرزمین و از کسانی که به قصد زیارت و عمره به این سرزمین آمده‌اند هر درد و بیماری را دور گردان. ای دارای عظمت و بزرگواری، ای زنده‌ی پایدار، به رحمت متوسل می‌شویم پس ما را برای حتی یک چشم به هم زدن و حتی کمتر از آن به خودمان وامگذار و همه‌ی امور ما را نیک بگردان.

خدایا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان. خدایا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان. و مسئولان و والیان امر ما را صالح گردان خدایا مسئولان این سرزمین و همه‌ی سرزمین‌های مسلمان را برای اجرای شریعت و پیروی از سنت پیامبرت یاری ده. خدایا آنان را رحمتی برای بندگان مومنت قرار ده.

خدایا گرانی و وبا و ربا و زنا و زلزله‌ها و سختی‌ها و فتنه‌های بد پنهان و آشکار را از این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان دور گردان. ای پروردگار جهانیان.

خدایا بیماران ما را شفا ده و مردگان ما را بیامرز و کار ما را با نیکی‌ها و سعادت خاتمه ده. خدایا غم و غصه‌ی دردمندان مسلمان را از بین ببر و وام داران را ادا نما و با رحمت خویش بیماران ما و بیماران مسلمانان را شفا ده.

خدایا دشمنان دین را نابود گردان که آنان نمی‌توانند تو را ناتوان سازند. خدایا جمعشان را پراکنده ساز و آنان را عبرتی برای عبرت‌گیرندگان قرار ده. بارالها برادران مجاهد ما را در هر جایی پیروز گردان. خدایا آنان را در فلسطین پیروز گردان. خداوندا آنان را در فلسطین بر یهودیان صهیونیست غاصب پیروز گردان. ای زنده‌ی پایدار. ای دارای عظمت و بزرگواری. پروردگارا ما را در دنیا و در آخرت نیکی عطا کرده و از آتش دوزخ دور گردان.

بندگان خداوند: همانا الله به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان امر کرده و از فحشا و منکر و تجاوز باز می‌دارد. او شما را چنین پند می‌دهد باشد که عبرت گیرید. پس خداوند بزرگ جلیل را یاد کنید تا شما را یاد کند و وی را شکر گوید تا به شما افزون دهد و یاد خداوند بزرگ‌تر است و خداوند به آنچه می‌کنید آگاه است.

عنوان خطبه:

حوادث راه و فرهنگ رانندگی

خطیب: دکتر عبدالرحمن سُدیس

مسجد الحرام: جمعه ۱۷ رجب ۱۴۳۰ برابر با ۱۹ تیرماه ۱۳۸۸

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است که برای رسیدن به رضایتش راه‌هایی قرار داده و از در پی گرفتن راه سختی‌ها ما را بازداشته است و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که یگانه است و شریکی ندارد، چنان شهادتی که با نور آن حقایق آشکار شود. و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد بنده و پیامبرسان اوست که با نور وحی تاریکی‌ها را کنار زد.

بارالها بر او و بر اهل بیت برگزیده‌ی وی و بر صحابه‌ی پاکش و بر تابعین و آنانی که تا ابدیت از آنان به نیکی پیروی نمایند درود و برکت و سلام بسیار فرست. اما بعد ای مردم تقوای پروردگار را پیشه سازید... تقوای او را در خوشی و ناخوشی پیشه ساخته و بدانید که نجات و رستگاری در آن است:

﴿... وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ﴾ [البقرة: ۱۹۷].

«و برای خود توشه بگیرید که در حقیقت بهترین توشه پرهیزگاری است و ای خردمندان از من پروا کنید».

ای مسلمانان: در راستای تلاش جهت برطرف نمودن برخی از قضایا و مشکلات این امت مبارک و در جهت بالا بردن سطح امنیت آن و برای رساندن آن به قله‌ی افتخار، قضیه‌ای خود را مطرح می‌کند که دارای آثاری است بس وحشتناک و دردناک... مشکلی که همچنان قربانی گرفته و چنگالش از خون این قربانیان رنگین است... چرا که نه! در حالی که این فاجعه همچنان در حال ستاندن جان مردم است و چه سریع است و چه ناگهانی است آثار آن که قلب از دیدن آن پاره پاره می‌گردد...

خدایا! این معضل تا چه اندازه درد و غم به بار آورده و چه کودکانی را که یتیم نکرده و چه مادرانی را بیوه... چه انسان‌هایی که از پس این فاجعه معلول و خانه‌نشین نشده‌اند و چه اشک‌هایی که ریخته نشده است... چه جان‌هایی که داده شده و چه خون‌ها که ریخته شده و چه خانواده‌هایی که از هم پاشیده گردیده و چه انسان‌ها که ناقص‌العضو و ناتوان گردیده‌اند... خدایا رحمت را می‌طلبیم، خدایا رحمت را می‌طلبیم...

این فاجعه‌ی دردناک چیزی نیست جز حوادث راه و رانندگی.

ای مومنان: بر علم شما پوشیده نیست که از بزرگ‌ترین اهداف شریعت حکیم ما، حفظ جان و نگاه داشتن آن از آسیب است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿... وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ﴿۲۹﴾﴾ [النساء: ۲۹].

«و خودتان را مکشید زیرا الله همواره با شما مهربان است».

بدون شک برای رانندگی در اسلام حقوق و آدابی هست که اگر از سوی رانندگان مورد عمل قرار گیرد عاقبت نیکی در انتظار آنان خواهد بود. از سویی دیگر اتوموبیل‌ها در این عصر به عنوان وسائل نقلیه‌ای مهم در سطحی وسیع مورد استفاده قرار می‌گیرند بطوری که بی‌نیازی از آنان به سختی قابل تصور است و بلکه حتی می‌توان گفت این وسائل نقلیه در واقع [و در صورت استفاده‌ی صحیح] از نعمت‌های خداوند است که مستوجب شکر است و حتی می‌توان داشتن وسیله‌ی نقلیه‌ی خوب را از اسباب سعادت دانست.

رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «از [اسباب] سعادت و خوشبختی انسان داشتن خانه‌ی وسیع و همسایه‌ی نیک و سواری خوب است» [به روایت امام بخاری].

اما متأسفانه و با وجود تلاش پیگیر در عرصه‌ی فناوری برای تولید جدیدترین نوع وسائل نقلیه که دارای بالاترین سطح امنیتی هستند، همچنان خون قربانیان جاده‌ها را رنگین کرده و صحنه‌ی قربانیان و اجساد تکه‌تکه شده غمی جانکاه بر قلب می‌گذارد...

آمارهای وحشتناک نشان‌دهنده‌ی این است که شمار حوادث رانندگی بدون آنکه پایین بیاید در حال بالا رفتن است و جاده‌ها همچنان جان انسان‌ها را گرفته، خانواده‌ها را در غمی جانکاه فروبرده و زیان‌های سنگین مالی به بار می‌آورند.

میزان این حوادث به موازات تابستان و در پی تعطیلات و سفرهای تفریحی بالاتر هم می‌رود. شمار این حوادث به سطحی دهشتناک رسیده است بطوری که تعداد کشته شده‌های حوادث رانندگی در سال گذشته به دو میلیون نفر رسیده و تعداد آسیب دیده‌ها از سی میلیون گذشته است.

در عرصه‌ی داخلی نیز تعداد حوادث رانندگی به نیم میلیون حادثه در یک سال رسیده است که یک سوم آسیب دیده‌ها را جوانان تشکیل می‌دهند. بر اثر این حوادث ۶۰۰۰ نفر کشته و نزدیک به ۴۰۰۰۰ نفر آسیب دیده‌اند. این یعنی یک کشته در هر ساعت! سری به بیمارستان‌ها و اورژانس‌ها بزنید تا ببینید که بیش از یک سوم تخت‌ها را آسیب‌دیدگان رانندگی اشغال کرده‌اند. از سویی دیگر هزینه‌ی اقتصادی این حوادث گاه بخش بزرگی از بودجه‌ی برخی از کشورها را در بر می‌گیرد.

به خداوند پناه می‌بریم از این درد بزرگ که مردمان این زمانه را دچار حیرت کرده است. دردی که آثار آن از جنگ‌های بین‌المللی و حوادث طبیعی نیز فراتر رفته.

دیگر نپرس از کسانی که بر اثر این حوادث دستشان از دنیا کوتاه شده و از خانواده‌ها و پدران و مادران و جگرگوشه‌های خود جدا گشته‌اند... انسان‌هایی که از بهترین و سودمندترین افراد جامعه بودند... خدایا... چه بسا دانشمندان و پژوهشگرانی که در یک

حادثه از بین رفته‌اند و چه بسا علما و دعوت‌گران و انسان‌های نیکوکاری که بر اثر این حوادث جان دادند...

اما خواستگاه و سبب و منشا این حوادث چه می‌تواند باشد؟ قسم به خداوند که علت آن چیزی جز سرعت بیش از حد و بی‌نظمی و بی‌توجهی به علائم و قوانین راهنمایی و رانندگی نیست. قوانینی که جز برای حفظ نظم و جان انسان‌ها نهاده نشده است. و عامل این حوادث چیزی نیست جز هیجان جوانان کم سن و سال و اعتماد به نفس کشنده‌ی آنان به رانندگی خود. عامل آن چیزی نیست جز تقلید کورکورانه از رانندگان متهور و دیوانه. الگویی که رسانه‌های بی‌مسئولیت تبلیغ می‌کنند. و عامل آن چیزی نیست جز بی‌اخلاقی و نادانی نسبت به مقررات عبور و مرور... و بیشتر اوقات گناه یک حادثه را نوجوانانی کم سن و سال بر دوش می‌کشد که غرور و رفتار غیرمسئولانه‌ی وی عامل آن بوده است... در حالی که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿... وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ﴾ [لقمان: ۱۹].

«و در راه رفتن خود میانه‌رو باش.»

و می‌فرماید:

﴿... وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا﴾ [الفرقان: ۶۳].

«و بندگان خدای رحمان کسانی‌اند که روی زمین به نرمی گام برمی‌دارند.»

﴿... وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾ [لقمان: ۱۸].

«و در زمین مغرورانه راه مرو که خدا خودپسند فخرفروش را دوست نمی‌دارد.»

برادران و خواهران ایمانی. گاه شما در مسیر، رفتارهای عجیب و غریبی در استفاده از وسائل نقلیه مشاهده می‌کنید. کسانی را می‌بینید که با سرعت برق و باد امنیت جامعه و جان مردم را به بازی گرفته‌اند و این سخن خداوند را فراموش کرده‌اند که:

﴿... وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ...﴾ [البقرة: ۱۹۵].

«و خود را با دست خود به هلاکت می‌فکنید.»

و برخی دیگر را مشاهده می‌کنید که بدون توجه به خطری که در کمین است در حال رانندگی با تلفن همراه در حال سخن گفتن هستند... کسانی را می‌بینی که هر چه سعی در دور کردن خود از آنان داری باز می‌بینی که با اصرار عجیبی در نزدیکی تو و بدون توجه به فاصله‌ی لازم در کنارت و با سرعتی احمقانه حرکت می‌کنند.

از همه عجیب‌تر آنان‌اند که برعکس مسیر حرکت می‌کنند. رسول خدا صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «تأنی و آرامش از خداوند و عجله از شیطان است» [به روایت ابویعلی (ابویعلا) و بیهقی].

چه بیچاره و نگون‌بخت است آن که از مقررات راهنمایی و رانندگی سرپیچی نموده و راه سرعت و عجله را در پیش گرفته و به عاقبت آن اندیشه نکرده است.

چه بسیار اتفاق افتاده که همین کارهای تهور آمیز و عجولانه، مرگ صاحبان خود و دیگران را در پی داشته. چه بسا کودکی‌هایی که قربانی شده و چه پدران و مادرانی را که داغدار نموده است و چه بسا آسیب‌ها و معلولیت‌هایی که در پی داشته است. آسیب‌دیدگانی که باید تا پایان عمر با معلولیت و دردها و آسیب‌های بدنی و روحی اینگونه حوادث دست و پنجه نرم کنند.

ای امت مسلمان! آیا پس از ایمان، «سلامتی» بزرگ‌ترین نعمت خداوند نیست؟ این نعمت به هیچ عنوان با هیچ جاه و مالی قابل مقایسه نیست...

اینجا، روی سخن خویش را به جوانان می‌کنیم. همه‌ی جوانان و هر راننده‌ای را چنین نصیحت می‌کنیم که جانب احتیاط را رعایت کنند. به آن‌ها سفارش می‌کنیم که در رانندگی تقوای خداوند را در پیش گرفته و حرمت و سائل نقلیه را پاس داشته و آرامش و دقت را رعایت کنند که رعایت آرامش و احتیاط در رانندگی نشانه‌ی عقل و خرد و منبع امنیت و اطمینان خاطر است.

و این سخن پیامبرمان را که امام مسلم در صحیح خود روایت نموده به خاطر بسپارید که فرمود: «همانا خداوند اهل رفق و آسانگیری است و اهل آن را دوست دارد... و هر که از صفت رفق محروم گردید از همه‌ی خیر محروم شده است» چرا که نه؟! هر که

آسانگیری و آرامش را روش خود قرار دهد از لغزش در امان مانده و پشیمان نخواهد شد و به هدف خواهد رسید و در حدیث نبوی آمده است که: «میانه رو باشید، میانه رو باشید تا به مقصد برسید».

و خداوند متعال در کتاب بر بندگان منت نهاده و می‌فرماید:

﴿وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرَكُونَ ﴿۱۲﴾ لِيَسْتَوُوا عَلَىٰ ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ ﴿۱۳﴾﴾ [الزخرف: ۱۲-۱۳].

«و همان کسی که جفت‌ها را یکسره آفرید و برای شما از کشتی‌ها و دام‌ها [وسیله‌ای که] سوار شوید قرار داد (۱۲) تا بر پشت آن [ها] قرار گیرید پس چون بر آن [ها] برنشستید نعمت پروردگار خود را یاد کنید و بگویید پاک است کسی که این را برای ما رام کرد و [گره] ما را یارای [رام‌ساختن] آن‌ها نبود».

خداوند به واسطه‌ی قرآن و سنت من و شما را مبارک گردانده و با آیات و حکمت ما را سود رساند. این سخن را گفته و برای خود و شما و همه‌ی مسلمانان از خداوند بزرگ از هر گناه و لغزش و اشتباهی مغفرت می‌خواهم. پس از وی آمرزش خواهید و بدون درنگ بسوی او توبه کنید که او بر توبه‌کنندگان بس غفور و بخشنده است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله است که بسوی هدایت و طاعات توفیق دهنده است. و شهادت می‌دهم که معبودی حقیقی نیست جز الله که واحد است و شریکی ندارد و گواهی می‌دهم که پیامبر ما محمد، بنده و رسول وی و دارنده حوض کوثر و مقام شفاعت است. درود و برکات و سلام خداوند بر وی و اهل بیت و یاران وی باد. آنان که باتقواترین این امت و پاکترین آنانند و همچنین بر تابعین و بر کسانی که به نیکی و برای حق از آنان پیروی نمایند...

اما بعد... ای بندگان خداوند تقوای وی را پیشه سازید و در زمین با اعتدال و آرامش حرکت کرده و از سرعت و عجله بپرهیزید تا آنکه رضایت خداوند را به دست آورید. ای دوستان: پس از آنکه خطرات حوادث رانندگی و زیان‌های آن آشکار گردید لازم است که برای جلوگیری از این آتشفشان مهلک راه حل و علاجه بیابیم. این راه حل باید از طریق مجموعه‌ای از توصیه‌های نبوی و ارزشمند باشد.

در آغاز این راه حل‌ها، آگاه‌سازی و فرهنگ‌سازی همه‌ی اقشار جامعه برای استفاده‌ی صحیح از وسائل نقلیه براساس اصول صحیح رانندگی و رعایت نظم عبور و مرور، قرار دارد. که مسجد و خانه و مدرسه و رسانه‌ها و پلیس می‌توانند در این زمینه نقش ایفا کنند.

دومین راه علاج هشدار شدید در برابر زیر پا نهاده شدن قوانین راهنمایی و رانندگی و جریمه‌های سنگین برای متخلفین می‌باشد.

راه حل سوم: بیان نصایح و عبرت‌هاست از طریق نشان دادن عواقب سرعت دیوانه‌وار که باعث حوادث مهلک و کشنده گردیده است.

چهارم: تشویق به رفتار نیکو و اخلاق زیبا در برخورد با رانندگان مخصوصاً از سوی زحمتکش‌ان راهنمایی و رانندگی.

پنجم: الگو گرفتن از بهترین اسوه، سرورمان محمد صلی الله علیه و آله وسلم و توصیه‌های ایشان در زمینه‌ی آداب و فرهنگ راه.

ششم: نگهداری صحیح از اتوموبیل و بررسی کامل لاستیک و دیگر موارد، پیش از رانندگی که این حدیث پیامبر بیانگر چنین معنایی است. رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرماید: «در مورد حیوانات سواری تقوای خداوند را نگه دارید و تنها در صورت سلامت آن بر آن سوار شوید» [به روایت ابوداؤد به سند حسن].

هفتم: نشر فتاوی‌ اهل علم درباره‌ی تحریم تجاوز از سرعت قانونی و عبور از چراغ قرمز و بیان حوادث منجر از آن.

هشتم: آگاه‌سازی پدران و مادران درباره‌ی ضرورت تربیت فرزندان برای راندگی ایمن و ابراز جدیت و بازداشتن آنان از راندگی بی‌قاعده و خطرناک. پدران و مادران تنها باید در صورت داشتن توانایی راندگی و گواهی‌نامه، وسائل نقلیه را در اختیار فرزندان خود قرار دهند.

نهم: ضرورت استفاده از فناوری جدید در زمینه‌ی آگاه‌سازی جامعه - مخصوصاً جوانان - و در زمینه‌ی شناسایی متخلفان.

دهم: حمایت و تشویق فعالیت‌های ملی در زمینه‌ی فرهنگ‌سازی امنیتی و ترافیکی و استفاده از تلاش‌های موجود در این زمینه و شرکت دادن جامعه در این تلاش‌ها. باید این فرهنگ در جامعه نهادینه شود که راننده‌ی اتوموبیل خود در وهله‌ی اول مأمور اجرای قانون است.

باید با در پی گرفتن میثاقی جهانی در جهت جلوگیری از بازیچه شدن جان و مال مردم حرکت نماییم. میثاقی که هر شخص بی‌اعتنا به امنیت جانی و مالی دیگران را مورد بازخواست و مجازات قرار داده و باعث تخفیف حوادث راندگی و تلفات ناشی از آن گردد تا امنیت و سلامت، همه‌ی اقشار جامعه را در بر گیرد.

اکنون و پس از آنکه دواى این درد آشکار گردید از خداوند متعال می‌خواهیم ما را به خواسته‌مان رسانده و این درد را درمان نماید. خداوند گام‌ها را استوار گردانده و تلاش‌هایمان را مبارک گرداند و ما را به اهدافمان رسانده و از حوادث دور گرداند.

در پایان خطاب به مسافران عزیز می‌گوییم: خداوند شما را در سفر و اقامتان محافظت نماید. دین و امانت و خاتمه‌ی اعمالتان را به خداوند می‌سپاریم. خداوند تقوا را توشه‌ی شما گرداند و گناهانتان را مورد آمرزش قرار دهد. آمین

اما بعد... همیشه به یاد داشته باشید که خداوند متعال شما را به درود و سلام بر بهترین انسان‌ها امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

«الله و ملائکه‌اش بر پیامبر درود می‌فرستند ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود و سلام فرستید».

خداوندا بر سرور عرب و عجم و بر اهل بیت و اصحاب وی و بر آنانی که راه آنان را بپیمایند درود و سلام فرست.

بارالها اسلام و مسلمانان را عزت ده، بارالها اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار بگردان و دشمنان دین را نابود ساخته و زائران و مسافران را در دریا و خشکی و هوا ایمن بگردان.

بارالها ما را در سرزمین‌هایمان ایمن بگردان و مسئولانمان را صالح گردان. خدایا مسئولان این سرزمین و دیگر سرزمین‌های اسلامی را در جهت حکم به شریعت و پیروی از کتاب و سنت موفق گردان. خدایا آنان را رحمتی برای بندگان قرار ده.

خدایا گرانی و بیماری و زنا و زلزله و سختی‌ها و ربا و فتنه‌های بد پنهان و آشکار را از این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان دور گردان.

خداوندا عاقبت ما را در همه‌ی امور به خیر بگردان و ما را از خواری دنیا و عذاب آخرت حفظ کن. بارالها ما همه‌ی خیر را از تو می‌خواهیم چه آن را بدانیم و چه ندانیم و از همه‌ی بدی‌ها به تو پناه می‌بریم چه آن را بدانیم و چه ندانیم.

خدایا بیماران ما را شفا ده و مردگان ما را بیامرزد و ما را به آن آرزوهایی که در آن رضایت توست رسانده و زندگی و اعمال ما را با سعادت و خوشبختی پایان ده.

پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ حفظ نما. پروردگارا تو از ما بپذیر که تو شنوا و دانایی و بر ما توبه پذیر که تو بس توبه پذیر و بس مهربانی و ما و پدران و مادران ما و همه‌ی مسلمانان را - چه زندگان و چه مردگان - مورد آمرزش خویش قرار ده. تو شنوا و نزدیک و شنونده‌ی دعاها می.

پاک و منزّه است پروردگار تو، پروردگار عزت از آنچه مشرکان وصفش می‌کنند و سلام بر پیامبران و الحمدلله رب العالمین.

عنوان خطبه:

نکوهش اسراف به ویژه در مراسم ازدواج

خطیب: دکتر اسامه خیاط

مسجد الحرام: جمعه ۲۴ رجب ۱۴۳۰ هجری قمری برابر با ۲۶ تیرماه ۱۳۸۸

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است. او که به میانه روی در مصرف امر نموده و اسرافکاران را دوست ندارد. او را ستایش گفته و گواهی می‌دهم که معبودی حقیقی نیست جز الله که یگانه است و شریکی ندارد و ازدواج را نشانه‌ای از نشانه‌هایش و نعمتی بر بندگان خود قرار داده است. و شهادت می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد بنده‌ی الله و پیامرسان اوست که امر به علنی نمودن مراسم ازدواج نموده و از اسراف در مخارج آن نهی نموده است.

پس خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و اصحاب او درود و سلامی فرست که امید اجر آن را در روز بازپسین داشته باشیم.

اما بعد... ای بندگان خداوند، تقوای وی را پیشه ساخته و برای روز بازگشتان توشه‌ای نیک بگیرید و بسوی پروردگارتان برگردید و تسلیم او شده و به دین وی چنگ زنید که او یاور شماست، و چه نیکو یاور و یه نیک یاری‌رسانی است او.

ای مسلمانان: اظهار شادمانی برای نعمت‌ها و اعلام نمودن آن‌ها و بازگو نمودن نعمت به هدف تشکر از خداوند متعال و کمال استفاده از آن‌ها، همه و همه از اهدافی است که شریعت گرامی اسلام بدان امر نموده و شارع حکیم براساس حکمت و موافقت با فطرت بشری بدان اجازه داده است.

از جمله چیزهایی که به مناسبت نعمت ازدواج مشروع گردیده است برپایی مجلس عروسی و غذای آن و دعوت مردم به آن است. در حدیثی که ابن حبان در صحیح خود

به سند حسن آورده آمده است: از عبدالله ابن زبیر بن عوام رضی الله عنهما روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «عروسی را علنی سازید».

و شیخین بخاری و مسلم در صحیح خود از انس بن مالک روایت کرده‌اند که عبدالرحمن بن عوف رضی الله عنه در دوران رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم ازدواج نمود. پس رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم به او فرمود: «غذای عروسی بده حتی اگر با یک گوسفند باشد».

اما از جمله اشتباهات شرعی که مردم در مراسم جشن ازدواج مرتکب می‌شوند می‌توان به نمونه‌های فروانی اشاره کرد که علت همه‌ی آن‌ها عدم انجام امر خدا و رسول می‌باشد. از بارزین این منکرات می‌توان از اسراف در مخارج جشن عروسی نام برد مانند انتخاب گرانترین تالارها و همچنین زیاده‌روی در غذا و نوشیدنی از نظر کمیت و تنوع که همه‌ی این‌ها در پایان به بی‌احترامی و بی‌حرمتی نسبت به نعمت‌های خداوند منتهی می‌گردد. به ویژه که می‌دانیم انسان‌های دردمند زیادی به شدت آرزوی چنین غذایی را دارند.

همچنین از مظاهر اسراف می‌توان به زیاده‌روی در لباس‌های زنان اشاره کرد به گونه‌ای که عمداً گرانترین و جدیدترین انواع عرضه شده در بازار توسط زنان خریداری می‌گردد و حتی کار به جایی رسیده که برای خرید لباس‌های نامناسب و نیمه‌عریان علاقه‌ی شدیدی ابراز می‌کنند و برای رسیدن به حس متفاوت بودن و جلب توجه دیگران دست به خرید می‌زنند و همه‌ی این‌ها باعث شده است که ازدواج از مقصد و هدف و روش صحیح خود منحرف گردد زیرا در واقع برکت ازدواج در خرج کردن زیاده از حد نیست بلکه در آسان‌گیری و میانه‌روی در مخارج می‌باشد.

چنانکه در حدیثی که ابن حبان در صحیح خود آورده است از عقبه بن عامر روایت شده که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «بهترین ازدواج، آسانترین ازدواج است». برای همین است که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم وقتی دانست مردی برای مهریه‌ی ازدواج چهار اوقیه نقره داده است بسیار تعجب کرد و فرمود: «چهار اوقیه؟! مثل

اینکه دارید از این کوه نقره می‌تراشید!!!» [به روایت ابن حبان در صحیح خود با سند خوب].

و این نهی در سیاق نهی کلی است که در مورد اسراف در کتاب و سنت آمده است چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿يَبْنَیْ ءَادَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾ [الأعراف: ۳۱].

«ای فرزندان آدم، زینت خود را در هر نمازی بگیرید و بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که او اسرافکاران را دوست نمی‌دارد».

و همچنین درباره‌ی نهی از اسراف و هدر دادن مال در سنت پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم موارد بسیاری وجود دارد که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. برای مثال در مسند امام احمد از عمرو بن شعیب از پدرش از جدش چنین روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «بخورید و بیاشامید و بپوشید و صدقه دهید اما بدون تکبر و اسراف».

و در حدیثی که مسلم در صحیح خود آورده است از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده که گفت: رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «خداوند متعال سه چیز را برای شما پسندیده و سه چیز را بد دانسته است: این را برای شما پسندیده است که وی را عبادت کرده و برای او شریک قائل نشوید و اینکه همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و متفرق نشوید و [در مقابل] برای شما سخن گفتن زیاده از حد و سوال بسیار و بی‌مورد و هدر دادن مال را بد دانسته است».

دارندگان خرد و فرهنگ این را می‌دانند و نسبت به زیان اینگونه منکرات و عاقبت بد آن یقین دارند و همچنین این را می‌دانند که راه دفع زیان اینگونه رفتارهای اشتباه و راه رهایی از آن این است که به یاد داشته باشیم اظهار شادی نسبت به این نعمت و اعلان آن باید براساس شرع خدا و رسول وی باشد و گرنه این مراسم و جشن عاملی خواهد شد برای کفران نعمت و استفاده از آن در غیر هدفی که برایش قرار داده شده است.

و از جمله بزرگ‌ترین عواملی که رسیدن به این هدف را آسان می‌سازد پایبندی به دستورات نبوی در مورد مصرف بطور کلی و به ویژه در ازدواج است. که این از طریق تامل در سنت‌ها و روش‌هایی است که در سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در اینباره وارد گردیده و در کتب حدیث و سیرت موجود باشد. زیرا که راه و روش پیامبر کاملترین و درست‌ترین و بزرگ‌ترین راه رسیدن به همه‌ی خوبی‌ها و دربرگیرنده‌ی همه‌ی رهنمودهاست و برای همین است که خداوند راه و روش او را برای ما به عنوان اسوه‌ای نیک قرار داده و فرموده است:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾ [الأحزاب: ۲۱].

«قطعا برای شما در رسول خدا سرمشقی نیکوست برای آن کس که به الله و روز بازپسین امید دارد و الله را بسیار یاد می‌کند».

همچنین به دست گرفتن زمام امور توسط بزرگان مردم و علما و ریش سفیدان و کسانی که در میان مردم داری تاثیر می‌باشند می‌تواند باعث شود این راه درست و این منهج مبارک عملی گردیده و آرزوها و امیدهای موجود را به واقعیت تبدیل نموده و الگویی زیبا برای دیگران ایجاد کند و آنگونه شود که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در حدیثی که امام مسلم از جریر بن عبدالله بجلي روایت کرده است می‌فرماید:

«هرکه در اسلام سستی نیکو بگذارد، اجر آن و اجر هرکس که پس از وی به آن عمل نماید را به دست می‌آورد بدون آنکه از اجر دیگران چیزی کم شود و هرکه در اسلام سستی بد به جای گذارد، گناه آن و گناه همه‌ی کسانی که پس از وی به آن عمل نمایند بر دوش وی خواهد بود بدون آنکه از گناه دیگران چیزی کم شود».

خداوند همه‌ی ما را از عمل کنندگان به کتاب خدا و سنت پیامبرش قرار ده. آنان که برای رسیدن به رضایت تو و برای رسیدن به بهشت راه‌های خیر را می‌جویند، و ما را از آن بندگانت قرار ده که «سخن را می‌شنوند و از بهترین آن پیروی می‌کنند، اینان کسانی‌اند که الله آنان را هدایت نموده و اینانند خردمندان».

این سخن را گفته و برای خود و شما و همه‌ی مردان و زنان مسلمان از خداوند طلب آمرزش می‌کنم که او غفور و رحیم است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله است، وی را سپاس گفته و از وی یاری خواسته و آمرزش می‌خواهیم. و از بدی‌های خود و اعمال بدمان به خداوند پناه می‌بریم. خداوند هرکه را هدایت نماید او گمراه‌گری نخواهد داشت و هرکه را گمراه کند هدایت‌گری نخواهد داشت و گواهی می‌دهم که معبودی به حق جز الله نیست که تنهاست و شریکی ندارد و گواهی می‌دهم که محمد بنده و پیامبر اوست. بارالها بر بنده و پیامبرت محمد، و بر اهل بیت و اصحاب او درود و سلام بفرست.

از آنجا که اسلام دین عدالت و اعتدال است و این امت امتی است میانه، عجیب نیست که مومنان را همانگونه که از رذیلت بخل نهی نموده است، از خصلت بد اسراف نیز باز دارد. خداوند متعال در این باره می‌فرماید:

﴿يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾ [الأعراف: ۳۱].

«ای فرزندان آدم زینت و لباس خود را در هر مسجد [و برای هر نمازی] برگرفته و بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که او اسرافکاران را دوست ندارد».

و همچنین در بیان صفت بندگان خود چنین می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾ [الفرقان: ۶۷].

«و آنان که هنگامی که انفاق می‌کنند نه اسراف می‌کنند و نه بخل می‌روزند و میان این دو حد وسط را بر می‌گزینند».

و باز در جایی دیگر می‌فرماید:

﴿وَعَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا﴾ [۳۱] إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيْطَانِ ط وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا ﴿۲۷﴾ [الإسراء: ۲۶-۲۷].

«و حق خویشاوند را به او بده و مستمند و در راه‌مانده را [دستگیری کن] و ولخرجی و اسراف مکن (۲۶) چرا که اسرافکاران برادران شیطان‌هایند و شیطان همواره نسبت به پروردگارش ناسپاس بوده است».

و در ادامه می‌فرماید:

﴿وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسِطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا ﴿۲۹﴾﴾

[الإسراء: ۲۹].

«و دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسیار [هم] گشاده‌دستی منما تا ملامت‌شده و حسرت‌زده بر جای مانی».

این دستورات در واقع یک قانون الهی در زمینه‌فرهنگ مصرف است که بس حکیمانه و بزرگ است و چه نیکو و شایسته است که بندگان این قانون را در همه‌ی شئون زندگی خود به کار گیرند تا آنکه امور زندگی‌شان منظم گشته و دارایی‌های خود را حفظ نموده و زندگی‌شان نیکو شده و رضایت پروردگار ار به دست آورند.

پس ای بندگان الله! تقوای وی را پیشه ساخته و بر خاتم انبیا محمد بن عبدالله درود و سلام بفرستید که شما در کتاب خدا به این امر دستور داده شده‌اید آنجا که می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿۵۶﴾ [الأحزاب: ۵۶].

«همانا الله و ملائکه‌اش بر پیامبر درود می‌فرستند ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود و سلام فرستید».

خداوندا! بر بنده و پیامبرت محمد درود و سلام بفرست و خشنود باش از چهار جانشین پیامبرت، ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر اهل بیت و اصحاب و تابعین و از کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند و همچنین از ما ای گرامی‌ترین گرامیان.

بارالها اسلام و مسلمانان را عزت بخش، بارالها اسلام و مسلمانان را عزت بخش، بارالها اسلام و مسلمانان را عزت بخش، بارالها اسلام و مسلمانان را عزت بخش، و دین را حفظ بفرما و دشمنان دین و دیگر

طاغیان و مفسدان را نابود ساز و میان قلب‌های مسلمانان الفت بخش و صف آنان را یکی بگردان و رهبرانشان را صالح گردان و کلمه‌ی آنان را بر حق متحد نما ای پروردگار جهانیان.

بارالها دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومن مجاهد صادق را یاری کن.

بارالها ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان ما را صالح بگردان. بارالها این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را از هر خیری بهره‌مند و از هر شری سالم بگردان. بارالها ما تو را در برابر دشمنانت و دشمنانمان حافظ خود قرار می‌دهیم. خدایا ما را از بدی آنان ایمن بگردان.

خدایا عاقبت ما را در همه‌ی امور نیک گردان و ما را از خواری دنیا و عذاب روز قیامت ایمن نما. خدایا دین ما را که حافظ امر ماست حفظ کن و دنیای ما را که در آن زندگی می‌کنیم نیک گردان و آخرت ما را که بازگشتگاه ماست نیکو نما و زندگی را برای ما زیاده‌ی در نیکی‌ها قرار ده و مرگ را برای ما آسودگی از هر بدی بگردان.

بارالها عاقبت ما را در همه‌ی امور ما به خیر گردان و ما را از خاری دنیا و عذاب آخرت حفظ کن. خدایا ما از تو انجام نیکی‌ها و دوستی مسکینان را می‌خواهیم و اگر برای قومی اراده‌ی فتنه‌ای نمودی ما را بدون آنکه مورد فتنه واقع شویم بسوی خود برگردان.

خدایا بیماران ما را شفا ده و مردگانمان را بیامرزد و زندگی ما را با نیکی‌ها خاتمه ده. پروردگارا ما به خود ستم نمودیم و اگر تو ما را مورد مغفرت و رحمت قرار ندهی از زیانکاران خواهیم بود. خدایا ما از زوال نعمت‌ها و از بین رفتن عافیت و خشم ناگهانی‌ات به تو پناه می‌بریم.

پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا نما و از عذاب آتش محافظت کن. و در پایان درود و سلام خداوند بر بنده و پیامبرش محمد و بر اهل بیت و یارانش والحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه: استقامت و میانه‌روی

خطیب: دکتر صالح بن حمید

مسجد الحرام: جمعه ۲ شعبان ۱۴۳۰ هجری قمری برابر با ۲ مرداد ۱۳۸۸

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است، ستایش از آن اوست که بی‌نیاز است و بندگانش نیازمند او. و او قوی است و بندگانش ضعیف‌اند... حمد وی را می‌گوییم. اوست که از بندگانش توبه می‌پذیرد و از بدکاران می‌گذرد. و وی را شکر می‌گوییم که او روزی را گسترانده و نعمت‌ها را گسترده است و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد است و شریکی ندارد و نام‌های نیک از آن اوست و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد بنده و پیام‌رسان اوست و اوست که باتقواترین بندگان و ذاکرترین و شکرگذارترین آنان است. درود و سلام خداوند بر وی و بر اهل بیت و یاران وی باد. اهل بیت و یارانی که بر پیمان خویش با خداوند در خوشی و ناخوشی پایبند ماندند و بر تابعین و آنانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند.

اما بعد... ای مردم خود و شما را به تقوای خداوند توصیه می‌کنم. پس تقوای وی را پیشه‌سازید که گرامی‌ترین انسان‌ها نزد الله باتقواترین آنان است و هرکه قلب خویش را بی‌نیاز سازد دستانش نیز بی‌نیاز می‌شوند و هرکه قلبش فقیر گردد ثروتش به او سودی نخواهد رساند. و تنها سه چیز ارزش غبطه خوردن را دارد: یاد پروردگار، شکر پروردگار و عبادت نیکوی وی.

خوش به حال آنکه بدون ذلت و خواری تواضع پیشه ساخته و بدون گناه صدقه نماید و خوش به حال آنان که به اهل علم اقتدا نموده، تنها به سنت اکتفا کرده و بدعت بر آنان چیره نگشته است:

﴿أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَىٰ وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (۲۲)

[الملك: ۲۲].

«پس آیا آن کس که نگونسار و بر چهره راه می‌رود هدایت یافته تر است یا آن کس که ایستاده بر راه راست می‌رود».

ای مسلمانان... این نصیحتی است جامع و وصیتی است کامل از وصایای رسول الله صلی الله علیه وآله و سلم که همه‌ی ابواب حکمت را در بر گرفته است. مومن، با اجرای این نصیحت، صادقانه و با وفای به عهد در برابر پروردگارش می‌ایستد.

این جمله‌ای است بس بزرگ که همه‌ی سخنان و کارها و نیت‌ها و حالت‌های انسان را در بر می‌گیرد. کمال کار و دستاورد خیر به این جمله بستگی دارد و هرکه بدان پایبند نگردد همه‌ی تلاشش بیهوده گشته و به بی‌راهه می‌رود و هرکه آن را اجرا نماید، خوبی‌هایش کامل گشته و راهش راست می‌گردد.

به این سوال دقیق و به رغبت بزرگ و همت عالی این صحابی جلیل، «سفیان بن عبدالله ثقفی» بنگرید آنگاه که از رسول الله صلی الله علیه وآله و سلم چنین سوال نمود که: «ای رسول خدا... در اسلام سخنی به من بگوی که از هیچ کس دیگری جز تو آن را نپرسم» پس رسول الله صلی الله علیه وآله و سلم اینگونه پاسخ داد: «بگو به الله ایمان آوردم و سپس استقامت بورز» [به روایت امام مسلم].

و در روایت ترمذی چنین آمده است که آن صحابی فرمود: ای رسول خداوند از چه چیز بیشتر بر من می‌ترسی؟ رسول الله صلی الله علیه وآله و سلم زبانش را در دست گرفت و فرمود: «از این». [ترمذی می‌گوید: این حدیثی است حسن و صحیح].

اهل علم به این نصیحت نبوی اهمیتی فراوان داده و به علت عظمت و اهمیّتش درباره‌ی آن بطور مفصل سخن گفته‌اند زیرا این نصیحت تمام امور دینی را در بر می‌گیرد.

علما می‌گویند این نصیحت از این کلام الهی برگرفته شده است:

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿٣٠﴾ نَحْنُ أَوْلِيَائُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا نَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ ﴿٣١﴾ نُزُلًا مِّنْ غَفُورٍ رَّحِيمٍ ﴿٣٢﴾﴾

[فصلت: ۳۰-۳۲].

«کسانی که می‌گویند: پروردگار ما تنها الله است، و سپس پابرجا می‌مانند فرشتگان به پیش ایشان می‌آیند (و به آنان مژده می‌دهند) که نترسید و غمگین نباشید و شما را بشارت باد به بهشتی که به شما وعده داده می‌شدید (۳۰) ما یاران و یاوران شما در زندگی دنیا و در آخرت هستیم، و در آخرت برای شما هرچه آرزو کنید هست، و هرچه بخواهید برایتان فراهم است (۳۱) این‌ها به عنوان پذیرائی از سوی خداوند آمرزگار و مهربان است».

از همه‌ی خلفای راشدین درباره‌ی توضیح و شرح این آیه سخنانی نقل شده است:

ابوبکر صدیق رضی الله عنه می‌گوید: «سپس استقامت ورزیدند» یعنی اینکه به خداوند، کسی یا چیزی شریک نیاورده و به غیر او توجه نکرده‌اند.

عمر فاروق رضی الله عنه می‌گوید: یعنی بر راه طاعت استقامت ورزیده و به مانند کج روی شغال به راست و چپ منحرف نشدند.

عثمان ذی النورین رضی الله عنه می‌گوید: یعنی کارهای خود را برای خداوند خالص گرداندند.

علی مرتضی رضی الله می‌گوید: یعنی فرایض را به جای آوردند. همین سخن از ابن عباس رضی الله عنهما نیز روایت شده است.

استقامت یعنی در پی گرفتن راه مستقیم خداوند که در این آیه بدان پرداخته شده

است:

﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ

ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ...﴾ [الروم: ۳۰].

«روی خود را خالصانه متوجه دین کن. این سرشتی است که الله مردمان را بر آن سرشته است. نباید سرشت خدا را تغییر داد. این است دین و آئین محکم و استوار...».

یعنی دینی راست بدون کژی و انحراف.

حافظ ابن حجر رحمه الله می‌گوید: «استقامت کامل یعنی پایداری بر توحید برای تحقق معنای «لا اله الا الله» تا آنجا که شخص از الله اطاعت کرده و معصیت وی را نکند و شکر وی را به جای آورده و کفر نورزد. همه‌ی گناهان بر توحید ضربه وارد می‌سازند زیرا گناه در واقع اجابت کردن دعوتگران شیطان است.».

حسن بصری و دیگران در تفسیر این سخن خداوند متعال که ﴿أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ﴾ [الجنائیه: ۲۳] «هیچ دیده‌ای کسی را که هوا و هوس خود را به خدائی خود گرفته است» می‌گویند: «این شخص کسی است که میل چیزی نکرده مگر آنکه آن را انجام می‌دهد.».

ابن رجب حنبلی می‌گوید: «این با استقامت بر توحید منافات دارد و هرکه توحیدش پایدار و درست شد همه‌ی کارها و حالاتش درست و مستقیم خواهد گردید و در همه‌ی سخنان و کردارها و در پنهان و آشکار بر راه مستقیم خواهد رفت...».

استقامت یعنی درست انجام دادن کار و پیمودن راه حق و راستی، و مهمترین چیزی که باید در آن، راه استقامت را پیمود استقامت قلب است بر توحید و معرفت و خشیت و بزرگداشت و محبت خداوند و استقامت در امید به او و دعا و توکل بر وی و روی گرداندن از همه به جز او؛ و اگر قلب راه استقامت را در پیش گیرد همه‌ی اعضای دیگر بدن بر طاعت خداوند مستقیم می‌گردند و در حدیث صحیح چنین آمده است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

«بدانید که در بدن تکه گوشتی است که اگر صالح شد همه‌ی بدن صالح می‌گردد و اگر فاسد گردید همه‌ی بدن فاسد خواهد گردید، بدانید که این تکه گوشت، قلب است.».

پس از قلب، مهم‌ترین عضو بدن که باید راه استقامت را در پیش گیرد، زبان است. در حدیثی که احمد و دیگران از انس رضی الله عنه روایت کرده‌اند رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم می‌فرماید:

«ایمان بنده پایدار نخواهد گردید تا آنکه قلب وی پایدار شود و قلب وی پایدار نخواهد شد تا آنکه زبان وی راه استقامت در پی گیرد».

و همچنین در حدیثی دیگر آمده است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «هنگامی که فرزند آدم صبح می‌کند همه‌ی اعضای بدن ملتسمانه روی به زبان آورده و می‌گویند: از خداوند بترس که ما وابسته توایم... اگر استقامت پیشه ساختی ما نیز استقامت پیشه می‌سازیم و اگر کج رفتی ما نیز کج می‌رویم» [به روایت ترمذی و دیگران].

ای مسلمانان: آنچه از بنده مطلوب است استقامت است که همان پایداری در راه است و اگر بر این توانایی نیافت باید بر میانه‌روی پایداری کند زیرا ترس از این است که وارد میدان افراط و تفریط گردد، و رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم می‌فرماید: «پایداری کنید و میانه‌روی نمایید و بدانید که هیچکس با عمل خود نجات نمی‌یابد». گفتند: حتی تو ای رسول خداوند؟ فرمود: «حتی من.. مگر آنکه خداوند با رحمت و فضلی از سوی خویش مرا در بر گیرد» [به روایت امام مسلم].

علما می‌گویند: این حدیث همه‌ی مقامات دین را که استقامت و پایداری و درستی نیت و سخن و کردار است در خود جمع کرده است. در جایی دیگر رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم بیان می‌فرماید که به جای آوردن استقامت بطور کامل، امری است که مردم توانایی آن را ندارند. ایشان می‌فرمایند:

«استقامت بورزید اگر چه قدرت انجام کامل آن را ندارید و بدانید که بهترین اعمال شما نماز است و جز شخص مسلمان کسی بر وضو مداومت نمی‌ورزد». و در روایت امام احمد چنین آمده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «پایداری کرده و میانه‌روی نمایید...».

زیرا پایداری حقیقت استقامت است که همان درست ساختن سخنان و اعمال و نیت‌هاست و رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم علی رضی الله عنه را امر نمود که از خداوند پایداری در درست انجام دادن کارها و هدایت، را بخواهد. [به روایت مسلم و دیگران].

مقاربت نیز یعنی اینکه انسان اگر از انجام کامل هدفش ناتوان ماند هر آنچه را که به هدفش نزدیک است انجام دهد. همچنین در حدیث «حَكَمَ بن حزن کلبی» آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «ای مردم... شما نخواهید توانست همه‌ی آنچه را که من به شما امر می‌کنم [بطور کامل] انجام دهید اما در انجام آن تلاش کرده و تا می‌توانید به آن نزدیک شوید».

و در حدیث عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنهما آمده که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «همانا انسان مسلمانی که پایدار است و در امور میانه‌روی می‌کند، درجه‌ی روزه‌دار شب زنده‌دار را با اخلاق نیکو و طبع بزرگوارش به دست می‌آورد» [به روایت امام احمد].

آری ای بندگان خداوند. کلمه‌ی «استقامت» معانی بزرگی چون «تلاش در حد توان» و پایبندی به سنت و پی گرفتن راه میانه و معتدل را در خود دارد. بیایید این آیات بینات را در کتاب خداوند مورد تامل قرار دهیم. خداوند متعال پیامبرش را چنین مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید:

﴿فَأَسْتَقِمَّ كَمَا أَمَرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطَّغَوْا...﴾ [هود: ۱۱۲].

«پس همان گونه که دستور یافته‌ای ایستادگی کن و هر که با تو توبه کرده [نیز چنین کند] و طغیان مکنید».

پس استقامت، در برابر طغیان و سرکشی قرار دارد؛ و طغیان و سرکشی اصل همه‌ی مفسد می‌باشد و اینگونه است که این آیه جامع تمام آنچه برای به دست آوردن منافع و جلوگیری از مفسد لازم است می‌باشد.

از حسن بصری نیز اینگونه نقل شده است که فرمود: «خداوند دین را بین دو «نه» قرار داده است: طغیان و سرکشی نکنید، سازش و مدهانه نکنید».

اما در آیه‌ی دیگر خداوند می‌فرماید:

﴿فَلِذَلِكَ فَادُعْ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ...﴾ [الشوری: ۱۵].

«بنابراین به دعوت پرداز و همان گونه که ماموری ایستادگی کن و از هوس‌های آنان پیروی مکن».

همانطور که می‌بینید خداوند متعال در این آیه پیروی از هوا و هوس را در برابر استقامت قرار داده است. همچنین در آیه‌ی دیگر می‌فرماید:

﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌُ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ...﴾ [فصلت: ۶].

«بگو من بشری چون شمایم جز اینکه به من وحی می‌شود که خدای شما خدایی یگانه است پس مستقیماً به سوی او بشتابید و از او آمرزش بخواهید».

که خداوند در این آیه استقامت را به همراه استغفار ذکر کرده است تا آنکه یادآوری کند که در راه استقامت حتماً تقصیر رخ خواهد داد و ابن عباس رضی الله عنهما د مورد این آیه که خداوند می‌فرماید: ﴿فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ...﴾ [هود: ۱۱۲]. «آنگونه که امر شده‌ای استقامت بورز» می‌گوید: «آیه‌ای سخت‌تر از این آیه بر پیامبر نازل نشده است». برای همین وقتی صحابه به رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم گفتند که ای رسول خدا پیری چه زود سراغ شما آمده است. رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «سوره‌ی هود و خواهرانش مرا پیر ساختند».

در پایان ای بندگان خداوند بدانید که بزرگ‌ترین بزرگواری‌ها پایداری و استقامت است و استقامت نشانه‌ی یقین و راه مخلصان است...

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ [۱۳-۱۴].

﴿أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [الأحقاف: ۱۳-۱۴].

«محققا کسانی که گفتند پروردگار ما الله است سپس ایستادگی کردند ترسی بر آنان نیست و غمگین نخواهند شد (۱۳) ایشان اهل بهشتند که به پاداش آنچه انجام می‌دادند جاودانه در آن می‌مانند».

خداوند من و شما را با قرآن بزرگ و روش پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم سود رساند. این را گفته و از خداوند برای خود و شما و دیگر مسلمانان از هر گناهی آمرزش می‌خواهم. پس از او آمرزش بخواهید که او غفور و رحیم است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله است، ستایش از آن اوست که اهل صدقه را جزای خیر داده و نیکوکاران را دوست دارد و اجر مومنان را ضایع نمی‌گرداند. او را برای فضل بزرگ و نعمت‌های پی در پی اش سپاس می‌گوییم.

و گواهی می‌دهم که معبودی حقیقی نیست جز الله که واحد است و هیچ شریکی ندارد و اوست که بخشنده است و بزرگوار، و صاحب عرش عظیم است. و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده و پیامبران او و خاتم پیامبران است. درود و سلام و برکات خداوند بر او و اهل بیت و اصحاب وی و تابعین و کسانی باد که تا روز قیامت راه آنان را به نیکی در پی گیرند.

اما بعد...

استقامت یعنی وفای به عهد و دوری کردن از عادات و سنت‌های بد و قرار گرفتن در برابر خداوند با راستی و صدق و پایبندی به اعتدال در همه‌ی امور دین و دنیا. خداوند متعال خطاب به بنی اسرائیل چنین می‌فرماید:

﴿يَبْنَئِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنْجَيْنَاكُم مِّنْ عَذَابِكُمْ وَأَعْدَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَىٰ ﴿٨٠﴾ كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي ۖ وَمَن يَحِلِّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ ﴿٨١﴾﴾ [طه: ۸۰-۸۱].

«ای فرزندان اسرائیل در حقیقت [ما] شما را از [دست] دشمنان رهانیدیم و در جانب راست طور با شما وعده نهادیم و بر شما ترنجبین و بلدرچین فرو فرستادیم (۸۰) از خوراکی‌های پاکیزه‌ای که روزی شما کردیم بخورید و [لی] در آن زیاده‌روی نکنید که خشم من بر شما فرود آید و هرکس خشم من بر او فرود آید قطعا در هلاکت افتاده است.»

امام ابن قیم درباره‌ی ارتباط محکم میان استقامت و پابندی به سنت می‌گوید: «شیطان قلب بنده را آزمایش می‌کند؛ پس اگر در قلب بنده میل به بدعت و رویگردانی از کمال پابندی بر سنت را مشاهده کرد او را از عمل به سنت خارج می‌سازد. اما اگر در وی حرص به سنت و پابندی شدید به آن را مشاهده کرد، او را به تلاش بیش از حد و ظلم به نفس و بدن و دوری از حد اعتدال دستور می‌دهد.»

و در ادامه می‌گوید: «و این دقیقا مانند حال خوارج است که اهل استقامت نماز و روزه و قرائت خود را در برابر نماز و روزه و قرائت آنان ناچیز می‌شمارند که هر دوی این‌ها خروج از سنت است... اولی بدعت سهل انگاری و کم‌کاری است و دومی بدعت زیاده‌روی و اسراف. برای همین است که علمای محقق می‌گویند: خداوند به چیزی دستور نداده است مگر آنکه شیطان درباره‌ی آن دو موضع می‌گیرد: یا موضع تفریط و سهل انگاری و کم‌کاری و یا موضع افراط و زیاده‌روی و برای شیطان مهم نیست که در کدام یک از این دو موفق شود... افراط یا تفریط.»

پس ای بندگان خداوند تقوای وی را پیشه سازید که خیر و عدل و رحمت، همه در پابندی اهل استقامت در میانه‌روی و اخلاص به همراه پیروی است. برخی از صحابه می‌گویند: «اقتصاد و میانه‌روی در سنت بهتر است از تلاش در غیر سنت» و از جمله دعا‌های حسن بصری این بود که می‌فرمود: «خدایا تو پروردگار مایی، به ما استقامت عطا کن.»

و در پایان درود و سلام بفرستید بر پیامبرتان محمد مصطفی و رسول مجتبی که خداوند شما را بدان امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴾ [الأحزاب: ۵۶].

«الله و ملائکه‌اش بر پیامبر درود می‌فرستند ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود و سلام بفرستید».

خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت پاکش و بر همسرانش مادران مومنان درود و سلام فرست و از چهار خلیفه‌ی راشد، ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه و تابعین و آنانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند خشنود باش.

خدایا اسلام و مسلمانان را عزت ده... خدایا اسلام و مسلمانان را عزت ده... خدایا اسلام و مسلمانان را عزت ده... و شرک و مشرکان را خار گردان و دین خود را حفظ نما و بندگان مومن را یاری ده.

خدایا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان ما را صالح بگردان. خدایا همه‌ی مسئولان مسلمان را برای عمل به کتابت و سنت پیامبرت موفق گردان و آنان را رحمتی بر بندگان قرار ده و کلمه‌ی آنان را بر حق و هدایت یکی گردان. خدایا بر امت اسلام حکومتی راشد قرار ده که در آن اهل طاعت عزت یافته و اهل معصیت و فساد هدایت یابند و در آن به نیکی امر شده و از بدی‌ها بازداشته شود که تو بر هر کاری توانایی.

خداوندا مجاهدان را نصرت ده. خداوندا مجاهدانی را که در راه تو و در راه اعلای کلمه‌ی تو و عزت یافتن دینت جهاد می‌کنند یاری نما. خدایا آنان را در فلسطین و در هر جای دیگر یاری ده.

خدایا یهودیان صهیونیست اشغالگر، طغیان پیشه ساخته و راه فساد برگرفته و ویران کردند و کشتند و آواره کردند... خدایا تو آنان را نابود ساز که آنان قدرت ناتوان ساختن تو را ندارند. خدایا عذاب خود را بر آنان نازل کن، آن عذابی که از مجرمان برگشت پذیر نیست.

خدایا هر که را برای ما و برای امت ما اراده‌ی بد دارد به خود مشغول ساز و نیرنگ او را در راه نابودی‌اش قرار ده ای پروردگار جهانیان.

خداوندا عاقبت ما را در همه‌ی امور به خیر گردان و ما را از خواری دنیا و عذاب آخرت حفظ نما. خدایا کارهای ما را آسان گردان و سینه‌ی ما را فراخ گردان و قلب ما را نورانی ساز و کارهای ما را با نیکی‌ها خاتمه بخش و همه‌ی امور ما را نیکو بگردان ای پروردگار جهانیان.

پروردگارا ما را و برادران ما را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز و در قلب ما هیچ کینه و کدورتی از مومنان قرار مده که تو رؤوف و رحیمی... پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ حفظ نما.

ای بندگان خداوند: همانا خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان امر کرده و از فحشا و منکر و تجاوز نهی می‌نماید. او شما را چنین نصیحت می‌کند باشد که پند گیرید. پس خداوند را یاد کنید تا شما را یاد کند و او را شکر کنید تا بر شما بیافزاید. و همانا یاد الله بزرگ‌تر است و خداوند به آنچه می‌کنید آگاه است.

عنوان خطبه:

برکت و اثر آن در زندگی

خطیب: دکتر سعود الشریم

مسجد الحرام: جمعه ۹ شعبان ۱۴۳۰ هجری قمری برابر با ۹ مرداد ۱۳۸۸

خطبه‌ی اول:

حمد و سپاس از آن الله بزرگ و ذوالجلال است. او را در حال نعمت چنان ستایش می‌کنیم که در حال بلا و مصیبت... اوست که سخنان نیک بسویش بالا برده می‌شود و اوست که کار نیک را بلندمرتبه می‌گرداند... و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنهاست و شریکی ندارد و گواهی می‌دهم که محمد بنده‌ی خداوند و رسول

اوست و اوست که امام متقیان است و سرور اولین و آخرین و صاحب مقام شفاعت و حوض کوثر است.

بهترین و پاکترین درود و سلام خداوند بر او باد. درود و سلامی همیشگی و پی در پی بر او و بر اهل بیت و یاران وی و همه‌ی آنانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند.

اما بعد... خود و شما را به تقوای خداوند متعال سفارش می‌کنم. تقوایی که مونس هنگام ترس است و نیروی هنگام ضعف و برکت هنگام کمبود و علم هنگام جهل:

﴿... وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۸۲].

«و تقوای الله را پیشه سازید و خداوند شما را آموزش می‌دهد و الله به هر چیزی آگاه است.»

ای مردم: ما در زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که در آن تمدن مادی پیشرفت چشمگیری کرده است بلکه می‌توان گفت این تمدن به جایی رسیده است که پیش از آن بدان حد نرسیده بود و به ذهن هیچ بشری نیز خطور نکرده بود.

تمدنی که از مظاهر آن می‌توان به گشایش در کسب روزی و آسایش زندگی و رفاه مادی و پیشرفت هولناک در همه‌ی زمینه‌ها اشاره کرد. زندگی افسانه‌ای معاصری که عقل را به حیرت آورده و چشم‌ها را خیره می‌سازد به گونه‌ای که در فاصله‌ی یک چشم به هم زدن پدیده‌ای جدید را در جهان پیشرفت مادی و تکنولوژی به چشم خواهی دید. اما این تمدن و این آتشفشان هولناک در مسیر پیشرفت مادی باعث نشده است که انسان کنونی از انسان گذشته خوشبخت‌تر یا در زندگی بهتر، و یا دارای امنیتی بیشتر باشد...

این تنها به علت غیاب یک عامل مهم رخ داده است که زندگی بدون آن نه در کسب و نه در علم و نه حتی در آب و غذا هیچ معنا و مفهومی نخواهد داشت... حال بیابید ببینیم این عامل مهم که مسنحق چنین اهمیتی است چه می‌تواند باشد؟

این عامل مهم «برکت» در تمام چیزهایی است که ذکر کردیم. برکت عنصری اساسی در همه‌ی وجود انسان است که زندگی بدون آن قوام نمی‌یابد. کسب و کاری که برکت

در آن نباشد چه ارزشی دارد؟ وقتی که برکت در آن کسب و کار نیست به چه درد می‌خورد؟ فایده‌ی علم بی‌برکت چیست؟ آب و غذایی که نه سیر می‌کند و نه سیراب چه ارزشی دارد؟

برکت نه در زیادی مال است و نه در جاه و قدرت و نه در زیادی فرزند و نه در علم مادی صرف. این عنصر در واقع ارزشی است معنوی که با چشم مجرد دیده نمی‌شود و با مقیاس‌های روزمره نیز اندازه گرفته نشده و هیچ خزینه‌ای نمی‌تواند آن را در خود جای دهد، بلکه این عامل احساسی است مثبت که انسان آن را در درون خود می‌یابد و باعث صفای نفس و آرامش قلب و گشادگی سینه و رضایتی همراه با آسودگی می‌شود...

اگر امنیت فرد در مسیر زندگی و در تامین معاش و سلامت بدن، همه‌ی این‌ها گمشده‌ی زندگان باشد و چونان درختی باشد که بر آن‌ها سایه می‌افکند، می‌توان برکت را چون آب و هوا و نور مورد نیاز این درخت دانست.

بله ای بندگان خداوند... خداوند عز و جل با فضل ویژه‌ی خویش این عامل، یعنی برکت را خارج از چارچوب مال و یا سلامت به عنوان فضلی ویژه از سوی خویش در اشیاء به ودیعت می‌گذارد تا آنجا که می‌بینیم با وجود این عامل، گاه کلبه‌ای کوچک به کاخی بزرگی تبدیل می‌شود اما هنگامی که عامل برکت وجود نداشته باشد حتی صاحبان کاخ‌ها نیز کاخ خود را به مانند قفس یا زندانی کوچک می‌بینند و همه‌ی این‌ها به وجود برکت بستگی دارد. یعنی «کم» با وجود برکت «بسیار» شده و «بسیار» بدون برکت «کم» خواهد شد.

برکت یعنی بسیار شدن و رشد یافتن. برکت در وقت یعنی گسترده شدن آن و امکان استفاده‌ی کامل از آن و در مورد عمر، به معنای طولانی شدن و عمل نیکو انجام دادن در آن است. برکت در علم به معنای احاطه یافتن بر آن و عمل به مقتضای آن و دعوت به آن است. اما برکت در مال به معنای فراوانی آن به همراه کافی بودن آن است و برکت در سلامتی یعنی کامل بودن آن و بدور بودن از دردها. به همین صورت برکت در همه‌ی شئون زندگی معنا می‌یابد.

ای مردم: اکثر انسان‌ها از کمبود برکت در زندگی خویش رنج می‌برند.. آنان می‌بینند با اینکه در دنیای فراوانی نعمت و آسانی زندگی قرار دارند اما با این وجود رضایت از وضعی که در آن هستند چیزی است دست نیافتنی... می‌بینند که مال می‌آید و غذا فراهم است و فرزندان به دنیا می‌آیند اما همه‌ی این‌ها بدون برکت می‌آیند و می‌روند؛ یکی را می‌بینی که حقوقش زیاد است اما برکتی در آن نیست... و این یکی را می‌بینی که فرزندان بسیاری دارد اما بدون فایده و برکت... و دیگری را که علم بسیاری دارد اما بدون هیچ برکت و نفعی برای خود و دیگران... و بلکه این بی‌برکتی از دایره‌ی فرد فراتر رفته و جامعه را نیز تحت‌الشعاع خود قرار داده است.

برای مثال در دنیای معاصر خواهیم دید که کشورهای توسعه یافته وام‌هایی را در اختیار کشورهای جهان سوم قرار می‌دهند که یک‌سوم آن صرف خرید کالاهایی می‌شود که ساخت خود کشورهای صنعتی است و یک سوم دیگر آن هزینه‌ی کارکنان و ناظران کشورهای صنعتی بر این کالاها می‌شود. باقیمانده‌ی این وام نیز صرف خرج‌های دیگر و بهره‌ی آن می‌گردد.

پس از سال‌ها کشورهای بدهکار بیش از آن که گرفته‌اند را به طلبکاران خود پس می‌دهند اما این قرض همچنان باقی است. کشورهای طلبکار نیز با وجود آنکه هم بهره‌ی وام را گرفته و هم کالاهای خود را فروخته‌اند و هم برای شهروندان خود ایجاد اشتغال کرده‌اند، همچنان گلوی بدهکار را در دستان خود دارند و او را تهدید به خفه شدن می‌کنند.

با این وجود این جوامع چه برکتی را در وضعیت کنونی و آینده‌ی خود می‌بینند؟ حال این جامعه‌ها به مانند تشنه‌ای است که آب شور می‌نوشد که هرچه می‌نوشد تشنه‌تر می‌شود!

بندگان خداوند: اگر به گذشته برگردیم نمونه‌های زیادی از وجود برکت در عصر پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و صحابه و دیگر دوران‌ها و حتی دوران‌های نه چندان دور مشاهده خواهیم کرد.

برای مثال رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم در یک قرص و دو قرص نان برکت می‌یافت و شاید او و اصحابش از یک ظرف غذا سیر می‌شدند. عثمان رضی الله عنه که ارتش «عُسرَة» را با پول خود مجهز نمود، در ثمره‌ی نخلستان خود برکت یافت تا آنکه درآمد آن به صد هزار سکه یا بیشتر رسید.

در صحیح بخاری آمده است که زبیر بن عوام وصیت کرد فرزندانش بدهی او را که دو ملیون و دویست هزار برآورد می‌شد پرداخت نمایند و فرزندش عبدالله را اینچنین وصیت کرد که: «ای فرزندم اگر در پرداخت بخشی از بدهی من ناتوان شدی از مولای من کمک بگیر که به خدا قسم هیچگاه در سختی بدهی قرار نگرفتم مگر آنکه گفتم: ای یار و یاور زبیر دین و قرض او را پرداخت کن»؛

زبیر هیچ درهم و دیناری به جای نگذاشته بود جز دو قطعه زمین. روزها گذشت تا آنکه خداوند در زمین‌های زبیر برکت انداخت و به قیمت بسیاری بالایی به فروش رفتند. بدین ترتیب پنجاه ملیون و دویست هزار به دست عبدالله بن زبیر رسید. زبیر بن عوام چهار همسر داشت که به هر کدام دو ملیون و دویست هزار به عنوان میراث رسید، یعنی دقیقاً به اندازه‌ی بدهی زبیر.

ببیند برکت یعنی چه... در مسند امام احمد چنین آمده است که در خزینه‌ی بنی امیه دانه‌ی گندمی یافتند که به اندازه‌ی هسته‌ی خرما بود و در میان کاغذی قرار داشت که بر آن چنین نوشته شده بود: «این دانه‌ای است که در دوران عدل روییده می‌شد...».

این نمونه‌ای است از آثار برکت که نزد گذشتگان ما رخ داده است تا آنکه ما میان دو دوران مبارک قرار بگیریم: دوران پیشینیان و دوران آیندگان چنانکه در صحیح مسلم آمده است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «قیامت برپا نخواهد شد تا آنکه جزیره‌ی العرب به مانند گذشت تبدیل به باغ‌ها و رودخانه‌ها شود».

و در صحیح مسلم چنین آمده که رسول خداوند فرمودند: «از جمله برکت‌هایی که در آخرالزمان بر مردم نازل خواهد شد این است که گروهی از مردم زیر سایه‌ی پوست

اناری که آن را خورده‌اند خواهند نشست و یک شتر شیرده برای جمعی زیاد از مردم کافی خواهد شد».

پس ای بندگان خداند تقوای وی را پیشه سازید و جایگاه‌های نزول برکت را در زندگی خویش بیابید و بیابید از خود علت فقدان برکت را جویا شویم. و خداوند حال هیچ قومی را تغییر نخواهد داد تا آنکه خود، درون خود را تغییر دهند:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٩٦﴾ [الأعراف: ٩٦].

«و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌ساختند برکت‌های آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم اما آنان تکذیب نمودند پس آنان را به خاطر گناهانی که مرتکب شدند به عذاب گرفتار ساختیم».

خداوند من و شما را بوسیله‌ی قرآن بزرگ، سود رساند و من و شما را به واسطه‌ی آیات آن سودمند گرداند. آنچه را گفتم اگر صحیح بود از خداوند است و اگر اشتباه بود از خودم و شیطان... و از خداوند مغفرت بخواهید که او بسیار غفور است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش تنها از آن الله است. و درود و سلام خداوند بر آنکه پیامبری پس از او نیست. اما بعد... ای مردم. هر کس به دنبال برکت در درون خود و مال خود هست باید که به دنبال اسباب آن باشد و هرکه در روش رسول خداوند صلی الله علیه و آله وسلم نظر بیاندازد خواهد دید که برکت در این امور خلاصه می‌شود:

اول اینکه: جامعه‌ی مسلمان تقوای پروردگار را پیشه ساخته و براساس خواسته‌ی خدا و رسولش به آن‌ها ایمان بیاورد. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٩٦﴾ [الأعراف: ٩٦].

«و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌ساختند برکت‌های آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم اما آنان تکذیب نمودند پس آنان را به خاطر گناهانی که مرتکب شدند به عذاب گرفتار ساختیم.»

دوم: به جای آوردن شکر خداوند برای نعمت‌های وی. خداوند می‌فرماید:

﴿وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ ﴿۷﴾﴾

[إبراهیم: ۷].

«و آنگاه که پروردگارتان اعلام نمود که اگر شکر کنید شما را افزون خواهم داد و قطعاً اگر کفران بورزید عذاب من سخت و شدید است.»

و رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم می‌فرماید: «خداوند برکتی از آسمان فرو نمی‌فرستد مگر آنکه گروهی از مردم به آن کفر می‌ورزند» [به روایت امام مسلم].
سوم: کسب و کار حلال و دوری از معاملات و وام‌های ربوی زیرا الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ ﴿۲۷۶﴾﴾ [البقرة: ۲۷۶].

«همانا الله ربا را کم می‌مند و صدقه را افزون می‌گرداند و الله هیچ کافر گناه پیشه‌ای را دوست ندارد.»

و رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم می‌فرماید: «این مال، سبز است و خوش... هرکه آن را به حق به دست آورد برایش در آن برکت انداخته می‌شود، و چه بسا کسانی که بدون حق در مال خدا و رسولش دست می‌آورند و در آخرت جز آتش به دست نخواهند آورد» [به روایت ترمذی].

چهارمین سبب به دست آوردن برکت میانه‌روی در مصرف و دوری از اسراف است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيْطَانِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا ﴿۲۷﴾﴾ [الإسراء: ۲۷].

«همانا اسرافکاران برادران شیاطینند و شیطان نسبت به پروردگار خود بسیار کفرپیشه

بود.»

و هر چیزی که شیطان بدان راه یابد هیچ برکتی نخواهد داشت. برای همین است که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرماید: «با برکت‌ترین زنان آنانی هستند که مهریه‌شان کمتر باشد» [به روایت بیهقی و نسائی].

پنجمین عامل ایجاد برکت «صدق و راستی» است. زیرا خداوند در کار انسانی که در ظاهر و باطن خود صادق است برکت ایجاد می‌کند. چه آن فرد مسئول باشد و چه عالم و یا تاجر و یا در هر مقام و مسئولیتی که باشد زیرا رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرماید: «خریدار و فروشنده تا وقتی از هم جدا نشده‌اند اختیار دارند که معامله را فسخ کنند... پس اگر راستی پیشه ساختند و بطور آشکار و واضح معامله نمودند در معامله شان برکت خواهد افتاد و اگر کتمان ورزیدند و دروغ پیشه ساختند برکت معامله‌شان از بین خواهد رفت» [به روایت بخاری و مسلم].

امام ابن قیم در این باره می‌گوید: «برکت انسان عالم در این است که حق را به دیگران برساند و آن را کتمان نکند. اما اگر او خلاف این را انجام داد، سنت الهی بر این است که برکت علم و دین و دنیای وی از بین خواهد رفت».

از دیگر اسباب به دست آوردن برکت «دعا» و روی آوردن به خداوند است که این سبب در داستان زبیر که ذکر کردیم گذشت.

آخرین این اسباب «قناعت» است. برخی از علما این سخن خداوند متعال را در سوره‌ی نحل که می‌فرماید: «او را زندگی نیکی خواهیم بخشید» به قناعت تفسیر کرده‌اند. زیرا که انسان موهبتی بهتر از قناعت به دست نیاورده است.

و در پایان درود و سلام فرستید بر بهترین انسان‌ها محمد بن عبدالله، صاحب حوض کوثر و دارای مقام شفاعت که خداوند شما را به آن امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

«همانا الله و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او

درود و سلام فرستید».

و رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم می‌فرماید: «هرکه بر من یک درود فرستد خداوند بر او ده بار درود خواهد فرستاد».

بارالها درود و سلام و برکت فرست بر بنده و پیامبرت محمد و خشنود باش از چهار خلیفه‌ی راشد ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه‌ی پیامبرت و از تابعین و آنانی که تا روز قیامت از آنان به نیکی پیروی نمایند. و همچنین از ما با لطف و کرم خود ای بزرگوارترین بزرگواران.

بارالها اسلام و مسلمانان را عزت ده، بارالها اسلام و مسلمانان را عزت ده، بارالها اسلام و مسلمانان را عزت ده، بارالها اسلام و مسلمانان را عزت ده، و شرک و مشرکان را خوار بگردان. بارالها دینت و کتابت و سنت پیامبرت و بندگان مومنت را یاری ده...

بارالها غصه‌ی غصه‌داران را برطرف نما و سختی سختی‌دیدگان را از بین ببر و قرض قرض‌داران را ادا نما و بیماران مسلمانان را شفا ده ای رحیم‌ترین رحیمان.

بارالها ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان و متولیان امر ما را صالح گردان و کسانی را در راس امور ما قرار ده که تقوای تو را داشته باشند و در پی رضایت تو باشند.

بارالها هر خیری را که از تو خواستیم ما را عطا کن و هر آنچه را که نخواستیم خود عنایت فرما. پروردگارا ما را در دنیا و در آخرت نیکی عطا فرما و از آتش دوزخ حفظ نما. پاک و منزّه است پروردگار ما آن پروردگار عزت از آنچه مشرکان او را بدان وصف می‌کنند و سلام بر پیامبران و سخن آخرمان این است که: الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

وطن‌دوستی در سایه‌ی اسلام

خطیب: دکتر صالح آل طالب

مسجد الحرام: جمعه ۱۶ شعبان ۱۴۳۰ برابر با ۱۶ مردادماه ۱۳۸۸

خطبه‌ی اول:

حمد و سپاس از آن الله است. (ستایش از آن الله است که آسمان‌ها و زمین را آفرید و تاریکی‌ها و نور را قرار داد. سپس با این وجود کسانی که کفر ورزیدند [دیگران را] با پروردگار خود برابر می‌دانند (۱) اوست کسی که شما را از گل آفرید آنگاه [برای شما] مدتی مشخصی را تعیین کرد و اجل حتمی نزد اوست سپس [با این وجود] شما [در این قدرت پروردگار] شک می‌کنید (۲) و اوست که در آسمان و در زمین، الله است، پنهان و آشکار شما را می‌داند و می‌داند که چه به دست می‌آورد).

اما بعد... تقوای الله را در پیش گرفته، وی را اطاعت کنید و معصیت وی را نکنید.

﴿... وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلِمُوا أَنَّكُمْ مُلْقَوُهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [البقرة: ۲۲۳].

«و تقوای الله را در پیش گیرید و بدانید که او را [در قیامت] ملاقات خواهید کرد و مومنان را بشارت ده».

برای کسب رضایت پروردگار از یکدیگر پیشی گیرید و بدانید که آتش جهنم با شهوات پوشانده شده و بهشت با ناخوشی‌ها؛ و بدانید که هیچ راه فراری از این مسیر، که در پیش روست وجود ندارد و هرکه راه را سخت بداند در رفتن ضعیف می‌شود و هرکه به شهوت‌ها وابسته گردد عزیمتش از بین خواهد رفت.

ای مسلمانان... درباره‌ی احساسی سخن خواهیم گفت که قلب‌های بسیاری برایش به تپش افتاده... درباره‌ی اشتیاقی که دل‌های زیادی را به تسخیر درآورده... احساسی که درون را به لرزه درمی‌آورد... عشقی که قریحه‌ی شاعران را به جوش آورده و قلم ادبا را به نوشتن واداشته و احساس الفتی که دارندگان فطرت سالم را به سوی خود می‌کشاند... این عشقی است که احساس پیامبران از آن تهی نبوده و محبتی است که در قلب صحابه وجود داشته است...

ای مسلمانان این احساس چیزی نیست جز «محبت وطن»...

دوست داشتن وطن و وابسته بودن به یک ملت و سرزمین، امری است غریزی و طبیعی است که خداوند، انسان‌ها را بر آن سرشته است. هنگامی که انسان در سرزمینی

به دنیا می‌آید و در آن بزرگ شده و از آب آن نوشیده و هوای آن را تنفس می‌کند و میان اهل آن سرزمین زندگی می‌کند، فطرتش با آن سرزمین خو گرفته و در نتیجه آن را دوست خواهد داشت و برای جریحه‌دار کردن احساس انسان همین بس که او را «بی‌وطن» بدانیم.

خداوند متعال در قرآن کریم محبت انسان نسبت به وطن را با محبت او نسبت به خودش یکجا آورده است و فرموده:

﴿وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنْ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ أَوْ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ مَا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِّنْهُمْ...﴾ [النساء: ۶۶].

«و اگر بر آنها چنین مقرر می‌کردیم که تن به کشتن دهید یا اینکه از سرزمین خود خارج شوید، جز تعدادی کمی از آنان این کار را انجام نمی‌دادند...».

و بلکه حتی در جایی دیگر دوست داشتن وطن را با دوست داشتن دین مرتبط دانسته است. خداوند متعال در سوره‌ی ممتحنه چنین می‌فرماید:

﴿لَا يَنْهٰكُمْ اللّٰهُ عَنِ الدّٰيِنِ لَمْ يُقْتَلُوْكُمْ فِى الدّٰيِنِ وَلَمْ يُخْرِجُوْكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ اَنْ تَبَرُوْهُمْ وَتُقْسَطُوْا اِلَيْهِمْ اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُقْسَطِيْنَ﴾ [الممتحنة: ۸].

«الله شما را از کسانی که در [کار] دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید زیرا الله دادگران را دوست می‌دارد».

از آنجا که ترک وطن برای نفس بشری سخت و طاقت‌فرسا است، از جمله فضائل مهاجران این است که برای هجرت در راه الله از وطن و کاشانه‌ی خود دل کنده‌اند.

در سنن ترمذی به سند صحیح از عبدالله بن عدی بن حراء رضی الله عنه روایت شده است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم را دیدم که بر تپه‌ای ایستاده و خطاب به مکه چنین می‌گوید: «ای مکه! تو بهترین و دوست داشتنی سرزمین خدا برای منی و اگر مرا از تو بیرون نمی‌رانند هرگز تو را ترک نمی‌کردم» امام عینی رحمه الله در شرح این حدیث می‌گوید: «خداوند پیامبرش را با فراق وطن آزمایش کرد».

و وقتی رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم دانست که برای همیشه مهاجر باقی خواهد ماند از خداوند خواست تا مدینه را به قلب او محبوب گرداند. در صحیح بخاری آمده است که «وقتی رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم از سفر بازمی‌گشت و مدینه را از دور می‌دید شترش را هی می‌داد تا سریع‌تر به مدینه برسد». امام ابن حجر - رحمه الله - در توضیح این حدیث می‌گوید: «این حدیث دلیلی است بر فضیلت مدینه و دلیلی است بر [مشروعیت] محبت وطن و شوق به آن».

انسان‌ها به سرزمین خود عادت می‌کنند حتی اگر آن سرزمین آنچنان زیبا نباشد و «وطن دوستی» غریزه‌ای است که در درون انسان‌ها ریشه دوانده و باعث می‌شود انسان به راحتی در سرزمین خود زندگی کند و در صورت ترک سرزمین خود نسبت به آن احساس دل‌تنگی کرده و اگر به سرزمین وی حمله یا تجاوزی صورت گیرد از آن دفاع کند...

«وطن‌گرایی» و «وطن دوستی» به این معنای طبیعی، مساله‌ای عجیب نیست، و هرگز نباید این احساس یعنی «وطن دوستی» به عنوان مفهومی در تعارض با دین قرار گیرد. اسلام وابستگی انسان‌ها نسبت به وطن و ملت و قبیله را تغییر نمی‌دهد می‌دانیم که بلال، «حبشی» باقی ماند، صهیب، «رومی» ماند و سلمان، همچنان «پارسی» باقی ماند و این وابستگی به یک سرزمین با وابستگی عظیمشان به اسلام هیچ تعارضی ایجاد نکرد.

هنگامی که انسان در طبیعت خود فکر کند خواهد دید که در درونش محبت و وابستگی خاصی نسبت به خانواده و عشیره و همشهریانش وجود دارد و همانطور نیز در درون خود نسبت به امت بزرگ مسلمان با تمام وسعت و تنوع نژادها و زبان‌هایش، نوعی وابستگی احساس می‌کند و هیچ تعارض و دوگانگی میان این وابستگی‌ها وجود ندارد بلکه می‌توان گفت هر یک از این احساس‌ها همچون دایره‌هایی هستند که همدیگر را در بر می‌گیرند.

این نوعی مغالطه است که میان «وطن‌گرایی» با مفهوم طبیعی‌اش و اسلام، تعارض و تناقض فرض کنیم. توهم این تعارض تنها به هدف نابودی اسلام و سوء استفاده از

محبت غریزی وطن است تا اینکه این توهم در ذهن مردم ایجاد شود که پایبندی به شریعت باعث زیر پا نهاده شدن برخی از مصلحت‌های ملی می‌شود. ما نباید در برابر تندروری دست به تندروری متقابل بزنیم. نباید در برابر کسانی که از شعار «ملی‌گرایی» و «دوستی وطن» برای دشمنی با اسلام استفاده می‌کنند، ما حقوق ملی را نادیده گرفته و نسبت به آن بی‌اهمیتی بورزیم.

نباید ناآگاهانه پشت سر شعارهای وارداتی و اصطلاحات بیگانه حرکت کنیم. مفهوم «ملی‌گرایی» آنگونه که از خارج آمده است، مفهومی است مخالف با اسلام و بیگانه با فرهنگ و تمدن ما. در این مفهوم بیگانه، «وطن‌گرایی» تبدیل به بتی می‌شود که همه‌ی ارزش‌ها و معیارها را در خدمت خود می‌گیرد حتی اگر با دین در تعارض باشد، و منجر به زیر پا نهاده شدن شریعت و تقسیم مردم به احزاب و طوائفی می‌شود که نسبت به یکدیگر دشمنی ورزیده و توطئه می‌چینند و در پایان، راه را برای تحقق اهداف دشمن باز می‌کند. خداوند متعال درباره‌ی امت مسلمان می‌فرماید:

﴿وَإِنَّ هَدْيَهَا أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ﴾ [المؤمنون: ۵۲].

«و این امت شما امتی یگانه است و من پروردگار شمایم پس تقوای مرا در پیش گیرید.»

ای مسلمانان: از مقتضیات وابستگی به وطن این است که محبت آن را در دل داشته و از آن دفاع کرده و برای آن دلسوزی شود و برای سلامت آن از هر آفتی حریص بوده و افراد آن را مورد احترام قرار داده و دانشمندان آن را مورد تقدیر قرار داده و از مسئولان آن اطاعت شود.

همچنین از مقتضیات و لازمه‌های «وطن‌دوستی» این است که قوانین و فرهنگ آن مورد احترام قرار گیرد و از ثروت‌های ملی و منابع اقتصادی آن محافظت شده و در توسعه‌ی عوامل رشد و پیشرفت آن تلاش شود و از هر آنچه به زیان آن تمام می‌شود خودداری گردد.

دفاع از وطن یک وظیفه‌ی شرعی است و مرگ در راه آن شهادت و شهامت است. در سوره‌ی بقره در داستان سران بنی اسرائیل پس از موسی آمده است که به پیامبر پس از خود چنین گفتند:

﴿... قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أَخْرَجَنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَايَنَا...﴾ [البقرة: ۲۴۶].

«... گفتند ما را چه شده که در راه الله نجنگیم در حالی که از سرزمین و [از میان] فرزندان خود بیرون رانده شده‌ایم...».

برای اینکه مظاهر وطن‌گرایی واقعی برای ما آشکار شده و تقلبی بودن شعارهای دیگر آشکار شود باید به بررسی وطن‌گرایی از دیدگاه اسلام بپردازیم. کسی که در شرایط کنونی ما نظری بیافکند خواهد توانست شهروند خوب و خیرخواه را انسان دروغگو و مدعی تشخیص دهد زیرا خیانت به وطن مظاهر بسیاری دارد. برخی از این پدیده‌های خطرناک در این سرزمین پیش آمده و گذشته‌اند و برخی از آن‌ها همچنان وجود داشته و به شکل‌های مختلف درآمد و شدت گرفته و پنهان شده و یا آشکار می‌گردد.

برخی از این انحرافات گاه به اسم غیرت بر وطن ظاهر می‌گردند. گرچه در حقیقت اینگونه غیرتی، علیه وطن و بر ضد آن است. از این جمله می‌توان به کارهای ناشایستی اشاره کرد که برخی جوانان مرتکب گردیدند. آنان شعار یاری اسلام سر دادند و پرچم اصلاح را بر دوش گرفتند اما راه آن را اشتباه رفتند و در نتیجه سینه‌ای برای خالی کردن تیرهای خود نیافتند جز سینه‌ی خویشان و هم‌وطنان خود و تنها امنیت سرزمین خود را هدف قرار دادند و ساختمانی را برای ویران کردن نیافتند جز ساختمان‌های سرزمین خود.

آنان درختی را بریدند که بر آن‌ها سایه انداخته بود و آبی را گل آلود کردند که از آن می‌نوشیدند. آنان گمان بردند که کارشان برای الله و به اسم او است اما متاسفانه در واقع آنان چیزی نبودند جز کارگرانی اجیر شده برای دشمنان خود و اینگونه آلتی شدند برای آنان تا در راه ضربه زدن به کشور خود توسط دشمنان مورد استفاده قرار گیرند و در

پشت سر نیز، کسانی به اسم دین و به اسم علم شرعی کار این گروه را تایید کرده و آنان را برای جنایت بیشتر تحریک می‌کردند...

در اینجا باید به مظهري ديگر از مظاهر خيانت به وطن اشاره کنم که اگر بدتر از نوع اول نباشد از آن بهتر نیست. اگر نوع اول، ظاهر و آشکار بود، این نوع دوم مخفی و مکارانه است. اگر نوع اول دارای تاثیر سریع و آنی است، نوع دوم آرام و دارای تاثیر حتمی است...

این گروه مردمانی هستند از خودمان که به زبان ما سخن می‌گویند اما قلب‌هایشان و عقل‌هایشان به بردگی و اشغال غریبان درآمده و در برابر دشمن دچار خودباختگی گردیده‌اند... محبت غرب قلب آنان را اسیر خود کرده و برده‌ی رفتار و کردار غریبان گردیدند تا آنجا که به همه‌ی خصوصیات غرب ایمان آوردند و خوب و بد غرب را پسندیدند و همه‌ی این‌ها باعث شد که خود و خانواده و هموطنان خود را کوچک بشمارند و وطن و اعراف و سنت‌های نیکوی خود را به مسخره گیرند.

برای این‌ها ارزش‌های به ارث رسیده‌ی جامعه‌شان مورد انتقاد است. اخلاقیاتی که نسل به نسل در جامعه‌ی ما منتقل گردیده است هدف تیرهای این گروه است. هنر و ادبیات و مقالات اینان هدفی ندارد جز بی‌آبرو کردن جامعه و بزرگنمایی عیب‌های آن در داخل و خارج.

آیا تهمت زدن و خوار شمردن جامعه و قوانین آن در رسانه‌ها از روی خیرخواهی است؟ آیا این نشانه‌ی کفر ورزیدن نسبت به وطن نیست؟؟ گاه تاثیری را می‌بینی که داستان آن در خیابان‌ها و محله‌های شهر ما رخ داده است اما نویسنده‌ی آن برای نقش شهروندان این جامعه جز انسان‌های بی‌شخصیت و یا اراذل و اوباشی که هیچ زمان و مکانی خالی از اینگونه افراد نیست نیافته است و این نویسنده همه‌ی جامعه‌ی مسلمان ما را به اینگونه افراد منحصر کرده است!

از این سو یک سریال تلویزیونی را می‌بینی که خانه‌ها و کوچه‌های ما را به تصویر کشانده اما شهروند این کشور را یا بصورت انسانی احمق و یا شهوت‌ران و یا فاسد و بددهن به تصویر کشیده است...

اینگونه افراد که کارشان بی‌آبرو کردن جامعه‌ی خود و نشر عیب‌های آن و شهروندان آن است هیچ عذر و توجیهی برای کار خود ندارند. تنها سودی که ما از کار آنان می‌بریم بد کردن ذهنیت مردم نسبت به کشورشان و موسسات آن است... آنها هیچ عذری ندارند... اگر آنان قصد اصلاح داشتند، این راه آن نیست و اگر هدفشان انتقاد سازنده است که این روش آن نیست... اما اگر هدفشان انتقام از اشخاص یا موسسات خاصی است و سعی دارند از طریق امکاناتی که در اختیار دارند دست به اذیت و آزار دیگران و تسویه حساب‌های خاص بزنند این دیگر دردی است که درمانی ندارد جز داغ کردن!

شریعت اسلامی که به ریزترین مسائل بی‌توجهی نکرده است، راه و روش نصیحت را مبهم باقی نگذاشته و طریقه‌ی اصلاح را نیز مشخص نموده است و مهمترین نشانه‌ی دلسوزی در اصلاح این است که انسان با عدل و انصاف حکم صادر کرده و هرگز دست به بی‌آبرو کردن دیگران و انتشار بدی نزند. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿... وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَّعَوْا بِهٖ ۖ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَىٰ أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنبِطُونَهُ مِنْهُمْ ۗ﴾ [النساء: ۸۳].

«و چون خبری [حاکمی] از ایمنی یا وحشت به آنان برسد انتشارش دهند و اگر آن را به پیامبر و اولیای امر خود ارجاع کنند قطعا از میان آنان کسانی‌اند که [می‌توانند درست و نادرست] آن را دریابند».

و در سوره‌ی نور درباره‌ی عقوبت کسانی که به نشر بدی‌ها و زشتی‌ها مشغولند چنین می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَلْحِشَةُ فِي الَّذِينَ ءَامَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿۱۹﴾﴾ [النور: ۱۹].

«کسانی که دوست دارند که زشتکاری در میان آنان که ایمان آورده‌اند شیوع پیدا کند برای آنان در دنیا و آخرت عذابی پر درد خواهد بود و الله می‌داند و شما نمی‌دانید». و از جمله مصداق‌های نشر زشتکاری این است که درباره‌ی آن سخن گفته شده و یا در مجالس و نشست‌ها حرف آن زده شود.

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم:

﴿قُلْ إِنْ كَانَ ءَابَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرٍ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿۲۴﴾﴾
[التوبة: ۲۴].

«بگو اگر پدران و پسران و برادران و زنان و خاندان شما و اموالی که گرد آورده‌اید و تجارتی که از کسادش بیمناکید و خانه‌هایی را که خوش می‌دارید نزد شما از الله و پیامبرش و جهاد در راه وی دوست‌داشتنی‌تر است پس منتظر باشید تا الله فرمانش را [به اجرا در] آورد و الله گروه فاسقان را راهنمایی نمی‌کند».

خداوند به واسطه‌ی قرآن و سنت من و شما را برکت داده و با آیات و حکمت سودمند گرداند... این سخن را گفته و برای خود و شما از الله بزرگ مغفرت می‌خواهم...

خطبه‌ی دوم:

شکر و ستایش الله را در هر حال به جای می‌آورم... آغاز از اوست و بازگشت و پایان نیز بسوی اوست. و گواهی می‌دهم که محمد بنده‌ی الله و پیامبر اوست. درود و سلام و برکات خداوند بر او و بر اهل بیت و یاران او باد. اما بعد.

در قلب خود سرزنشی دارم از کسانی که جمع‌آوری مال آنان را از به جای آوردن حق وطن و حق شهروندان باز داشته است. وقتی به کسانی که به حساب سخت گرفتن بر مردم عادی و با احتکار کالاها و بازی با قیمت‌ها و سخت گرفتن بر مردم و سوء

استفاده از شرایط و وضعیت موجود برای سود چند برابر تلاش می‌کنند، نظر می‌اندازی، پی به ضعف بودن جنبه‌ی وطن دوستی در آنان می‌بری.

این سرزنش در مورد مراکز موثر مانند بانک‌ها و شرکت‌های مالی بزرگ شدیدتر است. بانک‌ها و شرکت‌هایی که قشر بزرگی از جامعه را غرق در قراردادهای وام‌هایی کرده‌اند که نه تمدنی را بنا خواهد کرد و نه فقیری را سیر. بلکه برعکس، جامعه را در قرض‌های پی در پی از پای خواهد انداخت.

چه بسا که بسیاری از این بانک‌ها سرمایه و پول‌های مشتریان خود را در خارج از کشور سرمایه‌گذاری می‌کنند، کاری که در آن «وطن‌گرایی» بسیار ضعیف شده و کشور از سود بردن از منابع مالی خود و به کار انداختن آن در داخل و سرمایه‌گذاری بر روی آن و به وجود آوردن فرصت‌های شغلی و شکوفایی تمدنی و خدمت‌رسانی به جامعه محروم می‌گردد.

این عادلانه نیست که از منابع کشور استفاده شده و از فرصت‌های آن بهره برده شود سپس از هرگونه مسئولیتی در قبال آن شانه خالی گردد. به ویژه که بسیار دیده شده خیلی از هم‌وطنان به دلیل یک شکست مالی همه‌ی ثروت خود را از دست داده و در پی آن، این ضعیفان جامعه بوده که به کمک ضعیف‌تر از خود برخاسته‌اند اما این وضعیت تنها باعث حریص‌تر شدن این بانک‌ها گردیده است...

برخی از ثروتمندان که حتی یک دهم ثروتی که بانک‌ها در اختیار دارند را مالک نیستند با این وجود خدماتی ارزنده و کارهای خیر و پروژه‌های پربراری را به جامعه تقدیم کرده‌اند. اینجا جامعه حق دارد که از خود بپرسد نقش بانک‌ها در این عرصه کجاست؟

در پایان درود و سلام بفرستید بر بهترین انسان‌ها رسول خداوند محمد بن عبدالله، بارالها درود و سلام و برکت بفرست بر بنده و رسالت محمد و بر همه‌ی اهل بیت و اصحاب وی.

بارالها اسلام و مسلمانان را عزت بخش و شرک و مشرکان را خوار گردان و دشمنان دین را نابود بگردان و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امن و امان قرار ده.

بارالها ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان ما را صالح بگردان. بارالها هر که را که برای ما و برای سرزمین ما اراده‌ی بد دارد به خود مشغول ساز و نیرنگ او را به خود او بازگردان... بارالها گرانی و وبا و ربا و زنا و زلزله‌ها و سختی‌ها و فتنه‌های بد ظاهر و آشکار را از ما دور ساز.

خداوندا مستضعفان مسلمان را یاری ده. بارالها آن‌ها را در فلسطین و در هر مکان دیگری یاری ده ای پروردگار جهانیان.

خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومنت را یاری ده. بارالها آنان را که دینت را یاری می‌دهند یاری ده و طاغیان و مفسدان را خار بگردان.

بارالها غم و اندوه غصه‌دارن را از بین ببر و اسیران را آزاد گردان و قرض و وام قرض‌داران را ادا کن و با رحمت خود بیماران ما و بیماران مسلمان را شفا ده.

پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوخ حفظ بگردان. پروردگارا ما و والدین ما را مورد مغفرت قرار ده. خداوندا گناهان ما را بیامرزد و عیب‌های ما را بپوشان و کارهای ما را آسان گردان و ما را به آن خواسته‌هایمان که باعث خشنودی و رضایت توست برسان.

بارالها از ما بپذیر که تو شنوا و دانایی و از ما توبه پذیر که تو بسیار توبه‌پذیر و مهربانی... پاک و منزّه است پروردگار تو آن پروردگار عزت و بزرگی از آنچه مشرکان به باطل وصف می‌کنند و سلام بر پیامبران و الحمدلله رب العالمین.

عنوان خطبه:

آتش جهنم

خطیب: دکتر صالح آل طالب

مسجد الحرام: جمعه ۲۳ شعبان ۱۴۳۰ برابر با ۲۳ مرداد ۱۳۸۸

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است. حمد و سپاس از آن اوست که قدرتمند و دارای ملک و ملکوت است... بزرگی در آسمان‌ها و زمین، و قدرت و قهر و جبروت در چنگ اوست... اوست که شدید العقاب است، زنده است و هرگز نمی‌میرد.

خداوندا تو پاک و منزهی!! کیست آنکه از تدبیر و مراقبت تو غافل ماند و زیان نکرد؟؟ و کیست آنکه نسبت به حرام‌های تو بی‌اعتنایی نکرد و پشیمان نشد؟؟ و کیست آنکه گرفتار وعید تو شد و سالم ماند؟؟

گواهی می‌دهم که خدایی به حق نیست جز تو و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر توست. درود و سلام بسیار خداوند تا روز قیامت بر او و بر اهل بیت و اصحاب بزرگوار وی باد.

اما بعد... ای بندگان خداوند تقوای او را آنگونه که شایسته است پیشه ساخته و به ریسمان محکم اسلام چنگ زنی و برای دیدار خداوند آماده شوید و از عذاب او برحذر باشید که بدن‌های شما طاقت آتش را ندارد:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ

بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٨﴾ [الحشر: ۱۸].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید از الله پروا دارید و هر کسی باید بنگرد که برای فردا از پیش چه فرستاده است و از الله بترسید در حقیقت الله به آنچه می‌کنید آگاه است».

ای مسلمانان: سخن از عاقبت فاجعه باری است که چشم صالحان را اشکبار ساخته است. سخن از بازگشت گاهی است که قلب پارسایان را به لرزه آورده است. این پایانی است که ترس آن، روز عبادتکاران را به گرسنگی و تشنگی کشانده و باعث شده تا شب طولانی آنان به نماز طی شود. سخن ما از خاتمه‌ای است که غمش در قلب ترسایان به استمرار باقی است:

﴿تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا﴾ [السجدة: ۱۶].

«پهلوهایشان از خوابگاه‌ها جدا می‌گردد [و] پروردگارشان را از روی بیم و طمع می‌خوانند».

ای مسلمانان: این عاقبت و پایان بد، «آتش» است، آتش جهنم. جهنم، آفریده‌ای است عظیم از آفریده‌های خداوند و خانه‌ای است که وی برای کافران در نظر گرفته است. این، جایگاه ستمگران و زندان کافران و عقوبت گناهکاران است. این جایگاه، به حقیقت خاری و ذلت و زیان آشکار و بزرگ است.

جهنم، شرِ مطلق است که هیچ خیری در آن نیست. این جایگاهی است که باید ناگزیر از روی آن عبور کرد. جایگاهی که وجود داشته و آماده شده است:

﴿وَأَنْقُضُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ﴾ [آل عمران: ۱۳۱].

«و از آتشی که برای کافران آماده شده است بترسید».

این جایگاه، خلق شده و آماده است و چنانکه در صحیحین آمده است رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم آن را به چشم دیده است.

ای مسلمانان! سخن درباره‌ی آتش جهنم سخنی است حق و راست... جهنمی که در آن کوه‌ها و دره‌ها و رودها وجود دارد... جهنمی که دارای درجات و منزلگاه‌هایی است متفاوت... جهنمی که تاریک است و سیاه و بی‌نور... که صدایش از دور شنیده می‌شود... جهنمی که زوزه می‌کشد و نعره می‌زند و آنگونه است که خداوند می‌فرماید:

﴿تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ ﴿٣٢﴾ كَأَنَّهُ جِمَلَتٌ صُفْرٌ ﴿٣٣﴾ وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٣٤﴾﴾

[المرسلات: ۳۲-۳۳].

«[دوزخ] چون کاخی [بلند] شراره می‌افکند (۳۲) گویی شترانی زرد رنگند».

غم آن همیشگی است و طولانی و اهل آن در حال ناله و فریادند... قلب اهل آن پر است از یاس و ناامیدی و گذشت روزها جز بر یاس و بدبختی آنان نمی‌افزاید... در آن عذاب‌ها و دردهایی که زبان‌ها و قلم‌ها از وصف آن عاجزند و در آن ترس‌ها و غم‌هایی است که ذهن از تصور آن ناتوان...

﴿إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا﴾ [الفرقان: ۶۶].

«و در حقیقت آن بد قرارگاه و جایگاهی است.»

جهنمی که خداوند فرشتگان مقرب خود را از آن ترسانده است و فرموده:

﴿وَمَنْ يَفُلْ مِنْهُمْ إِلَىٰ إِلَهٍ مِّنْ دُونِهِ فَذَلِكَ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ﴾

[الأنبياء: ۲۹].

«و هرکس از آنان بگوید من جز او خدایی هستم او را به دوزخ کیفر می‌دهیم سزای

ستمکاران را این گونه می‌دهیم.»

و خطاب به پیامبرش فرمود:

﴿وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتُلْقَىٰ فِي جَهَنَّمَ...﴾ [الإسراء: ۳۹].

«و با خدای یگانه معبودی دیگر قرار مده و گرنه در جهنم افکنده خواهی شد...».

و رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم صحابه و امتش را از آن برحذر داشته و فرموده

است: «شما را نسبت به جهنم هشدار دادم... شما را نسبت به آتش هشدار دادم» آیا پس

از این، جهانیان می‌توانند خیال خود را از آتش آسوده سازند؟

حسن بصری رحمه الله می‌فرماید: «به خدا قسم که کسی به جهنم ایمان نمی‌آورد مگر

آنکه زمین با وسعتش بر وی تنگ می‌گردد اما منافق اگر آتش پشت سرش باشد هم به

آن ایمان نخواهد آورد تا اینکه به آن درافتد. به خداوند قسم که بندگان به چیزی

ترسناکتر از آن هشدار داده نشده‌اند.»

﴿فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّىٰ ﴿١٤﴾ لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى ﴿١٥﴾ الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ﴿١٦﴾﴾

[اللیل: ۱۴-۱۶].

«پس شما را به آتشی که زیانه می‌کشد هشدار دادم (۱۴) جز نگون‌بخت‌تر [ین مردم]

در آن درنیايد (۱۵) همان که تکذیب کرد و رخ برتافت.»

و در کتاب خداوند چنین آمده است:

﴿وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا﴾ [مریم: ۷۱].

«و هیچ کس از شما نیست مگر [اینکه] در آن وارد می‌گردد این [امر] همواره بر پروردگارت حکمی قطعی است».

بندگان خداوند! ترس ما از عبور از پل صراط کجاست؟ آنکه ترسید شبانه به راه می‌افتد و آنکه شب به راه افتاد به منزلگاه خواهد رسید و به خدا قسم که تنها مومنان نجات خواهند یافت.

﴿قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلَ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ ﴿۲۸﴾ فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقْنَا عَذَابَ السَّمُومِ ﴿۲۹﴾ إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلَ نَدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ ﴿۳۰﴾﴾ [طور: ۲۶-۲۸].

«گویند ما پیشتر در میان خانواده خود بیمناک بودیم (۲۶) پس خدا بر ما منت نهاد و ما را از عذاب گرم [مرگبار] حفظ کرد (۲۷) ما از دیرباز او را می‌خواندیم که او همان نیکوکار مهربان است».

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «جهنم در روز قیامت آورده می‌شود بطوری که هفتاد هزار افسار دارد و هر افسار را هفتاد هزار فرشته می‌کشند» [به روایت مسلم].

جهنمیان در حالی جهنم را می‌بینند که صدایی بس وحشتناک دارد:

﴿إِذَا رَأَتْهُمْ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغِيْظًا وَزَفِيرًا ﴿۱۲﴾﴾ [الفرقان: ۱۲].

«چون [دوزخ] از فاصله‌ای دور آنان را ببیند خشم و خروشی از آن می‌شنوند».

و در سوره‌ی ملک آمده است که:

﴿تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ ﴿۸﴾﴾ [الملك: ۸].

«نزدیک است که از خشم شکافته شود».

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «آتشی که انسان‌ها برمی‌افروزند جزئی از هفتاد جزء آتش جهنم است» گفتند: به خداوند سوگند که همان یک بخش نیز کافی بود. فرمود: «اما با این وجود آتش جهنم ۶۹ بار بر آتش دنیا برتری دارد که هر بخش از آن به اندازه‌ی گرمای آتش دنیا است» [به روایت بخاری و مسلم].

﴿هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذَّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ﴾ [الرحمن: ۴۳].

«این است همان جهنمی که تبهکاران آن را دروغ می‌خواندند.»

جهنمیان به بدترین صورت مورد خطاب قرار می‌گیرند و وارد آن می‌شوند و سپس

درهای جهنم بر آن‌ها بسته می‌شود:

﴿نَارُ اللَّهِ الْمَوْقِدَةُ ﴿٦﴾ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ ﴿٧﴾ إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ ﴿٨﴾ فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ

﴿٩﴾ [الهمزة: ۶-۹].

«آتش افروخته خدا [بی] است [۶] [آتشی] که به دل‌ها می‌رسد (۷) و در ستون‌هایی

دراز آنان را در میان فرامی‌گیرد.»

جهنمی که هیزم آن مردم و سنگ‌هاست... آتش آن با گذر زمان خاموش نمی‌شود و

گرمای آن با گذر زمان کم نمی‌شود

﴿... كُلَّمَا حَبَّتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا﴾ [الإسراء: ۹۷].

«هر بار که آتش آن فرو نشیند شراره‌ای [تازه] برایشان می‌افزاییم.»

و با تمام این‌ها جهنمیان دست و پا بسته‌اند:

﴿إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلًا وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا﴾ [الإنسان: ۴].

«ما برای کافران زنجیرها و غل‌ها و شعله‌های سوزان آتش آماده کرده‌ایم.»

﴿... إِذِ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلْسِلُ يُسْحَبُونَ ﴿٧١﴾ فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ

﴿٧٢﴾ [المؤمن: ۷۱-۷۲].

«هنگامی که غل‌ها در گردن‌هایشان [افتاده] و [با] زنجیرها کشانیده می‌شوند (۷۱) در

میان جوشاب [و] آنگاه در آتش برافروخته می‌شوند.»

و بدتر از همه‌ی این‌ها، جهنمیان زده شده و مورد اهانت قرار می‌گیرند:

﴿وَلَهُمْ مَقْمِعٌ مِنْ حَدِيدٍ ﴿٢١﴾ كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَدُوقُوا

عَذَابَ الْحَرِيقِ ﴿٢٢﴾ [الحج: ۲۱-۲۲].

«و برای آنان گرزهایی آهنین است (۲۱) هر بار بخواهند از [شدت] غم از آن بیرون روند در آن باز گردانیده می‌شوند، بچشید عذاب آتش سوزان را».

آنان لباسی از آتش به تن می‌کنند و می‌سوزند:

﴿فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِّن تَارٍ يُصَبُّ مِن فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ ﴿١٩﴾ يُصْهَرُ

بِهِ مَا فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ ﴿٢٠﴾ وَلَهُمْ مَقْمِعٌ مِّن حَدِيدٍ ﴿٢١﴾ [الحج: ۱۹-۲۱].

«و کسانی که کفر ورزیدند جامه‌هایی از آتش برایشان بریده شده است [و] از بالای سرشان آب جوشان ریخته می‌شود (۱۹) آنچه در شکم آن‌هاست با پوست [بدن] شان بدان گداخته می‌گردد (۲۰) و برای آنان گرزهایی از آهن است».

آیا دیده‌اید که چگونه گوشت بر روی آتش کباب می‌شود؟ این دقیقاً حال کفار است در آتش جهنم:

﴿يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَلَيْتَنَّا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ ﴿٦٦﴾﴾

[الأحزاب: ۶۶].

«روزی که چهره‌هایشان را در آتش زیرورو می‌کنند می‌گویند ای کاش ما الله را فرمان می‌بردیم و پیامبر را اطاعت می‌کردیم».

﴿تَلْفَحُ وُجُوهُهُمْ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ ﴿١٠٤﴾﴾ [المؤمنون: ۱۰۴].

«آتش چهره آن‌ها را می‌سوزاند و آنان در آنجا ترش‌رویند».

غذای آن‌ها عذاب است و نوشیدنی‌شان نیز عذاب...

﴿لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِن ضَرِيعٍ ﴿٦﴾﴾ [الغاشية: ۶].

«خوراکی جز «ضریع» ندارند».

«ضریع» خاری است که در سرزمین حجاز می‌روید.

﴿إِنَّ شَجَرَتَ الرَّقُومِ ﴿٤٣﴾ طَعَامٌ الْأَثِيمِ ﴿٤٤﴾ كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ ﴿٤٥﴾ كَغَلِي الْحَمِيمِ ﴿٤٦﴾﴾

[الدخان: ۴۳-۴۶].

«آری درخت زقوم (۴۳) خوراک گناهکار است (۴۴) چون مس گداخته در شکم‌ها

می‌گدازد (۴۵) همانند جوشش آب جوشان».

«زقوم» نیز درختی است که در وسط جهنم می‌روید و میوه‌های آن به مانند سر دیوهاست. نوشیدنی آن‌ها نیز غسلین و غساق است که خونابه و چرکاب بدن اهل آتش است:

﴿وَإِنْ يَسْتَعِثُّوا يُعَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ﴾ [الکھف: ۲۹].

«و اگر فریادرسی جویند به آبی چون مس گداخته که چهره‌ها را بریان می‌کند».

﴿وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ﴾ [محمد: ۱۵].

«و آبی جوشان به خوردشان داده می‌شود [تا] روده‌هایشان را از هم فرو پاشد».

در آیه‌ای دیگر چنین آمده است که:

﴿... وَيُسْقَىٰ مِنْ مَّاءٍ صَدِيدٍ ﴿١٦﴾ يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ

مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَمِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ ﴿١٧﴾﴾ [ابراھیم: ۱۶-۱۷].

«به او آبی چرکین نوشانده می‌شود (۱۶) آن را جرعه جرعه می‌نوشد و نمی‌تواند آن را فرو برد و مرگ از هر جانبی به سویش می‌آید ولی نمی‌میرد و عذابی سنگین به دنبال دارد».

همه‌ی آیاتی که ذکر کردیم تنها بعضی از انواع عذاب است. آیا این عذاب‌ها ارزش لحظه‌ای از شهوت حرام دنیا را دارد؟

از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «خوشگذارترین جهنمیان از اهل دنیا را در روز قیامت می‌آورند و در آتش غوطه می‌دهند سپس به او گفته می‌شود: ای فرزند آدم آیا هیچ خوشی و لذتی در زندگی‌ات دیدی؟ آیا هیچ خوشی و نعمتی بر تو گذشته است؟ و او در جواب می‌گوید: نه هرگز! به خدا قسم ای پروردگار [هیچ خوشی و لذتی در زندگی ندیدم]..» [به روایت امام مسلم].

بله ای بندگان خداوند! تنها یک غوطه در آتش جهنم باعث می‌شود انسان همه‌ی خوشی‌ها و لذت‌ها و شهوت‌هایی را که در دنیا چشیده است از یاد ببرد:

﴿يُودُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بِبَنِيهِ ﴿١١﴾ وَصَحْبَتِهِ وَأَخِيهِ ﴿١٢﴾ وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُسْوِيهِ ﴿١٣﴾ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ ﴿١٤﴾ كَلَّا إِنَّهَا لَأَنْهَى لَطْفًا ﴿١٥﴾ نَزَاعَةَ لِلشَّوَى ﴿١٦﴾ تَدْعُوا مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّى ﴿١٧﴾﴾ [المعارج: ۱۱-۱۷].

«گناهکار آرزو می‌کند که کاش برای رهایی از عذاب آن روز می‌توانست پسران خود را عوض دهد (۱۱) و [نیز] همسرش و برادرش را (۱۲) و قبیله‌اش را که به او پناه می‌دهد (۱۳) و هرکه را که در روی زمین است همه را [عوض می‌داد] و آنگاه خود را رها می‌کرد (۱۴) نه چنین است [این آتشی است که] زبانه می‌کشد (۱۵) پوست‌سر و اندام را برکننده است (۱۶) هرکه را پشت کرده و روی برتافته فرا می‌خواند».

و هنگامی که بلا و سختی بر اهل آتش طولانی گردد و عذاب و درد به اوج خود رسد و حسرت و پشیمانی آنان فزونی یابد، آن‌هنگام درخواست خارج شدن از آتش می‌کنند:

﴿وَهُمْ يَصْطَرِحُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ﴾ [فاطر: ۳۷].

«و آنان در آنجا فریاد برمی‌آورند پروردگارا ما را بیرون بیاور تا غیر از آنچه می‌کردیم کار شایسته کنیم».

و به گناهان خود اعتراف می‌کنند:

﴿قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ ﴿١٦﴾ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا

ظَالِمُونَ ﴿١٧﴾﴾ [المؤمنون: ۱۰۶-۱۰۷].

«گفتند: پروردگارا شقاوت ما بر ما چیره شد و ما مردمی گمراه بودیم (۱۰۶) پروردگارا ما را از اینجا بیرون بر پس اگر باز هم [به بدی] برگشتیم در آن صورت ستمگر خواهیم بود».

پس از گذشت زمانی بسیار، به آن‌ها چنین پاسخ داده می‌شود:

﴿قَالَ أَخْسَأُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ ﴿١٧٨﴾﴾ [المؤمنون: ۱۰۸].

«در آن گم شوید و با من سخن مگویید».

پس از آن جهنمیان دست به دامان نگهبان جهنم می‌شوند تا آنکه نزد خداوند برای آن‌ها شفاعت کرده تا آنان را بمیراند و از عذاب راحت شوند:

﴿وَنَادُوا يَمْلِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَكِثُونَ﴾ [الزخرف: ۷۷].

«و فریاد کشند ای مالک [بگو] پروردگارت جان ما را بستاند. پاسخ دهد: شما ماندگارید».

اما در پاسخ تمام درخواست‌هایشان تنها با جواب رد مواجه می‌شوند... و سپس مرگ [به صورت یک گوسفند] آورده می‌شود تا در برابر چشمان اهل بهشت و جهنم ذبح شود. به اهل بهشت گفته می‌شود: جاودانه‌اید و مرگی در کار نیست و به اهل جهنم نیز گفته می‌شود: جاودانه‌اید و دیگر مرگی نخواهد بود... که این قضیه در صحیح بخاری روایت شده است.

اینجا است که ناله و ضجه‌ی اهل آتش بالا می‌رود و غمشان افزون شده و بیشتر می‌گریند و آنقدر اشک می‌ریزند که اشکشان تمام شده و به جای آن خون می‌گریند تا آنکه در صورت‌هایشان جای اشک به مانند خندقی باقی می‌ماند.

ای مسلمانان: این از کمال عدل الهی است که میان اطاعتکار و عاصی و مصلح و مفسد، تساوی قرار ندهد. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ ﴿۳۵﴾ مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿۳۶﴾﴾ [القلم: ۳۵-۳۶].

«پس آیا فرمانبرداران را چون بدکاران قرار خواهیم داد (۳۵) شما را چه شده؟! چگونه داوری می‌کنید».

و خداوند متعال عقوبت خود را برای ما وصف نموده است و گناهکاری هیچ عذر و حجتی نزد خداوند ندارد و کفر و نفاق عامل ابدی شدن در آتش جهنم‌اند:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعَنَهُمُ

اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ﴿۶۸﴾﴾ [التوبة: ۶۸].

«الله به مردان و زنان منافق و کافران آتش جهنم را وعده داده است در آن جاودانه‌اند

آن [آتش] برای ایشان کافی است و الله لعنتشان کرده و برای آنان عذابی پایدار است».

حال هر کس که در برابر امر الله و شریعت وی نظر شخصی خود را ترجیح می‌دهد

این سخن خداوند متعال را خوب گوش دهد:

﴿أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مَن يُحَادِدِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَلِيدًا فِيهَا ذَلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ﴾ [التوبة: ۶۳].

«آیا ندانسته‌اند که هرکس با الله و پیامبر او درافتد برای او آتش جهنم است که در آن جاودانه خواهد بود این همان رسوایی بزرگ است».

وای به حال بی‌نماز! وای به حال بی‌نماز آنگاه که از آن‌ها چنین پرسیده می‌شود که:

﴿مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ﴾ [۴۲] ﴿قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمَصْلِينَ﴾ [۴۳] ﴿وَلَمْ نَكُ نَطْعُمُ الْمَسْكِينِ﴾ [۴۴] ﴿وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ﴾ [۴۵] ﴿وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ﴾ [۴۶] ﴿حَتَّىٰ أَتَيْنَا الْيَقِيْنَ﴾ [۴۷] ﴿فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَعَةُ الشَّفَاعِينَ﴾ [المدرثر: ۴۲-۴۸].

«چه چیز شما را در آتش [سقر] درآورد (۴۲) گویند از نمازگزاران نبودیم (۴۳) و بینوایان را غذا نمی‌دادیم (۴۴) و با باطلگرایان در باطلگویی فرو می‌رفتیم (۴۵) و روز جزا را دروغ می‌شمردیم (۴۶) تا مرگ ما در رسید (۴۷) از این رو شفاعت شفاعت‌کنندگان به حال آن‌ها سودی نمی‌بخشد».

و همین‌طور رباخواری و خوردن مال یتیمان از عوامل فرو رفتن در آتش جهنم است:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا﴾ [النساء: ۱۰].

«در حقیقت کسانی که اموال یتیمان را به ستم می‌خورند جز این نیست که آتشی در شکم خود فرو می‌برند و به زودی در آتشی فروزان درآیند».

و در صحیح مسلم آمده است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «خداوند متعال چنین می‌فرماید که: کبریاء ردای من است و عظمت ازار من؛ هر کس با من در این دو رقابت کند او را به آتش داخل خواهیم کرد».

و در کتاب خداوند چنین آمده است که:

﴿وَمَن يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُّتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا﴾ [النساء: ۹۳].

«و هرکس عمدا مؤمنی را بکشد کیفرش دوزخ است که در آن ماندگار خواهد بود و الله بر او خشم می‌گیرد و لعنتش می‌کند و عذابی بزرگ برایش آماده ساخته است».

همچنین خوردن به ناحق مال مردم و خودکشی در یک آیه یکجا آمده‌اند:

﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ﴿۲۹﴾ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصَلِّيهِ نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ﴿۳۰﴾﴾ [النساء: ۲۹-۳۰].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید اموال همدیگر را به ناروا مخورید مگر آنکه داد و ستدی با تراضی یکدیگر از شما [انجام گرفته] باشد و خودتان را مکشید زیرا الله همواره با شما مهربان است (۲۹) و هرکس از روی تجاوز و ستم چنین کند به زودی وی را در آتشی درآوریم و این کار برای الله آسان است».

سوگند به دروغ نیز صاحب خود را در آتش فرو خواهد برد و به همین خاطر این سوگند، «غموس» یعنی «فروبرنده» نام گرفته است.

میل به ستمگران و همراهی با آنان نیز از عوامل ورود به آتش جهنم است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ...﴾ [هود: ۱۱۳].

«و به کسانی که ستم کرده‌اند متمایل مشوید که آتش [دوزخ] به شما می‌رسد...».

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «دو گروه از اهل آتش‌اند که آنان را ندیده‌ام: گروهی که شلاق‌هایی چون دم گاو به همراه دارند و با آن مردم را می‌زنند و زنانی پوشیده اما لخت که به مردان مایلند و مردان را نیز به خود جذب می‌کنند، سران‌شان به مانند کوهان شتران مائل است. این زنان نه به بهشت وارد می‌شوند و نه بوی آن را استشمام می‌کنند. درحالی که بوی بهشت از فاصله‌ی چنین و چنان به مشام می‌رسد» [به روایت امام مسلم].

و از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم خطاب به زنان فرمودند: «ای زنان! صدقه دهید و بسیار استغفار کنید که من شما را بیشترین اهل آتش دیدم» پس زنی از آنان گفت: ای رسول خداوند چرا ما بیشترین اهل

آتسیم؟ ایشان فرمودند: «چون بسیار نفرین می‌کنید و خوبی را انکار می‌کنید» [به روایت بخاری و مسلم].

ریاکاران نیز اولین گروهی هستند که در روز قیامت، آتش برای آنان داغ می‌شود. اما درباره‌ی کسانی که بدون هیچ حساب و ملاحظه‌ای زبان و قلم خود را به کار می‌اندازند هرچه می‌خواهی بگو...

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم می‌فرماید: «و آیا به جز محصول زبان انسان‌ها چیز دیگری آن‌ها را بر صورت‌هایشان در آتش می‌اندازد؟».

اینان به آتش وعده داده شده‌اند: معتاد به خمر، قطع کننده پیوند خویشاوندی، باور کننده‌ی سحر و سخن‌چین. و کسی که با قسم دروغین مال برادرش را صاحب شود باید جایگاه خود را در آتش آماده کند.

رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم برخی از انواع عذاب اهل آتش را به چشم دیده است چنانکه در حدیث سمره بن جندب رضی الله عنه آمده است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم مردی از اهل آتش را دید که خوابیده است و مردی دیگر در کنار او ایستاده و صخره‌ای را بر سر او می‌کوبد به طوری که سر وی له می‌شود سپس سر او دوباره به حالت اول برمی‌گردد. سپس برای بار دیگر دوباره بر سر او با سنگ کوبیده می‌شود... سپس رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «این مرد کسی است که از نماز فرض خواب می‌افتد...».

همچنین رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم تنوری را دید که از آن سر و صدای بسیاری بیرون می‌آید و مردان و زنانی لخت در آنند سپس زبانه‌ای از آتش از زیر پای آنان شعله‌ور می‌شود و آنان فریاد می‌کشند... آنگاه فرمودند: «اینان مردان و زنان زناکارند...».

در حدیثی دیگر آمده است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم رودی سرخ‌رنگ را دید که مردی در آن شنا می‌کند و بر کناره‌ی رود مردی دیگر است که سنگ‌هایی بسیار به همراه دارد و در دهان مرد نخست می‌گذارد و این کار را تکرار می‌کند... رسول الله

صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «این، شخصِ رباخوار است... و مردی بسیار بدچهره را دید و فرمود: این، «مالک» نگهبانِ آتش جهنم است» [به روایت بخاری].

آیا پس از این همه وعید و هشدار، هشداری باقی مانده است؟؟

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ﴾ [ق: ۳۷].

«قطعا در این [عقوبت‌ها] برای هر صاحب‌دل و حق‌نیوشی که خود به گواهی ایستد عبرتی است».

بارالها ما را از آتش جهنم نجات ده، بارالها ما را از آتش نجات ده، بارالها ما را از آتش جهنم نجات ده... پروردگارا ما ایمان آوردیم پس گناهان ما را بیامرز و ما را از دوزخ دور بدار...

خداوند من و شما را به واسطه‌ی کتاب خود سود رساند و ما را از خواری و عذاب خود دور بدارد... این سخن خود را گفته و برای خود و شما از خداوند متعال آمرزش می‌خواهم...

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله است، ستایش از آن اوست که مطیعانش را عزیز گرداند و عاصیان‌ش را خوار... او که هرکس بسویش پناه آورد پناه داده شد و هرکه صدایش زد پاسخ گرفت... ستایش وی را می‌گویم و ثنایش را به جای می‌آورم و از او آمرزش می‌خواهم و از او برای خود و شما نجات و رستگاری می‌طلبم...

و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد است و شریکی ندارد و گواهی می‌دهم که محمد بنده و پیامبر اوست. درود و سلام و برکات خداوند بر او و بر اهل بیت و یاران وی باد.

اما بعد... سخن خداوند حق است و حقیقت:

﴿فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ﴾ [آل عمران: ۱۸۵].

«پس هرکه را از آتش به دور دارند و در بهشت درآوردند قطعا پیروز شده است».

و قسم به خداوند که ایمان و عمل صالح تنها راه نجات و خوشبختی است... وعده‌ی الله و وعده‌ی رسولش راست است و ممکن نیست شخصی که از خشیت خداوند گریسته است وارد آتش شود مگر اینکه شیر دوباره به پستان بازگردد و آتش به دو چشم نخواهد رسید: چشمی که از خشیت خداوند گریسته است و چشمی که برای نگهبانی در راه خداوند شب را بیدار مانده است، و تقوا دارای منزلتی بس بزرگ است:

﴿وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ﴾ [الرحمن: ۴۶].

«و برای هر که از مقام پروردگارش ترس دارد دو بهشت است».

و در این عرصه، دعا و روی آوردن به خداوند بایی است عظیم برای رهایی و نجات... از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «هیچ کس از خداوند سه بار تقاضای بهشت را نمی‌کند مگر آنکه بهشت به خداوند می‌گوید: بارالها او را به بهشت وارد گردان؛ و مسلمانی سه بار از جهنم به خداوند پناه نبرد مگر آنکه آتش جهنم به خداوند می‌گوید: بارالها او را از من حفظ کن» [به روایت احمد و ابن ماجه].

اکنون در حال استقبال از ماهی بزرگ هستیم... ماه آزادی از آتش جهنم؛ ماهی که هر کس یک روز آن را در راه خداوند روزه گیرد خداوند او را هفتاد سال از آتش دور می‌دارد... در رمضان است که درهای بهشت باز شده و درهای دوزخ بسته می‌شود و در این ماه خداوند در هر شبش افرادی را از آتش آزاد می‌کند.

بارالها! ای زنده‌ی پایدار، ای دارای جلال و عظمت... ما شهادت می‌دهیم که تو آن خداوندی که خدای به حقی جز تو نیست و هیچ نیرو و قدرتی جز نیرو و قدرت تو نیست، بواسطه‌ی این شهادت به تو متوسل می‌شویم که ما را وارد بهشت گردانی و از آتش برهانی... بارالها ما بهشت را از تو می‌خواهیم و از آتش به تو پناه می‌بریم.

بارالها بر محمد و آل محمد درود فرست همانگونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی و برکت فرست بر محمد و آل محمد همانگونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم برکت فرستادی که تو ستوده شده و بزرگواری...

بارالها اسلام و مسلمانان را عزت بخش و شرک و مشرکان را نابود ساخته و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را ایمن گردان. خداوندا ما را در سرزمین‌های ما ایمن گردان و مسئولان و والیان امر ما را صالح بگردان... خدایا هر آنکس را که برای ما و سرزمین ما اراده‌ی بد دارد را به خود مشغول ساز... خداوندا گرانی و ویا و ربا و زنا و زلزله‌ها و سختی‌ها و فتنه‌های بد آشکار و پنهان را از ما دور ساز.

بارالها مستضعفان مسلمان را یاری ده، خدایا آنان را در فلسطین و هر جای دیگر جهان یاری فرما ای پروردگار جهانیان. خداوندا دینت و کتابت و سنت پیامبرت و بندگان مومنت را یاری ده، بارالها یاوران دینت را یاری ده و طاغیان و ملحدان و مفسدان را خوار گردان.

خداوندا غم و غصه‌ی غصه‌داران مسلمان را برطرف ساز و اسرای مسلمان را آزاد گردان و قرض وام‌دارن را ادا کن و با رحمت خویش بیماران ما و دیگر بیماران مسلمان را شفا ده.

پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ حفظ فرما. پروردگارا ما و والدین ما را مورد آمرزش قرار ده... خداوندا گناهان ما را بیامرز و عیب‌های ما را بپوشان و کارهای ما را آسان گردان و ما را به آن هدف‌هایی که باعث رضایت توست برسان.

خداوندا ما را به رمضان برسان، خداوندا ما را به رمضان برسان و ما را در رمضان برای انجام اعمال صالحی که باعث رضایت توست، توفیق عنایت کن و در پایان آن را از ما بپذیر...

پروردگارا از ما بپذیر که تو بسیار شنوا و دانایی و بر ما توبه پذیر که تو بسیار توبه‌پذیر و مهربانی... پاک و منزّه است پروردگار تو آن پروردگار عزت و بزرگی، از وصف باطل مشرکان و سلام بر پیامبران و الحمدلله رب العالمین.

عنوان خطبه: استقبال از رمضان

خطیب: دکتر صالح آل طالب

مسجد الحرام: جمعه ۳۰ شعبان ۱۴۳۰ هجری قمری برابر با ۳۰ مرداد ۱۳۸۸

خطبه‌ی اول:

حمد و ستایش از آن الله است که روزه را بر ما فرض گردانید و آن را سبب بخشایش گناهان و دری از درهای بهشت قرار داد و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد است و شریکی ندارد و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده و پیامبرسان اوست و اوست که صاحب حوض کوثر و درجات بلند است... بار الها بر بنده و پیامبرت محمد و بر آل و اصحاب او درود و سلامی ابدی و دائمی فرست...

اما بعد ای بندگان خداوند تقوای وی را پیشه سازید

﴿وَأَتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ۖ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾

[البقرة: ۲۸۱].

«و بترسید از روزی که در آن بسوی الله باز خواهید گشت سپس هر کس آنچه را انجام داده دریافت خواهد کرد و آنان مورد ستم واقع نخواهند شد».

هنگامی که مسلمانان در آستانه‌ی این ماه مبارک قرار می‌گیرند، خردمندان در بین زیبایی این مناسبت و عظمت و شکوه آن و همینطور شادی استقبال این ماه به یاد آن دو شادی دیگر می‌افتند که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بیان نموده است:

ایشان می‌فرمایند: «روزه‌دار دو شادی دارد: یکی هنگام افطار است که بخاطر آن شاد می‌شود و دیگری هنگامی که است که با پروردگارش ملاقات می‌کند و به سبب روزه‌اش شاد می‌گردد» که این روایت بخاری و مسلم است و در روایت «ابن خُزَیمه» آمده است که «برای پاداش روزه‌اش شاد می‌گردد...».

این یادآوری، مسلمانان را به تفکر در علت این شادی و حقیقت روزه می‌اندازد... آنان به خوبی می‌دانند که روزه‌ی کسی که سخن ناحق و عمل بدان را ترک نگوید و کسی که گوش و چشم و اعضای بدن را از آلودگی گناهان محافظت نکند، چنین روزه‌ای شادی‌آور نیست... چرا که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرماید: «چه بسا روزه‌داری که تنها سهم وی از روزه‌اش گرسنگی و تشنگی است و چه بسا شب‌زنده‌داری که تنها بهره‌اش از نماز شب، بی‌خوابی است» [به روایت نسائی و ابن ماجه].

همچنین رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرمایند: «هرکه سخن ناحق و عمل به آن را ترک نگوید خداوند نیز نیازی به این ندارد که او غذا و نوشیدنی‌اش را ترک کند».

این خردمندان می‌دانند که روزه‌ی کسانی که تنها از روی عادت و برای مماشات با مردم روزه می‌گیرند، ملاک نیست...

همینگونه روزه‌ی کسانی که از روی اکراه و ناخوشی روزه می‌گیرند و آرزوی پایان سریع رمضان را دارند تا دوباره به گمراهی پیش از رمضان بازگردند نیز، آن روزه‌ای نیست که باعث شادی و فرح صاحبش می‌شود...

روزه نزد خردمندان چیزی متفاوت است... روزه‌ای که شادی می‌آورد روزه‌ی کسانی است که در آن منهجی مستقیم در پیش گرفته و راهی را در پی می‌گیرند که آنان را به بالاترین درجات و بارزترین اهداف می‌رساند آن هم نزد پروردگارشان در روزی که به دیدارش می‌روند...

این، روزه‌ی کسانی است که با عزم و اراده‌ی استفاده و غنیمت از این ماه به استقبال آن می‌روند... کسانی که با تزکیه‌ی نفس و پاک نمودن قلب و حفظ زبان و چشم و همه‌ی اعضای بدن، این ماه را غنیمت می‌شمارند...

این روزه کسانی است که از روی ایمان به حق بودن آن و از روی طاعت پروردگار و برای نزدیکی به مولای خود و از روی احتساب پاداشِ آن و به امید اجر بزرگ، روزه

می‌گیرند... اجر بزرگی که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم آن را در این حدیث بیان می‌فرماید:

«هرکه رمضان را از روی ایمان و احتساب پاداش آن روزه گیرد، گناهان گذشته‌اش آمرزیده می‌شود».

اما آمرزشی که در این حدیث آمده است، براساس سخن جمهورِ علما مخصوص گناهان صغیره است و نه گناهان کبیره، زیرا گناهان کبیره تنها با توبه‌ی نصوح و با بازگرداندن حقوق پایمال شده به اهل آن امکان‌پذیر است. البته اگر گناه مربوط به حقوق دیگران باشد زیرا رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم می‌فرماید:

«نمازهای پنجگانه و جمعه تا جمعه و رمضان تا رمضان، پاک‌کننده‌ی گناهان میان خود هستند، اگر انسان از گناهان کبیره اجتناب ورزد».

خردمندان با استفاده از فیض الهی و فضل وسیع خداوندی و با فرصتی که به علت در بند شدن شیاطین در این ماه مهیاست، خود را در معرض نَفَحَاتِ پروردگار قرار می‌دهند... رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در حدیثی که ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است می‌فرماید:

«هنگانی که رمضان آید درهای بهشت باز شده و درهای جهنم بسته می‌شود و شیاطین به غل و زنجیر کشیده می‌شوند» [به روایت بخاری و مسلم].

مومنان، دستورات نبوی را در این ماه، به عنوان بهترین توشه مورد استفاده قرار می‌دهند. دستورات و رهنمودهایی که بقول امام ابن قیم جوزی، کاملترین رهنمون و بزرگ‌ترین راه برای رسیدن به هدف و آسان‌ترین آن بر نفس بشری است...

یکی از رهنمودها و روش‌های نبوی در این ماه، عبادت بسیار است... ایشان در این ماه صدقه و نیکی بسیاری می‌رزید و بسیار قرآن تلاوت می‌کرد و نماز می‌گذارد و بسیار اعتکاف و ذکر می‌نمود. وی در رمضان در عبادات تلاشی ویژه می‌نمود. در این ماه جبرئیل هر شب برای مدارس قرآن به نزد ایشان می‌آمد و چنان که صحابه می‌گویند

پس از ملاقات با جبرئیل، رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم از باد صبا بخشنده‌تر می‌گردید.

ای بندگان خداوند... کسانی که این راه یعنی راه و روش رسول خداوند را در پیش می‌گیرند، کسانی‌اند که عاقبت نیک را با همه شادی و سرورش به دست خواهند آورد. آن هم هنگامی که به دیدار پروردگار خود نائل شوند و ثواب بزرگ و پاداش عظیم او و بهشت بلندمرتبه‌ی الهی را به دست آورند...

کسی که به نیکی دانه کاشت و به خوبی کشت نمود شایسته‌ی این است که در هنگام برداشت محصول شاد باشد. اما آنکه خوب بذر نپاشید و نیکو کشت ننمود چگونه در روزی که مومنان به فضل و رحمت خداوند شادند و خوشحال، شاد و خوشحال باشد؟ پس تقوای خداوند را پیشه سازید و برای رسیدن به همه‌ی اسبابی که باعث آن شادی کامل و بزرگ می‌شود تلاش نمایید و آنطور که شایسته‌ی این ماه بزرگ است با تلاش و کوشش و مسابقه در کارهای نیک به استقبال این ماه بروید که سوگند به پروردگار این فرصتی است بس بزرگ و چه پیروزی بزرگی است برای کسی که قدر آن را بداند...

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم:

﴿شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ ۖ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ ۗ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَيْتُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿۱۸۵﴾ [البقرة: ۱۸۵].

خطبه‌ی دوم:

حمد و سپاس از آن الله است... او را ستایش گفته و از او کمک خواسته و آمرزش می‌طلبیم و از بدی‌های خود و اعمال ناشایست به الله پناه می‌بریم... الله هرکه را هدایت نماید او گمراه‌گری نخواهد داشت و هرکه را گمراه سازد هیچ هدایت‌گری نخواهد داشت و گواهی می‌دهم که معبودی حقیقی نیست جز الله که تنهاست و شریکی ندارد و گواهی

می‌دهم که محمد بنده و پیامبر اوست. بارالها بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یاران او درود و سلام بفرست.

امابعد...

شادی روزه‌دار تنها به فهمیدن پاداش بزرگ خداوند برای روزه‌دارن محدود نیست زیرا روزه از بزرگ‌ترین اسباب تقوا نیز هست چنانکه خداوند متعال در سوره‌ی بقره می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ [البقرة: ۱۸۳].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما فرض گردید همانگونه که بر کسانی که پیش از شما بودند فرض گردید تا آنکه تقوا پیشه سازید.»

روزه - همانگونه که بسیاری از علما می‌گویند - بزرگ‌ترین راه برای رسیدن به این هدف بزرگ است هدفی که سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت انسان در آن نهفته است. زیرا روزه دار با ترک آن‌چه دوست دارد و مقدم شمردن محبت خداوند بر محبت خود، بسوی پروردگار نزدیک می‌شود.

برای همین است که خداوند متعال این عمل را از بین تمام اعمال، ویژه و مخصوص خود گردانده است. چنانکه در حدیث ابوهریره که بخاری و مسلم آن را روایت کرده‌اند آمده است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «خداوند متعال می‌فرماید: همه‌ی اعمال نیک فرزند آدم برای اوست به جز روزه که برای من است و من پاداش آن را می‌دهم...».

همچنین در روزه افزایش ایمان و تمرین بر صبر و سختی‌هاست و باعث زیاد شدن کارهای خیر از جمله نماز و قرائت قرآن و ذکر و صدقه و دیگر اعمال نیک است که همه‌ی این‌ها باعث محقق گردیدن منزلت تقوا است و همچنین روزه باعث باز داشته شدن نفس از سخنان و کارهای حرام است که این خود اصل تقوا است...

همچنین روزه باعث تقویت حس مراقبت خداوندی می‌شود زیرا با وجود اینکه بنده می‌تواند دست به انجام آنچه دوست دارد بزند به دلیل اطلاع از مراقبت خداوندی از انجام آن چشم‌پوشی می‌کند که این خاصیت در دیگر عبادت‌ها نیست و این خود بدون شک از بزرگ‌ترین عوامل تقوا است.

روزه باعث تنگ شدن راه‌های جریان شیطان می‌شود زیرا همانطور که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرمایند، شیطان به مانند جریان خون در بدن انسان جریان دارد و روزه باعث ضعیف شدن نفوذ وی در انسان و ضعیف شدن وی می‌گردد و باعث کشته شدن عامل گناهان در انسان می‌شود.

با این وجود عجیب نیست که انسان مسلمان با آمدن ماه رمضان شاد شود و به خوبی از آن استقبال نماید.

در پایان ای بندگان خداوند تقوای وی را پیشه سازید و در بهره‌گیری و غنیمت شمردن این ماه و لحظه‌های آن و تلاش برای از دست ندادن آن کوشا باشید و همیشه به یاد داشته باشید که خداوند شما را به درود و سلام بر خاتم پیامبران محمد بن عبدالله امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

«همانا الله و ملائکه‌اش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود و سلام فرستید.»

بار الها بر بنده و پیامبرت محمد، درود و سلام فرست و از چهار خلیفه‌ی راشد، ابوبکر و عمر و عثمان و علی، و از دیگر اهل بیت و صحابه و تابعین و همه‌ی آن‌هایی که تا روز قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند خشنود باش و همچنین از ما با فضل و کرم خود ای بزرگوارترین بزرگواران...

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده... خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده... خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده... و دشمنان دین و

دیگر طاغیان و مفسدان را نابود گردان و میان قلوب مسلمانان الفت ایجاد کن و صف آنان را یکی بگردان.. خداوندا رهبران مسلمانان را متحد ساز و کلمه آنها را بر حق جمع بگردان... ای پروردگار جهانیان...

خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومن مجاهد صادق را پیروز گردان.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان و دست اندرکاران ما را اصلاح نما. خداوندا این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را از هر خوبی بهره‌مند و از هر بدی در امان بدار.

بارالها ما را در برابر دشمنانمان حفظ گردان بارالها ما از شر آنان به تو پناه می‌بریم... بارالها ما از تو می‌خواهیم هر گونه که خود صلاح می‌دانی ما را از دشمنانمان حفظ نمایی...

بارالها عاقبت ما را در همه‌ی امور به خیر گردان و ما را از خواری دنیا و عذاب آخرت دور نما... خدایا دین ما را که حافظ امر ماست و دنیای ما را که زندگی ما در آن است و آخرت ما را که بازگشتگاه ماست نیک گردان و زندگی را برای ما زیاده‌ی در هر نیکی و مرگ را آسایش از هر بدی قرار ده.

خدایا مسلمانان را از هر وبا و طاعونی حفظ کن... خدایا هر بلایی را از آنان دور گردان.. خدایا بیماران ما را شفا ده و مردگان ما را بیمارز و ما را به هر آنچه خیر ماست برسان...

خداوندا ما را برای روزه و قیام رمضان یاری ده و ما را در انجام هر عمل صالحی که باعث رضایت توست در رمضان موفق بگردان...

بارالها ما به خود ستم نمودیم و اگر تو ما را مورد آمرزش و مرحمت خویش قرار ندهی از زیانکاران خواهیم بود.. پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بگردان.

درود و سلام خداوند بر بنده و پیامبرش محمد و بر اهل بیت و یاران‌ش و الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه: فتنه‌های رسانه‌ای

خطیب: دکتر صالح بن حمید

مسجد الحرام: جمعه ۷ رمضان ۱۴۳۰ هجری قمری برابر با ۶ شهریور ۱۳۸۸

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است... ستایش از آن اوست که روزه را دژ و سپری برای اهل ایمان قرار داد... او را ستایش گفته و شکر وی را به جای می‌آورم که اوست که با این مواسم خیر بر بندگان خود منت نهاده و مکر شیطان را از آنان دور ساخته است و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد است و شریکی ندارد، آنگونه شهادتی که باعث به دست آمدن بهشت و رضایت الهی است و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، فرستاده شده‌ی بسوی انس و جن است. درود و سلام و برکات خداوند بر وی و بر اهل بیت و یاران و تابعین و همه‌ی آنانی باد که به نیکی از آنان پیروی کرده و بر منهج کتاب و سنت راه ببمایند.

اما بعد... خود و شما را به تقوای خداوند سفارش می‌کنم پس تقوای وی را پیشه سازید:

﴿وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾

[البقرة: ۲۸۱].

«بترسید از روزی که در آن، به سوی الله بازگردانده می‌شوید، سپس به هر کسی (پاداش) آنچه به دست آورده، بصورت کامل داده شود؛ و آنان مورد ستم قرار نمی‌گیرند».

واقعا عجیب است حال کسی که آرزوی دنیا را دارد در حالی که مرگ به دنبال اوست و عجیب است حال غافل که آرزوهای طولانی او را مشغول ساخته با وجود اینکه می‌داند اجل بطور حتمی سر خواهد رسید... عجیب است حال آنکه از ترس بیماری برخی غذاها را ترک می‌کند اما از ترس بلا دست از گناه نمی‌کشد...

انسان مومن بیشتر از همه ترس از عذاب دارد و بهتر از همه کار نیک انجام می‌دهد و هر چه یک انسان، صالح تر و نیکوکارتر باشد، خشیت و ترسش نیز افزون خواهد شد. خداوند متعال در وصف اینگونه انسان‌ها می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ ﴿٥٧﴾ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٨﴾ وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ ﴿٥٩﴾ وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ ﴿٦٠﴾ أُولَٰئِكَ يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ ﴿٦١﴾﴾ [المؤمنون: ۵۷-۶۱].

«در حقیقت کسانی که از بیم پروردگارشان هراسانند (۵۷) و کسانی که به نشانه‌های پروردگارشان ایمان می‌آورند (۵۸) و آنان که به پروردگارشان شرک نمی‌آورند (۵۹) و کسانی که آنچه را دادند [در راه خدا] می‌دهند در حالی که دل‌هایشان ترسان است [و می‌دانند] که به سوی پروردگارشان بازخواهند گشت (۶۰) آنانند که در کارهای نیک شتاب می‌ورزند و آنانند که در انجام آن‌ها سبقت می‌جویند».

ای مسلمانان: مسلمان با آرزوی دست یافتن به رحمت و مغفرت و آزادی از آتش، انتظار ماه مبارک رمضان را می‌کشد... خداوند متعال از من و شما طاعات و عبادات را پذیرفته و غایبان را به سوی خانواده شان برگرداند و اسیران را آزاد گرداند و بیماران را شفا دهد و رحمت و مغفرت را نصیب آنانی کند که اجل مهلتشان نداد و نتوانستند به این ماه برسند...

خوش به حال آنکه عزیمت نموده تا در این ماه نفس خود را مورد محاسبه قرار دهد و خداوند خیر را از وی ببیند.

ای مسلمانان: در این ماه کریم، آمادگی انسان مسلمان برای تغییر و قبول آن و ادراک فقه تغییر به خوبی نمایان می‌شود، همچنین براساس حکمت‌های این ماه بزرگ و

براساس اسرار روزه، این حقیقت نمایان می‌شود که تغییر و اصلاح از بیرون حاصل نشده و بلکه از درون نفس انسان و از قدرت اراده به دست می‌آید. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...﴾ [الرعد: ۱۱].

«در حقیقت الله وضعیت قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان وضعیت خود را تغییر دهند».

آری... تغییر درون نه با آرزو امکان پذیر است و نه با وعده و وعید... بلکه این تغییر با عمل و حرکت و تلاش قولی و فعلی و تغییر در وضعیت خود و در تجدید نظر در رابطه‌ی با خود و خانواده و همسایگان و برادران و نزدیکان و غریبان امکان پذیر است... اما اکنون که داریم درباره‌ی تغییر و اصلاح و ویژگی این ماه در کنترل اراده سخن می‌گوییم، شایسته است درباره‌ی ویژگی این عصر و سرعت سرسام آور تغییر و ارتباط، کمی توقف نماییم. از جمله ویژگی‌های این عصر اصطلاحاتی است چون آزادی اندیشه و آزادی‌های فردی که مردم این روزها آن را بسیار تکرار می‌کنند و درباره‌ی آن سخن می‌گویند. البته این اصطلاحات دارای معانی خاص خوداند که قسمتی از آن مقبول و قسمتی دیگر مورد قبول نیست.

زیرا زندگی تنها مجموعه‌ای از لذت‌ها و غرایز و شهوت‌های افسار گسیخته نیست... آزادی شخصی نیز به معنای مباح شمردن محرمات و انجام دادن شهوت‌های حرام نیست... آزادی اندیشه و رسانه نیز هرگز به معنای عدم محاسبه و یا سهل انگاری در زمینه‌ی پاسداشت ارزش‌ها و حمایت اخلاق و یا به معنای جرات بر گناه و افتادن در باتلاق رذائل اخلاقی نیست که توسط کانال‌های تلویزیونی و یا برنامه‌ها و رسانه‌های نوشتاری و شنیداری و دیداری و با ساختن موضوعات و برنامه‌های برانگیزاننده برای نشر فحشا و بی‌بندباری در میان مومنان و قبولاندن از هم گسیختگی اخلاقی در میان مردم و منهدم نمودن عقاید و ارزش‌ها و ثوابت امت صورت پذیرد...

و یا با پررنگ نمودن جنبه‌های بد و تاریک جامعه و برگرفتن حالت‌های شاذ و غیر عادی موجود تا با نشان دادن آن‌ها از اصول و ارزش‌های جامعه پا بیرون نهاده شود و تا

آنکه مردم به منکرات عادت کرده و معنای واقعی آزادی و آزادی شخصی مورد سوء استفاده قرار گیرد...

از بدترین کارهایی که توسط اینگونه رسانه‌ها صورت می‌گیرد انتشار اخبار فساد و بی‌بند وباری‌هایی است که گاه در جامعه رخ می‌دهد و نشان دادن اینگونه پدیده‌های فردی به عنوان پدیده‌هایی اجتماعی است. این رفتار اینگونه رسانه‌ها در حقیقت خود نوعی علنی کردن فحشا و اشاعه‌ی گناهان است.

شما می‌دانید و آنان نیز می‌دانند که «مجاهره» یا «علنی‌ساختن گناه» یعنی پاره کردن پرده‌ی خداوندی و آشکار نمودن گناه در محضر خداوند... زیان «مجاهره» یا همان «علنی‌ساختن گناه» تنها به صاحب خود بر نمی‌گردد. از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: شنیدم رسول الله صلی الله علیه وآله و سلم فرمودند:

«همه‌ی امت من در خیر و خوبی هستند [و مورد عفو قرار خواهند گرفت] به جز مجاهران و از جمله کارهایی که مجاهره به حساب می‌آید این است که شخص کار [گناهی] را در شب انجام دهد سپس در حالی که خداوند وی را پوشانده است صبح کند و بگوید: ای فلانی من دیشب فلان کار و فلان کار را انجام داده‌ام. وی در حالی که خداوند او را پوشاند، خود پرده‌ی الهی را کنار نهاد و خود را رسوا ساخت» [متفق علیه].
 علما می‌گویند: این حدیث بر این دلالت دارد که هر کس خود را در پرده و ستر خداوندی نگه دارد خداوند نیز او را از رسوایی نگاه می‌دارد و همچنین چنین شخصی با امیدی که به توبه و مغفرت خدایی دارد، در خوبی و سلامتی است، اما کسی که خود را رسوا کند و پرده را کنار نهد در وی دو گناه جمع گردیده است: ارتکاب معصیت و علنی ساختن آن.

همچنین در حدیث دیگری آمده است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «از این ناپاکی‌هایی که خداوند شما را از آنها نهی نموده اجتناب ورزید اما اگر کسی به یکی از این گناهان آلوده گردید خود را در پرده و ستر الهی بدارد زیرا همه‌ی امت در سلامت و خوبی‌اند مگر اهل گناهان علنی».

در علنی انجام دادن گناه نوعی مبارزه و عناد در برابر خداوند وجود دارد. گو اینکه کسی که گناه را بصورت علنی انجام می‌دهد یا کسی که گناهان علنی را پخش می‌کند و یا کسی که در مورد آن سکوت کرده یا به آن راضی است، با زبان حال خود چنین می‌گویند که خداوندا! می‌دانیم که تو حال ما را می‌دانی و ما را می‌بینی و سخنان ما را می‌شنوی و شاهد کارهای ما هستی... اما با این وجود معصیت را می‌کنیم و در برابر خلق تو مخالفت تو را می‌کنیم و علنی معصیت تو را مرتکب می‌شویم...

ای مسلمانان! ای روزه داران و ای نماز گزاران... «مجاهره» و علنی انجام دادن گناه در واقع دعوتی است برای افتادن در گناهان و غرق کردن انسان‌های غافل در باتلاق آن و هرکه بسوی گمراهی دعوت کند، گناه کسانی که از او پیروی نمایند نیز بر گردن او خواهد بود بدون آنکه از گناهان آنان چیزی کم شود.

بر اثر مجاهره و علنی شدن گناهان، مردم کارها و رفتارهای ناپسند را به راحتی خواهند دید و نسبت به آن دچار بی‌حسی می‌گردند بطوری که ممکن است این باعث مباح و حلال دانستن گناهان شود.

اگر انسان، برخی از کانال‌های تلویزیونی و برخی از نوشته‌ها را بررسی نماید به بزرگی و خطرناکی قضیه پی خواهد برد. مساله ای که عقاید و اخلاق و شخصیت امت را مورد تهدید قرار می‌دهد تا جایی که اگر در آن کوچک شمردن آنچه تحریم آن بطور قطعی از دین ثابت شده است مانند خمر و زنا و همجنس بازی و رباخواری و مانند آن باشد، خطر خروج از دین را نیز در پی خواهد داشت...

با علنی انجام دادن گناهان «فساد» رشد یافته و بدین ترتیب انسان‌های خوب و بد بسوی آن کشیده می‌شوند و اهل فساد و بدکاری بر انجام منکرات جرات می‌یابند و به انجام علنی آن دست خواهند زد و در پی آن نسل جوان به اینگونه گناهان عادت کرده و بر آن تربیت خواهد شد بطوری که در آینده نه معرفی را بشناسند و نه از منکری نهی کنند و بدی گناه از قلب‌ها بیرون رفته و مجاهره‌ی گناهان و انجام علنی آن تبدیل به نوعی افتخار و لذت می‌شود...

برای این است که باید برای حمایت جامعه و جوانان از اینگونه حملات وحشیانه که از سوی برخی از رسانه‌های فاسد و کانال‌های خودفروخته رهبری می‌شود دست به اقدام زد...

باید با نهایت تاسف اذعان نماییم که برخی رسانه‌ها نقش بدی را در مجاهره‌ی به گناهان و ترویج محرمات و کوچک شمردن گناهان بازی می‌کنند... ناگزیر باید برای روشننگری و راهنمایی و تقویت نقش خانواده و موسسه‌های تربیتی، یک برنامه‌ی رسانه‌ای و تربیتی مناسب گذاشته شود و همچنین باید معیارها و ضوابط خاصی برای انتشار و پخش و فروش محصولات رسانه‌ای و تولید و واردات اینگونه محصولات در نظر گرفته شود. همچنین لازم است نقش امر به معروف و نهی از منکر مورد توجه قرار گیرد...

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم:

﴿وَأَتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿۲۵﴾﴾

[الأنفال: ۲۵].

«و از فتنه‌ای که تنها به ستمکاران شما نمی‌رسد بترسید و بدانید که الله سخت‌کیفر است.»

خداوند متعال من و شما را با قرآن بزرگ و راه و روش محمد صلی الله علیه وآله وسلم، سود رساند. این سخن را گفته و از خداوند متعال برای خود و شما و دیگر مسلمانان از هر گناهی آمرزش می‌طلبم پس از او آمرزش بخواهید که وی بس غفور و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش الله را به جای می‌آورم، او را ستایش می‌کنم که عمل صالح را سببی برای رسیدن به بهشت قرار داد... او را برای نعمت‌ها و فضل گسترده‌اش سپاس می‌گویم و شهادت می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و اوست

که نیکوکار و مهربان است و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد بنده‌ی الله و پیامبران اوست و دارای شرف بزرگ و اخلاق نیک است.

درود و سلام و برکات خداوند بر وی و بر اهل بیت و یاران و اصحاب وی و تابعین و کسانی باد که به نیکی از آنان پیروی نموده و بر راه و روش آنان رفته‌اند.

اما بعد... ای بندگان خداوند... همه‌ی این‌ها در اشاعه و ترویج منکرات مسئولند: کسی که کار را انجام می‌دهد... کسی که طراح آن است، کسی که از سود آن بهره می‌برد و کسی که به آن راضی است...

برای مسئولان امت و والیان امر سخت نیست که نسبت به تمام کسانی که می‌خواهند از فضای این امت و روزنامه‌ها و مطبوعات آن استفاده کنند شروط و معیارهایی براساس انضباط اخلاقی و التزام دینی وضع نمایند. تا اینکه عرصه برای برانگیختن غرائز و نشر فساد و بی‌بند و باری و تفرقه و اختلاف باز نگردد.

از ابوبکر صدیق رضی الله عنه چنین روایت است که فرمود: از رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم شنیدم که فرمود: «اگر مردم منکر را ببینند و آن تغییر ندهند نزدیک است که عذاب همه‌ی آنان را در بر گیرد».

پس تقوای الله را پیشه سازید و بدانید که هیچ قومی بر معصیت خداوند جرات نورزیدند مگر آنکه خداوند آنان را دچار عذاب خود گرداند...

سپس درود و سلام بفرستید بر آن رحمت هدایتگر و آن نعمت خداوندی، پیامبرتان محمد آن نبی هاشمی قریشی که خداوند شما را به آن امر نموده و در آیات محکم کتابش فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿[الأحزاب: ۵۶].﴾

«همانا الله و ملائکه‌اش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او

درود و سلام فرستید».

بارالها بر بنده و رسولت سرور ما محمد و بر اهل بیت پاک وی و بر همسرانش مادران مومنان درود فرست و خشنود باش از آن چهار خلیفه‌ی راشد - ابوبکر و عمر و عثمان و علی - که به حق دادگری نمودند و همچنین از دیگر صحابه‌ی پیامبرت و از تابعین و از همه‌ی آنانی که تا روز قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند و از ما نیز به همراه آنان خشنود باش ای گرامی‌ترین گرامیان.

بارالها اسلام و مسلمانان را عزت ده، بارالها اسلام و مسلمانان را عزت ده، بارالها اسلام و مسلمانان را عزت ده، و شرک و مشرکان را خوار بگردان، و حوزه‌ی دین را حفظ فرما و طاغیان و ملحدان و دیگر دشمنان دین و امت را ذلیل گردان.

خداوندا ما را در سرزمین هایمان حفظ بفرما، خداوندا ما را در سرزمین هایمان حفظ بفرما، خداوندا ما را در خانه هایمان حفظ بفرما...

خداوندا هرکه را برای ما و دین و وطن و امنیت و وحدت ما قصد سوء دارد به خود مشغول ساز و تدبیرش را در هلاکتش قرار ده...

خداوندا گرانی و وبا و وبا و زلزله‌ها و سختی‌ها و فتنه‌های بد ظاهر و آشکار را از سرزمین ما و دیگر سرزمین‌های مسلمان دور بگردان. بارالها ما از تو اسباب رحمت و مغفرتت را می‌خواهیم و از تو خواستاریم که ما را از هر خوبی بهره مند و از هر گناهی سالم گردانی و از تو عزیمت بر راه راست و به دست آوردن بهشت و سلامت از جهنم را مسالت داریم...

بارالها بیماران ما را شفا ده و مردگان ما را مورد رحمت قرار ده و ما و والدین ما و دیگر مسلمانان زنده و مرده را با رحمت خود مورد مغفرت قرار ده... خداوندا روزه و نماز و دعا و دیگر اعمال ما را مورد قبول قرار ده و ما را بسوی هدایت موفق گردان و عمل ما را در مسیر رضایت خودت بگردان...

پروردگارا ما به خود ظلم نمودیم و اگر تو ما را مورد مغفرت و رحمت قرار ندهی به حتم از زیانکاران خواهیم بود.

پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا فرما و از آتش دوزخ محافظت نما. پاک و منزه است پروردگار تو آن پروردگار عزت از آنچه مشرکان به باطل وصفش می‌کنند و سلام بر پیامبران و الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

حرمت قتل انسان‌ها و پیمان شکنی و خیانت

خطیب: دکتر سعود الشریم

مسجد الحرام: جمعه ۱۴ رمضان ۱۴۳۰ برابر با ۱۳ شهریور ۱۳۸۸

خطبه‌ی اول:

حمد و سپاس از آن الله است. او را ستایش گفته و از وی مغفرت می‌خواهیم و از بدی‌های خود و کارهای ناشایست به او پناه می‌بریم. الله هرکه را هدایت کند او گمراهگری نخواهد داشت و هرکه را گمراه سازد هدایتگری نخواهد یافت و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر اوست:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾

[آل عمران: ۱۰۲].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را آنگونه که حق تقوایش است رعایت کنید و جز مسلمان نمیرید».

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾ [النساء: ۱].

«ای مردم از پروردگارتان که شما را از نفس واحدی آفرید و جفتش را [نیز] از او آفرید و از آن دو مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد پروا دارید و از الله که به [نام] او از

همدیگر درخواست می‌کنید پروا نمایید و از خویشاوندان مبرید که خدا همواره بر شما نگیهان است».

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧١﴾﴾ [الأحزاب: ۷۰-۷۱].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید از الله پروا دارید و سخنی استوار گوید (۷۰) تا اعمال شما را صالح گرداند و گناهانتان را بر شما ببخشد و هرکس الله و پیامبرش را فرمان برد قطعاً به رستگاری بزرگی نایل آمده است».

اما بعد... ای مردم بدانید که بهترین سخن، کتاب خداوند است و بهترین روش، روش محمد صلی الله علیه وآله وسلم است و بدترین کارها نوسازی در دین است و هر نوسازی و بدعتی گمراهی است... هرکه الله و رسولش را اطاعت کند هدایت یافته و هرکه معصیت آن دو را پیشه کند به گمراهی رفته است:

﴿وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٥٠﴾﴾ [القصص: ۵۰].

«و کیست گمراه تر از آنکه بدون راهنمایی الله از هوسش پیروی کند بی‌تردید الله مردم ستمگر را راهنمایی نمی‌کند».

داستان در زندگی انسان‌ها دارای تاثیری چشمگیر است و آن‌ها علاقه‌ی قلبی و عاطفی شدیدی نسبت به آن دارند. داستان در برابر انسان‌ها به مانند تصویری محسوس به نمایش درآمده و در درون آن‌ها نفوذ می‌کند و به همین دلیل است که روش داستان از روش سخن گفتن مستقیم بلیغ تر و رساتر می‌باشد زیرا داستان باعث خستگی و ملال نمی‌شود و در عین حال در یک آن هم خبر است و هم آموزش.

در دوران ما داستان، دارای ادبیات و هنر و زبان خاص خود شده است اما وحی الهی تنها به داستان‌های حقیقی و واقعی پرداخته است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ ءَامَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى ﴿١٣﴾﴾

[الکهف: ۱۳].

«ما خبرشان را بر تو براساس حقیقت حکایت می‌کنیم آنان جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آورده بودند و بر هدایتشان افزودیم».

و در جایی دیگر می‌فرماید:

﴿لَقَدْ كَانَ فِي قَصصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿۱۱۱﴾﴾ [یوسف: ۱۱۱].

«به راستی در سرگذشت آنان برای خردمندان عبرتی است. سخنی نیست که به دروغ ساخته شده باشد بلکه تصدیق آنچه [از کتاب‌هایی] است که پیش از آن بوده و روشنگر هر چیز است و برای مردمی که ایمان می‌آورند رهنمود و رحمتی است».

هیچ داستانی در قرآن نیست مگر آنکه یا به اخلاقی نیک یا اصلی شرعی یا هر دو با هم راهنمایی نموده است و یا برای از بین بردن اخلاقی بد یا اصلی فاسد و یا روشی ناشایست به کار رفته است...

شاید ماه رمضان بزرگ‌ترین مناسبتی باشد که مردم در آن طی چند روز در فضای داستان‌های قرآنی زندگی می‌کنند و در دوران‌ها و معانی و رنگ‌های متفاوت آن سیر می‌نمایند...

اکنون اگر با قلب و شنوایی خود گذری سریع بر یکی از این داستان‌های قرآنی نماییم و با چشم بصیرت به اولین داستانی که در این زمین رخ داده است نظر ببیندازیم خواهیم دید هنگامی که پدر و مادر ما آدم و حوا از بهشت به زمین فرود آمدند همان موقع نیز نبرد با شیطان آغاز گردید. آنگاه این زوج دارای دو فرزند به نام هابیل و قابیل گردیدند که خداوند داستان آن‌ها را در قرآن اینچنین بیان می‌کند:

﴿وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ أَبِي آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقْبِلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ﴿٣٧﴾ لَئِنْ بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسٍ يَدِي إِلَيْكَ لِأَقْتُلَنَّكَ إِنَّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿٣٨﴾ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوءَ بِإِثْمِي وَإِثْمِكَ فَتَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ ﴿٣٩﴾ فَطَوَّعَتْ لَهُ و نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَفَتَلَهُ فَاصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٤٠﴾﴾ [المائدة: ۲۷-۳۰].

«و داستان دو پسر آدم را به درستی بر ایشان بخوان هنگامی که [هر یک از آن دو] قربانیی پیش داشتند پس از یکی از آن دو پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد [قابیل] گفت حتما تو را خواهم کشت [هابیل] گفت الله فقط از تقواییشان می‌پذیرد (۲۷) اگر دست خود را به سوی من دراز کنی تا مرا بکشی من دستم را به سوی تو دراز نمی‌کنم تا تو را بکشم چرا که من از الله پروردگار جهانیان می‌ترسم».

واقعا شگفت آور است... حقیقتا این‌ها آیاتی است روشنگر و عبرتی است برای خردمندان و یادآوری است برای هرکه دارای قلب است... اکنون سعی می‌کنیم بطور کوتاه در این داستان تاملاتی داشته باشیم:

نخست اینکه: کشتن انسان بی‌گناه از زمان آدم علیه السلام حرام بوده است. زیرا خداوند متعال از زبان برادری که کشته شد می‌فرماید: «من می‌خواهم که تو گناه من و گناه خودت را بر دوش بگیری و اینچنین از جهنمیان شوی و این جزای ستمگران است». همچنین رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرماید: «هیچکس مظلومانه کشته نمی‌شود مگر آنکه بر فرزند آدم (قابیل) قسمتی از آن گناه خواهد بود زیرا او اولین کسی است که قتل را پایه گذاشت» [به روایت بخاری و مسلم].

دوم اینکه: خداوند متعال برای کسی که انسانی بی‌گناه را بدون حق به قتل رساند وعیدی بس شدید قرار داده است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا﴾ [النساء: ۹۳].

«و هرکس عمدا مؤمنی را بکشد کیفرش دوزخ است که در آن ماندگار خواهد بود و الله بر او خشم می‌گیرد و لعنتش می‌کند و عذابی بزرگ برایش آماده ساخته است».

ابن کثیر رحمه الله می‌گوید: «این یعنی هیچ مومنی حق ندارد به هیچ وجهی برادرش را به قتل رساند... تنها سه گناه است که در شریعت مجازات قتل دارند: کشتن بدون حق، زنای شخص متاهل و کسی که دین خود را ترک کند و جماعت مسلمانان را ترک گوید، چنانکه در حدیث صحیح آمده است، اما اگر هر کدام از این سه چیز اتفاق افتد هیچ کس

حق ندارد خود اقدام به مجازات قاتل نماید بلکه این مربوط به امام یا نائب وی می‌باشد...». پایان کلام امام ابن کثیر....

جز این نیست که خداوند قتل را حرام دانسته است و چیزی بهتر از این نمی‌تواند بیانگر زشتی این گناه باشد که خداوند در یک آیه آن را به همراه شرک ذکر نموده است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيْكُمْ ۖ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ ۚ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا ۖ وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ ۖ مِنْ إِمْلَاقٍ ۖ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ ۖ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطْنٌ ۖ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ ۖ إِلَّا بِالْحَقِّ ۚ ذَٰلِكُمْ وَصَلَّيْتُ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿۱۵۱﴾ [الأنعام: ۱۵۱].

«بگو بیایید تا آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده برای شما بخوانم: چیزی را با او شریک قرار مدهید و به پدر و مادر احسان کنید و فرزندان خود را از بیم تنگدستی مکشید ما شما و آنان را روزی می‌رسانیم و به کارهای زشت چه علنی آن و چه پوشیده [اش] نزدیک مشوید و نفسی را که الله حرام گردانیده جز به حق مکشید این‌هاست که شما را به [انجام دادن] آن سفارش کرده است باشد که بیندیشد».

رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم می‌فرمایند: «زوال دنیا نزد خداوند از کشته شدن انسان مسلمان آسانتر است» [به روایت ترمذی و نسائی].

و باز می‌فرمایند: «بدترین انسان‌ها نزد خداوند سه شخص‌اند: کسی که در حرم مرتکب گناه بزرگ شود و کسی که در اسلام سنت جاهلیت بگذارد و کسی که بدون حق به دنبال ریختن خون انسانی باشد» [به روایت بخاری].

و سوم اینکه: شارع حکیم هنگامی که از گناهی نهی می‌کند همانگونه از هر وسیله‌ای که باعث رسیدن به آن گناه می‌شود نیز نهی می‌نماید تا آنکه کسی در آن نیافتد و هنگامی که خداوند قتل را تحریم نمود همینگونه هر وسیله‌ای را که به قتل منتهی می‌شود نیز تحریم نمود.

از احنف بن قیس رضی الله عنه روایت است که گفت: به قصد نصرت علی رضی الله عنه خارج شده بودم که حضرت ابوبکره رضی الله را در راه ملاقات کردم پس به من گفت: کجا می‌روی؟ گفتم: می‌روم تا علی را یاری دهم. گفت: برگرد که من از رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم شنیدم که می‌فرمود: «اگر دو مسلمان با شمشیرهای خود یکدیگر را ملاقات کنند هم قاتل و هم مقتول در آتش اند» گفتند: این قاتل است، گناه مقتول چیست؟ فرمود: «او نیز بر کشتن برادرش حریص بود» [به روایت بخاری و مسلم].

رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «فتنه‌هایی پیش خواهد آمد که در آن شخص نشسته بهتر از ایستاده است و ایستاده بهتر از شخص رونده است و شخص رونده بهتر از شخص دونده». سعد رضی الله عنه به او گفت: اگر شخصی وارد خانه ام شد و دستش را برای کشتنم بسویم دراز کرد چکار کنم؟ فرمود: «به مانند فرزند آدم باش» [به روایت احمد و ترمذی].

چهارم اینکه: در داستان فرزند آدم بیان این نکته است که برای هیچکس جایز نیست تنها به مجرد تاویل یا حيله و مکر انسان بی‌گناهی را به قتل رساند. فرزند آدم حسد را محرک و انگیزه‌ی خود برای قتل قرار داد.

بر همین اساس لازم است همه‌ی کسانی که براساس تاویلات باطل و توجیهات مختلف کشتن انسان‌های بی‌گناه را جایز می‌شمارند و مرتکب گناهان کبیره شده و حرام‌های واضح را تنها به مجرد شبهه یا هوای نفس مرتکب شده و حکم محکم واضح یعنی حرمت خون انسان‌ها را نادیده می‌گیرند، از خداوند بترسند...

در حالی که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم می‌فرمایند: «مرتکب آنچه‌ی نشوید که یهود انجام دادند و حرام‌های خداوند را با حيله و نیرنگ حلال ندانید»...

بر این اساس، ما همه‌ی کسانی را که حرمت خون مسلمان را کوچک می‌شمارند و برای زیر پا نهادن آن دست به توجیهاتی می‌زنند که نه رسول خداوند و نه صحابه و نه سلف صالح ما آن را جایز نشمرده‌اند، همه‌ی اینان را مورد خطاب قرار می‌دهیم که تقوای

خداوند را پیشه سازند و دست خود را به خون مسلمانان آلوده نسازند زیرا حلال آشکار است و حرام نیز آشکار است...

برای هشدار نسبت به این گناه بزرگ، آشکارتر و واضح تر از این داستان عجیب وجود ندارد. داستانی که خردمندان را به ترس انداخته و قلب خداترسان را به لرزه می‌آورد:

اسامه بن زید که این داستان برایش رخ داده است می‌گوید:

رسول خداوند صلی الله علیه وآله وسلم ما را بسوی منطقه «حُرْقَه» فرستاد. پس ما صبح زود بر آن قوم حمله بردیم و آنان را شکست دادیم. من و مردی از انصار مردی از آنان را دنبال کردیم تا آنکه وی را گیر آوردیم و خواستیم او را بکشیم که او گفت: لا اله الا الله؛ با گفتن این جمله توسط آن مرد، دوست انصاری ام دست از او کشید و رهایش کرد اما من وی را با نیزه ام زدم و به قتلش رساندم.

هنگامی که به نزد رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم آمدم وی از جریان باخبر شد پس خطاب به من فرمود: «ای اسامه.. ای اسامه!! آیا بعد از آنکه لا اله الا الله را گفت وی را کشتی؟» من گفتم: وی از ترس مرگ آن را گفت. رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم آنقدر سخن خود را تکرار کرد که آرزو کردم کاش قبل از آن روز مسلمان نشده بودم» [به روایت بخاری و مسلم].

در برخی از روایت‌ها آمده است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم به اسامه گفتند: «آیا قلبش را شکافتی؟»... [که دانستی او از روی ترس این کلمه را گفته است؟] ببیند چگونه رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم بر اسامه بن زید خشم گرفت در حالی که اسامه براساس ظاهر حکم کرده بود زیرا آن مرد شهادتین را به زبان نیاورده بود مگر پس از آنکه مرگ را درک نموده و از کشته شدن خود مطمئن شده بود.

اما رسول خداوند صلی الله علیه وآله وسلم می‌خواهد با این سخن پیامی را به امتش ابلاغ کند و آن معصوم بودن خون کسی است که کلمه‌ی توحید را به زبان آورده و دیگر اینکه: با مردم براساس ظاهر رفتار نماییم و درون آن‌ها را به خداوند بسپاریم حتی اگر

قرائنی بر آنچه می‌گوییم وجود داشته باشد اما با این وجود ظاهر افراد قوی تر از هر قرینه و گمان دیگری است چنانکه در این حدیث مشاهده کردیم.

حافظ ابن حجر از برخی از سلف چنین نقل نموده که: «در سرزنش اسامه توسط رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم آموزش و نصیحتی است تا آنکه هیچکس نسبت به قتل کسی که کلمه‌ی توحید را می‌گوید اقدام نکند»

اکنون کسی که به حال و روز مسلمانان نظری بیاندازد وضعیت بدی را مشاهده خواهد کرد که در آن تفکری منحرف، قتل و ترور را روش و منهجی برای خود قرار داده است و نه تنها این، بلکه آن را به مانند شمشیری بر سر قوم و فرزندان وطن خود قرار داده... و خواهد دید که چگونه این اندیشه‌ی منحرف سیر انحرافی خود را از هدف قرار دادن غیرمسلمانان هم پیمان آغاز کرد تا آنکه به هدف قرار دادن مسلمانان و هموطنان منتهی گردید و حتی کسانی را مورد هدف قرار داد که توسط ولی امر مسئول حفظ امنیت کشور شده‌اند تا آنکه امنیت و آرامش من و تو و پدر و مادر خواهر و برادر و فرزندان من و تو تامین گردد.

اما راست گفته است رسول خداوند صلی الله علیه وآله وسلم آنجا که درباره‌ی این گروه منحرف فرمودند: «مسلمانان را می‌کشند و بت پرستان را رها می‌کنند»... در خلال پنجمین درسی که می‌توان از داستان فرزندان آدم برگرفت اشاره ای می‌کنیم به وضعیتی که اصحاب اندیشه‌ی منحرف در آن افتاده‌اند و ترورهای خائنه ای که از بزرگ‌ترین منکرات به حساب می‌آید.

چنین ترورهایی نه از روش رسول خداوند صلی الله علیه وآله وسلم است و نه از روش صحابه و سلف امت اما اسفبارتر آن است که برخی از این‌ها برای کارهای خود اینگونه دلیل می‌آورند که رسول خداوند دستور کشتن برخی از مشرکان را صادر کرده است!

چه عجیب است این استدلال و چه فاسد است این قیاس... مشرک کجا و مسلمان کجا؟ این منحرفان کجا و رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم کجا؟؟!

قسم به خداوند که اگر رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم ما را به کشتن فرزندانمان دستور می‌داد این کار را می‌کردیم اما او هرگز به ستم و خونریزی دستور نمی‌دهد....
خدایا تو پاک و منزهی که این بهتانی است بس عظیم...

مسالهی دیگری که باید در کنار آن کمی توقف کنیم... چگونه یک انسان کشتن خود را جایز می‌داند؟ او چنین چیزی را از کدام شریعت آورده است در حالی که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا﴾ [النساء: ۲۹].

«و خود را نکشید که الله نسبت به شما مهربان است».

هیچکس پس از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم و صحابه و سلف صالح بر دین خدا غیورتر نیست. کدام یک از آنان خود را کشته یا بر این کار تشویق کرده یا به انجام آن فتوا داده است؟ حتی اگر این کار برای کشتن یک مشرک محارب باشد؟

همه‌ی آنها می‌دانند که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرموده است: «هرکه خود را از کوهی پرتاب کند، در آتش جهنم نیز تا ابد خود را پرتاب خواهد کرد، و هرکه سم بنوشد و خود را بکشد در آتش جهنم نیز سم در دستش است و تا ابد آن را می‌نوشد، و هرکه خود را با آهن به قتل رساند، در آتش جهنم آن وسیله در دستش است و تا ابد خود را با آن می‌زند» [به روایت بخاری و مسلم].

و در سنن آمده است که مردی را که خود را با تیر کمان کشته بود برای نماز میت به نزد رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم آوردند اما او بر وی نماز نگذارد. حال اگر خودکشی با غدر و خیانت همراه شود وضعیت چنین فردی چه خواهد بود؟؟

بخاری در صحیح خود از نافع روایت کرده است که گفت: وقتی اهل مدینه بیعت با یزید بن معاویه را شکستند و او را خلع کردند، این عمر رضی الله عنهما فرزندان خود را جمع کرد و گفت: من شنیدم رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «برای هر پیمان شکنی در روز قیامت پرچمی نصب خواهد شد». ما با این مرد بر پیمان خدا و رسولش بیعت کرده‌ایم و من پیمان شکنی و غدری را بدتر از این نمی‌دانم که با مردی

بر پیمان خدا و رسولش بیعت شود سپس با او جنگیده شود. هر کدام از شما که یزید را خلع کرده و یا در این قضیه وارد شده است را نمی‌بینم جز اینکه بین من و او جدایی افتاده است.

خداوند برای من و شما در قرآن و سنت برکت قرار دهد و ما را با آیات و ذکر و حکمت‌های آن سود رساند. آنچه را گفتم اگر صحیح و حق است از خداوند است و اگر اشتباه و نادرست از نفس و از شیطان و از خداوند مغفرت می‌خواهم که او بسیار غفور است...

خطبه‌ی دوم:

ستایش تنها از آن الله است و درود و سلام بر آنکه پیامبری پس از او نیست. بندگان خداوند تقوای وی را پیشه سازید و این ماه مبارک را با توبه و بازگشت به خداوند غنیمت شمارید که خداوند بندگان مقصر خود را اینگونه مورد خطاب قرار می‌دهد:

﴿وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [النور: ۳۱].

«ای مومنان! همگی بسوی الله بازگردید تا رستگار شوید».

این ماه مبارک بزرگ‌ترین فرصت است تا آنکه گناهکار توبه کند و قاتل بسوی خداوند برگشته و گمراه به راه راست هدایت شود.

ای آنکه به دنیال توبه‌ای، بدان که رسول خداوند صلی الله علیه وآله وسلم همه‌ی توبه کاران را اینگونه مورد بشارت قرار می‌دهد که: «هیچ کسی نیست که گناهی کرده باشد سپس برخیزد و وضو گیرد و به نیکی وضو بجا بیاورد سپس از خداوند طلب مغفرت کند مگر آنکه خداوند عزوجل او را مورد مغفرت قرار می‌دهد». سپس رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم این آیه را تلاوت نمودند:

﴿وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرُ

الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ [آل عمران: ۱۳۵].

«و آنان که چون کار زشتی کنند یا بر خود ستم روا دارند الله را به یاد می‌آورند و برای گناهانشان آمرزش می‌خواهند و چه کسی جز الله گناهان را می‌آمرزد. و بر آنچه مرتکب شده‌اند با آنکه می‌دانند [که گناه است] پافشاری نمی‌کنند».

درست است که افتادن در اشتباه یک عیب آشکار است اما این همه‌ی عیب‌ها نیست. بلکه عیب کامل و فراگیر آن است که اشتباه را انجام دهیم سپس بر آن اصرار و پافشاری کنیم و از بازگشت به حق سرپیچی نماییم...

سلف صالح آنگاه که بازگشت خود را به سوی حق اعلام نمودند بهترین مثال را در شجاعت در بازگشت به حق برای ما به جای گذاشته‌اند. از مشهورترین این ائمه می‌توان به ابوالمعالی جوینی و ابوحامد غزالی و ابن عقیل و ابن قیم و بسیاری دیگر از علما اشاره کرد...

همه‌ی آنان از اعتراف به اشتباه و بازگشت به حق هنگام آشکار شدن آن اجتناب نکردند بلکه با متهم نمودن خود، به حق برگشتند زیرا کتاب خدا و سنت پیامبرش جز به حق راهنما نمی‌شوند.

لازم است همه‌ی این متهوران که خود و جامعه‌شان را به خطر انداخته و بسوی پایانی بد سوق می‌دهند از خداوند ترسیده و بدانند که حال آنان چنین است که ابن قیم می‌گوید: «آنان به مانند کورانی‌اند که بدون راهنما در تاریکی رها شده‌اند و با دست و عصا به جان هم افتاده‌اند تا جایی که همه‌شان یا سرشکسته و یا زخمی و یا کشته شده‌اند، کوران دیگر که صدای آنان را می‌شنوند برای نجات آنان به داخل تاریکی می‌آیند اما نمی‌توانند جز داد و فریاد بیشتر دردی از آنان دوا کنند!»

همه‌ی کسانی که وارد این افکار منحرف و تعصب‌های کور شده‌اند تقوای خدا را در پیش گیرند و این ماه مبارک را خواستگاهی برای تصحیح خود و بازگشت به راه درست و سمع و طاعت و پیش گرفتن راه امامان و اهل علم قرار دهند و از راه‌هایی که توسط والیان امر برای بازگشت و توبه قرار داده شده است به خوبی استفاده نمایند:

پس به سرعت خود را به قافله‌ی کسانی برسانید که در دنیا و آخرت مورد بخشش قرار می‌گیرند چنانکه خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (۳۴)

[المائدة: ۳۴].

«مگر کسانی که پیش از آنکه بر ایشان دست یابید توبه کرده باشند پس بدانید که الله آمرزنده مهربان است».

پس درود و سلام بفرستید بر بهترین انسان‌ها و پاکترین آن‌ها محمد بن عبدالله که صاحب حوض کوثر و مقام شفاعت است که خداوند شما را چنین امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ۵۶].

«الله و ملائکه‌اش بر پیامبر درود می‌فرستند ای مومنان بر او درود و سلام فرستید».

بارالها درود و سلام و برکات خود را بر بنده و پیامبرت محمد ارزانی دار و راضی و خشنود باش از چهار خلیفه‌ی پیامبرت - ابوبکر و عمر و عثمان و علی - و از دیگر یاران پیامبرت صلی الله علیه و آله وسلم و از تابعین و آنانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند و همچنین از ما با عفو و کرم و احسانت ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، و شرک و مشرکان را خوار بگردان. خدایا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومنت را یاری ده...

خداوندا غم و غصه‌ی دردمندان مسلمان را از بین ببر و سختی سختی دیدگان را برطرف نما و قرض و امداران را ادا کن و بیماران ما و بیماران مسلمان را با رحمت خود شفا عنایت فرما...

بارالها ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان ما و دیگر مسئولان مسلمان را صالح گردان و ولایت ما را بر عهده‌ی کسانی قرار ده که تقوای تو را پیشه ساخته و به

دنیا را خشنودی تو باشند. خداوندا ولی امر ما را بسوی آنچه تو دوست داری موفق بگردان...

پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ حفظ نما. پاک و منزه است پروردگات پروردگار عزت از آنچه مشرکات به باطل وصف می‌کنند و سلام بر پیامبران و الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه: خدا حافظ ای رمضان

خطیب: دکتر عبدالرحمن السدیس

مسجد الحرام: جمعه ۲۱ رمضان ۱۴۳۰ برابر با ۲۰ شهریور ۱۳۸۸

خطبه‌ی اول:

حمد و سپاس از آن الله است. او را ستایش گفته و از او یاری و آمرزش می‌خواهیم و وی را به همه‌ی خوبی‌ها ستایش می‌کنیم و از بدی‌های خود و کارهای ناشایست خویش به او پناه می‌بریم که هر که الله او را هدایت نماید گمراه‌گری نخواهد داشت و هر که را گمراه سازد او هدایت‌گری نخواهد یافت و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله.

اوست که هر کدام از بندگان را که بخواهد برای مداومت کارهای نیک توفیق می‌دهد و اوست که از پیروی نمودن راه اهل تفریط و سهل انگاری نهی نموده است. و گواهی می‌دهم که محمد صلی الله علیه وآله وسلم بهترین بنده ای است که بندگی و اطاعت الله را پیشه نموده است. خداوندا بر او و بر اهل بیت و یارانش که بهترین الگوها در جستجوی حقیقت و پیروی از حق‌اند تا قیام قیامت درود و سلام فرست اما بعد... ای بندگان خداوند خود و شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم که این بارزترین توشه است و بر انجام طاعات تا برپایی قیامت، استقامت ورزید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾

[آل عمران: ۱۰۲].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید آنگونه که شایسته است تقوای الله را پیشه سازید و نمی‌رید نگر در حالیکه که مسلمانید».

ای مسلمانان! از جمله امور واضحی که نیاز به دلیل و برهان ندارد این حقیقت است که وقت و زمان بسیار زودگذر است. گذشته‌ی آن گذشته است و دیروز آن بر نمی‌گردد. بدون شک این زمان، ظرفی است برای کارهای ما. هرکه در این ظرف، طاعت و نیکی به عمل آورد دنیا و آخرتش به نیکی و خوشبختی و شادی خواهد پیوست...

اما هرکه در آن گناه و معصیت به عمل آورد، دنیایش چون صحرائی بی‌آب و علف و شوره زار است که بر آن باران هدایت نبوی باریدن گرفت اما صاحبش از این باران بهره ای نخواهد برد و در آخرت نیز به سعادت دست نخواهد یافت.

این مثالی بود آشکار در مورد گروهی که اهل طاعت‌اند و در این راه جدی هستند و این مرام و روش آن‌ها در همه حال است و آنان عهدی را که با خداوند بسته‌اند زیر پا نمی‌نهند... و در مقابل، گروه دیگری هستند که در روزهایی معدود و محدود به خداوند نزدیک می‌شوند، اما همین که این روزها گذشت عزیمت آنان نیز سست می‌شود و انگیزه‌ی طاعت را از دست می‌دهند و دوباره به زمهری غافلان بر می‌گردند.

برادران و خواهران ایمانی! در این مقام لازم است با شما توفقی با این ماه داشته باشیم. ماهی که هیچگاه تازگی خود را از دست نمی‌دهد. آری این ماه رمضان است... ماهی که خورشید آن در حال غروب است... ماهی که روزها و ساعت‌های آن آکنده‌ی طاعات و عبادات و روزه و نماز و قرآن بود...

آیا تا همین دیروز اشتیاق رسیدن رمضان را نداشتیم؟ و برای آمدن آن لحظه شماری نمی‌کردیم؟ حال آنکه اکنون این ماه عزیز چونان رویایی در حال گذشتن است... خداوندا کارهای نیکی را که در این ماه انجام داده‌ایم از ما بپذیر و کم کاری‌ها و لغزش‌های ما را بیامرز و با جود و بخشش خود، کم کاری‌های ما را در این ماه مورد بخشش قرار ده...

برادران و خواهران ایمانی! اکنون و در این روزهای مبارک لازم و ضروری است که روش بسیاری از مردم را در رابطه شان با خداوند در رمضان و پس از رمضان مورد تصحیح قرار دهیم و بسیاری از اشتباهاتی را که بر روش استقامت و میانه روی سایه انداخته است از میان برداریم.

از این جمله استفاده از روح رمضان و ادامه یافتن حالات و نفحات آن و ویژگی‌های آن به مانند صبر و همبستگی و محبت، پس از رمضان است.

و همچنین ادامه یافتن خیر و بخشش و انفاق در زمینه‌های خیر و باز گشودن مجال نیکی و هماهنگی در این زمینه است و نه ترک و رها کردن آن، که این از جمله ثواب این دین است که با تغییرات زمانی تحول نمی‌یابد.

بر این اساس، باید خداحافظی با این ماه بزرگ، آغازی باشد برای مسابقه‌ی صادقانه در زمینه‌ی نیکی‌ها، همانگونه که پیامبر مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم اینگونه بود، و نقطه‌ی آغازی باشد برای بروز یافتن نیکی‌های درون و زنده گرداندن ارزش‌های گرانقدر و برای نجات نسل‌های مسلمان از افتادن در دام مذاهب و افکار ویرانگر...

برادران و خواهران ایمانی... از جمله افکار نادرست و تصورات اشتباه برخی از مردم این تصور است که تنها رمضان ماه عبادت و پرهیز از گناهان است و تا رمضان به پایان رسد این مردم بسوی شهوات و گناهان بازمی‌گردند و این باعث تعجب است و نشانه‌ی ضعف ایمان...

مگر در کجای قرآن و سنت آمده است که مومن باید در رمضان متمسک و پایبند باشد و در شوال دچار سستی شود؟ آیا خداوند همه‌ی ماه‌ها یکی نیست؟ آیا او بر همه‌ی کارها آگاه و شاهد نیست؟ کدام یکی از ما می‌تواند تضمین کند که کارهای نیکش در رمضان مورد قبول واقع شده است؟

سلف صالح و پیشینیان ما برای قبول عمل، بیشتر از خود عمل اهمیت قایل بودند و خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾ [المائدة: ۲۷].

«همانا الله تنها از متقیان می‌پذیرد».

کجايند آن قلب‌هایی که خاشع بودند؟ کجاست لذت مناجات؟ کجاست آن يقيني که قلب‌ها را آباد گردانده بود؟

اينان اگر بسوی خداوند توبه نکنند و بر آنچه در رمضان انجام می‌دادند ثابت نمانند کم‌ترین بهره را برده و پاداش ناچيز را به دست خواهند آورد و چه بد مردمانی‌اند آنان که خداوند را نمی‌شناسند مگر در رمضان...

آیات قرآن برای نشان دادن زشتی حال اینگونه انسان‌ها کافی است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَفَقَتْ غُرْلَهُمَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا﴾ [النحل: ۹۲].

«و مانند آن زنی نباشد که رشته‌ی خود را پس از تابیدن باز می‌کند».

چه مصیبت بزرگی است و چه ناکامی عظیمی است که مردمانی پس از هدایت، بسوی گمراهی بازگردند... مومنی که امید نجات دارد و در آرزوی دیدار خداوند است در طول زندگی ایمان را در همه‌ی حرکات و سکنات خود به نمایش می‌گذارد زیرا او در بندگی همیشگی و ارتباطی دائمی با خداوند است و در راه رسیدن به خداوند برایش زمانی با زمانی دیگر تفاوتی ندارد و همیشه این سخن خداوند متعال را در زیر نظر خود قرار می‌دهد که:

﴿وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ﴾ [الحجر: ۹۹].

«و خداوندن را تا رسیدن مرگ عبادت کن».

اما دورترین افراد از رضایت خداوند کسانی‌اند که در طول یک ماه کامل رمضان راهی بسوی خداوند پیدا نکنند و جمع مومنان در آنان تاثیری نداشته و باران رحمت الهی آنان را به کار نیک و طاعت تشویق ننماید تا آنکه قلب آنان نه معرفی را بشناسد و نه منکری را انکار کند.

رمضان در حالی که غافل بودند آنان را ترک گفت و عید در حالی آمد که آنان همچنان در غفلت به سر می‌برند:

﴿وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْعِغْيِ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا﴾

[الأعراف: ۱۴۶].

«اگر راه هدایت را ببینند آن را نمی‌پیمایند و اگر راه گمراهی را ببینند آن را در پی خواهد گرفت».

ابن جوزی رحمه الله می‌فرماید: «شاید هنگامی که انسان گناهکار سلامت جسمی خود را ببیند گمان کند که عقوبتی در کار نخواهد بود اما این گناهکار نمی‌داند که همین «غفلت از عقوبت الهی» خود عقوبت واقعی است»

در اینجا این انسان‌ها را صادقانه به سوی توبه و ترک وضعیتی که در آن هستند و پشیمانی نسبت به کوتاهی در حق خداوند دعوت می‌کنیم زیرا در برابر توبه هیچ در بسته‌ای قرار ندارد و خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَإِنِّي لَعَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى﴾ [طه: ۸۲].

«و من به تحقیق نسبت به کسی که توبه کند و کار نیک انجام دهد و سپس راه هدایت را در پی گیرد بسیار آمرزنده‌ام».

ای امت مسلمان... در مقابل این مفاهیم اشتباه و این گروه غافل، در افق نور کاوران اهل تقوا و ایمان درخشان است... آنانی که کتاب و سنت در قلوبشان درخت عزیمت و تلاش را آبیاری کرده است و دانسته‌اند که برای رسیدن به درجات بالای بهشت علاوه بر رابطه‌ی مداوم با خداوند و خشیت او در پنهان و غیب و ثبات بر طاعت وی، مواسم خیری نیز وجود دارد که باید مورد استفاده و غنیمت قرار گیرد.

همینانند که خداوند متعال اینچنین آنان را وصف نموده است که:

﴿تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾

[السجدة: ۱۶-۱۷]. ﴿﴿﴾

«پهلوهایشان از بسترها دور می‌شود [و] پروردگار خود را از روی بیم و امید فرا می‌خوانند و از آنچه به آن‌ها روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند (۱۶) کسی نمی‌داند که برای آن‌ها چه چشم روشنی‌هایی در برابر کارهایی که می‌کنند، پنهان داشته شده است».

از سخنان زیبای ابن قیم سخنی است که ایشان درباره‌ی این گروه می‌گوید: «این گروه که بسیار عمل نیک انجام می‌دهند و مزه‌ی واقعی عبادت را چشیده‌اند و امید ثواب آن را دارند... که این خود سبب انجام عمل نیک است پس آنان برای به دست آوردن آن کمر همت بسته‌اند به این امید که از آنان قبول گردد و ترس این را دارند که مبدا از آنان پذیرفته نگردد و اینگونه است که آنان با انجام عمل نیک بسیار، در میان ترس و امید به سر می‌برند»

و این فقه حقیقی معامله با خداوند است، پس مبارک باد بر شما ای اهل استقامت و خوش به حالتان ای اهل انابت برای صبری که پیشه ساختید و نماز و روزه و طاعاتی که به جای آوردید.

ای امت خیر و استقامت... پس از آنکه امت مسلمان یک ماه کامل را زیر نور قرآن کریم به سر برد و پس از سر رسدن عید مبارک فطر، باید با اصرار امت را به میدان محاسبه‌ی جدی و عملی کشاند مخصوصاً که همچنان جام شکست‌های پی در پی را سر می‌کشد، لازم است که به کتاب و سنت چنگ زند و با نگاهی معتدل و فکری روشن و هشیار به تحلیل قضایا و تغییرات پردازد و به مراجعه و نقد جدی خود پردازد تا آنکه کشتی امت غرق نشود و برای این لازم است که همه‌ی موانع و عوائق درونی و جمعی از راه برداشته شود

این سخنان را گفته و برای خود و شما و همه‌ی مسلمانان از خداوند متعال آمرزش می‌خواهم پس از او آمرزش بخواهید که او غفور و رحیم است.

خطبه‌ی دوم:

حمد و سپاس از آن الله است. اوست که اجر و پاداش متقیان را بزرگ گردانده و سینه‌ی آنان را برای انجام عمل نیک گشاده گردانده است و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنهاست و شریکی ندارد. اوست که بندگانش را برای انجام طاعات موفق گردانده و یاری می‌دهد.

و گواهی می‌دهم که پیامبر ما محمد بنده و پیام‌رسان اوست، او بهترین کسی است که احکام دین را آموزش داده و تبیین کرده است... درود خداوند بر او و بر اهل بیت و یارانش که خورشیدهای تقوا و ایمانند. درود و سلامی نورانی و پاک تا هنگامی که خورشید و ماه در پی هم می‌آیند...

اما بعد ای بندگان خداوند تقوای وی را در پیش گیرید و این ماه و عید را با حمد و شکر و ثنای الهی آغاز کنید که شما به فضل و کرم الهی در نعمت‌هایی بزرگ قرار دارید که نیاز به شکری آشکار و پنهان دارد و بدانید که پروردگار شما برای بالا بردن درجات و افزون شدن نیکی‌ها و بخشیده شدن گناهانتان مواسم و ایامی را قرار داده است از جمله‌ی این مواسم روزه ای است که خداوند متعال آن را در ماه شوال سنت گردانده است و پی در پی بودن آن لازم و ضروری نیست.

امام مسلم در صحیح خود از حدیث ابویوب رضی الله عنه چنین روایت کرده است که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «هرکه رمضان را روزه گیرد سپس آن را با شش روز از شوال ادامه دهد این به مانند روزه‌ی همه‌ی زمانه خواهد بود».

چه فضل بزرگی است این و چه ثواب عظیمی است از سوی پروردگاری کریم و خداوندی مهربان. پس برای آزاد کردن خود تلاش کنید و بر انجام عمل صالح قبل از ناتوانی عجله کنید و بسوی مغفرتی از سوی پروردگار و بهشتی که عرض آن به اندازه‌ی آسمان‌ها و زمین است بشتابید و بدانید که کلام خدا بلیغ‌ترین نصیحتی است که به قلب رسیده و باعث خشوع آن شده و بر نفسی فرود آمده و باعث هدایت آن گردیده است.

پس از این درود و سلام بفرستید بر آن پیامبر خاتم ابوالقاسم محمد، آن بهترین بنی هاشم، سرور عرب و عجم، که خداوند در آیات محکم کتابش شما را به آن امر نموده است و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

«الله و ملائکه‌اش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود و سلام فرستید».

خداوندا بر سرور پیشینیان و پسینیان، و بهترین خلق خداوند، محمد مصطفی و بر اهل بیت پاکش و صحابه‌ی بزرگوارش و همسرانش مادران مومنان و بر تابعین و همه‌ی انانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند درود و سلام فرست.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، و شرک و مشرکان را خوار بگردان و دشمنان دین را نابود گردان و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امن و امان بدار. بارالها ما را در سرزمین هایمان ایمن بدار، بارالها ما را در سرزمین هایمان ایمن بدار، بارالها ما را در سرزمین هایمان ایمن بدار، و مسئولان و والیان امر ما را اصلاح گردان. خدایا همه‌ی مسئولان مسلمان را برای اجرای شریعتت و پیروی از سنت محمد صلی الله علیه و آله وسلم یاری ده. خدایا آنان را رحمتی برای بندگان مومن قرار ده.

خدایا ای آنکه وعده‌اش خلاف نمی‌شود و لشکریانش شکست نمی‌خورد، از تو می‌خواهیم همه‌ی مجاهدان در راهت را پیروز گردانی. خدایا آنان را در فلسطین بر صهیونیست‌های متجاوز و یهودیان اشغالگر پیروز گردان. خدایا جمع آنان را پراکنده ساز و جمعشان را نابود گردان و آنان را عبرتی برای دیگران قرار ده و تیر برادران ما را به هدف برسان و قلبشان را ثابت گردان و آنان را در نبرد با دشمنانشان یکی بگردان.

خدایا مسلمانان را - زنده گان و مرده گان - مورد مغفرت و رحمت قرار ده و بین قلوبشان الفت ایجاد کن و آنان را از فواحش پنهان و آشکار دور گردان. خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومن را یاری ده.

خداوندا هر آنکه را برای دینت و برای سرزمین ما نیت سوء دارد به خود مشغول ساز و نیرنگش را بسویش بازگردان.

خدایا از ما بپذیر که تو شنوا و دانایی و از ما توبه بپذیر که تو بسیار توبه پذیر و مهربانی و ما و والدین ما و همه‌ی مسلمانان را مورد آمرزش قرار ده.

پروردگارا ما را در دنیا و در آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بدار. خدایا تو آن خداوندی که معبودی به حق جز تو نیست... تو غنی هستی و ما نیازمند... باران را بر ما نازل کن و ما را از مایوسان قرار مده...

پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش جهنم دور بدار. پاک و منزّه است پروردگارت، پروردگار عزت از آنچه به دروغ به او نسبت می‌دهند و سلام بر پیامبران والحمدلله رب العالمین.

عنوان خطبه:

بزرگداشت خداوند

خطیب: دکتر صالح آل طالب

مسجدالحرام: جمعه ۲۸ رمضان ۱۴۳۰ برابر با ۲۷ شهریور ۱۳۸۸

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است. ستایش برای اوست که هیچ ستایشگری توان حمدش را ندارد و هیچ ستایشی حق او را به جای نمی‌آورد. پاک و منزّه است او که هیچ عبادتگری نخواهد توانست حق عبادتش را به جای آورد حتی اگر همه عمر خود را در رکوع و سجود به نیایش با خداوند پردازد...

حمد و سپاس برای خداوند عظیم الشان، آن تدبیرگر آسمان هاست او که در ملکوتش افلاک تسبیح می‌گویند و بر دور عرشش ملائکه...

﴿وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ﴾ [الإسراء: ۴۴].

«و هیچ چیز نیست جز آنکه در حال ستایش تسبیح او را می‌گوید».

به خداوند سوگند که اگر دریا مرکب باشد و آسمان‌های هفتگانه و زمین دفتر، نخواهند توانست فضائلش را تدوین نمایند.

گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و این راست‌ترین سختی است که بر زبان آمده و بهترین جمله‌ای است که بر لب‌ها نقش بسته است.

و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر او، عارف‌ترین و متوکل‌ترین انسان‌ها نسبت به خداوند است... درود و سلام بسیار خداوند بر او و بر اهل بیت پاک و صحابه نیک وی باد.

اما بعد... ای مسلمانان، تقوای خداوند متعال بهترین وصیت و بهترین خصلت است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾

[آل عمران: ۱۰۲].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را آنگونه که شایسته‌اش است پاس دارید و نمیرید جز در حال مسلمانی».

هر که تقوای او را در پیش گیرد خداوند حفظش کرده و هر که به او خیانت ورزد خداوند رسوایش ساخته و به بلا گرفتارش سازد... آنکه بر دری جز باب خداوند ایستاده بسیار خوار است و آنکه آرزوی فضل جز خداوند را دارد آرزویش بیهوده است و آنکه برای رضای غیر الله تلاش می‌کند عملش بی‌فایده.

همهٔ اسباب قطع می‌شوند جز سبب او... اوست که شایسته است خشیت وی، و اوست خداوندی که به او امید می‌رود... و همهٔ اهل زمین - همه شان - نه زیانی می‌رسانند و نه سودی و نه توانایی زیر آوردن دارند و نه بالا بردن...

﴿فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ

مُتَقَلِّبَكُمُ وَمَثَوَلِكُمْ﴾ [محمد: ۱۹].

«پس بدان که معبودی به حق نیست جز الله و برای گناه خود و برای مومنان مرد و زن آمرزش بخواه و الله از حرکات و سکانات شما آگاه است».

ای مسلمانان... ای عبادتگزاران... ای روزه داران نمازگزار... حال که رمضان به پایان رسیده... بدنهایتان خسته شده و پس از شب‌های طولانی عبادت و تشنگی روزهای رمضان...

پس از همه این‌ها بدانید که بندگانی از بندگان خداوند که قلب‌هایشان با معرفت خداوند مملو شده و درونشان با بزرگداشت وی آکنده گردیده... چندین برابر آنچه شما انجام داده اید انجام داده‌اند و بیش از عبادت شما عبادت خداوند را به جای آوردند اما با این وجود به گمان خود هیچ نکرده‌اند...

رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم چنین خبر داده‌اند که در آسمان‌های هفتگانه به اندازه جای پای نیست مگر آنکه در آن فرشته‌ای به عبادت ایستاده و یا به رکوع رفته و یا در سجده است اما این‌ها هنگامی که قیامت شود خواهند گفت: پروردگارا! تو پاک و منزهی! آنگونه که شایسته تو بود عبادتت نکردیم جز اینکه هرگز چیزی را با تو شریک قرار ندادیم.

ای مسلمانان: بزرگداشت خداوند در قلب و در درون و شناخت نعمت‌ها و فضلش و قدر دانستن وی آنگونه که شایسته اوست، توشه عارفان و نیروی مومنان و صابران است...

کیست که خداوند را بشناسد و اوامر وی را کوچک شمارد و یا نسبت به نواهی وی سهل انگاری کند؟ کیست آنکه او را بزرگ بدارد و با این وجود هوا و هوس خود را بر او مقدم بدارد؟

الله آن ذاتی است که عبادت می‌شود و حمد گفته می‌شود و دوست داشته می‌شود زیرا او شایسته و اهل آن است.. بلکه آنچه شایسته ذات خداوند است نه در قدرت بندگان است و نه در تصورشان می‌آید. برای همین است که عارفترین بندگان نسبت به خداوند یعنی رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم در دعایش می‌فرماید:

«نمی توانم ثنای تو را در شمار آورم بلکه تو همانگونه هستی که خود ثنای خود را گفته‌ای» و در صحیحین بخاری و مسلم آمده است که رسول الله صلی الله علیه وآله

وسلم فرمود: «هیچکس بیشتر از خداوند مدح را دوست ندارد» و برای همین است که او مدح خود را گفته است.

ای مسلمانان: پروردگاری که شما عبادتش را می‌کنید و برای او نماز می‌گذارید و به سوی او روی می‌آورید، پروردگاری است بس عظیم که آنچنان دارای صفات کمال و جلال است که در وصف و تصور نمی‌آید:

﴿وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَاوِيٌّ مِّنَ الذَّلِيلِ وَكَبِيرَةٌ تَكْبِيرًا﴾ [الإسراء: ۱۱۱].

«و بگو ستایش از آن الله است که فرزندی برنگزیده و در پادشاهی شریکی نداشته و از روی ناتوانی یاوری نداشته و او را چنان که شایسته است بزرگ دار.»

اوست که معبودی حقیقی نیست جز او، افلاک و آسمانها تسیحش را می‌گویند و در درگاهش خاضع و فروتنند:

﴿سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ ① لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ② هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ③ [الحديد: ۱-۳].

«آنچه در آسمانها و زمین است الله را به پاکی می‌ستایند و اوست عزیز حکیم (۱) فرمانروایی آسمانها و زمین از آن اوست. زنده می‌کند و می‌میراند و او بر هر چیزی تواناست (۲) اوست اول و آخر و آشکار و پنهان و او به هر چیزی داناست.»

او را تسبیح و حمد می‌گویم... چگونه ممکن است محبت او بر قلبها مستولی نگردد در حالی که همه نیکی‌ها از اوست و هر فضلی بسوی اوست؛ بخشش از اوست و گرفتن نیز از اوست... ابتلا از اوست و عافیت نیز از آن اوست... عدل از اوست و رحمت نیز از اوست، لطف و نیکی، فضل و احسان، پوشاندن و عفو، شکیبایی و صبر، اجابت دعا و از بین بردن سختی... همه و همه از اوست...

او گرمی‌ترین گرمیان است... اوست که بیش از آنچه بنده آرزویش را دارد قبل از آنکه بخواهد به او می‌دهد... اوست که کار کم بنده را شکر می‌گذارد و آن را رشد داده و

زیاد می‌کند و با آن گناهان بسیار را می‌بخشد و پاک می‌کند... چگونه ممکن است قلب‌ها کسی را دوست ندارند که تنها خوبی‌ها از سوی او می‌آید و تنها بدی‌ها بوسیله او پاک می‌شوند؟

دعاها را اجابت می‌کند و از لغزش‌ها می‌گذرد او بدی‌ها را می‌بخشد و عورتها را می‌پوشاند و سختی‌ها را از بین می‌برد... زیرا او مستحق‌ترین کس است که یاد شود و شکر او به جای آورده شود و او مستحق‌ترین کسی است که عبادت شده و حمد گفته شده و مهربان‌ترین پادشاه است و بخشنده‌ترین کسی است که از او خواسته شده و کریم‌ترین کسی است که به درگاهش قصد کرده‌اند و عزیزترین کسی است که بسوی او پناه برده شده و به او توکل کرده‌اند...

اوست که برای بندگانش از مادر نسبت به فرزند مهرباتر است و بیشتر از کسی که در بیابان مهلک شترش را گم کرده باشد سپس آن را پیدا کند، از توبه بنده‌اش شاد می‌شود... تسبیح او را گفته و حمدش را به جا می‌آوریم... او پادشاهی است که شریک ندارد و تنهایی است که همتا ندارد:

﴿وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ [القصص: ۸۸].

«و به همراه الله خداوندی دیگر را صدا مکن. معبودی حقیقی نیست جز او، همه چیز نابودشدنی است جز او. حکم از آن اوست و بسوی او بازخواهید گشت».

اطاعت نمی‌شود مگر با اذن خود او و معصیت نیز نمی‌شود مگر با اجازه خودش... اطاعت می‌شود و شکر بنده را به جای می‌آورد و معصیت می‌شود و در مقابل می‌بخشد و مغفرت می‌کند؛ او نزدیک‌ترین گواه و وفادارترین به عهد و عادلترین کسی است که دادگری پیشه ساخته است....

صورت‌ها بسوی نور او برگشته و عقل‌ها از درک ذاتش ناتوانند... نور چهره‌اش همه تاریکی‌ها را از بین برده و زمین و آسمان‌ها را روشن گردانیده است...

همه کارها به دست اوست و همه امور به او بر می‌گردد... بر تخت پادشاهی خود مستوی است... هیچ پنهانی در پادشاهی او برایش پنهان نیست... شئون بندگان و حاجاتشان و کارهایشان بسوی او بالا برده می‌شود و او هرآنچه را که اراده کند امر می‌نماید آنگاه دستور وی اجرا شده و اراده‌اش نافذ می‌گردد:

﴿يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ﴾ [الرحمن: ۲۹].

«همه آنان که در آسمان و زمینند از او درخواست می‌کنند هر زمان او در کاری است.»
گناهی را می‌آمرزد، مشکلی را حل می‌کند، سختی دیده‌ای را آسوده می‌کند، دلشکسته‌ای را آرام می‌بخشد، ضعیفی را یاری می‌دهد، فقیری را غنی می‌سازد، می‌میراند و زنده می‌گرداند... خوشبخت می‌کند یا بدبخت می‌سازد، گمراه می‌کند یا هدایت می‌کند، گروهی را نعمت می‌بخشد و نعمت خود را از گروهی دیگر باز می‌ستاند، اقوامی را عزیز می‌کند و دیگران را خوار می‌سازد:

﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عِلْمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ ﴿﴾

[الحشر: ۲۲-۲۳].

«اوست آن الله که معبودی به حق نیست جز او داننده پنهان و آشکار است. اوست رحمن و رحیم (۲۲) اوست آن الله که معبودی به حق جز او نیست، آن پادشاه قدوس و امنیت بخش امان دهنده چیره باعزت جبار والامقام.»

او دارای قدرت مطلق و اراده کامل است... اوست که با موسی سخن گفت و بر کوه متجلی گردید و آن را تکه تکه گرداند... اوست که بر بالای آسمان‌هایش هیچ چیز برایش پنهان نمی‌ماند... صدای پای مورچه سیاه را بر سنگ تیره در شب تاریک می‌شنود، صدای بندگان با تفاوت زبان‌ها و تفاوت نیازهایشان بر او مشتبه نمی‌شود و هیچ ذره‌ای در این جهان جز به اجازه او تکان نمی‌خورد:

﴿وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنَ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلْمَتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾ [الأنعام: ۵۹].

«کلیدهای غیب نزد اوست که جز او کسی آن را نمی‌داند و می‌داند آنچه را در آسمان‌ها و زمین است و برگی [بر زمین] نمی‌افتد مگر آنکه آن را می‌داند و دانه ای در تاریکی‌های زمین نیست و نه تر و خشکی مگر آنکه در کتابی آشکار [ثبت است]». ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾ [البقرة: ۲۵۵].

«الله [آن خداوندی است که] معبودی [به حق] جز او نیست [و] زنده و پایدار است. چرت و خواب او را نمی‌گیرد. از آن اوست آنچه در آسمان‌ها و زمین است». حجابش نور است که اگر آن را کنار زند نور چهره‌اش تا آنجا که نظر انداخته را خواهد سوزاند. اگر هیچیک از مخلوقاتش توان نور چهره او را ندارند درباره جلال و جمال و عظمت و کبریایی وجه خداوند چه می‌توان گفت؟ برای همین است که بزرگ‌ترین نعمت اهل بهشت لذت دیدن چهره گرامی خداوند است که آن، منظره ای است بس عظیم که در آن کبریا و عظمت و جمال و جلال الهی متجلی می‌گردد... ای مسلمانان: درباره موقفی دیگر که برخی از آیات قرآن و احادیث نبوی به آن اشاره کرده است ابن کثیر رحمه الله چنین روایت کرده است که:

«هنگامی که اسرافیل در صور نفخه مرگ را می‌دمد همه اهل آسمان‌ها و زمین می‌میرند آنگاه مَلَكُ الْمَوْتِ می‌آید و خداوند - در حالی که خود داناتر است - از او می‌پرسد چه کسی باقی مانده است؟ فرشته مرگ می‌گوید: تو باقی مانده ای که زنده ای و نخواهی مرد و فرشتگان حامل عرش و جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و من... پس خداوند دستور می‌دهد که روح آنان را نیز بگیرد. سپس - در حالی که خود داناتر است - می‌پرسد: چه کسی باقی مانده است؟ فرشته مرگ می‌گوید: پروردگارا، تو باقی مانده ای

که زنده ای و نخواهی مرد و من، پس الله عزوجل می‌گوید: تو نیز مخلوقی از آفریده‌های منی پس بمیر... و او نیز می‌میرد...

سپس در آن هنگام که جز الله واحد قهار باقی نمانده است و همانگونه که اولین بود آخرین نیز می‌شود، آسمان‌ها و زمین را به مانند کاغذی در هم می‌پیچد سپس می‌گوید: منم جبار، منم جبار، منم جبار، سپس به صدای خود می‌گوید: امروز پادشاهی از آن کیست؟ امروز پادشاهی از آن کیست؟ آنگاه خود در جواب خود می‌گوید: از آن الله یگانه قهار...

سپس خداوند زمین را به زمینی دیگر و آسمان‌ها را به آسمانی دیگر تبدیل می‌سازد و آن‌ها را می‌گستراند و صاف می‌سازد آنگاه همه خلق را در این زمین دیگر گرد می‌آورد پس آن‌ها را زنده می‌سازد و در یک مکان به مدت هفتاد سال بدون آنکه به آن‌ها نظر بیافکند یا در میانشان داوری کند باقی می‌گذارد تا آنکه محمد صلی الله علیه و آله وسلم برای آغاز حساب و کتاب آن‌ها نزد خداوند شفاعت می‌کند...».

همچنین ابن کثیر با سند خود از رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم روایت می‌کند که فرمود: «سپس بر می‌گردم و به همراه مردم می‌ایستم پس در حالی که ما ایستاده‌ایم صدایی بسیار بلند از آسمان می‌شنویم... پس اهل آسمان که دو برابر اهل زمین از جن و انس‌اند به زمین نزدیک می‌شوند که زمین از نورشان روشن می‌شود و در جایگاه‌های خود قرار می‌گیرند... پس به آن‌ها می‌گوییم: آیا پروردگار ما در میان شماست؟ می‌گویند: خیر... او دارد می‌آید... سپس اهل آسمان دوم که تعدادشان به اندازه دو برابر ملائکه‌ای که قبلاً نازل شده بودند و دو برابر اهل زمین از انس و جن‌اند نازل می‌شوند تا آنکه به زمین نزدیک می‌شوند و در جایگاه‌های خود قرار می‌گیرند و به آن‌ها می‌گوییم: آیا پروردگار ما در میان شماست؟ پس می‌گویند: خیر... او دارد می‌آید، سپس از هر آسمان چند برابر آسمان‌های پیش ملائکه نازل می‌شوند...

تا آنکه خداوند - جل جلاله - در سایه بان‌هایی از ابر به همراه ملائکه نازل می‌شود که عرشش را در آن روز هشت فرشته بر دوش دارند که پاهایشان بر روی پایین‌ترین

زمین و زمین آسمان‌ها در کنار کمربندهایشان و عرش بر روی شانه‌هایشان است که با صدایی رعدآسا تسبیح گفته و می‌گویند: پاک و منزّه است آن دارندهٔ عرش و جبروت... پاک و منزّه است آن دارندهٔ ملک و ملکوت... پاک و منزّه است آن زنده ای که نخواهد مرد... پاک و منزّه است آنکه خلایق را می‌میراند و خود نمی‌میرد... سُبُوحٌ قُدُوسٌ، پروردگار ملائکه و جبرئیل».

ای مسلمانان... خداوند شانی بزرگ‌تر و عزیزتر از این دارد اما گناهایی که قلب را پوشاننده مانع بزرگداشت خداوند در درون انسان شده و اثر آن را در قلب ضعیف می‌گرداند و اگر عظمت خداوند در قلب جای گیرد هرگز بر انجام گناهان جرات نخواهد کرد زیرا لازمهٔ عظمت و جلال او در قلب این است که حرمتش از سوی بنده بزرگ داشته شده و انسان، تسلیم حکم و امر و نهی او شود و این تعظیم و بزرگداشت الهی باعث می‌شود میان انسان و گناهان فاصله انداخته شود.

آنانی که جرات انجام گناهان را دارند در واقع قدر خداوند را به جای نیآورده‌اند و برای جزای گناهان همین کافی است که باعث ضعیف شدن بزرگداشت خداوند در قلب می‌شوند. و خداوند ما را آگاه نموده که او بر قلب کسانی که در انجام گناه پافشاری می‌کنند لایه‌هایی قرار می‌دهد و بر آن مهر می‌کوبد و آنان را همانطور که فراموشش نموده‌اند فراموش می‌کند و آنان را کوچک و بی‌ارزش می‌سازد و همانگونه که حق او را ضایع کرده‌اند آنان را ضایع می‌کند... برای همین است که خداوند متعال در آیهٔ سجود مخلوقات برای خداوند چنین می‌گوید:

﴿وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ﴾ [الحج: ۱۸].

«و الله هر که را کوچک سازد او هیچ گرامی دارنده‌ای نخواهد داشت».

زیرا به اندازهٔ خوف خداوند در قلبت هیبت تو در قلب بندگان قرار خواهد گرفت و به همان اندازه که خداوند را بزرگ بداری بندگان نیز تو را بزرگ خواهند داشت و به اندازهٔ محبتی که نسبت به الله داشته باشی مردم نیز تو را دوست خواهند داشت و بلا بوسیلهٔ توبه و استغفار و تسلیم شدن در برابر امر خداوند دفع می‌گردد:

﴿وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [النور: ۳۱].

«و همگی تان ای مومنان بسوی الله برگردید تا آنکه رستگار شوید».

خداوند من و شما را به واسطه قرآن بزرگ برکت دهد و به وسیله آیات آن سود رساند... این سخن خویش را گفته و برای خود و شما از خداوند بزرگ آمرزش می‌خواهم.

خطبه‌ی دوم:

حمد از آن الله است... حمد از آن اوست که نیکی‌ها با نام او آغاز شده و با حمد او پایان می‌یابند... و حمد از آن اوست که بسیار باگذشت و کریم و بزرگوار است... و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد بنده و پیامبر او و بهترین خلق او و برگزیده او از میان امت هاست... درود و سلام و برکات خداوند بر او و بر اهل بیت و یاران و تابعین و کسانی باد که راه آنان را در پی گیرند...

اما بعد... ای مسلمانان برای روزه ای که گرفتید شاد باشید و شکر پروردگارتان را به جای آورید و و بشارت دهید. خداوند از من و شما بپذیرد و رمضان را بر ما و شما به بهترین حالت بازگرداند...

سپس بر آن بشارت دهنده هدایتگر و آن چراغ روشنگر بنده و پیامبر خدا محمد صلی الله علیه و آله وسلم درود فرستید... خداوندا بر بنده و رسالت محمد و بر اهل بیت پاکش و بر صحابه و تابعین و همه آنانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند درود و سلام فرست...

بار الها اسلام و مسلمانان را عزت ده، بارالها اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار بگردان و بندگان مومنت را یاری ده و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امن و امن بدار...

بارالها ما را در سرزمین هایمان ایمن بدار، بارالها ما را در سرزمین هایمان ایمن بدار، و مسئولان ما را اصلاح گردان. خدایا مسئولان ما را بسوی هدایت خویش موفق گردان و عمل آنان را در مسیر رضایت خود قرار داده و آنان را رحمتی بر بندگان مومنت بگردان. خدایا همهٔ آنان را که برای ما و برای دین ما و رهبران ما ارادهٔ بد دارند به خود مشغول ساز و نیرنگشان را به خودشان بازگردان...

﴿رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ﴾

[آل عمران: ۸].

«پروردگارا قلب‌های ما را پس از آنکه هدایت‌مان نمودی دستخوش انحراف مگردان و ما را از سوی خود رحمتی عطا کن که تو بسیار بخشایشگری».

خداوندا ای گردانندهٔ قلب‌ها قلب ما را بر دین خود ثابت گردان... خداوندا ای گردانندهٔ قلب‌ها، قلب ما را بر دینت ثابت گردان.

بارالها گرانی و وبا و ربا و زنا و زلزله و سختی‌ها و فتنه‌های ظاهر و پنهان را از سرزمین ما و دیگر سرزمین‌های مسلمان دور گردان... ای زندهٔ پایدار، ای دارای جلال و بزرگواری...

خداوندا اوضاع مسلمانان را اصلاح گردان... بارالها اوضاع مسلمانان را اصلاح گردان... خداوندا اوضاع مسلمانان را در فلسطین و در هر جای دیگر اصلاح گردان ای پروردگار جهانیان! خداوندا آنان را بر کتاب و سنت جمع گردان و بر دشمنانشان و دشمنانت پیروز گردان....

خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت را و بندگان مومنت را یاری ده.

خداوندا مسجدالاقصی را از چنگال غاصبان و تجاوز تجاوزگران حفظ گردان و آن را تا روز قیامت سربلند و عزیز بگردان.

خداوندا غصهٔ غصه داران مسلمان را از برطرف ساز و سختی سختی دیدگان را آسان گردان و بند اسیران را بگشا و قرض قرض داران را ادا فرما و با رحمتت بیماران ما و مسلمانان را شفا ده

﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ [البقرة: ۲۰۱].

«پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از عذاب آتش دور بدار».
 خداوندا رمضان را سال‌های سال برای ما تکرار کن.. بارالها ما از تو رضایت و بهشت را می‌خواهیم و از خشم و آتش جهنم به تو پناه می‌بریم...
 خداوندا گناهان ما را بیامرز و عیب‌های ما را بپوشان و کارهای ما را آسان گردان و ما را به آن خواسته‌هایی که باعث رضایت توست برسان...
 خداوندا عاقبت ما را به خیر ختم بگردان... خداوندا روزه ما و قیام ما و کارهای نیک ما را بپذیر. خداوندا ما را از هر خواسته نیکی که در این ماه بزرگ نمودیم بهره مند ساز...

پروردگارا بر محمد درود فرست و از ما بپذیر که تو بسیار شنوا و دانایی و از ما توبه پذیر که تو بسیار توبه پذیر و مهربانی. پاک و منزّه است پروردگارت، پروردگار عزت از آنچه به دروغ به او نسبت می‌دهند و سلام بر پیامبران و الحمدلله رب العالمین.

عنوان خطبه:

آنچه را به تو ربطی ندارد ترک کن

خطیب: شیخ أسامة خیاط

مسجدالحرام: جمعه ۶ شوال ۱۴۳۰ برابر با ۳ مهرماه ۱۳۸۸

خطبه‌ی اول:

سپاس و ستایش از آن خداوندی که دین و نعمت را برای ما کامل گرداند... او را ستایش می‌کنم که اسلام را برای ما به عنوان دین برگزید و ما را بهترین امت‌ها گردانید، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد است و شریکی ندارد، شهادتی که هر که بدان چنگ زند برایش بهترین نگرهبان باشد، و گواهی میدهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده و پیامرسان اوست که وی را رحمتی برای جهانیان فرستاد... بارالها

بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و اصحابش درود و سلامی فرست که برای ما در تاریکی‌ها بسان نور و روشنایی باشد.

اما بعد... بندگان خداوند، تقوای وی را در پیش گیرید که تقوای خداوند بهترین توشه در زندگی دنیا و در آخرت است.

ای مسلمانان: حریص بودن انسان در مورد سلامت دین و نیکو نمودن اسلام و صحت ایمانش دلیلی است آشکار و نشانه ای است روشن بر خردمندی و درست بودن راه و روش وی. زیرا دین انسان راهنمای وی به سوی همه خوشبختی‌ها در دنیا و آخرت وی می‌باشد و باعث دور شدن او از راه‌های شقاوت و زیان می‌گردد.

در همین راستا، رسول خداوند صلی الله علیه و آله وسلم که برای هر خیری بر امت خویش حریص بودند، ما را به ادبی جامع و خصلتی شریف و اخلاقی بزرگ راهنمایی نموده‌اند که انسان بوسیله آن اسلام خود را نیکو گردانده و به هدف بزرگ که همان رضایت الهی است دست می‌یابد...

این رهنمود جامع حدیثی است که ترمذی و ابن ماجه در سنن خویش و ابن حبان در صحیح خود با سندی حسن از ابوهریره و ابن مسعود رضی الله عنهما روایت نموده‌اند که از رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم چنین نقل می‌کنند که ایشان فرمودند: «از خوبی اسلام فرد این است که آنچه را که به وی مربوط نیست ترک گوید»...

این حدیث - چنانکه امام ابن عبدالبر رحمه الله می‌گوید - از سخنان جامعی است که معانی بسیار و باارزشی را در کلماتی اندک جمع نموده است و این سخن را کسی پیش از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به زبان نیاورده است زیرا واقعا کسی که اسلامش نیکو گردد همه سخنان و کارهایی را که به او مربوط نیست و نفعی برایش ندارد ترک خواهد کرد.

چون براساس اسلام باید واجبات را انجام داد و حرام‌ها را ترک نمود و در صورتی که مسلمانی شخص نیکو گردد لازم است که آنچه بدان مربوط نیست یعنی کارهای حرام و شبهه دار و مکروه و مباحات غیر ضروری و بی‌فایده نیز ترک گفته شود. زیرا در

صورتی که اسلام شخص مسلمان کامل شود و به درجه احسان برسد که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم آن را چنین بیان نموده «که خداوند را به گونه‌ای عبادت کنی که انگار او را می‌بینی و اگر او را نمی‌بینی اینگونه که او تو را می‌بیند» در این صورت همه این کارها برای این شخص مسلمان بی‌فایده و بی‌ربط خواهد بود.

هر کس که خداوند را با در نظر داشتن نزدیکی او به پروردگار و یا نزدیکی پروردگار به او عبادت کند اسلامش نیکو می‌شود و اینجاست که باید هرچه به او مربوط نیست یا برایش فایده ندارد را ترک کند و به چیزهایی که برایش مهم و اساسی است از جمله اعتقاد صحیح و کمال ایمان و درستی کار و طلب آنچه برای زندگی‌اش لازم و ضروری است بپردازد...

اما بر عکس آن، کسی است که وقت‌های باارزش خود را در آن چیزهایی که به او مربوط نیست و برای آن آفریده نشده است هدر می‌دهد و از آنچه به او سود می‌رساند و ارزش او را بالا برده و او را به سوی اهداف عالی و شریف و گرامی می‌رساند روی گردانده و اینچنین دچار زیان و خسارتی آشکار می‌گردد...

از جمله مشغولیت‌هایی که به شخص مربوط نیست این است که دانشی فراگیرد که دارای اهمیت نیست و آموزش علوم مهمتر را که باعث صلاح درون و تزکیه نفس و سود رسانی به برادران و خواهران و تلاش برای پیشرفت وطن و امتش می‌باشد را مورد اهمال قرار دهد...

همچنین عدم حفظ زبان از سخنان بیهوده و دنبال نمودن مسائل بی‌اهمیتی مانند اخبار مردم و وضعیت مالی شان یا مقدار دخل و خرج آنان و یا دنبال نمودن سخنان یا چیزهایی که در درون خانه‌ها و میان خانواده آنان می‌گذرد که همه این‌ها بدون هیچ قصد شرعی و تنها به هدف دانستن مسائل خصوصی مردم باشد...

همچنین اینکه انسان در مورد مسائلی سخن بگوید که در آن شناخت و یا تخصص و تجربه ندارد و تنها به هدف تفریح و وقت‌گذرانی و جلب توجه دیگران در این موارد نظر دهد که این ممکن است باعث وارد شدن شخص به سخنان زشت و شهوت‌انگیز و

وصف عورت‌ها و یا تهمت زدن به زنان پاک و منتشر نمودن سخنان ناشایست و شایعات و دروغ گردد...

از جمله چیزهایی که به ترک کارهای بیهوده کمک می‌کند این است که به یاد داشته باشیم وظایف ما بیشتر از وقت ماست و عمر نیز کوتاه است. همانگونه که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم در حدیثی که ترمذی و ابن ماجه و حاکم با سند صحیح از ابوهریره روایت نموده‌اند می‌فرماید: «عمر امت من میان ۶۰ تا ۷۰ سال است و کمترشان از این سن می‌گذرند».

چنین عمری که به اندازه کارهای ضروری و واجب کفایت نمی‌کند آیا گنجایش کارهای غیر ضروری و بی‌ربط را خواهد داشت؟ از سویی دیگر، انسان در مورد اینکه عمر خود را در چه چیز فنا نموده مورد سوال قرار خواهد گرفت. چنانکه در حدیثی که ترمذی در جامع خود با سند صحیح از ابوبرزه أسلمی رضی الله عنه روایت کرده است که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «قدم‌های شخص در روز قیامت جابه جا نمی‌شوند تا آنکه در مورد عمرش که در چه راهی فناش کرده و علمش که با آن چه کرده است و مالش که چگونه به دست آورده و در چه راهی مصرف نموده و درباره بدنش که در چه راهی فرسوده‌اش ساخته است سوال شود».

هیچ سخنی توسط انسان بر زبان آورده نمی‌شود مگر آنکه در صحیفه‌هایی نوشته شده و در برابر آن مورد جزا قرار خواهد گرفت تا آنکه بداند در برابر هر کلمه‌ای مسئول است و هر سخنی پیامد خود را دارد. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلْمَا تَوْسُوسًا بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ ﴿۱۶﴾ إِذْ يَتَلَفَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ ﴿۱۷﴾ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ﴿۱۸﴾﴾ [ق: ۱۶-۱۸].

«و ما انسان را آفریده‌ایم و می‌دانیم که نفس او چه وسوسه‌ای به او می‌کند و ما از شاهرگ [او] به او نزدیک‌تریم (۱۶) آنگاه که دو [فرشته] دریافت‌کننده از راست و از چپ

مراقب نشسته‌اند (۱۷) هیچ سخنی را به لفظ در نمی‌آورد مگر اینکه مراقبی آماده نزد اوست».

ظاهر این آیه آنگونه که امام ابن کثیر رحمه الله می‌گوید این را می‌رساند که «فرشته همه سخنان را می‌نویسد که عموم کلام خداوند بیانگر آن است»

همچنین امام مالک در موطا و امام احمد در مسند خود و ترمذی و نسائی و ابن ماجه در سنن خویش با سند صحیح از علقمه لثی از بلال بن حارث رضی الله عنه روایت کرده‌اند که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «همانا شخص کلمه‌ای را از روی رضایت الهی به زبان می‌آورد که خود گمان نمی‌کند به چنین درجه‌ای برسد و خداوند بوسیله آن رضایت خود را بر آن بنده تا روزی که به ملاقاتش بیاید می‌نویسد. و همانا شخص کلمه‌ای را از روی خشم خداوند بر زبان می‌آورد در حالی که خود گمان نمی‌کند این سخن به چنین جایی برسد و خداوند بخاطر آن، خشمش را تا روز قیامت بر آن بنده می‌نویسد»...

علقمه لثی رحمه الله می‌گوید: «چه بسیار سخن‌هایی که این حدیث بلال ابن حارث مانع شد تا آن‌ها را بر زبان بیاورم».

پس ای بندگان خداوند تقوای وی را در پیش گیرید و با قدوه قرار دادن بندگان برگزیده خداوند بر ترک سخنان و کارهای بی‌فایده تلاش ورزید... آنانند که خداوند هدایتشان نموده و آنان صاحبان خردند.

خداوند من و شما را با رهنمودهای قرآن و سنت سود رساند... این سخنان را گفته و برای خود و شما و همه مسلمانان از خداوند بزرگ جلیل از هر گناهی آمرزش می‌خواهم که او غفور و رحیم است.

خطبه‌ی دوم:

حمد و سپاس از آن خداوندی که هر که را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند. او را ستایش می‌گویم که او نیکوکار رؤوف و رحیم است و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنهاست و شریکی ندارد و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد،

بنده و پیامبران او و صاحب روش درست و اخلاق نیکو است... خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یارانش بهترین درود و کاملترین سلام را ارزانی دار.

از حسن بصری نقل است که فرمود: «از نشانه‌های رویگردانی خداوند از بنده این است که مشغولیت او را در چیزی که به او ربطی ندارد قرار دهد».

بر این اساس برای انسان عاقلی که امید خداوند و جهان آخرت را دارد لازم است که به کار خود مشغول شده و زبان خود را از سخنان بیهوده حفظ کرده و نسبت به زمانه خود آگاه و سخن خود را از جمله کارهای خود به حساب آورد زیرا کسی که سخنان خود را جزو کارهای خود محسوب کند سخنش جز در آنچه به او مربوط است اندک خواهد شد زیرا براساس سخن حافظ ابن رجب حنبلی: «بیشترین چیزی که در راه ترک کارهای بی‌فایده مورد اهمیت قرار می‌گیرد حفظ نمودن زبان است از سخنان بیهوده و اضافه، که همین برای زیانبار بودن چنین سخنانی کافی است که این سخنان صاحب خود را از بسیاری از انواع خیر که باعث بالا رفتن مقام و ارزش و منزلت وی می‌شود محروم می‌سازند»

پس ای بندگان خداوند تقوای او را در پیش گیرید و بر آنچه در دنیا و آخرت به سودتان است حریص باشید و همیشه به یاد داشته باشید که خداوند شما را به درود و سلام بر خاتم پیامبران و امام مرسلین دستور داده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿۵۶﴾ [الأحزاب: ۵۶].

«الله و ملائکه‌اش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود و سلام فرستید».

خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد درود و سلام فرست و راضی باش از چهار خلیفه پیامبرت ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه و تابعین و آنانی که تا قیامت به نیکی از ایشان پیروی نمایند و همچنین از ما با عفو و کرم و احسانت ای بهترین بخشنندگان...

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، و حوزه دین را حفظ نما و دشمنان دین و دیگر طاغیان و مفسدان را نابود گردان و میان قلوب مسلمانان را الفت ده و صفشان را یکی گردان و رهبرانشان را اصلاح نما و کلمه آنان را بر حق یکی بگردان. خدایا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومن مجاهد صادق را یاری ده.

خداوندا ما را در سرزمین هایمان ایمن گردان و مسئولان و والیان امر ما را اصلاح نما. خداوندا این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را از هر خیری بهره مند و از هر شر و بدی در امان بدار.

بارالها عاقبت ما را در همه امور به خیر نما و ما را از خواری دنیا و عذاب آخرت محافظت کن. خداوندا دین ما را که حافظ امر ماست و دنیای ما را که زندگی ما در آن است و آخرت ما را که بازگشت گاه ماست اصلاح نما و زندگی را برای ما زیاده در هر نیکی بگردان و مرگ را راحتی از هر بدی قرار ده.

خداوندا ما از تو انجام کارهای نیک و ترک بدی‌ها را و دوستی بی‌نویان را خواستاریم و خواستاریم که ما را مورد مغفرت و رحمت قرار دهی و اگر برای قومی اراده فتنه نمودی ما را بی‌آنکه در فتنه بیافتیم بسوی خویش بازگردان.

خداوندا بیماران ما را شفا ده و مردگان ما را بیامرزد و ما را به خواسته‌هایی که رضایت تو در آن است برسان و عاقبت ما را با نیکی‌ها ختم نما. خداوندا ما به خود ستم نمودیم و اگر تو ما را مورد مغفرت و رحمت خویش قرار ندهی بی‌تردید از زیانکاران خواهیم بود.

خداوندا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ در امان بدار. درود و سلام خداوند بر بنده و پیامبرش محمد و بر همه اهل بیت و یارانش باد و الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه: انصاف و نقش آن در زندگی

خطیب: دکتر سعود الشریم

مسجد الحرام: جمعه ۱۳ شوال ۱۴۳۰ هجری برابر با ۱۰ مهرماه ۱۳۸۸

خطبه‌ی اول:

حمد و ستایش از آن الله است، او را ستایش گفته و از او آمرزش خواسته و بسوی او توبه می‌کنیم و از بدی‌های خود و از کارهای ناشایست خویش به الله پناه می‌بریم... الله هرکه را هدایت کند او گمراهگری نخواهد داشت و هرکه را گمراه سازد وی هدایتگری نخواهد یافت... و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که یگانه است و شریکی ندارد و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر اوست:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾

[آل عمران: ۱۰۲].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را آنگونه که شایسته اوست پیشه سازید و نمیرید مگر در حالی که مسلمانید.»

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾ [النساء: ۱].

«ای مردم از پروردگارتان که شما را از نفس واحدی آفرید و جفتش را از او آفرید و از آن دو مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد پروا دارید و از الله که به [نام] او از همدیگر درخواست می‌کنید پروا نمایید و زنهار از خویشاوندان مبرید که الله همواره بر شما نگهبان است.»

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧١﴾﴾ [الأحزاب: ۷۰-۷۱].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید از الله پروا دارید و سخنی استوار گوئید (۷۰) تا اعمال شما را به صلاح آورد و گناهانتان را بر شما ببخشد و هرکس الله و پیامبرش را فرمان برد قطعاً به رستگاری بزرگی نایل آمده است».

اما بعد... ای مردم: در بحبوحه انقلاب علمی و طغیان تمدنی و موج منافع مادی تو در تو، رقابت داغ و مسابقه شدیدی برای به دست آوردن موفقیت در گرفته که در ورای این رقابت جنبه‌های شخصی و منافع فردی به قیمت زیر آمدن برخی از معیارهای مهم و ارزش‌ها مورد اهمیت قرار گرفته‌اند.

اینگونه است که خشم بر بردباری و نارضایتی بر خشنودی، و فرصت طلبی بر ایثار و مصلحت شخصی بر مصلحت‌های شرعی پیروز شده، که بر اثر همه این‌ها اخلاقی بزرگ و ارزشی هدفمند به باد فراموشی سپرده خواهد شد... ارزشی که در هر جامعه‌ای به فراموشی سپرده شود برکت از آن جامعه رخت برخواهد بست و اگر در هر جامعه‌ای وجود یابد در آن جامعه، خشنودی و اطمینان و تکامل و اشتراک را به طور یکسان میان مردم آن جامعه مشاهده خواهی کرد... آیا می‌دانید این خصلت چیست؟

این اخلاق، «انصاف» نام دارد... آری انصاف با همه معنایی که این کلمه در بر دارد... بله ای برادران و خواهران، همان انصافی که در میان افراد و خانواده‌ها جای آن خالی است... انصافی که در مدرسه و محیط کار وجود ندارد... انصافی که در روزنامه‌ها و دیگر رسانه‌ها غایب است... انصافی که در جوامع، به جز آن‌هایی که رحمت خداوند شامل حالشان شده است، وجود ندارد...

انصاف کلمه‌ای است که معنای عدل و احسان می‌دهد نه ظلم و تجاوز، و به معنای پیروی از شریعت است نه دنباله‌روی از هوا و هوس و معنای علم دارد نه جهل و نادانی و به معنای میانه روی در میان منحرفان و ثبات و پایداری در بین افسار گسیختگان و اصولگرایی در میان سست عنصران است...

منهج و روش انصاف همان کتاب خدا و سنت پیامبرش - صلی الله علیه وآله وسلم - است، و اسوه و الگوی ما در آن، شخص رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - و صحابه وی و پیشینیان این امتند.

انصاف، در شریعت اسلام یک ارزش مطلق است نه نسبی، چنانکه در مناهج و قوانین بشری چنین است. این اخلاق یک ارزش کلی غیر قابل تفکیک است. یعنی یا انصاف است یا بی‌انصافی، و انسان یا منصف است و یا بی‌انصاف و ستمگر، و ممکن نیست که شخصی در یک آن هم منصف باشد و هم بی‌انصاف. چگونه امکان دارد که یک شخص منصف باشد و در همان حال از گفتن حق ساکت باشد:

﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمٌ لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلَى مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوَجِّهُهُ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿۷۶﴾﴾
[النحل: ۷۶].

«الله مثلی می‌زند: دو مردند که یکی از آن‌ها لال است و هیچ کاری از او بر نمی‌آید و او سربار خداوندگارش می‌باشد هر جا که او را می‌فرستد خیری به همراه نمی‌آورد آیا او با کسی که به عدالت فرمان می‌دهد و خود بر راه راست است یکسان است؟».

ای مردم: با وجود ارزش «انصاف» است که فرد و خانواده و جامعه احساس امنیت و رضایت و قناعت می‌کنند زیرا در زندگی و معیشت و همه امور آنان چیز دیگری نمی‌تواند مضرتر از ظلم و جور و ستم و دنباله‌روی از هوای نفس وجود داشته باشد. با وجود اخلاق انصاف است که می‌توان به عالم اعتماد کرد و با وجود انصاف است که می‌توان نوشته روزنامه‌نگاران را با خیال راحت پذیرفت و یا به مسئولان اعتماد کرد....

انصاف، چنانکه امام بخاری در صحیح خود بطور معلق از عمار رضی الله عنه روایت نموده است یک سوم ایمان است. ایشان می‌فرماید: «سه خصلت است که هر که در خود داشته باشد ایمان را یکجا در خود جمع نموده است: داشتن انصاف و سلام گفتن با همگان و انفاق در حال تهیدستی»

دور نرفته‌ایم اگر بگوییم انصاف همه ایمان است زیرا هرکه با خود انصاف ورزد به همگان سلام گفته و انفاق خواهد کرد و بلکه هرکه انصاف پیشه سازد ایمان آورده و استقامت می‌ورزد و خداوند را به پروردگاری شناخته و اسلام را به عنوان دین می‌پذیرد و محمد را به پیامبری قبول خواهد کرد. آیا ممکن است کسی با داشتن انصاف ستم ورزد یا تقلب کند؟ آیا ممکن است بخیلی ورزد؟ آیا ممکن است ظلم بپذیرد یا در برابر آن چشم خود را ببندد؟ آیا ممکن است جانبداری ناحق کند یا تعصب ورزد؟ آیا امکان دارد که نیکی‌ها را رها کرده و به دنبال کارهای بی‌ارزش راه بیفتد؟

منصف از همه این‌ها دور است... اما چنین انسان منصفی در دوران جهانی سازی کجا یافت می‌شود؟ در عصر ماده و طغیان شهوت‌ها چنین منصفی را کجا می‌توان یافت؟ امام مالک رحمه الله می‌فرماید: «در زمانه ما نایب‌تر از انصاف وجود ندارد»... قرطبی رحمه الله در توضیح سخن امام مالک می‌گوید: «این دوران امام مالک است... حال درباره وضعیت زمانه ما چه می‌توان گفت که در آن فساد همه‌گیر شده و مردم دون صفت بسیار شده‌اند؟!»

این سخن امام قرطبی بود. اکنون ما می‌گوییم: امام مالک رحمه الله در قرن دوم هجری می‌زیست و امام قرطبی رحمه الله در قرن ششم زندگی می‌کرد! در مورد قرن ما چه نظری می‌توان داشت؟! وضعیت دوران ما بسیار خطرناک‌تر است... تنها می‌توان به سوی خداوند شکایت برد و به او توکل کرد...

کسی که انصاف پیشه نسازد نه خواهد دانست و نه درک خواهد کرد. برای آنکه درستی سخن امام مالک و امام قرطبی برای ما آشکار شود نگاهی به دوران خود بیندازیم که افرادی صفاتی را برای حق بیان می‌کنند که تنها بر آنچه انجام می‌دهند یا می‌گویند مطابقت دارد تا آنکه آنچه دیگران انجام می‌دهند یا می‌گویند باطل و ناحق شود! با آنکه دامنه حق وسیع‌تر از آنان است و حقیقت نزد دیگران نیز یافت می‌شود اما آنان خود را سخنگوی اختصاصی حق می‌دانند و ممکن است خود آن‌ها فردا کاری انجام دهند که

قبلا آن را از دیگران اشتباه می‌دانستند اما با این وجود سخن نهایی را از آن خود می‌دانند...

چنین افرادی افکار خود را در میان هاله‌ای ساختگی می‌پوشانند و برای ساکت کردن مخالفان خود قلم‌ها و زبان‌های زیادی را به خدمت خود در می‌آورند و براساس روش و منهج خود مردم را به دو دسته تقسیم می‌کنند: دسته‌ای که با آنانند و دسته‌ای که علیه آنانند.

آنان می‌دانند که عموم مردم اینقدر حافظه ندارند که گذشته نزدیک را به یاد بیاورند تا چه رسد به گذشته دور، تا اینکه به تناقض سخنان آنان و تغییر روششان پی ببرند. گرچه برخی از مردم این را فراموش نکرده‌اند اما به علت ترس یا طمع یا خودخواهی سکوت اختیار می‌کنند...

هر که می‌خواهد کسی را در انصافش مورد آزمایش قرار دهد باید با وی در مورد بیشترین چیزی که دوستش دارد و هوا و هوسش با آن سازگار است و شبهه یا شهوتش به آن دعوت می‌کند مخالفت ورزد و آنگاه ببیند که آن فرد چگونه چهره عوض کرده و داد و بیداد راه می‌اندازد و به جلب کردن همفکرانش می‌پردازد تا آنکه اینچنین قضیه‌را علم کرده و به ویرانسازی بنای انصاف پردازد.

انصاف یعنی این... آنکه انصافش کم است بر زبان مردم نکوهیده است و نامش ناگوار است و چشم‌ها از دیدنش ناخشنود... مردم از هم‌نشینی با او گریزانند و از همسایگی با وی فراری... گوشتش در جمع مردم خورده می‌شود و آبرویش هر جا نام او برده شود به زمین ریخته می‌شود... مردم نه تحمل اسم او را دارند و نه تحمل رسمش، و آرزو می‌کنند که ای کاش میان او و آنان فاصله‌ای طولانی باشد؛ و مردم شاهدان خداوندند بر زمین. پس هرکه انصاف را ترک گفت و خودخواهی را برگزید و خود را از هر چیزی حتی از «حق» برتر دانست، چنین شخصی باید بر نفس خود چهار تکبیر نماز میت را ادا کند زیرا صفت انصاف در دورن وی مرده و خود وی نیز جزو مردگان است!

اگر با دقت به اسبابی که باعث از بین رفتن انصاف در بین مردم می‌شود نظر بیندازیم خواهیم دید حسد اساس و پایه آن است. چرا که ممکن نیست از شخص حسود انصاف سر زند همانطور که ممکن نیست ظلم و ستم از انسانی که دیگران را دوست دارد سر بزند.

و حسد همانگونه که «اصمعی» می‌گوید در حد خود دردی است کشنده زیرا همان بلایی را که بر سر قربانی خود می‌آورد بر سر شخص حسود نیز خواهد آورد و بلکه به مانند انعکاس صدای انسان است که به خود وی خواهد رسید، اگر با انصاف سخن بگویی پژواک صدایت نیز انصاف را به تو باز خواهد گرداند و اگر با بی‌انصافی سخن بگویی بازگشت صدایت نیز بی‌انصافی را به گوشت خواهد رساند و جزا از جنس عمل است.

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَايَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ [النحل: ۹۰].

«همانا الله به عدل و نیکوکاری و بخشش به نزدیکان امر می‌نماید و از فحشا و منکر و تجاوز باز می‌دارد. او شما را نصیحت می‌کند تا آنکه پند گیرید».

خداوند من و شما را با قرآن و سنت و آیات و حکمت آن مورد برکت قرار دهد. آنچه را گفتم اگر درست بود از سوی خداوند است و اگر اشتباه بود از نفس و از شیطان... و از خداوند آموزش می‌خواهم که او بسی آموزنده است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش تنها از آن الله است و درود و سلام بر آنکه پیامبری پس از وی نیست. اما بعد... ای بندگان خداوند تقوای وی را پیشه کنید و بدانید که در حکم بر افراد و آرا و اشخاص و در رفتاری که به دیگری مربوط می‌شود باید دو عنصر اساسی وجود داشته باشد: نخست: علم به آن چیز و دوم: انصاف در آن؛ زیرا علم به یک چیز انسان را به حقیقت می‌رساند و حکم براساس این حقیقت با در نظر گرفتن علم‌گرایی و با دوری از

عاطفه و احساسات و تعصبات دقیقاً همان انصافی است که ما آن را می‌خواهیم و داریم درباره آن سخن می‌گوییم...

برای به تصویر کشیده شدن عنصر علم می‌توان آن را بطور واضح در خلال این قاعده که «حکم بر چیزی برگرفته از تصور و دانسته شدن آن است» مشاهده نمود و برای به تصویر کشیدن عنصر انصاف نیز انسان می‌تواند نگاهی به منهج قرآن کریم بیندازد، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ ءَلَّا تَعْدِلُوا ءَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ﴾ [المائدة: ۸].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید برای الله به عدالت برخیزید [و] به عدالت شهادت دهید و نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که آن به تقوا نزدیکتر است».

یعنی دشمنی و کینه نسبت به قومی شما را بر آن ندارد که انصاف را در مورد آنان فراموش نمایید. بلکه عدل و انصاف را در مورد هر کسی به کار ببرید، دشمن باشد یا دوست. و این سخن خداوند متعال گواهی است بر این سخن، آنجا که می‌فرماید:

﴿وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ أَن صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَن تَعْتَدُوا...﴾ [المائدة: ۲].

«نبايد كينه‌توزی گروهی که شما را از مسجد الحرام باز داشتند شما را به تعدی وادارد».

شیخ الاسلام ابن تیمیه و ابن کثیر می‌فرمایند: «معنای آیه این است که: دشمنی قومی که شما را در سال حدیبیه از مسجدالحرام بازداشته بودند، شما را بر آن ندارد که درباره آن‌ها براساس حکم خداوند عدالت نورزید و این باعث گردد از روی ستم و تجاوز از آنان انتقام بگیرید. بلکه براساس آنچه خداوند شما را بدان امر نموده حکم نمایید که همان عدالت ورزیدن در حق همگان است».

و نشانه همه این‌ها عدل و انصاف است. یعنی نه باید در حال خشنودی از کسی در تعریف و تمجید وی غلو کرد و نه در حالت دشمنی در بدگویی وی افراط نمود. بلکه باید در حالت خشنودی این سخن خداوند متعال درباره ما صدق نماید که می‌فرماید:

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوْمِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ...﴾ [النساء: ۱۳۵].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید پیوسته به عدالت قیام کنید و برای الله گواهی دهید هر چند به زیان خودتان یا [به زیان] پدر و مادر و خویشاوندان [شما] باشد».

و در حالت دشمنی و اختلاف نیز این سخن خداوند گویای حال ما باشد:

﴿وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ ءَلَّا تَعْدِلُوْا﴾ [المائدة: ۸].

«و دشمنی گروهی شما را بر آن ندارد که [در حق آنان] عدالت نورزید».

و در این حالت نباید با چشم بدبینی به طرف مقابل نظر انداخت. چشمی که تنها بدی‌ها را می‌بیند که اگر با چشم خشنودی به آن‌ها نگریسته می‌شد زشتی‌ها را نیز زیبا نشان می‌داد! و اساس در همه این‌ها آن است که جلو هوا و هوس گرفته شود تا آنکه انسان را به این لغزش‌ها نکشانند چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿... فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىَٰ أَنْ تَعْدِلُوْا...﴾ [النساء: ۱۳۵].

«پس از پی هوا و هوس نروید که [در نتیجه از حق] عدول کنید».

و در پایان درود فرستید بر بهترین و پاکترین انسان‌ها محمد بن عبدالله، آن صاحب حوض کوثر و مقام شفاعت که خداوند شما را بدان امر نموده و خود و ملائکه‌اش نیز بر وی درود فرستاده‌اند:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾

﴿[الأحزاب: ۵۶].﴾

«همانا الله و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او

درود و سلام فرستید».

و رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم می‌فرماید: «هرکه بر من یک درود فرستد خداوند به وسیله آن بر او ده درود خواهد فرستاد».

خداوندا درود و سلام و برکت فرست بر بنده و رسولت محمد مصطفی و راضی و خشنود باش از چهار خلیفه پیامبرت ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه پیامبرت - صلی الله علیه وآله وسلم - و از تابعین و آنانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند و از ما به همراه آنان با عفو و کرم خود راضی و خشنود باش ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، و شرک و مشرکان را خوار بگردان. خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومنت را یاری ده...

خداوندا غمِ غم دیدگان مسلمان را برطرف ساز و سختیِ سختی دیدگان را برطرف ساز و قرض وام‌داران را ادا نما و بیماران ما و دیگر بیماران مسلمان را با رحمت خویش شفا عطا فرما ای رحیم‌ترین رحیمان.

بارالها ما را در سرزمین‌هایمان ایمن بدار و مسولان ما را اصلاح نما و مسئولیت و ولایت ما را در دست کسانی قرار ده که تقوای تو را داشته باشند و رضایت تو را در پیش گیرند... بارالها تو آن خداوندی هستی که معبودی حقیقی جز تو نیست، تو بی‌نیازی و ما فقیریم؛ باران را بر ما نازل نما و ما را از مایوسان نگردان، خداوندا باران را بر ما ببار و ما را از نومیدان قرار مده. خداوندا باران را بر ما نازل نما و ما را از نا امیدان قرار مده. خداوندا ما را به سبب بدی‌هایمان از خوبی‌های خود محروم نساز.

خداوندا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کم و از آتش جهنم دور بدار. پاک و بی‌عیب است پروردگارت، آن پروردگار عزت از آنچه مشرکان به دورغ بدو نسبت می‌دهند و سلام بر پیامبران و سخن آخرمان این است که الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه: نماز و جایگاه آن

خطیب: دکتر علی بن عبدالرحمن الحدیفی

مسجد نبوی شریف: جمعه ۲۰ شوال ۱۴۳۰ برابر با ۱۷ مهرماه ۱۳۸۸

خطبه‌ی اول:

حمد و ثنا از آن الله است، او را ستایش گفته و از وی استعانت جسته و هدایت می‌خواهیم و از بدی‌های خود و از اعمال ناشایستمان به الله پناه می‌بریم... خداوند هرکه را هدایت کند او گمراه‌گری نخواهد داشت و هرکه را گمراه سازد وی هدایت‌گری نخواهد یافت، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست به جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که پیامبر ما محمد، بنده و پیامبرسان اوست که خداوند وی را با هدایت و دین حق برانگیخت تا این دین را بر دیگر ادیان پیروز و ظاهر گرداند حتی اگر کافران نپسندند...

بارالها بر بنده و پیامبرت محمد، و بر اهل بیت و یارانش درود و سلام فرست. اما بعد... تقوای خداوند را آنگونه که شایسته است پاس دارید و به ریسمان محکم دین چنگ زنید که صلاح امور و عاقبت نیک در تقوای پروردگار است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا﴾ [الطلاق: ۵].

«و هرکس که تقوای الله را پیشه کند بدی‌هایش را از او بزداید و پاداشش را بزرگ گرداند».

ای بندگان خداوند... آیا با آن رکن بزرگ و عمل عظیم و خیر پی در پی آشنایید؟ آن خیری که خداوند بوسیله آن همه اعمال شما را نیکو می‌گرداند و قلب شما را پاک ساخته و اخلاقتان به وسیله آن نیکو گشته و روزیتان افزون شده و دنیایان آباد گردیده و

درجاتان در بهشت بالا رفته و به آن جایی دست خواهید یافت که بیش از آرزوهایتان است... آیا می‌دانید عامل رسیدن به همه این‌ها چیست؟

این رکن بزرگ که باعث محقق شدن همه این خواسته‌ها می‌شود چه می‌تواند باشد؟ آری این مهم، نماز است. نمازی که با همه شروط و ارکان و واجبات و مستحباتش برپا گردد؛ زیرا نماز بزرگ‌ترین رکن اسلام پس از شهادتین است که خداوند آن را در هر دینی مشروع گردانده و خداوند از هیچ یک از پیشینیان و پسینیان دینی را که نماز نداشته باشد نخواهد پذیرفت. خداوند متعال فرموده است:

﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِيذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُم مِّنْ بَهِيمَةٍ ۗ أَلَّا تَعْلَمَ ۗ فَإِنَّهُمْ إِلَى اللَّهِ وَاحِدٌ ۖ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ ﴿٣٤﴾ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمْ وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ﴿٣٥﴾﴾ [الحج: ۳۴-۳۵].

«و برای هر امتی مناسکی قرار دادیم تا نام الله را بر دام‌های زبان‌بسته‌ای که روزی آن‌ها گردانیده یاد کنند پس [بدانید که] خدای شما خدایی یگانه است پس به [فرمان] او گردن نهید و فروتنان را بشارت ده (۳۴) همانان که چون الله یاد شود دل‌هایشان خشیت یابد و [آنان که] بر هر چه بر سرشان آید صبر پیشه‌گاند و برپا دارندگان نمازند و از آنچه روزیشان داده‌ایم انفاق می‌کنند».

اما خداوند متعال این امت را با فضل و کرم خویش و به دلیل فضیلت کتاب این امت و پیامبر آن ویژگی‌هایی بخشیده است که پیش از این برای هیچ امت دیگری قرار نداده است.

از جمله ویژگی‌هایی که خداوند متعال به این امت بخشیده است نمازهای پنجگانه‌ای است که در شب معراج و در آسمان بر این امت فرض گردانده شد و خداوند در آن شب به بنده و پیامبرش محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - وحی نموده و با او سخن گفت و نمازهای پنجگانه را بدون واسطه فرشته بر او فرض گرداند. آن جا که سرور پیامبران به سوی آسمان‌های بلند و درخت سدره المنته‌ها عروج کرد و سپس خداود او را به جایی رساند که هیچکس بدانجا دست نیافته بود آنگاه جبرئیل را امر نمود که با پیامبر خدا -

صلی الله علیه وآله وسلم - در اول وقت هر نماز و آخر وقت آن، همه نمازها را به جای بیاورد و در پایان جبرئیل به او فرمود:

«ای محمد؛ این وقت نماز پیامبران پیش از توست و وقت هر نماز میان این دو وقت (یعنی اول وقت و آخر وقت آن) است» [به روایت ابوداود و دیگران از حدیث ابن عباس].

فرض شدن این نماز بدون واسطه وحی و فرض گرداندن آن با امامت جبرئیل تأکیدی است اضافه بر فرض بودن آن و بیان منزلت والای این فریضه.

خداوند متعال نیز در کتاب خود افعال و اقوال آن را بیان نموده و رسول خداوند صلی الله علیه وآله وسلم ارکان و واجبات و مستحبات آن را شرح داده و همه اقوال و افعال آن را به صحابه آموخته و در مدت عمر گرامی خویش این نماز را با آنان در همه اوضاع، در سفر و در اقامت برپا نموده و فرموده است:

«همانگونه که می‌بینید من نماز می‌گذارم نماز بگذارید». و هر نسلی از مسلمانان این نماز را از نسلی دیگر نقل نموده و هیچ قول یا فعلی از آن را مورد اهمال قرار نداده‌اند پس حمد و سپاس خداوند را به جای می‌آوریم که ما را از مسلمانان قرار داده و دین را برای ما حفظ نمود... چه عظیم است رحمت خداوند و چه بزرگ است نعمت او بر مردم...

اینکه نمازها از سوی پروردگار جهانیان بدون واسطه فرشته و با سخن مستقیم خود خداوند با پیامبرش صلی الله علیه وآله وسلم بر امت فرض گردیده است، از بزرگ‌ترین دلایل است برای منزلت نماز نزد خداوند متعال و منزلت آن در دین و اینکه این فریضه جامع همه نیکی‌هاست.

تا وقتی که این فریضه در زمین باشد، دین نیز هست و اگر دچار نقصان گردید دین نیز دچار نقصان می‌گردد و با پایان یافتن آن در نزدیکی قیامت، دین نیز به پایان می‌رسد. زمین با افزون شدن نمازگزاران اصلاح می‌شود و با کم شدن آنان رو به خرابی می‌گذارد و اگر هر مرد و زن مسلمانی همانگونه که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم نماز را به

پا می‌داشت، نماز را برپا می‌داشتند، امت از شر فتنه‌ها و بدی‌ها و تخلفات گوناگون و عقوبت الهی در امان می‌بود و خداوند شر دشمنان را از آن‌ها کوتاه کرده و اوضاع همه مردان و زنان مسلمان رو به بهبود می‌نهاد...

با صلاح و نیکویی افراد خیر و نیکی زیاد شده و شر و بدی رو به کمبود می‌نهد و مردم معروف را دوست داشته و منکر را بد دانسته و میان خود به عطوفت و مهربانی و نصیحت متقابل رفتار خواهند کرد.

اما اگر مردم نماز را دست کم گیرند و برخی از آنان آن را ضایع کنند یا در ارکان یا واجبات آن نزد برخی از مردم نقص وارد گردد یا آنکه برخی از آنان در ادای آن با جماعت سستی نموده یا آن را از وقت خود به تاخیر اندازند، این تقصیر در مورد نماز در امور و مسائل دیگر آنان منعکس شده و امورشان رو به تباهی خواهد گذاشت و وضعیت شان تغییری ناگوار خواهد نمود... خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلَا تُطِيعُ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا﴾ [الكهف: ۲۸].

«و از آن کس که قلبش را از یاد خود غافل ساخته‌ایم و از هوس خود پیروی کرده و

[اساس] کارش بر زیاده‌روی است اطاعت مکن.»

آنکه در قلبش هنوز اثری از حیات است عقوبت را احساس خواهد کرد اما... مرده چگونه درد را احساس کند؟! ام سلمه رضی الله عنها می‌گوید: «مردم در دوران رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در هنگام نماز نگاهشان را به سجده‌گاهشان می‌دوختند. در دوران ابوبکر رضی الله عنه نگاهشان را نزدیک سجده‌گاهشان می‌گذاشتند، اما در دوران عمر رضی الله عنه نگاهشان را به سمت قبله گرداندند و در دوران عثمان رضی الله عنه به چپ و راست توجه کردند تا آنکه آن فتنه رخ داد.»

فقه و علم ام المومنین بانو ام سلمه رضی الله عنها را ببینید که چگونه انعکاس نماز را بر وضعیت و حال و روز مردم و صلاح یا تباهی حالشان مشاهده کرده است. یکی از یاران انس بن مالک رضی الله عنه بر وی وارد شد و او را در حال گریه یافت. پس

گفت: ای ابو حمزه چه چیز تو را به گریه انداخته است؟ ابن مسعود فرمود: «بر آنچه مردم مرتکب شده‌اند می‌گیریم... حتی این نماز را نیز از وقتش به تاخیر انداخته‌اند».

نماز، همانطور که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم می‌فرماید خود دین و جامع امور اسلام است. ایشان می‌فرماید:

«رأس امور، اسلام است و ستون آن نماز است» [به روایت ترمذی از حدیث معاذ].

همچنین از ابوهریره رضی الله عنه از رسول خداوند صلی الله علیه وآله وسلم روایت است که فرمودند: «نمازهای پنجگانه و جمعه تا جمعه کفاره گناهان میان یکدیگرند تا وقتی که [بنده] آلوده گناهان کبیره نشود» [به روایت مسلم].

همچنین از عبادة بن صامت رضی الله عنه روایت است که گفت: شنیدم رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم می‌فرمود: «پنج نماز است که خداوند آن‌ها را بر بندگانش نوشته است، پس هرکه آنان را انجام دهد و از روی کم شمردن آن چیزی از آن را ضایع نگرداند، برای او نزد خداوند عهدی است که وی را به بهشت وارد سازد و هرکه آن‌ها را انجام ندهد نزد خداوند هیچ عهد و پیمانی ندارد...» [به روایت ابوداود و نسائی].

همچنین از عبدالله بن قُسط رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «اولین چیزی که بنده در مورد آن در روز قیامت مورد پرسش قرار می‌گیرد نماز است، اگر نمازش نیکو گشت سایر اعمالش نیز نیک می‌شود و اگر نمازش فاسد بود سایر اعمالش نیز فاسد خواهد شد» [به روایت طبرانی].

روح نماز نیز «خشوع» به همراه اجرای سنت و ادای آن به همراه جماعت در مساجد است؛ خداوند متعال می‌فرماید:

﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ﴿٢﴾﴾ [المؤمنون: ۱-۲].

«همانا مومنان رستگار شدند (۱) آنانی که در نماز خود خاشعند».

از ابن عباس رضی الله عنه روایت است که فرمود: «هرکه اذان را بشنود و آن را اجابت نکند نماز ندارد مگر با وجود عذر» [به روایت حاکم، وی آن را به شرط بخاری و مسلم صحیح دانسته است].

اما در مورد بانوان نماز آنان در خانه‌هایشان بهتر است. از ام سلمه رضی الله عنها از رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم روایت است که ایشان فرمودند: «بهترین مساجد زنان دوزخ خانه‌هایشان است» [به روایت احمد و طبرانی].

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿... وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ﴿٤٥﴾﴾ [العنكبوت: ۴۵].

«... نماز را برپا دار که نماز از کار زشت و ناپسند باز می‌دارد و قطعاً یاد الله بالاتر است و الله می‌داند چه می‌کنید».

خداوند متعال من و شما را به واسطه قرآن عظیم الشان سود رسانده و ما را با آیات و ذکر حکیم و راه و روش سیدالمرسلین و سخنان ارزشمند ایشان مورد منفعت قرار دهد... سخن خویش را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از خداوند بزرگ آمرزش می‌خواهم که او بس بخشاینده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

حمد و سپاس تنها مخصوص پروردگار جهانیان است و گواهی می‌دهم که معبودی حقیقی نیست جز الله که واحد است و شریکی ندارد. او خداوند اولین و آخرین است و گواهی می‌دهم که پیامبر و سرور ما محمد، بنده و پیامبرسان اوست که با هدایت و یقین مبعوث گردیده است تا آنان را که زنده‌اند هشدار دهد و تا آنکه سخن پروردگار و وعده وی درباره کافران محقق گردد... خداوند بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یارانش درود و سلام و برکت ارزانی دار.

اما بعد... تقوای خداوند را آنگونه که به شما امر نموده به پا دارید و از آنچه شما را نهی نموده دوری کنید که پروردگار شما اهل تقوا و اهل مغفرت است.

بندگان خداوند... شأن و منزلت نماز بسی عظیم است و امر آن بسیار بزرگ، پس آن را آنگونه که پیامبر شما برایتان قرار داده است به جای آورید و همیشه یکدیگر را درباره

آنچه باعث به پا داشتن آن و کامل انجام دادن آن می‌شود یادآوری نماید. لازم است هر زن و مرد مسلمان فقه نماز را مورد اهمیت قرار دهد و لازم است که سوره حمد را به درستی در نماز قرائت کند زیرا برخی از مسلمانان در مورد نقص و اشتباه در قرائت آن غفلت می‌کنند در حالی که سوره فاتحه رکنی از ارکان نماز برای امام و برای منفرد است و در صحیح‌ترین اقوال علما خواندن آن برای شخصی که پشت سر امام نماز می‌گذارد نیز واجب است.

شایسته است که نمازگزاران برای اجر عظیمی که نزد پروردگار خود دارند شاد باشند و بشارت دهند... از ابودرداء رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند:

«پنج چیز است که هر کس آن‌ها را با داشتن ایمان به جای آورد بهشتی می‌شود: هر که بر نمازهای پنجگانه و بر وضوی آن‌ها و رکوع و سجود و اوقات آن محافظت نماید، و روزه رمضان را گرفته و حج خانه خداوند را در صورت توانایی به جای آورده و زکات را با خوشی و رضایت درون ادا نماید» [به روایت طبرانی... منذری می‌گوید اسناد آن جید است].

و خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَأَسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۲۰﴾﴾

[المزمل: ۲۰].

«و نماز را برپا دارید و زکات را پردازید و قرض نیکو به الله دهید و هر کار خوبی برای خویش از پیش فرستید آن را نزد الله بهتر و با اجر بیشتر باز خواهید یافت و از الله آمرزش بخواهید که الله آمرزنده مهربان است».

بندگان خداوند... همانا خداوند شما را به امری دستور داده که خود نخست آن را انجام داده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴾ [الأحزاب: ۵۶].

«همانا الله و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود و سلام فرستید».

و رسول خداوند صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرماید: «هر که بر من یک درود فرستد خداوند بخاطر آن بر وی ده بار درود می‌فرستد» پس بر سرور اولین و آخرین و امام مرسلین و آن شفیع روز قیامت درود و سلام فرستید.

خداوندا بر محمد و آل محمد درود فرست همانگونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی که تو ستوده شده و با عظمتی... خداوندا بر محمد و آل محمد برکت ارزانی دار همانگونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم ارزانی داشتی که تو حمید و مجیدی.

خداوندا و راضی باش از خلفای راشدین، آن امامان هدایتگر، ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه و و از تابعین و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند و از ما به همراه آنان با کرم و رحمت راضی شو ای مهربان‌ترین مهربانان. خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده. خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و کفر و کافران را خوار بگردان.

خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت را یاری ده. خداوندا ما را و ذریه ما را برپاکننده نماز بگردان. خداوندا ما و ذریه ما را چنان که باعث خشنودی توست برپا کننده نماز بگردان. خداوندا ای پروردگار جهانیان مسلمانان و ذریه آنان را به پا دارنده نماز بگردان... خداوندا ما از تو مسألت داریم که گناهان گذشته و آینده ما را و گناهان پنهان و آشکار ما و آنچه را خود بهتر از ما به آن آگاهی مورد مغفرت قرار دهی.

خداوندا عاقبت ما را در همه امور به خیر گردان و ما را از خواری دنیا و عذاب آخرت نجات ده. خداوندا ما را از بدی‌های نفس خود و از کارهای بدمان دور گردان. خداوندا ما را از هر بدی و شری پناه ده ای پروردگار جهانیان. خداوندا ما به تو از شر هر صاحب شری پناه می‌بریم که تو بر هر چیزی توانایی.

خداوندا ما را در راه طاعت خویش به کار گیر و از معصیت خویش دور گردان. خداوندا به فریاد ما برس، خداوندا به فریاد ما برس... ای مهربان‌ترین مهربانان. خداوندا میان قلب مسلمانان الفت ایجاد کن و روابط آنان را نیک گردن... خداوندا ما و آنان را در دین خود موفق گردان. خداوندا ما از تو می‌خواهیم ما را در دنیا نیکی عطا نمایی.

﴿وَمِنْهُمْ مَّنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿۳۱﴾﴾

[البقرة: ۲۰۱].

«پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش جهنم دور بگردان». خداوندا ما از تو مسألت داریم که مسلمانان را در دین و جان و مال و ناموسشان مورد محافظت قرار دهی. خداوندا دلهره‌هایمان را آرام گردان و پوشیده‌های ما را محفوظ بدار، بارالها از تو عفو و عافیت را در دین و دنیا و آخرت مسألت می‌داریم. تویی آن خداوندی که معبودی به حق نیست جز تو. تویی آن مدعوایی که مورد امید است و تویی که بر هر کاری توانایی.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان در امن و امان بدار و والیان و مسئولان ما را صالح بگردان. خداوندا ما آغاز خیر و پایان آن را و ظاهر آن و باطن آن و همه آن را از تو خواستاریم. تو بر هر چیزی توانایی.

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَايِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُم لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿۹۰﴾﴾ [النحل: ۹۰].

«در حقیقت الله به عدالت و احسان و بخشش به نزدیکان امر می‌کند و از فحشا و منکر و تجاوز بازمی‌دارد. وی به شما اندرز می‌دهد باشد که پند گیرید».

﴿وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ﴿۹۱﴾﴾ [النحل: ۹۱].

«و چون با الله پیمان بستید به پیمان خود وفا کنید و سوگندهای [خود را] پس از استوار کردن آنها مشکیند با اینکه الله را بر خود ضامن [و گواه] قرار داده‌اید زیرا الله آنچه را انجام می‌دهید می‌داند».

و خداوند بزرگ جلیل را یاد کنید تا شما را یاد کند و او را شکر گوید تا شما را افزون دهد و همانا یاد الله بسیار برتر است و خداوند به آنچه می‌کنید آگاه است.

عنوان خطبه:

امنیت و اهمیت آن در زندگی مردم

خطیب: دکتر صالح آل طالب

مسجد الحرام: جمعه ۲۷ شوال ۱۴۳۰ هجری قمری برابر با ۲۴ مهر ماه ۱۳۸۸

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است، ستایش از آن خداوندی است که وصفش بزرگ است و آزمایشش زیباست و عطایش کامل. ستایش برای الله است، او را حمد گفته و از او یاری جسته و از وی آمرزش می‌خواهیم، و از بدی‌های خود و اعمال ناشایستمان به او پناه می‌بریم. خداوند هرکه را هدایت کند او گمراه‌گری نخواهد داشت و هرکه را گمراه سازد وی هدایت‌گری نخواهد یافت و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنهاست و بی‌شریک است... اوست که گناهان را می‌آمرزد و عیب‌ها را می‌پوشاند و اوست که نعمت‌های آشکار و پنهانش را بر ما فروفرستاده است...

و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر او و خلیل و برگزیده اوست که رسالت را به درستی ابلاغ نموده و امانت را ادا کرده و برای امت خیرخواهی نموده و در راه خداوند آنگونه که شایسته است جهاد نمود تا آنکه به دیدار پروردگار شتافت... درود و سلام بسیار خداوند بر او و بر اهل بیت و یارانش باد.

اما بعد ای بندگان خداوند، تقوای وی را پیشه سازید، تقوای او را پیشه ساخته و او را مراقب خود بدانید و امرش را اجرا نموده و معصیتش را نکنید که هرکه تقوای الله را پیشه سازد او نیز وی را حفظ می‌نماید و او را از هر هم و غمی محفوظ می‌دارد. هرکه به عاقبت کارها نگاه کند نجات می‌یابد و هرکه از هوا و هوسش اطاعت کند گمراه می‌شود:

﴿... وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بَغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ...﴾ [القصص: ۵۰].

«... چه کسی گمراه‌تر از آن کسی است که بی‌راهنمایی الله از هوسش پیروی کند...». اما بعد... ای مسلمانان... از جمله اندرزهای با ارزشی که در مشکاة نبوت آمده است این سخن رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم است که می‌فرمایند: «هر کدام از شما که شب را سپری نماید در حالی که در میان خانواده‌اش در امان است و خود در سلامت به سر می‌برد و قوت روزش را نیز دارد، به مانند این است که همه دنیا برایش جمع شده است» [به روایت امام ترمذی و ابن ماجه با سند حسن].

در این حدیث رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم اصول به دست آوردن دنیا را سه چیز دانسته است: امنیت در وطن، سلامتی در بدن و روزی کافی؛ بر این اساس از دست دادن امنیت به مانند از دست رفتن یک سوم زندگی است و یک سوم، بسیار است. و از آنجایی که امنیت و آرامش، یک سوم زندگی است خداوند بر قریشیان چنین منت نهاده و می‌فرماید:

﴿فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ ۖ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَعَامَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ ۖ﴾

[قریش: ۳-۴].

«پس باید که پروردگار این خانه را عبادت کنند (۳) آنکه اینان را در گرسنگی غذا داد و از ترس در امان داشت».

ای مسلمانان: امنیت و آرامش و استقرار، نیازی ضروری از نیازهای انسانی است؛ در سایه امنیت است که زندگی گوارا شده و علم و دانش منتشر می‌شود و مردم به عبادت

پروردگار و منافع دنیایی خود مشغول می‌شوند، و برای همین است که دعای ابراهیم خلیل علیه السلام چنین بود که خداوند در کتابش آورده است:

﴿... رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا ءَامِنًا وَاَرْزُقْ اَهْلَهُ وَاَمِنْ اَهْلَهُ مِنَ الشَّرِّ...﴾ [البقرة: ۱۲۶].

«... پروردگارا این سرزمین را امن بدار و اهل آن را از ثمرات روزی ده...».

بینید چگونه ابراهیم خلیل امنیت را بر طلب روزی مقدم داشته است؟ این برای این است که زندگی بدون امنیت گوارا نخواهد بود...

خداوند متعال نیز در مواضع مختلفی با نعمت امنیت بر بندگان خود منت نهاده است.

چنانکه می‌فرماید:

﴿وَاذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ

فَقَاوَنَكُمُ وَأَيَّدَكُم بِنَصْرِهِ وَاَرْزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ [الأنفال: ۲۶].

«و به یاد آورید هنگامی را که شما در زمین گروهی اندک و مستضعف بودید می‌ترسیدید مردم شما را بر بایند پس [الله] به شما پناه داد و شما را به یاری خود نیرومند گردانید و از چیزهای پاک به شما روزی داد باشد که سپاسگزاری کنید».

قتامه بن دُعامة سدوسی - رحمه الله - در تفسیر این آیه می‌گوید:

«این قبیله از عرب ذلیل‌ترین مردم و دارای سخت‌ترین زندگی و گرسنه‌ترین آن‌ها و لخت‌ترین آنان و گمراه‌ترینشان بودند. هر که از آنان زندگی می‌کرد در شقاوت می‌زیست و هر که می‌مرد به آتش درمی‌افتاد...»

به خداوند سوگند کسی از اهل زمین نمی‌شناسیم که در آن روزگاز دارای جایگاهی بدتر از آنان باشد... تا آنکه خداوند اسلام را آورد و [آنان را به وسیله اسلام] در زمین قدرت داد و روزی‌شان را وسیع گرداند و آنان را پادشاهانی بر مردم گردانید...

خداوند به وسیله اسلام آنچه را دیدید به شما عطا کرد؛ پس او را بر نعمت‌هایش شکر گوید که خداوند شما نعمت‌دهنده‌ای است که شکر را دوست دارد و اهل شکر نعمت‌هایی بیشتر از سوی خداوند به دست خواهند آورد» پایان سخن ابن دُعامة سدوسی رحمه الله.

ای مسلمانان: این نعمت همچنان از سوی خداوند ادامه داشت و کم نشد جز هنگامی که مردم از دین خود کم کردند و تغییر کردند. روزی‌ها تنگ نگردید و نگرانی‌ها و فتنه‌ها اتفاق نیفتاد و مسلمانان مستضعف نگردیدند مگر هنگامی که شرک و گناهان در برخی از سرزمین‌های مسلمان راه یافت...

جزیره العرب نیز از این جریان دور نبود. این سرزمین نیز تا گذشته‌ای نه چندان دور مکانی بود برای راهزنی و دزدی و قتل و ترس، تا آنکه خداوند با دعوت توحید و پیروی از سنت سرور پیامبران - صلی الله علیه وآله وسلم - بر آن منت نهاد تا دوباره سرزمینی گردد امن و آرام که رزق و روزی از هر مکان، بسوی آن سرازیر می‌گردد و گنج‌های زمین بروی آن باز گردید و خیرات و برکات، همه‌گیر شده تا آنکه از نظر دین و دنیا قلب مردمان را به خود جلب کرد و همه این‌ها نبود مگر به خاطر برکت توحید و اتباع سنت و طاعت خدا و رسولش و امر به معروف و نهی از منکر...

ای مومنان! بین خداوند و هیچ کس نسب و خویشاوندی نیست و به اندازه‌ای که ایمان و تقوا وجود داشته باشد به همان اندازه نعمت و خیرات وجود خواهد داشت... آری با ایمان و تقوا است که برکات آسمان و زمین گشوده می‌شود و با این دو است که امنیت و رفاه محقق می‌شود و راست می‌گوید خداوند آنجا که می‌فرماید:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ...﴾

[الأعراف: ۹۶].

«و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم...».

امنیت با ایمان رابطه دارد. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُّهْتَدُونَ﴾

[الأنعام: ۸۲].

«کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را به شرک نیالوده‌اند آنانند که امنیت از آن‌شان است و ایشان راه یافتگانند.».

اما اگر بندگان تغییر کردند و خوبی را با بدی تبدیل نمودند سنت خداوندی نیز با کسی شوخی ندارد:

﴿... وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّن كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ﴿١١٢﴾﴾ [النحل: ۱۱۲].

«... الله شهری را مثل زده است که در امن و امان بود [و] روزیش از هر سو فراوان می‌رسید پس [ساکنانش] نعمت‌های الله را ناسپاسی کردند و الله هم به سزای آنچه انجام می‌دادند طعم گرسنگی و هراس را به [مردم] آن چشانید».

ما - الحمدلله - همچنان با دین خود و با فضل خداوندی در خیر فراوانی هستیم اما هشدارهای خداوندی پند و یادآوری است برای کسانی که قلب دارند یا با حضور قلب گوش سپارند:

﴿وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ ﴿٧﴾﴾ [إبراهیم: ۷].

«و آن هنگام که پروردگارتان اعلام نمود اگر شکر گذارید شما را افزون می‌دهم و اگر کفر ورزیدید قطعاً عذاب من سخت خواهد بود».

زیرا حفظ نعمت‌ها و اجتناب از مصیبت‌ها ممکن نیست مگر با طاعت خدا و رسولش و هرکه از این اصل تخلف کند سنت خداوندی بر وی جاری می‌شود و آنچه امروز بر مسلمانان می‌گردد هشدار است الهی تا مردم پروردگارش را فراموش نکنند و تا آنکه رفتگان بازگردند و غافلان هشیار شوند و گناهکاران استغفار نمایند.

معاصی و گناهان سبب اصلی ترس و نگرانی و اضطرابات و فتنه‌ها و بیماری‌ها و بلاها هستند. خداوند متعال در هشدار از مخالفت با پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - چنین می‌فرماید:

﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٦٣﴾﴾ [النور: ۶۳].

«پس کسانی که از فرمان او تمرد می‌کنند بترسند که مبادا بلایی بدیشان رسد یا به عذابی دردناک گرفتار شوند».

خداوند در این آیه کریمه مسلمانان را به طاعت خود و طاعت رسولش دستور می‌دهد و می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنَّهُ وَاتَّبَعُوا مَن يَتَّبِعُكُمْ﴾

[الأنفال: ۲۰].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید الله و رسول او را فرمان برید و از او روی برنتابید در حالی که [سخنان او را] می‌شنوید».

پس از این آیه است که خداوند متعال فرموده است:

﴿وَأَقْبُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً...﴾ [الأنفال: ۲۵].

«و از فتنه‌ای بترسید که تنها به ستمکاران شما نمی‌رسد».

ابن عباس رضی الله عنه در تفسیر این آیه می‌گوید: «خداوند موان را دستور می‌دهد که منکر را در میان خود نپذیرند و بدان اقرار نکنند تا آنکه عذاب آنان را فرا نگیرد و پس از آن خداوند با یادآوری ترس و وحشتی که در آن قرار داشتند و سپس امنیتی که خداوند به آن‌ها ارزانی داشت بر آن‌ها منت می‌گذارد با اشاره به این که مخالفت دستور خدا و رسولش علامتی است بر نزدیکی فتنه و ترس و بی‌امنی:

﴿وَأَذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُّسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ﴾

فَقَاوَنَكُمُ وَأَيَّدَكُم بِنَصْرِهِ...﴾ [الأنفال: ۲۶].

«به یاد آورید هنگامی را که شما در زمین گروهی اندک و مستضعف بودید می‌ترسیدید مردم شما را برابند پس [الله] به شما پناه داد و شما را به یاری خود نیرومند گردانید...».

ای مسلمانان: طاعت خدا و رسولش راهی است برای پایداری و نجات از بحران‌ها:

﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَشَدَّ تَثْبِيثًا﴾ [النساء: ۶۶-۶۷].

﴿وَلَهَدَيْنَاهُمْ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا﴾ [النساء: ۶۶-۶۷].

«و اگر آنان آنچه را بدان پند داده می‌شوند به کار می‌بستند قطعا برایشان بهتر و در ثبات قدم ایشان مؤثرتر بود (۶۶) و در آن صورت [ما هم] از نزد خویش یقینا پاداشی بزرگ به آنان می‌دادیم (۶۷) و قطعا آنان را به راه راستی هدایت می‌کردیم».

امت اسلامی به شدت نیازمند این است که خود را مورد بازخواست قرار داده و به پروردگارش بازگردد و منکرات را ترک گفته و در نیکی و تقوا تعاون و همکاری نماید؛ مخصوصا در این شرایط ناپایدار کنونی که دشمنان بر مسلمانان و سرزمین‌هایشان مسلط شده‌اند.

شایسته چنین بحران‌هایی گریز بسوی خداوند و توبه نصوح و دعوت به بازگشت به خداوند و پناه بردن به او و امر به معروف و نهی از منکر و ساکت نمودن دعوتگران رذیلت و دشمنان اصلاح است.

اما غفلت و ادامه دادن اشتباهات و گوش نسپردن به دعوتگران اصلاح و پافشاری بر مخالفت دستوران خداوند، همه این‌ها جلب کننده مصیبت‌ها و از بین برنده نعمت‌هاست و اگر گناهان علنا انجام شود و به نمایش درآید و کسی بر آن انکار نماید مصائب و بلاها بزرگ و افزون خواهد گردید.

در صحیحین از حدیث ابوهریره رضی الله عنه چنین روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «همه امت من در خوبی‌اند و مورد عفو قرار خواهند گرفت جز مجاهران» (و مجاهران کسانی‌اند که پس از انجام گناه، خود، مردم را از انجام آن مطلع می‌کنند و به آن افتخار می‌کنند).

بر ما لازم است که بر سنت پافشاری کنیم حتی اگر مردم آن را ترک گویند و آن را گرامی و باارزش بدانیم حتی اگر آن را بی‌ارزش بدانند و از آن دفاع کرده و برای اذیتی که در راه آن متحمل می‌شویم صبر پیشه نماییم که این همان راه پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان است و این راه امنیت در دنیا و آخرت است...

و زمانی که فتنه‌ها زیاد می‌شوند، تمسک و پایبندی به سنت نیز لازم‌تر و ضروری‌تر می‌شود.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٢٤﴾﴾ [الأنفال: ٢٤].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون الله و پیامبر شما را به چیزی فرا خواندند که به شما حیات می‌بخشد آنان را اجابت کنید و بدانید که الله میان آدمی و دلش حایل می‌گردد و هم در نزد او محشور خواهید شد».

خداوند متعال من و شما را با قرآن بزرگ مورد برکت قرار دهد و ما را با سنت سید المرسلین سود رساند... این سخنم را گفته و برای خود و شما از خداوند متعال آمرزش می‌خواهم.

خطبه‌ی دوم:

ستایش مخصوص خداوند است که با نعمتش حمد می‌شود و بزرگواری، با رحمت او حاصل می‌شود:

﴿وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَىٰ وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٧٠﴾﴾ [القصص: ٧٠].

«او اوست آن الله که جز او معبودی به حق نیست. در این [سرای] نخستین و در آخرت ستایش از آن اوست و حکم از آن اوست و به سوی او بازگردانیده می‌شوید».

و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد است و شریکی ندارد و گواهی می‌دهم که محمد بنده و پیامبر اوست، درود و سلام و برکات خداوند بر او و بر اهل بیت و یارانش و بر تابعین و آنانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند.

اما بعد... ای بنده خداوند، نفس خود را پیش از آنکه مورد محاسبه قرار گیرد، خود مورد محاسبه قرار ده و به آنکه هلاک شده است ننگر که چگونه هلاک شد، بلکه به آنکه نجات یافته نگاه کن که چگونه نجات یافته است و طناب آرزوها و فریب را طولانی

مساز که عمر کوتاه است و اجل محدود، و صحنه عرضه شدن بر خداوند بس سخت است، جز برای آنکه خداوند آسانش گرداند:

﴿وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ﴾ [الحج: ۴۷].

«از تو با شتاب تقاضای عذاب می‌کنند با آنکه هرگز الله وعده‌اش را خلاف نمی‌کند و در حقیقت یک روز نزد پروردگارت مانند هزار سال است از آنچه می‌شمیرید».

در غذا و نوشیدنی‌ات اندیشه کن و نگاه کن که چه می‌بینی و چه می‌شنوی و چه می‌گویی و چه پنهان می‌کنی و چه را آشکار می‌کنی؟ اگر امروز چیزی از تو پنهان شد در روز محشر پرده کنار خواهد رفت و اعضای بدن به سخن خواهند آمد... هشدار از سوی پروردگار آمد پس هرکه پند گرفت برای خود پند گرفته است و راست گفت خداوند آنجا که می‌فرماید:

﴿لَيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقُّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾ [یس: ۷۰].

«تا هشدار دهد هرکه را زنده است و تا سخن [پروردگار] در مورد کافران محقق گردد».

و آنکه از گناه توبه نماید به مانند کسی است که گناه نکرده است و خداوند عفو می‌کند و از گناه می‌گذرد.

ای مسلمانان... باز به موضوع امنیت بازمی‌گردیم... اگر امنیت منتهی است از سوی خداوند و استقرار رحمت و نعمتی است از سوی او، و رزق و روزی تابع این دو است و منفعت مردم در آن است، جرم و جنایت کسی که در این دو اخلال وارد نماید و در میان مسلمانان سلاح به دست گیرد و در پی شر و بدی برای مردم بی‌گناه باشد تا چه اندازه بزرگ خواهد بود؟!!

پیامبر - صلی الله علیه و آله وسلم - بر کسی که به شوخی تازیانه برادرش را پنهان کرد انکار نمود، تا آنکه صاحب تازیانه دچار نگرانی و غم و ناراحتی نشود. این کجا و آنان

که با امنیت مردم بازی می‌کنند کجا؟ آنان که سلاح بر دوش گرفته‌اند و جان درو می‌کنند؟

اکنون راه صحیح آشکار شده و حق و حقیقت نمایان گردیده است... برای هر صاحب بصیرتی واضح شده است و دور و نزدیک دانسته‌اند که آنچه در سرزمین‌های مسلمانان از قتل و کشتار و تخریب و مورد هدف قرار دادن مسئولان امنیتی رخ می‌دهد، هیچ ربطی به اسلام و جهاد ندارد و کسانی که درون سرزمین‌های اسلامی فساد می‌کنند تعدادی فریب‌خورده نیستند... بلکه اینان قاتلانی هستند در کمین و جانپانی هستند که به عمد جنایت می‌کنند و طرح‌هایی تخریبی را اجرا می‌کنند که هیچ پروژه اصلاحی و هدفی طبیعی در آن نیست بلکه کشتن است به هدف کشتن و تخریبی است برای آشوب و هرج و مرج و برای سست نمودن امنیت در سرزمین مسلمانان که در پی آن جهت‌هایی مغرض و سازمان‌های امنیتی دشمن قرار دارند.

از روی خیرخواهی لازم است که قضیه را روشن نموده و بیش از پیش در برابر این روش تخریبی ایستادگی نمود. چنانکه این از روی فریب و ستم است که اسلام یا مسلمانان مسئولیت این روش را بر عهده گیرند در حالی که اساسا خود آن‌ها هدف این اندیشه باطل هستند و آن‌اند که در آتش آن سوخته و بیشترین زیان را از آن دیده‌اند:

﴿رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ﴿۸﴾﴾

[آل عمران: ۸].

«پروردگارا پس از آنکه ما را هدایت کردی دل‌هایمان را دستخوش انحراف مگردان و از جانب خود رحمتی بر ما ارزانی دار که تو خود بخشایشگری».

و در پایان درود و سلام بفرستید بر آن رحمت‌هدایتگر و آن نعمت‌خداوندی، پیامبر خداوند محمد بن عبدالله... خداوندا درود و سلام و برکت ارزانی دار بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت پاکش و بر صحابه نیکوکارش و بر همسران گرامی‌اش، مادران مومنان، و بر آنانی که تا قیامت به نیکی از ایشان پیروی نمایند.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار بگردان و دشمنان دین را نابود ساز و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امن و امان بدار... خداوندا امنیت و استقرار را در سرزمین ما و دیگر سرزمین‌های مسلمان منتشر ساز. خداوندا فتنه‌های آشکار و پنهان را از ما دور ساز. خداوندا آنان را که به یاری دین می‌شتابند یاری ده و طاغیان و ملحدان و مفسدان را خوار و ذلیل بگردان. خداوندا هرکه را برای ما ارادهٔ سوء دارد به خود مشغول ساز و نیرنگش را به خود او بازگردان ای پروردگار جهانیان.

خداوندا مستضعفان مسلمان را در هر جای دنیا یاری ده. خداوندا مجاهدان در راهت را در فلسطین و در هر مکان دیگر یاری ده. خداوندا مجاهدان مرابط را در بیت المقدس یاری ده. خداوندا تو ولی و یاور و کمک آنان باش... خداوندا دشمنان دین را نابود ساز که آنان توان ناتوان ساختن تو را ندارند.

خداوندا مسئولان مسلمان را به آنچه باعث رضایت و خشنودی توست موفق بگردان و آنان را بسوی نیکی و تقوا رهنمون شو.

پروردگارا ما ار در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و ما را از آتش دوزخ دور بدار. پروردگارا ما به خود ستم نمودیم و اگر تو ما را مورد مغفرت و رحمت قرار ندهی بدون شک از زیانکاران خواهیم بود. خداوندا ما را با گناهانمان و با آنچه نادانان ما می‌کنند مورد مواخذه قرار مده.

خداوندا غم و غصهٔ غمگینان مسلمان را از بین ببر و سختیِ سختی دیدگان را برطرف نما و اسیران را از بند، رهای ده و وامِ وام‌داران را ادا نما و با رحمت خود بیماران ما و بیماران مسلمان را شفا ده.

خداوندا ما از تو رضایت را و بهشتت را خواهانیم و از خشم تو و آتش جهنم به تو پناه می‌بریم. خداوندا ای گردانندهٔ قلب‌ها، قلب ما را بر دینت استوار ساز، خداوندا ای گردانندهٔ قلب‌ها، قلب ما را از شرک و نفاق پاک ساز، خداوندا ای گردانندهٔ قلب‌ها، قلب ما را بر دینت استوار ساز.

خداوندا! گرانی و وبا و زنا و زلزله‌ها و سختی‌ها و فتنه‌های بد آشکار و پنهان را از ما و سرزمین ما و همه سرزمین‌های مسلمان دور سازی پروردگار جهانیان.

خداوندا تویی آن خداوندی که معبودی جز تو نیست... تو بی‌نیازی و ما فقیریم؛ باران را بر ما بباران و ما را از مایوسان مگردان. خداوندا ما از تو آمرزشت را می‌خواهیم که تو بسیار آمرزنده‌ای... پس آسمان را بر ما بباران. خداوندا ما را باران عطا نما، خداوندا ما را بارانی خوش و سودمند و پی در پی و فراگیر و بی‌زیان عطا نما که سرزمین‌ها را زنده گرداند و بندگان را سیراب نماید... خداوند باران رحمت را تمنا داریم و نه باران عذاب و ویرانی و سیل.

پروردگارا از ما بپذیر که تو شنوا و دانایی و از ما توبه پذیر که تو بسیار توبه‌پذیر و مهربانی... پاک و بی‌عیب است پروردگار تو، پروردگار عزت و بزرگی از آنچه به باطل و صفش می‌کنند و سلام بر پیامبران و الحمدلله رب العالمین.

عنوان خطبه:

خشیت الهی؛ اهمیت و آثار آن

خطیب: دکتر أسامة الخياط

مسجد الحرام: جمعه، ۴ ذوالقعدة ۱۴۳۰ برابر با ۱ آبان ۱۳۸۸

خطبه‌ی اول:

ستایش مخصوص الله است؛ آنکه برای دوستانش کافی است... حمد او را می‌گوییم، اوست که امر کرده جز او از کسی نترسیم، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز او که تنها و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده و پیام‌رسان او و بهترین آفریدگانش و برگزیده اوست. خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یارانش درود و سلام فرست.

اما بعد... تقوای الله را پیشه ساخته و روزی را به یاد آورید که در برابر او برای حساب خواهید ایستاد:

﴿يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تُجَدِّلُ عَنِ نَفْسِهَا وَتُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

﴾ [النحل: ۱۱۱].

«روزی که هرکس می‌آید [و] از خود دفاع می‌کند و هرکس به آنچه کرده بی‌کم و کاست پاداش می‌یابد و به آنان ظلم نمی‌شود».

ای مسلمانان: اگر در میان مردم کسانی هستند که فریب زندگی دنیا، و چسبیدن به زمین و دنباله‌روی از هوا و هوس، و جهل نسبت به اعتقاد صحیح، آنان را به سوی ترس از هر خطری می‌کشاند که ممکن است میان آنان و آرزوهایشان فاصله بیندازد، در مقابل از میان بندگان خداوند کسانی هستند که راه را درست می‌روند و کاملاً مستقیم بر راه راست قدم برداشته و از طی کردن مسیر اهل حیرت و ناپایداری خوددرای می‌کنند و از راه اهل شک و ضعف یقین دوری می‌گزینند.

آنان به مانند کسانی که پروردگار خود را شناخته‌اند و رو بسوی آورده‌اند بسوی او ره می‌پویند... به مانند کسانی که از هیچ کس هراسی ندارند و امیدی نیز از کسی دیگر ندارند... آنان کسانی‌اند که دانسته‌اند منزلت خوف و خشیت الهی از بزرگ‌ترین و جلیل‌ترین منازل عبادتگذاران و استعانت‌جویان و از سودمندترین عوامل برای سلامت قلب و دارای بزرگ‌ترین اثر بر روی زندگی انسان‌ها در دنیا و آخرت است، و این خشیت چنانکه خداوند می‌فرماید بر فرزندان آدم واجب است:

﴿إِنَّمَا ذَٰلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَآءَهُۥ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا مِنِّي إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿١٧٥﴾

[آل عمران: ۱۷۵].

«در واقع این شیطان است که دوستانش را می‌ترساند پس اگر مؤمنید از آنان مترسید و از من بترسید».

و همچنین این سخن خداوند متعال که می‌فرماید:

﴿فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَآخِشُونِ﴾ [المائدة: ۴۴].

«پس از مردم نترسید و از من بترسید».

همینطور الله - سبحانه و تعالی - اهل این خشیت را به همه انواع مدح و ثنا ستوده و

فرموده است:

﴿إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشِيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ ﴿٥٧﴾ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٨﴾ وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ ﴿٥٩﴾ وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ ﴿٦٠﴾ أُولَٰئِكَ يُسْرِعُونَ فِي الْأَخْيَارِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ ﴿٦١﴾﴾ [المؤمنون: ۵۷-۶۱].

«در حقیقت کسانی که از بیم پروردگارشان هراسانند (۵۷) و کسانی که به نشانه‌های

پروردگارشان ایمان می‌آورند (۵۸) و آنان که به پروردگارشان شرک نمی‌آورند (۵۹)

کسانی که آنچه را دادند [در راه خدا] می‌دهند در حالی که دل‌هایشان ترسان است [و

می‌دانند] که به سوی پروردگارشان بازخواهند گشت (۶۰) آنانند که در کارهای نیک

شتاب می‌ورزند و آنانند که در انجام آن‌ها سبقت می‌جویند».

این مقام و منزلت چنانکه حسن بصری (رحمه الله) می‌گوید برای این است که آنان:

«طاعات را انجام داده و در راه آن کوشیده‌و از این ترسیده‌اند که این عمل از آنان پذیرفته

نگردد... مؤمن میان نیکی و خشیت جمع بسته، و منافق میان بدی و در امان دانستن خود

[از عقوبت]».

در حالی که خداوند متعال این خوی نیک را مورد مدح قرار داده و ملائکه‌اش را

دارای این صفت دانسته و فرموده است:

﴿يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ﴿٥٠﴾﴾ [النحل: ۵۰].

«از پروردگارشان که بر فراز آن‌هاست و بر آن‌ها قادر است می‌ترسند و آنچه را

مامورند انجام می‌دهند».

و پیامبران را ثنا گفته و آنان را برای داشتن چنین صفتی مدح کرده و فرموده است:

﴿الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا

﴿٣٩﴾ [الأحزاب: ۳۹].

«همان کسانی که پیام‌های الله را ابلاغ می‌کنند و از او می‌ترسند و از هیچ کس جز الله بیم ندارند و الله برای حسابرسی کفایت می‌کند».

از آنجایی که خشیت، نوعی ترس است که به همراه معرفت و علم می‌باشد، به همین سبب به اندازه‌ای که علم و معرفت وجود داشته باشد، خوف و خشیت الهی نیز وجود خواهد داشت، و برای همین است که رسول الله (صلی الله علیه وعلی آله وسلم) دارای بیشترین خشیت نسبت به خداوند بود، چنانکه در حدیثی که امام بخاری آن را در صحیح خود روایت نموده چنین می‌فرماید:

«به الله سوگند که من داناترینشان نسبت به الله و ترس‌ترین آنان نسبت به اویم» و در لفظی که مسلم در صحیح خود آورده است چنین آمده که فرمودند: «به الله سوگند که من امیدوارم ترس‌ترین شما نسبت به الله و داناترین شما به این باشم که چگونه تقوایش را پیشه کنم» و همچنین فرمودند: «اگر شما آنچه را که من می‌دانم می‌دانستید قطعاً کم می‌خندیدید و بسیار می‌گریستید و از زنان خود لذت نمی‌بردید و بی‌شک به بلندی‌ها رفته و از خداوند پناه می‌خواستید» [امام احمد در مسند خویش و ترمذی در جامع با سند حسن].

و همین‌طور به همین سبب است که خداوند متعال علما را چنین وصف نموده که آنان «به راستی خشیت خداوند را دارند» و فرموده است:

﴿وَمِنَ النَّاسِ وَالْدَوَابِّ وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ وَكَذَلِكَ ۖ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ ﴿۲۸﴾﴾ [فاطر: ۲۸].

«و از مردمان و جانوران و دام‌ها که رنگ‌هایشان همان گونه مختلف است [پدید آوردیم]. همانا از بندگان الله تنها دانایانند که از او می‌ترسند. آری الله ارجمند آمرزنده است».

این خشیت به این سبب در وجود آنها شکل گرفته که می‌دانند خداوند متعال مالک همه جهان است... کلیدهای آسمان‌ها و زمین در دست اوست و بازگشت همه کارهای بسوی اوست و او مدبر امور همه آفریدگان است و او زنده‌ای است که نمی‌میرد،

پاینده‌ای است که همه خلائق به او وابسته‌اند و نیازمند او... بر خلاف دیگران که عاجز و فانی‌اند و برای خود سود و زیانی ندارند و نه مالک مرگ و زندگی و رستاخیزند. همه مخلوقات واسطه‌ای هستند برای رسیدن آن چیزی که خداوند تقدیر نموده. همانگونه که این حقیقت در حدیثی که ترمذی در جامع خود و احمد در مسند و حاکم در مستدرک روایت نموده‌اند از ابن عباس رضی الله عنه چنین آمده که رسول الله (صلی الله علیه وعلی آله وسلم) در خطاب به او فرمودند:

«ای نوجوان من سخنانی به تو یاد خواهم داد: خداوند را حفظ کن تا تو را حفظ کند، خداوند را حفظ کن، او را در برابر خود خواهی یافت، اگر چیزی خواستی از الله بخواه و اگر یاری خواستی از الله یاری بجو و بدان که اگر همه امت جمع شوند تا به تو سودی برسانند به تو سودی نخواهند رساند جز به آن اندازه‌ای که الله برای تو مقدر کرده است و اگر همه امت جمع گردند تا به تو زیانی رسانند نخواهند توانست به تو زیانی برسانند جز به اندازه‌ای که الله برای تو مقدر نموده است. قلم‌ها برداشته شده و صحیفه‌ها خشک شده‌اند.»

بندگان خداوند: خوف و ترس الهی خود هدف نیست. بلکه برای رسیدن به چیزی دیگر است، و راهی است برای رسیدن به هدفی دیگر، نه اینکه خود هدف یا غایتی مستقل باشد. و برای همین است که این خوف و خشیت با از بین رفتن علت آن از بین می‌رود؛ بر همین اساس، حال اهل بهشت چنان است که نه ترسی دارند و نه دچار غصه‌ای می‌شوند زیرا ترس از عقوبت، از بین رفته، و آنان به فضل الهی و در بزرگداشت صبر و طاعتی که داشته‌اند و دوری‌شان از معصیت، در خانه ابدی و پاداش الهی ساکن گردیده‌اند.

بر این اساس ترسی خوب و صادقانه است که میان صاحب خود و محارم خداوند فاصله بیندازد. اما اگر انسان از این نوع ترس بگذرد، ترس این می‌رود که دچار ناامیدی و یاسی شود که خداوند از آن برحذر داشته و آن را از صفات کافران دانسته است:

﴿إِنَّهُ لَا يَأْتِيَنَّكَ مِنَ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾ [یوسف: ۸۷].

«همانا از رحمت الهی ناامید نمی‌شوند مگر گروه کافران».

قلب - چنانکه برخی از علما گفته‌اند - در راه رسیدن به خداوند به مانند پرنده‌ای است که محبت، به مانند سر آن است و ترس و امید، به مانند دو بال آن؛ هر گاه سر و دو بال آن سالم باشد این پرنده به خوبی پرواز خواهد کرد... اما همین که سرش قطع شود پرنده خواهد مرد، و هرگاه دو بال آن از بین بروند آن پرنده در معرض هر شکارچی و دشمنی قرار خواهد گرفت.

اما سلف بهتر دانسته‌اند که در هنگام سلامتی بال ترس بر بال امید غلبه داشته باشد و در هنگام خروج از دنیا و نزدیکی مرگ، بال امید بر بال ترس برتری یابد. گرچه کامل‌ترین وضعیت همسان بودن ترس و امید و غلبه محبت الهی است...

از بزرگ‌ترین چیزهایی که باید به آن توجه کرده و آنگونه که شایسته است به آن رسیدگی شود تربیت قلب براساس محبت پروردگار - سبحانه و تعالی - و خشیت و امید به او با نیروی ایمان، و خالص گرداندن توحید وی در ربوبیت و الوهیت و نام‌ها و صفات اوست. و همچنین با دانستن آنچه خداوند از خوشی‌ها و نعمت‌های ابدی برای متقین در سرزمین کرامت خود مهیا ساخته و در مقابل، آنچه برای معصیت‌کاران از عقوبت و عذاب دردناک مهیا نموده است.

و همینگونه با محاسبه نفس برای کنترل آن و نگه داشتن آن بر مسیر مستقیم و مجبور گرداندن آن برای رفتن مسیر حق و نگه داشتن آن از همه شکل‌های باطل...

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَاخْشَوْنَ اللَّهَ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ ﴿٤٤﴾﴾ [المائدة: ٤٤].

«ما تورات را که در آن رهنمود و روشنایی بود نازل کردیم. پیامبرانی که تسلیم [فرمان الله] بودند به موجب آن برای یهود داوری می‌کردند و [همچنین] ربانیان و دانشمندان به

سبب آنچه از کتاب خدا به آنان سپرده شده و بر آن گواه بودند، پس از مردم نترسید و از من بترسید و آیات مرا به بهای ناچیزی مفروشید و کسانی که به موجب آنچه الله نازل کرده حکم نکنند آنان، خود کافراند».

خداوند من و شما را با رهنمودهای کتابش و سنت پیامبرش (صلی الله علیه وعلی آله وسلم) سود رساند. این سخن خویش را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از خداوند متعال برای همه گناهان آمرزش می‌خواهم که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله که یاور نیکوکاران است، او را ستایش گفته و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است، و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد بنده و پیام‌رسان او و امام پیامبران و سرور نمازگزاران است. خداوند بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یارانش و تابعین و آنانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند درود و سلام فرست.

اما بعد... بندگان خداوند: برخی از اهل علم می‌گویند: هر کسی که از او بترسی از وی فرار خواهی کرد، جز خداوند که اگر خشیت و ترس وی را داشته باشی بسوی او فرار خواهی کرد؛ انسان ترسا و متقی از پروردگارش بسوی پروردگارش می‌گریز، د زیرا هیچ پناهی از خداوند نیست مگر نزد خود وی.

ترس خداوند باعث امنیت است زیرا عامل اخلاص در عمل و نیکو انجام دادن آن و پیروی از رسول خداوند (صلی الله علیه وعلی آله وسلم) و دوری از مخالفت دستورات وی است، که جامع همه این‌ها این است که انسان بر هر آنچه باعث رضایت الله است حریص بوده و از هر آنچه اسباب خشم وی است دوری گزیند که این، باعث در امان ماندن انسان ترسا و سالم ماندن سالک بسوی خداوند، و نجات وی از لغزش‌ها و بهره‌مند شدن از بهشت و نجات از آتش است.

پس تقوای وی را در پیش گیرید و درود و سلام بفرستید بر خاتم پیامبران محمد بن عبدالله همانگونه که در کتاب خداوند به آن امر شده‌اید:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴾ [الأحزاب: ۵۶].

«همانا الله و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود و سلام فرستید».

خداوندا درود و سلام فرست بر بنده و پیامبرت محمد و راضی باش از چهار خلیفه وی - ابوبکر و عمر و عثمان و علی - و از دیگر اهل بیت و یاران و تابعین و کسانی که تا قیامت به نیکی پیروی آنان را نمایند و همچنین از ما، با عفو و کرم خویش راضی باش ای بهترین کسی که از گناهان در می‌گذرد و عفو می‌نماید.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را حفظ نما و دشمنان دین و دیگر طاغیان و مفسدان را نابود ساز و میان قلوب مسلمانان الفت ایجاد کرده و صف آنان را یکی گردان و مسئولان و رهبران آنان را اصلاح نما و کلمه‌شان را بر حق یکی بگردان ای پروردگار جهانیان...

خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت محمد (صلی الله علیه وعلی آله وسلم) و بندگان مومن مجاهدت را یاری ده.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان در امن و امان بدار و مسئولان ما را اصلاح گردان. خداوندا از تو می‌خواهیم آنگونه که خود صلاح می‌دانی ما را از شر دشمنانمان و دشمنان خود محفوظ بداری. خداوندا ما را آنگونه که خود صلاح می‌دانی از شر دشمنانمان حفظ نما.

خداوند این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را از هر خیری بهره‌مند ساخته و از هر شری در امان بدار. ای پروردگار جهانیان.

خداوندا عاقبت ما را در همه امور به خیر گردان و ما را از خواری دنیا و عذاب آخرت حفظ نما... خداوندا دین ما را که حافظ امر ماست، و دنیای ما را که زندگی ما در

آن است، و آخرت ما را که بازگشت‌گاه ماست، اصلاح گردان، و زندگی را برای ما عامل زیادی در نیکی‌ها، و مرگ را برای ما آسایشی از هر بدی قرار ده...
 خداوندا بیماران ما را شفا ده و مردگان ما را بیمارز و ما را به آن آرزوهایمان که رضایت و خشنودی تو در آن است برسان... و زندگی ما را با کارهای نیک پایان بخش...
 پروردگارا ما به خود ستم نمودیم و اگر تو ما را مورد مغفرت و رحمت خویش قرار ندهی بدون شک از زیانکاران خواهیم بود... خداوندا ما از زوال نعمت و برگشت عافیت و خشم ناگهانی‌ات به تو پناه می‌بریم...
 پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بدار... و درود و سلام خداوند بر بنده و پیامبرش محمد و بر اهل بیت و یارنش و الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

عوامل شرح صدر و از بین رفتن غم‌ها و غصه‌ها

خطیب: حسین بن عبدالعزیز آل شیخ

مسجد نبوی شریف: جمعه ۱۱ ذوالقعدة ۱۴۳۰ برابر با ۸ آبان ماه ۱۳۸۸

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است که قلب هر که را بخواهد بسوی ایمان نورانی می‌گرداند و قلب هر که را بخواهد برای اسلام گشاده می‌سازد، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله، آن پادشاه دانا که واحد و بی‌شریک است، و گواهی می‌دهم که پیامبر و سرور ما محمد بنده و پیام‌رسان اوست.

اما بعد... ای مسلمانان؛ خود و شما را به تقوای خداوند سفارش می‌کنم که هر که تقوای او را پیشه سازد، برای او از هر تنگنایی راه خروج قرار می‌دهد، و او را از جایی که تصور نمی‌کرده روزه می‌دهد.

برادران و خواهران مسلمان... دنیا خانه‌ای است که از سختی و درد خالی نیست و انسان در آن از غم و غصه در امان نمی‌ماند. رسول خدا (صلی الله علیه وعلی آله وسلم) می‌فرماید: «دنیا زندان مومن و بهشت کافر است» [به روایت امام مسلم].

آنکه در حال اهل این زمانه تامل کند خواهد دید افسردگی و دل‌تنگی و و نگرانی به علت دلمشغولی‌های فراوان و بیماری‌های مختلف روانی بسیار شده است. تا جایی که کار برخی از آنان به خودکشی رسیده است. برای همین به شدت نیاز است تا روش و منهجی که باعث به وجود آمدن «حیات طیبه» و زندگی خوش می‌شود شناخته شود. روشی که به واسطه آن سینه‌ها گشوده شده و شادی و بهجت و سرور به بار آورد.

برادران و خواهران... این تاملی است در اسباب به دست آمدن این خواسته‌های باارزش و این معانی بلند، براساس منهج دو «وحی» یعنی کتاب و سنت، و سیرت سرور پیامبران - صلی الله علیه وعلی آله وسلم -

- نخستین این اسباب محقق گرداندن ایمان به خداوند متعال است. ایمانی که محبت خداوند و رسولش را به وجود می‌آورد، و اینکه ترس و امید را تنها برای خداوند قرار دهیم و کارها را به او بسپاریم و در کنار حدود او بایستیم و از آن تجاوز نکنیم:

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً ۖ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩٧﴾﴾ [النحل: ۹۷].

«هرکس از مرد یا زن کار شایسته کند و مؤمن باشد قطعا او را با زندگی پاکیزه‌ای حیات [حقیقی] بخشیم و مسلما به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد».

﴿... وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ﴿٢﴾﴾ [الطلاق: ۲].

«... و هرکه تقوای الله را پیشه سازد [الله] برایش راه برون رفتی قرار خواهد داد».

سعادت و خوشبختی در طاعت الهی است و شادی و سرور در عبادت او... از سویی دیگر بدبختی با همه معانی خود و تنگی و سختی زندگی به مفهوم کامل خود، در شرک به خداوند و بدعت در دین و در گناهان و بدی‌ها است. آنچه انسان بدکار دچار آن

می‌شود مانند دلتنگی و و سنگدلی و غم و غصه، تنها مجازاتی است زود هنگام و چنانکه ابن قیم رحمه الله می‌گوید جهنمی است در دنیا و پیش از آخرت. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا...﴾ [طه: ۱۲۴].

«هرکس از یاد من روی بگرداند در حقیقت زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت.»
ای انسان مسلمان... بدان تنها کسی که تدبیر امور در دست اوست خداوند متعال است، و او نست به بنده مومنش از خودش نیز مهرباتر است... پس در برابر او سجده بیاور و به او اعتماد کن و به فضل و کرم او امیدوار باش تا زندگی‌ات خوش شود و قلبت آرام گیرد و شادی‌ات افزون شود و اگر بر خداوند توکل کرده‌ای خود را اسیر خیالات و اوهام بد مکن.

﴿... وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ...﴾ [الطلاق: ۳].

«... و هرکس بر الله توکل کند او برای وی بس است...».

یعنی خداوند او را در همه کارهایش و در همه چیزهایی که برایش مهم است، کافی خواهی بود.

- سبب دوم برای به دست آوردن خوشبختی دارا بودن صبر است در هنگام مصیبت‌ها و تنگناها... رسول الله (صلی الله علیه و علی آله وسلم) می‌فرماید: «عجیب است کار مومن که همه امورش برایش خیر است، و این خصوصیت نیست مگر برای انسان مومن، که اگر خوشی به او برسد شکر خواهد کرد، که این برایش خیر خواهد بود و اگر ناخوشی و زیانی به او رسد صبر خواهد کرد که این نیز برایش خیر خواهد شد» [به روایت امام مسلم].

این صبر است که باعث می‌شود انسان صابر رو به آه و ناله و بی‌تابی نیآورد. این صبر انسان مسلمان است که به آنچه مصطفی (صلی الله علیه و علی آله وسلم) خبر داده است یقین دارد، آنجا که می‌فرماید: «مسلمان هیچ خستگی و بیماری و غم و غصه و آزاری تحمل نمی‌کند، حتی آن خاری که در پایش می‌رود مگر آنکه خداوند به واسطه آن،

گناهانش را از بین می‌برد» [به روایت امام بخاری]. و در روایت امام مسلم آمده است که فرمودند: «مسلمان گرفتار بیماری و خستگی و ناخوشی و غم و نه حتی هم و دلشغولی نمی‌شود مگر آنکه به واسطه

«...آگاه باشید که با ذکر الله دل‌ها آرام می‌گیرد».

که از بهترین ذکرها، بسیار خواندن قرآن با تدبیر است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ...﴾ [یونس: ۵۷].

«ای مردم به یقین برای شما از جانب پروردگارتان اندرزی و درمانی برای آنچه در سینه‌هاست آمده است».

- و همچنین **محافظة بر اذکار صبح و شام** و بسیار استغفار نمودن، که هرکه بسیار

استغفار نماید خداوند او را از هر غمی رهایی داده و از هر تنگنایی خارج می‌سازد، و او را از جایی روزی خواهد داد که خود حساب نمی‌برده.

- همچنین از **اسباب شادی** و دوری از غم‌ها، بسیار درود فرستادن بر پیامبر اکرم

(صلی الله علیه وعلی آله وسلم) است. در حدیثی که ابی ابن کعب رضی الله روایت نموده، آمده است که ایشان به رسول الله (صلی الله علیه وعلی آله وسلم) فرمودند: «ای رسول خداوند من بسیار بر تو درود می‌فرستم» و در روایتی دیگر آمده است که ابی گفت: به رسول الله (صلی الله علیه وعلی آله وسلم) گفتم: آیا همه درودها و دعایم را مخصوص تو بگردانم؟ رسول الله (صلی الله علیه وعلی آله وسلم) فرمودند: «در این صورت خداوند دلمشغولی‌های تو را در امر دین و آخرت از بین برده و گناهانت را مورد مغفرت قرار خواهد داد».

- و از **قوی‌ترین سبب‌های از بین رفتن دلمشغولی‌ها** و از بین رفتن غم‌ها و

ناخوشی‌ها و برطرف شدن نگرانی و به دست آوردن آسایش، روی آوردن بسوی خداوند بزرگ و کریم و تضرع به درگاه اوست... انس بن مالک رضی الله عنه می‌گوید: من خدمت رسول خدا (صلی الله علیه وعلی آله وسلم) را می‌کردم و بسیار می‌شنیدم که می‌فرمود:

یعنی: «خداوندا من به تو پناه می‌برم از غم

و غصه» [به روایت امام بخاری].

در کتاب‌های اذکار دعاهایی برای از بین بردن غم‌ها و دلمشغولی‌ها و سختی‌ها وجود

دارد.

- از دیگر اسباب بزرگ برای انشراح صدر و آسودگی خاطر، نگاه کردن به نعمت‌های خداوندی است که به حساب نمی‌آید و اینکه این یقین را داشته باشی که هر آنچه از سختی‌ها به تو می‌رسد در برابر نعمت‌هایی که داری هیچ به حساب نمی‌آید. رسول الله (صلی الله علیه وعلی آله وسلم) می‌فرماید: «به آنکه پایین‌تر از شماس است نگاه کنی و به آنکه بالاتر از شماس ننگرید که اینگونه شایسته‌تر است تا نعمت خداوند را کوچک نشمارید» [متفق علیه].

می‌گویند وقتی پای عروه بن زبیر - رضی الله عنه - قطع شد، عیسی بن طلحه - رضی الله عنه - به وی گفت: «ای اباعبدالله ما تو را برای کشتی گرفتن و مسابقه دادن نمی‌خواستیم، بلکه خداوند همان چیزی از تو باقی گذاشته که ما به آن نیاز داشتیم... رای تو و علم تو!» عروه بن زبیر گفت: «هیچ کس مانند تو مرا دلداری نداده بود» و همین عروه بن زبیر است که می‌گوید: «اگر خداوند عضوی را گرفت بسی اعضا است که باقی گذاشته است».

- از دیگر اسباب زوال غم و غصه این است که انسان مسلمان همیشه خوش بین باشد و نگاهش همیشه بر روی خوبی بیفتد و نه بدی. خوبی‌ها را ببیند و آن را بیشتر بیابد و از بدی چشم‌پوشد و فراموشش کند، و اینگونه است که محبت در قلب او جای خواهد گرفت و آرامش به قلب او فرود خواهد آمد». رسول خداوند (صلی الله علیه وعلی آله وسلم) می‌فرماید: «هیچ گاه مرد مومنی زن مومنی را بد نداند. که اگر از یک اخلاق او خوشش نیامد از اخلاق دیگرش راضی خواهد شد» [به روایت مسلم].

- از اسباب دیگری که در انشراح صدر مفید است این است که انسان در حال وارد شدن تنگی و سختی با انسان‌های صاحب رای مشورت نماید و از نصیحت اهل علم و فضل و صلاح استفاده ببرد، که این خود باعث آرامش قلب و انس درون و از بین رفتن غم و سختی خواهد شد. خباب بن الارت رضی الله عنه می‌گوید: خدمت رسول الله (صلی الله علیه وعلی آله وسلم) در حالی که در زیر سایه کعبه دراز کشیده بود، شکایت

برده و گفتیم: آیا برای ما از خداوند درخواست یاری نمی‌کنی؟ آیا برای ما دعا نمی‌کنی؟ که این داستان را بخاری به طور کامل در صحیح خود روایت نموده است.

– از جمله اسبابی که باعث جلب شادی و از بین رفتن غم‌هایی می‌شود که به سبب ترس از آینده و غم گذشته‌اند، این است که انسان مسلمان برای اصلاح امور دین و دنیا در حال حاضر، تلاش کرده و خود را به مسائل سودمند مشغول نموده و تسلیم تنبلی زیانبار نشده و و خود را اسیر مسائل ناخوشایندی که گذشته است نکند، که مشغول کردن فکر به این چیزها بیهودگی است، و در این صورت است که خواهد توانست در راه به دست آوردن خوبی‌ها و دفع بدی‌ها گام بردارد.

رسول الله (صلی الله علیه وعلی آله وسلم) می‌فرماید: «مومن قوی نزد خداوند بهتر و محبوب‌تر از مومن ضعیف است، و در هر دو خیر وجود دارد. بر آنچه به سود توست حریص باش و اظهار ناتوانی نکن و از خداوند کمک بخواه، و اگر زیانی به تو رسید نگو که اگر چنین و چنان کرده بودم چنین و چنان می‌شد بلکه بگو: خداوند تقدیر نموده و او هر چه بخواهد می‌کند» [به روایت امام مسلم].

خداوند من و شما را با قرآن و سنت بهترین پیامبران برکت دهد، و ما را با هدایت آن دو سود رساند. این سخن خویش را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از خداوند، از هر گناهی مغفرت می‌خوام. پس از او آمرزش بخواهید که او بس آمرزشگر و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستاش از آن پروردگار جهانیان، آن مالک روز جزا است. و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز او که واحد و بی‌شریک است و خداوند پیشینیان و پسینیان است و گواهی می‌دهم که پیامبر ما محمد، بنده و پیامبر او و بهترین انبیا و مرسلین است... خداوندا بر او و بر همه اهل بیت و یارانش درود و سلام فرست.

اما بعد... ای مسلمانان خود و شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم که این وصیت خداوند برای پیشینیان و پسینیان است.

برادر و خواهر مسلمانم اگر سختی و زیانی به تو رسید یا درد و بیماری تو را در گرفت به دیگران نیکی کن و در حق او خوبی بورز که این از پی خود شادی و سرور به همراه خواهد آورد، زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿... وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ [البقرة: ۱۹۵].

«... و نیکی کنید که الله نیکوکاران را دوست دارد».

در چنین حالت‌هایی بسیار صدقه دهید که صدقه سختی‌ها را از بین برده و غم و غصه را نابود می‌کند و همچنین سببی است برای شفا و بهبود بیماری‌ها و هر که به نیت شفا صدقه دهد تاثیر آن را به عیان خواهد دید.

همچنین از رسول الله (صلی الله علیه وعلی آله وسلم) در حدیث صحیح ثابت شده است که فرمودند: «بیماران خود را با صدقه شفا دهید» همچنین در گذر تاریخ داستان‌های بسیاری رخ داده که ثابت نموده صدقه به اذن خداوند دارای تاثیر بزرگی در جلب شفا و بهبود بیماری‌هاست. هم شفای قلب‌ها و هم شفای بدن‌ها.

ای مسلمان همیشه در زندگی و در رفتار با دیگر این، شعار و رهنمودت باشد که:

﴿... أَدْفَعُ بِأَلَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا أَلْدَى بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾ [فصلت: ۳۴].

«... [بدی را] با آنچه خود بهتر است دفع کن آنگاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است گویی دوستی یکدل می‌گردد».

قلبی داشته باش که کینه در آن جای نمی‌گیرد و سینه‌ای داشته باش سالم و خالی از انتقام، تا خوشبخت شوی و شاد... امام شافعی رحمه الله می‌گوید: چون بخشیدم، و بر کسی کینه به دل نگرفتم خود را از دشمنی‌ها راحت ساختم.

سپس بدانید که خداوند متعال ما را به امری بزرگ دستور داده که همانا فرستادن درود و سلام است بر پیامبر بزرگوارمان.

خداوندا درود و سلام فرست بر پیامبر و محبوب ما محمد، و راضی باش از خلفای راشدین و امامان هدایتگر و از همه صحابه پیامبرت و از کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند.

خداوندا وضعیت ما و وضعیت دیگر مسلمانان را اصلاح نما، خداوندا وضعیت ما و وضعیت دیگر مسلمانان را اصلاح نما، خداوندا وضعیت ما و وضعیت دیگر مسلمانان را اصلاح نما. معبودی به حق نیست جز تو، تو پاک و منزهی، ما از ستمگران بودیم.

خداوندا ما از غم و غصه و ناتوانی و تنبلی و ترسویی و بخل، و از چیره شدن قرض، و قهر مردان به تو پناه می‌بریم. خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار بگردان. خداوندا اوضاع مسلمانان را در هر جای دنیا اصلاح نما. خدایا غم آنان را از بین ببر. خداوندا سختی آنان را زایل نما و جان آنان را حفظ کن. خداوندا مسلمانان را در هر جای دنیا حفظ کن.

خداوندا ما از آنچه بر امت ما آمده بسوی تو شکایت می‌بریم. خداوندا بلاها و سختی‌هایی را که بر آنها آمده از بین ببر. خدایا هرکه را برای دین مسلمانان اراده سوء دارد به خود مشغول ساز. خداوندا رسانه‌های مسلمانان را اصلاح نما. خداوندا رسانه‌های مسلمانان را اصلاح نما.

خداوندا هرکه را شایسته هدایت می‌دانی هدایت نما و هرکه را - در سابق قدر خود - اهل هدایت نمی‌بینی شکایتش را نزد تو می‌آوریم، تو برای ما کافی هستی و تو بهترین پشتیبانی، شر او را از مسلمانان کوتاه نما و طرح و نقشه و مکرش را در نابودی‌اش قرار ده ای پروردگار جهانیان.

خداوندا علمای مسلمان را به آنچه خدمت اسلام است موفق گردان. خداوندا آنان را در آنچه رضایت و خشنودی تو در آن است موفق گردان.

بارالها مسئولان مسلمان را برای عمل به کتاب و سنت پیامبرت یاری ده. خداوندا مسلمانان را مورد مغفرت قرار ده. خداوندا مومنان را - زندگان و مردگان - مورد مغفرت و رحمت قرار ده.

خداوندا حجاج را مورد حفظ خود قرار ده. خدایا آنان را پیروز و سالم به سرزمین‌هایشان بازگردان. خدایا ما از بیماری‌های ناگوار به تو پناه می‌بریم. خداوندا ما از بیماری‌های بد به تو پناه می‌بریم.

بارالها تویی آن خداوندی که معبودی حقیقی جز تو نیست. تو بی‌نیازی و ما نیازمند... باران را بر ما نازل کن و ما را از نومیدان قرار مده. خداوندا باران را بر ما نازل کن و ما را از نومیدان مگردان.

ای بندگان خداوند، خداوند را بسیار یاد کنید و او را در صبحگاهان و شامگاهان تسبیح گوید...

عنوان خطبه:

مکه مکرمه؛ تاریخ و خاطره

خطیب: دکتر صالح آل طالب

مسجد الحرام: جمعه ۱۸ دوالقعه ۱۴۳۰ برابر با ۱۵ آبان ۱۳۸۸

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است. از آن خداوندی که شعائر اسلام را والا داشته و آن را برای بندگان خود واضح و روشن گرداند... او که میان ماه‌ها و روزها برتری قرار داد و حج را رکنی از ارکان این دین بزرگ گرداند...

وی را سپاس می‌گوییم - که او پاک و منزّه است - و شکرش را به جای می‌آورم و عفو زیبایش را می‌خواهم و برای گناهان و معاصی از او آمرزش می‌خواهم و از وی هدایت و توفیق و داخل شدن در زمره کسانی را می‌خواهم که «گفتند پروردگار ما الله است سپس استقامت ورزیدند»...

اما بعد:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ

بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٨﴾ [الحشر: ١٨].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید از الله پروا دارید و هر کسی باید بنگرد که برای فردا [ی خود] از پیش چه فرستاده است و [باز] الله خدا بترسید در حقیقت الله به آنچه می‌کنید آگاه است».

﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ﴾ [البقرة: ۲۳۵].

«و بدانید که الله آنچه را در دل دارید می‌داند پس از [مخالفت] او بترسید».

اوقات خود را حفظ نمایید که این اوقات با قیمت قابل سنجش نیستند و و کارها را با ترازوی شرع بسنجید و نیت‌ها و اهداف خود را درست گردانید و با اخلاص فضیلت این اعمال را به دست آورید و جهان غیب را در حال پنهان و آشکار به یاد داشته باشید که چه خوب است مراقبت نفس و چه باارزش است!

روزهای باارزش خود را پیش از از دست رفتن آن غنیمت شمارید، این روزهایی که خداوند آن‌ها را شرف و فضیلت داده است.

ای مسلمانان: در این روزهای مبارک، مکه به استقبال جمع حاجیان می‌رود و مسجد الحرام مهمانان خداوند را در آغوش می‌گیرد. حاجیانی که از هر بلندی و پستی و از هر دور و نزدیک آمده‌اند تا ندای پروردگار را لیک گویند و تا دستور خلیل وی (صلی الله علیه و علی آله وسلم) را اجابت کنند:

﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوبُكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ ﴿٢٧﴾

لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ ﴿[الحج: ۲۷-۲۸].

«و در میان مردم برای حج بانگ برآور تا [زایران] پیاده و [سوار] بر هر شتر لاغری که از هر راه دوری می‌آیند به سوی تو روی آورند (۲۷) تا شاهد منافع خویش باشند».

حاجیان مشتاقانه و آرزمندانه می‌آیند... در حالی که در مسیر خود بسوی بیت الله می‌روند، شادی آنان را در برگرفته و امید بخشیده شدن گناهان و دستیابی به بهشت‌های

خداوندی را دارند رکن پنجم از ارکان دینشان را در مقدس‌ترین نقطه روی زمین به انجام می‌رساند.

این است مکه مکرمه، تاریخ و خاطرات...

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ ﴿۹۶﴾ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مِّمَّا أَتَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا ﴿۹۷﴾﴾ [آل عمران: ۹۶-۹۷].

«در حقیقت نخستین خانه‌ای که برای [عبادت] مردم نهاده شده همان است که در مکه است و مبارک و برای جهانیان [مایه] هدایت است (۹۶) در آن نشانه‌هایی روشن است [از جمله] مقام ابراهیم، و هر که در آن درآید در امان است».

پیامبران به سوی این خانه حج کرده‌اند و امام حنفا (صلی الله علیه وعلی آله وسلم) در آن نماز گزارده است... از مکه نور هدایت تابیدن گرفت و رسالت توحید آغاز گردید تا آنکه همه زمین را در بر گرفت و جهان را تغییر داد و زیباترین و بزرگ‌ترین تمدنی را که جهان شناخت پایه گذارد...

مکه مرکز جهان و سمبل وحدت مسلمانان و منبع نور است برای جهانیان... بهترین سرزمین‌هاست نزد خداوند و محبوب‌ترین آن‌هاست نزد رسول خدا - صلی الله علیه وسلم -

این مکه است (مادر شهرها) که زادگاه بهترین انسان‌هاست... پیامبر ما بر خاک آن رشد یافت و بر زمین آن راه رفت... مکه در عرض نیم قرن زندگی پیامبر خدا (صلی الله علیه وعلی آله وسلم) را بر خاک خود مشاهده کرد. چه شرفی بالاتر از این شرف است؟ اگر این خاک سخت می‌گفت چه سیرتی را بیان می‌کرد و چه تاریخی را بر می‌شمرد؟!

در این سرزمین جبرئیل امین - علیه السلام - با وحی نازل شد و در این سرزمین رسول خدا (صلی الله علیه وعلی آله وسلم) کلمه توحید را بر کوه صفا فریاد زد...

اگر کعبه لب می‌گشود و اگر زمزم و مقام ابراهیم سخن می‌گفتند چنین بیان می‌کردند که روزی اینجا ابوبکر بود و عمر بود، عثمان بود و علی بود و دیگر اصحاب بودند... آنان

که دنیا را نورانی کردند و زمین را پاک ساختند... و در اینجا بود که توحید با بت پرستی به نبرد پرداخت تا آنکه خداوند دین خود را پیروز ساخت...

اینجا بود که پیامبر (صلی الله علیه وعلی آله وسلم) در برابر کعبه ایستاد تا آنکه مبادی این دین را بیان نماید و تا آنکه مترقی‌ترین برنامه انسانی را طرح بریزد... طرحی که همه تمدن‌ها تاکنون از ترسیم آن ناتوان مانده‌اند.

حجاج بیت الله الحرام: رسیدن شما به این خانه محترم خداوند مبارک باد... این شعائر و این احساس بر شما مبارک باد... بر شما مبارک باد این زمان شریف و این مکان شریف و این اعمال بس عظیم... خداوند را برای این نعمت‌های حمد و شکر گوید که او اعلام نموده برای شاکران افزون خواهد داد.

خوش آمدید... شما مهمان خداوندید که گرمی داشت و احترامش واجب است... خداوند حجتان را آسان گرداند و شما را از هر گزندی محفوظ بدارد و حجتان را مبرور و تلاشتان را مشکور سازد و از ما و شما اعمالمان را بپذیرد.

ای مسلمانان: قصد نمودن این سرزمین پاک باعث پاک شدن گناهان و از بین رفتن آنان میشود و بلکه بالاتر از این، حج مبرور پاداشی ندارد به جز بهشت... و این سخن پیامبرتان (صلی الله علیه وعلی آله وسلم) است.

چه اندازه درون‌ها برای مکه مشتاق شده و چقدر قلب‌ها برای آن بی‌تاب گشته‌اند... و چه انسان‌هایی که در شوق و سوز آن گریسته‌اند... چه انسان‌ها که حسرت دیدن «وادی محسر» را دارند... آرزو دارند شبی در منا بمانند و ساعتی در عرفه توقف کنند یا در شب مزدلفه شریک باشند و در ازدحام جمرات حضور داشته باشند... یا آنکه طواف خانه کنند و اشک بریزند...

و همچنان مویکب حجاج از هر راه دور و نزدیک سرازیر است... چه زیباست صدای لیک که بر هواپیماها در آسمان و در کشتی‌ها در دریا و در اتوموبیل‌ها در جاده‌ها به گوش می‌رسد...

لیک اللهم لیبک... لیبک لا شریک لک لیبک... إن الحمد و النعمة لک و الملک... لا شریک لک.

مقصد یگانه و هدفی یگانه... این قافله‌های ایمان است... این سفر زندگی است که به جایی که دل‌ها بدان گرایش دارند... بسوی سمبل اسلام و قبله مسلمانان. ای حجاج بیت الله الحرام... منزلت حج نزد خداوند متعال بس بزرگ است و این شعیره در دین جایگانی عظیم دارد... خداوند این شعیره را با این سخن خود واجب گردانده است که:

﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾ [آل عمران: ۹۷].

«و برای الله حج آن خانه بر عهده مردم است کسی که بتواند به سوی آن راه یابد و هر که کفر ورزد یقیناً الله از جهانیان بی نیاز است.»

اما در مورد فضل آن ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است که رسول الله (صلی الله علیه وعلی آله وسلم) فرمودند: «عمره تا عمره کفاره ای است برای بین آن دو و حج مبرور پاداشی ندارد جز بهشت» [به روایت بخاری و مسلم].

همچنین در صحیح آمده است که از رسول خداوند (صلی الله علیه وعلی آله وسلم) پرسیده شد: کدام یک از اعمال بهتر است؟ ایشان فرمودند: «ایمان به خداوند عزوجل» سپس پرسیدند: پس از آن چه؟ ایشان فرمود: «جهاد در راه خداوند» باز پرسیده شد: سپس چه عملی؟ فرمود: «حج مبرور».

حج مبرور تجارت دنیا آخرت و پیروزی در هر دوی آنها است.

از ابن مسعود رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله (صلی الله علیه وعلی آله وسلم) فرمودند: «حج و عمره را در پی هم انجام دهید که آن دو فقر را از بین می‌برند و گناهان را چنان پاک می‌کنند که آتش ناپاکی آهن را پاک می‌سازد» [به روایت احمد و ترمذی با سند صحیح].

و در صحیحین آمده است که رسول الله (صلی الله علیه وعلی آله وسلم) فرمودند: «هرکه حج این خانه را به جای آورد و بد دهانی و گناه نکرد به مانند روزی که مادرش او را به دنیا آورد بر خواهد گشت» یعنی به مانند روز تولد از گناهان پاک خواهد شد... این به همراه چند برابر شدند حسنات و بالا رفتن درجات است.

از جابر رضی الله عنه از رسول الله (صلی الله علیه وعلی آله وسلم) روایت است که ایشان فرمودند: «نماز در این مسجد من بافضیلت تر است از هزار نماز در دیگر مساجد مگر مسجد الحرام، و نماز در مسجد الحرام صد هزار بار بافضیلت تر است از نماز در دیگر مساجد» [به روایت احمد و ابن ماجه با سند صحیح و اصل این حدیث در صحیح است]

این یعنی نماز در مسجد الجرام به اندازه نماز ۵۴ سال ارزش دارد.

آیا پس از این کسی برای اینکه دلش هوای حرم کرده است ملامت خواهد شد؟ این جدای از مواقف رحمت در عرفات و مشعر الحرام و منی و طواف خانه خدا و سعی بین صفا و مروه و رمی جمرات است، که همه این‌ها از مواقف رحمت و اجابت دعایند.

اما عرفات... و تو چه می‌دانی که عرفات چیست! رسول الله (صلی الله علیه وعلی آله وسلم) می‌فرماید: «هیچ روزی نیست که خداوند در آن بیشتر از روز عرفات بندگان را از آتش نجات داده باشد و او در عرفات [به بندگانش] نزدیک می‌شود سپس بخاطر آنان بر ملائکه‌اش فخر مباهات می‌کند و می‌گوید: این‌ها چه می‌خواهند؟» [به روایت مسلم].

آن‌ها رحمت پروردگار و بهشت او را می‌خواهند... آن‌ها مغفرت گناهانشان و آزادی از آتش را می‌خواهند... آنان از حاهای دور دنیا آمده‌اند... خانواده و سرزمین خود را ترک گفته‌اند و هر چه را توانسته‌اند خرج کرده‌اند تا به به این مکان‌ها شریفه برسند...

آن هم در زمانه‌ای که می‌بینی برخی از ثروتمندان از ادای این فریضه تنبلی می‌کنند و پول و وقت خود را در راه سفر و تفریح و خوشگذرانی و غفلت هدر می‌دهند و حتی یک بار هم به حج نرفته‌اند.

این‌ها بدانند که رکنی از ارکان اسلام را ترک گفته‌اند... عمر بن خطاب رضی الله می‌گوید: هرکه وضع مالی خوبی داشت و حج را به جای نیاورد و مرد، اگر خواست به مانند یهودیان و مسیحیان بمیرد». و به مانند این سخن از علی بن ابی‌اطلب رضی الله عنه نیز روایت شده است.

پس باید که شخص توانگر تقوای خداوند را پیشه ساخته و پیش از دست دادن فرصت دست به کار شود و اگر ناتوانی یا مرگ او را غافلگیر ساخت آنگاه عذر آوردن برای او سودی نخواهد داشت.

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم:

﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾ [آل عمران: ۹۷].

«و برای الله حج آن خانه بر عهده مردم است [البته بر] کسی که بتواند به سوی آن راه یابد و هرکه کفر ورزد یقیناً الله از جهانیان بی‌نیاز است».

خداوند من و شما را به واسطه کتابش و سنت پیامبرش، برکت و سود رساند، این سخنم را گفته و برای خود و شما از خداوند متعال مغفرت می‌خواهم.

خطبه‌ی دوم:

ستایش و سپاس از آن خداوند برای احسان و توفیق وی... و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که یگانه و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر او و دعوتگر بسوی رضوان وی است... درود و سلام و برکات خداوند بر روی و بر آل و اصحاب وی باد.

اما بعد:

ای مومنان... ای حجاج خانه خدا. اکنون که خداوند شما را به خانه‌اش رسانده است شعائر او را پاس دارید تا تقوا و ایمانتان افزون گردد:

﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعِظْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾ [الحج: ۳۲].

«این است [فرایض خدا] و هرکس شعایر الله را بزرگ دارد در حقیقت آن از تقوای دل‌هاست».

از پاسداشت شعائر خداوندی این است که: عمل را به نیکی انجام داده و بر کامل انجام دادن آن حریص بوده و از روش رسول خدا (صلی الله علیه وعلی آله وسلم) پیروی نماییم. ایشان می‌فرماید: «مناسک‌تان را از من فراگیرید».

همچنانکه پی گرفتن رخصت‌ها و سهل انگاری در انجام مناسک، زیان است و نقص.. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ﴾ [البقرة: ۱۹۶].

«و برای الله حج و عمره را به پایان رسانید».

همچنین دوری از آنچه باعث نقصان در حج و عمره می‌شود و استفاده از زمان و مکانی که خداوند آن را بزرگ داشته است، از جمله بزرگداشت شعائر الهی است.

همچنین دوری کردن از بحث و جدل و صر و صدا، زیرا قبولی حج و مغفرت گناهان، وابسته به ترک این کارها است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ﴾ [البقرة: ۱۹۷].

«حج در ماه‌های معینی است پس هرکس در این [ماه]‌ها حج را [برخود] واجب گرداند [بداند که] در اثنای حج همبستری و گناه و جدال [روا] نیست».

پیش از این سخن رسول الله (صلی الله علیه وعلی آله وسلم) گذشت، آنجا که می‌فرماید: «هرکه حج کند و سخن ناروا نگفته و گناه نوزد به مانند روزی که مادرش وی را به دنیا آورد باز خواهد گشت».

پاکسازی درون و ازدیاد ایمان و به دست آوردن تقوا آنگاه خواهد بود که مسلمان با ادب و خشوع به عبادت پروردگارش روی آورد...

چنانکه لازم است پیش از آغاز کارهای حج درباره احکام شرعی آن پرسش شود. چه بسا حاجیانی که براساس نادانی به عبادت خداوند می‌پردازند و نه سوال می‌کنند و نه فرا

می‌گیرند و چه بسا افرادی که اگر پیش از کار سوال کرده بودند در مشکل واقع نمی‌شدند...

همچنین بر دوش مسئولان و دست اندر کاران مسئولیتی بس بزرگ نهاده شده و باید در این باره تقوای خداوند را در پیش گیرند زیرا همه مسئولند و همه در مورد افراد تحت مسئولیت خود مورد سوال قرار خواهند گرفت.

ای مومنان: همانا اصلی که این خانه بر آن بنا شده است توحید پروردگار جهانیان است. او که در کتابش فرموده است:

﴿وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا﴾ [الحج: ۲۶].

«و چون برای ابراهیم جای خانه را معین کردیم [بدو گفتیم] چیزی را با من شریک مگردان».

و خداوند در خلال آیات خح چنین می‌فرماید:

﴿فَأَجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ ﴿۳۰﴾ حَقَّاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ﴾

[الحج: ۳۰-۳۱].

«پس از پلیدی بت‌ها دوری کنید و از گفتار باطل اجتناب ورزید (۳۰) در حالی که گروندگان خالص به الله باشید نه شریک گیرندگان [برای] او».

پس اعمال خود را پاک سازید و در همه کارهای شرعی‌تان و در همه زندگی به سنت پایبند باشید زیرا شرک، اعمال انسان را باطل می‌سازد و همیشه پایبند به یاد خداوند باشید این ویژگی بارز حج است و این اعلام توحید است و سمبل حج... خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَادْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ﴾ [البقرة: ۲۰۳].

«و الله را در روزهایی معین یاد کنید».

و می‌فرماید:

﴿فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ﴾ [البقرة: ۱۹۸].

«پس چون از عرفات کوچ نمودید الله را در مشعر الحرام یاد کنید».

و همچنین می‌فرماید:

﴿فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَسِكَكُمْ فَادْكُرُوا اللَّهَ﴾ [البقرة: ۲۰۰].

«و چون آداب ویژه حج خود را به جای آورید الله را یاد کنید».

و باز می‌فرماید:

﴿لِيَشْهَدُوا مَنَفِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ﴾ [الحج: ۲۸].

«تا شاهد منافع خویش باشند و نام الله را در روزهای معلومی به یاد آورند».

و در پایان درود و سلام فرستید بر بهترین انسان‌ها و پاک‌ترین آنان، رسول خداوند

محمد بن عبدالله...

خداوندا درود و سلام و برکت فرست بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت پاکش و بر صحابه نیکوکارش. خداوندا راضی و خشنود باش از امامان هدایتگر، خلفای راشدین، - ابوبکر و عمر و عثمان و علی - و از دیگر صحابه پیامبرت و از همه کسانی که بر روش آنان رفته و از سنت آنان پیروی نموده‌اند. ای پروردگار جهانیان.

خداوندا حجاج و معتمرین را حفظ نما و نسک آنان را آسان گردان و حجشان را کامل نما و از ما و آنان بپذیر ای پروردگار جهانیان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار بگردان و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امن و امان بدار. خداوندا هرکه را برای ما و دین ما اراده بد دارد به خود مشغول ساز و مکر او را در نابودی وی قرار ده.

خداوندا ما را در سرزمین‌های ما ایمن بدار و مسئولان و والیان امر ما را اصلاح نما.

خداوندا گرانی و وبا و ربا و زنا و زلزله‌ها و سختی‌ها و فتنه‌های بد آشکار و پنهان را از ما دور بدار.

خداوندا اوضاع مسلمانان را اصلاح نما خداوندا اوضاع مسلمانان را در هر جای جهان اصلاح نما. خداوندا آنان را بر حق و هدایت و کتاب و سنت جمع گردان. خداوندا جان آنان را حفظ نما و آنان را در سرزمینشان در امان بدار و زندگی آنان را آسان نما و اوضاع آنان را نیک گردان و دشمنان را نابود ساز.

خدایا مستضعفان را در هر مکانی یاری ده. خدایا آنان را در فلسطین یاری ده. خداوندا مجاهدان را در بیت المقدس یاری ده. خدایا آنان را بر حق جمع گردان. خداوندا، دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومنت را یاری ده. خداوندا مسجد الاقصی و همه آن سرزمین مقدس را از تجاوز متجاوزان ناپاک، پاک گردان. خداوندا ای زنده پایدار، ای زنده پایدار، ای زنده پایدار، پناه تو محکم است و ثنای تو جلیل، ای آنکه لشکرش شکست نمی‌پذیرد و وعده‌اش خلاف نمی‌شود. تو پاک و منزهی...

خداوندا شب ستمگران به طول انجامید... خداوندا صهیونیست‌ها در طغیان و تجاوز زیاده‌روی نمودند... خداوندا دستی از حق برای آنان مهیا ساز تا قدرت آنان را بشکند و آنان را نابود سازد. خداوندا عذاب خود را بر آنان نازل ساز. پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بدار. خداوندا گناهان ما را بیامرز و عیب‌های ما را بپوشان و کارهای ما را آسان گردان و ما را به آنچه رضایت تو در آن است برسان.

خداوندا تو را برای رحمت و بارانت شکر می‌گوییم. خداوندا ما باز از فضلت مسالت داریم. خداوندا از رحمت تو بی‌نیاز نیستیم... پروردگارا خیر و رحمت را بر دیگر سرزمین‌های ما نیز فراگیر گردان.

خداوندا تویی آن خدایی که معبودی به حق جز تو نیست. تویی بی‌نیاز و ما نیازمندیم... باران را بر ما نازل نما و مار از ما بپوشان مگردان. خداوندا بندگان و سرزمین‌ها در نیاز و حاجتی هستند که جز تو کسی توانایی رفع آن را ندارد. خداوندا ما را عطا نما و محرومان نگردان و ما افزون ده و از ما کم ننما. بندگان خداوند:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَايَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٩٠﴾ وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَعْمَلُونَ ﴿٩١﴾﴾ [النحل: ٩٠-٩١].

«در حقیقت الله به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم باز می‌دارد به شما اندرز می‌دهد باشد که پند گیرید (۹۰) و چون با الله پیمان بستید به پیمان خود وفا کنید و سوگندهای [خود را] پس از استوار کردن آن‌ها مشکنید با اینکه الله را بر خود ضامن [و گواه] قرار داده‌اید زیرا الله آنچه را انجام می‌دهید می‌داند».

عنوان خطبه:

حج؛ نقطه‌ای برای به هم رسیدن مسلمانان

خطیب: دکتر سعود الشریع

مسجد الحرام: جمعه ۳ ذی الحجه ۱۴۳۰ هجری قمری برابر با ۲۹ آبان ماه ۱۳۸۸

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است...

﴿فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَكِةِ رُسُلًا أُولَىٰ أَجْنَحَةٍ مَّتَشَىٰ وَثَلَّثَ وَرُبِعًا يَبْدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [فاطر: ۱].

«پدیدآورنده آسمان و زمین است [و] فرشتگان را که دارای بال‌های دوگانه و سه‌گانه و چهارگانه‌اند پیام‌آورنده قرار داده است. در آفرینش هر چه بخواهد می‌افزاید زیرا الله بر هر چیزی تواناست».

و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر اوست و بهترین انسانی است که نماز گزارده و روزه گرفته و حج کرده است، رسالت را به انجام رساند و امانت را پاس داشت و برای امت خیرخواهی نمود و در راه الله آنگونه که حق آن است به جهاد برخاست.

درود و سلام خداوند بر وی و بر اهل بیت پاک و بر اصحاب گرامی وی و همه‌ی انانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند.

اما بعد... خود و شما را تقوای الهی و ژایبندی به شریعتش در پنهان و آشکار سفارش می‌کنم و شما را به چنگ زدن به سنت محمد مصطفی توصیه می‌نمایم و برحذر باشید از تفرقه و اختلاف و تکروی، زیرا که دست خدا با جماعت است و هرکه تکروی نماید به تنهایی نیز وارد آتش شود:

﴿وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصَلِّهِ ۖ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿١١٥﴾﴾ [النساء: ۱۱۵].

«و هرکس پس از آنکه راه هدایت برای او آشکار شد با پیامبر به مخالفت برخیزد و [راهی] غیر راه مؤمنان در پیش گیرد وی را بدانچه روی خود را بدان سو کرده واگذاریم و به دوزخش کشانیم و چه بازگشتگاه بدی است».

حجاج بیت الله الحرام: سخن درباره‌ی نمادی جاودان و بنایی است استوار و قبله‌ای برای همه‌ی مسلمانان در مشرق‌های زمین و مغرب‌هایش... نمادی که زمانه بر آن گذشته و نسل‌ها یکی پس از دیگری بر آن گذشته‌اند... این نماد کعبه است... خانه‌ی محرم خداوندی... این بنیان تاریخی که مکانی بود در کنار آب زمزم که جز مادری دلسوز که با فرزند شیرخوارهاش در آن صحرای لم یزرع بدون هیچ مونس و همدمی مهاجرت نموده بود... و خداوند آن دو را با عنایت و محافظت خود در امان داشت تا از نی هجرت سرزمین و بنای به وجود آورد که دل‌های مردمان بدان گرایش یابد و تا آنکه مرحله‌بنا از نقطه‌ی صفر آغاز شود و در نهایت به این جمع ملیونی برسد.

آری تا آنکه از سختی سفر و مشقت آن و از دردها و ناخوش‌هایش دریاهایی شکل گیرد... آری این تپه‌ها و دشتهایی ست که پیامبران خداوند آن را طی نموده‌اند و صدای خود را برای لبیک گفتن به خالقشان بلند کرده‌اند تا آنکه دعوت پدرشان ابراهیم را لبیک گویند. او که خداوند چنین به وی فرمان داده بود:

﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ ﴿٢٧﴾ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِّنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ ۗ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ ﴿٢٨﴾﴾ [الحج: ۲۷-۲۸].

«در میان مردم برای [ادای] حج بانگ برآور تا [زایران] پیاده و [سوار] بر هر شتر لاغری که از هر راه دوری می‌آیند به سوی تو روی آورند (۲۷) تا شاهد منافع خویش باشند و نام الله را در روزهای معلومی بر دام‌های زبان‌بسته‌ای که روزی آنان کرده است ببرند پس از آن‌ها بخورید و به درمانده مستمند بخورانید».

این موسم بزرگ ما را به یاد موسی کلیم الله می‌اندازد آنجا که از در حال حج لبیک گویان از وادی پایین می‌آمد: «لبیک اللهم لبیک. لبیک لا شریک لک لبیک. إن الحمد والنعمه لک والملك. لا شریک لک».

این همان تلبیه‌ی بزرگی است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم درباره‌ی آن می‌گوید: «هیچ لبیک گویی لبیک نمی‌گوید مگر آنکه هر آنچه از سنگ و درخت در سمت راست و چپ وی قرار دارد به لبیک گفتن می‌پردازد...» [به روایت ابن ماجه].

و رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم می‌فرماید: «اما موسی گو اینکه اکنون دارم او را می‌بینم که دارد لبیک گویان از وادی پایین می‌آید» [به روایت بخاری و مسلم].

بله ای حجاج خانه‌ی خدا... این موسم بزرگ پیامبران خداوند را به یاد ما می‌آورد که در حال حج «لا إله إلا الله» و «لبیک اللهم» گویانند. بیهقی در سنن خود از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت می‌کند که گفت: «موسی بن عمران لبیک گویان با ۵۰ هزار تن از بنی اسرائیل در حالی که دو عبای قطوانی بر تن داشت حج نمود»

همچنین بیهقی از ابن عباس رضی الله عنهما روایت می‌کند که وی گفت: «در مسجد «خیف» هفتاد پیامبر نماز گذارده‌اند» همچنین نزد بیهقی از عروه روایت شده که وی گفت: «هیچ پیامبری نیست مگر آنکه حج خانه‌ی خدا را انجام داده است».

این طیف‌ها حال ما را به گذشته متصل می‌سازد و در دورانمان احساس افتخار و عزت را نسبت به این دین و قبله‌ی آباد مسلمانان به وجود می‌آورد و این پایان کار نیست...

زیرا نسل‌هایی در پی هم خواهند آمد که به این سرزمین رسیده و در عرصه‌ی آن به تکبیر و تهلیل خواهند پرداخت. مانند این است که طیفی ما را در بر می‌گیرد آنگاه که این

سخن رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم را به یاد می‌آوریم که فرمود: «قسم به آنکه جانم در دست اوست عیسی بن مریم یا برای حج و یا برای عمره از «فَجِّ الرُّوحَاءِ» تهلیل خواهد گفت» [به روایت مسلم] که این حج عیسی علیه السلام در آخر الزمان و پس از نزول وی خواهد بود.

این آن خانه‌ی آباد است، خانه‌ی آبادی که هیچگاه از نمازگزاران و طواف کنندگان و سعی کنندگان و لبیک گویان خالی نخواهد شد. در هر لحظه کسانی آن را آباد خواهند کرد و در هر ثانیه‌ای دل‌ها اشتیاق‌ها به سوی آن روی خواهند آورد.

این، خانه‌ای است که در حفظ و امان خداوند است... خانه‌ای که خداوند مکر و نیرنگ ابرهه را از آن برگرداند و علیه وی پرندگان ابابیل را به عنوان نشانه عبرتی برای همه‌ی آنانی فرستاد که قصد توطئه یا الحاد در حرم دارند:

﴿وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُّذِقْهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾ [الحج: ۲۵].

«و هر که بخواهد در آنجا به ستم [از حق] منحرف شود او را از عذابی دردناک می‌چشانیم».

ای حجاج خانه‌ی خداوند. شما هم اکنون قدم در نسکی نهاده‌اید که در آن فضای روحانی حس میشود و از خلال آن نسّماتی ایمانی به مشام می‌رسد که شما را به خداوند نزدیک‌تر می‌سازد و از گناه دورتر...

انفاس برادری و عدل و مساوات شما را لمس می‌کند. پروردگارتان را در این نسک با زبان‌هایی گوناگون فراخواهید خواند و او با شنیدن زبانی از زبان دیگر غافل نشده و با دعای کسی از دعای کس دیگری غافل نخواهد گردید. بلکه او دعای این یکی را شنیده و گناه دیگری را می‌آمرزد و اشک این را دیده و مناجات آن یکی را گوش خواهد داد:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ﴾ ... [آل عمران: ۵].

«در حقیقت هیچ چیز در زمین و نه در آسمان بر الله پوشیده نمی‌ماند».

ای حجاج بیت الله الحرام، بیابید از موسم حج نقطه‌ی آغازی بسازیم برای ترجمه‌ی عملی حکمت‌ها و اسرار آن در میان مسلمانان در گوشه و کنار جهان... تا هر کدام از ما

حاجیان با وجود تفاوت زبان‌ها و رنگ‌ها در درون خود معنای وحدت و همبستگی و برادری و عدالت را حمل نماییم.

شاید این بسیار مشکل باشد که حاکم همه‌ی مسلمانان یکی باشد و یک قدرت و یک نظام حکومتی واحد همه‌ی آنان را در جهان به زیر چتر خود درآورد که این بسیار مشکل و دشوار است مگر آنکه خداوند بخواهد...

اما مسلمانان همگی از این ناتوان نیستند که وحی را که در قرآن و سنت نمود یافته است به عنوان سلطان و رهبر خود در نظر بگیرند. تا آنکه این سخن باری تعالی را محقق سازیم که فرموده است:

﴿... لِيَشْهَدُوا مَنَفَعَهُمْ...﴾ [الحج: ۲۸].

«... تا شاهد منافی برای خود باشند...».

و چه سودی بزرگ‌تر از آشنایی و الفت با استفاده از رابطه‌ی کتاب و سنت؟

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ءَالْكِتَابِ الَّتِي نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِ ءَالْكِتَابِ الَّتِي أَنْزَلَ مِن قَبْلُ ءَوَمَن يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ ءَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾ [النساء: ۱۳۶].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید به الله و پیامبر او و کتابی که بر پیامبرش فرو فرستاد و کتاب‌هایی که قبلاً نازل کرده ایمان آورید و هرکس به الله و فرشتگان او و کتاب‌ها و پیامبرانش و روز بازپسین کفر ورزد در حقیقت دچار گمراهی دور و درازی شده است.»
خداوند من و شما را به واسطه‌ی قرآن و سنت و آیات و ذکر حکیم سود رساند... این سخن را گفته و برای خود و شما و دیگر مردان و زنان مومن از خداوند متعال از هر گناه و معصیتی آمرزش می‌خواهم که او بس غفور و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش تنها از آن الله است. و درود و سلام بر آنکه پیامبری پس از وی نیست.

اما بعد... ای حجاج خانه‌ی خدا. تقوای وی را پیشه سازید و بدانید که در روز هشتم ذی الحجه برای شخص حاجی اگر بصورت تمتع حج کرد است لازم است که احرام نماید و اگر در حالت افراد یا قران حج نموده باید در احرام خود باقی بماند.

برای شخص حاجی مستحب است که قبل از زوال آفتاب به منی رفته و نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء را به حالت دو رکعتی و بدون جمع بستن در آنجا به جای آورد. سپس با خواندن نماز صبح روز نهم و با طلوع خورشید لبیک گویان و تکبیر گویان به سوی عرفه به راه افتد. سپس با زوال آفتاب نماز ظهر و عصر را به صورت جمع و با یک اذان و دو اقامه در عرفه به جای آورد و سپس در عرفه بماند.

همه‌ی عرفه مکان وقوف است مگر «بَطْنِ عُرْنَه». وی در عرفات بیسار لا اله الا الله گفته و تسبیح و دعا و استغفار می‌نماید و ذکر کلمه «لا اله الا الله» بیشتر مورد تاکید است زیرا این کلمه‌ی توحید خالص است. رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم می‌فرماید: «بهترین دعا، دعای روز عرفه است و بهترین سخنی که من و پیامبران پیش از من گفته‌اند این است: (لا إله إلا الله وحده لا شریک له، له الملك وله الحمد وهو علی کل شیء قدیر)» [به روایت ترمذی].

با غروب خورشید شخص حاجی با آرامش و وقار از عرفه به سوی «مزدلفه» خارج می‌شود و نه ایجاد مزاحمت می‌کند و نه به کسی آزار می‌رساند و در آنجا نماز مغرب و عشاء را با یک اذان و دو اقامه به صورت قصر و جمع به جای می‌آورد.

سپس تا طلوع خورشید در آنجا می‌ماند به جز ضعیفان و پیران که می‌توانند نصف شب از آنجا بروند. پس از آنکه شخص حاجی نماز صبح را در مزدلفه به جای آورد به عنوان استحباب در مشعر الحرام می‌ایستند... مزدلفه نیز همه‌اش محل وقوف است. مستحب است که شخص حاجی خداوند را بسیار دعا و نیایش کند تا آنکه آفتاب بسیار روشن شود. البته اگر بتواند و این برای وی واجب نیست.

سپس برای انداختن جمره‌ی عقبه به سوی منا می‌رود و این جمره نزدیک‌ترین جمرات به مکه است. وی این جمره را با هفت سنگریزه به جای می‌آورد که در هنگام

انداختن هر کدام از آنها تکبیر می‌گوید. سپس ار ممتنع یا قارن است قربانی خود را به جای می‌آورد.

پس از آن سر خود را تراشیده و از احرام خارج می‌شود که در پی آن همه‌ی حرام‌های احرام به جز رابطه‌ی جنسی برای وی حلال خواهد شد...

برای کسی که به صورت قارن یا مفرد حج نموده است لازم است که طواف افاضه و همچنین سعی را در صورتی که به همراه طواف قدوم آن را انجام نداده باشد، انجام دهد. اما برای شخص ممتنع یک طواف و یک سعی به جز سعیی که در بار اول انجام داده است لازم است.

با انجام طواف همه‌ی آن چیزهایی که با احرام بر وی حرام شده بود حتی رابطه‌ی جنسی، حلال خواهد شد.

برای حاجی اشکالی ندارد که هر کدام از کارهای روز نحر را به هر ترتیبی انجام دهد زیرا رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم در مورد عقب و جلو انجام دادن کارهای این روز پرسش نشد مگر آنکه فرمود: «انجام بده و اشکالی ندارد» [متفق علیه].

سپس برای شخص حاجی واجب است روزهای تشریق را در منی باقی که این براساس فعل رسول الله صلی الله علیه وسلم و همچنین این فرموده‌ی ایشان است که فرمودند: «مناسک خود را از من فرا گیرید» [متفق علیه].

وی رمی جمرات را در روزهای یازدهم و دوازدهم و سیزدهم انجام می‌دهد و هر جمره‌ای را با هفت سنگریزه به جای می‌آورد. وی از جمره‌ی صغری، سپس وسطی و سپس کبری آغاز می‌کند. براساس کار پیامبر و دستور وی سنت است که در این روزها عمل رمی جمار پس از زوال انجام گیرد و هرکه قصد استعجال دارد پس از زوال روز دوازدهم عمل رمی را انجام دهد و سپس به سوی مکه برود...

سپس شخص حاجی به سوی مکه به راه می‌افند و اشکالی ندارد اگر در حالی از منی خارج نشده خورشید غروب نماید. سپس در مکه طواف وداع را انجام دهد:

﴿فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَسِكَكُمْ فَادْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ ﴿٥٠﴾ وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿٥١﴾ أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿٥٢﴾﴾ [البقرة: ۲۰۰-۲۰۲].

«چون آداب ویژه حج خود را به جای آورید همان گونه که پدران خود را به یاد می‌آورید یا با یادکردنی بیشتر الله را به یاد آورید و از مردم کسی است که می‌گوید پروردگارا به ما در همین دنیا عطا کن و حال آنکه برای او در آخرت نصیبی نیست (۲۰۰) و برخی از آنان می‌گویند پروردگارا در این دنیا به ما نیکی و در آخرت [نیز] نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش [دور] نگه دار (۲۰۱) آنانند که از دستاوردهای بهره‌ای خواهند داشت و الله زودشمار است».

سپس درود و سلام فرستید بر بهترین انسان‌ها محمد بن عبدالله، آن صاحب حوض و شفاعت که خداوند شما را به آن امر نموده است و فرموده است:

﴿... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴿٥٦﴾﴾ [الأحزاب: ۵۶].

«... ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر وی درود و سلام فرستید».

و رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم می‌فرمایند: «هر که من بر یک درود فرستد خداوند به خاطر آن بر وی ده درود خواهد فرستاد».

خداوند درود و سلام و برکت فرست بر بنده و پیامبرت محمد و خشنود و راضی باش از چهار خلیفه‌ی پیامبرت - ابوبکر و عمر و عثمان و علی - و از دیگر صحابه‌ی پیامبرت و از تابعین و آنانی که به نیکی تا قیامت از آنان پیروی نمایند و همچنین با عفو و کرمیت از ما به همراه آنان راضی و خشنود باش ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، و شرک و مشرکان را خوار بگردان، خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومنت را یاری ده.

خدایا غم و غصه‌ی غصه داران مسلمان را از بین ببر و سختی سختی دیدگان را برطرف ساز و وام‌داران را ادا نما و حاجیان و معتمران و مسافران را با رحمت خود سالم بدار. خداوندا این مواسم خیر را برای ما سودمند گردان و این اوقات برکت و نفحات را راهی بسوی رحمت خود بگردان.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان و والیان ما را اصلاح گردان و ولایت ما را بر عهده‌ی کسی قرار ده که ترس تو را داشته و در پی خشنودی و رضایت تو باشد.

پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا نما و از عذاب آتش دور بدار. پاک و بی‌عیب است پروردگار تو آن پروردگار عزت از آنچه به دروغ وصفش می‌کنند و سلام بر پیامبران و الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

نصیحت؛ فضیلت، جایگاه و احکام آن

خطیب: دکتر صالح بن حمید

مسجدالحرام: ۱۷ ذی الحجه ۱۴۳۰ برابر با ۱۳ آذر ۱۳۸۸

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است، ستایش از آن اوست که آفریدگار مردمان از عدم است... اوست که بخشش بی‌پایان دارد و ولی نعمت است.

ستایش او را گفته و برای فضل عظیمش او را سپاس می‌گویم. و شهادت می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده و پیامبرسان الهی است که خداوند به وسیله‌ی او دین را کامل گرداند و شریعت را به اتمام رساند. درود و سلام و برکات خداوند بر او و بر اهل بیت و اصحاب بزرگوار او و تابعین و کسانی باد که به نیکی از آنان پیروی نموده و راه راست را پیموده‌اند...

اما بعد... ای مردم خود و شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم پس تقوای وی را پیشه سازید که انسان خوشبخت و بااراده کسی است که پیش از ترک دنیا گناهان را ترک گوید و قبل از پیشی گرفتن مرگ به سوی توبه پیشتاز باشد. زیرا وقت، شاهدی است که بر مردمان و گذر شب و روز ما را به سوی مرگ می‌برد...

ای آنکه به سلامتی خود فریفته‌ای... آیا ندیده‌ای آنان را که بدون بیماری مرده‌اند؟ و ای آنکه با طول عمر راه غفلت گرفته‌ای... آیا ندیده‌ای آنان را که با مرگ غافلگیر شده‌اند؟!

بر حذر باشید از آنکه جزو کم فروشان بوده یا آنکه در صورت یادآوری برای توبه، امروز و فردا کنید و اگر به راه خدا دعوت داده شوید سستی ورزید... تلاش کنندگان تلاش خود را کردند و تو هنوز نشسته‌ای و مسابقه دهندگان مسابقه دادند و تو هنوز دوری؟ آنان کسانی‌اند که درباره‌شان چنین نازل شده است:

﴿كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ الَّذِينَ مَا يَهْجَعُونَ ﴿١٧﴾ وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَعْفِرُونَ ﴿١٨﴾ وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ ﴿١٩﴾﴾ [الذاریات: ۱۷-۱۹].

«آنان کمی از شب را می‌خوابیدند (۱۷) و در سحرگاهان استغفار می‌کردند (۱۸) و در اموالشان بخشی معین برای سائل و محروم وجود داشت.»

ای مسلمانان و ای حجاج بیت الله الحرام: زمان‌ها در فضیلت متفاوتند و مکان‌ها نیز همچنین و مواسم عبادت پشت سر هم تکرار می‌شوند... همه‌ی این‌ها برای این است که همت‌ها بیدار شوند و روحیه‌ی رقابت و مسابقه در نیکی‌ها تحریک شود و غافلان بیدار گردند...

حال اگر چه مسلمانان این مواسم خیر و شعائر حج را ترک وداع گفته‌اند... اگر چه با حجاج بیت الله وداع گفتیم، اما شعائر دین و فرائض عبادی همیشه و در وقت مشخص و با روش ویژه‌ی خود در همه‌ی سال و در همه حال از شخص مسلمان مطلوب می‌باشد.

این نمازها و صدقات و اذکار و طاعات و نیکی‌ها نه به زمان خاصی مربوط است و نه به مکان خاصی:

﴿فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ...﴾ [البقرة: ۲۰۰].

«پس هنگامی که مناسک خود را به پایان رساندید الله را ذکر نمایید...».

﴿لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَآؤَهَا وَلَكِنَّ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ...﴾ [الحج: ۳۷].

«به الله نه گوشت آن خواهد رسید و نه خون آن، بلکه تقوای شما به او خواهد رسید.».

زیان‌دیده آن است که پروردگار خود را تنها در روزهایی چند و ساعت‌هایی محدود

به یاد آورد و پس از آن به غفلت و گناهان خود بازگردد. چه حسرت و چه زیان بزرگی

است برای کسی که گذر ایام او را به سوی سقوط و بدبختی بیشتری سوق می‌دهد؟!.

ای حجاج خان‌های خداوند: در چنین مناسبتی توقف برای یادآوری و محاسبه، زیبا و

به جا است... شایسته است در برابر یکی از مبادی این دین که در چنین شرایطی به جا

است و صفت مسئولیت‌پذیری را نمایان می‌سازد قدری توقف نماییم... مبنایی که حق

برادری را حفظ کرده و مسلمان را در ترازوی امتحان قرار می‌دهد.

از انس رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

«کسی از شما ایمان نمی‌آورد تا آنکه آنچه را برای خود دوست می‌دارد برای برادر

خود نیز دوست بدارد» [متفق علیه].

برادری، روح ایمان است و چکیده‌ی احساس برادری همان برآورده شدن امنیت

فراگیری است که در همه‌ی جامعه اطمینان و صلح را گسترده می‌سازد.

ای حجاج خان‌های خدا و ای مسلمانان: هرکه این را به درستی درک کند و تدبیر نماید

وظیفه‌ی خود را در برابر برادرانش خواهد دانست... نشان دادن صادقانه‌ی برادری،

محدود نیست اما همه‌ی آن در یک واژه بزرگ که معنایی عظیم و آثاری چشمگیر دارد،

جمع می‌شود که همان خیرخواهی در رفتار و پذیرش نصیحت دیگران و نصیحت کردن

و محبت در حق یکدیگر است.

بر اساس این حق برادرت را نصیحت کرده و برای او خیرخواهی می‌کنی و نصیحت

او را پذیرفته و نصیحت‌کنندگان را دوست خواهی داشت.

نصیحت، معیار محبت صادقانه و دوستی خالصانه است. برادر تو کسی است که در حق تو خیرخواهی و نصیحت نماید.

نصیحت، کلمه‌ای است فراگیر و معنای کامل آن اراده‌ی خیر است برای شخص مقابل و راهنمایی وی به سوی آن و برحذر داشتن او از عیب‌ها و انحراف در گفتار و کردار و رفتار با دیگران...

محمد بن نصر رحمه الله در تعریفی دقیق و زیبا می‌گوید: «نصیحت یعنی توجه قلب نسبت به شخص نصیحت شده - هرکه باشد - و مراقبت از او و اصلاح وی».

و همین کافی است که پیامبر ما محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - دین را در نصیحت خلاصه کرده و آن را سه بار تکرار نمود و فرمود: «دین نصیحت و خیرخواهی است. دین نصیحت و خیرخواهی است، دین نصیحت و خیرخواهی است»، گفتیم برای چه کسی ای رسول خداوند؟ فرمود: «برای الله و برای کتابش و برای پیامبرش و برای امامان مسلمان و دیگر مسلمانان» [به روایت امام مسلم از حدیث تمیم بن اوس داری].

ابن بَطَّال رحمه الله می‌گوید: «نصیحت هم دین نامیده می‌شود و هم اسلام». ای مسلمانان و ای مهمانان خداوند. برای هیچ کس، دارای هر مقام و منزلتی که باشد ممکن نیست که از نصیحت بی‌نیاز شود... حاکم و عالم و معلم و خانه‌دار و غنی و فقیر و مرد و زن و دور و نزدیک، همیشه و همه جا...

نصیحت و خیرخواهی از بزرگ‌ترین حقوق میان مسلمانان است. از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «حق مسلمان بر مسلمان شش چیز است» گفته شد این شش چیز کدامند؟ فرمود: «هرگاه با برادرت مسلمانانت روبرو شدی به وی سلام بگو و اگر تو را دعوت کرد دعوتش را پاسخ بگو و اگر برای تو نصیحت و خیرخواهی کرد تو نیز برای او خیرخواهی کن و اگر عطسه زد و «الحمد لله» گفت در پاسخش بگو: «یرحمک الله» و اگر بیمار شد به عیادتش برو و اگر وفات یافت در تشییع جنازه‌ی او شرکت کن» [به روایت امام مسلم].

جریر بن عبدالله بجلی رضی الله عنه می‌گوید: «با رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم بر پریا داشتن نماز و دادن زکات و خیرخواهی برای هر مسلمان، بیعت نمودم» [متفق علیه].

و نزد طبرانی چنین روایت شده که: «هرکه به امر مسلمانان اهت ندهد از آنان نیست و هرکه صبح و شب را سپری کند و برای خداوند و رسولش و کتابش و امام مسلمانان و عموم آنان خیرخواهی نوزد، مومن نیست».

ای مسلمانان: مثال مومن در برابر دیگر مسلمانان به مانند دو دست است که هر یک دیگری را می‌شوید. ابودرداء رضی الله عنه می‌گوید: «اگر بخواهید شما را نصیحت می‌کنم... محبوب‌ترین بندگان نزد خداوند کسانی‌اند که باعث دوست داشتن خداوند نزد مردم و دوست داشتن مردم نزد خداوند می‌شوند و در زمین به نصیحت و خیرخواهی تلاش می‌ورزند».

ابوبکر مزنی - رحمه الله - می‌گوید: «ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - با نماز و روزه بسیار بر دیگر اصحاب رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - پیشی نگرفت بلکه با چیزی که در قلبش بود بر آنان پیشی گرفت».

ابن ابی علیه می‌گوید: «آنچه در قلب ابوبکر بود محبت خداوند و خیرخواهی برای بندگان بود».

ای عزیزان و ای حجاج خانه‌ی خدا: مسلمان نسبت به مسلمان مانند یک ساختمان واحد است که هر یک دیگری را می‌گیرد... آنان با یکدیگر در نیکی و در تقوا همکاری می‌کنند... به سوی حق و صبر توصیه می‌کنند... به معروف امر کرده و از منکر باز می‌دارند... مسلمان برادر مسلمان است... عورت او را می‌پوشاند و لغزش او را می‌بخشد و برای او دلسوزی می‌کند و عذر او را می‌پذیرد و از غیبت او جلوگیری می‌کند و به نصیحت و خیرخواهی برای او ادامه می‌دهد و دوستی او را حفظ می‌نماید و دعوت او را پاسخ می‌گوید و هدیه‌اش را می‌پذیرد و خوبی‌اش را شکر می‌گوید و حاجتش را رفع

می‌کند و گم شده‌اش را باز می‌گرداند. او را تسلیم نمی‌کند و از یاری‌اش سر باز نمی‌زند. برای او همان چیزی را می‌پسندد که برای خود...

برای غمش غمگین می‌شود و برای شادی‌اش شاد می‌شود حتی اگر شادی او به ضررش باشد.

مسلم صلاح و رستگاری و محبت و دواح نعمت و یاری و دور کردن بدی‌ها و راهنمایی به سوی منافع و آموزش امور دین و دنیا را برای برادرانش دوست می‌دارد و بدی‌ها را از آنان دور ساخته و از فریب و حسد نسبت به آنان دوری می‌ورزد و برای فقرای آنان ایثار می‌ورزد و هر یک از آنان را که از حق دور شده‌اند با لطف و مهربانی به حق باز می‌گرداند.

برادران و خواهران: علما تعدادی از آداب را که شایسته است در هنگام نصیحت رعایت نمود ذکر نموده‌اند از جمله:

اخلاص در خیرخواهی برای شخص مقابل و حرص بر آن و تلاش در راه آن. دور شدن از هوا و خواهش‌های نفسانی.

صبر و شکیبایی در برابر آنچه ممکن از سوی شخص مقابل سر بزند.

باید در نصیحت از لطف و آسانگیری بهره جسته شود و از بهترین الفاظ و آرام‌ترین و بهترین آنان استفاده شود و در بهترین اوقات و مناسبت‌ترین حالت ممکن انجام گیرد.

اصل در نصیحت این است که در حالت سری و مخفیانه انجام گیرد.

امام شافعی رحمه الله می‌گوید: «هرکه برادرش را در حال خلوت نصیحت کند، برای او خیر خواسته و او را باارزش داشته است و هرکه در حالت علنی او را نصیحت کند او را بی‌آبرو کرده و سرزنش نموده است. شخص مومن دیگران را می‌پوشاند و نصیحت می‌کند اما منافق هتک حرمت می‌کند و بی‌آبرو می‌سازد».

ابن حزم می‌گوید: «اگر خواستی نصیحت کنی به صورت مخفیانه نصیحت کن نه در حالت علنی و بصورت غیر مستقیم نصیحت کن نه مستقیم مگر آنکه شخص مقابل نفهمد که در آن صورت باید مستقیم نصیحت کرد».

همچنین شایسته است در نصیحت با حسن ظن و یافتن عذر همراه باشد... ابن سیرین رحمه الله می‌گوید: «اگر از برادرت چیزی به تو رسید برایش عذری بیاور... و اگر برای کار او عذری نیافتی بگو: حتما عذری دارد».

و حکیمان گفته‌اند: «با هیچ کس با چیزی که بد می‌دارد روبرو نشو حتی اگر قصد نصیحت او را داری زیرا این باعث تنفر و قبول نکردن نصیحت می‌شود».

و در پایان، نصیحت سببی است برای انتشار برادری و زیاد شدن الفت و صافی قلب و نصیحت‌گر در دین خداوند کسی است که میان بندگان خداوند الفت ایجاد می‌کند...

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم... بسم الله الرحمن الرحیم:

﴿وَالْعَصْرِ ﴿۱﴾ إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ ﴿۲﴾ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ﴿۳﴾﴾ [سورة العصر].

خداوند من و شما را با قرآن بزرگ و راه و روش محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - سود رساند. برای خود و شما و دیگر مسلمانان از هر گناهی از خداوند آمرزش می‌خواهم. پس از او آمرزش بخواهید که او آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

حمد و سپاس از آن الله است. ستایش از آن اوست که خیری نیست مگر از او و شکر و سپاس مخصوص اوست و فضل و نعمتی نیست مگر از سوی او. و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که یکتاست و در یگانگی و پروردگاری و در نام‌ها و صفاتش بی‌شریک است و حقیقت ذاتش را کسی نمی‌تواند درک نماید.

و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده و پیامبرسان اوست که وی را برگزید و از وی خشنود شد. درود و سلام و برکات خداوند بر وی و بر اهل بیت و اصحاب وی و بر تابعین و همه‌ی آنانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروزی نمایند...

اما بعد:

بندگان خداوند، حجاج بیت الله الحرام... قومی که یکدیگر را نصیحت نکنند و نصیحت نپذیرند خیری در آنان نیست و قومی که نصیحتگران را دوست نداشته باشند نیز خیری ندارند. نصیحت در واقع انجام مسئولیت است.

این حقیقت نصیحت و منزلت و آثار آن است و چنانکه عمر بن الخطاب رضی الله عنه می‌فرماید: «قومی که در میان خود یکدیگر را نصیحت نمی‌کنند خیری در آنها نیست و قومی که نصیحت کنندگان را دوست ندارند نیز خیری در آنان نیست و قومی که نصیحت نمی‌پذیرند خیری ندارند. هر که تو را نصیحت کرد دوست دارند و هر که با تو مماشات کرد تو را فریب داده است».

و بدانید که نبودن نصیحت متقابل و ضعف آن سبب بسیاری از آفات از جمله غیبت و سخن پراکنی و کوچک شمردن دیگران و مسخره‌گری و انتشار منکرات و گناهان و تفرقه و تنفر است. همین کافی است که بدانید برعکس نصیحت یعنی فریب و نفاق و مداهنه.

پس تقوای الله را پیشه سازید و روابط میان خود را اصلاح نمایید و بندگان خداوند و برادر یکدیگر باشید یکدیگر را و به حق و صبر توصیه نماید و سخنی استوار و درست گوید تا خداوند کارهای شما را نیکو نموده و گناهان شما را بیامرزد و هر که از الله و رسولش اطاعت نماید پیروزی بزرگی به دست آورده است.

سپس بر آن رحمت هدایتگر و آن نعمت الهی پیامبران محمد رسول خداوند درود و سلام فرستید که خداوند شما را به این امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

«الله و ملائکه‌اش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود و سلام فرستید».

بارالها درود و سلام و برکت فرست بر بنده و پیامبرت محمد آن پیامبر درس ناخوانده و بر اهل بیت پاک و همسرانش، مادران مومنان و از چهار خلیفه‌ی پیامبرت، آن امامان

هدایتگر، ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه و تابعین و آنانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی کنند، راضی و خشنود باش. و همچنین از ما، با فضل و کرم و احسانت ای گرامی‌ترین گرامیان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار بگردان و حوزه‌ی دین را حفظ نما و بندگان مومن را یاری نما...

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و متولیان و مسئولان ما را صالح گردان. و مسئولیت ما را بر عهده‌ی کسانی قرار ده که تقوای تو را داشته و راه خشنودی تو را در پیش گیرند.

خداوندا هرکه را برای ما و برای دین و دیار و امنیت و امت و وحدت ما اراده‌ی سوء دارد به خودش مشغول ساز و مکر و حيله‌اش را در نابودی خود او قرار ده ای پروردگار جهانیان. خدایا ما از شر آنان به تو پناه می‌بریم.

خداوندا حج ما را مبرور گردان و پاداش ما را بسیار گردان و تلاش ما را مورد سپاس قرار ده و گناهان ما را بیامرز. خداوندا خنکی بخشش و عفو خود و شیرینی مغفرتت و لذت مناجات را به ما بچشان.

خداوندا ما را برای توبه و بازگشت توفیق عطا کن و درهای قبول و اجابت را به روی ما بگشا... خداوندا نماز و حج و دعای ما را بپذیر و از بدی‌های ما درگذر و بر ما توبه بپذیر و ما را مورد مغفرت و رحمت قرار ده ای مهربان‌ترین مهربانان.

پروردگارا ما به خود ستم نمودیم و اگر تو ما را مورد مغفرت و رحمت قرار ندهی بدون شک از زیانکاران خواهیم بود. پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بدار... خداوندا دل‌های ما را پس از آنکه هدایت‌مان نمودی دستخوش تغییر قرار مده و ما را از جانب خود رحمتی عطا کن که تو بسیار بخشنده‌ای.

ای بندگان خداوند. همانا الله به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان سفارش می‌نماید و از فحشا و منکر و تجاوز باز می‌دارد. او شما را چنین نصیحت می‌کند تا یادآور شوید...

پس الله را یاد کنید تا شما را یاد کند و او را شکر گذارید تا شما را افزون دهد. بدون شک یاد الله بزرگ‌تر است و الله به آنچه می‌کنید داناست...

عنوان خطبه:

فضیلت صبر در برابر مصیبت‌ها

خطیب: دکتر اسامه خیاط

مسجد الحرام: جمعه ۲۴ ذی الحجه ۱۴۳۰ برابر با ۲۰ آذر ۱۳۸۸

خطبه‌ی اول:

ستایش برای الله است که بلا را رفع کرده و نعمت‌ها را ارزانی می‌دارد... او را ستایش گفته و تسبیح او را می‌گوییم که خداوندی یگانه‌نیست جز او که و برای دفع بلا و سختی‌ها به او روی آورده می‌شود، و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده و پیامبرسان او و سرور نیکوکاران و متقیان است...

خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد و بر آل و اصحاب او درود و سلام و برکات

فرست... اما بعد

ای بندگان خداوند تقوای او را پیشه سازید:

﴿وَأَتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾

[البقرة: ۲۸۱].

«و بترسید از روزی که در آن، به سوی الله بازگردانده می‌شوید، سپس به هرکسی

(پاداش) آنچه به دست آورده، بطور کامل داده شود؛ و آنان مورد ستم قرار نمی‌گیرند».

ای مسلمانان... سختی‌های دوران و مصیبت‌های شب و روز و هر آزمایش و ابتلایی

که بنده در دنیا متحمل می‌شود در واقع محکی است برای ایمان مومنان و صبر محتسبان

و وبالی است برای بی‌صبران...

﴿وَلَتَبْلُوكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَتَبْلُؤْا أَخْبَارَكُمْ﴾ (۳۱)

[محمد: ۳۱].

«و البته شما را می‌آزماییم تا مجاهدان و صابران شما را بازشناسانیم و خبرهای [مربوط به] شما را رسیدگی کنیم».

و همیشه امتحان شخص به اندازه‌ی ایمان او خواهد بود و برای همین است که شدیدترین امتحان‌ها برای پیامبران خداوند است. چه اندازه مردمشان به آنان بدی کردند اما آنان به امید پاداش خداوندی صبر پیشه کردند و با این کار خود راه را برای رهپویان صابری که در راه خداوند آزار می‌بینند ترسیم نمودند.

﴿الْمَ ۝ أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ ۝ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكٰذِبِينَ﴾ (العنکبوت: ۱-۳).

«الف لام میم (۱) آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم رها می‌شوند و مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند (۲) و به یقین کسانی را که پیش از اینان بودند آزمودیم تا الله آنان را که راست گفته‌اند معلوم دارد و دروغگویان را [نیز] معلوم دارد».

آزمایش و ابتلاها و سختی‌ها متفاوت و گوناگون است. برخی از مردم با از دست دادن عزیزان همچون برادر و خواهر و نزدیکان و فرزندان و دوستان آزمایش می‌شوند. عزیزانی که پس از خداوند یار و یاور انسانند

گروهی دیگر از انسان‌ها با فقر و تنگدستی پس از غنا و رفاه آزمایش می‌شوند و برخی دیگر با کساد شدن کسب و کار یا از دست دادن خانه یا ناسازگاری خانوادگی مورد ابتلا قرار می‌گیرند و برخی نیز با بیماری‌هایی که زندگی را بر او تلخ کرده و او را از دست یافتن به بسیاری از آرزوهایش باز می‌دارد.

اما برخی دیگر با عکس این یعنی با گشایش مال و ثروت و پست و مقام و نفوذ و احترام و فراهم شدن خوشی‌های زندگی و رسیدن به آرزوها مورد آزمایش قرار می‌گیرند. چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿... وَتَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ﴾ (الأنبياء: ۳۵).

«... و شما را از راه آزمایش به بد و نیک خواهیم آزمود و به سوی ما بازگردانیده می‌شوید».

یعنی به صورت آزمایش و فرصت دادن فرد که اگر از آن گروهی باشد که با استفاده از نعمت‌های خداوندی دست به گناه می‌زنند در آن صورت به حال خود رها شده و به گناه خود ادامه خواهد داد چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُم بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ ﴿٤٤﴾﴾ [الأنعام: ٤٤].

«پس چون آنچه را که بدان پند داده شده بودند فراموش کردند درهای هر چیزی [از نعمت‌ها] را بر آنان گشودیم تا هنگامی که به آنچه داده شده بودند شاد گردیدند ناگهان [گریبان] آنان را گرفتیم و یکباره نومید شدند».

بهترین کاری که انسان مسلمان صادق در هنگام قرار گرفتن در برابر آزمایش‌ها انجام می‌دهد صبر و انتظار اجر و پاداش الهی در برابر چیزی است که قضای الهی اقتضا نموده است زیرا صبر - چنانکه برخی از علما گفته‌اند - ملاک ایمان و زینت انسان و راه رسیدن او به بزرگی است. انسان با صبر آرامش می‌یابد و در سرزمین صبر به آسودگی دست می‌یابد و این مقام - مقام صبر - از مقامات بزرگ در دین است و منزلگاهی است با عظمت از منازل سالکین و در اسلام دارای اهمیت و شان فراوانی است.

قرآن از مقام صبر به بزرگی یاد کرده است و برای آن اجر بزرگ ذکر نموده و اجر و پاداش اهل صبر را چند برابر دانسته تا صبر را در قلب‌ها محبوب گرداند و هیچ فضیلتی از فضائل نیست مگر آنکه صبر اساس و پشتیبان است. اگر صبر در برابر شهوت‌ها باشد «عفت» نامیده می‌شود و اگر برای تحمل ناخوشی‌ها باشد «رضایت و تسلیم در برابر خداوند» خواهد بود. اگر برای نعمت و شکر آن باشد «خویشترنداری و حکمت نامیده خواهد شد و اگر در جهاد باشد «شجاعت» نام خواهد گرفت و در صورتی که در برابر حماقت و بی‌ادبی دیگران باشد «بردرباری و حلم» نامیده خواهد شد و اگر برای

پوشاندن راز دیگران باشد صاحب آن «راز نگهدار و امین» نام خواهد گرفت و اگر در برابر زیاده روی در زندگی و یا در سخن گفتن باشد «زهد» نامیده می‌شود.

برای همین است که انسان بدون صبر در زندگی خود ناتوان و عاجز خواهد شد و در برابر هیچ فشاری توان مقاومت نخواهد داشت...

بر این اساس در صبر پیشه کردن در برابر آزمایش خیری عظیم نهفته است که تنها مخصوص انسان مومن است چنانکه در حدیثی که مسلم در صحیح خود از ابوهریره روایت کرده آمده است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «عجیب است امر مومن که امر او همیشه به خیر است و این خصوصیت نیست مگر برای مومن... اگر خوشی به او رسید شکر می‌کند و این برای او خیر است و اگر زیانی به او رسید صبر می‌کند و این باعث خیر او می‌شود».

همچنین در حدیث آمده است: «همانا بزرگی اجر با بزرگی بلا است و اگر خداوند گروهی را دوست بدارد آن‌ها را دچار بلا و آزمایش می‌کند... پس هر که راضی شد خشنودی و رضایت به دست خواهد آورد و هر که ناخشنودی در پیش گرفت ناخشنودی به دست خواهد آورد».

یعنی هر کس به قضای الهی که پیش آمده و راه برگشتی ندارد راضی گردد در پایان رضایت الهی را به دست خواهد آورد. اما هر که در برابر سختی و بلایی که خداوند برای او مقدر نموده راه ناخشنودی و اعتراض در پیش گیرد در برابر سوء ظنی که نسبت به خداوند و عدم رضایت به تقدیر الهی خشم خداوندی را به دست خواهد آورد.

و رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم چنین خبر داده است که: «هر که صبر پیشه کند [و برای آن تلاش کند] خداوند او را صابر می‌گرداند».

آنچه که انسان را بر تلاش برای صبر کمک می‌کند × چنانکه امام ابن قیم می‌گوید «در نظر گرفتن خوبی پاداش است، زیرا به اندازه‌ی این در نظر گرفتن پاداش و اندیشیدن به آن، تحمل بلا برای او به سبب دیدن آنچه در برابر آن به دست خواهد آورد، آسان می‌شود. و تحمل این مصیبت هر چه که بزرگ باشد با دیدن لذت عاقبت و به

دست آوردن پاداش آن بر شخص آسانتر خواهد شد و اگر این نبود بسیاری از منافع دنیایی و آخرتی از بین می‌رفت و هیچ کس برای به دست آوردن سودی در آینده حاضر نمی‌شد زحمت و مشقت اکنون را تحمل کند زیرا نفس انسانی چیزی را که زود به دست بیاید دوست دارد».

مقصود این است که در نظر گرفتن عاقبت نیک انسان را بر صبر کردن در برابر آنچه با اختیار یا بدون اختیار تحمل می‌کند یاری خواهد داد. سپس ابن قیم اینگونه ادامه می‌دهد:

کوچک شدن سختی برای انسان به دو امر بستگی دارد:

اول اینکه: نعمت‌های خداوندی را بر خود بشمارد و هنگامی که از شمردن آن ناتوان گردید این سختی و بلایی که برایش پیش آمده نیز در نظرش کوچک خواهد شد و آن را در برابر نعمت‌های خداوندی به مانند قطره‌ای در دریا خواهد یافت.

و دوم اینکه: نعمت‌هایی را که خداوند در گذشته به او عطا نموده به یاد آورد. که این مربوط به گذشته است و شمردن نعمت‌های الهی [که در مورد قبلی گفته شد] مربوط به حال حاضر است. [پایان سخن ابن قیم]

اما از جمله چیزهایی که باعث آرامش یافتن انسان در هنگام پیش آمدن سختی‌ها می‌شود و باعث می‌گردد موج این درد با همه‌ی فاجعه‌بار بودن آن فروکش کند امید به فرج نزدیک الهی و اعتماد داشتن به رحمت الهی و عدالت اوست زیرا او ارحم الراحمین است و از رحمت اوست که سختی‌ها را پی در پی بر آنان نازل نمی‌کند بلکه در پی سختی آسانی و گشایش قرار می‌دهد و در پی آزمایش آنان را با رحمت و نعمت خود در بر می‌گیرد. چنانکه خداوند عزوجل می‌فرماید:

﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٥﴾ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٦﴾﴾ [الشرح: ۵-۶].

«پس [بدان که] با دشواری آسانی است (۵) آری با دشواری آسانی است».

که در اینجا آسانی بعد از سختی دو بار تکرار شده است و یک سختی دو آسانی را شکست نخواهد داد و هر جا سختی و مصیبت به هر صورتی پیش بیاید، در کنار آن

نوعی آسانی به وجود خواهد آمد که ناراحتی درون را از بین برده و قلب را آرام می‌گرداند و درد را التیام داده و باعث فراموش شدن آن می‌شود مخصوصاً اگر انسان مومن در این شرایط به پروردگار خود پناه ببرد و از او بخواهد که پس از این سختی آسانی قرار دهد و برای او فرج و بیرون رفتی از این غم‌ها به وجود آورد. چنانکه در حدیث آمده که:

«هیچ بنده‌ای نیست که دچار غم یا غصه‌ای شده سپس اینگونه بگوید که: ای خداوند من بنده‌ی تو و بنده‌ی بنده و کنیز توام. حکم تو در مورد من انجام شدنی است و قضاوت تو درباره‌ی من عادلانه، خداوندا از تو با توسل به هر اسمی که خود را به آن نامیده‌ای یا در کتاب خود نازل کرده‌ای یا به کسی از بندگانت یاد داده‌ای یا آن را در علم غیب نزد خود نگه داشته‌ای می‌خواهم که قرآن بزرگ را بهار قلبم و نور سینه‌ام و از بین برنده غصه و غم من قرار دهی... هیچ بنده‌ای نیست که این را بگوید مگر آنکه خداوند غم او را از بین برده و به جای او شادی و خوشحالی قرار می‌دهد» [به روایت امام احمد با سند صحیح].

پس ای بندگان خداوند تقوای او را پیشه سازید و از نا امید شدن از رحمت خداوند بپرهیزید و به فرج نزدیک از سوی خداوند رحمن و رحیم یقین داشته باشید که این سختی‌ها و آزمایش‌ها و بلاها نیست مگر گامی در راه بهتر شدن اوضاع و جهشی است به سوی زندگی آسان و رسیدن به آرزوها و در همین حال باعث پاک شدن گناهان و بالا رفتن درجات می‌شود و همیشه این سخن خداوند را به یاد داشته باشید که:

﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٥﴾﴾ [الشرح: ۵].

«به همراه دشواری آسانی است».

و این که: ﴿... إِنَّمَا يُوفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿١٠﴾﴾ [الزمر: ۱۰].

«... همانا صابران اجر خود را بی حساب دریافت خواهند کرد».

خداوند من و شما را با هدایت کتابش و سنت پیامبرش × صلی الله علیه وآله وسلم × سود رساند. این سخن خود را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از خداوند بزرگ از هر گناهی آمرزش می‌خواهم که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

حمد و پاس از آن خداوندی که از بندگانش توبه می‌پذیرد و گناهان را می‌بخشد و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که شریکی ندارد و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد بنده و پیامبران خداوند، پیامبر رحمت و دارنده‌ی معجزات است... خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد و بر آل و اصحابش درود و سلام فرست. اما بعد ای بندگان خداوند... خداوند صبر را در ۹۰ جا در کتاب خود یاد کرده و به آن امر نموده و ترغیب کرده است و پاداش بزرگی را که بر این اخلاق بزرگ مترتب است یادآوری کرده و بیان نموده که انسان صابر اجر خود را بی‌حساب دریافت خواهد کرد. برای همین است که ویژگی صبر بهترین چیزی است که به بنده عطا شده است چنانکه در حدیث آمده است:

«هیچ کس عطایی بهتر و وسیع‌تر از صبر به دست نیاورده است».

همچنین صبر علامتی است بر اراده‌ی نیک خداوند نسبت به بنده‌اش چنانکه در حدیث آمده است:

«اگر خداوند برای بنده‌ای اراده‌ی خیر کند مجازات او را زودتر در دنیا قرار خواهد داد یعنی با بلاهایی که در دنیا به او می‌رسد که بوسیله‌ی آن گناهانش بخشیده شده و درجه‌اش افزون خواهد شد. و اگر برای بنده‌ای اراده‌ی بد کند گناهش را باقی خواهد گذاشت [و او را با مصیبت‌ها پاک نخواهد کرد] تا آنکه در روز جزای آن را دریافت کند، یعنی عقوبت او را به تاخیر خواهد انداخت تا آنکه در روز قیامت گناهش بزرگ شود و عقوبتش نیز چند برابر گردد» [به روایت ترمذی در جامع با سند حسن].

پس ای بندگان خداوند از جزع و فزع و ناخویشنداری در برابر بلا بپرهیزید که این مصیبت‌ها چیزی نیست جز خیر و تخفیفی است از سوی خداوند و رحمت و فضلی

است از سوی او و همیشه به یاد داشته باشید که خداوند شما را به درود و سلام بر خاتم پیامبران امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

«الله و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود سلام فرستید».

خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد درود و سلام فرست و از چهار خلیفه‌ی پیامبرت ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر اهل بیت و یاران پیامبر و تابعین و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند راضی و خشنود باش و همچنین از ما با عفو و کرم و احسان خویش خشنود باش ای کریم‌ترین کریمان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و حوزه‌ی دین را حفظ نما و دشمنان دین و دیگر طاغیان و مفسدان را نابود گردان و میان قلوب مسلمانان الفت ایجاد کن و صف آنان را یکپارچه گردان و رهبرانشان را اصلاح نما و کلمه‌ی آنان را بر حق یکی بگردان ای پروردگار جهانیان. خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومن مجاهد صادق را یاری ده.

خداوندا عاقت ما را در همه‌ی امور نیک گردان و ما را از خواری دنیا و عذاب آخرت حفظ نما... خداوندا دین ما را که حافظ امر ماست و دنیای ما را که زندگی ما در آن است اصلاح نما و زندگی را برای ما باعث زیاده شدن خوبی‌ها قرار ده و مرگ را برای ما باعث آسودگی از هر بدی بگردان.

خداوندا ما از زوال نعمت و برگشتن عافیت و عذاب ناگهانی و همه‌ی اسباب خشمت به تو پناه می‌بریم. خداوندا ما از تو انجام خوبی‌ها و ترک کردن بدی‌ها و دوست داشتن بی‌نویان را خواستاریم و اینکه ما را مورد آمرزش و رحمت خود قرار دهی و اگر

خواستی گروهی را دچار فتنه سازی ما را بی‌آنکه به فتنه آلوده گردیم به سوی خود بازگردان.

پروردگارا ما به خود ستم نمودیم و اگر تو ما را مورد مغفرت و رحمت خویش قرار ندهی بدون شک از زیانکاران خواهیم بود... پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دورخ دور بدار.

و درود و سلام خداوند بر بنده و پیامبرش محمد، و بر آل و همه‌ی اصحابش و الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

آغاز سال هجری جدید و وظیفه‌ی ما در برابر آن

خطیب: دکتر صالح آل طالب

مسجد الحرام: ۱ محرم ۱۴۳۱ برابر با ۲۷ آذر ۱۳۸۸

خطبه‌ی اول:

حمد و سپاس از آن الله است... حمد از آن اوست که علمش همه چیز را در بر گرفته است و زمانه را میان شب و روز گردانده است و آن را مکانی برای انجام کارهای نیک و بد قرار داده است تا آنکه دنیا به پایان رسد و هر زنده‌ای بمیرد جز الله... که آسمان را گسترانده سپس به بهترین نحو آن را در هم خواهد پیچاند...

و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنهاست و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد بنده و پیامبر اوست... خداوند بر بنده و پیامبرش محمد و بر اهل بیت پاک و صحابه‌ی نیکش درود و سلام فرست و همچنین بر آنانی که به نیکی از آنان پیروی نمایند، تا روز قیامت...

اما بعد: تقوا، وصیت خداوند است برای پیشینیان و پسینیان آنجا که می‌فرماید:

﴿... وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ...﴾

[النساء: ۱۳۱].

«ما به کسانی که پیش از شما به آنان کتاب داده شده و [نیز] به شما سفارش کردیم که از الله پروا کنید».

از گذر روزها و شب‌ها و در پی هم رفتن سال‌ها عبرت بگیرید که هر گامی انسان را به پایان نزدیک می‌سازد و گذر هر روز او را به انتها نزدیک‌تر.

ای مومنان: در مورد سال خداوند عزو جل می‌فرماید:

﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ وَقَتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقْتَلُونَكُمْ كَافَّةً وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾ [التوبة: ۳۶].

«در حقیقت تعداد ماه‌ها نزد الله از روزی که آسمان‌ها و زمین را آفریده در کتاب الله دوازده ماه است از این [دوازده ماه] چهار ماه حرام است این است آیین استوار پس در این [چهار ماه] بر خود ستم مکنید و همگی با مشرکان بجنگید چنانکه آنان همگی با شما می‌جنگند و بدانید که الله با پرهیزگاران است».

این ماه‌های قمری است که تعداد آن ۱۲ است که چهار ماه آن حرام است و خداوند از این که در این چهار ماه به خود ستم کنیم ما را برحذر داشته است و انسان هر گناهی که انجام دهد در واقع به خود ستم ورزیده است... که حدیث ابوبکره رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم آن را چنین تفسیر می‌کند: «زمانه به مانند روزی که خداوند آسمان‌ها و زمین را آفرید چرخیده است: سال دوازده ماه است که چهار ماه آن حرامند: سه ماه پشت سر هم است: ذوالقعدة و ذوالحجه و محرم، و رجب که میان جمادی [الثانی] و شعبان قرار دارد»...

سپس فرمودند: «اکنون چه ماهی است؟» گفتیم الله و رسولش داناترند. سپس سکوت نمود تا آنکه فکر کردیم به اسمی دیگر آن را نام خواهد برد. پس فرمود: «آیا این ماه ذی الحجه نیست؟» گفتیم: بله. فرمود: «امروز چه روزی است؟» گفتیم الله و رسولش داناترند.

سپس سکوت نمود تا آنکه فکر کردیم به اسمی دیگر آن را نام خواهد برد. فرمود: «آیا امروز روز نحر نیست؟» گفتیم: آری.

فرمود: «پس بدانید که خون‌ها و مال‌ها و ناموس‌های شما به مانند حرمت این روزتان در این سرمین‌تان در این ماهتان بر شما حرام است و به زودی به دیدار پروردگارتان خواهید شتافت و او از اعمالتان سوال خواهد کرد... پس بعد از من به کفر باز نگردید که گردن یکدیگر با بزنید... هان! حاضر [این پیام را] به غایب برساند که چه بسا برخی از آنانی که غایبند و این پیام به آن‌ها می‌رسد از برخی از آنان که حاضرند بهتر آن را بدانند...» سپس فرمودند: «آیا [این پیام را] رساندم؟» [به روایت بخاری و مسلم].

ای مسلمانان... این است پیام رسول خدا ﷺ علیه وآله وسلم × در حجۀ الوداع که با آن با این سال و با مردم وداع گفت...

و ما نیز امروز با یک سال و با موسم حج وداع نمودیم و چند روز پیش نیز شاهد جشن گرفتن جهانیان در روز حقوق بشر بودیم...

رسول خداوند صلی الله علیه وآله وسلم ۱۴۰۰ سال پیش همینجا نزدیک کعبه ایستاد تا حقوق بشر را پایه گذارده و مبادی عدالت و میزان حق را پایدار کند و همه‌ی انواع ظلم و ستم را در عقیده و رفتار و اندیشه و ارزش‌ها و عبادت و معاملات، لغو نماید. تا جان‌ها را محترم اعلام کرده و ربا را حرام کند و حقوق زنان را تثبیت نماید...

خطابه‌ای که جهان تا آن روز نشنیده بود و تاکنون پژواک آن از ورای قرن‌ها به گوش می‌رسد...

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم می‌دانست که پایان زندگی‌اش نزدیک است و امتی که بنا نموده است در زمین ریشه دوانده و خود را در تاریخ ثبت نموده و صدای اذان به همه سو رسیده است و جماعت‌ها نماز بر چهارسوی زمان منتشر شده که اهل آن همه روزه پیش از طلوع خورشید و پس از آن و هنگام زوال آفتاب و پیش از شام به هم می‌رسند و آنانی که او تربیت کرده است این نور را به دیگر نقاط زمین خواهند رساند...

این نسلی که رسول خدا آنان را تربیت نمود جزئی از رسالتی بودند که او ادا نمود و ما گواهی می‌دهیم که او به درستی این رسالت را به انجام رسانید.

و برای همین بود که او سخن می‌گفت و در همان حال نیز با امت خویش وداع می‌نمود و در تار و پود سخنانش همه‌ی خیرخواهی و محبت و اخلاصی را که داشت خالی می‌نمود... چه با ارزش است این وصیت و دارای چه اثر بلند مدتی است در تاریخ، برای کسانی که بباندايشند! و برای همین است که در پایان این خطابه‌ی نبوی چنین آمده که: «هان! حاضران به غایبان برسانند...».

و اصحاب رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - به بهترین وجه این امانت را ادا نمودند و خداوند از همه‌ی آنان راضی و خشنود باد.

ای مسلمانان: این وصایایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در وجدان مردم به جای گذاشت در بر گیرنده‌ی قضایایی فلسفی و یا نظریه‌هایی خیالی نیست... این‌ها مبادی و اصولی است که در کلماتی اندک و آسان جای گرفته و حاوی حقایقی است که دنیا برای سعادت و هدایت به آن‌ها نیازمند است و با همه‌ی اختصار خود راهنماتر و کاربردی‌تر از همه‌ی پیمان‌نامه‌های پر طمطراق بین المللی است.

و این از آن جا است که گوینده‌ی آن قلبی مملو از محبت به مردم و مهربانی نسبت به آنان داشت و بسیار نسبت به وصل نمودن مردم به خداوند آماده ساختن آنان بری لقای الهی حریص بود و به این یقین داشت که زندگی صحیح با دوری از خداوند و وحی وی ممکن نیست.

بندگان خداوند... در این آیه‌ی کریمه و حدیثی که اکنون ذکر شد، خداوند متعال با رساترین و مختصرترین عبارت انسان‌ها را از ظلم و ستم برحذر داشته و رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به اصول مسائل اشاره نموده است زیرا او اصولی جاویدان و قواعدی پایدار را تقریر می‌نماید.

ستم آفتی است که فطرت‌ها و نصوص وحی بر بدی آن و نکوهش انجام‌دهنده‌ی آن اتفاق دارند... اما گاه این انحراف برخی از مردم را دچار خود می‌کند:

﴿أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ﴾

[فاطر: ۸].

«آیا آن کس که زشتی کردارش برای او آراسته شده و آن را زیبا می‌بیند [به مانند مومنان صالح است؟] این الله است که هرکه را بخواهد به گمراهی کشانده و هرکه را بخواهد هدایت می‌کند».

ای مسلمانان: زشت‌ترین ستم‌ها شکر به خداوند متعال است. لقمان به فرزند خود چنین می‌گوید که: «ای فرزندم به الله شرک نوز که شرک ستمی است بس بزرگ» [لقمان: ۱۳] و در سوره‌ی مائده چنین آمده که:

«... همانا آنکه به الله شرک ورزد الله بهشت را بر او حرام کرده و جایگاهش آتش

است و ستمگران یابوری ندارند» [المائدة: ۷۲].

و این برای آن است که الله متعال همان آفریدگار روزی‌دهنده‌ای است که ما را از عدم به وجود آورده و نعمت داده است و هر چه در این جهان است در پیشگاه او خاضع است و هر فضلی به او بر می‌گردد... او پروردگار است و ما بندگان او و اوست که هر چه بخواهد می‌کند... ما را برای عبادت خود آفرید پس چگونه غیر از او عبادت شود! و ما را به بندگی خود فرمان داده پس چگونه برای بنده شایسته است بر او شوریده و از دستور آقا و سرورش سرپیچی کند؟

کوتاهی در حق خداوند ظلمی است که آثارش تنها بر خود آن ظالم سنگینی خواهد

کرد و برای همین است که خداوند متعال فرموده است:

﴿فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ...﴾ [التوبة: ۳۶].

«پس در این ماه‌های حرام به خود ستم نوزید...».

تجدد مواسم و گذر سال‌ها یادآور این است که انسان وضعیت رابطه‌ی خود را با خداوند مورد بررسی قرار داده و ایمان و عقیده و اعمال و اندیشه‌ی خود را بسنجد. زیرا او در حال سیر به سوی خداوند هست و به زودی در برابر پروردگار به حساب و کتاب خواهد ایستاد و نامه‌ی عملی که هیچ کوچک و بزرگی را رها نخواهد کرد:

﴿يَأْتِيهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ ﴿٦﴾﴾ [الإنشاق: ٦].

«ای انسان حقا که تو به سوی پروردگار خود بسختی در تلاشی و او را ملاقات خواهی کرد».

ای مسلمانان همچنین از ستم‌هایی که شخص در حق خود انجام می‌دهد انجام دادن گناهان و سهل‌انگاری در انجام واجبات است که هر که به این آلوده شود در واقع به خود ستم ورزیده زیرا خود را به سوی آتش کشانده و در معرض خشم خداوند قرار داده است و اگر گناهان بدون آنکه کسی در برابر آن بایستد و بدون آنکه کسی در صدد اصلاح برآید در جامعه منتشر گردد بلا و عذاب الهی همه را فرا خواهد گرفت و این سنت الهی در مورد امت‌ها و حکومت‌ها واضح و معلوم است:

﴿وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ ﴿١٠٢﴾﴾ [هود: ١٠٢].

«و این گونه بود [به قهر] گرفتن پروردگارت وقتی شهرها را در حالی که ستمگر بودند [به قهر] می‌گرفت آری [به قهر] گرفتن او دردناک و سخت است».

و از دیگر انواع ستم که در این آیه کریمه از آن سخن به میان آمده و در حدیث شریف در مورد آن به تفصیل سخن گفته شده ستم در حق مردم و تجاوز به آنان در جان و ناموس و مالشان است و ستم زشت‌تر و قبیح‌تر خواهد بود اگر در قبال نزدیکان و خویشان‌نودان باشد یا در حق همسر و دختر انسان یا در حق ضعیفان و زبردستان مانند خدمتکاران و کارگران باشد...

این تصویری از ستم است که دل را به درد می‌آورد... برخی‌ها تا احساس قدرت می‌کنند سعی در مسخر کردن دیگران در راه خواسته‌های خود می‌کنند و حق آنان را زیر پا گذشته و به تکلیف خود در قبال دیگران عمل نمی‌کنند:

﴿كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيْطَعٍ ﴿٦﴾ أَنْ رَءَاهُ اسْتَعْجَىٰ ﴿٧﴾ إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ أَلْرُجْعَىٰ ﴿٨﴾﴾ [العلق: ٦-٨].

«حقا که انسان سرکشی می‌کند (٦) همین که خود را بی‌نیاز پندارد (٧) در حقیقت بازگشت به سوی پروردگار توست».

که این آیه برای دلداری ستم‌دیده و نصیحت ستمگر کافی است که: «همانا بازگشت به سوی پروردگار است».

ظلم تاریکی روز قیامت است و دعای مظلوم به بالای ابرها برده شده و درهای آسمان برای آن گشوده می‌شود و میان آن و خداوند هیچ حجابی نیست و خداوند متعال در پاسخ به آن چنین می‌گوید که: «یاری‌ات خواهم داد حتی اگر پس از مدتی باشد». و خداوند به ظالم فرصت می‌دهد اما اگر او را گرفت دیگر رهایی نخواهد یافت:

﴿... وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾ [الشعراء: ۲۲۷].

«و کسانی که ستم کرده‌اند به زودی خواهند دانست به کدام بازگشتگاه برخواهند گشت».

هر که در عاقبت ستمگران نظر کند نشانه‌هایی عجیب از نشانه‌هایی الهی را مشاهده خواهد کرد که ممکن است این قصاص الهی در دنیا باشد و ممکن است در آخرت رخ دهد و اگر این قصاص رخ دهد بسیار وحشتناک خواهد بود:

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ﴾

﴿[ابراهیم: ۴۲].﴾

«و الله را از آنچه ستمکاران می‌کنند غافل مپندار جز این نیست که [کیفر] آنان را برای روزی به تاخیر می‌اندازد که چشم‌ها در آن خیره می‌شود».

ستم و زیر پا گذاشتن حق دیگران و زیر پا نهادن کرامت‌های انسانی باعث بدبختی و افروختن آتش فتنه خواهد بود و ستم اگر همه گیر شود باعث فساد و ویرانی و نابودی خواهد گردید...

خداوند من و شما را به واسطه‌ی کتاب و سنت مورد برکت قرار دهد و من شما را با آیات و حکمت موجود در آن سود رساند. این سخن خود را گفته و برای خود شما از خداوند بزرگ آمرزش می‌خواهم.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن خداوندی که عطایش را افزون ساخت و نعمتش را فراوان و ما را از بلا و مصیبت عافیت بخشید. پس شکر فراوان برای او همانگونه که نعمتش فراوان است... و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبرسان اوست... درود و سلام و برکات خداوند بر او و بر اهل بیت و صحابه و تابعین و کسانی باد که تا قیامت به نیکی از او پیروی نمایند. اما بعد. ای مسلمانان... از دیگر انواع ستم کوتاهی نمودن در شکر خداوند متعال و فراموش نمودن او در هنگام نعمت است:

﴿وَمَا بِكُمْ مِّنْ نِّعْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ...﴾ [النحل: ۵۳].

«هر نعمتی که دارید از سوی الله است...».

و خداوند متعال دستور داده است که نعمتش بازگو شده و شکر و فضل او بیان گردد. همچنین از جمله چیزهایی که لازم است یادآوری شود و از روی حق شناسی و ایمان و شکر بازگویی شود فضل و نعمتی است که خداوند متعال بر مسلمانان و مخصوصا حجاج خانه‌اش روا داشت. که با وجود همه‌ی حرف‌هایی که از بیماری‌های مسری و بارندگی و سیل و دیگر خطرها گفته می‌شد و مردم با نگرانی منتظر حج امسال بودند، با همه‌ی این‌ها خداوند لطف فرمود و عافیت خود را ارزانی داشت و بندگان را مورد حمایت و رعایت خویش قرار داد و با وجود آنکه میلیون‌ها تن در مراسم حج حاضر بودند اما مکه و مدینه در این مدت از پاک‌ترین جاها در جهان از نظر بیماری‌ها بودند که این پدیده‌ای است که نیاز به شکر دارد و بلکه براساس آمارها این حج از بهترین سال‌ها در زمینه‌ی بهداشتی بود و بیمارستان‌ها شاهد کمترین مراجعات حتی در مورد بیماری‌های عادی بود.

و با وجود آنکه در موسم بارندگی بودیم و شهر جده دچار سیل‌های بنیان‌کنی بود اما مکه‌ی مکرمه و مشاعر مقدس دچار هیچ زیانی نشده و کوچک‌ترین آسیب یا خسارتی گزارش نشد بلکه آنچه نصیب این شهر گردید بارانی بود آرام و خوشگوار و باعث رحمت و شادی و سرور گردید...

چه کسی بود که نعمت بخشید؟ و چه کسی بود که عطا کرد و تقسیم نمود؟ و چه کسی بود که لطف ورزید و پوشانید؟ او همان خداوند کریم و بزرگواری بود... بلکه حتی این موسم حج مثالی بود کامل از آرامش و امن و امان... خداوند آتش فتنه را از همه‌ی مسلمانان خاموش گردانده و شر هر صاحب شری را نابود گرداند...

از خداوند متعال می‌خواهیم ما را توفیق دهد که شکر نعمت‌هایش را به جای آوریم و همه‌ی آنانی را که برای خدمت خانه‌ی حرامش و حجاج گرامی‌اش تلاش نمودند پاداش خیر دهد.

و در پایان درود و سلام فرستید بر آنکه خداوند شما را به فرستادن درود و سلام بر وی امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

«همانا الله و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود و سلام فرستید».

خداوند بر محمد و آل محمد درود فرست همانگونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی و بر محمد و آل محمد برکات ارزانی دار همانگونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم ارزانی داشتی که در جهانیان تو ستوده شده و با عظمتی.

خداوند اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار گردان و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امن و امان بدار. خداوند هر که را برای ما و برای سرزمین و دین ما اراده‌ی بد دارد به خود مشغول ساز و نیرنگش را به خودش بازگردان ای پروردگار جهانیان.

خداوند دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومنت را یاری ده. خدایا یاوران دین را یاری ده و طاغیان و ملحدان و مفسدان را خوار گردان...

خدایا مجاهدان در راهت را در هر جای دنیا یاری ده ای پروردگار جهانیان. خدایا دشمنان دین را نابود گردان که آنان قادر به عاجز ساختن تو نیستند...

خداوندا نیرنگ دشمنان و متجاوزان و فتنه‌ی گمراهان را از ما بازگردان. خداوندا امنیت و آرامش و ایمان و رفاه را در سرزمین ما و دیگر سرزمین‌های مسلمان منتشر ساز. خداوندا غم و غصه‌ی غصه‌داران مسلمان را از بین ببر و سختی سختی‌دیدگان را برطرف نما و اسرا را از بند برهان و وام‌داران را ادا نما و با رحمت خود بیماران ما و دیگر بیماران مسلمان را شفا ده.

خداوندا گناهان ما را بیامرز و عیب‌های ما را بپوشان و کارهای ما را آسان گردان و آن را به آن آرزوهایمان که باعث خشنودی توست برسان.

خداوندا این سال را آغاز خیری برای مسلمانان گردان خداوندا این سال را سال پرباری و رفاه و خیر و توسعه و برکت برای اسلام و مسلمانان قرار ده. ای زنده‌ی پایدار.. ای دارای بزرگی و عظمت...

خداوندا اوضاع مسلمانان را در این سال نیک گردان و زندگی آنان را آسان و مرفه ساز و بلا و مصیبت را از آنان دور ساز و رهبران آنان را اصلاح گردان و آنان را بر کتاب و سنت جمع گردان.

خداوندا برای باران و نعمت‌هایی که بر ما ارزانی داشتی تو را سپاس می‌گوییم... خداوندا ما را بیشتر ده و از ما کم نگردان... خداوندا ما از فضل و رحمت و برکت تو بیشتر خواهان هستیم... خداوندا ما را باران ده و آنچه را بر ما ارزانی داشتی باعثی گردان برای طاعت خود...

خداوندا از ما بپذیر که تو بسیار شنوا و دانایی و از ما توبه بپذیر که تو بسیار توبه‌پذیر و مهربانی. پاک و منزّه است پروردگار تو آن پروردگار عزت و بزرگی از آنچه مشرکان به دروغ به او نسبت می‌دهند و درود بر پیامبران و الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

امانت‌داری و نقش آن در پیشرفت امت

خطیب: دکتر سعود الشریع

مسجد الحرام: ۸ محرم ۱۴۳۱ برابر با ۴ دی ۱۳۸۸

خطبه‌ی اول:

حمد و ستایش از آن الله است... او را ستایش گفته و از او آمرزش خواسته و به سوی او توبه می‌کنیم و از بدی‌های خود و از اعمال ناشایست خویش به الله پناه می‌بریم... هر که خداوند هدایت کند او گمراه‌گری نخواهد داشت و هر که را گمراه سازد وی هدایتگری نخواهد داشت و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبرسان اوست..

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ (۱۳۲)

[آل عمران: ۱۰۲]

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾ (النساء: ۱)

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿۷۰﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿۷۱﴾﴾ (الأحزاب: ۷۰)

اما بعد... ای مردم. هیچ یک از ما نیست مگر اینکه دلش به سوی خوشبختی گرایش دارد. هر قلبی مگر آن قلب که دچار مرگ شده است به سوی این خواسته میل دارد... حال کدام عاقل است که خوشبختی خود را در سمت راست ببیند و سپس راه چپ را بپیماید؟! و کیست آنکه به سعادت دست نیابد یا آن را نخواهد؟! چنین شخصی یا نادان است و یا بیمار که هر دو احتمال تلخ است و ناگوار...

«خوشبختی خواهی» امری است فطری و غریزی که شریعت اسلام بر آن تأیید کرده و به آن تشویق می‌کند اما باید دانست که مهم‌ترین انواع خوشبختی آن است که فراگیر باشد نه محدود، و وسیع باشد نه کوچک. اگر بخواهیم به بهترین راه خوشبختی و بزرگ‌ترین و سودمندترین آن دست یابیم، آن، همان امانتی است که خداوند آن را بر

آسمان‌ها و زمین عرضه کرد اما آن‌ها از برداشتن آن سرباز زده و بر خود ترسیدند و انسان را برداشت و او بسیار ستمگر و نادان بود.

این همان امانت بزرگ است... امانت به مفهوم وسیعی که خدا و رسولش - صلی الله علیه و آله وسلم - از ما خواسته‌اند که ضد آن خیانت نامیده می‌شود براساس همان معنای وسیعی که الله و رسولش ما را از آن نهی نموده‌اند.

تا جایی که عرصه‌ی امانت همه‌ی آنچه خداوند بر بندگان در دین و ناموس و مال و عقل و جان و معارف و علوم و ولایت و حکم و گواهی دادن و قضاوت و راز و حس‌های پنجگانه و دیگر چیزها را در بر گیرد. به گونه‌ای که قرطبی - رحمه الله - می‌گوید: «امانت همه‌ی وظایف دینی را در بر می‌گیرد».

انسان امین، «امین» شمرده نخواهد شد مگر آنکه از همه‌ی چیزهایی که در آن حقی ندارد دست شوید و همه‌ی حقوقی را که دیگران بر گردن او دارند ادا نموده و نسبت به حفظ آنچه در مورد آن امین پنداشته شده است حریص بوده و سهل انگاری نکند.

هر که این خصلت‌ها در وی باشد در دایره‌ی رستگاران قرار خواهد گرفت که خداوند عزوجل درباره‌شان فرموده است:

﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١﴾﴾ [المؤمنون: ۱].

«همانا مومنان رستگار شدند».

تا آنچه که می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِأْمْنَتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رِعُونَ ﴿٨﴾﴾ [المؤمنون: ۸].

«و آنان که امانت‌ها و پیمان خود را رعایت می‌کنند».

امانت از نوآوری‌های شریعت محمد نیست بلکه این خصلت از بارزترین اخلاق پیامبران است. ببینید نوح و هود و صالح و لوط و شعیب هر یک به قومش چنین فرموده‌اند که:

﴿إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٦٦﴾﴾ [الشعراء: ۱۶۶].

«من برای شما پیامبری امانتدار هستم».

و پیامبر ما - صلی الله علیه وآله وسلم - نیز در قوم خویش به لقب صادق و امین معروف بود. خداوند عزوجل نیز این صفت را برای جبریل ذکر نموده و فرموده است:

﴿نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ﴾ [الشعراء: ۱۹۳].

«جبرئیل روح الامین آن را فرو فرستاده است».

برخی از انسان‌ها در فهم معنای امانت‌داری دچار محدودیت هستند و آن را تنها در حفظ امانت‌های مالی و مادی محدود می‌بینند. آنان با این فهم خود در واقع مفهوم بس وسیعی را محدود نموده‌اند در حالی که این برداشت از امانت تنها نوعی از انواع پرشمار امانت‌داری را شامل می‌شود.

انجام وظیفه یک نوع امانت‌داری است، ترک آنچه خداوند نهی نموده یک نوع امانت است، امر به معروف امانت است، نهی از منکر امانت است، حکومت و قضاوت امانت است، رعایت حقوق مردم امانت است، علم امانت است، حمایت از دین و پاسداشت آن امانت است و حفظ سرزمین مسلمان و حمایت از دارایی‌های جامعه نیز امانت است... همه‌ی این امانت‌ها با انجام آنچه در مصلحت آن و دور کردن آنچه به زیان آن است و عدم خیانت به امت در زمینه‌ی آن به تحقق می‌رسند:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا﴾ [النساء: ۱۰۷].

«همانا الله هرکس را که خیانتگر و گناه‌پیشه باشد دوست ندارد».

اگر به معنای امانت نگاه بیندازیم در آن معنای امن و اطمینان را خواهیم یافت گو اینکه امنیت و آرامش و استقرار هم‌ه‌اش به تحقق امانت به روش صحیح آن مربوط است... ممکن نیست شخص ظالم به امنیت درونی دست یابد یا انسان گناهکار آسوده خاطر شود و یا شخص خیانتکار و منافق خوشبختی را به دست آورد...

در حالی که قرآن امانت را در جاهای بسیاری ذکر کرده است در همین حال از ضد آن یعنی خیانت برحذر داشته و نسبت به آن هشدار داده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمْنَتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾

[الأنفال: ۲۷].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید به الله و پیامبر او خیانت مکنید و [نیز] در امانت‌های خود خیانت نورزید و خود می‌دانید».

و فرموده است:

﴿... وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ﴾ [یوسف: ۵۲].

«... و الله نیرنگ خائنان را به جایی نمی‌رساند».

برای زشت دانستن و تنفر از خیانت همین کافی است که بدانیم این خصلت سبب ورود به جهنم و عاقبت بد است چنانکه خداوند با مثال آوردن از دو زن از زنان پیامبران برای عاقبت بد این خصلت مثال آورده است:

﴿صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ﴾ [التحریم: ۱۰].

«الله برای کسانی که کفر ورزیده‌اند زن نوح و زن لوط را مثل آورده [که] هر دو در نکاح دو بنده از بندگان شایسته ما بودند و به آن‌ها خیانت کردند و کاری از دست [شوهران] آن‌ها در برابر الله ساخته نبود و گفته شد با داخل شوندگان داخل آتش شوید».

یعنی به آن دو پیامبر در دین خیانت می‌کردند. کار آنان این بود که در مورد کسانی که ایمان آورده بودند به قوم کافر خویش اطلاعات می‌دادند.

این آتش جهنم است... ای کسی که در امانت خیانت ورزیده‌ای... این آتش جهنم است... این عذاب دردناک است ای آنکه نسبت به پروردگارت و ولی امرت و امتت و خودت خیانت اعمال داشته‌ای... رسول خدا صلی الله علیه و سلم، مسئولیت‌ها را امانت دانسته و از کسانی که توان آن را داشتند و آن را به خوبی به انجام می‌رساندند برای انجام مسئولیت‌ها دعوت می‌کرد و آن را از کسانی که در انجام آن ضعیف بودند باز می‌داشت.

ابوذر - رضی الله عنه - از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درخواست نمود که به او مسئولیتی دهد، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به سینه‌ی او زد و گفت: «ای اباذر تو ضعیف هستی و این امانت است... و این امانت در روز خیانت باعث

خواری و پشیمانی است مگر برای کسی که حق آن را ادا نموده و چیزی را که بر گردنش بوده به انجام رسانده باشد» [به روایت مسلم].

بر اساس این حدیث می‌توانیم برای هر کس که دلش می‌خواهد مسئولیتی از مسئولیت‌های جامعه‌ی اسلامی را بدون در نظر گرفتن توان خود و بزرگی مسئولیتی که در آن است بر عهده بگیرد پیامی هشدارگونه بفرستیم.

نیرویی که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - در این حدیث به آن اشاره نموده استبه معنای اداره نمودن نیکوی مسئولیت به همراه جدیت و حکمت و مهارت است. کسی به ایمان ابوذر و تقوای وی شکی ندارد اما با این وجود رسول خداوند - صلی الله علیه وآله وسلم - وی را ضعیف می‌داند...

«ضعف» عیبی است در بر دوش گرفتن مسئولیت؛ ما در بسیاری از زمان‌ها و مکان‌ها مشاهده کرده‌ایم که مسئولیت‌ها به کسانی سپرده می‌شود که در ذات خود انسان‌هایی خوب و مومن و عبادتگذارند اما در مسئولیتی که آنان سپرده شده به نیکی رفتار نکرده و جلو اشکالات را نگرفته و وقتی به زیردستان او نگاه کنی آشفتگی و بی‌نظمی را مشاهده خواهی کرد...

چنین کسی ندانسته که مسئولیت در واقع پیمانی است میان او و ولی امر یا یک موسسه برای انجام کاری محدود در برابر مزدی محدود. هر که در انجام این وظیفه کوتاهی نماید در واقع ایمانش به او در زمینه‌ی انجام وظیفه‌اش سودی نرسانده است. چگونه شخص مومن راضی خواهد شد در مسئولیتی که ولی امر به عهده‌ی او گذاشته و به منافع مردم و نیازهای آنان مربوط است کوتاهی ورزد؟ رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید:

«آنکه امانت ندارد ایمان ندارد و آنکه عهد و پیمان ندارد دین ندارد» [به روایت احمد

و ابن حبان].

بر این اساس، مسئولیت‌ها - چه کوچک و چه بزرگ - وسیله‌ای برای پیشرفت یا ثروت‌اندوزی نیست. این مسئولیت‌ها در واقع اساس یک حکومت و ضامن حال و آینده‌ی امت است.

هرکه از سوی ولی امر مسئولیتی داده شد و آن را به بدی انجام داد، خائن است. او در حق امانت و در حق ولی امر و مردم خیانت ورزیده است و خداوند می‌فرماید:

﴿... إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ﴾ [الأَنْفَال: ۵۸].

«همانا الله خیانتکاران را دوست ندارد».

و این اخلاق مومن صادق و خیرخواه نیست زیرا رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «مومن کسی است که مردم او را بر جان و مال خود امانت‌دار بدانند» [به روایت ترمذی و نسائی].

همچنین «خائن در امانت» از منافقانی است که دارای نفاق رفتاری هستند زیرا رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «نشانه‌ی منافق یه چیز است: اگر سخن گوید دروغ گوید و هنگامی که وعده دهد خلاف کند و هنگامی که امانت‌دار شمرده شد خیانت کند» [به روایت بخاری و مسلم].

پس ای بندگان خداوند از برعکس گرداندند معنای مفاهیم و عدم شناخت خائن و امانت‌دار برحذر باشید که زمانه‌ی ما میدانی شده است برای خواسته‌های نفسانی و بر عکس شدن مفاهیم؛ و به سبب مفاهیم اشتباه و نادرست، خائن در امان است و عرصه بر انسان‌های امانت‌دار تنگ شده است و راست گفت رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - آنجا که فرمود: «قسم به آنکه جانم در دست اوست... قیامت به پا نمی‌شود تا آنکه امین خائن شمرده شده و خائن امین دانسته شود...» [به روایت بخاری و مسلم].

خداوند من و شما را به واسطه‌ی قرآن و سنت برکت دهد و من و شما را با آیات و ذکر و حکمت آن سود رساند...

آنچه را گفتم اگر صحیح بود از سوی الله است و اگر اشتباه بود از من بود و از شیطان و از الله مغفرت می‌خواهم که او بسیار آمرزنده است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش فقط از آن الله است... و درود و سلام بر آنکه پیامبری پس از وی نیست. اما

بعد:

بدانید که که کسی صفت امانت را به دست نیاورده مگر آنکه خوشبختی و آرامش و اطمینان را حاصل نموده است و خردمندان - در گذشته و حال - مرد و زن و بزرگ و کوچک بر نیک دانستن هیچ اخلاقی به مانند امانت‌داری متفق نبوده‌اند.

بینید دختر شعیب - علیه السلام - هنگامی که در مورد موسی - علیه السلام - با پدرش سخن گفت چه فرمود:

﴿يَا بَتِ اسْتَجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ ﴿۳۶﴾﴾ [القصص: ۲۶].

«ای پدر او را استخدام کن چرا که بهترین کسی است که استخدام می‌کنی هم نیرومند و هم امین است.»

بر اساس این صفت امانت صفتی است مطلق که تابع نسبیّت و چندگانگی نیست. یعنی ممکن نیست که یک فرد در یک حال هم خائن باشد و هم امانت‌دار و ممکن نیست که انسان مومن حتی در هنگام گرفتن حق خود و یا در مقام مقابله به مثل نیز خیانت انجام دهد زیرا رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «امانت‌داری را در حق آنکه تو را امین دانست انجام بده و به کسی که در حقت خیانت کرد خیانت نورز» [به روایت ابوداؤود و ترمذی].

این برای آن است که خیانت به هیچ عنوان شایسته‌ی ستایش نیست. بله ممکن است که انسان در برابر فریب و نیرنگ دست به فریب و نیرنگی متقابل بزند و خداوند عزوجل می‌فرماید:

﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَدِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَدِيعُهُمْ ﴿۱۴۲﴾﴾ [النساء: ۱۴۲].

«همانا منافقان سعی می‌کنند که الله را فریب دهند و در واقع الله فریب دهنده‌ی آنان

است.»

و فرموده است:

﴿وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ...﴾ [الأَنْفَال: ۳۰].

«آنان نیرنگ می‌کرد و الله نیز نیرنگ می‌کرد».

و می‌فرماید:

﴿إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا ﴿١٥﴾ وَأَكِيدُ كَيْدًا ﴿١٦﴾﴾ [الطَّارِق: ۱۵-۱۶].

«آنان دست به نیرنگ می‌زنند (۱۵) و من نیز دست به نیرنگ می‌زنم».

اما در مورد خیانت، خداوند متعال خود را از آن مبرا دانسته و فرموده است:

﴿وَإِنْ يُرِيدُوا خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ...﴾ [الأَنْفَال: ۷۱].

«و اگر قصد خیانت تو را داشته باشند پس آنان پیش از آن به الله خیانت کردند اما الله

(شما را) بر آنان پیروز گرداند...».

از جمله چیزهایی که دقیق بودن و مهم بودن این خصلت را آشکار می‌سازد این دعای رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - است که می‌فرماید: «خداوندا من از گرسنگی به تو پناه می‌برم که بدترین همراه است و از خیانت به تو پناه می‌برم که بدترین هم‌نشین است» [به روایت نسائی].

و ما اکنون در زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که اخلاق فطرت و آداب شریعت در آن تغییر یافته است و بسیاری از مردم از پی گرفتن قافله‌ی آن تخلف کرده‌اند و بسیاری از نشانه‌های این اخلاق از بین رفته و حتی برخی از مردم نمی‌دانند که امانت چیست و خیانت کدام است. و راست گفت مصطفی - صلی الله علیه وآله وسلم - آنجا که فرمود: «نخستین چیزی که از دیتان از دست خواهید داد امانت است و آخرین آن نماز» [به روایت حاکم و بیهقی].

و در صحیحین بخاری و مسلم از حدیث حذیف رضی الله عنه درباره‌ی فتنه‌هایی که در میان مردم رخ خواهد داد چنین آمده است که: «و مردم به خرید و فروش خواهند پرداخت و نزدیک است که هیچکدام امانت را پاس ندارند تا آنکه گفته می‌شود: در فلان قوم شخص امینی وجود دارد»...

و اگر این نشانه‌ها که گفتیم - متأسفانه راه و روش بسیاری از مردم در خرید و فروش و کار و قضاوت و دیگر کارهایشان شده است حق است که سخن رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - درباره‌ی آنان محقق گردد که: «اگر امانت ضایع گردید منتظر قیامت باش» گفتند چگونه امانت ضایع می‌شود؟ فرمود: «هنگامی کار به غیر اهلس سپرده شد در انتظار قیامت باش» [رواه بخاری].

و در پایان درود و سلام فرستید بر بهترین انسان‌ها محمد بن عبدالله، صاحب حوض کوثر و مقام شفاعت که خداوند شما را به آن امر نموده و فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [الأحزاب: ۵۶].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود و سلام فرستید».

خداوندا درود و سلام و برکت فرست بر بنده و پیامبرت محمد و راضی و خشنود باش از چهار خلیفه‌ی پیامبرت - ابوبکر و عمر و عثمان و علی - و از دیگر صحابه‌ی پیامبرت محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - و از تابعین و از آنانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند...

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار بگردان. خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومنت را یاری ده.

خداوندا غم و غصه‌ی غصه‌داران مسلمان را از بین ببر و سختی سختی دیدگان را زایل گردان و وام‌داران را ادا نما و بیماران ما و دیگر بیماران مسلمان را شفا ده ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا ما از گرسنگی به تو پناه می‌بریم که آن بدترین همراه است و از خیانت به تو پناه می‌بریم که آن بدترین همنشین است.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان ما و والیان امر ما را اصلاح نما و مسئولیت ما را بر عهده‌ی کسانی قرار ده که تقوای تو را داشته و در پی رضایت تو باشد.

پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا نما و از عذاب آتش دور گردان. پاک و منزه است پروردگارت آن پروردگار عزت از آنچه به دروغ به او نسبت می‌دهند و سلام بر پیامبران و آخر سخن ما این است که الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

مقدم‌داشتن رضایت خداوند بر رضایت بندگان

خطیب: دکتر اسامه خیاط

مسجد الحرام: جمعه ۱۵ محرم ۱۴۳۱ هجری برابر با ۱۱ دی ۱۳۸۸

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است که بسیار دانا و بسیار تواناست... او را ستایش می‌گوییم که او بسیار ریزبین و بسیار آگاه است و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز او که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده و پیامرسان او و بشارت دهنده و هشداردهنده و چراغ روشنگر است.

خداوندا درود و سلام و برکت ارزانی دار بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و اصحاب وی.

اما بعد...

ای بندگان الله تقوای او را پیشه سازید و برای روز بازپسین توشه بگیرید:

﴿يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تُجَدِّدُ عَنْ نَفْسِهَا وَتُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

﴾ [النحل: ۱۱۱].

«[یاد کن] روزی را که هرکس می‌آید [و] از خود دفاع می‌کند و هرکس به آنچه کرده بی‌کم و کاست پاداش می‌یابد و به آنان ظلم نمی‌شود».

ای مسلمانان: در پندها و اندرزهای سلف صالح ما گنج‌هایی وجود دارد که تاثیری شگرف و والا در درون و قلب انسان‌ها می‌گذارند... شایسته است هرکه به دنبال خیر

است و می‌خواهد بالاترین بهره را از هدایت برده و راه خوشبختی و سعادت را در زندگی دنیا و آخرت به دست آورد در برابر این پندها و اندرزها قدری بایستد.

از جمله‌ی این نصیحت‌ها جمله‌ای است که بانو عایشه رضی الله عنها در پاسخ به نامه‌ی معاویه رضی الله عنه که از وی نصیحتی کوتاه خواسته بود نوشت و فرمود:

اما بعد... من از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - شنیدم که فرمود: «هرکه برای به دست آوردن رضایت خداوند خشم مردم را به دست آورد هم خداوند از او خشنود خواهد شد و هم مردم، و هرکه برای به دست آوردن خشنودی مردم خشم خداوند را بجوید هم خداوند از وی ناراضی خواهد شد و هم مردم» [به روایت ترمذی و ابن حبان با سند صحیح].

شکی در این نیست که هر مومن به خداوند و روز قیامت دارای خردی است که بتواند با آن میان آنچه به سود اوست و آنچه به زیانش، فرق بگذارد و راه سلامت و رسیدن به آرزوهایش را بی‌ماید و چنین شخص خردمندی رضایت هیچ کس را بر رضایت خداوند یگانه‌ی بی‌نیازی که ملکوت هر چیز به دست اوست مقدم نمی‌دارد هر چه هم این شخص دارای مقام و منزلت والایی باشد...

اما با این وجود برخی از انسان‌ها هستند که غفلت بر آنان چیره گشته و از راه راست دور گشته‌اند و دعوتگر هوا و هوس را لیبیک گفته و اسیر تزویر شیطان و نفس اماره شده‌اند و در نهایت رضایت مخلوق نیازمند فانی را بر رضایت پروردگار بلندمرتبه ترجیح داده‌و به دره‌ی تاریکی‌ها سقوط کرده و راه نجات را از دست داده‌اند.

ترجیح رضایت بندگان بر رضایت خداوند گونه‌های مختلفی دارد که از آن می‌توان به این موارد اشاره کرد:

ترک نصیحت واجبی که بر گردن هر مسلمان است و روی گرداندن از انکار منکر یا بخاطر دوست داشتن کسی و یا از روی مدارا و ترس از مردم، و در نتیجه دوری گزیدن از روش انسان‌های نیکوکاری که می‌دانند پروردگارشان باز داشتن از منکری را که علنی شده است و گرفتن دست انسان‌های بدکار و جلوگیری از ادامه‌ی آن را واجب گردانده

است. چه این شخص خویشاوند باشد چه دور و چه دارای جاه و منزلت باشد و چه نباشد. تا آنکه اهل لغزش رو به اصلاح آورند و از هلاکت و خسران نجات یابند و تا آنکه جامعه از اسباب ضعف و عوامل فساد در امان بماند.

در حدیثی که امام مسلم در صحیح خود از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت کرده است آمده است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «هر که از شما منکری دید آن را با دستش تغییر دهد... پس اگر نتوانست با زبانش... و اگر نتوانست با قلب خود [آن را بد بداند] و این ضعیف‌ترین نوع ایمان است».

هر گاه مردم از این واجب روی گردانی کردند و آن را ترک نمودند بلا همه گیر شده و بدی سر بر آورده و نشانه‌های خطر رخ عیان خواهد کرد و همان چیزی خواهد شد که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - در حدیثی که ابوهریره رضی الله عنه روایت نموده است، ما را از آن باخبر نموده است که:

«قسم به آنکه جانم در دست اوست، یا به معروف امر خواهید کرد و از منکر باز خواهید داشت و یا آنکه نزدیک است خداوند بر شما عقوبتی از سوی خود بفرستد سپس او را دعا خواهید کرد و او شما را استجابت نخواهد کرد» [به روایت احمد و ترمذی].

این علاوه بر دردها و مصیبت‌های دیگری همچون کم شدن خیرات و از بین رفتن برکت‌هاست و برای بیان عقوبت ترک این واجب همین کافی است که بدانیم این عامل باعث لعنت شدن کافران بنی اسرائیل گشت چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿٧٨﴾ كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿٧٩﴾﴾

[المائدة: ۷۸-۷۹].

«از میان بنی اسرائیل آنان که کفر ورزیدند بر زبان داوود و عیسی بن مریم لعنت شدند این به خاطر آن بود که عصیان ورزیده و تجاوز می‌کردند».

همچنین از دیگر روش‌های ترجیح رضایت مخلوق بر رضایت خالق این است که با ستمگر در انجام ستمش مامشات کنیم، یعنی یا با او همکاری کرده و یا راه او را برای ظلم و ستم هموار گردانده و یا او را برای ادامه‌ی ظلم و احساس نکردن بدی و زشتی آن یاری رسانیم... مثلاً او را در تسخیر زمین کسی دیگر بی‌آنکه حقی در آن داشته باشد یاری دهیم و یا از اجرای حکمی شرعی جلوگیری کنیم و یا در اجرای آن سستی ورزیم...

همینطور مباح دانستن آنچه خداوند آن را حرام قرار داده و یا حرام گرداندن آنچه حلال دانسته است، برای همراهی با هوا و هوس دیگران و موافقت با خواهش آنان. همینطور میل داشتن یک مرد به یکی از همسرانش و تلاش در راضی نگه داشتن وی با ارزانی داشتن هر آنچه او یا فرزندانش می‌خواهند، و در مقابل، رها کردن همسر دیگر و استفاده از هر راهی برای محروم نگه داشتن وی و فرزندانش از حقوقشان.

همینگونه تبعیض قائل شدن میان دانش‌آموزان در امتحانات و تبعیض میان کارمندان در حقوق و مزایا و ترفیع آنان، با نگاه به منزلت اجتماعی و نه مهارت و توانایی، به هدف به دست آوردن خشنودی گروهی به حساب گروه دیگر...

همه‌ی این مواردی که ذکر شد از نمونه‌های منحرف شدن از راه راست و دور شدن از مسیر حق و افتادن در دره‌ی باطل است که باعث می‌شود انجام دهنده‌ی آن گرفتار این عاقبت ناخوشایند یعنی به دست آوردن خشم خداوند و خشم مردم شود.

پس ای بندگان خداوند هشیار باشید و از پیمودن راه اینان که تلاششان بیهوده است و آرزوهایشان دست نیافتنی، برحذر باشید و تقوای خداوندی را پیشه سازید که پنهان و آشکار شما را می‌داند و بکوشید تا دوستی و خویشاوندی هیچ کسی شما را از احقاق هیچ حقی و باطل دانستن هیچ باطلی باز ندارد و همانگونه باشید که پروردگارتان از شما خواسته است و در همه حال به عدالت قیام کنید و بر آن ثابت قدم بمانید:

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىَٰ أَن تَعْدِلُوا وَإِن تَلَوُّوا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا﴾ [النساء: ۱۳۵].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید همیشه به عدالت قیام کنید و برای الله گواهی دهید، هر چند به زیان خودتان یا پدر و مادر و خویشاوندان باشد اگر [یکی از دو طرف دعوا] توانگر یا نیازمند باشد باز الله به آن دو [از شما] سزاوارتر است. پس از پی هوس نروید که [در نتیجه از حق] عدول کنید و اگر به انحراف گرایید یا اعراض نمایید قطعا خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.»

خداوند من و شما را با هدایت کتاب و سنت سود رساند. این سخن خود را گفته و برای خود و شما و همه‌ی مسلمانان از همه‌ی گناهان از الله آمرزش می‌خواهم که او بسیار بخشاینده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله است. او را حمد گفته و از او یاری جسته و از وی آمرزش می‌خواهیم. و از بدی‌های خود و اعمال ناشایستمان به الله پناه می‌بریم که هر که را الله هدایت نماید گمراهگری نخواهد داشت و هر که را گمراه سازد او هدایتگری نخواهد یافت و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر اوست... خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یارانش درود و سلام فرست.

اما بعد...

ای بندگان خداوند... برخی از اهل علم گفته‌اند: راضی نگه داشتن مردم با خشم خداوند متعال به سبب ضعف در یقین است، یقینی که همه‌ی ایمان است. چنانکه ابن مسعود رضی الله عنه می‌فرماید: «کمال ایمان در ترجیح دادن رضایت خداوند است بر

آنچه دل خواه دیگران است و صبر در راه مخالفت هوای نفس، همانگونه که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا

﴿۳۹﴾ [الأحزاب: ۳۹].

«همان کسانی که پیام‌های الله را ابلاغ می‌کنند و از او می‌ترسند و از هیچ کس جز الله بیم ندارند و الله برای حسابرسی کافی است».

انسانی که تنها در پی رضایت مردم است، به نوعی از انواع شرک مبتلا شده است زیرا رضایت مخلوق را بر رضایت خداوند مقدم داشته است و کسی از این شرک در امان نمی‌ماند مگر آن که خداوند وی را در امان دارد و او را برای شناخت خود و شناخت صفاتی که شایسته‌ی ذات وی است و پاک دانستن خداوند از هر چیزی که با کمال و توحید و ربوبیت و الوهیت وی در تضاد است، توفیق ارزانی دارد.

پس ای بندگان خداوند تقوای او را پیشه‌سازید و در راه رسیدن به آنچه تنها باعث دست‌یابی به رضایت اوست کوشا باشید که تنها او دهنده و گیرنده و سودرسان است و هیچ پروردگار و الهی غیر از او وجود ندارد...

و همیشه و همه آن به یاد داشته باشید که خداوند متعال شما را به درود و سلام بر خاتم پیامبران امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿۵۶﴾ [الأحزاب: ۵۶].

«همانا الله و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود و سلام فرستید».

خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد درود و سلام فرست و راضی و خشنود باش از چهار خلیفه‌ی پیامبرت - ابوبکر و عمر و عثمان و علی - و از دیگر اهل بیت و یاران و تابعین و از همه‌ی آنان که به نیکی تا قیامت از آنان پیروی نمایند و همچنین از ما با عفو و کرم و احسانت راضی و خشنود باش ای گرامی‌ترین گرامیان...

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را حفظ نما و دشمنان اسلام و دیگر طاغیان و مفسدان را نابود گردان و میان قلوب مسلمانان الفت ایجاد کن و صف آنان را یکی گردان و رهبرانشان را اصلاح نما و کلمه‌ی آنان را بر حق جمع نما ای پروردگار جهانیان.

خداوندا دینت را و کتاب را و سنت پیامبرت محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - و بندگان مومن مجاهد صداقت را یاری ده.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و والیان و مسئولان ما را صالح بنما... خداوندا این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را از هر خوبی بهره‌مند ساخته و از هر بدی و شری دور نما.

خداوندا عاقبت ما را در همه‌ی امور به خیر منتهی گردان و ما را از خواری دنیا و عذاب آخرت دور گردان...

خداوندا ما از زوال نعمت و از برگشتن عافیت و از خشم ناگهانی‌ات و از همه‌ی انواع ناخشنودی تو به تو پناه می‌بریم.

خداوندا ما از تو انجام نیکی‌ها و ترک بدی‌ها و دوستی نیازمندان را خواستاریم و از تو می‌خواهیم که ما را مورد مغفرت و رحمت خویش قرار دهی و اگر برای قومی اراده‌ی فتنه‌ای نمودی ما را بی‌آنکه دچار فتنه گردیم به سوی خود بازگردان.

خداوندا دین ما را که حافظ امر ماست و دنیای ما را که زندگانی ما در آن است و آخرت ما را که بازگشتگاه ماست نیک گردان و زندگی را سبب زیاده در نیکی‌ها و مرگ را سبب راحتی از هر بدی بگردان.

خداوندا بیماران ما را شفا ده و مردگان ما را بیمارز و ما را به آن خواسته‌هایی که باعث رضایت توست برسان و کارهای ما را با نیکی‌ها خاتمه ده.

خداوندا ما به خود ستم نمودیم و اگر تو ما را مورد مغفرت و رحمت خویش قرار ندهی بی تردید از زیانکاران خواهیم بود. پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دورخ دور بدار.

درود و سلام خداوند بر بنده و پیامبرش محمد و بر اهل بیت و یارانش باد. والحمدلله رب العالمین.

عنوان خطبه:

وجوب بندگی و اطاعت از خداوند به یگانگی

خطیب: صلاح البدیر

مسجد نبوی شریف: جمعه، ۲۲ محرم ۱۴۳۱ برابر با ۱۸ دی ماه ۱۳۸۸

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است... ستایش از آن الله بزرگ متعال است... او را برای نعمت فراوانش شکر می‌گوییم و گواهی می‌دهم که معبودی به حق جز او نیست و او شریکی ندارد و از داشتن شبیه و نظیر مبرا است و به مانند مخلوقان دچار فنا و زوال نمی‌گردد... و گواهی می‌دهم که پیامبر و سرور ما محمد، بنده و پیامبرسان او و ستوده شده به خصلت‌های نیک است... درود خداوند بر وی و بر اهل بیت و اصحاب نیک و گرامی وی باد.

اما بعد، ای مسلمانان، تقوای خداوند را پیشه سازید که تقوای او بهترین توشه و دارای بهترین عاقبت در آخرت است:

﴿... إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ﴾ [هود: ۴۹].

«... همانا عاقبت از آن متقیان است.»

ای مسلمانان... خداوند متعال این آفرینش عجیب و این جهان باعظمت را به عنوان دلیل و حجتی برای ذات و صفات و عظمت و کبریا و کمال قدرت و به عنوان نشانه‌ای

عظیم برای خود، آفریده است... او با هیچ یک از آفریده‌های خود وصف نمی‌شود بلکه صفات او قائم به ذات است...

همه چیز زیر سلطه‌ی قهر و تسخیر وی قرار دارد و هر چیزی در زیر تدبیر و تقدیر اوست. او به اقتضای عزت و جلال و عظمت خود ولی هر چیز است و در آفریدگان خود هر گونه که بخواهد تصرف می‌کند و تنها اوست که همیشگی است و مالک پاداش و جزا است...

او آن یگانه‌ی واحد است، و او آن تنها و سرور بی‌نیاز است... هیچ شکست‌دهنده‌ای ندارد و هیچ کس نمی‌تواند مانع او شود... هیچ کس توان مقابله و مخالفت با حکم او را ندارد و هیچکس نمی‌تواند با امر او مخالفت کند و یا آن را پس زند...

او کسی است که با قهر و قدرت خود هر چیزی را مقهور گردانده و همه چیز در برابر عظمت وی سر فرود آورده است... او آفریدگار تصویرگر است... او آن تدبیرگر تسخیرگر تقدیر ساز است... هیچ یک از آفریده‌های او نظیر وی و نه حتی نزدیک به وی نیستند...

اوست آن ذاتی که زمین را گستراند و آن را در طول و عرضش به عنوان گهواره‌ای قرار داد و آن را به واسطه‌ی کوه‌ها ثابت گرداند و رودها را در آن قرار داد و آن را جایگاهی برای آسایش و معاش گرداند که مردمان در اقلیم‌ها و انحای آن به رفت و آمد می‌پردازند:

﴿وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُتَجَاوِرَاتٌ...﴾ [الرعد: ۴].

«و در زمین قطعه‌هایی است که در کنار هم قرار دارند...».

برخی از قسمت‌های آن شوره‌زار و لم یزرع است و برخی دیگر حاصلخیز و بهره‌ور، و برخی دیگر شن زار و برخی دیگر سنگلاخ...

﴿... وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ﴾ [لقمان: ۱۰].

«... و در آن از هر جنبنده‌ای پراکنده ساخت».

زمین را رویانید و دانه را شکافت و درختی که چوبی بیش نبود با قدرت او انگور و رطب گردید...

آسمان را بدون ستون آفرید و بدون ستون برافراشت و بنای آن را بلند گرداند و آن را با ستارگان زیبا و افلاک در شب تاریک زینت داد و در آن هیچ شکاف و خللی قرار نداد...

خورشید و ماه در پی هم می‌روند و شب و روز از هم کم می‌کنند... آتش را سوزاننده آفرید و دریاها را غرق کننده:

﴿... وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ...﴾ [الحج: ۶۵].

«... و کشتی در دریا به دستور او روان است...».

که در دریای متلاطم بسوی سرزمین‌های دور رفته و کالاها را با خود حمل کند... و ستارگان را با زیبایی و نوری که دارند وسیله‌ای برای راهیابی رهروان و دریانوردان و دانستن وقت کشت و چیدن میوه‌ها گرداند...

و شما را از یک تن آفرید سپس شما را صورتگری کرد و چه زیبا صورتگری نمود، و برایتان گوشی آفرید که با آن صداها را بفهمید و چشمی که با آن دیدنی‌ها را ببینید و برایتان لباس و زینت قرار داد و از روش‌های مختلف کسب روزی، روزی داد... این است پروردگار شما:

﴿ذَٰلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَأَعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ﴿۱۳﴾﴾

﴿لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ﴿۱۳﴾﴾ [الأنعام: ۱۰۲-۱۰۳].

«این است الله پروردگار شما، هیچ معبودی جز او نیست آفریننده هر چیزی است پس او را پرستید و او بر هر چیزی نگهبان است (۱۰۲) چشم‌ها او را در نمی‌یابند و اوست که دیدگان را درمی‌یابد و او لطیف آگاه است.».

هیچ گناه و جرمی بالاتر و بزرگ‌تر از گناه کسی نیست که برای خداوند شریکی قرار دهد. از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که گفت: گفتم ای رسول خداوند...

چه گناهی بزرگ‌تر است؟ فرمود: «اینکه برای خداوند همتایی قرار دهی در حالی که او تو را آفریده است» [متفق علیه].

پس وای بر کسانی که سنگ‌های مرده را می‌پرستند و وای بر آنانی که قبرها و مردگان را پرستش می‌کنند و برای آن‌ها قربانی کرده و به دور آن‌ها سجده و طواف می‌کنند به این باور که اینان برای کسی که آنان را فرا بخواند نفعی رسانده و یا او را بالا می‌برند... آنانی که اهل قبور را به عنوان شفیع و واسطه برگزیده و آنان را در اجابت دعا و شنیدن ندا به منزلت خالق بالا می‌برند و حدیثی دروغین را برای تایید کار خود روایت می‌کنند که: «هنگامی که کارها بر شما گران آمد به اصحاب قبور روی آورید!!».

که این سخن، دروغ بستن بر خدا و بر رسولش است. چگونه برای خداوند در عبادتش شریک قرار داده‌اند در حالی که این شریکان هیچ سود و زیانی برای آنان ندارند و نه می‌توانند سودی را جلب کرده و نه ضرری را دفع نمایند؟!!

﴿ذَٰلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ ﴿۱۳﴾ إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ ﴿۱۴﴾﴾ [فاطر: ۱۳-۱۴].

«این است الله پروردگار شما، فرمانروایی از آن اوست و کسانی را که بجز او می‌خوانید مالک پوست هسته خرمایی [هم] نیستند (۱۳) اگر آن‌ها را بخوانید دعای شما را نمی‌شنوند و اگر [فرضا] بشنوند اجابتان نمی‌کنند و روز قیامت شرک شما را انکار می‌کنند و [هیچ کس] چون [خدای] آگاه تو را خبردار نمی‌کند».

ای مسلمانان... هرکه با نظر به مخلوقات خداوند که دال بر ذات او و صفات و شریعت و قدرت و نشانه‌های اوست عبرت گیرد هرگز قلبش به مردگان متعلق نشده و هرگز از خاک، امید سود و ترس زیان نخواهد داشت، بلکه قلب او به مولایش متعلق خواهد شد، مولایی که جز او هیچ کس دیگری زیان‌زیانیدگان را از بین نخواهد برد.

آن آفریدگاری که ستارگان روشن و بادها و ابرهای بارانزا و دریاها و پربار و جنین‌ها را در شکم مادران و همه‌ی مخلوقات را آفریده است...

هر که حکمت دال بر عظمت خالق را در آفرینش این مخلوقات ببیند و قدرت و رحمت و حکمت وی را بفهمد هرگز در هنگام بیماری و سختی دست به دامان ساحر یا کاهن و یا هر دجال و دروغگوی دیگری نمی‌شود تا دین و عقیده‌ی خود را به تباهی بکشاند و هرگز قلبش به حلقه یا نخ یا تعویذ یا قربانی کردن برای جن معلق نخواهد شد بلکه بسوی خداوند روی خواهد آورد و با دعا و تضرع و امید و درخواست و فراخواندنش روی به سوی او می‌آورد زیرا خداوند است که سود و زیان به دست اوست...

از ابوتمیمه از مردی از قومش روایت است که به نزد رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - آمد و در این حال مردی دیگر به حضور آن حضرت رسید و گفت: آیا تو پیامبر خدایی؟ گفت: «آری» آن مرد گفت: به چه چیزی دعوت می‌کنی؟ فرمود: «تنها به سوی خداوند فرا می‌خوانم، به سوی آن خدایی که اگر زبانی به تو برسد و او را فرا بخوانی آن زیان را از تو دور خواهد کرد، و آنکه اگر خشکسالی دامنگیرت شود و او را دعا کنی زمین را برای تو خواهد رویاند، و اگر در صحرائی بی‌آب و علف بودی و گم شدی و او را فرا خواندی دعای تو را استجاب خواهد کرد». پس آن مرد اسلام آورد [به روایت احمد و ابوداود].

﴿وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمَسُّكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٧﴾ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ ۗ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ﴿١٨﴾﴾ [الأَنْعَام: ١٧-١٨].

«و اگر الله به تو زبانی برساند کسی جز او برطرف کننده آن نیست و اگر خیری به تو برساند پس او بر هر چیزی تواناست (١٧) و اوست که بر بندگان خویش چیره است و اوست حکیم آگاه».

خداوند من و شما را با قرآن و سنت برکت داده و با آیات و حکمت موجود در آن سود رساند... آنچه را شنیدید گفته و از او برای خود و شما و دیگر مسلمانان از هر گناه و خطایی آمرزش می‌خواهم پس از او آمرزش بخواهید که او بسیار غفور و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن خداوند است برای احسان و نیکی وی، و شکر و سپاس از آن او است برای توفیق و منت وی. و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که پیامبر و سرور ما محمد، بنده و پیامبر او و دعوتگر بسوی رضوان وی است... درود و سلام بسیار خداوند بر وی و بر اهل بیت و اصحاب وی باد...

اما بعد، ای مسلمانان تقوای خداوند را پیشه ساخته و او را مراقب خود بدانید و از او اطاعت کرده و معصیت وی را نکنید...

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾

[آل عمران: ۱۰۲].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را آنگونه که شایسته‌ی تقوای وی است پیشه سازید و نمیرید مگر در حالی که مسلمانید».

ای مسلمانان... کسی که وقار و عظمت و جلال خداوند بر قلبش چیره شده باشد بر انجام معصیت خداوند جرات نخواهد یافت و پا به سوی معصیت او دراز نخواهد کرد... کسی که امر و دستور خداوند برایش بی‌ارزش است و معصیتش را می‌کند و حق او برایش مهم نیست و آن را ضایع می‌سازد و هوای نفس خود را بر طاعت خداوند مقدم می‌دارد و دنیا را بر رضایت او ترجیح می‌دهد، چگونه ممکن است چنین کسی قدر خداوند را به جای آورد و احترام او را آنگونه که شایسته است نگه دارد؟

آنکه از مردم خجالت می‌کشد اما در برابر خداوند حیا نمی‌کند و از نگاه مخلوق می‌ترسد اما نگاه خداوند را کوچک می‌شمارد و از مردم می‌ترسد اما از خداوند هراسی ندارد و در معصیت خداوند از مخلوق اطاعت می‌کند... خداوندی که جز او کسی دیگر شایسته‌ی کمال و بزرگداشت و خداوندی نیست...

آنکه پروردگارش را به خشم آورده، پروردگاری که بدیلی ندارد و هیچ نیروی قدرتی نیست مگر از او، چنین شخصی چگونه رستگار خواهد شد و به چه چیز امید خواهد داشت؟ حتی اگر این بنده قوی و ثروتمند باشد این چه سودی برای او خواه داشت؟

عزت تنها از آن متقیان است و هر که خداوند را شناخت و این شناخت به او سودی نرساند واقعا بدبخت است...

﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمَى ﴿١٢٤﴾ قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا ﴿١٢٥﴾ قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيَتْهَا كَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى ﴿١٢٦﴾ وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى ﴿١٢٧﴾﴾ [طه: ۱۲۴-۱۲۷].

«و هرکس از یاد من روی گرداند در حقیقت زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت و روز رستاخیز او را کور محشور می‌کنیم (۱۲۴) می‌گوید پروردگارا چرا مرا نابینا محشور کردی با آنکه [در دنیا] بینا بودم (۱۲۵) می‌فرماید همان طور که نشانه‌های ما بر تو آمد و آن را به فراموشی سپردی امروز همان گونه فراموش می‌شوی (۱۲۶) و این گونه هر که را به افراط گراییده و به نشانه‌های پروردگارش نگروریده است سزا می‌دهیم و قطعاً شکنجه‌ی آخرت سخت‌تر و پایدارتر است».

سپس بدانید که خداوند شما را به کاری دستور داده که اول خود و سپس ملائکه آن را انجام داده‌اند و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴿٥٦﴾﴾ [الأحزاب: ۵۶].

«همانا الله و ملائکه‌اش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود و سلام فرستید».

خداوند بر پیامبر و سرور ما محمد آن رحمت بشارت‌دهنده و هشداردهنده و شفاعت‌کننده‌ای که شفاعتش به اذن خداوند پذیرفته خواهد شد درود و سلام فرست... و راضی و خشنود باش از همه‌ی اهل بیت و اصحاب وی و همچنین از ما با رحمت و بخشش و کرم خویش ای کریم و ای وهاب.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان ما را صالح گردان. خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و دشمنان دین را نابود گردان و شر نیرنگبازان و تجاوز دشمنان را از سر ما کوتاه گردان.

خداوندا بیماران ما را شفا ده، خداوندا بیماران ما را شفا ده، خداوندا بیماران ما را شفا ده و اسپران ما را آزاد گردان و مردگان ما را مورد رحمت قرار ده و ما را بر دشمنانمان پیروز گردان.

خداوندا برادران ما را در فلسطین یاری کن و محاصره‌ی برادران ما را در غزه پایان ده، خداوندا محاصره‌ی برادران و خواهران ما را در غزه پایان ده، خدایا محاصره‌ی آنان را پایان ده و آنان را بر دشمنانشان پیروز گردان.

خداوندا مسجد الاقصی را از ناپاکی صهونیست‌ها پاک گردان...

خداوندا ما را باران ارزانی دار، خداوندا باران را بر ما فرو ریز و ما را از نومیدان مگردان، خداوندا باران را بر ما نازل کن و ما را از ناامیدان قرار مده... خداوندا بر ما بارانی پرسود و پی در پی و فراگیر و پربرکت و سودرسان و بی‌ضرر فرو ببار.

خداوندا ما بندگانمان از بندگانی توایم پس به علت گناهانمان فضل و بخشش خود را از ما دریغ مکن. خداوندا با فضل و احسانت ما را مورد بخشش و فضل خویش قرار ده و با باران و فضل خویش بر ما منت گذار.

ای بندگان خداوند، «همانا خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان دستور داده و از فحشا و منکر و تجاوز باز داشته است. او شما را چنین موعظه می‌کند تا آنکه پند گیرید» [النحل: ۹۰].

پس خداوند بزرگ را یاد کنید تا شما را یاد کند و او را برای نعمت‌هایش شکر گویند تا شما را افزون دهد «و همانا یاد الله بزرگ‌تر است و الله به آنچه می‌کنید آگاه است» [العنکبوت: ۴۵].

عنوان خطبه: فضیلت راستی و اهمیت آن

خطیب: دکتر صالح آل طالب

مسجد الحرام: جمعه ۲۹ محرم ۱۴۳۱ برابر با ۲۵ دی ۱۳۸۸

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است:

«سپاس از آن الله است که آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از آن اوست و در آخرت [نیز] سپاس از آن اوست و هم اوست سنجیده‌کار آگاه (۱) آنچه در زمین فرو می‌رود و آنچه از آن بر می‌آید و آنچه از آسمان نازل می‌شود و آنچه در آن بالا می‌رود [همه را] می‌داند و اوست مهربان آمرزنده» [سبأ: ۱-۲].

تسبیح و ستایش او را می‌گوییم که او نهفته‌های درون و اسرار آن را می‌داند و نهان‌های درون دل‌ها را برملا می‌سازد:

﴿يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ﴾ [المؤمن: ۱۹].

«او خیانت چشمان و آنچه را در سینه‌ها مخفی است می‌داند».

و دستاورد زبان‌ها را در روز قیامت در نامه‌ی اعمال منتشر خواهد کرد... اعمال را ثبت کرده و می‌نویسد و سپس محاسبه کرده، یا مورد مغفرت قرار می‌دهد و یا مورد عذاب...

و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنهاست و شریکی ندارد و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر اوست... درود و سلام و برکات خداوند بر وی و بر اهل بیت پاک و صحابه‌ی نیک وی.

اما بعد:

تقوا بهترین وصیت و بهترین لباس و بهترین خصلت است:

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧١﴾﴾ [الأحزاب: ۷۰-۷۱].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را داشته باشید و سخنی استوار گویند (۷۰) تا کارهای شما را به صلاح آورده و گناهان شما را مورد آمرزش قرار دهد و هرکه از الله و رسولش اطاعت کند قطعاً پیروزی بزرگی به دست آورده است.»

رحمت خداوند بر بنده‌ای که زبان خود را صالح گردانده و کنترل نفس خود را در دست داشته و آن را در راه حق به راه انداخته است.

ای مسلمانان: سخن امروز ما درباره‌ی خصلتی است که سرور اخلاق و جمع کننده‌ی فضیلت‌ها و رأس همه‌ی خصلت‌هاست. خصلتی که خداوند متعال آن را در کتاب خود ستوده و فرموده است:

﴿... وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا ﴿٨٧﴾﴾ [النساء: ۸۷].

«وچه کسی راستگوتر از الله است؟»

و فرموده است:

﴿... وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا ﴿١٢٢﴾﴾ [النساء: ۱۲۲].

«و چه کسی راست گفتارتر از الله است؟»

و باز فرموده است:

﴿قُلْ صَدَقَ اللَّهُ... ﴿٩٥﴾﴾ [آل عمران: ۹۵].

«بگو: راست گفت الله...»

خداوند متعال پیامبران و خاصان و اولیای خود را با صفت صدق و راستی ستوده است:

﴿وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا ﴿٥٤﴾﴾ [مریم: ۵۴].

«و در این کتاب اسماعیل را یاد کن که او در وعده‌اش راست بود و رسولی پیامبر بود.»

و خطاب به همه‌ی بندگانش فرموده است:

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّٰدِقِينَ﴾ [التوبة: ۱۱۹].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را پیشه ساخته و همراه راستان باشید».

ای مسلمانان: صفت «صدق و راستی» یک صفت مستحب نیست بلکه فریضه و واجبی است برای هر شخص مسلمان و یک خصلت برای انسان مومن است. یک مومن باید در باطن و ظاهر خود به یک اندازه راستی و پاکی و صفای نفس داشته باشد...

با وجود سادگی این صفت و اجماع همه‌ی انسان‌ها در نیک دانستن آن، ما امروز بیش از هر زمان دیگری در بحبوحه‌ی بحران اخلاقی که در آن به سر می‌بریم، به توصیه‌ی به پایبندی به آن نیاز داریم. بحرانی اخلاقی که اسباب مختلفی باعث آن شده است از جمله: ضعف ایمان و ضعف تربیت و رقابت برای به دست آوردن دنیا.

صفت صدق و راستی در دنیا و آخرت مورد ستایش قرار گرفته و نشانه‌ی تقوا و سبب بخشش گناهان و بالا رفتن درجات است که همه‌ی این‌ها در این سخن خداوند متعال جمع گردیده است، آنجا که می‌فرماید:

﴿وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ ۖ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ﴿۳۳﴾ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۚ ذَٰلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ ﴿۳۴﴾ لِيُكَفِّرَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي عَمِلُوا وَيَجْزِيَهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۳۵﴾﴾ [الزمر: ۳۳-۳۵].

«و آن کس که راستی آورد و آن را باور نمود آنان همان متقیانند (۳۳) برای آنان هر چه بخواهند پیش پروردگارشان خواهد بود این است پاداش نیکوکاران (۳۴) تا الله بدترین عملی را که کرده‌اند از ایشان بزدايد و آنان را به بهترین کاری که می‌کرده‌اند پاداش دهد».

در مورد پاداش صادقان در روز قیامت، این سخن خداوند متعال را بشنوید که می‌فرماید:

﴿قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّٰدِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّٰتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ۚ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿۱۱۹﴾﴾ [المائدة: ۱۱۹].

«الله فرمود این روزی است که راستی راستگویان آنان را سود بخشد. برای آنان باغ‌هایی است که از زیر [درختان] آن نهرها روان است همیشه در آن جاودانند، الله از آنان خشنود است و آنان [نیز] از او خشنودند این است رستگاری بزرگ».

راستی یعنی فضیلت و نجات، یعنی راهی روشن و درونی والا، و انسان راست و صادق همیشه بسوی نیکی‌ها توفیق می‌یابد. در این حدیث که عبدالله بن مسعود - رضی الله عنه - روایت نموده است دقت کنید که از رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - چنین روایت می‌کند که ایشان فرمودند:

«همانا صدق و راستی به سوی نیکی هدایت می‌کند، و نیکی به سوی بهشت، و شخص همیشه راستی پیشه می‌کند تا آنکه به مقام «راستی» می‌رسد. و همانا دروغ به سوی فجور رهنمون می‌شود و فجور نیز انسان را به سوی آتش می‌برد و شخص همیشه دروغ می‌گوید تا آنکه نزد خداوند به عنوان دروغگو نوشته می‌شود» [به روایت بخاری و مسلم].

و در روایتی از امام مسلم آمده است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «شخص همچنان راست می‌گوید و در پی راستی می‌رود تا آنکه نزد خداوند به عنوان «صِدِّیق» نوشته می‌شود، و شخص دیگر همچنان دروغ می‌گوید و در پی دروغ می‌رود تا آنکه نزد خداوند به عنوان «کَذَّاب» نوشته می‌شود».

صدق و راستی هدایتگر به سوی هر نیکی و خیر است و صاحب خود را به سوی راه‌های هدایت می‌کشانند تا آنکه وی را به بهشت داخل سازد. چرا که نه؟! در حالی که چنین شخصی راستگو است و همیشه در هر سخن و کردارش در پی حق است؟

او راست می‌گوید و به راستی پایبند می‌ماند و برای راستی احتیاط پیشه می‌کند و کلماتی را که می‌گوید در ترازو قرار می‌دهد و از اشتباه دوری گزیده و از لغزش می‌ترسد و اینچنین نفس خود را از هر گونه خیانت و گناه پنهانی حفظ می‌کند تا آنکه نزد خداوند به عنوان صدیق شناخته می‌شود.

یک مسلمان پس از رسیدن به این منزلت دیگر چه آرزویی خواهد داشت؟ چنین کسانی همراهی پیامبران و شهدا را به دست خواهند آورد:

﴿... فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا﴾ [النساء: ۶۹].

«پس آنان به همراه کسی هستند که الله بر آنها نعمت ارزانی داشته است [یعنی] پیامبران و راستان و شهدا و صالحان و آنان چه یاران نیکی هستند».

ای مسلمان: برای آنکه اثر راستی را بر قلب بدانی و بدانی که چرا انسان‌های صادق مستحق همراهی با پیامبران شده‌اند در این حدیث صحیح تأمل کن: از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند:

«هنگامی که زمان قیامت نزدیک شود نزدیک است که رویای مومن دروغ نشود و راست‌ترین شما از نظر رویا راستگوترین شماست و رویای مومن جزئی از ۶۶ جزء نبوت است» [به روایت بخاری و مسلم].

خوب دقت کن... رویای راست جزئی از نبوت است و چنین رویایی در قلب صادقی متجلی خواهد گردید که والا و پاک است و به نور خداوندی روشن گردیده و اینچنین پرده‌های غیب در برابرش گشوده شده و خداوند او را از آنچه خواسته مطلع گردانده است.

ای مسلمانان: هر که در کودکی پایبند راستی شود در بزرگی بیشتر به آن پایبند خواهد شد و هر که در حق خودش راستی کند در حق خداوند بیشتر به راستی چنگ خواهد زد و هر که در پی راستی باشد به سوی آن هدایت خواهد شد و در نتیجه درونش پاک شده و قلبش نورانی می‌گردد.

ای بندگان خداوند: هرگز آسانگیری و سهل‌انگاری در مورد این خصلت جایز نیست، زیرا این اخلاق یکی از خصلت‌های اساسی در دین ما و نشانه‌ی اسوه و الگوی ما محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - بود که زندگی‌اش بهترین مثال است برای انسان کاملی که راستی در گفتار، و امانتداری در کردار را به عنوان خطی ثابت در زندگی خود قرار داده

بود و حتی به اندازه‌ی یک بند انگشت نیز از آن منحرف نمی‌شد و این اخلاق برای وی به عنوان یک خصلت و ویژگی درآمده بود به طوری که حتی پیش از بعثت به «راستی» و «راستگویی» شناخته شده بود و «صادق» و «امین» خوانده می‌شد و در میان مردم به این نام شناخته می‌شد.

هنگامی که پیامبر ما - صلی الله علیه وآله وسلم - به دعوت آشکار دستور داده شد مردم را جمع کرده و از آنان پرسید: اگر آنان را از قضیه‌ای باخبر سازد تا چه اندازه سخنش را باور خواهند کرد؟ و آنان در پاسخ گفتند: تاکنون از تو جز راستی ندیده‌ایم. نگاهی به این صحنه از زندگی سراسر راستی و نجابت و وفای او بیندازید: از عبدالله ابن ابی حمساء روایت است که گفت: پیش از بعثت پیامبر با وی معامله‌ای انجام دادم و قسمتی از پول وی باقی ماند پس با وی وعده نمودم که در همان مکان بیایم [تا معامله را به پایان برسانیم] اما فراموش کردم و پس از سه روز قضیه را به یاد آوردم. پس به آنجا بازگشتم و او را در همان جا یافتم. او به من گفت: «ای جوان!! بر من سخت گرفتی... من سه روز است که اینجام و منتظرت هستم!» [به روایت ابوداود].

آری! او سه روز پی در پی از روی وفای به عهد و راستی، در همان جایی که وعده نموده بودند حاضر می‌شد.

این مبدأ از کودکی در درون وی استوار و راسخ بود و تا وفاتش حتی یک دروغ نیز نگفت و بلکه در نزد وی بدترین خصلت‌ها بود. ام المومنین عایشه - رضی الله عنها - می‌گوید: «هیچ خصلتی نزد رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - بدتر از دروغ نبود و پیش می‌آمد که شخصی نزد وی دروغی می‌گفت و این به یاد رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌ماند [و به خاطر بدی آن، آن را فراموش نمی‌کرد] تا اینکه می‌دانست آن فرد از این رفتار توبه نموده است» [به روایت امام احمد و ابن حبان]. زیرا دروغ صفتی است پست و بس ناشایست. ممکن است انسان بخیل یا ترسو عذری برای این اخلاق خود داشته باشد اما دروغگو هیچ عذری ندارد.

صفوان بن سلیم می‌گوید: به رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - گفته شد: آیا ممکن است انسان مومن ترسو باشد؟ فرمود: «آری ممکن است». گفته شد: آیا ممکن است بخیل باشد؟ فرمود: «آری. ممکن است». گفته شد: آیا ممکن است دروغگو باشد؟ فرمود: «هرگز» [به روایت امام مالک در موطا با سند ضعیف].

البته این حدیث را حدیث دیگری که امام احمد در مسند خویش روایت کرده است تأیید می‌کند: از ابوامامه - رضی الله عنه - روایت است که گفت: رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «هر خصلتی ممکن است در مومن باشد به جز خیانت و دروغ».

امام نووی رحمه الله می‌گوید: «نصوص کتاب و سنت بطور کلی بر تحریم دروغ دلالت می‌کند و دروغ جزو گناهان زشت و عیب‌های بسیار ناشایست است و اجماع امت و نصوص آشکار بر تحریم آن منعقد شده است».

وی سپس ادامه می‌دهد: «برای متنفر شدن از این خصلت، این حدیث که بر صحت آن اتفاق شده است کافی است که ابوهیره - رضی الله عنه - از رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت نموده که ایشان فرمودند: «نشانه‌ی منافق سه چیز است: هنگامی که سخن گوید دروغ گوید، و هنگامی که وعده دهد خلاف کند و هنگامی که امین شمرده شود در امانت خیانت کند»...

و از عبدالله به عمرو بن عاص - رضی الله عنهما - روایت است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «چهار خصلت است که اگر در کسی باشد آن شخص منافق خالص است و اگر یکی از آنها در وی باشد در وی خصلتی از نفاق وجود دارد تا آنکه آن را ترک گوید: ۱- اگر امین شمرده شود خیانت کند ۲- و اگر سخن گوید دروغ گوید ۳- و اگر عهد کند عهد شکنی کند ۴- و هنگامی که بر سر موضوعی با کسی اختلاف کند و به نزد قاضی روند برای اثبات ادعای خود دروغ گوید» [به روایت بخاری و مسلم].

دروغ، ایمان را ناقص می‌کند. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ...﴾ [النحل: ۱۰۵].

«تنها کسانی دروغ‌پردازی می‌کنند که به نشانه‌های الله ایمان نمی‌آورند».
و حتی انسان دروغگو در معرض لعنت خداوند قرار دارد:

﴿... ثُمَّ نَبْتَهَلُ فَتَجْعَلُ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكٰذِبِينَ﴾ [آل عمران: ۶۱].

«... سپس مباحله کنیم و لعنت الله را بر دروغگویان قرار دهیم».

گنگ بودن بهتر از دروغ است و راست گفتاری آغاز سعادت است و اگر انسان درست فکر کند هیچ چیزی را برای بی‌آبرویی و رسوایی بدتر از دروغگویی نخواهد یافت زیرا دروغ، جامع همه‌ی بدی‌ها و اصل و اساس همه‌ی گناهان است و دروغ کوچک انسان را به دروغ بزرگ می‌کشاند...

حکیمان گفته‌اند: «هرکه از پستان دروغ شیر نوشید رها کردن آن برایش سخت خواهد شد»؛ برای همین است که پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - دروغ را - هر چند که در ظاهر کوچک باشد - نکوهیده است و از دروغ گفتن حتی به کودکان نهی نموده است تا آنکه آنان بر راستی تربیت شده و به آن عادت کنند و از دروغ دور شده و از آن متنفر گردند:

از عبدالله بن عامر روایت است که گفت: روزی از روزها در حالی که پیامبر خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - در خانه‌ی ما نشسته بود مادرم مرا صدا زد و گفت: بیا اینجا تا چیزی به تو بدهم... پس رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - خطاب به مادرم فرمود: «می‌خواستی به او چه بدهی؟» مادرم گفت: می‌خواهم به او خرما بدهم. رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - گفت: «اگر [قصد داشتی] به او چیزی ندهی برای تو یک دروغ نوشته می‌شد» [به روایت ابوداؤد با سند حسن].

و از ابوهریره رضی الله عنه از رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - رواست است که فرمود: «هرکه به کودکی بگوید: بیا تا چیزی به تو بدهم ولی به او چیزی ندهد، این یک دروغ است» [به روایت امام احمد با سند صحیح].

بین چگونه رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - پدران و مادران را آموزش می‌دهد تا فرزندان خود را به گونه‌ای بار بیاورند که راستی را مقدس دانسته و از دروغ دوری کنند و اگر او از این گونه دروغ‌ها چشم پوشی کرده بود و آن را کوچک دانسته بود ترس این می‌رفت که کودکان بزرگ شوند و دروغ را از گناهان کوچک بشمارند در حالی که نزد خداوند، دروغ گناهی است بس بزرگ.

این جدیت در مورد حقیقت و رعایت راستگویی حتی در مورد مسائل به ظاهر کوچک نیز صادق است: از اسماء بنت یزید - رضی الله عنها - روایت است که گفت: گفتم ای رسول خدا اگر کسی از ما در مورد چیزی که اشتهاش را دارد بگوید اشتها ندارم آیا این دروغ به حساب می‌آید؟ فرمود: «دروغ، دروغ نوشته خواهد شد... حتی دروغ کوچک هم به نام دروغ کوچک [در نامه‌ی اعمال] نگاشته خواهد شد» [به روایت امام احمد و طبرانی در معجم کبیر].

در مورد دروغ حتی برای شوخی و تفریح هیچ سهل انگاری وجود ندارد: از بهز بن حکیم از پدرش از جدش - رضی الله عنهم - روایت است که گفت: شنیدم رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «وای بر آنکه سخن دروغ می‌گوید تا مردم را بخنداند... وای بر او... وای بر او» [به روایت احمد و ابوداود و ترمذی و نسائی. ترمذی می‌گوید: حسن صحیح است].

و در لفظ ابوداود آمده است: «وای بر کسی که سخن می‌گوید و دروغ می‌گوید تا مردم را بخنداند... وای بر او... وای بر او».

اگر این درباره‌ی اموری باشد که ساده و کوچک به نظر می‌رسد در مورد بدترین نوع دروغ که دروغ بستن بر خدا و بر رسولش می‌باشد چه فکر می‌کنید؟ خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ...﴾ [الزمر: ۶۰].

«و روز قیامت می‌بینی کسانی که بر الله دروغ بسته‌اند چهره‌هایشان تیره است...».

و رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «هر که به عمد بر من دروغ ببندد جایگاه خود را در آتش مهیا سازد» [متفق علیه].

پس از این دروغ، بدترین نوع دروغ دروغی است که ضرر آن همه گیر باشد مانند دروغی که به منافع امت و قضایای مهم آن ضربه بزند و یا در میان آحاد جامعه آشوب ایجاد کرده و اطمینان را از مردم سلب نموده و حق را از باطل غیر قابل تشخیص نماید مخصوصاً با وجود وسائل ارتباط جمعی و سرعت انتشار اخبار در عصر جهانی سازی. در اینترنت شایعات پراکنده می‌شود و در رسانه‌ها دروغ گفته می‌شود و در میان این آشوب، راستی و حق کمیاب می‌گردد. در صورتی که حقیقت و دروغ با هم مخلوط شود مردم سر در گم و حیران خواهند شد.

ممکن است دروغ از منبعی سرچشمه گیرد که شنونده وی را راستگو بداند و براساس آن دروغ رفتار کند و در نتیجه دچار بلا و زیانی شود که تنها خداوند می‌داند و چه بسا بر اثر یک دروغ یا سخن چینی خانه‌ها ویران شده و خانواده‌هایی از هم پاشیده و یا حتی خون‌ها ریخته شده است؛ و در حدیث آمده است: «چه بزرگ است آن خیانتی که با برادرت سخنی بگویی که او تو را در آن راستگو بیندارد اما تو نسبت به او دروغ گفته باشی» [به روایت ابوداود].

بندگان خداوند، راستی برکت است و دروغ از بین برنده‌ی آن و از آنجایی که در هنگام خرید و فروش طمع حاضر است و ورع و قناعت اندک، رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - چنین می‌فرماید: «خریدار و فروشنده تا وقتی که از هم جدا نشده‌اند اختیار [فسخ معامله] را دارند. پس اگر راستی پیشه نمودند و آشکارا معامله کردند (و از پنهان‌کاری اجتناب ورزیدند) در معامله‌ی آنان برکت انداخته خواهد شد، و اگر کتمان کردند و دروغ گفتند برکت معامله‌ی آنان از بین خواهد رفت» [به روایت بخاری و مسلم].

و از رفاعه رضی الله عنه - روایت است که او به همراه رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - به سوی مصلی خارج شد پس دید که مردم در حال داد و ستد هستند پس

به آن‌ها گفت: «ای جمع تجارا!» آن‌ها در استجابت به ندای رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - سرهای خود را بلند کرده و بسوی وی نگریستند، پس فرمود: «تاجران در روز قیامت فاجر و بدکار برانگیخته خواهند شد جز آن تاجرانی که تقوای وی را پیشه ساخته و نیکی کنند و راست گویند» [به روایت ترمذی و ابن ماجه. ترمذی می‌گوید: این حدیثی حسن و صحیح است].

پس صدق و راستی را به عنوان علامت و روش خود قرار دهید و در آشکار و نهان به آن پایبند باشید تا آنکه خداوند تقوای خود را در قلب شما جای دهد و راه شما را پر از نور و موفقیت کند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ [التوبة: ۱۱۹].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را پیشه سازید و با راستان همراه باشید». خداوند برای من و شما در قرآن بزرگ برکت قرار داده و با روش سید المرسلین سود رساند. این سخن خویش را گفته و برای خود و شما از خداوند بزرگ آمرزش می‌خواهم..

خطبه‌ی دوم:

سپاس و ستایش خداوند را می‌گویم برای نیکی و احسان وی... و شکر و سپاس او را می‌گویم برای توفیق و منت وی و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز او که تنها و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و رسول وی و دعوتگر به سوی رضوان اوست. درود و سلام و برکات خداوند بر او و بر اهل بیت و یاران و تابعین او و کسانی باد که به نیکی تا روز قیامت از آنان پیروی نمایند.

اما بعد...

ای مسلمانان، عادت دادن نفس به راستی و پایبند نمودن آن به این صفت و در نظر داشتن مراقبت الهی در پنهان و آشکار و پیشه ساختن تقوایش، همه‌ی این‌ها انسان را برای در پیش گرفتن خصلت صدق و راستی کمک می‌کند...

نشر فرهنگ راستگویی در جامعه و طرد نمودن دروغ و دروغ‌گویان - به ویژه در وسائل ارتباط جمعی و منابع اطلاع‌رسانی - برای مردم جامعه لازم و ضروری است. این خیلی بد است که مردم به وجود کسانی عادت کنند که دروغ می‌گویند و همچنان با قلم و وسیله‌ی اطلاع‌رسانی که در اختیار دارند به صورت موثر در جامعه باقی می‌مانند... این درست است که ممکن است همیشه و در هر جایی کسانی باشند که دروغ می‌گویند اما این روا نیست که دروغ به صورت رسمی وجود داشته باشد یا مردم به وجود آن عادت کنند.

شریعت اسلامی در این جانب بسیار جدی است و بر همین اساس در قرآن کریم جریمه‌ی کسی که به دروغ به دیگران تهمت زنا می‌زند، تازیانه و «مشهورشدن به فسق» است و همچنین خداوند متعال درباره‌ی چنین کسانی می‌گوید:

﴿وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا...﴾ [النور: ۴].

«و هرگز هیچ گواهی از آنان نپذیرید.»

راستی و راستگویی فرهنگ یک جامعه‌ی سالم و مسئولیت هر فرد آن است. رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - درباره‌ی دروغ می‌گوید: «وآیا چیزی جز حاصل زبان‌های مردم آن‌ها را بر صورت‌هایشان در آتش می‌اندازد؟».

و در پایان درود و سلام فرستید بر بهترین انسان‌ها و پاکترین آن‌ها محمد بن عبدالله هاشمی قریشی، خداوندا درود و سلام و برکت ارزانی دار بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت پاکش و بر صحابه‌ی نیکوکردارش و راضی باش از آن امامان هدایتگر و خلفای مورد رضایت ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه‌ی پیامبرت و از همه‌ی آنانی که راه آنان را پیموده و از سنت آنان پیروی نمایند.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار گردان و دشمنان دین را نابود گردان و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امن و امان بدار...
خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن بدار و مسئولان و والیان امر ما را صالح گردان.

خداوندا گرانی و وبا و ربا و زنا و زلزله و سختی‌ها و فتنه‌های بد آشکار و پنهان را از ما دور گردان. خداوندا سرزمین ما را حفظ کن و مرزهای ما را امن گردان.

خداوندا اوضاع مسلمانان را در هر مکانی اصلاح نما، خداوندا آن‌ها را بر حق و هدایت جمع کن. خداوندا جان‌های آنان را حفظ کن و آنان را در سرزمینشان در امن و امان بدار و زندگی‌شان را گوارا گردان و دشمنشان را نابود گردان. خداوندا مستضعفان مسلمان را در هر جایی یاری ده... خدایا آنان را در فلسطین یاری ده، خداوندا مرزداران ما را در دور و بر بیت المقدس یاری ده. خدایا آنان را بر حق جمع نما ای پروردگار جهانیان.

خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومنت را یاری ده. خداوندا ای پروردگار جهانیان، پناه تو محکم است و ثنای با عظمت و نام‌هایت مقدس... ای آنکه لشکریانش شکست نمی‌خورد و وعده‌اش خلاف نمی‌شود... تو پاک و منزّه و ستوده شده‌ای... خداوندا شب ستمگران به طول انجامید... خداوندا صهیونیست‌ها تجاوز کردند و در غطیان زیاده‌روی کردند... خداوندا برای نابودی آنان دستانی حق طلب را مهیا ساز که شوکت آنان را نابود ساخته و بنیانشان را برکند، خداوندا ای پروردگار حق و حقیقت عذاب خود را بر آنان نازل ساز، خداوندا هیچ پرچمی برای آنان باقی نگذار و آنان را به هیچ یک از اهدافشان مرسان و آن‌ها را نشانه و عبرتی برای دیگران بگردان. خداوندا شکستشان ده و زمین را زیر پای آنان بلرزان و ما را بر آن‌ها پیروز گردان ای پروردگار جهانیان.

پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بدار، خداوندا گناهان ما را بیامرز و عیب‌های ما را بپوشان و کارهای ما را آسان گردان و ما را به آن خواسته‌هایی که باعث رضایت توست برسان.

پروردگارا ما و پدران و مادران و ما و دیگر مسلمانان را مورد مغفرت خود قرار ده که تو شنونده‌ی دعایی.

ای بندگان خداوند: «همانا الله به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان امر می‌نماید و از فحشا و منکر و ستم نهی می‌کند. او شما را پند می‌دهد تا آنکه اندرز گیرید (۹۰) و به پیمان خداوند هنگامی که با او پیمان بستید وفادار بمانید و سوگند را پس از استوار کردن آن مشکند در حالی که الله را بر خود ضامن گرفته‌اید. همانا الله به آنچه می‌کنید آگاه است» [النحل: ۹۰-۹۱].

عنوان خطبه:

جنبه‌ی مجازات و آزمایش در حوادث و بحران‌ها

خطیب: دکتر صالح بن حمید

مسجد الحرام: جمعه ۷ صفر ۱۴۳۱ برابر با ۲ بهمن ۱۳۸۸

خطبه‌ی اول:

ستایش شایسته‌ی الله است. او را برای آنچه عطا نموده و بازداشته است و برای همه‌ی آزمایش‌ها و امتحاناتش ستایش می‌کنیم...

او را ستایش و سپاس می‌گوییم که او با خوشی و ناخوشی مردم را مورد آزمایش قرار می‌دهد تا آنکه شاکر از کافر نعمت، و بی‌صبر از صبور مشخص گردد:

﴿... وَتَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ﴾ [الأنبياء: ۳۵].

«... و شما را از راه آزمایش به بد و نیک خواهیم آزمود و به سوی ما بازگردانیده می‌شوید».

و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است و در همه حال مورد ستایش است. خیر به دست اوست و بدی به او بر نمی‌گردد و اوست آن بزرگ بلندمرتبه. و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده و پیامبرسان اوست... هیچ خیری نیست مگر اینکه بدان راهنمایی کرده و هیچ بدی و شری نبوده مگر آنکه امت را از آن برحذر داشته است و اوست آن که در حال و گفتار و کردارش خیرخواه و

امانتدار است. درود و سلام و برکات خداوند بر او و بر اهل بیت پاک و صحابه‌ی نیکش و بر تابعین و کسانی باد که به نیکی پیروی آنان را پیشه سازند...

اما بعد...

ای مردم خود و شما را به تقوای خداوند توصیه می‌کنم و هرکه درون خود را اصلاح نماید خداوند نیز بیرون و آشکار او را اصلاح خواهد کرد و هرکه برای دینش تلاش نماید خداوند نیز امر دنیایش را اصلاح خواهد کرد و هرکه در آنچه میان او و خداوند است نیکی پیشه سازد خداوند نیز میان او و مردم را نیک خواهد ساخت و هرکه دنیا را آنگونه که هست بشناسد سختی‌های دنیا برای وی آسان خواهد شد...

بدترین گناهان آن است که صاحبش آن را کوچک شمارد و هرکه بر بلا صبر نکند به قضا و قدر الهی راضی نخواهد شد. پس ای بنده‌ی خداوند هر جا که بودی تقوای الله را پیشه ساز و خداوند را حفظ کن تا تو را حفظ کند و پس از بدی‌ها نیکی انجام ده تا آن را پاک سازد و با مردم با اخلاق نیک رفتار کن:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ

بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٨﴾ [الحشر: ١٨].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید از الله پروا دارید و هر کسی باید بنگرد که برای فردا [ی خود] از پیش چه فرستاده است و [باز] از الله بترسید در حقیقت الله به آنچه می‌کنید آگاه است».

ای مسلمانان: در زمانه‌ای نه چندان دور، این سرزمین سال‌های سختی و فقر و کمبود غذا و ترس و دریه دری را به چشم دیده است اما مردم در ایمان خود بهتر بودند و با پروردگار خود ارتباط بهتری داشتند. سپس خداوند ترس را به امنیت و فقر را به ثروت و تفرقه را به وحدت تبدیل ساخت... پس شکر و سپاس و منت تنها از آن الله است.

اما برخی از فرزندان آن نسل پس از آنکه نعمت‌ها افزون شد و رفاه و آسایش منتشر گردید، دچار غفلت شدند و نعمت‌ها را به کسی غیر از صاحب آن منسوب نمودند و دیگران را شکر گفتند. آنان این سخن خداوند متعال را نفهمیدند که می‌فرماید:

﴿ثُمَّ بَدَلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ ءَابَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ...﴾

[الأعراف: ۹۵].

«آنگاه به جای بدی نیکی قرار دادیم تا انبوه شدند و گفتند پدران ما را [هم مسلما به حکم طبیعت] رنج و راحت می‌رسیده است».

در میان آنان کسانی بودند که از دین خود برای دنیا خرج می‌کردند و کسانی بودند که در پی شهوت‌ها افتاده و گرفتار انواع حرام و باطل شدند و کسانی بودند که با کوچک‌ترین نیرنگ و حيله‌ای اموال مردم را حلال می‌دانستند و برخی با سوار شدن بر سر و گردن ضعیفان به مناصب بالا دست یافتند و همه‌ی این‌ها به همراه غفلت از نشانه‌های خداوند و سنت‌های او در این جهان و نشانه‌هایی بود که برای هشدار و عبرت و یادآوری می‌فرستد.

در حدیثی که در صحیحین از ام المومنین عایشه رضی الله عنها روایت شده است ایشان می‌گوید: رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - هنگامی که باد می‌وزید می‌گفت: «خداوندا من از تو خیر آن و خیر آنچه در آن است و خیر آنچه به خاطر آن فرستاده شده را می‌خواهم و از شر آن و شر آنچه در آن است و شر آنچه برای آن فرستاده شده به تو پناه می‌برم...».

و هنگامی که آسمان دگرگون می‌شد رنگ رخساره‌ی رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - تغییر می‌کرد و ناآرام می‌شد و پس از آنکه باران شروع به باریدن می‌کرد، وی آرام می‌گرفت. پس عایشه سبب را از او پرسید و ایشان فرمودند: «ای عایشه شاید این همان چیزی باشد که قوم عاد گفتند: ﴿...قَالُوا هَذَا عَارِضٌ مُّمْطَرُنَا...﴾ [احقاف: ۲۴] یعنی: گفتند: این ابری است که برای ما باران خواهد آورد.

و همچنین این سخن خداوند متعال را بخوانید که می‌فرماید:

﴿... وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ إِلَّا تَحْوِيْفًا ﴿۵۹﴾﴾ [الإسراء: ۵۹].

«... و ما نشانه‌ها را جز برای بیم‌دادن [مردم] نمی‌فرستیم».

آری ای عزیزان، ترس و احتیاط تنها مخصوص کسانی که آشکارا گناه می‌کنند و اهل گناهان کبیره نیست...

جامعه‌ی محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - و اصحاب او بهترین جامعه‌ها بود. آیا وی وقتی که اینگونه از ماه گرفتگی و خورشید گرفتگی و بادها و تغییرات جوی مردم را هشدار می‌داد اصحاب خود را به بدی و فساد متهم می‌کرد؟؟

باید که فقه و فهم محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - را پیشه سازید و از روش فرعون‌ی به دور باشید، آنجا که خداوند متعال درباره‌ی وی می‌فرماید:

﴿فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُودِهِۦ فَغَشِيَهُمْ مِّنَ اللَّيْمِ مَا غَشِيَهُمْ ۗ وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُۥ وَمَا هَدَىٰ﴾ [طه: ۷۸-۷۹].

«پس فرعون با لشکریانش آن‌ها را دنبال کرد و [لی] از دریا آنچه آنان را فرو پوشانید فرو پوشانید (۷۸) و فرعون قوم خود را گمراه کرد و هدایت ننمود».

و از در پیش گرفتن راه و روش امثال فرعون خودداری کنید. آنان که خداوند متعال درباره‌شان فرموده است:

﴿إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ ۗ وَلَوْ جَاءَتْهُمْ كُلُّ آيَةٍ حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ﴾ [یونس: ۹۶-۹۷].

«در حقیقت کسانی که سخن پروردگارت بر آنان تحقق یافته ایمان نمی‌آورند (۹۶) هر چند هر گونه نشانه‌ای برایشان بیاید تا وقتی که عذاب دردناک را ببینند».

و چه خردمند بودند قوم یونیس آنجا که خداوند متعال درباره‌شان فرموده است:

﴿... إِلَّا قَوْمٌ يُّؤْنَسُ لَمَّا ءَامَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ ءَآذَ الْحِزْيِ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ﴾ [یونس: ۹۸].

«مگر قوم یونس که وقتی [در آخرین لحظه] ایمان آوردند عذاب رسوایی را در زندگی دنیا از آنان برطرف کردیم و تا چندی آنان را برخوردار ساختیم».

ای بندگان خداوند: لازم است ترس بیشتری داشته باشیم و برای توبه و بازگشت و پند پذیری شتاب ورزیم، مخصوصا که کم‌کاری و غفلت بسیار شده است و نعمت‌ها

افزون گشته و برخی از منکرات و گناهان هم آشکار گردیده است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ﴾ [الشوری: ۳۰].

«و هر [گونه] مصیبتی به شما برسد به سبب دستاورد خود شماست و [خدا] از

بسیاری درمی‌گذرد».

و فرموده است:

﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا

لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ [الروم: ۴۱].

«به سبب آنچه دست‌های مردم فراهم آورده فساد در خشکی و دریا نمودار شده است

تا [سزای] بعضی از آنچه را که کرده‌اند به آنان بچشانند باشد که بازگردند».

بر این اساس، بر حذر داشتن مردم از گناهان و هشدار دادن آنان از انجام آن هرگز به

معنای فاسق دانستن امت یا متهم نمودن مردم به تقصیر و کمکاری نیست.

بلاها در دوران پیشینیان نیز رخ داده است و فاجعه‌ها در بهترین دوران‌ها نیز پیش

آمده‌اند. برای مثال سال گرسنگی و طاعون در دوران صحابه - رضی الله عنهم - پیش آمد

در حالی که مهاجرین و انصار و اهل بدر و بهترین‌های امت در میانشان بود...

هنگامی که بلا و مصیبت بر اهل اسلام و سرزمین‌های اسلامی رخ می‌دهد، با این که

ترس و شتافتن به توبه لازم می‌گردد اما با این وجود اهل علم می‌گویند که هر بلایی

برای عذاب یا آزمایش نیست بلکه برخی از این بلاها برای آزمایش و مشخص شدن

خوب و بد است و برخی برای بالا رفتن درجات و بخشیده شدن گناهان و برخی هم

برای آزمایش رضایت بنده و میزان تسلیم بودن او و همچنین محقق شدن ایمان وی به

تقدیرهای خداوندی است.

و چنان بلا و آزمایش بر بنده‌ی مومن نازل می‌شود تا آنکه وی در حالی بر روی زمین

راه می‌رود که هیچ گناهی ندارد و هیچ غم و ناراحتی و غصه‌ای نصیب مومن نمی‌شود

مگر آنکه خداوند به واسطه‌ی آن گناهان او را از بین خواهد برد حتی اگر خاری به پای او رود.

بلکه برخی از آن مصیبت‌هایی که خداوند در دنیا نصیب بنده‌ی مومن خود می‌کند مانع عذاب آخرت گردیده و برخی دیگر باعث صالح شدن شخص و یا نسل او در دین و دنیا می‌شود.

دوستان گرامی: با وجود واضح بودن این مساله در اصول و مبادی اسلام اما این هم آشکار و واضح است که برخی از حوادث و مصیبت‌ها و نشانه‌ها مربوط به اعمال بنی آدم و گناهان و فسوق آنان است. پیامبر ما محمد - صلی الله علیه و آله وسلم - فرموده است:

«ای امت محمد! به خدا قسم که هیچ کس غیرتمندتر از خداوند نیست که بنده‌اش یا کنیزش مرتکب زنا شود...».

و هنگامی که به رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - گفته شد که: آیا هلاک می‌شویم در حالی که نیکوکاران در میان ما هستند؟ ایشان فرمودند: "آری اگر بدی زیاد شود". [متفق علیه]

و در حدیثی که امام احمد با سندی حسن روایت کرده است آمده است که رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - فرمودند: «همانا بنده با گناهی که مرتکب می‌شود از روزی محروم می‌شود...».

کسی از گناهان و معاصی و کم کاری در حق خداوند معصوم نیست زیرا هر فرزندی از فرزندان آدم بسیار خطاکار است... چه ثروتمند و چه فقیر... چه صالح و چه فاجر... چه مرد و چه زن.

اما بسیاری از مردم تنها گناهان منتشر شده یا گناهان نوپدید را به چشم می‌بینند، اما بسیاری از گناهان هست که به علت برخورد زیاد با برخی از گناهان یا انجام آن از آن در غفلت هستند. گناهانی مانند بدرفتاری با پدر و مادر و قطع کردن پیوند خویشاوندی و

حسد و ریا و فریب و تکبر و بدرفتاری با زنان و غیبت و سخن چینی و خوردن مال یتیم و حق مستضعفان و دیگر انواع ستم و تجاوز به همراه پافشاری بر آن و استغفار اندک... همچنان که این کم‌کاران و افراط پیشه‌گان از دیدن آثار کم‌کاری خود مانند جنگ‌ها و بیماری‌ها و مسلط شدن ستمگران و ذلت و ضعف و خشکسالی و بحران‌های اقتصادی، غافل هستند.

همچنین آثار گناهان و معصیت‌ها و تخلف‌های شرعی تنها به حوادث آشکار یا مصیبت‌ها محدود نیست بلکه ممکن است آنگونه باشد که خداوند متعال فرموده است:

﴿قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ ۗ أَنْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ﴾ [الأنعام: ۶۵].

«بگو او تواناست که از بالای سرتان یا از زیر پاهایتان عذابی بر شما بفرستد یا شما را گروه گروه به هم اندازد [و دچار تفرقه سازد] و عذاب بعضی از شما را به بعضی [دیگر] بچساند بنگر چگونه آیات [خود] را گوناگون بیان می‌کنیم باشد که آنان بفهمند».

آیا پیامبر ما محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - نگفته است که: «اگر با عینه معامله نمودید و در پی دم گاوان افتادید و به کشاورزی راضی شدید و جهاد را ترک نمودید خداوند خواری و ذلتی بر شما مسلط خواهد نمود که از شما دور نخواهد شد تا آنکه به دینتان برگردید» [به روایت ابوداود و دیگران] (و معامله‌ی عینه نوعی از معاملات ربوی است).

همه‌ی انواع آثار گناهان را نمی‌توان برشمرد و از عذاب دردناک او و شدت آن به خداوند پناه می‌بریم... ای بندگان خداوند: اگر به این نکته‌ها توجه کنیم این توهم که گناهان بر کسانی که گناهی ندارند نازل می‌شود از ما دور خواهد شد...

همچنین از دیگر سخنانی که اهل غفلت به زبان می‌آورند این سخن است که: چرا ما نمی‌بینیم اقوام یا سرزمین‌هایی که اهل فسق و گناه آشکار هستند گرفتار این حوادث دردناک شوند؟!!

این سخن از عجیب‌ترین سخنان و از شدیدترین انواع غفلت و جرات بر خداوند و تقدیر اوست و مشخص است که حکمت‌ها و احکام بزرگی بر این افراد مخفی مانده است از جمله اینکه:

این سخن آنان اعتراض به تقدیر خداوند و حکمت وی است. زیرا او درباره‌ی آنچه می‌کند مورد سوال قرار نمی‌گیرد.

همچنانکه این حوادث و مصیبت‌ها بر همه‌ی اهل زمین نازل می‌شود و خداوند در انتخاب مکان و زمان آن حکمتی دارد.

از دیگر حکمت‌ها این است که عذاب‌های خداوندی متفاوت است: مانند مهلت دادن به ظالم و مهر زدن بر قلب او و سخت گرداندن آن...

همچنین با وجود آنکه گناهان سبب فاجعه‌های طبیعی هستند اما همه‌ی این اسباب را در بر نمی‌گیرند زیرا رحمت و تقدیر خداوندی اینچنین است که هر که در گناهی افتاد حتماً برای او مصیبت یا فاجعه‌ای رخ نمی‌دهد، همچنانکه ممکن است شخص راست‌کردار و نیکوکار نیز دچار آزمایش و مصیبت گردد.

بر این اساس این تنها اسباب نیستند که تاثیرگذار هستند بلکه ممکن است یک سبب با شرایط و عوامل خاصی یک جا شده و موثر شود و ممکن است برخی از این عوامل نیز تاثیرگذار نباشند و در کل این خداوند است که دارای حکمت فراگیر و مشیئت انجام شدنی است.

و با همه‌ی این‌ها اینکه این حوادث و فاجعه‌های طبیعی دارای اسباب ظاهری و تفسیر علمی باشند، انکار شدنی نیست اما باید از دل سپردن محض به این ظواهر طبیعی به طوری که باعث کم شدن جنبه‌ی عبرت‌آمیز آن شده و باعث ضخیم شدن حجاب غفلت گردد، اجتناب ورزید.

زیرا از ورای این اسباب یک مسبب و پروردگار این اسباب وجود دارد. و او اگر اراده‌ی چیزی کند اسباب آن را آماده کرده و براساس آن نتایج و آثاری مترتب خواهد کرد.

اما بعد... ای مسلمانان. نگاه مومن به همه‌ی حوادث و فاجعه‌ها و تغییرات جهانی - چه زمینی و چه آسمانی - نگاهی است ایمانی و توحیدی و عبادی که میان تسلیم شدن به تقدیر و برگرفتن اسباب جمع می‌بندد. زیرا هر آنچه رخ می‌دهد با تقدیر و اراده‌ی خداوندی است و هیچ چیز از تقدیر و دبیر و مشیت او خارج نیست و آنچه باید به آن نگریست نه خود بلا یا مصیبت است زیرا این چیزی است که قضا و سنت الهی بر آنه رفته است و بر هرکه بخواهد آن را خواهد فرستاد، بلکه آنچه مهم است موضع بنده در برابر آن است که صبر پیشه می‌کند و تسلیم می‌شود و راضی می‌گردد و تقدیر را با تقدیر دفع می‌کند یا خیر.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم:

﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿۲۲﴾ لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿۲۳﴾﴾ [الحديد: ۲۲-۲۳].

«هیچ مصیبتی نه در زمین و نه در نفس‌های شما نرسد مگر آنکه پیش از آنکه آن را پدید آوریم در کتابی است این [کار] بر الله آسان است (۲۲) تا بر آنچه از دست شما رفته اندوهگین نشوید و به [سبب] آنچه به شما داده است شادمانی نکنید و الله هیچ خودپسند فخرفروشی را دوست ندارد».

خطبه‌ی دوم:

الحمد لله، ستایش از آن الله که تقدیر او در مردم انجام شدنی است و حکمش بر بندگان جاری است. او را ستایش و سپاس گفته و به سوی وی توبه می‌کنم و از او آمرزش می‌خواهم... او که نعمت‌هایش فراوان است و پی در پی...

و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است و هیچ پنهانی از ما بر او پنهان نمی‌ماند و گواهی می‌دهم که پیامبر ما محمد، بنده و پیامبرسان اوست که با آخرین دین و شریعت هدایتگر آمده است... درود و سلام و برکات

خداوندی بر وی و بر اهل بیت و یاران و اصحاب وی و تابعین و همه‌ی آنانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند.

اما بعد... آنچه روی می‌دهد و حوادث و نوازلی که فرو می‌آید و آیات و نشانه‌هایی که پیش می‌آید، بشریت برای همه‌ی این‌ها جلوگیری نکرده‌ای ندارد و نمی‌تواند آن را باز دارد. همچنین این اوج غفلت و جفا است که پند و اندرز نصیحت‌کنندگان با شک در نیت و مسخره پاسخ داده شود و بدتر از همه اینکه وعظ و پند و اندرز را «ترور فکری» بنامند و یا آن را «زمینه‌سازی برای اندیشه‌ی تندرو» بدانند.

و غفلت و سنگدلی جفا وقتی شدیدتر می‌شود که یاد آوری خداوند و هشدار از نشانه‌های او «استفاده از دین و سوء استفاده از نص» خوانده شود.

آیا سنگدلی و جفا به این جا رسیده است؟ آیا جهل و نادانی تا این حد؟! آری این درست است، نصیحت یعنی استفاده از دین و یادآوری یعنی استفاده از نص، و مگر دین چیزی جز این است؟! آیا نصوص شرع جز برای این نازل شده است؟! دین و تدین جز پایبندی به همه‌ی آن در خوشی و ناخوشی و یادآوری نصوص و استفاده از آن در ترغیب و ترهیب نیست.

دین و دین‌داری یعنی پایبندی و رفتار به آن و چنگ زدن به آن در همه‌حال:

﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٢﴾ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٦٣﴾﴾ [الأنعام: ۱۶۲-۱۶۳].

«بگو در حقیقت نماز من و [سایر] عبادات من و زندگی و مرگ من برای الله پروردگار جهانیان است (۱۶۲) [که] او را شریکی نیست و بر این [کار] دستور یافته‌ام و من نخستین مسلمانم».

خداوند متعال اقوامی را به خاطر آنکه آیات و هشدارها به سوی آنان آمده بود و از آن استفاده نبرده و بیدار نشدند مورد سرزنش قرار داده است:

﴿وَلَقَدْ أَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ ﴿٧٦﴾﴾ [المؤمنون: ۷۶].

«و به راستی ایشان را به عذاب گرفتار کردیم و [لی] نسبت به پروردگارشان فروتنی نکردند و به زاری درنیامدند».

بلکه بالاتر از این آیا خداوند متعال پیامبرش محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - و به همراه او برگزیدگان امت را به خاطر کم کاری در روز احد مورد خطاب قرار نداده است؟:

﴿أَوَلَمْآ أَصَبْتَكُمْ مَّصِيبَةً قَدْ أَصَبْتُمْ مَثَلِيهَا قُلْتُمْ أَلَيْ هَذَا قُلُّ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ﴾

[آل عمران: ۱۶۵].

«آیا چون به شما [در نبرد احد] مصیبتی رسید [با آنکه در نبرد بدر] دو برابرش را [به دشمنان خود] رساندید گفتید این [مصیبت] از کجا [به ما رسید] بگو آن از خود شما [و ناشی از بی انضباطی خودتان] است آری الله به هر چیزی تواناست».

پس تقوای خداوند را پیشه سازید و به سوی او توبه کنید و از او آمرزش خواهید و در پی رضایت او باشید و از خشم وی دوری گزینید.

و درود و سلام فرستید برا آن رحمت هدایتگر و آن نعمت خداوندی، پیامبرتان محمد که خداوند شما را به آن امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾

﴿۵۶﴾ [الأحزاب: ۵۶].

خداوندا درود و سلام فرست بر بنده و پیامبرت محمد آن محبوب مصطفی و آن پیامبر برگزیده و بر اهل بیت پاکش و بر همسرانش مادران مومنان و از چهار خلیفه‌ی راشد پیامبرت - ابوبکر و عمر و عثمان و علی - و همه‌ی صحابه و تابعین و آنان که به نیکی از آنان پیروی نمایند راضی و خشنود باش.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، و شرک و مشرکان را خوار گردان و طاغیان و ملحدان و دیگر دشمنان دین را خوار گردان.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان ما را صالح گردان و مسولیت ما را به دست کسانی قرار ده که تقوای تو را پیشه ساخته و در پی رضایت تو باشد ای پروردگار جهانیان.

خداوندا مسئولان مسلمان را برای عمل به کتابت و سنت پیامبرت - صلی الله علیه وآله وسلم - یاری ده و آنان را رحمتی برای بندگان مومن قرار ده و کلمه‌ی آنان را بر حق جمع گردان ای پروردگار جهانیان.

خداوندا برای امت اسلامی امری رشید قرار ده که در آن اهل طاعت تو عزیز شوند و اهل معصیت راه هدایت در پیش گیرند و در آن به معروف امر شده و از منکر باز داشته شود که تو بر هر کاری توانایی.

خداوندا دین ما را که بازدارنده‌ی ماست و دنیای ما را که زندگی ما در آن است و آخرت که ما که بازگشتگاه ماست اصلاح نما و زندگی را برای ما زیاده‌ی در نیکی‌ها و مرگ را باعث راحتی از هر بدی قرار ده و عاقبت ما را در همه‌ی امور نیک گردان.

خداوندا هر که برای ما و برای دین و وطن و امنیت و امت و وحدت ما اراده‌ی بد دارد به خود مشغول ساز و نقشه‌ی او را در نابودی خود او قرار ده...

خداوندا صهیونیست‌های غاصب را به تو می‌سپاریم که آنان قادر به عاجز ساختن تو نیستند خداوندا عذابت را که از ظالمان برگشت پذیر نیست بر آنان فرو آور.

خداوندا تویی آن الله که معبودی به حق جز تو نیست... تو بی‌نیازی و ما نیازمند... بر ما باران ببار و ما را از نومیدان مگردان، خداوندا تویی آن الله که معبودی به حق جز تو نیست... تو بی‌نیازی و ما نیازمند... بر ما باران ببار و ما را از نومیدان مگردان... تو بی‌نیازی و ما نیازمند... بر ما باران ببار و ما را از نومیدان مگردان... تو بی‌نیازی و ما نیازمند... بر ما باران ببار و ما را از نومیدان مگردان... تو بی‌نیازی و ما نیازمند... بر ما باران ببار و ما را از نومیدان مگردان...

خداوندا ما را باران عطا کن، خداوندا ما را باران عطا کن، باران رحمت و نه باران ویرانی و بلا و سیل...

پروردگارا ما به خود ستم نمودیم و اگر تو ما را مورد مغفرت و رحمت خویش قرار ندهی بی‌تردید از زیانکاران خواهیم بود... خداوندا ما را به سوی توبه و بازگشت موفق ساز و درهای قبول و اجبت را بر ما بگشای. خداوندا طاعات و دعاها و کارهای نیک ما را بپذیر و گناهان ما را پاک ساز و بر ما توبه پذیر و ما را مورد مغفرت و رحمت قرار ده ای مهربان‌ترین مهربانان.

پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دور گردان. ای بندگان خداوند: «همانا خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان دستور داده و از فحشا و منکر و تجاوز باز داشته است. او شما را چنین موعظه می‌کند تا آنکه پند گیرید» [النحل]:

بر راه و روشی روشن قرار داده که شب آن به مانند روز آن است و جز آنکه ره هلاکت در پیش گرفته کسی از راهش کج نمی‌رود؛ پس درود و سلام پروردگار من بر او و بر اهل بیت پاکش و بر صحابه‌ی نیک وی و بر تابعین و آنانی که به نیکی تا قیامت از آنان پیروی نمایند.

اما بعد...

ای مسلمانان: خود و شما را به تقوای خداوند سفارش می‌کنم و بدانید که راست‌ترین سخن، سخن خداوند است و بهترین راه و روش، راه و روش محمد - صلی الله علیه و آله وسلم - است و بدترین کارها در دین، کارهای نوپدید است و هر کار نوپدید در دین بدعت است و هر بدعتی گمراهی است و هر گمراهی در آتش...

ای مردم: امت اسلامی همچنان در خیر و خوبی و پیشرفت خواهد بود تا وقتی که روحیه‌ی تعاون و همکاری در میان آحاد آن گسترده و منتشر باشد... روحیه‌ی همکاری و تکافل و در فکر دیگران بودن و دوری از خودخواهی.

همینطور این امت در خیر و خوبی خواهد بود تا وقتی که ثروتمند، سختی فقیر را احساس کند و قلب انسان دارا حال ندار را درک کند و با شنوایی و بینایی خود صدای بی‌نوایان و سختی دردمندان را بشنود و ببیند...

هر امتی که در آن، میان غنی و فقیر و کوچک و بزرگ شکاف و از هم گسیختگی باشد و تنفر میان توانا و ناتوان و کوچک و بزرگ وجود داشته باشد، امتی است پاره پاره، امتی است با قلب‌هایی جدا از هم... امتی است که از داشتن ساده‌ترین زیرساخت‌های ترقی و استقرار و توازن اجتماعی و اقتصادی برگرفته از روح دین و ایمان محروم است. ایمان به این که اسلام شریعتی است برای فرد و جامعه، و در یک آن برنامه‌ای اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی و سیاسی است.

از بزرگ‌ترین اسبابی که باعث قوی شدن بنیه‌ی جوامع شده و باعث استحکام رابطه‌ی میان طبقات مختلف مادی و اجتماعی جامعه می‌شود اوقاف شرعی است...

اوقافی که خداوند امت اسلام را با آن از دیگر امت‌ها متمایز گردانده و به معنای حبس کردن و مخصوص گرداندن مال برای انجام عمل خیر است که از ویژگی‌های امت اسلامی می‌باشد.

امام شافعی - رحمه الله - می‌گوید: «اهل جاهلیت - تا آنجا که من می‌دانم - برای نیت خیر، خانه یا زمینی را مخصوص نگردانده‌اند بلکه اهل اسلام این کار را کرده‌اند» [پایان کلام امام شافعی].

ریشه‌های این درخت، درخت «اوقاف خیریه» به دوران پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - برمی‌گردد زیرا وی بخشنده‌ترین و نیکوکارترین و باتقواترین کسی بود که به سوی برادری و همگرایی دعوت نمود و جدی‌ترین منادی از بین بردن فقر و سختی‌ها در اجرای این سخن خداوند متعال بود که:

﴿فَلَا أَقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ ﴿۱۱﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ ﴿۱۲﴾ فَكُ رَقَبَةً ﴿۱۳﴾ أَوْ إِطْعَمٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ ﴿۱۴﴾ يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ ﴿۱۵﴾ أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ ﴿۱۶﴾﴾ [البلد: ۱۱-۱۶].

«و [لی] [نخواست از گردنه بالا رود (۱۱) و تو چه دانی که آن گردنه چیست (۱۲) برده‌ای را آزاد کردن (۱۳) یا در روز گرسنگی طعام دادن (۱۴) به یتیمی خویشاوند (۱۵) یا بینوایی خاک‌نشین».

وقف یکی از نواع صدقات مستحب است اما با این وجود بهترین و ماندگارترین و فراگیرترین انواع آن است. وقف باعث بالا رفتن ارزش و مقام شخص وقف‌کننده و عزیمتی است برای از بین بردن حرص و خودخواهی.

وقف یعنی مهربانی و احساسی است پاک و باارزش و کمکی است بزرگ برای اقتصاد جامعه‌ی اسلامی زیرا اوقاف خیریه از مهم‌ترین پایه‌های جوامع موفق از نظر اقتصادی است زیرا یکی از دو محور اقتصاد به حساب می‌آید یعنی محور مردمی موسساتی.

وقف یکی از سه چیزی است که با مرگ انسان پایان نمی‌یابد زیرا رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «هنگامی که فرزند آدم بمیرد عملش نیز قطع می‌شود

مگر در سه مورد: صدقه‌ی جاریه یا علمی که از آن سود برده می‌شود یا فرزند صالحی که برایش دعا کند» [به روایت امام مسلم].

از این خواستگاه بود که امت اسلام در گذشته مترقی‌ترین نمونه‌ها را برای شایستگی و توانایی رهبری و صدرنشینی در میان جهانیان به نمایش گذارد و به سبب انسانگرایی موجود میان افراد این امت توانست به مقام برتری انسانی دست یابد. و نه تنها این بلکه برخی از انواع اوقاف برای خدمت به حیوانات در نظر گرفته شده بود به مانند علوفه‌ی حیوانات و مانند آن...

نخستین کسانی که قدم در عرصه‌ی وقف گذاشتند اصحاب رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - بودند. جابر رضی الله عنه می‌گوید: «همه‌ی اصحاب رسول خدا که دارای توانایی مالی بودند وقف می‌کردند».

امت اسلامی در اوقاف به درجه‌ای رسید که کسی پیش از آن‌ها بدان دست نیافته بود. آن‌ها موسسه‌های اجتماعی فراوانی برای اهداف خیریه بنا نمودند و برای عرصه‌ی علم و دادگستری و بهداشت و درمان و فقرا و خدمت به قرآن و مساجد و مدارس و دانشمندان و دیگر عرصه‌های خیر وقف نمودند تا آنجا که توانستند خواستگاه‌های طمع را در درون خویش از بین ببرند. آن خواستگاه‌هایی که توسط شیطان برانگیخته می‌شود تا آنکه آنان را از فقر و عیالواری بترساند و سلاحشان در برابر شیطان این سخن خداوند متعال بود که می‌فرماید:

﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ

وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿۳۱۸﴾ [البقرة: ۲۶۸].

«شیطان شما را از فقر می‌ترساند و به فحشا و زشتی دستور می‌دهد اما الله به شما وعده‌ی مغفرت و فضل خویش می‌دهد و الله گشایشگر داناست».

ابن مسعود رضی الله عنه می‌گوید: وقتی آیه‌ی «کیست آن کس که به الله وام نیکویی دهد؟» [البقرة: ۲۴۵] نازل شد ابو دحداح خطاب به رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - گفت: ای رسول خداوند... آیا الله از ما وام می‌خواهد؟ وی فرمود: «آری ای ابودحداح»

وی گفت: پس من باغی را که ششصد نخل دارد به پروردگرم قرض دادم. سپس رفت تا به آن باغ رسید در حالی که همسرش ام دحداح و فرزندان در آن بودند. پس وی را صدا زد و گفت: ای ام دحداح. همسرش پاسخ گفت: لیبک. گفت: از باغ بیرون بیا که من به پروردگار خود این باغم را که ششصد نخل دارد قرض دادم» [به روایت بزار. هیشمی آن را صحیح می‌داند] در برخی از روایت‌ها آمده است که همسرش گفت: «معامله‌ات سودمند شد ای ابودحداح».

﴿فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ ﴿٥﴾ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ ﴿٦﴾ فَسَنِيَرُهُو لِّلْيُسْرَىٰ ﴿٧﴾ وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَىٰ ﴿٨﴾ وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَىٰ ﴿٩﴾ فَسَنِيَرُهُو لِّلْعُسْرَىٰ ﴿١٠﴾ وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّىٰ ﴿١١﴾﴾
[اللیل: ۵-۱۱].

«اما آنکه بخشید و تقوا پیشه کرد (۵) و [پاداش] نیکوتر را تصدیق کرد (۶) بزودی راه آسانی پیش پای او خواهیم گذاشت (۷) و اما آنکه بخل ورزید و خود را بی‌نیاز دید (۸) و [پاداش] نیکوتر را به دروغ گرفت (۹) بزودی راه دشواری به او خواهیم نمود». خداوند برای من و شما در قرآن بزرگ برکت دهد و ما را با آیات و ذکر حکیم سود رساند.

آنچه را گفتم اگر صحیح بود از سوی خداوند و اگر خطا بود از نفس خویش و از شیطان است و از الله آمرزش می‌خواهم که او بسیار آمرزشگر است.

خطبه‌ی دوم:

ای مردم: آنکه تاریخ اوقاف را در گذر قرن‌ها ورق زند به تعجب خواهد افتاد و مساحت وسیع اوقاف اسلامی را به چشم خواهد دید تا جایی که برخی از سرزمین‌های اسلامی در آن دوران به جایگاه عظیمی دست یافته بود به طوری که در برخی از سرزمین‌های اسلامی مساحت زمین‌های کشاورزی مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد دو سوم آن موقوفه است.

اما هم اکنون شخص ناظر خواهد توانست فاصله‌ی عمیق میان وضعیت حاضر و گذشته‌ی ما در باب اوقاف به چشم ببیند و خواهد دید که سنت وقف در دوران معاصر، آن حضور گذشته‌ی خود را ندارد و این برمی‌گردد به جهل مردم نسبت به ارزش و فضیلت آن و عقب انداختن این کار تا لحظه‌ی مرگ که دیگر وقف ارزش ندارد.

همچنین طمع و بخل نقش بزرگی در غیاب سنت وقف بازی می‌کند و همچنین بی‌اعتمادی به امنای اوقاف و مسئولان آن که این عکس‌العملی است در برابر برخی از رفتارهای نادرست از سوی امنای اوقاف.

تعجب از کسانی است که خداوند آنان را صاحب ثروت‌های ملیونی کرده و نعمت‌های آشکار و پنهان خود را بر آنها ارزانی داشته است اما با این وجود عملاً به فکر وقف نیستند...

چه بسا ثروتمندانی که در این دنیا دارا بوند اما مرگ آنها را غافلگیر کرد تا آنکه پس از مرگ خویش، خود را بی‌نوا یافتند... عمر خود را در جمع مال و ثروت و شمارش آن به سر بردند گو اینکه نقش آنان این است که خزانه دار کسانی باشند که پس از آنان می‌آیند!

چنین بی‌نویانی چه می‌دانند که بیشتر ثروتمندان بی‌آنکه وقفی کنند از دنیا می‌روند و آنچه جمع کرده‌اند میان دیگران توزیع می‌شود که خوش شانس ترینشان کسی است که فرزندش او را به خیر یاد کند و از سوی او صدقه‌ای بدهد یا ندهد...

برای همین برای شخص ثروتمند بهتر است که وقف را بر وصیت مقدم بدارد آن هم به دو سبب:

- نخست اینکه: وقف در زمان حیات شخص به اجرا درمی‌آید و او خود می‌تواند تا وقتی در قید حیات است آن را اداره کند و هرگاه از دنیا رفت نیز وقفش در همان راهی که وقف کرده است خواهد ماند و با وفات وی قطع نخواهد شد به خلاف وصیت که معلوم نیست بعد از مرگش به اجرا در خواهد آمد یا نه.

- دوم آنکه: معمولا اموالی که از ثروتمندان به جا می‌ماند به سبب فراوانی و گستردگی آن و همچنین اختلاف وارثان، سال‌های زیادی بدون تقسیم به جا می‌ماند و به این سبب وصیت آن شخص نیز به سبب ارتباط با تقسیم میراث، به مدت زیادی معطل خواهد ماند. اما وقف اینگونه نیست زیرا در زندگی شخص اجرا می‌شود و ربطی به تقسیم میراث ندارد.

چه بسا مردگانی که سال‌ها و بلکه ده‌ها سال از مرگشان گذشته اما وصیتشان معطل تصفیه‌ی حساب‌ها و انحصار وراثت است به خلاف وقف که شخص واقف در حالی که زنده است آن را احساس می‌کند و از کار نیک خود لذت می‌برد و منت هیچ کسی برای اجرای آن بر گردن شخص واقف نیست و هیچ مانعی هم میان او و اجرای آن وجود ندارد.

همچنین همانگونه که علما گفته‌اند شایسته است که شخص واقف در هنگام وقف برای احتیاط شرط کند که بتواند تا هنگامی که زنده است از سود موقوفه استفاده نماید و اگر خواست از آن استفاده کند و اگر خواست از آن استفاده نکند و پس از مرگ وی تمام موقوفه و سود آن برای کار خیر صرف خواهد شد.

و راست گفت رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - آنجا که به اصحابش فرمود: «کدام یک از شما مال وارثش برایش محبوب‌تر از مال خودش است؟» گفتند: ای رسول خدا... هیچ یک از ما نیست مگر آنکه مال خودش را بیشتر دوست دارد. آنگاه رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «پس بدانید که مال شخص آن چیزی است که برای خود پیش فرستاده است و آنچه باقی گذاشته است مال وارثان است» [به روایت امام بخاری در ادب المفرد].

بدانید که مال می‌آید و می‌رود و در واقع این مال جز وسیله‌ای برای مصرف و بخشش و بذل نیست. چنانکه رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «بهترین صدقه آن صدقه‌ای است که از روی بی‌نیازی باشد» [متفق علیه].

پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بدار.
پاک و منزه است پروردگار تو آن پروردگار عزت و بزرگی از آنچه مشرکان به دروغ
وصف می‌کنند و سلام بر پیامبران و الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

وجوب پیروی از سنت رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)

خطیب: دکتر علی بن عبدالرحمن الحدیفی

مسجد نبوی شریف: جمعه ۲۱ صفر ۱۴۳۱ برابر با ۱۶ بهمن ۱۳۸۸

خطبه‌ی اول:

حمد و سپاس از آن الله است... او را حمد گفته و از وی کمک خواسته و از وی
هدایت می‌جوییم. و از بدی‌های خود و کارهای ناشایستمان به او پناه می‌بریم که هرکه را
الله هدایت کند او گمراهگری نخواهد داشت و هرکه را گمراه سازد او هدایتگری نخواهد
یافت، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است و
گواهی می‌دهم که پیامبر و سرور ما محمد، بنده و پیامبران اوست... خداوندا بر بنده و
پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یارانش درود و سلام و برکت ارزانی دار.
اما بعد... تقوای خداوند را آنگونه که شایسته است پیشه سازید و به ریسمان محکم
اسلام چنگ زنید.

ای مردم... پروردگارتان - عزوجل - شما را به خشنودی و بهشتش و به سوی آنچه
سعادت دنیا و آخرتتان در آن است فراخوانده و فرموده است:

﴿وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ

﴿۱۳۳﴾ [آل عمران: ۱۳۳].

«برای نیل به آمرزشی از پروردگار خود و بهشتی که پهنایش [به قدر] آسمان‌ها و
زمین است [و] برای پرهیزگاران آماده شده است بشتابید».

و فرموده است:

﴿... وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ...﴾ [البقرة: ۲۲۱].

«و الله به فرمان خود [شما را] به سوی بهشت و آمرزش می‌خواند.»

و در حدیثی از رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - روایت است که ایشان فرمودند: «همه‌ی شما به بهشت وارد می‌شوید مگر آنکه ابا ورزد». گفتند: چه کسی [از وارد شدن به بهشت] ابا می‌ورزد؟ فرمود: «هرکه از من اطاعت کند به بهشت داخل می‌شود و هرکه سرپیچی [فرمان] من کند [از وارد شدن به بهشت] ابا ورزیده است...» و خداوند متعال می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ...﴾

[الأنفال: ۲۴].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون الله و پیامبر شما را به چیزی فرا خواندند که به شما حیات می‌بخشد آنان را اجابت کنید.» و می‌فرماید:

﴿... وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا...﴾ [الطلاق: ۴].

«و هرکس تقوای الله را در پیش گیرد [الله] برای او در کارش تسهیلی فراهم سازد.» و خداوند متعال می‌فرماید:

﴿... وَالْعَقِبَةُ لِلتَّقْوَى...﴾ [طه: ۱۳۲].

«و فرجام [نیک] برای پرهیزگاری است.»

و همانگونه که خداوند به سوی بهشت فرا خوانده است، همانگونه نیز مردم را از آتش هشدار داده و فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا

مَلَائِكَةٌ غِلَظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾ [التحریم: ۶].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید خودتان و کسانتان را از آتشی که سوخت آن مردم و سنگ‌هاست حفظ کنید بر آن [آتش] فرشتگانی خشن [و] سختگیر [گمارده شده]‌اند از آنچه الله به آنان دستور داده سرپیچی نمی‌کنند و آنچه را که مامورند انجام می‌دهند.»
و فرموده است:

﴿فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى ﴿١٤﴾ لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى ﴿١٥﴾ الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى ﴿١٦﴾﴾

[اللیل: ۱۴-۱۶].

«پس شما را به آتشی که زبانه می‌کشد هشدار دادم (۱۴) جز نگون‌بخت‌تر [ین مردم] در آن درنیاید (۱۵) همان که تکذیب کرد و رخ برتافت».

و از نعمان بن بشیر رضی الله عنهما روایت است که گفت: شنیدم رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - در خطبه‌اش می‌گفت: «شما را نسبت به آتش هشدار دادم، شما را نسبت به آتش هشدار دادم» [به روایت امام احمد و حاکم با سند صحیح].

بهشت اوج آرزوهای یک مسلمان است که برای رسیدن به آن تلاش و کوشش می‌کند و آتش بیشترین چیزی است که مومن از آن می‌ترسد و نجات از آن بزرگ‌ترین پیروزی است که مسلمان به دست می‌آورد. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿... فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ ۗ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ

﴿١٨٥﴾ [آل عمران: ۱۸۵].

«پس هر که را از آتش به دور دارند و در بهشت درآورند قطعاً کامیاب شده است و زندگی دنیا جز مایه‌ی فریب نیست».

بنده‌ی مسلمان از وقتی که به شناخت و تکلیف می‌رسد به سوی این هدف به راه می‌افتد. کارهای نیک می‌کند تا این ثواب بزرگ و نعیم ابدی ماندگار را به دست آورد و تا از آتش نجات یابد. آتشی که قعر آن بسیار عمیق است و غذای آن بسیار تلخ و حرارت آن بسیار شدید و نوشیدنی آن بس خبیث و عذاب آن ابدی است...

آغاز راه رسیدن به بهشت و نجات از آتش در این زندگی دنیا شروع شده و با رسیدن به در بهشت پایان می‌یابد و آن همیان راه راستی است که خداوند متعال ما را به پیروی از آن امر نمود و فرموده است:

﴿وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ ذَٰلِكُمْ وَصَّلْتُكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿۱۵۳﴾﴾ [الأنعام: ۱۵۳].

«و [بدانید] این است راه راست من پس از آن پیروی کنید و از راه‌ها [ی دیگر] که شما را از راه وی پراکنده می‌سازد پیروی نکنید این‌هاست که [خدا] شما را به آن سفارش کرده است باشد که به تقوا گرایید».

صراط مستقیم خداوندی پایندی به سنت رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - و صحابه‌ی وی - رضی الله عنهم - می‌باشد. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَٰئِكَ الْمُقَدَّمُونَ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْتَمَرُونَ ﴿۱۰۰﴾﴾
 ﴿وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿۱۰۱﴾﴾
 [التوبة: ۱۰۰].

«و پیشگامان نخستین از مهاجران و انصار و کسانی که با نیکوکاری از آنان پیروی کردند الله از ایشان خشنود و آنان [نیز] از او خشنودند و برای آنان باغ‌هایی آماده کرده که از زیر [درختان] آن نهرها روان است همیشه در آن جاودانه‌اند این است همان کامیابی بزرگ».

اما... اما این بهشت خداوندی و نجات از آتش جهنم که هدف نهایی هر مسلمان است راهزنان و موانع بسیاری در راه دارد که هر کدام از این راهزنان راه راست او را از داخل شدن به بهشت بازداشته و هرکه را بتوانند به آتش می‌اندازند... حال چه خواهد شد اگر همه‌ی راهزنان راه راست علیه بنده‌ای جمع شوند... که اگر بر بنده‌ای غالب شوند رستگاری برای وی تصور نمی‌شود.

از این راهزنان که در راه بهشت ایستاده‌اند: هواهای نفسانی هلاک کننده است. زیرا هوای نفس و خواهش دل، انسان را کور می‌کند و حق را باطل جلوه داده و باطل را به

صورت حق نمایان می‌سازد و زیبا را زشت جلوه می‌دهد و زشت را زیبا، و معروف را منکر کرده و منکر را معروف و حلال را حرام گردانده و حرام را حلال، و بدی را خوب نمایان می‌سازد و خوب را بد...

شخص اهل هوا به آنچه هوای درونش دوست دارد عمل می‌کند و حتی اگر حق را از باطل تشخیص دهد این سودی برایش نخواهد داشت.

«هوا» به معنای میل به آن چیز باطل و شری است که انسان آن را دوست می‌داد و آن شهوت‌های حرام و لذت‌های فاسد و کار بد ناشایست است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿فَإِنْ لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ [القصص: ۵۰].

«پس اگر تو را اجابت نکردند بدان که فقط هوس‌های خود را پیروی می‌کنند و کیست گمراه‌تر از آنکه بی‌راهنمایی الله از هوا و هوس پیروی کند بی‌تردید الله مردم ستمگر را راهنمایی نمی‌کند».

و می‌فرماید:

﴿أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ عِثْرَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾ [الجنائیه: ۲۳].

«پس آیا دیدی کسی را که هوا و هوس خویش را معبود خود قرار داده و الله او را دانسته گمراه گردانیده و بر گوش او و دلش مهر زده و بر دیده‌اش پرده نهاده است آیا پس از الله چه کسی او را هدایت خواهد کرد آیا پند نمی‌گیرید».

و همچنین می‌فرماید:

﴿... أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ﴾ [۱۱] ﴿وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَءَاتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ﴾ [محمد: ۱۶-۱۷].

«... اینان همانانند که خدا بر دل‌هایشان مهر نهاده است و از هوس‌های خود پیروی کرده‌اند (۱۶) و [لی] آنان که به هدایت گراییدند [خدا] آنان را هر چه بیشتر هدایت بخشید و [توفیق] پرهیزگاری‌شان داد».

عامل باز دارنده از پیروی هوای نفس عمل کردن به کتاب خدا و سنت پیامبرش - صلی الله علیه وآله وسلم - است. رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «کسی از شما ایمان نمی‌آورد تا آنکه هوای نفسش پیرو آن چیزی باشد که من برایش آمده‌ام...».

همانگونه که خداوند متعال در این سخن خویش از پیروی هوای نفس نهی نموده است:

﴿... وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ﴾ [ص: ۲۶].

«و از هوا و هوس پیروی مکن که تو را از راه الله به در کند در حقیقت کسانی که از راه الله به در می‌روند به [سزای] آنکه روز حساب را فراموش کرده‌اند عذابی سخت خواهند داشت».

همانگونه نیز خداوند متعال بنده‌اش را چنین امر نموده است که از هوای نفس دیگران که از راه حق و ایمان منحرف گشته‌اند پیروی نکند. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [الجنائیه: ۱۸].

«سپس تو را در طریقه آیینی [که ناشی] از امر [خداست] نهادیم پس آن را پیروی کن و از هوا و هوس‌های کسانی را که نمی‌دانند پیروی مکن».

و می‌فرماید:

﴿... وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِن قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ﴾ [المائدة: ۷۷].

«و از پی هوس‌های گروهی که پیش از این گمراه گشتند و بسیاری [از مردم] را گمراه کردند و [خود] از راه راست منحرف شدند نروید».

و می‌فرماید:

﴿... وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ﴾ [البقرة: ۱۲۰].

«و چنانچه پس از آن علمی که تو را حاصل شد باز از هوس‌های آنان پیروی کنی در برابر الله سرور و یآوری نخواهی داشت».

بین... به این هشدارهای خداوند متعال نسبت به پیروی از هوای نفس نگاهی بینداز. زیرا «هوا» انسان را از حق باز داشته و راه وی را برای رسیدن به بهشت قطع کرده و او را در آتش ماندگار می‌سازد.

از دیگر راهزنان راه بهشت: «ترجیح دادن دنیا بر آخرت» و فریب خوردن به آن و راضی شدن به متاع زائل آن در برابر نعیم بهشت است... الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴿۱۶﴾ وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَأَبْقَى ﴿۱۷﴾﴾ [الأعلى: ۱۶-۱۷].

«بلکه زندگی دنیا را ترجیح می‌دهید (۱۶) در حالی که آخرت بهتر و ماندگارتر است». و می‌فرماید:

﴿وَوَيْلٌ لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ﴿۲﴾ الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ﴿۳﴾﴾ [ابراهیم: ۲-۳].

«... و وای بر کافران از عذابی سخت (۲) همانان که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دهند و مانع راه الله می‌شوند و آن را کج می‌شمارند آنانند که در گمراهی دور و درازی هستند».

وی باز می‌فرماید:

﴿... وَلَٰكِنْ مَن شَرَحَ بِالْكَفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ عَذَابٌ مِّنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿۱۶﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ أُسْتَحِبُّوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴿۱۷﴾﴾ [النحل: ۱۰۶-۱۰۷].

«...لیکن هر که سینه‌اش به کفر گشاده گردد خشم خدا بر آنان است و برایشان عذابی بزرگ خواهد بود (۱۰۶) زیرا آنان زندگی دنیا را بر آخرت برتری دادند و [هم] اینکه الله گروه کافران را هدایت نمی‌کند».

و می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ ﴿٧﴾ أُولَئِكَ مَا لَهُمْ مِنَ النَّارِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٨﴾﴾ [یونس: ۷-۸].

«کسانی که امید به دیدار ما ندارند و به زندگی دنیا دل خوش کرده و بدان اطمینان یافته‌اند و کسانی که از آیات ما غافلند (۷) آنان به [کیفر] آنچه به دست می‌آوردند جایگاهشان آتش است».

و می‌فرماید:

﴿فَاعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴿٢٩﴾ ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ﴾ [النجم: ۲۹-۳۰].

«پس از هرکس که از یاد ما روی برتافته و جز زندگی دنیا را خواستار نبوده است روی برتاب (۲۹) این منتهای دانش آنان است...».

و رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرموده است: «دنیا شیرین است و سرسبز و همانا الله شما در آن به جانشینی رسانده است تا ببیند چگونه عمل خواهید کرد... پس از دنیا بترسید و از زنان...».

معنای اینکه از دنیا بترسید این است که: برحذر باشید از آنکه آن را از راهی حرام به دست آورید و به این ترتیب مالی حرام کسب نمایید، و «از زنان بترسید» یعنی به زنا نزدیک نشوید و از انجام مقدمات آن یعنی اختلاط و خلوت نمودن با زنان بیگانه و سخن گفتن حرام و نگاه حرام به آنان پرهیزید، که همه‌ی این‌ها حرام می‌باشد... و در حدیث آمده است که: «نخستین فتنه‌ای که در بنی اسرائیل رخ داد در زنان رخ داد...». و زنا در سرزمینی شیوع پیدا نمی‌کند مگر اینکه خداوند ذلت و فقر و انواع دیگر عقوبت را بر آن‌ها نازل می‌سازد.

و از دیگر راهزنان این راه: بدعت‌هایی است که دین را نابود می‌سازد و سببی است برای ضعف و تفرقه‌ی امت و دشمنی و تجاوز افراد امت علیه یکدیگر و سبب از هم پاشیدگی امت در برابر دشمنانش می‌باشد... خداوند متعال چنین می‌فرماید:

﴿... وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿۳۱﴾ مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا ۗ كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ ﴿۳۲﴾﴾ [الروم: ۳۱-۳۲].

«... نماز را برپا کنید و از مشرکان مباشید (۳۱) از کسانی که دین خود را قطعه قطعه کردند و فرقه فرقه شدند هر حزبی بدانچه پیش آن‌هاست دلخوش شدند.»
و همچنین می‌فرماید:

﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَفَرُوا وَآخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْمِيثَاقُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿۱۰۵﴾﴾ [آل عمران: ۱۰۵].

«و چون کسانی مباشید که پس از آنکه دلایل آشکار برایشان آمد پراکنده شدند و با هم اختلاف پیدا کردند و برای آنان عذابی سهمگین است.»
و در حدیث از رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - چنین روایت است که فرمودند: «افرادی از امتم بر حوض [من] وارد می‌شوند، پس ملائکه آنان را پس می‌زنند و طرد می‌کنند. پس من می‌گویم: اینان یاران منند. ملائکه می‌گویند: تو نمی‌دانی که اینان بعد از تو چه بدعت‌هایی کردند. پس می‌گویم: دور باد! دور باد آنکه پس از من تغییر و تحریف نمود...».

امامان بدعت و پیروانشان در دین خدا تغییر و تبدیل ایجاد می‌کنند. اینان باید از روزی که در برابر خداوند خواهند ایستاد بترسند، زیرا هر بدعتی گمراهی است و هر گمراهی در آتش است.

از دیگر راهزنان راه بهشت: «نفس اماره» است زیرا این نفس به تنبلی و راحتی میل دارد و راحت‌طلبی را بر طاعت پروردگار ترجیح می‌دهد و به حرام گرایش دارد. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿... إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي...﴾ [یوسف: ۵۳].

«...چرا که نفس قطعا به بدی امر می‌کند مگر کسی را که پروردگارم رحم کند...»
نفس، هنگامی که ایمان بر وی عارض گردد تبدیل به «نفس لوامه» می‌شود که صاحب خود را برای کوتاهی در طاعات و انجام گناهان مورد ملامت قرار می‌دهد و

هنگامی که شخص به وسیله‌ی ایمان از این مرحله بالاتر رود نفس او تبدیل به نفس مطمئنه می‌شود که آنچه را خداوند دوست دارد دوست داشته و آنچه را خداوند بد می‌دارد بد خواهد داشت...

و رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - از شر نفس به خداوند پناه برده و این پناه بردن از شر نفس را برای ما نیز مشروع گردانده است...
شایسته است که انسان مومن نفس خود را تربیت کرده و آن را به پایبندی به راه و روش رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - ملزم سازد تا آنکه از رستگاران شود.
از دیگر راهزنانا راه بهشت، «شیطان‌های بشری» هستند که باطل و منکرات را زینت داده و زیبا جلوه می‌دهند و حق و طاعت خداوندی را مورد نکوهش قرار می‌دهند...
خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَكذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيْطَانِ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا...﴾ [الأنعام: ۱۱۲].

«و بدین گونه برای هر پیامبری دشمنی از شیطان‌های انس و جن برگماشتیم بعضی از آن‌ها به بعضی برای فریب [یکدیگر] سخنان آراسته القا می‌کنند».

خداوند متعال درباره‌ی منافقین چنین می‌فرماید:

﴿... وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيْطَانِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِءُونَ﴾ [البقرة: ۱۴].

«... و هنگامی که با شیطان‌های خود خلوت کنند می‌گویند ما با شمایم ما فقط آن‌ها را مسخره می‌کردیم».

شیاطین آن‌ها همان امامان کفرند که باطل را برای آنان زیبا ساخته و حق را نکوهش می‌کنند و خداوند متعال ما را امر نموده که از آنان برحذر باشیم و فرموده است:

﴿فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِبِينَ﴾ [القلم: ۸].

«پس از تکذیب کنندگان اطاعت مکن».

و فرموده است:

﴿... وَلَا تَتَّبِعِ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ﴾ [الأعراف: ۱۴۲].

«و از راه مفسدان پیروی مکن».

و همچنین از دیگر راهزنان راه بهشت: «ابلیس» و شیطان‌های وی می‌باشند، زیرا او به هر بدی امر می‌کند و از هر خوبی باز می‌دارد و راه گمراهی را زیبا جلوه داده و انسان را از انجام هر خوبی و طاعتی باز داشته و از پیمودن راه خداوند جلوگیری می‌کند و پروردگاران ما را از او برحذر داشته و فرموده است:

﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾ [فاطر: ۶].

«در حقیقت شیطان دشمن شماست شما [نیز] او را دشمن گیرید [او] فقط دار و دسته خود را می‌خواند تا آن‌ها از یاران آتش باشند».

شیطان‌های ابلیس، لشکریان و آنانی هستند که وی را در هر بدی یاری می‌دهند و بر هر راهی که به خوبی منتهی می‌شود نشسته‌اند تا از رسیدن به بهشت و از هدایت و خیر جلوگیری کنند. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَاءَ فَزَيَّنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَالِسِينَ﴾ [فصلت: ۲۵].

«و برای آنان دمسازانی گذاشتیم و آنچه در دسترس ایشان و آنچه در پی آنان بود در نظرشان زیبا جلوه دادند و فرمان [عذاب] در میان امت‌هایی از جن و انس که پیش از آنان روزگار به سر برده بودند بر ایشان واجب آمد چرا که آن‌ها زیانکاران بودند».

و همچنین فرموده است:

﴿وَمَنْ يَعِشْ عَنِ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُفِيضٌ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ وَاقْرِئِ ۝۳۶ وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ ۝۳۷ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَلَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينِ ۝۳۸ وَلَنْ يَنْفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنَّكُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ۝۳۹﴾ [الزخرف: ۳۶-۳۹].

«و هرکس از یاد [خدای] رحمان دل بگرداند بر او شیطانی می‌گماریم تا برای وی دمسازی باشد (۳۶) و مسلماً آن‌ها ایشان را از راه باز می‌دارند و [آن‌ها] می‌پندارند که

هدایت یافتگانند (۳۷) تا آنگاه که او [با دمسازش] به حضور ما آید [خطاب به شیطان] گوید ای کاش میان من و تو فاصله مشرق و مغرب بود که چه بد دمسازی هستی (۳۸) و امروز هرگز [پشیمانی] برای شما سود نمی‌بخشد چون ستم کردید در حقیقت شما در عذاب مشترک خواهید بود».

خداوند، من و شما را به واسطه‌ی قرآن برکت ارزانی دارد و با آیات و ذکر حکیم و راه و روش و سخنان سرور پیامبران سود رساند.

این سخن خویش را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از خداوند متعال آمرزش می‌خواهم. پس از او آمرزش خواهید که او بسیار غفور و رحیم است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله پروردگار جهانیان است. آن رحمن رحیم که مالک روز جزا است. و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد است و شریکی ندارد و پادشاه به حق است. و گواهی می‌دهم که پیامبر و سرور ما محمد، بنده و پیامبران اوست که خداوند وی را با هدایت و یقین مبعوث نموده تا آنان را که زنده‌اند هشدار دهد و تا سخن خداوند در مورد کافران محقق گردد.

خداوند بر بنده و رسولت محمد، و بر اهل بیت و یارانش درود و سلام و برکت ارزانی دار.

اما بعد...

ای بندگان خداوند تقوای وی را پیشه سازید که تقوای خداوند رابطه‌ی میان شما و پروردگارتان است...

و بهترین سخن، کتاب خداست و بهترین راه و روش، راه و روش محمد - صلی الله علیه و آله وسلم - است و بدترین کارها در دین، نوآوری در آن است و هر بدعتی گمراهی است...

و بر شما باد جماعت و همبستگی که دست خدا با جماعت است و هر که از جماعت جدا شود در آتش جدا شده است و پروردگار ما - تبارک و تعالی - صفات اهل بهشت را

برای ما ذکر نموده تا آنکه پیروی آنان کنیم و از روش آنان تخلف نورزیم و صفات اهل آتش را نیز ذکر نموده تا از آنان برحذر شویم و راهشان را نیماییم... خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفٰسِقُونَ ﴿١٩﴾ لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ الْفٰلِقُونَ ﴿٢٠﴾ لَوْ أَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْءَانَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خٰدِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ حَشِيَّةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَلُ لِنَاسٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١﴾﴾ [الحشر: ۱۹-۲۱].

«و چون کسانی مباشید که الله را فراموش کردند و او [نیز] آنان را دچار خودفراموشی کرد آنان همان فاسقانند (۱۹) دوزخیان با بهشتیان یکسان نیستند بهشتیانند که پیروزند (۲۰) اگر این قرآن را بر کوهی فرومی‌فرستادیم یقیناً آن [کوه] را از خشیت الله فروتن [و] از هم پاشیده می‌دیدید و این مثلها را برای مردم می‌زنیم باشد که آنان بیندیشند».

پس ای بندگان خداوند. بر طاعت وی ثابت قدم باشید و همیشه از وی پایان خوب و وفات بر راه روش رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - و یاران وی را بخواهید تا از رستگاران پیروز باشید زیرا رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - با اینکه گناهان گذشته و آینده‌اش بخشیده شده بود، بسیار این سخن را تکرار می‌کرد که: «ای گرداننده‌ی قلب‌ها، قلب من را بر طاعت خود ثابت بدار، ای گرداننده‌ی قلب‌ها قلب‌های ما را بر طاعتت بگردان...».

پس در بسیار خواستن خیر دنیا و آخرت به رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - اقتدا کنید، که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٦﴾﴾ [الأعراف: ۵۶].

«همانا رحمت الله به نیکوکاران نزدیک است».

بندگان خداوند خداوند شما را به کاری دستور می‌دهد که خود نخست انجام داده

است و فرموده:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

پس بر سرور پیشینیان و پسینیان و امام پیامبران درود و سلام فرسید. خداوندا بر محمد و آل محمد درود فرست همانگونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی که تو ستوده شده و با عظمتی. خداوندا بر محمد و آل محمد برکت ارزانی دار همانگونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم ارزانی داشتی که تو ستوده شده و با عظمتی... و خشنود باش از همه‌ی صحابه و از خلفای راشدین، آن امامان هدایتگر - ابوبکر و عمر و عثمان و علی - و از دیگر صحابه و و از تابعین و کسانی که به نیکی تا قیامت از آنان پیروی نمایند و از ما نیز با کرم و رحمت خویش خشنود باش ای مهربان‌ترین مهربانان.

خدایا عاقبت ما را در همه‌ی امور به خیر کن و ما را از خواری دنیا و عذاب آخرت نجات ده.

خداوندا میان قلوب مسلمانان الفت ایجاد کن و روابطشان را اصلاح نما و آنان را به راه‌های آرامش هدایت نما و از تاریکی‌ها به سوی نور خارج ساز و آنان را بر دشمنشان و دشمن خود پیروز ساط که تو بر هر کاری توانایی.

خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت را یاری ده. خداوندا مکر دشمنان اسلام را نابود ساز...

خداوندا ما از تو می‌خواهیم که گناهان گذشته و آینده و پنهان و آشکار و آنچه خود به آن آگاهی را مورد آمرزش قرار دهی.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولانمان را اصلاح نما.

خداوندا میان قلوب مسلمانان الفت ایجاد نما. خداوندا بدعت‌هایی را که در برابر دینت قرار گرفته‌اند نابود ساز و ما را از کسانی قرار ده که به سنت پیامبرت - صلی الله علیه و آله وسلم - پایبند هستند... ای دارای جلال و بزرگواری.

﴿رَبَّنَا ءَاتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ ﴿البقرة: ٢٠١﴾.

ای بندگان خداوند: «در حقیقت الله به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم باز می‌دارد به شما اندرز می‌دهد باشد که پند گیرید (۹۰) و چون با الله پیمان بستید به پیمان خود وفا کنید و سوگندهای [خود را] پس از استوار کردن آنها مشکنید با اینکه الله را بر خود ضامن قرار داده‌اید زیرا الله آنچه را انجام می‌دهید می‌داند» [النحل: ۹۰-۹۱].

و خداوند بزرگ را یاد کنید تا شما را یاد کند و او را شکر گویند تا شما را افزون دهد و همانا یاد الله بزرگ‌تر است و الله به آنچه می‌کنید آگاه است.

عنوان خطبه:

امر به معروف و نهی از منکر

خطیب: دکتر علی بن عبدالرحمن الحدیفی

مسجد نبوی شریف: جمعه ۲۸ صفر ۱۴۳۱ برابر با ۲۳ بهمن ۱۳۸۸

خطبه‌ی اول:

حمد و سپاس از آن الله است. او را ستایش گفته و از او یاری جسته و از او هدایت می‌خواهیم و از بدی‌های نفس خویش و از کارهای ناشایستمان به او پناه می‌بریم. الله هر که را هدایت کند او گمراهگری نخواهد داشت و هر که را گمراه سازد وی هدایتگری نخواهد یافت. و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که پیامبر و سرور ما محمد، بنده و پیامبرسان اوست... بارالها بر وی و بر اهل بیت و یارانش و بر رهروان سنتش درود و سلام و برکت ارزانی دار..

اما بعد... تقوای الله را آنگونه که شایسته است پیشه سازید و به سوی بهشت و رضایت وی سبقت جویند:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا ﴿١﴾﴾ [النساء: ۱].

«ای مردم از پروردگارتان که شما را از نفس واحدی آفرید و جفتش را [نیز] از او آفرید و از آن دو مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد پروا دارید و از آن الله که به [نام] او از همدیگر درخواست می‌کنید پروا نمایید و از خویشاوندان مبرید که الله همواره بر شما نگهبان است».

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿١٠٢﴾﴾ [آل عمران: ۱۰۲].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را آنگونه که شایسته‌ی تقوای وی هست پیشه‌سازید و نمیرید مگر در حالی که مسلمانید».

ای مسلمانان... پیامبر ما محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید:

«همانا الله فریضه‌هایی را فرض نموده است پس آنها را ضایع نسازید و حدودی را قرار داده است پس از این حدود تجاوز نکنید و چیزهایی را حرام کرده است پس آنها را زیر پا نگذارید و از روی رحمت خویش نه از روی فراموشی درباره‌ی چیزهایی نیز سکوت کرده است پس به دنبال [حکم] آنها نباشید» [حدیث حسن به روایت دارقطنی و دیگران].

و از جمله چیزهایی که الله بر بندگانش واجب گردانده است فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر است، زیرا این فریضه منافع عام و خاص دینی و دنیوی فراوانی را در بر گرفته است و بسیاری از بدی‌ها و مفسد و بلاها را دفع می‌نماید... الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٠٤﴾﴾ [آل عمران: ۱۰۴].

«و باید از میان شما گروهی [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به معروف وادارند و از منکر بازدارند و آنان همان رستگارانند».

و فرموده است:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ...﴾ [آل عمران: ۱۱۰].

«شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید، به معروف فرمان می‌دهید و از منکر بازمی‌دارید و به الله ایمان دارید».

عمر بن خطاب رضی الله عنه می‌فرماید: «هر که می‌خواهد جزو این امت باشد شرط خداوندی آن را ادا کند» و این شرط همان امر به معروف و نهی از منکر است. خداوند متعال در وصف مومنان چنین می‌فرماید:

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ [التوبة: ۷۱].

«و مردان و زنان با ایمان دوستان یکدیگرند که به معروف امر می‌کنند و از منکر باز می‌دارند و نماز را بر پا می‌کنند و زکات می‌دهند و از الله و پیامبرش فرمان می‌برند آنانند که الله به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد که الله توانا و حکیم است».

الله - سبحانه و تعالی - کسانی از اهل کتاب را که به شریعت خود که تغییر و تحریف

نیافته پایند هستند و به امر به معروف و نهی از منکر عمل می‌کنند، چنین ثنا می‌گوید:

﴿لَيْسُوا سَوَاءً مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ ءَانَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ﴾ [۱۱۳] ﴿يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَدُسِرَ عُونَ فِي الْحَيَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ [آل عمران: ۱۱۳-۱۱۴].

«همه‌ی آنان [یکسان نیستند، از میان اهل کتاب گروهی درست‌کردارند که آیات الله را

در دل شب می‌خوانند و سر به سجده می‌نهند (۱۱۳) به الله و روز قیامت ایمان دارند و

به معروف فرمان می‌دهند و از منکر باز می‌دارند و در کارهای نیک شتاب می‌کنند و آنان از شایستگانند».

معروف: همه‌ی آن چیزهایی است که اسلام به عنوان واجب و یا مستحب دستور به انجام آن داده است و قرآن و سنت جز به آنچه خیر دو دنیا در آن است و جز به آنچه توسط الله به عنوان راه ورود به بهشت‌های پر نعمت قرار داده شده است دستور نمی‌دهند. و اسلام جز از هر بدی حتمی در دنیا و آخرت و اسباب ورود به آتش نهی نمی‌کند. از حدیفه رضی الله عنه روایت است که رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - فرمودند: «قسم به آنکه جانم در دست اوست یا آنکه به معروف امر خواهید کرد و از منکر باز خواهید داشت و یا آنکه نزدیک است الله از سوی خود عذابی به سوی شما فرستد سپس او را دعا کنید و او شما را استجابت نکند» [به روایت ترمذی و آن را حسن و صحیح دانسته است].

و همچنین الله متعال در وصف مومنان می‌گوید:

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...﴾ [التوبة: ۷۱].

«و مردان و زنان با ایمان دوستان یکدیگرند که به معروف امر می‌کنند و از منکر باز می‌دارند...».

و برخی از اهل علم گفته‌اند که این رکنی است از ارکان اسلام... و از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - فرمودند: «هر که از شما منکری دید آن را با دستش تغییر دهد پس اگر نتوانست با زبانش، و اگر نتوانست با قلبش - آن را بد بداند - و این سست‌ترین - درجه‌ی - ایمان است».

همچنین روایت شده است که «در قیامت شخص، خود را به شخص دیگری آویزان می‌کند. پس آن شخص به او می‌گوید: مرا رها کن که من نه در خانواده‌ات و نه در مالت و نه در آبرویت به تو ستمی روا نداشته‌ام. پس آن شخص اول می‌گوید: تو مرا در حال انجام منکر می‌دیدي اما مرا از آن نهی نمی‌کردی».

برای شخصی که به کار معروف امر می‌کند باید مشخص و واضح باشد که کاری که به آن امر می‌کند معروف است و شرع به آن دستور داده است و بداند که آنچه دارد از آن نهی می‌کند منکری است که شرع آن را منکر دانسته است تا پیرو دلیل و براساس بصیرت و آگاهی عمل کرده باشد و همچنین لازم است که شخص امر کننده به معروف و نهی کننده از منکر، انسانی حکیم باشد و نسبت به آنچه می‌گوید آگاه باشد تا بتواند دلایل شرعی را در جایگاه خود بنشانند و با استفاده از سخن الله و رسولش - صلی الله علیه و آله وسلم - در مسائل و شرایط مختلف ره پیمایند. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَدِلْهُم بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾ [النحل: ۱۲۵].

«با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است مجادله نمای در حقیقت پروردگار تو به [حال] کسی که از راه او منحرف شده دانانتر و او به [حال] راه‌یافتگان [نیز] دانانتر است».

امر به معروف و نهی از منکر نگهبان فضائل و فرائض دین و از بین برنده‌ی بدی‌ها و رذائل است... تغییر منکر با دست مخصوص حاکم یا کسی است که از سوی وی نیابت دارد، و انکار منکر با زبان به وسیله‌ی حکمت و ترغیب و ترهیب و اخلاق نیک در برابر همه‌ی کسانی است که نسبت به حکم الله در مورد منکر آگاهی دارند و انکار گناه با قلب نیز مخصوص همه‌ی مسلمانان است...

هر دوی این فریضه‌ها - یعنی امر به معروف و نهی از منکر - همراه یکدیگر هستند و از هم جدا نمی‌شوند پس هرکه معروف را دوست داشته باشد اما منکر را بد نداند دچار کوتاهی در واجب شده است و هرکه به معروف امر کند اما از منکر باز ندارد، واجبی را ترک گفته است و هرکه از منکری نهی نماید اما معروف را دوست نداشته باشد از روش محمد - صلی الله علیه و آله وسلم - سرپیچی نموده است زیرا امر به معروف و دوست داشتن آن و نهی از منکر و بد داشتن - هر دو با هم - لازم و ضروری است... و برخی از

سلف گفته‌اند: «هر که به معروف امر نمود و از منکر بازداشت حتما خود را به این سخن الله سبحانه و تعالی عرضه کند که می‌فرماید:

﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾

[البقرة: ۴۴].

«ایا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید با اینکه شما کتاب را می‌خوانید آیا [هیچ] نمی‌اندیشید».

و همچنین این سخن الله متعال که از قول شعیب می‌فرماید:

﴿... وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَمْلِكَ لَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنهَكُم عَنْهُ...﴾ [هود: ۸۸].

«من نمی‌خواهم در آنچه شما را از آن باز می‌دارم با شما مخالفت کنم [و خود مرتکب آن شوم]».

و این کلام الله سبحانه و تعالی که می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿۲﴾ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا

تَفْعَلُونَ ﴿۳﴾﴾ [الصف: ۲-۳].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید چرا چیزی می‌گویید که انجام نمی‌دهید (۲) نزد الله سخت ناپسند است که چیزی را بگویید و انجام ندهید».

برای شخصی که امر به معروف و نهی از منکر می‌نماید، صبر واجب و ضروری است زیرا وی حتما همانگونه که سنت پروردگار است در معرض اذیت و آزار قرار خواهد گرفت. پروردگار متعال از قول لقمان چنین می‌فرماید که:

﴿يَبْنَئِي أَقِيمَ الصَّلَاةِ وَأْمُرًا بِالْمَعْرُوفِ وَأَنَّهُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَيَّ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ

عَزْمِ الْأُمُورِ ﴿۱۷﴾ وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا...﴾ [لقمان: ۱۷-۱۸].

«ای پسر من نماز را برپا دار و به معروف امر کن و از منکر باز دار و بر آسیبی که بر تو وارد آمده است شکیبا باش این [حاکمی] از عزم [و اراده تو در] امور است (۱۷) و از مردم [به نخوت] رخ برمتاب و در زمین خرامان راه مرو».

زیرا وی در برابر هوا و هوس و دلخواه مردم خواهد ایستاد و هوای نفس بر بسیاری از مردم چیره است. آنانی که از منکر نهی می‌کنند و به معروف امر می‌کنند هم در دنیا و هم در آخرت از سوی الله متعال بشارت داده شده‌اند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ﴿٧١﴾﴾ [الأحزاب: ۷۰-۷۱].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید از الله پروا دارید و سخنی استوار گوئید (۷۰) تا اعمال شما را به صلاح آورد و گناهانتان را بر شما ببخشد».

همچنین الله سبحانه و تعالی کسانی را که به معروف امر کرده و از منکر باز می‌دارند از عقوبت گناهان نجات داده و پاداش عظیمی نصیب آن‌ها می‌کند:

﴿فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةَ يَنَّهُوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنجَيْنَا مِنْهُمْ...﴾ [هود: ۱۱۶].

«پس چرا از نسل‌های پیش از شما خردمندانی نبودند که [مردم را] از فساد در زمین باز دارند جز اندکی از کسانی که از میان آنان نجاتشان دادیم...».

و پروردگار متعال می‌فرماید:

﴿فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ ءَٰنَجَّيْنَا الَّذِينَ يَنَّهُوْنَ عَنِ السُّوْءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَدَابِ بَٰعِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿١٦٥﴾﴾ [الأعراف: ۱۶۵].

«پس هنگامی که آنچه را بدان تذکر داده شده بودند از یاد بردند کسانی را که از [کار] بد باز می‌داشتند نجات دادیم و کسانی را که ستم کردند به سزای آنکه نافرمانی می‌کردند به عذابی شدید گرفتار کردیم».

همچنین الله سبحانه و تعالی به واسطه‌ی امر به معروف و نهی از منکر جلوی به فتنه افتادن انسان در مال و خانواده و فرزندانش را می‌گیرد، زیرا وقتی از حذیفه رضی الله عنه درباره‌ی فتنه‌ها سوال شد وی گفت: «الله به واسطه‌ی نماز و روزه و امر به معروف و نهی از منکر انسان را از به فتنه افتادن در فرزندانش و مالش حفظ می‌کند».

الله سبحانه و تعالی کسانی را که به معروف امر کنند و از منکر باز دارند به بهشت‌های پر نعمت و نجات از عذاب دردناک وعده داده و فرموده است:

﴿التَّابُونَ الْعِبَادُونَ الْحَمِيدُونَ السَّابِقُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَفِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [التوبة: ۱۱۲].

«همان توبه‌کنندگان پرستندگان سپاسگزاران روزه‌داران رکوع‌کنندگان سجده‌کنندگان امر‌کنندگان به معروف بازدارندگان از منکر و پاسداران مقررات الله و مؤمنان را بشارت ده.»

و آن‌ها را در هر دو دنیا بشارت نیک داده است و از جمله‌ی این بشارت‌ها این سخن وی - جل جلاله است - که می‌فرماید:

﴿يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُم بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرانُكُمُ الْيَوْمَ
جَنَّتْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [الحديد: ۱۲].

«آن روز که مردان و زنان مؤمن را می‌بینی که نورشان پیشاپیششان و به جانب راستشان دوان است [به آنان گویند] امروز شما را مژده باد به باغ‌هایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است در آن‌ها جاودانید این است همان کامیابی بزرگ.»

پروردگار متعال من و شما را به واسطه‌ی قرآن عظیم مورد برکت قرار دهد و من و شما را به وسیله‌ی آیات آن و به واسطه‌ی راه و روش سرور پیامبران سود رساند... این سخن خویش را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از الله متعال آمرزش می‌خواهم پس از او آمرزش بخواهید...

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله است که ولی مومنان است، وی را ستوده و شکر می‌گویم و به سوی وی توبه نموده و از وی آمرزش می‌خواهم، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و متقیان را دوست می‌دارد، و گواهی می‌دهم که پیامبر و سرور ما محمد، بنده و پیامبرسان اوست که الله او را با هدایت و یقین مبعوث نموده

است تا آنان را که زنده‌اند هشدار دهد و تا آنکه سخن پروردگار درباره‌ی کافران تحقق یابد...

بارالها بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یارانش درود و سلام و برکت ارزانی دار.

اما بعد... تقوای الله را آنگونه که شایسته‌ی وی هست پیشه سازید و به ریسمان محکم اسلام چنگ زنید.

بندگان الله... بزرگ‌ترین نعمت برای بنده آن است که الله سبحانه و تعالی به وی قلبی سالم عطا نماید که معروف را بداند و آن را دوست بدارد و به آن امر کند و اهل آن را نیز دوست بدارد، و منکر را شناخته و آن را بد دانسته و به همراه اهل منکر در آن نیفتد.

ای مسلمانان... به سبب شناخت اندک نسبت به اعمال صالح و کارهای ناشایست، جهل و نادانی فراگیر شده است و بزرگ‌ترین نفعی که یک مسلمان می‌تواند به یک مسلمان دیگر برساند این است که او را به هدایتی رهنمون شود و یا از بدی و حرامی بازدارد و مومنان، خیرخواهانی هستند که خیر را برای برادران مسلمان خویش دوست می‌دارند چنانکه در حدیث آمده است:

«کسی از شما ایمان نمی‌آورد تا آنکه برای برادرش همان چیزی را دوست بدارد که برای خویش می‌پسندد» [به روایت بخاری و مسلم] و جریر رضی الله عنه می‌گوید: «با رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - بر نصیحت هر مسلمان بیعت نمودم».

انسان منافق شخصی است فریبگر که از خیر جلوگیری می‌کند. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿الْمُنْفِقُونَ وَالْمُنْفِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِّنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنْفِقِينَ هُمُ الْفٰسِقُونَ ﴿٦٧﴾﴾ [التوبة: ٦٧].

«مردان و زنان منافق [همانند] یکدیگرند به منکر وامی‌دارند و از معروف باز می‌دارند و دست‌های خود را [از انفاق] فرو می‌بندند الله را فراموش کردند پس [الله هم] فراموششان کرد در حقیقت این منافقانند که فاسقند».

پس ای مسلمانان همدیگر را دوست بدارید و با نرمخویی و مودت یکدیگر را نصیحت کنید... نادان را نسبت به امور دینش آگاهی دهید... وی را نسبت به توحید و انواع شرک و احکام نماز و ارکان اسلام آگاه نمایید... از علی بن ابی طالب رضی الله عنه روایت است که رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - فرمودند: «اگر الله به واسطه‌ی تو یک نفر را هدایت نماید برایت از شترهای سرخ بهتر است».

آنان را که از الله غافلند تذکر دهید تا برای آخرت تلاش کرده و فریفته‌ی دنیا نشوند، و آنانی را که نسبت به پروردگار سرکشی می‌کنند و بر انجام گناهان جری شده‌اند به یاد عذاب و خشم وی بباندازید و کم کاران و کسانی را که در انجام کارهای نیک سست هستند به انجام اعمال نیک و تلاش در طاعات ترغیب کنید. همت‌های ضعیف را با استفاده از قرآن و سنت بیدار کنید تا ایمان‌ها افزایش یابد.

ای مسلمان... وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر نسبت به فرزندان و خانواده و خویشاوندان و همسایگان در اولویت قرار دارد زیرا تو نسبت به آنان وظیفه‌ی سنگین و امانتی بزرگ بر گردن داری که آنان را به فریضه‌هایی که الله بر آنها واجب نموده آگاه سازی تا آن را ادا نمایند و از آنچه حرام گردانده و از راه و روش شیطان‌های انس و جن باز داشته و نهی نمایی... الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ﴿٦﴾﴾ [التحریم: ۶].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید خودتان و خانواده‌تان را از آتشی که سوخت آن مردم و سنگ‌هاست حفظ کنید. بر آن [آتش] فرشتگانی خشن [و] سختگیر [گمارده شده] اند از آنچه الله به آنان دستور داده سرپیچی نمی‌کنند و آنچه را که مامورند انجام می‌دهند».

و شدیدترین حسرت در روز قیامت از آن کسانی است که این امانت را ضایع گردانده‌اند.

ای مسلمانان... آیا دوست ندارید که فرزندان شما به همراه شما در بهشت باشند؟ الله متعال که راست‌گفتارترین سخنگویان است و وعده‌اش خلاف نمی‌شود، می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِّنْ عَمَلِهِمْ مِّنْ شَيْءٍ ۚ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِيْنٌ﴾ [الطور: ۲۱].

«و کسانی که ایمان آوردند و فرزندانشان آن‌ها را در ایمان پیروی کرده‌اند فرزندانشان را به آنان ملحق خواهیم کرد و چیزی از کار [ها] شان را نمی‌کاهیم هر کسی در گرو دستاورد خویش است».

مفسران درباره‌ی این آیه می‌گویند: «الله تبارک و تعالی فرزندان را به منزلت پدران خود در بهشت بالا می‌برد حتی اگر کار نیک فرزندان کمتر از پدران باشد و این از روی کرم و فضل و رحمت پروردگار است تا آنکه چشم پدران با دیدن فرزندانشان روشن شود و از ثواب پدران چیزی کم نمی‌کند زیرا الله سبحانه و تعالی کریم و بخشنده است و کرمش پایان ندارد و او شما را فرا خوانده تا فضل و بزرگواری وی را به دست آورید پس شما نیز در مقابل آنچه را امر نموده است انجام دهید تا او نیز آنچه را وعده نموده است وفا نماید و الله - عزوجل - هرگز خلاف وعده نمی‌کند.

بندگان الله.... «همانا الله و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسای که ایمان آورده‌اید بر وی درود و سلام فرستید» [الأحزاب: ۵۶].

بارالها از همه‌ی صحابه راضی و خشنود باش. بارالها از خلفای پیامبرت - ابوبکر و عمر و عثمان و علی - و از دیگر صحابه و اهل بیت و همچنین از ما با کرم و رحمت خویش راضی و خشنود باش ای مهربان‌ترین مهربانان.

بارالها اسلام و مسلمانان را عزت ده، بارالها اسلام و مسلمانان را عزت ده، بارالها اسلام و مسلمانان را عزت ده، بارالها اسلام و مسلمانان را عزت ده و کفر و کافران را خوار گردان و دشمنانت دشمنان دین را نابود گردان ای پروردگار جهانیان.

بارالها مکر و نیرنگ دشمنان اسلام را باطل ساز، بارالها نقشه‌های دشمنان اسلام را که قصد ضربه‌زدن به این دین را دارند باطل ساز که تو بر هر کاری توانایی. بارالها دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت را یاری ده ای مهربان‌ترین مهربانان و ای قوی استوار.

بارالها ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و والیان امر ما را صالح گردان و سرزمین ما و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امن و امان و رفاه قرار ده ای پروردگار جهانیان. بارالها مردگان ما و دیگر مردگان مسلمانان را مورد مغفرت قرار ده که تو رحمن و رحیمی. بارالها ما از تو می‌خواهیم که گناهان گذشته و آینده و پنهان و آشکار ما را مورد مغفرت خویش قرار دهی... ای زنده‌ی پایدار به رحمت دست یاری دراز می‌کنیم، همه‌ی امور ما را اصلاح گردان ای پروردگار جهانیان.

بارالها ما را باران ده، بارالها ما را باران ده، بارالها ما را بارانی نزدیک عطا کن ای پروردگار جهانیان، ای رحمن دنیا و آخرت.

﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ [البقرة: ۲۰۱].

ای بندگان الله: «در حقیقت الله به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم باز می‌دارد به شما اندرز می‌دهد باشد که پند گیرید (۹۰) و چون با الله پیمان بستید به پیمان خود وفا کنید و سوگندهای [خود را] پس از استوار کردن آن‌ها مشکنید با اینکه الله را بر خود ضامن قرار داده‌اید زیرا الله آنچه را انجام می‌دهید می‌داند» [النحل: ۹۰-۹۱].

و الله بزرگ را یاد کنید تا شما را یاد کند و او را شکر گویند تا شما را افزون دهد «و همانا یاد الله بزرگ‌تر است و الله به آنچه می‌کنید آگاه است».

عنوان خطبه:

آزمایش، سنت خداوندی در گذشتگان و آیندگان

خطیب: دکتر صالح آل طالب

مسجد الحرام: جمعه ۵ ربیع الأول ۱۴۳۱ هجری برابر با ۳۰ بهمن ۱۳۸۸

خطبه‌ی اول:

ستایش مخصوص الله است... ستایش مخصوص خداوندی است که دارای جلال و جمال و کمال است. نام‌های نیک و صفات والا از آن اوست و اوست آن بزرگ متعال. اوست که با شریعت خود بر آفریدگانش منت نهاده و قلب‌ها را مورد خطاب وحی خود قرار داده است که گروهی به این وحی آرام گرفته و گروهی دیگر پشت گرداندند، گروهی هدایت یافتند و سپس راه گمراهی پیمودند و گروهی نیز آرزوی ثبات در دنیا و در هنگام مرگ و پس از آن را نمودند.

وی را سپاس می‌گویم که او شایسته‌ی آن است و از او عفو و بخشش وی را می‌خواهم که او دارای منت و فضل است. و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که یگانه و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد بنده و پیامبر اوست. درود و سلام و برکات خداوند بر وی و بر اهل بیت و همه‌ی اصحابش باد.

اما بعد... تقوای الله را آنگونه که شایسته است پیشه سازید و در پنهان و آشکار برای

وی اخلاص ورزید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ ۖ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿۱۰۲﴾

[آل عمران: ۱۰۲].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را آنگونه که شایسته‌ی اوست پیشه سازید و

نمیرید مگر در حالی که مسلمانید».

ای مسلمانان: آنگاه که خداوند زمین را آفرید و در آن زینتش را قرار داد و روزی آن را مشخص ساخت، آفریدگان خود از جن و انس را در آن اسکان داد و برای نعمت خود را بر آن کامل نماید و حجتش را بر آنان اقامه کند در میان آنان پیامبران را پی در پی فرستاد و شریعت‌هایش را بر آنان نازل ساخت و رسولانش را به سوی آنان فرستاد و هدایت و نوری را که انبیا با خود آوردند اوج نعمت و فضل خود قرار داد، پس نه زینت دنیا و نه داشته‌های زمینی و نه خیرات زندگی و نه گنج‌های آن با نعمت‌هدایت و نوری که انبیا از سوی خداوند آورده‌اند قابل مقایسه نیست که چگونه هدایت آسمان با متاع

زمین مقایسه می‌شود؟! چگونه آن چیزی که عاقبتش نیکی است و بهشت جاودان، با آنچه به فنا و نیستی می‌رود مقایسه خواهد شد؟!

بندگان خداوند: از آنجایی که دین خداوند عزیز است و گرانها، کسی مستحق بر دوش گرفتن آن نخواهد بود جز بهترین انسان‌ها و برای همین است که مومنان در معرض ابتلاها و آزمایش‌ها و فتنه‌ها قرار می‌گیرند تا آنکه کسی جز آنانکه مستحقند در راه دین باقی نمانند...

آزمایش و ابتلاء سنتی است خداوندی که در گذشتگان و آیندگان جاری بوده است:

﴿الْمَ ۙ أَحْسَبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ ۗ وَقَدْ فْتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلْيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلْيَعْلَمَنَّ الْكٰذِبِينَ﴾ [العنكبوت: ۱-۳].

«الف لام میم (۱) آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم رها می‌شوند و مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند (۲) و به یقین کسانی را که پیش از اینان بودند آزمودیم تا الله آنان را که راست گفته‌اند معلوم دارد و دروغگویان را [نیز] معلوم دارد».

ایمان تنها سخنی نیست که بر زبان رانده شود بلکه حقیقتی است که تکالیف خود را دارد و امانتی است که مسئولیت بردار است و جهادی است که به صبر نیاز دارد و خداوند متعال گرچه حقیقت قلب‌های انسان‌ها را پیش از امتحان نیز می‌داند اما آزمایش آنچه را که در علم خداوند معلوم است در دنیای واقع ظاهر می‌سازد، و سپس خداوند مردم را براساس آنچه که انجام داده‌اند مورد محاسبه قرار می‌دهد و آزمایش در واقع فضل و عدالتی است از سوی خداوند و عاملی است برای تربیت مومنان.

آزمایش‌ها بر انواع گوناگونی هستند. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿... وَنَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً...﴾ [الأنبياء: ۳۵].

«... و شما را از راه آزمایش به بد و نیک خواهیم آزمود...».

از انواع این آزمایش خوشی و ناخوشی و همچنین انتشار منکرات و غلبه‌ی هوا و هوس‌ها و زیاد شدن دعوتگران گمراهی و بسیار شدن اختلاف و در هم آمیخته شدن حق و باطل است...

از دیگر انواع آزمایش مومن این است که از سوی اهل باطل دچار آزار و اذیت شود و نه هیچ یار و یآوری بیابد و نه توان دفاع از خود را داشته باشد و از دیگر انواع فتنه این است که انسان مومن با دین خود در میان مردم همچون غریبان زندگی کند. رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - می‌فرماید: «اسلام غریبانه آغاز شد و به مانند آغاز خود دوباره غریب خواهد گردید؛ پس خوش به حال غریبان» [به روایت مسلم].

ای مسلمان: سخن از ثبات در هنگام سختی‌ها و صبر در بلاها و آزمایش‌ها و فتنه‌ها سخنی است برای همه‌ی مومنان و خوبان و صالحان و دعوتگران و طالبان علم به ویژه هنگامی که سستی و نومیدی در میان برخی از مسلمانان ریشه دوانده است و آنان مسلط شدن دشمنان را می‌بینند و می‌بینند که چگونه دشمنان بر این امت هجوم آورده و در پی هر فرصتی هستند برای ترویج باطل خویش و شک اندازی در عقیده‌ی مردم. می‌بینند که آنان دین را به مسخره می‌گیرند و مومنان را مورد طعنه قرار می‌دهند...

در هر دوره و زمان فتنه‌ها و آزمایش‌هایی وجود دارد اما با وجود این دین و نیکی باقی مانده است، و همچنین در زمانه‌ی ما و چه زمانه‌ای است این زمانه! زمانه‌ای که مفاهیم دین در آن مورد تشکیک قرار گرفته و ثواب آن عرصه‌ی هجوم شده است و رای مردمان برگشته و مبادی و پایه‌های عقیدتی برعکس شده است... زمانه‌ای که در همه‌ی امور دینی و عقیدتی بازبینی شده... زمانه‌ی به مسخره گرفته شدن دین و اهل آن و کم شمردن شریعت... تا آنجا که شکست خوردگان این راه بسیار شدند و یاس و نومیدی در برخی از افراد شدت گرفت و کار به جای رسید که نه براساس دلیل راجح و یا رای‌ی واضح و بلکه براساس فشار شرایط موجود و یا پیروی از هوای نفس و مماشات با دیگران، از سوی برخی از شکست خوردگان در برخی از احکام شریعت اسلام بازنگری شد.

ای مسلمانان... ای مومنان... انسان مومن نه سست می‌شود و نه مایوس و نه از کمی همراهان در این راه ترس به دل راه می‌دهد. او به هلاک شده نمی‌نگرد که چگونه هلاک شد بلکه به نجات یافته می‌نگرد که چگونه راه نجات را پیموده است.

ما امروزه بیش از همیشه به خوش بینی و کار و بشارت و تحریک همت‌ها و شناخت سنت‌های الهی نیاز داریم... سنت‌های الهی درباره‌ی دوستان و دشمنان وی، سنت‌های تغییر قدرت و پیروزی و مد و جزر... تا آنکه قلب مومن به اطمینان برسد و تا آنکه انسان گناهکار و فاجر مغرور نشود، و تا زیاد بودن باطل و اهل آن باعث یأس و نومیدی نشود. خداوند متعال خطاب به پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید:

﴿وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ﴾ [یوسف: ۱۰۳].

«و بیشتر مردم هر چند [بر هدایتشان] حریص باشی ایمان‌آورنده نیستند.»
و می‌فرماید:

﴿وَإِنْ تَطَّعَ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ...﴾ [الأنعام: ۱۱۶].

«و اگر از بیشتر کسانی که در زمین هستند پیروی کنی تو را از راه الله گمراه می‌کنند.»
شایسته نیست آنکه صاحب حق است دچار ضعف یا سستی شود، زیرا که این دین - آنگونه که وحی اقرار نموده و آنگونه که تاریخ بشریت آن را تایید می‌کند - همواره دچار پسرفت و پیشرفت و ضعف و قدرت و تفرقه و وحدت خواهد شد...
در خبر متفق علیه آمده است که هرقل پادشاه روم از ابو سفیان پرسید که آیا با رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - نبرد کرده‌اند یا نه؟ ابوسفیان گفت: آری. هرقل پرسید: جنگ میان شما چگونه است؟ وی گفت: باری او بر ما پیروز می‌شود و باری دیگر ما بر او. هرقل گفت: «اینگونه است کار پیامبران که مورد آزمایش قرار می‌گیرند اما عاقبت و پیروزی نهایی از آن آنان است.»

این حکمت و سنتی است انجام شدنی...

﴿... فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا﴾ [فاطر: ۴۳].

«... و هرگز برای سنت الله دگرگونی نخواهی یافت و هرگز برای سنت الله تغییری نخواهی یافت.»

﴿... وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ...﴾ [آل عمران: ۱۴۰].

«... و این روزهای [شکست و پیروزی] را میان مردم به نوبت می‌گردانیم...»

ترمذی با سند صحیح از رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت کرده است که فرمود: «زمانه‌ای بر مردم خواهد گذشت که آنکه بر دینش چنگ زده است به مانند کسی است که بر اخگر داغ چنگ زده باشد».

و از ابوهریره رضی الله عنه از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت است که ایشان فرمودند: «وای بر عرب از شری که نزدیک است؛ فتنه‌هایی به مانند تکه‌های شب تاریک... که شخص در آن به صبح مومن است و شب کافر می‌شود؛ گروهی دینشان را برای کالایی اندک از دنیا می‌فروشند، در آن روز کسی که به دینش پایبند است به مانند کسی است که بر اخگر داغ یا خار چنگ زده است» [حدیثی است صحیح به روایت امام احمد].

این آزمایش‌ها و تغییر وضعیت‌ها و سختی‌هاست که آنانی را که روحی بزرگ دارند مشخص می‌کند... آنانی که آزمایش‌ها جز به صبر و یقین و عزیمت آنان نمی‌افزاید. برادران و خواهران ایمانی... ما نیاز به تجدید ایمان قلبی و تجدید اعمال خویش داریم به ویژه در هنگام سختی‌ها و فتنه‌ها ما نیاز بیشتری به این معانی بلند داریم: ایمان و یقین، حسن ظن نسبت به خداوند و تسلیم شدن در برابر امر وی، صبر و راستی و تضرع و دعا به سوی خداوند و تلاش نیک و تهذیب نفس و اصلاح آن و بندگی برای الله و یاری جستن از وی و توکل به او و تلاش جدی و خوش بینی و توحید کلمه و از بین بردن باطل بدون یأس و نومیدی.

مومنان پیشین همه‌ی این معانی را آنگونه تحقق بخشیدند که شنیدن آن عزم‌ها را جزم کرده و همت را افزون می‌کند. آنچه را قرآن از سیرت پیامبران بزرگوار بازگو کرده است بخوانید، آنجا که در پایان داستان آنان می‌فرماید:

﴿وَكَلَّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ

وَذِكْرٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿١٢٠﴾ [هود: ۱۲۰].

«و هر یک از سرگذشت‌های پیامبران را که بر تو حکایت می‌کنیم چیزی است که دلت را بدان استوار می‌گردانیم و در این‌ها حقیقت برای تو آمده و برای مؤمنان اندرز و تذکری است».

ماوردی رحمه الله درباره‌ی این آیه می‌گوید: «یعنی قلب تو را با آن محکم می‌کنیم و تا آنکه درونت با آن آرامش یابد؛ زیرا آنان مورد آزمایش قرار گرفته اما صبر پیشه کردند و جهاد کردند تا آنکه پیروز شدند»... [پایان سخن ماوردی].

سیرت رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - را بخوان و ببین که چگونه در سخت‌ترین شرایط و موقعیت‌ها خوش‌بینی و تلاش را ترک نمی‌کرد:

ببین که چگونه او در حالی که میان مکه و طائف رانده شده است بشارت پیروزی دین را می‌دهد و چگونه در حالی که در سفر هجرت از سوی کفار تحت تعقیب بود «سراقه» را به دست‌بندهای کسری بشارت می‌دهد و چنانکه در صحیح بخاری آمده است در هنگام کندن خندق در هنگام ضربه زدن به آن سنگ سه بشارت داد...

صحابه - رضی الله عنهم - نیز براساس این نمونه‌ی والا تربیت یافتند. این ابوبکر صدیق است که در سخت‌ترین موقعیت‌ها هنگامی که عرب مرتد شدند و ارتش اسامه در میان خطر مرتدان و ارتش روم ایستاده بود، تنها و یک تنه ثابت قدم باقی ماند تا آنکه خداوند به واسطه‌ی او مومنان را ثابت بدارد و ارتش اسامه را به سوی رومیان فرستاد و سپس به نبرد با مرتدان در یمامه پرداخت و اینگونه است که خداوند به واسطه‌ی مومنان دین را حفظ می‌کند...

باید دانست که ثابت قدمی به عزیمت و جدیت و ایمان و یقین نیاز دارد.

ای مومنان: دعا نیز تاثیر فراوانی در ثبات و پیروزی دارد؛ در حدیث متفق علیه چنین آمده است که رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - چنین دعا نمودند: «و به تو پناه می‌برم از فتنه زندگانی و فتنه‌ی مرگ».

پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - در بدر پیروز نشد مگر هنگامی که ردای او بر اثر دعا و تضرع به درگاه خداوند از دوش وی به زمین افتاد.

همچنین انسان مومن با استفاده از علم سودمند میان حق و باطل تشخیص می‌دهد و سیر در رکاب جماعت نیز امانی است از فتنه چنانکه در حدیث حذیفه در صحیحین روایت شده است.

بندگان خداوند: مرحله‌ی ضعف و عقب‌نشینی ما را به سوی بازسازی بنای امت و بازبینی رابطه‌ی آن با پروردگارش فرامی‌خواند و هر چه فتنه‌ها شدیدتر و پی در پی باشد نیاز به عبادت و نزدیکی به خداند نیز شدیدتر و حیاتی‌تر خواهد شد...

عبادت در هنگام فتنه‌ها وصیت و نصیحت رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - است آنجا که فرمودند: «به انجام کارهای نیک شتاب کنید پیش از آنکه فتنه‌هایی رخ دهد به مانند تکه‌های شب تاریک... که شخص در آن فتنه‌ها صبح مومن است و شب کافر می‌شود» [به روایت مسلم] و رسول خداوند - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «عبادت در هنگام فتنه به مانند هجرت به سوی من است» [به روایت مسلم].

تفاوت است میان آنکه در فتنه غوطه می‌خورد و آنکه به سوی خداوند پناه می‌برد و با قلبش به سوی او هجرت می‌کند و به راه او دعوت می‌دهد و سعی در اصلاح و آرام نمودن قلب‌ها و ثابت قدم نمودن مردم و هدایت آن‌ها به سوی آن دارد... فرق است میان آنکه خیر را انتشار می‌دهد و آنکه عیب‌ها را منتشر ساخته و یاس و ناامیدی را پخش می‌کند...

این نوعی منفی‌گرایی است که شایسته‌ی انسان مومن نیست و "هرکه گفت مردم هلاک شدند خود هلاکترین آنان است" و مومن همیشه نگاهبان کشتی جامعه است که شکاف‌ها و سوراخ‌های آن زیاد نشود و چاره‌ای ندارد جز تلاش برای اصلاح آن:

﴿وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهِلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلِهَا مُّصْلِحُونَ﴾ [هود: ۱۱۷].

«و پروردگار تو [هرگز] بر آن نبوده است که شهرهایی را که مردمش اصلاح‌گرند به ستم هلاک کند».

خداوند در خطاب به کسی که بهتر از ما بود چنین گفته است که:

﴿... إِنَّ عَلَيْكَ إِلَّا الْبَلْغُ...﴾ [الشوری: ۴۸].

«وظیفه‌ی تو چیزی نیست جز رساندن».

و آنکه بهتر از ما بود چنین فرمود که:

﴿... إِنَّ أَرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا أَسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ...﴾ [هود: ۸۸].

«... من قصدی ندارم جز اصلاح، تا آنجا که بتوانم و توفیق من جز به [یاری] الله نیست. بر او توکل نمودم و به سوی او باز می‌گردم...».

مسلمان نفس خود را با مجالس خیر و نیکی عادت می‌دهد و از اماکن شک و بدی می‌گریزد:

﴿وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْعَدْوَةِ وَالْعِشْيِ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ...﴾

[الکھف: ۲۸].

«و با کسانی که پروردگارشان را صبح و شام می‌خوانند [و] خشنودی او را می‌خواهند شکیبایی پیشه کن...».

جامع‌ترین وصایا وصیتی است که خداوند متعال در پایان سوره‌ی حجر خطاب به پیامبرش محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - بیان می‌کند و می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ ﴿۸۷﴾ لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا

بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَأَحْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿۸۸﴾ وَقُلْ إِنِّي أَنَا التَّذِيرُ الْمُبِينُ

﴿۸۹﴾ كَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ ﴿۹۰﴾ الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ ﴿۹۱﴾ فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ

أَجْمَعِينَ ﴿۹۲﴾ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۹۳﴾ فَأَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ ﴿۹۴﴾ إِنَّا كَفَيْنَاكَ

الْمُسْتَهْزِئِينَ ﴿۹۵﴾ الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿۹۶﴾ وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ

يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ ﴿۹۷﴾ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُن مِّنَ السَّاجِدِينَ ﴿۹۸﴾ وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ

يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ ﴿۹۹﴾﴾ [الحجر: ۸۷-۸۹].

«و به راستی به تو سبع المثانی و قرآن بزرگ را عطا کردیم (۸۷) و به آنچه ما

دسته‌هایی از آنان را بدان برخوردار ساخته‌ایم چشم مدوز و بر ایشان اندوه مخور و بال

خویش را برای مؤمنان فرو گستر (۸۸) و بگو من همان هشداردهنده آشکارم (۸۹) همان

گونه که [عذاب را] بر تقسیم‌کنندگان نازل کردیم (۹۰) همانان که قرآن را جزء جزء

کردند [به برخی از آن عمل کردند و بعضی را رها نمودند] (۹۱) پس سوگند به پروردگارت که از همه آنان خواهیم پرسید (۹۲) از آنچه انجام می‌دادند (۹۳) پس آنچه را بدان ماموری آشکار کن و از مشرکان روی برتاب (۹۴) که ما [شر] مسخره‌کنندگان را از تو برطرف خواهیم کرد (۹۵) همانان که با الله معبودی دیگر قرار می‌دهند پس به زودی خواهند دانست (۹۶) و قطعاً می‌دانیم که سینه‌ی تو از آنچه می‌گویند تنگ می‌شود (۹۷) پس با ستایش پروردگارت تسبیح گوی و از سجده‌کنندگان باش (۹۸) و پروردگارت را پرستش کن تا اینکه مرگ تو فرا رسد».

پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - بشری است که نمی‌تواند غمگین نشود در حالی که شرک و مسخره‌ی کفار را می‌شنود... برای همین به تسبیح و حمد پروردگار و ثابت‌قدمی امر می‌شود تا آنکه اجل وی فرا رسد، پس او روی از کافران برگردانده و به جوار پروردگار کریمش پناه می‌برد و دستور داده می‌شود که پیامش را برساند و آن را بیان کند زیرا بیان کردن حق و آشکار نمودن آن ضرورتی است در دین تا آنکه فطرت‌های غافل بیدار شوند و امت‌های غفلت‌زده به هوش آیند.

﴿... لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ...﴾ [الأنفال: ۴۲].

«...تا کسی که [باید] هلاک شود با دلیلی روشن هلاک گردد و کسی که [باید] زنده شود با دلیلی واضح زنده بماند».

اما تکه تکه کردن عقیده و شریعت که جنبه‌ای از آن گرفته شود و جنبه‌ای دیگر برای مراعات مردم و دلخواه آنان ترک گفته شود، خلاف آن چیزی است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - از سوی پروردگارش دستور یافته بود.

گفتن حق نیز به معنای تندی و متنفر کردن مردم و خشونت و تکبر ورزیدن بر آنان نیست، همانطور که دعوت به نیکی به معنای پوشاندن حق و کتمان آن نیست... گفتن حق یعنی بیان کامل آن با استفاده از حکمت و لطف و با استفاده از نرم‌خوبی و آسانگیری:

خداوند متعال من و شما را با قرآن بزرگ مورد برکت قرار دهد و با سنت سرور پیامبران سود رساند... این سخن خویش را گفته و برای خود و شما از الله آمرزش می‌خواهم.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله است... و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر اوست... درود و سلام و برکات خداوند بر او و بر اهل بیت و یاران وی باد.

اما بعد ای مسلمانان... صبر و شکیبایی وصیت خداوند است برای انبیا و رسولان و صالحان و اولیای وی:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ [البقرة: ۱۵۳].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید از صبر و نماز یاری بجوید. همانا الله با صابران است.»

صبر، یار و همراه انسان است هنگامی که دنیا به تاریکی می‌گراید و صبر هدیه‌ای

است از سوی خداوند تا انسان بتواند بر حق ثابت قدم بماند...

﴿... إِنَّهُ مَن يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾ [یوسف: ۹۰].

«... همانا آنکه تقوا و صبر پیشه سازد الله اجر نیکوکاران را ضایع نخواهد ساخت.»

﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ﴾ [السجدة: ۲۴].

«و چون صبر پیشه ساختند و به آیات ما یقین داشتند از میان آنان امامانی قرار دادیم

که به فرمان ما [مردم را] هدایت می‌کردند.»

صبر، همچون واحه‌ی سبزی است برای کسی که در صحرا سایه‌ای نیافته است.

خداوند در خطاب به پیامبرش چنین می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَذَّبْتَ رَسُولٌ مِّن قَبْلِكَ فَصَبْرُوا عَلٰی مَا كُذِّبُوا وَأُودُوا حَتَّىٰ أَنزَلْنَاهُمْ نَصْرًا وَلَا

مُبَدِّل لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَلَقَدْ جَاءَكَ مِن نَّبِيِّ الْأَنْعَامِ﴾ [الأنعام: ۳۴].

«و پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب شدند ولی بر آنچه تکذیب شدند و آزار دیدند صبر پیشه کردند تا یاری ما به آنان رسید و برای کلمات الله هیچ تغییردهنده‌ای نیست و مسلماً اخبار پیامبران به تو رسیده است».

پس از آنکه خداوند قصه‌ی نوح - علیه السلام - را ذکر نمود خطاب به پیامبرش چنین فرمود: «پس صبر پیشه نما که عاقبت از آن متقیان است» [هود: ۴۹].

پس از ذکر نبردهای کمرشکن در سوره‌ی آل عمران و ذکر نبرد با مشرکان و جدال با اهل کتاب و ذکر احوال منافقان، خداوند متعال این سوره‌را با این سخن خویش به پایان می‌رساند که:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿۲۰۰﴾

[آل عمران: ۲۰۰].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهبانی کنید و تقوای الله را پیشه سازید، امید است که رستگار شوید».

اگر صدق نیت‌ها برای خداوند معلوم گردد و صابران صادق از دیگر مدعیان مشخص شدند و انتظاریها از اسباب زمینی قطع شده و دل‌ها به سوی خداوند متوجه شود آنگاه سنت خداوندی تحقق خواهد یافت که:

﴿حَتَّىٰ إِذَا أَسْتَيْسَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا...﴾ [یوسف: ۱۱۰].

«تا هنگامی که فرستادگان [ما] نومید شدند و [مردم] پنداشتند که به آنان واقعا دروغ گفته شده یاری ما به آنان رسید...».

خداوندا ای گرداننده‌ی قلب‌ها، قلب ما را بر دینت ثابت بدار... و در پایان درود و سلام بفرستید بر آنکه خداوند شما را به درود و سلام بر وی امر نموده است...

خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد همانگونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی که تو ستوده شده و با عظمتی... و برکت ارزانی دار بر محمد و آل محمد همانگونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم ارزانی داشتی که در جهانیان تو ستوده شده و با مجد

و عظمتی... و راضی و خشنود باش از آن امامان و خلفای راشد، ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه‌ی پیامبرت و از کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند. خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام را یاری نما و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار گردان و دشمنان دین را نابود ساز و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امن و امان بدار.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن بدار و مسئولان ما را صالح گردان و برای آنان هم نشینان و مشاوران نیکی فراهم ساز. خداوندا هرکه برای ما اراده‌ی بد دارد به خودش مشغول ساز و مکر او را به خود او بازگردان ای پروردگار جهانیان...

خداوندا اوضاع مسلمانان را اصلاح نما. خداوندا اوضاع مسلمانان را اصلاح نما... خداوندا از جان آنان محافظت نما و آنان را در سرزمین‌هایشان ایمن بدار و زندگی آنان را مرفه گردان و آنان را بر حق و هدایت جمع گردان ای پروردگار جهانیان. خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومن را یاری ده. خداوندا مستضعفان مسلمان را یاری ده... خداوندا آنان را در فلسطین و در هر جای دیگری یاری ده ای پروردگار جهانیان...

خداوندا حق را به ما آنگونه که هست نمایان ساز و پیروی از آن را به ما ارزانی دار و باطل را آنگونه که هست برای ما نمایان ساز و دوری از آن را نصیب ما بگردان... خداوندا ما از خشمت به خشنودیت پناه می‌بریم و از عقوبت تو به عافیت و از تو به تو پناه می‌آوریم... پروردگارا ثنای تو را نمی‌توان برشمرد بلکه تو همانی که خود ثنای خویش گفته‌ای.

پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بدار. خداوندا ما و پدر و مادرمان را مورد مغفرت خویش قرار ده... خداوندا گناهان ما را بیامرز، خداوندا گناهان ما را بیامرز و عیب‌های ما را بپوشان و کارهای ما را آسان گردان و ما را به آنچه مورد رضای توست برسان.

خداوندا ما به خود ستم نمودیم و اگر تو ما را مورد مغفرت و رحمت خویش قرار ندهی از زیانکاران خواهیم بود.

خداوندا توی آن الله که معبودی به حق جز تو نیست... تو بی‌نیازی و ما نیازمند... باران را بر ما بباران و ما را از نومیدان مگردان...

پروردگارا از ما بپذیر که تو شنوا و دانایی و بر ما توبه پذیر که تو بسیار توبه پذیر و مهربانی و آخرین سخن ما این است که ستایش تنها از آن الله پروردگار جهانیان است.

عنوان خطبه:

تجاوز و زیاده‌روی در دشمنی

خطیب: دکتر سعود الشریع

مسجد الحرام: جمعه: ۱۳ ربیع الاول ۱۴۳۱ برابر با ۷ اسفند ۱۳۸۸

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است که نخستین آفریننده و بازگردانده‌ی پس مرگ است و هر آنچه بخواهد انجام می‌دهد... قرآن را نازل کرد که در برگیرنده‌ی وعده و وعید و ترغیب و تهدید است و باطل نه از پشت و نه روبرو به آن وارد نخواهد شد و فرو آمده‌ای است از حکیمی ستوده‌شده...

و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است، و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر اوست که رهروان هدایت را بشارت داده و سرپیچی کنندگان را هشدار داده و به هر کار نیکی رهنمون شده است. پس درود و سلام خداوند بر وی و بر اهل بیت پاک و یاران نیک وی و بر تابعین و کسانی باد که به نیکی تا قیامت از آنان پیروی کنند.

اما بعد...

وصیتی که من برای شما دارم تقوای خداند و در پی گرفتن راه جماعت و صفای قلب و آزاد شدن از رفتارهایی است که باعث کینه و نفرت و فتنه می‌شود و شما را از اختلاف و تفرقه برحذر می‌دارم که این دو، باعث هلاکت ملت‌ها شده و اخلاق را چنان نابود می‌کنند که آتش، هیرم را:

﴿وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ﴾

﴿۱۰﴾ [الشوری: ۱۰].

«و هر آنچه در آن اختلاف نمودید حکمش به الله برمی‌گردد اوست آن الله که بر وی توکل کردم و به سوی وی باز می‌گردم».

ای مردم: درگیری و اختلاف مساله‌ای است که خواه ناخواه در میان مردم رخ خواهد داد مگر کسانی که رحمت پروردگار شامل آنان شود زیرا «بسیاری از هم‌نشینان بر یکدیگر ستم می‌ورزند مگر آنان که ایمان آورده و کار نیک انجام می‌دهند که اینان نیز اندکنند...».

اصل در مردم این است که با هم مشکل و دشمنی نداشته باشند... اما با این وجود و از هنگامی که یکی از فرزندان آدم، دیگری را به قتل رساند حال و روز انسان‌ها تغییر کرد تا آنکه اختلافات و درگیری‌ها و دشمنی‌ها مسائلی شده‌اند غیر قابل اجتناب و این حالت به میزان دوری و یا نزدیکی مردم به شریعت بستگی دارد...

درگیری و مخالفت با دشمن معمولاً بیشتر است تا با دوستان و در میان کسانی که در یک سطح قرار دارند نیز بیشتر از کسانی است که با هم تفاوت دارند و در میان همسایگان بیشتر است تا میان خانواده و در میان پسر عموها بیشتر از برادران...

برای همین است که شریعت خداوند خصومت و دشمنی را نکوهیده و از زیاده‌روی در آن و خارج شدن از چارچوب مشروع آن که همان حق‌خواهی در صورت مظلومیت است، برحذر داشته است و براساس این شریعت، کسی که در دشمنی زیاده‌روی می‌کند و از حد خارج می‌شود صفتی از صفات منافقان را دارا می‌باشد.

واضح و مشخص است که همه‌ی زندگی یا معاملات و رفتارهاست و یا عبادات، و خود معاملات و رفتار نیز یا به صورت نیت است و یا سخن و یا کردار و هرکه در این سه مورد پا از حد فراتر بگذارد به همان اندازه در وی صفتی از صفات نفاق عملی وجود خواهد داشت که در این سخن رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - خلاصه می‌شود: «نشانه‌ی منافق سه چیز است: هنگامی که سخن گوید دروغ می‌گوید و هنگامی که وعده دهد خلاف کند و هنگامی که امین شمرده شد در امانت خیانت کند» [به روایت بخاری و مسلم] و در روایت دیگری این را نیز افزوده است که: «و هنگامی که با دیگران اختلاف کند در دشمنی زیاده‌روزی می‌کند و از حد به در می‌رود...».

آنکه در اختلاف از حد به در می‌رود کسی است که می‌داند حق با او نیست اما به دروغ جدل می‌کند و اینگونه در همان چیزی گرفتار می‌شود که خداوند متعال از آن نهی نموده و فرموده است:

﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۱۸۸].

«و اموالتان را میان خودتان به ناروا مخورید و [به عنوان رشوه قسمتی از] آن را به قضات دهید تا بخشی از اموال مردم را به گناه بخورید در حالی که خودتان [هم خوب] می‌دانید».

برخی از سلف گفته‌اند: «وی کسی است که بدون دلیل بحث می‌کند و می‌داند که حق با وی نیست».

آنکه در اختلاف زیاده‌روی می‌کند معمولاً زبانش بر عقلش پیشی می‌گیرد و بیش از آنکه خوددار باشد خشمگین است و از کوره در می‌رود و ستمگریش بیش از عدالتش است... بدزبان است و از تهمت زدن و زبان درازی لذت می‌برد...

کسی که این صفت بد را دارد بر یک کلمه‌ی راست، صد دروغ می‌افزاید و به مانند مگس، تنها بر زخم می‌نشیند... به چشم دشمن می‌نگرد و خوبی‌های دیگران را جز به

چشم بدی نمی‌بیند... او را عیب‌جو و سخن‌چین و تجاوزگر و گناه‌پیشه خواهی یافت که طبیعتش چون کرم است که بر هر چیزی بیاید آن را فاسد خواهد کرد. آنکه چنین صفتی را داراست نه امین است و نه عیب‌پوش... طبعش لئیم است و اگر با او در مساله‌ای بسیار ساده دچار اختلاف شوی اسرار را فاش کرده و پرده دری می‌کند...

چه بسا دوستانی که راز دوست خود را تنها به سبب اختلافی کوچک برملا کرده‌اند و چه بسا همسرانی که به دلایلی بی‌ارزش رازی برای همسر خود باقی نگذاشته‌اند... از آنجایی که نفاق نوعی پستی و بی‌ارزشی است، «زیاده‌روی در دشمنی» نیز یک سوم آن به حساب می‌آید که در واقع در آن پستی درون و پستی زبان یکجا شده است... این که اختلاف وجود داشته باشد به تنهایی عیب به حساب نمی‌آید زیرا وجود اختلاف مساله‌ای است اجتناب‌ناپذیر که درون انسان‌ها و عقل آنان بر آن سرشته شده و ممکن است در مال و ناموس و دین، اختلاف رخ دهد... کیست که مردم همه از وی راضی باشند؟ و کیست که اگر خوبان از وی راضی شوند بدها نیز از وی خشنود شوند؟ عجیب تر این است که برای برخی از مردم دوری جستن از خوردن حرام و زنا و ستم و دزدی مساله‌ی ساده‌ای است اما حفظ زبان برایشان بسیار دشوار است... چه بسیار دیده‌ایم کسانی را که از این گناهان دوری می‌کنند اما با زبان خویش به ناموس و آبروی دیگران ضربه می‌زنند و اهمیتی نیز به آن نمی‌دهند در حالی که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَايِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُم لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ [النحل: ۹۰].

«همانا الله به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان سفارش کرده و از فحشاء و منکر و تجاوز باز می‌دارد. او شما را پند می‌دهد تا آنکه که پند پذیر گردید».

شیخ الاسلام ابن تیمیه می‌گوید: «اگر در اختلافاتی که میان این امت - علما و عابدان و امرا و روسایش - رخ می‌دهد نظر بیفکنی خواهی دید بیشتر اختلافات از این نوع

هستند یعنی تجاوز و دست درازی بدون تاویل یا با تاویل، در حالی که اصل این است که خون و مال و آبروی مسلمانان بر آنها حرام است که به جز با امر خدا و رسول - صلی الله علیه و آله وسلم - مباح نمی‌گردد».

بر این اساس، شخصی که در دشمنی و اختلاف زیاده‌روی می‌کند در اختلافی که با دیگران دارد هیچ حد و مرز و ضابطه‌ای را به رسمیت نمی‌شناسد و برای وی هدف وسیله را توجیه می‌کند. چه این شخص در باب حقوق با دیگران اختلاف داشته باشد و یا در عقاید و اخلاق...

هر که به وضعیت امروز مسلمانان نظر بیاندازد و اتهام پراکنی‌های رسانه‌ای دیداری و شنیداری و خواندنی آنان را ببیند انواع و اقسام این تجاوز و حد نشناختن در دشمنی را ملاحظه خواهد کرد، تا جایی که متأسفانه فرهنگ برخی از طلاب علم و یا روزنامه‌نگاران و اهل رسانه به جایی رسیده که دست درازی و تجاوز را به جایی می‌رسانند که حتی نیت‌ها را به نیز مورد اتهام قرار می‌دهند و یا پوشیده‌های افراد را بر ملا می‌کنند. در چنین قلب‌های مریضی تنها چیزی که باعث حکم بر افراد می‌شود دوست داشتن یا بد داشتن یک فرد است که اگر وی را دوست داشت همه‌ی کارهایش را می‌پسندد و اگر از وی بدش آمد همه‌ی کارهایش را نیز ناپسند خواهد دانست:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللُّغَبِ بِنِسِ الْأَسْمِ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿١١﴾﴾ [الحجرات: ١١].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید نباید قومی دیگر را مسخره کند شاید آنها از این‌ها بهتر باشند و نباید زنانی زنان [دیگر] را [مسخره کنند] شاید آنها از این‌ها بهتر باشند و از یکدیگر عیب مگیرید و به همدیگر لقب‌های زشت مدهید چه ناپسندیده است نام زشت پس از ایمان و هر که توبه نکرد آنان خود ستمکارند».

خداوند من و شما را به واسطه‌ی قرآن بزرگ برکت داده و من و شما را با آیات و ذکر حکیم سود رساند... آنچه را گفتم اگر صحیح بود از سوی خداوند و اگر اشتباه بود از نفس و از شیطان است و از الله آمرزش می‌خواهم که او بسیار آمرزنده است...

خطبه‌ی دوم:

حمد و سپاس تنها از آن الله است، و درود و سلام بر آنکه پیامبری پس از وی نیست...

ای بندگان الله تقوای وی را پیشه سازید و بدانید که بدترین انسان‌ها نزد خداوند آنانی هستند که در دشمنی لدود و سرسختند چنانکه در حدیث صحیح از رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - در صحیحین روایت شده است، و لدود کسی است که به خاطر دروغ و فریب و کناره‌گیری از حق در دشمنی به راه کج می‌رود.

برخی از سلف گفته‌اند که هر کس در دشمنی زیاده روی کند بسیار به دروغ گفتن خواهد افتاد و برای همین است که عمر بن عبدالعزیز - رحمه الله - می‌گوید: "هرکه دین خود را در معرض دشمنی‌ها و اختلافات قرار دهد بسیار موضع عوض خواهد کرد". یعنی بر روش مشخص و مبدا واضحی نخواهد ماند...

حافظ ابن رجب - رحمه الله - می‌گوید: «اگر شخصی در جدال و اختلاف دارای قدرت باشد - چه این قدرت در امور دین باشد و چه در امور دنیایی، که بتواند باطل را به کرسی بنشاند و شنونده را دچار توهم کند که او راست می‌گوید و حق را باطل جلوه دهد - این از زشت‌ترین انواع گناهان و از خبیث‌ترین خصلت‌های نفاق است...».

و در سنن ابوداود از ابن عمر رضی الله عنهما روایت شده است که رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - فرمودند: «هرکه در راه اثبات باطل جدل کند درحالی که می‌داند [سخنش باطل است] همچنان در خشم خداوندی است تا آنکه آن را رها کند».

بر همین اساس انسان عاقل کسی نیست که تنها میان بد و خوب تشخیص می‌دهد بلکه هشیار واقعی آن است که در چنین مسائلی بین دو خوب، بهترین را و میان دو بد، بدترین آن‌ها را انتخاب کند و هر چه سقوط و اشتباه در خصومت‌ها و درگیری‌های دینی

و عقیدتی و فکری و فرهنگی و رسانه‌ای رخ می‌دهد در واقع به سبب جهل نسبت به این مساله‌ی بزرگ است.

نمونه‌های بسیاری از صحنه‌های عدالت و انصاف در اختلاف، در تاریخ اسلام یافت می‌شود که ما در اینجا دو مثال در اختلاف علمی و عقیدتی را بیان می‌کنیم:

در اختلاف علمی: می‌بینیم که برخی از شارحان صحیح بخاری بر مساله‌ای که در آن امام بخاری با حنفی‌ها هم رای شده را بیان می‌کنند و می‌گویند: «امام بخاری با وجود اختلاف مذهبی بسیاری که با حنفیه دارد در این مورد با آن‌ها هم رای شده است... و بودن دلیل وی را به موافقت با آنان واداشته است».

و در اختلاف عقیدتی می‌توان به موضع‌گیری ابن تیمیه در برابر رازی اشاره کرد. رازی دچار اشتباهات عقیدتی و منهجی فراوانی بود و شیخ الاسلام ابن تیمیه در کتابی ده جلدی به رد عقاید وی پرداخت اما با وجود این، شیخ الاسلام درباره‌ی رازی می‌گوید: «در میان مردم کسانی هستند که نسبت به وی - یعنی رازی - سوء ظن دارند و گمان می‌برند که او به عمد سخنان اشتباه می‌گوید اما اینگونه نیست بلکه وی به اندازه‌ی توان علمی خود و کنکاش و پژوهش در هر مساله‌به آنچه بر وی نمایان شده است رسیده است».

و در پایان درود فرستید بر بهترین آفریدگان و پاکترین انسان‌ها، محمد بن عبدالله صاحب حوض کوثر و مقام شفاعت که خداوند شما را به آن امر نموده و فرموده است: «... ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر وی درود و سلام فرستید» [الأحزاب: ۵۶].

و رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: "هر که بر من یک درود فرستد خداوند بخاطر آن بر وی ده درود خواهد فرستاد».

خداوندا درود و سلام و برکت ارزانی دار بر بنده و پیامبرت محمد و راضی و خشنود باش از چهار خلیفه‌ی راشد وی - ابوبکر و عمر و عثمان و علی - از دیگر یاران پیامبرت محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - و از تابعین و کسانی که تا قیامت به نیکی

از آنان پیروی نمایند، و همچنین از ما با عفو و کرم خویش راضی باش ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومنت را یاری ده.

خداوندا غم و غصه‌ی غم دیدگان را از بین ببر و سختی آنان را برطرف ساز و وام را از وام داران ادا نما و بیماران ما و دیگر بیماران مسلمان را شفا ده. خداوندا نفس ما را متقی گردان و آن را پاک ساز که تو بهترین کسی هستی که قادر به آن است و تو ولی و مولای آنی.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و امامان و مسئولان ما را اصلاح بگردان و ولایت و مسئولیت‌های ما را در دست کسانی قرار ده که تقوای تو را داشته باشند و در پی رضای تو باشند.

خداوندا ای الله تویی آن خداوندی که معبود به حقی جز تو نیست... تویی غنی و ما فقیرانیم... باران را بر ما بباران و ما را از مایوسان مگردان... خداوندا باران را بر ما ببار و ما را از نومیدان قرار مده... خداوندا خیر خود را به واسطه‌ی شر ما از ما دریغ مدار ای دارای بزرگی و عظمت.

خداوندا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بدار... «پاک و منزه است پروردگار تو آن پروردگار عزت از آنچه مشرکان به دروغ وصفش می‌کنند و سلام بر پیامبران و حمد و سپاس از آن الله پروردگار جهانیان».

عنوان خطبه:

آثار و نشانه‌های اخلاق نیک

خطیب: دکتر صالح بن حمید

مسجد الحرام: جمعه ۱۹ ربیع الاول ۱۴۳۱ برابر با ۱۴ اسفند ۱۳۸۸

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است. ستایش از آن اوست که اجل‌ها به دست اوست و به تغییرات نفس انسانی و احوال آن آشناست. هر اراده‌ای که برای بندگانش کند با قدرت و اراده‌ی خود به اجرا گذارد. او برای فضل و نعمت فراگیرش حمد و سپاس می‌گویم...

و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است، بر حکمش اعتراضی نیست و حکمتش بی‌انتهاست... و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده و پیامبرسان اوست... درود و سلام و برکات الله بر وی و بر اصحاب و اهل بیت و همه‌ی انانی باد که تا قیامت به نیکی از ایشان پیروی نموده و بر راه و روش آنان راه پویند.

اما بعد...

خود و شما را به تقوای الله توصیه می‌کنم پس تقوای وی را پیشه سازید... در میان خود و خداوند تقوا را رعایت کنید و با نفس خود به جهاد پردازید و با مردم تواضع پیشه کنید و در دنیا زهد ورزید و بدانید که مهربانی با حق دری است به سوی رحمت الهی که رحیمان مورد رحمت خداوند قرار می‌گیرند و خود را برای عرضه‌ی بزرگ بر خداوند آماده سازید:

﴿يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَىٰ مِنْكُمْ خَافِيَةٌ﴾ [الحاقة: ۱۸].

«آن روز بر پروردگار عرضه می‌شود و هیچ پوشیده‌ای از شما پنهان نمی‌ماند».

زیرا کسانی که در دنیا محاسبه‌ی نفس خویش کرده‌اند در آخرت حسابشان آسان خواهد بود و آنانی که در دنیا خود را به ترازوی اعمال سپرده‌اند در آخرت کفه‌ی ترازویشان سنگین خواهد بود.

محاسبه‌ی نفس به واسطه‌ی ورع و تقوا و آراستن خویش برای عرضه‌ی بزرگ قیامت و خشیت پادشاه پادشاهان، خواهد بود.

ای مسلمانان: برادری میان مسلمانان رابطه‌ای است عمیق و براساس ارتباطی محکم استوار است. رابطه‌ی برادرگونه که در آن نسب انسانی به همراه حقایق رسالت اسلامی

شکوفای می‌شود... برادری، روح اسلام و چکیده‌ی نظام و شریعت آن و اساس جامعه و حکومت آن است. برادری براساس وفاداری به تعالیم اسلام و برپا داشتن احکام و اجرای توصیه‌های آن و التزام به اخلاق آن:

﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا...﴾ [آل عمران: ۱۰۳].

«و همگی به ریسمان الله چنگ زید و پراکنده نشوید و نعمت الله را بر خود یاد کنید آنگاه که دشمنان [یکدیگر] بودید پس میان دل‌های شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید...».

دین اسلام - با عقاید و عبادات و اخلاق خویش - برای این آمده است که بشریت را به سوی میدان‌های وسیع و جهانی روشن که آکنده از فضائل و آداب است، رهنمون سازد...

در مقابل آن می‌بینیم که علوم دین و احکام و تعالیم آن در صورت غلبه‌ی هوای نفس و سرکشی انحرافات و ظلم و ستم، رو به ضعف می‌نهد.

انسانی که سنگدل و بد اخلاق است انسانی متدین به حساب نمی‌آید و آنکه قلبش به واسطه‌ی هوا و هوس و خرافات آلوده گردیده نیز انسانی صالح نیست. اساس دینداری بر سالم بودن انسان از نظر قلب و عقل و نفس و جوارح وی و سالم بودن آن از انحراف می‌باشد:

﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ...﴾ [الروم: ۳۰].

«پس روی خود را با گرایش تمام به حق به سوی این دین کن با همان سرشتی که الله مردم را بر آن سرشته است آفرینش الله تغییرپذیر نیست این است همان دین پایدار...».

﴿وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ...﴾ [لقمان: ۲۲].

«و هرکس خود را در حالی که نیکوکار باشد تسلیم الله کند قطعا در ریسمان استوارتری چنگ زده است».

عبادت‌ها نیز وقتی به اوج خود می‌رسند که اخلاق نیک و رفتار صحیح را در انسان به وجود آورند:

﴿... إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾ [العنکبوت: ۴۵].

«... همانا نماز از فحشا و منکر باز می‌دارد».

﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا﴾ [التوبة: ۱۰۳].

«از اموالشان صدقه‌ای بگیر تا با آن آنها را پاک سازی».

﴿الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي

الْحَجِّ﴾ [البقرة: ۱۹۷].

«حج در ماه‌های معینی است پس هرکس در این [ماه]‌ها حج را [برخود] واجب

گرداند [بداند که] در اثنای حج همبستری و گناه و جدال [روا] نیست».

محور عبادات بر تزکیه‌ی نفس و پاک کردن درون و محقق نمودن معنای خضوع برای

حق تعالی است و هیچ نجات و صلاح و موفقیت و خوشبختی نیست مگر با عبودیت

راستین برای الله سبحانه و تعالی و رفتار نیک با خلق خدا.

این چه دینداری است که عبادات خود را انجام می‌دهد اما ترشروی است و شرارت

بر وی هویداست؟ چگونه ممکن است یه انسان متدین و صالح باشد در حالی که رذایل

اخلاقی در درون وی آکنده است و سینه‌اش از آن مملو است؟ و شما می‌دانید که مفلس

و بی‌چیز براساس حدیث نبوی کسی است که در روز قیامت «با نماز و زکات و روزه به

پیشگاه خداوند حاضر می‌شود در حالی که به این فحش داده است و به آن تهمت زده و

مال این را خورده و خون این را ریخته و آن را زده است. پس در مقابل از خوبی‌های

وی به این و آن داده می‌شود... و هنگامی که خوبی‌هایش تمام شد از گناهان دیگران

برداشته شده و به وی داده می‌شود و سپس در آتش انداخته می‌شود» [حدیث صحیح به

روایت امام مسلم].

ای مسلمانان: احیای دین در درون انسان‌ها و در رفتار آن‌ها با احیای اخلاق و توصیه‌های دین امکان‌پذیر است... باید حقیقت ایمان در رفتارها نمایان شود همانگونه که در عبادات نمایان می‌شود:

﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾ [العنكبوت: ۴۵].

«همانا نماز از فحشا و منکر باز می‌دارد».

اخلاق در اسلام از اصول «حیات طیبه» یا همان «زندگی پاک» است. فضیل بن عیاض - رحمه الله - می‌گوید: «اصل ایمان و فرع آن پس از کلمه‌ی شهادتین و ادای فرایض، راستگویی و حفظ امانت و وفای به عهد و صلّه‌ی رحم و خیرخواهی برای مسلمانان است» بلکه اهل علم می‌گویند: «دین همه‌اش اخلاق است. پس هرکه بر اخلاق تو افزود بر دینت افزوده است».

این دین است که قواعد اخلاق را ترسیم نموده و نشانه‌های آن را گذاشته و معیارهای آن را تنظیم می‌کند و مکارم آن را ارج می‌نهد.

اخلاق بدون دین، عبث و بیهوده است... دین و اخلاق دو همتاوندند که از هم جدا نمی‌شوند و از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت شده است که فرمودند: «محبوب‌ترین بندگان نزد خداوند خوش‌اخلاق‌ترین آنان است» و «کامل‌ترین انسان‌ها از نظر ایمان، بهترین آنان از نظر اخلاق است» و فرمودند: «بهترین چیزی که به انسانی عطا شده است اخلاق نیکو است».

همچنین براساس حدیث نبوی، زندیکترین کس به رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - در روز قیامت نیکو اخلاق‌ترین آنان است. و رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «هیچ چیز در ترازوی انسان مومن در روزی قیامت سنگین‌تر از اخلاق نیک نیست» و در جای دیگر می‌فرماید: «نیک‌ی یعنی اخلاق نیک».

بزرگواری انسان مومن دین وی است و حسب و نسب وی اخلاقش می‌باشد.

برای آنکه منزلت اخلاق و اثر آن در کنترل افراد و استقرار جامعه برایتان آشکار شود نگاهی به احکام و قوانین ببندازید. با وجود اهمیت و ضرورت وجود قانون و احکام

قانونی برای تنظیم امور مردم و احقاق حقوق و رفع ستم، تنها وجود آن‌ها برای کنترل انسان‌ها کافی نیست زیرا قانون با همه‌ی جدیت و تطبیق دقیق تنها بر ظاهر حاکم است نه بر درون انسان‌ها و به روابط انسان‌ها با یکدیگر مربوط است و نه به مسائل شخصی و تنها انسان‌های قانون‌شکن را تنبیه می‌کند اما انسان‌های قانونمدار را مورد تشویق و پاداش قرار نمی‌دهد و با همه‌ی این‌ها دور زدن آن آسان است و تفسیر آن بر حسب دلخواه نیز ممکن است و در رفتن از زیر حکم آن نیز کار سختی نیست...

برای این لازم است که انسان دیندار و اخلاق مدار باشد و رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - می‌فرماید: «اگر کسی که نسبت به دین و اخلاق او راضی هستید - به خواستگار دختر شما - آمد او را به ازدواج درآورید... که اگر این کار را نکنید فتنه و فساد بزرگ در زمین پدید خواهد آمد» [به روایت ترمذی با سند حسن].

بدون دین اخلاقی نخواهد بود و بدون اخلاق نیز نه نظام و نه قانون وجود واقعی نخواهد داشت.

دوستان عزیز: حال که قضیه به این صورت است باید بدانیم که جامع اخلاق نیک این‌هاست: حیا، سودرسانی به مردم، راستی، جدیت در کار، دوری از اشتباهات، دوری از سخن و کار اضافی و بی‌فایده، نیکوکاری، وفاداری، صبر، شجاعت، احسان، تشکر، بردباری، عدالت، عفت، دلسوزی، پاک‌ی زبان و درون، گذشت، بزرگواری و بخشندگی، رحمت، عطف با دیگران، انصاف و همدردی با مردم... که می‌توان گفت: میانه‌روی و اعتدال منشا اخلاق است.

برادران و خواهران: انسان خوش اخلاق اهل بخشش و بزرگواری است... خشم خود را فرو می‌نشانند و در حالی که قادر به انتقام است، می‌بخشد و در حالی که حق با اوست درمی‌گذرد... او خود را با درگیری و دشمنی‌ها مشغول نمی‌سازد زیرا لحظات عمر و برادری نزد وی با ارزش‌تر از این‌هاست.

انسان خوش اخلاق، برادری دینی و همیاری را در بهترین صورت آن به نمایش می‌گذارد، انسان خوش اخلاق در درون خود و در میان خانواده‌ی خود خوشبخت و

سعادت‌مند است. او شادی را نثار غم‌دیدگان می‌کند و اشک آنان را پاک ساخته و راه را برای انسان‌های سرگردان روشن می‌سازد و گمراهان را به سوی هدایت رهنمون می‌سازد و صاحب لب‌خندی زیبا و دستی نوازشگر و قلبی دلسوز است.

انسانی که دارای اخلاق نیک است در به رحمت و عدل پروردگار خویش در آنچه میان بندگان تقسیم نموده ایمان دارد و در حالی که سینه‌اش خالی از کینه و کدورت‌هاست صبح را به شب رسانده و شب را به صبح می‌رساند و این دعای صالحان را بر زبان دارد که:

﴿... رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ [الحشر: ۱۰].

«... پروردگارا ما را و برادران ما را که در ایمان از ما سبقت جستند مورد آمرزش قرار ده و در دل‌های ما هیچ کینه و کدورتی نسبت به کسانی که ایمان آوردند قرار مده. پروردگارا همانا تو رؤوف و مهربانی».

او روز خود را با این دعا شروع و با همین دعا به پایان می‌رساند که: «اللَّهُمَّ مَا أَصْبَحَ بِي مِنْ نِعْمَةٍ أَوْ بِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فَمِنْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ؛ فَلَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ» «پروردگارا هر نعمتی که به من یا به کسی از بندگان روی آورد تنها از توست که شریکی نداری، پس حمد و شکر از آن توست».

وی مهربان است و به آن نحوی که بهتر است رفتار می‌کند و به آن کاری دستور می‌دهد که در حد توان است و دیگران را به کاری که نمی‌توانند مکلف نمی‌سازد.

در این سه رفتار زیبا دقت کنید: صبر زیبا، رویگردانی زیبا، و ترک گفتن زیبا. و این سه خلت زیبا نیست مگر برای کسی که دارای اخلاق زیبا است... ابن عمر - رضی الله عنهما - می‌گوید: «نیکی کاری ساده است: صورتی گشاده و سخن نرم» و عروه بن زبیر می‌گوید: «چه بسا کلمه‌ی فروتنانه‌ای که برایم عزت و افتخار به ارمغان آورد...».

اخلاق، ملاک ارزیابی فرد و اساس جامعه‌ی خوشبخت است. تا وقتی که باشد، جامعه نیز مترقی می‌ماند و اگر رخت ببندد آن جامعه نیز رو به فنا می‌رود و ملت‌ها چیزی نیستند جز اخلاقی که دارند...

خوش اخلاقی تلخ را شیرین کرده و خاک را کیمیا می‌کند و کدورت را به صفا مبدل ساخته و نعمت را به ندمت بدل می‌کند... شدت را رحمت و دشمن را دوست می‌گرداند. خوش اخلاقی آهن را نرم و سنگ را آب می‌کند و زندگی را در قلب‌ها برانگیخته می‌سازد. اخلاق نیک - به اذن خداوند - خشنودی را گسترده ساخته و امنیت را فراگیر می‌گرداند. آنکه در اخلاق خود صادق است بشاشت ایمان به قلبش راه می‌یابد...
اعوذ بالله من الشیطان الرجیم:

﴿وَلَا تَسْتَوِی الْحَسَنَةُ وَلَا السَّیِّئَةُ ۚ ادْفَعْ بِالَّتِی هِیَ اَحْسَنُ فَاِذَا الَّذِی بَیْنَكَ وَبَیْنَهُ عَدَاوَةٌ كَاَنَّهُ وَلیٌّ حَمِیْمٌ ﴿۳۵﴾ وَمَا یُلَقَّهَآ اِلَّا الَّذِیْنَ صَبَرُوْا وَمَا یُلَقَّهَآ اِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِیْمٍ ﴿۳۶﴾ وَ اِمَّا یَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّیْطٰنِ نَزْعٌ فَاَسْتَعِذْ بِاللّٰهِ ۗ اِنَّهُ هُوَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ ﴿۳۷﴾﴾ [فصلت: ۳۴-۳۶].

«و نیکی با بدی یکسان نیست [بدی را] با آنچه خود بهتر است دفع کن آنگاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است گویی دوستی یکدل می‌گردد (۳۴) و این [خصلت] را جز کسانی که شکیباً بوده‌اند نمی‌یابند و آن را جز صاحب بهره‌ای بزرگ نخواهد یافت (۳۵) و اگر دمدمه‌ای از شیطان تو را از جای درآورد پس به الله پناه ببر که او خود شنوای داناست.»

خداوند من و شما را با قرآن بزرگ و با راه و روش محمد - صلی الله علیه و آله وسلم - سود رساند... این سخن خویش را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از همه‌ی گناهان آمرزش می‌خواهم پس از او آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

خداوند را به سان شکرگویان، شکر می‌گویم و به مانند اهل یقین به او ایمان می‌آورم و او را برای فضل آشکارش شکر می‌گویم. و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست

جز الله که تنهاست و دینم را برای او خالص می‌گردانم. و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد بنده و پیامرسان او و سرور پیشینیان و آیندگان است. درود و سلام می‌فرستم بر او و بر دیگر پیامبران و بر اهل بیت و یارانش و بر تابعین و آنانی که به نیکی راه آن‌ها را در پیش گیرند.

اما بعد...

همه‌ی مسلمانان این را به می‌گویند و به آن ایمان دارند که اسلام دین فضیلت‌ها و مکارم است... اخلاق باارزش را دوست دارد و به آن فرا می‌خواند و از پستی‌ها بیزار است و از آن باز می‌دارد... و همه‌ی آن‌ها می‌گویند که هیچ اخلاق نیکی نیست مگر آنکه این دین به آن فرا می‌خواند و هیچ اخلاق بدی نیست مگر آنکه از آن باز برحذر می‌دارد. اما... اما متأسفانه چه بسا مسلمانانی که نه احسانی می‌شناسند و نه نرم‌خویی و نه رحمت و عطف و عفو و گذشت و نه عدل و صبر و بردباری... در میانشان کسانی هستند که صله‌ی رحم را قطع می‌کنند و به همسایه‌ی خود جفا می‌کنند و احترام بزرگ‌تر را به جا نمی‌آورند و به کوچک‌ترها رحم نمی‌کنند و برای بیوه‌زنان و یتیمان و بی‌نویان تلاش نمی‌کنند. چه بسیارند در میان مسلمانان کسانی که به عمد دروغ می‌گویند و خلاف وعده و فریبکاری می‌کنند...

این تصویری است از جامعه‌ی ما اما تصویر غم‌انگیزتر این است که برخی از مسلمانان در فهم دین و حقیقت تدین دچار اشتباه هستند.

از بدفهمی‌ها و اشکالاتی که برخی از مسلمانان دچار آنند این است که می‌بینی برخی از آنان نماز را به خوبی به جا می‌آورند اما در باب معاملات و رفتار با مردم دچار تقصیر و کم‌کاری فراوان هستند. گو اینکه آنان دین و دینداری را به همین عبادت محدود ساخته‌اند.

از دیگر مظاهر تقصیر این است که به اخلاق و رفتار و خوش رفتاری با دیگران به گونه‌ای نگاه شود که انگار در مرتبه‌ی چهارم یا دهم دینداری قرار دارد... نزد اینگونه دینداران آداب و رفتار جزو موکدات دینی قرار ندارد و شما دانستید که مفلس در روز

قیامت چه کسی است. همچنین در حدیث صحیح آمده است که رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - فرمودند: «سه خصلت است که اگر در کسی باشد وی منافق خالص است گر چه نماز بگذارد و روزه بگیرد و به حج و عمره رود و بگوید که من مسلمانم: هنگامی که سخن گوید دروغ گوید، و اگر وعده دهد خلاف کند و اگر امین شمرده شد در امانت خیانت کند» و در جای دیگر می‌فرماید: «مومن نیست آنکه همسایه‌اش از شرش در امان نیست».

اخلاق بد بیماری قلب و درون است... عبدالرحمن بن مهدی می‌گوید: «شایسته است که انسان همانگونه که از حرام دوری می‌کند از اخلاق پست نیز دوری کند زیرا بزرگواری جزو دین است».

پس تقوای الله را پیشه سازید و به دین خود به طور کامل از نظر عقیده و عبادت و اخلاق، پایبند باشید و از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید که بسیاری از گمان‌ها گناهانند و تجسس نکنید و برخی از شما غیبت برخی دیگر را نکنند و گروهی دیگر را به ریشخند نگیرند، چه بسا آن گروه از اینان بهتر باشند... برای بد بودن شخص همین کافی است که برادر مسلمان خود را تحقیر کند.

و درود و سلام فرستید بر آن رحمت هدایتگر و آن نعمت خداوندی، پیامبرتان محمد رسول خداوند؛ که او شما را در کتاب خود به آن امر نموده و فرموده است:

«همانا الله و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند، ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر وی درود و سلام فرستید» [الأحزاب: ۵۶].

خداوندا درود و سلام فرست بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت پاکش و بر همسرانش مادران مومنان و راضی و خشنود باش از چهار خلیفه‌ی راشد - ابوبکر و عمر و عثمان و علی - و از دیگر صحابه و تابعین و از کسانی که به نیکی تا قیامت از آنان پیروی نمایند و همچنین از ما با عفو و بخشش و احسانت راضی باش ای گرامی‌ترین گرامیان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار گردان و طاغیان و ملحدان و دیگر دشمنان دین را نابود ساز... خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان ما را اصلاح نما و ولایت ما را در دست کسانی قرار ده که تقوای تو را پیشه ساخته و در پی رضایت تو باشند.

خداوندا دین ما را که ضامن امر ماست و دنیای ما را که زندگی ما در آن است و آخرت ما را که بازگشتگاه ماست اصلاح نما و زندگی را برای ما زیاده‌ی در نیکی گردان و مرگ را راحتی از بدی‌ها قرار ده و عاقبت ما را در همه‌ی امور به خیر گردان و ما را از خواری دنیا و عذاب آخرت نجات ده.

خداوندا هر که را برای ما و برای وطن و امنیت و وحدت ما اراده‌ی بد دارد به خود مشغول ساز و نیرنگ او را عامل نابودی وی گردان ای پروردگار جهانیان.

خداوندا صهیونیست‌های غاصب را نابود گردان، خداوندا صهیونیست‌های اشغالگر را نابود ساز. خدایا تویی آن الله که معبودی به حق نیست جز تو... تو بی‌نیازی و ما نیازمند... باران را بر ما بیاران و ما را از نومیدان مگردان... خداوندا ما را باران ده... خداوندا بر ما باران رحمت نازل کن و نه باران عذاب و بلا و سیل و نابودی...

خداوندا ما به خود ستم نمودیم و اگر تو ما را مورد مغفرت و رحمت قرار ندهی از زیانکاران خواهیم بود... خداوندا ما را به توبه موفق گردان و درهای قبول استجابت را بر ما باز گردان... خداوندا طاعات و دعاها و اعمال نیک ما را بپذیر و از بدی‌های ما در گذر و ما را مورد مغفرت و رحمت خویش قرار ده ای مهربان‌ترین مهربانان.

خدایا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بدار...

ای بندگان الله، همانا الله به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان امر نموده و از فحشا و منکر و تجاوز باز می‌دارد... وی شما را پند می‌دهد تا آنکه یا آور گردید... و او را بر نعمت‌هایش شکر گویند تا شما را افزون دهد و همانا یاد الله بزرگ‌تر است و الله به آنچه می‌کنید آگاه است.

عنوان خطبه: نصیحتی برای ثروتمندان

خطیب: دکتر اسامه خیاط

مسجد الحرام: جمعه ۲۶ ربیع الاول ۱۴۳۱ برابر با ۲۱ اسفند ۱۳۸۸

خطبه‌ی اول:

حمد و سپس از آن الله است. وی را ستایش گفته و از او یاری جسته و از وی آمرزش می‌خواهیم. و از بدی‌های خود و اعمال ناشایستمان به الله پناه می‌بریم. هرکه را الله هدایت کند گمراهگری نخواهد داشت و هرکه را گمراه سازد وی هدایتگری نخواهد یافت...

و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنهاست و شریکی ندارد و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر اوست... خداوندا بر بنده و پامبرت محمد و بر اهل بیت و یارانش درود و سلام فرست.

اما بعد...

ای بندگان الله تقوای وی را پیشه ساخته و تا قیامت از بهترین توشه، توشه برگیرید. ای مسلمانان: خداوند بر مسلمانان و بر بندگان توفیق یافته‌اش به خاطر «نفس لوامه» منت نهاده است. نفس لوامه یا همان «نفس ملامتگر» که بر آن قسم یاد کرده و فرموده است:

﴿لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ ۝ وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ ۝﴾ [القیامة: ۱-۲].

«قسم به روز قیامت (۱) و قسم به نفس ملامتگر».

نفس لوامه نفسی است که صاحب خود را در صورت بهره نبردن از نیکی‌ها و یا افتادن در بدی‌ها مورد سرزنش قرار می‌دهد و آن را بر ترک بدی و بد داشتن آن تشویق می‌کند...

کسی که دارای نفس لوامه است وجدانی بیدار و قلبی زنده دارد. وی هم خود از دست خود راحت است و هم مردم از وی در آسودگی هستند.

برعکس آن، انسان سنگدل و خشن است... وی کسی است که اگر دست به هر گناه بزرگی بزند و یا هر خطایی انجام دهد کمترین ناراحتی به او دست نداده و احساس پشیمانی نمی‌کند. برای همین، چنین شخصی وبالی بر گردن خود و خطری برای دیگران است.

از آنجایی که او زندگی خود را در حال غفلت از پروردگار و یا پیروی از هوای نفس خود است و توجهی به مسائل دیگر ندارد، وبالی است بر گردن خود و از آنجا که تنها برای خود زندگی می‌کند و خودپرست است، خیرش را از دیگران بازمی‌دارد مخصوصا اگر از انسان‌های ثروتمند و مرفه باشد که در این صورت ثروتش باعث طغیان و تکبر او شده و رحمت و شفقت از قلبش بیرون رفته و گوشش از شنیدن حق ناشنوا گردیده و چشمش را از دیدن هر تشریعی که به همیاری و همکاری و تعاون میان افراد جامعه‌ی مسلمان دعوت می‌کند می‌پوشاند...

خداوند متعال مومنان را اینگونه وصف می‌کند که آنان بر کفار شدید و سخت گیرند و میان یکدیگر دلسوز و مهربانند و در حدیثی که ابوداؤد و ترمذی با سند صحیح از عبدالله بن عمرو بن عاص - رضی الله عنهما - روایت کرده‌اند آمده است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «رحیمان مورد رحمت خداوند رحمن قرار می‌گیرند، به آنان که در زمینند رحم کنید تا آن که در آسمان است شما را مورد رحمت قرار دهد» و همچنین در حدیثی که بخاری و مسلم در صحیح خود روایت کرده‌اند از جریر بن عبدالله - رضی الله عنه - روایت است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود: «آن که به مردم رحم نمی‌کند خداوند نیز وی را مورد رحمت قرار نمی‌دهد».

انسان مغرور و خودپرست، وقتی در برابر این معانی عظیم قرار می‌گیرد از آن روی می‌گرداند و گمان می‌برد که این حق اوست که هرگونه دلش بخواهد در مال خود

تصرف نماید و کسی بر او قدرتی ندارد زیرا او با تلاش و نیرو و تجربه و دانش خود آن را جمع‌آوری نموده است...

مثال او به مانند قارون است که خداوند وی را نمونه‌ای برای انسان‌های ثروتمندی قرار داده که قلب‌هایشان سنگ شده و بصیرتشان کور گردیده و دست‌هایشان به گردنشان بسته شده است. برای همین است که خداوند متعال داستان وی را برای ما نقل نموده تا عبرتی ابدی شود برای همه‌ی خردمندان... خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ فَبَغَىٰ عَلَيْهِمْ ۖ وَعَاتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ...﴾ [القصص: ۷۶].

«قارون از قوم موسی بود پس بر آنان ستم کرد و ما به او آنچنان از گنجینه‌ها عطا کردیم که کلیدهای آن بر گروهی نیرومند نیز سنگین بود...».

یعنی کلیدهای گنج‌های قارون حتی بر گروهی قدرتمند نیز سنگینی می‌کرد. هنگامی که وی این نعمت را با شکری که لایق آن باشد و نیکی به مردم، پاسخ نگفت عاقبت این کفران نعمت این شد که:

﴿فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنتَصِرِينَ﴾ [القصص: ۸۱].

«پس او را و خانه‌اش را به زمین فرو بردیم و او گروهی نداشت که او را در برابر الله یاری کنند و خود نیز نتوانست از خود دفاع کند».

چه بسیارند ثروتمندانی که این راه و روش را طی کرده‌اند... و هر آنکه این روش را در پیش گیرد ممکن نیست از شکرگذارانی شود که با بذل نیکی و تلاش در میدان‌های آن به بندگان خداوند احسان ورزند... چه بسیار بودند این ثروتمندان که اوضاع آنان تغییر یافت و بلا بر اموالشان نازل گردید و ثروتشان از بین رفت و پس از آن ثروت، دچار فقر شدند و به گدایی مردم پرداختند...

در این سرنوشت‌ها عبرتی است برای خردمندان که شکر نعمت کنند و به خلق خدای احسان نمایند. بنده‌ای که خداوند به او مالی عطا کرده و او در مقابل این نعمت، آن را به

عنوان راهی برای شکرگذاری خداوند و نیکی به بندگان او استفاده کند، چنین بنده‌ای از سوی خداوند بشارت عاقبت نیک و گذشت از تقصیرات و گناهان را به دست آورده است...

در حدیثی که مسلم در صحیح خود روایت نموده است از عقبه بن عامر - رضی الله - از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود: «بنده‌ای از بندگان ثروتمند خداوند را در روز قیامت - برای حساب و کتاب - می‌آورند پس به او گفته می‌شود: در دنیا چه عملی انجام داده‌ای؟ وی - در حالی که چیزی از خداوند پنهان نمی‌کند - می‌گوید: ای پروردگرم... تو به من مال عطا کردی و من با این مال با مردم خرید و فروش می‌کردم و از اخلاق من این بود که بر مردم آسانگیری و گذشت می‌کردم؛ من بر کسی که مشکل داشت آسان می‌گرفتم و برای کسی که مقروض بود و توانایی پرداخت قرضش را نداشت نیز صبر می‌کردم. خداوند متعال فرمود: من از تو شایسته‌تر به این اخلاقم... از بنده‌ام بگذرید؛ پس خداوند وی را بهشت وارد می‌کند...».

و در روایت دیگری از بخاری و مسلم آمده است که: «مردی بود که هیچ کار خیری انجام نمی‌داد جز اینکه به مردم قرض می‌داد اما هنگامی که فرستاده‌ی خویش را برای بازپس گرفتن قرض به نزد شخص بدهکار می‌فرستاد به وی می‌گفت: هر آنچه را که توانستی از شخص بدهکار بگیری - و در اختیار داشت - بگیر و از بقیه‌ی آن در گذر شاید که خداوند از گناهان ما در گذرد... پس هنگامی که وفات یافت خداوند به وی گفت: آیا کار خیری انجام داده‌ای؟ گفت: نه... مگر اینکه من به مردم قرض می‌دادم و خدمتکاری داشتم که وقتی برای گرفتن آن قرض‌ها او را به سوی بدهکاران می‌فرستادم به او می‌گفتم هر چه توانستی بگیر و هر چه نداشتند را ترک کن و از باقیمانده‌ی آن در گذر تا آنکه خداوند از ما در گذرد... پس خداوند فرمود: از گناهانت درگذشتم».

این راه و روشی است بس بزرگ و دارای آثاری بسیار عظیم! و چه نیک است آخر و عاقبت آن! و چه زیباست که انسان برای احسان و نیکوکاری به مردم، از همه‌ی انواع

نیکی و آسانگیری و رفع سختی از آنان استفاده کند، به ویژه مهلت دادن به بدهکار یا بخشیدن او که این راه و روش کسانی است که برای رسیدن به خشنودی پروردگار، و بهشت پرنعمت با بندگی نیک و تلاش و مجاهدت، وسیله می‌جویند. بهشت جاودانی که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - درباره‌ی آن می‌فرماید: «در آن - یعنی در بهشت - چیزی است که نه چشمی دیده است و نه گوشی شنیده است و نه به قلب هیچ بشری منظور کرده است» [به روایت مسلم در صحیح خود از حدیث سهب بن سعد ساعدی].

پس ای بندگان خداوند تقوای وی را پیشه سازید و به یاد داشته باشید که هرکه امروز به بندگان خداوند احسان و نیکی روا دارد و سختی آنان را از بین ببرد و یا آنان را از تنگناهای دنیا نجات دهد، در مقابل وعده‌ی احسان خداوندی در روز قیامت را به دست آورده است... آن احسانی که در این حدیث که امام مسلم و اصحاب سنن روایت کرده‌اند به آن اشاره شده است:

از ابوهریره - رضی الله عنه - از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت است که فرمود: «هر که از مسلمانی یک سختی از سختی‌ها دنیا را بزدايد، خداوند نیز از او یک سختی از سختی‌های آخرت را می‌زداید، و هرکه در دنیا بر بدهکاری آسان گیرد خداوند نیز برای او در دنیا و آخرت آسان خواهد گرفت، و هرکه مسلمانی را در دنیا بپوشاند خداوند نیز او را در دنیا و آخرت خواهد پوشاند و ستر خواهد کرد، و خداوند در یاری و کمک بنده است تا وقتی که بنده در یاری و کمک برادرش باشد».

و عجیب نیست که خداوند متعال پاداش نیکی را اینگونه بیان نماید که:

﴿هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ﴾ [الرحمن: ۶۰].

«آیا پاداش نیکی جز نیکی است؟».

خداوند متعال من و شما را با هدایت کتاب و سنت سود رساند، این سخن خویش را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از خداوند متعال از هر گناهی آمرزش می‌خواهم که او بسیار آمرزنده و بسیار مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

حمد و سپاس از آن الله است، او را ستایش گفته و از وی یاری جسته و آمرزش می‌خواهیم، و از بدی‌های خود و کارهای ناشایستمان به الله پناه می‌بریم، الله هرکه را هدایت نماید وی گمراهگری نخواهد داشت و هرکه را گمراه سازد او هدایتگری نخواهد یافت. و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد بنده و پیامبر اوست. خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یارانش درود و سلام فرست.

اما بعد...

ای بندگان خداوند... امام احمد در مسند خویش و ترمذی و ابن ماجه با سند صحیح از ابوهریره- رضی الله عنه - روایت کرده‌اند که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «هرکه به بدهکاری مهلت دهد یا اینکه از او درگذرد خداوند در روز قیامت او را در زیر سایه‌ی عرشش قرار خواهد داد، در روزی که هیچ سایه‌ای نیست جز سایه‌ی او».

چه غنیمت بزرگی است در امان ماندن از گرمای جهنم و قرار گرفتن در زیر سایه‌ی رحمن، و چه اجر بزرگ و کریمانه‌ای است این اجر که شایسته است ثروتمندان را برای مهلت دادن به بدهکارانی که توانایی ندارند یا بخشیدن، آنان تشویق کند... پس ای بندگان الله، تقوای او را پیشه سازید و به یاد داشته باشید که الله متعال شما را به فرستادن درود و سلام بر خاتم پیامبران محمد بن عبدالله امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿۵۶﴾ [الأحزاب: ۵۶].

خداوندا درود و سلام فرست بر بنده و پیامبرت محمد و راضی و خشنود باش از چهار خلیفه‌ی راشد - ابوبکر و عمر و عثمان و علی - و از دیگر اهل بیت و یاران و تابعین و از کسانی که به نیکی تا قیامت از آنان پیروی کنند و همچنین از ما با عفو و کرم خویش خشنود باش ای بهترین بخشنندگان...

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را حفظ نما و دشمنان دین و دیگر طاغیان و مفسدان را نابود گردان و میان قلب‌های مسلمانان الفت ده و صفوفشان را یکی گردان و رهبران آنان را اصلاح کن و کلمه‌ی آنان را بر حق یکی گردان. خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - و بندگان مومن مجاهدت را یاری ده.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن بدار و رهبران و مسئولان ما را اصلاح بگردان. خداوندا این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را از هر خیری بهره‌مند و از هر شری ایمن بدار.

خداوندا دین ما را که حافظ امر ماست و دنیای ما را که زندگی ما در آن است و آخرت ما را که بازگشت‌گاه ماست اصلاح نما و زندگی را برای ما زیاده‌ی در هر نیکی و مرگ را آسودگی از هر بدی قرار بده.

خدایا ما به تو از زوال نعمت و برگشت عافیت و عذاب ناگهانی و همه‌ی عوامل خشم پناه می‌بریم... پروردگار ما به خود ستم نمودیم و اگر تو ما را مورد مغفرت و رحمت خویش قرار ندهی بی‌تردید از زیانکاران خواهیم بود.

خداوندا بیماران ما را شفا ده و مردگان ما را مورد رحمت خویش قرار ده و ما را به آرزوهایی که باعث رضایت توست برسان و با اعمال نیک پرورده‌ی ما را خاتمه ده. پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بدار. و درود و سلام خداوند بر بنده و پیامبرش محمد، و بر اهل بیت و یاران‌ش، و الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

فضیلت و جایگاه مسجد الاقصی

خطیب: دکتر صالح آل طالب

مسجد الحرام: جمعه ۳ ربیع الثانی ۱۴۳۱ برابر با ۲۸ اسفند ۱۳۸۸

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است، ستایش از آن اوست که از سرزمین‌ها حرمین شریفین و بیت المقدس را برگزید. حمد و سپاس مخصوص اوست که هیچ ستایشگری توان ستایش وی را ندارد و او را برای نعمت‌های بی‌شمارش شکر می‌گوییم...

و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنهاست و شریکی ندارد و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر اوست... درود و سلام و برکات خداوند بر او و بر اهل بیت و یارانش و تابعین و همه‌ی کسانی که به نیکی تا قیامت از آنان پیروی کنند. اما بعد... تقوای الله را پیشه سازید و او را حاضر و ناظر بر اعمال خود بدانید و از امر او پیروی کنید و معصیت وی نکنید و بدانید که خیرات و خوبی‌ها روی نمی‌آورند مگر با طاعت خداوند و اوضاع و احوال مردم به وخامت نمی‌رود مگر با گناهان و معاصی و چه بسا که بنده با انجام گناهان از روزی محروم می‌شود:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧١﴾﴾ [الأحزاب: ۷۰-۷۱].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را پیشه سازید و سخنی استوار گوید (۷۰) تا آنکه کارهای شما را برایتان اصلاح کند و گناهانتان را بیامرزد و هر که از الله و رسولش اطاعت کند بی‌شک پیروزی بزرگی به دست آورده است.»

ای بندگان خداوند: خداوند متعال از میان بندگانش برخی را دوست داشته و از میان آنان پیامبرانی را برگزیده و از میان سرزمین‌ها و مکان‌ها نیز جاهایی را برگزیده است.

و این داستان سرزمینی است که خداوند آن را مقدس گردانده و گرامی داشته است... آن مسجد الاقصی است و «قدس» مقدس او و میراث آخرین امت است که در قلب هر مسلمانی جای دارد... خداوند متعال آن را در قرآن کریم مقدس دانسته و با نام سرزمین

مقدس و مسجد الاقصی نام برده است و آن را به همراه سرزمین‌های دور و بر آن مبارک گردانده است...

خداوند متعال به میوه‌های آن قسم یاد کرده و فرموده است: «قسم به انجیر و زیتون» [التین: ۱] که این اشاره‌ای است به مسجد الاقصی و سپس به «طور سینین» قسم یاد کرده است که جایی است که در آن با موسی سخن گفته است و سپس به «این سرزمین امین» قسم یاد کرده است که محل بعثت محمد، آخرین پیامبران و امت وی است.

بزرگ‌ترین رکن پس از شهادتین که نماز است در آغاز به سوی بیت المقدس ادا گردید و رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - سیزده سال تمام در مکه آن را به سوی این سرزمین ادا نمود و پس از هجرت به مدینه نیز ۱۷ ماه به سوی بیت المقدس نماز خواند تا آنکه قرآن نازل گردید و دستور به روی نمودن به سوی مسجد الحرام داد که ارتباطی ازلی با این سرزمین دارد...

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَرَكْنَا حَوْلَهُ...﴾ [الإسراء: ۱].

«پاک و بی‌عیب است آنکه بنده‌اش را شبانه از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی که دور و بر آن را مبارک گردانیدیم، برد...».

و در حدیث از ابوذر - رضی الله عنه - روایت است که گفت: گفتم ای رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - کدام مسجد اولین بار در زمین قرار داده شد؟ فرمود: «مسجد الحرام» گفتم سپس کدام؟ فرمود: «مسجد الاقصی»، گفتم: میان بنای آن‌ها چقدر فاصله بود؟ فرمود: «چهل سال» [متفق علیه].

و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «بار سفر بسته نمی‌شود مگر به سه مسجد: مسجد الحرام، و مسجد الاقصی و این مسجد من» [به روایت بخاری و مسلم].

ابن تیمیه - رحمه الله - می‌گوید: «خلقت و امر پروردگار از مکه‌ی مکرمه آغاز گردید و خداوند بیت المقدس و دور و بر آن را محل حشر بندگان قرار داد؛ پس بندگان همه به سوی بیت المقدس رفته و از آنجا محشور می‌گردند؛ و برای همین است که در حدیث آمده که «آن سرزمین حشر و نشر است»... و آن، خانه‌ای است که ملت‌ها آن را گرامی داشته و پیامبران نیز آن را مکرم داشته‌اند و کتاب‌های چهارگانه در آن خوانده شده است: زبور و تورات و انجیل و قرآن».

ای بندگان خداوند: همه‌ی محوطه‌ای که دور آن دیوار کشیده شده است «مسجد الاقصی» نامیده می‌شود و شامل همه‌ی ساختمان‌ها و آثاری است که در آن قرار دارد. مسجدی که در کنار آن قرار دارد و به مسجد الاقصی مشهور است و مسجد قبة الصخره [که دارای گنبد طلایی است] و همه‌ی این محوطه که مسجد الاقصی نام دارد زیارتگاه پیامبران و محل اسرای آخرین آن‌ها محمد - صلی الله علیه و آله وسلم - بوده است. به قطع ثابت شده است که میان بنای بیت الحرام و مسجد الاقصی چهل سال فاصله بوده است در حالی که مشخص است میان ابراهیم - علیه السلام - که کعبه را بنا نهاد و سلیمان - علیه السلام - نزدیک به هزار سال فاصله است که به قطع ثابت می‌کند مسجد الاقصی صدها سال پیش از سلیمان بنا شده است و در واقع او شرف بنای مجدد آن را داشت چنانکه پیامبران و اولیای خداوند با مساجد خداوند می‌کنند و همانطور که عمر بن خطاب و خلفای پس از وی انجام دادند.

واضح است که دین پیامبران یکی است و گرچه شریعتشان در تفصیل با هم تفاوت دارد اما همه‌شان به توحید و به یگانگی خداوند در عبادت و اطاعت شریعت و احکام وی دعوت داده‌اند.

این احکام در یک امت تا امت دیگر و از یک پیامبر تا پیامبری دیگر متفاوت است و برای این است که هر پیامبر با کلمه و رسالت خویش زمین خداوند را به ارث می‌برد. این دو پیامبر یعنی ابراهیم و لوط که پیش از یعقوب و اسحاق و سلیمان هستند که خداوند درباره‌ی آن‌ها می‌فرماید:

﴿وَنَجَّيْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ﴾ [الأنبياء: ۷۱].

«و او و لوط را [برای رفتن] به سوی آن سرزمینی که برای جهانیان در آن برکت نهاده بودیم نجات دادیم».

حسن بصری می‌گوید: «آن سرزمین، سرزمین شام است...».

قتاده می‌گوید: «آن دو در سرزمین عراق بودند و سپس به شام آمدند...».

به مانند این سخن را ابن جریر و ابن تیمیه و ابن کثیر گفته‌اند. ابن کثیر می‌گوید: «خداوند ابراهیم را به سلامت نگه داشت و به واسطه‌ی آن بر قومش منت نهاد و وی را به سوی سرزمین شام، آن سرزمین مقدس هجرت داد».

و اینچنین سرزمین فلسطین و به ویژه مسجد الاقصی پیش از آنکه یعقوب و اسحاق دیده به جهان گشایند ماوای مومنان گردید. سپس پس از گذشت صدها سال خداوند متعال بنی اسرائیل را از ستم فرعون مصر نجات داد و موسی - علیه السلام - آنها را به صحرای سینا برد و به آنان دستور داد تا وارد سرزمین مقدس شوند اما آنان ابا ورزیدند و گفتند:

«تو و پروردگارت بروید و بجنگید. ما اینجا نشسته‌ایم» [المائدة: ۲۴].

و تنها جز دو تن از آنان کس دیگری دستور موسی را اجابت نکرد و به این سبب خداوند متعال آنان را چهل سال در زمین سرگردان کرد که در این چهل سال موسی وفات یافت و نسلی دیگر از آنان روی کار آمدند که بیشتر از پدرانشان با خدای خود صادق بودند و توانستند به سرزمین مقدس وارد شوند...

و خداوند بر آنان چنین نوشت که اگر در زمین فساد پیشه کنند و تجاوزگری نمایند از آن بیرون رانده خواهند شد... و همانی شد که خداوند اراده نموده بود و تجاوز و کفران به اندازه‌ای از آنان سر زد که در پایان از آن سرزمین بیرون رانده شدند و تنها پس از سه قرن بار دیگر به سرگردانی افتادند...

بعد از آن خداوند متعال این سرزمین را برای پیروان عیسی به ارث رساند زیرا زمین، ملک خداوند است و به هرکه بخواهد ارزانی می‌دارد پس همانطور که آن سرزمین در اختیار مومنان پیش از بنی اسرائیل قرار داشت به مومنان پس از آن‌ها رسید:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾

[الأنبياء: ۱۰۵].

«در حقیقت در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد».

تا آنکه خداوند سرور انس و جن و خاتم پیامبران، محمد بن عبدالله هاشمی قریشی - صلی الله علیه وآله وسلم - را مبعوث گرداند و فتح بیت المقدس یکی از بشارت‌های او برای امتش بود و به ارث رسیدن این سرزمین مقدس برای این امت همان سنت همیشگی خداوندی در همه‌ی قرن‌ها و از زمان ابراهیم - علیه السلام - است...
امامت پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - برای پیامبران دیگر در شب اسراء در مسجد الاقصی در واقع اعلام شدن اسلام بود به عنوان آخرین پیام خداوند به سوی بشریت که به دست محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - به کمال رسید و آخرین شکلی که بیت المقدس به خود گرفت شکل و رنگ اسلام است و اینچنین بود که بیت المقدس به این امت منسوب گردید.

به سال پانزدهم هجری این مژده‌ی نبوی محقق گردید و مسلمانان وارد بیت المقدس شدند. مقامات مذهبی بیت المقدس گفتند کلیدهای بیت المقدس را تنها به شخص خلیفه، عمر بن خطاب رضی الله عنه تسلیم خواهند کرد چون وصف او را در کتب خود یافته‌اند.

عمر بن خطاب رضی الله عنه از مدینه‌ی منوره به سوی بیت المقدس سفر کرد و کلیدهای بیت المقدس را تحویل گرفت که داستان زیبای آن با خطی از نور نگاشته می‌شود... وی از روی کوهی که به نام کوه مُکَبَّر معروف گردید تکبیر گفت و مسلمانان نیز در پی او تکبیر گفتند...

او در حالی به بیت المقدس رسید که غلامش و شتری قرمز رنگ به همراه وی بودند و در لحظه‌ی رسیدن به بیت المقدس غلامش سوار بر شتر بود و خود افسار شتر را در دست داشت. در هنگام رسیدن به بیت المقدس از آنجایی که در زیر پای آن‌ها گل آلود بود کفش‌هایش را به دست گرفت و با دست دیگرش افسار شتر را گرفت...

ابوعبیده بن جراح رضی الله عنه به استقبال وی آمد و به او گفت: «تو اشتباه بزرگی در برابر مردم این سرزمین انجام دادی» (یعنی شایسته نبود که خلیفه‌ی مسلمانان با این وضعیت به بیت المقدس بیاید) اما عمر دستش را بر سینه‌ی ابوعبیده گزارد و او را به کنار زد و گفت: «اگر کس دیگری جز تو این را می‌گفت عجیب نبود ای ابوعبیده! شما دلیل‌ترین مردم بودید و خداوند شما را با اسلام عزت بخشید... پس هر گاه در غیر آن عزت بجویم خداوند ما را خوار و ذلیل خواهد کرد».

این است راهی که به فلسطین می‌رسد... عمر بن خطاب روزی با عزت اسلامی به آن وارد شد و در آن نماز گزارد و در جلو مسجد که سمت قبله است نماز گزارد و درباره‌ی سنگ مقدس سوال کرد. آن سنگ در زیر زباله‌ها مدفون بود پس خود با عبای خویش آن را پاک کرد...

کتاب‌های تاریخ نوشته‌هاند که در پی فتح اسلامی در بیت المقدس هیچ صومعه و کلیسا و معبد و یا خانه‌ای ویران نگردید بلکه عبادتگاه‌های مردم به حال خود رها شد و برای اهالی آن سرزمین امان‌نامه نگاشته شد...

مسلمانان تا دوران ما براساس این روش رفتار کرده‌اند و تاریخ شاهد است که مسیحیان و یهودیان در دوران حکومت مسلمانان بهترین وضعیت را در این سرزمین داشته‌اند و با آزادی کامل به انجام عبادات خود مشغول بودند و در هیچ دوران دیگری چنین موقعیتی را نداشته‌اند زیرا در اسلام هیچ برتری و فضیلتی وجود ندارد مگر براساس تقوا و هیچکس نمی‌تواند ادعا کند که از نژاد بهتری است و دیگران را ناچیز شمارد و یا به آنان ستم روا دارد، حتی اگر به دین او نباشند.

رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «اگر اهل شام به فساد رفتند دیگر هیچ خیری در شما نیست» و می‌فرماید: «همچنان گروهی از امت من آشکارا بر حق خواهند ماند و مخالفشان نمی‌توانند به آنان زیانی برسانند». گفته شد: آن‌ها کجایند ای رسول خدا؟ فرمود: «در بیت المقدس.. یا در اطراف بیت المقدس» [به روایت طبرانی].

ای بندگان خداوند: فلسطین تنها یک تکه زمین نیست که زمانی در دست مسلمانان بود و ممکن است روزی دیگر در اختیار آنان نباشد... فلسطین مهد پیامبران است... و در حجاز خاتم آنان مبعوث گردید... فلسطین سرزمین شریعت‌ها و رسالت‌هاست و در جزیره العرب آخرین این شریعت‌ها نازل گردید:

﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ...﴾

[المائدة: ۴۸].

«و ما این کتاب را به حق به سوی تو فرو فرستادیم در حالی که تصدیق کننده‌ی کتابهای پیشین و حاکم بر آنهاست...».

مسلمانان وارثان حقیقی همه‌ی شریعت‌های آسمانی پیشین هستند و آن‌ها به هر پیامبری اولی و نزدیک‌ترند:

﴿ءَأَمِنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ ۚ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ ءَأَمِنَ بِاللَّهِ وَمَلَأَتْ كِتَابَهُ ۖ وَرُسُلُهُ ۚ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِ ۗ﴾ [البقرة: ۲۸۵].

«پیامبر بدانچه از جانب پروردگارش بر او نازل شده ایمان آورده است، و مؤمنان همگی به الله و فرشتگان و کتاب‌ها و پیامبرانش ایمان آورده‌اند (و گفتند: میان هیچ یک از فرستادگانش فرق نمی‌گذاریم...».

هنگامی که پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - به مدینه هجرت کرد و دید که یهودیان روز عاشورا را روزه می‌گیرند و می‌گویند: این روزی است که خداوند در آن موسی و قومش را از فرعون و قومش نجات داد، فرمود: «ما از شما به موسی مستحق‌تریم و دستور به روزه‌ی آن داد».

فلسطین - از نظر تاریخی و سرزمینی و مقدسات آن - ارث مسلمانان است. ارثی که پذیرش آن واجب است و رعایت آن لازم... این میراثی اختیاری نیست که در آن تردید کرد و یا دچار حیرت شد. برای همین است که مسلمانان خون‌های بسیاری در طول تاریخ برای این سرزمین فدا کرده‌اند و جنگ‌های بسیاری برای حمایت از آن متحمل شده‌اند...

این سخن در دوره‌ای به زبان می‌آید که بسیاری از پیشروان تمدن معاصر به این نتیجه رسیده‌اند که بشر با پیشرفتی که کرده است و با پیمان‌نامه‌ها و بین‌المللی حقوق بشر و سازمان‌های آن به جایی رسیده که برای رفاه وی کافی است و چیزی باقی نمانده جز صلحی که همه‌ی این زمین را در بر گیرد تا آنکه این دستاورهای بشری به ثمر رسیده و بشر به خوشبختی دست یابد...

اما چه کسی از صلح بدش می‌آید و یا آن را نمی‌خواهد؟ اصلاً چه کسی در گذشته از همزیستی میان یهودیان و مسیحیان و مسلمانان در سرزمین شام و فلسطین جلوگیری کرده است؟ آنان عبادات خود را با آزادی انجام می‌دادند و کلیساها و معابدشان باقی مانده و با مسلمانان هم‌نشینی داشته و به یکدیگر سود رسانده و حتی با هم ازدواج می‌کردند...

کیست که صلح را دوست نداشته باشد و آن را نخواهد؟ اما اینکه سرزمینی غصب شود و خانواده‌ها از آن بیرون رانده شوند و یک ملت به اجبار تبعید شود و به مقدسات آنان توهین شده و تاریخ آنان مورد تحریف قرار گیرد و به آنان ستم شود... همه‌ی این‌ها چیزی نیست جز بازی کردن با بشکه‌ی باروتی که معلوم نیست کی منفجر خواهد شد. تعجب از اینجاست که حامیان حقوق بشر خود حمایت‌کنندگان کسانی هستند که انسانیت را زیر پا گذاشته‌اند و کسانی که به نام احترام مقدسات سخن می‌گویند دست به توجیه کار کسانی می‌زنند که قداست مسجد الاقصی و آثار آن را زیر پا گذاشته‌اند و علمداران عدالت و مساوات خود حامیان اصلی غاصبان و متجاوزان و دزدان تاریخند...

آنچه امروز از سوی صهیونیست‌ها در جریان است در واقع آغازگر جنگ فرهنگی و تمدنی و دینی وسیعی است که جهان را در خطر بزرگی قرار خواهد داد که جز خداوند کسی عمق آن را نمی‌داند.

بر مخلصان این امت و زمامداران خردمند جهان لازم است که جلو این تجاوز که علیه زمین و انسان و میراث فرهنگی و دینی و اسلامی رخ می‌دهد را بگیرند.

﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن مَّنَعَ مَسْجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَافِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١١٤﴾﴾
[البقرة: ۱۱۴].

«و کیست ستمگرتر از آن کس که نگذارد در مساجد الله نام وی برده شود و در ویرانی آن‌ها بکوشد آنان حق ندارند جز ترسان به آن [مسجدها] وارد شوند در این دنیا ایشان را خواری و در آخرت عذابی بزرگ است».

خطبه‌ی دوم:

حمد و سپاس برای الله است که پروردگار جهانیان است و رحمن است و رحیم و مالک روز جزاست. و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد است و شریکی ندارد و پادشاه بر حق است و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر اوست. درود و سلام و برکات الله بر وی و بر اهل بیت و یارانش و تابعین و کسانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند.

ای مسلمانان. در دوره‌ی کشمکش و نبرد، آنچه بسیار لازم و ضروری است بیداری، هشیاری و وحدت و کار و تلاش جدی و همیاری و ترک اختلاف است...

برای امت مسلمان لایق نیست که در اختلافات جانبی و مسائل اقلیمی و خودخواهانه دست و پا بزنند... باید مصلحت‌های بزرگ امت بر هر مصلحت دیگری ترجیح داده شده و به ندای حق و عدالت و تلاش و خرد ورزی گوش سپرده شود تا آنکه اختلافات به کنار نهاده شده و امت در برابر بحران‌ها یکپارچه گردد:

﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...﴾ [آل عمران: ۱۰۳].

«و همگی به ریسمان الله چنگ زنید و پراکنده نشوید...».

برای اهل علم و فرهنگ و اندیشه لازم است که به آنچه در بقای امت و بقای فرهنگ آن لازم و ضروری است اهمیت دهند...

راه قدس از ترویج نابسمانی و سست نمودن اساس امت و یا تخریب و بمبگذاری و تجاوز به مصلحت امت عبور نمی‌کند...

تا وقتی که از قافله‌ی پیشرفت عقب هستیم به موفقیت دست نخواهیم یافت و با تفرقه پیروز نخواهیم شد:

﴿وَقُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ...﴾ [التوبة: ۱۰۵].

«و بگو عمل کنید که الله و پیامبرش و مومنان کار شما را خواهند دید...».

و بدانید که حدیث، موفقیت در پی دارد و کار و تلاش نیز به تولید منجر خواهد شد و هر کس آن چه را کشته است درو خواهد کرد.

و در پایان درود و سلام فرستید بر بهترین انسان‌ها رسول خدا، محمد بن عبدالله...

خداوندا درود فرست بر محمد و بر آل محمد همانگونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم

درود فرستادی و برکت ارزانی دار بر محمد و آل محمد همانگونه که بر ابراهیم و آل

ابراهیم ارزانی داشتی که در جهانیان تو ستوده شده و با عظمتی.

خداوندا از امامان هدایتگر، و خلفای راشد، ابوبکر و عمر و عثمان و علی، و از دیگر

صحابه‌ی پیامبرت و از کسانی که راه آنان را در پیش گیرند راضی و خشود باش ای

پروردگار جهانیان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار گردان و دشمنان

دین را نابود ساز و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امن و امان بدار.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن بدار و مسئولان و والیان امر ما را صالح گردان.

خداوندا گرانی و بیماری‌ها و ربا و زنا و زلزله‌ها و سختی‌ها و بلاها و فتنه‌های ظاهر

و آشکار را از ما دور گردان.

خداوندا سرزمین ما را حفظ نما و مرزها ما را ایمن بدار و مرزداران ما را پیروز گردان...

خداوندا امور مسلمانان را در هر مکان اصلاح نما و آنان را بر حق و هدایت متحد ساز و جان آنان را حفظ کن و آنان را در سرزمین‌هایشان ایمن بدار و زندگی‌شان را آسان گردان و دشمنان را نابود ساز.

خداوندا مستضعفان مسلمان را در هر مکان یاری ده خداوندا آنان را در فلسطین یاری ده. خداوندا مرزداران ما را در اطراف بیت‌المقدس یاری ده. خداوندا آنان را بر حق جمع بگردان.

خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومنت را یاری ده. خداوندا ای آنکه لشکریانش شکست نمی‌خورند و وعده‌اش خلاف نمی‌شود... صهیونیست‌ها در طغیان و سرکشی زیاده روی نمودند... خداوندا دستی از حق بر آنان مسلط گردان که شوکت آنان را خرد کرده و نابودشان سازد... خداوندا بلایت را بر آنان نازل ساز...

خداوندا هیچی بیرقی از آنان برافراشته مساز و هیچ آرزوی آنان را محقق مگردان و آنان را عبرتی برای آیندگان قرار ده... خداوندا آنان را شکست ده و زمین را زیر پای آنان به لرزه در آر و ما را بر آنان پیروز ساز.

خداوندا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بدار. خداوندا گناهان ما را بیامرز و عیب‌های ما را بپوشان و ما را به آنچه مورد رضای توست برسان. خداوندا ما و پدر و مادر ما را مورد مغفرت خود قرار ده که تو شنونده‌ی دعایی.

ای بندگان خداوند: «همانا الله به عدل و احسان و بخشش به خویشاوندان امر می‌کند و از فحشا و منکر و تجاوز باز می‌دارد، او شما را نصیحت می‌کند تا آنکه پند گیرید (۹۰) و چون با الله پیمان بستید به پیمان خود وفادار بمانید و قسم را پس از استوار

نمودن آن مشکند در حالی که الله را ضامن خود قرار داده‌اید. همانا الله به آنچه می‌کنید آگاه است».

عنوان خطبه:

آثار سخنان انسان و اهمیت آن

خطیب: دکتر عبدالرحمن السدیس

مسجد الحرام: جمعه ۱۰ ربیع الثانی ۱۴۳۱ برابر با ۶ فروردین ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

حمد و سپاس از آن الله است، حمد و سپاس از آن اوست که تنها شایسته‌ی ثنا و بزرگداشت است. پاک و منزّه است او که بندگان را با نعمت‌های فراگیر بزرگ داشته است، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که یکتا و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که پیامبر و سرور ما محمد، بنده و پیامبران او و الگوی جهانیان در رفتار و سکوت و سخن خویش است... درود و سلام و برکات خداوندی بر وی و بر اهل بیت والا مقام وی و صحابه‌ی نیک وی باد که از سخنان بی‌ارزش دور، و در سخنان زیبا به سان ماه‌هایی تابناک بودند و همچنین بر تابعین و همه‌ی کسانی که به امید رستگاری راه آنان را پیموندند.

اما بعد ای بندگان خداوند، بهترین نصیحتی که برای طالبان عزت و سربلندی گفته می‌شود تقوای خداوند است زیرا تقوای الهی تشنگان بسیاری را از نیکی سیراب کرده و اهداف سخت را قابل دسترسی می‌نماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ...﴾ [الأحزاب: ۷۰-۷۱].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را پیشه سازید و سخنی استوار گوید (۷۰) تا کارهای شما را برایتان نیک گرداند و گناهانتان را برایتان بپامزد...».

ای مسلمانان: سخن از قضیه‌ای تمدنی و ارزشی و جهانی است که ملت‌ها در میدان وسیع آن به رقابت پرداخته و آرزوی پیروزی در آن را دارند و برای آن فداکاری می‌کنند... قضیه‌ای که معنای تمدن و برگرفته از آن است و تصویری از قدرت و انعکاس آن است که ملت‌ها را به سوی بلندی‌ها و عزت و افتخار سوق می‌دهد... قضیه‌ای که نور و حکمت و حیات و رحمت و هدایت و رستگاری را در بر گرفته و بلکه همان «باقیات الصالحات» است

آن چیزی که می‌خواهیم درباره‌اش سخن گوئیم «مسئولیت در برابر سخن» است... سخن... سخن چیست؟ واژه‌ای است چون شمشیر دو لب و رسالتی است دارای دو بعد متضاد... اگر بخواهی خورشیدی است روشنگر یا آتشی است سوزاننده... یا دلیلی است قاطع و یا شمشیری برنده... یا باران رحمت است و یا سیل ویرانگر... سخن، اگر بخواهی احترام است و بزرگواری، یا نیزه‌ای است کشنده... یا باعث خوشحالی و سرور است و یا هشدار برای غم و اندوه... سخن، یا شیرین‌تر از شهد است و یا تلخ‌تر از ناسزا...

برادران و خواهران ایمانی: سخن نیک راهبری است به سوی هدایت و اصلاح و چارچوب اندیشه و رستگاری است که اسلام با آن عالمگیر شد و منتشر گردید و ملت‌ها را به سوی خود دعوت داد و رهبری کرد. این، مناره‌ی راهنمایی و ارشاد و یاری دهنده‌ی آموزش و آماده‌سازی است.

سخن است که به دقیق‌ترین مسائل و سخت‌ترین آن‌ها پرداخته و آن را آشکار ساخته و در درون انسان‌ها نفوذ کرده، آن‌ها را یا ترقی می‌دهد و یا به شقاوت می‌کشاند؛ برای همین است که شریعت حنیف اسلام نسبت به اشتباهات و دستاوردهای آن هشدار داده و رسول گرامی اسلام فرموده است: «آیا چیزی جز دستاور زبان مردم آنان را به صورت در آتش می‌اندازد؟».

همچنین رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «بنده، سخنی را از روی خشنودی خداوند به زبان می‌آورد و برای آن اهمیتی قائل نمی‌شود اما خداوند به

واسطه‌ی آن درجات وی را افزون می‌گرداند، و بنده کلمه‌ای را از روی خشم خداوندی به زبان می‌آورد و به آن اهمیت نمی‌دهد و به واسطه‌ی آن در آتش جهنم سقوط می‌کند» [به روایت بخاری].

برای اهمیت و خطورت سخن و کلام است که برای آن در اسلام مجازات‌ها و حدود و تعزیراتی مشخص شده و بر آن احکامی مترتب گردیده است؛ مثلاً کلمه‌ی توحید و لفظ نکاح یا طلاق یا آزاد کردن برده که تنها با یک سخن است... بر همین اساس است که در منهج نمونه‌ی قرآنی دستور العمل‌هایی برای حفظ سخن از زخم زبان و در خدمت گرفتن آن در میدان وسیع راستی و ارزش‌ها وجود دارد... خداوند متعال می‌فرماید:

﴿مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ﴾ [ق: ۱۸].

«[انسان] سخنی را تلفظ نمی‌کند مگر آنکه مراقبی سخت‌گیر نزد اوست [و آن را ثبت می‌کند]».

به دلیل عظمت سخن و مسئولیتی که در ورای آن موجود است می‌بینیم که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - حتی در شوخی خود جز حق و راستی نمی‌گفت. ای امت اسلام... سخن ربانی و مخلصانه و زیبا، درون انسان‌ها را از مرداب‌های سستی و نادانی و جایگاه‌های فریب و گمراهی دور می‌سازد و آن را از درندگان شهوات و اندیشه‌ها و مفاهیم کشنده رها می‌سازد.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿... وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا...﴾ [البقرة: ۸۳].

«... و به مردم سخن نیک بگویید...».

و می‌فرماید:

﴿وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...﴾ [الإسراء: ۵۳].

«و به بندگانم بگو: آنچه را که بهتر است بگویند...».

و در این آیات اسوه و الگوی کاملی برای علما و دعوتگران و اهل فتوا و نویسندگان و مخاطبان و اهل رسانه وجود دارد.

امت گفتار نیک، امت گفتار نورانی با ارزشی است که از زبان اهل هنر خارج شده و در راه دعوت و اصلاح به کار برده می‌شود و با نهایت لطف و زیبایی و استواری و اعتدال و به دور از بد زبانی و ابتدال است تا آنکه هدایت و خیر را محقق نموده و از بدی‌ها جلوگیری نماید زیرا چنین سخنی از اعماق قلب و برای هدایت بندگان خداوند و نشر رحمت و مودت بر زبان آمده است:

﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ ﴿٢٤﴾ تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا...﴾ [ابراهیم: ۲۴-۲۵].

«آیا ندیدی که الله چگونه مثل زده سخنی پاک که مانند درختی پاک است که ریشه‌اش استوار و شاخه‌اش در آسمان است (۲۴) میوه‌اش را هر دم به اذن پروردگارش می‌دهد...».

چه زیباست سخن سازنده و چه زیباست کلام هدایتگر مهربان!

برادران و خواهران ایمانی... از مقتضیات سخن با ارزش، نقد سازنده و هدفمند از سوی رسانه‌ها است. رسانه‌هایی که همه‌ی آفاق را در نور دیده و به افکار و اندیشه‌ها نفوذ کرده‌اند. نقدی که از سوی رسانه‌ها نگاشته یا نمایش داده می‌شود باید از سوی افرادی باشد که دارای قدرت بیانی و اندیشه‌ای هدفمند و خیرخواهانه باشند...

رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «هر آنکه به خداوند و روز قیامت ایمان دارد پس یا سخن خیری بگوید یا ساکت باشد» [به روایت بخاری در صحیحش].
داناترین مردم کسی است که با علم سخن بگوید یا با شکیبایی سکوت اختیار کند و خداوند رحمت کند شخصی را که سخن خیری گفت و غنیمت برد و یا سکوت اختیار کرد و راه سلامت پیمود و عجیب نیست! چه بسا سخنانی که باعث نفرت و کینه و دشمنی گردیده است.

پس ای عزیزان قلم به دست، ای سازندگان سخن و ای مردان رسانه: سخنان نوشتاری و شنیداری در زمانه‌ی ما عرصه‌ی مبارزه شده‌اند؛ پس درباره‌ی آنچه برای دختران و

پسران این جامعه می‌نویسید تقوای خداوند را فراموش نکنید و از هیاهو و جنجال پرهیزید و ارزش سخن را پاس دارید و برای کلمه، آن هدفش را که تزکیه‌ی اخلاق و جمع کردن اندیشه‌ها بر دوستی و همگرایی است، محفوظ بدارید. زیرا سخنی که روشن‌گر است در واقع آینه‌ای است از روح نویسنده‌اش و نشان‌دهنده‌ی پاکی اندیشه و وجدان اوست.

چه بسا آتش جنگ‌هایی که با همین کلمات روشن شده‌اند و چه بسا دوستی‌ها که در لحظاتی پا گرفته‌اند.

زنهار که سخن را در خدمت تصفیه حساب‌ها یا برای طعنه وارد کردن در افراد به کار برید و یا در پی دروغ‌ها و شایعات راه افتید!

بیان و سخن را در خدمت دین و یاری قضایای مسلمانان و یکی نمودن امت و وحدت آن و برای خدمت به منافع مردم به کار برید و بدانید که سخن سودمند صادقانه در واقع نشان‌دهنده و بروز دهنده‌ی اندیشه‌ی روشن و درون پاک گوینده‌اش است.

اما بعد... برادران و خواهران مسلمان... سخن راست و دقیق، ملاک جهانیان برای برقرار نمودن عدالت و صلح و انصاف و همگرایی و از بین رفتن کشمکش‌هاست و ریسمان محکم امت ماست، امتی که امت سخن درست و قرآن مبین است، تا بتواند جایگاه شایسته‌ی خود را در میان جهانیان باز یافته و دوباره قلب مردم دنیا را از عظمت خود پر سازد و این بر خداوند متعال سخت نیست چه بسا که منهج و روش مسلمانان همیشه این بوده که:

﴿وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهُدُوا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ﴾ [الحج: ۲۴].

«و به سخن پاک هدایت می‌شوند و به سوی راه [پروردگار] ستوده شده هدایت می‌شوند».

خداوند برای من و شما در دو وحی کتاب و سنت برکت دهد و ما را با راه و روش سرور پیامبران سود رساند... این سخن خویش را گفته و برای خود و شما از هر گناهی

از خداند بزرگ و مهربان آمرزش می‌خواهم، پس از او آمرزش بخواهید و بسوی او توبه کنید که او آن مولای بزرگوار و جلیل است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله است که به نعمت‌های او اعتراف کرده و شکرش را به جای می‌آوریم و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که پیامبر و سرور ما محمد بنده‌ی الله و پیامبر اوست و بهترین انسانی است که سخن‌وری نموده... درود و سلام و برکات الله بر وی و بر اهل بیت و یارانش و تابعین و کسانی باد که به نیکی و به امید بهشت خداوندی از آنان پیروی نمایند.

اما بعد...

ای مومنان... تقوای پروردگارتان را در پنهان و آشکار پاس دارید و بدانید که در فردای قیامت به دقیق‌ترین ترازو عرضه خواهید شد پس از سخنان ناشایست و آفات زبان برحذر باشد.

ای امت اسلام... شریعت اسلام همانگونه به برگزیدن سخن نیک دستور داده است، به همان صورت نیز از سخن ناپاک برحذر داشته زیرا که اینگونه سخنان همان خطرگاه و پرتگاهی است که انسان را به سوی بد‌زبانی و تهمت و شهادت دروغ سوق می‌دهد.

زیرا آنکه حرمت سخن را زیر پا گذارد و زبانش به پستی گراید، از آن به مانند قیچی در راه تخریب ناموس و آبروی دیگران استفاده خواهد کرد و این جاست که زبان تبدیل به آلت تخریبی خواهد شد که جز بدخواهان امت کسی از آن خوشحال نخواهد شد.

رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - می‌فرماید: «مومن، طعنه‌زن و نفرینگر و

زشت سخن و بدزبان نیست» [به روایت امام احمد با سند صحیح].

و اگر نظر بیفکنی در بسیاری از گفتگوها و کانال‌های ماهواره‌ای و اینترنت نمونه‌های

بسیاری از این بدزبانی‌ها را خواهی دید...

در ضرب المثل آمده است که: «مرگ انسان در بین دو فک اوست».

شایسته‌ی انسان مومن است که سخن را پیش از گفتن آن بسنجد تا آنکه از آن ضربه نبیند و چه بسا گویندگانی که هر چه خواهند می‌گویند و در نتیجه آنچه نمی‌خواهند خواهند دید، و گفته‌اند که زخم زبان بدتر از اثر شمشیر بران است...

ای امت «گفتار نیک»... برای محافظت از شرف سخن و دوری از تمسخر و ابتذال و تحریک و جنجال و سوء استفاده، باید که قلم‌ها و تریبون‌ها به دست افراد امانتدار و شایسته و راستگو و اهل حکمت و ابتکار قرار گیرد...

اینهائید که کلمه‌ی امت را بالا برده و در مقابل، این امت را که امت کلمه‌است را از نظر فرهنگی و رسانه‌ای و فکری و اجتماعی به جایگاه کمال و عظمت می‌رسانند... این است امید و آرزوی ما و برای آن به مولای عزو جل استعانت می‌جوییم که او بخشنده و کریم است.

و درود و سلام فرستید بر راستگوترین کسی که سخن به زبان آورده و راهنمایی کرده و تبیین نموده است، و بدانید که خداوند متعال در کتاب مبین خود فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿۵۶﴾ [الأحزاب: ۵۶].

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، و با فضل خویش کلمه‌ی حق و دین را بلند گردان ای دارای جلال و بزرگواری.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان و والیان امر ما را صالح بگردان... خداوندا دین ما را که حافظ امر ماست و دنیای ما را که زندگی ما در آن است و آخرت ما را که بازگشتگاه ماست اصلاح نما و زندگی را برای ما زیاده‌ی در نیکی‌ها بگردان مرگ را برای ما آسایش از هر بدی قرار ده.

خداوندا سختی سختی دیدگان مسلمان و غم و غصه‌ی غصه‌داران را از بین ببر و وام و قرض وام داران را ادا نما و بیماران ما و دیگر بیماران مسلمان را شفا ده ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا مقدسات مسلمانان را حفظ نما و مسجد الاقصی را از تجاوز متجاوزان در امان دار. خداوندا مسجد الاقصی را از صهیونیست‌های غاصب اشغالگر محافظت کن. خداوندا آن را تا روز قیامت سربلند و عزیز بدار. ای داری جلال و اکرام...
 خداوندا ما را باران عطا نما... خداوندا ما را باران عطا نما... خداوندا آن را باران رحمت بگردان و نه باران نابودی و ویرانی...
 پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بدار. خداوندا از ما بپذیر که تو شنوا و دانایی و از ما توبه پذیر که تو بسیار توبه‌پذیر و مهربانی و ما و والدین ما و همه‌ی مسلمانان را - چه زندگان و چه رفتگان - مورد آمرزش خود قرار ده.
 پاک و منزّه است پروردگار تو آن پروردگار عزت و جلال از آنچه مشرکان به دروغ وصفش می‌کنند و سلام بر پیامبران والحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

خطر توهم و خیالپردازی

خطیب: دکتر سعود الشریع

مسجد الحرام: جمعه ۱۷ ربیع الثانی ۱۴۳۱ برابر با ۱۳ فروردین ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله که در شکوه و عظمت و کمال خود یگانه و بی‌نظیر است... آنکه به تنهایی و براساس اندازه‌گیری دقیق به تدبیر امور بندگان پرداخت... آنکه بلند مرتبه و اهل عظمت است و قرآن را بر بنده‌اش نازل نمود تا هشداری باشد برای جهانیان...
 و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که با این شهادت امید نجات و رستگاری دنیا و آخرت را دارم و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر اوست...

او که در راه الله صبر پیشه کرد و رسالت را ادا نمود و امانت را پاس داشت و برای امت خویش دلسوزی نمود و در راه الله آنگونه که حق آن است جهاد نمود تا آنکه دنیا را وداع نمود. پس درود و سلام خداوندی بر وی و بر اهل بیت پاکش و بر صحابه‌ی نیک وی و بر همه‌ی کسانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند.

اما بعد...

خود و شما را به آن چیزی توصیه می‌کنم که توصیه‌ی خداوند است برای پیشینیان و پسینیان که تقوای الهی است پس تقوای او را پیشه سازید و برای دنیائتان آنطور تلاش کنید که گویی برای همیشه زنده‌اید و برای آخرتتان آنگونه زحمت بکشید که انگار فردا خواهید مرد... برای انجام اعمال نیک تلاش کنید و به سوی خداوند توبه کنید و از او آمرزش بخواهید و در حالی که پیام او را می‌شنوید از او روی مگردانید:

﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ ﴿٥٤﴾ فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ ﴿٥٥﴾﴾ [القمر: ۵۴-۵۵].

«همانا متقیان در میان باغ‌ها و نه‌هایند (۵۴) در جایگاه صدق و راستی نزد پادشاهی قدرتمند».

ای مردم... هر انسانی که در این دنیا زندگی می‌کند آرزوها و اهداف و رویاهایی دارد که وجود آن را در زندگی خود حس می‌کند... کوچک و بزرگ و دارا و ندار و مرد و زن، همه این را حس کرده‌اند. زیرا این مربوط به همه‌ی مردم است و اگر هم کسی بتواند شخصی را از نظر ظاهری محدود کند نمی‌تواند تخیل او را محدود سازد و هیچ کس حتی اگر در اوج قدرت باشد نمی‌تواند جلو رویاهای تو را بگیرد یا تو را برای آن به محاسبه بکشاند یا تو را از آن باز بدارد.

بر این اساس این نه عیب است و نه گناه است که گاه به گاه این خیالات به فکر تخطئه شود... اما برعکس اگر این رویاها و تخیلات صرفاً اوهام و خیالاتی غیر واقعی باشد می‌تواند آن را عیب و شایسته‌ی سرزنش دانست. چه این اوهام در زمینه‌ی رغبت و تشویق باشد چه در زمینه‌ی هراس... چه از روی امید باشد و چه از روی ترس.

این به آن دلیل است که وهم گاه عاملی است برای تلخ گرداندن زندگی و ایجاد ترس و دلهره... و گاه نیز باعث ایجاد شادی غیر واقعی و مستی و بی‌خبری است! که در همهی این حالات به عنوان حجابی در برابر حقیقت و برعکس واقعیت عمل نموده و به سان پرده‌ای است در برابر بصیرت، و از سوی دیگر بر اراده و عزم انسان تاثیر می‌گذارد. برای همین نباید از این تعجب کنید که توهم ممکن است قوی را ضعیف نشان داده و ضعیف را قوی به نظر بیاورد، و دور را نزدیک و نزدیک را دور نشان دهد.

ما در زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که در آن ابرهای توهم خورشید حقیقت را پنهان کرده‌اند... زمانه‌ای که توهمات چهره‌ی حقایق را پوشانده‌اند و مردم و جوامع اسلامی از غلبه‌ی وهم و زخم تلخ آن بر بدن جامعه‌شاکی‌اند و کار به جایی رسیده که "حقیقت" به سان گمشده‌ای گشته که کمتر کسی به آن راه می‌یابد. مردم نیز در وضعیتی هستند که فکر می‌کنند در میان تلخی‌های زندگی بهتر است گاه گاهی به توهم و خیالات پناه ببرند و کار به جایی رسیده که برخی از آنان برای فروش توهم تجارتنی به راه انداخته‌اند که روز به روز مشتریان آن بیشتر می‌شود و گمان می‌برند که وارد شدن به بازار آن بهتر از این است که چشم خود را بر روی حقیقت‌های تلخ بگشایند. چه بسا بسیاری از آنان برای مرهم نهادن بر طعم تلخ واقعیت‌ها شاهد دروغین توهم را می‌چشند...

بدترین انواع توهم‌ها، توهمی است که جوامع مسلمان دچار آنند. جوامعی که هنوز هر کالای عجیب و غریبی را که از سوی بیگانگان به آنان می‌رسد به سان معجزه‌ای از معجزات می‌نگرند و هر اختراع عجیب و غریب و پیشرفتی را که از سوی دیگران آمده است چونان جادویی می‌دانند که هم‌پایی با آن ممکن نیست.

و در پی آن خیال‌پردازی و وهم‌گرایی در جوامع مسلمان منتشر گردید و در عقل جمعی جامعه‌های مسلمان ریسمان‌هایی سست‌تر از خانه‌ی عنکبوت شکل گرفت که با سر و صدای نوآوری آن‌ها اوهام ما به حرکت افتاد و ما به نشستن و پستی و ناتوانی و سستی و شکست خو گرفتیم و در نتیجه، دیگران پیروز شدند و ما شکست خوردیم و دیگران جلو افتادند و ما عقب نشینی کردیم...

دیگران به حقیقت راضی شدند اما ما تن به خیالات دادیم و در مقابل، روابطمان دچار اشکال شد و ریسمان محکم ما پاره شد و سبب همه‌ی این‌ها چیزی نبود جز غلبه‌ی توهماتى که بیش از تخدیر جسم باعث تخدیر عقل ما شد.

از سوی دیگر، توهم و خیالات به حدی در قلب جوامع مسلمان رخنه کرده که آن‌ها فکر می‌کنند به درجه‌ای از کمال رسیده‌اند که دیگر نیازی به تصحیح و تحدید نظر در مورد اشتباهات و تقصیرات موجود نیست و این باعث به وجود آمدن احساس کمال وهمی می‌شود که هیچ نتیجه‌ی مثبتی در پس آن وجود نخواهد داشت...

نتیجه‌ی این وهم باطل تحجر در عقاید و وابستگی‌های قومی قبیله‌ای گردید و به جایی رسیدند که که گویا هر جامعه و هر فرد، خود به تنهایی در راه درست است و دیگران در اشتباه، و این توهم مانعی شد در برابر اصلاح و استفاده از راه و روش درستی که در نزد دیگران وجود داشت، اصلاحی که باعث به دست آمدن توان کار و تلاش و از بین رفتن اوهام می‌شد...

کسی که با چشم بصیرت خود و به دور از اوهام قضایا را می‌بیند قدر حقیقت را دانسته و به عمق زخمی که از پی شمشیر وهم می‌آید پی می‌برد. چه بسا قضایا و طرح‌ها و اهدافی که به شور و شوق بدان پرداخته شده اما با گذشت زمان مشخص گردیده که چیزی نبوده جز خیال و وهم. قضایایی که جلو عقل سلیم را گرفته و زیبا را زشت و زشت را زیبا جلوده داده و حرام و حلال را برعکس گردانده است.

توهم گرایی و خیال‌پردازی که در برخی از جوامع مسلمان شایع است در واقع در نتیجه‌ی ضعف‌ها و شکست‌هایی پی در پی رخ داد که باعث شد مردم این جوامع برای مرهم نهادن بر این زخم‌ها به اوهام پناه ببرند تا بلکه دردشان تسکین یابد. دردهایی که در عالم واقع آنان را آزار می‌داد...

همچنانکه می‌بینیم توهم و خیال‌پردازی در جوامع غیر مسلمان که به اوج تمدن و پیشرفت مادی دست یافته‌اند تبدیل به کالایی پر طرفدار گردیده تا بتوانند به واسطه‌ی آن آتش افسردگی و خشکی ماده‌گرایی را خاموش گردانند... تا بتوانند از پنجره‌ی این

توهمات زودگذر، دنیایی دیگر را ببینند اما چه فایده که این پنجره خیلی زود بسته شده و باز باید با حقیقت روبرو شوند و بدانند که این دارو در واقع همان دردی است که از آن رنج می‌برند.

شاید آنچه که جوامع مسلمان بیدار را متمایز می‌گرداند این باشد که اگر روزی توهم و خیالات بر آن‌ها آشکار گردد برای آزاد شدن از آن شاد خواهند شد اما جوامع مریض همچنان اسیر آن مانده و آشکار شدن قلبی بودن این کالا به معنای مرگ آن‌ها خواهد بود.

توهم، دردی است که کنترل آن توسط دیگران ساده نیست مگر از سوی خود فرد یا جامعه‌ای که اسیر آن است:

﴿بَلِ الْإِنْسَانِ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ ﴿١٤﴾ وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرُهُ ﴿١٥﴾﴾ [القیامة: ۱۴-۱۵].

«بلکه انسان از وضع خود آگاه است (۱۴) هر چند ظاهراً برای خود عذر بیاورد».

و کاش این درد در همین حد باقی می‌ماند... اما نه! مشکل این است که درد توهم از بدترین دردهایی است که مسری است و هرکه دچار وهم شود سستی نیز به او روی خواهد آورد و هرکه دچار سستی و ضعف شد اسیر غم و غصه می‌شود و این است نتیجه‌ی نهایی توهم و خیالات پوچ.

برای این لازم است که جامعه‌ی مسلمان به خود آمده و در نگاه خود به اوضاع و حوادث و واجباتش، تجدید نظر کند و به دور از حباب‌های توهم و نقاب‌های غیر واقعی به علاج آن‌ها پردازد که اگر اینگونه نباشد دچار شبهه و خلط بین مسائل شده و نخواهیم توانست قرائتی درست از اوضاع داشته باشیم و در نتیجه هر روز از یک سوراخ گزیده شویم... و زنهار که توهم ما را فریفته و قانعمان کند که روزنامه‌نگار می‌تواند فقیه شود و آرایشگر پزشک شده و دلکک جای روشنفکر را بگیرد و تروریست‌ها اهل اصلاح گردند! و راست گفت خداوند متعال که می‌فرماید:

﴿وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ﴾

«و بیشترشان جز از گمان پیروی نمی‌کنند [ولی] گمان به هیچ وجه [آدمی را] از حقیقت بی‌نیاز نمی‌گرداند همانا الله به آنچه می‌کند آگاه است».

خداوند متعال من و شما را با قرآن بزرگ برکت داده و با آیات آن سود رساند.... آنچه را گفتم اگر صحیح بود از سوی خداوند و اگر نادرست بود از نفس و از شیطان بود و از الله آمرزش می‌خواهم که او بسیار آمرزنده‌است.

خطبه‌ی دوم:

حمد و سپاس تنها از آن الله است و درود و سلام بر آنکه پیامبری پس از وی نیست و بعد...

ای بندگان خداوند بدانید که «توهم» همانگونه که جامعه را مورد هدف قرار می‌دهد به همان صورت نیز افراد را دچار خود می‌کند و مگر جامعه چیزی است جز مجموعه‌ای از افراد؟

بسیاری از مردم دچار وهم و خیال شده و تسلیم آن گردیدند تا آنکه این باعث شکست درونی آن‌ها شده و آرزوهای آن‌ها را به باد داد... بسیار پیش آمده که شخص آرزوی چیزی را می‌کند اما توهم وی او را فریب داده و اینگونه به او وانمود کرده که به دست آوردن آن آسان و به مانند آب خوردن است و این باعث می‌شود که شخص از نگاه واقعی به توانایی‌های مادی و درونی خود دور بماند و در نتیجه خواب نبوغ ببیند و نداند که احمق‌ترین مردم است و یا در خیال خود جامه‌ی زهد به تن کند اما نداند که اسراف‌کارترین مردم است و یا در توهم خوشبختی باشد و در واقع از بدبخت‌ترین مردم باشد.

معیارهای سعادت و دینداری و شهرت و شجاعت و بزرگواری چنان در نزد او مختل شود که در تنهایی و عزلت خود را مشهور بداند و در اوج ضعف خواب شجاعت ببیند و در حالی که بخیل است خود را کریم بداند.

و اگر شخص، اسیر توهم ترس شود مرگ را در هر گوشه خواهد دید و از طناب خواهد گریخت که مبدا مار است... اگر بیمار شود از چشم زخم می‌ترسد و اگر در کار

یا درس خود شکست خورد باز آن را به گردن چشم زخم خواهد انداخت در حالی که شکستش به دلیل تنبلی و نادانی خود اوست.

او دستاوردهای دانایان و بزرگان امت را فراموش خواهد کرد و فراموش خواهد کرد که آنان اسیر اوهام نشدند...

به مانند دختران و پسرانی که هر روز خواب شریک زندگی کاملاً ایده‌آل را می‌بینند و روز به روز نیز شرطی جدید به شرط‌های خود اضافه می‌کنند تا آنکه روزی از این خواب بر می‌خیزند که خود را بدون همسر خواهند دید.

به مانند این می‌توان از توهم بیماری و توهم بزرگی و توهم خوشبختی و توهم قدرت و توهم ضعف و توهم وسواس نام برد که همه‌ی این توهم‌ها بر گردن دشمنان حقیقت سوار خواهند شد.

برای همین است که دین حنیف ما، ما را تشویق نموده که همیشه در حدود خود و در اندازه‌ی توان و امکانات خود بیاندیشیم و خود را بیش از توان خود به زحمت نیندازیم و بر عکس طبیعت خود رفتار نکنیم و به مانند آن کس نباشیم که در آب در پی آتش می‌گردد، زیرا عاقبت توهم از بین می‌رود و آنچه باقی می‌ماند حقیقت است و نه چیز دیگر.

همچنین برخی از علما گفته‌اند که آنکه توهم بر وی غالب است دچار همان چیزی خواهد شد که توهم کرده است مانند کسی که بر روی دیوار راه می‌رود و اگر توهم سقط بر وی غالب شود حتماً از دیوار خواهد افتاد و راست گفت رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - که فرمود:

«همه‌ی مردم صبح می‌کنند و خود را به فروش می‌رسانند پس یا آن را آزاد می‌کنند و یا آن را به هلاکت می‌کشانند» [به روایت امام مسلم].

پس ای بندگان خداوند تقوای او را پیشه سازید و توهمات و خیالپردازی‌ها را از همه‌ی شئون زندگی خود دور سازید تا به سعادت دست یابید زیرا که اوهام جزو

گمان‌های بد است و رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرموده است: «از گمان برحذر باشد که گمان دروغ‌ترین سخن است» [به روایت بخاری].

پس بیایید توهم را با فهم صحیح و صادقانه و عزم راسخ و کمک خواستن از خداوند و گریختن به سوی وی، از خود دور سازیم که خداوند متعال فرموده است:

﴿مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لِيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدَهُ مَا يَغِيظُ﴾ [الحج: ۱۵].

«هر که می‌پندارد که الله [پیامبرش] را در دنیا و آخرت هرگز یاری نخواهد کرد [بگو] تا طنابی به سوی سقف کشد [و خود را حلق‌آویز کند] سپس [آن را] ببرد آنگاه بنگرد که آیا نیرنگش چیزی را که مایه‌ی خشم او شده از میان خواهد برد؟».

و هرگاه دچار توهم ترس شدیم یا به جلو بگذاریم و هر گاه دچار توهم تهور و حماقت گردیدیم دست از اقدام بکشیم زیرا هر چه براساس وهم است خود نیز وهمی بیش نیست و هیچ چیز جز حقیقت وجود خارجی ندارد.

و در پایان درود و سلام فرستید بر بهترین انسان‌ها و پاکترین آن‌ها محمد بن عبدالله، آن صاحب حوض کوثر و مقام شفاعت که خداوند شما را به آن امر نموده و فرموده است:

﴿... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [الأحزاب: ۵۶].

و رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرموده است: «هر که بر من یک درود فرستد خداوند به واسطه‌ی آن بر وی ده درود خواهد فرستاد».

خداوندا بر محمد و اهل بیت وی و صحابه و تابعین و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی کنند درود و سلام فرست....

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومنت را یاری ده.

خداوندا غصه‌ی غصه‌دارن را از بین ببرد و سختی آنان را بر طرف ساز و وام‌داران را ادا کن و بیماران ما و دیگر بیماران مسلمان را شفا ده ای مهربان‌ترین مهربانان. خداوندا نفس‌های ما را متقی گردان و آن را پاک بساز که تو بهترین کسی هستی که توانایی آن را داری و تو ولی و مولای آنی.

خداوندا تویی آن الله که معبودی به حق نیست جز تو... تو بی‌نیازی و ما نیازمندانیم... باران را بر ما نازل کن و ما را از نومیدان مگردان... باران را بر ما بباران و ما را از مایوسان قرار مده... خداوندا باران را بر ما عطا کن و ما را از ناامیدان مگردان... خداوندا ما بنده‌ای از بندگان تویم پس به سبب گناهان ما فضل خود را از ما دریغ مدار. خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان و والیان امر ما را اصلاح نما و ولایت ما را در دست کسانی قرار ده که تقوای تو را پیشه سازند و در پی رضایت تو باشند.

پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بدار. پاک و منزّه است پروردگار تو، پروردگار عزت و بزرگی از آنچه مشرکان به دروغ وصفش می‌کنند و سلام بر پیامبرات و الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

خشم و آثار ناگوار آن

خطیب: دکتر عبدالرحمن سدیس

مسجد الحرام: جمعه ۹ جمادی الاولی ۱۴۳۱ برابر با ۳ اردیبهشت ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

حمد و سپاس به حق از آن الله است. او که جان‌ها را آفرید و به نیکی خلقتشان نمود. وی را سپاس می‌گویم که او همواره شایسته‌ی ثنا و شکر است و از روی بندگی گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که

پیامبر ما محمد بنده و پیامرسان اوست. او که والاترین انسان‌ها و شکیباترین و نرم‌خوترین آن‌هاست... درود و سلام خداوند بر او و بر اهل بیت مبارک وی و اصحاب نیکش و تابعین و آنانی باد که تا ابد به نیکی از آنان پیروی نمایند.

اما بعد...

ای بندگان خداوند... بهترین خصلتی که نصیحت‌ها با آن آغاز گردیده و پایان می‌یابد، وصیت به تقوای خداوند است:

﴿... وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ...﴾

[النساء: ۱۳۱].

«... و ما به کسانی که پیش از شما به آنان کتاب داده شده و [نیز] به شما سفارش کردیم که تقوای الله را پیشه سازید...».

ای مسلمانان: اگر چه زندگی در بیشتر عرصه‌ها و انواع داد و ستدها رو به آسانی گراییده است، اما با این وجود بحران‌ها و چالش‌های آن نیز فزونی یافته است... بد اخلاقی در آن انتشار یافته و بیماری خشم و انفعال همه گیر شده و نیکی‌ها و ارزش‌ها در آن بی‌رنگ گردیده است.

همه‌ی این‌ها رخ نداده جز به خاطر ضعف یقین و رویگردانی از شریعت که باعث آشکار شدن هواهای درونی و دردهای اخلاقی گردیده که به از بین رفتن خصلت‌های نیک و ناپدید شدن آن‌ها منجر گردیده است.

چه بسیار این پدیده‌ی ملتهب باعث نعره‌های حیوانی و حوادث ناگوار گردیده است.. اما باید دانست که این پدیده ماشه‌ی نابودی و ویرانگری است، آثار آن بسیار دردناک و عاقبت آن ناگوار است... چرا نه؟! در حالی که این، اخلاقی است احمقانه و راه روشی است نادرست که به تجاوز و دشمنی و از هم گسیختگی روابط و از بین رفتن همکاری و دوستی می‌انجامد... این خصلت، «خشم» است که چونان آتشی شعله ور صاحب خود را به هلاکت می‌کشاند.

برادران و خواهران... بر شما پنهان نیست که فطرت انسانی دارای نسبت ثابتی از خشم و غیرت است که از بین بردن آن سخت است و نمی‌توان آن را نادیده گرفت. چنان که همنشینی با مردم، انسان را در معرض بدی‌های آن‌ها و بد زبانشان قرار می‌دهد که این باعث می‌شود انسان دچار خشم و ناآرامی‌های درونی گردد...

برادران و خواهران ایمانی... به دلیل بزرگ بودن خطر خشم و مردود بودن این خصلت است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - در نصیحت خویش از آن برحذر داشته است. از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که مردی به رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - گفت: مرا نصیحت کن. رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود: «خشمگین مشو» آن مرد باز درخواست خود را بارها تکرار کرد. باز رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود: «خشمگین مشو...» [به روایت بخاری] و در روایت دیگری نزد امام احمد آمده است که آن مرد گفت: هنگامی که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - نصیحتش را گفت به آن فکر کردم و دانستم که خشم، همهی بدی‌ها را در بر می‌گیرد.

ای عزیزان... کسی که در تاریخ گذشته و وضعیت حال حاضر نظر بیاندازد با دیدن آثار خشم، تلخ کام می‌گردد. به سبب خشم نعره‌های دشمنی و جنایت شنیده شده و نیرنگ‌ها و شکایت‌ها فزونی گرفته و خیانت‌ها گسترش یافت. چه چیزی جز خشم فتیله‌ی بحران‌های اجتماعی و اختلافات خانوادگی را شعله‌ور ساخته است؟

چه بسیار پیوندهایی که به سبب این خصلت از هم گسسته و چه بسیار ریسمان‌هایی که بریده شده و روابط مستحکمی که قطع گردیده است. از بزرگ‌ترین مهلکاتی که خشم و غضب با خود به ارمغان آورده است می‌توان قتل و طلاق و انتقام و تکفیر و بمب‌گذاری و ویرانگری را نام برد.

این خصلت، چه بسیار خون‌ها که ریخته و چه بسیار زنانی را که بیوه کرده و چه خانه‌هایی را که ویران نموده است.

از بلاها و دردهای مزمنی که بر اثر خشم پدید می‌آید هیچ می‌پرس. امام علی بن ابی طالب - رضی الله عنه - می‌گوید: «اول خشم دیوانگی است و آخرش پشیمانی و چه بسا که هلاکت انسان در خشمش نهفته باشد».

امام غزالی - رحمه الله - می‌گوید: «خشم به مانند شعله‌ی آتشی است که در قلب به مانند آتش زیر خاکستر پنهان است و تکبری که در قلب ستمگران تندخو موجود است آن را نمایان می‌سازد».

برادران و خواهران ایمانی... عجیب این است که این خصلت تند و ویرانگر هیچ کس را رها نکرده است، نه پیر و نه جوان نه کوچک و نه بزرگ، بلکه همه از جام تلخ آن نوشیده‌اند و چه بسا که خشمشان به علت کوچک‌ترین مسائل و پوچ‌ترین اسباب رخ داده است.

برخی از مردم هستند که در حماقت و عصبانیت پشتازند و اگر مساله‌ای بر آنها گران تمام شود عریبه کشیده و تغییر چهره داده و سرخگون می‌شوند و برخی از آنها هستند که اگر به مراد خویش نرسند خشمگین می‌شوند و منفعل شده و غرش می‌کنند... و چه بسا سخنان ناشایست به زبان رانده و چهره در هم کشیده و رخ عبوس می‌کنند... برخی حتی اگر غذایشان دیر شود بر افروخته و کارهای احمقانه انجام داده و مشت و لگد می‌پراندند و یا تهدید به طلاق کرده و شکیبایی را فراموش کرده و آرامش را از دست می‌دهند.

همه‌ی این کارهای عجیب و غریب علتی ندارد جز خشم کور و عدم تسلیم در برابر تقدیر خداوند و تسلیم شدن در برابر هوای نفس و سستی اخلاق و بی‌ادبی...

ای امت مسلمان: از گنج‌های سنت و سخنان بهترین پیامبران درباره‌ی نیروی حقیقی و جوانمردی واقعی، این سخن پیامبر خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - است که می‌فرماید: «قوی آن نیست که پشت دیگران را به زمین می‌زند بلکه قوی آن است که نفس خود را در هنگام خشم کنترل می‌کند» [به روایت بخاری و مسلم].

به عبدالله بن مبارک گفته شد: اخلاق را برای ما در یک کلمه تعریف کن. گفت: «ترک کردن خشم».

چه سخن جامعی و چه لفظ نوآورانه‌ای! زیرا که بدون این اخلاق مصیبتی بدتر را نمی‌توان تصور کرد و بالاتر از پاداش شکیبایی و حلم نمی‌توان پاداشی زیباتر را تصور نمود و از عمر بن عبدالعزیز - رحمه الله - روایت است که گفت: «رستگار شد آنکه از هوای نفس و خشم و طمع در امان ماند».

ای امت مسلمان: خشم خصلتی است درونی در انسان‌ها که مفری از آن نیست و دلیل آن این سخن خداوند متعال است که می‌فرماید:

﴿... وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ﴾ [الشوری: ۳۷].

«... و آنان هنگامی که خشمگین شوند می‌بخشند».

این‌ها همان انسان‌های کامل نجیب و برگزیده‌ای هستند که نه عیب جویی ناکسان آنان را برانگیخته می‌سازد و نه با سخنان ناشایست از کوره به در می‌روند بلکه خشم خود را فروبرده و هیجان درون را فرو نشانده و با شکیبایی و بردباری خویش با انسان‌های خشمگین برخورد کرده و آن‌ها را به سوی فضیلت و بزرگواری سوق می‌دهند و این همان راه و روش رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - است.

ای مسلمانان. این آفت مهلک گاهی نکوهش می‌شود و گاهی از نظر شرعی ستوده شده است... اگر از حد طبیعی خود خارج شده و از مقاصد شریعت خارج شود و باعث ناراحتی دیگران شود آنگاه چونان آتشفشانی بر سر روابط انسانی فرود خواهد آمد...

اما خشم ستوده شده آن است که پایه‌های حق و دین را محکم کند، که این از صفات سرور پیامبران است که در صورت زیر پا نهاده شدن محارم خداوند خشمگین می‌گردید. از ام المومنین عایشه رضی الله عنها روایت است که گفت: «هیچگاه رسول خدا برای ظلمی که به وی شده بود انتقام نمی‌گرفت مگر آنکه حرامی از حرام‌های خداوندی زیر پا نهاده می‌شد که در آن صورت برای خداوند انتقام می‌گرفت» [به روایت مسلم].

ای امت گذشت و بخشش... چه بسیار پیش می‌آید که انسان در عرصه‌ی زندگی و برخورد با دیگران و عرصه‌ی کار و فعالیت و در جامعه با انسان‌هایی برخورد می‌کند که به برانگیخته نمودن مشکلات و تحریک دیگران و گسترش درگیری‌ها مشغولند... و بسیار پیش می‌آید که این خصلت به مطبوعات و رسانه‌ها و دادگاه‌ها و مراکز پلیس نیز کشیده می‌شود... همچنین آنچه در خانواده‌ها و سایت‌های اینترنتی و تالارهای گفتگو و دیگر عرصه‌های بحث و جدل و در دنیای شایعات و اختلافات و درگیری‌ها رخ می‌دهد. در چنین مواضع ملتهدی لازم است که خشم کنترل شده و به زنجیر کشیده شود تا آنکه خرد حاکم گردیده و باید به شکیبایی متوسل شد تا به درجات والا دست یافت. چه بسیار رخ داده است که آتشفشان خشم برخی را از حالت طبیعی خارج ساخته و باعث گردیده تا سوار مرکب حماقت شده و در پی جنجال رفته تا به شهرت دست یابد.

چنین کسی آرا و افکار عجیب را طرح می‌کند تا استثنایی جلوه دهد و تکروی می‌کند و به هر دری می‌زند تا رای خود را به کرسی نشاند تا مردم را در دینشان به فتنه اندازد. او نه به مقاصد شریعت توجه خواهد کرد و نه به منافع امت و همگرایی جامعه، و با به دیوار زدن اصول گفتگو راه را برای دشمنان شریعت و دشمنان ملت برای ضربه زدن به ثوابت و وحدت کلمه، فراهم می‌نماید.

عجیب است! بین چگونه هوای نفس و خشم سرکش اینان را به دره‌های هلاک کشانده است؟ رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - به أشجّ عبد القیس چنین فرمود: «در تو دو خصلت وجود دارد که خداوند آنان را دوست دارد: شکیبایی و تأنی» [به روایت امام مسلم در صحیح خود از روایت ابن عباس].

گفته شده که نه دهم عقل در چشم پوشی و نادیده گرفتن است. چه بسا که شخص عالم و دعوتگر و امرکننده‌ی به نیکی‌ها و بازدارنده‌ی از بدی‌ها، از سوی خفاشان تاریکی و قلم به داستان نادان دچار آزار و اذیت و طعنه و عیبجویی شود... او در این حال تنها در شکیبایی و بردباری ماوای امن خواهد یافت...

شایسته‌ترین افراد برای در پی گرفتن این اخلاق کسانی هستند که برای مردم قدوه و الگویند مانند علما و دعوت‌گران و امرکنندگان به معروف و ناهیان از منکر... در حدیث صحیح آمده است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «قاضی در حالی که خشمگین است به قضاوت نپردازد» [ابن حبان در صحیح خود].

چه بسیار پیش آمده که انسان غیرتمند سخنانی می‌شنود یا کارهایی را می‌بیند که ممکن است در پی آن دچار خشم شود اما به این نصیحت کامل رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - گوش می‌سپارد که: «خشمگین مشو، خشمگین مشو...» و به دنبال آن با آرامش و امید به آینده چشم از بدی‌ها پوشانده و به گفتار نیک و کردار نیک می‌پردازد...

دوستداران گرامی... با وجود همه‌ی سختی‌ها و زخم‌هایی که امت اسلامی با آن مواجه است و با وجود همه‌ی چالش‌های پیش رو که خوشه‌های خشم صهیونیست‌ها علیه مقدسات امت و مسجد الاقصی تنها یک زنجیره از این سلسله‌ی مکر بزرگ دشمنان است... با وجود همه‌ی این‌ها برای آنکه امت اسلامی آن کمال مورد نظر را به دست آورد و به شکوه گذشته‌اش دست یابد لازم است که افراد این امت درون خود را به شکیبایی و صبر و تانی آراسته گردانده و در دوره‌ای که بدبینی و یاس فراگیر شده است به خوش بینی و امید پناه ببرند تا آنکه خداوند نصرت و تایید خود را مقرر گرداند.

این چنین، انسان مومن همچنان در حرکات و سکنات و سخنان و رفتارش در برابر ترکش‌های خشم مقاومت می‌کند تا آنکه تیردان خشم به پایان رسد و آتش این ترکش‌ها را با آب شکیبایی سرد می‌کند و بر باقیمانده‌ی آن دلوی از آب عفو و بخشش می‌ریزد...

اما بعد... برای آنکه این امت از مشکلات خود و از بدی‌ها رهاشده شده و آکنده‌ی از خوبی‌ها و نیکی‌ها گردد باید - بی‌هیچ تردید - این نصیحت مصطفی - صلی الله علیه وآله وسلم - را در برابر خود قرار دهد که: «خشمگین مشو» و این نصیحت را همیشه در همه‌ی امور شعار و دستور العمل خود بگرداند تا خیر دنیا و آخرت را به دست آورد.

بالاخر از این سخن، سخن خداوند متعال است که می‌فرماید:

﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ ﴿٣٤﴾ وَمَا يُلْقِيهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقِيهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ ﴿٣٥﴾ وَإِنَّمَا يَنزَعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٣٦﴾﴾ [فصلت: ۳۴-۳۶].

«خوبی و بدی یکسان نیست. [بدی] را با آنچه بهتر است دفع کن. آنگاه کسی که میان تو و او دشمنی است گو اینکه دوستی یکدل می‌گردد (۳۴) و این خصلت را به دست نمی‌آورد مگر آنان که صبر پیشه کردند و آن را به دست نمی‌آورد مگر صاحب بهره‌ی بزرگ (۳۵) و هر گاه دمدمه‌ای از شیطان به تو رسید پس به الله پناه ببر که همانا او بسیار شنوا و داناست».

خداوند من و شما را با قرآن بزرگ و با راه و روش سید المرسلین سود رساند... این سخن خویش را گفته و برای خود و شما و همه‌ی مسلمانان از هر گناهی از خداوند بزرگ بلندمرتبه آموزش می‌خواهم. پس از او آموزش بخواهید که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله است که با بزرگی و جلال خویش نعمت‌ها و فضلش را بر ما فروفرستاده... مبارک و خجسته است آن خدایی که با خصلت‌های نیک آرزوهای بزرگ را محقق می‌گرداند و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که شریکی ندارد و گواهی می‌دهم که پیامبر و اسوه‌ی ما محمد، بنده و پیامبر اوست که موصوف به زیباترین خصلت‌ها و بهترین اخلاق است... درود و سلام و برکات خداوند بر او و بر اهل بیت و یارانش باد که با شکیبایی و بردباری به مقامی دست نیافتنی رسیدند و بر تابعین و آنانی که به نیکی تا قیامت از آنان پیروی نمایند.

اما بعد...

ای بندگان خداوند... تقوای او را پیشه سازید و صبح و شام برای تزکیه‌ی درون خویش تلاش کنید و آن را بر چشمه‌ی حلم و شکیبایی و کمال سیراب گردانید تا به عظمت و مقصد بزرگ خویش دست یابید.

ای مومنان... در راه از بردن خشم و آثار آن و برای از بین بردن آتش آن، رسول ما - صلی الله علیه و آله وسلم - ما را به بهترین و کاربردی‌ترین دوی این درد راهنمایی نموده و فرموده است: «هنگامی که کسی از شما خشمگین شد اگر ایستاده است بنشیند... و اگر خشم او بر طرف نشد دراز بکشد» [به روایت امام احمد و ابوداؤد با سند صحیح].

یا اینکه خشم خویش را آنگونه که رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - می‌فرماید با وضو خاموش سازد زیرا که خشم اخگری از آتش است که آب آن را خاموش می‌کند...

همچنین در حالت خشم شایسته است که انسان بسیار به خداوند پناه ببرد آنچنان که در حدیث سلیمان بن سرد آمده که می‌گوید: «دو نفر نزد رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - به همدیگر بد گفتند. پس یکی از آنان بسیار خشمگین شد و چهره‌اش سرخ شده و بر افروخته گردید. پس رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - فرمود: من کلمه‌ای می‌دانم که اگر آن را می‌گفت حالتی که برایش پیش آمده بود از بین می‌رفت. گفتند: آن [کلمه] چیست ای رسول خدا؟ فرمود: أعوذ بالله من الشيطان الرجيم. پس آن مرد آن کلمه را گفت و حالت خشمش برطرف گردید» [به روایت امام بخاری].

ای دوستان بزرگوار... برای در امان ماندن از آفت خشم و برای دست یافتن به اخلاق بلندمرتبه رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - این دعا را بر زبان می‌راند که: «خداوندا من از تو کلمه‌ی حق را در خشم و در خشنودی مسالت دارم».

حافظ ابن رجب - رحمه الله - می‌گوید: «و این بسیار نادر است... این که انسان تنها حق را بگوید چه در حالت خشم و چه در حالت خشنودی... زیرا بیشتر مردم در هنگام خشم در آنچه می‌گویند دقت نمی‌کنند».

برادر و خواهر مسلمان من... ملاک نجات از خشم و آثار آن، پناه بردن به بردباری و فرو بردن خشم و به یاد آوردن اجر بخشش و گذشت است... خداوند متعال می‌فرماید:

﴿... وَالْكٰظِمِيْنَ الْغَيْظِ وَالْعَافِيْنَ عَنِ النَّاسِ وَاللّٰهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِيْنَ﴾ (۱۳۴)

[آل عمران: ۱۳۴].

«... و کسانی که خشم خود را فرو می‌خورند و آنان که از مردم در می‌گذرند و همانا الله نیکوکاران را دوست دارد».

و همچنین این سخن رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - که فرمود: «هرکه خشم خود را در حالی که توانایی انتقام را دارد فرو نشاند خداوند متعال او را در روز قیامت و در برابر بندگان فرا می‌خواند که هر کدام از حوران بهشتی را که می‌خواهد برای خود انتخاب نماید» [به روایت بخاری].

الله اکبر! چه عطای بزرگی... اینان بردباران و شکیبایانند که بزرگ داشته می‌شوند، کسانی که در برابر بدی و تهور دیگران با گذشت و بخشش و بلند مرتبگی و والامقامی برخورد می‌کنند...

پس تقوای الله را پیشه سازید و به اخلاق نیک خو گیرید و این خصلت نکوهیده یعنی خشم را ترک گوید تا در دنیا و در آخرت سعادت‌مند شوید.

سپس درود و سلام فرستید برای آن محبوب مصطفی و پیامبر برگزیده، امام حنیفان، بهترین و برگوارترین انسانی که بندگان را مورد عفو و بخشش قرار می‌داد، چنان که خداوند شما را بدان امر نموده و فرموده است:

﴿اِنَّ اللّٰهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّوْنَ عَلٰى النَّبِيِّؐ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا صَلُّوْا عَلَیْهِ وَسَلِّمُوْا تَسْلِيْمًا﴾

﴿۵۶﴾ [الأحزاب: ۵۶].

خداوندا بر سرور پیشینیان و پسینیان و رحمت بر جهانیان، پیامبر و حبیب ما محمد بن عبدالله درود و سلام فرست و از خلفای راشدین، ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه و تابعین و از آنانی که با نیکی تا قیامت از آنانی پیروی نمایند و همچنین از ما راضی و خنشود باش ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، و شرک و مشرکان را خوار گردان و دشمنان دین را نابود ساز و حوزه‌ی دین را حفظ نما و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امن و امان و رفاه بدار.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان و والیان امر ما را صالح گردان...

خداوندا همه‌ی مسئولان مسلمان را برای عمل به شریعتت و پیروی از سنت پیامبرت - صلی الله علیه وآله وسلم - موفق گردان و آنان را رحمتی بر بندگان مومنت بگردان. خداوندا نفوس ما را متقی گردان و آن را پاک ساز که تو بهترین پاک کننده‌ی آنی. خداوندا عاقبت ما را در همه‌ی امور به خیر گردان و ما را از خواری دنیا و عذاب آخرت نجات ده.

خداوندا مسلمانان را مورد مغفرت قرار ده و میان قلوب آنان الفت ایجاد کن و آنان را به راه‌های صلح و آرامش رهنمون ساز و روابط میان آنان را اصلاح کن و آنان را از فاحشه‌های پنهان و آشکار در امان بدار.

خداوندا بیماران ما را شفا ده و مردگان ما را بیامرزد.

خداوندا مسجد الاقصی را نجات ده، خداوندا مسجد الاقصی را نجات ده، خداوندا مسجد الاقصی را از دست صهیونیست‌های متجاوز نجات ده و آن را تا روز قیامت سرفراز بدار.

خداوندا تویی آن الله که معبودی به حق جز تو نیست... تو بی‌نیازی و ما نیازمند... باران را بر ما نازل کن و ما را از نومیدان مگردان... خداوندا باران را بر ما بباران و ما را از مایوسان قرار مده... خداوندا ما از تو آمرزش می‌خواهیم که تو بسیار آمرزنده‌ای پس آسمان را بر ما بباران... خداوندا ما را باران عطا کن... بارانی گوارا و خوش و پی در پی و فراگیر و سودرسان و بی‌ضرر و زود... خدایا آن را باران رحمت بگردان و نه باران عذاب و بلا و ویرانی و سیل...

خداوندا از ما بپذیر که تو شنوا و دانایی و از ما توبه پذیر که تو بسیار توبه پذیر و مهربانی و ما و والدین ما و همه‌ی مسلمانان را - زندگان و مردگان - با رحمت خویش مورد آموزش خویش قرار ده.

پاک و منزه است پروردگار تو آن پروردگار عزت و بزرگی از آنچه مشرکان وصفش می‌کنند و سلام بر پیامبران و الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

پیامدهای ناگوار اذیت و آزار مسلمان

خطیب: دکتر صالح آل طالب

مسجد الحرام: جمعه ۱۶ جمادی اول ۱۴۳۱ برابر با ۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است. او را حمد گفته و از او یاری جسته و آموزش می‌خواهیم. و از بدی‌های خود و کارهای ناشایست خویش به او پناه می‌بریم. هرکه را الله هدایت کند او گمراهگری نخواهد داشت و هرکه را گمراه سازد وی هدایتگری نخواهد یافت. و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبرسان اوست. درود و سلام و برکات خداوند بر او و بر اهل بیت و یاران وی و بر تابعین و کسانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند.

اما بعد. تقوای خداوند را آنگونه که شایسته است در پیش گیرید و به ریسمان محکم اسلام چنگ زنید و بدانید که فردا در برابر خداوند برای حساب خواهید ایستاد و در مقابل کارهای خود پاداش داده خواهید شد و برای آنچه انجام داده‌اید مورد محاسبه قرار خواهید گرفت، و پایان راه یا به سوی بهشت است و یا به سوی آتش.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ

بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٨﴾ [الحشر: ١٨].

«ای مؤمنان! از الله بترسید و هر کسی باید بنگرد که چه چیزی را برای فردا (ی قیامت خود) پیشاپیش فرستاده است. و از الله بترسید، همانا الله از هر آن چیزی که می‌کنید آگاه است».

بندگان خداوند... بنده‌ی مسلمان نزد خداوند دارای حرمت و احترام است و رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - فرموده است: «زوال دنیا نزد خداوند از ریخته شدن خون مسلمان آسانتر است» [حدیث صحیح به روایت ترمذی و نسائی و ابن ماجه و بیهقی].

شریعت اسلام نیز در بردارنده‌ی آداب و توصیه‌ها و احکام و حدودی است که حرمت مسلمان را پاس داشته و مومن را از تجاوز و بی‌حرمتی و آزار حفظ نموده است حتی اگر این آزار متوجه احساسات وی باشد.

اسلام مبدأ برادری را برای این قرار داده است که مستوجب نیکی و احسان است و آزار رسانی و اذیت را در هر صورتی که باشد نفی می‌نماید. خداوند عزوجل می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ...﴾ [الحجرات: ۱۰].

«همانا مؤمنان برادر یکدیگرند...».

و پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - می‌فرماید: «به یکدیگر حسد مورزید و یکدیگر را فریب ندهید و کینه‌ی هم را به دل نگیرید و برخی از شما بر معامله‌ی برخی دیگر معامله نکنند و بندگان خداوند و برادران هم باشید. مسلمان، برادر مسلمان است؛ نه به او ستم می‌کند و نه او را تحقیر می‌کند و نه دست از یاری او می‌کشد. تقوا اینجاست - و سه بار با دستش به سینه‌اش اشاره کرد - برای شخص همین مقدار شر و بدی کافی است که برادر مسلمانش را تحقیر کند... همه‌ی مسلمان بر مسلمان حرام است؛ خونش و مالش و آبرویش» [به روایت امام مسلم].

و باز رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - فرمود: «کسی از شما ایمان نمی‌آورد تا آنکه برای برادرش همان چیزی را دوست داشته باشد که برای خودش دوست می‌دارد» [متفق علیه].

بلکه می‌توان گفت حجة الوداع اعلانی بود برای حقوق مسلمان و اعلامی بود برای مبدأ کرامت آن و بزرگداشت حرمت و قدر وی نزد الله و تحریم آزار او در این میثاق تاریخی که در آن جمع عظیم بیان گردید.

ای مسلمانان: زیر پا گذاشتن این حرمت که توسط خداوند پاس داشته شده است و تجاوز به مسلمانان با آزار و اذیت آنان از بزرگ‌ترین گناهان است و خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا

﴿۵۸﴾ [الأحزاب: ۵۸].

«کسانی که مردان و زنان مؤمن را - بدون این که کاری کرده باشند و گناهی داشته باشند - آزار می‌رسانند، مرتکب دروغی زشت و گناه آشکاری شده‌اند».

این گناه هنگامی بزرگ‌تر می‌شود که اذیت و آزار علیه صالحان و خوبان مومن باشد. در حدیث قدسی آمده است که خداوند عزو جل فرمود: «هر که دوستی از دوستان من را آزار دهد یقیناً با او اعلام جنگ کرده‌ام» [به روایت امام بخاری].

آن کدام انسان بدبختی است که به جنگ با خداوند برخواسته است در حالی که خداوند متعال فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ يُدْفِعُ عَنِ الَّذِينَ ءَامَنُوا...﴾ [الحج: ۳۸].

«همان الله از کسانی که ایمان آورده‌اند دفاع می‌کند».

و به هر اندازه که ایمان فرد بیشتر باشد به همان اندازه نیز دفاع خداوند از او بیشتر خواهد بود و اگر بنده در ایمانش به درجه‌ی دوستی خداوند برسد آنگاه است که خداوند با دشمنان او اعلام جنگ خواهد کرد.

چه بسا که مومن ضعیف و ناشناس دوستی از دوستان خداوند باشد و تو آن را ندانی، پس از اذیت کسی که خداوند دفاع از او را بر عهده گرفته بترس.

ابن کثیر - رحمه الله - می‌گوید: «این سخن خداوند متعال که می‌فرماید: «کسانی که مردان و زنان مؤمن را - بدون این که کاری کرده باشند آزار می‌رسانند» یعنی اینکه

مومنان را به آنچه انجام نداده‌اند و از آن بری هستند متهم می‌سازند «مرتکب دروغی زشت و گناه آشکاری شده‌اند» و این همان بهتان آشکار است که از مردان و زنان مومن بابت کاری که نکرده‌اند عیبجویی شود» [پایان سخن امام ابن کثیر].

ای بندگان خداوند. شریعت اسلام به جایی رسیده است که حتی آنچه را باعث جریحه دار شدن احساس مسلمان می‌گردد را نیز حرام کرده است. رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - می‌فرماید: «اگر سه نفر بودید هیچگاه دو نفرتان در میان هم با یکدیگر در گوشی سخن نگویند که این کار باعث ناراحتی [شخص سوم] می‌گردد» [به روایت ترمذی و آن را صحیح دانسته است].

و بلکه شریعت، جزای کسی را که خاری را از جلو راه مسلمانان بردارد بهشت قرار داده است.

رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - می‌فرماید: «مردی از کنار شاخه‌ی درختی که در راه افتاده بود گذشت؛ پس با خود گفت: به خدا قسم که آن را از راه مسلمانان برخوادم داشت تا به آنان آزار نرساند؛ پس [به واسطه‌ی این کار] وارد بهشت گردید» [به روایت مسلم].

بین اجر و پاداش کسی که آزار و اذیت را از راه مسلمانان بر می‌دارد تا چه اندازه است؟ هر چند که آن کار کوچک باشد و هر چند که خود او آن را به وجود نیاورده باشد.

تنها همین برداشتن و از بین بردن اذیت و آزار، خود، کاری معروف و نیک است که انسان مسلمان به واسطه‌ی آن اجر و پاداش به دست خواهد آورد... رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - می‌فرماید: «شر خود را از مردم باز می‌داری که این صدقه‌ای است از خودت برای خودت» [به روایت امام مسلم].

و هنگامی که از رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - درباره‌ی این پرسش شد که کدام یک از مسلمانان بهترند، فرمود: «آنکه دیگر مسلمانان از زبان و دستش در امان

باشند» [متفق علیه] و در روایتی دیگر آمده است که فرمودند: «مسلمان آن است که دیگر مسلمانان از زبان و دستش در امان باشند».

ابن حجر - رحمه الله - می‌گوید: «شایسته است تنها کسی که مسلمانان از زبان و دستش در امانند، مسلمان دانسته شود و منظور از مسلمان [در این حدیث] مسلمان کامل است، پس هرکه مسلمانان از زبان و دستش در امان نباشند کمال اسلام که واجب است از وی نفی می‌شود زیرا در امان ماندن دیگر مسلمانان از زبان و دست انسان واجب است و آزار رساندن به مسلمان با زبان و دست حرام است» [پایان سخن حافظ ابن حجر].

از ابوسعید خدری - رضی الله عنه - از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت است که فرمود: «از نشستن در راه‌ها بر حذر باشید» گفتند: ای رسول خداوند... ما ناچار به نشستن در مجالسم هستیم که در آن با یکدیگر سخن می‌گوییم. پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود: «اگر راهی نداشتید جز آنکه در این مجالس بنشینید پس حق راه را ادا کنید». گفتند: حق راه چیست ای رسول خداوند؟ فرمود: «فرو هشتن چشمان و خودداری از آزار و اذیت دیگران و جواب دادن به سلام و امر به معروف و نهی از منکر» [متفق علیه].

از نمونه‌های آزار و اذیت می‌توان این موارد را نام برد: تنگ کردن راه بر دیگر مسلمانان در راه‌ها و اماکن عمومی و ریختن آشغال و زباله بدون احترام گذاشتن به حقوق دیگران... رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «از دو کار موجب لعنت پرهیز کنید» گفتند: دو کار موجب لعنت چیست ای رسول خداوند؟ فرمود: «آن که در راه مردم یا در سایه‌ای که از آن استفاده می‌کنند قضای حاجت می‌کند» [به روایت امام مسلم] و در حدیثی که ابوداؤد روایت کرده آمده است که رسول خداوند - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «از دو لعنت‌کننده پرهیزید».

همچنین رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - ما را چنین ارشاد فرموده‌اند که برداشتن آزار و اذیت از راه مردم صدقه است و این کار از شعبه‌های ایمان است، چنانکه طبرانی و دیگران با سند صحیح روایت نموده‌اند که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم -

وسلم - فرمودند: «هرکه مسلمانان را در راه عبورشان مورد آزار قرار دهد مستوجب لعنت آنان گردیده است» همچنین رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «نه آزار رساندن [جایز است] و نه مقابله به مثل کردن در برابر آزار دیگران» [به روایت امام احمد و ابن ماجه].

حتی برای کسی که قصد خیر دارد جایز نیست که به بهانه‌ی آن به دیگر مسلمانان آزار برساند. روایت شده که مردی در روز جمعه در حالی که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - خطبه می‌خواند از روی سر و گردن مردم رد می‌شد پس رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - به او فرمود: «بنشین که آزار رساندی» [به روایت ابوداود و ابن خزیمه و ابن حبان].

از جابر بن عبدالله - رضی الله عنه - از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت است که فرمودند: «هرکه پیاز و سیر و تره خورد به مسجد ما نزدیک نشود زیرا ملائکه از آنچه انسان‌ها از آن بدشان می‌آید آزار می‌بینند» [به روایت امام مسلم]. این حدیث دال بر ممنوع بودن اذیت مومنان است حتی اگر عمدی نباشد و حتی اگر برای هدفی شرعی باشد چه برسد به آزار رساندن عمدی که برای موافقت با شهوت و هوای نفس باشد.

ای مسلمانان: آزار رساندن انواع مختلف و بی‌شماری دارد که لازم است فرد مسلمان خود را از همه‌ی آن‌ها دور بدارد، مخصوصاً انواعی که در مورد آن نص وارد شده است... چنانکه در مورد غیبت و سخن چینی و آزار رساندن به همسایه‌ها و خدمتکاران و ضعیفان آیات و احادیث فراوانی وارد شده است.

رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «هرکه به کارگری ظلم روا دارد یا او را مورد اهانت قرار دهد یا او را به بیش از توانش مکلف سازد یا از او بدون رضایتش چیزی بردارد، در روز قیامت با من طرف است» [به روایت ابوداود با سند صحیح].

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که به رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - گفته شد: فلان زن نماز می‌خواند و روزه می‌گیرد و [در این حال] همسایگانش را با زبان می‌آزارد. پس رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «خیری در او نیست... او در آتش است» و رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «هرکه به الله و روز قیامت ایمان دارد همسایه‌اش را نیازارد» [متفق علیه].

دشنام و بدگویی و غیبت و سخن‌چینی و طعنه وارد کردن در ناموس دیگران از جمله‌ی انواع آزار رسانی به دیگران است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُم بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ﴾ [النور: ۱۵].

«در آن زمانی که به استقبال این شایعه می‌رفتید و آن را از زبان یکدیگر می‌قایید، و با دهان چیزی پخش می‌کردید که علم و اطلاعی از آن نداشتید، و گمان می‌بردید این، مسأله ساده و کوچکی است، در حالی که در پیش الله بزرگ بوده.»

از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت است که گفت: روزی رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - به منبر بالا رفت و با صدای بلند فرمود: «ای گروه کسانی که با زبان خود اسلام آورده‌اید اما ایمان به قلبتان نرسیده است... مسلمانان را با زبان آزار نرسانید و از آنان عیبجویی نکنید و در پی پوشیده‌های آنان نباشید؛ که هرکه در پی پوشیده‌های برادر و خواهر مسلمانش باشد خداوند نیز در پی پوشیده‌های او خواهد بود و هرکه خداوند در پی پوشیده‌های او باشد او را رسوا خواهد کرد حتی اگر در درون خانه‌اش باشد...». راوی می‌گوید: روزی ابن عمر به کعبه نگاه انداخت و گفت: «چه بزرگی تو و چه بزرگ است حرمتت، و مومن نزد خداوند حرمتش از تو بزرگ‌تر است» [به روایت ترمذی با سند صحیح].

بلکه در صحیح مسلم در حدیثی از عامر بن عمرو - رضی الله عنه - روایت شده است که: هرکه مسلمانی را خشمگین سازد، پروردگارش را خشمگین ساخته و او در خطر عقوبت و انتقام خداوند است حتی اگر از بزرگان مردم باشد.

ای مسلمانان: از آزار رساندن به مومنان و بدی در حق همه‌ی مردم برحذر باشید مگر آنکه برای ستاندن حق واضح و آشکاری باشد که برای آن دلیل آشکار و بدون هیچ معارضی از قرآن و سنت و سخنان سلف صالح این امت داشته باشید. تا آنکه بتوانید در برابر خداوند دلیل قاطعی داشته باشید...

آزار رساندن به مومن ظلم است و میان خداوند و دعای مظلوم حجابی وجود ندارد اما صبر کردن بر ستم بندگان بهتر از دعا کردن علیه آنان است:

﴿... وَلَئِن صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِّلصَّابِرِينَ﴾ [النحل: ۱۲۶].

«... و اگر صبر پیشه سازید بدون شک آن برای صابران بهتر است.»

برخی از آزار و اذیت‌هاست که نه با نماز و نه با صدقه و روزه بخشیده نمی‌شود بلکه ظالم بخشیده نمی‌شود تا آنکه مظلوم از او در گذرد و هیئات که مظلوم در روزی که نامه‌های اعمال به پرواز در خواهد آمد و همه به نیکی‌ها محتاجند از ظالم درگذرد!

رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - به صحابه فرمود: «می‌دانید مفلس و بی‌چیز کیست؟» گفتند در میان ما بی‌چیز کسی است که درهم و دینار و مال و متاع ندارد. پس پیامبر فرمود: «بلکه مفلس آن است که روز قیامت با نماز و روزه و زکات می‌آید... اما در حالی می‌آید که این را بد گفته است و به آن تهمت زده است و مال این را خورده است و خون آن را ریخته و این را زده است... پس به این و آن از خوبی‌هایش داده می‌شود تا آنکه پیش از پایان یافتن حقوق دیگران خوبی‌هایش به پایان می‌رسد و آن‌گاه از بدی‌های آنان برداشته شده و به او داده می‌شود و سپس در آتش انداخته می‌شود» [به روایت امام مسلم].

همچنین اذیت و آزار هر چه حرمت شخص مورد آزار قرار گرفته یا حرمت زمان یا مکانی که در آن واقع شده است بیشتر باشد، گناه بزرگ‌تری خواهد داشت. اگر به مسخره گرفتن مردم نوعی اذیت و آزار و بلا است، به مسخره گرفتن صالحان و عابدان گناه و خطرش بزرگ‌تر است. اینگونه مسخره کردن و طعنه زدن و عیبجویی در واقع اولین اسلحه‌ای است که علیه پیامبران و انبیا به کار گرفته شده است.

گرچه هیچ دورانی و هیچ سرزمینی از این گناه در امان نبوده است اما وقتی تاسف و اندوه، عمیق می‌شود که این پدیده به صورت علنی و آشکار و بدون آن که مورد انکار قرار گیرد همه گیر می‌شود. زیرا مسخره کردن اهل علم و دین و مورد اهانت قرار دادن آنان قضیه‌ای است که در سرزمین‌های اسلامی رخ نداده بود به جز در این اواخر. و دین تا وقتی که حاملان آن مورد احترام باشند محترم باقی خواهد ماند و اگر کسانی که از نظر دین و علم پایین‌ترند بر اهل دین مسلط شوند آن‌گاه است که بر امت مسلمان خطر نقص و فتنه خواهد رفت.

ای مسلمانان... ستم و ظلمی که از سوی خویشاوندان باشد سخت‌تر و تلخ‌تر است و رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - در خطبه‌ی حجة الوداع در مورد زنان و نیکی به آنان سفارش نمود کما اینکه در حال مرگ نیز در مورد آنان سفارش نمود.

پس وای بر آن کسی که وصیت رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - را به فراموشی سپارد و در حق زنان ستم روا دارد و وای بر زنی که همسرش را اذیت کند و مورد لعنت ملائکه قرار گیرد... آزار رساندن زن و شوهر به یکدیگر از زشت‌ترین انواع آزار رسانی است چنانکه مسلط شدن روسا بر زیر دستانشان و آزار رساندن به آنان و زیر پا گذاشتن حقوق کارگران و به تاخیر انداختن منفعت مردم در هر مجالی که باشد در این وعید شدید خداوند متعال داخل است که می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا

﴿۵۸﴾ [الأحزاب: ۵۸].

«کسانی که مردان و زنان مؤمن را - بدون این که کاری کرده باشند و گناهی داشته باشند - آزار می‌رسانند، مرتکب دروغی زشت و گناه آشکاری شده‌اند.»

خداوند بزرگ من و شما را با قرآن و سنت و آیات و حکمت موجود در آن سود رساند... این سخن خویش را گفته و برای خود و شما از الله متعال آمرزش می‌خواهم.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله پروردگار جهانیان است، او که رحمن و رحیم است و مالک روز جزا است. و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است و اوست آن پادشاه بر حق و آشکار و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر اوست. درود و سلام و برکات خداوند بر او و بر اهل بیت و یارانش و تابعین و آنانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند.

اما بعد... ای مسلمانان: حال که آزار رساندن به مسلمانان براساس مثال‌هایی که زدیم یکی از گناهان کبیره و از محرمات می‌باشد، در مورد آزاری که به میلیون‌ها مسلمان می‌رسد و مجموعه‌ی امت را در برمی‌گیرد چه می‌توان گفت؟

زیرا آزار و اذیت هر چه دایره‌ی آن وسیع‌تر گردد گناه مرتکب آن نیز به همان ترتیب بزرگ‌تر خواهد شد. اگر قضای حاجت و ریختن نجاست در راه مردم و در سایه‌ی ای مورد استفاده‌ی آنان که تنها به آزار رساندن تعداد محدودی از آنان منتهی می‌شود، انسان را مستحق لعنت می‌کند، چه خواهد بود حال آنانی که مومنان را در دین و عقیده‌شان آزار رسانده و هزاران مومن را مورد اذیت قرار می‌دهند؟!

چنین کسانی در واقع به اذیت و آزار خدا و رسولش دست زده‌اند چنانکه خداوند متعال در حدیث صحیح قدسی می‌فرماید: «فرزند آدم مرا آزار می‌دهد» و چنانکه در قرآن کریم آمده است که خداوند متعال می‌فرماید: «آنان که الله و رسولش را مورد آزار قرار می‌دهند، الله آنان را در دنیا و آخرت مورد نفرین قرار داده و برایشان عذابی خوار کننده مهیا ساخته است» [الأحزاب: ۵۷].

چنانکه از دیگر مظاهر آزار مسلمانان می‌توان خلط میان حقایق و پوشش نهادن بر واقعیت‌ها و مسموم نمودن فرهنگ و آگاهی مردم را نام برد. همین را می‌توان در مجال ارزش‌ها و اخلاق و سلوک نیز ذکر کرد...

چه بسیار پیش می‌آید که مردم با دیدن و یا خواندن صحنه‌ها و مطالبی که با فرهنگ مردم و ارزش‌ها و فطرت آنان در تضاد است مورد آزار قرار می‌گیرند و این جدای از اصول شریعت و مبادی آن است که با اینگونه محتوای رسانه‌ای در تضاد می‌باشد. آیا

همه‌ی این‌ها آزار رساندن به مسلمانان و به چالش کشاندن دین و احساسات آن‌ها به حساب نمی‌آید؟ تا جایی که هر که بخواهد خود و خانواده‌اش را از افتادن در انحراف حفظ کند با سختی‌های فراوانی مواجه خواهد شد.

بندگان خداوند: نوعی دیگر از انواع اذیت و آزار سوء استفاده از احتیاج مردم و فقر آنان و به کار بردن مکارانه‌ی ربا است. ربایی که با سایه‌ی سیاه خود بر سرزمین مسلمانان سایه افکنده است تا آنکه به خانه‌ی همه وارد شده است، حتی کسانی که نمی‌خواهند به آن آلوده شوند نیز به غبار آن آلوده گشته‌اند و این ربا از بانک‌ها شروع شد و به خرید و فروش قسطی رسید تا آنکه در پی آن قرض‌ها زیاد شد و در این میان سودی عاید وام گیرنده نشد و برکت مال‌ها نیز از بین رفت.

لازم است که دارندگان ثروت و سرمایه و اهل اقتصاد در آنچه در دست دارند تقوای خداوند را در نظر بگیرند که به خداوند سوگند در فردای قیامت مورد سوال قرار خواهند گرفت...

تجارت باب روزی کریمانه است... اما این به آن معنا نیست که همه‌ی فشار بر گرده‌ی ضعیف باشد و تا آخرین قطره‌ی خونس مکیده شود... پس همیشه این سخن خداوند را به یاد داشته باشیم که می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَنًا وَإِثْمًا مُّبِينًا

﴿۵۸﴾ [الأحزاب: ۵۸].

«کسانی که مردان و زنان مؤمن را - بدون این که کاری کرده باشند و گناهی داشته باشند - آزار می‌رسانند، مرتکب دروغی زشت و گناه آشکاری شده‌اند».

و درود و سلام فرستید بر بهترین انسان‌ها و پاک‌ترین بشریت، محمد بن عبدالله هاشمی قریشی... خداوندا درود و سلام و برکت فرست بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت پاک و صحابه‌ی بزرگوارش و راضی و خشنود باش از امامان هدایتگر و خلفای راشد - ابوبکر و عمر و عثمان و علی - و از دیگر صحابه‌ی پیامبرت و از کسانی که بر راه و روش آنان عمل نمایند ای پروردگار جهانیان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار بگردان و دشمنان دین را نابود ساز و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امن و امان بدار. خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن بدار و امامان و مسئولان ما را اصلاح گردان. خداوندا گرانی و وبا و ربا و زنا و زلزله و سختی‌ها و بلاها و فتنه‌های بد ظاهر و آشکار را از ما دور گردان.

خداوندا اوضاع مسلمانان را در هر مکان اصلاح نما. خداوندا آن‌ها را بر حق و هدایت متحد گردان و جانشان را حفظ نما و آنان را در سرزمین‌شان ایمن گردان و زندگی آنان را آسان گردان و اوضاعشان را اصلاح نما و دشمنشان را سرکوب گردان. خداوندا مستضعفان مسلمان را در هر جایی یاری ده. خداوندا آنان را در فلسطین یاری ده. خداوندا مرزداران مسلمان را در اطراف بیت المقدس یاری ده. خداوندا آنان را بر حق متحد گردان ای پروردگار جهانیان.

خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومنت را یاری ده. خداوندا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بدار. خداوندا گناهان ما را بیامرز و عیب‌های ما را بپوشان و کارهای ما را آسان گردان و ما را به آرزوهای مورد خشنودی خودت برسان. خداوندا غم و غصه‌ی غصه‌داران مسلمان را از بین ببر و سختی سختی دیدگان را زایل نما و اسیران در بند را آزا ساز و وام داران را ادا نما و با رحمت خویش بیماران ما و بیماران مسلمان را شفا ده. پروردگارا از ما بپذیر که تو شنوا و دانایی و از ما توبه پذیر که تو بسیار توبه پذیر و مهربانی. پاک و منزّه است پروردگار تو آن پروردگار عزت و بزرگی از آنچه مشرکان به دروغ وی را وصف می‌کنند و سلام بر پیامبران و الحمدلله رب العالمین.

عنوان خطبه:

خطر غم و اندوه

خطیب: دکتر سعود الشریم

مسجد الحرام: جمعه ۲۳ جمادی اول برابر با ۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

حمد و سپاس از آن الله است. او را حمد گفته و از او یاری جسته و آمرزش می‌خواهیم و به سوی او توبه می‌کنیم و از بدی‌های خویش و اعمال ناشایستمان به او پناه می‌بریم... الله هر که را هدایت کند او گمراه کننده‌ای نخواهد داشت و هر که را گمراه سازد او هدایتگری نخواهد یافت. و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد بنده و پیامبر اوست...

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿۱۳۲﴾﴾

[آل عمران: ۱۰۲].

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا ﴿۱﴾﴾ [النساء: ۱].

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿۷۰﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿۷۱﴾﴾ [الأحزاب: ۷۰-۷۱].

اما بعد... ای مردم: روزهای زندگی انسان به مانند طنابی کشیده شده است که وی نمی‌داند چه هنگام قطع خواهد شد و دو سوی این طناب، گذشته و آینده است و وسط آن، زمان حال قرار دارد. چه بسا ممکن است اسنان به گذشته‌اش نگاه کند و بر آن حسرت خورد و دچار غم و اندوه شده و به سستی و ناتوانی روی آورد، و یا شاید به آینده نظر بیندازد و پیش از رسیدن آن آرزوی دانستن آن را داشته باشد اما واقعیت آن است که وی جز زمان حال را که در آن زندگی می‌کند چیز دیگری ندارد؛ زیرا گذشته‌ای که رفته است نه لذت آن را احساس خواهد کرد و نه سختی‌های آن را، و آینده نیز غیبی است که رخ نداده است و در این صورت، انسان چیزی ندارد جز همین ساعتی که در آن

زندگی می‌کند و نه خواهد توانست که گذشته را بر گرداند و نه رسیدن آینده را سرعت بخشد.

انسان تا هنگامی که روح در بدن دارد براساس تقدیری که نوشته شده است زندگی می‌کند... آن زندگی که خالی از مصیبت‌ها نیست و کم اتفاق می‌افتد که خالی از حوادث عجیب و غریب باشد. همچنانکه همیشه نسیم خوش آرامش در زندگی انسان نمی‌وزد، زیرا تلخ‌کننده‌ها بسیارند و بر هم زنده‌های آرامش نیز کم نیستند و نمی‌توان برای همیشه با آن انس گرفت. همه‌ی این خطرها و حوادث باعث به وجود آمدن احساسی ناخوشایند و نگران‌کننده در قلب انسان‌ها می‌شود... احساسی که مردان و زنان را نگران و ترسان می‌کند. این احساس چیزی نیست جز غم و اندوه.

غم و اندوه آن احساسی است که بر انسان مستولی شده و باعث به وجود آمدن نگرانی و ناآرامی و ناامیدی در درون وی می‌شود تا آنکه جایی برای انس و آرامش و خوش بینی در درون وی باقی نماند. وی پس از آن نه خواب راحتی خواهد داشت و نه از غذا و نوشیدنی لذت خواهد برد. این احساس غم و نگرانی است که با بودن آن، انسان احساس می‌کند روز به شب نخواهد رسید و در پی شب روزی نخواهد بود. این احساس است که دقیقه‌ها را به سان ساعت‌هایی طولانی می‌گرداند و چه طولانی است شب برای آنکه خواب به چشمانش نمی‌آید!

اندوه، تن نحیف را نحیف‌تر کرده و گرد پیری را بر پیشانی جوان قرار می‌دهد... اندوه، ذهن و هوش و هواس انسان را مشوش گردانده و فکر او را پراکنده می‌کند... دنیا را برای انسان تنگ می‌کند حتی اگر در قصری بزرگ زندگی کند... سینه‌اش را چنان تنگ می‌کند که گویی به آسمان صعود می‌کند و او را به بیماری یا هلاکت می‌کشاند...

کدام یک از ما زندگی بدون اندوه را تجربه کرده است یا گرد و غبار اندوه به او نرسیده است مگر آن که خدا بخواهد؛ صاحب منصب در ترس از دست دادن آن است و برای آن هر لحظه را در اندوه می‌گذارند، و پدر و مادر نیز برای حال و آینده‌ی

فرزندانشان اندوه فراوانی دارند... گاه برای لباس این فرزند غم می‌خورند و گاه برای ازدواج آن و یا برای پیداکردن کار برای فرزند دیگر و تربیت آن یکی.

کسی که گمان می‌کند غم و اندوه تنها مخصوص بیچارگان و مستمندان است سخت در اشتباه است زیرا ما بسیاری از بزرگان و ثروتمندان را می‌بینیم که دچار اندوه و اضطراب هستند هم چنانکه بسیاری از فقرا و بی‌چیزها را مشاهده می‌کنیم که در رضایت و آرامش به سر می‌برند...

اگر برخی از فقرا برای خالی بودن شکم بر اثر فقر دچار اندوه می‌شوند از سوی دیگر ثروتمندانی را می‌بینیم که در اثر رفاه بیش از حد از زور پرخوری دچار درد و اندوه می‌شوند... همه‌ی این‌ها در مورد کودک و جوان و مرد و زن و سالم و بیمار و ثروتمند و فقیر صدق می‌کند.

در واقع بسیاری از مردم از ناخوشی‌ها و ناآرامی‌هایی که با آن روبرو می‌شوند و همچنین سیاهی‌هایی که آن‌ها را غافلگیر می‌سازد به تنگ می‌آیند... با اینکه سختی‌ها و دردها، خاکی است حاصل خیز که دانه‌های نیرو و نشاط به خوبی در آن بارور می‌گردد، و موهبت بزرگان بارور نگردیده مگر در میان انبوهی از سختی‌ها و تلاش پی در پی...

اگر انسان کمی به خود بیاید حتما احساس خود در برابر حوادث را متهم خواهد کرد... زیرا کسی چه می‌داند؟ چه بسا زیان‌هایی که باعث سود شدند و بسا بدن‌هایی که با بیماری به شفا رسیده‌اند و چه سختی‌هایی که در درون خود باعث ایجاد فرصت شده‌اند. چه بسیارند لبخندهای پس از سختی و چه بسیارند شادی‌های پس از غم‌ها.

حوادث و سختی‌ها - چه به راست بروی و چه به چپ - به تو نخواهند رسید مگر آنچه که برای تو نوشته شده است و از تو دور نخواهند شد مگر آنچه که قرار شده به تو نرسد؛ پس غصه برای چیست؟

بسا خوشایندها که در ناخوشایندها پنهانند و بسا خیری که در شر نهان است:

﴿... وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ

وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿۲۱۶﴾ [البقرة: ۲۱۶].

«... بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و آن برای شما خوب است و بسا چیزی را دوست می‌دارید و آن برای شما بد است و الله می‌داند و شما نمی‌دانید».

ابراهیم بن ادهم از کنار مردی غمگین عبور کرد پس به او گفت: من درباره‌ی سه چیز از تو می‌پرسم و پاسخ می‌خواهم: آیا در این جهان چیزی که خدا نخواهد رخ می‌دهد؟ و آیا چیزی از روزی‌ای که خداوند برای تو تعیین نموده کم خواهد شد؟ یا از اجل و عمری که برایت تعیین شده لحظه‌ای کم خواهد شد؟ آن مرد گفت: خیر. ابراهیم به او گفت: پس غم برای چیست؟

ای بندگان خداوند... اندوه، لشکری است از لشکریان خداوند که هر کدام از بندگانش را که بخواهد با آن مورد آزمایش قرار می‌دهد تا ببیند که بندگانش چه خواهند کرد. و اندوه اگر چه یک احساس غیرمادی است، اما از بسیاری از آزارها و سختی‌های مادی سخت‌تر است.

از علی بن ابی طالب - رضی الله عنه - پرسیده شد: قوی‌ترین لشکریان خداوند چیست؟ فرمود: «کوه‌ها، و آهن کوه‌ها را می‌شکافد... پس آهن قوی‌تر است، و آتش آهن را ذوب می‌کند... پس آتش قوی‌تر است، و آتش توسط آب خاموش می‌شود... پس آب قوی‌تر است، و ابر آب را حمل می‌کند، پس ابر قوی‌تر است... و باد ابر را به این سو و آن سو می‌برد، پس باد قوی‌تر است و انسان با دست یا لباسش جلو باد را می‌گیرد... پس انسان قوی‌تر است، و خواب بر انسان غلبه می‌کند... پس خواب قوی‌تر است، و اندوه و غم خواب را مغلوب می‌کند، پس اندوه قوی‌ترین لشکریان خداوند است و خداوند بر هر کدام از بندگانش که بخواهد آن را مسلط می‌گرداند».

و راست گفت خداوند متعال که می‌فرماید:

﴿فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۱۲۵﴾

[الأنعام: ۱۲۵].

«پس کسی را که الله بخواهد هدایت نماید قلبش را به پذیرش اسلام می‌گشاید و هرکه را بخواهد گمراه کند قلبش را سخت تنگ می‌گرداند چنانکه گویی به زحمت در آسمان بالا می‌رود این گونه الله پلیدی را بر کسانی که ایمان نمی‌آورند قرار می‌دهد».

خداوند من و شما را با قرآن بزرگ برکت داده و با آیات و ذکر حکیم سود رساند... این سخن خویش را گفته و از خداوند برای خود و شما و دیگر مسلمانان از همه‌ی گناهان آمرزش می‌خواهم. پس از او آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ای مردم: یکی از نشانه‌های بارز شریعت اسلام این است که انسان را به سوی همه‌ی خوبی‌ها راهنمایی کرده و از همه‌ی بدی‌های باز می‌دارد، و از جمله راهنمایی‌های شریعت غرای ما این است که افراط در غم و اندوه خطری است که کیان امت و بازدهی آن را به خطر می‌اندازد. و این به خیر و صلاح هر جامعه‌ی مسلمانی است که با امید و بشارت به استقبال زندگی برود، تا بتواند از وقت خود استفاده نموده و ناامیدی و بیکارگی را از بین ببرد.

ممکن نیست که انسان عاقل در پی انس و شادی نباشد، و در صورتی که انسان دچار عوارض ناگوار گردید و در پی آن آرامش و رضایت را از دست داد، شایسته است که از داروی مجربی که دین ما به آن راهنمایی نموده استفاده کند تا اسیر جریان اندوه نگردد. جریانی که با ناتوانی و سستی باعث فرو ریختن تلاش و کوشش می‌گردد.

رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - چنانکه در حدیث صحیح وارد شده است از غم و اندوه به خداوند پناه می‌برد و می‌فرمود: «هرکه هنگام صبحگاه و شامگاه هفت بار «حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ» را بگوید، خداوند او را از آنچه باعث اندوهش شده کفایت می‌کند» [به روایت ابوداود].

ای انسان اندوهگین... لازم است که زیانت را با ذکر خداوند تازه گردانی تا از تنگنای این شیشه به سوی فضایی وسیع راه یابی، و از بین رفتن غم‌ها وابسته به پایبندی به استغفار است چنانکه رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «هرکه پایبند استغفار باشد خداوند برای او از هر تنگنایی گشایشی قرار خواهد داد و از هر اندوهی فرجی قرار خواهد داد و او را از جایی که حسابش را نمی‌کرده روزی خواهد داد» [به روایت ابوداود و نسایی].

تا وقتی که ما درب مهربانترین مهربانان را که بر درون همه آگاه است را نزده‌ایم، به پای فلان و بهمان افتادن هیچ سودی برایمان نخواهد داشت؛ زیرا آنکه انس با خداوند را از دست داده است چه یافته است؟ و آنکه انس با خداوند را به دست آورده چه از دست داده؟

پس ای بنده، از غم‌ها و اندوه‌ها به سوی آفریدگار و مولای خود بگریز... روزی رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - وارد مسجد شد پس مردی از انصار را که ابوامامه نام داشت دید. پس به او گفت: «ای ابا امامه چه شده است که تو را در غیر وقت نماز در مسجد می‌بینم؟» او گفت: اندوهی که به همراه من است و قرضی که بر گردنم است [باعث شده این ساعت در مسجد باشم] ای رسول خداوند. رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود: «آیا سخنی را به تو یاد ندهم که اگر آن را بگویی خداوند غمت را از بین برده و قرضت را ادا نماید؟ به هنگام صبح و شام بگو: «اللهم إني أعوذ بك من الهم والحزن، وأعوذ بك من العجز والكسل، وأعوذ بك من الجبن والبخل، وأعوذ بك من غلبة الدين وقهر الرجال» «خداوندا من به تو پناه می‌برم از غم و اندوه و پناه می‌برم به تو از ناتوانی و سستی، و پناه می‌برم به تو از ترسویی و بخل، و پناه می‌برم به تو از غلبه‌ی قرض و قهر مردان»». ابوامامه می‌گوید: من آن را انجام دادم پس خداوند اندوهم را از بین برد و دینم را ادا کرد» [به روایت ابوداود].

بندگان خداوند؛ اگر پناه بردن به خداوند سببی است برای از بین رفتن غم‌هایی که بر انسان هجوم آورده‌اند یاد محبوبمان مصطفی - صلی الله علیه وآله وسلم - نیز سببی است برای انس گرفتن و از بین رفتن غصه‌ها.

مردی به رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - گفت: ای رسول خدا، آیا همه‌ی دعایم را برای تو قرار ندهم؟ (یعنی آیا همه‌ی وقتی را که برای دعا کردن برای خودم می‌گذاشتم صرف درود بر تو نکنم؟) رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود: «در این صورت خداوند متعال تو را از همه‌ی آنچه درباره‌ی دنیا و آخرت دچار اندوه می‌سازد کفایت خواهد کرد» [به روایت امام احمد].

پی ای بندگان خداوند تقوای الله را پیشه سازید و در رفتار و تعامل با اندوه، راه درست را در پی گیرید تا سعادت‌مند شوید، و از این برحذر باشید که غم و اندوهتان ساخته تخیلتان باشد و ربطی به واقعیت نداشته باشد، و کار دنیا را آسان بگیرید و از اسباب غم و اندوه دوری کنید و چشم پوشی نمایید، و در پی آن باشید که غم دنیا را با به یاد آوردن هم و فکر آخرت از بین ببرید و از کثرت گناهان برحذر باشید که گناهان چنگال‌های غم و اندوهند.... خداوند من و شما را از آن حفظ نماید.

و درود و سلام فرستید بر پاک‌ترین انسان‌ها و بهترین آنان، محمد بن عبدالله، صحاب حوض کوثر و مقام شفاعت که خداوند شما را به آن امر نموده و فرموده است:

﴿... يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [الأحزاب: ۵۶].

خداوندا درود و سلام و فزونی و برکت ارزانی دار بر بنده و رسولت محمد، و راضی و خشنود باش از چهار خلیفه‌ی پیامبرت - ابوبکر و عمر و عثمان و علی - و از دیگر صحابه‌ی پیامبرت محمد و از تابعین و کسانی که به نیکی تا قیامت از آنان پیروی نمایند و همچنین از ما با عفو و کرم خویش راضی باش ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و دینت و کتابت و سنت پیامبرت و بندگان مومنت را یاری رسان.

خداوندا اندوه اندوهگینان مسلمان را از بین ببر و سختی سختی دیدگان را زایل گردان و وام و امداران را ادا نما و بیماران ما و دیگر بیماران مسلمان را شفا ده. خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و امامان و مسئولان ما را اصلاح نما و مسئولیت ما را در دست کسانی قرار ده که تقوای تو را پیشه ساخته و در پی خشنودی تو باشند.

خداوندا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بدار. پاک و منزّه است پروردگار تو پروردگار عزت از آنچه مشرکان به دروغ به او نسبت می‌دهند و سلام بر پیامبران و الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه: راستی با خداوند

خطیب: دکتر حسین بن عبدالعزیز آل شیخ

مسجد نبوی شریف: جمعه ۳۰ جمادی اول ۱۴۳۱ برابر با ۲۴ اردیبهشت ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

سپاس از آن خداوند است که یاور نیکوکاران است، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنهاست و بی‌شریک و معبود جهانیان است. و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده و پیامبرسان او و امام مرسلین است. خداوندا بر او و بر اهل بیت و یاران وی درود و سلام و برکت ارزانی دار...

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧١﴾﴾ [الأحزاب: ۷۰-۷۱].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را پیشه ساخته و سخنی استوار گویند (۷۰) [تا آنکه] کارهایتان را برایتان نیکو ساخته و گناهانتان را برایتان بیامرزد و هر که از الله و پیامبرش اطاعت کند به تحقیق پیروزی بزرگی به دست آورده است.»

ای مسلمانان... اساس زندگی پاک و بنیان سعادت‌تی که همه در پی آنند و اساس عاقبت نیک در دنیا و آخرت در «راستی» پیشه کردن با خداوند در نهان و آشکار و در گفتار و کردار است.

بر اساس این اصل است که ثمرات نیک به دست آمده و نتیجه‌های مورد رضایت در دنیا و آخرت به دست خواهد آمد. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿... فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ﴾ [محمد: ۲۱].

«... پس اگر با الله راستی پیشه کرده بودند حتماً برایشان بهتر بود.»

رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - بخشی از غنیمت‌های خیبر را به یک اعرابی بخشید. پس او به نزد رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - آمد و گفت: من برای این از تو پیروی نمی‌کنم ای رسول خداوند، بلکه من برای این از تو پیروی می‌کنم که تیری به اینجایم اصابت کند و کشته شوم و به بهشت وارد شوم (و به گلوی خود اشاره کرد). پس رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - به وی فرمود: «اگر با خداوند صادق باشی تو را تصدیق خواهد کرد». آن اعرابی برای نبرد با دشمن درخواست. پس از مدتی او را به نزد رسول خدا آوردند در حالی که به شهادت رسیده بود، پس رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «آیا او همان است؟» گفتند: آری. گفت: «با خداوند راستی کرد و خداوند نیز او را تصدیق نمود». سپس رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - او را در لباس خود کفن نمود و برایش اینگونه دعا کرد: «خداوند این بنده است که برای هجرت در راهت خارج شده، و به شهادت رسیده است و من بر این گواهی می‌دهم» [حدیث صحیح].

این خصلت «راستی» است که با داشتن آن، قلب و بدن و ظاهر و باطن، در پاسداشت کامل دستورات خداوند زندگی می‌کنند و بر راه وی استقامت می‌ورزند. «صدق» و راستی یعنی تربیت درون با بیداری همیشگی و هشدار بودن نسبت به خشم خداوند و عذاب وی و سعی برای به دست آوردن خشنودی و بهشتش:

﴿وَيَحْذَرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ...﴾ [آل عمران: ۳۰].

«و الله شما را از [کیفر] خود بر حذر می‌دارد...».

بر این اساس، امروزه که فتنه‌ها از همه سو امت مسلمان را در محاصره گرفته و مصیبت‌ها از همه جانب زندگی این امت را تهدید می‌کند، این امت نیاز شدیدی به صدق با خداوند دارد. صدق و راستی در ایمان و در طاعت، راستی در اراده و در کار و تلاش و فرمانبری، و در همه‌ی امور و همه‌ی عرصه‌های زندگی.

این اصل، اساس و زیرساخت تلاش افراد و جوامع است برای دستیابی به اصلاح و خوشبختی و فرجام نیک در دنیا و آخرت و همین اصل است که جوامع را به سوی به دست آوردن مطلوب و دور شدن از نامطلوب می‌برد.

برای این است که حاکم و مسئول، در سیاست و مراعات مصالح مردم و تلاش در امور آنان به صدق و راستی با خداوند نیازمند است. همچنین مردم در اطاعت از حاکم براساس راه و روش شریعت، باید با خداوند صادق باشند تا جامعه‌ی فاضلی که «حیات طیبه» در آن متحقق می‌شود به وجود آید.

به همین ترتیب هیچ مسئولی بر راه صحیح نمی‌رود و کارش اصلاح نمی‌شود و تلاشش به فرجام نمی‌رسد مگر هنگامی که با خداوند از در راستی و صدق درآید و براساس آن روش شرعی و صحیحی که اساس مسئولیتش بر آن است یعنی طلب خشنودی خداوند و پاداش او حرکت و تلاش کند...

قاضی هیچگاه به رای صحیح نمی‌رسد مگر با داشتن صداقت کامل با خداوند و مفتی به آنچه صحیح است رهنمون نمی‌گردد مگر هنگامی که در پنهان و آشکار خویش با خداوند راستی پیشه کند و همینطور شخص تاجر در تجارت خویش و کارگر در کار خویش و نویسنده و اهل رسانه در حرفه‌شان.

ای مسلمانان... حقیقت صدق و راستی با خداوند در خوف و خشیت الهی در ظاهر و باطن انسان متجلی می‌شود و اینگونه همه‌ی حرکات و سکنات و رفتارها و اراده‌ها و کردارها و گفتارها، همه‌شان محکوم به امر خدا و رسول وی و در چارچوب روش قرآن و سنت پیامبر قرار خواهند گرفت... نه هواهای درونی بر آن تاثیر خواهد گذاشت و نه

منافع شخصی به آن راه خواهد یافت و نه تحت تاثیر موثرات دنیایی و شخصی قرار خواهد گرفت. بلکه حکم نهایی و مرجع اصلی در خوشی و ناخوشی و سختی و آسانی و همه‌ی شرایط، محقق گرداندن شریعت خداوندی و گردن نهادن در برابر فرمان او خواهد بود.

چه در برابر دوست و دشمن یا در مقابل غریب و خویشاوند، یا ثروتمند و فقیر... ابوبکر صدیق رضی الله عنه می‌فرماید: «در سخنی که گوینده‌ی آن وجه الله را نخواهد هیچ خیری نیست». و خالد بن ولید رضی الله عنه می‌گوید: «خدا رحمت کند عمر را... همه‌ی سخنان و کارهایش برای خداوند بود».

این تنها «صدق و راستی» است که با آن، همه‌ی منافع شخصی و خواهش‌های نفسانی از بین خواهند رفت. در داستان سقیفه‌ی بنی ساعده وقتی که در آغاز کار ابوبکر صدیق عمر و ابو عبیده را برای بیعت انتخاب کرد عمر گفت: «به خدا قسم که از هیچ کدام از سخنان ابوبکر بدم نیامد جز این سخن» سپس گفت: «به خداوند سوگند اینکه مورد ضرب قرار گیرم و گردنم زده شود اما به گناه نزدیک نشوم برایم بهتر است از اینکه امارت قومی را بر عهده بگیرم که ابوبکر در میانشان است» سپس خطاب به ابوبکر گفت: «دست را دراز کن» و با او بیعت کرد و مهاجرین و انصار نیز با او بیعت کردند.

این ثمره‌ی صدق و راستی است که هنگامی که ابوبکر صدیق خواست بیعت را از دوش خویش بردارد علی بن ابی طالب به او گفت: «به الله سوگند که تو را بر کنار نخواهیم کرد؛ رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - تو را در دین ما - یعنی در امامت نماز - مقدم داشت پس چه چیزی تو را به عقب خواهد کشاند؟».

این صدق و راستی است که باعث می‌شود انصار بگویند: پناه بر خدا که ما از ابوبکر پیشی بگیریم در حالی که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - او را در دین ما - یعنی در نماز - مقدم گرداند.

ای مسلمانان... چه زیباست این نمونه‌های صدق و راستی که توسط صحابه رضی الله عنهم و به یمن تربیت نبوی و مدرسه‌ی محمدی به نمایش در آمده‌اند.

ابن حجر - رحمه الله - در کتاب «الاصابه» ذکر می‌کند که: «سعد بن خيثمه و پدرش برای شرکت در جنگ بدر قرعه انداختند پس قرعه به نام سعد افتاد پس پدرش به وی گفت: ای فرزندم امروز برای من فداکاری کن. سعد به وی گفت: ای پدر اگر برای غیر از بهشت بود حتما می‌کردم... پس سعد در روز بدر به نبرد شتافت و پدرش باقی ماند. سعد در این نبرد به شهادت رسید و پدرش نیز پس از او در نبرد احد به مقام شهادت دست یافت...».

این، همه‌اش به خاطر صدق و راستی با خداوند بود که توانستند به مقام شهادت که بزرگ‌ترین مطلوب است دست بایند.

در صحیح السیره آمده است که عمیر بن ابی وقاص در روز بدر به علت کم بودن سش از جنگیدن باز داشته شد پس وی گریست و رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - به او اجازه داد تا در نبرد شرکت کند. برادر وی «سعد» می‌گوید: «برادرم عمیر را پیش از آنکه رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - ما را ببیند دیدم که خود را از رسول خدا پنهان می‌داشت. پس به وی گفتم: تو را چه شده است ای برادرم؟ گفت: می‌ترسم که رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - من را کم سن و سال بداند و مرا باز گرداند... در حالی که من می‌خواهم در راه خدا خارج شوم شاید که خداوند شهادت را نصیب من گرداند... او با خداوند صدق پیشه کرد و خداوند نیز او را تصدیق نمود و درجه‌اش را با شهادت والا گرداند.».

همچنین در صحیح السیره آمده است که انس بن نضر - رضی الله عنه - برای عدم شرکتش در نبرد بدر بسیار تاسف می‌خورد، پس گفت: به خدا سوگند که اگر خداوند مرا در واقعه‌ای به همراه رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - حاضر گرداند خواهد دید که چه خواهم کرد. او با خداوند راستی پیشه کرد پس در نبرد احد وقتی از کنار گروهی می‌گذشت که شایعه‌ی شهادت پیامبر، آنان را بهت زده کرده بود به آنان گفت: چه باعث شده که شما بنشینید؟ گفتند: رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - کشته شده است. گفت: «ای قوم! اگر رسول خدا کشته شده است خدای محمد زنده است و نمی‌میرد. شما

نیز بر آن چیزی که رسول خدا برایش کشته شد کشته شوید». سپس گفت: «خدایا من برای آنچه این‌ها می‌گویند از تو معذرت می‌خواهم...».

سپس وی سعد بن معاذ را دید و گفت: «ای سعد... من بی‌شک بوی بهشت را از احد حس می‌کنم» وی سپس خود را در صف مشرکان انداخت و آنچنان جنگید تا آنکه به شهادت رسید؛ پس در بدن او هشتاد و چند ضربه‌ی شمشیر و نیزه و تیر یافتند و کسی او را نشناخت جز خواهرش که از روی سرانگشتانش او را شناخت...

در مورد امثال وی خداوند متعال این آیه را نازل کرد:

﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾ [الأحزاب: ۲۳].

«از میان مؤمنان مردانی‌اند که به آنچه با الله عهد بستند صادقانه وفا کردند برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آن‌ها در [همین] انتظارند و [هرگز عقیده خود را] تبدیل نکردند».

نمونه‌ها و مثال‌ها در مورد کسانی که با خداوند راستی پیشه کردند بیش از آن است که در حساب درآید. صدقی که باعث شد آنان به این مقام و منزلت بلند دست یابند تا آن که خداوند متعال درباره‌ی آنان می‌فرماید:

﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [التوبة: ۱۰۰].

«و پیشگامان نخستین از مهاجران و انصار و کسانی که با نیکوکاری از آنان پیروی کردند الله از ایشان خشنود و آنان [نیز] از او خشنودند و برای آنان باغ‌هایی آماده کرده که از زیر [درختان] آن نهرها روان است، همیشه در آن جاودانه‌اند این است همان کامیابی بزرگ».

ما چقدر به این نیازمندیم که در گفتار و کردار و در پنهان و آشکار و در اراده و نیتمان با خداوند راستی پیشه کنیم و زندگی و روش و رفتار خود را براساس این روش

پایه‌ریزی نماییم تا آنکه به مغفرت و رضایت الهی در آخرت و سعادت و زندگی نیک در این دنیا دست یابیم.

خداوند من و شما را به واسطه‌ی قرآن برکت داده و با آیات و بینات آن سود رساند... این سخن خویش را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از همه‌ی گناهان از خداوند متعال آمرزش می‌خواهم که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

خداوند را ستایش و سپاس گفته و بر سرور و پیامبرم محمد، درود و سلام می‌فرستم. برادران و خواهران مسلمان... راستی با خداوند آن عاملی است که انسان را برای فدا کردن همه چیز در راه رضایت وی و به دست آوردن محبتش و برای نصرت دین وی بر می‌انگیزد هر چند این فداکاری بزرگ باشد و هر چه هزینه‌ای که در این راه می‌دهد زیاد باشد.

صدق و یک رویی با خداوند بود که باعث شد طلحه - رضی الله عنه - در روز احد آنچنان از رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - دفاع کند تا آنکه دستش در این راه معیوب گردد.

و صدق و راستی با خداوند بود که باعث شد سعد بن ابی وقاص در روز احد روبروی رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - به نبرد بایستد و رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - که به او تیر می‌داد به او بگوید: «پرتاب کن ای سعد... پدر و مادرم فدایت».

و این خصلت - یعنی صدق با خداوند - باعث شد که «ابو دجانة» رضی الله عنه خود را سپر رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - قرار دهد طوری که تیرها بر پشت وی می‌نشست و او خود را بر روی رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - انداخته بود تا جایی که تیرهای زیادی بر پشت وی فرو رفت...

پس ای برادران و خواهران... ای مسلمانان... امروزه برخی از مسلمانان را چه شده است که تا با منافعی زودگذر یا مصلحتی شخصی روبرو می‌شوند در پی آن می‌دوند و برای به دست آوردن آن هر کاری می‌کنند هر چند به حساب دین و زیر و پا گذاشتن فرمان خداوند باشد؟ چه بد گروهی هستند اینان که دنیا را بر آخرت خویش ترجیح دادند و فانی را با باقی عوض کردند.

سپس بدانید که خداوند عزوجل ما را به امری بزرگ فرمان داده است که همانان درود و سلام است بر آن پیامبر بزرگوار...

خداوندا درود و سلام و برکت فرست بر بنده و پیامبرت محمد و راضی و خشنود باش از همه‌ی صحابه و اهل بیت و از کسانی که به نیکی تا قیامت از آنان پیروی نمایند. خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا ما را با نیکان راست همراه گردان، خداوندا ما را با نیکان راست همراه گردان، خداوندا ما را با نیکان راست همراه گردان، خداوندا دشمنان مسلمانان را نابود گردان، خداوندا آنان را که بر مسلمانان یا بر سرزمین‌های آنان مسلط گردیده یا به دین و ناموس آن‌ها تجاوز کرده‌اند نابود گردان. خداوندا دشمنان خود را که دشمنان دین تواند نابود گردان. خداوندا هیچ بیرقی را برای آنان باقی مگذار. خداوندا آنان را عبرتی برای آیندگان قرار ده ای دارای جلال و بزرگی. خداوندا مسلمانان را بر خیر و تقوا متحد گردان. خداوندا با متحد نمودن آنان بر خیر و تقوا بر آنان منت بگذار.

خداوندا مردان و زنان مسلمان و مومن، مردگان و زندگان آنان را مورد مغفرت خویش قرار ده...

عنوان خطبه:

تحریم حيله و نیرنگ در شریعت خداوند

خطیب: دکتر عبدالرحمن سدیس

مسجد الحرام: جمعه ۷ جمادی الثانی ۱۴۳۱ برابر با ۳۱ فروردین ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن خداوند است که دارای عزت و جلال است... خداوندا تو را برای نعمت‌هایی که پیاپی می‌آید سپاس می‌گوییم، پاک و منزهی ای آفریدگار که نیرنگ و فریب را حرام گردانده و آنانی را که حدودت را زیر پا می‌گذارند وعده‌ی عذاب داده‌ای...

و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز تو که واحد و بی‌شریکی و حلال را از حرام آشکار گردانده‌ای، و گواهی می‌دهم که پیامبر و اسوه‌ی ما محمد، بنده و پیامبر توست... و او پاک‌ترین کسی است که برای حفظ حقوق و آبرو و اموال مردم مبعوث گردیده شده؛ پس درود و سلام پروردگار من بر او و بر اهل بیت پاکش باد، آنانی که دارای خصلت‌های و سجایای نیک‌اند و بر صحابه‌اش که به قله‌های بزرگی و کمال دست یافتند و بر تابعین و آنانی که به نیکی تا قیامت از آنان پیروی نمایند، تا آنگاه که روز و شب در پی هم می‌آیند...

اما بعد...

ای بندگان خداوند: خود و شما را به تقوای خداوند سفارش می‌کنم که تقوای خداوند بهترین یاور برای ثبات در طاعت و فرمانبرداری او و محکمترین ریسمان برای هدایت و وصال و بزرگ‌ترین زاد و توشه برای روزی است که نه در آن معامله‌ای است و نه دوستی میان کسی وجود دارد:

﴿... وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى﴾ [البقرة: ۱۹۷].

«و توشه برگیرید که بهترین توشه تقوا است.»

ای امت مسلمان: در زمانه‌ای که آکنده است از کش مکش‌های مادی و اجتماعی و پدیده‌های رفتاری و اخلاقی، و فهم برعکس نسبت به شریعت اسلامی، در این زمانه قضیه‌ای بس خطرناک رخ عیان نموده که ایستادن در برابر آن واجب و حتمی است...

مشکلی که به وجود نیامده است مگر بر اثر حرص و طمع و نادیده گرفتن و تلاش در فریب دادن خداوند متعال...

آن معضلی است وحشتناک و مشکلی است ترسناک و آن چیزی نیست جز فریبکاری و دخالت دادن حيله و نیرنگ در شریعت خداوند و احکام وی و چرخ دادن آن به چیزی غیر از حقیقت آن و گذاشتن احکام الهی در غیر سیاق شرعی اش...

بندگان خداوند... این قضیه هشدار است برای هر فساد و زیان... و دور بودن از آن هدایت است و خشنودی و سرور. هر که در صادر نمودن احکام به راه فریب رود و از نیرنگ و راه و روش ستمگران برای خواسته‌ی خود استفاده کند و به خود جرات زیر پا نهادن حدود خداوندی را بدهد خود را آلوده‌ی بزرگ‌ترین گناه و خشم خداوند نموده است... چرا که فریب و نیرنگ براساس کتاب و سنت و اجماع سلف امت و قواعد شریعت و مقاصد آن حرام می‌باشد.

به علت همین سیاه‌کاری‌ها و گمراهی‌های زشت است که خداوند متعال درباره‌ی یهود و آنچه در روز شنبه انجام دادند و عذاب دردناکی که به آن دچار شدند برای ما چنین می‌گوید که:

﴿وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدَوْا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ﴿۶۵﴾﴾

[البقرة: ۶۵].

«و کسانی از شما را که در روز شنبه [از فرمان الله] تجاوز کردند نیک شناختید پس ایشان را گفتیم بوزینگانی طرد شده باشید».

و به سبب بزرگی این جنایت و زشتی آن است که خداوند متعال یاران باغ را که فریب‌پیشه بودند و حق مستمندان را نادیده می‌گرفتند مجازات نمود و باغ آنان را سوزاند و ترس در دلشان انداخت تا آنکه عبرتی شوند برای هر فریبکار و تا داستان‌شان تربیتی باشد برای طاعت و فرمانبرداری خداوند.

برادران و خواهران ایمانی: از آنجایی که فریب و نیرنگ به منزله‌ی مخالفت با فرمان خداوند است و باعث دشمنی و کینه است و به بازی گرفتن آبرو و جان دیگران ختم می‌شود، حرام قرار داده شده است...

فریب و نیرنگ از آثار و نشانه‌های خودخواهی و اندیشیدن به منفعت مادی است که چشمان زیادی را کور کرده و آن را با حرام پوشانده است و اگر آنان به حلال اندک راضی می‌شدند برایشان از حرام بسیار، بهتر بود.

چگونه ممکن است اینچنین مفاسدی با شریعتی که همه‌اش نجابت است و پاکی و صفا هماهنگ شود؟... آنانی که در پی انواع و اقسام حیل‌ها می‌روند تا آنچه را که حرام است حلال کنند و با الفاظ و کلمات بازی می‌کنند و از اهداف و معانی شرعی روی می‌گردانند. آنان ندانسته‌اند که مسائل براساس حقایق و معانی‌شان بررسی می‌شوند و نه براساس ظاهرشان...

امام علامه ابن قیم - رحمه الله - می‌گوید: «حیل‌های حرام در واقع تلاش برای فریب دادن خداوند است و سعی در فریب خداوند حرام است؛ پس برای کسی که تقوای خداوند را دارد و از عذاب او می‌ترسد شایسته است که از حلال کردن حرام‌های خداوند با استفاده از انواع حیل‌ها بپرهیزد.

ای مسلمانان: اگر نگاهی به حال اهل فریب و حیل‌ها بیاندازیم، آنانی که در پی رخصت‌های حرام و فریب حرامند چیزهایی خواهیم دید که باعث تاسف و اندوه و درد می‌شود و کافی است برای دانستن نمونه‌ای از این نوع نیرنگ به این سخن مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم گوش بسپارید که می‌فرماید: «خداوند یهود را نفرین کند... چربی [حیوان] بر آن‌ها حرام گردید پس آن را آب کردند و فروختند» [متفق علیه].

امام خطابی - رحمه الله - می‌گوید: «این حدیث دلیل بطلان هر حیل‌های است که به وسیله‌ی آن سعی در رسیدن به حرامی شود و اینکه حکم آن حرام با تغییر شکل و اسم آن تغییر نمی‌کند» پایان کلام امام خطابی.

هیچ کدام از حيله‌ها و نيرنگ‌ها از چارچوب مغالطه و در نظر گرفتن ظاهر بدون توجه به مقصد شريعت، خارج نيست...

از جمله‌ی انواع حيله‌ها حيله‌گری در بالا بردن قيمت توسط کسی است که در واقع قصد خريد جنس را ندارد تا خريدار واقعی فريب بخورد که اين همان «نجش» حرام است... خداوند متعال می‌فرماید:

﴿... وَلَا يَحِيْقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ...﴾ [فاطر: ۴۳].

«... و نيرنگ زشت جز [دامن] صاحبش را نمی‌گيرد...».

و رسول خدا صلی الله عليه وآله وسلم در حدیثی که در صحیحین وارد شده است از نجش نهی نمودند.

مثال دوم: حيله و فريب برای به دست آوردن وام است مانند اين که شخص تاجر جنش را به صورت مدت‌دار به شخص وام‌گیرنده بفروشد سپس آن را از همان شخص به صورت نقدي با قيمتی پایین‌تر بخرد؛ که اين همان مساله‌ی معروف به "عينه" است...

اين حيله بدین صورت است که ظاهر کار به مانند فروش است اما در حقیقت همان ربای حرام است. شيخ الاسلام ابن تیمیه - رحمه الله - می‌گوید: «... سبحان الله! که چگونه ربایی که آن قدر نزد خداوند گناه عظیمی است [به طوری که] جنگ با کسی که آن را حلال بداند واجب دانسته و خورنده و دهنده و نویسنده و شاهدان آن را لعنت نموده است به ساده‌ترین روش در صورت عقدي که عبث و بازی است حلال گردانده می‌شود».

و همچنین روش‌های دیگر فريب‌کاری برای ربا و انجام معاملات غير شرعی در خريد و فروش و وام و صرافى و سرمایه‌گذاری و صيغه‌های حاوی غرر در عقود و پروژه‌ها و مناقصه‌ها و سوء استفاده‌های شغلی و رشوه و تقلب... اين جدا از تعطيل حدود و تعزیرات و قاچاق و ترویج مواد مخدر و اختلاس و تجاوز به اموال عمومی است...

و از جمله‌ی این نیرنگ‌ها متوسل شدن به حيله و فریب برای فرار از ادای زکات است آن هم با فروش مقداری از مال زکات یا هدیه دادن آن تا به حد نصاب نرسد و سپس برگشتن از آن...

و چهارمین نمونه استفاده از حيله و نیرنگ برای ساقط نمودن چیزی است که در حال واجب گردیده است مانند نفقه‌ی زن مطلقه و ادای دین، و اینچنین است که شخص سعی در فریب پروردگارش می‌کند و در واقع جز خود کسی را نمی‌فریبد و به زعم اعسار و سختی مال همسر یا فرزندانش را تصاحب میکند و چه زشت است این حيله‌گری... از دیگر صورت‌های حيله‌گری حرام این است که شخصی که قصد طلاق دادن همسرش را دارد برای برگرداندن مهریه‌ای که داده است همسرش را تحت فشار قرار می‌دهد و با اذیت و آزار او باعث می‌شود که زن برای آزاد شدن از شر وی از مهریه‌اش گذشته و خلع کند.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿... تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿۲۲۹﴾﴾

[البقرة: ۲۲۹].

«این است حدود احکام الهی پس از آن تجاوز نکنید و کسانی که از حدود احکام الهی تجاوز کنند آنان همان ستمکارانند».

ششمین نمونه فریب دادن زن با رجوع بعد از طلاق است، نه برای الفت و جمع شدن بلکه برای تجاوز و زیان رساندن به زن...

و در مورد این حيله و فاش ساختن آن است که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿... وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِيَتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا

ءَايَاتِ اللَّهِ هُزُوًا...﴾ [البقرة: ۲۳۱].

«و آنان را برای [آزار و] زیان رساندن [به ایشان] نگاه مدارید تا [به حقوقشان] تعدی کنید و هرکس چنین کند قطعا بر خود ستم نموده است و آیات الله را به ریشخند مگیرید».

ای امت مسلمان: و از دیگر کارهایی که در زیر حیلہ‌گری حرام قرار می‌گیرد زیان رساندن به وارثان در نصیب و سهم آن‌ها از طریق محروم کردن آن‌ها به وسیله‌ی وصیت کردن و بخشیدن بیش از یک سوم مال به دیگران یا کم کردن نصیب آنان است.

این بلا‌ی کمرشکن چه بسیار میان برادران دشمنی ایجاد کرده و همدلی‌ها را از بین برده است و تاسف‌آور است که شعله‌های آن بسیاری از جوامع را به کام خود کشانده است...

و همچنین حیلہ‌گری و دست انداختن بر اوقاف و وصیت دیگران و اموال زنان و بیوه‌ها و یتیمان و کودکان و است. **ولا حول ولا قوة إلا بالله.**

ای مومنان: هشتمین این حیلہ‌ها و نیرنگ‌هایی که باعث آفت‌های فراوان گشته و باعث زیر پا گذاشته شدن کرامت زنان مومن بی‌خبر گشته حیلہ‌ها و نیرنگ‌هایی است که زیر اسم ازدواج‌های مختلف با نام‌های گوناگون صورت می‌گیرد که بیشتر این ازدواج‌ها برای اشباع غریزه است تا برای مودت و رحمت و انجام واجبات زناشویی و ظاهر آن صحیح است اما محتوای آن تدلیس و فریبی است واضح و آشکار.

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم می‌فرماید: «آنچه را که یهود مرتکب شدند مرتکب نشوید که حرام‌های خداوند را با کمترین حیلہ‌ها حلال کنید» [به روایت ترمذی و دیگران با سند حسن].

از دیگر انواع حیلہ‌گری و فریب تمیيع و تغییر قضایای دینی به نام مصلحت و آسان‌گیری و تساهل و پیشرفت و تمدن است..

آری این اصطلاحات حقانند و درست و این‌ها جزو دین و از نتایج آنند اما این کلمات دارای معانی و مضمون خاصی هستند که همین‌طور بدون قید و ضابطه بر زبان رانده نمی‌شوند و کسی نمی‌تواند وارد این عرصه شود مگر علمای راسخ در فهم و استنباط احکام شرع.

آیا این اصطلاحات و فتاوای بی‌ضابطه که به دور از تامل و آگاهی و ورع بر زبان رانده می‌شود نتیجه‌ای داشته است جز مهجور شدن شعائر اسلام؟

برادران و خواهران ایمانی: اما کج کردن نصوص کتاب و سنت و احتکار نمودن معانی آن به دور از فهم سلف امت به قصد نشر افکار ویرانگری که کشتن بی‌گناهان را مباح نموده و سرزمین‌های ایمن را عرصه‌ی تکفیر و بمب‌گذاری می‌کند، عین فریب و نیرنگ است که گوش از شنیدن آن ابا دارد و آن را انکار می‌کند...

همینطور می‌توان درباره‌ی کسانی گفت که صورت‌های خود را به سوی غرب گرفته‌اند و کاری ندارند جز حمله به ثوابت این امت و مخصوصاً قضایای متعلق به زن و وارد کردن وی به عرصه‌ی رذیلت‌ها و تبرج و خودنمایی و بی‌حجابی و اختلاط حرام...

برای انسان غیرتمند بسیار جای تعجب است که انسانی که خود را مسلمان می‌داند در برابر آنچه برای وی فرض گردیده است ایستاده و تکبر بورزد و برای یافتن حيله‌ای برای در رفتن از زیر آن به این سو و آن سو برود.

آیا عقب‌گردی بدتر از این دیده و شنیده‌اید؟ احکام اسلام به این سادگی تعطیل شود و چنین گستاخانه شبهات انجام گیرد و از تکالیف و وظایف شانه خالی گردد؟ کجاست ترس و خشیت از خداوند آگاه به غیب؟ کجاست نور ایمان در قلب‌ها؟ چه بد جسارتی است که تنها ناشی از اخلاقی ویران شده است که عاقبتی ندارد جز پشیمانی و زیان:

﴿أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ﴾ [الأعراف: ۹۹].

«آیا از مکر الله خود را ایمن دانستند [با آنکه] جز مردم زیانکار [کسی] خود را از مکر الله ایمن نمی‌داند».

به خدا سوگند بسیار عجیب است! چگونه مردمی که از انجام معاملات حرام واضح دوری می‌کنند اما وقتی همان معامله از در پشتی و یا زیر میز صورت می‌گیرد در آن اشکالی نمی‌بینند... گویی زبان حالشان چنین می‌گوید که: هرکه حيله‌ای بلد است به آن متوسل شود!

خداوند از بین ببرد باندهای فریب و نیرنگ را که از طاعت خداوند روی برگردانده و با استفاده از نیرنگ روپاه‌گونه‌شان از سادگی خوبان سوء استفاده می‌کنند. خداوند کارشان را لنگ کرده و آنان را زیاد نگرداند...

پس ای مسلمانان تقوای خداوند را پیشه سازید و بشنوید و اطاعت کنید و از حيله‌ها و نیرنگ‌ها به سوی خداوند توبه‌ای نصح کنید تا به منزلت صالحان دست یافته و رضایت خداوند را به دست آورید.

خداوندا تو مولای مایی پس ما را مورد مغفرت و رحمت خویش قرار ده و تو بهترین آمرزندگان.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله است که بهترین احکام و صالح‌ترین آن را برای بندگان خویش قرار داد و حيله‌ها و نیرنگ‌ها را حرام گرداند و گواهی می‌دهم که مبعودی به حق نیست جز الله و گواهی می‌دهم که پیامبر و سرور ما محمد بنده و پیامبران اوست و بهترین کسی است که راه‌های رشد و راست‌ترین آن را بیان نمود... درود و سلام و برکات خداوند بر او و بر اهل بیت و یارانش باد آنان که حدود خداوند را پاس داشته و بر تابعین و آنانی که به نیکی تا روز قیامت از آنان پیروی می‌نمایند.

اما بعد...

برادران و خواهران ایمانی: اگر قضیه‌ی حيله و نیرنگ در این عصر مادی که پیشرفت فناوری و تمدنی در آن به فزونی گراییده و در پی آن زیان و شر آن نیز افزایش یافته است، این به آن برمی‌گردد که شخص حيله‌گر از آنجا که کار خود را حلال می‌داند به فکر توبه نمی‌افتد:

﴿يُخَدِّعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ﴾ [البقرة: ۹].

«با الله و مؤمنان به نیرنگ می‌پردازند ولی جز بر خویشتن نیرنگ نمی‌زنند و نمی‌فهمند».

اما الحمدلله فریب و فریبکاری اینان با بیان علمای ربانی و رهبران دلسوز مورد تعقیب و روشنگری است...

اما امت نیاز به تلاش بیشتری برای بیان زشتی حيله‌گری در مورد حدود خداوند و حقوق بندگان دارد هر چه تاویل و بهانه و توجیه فریبکاران زیاد باشد و هر چند حيله‌گران آن را زرنگی بدانند که این چیزی نیست جز ورشکستگی و عقب‌گرد... همچنین باید بر این تاکید شود که انجام گرفتن معاملات حيله‌گرانه میان دو نفر براساس رضایت آنان حرام را حلال نمی‌کند حتی اگر براساس ادعای آنان نیت‌ها پاک باشد.

و در این قضیه چه خوب است که علمای شریعت پی به اهمیت تربیت نسل‌های مسلمان برده و آنان را به سوی پاکی و حلال خوری و تسلیم در برابر دستورات خداوند و دور شدن از حرام و فهم شامل و کامل حقایق اسلام و مقاصد آن رهنمون شوند. پس ای بندگان خداوند تقوای او را در احکام و شریعت و تکالیف وی پیشه سازید و از فریب و خطر شیطان برحذر باشید و اسیر مکر هوای نفس و تزئین ابلیس نشوید تا آنکه به پیروزی و نعیم و بزرگی برسید.

سپس بر بهترین انسان‌ها درود و سلام بفرستید تا آنکه رحمت و اجر و پاداش آن را به دست آورید زیرا مولایتان عزوجل شما را در کتاب کریمش بدان فرمان داده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

خداوند بر سرور اولین و آخرین، پیامبر و حبیب و الگویی ما محمد بن عبدالله درود و سلام و برکت فرست و راضی و خشنود باش از خلفای راشدین و از صحابه و تابعین و از کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند و همچنین از ما با رحمت خویش راضی و خشنود باش ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده. خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده. خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده. خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار بگردان.

خداوندا ما و مسئولان ما را حفظ نما. خداوندا آنان را به سوی آنچه دوست داری یاری کن و آنان را به سوی نیکی و تقوا رهنمون ساز.

خداوندا همه‌ی والیان امر مسلمان را برای تحکیم شریعتت و پیروی از سنت پیامبرت یاری ده. خداوندا آنان را رحمتی برای بندگان قرار ده.

خداوندا ما را از حرام با حلال خود بی‌نیاز ساز و با طاعت خویش از معصیتت و ما را با فضل خویش از دیگران بی‌نیاز بگردان... ای زنده‌ی پایدار، به رحمت تو یاری می‌جوییم همه‌ی امور ما را اصلاح نما و ما را حتی برای یه چشم به هم زدن به خودمان وامگذار ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا برادران مجاهد ما را که در راه تو جهاد می‌کنند در همه جا یاری ده. خداوندا آنان را در فلسطین یاری ده، خداوندا آنان را در فلسطین یاری ده، خداوندا آنان را در فلسطین بر صهیونیست‌های متجاوز یاری ده... خداوندا مسجد الاقصی را نجات ده... خداوندا مسجد الاقصی را از تجاوز متجاوزان حفظ نما... خداوندا آن را تا روز قیامت سربلند بدار.

خداوندا بیماران ما را شفا ده و مردگان ما را بیامرز و کارهای ما را با نیکی‌ها خاتمه بده و عمر ما را با خوشبختی به پایان برسان. خداوندا غصه‌ی غصه‌داران را از بین ببر و سختی سختی دیده‌گان را آسان گردان و قرض و دین را از قرض‌داران ادا نما و بیماران ما و بیماران مسلمان را شفا ده ای مهربان‌ترین مهربانان.

پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بدار.

عنوان خطبه:

بدرفتاری با پدر و مادر

خطیب: دکتر صلاح البدیر

مسجد نبوی شریف: جمعه ۱۴ جمادی الثانی ۱۴۳۱ برابر با ۷ خرداد ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن خداوندی است که فرموده است: «و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را مپرستید و به پدر و مادر [خود] احسان کنید» [الإسراء: ۲۳].

او را سپاس می‌گوییم که او نعمت عطا نموده و ما را بی‌نیاز ساخته است، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است، آنگونه شهادتی که با آن امید نجات و رستگاری و رضوان خداوند و مغفرت او را داریم، و گواهی می‌دهم که پیامبر و سرور ما محمد، بنده و پیامبرسان اوست که ما را به نیکی دستور داده و از بدی و نافرمانی نهی نموده است. درود و سلام و خداوند بر وی و بر اهل بیت و یارانش باد. آنان که سمبل حق بودند و یاور نیکی...

اما بعد، ای مسلمانان تقوای الله را پیشه سازید که تقوای او بهترین دستاوردهاست و طاعت او بالاترین شرف و نسب است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿۱۳۲﴾

[آل عمران: ۱۰۲].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را آنگونه که شایسته‌ی اوست پاس بدارید و نمی‌رید مگر در حالی که مسلمانید».

ای مسلمانان... از خوشبختی انسان است که پدر و مادرش در کنارش باشند و چشمش با دیدن آن‌ها شاد شده و با گرمای مهر و محبت آنان گرما گیرد و با نصیحت آنان راهنما شود و برکت دعای آن‌ها و اجر نیکی به آن‌ها و همراهی نیک آنان را به دست آورد.

از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که گفت: مردی به نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم آمد و گفت: با تو بر هجرت و جهاد بیعت می‌کنم و اجر آن را از الله می‌خواهم. رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم به او گفت: «آیا از پدر و مادرت

هیچکدامشان در قید حیات هستند؟» گفت: آری، هر دو زنده هستند. رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «آیا از خداوند متعال اجر و پاداش می‌خواهی؟» گفت: آری. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «پس به نزد پدر و مادرت برگرد و با آن دو به نیکی بمان» [متفق علیه].

ای مسلمان... همانا بدی و نافرمانی پدر و مادر توسط پسران و دختران همان مصیبت بزرگ و بلای سهمگین و زندگی تلخ است... بدی و نافرمانی تلخی که قصه‌ی پرغصه‌اش تمام شدنی نیست...

این گناه بزرگ و کبیره‌ای است که باعث خشم و عذاب پروردگار است. از ابوبکره رضی الله عنه روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «آیا شما را به بزرگ‌ترین گناهان کبیره آگاه نکنم؟» گفتیم آری ای رسول خداوند. گفت: «شکر آوردن به الله و نافرمانی و بدی نسبت به پدر و مادر...» سپس وی که تکیه داده بود نشست و گفت: «آگاه باشید، و سخن دروغین و گواهی دروغین، پس همچنان این جمله را تکرار می‌کرد تا آنکه گفتیم کاش بیشتر نمی‌گفت» [متفق علیه].

و همچنین از مغیره بن شعبه رضی الله عنه از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم روایت است که فرمودند: «همانا الله نافرمانی و بدی نسبت به مادران و منع کردن آنچه باید بدهید و درخواست آنچه حقی در آن ندارید، و زنده به گور کردن دختران را حرام کرده است. و گفتن و نقل کردن هر چه را می‌شنوید و درخواست کردن بسیار، و هدر دادن مال را برایتان بد دانسته است» [متفق علیه].

و از ابوهریره رضی الله عنه از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم روایت است که فرمودند: «خوار و بدبخت شد، سپس خوار و بدبخت شد، سپس خوار و بدبخت شد آن که پدر و مادر یا یکی از آن دو را در هنگام پیری درک نمود اما [به واسطه‌ی نیکی به آنان] وارد بهشت نگردید» [به روایت مسلم].

و از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «سه کس هستند که الله در روز قیامت به آنان نظر ننموده و به بهشت داخل

نمی‌شوند: آنکه نسبت به پدر و مادرش بدی و نافرمانی می‌کند و زنی که خود را به مردان شبیه می‌سازد و آنکه نسبت به ناموس خود بی‌غیرت است» [به روایت احمد و نسائی].

پس چه پست است آنکه در حق پدر و مادرش بدی می‌کند و چه بی‌ارزش است و تا چه اندازه در سفاهت و حماقت به سر می‌برد! آنگاه که والدینش به پیری رسیدند و کمر خم کردند، او در مقابل، خوبی آن‌ها را با کفران و انکار و فراموشی و قطع رابطه پاسخ گفت... وفای آنان را با جفا عوض کرد و صفا و صمیمیت‌شان را با بد دهنی...

اگر از او چیزی بخواند بخل می‌رود و اگر به او امیدی داشته باشند آنان را ناامید می‌کند و اگر او را بخواهند حاضر نخواهد شد... پاسخ‌شان را نمی‌دهد مگر به تندى و چیزی نمی‌دهد مگر از روی ترس و چیزی جز کلمه‌ی «بعداً» نمی‌داند.

او فراموش نموده که دستور پدر و مادر باید اطاعت شود و حق‌شان نباید پایمال گردد... پس وای به حال نافرمان... وای به حال او از آن روزی که سوار بر اسب نافرمانی و بدی نسبت به پدر و مادرش گردد و در رکاب اهل بدی و فسق و فجور راه بیفتد... وای بر او از آن روزی که باعث گریه و آه پدر و مادر شود و آن دو را ناراحت کند و باعث خستگی و آزار آنان شده و آن دو را با غم‌ها و غصه‌ها رها سازد...

ای آنکه در حق پدر و مادر بدی می‌کند... ای آنکه حقوقی را که بر گردنت هست فراموش کرده‌ای... چطور با تندى و بی‌توجهی و کوچک شمردن و خوار کردن و این روز به آن روز انداختن با پدر و مادرت برخورد می‌کند؟؟ چگونه است که زن و خانواده و دوستان و پول و ثروت را بر آن‌ها مقدم می‌داری در حالی که اکنون برای خود مردی شده‌ای و آنان پس از خدا به تو امید دارند و از تو انتظار نیکی و احترام و محبت و ارتباط دارند.

چگونه از خداوند انتظار خشنودی داری در حالی که به مادر و پدرت بدی کرده‌ای؟ چطور توانسته‌ای مادرت را ترک کنی؟ چطور توانسته‌ای او را ترک کنی در حالی که او

برای تو خود را از خواب محروم می‌کرد و بدنش را برای تو فنا کرد و از وجودش به تو شیر داد و آغوشش را منزل تو گرداند و برای تو خستگی و سختی را تحمل کرد؟ اگر تو دچار غم اندوه شدی او نیز غمگین و اندوهگین شد... تو را بر خود ترجیح داد و برای تو آرزوی زندگی کرد حتی اگر به قیمت مرگ خودش باشد...

اکنون... اکنون که او پیر شده و به تو نیاز دارد در نگاه تو بی‌ارزش‌ترین چیز گردیده است؟ و خوبی‌های او را به فراموشی سپرده‌ای و خوبی‌اش را انکار کرده‌ای؟ خدمت آسان او برایت سخت شد و عمر کوتاه او برایت طولانی گردید؟ او را هنگامی ترک گفتی که او بعد از خداوند به تو نیاز داشت و در هنگام پیری او را از یاد بردی و سینه‌ات برایش تنگ شد و او را جام زهر نوشاندی و خود با خیال راحت خوابیدی و خودخواهانه به سرزنش دیگران هم گوش نسپردی... این بود پاداش او بعد از این همه سختی؟ حقا که تو نادانی و کور...

ابو بردۀ روایت می‌کند که ابن عمر رضی الله عنهما مردی را دید که طواف کعبه می‌کند در حالی که مادرش را بر کول خود گذاشته است و می‌گوید: من شتر رام اویم... سپس به ابن عمر گفت: آیا به نظر تو حقش را ادا کرده‌ام؟ ابن عمر گفت: هرگز، نه حتی به اندازه‌ی یک نفس از نفس زدن‌های هنگام درد زایمان [به روایت بخاری در ادب مفرد].

و از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «هیچ فرزندی حق پدرش را ادا نمی‌کند مگر آنکه او را در حال بردگی بیابد و سپس او را بخرد و آزاد کند» [به روایت سلم].

پس ای آنکه در حق پدر و مادرت بدی می‌کنی... چقدر آن‌ها کام تو را شیرین کردند و چقدر تو آنان را تلخ‌کام می‌کنی. بیا اکنون کم‌کاری خود را در حق آنان جبران کن که آنان تو را مدتی طولانی نگهداری کردند پس تو آنان را در این مدت کوتاه نگهداری کن.

﴿... وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾ [الإسراء: ۲۴].

«... و بگو پروردگارا آن دو را مورد رحمت قرار ده همانطور که مرا در کودکی تربیت نمودند».

با آنان مهربان و نرم‌خو باش و با فروتنی در خدمت آن‌ها باش و به آنان سخن بزرگوارانه و زیبا بگو و بگو خداوندا آن دو را رحمت کن همانگونه که من را در کودکی نگهداری نمودند زیرا از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم روایت است که ایشان فرمودند: «خشنودی پروردگار در خشنودی پدر است و خشم پروردگار در خشم پدر» [به روایت ترمذی].

خداوند من و شما را با کتاب و سنت برکت داده و با بینات و حکمت موجود در آن سود رساند... آنچه را شنیدید گفتم، و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از هر گناهی از خداوند آمرزش می‌خواهم پس از او آمرزش بخواهد که او بسیار بخشنده و بسیار مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

سپاس و ستایش از آن خداوند برای احسان و یاری و توفیقش، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنهاست و شریکی ندارد و گواهی می‌دهم که پیامبر و سرور ما محمد، بنده و پیامبرسان او و دعوتگر به سوی رضوان اوست... درود و سلام بسیار خداوند بر او و بر اهل بیت و یارانش باد.

اما بعد... ای مسلمانان... تقوای الله را پیشه سازید و او را مراقب خود بدانید و از او اطاعت کنید و از وی سرپیچی نکنید...

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّٰدِقِينَ﴾ [التوبة: ۱۱۹].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را پیشه سازید و با صادقان باشید».

ای مسلمان... زندگی چیزی نیست جز وامی که باید ادا شود. و کاری که جزا داده خواهد شد. پس هرکه با پدر و مادرش نیکی کند فرزندانش نیز به او نیکی خواهند کرد و هرکه با پدر و مادرش بدی کند فرزندانش نیز در حق او بدی و نافرمانی خواهند کرد و

او را ترک خواهند گفت. زیرا از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «به پدر و مادرتان نیکی کنید تا فرزندانتان به شما نیکی کنند و خود راه حیا و عفت در پیش گیرید تا زنتان نیز راه حیا و عفاف در پیش گیرند» [به روایت حاکم و طبرانی] پس مبارک است رضایت پدر و مادر و دعای آنها برای آنکه به آنان نیکی می‌کند و آنان را همراهی می‌کند.

ای مسلمانان، همچنین هر کس پدر و مادرش را از دست داد نیکی به آنان را بعد از مرگشان از دست ندهد؛ زیرا که نیکی تمام نمی‌شود و از ابو اسید ساعدی رضی الله عنه روایت است که گفت: در حالی که ما نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم بودیم مردی از بنی سلمه بر او وارد شد و گفت: ای رسول خداوند آیا از نیکی به پدر و مادر چیزی بعد از مرگشان باقی مانده است که به آنان نیکی نمایم؟ رسول خدا فرمودند: «آری؛ دعا و طلب آمرزش برای آنها و انجام دادن وصیت آنها بعد از مرگشان و صله‌ی رحم خویشاوندانی که به او مربوطند و گرامی داشتن دوستان آنان» [به روایت احمد و ابوداود و ابن ماجه].

و از عائشه رضی الله عنها روایت است که مردی به رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم گفت: مادرم به طور ناگهانی و بدون آنکه فرصت صدقه دادن داشته باشد وفات نموده است و گمان می‌کنم اگر [زنده بود] و می‌توانست سخن بگوید صدقه می‌داد. پس آیا اگر برای او صدقه دهم وی اجری خواهد داشت؟ رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «آری» [متفق علیه].

از عمرو بن شعیب از پدرش از جدش روایت است که عاص بن وائل وصیت نمود که به جای او صد برده را آزاد کنند. پس فرزندش هشام پنجاه برده آزاد کرد. فرزند وی عمرو خواست که پنجاه برده‌ی دیگر آزاد کند پس از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم درخواست آن کار سوال کرد. رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «اگر او مسلمان باشد و به جای او برده آزاد کردید یا صدقه دادید یا حج نمودید [ثواب] آن به او خواهد رسید» [به روایت احمد و ابوداود].

ای مسلمانان، ثمره‌ی شنیدن، پیروی کردن است پس شما از کسانی باشید که سخن را می‌شنوند و از بهترین آن پیروی می‌کنند. و درود و سلام بفرستید بر احمد، آن هدایتگری که برای مردمان در روز قیامت شفاعت می‌کند، که هر که بر او درود فرستد خداوند بر او ده درود خواهد فرستاد...

خداوندا بر پیامبر و سرور ما محمد درود و سلام فرست و راضی و خشنود باش از چهار خلیفه‌ی راشد، آن یاران سنت - ابوبکر و عمر و عثمان و علی - و از دیگر صحابه‌ی پیامبرت و از تابعین و آنانی که به نیکی تا قیامت از آنان پیروی نمایند و همچنین از ما با فضل و کرم و احسان خویش راضی باش ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار بگردان و دشمنان دین را نابود ساز و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را ایمن و در رفاه بدار.

خداوندا مسجد الاقصی را از ناپاکی صهیونیست‌ها پاک گردان. خداوندا آنان طغیان ورزیدند و زیاده‌روی نمودند و تجاوز پیشه کردند و فساد کردند... خداوندا زمین را در زیر پاهای آنان بلرزان و در دل آنان ترس بینداز و آنان را عبرتی برای دیگران قرار بده ای پروردگار جهانیان.

خداوندا ما را با تقوای خود خوشبخت بگردان و ما را آنگونه بگردان که خشیت تو را داشته باشیم گویی تو را می‌بینیم. خداوندا روزی ما را گوارا گردان و هیچ کافری را بر ما مسلط مگردان.

خداوندا ما را از بردگی گناهان آزاد ساز و از یوغ نفس رها بگردان و میان ما و گناهان دوری بینداز و از شیطان رانده شده پناه ده... ای دارای گذشت و ای دارای آمرزش وسیع و ای دارای رحمت نزدیک.. ما را از نزد خویش مغفرت و رحمتی عطا کن که تو بسیار بخشنده و بسیار مهربانی.

خداوندا ما را و پدران و مادران ما و همسران و دوستان ما را از آتش آزاد بگردان... ای عزیز و ای غفار و ای پروردگار جهانیان.

خداوندا بیماران ما را شفا ده، خداوندا بیماران ما را شفا ده، خداوندا بیماران ما را شفا ده و مبتلایان ما را عافیت عطا کن و اسیران ما را آزاد گردان و مردگان ما را بیامرز و ما را بر دشمنانمان پیروز بگردان. ای نیرومند و ای عزیز... ای پروردگار جهانیان. ای بندگان خداوند... «همانا الله به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان امر نموده و از فحشا و منکر و تجاوز باز می‌دارد. او شما را چنین نصیحت می‌کند تا آنکه پند گیرید» [النحل: ۹۰].

پس خداوند بزرگ را یاد کنید تا شما را یاد کند و او را سپاس گوید تا شما را افزون دهد و همانا یاد الله بزرگ‌تر است و الله به آنچه می‌کنید آگاه است.

عنوان خطبه:

مصادر شریعت

خطیب: صالح آل طالب

مسجد نبوی شریف: جمعه ۲۱ جمادی الثانی ۱۴۳۱ برابر با ۱۴ خرداد ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

ستایش برای الله است. ستایش برای الله است که پاک و منزّه و بلند مرتبه است. دارای نام‌های نیک است و صفاتش در نیکی و کمال به غایت رسیده است. اوست که بر بندگان شریعت‌ها را نازل نموده و در میان آن‌ها پیامبران را پی در پی مبعوث گردانده است. پس کسی که از آن چه از سوی خداوند آمده است رویگردان شد چه بدبخت است و بدحال، و آنکه راه هدایت را پیمود چه خوش جایگاهی است بهشت برای او... و آیا دین چیزی است جز پیروی؟ و آیا دستور جز برای این است که اطاعت شود و نهی برای این است که از آن دوری گردد؟ و آیا جز این است که همه‌ی شریعت، قابل اجرا و شدنی است؟

و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که یگانه و بی‌شریک است... بزرگ است خلقت و امر پروردگار ما... او که حرام و حلال را در دین برای ما بیان نمود. و درود و سلام و برکات خداوند بر پیامبرش محمد، و بر اهل بیت و یاران وی باد...
اما بعد...

آنگونه که شایسته‌ی خداوند است تقوای او را پیشه سازید و به ریسمان محکم اسلام چنگ زنید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾

[آل عمران: ۱۰۲].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را آنگونه که شایسته‌ی اوست پاس دارید و نمی‌رید مگر در حالی که مسلمانید».

بدانید که دنیا به نوبت است و پیش از ما بر عاد و ثمود و قرن‌های نخستین گذشته است و بدانید که مال، امانت است و جان نیز به سوی خالقش بر خواهد گشت که یا خشنود خواهد شد و یا بدبخت، گذشتگان برای ما الگویند و ما برای آیندگان عبرت... پس خوش به حال آنکه آخرت خویش را آباد ساخت و در پی خشنودی پروردگارش بود.

خداوندا ای پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل... ای آفریننده‌ی آسمان و زمین و ای آگاه به غیب و آشکار، تویی که میان بندگان در آنچه اختلاف نمودند حکم خواهی کرد... ما را با خواست خود به سوی آن حقی که در آن اختلاف شده است راهنمایی کن، که تو هر که را بخواهی به راه راست هدایت می‌کنی...

خداوندا ای گرداننده‌ی قلب‌ها قلب ما را بر دینت ثابت بدار.

ای بندگان خداوند... ای مسلمانان: همه‌ی ما به سوی خداند در سیر هستیم و در حال سفر به سوی خانه‌ی آخرتیم. آنجاست که نامه‌های اعمال منتشر می‌شود و ترازوها بر پا خواهد شد:

﴿فَأَمَّا مَنْ طَعَىٰ ﴿٣٧﴾ وَعَآثَرَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا ﴿٣٨﴾ فَإِنَّ الْجَحِيْمَ هِيَ الْمَأْوٰى ﴿٣٩﴾ وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهٖ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوٰى ﴿٤٠﴾ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوٰى ﴿٤١﴾﴾ [النازعات: ۳۷-۴۱].

«پس اما آنکه طغیان ورزید (۳۷) و زندگی دنیا را ترجیح داد (۳۸) پس همانا جایگاه او آتش است (۳۹) و اما آنکه از ایستادن در برابر پروردگارش هراس داشت و نفس خود را از هوس باز داشت (۴۰) پس همانا بهشت همان جایگاه اوست».

شریعت خداوند برای این آمده است که مردم را از دعوت نفس و هوا و هوس خارج کند تا بندگانی شوند برای خداوند و این است حقیقت بندگی... این که در شریعت و تقدیر خداوند تسلیم او شویم و بدانیم خداوند از ما چه می‌خواهد تا به آن عمل کنیم نه اینکه با حيله و نیرنگ از آن شانه خالی کنیم یا از آن بگریزیم؛ زیرا هدف از وجود ما تحقق بخشیدن بندگی خداوند است:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴿٥٦﴾﴾ [الذاریات: ۵۶].

«و من جن و انس را نیافریدم مگر برای آنکه من را عبادت کنند».

و عبادت خداوند در توحید و اطاعت دستورات وی و گردن نهادن به امر و نهی وی تحقق می‌یابد... و مگر اطاعتی وجود دارد به جز در حلال و حرام؟

ای مسلمانان: آنکه حکم به حلال و حرام می‌کند همانا الله - جل جلاله × است و ما از طریق قرآن و سنت پیامبر وی - صلی الله علیه و آله وسلم - براساس روش صحابه - رضی الله عنهم - به حکم وی پی خواهیم برد نه با هوای نفس و خواست دل، و همانا خداوند متعال برای این امت کسانی را قرار داده است که این دین را همانگونه که توسط مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم آمده است برای ما آورده‌اند و سنت و هدایت را در پیروی از آنان قرار داده است و سلامت را در پیمودن راه آنان گذاشته است که اولین آن‌ها صحابه‌ی پیامبرند. زیرا آنان شاهد نازل شدن وحی بودند و به تفسیر آن آگاه بودند و آنان آگاه‌ترین مردم به مقصود سخنان خداوند و پیامبر وی هستند...

پس از آنان علمای راسخ و آگاهان به سنت قرار دارند... آنان که جوانی خود و حتی بخشی از میان‌سالی خویش را در حلقه‌های علم و علم‌آموزی صرف کرده‌اند... روزها و

شب‌ها را در پی این علم گذرانده‌اند و در کنار آن دارای خشیت و تقوایی بودند که باعث آبادی قلب و عقلشان بود... گذشته از سفرهایشان که در پی یافتن علم به گوشه و کنار دنیا می‌رفتند... و سپس بعد از این همه تلاش و کوشش، کسی از آن‌ها به فتوا نمی‌پرداخت مگر آنکه صد نفر از اهل علم به اهلیت وی گواهی می‌دادند... به وسیله‌ی آن‌ها بود که شریعت حفظ گردید و امت مسلمان به راه راست رفت و آنان توانستند با این علم، قرن‌ها نیرنگ و دشمنی را به سلامت پشت سر بگذارند چنانکه کشتی از دریای طوفانی عبور می‌کند تا آنکه این شریعت پس از ۱۵ قرن، پاک و روشن به دست ما برسد.

ای بندگان خداوند: در این سال‌های اخیر پدیده‌ای ظاهر گردیده که نوید خوبی نمی‌دهد و مدعیانی که ادعای آگاهی از شریعت دارند و بدون علم و تقوا به ساحت شریعت نزدیک می‌شوند و درهای شر را باز می‌کنند... و رسانه‌ها و شبکه‌های ارتباطی نیز هر قول شاذی را میان مردم پخش می‌کنند و با فتوا دادن به رخصت در امور شرعی به این آتش دامن می‌زنند تا آنکه مردم در دین خود دچار اضطراب و دو دستگی شده و بسیاری از آنان به راه‌های انحرافی کشانده شده‌اند...

عقوبت آنان که دین مردم را به فساد می‌کشانند از کسانی که دنیا را به تباهی می‌کشانند بدتر است، و اگر اینگونه بود که هر سخنی در دین معتبر بود دیگر برای مردم نه دینی باقی می‌ماند و نه عقیده‌ای؛ چرا که حتی ابلیس و فرعون نیز دارای قولی در دین هستند! و هر انسانی دارای رای و فهمی است که اگر براساس شریعت منظم نشود دیگر مرزی برای گمراهی باقی نخواهد ماند...

شیخ الاسلام ابن تیمیه می‌گوید: «همانا چیزی میان مردم داوری نمی‌کند جز کتابی منزل یا وحیی که از آسمان آمده است و اگر همه به هوای نفس خود برمی‌گشتند و به آن عمل می‌کردند پس هر شخصی برای خود دارای عقلی است [که حکم متفاوتی می‌دهد]...»

چه بسیارند آنانی که به رای خود مغرورند و نمی‌دانند که در واقع امامی در گمراهی‌اند... که گناه گمراهی خود و گمراهی کسانی که به گمراهی می‌کشند را تا روز قیامت به دوش خواهند کشید و خداوند متعال در مورد فرعون و امثال وی می‌فرماید:

﴿وَجَعَلْنَاهُمْ آيَةً يُدْعُونَ إِلَى النَّارِ...﴾ [القصص: ۴۱].

«و آنان را امامانی قرار دادیم که به سوی آتش دعوت می‌کنند...».

بندگان خداوند: در بحبوحه‌ی این دخالت‌های بدون علم در دین خداوند و کثرت کسانی که در دین خداوند نظر می‌دهند، ما همان سخنی را می‌گوییم که نخستینان این امت گفتند که: «همانا این علم، دین است پس ببینید که دین خود را از چه کسی می‌گیرید.»

و بدان که هنگامی که در برابر خداوند ایستادی با این عذر که از فلان کس که دین و علم و فقه و تقوایش مورد اعماد نیست، پیروی کردی رها نخواهی شد... زیرا تو از چنین کسی پیروی نکرده‌ای مگر برای آنکه موافق دلخواه تو فتوا داده است و سخن آن عالم ربانی را که تقوا و خشیت خداوند را در دل داشت رها نمودی...

دین از آن الله است... از سوی او نازل شده است و به سوی او باز خواهد گشت، و خداوندی که خلقت و امر از آن اوست هر آنچه را اراده کند حکم نموده و هر دستوری که بخواهد می‌دهد، و بدانید که در مسائلی که در آن اختلاف شده است حق تنها یکی است و دو تا نیست و حکمی که نزد خداوند است ثابت است و تنها یک حکم است هر چند که سخنان فتوا دهندگان چند تا باشد و بدانید که با قرار دادن یک مفتی میان خود و خداوند نمی‌توان خود را از پرسش خداوند رها کرد، اما آنچه بر شخص مکلف لازم است این است که جستجو کند و از کسی بپرسد که به او اطمینان دارد...

و بدترین بلا و مصیبت آن است که شخص به عمد در مسائل مورد اختلاف در پی فتوای آسان‌تر باشد و یا از کسی فتوا بخواهد که اهل آن نیست در حالی که خداوند می‌فرماید:

﴿... فَسْأَلُوا أَهْلَ الدِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ [النحل: ۴۳].

«پس از اهل آگاهی برسید اگر نمی‌دانید».

پس با پرسیدن از غیر اهل علم، سوال از گردن انسان نخواهد افتاد و از پیامدهای آن در امان نخواهد بود.

حدود خداوند با اشتباه یک عالم و یا با فتوای کسی که اهل آن نیست مباح نمی‌شود و هرکه در پی رخصت‌های علما باشد به اتفاق اهل علم دچار فسق می‌شود و هرکه رخصت‌های علما را بگیرد همه‌ی بدی‌ها در وی جمع خواهد شد و نیکی آن است که درون انسان و قلب وی با آن آرام گیرد و گناه آن است که در درون انسان احساس نا آرامی وجود آورده و در وجودت شک بیاندازید حتی اگر مردم به تو فتوای درست بودن آن را بدهند.

ای مسلمانان:

با وجود علمایی که بر راه و روش گذشتگان هستند، آنچه امروز به راحتی دیده می‌شود، این است که بسیاری اوقات ساحت علم شریعت توسط ناآگاهان مورد تجاوز قرار می‌گیرد و نیمه عالمان برای وارد شدن به آن با هم مسابقه می‌دهند و کسانی که حتی کتب مختصر فقه را نخوانده‌اند یا در زندگی خود چیزی از احکام تکلیفی و وضعی و دلالت الفاظ و مقاصد شریعت و منابع احکام نشنیده‌اند، برای وارد شدن به آن به خود جرات می‌دهند، تا جایی که می‌بینی برخی از آن‌ها به حدیثی منسوخ یا ضعیف استدلال می‌کنند یا به شبهه‌ای متوسل می‌شوند که علما پاسخ آن را گفته‌اند...

تا آنجا که مساله‌ای شرعی که اگر بر ابوبکر صدیق عرضه می‌شد برای مشورت در مورد آن اهل بدر را جمع می‌کرد و اگر بر اهل علم عرضه می‌شد آن را به یکدیگر حواله می‌کردند، و بسیاری دیگر از مسائل علمی سوژه‌ای شده است برای یک روزنامه‌نگار یا عنوانی جذاب برای یک برنامه در یک کانال ماهواره‌ای یا موضوعی برای یک کاریکاتور است... و آبرو و حیثیت بسیاری از علما و طالبان علم نیز عرصه‌ای آزاد گردیده برای عیبجویی و طعنه زدن و چنان برخی از روزنامه‌ها و رسانه‌ها در این عرصه قلم

زده‌اند که دیگر چنین چیزی عادی شده است و کسانی که هیچ بهره‌ای از علم و دیانت ندارند در برابر فتوای علما می‌ایستند...

با وجود آنکه ما معتقدیم در اسلام مقام کهنوت و طبقه‌ی رجال دین وجود ندارد و جز رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم کسی معصوم نیست... اما با این وجود معتقدیم که این چنین پدیده‌ی خطرناکی در گذشته‌ی اسلام رخ نداده است. مسائل شرعی باید براساس اصول و بین اهل آن مورد بررسی قرار گیرند...

آن کسی که بدون علم در مسائل شرعی وارد می‌شود به مانند کسی است که بدون آگاهی از پزشکی وارد آن می‌شود، بلکه علم شریعت مهم‌تر و خطیرتر از علم پزشکی است زیرا اگر سلامتی بدن‌ها به پزشکی مربوط است، سلامت دین انسان‌ها به علم دین است و اگر جلوگیری از طبابت کسی که به طب آگاه نیست لازم است چگونه می‌توان به کسی که نه از قرآن آگاهی دارد و نه از سنت و دارای فهم دین نیست اجازه داد پا به این عرصه بگذارد؟!

امام ابن حزم رحمه الله می‌گوید: «هیچ آفتی برای علوم و اهل آن خطرناک‌تر از بیگانگان که غیر اهل آن هستند نیست؛ زیرا آنان جاهلند و گمان می‌کنند می‌دانند و خراب می‌کنند اما به گمان خویش در حال اصلاحند!».

ما در زمانه‌ای قرار داریم که بیش از پیش به دینمان نیازمندیم و در این حال علمای بزرگ دارند از میان ما می‌روند و برخی از فرزندان مسلمانان از اصول دین چه برسد به فروع آن شانه خالی می‌کنند... اما با این حال در بسیاری از سرزمین‌های اسلامی مشاهده می‌کنیم که کوتوله‌ها و بی‌چیزها برای مسخره کردن علما با یکدیگر مسابقه گذاشته‌اند.

ای مسلمانان... ای مسلمانان در همه‌ی نقاط سرزمین اسلامی... ایستادن در کنار علمای دین در این دوره اگر وظیفه‌ای اسلامی هم نبود، براساس سیاست و مصلحت دنیایی لازم بود.

آری، درست است... اشتباه از سوی علما وارد است و ممکن است آنان نیز در مسائلی دچار لغزش و خطا شوند اما آرای شاذ آنان مردود است و بدفهمی سخن آنان از سوی

مردم نیز بیشتر احتمال دارد... اما با همه‌ی این‌ها حرمت عالم و حرمت علم باید سر جای خود باقی بماند زیرا که علما به مانند ستارگان زمینند که در تاریکی با وسیله‌ی آنان راه یافته می‌شود که اگر آنان باشند مردم راه هدایت را می‌یابند و اگر نباشند به گمراهی می‌روند و آن‌ها، اگر به امر خداوند پایبند باشند بهترین خلق خدایند و اگر در آن سهل انگاری و کم کاری کنند بدترین آنانند.

همانا عالم اجتهاد می‌کند و ممکن است در این اجتهاد اشتباه کند یا به راه درست برود و ممکن است توفیق یابد و یا موفق نشود اما باید دانست که آرای درست علما بسیار بیشتر از آرای اشتباه آنان است و آنان در اجتهاد خود میان دو اجر و یک اجر قرار دارند (یعنی اگر اجتهادشان درست باشد دو اجر و اگر اشتباه باشد یک اجر خواهند داشت). و منصف کسی است که اشتباه کم شخص را با آرای درست بسیارش ببخشد. اما شخص غیر عالم حتی اگر در مسالهی شرعی درست بگوید گناهکار است زیرا او اهل فتوا نیست. به او چه ارتباطی دارد که در مسالهی که نمی‌داند و به او مربوط نیست وارد شود؟

ای مردم: باعث کمک به دشمنان و حسودان نشوید و وارد مسالهی نشوید که وارد شدن به آن جز باعث تفرقه نمی‌شود... در حد خود بایستید که کفایت شده‌اید و از اختلاف دست بردارید که از آن نهی شده‌اید و به مانند کسی باشید که خود را با ارزش می‌داند و امر خود را تنها به کسی می‌سپارد که معتقد است می‌تواند او را به سوی بهشت و رضایت الهی ببرد.

و از آنانی برحذر باشید که پیامبرتان شما را نسبت به آنان هشدار داده و فرموده است: «در آخر امت من کسانی خواهند بود که به شما سخنانی خواهند گفت که نه شما شنیده‌اید و نه پدرانتان» [به روایت مسلم].

امام نووی رحمه الله می‌گوید: «از کسی علم آموخته نمی‌شود مگر آنکه اهلش کامل بوده و دینداری‌اش آشکار باشد و معرفتش محقق گردیده و پاکی‌اش مشهور باشد...».

و در اثر آمده است که: «دینت را حفظ کن که همانا آن گوشت و خونت است؛ پس ببین که آن را از چه کسی می‌گیری، از کسانی دینت را فرا بگیر که راه استقامت پیموده‌اند نه از آنانی که میل کرده و کج رفته‌اند...».

نخعی رحمه الله می‌گوید: «همانا شخص هنگامی که می‌خواست از شخصی علم بیاموزد به نماز او می‌نگریست و در حال او و اخلاق و ظاهرش نگاه می‌کرد سپس از او علم می‌آموخت».

و ای اهل علم: راه استقامت را بپیمایید که پیشینیان بسیار از شما سبقت گرفته‌اند و به چپ و راست کج نشوید که اگر چنین کنید دچار گمراهی دور و درازی شده‌اید و حق را با باطل نپوشانید و آن را در حالی که می‌دانید کتمان نکنید...

و بدانید که هر حقی گفته نمی‌شود... امام مسلم با سند خویش از ابن مسعود رضی الله عنه روایت می‌کند که ایشان گفتند: «تو سخنی را به گروهی نمی‌گویی که عقلشان آن را درک نمی‌کند مگر آنکه آن سخن برای برخی از آنان فتنه خواهد شد...».

این اثر، از چشمه‌ی حکمت یکی از مبلغان شریعت و فقهای بزرگ آن است که در آن درسی است برای هر عالم و هر دعوتگر مخصوصاً هنگامی که دین در درون بسیاری از مردم ضعیف شده و بسیاری از عقل‌ها حاضر به تسلیم در برابر نصوص قرآن و سنت نیستند...

یک عالم مردم را برای به فتنه افتادن کمک نمی‌کند... چه بسا مردمی که در کناره‌ی دره‌ی سقوط قرار گرفته‌اند و امت امروزه به استقامت و ثبات نیاز دارد نه به پراکندگی و تفرقه...

و قبل از همه چیز و بعد از همه، دل‌های ما پر از رضایت است نسبت به آنچه از سوی خداوند آمده است و تسلیم آن چیزی است که از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم به سند صحیح به ما رسیده است و نه از آن روی برمی‌گردانیم و نه برای در رفتن از زیر آن عذر می‌آوریم...

و باید بدانیم که بلا و آزمایش بر بندگان نوشته شده است و خوشبخت آن است که ثابت قدم بماند و خداوند است که برای چنین کسانی وعده‌ی نیک داده است.

﴿يَقَوْمٍ إِنَّمَا هَٰذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَّعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ ﴿٣٩﴾﴾ [المؤمن: ۳۹].

«ای قوم من همانا این زندگی دنیا کالایی است و همان آخرت است که خانه‌ی ماندگاری است».

خداوند قلب‌های ما را برای پذیرش وحیت نرم بساز و اعضا و جوارح ما را برای شریعت مطیع ساز و چنان از یقین خویش بر ما بیاران تا آنکه زندگی ما را آرام و مطمئن بگردانی و از شک و شبهه دور بداری و بازگشتگاه ما را به سوی بهشت خود قرار ده...
خداوند دین ما را که نگاهبان امر ماست و دنیایی ما را که محل زندگی ماست و آخرت ما را که بازگشتگاه ماست اصلاح نما و دنیا را برای ما زیاده‌ی در هر نیکی قرار ده و مرگ را آسودگی از هر بدی...

این سخن خویش را گفته و برای خود و شما از خداوند متعال آمرزش می‌خواهم.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله است... ستایش از آن الله است که یاور صالحان است و عاقبت نیک از آن متقیان است و دشمنی نیست مگر با ستمگران...

و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر اوست... درود و سلام و برکات خداوند بر او و بر اهل بیت و یارانش باد.

اما بعد...

ای مسلمانان: در معرض قضایای بزرگ امت نمی‌توان از صحنه‌ی محاصره‌ی فلسطین و اشغال مستمری که در آن می‌گذرد گذشت... در این میان قاتلان کاری جز ادامه دادن به کشتار خود ندارند و روز به روز به صورت عملی همان چیزی را نشان می‌دهند که قرآن درباره‌ی آنان گفته است که آنان شدیدترین مردم در برابر مومنانند.

می‌بینیم کشتی‌های آزادی که بسوی غره به راه افتاده‌اند به اسارت می‌روند و حاملان امید برای اهل غزه کشته می‌شوند... داروهایی که برای آنان برده می‌شد و اسباب بازی کودکان را پراکنده می‌بینی گو اینکه مداوا و بازی برای اهل غزه حرام است و ممنوع... قصد نداریم که آنچه را که گذشت وصف کنیم زیرا دنیا همه‌ی آنچه را که گذشت دیدند...

اعراب و مسلمانان باید بدانند که محاصره‌ی غزه تنها محاصره‌ی غزه نیست... همانا این محاصره‌ی کرامت امت و اراده‌ی آن است... این محاصره در واقع مبارزه‌ی طلبی است برای هر آزاده‌ای در جهان... این آزمایشی است برای همه‌ی داعیان حق و حامیان آن... این یک رسوایی است برای همه‌ی هیئت‌ها و موسسه‌های بین‌المللی که انسان و کرامتش برایشان مهم است... این سیلی محکمی است علیه هر کشوری که رژیم اشغالگر اسرائیل را حمایت کرده یا حتی جنایت‌هایشان را توجیه کند...

گشودن محاصره‌ی اهل غزه برای امت یک فرض کفایی است و امانتی است بر گردن هر انسان شریفی در این جهان که نباید امت در این راه از هیچ کوششی دست بردارد و باید از همه‌ی نیروی سیاسی و اقتصادی خویش برای برداشتن ظلم و گسستن محاصره و از بین بردن اشغال استفاده کند...

راضی شدن به این وضعیت بسا که نشانه‌ای باشد برای عقوبتی فوری از سوی خداوند و نشانه‌ای است بر ضعف ایمان. رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرماید: «به خدا سوگند که ایمان نیاورده است کسی که سیر بخوابد و همسایه‌اش در مجاورت او گرسنه است و او می‌داند».

ادامه یافتن این حالت باعث افزون شدن دشمنی میان ملت‌ها و از بین برنده‌ی هر دعوت صلح‌آمیز و نزدیکی میان ملت‌هاست و کشنده‌ی هر فعالیتی است که بشارت حسن نیست میان ملت‌ها را می‌دهد.

استفاده از محصولات تمدن و لذت بردن از خوشی‌های آن ممکن نیست در حالی که هنوز طبل‌های جنگ نواخته می‌شود و خون بی‌گناهان می‌چکد و سرزمین‌شان مورد

تجاوز و غصب قرار می‌گیرد، و در حالی که ملت‌های زمین احساس ظلم می‌کنند و آنانی که توانایی تغییر این وضعیت را دارند به ستمگر یاری می‌رسانند و مظلوم را در حالی که در خون خود غوطه‌ور است محکوم می‌کنند!

اما با این وجود لازم است اینجا از همه‌ی آزادگان جهان و همه‌ی شریفان دنیا از هر نژادی، که از اسارت رسانه‌ای صهیونیست‌ها آزاد شده‌اند و دست‌رد بر سینه‌ی ستم و ستمگر زده‌اند و خواهان پایان یافتن محاصره هستند تشکر و تقدیر نماییم...

این نشانه‌ای خوب است و بسا که آغازی باشد برای بیداری ملت‌هایی که از این ستم اطلاعی نداشتند. ستمی که شب آن و تاریکی آن بسیار به طول انجامید و چه بسا پس از اوج تاریکی صبح روشن بدمد...

بر برادران ما در فلسطین لازم است که بر عوامل پیروزی بیفزایند و با یکی گرداندن کلمه‌ی خویش و وحدت در میان خویش و صدق و راستی با خداوند، اطمینان دیگران را به خود جلب نمایند

صف خود را یکی بگردانید و به زیر یک پرچم درآیید و تقوای الله را پیشه سازید و میان خویش را اصلاح کنید.

و درود و سلام فرستید بر بهترین انسان‌ها محمد بن عبدالله... خداوندا درود و سلام و برکت ارزانی دار بر بنده و پیامبرت محمد، و بر اهل بیت پاک و صحابه‌ی نیک وی و راضی و خشنود باش از خلفای پیامبرت - ابوبکر و عمر و عثمان و علی - و از دیگر صحابه‌ی پیامبرت و از همه‌ی کسانی که بر راه آنان روند و از سنت آنان پیروی نمایند.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار بگردان و دشمنان دین را نابود ساز و از حوزه‌ی دین محافظت نما و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امن و امان بدار.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن بدار و مسئولان ما را اصلاح گردان. خداوندا گرانی و وبا و ربا و زنا و زلزله و سختی‌ها و فتنه‌های بد آشکار و نهان را از ما دور ساز و وضعیت مسلمانان را در هر جای دنیا اصلاح نما. خداوندا آنان را بر حق و

هدایت یکجا ساز و جانشان را حفظ نما و سرزمینشان را در امان بدار و زندگی‌شان را مرفه بگردان و دشمنشان را سرکوب گردان.

خداوندا مستضعفان مسلمان را یاری ده. خدایا آنان را در فلسطین یاری ده. خداوندا مجاهدان را در اطراف بیت المقدس یاری نما. خداوندا محاصره‌ی محاصره شده‌گان را از بین ببر و مسلمانان را بر حق یکی بگردان... خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومنت را یاری ده.

خداوندا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بدار. خداوندا گناهان ما را بیامرز و عیب‌های ما را بپوشان و کارهای ما را آسان بگردان...

پروردگارا ما را و والدین ما را و فرزندان ما را مورد مغفرت خویش قرار ده که تو شنونده‌ی دعایی. خداوندا از ما بپذیر که تو شنوا و دانایی و از ما توبه پذیر که تو بسیار توبه پذیر و مهربانی.

پاک و بی‌عیب است پروردگار تو آن آن پروردگار عزت از آنچه مشرکان به دروغ وصفش می‌کنند و سلام بر پیامبران و الحمدلله رب العالمین.

عنوان خطبه:

نیاز به همکاری و تعاون

خطیب: دکتر سعود الشریم

مسجد الحرام: جمعه ۲۸ جمادی الثانی برابر با ۲۱ خرداد ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است... او را ستایش گفته و از او یاری و آمرزش می‌خواهیم و به سوی او توبه می‌کنیم، و از بدی‌های نفس خود و اعمال ناشایستمان به الله پناه می‌بریم... هرکه را الله هدایت کند او گمراه‌گری نخواهد داشت و هرکه را گمراه سازد او هدایت‌گری نخواهد یافت...

و گواهی می‌دهم که معبود به حقی نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد بنده و پیامبر اوست:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿۱۰۲﴾﴾

[آل عمران: ۱۰۲].

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ ۚ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا ﴿۱﴾﴾ [النساء: ۱].

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿۷۰﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ ۚ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿۷۱﴾﴾ [الأحزاب: ۷۰-۷۱].
اما بعد...

ای مردم: از نسل اول این امت تا کنون سال‌ها و قرن‌ها گذشته است و اسلام روز به روز به فرزنداناش درس ثبات بر دین و آداب پیروزی و عقب راندن دشمنان و صبر در برابر سختی‌ها و دوری شدن از فتنه‌ها را با روحیه‌ی خشنودی از پروردگار و اطمینان به وعده‌ی وی داده است... که در راه آن هر سختی و ناملایمتی را تحمل کرده است...

این احساس مثبت تنها به فرد مسلمان محدود نمی‌شود و بلکه به جامعه‌ی مسلمان به طور کلی مربوط است و لازم است این احساس مثبت در همه‌ی جامعه موجود باشد و نه فقط در تعدادی از افراد آن که به حد اجتماع نمی‌رسند؛ زیرا این از سنت‌های الهی در زندگی است که جوامع مسلمان با وجود آن که نسبت به پروردگار خود رضایت دارند - با این وجود - در توانایی‌ها و داشته‌ها و تلاش و ضعف و غنا و فقر و سلامتی و بیماری، با یکدیگر تفاوت دارند...

وجود این تفاوت نیاز این جوامع به یکدیگر در آسانی و سختی و غم و شادی ضروری‌تر می‌شود. همچنین نیاز به نزدیکی میان تک‌تک آنان را، هر چند سرزمین‌هایشان از یکدیگر دور باشد ضروری می‌سازد و نیاز به مهربانی را با وجود ظلم و ستم موجود لازم و ضروری می‌سازد... بلکه آنان نیاز شدیدی به حس کردن همدیگر

دارند و این ممکن نیست جز براساس این احساس مثبت که دین ما بر آن تاکید دارد؛ چه اشکال دارد که نزدیکی و الفت میان جوامع مسلمان به جایی برسد که اگر کسی در شمال آن ناراحت شود فردی از امت در جنوب آن به درد آید... در این صورت حداقل او کسی را خواهد یافت که او را همدردی کرده یا وی را آرام سازد، و کمتر از آن دیگر نمی‌توان ذره‌ای تعاون و همدردی را تصور کرد.

هنگامی که چنین فضای مثبتی در بین جوامع مسلمان به وجود آید این امت شکار دیگران نخواهد شد که اگر در برابر او مصیبتی رخ دهد یا بحران‌ها و از هم گسیختگی‌ها خود را نمایان سازند و هر چه شب تاریک ظلم و ستم و سلطه بر سینه‌ی او فشار آورد، روحیه‌ی صبر و شکیبایی براساس رهنمون الهی در وجود این امت نخواهد مرد... بر اساس این خواستگاه، اسلام همیشه در برابر این امت زنده است و مسلمانان هیچگاه نخواهند مرد و بلکه همیشه این سخن پروردگار خویش را به زبان خواهند آورد که:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٢٠٠﴾﴾

[آل عمران: ۲۰۰].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهبانی کنید و از الله پروا نمایید امید است که رستگار شوید».

آنان از آیات صبر که در بیش از هشتاد موضع در کتاب خداوند تکرار شده است، الگو و نشانه می‌گیرند زیرا که صبر از قوی‌ترین عوامل پیروزی میان حق و باطل است:

﴿... وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ لِلنَّاسِ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَىٰ

الْعَالَمِينَ ﴿٢٥١﴾ [البقرة: ۲۵۱].

«... و اگر الله برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی‌کرد قطعا زمین تباه می‌گردید ولی الله نسبت به جهانیان فضل دارد».

صبر در میان عوامل پیروزی جایگاه نخست را به دست نیاورده است مگر برای اینکه انواع نیکی‌ها را در مسیر موفقیت در بر می‌گیرد... زیرا صبر باعث روبرو شدن زیبا در

برابر بلاها و سختی‌ها می‌شود و باعث می‌شود انسان به نیکی مصیبت‌ها را تحمل کند و به نیکی با آن‌ها روبرو گردد و با قدرت و اقتدار آن‌ها را تحمل کند و آن سختی‌ها را با اقتدار تمام از مسیر جاودانگی بردارد و دور سازد و باعث می‌شود جوامع مسلمان به نیکی با یکدیگر هم دردی کنند تا به مانند یک بدن یگانه شوند، و اجری را که خداوند به آنان وعده داده است به دست آورند که: «همانا صابران اجرشان را بدون حساب دریافت خواهند کرد» [الزمر: ۱۰].

این پاداش بی‌حساب نیست مگر برای آن صابرائی که به عهد و پیمان الهی پایبند بوده و به اسلام و پایداری وفادار مانده‌اند و با همه‌ی سختی‌های طولانی و نفس‌گیر به یکدیگر وفادار مانده‌اند.

ای بندگان خداوند: نور اسلام بر جهانیان تابید تا یکی از رهنمون‌ها و دستاوردهایش محکم کردن رابطه‌ی میان افراد و جوامع مومن با یکدیگر براساس بهترین و شریف‌ترین روش‌ها باشد و این محکم‌سازی روابط را فضیلت و ایثار و مهربانی و یاری در بر گرفته است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ...﴾ [التوبة: ۷۱].

«و مردان مومن و زنان مومن، برخی یاران برخی دیگرند».

و می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ...﴾ [الحجرات: ۱۰].

«همانا مومنان برادرند...».

و رسول خداوند صلی الله علیه وآله وسلم می‌فرماید: «مومن برای مومن به مانند یک ساختمان است که هر جزء آن جزء دیگر را محکم می‌دارد» [به روایت بخاری و مسلم].
و همچنین می‌فرماید: «مثال مومنان در مودت و مهربانی و عطوفتی که میان یکدیگر دارند به مانند یک بدن یگانه است که اگر عضوی از آن به درد آید دیگر اعضای بدن با تب و شب بیداری با وی همراهی می‌کنند» [به روایت مسلم].

همه‌ی این نصوص به روشنی دال بر این است که خداوند حکیم بر تعاون و الفت و خیرخواهی و یگانگی امیدها و دردهای میان مسلمانان تاکید نموده است زیرا پروردگار این امت و دین و پیامبر آن یکی است...

این حقیقتی است استوار که ریشه‌ی آن محکم است و شاخ و برگ آن در آسمان؛ بر این اساس بر جوامع مسلمان لازم است که معانی همگرایی و تراحم و یاری‌رسانی را در درون خویش روشن ساخته و این بلندی روح را در برادری و همکاری و برابری به وجود آورند...

زیرا دین اسلام، نژاد و زبان و رنگ را معیاری برای این معانی بلند قرار نداده است چون همه، بندگان خداوندند و رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم می‌فرماید: «و بندگان خداوند، و برادران هم باشید» [به روایت بخاری و مسلم].

پس چرا شریعت خداوند بر این معانی با ارزش تاکید نکند در حالی که خداوند فرزندان آدم را گرمی داشته و آنان را در زمین و دریا بر مرکب‌ها نشانده و از پاکی‌ها روزی داده است و از میان بنی آدم مسلمانان را با اسلام گرمی داشته است و بر این امت مهربانی و ارتباط با همدیگر و همگرایی و یاری‌رسانی را واجب گردانده است و بدین ترتیب همه‌ی معانی تفرقه و اختلاف و خودخواهی و ترک گفتن یاری و تسلیم نمودن یکدیگر به دشمن را حرام گردانده است.

هر کس کمترین آگاهی از زندگی برخی از موجودات داشته باشد تاثیر این معانی را در بقا و ایستادگی در برابر متجاوز درک خواهد کرد.

برای مثال مورچه‌ها با صبر و شکیبایی کارهای گوناگون را بارها تکرار می‌کنند و خداوند متعال داستان گروهی از مورچگان را با سلیمان چنین نقل می‌کند که:

﴿حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمَلَةٌ يَأْتِيهَا النَّمْلُ أُدْخِلُوا مَسْكِنَكُمْ لَا يَحْطُمَنَّكُمْ سُلَيْمَنُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٨﴾﴾ [النمل: ۱۸].

«تا آنگاه که به وادی مورچگان رسیدند مورچه‌ای گفت ای مورچگان به خانه‌هایتان داخل شوید مبادا سلیمان و سپاهیانش ندیده و ندانسته شما را پایمال کنند».

و همینطور گروه زنبورها نیز چنین احساسی در مورد مملکت خویش دارند و با دقت و نظم برای ساختن و حمایت از کندوی خویش همکاری می‌کنند...

به همین صورت دیگر پرندگان و حیوانات؛ به طوری که می‌بینیم این جانوران به صورت فردی یا گروهی حرکت می‌کنند اما همین که خطری آنان را تهدید کرد یکجا شده و متحد می‌شوند زیرا آنان به صورت غریزی می‌دانند که اگر پراکنده شوند دچار خواری و ضعف خواهند شد.

اگر این احساس در میان حشرات و حیوانات زبان بسته به صورت غریزی موجود است در مورد انسان مسلمان که توانسته است با شریعت، و غریزه‌ی خویش آن را داشته باشد چه می‌توان گفت؟ رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم می‌فرماید: «مسلمان، برادر مسلمان است؛ نه به او ستم می‌کند و نه او را تسلیم می‌نماید. هرکه در تلاش برای برآوردن نیاز برادرش باشد خداوند نیز نیاز او را برآورده می‌سازد و هرکه سختی و مصیبتی از سختی‌های دنیا را از مسلمانی بر طرف سازد خداوند نیز یک سختی از سختی‌های آخرت او را بر طرف خواهد ساخت» [به روایت بخاری و دیگران].

در میان امت مسلمان جوامع مسلمانی هستند که در شرایط سختی به سر می‌برند زیرا در دوره‌ای از دوره‌های زمانی هستیم که در آن متجاوزان قدرتمند شده و به جای صاحبان واقعی سرزمین اسلامی نشسته و صاحبان واقعی آن را زخمی و آواره کرده‌اند.

بر این اساس لازم است که همت جوامع مسلمان را به سوی مهربانی و عطف با یکدیگر و احساس مسئولیت نسبت به همدیگر و تلاش بی‌وقفه برای احقاق حق و بر طرف نمودن ستم تشویق نمود. زیرا ممکن نیست به علت وجود امراضی که اهل حق گرفتار آنند و سرزمین و وطن آنان گرفتار اشغال شده است، ذات حق از بین برود.

خداوند من و شما را به واسطه‌ی قرآن بزرگ برکت داده و با آیات و حکمت‌های آن سود رساند. آنچه را گفتم اگر درست بود از سوی خداوند است و اگر خطا بود از نفس و از شیطان، و از الله آمرزش می‌خواهم که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش تنها از آن الله است و درود و سلام بر آنکه پیامبری پس از وی نیست. ای مردم: نیاز به همبستگی جوامع مسلمان و یکی ساختن احساس آن‌ها براساس شریعت خداوند و دعوت به قوی کردن این احساس سخن جدیدی نیست و نه هم خیالی است باطل و نه ایده آلی است که وجود آن در جهان واقع تصور نشود، بلکه آن واقعیتی است که در هر زمان و مکان وجود آن لازم است که اگر در مدت زمانی به ضعف بگراید در مدت زمانی دیگر قدرت می‌یابد...

و این هدف هر گاه که معانی تعاون صادقانه و احساس مشترک و واقعی برادری و دینداری تحقق یابد به اذن خداوند آسان خواهد بود؛ زیرا تنها نیرو کافی نیست و تنها صبر و شکیبایی نیاز ما را برطرف نخواهد ساخت و تنها با شجاعت نمی‌توان دشمنان را دور ساخت و با گریه نمی‌توان اشغالگر را بیرون راند، اگر همه‌ی این‌ها با همکاری و هم‌دستی میان جوامع مسلمان همراه نباشد، تا بدینوسیله بتوان این همبستگی را به مانند دیواری مستحکم در برابر هر تجاوز و هجومی قرار داد...

حال که نیروی تنها بدون همکاری و تعاون کافی نیست، چه می‌شود اگر ضعف و سستی جای نیرو را گرفته باشد؟ نیروی انسان قوی به کمال خود نمی‌رسد مگر با همکاری ضعیف، حال چگونه است اگر قوی به یاری ضعیف بشتابد؟ و چه نیرویی بالاتر از نیروی دین و امت است؟ خداوند در مورد ذو القرنین با آن همه قدرت و نیرویی که داشت چنین مثال می‌زند که از همکاری و مشارکت در برابر سختی‌ها بی‌نیازی نجست بلکه هنگامی که آن قوم از او خواستند میان آن‌ها و یاجوج و ماجوج سدی بسازد گفت:

﴿... مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا ﴿٩٥﴾ ءَأَتُونِي رُبْرُ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ ءَأَتُونِي أُفْرِغَ عَلَيْهِ قَطْرًا ﴿٩٦﴾﴾ [الكهف: ٩٥-٩٦].

«... آنچه پروردگارم به من در آن تمکن داده بهتر است پس مرا با نیرویی [انسانی] یاری کنید [تا] میان شما و آن‌ها سدی استوار قرار دهم (٩٥) برای من قطعات آهن

بیاورید تا آنگاه که میان دو کوه برابر شد گفت بدمید تا وقتی که آن [قطععات] را آتش گردانید گفت مس گذاخته برایم بیاورید تا روی آن بریزم».

او با همه‌ی قدرتی که داشت از آن‌ها کمک خواست و خواست تا برای او آهن بیاورند و در آن بدمند و آن‌ها برای او که آن‌همه نیرومند بود این سه کار را انجام دادند... و همه‌ی این‌ها دلیلی است قوی بر این نکته که چوب‌ها اگر با هم جمع شوند شکسته نمی‌شوند و دیگ با بزرگی خود با کمک سنگ‌هایی کوچک در جای خود نگه داشته می‌شود.

﴿قَالُوا يَشْعَبُ مَا نَفَقَهُ كَثِيرًا مِمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرُكَ فِينَا ضَعِيفًا وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ ۗ﴾

وَمَا أَنْتَ عَلَيْنَا بَعِزٌّ ﴿٩١﴾ [هود: ۹۱].

«گفتند ای شعیب بسیاری از آنچه را که می‌گویی نمی‌فهمیم و واقعا تو را در میان خود ضعیف می‌بینیم و اگر عشیره تو نبود قطعا سنگسارت می‌کردیم و تو بر ما پیروز نیستی».

و در پایان درود و سلام فرستید بر بهترین انسان‌ها و پاک‌ترین آن‌ها محمد بن عبدالله، آن صاحب حوض کوثر و مقام شفاعت که خداوند شما را به آن امر نموده و خود و ملائکه‌اش بر وی درود فرستاده‌اند و فرموده:

﴿... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ۝﴾ [الأحزاب: ۵۶].

خداوندا درود و سلام و برکت فرست بر بنده و پیامبرت محمد، و راضی و خشنود باش از چهار خلیفه‌ی وی - ابوبکر و عمر و عثمان و علی - و از دیگر صحابه‌ی پیامبرت محمد - صلی الله علیه وسلم - و از تابعین و کسانی که تا روز قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند و همچنین از ما با عفو و کرم خویش راضی باش ای مهربان‌ترین مهربانان. خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومنت را یاری ده.

خداوندا غم و غصه‌ی غصه‌داران و دردمندان مسلمان را از بین ببر و وام‌داران را ادا نما و بیماران ما و دیگر بیماران مسلمان را شفا ده ای مهربان‌ترین مهربانان. خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن بدار و مسئولان ما را اصلاح کن و ولایت ما را بر عهده‌ی کسانی بگذار که تقوای تو را داشته و در پی رضایت تو باشند. پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بدار. پاک و بی‌عیب است پروردگار تو، پروردگار عزت از آنچه به دروغ به او نسبت می‌دهند و سلام بر پیامبران و سخن آخر اینکه: الحمدلله رب العالمین.

عنوان خطبه:

بزرگواری پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)

خطیب: شیخ عبدالمحسن القاسم

مسجد نبوی شریف: جمعه ۶ رجب ۱۴۳۱ برابر با ۴ تیر ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

حمد و سپاس از آن الله است، او را سپاس گفته و از او یاری جسته و آمرزش می‌خواهیم و از بدی‌های نفس خویش و اعمال ناشایستمان به او پناه می‌بریم. الله هرکه را هدایت کند او گمراه‌گری نخواهد داشت و هرکه را گمراه سازد او هدایت‌گری نخواهد یافت، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنهاست و بی‌شریک، و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر اوست... خداوندا بر او و بر اهل بیت و یارانش درود و سلام بسیار فرست. اما بعد... ای بندگان الله تقوای او را آنگونه که شایسته است پیشه سازید و او را در پنهان و نهان مراقب خود بدانید.

ای مسلمانان... خدای متعال از دیگران بی‌نیاز است، او در ذات و صفات و کارهایش دارای کمال مطلق است. نام‌های نیک او در زیبایی و جمال به غایت رسیده است و صفات والایش در والایی و جلال به اوج...

یکی از این نام‌های نیک خداوند نام «کریم» است. اوست که هر چه خواسته‌ایم به ما عطا کرده و آنچه را نخواستیم نیز بر ما انعام کرده است و اوست که اگر بنده دستش را به سوی بلند کند شرمش می‌آید که آن را خالی برگرداند، درش به سوی هر که فرایش خواند باز است و خزائنش بر روی بندگانش گشاده است و در عطا کم نمی‌کند.

رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «دستان خداوند پر است و بخشیدن و عطا کردن، آن را خالی نمی‌کند؛ بخشنده‌ای است که شب و روز می‌بخشد. آیا دیده‌ای که پروردگار شما از زمان خلق آسمان‌ها و زمین همچنان دارد بخشش می‌کند، اما آنچه در دست اوست تمام نشده است» [متفق علیه].

او کریمی است که به بنده‌اش نزدیک است و میان او و بنده‌اش برای درخواست و خواهش هیچ حجابی نیست:

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ...﴾ [البقرة: ۱۸۶].

«اگر بندگانم از تو درباره‌ی من پرسیدند (پس به آنان بگو که) من نزدیکم». و اوست که به بندگانش بیش از آنچه آرزو کنند می‌دهد... در حدیث قدسی آمده است: «برای بندگان صالح خود چیزی آماده کرده‌ام که نه چشمی دیده است و نه گوشی شنیده است و نه به قلب هیچ بشری خطور کرده است» [متفق علیه].

بلکه او بنده‌اش را از این نهی نموده که در هنگام دعا، دعای کم کند بلکه از او خواسته که تا می‌تواند از خداوند بخواهد، زیرا که بخشش او زیاد است... پس تا می‌توانی از او بخواه زیرا رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرموده است:

«هنگامی که کسی از شما دعا کرد پس نگوید خدایا اگر خواستی من را بیمارز، بلکه با قاطعیت دعا کند و رغبت خود را افزون بگرداند... یعنی از او هر چه می‌خواهد مسالت کند زیرا برای خداوند بخشیدن هیچ چیزی سخت نیست» [به روایت مسلم].

و خداوند برای کار نیک کوچک جزای بزرگ می‌دهد. خداوند می‌فرماید:

﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا...﴾ [الأَنْعَام: ۱۶۰].

«هر که یک نیکی بیاورد برای او [اجر] ده برابر آن است».

و برای هر که بخوهد برای کارش چندین برابر بیش از آن اجر می‌دهد، و هر که قصد انجام کار نیک کند و آن را انجام ندهد به او یک اجر می‌دهد و برای کسی که در دنیای موقتی او را اطاعت کرده است بهشت ابدی آخرت را عطا می‌کند و آن‌ها را با دیدن چهره‌ی بزرگوارش در روز قیامت پاداش می‌دهد.

همچنین کتاب خداوند متعال کتابی است کریم که هر که آن را تلاوت کرده و به آن عمل نماید خداوند نیز او را بزرگوار می‌دارد.

کرم و بزرگواری همچنین یک صفت پسندیده برای انسان است که نشانه‌ی صفای قلب و پاکی درون است. شیخ الاسلام ابن تیمیه می‌گوید: «اصول فضیلت‌ها این‌هاست: علم و دین و کرم و شجاعت که از خصلت‌های نیک است و در هیچ مومنی نیست مگر آنکه خداوند او را به سبب آن والا مقام می‌گرداند...».

رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - در آغاز ورود خود به مدینه مردم را به این خصلت‌ها تشویق نمود و فرمود: «ای مردم سلام را در میان خود افشا کنید و غذا بدهید و در حالی که مردم در خوابند نماز بگذارید تا به سلامتی به بهشت وارید شوید» [به روایت ترمذی].

کرم، عبادتی از عبادات است و سنگین‌ترین چیز در ترازوی اعمال، «اخلاق نیک» است. حسن بصری رحمه الله می‌گوید: «اخلاق نیک همان کرم و بذل و بخشش است» و در حدیث آمده است که: «هر روز صبح دو فرشته نازل می‌شوند که یکی از آن‌ها می‌گوید: خداوند به بخشنده، جایگزین مالش را عطا کن و دیگری می‌گوید: خداوند به بخیل، تلف عطا کن» [به روایت ترمذی].

و شایسته است مسلمان برای انجام این عبادت مورد غبطه قرار گیرد: رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «حسد نیست مگر در دو چیز: مردی که خداوند به

او مالی عطا کرده و او آن را در راه حق مصرف می‌کند و مردی که خداوند به او حکمت ارزانی داشته است و او براساس آن قضاوت می‌کند و آن را آموزش می‌دهد» [متفق علیه].

خداوند متعال نیز دانایی است که دانایان را دوست دارد و کریمی است که کریمان را دوست می‌دارد و محسنی است که محبت محسنان را دارد، و کرم از خصلت‌های جوانمردان و نیکان است و کریم‌ترین انسان‌ها پیامبرانند.

ابراهیم - علیه السلام - هنگامی که فرستادگان پروردگار به صورت انسان‌ها به نزد او آمدند و ندانست که آنان فرشتگانند با کرم با آنان برخورد کرد و گوساله‌ای چاق را برای آنان ذبح کرد و آن را برای آنان بر سنگ داغ بریان نمود و سریع به ایشان تقدیم کرد...

و موسی علیه السلام را خداوند، کریم خوانده است و فرموده است: «ما پیش از ایشان قوم فرعون را مورد آزمایش قرار دادیم و پیامبری کریم به نزد آنان آمد» [الدخان: ۱۷].

همچنین رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - درباره‌ی یوسف - علیه السلام - می‌فرماید: «او بزرگوار، فرزند بزرگوار، فرزند بزرگوار، فرزند بزرگوار است» [به روایت بخاری].

پیامبر ما محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - نیز بخشنده‌ترین انسان‌ها بود و کریم و سخاوتمند بود... و «هیچگاه از او چیزی نخواستند که در پاسخ آن درخواست «نه» بگوید. مردی از او گل‌های گوسفند خواست که میان دو کوه را پر کرده بود پس آن گله را به وی بخشید، پس آن مرد به نزد قومش بازگشت و گفت: اسلام بیاورید که محمد به مانند کسی بخشش می‌کند که از فقر هراسی ندارد. و یک بار رسول خدا بُرده‌ای پوشید پس مردی به وی گفت: چه زیباست! آن را بر من بپوشان ای رسول خداوند. پس آن را به او بخشید» [به روایت بخاری].

غنائم به نزد او آورده می‌شد و او آن را میان مردم تقسیم می‌کند. در حنین به «صفوان بن امیه» صد شتر و سپس صد شتر دیگر بخشید. صفوان پس از آن گفت: «به خدا

سوگند رسول خدا هنگامی که آن بخشش را به من بخشید بدترین کس در نزد من بود اما آنچنان به من بخشید که دوست داشتنی‌ترین مردم در نزد من شد» [به روایت مسلم].

یک بار مال زیادی از بحرین آورده شد و آن بیشترین مالی بود که به نزد رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - آورده می‌شد پس فرمود: «آن را در مسجد گسترده کنید». پس عباس به نزد او آمد و گفت: «ای رسول خدا به من عطا کن زیرا من در غزوه‌ی بدر برای آزاد کردن خود و عقیل مال داده‌ام...» پس رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - به او گفت: «بگیر» و در دامان او مال زیادی ریخت. عباس خواست که برود اما نتوانست پس مقداری از آن را ریخت و سپس آن را بر دوش خود گذاشت [به روایت بخاری].

و اگر نزد او بیش از آن بود نیز برای به دست آوردن رضای خداوند متعال آن را بخشش می‌نمود.

رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «اگر نزد من طلایی باشد دوست ندارم سه شبانه روز بگذرد و نزد من چیزی از آن باقی بماند مگر مالی که آن را برای قرض باقی گذارم» [متفق علیه].

بلکه حتی کرم و بخشش رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - به حدی بود که پیش از آنکه مالی به نزد او بیاید وعده‌ی بخشش آن را می‌داد. وی به جابر چنین فرمود: «اگر مال بحرین می‌آمد به تو اینقدر و اینقدر و اینقدر می‌دادم» [متفق علیه].

ابن رجب رحمه الله می‌گوید: «رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - عطایی می‌بخشید که کسرا و قیصر از آن ناتوان بودند».

بخشنده‌ترین مردم پس از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - صحابه‌ی گرامی وی بودند. رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - امر به صدقه نمود پس عمر رضی الله عنه نصف مال خود را آورد و ابوبکر رضی الله عنه همه‌ی مالش را آورد و عثمان رضی الله عنه ارتش «عسره» را خود با مال خود مجهز گرداند که رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - در تنای او گفت: «از این روز به بعد عثمان هر کاری کند به او زیانی نخواهد رسید» [به روایت ترمذی].

به نزد ابوطلحه - رضی الله عنه - مهمان آمد. پس همسرش به او گفت: «ما تنها غذای بچه‌های خود را داریم» پس ابوطلحه به او گفت: «چراغ را خاموش کن و کودکان را اگر غذا خواستند خواب کن» پس او به بهانه‌ی آنکه می‌خواهد چراغ را درست کند آن را خاموش کرد و به همراه همسرش ادای غذا خوردن در آوردند و مهمانشان غذای آن‌ها را خورد. پس همگامی که ابوطلحه به نزد رسول خدا ﷺ صلی الله علیه وآله وسلم - آمد، وی - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «خداوند متعال امشب از کار شما به خنده آمد (یا آنکه به تعجب آمد)» [متفق علیه]. و ابن عمر رضی الله عنهما غذا نمی‌خورد مگر آنکه مسکینی را می‌آوردند که با او غذا بخورد [به روایت بخاری].

کرم و بزرگواری ابواب گوناگونی دارد. مثلاً انفاق کردن بر خود بهترین انواع نیکی است... رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «هرگاه کسی از شما قصد داشت بخشش کند از خود و خانواده‌اش آغاز نماید» [به روایت مسلم].

و انفاق بر همسر و فرزند از بهترین انواع احسان است. رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «دیناری که در راه الله داده‌ای و دیناری که به مسکینی عطا کردی و دیناری که بر خانواده‌ات صرف نموده‌ای [از میان آن‌ها] دیناری که برای خانواده‌ات مصرف کرده‌ای اجر آن بزرگ‌تر است» [به روایت مسلم].

از دیگر خصلت‌های کرم و وفاداری این است که انسان دوستان پدر و مادرش را گرمی بدارد و همچنین بزرگ داشتن همسایه از ایمان است. رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «هرکه به الله و روز قیامت ایمان دارد پس همسایه‌اش را گرمی بدارد» [متفق علیه] و از بهترین راه‌های همسایه‌داری این است که برای آن‌ها غذا فرستاده شود... رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «اگر آبگوشتی پختی آب آن را زیاد کن و به همسایه‌ات هم برس» [به روایت مسلم].

همین‌طور بزرگ داشتن مهمان از مروت و از اخلاق کریمانه است... رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «هرکه به الله و روز بازپسین ایمان دارد همسایه‌اش را گرمی بدارد» [متفق علیه].

و هرکه مالی ندارد سعی کند سخنش نیک باشد زیرا سخن نیک یکی از انواع بخشش و سخاوت است... رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «خود را از آتش دور بدارید حتی اگر با نصف خرما باشد و هرکه آن را هم نیافت پس با سخنی نیک» [متفق علیه].

همچنین نیکی به دیگران با از بین بردن غم‌های آن‌ها نوعی دیگر از انواع کرم و سخاوت است. رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «هر کار نیکی صدقه است» [متفق علیه].

علی بن ابی طالب - رضی الله عنه - می‌گوید: «از بخشیدن کم خجالت مکش زیرا که نبخشیدن از آن کم‌تر است و از بخشیدن زیاد مترس زیرا که تو از آن بیشتری» و بدانید که گرامی‌ترین کارها آن کاری است که برای به دست آوردن رضایت الله باشد و بزرگ‌ترین انسان‌ها آنانند که بیشتر اطاعت خداوند را می‌کنند؛ الله سبحانه و تعالی می‌فرماید: «... همانا گرامی‌ترین شما نزد الله باتقواترین شماست...» [الحجرات: ۱۳].

به رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - گفته شد: «کریم‌ترین مردم کدامند؟» فرمود: «کریم‌ترین و گرامی‌ترین آنان باتقواترین آنان است» [متفق علیه].

پس خود را از نظر مالی کریم و بزرگواری بگردان و با نفس خود نیز کریم باش و تا می‌توانی بر طاعت پروردگارت حریص باش تا از سعاتمندان بزرگواری گردی.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم:

﴿... وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُؤَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۲۷۲].

خداوند من و شما را با قرآن بزرگ برکت دهد و با آیات و حکمت آن سود رساند. آنچه را شنیدید گفتم؛ و برای خود و شما و همه‌ی مسلمانان از خداوند بزرگ از هر گناهی آمرزش می‌طلبم پس از او آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله است که نیک است و اهل احسان، و او را برای توفیقش شکرگذاریم و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر اوست... درود و سلام خداوند بر او و بر اهل بیت و یاران وی باد.

اما بعد... ای مسلمانان... کرم و بزرگواری پوشاننده‌ی معایب است و از نیکی‌های دین انسان، و دلیلی است بر حسن ظن به خداوند و آن خصلتی است که در میان بخل و اسراف قرار دارد... الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾ [الفرقان: ۶۷].

«و کسانی‌اند که چون انفاق کنند نه ولخرجی می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند و میان این دو [روش] حد وسط را برمی‌گزینند».

و بزرگواری آن است که خداوند متعال او را با طاعتش بزرگ داشته باشد حتی اگر از نظر مالی فقیر باشد و بی‌ارزش آن است که خداوند او را با گناه بی‌ارزش کرده باشد حتی اگر غنی و ثروتمند باشد پس تا می‌توانید بر صفت کرم و بزرگواری حریص باشید و هر که در حد توان خود به آن پایبند باشد تا آنکه به سعادت برسید و خیر پروردگار را به دست آورید.

سپس بدانید که خداوند متعال شما را به درود و سلام بر پیامبرش امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴾ [الأحزاب: ۵۶].

خداوندا بر پیامبر ما محمد درود و سلام و برکت ارزانی دار و از خلفای راشدین - ابوبکر و عمر و عثمان و علی - که به حق حکم می‌کردند و از دیگر اهل بیت و یاران پیامبرت راضی و خشنود باش.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار بگردان و دشمنان دین را نابود ساز و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امن و رفاه بدار.

خداوندا ما را افزون بدار و از ما کم مگردان و ما را بزرگ بدارد و خوار و کم مکن و ما را عطا کن و محروم مساز و هدایت کن و هدایت را برای ما آسان بگردان.
خداوندا ما از تو توفیق و سعادت دنیا و آخرت را مسالت داریم. خداوندا درستی را به ما الهام کن و ما را به سوی حق توفیق ده و از فتنه‌ها دور بدار.

﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ [البقرة: ۲۰۱].

بندگان خداوند: «همانا الله به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان امر کرده و از فحشا و منکر و تجاوز باز می‌دارد. او شما را چنین اندرز می‌دهد باشد که پند گیرید» [النحل: ۹۰] پس خداوند بزرگ را یاد کنید تا شما را یاد کند و او را برای نعمت‌هایش شکر گویند تا شما را افزون دهد و به راستی که یاد الله بزرگ‌تر است و الله به آنچه می‌کنید آگاه است.

عنوان خطبه:

نیکی و تقوا

خطیب: اسامه الخياط

مسجد الحرام: جمعه ۶ رجب ۱۴۳۱ برابر با ۲۸ خرداد ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است که هرکه را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند. او را ستایش می‌گویم که او آن نیکوی رثوف و مهربان است و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنهاست و بی‌شریک و گواهی می‌دهم که سرور ما محمد بنده و پیامبر او و دارای اخلاق بزرگ و منهج راست است. خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یارانش و همه آن‌هایی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند درود و سلام فرست.

اما بعد...

ای بندگان خداوند تقوای او را پاس دارید که بنده تا آنگاه که راه نیکی در پیش گیرد و برای دنیای خویش برای آخرت توشه بردارد، بر خیر و نیکی است.
ای مسلمانان:

آیه ای در کتاب خدا است که همه منافع بندگان را در دنیا و آخرت در بر گرفته و شامل همه روابط میان بنده و پروردگار وی می‌باشد که شایسته است پی در پی در معانی این آیه و فهم آن تدبر نموده و برای عمل به آن تلاش نمود و آن آیه این سخن خداوند متعال است که می‌فرماید:

﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿۲﴾ [المائدة: ۲].

«و بر نیکی و تقوا با یکدیگر همکاری کنید و بر گناه و تجاوز با هم همکاری نکنید و از الله پروا دارید که همانا الله سخت کیفر است».

زیرا هر بنده ای همانطور که امام ابن قیم می‌فرماید ممکن نیست از یکی از این دو حالت و دو واجب جدا باشد:

۱- یا وظیفه ای که بین او و خداوند است

۲- و یا وظیفه ای که میان او و بندگان خدا است

اما وظیفه ای که میان او و بندگان است اینگونه است که همراهی او با مردم براساس تعاون بر خشنودی خداوند و طاعت وی باشد زیرا این هدف، اوج خوشبختی بنده و سعادت اوست و بدون آن به خوشبختی دست نخواهد یافت که آن را می‌توان در دو کلمه‌ی «نیکی و تقوا» خلاصه کرد که در واقع همه دین را در بر می‌گیرد.

زیرا حقیقت «بر» یا «نیکی» همان کمالی است که از یک چیز و سود آن انتظار می‌رود زیرا «بر و نیکی» کلمه‌ای است که همه انواع خیر و کمالی که از بنده انتظار می‌رود را در بر می‌گیرد.

در مقابل این کلمه، «اثم» یا «گناه» قرار دارد که در واقع کلمه‌ای است که همه انواع بدی و عیب را در خود جای می‌دهد.

همچنین ایمان و اجزای آشکار و پنهان آن نیز در مفهوم بر و نیکی جای می‌گیرد که شکی در این نیست که تقوا نیز جزئی از مفهوم نیکی است و بیشتر آن را «نیکی قلب» می‌نامند که همان وجود طعم ایمان و شیرینی آن در قلب است به همراه آرامش و سلامت و شادی قلب بر اثر ایمان. زیرا ایمان دارای لذت و شادی خاصی است که در قلب به وجود می‌آید و هر که آن را نداشته باشد یا فاقد ایمان است یا ایمانش ناقص است.

خداوند متعال خصلت‌های ایمان را در این آیه چنین بیان نموده است:

﴿لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَءَاتَى الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَأَبْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَءَاتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ﴿١٧٧﴾﴾ [البقرة: ۱۷۷].

«نیکوکاری آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید بلکه نیکی آن است که کسی به الله و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد و مال [خود] را با وجود دوست داشتنش به خویشاوندان و یتیمان و بینویان و در راه‌ماندگان و گدایان و در [راه آزاد کردن] بندگان بدهد و نماز را برپای دارد و زکات را بدهد و آنان که چون عهد بندند به عهد خود وفاداراند و در سختی و زیان و به هنگام جنگ شکیبایانند آنانند کسانی که راست گفته‌اند و آنان همان پرهیزگاراند».

خداوند متعال در آیه چنین بیان نموده است که نیکی یعنی: ایمان به الله و ملائکه و وی و کتاب‌های و پیامبرانش و روز قیامت که این‌ها همان اصول پنجگانه ایمان است که ایمان بدون آن‌ها وجود نخواهد داشت و همچنین ایمان شامل شریعت‌های ظاهری از جمله برپا داشتن نماز و دادن زکات و نفقه‌های واجب است و همینطور شامل اعمال قلبی است از جمله صبر و وفای به عهد و بدین ترتیب این خصلت‌ها همه قسمت‌های دین را در بر می‌گیرد که همان خصلت‌های تقوا است.

اما تقوا حقیقت آن عمل به طاعت خداوند است از روی ایمان و امید به پاداش و همان امر و نهی است که بنده را به انجام آنچه خداوند امر نموده و ترک کردن آنچه خداوند نهی نموده است و می‌دارد چنانکه طلق بن حبيب می‌گوید: «هرگاه فتنه رخ داد آن را با تقوا خواموش کنید». گفتند: تقوی چیست؟ گفت: «اینکه براساس نوری از خداوند طاعت او را کنی و به ثواب او امید داشته باشی و اینکه براساس نوری از خداوند معصیت او را از ترس عقوبت او ترک کنی».

که این جمله از بهترین سخنانی است که در تعریف تقوا و بیان حقیقت آن گفته شده است؛ زیرا هر کاری باید اساس و هدفی داشته باشد و هیچ عملی طاعت و قربت به حساب نمی‌آید مگر آنکه مصدر آن از ایمان باشد و اینگونه است که ایمان سبب انجام آن می‌شود و نه عادت یا هوای نفس و نه طلب ستایش از مردم و یا به دست آوردن جاه و مقام، بلکه باید مبدا آن محض ایمان و ثواب خداوندی و به دست آوردن رضایت او باشد که این خصلت «احتساب» نامیده می‌شود.

بر این اساس هدف از اجتماع مردم و معاشرت آنان باید براساس نیکی و تقوا باشد و هر کدام از آنان دیگری را از نظر علمی و عملی یاری رساند. زیرا هیچ کس همه علم و توان را در اختیار ندارد و اینگونه حکمت خداوند چنین اقتضا نموده است که بنی بشر به همدیگر نیازمند باشند و سپس فرموده است:

﴿وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾ [المائدة: ۲].

«و بر گناه و تجاوز با یکدیگر همکاری نکنید».

که گناه و تجاوز از نظر نهی به مانند نیکی و تقوا از نظر امر هستند.

«اثم» یا گناه به چیزی گفته می‌شود که ذات آن حرام است به مانند زنا و دزدی و مانند آن. «عدوان» یا تجاوز نیز به چیزی گفته می‌شود که به سبب زیاده روی در نوع آن حرام شده است که در واقع تجاوز و عبور کردن از مرزهای خداوند است که در باره آن چنین فرموده است:

﴿تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ (البقرة: ۲۲۹)

[البقرة: ۲۲۹].

«آن‌ها مرزهای الله هستند پس از آن‌ها تجاوز نکنید و هر که مرزهای الله را مورد تجاوز قرار دهد پس آن‌اند که ستمکارانند».

و فرموده است:

﴿تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا﴾ [البقرة: ۱۸۷].

«آن‌ها مرزهای الله هستند پس به آن‌ها نزدیک مشوید».

خداوند متعال تجاوز از این مرزها را تحریم نموده است زیرا مرزهای وی حد پایانی میان حلال و حرام است.

این‌ها احکامی بود که به رابطه میان بنده و مردم مربوط بود که باید روابط آنان با یکدیگر از نظر علم و عمل براساس نیکی و تقوا باشد اما در رابطه میان بنده و پروردگار بر بنده لازم است که طاعت او را مد نظر داشته و از معصیت او دوری گزیند که همان رهنمون خداوند متعال است که می‌فرماید: «و تقوای الله را داشته باشد» و این توصیه هم برای یادآوری وظایف بنده نسبت به دیگر بندگان است و هم وظایفی که نسبت به خداوند بر دوش دارد.

انسان عاقل آن است که به خوبی این دو وظیفه را پاس داشته و حق آن‌ها را به نیکی ادا نماید تا اسباب سعادت را در زندگی دنیا به دست آورده و درجات والای بهشت را تصاحب نماید.

از بهترین عواملی که در انسان را در این زمینه یاری می‌رساند تربیت نمودن نفس و عادت دادن آن بر این اخلاق است؛ مخصوصاً در مراحل اول زندگی که افراد براساس یاری رسانی و تعاون میان همدیگر تربیت شوند و در مورد ضرورت این اخلاق و آثار و عاقبت نیک آن آگاهی یابند و پس از آن این اخلاق در مورد نزدیکان و همسایه‌ها نیز عملی شده و وظیفه‌های واجب در مورد آن‌ها یعنی صلۀ رحم و همکاری و مهربانی مورد عمل قرار گیرد. تا آنکه حلقه‌های این اخلاق همه جامعه مسلمان را در بر گیرد و

همانگونه شود که رسول خدا × صلی الله علیه و اله و سلم × فرموده‌اند که: «مثال مومنان در دوستی و مهربانی و عطوفتی که میان همدیگر دارند به مانند یک بدن یگانه است که اگر عضوی از آن به درد آید همه بدن آن عضو را با شب بیداری و تب همراهی می‌کنند» [به روایت بخاری و مسلم].

پس ای بندگان خداوند تقوای او را پیشه سازید و برای انجام همکاری نیکی و تقوایی که بدان امر شده اید و دوری از همکاری در گناه و تجاوز تلاش نمایید تا هم امر خداوند را که باعث سود و استقامت شماست به انجام رسانده و هم حقوق برادرانتان را به جای آورید.

و همچنین اینگونه با نشان دادن آثار حقیق و بزرگ تعاون بر نیکی و تقوا نصیبی در دعوت به دیتان داشته باشید.

خداوند من و شما را با رهنمودهای قرآن و سنت سود رساند... این سخن خویش را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از خداوند بزرگ از هر گناهی آمرزش می‌طلبم که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

حمد و سپاس از آن الله است. او را ستایش گفته و از او یاری می‌جوییم و از بدی‌های نفس خود و اعمال ناشایستمان به او پناه می‌بریم که الله هر که را هدایت کند او گمراهگری نخواهد داشت و هر که را گمراه سازد او هدایتگری نخواهد یافت و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز او که تنها و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد بنده و پیامبر اوست. خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یاران او درود و سلام فرست.

اما بعد:

ای بندگان خداوند تقوای او را پیشه سازید و بدانید که بهترین سخنان کلام خداوند است و بهترین رهنمون، رهنمون محمد بن عبدالله است و بدترین امور در دین نوآوری در آن است و هر نوآوری در دین بدعت است و هر بدعتی گمراهی است و هر گمراهی

در آتش است. پس ای بندگان خداوند به این نور پایندی کنید و از انحراف از قرآن و سنت برحذر باشید تا از رستگاران شویید که بر نیکی و تقوا همکاری می‌کنند. و همیشه به یاد داشته باشید که خداوند متعال شما را به درود و سلام بر خاتم پیامبران امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

خداوندا درود و سلام فرست بر بنده و پیامبرت محمد و راضی و خشنود باش از چهار خلیفه وی ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر اهل بیت و یاران وی و بر تابعین و همه کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند و همچنین از ما با عفو و کرم و احسان خویش راضی باش...

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و حوزه دین را حفظ نما و دشمنان دین و دیگر طاغیان و مفسدان را نابود ساز و میان قبول مسلمانان الفت ایجاد کن و رهبران آنان را اصلاح نما و کلمه آنان را بر حق یکی بگردان. خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومن مجاهدت را یاری رسان.

خداوندا ما را در سرزمین هایمان ایمن بدار و رهبران و مسئولان ما را اصلاح نما. خداوندا عاقبت ما را در همه مسائل نیک بگردان و ما را از خاری دنیا و عذاب آخرت نجات ده. خداوندا ما از زوال نعمت و از برگشتن عافیت و عذاب ناگهانی تو و همه انواع خشمت به تو پناه می‌بریم.

خداوندا دین ما را که نگهدارنده امر ماست و دنیای ما را که محل زندگی ماست و آخرت ما را که بازگشتگاه ماست اصلاح نما و زندگی را برای ما زیاده در نیکی‌ها و مرگ را آسودگی از همه بدی‌ها بگردان.

پروردگارا ما به خود ستم نمودیم و اگر تو ما را مورد مغفرت و رحمت خویش قرار ندهی بی‌تردید از زیانکاران خواهیم بود.

پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بدار.

و درود و سلام بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یارانش و الحمدلله رب العالمین.

عنوان خطبه:

نماز

خطیب: دکتر علی بن عبدالرحمن الحذیفی

مسجد نبوی شریف: جمعه ۲۰ رجب ۱۴۳۱ برابر با ۱۱ تیر ماه ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است که اهل طاعت را برای عبادت یاری داده و از روی فضل و رحمت خویش حرام‌ها را برای آن‌ها ناخوشایند گردانده است؛ اوست آنکه خوبی می‌کند و اوست که منافقان را خوار گردانده تا در گمراهی‌ها سرگردان شوند...

عطا می‌کند و منع می‌کند و به هیچ یک از آفریدگان ستم نمی‌ورزد. پروردگارم را سپاس گفته و شکر می‌گویم و به سوی او توبه کرده و از او آمرزش می‌خواهم، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که پیامبر و سرور ما محمد، بنده و پیامبران اوست که الله او را با نشانه‌های آشکار و معجزات یاری رسانده است...

خداوندا درود و سلام و برکت فرست بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یاران

بهشتی وی...

اما بعد: تقوای خداوند را آنگونه که به شما امر نموده است پاس دارید و از آنچه شما را از آن نهی نموده است دوری کنید تا به رحمت وی داخل شده و از مجازات او دور شوید.

بندگان الله... اگر انسان مسلمان به طور مداوم در نعمت‌های بزرگ خداوند اندیشه کند بسیار به انجام فرائض و مستحبات پایبند خواهد شد و از حرام‌ها متنفر شده و خود را از گناهان بزرگ حفظ می‌نماید.

خداوند متعال بر ما منت نهاده و آنچه را باعث سعادت ماست و سود ما در آن است به ما یاد داده و ما را از آنچه زیان ما در آن است باز داشته است.

خداوند دین را به ما آموخته است، دینی که نگهدارنده‌ی امر ماست و دنیای ما را که زندگی ما در آن است و آخرت ما را که بازگشتگاه ابدی ماست، اصلاح می‌کند، و خداوند بر ما منت نهاد به گونه‌ای که ارکان دین ما آشکار و واضح است به طوری که برای مردم پیچیده و پنهان نیست و هیچکس قادر به تغییر آن نمی‌باشد...

یکی از این ارکان، رکن مبارک نماز است زیرا که نماز ستون اسلام است و بازدارنده‌ی از زشتی‌ها و گناهان است. هر که آن را حفظ کند دین خود را حفظ کرده و کارهایش رو به راستی نهاده و اوضاعش رو به نیکی می‌نهد و هم‌هی اسباب خیر برایش فراهم شده و عاقبت او در هم‌هی امور رو به صلاح می‌نهد و بهترین جایگاه را در آخرت به دست خواهد آورد.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ﴿۹﴾ أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ ﴿۱۰﴾ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۱۱﴾﴾ [المؤمنون: ۹-۱۱].

«و کسانی که بر نمازهایشان محافظت می‌کنند (۹) آن‌هایند که وارثانند (۱۰) کسانی که فردوس را به ارث می‌برند و در آنجا جاودانه می‌مانند».

و «فردوس» بالاترین طبقه‌ی بهشت است همانگونه که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرموده است: «اگر از خداوند بهشت خواستید از او فردوس بخواهید زیرا که آن بالاترین طبقه‌ی بهشت است و در وسط بهشت قرار دارد و رودهای بهشت از آن فرو می‌ریزد و بالای آن عرش رحمن است» [به روایت بخاری و مسلم].

و از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: شنیدم رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود: «اولین عملی که بنده از آن در روز قیامت مورد پرسش قرار می‌گیرد نماز او است که اگر درست بود او رستگار شده و نجات یافته است و اگر فاسد و ناصحیح بود بدبخت و زیانکار گردیده است، و اگر چیزی از نمازهای فریضه‌ای ناقص بود خداوند متعال می‌گوید: ببینید آیا بنده‌ام نمازهای مستحبتی دارد که با آن نقص نمازهای فرضش جبران شود؟ و سپس دیگر اعمالش بر همین منوال خواهد بود» [صحیح لغیره به روایت ترمذی].

و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که گفت: رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «نماز از سه بخش تشکیل شده است: وضو یک سوم آن است و رکوع یک سوم آن، و سجود یک سوم دیگر، پس هر که آن را به حق ادا کند از او پذیرفته می‌شود و دیگر اعمالش نیز پذیرفته خواهد شد و هر که نمازش پذیرفته نشد دیگر اعمالش هم رد خواهد شد» [حسن صحیح به روایت بزار].

نماز، زکات بدن و پاک کننده‌ی آن است. از ابوذر - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «هر صبح بر بند بند بدن شما صدقه‌ای لازم است؛ پس هر تسبیح صدقه است و هر الحمد لله یک صدقه است و هر لا اله الا الله گفتن یک صدقه است و هر الله اکبر گفتن یک صدقه است و امر به معروف صدقه است و هر نهی از منکر یک صدقه است و دو رکعت نماز که انسان در هنگام چاشت به جای می‌آورد همه‌ی این‌ها را کفایت می‌کند» [به روایت مسلم].

معنای حدیث این است که هر مفصلی از مفاصل بدن هر روز برای آن یک صدقه لازم است که این صدقه برای شکر گذاری از خداوند برای سلامت بدن است و دو رکعت نماز ضحی یا چاشت برای صدقه‌ی همه‌ی مفصل‌های بدن کافی است. زیرا در نماز همه‌ی بدن به حرکت افتاده و همه‌ی مفاصل به کار می‌افتند و همه‌ی آن‌ها نصیب خود از عبادت را به جای می‌آورند و همچنین نماز در بر گیرنده‌ی ثنای خداوند با همه‌ی

ستایش‌ها و در برگیرنده‌ی صفات جلال و بزرگی و کمال است و در بر گیرنده‌ی پاک دانستن و تقدیس خداوند متعال از هر نقص و عیب است.

خداوند دوست دارد که بنده‌اش او را با همه‌ی انواع ستایش‌ها ثنا گوید و او را از هر چیزی که لایق او نیست پاک بداند.

همچنین نماز، توحید پروردگار را در خود دارد و همه‌ی عبادت‌ها را تنها از آن الله می‌گرداند و این سخن خداوند متعال که در نماز گفته می‌شود مبین آن است: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ [الفاتحه: ۵]. و آن بدنی که نماز را به پا دارد در دنیا زندگی نیک و در آخرت بهشت را به دست خواهد آورد. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾ ﴿۳۴﴾ أُولَٰئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ ﴿۳۵﴾ [المعارج: ۳۴-۳۵]. «و کسانی که بر نمازشان محافظت می‌کنند (۳۴) آنان در بهشت‌ها گرامی داشته می‌شوند».

اما آن کسی که نماز را ترک گوید یا در انجام آن سستی ورزد آتش به او سزاوارتر است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ﴾ ﴿۴۲﴾ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمَصْلِينَ ﴿۴۳﴾ وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ ﴿۴۴﴾ [المدثر: ۴۲-۴۴].

«چه چیز شما را در سقر (جهنم) وارد ساخته است (۴۲) گفتند ما از نمازگزاران نبودیم (۴۳) و بیچارگان را غذا نمی‌دادیم».

و از ابن عمر - رضی الله عنه - روایت است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - نماز را یاد کرده و فرمود: «هرکه بر آن محافظت نماید آن نماز برای او نور و برهان و نجاتی در روز قیامت خواهد شد و هرکه بر آن محافظت ننماید برایش نه نوری خواهد بود و نه برهان و نه نجات و وی در روز قیامت به همراه فرعون و هامان و قارون و ابی بن خلف خواهد بود» [به روایت احمد و طبرانی].

علما می‌گویند: حکمت از مجازات شدن بی‌نماز به همراه آنان این است که هرکه نماز را ترک می‌کند یا آن را برای ریاست ترک می‌کند که او به همراه فرعون است و یا آن را برای وزرات و مسئولیت ترک می‌کند که او به همراه هامان است و یا آن را برای مال و

ثروتش ترک می‌کند که او به همراه قارون خواهد بود یا برای تجارت نمازش را ترک می‌کند که چنین کسی به همراه ابی بن خلف خواهد بود.

همچنین از انس - رضی الله عنه - روایت است که رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - فرمود: «هرکه نمازها را سر وقت آن ادا کند و وضوی آن را کامل به جای آورد و قیام و خشوع و رکوع و سجود آن را به طور کامل به جای آورد، نمازش سفید و روشن شده و می‌گوید: خداوند تو را حفظ کند همانطور که من را حفظ کردی. و هرکه آن را در غیر وقت آن به جای آورد و وضوی آن را به خوبی ادا نکند و خشوع و رکوع و سجود آن را به خوبی انجام ندهد نمازش سیاه و تاریک شده و می‌گوید: خداوند تو را ضایع کند همانگونه که مرا ضایع کردی... تا جایی که آن نماز به مانند لباس کهنه پیچیده شده و به صورت وی زده می‌شود» [به روایت طبرانی].

انسان بی‌نماز در بدبختی دائمی است و زندگی‌اش تلخ و بی‌روح است، سینه‌اش همیشه تنگ است و اخلاقیش بد و کارهایش همیشه در بدترین وضعیت است و اوضاعش پی در پی در تغییر، و پایانش نیز شکست است و زیان، و خیری در آنچه از دنیا به او رسیده وجود ندارد حتی اگر همه‌ی دنیا را به او داده باشند.

لازم و ضروری است که به این سخن رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - جامه‌ی عمل پوشانده شود که فرمودند: «فرزندانتان را در هفت سالگی به نماز امر کنید و در ده سالگی برای نخواندن آن، آنان را تنبیه کنید و در این سن رختخواب آن‌ها را جدا کنید» [به روایت ابوداود از حدیث عبدالله بن عمرو] تا آنکه در بزرگسالی این عبادت برای آن‌ها آسان شود و تا آن‌که با نماز از بدی‌ها در امان بمانند.

از آنجا که نماز از چنین جایگاهی برخوردار است قرآن و سنت برپایی آن را به جماعت واجب قرار داده‌اند. از جمله دلایل وجوب نماز جماعت این سخن خداوند متعال است که می‌فرماید:

﴿وَأَقِمْوُا الصَّلَاةَ وَعَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّكْعِينَ﴾ [البقرة: ۴۳].

«و نماز را برپا دارید و زکات را بدهید و به همراه رکوع کنندگان رکوع کنید».

همچنین نماز خوف دلیلی بر وجوب جماعت در حالت غیر خوف است. همچنین از دلایل وجوب جماعت این سخن رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - در پایان عمر خویش است که فرمود: «ابوبکر را امر کنید تا برای مردم نماز بگذارد» اینکه رسول خدا ابوبکر را برای برگزار کردن نماز جماعت دستور دادند دلیل بر وجوب آن است و اگر وجوب جماعت نبود، رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - دستور می‌دادند در حالت بیماری ایشان هر کس برای خود به تنهایی نماز بگذارد... پس ابوبکر صدیق برای مردم نماز گزارد و رسول خدا هنگامی که آن‌ها را در صف‌های نماز پشت سر ابوبکر مشاهده کرد از این که امتش بر دین ثابت قدم هستند و آن‌چه را به آن‌ها آموخته حفظ نموده‌اند از شادی لبخند زد.

همچنین عملکرد عمر و عثمان و علی - رضی الله عنهم - که مردم را برای برپایی نماز جماعت الزام نمودند و همینطور پادشاهان مسلمان، دلیلی بر واجب دانستن آن است. همچنین رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - به عبدالله بن ام مکتوم نابینا برای ترک نماز جماعت اجازه نداد، که دیگران از باب اولی اجازه ترک آن را ندارند.

در هنگام اختلاف در حکم شرعی نیز باید به ادله‌ی کتاب و سنت مراجعه نمود زیرا خداوند متعال می‌فرماید: «... پس اگر در چیزی اختلاف کردید آن را به الله و رسولش برگردانید...» [النساء: ۵۹] پس ارجاع دادن مسائل باید به کتاب و سنت باشد و دنبال کردن رخصت‌ها جایز نیست.

هر که نماز جماعت را ساقط گرداند در واقع از یاد خدا و از نماز جلوگیری نموده است؛ عبدالله بن مسعود - رضی الله عنه - می‌فرماید: «شخص توسط دو مرد آورده می‌شد تا آنکه در صف نماز قرار داده شود» و صحابه - رضی الله عنهم - کسی را که از نماز جماعت تخلف می‌رزید به نفاق متهم می‌کردند. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا...﴾ [آل عمران: ۱۰۳].

«و همگی به ریسمان الله چنگ زنید و دچار تفرقه نشوید و نعمت الله را بر خود به یاد آورید آن هنگام که دشمنان هم بودند پس میان قلب‌های شما الفت ایجاد کرد پس به نعمت او برادران هم شدید...».

خداوند من و شما را با قرآن بزرگ برکت داده و با آیات و ذکر حکیم و سنت سرور پیامبران سود رساند. این سخن خویش را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از الله آمرزش می‌خواهم...

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله که پروردگار جهانیان است، او که رحمن است و رحیم است و مالک روز جزا است، و گواهی می‌دهم که مبعودی به حق نیست جز او که تنها و بی‌شریک و قوی و متین است و گواهی می‌دهم که پیامبر و سرور ما محمد، بنده و پیامبران راستگو و امین اوست... خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یارانش درود و سلام و برکت ارزانی دار.

اما بعد، تقوای الله را آنگونه که شایسته‌ی اوست پیشه سازید و به ریسمان محکم اسلام چنگ زنید. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ [النور: ۵۶].

«و نماز را به پا دارید و زکات را بدهید و از رسول خدا اطاعت کنید باشد که مورد رحمت قرار گیرید.».

بر پا داشتن نماز یعنی اینکه حق آن به طور کامل ادا شود و شروط و ارکان و واجبات آن به جای آورده شود. خداوند متعال نفرموده: «نماز را انجام دهید» یا نفرموده: «نماز بگذارید» بلکه امر به «برپا داشتن» آن کرده که برپا داشتن یک چیز یعنی ادا نمودن کامل حق آن... خداوند عزوجل می‌فرماید:

﴿وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ﴾ [الرحمن: ۹].

«و وزن را به انصاف برپا دارید و در سنجش مکاهید.».

و رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «آنگونه نماز گذارید که می‌بینید من نماز می‌گذارم» و نماز رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - نیز هم در سنت و هم در عمل محفوظ است که مسلمانان از اول تا کنون از یکدیگر فرا گرفته‌اند.

و رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «آیا دیده‌اید که اگر در برابر در خانه‌ی شما رودی باشد که یکی از شما روزی پنج باز خود را در آن بشوید آیا چیزی از ناپاکی‌هایش باقی خواهد ماند؟» گفتند: خیر ای رسول خدا، فرمود: «پس این به مانند نمازهای پنجگانه است که خداوند به واسطه‌ی آن گناهان را می‌پوشاند».

پس ای بندگان خداوند به دلیل والا بودن شان نماز سعی در آموختن امور نماز نمایید تا از پایبندان به سنت سرور پیامبران باشد.

بندگان خداوند... همانا خداوند شما را به امر فرمان می‌دهد که خود آن را آغاز نموده

و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

خداوند بر محمد و بر آل محمد درود فرست همانگونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی که تو ستوده شده و بزرگواری؛ و بر محمد و آل محمد برکت ارزانی دارد همانگونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم ارزانی داشتی که تو ستوده شده و بزرگواری.

خداوند و همچنین راضی و خشنود باش از همه‌ی صحابه و همچنین از خلفای راشدین، آن امامان هدایتگر - ابوبکر و عمر و عثمان و علی - و از دیگر صحابه‌ی پیامبرت... و همچنین از ما به همراه آنان راضی و خشنود باش ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوند اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوند اسلام و مسلمانان را عزت ده و کفر و کافران را خوار بگردان. خداوند دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت را یاری ده.

خداوند ای پروردگار جهانیان بدعت‌ها را نابود ساز، خداوند بدعت‌ها را نابود و خوار بگردان. خداوند ما و دیگر مسلمانان را در دین آگاه بگردان که تو بر هر کاری

توانایی.

خداوندا ما و ذریه‌ی ما را از ابلیس و لشکریانش و از فتنه‌های ویرانگر در امان بدار
ای پروردگار جهانیان، که تو بر هر کاری توانایی.
خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان در امان بدار و والیان امر ما را اصلاح گردان.
خداوندا میان قلب مسلمانان الفت ایجاد کن و روابطشان را نیک بگردان.
خداوندا مکر و طرح و توطئه‌ی دشمنان اسلام را باطل ساز. خداوندا مکر آنان را به
خودشان بازگردان که تو بر هر کاری توانایی.
خدایا ما را از بدی‌های نفسمان و کارهای ناشایستمان حفظ نما. خداوندا ما را از شر
هر شروری دور بدار.

﴿... رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ [البقرة: ۲۰۱].

خداوندا مردگان ما و دیگر مردگان مسلمان را بیمارز ای پروردگار جهانیان. خداوندا
گناهان گذشته و آینده و گناهان پنهان و آشکار ما را بیمارز.
بندگان الله... همانا الله به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان امر می‌کند و از فحشا و
منکر و تجاوز باز می‌دارد. او شما را چنین پند می‌دهد باشد که یاد آور شوید...
خداوند را یاد کنید تا شما را یاد کند و او را شکر گویند تا شما را افزون دهد و همانا
یاد الله بزرگ‌تر است و الله به آنچه می‌کنید آگاه است.

عنوان خطبه:

خطر پیروی از شهوات

خطیب: دکتر صالح آل طالب

مسجد الحرام: جمعه ۲۷ رجب ۱۴۳۱ برابر با ۱۸ تیر ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است، ستایش از آن الله است که ما را به سوی اسلام هدایت نمود و اگر هدایت او نبود ممکن نبود که راه هدایت را بیابیم... او را برای نعمت‌هایش شکر می‌گوییم و او را برای آنچه قضا نموده ستایش می‌کنیم...

و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که همانند و همتایی ندارد و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر اوست که در توارات و انجیل یاد شده است... درود و سلام و برکات خداوند بر او و بر اهل بیت و یاران بزرگوار وی و بر همه‌ی آنانی باد که بر راه آنان روند و روش آنان را در پی گیرند.

اما بعد... ای بندگان خداوند از وارد شدن به دریای شهوات برحذر باشید و آرامش این دریا شما را فریب ندهد، در ساحل بمانید... قلعه‌ی تقوا را رها نکنید که مجازات، بس تلخ است و بدانید که دنیا، همه‌ی آن با همه‌ی شرف و عظمتی که دارد چیزی نیست جز نیازهای بدن، نیاز شکم و دیگر نیازهایی که هر جنبنده‌ای دارد، پس تقوای الله را پیشه سازید و شیطان فریبنده شما را نفریبید و بدانید که اگر بنده‌ای به سوی رضوان خداوندی و بهشت رهسپار شود همه‌ی بلاهایی که در این دنیا به او رسیده است هیچ زبانی برای او نخواهد داشت و بنده‌ای که به سوی خشم خداوندی و آتش جهنم رهسپار شده است نیز همه‌ی خوشی‌هایی که در این دنیا بر او رفته است هیچ سودی برایش نخواهد داشت، گو اینکه همه‌ی آنچه در این دنیا بر او گذشته است «هیچ» بوده است:

﴿... فَمَنْ رُحِزَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُرُورِ

﴿۱۸۵﴾ [آل عمران: ۱۸۵].

«...پس هر که را از آتش به دور دارند و در بهشت درآورند قطعا کامیاب شده است و زندگی دنیا جز مایه‌ی فریب نیست».

ای مومنان: دوستی شهوت‌ها برای مردم زیبا گردانده شده و آنان به مقتضای فطرت و غریزه به آن گرایش دارند. اسلام نیز هیچ‌یک از خوشی‌های پاک زندگی را حرام نکرده است بلکه آنرا تهذیب و پیرایش کرده و و پاک گردانده، و آمده است تا انسان را از وارد شدن به مرداب ناپاکی‌ها و آنچه به زیان دین و دنیای اوست باز دارد و در واقع اسلام

پیروان خود را از چیزی باز نداشته مگر آنکه در مقابل چیز دیگری از پاکی‌ها را که منافع آنان را محقق می‌سازد برای آنان مباح گردانده است.

اما با وجود بسیار بودن ابواب مباحات و گسترده بودن چیزهای حلال، گروهی از مردم اصرار بر زیر پا نهادن مرزهای خداوندی و تجاوز دیوارهای پاکی و فضیلت دارند... این دسته از مردم همانطور که پروانه‌ها برای افتادن در آتش عجله دارند برای افتادن در شهوت‌ها حریصند گو اینکه همانانی هستند که رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - در این حدیث بیان می‌کند که:

«مثال من به مانند مردی است که آتشی افروخت، پس هنگامی که این آتش افروخته شد پروانه‌ها و حشرات شروع به افتادن در آن کردند؛ آن مرد سعی در نگه داشتن آن‌ها از افتادن در آتش می‌کند اما آن‌ها از دستش در رفته و در آتش می‌افتند. - پس رسول خدا فرمودند - پس از این به مانند مثل من و شماست... من شما را گرفته‌ام که در آتش نیفتید - و می‌گویم: - از آتش دور شوید... از آتش دور شوید... اما شما از دست من در می‌روید و وارد آن می‌شوید.»

بندگان خداوند... ای مومنان... در سیاق سخنان درباره‌ی شهوات این سخن پروردگار را ذکر می‌کنم آنجا که می‌فرماید:

﴿وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا ﴿٢٧﴾
يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا ﴿٢٨﴾﴾ [النساء: ۲۷-۲۸].

«الله می‌خواهد تا بر شما ببخشاید و کسانی که از خواسته‌ها [ی نفسانی] پیروی می‌کنند می‌خواهند شما دستخوش انحرافی بزرگ شوید (۲۷) الله می‌خواهد تا بارتان را سبک گرداند و [می‌داند که] انسان ضعیف آفریده شده است.»

خداوند می‌خواهد بر بندگانش که از قدرت شهوت رنج می‌برند آسان بگیرد و برای همین شریعت اسلام فرصت‌های گمراهی را کم کرده و انسان را از عوامل فتنه دور داشته و اسباب فتنه و شعله‌ور شدن شهوت‌ها را قطع کرده است و موانع را از سر راه لذت‌های

مشروع برداشته است تا آنکه نیروی بشر در دیگر عرصه‌های مهم زندگی نیز صرف شده و تنها در راه لبیک گفتن به ندای شهوات صرف نگردد.

همچنین اسلام پیروان خود را به شریعت پاک فرا خوانده است؛ این دین از کسی که توانایی ازدواج را دارد خواسته است که ازدواج کند و از زیاده‌روی در مهریه نهی نموده و کسانی را که توانایی ازدواج ندارند امر به عفاف نموده تا آنکه خداوند آنان را از فضل خود بی‌نیاز سازد و وعده داده هرکه عفت پیشه سازد را عقیف سازد و هرکه قصد ازدواج دارد را کمک کند و کارهایی را که باعث فرو نشاندن شهوت می‌شود مانند روزه و کم‌خوردن را مستحب گردانده است.

همچنین تحریک کننده‌های زنا - یعنی خمر و آلات موسیقی - را حرام گردانده و از سر کشیدن به داخل خانه‌ها نهی نموده و دستور به اجازه خواستن برای ورود به آن داده و فرو هشتن چشم را واجب ساخته و زنان را از ظاهر ساختن زینت خویش برای بیگانگان و سخن گفتن با ناز و ادا نهی نموده است تا مریض‌دلان در آنان طمع نورزند و همچنین بی‌حجابی و تبرج را حرام گردانده است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿... وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى...﴾ [الأحزاب: ۳۳].

«... و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینتهای خود را آشکار مکنید...».

و باز فرموده است:

﴿...وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ

وَقُلُوبِهِنَّ...﴾ [الأحزاب: ۵۳].

«... و چون از زنان [پیامبر] چیزی خواستید از پشت پرده از آنان بخواهید این برای

دل‌های شما و دل‌های آنان پاکیزه‌تر است...».

پس شایسته نیست کسی چیزی غیر از آنچه خداوند فرموده است بگوید... کسی

نگوید که باز کردن در شهوات و اختلاط بین دختران و پسران و آسان گرفتن در سخن

گفتن میان آن‌ها و دیدار و نشستن با یکدیگر و با هم بودن آنان در هنگام کار و تحصیل

برای قلب آنان بهتر است و باعث عقیف شدن آنها می‌شود و غریزه‌ی سرکوب شده را آزاد کرده و احساسات آنها را رقیق می‌گرداند!

و بدانید هنگامی که خالق چیزی می‌گوید و مخلوق چیزی دیگر، سخن، سخن خداوند است و دیگر سخنان بی‌ارزش است و خداوند است که حق را می‌گوید و اوست که به راه راست هدایت می‌کند.

همچنین اسلام از خلوت کردن با زن بیگانه نهی نموده. رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - می‌فرماید: «هیچ مردی با زنی بیگانه خلوت نمی‌کند مگر آنکه شیطان نفر سوم آن‌هاست».

همچنین برای زنان شرط کرده است که در سفر طولانی به همراه محرم باشند و برای آن‌ها حرام گردانده که در هنگام خروج از خانه از عطر استفاده کنند. رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - می‌فرماید: «خر زنی که از عطر استفاده کند و از خانه خارج شود و سپس از کنار گروهی از مردان عبور کند به طوری که بوی عطر او را حس کنند به مانند این است که زناکار باشد»...

و از این نهی نموده است که زنان روابط زناشویی خود را برای زنان دیگر تعریف کنند و از منتشر نمودن فحشا در میان مومنان نهی کرده و کسانی را که چنین کنند در دنیا و آخرت وعده‌ی عذاب دردناک داده است.

همچنین خداوند متعال از نزدیک شدن به زنا نهی کرده و مجازات فاعل آن را اگر متاهل باشد را «رجم» قرار داده است و برای زناکار مجرد صد ضربه شلاق و یک سال تبعید را به عنوان مجازات تعیین نموده و فرموده است:

﴿... وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلِيَشْهَدَ عَذَابُهُمَا طَآئِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۲﴾﴾ [النور: ۲].

«اگر به الله و روز بازپسین ایمان دارید در [کار] دین خدا نسبت به آن دو دلسوزی نکنید و باید گروهی از مؤمنان در کیفر آن دو حضور یابند».

و رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «زناکار در حالی که زنا می‌کند مومن نیست» و فرموده است: «هنگامی که شخص زنا می‌کند ایمانش از او خارج می‌شود گو اینکه سایه‌ای باشد پس هنگامی که دست از زنا بکشد (یعنی از آن توبه کند) ایمانش به او بر می‌گردد».

و همچنین رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - از حال زناکاران در برزخ خبر داده است که آنان در سوراخی هستند به مانند تنور که بالای آن تنگ و زیر آن وسیع است و در حالی که زناکاران در آن برهنه‌اند زیر آنان آتش افروخته می‌شود و همین که آتش آن افروخته شد به بالای آن تنور می‌آیند تا آنکه نزدیک خارج شدن از آن می‌شوند اما همین که نزدیک به خارج شدن از آن می‌شوند آتش آن فرو می‌نشیند و به داخل آن باز می‌گردند و این عذاب تا روز قیامت بر آنان تکرار می‌شود و سپس به عذابی شدیدتر منتقل می‌شوند و چنین است سخن خداوند متعال که می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا ﴿٦٨﴾ يُضْعَفُ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدُ فِيهِ مُهَانًا ﴿٦٩﴾﴾ [الفرقان: ۶۸-۶۹].

«و کسانی‌اند که با الله معبودی دیگر نمی‌خوانند و کسی را که الله [خونش را] حرام کرده است جز به حق نمی‌کشند و زنا نمی‌کنند و هرکس این‌ها را انجام دهد سزایش را دریافت خواهد کرد (۶۸) برای او در روز قیامت عذاب دو چندان می‌شود و تا ابد در آن خوار می‌ماند».

آیا پس از این هشدار شدید، هیچ کسی که به الله و روز قیامت ایمان دارد رو به زنا خواهد آورد در حالی که از وعید خداوندی آگاه است؟ و آیا ممکن است پس از شنیدن آنچه خداوند برای مرتکب زنا در آخرت مهیا کرده است حتی یک قدم در این راه بردارد؟!!

بندگان خداوند، ای مومنان: این دین بزرگ نمی‌خواهد پیروان خود را در معرض فتنه قرار دهد و پس از آن‌ها را مکلف به کنترل خود نماید... این دین، دینی است که پیش

از رخ دادن گناه و واجب شدن مجازات، سعی در پیشگیری از آن دارد... این دینی است که سعی در حفظ نمودن وجدان و احساسات و اعضای بدن دارد و خداوند از هر کس دیگری به آفریدگان خود آگاه‌تر و داناتر است...

در سایه‌ی این وصیت خداوندی است که انسان‌ها در فضایی ایمن و پاک زندگی می‌کنند و زن بر شوهرش ایمن شده و شوهر نسبت به همسرش احساس امنیت می‌کند و همه‌ی جامعه امنیت قلبی را به دست خواهند آورد... آنجا که نه فحشایی گسترش می‌یابد و نه تحریک کننده‌ای وجود دارد و نه فتنه‌ای سر بر می‌آورد و نه خودنمایی و تبرج انتشار می‌یابد و شهوات بر حرمت‌ها غالب نمی‌شود.

برپایی نظام خانواده و استقرار جامعه با وجود مرداب فحش‌های پنهان و آشکار امکان پذیر نیست و اگر گزینه تحریک شود دیگر نه قلبی آرام خواهد شد و نه هیچ خانه‌ای روی آرامش خواهد دید و نه هیچ ناموسی در امان خواهد ماند و نه هیچ خانواده‌ای... آنگاه یا خیانت‌های پی در پی خواهد بود و یا گزینه‌های سرکوب شده و درون‌های بیمار و نگرانی و ناآرامی و این همان چیزی است که خداوند نسبت به آن هشدار داده است... خداوند نسبت به همان چیزی هشدار داده که اصحاب شهوات به وسیله‌ی نوشته و عکس و داستان و فیلم به دنبال آنند...

گسترش فحشا و تحریک غرایز اساس هر شر و بلا و از بزرگ‌ترین اسباب نزول مجازات عمومی و از بزرگ‌ترین اسباب فساد امور مردم و جامعه است. امت‌ها از پی این بلا چیزی به دست نیاورده‌اند جز ویرانی درون و اخلاق و ناپاکی جامعه و سست شدن اساس خانواده و در هم کوبیده شدن انسان و اگر انسان ویران گردید دیگر تنها با وجود کارخانه‌ها و تولید، تمدنی وجود نخواهد داشت.

پس ای مردم، از خردمندان امت، ای دعوت‌گران و ای اولیای امور... این هشدار است پیش از وقوع فاجعه... آمارها وحشتناک و نگران کننده است... صدای ناله‌ی فضیلت و عفت می‌آید... میانگین خیانت‌های خانوادگی و تجاوز و انحرافات جنسی رو به افزایش است...

انحرافات اخلاقی که در گذشته در نهران رخ می‌داد هم اکنون در خانه‌ها و از طریق شبکه‌ها و کانال‌ها به نمایش گذاشته می‌شود و حتی در برخی از کشورها قانونی شده است و هم اکنون در برخی از کنفرانس‌های جهانی به سوی آن دعوت داده می‌شود همانطور که به سوی نماز فراخوانده می‌شود!

خداوند غیرتمند می‌شود و غیرت او آن است که بنده‌اش دچار زنا شود، و سنت‌های خداوندی با کسی شوخی ندارد و هر گاه زنا در قومی علنی شد خداوند دستور به نابودی آن می‌دهد و هرگاه قومی زنا را علنی ساختند خداوند آنان را گرفتار بیماری‌های واگیر و دردهایی خواهد کرد در گذشتگان نبوده است.

خداوند متعال فضیلت را حفظ کرده است و اگر امت مسلمان به نصیحت‌های قرآن عمل می‌نمود هرگز جوانان آن از سرکوب غریزه رنج نمی‌بردند و مشکلاتی که اکنون رخ داده است پیش نمی‌آمد:

﴿وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا ﴿٢٧﴾
يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا ﴿٢٨﴾﴾ [النساء: ۲۷-۲۸].

«الله می‌خواهد تا بر شما ببخشاید و کسانی که از خواسته‌ها [ی نفسانی] پیروی می‌کنند می‌خواهند شما دستخوش انحرافی بزرگ شوید (۲۷) الله می‌خواهد تا بارتان را سبک گرداند و [می‌داند که] انسان ناتوان آفریده شده است».

طاووس می‌گوید: «یعنی اگر نگاهش به زنان بیفتد نمی‌تواند خویشتنداری کند»

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ نُحْشَرُونَ ﴿٢٤﴾ وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٢٥﴾﴾ [الأنفال: ۲۴-۲۵].

خداوندا ما را با قرآن بزرگ برکت ارزانی دارد و با آیات و ذکر حکیم سود رسان...

آنچه را شنیدید گفتیم؛ و بری خود و شما از خداوند آمرزش می‌خواهم.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله است... ستایش از آن اوست آنگونه که شایسته است، و درود و سلام بر بنده و گزیده شده‌ی وی و بر اهل بیت و یاران و پیروان او. اما بعد... ای مومنان: ما به کسانی نیاز داریم که در زمانه‌ی باز شدن در شهوت‌ها و آسان شدن راه گناه و فتنه‌ها، به سوی فضیلت و پاکی دعوت دهند... در دوران دعوتگران به سوی آتش که هرکه آنان را اجابت کند او را به آتش می‌اندازند... زمانه‌ی فیلم و داستان‌ها و تصاویر و سایت‌های مستهجن و زمانه‌ی تحریک شهوات و فرو افتادن در محرمات...

در این دوران مومنی که بر دینش صبر پیشه کرده است به مانند کسی است که اخگر داغ را در مشت خود گرفته است و افسار شهوت را به دست خود گرفته و نفس خود را از هوا و هوس نهی می‌کند... او در برابر ضعف فطری و شهوت طبیعی خود مقاومت می‌کند و با نفس اماره به جهاد بر می‌خیزد؛ شیطان به او وعده می‌دهد و گناه را در نظر او زینت می‌دهد و پیروان شهوت‌ها نیز دوست دارند که او را دچار انحراف کنند... چگونه در امان می‌ماند کسی که دشمنی دارد که خواب ندارد و نفسی دارد که به بدی امر می‌کند و شهوتی که بر او غالب است و شیطانی که بدی را در نظر او زینت می‌دهد؟ چنین کسی تنها در صورتی در امان می‌ماند که خداوند او را حفظ کند اما اگر خداوند او را به حال خود رها کند... در این حالت همه‌ی این بدی‌ها علیه او موضع گرفته و او هلاک خواهد شد.

اما با همه‌ی این‌ها خداوند متعال هنگامی که انسان را آفرید و شهوت را در وجود او گذاشت و او را به مخالفت با هوای نفس امر نمود و شیطان را بر او قرار داد او را رها نکرد بلکه به او نیرویی ارزانی کرد که بتواند با آن در مقابل دشمنانش استقامت کند و خداوند به چیزی امر نمی‌کند مگر آنکه بنده‌اش را بر آن یاری می‌کند و از چیزی باز نمی‌دارد مگر آنکه بنده‌اش را از آن بی‌نیاز گردانده است.

راه بهشت، راهی است طولانی که در آن خارها پراکنده شده و گردنه‌های زیادی وجود دارد و خطرات و ناخوشی‌ها آن را در بر گرفته است و روندهی این راه ناگزیر باید صبر پیشه سازد و آیا دینداری چیزی است جز صبر در برابر ندای شهوت؟ خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾ [المؤمنون: ۱۱۱].

«من [هم] امروز به [پاس] آنکه صبر کردند بدانان پاداش دادم؛ آری ایشانند که رستگارانند».

﴿وَجَزَيْنَهُم بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا﴾ [الإنسان: ۱۲].

«و به پاس آنکه صبر پیشه ساختند، بهشت و حریر پاداششان داد».

ای مسلمان: در زیر پا گذاشتن هوای نفس لذتی وجود دارد که بر هر لذت دیگر برتری دارد و هرکه مغلوب هوای نفس شود ذلیل و خوار است و صبر کردن در برابر شهوت آسان از صبر کردن در برابر عواقب آن است و صبر بر حرام‌های خداوند آسانتر از صبر در برابر عذاب اوست:

﴿لَيْسَ بِأَمَانِيكُمْ وَلَا أَمَانِي أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ...﴾ [النساء: ۱۲۳].

«به دلخواه شما و به دلخواه اهل کتاب نیست، هرکس بدی کند در برابر آن کیفر می‌بیند...».

شیرینی دست کشیدن از گناهان را تجربه کن که آن درختی است که عزت دنیا و شرف آخرت را در بر دارد و از هر چیزی که شهوت را بیدار می‌کند دست بکش که هیچ فتنه‌ای بدتر از نزدیک شدن به شهوت‌ها نیست و کمند افرادی که به آن نزدیک می‌شوند مگر آن که در آن می‌افتند و در حدیث آمده است که: «وای بر تو آن را باز نکن که اگر آن را گشودی در آن خواهی افتاد» و هرکه به فتنه نزدیک شد از سلامت دور می‌شود و هرکه ادعای صبر بر فتنه کند به خودش موکول خواهد شد و هرکه به خود موکول شد هلاک می‌گردد. آیا نشنیده‌ای سخن آن بزرگوار بزرگوار زاده، یوسف پیامبر را که فرمود:

﴿... وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُن مِّنَ الْجَاهِلِينَ﴾ [یوسف: ۳۳].

«... و اگر نیرنگ آنان را از من دور نسازی به سوی آنان خواهم گرایید و از نادانان خواهم شد.»

قلب‌هایی که به شهوت‌ها وابسته شده‌اند از خداوند دورند و به خدا قسم، مرد آن است که اگر با حرام خلوت کند و بتواند آن را انجام دهد و تشنه‌ی انجام آن باشد، نگاه خداوند را به یاد آورد و حیا پیشه سازد...

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَىٰ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٧﴾﴾ [المجادلة: ۷].

«آیا ندانسته‌ای که الله آنچه را که در آسمان‌ها و آنچه را که در زمین است می‌داند. هیچ گفتگوی محرمانه‌ای میان سه تن نیست مگر اینکه او چهارمین آن‌هاست و نه میان پنج تن مگر اینکه او ششمین آن‌هاست و نه کمتر از این [عدد] و نه بیشتر مگر اینکه هر کجا باشند او با آن‌هاست آنگاه روز قیامت آنان را به آنچه کرده‌اند آگاه خواهد گردانید زیرا الله به هر چیزی داناست.»

پس هنگامی که در خلوت خود قصد گناه کردی از نگاه آن زنده‌ی پایدار حیا کن و بدان که هرکه در تنهایی خیانت پروردگار کند خداوند نیز در آشکار او را رسوا خواهد ساخت:

﴿وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ ﴿٤٠﴾ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ ﴿٤١﴾﴾ [النازعات: ۴۰-۴۱].

«و اما کسی که از ایستادن در برابر پروردگارش هراسید و نفس خود را از هوس باز داشت (۴۰) پس بهشت جایگاه اوست.»

بنده‌ای نیست که چشم خود را از زیبایی‌های یک زن بپوشاند مگر آنکه خداوند در پاداش، به او ایمانی خواهد داد که شیرینی آن را در قلبش حس خواهد کرد و هرکه نفسش او را به گناهی تشویق کند اما او از آن بدش بیاید و آن را از خود دور کند و برای خداوند آن را ترک گوید، تقوا و صلاحش افزایش می‌یابد و هرکه در ترک شهوتی با

خداوند راستی پیشه کند خداوند نیز آن را از قلبش خارج خواهد ساخت و هر که راه اخلاص در پیش گرفت، نجات یافت:

﴿...كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ﴾ [یوسف: ۲۴].

«...چنین [کردیم] تا بدی و زشتکاری را از او دور سازیم چرا که او از بندگان مخلص ما بود».

و هر چه جذابیت شهوت بیشتر باشد مجاهده‌ی نفس نیز قوی‌تر شده و اجر بنده نیز افزایش می‌یابد. کسی که نفسش شهوت چیزی را دارد اما آن را بری خداوند ترک می‌کند از جمله‌ی آنانی است که خداوند قلب آنان را برای تقوا آزموده است...

خداوندا ما از شهوت حرام به تو پناه می‌بریم... خداوندا چنان از خشیت خود به ما عطا کن که میان ما و گناهان فاصله اندازد.

و در پایان درود و سلام فرستید بر بهترین و پاکترین انسان‌ها محمد بن عبدالله هاشمی قریشی... خداوندا درود و سلام و برکت ارزانی دار بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت پاک و صحابه‌ی نیک وی و راضی و خشنود باش از امامان هدایتگر - ابوبکر و عمر و عثمان و علی - و از دیگر صحابه‌ی پیامبرت و از کسانی که راه آنان را در پیشه گیرند.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، و شرک و مشرکان را خوار بگردان و دشمنان دین را نابود ساز و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امن و امان بدار. خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن بدار و مسئولان و والیان امر ما را اصلاح گردان.

خداوندا گرانی و وبا و ربا و زنا و زلزله و سختی‌ها و فتنه‌های پنهان و آشکار را از ما دور ساز. خداوندا اوضاع مسلمانان را اصلاح گردان و آنان را بر حق و هدایت یکی بگردان.

خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومنت را یاری ده. خداوندا دشمنان دین را نابود ساز که آنان یارای ناتوان ساختن تو را ندارند.

پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بدار. خداوندا گناهان ما را بیامرز و عیب‌های ما را بیوشان و کارهای ما را آسان گردان و ما را به آنچه باعث رضایت توست برسان. پروردگارا ما و پدر و ما را مورد آمرزش قرار ده که تو شنونده‌ی دعایی...
پروردگارا از ما بپذیر که تو شنوای دانایی و از ما توبه بپذیر که تو بسیار توبه پذیر و مهربانی.

پاک و بی‌عیب است پروردگار تو آن پروردگار عزت از آنچه به دروغ وصفش می‌کنند و سلام بر پیامبران و الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

پیروی کورکورانه

خطیب: دکتر سعود الشریم

مسجد الحرام: جمعه ۴ شعبان ۱۴۳۱ برابر با ۲۵ تیر ۱۳۸۸

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است... او را ستایش گفته و از او یاری و آمرزش می‌طلبیم و به سوی او توبه می‌کنیم و از بدی‌های خود و کارهای ناشایست به الله پناه می‌بریم. الله هرکه را هدایت کند او گمراهگری نخواهد داشت و هرکه را گمراه سازد او هدایتگری نخواهد یافت...

و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها است و بی‌شریک، و گواهی می‌دهم که محمد بنده و پیامبر اوست:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ ۖ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿۱۳۲﴾

[آل عمران: ۱۰۲].

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا ﴿١﴾﴾ [النساء: ۱].

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧١﴾﴾ [الأحزاب: ۷۰-۷۱].

اما بعد... ای مردم: آنچه باعث بالا رفتن جایگاه انسان مومن و صدق مسلمانی او و ثبات وی بر راه و روش نبوی خواهد شد، اعتماد به نفسی است که براساس اعتماد به پروردگار و به دین او حاصل می‌شود؛ انسان مسلمانی که به خود اعتماد دارد مانند کوهی است بزرگ در برابر طوفان‌ها... نه بادی او را خواهد برد و نه موجی او را در هم خواهد کوبید و این است حال مسلمان حقیقی که در برابر فتنه‌ها و ناملایمات بر پایداری‌اش افزون شده و هر چه فتنه‌ها و مشکلات بیشتر شود تعلق او به پروردگار و دینش بیشتر می‌شود و او در همه‌ی این شرایط ثابت قدم است، و نه شیطان او را به سوی خود می‌کشد و نه در پی هر گمراهی راه خواهد افتاد... در پی گرفتن راه هدایت هدف اوست اگر چه رهروان آن کم باشند و، و دور شدن از راه گمراهی است حتی اگر رهروان آن بسیار باشند...

بر اساس این روش است که انسان مومن از جمله کسانی خواهد بود که این حدیث رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - را درک نموده است، آنجا که امت خود را چنین هشدار داده است که: «إِمعنه نباشید که بگویید: اگر مردم خوبی کردند خوبی می‌کنیم و اگر ستم ورزیدند ستم می‌ورزیم، بلکه خود را عادت دهید که اگر مردم خوبی کردند خوبی کنید و اگر بدی کردند شما ستم نوزید» [به روایت ترمذی].

«إِمعنه» کسی است که از خود صاحب رای نیست و از هر کسی پیروی می‌کند و بر چیزی ثابت نمی‌ماند... او عزمی ضعیف دارد و دچار شک و تردید است...

این همان پیروی بدی است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - در این حدیث ما را از آن برحذر داشته است...

ابن مسعود - رضی الله عنه - به چنین انسان‌هایی اشاره کرده و گفته است: «ما در جاهلیت کسی را امعه می‌دانستیم که بدون دعوت برای خوردن غذا به نزد مردم می‌رفت، اما امروزه امعه کسی است که در دین خود از هر کسی تقلید می‌کند» و همچنین فرمود: «آگاه باشید که کسی از شما در دینش از کسی تقلید نکند که اگر ایمان آورد او ایمان بیاورد و اگر کفر ورزید کفر بورزد زیرا که در میان بشر کسی اسوه نیست».

از بزرگ‌ترین عواملی که باعث می‌شود انسان از این صفت مذموم در امان بماند این است که دارای اعتماد به نفس و عزیمتی باشد که تردید و خجالت در آن راه نیابد... پس هر که صاحب رای است باید که صاحب عزیمت نیز باشد زیرا که تردید و دو دلی باعث فساد کار است.

با مطالعه و بررسی نصوص شرعی و احوال سلف صالح می‌توان این را فهمید که هر گاه عزیمت و رای صحیح با شرع خداوند همراه باشند ممکن نیست در آن کار اشکالی پیش بیاید.

موضع رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - در صلح حدیبیه از ما پنهان نیست، آنجا که برخی از صحابه صلح را در ظاهر به سود مسلمانان ندانستند اما اعتمادی که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - به پروردگارش و وعده‌ی او داشت باعث شد تردید نکند و آرای دیگران در او تاثیر نگذارد.

شیخ الاسلام ابن تیمیه - رحمه الله - می‌گوید: «علی بن ابی طالب - رضی الله عنه - هنگامی که قصد خروج برای جهاد با خوارج را نمود ستاره شناسی نزد او آمده و گفت: ای امیرالمومنین به مسافرت نرو زیرا قمر در عقرب است که اگر در این حالت به مسافرت بروی یارانت شکست خواهند خورد. علی - رضی الله عنه - در پاسخ او فرمود: «بلکه با اعتماد و توکل بر خداوند و با دروغ پنداشتن تو به سفر خواهیم رفت»؛ پس برای او در آن سفر برکت نهاده شد و عموم خوارج تار و مار شدند و آن از بزرگ‌ترین حوادثی بود که باعث خوشحالی وی گردید».

شاید کسی بپرسد که آیا با وضعیت کنونی جوامع نیازی از سخن گفتن درباره‌ی «امعه» هست؟ و آیا این پدیده تا این حد گسترده است که لازم است درباره‌ی آن هشدار داد؟

آری؛ مخصوصاً در این زمانه که علمای بسیاری از میان ما رفته‌اند و مردم سرانی برای خود انتخاب کرده‌اند که از نظر علم و توکل از خودشان هم ضعیف‌ترند، زمانه‌ای که در آن جهل و کم‌علمی رواج یافته و نادانان به سخن آمده‌اند و گاه حتی روزنامه‌نگاران هم فقیه و آگاه به شریعت شده‌اند! مرجعیت دینی رو به ضعف نهاده و نظارت آن بر فتوا کاهش یافته است و سخن گفتن و نظر دادن عادت کسانی شده که چیزی نمی‌دانند اما دوست دارند در مسائل مهم و اساسی که صلاحیت آن را ندارند نظر دهند.

شکی در این نیست که جامعه‌ای که وضعیتش چنین است نیاز به طرح چنین مساله‌ای دارد. دلیل درستی آنچه ذکر کردیم قاعده‌ای است که ابن قتیبه به آن اشاره کرده و با وصف وضعیت مردم و قابلیت تغییر و تحول و تاثیرپذیری آنان و تقلید کورکورانه‌ی آنان چنین گفته است: «مردم به مانند دسته‌های پرندگانند که همدیگر را دنبال می‌کنند و اگر بر آنها کسی ظاهر شود که ادعای پیامبری و یا حتی ادعای خدایی کند، آنان با وجود دانستن این که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - خاتم پیامبران است حتماً

نباشد و این را می‌توان دلیل اضطراب و سردرگمی برخی از منسوبان به علم در منهج و فتوا و انتقال پی در پی آنان در میان مذاهب و آرای مختلف دانست که گاه به گاه دیده می‌شود. موثراتی که باعث می‌شود شخص منتسب به علم به همان مسیری برود که دیگران می‌خواهند و فقه را در خدمت آنان در آورد و نه آنان را در مسیر فقه...

ابن مسعود - رضی الله عنه - می‌فرماید: «یا عالم باشید و یا طالب علم و در میان این دو، امعه نباشید» ابن قیم رحمه الله درباره‌ی این سخن ابن مسعود می‌گوید: «ببین او چگونه مقلد را از زمره‌ی علما و طالبان علم خارج ساخته است؟...».

و خدا رحمت کند حافظ ابن حجر را آنجا که در شکایت از انتشار امعه در میان منسوبان به علم و اندیشه در عصر خویش می‌گوید: «آنانی که پس از قرون برتر آمدند در بیشتر مسائلی که ائمه‌ی تابعین و تابعان آنان آن را انکار می‌نمودند زیاده‌روی کردند تا آنجا که مسائل دیانت را با کلام یونان مخلوط کردند و سخن فلاسفه را اصلی قرار دادند که هر گونه حدیث و اثری را که با آن مخالف بود با تاویل، هر چند که تاویلی زشت باشد به آن برگرداندند و به این هم اکتفا نکردند بلکه ادعا کردند آنچه ترتیب داده‌اند شریف‌ترین علوم و اولاترین آن است و هر که از علمی که آنان پدید آورده‌اند استفاده نکند عامی و جاهل است. اما خوشبخت آن است که بر روشی که سلف بر آن بودند پایبند بماند و از آنچه خلف به وجود آوردند دوری گزیند» (پایان سخن ابن حجر رحمه الله).

و چه شبیه است امشب به دیشب! و چه نزدیک است امروز به دیروز!

﴿يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَن ضَلَّ إِذَا أَهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٥٠﴾﴾ [المائدة: ١٥٠].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خودتان پردازید هر گاه شما هدایت‌یافتید آن کس که گمراه شده است به شما زبانی نمی‌رساند بازگشت همه شما به سوی الله است پس شما را از آنچه انجام می‌دادید آگاه خواهد کرد».

خداوند برای من و شما در قرآن بزرگ برکت داده و ما را با آیات و ذکر حکیم سود رساند... آنچه را گفتم اگر صحیح بود از سوی خداوند و آنچه خطا بود از نفس و از شیطان بود و از الله آمرزش می‌خواهم که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش تنها از آن الله است و درود و سلام بر آنکه پیامبری پس از وی نیست... اما بعد...

ای مسلمانان تقوای الله را پیشه سازید و بدانید که اگر صفت امعه بودن در جامعه‌ای رواج یابد جلو سازندگی آن را گرفته و شخصیت آن را ضعیف می‌کند و آن جامعه را در میان دیگر جوامع ذلیل و خوار کرده که به سبب این صفت روحیه‌ی تبعیت در آن تزریق شده به طوری که در عادات و فرهنگ و روش و اندیشه وبال دیگران خواهند شد.

افتادن جامعه‌ی مسلمان در گرداب تقلید از بیگانگان خواستگاه شکست درونی و به مانند مینی است پنهان که شخصیت آن جامعه را با تقلید کورکورانه از بین می‌برد تا آنکه تمام ویژگی‌های آن جامعه‌ی مسلمان که خداوند به واسطه‌ی آن‌ها این امت را از دیگران متمایز کرده بود به کلی ناپدید می‌شود:

﴿صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ﴾ [البقرة: ۱۳۸].

«این است رنگ خدایی و چه کسی است که از الله خوش نگارتر باشد و ما برای او عبادت کنندگانیم».

جامعه‌ی مسلمان اگر امعه باشد در پس سرابی که با او متفاوت است به راه می‌افتد تا آنکه خود را با اخلاق و روشی جدید که از مدنیته‌ی بیگانه با خود و دین و سنت‌هایش بیرون آمده شکل دهد... و این چنین مردانگی برخی از مردان آن و زنانگی برخی از زنانش تغییر کرده می‌کند و همه‌ی این‌ها به سبب یورش به سوی مجهول است مجهولی که با تقلید کورکورانه صورت می‌گیرد اما این تقلید کورکورانه هر چه برای خود سبب و علت داشته باشد که با زرق و برق خود برای بار اول چشم مردم را خیره کند اما طولی

نمی‌کشد که در دنیای واقعی فرو می‌ریزد، و از قدیم گفته‌اند: «با نگاه اول قانع نشو زیاد فجر کاذب اول طلوع می‌کند!».

و اگر جامعه در درون خود این را احساس می‌کند که برای تغییر نیاز به نهضتی فراگیر دارد این نهضت در بازگشت به شرع پروردگار است، و شریعت محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - بزرگ‌ترین عاملی است که باعث تغییر و اصلاح اوضاع ما می‌شود:

﴿... إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...﴾ [الرعد: ۱۱].

«... در حقیقت الله حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند...».

و آیا این تغییر چیزی است جز اخلاق حقیقی اسلام؟ و آیا ممکن است بر روی زمین نهضتی ثابت به وجود بیاید مگر براساس این تغییر؟

﴿أَفَغَيْرَ اللَّهِ أَبْتَغِي حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ ءَاتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِّن رَّبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ﴾ [الأنعام: ۱۱۴].

«پس آیا داوری جز الله جویم با اینکه اوست که این کتاب را به تفصیل به سوی شما نازل کرده است و کسانی که کتاب [آسمانی] بدیشان داده‌ایم می‌دانند که آن از جانب پروردگارت به حق فرو فرستاده شده است پس تو از تردیدکنندگان مباش.».

و در پایان درود و سلام فرستید بر بهترین و پاکترین انسان‌ها محمد بن عبدالله، آن صاحب حوض و مقام شفاعت که خداوند شما را به آن امر نموده و فرموده است:

﴿... يٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [الأحزاب: ۵۶].

خداوند درود و سلام و برکت ارزانی دار بر بنده و پیامبرت محمد و راضی و خشنود باش از چهار خلیفه‌ی وی - ابوبکر و عمر و عثمان و علی - و همچنین از دیگر صحابه‌ی پیامبرت محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - و از تابعین و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی کنند و همچنین از ما با عفو و کرمات راضی باش ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار بگردان. خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومنت را یاری ده.

خداوندا غم و غصه‌ی غصه‌داران را از بین ببر و سختی سختی دیدگان را آسان گردان و وام‌داران را ادا کن و بیماران ما و دیگر بیماران مسلمان را شفا ده ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و امامان ما و والیان امر ما را اصلاح نما و مسئولیت ما را در دست کسانی قرار ده که تقوای تو را داشته و در پی خشنودی تو باشند.

پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا نما و از آتش دوزخ دور کن. پاک و منزه است پروردگار تو، پروردگار عزت از آنچه مشرکان وصفش می‌کنند و سلام بر پیامبران و آخرین سخن ما این که: الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

هشدار آتش...

خطیب: شیخ صلاح البدیر

مسجد نبوی شریف: جمعه ۱۱ شعبان ۱۴۳۱ برابر با ۱ مرداد ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن خداوندی است که عزیز و پرشکوه است، او که پس از هشدار و وعید و فرستادن پیامبران، با آتش جهنم از عاصیان انتقام می‌گیرد و کسانی را که ترس او را دارند و تقوای او را پیشه می‌سازند با بهشت برین بزرگ می‌دارد... هرکه کار نیکی کند برای خودش است و هرکه بدی پیشه سازد بر خود بدی کرده است و پروردگار تو به بندگانش ستم روا نمی‌دارد...

و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است. او که شایسته‌ی حمد و ثنا و تمجید است، و گواهی می‌دهم که پیامبر و سرور ما محمد، بنده و پیامبران او و دعوتگر به سوی توحید است و اوست هشدار دهنده‌ی از آتش شعله‌ور و

بشارت‌دهنده‌ی به بهشت ابدی. درود و سلام ابدی خداوند بر او و بر اهل بیت و یاران وی باد.

اما بعد، ای مسلمانان تقوای الله را آنگونه که شایسته‌ی اوست پیشه سازید و در پی دست یابی به رضایت وی کوشا باشید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧١﴾﴾ [الأحزاب: ۷۰-۷۱].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را پیشه سازید و سخنی استوار گوید (۷۰) تا کارهای شما را به صلاح آورد و گناهانتان را بر شما ببخشد و هر کس از الله و پیامبرش اطاعت کند پیروزی بزرگی به دست آورده است.»

ای مسلمانان... خداوند بندگان را به هدف عبادت خود آفرید و نشانه‌های عظمت خویش را در برابر آنان قرار داد تا هیبتش را در قلب آنان قرار دهد و عذاب شدید خود و جهنم را برای آنان وصف نمود تا عاملی باشد برای سرکوب گمراهی درون، و انگیزه‌ای باشد برای رستگاری آن.

پس از آن چیزی نسبت به آن هشدار داده شده‌اید برحذر باشید و از آن آتشی بترسید که خداوند در کتابش و توسط پیامبرش ذکر آن را نموده.

آن آتشی که خشم آن شدید است و آتش آن افروخته و تاریک و سیاه...

﴿لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ ﴿٢٨﴾ لَوَاحٍ لِّلْبَشْرِ ﴿٢٩﴾ عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ ﴿٣٠﴾﴾ [المدثر: ۲۸-۳۰].

«نه باقی می‌گذارد و نه رها می‌کند (۲۸) پوست‌ها را سیاه می‌گرداند (۲۹) [و] بر آن [دوزخ] نوزده [نگهبان] است.»

خانه‌ای که اهل آن نفرین شده‌اند و از دستیابی به لذت‌ها و خوشبختی محروم گشته‌اند.

﴿جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿٥٦﴾﴾ [ص: ۵۶].

«به جهنم درمی‌آیند و چه بد آرامگاهی است.»

یاد آن - با طبقات و درجات و درهای آن قلب ترسایان را به لرزه در آورده و اشکها را بر گونه‌ها جاری ساخته است. رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «قسم به آنکه جانم در دست اوست اگر آنچه را که من دیده‌ام می‌دیدید کم می‌خندید و بسیار گریه می‌کردید». گفتند: مگر تو چه دیدی ای رسول خدا؟ فرمود: «بهشت و جهنم را دیده‌ام» [به روایت مسلم].

و نعمان بن بشیر - رضی الله عنه - می‌گوید: شنیدم که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - در خطبه‌اش می‌فرمود: «شما را از آتش هشدار دادم، شما را نسبت به آتش هشدار دادم» تا آنکه عبایش که بر کتفش بود به روی پایش افتاد [به روایت احمد].

و رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «دو امر بزرگ را فراموش نکنید: بهشت و جهنم را» و سپس در حالی که می‌گریست و اشک‌هایش ریش مبارکش را خیس کرده بود فرمود: «قسم به آنکه جان محمد در دست اوست اگر آنچه را که من در مورد آخرت می‌دانم می‌دانستید به دشت و صحرا می‌رفتید و بر سر خود خاک می‌ریختید» [به روایت ابویعلی].

ای مسلمانان: بهشت از بند کفش شما به شما نزدیک‌تر است و همینطور جهنم، و این آتشی که شما بر می‌افروزید جزئی از ۷۰ جزء آتش جهنم است که ۶۹ بار از آن گرم‌تر است و گرمای تابستان از نفس جهنم است که شما را به یاد آن بیندازد زیرا در صحیح بخاری چنین آمده است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «آتش جهنم به سوی پروردگارش شکایت برد که ای پروردگار، بخشی از من بخشی دیگر را می‌بلعد (یعنی از شدت گرما) پس خداوند به او اجازه داد دو بار نفس بکشد، یک بار در تابستان و یک بار در زمستان که علت گرما و سرمای شدیدی است که می‌بینید».

جهنم را در روز قیامت می‌آورند در حالی که هفتاد هزار افسار دارد که هر افساری را هفتاد هزار ملانکه به دنبال خود می‌کشند و از شدت خشم فریاد می‌کشند و اینجاست که مجرمان به بدبختی خود یقین حاصل می‌کنند و امت‌ها بر زانوی خود می‌افتند و آنجاست که انسان به یاد آنچه کرده است می‌افتد و می‌گوید:

﴿يَلَيِّنَنِي قَدَمْتُ لِحَيَاتِي ﴿٢٤﴾ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ ﴿٢٥﴾ وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ

﴿٢٦﴾ [الفجر: ٢٤-٢٦].

«کاش برای زندگی (ابدی) خود (توشه‌ای) پیش فرستاده بودم (٢٤) پس در آن روز هیچ کس چون عذاب کردن او عذاب نکند (٢٥) و هیچ کس چون در بند کشیدن او در بند نکشد».

عمق آن به فاصله‌ی هفتاد سال است. رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - روزی در کنار اصحاب بودند که صدایی مهیبی به گوششان رسید پس فرمودند: «آیا می‌دانید این چیست؟» گفتند: الله و رسولش آگاه‌ترند. فرمود: «این صدای سنگی بود که هفتاد سال پیش به آتش جهنم انداخته شده بود و همچنان در آن سقوط می‌کرد تا آنکه اکنون به قعر آن رسیده است» [به روایت مسلم].

پل صراط بر روی چنین جهنم وحشتناکی زده می‌شود. جهنمی که شراره‌های آن از آن بر می‌جهد و چنگال‌هایی دارد که برخی از جهنمیان را از روی پل صراط به داخل خود می‌کشد، پس مومنان بر اساس اعمال خود به سرعت چشم به هم زدن و به سرعت برق و یا سرعت باد و یا سرعت پرندگان و یا سرعت اسبان دونده و یا سرعت انسان پیاده از آن می‌گذرند. پس برخی از آنان به راحتی عبور می‌کنند و برخی دیگر در هنگام عبور زخمی می‌شوند و برخی دیگر به آتش جهنم در می‌افتند و در آتش جهنم نیز برخی از جهنمیان تا مچ پا در آتشند و برخی تا زانو در آتشند و برخی تا سینه و برخی دیگر تا گردن...

اهل آتش به ذلت و خواری به سوی آتش فراخوانده و هل داده می‌شوند:

﴿... يُسْحَبُونَ ﴿٧١﴾ فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ ﴿٧٢﴾﴾ [المؤمن: ٧١-٧٢].

«کشانیده می‌شوند (٧١) در میان جوشاب [و] آنگاه در آتش برافروخته می‌شوند».

آتشی که آنان را به مانند آب جوشان در بر می‌گیرد:

﴿إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورٌ ﴿٧﴾﴾ [الملك: ٧].

«چون در آنجا افکنده شوند از آن خروشی می‌شنوند در حالی که می‌جوشد».

از گرسنگی فریاد برمی‌آورند و غذا می‌خواهند و در پاسخ به آنان خبیث‌ترین غذا که برای اهل گناهان مهیا شده است داده می‌شود:

﴿إِنَّ شَجَرَتَ الرَّزْقِومِ ﴿۴۳﴾ طَعَامُ الْأَثِيمِ ﴿۴۴﴾ كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ ﴿۴۵﴾ كَغَلِي الْحَمِيمِ ﴿۴۶﴾﴾

[الدخان: ۴۳-۴۶].

«آری درخت زقوم (۴۳) خوراک گناه پیشه است (۴۴) چون مس گداخته در شکم‌ها می‌گدازد (۴۵) همانند جوشش آب جوشان».

رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «اگر قطره‌ای از زقوم به زمین فرو می‌افتاد زندگی را بر اهل دنیا تلخ می‌کرد پس چه می‌شود کسی که همه‌ی غذایش همین است و غذای دیگری ندارد؟» [به روایت احمد].

و به آنان ضریع داده می‌شود. غذایی که نه چاق می‌کند و نه گرسنگی را رفع می‌کند به مانند خاری که نه وارد شکمشان می‌شود و نه از حلقومشان در می‌آید و به آنان چرک و خونابه‌ی جهنمیان خورانده می‌شود و هنگامی که گلویشان از گرسنگی و تشنگی خشکیده شد از چشم‌های داغ نوشانده می‌شوند و به آنان آبی داده می‌شود جوشان که روده‌های آنان را ذوب می‌کند، روده‌هایی که زمانی آکنده از غذای حرام بود و صورت‌های آنان می‌سوزد، صورت‌هایی که همیشه به سوی معصیت خداوند متوجه بود.

﴿يَتَسَّ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَعًا ﴿۲۹﴾﴾ [الكهف: ۲۹].

«وه چه بد شرابی و چه زشت جایگاهی است».

رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «آب جوشان بر سرشان ریخته می‌شود پس جمجمه‌شان را آب می‌کند تا آنکه به شکمشان می‌رسد، پس هر چه در شکم دارند آب می‌شود تا آنکه از پایشان خارج می‌شود و سپس به همان حالتی باز می‌گردند که بودند» [به روایت احمد و ترمذی].

و آسان‌ترین اهل آتش از نظر عذاب کسی است که دو دمپایی از آتش دارد که مغزش به خاطر آن به مانند دیگ می‌جوشد و او گمان نمی‌کند که عذاب کسی از او شدیدتر باشد در حالی که او آسان‌ترین عذاب را دارد.

غل و زنجیر آنان را سنگین کرده است، پاهایشان به پیشانی‌شان بسته شده و چهره‌هایشان از خواری و ذلت گناه سیاه گشته است. از داد و بی‌داد سر و صدایشان بلند است و امید رهایی ندارند و آرزوی مرگ می‌کنند اما از اسارت جهنم رهایی نمی‌یابند:

﴿وَلَهُمْ مَقْعٌ مِنْ حَدِيدٍ ﴿۲۱﴾ كَلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ﴿۲۲﴾﴾ [الحج: ۲۱-۲۲].

«و برای آنان گرزهایی آهنین است (۲۱) هر بار بخواهند از [شدت] غم از آن بیرون روند در آن باز گردانیده می‌شوند [که هان] بچشید عذاب آتش سوزان». درهائش بر آنان بسته می‌شود و غم و مصیبتشان افزون می‌شود...

﴿لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ ﴿۴۴﴾﴾ [الحجر: ۴۴].

«برای آن هفت در است و از هر دری بخشی معین از آنان [وارد می‌شوند]». رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - می‌فرماید: «اهل آتش چنان می‌گیرند که اگر کشتی‌ها در اشکشان قرار گیرند به جریان می‌افتند و آنان خون می‌گیرند...» [به روایت حاکم].

آنان بر از دست دادن زندگی بدون آنکه توشه‌ای از آن برگیرند می‌گیرند، آه بر آنها از خشم خداوند و آه بر آنان از رسوایی‌شان در بین مردم؛ و فریاد برمی‌آورند که:

﴿رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ ﴿۳۷﴾﴾ [فاطر: ۳۷].

«پروردگارا ما را بیرون بیاور تا کاری شایسته غیر از آنچه انجام می‌دادیم انجام دهیم». و می‌گویند:

﴿رَبَّنَا أَخْرِجْنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ نَحْبُ دَعْوَتِكَ وَنَتَّبِعِ الرَّسُولَ ﴿۴۴﴾﴾ [إبراهیم: ۴۴].

«پروردگارا ما را تا چندی مهلت بخش تا دعوت تو را پاسخ گوئیم و از فرستادگان [تو] پیروی کنیم».

و می‌گویند:

﴿رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ ﴿۱۲﴾﴾ [السجدة: ۱۲].

«پروردگارا دیدیم و شنیدیم ما را بازگردان تا کار شایسته کنیم چرا که ما یقین داریم».

﴿... رَبَّنَا عَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ ﴿١٠٦﴾ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ ﴿١٠٧﴾﴾ [المؤمنون: ۱۰۶-۱۰۷].

«...پروردگارا شقاوت ما بر ما چیره شد و ما مردمی گمراه بودیم (۱۰۶) پروردگارا ما را از اینجا بیرون بر پس اگر باز هم [به بدی] برگشتیم در آن صورت ستمگر خواهیم بود».

خدایی را صدا می‌زنند که همیشه دستوراتش را زیر پا می‌گذاشتند و با دوستانش دشمنی می‌ورزیدند. خدایی را صدا می‌زنند که حکمش در مورد آنان به اجرا در آمده است و عذابش بر آنان نازل گردیده است.

﴿قَالَ أَحْسَبُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونَ ﴿١٠٨﴾﴾ [المؤمنون: ۱۰۸].

«می‌فرماید [بروید] در آن گم شوید و با من سخن مگویید».

نه به گریه‌شان رحم می‌شود و نه فریادرسی می‌شوند... از آرزوهایشان باز مانده‌اند و گناهان آنان را به محاصره در آورده اما همچنان در امید رهایی هستند که ناگهان منادی ندا می‌دهد که: «ای اهل بهشت جاودانگی است و دیگر مرگی نیست و ای اهل آتش جاودانگی است و دیگر مرگی در کار نیست».

آتشی که خاموش نمی‌شود و جانی که دیگر گرفته نمی‌شود:

﴿لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا وَلَا يُحْقَفُ عَنْهُمْ مِّنْ عَذَابِهَا﴾ [فاطر: ۳۶].

«نه حکم به مرگ بر ایشان [جاری] می‌شود تا بمیرند و نه عذاب آن از ایشان کاسته شود».

﴿إِنَّهُ مَن يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ ﴿٧٤﴾﴾ [طه: ۷۴].

«در حقیقت هر که به نزد پروردگارش گنهکار رود جهنم برای اوست در آن نه می‌میرد و نه زندگی می‌یابد».

آنان همدیگر را سرزنش و لعنت می‌کنند و با هم به جدل بر می‌خیزند و یکدیگر را تکذیب می‌کنند:

﴿كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا﴾ [الأعراف: ۳۸].

«...هر بار که امتی [در آتش] درآید همکیشان خود را لعنت کند».

به یکدیگر کفر می‌ورزند و همدیگر را نفرین می‌کنند و کینه‌شان علیه کسانی که آنان را به چنین روزی انداخته‌اند شدت می‌گیرد و می‌گویند: ﴿رَبَّنَا أَرِنَا الَّذِينَ أَضَلَّانَا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ نَجْعَلُهُمَا تَحْتَ أَقْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ الْأَسْفَلِينَ﴾ [فصلت: ۲۹]. «پروردگارا آن دو [گمراه‌گری] از جن و انس که ما را گمراه کردند به ما نشان ده تا آن‌ها را زیر قدم‌هایمان بگذاریم تا زبون شوند».

و آنکه از یاد خداوند غافل بود خطاب به دوستش که او را از قرآن باز داشته و گناه را برای او زینت داده چنین می‌گوید که: «کاش میان من و تو (به اندازه‌ی) دوری مشرق و مغرب (فاصله) بود. پس چه بد دوستی بود چنین دوستی» [الزخرف: ۳۸].
و همه‌ی این‌ها برایشان سودی در بر ندارد زیرا که همه در عذاب شریکند و همه سهمی از آن دارند اما نمی‌دانند.

خداوند من و شما را از آزاد شدگان از آتش قرار دهد... این سخنان را گفته و برای خود و شما از خداوند متعال از هر گناهی آمرزش می‌خواهم پس از او آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

سپاس و ستایش از آن الله است برای نیکی و احسان و توفیقش و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنهاست و بی‌شریک و گواهی می‌دهم که پیامبر و سرور ما محمد بنده و پیامبر او و دعوتگر به سوی رضوان اوست... درود و سلام خداوند بر او و بر اهل بیت و یارانش باد.

اما بعد... ای مسلمانان تقوای الله را آنگونه که شایسته‌ی اوست پیشه سازید: ﴿... أَتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ [التوبة: ۱۱۹]. «... تقوای الله را پیشه سازید و با راستان همراه باشید».

ای مسلمانان: این‌ها برخی از اوصاف آتش جهنم و احوال اهل آن بود. پس از آتش جهنم به خداوند پناه ببرید و از هر سخن و کرداری که شما را به آتش نزدیک می‌سازد دوری کنید که شما امروزه در دوران فتنه‌های پی در پی و بدی‌ها قرار دارید. فتنه‌ی شبهات و شهوات که برخی برخی دیگر را زیبا جلوه می‌دهند که هرکه را در پی آن‌ها به راه افتد در دینش و در عقیده و اخلاقش به عقب می‌رانند و رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «آنچه من از آن بر شما ترس دارم شهوات‌های گمراه کننده در شکم و شرمگاه و هواهای گمراه کننده است» [به روایت احمد].

پس به راه سختی‌های نجات دهنده گام نهید و قلب را از غفلت بیدار کنید و نفس را از خیزشگاه شهوات برهانید و به کتاب خدا و سنت پیامبرش حکم کنید و بدانید که روزهای زندگی مهلت‌هایی است برای رستگاری که در ورای آن اجل در کمین است و هرکه زمان حال به درد او نیاید آینده نیز برایش سودی نخواهد داشت و گذشته نیز به دردی از او دوا نخواهد کرد و بدانید که خوابی سنگین‌تر از خواب غفلت نیست و بردگی‌ای بدتر از بردگی شهوات وجود ندارد و مصیبتی بدتر از مرگ قلب نیست و هشدار دهنده‌ای رساتر از پیری نیست و بدانید که هیچ عاقبتی بدتر از آتش نخواهد بود:

﴿وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشْرِ ۝۳۱ كَلَّا وَالْقَمَرِ ۝۳۲ وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ ۝۳۳ وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ ۝۳۴ إِنَّهَا لَإِحْدَى الْكُبَرِ ۝۳۵ نَذِيرًا لِلْبَشْرِ ۝۳۶ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ ۝۳۷﴾

[المدرثر: ۳۱-۳۷].

«و این آیات نیست مگر یادآوری برای بشر (۳۱) نه چنین است (که می‌پندارند) سوگند به ماه (۳۲) و سوگند به شب آنگاه که پشت می‌کند (۳۳) و سوگند به صبح هنگامی که آشکار شود (۳۴) که آن (قرآن) از پدیده‌های بزرگ است (۳۵) و بشر را هشدار دهنده است (۳۶) هر کدام از شما را که بخواهد پیشی جوید یا آنکه عقب بیفتد». پس خود را از آتش نجات دهید و پیش از آنکه عبرتی شوید برای آیندگان، از گذشتگان عبرت بگیرید و راه توبه‌کنندگان را در پیش بگیرید که اکنون وقت بازگشت و توبه و ترک گناهان است.

ای بنده‌ی خداوند، ای آنکه حدود خداوندی را زیر پا نهاده‌ای و از راه درست دوری گزیده‌ای... خیلی زود توبه کن و چرک گناه را از خود بشوی و خود را از جهنم نجات ده.

از عدی به حاتم - رضی الله عنه - روایت است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «کسی از شما نیست مگر آنکه پروردگارش با او سخن می‌گوید بی‌آنکه میان او و پروردگارش واسطه‌ای باشد. پس بنده به راست خود می‌نگرد و چیزی جز آنچه پیش فرستاده است نمی‌بیند و به چپ خود می‌نگرد و چیزی جز اعمالی که پیش فرستاده نمی‌بیند و به روبرویش نظر می‌اندازد و جز آتش چیزی نمی‌بیند پس از آتش دوری کنید حتی اگر با نصف دانه‌ی خرما باشد و حتی اگر با سخنی نیک باشد» [به روایت بخاری].

ای مسلمانان: خود و خانواده و فرزندان خود و زیر دستان خویش را از آتش نجات دهید و بدانید که ضایع نمودن نماز و شبیه کردن خود به کافران و نظر انداختن به حرام و بی‌حجابی و خودآرایی زنان و نوشیدن خمر، همه‌ی این‌ها از کارهای اهل جهنم است و هرگونه معصیت خدا و رسول از کارهای اهل جهنم است، پس از آتش بترسید، از آتش بترسید...

﴿وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾

﴿١٤﴾ [النساء: ١٤].

«و هر که (از دستورات) الله و رسولش سرپیچی نماید و حدود او را زیر پا نهد او را وارد آتشی می‌کند که جاودانه در آن خواهد ماند و برایش عذابی خوار کننده خواهد بود».

و سپس بدانید که خداوند شما را به کاری امر نموده که خود آن را آغاز کرده و سپس ملائکه و سپس شما را به آن امر نموده و فرموده است:

«همانا الله و ملائکه‌اش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آوریده‌اید بر او

درود و سلام فرستید» [الأحزاب: ٥٦].

خداوندا درود و سلام فرست بر بهترین و پاکترین انسان‌ها، محمد بن عبدالله - صلی الله علیه و آله وسلم - و راضی و خشنود باش از خلفای پیامبرت - ابوبکر و عمر و عثمان و علی - و از دیگر صحابه‌ی پیامبرت و همچنین از ما با فضل و احسان خویش راضی باش ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و طاغیان و متجاوزان را نابود گردان و امنیت و رفاه و آرامش را در همه‌ی سرزمین‌های مسلمان مستقر بگردان.

خداوندا مسجد الاقصی را از نجاست صهیونیست‌ها پاک گردان، خداوندا مسجد الاقصی را از نجاست صهیونیست‌ها پاک گردان، خداوندا مسجد الاقصی را از نجاست صهیونیست‌ها پاک گردان، خداوندا مسجد الاقصی را از نجاست صهیونیست‌ها پاک گردان.

خداوندا گرانی و وبا و ربا و زنا و زلزله‌ها و فاجعه‌ها و فتنه‌های پنهان و آشکار و بی‌حجابی و اختلاط را از ما دور گردان.

خداوندا مردگان ما را بیمارز و بیماران ما را شفا ده و اسیران ما را آزاد گردان و ما را بر دشمنانمان پیروز گردان.

خداوندا بر توبه کنندگان توبه پذیر و بازگشت کنندگان به راهت را پذیرا باش و ما را به توبه‌ای صادقانه پیش از روز قیامت موفق گردان.

بندگان خداوند، «همانا الله به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان امر کرده و از فحشا و منکر و تجاوز باز می‌دارد. او شما را چنین پند می‌دهد باشد که پندپذیر باشد» [النحل: ۹۰] پس او را یاد کنید تا شما را یاد کند و او را برای نعمت‌هایش شکرگذار باشید تا شما را افزون دهد و همانا یاد الله بزرگ‌تر است و الله به آنچه می‌کنید آگاه است.

عنوان خطبه:

استغفار

خطیب: شیخ حسین آل شیخ

مسجد نبوی شریف: جمعه ۱۸ شعبان ۱۴۳۱ برابر با ۸ مرداد ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

ستایش تنها از آن خداوند آمرزنده و مهربان است و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک و توبه‌پذیر و بزرگ است. و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده و پیامبرسان گرامی اوست. خداوندا بر او و بر اهل بیت و یارانش درود و سلام و برکت ارزانی دار.

اما بعد، ای مسلمانان... خود و شما را به تقوای الله سفارش می‌کنم که تقوای او سبب سعادت و رستگاری و پیروزی و موفقیت است.

برادران و خواهران مسلمان... ما در همه‌ی شرایط و در همه حال نیاز بسیاری به درخواست آمرزش از خداوند آمرزشگر خود داریم... آن استغفاری که بر زبان و از قلب باشد. استغفاری که به معنای زانو زدن در برابر آن خداوند منانی است که گناهان را می‌پوشاند و از اشتباهات و لغزش‌ها در می‌گذرد و انسان را از هلاکت و عاقبت گناهان در امان می‌دارد... خداوند عزوجل می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظَلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾

[النساء: ۱۱۰].

«و هرکس کار بدی کند یا بر خویشتن ستم ورزد سپس از الله آمرزش بخواهد الله را آمرزنده‌ی مهربان خواهد یافت.»

و پیامبر ما - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «به الله سوگند که من در روز بیش از هفتاد بار از الله آمرزش می‌خواهم و به سوی او توبه می‌کنم» [به روایت بخاری] و همچنین می‌فرماید: «همانا گاه بر قلب من پوشیدگی رخ می‌دهد و من در روز صد بار از الله آمرزش می‌خواهم» [به روایت مسلم].

ای مسلمانان... بسیار استغفار کنید و شبانه روز به آن پایبند باشید، چه در سفر و چه در حال اقامت زیرا که الله سبحانه و تعالی خطاب به پیامبرش و همچنین امت وی می‌فرماید:

﴿وَأَسْتَغْفِرُ لِدُنْيِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ ۝٥٥﴾ [المؤمن: ۵۵].

«و برای گناه خویش آمرزش بخواه و به سپاس پروردگارت شامگاهان و صبح‌گاهان تسبیح گوی.»

همچنین در سنن ابوداود با سند «جید» آمده است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «خوش به حال کسی که در نامه‌ی اعمالش استغفار بسیاری بیابد» و همچنین نسائی در کتاب «عمل الیوم و اللیلة» با سند صحیح، و طبرانی با سند حسن، و همچنین بیهقی، چنین روایت نموده‌اند که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «هرکه دوست دارد که نامه‌ی عملش باعث خشنودی‌اش شود، بسیار استغفار گوید.»

برادران و خواهران ایمانی... استغفار فضائل فراوان و اسراری بدیع و برکاتی گوناگون دارد که بزرگ‌ترین آن این است که سببی است برای آمرزش گناهان و دست یافتن به بزرگ‌ترین خواسته‌ها:

﴿وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرُ اللَّهُ فَعَسَىٰ أَلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ ۝١٣٥﴾ [آل عمران: ۱۳۵-۱۳۶].

«و آنان که چون کار زشتی کنند یا بر خود ستم روا دارند الله را به یاد می‌آورند و برای گناهانشان آمرزش می‌خواهند و چه کسی جز الله خدا گناهان را می‌آمرزد و بر آنچه مرتکب شده‌اند با آنکه می‌دانند [که گناه است] پافشاری نمی‌کنند (۱۳۵) آنان پاداششان آمرزشی از جانب پروردگارشان و بوستان‌هایی است که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است جاودانه در آن بمانند و پاداش اهل عمل چه نیکوست.»

و در صحیح مسلم از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - چنین روایت شده که ایشان درباره‌ی طبیعت بشر چنین فرمودند: «قسم به آن که جانم در دست اوست اگر شما گناه نمی‌کردید خداوند شما را می‌برد و گروهی را می‌آورد که گناه می‌کردند و سپس از الله آمرزش می‌خواستند و الله نیز آنان را مورد آمرزش قرار می‌داد».

و در حدیثی که حاکم آن را صحیح، و براساس شرط بخاری و مسلم دانسته است و منذری نیز سند آن را در «الترغیب و الترهیب» خوب دانسته است چنین آمده که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «هر که بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» گناهانش مورد مغفرت قرار خواهد گرفت حتی اگر از جهاد فرار کرده باشد».

ای مسلمانان... پایبندی به استغفار و آمرزش خواهی از خداوند متعال سببی است برای دفع بلاها و آفت‌ها و راهی است برای رفع فاجعه‌ها و حوادث؛ برای همین است که هر که همیشه به استغفار پایبند بماند خداوند نیز برای او از هر غم و ناراحتی و تنگنایی، راه برون رفتی قرار خواهد داد زیرا پروردگار ما می‌فرماید:

﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾ (۳۳)

[الأنفال: ۳۳].

«و تا وقتی که تو در میان آن‌هایی که الله بر آن نیست که آنان را عذاب دهد و تا آن‌گاه که آنان استغفار می‌کنند، الله عذاب دهنده‌ی آنان خواهد بود».

شیخ الاسلام ابن تیمیه می‌گوید: «گواهی دادن به توحید در خیر را می‌گشاید، و استغفار در شر و بدی را می‌بندد».

بلکه استغفار باعث آسودگی خاطر و گشادگی سینه و آرامش درون و اطمینان قلب می‌شود زیرا خداوند عزوجل می‌فرماید:

﴿وَأَنْ أَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَّعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ

ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ...﴾ [هود: ۳].

«و اینکه از پروردگارتان آمرزش بخواهید سپس به درگاه او توبه کنید [تا اینکه] شما را با بهره‌مندی نیکویی تا زمانی معین بهره‌مند سازد و به هر شایسته‌ی نعمتی، از کرم خود عطا کند».

زیرا پابندی به استغفار از جمله عوامل قدرت یافتن و از جمله سبب‌هایی است که باعث یاری رساندن به انسان در امور دنیا و دین می‌شود. خداوند متعال درباره‌ی هود چنین می‌فرماید که ایشان خطاب به قوم خود چنین گفتند:

﴿وَيَقَوْمٌ أَسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ...﴾ [هود: ۵۲].

«و ای قوم من از پروردگارتان آمرزش بخواهید سپس به درگاه او توبه کنید [تا] از آسمان بر شما بارش فراوان فرستد و نیرویی بر نیروی شما بیفزاید».

ای مسلمانان... به آنگونه استغفاری که متضمن خشوع و ذلت در برابر خداوند متعال است پایبند باشید تا به آنچه می‌خواهید دست یابید...

مردی به حضور حسن بصری - رحمه الله - آمد و از قحطسالی شکایت برد، پس حسن بصری به وی گفت: به استغفار پایبند باش؛ پس شخص دیگری به نزد او آمد و از فقر نالید، پس به او گفت: به استغفار پایبند باش؛ سپس مرد دیگری آمد و از کم فرزندی به او شکایت برد، پس به او گفت: به استغفار پایبند باش.. و این فهم صحیح حسن بصری از این سخن خداوند متعال است که می‌فرماید:

﴿فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا ﴿۱۱﴾ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا ﴿۱۲﴾ وَيُمِدِّدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا ﴿۱۳﴾﴾ [النوح: ۱۰-۱۲].

«و گفتم از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او همواره آمرزنده است (۱۰) بر شما از آسمان باران پی در پی فرستد (۱۱) و شما را به اموال و پسران یاری کند و برایتان باغ‌ها قرار دهد و نهرها برای شما پدید آورد».

برادران و خواهران مسلمان... استغفار مستلزم این است که بنده در توبه‌ی خود صادق باشد و از پستی‌ها و گناهان دوری گزیند، یعنی استغفاری که به همراه ترک گناه و پشیمانی از آن و عدم پافشاری بر آن باشد، زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿... وَ لَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَ هُمْ يَعْلَمُونَ ﴿۱۳۵﴾﴾ [آل عمران: ۱۳۵].

«... و در حالی که می‌دانند بر آنچه کرده‌اند پافشاری نکنند».

پس ای بندگان خداوند استغفار را پیشه‌ی خود سازید تا رحمت و مغفرت پروردگار رحمان را به دست آورید:

﴿... لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿۴۶﴾﴾ [النمل: ۴۶].

«...چرا از الله آمرزش نمی‌خواهید باشد که مورد رحمت قرار گیرید».

حسن بصری رحمه الله می‌گوید: «در خانه‌هایتان و سر سفره‌هایتان و در راه‌ها و بازارها و مجالستان بسیار استغفار بگویید زیرا شما نمی‌دانید که رحمت خداوندی کی نازل می‌شود».

خداوند بزرگ من و شما را به واسطه‌ی قرآن و سنت برکت ارزانی دارد و با آیات و ذکر حکیم سود رساند... این سخن خویش را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از هر گناهی آمرزش می‌طلبم. پس از او آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

پروردگرم را سپاس و ستایش می‌گویم و بر پیامبرمان محمد، درود و سلام می‌فرستم...

اما بعد...

ای مسلمانان... گفتن دعای سید الاستغفار را در آغاز شب و روز، پیشه‌ی خود سازید. شداد بن اوس - رضی الله عنه - از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - چنین روایت کرده که ایشان فرمودند:

«سید الاستغفار این است که بنده بگوید: «اللهم أنت ربّي لا إله إلا أنت خلقتني وأنا عبدك، وأنا على عهدك ووعدك ما استطعت، أعوذ بك من شر ما صنعت، أبوء لك بنعمتك عليّ، وأبوء لك بذنبي، فاغفر لي فإنه لا يغفر الذنوب إلا أنت..» یعنی: ای الله تویی که پروردگار منی که معبودی به حق جز تو نیست، مرا آفریدی و من بنده‌ی توام و من تا جایی که بتوانم بر عهد و وعده‌ی تو خواهم ماند، از شر آنچه انجام داده‌ام به تو پناه می‌برم، به نعمت تو بر خود و به گناه خود اعتراف می‌کنم پس مرا مورد آمرزش قرار ده که کسی جز تو گناهان را مورد آمرزش قرار نمی‌دهد. هر که آن را با یقین به آن در اول روز بگوید و سپس در همان روز پیش از شب بمیرد از اهل بهشت است، و هر که آن را با یقین به آن در شب بگوید و سپس در همان شب پیش از آنکه صبح کند بمیرد از اهل بهشت است» [به روایت بخاری].

این ذکر معانی بسیار بدیع و کلمات زیبایی را در خود گرد آورده است به طوری که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - آن را سید الاستغفار نامیده است. زیرا در این ذکر بنده به توحید خداوند در الوهیت و عبادت اقرار می‌کند و همچنین به اینکه او خالق است و به عهدی که خداوند از او گرفته اعتراف کرده و به وعده‌ای که به او داده است اظهار امیدآوری می‌کند و از بدی‌هایی که در حق خود انجام داده به او پناه می‌برد. همچنین نسبت دادن نعمت به خالق آن و نسبت دادن گناه به خود، و رغبت در مغفرت و اعتراف به اینکه کسی جز خداوند نمی‌تواند او را مورد مغفرت قرار دهد...

پس ای برادران و خواهران، در محافظت بر این ذکر پایبند باشید و آن را به خانواده و فرزندان خود بیاموزید تا به رستگاری و سعادت دست یابید.

سپس بدانید که خداوند متعال ما را به امری بزرگ دستور داده است که همانا فرستادن درود و سلام بر پیامبر است... خداوندا درود و سلام و برکت ارزانی دار بر سرور و محبوب ما و پیامبر و نور چشم ما محمد - صلی الله علیه وسلم.

خداوندا و همچنین راضی و خشنود باش از همه‌ی صحابه‌ی پیامبرت و از اهل بیت وی و کسانی که تا قیامت به نیکی از او پیروی کنند. خداوندا مردان و زنان مومن را مورد

مغفرت خویش قرار ده. خداوندا مردان و زنان مومن را مورد مغفرت خویش قرار ده. خداوندا مردان و زنان مسلمان - زندگان و رفتگان را - مورد آمرزش خود قرار ده. خداوندا ما به خود ستم بسیاری نمودیم و اگر تو ما را مورد مغفرت و رحمت خویش قرار ندهی بی‌تردید از زیانکاران خواهیم بود. خداوندا اوضاع ما و اوضاع دیگر مسلمانان را بهبود بخش. خداوندا اوضاع ما و اوضاع دیگر مسلمانان را بهبود بخش. خداوندا اوضاع ما و اوضاع دیگر مسلمانان را بهبود بخش. خداوندا مسلمانان را عزت عطا کن. خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت عطا کن. خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت عطا کن. خداوندا دشمنان مسلمانان را نابود ساز که آنان را یاری مقابله با تو نیست. خداوندا همه‌ی مسئولان و والیان مسلمان را به سوی آنچه خیر مردم است توفیق ده. خداوندا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور مدار. بندگان خداوند او را بسیار یاد کنید و صبحگاه و شامگاه وی را تسبیح گوید. و آخرین سخن این که: الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

محبت میان مسلمانان

خطیب: شیخ حسین آل شیخ

مسجد نبوی شریف: جمعه ۲۵ شعبان ۱۴۳۱ برابر با ۱۵ مرداد ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است که بلند مرتبه و والاست و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها است و در دنیا و آخرت بی‌شریک است، و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد بنده، و پیامرسان او و برگزیده‌ی خداوند است. خداوندا بر او و بر اهل بیت و یاران متقیش درود و سلام و برکت ارزانی دار.

اما بعد. ای مسلمانان... خود و شما را به تقوای الله سفارش می‌کنم که هر که تقوای او را پیشه سازد او را حفظ کرده و برای او از هر تنگایی راه برون رفت قرار خواهد داد. برادران و خواهران مسلمان... یکی از بزرگ‌ترین اهداف و مقاصد شریعت اسلام محقق ساختن دوستی و محبت در میان مسلمانان است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ...﴾ [الحجرات: ۱۰].

«همانا مومنان [با یکدیگر] برادرند...».

و پیامبر ما - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «مثال مومنان در محبت و عطوفت و مهربانی که میان همدیگر دارند به مانند یک بدن است که اگر عضوی از آن به درد آید دیگر اعضای بدن نیز با شب‌بیداری و تب با آن همدردی می‌کنند» [به روایت مسلم]. از جمله اصول محقق شدن این مقصد، تاکید بر پاک نمودن سینه از کینه و کدورت است. پروردگار ما - جل و علا - در وصف بندگان مومنش می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ [الحشر: ۱۰].

«و کسانی که بعد از آنان [یعنی مهاجران و انصار] آمده‌اند می‌گویند پروردگارا بر ما و بر آن برادرانمان که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفتند ببخشای و در دل‌هایمان نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند [هیچ گونه] کینه‌ای مگذار پروردگارا به راستی که تو رؤوف و مهربانی».

زیرا نجات در آخرت و به دست آوردن بهشت محقق نمی‌شود مگر با داشتن قلبی سالم از کینه و حسد، و به دور از ناپاکی و غل و غش. خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ﴿۸۸﴾ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ﴿۸۹﴾﴾ [الشعراء: ۸۸-۸۹].

«روزی که هیچ مال و فرزندی سود نمی‌دهد (۸۸) مگر کسی که قلبی پاک به سوی الله بیاورد».

از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - پرسیده شد که کدام یک از مردم بهترند؟ فرمود: «هر که قلبی «مخمو» دارد و زبانی راستگوی» گفتند: راستگوی را دانستیم اما قلب

مخموم چیست؟ فرمود: «هر قلب متقی پاکی که نه گناهی در آن است و نه ستم و نه غل و حسد» [به روایت ابن ماجه با سند جيد].

به این حدیث بزرگ گوش بسپارید؛ حدیثی که شایسته است آن را چراغی فرا راه خویش قرار دهیم، چراغی که راه ما را در زمانه‌ای که طوفان‌های سختی و چند دستگی بر امت وزیدن گرفته است روشن می‌کند:

از انس رضی الله عنه روایت است که ما به همراه رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - نشسته بودیم که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود: «اکنون مردی از اهل بهشت بر شما وارد می‌شود» پس مردی از انصار بر ما وارد شد در حالی که قطرات آب وضو از محاسن وی می‌چکید و کفش خود را در دستش گرفته بود. روز بعد رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - باز همان سخن را گفت و باز همان مردی که روز اول بر ما وارد شده بود وارد شد. روز سوم نیز رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - همان سخن خویش را تکرار کرد و باز هم همان مرد به مانند روز اول [بر ما] وارد شد... عبدالله بن عمرو بن عاص (رضی الله عنهما) او را دنبال کرد و برای دانستن راز او سه روز نزد او ماند. عبدالله می‌گفت از آن مرد عملی بیش از عمل دیگر صحابه ندیدم جز اینکه شب‌ها در هنگام غلت زدن در رخت‌خوابش تکبیر خداوند را می‌گفت تا آنکه برای نماز صبح بیدار می‌شد. سپس عبدالله او را از سخن رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - درباره‌ی وی آگاه ساخت و سپس به وی گفت: من ندیدم که تو عمل نیک زیادی انجام دهی پس چه چیز باعث شده به این جایی برسی که پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود؟ او گفت: اعمالی که من انجام می‌دهم همین بود که دیدی جز اینکه من در درون خود هیچ غل و غشی از کسی از مسلمانان نمی‌یابم و بر هیچکس به خاطر نعمتی که خداوند به او داده است حسادت نمی‌ورزم. پس عبدالله به او گفت: این همان چیزی است که باعث شده تو به این مقام برسی [به روایت احمد با سند حسن].

برادران و خواهران مسلمان... از خطرناک‌ترین چیزها بر دین و بر مسلمانان این است که قلب‌های مسلمانان آکنده از کینه و حسد باشد. رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم

– می‌فرماید: «درهای بهشت در روز دوشنبه و پنجشنبه باز می‌شود پس خداوند هر بنده‌ای را که به او شرک نمی‌آورد مغفرت می‌کند مگر مردی که میان او و برادرش کینه و دشمنی باشد پس خداوند عزوجل می‌فرماید: این دو را نگه دارید تا با هم آشتی کنند» [به روایت مسلم].

ای مسلمانان... شعار خود را در همه‌ی مجال‌های زندگی این سخن رسول خدا – صلی الله علیه و آله وسلم – قرار دهید که می‌فرماید: «کسی از شما ایمان نمی‌آورد تا اینکه برای برادرش همان چیزی را دوست بدارد که برای خود می‌پسندد» [متفق علیه].
و آنگاه است که افراد و گروه‌های امت اسلامی راه سعادت و خوشبختی را خواهند پیمود.

ای مسلمانان... از منتقل کردن سخن دیگران به یکدیگر که باعث از بین رفتن محبت و الفت می‌شود خودداری کنید زیرا رسول خدا – صلی الله علیه و آله وسلم – می‌فرماید: «سخن چین وارد بهشت نمی‌شود» [متفق علیه].

و همچنین از سخن زشت و بددهنی دوری کنید زیرا سخن بد باعث به وجود آمدن کینه می‌شود و صفای میان قلب‌ها را از بین می‌برد و پروردگار ما – عزوجل – می‌فرماید:
﴿وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا ﴿٥٣﴾﴾ [الإسراء: ٥٣].

«و به بندگانم بگو آنچه را که بهتر است بگویند که شیطان میانشان را به هم می‌زند زیرا شیطان همواره برای انسان دشمنی آشکار است».
و از جدال دوری کنید مگر از روی علم و حسن نیت و با کلام نیک و الا بحث و جدل باعث جدایی و دوری قلب‌ها از هم می‌شود. امام مالک (رحمه الله) می‌گوید: «جدل باعث سنگدلی و کینه می‌شود...».

درگیری و جدل میان افراد و در عرصه‌ی رسانه و جامعه کافی است... کافی است این جدل که باعث کینه و نفرت می‌شود...

همچنین برای انسان مسلمان شایسته است که از شوخی زیاده از حد دوری کند زیرا این شوخی باعث دشمنی می‌شود و انسان را به سوی زشتی‌ها سوق می‌دهد چنانکه عمر بن عبدالعزیز رحمه الله می‌گوید: «نسبت به سخنی که از دهان برادرت خارج می‌شود تا جایی که می‌توانی گمان خوب کنی از گمان بد دوری کن» و اگر در قلب خود نسبت به برادرت ناراحتی یافتی باید به نیکی آن را با او در میان گذاشته و با سخنی زیبا او را مورد مواخذه قرار دهی.

همچنین از دیگر دردهای مزمن و خطرناکی که در بسیاری از جوامع اسلامی وجود دارد و باعث منتشر شدن نفرت و کینه در قلب‌ها می‌شود، محبت شهرت و حرص در به دست آوردن مناصب و قدرت است.

فضیل رحمه الله می‌گوید: «کسی نیست که حب ریاست در قلبش به وجود آید مگر آنکه دچار حسادت و ستمگری شده و در پی عیب مردم می‌افتد و از ذکر خوبی دیگران بدش خواهد آمد». پس ای مسلمان به آنچه خداوند نصیب تو ساخته است راضی شو که این کلید نجات و سلامت است. خداوند عزوجل می‌فرماید:

﴿وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا أَكْتَسَبُوا^ط وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا أَكْتَسَبْنَ^ج وَسَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ^ع إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴿۳۲﴾﴾
[النساء: ۳۲].

«آنچه را الله به [سبب] آن بعضی از شما را بر بعضی [دیگر] برتری داده آرزو مکنید برای مردان از آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای است و برای زنان [نیز] از آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای است و از فضل الله درخواست کنید که الله به هر چیزی داناست».

خداوند متعال برای من و شما به واسطه‌ی قرآن و سنت برکت دهد، این سخن خویش را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از هر گناهی از خداوند متعال آمرزش می‌خواهم پس از او آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

سپاس و ستایش از آن الله برای احسان و نیکی و توفیق وی و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده و پیامبرسان او و دعوتگر به سوی رضوان وی است. خداوندا بر او و بر اهل بیت و یارانش درود و سلام فرست.

اما بعد، ای مسلمانان تقوای الله را پیشه سازید تا پیروز و رستگار شوید.

رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - آمدن رمضان را به اصحاب خود بشارت می‌داد چنانکه در حدیث صحیح آمده که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - خطاب به اصحابش چنین می‌فرمود که: «ماه رمضان، ماه مبارک به نزد شما آمده است» و همچنین از جمله دعاهای سلف چنین بود که: «خداوندا ما را به رمضان برسان و رمضان را به ما برسان و آن را از ما تحویل گرفته و از ما بپذیر».

پس ای مسلمان در همه‌ی عمرت بخشنده‌ی نیکی باش و به سوی خوبی‌ها بشتاب و در رمضان بهتر و بهتر باش که در صحیحین بخاری و مسلم از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت شده است که فرمود: رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - بخشنده‌ترین مردم بود و در ماه رمضان بیش از دیگر اوقات بخشنده بود آن هنگام که جبرئیل به ملاقات وی می‌آمد و با وی مدارسه‌ی قرآن می‌کرد و جبرئیل در همه‌ی شب‌های رمضان به دیدار وی می‌آمد و رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - هنگامی که جبرئیل به نزد او می‌آمد در خیر و نیکی بخشنده‌تر از باد بود.

این ماه را با تلاوت قرآن و نماز و صدقه و احسان و هر آنچه باعث نزدیکی به خداوند رحمان است آباد کنید و از غفلت و گناه و سهل‌انگاری در طاعت خداوند برحذر باشید.

و بدانید که خداوند متعال ما را به امری بزرگ دستور داده است که همانا درود و سلام است بر آن پیامبر بزرگوار...

خداوندا درود و سلام فرست بر سرور و پیامبر ما محمد و راضی و خشنود باش از خلفای راشدین و امامان هدایتگر - ابوبکر و عمر و عثمان و علی - و از دیگر اهل بیت و یاران وی و از کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، و شرک و مشرکان را خوار بگردان.

خداوندا هرکه را برای اسلام و مسلمین اراده‌ی بدی دارد به خودش مشغول ساز. خداوندا اوضاع ما و مسلمانان را با دین خود اصلاح نما و ما را برادرانی بگردان که برای طاعت خداوند با هم دوست و همدلند. خداوندا در قلب‌های ما هیچ ناراحتی و کینه‌ای نسبت به مومنان قرار مده که تو بسیار مهربان و بخشنده‌ای.

خداوندا مردان و زنان مومن و مردان و زنان مسلمان - زندگان و رفتگان - را مورد آمرزش خود قرار ده. خداوندا همه‌ی مسئولان مسلمان را در آنچه خیر مردم است یاری ده.

پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بگردان. خداوندا تویی نیاز و ستوده شده‌ای باران را بر ما بباران و ما را از مایوسان مگردان، باران را بر ما نازل کن و ما را از نومیدان قرار مده.

ای بندگان خداوند... او را ذکر بسیار گوید و در صبحگاهان و شامگاهان تسبیح گوید.

عنوان خطبه:

خشیت الهی

خطیب: دکتر صالح بن حمید

مسجد الحرام: جمعه ۳ رمضان ۱۴۳۱ برابر با ۲۲ مرداد ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

سپاس و ستایش مخصوص خداوندی است که عزیزترین و گرامی‌ترین است. ستایشی فراوان و پاک و مبارک، آنگونه که شایسته‌ی عظمت وی است. و به سوی او توبه می‌کنم و از او آمرزش می‌خواهم و او را آنگونه ثنا می‌گویم که وی اهل آن است و او را برای نعمت‌های وافرش سپاس می‌گویم...

و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد است و شریکی ندارد، او که آفرید و نیک آفرید و شریعت را فرو فرستاد و حکیمانه قانون‌گذاری نمود. و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده و پیام‌رسان او و کسی است که به عنوان رحمتی برای جهانیان مبعوث شده است. او که به سوی دین حق دعوت نمود و به اذن خداوند به سوی آیین پایدار فرا خواند. درود و سلام خداوند بر وی و بر اهل بیت و صحابه و تابعین و همه‌ی کسانی باد که به نیکی تا قیامت از آنان پیروی نمایند.

اما بعد؛

ای مردم خود و شما را به تقوای خداوند عزوجل سفارش می‌کنم، پس تقوای الله را پیشه سازید و برای آن تلاش کنید و آماده باشید، زیرا که مرگ حتمی است و قیامت وعده‌گاه است، پس استقامت ورزید و به خداوند گمان نیک بورزید که هرکه به خداوند گمان نیک داشته باشد نیکو عمل می‌کند. و بدانید که ایمان به آرزو نیست بلکه آن، چیزی است که در قلب جا افتد و عمل انسان نیز آن را تصدیق نماید و بدانید که هرکه بر راه و روش رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - رود هر چند که اقتصاد ورزد و میانه‌روی کند از دیگران که بر راه و روش غیر او روند هر چند که بسیار تلاش کنند، پیشی می‌گیرد. آرام می‌رود اما زودتر می‌رسد!

﴿أَفَمَنْ يَمُنُّ بِكُفْبًا عَلَىٰ وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمُنُّ سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿۳۲﴾﴾

[المک: ۲۲].

«آیا آنکه افتاده بر چهره راه می‌پیماید هدایت یافته‌تر است یا آنکه ایستاده بر راه راست می‌رود».

ای مسلمانان: در کتاب خداوند برای آنانی که پند پذیرند موعظه‌های فراوانی است و برای آنانکه یاد آور شوند نیز ذکر و یاد آوری است که باعث بیداری قلب می‌شود و بیداری قلب با مرگ هوا و هوس امکان‌پذیر است و غفلت نیز با خشیت از بین می‌رود و تنبلی و کسل با تیر ترس و حذر نابود می‌شود و هیچگاه انسانی که ترس دارد یک‌جا نمی‌نشیند و آنکه می‌داند، آرام ندارد و آنکه خود را مقصر می‌داند هر گاه به کوتاهی خود فکر کند پشیمان می‌شود، و هرکه هشیار باشد آن گاه که به آینده‌اش بیندیشد جدی می‌شود.

ای بندگان خداوند: اکنون که شما در آغاز این ماه کریم هستید، امید به فضل پروردگار دارید و آرزوی خیر و نیکی او را دارید و از تقصیر خود می‌ترسید و از گناهان خود در هراسید... خداوند از ما و شما بپذیرد و نیکی در عمل را نصیب ما بگرداند و روزه و قیام آن را نصیب ما بگرداند.

شما می‌دانید که پروردگار بندگان را آفرید تا او را بشناسند و عبادتش را به جای آورند و او را دوست بدانند و بزرگ بدانند. وی برای آن‌ها دلایل بزرگی و کبریای خود را قرار داد تا هیبت وی در قلبشان بیفتد، آن ترس و هیبتی که از روی بزرگداشت و از روی محبت و قدردانی باشد... او بندگان را به سوی تقوا و خشیت خود و پیشی گرفتن به سوی آنچه باعث رضایت او می‌شود و دوری از آنچه نهی نموده و بد می‌دارد، فراخوانده است.

ای بندگان خداوند، ای روزه‌داران نماز گزار، شمایی که به رحمت و مغفرت پروردگار در این ماه بزرگوار امید دارید، ای شمایی که بر به دست آوردن خیر و مسابقه‌ی برای به دست آوردن آن و غنیمت شمردن نفحات این ماه بزرگ حریص هستید...

سخن از بندگانی از بندگان خداوند است که کردار خود را نیک گرداندند و درون خود را پاک، و قلب‌هایشان را خالی از غل و غش، اعضا و جوارحشان استقامت ورزیده و قلب‌هایشان ترسناک است زیرا می‌دانند که به سوی پروردگارشان باز خواهند گشت.

پروردگارشان را بزرگ می‌دارند از گناهان خود می‌ترسند... آنان از آیات پروردگارشان و پندهای کتابش برای آبادی قلب خود و بالا رفتن همت‌شان بهره می‌گیرند. آنان ترسایان متقی‌اند:

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ﴾ [هود: ۱۰۳].

«قطعا در این [یادآوری‌ها] برای کسی که از عذاب آخرت می‌ترسد عبرتی است».

﴿وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ﴾ [الذاریات: ۳۷].

«و در آن نشانه‌ای باقی گذاردیم برای کسانی که از عذاب بزرگ می‌ترسند».

﴿قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ﴾ [الزمر: ۱۳].

«من اگر به پروردگارم عصیان ورزم از عذاب روزی هولناک می‌ترسم».

این سخن پروردگار را بخوانید که می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجَلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ﴾ [المؤمنون: ۶۰].

«کسانی که آنچه را دادند می‌دهند در حالی که دل‌هایشان ترسان است که به سوی

پروردگارشان باز خواهند گشت».

و سپس در روزه و نماز و صدقات و دیگر کارهای نیک خود نظر بیندازید و پس از آن در این سوالی که ام‌المومنین عایشه رضی الله عنها از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - پرسیده است تامل کنید که گفت: ای رسول خدا آیا این‌ها کسانی هستند که دزدی می‌کنند و خمر می‌نوشند و زنا می‌کنند و با این وجود می‌ترسند؟ رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - در پاسخ ایشان فرمودند: «نه ای دختر صدیق. آن‌ها کسانی‌اند که روزه می‌گیرند و صدقه می‌دهند و با این وجود می‌ترسند که از آنان پذیرفته نشود».

ای روزه داران نمازگزار اهل صدقه و انفاق!

بدانید که قلب‌ها زنده نمی‌شوند مگر با خوف خداوند زیرا این خوف است که آن‌ها

را به سوی خیر می‌برد و از شر و بدی باز می‌دارد و به سوی علم و عمل می‌کشاند.

با ترس است که اعضای بدن از گناه دست می‌کشند و به سوی طاعات رهنما

می‌شوند و انسان از اهواء و شهوات سالم می‌ماند.

با ترس است که قلب به خشوع و فروتنی و فرمانبرداری و تواضع در برابر خداوند دست می‌یابد و به مراقبت و محاسبه‌ی خود می‌پردازد. خداوند رب العزة می‌فرماید:

﴿وَأَيُّيَ فَاَرْهَبُونَ﴾ [البقرة: ۴۰].

«و تنها از من بترسید».

خوف و خشیت الهی باعث دوام ذکر خداوند و نیک شدن کردار و مسابقه در راه خیرات و زهد در دنیا و رغبت به آخرت و جلوگیری از تکبر و خود پسندی است.

با ترس است که قلب از هشدار و موعظه‌ها سود می‌برد:

﴿اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ

ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَٰلِكَ هُدَىٰ اللَّهِ يَهْدِي بِهِ ۗ مَنْ يَشَاءُ﴾ [الزمر: ۲۳].

«الله زیباترین سخن را [به صورت] کتابی متشابه نازل کرده است آنان که از پروردگارشان می‌هراسند پوست بدنشان از آن به لرزه می‌افتد سپس پوستشان و دلشان به یاد الله نرم می‌گردد این است هدایت الله هر که را بخواهد به آن راه نماید».

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ

إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ [الأنفال: ۲].

«مؤمنان همان کسانی‌اند که چون الله یاد شود دل‌هایشان بترسد و چون آیات او بر

آنان خوانده شود بر ایمانشان بیفزاید و بر پروردگار خود توکل می‌کنند».

بندگان خداوند: منظور از ترس و خشیت آن نگرانی و ناآرامی و ناراحتی است که بر

اثر ترسی که از عقوبت خداوند برای انجام گناهان یا ترک واجب و یا قبول نشدن اعمال، در قلب انسان رخ می‌دهد.

ترس خوب آن است که انسان را به سوی عمل صالح بکشاند و از گناهان آشکار و

پنهان باز دارد و به سوی انجام فرائض و شتاب در انجام کارهای خیر سوق دهد. اما اگر

ترس به این جا برسد که انسان را بیمار کند یا وی را دچار غم و اندوه سازد بطوری که

دست از انجام کار نیک بردارد و وارد دایره‌ی یاس و نومیدی شود این ترس ترسی است

نکوهیده و بد.

ترسای واقعی آن است که گناهی را که می‌تواند انجام دهد ترک کند و می‌دانید که از جمله کسانی که در روزی که هیچ سایه‌ای نیست جز سایه‌ی خداوند، زیر سایه‌ی او قرار می‌گیرند یکی کسی است که زنی دارای حسب و نسب و زیبا او را به سوی فحشاء فرا خواند اما او امتناع بورزد و بگوید: من از الله می‌ترسم، و دیگری کسی است که در تنهایی، خداوند را به یاد آورد و چشمانش از خشیت و دوستی و بزرگداشت خداوند پر اشک شود.

ای مسلمانان: از جمله نشانه‌های ترس الهی، کوتاه کردن آرزو و بسیار کردن اعمال و ناظر دانستن همیشگی خداوند در پنهان و آشکار است.

ترس، از دانستن زشتی گناه و راست دانستن وعید خداوندی و هراس از دست دادن فرصت توبه و قبول نشدن آن سرچشمه می‌گیرد. انسان ترسا همیشه از گناه خود در هراس است و از پروردگار خود می‌خواهد که او را در رحمت خویش داخل ساخته و گناه وی را مورد آمرزش قرار دهد.

انسان ترسای بابصیرت از چهار چیز خود را ایمن نمی‌دارد: اول: مساله‌ای که گذشته است و نمی‌داند خداوند در مورد آن چگونه با او رفتار کند، و دوم: امری که قرار است پیش بیاید و نمی‌داند خداوند آنجا چگونه در مورد وی قضاوت می‌کند، و سوم: فضیلتی که خداوند در اختیار او گذاشته و نمی‌داند شاید این استدراج و آزمایشی از سوی خداوند باشد، و چهارم: گمراهی که زینت داده شده است و صاحب آن، آن را هدایت می‌بیند!

گمراهی قلب از یک چشم به هم زدن هم سریع‌تر رخ می‌دهد. چه بسا که انسان دینش را از دست بدهد و احساس هم نکند.

می‌گویند هنگامی که مرگ سفیان ثوری فرا رسید گریست. پس مردی به او گفت: ای ابا عبدالله آیا گناهانت بسیار است؟ پس سفیان چیزی از زمین بلند کرد و گفت: به خدا سوگند گناهانم نزد من از این هم کوچک‌تر است اما من از این می‌ترسم که پیش از مرگ توحید از من سلب شود!

ترس باعث می‌شود که انسان همیشه بیدار و آگاه و جدی باشد و همواره در فکر آن چیزی باشد که به سود زندگی دنیا و آخرت اوست و همواره از عاقبت بد در هراس باشد.

ای روزه‌داران... کسی واقعاً خوف خداوند را در قلب دارد که حرام نخورد و حرام به دست نیاورد و شاهد تزویر نباشد و قسم دروغ نخورد و خلاف وعده نکند و پیمان نشکند و در معامله فریب ندهد و در شراکت خیانت نکند و سخن پراکنی نکند و نصیحت را رها نکند و مساجد خداوند را ترک نگوید و از نماز جماعت تخلف نرزد و وقت خود را در لهو و غفلت هدر ندهد.

کسی واقعاً خوف خداوند را در قلب دارد که نماز را برپا دارد و زکات بدهد و روزه‌ی فرض خود را بگیرد و پروردگار خویش را اطاعت کند و صله‌ی رحم را به جای آورد و به معروف امر کند و از منکر باز دارد و حق هر صاحب حقی را ادا نماید.

ترسایان، بندگانی صالح و خاشعند که با نفس خود جهاد می‌کنند و با کارهای خویش دیگران را نصیحت می‌کنند. اگر به غفلت روند به زودی از غفلت‌شان به پا می‌خیزند و اگر به خواب روند به زودی بیدار می‌شوند و به راه خود با جدیت ادامه می‌دهند، به امید آنکه از کسانی که جلو زده‌اند سبقت گیرند.

کسی که در همه‌ی این‌ها تامل کند به حال سلف و آن ترس و خشیت و رهبت و هبیتی که در قلب داشتند پی خواهد برد و خواهد دانست که آنان به آن مقامات بلند دست نیافتند مگر با تلاش در طاعات و گریز از مکروهات، چه رسد به حرام:

﴿رَجَالٌ لَا تُلِهِمُ تِجْرَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ ﴿٣٧﴾ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ ۗ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٣٨﴾﴾ [النور: ۳۷-۳۸].

«مردانی که نه تجارت و نه داد و ستدی آنان را از یاد الله و برپا داشتن نماز و دادن زکات به خود مشغول نمی‌دارد و از روزی که دل‌ها و دیده‌ها در آن زیور می‌شود

می‌هراسند (۳۷) تا الله بهتر از آنچه انجام می‌دادند به ایشان جزا دهد و از فضل خود بر آنان بیفزاید و الله هرکه را بخواهد بی حساب روزی می‌دهد».

﴿إِنَّمَا نُنْطِقُكُمْ بِلُغَةِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا ﴿٩﴾ إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا ﴿١٠﴾ فَوَقَّاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا ﴿١١﴾﴾ [الإنسان: ۹-۱۱].

«ما برای خشنودی الله است که به شما غذا می‌دهیم و پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم (۹) ما از پروردگاران از روز عبوسی سخت هراسناکیم (۱۰) پس الله آنان را از آسیب آن روز نگاه داشت و شادابی و شادمانی به آنان ارزانی داشت».

و بدانید که هرکه از خداوند ترسید کسی به او زبانی نمی‌رساند و هرکه از غیر خدا ترسید کسی به او سودی نخواهد رساند و اگر خوف در قلب نشست مواضع شهوت را به آتش خواهد کشاند و قطره‌ی اشکی که از خشیت الهی باشد دریاهایی از آتش را خاموش خواهد کرد.

پس تقوای الله را پیشه سازید و از کسانی نباشید که شهوت‌هایشان آنان را رهبری می‌کند و بدبختی‌شان بر آن‌ها غالب شده و نه سیر رهروان ترسا آنان را تشویق به این راه می‌کند و نه خطر پایان بد آنان را می‌ترساند. پس به سوی خداوند راه بیفتید و به زیبایی این راه را طی کنید و خداوند را بسیار یاد کنید و صبح و شام او را تسبیح گوید و از او آمرزش بخواهید و آمرزش بخواهید و برای کوتاهی‌تان بسیار پشیمانی کنید.

که ترس، راننده‌ی انسان است و امید فرمانده؛ و خداوند است که با منت و کرم خویش انسان را به مقصد می‌رساند.

خداوندا ما از انحراف قلب و نتیجه‌ی گناهان و فتنه‌های گمراه‌گر به تو پناه می‌بریم.

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم:

﴿فَأَمَّا مَنْ طَغَى ﴿٣٧﴾ وَءَاثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴿٣٨﴾ فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى ﴿٣٩﴾ وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ ﴿٤٠﴾ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى ﴿٤١﴾﴾ [النازعات: ۳۷-۴۱].

«اما هر که طغیان کرد (۳۷) و زندگی پست دنیا را برگزید (۳۸) پس جایگاه او آتش است (۳۹) و اما کسی که از ایستادن در برابر پروردگارش هراسید و نفس خود را از هوس باز داشت (۴۰) پس جایگاه او همان بهشت است».

خداوند بزرگ من و شما را با قرآن عظیم و راه و روش محمد - صلی الله علیه و آله وسلم - سود رساند. این سخن خویش را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از هر گناهی از خداوند بزرگ آمرزش می‌طلبم، پس از او آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله است که حق را به کرسی می‌نشاند و باطل را از بین می‌برد. او را سپاس و ستایش می‌گوییم و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است و برهان‌ها و دلایل برای یگانگی وی اقامه شده‌اند، و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده و سول خداوند است و بلند مرتبه است و بزرگوار. درود و سلام و برکات خداوند بر وی و بر اهل بیت پاک و یاران نیک وی و تابعین و کسانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند.

اما بعد: هر که بیشتر خداوند را بشناسد خوف وی نیز در قلبش بیشتر خواهد بود و ملائکه‌ی رحمان نیز که نسبت به پروردگار خود شناخت دارند «از پروردگارشان که بر فراز آنان است خوف دارند و آنچه را به آن‌ها امر می‌شود انجام می‌دهند» [النحل: ۵۰] و پیامبران خداوند نیز سرور خاشع‌اند، آنان که «پیام‌های خداوند را می‌رسانند و تنها خشیت او را دارند و جز از الله از هیچ کس دیگری نمی‌هراسند...» [الأحزاب: ۳۹].

پس از آنان در مقام بعدی علمای ربانی قرار دارند. زیرا آنان اهل خشیت هستند و «همانا بندگان عالم الله خشیت او را دارند» [فاطر: ۲۸].

و هر چه یک عالم مسئولیتی را که بر عهده دارد حس کند و به یاد ایستادن در برابر خداوند بیفتد و این سخنان خداوند را به یاد آورد که:

«بگو پروردگار من فقط زشتکاری‌ها را چه آشکارش [باشد] و چه پنهان و گناه و ستم ناحق را حرام گردانیده است و [نیز] اینکه چیزی را شریک الله سازید که دلیلی بر [حقانیت] آن نازل نکرده و اینکه چیزی را که نمی‌دانید به الله نسبت دهید» [الأعراف: ۳۳].

و این سخن خداوند را که می‌فرماید: «و برای آنچه زبان شما به دروغ می‌پردازد مگوئید این حلال است و آن حرام تا بر خدا دروغ بندید زیرا کسانی که بر خدا دروغ می‌بندند رستگار نمی‌شوند (۱۱۶) اندک بهره‌ای [نصیب آن می‌شود] و عذابشان پر درد است» [النحل: ۱۱۶-۱۱۷] و دیگر نصوص کتاب و سنت را در برابر خود قرار داده و مسئولیت و امانتی را که بر دوش دارد بزرگ بدارد، ترس و خشیت او از خداوند به اندازه‌ی همین بزرگداشت مسئولیت خواهد بود.

پس همگی تقوای الله را پیشه سازید زیرا که مومن، احسان و خشیت را با هم دارد و منافق، بدی و امن دانستن خود از عذاب را با هم، و هرکه گمان خود را نسبت به خداوند درست کند و پس از آن خشیت او را نداشته باشد فریب خورده‌ای بیش نیست.

و سپس درود و سلام فرستید بر آن رحمت هدایتگر و آن نعمت خداوندی پیامبرتان محمد، رسول خداوند که پروردگارتان شما را بدان امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ۵۶].

خداوند درود و برکت فرست بر بنده و پیامبرت محمد، آن حبیب مصطفی و نبی مجتبی، و بر اهل بیت طیب و پاک وی و بر همسرانش امهات مومنین و بر چهار خلیفه‌ی راشد، ابوبکر و عمر عثمان و علی و از همه‌ی صحابه و تابعین و آنانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی کنند و از ما با عفو و جود و احسانت راضی و خشنود باش ای بزرگوارترین بزرگواران.

خداوند اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار بگردان و طاغیان و ملحدان و دیگر دشمنان دین را نابود ساز.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان و والیان امر ما را صالح بگردان و مسئولیت‌های ما را بر عهده‌ی کسانی قرار ده که خشیت تو را داشته و در پی رضایت تو باشند ای پروردگار جهانیان.

خداوندا ما را به سوی توبه و انابت موفق بگردان و درهای اجابت را بر ما بگشای. خداوندا طاعات و روزه و قیام و دعای ما را قبول کن و اعمال ما را صالح بگردان و از بدی‌های ما درگذر و مردگان ما را بیمارز و بیماران ما را شفا ده و بر ما توبه پذیر و ما را مورد رحمت خویش قرار ده ای مهربان‌ترین مهربانان. پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از عذاب آتش دور بدار. پاک و منزّه است پروردگار تو، پروردگار عزت از آنچه به دروغ وصفش می‌کنند و سلام بر پیامبران و الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

توصیه‌هایی برای رمضان

خطیب: دکتر سعود الشریم

مسجد الحرام: جمعه ۱۰ رمضان ۱۴۳۱ برابر با ۲۹ مرداد ۱۴۸۹

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن خداوند بزرگوار منان و شکبیا و مهربان است. او را برای رسیدن ما به ماه رمضان شکر می‌گوییم و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد است و شریکی ندارد «هر که در آسمان‌ها و زمین است از او درخواست می‌کند هر زمان او در کاری است» [الرحمن: ۲۹] و گواهی می‌دهم که پیامبر و سرور ما محمد، بنده و پیامبران اوست. درود و سلام خداوند بر او و بر اهل بیت و یاران او و تابعین و کسانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند.

اما بعد ای مسلمانان: بهترین عطایی که به انسان داده شده است ایمان و تقوا است. آنکه تقوا پیشه کرد پیروز شد و آنکه راه عصیان و سرپیچی را پی گرفت بیچاره و بدبخت شد:

﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ﴿٢﴾﴾ [الطلاق: ۲].

«و هر که تقوای الله را پیشه سازد برای او راه برون رفتی قرار خواهد داد».

﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا ﴿٤﴾﴾ [الطلاق: ۴].

«و هر که تقوای الله را پیشه سازد الله برای او در کارش آسانی قرار خواهد داد».

ای مسلمانان: دنیا شیرین است و سرسبز، زیباست و واقعاً جای خوشی و خوشگذرانی بود اگر فنا نمی‌شد، و ستوده شده بود اگر از بین رفتنی نبود و بی‌نیازی و غنا بود اگر پایان آن به سوی فنا نبود. مستقر آن به زوال می‌رود و مقیم آن از آن انتقال می‌یابد، روزها و شب‌های آن چه عجیب می‌روند. دنیا همه‌اش اندک است و از همین اندک نیز جز اندکی نمانده است گو آنکه خوشی آن به پایان رسیده و تنها ناخوشی‌های آن باقی مانده باشد.

فتنه‌ها و خطرات و شهوت‌های برانگیخته شده، گناهان صغیره و کبیره و مردمان مومن و کافر و متقی و فاجر که در آن به تلاش مشغولند، پس خوش به حال آنکه خود و خانواده‌اش را از عوامل گناه و بدی و ویرانی حفظ نمود:

﴿وَمَنْ يَعْصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿١٠١﴾﴾ [آل عمران: ۱۰۱].

«و هر که به الله تمسک جوید به تحقیق به راه راست هدایت شده است».

ای مسلمانان: این، ماه قبول و خوشبختی است. این ماه، ماه آزادی از آتش و ماه بخشش است، این، هنگام ترقی و صعود است. پس عزم خود را جزم کنید و به نیکی خود را به خداوند نشان دهید که آنانکه پیروز شدند با تلاش پیروز شدند و آنانکه عبور کردند با عزم و همت عبور کردند و هر که دستاوردی به دست آورد با صبر آن را به دست آورد و هر که تنبلی‌اش طولانی شد امیدش از دست رفت.

از ام المومنین عائشه - رضی الله عنها - رواست است که فرمود: رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - در رمضان تلاشی می‌نمود که در غیر رمضان نمی‌کرد [به روایت عفان بن مسلم الصفار با سند صحیح].

ای مسلمانان: این نسیم قبول است که می‌وزد، این سیل خیرات است که سرازیر است، این شیطان است که در بند است، این در خیر است که برای هرکه بخواهد باز است، این، وقت بازگشت و توبه است، این چشمه‌ساری است خنک و نوشیدنی! رحمتی است از سوی آن کریم وهاب! پس برای توبه بشتابید که هنگامه‌ی غریبی در قبر نزدیک است...

پس ای آنکه به گناه عادت کرده‌ای، ای آنکه بر گناهانت پشیمان شده‌ای، توبه کن که خداوند بخشش و رحمت را دوست دارد و دوست دارد از روی کرمش تائبان را از فضل خود عطا کند. پس خوش به حال کسی که در این ماه کثیفی گناهان را با توبه شستشو دهد و پیش از پایان یافتن زمان بازگشت از گناهان خود بازگردد.

ای اسیر گناهان! ای زندانی خواری و ذلت! این ماهی است که دربندان در آن از بند می‌رهند و گناهکاران در آن آزاد می‌شوند و از عاصیان در می‌گذرند پس از آنهایی نباش که خود ابا می‌ورزند و رمضان می‌رود اما آن‌ها به هدف نرسیده‌اند.

رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «جبرئیل به نزد من آمد و گفت: هرکه رمضان را درک نمود و [لی] مورد مغفرت قرار نگرفت پس رحمت خداوند از او دور باد؛ بگو آمین. و من گفتم: آمین» [به روایت ابن خزیمه و ابن حبان].

ای آنکه نگاهت را در حرام رها کرده‌ای، تو اکنون در بهترین ماه قرار داری. پس از زیر پا گذاشتن حرمت آن برحذر باش.

از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «هرکه سخن دروغ و باطل و عمل به آن را ترک نکند خداوند نیز نیازی به این ندارد که او غذا و نوشیدنی خود را ترک کند» [به روایت بخاری].

ای مسلمانان: بهترین چیزی که برای آن وقت گذاشته می‌شود مدارسه‌ی آیات و تدبیر بینات و پندهای قرآن است و در صحیحین روایت شده است که جبرئیل علیه السلام در هر شب رمضان با رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - ملاقات می‌نمود و با وی قرآن را مدارسه می‌کرد.

قرآن روحی است برای زندگی ابدی و اگر روح نباشد بدن هم خواهد مرد. پس به قرآن روی آورید و مرواریدهای آن را به دست آورید که خوشبخت آن است که همت خود را صرف قرآن کند و اندیشه و همت خود را وقف آن نماید.

نه چشمه‌ی آن خشک می‌شود و نه منابع آن پایان می‌یابد:

﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ﴾

[البقرة: ۱۸۵].

«ماه رمضان که در آن قرآن فرو فرستاده شده است که هدایتی است برای مردم و [متضمن] دلایل آشکار هدایت و [میزان] تشخیص حق از باطل است».

پس ای بنده‌ی خدا به مانند کسی باش که هر چه قرآن را ختم می‌کند باز هم از اول آن آغاز می‌کند.

ای مسلمانان: این ماه انفاق و بخشش است، پس ای ثروتمندان! به یاد شکم‌های گرسنه باشید، آنانی که دچار حوادث و مصیبت‌ها شده‌اند. به کمک آن‌ها بشتابید:

﴿وَأَطْعِمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ﴾ [الحج: ۳۶].

«به تنگدست [سائل] و به بینوا [ی غیر سائل] بخورانید».

و به یاری گرسنه و بیچاره بشتابید.

و شمارید که خداوند بر شما می‌شمارد و بدانید که بهترین صدقه، صدقه‌ای است که در رمضان باشد و «رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - بخشنده‌ترین مردم بود و در رمضان بخشنده‌تر می‌شد آنگاه که جبرئیل به نزد او می‌آمد و با او مدارسه‌ی قرآن می‌کرد» [به روایت صحیحین].

از ابوذر - رضی الله عنه - روایت است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «آنان که بسیار دارند در روز قیامت کم خواهند داشت مگر آن کسی که خداوند به او مالی داده است و او به راست و چپ و جلو و عقب از آن بخشش می‌کند و به واسطه‌ی آن کار خیر انجام می‌دهد...» [متفق علیه].

ای مسلمانان: شعائر تعبدی و واجبات شرعی و سنت‌ها و آداب عملی رمضان را انجام دهید و بدانید که «مردم همچنان در خیر خواهند بود تا وقتی که افطار را به تعجیل اندازند» [متفق علیه] و «تفاوت میان روزه‌ی ما و روزه‌ی اهل کتاب خوردن سحری است» [به روایت مسلم] پس سحری بخورید حتی اگر با یک جرعه آب باشد. «رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - پیش از آنکه نماز بخواند با چند رطب افطار می‌کرد و اگر رطب وجود نداشت با چند خرما و اگر خرما نبود چند جرعه آب می‌نوشید» [به روایت ترمذی] و هنگامی که افطار می‌کرد می‌گفت:

«تشنگی برطرف شد و رگ‌ها تر شدند و إن شاء الله اجر آن محقق گردید»

[به روایت ابوداود و نسائی].

هر که از روی فراموشی چیزی خورد یا نوشید روزه‌ی خود را کامل کند زیرا خداوند به او غذا و آب داده است و کفاره و قضایی بر وی نیست و هرکه بدون عمد و بدون اراده استفراغ کرد قضایی بر وی نیست و استمنا باعث باطل شدن روزه می‌شود اما احتلام باعث باطل شدن روزه نمی‌شود «و هرکه رمضان را از روی ایمان و اخلاص روزه گیرد گناهان گذشته‌ی او آمرزیده می‌شود» [به روایت بخاری]. و «هرکه از روی ایمان و اخلاص رمضان را به پا دارد گناهان گذشته‌اش آمرزیده می‌شود» [به روایت بخاری] و «هرکه به همراه امام نماز را برپا بدارد تا آنکه امام نماز را به پایان برساند برای وی قیام یک شب کامل نوشته می‌شود» [به روایت ترمذی و نسائی و ابن ماجه] و «هرکه روزه‌داری را افطار دهد به مانند اجر وی خواهد داشت با اینکه از اجر روزه‌دار چیزی کم نمی‌شود» [به روایت ترمذی و ابن ماجه و احمد] و «اگر روز روزه‌ی یکی از شما بود پس نه فحش دهد و نه صدا بلند کند بلکه اگر کسی به او ناسزا گفت یا با او درگیر شد

بگویند: من روزه‌ام» [به روایت امام احمد] و «همانا برای روزه‌دار در هنگام افطار دعایی است که رد نمی‌شود» [به روایت ابن عساکر در تاریخ دمشق] و «خداوند [در هر شب رمضان] کسانی را از آتش آزاد می‌کند و آن در هر شب [رمضان] است» [به روایت ترمذی و ابن ماجه] و «یک عمره در رمضان معادل با یک حج است» [به روایت ترمذی و دیگران].

خداوند متعال من و شما را از جمله‌ی کسانی قرار دهد که از آتش آزاد شده و بهشت را به دست آورده‌اند. بهشتی که خانه‌ی متقیان نیکوکار است. آنچه را شنیدید گفتم و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از هر گناهی از خداوند متعال آمرزش می‌خواهم، پس از او مغفرت بخواهید که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن خداوند است برای احسان و متنی که بر بندگانش دارد و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که پیامبر و سرور ما محمد بنده و پیامرسان او و دعوتگر به سوی رضوان اوست. درود و سلام خداوند بر وی و بر اهل بیت و برادران او باد.

اما بعد ای مسلمانان: تقوای الله را پیشه سازید تا از فتنه‌ها رهایی یابید و در پنهان و آشکار او را مراقب خود بدانید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ [التوبة: ۱۱۹].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید از الله پروا کنید و با راستان باشید».

بر زن مسلمان لازم است که در صورت حاضر شدن در نماز عشاء و تراویح از عطر و خوش‌بوئی و پوشیدن لباس فتنه اجتناب بورزد. از زینب ثقفی رضی الله عنها روایت است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «اگر کسی از شما زنان در نماز عشاء حاضر شد پس آن شب از عطر استفاده نکند» [به روایت مسلم].

از اسراف در خوردن و نوشیدن پرهیز کنید و از زیاده‌روی از اندازه‌ی ضرورت اجتناب کنید، و از دور ریختن زیاده‌ی غذا و چیزهای دیگر در زباله‌دان خودداری کنید! در مصرف میانه‌روی کنید که میانه‌روی ستوده شده است

﴿وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾ [الأعراف: ۳۱].

«و زیاده‌روی مکنید که او اسرافکاران را دوست ندارد».

﴿وَلَا تُبَدِّرْ تَبَدِيرًا﴾ [۲۶] إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيْطَانِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا

﴿[الإسراء: ۲۶-۲۷].﴾

«و ولخرجی و اسراف مکن (۲۶) چرا که اسرافکاران برادران شیطان‌هایند و شیطان همواره نسبت به پروردگارش ناسپاس بوده است».

از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «هرکه وسیله‌ی سواری اضافی داشت به کسی بدهد که وسیله ندارد و هرکه زاد و توشه‌ی اضافی داشت به کسی بدهد که زاد و توشه ندارد» تا جایی که فکر کردیم کسی حق ندارد چیزی اضافه بر نیاز خود داشته باشد. [به روایت احمد و مسلم] و سپس بدانید که خداوند شما را به کاری امر کرده است که نخست خود انجام داده و سپس به ملائکه امر نموده و سپس شما را بدان امر کرده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿[الأحزاب: ۵۶].﴾

«همانا الله و ملائکه‌ی وی بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود و سلام فرستید».

خداوند بر بنده و پیامبر محمد، بشارت‌دهنده‌ی رحمت و ثواب، و هشدار دهنده‌ی جزا و عقاب و آن شفاعت‌کننده‌ی روز قیامت درود و سلام فرست. و راضی و خشنود باش از چهار خلیفه‌ی وی آن کسانی که دارای راه و روش پیروی شونده‌اند ابوبکر و عمر و عثمان و علی. و از دیگر صحابه و تابعین و کسانی که تا روز قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند راضی و خشنود باش ای پروردگار جهانیان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار بگردان. خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومنت را یاری ده.

خداوندا غم و غصه‌ی غصه‌داران را از بین ببر و سختی سختی‌دیدگان را آسان گردان و وام‌داران را ادا کن و بیماران ما و دیگر بیماران مسلمان را شفا ده ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و امامان ما و والیان امر ما را اصلاح نما و مسئولیت ما را در دست کسانی قرار ده که تقوای تو را داشته و در پی خشنودی تو باشند.

پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا نما و از آتش دوزخ دور کن. پاک و منزّه است پروردگار تو، پروردگار عزت از آنچه مشرکان وصفش می‌کنند و سلام بر پیامبران و آخرین سخن ما این که: الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

غنیمت شمردن دهه‌ی پایانی رمضان

خطیب: دکتر اسامه خیاط

مسجد الحرام: جمعه ۱۷ رمضان ۱۴۳۱ برابر با ۵ شهریور ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن خداوندی است که امتش را با فریضه‌ی روزه گرامی داشت. او را ثنا و سپاس می‌گویم که در دهه‌ی پایانی رمضان با انعام و اکرام بیشتری امت خویش را گرامی داشته است.

و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد است و شریکی ندارد و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده و پیامبران اوست و او بهترین کسی

است که در این زمان‌های مبارک و عظیم برای عبادت پروردگار خویش تلاش نموده است.

خداوندا بر او و بر اهل بیت و یارانش درود و سلامی همیشگی فرست تا آنگاه که شب و روز در پی هم می‌آیند...

اما بعد: ای بندگان خداوند تقوای الله را پیشه سازید «و از روزی پروا داشته باشید که در آن به سوی الله باز خواهید گشت» [البقرة: ۲۸۱] پس برای آن روز توشه‌ای مناسب را آماده سازید و زندگی دنیا با خوشگذرانی‌ها و لغو و زینت آن شما را نفریبد «و [شیطان] فریبنده شما را درباره‌ی الله فریب ندهد» [لقمان: ۳۳ - فاطر: ۵].

ای مسلمانان: والایی روح و آرامش قلب و پاک‌سازی درون آن اثر بزرگ و عاقبت نیکی است که صاحبان خرد آن را به دست خواهند آورد. و این محقق نمی‌شود مگر با حرص و پایبندی بر «مرتبه‌ی احسان» که رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - حقیقت آن را چنین بیان نموده‌اند که: «احسان آن است که خداوند را به گونه‌ای عبادت کنی گو اینکه او را می‌بینی پس اگر تو او را نمی‌بینی [این را در نظر داشته باشی که] او تو را می‌بیند» [متفق علیه].

رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - و صحابه‌ی وی و اهل قرن‌های نیک (سلف امت) این روش را در پیش گرفتند و همیشه و در هر کاری احسان را رعایت می‌کردند و در انجام دادن و یا ندادن هر کاری خداوند را ناظر و مراقب خویش می‌دانستند و به طور کامل به او روی می‌آوردند و صادقانه به او توکل می‌کردند و این رفتار آن‌ها به طور واضح در مواسم خیر و زمان‌ها بافضیلت آشکار می‌گردید.

یکی از بهترین و نیک‌ترین مواسم خیر این دهه‌ی پایانی ماه مبارک رمضان است. این ده روز از روزهای مبارک خداوند است که وی با آن بر بندگان خویش منت نهاده است تا در آن به سوی نیکی‌ها سبقت گیرند و تا رقابت آن‌ها در به دست آوردن باقیات صالحات شدیدتر شود و بتوانند کم‌کاری و تقصیر خود نسبت به خداوند را بدینوسیله جبران نمایند و عاقبت نیک را به دست آورند.

این ده روز در زندگی مبارک رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - دارای جایگاهی بس بزرگ و منزلتی والا بود و برای همین در این دهه تلاشی می‌نمود که در غیر آن نمی‌نمود، چنانکه در صحیح مسلم و جامع ترمذی از ام المومنین عائشه - رضی الله عنها - روایت شده است که ایشان فرمودند: رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - در ده روز آخر رمضان چنان تلاشی می‌نمودند که در غیر آن چنین تلاشی نمی‌کردند.

یعنی در این ده روز انواعی از عبادت‌ها و طاعات را زیاده بر دیگر روزهای ماه رمضان انجام می‌دادند و این تلاشی که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - به طور ویژه در این دهه انجام می‌داد در سه مورد خلاصه می‌گردد که اولین آن دوری از زنان بود چنانکه در حدیثی که شیخین بخاری و مسلم در صحیح خود از عائشه - رضی الله عنها - روایت نموده‌اند ایشان فرمودند: رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - هنگامی که دهه آخر رمضان می‌رسید ازار خود را محکم می‌بست (یعنی از هم‌خوابی با همسرانش دوری می‌کرد) و شبش را زنده می‌داشت و خانواده‌اش را [برای عبادت] بیدار می‌کرد.

و در روایتی دیگر از امام احمد با سند خوب از عائشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمودند: رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - [شب‌های] بیست روز اول رمضان را میان خواب و نماز جمع می‌بست اما همینکه ده شب آخر رمضان فرا می‌رسید تلاش فراوان می‌کرد و ازارش را محکم می‌بست.

دومین مورد از موارد تلاش رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - در این ده شب، زنده داشتن شب با انواع عبادت‌ها از جمله نماز و قرائت قرآن و ذکر و دعا و تضرع و مناجات بود تا بدین ترتیب برای نزدیکی به پروردگارش وسیله‌ای بجوید و چنین سنتی را برای امت خویش به جای بگذارد.

سومین مورد بیدار کردن خانواده برای نماز است چنانکه زینب بنت ام سلمه - رضی الله عنها - می‌فرماید که: رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - هنگامی که ده روز از

رمضان باقی مانده بود کسی از خانواده‌اش را که توانایی نماز شب را داشت رها نمی‌کرد مگر اینکه او را برای نماز بیدار می‌کرد.

و این بیدار کردن خانواده برای نماز شب اگر چه در دیگر شب‌های این ماه نیز توسط رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - انجام شده است، اما در این دهه‌ی آخر تاکید آن بیشتر است به طوری که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - هرگز آن را ترک نمی‌کرد، به خلاف دیگر شب‌های ماه رمضان زیرا رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - گاه آن را انجام می‌داد و گاه آن را ترک می‌کرد، و این یکی از روش‌های ترتیبی نبوی است و منهجی است بس کامل و زیبا و دارای آثاری نیک، و برای همین است که از جمله عادت‌های صحابه و تابعین و اهل خیرالقرون این بود که تا جایی که توان دارند خانواده و زیر دستانشان را از خیر این شب‌های مبارک و عظیم بهره‌مند سازند.

از دیگر انواع عبادت که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - در این ده شب بر آن حرص شدید می‌ورزید سنت «اعتکاف» در مسجد است چنانکه در حدیثی که بخاری و مسلم در صحیح خود از ام المومنین عائشه - رضی الله عنها - روایت نموده‌اند: رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - ده شب آخر رمضان را اعتکاف می‌نمود تا آنکه وفات نمودند.

و اگر اعتکاف رمضان را ترک می‌کرد آن را در ماه دیگر قضا می‌نمود چنانکه در صحیحین از عائشه - رضی الله عنها - رواست شده است که او - صلی الله علیه وآله وسلم - اعتکاف را در [رمضان] یک سال ترک نمود سپس آن را در شوال قضا نمود. و شکی در این نیست که براساس محافظت رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - بر این سنت، می‌توان هدف از این سنت را درک نمود. هدفی که امام ابن قیم آن را چنین بیان کرده است:

«از آنجا که صلاح قلب و استقامت آن در سیر به سوی خداوند، وابسته به متمرکز بودن قلب به سوی خداوند و جمع کردن پراکندگی آن است تا آنکه به طور کامل به خداوند مشغول شود، بر این اساس پراکندگی قلب تنها با روی آوردن کامل به خداوند از

بین می‌رود، و از آنجا که زیاده‌روی در خوردن و نوشیدن و زیاده‌روی در هم‌نشینی با مردم و بسیار سخن گفتن و بسیار خوابیدن باعث بیشتر شدن پراکندگی قلب می‌شود و آن را در هر وادی سرگردان می‌کند و از سیر به سوی خداوند باز می‌دارد یا ضعیف می‌گرداند، حکمت خداوند بر این رفته است که برای بندگان خویش روزه را مشروع گرداند تا زیاده‌روی در خوردن و نوشیدن را از آن‌ها برطرف سازد. و اعتکاف را برای آن‌ها مشروع گرداند که هدف و روح آن روی آوردن قلب به سوی خداوند و جمع شدن پراکندگی آن و خلوت کردن آن با پروردگار و دور شدن از مشغولیت به خلق و مشغول شدن به خداوند است تا جایی که ذکر و محبت و روی آوردن به سوی او به جای دیگر مشغولیت‌های قلب قرار بگیرد و بدین ترتیب همه‌ی هم و غم قلب برای خداوند باشد، و تنها یاد خداوند در آن جای گیرد و فکر آن، به دست آوردن رضایت خداوند و نزدیک شدن به او باشد و اینچنین، خداوند به جای مردم انیس او می‌شود و این او را برای روز تنهایی و وحشت در قبر که تنها خداوند انیس و شادی بخش او می‌شود آماده خواهد ساخت، و این هدف بزرگ اعتکاف است» [زاد المعاد فی هدی خیر العباد].

این کجا و اعتکاف بسیاری از معتکفان کجا که قلبشان بر خلق معتکف است و سخن گفتن و هم‌نشینی و خواب بسیار آن‌ها را مشغول ساخته است.

پس ای بندگان خداوند تقوای او را پیشه سازید و قدر این شب‌های شریف را بدانید و حق آن را پاس بدارید که برای بزرگی این شب‌ها همین بس که در آن شبی قرار دارد که عبادت آن از عبادت هزار ماه بهتر است و آن شب شرف بزرگ، شب قدر است. شبی که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - درباره‌ی پاداش بزرگ آن فرموده است: «هرکه شب قدر را از روی ایمان و اخلاص به پا بدارد گناهان گذشته‌اش آمرزیده می‌شود» [متفق علیه].

و هرکه خیر این شب را از دست دهد همان محروم واقعی است و شایسته است که اشک حسرت و پشیمانی بر گونه‌هایش جاری گردد و هیئات که پس از دست دادن فرصت اشک حسرت فایده‌ای داشته باشد!

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَرْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ

تُقَلِّحُونَ﴾ [الحج: ۷۷].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید رکوع و سجود کنید و پروردگارتان را عبادت کنید و کار خوب انجام دهید باشد که رستگار شوید».

خداوند متعال من و شما را با رهنمون‌های کتاب خود و سنت پیامبرش سود رساند. این سخن خویش را گفته و برای خود و شما و همه‌ی مسلمانان از هر گناهی از خداوند بزرگ آمرزش می‌خواهم پس از او آمرزش بخواهید که همانا او همان آمرزنده‌ی مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

حمد و سپاس از آن الله است. او را سپاس گفته و از او یاری جسته و از او آمرزش می‌خواهیم. و از بدی‌های خویش و از اعمال ناشایستمان به الله پناه می‌بریم. الله هرکه را هدایت کند او گمراه‌گری نخواهد داشت و هرکه را گمراه سازد او هدایتگری نخواهد یافت و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنهاست و بی‌شریک و گواهی می‌دهم که محمد بنده و پیامبر اوست. خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یاران او درود و سلام فرست.

اما بعد. ای بندگان خداوند، این ماه مبارک هیچ‌گاه زمانی برای بطالت و تنبلی یا لهو و لعب و خوشگذرانی نبوده است. بلکه همانا این ماه، ماه کار و جهاد و تلاش است و صبر و مشغول شدن در به دست آوردن کمالات دین و دنیاست و ماه ارتقا و پیشرفتی است که در تمام روزهای دیگر سال به همراه بنده خواهد بود زیرا همانطور که برخی از اهل علم گفته‌اند، اگر انسان در این ماه توفیق بندگی یابد این توفیق در همه‌ی روزهای دیگر سال با او همراه خواهد بود.

و اگر این ماه در پراکندگی ذهن و دیگر مشغولیت‌ها هدر رود دیگر روزهای سال نیز در پراکندگی و بی‌نظمی طی خواهند شد.

پس ای بندگان خداوند تقوای او را پیشه سازید و این شب‌های بزرگ را برای مسابقه‌ی در خیرات غنیمت شمارید تا رحمت و خشنودی و مغفرت الهی را به دست آورید و همیشه به یاد داشته باشید که خداوند متعال شما را به درود فرستادن بر آخرین پیامبرانش، محمد بن عبدالله امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد، درود و سلام فرست و از چهار خلیفه‌ی وی، ابوبکر و عمر و عثمان و علی راضی و خشنود باش و همچنین از دیگر اهل بیت و صحابه و تابعین و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند و همچنین از ما راضی و خشنود باش ای بهترین بخشنده و آمرزنده.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، و حوزه‌ی دین را حفظ نما و دشمنان دین و دیگر طاغیان و مفسدان را نابود ساز و میان قلب‌های مسلمانان الفت ایجاد کن و صف آنان را یکی بگردان و رهبران آن‌ها را اصلاح نما و کلمه‌ی آنان را بر حق یکی بگردان ای پروردگار جهانیان.

خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت - صلی الله علیه وآله وسلم - و بندگان مومن مجاهدت را یاری ده.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن بگردان و والیان و مسئولان ما را اصلاح نما. خداوندا عاقبت ما را در همه‌ی امور به خیر گردان و ما را از خواری دنیا و عذاب آخرت نجات ده.

خداوندا دین ما را که نگهدارنده‌ی امر ماست و دنیای ما را که زندگی ما در آن است و آخرت ما را که بازگشت‌گاه ماست اصلاح نما و زندگی را برای ما باعث افزونی در خیر قرار ده و مرگ را رهایی از هر بدی بگردان.

خداوندا ما از زوال نعمت و برگشت خوردن عافیت و خشم تو به تو پناه می‌بریم. خداوندا بیماران ما را شفا ده و مردگان ما را بیمارز و ما را به آن خواسته‌هایی که باعث رضایت توست برسان و اعمال ما را با نیکی‌ها پایان بخش.

پروردگارا از ما بپذیر که تو شنوا و بینایی.

پروردگارا ما به خود ستم نمودیم و اگر تو ما را مورد مغفرت و رحمت خویش قرار ندهی بی‌تردید از زیانکاران خواهیم بود.

پروردگارا به ما در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور مدار.

و درود و سلام خداوند بر پیامبرش محمد و بر همه‌ی اهل بیت و یاری وی.

عنوان خطبه:

پایان رمضان

خطیب: حسین بن عبدالعزیز آل شیخ

مسجد نبوی شریف: جمعه ۲۴ رمضان ۱۴۳۱ برابر با ۱۲ شهریور ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

ستایش شایسته خداوند است برای نعمت‌های بی‌حساب وی، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که در دنیا و آخرت واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد بنده و رسول اوست؛ خداوندا بر او و بر اهل بیت و یاران وی درود و سلام و برکت ارزانی دار.

اما بعد، ای مسلمانان: خود و شما را به تقوای الله سفارش می‌کنم که خوشبختی محقق نخواهد شد مگر با تقوا، و سعادت به دست نخواهد آمد مگر با طاعت خداوند.

ای مسلمانان: ماهی بزرگ و موسمی کریم را با هم زندگی کردیم، و شکر و منت از آن خداوند است، و اکنون، این ماه بزرگوار در حال رفتن است و جز اندکی از آن باقی نمانده است. پس هرکه این ماه را تا به اینجا به خوبی طی کرده است به خوبی نیز آن را به پایان رساند، و هرکه تا حالا کم‌کاری کرده است سعی کند در این مدت آن را جبران نماید. بیاید با نزدیک شدن به خداوند با این ماه وداع گوئیم که بزرگ‌ترین خسارت، کوتاهی و از دست دادن روزها و شب‌های با ارزش این ماه است.

در حدیثی که اهل علم آن را صحیح دانسته‌اند آمده است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - بر منبر بالا رفت و گفت: «آمین... آمین... آمین...» صحابه گفتند: ای رسول خداوند؛ تو در حالی که بر منبر بالا می‌رفتی گفتی: آمین... آمین... آمین...؟ پس رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «جبرئیل [در حالی که از منبر بالا می‌رفتم] به نزد من آمد و گفت: دور باد از رحمت خداوند، آنکه ماه رمضان را درک نمود پس مورد مغفرت قرار نگرفت و وارد آتش شد؛ بگو: آمین. گفتم: آمین. سپس گفت: دور باد از رحمت خداوند کسی که پدر و مادرش یا یکی از آنها را درک نمود اما به آنان نیکی نورزید و مرد و به آتش جهنم درافتاد؛ بگو: آمین. گفتم: آمین. سپس گفت: دور باد از رحمت الهی کسی که نام تو برده شد و بر تو درود نفرستاد و به آتش جهنم درافتاد؛ بگو: آمین. گفتم: آمین».

ای گرامیان: در شب‌های باقی‌مانده‌ی دهه‌ی پایانی رمضان در جستجوی شب قدر باشید زیرا در صحیحین بخاری و مسلم از رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - چنین روایت شده است که ایشان فرمودند: «هرکه در پی آن (یعنی شب قدر) است در هفت شب پایان رمضان آن را بجوید» و حسن بصری و مالک و دیگران گفته‌اند که در همه‌ی شب‌های دهه‌ی آخر می‌توان در جستجوی آن بر آمد.

پس برای به دست آوردن اجر و فضیلت بزرگ آن عزم خود را جزم نمایید که در صحیحین بخاری و مسلم از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - چنین روایت شده که فرمودند: «هرکه شب قدر را از روی ایمان و اخلاص به پا دارد گناهان گذشته‌اش

آمرزیده خواهد شد» و در سنن نسائی با سندی که اهل علم آن را صحیح دانسته‌اند از رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - چنین روایت شده است که فرمودند: «هر که در پی آن باشد و سپس آن را به دست آورد گناهان گذشته و آینده‌اش مورد مغفرت قرار خواهد گرفت».

برادران و خوهران مسلمان: در صحیح از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - چنین ثابت شده است که ایشان دهه‌ی پایانی رمضان را برای مناجات با پروردگار خویش و ذکر و دعا به اعتکاف می‌نشست. و اعتکاف یعنی خلوت کردن برای مناجات با خداوند سبحان. پس ای معتکف نفس خود را برای طاعت و ذکر خداوند باز بدار و از هر چیزی که تو را از یاد او مشغول سازد دور شو و با قلب و قالب خود به اعتکاف بنشین.

فقیه و زاهد و عابد مشهور، داوود تاعی در مناجات با خداوند چنین می‌گوید: «هم و غم تو همه‌ی غم‌های دیگر را از بین برد و شوق من برای نگاه به تو لذت‌های دیگر را بی‌رنگ کرد و مرا از شهوت‌ها دور داشت».

پس ای عزیزان: در طاعت خداوند رحمان تلاش کنید و چنین زمان‌هایی را غنیمت شمارید تا رضایت خداوند را به دست آورید و توشه بگیرید که بهترین توشه تقوا است. خداوند برای من و شما در قرآن کریم برکت نهد و با آیات و بینات آن سود رساند. این سخن خویش را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از خداوند بزرگ از هر گناهی آمرزش می‌خواهم پس از او آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله، پروردگار جهانیان است... او که رحمان است و رحیم و مالک روز

جزاست

و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و خداوند گذشتگان و آیندگان است، و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده و پیامبرسان اوست. بهترین درود و سلام خداوند بر او باد.

اما بعد: ای مسلمانان؛ خود و شما را به تقوای الله سفارش می‌کنم که این سفارش خداوند برای گذشتگان و آیندگان است.

ای مسلمانان: زکات فطر که در واقع کفاره و پاک کننده‌ای است برای روزه از لغو و سخنان زشت و از سوی دیگر غذایی است برای مستمندان، بر شما واجب گردیده شده است. بر مسلمان واجب است که از سوی خود و همه‌ی کسانی که خرجی آن‌ها بر عهده‌ی وی می‌باشد مانند فرزند و همسر و پدر و مادر، این زکات را خارج سازد و دادن زکات فطر برای جنینی که در شکم است مستحب می‌باشد.

حد واجب در زکات فطر یک ساع (یعنی تقریباً سه کیلو) از گندم یا جو یا اِقط یا خرما یا کشمش یا هر غذایی است که اهل آن سرزمین از آن به عنوان غذای اصلی استفاده می‌کنند مانند برنج.

بهتر است زکات فطر میان نماز صبح و نماز عید ادا شود و همچنین جایز است یک یا دو روز پیش از عید داده شود و قبل از آن جایز نمی‌باشد و در همان جایی که شخص روزه‌دار روزه بوده است پرداخت می‌شود و اشکالی ندارد شخصی که در سرزمین خود نیست کسی را وکیل کند تا آن را در سرزمینش پرداخت نماید مخصوصاً اگر مصلحتی در این کار وجود داشته باشد.

برادران و خواهران ایمانی، بهترین خداحافظی با این ماه ذکر بسیار خداوند و آمرزش خواهی از اوست:

﴿وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَيْتُمْ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ [البقرة: ۱۸۵].

«تا عدد [مقرر] را تکمیل کنید و الله را به پاس آنکه هدایتتان کرده است به بزرگی یاد کنید و باشد که شکرگزاری کنید».

علما می‌گویند: تکبیر گفتن در شب عید در خلوت و در جمع سنت است تا آنکه نماز عید به پایان رسد که مردان آن را با صدای بلند و زنان بصورت سری به جا می‌آورند. آنچه در مورد روش تکبیر از صحابه روایت شده است به این صورت است:

الله أكبر.... الله أكبر.... لا إله إلا الله... الله أكبر.... الله أكبر.... والله الحمد

همچنین از ابن عباس این تکبیر روایت شده است:

الله أكبر... الله أكبر... الله أكبر... والله الحمد

و از برخی دیگر از اصحاب نیز چنین تکبیری روایت شده است:

الله أكبر... الله أكبر... الله أكبر کبیرا

ای مسلمانان: از بهترین و با ارزش‌ترین کارها نزد الله سبحانه و تعالی، بسیار درود و سلام فرستادن بر پیامبر بزرگوار است. خداوندا بر او و بر اهل بیت و یارانش درود و سلام فرست.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده... خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده... خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده...
 خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده... خداوندا اوضاع ما و اوضاع دیگر مسلمانان را اصلاح نما... خداوندا اوضاع ما و اوضاع دیگر مسلمانان را اصلاح نما... خداوندا اوضاع ما و اوضاع دیگر مسلمانان را اصلاح نما...
 خداوندا اوضاع ما و اوضاع دیگر مسلمانان را اصلاح نما... خداوندا اوضاع ما و اوضاع دیگر مسلمانان را اصلاح نما...
 خداوندا ماه رمضان را برای ما با مغفرت و آزادی از آتش به پایان برسان ای زنده‌ی پایدار... خداوندا از ما بپذیر که همانا تو شنوای دانایی... خداوندا مردان و زنان مومن را - زندگان و مردگان - مورد مغفرت خویش قرار بده.

پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دورخ دور بدار.
 خداوندا همه‌ی مسئولان مسلمان را در آنچه خیر دنیا و آخرت مردمشان است یاری کن.

خداوندا تو بی‌نیاز و کریم و ستوده شده‌ای، خداوندا ما را باران عطا کن، خداوندا ما را باران عطا کن... خداوندا ما را باران عطا کن.
 بندگان خداوند، الله را بسیار یاد کنید و صبحگاه و شامگاه تسبیح او را گوید. و آخرین سخن اینک: الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

ادامه‌ی اعمال نیک پس از رمضان

خطیب: شیخ عبدالمحسن القاسم

مسجد نبوی شریف: جمعه ۱ شوال ۱۴۳۱ برابر با ۱۹ شهریور ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

حمد و ثنا تنها از آن الله است؛ او را سپاس گفته و از او یاری جسته و آمرزش می‌خواهیم و از بدی‌های نفس خود و اعمال ناشایستمان به او پناه می‌بریم. الله هرکه را هدایت کند او گمراه‌گری نخواهد داشت و هرکه را گمراه سازد او هدایت‌گری نخواهد یافت، و گواهی می‌دهم که معبود به حقی نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر اوست. درود و سلام بسیار خداوند بر او و بر اهل بیت و یاران وی باد.

اما بعد....

ای بندگان خداوند تقوای الله را آنگونه که شایسته‌ی اوست پاس دارید که تقوای الله گرامی‌ترین پنهان و زیباترین پیداست.

ای مسلمانان: ماه‌ها و سال‌ها و شب و روز مقیاس‌هایی هستند برای عمر انسان و فرصت‌هایی هستند که خیلی زود از دست می‌روند، و روزها در واقع خزائنی هستند برای کارهای شما که روز قیامت براساس آن فرا خوانده می‌شوید، آن روزی که هر شخص هر کار نیکی را که انجام داده است حاضر می‌بیند و پروردگارتان شما را چنین ندا خواهد زد که «این اعمال خود شماست که برایتان حساب می‌شود و سپس پاداش آن را به شما خواهم داد پس هرکه خیری یافت سپاس خداوند را به جای آورد و هرکه چیزی غیر از آن یافت جز خود کس دیگری را سرزنش نکند» [به روایت امام مسلم].

شما در ماه نیکی و خیر قرار داشتید؛ روز آن را روزه بودید و شب آن را نماز می‌گزاردید و با انواع طاعات و عبادات به پروردگارتان نزدیک می‌شدید... همه‌ی آن روزها گذشت گو اینکه خواب و خیالی بیش نبود. اما در واقع این مرحله‌ای از زندگی ما بود که گذشت و دیگر باز نخواهد گشت.

ماه رمضان گذشت و چه بسیار بودند کسانی که به استقبال آن آمدند اما آن را به پایان نرساندند و چه بسیارند آن‌هایی که آرزوی رمضان دیگری را دارند اما به آن نخواهند رسید و اینگونه است روزهای زندگی، روز به روز و تکه به تکه‌ی آن را به سوی آخرت طی می‌کنیم.

ماه رمضان نیز با کارهایی که در آن انجام داده‌اید گذشت و پرونده‌ی آن، که کردار و گفتارتان در آن ثبت شده بود نیز بسته شد. حال هرکه در آن سستی ورزید و بد کرد پیش از آنکه در توبه و پرونده‌ی اعمال بسته شود رو به توبه آورد و هرکه راه خود به سوی پروردگار را به خوبی طی می‌کند در کار خود دقت و تلاش بیشتری کند و سپاس منعم را برای نعمتی که به او داده به جای آورد.

﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَقَّضَتْ غَزَلَهُمَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَا...﴾ [النحل: ۹۲].

«و مانند آن [زنی] نباشید که رشته‌ی خود را پس از محکم بافتن [یکی یکی] از هم باز می‌کند...».

چه زیباست آن طاعتی که طاعت دیگری در پی داشته باشد، این همان «باقیات الصالحات» است که خداوند به آن تشویق نموده است، و همیشه نسبت به قبول شدن اعمالتان توجه بیشتری داشته باشید زیرا خداوند تنها از متقیان اعمالشان را می‌پذیرد؛ و چه زشت است انجام بدی‌ها پس از خوبی‌ها، و همانطور که خوبی‌ها باعث از بین رفتن بدی‌ها می‌شوند به همان صورت بدی‌ها نیز باعث ساقط شدن خوبی‌ها می‌شوند.

ادامه داشتن طاعت‌ها و نیکی‌ها یکی از اصول شریعت است و طاعت و کار نیک زمان مشخص و محدودی ندارد بلکه در واقع حقی است که خداوند بر گردن بندگانش دارد که با انجام آن به آبادانی جهان می‌پردازند و لازم است که نفس‌ها پس از رمضان نیز در مسیر هدایت گام بردارند زیرا که عبادت پروردگار تنها منحصر به رمضان نیست و عبادت بنده تا مرگ پایانی ندارد.

قبولی و پیروزی در ماه رمضان و همینطور شکست و زیان در آن نشانه‌هایی دارد و از جمله نشانه‌های قبولی یک کار نیک این است که آن نیکی، نیکی‌های دیگری را در پی

داشته باشد و از جمله نشانه‌های یک کار بد این است که بدی‌های دیگری در پی داشته باشد. پس همیشه در پی انجام نیکی، نیکی‌های دیگر را انجام دهید تا نشانه‌ای باشد برای قبول آن و در پی بدی و گناه رو به سوی نیکی‌ها بیاورید تا باعث پاک شدن آن و دور ماندن از زیان آن شود.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهِبْنَ أَلْسِيَّاتٍ ذَلِكِ ذِكْرِي لِلذَّكِرِينَ﴾ [هود: ۱۱۴].

«خوبی‌ها بدی‌ها را از میان می‌برد این پندی است برای پند گیرندگان».

و رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «هر جا که بودی تقوای الله را پیشه ساز و در پی بدی نیکی انجام بده تا آن را پاک سازد و با مردم با اخلاق نیک رفتار کن» [به روایت ترمذی].

و هرکه پس از رمضان باز عزم بازگشت به تقصیرات و گناهان را دارد بداند که خداوند متعال، آن همیشه زنده و پایدار است که از هرکه در هر ماهی اطاعت او کند از وی خشنود خواهد شد و از هر کس که راه معصیت را در هر هنگامی طی نماید خشم خواهد گرفت و همانا مدار سعادت بر عمر طولانی و عمل نیک است و مداومت انسان مسلمان بر طاعت الهی به طوری که این طاعت منحصر به زمان و مکان خاص یا ماه خاصی نباشد از نشانه‌های قبول عمل و استقامت شخص است.

ای مسلمانان. اگر چه روزهی رمضان به پایان رسیده است اما این عبادت در دیگر ماه‌ها نیز مشروع می‌باشد و رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - روزهی روز دوشنبه و پنجشنبه را سنت قرار داده و فرموده است: «اعمال در این روزها بر خداوند متعال عرضه می‌شود و من دوست دارم در حالی عملم عرضه گردد که روزه‌ام».

همچنین وی - صلی الله علیه وآله وسلم - ابوهریره - رضی الله عنه - را به روزه گرفتن سه روز در هر ماه سفارش نموده و فرمود: «روزه‌ی سه روز از ماه به مانند روزه گرفتن همیشگی است» [متفق علیه].

همچنین سعی کنید روزهی رمضان را با روزهی شش روز از شوال دنبال کنید زیرا رسول خداوند - صلی الله علیه وآله وسلم - فرموده‌اند: «هرکه رمضان را روزه بگیرد و سپس آن را با شش روز از شوال دنبال کند به مانند کسی است که همه‌ی دوران را روزه گرفته است» [به روایت امام مسلم].

و اگر قیام و نماز رمضان به پایان رسیده است در عوض نماز شب در همه‌ی شب‌های سال مشروع و مستحب است و از رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - به ثبوت رسیده است که «خداوند در هر شب هنگامی که یک سوم آخر شب باقی مانده است به آسمان دنیا فرو می‌آید و می‌فرماید: کیست که مرا فرا خواند تا او را استجابت کنم و کیست که از من بخواهد تا به او بدهم و کیست که از من آمرزش بخواهد تا او را بیامرزم».

و بدانید که دوست داشتنی‌ترین کارها نزد خداوند آن کاری است که با دوام و همیشگی باشد اگر چه کم باشد، و زیانکار کسی است که از طاعت خداوند روی گرداند و محروم آن است که از رحمت الهی محروم است.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩٧﴾﴾ [النحل: ٩٧].

«هرکس از مرد یا زن کار شایسته کند و مؤمن باشد قطعا او را با زندگی پاکیزه‌ای حیات [حقیقی] بخشیم و مسلما به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد».

خداوند متعال ما را به واسطه‌ی قرآن بزرگ برکت داده و با آیات و ذکر حکیم سود رساند. آنچه را شنیدید گفتیم، و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از هر گناهی آمرزش می‌خواهم پس از او آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش و شکر شایسته‌ی الله است که توفیق و بخشید و منت نهاد، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد است و شریکی ندارد و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر اوست. درود و سلام بسیار خداوند بر او و بر اهل بیت و یارانش باد.

ای مسلمانان... شما هم اکنون با موسمی مبارک وداع گفته‌اید، موسمی از مواسم تجارت با پروردگار، پس خوش به حال آنکه جایزه‌ی پروردگار را به دست آورده و وای به حال آن که با ناکامی و پشیمانی از این ماه برگشته است.

آنگونه باشید که گویا وقت اعمال به پایان رسیده و دنیا گذشته است، پس با اعمال نیک آماده‌ی هول و هراسی باشید که در پیش است، و بدانید که ایستادن در برابر خداوند برای پاسخگویی نزدیک است، نفس‌های معدودی باقی مانده و فرشته‌ی مرگ قصد شما را کرده است تا آثار شما را پاک و سرزمین‌هایتان را ویران سازد، پس خداوند رحمت کند آن بنده را که نگاهی به نفس خود انداخته و برای آینده‌اش توشه‌ای پیش فرستد.

خود را از مناطق هلاکت دور ساز و راه راست را در پیش گیر و فریب زیادی هلاک شدگان زینت‌های دنیا را نخور و از کمی رهروان حق مترس.

سپس بدانید که خداوند شما را به فرستادن درود و سلام بر پیامبرش امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

خداوند بر پیامبرمان محمد درود و سلام فرست و از خلفای راشدین که به حق حکم می‌نمودند و به سوی عدل و داد گرایش داشتند، - ابوبکر و عمر و عثمان و علی - و از دیگر صحابه راضی و خشنود باش، و همچنین از ما با عفو و کرم خویش خشنود باش ای گرامی‌ترین گرامیان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت بخش و شرک و مشرکان را خوار گردان و دشمنانت، دشمنان دین را نابود ساز... خداوندا این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امن و امان و رفاه بدار...

خداوندا ما از تو هدایت و تقوا و عفت و بی‌نیازی می‌خواهیم... خداوندا روزه و نماز و قیام ما را بپذیر... خداوندا روزه و قیام ما را حفظ نما...

خداوندا ما از تو بهشت را و هر کردار و گفتاری که ما را به آن نزدیک سازد خواهانیم... خداوندا ما و پدر و مادران ما را از آتش دوزخ آزاد نما...

پروردگارا ما به خود ستم نمودیم و اگر تو ما را مورد مغفرت و رحمت خویش قرار ندهی بی‌تردید از زیانکاران خواهیم بود...

بندگان الله... «همانا الله به عدل و نیکی و بخشش به نزدیکان امر نموده و از فحشا و منکر و تجاوز باز می‌دارد. او شما را چنین پند می‌دهد باشد که اندرز گیرید» پس خداوند بزرگ را یاد کنید تا شما را یاد کند و او را شکر گوئید تا شما را افزون دهد و همانا یاد الله بزرگ‌تر است و الله به آنچه می‌کنید آگاه است.

عنوان خطبه:

حال مردم پس از رمضان

خطیب: دکتر سعود الشریم

مسجد الحرام: جمعه ۸ شوال ۱۴۳۱ برابر با ۲۶ شهریور ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است که روزها و ماهها و سالها و دورانها را در پی هم می‌آورد؛ او که بزرگواریست و مهربان، و بخشاینده است و شکرگذار. و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد است و بی‌شریک، او که از نگاه خائنانه و آنچه در

سینه‌ها مخفی است آگاه است، و گواهی می‌دهم که محمد، بنده‌ی خداوند و پیامبر اوست که بر هدایت امت حریص و صبور است.

او که دعوت کرد و ابلاغ نمود و بشارت و هشدار داد و رسالت پروردگارش را در همه‌ی امور ابلاغ نمود، پس درود و سلام پروردگارش بر او و بر اهل بیت و یاران وی و همه‌ی کسانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی کنند.

اما بعد: خود و شما را به تقوای خداوندی و پایداری بر دین وی و ثبات بر راه راست و بهره‌گیری از هر نیکی سفارش می‌کنم و شما را از کوتاهی و سستی برحذر می‌دارم که این دو آفت، بنده را به هلاکت کشانده و او را از بهره گرفتن از امور والا باز می‌دارند:

﴿وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ﴾ [البقرة: ۱۹۷].

«و توشه بگیرید که بهترین توشه تقوا است و ای خردمندان تقوای من را پیشه

سازید».

ای مسلمانان: فرصت‌های گرانبها اگر از دست بروند دیگر نمی‌توان آن‌ها را جبران نمود و استفاده بردن از آن‌ها در واقع دلیلی است بر نیروی اراده‌ی برآمده از عزیمت یک انسان، و هر که به بطالت خشنود است از کار خواهد ترسید، و شایسته نیست که انسان به نیت‌های خوب اما بدون تلاش خود مغرور شود که او از این نیت‌های نیک هیچ سودی نخواهد برد مگر آنکه از هر فرصتی بهترین استفاده را ببرد، و باید دانست که انجام همه‌ی کارهای نیک از انسان وقت زیادی نمی‌برد مگر آنکه خود بنده بر خود سخت گرفته و خود را خسته کند.

پس ای بندگان خداوند، این، عرصه‌ی مسابقه است و فرصت‌ها نیز از دست می‌روند، و انسان، محروم نمی‌شود مگر با تنبلی و سستی، و هیچ خیری به دست نیامده است مگر با تلاش و جدیت، و بدانید که خستگی در راه به دست آوردن فضائل در واقع آسودگی است و آسودگی و استراحت کسی که در طلب فضیلت‌ها کم‌کار است در حقیقت خستگی است.

و دنیا محل آبادانی نیست بلکه محل عبور است و هر کدام از ما به قبرمان سپرده خواهیم شد و آنگاه است که برای از دست دادن آنچه سود ما در آن بود تاسف خواهیم خورد، و چه بسا همین تاسف و اندوه خود نوعی مجازات زود هنگام برای این کم کاری باشد:

﴿أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَحْسَرْتَنِي عَلَى مَا فَرَطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّخِرِينَ ﴿٥٦﴾ أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ﴿٥٧﴾ أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٨﴾﴾ [الزمر: ۵۶-۵۸].

«تا آنکه [مبادا] کسی بگوید دروغا بر آنچه در حضور الله کوتاهی ورزیدم و بی‌تردید من از ریشخندکنندگان بودم (۵۶) یا بگوید اگر الله هدایتم می‌کرد مسلما از پرهیزگاران بودم (۵۷) یا چون عذاب را ببیند بگوید کاش مرا برگشتی بود تا از نیکوکاران می‌شدم». و این دنیا نیست مگر به مانند سفره‌ای که سیری‌اش اندک است و گرسنگی‌اش طولانی و هرکه راه واضح و روشن را بدون خستگی و دل‌سردی طی کند بی‌تردید به آب خواهد رسید، و از آن خواهد نوشید، و هرکه مخالفت ورزید در صحرای خشک سرگردان شده و از نوشیدن محروم خواهد شد.

ای مسلمانان: ماه رمضان نیز گذشت و تمام شد و بازار آن پس از عرضه و تقاضا و خرید و فروش و سود و زیان و همه چیز آن بسته شد و مردم پس از پایان این ماه به سه دسته تقسیم شدند:

گروهی از آنان چنین گمان کردند که خداوند پرستیده نمی‌شود مگر در رمضان و از وی اطاعت نمی‌شود مگر در رمضان، و حرام، حرام نیست مگر در رمضان! و چه بدند این گروه که خداوند را نمی‌شناسند مگر در رمضان و چه بیچاره‌اند این گروه که از روزه‌شان چیزی جز گرسنگی و تشنگی، و از نمازشان چیزی جز خستگی و بی‌خوابی به دست نمی‌آورند.

﴿وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرْدَاكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٢٣﴾﴾

[فصلت: ۲۳].

«و همین بود گمانتان که درباره‌ی پروردگارتان بردید، شما را هلاک کرد و از زیانکاران شدید».

گروهی دیگر از مردم بیش از آنی که در توان دارند به خود فشار آوردند، و بیش از آنکه خداوند از آنها خواسته بود بر خود سخت گرفتند، و شکی در این نیست که کاروان اگر دو مرحله را یکجا طی کند لازم است برای استراحت توقف کند، و راه نیز سخت است و باید به نرمی آن را طی نمود و برای همین، استراحت برای یک کار مهم، مهم است، و پایین رفتن در عمق دریاها برای به دست آوردن مروارید نوعی بلندی است و هرکه برای این ادعا دلیلی می‌خواهد به این سخن رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - گوش بسپارد که می‌فرماید:

«این دین، متین است و محکم، پس با رفق و ملایمت به آن وارد شوید که تندرو نه مسیری را طی می‌کند و نه وسیله‌ی سواری برای خود باقی می‌گذارد» [به روایت امام احمد].

و در صحیحین چنین روایت شده که رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - فرمودند: «ای مردم! از اعمال، آن مقداری را انجام دهید که توانایی دارید زیرا خداوند خسته نمی‌شود و شما خسته می‌شوید و همانا دوست داشتنی‌ترین کارها نزد خداوند آن کاری است که با دوام باشد حتی اگر کم باشد».

اما گروه سوم آن مومنانی هستند که ترس و امید و رغبت و رهبت را با هم دارند و در حالی که دیگران رو به کناره‌ها آورده‌اند راه وسط را می‌روند و در حالی که برخی از فریب خورده‌گان به تندروی روی آورده‌اند راه اعتدال را در پیش گرفته‌اند؛ درونشان به مانند بیرونشان است، و آنان، همان مردان و زنان مومنی هستند که خداوند همه‌ی ماه‌ها را می‌پرستند و در همه حال او را عبادت می‌کنند.

آنان می‌دانند که خداوند، رمضان را با فضیلت و اعمالی خاص و ویژگی بخشیده است، اما این به معنای الغای اعمال صالح در دیگر ماه‌ها نیست، و نمی‌توان کارهای خیر دیگر ماه‌ها را کوچک شمرد. آنان این را به درستی می‌دانند که رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم -

وسلم - در همه‌ی ماه‌ها اهل خیر و بخشش بود نه فقط در رمضان و بلکه در رمضان بر خیر و بخشش وی افزوده می‌شد.

بر این اساس باید بدانید که عبادت‌هایی وجود دارند که از جمله‌ی ثوابت هستند، و هرگز تغییر نمی‌کنند، مانند نماز و زکات و حج و روزه‌ی مستحب و صدقه و دعا و امر به معروف و نهی از منکر و بسیاری دیگر از عبادت‌ها.

و همچنین توبه، که هیچ‌گاه تغییر نمی‌کند بلکه در همه حال و همه وقت مطلوب است، چنانکه الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿... وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [النور: ۳۱].

«و ای مومنان همگی به سوی الله توبه کنید باشد که رستگار شوید».

و رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - این فرموده‌ی خداوند متعال را اینگونه در عمل نشان می‌داد و می‌فرمود: «همانا من در روز بیش از صد بار از الله آمرزش خواسته و به سوی او توبه می‌کنم».

پس ای بندگان خداوند بدانید که شما آنچه را شنیدید دانستید و چه خوب است کار آن کس که آنچه را شنید و یا دانست به انجام برساند و شما طعم عبادت و نزدیکی به خداوند را در رمضان چشیده‌اید پس این خوشی را مکدر نسازید و این نزدیکی را به دوری تبدیل نکنید.

﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَقَّضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَا﴾ [النحل: ۹۲].

«و مانند آن زنی مباشید که رشته‌ی خود را پس از محکم کردن آن یکی یکی از هم باز می‌کند».

خداوند متعال من و شما را با قرآن بزرگ برکت دهد و من و شما را با آیات و ذکر حکیم سود رساند. سخنان خویش را گفتم، حال اگر درست بود از سوی خداوند است و اگر اشتباه بود از نفس است و از شیطان، و از الله آمرزش می‌خواهم که او بسیار آمرزنده است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش تنها از آن الله است و درود و سلام بر آنکه پیامبری پس از وی نیست.

اما بعد:

ای بندگان الله تقوای وی را پیشه سازید و پس از رمضان دوباره به سوی هوای نفس که آن را ترک گفته‌اید باز نگردید، و برای یاری در برابر سختی ترک آن، به صبر پناه ببرید که عقب‌گرد، از بیماری بدتر است و پس‌رفت پس از هدایت بلا است و ویرانی. بر این اساس از بزرگ‌ترین چیزهایی که بنده را بر ثبات و جمع‌آوری پاداش‌های بزرگ در برابر کارهای کوچک یاری می‌دهد روزهی مستحب است زیرا امام مسلم در صحیح خود چنین روایت نموده است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود: «هرکه رمضان را روزه گیرد و سپس آن را با شش روز از شوال ادامه دهد [روزه‌اش] به مانند روزهی همه‌ی دهر خواهد بود».

و منظور از آن این است که خداوند متعال نیکی را به ده برابر آن محاسبه می‌کند و بر این اساس روزهی رمضان به اندازه‌ی روزهی ده ماه به حساب خواهد آمد و روزهی شش روز شوال هم به اندازه‌ی روزهی دو ماه خواهد بود و اینگونه ثواب یک سال کامل به دست خواهد آمد.

همچنین در حدیث دیگر آمده است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - درباره‌ی روزهی سه روز از هر ماه فرمودند: «روزه‌ی آن‌ها به مانند روزهی دهر است» و تعداد روزهای سفید (یعنی روزهای ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ هر ماه) در هر سال به اضافه‌ی روزهی شش روز از ماه شوال، روی هم رفته ۴۲ روز خواهد بود، بنا بر این هر کس رمضان و شش روز از شوال و سه روز وسط هر ماه را روزه بگیرد به مانند کسی است که دو سال کامل را در یک سال روزه گرفته است، و خداوند دارای فضل و کرم بسیاری است و اینگونه است که با روزه گرفتن ۷۲ روز در سال اجر روزهی هفتصد و بیست روز را به دست خواهد آورد:

﴿ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾ [الحديد: ۲۱].

«این فضل الله است که به هر که بخواهد عطا می‌کند و الله دارای فضلی بزرگ است.»

﴿وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ﴾ [آل عمران: ۱۳۳]

«و برای به دست آوردن آمرزشی از سوی پروردگارتان و بهشتی که پهنایش [به پهنای] آسمان‌ها و زمین است و برای پرهیزکاران آماده شده است بشتابید.»

و در پایان درود فرستید بر بهترین انسان‌ها و پاک‌ترین آن‌ها محمد بن عبدالله، صاحب حوض و مقام شفاعت که خداوند شما را به آن امر نموده و خود آن را آغاز کرده و فرموده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود و سلام فرستید» [الأحزاب: ۵۶].

خداوندا درود و سلام و برکت ارزانی دار بر بنده و پیامبرت محمد، و راضی و خشنود باش از چهار خلیفه‌ی وی ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از مادران مومنان و از تابعین، و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند و همچنین از ما به همراه آنان راضی و خشنود باش ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار بگردان. خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومنت را یاری ده.

خداوندا هر که را برای ما و برای اسلام و مسلمانان اراده‌ی بد دارد به خود مشغول ساز و نیرنگش را در نابودی وی قرار ده ای شنونده‌ی دعا.

خداوندا غم‌داران و سختی‌سختی‌دیده‌گان مسلمان را از بین ببر، و وام‌داران را ادا کن و بیماران ما و دیگر بیماران مسلمان را شفا ده.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن بدار و مسئولان ما را اصلاح نما و مسئولیت ما را در دست کسانی قرار ده که ترس تو را داشته باشند و در پی خشنودی تو باشند ای پروردگار جهانیان.

خداوندا ولی امر ما را در جهت آنچه مورد محبت و رضایت توست موفق گردان و برای او همشینیان و مشاوران نیک و صالح قرار ده.

خداوندا تویی آن الله که معبودی به حق جز تو نیست، تو بی‌نیازی و ما نیازمند، باران را بر ما بباران و ما را از نومیدان مگردان...

خداوندا تویی آن الله که معبودی به حق جز تو نیست، تو بی‌نیازی و ما نیازمند، باران را بر ما بباران و ما را از مایوسان مگردان...

خداوندا تویی آن الله که معبودی به حق جز تو نیست، تو بی‌نیازی و ما نیازمند، باران را بر ما بباران و ما را از نومیدان مگردان...

﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ [البقرة: ۲۰۱].

پاک است و بی‌عیب، پروردگار تو، آن پروردگار عزت از آنچه مشرکان به دروغ وصفش می‌کنند و سلام بر پیامبران، و آخرین سخن ما اینکه: الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

تاثیر ایمان به خداوند در حمایت از محیط زیست

خطیب: دکتر صالح بن حمید

مسجد الحرام: جمعه ۱۵ شوال ۱۴۳۱ برابر با ۲ مهر ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است که از همانند و شریک منزّه است، معبودی به حق جز او نیست، گردن‌ها در برابر او فرو افتاده‌اند و چهره‌ها در مقابل او خاضع و پیشانی‌ها برای او به سجده افتاده‌اند... او را ستایش می‌کنم که او پاک و بی‌عیب است:

﴿وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌُ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌُ﴾ [الزخرف: ۸۴].

«و او کسی است که در آسمان خداوند است و در زمین [نیز] خداوند است».

و او را برای نعمت‌های وافرش و عطای گسترده‌اش شکر می‌گوییم و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله و گواهی می‌دهم که محمد پیامبر الله است، درود و

سلام و برکت الله بر او و بر اهل بیت و یاران او و همه‌ی کسانی باد که از وی پیروی نمایند.

اما بعد:

ای مردم، خود و شما را به تقوای خداوند عزوجل سفارش می‌کنم پس تقوای او را آنگونه که شایسته است پیشه سازید و به مانند کسی که می‌داند خداوند سخنان و کارهای او را می‌شنود و می‌بیند، او را مراقب اعمال و رفتار خود بدانید:

﴿وَأَتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ﴾ [البقرة: ۲۸۱].

«و از روزی بترسید که در آن به سوی الله بر خواهید گشت».

﴿يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ﴾ [النبا: ۴۰].

«روزی که انسان به آنچه دستانش پیش فرستاده است می‌نگرد».

تقوای الله سودآورترین کالا است، و زیان، از آن کسی است که در مورد دستور پروردگارش کم‌کاری کند و آن را ضایع گرداند.

﴿يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحَضَّرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾ [آل عمران: ۳۰].

«روزی که هر کسی آنچه کار نیک به جای آورده و آنچه بدی مرتکب شده حاضر شده می‌یابد و آرزو می‌کند کاش میان او و آن [کارهای بد] فاصله‌ای دور بود و الله شما را از [کیفر] خود می‌ترساند و [در عین حال] الله به بندگان [خود] مهربان است».

ای مسلمانان:

خداوند متعال انسان را در این زمین خلیفه گرداند تا آن را آباد گردانده و از امکاناتی که در اختیارش نهاده شده است سود ببرد:

﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ﴾ [فاطر: ۳۹].

«اوست آن کس که شما را در این سرزمین جانشین گردانید».

﴿هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾ [هود: ۶۱].

«او شما را از زمین پدید آورد و شما را آبادگران آن قرار داد».

﴿وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ﴾ [الجنائیه: ۱۳].

«و آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است به سود شما رام کرد همه از اوست». خداوند متعال انسان را آفرید و او را با خرد و فهم و ویژگی بخشید و خصوصیت تکلیف و آباد سازی و عبادت را به وی عطا کرد:

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾ [الإسراء: ۷۰].

«و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکبها] برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم».

﴿فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَىٰ﴾ [۱۲۳] ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا﴾ [طه: ۱۲۳-۱۲۴].

«پس اگر برای شما از جانب من رهنمودی رسد هرکس از هدایت‌م پیروی کند نه گمراه می‌شود و نه تیره‌بخت (۱۲۳) و هرکس از یاد من دل بگرداند در حقیقت زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت».

برای این، پیامبران به سوی انسان فرستاده شده و کتاب‌های آسمانی برای وی نازل گردید تا بتواند وظیفه‌ی استخلاف را به بهترین صورت ادا نماید و تا بتواند برای خداوند به عبادت برخاسته و با اطاعت از وی به سازندگی و اصلاح برخیزد.

و تا این انسان بتواند به طور کامل از امکاناتی که خداوند متعال در زمین قرار داده است استفاده نماید، خداوند متعال نیرو و ادراک لازم را در اختیار وی قرار داده است، پس بنابر این، انسان در برابر همه‌ی خرابی‌ها و فساد و انحرافی که در زمین رخ می‌دهد نیز مسئول است.

از مهم‌ترین مواردی که وظیفه‌ی استخلاف انسان را نمایان می‌سازد رفتارهایی است که از انسان سر می‌زند و در زندگی وی تاثیر می‌گذارد که یا باعث آسانی زندگی و خوشبختی وی می‌شود و یا وی را در تنگنا و سختی قرار خواهد داد.

برادران و خواهر گرامی:

برای این است که خداوند متعال با حکمت و فضل و رحمت خویش آفریده‌های خویش را براساس اندازه‌گیری دقیق و میزان آفریده است. چنانکه خداوند متعال در آیات متعددی می‌فرماید:

﴿وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوْسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ ﴿١٩﴾﴾

[الحجر: ۱۹].

«و زمین را گسترانیدیم و در آن کوههای استوار افکندیم و از هر چیز سنجیده‌ای در آن رویانیدیم».

﴿إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ ﴿٤٩﴾﴾ [القمر: ۴۹].

«ما همه چیز را با اندازه آفریدیم».

﴿وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا ﴿٢﴾﴾ [الفرقان: ۲].

«و هر چیزی را آفریده و بدان گونه که درخور آن بوده اندازه‌گیری کرده است».

آنکه با تامل و دقت به خلقت خداوندی نظر بیندازد از این ارتباط و تکامل و توازن و هم‌گرایی میان مخلوقات خداوندی به شگفت می‌آید. خداوند متعال در این باره می‌فرماید:

﴿أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ ﴿٦﴾ وَالْأَرْضَ

مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوْسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ﴿٧﴾ تَبْصِرَةً وَذِكْرَى لِكُلِّ عَبْدٍ

مُتَّبِعٍ ﴿٨﴾ وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبْرَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ ﴿٩﴾ وَالنَّخْلَ

بَاسِقَاتٍ لَهَا طَلْعٌ نَضِيدٌ ﴿١٠﴾ رِزْقًا لِلْعِبَادِ وَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلَدَةً مَيْتًا كَذَلِكَ الْخُرُوجُ ﴿١١﴾﴾

[ق: ۶-۱۱].

«مگر به آسمان بالای سرشان ننگریسته‌اند که چگونه آن را ساخته و زینت داده‌ایم و برای آن هیچ گونه شکافتگی نیست (۶) و زمین را گستریدیم و در آن لنگر [آسا کوه]ها فرو افکندیم و در آن از هر گونه جفت دل‌انگیز رویانیدیم (۷) [تا] برای هر بنده توبه‌کاری بینش‌افزا و پندآموز باشد (۸) و از آسمان آبی پر برکت فرود آوردیم پس بدان

[وسیله] باغ‌ها و دانه‌های دروکردنی رویانیدیم (۹) و درختان تناور خرما که خوشه [های] روی هم چیده دارند (۱۰) [این‌ها همه] برای روزی بندگان [من] است و با آن [آب] سرزمین مرده‌ای را زنده گردانیدیم رستاخیز [نیز] چنین است».

و در جای دیگر می‌فرماید:

﴿سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُثْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ﴾

﴿۳۶﴾ [یس: ۳۶].

«پاک است آنکه از آنچه زمین می‌رویاند و [نیز] از خودشان و از آنچه نمی‌دانند همه را نر و ماده گردانیده است».

واضح است که هر کدام از موجودات زنده و زیبایی که خداوند آفریده است براساس حکمتی بالغ و ترازویی دقیق دارای جایگاه و وظیفه‌ی مخصوص به خود هستند و اگر برخی از این جانداران و موجودات دچار خلل و یا اشکالی شوند دیگر جانداران نیز در زمین و دریا و هوا دچار خلل و مشکل خواهند شد.

﴿فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾ ﴿۱۴﴾ [المؤمنون: ۱۴].

«پس مبارک باد الله، آن بهترین آفرینندگان».

اهمیت ندادن به این موضوع و بی‌توجهی به آن باعث به وجود آمدن ناآرامی و مشکلاتی خواهد شد که همه‌ی موجودات و جانداران را از جمله انسان‌ها و حیوانات و گیاهان و آب و هوا را در بر خواهد گرفت. خداوند عزوجل می‌فرماید:

﴿وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا﴾ [الأعراف: ۵۶].

«و در زمین پس از اصلاح آن فساد مکنید و با بیم و امید او را بخوانید».

﴿وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ ﴿۸۵﴾

[الأعراف: ۸۵].

«و در زمین پس از اصلاح آن فساد مکنید این [رهنمودها] اگر مؤمنید برای شما بهتر

است».

همچنان که خداوند متعال همه‌ی خیرات زمین را در درون و بیرون آن، در آب‌ها و گیاهان و حیوانات و در دیگر مخازن طبیعی توزیع کرده است که همان محیط زیستی است که خداوند آن را جایگاهی برای زندگی بنی آدم قرار داده است.

محیطی که زمین و کوه‌ها و تپه‌ها و دریاها و رودها و ساحل‌ها را در بر می‌گیرد و بادها و حرارت و سرما و رطوبت و خشکی و همه‌ی شرایط زمانی و مکانی و اجتماعی که دور و بر انسان را فرا گرفته جزئی از آن می‌باشد و همچنین همه‌ی جانوران و کوچک و بزرگ و پرندگان و گیاهان و حتی موجودات غیر زنده جزئی از آن می‌باشد.

﴿أَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمَ السَّمَاءَ بَدَلَهَا ﴿٢٧﴾ رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّيْنَاهَا ﴿٢٨﴾ وَأَعْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا ﴿٢٩﴾ وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا ﴿٣٠﴾ أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا ﴿٣١﴾ وَالْجِبَالَ أَرْسَلْنَا ﴿٣٢﴾ مَتْنَعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَمِ عَلَيْكُمْ ﴿٣٣﴾﴾ [النازعات: ۲۷-۳۳].

«آیا آفرینش شما دشوارتر است یا آسمانی که [او] آن را برپا کرده است (۲۷) سقفش را برافراشت و آن را [به اندازه معین] درست کرد (۲۸) و شبش را تیره و روزش را آشکار گردانید (۲۹) و پس از آن زمین را با غلتانیدن گسترد (۳۰) آبش و چراگاهش را از آن بیرون آورد (۳۱) و کوه‌ها را لنگر آن گردانید (۳۲) [تا وسیله] استفاده برای شما و دام‌هایتان باشد».

﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ ﴿٢٤﴾ أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا ﴿٢٥﴾ ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا ﴿٢٦﴾ فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا ﴿٢٧﴾ وَعَبْنًا وَقَضْبًا ﴿٢٨﴾ وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا ﴿٢٩﴾ وَحَدَائِقَ غُلْبًا ﴿٣٠﴾ وَفَكَهْهَ وَأَبًّا ﴿٣١﴾ مَتْنَعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَمِ عَلَيْكُمْ ﴿٣٢﴾﴾ [عبس: ۲۴-۳۲].

«پس انسان باید به خوراک خود بنگرد (۲۴) که ما آب را به صورت بارشی فرو ریختیم (۲۵) آنگاه زمین را با شکافتنی [لازم] شکافتیم (۲۶) پس در آن دانه رویندیم (۲۷) و انگور و سبزی (۲۸) و زیتون و درخت خرما (۲۹) و باغ‌های انبوه (۳۰) و میوه و چراگاه (۳۱) [تا وسیله] استفاده شما و دام‌هایتان باشد».

قاعده‌ی «توازن» و سنت خداوندی در اندازه‌گیری و میزان، این جهان را در دقتی بی‌نهایت اداره می‌کند که این دال بر حکمت خداوند سبحان و عظمت خلقت اوست.

﴿صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَيْرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ﴾ [النمل: ۸۸].

«[این] صنع الله است که هر چیزی را در کمال استواری پدید آورده است در حقیقت او به آنچه انجام می‌دهید آگاه است».

همه‌ی این کائنات، حتی حشرات و جنبندگان ریزی که ممکن است به چشم بیایند یا دیده نشوند، در توازن ربانی عجیبی زندگی می‌کنند که توسط آن مدبر حکیم و روزی دهنده‌ی دانا به وجود آمده است:

﴿وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ ﴿۷﴾ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ ﴿۸﴾ وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ ﴿۹﴾﴾ [الرحمن: ۷-۹].

«و آسمان را برافراشت و ترازو را گذاشت (۷) تا مبادا از اندازه درگذرید (۸) و وزن را به انصاف برپا دارید و در سنجش مکاهید».

نظر انداختن به این توازن و محافظت از آن و فهم حکمت آن چشم انسان را به روی وظیفه‌ی استخلاف و آبادانی زمین می‌گشاید. عمل صالح و بهره‌گیری آگاهانه و صحیح از موجودات و منابع و ایجاد هماهنگی میان نیازهای بشر و حفاظت از این موجودات و بهره بردن از محیط زیستی پاک همان اصلاح مورد نظر است که «حياة طيبة» و زندگی نیک در دنیا و آخرت به آن بستگی دارد.

ای مسلمانان و ای مردم:

با وجود این، کسی که در زندگی جهان امروز و مشکلاتی که انسان معاصر با آن دست و پنجه نرم می‌کند نظر بیفکند پرتگاه خطرناکی را خواهد دید که مردم به دلیل عدم توجه به این توازن در خطر افتادن در آن قرار دارند و همچنین آلودگی و فساد وسیعی را مشاهده خواهد کرد که به سبب اخلال در توازن و هماهنگی میان موجودات و تغییر ویژگی‌های خدادادی آن‌ها به وجود آمده است.

آنچه دیده می‌شود فساد و تباهی آشکاری است که دارای نتایجی ویرانگر است که زندگی مردم و همه‌ی طبیعت از جمله حیوانات و گیاهان و خشکی‌ها و دریاها و آب و هوا را به ویرانی کشانده و باعث ایجاد نا آرامی و ناهماهنگی در شرایط زندگی شده

است. آلودگی و فسادی که انسان را در غذایش در معرض تهدید قرار داده است، آنگاه که صاحبان صنایع غذایی برای زیبا جلوه دادن محصولات خود از نظر رنگ و بو به روش‌های منحرف و ناسالمی دست زده‌اند، و همچنین با به خطر انداختن منابع طبیعی از جمله رودها و دریاها و منابع آبی و جنگل‌ها و سواحل و صحراها و دیگر زیست‌گاه‌های آبی و زمینی با صید و چرای بی‌رویه و قطع کردن درختان و برداشت بیش از حد آب.

این فساد و تباهی به سبب سوء استفاده از صنعت و تکنولوژی و زباله‌های سمی و به جامانده‌های صنعتی خطرناک و زباله‌های صنعتی و دودکش‌های کارخانه‌ها و سم‌های خانگی و صنعتی و پاک‌کننده‌ها و دیگر مواد سمی و خطرناک است که اشکال گاه در خود محصول است و گاه در سوء استفاده‌ی از آن.

از سوی دیگر، انسان از روی طمع و زیاده‌خواهی و خودخواهی خود تنها به تباهی روی آورده و از اصلاح روی‌گردان است و این انحرافی است خطرناک در مسیر بشر که به طغیان و سرکشی و انحراف و فساد و روی‌گردانی از اخلاق و انسانیت منتهی شده است چه رسد به دوری از دین خدا...

این انحرافی است شدید که تنها برای ارضای شهوت سلطه‌جویانه و استبدادی و دست‌یابی به منافع اقتصادی کوتاه‌نظرانه‌ی برخی از انسان‌ها است که نتیجه‌ای ندارد جز نابودی ملت‌ها و به تاراج رفتن خیرات آن‌ها و نابودی منابع طبیعی آنان.

این طمعی است که باعث شده انسان طمع‌کار نتواند بر غریزه‌ی سلطه‌جویانه‌ی خود کنترل کرده بلکه عاقبت آن به اشغال جوامع و جنگ‌های ویرانگر کشیده شد به طوری که باعث ویرانی محیط زیست و سوء استفاده‌ی از آن و اسراف در برداشت از آن و نابودی آن گردید.

و از جمله‌ی حوادثی که تاریخ معاصر ثبت نموده استفاده‌ی متجاوزان از ابزار گسترش بیماری در سرزمین‌های دیگر و بمباران این سرزمین‌ها با هزاران تن از بمب‌های ترسناک است که باعث نابودی مساحت عظیمی از جنگل‌ها گردیده و حجم عظیمی از ویرانی را

به جای گذاشته است که آثار آن تاکنون بر جای مانده است و این چیزی نیست جز زیاده‌روی و طمع و اهداف صرف اقتصادی و خودخواهی مفرط.

پس از آن به اسراف‌ی فکر کنید که اهل این دوران دچار آنند. اسراف‌ی که عامل اصلی آن تبلیغات و رسانه‌ها هستند که به هدف ایجاد محصولاتی مصرفی است بدون نیاز واقعی به آن، و با استفاده از روش‌های بازاریابی و فریفتن مردم صورت می‌گیرد. بلکه حتی کار به تولید محصولاتی رسیده است که هیچ نیازی به آن‌ها نیست مگر به هدف اسراف که در پایان به بالا بردن حجم زباله‌ها و باقی‌مانده‌های صنعتی منتهی می‌گردد. اسراف در غذا و نوشیدنی و شست و شو و پاکسازی و مصرف آب و اسراف و زیاده‌روی در خانه‌ها و مدارس و بازارها و دفاتر و در همه‌ی امور.

﴿وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ ۱۵۱﴾ الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ ﴿۱۵۲﴾

[الشعراء: ۱۵۱-۱۵۲].

«و از دستور اسرافکاران پیروی نکنید (۱۵۱) آنانی که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌ورزند».

این فساد است فراگیر و وسیع تا جایی که برخی از آگاهان می‌گویند: اکنون آلودگی می‌تواند بیش از جنگ‌هایی که در طول تاریخ رخ داده است باعث نابودی مردم شود. این آلودگی می‌تواند خوشبختی و آرامشی را که بشر در محیط طبیعی خدادادی از آن برخوردار است از وی بگیرد. آلودگی باعث از بین رفتن پاکی زمین و صفای خدادادی آن می‌گردد. در حالی که خداوند برای ما از آسمان آبی پاک و پاک‌کننده فرو فرستاده و زمین را برای ما به عنوان مسجد و پاکیزه گردانده است:

﴿وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا ۴۸﴾ لِيُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَّيِّتًا وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَمًا
وَأَنْاسٍ كَثِيرًا ﴿۴۹﴾ وَلَقَدْ صَرَّفْنَاهُ بَيْنَهُمْ لِيَذَّكَّرُوا فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا ﴿۵۰﴾

[الفرقان: ۴۸-۵۰].

«...از آسمان آبی پاک فرود آوردیم (۴۸) تا به وسیله آن سرزمینی پژمرده را زنده گردانیم و آن را به آنچه خلق کرده‌ایم از دام‌ها و انسان‌های بسیار بنوشانیم (۴۹) و قطعاً

آن [پند] را میان آنان گوناگون ساختیم تا توجه پیدا کنند و [لی] بیشتر مردم جز ناسپاسی نخواهند شد.

کم‌بارانی و خشکی در برخی سرزمین‌ها و در مقابل آن، سیل و طغیان رودخانه‌ها در سرزمین‌های دیگر و گسترش خشکی‌ها و صحراها و تغییرات سریع آب و هوایی و درجه‌ی حرارت و از بین رفتن برخی از حیوانات و گیاهان و ازدیاد برخی دیگر از آن‌ها و گسترش گازهای سمی، همه‌ی این‌ها به سبب کارهای بنی‌آدم و گناهان و اشتباهات و زیاده‌روی‌ها و اسراف‌ی است که از آن‌ها سر می‌زند.

بلکه می‌توان ملاحظه نمود که بسیاری از بیماری‌هایی که در تاریخ بشر سابقه نداشته‌اند به شدت گسترش یافته به ویژه بیماری‌های لاعلاج و سخت و معلولیت‌ها و نازایی و بیماری‌های واگیر دیگر و حتی این بیماری‌های به جنین‌ها نیز کشیده شده است و آثار مخرب آن به طور ژنتیکی به دیگر نسل‌ها نیز منتقل خواهد شد.

﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ [الروم: ۴۱].

«به سبب آنچه دست‌های مردم فراهم آورده فساد در خشکی و دریا نمودار شده است تا [سزای] بعضی از آنچه را که کرده‌اند به آنان بچشانند باشد که بازگردند».

﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ﴾ [الشوری: ۳۰].
«و هر [گونه] مصیبتی به شما برسد به سبب دستاورد خود شماست و [الله] از بسیاری در می‌گذرد».

ای بندگان خداوند:

انسان، هنگامی که از ایمان و اخلاق دست می‌کشد تبدیل به حیوانی درنده و ستمگر خواهد شد:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغَيْتُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ﴾ [یونس: ۲۳].

«ای مردم سرکشی شما فقط به زیان خود شماست».

﴿نَسُوا اللَّهَ فَنَسَتْهُمُ أَنْفُسُهُمْ﴾ [الحشر: ۱۹].

«الله را فراموش کردند و الله نیز آن‌ها را دچار خودفراموشی کرد».

این ایمان به خداوند و آخرت است که باعث می‌شود انسان دارای اخلاقی ضابطه‌مند گردد و هر چه یک بنده به پروردگارش نزدیک‌تر شود به همان اندازه نیز به حق و سلامتی و امنیت و عافیت نزدیک‌تر خواهد شد زیرا انسان مسئول زمین و مسئول محافظت از آن و اصلاح آن قرار داده شده است و آن هنگام که زمین سنگینی‌های خود را بیرون ریزد و اخبار خود را باز گوید آن هنگام است که:

﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ﴿٧﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ﴿٨﴾﴾

[الزلزلة: ۷-۸].

«هرکه هم‌وزن ذره‌ای نیکی کند [نتیجه] آن را خواهد دید (۷) و هرکه هم‌وزن ذره‌ای بدی کند [نتیجه] آن را خواهد دید».

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم:

﴿أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهْدًا ﴿٦﴾ وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا ﴿٧﴾ وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا ﴿٨﴾ وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا ﴿٩﴾ وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِيَاسًا ﴿١٠﴾ وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا ﴿١١﴾ وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا ﴿١٢﴾ وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا ﴿١٣﴾ وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً مُّجَبَّبًا ﴿١٤﴾ لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا ﴿١٥﴾ وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا ﴿١٦﴾﴾ [النبا: ۶-۱۶].

«آیا زمین را گهواره‌ای نگردانیدیم (۶) و کوه‌ها را [چون] میخ‌هایی [نگذاشتیم] (۷) و شما را جفت آفریدیم (۸) و خواب شما را [مایه] آسایش گردانیدیم (۹) و شب را [برای شما] پوششی قرار دادیم (۱۰) و روز را [برای] معاش [شما] نهادیم (۱۱) و بر فراز شما هفت [آسمان] استوار بنا کردیم (۱۲) و چراغی فروزان گذاردیم (۱۳) و از ابرهای متراکم آبی ریزان فرود آوردیم (۱۴) تا بدان دانه و گیاه برویانیم (۱۵) و باغ‌های در هم پیچیده و انبوه».

خداوند متعال من و شما را با قرآن بزرگ و سنت و راه و روش محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - سود رساند. این سخن خویش را گفته و برای خود و شما و دیگر

مسلمانان از خداوند متعال از هر گناه و خطایی آمرزش می‌خواهم پس از او آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله است، ستایش مخصوص اوست برای نعمت‌هایی که ارزانی داشته است و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله، او که واحد و بی‌شریک است و حکم در دنیا و آخرت و در زمین و آسمان از آن اوست و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد بنده‌ی الله و پیامبر او و بهترین و آخرین انبیا است. درود و سلام و برکات خداوند بر او و بر اهل بیت و یاران او باد و سلام بسیار خداوندی تا روز قیامت از آن او باد.

اما بعد:

همه‌ی این خطرهای فراگیر نیست مگر به سبب کارهای بنی آدم و لازم است که همه، حکومت‌ها و مردم، در برابر آن بایستند زیرا این معضلات، زندگی و زندگان و همه‌ی موجودات را به خطر انداخته است. خطری که حال و آینده‌ی بشریت و سلامتی وی را تهدید می‌کند.

از بزرگ‌ترین مسئولیت‌های حکومت‌ها و موسسه‌های مردمی و خصوصی حمایت از مردم و حمایت از محیط زیست است. لازم است که هدف حکومت‌ها و طرح‌های حکومتی و صنعت و تولید، انسان و زندگی وی و سعادت و سلامتی وی باشد و نه فقط پول و در آمد و سود و زیان.

باید در میان سلامتی و اقتصاد توازن و هماهنگی به وجود بیاید؛ جایز نیست که برای به دست آوردن ثروت، سلامتی و بهزیستی انسان‌ها به خطر افتد. لازم است به هدف پایین آوردن زیان‌ها و خطراتی که سلامتی و بهداشت را تهدید می‌کند و برای پایین آوردن تولید مواد آلوده کننده قوانین و دستور العمل‌های جدی و فوری در نظر گرفته شود.

بر رسانه‌ها و دستگاه‌های آموزشی لازم است در جهت آموزش و روشنگری و بیان خطرانی که انسان‌ها را در بر گرفته است و وسائل در امان ماندن از آن‌ها تلاش نمایند. همچنین باید که سران کشورها و اهل اقتصاد و کارخانه‌داران و تولیدکننده‌های محصولات کشاورزی و صنعتی - نظامی و غیر نظامی - تقوای خداوند را پیشه ساخته و از خودخواهی و حرص و طمع، و ترجیح منفعت شخصی بر منفعت بشریت و زندگی بشر و منفعت زمین و ساکنان آن دوری گزینند که با چنین وضعیتی گرچه آنان در اقتصاد و سیاست و جنگ و ویرانگری به غول‌هایی بزرگ می‌مانند اما در اخلاق و ارزش‌ها و مبادی کوتوله‌هایی بیش نیستند.

و پیش از آن و نه پس از آن باید که همگی به خداوند برگردیم و به او توکل کنیم و از سنت‌های وی غافل نمانیم که:

﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا﴾ [الإسراء: ۷].

«اگر نیکی کنید به خود نیکی کرده‌اید و اگر بدی کنید به خود [بد نموده‌اید].»

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا وَمَا رَبُّكَ بِظَلَمٍ لِّلْعَبِيدِ﴾ [فصلت: ۴۶].

«هر که کار شایسته کند به سود خود اوست و هر که بدی کند به زیان خود اوست و پروردگار تو به بندگان [خود] ستمکار نیست.»

و هر که ایمانش متزلزل گردید نخواهد توانست در استبداد و اسراف افسار شهوات خویش را به دست گیرد. پس ای بندگان خداوند تقوای او را پیشه سازید که هیچ علاجی وجود ندارد مگر با بازگشت به خداوند و احکام و آداب اسلام و اخلاق آن، آداب و اخلاقی که مصلحت بدن و روح و درون و خانواده و جامعه و همه‌ی بشریت را در خود دارد، زیرا که رحمت خداوند به نیکان نزدیک است و پیامبر ما نیز رحمتی است برای جهانیان و کتاب پروردگار ما هدایتی است برای همه‌ی مردم.

و در پایان درود و سلام فرستید بر رحمت هدایتگر و پیامبر رحمت بر جهانیان، پیامبرتان محمد که پروردگارتان شما را به آن امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴾ [الأحزاب: ۵۶].

خداوندا درود و سلام فرست بر بنده و پیامبرت محمد، آن حبیب مصطفی و آن نبی مجتبی و بر اهل بیت پاک وی و بر همسرانش مادران مومنان و راضی و خشنود باش از چهار خلیفه‌ی وی ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از همه‌ی صحابه و تابعین و کسانی که به نیکی تا قیامت از آنان پیروی نمایند و همچنین از ما با عفو و جود و کرم خویش راضی و خشنود باش ای گرامی‌ترین گرامیان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، و شرک و مشرکان را خوار گردان و حوزه‌ی دین را حفظ نما و بندگان مومن را یاری ده.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن بدار و مسئولان ما را اصلاح نما. خداوندا اولیای امر مسلمانان را در عمل به کتابت و سنت پیامبرت یاری ده و آنان را رحمتی برای بندگان مومن قرار ده و آنان را بر کلمه‌ی حق جمع بگردان.

خداوندا و برای اهل اسلام امر رشیدی را مقرر گردان که در آن اهل طاعت عزیز شوند و اهل معصیت به راه هدایت روند و در آن به معروف امر شود از منکر باز داشته شود که تو بر هر کاری توانایی.

خداوندا دین ما را که نگه دارنده‌ی امر ماست و دنیای ما را که محل زندگی ماست و آخرت ما را که بازگشت‌گاه ماست اصلاح نما و دنیا را برای ما زایده‌ی در هر خیر و مرگ را برای ما آسودگی از هر بدی قرار ده و عاقبت ما را در همه‌ی امور به خیر گردان و ما را از خواری دنیا و عذاب آخرت نجات ده.

خداوندا هر که را برای ما و برای سرزمین و دین و امنیت و علما و مسئولان و وحدت ما اراده‌ی بد دارد به خودش مشغول ساز و مکر وی را در نابودی‌اش قرار ده.

خداوندا صهیونیست‌های غاصب را نابود ساز که آنان قادر به ناتوان ساختن تو نیستند و بر آن‌ها عذاب خود را که از مجرمان برگشت پذیر نیست نازل ساز.

خداوندا ما را به سوی توبه و بازگشت توفیق ده و درهای قبول و استجابت را بر ما بگشای. خداوندا طاعات و دعای ما را بپذیر و کارهای ما را اصلاح نما و بدی‌های ما را بپوشان و بر ما توبه بپذیر و ما را مورد مغفرت و رحمت خویش قرار ده که تو مهربان‌ترین مهربانانی.

پاک است و بی‌عیب پروردگار تو آن پروردگار عزت از آنچه به دروغ وصفش می‌کنند و سلام بر پیامبران و الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

فضائل ام المومنین عایشه رضی الله عنها

خطیب: دکتر اسامه خیاط

مسجد الحرام: جمعه ۲۲ شوال ۱۴۳۱ برابر با ۹ مهرماه ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

حمد و سپاس از آن الله است که هدایتگر به سوی راه راست است. او را سپاس می‌گوییم و او را برای احسان ازلی و فضل فراگیرش ستایش می‌کنم؛ و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده و پیامبر او و امام متقیان و خاتم انبیا است. خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یاران نیک وی و همه‌ی رهروان راه آنان تا روز قیامت درود و سلام فرست.

اما بعد:

ای بندگان خداوند تقوای او را پیشه سازید و همیشه ایستادن در برابر او را برای حساب و کتاب به یاد داشته باشید:

﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ﴿٨٨﴾ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ﴿٨٩﴾﴾ [الشعراء: ۸۸-۸۹].

«آن روز که مال و فرزند سودی ندارد (۸۸) مگر کسی که قلبی سالم به نزد الله بیاورد».

ای مسلمانان:

نگاه داشتن نفس از آزار دیگران و دور داشتن آن از تجاوز به حقوق، اخلاقی است والا و منقبتی است عظیم برای آنانی که می‌دانند عاقبت آزار رساندن به مومنان گناهی است آشکار که صاحب آن باید تاوان و سنگینی آن را بر دوش کشیده و در روز محاسبه‌ی اعمال خواری و ذلت آن را تحمل کند. چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا

﴿الأحزاب: ۵۸﴾

«و کسانی که مردان و زنان مومن را به سبب کاری که نکرده‌اند آزار می‌رسانند در واقع تهمت و گناهی آشکار بر دوش گرفته‌اند».

و شکی در این نیست که یکی از بزرگ‌ترین انواع آزار رسانی علیه مردان و زنان مومن و از گناه‌بارترین آن‌ها آزار و اذیت کسی است که تیر زهرآگین تهمت را به سوی کسانی نشانه می‌رود که خداوند آنان را برگزیده و برای نصرت دین خود و یاری پیامبرش انتخاب کرده است؛ آن اهل بیت و یاران و زنان رسول خدا که مادران مومنانند که این آزار به صورت‌های مختلف و در دوران‌های گوناگون ادامه داشته است تا این که امروز به صورتی بسیار زشت و متجاوزانه سیرت عایشه صدیقه، دختر ابوبکر صدیق، مادر مومنان، محبوبه‌ی رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - را مورد هجوم قرار داده است و با قرار دادن عایشه صدیق به عنوان هدف این تیرهای زهرآگین آن هشدار نبوی را به فراموشی سپرده است؛ هشدار که در توسط ام سلمه چنین روایت شده است که هنگامی که ام سلمه رضی الله عنها خطاب به رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - گفت: «مردم هدایای خود را روزی که نزد عایشه - رضی الله عنها - هستی به خدمت شما می‌آورند؛ به آن‌ها دستور ده که هر جا که هستی برای هدایای خود را تقدیم کنند» پس رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود: «مرا در مورد عایشه آزار مده که به

خدا سوگند در حالی که در بستر هیچ یک از شما بودم وحی بر من نازل نشده است مگر در بستر عایشه».

چگونه آزار رساندن به وی آزار رساندن به رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - به حساب نمی‌آید در حالی که او محبوب‌ترین انسان‌ها نزد وی بود؟ چنانکه در حدیثی که بخاری و مسلم در صحیح خود از عمرو بن عاص - رضی الله عنه - روایت کرده‌اند آمده است که وی از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - پرسید: کدام یک از مردم نزد شما محبوب‌ترند ای رسول خدا؟ فرمود: «عایشه» گفت: پس از او چه کسی؟ فرمود: «پدرش». و این فضل و شرف بزرگ برای آن صدیقه کافی است.

و او کسی است که خداوند متعال وی را به عنوان همسری برای پیامبرش انتخاب نموده است چنانکه در حدیثی که بخاری و مسلم در صحیح خود از عایشه - رضی الله عنها - روایت نموده‌اند ایشان فرمودند: «سه شب در خواب، تو را دیدم که فرشته‌ای تو را در تکه‌ای از حریر آورد و گفت: این همسر توست، پس پارچه را از چهره‌ات کنار زد و ناگهان دیدم که تو هستی و با خود گفتم: اگر این رویا از خداوند باشد آن را عملی خواهد ساخت» و بی‌شک رویای پیامبران نوعی وحی است.

ایشان همسر رسول خدا در دنیا و آخرتند چنانکه در حدیثی که ترمذی آن را در جامع خود با سند «جید» از عایشه - رضی الله عنها - روایت نموده است آمده که جبرئیل تصویر وی - یعنی ام المومنین عایشه - را در خرقه‌ای از حریر سبز به نزد رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - آورد و گفت: این همسر تو در دنیا و آخرت است.

و در مستدرک حاکم با سند صحیح از وی - رضی الله عنها - روایت است که وی خطاب به رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - گفت: «ای رسول خداوند! کدام یک از همسرانت در بهشت‌اند؟» وی فرمود: «تو یکی از آن‌هایی».

و رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - وی را از سلام جبرئیل با خبر ساخت؛ در حدیثی که بخاری و مسلم در صحیح خویش از عایشه - رضی الله عنها - روایت نموده‌اند وی گفت: رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود: «ای عایشه! این جبرئیل است و

به تو سلام می‌گویند» عایشه گفت: وعلیه السلام ورحمة الله. تو چیزی می‌بینی که ما نمی‌بینیم ای رسول خدا؟

و به سبب کمال محبت رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - نسبت به عایشه صدیقه و منزلت والایی که وی از آن برخوردار بود وی را از لذت‌های مباحی که دوست داشت بهره‌مند می‌ساخت. در صحیحین از عایشه رضی الله عنها - روایت شده است که وی فرمود: «به یاد می‌آورم که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - در کنار در حجره‌ی من ایستاده بود و حبشی‌ها در مسجد با نیزه بازی می‌کردند و او - صلی الله علیه وآله وسلم - من را با ردای خود پوشانده بود تا به بازی آنان نگاه بیندازم و آن قدر می‌ایستاد تا من خسته شوم». و در روایت نسائی آمده است که ایشان فرمودند: «من به نگاه کردن آنان علاقه‌ای نداشتم بلکه دوست داشتم دیگر زنان از مکانت من نزد او و مکانت او نزد من آگاه شوند».

همچنین از جمله برکات وی بر امت این است که وی - رضی الله عنها - سبب نزول آیه‌ی تیمم گردید؛ در صحیحین بخاری و مسلم از وی روایت است که گفت:

«به همراه رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - در یکی از سفرهایش خارج شدیم تا اینکه به «بیداء» یا «ذات الجیش» رسیدیم گردن‌بند من پاره شد [و گم شد]. پس رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - برای پیدا کردن آن ایستاد و مردم نیز توقف کردند در حالی که در محلی که توقف کرده بودند آب وجود نداشت. پس مردم به نزد ابوبکر آمدند و گفتند: می‌بینی عایشه چه کرده است؟ در حالی که مردم در کنار آب نیستند و آب هم به همراه ندارند رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - را نگه داشته است». عایشه می‌گوید: «پس ابوبکر مرا مورد عتاب قرار داد و [در این حال] با دستش به کمرم می‌زد و من تنها به خاطر حالت رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - [که سرش را بر روی زانوی من گذارده بود و خوابیده بود] حرکت نمی‌کردم، تا آنکه رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - آن شب را بدون آب به صبح رساند و خداوند متعال آیه‌ی تیمم را نازل نمود. پس اسید بن حضیر گفت: این اولین برکت شما نیست ای آل ابوبکر! عایشه

می‌گوید: پس شتری را که من بر آن سوار بودم حرکت دادیم و گردن بند را زیر آن یافتیم.

در روایت امام احمد در مسند وی آمده است که عایشه - رضی الله عنها - فرمود: «هنگامی که از سوی خداوند متعال برای مسلمانان رخصت [تیمم] نازل شد پدرم به من گفت: ای دختر عزیزم به خدا قسم که نمی‌دانستم که تو اینگونه بابرکتی و خداوند با ننگه داشتن مسلمانان توسط تو چه برکت و آسانی برای آنان نازل نمود!».

بانو عایشه - رضی الله عنها - در احسان به خلق و نیکی به آنان نمونه و والا بود. عروه بن زبیر روایت می‌کند که معاویه - رضی الله عنه - یک بار به سوی ام المومنین - رضی الله عنها - صد هزار درهم فرستاد، پس به خدا سوگند که آن پول را دست نزد تا آنکه همه‌ی آن را به این سو و آن سو بخشش نمود، پس خدمتکار وی گفت: کاش با این برای ما یک درهم گوشت می‌خریدی، عایشه رضی الله عنها - در پاسخ وی گفت: نمی‌شد پیش از این به من بگویی؟

همچنین از عطاء بن رباح - رحمه الله - رویت است که معاویه - رضی الله عنه - برای وی گردن بندی به قیمت صد هزار [درهم] فرستاد پس وی آن را میان همسران پیامبر تقسیم کرد.

اما با وجود همه‌ی این فضیلت‌ها، وی از ثنا و مدح دیگران می‌ترسید و خود را از آن دور می‌داشت. بخاری در صحیح خود روایت کرده است که ابن عباس - رضی الله عنهما - در حالی که عایشه - رضی الله عنها - در بیماری مرگ بود از وی اجازه‌ی ورود خواست، پس عایشه گفت: می‌ترسم که ثنای من را بگویند، به وی گفته شد: وی پسرعموی رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - و از بزرگان مسلمین است. عایشه گفت: به وی اجازه دهید. پس ابن عباس به وی گفت: خود را چگونه می‌بینی؟ گفت: به خیرم اگر تقوا پیشه سازم. ابن عباس گفت: تو ان شاء الله بر خیر هستی؛ همسر رسول خدایی که جز تو با هیچ دختر باکره‌ای ازدواج نکرد و پاکی و برائت از آسمان نازل گردید... پس هنگامی که ابن زبیر به نزد عایشه - رضی الله عنها - آمد به وی گفت: "ابن

عباس به نزد آمد و ثنا و تمجید من را گفت در حالی که دوست داشتم ای کاش فراموش شده بودم [و کسی من را نمی‌شناخت].»

همچنین از جمله برکاتی که خداوند در زندگی وی قرار داده است این علم فراوانی است که از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت نموده و این فقهی است که مردم از وی فرا گرفتند و همچنین فضائل بی‌شمار دیگری است که خود وی روایت نموده و فرموده است: «رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - در خانه‌ی من و در شب و روزی که نوبت من بود و در حالی که سر بر سینه‌ی من داشت وفات نمودند.»

عایشه - رضی الله عنها - می‌گوید: «در بیماری وفات آن حضرت عبدالرحمن بن ابوبکر بر وی وارد شد در حالی که مسواک تازه‌ای در دست داشت پس رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - به وی نظر انداخت تا آنکه گمان کردم آن را می‌خواهد، پس آن مسواک را گرفتم و آن را با دندان نرم و مرطوب کردم و به او دادم پس با آن چنان خوب مسواک کرد که تا آن هنگام ندیده بودم، سپس خواست آن را به سوی من بلند کند و به دست من بدهد اما از دستش افتاد، سپس من همان دعایی را خواندم که جبرئیل برای او دعا می‌کرد و او در هنگام بیماری آن را می‌خواند اما در آن بیماری آن دعا را نخوانده بود. سپس رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - نگاهش را به آسمان دوخت و گفت: «در کنار رفیق بلند جایگاه» و جان به جان آفرین تسلیم کرد. پس سپاس خداوندی را که در آخرین روز زندگی وی، آب دهان من و او را یکجا کرد (یعنی بر روی مسواکی که رسول الله با آن مسواک زد)» [به روایت امام احمد با سند صحیح].

همه‌ی این‌ها منقبت‌ها و فضیلت‌هایی است بس بزرگ که شایسته است میان مسلمانان منتشر شود تا بدین ترتیب حق ام‌المومنین ادا شده و به دفاع از وی برخوایسته شود و تا آنکه هشدار باشد از آزار دادن رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - در مورد عایشه رضی الله عنها - که خداوند سبحان همه‌ی کسانی را که چنین گناه بزرگی را مرتکب شده باشند به شدت هشدار و وعید داده و فرموده است:

﴿وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنٌ خَيْرٌ لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ
لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٦١﴾﴾
[التوبة: ٦١].

«و از جمله‌ی آنان کسانی هستند که پیامبر را آزار می‌دهند و می‌گویند او زودباور است بگو [او] گوش خوبی برای شماست به الله ایمان دارد و [سخن] مؤمنان را باور می‌کند و برای کسانی از شما که ایمان آورده‌اند رحمتی است و کسانی که پیامبر خدا را آزار می‌رسانند عذابی پر درد [در پیش] خواهند داشت.»
خداوند متعال من و شما را با رهنمون‌های قرآن و سنت پیامبرش سود رساند، این سخن خویش را گفته و برای خود و شما و همه‌ی مسلمانان از خداوند بزرگ آمرزش می‌خواهم که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

حمد و سپاس از آن الله است، او را ستایش گفته و از او یاری جسته و از بدی‌های نفس خویش و کارهای ناشایستمان به او پناه می‌بریم. الله هرکه را هدایت کند او گمراه‌گری نخواهد داشت و هرکه را گمراه سازد وی هدایتگری نخواهد یافت و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد است و بی‌شریک و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر اوست. خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و همه‌ی یارانش درود و سلام فرست.
اما بعد ای بندگان خداوند:

از جمله حقوقی که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - بر گردن امتش دارد بزرگداشت و احترام و دوست داشتن همه‌ی کسانی است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - آن‌ها را گرامی داشته و دوست می‌داشته است زیرا وی که درود خداوند بر وی باد دوست نمی‌دارد مگر پاکان را چنانکه ابن عباس رضی الله عنهما - در بیماری وفات ام المومنین عایشه - رضی الله عنها - خطاب به وی گفت: «تو محبوب‌ترین

همسران رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - بودی و او جز پاکان کسی را دوست نمی‌داشت؛ گردن‌بندت در شب ابواء گم شد و رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - برای پیدا شدن آن، شب را در آنجا ماند و مردم بدون آب شب را به صبح رساندند پس خداوند آیه‌ی تیمم را نازل نمود و این‌ها و رخصتی که خداوند نازل نمود همه به سبب تو بود و سپس خداوند برائت تو را از بالای هفت آسمان نازل نمود تا جایی که هیچ مسجدی از مساجد خداوند که یاد الله در آن می‌شود نیست مگر آنکه برائت تو شب‌ها و روزها در آن تلاوت می‌شود». پس عایشه - رضی الله عنها - گفت: «مرا رها کن ای ابن عباس که به خدا سوگند دوست داشتم که به فراموشی سپرده می‌شدم» [به روایت بخاری در صحیح].

و ما نیز همان سخنی را می‌گوییم که «أَسَيْدُ بْنُ حُضَيْرٍ» - رضی الله عنه - خطاب به ام المومنین گفت که: «خداوند به تو جزای خیر دهد که به خدا سوگند هیچ چیزی که تو آن را بد می‌دانی بر تو نیامد مگر آنکه برای تو در آن خیری بود».

و از جمله خیری که در این بی‌حرمتی اخیر به ساحت آن حضرت به وجود آمد می‌توان به همین خشمی اشاره نمود که در پی آن حادثه به وجود آمد و هم‌صدایی و همکاری برای یاری رساندن به وی و دفاع از ساحت آن حضرت و اشاعه‌ی فضایل وی و بیان مناقب وی و بررسی میراث فقهی آن حضرت و انتشار علوم او را در پی داشت که همه‌ی این خیرها قابل شمارش نیست.

پس ای بندگان خداوند تقوای او را پیشه سازید و قدر و منزلت آن صدیقه‌ی طاهره، دختر صدیق، محبوب رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - را بدانید و حق وی و دیگر امهات مومنین و دیگر اهل بیت و یاران وی را پاس بدارید تا نزد پروردگارتان بهشت‌های پر نعمت را به دست آورید.

و همیشه به یاد داشته باشید که خداوند متعال شما را به درود و سلام بر خاتم پیامبران امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد درود و سلام فرست و راضی و خشنود باش از چهار خلیفه‌ی وی ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر اهل بیت و یاران وی و از تابعین و همه‌ی کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند و همچنین از ما با فضل و کرم خویش راضی باش ای بهترین بخشنندگان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و حوزه‌ی دین را حفظ نما و دشمنان دین و دیگر طاغیان و مفسدان را نابود ساز و میان قلب مسلمانان الفت ایجاد کن و صف آنان را یکی گردان و رهبران‌شان را اصلاح نما و کلمه‌ی آنان را بر حق یکی گردان ای پروردگار جهانیان.

خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - و بندگان مومن مجاهد صادق را یاری ده. خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان ما را اصلاح نما.

خداوندا عاقبت ما را در همه‌ی امور به خیر گردان و ما را از خواری دنیا و عذاب آخرت نجات ده.

خداوندا ما را از دشمنان خود و دشمنانمان به هر صورت که صلاح می‌دانی حفظ نما. خداوندا ما از شر آن‌ها به تو پناه می‌بریم.

خداوندا دین ما را که نگهدارنده‌ی امر ماست و دنیای ما را که محل زندگی ماست و آخرت ما را که بازگشت‌گاه ماست اصلاح نما و زندگی را برای ما عامل زیادی در خوبی‌ها و مرگ را سبب راحتی از هر بدی بگردان.

خداوندا ما از زوال نعمت و از تغییر عافیت و از غافل‌گیری خشم و از همه‌ی عوامل خشم به تو پناه می‌بریم.

خداوندا ما از تو انجام نیکی‌ها و ترک بدی‌ها و دوست داشتن مستمندان را مسئلت داریم و از تو می‌خواهم که ما را مورد مغفرت و رحمت خویش قرار دهی و اگر برای گروهی اراده‌ی فتنه کردی ما را بی‌آنکه دچار فتنه شویم به سوی خود بازگردان. خداوندا بیماران ما را شفا ده و مرده‌گان ما را بیا مرز.

﴿رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ [الأعراف: ۲۳].
 «پروردگارا ما به خود ستم نمودیم و اگر تو ما را مورد مغفرت و رحمت خویش قرار ندهی بی‌تردید از جمله‌ی زیانکاران خواهیم بود».

﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ [البقرة: ۲۰۱].
 «پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از عذاب آتش جهنم دور بدار».
 و درود و سلام خداوند بر پیامبرمان محمد و بر اهل بیت و یاران وی باد.

عنوان خطبه:

توحید و فضیلت آن

خطیب: دکتر عبدالمحسن القاسم

مسجد نبوی شریف: جمعه ۲۹ شوال ۱۴۳۱ برابر با ۱۶ مهر ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است؛ او را حمد گفته و از او یاری جسته و از بدی‌های خویش و اعمال ناشایستمان به الله پناه می‌بریم. الله هرکه را هدایت کند او گمراهگری نخواهد داشت و هرکه را گمراه سازد وی هدایتگری نخواهد یافت و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر اوست. درود و سلام خداوند بر او و بر اهل بیت و یاران وی باد.

اما بعد:

ای بندگان الله، تقوای او را آنگونه که شایسته‌ی اوست پیشه سازید و به ریسمان محکم اسلام چنگ زنید.

ای مسلمانان:

خداوند متعال بندگان را آفرید و آنچه را در آسمان‌ها و زمین است به تسخیر آنان در آورد و نعمت‌های آشکار و پنهان خویش را بر آنها کامل گرداند تا تنها او را عبادت کنند. انسان‌ها نیز قرن‌ها موحدانه خداوند را عبادت کردند تا اینکه شیطان پرستش بت‌ها را برای برخی از بندگان زیبا جلوه داد و آنان رو به عبادت بت‌ها آوردند. سپس خداوند متعال پیامبران را فرستاد و به همراه آنان کتاب‌های خویش را نازل کرد تا مردم به عبادت خدای یگانه روی آورند و از مهربانی خود، فطرت بندگانش را نیز موافق بندگی و توحید قرار داد زیرا هر نوزادی براساس فطرت خداوندی یعنی توحید وی سرشته شده است، و این که تنها وی معبود حقیقی است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿فَطَرَتَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾ [الروم: ۳۰].

«... فطرتی که الله مردم را بر آن سرشته است...».

شیطان سعی در فاسد نمودن فطرت مردم دارد تا آنان را از خشنودی پروردگارشان و از لذت ابدی در بهشت‌های پر نعمت محروم سازد. رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «خداوند عزوجل فرموده است: من همه‌ی بندگانم را به دور از شرک آفریدم و شیاطین به نزد آنها آمده و آنها را از دین‌شان دور ساخته و با خود بردند و چیزهایی را که بر آنها حلال گردانده بودم حرام ساختند و به آنان دستور دادند که به من چیزی را شریک سازند که برای آن دلیلی نازل نساخته بودم» [به روایت امام مسلم].

ابلیس مردم را به سوی افتادن در بزرگ‌ترین گناهی که ممکن است در حق خداوند انجام شود دعوت می‌کند. از رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - پرسیده شد که کدامین گناه بزرگ‌تر است؟ فرمود: «اینکه برای الله شریک و همتایی قرار دهی در حالی که او تو را آفریده است» [متفق علیه].

و بسیاری از مردم به عبادت غیر خدا پرداختند چنانکه خداوند متعال خود فرموده است:

﴿وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ [هود: ۱۷].

«ولی بیشتر مردم ایمان نمی‌آورند».

از آثار وخیم بی‌ایمانی این است که انسان بی‌ایمان، هر کاری را - هر چند که نیک باشد - انجام دهد به دلیل نداشتن اصل دین که همان ایمان است هیچ پاداشی به او داده نخواهد شد. ام المومنین عایشه - رضی الله عنها - خطاب به رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - گفت: ای رسول خداوند! ابن جُدعان در جاهلیت صله‌ی رحِم می‌نمود و به مستمندان غذا می‌داد؛ آیا این به او سودی خواهد رساند؟ رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود: «این کار هیچ سودی برای او نخواهد داشت زیرا او روزی نگفت که پروردگارا گناه مرا در روز قیامت مورد آمرزش قرار ده» [به روایت مسلم].

و این گناه بزرگ - یعنی شرک - سببی است برای خشم خداوند و گرفتار شدن صاحبش در ذلت و بدبختی. خداوند عزوجل فرموده است:

﴿إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَذَلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾

[الأعراف: ۱۵۲].

«آری کسانی که گوساله را [به پرستش] گرفتند به زودی خشمی از پروردگارشان و ذلتی در زندگی دنیا به ایشان خواهد رسید».

و صاحب آن همیشه در غم‌ها و غصه‌ها و نا آرامی‌ها دست و پا خواهد زد. خداوند متعال چنین می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ، يُجْعَلْ صَدْرُهُ ضَيْقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاءِ﴾ [الأنعام: ۱۲۵].

«و [الله] هر که را بخواهد گمراه کند دلش را سخت تنگ می‌گرداند چنانکه گویی به زحمت در آسمان بالا می‌رود».

و خداوند او را از ورود به بهشت باز خواهد داشت و برای ابد در آتش باقی خواهد

گذاشت:

﴿إِنَّهُ مَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ﴾ [المائدة: ۷۲].

«همانا کسی که به الله شرک بیاورد الله بهشت را بر او حرام کرده و جایگاه وی آتش است.»

برای اینکه بندگان در تله‌ی شیطان گرفتار نشوند و پروردگار خود را خشمگین نسازند و تا اینکه برای ابد در آتش جهنم ماندگار نشوند، خداوند متعال برای هر امتی پیامبری فرستاد تا آنان را از دعوت ابلیس بر حذر بدارد و به پرستش پروردگار فراخواند، و کتاب‌هایی از سوی خویش نازل نمود، و همچنین در بسیاری از آیات قرآن به سوی پرستش خداوند امر نمود و همه‌ی آیات قرآن دال بر توحید است، چنانکه اولین دستوری که در قرآن آمده است این است که:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ﴾ [البقرة: ۲۱].

«ای مردم پروردگارتان را عبادت کنید.»

یعنی: تنها وی را مورد عبادت قرار دهید، و همچنین اولین نهی که در قرآن وارد شده است نهی از شرک است:

﴿فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۲۲].

«پس در حالی که می‌دانید برای الله شریکانی قرار ندهید.»

و بزرگ‌ترین سوره در کتاب خدا سوره‌ای است که شامل بحث توحید است یعنی سوره‌ی اخلاص و بزرگ‌ترین آیه‌ی قرآن آیه‌ای است که وحدانیت خداوند را تقریر نموده است که آیه‌ی الکرسی است، و رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - به مدت ده سال در مکه تنها به توحید دعوت می‌داد و به چیز دیگری نمی‌پرداخت، سپس شرایع دین یکی پس از دیگری بر وی نازل گردید و پس از آن به همراه توحید به شریعت نیز می‌پرداخت، و از جمله سنت‌های رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - این بود که هر صبحگاه و شامگاه این دعا را می‌خواند:

[به روایت امام

احمد].

یعنی: «بر فطرت اسلام و بر کلمه‌ی اخلاص و بر دین پیامبران محمد و بر امت پدرمان ابراهیم که حنیف بود و مسلمان و از مشرکان نبود، صبح نمودیم». همچنین روز خود را با توحید آغاز می‌نمود و در دو رکعت قبله‌ی صبح سوره کافرون و اخلاص را قرائت می‌کرد و روز خود را نیز با توحید به پایان می‌رساند و در دو رکعت نماز وتر که آخرین نمازی است که در روز خوانده می‌شود سوره‌های کافرون و اخلاص را می‌خواند. وی امت خویش را نیز به توحید سفارش نموده است. روزی یک اعرابی به نزد او آمد و گفت: مرا به کاری راهنمایی کن که اگر آن را انجام دهم به بهشت وارد شوم. پس رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود: «خداوند را عبادت می‌کنی و با او چیزی را شریک نمی‌گردانی و نمازهای فرض را به جا می‌آوری و زکات واجب را ادا می‌کنی و رمضان را روزه می‌گیری» [متفق علیه].

وی یارانش را امر می‌کرد که بر بندگی خداوند به یگانگی با وی بیعت کنند. عوف بن مالک - رضی الله عنه - می‌گوید: ما نزد رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - بودیم پس وی گفت: «آیا با رسول خدا بیعت نمی‌کنید؟» گفتیم: بر چه چیزی با تو بیعت کنیم؟ فرمود: «بر این که الله را عبادت کنید و با او چیزی را شریک نگردانید و بر نمازهای پنجگانه...» [به روایت مسلم].

هنگامی که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - دعوتگران خویش را به سوی دیگر سرزمین‌ها می‌فرستاد به آنان امر می‌کرد که نخست از دعوت به توحید شروع کنند. وی معاذ را به سوی یمن فرستاد و به او گفت: «تو به نزد قومی از اهل کتاب خواهی رفت پس نخستین چیزی که آنان را به سوی آن فرا می‌خوانی گواهی دادن به این باشد که معبودی به حق جز الله نیست و محمد پیامبران خدا است» [متفق علیه].

و هنگامی که فرستاده‌هایی از شهرهای دیگر به نزد او می‌آمدند نخست توحید را به آنان یاد می‌داد. یک بار فرستاده‌های عبدالقیس به نزد او آمدند پس به آنان گفت: «آیا می‌دانید ایمان به خداوند به یگانگی چیست؟» گفتند: الله و رسول وی داناترند. فرمود: «گواهی دادن به این که معبودی به حق نیست جز الله و اینکه محمد، فرستاده‌ی الله است..» [به روایت بخاری].

پیامبران نیز از اینکه فرزندانشان به پیروی از شیطان به عبادت بت‌ها پردازند می‌ترسیدند. قرآن دعای خلیل الله، ابراهیم - علیه السلام - را چنین نقل می‌کند که فرمود:

﴿وَأَجُنَّبِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ﴾ [ابراهیم: ۳۵].

«و من و فرزندانم را از عبادت بت‌ها دور بدار».

و رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - نیز از آن بر امت خویش بیم داشت و فرمود: «بیشترین چیزی که از آن بر امت خویش بیم دارم شرک کوچک است» پرسیده شد: شرک کوچک چیست؟ فرمود: «ریا کاری» [به روایت احمد].

توحید حقی است که خداوند بر گردن بندگان خویش دارد. رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - خطاب به معاذ فرمود: «ای معاذ! آیا می‌دانی حق خداوند بر بندگان چیست؟» گفت: خدا و رسول وی داناترند. فرمود: «حق خداوند بر بندگان این است که او را عبادت کنند و [در عبادت] برای او شریکی قائل نشوند» [متفق علیه].

توحید، بنده را به بهشت نزدیک کرده و از آتش جهنم دور می‌دارد. عربی بادیه نشین به نزد رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - آمد و گفت: ای رسول خداوند! مرا به کاری آگاه کن که مرا به بهشت نزدیک کرده و از آتش دوزخ دور بدارد. رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - نگاهی به یارانش انداخت و سپس گفت: «او توفیق داده شد - یا اینکه هدایت شد» پس به آن اعرابی گفت: «چه گفتی؟» او نیز سوال خود را دوباره تکرار کرد. پس رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - فرمود: «خداوند را عبادت می‌کنی و چیزی را [در عبادت وی] شریک نمی‌آوری و نماز را برپا می‌داری و زکات را می‌دهی و پیوند خویشاوندی را حفظ می‌کنی» [متفق علیه].

و هیچ سعادتتی در دنیا و آخرت، بدون توحید وجود نخواهد داشت. رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - خطاب به قومش فرمود: «بگویند «لا إله إلا الله» تا رستگار شوید» [به روایت امام احمد].

و هرکه خاتمه‌اش با آن باشد وارد بهشت خواهد شد. پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - می‌فرماید: «هرکه آخرین سخنش در هنگام مرگ «لا إله إلا الله» باشد وارد بهشت خواهد شد» [به روایت مسلم].

و هرکه بر آن بمیرد به بهشت وارد شده و از آتش جهنم نجات می‌یابد. رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - می‌فرماید: «هرکه در حالی به ملاقات خداوند برود که چیزی به او شرک نمی‌آورد، وارد بهشت خواهد شد و هرکه در حال شرک به دیدار خداوند برود به آتش وارد می‌شود» [به روایت مسلم].

کارهای نیک انسان‌های موحد به اندازه‌ی تفاوت ایمان و اخلاصی که در قلب دارند از نظر درجه و ارزش نیز متفاوت است و بهترین چیزی که یک مسلمان از آن برخوردار است توحید پروردگار است و مهم‌ترین چیزی که بر عهده‌ی انسان مسلمان است حفظ کردن توحید از نابودی و یا نقص می‌باشد. امام ابن قیم - رحمه الله - می‌گوید: «توحید لطیف‌ترین و پاک‌ترین و صاف‌ترین چیزهاست. برای این است که کم‌ترین چیزی به آن خدشه وارد ساخته و آن را چرکین نموده و در آن تاثیر می‌کند. آن به مانند لباسی سفید است که کوچک‌ترین اثری بر آن می‌ماند و به مانند آینه‌ی صاف و پاکی است که کم‌ترین چیز بر آن اثر می‌گذارد».

و خداوند متعال به سوی پیامبرانش وحی نمود که اگر از آنان شرکی سر بزنند همه‌ی کارهای نیکشان باطل خواهد شد، پس چه برسد به دیگر مردم؟ خداوند متعال فرموده است:

﴿وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكَ لَئِن أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ

الْخَاسِرِينَ ﴿۱۶﴾ [الزمر: ۶۵].

«و بدون شک به سوی تو و به سوی کسانی که پیش از تو بودند چنین وحی شده است که اگر شرک بورزی کارت ساقط شده و بی‌تردید از زیانکاران خواهی بود».

برای همین، ابراهیم خلیل از شرک هراس داشت و در حالی که کعبه را بنا می‌کرد از خداوند چنین خواست:

﴿وَأَجْنِبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ﴾ [ابراهیم: ۳۵].

«و من و فرزندان مرا از پرستش بت‌ها دور نگه دار».

اگر ابراهیم بت شکن از شرک هراس دارد شایسته است دیگران بیشتر از شرک در هراس باشند.

آموزش اساس دین به فرزندان، و پرسیدن در مورد آن، روش پیامبران است. یعقوب - علیه السلام - در حالی که در بستر مرگ بود در مورد توحید از فرزندان خود سوال کرد:

﴿أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾ [البقرة: ۱۳۳].

«آیا هنگامی که مرگ یعقوب فرا رسید حاضر بودید هنگامی که به پسران خود گفت پس از من چه را خواهید پرستید؟ گفتند معبود تو و معبود پدرانت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق، معبودی یگانه را می‌پرستیم و در برابر او تسلیم هستیم».

و پیامبر ما - صلی الله علیه وآله وسلم - از دخترکی خردسال پرسید که: «خداوند کجاست؟» او گفت: در آسمان [به روایت مسلم].

مطالعه و مدارسه‌ی کتاب‌های اعتقادی صحیح و هم‌نشینی با اهل علم از جمله اسباب ثبات بر دین است. رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «در میان شما چیزی باقی گذاشته‌ام که اگر به آن تمسک جویند هرگز گمراه نمی‌شوید: کتاب خداوند و سنت من» [به روایت مسلم].

همچنین دعا برای ثبات و پایداری بر دین، راه و روش پیامبران است. یوسف - علیه السلام - در دعای خویش می‌فرماید:

﴿تَوَقَّيْ مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ﴾ [یوسف: ۱۰۱].

«مرا در حال اسلام بمیران و به صالحان ملحق ساز.»

بزرگداشت توحید و درک اهمیت آن و دوری از شبهات از اسباب هدایت است.

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم:

﴿فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ

مُتَقَلِّبَكُمُ وَمَثَوْلَكُمْ﴾ [محمد: ۱۹].

«پس بدان که هیچ معبودی به حق نیست جز الله و برای گناه خویش آمرزش بخواه و

برای مردان و زنان مومن [طلب مغفرت کن] و الله است که فرجام و عاقبت [هر یک از]

شما را می‌داند.»

خداوند برای من و شما در قرآن بزرگ برکت داده و با آیات و ذکر حکیم سود

رساند. آنچه را شنیدید گفته و برای خود و شما و همه‌ی مسلمانان از هر گناهی از

خداوند آمرزش می‌خواهم که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

خداوند را برای احسان وی ستایش می‌کنم و برای توفیق و متی که بر ما دارد شکر

می‌گویم و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است و

گواهی می‌دهم که پیامبر ما محمد، بنده و پیامبر اوست. درود و سلام بسیار خداوند بر او

و بر اهل بیت و یاران او باد.

ای مسلمانان:

توحید بزرگ‌ترین چیزی است که درون‌ها با آن پاک می‌گردد، اما این توحید محقق

نمی‌شود مگر با کفر ورزیدن به همه‌ی چیزهایی که به جز خداوند مورد پرستش قرار

می‌گیرند و این همان معنای شهادت است. رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم -

می‌فرماید: «هرکه «لا إله إلا الله» را بر زبان آورد و به همه‌ی چیزهایی که جز الله پرستش

می‌شوند کفر ورزد مال و خونس حرام گردیده و حسابش با خداوند خواهد بود» [به روایت مسلم].

هر که توحید را در وجود خود محقق سازد سختی‌ها و غم‌هایش برطرف شده و خشنودی پروردگارش را به دست خواهد آورد و اجرش نیز چند برابر خواهد شد و زندگی‌اش زیبا و خوش شده و گناهانش آمرزیده می‌شود و در پایان نیز بدون حساب و عذاب وارد بهشت خواهد گردید. و هیچ نعمتی برتر از نعمت دین و ثبات بر آن نیست.

سپس بدانید که خداوند شما را به درود و سلام بر پیامبرش امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿۵۶﴾ [الأحزاب: ۵۶].

خداوندا بر پیامبرت محمد درود و سلام و برکت ارزانی دار و خشنود باش از خلفای راشدین که به حق و عدل حکم می‌نمودند: ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر یاران پیامبرت و همچنین از ما با عفو و کرم خویش راضی باش ای گرامی‌ترین گرامیان. خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار گردان و دشمنان دین را نابود ساز و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امن و امان بدار.

خداوندا ما از تو توفیق محقق ساختن توحید را خواهانیم. خدایا ما به تو پناه می‌بریم از اینکه به تو چیزی را شریک بگردانیم در حالی که می‌دانیم و در مورد چیزهایی که نمی‌دانیم از تو آمرزش می‌خواهیم.

خدایا ما از تو توفیق و سعادت را در دنیا و آخرت خواهانیم. خداوندا فتنه‌های ظاهر و آشکار را از ما دور ساز. خداوندا ما و نسل‌های پس از ما را از پرستش بت‌ها دور بدار ای دارای جلال و بزرگواری.

خداوندا تویی آن الله که معبودی به حق نیست جز تو. تو بی‌نیازی و ما فقیرانیم. باران را بر ما بباران و ما را از نومیدان مگردان. خداوندا بر ما باران ارزانی دار. خداوندا بر ما باران ارزانی دار. خداوندا بر ما باران ارزانی دار.

﴿رَبَّنَا ءَاتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ ﴿البقرة: ۲۰۱﴾.

«پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از عذاب آتش دور بدار».
 خداوندا همه‌ی مسئولان مسلمان را برای عمل به کتاب و شریعتت موفق بگردان.
 بندگان خداوند «همانا الله به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان امر نموده و از
 فحشا و منکر و تجاوز باز می‌دارد. او شما را چنین پند می‌دهد باشد که یاد آور گردید»
 [النحل: ۹۰].

پس خداوند بزرگ را یاد کنید تا شما را یاد کند و او را برای نعمت‌هایش شکر گویند
 تا به شما افزون دهد و بی‌شک یاد الله بزرگ‌تر است و الله به آنچه می‌کنید آگاه است.

عنوان خطبه: سنت‌های شبانه‌روز

خطیب: دکتر صالح آل طالب

مسجد الحرام: جمعه ۷ ذوالقعدة ۱۴۳۱ برابر با ۲۳ مهر ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

ستایش مخصوص الله است، او را سپاس گفته و از او یاری جسته و از بدی‌های نفس
 خویش و کارهای ناشایستمان به او پناه می‌بریم. خداوند هرکه را هدایت کند او
 گمراه‌گری نخواهد داشت و هرکه را گمراه سازد او هدایت‌گری نخواهد یافت، و گواهی
 می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که
 محمد، بنده و پیامبر اوست، درود و سلام و برکات خداوند بر او و بر اهل بیت و یاران و
 تابعین و همه‌ی کسانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند.

اما بعد: بدانید که توصیه‌ی خداوند برای گذشتگان و آیندگان، تقوای اوست:

﴿وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ﴾ [النساء: ۱۳۱].

«و ما به کسانی که پیش از شما به آن‌ها کتاب داده شده و به شما توصیه نمودیم که از

الله پروا نمایید».

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧١﴾﴾ [الأحزاب: ۷۰-۷۱].

«ای کسانی که ایمان آوریده‌اید تقوای الله را پیشه سازید و سختی استوار گویند (۷۰) تا کارهای شما را اصلاح نموده و گناهان شما را بیامزد و هر که از الله و رسولش اطاعت نماید یقیناً پیروزی بزرگی به دست آورده است».

هر که پنهان خود را اصلاح سازد خداوند نیز ظاهر او را نیک ساخته و امورش را آسان ساخته و او را محبوب بندگان می‌گرداند، پس درون خود را اصلاح کنید که در صورت فاسد بودن درون، صلاح ظاهر انسان هیچ سودی نخواهد داشت.
ای مسلمانان:

مهم‌ترین چیزی که یک مسلمان در زندگی روزمره‌اش بدان می‌پردازد عمل به سنت رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - در گفتارها و کردارها و حرکات و سکناتش می‌باشد تا آنکه بتواند همه‌ی زندگی‌اش را - از صبح تا شب - براساس سنت رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - پایه ریزی نماید، آن هم در زمانه‌ای که مدعیان محبت پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - بسیار زیادند حال آنکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٣١﴾﴾ [آل عمران: ۳۱].

«[ای پیامبر به مردم بگو] اگر شما الله را دوست دارید پس از من پیروی کنید تا الله شما را دوست بدارد و گناهان شما را آمرزش نماید و همانا الله آمرزنده‌ی مهربان است».
جایگاه و منزلت مسلمان در واقع با پیروی از پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - سنجیده می‌شود، یعنی هر چه بیشتر سنت را تطبیق نماید نزد جایگاه وی نزد خداوند نیز بالاتر خواهد بود. پایبندی به سنت‌ها باعث محافظت بر واجبات و دری است به سوی ازدیاد پاداش و حسنات و راهی برای رسیدن به کمال.

این شرف پیروی و اقتدا به رسول خداوند و زندگی آگاهانه است و چنین کسی اهوای نفسانی او را به سوی گمراهی نمی‌برد و بالاتر از آن محبت خداوند را به دست

خواهد آورد. خداوند متعال در حدیثی قدسی چنین می‌فرماید: «بنده‌ام همچنان با مستحبات به من نزدیک می‌شود تا آنکه او را دوست بدارم».

برادران و خواهران مسلمان:

این‌ها برگزیده‌هایی از سنت‌های شبانه روز است که هرکه به آن پایبند بماند در حفظ و رعایت خداوندی خواهد بود و درجات صلاح و هدایت را طی خواهد نمود تا آنکه پایانش به بهشت منتهی گردد. سنت‌هایی که شایسته است آن‌ها را فراگرفته و به دیگران نیز یاد دهیم و نسبت به آن همدیگر را توصیه نماییم و خانواده و زیر دستان و نزدیکان را با این سنت‌ها به خداوند نزدیک سازیم.

بندگان خداوند:

انسان مسلمان، از هنگام رفتن به رختخواب به سنت نبوی اقتدا می‌کند چنانکه رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - انجام می‌داد. وی پیش از خوب وضو می‌گرفت و دو دست خویش را باز می‌کرد و در کف دو دستش سوره‌های ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ را می‌خواند سپس تا جایی که می‌توانست آن را به بدن خویش می‌کشید و به ترتیب سر و صورت و قسمت جلوی بدن را با آن مسح می‌کرد و این کار را سه بار تکرار می‌نمود چنانکه در صحیح بخاری وارد شده است.

سپس آیه الکرسی را می‌خواند زیرا براساس حدیث نبوی که بخاری آن را روایت کرده است «هرکه آن را بخواند همچنان از سوی خداوند در حفظ و امان خواهد بود و هیچ شیطانی به وی نزدیک نخواهد شد».

وی همچنین پیش از خواب این دعا را می‌خواند که: «باسمک ربی وضعت جنبی وبک أرفعه، إن أمسکت نفسي فارحمها، وإن أرسلتها فاحفظها بما تحفظ به عبادک الصالحین» یعنی: «به نام تو ای پروردگارم پهلوی خود را [بر رختخواب] می‌گذارم و با [توانی که] تو [در اختیارم گذارده‌ای] آن را بر می‌دارم، اگر جانم را [در خواب] گرفتی پس آن را مورد

رحمت خویش قرار ده و اگر آن را [به بدنم] باز فرستادی پس آن را با همان حفظی که بندگان صالحت را حفظ می‌نمایم مورد محافظت قرار ده» [به روایت بخاری و مسلم].
و همچنین این دعا را سه بار می‌خواند: «اللهم قِنِي عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ» یعنی: «خداوندا مرا از عذاب خود در روزی که بندگان را مبعوث خواهی کرد در امان بدار» وی این دعا را هنگامی که برای خواب، دست راستش را زیر گونه‌اش قرار می‌داد می‌خواند [به روایت ابوداود و ترمذی].

او بر دست راست می‌خوابید و پیش از خواب این اذکار را می‌خواند: «سی و سه بار سبحان الله، سی و سه بار الحمد لله، و سی و چهار بار الله اکبر» [به روایت بخاری و مسلم].

وی همچنین دو آیه پایانی سوره‌ی بقره را یعنی از آیه‌ی ﴿عَاقِبَتِ الرَّسُولِ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ...﴾ [البقرة: ۲۸۵]. تا پایان سوره تلاوت می‌کرد و می‌فرمود: «هر که این دو [آیه] را در یک شب بخواند وی را [از همه چیز] کفایت خواهند کرد» [به روایت بخاری].

ایشان - صلی الله علیه وآله وسلم - هنگام بیدار شدن از خواب اثر خواب را با دست از صورتش پاک می‌کرد. امام نووی و حافظ ابن حجر - رحمت خداوند بر آنان باد - براساس حدیثی که مسلم در صحیح خود روایت نموده است این کار را سنت دانسته‌اند.
وی در هنگام بیدار شدن از خواب این دعا را به زبان می‌آورد: «الحمد لله الذي أحيانا بعد ما أماتنا وإليه الشُّور» یعنی: «ستایش مخصوص الله است که ما را پس از آنکه میراند [دوباره] زنده گرداند و رستاخیز به سوی اوست» [به روایت بخاری].

در صحیحین بخاری و مسلم چنین آمده است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - پس از بیدار شدن از خواب دهان خویش را مسواک می‌زد.
بندگان خداوند:

وارد شدن به دستشویی نیز آداب و مستحباتی دارد که از جمله‌ی آن وارد شدن با پای چپ و خارج شدن با پای راست است. همینطور خواندن دعای ورود به دستشویی:

«اللهم إني أعوذ بك من الخُبثِ والخبائثِ» یعنی: «خداوندا از شیطان‌های نر و ماده به تو پناه می‌برم» [متفق علیه] و همینطور ذکر خارج شدن از دستشویی: «عُفْرَانُكَ» یعنی: «مغفرت تو را می‌خواهم» [به روایت همه‌ی اصحاب سنن به جز نسائی].

وضو نیز دارای سنت‌هایی که شایسته است در یاد گرفتن و تطبیق آن کوشا باشیم از جمله:

صرفه‌جویی در مصرف آب، زیرا «رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - با [آبی به اندازه‌ی] یک مُدّ وضو می‌گرفت» [متفق علیه] و یک مُد تقریباً به اندازه‌ی ۷۵۰ میلی لیتر یعنی کمتر از یک لیتر می‌باشد.

همینطور دو رکعت نماز پس از وضو سنت است. رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «هر کس به مانند این وضویی که من گرفتم وضو بگیرد سپس دو رکعت نماز بگذارد و ذهن خود را [به چیز دیگری] مشغول ندارد گناهان گذشته‌اش آمرزیده خواهد شد» [به روایت بخاری و مسلم] و در روایتی از مسلم چنین آمده است که: «بهشت برای او واجب می‌شود».

از جمله سنت‌های بزرگ، سنت مسواک است. رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «اگر [ترس این نبود] که بر اتمم سخت بگیرم، حتماً آن‌ها را به مسواک زدن هنگام هر وضو دستور می‌دادم» [به روایت بخاری].

مسواک برای همه‌ی نمازهای پنجگانه و سنت‌های قبل و بعد از نمازهای فرض و نماز ضحی و وتر و هنگام وارد شدن به خانه مستحب است. اولین کاری که پیامبر خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - هنگام وارد شدن به خانه انجام می‌داد مسواک زدن بود، چنانکه امام مسلم از بانو عایشه - رضی الله عنها - چنین روایت کرده است.

همچنین مسواک زدن برای قرائت قرآن و در صورت تغییر بوی دهان و پس از بیدار شدن از خواب و هنگام وضو مستحب می‌باشد. رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «مسواک باعث پاک‌ی دهان و خشنودی پروردگار است» [به روایت امام احمد].

همچنین پوشیدن لباس نیز دارای آداب و سنت‌هایی می‌باشد که از جمله‌ی آن گفتن «بِسْمِ اللَّهِ» هنگام پوشیدن یا در آوردن لباس است. رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - هنگامی که لباس یا رداء یا عمامه‌ای می‌پوشید چنین دعا می‌کرد: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِهِ وَخَيْرِ مَا هُوَ لَهُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ مَا هُوَ لَهُ» یعنی: «خداوندا من از تو خیر آن را می‌خواهم و خیر آنچه را که این لباس برای آن [دوخته شده] است و به تو از شر آن و شر آنچه این لباس برای آن [دوخته شده] است پناه می‌برم» [به روایت ابوداوود و ترمذی].

برای پوشیدن لباس نیز مستحب است که از سمت راست شروع شود زیرا از رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت شده است که فرمودند: «هنگامی که لباس پوشیدید از سمت راست خود شروع کنید» [به روایت ترمذی و ابوداوود و ابن ماجه با سند صحیح].

و رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «هنگامی که کف به پا کردید نخست از راست شروع کنید و هنگامی که [کفستان را از پایتان] در آوردید نخست کفش چپ را بیرون بیاورید، و یا هر دو کفش را بپوشید و یا هر دو را نپوشید» [به روایت مسلم] یعنی از پوشیدن یک کفش خودداری کنید. همچنین وارد شدن به منزل دارای آداب و مستحباتی است.

امام نووی - رحمه الله - می‌گوید: مستحب است که انسان در هنگام ورود به خانه «بِسْمِ اللَّهِ» بگوید و بسیار ذکر خداوند را به جای آورد و به اهل خانه سلام کند زیرا رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «اگر شخص وارد خانه‌اش شود و هنگام ورود به خانه و هنگام غذا ذکر خداوند را به جای آورد شیطان به دیگر شیاطین می‌گوید: امشب اینجا نه جای ماندن دارید و نه غذا...» [به روایت مسلم].

همچنین مستحب است که انسان هنگام ورود به خانه‌اش این دعای ورود را بخواند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْمَوْلِجِ وَخَيْرَ الْمَخْرَجِ، بِاسْمِ اللَّهِ وَجُنَّتْنَا، وَبِسْمِ اللَّهِ خَرَجْنَا، وَعَلَى اللَّهِ رَبِّنَا تَوَكَّلْنَا» یعنی: «خداوندا من از تو بهترین وارد شدن و بهترین خارج شدن را می‌خواهم، به

نام الله وارد شدیم و به نام الله خارج شدیم و بر پروردگاران الله توکل کردیم» و «سپس بر خانواده‌اش سلام کند» [به روایت ابوداوود].

اما در هنگام خارج شدن از خانه این دعا را بخواند: «بِسْمِ اللَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» در حدیث وارد شده است که اگر انسان این دعا را هنگام خارج شدن از خانه بگوید به او گفته می‌شود: «کفایت شدی و هدایت شدی و حفظ شدی، و شیطان از او کناره می‌گیرد» [به روایت ترمذی و ابوداوود].

رفتن به مسجد نیز سنت‌هایی دارد از جمله: زود رفتن به مسجد. رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «اگر مردم می‌دانستند در اذان و صف اول چه [اجر و پاداشی] هست، و سپس برای آن راهی به جز قرع انداختن نمی‌یافتند حتماً برای آن قرعه می‌انداختند و اگر می‌دانستند زود رفتن به نماز جماعت چه [پاداشی] دارد برای آن مسابقه می‌دادند و اگر می‌دانستند در نماز جماعت عشاء و صبح چه [اجری] برای این دو نماز حاضر می‌شدند حتی اگر به صورت خزیده..» [متفق علیه].

راه رفتن با آرامش و وقار در هنگام رفتن به مسجد مستحب است. رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «هنگامی که اقامه را شنیدید به سوی نماز بروید و آرامش و وقار خود را حفظ کنید و عجله نکنید..» [به روایت بخاری].

همچنین سنت است که هنگام وارد شدن به مسجد دعای آن را بگوییم. رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «هنگامی که کسی از شما وارد مسجد شد بگوید: «اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ» و هنگامی که خارج شد بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ»» [به روایت مسلم].

و نزد ابی داوود و ابن ماجه چنین روایت شده است که: «[نخست] بر پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - درود فرستد و سپس [دعای ورود و خروج] را بگوید..».

انس بن مالک - رضی الله عنه - می‌گوید: «سنت است که هنگام ورود به مسجد با پای راست وارد شوی و هنگام خروج با پای چپ».

و سپس نماز تحية المسجد را به جای آورد زیرا رسول الله - صلى الله عليه وآله وسلم - می‌فرماید: «هنگامی که کسی از شما وارد مسجد شد ننشیند تا اینکه دو رکعت به جای آورد» [متفق علیه].

اما سنت‌های اذان چنانکه ابن قیم در کتاب خود «زاد المعاد» بیان کرده است، پنج مورد است:

نخست اینکه: شنونده همه‌ی آنچه را مؤذن می‌گوید تکرار کند به جز دو لفظ «حي على الصلاة» و «حي على الفلاح» که باید پس از شنیدن آن بگوید: «لا حول ولا قوة إلا بالله» [به روایت بخاری و مسلم].

این سنت چنانکه در صحیح مسلم وارد شده است باعث واجب شدن بهشت برای شخصی می‌شود که از روی ایمان و اخلاص آن را به جای آورد.

سنت دوم اذان این است که شنونده‌ی اذان این دعا را پس از آن بگوید: «وَأَنَا أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، رَضِيْتُ بِاللَّهِ رَبًّا، وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا، وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا» یعنی: «و من [نیز] گواهی می‌دهم که معبودی به حق جز الله نیست و اینکه محمد فرستاده‌ی الله است، راضی شدم به الله به عنوان پروردگار و به اسلام به عنوان دین و به محمد به عنوان پیامبر» [به روایت مسلم].

سومین سنت از سنت‌های اذان این است که پس از پایان تکرار اذان به همراه مؤذن بر پیامبر - صلى الله عليه وآله وسلم - درود فرستد زیرا رسول الله - صلى الله عليه وآله وسلم - می‌فرماید: «اگر شنیدید که مؤذن اذان می‌گوید پس همان چیزی را که او می‌گوید تکرار کنید سپس بر من درود فرستید زیرا هر که من بر یک درود فرستد خداوند به خاطر آن بر او ده درود خواهد فرستاد» [به روایت مسلم].

سنت چهارم اذان این است که پس از فرستادن درود بر پیامبر - صلى الله عليه وآله وسلم - این دعا را بخواند: «اللهم ربَّ هذه الدعوة التامة، والصلاة القائمة؛ أت محمدًا الوسيلة والفضيلة، وابعثه مقامًا محمودًا الذي وعدته» یعنی: «خداوند! ای صاحب این دعوت کامل و

نمازی که برای همیشه بر پا خواهد ماند، آن مقام و منزلت بزرگ را در بهشت به محمد عطا کن و او را به آن مقام ستوده شده‌ای که به او وعده داده‌ای برسان» [به روایت بخاری].

ثمره‌ی این دعا این است که هر که آن را بگوید شفاعت پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - نصیب او خواهد شد.

سنت پنجم متعلق به اذان این است که در پایان برای خود دعا کند و از خداوند، فضل وی را بخواهد که در آن صورت دعای وی مستجاب خواهد شد زیرا رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «همان چیزی را بگو که آن‌ها - یعنی مومنان - می‌گویند پس هنگامی که آن را انجام دادی از خداوند بخواه که [آنچه خواسته‌ای به تو] داده می‌شود» [به روایت ابوداؤد؛ حافظ ابن حجر آن را حسن دانسته است و ابن حبان آن را صحیح دانسته است].

خداوندا ما را در پیروی از سنت توفیق ده و از پیروان پیامبرت محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - بگردان که راه و روش او را پی می‌گیرند. خداوندا ما را بر حوض او وارد گردان و در زمهری پیروان او محشور ساز و شفاعت او را نصیب ما بگردان. آمین

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله پروردگار جهانیان است، او که رحمان است و رحیم و مالک روز جزاست، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است، پادشاهی از آن اوست و اوست آن حق آشکار، و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر اوست؛ درود و سلام و برکات الله بر او و بر اهل بیت و یارانش باد.

اما بعد، ای مسلمان: آیا خواهان خانه‌ای در بهشت هستی؟ به این حدیث گوش فرا

رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «بنده‌ی مسلمانی نیست که هر روز برای خداوند ۱۲ رکعت به جز فرایض به جای آورد مگر آنکه خداوند برای او خانه‌ای در بهشت بنا می‌کند...» [به روایت مسلم].

این سنت‌ها چهار رکعت پیش از ظهر و دو رکعت پس از آن و دو رکعت بعد از مغرب و دو رکعت بعد از عشاء و دو رکعت پیش از نماز صبح است.

همچنین از جمله سنت‌های با فضیلت نماز ضحی می‌باشد. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که گفت: «خلیلم مرا به این‌ها توصیه نمود: به روزه گرفتن سه روز از هر ماه و دو رکعت نماز ضحی و اینکه پیش از خواب نماز وتر را بخوانم» [متفق علیه]. کمترین مقدار برای نماز ضحی که پس از بالا آمدن آفتاب تا پیش از ظهر خوانده می‌شود دو رکعت است و بیشترین آن هشت رکعت و برخی از علما گفته‌اند حداکثر آن حد مشخصی ندارد.

همچنین نماز شب یا همان نماز تهجد شأن و مقام والایی دارد. رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «بهترین روزه پس از رمضان، روزه‌ی ماه خدا، محرم است، و بهترین نماز پس از نماز فریضه نماز شب است» [به روایت مسلم].

نماز نیز دارای سنت‌هایی پیش از آن و پس از آن است و همچنین اذکار نماز که پس از آن خوانده می‌شود و همینطور اذکار صبح و شام.

از دیگر سنت‌هایی که ما لازم است آن را همه‌گیر کنیم سنت سلام است. از رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - پرسیده شد که چه اسلامی بهتری است؟ فرمود: «اینکه غذا بدهی و بر هر کسی که می‌شناسی و نمی‌شناسی سلام بگویی» [به روایت بخاری و مسلم].

همچنین سنت است که هنگام جدا شدن به طور کامل با هم سلام بگوییم زیرا رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «اگر کسی از شما به مجلسی رسید سلام کند و اگر خواست از آنان جدا شود نیز سلام بگوید زیرا سلام نخست مهم‌تر از سلام بعدی نیست» [به روایت ابوداؤد و ترمذی].

همچنین تبسم و خنده‌رو بودن نیز سنت است زیرا رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «هیچ کار نیکی را کوچک مشمار حتی اگر [آن کار نیک این باشد که] با برادرت با چهره‌ای گشاده روبرو شوی» [به روایت مسلم].

و همچنین مصافحه و دست دادن با یکدیگر؛ رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «هیچ دو مسلمانی نیستند که با هم ملاقات کنند و به هم دست دهند مگر آنکه پیش از جدا شدنشان از هم مورد مغفرت قرار می‌گیرند» [به روایت اصحاب سنن به جز نسائی].

و رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «سخن نیک صدقه است» [به روایت بخاری و مسلم].

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا ﴿٥٣﴾﴾ [الإسراء: ٥٣].

«و به بندگانم بگو آنچه را که بهتر است بگویند که شیطان میانشان را به هم می‌زند زیرا شیطان همواره برای انسان دشمنی آشکار است».

بندگان خداوند:

غذا نیز آداب و مستحباب خاص به خود را دارد که همه‌ی آن‌ها در این حدیث جمع شده‌اند: رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - خطاب به عمر بن ابی سلمه - رضی الله عنهما - فرمود: «ای نوجوان بسم الله بگو و با دست راست بخور و از آنچه که نزدیک است بخور» [به روایت مسلم].

از جمله دعاهایی که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - پس از غذا می‌خواندند این بود که می‌گفتند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنِي هَذَا وَرَزَقَنِيهِ مِنْ غَيْرِ حَوْلٍ مِنِّي وَلَا قُوَّةٍ» یعنی: «ستایش از آن خدایی است که این غذا را به من خوراند و آن را بدون هیچ توان و نیرویی از جانب من به من روزی داد» [به روایت ابوداود و ترمذی و ابن ماجه؛ حافظ ابن حجر آن را حسن دانسته است].

همچنین سنت است که در هنگام نوشیدن آب آن را به سه نفس بنوشیم نه به یک بار و «رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - به سه نفس آب می‌نوشید» [به روایت مسلم]. پس به سنت پیامبرتان پایبند بمانید و از روش او پیروی کنید تا آنکه پیروز و رستگار شوید.

سپس بر بهترین انسان‌ها و پاک‌ترین آنان - محمد بن عبدالله - آن هاشمی قریشی، درود و سلام فرستید؛ خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت پاک وی و همسرانش مادران مومنان و صحابه‌ی نیک وی درود و سلام و برکت ارزانی دار و راضی و خشنود باش از آن امامان هدایتگر، خلفای پیامبرت، ابوبکر و عمر و عثمان و علی، و از دیگر صحابه‌ی پیامبرت و از همه‌ی کسانی که روش آنان را پیگیری کرده و از سنت آنان پیروی نمایند.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار گردان و دشمنان دین را نابود ساز و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امن و امان بدار. خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن بدار و مسئولان ما را صالح بگردان. خداوندا گرانی و بیماری‌های واگیردار و ربا و زنا و زلزله و مصیبت‌ها و فتنه‌های سوء آشکار و پنهان را از ما دور بگردان.

خداوندا اوضاع مسلمانان را در همه جا اصلاح بگردان، خداوندا آنان را بر حق و هدایت یکی بگردان و دشمنانشان را سرنگون ساز. خداوندا همه‌ی مستضعفان مسلمان را یاری ده، خدایا آنان را در همه جا یاری ده، خداوندا آنان را در فلسطین یاری نما. خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومن را یاری ده.

﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ [البقرة: ۲۰۱].

«پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از عذاب آتش دور بدار».

خداوندا گناهان ما را بیامرز و عیب‌های ما را ببوشان و کارهای ما را آسان گردان و ما را به آن خواسته‌هایی که باعث خشنودی توست برسان. خداوندا ما و پدر و مادر ما را مورد آمرزش قرار ده که تو شنونده‌ی دعایی.

خداوندا تویی آن الله که معبودی به حق نیست جز تو، تویی آن بی‌نیاز و ما نیازمندانیم، باران را بر ما نازل کن و ما را از مایوسان مگردان. خداوندا ما را باران عطا کن، خداوندا ما را باران عطا کن، خداوندا ما را باران عطا کن و از ما دریغ مدار و به ما افزون ده و از ما کم مکن، خداوندا بر ما باران نازل کن و آن را برای ما نیرویی برای بندگی‌ات بگردان.

پروردگارا از ما بپذیر که تو شنوا و دانایی و از ما توبه پذیر که تو بسیار توبه پذیر و مهربانی.

و سخن آخر ما این که: الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

فضائل مکه‌ی مکرمه

خطیب: دکتر سعود الشریم

مسجد الحرام: جمعه ۱۴ ذوالقعدة ۱۴۳۱ برابر با ۳۰ مهر ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

ستایش تنها از آن الله است، او را سپاس گفته و از او آمرزش می‌خواهیم و به سوی او توبه می‌کنیم و از بدی‌های درون، و اعمال بدمان به او پناه می‌بریم که الله هرکه را هدایت کند او گمراه‌گری نخواهد داشت و هرکه راه گمراه سازد او هدایت‌گری نخواهد یافت و شهادت می‌دهم که معبود به حقی نیست جز الله که واحد است و شریکی ندارد و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر اوست.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ ۖ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿١٣٢﴾

[آل عمران: ۱۰۲].

﴿يَأْتِيهَا النَّاسُ آتِفُوا رَبُّكُمْ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا ﴿١﴾﴾ [النساء: ۱].

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧١﴾﴾ [الأحزاب: ۷۰-۷۱].
اما بعد، ای مردم:

قرن‌ها پیش خانواده‌ای کوچک متشکل از یک مادر و کودکی شیرخواره در آبادی کوچکی که کنار چشمه‌ی زمزم شکل گرفت مستقر شدند. آن خانواده به جز کمی خرما و اندکی آب در وسط آن دره چیزی نداشتند. نه همدمی و نه آبی... جز اینکه آن مادر مبارک هیچ شکی درباره‌ی خداوند به دل راه نداد، او می‌دانست خداوندی که این مکان دور افتاده را برای او و کودکش برگزیده است، او و فرزندش را رها نخواهد ساخت، بلکه به او توکل کرد و به قضای او راضی شد و خطاب به همسرش گفت: آیا خداوند تو را به این کار امر نموده است؟ همسرش فرمود: آری. گفت: پس او را ما را ضایع نخواهد ساخت.

برای همین بود که فرشته‌ای بشارت خداوندی را به او رساند و به وی گفت: هرگز از ضایع شدن نترسید که این خانه‌ی خداوند است که این کودک و پدرش آن را خواهند ساخت.

بخاری این داستان را به صورت مفصل در صحیح خود روایت نموده است. آن خانواده‌ی کوچک نطفه‌ی زندگی و آبادی در این سرزمین گردید؛ خانواده‌ای که تنها با شرف نبوت و پیامبری به صحرای جزیره‌العرب پا گذاشتند و این خانه‌ی حرام مأوای آنان گردید و آب زمزم نوشیدنی آنان شد و عنایت خداوندی پناهگاهشان، تا آنکه خداوند به ابراهیم دستور داد تا آن کودک و پدرش ابراهیم آن خانه را بنا نهند:

﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۱۲۷﴾ رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَّكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿۱۲۸﴾﴾ [البقرة: ۱۲۷-۱۲۸].

«و هنگامی که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه [کعبه] را بالا می‌بردند [می‌گفتند] ای پروردگار ما از ما بپذیر که در حقیقت تو شنوای دانایی (۱۲۷) پروردگارا ما را تسلیم [فرمان] خود قرار ده و از نسل ما امتی فرمانبردار خود [پدید آر] و آداب دینی ما را به ما نشان ده و بر ما ببخشای که تویی توبه‌پذیر مهربان».

خداوند سبحان و تعالی با حکمت و علم خویش اینگونه اراده نمود که این سرزمین مأوای قلب مردمان شود تا از سرزمین‌های دور رو به آن سو آورند و تا آنکه دیدارگاهی باشد که مردم با همهی تفاوتی که از نظر زبان و رنگ دارند با هم ارتباط برقرار کنند. و اینگونه بود که خلیل خود ابراهیم - علیه السلام - را چنین امر نمود:

﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ ﴿۲۷﴾﴾ [الحج: ۲۷].

«و در میان مردم برای [ادای] حج بانگ برآور تا [زایران] پیاده و [سوار] بر هر شتر لاغری که از هر راه دوری می‌آیند به سوی تو روی آورند».

و اینچنین، حج براساس دلالت قرآن و سنت و اجماع رکن پنجم از ارکان پنجگانه اسلام گردید که هرکه این رکن را انکار نماید کافر می‌گردد:

﴿وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿۹۷﴾﴾ [آل عمران: ۹۷].

«و هرکه کفر بورزد پس الله از همهی جهانیان بی‌نیاز است».

ای مسلمانان:

خداوند عزوجل مکه را خانه‌ای حرام قرار داد که عاملی برای به پا داشتن مصالح مردم باشد و قلب مردم را به سوی آن جذب نمود. و این شریعت غرا را نیز عاملی قرار داد که این سرزمین را از دیگر سرزمین‌ها متمایز گرداند و فضیلت آن را بر دیگر سرزمین‌ها نمایان سازد، برای همین در شریعت خود فضل و مکانتی را برای این شهر در

نظر گرفت که در دیگر سرزمین‌ها نیست و چنان فضائل مکه را متعدد گرداند که خداوند آن را «ام القری» یعنی «مادر شهرها» خواند و خطاب به پیامبرش چنین فرمود:

﴿وَلِئِنَّدِرَ اُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا﴾ [الأنعام: ۹۲].

«و برای اینکه [مردم] ام القری و کسانی را که پیرامون آنند هشدار دهی».

زیرا همه‌ی شهرها تابع آنند به طوری که همه‌ی شهرها و سرزمین‌ها در همه‌ی نمازها رو به این سرزمین می‌آورند که این، قبله‌ی مسلمانان در زمین است و قبله‌ای جز آن ندارند.

جمهور علما نیز به این نکته اجماع دارند که مکه به طور مطلق بهترین سرزمین خداوند در زمین است و پس از آن مدینه‌ی نبوی قرار دارد که درود و سلام خداوندی بر صاحب آن باد. برای همین از رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - به طور صحیح روایت شده است که ایشان خطاب به مکه فرمودند:

«به خدا قسم که تو بهترین سرزمین خدایی و محبوب‌ترین سرزمین خداوند برای اویی و اگر مرا از تو بیرون نمی‌کردند هرگز خارج نمی‌شدم» [به روایت احمد و ترمذی].
از دیگر فضیلت‌های این سرزمین، این است که خداوند در دو جا به آن قسم خورده و فرموده‌اند:

﴿وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ﴾ [التین: ۳].

«و [سوگند] به این سرزمین امن».

و خداوند سبحانه و تعالی فرموده‌اند:

﴿لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ﴾ [البلد: ۱].

«سوگند یاد می‌کنم به این سرزمین».

از دیگر فضایل مکه مکرمه آن چیزی است که در این حدیث از رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت شده است. آن حضرت - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند:
«مکه را خداوند حرام ساخته است و نه مردم، و برای هر کسی که به الله و آخرت ایمان دارد حلال نیست که در آن خونی به زمین بریزد یا درختی را ببرد و اگر کسی به

بهانه‌ی اینکه پیامبر خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - در آن [در روز فتح مکه] به جنگ پرداخته است، جنگ را در آن جایز دانست به او بگوید: خداوند فقط به پیامبرش چنین اجازه‌ای داده بود ولی به تو اجازه‌ی آن را نداده است و همانا تنها در مدتی از آن روز به او چنین اجازه‌ای داد اما امروز حرمت مکه به مانند دیروز به آن باز گشته است. حاضران این سخن را به کسانی که حاضر نیستند برسانند» [متفق علیه].

در روایت دیگری که بخاری و مسلم هر دو آن را روایت کرده‌اند آمده است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «خداوند این سرزمین را روزی که آسمان‌ها و زمین را آفرید، حرام قرار داد. پس آن، با حرمت خداوندی تا روز قیامت حرام است. بوته‌ی خار آن قطع نمی‌شود و صید آن رم نمی‌شود و گم‌شده‌ی آن برداشته نمی‌شود مگر برای کسی که بخواهد صاحب آن را بیابد، و علف آن قطع نمی‌شود».

این امنیتی که خداوند برای سرزمین امنش پسندیده برای آن است که همه‌ی مسافران این خانه‌ی حرام، از همه‌ی سرزمین‌ها، به قیمت و ارزش امنیت پی ببرند و تا آنکه این راه و روش - یعنی پاس داشتن امنیت - را روش و منهجی برای زندگی خود بگردانند. و تا آنکه ارزش امنیت و اثر آن را بر زندگی خود و دیگران و بر مال و جان و ناموس مردم درک کنند، زیرا خداوند عزوجل مکه را به عنوان حرم امن خود و سرزمینی بی‌خشونت و نه فقط بدون سلاح، گردانده است بلکه مردم در مکه حتی از سخن زشت نیز در امان هستند:

﴿فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ﴾ [البقرة: ۱۹۷].

«پس هم‌بستری و گناه و جدل در حج [روا] نیست».

خداوند متعال در حرم خود حتی پرندگان و جانوران وحشی و دیگر حیوانات را نیز در امان داشته تا آنکه احساس امنیت در این سرزمین به بالاترین درجه‌ی خود برسد. از دیگر مواردی که نشان‌دهنده‌ی حرمت مکه است این آیه‌ی کریمه است که خداوند در آن، حتی کسانی را که در آن سرزمین اراده‌ی بدی کنند را مورد مواخذه قرار می‌دهد:

﴿وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِإِلْحَادٍ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾ [الحج: ۲۵].

«و هر که بخواهد در آنجا به ستم [از حق] منحرف شود او را از عذابی دردناک می‌چشانیم».

لفظ الحاد که در این آیه به آن اشاره شده است به معنای انحراف از دینی است که خداوند قرار داده است که شرک به خداوند یا کفر به وی یا انجام هر کاری که او حرام قرار داده است و یا ترک هر کاری که واجب گردانده است و یا زیر پا گذاشتن حرمت‌های حرم در آن می‌گنجد. حتی برخی از اهل علم احتکار غذا در مکه را جزو آن دانسته‌اند.

از دیگر فضیلت‌های مکه این است که جایز نیست در هنگام قضای حاجت رو یا پشت به آن نمود و این خصوصیت تنها از آن مکه است زیرا رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «در هنگام قضای حاجت نه رو به قبله کنید و نه پشت به آن، بلکه رو به سوی شرق یا غرب کنید» [متفق علیه].

همچنین از جمله فضیلت‌هایی که مکه از آن برخوردار است فضیلت خاص نمازی است که در مکه به جای آورده شود. از رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - ثابت شده است که ایشان فرمودند: «نمازی که در این مسجد من (یعنی مسجد نبوی شریف) به جای آورده شود بهتر از هزار نماز است که در دیگر مساجد به جای آورده شود مگر مسجد کعبه» [به روایت مسلم].

و در روایت دیگری چنین آمده است که وی - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود: «نمازی که در این مسجد من خوانده شود بهتر از هزار نماز در دیگر مساجد است، مگر مسجد الحرام که یک نماز در مسجد الحرام صد برابر بهتر از یک نماز در مسجد من است» [به روایت احمد و ابن حبان با سند صحیح].

بر اساس این حدیث یک نماز در مسجد الحرام ارزش صد هزار نماز در دیگر مساجد را دارا می‌باشد زیرا یک نماز در مسجد النبی هزار نماز ارزش دارد و یک نماز در مسجد الحرام صد برابر آن ارزشمند است که در مجموع یکصد هزار برابر می‌شود. تصور کنید که تنها یک نماز فرض به مدت یک سال در مکه چه ارزشی خواهد داشت: این

یعنی ۳۵۴۰۰۰۰۰ (سی و پنج ملیون و چهارصد هزار) نماز در دیگر مساجد، که این عدد حاصل ضرب صد هزار در تعداد روزهای سال قمری است که تقریباً ۳۵۴ روز می‌باشد. حالا تصور کنید همین عدد را در تعداد نمازهای فرض پنجگانه ضرب کنیم و سپس آن را در تعداد روزهای سال ضرب نماییم. بی‌تردید عدد هولناکی به دست خواهد آمد و این فضل خداوندی است که به هرکه بخواید عطا خواهد کرد و خداوند دارای فضلی بزرگ است.

علما در مورد این فضیلت اختلاف کرده‌اند که آیا چنین فضیلتی تنها مخصوص خود مسجد الحرام است و یا آنکه شامل همه‌ی حرم مکه می‌شود که قول قوی‌تر - والله اعلم - آن چیزی است که جمهور اهل علم آن را تقریر نموده‌اند و آن این است که این اجر شامل همه‌ی حرم مکه می‌شود اما با این وجود نماز در خود مسجدالحرام به علت قدمت آن و همچنین جماعت بسیاری که در آن نماز می‌گذارند، بهتر است. این تنها بخشی از فضایل مکه و مشتی از خروار بود و نه همه‌ی آن. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَمًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلْبَدِ ذَٰلِكَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٩٧﴾ أَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَأَنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٩٨﴾ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلْغُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ ﴿٩٩﴾ قُلْ لَا يَسْتَوِي الْحَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْحَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَتَأُولَى الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٠٠﴾﴾ [المائدة: ۹۷-۱۰۰].

«همانا الله کعبه، بیت الحرام را وسیله‌ی به پا داشتن [مصلح] مردم قرار داده و ماه حرام و قربانی‌های بی‌نشان و قربانی‌های نشان‌دار را [نیز به همین منظور مقرر فرموده است] این برای آن است تا بدانید که الله آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است می‌داند و الله است که بر هر چیزی داناست (۹۷) بدانید که الله سخت کیفر است و [بدانید] که الله آمرزنده‌ی مهربان است (۹۸) بر پیامبر [وظیفه‌ای] جز ابلاغ [رسالت] نیست و الله آنچه را آشکار و آنچه را پوشیده می‌دارید می‌داند (۹۹) بگو پلید و پاک

یکسان نیستند هر چند کثرت پلید [ها] تو را به شگفت آورد پس ای خردمندان از الله پروا کنید باشد که رستگار شوید».

خداوند متعال من و شما را به واسطه‌ی قرآن بزرگ برکت داده و با آیات و ذکر حکیم سود رساند. آنچه را گفتم، اگر صحیح بود از سوی خداوند و اگر خطا بود از من بود و از شیطان و از الله آمرزش می‌خواهم که او بسیار آمرزنده است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش تنها از آن الله است و درود و سلام بر کسی که پیامبری پس از وی نیست.

اما بعد ای مردم:

خداوند، مکه را بسیار بزرگ داشته است و آن را مادر شهرها و قبله‌ی مسلمانان گردانده است، در هر جای این جهان که باشند، و چنان فضیلت و جایگاهی به آن ارزانی داشته است که لازم است هر مسلمان بدان ایمان داشته و قدر آن را پاس بدارد. این قضیه برای کسانی که به این سزرمین آمده‌اند مهم‌تر و موکد تر است و برای آنان شایسته است که آداب اقامت در مکه را پاس بدارند و در هیچ یک از این آداب اخلال وارد نسازند تا آنکه بدون اطلاع در حرام واقع نشوند زیرا پاس داشت مکه از باب احترام خداوند است:

﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعَظِّمْ حُرْمَةَ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَأُحِلَّتْ لَكُمْ الْآنْعَامُ إِلَّا مَا يُتَىٰ عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ ﴿۳۰﴾ حُنَفَاءَ لِلَّهِ غَيْرٍ مُّشْرِكِينَ بِهِ﴾ [الحج: ۳۰-۳۱].

«اینچنین است، و هرکه حرمت‌های الله را پاس بدارد این برای او نزد پروردگارش بهتر است و برای شما دام‌ها حلال شده است مگر آنچه بر شما خوانده می‌شود پس از پلیدی بت‌ها دوری کنید و از گفتار باطل اجتناب ورزید (۳۰) در حالی که از شرک دوری گزیده‌اید و به او شریک قرار نمی‌دهید».

پس ای کسانی که به سوی بیت الله الحرام عزیزت کرده‌اید شایسته است به این توصیه‌ها توجه نموده و این حسن جوار را - خدای ناکرده - با سوء ادب یا کوتاهی در

بزرگداشت خانه‌ی خدا یا کوتاهی در آموزش مناسک حج، خراب نسازید. شمایی که این همه مسافت و سختی را برای این مهم پشت سر گذاشته‌اید زیرا خداوند عزوجل فرموده‌اند:

﴿الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَةٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ﴾ [البقرة: ۱۹۷].

«حج، ماه‌هایی است مشخص؛ پس هرکه در این ماه‌ها حج را بر خود واجب گرداند پس [بداند که] همبستری و گناه و جدال در حج [جایز] نیست». و پیامبر وی - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «هرکه حج کند و [در حج] هم بستری نکند و گناه نکند، به مانند روزی که از مادر زاده شده است [به سرزمینش] باز می‌گردد» [متفق علیه].

پس ای کسی که به حج آمده‌ای، از هم‌بستری و فسق و گناه و جدال و درگیری در حج دور و برحذر باش که این‌ها شعائر خداوندی در مکه است...

﴿... ذَلِكَ وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾ [الحج: ۳۲].

«اینچنین است و هرکه شعائر الله را پاس بدارد پس این از تقوای قلب‌ها است». و در پایان درود و سلام فرستید بر بهترین و پاک‌ترین انسان‌ها، محمد بن عبدالله، صاحب حوض و مقام شفاعت که خداوند شما را بدان امر نموده و فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [الأحزاب: ۵۶].

خداوندا درود و سلام و برکت ارزانی دار بر بنده و پیامبرت محمد و راضی و خشنود باش از چهار خلیفه‌ی وی، ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه‌ی پیامبرت و از تابعین و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند و همچنین از ما با عفو و کرم خویش راضی باش ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا اسلام مسلمانان را عزت‌مند نما، خداوندا اسلام مسلمانان را عزت‌مند نما، خداوندا اسلام مسلمانان را عزت‌مند نما، و شرک و مشرکان را خوار بگردان. خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومنت را یاری ده.

خداوندا غم و غصه‌ی غصه‌داران و سختی سختی دیده‌گان را از بین ببر و وام‌داران را ادا نما و بیماران ما و دیگر بیماران مسلمان را شفا ده و حاجیان و مسافران را در سلامت بدار.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن بدار و مسئولان ما را صالح و درستکار بگردان و مسئولیت ما را بر عهده‌ی کسانی قرار ده که تقوای تو را داشته باشند و در پی رضایت تو باشند.

خداوندا تویی آن الله که معبودی به حق نیست جز تو، تویی آن بی‌نیاز و ما نیازمندانیم، باران را بر ما نازل کن و ما را از مایوسان مگردان. خداوندا تویی آن الله که معبودی به حق نیست جز تو، تویی آن بی‌نیاز و ما نیازمندانیم، باران را بر ما نازل کن و ما را از مایوسان مگردان. خداوندا تویی آن بی‌نیاز و ما نیازمندانیم، باران را بر ما نازل کن و ما را از مایوسان مگردان. خداوندا باران را بر ما نازل کن و ما را از مایوسان مگردان. خداوندا آن را باران رحمت بگردان و نه باران عذاب ای دارای جلال و بزرگی. خداوندا آن را به اهل شهرها و کوچ‌نشینان برسان. ای زنده‌ی پایدار.

﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ [البقرة: ۲۰۱].

پاک است و بی‌عیب پروردگار تو، آن پروردگار عزت از آنچه مشرکان به دروغ و صفتش می‌کنند و سلام بر پیامبران و الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

پاداش حج مبرور

خطیب: دکتر اسامه خیاط

مسجد الحرام: جمعه ۲۱ ذوالقعدة ۱۴۳۱ برابر با ۷ آبان ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

ستایش مخصوص خداوندی است که حج خانه‌ی حرامش را بر بندگان واجب گرداند؛ او را سپاس می‌گویم که پاداش حج مبرور را بهشت قرار داد، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده و پیامبران او، سرور انسان‌ها و پیامبر رحمت است. خداوند بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یارانش، آن امامان نیکوکار و بزرگوار درود و سلام فرست.

اما بعد: ای بندگان خداوند تقوای او را پیشه سازید و اعمال خویش را برای او خالص گردانید و همیشه او را ناظر بر اعمال خویش بدانید.

آخرین و بزرگ‌ترین هدف و آرزوی خردمندان وارد شدن به بهشت و نظر انداختن به چهره‌ی پروردگار بزرگوار است، و این ثوابی است از سوی خداوند که آن را برای کسانی قرار داده که ایمان آورند و کار نیک انجام دهند و امید نزدیکی به خداوند و پایان نیک داشته باشند.

یکی از بزرگ‌ترین و با ارزش‌ترین اعمال، حج مبرور است که رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - پاداش آن را در حدیثی که بخاری و مسلم در صحیح خود روایت کرده‌اند چنین بیان نموده است:

ابوهریره - رضی الله عنه - از رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - روایت می‌کند که ایشان فرمودند: «عمره تا عمره کفاره‌ای است برای [آنچه] میان آن دو [رخ داده است] و حج مبرور پاداشی ندارد جز بهشت».

بی‌تردید این پاداشی است بزرگ، که همت خردمندان را به جوش آورده و متقیان را برای قدم برداشتن به سوی آن تشویق می‌کند و باعث می‌شود که آنان در شناخت حقیقت «حج مبرور» تلاش نمایند.

حج مبرور یعنی حج پذیرفته شده‌ای که به هیچ گناهی آلوده نشده باشد و کاملاً همانگونه به جای آورده شود که از یک مسلمان خواسته شده است که این ممکن نیست

مگر با خالص گرداندن نیت برای خداوند و پیروی از رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - در روش آن.

اقتضای چنین حجتی این است که قلب شخص تنها به خداوند تعلق داشته و یقین داشته باشد که همه‌ی کارها به دست خداوند است و اوست که بخشنده و باز دارنده و سود رساننده و ضرر رساننده و زنده کننده و میراننده است، و غیر از او هیچ کس دیگر برای خود نیز صاحب سود و زیان نیست و مرگ و زندگی و رستخیز را نیز مالک نمی‌باشد.

﴿يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلَّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ذَٰلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ ﴿١٣﴾
 إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ
 بِشِرْكِكُمْ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ ﴿١٤﴾﴾ [فاطر: ۱۳-۱۴].

«شب را به روز درمی‌آورد و روز را به شب در می‌آورد و خورشید و ماه را تسخیر کرده است [که] هر یک تا هنگامی معین روانند این است الله پروردگار شما، فرمانروایی از آن اوست و کسانی را که بجز او می‌خوانید مالک پوست هسته‌ی خرمايي [هم] نیستند (۱۳) اگر آن‌ها را بخوانید دعای شما را نمی‌شنوند و اگر [فرضاً] بشنوند اجابتان نمی‌کنند و روز قیامت شرک شما را انکار می‌کنند و [هیچ کس] چون [خدای] آگاه تو را خبردار نمی‌کند».

چنین بنده‌ای کاملاً رو به سوی خداوند آورده و همه‌ی انواع عبادت‌ها را تنها برای او به جای می‌آورد و این را می‌داند که روی آوردن به سوی غیر الله با هر نوعی از انواع عبادت‌ها شرکی است که اعمال نیک را از بین می‌برد، و این سخن پروردگار را به یاد می‌آورد که درباره‌ی مشرکان می‌فرماید:

﴿وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا ﴿٢٣﴾﴾ [الفرقان: ۲۳].

«و به هرگونه کاری که کرده‌اند می‌پردازیم و آن را [چون] گردی پراکنده می‌سازیم».

چه مقام و جایگاهی برای ذکر خداوند و اعلام توحید شایسته‌تر است از جایگاهی که حجاج بیت الله در کنار خانه‌ی او دارند؟ و چه حالتی بهتر از حالت حج؟ و چه چیز بهتر از متابعت رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - و پیروی از سنت او و مقدم داشتن سخن او بر سخن هر فرد دیگری هر چند بزرگ و گرامی باشد، آنگونه که خداوند متعال ما را امر نموده است که:

﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَأَنْتَهُوا﴾ [الحشر: ۷].

«و آنچه را که رسول [خدا] به شما داد بگیرید و از آنچه شما را بازداشت دست نگه دارید».

و آنچنانکه می‌فرماید:

﴿وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا﴾ [النور: ۵۴].

«و اگر از او اطاعت کنید هدایت می‌شوید».

با چنین متابعتی است که شخص حاجی از درستی اعمال حج خود مطمئن می‌شود زیرا رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - در حجة الوداع مناسک حج را برای امت خویش به طور واضحی بیان فرمودند که هیچ پوشیده‌ای در آن باقی نماند، و چنانکه در حدیثی که جابر بن عبدالله انصاری - رضی الله عنه - در وصف حج پیامبر روایت کرده است چنین آمده که آن حضرت - صلی الله علیه و آله وسلم - فرمودند: «مناسک خود را از من فرا بگیرید» [به روایت مسلم و دیگران].

با چنین پیروی و متابعتی، شخص حاجی از وقوع در هر چیزی که حج او را ناقص ساخته یا باعث کم شدن اجر آن شود اجتناب می‌ورزد، به خصوص اگر بزرگی اجر آنانی را که حج خود را از هر گونه اشکال مصون داشته‌اند بداند. آن پاداشی که بخاری و مسلم در صحیح خود از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت نموده‌اند که ایشان از رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - چنین روایت کرده‌اند که فرمودند: «هرکه حج کند و [در حج خود] دچار «رَفَث» و «فِسْق» نشود به مانند روزی که مادرش او را به دنیا آورده است [از حج] باز می‌گردد».

رَفَث یعنی لذت بردن از همسر و همه‌ی کارهایی که به این منظور انجام می‌شود، فسق نیز شامل همه‌ی کارهای فاسقانه و گناه و سخنان حرام مانند دروغ و غیبت و سخن‌چینی و دشنام و جدال از روی دشمنی است به خصوص اگر به همراه بلند کردن صدا باشد.

اگر حاجی در هر قدمی که در این راه بر می‌دارد و در هر یک از مناسکی که در این مکان شریف به جا می‌آورد، در این موقعیت بزرگ که در آن شرف مکان و زمان و شرف شعائر یکجا گردیده است بیاندیشد، به یقین می‌رسد که در چنین موقعیتی هیچ جایی برای رَفَث و فسوق و جدال نیست و سعی می‌کند همه‌ی روزهای حجش را در طاعت پروردگار و تلاوت و ذکر و نماز و طواف و انفاق و نیکی صرف کند زیرا حتی خرجی که انسان در راه حج متحمل می‌شود برای او باقی می‌ماند.

چنانکه در حدیثی که «حاکم نیشابوری» در «مستدرک» خویش با سند صحیح از عایشه‌ی صدیقه - رضی الله عنها - روایت نموده است که رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - خطاب به وی چنین فرمود: «همانا تو به اندازه‌ی تلاش و خرجی که می‌کنی اجر خواهی برد» البته اگر این خرج از مال حلال باشد، زیرا الله - سبحانه و تعالی - پاک است و جز پاکی چیزی را نمی‌پذیرد و شخص هر چه رو به سوی پروردگار بیاورد و برای به دست آوردن رضایت پروردگارش تلاش کند، در مقابل، لذت و شادی و محبت خدا و رسول و دین خداوند را به دست می‌آورد.

او در حالی به سرزمین خویش باز می‌گردد که بهتر از گذشته است که این نزد بسیاری از علما، نشانه‌ی حج مبرور است. پس ای بندگان خداوند پروای خداوند را داشته باشید و سعی کنید با پذیرش دستور خداوند حجی مبرور داشته باشید که این مدار قبولی اعمال است. و همچنین با پیروی از رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - و پیش گرفتن راه و روش وی و مقدم داشتن سخن او بر سخن هر کس دیگر و کسب مال حلال و به دور بودن از ریا و فخرفروشی و اجتناب از رفث و فسوق و جدل و هر آنچه با مقصود حج منافات دارد و یا باعث کم شدن اجر آن می‌شود و یا آن را از هدف خود

دور می‌گرداند و یا آنکه آن را از روشی که خداوند قرار داده و پیامبرش آن را تبیین نموده است دور می‌گرداند اجتناب نمایید، تا آنکه سختی سفر حج و هزینه‌های آن و دوری از خانواده و وطن بیهوده به هدر نرود.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم:

﴿الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَةٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ ۗ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ ۗ وَاتَّقُوا يٰٓأُولِيَ الْأَلْبَابِ ﴿١٧٧﴾﴾
[البقرة: ۱۹۷].

«حج در ماه‌های مشخصی است پس هر کس در این [ماه]ها حج را [بر خود] واجب گرداند [بداند که] در اثنای حج هم‌بستری و گناه و جدال [روا] نیست و هر کار نیکی انجام می‌دهید الله آن را می‌داند و برای خود توشه بگیرید که در حقیقت بهترین توشه پرهیزگاری است و ای خردمندان از من پروا کنید».

خداوند من و شما را با راه و روش کتاب و سنت سود رساند؛ این سخن خویش را گفته و برای خود و شما و همه‌ی مسلمانان از هر گناهی از خداوند آمرزش می‌خواهم که او بسیار آمرزنده و بسیار مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

حمد و سپاس مخصوص الله است، او را ستایش گفته و از او یاری جسته و از وی آمرزش می‌خواهیم، و از بدی‌های نفس خویش و کارهای ناشایست به او پناه می‌بریم، الله هرکه را هدایت کند او گمراه‌گری نخواهد داشت و هرکه را گمراه سازد وی هدایتگری نخواهد یافت و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که یگانه است و شریکی ندارد و گواهی می‌دهم که محمد بنده و پیامبر اوست، خداوند بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یاران وی درود و سلام فرست.

اما بعد، ای بندگان خداوند:

سختی‌های سفر آنگونه است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - در حدیثی چنین بیان فرموده‌اند که: «سفر تکه‌ای از عذاب است و یکی از شما را از غذا و نوشیدنی و خوابش باز می‌دارد» [به روایت بخاری و مسلم] منظور این است که سفر باعث می‌شود انسان از غذا و نوشیدنی و استراحتی که به آن عادت دارد و خو گرفته است باز بماند.

همینطور سختی دوری از خانواده و فرزندان و دوری از وطن و سختی قربانی کردن مال برای مخارج حج و دیگر سختی‌ها که با شدت محبت خداوندی و نیروی ایمانی که حاجی در قلب خویش احساس می‌کند، برای او آسان می‌شود. پس هنگامی که شخص حاجی نفس خود را از لغو و رفت و گناه و جدل و آزار و اذیت باز دارد و آن را به نیک‌رفتاری و احسان در همه‌ی امور وا داشته و غذا و نوشیدنی و لباس و همه‌ی هزینه‌هایش از مال حلال باشد و مناسک حج خویش را خالصانه برای خداوند و براساس پیروی از پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - به جای آورد مستحق این پاداش بزرگی خواهد شد که رسول گرامی خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - آن را چنین بیان نموده‌اند: «هر که حج کند و [در حج خود] دچار «رَفَث» و «فِسْق» نشود به مانند روزی که مادرش او را به دنیا آورده است [از حج] باز می‌گردد» [به روایت بخاری و مسلم].

چه بزرگ است این اجر و چه بزرگوارانه است چنین پاداشی! و چه خوش بخت است آنکه بدان دست یابد؛ زیرا چنین کسی پیروزی بزرگی را نزد خداوند به دست آورده است! پس ای بندگان خداوند تقوای او را پیشه سازید و برای به دست آوردن این پیروزی تلاش کنید تا از جمله‌ی رستگاران شوید.

و همیشه به یاد داشته باشید که خداوند شما را به درود و سلام بر بهترین انسان‌ها امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿الأحزاب: ۵۶﴾

خداوند ادرود و سلام فرست بر بنده و پیامبرت محمد و راضی و خشنود باش از چهار خلیفه‌ی وی ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر اهل بیت و یاران وی و از

تابعین و همه‌ی کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند و همچنین از ما با عفو گرم خویش راضی و خشنود باش از بهترین بخشنده‌گان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، و حوزه‌ی دین را حفظ نما و دشمنان دین و دیگر مفسدان و طاغیان را نابود ساز و میان قلوب مسلمانان الفت ایجاد کن و صف آنان را یکپارچه بساز و رهبران آن‌ها را اصلاح نما و کلمه‌ی آنان را بر حق، یکی بگردان. خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - و بندگان مومن مجاهد صادق را یاری ده.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن بگردان و امامان و والیان امر ما را اصلاح نما. خداوندا عاقبت ما را در همه‌ی امور نیک بگردان و ما را از خواری دنیا و عذاب آخرت نجات ده.

خداوندا دین ما را که نگهدارنده‌ی امر ماست و دنیای ما را که زندگی ما در آن است، و آخرت ما را که بازگشت‌گاه ماست اصلاح نما، و زندگی را برای ما باعث زیادی خیر و مرگ را عاملی برای آسودگی از همه‌ی بدی‌ها بگردان.

خداوندا تو ما را از دشمنانمان و دشمنانانت حفظ نما، خداوندا همانگونه که مشیئت توست ما را از شر دشمنانمان حفظ نما.

خداوندا ما را از زوال نعمت و تغییر یافتن عافیتت و از خشم ناگهانیت به تو پناه می‌بریم.

خداوندا بیماران ما را شفا ده و مردگان ما را بیامرز. خداوندا نفس ما را متقی بگردان و آن را پاک بساز که تو بهترین پاک‌کننده‌ی آنی و تو ولی و مولای آنی.

خداوندا حج ما را از ما بپذیر و آن را حجتی مبرور قرار ده ای پروردگار جهانیان.

﴿رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ [الأعراف: ۲۳].

﴿رَبَّنَا ءَاتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ [البقرة: ۲۰۱].

و درود و سلام خداوند بر بنده و پیامبرش محمد، و بر اهل بیت و یاران وی و الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

فضیلت حج و دهه‌ی اول ذی الحجه

خطیب: دکتر عبدالمحسن القاسم

مسجد نبوی شریف: جمعه ۲۸ ذوالقعدة ۱۴۳۱ برابر با ۱۴ آبان ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

حمد و سپاس مخصوص الله است. او را ستایش گفته و از وی آمرزش خواسته و از وی هدایت می‌جوئیم. و از بدی‌های نفس خویش و کارهای ناشایستمان به الله پناه می‌بریم. الله هرکه را هدایت کند او گمراه‌گری نخواهد داشت و هرکه را گمراه سازد او هدایت‌گری نخواهد یافت. و شهادت می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر اوست. درود و سلام بسیار خداوند بر او و بر اهل بیت و یاران وی باد.

اما بعد، ای بندگان خداوند، تقوای او را آنگونه که شایسته است پیشه سازید و به اسلام که همان ریسمان محکم الهی است چنگ زنید.

ای مسلمانان، مواسم خیر و نیکی که شرف زمان و مکان را یکجا با خود دارند پی در پی می‌آیند و قلب مسلمانان به سوی خانه‌ای پر می‌کشد که هر روز بارها به سوی آن رو می‌کنند:

﴿قَوْلٍ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ﴾ [البقرة: ۱۴۴].

«پس روی خود را به سوی مسجد الحرام کن».

چشم‌هایی با شوق و محبت به سوی سرزمینی مبارک می‌نگرند. سرزمینی که عبرت‌ها

و اندرزهایش همیشگی است. خداوند متعال چنین فرموده‌اند:

﴿فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ﴾ [آل عمران: ۹۷].

«در آن نشانه‌هایی آشکار است».

و سود آن سرزمین برای همه است:

﴿لَيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ﴾ [الحج: ۲۸].

«تا شاهد منافی برای خود باشند».

روزی، به سوی آن فرو ریز است و نعمت‌های آن پی در پی:

﴿أَوْ لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا ءَامِنًا يُجِبَىٰ إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِّزْقًا مِّن لَّدُنَّا وَلَٰكِنَّ

أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٥٧﴾﴾ [القصص: ۵۷].

«آیا آنان را در حرمی امن جای ندادیم که محصولات هر چیزی که رزقی از جانب

ماست به سوی آن سرازیر می‌شود ولی بیشترشان نمی‌دانند».

حجاج، رو به سوی بیت الله آورده‌اند و امید به وعده‌ی الهی دارند. آنان طاعتی را

پیش رو دارند که از بزرگ‌ترین عبادات و رکنی از ارکان دن است: حج خانه خدا؛

خانه‌ای برای پاک شدن گناهان. رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - خطاب به عمرو

بن عاص - رض الله عنه - پس از آنکه اسلام آورد چنین فرمود: «آیا نمی‌دانی که اسلام

آوردن، هر آنچه را که پیش از آن بوده از بین می‌برد؟ و اینکه هجرت آنچه را که پیش از

آن بوده از بین می‌برد؟ و حج نیز هر آنچه را که پیش از آن بوده نابود می‌کند؟» [به

روایت مسلم].

حج، شوینده‌ی ناپاکی‌های گناهان است. رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم -

می‌فرماید: «هرکه حج کند و [در حج خود] همبستری نکند و دچار گناه نشود به مانند

روزی که مادرش او را به دنیا آورده است از حج بر می‌گردد» [متفق علیه] و پاداش چنین

حجی بهشت‌های پرنعمت است. پیامبرمان - صلی الله علیه وآله وسلم - چنین فرموده

است: «حج مرور پاداشی ندارد جز بهشت» [به روایت مسلم].

حج دارای منافع و عبرت‌های بسیاری است از جمله:

توحید خداوند و خالص گرداندن عبادت‌ها برای وی که این نشان حج و آغازگر مناسک آن است:

لبیک اللهم لبیک. که به معنای استجابت دستور خداوند است. بزرگ‌ترین دستوری که خداوند به آن امر نموده است. جابر بن عبدالله - رضی الله عنه - می‌گوید: «پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - حج خود را با توحید آغاز نمود» [به روایت مسلم].

لبیک لا شریک لک لبیک: یعنی باطل دانستن شرک و اقرار به توحید، زیرا توحید اساس دین و اصل آن و شرط قبولی اعمال است.

إن الحمد والنعمه لك: که یاد آوری نعمت‌ها و ثنای بر منعم است تا آنکه همه‌ی اعمال تنها برای او انجام گیرد. و هرکه پروردگارش را در سرزمین حرام لبیک گوید با او اینگونه پیمان بسته است که همیشه و همه جا تنها او را عبادت کند.

همچنین ترک لباس دوخته شده و پوشیدن لباس احرام یادآور پوشیدن کفن پس از سفر از این دنیا و ارشادی است به سوی تواضع و زیر پا نهادن تکبر. همه تنها یک ازار و یک ردا پوشیده‌اند و سرها همه در برابر خداوند به زیر افتاده است.

منظره‌ی خانه‌ی کعبه یاد آور خالص نمودن اعمال برای خداوند است. آنجا که دو پیامبر بزرگوار، خلیل خدا و فرزندش شریف‌ترین و گرامی‌ترین خانه را بنا می‌کنند اما با این حال از خداوند می‌خواهند کار آن‌ها را مورد قبول قرار دهد:

﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

﴿البقرة: ۱۲۷﴾

«و هنگامی که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه‌ی [کعبه] را بالا می‌بردند [می‌گفتند] ای پروردگار ما از ما بپذیر که در حقیقت تو شنوای دانایی».

واجب است شخص حاجی در همه‌ی اعمال حج و دیگر کارهای خود اخلاص را رعایت نماید و نباید در کاری که انجام می‌دهد نیت ریا و خودنمایی و مباهات و فخر فروشی نماید زیرا خداوند چنین فرموده است که:

﴿وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ﴾ [البقرة: ۱۹۶].

«و برای الله حج و عمره را به پایان رسانید».

تنها برای رضایت خداوند و بخشیده شدن گناهان.

طواف خانه‌ی امن خداوند نیز دارای تاثیر خود بر قلب‌هاست زیرا هیچ جایی در زمین

وجود ندارد که با طواف آن بتوان به خداوند نزدیک گردید به جز خانه‌ی کعبه:

﴿وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾ [الحج: ۲۹].

«و بر گرد آن خانه‌ی عتیق طواف به جای آورند».

بوسیدن حجر الاسود نیز نشان‌دهنده‌ی گردن نهادن به شرع خداوند است حتی اگر

حکمت آن برای ما آشکار نباشد. عمر بن خطاب - رضی الله عنه - خطاب به حجر

الاسود چنین فرمود: «به خدا سوگند که من می‌دانم تو سنگی بیش نیستی که نه سودی

می‌رسانی و نه زبانی، و اگر من ندیده بودم که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - تو

را می‌بوسد هرگز تو را نمی‌بوسیدم» [متفق علیه].

مناسک حج درس بزرگی است در پایبندی و به سنت و پیروی از پیامبر - صلی الله

علیه وآله وسلم - رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - چنین می‌فرماید: «مناسک خود

را از من [فرا] بگیرید» [به روایت مسلم].

برای مسلمان لازم است که در هر طاعت و قربتی از پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم

- پیروی نماید و در حج و دیگر عبادت‌ها صرفاً به دنبال رخصت‌ها نباشد:

﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ [الحشر: ۷].

«و هر آنچه را که پیامبر برای شما آورد آن را بپذیرید و از آنچه شما را باز داشت از آن

دست کشید».

روز عرفه روز مبارکی است، و روز به هم رسیدن مسلمانان و روز امید و خشوع و

خضوع در برابر پروردگار است. آن، روز بزرگی برای مسلمانان است. شیخ السلام ابن

تیمیه - رحمه الله - می‌گوید: «در پایان روز عرفه چنان ایمان و رحمت و نوری بر قلب

حاجیان نازل می‌گردد که نمی‌توان آن را بیان نمود».

و دعا نیز بسیار گرانبقدر و دارای شان و عظمت است. حاجیان در چنین موقعیتی نیازهای خود را به سوی پروردگار خود عرضه می‌کنند و از کرم وی مسالت می‌دارند. و باید دانست که پافشاری در دعا از پروردگار و مایوس نشدن از تاخیر استجابت، باعث قبولی دعاست. و بهترین دعا، دعای روز عرفه است.

ابن عبدالبرّ - رحمه الله - می‌گوید: «دعای روز عرفه غالباً مستجاب می‌گردد».

همچنین بهترین سخنی که در این روز گفته می‌شود کلمه‌ی تقوا است به همراه دانستن معنای آن و عمل براساس آن. رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «بهترین دعا، دعای روز عرفه است و بهترین سخنی که من و پیامبران پیش از من گفته‌اند این سخن است: «لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد، وهو على كل شيء قدير» [به روایت ترمذی].

روزی که بسیاری از بندگان خداوند از آتش نجات می‌یابند و خداوند با بندگانش بر فرشتگان مقربش مباحثات می‌کند. رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «روزی بیش از عرفه نیست که خداوند در آن بنده‌ای را از آتش آزاد کند، و او [در آن روز] به بندگانش نزدیک می‌شود سپس با آنها بر ملائکه‌اش مباحثات می‌کند و می‌گوید: این بندگان من چه می‌خواهند؟..» [به روایت مسلم].

ابن عبدالبرّ - رحمه الله - می‌گوید: «و این نشان دهنده‌ی این است که آنان مورد مغفرت قرار گرفته‌اند زیرا خداوند با اهل گناهان مباحثات نمی‌کند مگر پس از توبه و مغفرت».

جمع شدن مردم در عرفه یاد آور روز حشر است که میان مردم داوری می‌شود تا آنکه به سوی منازل خود رهسپار شود، یا بسوی بهشت و یا به سوی دوزخ. قربانی نیز عبادتی است که فقط مخصوص خداوند است و مسلمانان به وسیله‌ی آن به خداوند نزدیک می‌شوند:

﴿لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَآؤَهَا وَلَكِنَّ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ﴾ [الحج: ۳۷].

«هرگز [نه] گوشت‌های آنها و نه خون‌هایشان به الله نخواهد رسید ولی [این] تقوای شماست که به او می‌رسد».

و تراشیدن سر یا کوتاه کردن آن نشان دهنده‌ی تسلیم در برابر سلطه‌ی خداوندی و خضوع در برابر عظمت اوست.

ذکر خداوند نیز زندگی قلب است و بسیار یاد نمودن خداوند در مشاعر یکی از اهداف شعائر حج و باعث نزدیک‌تر شدن آن به قبولی و خالص‌تر شدن آن می‌شود. خداوند عزوجل فرموده است:

﴿لِيَشْهَدُوا مَنَفِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ﴾ [الحج: ۲۸].

«تا شاهد منافع خویش باشند و نام الله را در روزهای معلومی به یاد آورند» و همچنین فرموده است:

﴿فَإِذَا أَقَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ﴾ [البقرة: ۱۹۸].

«پس چون از عرفات کوچ نمودید الله را در مشعر الحرام یاد کنید» و همچنین فرموده است:

﴿وَأَذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ﴾ [البقرة: ۲۰۳].

«و الله را در روزهایی چند، یاد کنید».

زیرا اساسا شعائر حج برای ذکر خداوند مشروع شده‌اند زیرا رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «همانا طواف خانه‌ی خدا و سعی میان صفا و مروه و رمی جمرات برای برپا داشته شدن ذکر خداوند قرار داده شده‌اند» [به روایت ترمذی].

نزدیک‌ترین حاجیان به خداوند نیز آنانی هستند که بیشتر یاد او را می‌کنند. ابن قیم - رحمه الله - می‌گوید: «در هر عبادتی آنها که بیشتر ذکر و یاد خداوند را می‌کنند بهترین کسانی هستند که آن را عبادت را به جا آورده‌اند. بهترین روزه‌داران آنانی هستند که در روزه‌شان بیشتر یاد خداوند را می‌کنند و بهترین صدقه دهنده‌گان آنانی هستند که در حال صدقه بیشتر به یاد الله هستند و بهترین حاجیان آنانی هستند که بیشتر یاد خداوند را می‌کنند».

با پایان حج نیز تا می‌توانی از خداوند مغفرت بخواه و استغفار کن نیز استغفار پایان هر کاری است و استغفار بنده، کار ناقص را به سوی کمال می‌برد و بنده را از مقامی پایین به مقام و منزلتی بالاتر می‌برد و هرکه حج خود را به نیکی انجام دهد و از نواقص آن دوری نماید با بهترین حالت از آن باز می‌گردد.

از جمله نشانه‌های قبولی عمل نیز انجام کار نیک پس از کار نیک است و شایسته است که شخص حاجی پس از بازگشت از حج در سرزمین خود الگویی در استقامت و دعوت به سوی الله باشد.

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم:

﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ ﴿٢٧﴾
لِيَشْهَدُوا مَنَفَعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِّنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ ۗ
فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ ﴿٢٨﴾﴾ [الحج: ۲۷-۲۸].

خداوند متعال برای من و شما در قرآن بزرگ برکت دهد و با آیات و ذکر حکیم سود رساند. آنچه را شنیدید گفتم، و از خداوند متعال برای خود و شما و دیگر مسلمانان از هر گناهی آموزش می‌طلبم پس از او آموزش بخواهید که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

خداوند را برای احسانش ستایش می‌کنیم و او را برای توفیق و منتش سپاس می‌گوییم و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر اوست. درود و سلام خداوند بر او و بر اهل بیت و یاران وی باد.

ای مسلمانان:

روزهای دهه‌ی اول ذی‌الحجه روزهایی است مبارک، و انجام کارهای نیک در این روزها فضل بسیاری دارد. رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرمایند: «هیچ روزی

نیست که کار نیک در آن نزد خداوند محبوب‌تر از این روزها - یعنی روزهای دهه‌ی اول ذی‌الحجه - باشد» گفتند: ای رسول خداوند! و نه حتی جهاد در راه خدا؟ فرمود: «و نه حتی جهاد در راه خداوند، مگر مردی که با جان و مالش برای جهاد خارج شود و هیچ کدام از آن‌ها را بر نگرداند» [به روایت بخاری].

پس سعی کنید در این روزها بسیار تکبیر و تحمید گوئید و صله‌ی رحم و نیکی به پدر و مادر و صدقه را بیشتر انجام دهید و تا می‌توانید نسبت به رفع نیاز دیگران و از بین بردن مشکلات آن‌ها و دیگر انواع طاعات و نیکی‌ها بکوشید.

صحابه - رضی الله عنهم - در دهه‌ی ذی‌الحجه سنت تکبیر را میان مردم زنده می‌کردند. این عمر و ابوهریره - رضی الله عنهما - در روزهای دهه‌ی اول ذی‌الحجه به بازار می‌رفتند و تکبیر می‌گفتند و مردم نیز با تکبیر آن‌ها تکبیر می‌گفتند [به روایت بخاری].

با ذبح قربانی در روز عید قربان و همینطور ایام تشریق، خیر ادامه می‌یابد و رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - دو قوچ شاخدار سفید را که کمی سیاهی در پشمشان وجود داشت را پس از آنکه بسم الله و الله اکبر گفت با دستان خویش قربانی نمود [متفق علیه]. بهترین قربانی، گرانقیمت‌ترین و مرغوب‌ترین آن است و یک گوسفند برای یک نفر و خانواده‌ی وی کفایت می‌کند همچنین برای کسی که نیت قربانی دارد حرام است تا پیش از قربانی چیزی از ناخن یا مویش را بردارد.

برای کسانی که در سرزمینشان هستند و به حج نرفته‌اند سنت است که روز عرفه را روزه گیرند. رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - می‌فرماید: «روزه‌ی عرفه را بر خداوند چنین احتساب می‌کنم که کفاره‌ی گناهان سال قبل و بعد آن می‌باشد» [به روایت مسلم].

پس این مواسم عبادت را پیش از آنکه از دست روند غنیمت شمارید که همه‌ی زندگی غنیمت است و روزهای آن انگشت‌شمار است و عمرها کوتاه...

و سپس بدانید که خداوند شما را به درود و سلام بر پیامبرش امر نموده و در آیات محکم کتابش چنین فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ﴾ [الأحزاب: ۵۶].

خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد درود و سلام فرست و راضی و خشنود باش از خلفای راشدین، آنانی که به حق حکم می‌نمودند: ابوبکر و عمر و عثمان و علی، و از دیگر صحابه‌ی پیامبرت و همچنین از ما با عفو و کرم خویش راضی باش ای گرامی‌ترین گرامیان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار گردان و دشمنان دین را نابود ساز و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امن و امان بدار. خداوندا حاجیان و معتمران را مورد مغفرت خویش قرار ده. خداوندا حجاج خانهات را حفظ نما و حجشان را مبرور و تلاششان را مشکور و عملشان را مقبول گردان. خداوندا ما از تو بهشت را می‌خواهیم و هر سخن و کرداری را که باعث نزدیکی به آن شود و از آتش و هر گفتار و کرداری که ما را به آن نزدیک سازد به تو پناه می‌بریم. خداوندا ما به تو پناه می‌بریم از اینکه خواسته به تو شریکی قائل شویم و از تو آمرزش می‌خواهیم اگر ناخواسته به تو شریکی قرار داده‌ایم. خداوندا ما از تو فردوس را که بالاترین درجه‌ی بهشت است خواهانیم. خداوندا پوست و گوشت ما را بر آتش حرام بگردان.

بندگان خداوند: «همانا الله به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان امر کرده و از فحشا و منکر و تجاوزپیشه‌گی باز می‌دارد. او شما را چنین پند می‌دهد، باشد که یادآور گردید» [النحل: ۹۰].

پس الله بزرگ و جلیل را یاد کنید تا شما را یاد کند و او را برای نعمت‌هایش شکر گوید تا شما را افزون دهد و همانا یاد الله بزرگ‌تر است و الله به آنچه می‌کنید آگاه است.

عنوان خطبه: حج و محقق ساختن توحید

خطیب: دکتر عبدالرحمن سدیس

مسجد الحرام: جمعه ۶ ذوالحجه ۱۴۳۱ برابر با ۲۱ آبان ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

سایش شایسته‌ی خداوند است که حج را برای رحمت و سعادت بندگانش مشروع ساخت، و از روی توحید و اطاعت گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است، و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده و پیامبر او و بهترین و پاک‌ترین انسان‌هاست. درود و سلام خداوند بر او و بر اهل بیت و یاران او باد که پاک‌دل‌ترین افراد این امتند و دوست‌دارترین آن‌ها در بین هم هستند، و همچنین بر تابعین و همه‌ی آنانی به نیکی و با امید سعادت از آنان پیروی نمایند...
اما بعد:

ای بندگان خداوند تقوای او را پیشه سازید، ای حجاج بیت الله تقوای او را پیشه سازید که تقوای خداوندی بهترین وسیله برای رسیدن به هدف، و بهترین سپر برای جلوگیری از گناهان است. پس با آن، قلب‌هایتان را آباد کنید و با بهره گرفتن از شرف زمان و مکان و مناسبت، طاعات و عباداتی را که تاکنون از دست داده‌اید جبران نمایید.

﴿وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ﴾ [البقرة: ۱۹۷].

«و توشه بگیرید که بهترین توشه تقوا است.»

برادران و خواهران مسلمان، حجاج بیت الله الحرام:

این موسم زیبای حج و روز بزرگ آن است که آسمان امت را نورانی ساخته و شب و روز آن را منور گردانده است. گل‌های آن بوی خوش بشارت می‌دهند و ثمرات آن پر خیر است و پر برکت، و فضایل و آثار آن بر قلب حاجیان تابیدن گرفته است...

خداوند، درخواست و امیدتان را برآورده سازد... مردم و مسئولان سرزمین حرمین را شرفیاب ساختید که آنان با آمدن شما مهمانان گرامی و عزیز، یکدیگر را بشارت می‌دهند زیرا که خدمتگذاری شما تاجی است بر سر اهل این سرزمین و مدال افتخاری است بر سینه‌ی آنان، زیرا که شعار شما لبیک گفتن برای پروردگار است:

لبیک اللهم لبیک، لبیک لا شریک لک لبیک، إن الحمد والنعمه لک والملك، لا شریک لک.

حجاج بیت الله الحرام:

اینک این شماست که در رحاب حرمین شریفین هستید و در جوی روحانی و در بزرگ‌ترین آیین جهانی اسلام به سر می‌برید. چه زیباست برادری و مهربانی شما! و چه زیباست که برای خشنودی خداوند همیار هم هستید و خود را در معرض نسیم ایمان قرار داده‌اید و برای رسیدن به هدف بزرگتان، زینت لباس و افتخار به نسب و لقب و حسب را پشت سر گذاشته‌اید.

ای کسانی که بدن‌ها را خسته کردید و فرزندان و سرزمین‌هایتان را ترک گفتید و سختی‌ها و خطرها را به جان خریدید و آب و هوا را در نوردیدید و با لباس احرام و با نفسی خاشع و برای اجابت امر خداوند حرکت نمودید؛ در حالی که ایمان گام‌هایتان را به حرکت وا داشته و اشتیاقی پنهان شما را می‌برد تا کمر شوق را در گرامی‌ترین سرزمین خداوند خم نمایید تا آنکه وارد حرم چه کسی شوید؟ حرم آن واحد دَیّان:

﴿وَمَنْ دَخَلَهُ وَكَانَ آمِنًا﴾ [آل عمران: ۹۷].

«و هر که وارد آن شود در امان خواهد بود».

که این، خود تاکید است بر اهمیت پاس داشتن امنیت این سرزمین حرام و نظم آن... پس خوش آمدید و دیدار سرزمینی که محبوبمان - صلی الله علیه وآله وسلم - در آن زندگی نمود و در آن نور رسالت تابیدن گرفت، سرمه‌ی چشمانتان باد...

پس سعی کنید تا این مناسبت باعث تقویت ایمان و جمع شدن عزم و بالا رفتن همت‌هایتان شود.

آری ای وفود مبارک! خداوند، خواسته‌ی شما را برآورده نمود و شما را به آنچه می‌خواستید رساند و بالاخره این خانه‌ی پاک و این مکان زیبا را به چشمان خود دیدید و زبان حالتان نه پنهان بلکه آشکارا چنین می‌گوید که: برای رسیدن به سرزمینی که به سختی به آن رسیدیدم و از هر پستی و بلندی به آن روی آوردیم آمده‌ایم...
ای حجاج بیت الله الحرام:

در این موکب‌های با عظمت و این جمع مبارک که در یک زمان و مکان و یک مراسم و یک احساس با هم متحد گردیده‌اند، اسلام یکی از منافع بزرگ حج را نمایان می‌سازد و آن اساس وحدت اسلامی و روحی محکمی است که همه‌ی سختی‌ها و دردهای امت در آن به پایان می‌رسد. خداوند سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ ﴿٥٢﴾﴾ [المؤمنون: ۵۲].

«و اینکه این امت شما امتی است واحد و من پروردگار شمایم پس از من پروا دارید».
برادران و خواهران ایمانی، مهمانان خداوند:

بزرگ‌ترین قضیه‌ای که رکن بزرگ حج، و بلکه همه‌ی طاعات و عبادات بر آن بنا شده است، خالص گرداندن توحید برای خداوند است، زیرا که توحید حق خداوند بر بندگان است یعنی خالص گرداندن همه‌ی عبادت‌ها تنها برای الله سبحانه و تعالی. بر این اساس، بزرگ‌ترین اهداف حج و منافع آن محقق ساختن توحید خالص برای خداوند است. خداوند متعال چنین می‌فرماید:

﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٢﴾ لَا شَرِيكَ لَهُ ﴿١٦٣﴾﴾

[الأنعام: ۱۶۲-۱۶۳].

«بگو همانا نماز و دیگر عبادت‌های من و زندگی و مرگ من برای الله پروردگار جهانیان است (۱۶۲) که شریکی ندارد».

این لبیک گویی، که بر زبان حاجیان جاری است و این سرزمین امین با آن به لرزه می‌افتد چیزی نیست جز شعار توحید و ایمان، و نشانه‌ای است برای طاعت و

فرمانبرداری و برای همین توحید است که در همان آغاز پایه‌های این خانه‌ی بزرگوار بر افراشته گردید زیرا که خداوند متعال فرموده است:

﴿وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا﴾ [الحج: ۲۶].

«و چون برای ابراهیم جای خانه‌ی کعبه را معین کردیم [بدو گفتیم] چیزی را با من شریک مگردان.»

علاوه بر این اصل بزرگ، اصل بزرگ دیگری به نام محبت و پیروی از رسول گرامی خداوند - صلی الله علیه و آله وسلم - به میان می‌آید، زیرا محبت رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - اقتدا و پیروی از اوست، نه ادعای توخالی، خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ [الحشر: ۷].

«و هر آنچه پیامبر برای شما آورد آن را بر گیرید از آنچه شما را باز داشت باز ایستید.»

و رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - می‌فرماید: «مناسک حجتان را از من فرا بگیرید.»

و همچنین لازم است که انسان مسلمان عظمت این فریضه‌ی بزرگ و اهداف بلند آن را احساس نماید و مگر این رکن پنجم از ارکان اسلام و یکی از شعایر بزرگ آن نیست؟ در صحیحین از حدیث ابوهریره - رضی الله عنه - از رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - چنین روایت شده که فرمودند: «حج مبرور پاداشی ندارد به جز بهشت» [به روایت بخاری و مسلم].

و همچنین در صحیحین بخاری و مسلم روایت شده است که رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - فرمودند: «هرکه حج نماید و [در حج خود] همبستری نکرده و دچار گناه نشود به مانند روزی که مادرش او را به دنیا آورده [از حج] باز می‌گردد.»

ای امت مسلمان:

شعیره‌ی حج در جوهر بی‌نظیر و مظهر زیبایش ما را به سوی این فرا می‌خواند که آن را به عنوان تغییری عملی و جدی برا پذیرش مسئولیت‌هایمان قرار دهیم؛ اختلاف و

جدایی دیگر کافی است! دشمنی و دوری تا کی؟ اکنون وقت آن است که شرف زمان و مکان را برای بررسی و معالجه‌ی دردهای امت و اختلافات آن، از نظر اقلیمی و جهانی غنیمت شماریم تا اینکه این اجتماع ربانی میزانی باشد برای بررسی کارهایی که انجام گرفته و جلوبرنده‌ای باشد برای آرزوهای امت و پیمانی باشد برای یاری همدیگر و محکم کردن پیمان‌های برادری و تاکید بر آن:

﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ [آل عمران: ۱۰۳].

«و به ریسمان الهی چنگ زنید و متفرق نشوید».

به ویژه در مورد قضایای بزرگ امتمان: قضیه‌ی برادران و خواهرانمان در سرزمین مبارک فلسطین و مسجد الاقصی که محاصره‌ی اقتصادی و مشکلات فراوان و دو دستگی برادران، آنان را زخمی ساخته است، و همینطور برادران و خواهرانمان در سرزمین عراق که مصیبت‌ها و جنگ‌ها آن‌ها را مجروح گردانده است.

این شعیره‌ی مبارک، مناسبتی است بزرگ تا به سوی همه‌ی جهانیان بزرگ‌ترین هدایای ربانی و رحمت‌های مصطفوی را که پیام آورنده‌ی حق و عدل و امنیت و صلح است و آورنده‌ی رحمت و تسامح و صفا و همبستگی است و ستم و فساد و خشونت و ترور را - به هر سببی که باشد - نفی می‌کند، تقدیم بداریم.

ای حجاج گرامی:

در محافظت از این عَرَصَات پاک و مقدس و این نعمت فراگیر کوشا باشید و در بزرگداشت این سرزمین شریف با ادب و احترام و پاک نگه داشتن آن پیش قدم باشید زیرا که:

﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعِظْ شَعْبًا اللَّهُ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ ﴿۳۲﴾﴾ [الحج: ۳۲].

«اینچنین است و هر که شعائر خداوند را گرامی بدارد پس آن از تقوای قلب‌هاست».

از هر آنچه باعث به هم زدن امنیت و آرامش و استقرار این سرزمین است دوری کنید و به اخلاق گرامی زینت یابید و از هرگونه آزار رسانی و خصلت‌های ناپسند برحذر

باشید، زیرا حج هم عبادت است و هم امنیت، و هم یک رفتار متمدنانه، و خداوند متعال می‌فرماید:

﴿الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ﴾ [البقرة: ۱۹۷].

«حج در ماه‌های معینی است پس هرکس در این [ماه]ها حج را [بر خود] واجب گرداند [بداند که] در اثنای حج هم‌بستری و گناه و جدال [روا] نیست».

و از همین جا به همه‌ی تلاشگران در زمینه‌ی آسایش حاجیان تشکر و خسته نباشید می‌گوییم و به آنان می‌گوییم این شرف بزرگ و مکانت والا مبارکتان باد و همواره موفقیت و اخلاص همراحتان...

و خدمت به حاجیان بزرگوار نیز می‌گوییم مجموعه‌ی خدمات و پروژه‌های بزرگی که در اختیارتان قرار گرفته است گوارایتان باد و از جمله خدماتی که امسال مورد بهره‌برداری قرار گرفته است می‌توان به پروژه‌ی بزرگ قطار حرمین و مشاعر مقدس اشاره کرد که خداوند آن را در ترازوی نیکی‌ها قرار دهد.

و در آغاز و پایان امر از خداوند متعال چنین می‌خواهیم که حجاج بیت الله الحرام را موفق ساخته و آنان را در ادای مناسکشان یاری دهد و حجشان را مبرور گردانده و تلاششان را مشکور، و گناهانشان را مورد مغفرت قرار دهد و آنان را سالم و باغنیمت و پاداش‌یافته و بدون گناه به سرزمین‌هایشان بازگرداند که او بسیار بخشنده و بزرگوار است.

خداوند بزرگ من و شما را به واسطه‌ی قرآن و سنت برکت داده و با آیات و ذکر حکیم سود رساند. این سخن خویش را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از خداوند بزرگ از هر گناهی آمرزش می‌طلبم پس از او آمرزش بخواهید و به سوی او توبه کنید که پروردگارم بسیار آمرزنده و بسیار مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش مخصوص خداوندی است که حج را رکنی از ارکان دین قرار داد و اجر ناسکان را چه معتمر باشند و چه حاجی، بزرگ گرداند، و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده‌ی خداوند و رسول اوست... خداوندا بر او و بر اهل بیت و یاران او و تابعین و آنانی که تا قیامت با امید نزدیکی به خداوند از وی پیروی نمایند درود و سلام بسیار فرست.

اما بعد:

ای بندگان خداوند تقوای او را پیشه سازید، ای حجاج خانه‌ی خدا تقوای او را پیشه سازید و اوقات گرانبهای خود را با طاعات آباد سازید و در این دهه‌ی مبارک به او نزدیکی جویند.

ای دوست‌داران در راه الله:

از جمله‌ی فضل و احسان خداوندی و نعمت‌های وافرش این روزهای گرامی دهه‌ی اول ذی‌الحجه است، که خداوند، شأن آن را والا گردانده و قدر آن را افزون نموده است. بخاری در صحیح خود از حدیث ابن عباس از رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - چنین روایت نموده است که ایشان فرمودند: «هیچ روزی نیست که کار نیک در آن نزد خداوند محبوب‌تر از این روزها - یعنی روزهای دهه‌ی اول ذی‌الحجه - باشد» گفتند: ای رسول خداوندا! و نه حتی جهاد در راه خدا؟ فرمود: «و نه حتی جهاد در راه خداوند، مگر مردی که با جان و مالش برای جهاد خارج شود و هیچ کدام از آنها را بر نگرداند».

الله اکبر! چه فضیلت بزرگی! و عجب موسم با خیر و برکتی! پس ای حاجیان این فرصت گرانبها را غنیمت شمارید که چه با فضیلت است این روزهای اندک زیرا که اجرا در آن بزرگ است، پس سعی کنید از این فرصت مبارک با ذکر و تسبیح و تحمید و تهلیل و تکبیر بهره ببرید...

الله أكبر الله أكبر، لا إله إلا الله، الله أكبر الله، والله الحمد.

هنگامی که روز هشتم ذی‌الحجه فرا می‌رسد برای حاجیان مستحب است که به سوی منی خارج شوند و شب نهم را در آنجا بمانند و پس از طلوع آفتاب روز نهم به سوی

عرفه بروند و با زوال خورشید در آن موقف بزرگ مشغول ذکر و دعا شوند زیرا که هیچ روزی بیش از عرفه نیست که خداوند در آن بنده‌ای را از آتش آزاد می‌سازد، سپس بعد از غروب خورشید، حاجیان رو به سوی مزدلفه می‌آورند و شب عید را در آنجا می‌مانند و در صبح روز عید، جمره‌ی عقبه را با هفت سنگریزه به جا آورده و سپس بقیه‌ی مناسک را از جمله ذبح و تراشیدن یا کوتاه کردن سر و طواف را به جا می‌آورند. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ ﴿۲۹﴾﴾ [الحج: ۲۹].

«سپس باید آلودگی خود را بزدايند و به نذرهای خود وفا کنند و بر گرد آن خانه‌ی کهن طواف به جای آورند».

پس ای بندگان خداوند تقوای او را پیشه سازید و سعی در یادگیری احکام مناسک نمایید و در مسائلی که برایتان آشکار نیست از اهل علم بپرسید زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿۴۳﴾﴾ [النحل: ۴۳].

«پس از آگاهان بپرسید اگر نمی‌دانید».

همچنین لازم است اهل علم و فتوا براساس قاعده‌ی آسانگیری و رفع حرج با حجاج رفتار نمایند زیرا این روشی نبوی است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - براساس آن رفتار می‌نمود.

خداوند متعال از حاجیان حجشان را بپذیرد و آن را مبرور قرار داده و تلاش آنان را مشکور و گناهانشان را مغفور گرداند و آنان را سالم و غانم و ماجور و بی‌گناه به خانه‌هایشان برگرداند که او بهترین سوال شونده است.

و درود و سلام فرستید بر پیامبر مصطفی و رسول مجتبی - صلی الله علیه وآله وسلم - که او بهترین کسی است که مناسک را به جای آورده و احکام حج را برای هر ناسکی تبیین کرده است زیرا پروردگارتان شما را به این کار امر نموده و در آیات محکم کتابش فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

«همانا الله و ملائکه‌اش بر پیامبر درود می‌فرستند؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود و سلام فرستید».

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت بخش، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت بخش، خداوندا اسلام را عزت بخش و مسلمانان را یاری رسان و حاجیان و معتمران را در امن و سلامت بدار و از حوزه‌ی دین محافظت نما و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امن و امان بدار.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان در امان بدار، خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان در امان بدار و مسئولان و والیان امر ما را اصلاح کن و همه‌ی والیان و مسئولان مسلمان را برای تحکیم شریعت و پیروی از سنت پیامبرت - صلی الله علیه و آله وسلم - توفیق ده و آنان را رحمتی برای بندگان مومن بگردان.

خداوندا تو یاری دهنده‌ی برادران مستضعف ما در همه‌ی جا باش خداوندا مسجد الاقصی را نجات ده، خداوندا مسجد الاقصی را نجات ده، خداوندا مسجد الاقصی را از چنگال صهیونیست‌های متجاوز اشغالگر نجات ده و آن را تا روز قیامت سربلند و عزیز بگردان.

خداوندا مسلمانان را به سوی آنچه باعث خشنودی توست توفیق ده، خداوندا مرده‌گان آنان را بیمارز و بیمارانشان را شفا ده. خداوندا بیماران آنها را شفا ده ای مهربان‌ترین مهربانان. ای زنده‌ی پایدار ای دارای جلال و بزرگی. خداوندا آنها را به سوی راه‌های بهشت راهنمایی کن و از فواحش و فتنه‌های ظاهر و آشکار در امان بدار ای داری جلال و بزرگواری و ای نعمت‌دهنده...

﴿رَبَّنَا ءَاتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ [البقرة: ۲۰۱].

«پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از عذاب آتش دور بدار».

خداوندا نیروهای امنیتی ما را موفق گردان، خداوندا نیروهای امنیتی ما را موفق گردان، خداوندا نیروهای امنیتی ما را موفق گردان، خداوندا نیروهای امنیتی ما را موفق گردان. خداوندا آنان را برای تلاش‌هایی که برای خدمت به حجاج و معتمرین مصروف می‌کنند ماجور گردان.

خداوندا به ما باران عطا کن، خداوندا ما را باران عطا کن، خداوندا تویی آن الله که معبودی به حق نیست جز تو، تو بی‌نیازی و ما نیازمندانیم، باران را بر ما نازل کن و ما را از نومیدان مگردان، باران را بر ما نازل کن و ما را از مایوسان قرار مده.

خداوندا ما از تو آموزش می‌خواهیم که تو بسیار آمرزنده‌ای، پس باران را از آسمان بر ما نازل کن.

خداوندا از ما بپذیر که تو بسیار شنوا و دانایی و بر ما توبه پذیر که تو بسیار توبه‌پذیر و مهربانی و ما و پدر و مادر ما و دیگر مسلمانان را - چه زنده‌گان و چه رفته‌گان - مورد مغفرت خویش قرار ده.

پاک است و بی‌عیب، پروردگار تو، پروردگار عزت از آنچه به دروغ و صفش می‌کنند و سلام بر پیامبران والحمدلله رب العالمین.

عنوان خطبه:

تأملی پس از پایان موسم حج

خطیب: دکتر صالح آل طالب

مسجد الحرام: جمعه ۱۳ ذوالحجه ۱۴۳۱ برابر با جمعه ۲۸ آبان ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

ستایش مخصوص الله است، او که آفرید، و صاحب عزت است و صاحب مُلک... کوه‌های محکم و انسیان و جنیان و فرشتگان در برابر عظمت او خاشعند. زمین را در عین گرد بودن صاف قرار داد و آسمان را سقف آن گرداند، پس چه زیباست زمین او و چه زیباست سقف آن. او را ثنا و سپاس می‌گوییم تا هنگامی که کشتی‌ها در دریاها رفت

و آمد می‌کنند و فلک در گردش است، و از او آمرزش می‌خواهم، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنهاست و بی‌شریک و پادشاه پادشاهان است.

خداوندا تو را لبیک می‌گویم... تو را لبیک می‌گویم که شریکی نداری و حمد و نعمت تنها از آن توست. هیچ بنده‌ای که به تو امید بست ناامید نگردد و تو در هر حال یاور اوایی...

و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر او، و بهترین انسانی است که نماز گزارد و زکات داد و روزه گرفت... درود و سلام و برکات خداوند بر او و بر اهل بیت و اصحاب وی باد.

اما بعد، ای مسلمانان، ای حجاج بیت الله الحرام:

تقوای الله را پیشه سازید و او را اطاعت کنید و امرش را بزرگ دارید و مرتکب معصیت او نشوید، که به زودی گفته می‌شود: «فلانی هم رفت! آه و حسرت برای بدی‌هایی که پیش فرستاد و برای خوبی‌هایی که از دست داد...».

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ

بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٨﴾ [الحشر: ١٨].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را پیشه سازید و هر کس ببیند که برای فردا چه پیش فرستاده است و تقوای الله را پیشه سازید که همانا الله به آنچه می‌کنید آگاه است.».

شمایی که از عرفات رهسپار مزدلفه شدید و شب را در منی گذرانیدید و رمی جمرات را انجام دادید... شمایی که میان زمزم و مقام ابراهیم سیاحت نمودید، اینجا نزولگاه آیات قرآن است و این‌ها نشانه‌های توحیدند، و همینجا بود که شریعت‌ها ختم گردیدند، و خداوند این دین را برای ما پسندید. شما میان این جایگاه‌ها سیر نمودید، این‌ها آثار پیامبران است و اینجا رَحِم امت است که صحابه و فاتحان را به دنیا آورد.

اینجا خواستگاه توحید است و اینجاست که شرک نابود گردید و چندگانه پرستی

باطل اعلام شد.

ای حاجیان:

شما هم اکنون و در این زمان بر زمینی ایستاده‌اید که مرکز پیدایش امت است، محل به وجود آمدن امت مسلمانان و عقیده‌ی اسلامی و شریعت. امتی که عاقبت آن به سوی نیکی است و عظمت آن فراتر از عظمت همه‌ی امت‌های دیگر است. اکنون شمایی که قرن‌ها و دوران‌ها با دوران پیدایش امت فاصله دارید، اگر می‌خواهید باری دیگر آن دوره را باز گردانده و دوباره به آن راه برگردید، این است آن راهی که باید بیمایید.

از این مشاعر مقدس درس گیرید و عوامل نهضت و رستاخیز را از شعیره‌ی حج برگیرید که این توفقی است برای تفکر و تأمل در پایان موسم حج.

ای مومنان:

امت اسلامی از یک قرن گذشته تا کنون، از هنگامی که در امور دنیا رو به قهقرا و عقب‌گرد نهاد و اجزای آن از هم گسیخته گردید، همیشه افراد آن در رویای وحدت دوباره‌ی آن از نظر جغرافیایی بوده‌اند و اینگونه گمان کرده‌اند که این، تنها راه باز پس گرفتن عظمت گذشته است. در راه این رویا شعرها سروده شده و کتاب‌ها تالیف گردیده و مقالات بسیاری نگاشته شده است و هنوز هم اندیشمندان و نویسندگان با این رویا به خواب رفته و بیدار می‌شوند.

اما متأسفانه در ذهن بسیاری از آنان داروی شفابخشی که امام دارالهیجره، امام مالک - رحمه الله - برای این درد پیچیده است، جایگاهی ندارد. آنجا که می‌فرماید: «آخر این امت رو به صلاح نمی‌رود مگر با همان چیزی که اول آن را اصلاح نمود».

در میان داروهای این مصلحان این نکته مورد توجه قرار نگرفته است که آنکه عظمت را به این امت ارزانی داشت و آنان را والا گرداند یعنی رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - پیش از آنکه امت را متحد گرداند عقاید آنان را یکی گرداند و در واقع وحدت امت در پی وحدت عقیده به دست آمد.

اگر حق، مسلمانان را یکی نگرداند، بی‌تردید باطل آن‌ها را از هم جدا خواهد ساخت. اگر عبادت خداوند رحمان آن‌ها را یکپارچه نسازد، بندگی شیطان آنان را پراکنده خواهد

ساخت، و اگر بر کلمه‌ی توحید متحد نشوند در سردرگمی خواهند ماند. اما اکنون مسلمانان کجایند و عقیده‌شان کجا؟

مسلمان نخستین هنگامی که این سخن خداوند متعال را می‌شنید که: «همانا مساجد از آن الله است پس به همراه الله کسی را فرا مخوانید» [الجن: ۱۸] این سخن خداوند متعال میان آن‌ها و همه‌ی خلق فاصله می‌انداخت و اگر همه‌ی مصیبت‌ها به وی روی می‌آورد هیچ بنده‌ای را از زخم خود آگاه نمی‌کرد و درد خود را جز برای خداوند بازگو نمی‌نمود. او سخن خداوند متعال را می‌شنید که می‌فرماید: «اگر بندگانت از تو درباره‌ی من پرسیدند پس [بگو] که من نزدیکم [و] دعای دعا کننده را هنگامی که مرا فرا می‌خواند استجابت می‌کنم. پس مرا استجابت کنند و به من ایمان بیاورند؛ باشد که راه یابند».

[البقرة: ۱۸۶].

و اینچنین، هرگونه وساطتی را میان خود و پروردگارش نفی کرده و به طور مستقیم با خداوند خود ارتباط برقرار می‌کرد.

ای مسلمانان:

خداوند هیچ نعمتی را کامل‌تر و وسیع‌تر از اینکه مسلمان هستی به تو عطا نکرده است. این اسلام و این ایمان مبارکت باد زیرا که خداوند در زمانه‌ای که بسیاری، راه گمراهی رفته‌اند تو را هدایت نموده است. خداوند تو الله است و امامت، رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - و شریعت وحی خداوندی، و موعودت بهشت اوست. دینت آسان است و نمازت اجر و پاداش، و قرائت نور، و زکاتت پاک کننده، و حجت سبب مغفرت، و روزات نیز برای خداوند است که پاداش آن حدی ندارد.

وضوی تو پاک کننده‌ی گناهان است و حتی تبسمی که در چهره‌ی برادرت می‌کنی برایت صدقه به حساب می‌آید. نیکی برایت ده برابر به حساب می‌آید و گناهت تنها یکی نوشته می‌شود، و نیکی‌ها باعث از بین رفتن بدی‌هایت می‌شود. کارهایت اندک است و پاداشت بسیار، پس قدر این دین را بدان و به آن چنگ بزن که بسیاری از مردم برخی از احکام آن را نادیده گرفته‌اند و برخی دیگر آن را کامل نمی‌دانند، هر چند خداوند آن را

کامل دانسته و در آیات سوره‌ی مائده برای تکمیل این دین بر مردم منت نهاده است. چنین کسانی این سخن خداوند را رد کرده و فضل و منت او را نپذیرفته‌اند. ای مسلمانان:

شریعت خداوند، رحمت است. اوامر آن آسان است، هر چند که بسیار باشد. آنچه در آن تشریح گردیده دریایی است که ساحل دارد. پس به سنت پایبند باشید و به آن اکتفا کنید و تنها پایبند به مشروع باشید که برایتان کافی است و از بدعت برحذر باشید که هر بدعتی گمراهی است و هر گمراهی در آتش است. آنچه را خداوند اجازه نداده است در دین وارد نکنید و از نظر شخصی در امر دین دوری کنید که این دین، دین پیشینیانی بهتر از شما نیز بوده است اما آنان نه چیزی به آن افزودند و نه اضافه کردند.

خطر بدعت گذاری در دین آنگاه خود را نشان می‌دهد که چهره‌ی اسلامی که محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - برای ما آورد را آنگونه تغییر می‌دهد که در گذر زمان به مانند ادیان اهل کتاب خواهد شد، که آنان، آن را چنان تغییر دادند که خداوند آن را منسوخ گرداند. اینچنین، چهره‌ی دین روز به روز و کم کم تغییر نموده و مردم به دینی پایبند خواهند شد که پیامبرمان، محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - آن را نیاورده، و نه ابوبکر و عمر چنین دینی را خواهند شناخت و نه دیگر صحابه‌ی اهل هدایت.

شخصی از سوی خود چیزی را مستحب می‌گرداند و دیگری براساس نظر خود شعیره‌ای به آن می‌افزاید، و دیگری رفتاری را می‌پسندد و به آن رنگ دین می‌دهد و دیگران نیز عبادتی به آن می‌افزایند، و ما در برابر اسلامی قرار خواهیم گرفت که تنها اسمش اسلام است و نه رسمش. دینی که از آسمان نیامده بلکه از عقل و دلخواه مردم برخواسته است!

پس ای بندگان خداوند، به اصل و اساس دیتان و اول و آخر آن پایبند باشید که همانا: شهادت دادن به یگانگی الله در عبادت و پیامبری محمد، - صلی الله علیه وآله وسلم - است. معنای آن را بدانید و آن، و اهلش را دوست بدارید و آنان را برادران و خواهران خود بدانید، هر چند از شما دور باشند.

پس ای مسلمانان، بر توحید و بر سنت پیامبرمان با یکدیگر متحد شوید زیرا این همان وحدتی است که شیطان را به خشم آورده و طرح و نقشه‌ی لشکریان او را در هم می‌ریزد و بدانید که کافران با شما خواهند جنگید تا آنکه اگر بتوانند شما را از دینتان بازگردانند.

ای مسلمانان:

احساس هم‌بستگی در میان مسلمانان و شرکت جستن آن‌ها در دردها و امیدهای مشترک، و در پنهان و آشکار و در آسانی و سختی از مهم‌ترین فرازهای وحدت است. رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - می‌فرماید: «مثال مومنان در محبت و مهربانی و عطفی که میان هم دارند به مانند بدنی است واحد، که اگر عضوی از آن به درد آید همه‌ی دیگر اعضا با بی‌خوابی و تب با آن عضو همدردی می‌کنند» [به روایت مسلم].

بندگان خداوند:

ملت‌های مسلمان از نظر ثروت و فقر و توانایی و ناتوانی و دانش و جهل با هم متفاوتند. شایسته نیست که این تفاوت باعث تکبر و فخر فروشی قدرتمندان شود. لازم است که حسن ظن و گمان نیک نزد همه‌ی آحاد امت مقدم باشد و قدرتمند بر ضعیف، دلسوز و مهربان باشد.

﴿وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ﴾ [النساء: ۳۲].

«و آن چیزی را که الله به واسطه‌ی آن برخی از شما را بر برخی دیگر برتری داده است آرزو نکنید».

باشد که تکامل میان ملت‌های مسلمان، تبدیل به دلمشغولی حکام آنان شود و همکاری میان آنان در راه پیشرفت، غم حکیمان آنان، و یکدل شدن و همدردی، در اندیشه‌ی خردمندان‌شان قرار گیرد.

منافع مشترک، ملت‌هایی را که یک زبان و یک نژاد نبودند و تا گذشته‌ای نه چندان دور جنگ‌ها و درگیری‌های بزرگی با هم داشتند، را با یکدیگر متحد ساخت. این تاریخ

سیاه اختلاف باعث نشد آنان برای این اهداف مشترک و آینده‌ای بهتر، صفحه‌ی گذشته را نبندند و آن کینه‌ها و دشمنی‌ها را کنار نهند.

آیا این اخلاق برای ما مسلمانان شایسته‌تر نیست؟ اختلاف و کینه کافی است! تفرقه و تهمت زدن به یکدیگر کافی است! ما در مرحله‌ای قرار داریم که ادامه یافتن آن قابل تحمل نیست. دیگران، مراحل بسیار دوری را طی کرده‌اند اما ما در میان دیگر ملت‌ها در جایگاهی قرار داریم که هرگز به حساب نمی‌آید و در مسابقه‌ی میان تمدن‌ها جایگاهی نداریم.

ما از آن روز که از تغییر خود ناتوان شدیم از تاثیر گذاشتن بر دیگران هم عاجز گردیدیم و سنت خداوندی است که تا ملتی خود را تغییر ندهند او نیز حال آن‌ها را تغییر نخواهد داد. مطمئن باشید خداوند به این وضعیتی که در آن به سر می‌بریم راضی نیست! او ما را به عنوان بهترین امت نام برده است. برای امت ما که گرامی‌ترین امت‌هاست چنین جایگاهی شایسته نیست.

نَهَضت و رستاخیز این امت بر افراد آن واجب است، و این ممکن نیست مگر هنگامی که ما رابطه‌ی خود را با خداوند اصلاح نماییم و سپس با اخلاص و جدیت دست به کار شویم و در مرحله‌ی سوم توانایی‌های موجود میان مسلمانان را برای کامل نمودن تلاش یکدیگر به کار اندازیم:

﴿وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ ﴿٥٢﴾﴾ [المؤمنون: ۵۲].

«و این امت شما امتی است واحد و من پروردگار شمایم پس از من پروا کنید».

﴿وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ

الصَّابِرِينَ ﴿٤٦﴾﴾ [الأنفال: ۴۶].

«و با هم نزاع نکنید که سست شده و هیبت شما از بین می‌رود؛ و صبر کنید که الله با صابران است».

خداوند برای من و شما در کتاب و سنت برکت نهاده و با آیات و ذکر حکیم سود رساند. سخن خویش را گفته و برای خود و شما از خداوند متعال آمرزش می‌خواهیم.

خطبه‌ی دوم:

ستایش تنها مخصوص خداوند است. خداوندی که با نعمت او نیکی‌ها به کمال می‌رسد. ستایش مخصوص اوست، به پُری آسمان‌ها و زمین...

خداوند تو را سپاس می‌گوییم که حج را برای ما آسان گرداندی و ما را برای کامل نمودن آن یاری نمودی، و تو را برای نعمت‌ها و توفیق و هدایت و امنیتی که به ما عطا نمودی سپاس گذاریم.

و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر اوست. درود و سلام و برکات خداوند بر او بر اهل بیت و یاران وی باد.
اما بعد، ای مسلمانان:

امروز حاجیان رمی جمرات را انجام می‌دهند و با غروب خورشید، ایام تشریق نیز به پایان می‌رسند و وقت ذبح قربانی نیز پایان می‌یابد.

هنگامی که شخص حاجی قصد بازگشت به سرزمینش را نمود بر وی لازم است که طواف وداع را به جای آورد و برای وداع با مکه نه سعی میان صفا و مروه بر وی لازم است و نه تراشیدن سر.

گر چه این روزهای بزرگ و با فضیلت به پایان رسیده است، اما عمر مومن هم‌ه‌اش خیر است و نیکی و هم‌ه‌اش مزرعه‌ای است برای کاشتن نیکی‌ها و طاعات، و عمر مومن جز نیکی برای او چیزی ندارد و عبادت خداوند نیز محدود به زمان یا مکان خاصی نیست. چه بسا عابدی که در کوه‌های «سند» است و به خداوند نزدیک‌تر از کسی است که در کنار کعبه عبادت پروردگارش را به جای می‌آورد و چه بسا نمازگزاری که در «جبل طارق» نمازی می‌خواند که نمازگزاری که در روضه‌ی شریفه هست نیز به آن دست نمی‌یابد؛ زیرا معیار قبولی عمل، اخلاص است و پیروی از رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - و فضل خداوندی نیز وسیع است و گسترده.

از نشانه‌های قبولی کار نیک، ادامه داشتن نیکی‌ها پس از پایان آن است و علامت حج مبرور این است که بهتر از آنی که بودی به سرزمینت باز گردی و کسی که کارنامه‌ی عملش با مغفرت پاک شده است باید از بازگشت به کثیفی گناهان برحذر باشد زیرا عقب نشینی، از زخم، بدتر است و شایسته است که پس از بازگشت از حج بسیار کار نیک انجام دهد که این از نشانه‌های قبول حج است.

و در پایان دروذهای پاک و سلامی همیشگی می‌فرستیم بر بهترین خلق خداوند، محمد، پیامبر خدا و بر اهل بیت پاک وی و بر صحابه‌ی نیک او... خداوندا راضی و خشنود باش از آن امامان هدایت‌گر، خلفای پیامبرت، ابوبکر و عمر و عثمان و علی، و از دیگر صحابه‌ی پیامبرت و از کسانی که راه آنان را پیموده و از سنت آنان پیروی نمایند. خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت بخش و شرک و مشرکان را خوار بگردان و دشمنان دین را نابود ساز و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امن و امان بدار.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان در امن و امان بدار، و مسئولان و والیان امر ما را اصلاح نما. خداوندا همه‌ی کسانی را که در خدمت به حاجیان تلاش نمودند نیکی و پاداش عطا کن.

خداوندا از حاجیان حجشان را بپذیر و دعایشان را مورد استجابت قرار بده. خداوندا حجشان را مبرور بگردان و تلاششان را مشکور، و گناهانشان را مورد مغفرت قرار ده و آنان را با سلامتی به سرزمینشان باز گردان. خداوندا از ما و آن‌ها بپذیر و ما را بر حق و هدایت ثابت قدم بدار و عاقبت ما را خیر بگردان.

خداوندا گرانی و وبا و ربا و زنا و زلزله و بحران‌ها و فتنه‌های بد آشکار و پنهان را از ما دور بگردان.

خداوندا اوضاع مسلمانان را در هر جایی که هستند اصلاح نما. خداوندا آنان را بر حق و هدایت یکی بگردان. خداوندا آنان و دیگر مستضعفان مسلمان را در هر جایی که

هستند یاری ده. خداوندا آنان را در فلسطین یاری ده و کلمه‌ی آنان را بر حق متحد بگردان.

خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومنت را یاری ده. خداوندا دشمنان دین را نابود ساز که آنان یارای ناتوان گرداندن تو را ندارند.

﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ [البقرة: ۲۰۱].

خداوندا گناهان ما را بیامرز و عیوب ما را بپوشان و کارهای ما را آسان گردان و ما را به آن آرزوهایمان که باعث خشنودیت هست برسان. پروردگارا ما و پدران و مادران ما را مورد مغفرت قرار ده که تو شنونده‌ی دعا مایی.

خداوندا حمد و سپاس مخصوص توست، خداوندا تو را برای بارانی که بر ما ارزانی داشتی شکر می‌گوییم. خداوندا بارانی را که نازل نمودی برای ما نیرویی قرار ده تا در طاعت تو صرف نماییم...

خداوندا رحمت خویش را بر تمام سرزمین‌های مسلمان نازل گردان؛ ای زنده‌ی پایدار، ای دارای جلال و بزرگواری.

پروردگارا از ما بپذیر که همانا تو شنوا و دانایی و بر ما توبه پذیر که تو بسیار توبه پذیر و مهربانی.

پاک است و منزه پروردگارت از هرگونه وصفی که به دروغ به او نسبت می‌دهند، و سلام بر پیامبران و الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

اهمیت وحدت اسلامی

خطیب: دکتر سعود الشریع

مسجد الحرام: جمعه ۲۰ ذوالحجه ۱۴۳۱ برابر با ۵ آذر ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

«ستایش از آن الله است، آن به وجود آورنده‌ی آسمان‌ها و زمین، [او که] فرشتگان را که که دارای بال‌های دوگانه و سه‌گانه و چهارگانه‌اند فرستاده‌گانی قرار داده است [و] در آفرینش هر چه بخواهد می‌افزاید...» [فاطر: ۱].

او که آفرید و به زیبایی هماهنگی بخشید و همو که به دقت اندازه‌گیری نمود و هدایت کرد، او که اول است پس چیزی قبل از او نیست و او که آخر است، و چیزی پس از او نیست و او که ظاهر است، و چیزی بالاتر از او نیست و او که ناپیداست و ناپیداتر از او چیزی نیست. هر چه بخواهد می‌آفریند و می‌گزیند و هیچ‌کس از بندگانش در این، اختیاری ندارند و او از آنچه شرک می‌ورزند پاک است.

و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر او و خاتم انبیا و مرسلین و فرستاده شده‌ای است که رحمتی است برای جهانیان، و سرور فرزندان آدم است. او که رسالتش را رساند و امانتی را که بر عهده داشت ادا نمود و برای امت خیرخواهی کرد و در راه الله آنگونه که حق آن است جهاد نمود تا آنکه به نزد پروردگارش شتافت؛ پس درود و سلام پروردگار بر او و بر اهل بیت پاک و یاران نیک وی و همه‌ی آنانی باد که به نیکی تا قیامت از آنها پیروی نمایند.

اما بعد:

ای مردم، خود و شما را به تقوای الله توصیه می‌کنم که تقوای خداوند هدایتگر راه است و باعث انس و شادی قلب:

﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ۖ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾ [الطلاق: ۲-۳].

«و هر که تقوای الله را پیشه سازد برای او راه برون رفتی (از مشکلاتش) قرار خواهد

داد (۲) و او را از جایی که به حساب نیاورد روزی خواهد داد.»

﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا ۙ﴾ [الطلاق: ۴].

«و هر که پروای الله را داشته باشد برای او در کارش آسانی قرار خواهد داد.»

ای مسلمانان:

خداوند متعال در آیات محکم کتابش می‌فرماید:

﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿١٦٤﴾﴾
[آل عمران: ۱۶۴].

«الله بر مومنان منت نهاد آنگاه که در میان آن‌ها پیامبری از خودشان مبعوث ساخت که آیات وی را بر آن‌ها خوانده و آن‌ها را پاک گرداند و کتاب و حکمت را به آنان بیاموزد، و قطعا آنان تا پیش از این در گمراهی آشکاری قرار داشتند».

مردم، پیش از بعثت پیامبر خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - در جاهلیتی تاریک و فتنه و بدی به سر می‌بردند. قوی، ضعیف را مورد ستم قرار می‌داد، اگر نجیب‌زاده‌ای دزدی می‌کرد او را رها می‌کردند و اگر انسان ضعیفی مرتکب دزدی می‌شد بر او حد را اجرا می‌کردند... ظلم و ستم و قتل و غارت... تاریکی بر روی تاریکی...

ستمگری، پیش از بعثت به جایی رسیده بود که جزو مکارم اخلاق به حساب می‌آمد تا جایی که نزد آن‌ها اگر کسی ستم نمی‌ورزید آن را به سبب نقصی که در او بود می‌دانستند، و گر نه ستمگری در جاهلیت افتخار به حساب می‌آمد!

ستمگری در قتل و کشتار، و ستم در ناموس و ستم در مال مردم، و فریب در معامله و ترازو و پست شمردن زنان، تا جایی که دختران را در حالی که زنده بودند به گور می‌سپردند، که خداوند از آن دخترکان خواهد پرسید که به چه گناهی کشته شدند... زن در جاهلیت ارزشی نداشت جز برای آب دادن به درختان و حیوانات و چیدن هیزم و شهوترانی...

بر اثر این ظلم و ستمی که آن‌ها بر هم روا می‌داشتند خداوند برخی از آن‌ها را بر برخی دیگر مسلط گرداند و جنگ‌های پی در پی آن‌ها را نابود ساخت... فتنه‌ها و فاجعه‌ها پی در پی بر آن‌ها باریدن گرفت اما آنان با این وجود برای نزدیکی به پروردگارشان ره نمی‌جستند. خداوند متعال درباره‌ی آنان چنین می‌فرماید:

﴿أَوَلَا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَّرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَّكَّرُونَ﴾ (۱۲۶)

[التوبة: ۱۲۶].

«آیا نمی‌بینند که آن‌ها هر سال یک یا دو بار مورد آزمایش قرار می‌گیرند (اما با این وجود) نه توبه می‌کنند و نه عبرت می‌گیرند؟».

تا آنکه خداوند، پیامبرش را با هدایت و دین حق مبعوث گرداند، پس وی به سوی عبادت خداوند یگانه‌ی بی‌شریک فرا خواند و مردم را از عبادت بندگان به سوی عبادت پروردگار بندگان، و از ستم ادیان به سوی عدل اسلام، و از تنگی دنیا به سوی فراخی دنیا و آخرت، خارج ساخت. توحید خالص را مقرر گرداند و از شریک آوردن برای خداوند نهی نمود و ستم و تجاوز را باز داشت و زن را گرامی داشت و آنان را خواهران مردان معرفی نمود و فرمود: «نسبت به زنان، یکدیگر را به نیکی سفارش کنید...» [به روایت بخاری].

وی تفاوت‌های جاهلی را باطل اعلام کرد پس هیچ گونه تفاوتی را میان سفید و سیاه، و میان نجیب‌زاده و دیگر مردم قائل نگردید و فرمود: «ای بندگان خداوند! برادران و خواهران یکدیگر باشید» [به روایت بخاری و مسلم و دیگران].
و اینگونه، به همان چیزی دعوت نمود که پروردگارش به وی وحی نموده و فرموده بود:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ [الحجرات: ۱۳].

«ای مردم؛ ما شما را از یک نر و ماده آفریدیم و شما را ملت‌ها و قبائل مختلف قرار دادیم تا با هم آشنا شوید. همانا گرامی‌ترین شما نزد الله با تقواترین شماست. بی‌تردید الله بسیار دانا و بسیار آگاه است.».

او آنان را به شناخت یکدیگر دعوت کرد و نه تنفر و دوری، و آنان را به همیاری دعوت داد و نه به ترک یاری، و میزان فضیلت را تقوای خداوند قرار داد که همانا تقوا

بود که بلال حبشی را سرور ما گرداند اما ابولهب [قریشی عموی پیامبر] را در آتشی شعله‌ور قرار داد.

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ [الحجرات: ۱۰].

«همانا مومنان (با یکدیگر) برادرند».

و مگر انسان چیست جز دینی که بر آن است، پس تقوا را با تکیه بر اصل و نسبت ترک مکن که اسلام، سلمان فارسی را بلند مرتبه ساخت و ابولهب قریشی را خوار و بی‌ارزش.

با این دعوت بود که مردم گروه، گروه به دین خداوند وارد شدند و فقیر با غنی و نجیب‌زاده با پایین‌دست ازدواج کرد، بلکه از رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت شده است که فرمودند: «ای بنی بیاضه! ابوهند را همسر دهید و از دختران او همسر انتخاب کنید» [به روایت ابوداود] در حالی که ابوهند حجامتگر بود و از نظر اجتماعی در جامعه‌ی آن روز جایگاهی نداشت، و این نیست مگر به خاطر آنکه تقوای خداوند تنها معیاری است که مردم براساس آن سنجیده می‌شوند.

آری، این اسلام بود که مردم را پس از چند دستگی و تفرقه یکی گرداند و پس از ذلت و خواری عزیز قرار داد و پس از شکست، پیروزی داد و پس از آنکه از هم دور بودند و متنفر، میان آنان الفت ایجاد کرد، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَّا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ

أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ [الأنفال: ۶۳].

«و میان قلب‌های شما الفت انداخت. اگر هرآنچه را در زمین است خرج می‌کردی نمی‌توانستی میان قلب‌های آنان الفت ایجاد کنی اما (این) الله (است) که میان قلب‌های آنان الفت ایجاد کرد. همانا او عزیز و حکیم است».

این همان وحدت اسلامی است، با تمام معنایی که این کلمه می‌دهد. وحدتی که آنان را بر پرستش خدایی یگانه، و یک پیامبر و یک کتاب یکجا ساخت تا جایی که امت

مسلمان به مانند یک بدن گردید که اگر عضوی از آن به درد آید دیگر اعضای آن نیز با تب و شب‌بیداری با آن همراهی می‌کنند...

این وحدت هیچگاه براساس زبان نبود، زیرا که زبان ممکن است میان کافر و مسلمان هم مشترک باشد، علاوه بر این، زبان هیچگاه راه مناسبی برای وحدت نبوده است. همچنین وحدت هیچگاه براساس اقلیم و نژاد استوار نبوده است زیرا که اسلام برای نژاد، ارزشی قائل نیست زیرا مردم همه فرزندان آدمند و آدم هم از خاک. اما این وحدت براساس یکجا کردن روح آدمیان با همدیگر است پیش از آنکه بدن‌هایشان با هم متحد گردد. و پیش از آنکه بر قلب‌ها چیره شود عقل آنان را قانع می‌گرداند و این اساس، همان عقیده‌ی ایمان است که خداوند آن را برای همه‌ی بشریت خواسته است.

﴿صَبَّغَهُ اللَّهُ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صَبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَبِيدُونَ﴾ [البقرة: ۱۳۸].

«این است نگارگری الله و چه کسی است که از الله زیباتر نگارگری می‌کند؟ و ما برای او عبادت گزاریم.»

و اینگونه بود که توحید خالص، اساس وحدت را در رسالت محمد - صلی الله علیه و آله وسلم - تشکیل می‌دهد:

﴿وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا﴾ [النساء: ۳۶].

«و الله را عبادت کنید و برای او چیزی را شریک نیاورید.»

و همچنین در وحدت پیامبر:

﴿فَكَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ﴾ [الأعراف: ۱۵۸].

«پس به الله و فرستاده‌ی وی، آن پیامبر امیّ ایمان بیاورید.»

و در وحدت دین و رسالت، آنگونه که الله - سبحانه و تعالی - می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ﴾ [آل عمران: ۸۵].

«و هر که به جز اسلام دینی دیگر بجوید از او پذیرفته نخواهد شد.»

و همچنین وحدت کتاب:

﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ﴾ [الإسراء: ۹].

«بی‌تردید این قرآن به سوی [دینی] که پایدار تر است راهنمایی می‌کند».
و وحدت قبله؛ خداوند عزوجل فرموده است:

﴿قَوْلٍ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ﴾

[البقرة: ۱۴۴].

«پس چهره‌ات را به سوی مسجدالحرام بگردان، و هر کجا که بودید چهره‌هایتان را به سوی آن بگردانید».

و در پایان، در وحدت و یگانگی امت:

﴿وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ﴾ [المؤمنون: ۵۲].

«و همانا این امت شما امتی است یگانه و من پروردگار شمایم پس پروای من را داشته باشید».

امت مسلمان نخواهد توانست راه ترقی را ببیماید مگر با اسلام، و اسلامش نیز کامل نخواهد شد مگر با وحدت، و به پیروزی دست نخواهد یافت مگر با اجتماع و یگانگی. پیروزی یا شکست امت مسلمان به آن اندازه که به وحدت یا تفرقه‌ی میان آن‌ها بستگی دارد به نیرو یا ضعف دشمنانش وابسته نیست. اگر این امت پروردگارش را به یگانگی عبادت کند و سپس صف خود را یکپارچه سازد به اذن خداوند پیروز و سربلند خواهد بود:

﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ [محمد: ۷].

«بی‌تردید، اگر الله را یاری کنید شما را یاری خواهد کرد و گام‌هایتان را استوار خواهد داشت».

و هر گاه حسادت و دشمنی و یاری نکردن همدیگر و ستمگری و بی‌انصافی در میان صفوف آن‌ها رخنه کرد باید بدون هیچ شک و تردیدی منتظر شکست باشند، زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ [الأنفال: ٤٦].

«و از الله و رسولش اطاعت کنید و با هم اختلاف نکنید که سست شده و شوکت شما خواهد رفت و صبر پیشه کنید که الله با صابران است».

خداوند برای من و شما در قرآن بزرگ برکت قرار دهد و با آیات و ذکر حکیم سود رساند. آنچه را گفتم شنیدید، اگر صحیح بود از سوی خداوند و اگر اشتباه بود از سوی نفس و شیطان بود، و از خداوند آمرزش می‌خواهم که او بسیار آمرزنده است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش مخصوص خداوند است برای احسان و نیکی وی، و سپاس، برای توفیق و منتی که بر بندگانش دارد، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد بنده و پیامبر او و دعوتگر به سوی رضوان خداوندی است. درود و سلام خداوند بر او و بر اهل بیت و یاران وی باد.

اما بعد، ای مردم:

خداوند متعال امت مسلمان را در میان دیگر امت‌ها ویژه‌گی بخشیده و آن‌ها را در میان دیگران، بهترین امت و امتی میانه، قرار داده است، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾ [البقرة: ۱۴۳].

«و اینچنین شما را امتی میانه قرار دادیم تا گواهانی برای مردم باشید و تا آنکه پیامبر بر شما گواه باشد».

زیرا شریعت خداوند، شریعت عدل و انصاف است. عدالت با خود، و عدالت با همسران، و عدالت با فرزندان، و عدالت با دوستان و عدالت، حتی با دشمنان.

خداوند متعال در کتابش در بیش از ۳۵۰ آیه به عدل امر نموده است. زیرا عدل، ترازوی این دنیا است و خداوند متعال در مورد اجرای عدالت در حق دیگران فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ﴾ [النساء: ۱۳۵].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همیشه به عدالت قیام کنید حتی اگر به ضرر شما یا پدر و مادر یا نزدیکان شما باشد».

اما در مورد رعایت عدالت در حق دشمنان، چه مسلمان و چه غیر مسلمان، حد اقل رفتار با آن‌ها در این سخن خداوند متعال تبیین شده است که فرمودند:

﴿وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا أَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ﴾ [المائدة: ۸].

«و دشمنی قومی شما را به این باز ندارد که عدالت نکنید. بلکه عدالت کنید که آن به تقوا نزدیک‌تر است».

برای همین، مرحله‌ی فتوحات اسلامی در تاریخ، با رفتار عادلانه و ارزش‌های والایی که در ارتش‌های مسلمان وجود داشت، ویژه و ممتاز است. آن‌ها سرزمین‌ها را یکی پس از دیگری فتح نمودند اما نه مالی را به یغما بردند و نه کهنسال یا زن یا کودکی را به قتل رساندند تا آن‌جا که یکی از مورخان معاصر تاریخ تمدن چنین در مورد آنان شهادت داده است که: تاریخ، فاتحانی مهربان‌تر از مسلمانان سراغ ندارد.

بدین ترتیب به این یقین دست می‌یابیم که مسلمانان زیباترین مثال‌ها را در مهربانی بدون ضعف و نیروی بدون خشونت به نمایش گذاشته‌اند. فتوحات آن‌ها نه مستکبرانه بود و نه از روی ستم. آنان هیچگونه ستم سیاسی و یا نظامی و یا اقتصادی را مرتکب نشدند و فتوحات آنان نه برای خودخواهی بود و نه برای نابودی کشتزارها و مردمان. بلکه هدف از آن، دعوت به دین خدا و اعلاهی کلمه‌ی خدا بود به همراه رحمت و عدالت، و این خلاف آن چیزی است که تاریخ در مورد دیگران نگاشته است که هدف

والایشان چیزی نیست جز مسابقه‌ی تسلیحاتی و امتلاک اسلحه‌ی کشتار جمعی، جنگ‌هایی که نتیجه‌ی آن چیزی نبود جز قربانی شدن میلیون‌ها انسان. جهان از یاد نمی‌برد که چند دهه‌ی گذشته تابوت‌های بتنی زیادی در قعر اقیانوس انداخته و نابود گردید. تابوت‌هایی که حامل مقادیر وحشتناکی از گازهای سمی بود که برای ۶ بار نابود کردن جهان کافی بود! کسی نمی‌داند گناه مردم دنیا چه بود که باید شش بار نابود می‌شدند!

﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَةُ وَالنُّورُ﴾ [الرعد: ۱۶].

«بگو آیا نابینا و بینا برابرند؟ یا اینکه آیا تاریکی‌ها و نور یکی هستند؟».

نتیجه‌ی نهایی که می‌توان به آن رسید این است که برای ما هیچ راهی نیست جز این دین رحمت و مهربانی، دین اسلام، دین وحدت و امنیت، دینت عدالت و دادگری و انصاف؛ و این ممکن نیست مگر با بازگشت به کتاب پروردگار و سنت پیامبرمان - صلی الله علیه وآله وسلم - و دعوت به سوی کتاب و سنت به همراه صدق و پایداری بر آنچه خداوند از ما خواسته است.

و این موسم حجی که گذشت، نبود مگر برای زنده شدن این هدف و پایبندی به آن:

﴿إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ اللَّهِ الْأَسْلَمُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ

الْعِلْمُ بَعِيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾ [آل عمران: ۱۹].

«در حقیقت دین نزد الله همان اسلام است و کسانی که کتاب [آسمانی] به آنان داده شده با یکدیگر به اختلاف نپرداختند مگر پس از آنکه علم برای آنان [حاصل] آمد آن هم به سابقه‌ی حسدی که میان آنان وجود داشت و هر کس به آیات الله کفر ورزد پس [بداند] که الله زود شمار است».

و در پایان درود و سلام فرستید بر بهترین انسان‌ها و پاک‌ترین آن‌ها، محمد بن عبدالله، آن صاحب حوض و مقام شفاعت که خداوند شما را به آن امر نموده و فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [الأحزاب: ۵۶].

و رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرموده است: «هر که بر من یک درود فرستد خداوند بخاطر آن بر او ده درود خواهد فرستاد» [به روایت مسلم].

خداوندا درود و سلام و برکت ارزانی دار بر بنده و پیامبرت محمد و راضی و خشنود باش از چهار خلیفه‌ی پیامبرت ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر یاران پیامبرت - صلی الله علیه وآله وسلم - و از تابعین و آنانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند و همچنین از ما با عفو و کرم خود راضی و خشنود باش ای مهربان‌ترین مهربانان. خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار بگردان. خداوندا دینت را و کتاب را و سنت پیامبرت و بندگان مومن را یاری ده.

خداوندا غم غم‌دیده‌گان مسلمان را از بین ببر و وام داران را ادا نما و بیماران ما و دیگر بیماران مسلمان را شفا ده و حاجیان و مسافران را به سلامت دار، ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا نفس‌های ما را تقوا عطا کن و آن را پاک بدار که تو بهترین کسی هستی که آن را پاک می‌دارد و تو ولی و مولای آنی.

خداوندا اوضاع مسلمانان را در همه جای دنیا اصلاح بگردان، خداوندا اوضاع آن را در هر جایی که هستند اصلاح نما، خداوندا کلمه‌ی آنان را یکی بگردان، ای زنده‌ی پایدار، ای داری جلال و بزرگواری.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن بگردان و مسئولان و والیان امر ما را اصلاح نما و ولایت ما را بر عهده‌ی کسانی قرار ده که تقوای تو را داشته و در پی رضایت تو باشند ای پروردگار جهانیان.

خداوندا ولی امر ما را به سوی کردار و گفتاری که باعث رضایت توست موفق بگردان. خداوندا همنشینان نیک را نصیب وی بگردان...

﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ [البقرة: ۲۰۱].

خداوندا! تویی آن الله که معبودی به حق نیست جز تو، تو بی‌نیازی و ما نیازمندانیم، باران را بر ما نازل گردان و ما را از نومیدان مگردان. خداوندا باران را بر ما نازل ساز و ما را از مایوسان قرار مده...

خداوندا خیر خود را به سبب شر ما از ما دریغ مدار، خداوندا ما بندگانی از بندگان توایم، پس به سبب گناهانمان ما را از فضل خویش محروم مگردان. پاک و بی‌عیب است پروردگار ما، پروردگار عزت از آنچه مشرکان و صفش می‌کنند و سلام بر پیامبران و سخن آخرمان این که: ستایش تنها از آن الله پروردگار جهانیان است.

عنوان خطبه:

خود را محاسبه کنید، پیش از آنکه محاسبه شوید

خطیب: حسین بن عبدالعزیز آل شیخ

مسجد نبوی شریف: جمعه ۲۷ ذوالحجه ۱۴۳۱ هجری برابر با ۱۲ آذر ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

ستایش مخصوص خداوند است، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده و پیامبر اوست. خداوندا بر او و بر اهل بیت و یاران وی درود و سلام و برکت ارزانی دار. اما بعد، ای مسلمانان:

خود و شما را به تقوای الله - عزوجل - و عمل به طاعت وی و دوری از اسباب خشم او، توصیه می‌کنم.

ای مسلمانان:

سال‌ها و ماه‌ها در پی هم می‌روند و کتاب عُمر، ورق می‌خورد و فرصت‌ها به پایان می‌رسد، و هر چیزی نزد خداوند عمری مشخص دارد. استقبال از سال جدید و خداحافظی با سال گذشته نیز برای اهل تدبیر، فرصتی است برای تأمل و یادآوری:

﴿يُقَلِّبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ﴾ [النور: ۴۴].

«الله شب و روز را جا به جا می‌کند. همانا در این [جا به جایی] عبرتی برای صاحبان بصیرت وجود دارد.»

برای مومنی که به خداوند و آخرت یقین دارد شایسته است که از محاسبه‌ی نفس خویش و تصحیح مسیر آن در گذشته و حال و آینده‌اش غافل نباشد.

ابن قیم - رحمه الله - می‌گوید: «نابودی قلب در اِهمال محاسبه‌ی نفس و همراهی با خواهش‌های نفس و پیروی از آن است.»
خداوند - جَلَّ و عَلا - می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ

بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ [الحشر: ۱۸].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تقوای الله را آنگونه که شایسته‌ی اوست پیشه سازید و هر کس ببیند برای فردای خود چه پیش فرستاده است و پروای الله را داشته باشید که همانا الله به آنچه می‌کنید آگاه است.»

امام احمد - رحمه الله - از امیر المومنین، عمر بن خطاب - رضی الله عنه - چنین روایت کرده است که ایشان فرمودند: «خود را مورد محاسبه قرار دهید، پیش از آنکه شما را محاسبه کنند و آن را در ترازو گزارید پیش از آنکه شما را در ترازو قرار دهند زیرا اگر امروز، خود را مورد محاسبه قرار دهید محاسبه‌ی فردایتان نیز آسان خواهد بود و خود را برای عرضه‌ی بزرگ زینت دهید.»

﴿يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَىٰ مِنْكُمْ خَافِيَةٌ﴾ [الحاقة: ۱۸].

«در آن روز [به پیش‌گاه خداوند] عرضه می‌شوید و هیچ پوشیده‌ای از شما پنهان نمی‌ماند.»

برادران و خواهران مسلمان، ای مسلمانان!

اکنون که داریم سال گذشته را وداع می‌گوییم و روی به سوی سالی جدید می‌آوریم، این را به یاد داشته باشید که نجات و رستگاری شما در محاسبه‌ی نفس و پیروزی، در مراقبت از آن است.

از خود بپرس که آیا دستورات خداوند - جَلَّ وَعَلَا - و دستورات رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - را مورد عمل قرار داده‌ای؟

آیا در همه‌ی امور و در همه حال و همه جا مطیع خداوند و تابع پیامبر وی هستی؟!

آیا نفس خود را از گناهان و معاصی باز داشته‌ای؟!

آیا حق خداوند و حقوق بندگان را به طور کامل ادا کرده‌ای؟!

آیا درون خود و اشکالاتی را که در آن هست، مورد بررسی قرار داده‌ای؟ و آیا آن را

از اسباب نابودی پاک نموده‌ای؟!

از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت است که فرمود: روزی رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - دست بر شانهم گذاشت و چنین فرمود: «در دنیا چنان باش که گویی غریب یا رهگذری» و ابن عمر می‌گفت: «اگر شب نمودی منتظر صبح مباش و اگر شب را به صبح رساندی در انتظار شب مباش و از سلامتی‌ات برای بیماری‌ات و از زندگی‌ات برای مرگت، توشه بگیر» [به روایت بخاری].

زیرا متقیان، همیشه و در همه حال، با گذشت سال‌ها، جز بر خیر و نیکی‌شان افزوده نمی‌شود و سال‌ها نمی‌گذرد مگر آنکه آنان در حال شتاب برای انجام نیکی‌ها و غنیمت شمردن فرصت برای انجام اعمال صالح‌اند. رسول خداوند - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید:

«بهترین شما کسی است که عمرش طولانی شده و [در این حال] عملش نیک گردد» [به روایت احمد و ترمذی؛ ترمذی می‌گوید: این حدیثی است حسن و صحیح. حاکم نیشابوری نیز آن را صحیح دانسته است].

پس ای مسلمان! از هدر دادن تلاش خود و از دست دادن سال‌های عمرت در بیهودگی برحذر باش که پروردگارتان - عز و جل - می‌فرماید:

﴿أَوَلَمْ نُعَمِّرْكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَن تَذَكَّرَ وَجَاءَكُمُ النَّذِيرُ﴾ [فاطر: ۳۷].

«مگر شما را آن اندازه عمر دراز ندادیم که هر کس عبرت گیرنده بود در آن عبرت می‌گرفت و [مگر] هشدار دهنده‌ای به نزد شما نیامد؟».

ابن عباس در تفسیر این آیه می‌گوید: «آیا شما را شصت سال عمر عطا نکردیم؟» و در صحیح بخاری از رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت است که ایشان فرمودند: «خداوند نسبت به کسی که وی را ۶۰ سال عُمر عطا کرده است، عذر را تمام نموده است» یعنی به خاطر این مدتی که به وی مهلت داده است عذری برای وی باقی نگذاشته است.

برادران و خواهران مسلمان:

هر لحظه‌ای را برای به دست آوردن نیکی‌ها و انجام اعمال صالح، غنیمت بشمار زیرا از جابر - رضی الله عنه - روایت است که گفت: شنیدم رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - مردی را نصیحت می‌کرد و خطاب به وی می‌فرمود: «پنج چیز را قبل از پنج چیز غنیمت بشمار: جوانی‌ات را پیش از پیری، و سلامتی‌ات را پیش از بیماری، و بی‌نیازی‌ات را قبل از فقر، و فراغت را پیش از مشغولیت، و زندگی‌ات را پیش از مرگ، زیرا که پس از پشت سر نهادن دنیا دیگر راهی برای جبران نیست و دیگر چیزی وجود ندارد به جز بهشت یا دوزخ» [به روایت حاکم؛ ابن حجر آن را صحیح دانسته است].

بر انسان مُکَلَّف شایسته است در حالی که سالی را پشت سر گذاشته و قدم به سالی دیگر می‌نهد، صادقانه خود را مورد محاسبه قرار داده و مورد پرسش قرار دهد، تا بدینوسیله گذر زمان را بهترین جبرانگر و فصیح‌ترین نصیحتگر قرار داده و از غفلت خود برخوردار شود و از گمراهی خود بازگردد، زیرا که در حوادث، عبرت‌ها نهفته است، عبرت‌هایی که باعث می‌شود انسان خود را مورد محاسبه قرار داده و بداند این دنیا سرای عبور است، و تنها آخرت، همیشگی است و ماندگار.

خداوند متعال من و شما را با قرآن بزرگ برکت داده و با آیات آن سود رساند. این سخن خویش را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از هر گناهی از خداوند آمرزش می‌طلبم. پس از او آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده و بسیار مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش تنها از آن الله، پروردگار جهانیان است، او که رحمان است و رحیم و مالک روز جزاست، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است و معبود گذشتگان و آیندگان است، و گواهی می‌دهم که پیامبر ما محمد، بنده و پیامبرسان او و سرور پیامبران و مرسَلین است.

خداوندا بر او و بر اهل بیت و یاران وی درود و سلام فرست.

اما بعد، ای مردم:

خود و شما را به تقوای الله سفارش می‌کنم که این، سفارش خداوند برای گذشتگان و آینده‌گان است.

ای مسلمانان:

رسیدن به سالی دیگر، نعمتی است بس بزرگ، زیرا برای مومن شایسته است که بداند عُمَر وی امامتی است که باید آن را در طاعت و تقوا و حرص بر هر چیز که برای دنیا و آخرتش سودمند است، آباد سازد. رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - می‌فرماید:

«قدم‌های بنده [در روز قیامت] از جا بلند نمی‌شود تا آنکه در مورد پنج چیز از وی سوال شود: درباره‌ی عمرش که در چه راهی آن را فنا کرده است، و درباره‌ی جوانی‌اش که در چه مسیری آن را گذرانده است، و درباره‌ی مالش که از چه راهی آن را به دست آورده و در چه راهی خرج نموده و اینکه در مورد علمی که آموخته چه عملی انجام داده است» [به روایت ترمذی. این حدیث دارای شواهدی است که از مجموع آن به درجه‌ی حَسَن می‌رسد].

و سپس بدانید که خداوند - جَلَّ و عَلا - ما را به درود و سلام بر پیامبر بزرگوارش امر نموده است. خداوندا درود و سلام و برکت ارزانی دار بر بنده و پیامبرت محمد، و

راضی و خشنود باش از خلفای راشدین، و امامان هدایتگر، ابوبکر و عمر و عثمان و علی، و از دیگر صحابه و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت بخش، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت بخش، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت بخش، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت عطا کن، خداوندا دشمنان دین را نابود ساز، خداوندا دشمنان دین را نابود ساز، خداوندا صهیونیست‌ها، دشمنان دینت را نابود ساز، خداوندا صهیونیست‌های غاصب را نابود ساز، خداوندا غم و اندوه و سختی‌ها را از برادران و خواهرانمان در فلسطین و عراق و افغانستان و در همه‌ی سرزمین‌ها از بین ببر، ای مهربان‌ترین مهربانان، و ای بزرگواری‌ترین بزرگواران.

خداوندا امنیت و آرامش را به مسلمانان عطا کن، خداوندا امنیت و استقرار را به آنان عطا کن، خداوندا رفاه و آسودگی را به آنان ارزانی دار ای دارای جلال و بزرگی. خداوندا مردان و زنان مومن و مردان و زنان مسلمان را - زنده‌گان و مرده‌گانشان را - مورد آموزش قرار بده.

خداوندا از حاجیان حج‌شان را بپذیر. خداوندا گناهان ما و آن‌ها را مورد آموزش قرار ده. خداوندا آن‌ها را سالم و غنیمت‌یافته به سرزمین‌هایشان باز گردان ای گرامی‌ترین گرامیان.

خداوندا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بدار. خداوندا تو بی‌نیازی و ستوده شده، خداوندا تو بی‌نیازی و ستوده شده، خداوندا تو بی‌نیازی و گرامی، خداوندا باران را بر ما نازل ساز و بر ما منت گذار، خداوندا باران را بر ما نازل ساز و بر ما منت گذار، خداوندا این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را باران عطا کن، خداوندا سرزمین ما و دیگر سرزمین‌های مسلمان را باران عطا کن ای مهربان‌ترین مهربانان و ای گرامی‌ترین گرامیان.
بندگان خداوند:

خداوند را بسیار یاد کنید و صبح گاهان و شام گاهان او را تسبیح گوید.
و سخن آخرمان این است که: الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه: گذر عمر، پندها و اندرزها

خطیب: دکتر عبدالرحمن سدیس

مسجد الحرام: جمعه ۴ محرم ۱۴۳۲ برابر با ۱۹ آذر ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

حمد و سپاس تنها از آن خداوند است، او را ستایش گفته و از وی یاری جسته و آمرزش می‌خواهیم.

او را ستایش می‌گویم که او پاک است و بی‌عیب و اوست که بزرگی و ثنا و جلال و عظمت را به تنهایی داراست و او را سپاس می‌گویم که نعمت‌های بس بزرگ و مبارکی را به ما عطا نمود و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است، او که گذر زمان را برای ما مایه‌ی عبرت و اندرز قرار داده است و این، سالی است که می‌بینیم در پی سالی دیگر آمده است، و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده‌ی خداوند و رسول او، بهترین کسی است که نفس خود را محاسبه نمود و او قدوه و امام ماست. درود و سلام و برکات خداوند بر او و بر اهل بیت و یاران وی باد که ماه‌های تابان بودند و صاحبان عزم و همت، و همچنین بر کسانی که به نیکی پیروی آنان را کنند تا هنگامی که شب و روز در پی هم می‌آیند و می‌روند.

اما بعد، ای بندگان خداوند:

تقوای خداوند واحد قهار را پیشه سازید و از غفلت برحذر باشید و از گذر سال‌ها و عمر خود پند گیرید، و تقوای خداوند را بهترین راه و راهنمای خود قرار دهید تا بهشت پر نعمت ابدی را به دست آورید.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ

بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٨﴾ [الحشر: ١٨].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید از الله پروا دارید و هر کسی باید بنگرد که برای فردا [ی خود] از پیش چه فرستاده است».

ای مسلمانان:

در گذر زمان و در پی هم آمدن ماه‌ها و سال‌ها، عبرت‌ها و پندهایی نهفته است، اما برای کسانی که اشتباهات خود را فهمیده و پیش از دست رفتن فرصت خطاها و لغزش‌های خود را تصحیح نمایند، زیرا تنها امت‌های به پا خاسته و بیدار و پیشرفته‌اند که از حوادث گذشته و رخدادهایی که بر آن‌ها گذشته است درس گرفته و آن را به خاطر می‌سپارند و از آن عبرت می‌گیرند، و این همان رهنمود قرآن کریم است آنجا که خداوند عزیز و بخشاینده می‌فرماید:

﴿فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ﴾ [الحشر: ۲].

«پس عبرت بگیرید ای صاحبان بینایی».

عزیزان گرامی، ای جمع خوبان:

در روزهایی که گذشت، امت اسلامی با سال گذشته وداع نمود و به استقبال سالی دیگر رفت. سالی که با همه‌ی سودها و زیان‌هایی که در آن کردیم، گذشت و رفت، و سالی دیگر آمد تا شهادی باشد برای گذر زمان. خداوند از تو می‌خواهیم که برای امت در آنچه مقدر نموده‌ای برکت دهی.

اما زیان می‌بیند آنکه از گذر ایام پند نگیرد و با گذشت سال‌ها به سرنوشت خود نیندیشد و توبه نکند و خود را با اخلاق زیبای خردمندان زینت ندهد، خردمندانی که خداوند درباره‌ی آنان چنین می‌گوید:

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِيَ الْأَلْبَابِ﴾

[آل عمران: ۱۹۰].

«همانا در آفرینش آسمان‌ها و زمین و در پی هم آمدن شب و روز نشانه‌هایی است

برای صاحبان خرد».

چنین کسی از آن حقیقت آشکار و قاطع غافل مانده است که: آخرت ابدی است و دنیا موقتی. کارهای ما در آن تحت نظر است و عمرمان معدود و نفس‌هایمان محدود و سخنانمان در آن ثبت می‌شود. امانت‌های آن بی‌شک باید پس داده شود و دنیا عرصه‌ای است برای روشن کردن درون انسان‌ها و ارشاد آن و تصحیح اشتباهات مسیر و هموار کردن سختی‌های آن و راهنمایی این امت مبارک به سوی بلندی و پیشرفت و جدیت هدفمند و تلاش.

امت ما چه بسیار نیازمند است در این گذرگاه که از سالی به سالی دیگر منتقل می‌شویم رو به سوی نور بصیرت آورده و کم‌کاری‌های خود را جبران کرده و از اشتباهاتش رهایی یابد و روح خود را با معانی والای خوش‌فالی و خوش‌بینی و امید به خداوند و آرزوهای مثبت و عزیمت‌های پولادین و همت‌های والا و در پرتو نور چشمه‌ی خداوندی، یعنی هدایت دو وحی: قرآن و سنت، صیقل دهد.

تا در پی آن امت ما از تفرق و پراکندگی و عقب‌ماندگی و ذلت و دنباله‌روی دیگران رهایی یافته و بتواند در قضایای حیاتی خود از شکست و پی‌آمدهای ناگوار از دست دادن فرصت‌ها رهایی یابد.

این فرصتی است آشکار برای فراخوانی، فراخوانی پیامی که تکرارش خسته‌کننده نیست، فراخوانی به سوی تلاش جدی برای حل قضایای امت و نجات مقدسات آن و برای آزاد سازی مسجد الاقصی از زنجیر تجاوزگران و چنگال اشغالگران؛ اکنون که سیل به اوج خود رسیده و دشمن بی‌شرم به نهایت پستی رسیده است. این نخستین چیزی است که همت‌ها باید برای آن به تکان آید و شایسته است قلب بزرگان و جوانمران برای آن بلرزد.

برادران و خواهران ایمانی:

از غم‌هایی که نفس غیرتمندان را به تنگ آورده و توجه آنان را به خود جلب می‌کند این است که گروهی از فرزندان این امت و نسل‌های آن در وادی حیرت و بی‌تحرکی سرگردانند و بسیاری از آنان شکار فتنه‌های شهوت‌ها شده‌اند...

و دیگران را می‌بینی که شبهات گمراه‌گر بر آن‌ها وزیدن گرفته است و در پی آن رو به سوی اندیشه‌ی تکفیر و بمب‌گذاری و تخریب و ویرانگری و دیگر اندیشه‌های خطرناکی آورده‌اند که هر مومنی از آن بری است.

خداوندا رحمتت را می‌طلبیم، و تو را سپاس می‌گوییم که حقیقت آنان را آشکار ساخته و رسوایشان گرداندی...

چه درد و غصه‌ای بالاتر از این، هنگامی که می‌بینی تنبلی و سستی و بی‌کارگی و بطالت و نومیدی قلب بسیاری از امت را اشغال کرده است؟ چه غمی و چه مصیبتی بدتر از این وقتی نسل‌هایی از این امت و حتی گروهی از دختران آن به زیر یوغ بی‌بند و باری و شکست روحی و بی‌اعتمادی به خود سر خم کرده‌اند؟

همه‌ی این‌ها به اضافه‌ی قضایای بزرگ امت که خواب را از چشم برده و اشک بر دیده می‌نهند؛ که شکایت را تنها به سوی خداوند می‌بریم و او تنها یاری‌گر و امید ماست...

برادران و خواهران مسلمان:

اینجا و در مَطَّلَع سال هجری مبارک، این سخن خداوند متعال را به صدایی بلند و رسا اعلام می‌داریم که:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ [الرعد: ۱۱].

«در حقیقت الله حال هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند».

تغییری که به همراه صدق و اخلاص و با پایه‌گذاری بر واقعیت و تربیت و سلوک باشد. آن تغییر درونی که جامعه‌ها را می‌سازد و نسل‌های قدرتمند بعدی را به بار می‌آورد. راه رسیدن به این مهم و آغازگر آن روشن کردن شعله‌ی بلند همتی در درون افراد امت است تا آنکه به قله‌ها دسترسی یابد و شعله‌ور ساختن مشعل امید و خوش‌بینی در میان جوانان است تا آنکه به توان‌مندی‌های خود آگاه گردند تا اینگونه شیرینی ایمان و خوشی یقین را حس کنند و با قلب و عقل و احساس خویش شادی امید و انگیزه را درک نمایند. زیرا همت بلند و آرزوی والا نوری است روشن‌گر در تاریکی مشکلات...

این آرزوی بلند و والاست که انسان را به سوی وارد شدن به عرصه‌ی سختی‌ها و وارد شدن به گود دشواری‌ها می‌کشاند تا به عزت و پیروزی و صلاح دست یابد.... رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «خداوند متعال امور والا و با ارزش را دوست دارد و امور پست و بی‌ارزش را بد می‌دارد» [به روایت طبرانی در مُعْجَم و بیهقی در شُعَب ایمان].

و محبوب ما رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - ما را به سوی بالاترین منزلگاه و والاترین مقصود ارشاد نموده‌اند. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «اگر از خداوند چیزی خواستید، از او فردوس را بخواهید زیرا آن در میانه‌ی بهشت و بالاترین نقطه‌ی آن است و عرش رحمن بر بالای آن قرار دارد» [به روایت طبرانی در مُعْجَم و ابن ابی عاصم در کتاب السنّة با سند صحیح].

الله اکبر! این است راه و روش محمدی که توانست انگیزه و هدف قهرمانان را بسازد و همت نسل‌های مسلمان را بلند گرداند و در آن‌ها شیرینی رسیدن به حق پس از سختی و والایی پس از تلاش را آبیاری نماید و توانست در روح آنان مجد و عظمت و پایداری را شعله‌ور سازد.

از عمر بن خطاب - رضی الله عنه - این سخن روایت شده که فرمود: «همت‌های خود را کوچک نکنید که من ندیده‌ام چیزی به مانند همت کوچک انسان را از بزرگی باز داشته باشد».

و چه زیبا است سخن خلیفه‌ی راشد، عمر بن عبدالعزیز - رحمه الله - و آن همت والایش که با آسمان هم آغوش گردیده است که فرمود: «من نفس زیاده‌خواهی دارم که آنچنان برای رسیدن به امارت بی‌تابی کرد تا آنکه به امارت دست یافتم سپس برای رسیدن به خلافت بی‌تابی کرد و هنگامی که به خلافت دست یافتم اکنون برای رسیدن به بهشت بی‌تابی می‌کند».

اهل سیرت درباره‌ی امام بخاری چنین نقل کرده‌اند که او چنان همت والایی داشت که شبی نزدیک به بیست بار برای تدوین حدیث شریف بیدار می‌شد.

ابوالوفاء ابن عقیل - رحمه الله - می‌گوید: «همت خود برای علم را در حالی که هشتاد ساله‌ام بیشتر از زمانی می‌یابم که بیست ساله بودم».

بندگان خداوند:

این‌ها کسانی هستند که همت‌ها و آرزوهای بزرگشان در کتاب‌ها به یادگار مانده است و نمی‌توان به جایگاه‌های بلند دست یافت مگر با سختی کشیدن و سر کشیدن جام تلاش و کوشش و زحمت.

چگونه می‌توان گمان برد که رسیدن به آرزوها با سستی و امروز و فردا کردن ممکن است؟! و آیا نبوغ امت‌ها و تمدن‌ها و نوآوری‌های علمی و نهضت‌ها به جز با همت‌های بلند و عزیمت‌های محکم بود است؟

پس ای امت اسلام، ای امت بلند همتان!

بیاید این سال جدید از بین برنده‌ی نومیدی و بدبینی‌ها و سستی‌ها باشد و این گونه باشید که پس از توکل بر خداوند، با خوش‌بینی و مثبت‌نگری و به یاری عزیمت و توفیق خداوندی به مانند نوری باشید روشن‌گر که از بین برنده‌ی تاریکی‌هاست و برای به دست آوردن بزرگی‌ها عزم خود را جزم کنید و به مانند باران سودمند باشید که با امید، آنچه را که از دست رفته باز به دست آورید تا آنکه پیروز گردید و قدرت و تمکین یابید که این برای خداوند سخت نیست.

خداوندا ما تو را با نام اعظمت که اگر با آن خوانده شوی استجابت می‌کنی و اگر با آن از تو درخواستی شود آن را عطا می‌کنی دعایت می‌کنیم که این سال ما را سال خیر و برکت و پیروزی و قدرت برای اسلام و مسلمانان قرار دهی و در آن کار امت اسلامی را سامان بخشی. خداوندا مقدسات مسلمانان را آزاد ساز و اوضاع آنان را بهبود بخش و صف آنان را یکی بگردان و کلمه‌ی آنان را بر حق و هدایت یکی بگردان.

خداوندا ما را در غفلت باقی مگذار و ما را در حال بی‌خبری مگیر و حال ما را بهتر از گذشته و آینده‌ی ما را بهتر از حال حاضر بگردان و گذر ایام و سپری شدن سال‌ها را برای ما اندرز دهنده‌ی بگردان که تو بهترین سوال شونده‌ای...

خداوند برای من و شما در قرآن و سنت برکت قرار داده و با آیات و ذکر حکیم سود رساند. این سخن خویش را گفته و برای خود و شما و همه‌ی مسلمانان از همه‌ی گناهان از خداوند آمرزش می‌خواهم پس از او آمرزش بخواهید و به سوی او توبه کنید که او بسیار توبه پذیر و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله است که همیشه مستحق ثنا است و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد بنده‌ی الله و پیامبر او و پاک‌ترین انسان‌ها و با همت‌ترین آنان است. درود خداوند بر او و بر اهل بیت پاک او و صحابه‌ی وی که در تقوا به بالاترین مراتب دست یافته‌اند و همچنین بر تابعین و کسانی که تا قیامت با نیکی از آنان پیروی نمایند.

اما بعد، ای بندگان الله:

تقوای الله را پیشه سازید و در سخنان و کردار خود والا و بلند همت باشید تا به اهدافتان در دنیا و آخرت دست یابید.

برادران و خواهران مسلمان:

آغاز سال هجری جدید ما را به یاد واقعه‌ی مبارک هجرت نبوی می‌اندازد. که این واقعه‌ای است بس بزرگ که باعث قدرتمند شدن این دین گردید، پس ای مومنان مبارک! از این واقعه درس همت و قهرمانی و مبارزه‌طلبی و تلاش بگیرید تا آنکه همه‌ی جهانیان عزم و همت امت ما را ببینند که چگونه خود را در واقعیت نشان خواهد داد.

و با اعمال نیک و روزه، این ماه آغازین سال را آغاز نمایید که این خود نشانه‌ی بلندی همت در آغاز سال جدید است. رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید:

«بهترین روزه پس از رمضان، روزه‌ی ماه خدا، محرم است» [به روایت مسلم].

و در این ماه در پی احتساب و بهره‌گیری از روزی بزرگ باشید، که همانا روز عاشورا است، تا آنکه نیکی و خوشبختی به دست آورید. که رسول الله - صلی الله علیه وآله

وسلم - می‌فرماید: «نزد خداوند چنین احتساب می‌کنم که روزه‌ی عاشورا باعث تکفیر گناهان سال قبل آن می‌شود» [به روایت مسلم].

که این روز، امسال برابر با روز پنجشنبه‌ی پیش رو است که سنت است یک روز پیش یا پس از آن را نیز روزه بگیریم و همچنین برای احیای سنت رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - در نماز طلب باران که روز دوشنبه‌ی آینده برگزار خواهد شد حضور یابید و از خداوند می‌خواهیم که از ما و شما اعمال نیک‌مان را پذیرفته و آرزوها و امیدهایمان را که باعث رضایت اوست محقق سازد.

و درود و سلام فرستید بر بهترین انسان‌ها آن هدایتگر راه راست، چنانکه مولایتان شما را در کتاب خویش بدین مهم، امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

خداوند بر سرور اولین و آخرین، و رحمت بر جهانیان پیامبر و محبوب ما و سرور و رهبرمان، محمد بن عبدالله درود و سلام فرست و راضی و خشنود باش از آن امامان هدایتگر که به حق قیام نموده و براساس آن حکم می‌نمودند: ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از همه‌ی کسانی که به نیکی تا قیامت از آنان پیروی نمایند و همچنین از ما با رحمت و کرم خویش راضی باش ای گرامی‌ترین گرامیان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، و کلمه‌ی دین را والا بگردان ای پروردگار جهانیان.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن بگردان و امنیت و آرامش را در سرزمین ما استمرار بخش.

خداوندا همه‌ی مسئولان مسلمان را برای پیروی از کتاب و سنت پیامبرت یاری ده، خداوندا آن‌ها را رحمتی برای بندگانت قرار ده.

خداوندا دشمنانت دشمنان دین را نابود ساز که آن‌ها یارای عاجز ساختن تو را ندارند. خداوندا صهیونیست‌های متجاوز اشغالگر را نابود ساز، خداوندا جمع آنان را پراکنده ساز و آنان را عبرتی برای دیگران بگردان.

خداوندا مسجد الاقصی را حفظ نما، خداوندا از مسجد الاقصی محافظت نما، خداوندا مسجد الاقصی و دیگر مقدسان مسلمانان را حفظ نما ای پروردگار جهانیان، ای قوی و ای عزیز.

خداوندا برادران مجاهد ما را که در هر مکانی در راه تو جهاد می‌کنند تا کلمه‌ی خداوند والا باشد، یاری ده، خداوندا آن‌ها را در هر جایی که هستند یاری ده.

خداوندا مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان مومن را موفق گردان، خداوندا میان آنان را اصلاح نما، خداوندا راه‌های بهشت و آرامش را به آنان بنمای و آنان را از فواحش و فتنه‌ها دور ساز.

خداوندا بیماران ما را شفا ده، خداوندا بیماران ما را شفا ده، خداوندا بیماران ما را شفا ده و مرده‌گان ما را بیامرز و ما را به آن آرزوهایی که باعث رضایت توست برسان.

﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ [البقرة: ۲۰۱].

خداوندا تویی آن الله که معبود به حقی جز تو نیست، تو بی‌نیازی و ما نیازمند، باران را بر ما نازل ساز و ما را از نومیدان مگردان، خداوندا باران را بر ما ببار و ما را از مایوسان قرار مده، خداوندا باران را بر ما نازل کن و ما را از ناامیدان مگردان، خداوندا آن را باران رحمت بگردان نه باران عذاب و بلا و ویرانی و غرق. خداوندا ما را باران ده، خداوندا ما را باران ده، خداوندا ما را باران ده. خداوندا معبودی به حق نیست جز تو، توی بی‌نیازی و ما فقیرانیم.

خداوندا ما از تو آمرزش می‌خواهیم که تو بسیار آمرزنده‌ای، پس باران را بر ما فرو

ریزان.

خداوندا از ما بپذیر که تو بسیار شنوا و دانایی و از ما توبه بپذیر که تو بسیار توبه پذیر و مهربانی و ما و والدین ما و همه‌ی مسلمانان - مرده‌گان و زندگانشان - را مورد مغفرت قرار ده.

پاک است و بی‌عیب پروردگارت، پروردگار عزت و بزرگی از آنچه به دروغ به او نسبت می‌دهند و سلام بر پیامبران {والحمد لله رب العالمین}

عنوان خطبه:

فضیلت زهد در دنیا

خطیب: شیخ صالح بن حمید

مسجد الحرام: جمعه ۱۱ محرم ۱۴۳۲ برابر با ۲۶ آذر ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

ستایش مخصوص خداوند است، ستایش مخصوص خداوندی است که به تنهایی خلقت نمود و تدبیر کرد و با حکمت بالغ خویش و تقدیر بدیعیش در ملک خویش تصرف نمود، حتی مثقال ذره‌ای در زمین و نه در آسمان‌ها از او پنهان نمی‌ماند و او بسیار باریک‌بین و آگاه است.

او را ستایش می‌گویم و سپاس می‌گذارم که نعمت‌هایش پی در پی است و او بهترین یار و یاور است، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و از آنکه شبیه و همانندی داشته باشد پاک است، و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده و پیامبر او و آورنده‌ی دین حنیف و شریعت پاک است، او که چراغی است روشنگر... درود و سلام و برکات خداوند بر او و بر اهل بیت گرانقدر و یاران بزرگوار او و تابعین و همه‌ی کسانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی کنند و بر راه هدایت روند.

اما بعد:

خود و شما را به تقوای الله سفارش می‌کنم پس تقوای او را پیشه سازید و کسی را مراقب خود بدانید که نگاهش از شما دور نیست و شکرستان را مخصوص کسی قرار دهید که نعمت‌هایش پی در پی است و در برابر کسی سر خم کنید که نمی‌توانید از پادشاهی او خارج شوید، زیرا هر چه انسان را از یاد خداوند مشغول سازد شوم است و بدانید که عجله نکردن همیشه خوب است به جز در امر آخرت. خداوند از قول موسی - علیه السلام - می‌فرماید:

﴿وَعَجَلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَى﴾ [طه: ۸۴].

«ای پروردگرم به سوی تو شتافتم تا خشنود شوی».

از گناهان توبه کنید و برای روزی آماده شوید که پاها و پیشانی‌ها را می‌گیرند، و بدانید که کالای قدرتمندان کار و تلاش است و کالای ضعیفان آرزو است، و دوستان بد به مانند آتشند که همدیگر را می‌سوزانند:

﴿وَأَنَّهُمْ لَيَصْدُوهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُّهْتَدُونَ﴾ [الزخرف: ۳۷].

«و آنان را از راه باز می‌دارند و گمان می‌کنند که هدایت شده‌اند».

ای مسلمانان:

شما هم اکنون در آغاز سال هجری جدید قرار دارید. خداوند این سال را سال خیر و برکت و امن و امان قرار داده و کلمه‌ی مسلمانان را در آن بر حق یکی سازد و حق و اهل آن را سربلند و پیروز گرداند.

در چنین روزهایی محاسبه‌ی نفس چه نیکوست و چه زیباست که انسان با خود لحظاتی برای تامل و عبرت‌گیری داشته باشد که در حوادث زمانه عبرت‌ها نهفته است و گذر شب و روز آباد را ویران و ویران را آباد می‌گرداند، پس از زرق و برق‌های گمراه‌کننده بپرهیزید که فرصت‌ها از دست می‌رود و اجل سر وقت می‌آید و مدت ماندن محدود است و ایام عمر معدود:

﴿وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجْلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ [المنافقون: ۱۱].

«و الله هیچ نفسی را هنگامی که اجلس بیاید به تاخیر نمی‌اندازد و الله به آنچه می‌کنید آگاه است».

ای مسلمانان:

سخن درباره‌ی زهد به معنای بی‌میلی به کار و تلاش و بی‌اهمیتی به آباد سازی زمین نیست، چرا که صلاح بشریت از اعماق قلب آن‌ها سرچشمه می‌گیرد، قلب، با ایمان و نور قرآن پاک می‌شود و نفس نیز با سخن پاک و عمل صالح و اخلاق نیک. مصدر لذت بزرگ در دنیا قلبی است که بشاشت ایمان به آن راه یافته باشد و آن نعیم و لذتی است که انسان را از هر لذت دیگری بی‌نیاز می‌سازد.

تا آنجا که یکی از سلف می‌گوید: «بر من لحظاتی می‌گذرد که با خود می‌گویم: اگر اهل بهشت در چنین لذتی به سر ببرند واقعاً زندگی خوشی دارند!».

ای مسلمانان:

جهان امروز با چالش‌های فکری و همینطور مشکلات خانوادگی و بحران‌های مالی بسیاری مواجه است، و در دین ما رابطه‌ی انسان با این دنیا براساس کار و تسخیر و سازندگی و آبادسازی است:

﴿وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ﴾ [الجاثية: ۱۳].

«و آنچه را که در آسمان‌ها و زمین است برای شما مسخر گرداند، همه از اوست».

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا﴾ [البقرة: ۲۹].

«او است که برای شما همه‌ی آنچه را که در زمین است آفرید».

و در همین حال رابطه‌ی آزمایش و امتحان نیز هست:

﴿الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ [الملك: ۲].

«آنکه مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدام‌یک از شما نیکوکارتر است».

که هدف نهایی همه‌ی این‌ها محقق ساختن بندگی خداوند عزوجل می‌باشد:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ [الذاریات: ۵۶].

«و جن و انس را نیافریدم مگر آنکه مرا عبادت کنند».

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿٢١﴾﴾

[البقرة: ۲۱].

«ای مردم پروردگارتان را که شما و کسانی که پیش از شما بودند را آفرید، عبادت کنید باشد که متقی شوید».

مسلمانان در عبادت‌های خود هم عبودیت خداوند و توحید و اخلاص برای او را در نظر می‌گیرند و هم مشاهده‌ی منافع و طلب فضل و نعمت خداوند را؛ برای مثال نماز، که مقدمه و شرط آن پاکی بدن و پاکی لباس و پاکی مکان است. خداوند عزوجل می‌فرماید:

﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٢٠﴾﴾ [الجمعة: ۱۰].

«پس آنگاه که نماز پایان یافت در زمین پراکنده شوید و از فضل و نعمت الله بجویید و الله را بسیار یاد کنید باشد که رستگار شوید».

و در مورد حج می‌فرماید:

﴿وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ ﴿١٩٧﴾﴾ [البقرة: ۱۹۷].

«و توشه بگیرید که همانا بهترین توشه تقوا است و ای خردمندان تقوای مرا پیشه سازید».

﴿يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ ﴿٢٧﴾﴾ [الحج: ۲۷].

«تا [حاجیان] پیاده و [سوار] بر هر شتر لاغری که از هر راه دوری می‌آیند به سوی تو روی آورند».

و در مورد دیگر عبادت‌ها خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَعَاخِرُونَ يَصْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَعَاخِرُونَ يُقْتَلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ﴿٢٠﴾﴾

[المزمل: ۲۰].

«و [عده‌ای] دیگر در زمین سفر می‌کنند [و] در پی روزی الله هستند و [گروهی] دیگر

در راه الله نبرد می‌کنند».

و خداوند در کتاب خود کسانی را مدح نموده که اهل خرید و فروش و تجارتند اما با این وجود:

﴿لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ﴾ [النور: ۳۷].

«نه تجارت و نه خرید و فروشی آن‌ها را از یاد الله و برپا داشتن نماز و دادن زکات مشغول نمی‌سازد».

با این خواستگاه و براساس این حکمت‌ها و با ارتباط دادن میان دین و دنیا و عمل قلب و آبادسازی زمین، راه ترقی در مدارج کمال، و آن مسیر که زندگی را پاک نگه داشته و نفس بشری را تربیت کرده و قدر آن را افزون می‌کند و آرامش و خشنودی را محقق می‌سازد، برای ما آشکار می‌شود.

ای جمع دوستان:

در آغاز این سال جدید، سعی داریم بیشتر رابطه‌ی میان دین و دنیا و عبادت و عمارت و زهد و تلاش و قناعت و کسب روزی را بیان نماییم.

علی - رضی الله عنه - در وصف دنیا و بیان حال آن می‌گوید: «دنیا خانه‌ی راستی است برای کسی که با آن راستی پیشه سازد و خانه‌ی عاقبت است برای کسی که از آن بیاموزد و خانه‌ی غنا است برای کسی که از آن توشه برگیرد، دنیا مسجد دوستان خدا و فرودگاه وحی او و نمازگاه ملائکه‌ی او و تجارتگاه اولیای اوست. در آن در پی کسب رحمت باشید و امید بهشت داشته باشید، پس آن کیست که بد دنیا را می‌گوید در حالی که دنیا در حال رفتن است و عیب دنیا را می‌گوید حال آنکه دنیا و اهل آن فنا می‌شوند، که قومی هنگام پشیمانی بد آن را می‌گویند و گروهی ستایش آن را می‌کنند و راست می‌گویند زیرا دنیا آنان را پند می‌دهد و آنان پند می‌گیرند».

ابوسلیمان دارانی می‌گوید: «دنیا برای دشمنان خدا، حجابی میان آن‌ها و خداوند است و برای دوستان خدا وسیله‌ای است برای رسیدن به او، پس پاک و بی‌عیب است آنکه یک چیز را هم وسیله‌ی رسیدن گرداند و هم وسیله‌ی جدایی!».

و امام احمد و ترمذی و ابن ماجه در حدیثی هم به صورت مرفوع و هم به صورت موقوف چنین روایت کرده‌اند که: «زهد ورزیدن در دنیا نه با حرام کردن حلال است و نه با از بین بردن مال، بلکه زهد آن است که آنچه در دستانت داری را بیشتر از آنچه نزد خداوند است نگه نداری و آن است که برای ثواب مصیبت بیشتر رغبت داشته باشی تا آنکه آن چیز را از دست نمی‌دادی و امید پاداش آن را بیشتر از این داشته باشی که آن چیز برایت باقی می‌ماند، و اینکه برای انجام حق سرزنش و ستایش مردم برایت تفاوتی نداشته باشد».

و همه‌ی این‌ها جزو اعمال قلب است نه اعمال بدن. و از ابن عباس رضی الله عنه روایت است که رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - فرمود: «هرکه دوست دارد بی‌نیازترین مردم باشد، پس به آنچه در دست خداوند است بیش از آنچه در دست خودش است امید داشته باشد» [به روایت حاکم و بیهقی].

زهد در دنیا در مورد شش چیز است: زهد در نفس و زهد در مردم و زهد در صورت و زهد در مال و زهد در ریاست و زهد در هر چیز غیر از خداوند.

ابن قیم - رحمه الله - می‌گوید: «منظور از زهد، رد دنیا نیست زیرا داوود و سلیمان - علیهما السلام - از زاهدترین انسان‌های اهل زمان خویش بودند در حالی که ملک و مال و زنان بسیاری داشتند و پیامبر ما محمد - صلی الله علیه و سلم - زاهدترین انسان‌ها و الگوی زاهدان است در حالی که گوشت و شیرینی و عسل می‌خورد و زنان و عطر و لباس زیبا را دوست داشت، و علی بن ابی‌طالب و عبدالرحمن بن عوف و زبیر و عثمان بن عفان - رضی الله عنهم - با وجود اموال بسیاری که داشتند از جمله‌ی زهاد بودند».

به امام احمد گفته شد: آیا ممکن است کسی هزار دینار داشته باشد و زاهد هم به حساب آید؟ گفت: «آری، اگر برای زیاد شدن آن شاد نشود و برای کم شدن آن اندوهگین نگردد» و سپس گفت: «صحابه با وجود اموالی که داشتند زاهدترین امت بودند».

و امام سفیان ثوری در پاسخ به این سوال که آیا ممکن است کسی زاهد باشد و مال هم داشته باشد، گفت: «آری در صورتی که اگر امتحان شود صبر کند و اگر چیزی به دست آرد شکر گوید» و در روایتی دیگر می‌گوید: «زاهد آن است که اگر خداوند به وی نعمتی دهد شکر گوید و اگر وی را دچار امتحان نمود، بر آن صبر کند و این همان زهد است».

علامه مُناوی - رحمه الله - می‌گوید: «زهد به معنای دوری گزیدن از مال نیست، بلکه زاهد آن است که بودن و نبودن مال برای انسان یکی باشد و قلب به آن تعلق نداشته باشد زیرا دنیا به ذات خود نکوهیده نیست چرا که دنیا مزرعه‌ی آخرت است پس هر که دنیا را با مراعات قوانین شرع به دست آورد او را برای رسیدن به آخرت یاری خواهد کرد» و باز می‌گوید: «پس دنیا را ترک مکن زیرا آخرت جز به واسطه‌ی دنیا به دست نمی‌آید».

برای همین است که حسن بصری می‌گوید: «خواستن دنیا برای آنچه به سود توست دوستی دنیا به حساب نمی‌آید...».

و سعید بن جبیر در تفسیر سخن خداوند متعال که: «زندگی دنیا چیزی نیست جز کالای فریب» می‌گوید: «کالای فریب آن است که دنیا تو را از طلب آخرت مشغول سازد، اما اگر تو را از آخرت مشغول نگرداند در آن صورت دنیا کالای فریب نیست بلکه کالایی است که تو را به آنچه بهتر است خواهد رساند».

بندگان خداوند:

هر که یقین را محقق سازد در همه‌ی امور خود به خداوند اعتماد نموده و به تدبیر او راضی می‌شود و هرگز نه از روی ترس و نه از روی امید به هیچ بنده‌ای وابسته نمی‌شود و دنیا را با اسباب مشروع آن خواهد خواست، و هر که یقین را به دست آورد به قیمت راضی ساختن مردم خشم خدا را به جان نخواهد خرید و به خاطر روزی خداوند از مردم تشکر نخواهد کرد و آنان را برای چیزی که خداوند به او عطا نکرده سرزنش نخواهد نمود و خواهد دانست که حرص و طمع روزی خداوند را جلب نخواهد کرد و

نخواستن مردم هم آن را باز نخواهد داشت، پس تنها یقین برای بی‌نیازی کافی است و هرکه قلبش بی‌نیاز گردید دستانش نیز بی‌نیاز می‌شود و هرکه قلب فقیری دارد غنایش به او سودی نخواهد رساند، و قناعت جلو روزی نوشته شده را نخواهد گرفت و حرص و طمع نیز آنچه را نوشته نشده است جلب نخواهد کرد، و بدان که هر آنچه قرار بوده به تو برسد از تو نخواهد گذشت و هر چه قرار نبوده نصیب تو شود ممکن نبود از آن تو شود پس قلب خود را از آنچه در دستت نیست خالی کن.

و بدانید که هرکه به خداوند اعتماد نمود خداوند برای او کافی است و هرکه از او خواست به وی عطا خواهد کرد و هرکه از خداوند بی‌نیازی بخواهد او را بی‌نیاز خواهد ساخت، و قناعت گنجی است فنا ناشدنی و خشنودی مالی است تمام نشدنی. کمی که کافی باشد بهتر از بسیاری است که انسان را به خود مشغول سازد. نیکی از بین نمی‌رود و بدی فراموش نمی‌شود و خداوند هیچگاه نمی‌میرد و کمال انسان در این است که قلبش در دادن و گرفتن و نیرو و ضعف و عزت و ذلت یکی باشد.

غمگین‌ترین مردم حسود است و آسوده‌ترین آن‌ها قانع، و انسان آزاد و بزرگ، پیش از آنکه از دنیا خارجش کنند خود از دنیا بیرون می‌رود و آرزوهای دور و دراز آخرت را از یاد می‌برد.

اگر از تو درباره‌ی برکت و روزی نیک و یا درباره‌ی زیر پا نهاده شده حق مردم و انتشار فسق و بدی پرسیدند نگاهی به مردم بینداز و قناعت و پاک دلی‌شان را ببین و ببین که آیا آنچه را که مشکوک و شبهه دار است ترک می‌کنند یا نه.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم:

﴿وَأَتَّبِعْ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ﴿٧٧﴾﴾ [القصص: ٧٧].

«و با آنچه الله به تو عطا کرده است خانه‌ی آخرت را بجو و نصیب خود از دنیا را نیز فراموش نکن و همانطور که الله به تو نیکی کرده است تو نیز نیکی کن و در پی فساد در زمین مباش که همانا الله مفسدان را دوست ندارد.»

خداوند من و شما را با قرآن بزرگ و سنت محمد - صلی الله علیه وسلم - سود رساند. این سخن خویش را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از هر گناهی مغفرت می‌خواهم. پس از خداوند آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

حمد و سپاس مخصوص الله است. حمد و سپاس از آن اوست برای عیب‌هایی که پوشاند و سختی‌هایی که رفع نمود، و به سوی او توبه کرده و از او آمرزش می‌خواهم که او آمرزنده‌ی گناهان است، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق جز الله نیست که واحد و بی‌شریک و داننده‌ی غیب‌هاست، و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده‌ی الله و پیامبر اوست. درود و سلام و برکات خداوند بر او و بر اهل بیت و یاران او و تابعین و همه‌ی کسانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند...
اما بعد ای بندگان خداوند:

هر که دنیا در چشمش بزرگ شود از مدح و ستایش خوشش آید و از نکوهش بدش خواهد آمد و چه بسا این باعث شود که وی بخش بزرگی از حق را از ترس نکوهش دیگران ترک کند و برای مدح و ستایش مردم روی به سوی باطل آورد زیرا او که در واقع کاسب دیگران است و فقرش به خاطر لثامت نفسش است. چنین کسی از هیچ چیز سود نبرد و هیچگاه آسایش نبیند.

چه بسیار ثروتمندان مال‌داری که از فرط ترش رویی وی را فقیر می‌پنداری که بر آنچه در دستش است حریص است و بر آنچه ندارد طمعکار!

یکی از علما می‌گوید: «برخی ندانستند و گمان کردند که زهد یعنی دوری از حلال، پس از مردم دوری گزیدند و حقوق را زیر پا گذاشتند و با مردم جفا کردند و چهره عبوس نمودند و ندانستند که زهد در قلب است و اصل و اساس آن دوری از شهوت قلب است، و چون با بدن خود از شهوت‌ها دوری کردند گمان بردند که زهدشان به کمال رسیده است در حالی که قلب هنوز وابسته به شهوات است و در این حال نه زهد به کمال رسیده است و نه ورع».

پس تقوای الله را پیشه‌ی خود سازید و از سلامتی برای بیماری و از زندگی برای مرگ و از غنا برای فقر و از نیرو برای دوران ضعفان توشه بگیرید، و چه خوب است مال خوب برای بنده‌ی خوب و همانا غنا یعنی غنای نفس نه داشتن مال بسیار.

و سپس بسیار درود و سلام فرستید بر سرور مردمان و بدانید که درود فرستادن بر وی مزیتی است و نعمتی، زیرا هر خیری که امت در دنیا و آخرت به دست آورده است به برکت اوست زیرا خداوند به واسطه‌ی او خیر دنیا و آخرت را نصیب این امت ساخته است، و بزرگ‌ترین کرامتی که این امت به دست می‌آورد در روز جمعه حاصل می‌گردد که آن روزی است که در آن به منازل خود در بهشت وارد شوند و آن روز عیدشان در دنیا است که همه‌ی این خیر و برکت از طریق رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - به دست آمده است، پس از تشکر و ادای حق است که در این روز بر وی بسیار درود و سلام فرستید چرا که خداوند شما را چنین امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

خداوندا درود و سلام و برکت ارزانی دار بر بنده و پیامبرت محمد، آن حبیب مصطفی و نبی مجتبی و بر اهل بیت پاک وی و بر همسرانش مادران مومنان، و راضی و خشنود باش از چهار خلیفه‌ی راشد، ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه‌ی پیامبرت و از تابعین و کسانی که به نیکی تا قیامت از آنان پیروی نمایند و همچنین از ما با عفو و کرم خویش راضی و خشنود باش ای بزرگوارترین بزرگواران.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار گردان و سرکشان و ملحدان و دیگر دشمنان امت و دین را نابود ساز.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان و والیان امر ما را اصلاح گردان و مسئولیت ما را در دست کسانی قرار ده که تقوای تو را داشته و در پی خشنودی تو باشند.

خداوندا برای امت اسلام امر رشدی قرار ده که در آن اهل طاعت تو عزیز شوند و اهل معصیت هدایت گردند و در آن به معروف امر شده و از منکر باز داشته شود که تو بر هر کاری توانایی.

خداوندا دین ما را که نگه‌دارنده‌ی امر ماست و دنیای ما را که زندگی ما در آن است و آخرت ما را که بازگشت‌گاه ماست اصلاح نما و زندگی را برای ما زیاده‌ی در هر نیکی بگردان و مرگ را برای ما آسودگی از هر بدی قرار ده و عاقبت ما را در همه‌ی امور به خیر گردان و ما را از خواری دنیا و عذاب آخرت نجات ده.

خداوندا هر که را برای دین و سرزمین و امنیت و امت و مسئولان و جامعه‌ی ما قصد بد دارد به خود مشغول ساز و تدبیرش را در نابودی وی قرار ده ای پروردگار جهانیان.

خداوندا صهیونیست‌های غاصب اشغالگر را نابود ساز که آنان یارای عاجز ساختن تو را ندارند، خداوندا عذاب خود را که از مجرمان برگشت‌پذیر نیست بر آنان نازل ساز...

خداوندا ما را به سوی توبه و بازگشت توفیق ده و درهای قبول و استجابت را بر ما بگشای. خداوندا طاعات و دعا‌های ما را بپذیر و اعمالمان را اصلاح نما و گناهان ما را بپوشان و بر ما توبه پذیر و مورد مغفرت و رحمت قرار ده ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا! تویی آن الله که معبودی به حق جز تو نیست، تو بی‌نیازی و ما نیازمند، باران را بر ما نازل کن و ما را از مایوسان مگردان، باران را بر ما نازل ساز و ما را از نومیدان قرار مده، خداوندا تویی آن الله که معبودی حقیقی جز تون نیست؛ تو بی‌نیازی و ما نیازمندانیم، باران را بر ما بباران و ما را از مایوسان مگردان...

خداوندا ما از تو آمرزش می‌خواهیم که تو بسیار آمرزنده‌ای پس باران را بر ما پی در پی نازل کن و آن را نیرویی برای طاعت خود بگردان.

خداوندا ما بندگان از بندگان توایم، پس به واسطه‌ی گناهانمان فضل خود را از ما دریغ مدار.

بر خداوند توکل نمودیم، پروردگارا ما را فتنه‌ای برای ستمگران قرار مده.

«خداوندا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بدار» [البقرة: ۲۰۱].

عنوان خطبه:

خطر رشوه برای جامعه‌ی بشری

خطیب: حسین بن عبدالعزیز آل شیخ

مسجد نبوی شریف: جمعه ۱۸ محرم ۱۴۳۲ برابر با ۳ دی ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

ستایش مخصوص خداوندی است که پاکی‌ها را برای بنده‌هایش حلال گرداند و ناپاکی‌ها و هلاک‌کننده‌ها را بر آن‌ها حرام قرار داد، و گواهی می‌دهم که معبود به حقی نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و پروردگار زمین و آسمان‌هاست و گواهی می‌دهم که پیامبر ما محمد بنده و پیامبر او و برانگیخته شده‌ای است برای رحمت جهانیان، کامل‌ترین و بهترین درودها و سلام‌ها بر او باد.

اما بعد... ای مسلمانان:

خود و شما را به تقوای الله - جَلَّ و عَلا - سفارش می‌کنم که آن اساس همه‌ی خوبی‌هاست.

حرام خوری سببی است برای بدبختی و ناسعداتی... رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «هر گوهستی که از مال حرام پرورده شده باشد آتش به آن اولی‌تر است».

و از جمله حرام‌خوری‌هایی که به شدت و با تاکید فراوان از آن نهی به عمل آمده است، جنایت «رشوه خواری» است، گرفتن رشوه و دادن رشوه و واسطه شدن برای آن... پروردگار متعال می‌فرماید:

﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ

النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۱۸۸﴾ [البقرة: ۱۸۸].

«و اموال خود را در میان یکدیگر به ناروا مخورید و [به عنوان رشوه قسمتی از] آن را به قاضیان مدهید تا بدینوسیله بخشی از اموال مردم را با گناه بخورید در حالی که می‌دانید».

و باز خداوند - جَلَّ و عَلا - درباره‌ی یهودیان چنین می‌فرماید:

﴿سَمَّعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَلُونَ لِلسُّحْتِ﴾ [المائدة: ۴۲].

«بسیار شنوا و پذیرای دروغند و بسیار مال حرام می‌خورند».

و می‌فرماید:

﴿وَتَرَىٰ كَثِيرًا مِّنْهُمْ يُسْرِعُونَ فِي الْأَثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَعمَلُونَ﴾ [المائدة: ۶۲].

«بسیاری از آنان را می‌بینی که در گناه و تجاوز و خوردن حرام از هم سبقت می‌گیرند چه بد کاری انجام می‌دادند».

عمر بن خطاب - رضی الله عنه - می‌گوید: «دو باب از حرام است که مردم از آن می‌خورند: رشوه و درآمد زنان روسپی».

زیرا رشوه عاملی است برای خشم خداوند و جلب عذاب او. در حدیث صحیح آمده که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - رشوه دهنده و رشوه گیرنده را لعنت نمودند. همچنین طبرانی با سند خوب از پیامبر خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - چنین روایت کرده است که ایشان فرمودند: «رشوه‌دهنده و رشوه‌گیرنده در آتشند».

پس ای مسلمان: تا می‌توانی خود را از رشوه دور کن که آن از بزرگ‌ترین گناهان و عظیم‌ترین جرم‌هاست، برای همین اهل علم این گناه را جزو گناهان کبیره دانسته‌اند زیرا درباره‌ی آن نصوص صریحی وارد شده است.

امت مسلمان:

رشوه آفتی است دامنگیر و مرضی است خطرناک که به سبب آن مصیبت‌ها و زیان‌های جبران‌ناپذیری بر پیکر جامعه وارد می‌شود. کسی دچار رشوه نگردید مگر آنکه برکت از سلامتی و وقت و روزی و خانواده و عُمرش رخت بر می‌بندد و کسی به آن

آلوده نشد مگر آنکه دعایش نامستجاب می‌گردد و شخصیتش خرد شده و اخلاقش فاسد گشته و حیا از او سلب می‌شود...

پیامبر ما - صلی الله علیه وآله وسلم - از هوای خود سخن نگفته آنجا که می‌فرماید: «هر گوستی که از سُحت بر آمده باشد آتش به آن اولی‌تر است» گفتند سُحت چیست ای پیامبر خدا؟ فرمود: «رشوه در قضاوت» [گروهی از محققان آن را صحیح دانسته‌اند].
ای مسلمانان:

رشوه هر مالی است که انسان برای رسیدن به چیزی که حق وی نیست به مسئولی پرداخت نماید، و از زشت‌ترین انواع آن رشوه‌ای است که برای باطل گرداندن حق یا احقاق باطل و یا برای ستم در حق کسی پرداخت شود.

از انواع رشوه این است که کارمند یا مسئول مبلغی از ارباب رجوع بگیرد تا کاری را برای او انجام دهد که در واقع وظیفه و مسئولیت اوست، پس هر کس از مسئولیت و وظیفه‌ای که دارد در جهت سوء استفاده از مردم استفاده برد از زبان رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - مورد لعنت قرار گرفته است.

هر کس در این جرم افتاده از خداوند بترسد پیش از آنکه مرگ او را غافل‌گیر سازد و آنگاه نه مال و نه فرزند برای او سودی نخواهد داشت.

از جمله قوانینی که اسلام وضع نموده این است که هدایایی که کارمندان و کارگزاران دریافت می‌کنند ناحق است و گرفتن آن جایز نیست. این شامل بالاترین مقام کشور تا نایبان وی و همه‌ی کارمندان دولتی و غیر دولتی است، در هر سطحی که باشند.

از صورت‌های رشوه این است که انسان رشوه بدهد تا چیزی را که از آن او نیست صاحب شود حتی اگر آن چیز جزو اموال عمومی باشد، یا آنکه رشوه دهد تا حقی را که بر گردنش هست ندهند و یا برای آنکه در به دست آوردن کار یا موقعیتی بر دیگر مسلمانان مقدم گردد.

برادر و خواهر مسلمان:

رشوه به هر صورتی که باشد حرام است، هر نامی که بر خود گیرد، هدیه یا شیرینی یا هر نام دیگر، زیرا در شریعت اسلام، نام یک چیز حقیقت آن را تغییر نمی‌دهد زیرا آنچه معتبر است حقایق و معانی است نه الفاظ و مبانی.

بخاری و مسلم از ابی حُمَید ساعدی - رضی الله عنه - روایت کرده‌اند که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - مردی از قبیله‌ی اَزْد را بر کاری گماشت. هنگامی که آن مرد از مأموریت خود بازگشت و مال‌های جمع‌آوری شده را آورد گفت: این مال شماست و این به من هدیه داده شده است... هنگامی که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - از آن اطلاع یافت بر منبر رفت و پس از حمد و ثنای خداوند چنین فرمود: «کارگزاری را چه شده که وی را می‌فرستم و می‌گوید: این برای شما و این به من هدیه داده شده است! در خانه‌ی پدر و مادرش می‌نشست و منتظر می‌ماند آیا کسی برای او هدیه‌ای می‌آورد؟ قسم به آنکه جانم در دست اوست؛ کسی از شما چیزی از این اموال را نمی‌گیرد مگر آنکه در روز قیامت در حالی می‌آید که آن را بر گردنش حمل می‌کند..».

و در سنن بیهقی این سخن از رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت شده است که فرمود: «هدایای کراگزاران به مانند خیانت در غنیمت است.»

این‌ها قواعدی هستند که هیچ راهی برای تاویل و تفسیر باقی نمی‌گذارند و تاییدی است بر مبدأ: «از کجا آورده‌ای؟»

ابن کثیر در تاریخ خود ذکر می‌کند که هنگامی که مسلمانان در اقلیم ترکستان به پیروزی دست یافتند و غنیمت بسیاری به دست آوردند، به همراه بشارت دهنده‌ای که خبر پیروزی را به عمر می‌برد هدایایی نیز برای عمر بن خطاب - رضی الله عنه - فرستادند اما عمر از پذیرفتن آن اجتناب ورزید و دستور داد آن‌ها را فروخته و پول آن را در بیت المال قرار دهند.

همچنین هنگامی که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - عبدالله بن رواحه را به سوی یهود خیبر فرستاد آن‌ها زیورآلات زنان خویش را برای او جمع کردند تا به او رشوه دهند اما عبدالله به آنان گفت: شما را بیش از همه‌ی مخلوقات خداوند بد می‌دارم

اما این باعث نمی‌شود در حق شما ستم بورزم، رشوه‌ای که به من عرضه نمودید سُحت است و مال حرام، و ما آن را نمی‌خوریم... پس یهودیان به وی گفتند: با همین عدالت است که آسمان‌ها و زمین برپا است...

در حدیثی که نزد بخاری به صورت مُعَلَّق و نزد دیگران به صورت موصول روایت شده آمده است روزی عمر بن عبدالعزیز هوای سیب نمود اما نه در خانه‌اش سیب یافت و نه مالی یافت که با آن سیب بخرد، پس از خانه بیرون رفت - در حالی که در آن هنگام خلیفه‌ی مسلمانان بود - پس نوجوانانی با ظرف‌هایی از سیب با وی روبرو شدند [و به وی سیب تعارف کردند] عمر دانه‌ای سیب برداشت و آن را بو کرد و سپس آن را در ظرفش گذاشت و گفت: نیازی به آن ندارم. گفتند: آیا رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - و ابوبکر و عمر هدیه نمی‌پذیرفتند؟ گفت: آری؛ این برای آن‌ها هدیه به حساب می‌آمد اما برای کارگزاران پس از آن‌ها رشوه به شمار می‌رود».

امروزه که فساد فراگیر شده و بندگان دینار و درهم زیاد شده‌اند چه بسیار نیازمندیم که به شریعت اسلام عمل نموده و به هشدارهای قرآن و سنت تمسک ورزیم. خداوند برای من و شما در قرآن برکت نهاده و با آیات و بیان آن سود رساند. این سخن خویش را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از هر گناهی از خداوند آمرزش می‌خواهم که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش تنها از آن الله است و درود و سلام بر آنکه پیامبری پس از وی نیست. ای مسلمانان:

از بزرگ‌ترین گناهایی که بر جامعه‌ی مسلمان لازم است با آن به مبارزه برخیزد سوء استفاده از موقعیت شغلی و دور زدن نظامی است که ولی امر وضع نموده است. آنانی که برای غارت اموال عمومی از طریق رشوه و دیگر راه‌های نامشروع دست به دست هم داده‌اند از خدا بترسند زیرا این اموالی است که همه‌ی مسلمانان باید در حفظ و نگهداری

آن بکوشند چه رسد به آنکه با گرفتن رشوه سعی در از بین رفتن آن و زیر پا نهادن حق و یا انجام ندادن آن به نحو مطلوب شود.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمْنَتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٧﴾﴾

[الأنفال: ۲۷].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید به الله و رسول خیانت نکنید و (همچنین) به خود خیانت نکنید در حالی که می‌دانید».

و پیامبر ما - صلی الله علیه وآله وسلم - همه‌ی کسانی را که در مورد اموال عمومی سهل انگاری می‌کنند چنین هشدار داده و فرموده است: «گروه‌هایی از مردم در مال خداوند به ناحق دست می‌برند، پس آتش سهم آنان در روز قیامت است» [به روایت بخاری].

و نزد ابوداؤد آمده است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود: «ای مردم! هر که برای ما کاری انجام دهد و در آن رشته‌ی نخعی یا بالاتر از ما کتمان کند، آن، روز قیامت به صورت خیانتی بر گردش خواهد بود».

ای مسلمانان:

خداوند متعال شما را به کاری بزرگ امر نموده که همانا درود و سلام بر پیامبر بزرگوار ماست:

خداوندا بر سرور و پیامبر ما محمد، درود و سلام و برکت ارزانی دارد و راضی و خشنود باش از خلفای راشدین و از همه‌ی اهل و بیت و یاران پیامبرت و از کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و دشمنان، دشمنان دین را خوار و زبون بگردان، خداوندا شکست را نصیب دشمنان مسلمانان قرار ده، خداوندا شکست را نصیب دشمنان

مسلمانان قرار ده، خداوندا صهیونیست‌های غاصب را به تو می‌سپاریم، خداوندا تو آنان را نابود ساز...

خداوندا هرکه را برای این دین اراده‌ی سوئی دارد به خودش مشغول ساز و تدبیرش را در نابودیش قرار ده ای پروردگار جهانیان.

خداوندا اوضاع ما را به واسطه‌ی اسلام اصلاح بگردان، خداوندا اوضاع ما را به واسطه‌ی اسلام اصلاح بگردان، خداوندا ما را بندگانی متقی بگردان، خداوندا ما را حافظ دستورات خودت قرار ده ای گرامی‌ترین گرامیان، خداوندا اموال ما را از ربا و رشوه پاک بساز ای دارای جلال و بزرگی، خداوندا جوامع ما را از بدی‌ها و ناپاکی‌ها پاک بگردان یا گرامی‌ترین گرامیان.

خداوندا ما را برادرانی دوستدار هم و یاور هم بر خیر و تقوا بگردان، خداوندا مردان و زنان مومن و مردان و زنان مسلمان - زنده‌گان و مرده‌گان - را مورد آمرزش قرار ده. خداوندا نور سنت را در همه جا آشکار نما، خداوندا نور سنت محمدی را در همه جای جهان آشکار بگردان.

خداوندا این سال ما را سال خیر و سرور برای اسلام و مسلمانان قرار ده. خداوندا تو بی‌نیاز و ستوده شده‌ای، خداوندا باران را بر ما نازل ساز، خداوندا با بارانت بر ما مهربانی کن، خداوندا ما را به سبب کارهایی که نادانان ما می‌کنند مورد مواخذه قرار مده، خداوندا ما را به واسطه‌ی گناهان ما مگیر، خداوندا ما را باران عطا کن. خداوندا سرزمن ما و دیگر سرزمن‌های مسلمان را آبیاری کن. بندگان خداوند: خداوند را بسیار یاد کنید و صبحگاهان و شامگاهان او را تسبیح گوید.

عنوان خطبه:

اهمیت مبدأ پاداش و جزا

خطیب: دکتر سعود شریم

مسجدالحرام: ۲۵ محرم ۱۴۳۲ برابر با ۱۰ دی ماه ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

«ستایش مخصوص خداوند است که آسمان‌ها و زمین را به وجود آورد و فرشتگان را پیامرسان‌هایی قرار داد که دو بال و سه بال و چهار بال دارند و هر چه بخواهد در آفرینش خود می‌افزاید و الله بر چیزی تواناست» [فاطر: ۱].

خلق را با علم خود آورد و برای آن‌ها تقدیرهایی قرار داد، برخی را کافر و برخی را مومن گرداند و آن‌ها را به بهترین وجه صورتگری کرد و بازگشت به سوی اوست.

و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد بنده و پیامبر اوست. خداوند وی را با دین حنیف و آسان به سوی مردم فرستاد و او هیچ خیری را فرونگذاشت مگر آنکه به سوی آن دعوت کرد و هیچ شری را نگذاشت مگر آنکه امتش را از آن برحذر داشت و ما را بر راه و روشی روشن رها کرد که شب آن چون روز آن است که کسی از آن گمراه نمی‌شود مگر آنکه هلاک گردید، پس درود و سلام خداوند بر وی و بر اهل بیت پاک و یاران نیک وی و بر تابعین و همه‌ی کسانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی کنند...

اما بعد:

ای مردم خود و شما را به تقوای خداوند و چنگ زدن به کتاب و سنت پیامبرش - صلی الله علیه و آله وسلم - توصیه می‌کنم که نجات از گمراهی و راهنمای هدایت در آن است:

﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [المائدة: ۱۰۰].

«پس از صاحب خردان تقوای الله را پیشه کنید تا آنکه رستگار شوید».

در گذشته و حال این دنیا، همیشه به طور محسوس می‌توان یک چیز و ضد آن را با هم دید. اگر خود به بسیاری از چیزهایی که با حس یا مشاهده یا عقل قابل درکند نظر بیندازیم هم خیر را خواهیم دید و هم شر، و هم کفر و هم ایمان، و هم طاعت و هم

معصیت، و هم زیبایی و هم زشتی، و هم حلال و هم حرام، و هم عدالت و هم ستمگری...

و اگر به خوبی و با تدبیر در این بیندیشیم خواهیم دانست که خواستگاه همه‌ی چیزهایی که ذکر کردیم به یک اساس و اصل عظیم باز می‌گردد که برای به وجود آمدن توازن و میانه‌روی میان افراط و تفریط لازم است و اساسی. این اصل وجود نخواهد داشت مگر در مبدأ پاداش و جزا، و سود و زیان. سود و پاداش برای هر کدام از خوبی‌هایی که ذکر نمودیم و مجازات و زیان برای بدی‌ها.

منظور من ثواب به سبب ایمان و نیکی و خوبی و عدالت و طاعت و دیگر خوبی‌ها و مجازات به سبب کفر و زشتی و حرام و ستمگری و گناه و دیگر بدی‌هاست.

از دیدگاه عقل و شرع کاملاً مُسَلَّم است که دین حنیف و شریعت غَرای ما بر این مبدأ بنا شده و برای هر کار حرام و ممنوعی مجازات قرار داده و برای هر عمل نیک و واجب و مستحبی ثواب و پاداش در نظر گرفته است. آیات قرآن در این مورد بسیار است که برای مثال به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ۚ وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ﴾ [فصلت: ۴۶].

«هر که کار نیک انجام دهد برای خودش است و هر که بدی کند [بدی‌اش] بر خود وی است و پروردگارت ستم‌کننده‌ی بر بندگان نیست».

و می‌فرماید:

﴿وَلَا تَسْتَوِی الْحَسَنَةُ وَلَا السَّیِّئَةُ﴾ [فصلت: ۳۴].

«و نیکی و بدی با هم برابر نیستند».

﴿لِّلَّذِیْنَ أَحْسَنُوا الْحُسْنٰی وَزِیَادَةٌ﴾ [یونس: ۲۶].

«برای کسانی که کار نیکو کرده‌اند نیکویی [بهشت] و زیاده [بر آن] است».

﴿وَالَّذِیْنَ كَسَبُوا السَّیِّئَاتِ جَزَاءُ سَیِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ﴾ [یونس: ۲۷].

«و کسانی که مرتکب بدی‌ها شده‌اند [بدانند که] جزای [هر] بدی مانند آن است و خواری آنان را فرو می‌گیرد».

﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِّنْهَا وَهُمْ مِّنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ ءَامِنُونَ ﴿٨٩﴾ وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٩٠﴾﴾ [النمل: ۸۹-۹۰].

«هر کس نیکی به میان آورد پاداشی بهتر از آن خواهد داشت و آنان از هراس آن روز ایمنند (۸۹) و هرکس بدی به میان آورد به رو در آتش [دوزخ] سرنگون شوند آیا جز آنچه می‌کردید سزا داده می‌شوید».

﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ﴿٧﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ﴿٨﴾﴾

[الزلزلة: ۷-۸].

«پس هرکه مثقال ذره‌ای خوبی انجام دهد آن را خواهد دید (۷) و هرکه مثقال ذره‌ای بدی کند آن را خواهد دید».

اگر این آیات دال بر تفاوت میان خوبی و بدی است، همینطور آیاتی وجود دارد که دال بر تفاوت میان انجام دهنده‌ی خوبی و انجام دهنده‌ی بدی است. چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ ﴿٢٨﴾﴾ [ص: ۲۸].

«یا مگر کسانی که را که ایمان آورده و کارهای نیک انجام داده‌اند به مانند کسانی قرار می‌دهیم که در زمین فساد می‌کنند؟ یا آنکه متقیان را به مانند بدکاران می‌کنیم». همه‌ی این‌ها به وضوح انسان را به سوی پایبندی به همه‌ی خوبی‌هایی که اسلام به آن فرا خوانده سوق داده و از اینکه شکار بدی‌ها شود باز می‌دارد.

مبعوث شدن پیامبر و فرستاده شدن وی به سوی مردم نبوده مگر بر این اساس، زیرا وی - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «همانا مبعوث شده‌ام تا اخلاق نیک را کامل گردانم» [به روایت احمد و بخاری در ادب المفرد].

و رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «همه‌ی امت من وارد بهشت می‌شوند مگر هرکه خود نخواهد» گفتند: چه کسی خود نمی‌خواهد ای رسول خداوند؟ فرمود: «هرکه از من اطاعت کند به بهشت وارد شود و هرکه سرپیچی من کند خود نخواسته است» [به روایت بخاری و دیگران].

بر این اساس هیچ جامعه‌ی مسلمانی نمی‌تواند به استقرار و آرامش دست یابد مگر آنکه مبدأ پاداش و مجازات را در میان خود و در همه حال، در معاملات و عبادات و در تربیت و اندیشه و در عرصه‌ی خانواده و محیط زیست و اقتصاد و رسانه و حقوق، و بر مرد و زن و غنی و فقیر تطبیق دهد.

همچنان که اگر جامعه‌ای تنها به یکی از این دو مبدأ گرایش داشته باشد و تنها پاداش و تشویق را بشناسد و یا تنها از مجازات و تنبیه استفاده کند باز نمی‌تواند راه خوشبختی را بییابد.

برای همین است که خداوند امت اسلام را امتی میانه نامیده، و آن‌ها میانه و وسط نشده‌اند مگر با محقق ساختن مبدأ پاداش و مجازات. پاداشی که با امر به معروف بدان اشاره گردیده و مجازاتی که با نهی از منکر، چنانکه خداوند متعال فرموده است:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾ [آل عمران: ۱۱۰].

«شما بهترین امتی بودید که بر مردم پدیدار شدید، به معروف امر می‌کنید و از منکر باز می‌دارید و به الله ایمان می‌آورید».

و این راه برتری این امت است، زیرا تنها این امت است که از این توازن برخوردار است و همیشه راه وسط را می‌رود تا آنکه یکی از دو سو بر دیگری غلبه نیافته و به یکدیگر تجاوز نکند و اگر این مبدأ نبود، نیکوکار و بدکار و مومن و کافر و دادگر و بیدادگر و راستگو و دروغگو یکی می‌شدند، در حالی که خداوند - جل و علا - می‌فرماید:

﴿وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَلَا الْمُسِيءَ قَلِيلًا مَّا تَتَذَكَّرُونَ﴾ [المؤمن: ۵۸].

«و کور و بینا و کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند و نه بدکار با هم برابر نیستند، چه کم پند می‌پذیرید.»

پس تقوای الله را پیشه سازید و بدانید که خداوند هم شدید العقاب است و هم غفور و رحیم. از عوامل میانه‌روی واقعی و پیروزی و موفقیت این است که بدون نفاق و دورویی به نیکوکار احسنت بگوییم و به بدکار بگوییم که بد کرده است، زیرا رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - می‌فرماید: «اگر دیدی که امت من به ستمگرشان نمی‌گویند که ستم کرده‌ای پس دیگر امیدی به آن‌ها نیست» [به روایت احمد و حاکم].

و بر ما لازم است که پاداش و تشویق را نادیده نگیریم زیرا خداوند - عزوجل - می‌فرماید:

﴿وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ﴾ [الأعراف: ۸۵].

«و اموال مردم را کم مدهید.»

و رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - می‌فرماید: «هرکه برای شما نیکی انجام داد نیکی او را تلافی کنید.»

اما در همین حال نباید مجازات را نادیده بگیریم، زیرا هرکه خود را از عقوبت در امان دید بدی می‌کند و هرکه حیا نکرد هر چه خواست انجام دهد. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ﴾ [الأعراف: ۹۹].

«آیا خود را از مکر الله در امان می‌دانند؟ در حالی که جز گروه زیانکاران کسی خود را از مکر خداوند در امان نمی‌دارد.»

و اگر این مبدأ - مبدأ پاداش و مجازات - در جامعه‌ای همه گیر شد، اتحاد و همبستگی را در پی خواهد داشت و برای آن جامعه محافظی غیر قابل نفوذ ایجاد خواهد کرد:

﴿وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهِلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلِهَا مُصْلِحُونَ﴾ [هود: ۱۱۷].

«و پروردگار تو بر آن نبوده است که شهرها را در حالی که اهل آن اصلاح‌گردد هلاک کند».

و هر گاه این مبدأ دچار اشکال گردید مردم آن جامعه با یکدیگر بد شده و برخی بر برخی دیگر ستم خواهند ورزید، چنانکه:

﴿تَحَسَّبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى﴾ [الحشر: ۱۴].

«آنان را متحد به شمار می‌آوری در حالی که قلب‌هایشان پراکنده است».

بر هم تکبر ورزیده و در برابر دشمن مشترک ذلیل و خوار می‌شوند و خوبی خوبان را بد می‌بینند و بزرگ را خوار به شمار می‌آورند تا آنکه در پایان، آن جامعه رو به فروپاشی رفته و در دیگر امت‌ها ذوب می‌شود.

﴿وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ﴾ [القصص: ۵۹].

«و ما هلاک کننده‌ی شهرها نبودیم مگر آنکه اهل آن ستمگر بودند».

خداوند برای من و شما به واسطه‌ی قرآن بزرگ برکت داده و با آیات و ذکر حکیم سود رساند. آنچه را گفتم اگر درست بود از سوی خداوند است و آنچه خطا، از سوی نفس و شیطان؛ و از خداوند آموزش می‌خواهم که او بسیار آموزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش تنها از آن الله است، و درود و سلام بر آنکه پیامبری پس از وی نیست. اما بعد، ای مردم:

برخی از کج فهمان شریعت را چنین وصف کرده‌اند که بر تعالیم آن مجازات و تریب و ترساندن غالب است. اما در واقع فهم آنان به خطا رفته است و بد گمان کرده‌اند. آنان تنها با یک چشم دیده‌اند و ندانسته‌اند که پاداش و مجازات در واقع روش خداوند است:

﴿وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ﴾ [البقرة: ۱۳۸].

«این است نگارگری خداوندی و چه کسی است که از الله بهتر نگارگری کند و ما پرستندگان اویم».

آنان مبدأ پاداش و جزا را به تمسخر گرفته و آن را به سخت‌گیری و شدت وصف کرده‌اند اما:

﴿كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ إِلَّا يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا﴾ [الكهف: ۵].

«بزرگ است سخنی که از دهانشان بیرون می‌آید آنان جز دروغ نمی‌گویند».

آن‌ها مجازات‌های اسلامی را متهم به سخت‌گیری کرده و در حدود شرعی ایراد می‌کنند، قصاص را نکوهیده و قطع دست دزد و رجم زناکار متاهل و شلاق زدن به شارب خمر را مورد نکوهش قرار داده‌اند و می‌خواهند جامعه لنگان لنگان تنها با یک پا راه رود یعنی تنها با پای پاداش و بس.

دیگران نیز در تطبیق مبدأ پاداش و جزا به چهار صورت دچار اشتباه گردیدند:

نخست اینکه: پاداش را به جای مجازات قرار داده‌اند و جزای خطاکار را به مانند نیکوکار گردانده‌اند که این انحرافی است زشت و نابجا و چطور ممکن است که خطاکار برای خطای خود پاداش داده شود و چگونه ممکن است انسان برای خطایی که کرده است بزرگ داشته شود؟ و خوبی و بدی جایگزین هم شوند؟

دوم اینکه: آنان مجازات را به جای پاداش قرار داده و جزای نیکوکار را با بدی می‌دهند و او و بدکار را به یک صورت مورد جزا قرار می‌دهند در حالی که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِمَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلَى مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوَجِّهُهُ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (۷۶)

[النحل: ۶۷].

«و الله مثالی می‌زند دو مرد را که یکی از آن‌ها لال است و هیچ کاری از او بر نمی‌آید و او سربار مولایش می‌باشد هر جا که او را می‌فرستد خیری به همراه نمی‌آورد آیا او با کسی که به عدالت فرمان می‌دهد و خود بر راه مسقیم است یکسان است؟».

و برخی نیز با چشم دشمنی به نیکوکار می‌نگرند که اگر با چشم خشنودی می‌نگریستند طور دیگری می‌دیدند! و عجیب است! اگر خوبی‌های فرد، گناه او به حساب آید چطور ممکن است از خوبی خود معذرت بخواهد؟

سوم اینکه: آنان میان مردم در پاداش و مجازات تفاوت گذاشته‌اند و نسب و جاه و مکان و خویشاوندی را در آن موثر گردانده‌اند چنانکه رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - می‌فرماید: «کسانی که پیش از شما بودند به این سبب هلاک شدند که اگر نجیب‌زاده در میانشان مرتکب دزدی می‌شد وی را رها می‌کردند و اگر ضعیف دزدی می‌کرد حد را بر وی اجرا می‌کردند. قسم به خدا! اگر فاطمه دختر محمد دزدی کند دستش را قطع می‌کنم» [به روایت بخاری و مسلم].

حال برخی چنان است که ضرب المثل عربی می‌گوید: چشم خشنودی از دین عیب عاجز است و چشم بدبین جز بدی چیزی نمی‌بیند.

چهارمین اشکال: زیاده‌روی در پاداش و مجازات است و چه زیباست آنچه معاویه - رضی الله عنه - گفته است که: «جایی که شلاق کافی است شمشیر نمی‌نهم و آنجا که زبان کافی است، شلاق نمی‌نهم، و اگر چاره‌ای جز شمشیر نبود از آن استفاده می‌کنم» و این چنان است که شاعر عرب می‌گوید:

نرمش در جایی که شمشیر لازم است همانقدر زیانبار است که استفاده از شمشیر در هنگام نرمش.

پس ای بندگان خداوند تقوای او را پیشه سازید و حق این مبدأ را آنگونه که شایسته است ادا کنید و برای اجرای آن از کسی شرم نکنید که عیب در ترک آن است و در تطبیق آن ترس و حیا به دل راه مدهید که پس از حق چیزی جز گمراهی نیست.

و درود و سلام فرستید بر بهترین انسان‌ها و پاک‌ترینشان، محمد بن عبدالله صاحب حوض و مقام شفاعت که خداوند نخست خود بر وی درود فرستاده و سپس ملائکه بر وی درود فرستاده‌اند و سپس شما را بدان امر نموده و فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [الأحزاب: ۵۶].

و رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «هرکه بر من یک درود فرستد خداوند به خاطر آن بر او ده درود می‌فرستد».

خداوندا درود و سلام و برکت ارزانی دار بر بنده و پیامبرت محمد و راضی و خشنود باش از چهار خلیفه‌ی وی ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه‌ی پیامبرت و از تابعین و همه‌ی کسانی که به نیکی تا قیامت از آنان پیروی کنند و از ما به همراه آنان با عفو و کرم خویش راضی باش ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوند اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار بگردان. خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومن را یاری ده.

خداوندا غم و غصه‌ی غم‌داران مسلمان را از بین ببر و بیماران ما و دیگر بیماران مسلمان را شفا ده.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان و والیان امر ما را اصلاح گردان و مسئولیت ما را در دست کسانی قرار ده که تقوای تو را داشته و در پی رضایت تو باشند ای پروردگار جهانیان.

خداوندا نفس‌های ما را تقوا عطا کن و آن را پاک گردان که تو بهترین پاک‌کننده‌ی آنی و تو ولی و مولای آنی.

﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ [البقرة: ۲۰۱].

پاک است و بی‌عیب پروردگار تو پروردگار عزت از آنچه به دروغ و صفش می‌کنند و سلام بر پیامبران و سخن پایانی اینکه: الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

تفاوت میان لذت‌های دنیا و آخرت

خطیب: شیخ اسامه خیاط

مسجد الحرام: جمعه ۳ صفر ۱۴۳۲ برابر با ۱۷ دی ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است که حَکَم است و عَدَل است و لَطِيف است و خَبِير؛ او را ستایش می‌گوییم که دنیا و آخرت از آن اوست و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده و پیام‌رسان او و بشارت دهنده و هشدار دهنده و چراغی است روشن‌گر. خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یارانش درود و سلام فرست.

اما بعد:

ای بندگان خداوند تقوای او را در نظر بگیرید و ایستادن در برابر او برای داوری را به یاد آورید:

﴿يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَلَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾ [النبا: ۴۰].

«روزی که انسان به آنچه با دستانش پیش فرستاده می‌نگرد و کافر می‌گوید ای کاش خاک بودم».

بندگان خداوند، زدن مثال به سبب واضح شدن حقایق و نشان دادن معانی از جنبه‌ای دیگر، باعث بهتر پذیرفته شدن آن توسط مردم می‌شود، زیرا زیبایی تصویری یک حقیقت و بلیغ بودن تشبیه باعث قبول شدن آن توسط مردم و تسلیم شدن آنان در برابر آن می‌گردد. همچنین این از جمله‌ی هنرهای گفتاری است که خداوند پیامبرش را بدان امر نموده و فرموده است:

﴿وَعَظُّهُمْ وَقُل لَّهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا﴾ [النساء: ۶۳].

«و آنان را نصیحت کن و به آنان سخنی بگو که در درونشان تاثیر کند».

برای همین، هنگامی که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - خواست دیده‌ی مردم را متوجه حقیقت زندگی دنیا و فریب مردم نسبت به آن و زینت‌ها و زیبایی‌های آن گرداند چنین فرمود: «همانا دنیا سبز است و شیرین، و همانا خداوند شما را در آن جانشین گردانده است تا ببیند چگونه عمل می‌کنید...» [به روایت مسلم و نسائی].

شکی در این نیست که این سرسبزی و شیرینی در نفس بشری جایگاه خود را دارا است، زیرا باعث انس گرفتن انسان به این دنیا می‌شود تا جایی که به آن روی آورده و بلکه کاملاً اسیر آن می‌گردد که مردم در این مورد به دو دسته تقسیم می‌شوند:

اولین دسته: اهل خرد و دانایی‌اند، آنان که خداوند هدایتشان نموده و اینچنین به درست‌ترین راه‌ها و شریف‌ترین هدف‌ها رهنمون شده‌اند و دانسته‌اند که با وجود آنکه باید نصیب خود را از این لذت‌های زودرس از دست ندهند، اما از سوی دیگر باید مواظب باشند که این خوشی زودرس دنیایی با درخشش سحرآمیزش آن‌ها را از آن خوشی ابدی و ماندگار فنا ناپذیر که خداوند برای بندگانش مهیا نموده باز ندارد؛ نعیمی که خداوند درباره‌ی آن چنین می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا ﴿٣١﴾ أُولَٰئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِّن سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُّتَّكِعِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسَنَتْ مَرْتَفَعًا ﴿٣٢﴾﴾

[الکھف: ۳۰-۳۱].

«کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند [بدانند که] ما پاداش کسی را که نیکوکاری کرده است تباه نمی‌کنیم (۳۰) آنانند که بهشت‌های عدن به ایشان اختصاص دارد که از زیر [قصرها] یشان جویبارها روان است در آنجا با دستبندهایی از طلا آراسته می‌شوند و جامه‌هایی سبز از پرنیان نازک و حریر کلفت می‌پوشند در آنجا بر سریرها تکیه می‌زنند. چه خوش پاداش و نیکو تکیه‌گاهی است.»

و پیامبر خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - در حدیثی که شیخین، بخاری و مسلم، در صحیح خود از ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده‌اند چنین می‌فرماید که: «خداوند متعال فرمود: «برای بندگان نیک خود چیزی آماده کرده‌ام که نه چشمی دیده است و نه گوشی شنیده است و نه به قلب انسانی خطور کرده است»، اگر خواستید این آیه را بخوانید که: «هیچ کس نمی‌داند چه چیزی که روشنی بخش چشمان است به پاداش آنچه انجام داده‌ام برای آن‌ها پنهان کرده‌ام» [السجدة: ۱۷].»

و همچنین رسول الله - علیه الصلاة والسلام - آن را چنین وصف نموده است که: «هنگامی که اهل بهشت به بهشت وارد می‌شوند ندا دهنده‌ای ندا می‌دهد که: برای شماست که سالم باشید و هرگز بیمار نشوید، و برای شماست که زنده بمانید و هرگز نمیرید، و برای شماست که خوش باشید و هرگز دچار اندوه نشوید. و این است سخت خداوند متعال که می‌فرماید: «و ندا داه شدند که این همان بهشتی است که به پاس آنچه انجام می‌دادید به شما میراث داده شده است» [الأعراف: ۴۳]» [به روایت مسلم و ترمذی از حدیث ابوسعید خُدَری].

و رسول خداوند - صلی الله علیه وآله وسلم - بزرگی منزلت و والایی قدر آن را در برابر همه‌ی نعمت‌های دنیا چنین گوشزد نموده است که: «یک صبح یا شب حرکت کردن در راه خداوند بهتر از دنیا و همه‌ی چیزهایی است که در آن است و به اندازه‌ی جای کمان یا شلاق یکی از شما در بهشت بهتر از دنیا و ما فیها است و اگر زنی از زنان اهل بهشت به زمین نظر بیفکند دنیا و آنچه در آن است را روشن می‌کند و میان زمین و آسمان آکنده از بوی خوش وی می‌شود و روسری وی بهتر از دنیا و ما فیها است» [به روایت بخاری و مسلم و ترمذی و لفظ حدیث مربوط به ترمذی است].

بندگان خداوند؛ این نعیم و خوشی‌ای است که هیچ نعیم دیگری با آن برابر و مساوی نیست چه برسد که بهتر از آن باشد. بر این اساس عجیب نیست که خردمندان با ادای دستورات پروردگار و ادای فرایض و دست کشیدن از حرام و نزدیک شدن به خداوند به واسطه‌ی مستحبات و مشغول به هر کار سودمندی که در زمین باقی می‌ماند و دور بودن از کار زیاده و بیهوده‌ای، از همه‌ی ابواب خیر بهره‌ای ببرند و به این یقین داشته باشند که آنان هنگامی که از عمر محدود خود برای رسیدن به خشنودی خداوند و انجام اعمال صالح و ذخیره‌ی نیکی‌ها بهره می‌برند در واقع امروز دانه‌ای می‌کارند که قرار است ثمره‌ی آن را فردا بچینند و همیشه این سخن خداوند را به یاد دارند که می‌فرماید:

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ﴾ [الشوری: ۲۰].

«هرکس که کشت آخرت را بخواهد برای او در کشته‌اش می‌افزاییم.»

و همچنین این سخن خداوند متعال که می‌فرماید:

﴿وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا ﴿١٩﴾﴾

[الإسراء: ١٩].

«و هر که آخرت را بخواهد و برای آن تلاش لازم را بکند در حالی که مومن است پس آن‌ها تلاششان مورد تقدیر خواهد بود».

آن‌ها به واسطه‌ی این روش درست و راه صحیحی که در پیش گرفته‌اند بهترین کسانی هستند که به این نصیحت ربانی که لقمان خطاب به فرزندش می‌فرماید عمل کرده‌اند:

﴿وَأَتَّبِعْ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ

اللَّهُ إِلَيْكَ...﴾ [القصص: ٧٧].

«و با آنچه الله به تو داده است خانه‌ی آخرت را بخواه و بهره‌ی خود از دنیا را فراموش نکن و همانطور که خداوند به تو خوبی کرده است تو نیز خوبی کن...».

آنان با قرار دادن دنیا به عنوان راهی برای رسیدن به خشنودی خداوند و بهشت ابدی او نسبت به خود نیکی روا داشته و اینان حکیم‌ترین و خردمندترین بندگان خداوند و گرامی‌ترین آنانند.

اما برعکس آن‌ها: کسانی‌اند که خداوند قلب آنان را از ذکر خود غافل نموده و از هوای نفس خود پیروی کرده‌اند و کار آن‌ها بر زیاده‌روی است. آنان به راه‌های گمراهی رفته‌اند و از راه راست منحرف شده و از ادای فرائض سرباز زده و در حرام افتاده و گرفتار حرام خواری شده و بنده‌ی دینار و درهم شده‌اند. نزد آنان بخل به جای بخشش و انفاق نشسته است و اولویت‌ها و اهداف نزد آن‌ها مختل شده و لذت‌های فانی و موقتی دنیا همه‌ی هدف آن‌ها و نهایت تلاششان شده است. برای دنیایشان جمع کرده‌اند و آخرت را به فراموشی سپرده و برای به دست آوردن ثواب آن هیچ تلاشی نمی‌کنند و در پایان دستاوردهای این می‌شود که خداوند متعال فرموده است:

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصَلُّهَا

مَذْمُومًا مَدْحُورًا ﴿١٨﴾ [الإسراء: ١٨].

«هر که [دنیای] زودگذر را می‌خواهد برای او در آن هر چه را که بخواهیم برای هر که بخواهیم خواهیم داد سپس جهنم را که در آن خوار و ذلیل خواهد شد برای او مقرر خواهیم کرد».

این وعید شدید خداوندی سزاوار آنان است که می‌فرماید:

﴿الْهَدْيُ الْكَافِرُ ۝ حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ۝ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ۝ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ۝ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ ۝ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ۝ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ ۝ ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ ۝﴾ [التكاثر: ۱-۸].

«زیاده خواهی شما را به خود مشغول ساخت (۱) تا آنکه کارت‌ها به گورستان رسید (۲) هرگز! به زودی خواهید دانست (۳) باز هم هرگز! به زودی خواهید دانست (۴) هرگز چنین نیست اگر علم یقین داشتید (۵) به یقین دوزخ را می‌بینید (۶) سپس آن را به عین یقین خواهید دید (۷) سپس در آن از نعمت سوال خواهید شد».

پس ای بندگان خداوند، تقوای او را پیشه‌ی خود کنید و همراه کسانی باشید که با آنچه خداوند به آنان عطا کرده است در پی به دست آوردن خانه‌ی آخرتند اما با این وجود بهره‌ی خود از دنیا را فراموش نمی‌کنند، آنان کسانی هستند که خداوند هدایشان نموده و آنان صاحبان خردند، و به هوش باشید که زندگی دنیا با زیبایی‌ها و زرق و برق خویش شما را فریب ندهد که پروردگار شما حقیقت زندگی دنیا را به زیباترین و واضح‌ترین نحو بیان نموده و فرموده است:

﴿اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ وَاٰلِهِمْ وَآلِهِمْ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهْبِجُ فَتَرَتهُ مُصْفَرًا ثُمَّ يَكُونُ حُطَمًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ ۝﴾ [الحديد: ۲۰].

«بدانید که زندگی دنیا در حقیقت بازی و سرگرمی و آرایش و فخرفروشی شما به یکدیگر و فزون‌جویی در اموال و فرزندان است به مانند بارانی است که کشاورزان را رستنی آن [باران] به شگفتی اندازد سپس [آن کشت] خشک شود و آن را زرد بینی آنگاه

خاشاک شود و در آخرت [دنیا پرستان را] عذابی سخت است و [مؤمنان را] از جانب خدا آمرزش و خشنودی است و زندگانی دنیا جز کالای فریبنده نیست». خداوند من و شما را با راه و روش قرآن و سنت سود رساند. این سخن خویش را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از هر گناهی از خداوند متعال آمرزش می‌خواهم که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

حمد و سپاس تنها از آن الله است، او را ستایش گفته و از وی یاری جسته و از او آمرزش می‌خواهیم و از بدی‌های نفس خود و کارهای ناشایستمان به الله پناه می‌بریم. الله هرکه را هدایت کند او گمراهگری نخواهد داشت و هرکه را گمراه سازد وی هدایتگری نخواهد یافت و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد بنده و پیامبر اوست. خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یارانش درود و سلام فرست.

اما بعد، ای بندگان خداوند:

در حدیثی که مسلم در صحیح، و ترمذی در جامع خود از عبدالله بن عمرو بن عاص - رضی الله عنهم - روایت کرده‌اند آمده است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «رستگار شد آن که اسلام آورد و روزی اش کافی شد و خداوند او را به آنچه به وی عطا کرده است قانع ساخت».

و بخاری و مسلم در صحیح خود از حدیث ابوهریره - رضی الله عنه - روایت کرده‌اند که ابوهریره می‌گفت: شنیدم که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرمود: «خداوندا روزی آل محمد را اندازه‌ی سد رمقشان قرار بده» و در روایت دیگر آمده که «به اندازه‌ای که برایشان کافی باشد».

چه بسیار زیبا و بزرگ و حکیمانه است این توصیه‌ی نبوی، و چه زیباست عاقبت کسی که روش قناعت را در پیش گرفته است؛ روشی که درون انسان با آن آرام می‌گیرد

و زندگی با آن خوش می‌شود؛ زیرا این دنیا چیزی نیست جز خانه‌ای موقتی که انسان از آن چیزی به همراه خود نمی‌برد مگر همان کارهای صالحی که پیش فرستاده است. پس ای بندگان خداوند، تقوای او را در پیش گیرید و شایسته است این روش صحیح، برنامه‌ی شما برای سیر به سوی پروردگارتان باشد.

و همیشه و در همه حال بیاد داشته باشید که خداوند شما را به درود و سلام بر بهترین انسان‌ها امر نموده و در راست‌ترین و بهترین کلام یعنی کلام خود چنین فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد درود و سلام فرست و راضی و خشنود باش از چهار خلیفه‌ی وی: ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر اهل بیت و یاران پیامبرت و از تابعین و همه‌ی کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند و همچنین از ما با عفو و کرم خویش راضی و خشنود باش ای بهترین بخشنندگان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و از حوزه‌ی دین محافظت کن و دشمنان دین و دیگر طاغیان و مفسدان را نابود ساز و بین قلب‌های مسلمانان الفت ایجاد کن و صفشان را یکی بگردان و رهبرانشان را اصلاح نما و کلمه‌ی آنان را بر حق یکی بگردان ای پروردگار جهانیان.

خداوندا دینت را و کتاب را و سنت پیامبر محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - و بندگان مومن مجاهدت را یاری ده.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن بگردان و مسئولان ما را اصلاح نما. خداوندا عاقبت ما را در همه‌ی امور به خیر گردان و ما را از خواری دنیا و عذاب آخرت نجات ده. خداوندا ما را بیشتر عطا کن و از ما کم مکن و ما را گرامی بدار و

خوار مگردان و ما را بهره‌مند ساز و محروم مکن و ما را مقدم بگردان و راضی بساز و از ما راضی و خشنود باش.

خداوندا ما از زوال نعمت تو و برگشت عافیت و خشم ناگهانی‌ات به تو پناه می‌بریم. خداوندا دین ما را که حافظ امر ماست و دنیای ما را که زندگانی ما در آن است و آخرت ما را که بازگشتگاه ماست اصلاح نما و زندگی را برای ما عاملی برای زیادی خیر و مرگ را باعث آسودگی از هر بدی قرار ده.

خداوندا شر دشمنان ما را آنگونه که خود اراده می‌کنی از ما دور ساز ای پروردگار جهانیان.

«پروردگارا قلب‌های ما را پس از آنکه ما را هدایت نمودی دچار کژی مگردان و برای ما از نزد خود رحمتی ارزانی دار که همانا تو خود بخشایشگری» [آل عمران: ۸].
«پروردگارا ما به خود ستم نمودیم و اگر تو ما را مورد مغفرت و رحمت قرار ندهی بی‌تردید از زیانکاران خواهیم بود» [البقرة: ۲۰۱].

﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ [البقرة: ۲۰۱].

خداوندا بر پیامبر ما محمد و بر اهل بیت و همه‌ی یارانش درود و سلام فرست
والحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

احکام و آداب رقیه‌ی شرعی

خطیب: دکتر عبدالرحمن سدیس

مسجد الحرام: جمعه ۱۰ صفر ۱۴۳۲ برابر با ۲۴ دی ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است، آن صاحب نعمت و آنکه قلب‌های صادق را اسباب هدایت عطا می‌کند، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است

شهادتی که باعث سلامت و اعتدال تن و روان است و گواهی می‌دهم که پیامبر و محبوب ما محمد، بنده و پیام‌رسان و صفی و خلیل اوست، او که با بهترین علاج دردها را دوا می‌نمود و امت را به سوی اوج سعادت راهنمایی می‌کرد.

درود و سلام خداوند بر او و بر اهل بیت و یارانش باد، آنان که شهسواران هدایت و دعوتگران به سوی آن بودند و همچنین بر تابعین که رهرو راه آنان بودند، و هرکه تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نماید.

اما بعد:

ای بندگان خداوند تقوای او را پیشه سازید و به ریسمان محکم آن چنگ زنید که چه نیک است عاقبت آن و چه شیرین است ثمرات آن، و از سلامتی بدن پیش از بیماری سود برید و قبل از دست رفتن فرصت نیکی‌ها و اعمال صالح نسبت به انجام آن تلاش ورزید.

﴿وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى﴾ [البقرة: ۱۹۷].

«و توشه بگیرید که بهترین توشه تقوا است.»

ای مومنان:

امت اسلامی ما طی تمدن انسانی والای خود مثال‌های زیبا و بزرگی در میدان‌های معالجه‌ی اصیل برگرفته از نور کتاب و سنت به نمایش گذاشته است، کتاب خدا و سنت پیامبرش که برای خارج ساختن روح و بدن مردم از جهنم دردها و بیماری‌های روحی کافی است. اما در این دوران آکنده از چالش‌ها و مشکلات، در این عصر که پر است از نیت‌ها و مقاصد آلوده، قضیه‌ی علاجی و عقیدتی مهمی خود را نمایان می‌سازد و آن رقیه‌ی شرعی و دعا‌های نبوی برای درمان بیماری‌ها است.

اهمیت این موضوع آنجا است که خود را به عنوان علاج تن و روان مطرح کرده است که به دست آوردن آن هدف اساسی و آرزوی هر کسی است. رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «هرکه شب را با امنیت در خانه‌اش به سر کند و بدنش سالم باشد

و غذای یک روزش را داشته باشد مانند این است که همه‌ی دنیا را به طور کامل در اختیار دارد» [به روایت ترمذی و آن را حسن دانسته است].

ای مسلمانان:

در این دوران، بیماری‌های سختی از جمله صرع و مسّ و سحر و چشم‌زخم و حسد همه‌گیر شده و بخش‌های بسیاری از این دنیا را فراگرفته‌اند، و آیات قرآن و نصوص احادیث و همچنین واقعیتی که پیش روی خود می‌بینیم به روشنی ثابت کرده‌اند که این دو - یعنی قرآن و احادیث - دوی هر دردی هستند چنان که خداوند - سبحانه و تعالی - می‌فرماید:

﴿قُلْ هُوَ الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا هُدًى وَّشَفَآءٌ﴾ [فصلت: ۴۴].

«بگو آن برای کسانی که ایمان آورده‌اند هدایت و شفا است».

و رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - با مشروع دانستن رقیه و تاکید بر آن چنین می‌فرماید: «رقیه‌هایتان را به من عرضه کنید و تا وقتی که شرک نباشد اشکالی در آن نیست» [به روایت امام مسلم].

چه بسیار بیمارانی که در شُرْف مرگ بوده‌اند و بیمارستان‌های مجهز و پزشکان ماهر نیز نتوانسته‌اند کاری برای آن‌ها انجام دهند، رو به سوی رقیه‌ی شرعی آورده‌اند و خداوند اینچنین شفا را برای آن‌ها مقدر نموده است و این مصداق سخن رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - است که می‌فرماید: «به دو شفاگر اهمیت دهید: قرآن و غسل» [به روایت ابن ماجه و حاکم و بیهقی با سند حسن].

امام سیوطی - رحمه الله - می‌گوید: «در این حدیث رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - میان طب الهی و طب بشری جمع بسته است».

علامه ابن قیم - رحمه الله - می‌گوید: «قرآن شفاگر کامل از هر گونه بیماری قلبی و بدنی است اگر بیماری به درستی از آن بهره جوید. و چگونه ممکن است دردها و بیماری‌ها در برابر کلام پروردگار زمین و آسمان‌ها مقاومت کنند؟ کلامی که اگر بر کوهی نازل شود آن را تکه تکه می‌کند».

چه زیباست این سخن از آن دانشمند بزرگ!

برادران و خواهران ایمانی:

به علت ناآگاهی و غفلت بسیاری از مردم نسبت به آثار رقیه‌ی شرعی و ضعف جنبه‌های ایمانی و عقیدتی بیماران، بسیاری از آنان در صورت به تاخیر افتادن شفا و سختی دردها و بیماری‌ها، با قصد یا بدون قصد رو به سوی اهل دَجَل و فریب و خرافات و شعبده‌بازی و سحر و امور خلاف شرع می‌آورند و مدعیان دروغین رقیه‌ی شرعی آنان را در محاصره‌ی خود می‌گیرند.

اینجاست که باید پرده از فریب راقیان دروغین برداشته شود و جلوی کسانی که بدون شایستگی وارد این مجال می‌شوند گرفته شود. کسانی که حتی نسبت به دردهای انسان آگاهی ندارند چه رسد به درمان آن.

و به هدف در امان ماندن بندگان از دست رقیه‌خوانان ناآگاه دروغگو و حفظ حوزه‌ی رقیه‌ی شرعی از جاهلان و خرابکاران نیاز به چنین هشداری وجود دارد. چرا نه؟ وقتی رقیه خوانی را می‌بینی که از نوشته‌های مبهم استفاده می‌کند و دیگری را می‌بینی که سخنان مبهم و نامفهومی به زبان می‌آورند و دیگری درد بیمار را به طور قطع از چشم‌زخم نزدیکان می‌داند و درک نمی‌کند که با این حماقت پیوند خویشاوندی و صله‌ی رحم را قطع کرده است.

رقیه‌های مبهم و نامفهوم چیزی نیست جز وسوسه‌ی شیطان پس خود را از آن دور بگیر و برحذر باش.

برخی دیگر از این افراد، بیمار را چنان کتک می‌زنند که حتی انسان سالم هم توان آن را ندارد! و گمان می‌کنند که این درد بر جن وارد می‌شود نه بر انسان! بیمار بیچاره هم با سکوت خود از کار او دفاع می‌کند و برخی دیگر از جریان برق استفاده می‌کنند طوری که به بیهوشی یا مرگ بیمار می‌انجامد.

پروردگارا! چه جهل مرکبی است این!

ای مسلمانان:

اغلب این مدعیان خود را در پس پرده‌ی خرد و تقوای ظاهری پنهان کرده‌اند اما آنان در واقع چیزی نیستند جز عده‌ای دروغگوی ماهر برای چپاول اموال مردم. چه بسا آنان برای رونق تجارت خود از نام بزرگان هم سوء استفاده کنند و یا به نام رقیه‌ی شرعی از زنان سوء استفاده نمایند. کسانی که از داستان‌های اینان با زنان آگاهند چیزهایی دیده‌اند باورنکردنی که انسان به به شگفت می‌آورد و این عجیب نیست، چه بسا انسانی که چنان از بیماری سختی کشیده است که همه چیز خود را فدای سلامتی می‌کند.

در اثر این اعمال خلاف شرع لازم است که تنها کسانی که نسبت به علم شرعی آگاهی دارند و امانت‌دار و صالح و صادق و ماهرند و نسبت به مال مردم چشم‌داشت ندارند و به دور از خشونت و غرورند وارد این عرصه شوند. شایسته است شخص راقی با بیمار مهربان و دلسوز باشد و تنها به موضع درد بنگرد مخصوصاً در مورد زنان که باید از چشم خود محافظت کرده و از خلوت با بیمار دوری کند و از عوامل فتنه دوری گزیده و به ضوابط شرعی پایبند باشد.

و هرکه راه و روشش این باشد موفق شده و مورد احترام دیگران قرار می‌گیرد. اهل علم سه شرط را برای رقیه‌ی صحیح شرعی بر شمرده‌اند:
 نخست اینکه: با نام‌ها و صفات خداوند و کلام وی باشد.
 دوم اینکه: با زبان عربی واضح و مفهوم باشد.
 سوم آنکه: شخص راقی معتقد باشد که رقیه به ذات خود تاثیر گذار نیست بلکه با تقدیر خداوند موثر خواهد بود.

برادران و خواهران عزیز، ای کسانی که خواهان عافیت و سلامت هستید، خداوند شما را از دردها و بیماری‌ها در امان بدارد، از راقیان صادق و نیک بهره جوید، کسانی که از راه و روش صحیح علاج بهره می‌برند که امید است مشکلاتان حل گردد. اما اولی و بهتر این است که شخص بیمار خودش خود را رقیه کند زیرا این بیشتر نشان‌دهنده‌ی نیاز شخص به خداوند است.

عثمان بن ابی العاص - رضی الله عنه - از دردی که در بدن داشت به رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - شکایت برد، پس رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - وی را چنین راهنمایی کرد و فرمود: «دستت را در جایی که درد می‌کند بگذار و سه بار بسم الله بگو و سپس هفت بار بگو: «أَعُوذُ بِاللَّهِ، وَقُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ وَأُحَاذِرُ» [به روایت امام مسلم] یعنی: «به عزت خداوند و قدرتش پناه می‌برم از شر آنچه می‌یابم و ترس آن را دارم».

همچنین سعی کنید خانه‌ها و فرزندانان را با دعاهای شرعی و اذکار صبح و شام در امان بدارید که این‌ها به اذن خداوند و با توکل بر پروردگار شنوا و بینا و سپردن امور به او، دژی است محکم در برابر همه‌ی بلاها. این به معنای ترک اسباب نیست بلکه معنای آن این است که انسان به جایگاه و کفایت شخص راقی توکل نکند بلکه به توفیق خداوند و عنایت او امید داشته باشد و اعتماد نماید:

﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ﴾ [الزمر: ۳۶].

«آیا الله برای بنده‌اش کافی نیست؟».

که یقین به خداوند والاترین و عزیزترین و روشنگرترین ماه تابان در تاریکی حیرت‌ها است.

همچنین نباید از برگرفتن اسباب پزشکی جدید رویگردان بود، چه بیماری شخص بدنی باشد یا روانی زیرا رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «ای بندگان خداوند خود را مداوا کنید اما از حرام استفاده نکنید» [به روایت ابوداود و بیهقی با سند صحیح].

اما بعد، ای امت مسلمان:

رقیه‌ی شرعی از نظر تطبیق و علاج نیاز به همت و تلاش دارد، تا آنکه با تبیین چارچوب و باز گرداندن آن به اصول شرع در سایه‌ی علمی راسخ و محکم این علم مداوای شرعی جایگاه خود را باز یافته و عقیده‌ی مردم و جوامع را حفظ نماید.

لازم است در برابر طوفان بنیان کن نا اهلانی که وارد این مجال شده‌اند ایستاده و همه‌ی کسانی که قصد وارد شدن به آن را دارند دارای گواهی شرعی از سوی اهل تخصص باشند.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ:

﴿وَنُزِّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾

[الإسراء: ۸۲].

«و از قرآن آنچه را که برای مومنان مایه‌ی شفا و رحمت است نازل می‌کنیم و ستمگران را جز زیان نمی‌افزاید».

خداوند برای من و شما در آیات کتابش و سنت پیامبرش برکت دهد. این سخن خویش را گفته و برای خود و شما و همه‌ی مسلمانان از هر گناهی از خداوند متعال آمرزش می‌خواهم پس از او آمرزش بخواهید و به سوی او توبه کنید که او بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش مخصوص الله است که نعمت‌های پی در پی را بر بندگانش نازل نموده و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر و شافعی است که شفاعتش در روز محشر پذیرفته شده است. درود و سلام خداوند بر او و بر اهل بیت پاک و اصحاب نیک وی و تابعین و همه‌ی کسانی باد که تا قیامت از آنان پیروی نمایند.

اما بعد:

ای بندگان خداوند تقوای او را آنگونه که به شما امر نموده پیشه سازید و عقیده‌ی خود را از هر گونه آلایش و ناپاکی دور سازید و بدانید که بهترین سخن کلام خداست و بهترین راه و روش، راه و روش محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - است و بدترین کارها، نوآوری در دین است.

برادران و خواهران عقیده:

از جمله چیزهایی که باعث حفظ توحید است، اشاره به آثار یقین محکم است، یقینی که اوهام و بدفالی و کاهنان و دروغگویان به آن راهی ندارند. آنکه خود را اسیر اعتقادات باطل، و شوم دانستن ماه‌ها و سال‌ها نموده و به ستارگان و طالع و برج‌های فلکی وابسته است تا به گمان خود از بدی دور بماند در واقع بازیچه‌ی دست شیاطین گردیده و دینش را در خطر قرار داده است.

﴿وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ﴾

[یونس: ۱۰۷].

«و اگر الله به تو زبانی برساند آن را برطرف‌کننده‌ای جز او نیست و اگر برای تو خیری بخواهد بخشش او را ردکننده‌ای نیست».

پس پاک و منزّه است خداوند، هیچ چیز قضای او را بر نمی‌گرداند و هیچ تاثیرگذار حقیقی در کائنات نیست مگر او.

چگونه ممکن است عقل و خرد بشری به این درجه از سقوط در بی‌خردی برسد؟ آن هم در زمانه‌ی ارتقای علمی و شکوفایی عقل بشری و انفجار اطلاعات؟
خداوند! تنها تو پاک و بی‌عیبی!

اما بعد، ای امت قرآن: دردهای معنوی جهانی کم‌تر از دردهای فردی و اجتماعی نیست. پس ای امت شفاگیرنده از قرآن؛ شما طبیبان این دردها و مشکلاتید. شما با قرآنی که دارید کاردان و کارشناس واقعی برای درمان هر بیماری هستید. شما باید که برای این دنیای پر درد و پر زخم دوی شافی را به همراه دارید. نوشدارو در دستان شماست که لباس صلح و امنیت و عافیت را بر تن این جهان بپوشانید.

پس ای امت قرآن؛ بجنید و تلاش کنید؛ که خداوند یار و یاور شماست:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ

لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿٥٧﴾ [یونس: ۵۷].

«ای مردم برای شما اندرزی از سوی پروردگارتان و شفایی برای آنچه در سینه‌هاست و هدایت و رحمتی برای مومنان آمده است».

و درود و سلام فرستید بر سرور پیامبران، بهترین انسان‌ها، چنانکه خداوند شما را در آیات محکم کتابش امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

و رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرموده است: «هرکه بر من یک درود فرستد خداوند به خاطر آن بر او ده درود خواهد فرستاد» [به روایت مسلم از حدیث عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنهما].

خداوندا بر سرور پیشینیان و پسینیان، و رحمت بر جهانیان، پیامبر ما محمد و بر اهل بیت و یارانش درود و سلام فرست و راضی و خشنود باش از چهار خلیفه‌ی راشد، ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه و تابعین و آنانی که تا روز قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند و همچنین از ما با رحمت خود خشنود باش ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده؛ خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده؛ خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده؛ خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و حوزهی دین را حفظ نما و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امن و امان و رفاه بدار.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن بگردان و مسئولان ما را اصلاح نما.

خداوندا گرانی و وبا و ربا و زنا و زلزله و حوادث و فتنه‌های بد آشکار و پنهان را از

این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان دور گردان ای پروردگار جهانیان.

خداوندا بیماران ما را شفا ده، خداوندا بیماران ما را شفا ده و مرده‌گان ما را بیامرز و

ما را به آن آرزوهایمان که باعث خشنودی توست برسان و کار ما را با نیکی‌ها خاتمه ده و عمرمان را به سعادت با پایان رسان.

خداوندا غم غم‌داران را از بین بر و سختی‌شان را به پایان رسان.

خداوندا اوضاع امت محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - را در هر جایی که هستند اصلاح نما. ای دارای بزرگی و عظمت.

خدایا دشمنان دین را نابود ساز که آنان قادر به ناتوان ساختن تو نیستند، خداوندا جمعشان را پراکنده ساز، خداوندا آن‌ها را غنیمتی برای مسلمانان و عبرتی برای دیگران بگردان، ای قدرتمند و ای صاحب‌عزت، وای دارای بزرگی و اکرام. خداوندا مقدسات مسلمانان را نجات ده، خداوندا مقدسات مسلمانان را نجات ده، خداوندا مقدسات متجاوز نجات ده، ای پروردگار جهانیان.

ای دارای جلال و بزرگواری، ای زنده‌ی پایدار، به رحمت تو دست می‌یازیم، ما را حتی برای یک چشم به هم زدن به خود وانگذار و همه‌ی امور ما را اصلاح نما.

خداوندا مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان مومن، زنده‌گان و مرده‌گان را مورد مغفرت خود قرار ده ای شنوای نزدیک، ای اجابت کننده‌ی دعاها.

خداوندا توی آن الله که معبودی به حق جز تو نیست، تو بی‌نیازی و ما نیازمند، باران را بر ما نازل ساز و ما را از نومیدان مگردان، خداوندا برای بارانی که به ما عطا نمودی تو را حمد و شکر می‌گوییم، خداوندا آن را بر گوشه و کنار سرزمین‌هایمان بباران و بندگان را با آن سود رسان، ای زنده و ای پایدار، ای دارای شکوه و بزرگی.

خداوندا ما را و پسران و دختران ما را موفق گردان و آنان را در همه‌ی امورشان یاری ده ای حی و ای قیوم، ای دارای جلال و بزرگواری.

«پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بدار» [البقرة:

[۲۰۱].

و آخر سخن اینک: الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

اسباب هلاکت و نابودی در دنیا و آخرت

خطیب: دکتر حسین آل شیخ

مسجد نبوی شریف: ۱۷ صفر ۱۴۳۲ برابر با ۱ بهمن ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

ستایش مخصوص خداوند والای برتر است، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که در دنیا و آخرت واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد بنده و پیامبر برگزیده‌ی اوست. خداوندا بر او و بر اهل بیت و یاران او که اهل طاعت و تقوایند درود و سلام و برکت ارزانی دار.

اما بعد، ای مسلمانان: خود و شما را به تقوای خداوند عزوجل توصیه می‌کنم که هر که تقوا را پیشه سازد خداوند برای او از هر تنگنایی راه برون رفت قرار داده و در هر سختی آسانی داده و او را از جایی که گمان نمی‌کرده روزی می‌دهد.

ای امت مسلمان: امت ما در بسیاری از سرزمین‌های اسلامی از سختی‌ها و فتنه‌ها و فاجعه‌ها و تفرقه و اختلاف رنج می‌برد. دردهایی که باعث اندوه مومنان است. امروزه امت ما، مردم و مسئولان، شدیداً احتیاج به چیزی دارند که اوضاع را بهبود بخشیده و دردها را التیام بخشد و از فساد و بدی و فتنه‌های که از هر سو به آن هجوم آورده حفظش نماید.

دعوت به اصلاح چیزی است که مسلمانان بسیار آن را شنیده‌اند اما متأسفانه اکثر این دعوات از روش علاج واقعی این امت که دارای ویژگی‌ها و ثوابت خاص خود می‌باشد سرچشمه نگرفته است.

ای امت اسلامی: ای مسئولان، ای جوامع مسلمان: اکنون وقت آن رسیده که نسبت به منهج صحیح خود آشنایی پیدا کنید. منهجی که آفریدگارتان برایتان برگزیده و پیامبرتان راه آن را برای شما ترسیم کرده است.

امام احمد - رحمه الله - روایت کرده است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «جبرئیل به نزد من آمد و گفت: ای محمد! امت تو پس از تو با هم اختلاف

خواهند کرد. گفتم: پس راه برون رفت از آن چیست ای جبرئیل؟ گفت: کتاب خدا.. و در لفظ دیگر حدیث نزد ترمذی از حدیث علی - رضی الله عنه - آمده که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «فتنه‌هایی پیش خواهد آمد» علی گفت: ای رسول خدا راه خارج شدن از آن چیست؟ فرمود: «کتاب خداوند». برخی از اهل علم این حدیث را از قول علی - رضی الله عنه - روایت کرده‌اند.

ای مسلمانان: مصیبت‌هایی که بر جامعه‌های مسلمان نازل می‌شود تنها سبب آن یک چیز است: دوری از طاعت خداوند عزوجل و همه‌گیر شدن بدی‌ها و عوامل آشکار و پنهان هلاکت. افتادن بسیاری از جوامع در قوانین غیر اسلامی و دور انداختن حکم قرآن و سنت چیزی نیست جز جنبه‌ای از جوانب پشت کردن به راه و روش خداوندی.

وارد شدن بسیاری از وسائل ارتباط جمعی در پخش الحاد و بی‌بند و باری نیز فقط مثالی است زنده برای دوری گزیدن از راه مستقیم و چه بسیارند این مثال‌ها که دوری از راه خداوند را نشان می‌دهند. خداوند سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَنْ يَتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٧﴾﴾ [الفتح: ۱۷].

«و هر که از الله و رسولش اطاعت کند او را به بهشت‌هایی وارد می‌سازد که از زیر آن رودهایی جاری است و هر که سرپیچی کند وی را به عذابی دردناک گرفتار خواهد کرد». چنین عذابی به سبب روی‌گردانی از منهج خداوند هم در دنیا و هم در آخرت واقع خواهد شد. خداوند عزوجل می‌فرماید:

﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ ﴿٣٠﴾﴾ [الشوری: ۳۰].

«و هر مصیبتی که به شما رسیده است به سبب آن چیزی است که به دست آورده‌اید و از بسیاری در می‌گذرد».

و خداوند - سبحانه و تعالی - می‌فرماید:

﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا

لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٤١﴾﴾ [الروم: ۴۱].

«فساد در خشکی و دریا به واسطه‌ی آنچه مردم به دست آورده‌اند آشکار گردید تا برخی از آنچه انجام داده‌اند را به آنان بچشانیم تا بلکه برگردند».

اهل تفسیر می‌گویند: منظور از فساد در این آیه فاسد شدن عوامل زندگی و کم شدن آن و آفت‌زدگی آن است؛ مانند خشکسالی و آتش‌سوزی و سیل و از بین رفتن برکت و پر شدن آفت‌ها و بالا رفتن قیمت‌ها و زیاد شدن ظلم و بیماری‌ها.

کسی که در سنت رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - نظر بیندازد خواهد دید که وی امتش را از اسباب وقوع مصیبت‌ها بر حذر داشته است. بخاری از ابومالک اشعری - رضی الله عنه - روایت کرده است که وی از رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - شنید که ایشان می‌فرمود: «بی‌تردید از امت من گروه‌هایی خواهند بود که زنا و ابریشم و خمر و آلات موسیقی را حلال خواهند دانست و بی‌تردید اقوامی در کنار کوهی اتراق می‌کنند پس چوپانی برای نیازی که دارد به نزد آن‌ها می‌آید و آن‌ها به او می‌گویند فردا به نزد ما برگرد. پس خداوند آنان را شبانه هلاک می‌کند و کوه را بر آن‌ها می‌آورد و گروهی دیگر را تا روز قیامت به صورت بوزینه و خوک مسخ می‌کند».

معنای حدیث آن است که کسانی که این گناهان و مانند آن را در دنیا حلال دانسته‌اند به دو مجازات در دنیا وعید داده شده‌اند:

افتادن کوه بر گروهی از آن‌ها که اشاره به وقوع زلزله‌ها و مانند آن است. و دوم مسخ شدن برخی از آن‌ها تا روز قیامت.

در حدیث دیگری رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «اگر زنا و ربا در شهری آشکار گردد اهل آن عذاب خداوند را برای خود روا داشته‌اند» [به روایت حاکم و آن را صحیح دانسته است].

ای مسلمانان به این حدیث بزرگ گوش بسپارید؛ حدیثی که راه حل مشکلی است که دنیا از حل آن باز مانده‌اند و آن را کسی که از روی هوا سخن نمی‌گوید در تفسیر این سخن خداوند متعال به زبان آورده که می‌فرماید: «و هر که تقوای الله را پیشه سازد برایش راه برون رفتی قرار خواهد داد (۲) و از جایی که گمان نمی‌کرده روزی اش می‌دهد»

[الطلاق: ۲-۳] او - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «هیچ قومی به غیر از آنچه خداوند نازل نموده است حکم نمی‌کند مگر آنکه فقر در میانشان گسترده می‌شود» [به روایت طبرانی؛ حدیث صحیح لغیره است].

آیا مسئولان و دیگر مسلمانان با گوش استجابت این حدیث را خواهند شنید و با آن دست از قوانین وضعی برخواهند داشت و به تحکیم اسلام در همه‌ی امورشان روی خواهند آورد؟!

بزرگ‌ترین نعمت برای جوامع مسلمان و بلکه برای همه‌ی جهان این بود که خداوند با فرستادن پیامبری مهربان بر آنان منت نهاد. پیامبری که برای آنان همه‌ی چیزهایی را که باعث بهبودی اوضاع و زندگی‌شان است و ضامن سعادت دنیا و آخرت آنهاست بیان نمود. او رسالتش را انجام داد و امانت را به جای آورد و ما را بر راه و روشی روشن ترک کرد. پس مسلمانان را چه شده است که بسیاری از آنها در اکثر شئون زندگی از سنت محمدی روی‌گردانند و از راه و روش او دوری می‌کنند؟ چطور ممکن است آنان روی سعادت و نجات را ببینند و چگونه ممکن است به استقرار و رفاه و زندگی نیک دست یابند؟

در حالی که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٦٣﴾﴾

[النور: ۶۳].

«پس کسانی که از امر او سرپیچی می‌کنند از این بترسند که دچار فتنه شوند یا عذابی دردناک به آنان برسد».

ابن عباس می‌گوید: «فتنه یعنی قتل»، و عطا می‌گوید: «فتنه یعنی زلزله‌ها و حوادث ترسناک». جعفر بن محمد می‌گوید: «فتنه یعنی سلطان ظالمی که بر آنها مسلط می‌شود». و این تفاسیر همه نوعی از انواع فتنه‌اند و گر نه در اصل فتنه شامل هر بدی و زیانی می‌شود و عذاب دنیا و آخرت را در بر می‌گیرد.

شوکانی - رحمه الله - می‌گوید: «فتنه در اینجا مقید به نوع خاصی از فتنه نیست» برخی دیگر از مفسران گفته‌اند: «منظور این است که مخالفت با امر رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - مستوجب یکی از دو نوع عذاب دنیوی یا اخروی است و این بعید نیست که خداوند هر دو عذاب را یکجا قرار دهد» خداوند ما و شما را از آن دور بدارد. همچنین در حدیث آمده که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «ذلت و خواری برای کسی قرار داده شده است که از امر من سرپیچی کند» [به روایت احمد در مسند و بخاری به صورت معلق در صحیح].

خداوند من و شما را به واسطه‌ی قرآن مبارک گرداند و با هدایت و فرقان کتاب و سنت سود رساند. این سخن خویش را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از هر گناهی از خداوند آمرزش می‌خواهم پس از او آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن خداوند پروردگار جهانیان است و گواهی می‌دهم که معبودی به حق جز الله نیست که تنها و بی‌شریک و خداوند پیشینیان و پسینیان است و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر او و امام متقیان است. خداوند ابر او و بر اهل بیت و همه‌ی یارانش درود و سلام و برکت ارزانی دار.

اما بعد، ای مسلمانان:

علی - رضی الله عنه - که از دانش آموخته‌گان مدرسه‌ی محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - است می‌فرماید: «هیچ بلایی نازل نگردید مگر به سبب گناه و رفع نشد مگر با توبه».

بر مسلمانان - چه حاکمان و چه شهروندان دیگر - لازم است که پیش از پایان فرصت، صادقانه به سوی خداوند بازگردند و با خداوند روراست و صادق باشند و امر او را اجابت کنند و خوف او عامل محرک زندگی آنان باشد و منهج او بر همه‌ی کرداردها و رفتارهایشان حاکم باشد یعنی عدالت کامل و احسان کامل و مهربانی دوجانبه و همکاری

در خیر و هدایت میان حاکمان و مردم در سایه‌ی پیروی کامل از شریعت غرا؛ و تنها اینگونه ممکن است زندگی آنان شکوفا شده و اوضاعشان اصلاح گردد و در زندگی سعادت‌مندان و پاک و مطمئنی به سر برند که محبت و همگرایی و مهربانی در زیر سایه‌ی امنیت فردی و اجتماعی و فکری و سیاسی در دنیا و آخرت برایشان محقق گردد.

﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُّهْتَدُونَ ﴿۸۲﴾﴾

[الأنعام: ۸۲].

«آنان که ایمان آوردند و ایمان خود را با ستم نپوشاندند آنانند که امنیت برایشان است و آنان هدایت یافته‌گاند».

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ

أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۹۷﴾﴾ [النحل: ۹۷].

«هرکس از مرد یا زن کار شایسته کند و مؤمن باشد قطعا او را با زندگی پاکیزه‌ای حیات [حقیقی] بخشیم و مسلما به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد».

ای مسلمانان: بهترین کارها، بسیار درود و سلام فرستان بر پیامبرمان محمد است، خداوندا درود و سلام و برکت فرست بر پیامبر و حبیب ما محمد و خشنود باش از خلافتی راشدین و امامان هدایت و از دیگر صحابه و اهل بیت و از کسانی که به نیکی تا قیامت از آنان پیروی نمایند.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت بخش، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت بخش، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت عطا کن و شرک و مشرکان را خوار گردان. خداوندا دشمنان دین را نابود ساز.

خداوندا اوضاع ما و اوضاع دیگر مسلمانان را در همه جا اصلاح نما، خداوندا در میان مسلمانان بهترین‌هایشان را حاکم گردان. خداوندا مسئولیت آنان را در دست کسی قرار ده که تقوای تو را دارد. خداوندا مسئولیت آن‌ها را در دست کسی قرار ده که تقوای تو را دارد ای دارای جلال و بزرگواری.

خداوندا مسئولان مسلمان را رحمتی بر شهروندا نشان قرار ده، خداوندا رابطه‌ی آنان با شهروندان را براساس قرآن و سنت بگردان.

خداوندا مردان و زنان مومن را مورد مغفرت خود قرار ده. خداوندا مردان و زنان مسلمان را - مرده‌گان و زنده‌گان را - مورد مغفرت خود قرر ده.

خداوندا امنیت و رفاه را در همه‌ی سرزمین‌های مسلمان فراگیر بگردان. خداوندا سرزمین‌های مسلمان را در امنیت و آرامش و رفاه قرار ده ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دورخ دور بدار.

خداوندا ما را باران عطا کن، خداوندا ما را باران عطا کن، خداوندا ما را باران عطا کن، خداوندا ما را باران عطا کن، خداوندا ما را از فضل خود بی‌نشیب مگردان، خداوندا ما را از فضل خود بی‌نصیب مگردان.

خداوندا ای دارای جلال و بزرگی، ما از برکت تو بی‌نیاز نیستیم. خداوندا باران را بر ما نازل کن، خداوندا باران را بر ما نازل کن. خداوندا آن را باران رحمت بگردان نه باران ویرانی و سیل و بلا، ای دارای جلال و عظمت.

بندگان خداوند: خداوند را بسیار یاد کنید و در صبح و شام تسبیح گوئید. و سخن آخر اینک: الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

اهمیت تخصص در پذیرفتن مسئولیت‌ها

خطیب: دکتر سعود شریم

مسجد الحرام: جمعه ۲۴ صفر ۱۴۳۲ هجری برابر با ۸ بهمن ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است که واحد و یگانه است، تنها و بی‌نیاز است، نه زاده و نه زاده شده است و هرگز هیچ همتایی نداشته است. آفریشن هر چیزی را بدو عطا نموده و

سپس وی را راهنمایی کرده است، ستایش در آغاز و در پایان از آن اوست، حُکم به دست اوست و به سوی او باز خواهید گشت.

و گواهی می‌دهم که معبودی به حق جز الله نیست که تنها و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد بنده و پیامبر و برگزیده و خلیل او و بهترین بندگان اوست. او که رسالت را ابلاغ کرد و امانت را ادا نمود و برای امت خیرخواهی کرد و در راه خداوند آنگونه که شایسته است جهاد نمود. پس درود و سلام خداوند بر او و بر اهل بیت پاک و بر صحابه و تابعین و همه کسانی باد که تا قیامت راه آنان را ادامه دهند و پیرو روش آنان باشند.

اما بعد:

ای مردم شما را به تقوای خداوند و پایداری بر دین و دعوت و عمل به آن سفارش می‌کنم، پس از خداوند روزی بجوید و او را عبادت کنید و شکر او را گوید که بازگشت به سوی اوست.

ای مردم:

هیچ جامعه مسلمانانی نمی‌تواند راه پیروزی را در پیش گیرد مگر با تکامل، و تکامل وجود نخواهد داشت مگر هنگامی که هر فرد حقوق و واجبات خود را به درستی بشناسد و آنچه را که به او مربوط است از آنچه به او مربوط نیست و آنچه را که مهم است از آنچه مهم‌تر است، باز شناسد. همچنانکه یک جامعه حالت استقرار و توازن به خود نخواهد دید مگر با دانستن اولویت‌ها و شناخت آنچه باید به دست آورد و آنچه باید از آن دوری نمود و همین‌طور آن چیزی که جزو تخصص به شمار می‌رود و آنچه جزو تخصص محسوب نمی‌شود. تا آنکه مسائل در هم نرود و منافع به هم نریزد و مردم در آشوب و بلوا فرو نروند.

آنچه در همه این موارد ما را یاری می‌رساند آن چیزی است که «تخصص» نامیده می‌شود. به معنای منحصر شدن یک کار یا فن مشخص به یک فرد یا گروه خاص. این از ضرورت‌های تشکیل یک جامعه متکامل است به طوری که کارها و دانسته‌ها میان افراد

تقسیم بشود و هر فرد براساس توان و دانشی که خداوند در اختیار او نهاده است و یا آن امور مسلمانان که در اختیار او نهاده شده عمل کند.

و این بدون شک باعث بالا رفتن دقت در کار و مهارت و کیفیت و اختراع و نوآوری شده و از آشوب و بی‌نظمی به وجود آمده از فرو رفتن تخصص‌ها جلوگیری می‌کند به خصوص اگر کشمکش ناشی از تضاد باشد نه تنوع.

هر که در نمونه‌های اختلاف و تفرقه و درگیری در تاریخ مسلمانان و ناتوانی در به سرانجام رساندن منافع آنان دقت نمایند خواهد دید بی‌توجهی به تخصص نقش بزرگی در شعله‌ور شدن این آتش داشته است و از آنجایی که شریعت اسلامی شریعتی است متکامل که به هیچ صورت نقص به آن راه نمی‌یابد خداوند متعال نیز در کتاب مبین خود این قضیه را بدون آنکه مجالی برای اختلاف باقی بماند چنین بیان نموده است:

﴿وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَآفَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَآئِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾ [التوبة: ۱۲۲].

«و شایسته نیست مؤمنان همگی [برای جهاد] کوچ کنند پس چرا از هر فرقه‌ای از آنان دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا [دسته‌ای بمانند و] در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را هنگامی که به سوی آنان بازگشتند بیم دهند باشد که آنان [از کیفر الهی] بترسند». این آیه به این حقیقت دلالت دارد که ممکن نیست همه‌ی مردم عالم شوند یا همه حاکم یا مجاهد باشند، و این ممکن نیست که همه‌ی شان کشاورز یا پژوهشگر باشند.

در آیه‌ای دیگر این معنا آمده است که باید تخصص‌ها به اهل آن سپرده شود و در مورد آن با اهلش منازعه نگردد زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ [النساء: ۸۳].

«و اگر آن را به پیامبر و اولیای امر خود ارجاع کنند قطعا از میان آنان کسانی‌اند که [می‌توانند درست و نادرست] آن را دریابند و اگر فضل الله و رحمت او بر شما نبود مسلما جز [شمار] اندکی از شیطان پیروی می‌کردید».

توصیه به احترام گذاشتن به تخصص تا این حد باقی نمانده بلکه در سنت نیز احادیثی آمده که به اهمیت تخصص و سپردن تخصص‌ها به اهل آن و عدم دخالت در کار آن‌ها دلالت دارد و همچنین این که تخصص نه تنها در امور دین بلکه در امور دنیا نیز وجود دارد چنانکه رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - در مسأله‌ی گرده افشانی نخل فرمودند: «شما به امور دنیای خود آگاه‌ترید».

و مانند این سخن رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - که فرموده‌اند: «هرکه طبابت کند در حالی که طیب نیست باید غرامت بپردازد».

اینجا رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - تخصص را تنها از آن اهل آن می‌داند و از سوی دیگر غیر متخصصان را از وارد شدن به عرصه‌ی آن نهی نموده و آنان را از بازخواست و محاسبه برحذر می‌دارد، چه رسد به آنانی که اهل تخصصند و در انجام تخصص خود کوتاهی می‌کنند؟

اگر این تعجب آور است، عجیب‌تر از این کار کسانی است که در همه‌ی تخصص‌ها سرک می‌کشند؛ کسانی که خود را به عنوان صاحب نظر همه‌ی مسائل دینی یا دنیوی می‌دانند و هم مسئولند و هم اهل فتوا و هم پزشکند و هم اقتصاد دان و هم اندیشمند! در حالی که چیزی نیستند جز عده‌ای کاغذنگار که جز فضولی و شهوت شهرت و ریاست‌طلبی و ثنای دیگران هدفی ندارند.

حتی اگر برای مداوای سرماخوردگی بیمار را به جذام مبتلا کنند، یا برای بیرون آوردن خار از چشم آن را کور کنند. و کار به جایی رسیده است که مردم برخی اوقات میان پزشک و عالم و روزنامه‌نگار و اندیشمند و داعی فرق نمی‌گذارند. به ویژه اگر مساله مربوط به فتوی و سیاست شرعی و منافع عمومی مسلمانان باشد. آنان به عمد یا بدون عمد این تربیت نبوی را که امت خویش را براساس احترام به تخصص و زیر پا نهادن آن تربیت نموده به فراموشی سپرده‌اند. زیرا رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - عبدالله بن زید را که در خواب روش اذان را دیده بود دستور داد تا کلمات اذان را به بلال بگوید زیرا صدای بلال از او رساتر بود.

همچنانکه از وی - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت شده است که فرمود: «داناترین شما به علم میراث زید است» و همچنین فرموده است: «ابی بن کعب قاری‌ترین شماست» و از وی به طور صحیح روایت شده است که حسان را به سبب آنکه شاعرترین اصحاب است ستوده است و این که علی آگاه‌ترین آنان به قرائت است و معاذ داناترینشان به حلال و حرام است و علی قاضی‌ترین آنهاست و خالد بن ولید شمشیر از نیام کشته شده‌ی خداوند است و همچنین از او - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت شده است که فرمود: «هر گروه را قاری‌ترین آنان نسبت به کتاب خدا امامت می‌کند».

احادیث در این زمینه در سنت مصطفی - صلی الله علیه وآله وسلم - بیش از آن است که در شمار آید. همچنین اهل علم ذکر نموده‌اند که قاضیان باید در اموری که خارج از تخصصشان است از اهل تخصص مانند پزشکان و مهندسان و مترجمان، یاری گیرند. و اگر شخص خود را در چیزی که خارج از تخصص یا طبیعت وی هست وارد سازد بی‌تردید در اشتباه خواهد افتاد چنانکه امام ابن قیم رحمه الله در کتاب خود تحف المولود می‌گوید: «شایسته نیست جوان پس از آنکه به سن رشد رسید وارد کاری شود که منافی طبیعت، یعنی تخصص و کارهایی که در آن توانایی و مهارت دارد، شود زیرا در این صورت بیش از آنکه کارها را به خوبی انجام دهد در انجام آن کوتاهی خواهد ورزید».

وارد شدن شخص به کاری که در آن تخصص ندارد عین وارد شدن به آن چیزی است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - از آن نهی نموده و فرموده است: «از زیبایی اسلام شخص آن است که آنچه را به او مربوط نیست ترک گوید».

بسیار تاسف آور است که در عصر علم و پیشرفت اطلاعات، زیر پا نهاده شدن اساسیات پیشرفت را به چشم می‌بینیم به طوری که چنان امور دچار بی‌نظمی شده و چنان مفهوم تخصص در میان مردم سست گردیده که علنی می‌بینیم برخی در کار مسئول فزولی می‌کنند و برخی در کار عالم دست می‌آورند و هرکه هر چه می‌خواهد می‌گوید و هیچ هیبتی برای هیچ اهل فن و تخصص قائل نمی‌شوند. در حالی که رسول الله - صلی

الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «حق هر صاحب حقی را آنگونه که شایسته است بدهید».

چه بسا صاحب نظران و نابغه‌هایی که به واسطه‌ی یک کشمکش بیهوده رانده شده‌اند و چه بسیار پیش می‌آید که نادان، زیبایی را دشمن خود می‌داند و احمق، دانایی را خطری برای خود می‌بیند و انسان بی‌هیچ از دیدن موفقیت دیگران ناخرسند می‌شود. پس ای بندگان خداوند تقوای الله را پیشه‌سازید و از آشوب بپرهیزید، ای طالب علم از سخن گفتن درباره‌ی چیزی که بر آن دلیلی نداری بپرهیز، ای پزشک از اینکه خارج از مجال خود دست به طبابت بزنی برحذر باش، و ای نویسنده از این برحذر باش که در مورد منافع عمومی جامعه با علما درگیر شده و علیه آنان دست به قلم بری.

هر که اندازه‌ی خود را بداند در هر کاری که می‌کند تقوای الله را مد نظر خواهد داشت، که خداوند رحمت کند کسی را که قدر خود را می‌شناسد و چه نیک است کار آن کسی که به آنچه شنیده یا دانسته و یا دیده است عمل نماید و هر که در شبهات افتد در حرام افتاده است همانند چوپانی که دور و بر منطقه ممنوعه چرا می‌کند و نزدیک است گوسفندانش در آن بچرند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهٓ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَٰلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ [النساء: ۵۹].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید الله را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید پس هر گاه در امری اختلاف نظر یافتید اگر به الله و روز بازپسین ایمان دارید آن را به الله و پیامبر عرضه بدارید این بهتر و نیک‌فروتر است».

﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾ [الإسراء: ۳۶].

«و چیزی را که نسبت به آن آگاهی نداری دنبال مکن. زیرا شنوایی و بینایی و قلب همه مورد پرسش قرار خواهند گرفت».

خداوند متعال برای من و شما در قرآن بزرگ برکت دهد و من و شما را با آیات و ذکر حکیم سود رساند. آنچه را گفتم اگر صحیح بود از سوی خداوند، و اگر خطا بود از نفس بود و از شیطان، پس از الله آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله است، و درود و سلام بر پیامبر خدا و بر اهل بیت و یاران او هرکه از راه او پیروی نماید...
اما بعد:

ای بندگان خداوند، تقوای او را پیشه سازید و بدانید که مراعات تخصص از مهم‌ترین اساس‌های موفقیت و توازن و استقرار است، به طوری که در صورت رعایت آن کسی وارد عرصه‌ی کسی دیگر نمی‌شود و کارها با هم تداخل نخواهند کرد. در این صورت برای حکم مسئول و فقه فقیه و پزشکی پزشک، و دانش اقتصاد دان، ارزش قائل شده و همه با هم در زیر شریعت خداوند قرار خواهیم گرفت، شریعتی که به خیرخواهی و نصیحت میان یکدیگر توصیه می‌کند زیرا تخصص هرگز به این معنا نیست که هر کس تنها به تخصص خود اکتفا کند یا آنکه ممکن نیست اهل تخصص دچار اشتباه شوند زیرا کمال تنها از آن الله است و عصمت نیز تنها از آن پیامبر وی می‌باشد و این اشتباه است که متخصص در صورت اشتباه مورد محاسبه قرار نگیرد مخصوصا اگر اشتباه وی مربوط به منافع عمومی مسلمانان باشد، چه دینی و چه دنیوی.

و چه زیبا می‌گوید امام مالک بن دینار رحمه الله، هنگامی که در حین درس مردم را نصیحت نمود و مردم در حال گریه بودند و ناگهان دید که مُصحف وی نیست، پس رو به کسانی که دور و بر او بودند کرد و گفت: همه‌ی تان دارید گریه می‌کنید پس چه کسی مُصحف را دزدید؟ وای بر شما همه دارید گریه می‌کنید پس که مصحف را دزدید؟

و همچنین منازعه با اهل تخصص نیز اشتباه است زیرا وارد شدن به عرصه‌ای است که به انسان مربوط نیست و باعث گسترده شدن آشوب و بی‌نظمی می‌شود همچنانکه باید همگی بدانیم در هنگام اختلاف مرجع ما کتاب خدا و سنت پیامبرش می‌باشد زیرا

تنها این دو بر ما حاکمند همچنانکه تسلیم شدن در برابر تخصص به این معنا نیست که اگر عالم یا اهل فقه درباره سخن خود دلیلی از سوی خداوند یا پیامبرش دارد اهل تخصص را نصیحت ننماید. پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - که شاعر نبود و شعر نمی‌گفت، با این وجود در هنگام حاجت درباره شعر لبید چنین فرمود: «راست‌ترین سخنی که یک شاعر گفته است این سخن لبید است که فرمود: آگاه باشید که هر چیزی جز خداوند باطل است» [به روایت مسلم].

در اینجا رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - از مصراع دوم این بیت سخن به میان نیاورد آنجا که شاعر می‌گوید: «و هر نعیمی بی‌تردید از بین رفتنی است» زیرا نعیم بهشت از بین نمی‌رود. و این نشان دهنده‌ی آن است که او با این مصراع موافق نیست.

سپس بدانید که وارد شدن مسلمان به کاری که توانایی آن را ندارد و جزو تخصص او نیست باعث وقوع اشتباه و لغزش‌هاست و خداوند رحمت کند ابومصفر سمعانی را که در پاسخ به یکی از این افراد چنین می‌گوید:

«برای او شایسته‌تر بود که در این فن وارد نشده و آن را به اهلش واگذارد زیرا آنکه به مجالی که در آن تخصص ندارد وارد شود کمترین ضربه‌ای که می‌بیند آن است که نزد اهل آن فن بی‌آبرو می‌شود». و خداوند رحمت کند امام ابن حجر را که می‌فرماید: «هرکه در غیر فن خود سخن گوید شگفتی می‌آفریند!»

و در پایان درود فرستید بر بهترین انسان‌ها و پاک‌ترینشان محمد بن عبدالله صاحب حوض و مقام شفاعت که خداوند شما را به آن امر نموده و فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [الأحزاب: ۵۶].

خداوند درود و سلام و برکت ارزانی دار بر بنده و پیامبرت محمد، آن صاحب چهره نورانی و راضی و خشنود باش از چهار خلیفه‌ی وی، ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه پیامبرت محمد، صلی الله علیه وسلم و از تابعین و همه کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند و همچنین از ما با عفو و کرم خویش راضی باش ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده.

خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومنت را یاری ده.
خداوندا غم غم‌داران را از بین ببر و سختی را از سختی دیدگان برطرف ساز، و وام وام‌داران را ادا کن، و بیماران ما و دیگر بیماران مسلمان را با رحمت خویش شفا ده.
خداوندا اوضاع مسلمانان را در هر جایی که هستند اصلاح نما. خداوندا کلمه آنان را یکی گردان و کلمه دشمنانشان را متفرق گردان ای زنده و ای پایدار، ای دارای جلال و بزرگواری.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن بگردان و مسئولان و والیان امر ما را اصلاح نما و مسئولیت ما را در دست کسانی قرار ده که تقوای تو را داشته باشند و در پی خشنودی تو باشند ای پروردگار جهانیان.

پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بدار.
پاک است و بی‌عیب پروردگار تو آن پروردگار عزت از آنچه به دروغ وی را وصف می‌کنند و سلام بر پیامبران و الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

خطر غیبت

خطیب: دکتر صالح بن عبدالله بن حمید

مسجد الحرام: جمعه ۱ ربیع الاول ۱۴۳۲ هجری برابر با ۱۵ بهمن ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

ستایش تنها از آن خداوندی است که اگر چیزی را اراده کند به آن می‌گوید باش، و می‌شود، هرکه را بخواهد عذاب می‌دهد و هرکه را بخواهد مورد رحمت قرار می‌دهد و به سوی او باز خواهید گشت:

﴿خَلَقَكُمْ مِّنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ﴾ [الروم: ۲۰].

«شما را از خاک آفرید سپس ناگهان شما به صورت بشری پراکنده شدید».

او را حمد و سپاس می‌گویم که نعمت‌ها و منت‌هایش پی در پی بر ما فرو می‌آید:

﴿وَمَا بِكُمْ مِّنْ نِّعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَإِلَيْهِ تَجْرُونَ﴾ [النحل: ۵۳].

«و هر نعمتی که شما دارید از الله است سپس هر گاه زبانی به شما رسد به سوی او

روی می‌آورید».

و شهادت می‌دهم که معبودی به حق جز الله نیست، شهادتی مخلصانه که گوینده‌اش را در روزی که نه مال و نه فرزندان سودی ندارند، سود رساند و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد بنده و پیامبر خداوند و برگزیده‌ء امین اوست. درود و سلام و برکت‌های خداوند بر او و بر اهل بیت پاک و اصحاب نیک او باد. آنان که به حق رهنمون بودند و براساس آن رفتار می‌نمودند، و همچنین بر تابعین و کسانی که به نیکی از آنان پیروی نمایند. درود و سلامی همیشگی تا روز رستاخیز.

اما بعد:

ای مردم شما و خودم را به تقوای خداوند عزوجل سفارش می‌کنم پس تقوای او را پیشه سازید و بزرگواری را در تقوا، و عبادت را در ورع، و انس را در کتاب خدا، و پیروزی را در صبر، و بی‌نیازی را در قناعت، و نجات را در راستی، و شکر را در خشنودی، و آسایش را در ترک حسد، و ترازوی سنگین را در اخلاق نیک، و سلامت را در حفظ زبان بجوید و بدانید که بهترین همراه، عمل نیک است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَعَامِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِن رَّحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ

لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ [الحديد: ۲۸].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید از الله پروا کنید و به پیامبر او ایمان آورید تا به شما دو

بهره از رحمت خود عطا کند و برای شما نوری عطا کند که با آن راه بینمایید و شما را

مورد آموزش قرار دهد و الله آمرزنده و مهربان است».

ای مسلمانان:

سخن ما درباره یکی از مظاهر سستی در دین و کم تقوایی و خلل در فهم دین است، درباره یکی از گناهان کشنده و از بین برنده دین که انسان را وارد حرام و در خطر انداختن آبروی دیگران می‌کند. خصلتی زشت و نکوهیده که امروزه به طور آشکار در تجمعات مردم و مجالسشان دیده می‌شود طوری که کم می‌بینی کسی از آن در امان مانده باشد، نه علما و نه مردم، نه مردان و نه زنان و نه بزرگ و نه کوچک.

جرمی است خطرناک که علاج آن سخت است، دردی است سخت که جامعه را ویران ساخته و جلو آبادانی را می‌گیرد و ارتباط انسان‌ها را قطع می‌کند و دوستی‌ها را از بین می‌برد و سینه‌ها را آکنده کینه می‌کند و مودت‌ها را فاسد می‌سازد و دشمنی را گسترده ساخته و باعث کدورت می‌شود.

چه بسیار پرده‌ها که به واسطه آن دریده شده و چه انسان‌های نیکی که با آن بد شده‌اند و بسا خبرهای دروغی که به واسطه آن ساخته و پرداخته شده‌اند. در گناه آن هم انجام دهنده آن شریک است و هم شنونده و هم کسی که به آن راضی است. دانستید درباره چه گناهی سخن می‌گوییم؟ گناهی که مهمانی فاسقان است و تلاش انسان‌های ناتوان و چراگاه لئیمان. آنان که خورنده گوشت انسان‌هایند: خورندگان مردار... آن، گناه غیبت است که خداوند شما را از آن حفظ نماید و چه می‌دانید که غیبت چیست؟

دریدن پرده آبروی دیگران، و بدترین ربا، دست درازی انسان در آبروی برادرش است. پیامبرمان محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - به طور کامل آن را شرح داده و حدود آن را مشخص ساخته و فرموده است: «غیبت، یاد کردن برادرت است آنطور که بدش می‌آید».

غیبت هر سخنی است که در آن برادرت را کوچک کنی یا در وی عیبی وارد سازی. غیبت ممکن است با عیب وارد ساختن در خلقت یا اخلاق یا دین و دنیا و یا بدن یا لباس یا پدر و مادر و فرزند و همسر و خانواده و کارها و رفتارها و حرکت‌ها و برخوردهای برادرت باشد.

غیبت ممکن است با سخن یا رفتار یا وصف یا حرکت و یا اشاره و با دست و با زبان و با چشم و با حرکت انگشت و یا با اشاره چشم و ابرو باشد. بدتر اینکه غیبت در یک روش خلاصه نمی‌شود بلکه به نیت اشخاصی که گرفتار آیند بستگی دارد.

بلکه حتی ممکن است شخص غیبت کننده غیبت خود را لباس تدین و صلاح و ورع بپوشاند و مثلاً بگوید: فلانی را خداوند ببخشد که اینچنین و اینچنین است شاید خداوند درستش کند!

و شاید به عنوان تعجب غیبت کند و بگوید: چطور فلانی چنین و چنان می‌کند؟ استغفرالله! چطور می‌تواند چنین کاری بکند!

برخی هم غیبت خود را با روش حسرت و اظهار محبت و دلسوزی بیان می‌کنند و می‌گویند: وضعیت فلان شخص من را غمگین کرده است، من برای فلان برادر برای فلان کاری که کرده است دلسوزی می‌کنم خدا ما و او را هدایت کند!

و یا شاید بگوید: بعضی‌ها این کار را کرده‌اند یا برخی که شما می‌شناسید چنین کاری کرده‌اند. در حالی که مردمی که آنجا هستند می‌دانند منظور او کیست.

یکی دیگر از انواع غیبت، غیبت غیر مستقیم است. مثلاً ممکن است از کسی پرسیده شود حال فلانی چطور است؟ و بگوید: خدا ما و او را هدایت کند، یا خداوند ما و او را درست کند! و شاید هم بگوید: او هم گرفتار همان چیزی است که ما گرفتار آنیم! و بدتر اینکه بخواهد با روش انکار منکر غیبت کند و خداوند می‌داند که قصد او انکار نیست بلکه بی‌آبرو کردن آن شخص است.

بلکه حتی اهل علم چنین تقریر کرده‌اند که گمان بد نسبت به مسلمان جزو غیبت است، پس اگر نسبت به شخصی گمان بد بردی به آن توجه نکن و براساس آن کاری انجام مده.

امام غزالی رحمه الله می‌گوید: «اگر شخصی که غیبت می‌شنود به شخص غیبت کننده بگوید: ساکت شو، اما در دل خود دوست دارد که او همچنان به سخنانش ادامه دهد این کار او در واقع نفاق است و او را از گناه خارج نمی‌کند.»

روش‌های غیبت - که خداوند من و شما را از آن حفظ کن - حدی ندارد و هنگامی که از رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - پرسیدند که اگر در شخص غیبت شونده آن چیزی که گفته می‌شود باشد آیا باز غیبت او شده است؟ چنین فرمود: «اگر در او آنچه می‌گویی باشد او را غیبت کرده‌ای و اگر آنچه می‌گویی در وی نباشد به او تهمت زده‌ای» [به روایت مسلم و دیگران].

حسن بصری - رحمه الله - می‌گوید: «یاد کردن از دیگری [به بدی] بر سه نوع است: غیبت و بهتان و افک؛ غیبت آن است که آنچه در برادرت هست را [پشت سر او] بگویی و بهتان آن است که چیزی را که در او نیست بگویی و افک آن است که دروغی که درباره

سفره‌های نابودی‌اند و راه خطا، مجالسی که در آن عیب خلق گرفته می‌شود و غیبت‌کننده در آن هم به خود ضربه می‌زند و هم به هم‌نشین خود آزار می‌رساند...

سفیان بن عیینه - رحمه الله - می‌گوید: «غیبت نزد خداوند از زنا و شرب خمر بدتر است، زیرا زنا و شرب خمر گناهی است بین تو و خداوند که اگر توبه کنی خداوند عزوجل بر تو توبه می‌پذیرد اما غیبت مورد آمرزش قرار نمی‌گیرد مگر آنکه کسی که غیبتش کرده‌ای تو را ببخشد».

چیزی باعث واقع شدن آنان در این گناه نشده است مگر ضعف دین‌داری و کم‌تقوایی و بیشترین چیزی که تقوا را به خط می‌اندازد بر اثر زبان و همراهی کردن با دیگران و راه آمدن با هم‌نشینان است.

ای کسی که دچار غیبت هستی: چه بسیار افراد ساده و ژولیده‌ای که هم نزد خداوند از تو بهترند و هم برای خود و هم برای خانواده خود!
ای مسلمانان:

غیبت هم در کتاب خدا و هم در سنت پیامبر خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - و هم در اجماع اهل علم حرام دانسته شده و فطرت‌های سالم و درون‌های پاک و سینه‌های سالم از آن ابا دارند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ ﴿۱۲﴾﴾ [الحجرات: ۱۲].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری گمان‌ها بپرهیزید که پاره‌ای از گمان‌ها گناهند و جاسوسی مکنید و گروهی از شما گروهی دیگر را غیبت نکنند آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادرش را در حالی که مرده است بخورد پس شما از آن کراهت دارید و تقوای الله را پیشه سازید که الله توبه‌پذیر مهربان است».

آیا تعجب نمی‌کنید که چگونه خداوند متعال برای شخص غیبت‌کننده چنین مثالی زده است؟! او شخص زشت‌سیرتی است که دستش را به سوی مردار دراز کرده و دهانش را

باز کرده تا آن را بخورد، و آن هم نه مردار حیوان بلکه جسد برادر مرده‌اش را و هنگامی که پیامبر ما - صلی الله علیه وآله وسلم - به معراج رفت از کنار گرهی رد شد که ناخن‌هایی مسی داشتند و با آن صورت و سینۀ خود را چنگ می‌زدند پس گفت: «ای جبرئیل! آنان که هستند؟ گفت: آنان کسانی هستند که گوشت مردم را می‌خورند و به آبروی آنان تجاوز می‌کنند» [به روایت امام احمد با سند صحیح].

و در صحیح از عائشه - رضی الله عنها - روایت شده است که خطاب به رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - گفت: برای تو در مورد صفیه همین کافی است که چنین و چنان است - یعنی کوتاه است - پس رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود: «سخنی گفتمی که اگر با آب دریا مخلوط شود آن را در بر می‌گیرد» [به روایت ابوداود با سند صحیح].

سبحان الله! کلمۀ کوچکی که شخص آن را کم می‌شمارد چنان بزرگ است که آب دریا را تغییر می‌دهد، پس در مورد کسانی که همهٔ مجالسشان این است و ساعت‌های طولانی را با از بین بردن آبروی دیگران لذت می‌برند چه می‌توان گفت؟! بندگان خداوند:

هر که خداوند او را از شر دهان و شرمگاهش در امان دارد به بهشت وارد می‌شود پس از سخن بیهوده دور باشید که سخن بسیار بدون ذکر خداوند باعث سنگدلی می‌شود و دورترین کس از خداوند کسی است که قلبش سخت است و ایمان شخص نزد خداوند درست نمی‌شود مگر آنکه قلبش راه راستی گیرد و قلب انسان راست نمی‌شود مگر آنکه زبانش به راستی رود.

سعی کن مشغول عیب‌های خود باشی که عجیب است از اهل غیبت! خاشاک را در چشم برادرش می‌بیند اما از دیدن دسته‌های هیزم بر پشت خود عاجز است! در درون خود دقت کن و وقت و زبان خود را حفظ نما و در امانت‌داری خود و در اخلاق خود دقت کن و در مسئولیت خود نظر بینداز و مراقب خانواده و عمل خود باش.

اگر انسان غیب کننده خود را محاسبه کند خواهد دانست گناهی که گرفتار آن است او و هم‌نشینانش را - اگر وی را باز ندارند - نابود خواهد کرد زیرا شنونده غیبت شریک غیبت است و آنکه به آن راضی باشد نیز شریک آن است پس انکار غیبت و توبه و نصیحت متقابل و دفاع از آبروی مسلمان واجب است و هرکه از آبروی برادرش دفاع کند خداوند چهره‌اش را روز قیامت از آتش برمی‌گرداند و این از پیامبر به ثبوت رسیده است.

هرکه در پی عیب برادرش باشد خداوند در پی عیب او خواهد بود و هرکه خداوند در پی عیب او باشد رسوا خواهد شد حتی اگر درون خانه‌اش باشد و هر گاه غیبت همه‌گیر شد برادری از بین می‌رود چنانکه فضیل بن عیاض - رحمه الله - گفته است.

یکی از صالحان می‌گوید: «اگر قرار بود غیبت کسی را بکنم غیبت پدر و مادرم را می‌کردم چون آنان شایسته‌ترین کس برای به دست آوردن نیکی‌های من هستند».

می‌گویند شخصی خواست همسرش را طلاق دهد. به او گفتند: مگر از چه چیز او بدت می‌آید؟ گفت: انسان عاقل همسرش را رسوا نمی‌کند. پس از آنکه او را طلاق داد به او گفتند: چرا طلاقش دادی؟ گفت: چرا باید درباره‌ی یک زن بیگانه سخن بگویم؟!

پس تقوای الله را پیشه سازید و پرهیز کنید از اینکه آبروی مردم را عامل تفریح مجالس خود کنید و گوشت مردم غذایان باشد زیرا غیبت، دین مسلمان را زودتر از آن از بین می‌برد که لاش خورها لاشه را.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم:

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلْمَا تَوْسُوسًا بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ

﴿١٦﴾ إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ ﴿١٧﴾ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ

عَتِيدٌ ﴿١٨﴾ [ق: ۱۶-۱۸].

«و به تحقیق ما انسان را آفریدیم و می‌دانیم که نفس او به او چه وسوسه‌ای می‌کند و ما از رگ کردن به او نزدیک‌تریم (۱۶) آن هنگام که دو فرشته‌ی دریافت کننده از راست

و از چپ او مراقب نشسته‌اند (۱۷) هیچ سخنی به زبان نمی‌آورد مگر آنکه مراقبی آماده نزد اوست».

خداوند من و شما را با قرآن بزرگ و روش محمد - صلی الله علیه و آله وسلم - سود رساند. این سخن خود را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از هر گناهی از خداوند آمرزش می‌خواهم پس از او آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله است، پاک و مقدس است او و ستایشش می‌گوییم که با حکمت خود اقوامی را بلند گرداند و گروه‌هایی را پست نمود و او را برای نعمت‌های بزرگش که در حساب نمی‌گنجد شکر می‌گوییم و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است، شب را در روز و روز را در شب فرو می‌برد و به پنهان و آشکار آگاه است و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد بنده الله و پیامبر او و شفیع است که شفاعتش در روز محشر پذیرفته می‌شود و با آیات و سوره‌های قرآن مورد تایید خداوند قرار گرفته است. درود و سلام و برکات خداوند بر او و بر اهل بیت و اصحاب نیک وی و تابعین و همه کسانی باد که از آنان پیروی می‌کنند...

اما بعد:

غیبت از گناهان بزرگ است و گناهان بزرگ یا کبیره با خوبی‌ها از جمله نماز و روزه و صدقه و دیگر کارهای نیک پاک نمی‌شوند بلکه لازم است شخص از آن‌ها دست کشیده و توبه نصوح کند و از کسی که به حق وی تجاوز کرده است نیز حلالیت بخواهد.

هر چه اثر غیبت بیشتر باشد گناه و خطر آن نیز بیشتر می‌شوند. همچنین گناه غیبت بستگی به شخصی دارد که مورد غیبت واقع شده است و هر چه آن شخص ایمان بیشتری داشته باشد و بیشتر اهل صلاح باشد غیبتش نیز بدتر و شدیدتر خواهد بود. زیرا غیبت اهل صلاح و علم و والیان امر اثر بدی در از بین رفتن وحدت و اعتماد و نا آرام

شدن امور دارد. همچنین باعث ضعیف شدن اجرای دستورات خداوند و دین او در درون مردم و کم شدن برکت می‌شود و در پی آن آشوب پدید آمده و فتنه‌ها رخ می‌دهد. بندگان خداوند: اهل علم انواعی از غیبت را از غیبت حرام استثنا کرده‌اند که در آن شخص می‌تواند برادرش را آنگونه که بد می‌دارد یاد کند. برای مثال مظلوم می‌تواند کسی را که به او ظلم کرده است نزد کسی که می‌تواند ظلم را از او بردارد مانند قاضیان و مسئولان امر یاد کند. همچنین یاد نمودن اهل فسق و بدی و بدی‌ها و بدعت‌ها و انحراف‌ها و رفتار ناشایست آن‌ها از روی انکار و برحذر داشتن دیگران از آن‌ها و جلوگیری از فساد و بدی آن‌ها جایز است.

گرچه علما در این موارد غیبت را جایز دانسته‌اند اما با این وجود تا پیش از اطمینان از حصول مصلحت واقعی و احتیاط و نیت خوب و سلامت از ریا و خودخواهی، جایز نیست شخص اقدام به غیبت نماید. در صورتی که شخص در مورد یکی از این‌ها دچار شک شد دور ماندن از غیبت بهتر است زیرا آبروی مسلمان محفوظ است و حرمت وی باید پاس داشته شود.

پس تقوای الله را پیشه سازید و زبان خود را حفظ نمایید و مجالس خود را از غیبت دور بدارید و از آبروی برادرانتان دفاع کنید و کلمه خود را یکی گردانید تا دیتان سالم مانده و برادریتان حفظ شود و اوضاعتان نیک گردد.

سپس درود و سلام فرستید بر آن رحمت هدایتگر و آن نعمت خداوندی، پیامبرتان محمد، پیامبر خدا که پروردگارتان شما را به آن امر نموده و در آیات محکم کتاب خویش فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

خداوند درود و سلام و برکت ارزانی دار بر بنده و پیامبرت محمد، آن پیامبر برگزیده و بر اهل بیت نیک و پاک وی و همسران او مادران مومنان و راضی و خشنود باش از چهار خلیفه راشد وی ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه پیامبرت و تابعین

و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند و از ما به همراه آنان راضی و خشنود باش ای گرامی‌ترین گرامیان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و سرکشان و ملحدان و دیگر دشمنان دین و امت را خوار بگردان.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن بگردان، خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن بگردان، خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن بگردان، خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن بگردان و مسئولان و والیان امر ما را اصلاح نما. خداوندا مسئولیت ما را بر عهده کسی قرار ده که تقوای تو را پیشه ساخته و در پی رضای تو باشد ای پروردگار جهانیان.

خداوندا والیان امر مسلمانان را برای عمل به کتابت و سنت پیامبرت محمد - صلی الله علیه و آله وسلم - موفق گردان و آنان را رحمتی برای بندگان مومن قرار ده و کلمه

پس الله را یاد کنید تا شما را یاد کند و او را برای نعمت‌هایش شکر گوید تا شما را افزون دهد و همانا یاد الله بزرگ‌تر است و الله به آنچه می‌کنید آگاه است.

عنوان خطبه: نصیحت و اهمیت آن

خطیب: دکتر اسامه خیاط

مسجد الحرام: جمعه ۸ ربیع الاول ۱۴۳۲ برابر با ۲۲ بهمن ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است که پروردگار جهانیان است، و عاقبت از آن متقیان است، او را سپاس می‌گوییم که پادشاه حق مبین است و گواهی می‌دهم که معبودی به حق جز الله نیست، او که تنها و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد بنده و پیامبر اوست و اوست آن نصیحت‌گر راستگو و امین. خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یاران نیک وی و تابعین و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند درود و سلام فرست.

اما بعد:

بندگان خداوند، تقوای او را پیشه سازید و به سوی او راهی برای نزدیکی بجوید و او را مراقب اعمال خود بدانید که خوشبخت آن است که تقوای الله را پیشه سازد و رو به سوی مولای خود آورد و مولایش او را گرمی دارد و نعمت بخشد و برگزیده کند.

ای مسلمانان:

از بزرگ‌ترین نعمت‌های خداوند - پس از نعمت هدایت به اسلام - که نصیب بندگان خود کرده است، بندگان نصیحت‌گر صادقی‌اند که یاد خداوند را برای آنان زنده می‌کنند و اینگونه در حق آنان بزرگ‌ترین نیکی را روا می‌دارند و به خوبی آنان را یادآور شده و

آنان را با عیب‌های پوشیده‌شان آشنا کرده و نسبت به محل عیب و اسباب آفت و عوامل نابودی آگاه می‌سازند...

برای این است که معنای نصیحت: اراده هرگونه خیر و نیکی در حال یا آینده شخص نصیحت شونده است و اصل و اساس آن صفای درون و خلوص است. پذیرفتن نصیحت و خوشحالی برای تذکر از سوی انسان خصلتی است زیبا و منقبتی است بزرگ و اخلاقی است گرانقدر که نشان‌دهنده کمال خردمندی و نجابت نفس و سلامت درون و پاکی شخص است زیرا نقص، انسان‌ها را فراگرفته و از آنان جدا نمی‌شود و جز با فضل و رحمت خداوند، و سپس نصیحت صادقانه نمی‌توان آن را جبران نمود؛ نصیحتی که عاقبت نیک دارد باعث نزدیکی به خداوند است.

برای همین رسول هدایت - صلی الله علیه وآله وسلم - درباره بزرگی مقام نصیحت و شرف و منزلت آن در دین خداوند سخن گفته و در حدیثی عظیم که از سخنان جامع اوست چنین فرموده است که: «دین نصیحت است» صحابه فرمودند: نصیحت برای چه کسی ای رسول خداوند؟ فرمود: «برای الله و برای کتاب او و برای پیامبرش و برای ائمه‌ی مسلمانان و برای عموم آن‌ها» [به روایت امام مسلم در صحیح، از حدیث تمیم داری].

نصیحت برای خداوند با توحید وی در ربوبیت و الوهیت و نام‌ها و صفات وی است و اینکه ایمان داشته باشیم او آفریننده و روزی دهنده و زنده کننده و میراننده‌ای است که بندگان را با نعمت خود می‌پروراند و او بر هر چیزی توانا است و همه چیز نیازمند اوست:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْعَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾ [فاطر: ۱۵].

«ای مردم شما به سوی الله نیازمندید و همانا الله همان بی‌نیاز ستوده شده است.»
و همچنین با فروتنی ظاهری و باطنی برای او و با مقدم داشتن حق او و رغبت در به دست آوردن محبت او با انجام آنچه باعث خشنودی او می‌شود و دور داشتن خود از خشم وی با ترک گناهان و تلاش در راه بازگرداندن گناهکاران به سوی او.

نصیحت برای کتاب خداوند نیز با یادگیری آن و یاد دادن و عمل به آن و هر چیزی است که خداوند در آن نازل نموده؛ همچنین درست خواندن آن و حفظ حدود آن و دور نمودن تحریف غالیان و برگیری اهل باطل و تاویل جاهلان از آن است.

اما نصیحت برای رسول وی با محبت و طاعت و یاری دادن و پیروی از سنت او و احیای آن به واسطه یادگیری و یاد دادن و عمل به آن و اقتدای به وی در سخن و کردار و مقدم داشتن راه و روش وی بر راه و روش هر کس دیگر و دوری از بدعت‌گذاری در دین اوست.

همچنین نصیحت برای مسئولان و ائمه مسلمانان با یاری دادن آنان در مسئولیتی است که بر عهده‌شان نهاده شده و با هشیار نمودن آنان در صورت غفلت، و دست‌گیری آنان در هنگام لغزش، و جمع نمودن نظر مردم بر یاری آنان و محبوب گرداندن آنان در قلب دیگران. از جمله کسانی که در مفهوم ائمه مسلمانان می‌گنجند علمای مجتهدند که نصیحت آنان با نشر علوم و مناقب و حسن ظن به آنان امکان‌پذیر است.

نصیحت برای عموم مسلمانان نیز با دلسوزی برای آنان و تلاش برای کارهایی است که به سود آنان است و همینطور با یاد دادن علم نافع و دوری آزار و اذیت از آنان است و اینکه نصیحتگر آنچه را برای خود می‌پسندد برای آنان نیز بیسندد و آنچه را برای خود بد می‌دارد برای آنان نیز بد بدارد.

از جمله چیزهایی که به بزرگی مقام نصیحت در دین و لزوم آن و تاکید بر آن و اشاعه آن در میان فرزندان جامعه اسلامی اشاره دارد این است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - برای کسانی که بر اسلام با وی بیعت می‌کردند، «نصیحت» را شرط می‌نمود چنانکه در حدیثی که بخاری در صحیح خود از زیاد بن علاقه روایت نموده آورده که گفت: شنیدم جریر بن عبدالله - رضی الله عنه - می‌گفت: روزی که مغیره بن شعبه وفات نمود من به نزد رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - آمدم و گفتم: با تو بر اسلام بیعت می‌کنم. پس بر من «نصیحت را برای هر مسلمان» شرط نمود سپس با او بر آن بیعت کردم.

برعکس آن کسی است که گوش‌های خود را از شنیدن نصیحت بسته و از پند روی گردان شود که این روی‌کرد هر مستکبری است که خداوند در حق وی می‌فرماید:

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿٢٠٦﴾﴾

[البقرة: ۲۰۶].

«و اگر به او گفته شود که پروای الله را داشته باش تکبر او را به گناه وا می‌دارد. پس برای او جهنم کافی است و چه بد بستری است.»

این یعنی استکبار ورزیدن در برابر خداوند و سرپیچی از امر وی، و در کتاب خداوند بیان عاقبت تکبر ورزیدن در برابر نصیحت با بیان عاقبت امت‌هایی که هلاک شدند و بیان عذابی که از سوی خداوند به واسطه روی‌گردانی از نصیحت پیامبران بر آنان نازل گردید، آمده است تا عبرتی برای عبرت‌گیرندگان و یادآوری برای یادآورندگان باشد و تا نشانه‌ای آشکار باشد برای هرکه خداوند را به مبارزه طلبیده و از راه او باز داشته و با دوستان او دشمنی کند و گوش‌های خود را از شنیدن نصیحت بسته و اندرز را نپذیرد بلکه به باطل خود چنگ زده و از هوای نفس پیروی کند...

چنانکه در داستان ثمود، قوم پیامبر صالح - علیه السلام - آمده که گوش‌های خود را در برابر پند و هشدار او بستند و خداوند درباره آنان فرمود:

﴿فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ وَقَالُوا يُصَلِّحْ أَثْنَتَنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٧٧﴾ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جِثْمِينَ ﴿٧٨﴾ فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَاقَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ ﴿٧٩﴾﴾ [الأعراف: ۷۷-۷۹].

«پس آن ماده‌شتر را پی کردند و از فرمان پروردگار خود سرپیچیدند و گفتند ای صالح اگر از پیامبرانی آنچه را به ما وعده می‌دهی برای ما بیاور (۷۷) آنگاه زمین‌لرزه آنان را فرو گرفت و در خانه هایشان از پا درآمدند (۷۸) پس [صالح] از ایشان روی برتافت و گفت ای قوم من به راستی من پیام پروردگارم را به شما رساندم و خیر شما را خواستم ولی شما [خیرخواهان و نصیحتگران] را دوست نمی‌دارید.»

و درباره اهل مدین، قوم پیامبر خدا شعیب - علیه السلام - چنین می‌فرماید:

﴿وَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَئِنِ اتَّبَعْتُمْ شُعَيْبًا إِنَّكُمْ إِذَا لَخَسِرُونَ ﴿٩٠﴾ فَأَخَذْتَهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَنِيمِينَ ﴿٩١﴾ الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَأَن لَّمْ يَعْنُوا فِيهَا الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَانُوا هُمُ الْخَاسِرِينَ ﴿٩٢﴾ فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَاقَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَتِ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ فَكَيْفَ ءَأَسَىٰ عَلَىٰ قَوْمٍ كَافِرِينَ ﴿٩٣﴾﴾ [الأعراف: ٩٠-٩٣].

«و سران قومش که کافر بودند گفتند اگر از شعیب پیروی کنید در این صورت قطعا زیانکارید (٩٠) پس زمین‌لرزه آنان را فرو گرفت و در خانه‌هایشان از پا درآمدند (٩١) کسانی که شعیب را تکذیب کرده بودند گویی خود در آن [دیوار] سکونت نداشتند کسانی که شعیب را تکذیب کرده بودند همان زیانکاران بودند (٩٢) پس [شعیب] از ایشان روی برتافت و گفت ای قوم من به راستی که پیام‌های پروردگارم را به شما رسانیدم و پندتان دادم دیگر چگونه بر گروهی که کافرند افسوس بخورم».

نصیحت نمی‌تواند تاثیرگذار باشد مگر هنگامی که نصیحت‌گر صادق و برای خداوند در نصیحت خود مخلص باشد و بر بندگان خداوند دلسوز بوده و با دور گرداندن آنان از اسباب هلاکت برایشان خیرخواهی کند و آنان را به راه‌های نجات رهنمون شود و نسبت به اولویت‌ها آگاه باشد و آنچه را باید به تاخیر انداخت جلو نیندازد و آنچه را باید مقدم داشت به تاخیر نیندازد و بتواند میان مفسده‌ها و مصلحت‌ها و سود و زیان به طور دقیق موازنه برقرار کند، به خصوص در قضایای جدید و به ویژه هنگامی که مساله‌ای همه‌گیر و عمومی و دارای آثار فراگیر و ابعاد وسیع باشد، و در نصیحت و در همه امور رفق و آسانی را فراموش نکند چنانکه پیامبر رحمت - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «نرم‌خویی و آسان‌گیری در چیزی وارد نمی‌شود مگر آنکه آن را زیبا می‌سازد و از چیزی گرفته نمی‌شود مگر آنکه زشت می‌گردد» [به روایت مسلم].

و در صحیحین بخاری و مسلم از حدیث عایشه - رضی الله عنها - آمده است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «همانا الله نرم‌خو و آسانگیر است و در همه‌ی کارها نرم‌خویی را دوست دارد».

اینگونه است که نصیحت راه خود را به درون دیگران باز کرده و بر قلب‌های سلطه می‌یابد و اینگونه وظیفه از گردن نصیحت‌گر ادا شده و حجت بر نصیحت‌شونده تمام می‌شود.

پس ای بندگان الله تقوای او را پیشه سازید و نصیحت را راه و روشی برای رسیدن به زندگی نیک و سعادت در دنیا و آخرت قرار دهید.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم:

﴿وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فَبَشِّرْ عِبَادَ ۗ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ ۗ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ ۖ وَأُولَٰئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ ۗ﴾ [الزمر: ۱۷-۱۸].

«و کسانی که خود را از طاغوت دور می‌دارند که آن را نپرستند و به سوی الله بازگشته‌اند برای آنان بشارت است پس بندگانم را بشارت ده (۱۷) آنان که سخن را می‌شنوند و از بهترین آن پیروی می‌کنند آنان کسانی هستند که الله هدایتشان نموده و آنان صاحبان خردند.»

خداوند من و شما را با هدایت قرآن و سنت سود رساند. این سخن خود را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از هر گناهی از خداوند بزرگ آمرزش می‌خوام که او بسیار آمرزنده و بسیار مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش مخصوص خداوند ولی و حمید است، او که هر کاری را اراده کند انجام می‌دهد. او را ستایش می‌گویم که پاک و بی‌عیب است و گواهی می‌دهم که معبودی به حق جز الله نیست که تنها و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده و پیامبر الله و صاحب راه و روش و رای صحیح است. خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یاران او درود و سلام فرست.

اما بعد؛ ای بندگان خداوند:

یکی از سلف - رضوان الله عليهم - حقیقت نصیحت‌گر صادق را به رساترین صورت چنین بیان نموده است که: «بدان که هر که تو را نصیحت نمود تو را دوست دارد و هر که با تو راه آمد فریبت داده است».

این سخنی است صادقانه که واقعیت را به بهترین شیوه بیان نموده زیرا با نصیحت است که دردها شناخته شده و داروی آن تجویز می‌شود و باعث سلامت بدن و از بین رفتن درد آن می‌شود. اما با چشم‌پوشی از اشتباهات دیگران و راه آمدن با آنان آفت‌ها پوشانده شده و دردها باقی می‌ماند تا آنکه باعث از بین رفتن بدن می‌شود و اینجاست که دوستدار از فریبکار شناخته می‌شود.

پس ای بندگان خداوند از او پروا دارید و بر بهترین بنده خداوند محمد بن عبدالله درود و سلام فرستید که او شما را در کتاب خود بدان امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿۵۶﴾ [الأحزاب: ۵۶].

خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد درود و سلام فرست و راضی و خشنود باش از چهار خلیفه وی ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر اهل بیت و یاران او و از تابعین و همه آنانی که تا قیامت به نیکی از آنها پیروی نمایند و از ما نیز با عفو و گذشت خود راضی و خشنود باش ای بهترین بخشنندگان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، و مکر بدخواهان را از آنان دور گردان. خداوندا این سرزمین را حفظ نما و آن را از هر خوبی بهره‌مند و از هر بدی در امان بدار ای پروردگار جهانیان.

خداوندا مصر و ملت مصر را از هر بدی در امان دار. خداوندا این سرزمین را از هر بدی در امان دار و اهل آن را از نگرانی وها و فتنه‌های آشکار و پنهان در امان دار. خداوندا همه سرزمین‌های مسلمان را از مکر بدخواهان و کینه و حسد حسودان محافظت نما.

خداوندا همه سرزمین‌های مسلمان را از تسلط دشمنان دور گردان. خداوندا همه سرزمین‌های مسلمان را از تسلط دشمنان محافظت نما و کلمه آنان را یکی گردان و صف آنان را واحد گردان و رهبران آنها را صالح نما کلمه آنان را بر حق جمع گردان ای پروردگار جهانیان.

خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - و بندگان مومن مجاهد صداقت را یاری ده.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان ما را اصلاح گردان. خداوندا عاقبت ما را در همه امور به خیر گردان و ما را از خواری دنیا و عذاب آخرت نجات ده.

خداوندا دین ما را که نگهدارنده امر ماست و دنیای ما را که محل زندگی ماست و آخرت ما را که بازگشت‌گاه ماست و اصلاح گردان و زندگی را برای ما زیاده در هر نیکی و مرگ را آسودگی از هر بدی قرار ده.

خداوندا ما از زوال نعمت و برگشت عافیت و خشم ناگهانیت به تو پناه می‌بریم ای پروردگار جهانیان.

خداوندا قلب‌های ما را پس از آنکه هدایت‌مان نمودی دچار کژی مگردان و ما را از جانب خود رحمتی عطا کن که تو بخشنده‌ای.

خداوندا بیماران ما را شفا ده و مردگان ما را بیمارز و ما را به آن خواسته‌هایی که باعث خشنودی توست برسان.

«پروردگارا ما به خود ستم روا داشتیم و اگر تو ما را مورد آمرزش و رحمت خود قرار ندهی بی‌تردید از زیانکاران خواهیم بود» [الأعراف: ۲۳].

«پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بدار» [البقرة: ۲۰۱].

خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یاران وی درود و سلام فرست و ستایش تنها از آن الله پروردگار جهانیان است.

عنوان خطبه: دوستی در راه خداوند

خطیب: دکتر عبدالرحمن سدیس

مسجدالحرام: جمعه ۱۵ ربیع الاول ۱۴۳۲ برابر با ۲۹ بهمن ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است، او را آنگونه که شایسته اوست سپاس می‌گوییم که از ازل بدیع و خلاق بوده است. او که در آفریده‌های خود احساس‌ها و غرایز گوناگون قرار داده و برای آنان پاداشی برابر اعمالشان گذاشته است. پروردگارا! سپاس بزرگ تنها برای ذات توست، سپاسی که تنها از آن تو است نه کسی دیگر، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق جز الله نیست که واحد و بی‌شریک است. شهادتی که با نور خود قلب را روشن گردانده و روح را پاک می‌سازد و گواهی می‌دهم که پیامبر و محبوب و سرور ما محمد، بنده خداوند و رسول او و پاک‌ترین و نجیب‌ترین انسان‌ها است. درود و سلام و برکات خداوند بر او باد، او که ما را از جام محبت پاک نوشاند؛ و بر اهل بیت پاک و صحابه نیک او که حق به واسطه آنان یاری گردید و هرکه به نیکی از آنان پیروی کند و به سوی بهشت سبقت جوید...

اما بعد ای بندگان خداوند:

تقوای الله را آنگونه که شایسته اوست پاس دارید و بدانید که تقوای او بزرگ‌ترین مصداق و قوی‌ترین پیمان است و هرکه به آن چنگ زند پیروز گردید و بیشترین بهره را از نیکی‌ها بُرد

«و توشه برگیرید که بهترین توشه تقوا است» [البقرة: ۱۹۷].

ای مسلمانان:

در جهانی آکنده از فتنه‌ها و بحران‌ها، دنیای که آبستن مصیبت‌ها و تغییرات پی در پی است، و برای آگاه شدن نسبت به نفس بشری و پوشیده‌های آن، صفتی بسیار زیبا و

بدیع، و ارزشی والا خود را نمایان می‌سازد، صفتی که در عمق درون انسان‌ها جا افتاده و نفس بشری در برابر آن سر خم کرده و به واسطه آن از لغزش‌ها رهایی یافته است. عابدان و نجیبان و زاهدان و اصفیا و خواص، همه دارای این صفت بوده‌اند.

خلاصه سخن آنکه: این موهبت از قلبی رخت برنسته است مگر آنکه آن را ویران ساخته و وجدانی از آن خالی نگردید مگر آنکه به اسارت در آمده است. بلکه حتی خداوند نیز این صفت را دارد و همینطور پیامبرش - صلی الله علیه وآله وسلم - این صفت صفت محبت و دوست داشتن است.

خداوند سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ [المائدة: ۴۲].

«همانا الله عدل‌ورزان را دوست دارد».

و خطاب به موسی - علیه السلام - می‌فرماید:

﴿وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِّنِّي﴾ [طه: ۳۹].

«و مهری از جانب خودم بر تو افکندم».

و در جای دیگر می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا﴾ [مریم: ۹۶].

«همانا کسانی که ایمان آورده‌اند و کار نیک انجام داده‌اند خداوند رحمن برای آنان

محبتی قرار خواهد داد».

درباره منزلت والای محبت، علامه ابن قیم - رحمه الله - می‌گوید: «آن منزلتی است که سابقین به سوی آن کمر همت بسته‌اند و دوست‌داران برای آن تلاش کرده‌اند، آن همان زندگی است که هرکه از آن محروم شود در زمره مردگان است و آن نوری است که هرکه از آن بهره‌ای ندارد در دریای تاریکی‌ها است».

ای مومنان:

خداوند متعال فهم و درک را در خرد انسان‌ها به ودیعه گذارده و با نصوص شرع خرد را یاری داده و همینطور عاطفه و شوق را در قلب‌ها جای داده است و اینگونه است

که انسان آنچه را که موافق با فطرت اوست دوست دارد و برای همین است که پاک‌ترین و باصفاترین روح‌ها بهترین و والاترین محبوب‌ها را دوست می‌دارند مانند دوست داشتن خداوند رحمن و محبت نسبت به قرآن و رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - و دوست داشتن اوصاف زیبایی و کمال و مکارم اخلاق که تنها شایسته نفس‌های پاک است:

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾ [البقرة: ۱۶۵].

«و کسانی که ایمان آورده‌اند بیشتر الله را دوست می‌دارند».

خواسته‌های شایسته و دوست‌داشتنی‌ها به سان گل‌هایی هستند که شکوفه نمی‌دهند مگر با بوی خوش محبت، که این بوی خوش وارد هیچ نفسی نمی‌شود مگر آنکه آن را جامه زیبایی و طراوت می‌پوشاند و در روح آن سعادت و خوشبختی وارد می‌سازد، خوشبختی و بهجتی که از بین رفتنی نیست. صفتی که حتی ایمان به آن وابسته است! رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «و ایمان نخواهید آورد تا آنکه محبت ورزید» [به روایت بیهقی و دیگران].

این محبت همگانی که مصطفی - صلی الله علیه وآله وسلم - به آن تشویق نموده همان چیزی است که ملت‌ها از درخت آن میوه چیده و به واسطه‌ی آن به پا می‌خیزند و هیچ جامعه‌ای در این زمینه کوتاهی نورزیده مگر آنکه دچار مصیبت‌ها گردیده است. منظور آن محبت پاکی است که آکنده از احساسات زیبا است، احساسی که میان دو جهان را با حق و هدایت نورانی می‌سازد و این معنای سخن رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - است که می‌فرماید: «سه خصلت است که در هر که باشد شیرینی ایمان را می‌چشد: اینکه الله و پیامبرش برای او از دیگران محبوب‌تر باشد، و اینکه شخص را جز برای الله دوست ندارد، و اینکه بازگشتن به کفر را آنقدر بد بداند که افتادن در آتش را بد می‌دارد» [متفق علیه].

ای دوست داران:

بیاید مناجاتی از مناجت‌های محبوبمان - صلی الله علیه وآله وسلم - را بشنویم؛ مناجاتی که روشن است از نور فروتنی و آرامشی که مملو است از محبت! ای قلب‌های عاشق این مناجات را درک کنید و ای احساس‌ها بشنوید!

رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - پروردگارش را اینگونه فراخواند که: «خداوندا من از تو محبتت را می‌خواهم و محبت کسانی که محبت تو را دارند و محبت کاری که من را به محبت تو نزدیک سازد» [به روایت ترمذی].

الله اکبر! چه محبت بزرگ و پاک و فراگیری، محبتی که مصطفی به ما یاد داده و فرموده است: «انسان با کسی است که دوستش می‌دارد» [به روایت امام مسلم در صحیح]. خداوند را شاهد می‌گیریم که ما او را و رسولش را چنان دوست می‌داریم که بالاتر از محبت ما نسبت به خود و فرزندان و پدر و مادر و همه‌ی مردم است.

برادران و خواهران ایمانی:

پس از آنکه محبت کسی در قلب جای گرفت باید اعضای بدن نیز فرمانبر این محبت شوند و آن کسی نیست جز محبوب ما محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - که نشانه

همسران است و باعث خوشبختی خانواده و به وجود آمدن احساس خشنودی است که
جز در باغچه

این سخن خود را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از خداوند بزرگ از همه گناهان آمرزش می‌خواهم پس از او آمرزش بخواهید و به سوی او توبه کنید که پروردگار من بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله است که محبت خود را راهی برای رسیدن به بهشت قرار داده است و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که پیامبر و سرور ما محمد بنده و پیامبر خداوند است که پروردگار او را صفی و خلیل خود قرار داده است و هرکه محبت او را در قلب بدارد از چشمه سعادتم نوشیده است، درود و سلام و برکات خداوند بر او و بر اهل بیت پاک او و صحابه نیک او و تابعین و پیروان آنان باد، درود و سلامی شبانه روز و و پی در پی...

اما بعد، ای برادران و خواهران مسلمان:

از جمله محبت‌هایی که در وجود انسان‌ها جای گرفته است دوست داشتن وطن است. وطنی که جز در سایه کرامت و امن و امان و عدل و آرامش، روی آبادی و آبادانی را به خود نخواهد دید و این ممکن نیست جز با اعتصام به شریعت خداوند و دوری از تفرقه و درگیری و دشمنی.

به یاد داشته باشید که شهروندی تنها به شعار دادن نیست بلکه با اخلاص و مثبت‌نگری و شفافیت ممکن است. از سوی دیگر ارزش‌ها و اصول، قابل کوتاه آمدن نیستند و هیچکس نمی‌تواند در مورد آنها از خارج برنامه بفرستد و یا دخالت کند، و باید همیشه به عاقبت کارها و اقداماتی که انجام می‌دهیم آگاه باشیم و هیچ‌گاه امنیت و استقرار و مصلحت‌های والا را فدای آشوب و فساد و ناآرامی نگردانیم و اموال عمومی را

عرصه

برای به دست آوردن مصلحت و وطن خود تلاش کنید و در فکر حفظ وحدت آن باشید و برای دور راندن مفسده‌ها و تحقیق رفاه و استقرار آن تلاش کنید تا به بزرگی دست یابید و غنیمت به دست آورید...

و درود و سلام فرستید بر آن پیامبر مختار امین، قدوه دوست‌داران، درود و سلامی خوش‌تر از باد صبا و بوی ریحان چنانکه خداوند شما را بدان امر نموده و در کتاب مبین خود فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

خداوندا درود و سلام فرست بر آن حبیب مصطفی و آن رسول مجتبی، و بر اهل بیت پاک و صحابه نیک او و راضی و خشنود باش از چهار خلیفه راشد، و ائمه هدایت، ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه و تابعین و آنانی که به نیکی تا قیامت از آن‌ها پیروی نمایند و همچنین از ما با منت و رحمت و کرم خود راضی باش ای گرامی‌ترین گرامیان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزیز بگردان، و شرک و مشرکان را خوار گردان و دشمنان دین را نابود ساز و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امن و امان و رفاه بدار.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن بدار، خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن بدار و امن و امان و استقرار را در سرزمین‌هایمان پایدار بگردان. خداوندا هرکه را برای ما و عقیده و سرزمین و امنیت‌مان اراده بدی دارد به خود مشغول بگردان و مکر او را در نابودیش قرار ده ای شنونده دعا.

خداوندا این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمانان را برخوردار از هر خوبی و برکت و به درو از هر بدی و آفت بگردان.

خداوندا اوضاع مسلمانان را در هر جا که هستند اصلاح نما، خداوندا اوضاع آنان را در همه جا اصلاح نما، خداوندا خون و مال و ناموس آنان را حفظ کن ای رحمن و ای رحیم!

خداوندا مصر، و اهل مصر را از هر بدی و شری در امان بدار. خداوندا مصر مسلمان را در حفظ خود بدار.

خداوندا برادران مسلمان ما را در هر جایی که هستند از تفرقه و فتنه و مصیبت‌ها در امان بدار و شعله فتنه‌ها و سختی‌ها را از آنان خاموش بگردان. خداوندا به آنان رایی صحیح و رفتاری رشید در سایه کتاب و سنت عطا کن. خداوندا امنیت و استقرار و رفاه آنان را حفظ نما. خدایا آنان را در امن و امان بدار، خدایا آنان را در امن و ضمانت خود نگه دار. خدایا ما و آنان را از شر بدان و خطرهای حفظ کن.

خدایا دست ما را در تنگناها بگیر و چهره حقیقت را برایمان نمایان ساز. خداوندا مکر مکاران و نیرنگ را از ما دور گردان و ما را از فتنه‌های و بلاها و سختی‌ها حفظ کن و برای ما و همه مسلمانان از هر سختی راه برون‌رفتی قرار ده و از هر بلایی عافیتی قرار ده و ما را از همه جهت محافظت کن.

خداوندا مسجد الاقصی را حفظ نما، خداوندا مسجد الاقصی را از تجاوز تجاوزگران و مکر صهیونیست‌های اشغالگر تجاوزپیشه حفظ نما ای دارای جلال و بزرگواری.
«پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بدار».

البقرة: ۲۰۱.

«پروردگارا ما و برادرانمان را که در ایمان از ما پیشی گرفتند مورد آمرزش قرار ده و در قلب ما هیچ غل و غشی نسبت به کسانی که ایمان آوردند قرار مده که همانا تو رؤوف و مهربانی» [الحشر: ۱۰].

پروردگارا از ما بپذیر که همانا تو بسیار شنوا و دانایی و بر ما توبه پذیر که تو بسیار توبه‌پذیر و مهربانی و ما و پدر و مادر ما و همه مسلمانان، زندگان و مردگان آنان را مورد

آمزش قرار ده که تو شنوا و نزدیک و مجیب دعایی. و سخن آخر اینکه ستایش مخصوص الله پروردگار جهانیان است.

عنوان خطبه:

فضائل عثمان بن عفان رضی الله عنه

خطیب: دکتر عبدالمحسن القاسم

مسجد نبوی شریف: جمعه ۲۲ ربیع الاول ۱۴۳۲ برابر با ۶ اسفند ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

حمد و سپاس تنها از آن الله است، او را حمد گفته و از او یاری جسته و آمزش می‌خواهیم و از بدی‌های خود و کارهای ناشایست به الله پناه می‌بریم. الله هرکه را هدایت کند او گمراه‌گری نخواهد داشت و هرکه را گمراه سازد وی هدایت‌گری نخواهد یافت و گواهی می‌دهم که معبود به حقی نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد بنده و پیامبر اوست. درود و سلام بسیار خداوند بر او و اهل بیت و یاران او باد.

اما بعد:

ای بندگان خداوند، تقوای او را آنگونه که شایسته اوست پاس دارید و به ریسمان محکم اسلام چنگ زنید.

ای مسلمانان:

خداوند برای این امت بهترین پیامبران را برگزید و برای یاری این پیامبر نیز بهترین مردان امتش را انتخاب کرد که هرگز به مانند آنان نه در گذشته و نه در آینده نخواهد آمد. مردانی که خداوند به واسطه ایمان و اخلاص و یاری دادن پیامبر و صداقتی که داشتند گناهایشان را آمرزید و جایگاهشان را والا گرداند و رضایت خود را از آنان اعلام نمود. خداوند عزوجل می‌فرماید:

﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [التوبة: ۱۰۰].

«و سبقت جویان نخستین از مهاجران و انصار و کسانی که به نیکی از آنان پیروی کردند، الله از آنان خشنود گردید و آنان از او خشنود گردیدند و برای آنان بهشت‌هایی را آماده ساخته است که از زیر آن رودهایی روان است که برای ابد در آن جاودان خواهند بود».

از جمله عواملی که باعث زیاد شدن ایمان می‌شود شناخت سیرت صحابه است؛ کسانی که پیامبر را تصدیق کرده و او را یاری و همراهی نمودند. امام احمد - رحمه الله - می‌گوید: «ذکر نیکی‌های اصحاب رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از جمله سنت است».

دعا برای آنان قربت است و اقتدای به آنان وسیله‌ای برای نزدیکی به خداوند، و محبتشان اصلی است از اصول دین. امام طحاوی - رحمه الله - می‌فرماید: «و اصحاب رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - را دوست می‌داریم و در محبت کسی از آنها افراط نمی‌کنیم و از هیچ یک از آنان بی‌زاری نمی‌جوئیم».

بهترین آن نسل بی‌نظیر ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - است که دارای راسخ‌ترین ایمان و بالاترین علم و بیشترین همراهی با رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - بود. سپس عمر فاروق - رضی الله عنه - که در فضیلت پس از صدیق قرار داد. او با نیروی شخصیت و کمال عدالتی که از آن برخوردار بود دژی بود محکم برای اسلام و شیطان هرگز از راهی که او عبور می‌کرد نمی‌گذشت.

و سومین آن‌ها کسی نیست جز آن کریم بزرگوار، ابو عبدالله، عثمان بن عفان بن ابی العاص، ذو النورین، امیرالمومنین و سومین خلیفه راشد، صاحب الهجرتین، و یکی از بشارت یافتگان به بهشت و یار پیامبر در آن.

رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «پیامبری نیست مگر آنکه رفیقی از امتش در بهشت به همراه دارد و همانا این عثمان بن عفان یار و همراه من در بهشت است» [به روایت احمد].

وی در نسب، در جد سوم خود به پیامبر می‌رسد. او همینطور نوۀ عمۀ رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - «بیضاء بنت عبدالمطلب» است و هیچ‌کس جز او با دو دختر یک پیامبر ازدواج نکرده است.

عثمان بن عفان - رضی الله عنه - در آغاز اسلام توسط ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - اسلام آورد و چهارمین کسی بود که به اسلام گروید و پیامبر خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - در بیعت الرضوان به جای او که حضور نداشت بیعت کرد و دست خود را به جای دست عثمان در دست دیگرش قرار داد و گفت: «این دست من است و این دست عثمان» [به روایت امام احمد].

وی دارای طولانی‌ترین مدت خلافت در میان خلفای راشدین است و دوران خلافت او دوازده سال به طول انجامید. او بسیار عبادت‌گذار و در برابر خداوند خاشع و فروتن بود.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿أَمَّنْ هُوَ قَنِتٌ ءَأَنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا﴾ [الزمر: ۹].

«یا آن کسی که او در طول شب در سجده و قیام است».

عمر بن خطاب - رضی الله عنه - دربارهٔ این سخن خداوند متعال می‌فرماید: «او عثمان است».

وی مطیع پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - و پویندهٔ راه او، و نسبت به او و دو یارش، ابوبکر و عمر وفادار بود. عثمان رضی الله عنه می‌گوید: «مصاحبت پیامبر را کردم و با او بیعت نمودم؛ به خدا سوگند هرگز نه سرپیچی‌اش را کردم و نه با وی از در فریب وارد شدم تا آنکه وفات نمود، سپس با ابوبکر همین‌گونه بودم و سپس با عمر» [به روایت بخاری].

عبدالرحمن بن سمره می‌گوید: «پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - در حالی وفات یافت که از وی راضی بود».

ترس پروردگار را در سینه داشت و یاد آخرت را فراموش نمی‌کرد و بسیار به زیارت قبور می‌رفت و هنگامی که بر قبری می‌ایستاد آنقدر می‌گریست که محاسنش خیس می‌شد. با یقینی که داشت ثابت‌قدم بود و اسوه‌ای بود برای دیگران. رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - دیگران را امر نمود که در هنگام فتنه‌ها به او اقتدا کنند و وی را امین خوانند.

رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود: «شما پس از من با فتنه‌ها و اختلافاتی روبرو خواهید شد» یکی از حاضران گفت: در این فتنه‌ها چه کسی یاریمان می‌کند؟ فرمود: «امین و یاران او» در حالی که به عثمان اشاره می‌کرد [به روایت احمد].

هر که در آسانی خداوند را بشناسد خداوند نیز در سختی او را خواهد شناخت و از فتنه‌ها حفظ خواهد کرد. روزی رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فتنه‌ها را یاد کرد و سپس در حالی که به عثمان اشاره می‌کرد فرمود: «این بر هدایت است» [به روایت ترمذی].

او انسانی پاک‌دل بود که علیه هیچ کس حسادت یا کینه‌ای به دل نداشت. علی - رضی الله عنه - می‌فرماید: «من امیدوارم که من و عثمان از جمله کسانی باشیم که خداوند درباره آن‌ها فرموده است: «آنچه از کینه و شائبه‌های نفسانی است از سینه‌ی آنان بیرون آوریم...»».

باعفت بود و پاکدامن و دیندار، وی می‌گوید: «به خدا قسم نه در جاهلیت و نه در اسلام هرگز مرتکب زنا نشدم».

اخلاقی نیک داشت و خداوند نیز به وی علمی عطا کرده بود که صحابه به او رجوع می‌کردند. ابن سیرین می‌گوید: «آنان (یعنی صحابه) عثمان را آگاه‌ترینشان نسبت به مناسک می‌دانستند».

خداوند نیز به او ایمانی محکم و عقلی راسخ عطا کرده بود. پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - او را در حدیبیه برای مذاکره با قریش فرستاد. ابن عمر - رضی الله عنه - می‌گوید: «اگر کسی در مکه محبوب‌تر از او بود حتماً او را به جای عثمان می‌فرستاد» [به روایت بخاری].

شعبی - رحمه الله - می‌گوید: «عثمان در قریش محبوب بود و نسبت به او توصیه می‌کردند و بزرگش می‌داشتند».

عمر - رضی الله عنه - نیز او را به عنوان یکی از اعضای شورای شش نفره پس از خود قرار داد و او بهترین این شش تن بود که توسط آنها به عنوان خلیفه مومنان برگزیده شد. ابن مسعود - رضی الله عنه - پس از آنکه با وی برای خلافت بیعت کردند گفت: «با بهترینمان بیعت کردیم و دریغ نورزیدیم».

امام احمد - رحمه الله - می‌گوید: «بر بیعت هیچ کس به مانند بیعت عثمان اجماع رخ نداد».

انفاق در راه رضایت خداوند یکی از نشانه‌های صدق ایمان و محبت مومنان و توکل بر خداوند است و عثمان در زمینه بذل و بخشش دستی بلند داشت؛ رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - در روز «لشکر عُسرة» یعنی لشکر سختی، نگاهی به چهره اصحاب انداخت، در حالی که مومنان در وضعیت سخت و طاقت‌فرسایی قرار داشتند و فرمود: «هرکه این‌ها را برای نبرد مجهز سازد خداوند او را مغفرت نماید» عثمان می‌گوید: «آنان را مجهز ساختم تا آنکه حتی یک افسار و پابند شتر هم کم نداشتند» [به روایت نسائی].

او هنگامی که شنید رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «هرکه با خریدن این خانه مسجد را برای ما وسیع‌تر گرداند خانه‌ای در بهشت به جای آن خواهد داشت» برای توسعه مسجد النبی آن خانه را خریداری کرد [به روایت امام احمد].

عثمان بن عفان تعداد بی‌شماری از بردگان را آزاد ساخت و در این باره می‌فرمود: «از هنگامی که اسلام آوردم جمعه‌ای نشد مگر آنکه در آن برده‌ای را آزاد می‌ ساختم» و در

روزی که به محاصره شورشیان در آمد به بردگانش گفت: «هرکه شمشیرش را در غلاف کند آزاد است».

حیاء خصلتی است والا و عثمان - رضی الله عنه - حتی از خود نیز شرم می‌کرد و هنگامی که تنها در خانه بود و در نیز بسته بود لباس خود را برای حمام کامل بیرون نمی‌آورد و از شدت حیا در هنگام غسل راست نمی‌ایستاد و در این امت کسی به حیای او نمی‌رسد. رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «باحیاترین فرد امت من عثمان است» [به روایت ترمذی].

حتی رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - از عثمان شرم می‌کرد؛ روزی رسول الله در کنار آبی نشسته بود و زانوی خود را آشکار ساخته بود اما همین که عثمان وارد شد زانویش را پوشاند [متفق علیه].

ملائکه نیز از عثمان شرم داشتند. روزی رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - بر بستر خود خوابیده بود. اما همین که عثمان وارد شد نشست و فرمود: «آیا حیا نکنم از مردی که ملائکه از او حیا می‌کنند؟» [به روایت مسلم].

قرآن کلام خداوند است که خداوند آن را به برکت و بزرگواری و هدایت وصف کرده است؛ هرکه به آن نزدیک شود از برکت آن بهره‌مند گردیده و درجه‌اش نزد خداوند والا می‌شود و عثمان - رضی الله عنه - دوستدار کلام خداوند بود. حسن بصری - رحمه الله - می‌گوید: «عثمان وفات نیافت مگر آنکه مُصحف وی (یعنی قرآن وی) از شدت آنکه از آن خوانده بود فرسوده شده بود» و می‌فرمود: «اگر قلب‌هایمان پاک بود از کلام پروردگاران سیر نمی‌شدیم».

از نیکی‌های بزرگ وی این بود که مردم را بر یک قرائت جمع کرد و مصحف خود را زمانی نوشت که جبرئیل در آخرین بار قرآن را با پیامبر مدارس می‌کرد.

وی سپس زید بن ثابت - رضی الله عنه - را در آخر حیات خود امر نمود که آن مصحف را نوشته و در سرزمین‌های اسلامی توزیع کند برای همین است که خط مصحف را رسم الخط عثمانی می‌نامند که منسوب به وی و دوران وی است. قرآن به او

سود رساند و او نیز با قرآن به مردم سود رساند و این امت به رستگاری نمی‌رسد مگر با قرآن و با عمل به آن.

ابن کثیر - رحمه الله - می‌گوید: «در دوران عثمان بن عفان ممالک اسلام به دورترین نقاط شرق و غرب جهان رسید و آن به سبب برکت تلاوت و دراست و جمع امت بر حفظ قرآن بود».

بر اثر تعلقی که وی به قرآن داشت پایان او نیز با قرآن بود و در حالی که قرآن در بغل او بود به شهادت رسید و خون او بر آن روان شد.

با وجود عبادت و خشیتی که نسبت به خداوند داشت خلیفه‌ای راشد و سیاستمدار بود که خداوند به دست او بسیاری از سرزمین‌ها را فتح نمود و مرزهای مسلمانان گسترش یافت. رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «خداوند زمین را برای من جمع نمود و من مشرق‌ها و مغرب‌های آن را دیدم و ملک امت من تا جایی می‌رسد که برای من جمع گردید» [به روایت مسلم].

ابن کثیر در البدایة والنهایة می‌گوید: «همه این‌ها در دوران عثمان کاملاً محقق گردید». مردم در دوران خلافت او در رفاه و امنیت به سر می‌بردند. حسن بصری اوضاع دوران او را چنین وصف می‌کند: «عطایا در خلافت او جاری بود و روزی پی در پی، و دشمن در هراس و روابط نیکو و خیر بسیار، و هیچ مومنی از مومن دیگر هراس نداشت و با هرکه روبرو می‌شد برادرش بود».

روش صحابه - رضی الله عنهم - سالم بودن قلوبشان نسبت به یکدیگر و محبت و احترام متبادل بود. صحابه - رضی الله عنهم - نیز عثمان - رضی الله عنه - را در حیات پیامبر و پس از وفات او مورد احترام قرار می‌دادند. ابن عمر - رضی الله عنهما - می‌گوید: «ما در حالی که پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - در قید حیات بود و اصحاب او نیز بودند همیشه ابوبکر و عمر و عثمان را کنار هم ذکر می‌کردیم» [به روایت احمد].

علی - رضی الله عنه - پس از وفات ابوبکر و عمر می‌گوید: «عثمان بهترین و پاک‌ترین ما بود».

و عایشه (رضی الله عنها) می‌گوید: «او بهترین آن‌ها در صلۀ رحم و باتقواترین آن‌ها بود».

او دیگر یاران پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - را بسیار دوست داشت و کنیه خود را از به نام ابوبکر صدیق، ابوعبدالله گذاشته بود و یکی از فرزندانش را عمر و یکی از دخترانش را عائشه نام نهاده بود.

هنگامی که رفاه و امنیت گسترش یافت و اسلام منتشر گردید بیمار دلان او را هدف قرار داده و در حالی که هشتاد و دو سال سن داشت او را در حالی که روزه‌دار بود و قرآن تلاوت می‌کرد به شهادت رساندند.

شهادت عثمان نخستین فتنه‌هایی بود که در این امت رخ داد. حذیفه - رضی الله عنه - می‌گوید: «نخستین فتنه شهادت عثمان بود و آخرین آن خروج دجال».

صحابه با شهادت او بسیار اندوهگین شدند. علی - رضی الله عنه - روز شهادت عثمان فرمود: «خود را انکار کردم». و هنگامی که خبر شهادت وی به سعد بن ابی وقاص - رضی الله عنه - رسید برای او آمرزش خواست و دعای رحمت نمود و بر قاتلان وی چنین نفرین کرد که: «خداوندا آنان را پیشمان کن و سپس به عذاب بگیر». سعد مستجاب الدعوه بود و برخی از سلف سوگند می‌خوردند که همه قاتلان عثمان کشته شد. اما بعد ای مسلمانان:

محبت صحابه پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - و دفاع از آنان و پیروی از راهشان واجب است زیرا آنان بودند که دین خدا و شریعت او را حفظ کردند و به ما رساندند و آن‌ها کامل‌ترین محبت را نسبت به رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - در دل داشتند و به بهترین وجه از او پیروی می‌کردند.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

﴿مَنْ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَلُوا تَبْدِيلًا﴾ [الأحزاب: ۲۳].

خداوند برای من و شما در قرآن بزرگ برکت نهاده و با آیات و ذکر حکیم سود رساند. آنچه را شنیدید گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از هر گناهی آمرزش خواسته پس از او آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش مخصوص خداوند است برای احسانش و او را برای توفیق و امتنانش سپاس می‌گوییم و گواهی می‌دهم که معبودی به حق جز الله نیست که تنها و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر اوست. درود و سلام خداوند بر او و بر اهل بیت و یاران او باد.

ای مسلمانان:

سود مسلمانان به دیگران می‌رسد و آنچه عثمان - رضی الله عنه - برای خود و برای اسلام و مسلمانان انجام داد از جمله کارهای نیک و فتوحات و وارد شدن مردم به دین خدا و جمع قرآن، همه‌اش جزو نیکی‌های ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - نیز به شمار می‌رود زیرا این او بود که عثمان را به اسلام دعوت کرد و اینگونه او یکی از سابقین و خلفای راشدین گردید. خلفایی که ما به پیروی از آنان امر شده‌ایم.

پس بر هر مسلمان لازم است که دیگران را به این دین و پایبندی به آن امر کند زیرا اگر خداوند به واسطه‌ی تو یکی تن را هدایت کند برایت از شتران سرخ بهتر است.

سپس بدانید که خداوند شما را به درود و سلام بر پیامبرش امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

خداوند بر پیامبران محمد درود و سلام فرست و راضی و خشنود باش از خلفای راشدین آنان که به حق حکم می‌نمودند: ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه پیامبرت و همچنین از ما با عفو و کرم خویش راضی و خشنود باش ای گرامی‌ترین گرامیان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، و شرک و مشرکان را خوار گردان و دشمنان دین را نابود ساز و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امنیت و رفاه بدار ای دارای جلال و بزرگواری.

خداوندا ما از فتنه‌های آشکار و نهان به تو پناه می‌بریم. خداوند بدی بدان و توطئه

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است که دانای غیب و عیان است، پروردگار همه چیز و مالک آن است، او که آفرید و نیک آفرید، ستایش در دنیا و آخرت از آن اوست حکم از آن اوست و به سوی او باز خواهید گشت. و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر او و برگزیده و خلیل او و بهترین بندگان اوست. او که رسالت را ابلاغ کرد و امانت را ادا نمود و برای امت خیرخواهی کرد و در راه خداوند آنگونه که شایسته بود جهاد نمود پس درود و سلام خداوند بر او و بر اهل بیت پاک و اصحاب نیک وی و تابعین و همه کسانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند.

بندگان خداوند تقوای او را پیشه سازید و بدانید که راست‌ترین سخن، کلام خداست و بهترین راه و روش محمد - صلی الله علیه و آله وسلم - است و بدترین کارها در دین نوآوری است و هر نوآوری در دین بدعت است و هر بدعتی گمراهی است.

بندگان خداوند:

ملت‌ها و جوامع در اوج تمدن خود زندگی می‌کنند تا جایی که از آن سیر شده و پس از سیری دچار دل‌درد و استفرغ شده‌اند و پس از استفرغ باز دچار گرسنگی شده‌اند! مشخص است که ضرر دل‌درد کم‌تر از گرسنگی نیست!

ما در این زمانه انبار بزرگی از اطلاعات در زمینه علم و فقه و رسانه و سیاست و اقتصاد و اندیشه در اختیار داریم. زندگی مردم نیز به طور کلی پر است از چالش‌ها و مشکلات، جوامع نیز کم و زیاد با بحران‌ها دست به گریبان هستند و هیچ جامعه‌ای از آن در امان نیست مگر آنکه خداوند آن را مورد رحمت قرار دهد.

از میان این بحران‌ها پراثرترین و خطرناک‌ترین آن‌ها که استقرار جوامع را مورد تهدید قرار می‌دهد بحران‌های فکری و فرهنگی و سیاسی است که پس از دوران وفاق و همگرایی و نیروی مرجعیت و دینداری، این جوامع را در نوردید و باعث درگیری‌های

پی در پی لجام گسیخته و آشوبی کور گردید که در آن، تنها مدعی وجود دارد و مدعی علیه و دشمنی!

هر که ادعایی دارد و آن را حق می‌داند و چه می‌گویید در مورد دعوایی که قاضی ندارد؟!

آری ای بندگان خداوند... در چنین شب تاریکی ماه کامل کم است، ماهی که تاریکی دشمنی و عیب‌جویی را در نوردد و این ماه کامل چیزی نیست جز «حکمت». آن حکمتی که در سایه این اختلافات حضور ندارد، حکمتی که به ساحل امنیت راهنما است، حکمتی که هر جامعه‌ای که صلاح خود را می‌خواهد به آن نیازمند است تا اولویت‌ها و درجه مفسده‌ها و مصلحت‌ها را برای آن‌ها مشخص سازد.

حکمتی که جز در درون پاک انسان‌های صادق و تلاشگر و یا دانشمندان آگاه و یا سیاستمداران ماهری که به اوضاع جامعه خود آگاهند و نسبت به پروردگار خود مخلصند و پیرو پیامبرند و نسبت به استقرار جامعه خود حریصند وجود ندارد.

حکمت، از ریشه حُکَم است که در عربی به معنای مَنع می‌آید، گو اینکه حکمت انسان را از بدی‌ها منع کرده و به سوی زیبایی سوق می‌دهد. در عربی می‌گویند: چارپا را حُکَم کردم یعنی آن را از حرکت باز داشتم.

حکمت همه‌اش خیر است و جز خیر نمی‌آورد و هرگز از آن به بدی یاد نشده است؛ نه در کتاب خدا و نه در سنت پیامبرش - صلی الله علیه وآله وسلم - و نه در سخن پیشینیان.

مردم بر سه دسته‌اند: حکیمان و عجولان و جاهلان. حکیم، دین شریعت اوست و رای نیک مرام او. اما عجول، اگر سخن گوید عجله می‌ورزد و اشتباه می‌کند. جاهل نیز اگر با او سخن بگویی با تو بدی می‌کند و اگر به او اطمینان کنی مراعات نکند.

در قرآن و سنت حکمت به معانی مختلفی آمده است. لفظ حکمت ۲۰ بار در قرآن تکرار شده است و خداوند خود را حکیم خوانده و حکمت یکی از صفات اوست.

در تعریف حکمت آمده است که قرار دادن هر چیز در جای مناسب آن را حکمت گویند و همچنین گفته شده: انجام دادن کار شایسته در وقت شایسته را حکمت گویند و این شامل‌ترین تعریف حکمت است و حکمت کامل‌کننده علم و فقه است چنانکه خداوند در ثنای پیامبرش سلیمان می‌فرماید:

﴿فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ ۚ وَكُلًّا آتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا﴾ [الأنبياء: ۷۹].

«پس آن را به سلیمان فهمانیدیم و به هر دوی آنان حکمت و علم عطا کردیم». همچنین خداوند با موهبت حکمت بر لقمان منت نهاد و فرمود:

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ﴾ [لقمان: ۱۲].

«و بی‌شک لقمان را حکمت عطا کردیم».

پس حکمت متنی است از سوی خداوند بر بندگانیش زیرا هیچ بنده‌ای پس از ایمان و اخلاق نیک، عطایی باارزش‌تر از حکمت از خداوند دریافت نکرده است چرا که حکمت موهبتی است که خداوند خاص هر کدام از بندگانیش که بخواهد می‌گرداند. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ﴾ [البقرة: ۲۶۹].

«حکمت را به هر که بخواهد می‌دهد».

حکمت خیری است بسیار که همه مکارم اخلاق و رفتارهای نیک را برای بنده یکجا می‌کند زیرا این حکمت است که اساس همه این‌هاست و راست گفت خداوند متعال آنجا که فرمود:

﴿وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَدْرِكُهُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ [البقرة: ۲۶۹].

«و هر که را حکمت دهند خیر بسیاری داده‌اند و کسی جز صاحبان خرد یاد آور نمی‌گردد».

چه زیانکار است هر که برای رسیدن به حکمت تلاش نکند و چه بی‌خرد است آنکه حکمت را نخواهد و چه اندازه بنده هوای نفس است آنکس که از آن سر باز زند.

حکمت نه با مال خریده می‌شود و نا با طلا و جواهرات و به دست آوردن آن دشوارتر از به دست آوردن مروارید از اعماق دریاها است، پس چه کند آنکه حکمت را ندارد و از چه بترسد آنکه حکمت به او عطا شده است؟!

حکیم می‌داند کی سخن بگوید و کی ساکت بماند زیرا گروهی از مردم هستند که گرامی داشته نمی‌شوند مگر به سبب آنچه می‌گویند و مورد اهانت قرار نمی‌گیرند مگر به سبب آن و حکیم می‌داند کجا مورد بزرگداشت قرار می‌گیرد و کجا مورد اهانت، زیرا او به این آگاه است که اگر بگوید شاید پشیمان شود و اگر سخنی را نگوید پشیمان نخواهد شد و او در برابر آنچه نگفته است بهتر می‌تواند از خود دفاع کند تا آنچه که گفته است و سخن را تا هنگامی که نگفته‌ای مالک آنی و اگر به زبانش آوردی آن مالک توست.

چه بسا انسان با سکوت حکمت را به دست آورد و چه بسا گاه با سخن گفتن آن را به دست آورد و هنگام سختی‌ها و بحران‌ها است که حکیمان شناخته می‌شوند، یعنی کسانی که منافع شخصی و هوا و هوس و شهوات و شبهات آن‌ها را هدایت نمی‌کند.

شیخ الاسلام ابن تیمیه - رحمه الله - برای ما مثالی بسیار زیبا را در مفهوم حکمت از خلال برخورد با وضعیت موجود و تعامل با مخالفان به نمایش گذاشته است آنجا که می‌گوید: «من به جهمی که معتقد به حُلُول بودند و همین‌طور به کسانی که صفات خداوند را نفی می‌کردند و معتقد بودند خداوند بر بالای عرش نیست می‌گفتم: اگر من با سخن شما موافقت کنم کافر خواهم شد چون من می‌دانم که سخن شما کفر است اما شما را کافر نمی‌دانم زیرا شما نادانید».

چه زیباست این علم که با حکمتی متین عطرآگین گشته است!

برای همین هنگامی که حادثه‌ای مبهم و ناشناخته و دارای عاقبتی مبهم باشد انسان‌های ساده و زود باور اولین کسانی هستند که در پی آن می‌افتند و به مانند دسته‌های پرندگان که به دنبال هم می‌روند با آن همراه می‌شوند. آنان در واقع حکمت را کم دارند و حکمت آمیخته‌ای است از علم و دانش نسبت به وضعیت و چالش‌های جدید پیش رو

تا از میان آن رای صحیح و روشی عملی که با ذهنیت عمومی جامعه هماهنگ است استخراج شود.

اینجاست که شخصیت حکیم و خردمندی که براساس دقت و حسابگری اندیشه می‌کند و براساس حساب دست به کار می‌برد و اسیر انفعال و شور و شوق یا سردی و یاس نمی‌شود و همه کارهای خود را با لجام عقل و اندیشه و میانه‌روی در کنترل خویش دارد، آشکار می‌گردد.

حکمت معدنی است با ارزش و کمیاب که با «کاش» و «اگر» و «شاید» به دست نمی‌آید و راست گفت رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - که فرمود: «مردم به مانند صد شترند که نزدیک است در میانشان یک شتر که برای سفر مناسب باشد نیابی» که این لفظ بخاری است و مسلم نیز آن را روایت کرده است.

پس حکمت همان گم شده مومن است که هر جایی بیابد آن را بر می‌گیرد اما کسی که کتاب خدا و سنت پیامبرش - صلی الله علیه وآله وسلم - راهنمای وی نباشند هرگز به آن دست نخواهد یافت زیرا در قرآن، حکمت پس از کتاب خدا ذکر شده است چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾ [النساء: ۵۴].

«به درستی که آل ابراهیم را کتاب و حکمت عطا کردیم».

گو اینکه در این آیه به این اشاره شده است که ممکن نیست حکمت به دور از کتاب خدا و سنت پیامبر وی - صلی الله علیه وآله وسلم - باشد زیرا عقل بشری به تنهایی برای به دست آوردن حکمت کافی نیست.

پیامبر ما - صلی الله علیه وآله وسلم - به اجماع خردمندان عاقل‌ترین و کامل‌ترین انسان‌ها است اما با این وجود خرد او به تنهایی و به دور از نور خداوندی و هدایت او کافی نبود برای همین خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا أَلَكِتَابُ وَلَا الْإِيمَنُ وَلَٰكِن جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِ مَن نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٥٢﴾﴾
 [الشوری: ۵۲].

«و همین گونه روحی از امر خودمان به سوی تو وحی کردیم تو نمی دانستی کتاب چیست و نه ایمان [کدام است] ولی آن را نوری گردانیدیم که هر که از بندگان خود را بخواهیم به وسیله‌ی آن هدایت می کنیم و به راستی که تو به خوبی به راه راست هدایت می کنی.»

خداوند برای من و شما در کتاب و سنت برکت داده و با آیات و ذکر حکیم سود رساند. آنچه را گفتم اگر صحیح بود از سوی خداوند و اگر خطا بود از نفس و شیطان بود و از خداوند آمرزش می خواهم که او بسیار آمرزنده است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله است و درود و سلام بر پیامبر خدا و بر اهل بیت و یاران او و هر که به راه و روش او تمسک جوید. اما بعد:

بندگان خداوند تقوای او را پیشه سازید و بدانید که بسیاری از مردم با وابستگی‌های گوناگون ادعای حکمت نمودند تا جایی که در این کشمکش فقیه و سیاستمدار و اقتصاددان و روزنامه‌نگار و اهل رسانه و نادان و همه وارد عرصه شده‌اند تا جایی که حکمت در میان غلو و بی‌توجهی پایمال گردیده و کمند آن‌هایی که در مورد آن، راه میانه‌روی گرفته باشند.

و گرنه آیا جامعه‌ای که صدای حکیمان در آن بلند باشد ممکن است از ناهماهنگی رنج برد و آیا ممکن است راه خود را گم کند؟ آیا در چنین جامعه‌ای طلاق و کلاه برداری و فریب و ستم و بی‌عدالتی و کشمکش تا این حد بالا خواهد بود؟ هرگز! هزار هرگز!

اما در نقطه‌ی مقابل باید از افتادن در حکمت دروغین که به هیچ اساسی از علم و هدایت و منطق وابسته نیست و بلکه برگرفته از ضعف و سستی و یا خشونت است و به عواقب کار توجه ندارد برحذر بود. و شایسته است عقل‌ها و فهم دیگران را بر کتاب خدا و سنت پیامبرمان حاکم نسازیم و خرده‌های ما تنها رهبر ما در شناخت آنچه صحیح و غیر صحیح است نباشد.

از حکمت دروغینی که تنها خرد ساده‌لوحان را نشانه می‌رود برحذر باشیم و حکمتی را بجوییم که خداوند برای ما خواسته است آنجا که می‌فرماید:

﴿أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَدِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾

[النحل: ۱۲۵].

«با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است مجادله نما».

و آنجا که می‌فرماید:

﴿فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾ [فصلت: ۳۴].

«آنگاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است گویی دوستی یکدل می‌گردد».

در جستجوی حکیمانی باشیم که در شناخت مصالح و مفساد ماهرند، حکیمانی که ارزش مصلحت برتر را می‌شناسند، مصلحتی که همبستگی را پایه‌گذاری می‌کند نه از هم گسیختگی. حکیمانی که والاترین مصلحت را بر می‌گزینند و در میان دو مفسده کم ضررترین آن را انتخاب می‌کنند و در هنگام تعارض میان مصلحت و مفسده در این شک ندارند که دور کردن فساد و زیان مقدم است بر به دست آوردن مصلحت؛ برای همین است که می‌گویند: حکیم آن نیست که بد را از خوب تشخیص می‌دهد بلکه حکیم آن است که میان دو خوبی بهترین آن و میان دو بدی بدترین آن را تشخیص می‌دهد. نه آنکه انسان به مانند پری در دست باد باشد که اگر به شرق بوزد به شرق رود و اگر به غرب بوزد به غرب!

و درود و سلام فرستید بر بهترین انسان‌ها و پاک‌ترین آن‌ها محمد بن عبدالله صاحب حوض و مقام شفاعت که خداوند نخست خود بر او درود فرستاده و پس از ملائکه شما را به آن امر نموده و فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [الأحزاب: ۵۶].

و رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «هرکه بر من یک درود فرستد خداوند به واسطه‌ی آن بر او ده درود خواهد فرستاد».

خداوندا بر بنده و پیامبر محمد درود و سلام و برکت ارزانی دار و از چهار خلیفه

پاک است و بی‌عیب پروردگار ما آن پروردگار عزت و بزرگی از آنچه به دروغ
وصفش می‌کنند و سلام بر پیامبر و الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

نقش شیطان در شعله‌ور ساختن فتنه‌ها

خطیب: دکتر اسامه خیاط

مسجد الحرام: جمعه ۶ ربیع الثانی ۱۴۳۲ برابر با ۲۰ اسفند ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

سپاس مخصوص خداوندی است که آفرید و به زیبایی آفرید و تقدیر نمود و هدایت
کرد، او را سپاس می‌گویم و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله واحد
بی‌شریک، آن آفریننده زمین و آسمان‌های بلند، و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما
محمد، بنده و پیامبر برگزیده و مورد رضایت اوست... خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد،
و بر اهل بیت و یاران نیک و متقی او درود و سلام فرست.

ای بندگان خداوند تقوای او را پیشه سازید و ایستادنتان در مقابل او در آن روزی که
بر وی عرضه می‌شوید را به یاد آورید، روزی که انسان از برادر خود و از مادر و پدرش
و از همسر و فرزندان‌ش می‌گریزد، زیرا هر کدام از آنان به کار خود مشغولند.

ای بندگان خداوند:

روش انسان آگاه و بیدار در نظر گرفتن کمال آمادگی در برابر مکر و توطئه

«همانا شیطان دشمن شماست پس او را دشمن بدارید همانا او حزب خود را فرامی‌خواند تا از یاران آتش باشند».

این دشمنی که با سرپیچی شیطان از سجده به آدم و در پی آن خارج ساختن وی از بهشت آغاز گردید خود را با وعده‌ای که شیطان برای گمراه سازی بنی‌آدم و در کمین نشستن برای آن‌ها در هر کمین‌گاه، به نمایش می‌گذارد؛ چنان که خداوند متعال ما را چنین آگاه ساخته و فرموده است:

﴿قَالَ فِيمَا آغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿۱۶﴾ ثُمَّ لَا تَيْتَنَّهُمْ مِّنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ ﴿۱۷﴾﴾ [الأعراف: ۱۶-۱۷].

«گفت پس به سبب آنکه مرا به بی‌راهه افکندی من هم برای [فریفتن] آنان حتما بر سر راه راست تو خواهم نشست (۱۶) آنگاه از پیش رو و از پشت سرشان و از طرف راست و از طرف چپشان بر آن‌ها می‌تازم و بیشترشان را شکرگزار نخواهی یافت».

همچنین در عهدی که شیطان با خود بسته است که هیچ راهی را برای گمراه‌سازی بنی‌آدم رها نسازد:

﴿وَلَا ضَلَّئَهُمْ وَلَا مَتَّبِعَتَهُمْ وَلَا مَرَّتَهُمْ فَلَيُبْتَلِئَنَّ ءَاذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَا مَرَّتَهُمْ فَلَيُعَذِّبُنَّ خَلْقَ اللَّهِ﴾ [النساء: ۱۱۹].

«و آنان را سخت گمراه و دچار آرزوهای دور و دراز خواهم کرد و وادارشان می‌کنم تا گوش‌های دام‌ها را شکاف دهند و وادارشان می‌کنم تا آفریده‌ی الله را دگرگون سازند».

اگر گمراه‌سازی و مشغول ساختن مردم با آرزوهای دروغین و دعوت آنان به بریدن گوش چارپایان و تغییر خلقت خداوند برخی از تیرهایی است که شیطان در تیردان خود دارد، اما چیزی هست که شیطان بیش از هر چیز دیگری آن را بد می‌داند و آن الفت و همدلی و مهربانی میان مسلمانان و وحدت میان آنان است.

این، شیطان را بر آن می‌دارد که در جهت برانگیختن اسباب تفرقه میان آن‌ها و کاشتن تخم فتنه با ایجاد درگیری میان آنان به هدف قطع رابطه برادری، تلاش نماید. این همان «تحریش» و دو به هم زنی است که پیامبر خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - در مورد آن

هشدار داده و فرموده است: «شیطان از این نا امید شده است که نمازگزاران در جزیرهٔ العرب او را عبادت کنند اما در ایجاد دشمنی میان آن‌ها امید دارد» [به روایت مسلم و احمد و ترمذی از حدیث جابر بن عبدالله].

تلاش برای ایجاد دشمنی و اختلاف و امید او برای رسیدن به این هدف همچنان باقی است و نا امیدی به آن راه نیافته است، برای همین است که او برای این هدف تلاش می‌کند و با حیل‌های گوناگون برخی از فرزندان این امت را به جان برخی دیگر می‌اندازد؛ با برانگیختن عوامل نزاع و دشمنی آن هم به واسطهٔ روش‌هایی که آن را در دید دیگران به صورت مصلحت‌هایی خردمندانه به نمایش می‌گذارد و در این راه از کسانی که گام‌های او را می‌پیمایند و زیر پرچم او حرکت می‌کنند سود می‌جوید چنانکه در حدیثی که امام مسلم در صحیح خود از حدیث جابر بن عبدالله - رضی الله عنه - روایت کرده است آمده که گفت: شنیدم رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرمود: «عرش ابلیس در دریا است پس لشکریان خود را می‌فرستد تا بین مردم فتنه بیاندازند و بزرگ‌ترین سربازان نزد او آنان هستند که بیشتر فتنه‌گری می‌کنند؛ یکی از آن‌ها می‌آید و می‌گوید: چنین و چنان کردم. شیطان می‌گوید: کاری انجام نداده‌ای. سپس دیگری می‌آید و می‌گوید: چنین و چنان کرده‌ام. شیطان می‌گوید: کاری نکرده‌ای. و یکی دیگر از آن‌ها می‌آید و می‌گوید: او را ترک نکردم تا میان او و همسرش جدایی انداختم. پس ابلیس او را به خود نزدیک کرده و می‌گوید: آفرین بر تو».

ببینید شیطان با برادران یوسف چکار کرد آنگاه که میان او برادرانش دشمنی انداخت و آنان در حق او دشمنی و نیرنگ رو داشتند.

جز اینکه صاحبان خرد، آنانی که خداوند شیطان را بر آنان مسلط نساخته است می‌دانند پروردگار مهربانشان همانگونه که آنان را از اطاعت شیطان و دوست گرفتن وی برحذر داشته است، همانگونه نیز در کتاب خود به آنان آشکار نموده است که چگونه از تفرقه‌اندازی و فتنه‌گری شیطان در امان بمانند.

در مقدمه این توصیه‌های قرآنی اعتصام به ریسمان الهی قرار دارد، آنگونه که خداوند به ما امر نموده است، خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِّنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ [آل عمران: ۱۰۳].

«و همگی به ریسمان الله چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آنگاه که دشمنان [یکدیگر] بودید پس میان دل‌های شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید این گونه خداوند نشانه‌های خود را برای شما روشن می‌کند باشد که شما راه یابید».

که این امر به پایبندی به دین اسلام و یا قرآن است و چنانکه امام مسلم در صحیح خود و امام احمد در مُسند از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت کرده‌اند که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «همانا خداوند متعال از سه چیز بر شما خشنود است و سه چیز را برای شما بد می‌دارد؛ اینکه او را عبادت کنید و به او چیزی شریک نیاورید و اینکه به ریسمان خداوند چنگ زنید و دچار تفرقه نشوید و اینکه والیان امر را نصیحت کنید، دوست می‌دارد و برای شما سخن گفتن در کار دیگران و درخواست بسیار و هدر دادن مال را بد می‌دارد».

همچنین یاد نمودن نعمتی که خداوند بر بندگانش ارزانی داشته از جمله نعمت برادری در دین، پس از دشمنی‌های جاهلیت و درگیری‌ها و انتقام‌های جاهلی.

و از جمله این عوامل: پیروی نمودن از راه مستقیم خداوند و دوری از برگرفتن راه‌های متفرق است زیرا بر هر کدام از این راه‌ها شیطانی است که به آن دعوت می‌دهد، چنانکه در حدیثی که امام احمد و نسائی و ابن حبان و حاکم با اسناد صحیح از عبدالله بن مسعود - رضی الله عنه - روایت کرده‌اند چنین آمده که وی فرمود: روزی رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - خطی کشید و گفت: «این راه خداوند است» سپس خط‌هایی در سمت راست و چپ آن کشید و گفت: «این‌ها دیگر راه‌هاست، که بر هر راهی از آن‌ها

شیطانی است که به سوی آن دعوت می‌دهد» سپس این آیه را خواند: «و بدانید که این راه مستقیم من است پس آن را پی بگیرید و از دیگر راه‌ها پیروی نکنید که شما را از راه او پراکنده سازد. این‌هاست که شما را به آن سفارش نموده است باشد که تقوا پیشه سازید» [الأنعام: ۱۵۳].

این سفارشی است ربانی و بزرگوار از پروردگاری مهربان، سفارشی برای بندگانش که راه خداوند را در پی گیرند و از آن کنار نروند و راهی دیگر نجویند و دینی جز آن نگیرند چرا که اگر آنان راه‌های شیطان را در پی گرفتند آنان را به انحراف کشانده و از راه خداوند و دین او که برای آنان قرار داده است دور می‌گرداند که آن دین اسلام است، دینی که پیامبرانش را به آن سفارش نموده و امت‌های پیش از ما را به بر گرفتن آن امر نموده است.

از دیگر راه‌های سالم ماندن از دو به هم زنی و فتنه‌انگیزی شیطان عادت دادن زبان به سخن نیک است چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا ﴿۵۳﴾﴾ [الإسراء: ۵۳].

«به بندگانم بگو آنچه را بهتر است بگویند، همانا شیطان میان آن‌ها دشمنی می‌اندازد. شیطان برای شما دشمنی آشکار است».

این آیه - چنانکه حافظ ابن کثیر می‌گوید: «دستوری است از سوی خداوند تبارک و تعالی به پیامبرش که بندگانش را چنین امر نماید که در سخنشان با یکدیگر و گفتگوهایشان بهترین سخن را به زبان آورند زیرا اگر چنین نکنند شیطان میان آنان را به هم زده و سخن [بد] آن‌ها را به مرحله عمل در آورده و شر و دشمنی و درگیری رخ می‌دهد».

زیرا سخن نیک پیام‌آور نیکی و راهبر انسان به سوی همگرایی و راهی به اتحاد و شکست شیطان و ناموفق ساختن تلاش وی برای ایجاد فتنه و تفرقه میان فرزندان یک

امت است، همان تنازعی که خداوند بندگانش را نسبت به آن و عاقبت بد آن هشدار داده و فرموده است:

﴿وَلَا تَنْزِعُوا قَتَفَشْلُوا وَتَذَهَبَ رِيحُكُمْ﴾ [الأنفال: ۴۶].

«و با هم کش مکش نکنید که ضعیف شده و هیبتتان از بین می‌رود».

برای آنانی که با یکدیگر دشمنی می‌ورزند همین سستی و شکست به عنوان عاقبت بد کارشان کافی است، همین به عنوان هشدار برای صاحبان خرد کافی است که خود را از وسوسه شیطان و در پی گرفتن گام‌های او دور بدارند و خود را از در پی گرفتن راه‌های او که آن را با سخنان خود زینت می‌دهد کنار گیرند، راه‌هایی که پیروان او، آنانی که رهبری خود را به او سپرده‌اند در پی می‌گیرند و آن را با وعده‌ها و آرزوهای دروغین زینت می‌دهد. راه‌هایی که در این زمانه خود را به صورت‌های مختلف که حد و مرز ندارد نشان داده است از جمله رسانه‌های جدید و اینترنت، به طوری که امروزه برای خود عرصه‌ای بدون مرز و میدانی برای نشر دعوت‌ها و ترویج آن در اختیار دارد.

ویژگی فتنه آن است که زیان آن فراگیر است و تنها ویژه یک شخص و یک گروه نیست و هرکه به آن وارد شود در آن می‌افتد... نشسته در آن بهتر از ایستاده است و ایستاده بهتر از رونده و رونده بهتر از دونده، چنانکه رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - در احادیث صحیح که بخاری و مسلم روایت نموده‌اند، بیان فرموده است.

پس ای بندگان خداوند، تقوای او را پیشه سازید و بدانید که در پایبندی شما به ریسمان الهی و پیروی از راه راست او و دوری از پیروی دیگر راه‌ها و محافظت بر اسباب وحدت بهترین توشه برای رسیدن به رضوان خداوندی و شکست شیطان و برگرداندن نیرنگ وی و شکست لشکریان و پیروان اوست.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

﴿يَأْتِيهَا النَّاسُ كُلُّوْا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَلًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿۱۶۸﴾ إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوْءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿۱۶۹﴾﴾

[البقرة: ۱۶۸-۱۶۹].

«ای مردم از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه را بخورید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست (۱۶۸) همانا او شما را به بدی و فحشا امر می‌کند و شما را وا می‌دارد که بر خداوند آنچه را نمی‌دانید به دروغ نسبت دهید».

خطبه‌ی دوم:

ستایش مخصوص خداوند است که پروردگار جهانیان است، رحمان است و رحیم است و مالک روز جزا است، او را ستایش می‌کنم و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد بنده خداوند و پیامبر او خاتم انبیا و امام آنان است. خداوند بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یاران نیک و پاک او و بر تابعین و آنانی که به نیکی تا قیامت از او پیروی کنند درود و سلام فرست.

اما بعد ای بندگان خداوند:

گرچه نعمت‌های خداوند که با آن بر بندگان منت نهاده است بسیار است و قابل شمارش نیست چنانکه خود او فرموده است: «اگر نعمت خداوند را بشمارید نمی‌توانید آن را در شمار آورید» [ابراهیم: ۳۴] اما با این وجود هنگامی که خداوند خواست قریش را به نعمت‌های خود یاد آور شود چنین فرمود: «آنکه آنان را از گرسنگی غذا داد و از ترس ایمنی بخشید» [قریش: ۴].

وی دو نعمت خود را بر آنان یادآور گردید: نعمت سیری و نعمت امنیت و در نام بردن از این دو نعمت سر بزرگی نهفته است که خداوند مفسران و آگاهان مُلهم را به سوی کشف و بیان اسرار آن توفیق داده است که حاصل آن چنین است که: این دو نعمت بزرگ غایت زندگی بر روی زمین است، زیرا سیری اساس آزادی اقتصادی و امنیت نیز ملاک آزادی‌هاست سیاسی است که با این دو، عدالت اجتماعی و عدالت سیاسی سایه

اگر جامعه‌ای این دو نعمت را به دست آورد لازم است که حق خداوند را ادا نماید که همان ایمان به خداوند و شتاب در طاعت وی و به دست آوردن خشنودی اوست که با حلال دانستن حلال و حرام دانستن حرام‌های او است:

﴿فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ﴾ [قریش: ۳].

«پس باید پروردگار این خانه را عبادت کنند».

آنچه در سنت رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - وارد شده است تاکید و بیانی است بر این مطلب. رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «هرکه شب را با امنیت در خانه‌اش به سر برد و بدنش سالم باشد و نان یک روز و شیش را داشته باشد مانند این است که همه‌ی دنیا در اختیار او قرار گرفته است» [به روایت ترمذی با سند حسن].

حال اگر ملت‌ها همه این خیرات را فراموش کرده و بر پروردگار خویش سرکشی کنند لذت‌ها و ضروریت‌های زندگی بر آنان حرام می‌گردد چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّن كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾ [النحل: ۱۱۲].

«و الله شهری را مثل زده است که امن و امان بود [و] روزی‌اش از هر سو فراوان می‌رسید پس [ساکنانش] نعمت‌های الله را ناسپاسی کردند و الله هم به سزای آنچه انجام می‌کردند طعم گرسنگی و هراس را به [مردم] آن چشانید».

در برابر نعمت سیری و امنیت، بلای گرسنگی و نا امنی قرار دارد تا این معنی خود را بطور واضح نشان دهد.

پس ای بندگان خداوند تقوای او را پیشه سازید و نعمت خداوند را بر خود به یاد داشته باشید که شما را به اسلام هدایت نمود و با نعمت‌های بی‌شمار بر شما منت نهاد و نعمت خداوند را با کفر عوض نکنید و به یاد داشته باشید که خوشبخت آن است که با عبرت‌های روزگار پند گیرد و برای رسیدن به خشنودی پروردگار وسیله جوید.

و همیشه به یاد داشته باشید که خداوند شما را به درود و سلام بر خاتم پیامبران و امام متقیان و رحمت بر جهانیان امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد درود و سلام فرست و از چهار خلیفه‌ی وی ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر اهل بیت و تابعین و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند راضی و خشنود باش و همچنین از ما با عفو و کرم و احساس خویش راضی باش ای گرامی‌ترین گرامیان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت بخش، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت بخش، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت بخش، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت بخش و همه سرزمین‌های مسلمان را از نیرنگ نیرنگ‌بازان و کینه کینه‌توزان حسد حسودان و تسلط دشمنان حفظ نما.

خداوندا ما را از دشمنان آنطور که می‌دانی حفظ نما، خداوندا این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را بهره‌مند از همه خوبی‌ها و به دور از همه بدی‌ها بدار.

خداوندا مسلمانان را در لیبی حفظ نما، خداوندا مسلمانان را در لیبی و دیگر سرزمین‌های مسلمان حفظ نما و ما و آن‌ها را از نگرانی‌ها و فتنه‌های ظاهر و آشکار در امان بدار و کلمه آنان را بر حق یکی بگردان.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان در امن و امان بدار، خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان در امن و امان بدار و مسئولان و والیان امر ما را اصلاح نما.

خداوندا عاقبت ما را در همه امور نیک گردان و ما را از خواری دنیا و عذاب آخرت دور بدار، خداوندا عاقبت ما را در همه امور نیک گردان و ما را از خواری دنیا و عذاب آخرت دور بدار.

خداوندا دین ما را که حافظ امر ماست و دنیای ما را که زندگی ما در آن است و آخرت ما را که بازگشت‌گاه ماست اصلاح نما و زندگی را برای ما عامل در زیاده نیکی‌ها و مرگ را عامل راحتی از هر بدی قرار ده.

خداوندا ما از تو انجام نیکی‌ها و ترک بدی‌ها و دوستی بینوایان را مسالت داریم و اینکه ما را مورد مغفرت و رحمت خویش قرار دهی و اگر برای قومی اراده فتنه‌ای کردی ما را بی آنکه به فتنه افتیم به سوی خویش باز گردان.

خداوندا بیماران ما را شفا ده و مردگان ما را بیا مرز.

«پروردگارا ما به خود ستم نمودیم و اگر ما را مورد مغفرت و رحمت خویش قرار

ندهی بی تردید از زیانکاران خواهیم بود» [الأعراف: ۲۳].

«پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بدار» ز

[البقرة: 201].

و درود و سلام خداوند بر بنده و پیامبرش محمد و بر اهل بیت و یاران وی و

الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

اهمیت امنیت در زندگی

خطیب: دکتر حسین آل شیخ

مسجد نبوی شریف: جمعه ۱۳ ربیع الثانی ۱۴۳۲ برابر با ۲۷ اسفند ۱۳۸۹

خطبه‌ی اول:

ستایش مخصوص خداوند است برای نعمت‌های بی‌شمار او و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده و پیامبرسان او و نبی برگزیده خداوند است. خداوندا بر او و یاران متقی او درود و سلام و برکت ارزانی دار.

اما بعد، ای مسلمانان:

خود و شما را به تقوای خداوند جل و علا سفارش می‌کنم که با آن نیکی‌ها به دست

می‌آید و امنیت و سعادت حاصل می‌شود.

ای مومنان:

امنیت یکی از مهم‌ترین پیش نیازهای زندگی نیک و آسوده است و امنیت یعنی: سلامت از فتنه‌ها و بدی‌ها، و اطمینان و آرامش و استقرار و رفاه. حقیقت امنیت این است که انسان بر جان و مال و آبرو و املاک و داشته‌هایش ترس نداشته باشد. چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ادْخُلُوا مِصْرَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ عَامِنِينَ﴾ [یوسف: ۹۹].

«ان شاءالله با امن و امان به مصر وارد شوید».

﴿وَمَنْ دَخَلَهُ وَكَانَ عَامِنًا﴾ [آل عمران: ۹۷].

«و هر که به آن داخل شد در امن خواهد بود».

امنیت از بزرگ‌ترین نعمت‌ها و منت‌های خداوندی است و قدر آن را نمی‌داند مگر کسی که آن را از دست داده باشد و شب و روز و در سفر و حضر دچار ترس و نگرانی و وحشت و اضطراب شود.

امنیت، همان هدف بزرگی است که جوامع بشری در پی آن هستند و برای رسیدن به آن از هم سبقت می‌جویند. خداوند متعال بر قوم سبأ چنین منت گذاشته و می‌فرماید:

﴿سِيرُوا فِيهَا لِيَالِي وَأَيَّامًا عَامِنِينَ﴾ [سبأ: ۱۸].

«روز و شب‌ها با امنیت در آن سیر کنید».

و خطاب به قریش می‌فرماید:

﴿فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ ۚ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِّنْ جُوعٍ وَعَآمَنَهُمْ مِّنْ خَوْفٍ﴾

[قریش: ۳-۴].

«پس پروردگار این خانه را عبادت کنند (۳) آنکه آنان را در گرسنگی غذا داد و از ترس در امان قرار داد».

و در حدیث از رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - چنین آمده است که فرمودند: «هر که شب را در خانه‌ی خود با امنیت به صبح رساند و در بدن خود سالم باشد و غذای

آن روز خود را داشته باشد مانند این است که همه‌ی دنیا در اختیار او گذاشته شده است»
[به روایت بخاری در ادب المفرد و ترمذی و ابن ماجه].

برای اهمیت و جایگاه بزرگی که امنیت دارا است رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - در دعای خود چنین می‌فرمود: «خداوند پوشیده‌های من را بپوشان و مرا از ترس‌هایم در امان دار» [به روایت احمد و ابوداود، حاکم آن را صحیح دانسته است].
از خداوند متعال می‌خواهیم پوشیده‌های ما را پوشانده و ترس ما را از بین ببرد.

ای مسلمانان:

در صورت مختل شدن امنیت و به لرزه افتادن ارکان آن چه فتنه‌های گسترده‌ای که رخ خواهد داد و چه شر همه‌گیری به وقوع خواهد پیوست زیرا نا امنی نتیجه‌ای جز ریخته شدن خون و کشته شدن بی‌گناهان و برانگیخته شدن فتنه‌های کور و جنایت‌های ناهنجار و کارهای ناشایست نخواهد داشت.

بر این اساس، امنیت در اسلام مقصدی است از مقاصد بزرگ آن که برای تضمین و حفاظت از آن احکامی تشریح شده است تا از دست درازی به آن جلوگیری شود زیرا نصوص قطعی شریعت برای وجوب محافظت از ضرورت‌های پنجگانه که همان دین و جان و عقل و آبرو و مال است به کثرت آمده است. شریعت هر وسیله‌ای را که به این مقاصد پنجگانه ضربه زند حرام قرار داده و احکامی را قرار داده است که از تعرض به آن جلوگیری نماید.

بلکه فراتر از آن، اسلام هر کاری را که باعث ضربه زدن به امنیت و آرامش و استقرار جامعه گردد حرام قرار داده و براساس اهمیتی که برای حفظ نعمت امن و امان قائل است نسبت به هر کاری که باعث انتشار ترس و وحشت و اضطراب گردد هشدار داده است.

بر اساس این خواستگاه، رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - از انجام هر کاری که باعث ضربه زدن به امنیت و استقرار گردد نهی نموده و فرموده است: «برای مسلمان حلال نیست که مسلمان دیگری را بترساند» [به روایت احمد و ابوداود].

و می‌فرماید: «کسی از شما با سلاح به برادرش اشاره نکند که او چه می‌داند شاید شیطان دست او را بلغزاند و در چاله‌ای از چاله‌های آتش بیفتد» [متفق علیه].

بلکه اهمیت اسلام نسبت به این موضوع به جایی رسیده است که هر چیزی را که باعث آزار مسلمانان در راه‌ها و بازارهایشان گردد حرام قرار داده و در حدیث آمده است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «از نشستن در راه‌ها برحذر باشید» و فرموده است: «اگر کسی از شما از مساجد و بازارهای ما عبور کرد در حالی که تیرهایی در دست دارد سر آن‌ها را نگه دارد تا مبادا به کسی از مسلمانان بر خورد کند» [متفق علیه].

این اسلام است که برای محقق ساختن مصلحت‌ها و تکثیر آن و از بین بردن مفسده‌ها و کم کردن آن آمده است زیرا احکام غرّای اسلام هر کار یا عملکرد یا دعوتی را که باعث به خطر افتادن امنیت جامعه شود جنایتی بزرگ و مفسده‌ای آشکار به شمار آورده است زیرا پروردگار ما - جَلَّ و عَلا - می‌فرماید:

﴿وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا﴾ [الأعراف: ۵۶].

«و در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید».

و می‌فرماید:

﴿وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ﴾ [المائدة: ۶۴].

«و الله اهل فساد را دوست ندارد».

چه بیانی واضح‌تر از این بیان؟

ای امت اسلام:

بزرگ‌ترین راه برای به دست آوردن امنیت همه جانبه، محقق ساختن توحید خالص و پایبندی به عقیده صحیح و تعلق کامل به خداوند عزوجل است:

﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ﴾

[الأنعام: ۸۲].

«آنان که ایمان آوردند و ایمان خود را با ستم (شرک) نپوشاندند آنانند که امنیت برای آن‌هاست و آنان هدایت شدگانند».

امنیت با همه جنبه‌های آن جز با محقق ساختن طاعت مولا - جل و علا - و پابندی به شریعت و منهج او و محافظت از سنت پیامبرش - صلی الله علیه وآله وسلم - به دست نخواهد آمد:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾ [النور: ۵۵].

«الله به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین قرار دهد همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند».

ای جمع مومنان:

همچنین از جمله اسباب به دست آمدن امنیت باز گرداندن هرگونه کشمکش در امور دنیا و دین به دو اصل بزرگ و دو وحی حکیم - قرآن و سنت - است:

﴿فَإِن تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ [النساء: ۵۹].

«پس هر گاه در امری اختلاف نظر یافتید اگر به الله و روز بازپسین ایمان دارید آن را به [کتاب] الله و [سنت] پیامبر [او] عرضه بدارید این بهتر و نیک‌فرجام‌تر است».

و در پی آن، این که مردم به ویژه در دوران‌های فتنه به علمای شریعت که با فهم دقیق و استنباط عمیق و تجربه طولانی به مسائل می‌نگرند، رجوع کنند زیرا پروردگار ما می‌فرماید:

﴿وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَىٰ أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنبِطُونَهُ مِنْهُمْ﴾ [النساء: ۸۳].

«و چون خبری [حاکمی] از ایمنی یا وحشت به آنان برسد انتشارش دهند و اگر آن را به پیامبر و اولیای امر خود ارجاع کنند قطعا از میان آنان کسانی‌اند که [می‌توانند درست و نادرست] آن را دریابند».

برادران و خواهران مسلمان:

از جمله اسباب فراهم گشتن امنیت، اطاعت والیان امر است و این یکی از اصول واجب دینی و عقیده‌ای از عقاید اهل سنت و جماعت است که براساس آن مصلحت‌بندگان در زندگی این دنیا تامین شده و از بلاها در امان می‌مانند.

همچنین چنگ زدن به ریسمان خداوندی و همکاری در نیکی و تقوا و استجابت این سخن خداوند متعال که می‌فرماید:

﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ [آل عمران: ۱۰۳].

«و همگی به ریسمان الله چنگ زنید و پراکنده نشوید».

و رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «مثال مومنان در محبت و دلسوزی و مهربانی که میان هم دارند مانند یک بدن است که اگر عضوی از آن به درد آید دیگر اعضا با شب بیداری و تب با آن همدردی می‌کنند» [متفق علیه].

که از جمله آن نصیحت و مهربانی دو جانبه میان حاکم و مردم براساس راه و روش نبوی ریشه‌دار در اخلاص برای خداوند و تعاون بر حق با مراعات مبادی نرم‌خویی و حکمت و لطف است به گونه‌ای که وحدت کلمه حاصل شده و قلب‌ها یکجا گردد و صف‌ها یکی شود. این همان نصیحت دو جانبه‌ای است که باعث به دست آمدن منافع و دور ساختن مفسد با استفاده از کلمه نیک و روش زیبا می‌گردد به طوری که حاکمان و مردم به سوی خیر و صلاح و پیشرفت حرکت کرده و مردم را از دو دستگی و پراکندگی و آشوب حفظ می‌کند.

از بزرگ‌ترین اسباب از بین رفتن امنیت و به وقوع پیوستن فاجعه‌های طبیعی، روی گرداندن از طاعت خداوند و پیامبر وی - صلی الله علیه وآله وسلم - و افشای گناهان و بدی‌ها است. پروردگار ما می‌فرماید:

﴿وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرِيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾ [النحل: ۱۱۲].

«و الله شهری را مثل زده است که امن و امان بود [و] روزی اش از هر سو فراوان می‌رسید پس [ساکتانش] نعمت‌های خدا را ناسپاسی کردند و الله هم به سزای آنچه انجام می‌دادند طعم گرسنگی و هراس را به [مردم] آن چشانید».

همچنین از بزرگ‌ترین انواع این روی‌گردانی از خداوند که باعث انتشار فتنه‌ها و فقدان امنیت در برخی سرزمین‌های اسلامی گردیده است روی‌گرداندن از حاکم نمودن شریعت خداوند و عوض کردن آن با قوانین وضعی و بشری است در حالی که رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - فرموده است: «و مسئولان آنان به آنچه خداوند در کتاب خود نازل کرده است عمل نمی‌کنند مگر آنکه خداوند دشمنی آنان را میان یکدیگر قرار می‌دهد» [به روایت بیهقی و ابن ماجه].

به مدت یک قرن یا بیشتر است که جوامع مسلمانان هر از چند گاهی دچار بلا و مشقت و تفرقه می‌گردند و همه این‌ها به سبب روی‌گردانی از شریعت پروردگار جهانیان است.

از جمله اسباب به خطر افتادن امنیت، تفرقه و اختلاف میان مسلمانان است که این بارها و بارها باعث فساد اوضاع دینی و دنیوی و به وقوع پیوستن مشکلات و دردهای بسیار گشته است و خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ﴾ [الأنفال: ۴۶].

«و از الله و رسولش اطاعت کنید و کشمکش نکنید که سست شده و هیبت شما از بین برود».

و از بدترین و زشت‌ترین انواع تفرقه سرپیچی از ولی امری است که براساس شریعت خداوند حکم می‌راند و انجام ندادن دستور وی در غیر گناه؛ زیرا از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - فرمودند: «هرکه از امیر خود چیزی دید که آن را بد می‌داند بر آن صبر پیشه نماید که هر کس به اندازه‌ی

وجیبی از جماعت جدا گردد و سپس بمیرد بر مرگی جاهلی از دنیا رفته است» [به روایت ابن ماجه و حاکم].

پیامبر ما - صلی الله علیه وآله وسلم - راه شفا را برای ما به جا گذاشته است که اگر از آن پیروی کنیم بی شک در امن و امان و استقرار و رفاه زندگی خواهیم کرد. آنچه را شنیدید گفتم، و از خداوند برای خود و شما و دیگر مسلمانان از هر گناهی آمرزش می‌خواهم پس از او آمرزش خواهید که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

حمد و سپاس تنها از آن الله است و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده و پیامبرسان اوست. خداوندا بر او و بر اهل بیت و یارانش درود و سلام و برکت فرست. ای مسلمانان:

از جمله نعمت‌های خداوند در این سرزمین، نعمت امنیت است. مردم پیش از این در ترس و وحشت و نگرانی به سر می‌بردند تا جایی که حتی حجاج و معتمران از غارتگران و دزدان و قاتلان در امان نبودند چنانکه در کتب تاریخ بدان اشاره شده است. خداوند را برای این نعمت‌های با ارزش سپاس می‌گوییم. بیایید در این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمانی که خداوند به آن‌ها امنیت ارزانی داشته است شکر خداوند را به جای آوریم و برای محافظت از آن به همدیگر دست همکاری دهیم و از هر دعوتی که امنیت و استقرار این سرزمین‌ها را به خطر می‌اندازد دوری گزینیم که هیچ زندگی خوشی ممکن نیست مگر با امنیت و هیچ سعادت‌ی ممکن نیست مگر با استقرار و آرامش. برخی از سرزمین‌های اسلامی با تاسف تمام امروزه در فتنه‌هایی کور به سر می‌برند که عاقبت آن را تنها خداوند می‌داند.

بر مسلمانانی که در این سرزمین‌ها زندگی می‌کنند، چه مردم و چه آنانی که قدرت را در دست دارند لازم است که به سوی خداوند برگردند و رو به او و شریعت او آورند و اوضاع خود را براساس راه و روش محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - اصلاح نمایند که

ما هیچ نیازی نه به شرق و نه به غرب نداریم زیرا محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - هر چیزی را که باعث اصلاح اوضاع ما و دور گرداندن فساد از دنیا و آخرت ماست برای ما آورده است.

مسلمانان از این برحذر باشند که شیطان آن را در اموری واقع کند که عاقبت آن ناگوار است چنانکه در دوران استعمار برای ما اتفاق افتاد. خداوند متعال ما را از پیروی نمودن از گام‌های شیطان و گمراهی وی برحذر داشته و فرموده است:

﴿وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾ [البقرة: ۱۶۸].

«و اگر گام‌های شیطان پیروی نکنید که او برای شما دشمنی آشکار است».

و بدانید که بدترین چیز نزد خداوند پس از شرک ریختن خون مسلمان است و خداوند هرگز به چنین چیزی راضی نیست:

﴿وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا﴾ [النساء: ۹۳].

«و هر که مومنی را به عمد بکشد جزایش جهنم است که جاودان در آن می ماند و الله بر او خشم می گیرد و او را لعنت کرده و برای او عذابی بزرگ آماده ساخته است».

ای آنکه دستت را به خون مسلمان آلوده می کنی! آنگاه که در برابر خداوند خواهی ایستاد، خداوندی که تو را اینگونه برحذر داشته بود، چه خواهی کرد؟

و پیامبر ما - صلی الله علیه وآله وسلم - ما را نسبت به چنین اوضاعی هشدار داده و فرموده است: «پس از من به کفر برنگردید که برخی از شما گردن برخی دیگر را بزنند» گو اینکه او وضعیت امروز ما را بیان می کند! و فرموده است: «اگر دو مسلمان با شمشیرهایشان با هم روبرو شوند هم قاتل و هم مقتول در آتشند» گفته شد ای رسول خداوند! این قاتل است گناه مقتول چیست؟ فرمود: «او بر کشتن دوستش حریص بود» [متفق علیه].

خداوند ابر بنده و پیامبرت محمد درود و سلام و برکت ارزانی دار و از همه اصحاب و اهل بیت و کسانی که به نیکی از آنان پیروی نمایند راضی و خشنود باش.

خداوندا ما خاشعانه از تو می‌خواهیم مسلمانان را در هر جایی که هستند حفظ کنی، خداوند مسلمانان را هر جا که هستند حفظ نما، خداوندا جان‌ها و دین و مال و آبروی آن‌ها را حفظ نما، خداوندا این فتنه‌ها را خاموش کن، خداوندا این فتنه‌ها را به پایان رسان.

خداوندا بهترین آن‌ها را بر آن‌ها قرار ده، خداوندا بدان آنان را نابود ساز، خداوندا آنان را که طغیان پیشه کردند و ستم ورزیدند و با شریعت تو عناد ورزیدند نابود ساز. خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار گردان. خداوند اوضاع مسلمانان را اصلاح گردان. خداوندا مسلمانان را در لیبی حفظ نما، خداوندا مسلمانان را در فلسطین و افغانستان و عراق و بحرین و همه جا حفظ نما. خداوندا امنیت را برای ما محقق گردان، خداوندا امنیت را برای اسلام محقق گردان. خداوندا امنیت و استقرار مسلمانان را حفظ نما. خداوندا کلمهٔ آنان را بر قرآن و سنت یکی گردان. خداوندا آنان را نسبت به توطئهٔ دشمنانشان آگاه ساز و راه راست را به آنان بنما.

خداوندا مردان و زنان و مسلمان، مردگان و زندگان آن‌ها را مورد مغفرت قرار ده. خداوندا بیماران ما را شفا ده و مردگان ما را پیامرزی دارای جلال و بزرگواری. بندگان خداوند: خداوند را بسیار یاد کنید و او را صبحگاه و شامگاه تسبیح گوید. و آخرین سخن ما اینکه: الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

لزوم انصاف و دوری از هوای نفس و یک جانبه‌گرایی

خطیب: دکتر سعود الشریع

مسجد الحرام: جمعه ۲۷ ربیع الثانی ۱۴۳۲ برابر با ۱۲ فروردین ۱۳۹۰

خطبه‌ی اول:

حمد و سپاس از آن الله است. او را حمد گفته و از او یاری جسته و آمرزش می‌خواهیم و به سوی او توبه می‌کنیم و از بدی‌های نفس خود و کارهای ناشایستمان به الله پناه می‌بریم. الله هرکه را هدایت کند او گمراهگری نخواهد داشت و هرکه را گمراه سازد او هدایت‌گرای نخواهد یافت و گواهی می‌دهم که معبودی به حقی نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر اوست.

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تقوای الله را آنگونه که شایسته‌ی اوست پاس بدارید و نمی‌رید مگر در حالی که مسلمانید» [آل عمران: ۱۰۲].

«ای مردم از پروردگارتان پروا کنید. او که شما را از یک نفس آفرید و از آن همسرش را خلق نمود و از آن دو مردان و زنان بسیاری را پراکنده ساخت. پس از آن الله که به نام او می‌خواهید و از ارحام بترسید که همانا الله بر شما مراقب است» [النساء: ۱].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید از الله پروا دارید و سختی استوار گوئید (۷۰) تا کارهای شما را برایتان اصلاح نموده و گناهانتان را بیامزد و هرکه از الله و رسول او اطاعت نماید بی‌تردید پیروزی بزرگی به دست آورده است» [احزاب: ۷۰-۷۱].

اما بعد، ای مردم:

سخنی است بسیار مشهور که گذشتگان آن را از یکدیگر نقل کرده و مردمان به شرق و غرب رسانده‌اند و پسینان از پیشینان حکایت کرده‌اند تا آنکه تبدیل به سخنی فصل در اختلافات گردیده است و دیواری که جلو هرگونه تجاوزی را گرفته و هر گونه هوا و هوس و شبهه را دور می‌سازد و بر هر صاحب هوای منحرف اثر پتک و چکش دارد...

این سخن در بر گیرنده کلماتی است اندک با معنایی بس وسیع، این همان کلمات مشهوری است که از ابن عباس، و از مجاهد و از امام مالک - رحمت خداوند بر آنان باد - نقل شده است که گفته‌اند: «کسی پس از پیامبر - صلی الله علیه و آله وسلم - نیست مگر آنکه سخنش پذیرفته یا رد می‌شود مگر شخص رسول خدا صلی الله علیه وسلم».

این سخن بهترین ترازو و بهترین داور است.

ما در زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که بارزترین نشانه آن آتشفشان رسانه‌ای آشکاری است که دور را نزدیک ساخته و به جایی رسیده که تبدیل به آوردگاه نبردهای فکری و علمی و سیاسی و اقتصادی و اجتماعی گردیده است.

نزد صاحبان دید دقیق و خرده‌های بیدار نقشی که این رسانه‌ها در تاثیر فوری بر مخاطب و برانگیختن احساسات و تکیه بر سخنان عاطفی بازی می‌کنند واضح است، حتی اگر محتوای آن عاری از ادله صحیح شرعی و یا مقدمات بدیهی عقلی باشد که متأسفانه غالباً بر گمان دروغین و بزرگنمایی غیر واقعی و جانبداری غیر عادلانه از سوی برخی اصحاب رسانه بنا گردیده است.

هدف آنان از این فضای رسانه‌ای سبقت از یکدیگر و به دست آوردن هر چه بیشتر خوانندگان و مخاطبان و تبلیس بر مردم است و آن هم از طریق نمایندگی تنها یک رای و نظر که آن هم رای و نظر غالب است. در حالی که این، برخورداری است جانبدارانه نه حق جویانه و منصفانه.

اینجاست که یک جانبه‌گرایی غیر موضوعی خود را بروز داده و عدالت و انصاف و وسطیت به فراموشی سپرده می‌شود. وسطیت یعنی هر آنچه که حق باشد، چه به سود من و چه به زیان من نه آن وسطیتی که به گمان کج فهمان در وسط دو طرف قرار می‌گیرد! آری ای مسلمانان. این همان یک جانبه‌گرایی است که پس از مدتی انصاف و عدالت و حق‌جویی دوباره راه خود را به جوامع ما باز کرده است و شکی در این نیست که برای حکم کردن بر جامعه‌ای از نظر فرهنگ و دانش، باید به روشنفکران و اهل فرهنگ آن و دوری یا نزدیکی آن‌ها به این صفت نگاه انداخت.

منظور ما از یک جانبه‌گرایی: بزرگنمایی جنبه کم‌خطرتر در مقابل جنبه خطرناک‌تر به حساب پایمال نمودن ارزش‌های واقعی است. یا به عبارتی دیگر: چنگ زدن به حقیقت در آن بخش که موافق با هوای نفس ماست و دوری از آن در جاهایی که موافق آن نیست.

گاه نیز یک جانبه‌گرایی با چنگ زدن به آنچه موافق هوای نفس و مصلحت شخصی است، خود را نشان می‌دهد حتی اگر هیچ دلیلی در شرع و منطق نداشته باشد، یا بزرگ نمودن هر آنچه مخالف هوای نفس و مصلحت شخصی است حتی اگر دارای دلیل و منطق قوی باشد.

و این صفت سبب خشم خداوند بر امت‌های پیشین است چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿أَفْتَوْمُنُونَ بِنِعْضِ الْكِتَابِ وَتَكَفُّرُونَ بِبَعْضِ﴾ [البقرة: ۸۵].

«آیا به قسمتی از کتاب ایمان می‌آورید به قسمتی از آن کفر می‌ورزید».

و همچنین آنجا که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ ﴿١﴾ الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ ﴿٢﴾ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَّزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ ﴿٣﴾﴾ [المطففين: ۱-۳].

«وای بر کم فروشان (۱) آنان که اگر از مردم پیمانانه بگیرند به طور کامل می‌گیرند (۲) و اگر برای آنان پیمانانه وزن کنند به آنان کم می‌دهند».

این یک جانبه‌گرایی و عدم انصاف همان چیزی است که باعث می‌شود انتخاب براساس چیزی باشد که شهوت و منفعت شخصی اقتضا می‌کند بدون توجه به ارزش مطلق حق و وجوب آن گرچه بر نفس انسان تلخ است و سخت، و این همان چیزی است که در کتاب خداوند می‌خوانیم که می‌فرماید:

﴿وَمَنْهُمْ مَّنْ يَلْمُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَإِنْ لَمْ يُعْطُوا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ ﴿٥٨﴾﴾ [التوبة: ۵۸].

«برخی از آنان در [تقسیم] صدقات بر تو خرده می‌گیرند پس اگر از آن [اموال] به ایشان داده شود خشنود می‌گردند و اگر از آن به ایشان داده نشود بناگاه به خشم می‌آیند».

ابن قیم - رحمه الله - می‌گوید: «خداوند کسانی را سرزنش نموده که حق را از کسانی که دوست ندارند نمی‌پذیرند و از کسانی که آنان را دوست دارند می‌پذیرند، و این اخلاق امت‌های مورد خشم قرار گرفته است».

این مساله هنگامی خطرناک‌تر می‌شود که به سوی خدا و رسول وی برای حکم راندن در اختلافات فرا خوانده شود، اینجاست که حتی با وجود هیبت حق شرعی باز یک جانبه‌گرایی و عدم سر نهادن در برابر حق، خود را به زشتی تمام به نمایش می‌گذارد چنانکه خداوند متعال در وصف چنین کسانی می‌فرماید:

﴿وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿٤٨﴾ وَإِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ ﴿٤٩﴾ أَفِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَنْ يَحْيِفَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ وَرَسُولَهُ وَبَلْ أَوْلَاتِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٥٠﴾﴾ [النور: ٤٨-٥٠].

«و چون به سوی الله و پیامبر او خوانده شوند تا میان آنان داوری کند بناگاه گروهی از آنها روی برمی‌تابند (٤٨) و اگر حق به جانب ایشان باشد به حال اطاعت به سوی او می‌آیند (٤٩) آیا در دل‌هایشان بیماری است یا شک دارند یا از آن می‌ترسند که الله و رسولش بر آنان ستم ورزند [نه] بلکه خودشان ستمکارند».

هنگامی که برخی از اهل اهواء پس از رد کردن نصوص وارده در مورد رؤیت خداوند توسط مومنان، به اثری ضعیف از مجاهد - رحمه الله - چنگ زدند که لفظ نگاه مومنان به پروردگارشان در آیه ﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ ﴿٢٢﴾ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاطِرَةٌ ﴿٢٣﴾﴾ [القیامة: ٢٢-٢٣]. را اینگونه تفسیر کرده بود که: منتظر ثواب پروردگارشان هستند، امام دارمی - رحمه الله - خطاب به آنان گفت: «مگر شما نگفته بودید که اینگونه آثار و روایات را قبول ندارید و به آن استناد نمی‌کنید؟ چطور شده است که وقتی دیدید می‌توانید با استفاده از اثر مجاهد برای باطلتان دلیل بیاورید به آن استناد نمودید و آثار و روایات رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - و اصحاب و تابعین را اگر با مذهبتان مخالف باشد رد می‌کنید؟ آیا این نشان دهنده چیزی جز شک و تردید و دوری شما از حق است؟»

این هم یک جانبه‌گرایی و انتخاب براساس هوا و خواست نفسانی است یعنی قبول نکردن حق، مگر هنگامی که در خدمت منافع شخصی ما یا منفعت فکری ما باشد! بلکه حتی برای پاک دانستن خود پس از انجام گناه به طوری که برخی از گناه پیشه‌گان همیشه

یادشان هست که خداوند غفور و رحیم است اما فراموش کرده‌اند که او شدید العقاب هم هست!

برخی از این‌ها را می‌بینی که ادله و جوب امر و نهی مسئولان و والیان امر را از بر هستند اما ادله و جوب اطاعت از آنان - در غیر گناه - و لزوم جماعت مسلمانان را فراموش کرده‌اند. این سخن موسی - علیه السلام را به یاد دارند که خطاب به فرعون فرمود: «و من ای فرعون تو را تباه شده می‌پندارم» [الإسراء: ۱۰۲] اما این سخن خداوند را فراموش کرده‌اند که خطاب به موسی و هارون فرمود: «به او (یعنی فرعون) سخنی نرم گوید» [طه: ۴۴].

آنان را می‌بینیم که اگر در مسجد دزدی صورت گیرد نظر به ویران شدن مسجد می‌دهند یا اینکه اگر زنی باحجاب مرتکب فریب و کلاه برداری شد نظر به کشف حجاب می‌دهند! آنان نگفتند که باید دست دزد قطع شود و آن زن فریبکار مجازات گردد بلکه براساس نظر آن‌ها این مسجد است که باید ویران شود و این حجاب است که باید ممنوع شود و این همان درد یک جانبه گرایی و انتخاب براساس هوای نفس است که گرفتار آند.

برای همین یکی از ویژگی‌های اینگونه انسان‌ها این است که خون بی‌گناهان را می‌ریزند و سپس در مورد کشتن مگس در حرم می‌پرسند!
آنان خاشاک را در چشم دیگران می‌بینند و ورم را در بدن خود نمی‌بینند، در قضاوت خود دچار دوگانگی‌اند و خود را فریب می‌دهند و برای رسیدن به اهداف خود سعی در به خواب بردن جامعه دارند.

﴿إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٥١﴾ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقْهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ ﴿٥٢﴾﴾ [النور: ۵۱-۵۲].

«گفتار مؤمنان هنگامی که به سوی الله و پیامبرش خوانده شوند تا میانشان داوری کند تنها این است که می‌گویند شنیدیم و اطاعت کردیم اینانند که رستگارانند (۵۱) و کسی که الله و رسول او را فرمان برد و از الله بترسد و از او پروا کند آنانند که رستگارانند».

خداوند متعال برای من و شما در قرآن بزرگ برکت نهاده و با آیات و ذکر حکیم سود رساند. آنچه را گفتم اگر صحیح بود از سوی خداوند و اگر اشتباه بود از من و از شیطان بود و از الله آمرزش می‌خواهم که او بسیار آمرزنده است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله است و درود و سلام بر آنکه پیامبری پس از وی نیست.

و بعد:

بدانید که انتخاب براساس هوای نفس و یکجانبه‌گرایی صفتی است نکوهیده و زشت که باعث از بین رفتن مصداقیت و توازن شخص می‌شود. گو اینکه چنین شخصی علیه خود حکم سقوط و افتادن از چشم خردمندان را صادر می‌کند. پدر یک جانبه‌گرا و دوست یک جانبه‌گرا و معلم یک جانبه‌گرا و هیچ شخص یک جانبه‌گرایی که براساس سلیقه شخصی و هوای نفس انتخاب می‌کند روی موفقیت را نخواهد دید و همین امر در مورد دانشجویان و اندیشمندان و نویسندگان و نصیحت‌گران و اهل سیاست صادق است. کسی که براساس خواسته‌های خود انتخاب می‌کند و همیشه به یک جانب‌گرایی دارد بدون شک روزی دچار تناقض خواهد شد. برای همین است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - خطاب به یکی از اصحابش فرمود: «امروز سخنی نگو که فردا از آن معذرت بخواهی» [به روایت احمد و ابن ماجه].

برای از بین بردن این صفت ناپسند از جامعه خود لازم است دو مساله را مد نظر داشته باشیم:

نخست: فراهم ساختن عرصه مناسب برای عرضه.

دوم: گسترده‌گی عرصه آن.

سرور ما رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - به خوبی تمام بر این دو مساله تاکید نموده هنگامی که در پاسخ به جوانی که نزد او آمده بود تا از وی برای زنا اجازه بخواهد فرمود: «آیا آن را برای مادرت می‌پسندی؟» گفت: نه به خدا قسم. پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود: «مردم هم آن را برای مادران خود نمی‌پسندند». و سپس همین سوال را در مورد دختر و خواهر و عمه و خاله‌اش پرسید.

این داستان در درون ما روش حکم بر اشیا و تعامل با آن را نهادینه می‌سازد، آن هم با فراهم ساختن دو عنصر اساسی عدل و علم. زیرا بر ما لازم است در همه امور خود هدفمان هدایت دیگران باشد نه خشمگین ساختن آنان و در پی توجیه و راهنمایی باشیم نه تحریک و مسائل را برای دیگران تبیین کنیم نه آنکه تنها در پی فرو نشانیدن احساسات و خواسته‌های درونمان باشیم و برای حق غیرت داشته باشیم و خشمگین شویم نه برای خود.

در این شکی نیست که تاثیر سود رسانی از تاثیر هدف آن است و اگر هدف خراب شود این همان دردی است که از آن سخن می‌گوییم.

وکیع می‌گوید: «اهل علم هم آنچه را به سود یا زیان آنهاست می‌نویسند اما اهل اهواء جز آنچه به سود آنهاست را نمی‌نویسند».

ابوالفرج ابن جوزی در مورد برخی از کسانی که دچار این انتخاب‌گرایی شده‌اند چنین می‌گوید: «اگر حدیث ضعیفی که علیه مذهب آنهاست بیاید ضعف آن را بیان می‌کنند اما اگر موافق مذهبشان باشد نسبت به ضعف آن سکوت می‌کنند و این به دلیل کمی علم و غلبه هوای نفس است».

پس هر که می‌خواهد نزد خداوند و مردم مورد قبول واقع شود باید برای رسیدن بن نگاهی واضح و مصداقیت و دوری از یک جانبه‌گرایی و هوا و هوس شخصی تلاش نماید. چه زیباست آنچه امام بخاری بدان وصف شده است آنجا که مساله‌ای متعلق به زکات را در کتاب خود «صحیح بخاری» ذکر کرده و شارحان صحیح در پی آن نوشته‌اند:

بخاری در این مساله با حنفی‌ها موافقت کرده است با وجود آنکه در بسیاری مسائل با آن‌ها مخالف است اما دلیل وی را به این سمت کشانده است.

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىَٰ أَن تَعْدِلُوا وَإِن تَلَوُّوا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا﴾ [النساء: ۱۳۵].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید پیوسته به عدالت قیام کنید و برای الله گواهی دهید هر چند به زیان خودتان یا [به زیان] پدر و مادر و خویشاوندان [شما] باشد اگر [یکی از دو طرف دعوا] توانگر یا نیازمند باشد باز الله به آن دو [از شما] سزاوارتر است پس از پی هوا و هوس نروید که [در نتیجه از حق] عدول کنید و اگر به انحراف گرایید یا اعراض نمایید قطعاً الله به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.»

و درود و سلام فرستید بر بهترین و پاک‌ترین انسان‌ها، محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب، صاحب حوض و مقام شفاعت، که خداوند شما را به با آن امر نموده و فرموده است: ﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [الأحزاب: ۵۶]. و رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «هر که بر من یک درود فرستد، خداوند به سبب آن بر وی ده درود خواهد فرستاد.»

خداوندا درود و سلام و برکت ارزانی دار بر بنده و پیامبرت محمد و راضی و خشنود باش از چهار خلیفه وی: ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از تابعین و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند و همچنین از ما به همراه آنان راضی و خشنود باش ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت بخش، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت بخش و شرک و مشرکان را خوار بگردان. خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومنت را یاری ده.

خداوندا سختی دیده‌گان و غم غم‌دیده‌گان را از بین ببر و بیماران ما و دیگر بیماران مسلمان را شفا ده.

خداوندا صف مسلمانان را یکی گردان، خداوندا صف آنان را یکی گردان و میان قلب‌های آنان الفت ایجاد کن. خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان در امان بدار و مسئولان ما را اصلاح نما و مسئولیت ما را در دست کسانی قرار ده که تقوای تو را داشته باشند و در پی رضایت تو باشند.

﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ [البقرة: ۲۰۱].

پاک است و بی‌عیب پروردگار تو، آن پروردگار عزت و بزرگی و سلام بر پیامبران و سخن آخر این که: الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

اکنون هنگام توبه است

خطیب: دکتر صلاح البدیر

مسجد نبوی شریف: ۴ جمادی الاول ۱۴۳۲ برابر با ۱۹ فروردین ۱۳۹۰

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است. ستایش از آن الله است که از روی احسان و فضل بر بندگان عطا می‌کند. او را ستایش می‌کنم که زبان‌ها به حمد او شکر و تسبیح و ذکر می‌کنند و او را شکر می‌گوییم که عفو او گناهکاران را فرا گرفته و اجر او نیکوکاران را، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است. گواهی بنده‌ای که از پروردگارش امید عفو پوشش دارد و از گناهانش ترسان است. و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده و پیامبر او و برگزیده بندگان اوست. درود و سلام و خداوند بر او و بر اهل بیت و یاران او باد.

اما بعد، ای مسلمانان:

بزرگ‌ترین عطا، ایمان و تقوا است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧١﴾﴾ [الأحزاب: ۷۰-۷۱].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را پیشه سازید و سختی استوار گویید (۷۰) تا اعمال شما را برای شما به صلاح آورد و گناهانتان را آمرزش کند و هرکه از الله و رسولش اطاعت کند بی‌تردید پیروزی بزرگی به دست آورده است.»
ای مسلمانان:

مسلمان معصوم از خطا و لغزش نیست. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود: «قسم به آنکه جانم در دست اوست، اگر شما گناه نکنید خداوند شما را خواهد برد و گروهی را خواهد آورد که گناه کنند و از الله آمرزش بخواهند و او نیز آنان را آمرزش کند» [به روایت مسلم].
و از انس - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «همه‌ی فرزندان آدم بسیار گناهکارند و بهترین گناهکاران بسیار توبه کنندگانند» [به روایت امام احمد].

چه بسا گناهکارانی که خستگی‌شان به طول انجامیده و نگرانی‌شان شدت گرفته و سوخته‌دل، اسیر گناهند و افسرده از گناه، آرزوی نسیم امید را دارند و در پی نور آنند و منتظر آن صبح نزدیکند... صبحی که با نور توبه و استقامت و هدایت و بازگشت بر آنان بتابد، تا با تابش خود یاس و ناامیدی را نابود کند و ابرهای یأس و افسردگی و نگون‌بختی و سرگردانی را کنار زند...

احساس سنگینی گناه و درد کشیدن از زخم آن و زجر لغزش، و پشیمانی بر گناهان گذشته و تاسف از کوتاهی گذشته و اعتراف به گناه، همان راه بازگشت و تصحیح است، راه بازگشت و توبه، اما رکن نخست توبه دست کشیدن از گناه و دوری گزیدن از معصیت است. بدون انجام واجبات و ترک گناهان و باز گرداندن حق دیگران و حلالیت از آنان، توبه‌ای در کار نخواهد بود.

پس به سوی در توبه و بازگشت بشتابید و خود را از هر گونه گناه و خطا رها کنید:

﴿وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [النور: ۳۱].

«ای مومنان همگی به سوی الله توبه کنید باشد که رستگار شوید».

ای مسلمانان:

توبه یعنی فروتنی در برابر خداوند و طلب آمرزش و درخواست عذر از درگاه او و دوری از خواستگاه‌های گناه و برانگیزاننده‌های شر و بدی و مجالس فتنه و راه‌های فساد و دوستان بد...

توبه یعنی باز کردن صفحه‌ای جدید در زندگی، یعنی پاکی و صفا، ترس و حیا، دعا و ندا، فروتنی و گریه، شرمندگی در برابر خداوند و بازگشت و دست کشیدن و جبران... در آن باز است و خیر آن همیشگی است تا هنگامی که روح به حلقوم نرسیده چنانکه ابوهریره - رضی الله عنه - از رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت می‌کند که ایشان فرمودند: «اگر چنان گناه کنید که گناهانتان به آسمان برسد، سپس توبه کنید بی‌تردید خداوند توبه‌ی شما را می‌پذیرد» [به روایت ابن ماجه].

و از ابوذر - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «خداوند متعال می‌فرماید: ای بندگانم! شما شبانه روز گناه می‌کنید و من همه‌ی گناهان را می‌آمرزم، پس از من آمرزش بخواهید تا شما را مورد آمرزش قرار دهم» [به روایت مسلم].

همینطور از انس بن مالک (رضی الله عنه) روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «خداوند متعال چنین فرمود: ای فرزند آدم! تو تا وقتی که مرا فرا بخوانی و از من امید داشته باشی تو را با هر گناهی که داشته باشی می‌بخشم و برایم مهم نیست. ای فرزند آدم! اگر گناهانت به ابرها برسند سپس از من آمرزش بخواهی تو را مورد مغفرت قرار خواهم داد. ای فرزند آدم! اگر تو به اندازه‌ی زمین گناه نزد من بیاوری سپس در حالی که نسبت به من شرکی مرتکب نشده‌ای نزد من آیی به اندازه‌ی آن مغفرت ارزانی تو خواهم کرد» [به روایت ترمذی].

و نزد مسلم چنین آمده است که خداوند متعال می‌فرماید: «هرکه به اندازه‌ی یک وجب به من نزدیک شود به اندازه‌ی یک دست به او نزدیک خواهم شد و هرکه به اندازه‌ی یک دست به من نزدیک شود به اندازه‌ی دو دست به او نزدیک خواهم شد و هرکه روان رو به من آورد من دوان به سوی او می‌روم و هرکه با گناهایی به اندازه‌ی زمین به من روبرو شود اما با من چیزی را شریک نکرده باشد با مغفرتی به اندازه‌ی آن با او روبرو خواهم شد».

چه فضل عظیم و چه عطای والایی است از سوی پروردگاری کریم و آفریدگاری رحیم که ما را با عفو خود بزرگ داشته و با حلم و مغفرتش در بر گرفته و در توبه را باز گذاشته است. عفو می‌کند و می‌بخشد، لطف می‌ورزد و آسان می‌گیرد و با توبهٔ بنده‌اش شاد می‌شود. دست خود را بر شب می‌گستراند تا گناهکار روز توبه کند و دست خود را بر روز می‌گستراند تا گناهکار شب توبه کند تا آنکه خورشید از مغرب طلوع کند. آمرزندهٔ گناه است و پذیرندهٔ توبه که از بندگانش توبه می‌پذیرد و از بدی‌ها چشم‌پوشی می‌کند.

﴿وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾

[النساء: ۱۱۰].

«و هرکه کار بدی انجام دهد یا به خود ستم ورزد سپس از الله آمرزش بخواهد، الله را آمرزنده‌ای مهربان خواهد یافت».

ای مسلمانان:

این توبه که از آن سخن می‌گوییم، اکنون در آن باز است، وقت آن رسیده است و فرصت آن وجود دارد. پس دست از امروز و فردا کردن بردارید، از خواب غفلت بیدار شوید، از سستی هوا و هوس برخیزید، سابقهٔ گناه را با احسان و نیکی پاک کنید و از غافلگیری شیطان به هوش باشید و با زندگی خوش سبزی که دوام ندارد فریب نخورید و از زشتی حرام و گناه و پافشاری بر معصیت به سوی الله توبه کنید.

فورا توبه کنید، برای همه گناهایی که از شما سر زده است توبه کنید و حتی اگر باز گناهی از شمار سر زد باز هم از آن توبه کنید.

ای مسلمانان:

گناهکاران به چه کسی پناه می‌برند؟ و مقصران به که امید دارند؟ به کجا می‌گریزند؟ که در روز بازپسین همه به سوی الله باز خواهند گشت:

﴿يَوْمَ هُمْ بَرْزُورٌ لَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ﴾ [المؤمن: ۱۶].

«آن روز که آنان ظاهر گردند چیزی از آن‌ها بر خدا پوشیده نمی‌ماند».

﴿يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَىٰ مِنْكُمْ خَافِيَةٌ﴾ [الحاقة: ۱۸].

«در آن روز عرضه می‌شوید و هیچ پوشیده‌ای از پوشیده‌های شما پنهان نمی‌ماند».

﴿يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّىٰ لَهُ الذِّكْرَىٰ ﴿٢٣﴾ يَقُولُ يَلَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي ﴿٢٤﴾﴾

[الفجر: ۲۳-۲۴].

«در آن روز انسان یاد آور می‌شود و (این) یاد آوری کجا (برای او فایده‌ای) دارد؟ (۲۳) می‌گوید ای کاش برای زندگی خود پیش فرستاده بودم».

پس با توبه‌ای نصوح و بازگشتی صادقانه و اراده‌ای محکم و قلبی شکسته رو به سوی الله آورید که توبه‌کننده از گناه به مانند کسی است که گناهی نکرده است.

آنچه را شنیدید گفتم، و از الله برای خود و شما و دیگر مسلمانان از هر گناه و معصیتی آمرزش می‌خواهم پس از او آمرزش بخواهید که او آمرزنده مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله است که به وجود آورنده مخلوقات است و داننده نهران. او را ستایشی می‌گویم بی‌پایان و گواهی می‌دهم که معبودی به حق جز الله نیست که شریکی ندارد و معبودی به حق جز او نیست و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد بنده و پیامبران او و برگزیده اوست. درود و سلام خداوند بر او و بر اهل بیت و یارانش باد که خلفای دین و هم‌پیمانان یقین بودند. درود و سلامی دائم و همیشگی تا روز قیامت.

اما بعد، ای مسلمانان: تقوای الله را پیشه سازید که هرکه راه تقوا گزید نجات یافت و هرکه در پی هوای نفس افتاد راه گمراهی گرفت.

﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا﴾ [الطلاق: ۴].

«و هرکه تقوای الله را پیشه سازد، برای او در کارش آسانی قرار می‌دهد».

توبه‌ات را برای کی به عقب انداخته‌ای؟ در حالی که برای آن عذری نداری؟ تا کی در

غفلت و اشتباه و غرور باقی خواهی ماند؟

ای مسلمانان:

همین روز روز تولدتان باشد، روز آغاز بازگشت و طلوع صبح جدید. هرکه امروز

توبه نکند کی توبه خواهد کرد؟ و هرکه امروز برنگردد کی باز خواهد گشت؟

خداوند متعال من و شما را از جمله کسانی قرار دهد که توبه کرده‌اند و باز گشته‌اند و

دست از گناه کشیده‌اند و از گناهان هلاک کننده دست شسته‌اند و توبه‌ای صادقانه

کرده‌اند.

و بر بهترین انسان‌ها درود و سلام فرستید که هرکه بر او یک درود فرستد خداوند بر

او ده درود خواهد فرستاد.

خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد درود و سلام فرست و از چهار خلیفه

خداوندا برادران و خواهران مستضعف ما را در همه جا یاری ده، خداوندا آنان را در همه جا یاری ده. خداوندا جان و مال آنان را حفظ کن و فتنه‌ها و بدی‌ها و جنگ‌ها و ناآرامی‌ها را از آنان دور بگردان.

خداوندا کافرانی را که در برابر دین تو ایستاده‌اند و با یاران تو دشمنی می‌کنند از بین ببر و عذاب خود را بر آنان نازل کن ای معبود به حق، ای پروردگار جهانیان.

خداوندا برادران ما را در فلسطین بر یهودیان غاصب یاری ده. خداوندا یهود طغیان ورزیدند و در فساد و تجاوز از حد به در رفته‌اند. خداوندا زمین را در زیر پاهای آنان بلرزان و ترس در دل آنان بیانداز و آنان را عبرتی برای عبرت‌گیران قرار ده. خداوندا هیچ پرچمی برای آنان میفرز و هیچ هدفی از اهداف آنان را محقق مساز و آنان را عبرتی برای دیگران قرار ده ای قوی و ای عزیز، ای پروردگار جهانیان.

خداوندا بیماران ما را شفا ده و مبتلایان ما را عافیت عطا کن و اسرای ما را آزاد گردان و بیماران ما را رحمت کن و ما را بر دشمنانمان پیروز گردان ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا امنیت و استقرار را در همه سرزمین‌های مسلمان فراگیر گردان، خداوندا امنیت و استقرار را در همه سرزمین‌های مسلمان فراگیر گردان، خداوندا امنیت و استقرار را در همه سرزمین‌های مسلمان فراگیر گردان.

بندگان خداوند: «همانا الله به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان سفارش کرده و از فحشا و منکر و تجاوز باز می‌دارد. او شما را چنین پند می‌دهد باشد که پند گیرید» [النحل: ۹۰].

پس الله بزرگ را یاد کنید تا شما را یاد کند و او را بر نعمت‌هایش شکر گویند تا شما را افزون دهد و همانا یاد الله بزرگ‌تر است و الله به آنچه می‌کنید آگاه است.

عنوان خطبه:

برادری اسلامی و مقتضیات آن

خطیب: دکتر اسامه خیاط

مسجد الحرام: جمعه ۱۱ جمادی الاول ۱۴۳۲ برابر با ۲۶ فروردین ۱۳۹۰

خطبه‌ی اول:

ستایش مخصوص الله پروردگار جهانیان است او که رحمان و رحیم است و صاحب روز جزا است. او را ستایش می‌گوییم و گواهی می‌دهم که معبود به حقی جز او نیست که تنها و بی‌شریک است. او که پادشاه به حق است و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - بنده و پیامبران او و امام پیامبران و آخرین آنهاست. خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد، و بر اهل بیت و یاران او و تابعین و همه کسانی که به نیکی پیروی آنان را کنند، درود و سلام فرست.

اما بعد، ای بندگان خداوند تقوای او را پیشه سازید «و از روزی بترسید که در آن به سوی الله باز خواهید گشت سپس هر کس آنچه را انجام داده به طور کامل دریافت خواهد کرد و به آنان ستم نخواهد شد» [البقرة: ۲۸۱].

ای بندگان خداوند: گذر شب و روز، تغییر اوضاع و وقوع سختی‌ها و غم‌ها را در پی دارد که بر انسان مستولی شده و در جسم و جان و مال و آبرو و یا وطن او زیان وارد می‌سازند که این‌ها باعث دل‌تنگی او شده و در پی از بین بردن آن می‌شود و اینجاست که این سخن خداوند متعال را به یاد می‌آورد که می‌فرماید:

﴿وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمَسُّكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ

قَدِيرٌ ﴿١٧﴾ [الأنعام: ۱۷].

«و اگر الله به تو زبانی برساند کسی جز او برطرف کننده‌ی آن نیست و اگر خیری به تو برساند پس او بر هر چیزی تواناست».

﴿قُلْ مَنْ يُنَجِّكُمْ مِنْ ظُلْمَاتِ اللَّيْلِ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَئِنْ أَنْجَلْنَا مِنْ

هَذِهِ لَتَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿٦٣﴾ قُلِ اللَّهُ يُنَجِّكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ مُشْرِكُونَ

﴿٦٤﴾ [الأنعام: ۶۳-۶۴].

«بگو چه کسی شما را از تاریکی‌های خشکی و دریا می‌رهاند در حالی که او را به زاری و در نهمان می‌خوانید که اگر ما را از این [مهلکه] برهاند البته از سپاس‌گزاران خواهیم بود (۶۳) بگو این الله است که شما را آن و از هر سختی دیگری نجات می‌دهد، سپس شما شرک می‌ورزید».

اینجاست که به یقین خواهد رسید تنها خداوند است که نجات دهنده از همه سختی‌ها و از بین برنده زیان‌ها و یاری‌دهنده است. رو به سوی او می‌آورد و فروتنانه و خاشعانه در اوقات اجابت دعا از او یاری می‌خواهد چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: «پروردگار شما گفت: مرا بخوانید تا شما را استجابت کنم» [المومن: ۶۰].

به امید آنکه خداوند برای سختی او فرجی حاصل کند و غم او را از بین ببرد. او به همان دعای جامعی پناه می‌برد که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - بدان متوسل می‌شد، چنانکه حسن بصری از انس بن مالک رضی الله عنه روایت می‌کند که اگر مساله‌ای باعث غم و ناراحتی رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌شد چنین دعا می‌کرد: «ای زنده‌ی برپادارنده، به رحمت تو متوسل می‌شوم و یاری می‌خواهم».

و چنانکه در حدیث صحیحی که امام احمد در مسند خود با إسناد صحیح از عبدالله بن مسعود - رضی الله عنه - روایت می‌کند که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «اگر بنده‌ای که به او غم یا غصه‌ای رسیده است بگوید: «اللهم إني عبدك، وابن عبدك، وابن أمتك، ناصيتي بيدك، ماضٍ في حكمك، عدلٌ في قضاؤك، أسألك بكل اسم هو لك سميت به نفسك، أو علمته أحداً من خلقك، أو أنزلته في كتابك، أو استأثرت به في علم الغيب عندك أن تجعل القرآن ربيعاً قلبي، ونورَ صدري، وجلاءَ حزني، وذهابَ همي» یعنی: «خداوندا من بنده‌ی توام و بنده‌ی بنده‌ی تو و بنده‌ی کنیز تو. پیشانی‌ام به دست توست و حکم تو در مورد من اجرا شدنی است و قضاوت عادلانه. از تو به واسطه‌ی همه‌ی نام‌هایی که داری و خود بر خود گذاشته‌ای یا به کسی از بندگانت یاد داده‌ای یا در کتابت نازل کرده‌ای یا در علم غیب خود نزد خود نگه داشته‌ای در خواست می‌کنم که قرآن را بهار قلب من و نور سینه‌ام و از بین برنده‌ی غم و غصه‌ام قرار دهی»، خداوند غم و غصه‌اش

را از بین برده و به جایش فرج و گشایش خواهد آورد» گفته شد ای پیامبر خدا آیا این دعا را نیاموزیم؟ فرمود: «آری شایسته است هر که آن را شنید آن را بیاموزد».

همچنین دعای یونس نبی - علیه السلام - زمانی که در شکم ماهی بود؛ حاکم نیشابوری - رحمه الله - در مستدرک خود از سعد بن ابی وقاص - رضی الله عنه - روایت می‌کند که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «دعای یونس هنگامی که در شکم ماهی دست به دعا برداشت این بود: ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ ﴿۸۷﴾ هیچ مسلمانی برای چیزی این دعا را نمی‌گوید مگر آنکه خداوند وی را استجابت خواهد کرد» و این مصداق این کلام خداوند متعال است که می‌فرماید:

﴿فَأَسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ﴾ ﴿۸۸﴾ [الأنبياء: ۸۸].

«پس او را استجابت کردیم و از غصه نجاتش دادیم و همینگونه مومنان را نیز نجات خواهیم داد».

همچنین از بزرگ‌ترین عواملی که باعث از بین رفتن زود هنگام غم و غصه و پیروزی و نجات از هول و هراس روز قیامت است، برپا داشتن حق خداوند با ایمان به وی و شتاب در جهت رضایت او و ایمان به پیامبرش و پیروی از سنت او و حاکم گرداندن شریعت وی است که از جمله آن:

برپا داشتن حق مردم با نیکی به آنها در همه عرصه‌های خیر است، با الگو قرار دادن پیامبر بزرگوارمان - صلی الله علیه وآله وسلم - که ام المومنین خدیجه - رضی الله عنها - هنگامی که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - از اولین دیدار با فرشته وحی هراسناک شده بود درباره این خصلت او گفت: به خدا سوگند که خداوند هرگز تو را خوار نخواهد کرد زیرا تو صله رحم می‌کنی؛ و بار ناتوانان را بر دوش می‌کشی، و به مستمندان رسیدگی می‌کنی؛ و مهمان‌نواز هستی، و در راه حق مردمان را یاری می‌رسانی! این روایت را بخاری و مسلم در صحیح خود آورده‌اند.

این یاری‌رسانی و رسیدگی به مستمندان نمونه‌ای از برداشتن غم و غصه از غصه‌داران و رفع کابوس سختی‌ها از دوش آنهاست و رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم -

می‌فرماید: «کارهای خیر انسان را از مرگ بد و از آفات و عوامل هلاکت حفظ می‌کند و اهل نیکی در دنیا اهل نیکی در آخرتند» [به روایت حاکم در مستدرک با سند صحیح].
این نیکی در واقع انجام دادن حق برادری است. همان حقی که خداوند متعال درباره آن می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ [الحجرات: ۱۰].

«همانا مومنان برادران یکدیگرند».

و می‌فرماید:

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ﴾ [التوبة: ۷۱].

«مردان و زنان مومن، برخی یار و یاور برخی دیگرند».

و رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - درباره این برادری می‌فرماید: «مثال مومنان در دوستی و مهربانی و عطوفتی که میان یکدیگر دارند همانند یک بدن است که اگر عضوی از آن به درد آید دیگر اعضا با تب و شب‌بیداری با آن همدردی می‌کنند» [به روایت مسلم در صحیح از حدیث نعمان بن بشیر].

و این اشاره‌ای است پرمعنا که مشخص می‌کند از بین بردن سختی مسلمان و همراهی با او در سختی‌ها و یاری رساندن به او از جمله مقتضیات برادری ایمانی است که پاداش کریمانه آن در حدیثی که شیخین بخاری و مسلم در صحیح خود از عبدالله بن عمر - رضی الله عنهما - روایت کرده‌اند آمده است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «مسلمان برادر مسلمان است؛ به او ستم نمی‌کند و او را تسلیم نمی‌کند و هرکه برای نیاز برادرش تلاش کند خداوند نیز در رفع نیازش او را یاری می‌کند و هرکه یک سختی از سختی‌های دنیا را از برادرش بردارد خداوند نیز یک سختی از سختی‌های آخرت از او برطرف می‌کند و هرکه مسلمانی را بپوشاند [و او را رسوا نکند] خداوند نیز او را در روز قیامت می‌پوشاند» این لفظ حدیث بخاری است، و در لفظ مسلم این جمله نیز هست که: «هرکه بر سختی دیده‌ای [در پس دادن قرضش] آسان بگیرد [و به او مهلت

دهد] خداوند نیز در دنیا و آخرت بر او آسان می‌گیرد و خداوند در یاری بنده است تا هنگامی که بنده در یاری رساندن به برادرش تلاش می‌کند».

این حدیث - چنانکه اهل علم گفته‌اند - اشاره‌ای است به مبدا «جزا از جنس علم است». بر این اساس پاداش از بین بردن سختی دیگران در دنیا، از بین رفتن سختی در آخرت است، در حالی که سختی‌های دنیا با سختی‌های آخرت قابل مقایسه نیستند زیرا سختی‌های آخرت و هول و هراس آن بسیار بزرگ و عظیم است. برای همین است که خداوند جزای از بین بردن سختی دیگران را برای آخرت نهاده است، آنجایی که انسان بسیار به فضل و رحمت خداوند نیازمند است و همانا خداوند بندگان رحیمش را مورد رحمت قرار می‌دهد.

پس ای بندگان خداوند تقوای او را در یاد داشته باشید و با همراهی برادران و خواهرانتان در سختی‌ها و مصیبت‌ها برای بر پا داشتن حقوق برادری دینی تلاش کنید و آنان را با آنچه به سود آنهاست و به زیان شما نیست توسط همان نعمت‌هایی که خداوند به شما عطا کرده است یاری کنید تا خشنودی پروردگار را به دست آورید و به سهم خود در دعوت به اسلام و راه پروردگار شریک شوید و چهره‌ای زیبا از جامعه

اما بعد... ای بندگان خداوند:

برخی از اهل علم در توضیح حدیث رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - که می‌فرماید: «هرکه یک سختی از سختی‌های دنیا را از برادرش برطرف سازد خداوند یک سختی از سختی‌های آخرت را از او برمی‌دارد» می‌گویند: «در این حدیث فضل والای برطرف ساختن احتیاجات مسلمانان و سود رساندن آنان با آنچه از دست انسان برمی‌آید، بیان شده است، چه این کمک از طریق علم باشد یا از طریق مقام یا اشاره یا نصیحت یا راهنمایی به خیر یا کمک مستقیم با به واسطه سفارش و وساطت و شفاعت و یا دعا».

برای نشان دادن فضیلت این یاری رساندن همین کافی است که بدانیم خلق خداوند عیال اویند و یاری رساندن به آنان نوعی نیکی در حق آنان است. عادت بر این است که سرور و رئیس، دوست دارد که دیگران به زیر دستان او نیکی کنند و برای از بین رفتن غم‌ها و غصه‌ها راهی ساده‌تر از این وجود ندارد که انسان مومن به یاری برادرانش بشتابد و آنان را برای صبر در برابر مصیبت‌ها یاری دهد، ترسان آن‌ها را آسوده کند و ضعیفشان را یاری نماید و سنگینی را از دوش آن‌ها بردارد و آنان گم‌شده خود را نزد او بیابند. از آن‌ها خسته نشود و ترکشان نگوید.

همچنین حقوق آنان را پاس بدارد و بدی خود را از آن‌ها دور نماید چنانکه رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «نسبت به هم حسد نورزید و کینه‌ی هم را به دل نگیرید و به هم پشت نکنید و بر فروش همدیگر مفروشید و بندگان خداوند و برادر هم باشید. مسلمان برادر مسلمان است؛ نه به او ستم می‌کند و نه دست از یاری‌اش می‌کشد و نه تحقیرش می‌کند. تقوا اینجاست - و در این حال سه بار به سینه‌اش اشاره کرد و سپس گفت: - برای بدی شخص همین کافی است که برادر مسلمانش را تحقیر کند. همه‌ی مسلمان بر مسلمان دیگر حرام است؛ خونش و مالش و آبرویش».

پس ای بندگان خداوند. تقوای او را در پی گیرید و برای برپا داشتن حقوق برادری در راه خداوند در هر حال تلاش کنید و یاور برادرانتان در امر خیر باشید و چون سدی در راه مغرضان و اهل هوا و هوس و صاحبان منافع خاص بایستید.

و همیشه و در هر حال به یاد داشته باشید که خداوند شما را به درود و سلام بر بهترین انسان‌ها امر نموده و در راست‌ترین گفتارها و بهترین آن فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد، درود و سلام فرست و راضی و خشنود باش از چهار خلیفه وی: ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر اهل بیت و یاران وی و تابعین و همه کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی کنند و همچنین از ما با عفو و کرم خویش راضی باش ای گرامی‌ترین گرامیان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و از حوزه دین محافظت نما و دشمنان دین و دیگر سرکشان و مفسدان را نابود ساز و میان دل‌های مسلمانان الفت ایجاد کن و صف آنان را یکی بگردان و رهبرانشان را اصلاح نما و کلمه آن‌ها را بر حق یکی گردان ای پروردگار جهانیان.

خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت - صلی الله علیه وآله وسلم - و بندگان مجاهد صادق را یاری کن.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان، خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان در امان بدار و مسئولان ما را اصلاح نما.

خداوندا عاقبت ما را در همه امور به خیر و نیک خاتمه ده و ما را از خواری دنیا و عذاب آخرت در امان بدار.

خداوندا دین ما را که عصمت امر ماست و دنیای ما را که عرصه زندگی ماست و آخرت ما را که بازگشت‌گاه ماست اصلاح گردان و زندگی را برای ما مایه زیادی نیکی‌ها و مرگ را عامل راحتی از بدی‌ها قرار ده.

خداوندا ما از زوال نعمت و از برگشت عافیت و از خشم ناگهانی تو و از همه اسباب خشم به تو پناه می‌بریم ای پروردگار جهانیان.

خداوندا ما را بیشتر عطا کن و از ما کم مکن، و ما را گرمی بدار و خوار مگردان و ما را عطا کن و محروم مساز و ما را ترجیح ده و بر ما ترجیح مده و ما را راضی بگردان و خود از ما راضی باش ای پروردگار جهانیان.

خداوندا دشمنان خود و دشمنان ما را از آنگونه که خود اراده داری از ما دور گردان، خداوندا ما تو را در برابر آنان داریم و از شر آنان به تو پناه می‌بریم.

خداوندا مسلمانان را در همه سرزمین‌ها حفظ نما. خداوندا آنان را حفظ نما و آنان را بر دشمنشان یاری ده ای پروردگار جهانیان.

«پروردگارا ما به خود ستم نمودیم و اگر تو ما را مورد مغفرت و رحمت خویش قرار ندهی بی‌تردید از زیانکاران خواهیم بود» [الأعراف: ۲۳].

«پروردگارا دل‌های ما را پس از آنکه هدایت‌مان نمودی دستخوش تغییر قرار مده و ما را از جانب خود رحمتی عطا کن که همانا تو بخشنده‌ای» [آل عمران: ۸].

«پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بدار»

[البقرة: ۲۰۱].

درود و سلام خداوند بر پیامبر ما محمد، و بر اهل بیت و یاران وی باد والحمدلله رب العالمین.

عنوان خطبه:

آداب و سنت‌های خواب و بیداری

خطیب: دکتر صالح آل طالب

مسجد الحرام: جمعه ۱۸ جمادی الاول ۱۴۳۲ برابر با ۲ اردیبهشت ۱۳۹۰

خطبه‌ی اول:

حمد و ستایش از آن الله است. او را ستایش گفته و از او یاری جسته و از بدی‌های خویش و اعمال ناشایستمان به او پناه می‌بریم. خداوند هرکه را هدایت کند او گمراه‌گری

نخواهد داشت و هرکه را گمراه سازد او هدایتگری نخواهد یافت. و گواهی می‌دهم که معبود به حقی نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و از هرگونه شبیه و همتا منزّه است «هیچ چیز به مانند او نیست و او شنوا و بیناست» [الشوری: ۱۱] و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر او و برگزیده خلق اوست. درود و سلام و برکات خداوند بر او و بر اهل بیت و یاران و تابعین و همه کسانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند.

اما بعد:

ای مردم، خودو شما را به تقوای خداوند سفارش می‌کنم. تقوایی که خداوند جز آن را نمی‌پذیرد و جز اهل آن را مورد رحمت خویش قرار نمی‌دهد و جز برای آن پاداش نمی‌دهد که همانا پند دهندگان به آن فراوانند و عاملان به آن اندک:

﴿وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ﴾ [البقرة: ۱۹۷].

«و توشه بگیرید که بهترین توشه تقوا است و ای صاحبان خرد از من پروا بدارید». و به ریسمان محکم اسلام چنگ زنید و این را بدانید که فردا مورد محاسبه قرار خواهید گرفت و برای کارهایتان مورد پاداش و جزا قرار می‌گیرید و بدانید که بدن‌های شما توان گرمای آتش را نخواهد داشت.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ

بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ [الحشر: ۱۸].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را پیشه سازید و هر کس ببیند برای فردا [ی خود] چه پیش فرستاده است و تقوای الله را داشته باشید. همانا الله به آنچه می‌کنید آگاه است».

ای مسلمانان:

پیامبر خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - هیچ خیری را ترک نگفته مگر آنکه ما را به سوی آن راهنمایی نموده و هیچ دری از بهشت را رها نکرده است مگر آنکه راه رسیدن به آن را برای ما مشخص کرده است و هیچ سببی از اسباب خوشبختی و رفاه را بدون راهنمایی ما به سوی آن فرو نگذاشته است. در همین حال او ما را بر پایبندی به سنت‌ها

تربیت کرده و آداب صحیح را به ما آموخته است و از ما خواسته تا در همه حال همانگونه باشیم که خداوند از ما می‌خواهد؛ در خواب و بیداری، در محراب عبادت یا در میدان کسب و کار، حال و آینده‌ی مان از آن خداوند باشد:

﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الأنعام: ۱۶۲].

«بگو نماز و دیگر عبادت‌ها و زندگی و مرگ من برای الله پروردگار جهانیان است.»
و این هدف بندگی است که همان عبادت است.

ای مسلمانان:

انسان یا در حال بیداری است و یا در حال خواب و همانند تغییر شب و روز در میان این دو حالت است. خواب یکی از حالت‌های عجیب انسان است و نشانه‌ای است بزرگ از نشانه‌های بزرگ خداوند:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِّنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ

يَسْمَعُونَ﴾ [الروم: ۲۳].

«و از جمله نشانه‌های او خواب شما در شب و روز و جستجوی شما در پی فضل اوست. همانا در این نشانه‌هایی است برای گروهی که می‌شنوند.»

خواب برای مردم اهمیت فراوانی دارد و برای آن وسائل خاصی را فراهم می‌کند و خواب نقش مهمی در میان اوقات شبانه‌روز و زندگی آنان دارا است که اگر در آن کمی یا زیادی رخ دهد تاثیر منفی بر سلامت جسمی و روانی می‌گذارد و انسان‌ها به طور متوسط یک سوم زندگی خود را در خواب سپری می‌کنند.

از اینجاست که آداب نبوی و سنت‌های محمدی به ارائه رهنمون‌هایی در زمینه خواب و آداب آن پرداخته تا حتی خواب ما نیز طاعت و عبادتی برای پروردگار ما باشد و پایبندی به بن این سنت‌ها سببی برای به دست آوردن اجر و پاداش و کمکی برای بیدار شدن برای نماز صبح و نشاط در دیگر ساعت‌های روز و دوری از وسوسه‌ها و کابوس و ناراحتی‌های روحی باشد.

این سنت‌های و آداب - با وجود اهمیت و بزرگی اجر آن - متأسفانه به علت عدم اطلاع یا تنبلی از سوی بسیاری از مسلمانان با بی‌تفاوتی مواجه گردیده است. اینجا به ذکر برخی از سنت‌ها و آداب خواب که از رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - با سند صحیح روایت شده است می‌پردازیم؛ سنت‌هایی که باعث سعادت دنیا و آخرت است.

نخستین ادب از آداب خواب، زود رفتن به رختخواب است. از ابی بَرزَه - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - از خوابیدن پیش از نماز عشاء و گپ و گفتگوی پس از آن بدش می‌آمد [به روایت بخاری و مسلم]. سپس خواندن نماز وتر برای کسی که برای آخر شب بیدار نمی‌شود؛ از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که گفت: خلیلم - صلی الله علیه و آله وسلم - مرا به سه چیز توصیه نمود: روزه سه روز از هر ماه، و دو رکعت نماز صبحی، و اینکه پیش از خواب وترم را به جا بیاورم [به روایت مسلم].

از دیگر آداب خواب این است که پیش از آن چراغ‌ها را خاموش کرده و در ظرف‌ها و درهای خانه را ببندیم. از جابر - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - فرمودند: «هنگام خوابیدن چراغ‌ها را خاموش کنید و درها را ببندید و درب ظرف‌های آب را ببندید و ظرف غذا و آب را بپوشانید حتی اگر با یک تکه چوب باشد» [به روایت بخاری و مسلم].

و از ابن عمر - رضی الله عنه - از رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - روایت است که فرمود: «هنگامی که می‌خوابید آتش را در خانه‌هایتان [روشن] رها نکنید» [به روایت بخاری و مسلم].

از ابو موسی اشعری - رضی الله عنه - روایت است که گفت: خانه‌ای در مدینه شبانه بر اهل آن سوخت. درباره آن با رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - سخن گفتند؛ ایشان فرمودند: «آتش دشمن شماست، هنگامی که خوابیدید آن را خاموش کنید» [به روایت بخاری و مسلم].

از جمله آداب خواب اجتناب از خوابیدن در بلندی بدون حصار است. از علی بن شیبان - رضی الله عنه - از رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت است که فرمودند: «هرکه بر پشت بامی بدون حصار بخوابد از هیچ امانی برخوردار نیست» [به روایت ابوداود].

همچنین از جمله آداب پیش از خواب شستن دست و دهان از آثار غذا و چربی و دیگر چیزهاست. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «هرکه خوابید در حالی که در دستانش آثار چرک و ناپاکی است و دچار [بیماری یا] مشکلی شد جز خود را ملامت نکند» [به روایت ابوداود].

از جمله سنت‌های خواب وضو پیش از رفتن به رختخواب است. از براء بن عازب - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «هنگامی که به رختخواب خود می‌آیی وضویی بگیر که برای نمازت می‌گیری» [به روایت بخاری و مسلم].

وضو در هنگام خواب سنت است حتی اگر انسان جُنُب باشد. از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت است که عمر بن خطاب - رضی الله عنه - از رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - پرسیدند: آیا جایز هست در حال جنابت خوابید؟ فرمود: «آری، در صورتی که وضو بگیری می‌توانید در حال جنابت بخوابید» [به روایت بخاری و مسلم].

از دیگر آداب خواب، پاک کردن رختخواب و گفتن بسم الله پیش از آن است. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «اگر کسی از شما به رختخواب رفت با اِزار خود رختخوابش را پاک کند و بسم الله بگوید که او نمی‌داند پیش از او چه بر رختخواب او بوده است» [به روایت بخاری و مسلم].

شایسته است انسان مسلمان در حال خواب سعی در پوشیدن بدن خود داشته باشد تا در حال خواب عورت وی نمایان نگردد. از جابر بن عبدالله انصاری - رضی الله عنه -

روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «کسی از شما بر پشت دراز نکشد و یک پایش را بر پای دیگر نگذارد» [به روایت مسلم].

از دیگر آداب خواب این است که افراد در هنگام خواب از همدیگر دور باشند. عمرو بن شعیب از پدرش از پدرزرگش روایت می‌کند که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «فرزانتان را در هفت سالگی به نماز امر کنید و در ده سالگی برای آن تنبیه کنید و آن‌ها را در رختخواب‌هایشان از هم جدا کنید» [به روایت احمد و ابوداود]. سنت است انسان پیش از خواب وصیت خود را نوشته باشد. از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «بنده‌ی مسلمان اگر چیزی برای وصیت کردن دارد حق ندارد بیش از دو شب بدون آنکه وصیتش نزد اوست به خواب رود» [به روایت بخاری و مسلم].

همچنین رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - از خوابیدن بر رو شکم نهی کرده و فرموده است: «این روش خوابیدن اهل آتش است» و فرموده است: «این خوابیدنی است که خداوند آن را بد می‌دارد» [به روایت ابوداود با سند صحیح].

از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - مردی را دیدند که بر شکم خوابیده است پس فرمودند: «این خوابیدنی است که خدا و رسول آن را بد می‌دارند» [به روایت ترمذی].

از دیگر سنت‌های خواب، خوابیدن بر پهلو راست است. از براء بن عازب - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «هنگامی که به بسترت آمدی وضویی را که برای نماز می‌گیری به جای آور و سپس بر پهلو راست بخواب» [به روایت بخاری و مسلم].

همچنین سنت است که دست خود را در زیر صورت قرار دهیم چنانکه از حذیفه - رضی الله عنه - روایت است که گفت: رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - هنگامی که شب به بستر می‌رفت دست خود را زیر صورت خود قرار می‌داد [به روایت بخاری].

بندگان خداوند:

این‌ها برخی از سنت‌های عملی خواب بود. اکنون برخی از دعاها و اذکاری را که به سند صحیح از رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت شده است را ذکر خواهیم کرد. شایسته است هر مسلمان این اذکار و دعاها را حفظ کرده و بخواند و آن را سببی برای آرامش و اطمینان قلبی خود بگرداند. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «هرکه به بستر رود در حالی که یاد خداوند را نکند، این از جانب خداوند برای او عامل نقصان و کمبود خواهد بود» [به روایت ابوداؤد] یعنی این کار او باعث حسرت و نقصان و زیان او خواهد گردید.

از جمله این اذکار، خواندن آیت الکرسی است. در حدیثی طولانی که ابوهریره - رضی الله عنه - روایت کرده است آمده است که شیطان به او گفت: «هنگام خواب آیه الکرسی را بخوان که باعث محافظت تو توسط خداوند خواهد شد و تا صبح هیچ شیطانی به تو نزدیک نخواهد شد». رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - پس از آنکه ابوهریره این داستان را به او گفت، فرمود: «راست گفت در حالی که بسیار دروغگو است، او یک شیطان بوده است» [به روایت بخاری و مسلم].

همینطور از جمله این اذکار سی و سه بار سبحان الله، سی و سه بار الحمد لله و سی و چهار بار الله اکبر، است که در مورد آن حدیث علی بن ابی طالب - رضی الله عنه - و شکایت فاطمه - رضی الله عنها - آمده است که هنگامی که از سختی کار با آسیاب به تنگ آمد درخواست خدمتکار کرد و رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - به آن دو فرمودند: «آیا شما را به بهتر از آنچه که خواستید راهنمایی نکنم؟ هنگامی که به رختخواب رفتید سی و چهار بار تکبیر گویند و سی و سه بار الحمد لله گویند و سی و سه بار تسبیح گویند، که این برای شما بهتر از آن چیزی است که درخواست کردید» [به روایت بخاری و مسلم].

از دیگر دعاهایی که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - هنگام خواب بر زبان می‌آورد دعایی است که حذیفه بن یمان - رضی الله عنهما - روایت کرده و گفته است: رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - هنگامی که به رختخواب می‌رفت می‌فرمود:

«بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ أَمُوتُ وَأَحْيَا» (خداوندا به نام تو می‌میرم و زنده می‌شوم) و هنگامی که از خواب برمی‌خواست می‌فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ مَا أَمَاتَنَا وَإِلَيْهِ النُّشُورُ» (ستایش از آن خداوندی است که ما را پس از آنکه میراند دوباره زنده گرداند و برانگیخته شدن به سوی اوست) [به روایت بخاری].

و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: هنگامی که کسی از شما به رختخواب رفت رختخوابش را با ازار خود پاک کند که او نمی‌داند پس از او چه بر رختخوابش بوده است سپس بگوید: «بِاسْمِكَ رَبِّ وَضَعْتُ جَنبِي وَبِكَ أَرْفَعُهُ، إِنْ أَمْسَكْتَ نَفْسِي فَارْحَمْهَا، وَإِنْ أَرْسَلْتَهَا فَاحْفَظْهَا بِمَا تَحْفَظُ بِهِ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ» (به نام تو ای پروردگارم پهلویم را [بر رختخواب] می‌گذارم و به نام تو آن را بلند می‌کنم. اگر جانم را [در خواب] گرفتی آن را مورد رحمت قرار ده و اگر آن را [دوباره به بدن] فرستادی پس آن را همانگونه که بندگان صالحت را حفظ می‌کنی محافظت کن) [به روایت بخاری و مسلم].

و از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - هنگام خواب می‌فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَفَانِي وَأَوَانِي وَأَطْعَمَنِي وَسَقَانِي، وَالَّذِي مَنَّ عَلَيَّ فَأَفْضَلَ، وَالَّذِي أَعْطَانِي فَأَجْزَلَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ، اللَّهُمَّ رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكُهُ وَإِلَهُ كُلِّ شَيْءٍ أَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ» (ستایش از آن الله است که مرا کفایت نمود و پناه داد و غذا و آب داد و آنکه بر من منت نهاد و زیاده عطا کرد و بخشش کرد و در بخشش کم ننمود. در هر حال سپاس از آن خداوند است. خداوندا ای پروردگار همه چیز و ای مالک همه چیز، و ای معبود هر چیز، از آتش جهنم به تو پناه می‌برم) [به روایت ابوداود؛ ابن حبان و نووی آن را صحیح دانسته‌اند].

از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - خطاب به رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود: ای رسول خدا مرا به کلماتی راهنمایی کن که هنگام صبح و هنگام شام آن‌ها را بگویم. فرمود: «بگو: «اللَّهُمَّ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ

فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبِّ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكُهُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ وَشُرَكَهِ» (خداوندا ای دانای نهران و آشکار، ای به وجود آورنده‌ی آسمان‌های و زمین، ای پروردگار همه چیز و مالک آن، گواهی می‌دهم که معبود به حقی جز تو نیست، به تو پناه می‌برم از شر نفسم و از شر شیطان و شرک او) این‌ها را هنگامی که شب را به صبح می‌رسانی و صبح را به شب می‌رسانی و هنگامی که به رختخواب می‌روی بگو» [به روایت ابوداود].

از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که فاطمه - رضی الله عنها - به نزد پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - آمد و از او درخواست خدمتکار کرد، پس رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - خطاب به او فرمود: «بگو «اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ وَرَبَّ الْأَرْضِ، وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، رَبَّنَا وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ، فَالِقَ الْحَبِّ وَالنَّوَى وَمُنزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْفُرْقَانِ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْءٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ، اقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ وَأَغْنِنَا مِنَ الْفَقْرِ» (خداوندا ای پروردگار آسمان‌ها و زمین و ای پروردگار عرش بزرگ، پروردگار ما و پروردگار همه چیز، شکافنده دانه و هسته و فرو فرستنده‌ی تورات و انجیل و فرقان، از هر چیزی که اراده‌ی آن به دست توست به تو پناه می‌برم. خداوندا تویی آن اول که پیش از تو چیزی نیست و تویی آن آخر که پس از تو چیزی نیست و تویی ظاهر که بالاتر از تو چیزی نیست و تویی باطن که نزدیک‌تر از تو چیزی نیست، قرض را از ما ادا کن و ما را از فقر بی‌نیاز بگردان)» [به روایت مسلم].

و از براء بن عازب - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - هنگام خواب دست راست را بر زیر صورت خود می‌گذاشت و می‌فرمود:

«خداوندا مرا روزی که بندگانت را مبعوث می‌کنی از

عذاب خود حفظ نما» [به روایت احمد و ترمذی].

همچنین از انس - رضی الله عنه - روایت است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - هنگامی که به رختخواب می‌رفت می‌گفت: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنَا وَسَقَانَا وَكَفَانَا وَأَوَّانَا، فَكَمْ مِمَّنْ لَا كَافِيَ لَهُ وَلَا مُؤْوِيَّ» (ستایش از آن الله است که ما را غذا و آب داد و بی‌نیاز گرداند و پناه داد، چه بسیارند کسانی که نه کفایت‌کننده‌ای دارند و نه پناه دهنده‌ای) [به روایت مسلم].

و از علی بن ابی طالب - رضی الله عنه - از رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت است که وی در هنگام خواب می‌فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ مِنْ شَرِّ مَا أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ تَكْشِفُ الْمُغْرَمَ وَالْمَأْتَمَّ، اللَّهُمَّ لَا يَهْزُمُ جُنْدَكَ وَلَا يُخْلَفُ وَعْدُكَ وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجُدِّ مِنْكَ الْجُدُّ، سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ» (خداوندا من به چهره بزرگوارت و کلمات کاملت پناه می‌برم از شر آنچه تو اختیارش را در دست داری، خداوندا تو قرض و گناه را از بین می‌بری، خداوندا لشکریان تو شکست نمی‌خورند و وعده تو خلاف نمی‌شود و ثروت ثروتمند در برابر تو به او سودی نمی‌رساند، تو پاک و بی‌عیبی و حمد و ستایش از آن توست) [به روایت ابوداود].

ای مسلمانان:

از براء بن عازب - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود: «هنگامی که به رختخواب خود آمدی وضو بگیر و سپس بر پهلوئی راست خود دراز بکش و بگو: «اللَّهُمَّ أَسْلَمْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ، وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ وَأَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ رَغْبَةً وَرَهْبَةً إِلَيْكَ، لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنَاجَا مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ، اللَّهُمَّ أَمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ وَبِنَبِيِّكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ»» (خداوندا چهره‌ام را تسلیم تو کردم و کارم را به تو سپردم و پشتم را به تو محکم کردم، از روی امید و بیمی که به تو دارم، خداوندا به کتابی که نازل کردی و به پیامبری که فرستادی ایمان آوردم) «سپس فرمود: اگر شبی که این دعا را خوانده‌ای بمیری بر فطرت از دنیا رفته‌ای و آن را آخرین کلماتی بگردان که بر زبان می‌آوری» [به روایت بخاری و مسلم].

ای مسلمانان:

ممکن است برای مسلمان در خواب چیزهایی اتفاق بیفتد که باعث ترس و نگرانی او شود که در این صورت باید به خداوند پناه ببرد زیرا رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «اگر کسی از شما در خوابش دچار ترس شد بگوید: «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ غَضَبِهِ وَعِقَابِهِ وَشَرِّ عِبَادِهِ وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَنْ يُخْضِرُونَ» (پناه می‌برم به کلمات کامل الله از خشم و عقوبت او و شر بندگانش و از وسوسه‌های شیاطین و از اینکه بر من حاضر شوند) که در این صورت این ترس به او زیانی نخواهد رساند» [به روایت ابوداود، ترمذی و ابن حجر آن را حسن دانسته‌اند].

رویا و خواب بد نیز دارای آداب و سنت خود می‌باشد، از ابوقتاده - رضی الله عنه - روایت است که گفت: شنیدم رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرمود: «رویا از خداوند است و خواب بد از شیطان، پس اگر کسی از شما چیزی دید که آن را بد می‌داند سه بار بر سمت چپ خویش بدمد (به همراه کمی آب دهن) و سپس از شر آن به خداوند پناه ببرد که [در این صورت] به وی آسیبی نخواهد رساند» [به روایت بخاری و مسلم].

خداوند برای ما به واسطه قرآن و سنت برکت عطا کند و با آیات و حکمت سود رساند. این سخن خویش را گفته و برای خود و شما از خداوند متعال آمرزش می‌خواهم.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله است که یار و یاور مومنان است و عاقبت از آن متقیان است و دشمنی نیست مگر با ستمگران، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق جز الله نیست که واحد و بی‌شریک است و پادشاه بر حق است و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر راستگوی امین اوست. درود و سلام و برکات خداوند بر وی و بر اهل بیت و یاران وی باد.

در صورتی که انسان مسلمان شب از خواب بیدار شد سنت است که خداوند را یاد کرده و دعا کند، زیرا چنین ساعتی دعا به استجابت نزدیک است. از عباده بن صامت - رضی الله عنه - از رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت است که فرمود: «هر کس شب از خواب برخواست و گفت: «لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد وهو على كل شيء قدير، الحمد لله وسبحان الله ولا إله إلا الله والله أكبر ولا حول ولا قوة إلا بالله»، سپس بگوید: «اللهم اغفر لي» (خداوند مرا مورد مغفرت قرار ده) دعایش مورد استجابت قرار خواهد گرفت و اگر وضو گرفت و نماز گزارد نمازش قبول خواهد شد» [به روایت بخاری].

و از معاذ بن جبل - رضی الله عنه - از رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت است که فرمود: «هیچ مسلمانی نیست که بر حالت وضو و با ذکر خداوند به خواب رود و سپس شب از خواب برخیزد و از خداوند خیر دنیا و آخرت را بخواهد مگر آنکه خداوند آن را به وی عطا خواهد کرد» [به روایت ابوداود و ابن ماجه].

همچنین خواندن آیات پایانی سوره آل عمران در صورت بیدار شدن از خواب در هنگام شب، سنت است. از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت است که: رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - شب خوابید تا آنکه نیمه شب یا کمی پیش از آن یا کمی پس از آن از خواب برخواست و نشست و با دست اثر خواب را از صورتش پاک کرد، سپس ده آیه پایانی سوره آل عمران را خواند [به روایت بخاری و مسلم].

مسواک زدن پس از خواب نیز از سنت رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - است. از حدیفه - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - هنگامی که از خواب برمیخواست دهانش را مسواک می‌زد [به روایت بخاری و مسلم].

و از عایشه - رضی الله عنه - روایت است که برای پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - آب وضو و مسواکش نهاده می‌شد و هنگامی که از خواب برمیخواست به دستشویی می‌رفت و سپس مسواک می‌زد [به روایت ابوداود].

و از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - نمی‌خوابید مگر آنکه مسواک در کنارش بود و پس از بیدار شدن قبل از هر چیز مسواک می‌زد [به روایت احمد].

همینطور از جمله سنت‌های نبوی ذکر پس از بیدار شدن از خواب است. از حدیثی - رضی الله عنه - روایت است که گفت: رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - هنگامی که به رختخواب می‌رفت دستش را زیر صورت خود قرار می‌داد و سپس می‌گفت: «اللهم باسمك أموت وأحيا» (خداوندا به نام تو می‌میرم و زنده می‌شوم) و هنگامی که بیدار می‌شد می‌فرمود: «الحمد لله الذي أحيانا بعد ما أماتنا وإليه النشور» (ستایش مخصوص الله که ما را پس از آنکه میراند زنده گرداند و گردآوری به سوی اوست) [به روایت بخاری].
بندگان خداوند:

هر که می‌خواهد سینه‌اش فراخ شده و پس از بیدار شدن از خواب شاد و سرحال باشد به ذکر و یاد خداوند و سپس وضو و نماز پردازد؛ از ابوهیرره - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «شیطان در پشت سر هر کدام از شما هنگام خواب سه گره می‌زند و در کنار هر گره با دستش زده و می‌گوید: بخواب که شبی طولانی داری، پس اگر بیدار شد و خداوند را یاد کرد یک گره باز می‌شود و اگر وضو گرفت گره بعدی باز می‌شود و اگر نماز گزارد گره دیگر نیز باز می‌شود و صبح را با نشاط و شادی آغاز خواهد کرد و در غیر این صورت کسل و افسرده خواهد شد» [به روایت بخاری و مسلم].

بندگان خداوند؛ این چهل حدیث از احادیثی بود که از رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - به ثبوت رسیده است و در روایات صحیح احادیث دیگری نیز در این باب موجود است که از خداوند می‌خواهم به گوینده و شنونده

خداوند ما را بر حوض وی وارد گردان و شفاعت او را نصیب ما کن و زیر پرچم او محشور نما.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، و شرک و مشرکان را خوار بگردان. این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امن و امان بدار.

خداوندا هرکه را برای این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان اراده

پروردگارا از ما بپذیر که تو شنوای دانایی و از ما توبه پذیر که تو بسیار توبه‌پذیر و مهربان. و آخر سخن اینکه: الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه: توبه و فضیلت آن

خطیب: دکتر علی حدیفی

مسجد نبوی شریف: جمعه ۲۵ جمادی الاول ۱۴۳۲ برابر با ۹ اردیبهشت ۱۳۹۰

خطبه‌ی اول:

ستایش مخصوص خداوندی است که توبه پذیر و مهربان است، شکیبیا است و دانا، پروردگرم را ستایش می‌گویم و برای فضل فراگیرش او را شکر می‌گویم و گواهی می‌دهم که معبودی حقیقی نیست جز الله که والا و بزرگ است، و گواهی می‌دهم که پیامبر و سرور ما محمد، بنده، او و فرستاده شده از سوی او و موصوف به همهٔ مکارم اخلاق است. خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل و بیت و یارانش درود و سلام و برکت ارزانی دار.

اما بعد:

ای مسلمانان تقوای الله را آنگونه که شایستهٔ اوست پیشه سازید که تقوای خداوند توشهٔ هر سختی و دژ استواری است که هر که به آن وارد شود در امان است و محافظی است از عذاب خداوند.

و بدانید که پروردگار بنی‌آدم را جایز الخطا آفریده است که در معرض تقصیر و کوتاهی در واجبات قرار دارند. برای همین است که پاداش نیکی‌های آن‌ها را چند برابر قرار داده است اما جزای بدی‌ها را اینگونه نکرده است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا

يُظْلَمُونَ ﴿١٦٠﴾ [الأنعام: ۱۶۰].

«هرکس کار نیکی بیاورد ده برابر آن [پاداش] خواهد داشت و هرکس کار بدی بیاورد جز مانند آن جزا نیابد و بر آنان ستم نرود».

همچنین از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «خداوند نیکی‌ها و بدی‌ها را نوشته است، پس هرکه قصد انجام کار نیک داشته باشد اما آن را انجام ندهد خداوند نزد خود برای وی یک نیکی کامل می‌نویسد اما اگر آن را انجام دهد برای او نزد خود ده نیکی تا هفتصد نیکی تا چندین برابر پاداش می‌نویسد؛ و اگر قصد انجام کار بدی داشته باشد و آن را انجام ندهد برای وی یک نیکی کامل می‌نویسد، پس اگر آن را انجام دهد خداوند برای وی یک بدی ثبت می‌کند» [به روایت بخاری].

خداوند برای به دست آوردن نیکی‌ها راه‌های گوناگونی قرار داده و فرائض را پاک کننده گناهان و بالا برنده درجات گردانده است؛ از ابوهریره - رضی الله عنه - از رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت است که فرمودند: «نمازهای پنجگانه و جمعه تا جمعه و رمضان تا رمضان پاک کننده‌ی گناهانی هستند که میانشان اتفاق افتاده است در صورتی که انسان از کبائر دوری کند» [به روایت مسلم].

و از عبدالله بن عمرو بن عاص - رضی الله عنهما - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «چهل خصلت است که بالاترین آن به امانت دادن گوسفند ماده برای سود بردن از شیر و پشم آن است؛ کسی نیست که به هدف به دست آوردن اجر و با درست دانستن وعده‌ی خداوند آن‌ها را انجام دهد مگر آنکه خداوند به سبب آن وی را وارد بهشت خواهد کرد» [به روایت بخاری].

از ابوهریره - رضی الله عنه - از رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت است که فرمودند: «ایمان هفتاد و چند شعبه - یا شصت و چند - شعبه دارد که بهترین آن گفتن لا إله إلا الله، و پایین‌ترین آن برداشتن اذیت و آزار از راه است و حیا نیز شعبه‌ای از ایمان است» [به روایت بخاری و مسلم].

از ابوذر - رضی الله عنه - نیز روایت است که گفت: گفتم ای رسول خداوند! چه کاری بهتر است؟ فرمود: «ایمان به الله و جهاد در راه او» گفتم: آزاد کردن چه برده‌ای بهتر است؟ فرمود: «آنکه نزد صاحبانش بهتر است و قیمت آن گرانتر» فرمودم: «اگر نتوانستم این را انجام دهم؟» فرمود: «کارگری را کمک می‌کنی یا برای ناتوانی کاری انجام می‌دهی» گفتم: ای رسول خداوند! اگر از انجام دادن برخی کارها ناتوان بودم چه؟ فرمود: «شر خود را از مردم دور می‌داری که این صدقه‌ای است از خودت برای خودت!» [به روایت بخاری و مسلم].

همچنین از ابوذر - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «هیچ کار نیکی را ناچیز مشمار حتی اگر [این باشد که] با برادرت با چهره‌ای گشاده روبرو شوی» [به روایت مسلم].

و از انس - رضی الله عنه - روایت است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «خداوند از بنده خشنود می‌شود که اگر غذایی خورد یا چیزی نوشید او را برای آن حمد گوید» [به روایت مسلم].

همانطور که شریعت راه‌های خیر بسیاری قرار داده و اسباب گوناگونی را برای به دست آوردن نیکی‌ها گذاشته است، همانگونه نیز راه‌های بدی و گناه را بسته و وسائلی را که به گناه و حرام منتهی می‌شود مسدود نموده تا کفه ترازوی نیکی‌ها سنگین‌تر شود و کفه بدی و گناه سبک گردد و بنده به فلاح و رستگاری دست یابد. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ ۖ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَنًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿۳۳﴾﴾ [الأعراف: ۳۳].

«بگو پروردگار من فقط زشتکاری‌ها را چه آشکارش [باشد] و چه پنهان و گناه و ستم ناحق را حرام گردانیده است و [نیز] اینکه چیزی را شریک الله سازید که دلیلی بر [حقانیت] آن نازل نکرده و اینکه چیزی را که نمی‌دانید به الله نسبت دهید».

و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که گفت: شنیدم رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «آنچه شما را از آن نهی نمودم از آن دوری کنید و آنچه شما را بدان امر کردم تا آنجا که می‌توانید انجام دهید» [به روایت بخاری و مسلم].
و جامع همه نیک‌ها و سبب خوشبختی توبه و بازگشت به سوی خداوند متعال است. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید: «ای مومنان همگی به سوی الله توبه کنید باشد که رستگار شوید» [النور: ۳۱].

معنای توبه بازگشت به سوی خداوند و روی گرداندن از محرمات و گناهان و یا ترک واجبات و کوتاهی در مورد آنان، با صدق و پشیمانی از کردارهای گذشته است.
توبه نصوح باعث می‌شود خداوند کارهای نیکی را که بنده انجام داده حفظ نموده و گناهانی را که واقع شده‌اند پاک گرداند و از بلاها و عقوبت‌هایی که بنده به سبب گناهان خود مستحق آن شده بود جلوگیری نماید. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿فَلَوْلَا كَانَتْ قَرِيَةً ءَامَنْتَ فَفَعَعَهَا اِيْمِنُهَا اِلَّا قَوْمٌ يُونُسَ لَمَّا ءَامَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَمَتَّعْنَهُمْ اِلَىٰ حِيْنٍ ﴿۹۸﴾﴾ [يونس: ۹۸].

«چرا هیچ شهری نبود که [اهل آن] ایمان بیاورد و ایمانش به حال آن سود بخشد مگر قوم یونس که وقتی [در آخرین لحظه] ایمان آوردند عذاب رسوایی را در زندگی دنیا از آنان برطرف کردیم و تا چندی آنان را برخوردار ساختیم».

ابن جریر طبری در تفسیر این آیه سخن قتاده را روایت کرده است که می‌گوید: «مردم هیچ شهری از ایمان خود پس از آنکه کفر ورزیدند سود نبردند و رها نشدند مگر قوم یونس که هنگامی که پیامبرشان آنان را ترک کرد و گمان بردند که عذاب به آنان نزدیک شده است خداوند توبه را در قلب آنان انداخت پس خرقة پوشیدند و میان حیوانات و بچه‌هایشان جدایی انداختند و چهل شبانه روز به سوی خداوند تضرع کردند پس هنگامی که خداوند راستی درون و پشیمانی آنان از آنچه پیش از آن انجام داده بودند را دانست عذاب را از آنان برداشت...».

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَأَنْ أَسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ﴾ [هود: ۳].

«و اینکه از پروردگارتان آمرزش بخواهید سپس به درگاه او توبه کنید [تا اینکه] شما را با بهره‌مندی نیکویی تا زمانی معین بهره‌مند سازد و به هر انسان شایسته‌ای نعمتی از کرم خود عطا کند و اگر رویگردان شوید من از عذاب روزی بزرگ بر شما بیمناکم». توبه برای همهٔ مسلمانان واجب است، برای کسی که در گناه کبیره واقع شده است توبه واجب است تا آنکه مرگ ناگهانی او را در حالی که گناهکار است غافلگیر نکند. برای آنی که گرفتار گناهان صغیره است نیز توبه لازم است زیرا پافشاری بر گناهان صغیره خود جزو کبائر است. برای کسی که واجبات را انجام می‌دهد و از محرمات دوری می‌کند نیز توبه لازم است زیرا این اعمال نیز شروطی برای حفظ خود دارند و موانعی برای قبل آنان وجود دارد.

از اَعْرَبُ بن یسار مُزنی - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «ای مردم! به سوی خداوند توبه کنید و از او آمرزش بخواهید که من در روز صد بار به سوی او توبه می‌کنم» [به روایت مسلم].

توبه دروازه‌ای بزرگ که از طریق آن نیکی‌های بسیاری که خداوند آن را دوست می‌دارد متحقق می‌شود زیرا اگر بنده برای هر گناهی که مرتکب می‌شود توبه‌ای انجام دهد نیکی‌هایش افزایش می‌یابد و بدی‌هایش کم می‌شود. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَمًا ﴿٦٨﴾ يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا ﴿٦٩﴾ إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٧٠﴾﴾ [الفرقان: ۶۸-۷۰].

«و کسانی‌اند که با الله معبودی دیگر نمی‌خوانند و کسی را که الله [خونش را] حرام کرده است جز به حق نمی‌کشند و زنا نمی‌کنند و هرکس این‌ها را انجام دهد سزایش را دریافت خواهد کرد (۶۸) برای او در روز قیامت عذاب دو چندان می‌شود و پیوسته در آن

خوار می‌ماند (۶۹) مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و کار شایسته کند پس الله بدی‌هایشان را به نیکی‌ها تبدیل می‌کند و الله همواره آمرزنده مهربان است». ای مسلمانان:

وسعت رحمت خداوند و فضل بزرگ و شکیبایی و بخشش و کرمش را به یاد آورید، او که توبه‌ی توبه‌کنندگان را پذیرفته و از لغزش گناهکاران چشم‌پوشی نموده و بر ضعف انسان رحم کرده و او را برای توبه‌اش نیز پاداش داده است... از ابوموسی اشعری - رضی الله عنه - از رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت است که فرمود: «خداوند دست خود را به شب می‌گستراند تا گناهکار روز توبه کند و دست خود را به روز می‌گستراند تا گناهکار شب توبه کند» [به روایت بخاری و مسلم].

توبه از بزرگ‌ترین عبادت‌ها و دوست‌داشتنی‌ترین آن‌ها نزد خداوند متعال است. هر که به صفت توبه متصف گردد بی‌تردید رستگار شده است و در همهٔ امورش موفق گردیده است:

﴿فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ﴾ ﴿٦٧﴾
[القصص: ۶۷].

«و اما کسی که توبه کند و ایمان آورد و به کار شایسته پردازد امید که از رستگاران باشد».

برای بیان فضیلت توبه همین کافی است که پروردگار برای آن بسیار شاد می‌گردد؛ از انس - رضی الله عنه - روایت است که گفت: «خداوند برای توبه‌ی بنده‌اش بیشتر از یکی از شما شاد می‌شود که شترش را در حالی که بارهایش بر آن بوده در صحرای بی‌آب گم کرده و سپس آن را یافته باشد» [به روایت بخاری و مسلم].

توبه از صفات پیامبران - علیهم الصلاة والسلام - و مومنان است. خداوند متعال فرموده است:

﴿لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ ﴿١١٧﴾ [التوبة: ۱۱۷].

«به یقین الله بر پیامبر و مهاجران و انصار که در آن ساعت دشوار از او پیروی کردند ببخشد بعد از آنکه چیزی نمانده بود که دل‌های دست‌های از آنان منحرف شود باز برایشان ببخشد چرا که او نسبت به آنان مهربان و رحیم است».

همچنین درباره موسی - علیه السلام - می‌فرماید:

﴿قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [الأعراف: ۱۴۳].

«گفت تو پاک و منزهی به سوی تو توبه کردم و من نخستین مومنانم».

و در مورد داوود - علیه السلام - می‌فرماید:

﴿وَأَذْكُرُ عَبْدَنَا دَاوُودَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾ [ص: ۱۷].

«و داوود بنده ما را که دارای امکانات [متعدد] بود به یاد آور آری او بسیار بازگشت‌کننده [به سوی خدا] بود».

اواب کسی است که به بسیار توبه می‌کند.

خداوند متعال درباره صفات مومنان می‌فرماید:

﴿التَّائِبُونَ الْعَبِدُونَ الْحَمِيدُونَ السَّاجِدُونَ الرَّكْعُونَ السُّجِدُونَ الْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
وَالتَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَفِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [التوبة: ۱۱۲].

«همان توبه‌کنندگان پرستندگان سپاسگزاران روزه‌داران رکوع‌کنندگان سجده‌کنندگان وادارندگان به کارهای پسندیده بازدارندگان از کارهای ناپسند و پاسداران مقررات الله و مؤمنان را بشارت ده».

چه والاست صفت توبه که خداوند این صفات والای مومنان را با آن آغاز کرده است. توبه هم با اعضای بدن است و هم با قلب.

روزی که خداوند توبه بنده‌ای را می‌پذیرد بهترین روز زندگی اوست، و آن ساعتی که خداوند در توبه را برای بنده‌ای باز می‌کند و او را مورد رحمت خویش قرار می‌دهد بهترین لحظه‌های تمام روزگار است؛ زیرا او به سعادت دست یافته که پس از آن هیچ بدبختی و ناکامی نیست. از کعب بن مالک - رضی الله عنه - در داستان توبه‌اش چنین آمده که: بر رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - سلام کردم و او در حالی که

چهره‌اش از شادی می‌درخشید فرمود: «مژده باد تو را به بهترین روز زندگی‌ات از هنگامی که از مادر به دنیا آمده‌ای» [به روایت بخاری و مسلم].

مسلمانان در تجارب گذشته و سختی‌ها و محنت‌هایی که به آنان روی آورد به این نتیجه رسیدند که تنها راه نجات آنان توبه و بازگشت به سوی خداوند متعال و پابندی به دین الله - سبحانه و تعالی است، دینی که تضمین کننده هر خوبی و دور کننده هر شری است.

بنابراین، توبه برای هر مسلمانی، از همه گناهان بزرگ و کوچک واجب است تا آنکه خداوند ما را در دنیا و آخرت مورد رحمت خود قرار دهد و بدی‌ها و مصیبت‌ها را از ما بردارد.

اهل علم می‌گویند: اگر گناه تنها بین بنده و خداوند باشد و حق مردم در آن نباشد شروط توبه از آن این است که دست از گناه بکشد و پشیمان شود و عزم کند که دیگر به آن باز نگردد. و اگر آن در حق مردم باشد لازم است به همراه این شروط حق آن فرد را نیز به او باز گرداند یا از او درخواست عفو کند و مورد بخشش او قرار گیرد.

توبه از همه گناهان واجب است، و اگر شخص از برخی گناهانش توبه کند توبه‌اش در مورد آن گناهان صحیح است و گناهی که از آن‌ها توبه نکرده است باقی می‌ماند. پس ای مسلمانان به سوی خداوند توبه کنید و به سوی پروردگاری بزرگوار باز گردید. پروردگاری که نعمت‌های ظاهر و آشکارش را بر شما فرو فرستاده و هر چه خواستید به شما داده است و به شما فرصت عمر عطا کرده است و داستان‌های توبه‌کنندگانی را که خداوند بر آنان با توبه نصوص منت نهاده به یاد آورید. کسانی که پس از غرق شدن در دریای شهوات و شبهات ناگهان پرده از چشمانشان کنار رفت و قلب‌هایشان بیدار شد و درونشان روشن، و خداوند آنان را از غفلت بیدار کرد و از تاریکی‌های گمراهی بیرون آورد و از نو متولد شدند...

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ

ءَامِنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَآغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٨﴾ [التحریم: ۸].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید به درگاه الله توبه‌ای راستین کنید امید است که پروردگارتان بدی‌هایتان را از شما بزدايد و شما را به باغ‌هایی که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است درآورد در آن روز الله پیامبر [خود] و کسانی را که با او ایمان آورده بودند خوار نمی‌گرداند نورشان از پیشاپیش آنان و سمت راستشان روان است می‌گویند پروردگارا نور ما را برای ما کامل گردان و بر ما ببخشای که تو بر هر چیز توانایی.»

خداوند به واسطه قرآن بزرگ من و شما را مورد برکت قرار دهد و با آیات و ذکر حکیم و سنت سیدالمرسلین سود رساند. این سخن خویش را گفته و برای خود و شما و همه مسلمانان از خداوند بزرگ آمرزش می‌خواهم پس از او آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله است که صاحب جبروت و ملکوت است، آن زنده‌ای که نمی‌میرد. پروردگار را سپاس و ستایش می‌گویم و به سوی او توبه می‌کنم و از او آمرزش می‌خواهم و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است. زنده می‌کند و می‌میراند و گواهی می‌دهم که پیامبر و سرور ما محمد، بنده و فرستاده خداوند است که او را با هدایت و دین حق مبعوث نمود تا دین او را بر همه ادیان پیروز گرداند حتی اگر مشرکان را خوش نیاید. خداوند بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یاران او که در راه خداوند به حق جهاد نمودند و در دنیا و آخرت رستگار شدند درود و سلام و برکت فرست.

اما بعد:

تقوای خداوند را با پایبندی به طاعت او پاس بدارید و با دوری از محرمات او از عذابش دوری جویند.

بندگان خداوند:

خداوند فرصت عمر در اختیار شما نهاده و توانایی انجام نیکی‌ها را به شما داده است تا آن را وسیله‌ای برای رسیدن به خشنودی پروردگارتان قرار دهید زیرا این اعمال نیک است که بندگان را به خداوند نزدیک ساخته و باعث پاکی قلب‌ها از گمراهی و فساد می‌شود. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرَّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الْوَعْدِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرُفَاتِ ءَامِنُونَ ﴿۳۷﴾﴾ [سبأ: ۳۷].

«و اموال و فرزندانان چیزی نیست که شما را به پیشگاه ما نزدیک گرداند مگر کسانی که ایمان آورده و کار شایسته کرده باشند پس برای آنان دو برابر آنچه انجام داده‌اند پاداش است و آن‌ها در غرفه‌ها [ی بهشتی] آسوده خاطر خواهند بود».

و این را بدانید که جوینده‌ای سخت‌گیر در پی شماسست و از دست او امانی نیست و نمی‌دانید که مرگ کی شما را غافلگیر خواهد کرد. آنگاه است که انسان آرزو می‌کند ای کاش اجل مهلت می‌داد تا اعمالش را اصلاح کند اما اجل هرگز عقب انداخته نمی‌شود و فرصت عمل نیک دیگر به دست نمی‌آید. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ ﴿۱۱۱﴾ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِن وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿۱۱۲﴾﴾ [المؤمنون: ۹۹-۱۰۰].

«تا آنگاه که مرگ یکی از ایشان فرا رسد می‌گوید پروردگارا مرا بازگردانید (۹۹) شاید من در آنچه وانهادم کار نیکی انجام دهم. نه چنین است این سخنی است که او گوینده آن است و پیشاپیش آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته خواهند شد».

و در حدیث آمده است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «عاقل آن است که خود، خود را محاکمه کند و برای پس از مرگ تلاش نماید و ناتوان آن است که نفسش در پی هوا و هوس رود و بر خداوند تمنا کند».

رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «از بین برنده‌ی لذت‌ها - یعنی

مرگ - را یاد کنید».

و خود را با توبه صادقانه در همه حال برای آن آماده سازید تا آنکه ناگهان با اعمال ناشایست میان شما و دنیا فاصله نیفتد.

بندگان خداوند:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

پس بر سرور پیشینیان و پسینیان و امام پیامبران درود و سلام فرستید.

خداوندا بر محمد و آل محمد درود فرست همانگونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی و بر محمد و آل محمد برکت ارزانی دار چنانکه بر ابراهیم و آل ابراهیم ارزانی داشتی که تو ستوده شده و باعظمتی.

بارالها و راضی و خشنود باش از همه صحابه، و از خلفای راشدین، آن امامان هدایتگر که به حق حکم می نمودند: ابوبکر و عمر و عثمان و علی، و از دیگر صحابه پیامبرت و از تابعین و کسانی که تا روز قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند و از ما نیز به همراه آنان راضی و خشنود باش ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، و شرک و مشرکان را خوار گردان ای پروردگار جهانیان و دشمنان، دشمنان دین را نابود گردان.

خداوند میان قلب‌های مسلمانان الفت ایجاد کن و روابط میان آنان را اصلاح نما. خداوندا آنان را بر حق متحد گردان ای مهربان‌ترین مهربانان و ای گرامی‌ترین گرامیان. خداوندا ما و دیگر مسلمانان را فهم دین عطا کم که تو بر کاری توانایی. خداوندا بر ما و دیگر مسلمانان توبه پذیر. خداوندا گناهان گذشته و آینده و پنهان و آشکار ما و آنچه خود به آن آگاهتری را بیامرز که تو بر هر کاری توانایی.

خداوند بدان را بر مسلمانان مسلط مگردان، خداوند بدان آن‌ها را بر آنان مسلط مگردان، خداوند مسلمانان را دوستدار همدیگر و همکار و همیار همدیگر در نصرت دینت خود و نصرت کتاب خدا و سنت پیامبر قرار ده.

خداوندا اوضاع همه ما را اصلاح نما ای پروردگار جهانیان. خداوندا اوضاع ما و دیگر مسلمانان را اصلاح نما.

ای زنده برپادارنده! همه امور ما را اصلاح نما و ما را حتی برای یک لحظه به خودمان وامگذار. خداوندا ما از تو آرزشت را می‌خواهیم ای پروردگار جهانیان.

خداوندا جان مسلمانان را حفظ کن. خداوندا مال و ناموس آنان را در امان بدار. خداوندا مسلمانان را از بدی‌های خودشان در امان بدار ای پروردگار جهانیان.

خداوندا امت محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - را اصلاح نما که تو بر همه چیز توانایی.

خداوندا ما را از بدی‌های نفس خویش و از کارهای ناشایستمان در امان بدار. خداوندا ما را از شر هر صاحب‌شری در امان بدار. ای پروردگار جهانیان و ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا ما و نسل‌های پس از ما را از ابلیس و سربازانش در امان بدار ای پروردگار جهانیان. خداوندا ما و نسل‌های پس از ما را از ابلیس و سربازانش در امان بدار ای پروردگار جهانیان.

خداوندا نیرنگ دشمنان اسلام را باطل گردان، خداوندا نیرنگ دشمنان اسلام را باطل گردان. خداوندا نیرنگشان را باطل گردان. خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت را یاری ده.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان و والیان امر ما را اصلاح نما. خداوندا سرزمین ما و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امن و امان و رفاه بدار.

«پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از عذاب جهنم در امان بدار».

[البقره: ۲۰۱].

بندگان خداوند:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَائِي ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٩٠﴾ وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ﴿٩١﴾﴾ [النحل: ۹۰-۹۱].

خداوند بزرگ را یاد کنید تا شما را یاد کند و او را برای نعمت‌هایش شکر گوید تا شما را افزون دهد و همانا یاد الله بزرگ‌تر است و خداوند به آنچه می‌کنید آگاه است.

عنوان خطبه:

تاثیر هم نشین خوب و بد

خطیب: دکتر اسامه خیاط

مسجدالحرام: جمعه ۱۰ جمادی الثانی ۱۴۳۲ برابر با ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۰

خطبه‌ی اول:

ستایش مخصوص خداوندی است که شکافنده هسته و دانه است، او را حمد می‌گویم و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها است و شریکی ندارد و آفریننده آسمان‌ها و زمین است، و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده و پیامبر برگزیده اوست. خداوند بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یاران او، آن امامان هدایت و ستارگان روشنگر درود و سلام فرست.

اما بعد:

بندگان خداوند تقوای او را پیشه سازید و «از روزی پروا داشته باشید که در آن به سوی الله برخواهید گشت سپس هر کس آنچه را انجام داده است به تمام و کمال دریافت می‌دارد و به آنان ستم نمی‌شود» [البقرة: ۲۸۱].

هنگامی که خطرات و چالش‌ها و فتنه‌ها جامعه‌ای را به خطر می‌اندازند، خردمندان آن جامعه جوانان خود را ثروت‌های آن جامعه می‌دانند و در جستجوی راهی برای محافظت از آنان می‌افتند. زیرا حفاظت از جوانان بزرگ‌ترین تاثیر را در حفظ کيان جامعه و بر

افراشتن کاخ تمدن آن خواهد داشت تا جایگاه در خور شایسته‌ای در میان دیگر امت‌ها داشته باشد و همانی شود که خداوند متعال خواسته است یعنی: «بهترین امتی که بر مردم خارج گردیده است» [آل عمران: ۱۱۰].

و این مهم به انجام نخواهد رسید مگر با اهمیت به جوانان و تعامل زیبا، زیرا این قوی‌ترین عامل برای به دست آوردن قلب و درون دیگران است.

همانگونه که این اهمیت، عاملی از عوامل کاشتن عقیده صحیح و پاسبانی از شرایع دین با علم و عمل و عادت دادن مردم با عادات نیک و رهایی از معایب و عادات ناپسند است، همینگونه نیز اهمیت دادن به آنان در باب هم‌نشینی و دوستی و معاشرت است زیرا این عامل نیز از اسباب پیشرفت یا پسرفت و موفقیت یا شکست است.

از آنجایی که هم نشین یا دوست اثری عمیق بر انسان می‌گذارد، از روی حکمت است که در مورد انتخاب دوست احتیاط صورت گیرد و تا به دست نیامدن شناخت مناسب نسبت به او و دین و اخلاق وی نسبت به انتخاب او اقدام نشود.

رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - به بهترین شیوه این حقیقت را بیان نموده و فرموده است: «انسان بر دین دوست صمیمی خود است؛ پر هر یک از شما ببیند با چه کسی دوست است» [به روایت امام احمد و ابوداؤد و ترمذی از حدیث ابوهریره - رضی الله عنه - با سند حسن].

زیرا طبیعت انسان‌ها از هم تاثیر می‌پذیرد و چه زود است که انسان به همان راهی برود که هم‌نشین او می‌خواهد همانطور که پیامبر با مثالی زیبا این حقیقت را بیان نموده و فرموده است: «مثال هم نشین خوب و هم نشین بد مانند حامل مسک است و آهنگر، پس حامل مسک یا آنکه از مسکش به تو هدیه می‌دهد و یا آنکه از او مسک می‌خردی و یا آنکه حداقل بوی خوش او را به خود می‌گیری، اما آهنگر یا لباس را می‌سوزاند و یا حداقل بوی بد را از او می‌گیری» [به روایت بخاری و مسلم از حدیث ابوموسی اشعری].

اگر هم‌نشین انسان از کسانی باشد که حق دوستی را ادا می‌کند و از اشتباهات انسان چشم می‌پوشاند و اشتباهات او را می‌پوشاند و هم‌نشین خود را به سوی خیر و نیکی

راهنمایی می‌کند و در این راه او را یاری می‌رساند و طاعت را برای او زیبا نشان داده و گناه را در نگاه او زشت جلوه می‌دهد و میان او و گناه دوری می‌اندازد و با یاد آوری آخر و عاقبت آن در دنیا و آخرت او را از انجام گناهان باز می‌دارد، این چنین هم‌نشینی همان هم‌نشین صالحی است که عاقبت هم‌نشینی با او خیر و سعادت است.

اما اگر هم‌نشین انسان سخنان و کارها و عقاید فاسد را برای او زیبا جلوه دهد، او همان هم‌نشین بدی است که دوست خود را به ورطه بدی و خواری و عقوبت دنیا و آخرت می‌اندازد. او عامل بدبختی دوست خود می‌شود، زیرا با اطاعت از او عاقبتی جز نابودی و عذاب آتش ندارد و آنجاست که انگشت ندامت به دندان می‌گزد، جایی که دیگر ندامت و پشیمانی فایده‌ای نخواهد داشت:

﴿وَيَوْمَ يَعِضُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَلَيْتَنِي أَخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا ﴿٢٧﴾ يَوَيْلَئِي لَيْتَنِي لَمْ أَخَذُ فَلَانًا خَلِيلًا ﴿٢٨﴾ لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا ﴿٢٩﴾﴾ [الفرقان: ۲۷-۲۹].

«و روزی است که ستمکار دست‌های خود را می‌گزد [و] می‌گوید ای کاش با پیامبر راهی برمی‌گرفتم (۲۷) ای وای کاش فلانی را دوست [خود] نگرفته بودم (۲۸) او [بود که] مرا به گمراهی کشانید پس از آنکه قرآن به من رسیده بود و شیطان همواره فروگذارنده انسان است».

پس عجیب نیست که دوستی صمیمی این گروه عاقبت به دشمنی تبدیل شود:

﴿الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ ﴿٦٧﴾﴾ [الزخرف: ۶۷].

«دوستان صمیمی در آن روز دشمن همدیگرند مگر متقیان».

امام ابن قیم می‌گوید: «حال همه شرکت کنندگان در یک کار همین است که تا هنگامی با همکاری همدیگر به آن هدف رسیده‌اند با هم دوستی و محبت دارند امام اگر آن هدف را به دست نیاورند آن ناکامی، پشیمانی و غم به همراه خواهد داشت و آن دوستی نیز به دشمنی و نفرین همدیگر تبدیل می‌شود همچنانکه در این دنیا کسانی که در یک جنایت و بزهکاری با هم همدست هستند پس از آنکه مورد تنبیه و عقوبت واقع

می‌شوند همه آن‌هایی که در انجام آن کار باطل با هم همکاری و محبت و دوستی داشته‌اند محبتشان تبدیل به کینه و دشمنی می‌شود» پایان سخن امام ابن قیم.

بنابراین عجیب نیست که انسان خردمند نسبت به انتخاب دوست و همنشین خود سختگیر باشد و هر کس را به دوستی نگیرد و دوستان خود را تنها از اهل ایمان و تقوا برگزیند چنانکه رسول الله - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید: «جز با مومن هم‌نشینی مکن و جز انسان تقی کسی غذایت را نخورد» [به روایت امام احمد در مسند و ابوداؤد در سنت و ترمذی در جامع].

دوستی باید تنها برای به دست آوردن رضایت خداوند باشد و از هرگونه غرض دیگر و از هوای نفس به دور باشد. شایسته است این دوستی در رحاب ایمان رشد و نمو یابد و ملزم به عقیده و شریعت و اوامر و نواهی آن باشد. اینجاست که انسان مومن با دوستی اهل خیر و صلاح به جایگاهی بالاتر از جایگاه خود در آخرت دست خواهد یافت و به کسانی ملحق خواهد شد که آنان را دوست دارد هرچند به مانند آنان عمل نکرده باشد.

چنانکه در حدیثی که بخاری و مسلم در صحیح خود از عبدالله بن مسعود - رضی الله عنه - آورده‌اند که گفت: مردی نزد رسول الله - صلی الله علیه وسلم - آمد و گفت: ای رسول خدا! در مورد مردی چه می‌گویی که قومی را دوست دارد اما به آنان نمی‌رسد؟ فرمود: «انسان با کسی است که او را دوست می‌دارد».

اکنون و در پی پیشرفت وسائل جدید ارتباط - مخصوصاً در مجال رسانه‌های جدید از جمله اینترنت و ماهواره و شبکه‌های اجتماعی و برنامه‌های چت و گفتگوی آن لاین و دیگر پدیده‌ها - معنای هم‌نشینی و دوستی نیز وارد عرصه‌هایی گردیده که پیش از این شناخته شده نبود و ممکن است هم‌نشینی و دوستی از طریق شبکه‌های اجتماعی و اینترنت به دلیل سرعت و گستره وسیع آن دارای تأثیری بیشتر از دیگر دوستی‌ها باشد.

این مسئولیتی سنگین‌تر را بر عهده ما و بر دوش پدران و مادران و علما و دعوتگران و مربیان و دیگر اهل نظر می‌اندازد تا در راه حفاظت از جوانان و مصون داشتن آنان تلاشی مضاعف داشته باشیم.

امید است با تلاش مخلصان و حکمت و درایتی که از آن برخوردار هستند و با نیت صادقانه و تلاشی که در راه خیرخواهی مبذول می‌دارند، خداوند گام‌ها را استوار نموده و در تلاش و کوشش آن‌ها برکت اندازد و ما را به اهدافمان نزدیک گرداند.

خداوند من و شما را با کتاب خود و سنت پیامبرش - صلی الله علیه وسلم - سود رساند. این سخن خویش را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از هر گناهی آمرزش می‌خواهم که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

سپاس و ستایش از آن الله است، حمد او را گفته و از او یاری جسته و آمرزش می‌طلبیم و از بدی‌های خود و کارهای ناشایستمان به الله پناه می‌بریم. الله هر که را هدایت کند او گمراهگری نخواهد داشت و هر که را گمراه سازد او هدایتگری نخواهد یافت. و گواهی می‌دهم که معبودی به حق جز الله نیست که تنها و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد بنده و پیامبر اوست. خداوند بر بنده و پیامبرت محمد، درود و سلام فرست.

اما بعد، ای بندگان خداوند:

از بارزترین و مهم‌ترین و موثرترین صفات هم‌نشین خوب که باعث تاثیر در دوست وی می‌شود این است که او دارای قلب سلیم است و تعریفی که مردم از قلب سلیم که دارند آن در دنیا و آخرت سودمند خواهد شد، ارائه داده‌اند متفاوت است، اما جامع‌ترین تعریف چنان است که امام ابن قیم - رحمه الله - ارائه داده و گفته است: «آن، قلبی است که از هرگونه شهوتی که مخالف امر و نهی خداوند است و از هر شبهه‌ای که با اخباری که خداوند از طریق وحی به ما رسانده است در تضاد است، سالم می‌باشد و اینگونه از بندگی هر کس جز خداوند و پذیرش حکم هر کس جز پیامبر او سالم مانده است، و در

محبت خداوند با حاکم گرداندن پیامبر او به همراه خوف و رجا و توکل و انابت و فروتنی و ترجیح دادن رضایت او در همه حال، سالم مانده است و این، همان حقیقت بندگی است که جز برای خداوند شایسته نیست. بر این اساس قلب سلیم آن قلبی است که از شریک گرداندن چیزی با خداوند به هر عنوانی سالم مانده است، بلکه چنین قلبی در بندگی خداوند از نظر اراده و محبت و توکل و انابت و فروتنی و خشیت و امید، به خلوص دست یافته و عمل آن نیز تنها برای خداوند است پس اگر دوست بدارد برای خداوند دوست می‌دارد و اگر دشمن بدارد برای خداوند دشمن می‌دارد و اگر بدهد برای خداوند می‌دهد و اگر منع کند برای خداوند منع می‌کند».

پس ای بندگان خداوند تقوای او را پیشه سازید و بهترین هم‌نشینان را برای خود برگزینید تا به رضایت و خشنودی خداوند دست یابید. و در پایان بر بهترین بنده خداوند، محمد بن عبدالله درود و سلام فرستید که خداوند شما در کتاب خود شما را بدان امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿۵۶﴾ [الأحزاب: ۵۶].

خداوند بر بنده و پیامبر محمد درود و سلام فرست و از چهار خلیفه وی ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر اهل بیت و یاران و تابعین و همه کسانی که به نیکی از آنان پیروی نمایند راضی و خشنود باش و همچنین از ما با عفو و کرم خویش راضی و خشنود باش.

خداوند اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوند اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوند اسلام و مسلمانان را عزت ده، و از حوزه دین محافظت نما و دشمنان دین و دیگر طاغیان و مفسدان را نابود ساز و میان قلوب مسلمانان الفت ایجاد کن و صف آنان را یکپارچه گردان و رهبرانشان را اصلاح نما و کلمه آنان را بر حق یکی گردان ای پروردگار جهانیان.

خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومن مجاهد صادقت را یاری ده.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان ما را اصلاح گردان. خداوندا ما را آنگونه که خود شایسته می‌دانی از دشمنانمان در امان دار و شر آن‌ها را از ما کم گردان. خداوندا ما را آنگونه که خود شایسته می‌دانی از دشمنانمان در امان دار و شر آن‌ها را از ما کم گردان.

خداوند عاقبت ما را در همهٔ امور به خیر گردان و ما را از خواری دنیا و عذاب آخرت نجات ده.

خداوندا دین ما را که نگهدارندهٔ امر ماست و دنیای ما را محل زندگی ماست و آخرت ما را که بازگشت‌گاه ماست اصلاح نما و زندگی ما را عاملی برای زیادهٔ در خوبی‌ها و مرگ را عامل راحتی از هر بدی بگردان.

خداوندا اوضاع مسلمانان را اصلاح نما و عمل نیک و فهم دین را به آن‌ها ارزانی دار و آنان را از شر فتنه‌های ظاهر و آشکار در امان دار و آنان را بر دشمنانشان پیروز گردان. خداوندا ما از زوال نعمت و برگشت عافیت و خشم ناگهانیت به تو پناه می‌بریم. خداوندا بیماران ما را شفا ده و مردگان ما را بیامرز و ما را به آنچه باعث رضایت توست برسان.

خداوندا مسلمانان را در همهٔ سرزمین‌هایشان حفظ نما، خداوندا آنان را حفظ نما و موفق و پیروزشان بگردان و آنان را بر دشمنانت و دشمنانشان پیروز گردان ای پروردگار جهانیان.

«پروردگارا قلب‌های ما را پس از آنکه هدایت‌مان نمودی دستخوش تغییر مگردان و ما را از جانب خود رحمتی عطا کن که همانا تو عطا کننده‌ای» [آل عمران: ۸].
«پروردگارا ما به خود ستم نمودیم و اگر تو ما را مورد مغفرت و رحمت قرار ندهی بی‌تردید از زیانکاران خواهیم بود» [الأعراف: ۲۳].

«پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کم و از آتش دوزخ دور مدار».

[البقرة: ۲۰۱].

و درود و سلام خداوند بر پیامبران محمد و بر همگی اهل بیت و یاران او باید
والحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

خوشبختی واقعی در سایه‌ی پایبندی به کتاب و سنت

خطیب: دکتر عبدالرحمن سدیس

مسجدالحرام: جمعه ۱۷ جمادی الثانی ۱۴۳۲ برابر با ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۰

خطبه‌ی اول:

حمد و سپاس از آن الله است، پروردگارا تو را ستایش می‌گوییم از تو آمرزش می‌خواهیم و با همه نیکی‌ها ثنای تو را می‌گوییم، تو پاک و منزهی و حمد از آن توست، نعمت‌های تو پی در پی به سوی ما سرازیر است، ستایش دائم و همیشگی سزاوار الله است و شهادت می‌دهم که معبودی به حق جز الله نیست که واحد و بی‌شریک است، شهادتی که توفیق و هدایت‌مان به آن وابسته است و گواهی می‌دهم که پیامبر و سرور ما محمد، بنده و پیامبر خداوند و پاک‌ترین انسان‌هاست. درود و سلام خداوند بر او و بر اهل بیت پاک و صحابه نیک او و تابعین و همه کسانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی کنند... اما بعد ای بندگان خداوند:

تقوای خداوند را به حق پیشه سازید که تقوای او پاک‌ترین جامه و نگهدارنده از بدی‌هاست و اوضاع شما را اصلاح نموده و با آن به عظمت و بزرگی دست می‌یابید.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ ۖ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿۱۳۲﴾

[آل عمران: ۱۰۲].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را آنگونه که شایسته‌ی اوست پیشه سازید و نمی‌رید مگر در حالی که مسلمانید».

ای مسلمانان:

هنگامی که فتنه‌ها و چالش‌ها و تغییرات پی در پی فزونی یافته و سختی‌ها و فاجعه‌ها وارد جوامع می‌گردد و آسمان صاف آن به تسخیر ابرهای گناهان می‌افتد، و حق و باطل با هم در آمیزند و روش‌های و اهداف در تعارض با هم قرار می‌گیرند، در چنین شرایطی امت راه نجات و دستاویزی برای رهایی نخواهد یافت جز با چنگ زدن به کتاب و سنت، زیرا کتاب و سنت راه نجات و رهایی از سختی‌ها و برون رفت از فتنه‌هاست.

امروزه و در دورانی که انواع مسلک‌های منحرف و ایدئولوژی‌های فاسد به بدنه امت راه یافته و در دوران در هم آمیخته شدن حق و باطل و روی آوردن فتنه‌ها و آزمایش‌ها و دسته دسته شد امت و سرگردانی آنان، در زمانه‌ای که طوفان‌های تغییرات پی در پی بر آنان وزیدن گرفته است و دیگر امت‌ها به سوی آن‌ها هجوم آورده‌اند، در چنین دورانی امت راهی جز چنگ زدن به کتاب خداوند و سنت پیامبر - صلی الله علیه و آله وسلم - نخواهد داشت. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿فَمَنْ أَتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى﴾ [طه: ۱۲۳].

«پس هر که از رهنمون من پیروی کند نه گمراه می‌شود و نه تیره‌بخت.»

و رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - می‌فرماید: «در میان شما چیزی جا گذاشته‌ام که اگر به آن چنگ زنید هرگز پس از من گمراه نخواهید شد: کتاب خداوند و سنت من» [به روایت مالک در موطا].

ای مسلمانان:

سستی و ضعفی که امت را چونان ابری سیاه در بر گرفته و باعث برعکس شدن و تغییر معیارها گردیده و در پی آن تاریکی‌ها به سوی امت روی آورده و فتنه‌ها همچون موج‌های سهمگین بر آن‌ها سایه افکنده است، و افراد امت از هم گریزان شده‌اند و دردها و معضلات در بینشان منتشر گردیده است و صدای سفیهان بر حکیمان برتری یافته است، همه این‌ها نیست جز در نتیجه دوری از کتاب خدا و سنت پیامبر وی - صلی الله علیه و آله وسلم -

برادران و خواهران مسلمان:

راه افتادن در پی هوا و هوس و فریب خوردن در برابر آرای این و آن و دوری از کتاب خدا و سنت پیامبر وی - صلی الله علیه وآله وسلم - همان گمراهی آشکار و خسران و زیان و محرومیت واقعی است، آن جا که فتنه‌ها و بلاهای پی در پی است چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يَعْصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هَدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ [آل عمران: ۱۰۱].

«و هر که به الله چنگ زند بی‌تردید به راه راست هدایت شده است».

امام طبری - رحمه الله - در تفسیر این سخن خداوند متعال می‌فرماید: «هر که به اسباب خداوند متعال چنگ زند و به دین و طاعت خداوند پایبند باشد به سوی راه روشن و مسقیم که کژی در آن نیست توفیق یافته است».

و در حدیث آمده است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «خوشبخت آن است که از فتنه‌ها دور افتد، خوشبخت آن است که از فتنه‌ها دور افتد، و هر که بدان مبتلا شد و صبر پیشه کرد پس شایسته‌ی آه و حسرت است» [به روایت ابوداود].

امام مالک - رحمه الله - می‌گوید: «آخر این امت اصلاح نمی‌شود مگر با آن چیزی که اول امت با آن اصلاح گردید» بنابراین اگر اول این امت به واسطه کتاب و سنت اصلاح گردید آخر آن نیز جز با کتاب و سنت راه اصلاح را در پیش نخواهد گرفت. ای امت مسلمان:

خداوند متعال ما را در هنگام اختلاف و کشمکش به بازگشت به سوی او و پیامبرش - صلی الله علیه وآله وسلم - امر نموده و فرمود است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهٗ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَٰلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا

[النساء: ۵۹].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید الله را اطاعت کنید و پیامبر او را اطاعت کنید و [همچنین] اولیای امر خود را، پس هر گاه در امری [دینی] اختلاف نظر یافتید اگر به الله و روز بازپسین ایمان دارید آن را به الله و پیامبر [او] عرضه بدارید این بهتر و نیک‌فرجام‌تر است».

مجاهد - رحمه الله - در تفسیر این آیه می‌گوید: «یعنی آن را به کتاب خدا و سنت پیامبرش باز گردانید».

اهل سنن از حدیث عرباض بن ساریه روایت کرده‌اند که پیامبر - صلی الله علیه و آله وسلم - فرمودند: «... که هر یک از شما زنده بماند اختلاف بسیاری را خواهد دید؛ پس بر شما باد سنت من و سنت خلفای راشدین هدایت یافته، و آن را محکم بگیرید و از امور نوساخته در دین برحذر باشید که هر بدعتی گمراهی است».

بنابراین واجب است که امت مسلمان در هنگام مشکلات و مخصوصا بحران‌ها به راسخین در علم و صادقان در دین رجوع کند، زیرا آنان فقیه‌ترین و داناترین مردم از نظر فقه و علم هستند و آگاه‌ترین آنان نسبت به حلال و حرام و مقاصد احکام شریعتند، آنان که محکم را از متشابه می‌شناسند چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَبَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ ءَأَمَّنَّا بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٧﴾﴾ [آل عمران: ٧].

«اوست کسی که این کتاب را بر تو فرو فرستاد پاره‌ای از آن آیات محکم [=صریح و روشن] است آن‌ها اساس کتابند و [پاره‌ای] دیگر متشابهاتند اما کسانی که در دل‌هایشان انحراف است برای فتنه‌جویی و طلب تاویل آن [به دلخواه خود] از متشابه آن پیروی می‌کنند با آنکه تاویلش را جز الله و ریشه‌داران در علم کسی نمی‌داند [آنان که] می‌گویند ما بدان ایمان آوردیم همه از جانب پروردگار ماست و جز خردمندان کسی متذکر نمی‌شود».

بر این اساس، رجوع به علمای راسخ در علم - به ویژه در هنگام فتنه‌ها و بحران‌ها - مسأله‌ای اختیاری نیست، بلکه فرضی است شرعی و امری است الهی.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ﴾

[النساء: ۸۳].

«و اگر آن را به پیامبر و اولیای امر خود ارجاع کنند قطعا از میان آنان کسانی‌اند که [می‌توانند درست و نادرست] آن را دریابند».

از جمله چراغ‌های روشن‌گر و هدایت‌گر در فتنه‌ها دوری از هر گونه عامل تفرقه و اختلاف است، از جمله درگیری‌های و جدل‌های لفظی بی‌فایده‌ای که باعث کینه و نفرت می‌شود برای همین است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - از جدلی که باعث اختلاف و تفرقه شود بدش می‌آمد؛ ترمذی در سنن خود روایت کرده است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - بر گروهی از اصحاب خود گذشت که داشتند در مورد تقدیر جدل می‌کردند، گویی [از شدت عصبانیت] بر صورتش دانه‌انار له کرده بودند؛ فرمود: «آیا برای جدل در این مسأله امر شده‌اید؟ یا آنکه به این دعوت داده شده‌اید؟ که آیات کتاب خدا را به یکدیگر بزنید؟ (و بعضی را با بعضی دیگر رد کنید؟) همانا کسانی که پیش از شما بودند با این هلاک شدند که آیات کتاب خدا را به یکدیگر زدند».

ای امت مسلمان:

از جمله فتنه‌هایی که سختی‌ها و بحران‌ها آن را بر دوش امت سنگین‌تر کرده است فتنه برانگیختن نعره‌های طائفه‌ای و تعصب است که ملت‌ها را از بودن زیر پرچم صحیح باز داشته و صف آنان را دچار تفرقه نموده است.

سوار شدن بر موج درگیری‌های طائفه‌ای به دلائل واهی - مخصوصا در این مدت - نتیجه‌ای جز صدور فتنه و نگرانی و کینه و تخریب رابطه‌ی افراد یک جامعه و در پی آن از بین رفتن وحدت امت مسلمان را در پی نداشت. امتی که خداوند درباره‌ی آن می‌فرماید:

﴿[الأنبياء: ۹۲].﴾

{إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ} [انبیاء: ۹۲]

«این امت شماست که امتی یگانه است و من پروردگار شمایم پس مرا پرستید».
آنچه باعث نگرانی غیرتمندان می‌شود آن است که چنین نعره‌های طائفه‌ای رشد یافته و گسترده شده است اما بدون در نظر گرفتن انصاف به گونه‌ای که حقائق مسخ شده را با استفاده از مغالطه و فریب و بدون سند و مدرک به خدمت می‌گیرد. به خدا قسم که هیچ امتی راه موفقیت و پیروزی را نخواهد پیمود به جز با دین حق، و زیر سایه هدایت دو وحی شریف، قرآن و سنت.

و راست گفت خداوند بزرگ آنگاه که در کتاب کریم خود فرمود:

﴿وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّلَكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿۱۵۳﴾ [الأنعام: ۱۵۳].

«و این است راه من که مستقیم است پس از آن پیروی کنید و از دیگر راه‌ها پیروی نکنید که شما را از راه او متفرق سازد، این‌هاست که شما را به آن توصیه نموده است باشد که تقوا پیشه سازید».

خداوند برای من و شما در کتاب و سنت برکت نهد و با آیات و حکمت سود رساند. این سخن را گفته و برای خود شما و همه مسلمانان از همه گناهان از خداوند آمرزش می‌خواهم، پس از او آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن خداوند است که اعضای بدن و درون ثنای او را می‌گویند، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله تنهای بی‌شریک، شهادتی که بر زبان‌ها و درون‌ها است و گواهی می‌دهم که پیامبر ما محمد بنده الله و پیامبر او و پاک‌ترین انسان‌ها در میان پیشینیان و پسینیان است، هر که راه او را در پی گیرد شکوه و عظمت به کف آرد، درود و سلام و برکت خداوند بر او و بر اهل بیت و ذریه، آن ستارگان روشنگر، و بر اصحاب او و تابعین و کسانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند.

اما بعد:

بندگان خداوند تقوای الله را پیشه سازید و به دین حق و شعائر آن پایبند باشید تا بهترین پاداش به دست آرید و به بهترین راه رهنمون گردید.

در بُجوحه‌ی این امواج و برای فردایی بهتر و روشن، بر جوامع و امت‌ها لازم است که ذهن نسل‌های جوان را به بهترین شکل بار آورند و آنان را نسبت به دینشان از آگاهی صحیح و کافی بهره‌مند سازند، تا در رکاب حوادث این روزگار و تغییرات آن به دو راهنمای ارزشمند، کتاب خدا و سنت پیامبرش - صلی الله علیه وآله وسلم - افتخار کنند تا وحدت امت اسلامی محقق شده و برادری اسلامی راسخ گردد.

از دیگر مناره‌های روشنگر در هنگامی فتنه‌ها، بزرگداشت نصوص شرع و پایبندی به ثوابت شریعت و چنگ زدن به جماعت و دوری از هر چیزی است که باعث برانگیخته شدن فتنه‌ها و ناآرامی اوضاع و تحریک تفرقه و درگیری و جدایی و نزاع و تجاوز به دستاوردهای ملی و سرمایه‌ملت‌ها و تلاش برای فساد در زمین می‌گردد. و همچنین نیفتادن در پی آن چیزهایی است که کانال‌های ماهواره‌ای و اینترنت به هدف تحریک ایجاد هیجان منتشر می‌سازند آن هم در فضایی که صدای عقل و خرد و حکمت و در نظر گرفتن منفعت جمع و آینده‌نگری غایب میدان است...

همچنانکه شایسته است در چنین شرایطی به عبادت روی آورد و به طاعت پیابند بود چنانکه مسلم و دیگران روایت کرده‌اند که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «عبادت در دوران هرج و مرج و فتنه به مانند هجرت به سوی من است». و همینطور روی آوردن به سوی توبه و استغفار بسیار و دعا و تضرع به سوی خداوند:

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُم بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ ﴿٤٣﴾ فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِن قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٤٤﴾﴾

[الأنعام: ٤٢-٤٣].

«و به یقین ما به سوی امت‌هایی که پیش از تو بودند [پیامبرانی] فرستادیم و آنان را به تنگی معیشت و بیماری دچار ساختیم تا تضرع کنند (۴۲) پس چرا هنگامی که عذاب ما به آنان رسید تضرع نکردند ولی [حقیقت این است که] دل‌هایشان سخت شده و شیطان آنچه را انجام می‌دادند برایشان آراسته است».

خداوند امت اسلامی را از همه فتنه‌های آشکار و پنهان حفظ نموده و نعمت امنیت و ایمان و استقرار و رفاه را بر آن مستمر گرداند.

و در پایان درود و سلام فرستید بر بهترین انسان‌ها چنانکه خداوند متعال شما را به آن امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

و رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «هرکه بر من یک درود فرستد خداوند به سبب آن بر او ده درود می‌فرستد».

خداوند اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار گردان و دشمنان دین را نابود سازد و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امن و امان و رفاه بدار.

خداوند ما را در سرزمین‌هایمان در امان بدار و امن و امان را در سرزمین ما ادامه ده و مسئولان ما را صالح گردان. خداوند همه والیان امر مسلمان را برای حاکم گردان شریعت و پیروی از سنت پیامبرت - صلی الله علیه وآله وسلم - موفق گردان. خداوند آنها را رحمتی برای بندگان مومن قرار ده.

خداوند ما و دیگر مسلمانان را از فتنه‌های گمراهگر محافظت نما، خداوند و دیگر مسلمانان را از فتنه‌های گمراهگر آشکار و پنهان دور گردان. خدای غم‌مداران و سختی‌سختی‌دیدگان را از بین ببر و وام‌داران را ادا نما و با رحمت خویش بیماران ما و دیگر بیماران مسلمان را شفا ده.

خدا جان مسلمانان را حفظ کن، خداوندا دین و جان و عقل و ناموس و مال آنها را حفظ نما، ای زنده برپا دارنده، ای دارای اجلال و بزرگی.
 خداوندا مسجد الاقصی را حفظ نما، خداوندا مسجد الاقصی را حفظ نما، خداوندا آن را از ناپاکی صهیونیست‌های متجاوز اشغالگر پاک بگردان، ای نیرومند و ای عزیز، ای دارای جلال و بزرگواری.

«پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بدار»

[البقرة: ۲۰۱].

«پروردگار ما به خود ستم نمودیم و اگر تو ما را مورد مغفرت و رحمت خویش قرار ندهی بی‌تردید از زیانکاران خواهیم بود» [الأعراف: ۲۳].
 پروردگارا از ما بپذیر که همانا تو شنوا و دانایی و از ما توبه پذیر که تو توبه‌پذیر و مهربانی و ما و پدر و مادر و دیگر مسلمانان، زنده‌گان و مرده‌گان را مورد مغفرت خود قرار ده، و پایان سخن اینکه: الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

شرف انتساب به سلف صالح

خطیب: دکتر صالح آل طالب

مسجد الحرام: جمعه ۲۴ جمادی الثانی ۱۴۳۲ برابر با ۶ خرداد ۱۳۹۰

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است، او را سپاس گفته و از او یاری جسته و آمرزش می‌خواهیم و از بدی‌های نفس خود و کارهای ناشایستمان به او پناه می‌بریم، الله هرکه راه هدایت کند او گمراه‌گری نخواهد داشت و هرکه را گمراه سازد او هدایت‌گری نخواهد یافت، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و از شبیه و همتا و همانند، پاک و مبرا است.

﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ [الشورى: ۱۱].

«هیچ چیز به مانند او نیست و او شنوا و بیناست».

اما بعد: راست‌ترین سخن، کلام خداوند است و بهترین راه و روش، راه و روش محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - است و بدترین امور، امور نو ساخته در دین است، و هر نوآوری در دین بدعت است و هر بدعتی گمراهی است و هر گمراهی در آتش است. بدانید که بهترین توصیه‌ها توصیه به تقوای خداوند بزرگ است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾

[آل عمران: ۱۰۲].

«ای کسانی که ایمان آوریده‌اید چگونه که شایسته‌ی الله است پروای او را داشته باشید و نمی‌رید مگر در حالی که مسلمانی».

هر که تقوای الله را پیشه خود سازد، خداوند او را به دوستی خود بر خواهد گزید. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ﴾ [النحل: ۱۲۸].

«همانا الله با کسانی است که تقوای او را پیشه ساخته‌اند و کسانی که اهل نیکی‌اند».

﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ﴾ [التوبة: ۴].

«همانا الله متقیان را دوست دارد».

اگر بنده‌ای همراهی خداوند را به دست آورد سختی‌ها در مقابلش آسان خواهد شد و ترس و هراسش به امنیت بدل خواهد شد، زیرا با خداوند همه سختی‌ها آسان و هر دوری نزدیک است، و با خداوند است که غم‌ها و دل‌مشغولی‌ها از بین می‌روند. آنجا که خداوند یار انسان است نه غمی خواهد بود و نه غصه‌ای، اگر خداوند همراه تو باشد دیگر از که می‌ترسی؟ و اگر او علیه تو باشد دیگر به که امید داری؟!

ای مسلمانان:

تمدن انسانی با اکتشافات و اختراعات و نوآوری‌های خود، غالباً آخر آن بهتر از اول آن است، به خلاف دین و اعتقاد، زیرا در مورد ادیان، نخستین پیروان هر دین صحیحی

از پیروان بعدی آن بهترند و سلف آنان بهتر از خلفند، زیرا تمدن - به خلاف ادیان - در آغاز همانند کودکی سینه خیز و چهار دست و پا به حرکت می‌افتد و کم کم پا می‌گیرد در حالی که ادیان به طور کامل و ایستاده به دنیا می‌آیند. تمدن تراکم علم و معرفت بشر است که کم کم کامل می‌شود اما دین وحیی است از سوی خداوند و هدایتی است محکم و بی‌نقص.

تفاوت میان نخستین پیروان هر دین صحیح با متاخران، مانند تفاوت میان آبی است زلال که از چشمه می‌جوشد و همان آب که مسافتی طولانی را پیموده و با خاک و خار و خاشاک در تماس بوده است.

بر این اساس، بهترین یهودیان پیامبران و نخستین احبار آن‌ها بودند و بهترین نصارا: عیسی بن مریم و حواریان اویند و بهترین مسلمانان: محمد بن عبدالله - صلی الله علیه و آله وسلم - و صحابه اویند و سپس کسانی که به ترتیب پس از آنان بیایند.

هر چه یک نسل یا یک قرن از مردمان بروند، به همراه آنان قسمتی از علم و فضیلت از میان امت خواهد رفت، چنانکه رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - می‌فرماید: «هر کدام از شما که پس از من بماند اختلاف بسیاری خواهد دید، پس بر شما باد سنت من و سنت خلفای راشدین هدایت یافته‌ی پس از من، به آن چنگ بزنید و با بن دندان آن را بگیرید و از امور نوساخته در دین دوری گزینید که هر نوساخته‌ای بدعت است و هر بدعتی گمراهی است».

هرگاه خواستی دوری یا نزدیکی اهل یک دین به دینشان را مورد سنجش قرار دهی، به دوری یا نزدیکی آنان از سلف و پیشینیانشان نظر بینداز که هر چه به آن‌ها نزدیک‌تر باشند هدایت یافته‌ترند و هر چه دورتر باشند به گمراهی نزدیک‌تر، اما اگر خلف یک امت سلف خود را نفرین کنند، دیگر خیری در آنان نیست...

امام احمد بن حنبل - رحمه الله - می‌فرماید: «اگر کسی را دیدی که یکی از صحابه را به بدی یاد می‌کند او را در دینش متهم ساز».

برای همین است که نوشته‌های ائمه آکنده از تشویق به تمسک به دلایل سلف در هنگام پیروی از کتاب و سنت است زیرا این ضامن امنیت از انحراف و گمراهی است. ای مسلمانان:

سخن گفتن از منهج حق در زمانه‌ای که سرچشمه‌های عقیدتی رو به فزونی است بیشتر مورد تاکید است، زمانه‌ای که در آن علما و دلسوزان اندکند و شبهه‌ها بسیار، و حق حتی بر اهل آن نیز مورد تلبیس قرار گرفته و دعوتگران باطل و دشمنان هدایت و مدعیان علم میان آنان و حق فاصله انداخته‌اند.

هنگامی که دشمن پی به این حقیقت بُرد سعی نمود خلف این امت را از سلف آن جدا کند و قلب متاخران را نسبت به پیشینیان آکنده از کینه کند و سیرت و تاریخ آنان را تخریب نماید.

بندگان خداوند:

امت‌ها معمولا از جهل و نادانی فرزندان خود ضربه می‌خورند، بسیاری از جاهلان امت که نسبت به نیت آن‌ها حسن ظن داریم با اشتباهات خود پروژه دشمنان این امت را کامل کردند. آنان خود را به سلف صالح نسبت دادند و به نام آنان در آمدند؛ خود را سلفی نامیدند و گروه‌ها و تشکیلاتی به وجود آوردند و نام زیبای سلف صالح را دزدیدند و به این نام مرتکب انحرافات شدند و درگیری و نزاع به وجود آوردند.

دشمن آنان نیز فرصت را از دست نداد و مزدوران خود را سوار بر این موج کرد تا فاصله مردم را با سلف صالح گسترش دهند. آنان خود را نماینده سلف صالح جا زدند و اینگونه بود که اشتباه آنان، به اشتباه، نیکی سلف فرض شد و غلو و تندروی آنان به جای میانه‌روی سلف قرار گرفت و کار به جایی رسید که امروزه به نام مبارزه با سلفیت با اسلام به مبارزه بر می‌خیزند و رسانه‌ها، تندروها و تروریست‌ها را سلفی می‌نامند و بازگشت به دین را «سلفیت تندرو» می‌نامند تا دین‌داری را زشت و منفور نشان دهند. سلفیت تبدیل به فحش و جنایتی شد که صاحب آن مورد پی‌گرد قرار می‌گیرد و سلفیان واقعی از آن تبری می‌جویند.

﴿وَكَاؤُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾ [الفتح: ۲۶].

«در حالی که آنان نسبت به آن شایسته‌تر و اهل آن بودند و الله به هر چیزی داناست».

سلف شما محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - و صحابه او و بهترین قرن‌های این امتند. در کدام کتاب خوانده‌اید که آنان مسلمانان را می‌کشتند یا به غیر مسلمانانی که امان دارند خیانت می‌کردند و یا فتنه را در میان مسلمانان برمی‌انگیختند؟

سلف شما بر جمع کلمه و یکپارچگی صف و پاکسازی دین از تحریف غالیان و اهل باطل و تاویل جاهلان حریص بودند. سلف شما هدایت یافته‌تر از دیگران بودند و در پیروی از کتاب و سنت ثابت‌قدم‌تر و نسبت به وحی آگاه‌تر، آنان مسلمانان واقعی بودند. انتساب به سلف نه ادعایی است که یک شخص یا یک گروه کند و یا یک حزب و سازمان. سلفی بودن یعنی طاعت و پیروی، یعنی وحدت و یکپارچگی و دور انداختن تفرقه، یعنی: وحدت.

منهج سلف صالح همان اسلام نخستین است که ابوبکر و عمر و عثمان و علی آن را شناختند. همان راه و روشی است که خالد و سعد برای آن جنگیدند و حمزه و مُصعب برای آن به شهادت رسیدند. همان جاده‌ای است که ابن مسعود و ابن عباس آن را پیمودند، آن راهی است که حسن بصری و و نَخَعی و شَعْبی آن را ترسیم کردند. همان مسیری است که ابوحنیفه و مالک و شافعی و احمد طی کردند. راه بخاری و مسلم و ابوداود و ترمذی... آنان و بسیاری دیگر که همین راه را پیمودند که سیرت و زندگی‌نامه‌شان باقی است و جای پایشان مشخص و کتاب‌هایشان موجود.

خوشبخت کسی است که به آنچه سلف بر آن بودند پایبند بماند و از بدعت‌ها و اشتباهاتی که خلف مرتکب شدند دوری گزیند. چه آسان است پیروی و هدایت اگر انسان از دعوتگران گمراهی در امان بماند.

خداوند متعال بر این حقیقت گواهی داده و فرموده است:

﴿وَالسَّلْبُفُونَ الْأَوْلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ
وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [التوبة: ۱۰۰].

«و پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار و کسانی که به نیکی از آنان پیروی نمودند،
الله از آنان راضی گشت و آنان از او راضی شدند و برای آنان بهشت‌هایی آماده نموده
است که از زیر آن‌ها رودهایی جاری است که تا ابد در آن جاودانه می‌مانند و آن است
پیروزی بزرگ».

عمران بن حُصَین - رضی الله عنه - از رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - نقل
می‌کند که فرمودند: «بهترین مردم قرن منند، سپس کسانی که پس از آنان می‌آیند، سپس
کسانی که پس از آنان می‌آیند» [به روایت بخاری و مسلم].

ای مسلمانان:

منهج و روش سلف صالح، همان راه و روشی است که این دین بزرگ را با همه

الله علیه وآله وسلم - تابعین همین راه و روش را زیر نظر صحابهٔ پیامبر به اجرای عملی گذاشتند و همینطور پیروان تابعین... کیست که می‌تواند این منهج را زیر سوال برد یا ادعا کند که حق، خلاف آن است.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهٖ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ [النساء: ۵۹].

خداوند برای من و شما به واسطهٔ قرآن و سنت برکت قرار دهد و با آیات کتاب و حکمت سود رساند. این سخن خویش را گفته و برای خود و شما از خداوند آمرزش می‌خواهم.

خطبه‌ی دوم:

ستایش تنها از آن الله است، او که خلق را آفرید و از میان آن‌ها برخی را برگزید و پیامبران و کسانی را که به راه آنان روند بهترین بندگان خود قرار داد. مبارک است خداوندی که اطاعت کنندگان خود را پاداش می‌دهد و هر که را مخالفت امر او کند اگر خواست عذاب می‌دهد و اگر خواست می‌بخشد. و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و نه همانند دارد و شبیه و نه همتا، و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر برگزیدهٔ اوست. درود و سلام و برکات خداوند بر او و بر اهل بیت و یاران او و همهٔ کسانی که راه آنان را در پی گیرند.

ای مسلمانان:

منهج سلف، منهجی است شامل و فراگیر در نظر و استدلال و در منابع و ارتباط با نص شرعی و دور انداختن نوآوری‌های دینی در رفتار و در عبادت. ممکن نیست همهٔ منتسبان به این منهج دچار هیچگونه خلل و اشتباه در فهم یا تطبیق نباشند. اما باید دانست که اختلاف با راه و روش سلف صالح در برخی فروع و یا جزئیات دلیل نمی‌شود

که آن مخالف را خارج از چارچوب راه و روش سلف تقسیم‌بندی کنیم یا وی را به نامی که نشان‌دهنده مخالفت با سلف است نام‌گذاری کنیم. زیرا اصل در مورد هر مسلمانی که دچار یکی از اصول بدعت نشده باشد این است که وی بر راه و روش سلف است حتی اگر در گناهی واقع شود یا آنکه در مساله‌ای اجتهادی اختلاف کند. هرکه به پیروی از کتاب و سنت و اجماع اقرار داشته باشد از اهل سنت و جماعت است و نشانه مخالف دوری از کتاب و سنت و اجماع امت است.

ای مسلمانان:

سستی و ضعف به همان اندازه که بدعت‌ها و نوآوری‌های دینی و انحراف از راه حق و دوری از دو وحی کتاب و سنت به این امت راه یافت، وارد بدن امت گردید. اگر مسلمانان در جستجوی راهی برای پیشرفت و بازگشت هستند هیچ مسیری در برابر خود نخواهند داشت جز یکپارچه ساختن صف خود، و راهی برای وحدت و یکپارچگی نیست مگر براساس اسلام صحیح، و منبع اسلام صحیح نیز قرآن و سنت است و این خلاصه راه و روش سلفی است:

بازگشت به اسلام با بازگشت به سرچشمه زلال آن، کتاب خداوند و سنت پیامبر وی - صلی الله علیه و آله وسلم - که اینگونه سرگردان راه‌های مختلف نشده و هوا و هوس ما را به گمراهی نمی‌کشاند و کثرت و قدرت دشمنان ما را از راه باز نمی‌دارد. خداوندا حق را همانگونه که هست و باطل را همانگونه که هست به ما نشان ده و توفیق پیروی از حق و دوری از باطل را به ما عطا کن.

و درود و سلام فرستید بر بهترین و پاک‌ترین انسان‌ها: محمد بن عبدالله. خداوندا درود و سلام و برکت ارزانی دار بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت پاک و صحابه نیک او و راضی و خشنود باش از امامان هدایت و خلفای پیامبرت، ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه پیامبرت و از کسانی که راه آنان را در پی گیرند.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار گردان و دشمنان دین را نابود ساز و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امن و امان بدار.

خداوندا هر که برای ما و سرزمین ما و دین ما اراده بدی دارد، بدی‌اش را به خودش باز گردان و نیرنگش را باعث نابودی او بگردان.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان و والیان امر ما را اصلاح نما. خداوندا گرانی و بیماری‌ها و ربا و زنا و زلزله‌ها و فاجعه‌ها و فتنه‌های بد آشکار و پنهان را از ما دور گردان.

خداوندا اوضاع مسلمانان را در همه جای دنیا اصلاح نما، خداوندا آنان را بر حق و هدایت یکپارچه بگردان و جان و خون آنان را حفظ نما و ترس را از آنان بردار و سرزمینشان را محافظت نما.

خداوندا مستضعفان مسلمان را در همه جا یاری کن، خداوندا آنان را در فلسطین یاری نما و بر حق متحد بگردان.

خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومنت را یاری ده. خداوندا دشمنان دین را نابود ساز که آنان را یارای ناتوان ساختن تو نیست.

«پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بدار»

[البقرة: ۲۰۱].

خداوندا گناهان ما را بیامرز و عیب‌های ما را بپوشان و امور ما را آسان گردان و ما را به آن آرزوهایی که باعث خشنودی توست برسان. پروردگارا ما و پدر و مادر ما را مورد مغفرت خود قرار ده که همانا تو شنونده دعایی.

پروردگارا از ما بپذیر که تو شنوای دانایی و از ما توبه پذیر که تو بسیار توبه‌پذیر و مهربانی.

پاک و بی‌عیب است پروردگار تو از آنچه مشرکان به دروغ وصفش می‌کنند و سلام بر پیامبران والحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

پایبندی به کتاب و سنت، تنها راه نجات

خطیب: دکتر اسامه خیاط

مسجدالحرام: جمعه ۳ رجب ۱۴۳۲ برابر با ۱۳ خرداد ۱۳۹۰

خطبه‌ی اول:

ستایش مخصوص الله، پروردگار جهانیان است، و پایان نیک از آن متقیان، و دشمنی نیست مگر با ستمگران، خداوند را ستایش می‌کنم و گواهی می‌دهم که معبودی به حق جز الله نیست که واحد و بی‌شریک است، حکیم‌ترین حاکمان است و سریع‌ترین حساب‌رسان، و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر او و خاتم انبیا و امام مرسلین است، خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یاران او و تابعین و همه کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند درود و سلام فرست.

اما بعد:

ای بندگان خداوند، تقوای او را پیشه سازید زیرا انسان تا وقتی که تقوای الله را در نظر گیرد و از هوای نفس و دلخواه خود سرپیچی کند و دنیا او را از آخرت مشغول نسازد همچنان در خیر و نیکی خواهد بود.

ای مسلمانان:

حیات قلب، و آرامش درون، و بلندی روح و روان، آرزوی هر عاقل و مقصود هر خردمند و اوج خواسته هر کسی است که برای به دست آوردن خیر حریص است و سعی در رهایی نفس خود از غل و زنجیر بدبختی و آزادی آن از تاریکی‌های حیرت و اسباب نابودی دارد.

گرچه هر کس برای رسیدن به این هدف راهی بر می‌گزیند اما خردمندانی که توفیق یافته‌اند، برای رسیدن به اهداف خود در زندگی براساس هدایت پروردگار راه می‌پویند و پای بر جای پای پیامبر خود - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌نهند. آنان که در این دوران

سخت بر زخم‌های خود مرهم می‌نهند و تلخی تفرقه و دوری از هم و درگیری داخلی را می‌چشند راهی جز یادآوری آیات کتاب حکیم را ندارند، آیاتی که راه را به آنان می‌نماید و آن‌ها را به سوی نجات رهنمون می‌شود.

آنگاه که تاریخ روشن این امت را به آنان یادآور می‌شود و برای آنان بیان می‌کند که امتشان چگونه به اوج رسید و ستاره‌اش رو به درخشش نهاد در حالی که نخستین گروه آنان مستضعف و ناتوان بودند و طوفان‌های باطل از هر سو آن‌ها را مورد هجوم قرار می‌دادند و مردم همگی علیه آنان موضع گرفته بودند، اما خداوند آن نسل را در پناه خود حفظ نمود و پیروز گرداند و نعمت‌ها و برکات خود را بر آن‌ها فرو ریزاند و آنان از پاکی‌ها روزی داد:

﴿وَأَذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ ۗ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٢٦﴾﴾ [الأنفال: ۲۶].

«و به یاد آورید آن هنگام را که کم بودید و در زمین ضعیف بودید و می‌ترسیدید که مردم شما را بربایند، پس شما را پناه داد و با یاری خود قدرتمند ساخت و از پاکی شما را روزی داد، باشد که شکر گزار باشید».

این پناه خداوندی و یاری ربانی از سوی خداوند قوی و قادر و غالبی است که بی‌تردید وعده‌اش محقق است و وعده‌اش برای استخلاف این امت و به قدرت رساندن آنان و مبدل نمودن ترس آنان به امنیت هرگز خلاف نمی‌رود، اگر به الله ایمان آوردند و کار نیک انجام دهند:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا ۗ يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا ۗ وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٥٥﴾﴾ [النور: ۵۵].

«الله به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین قرار دهد همان گونه که کسانی را که پیش از آنان

بودند جانشین [خود] قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هرکس پس از آن به کفر گراید آنانند که نافرمانند».

در این صورت عجیب نیست که نسل اول این امت به آن درجه از پیشرفت و ترقی دست یابد که تاکنون کسی به آن نرسیده است زیرا ایمان، راهنمای آن نسل بود و اسلام فرمانده آن، و شریعت مبارک خداوند منهج و راه و روش زندگی آنان، و اینگونه بود که مقام «خیریت» را که خداوند برای مومنان و پیروان هدایت قرار داده است به دست آورده و به مقام «شهادت بر مردم» در روز قیامت دست یافتند:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾ [آل عمران: ۱۱۰].

«شما بهترین امتی بودید که بر مردم پدیدار شدید، به معروف امر می‌کنید و از منکر باز می‌دارید و به الله ایمان دارید».

﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾ [البقرة: ۱۴۳].

«و اینچنین شما را امتی میانه گردانیدیم تا گواهانی بر مردم باشید و تا پیامبر بر شما گواه باشد».

آیات کتاب حکیم یاد آور این نکته هست که استقامت بر راه و روش خداوند و در پی گرفتن خشنودی او و حاکم گرداندن شریعت، تنها باعث به دست آمدن سعادت آخرت و وارد شدن به بهشت‌های پر نعمت نیست، بلکه همچنین ضامن به دست آمدن خوشی زندگی پاک در دنیا است، و این سنتی است از سنت‌های خداوند در مورد بندگان که هرگز تغییرپذیر نیست:

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [النحل: ۹۷].

«هرکس از مرد یا زن که کار شایسته انجام دهد در حالی که مومن است او را زندگی پاک بخشیم و پاداش آنان را بهتری از آنچه انجام می‌دادند عطا می‌کنیم».

و همچنین خداوند متعال می‌فرماید:

﴿الرَّ كِتَابٌ أَحْكَمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ ﴿١﴾ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ ﴿٢﴾ وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ ﴿٣﴾﴾ [هود: ۱-۳].

«الف لام راء کتابی است که آیات آن استحکام یافته سپس از جانب حکیمی آگاه به روشنی بیان شده است (۱) که جز الله را عبادت نکنید من از جانب او برای شما هشدار دهنده و بشارت دهنده‌ام (۳) و اینکه از پروردگارتان آمرزش بخواهید سپس به درگاه او توبه کنید [تا اینکه] شما را با بهره‌مندی نیکویی تا زمانی معین بهره‌مند سازد و به هر شایسته‌ی نعمتی از کرم خود عطا کند و اگر روی‌گردان شوید من از عذاب روزی بزرگ بر شما بیمناکم».

هنگامی که مردم از دین خدا دوری می‌گزینند و با روی‌گرداندن از راه و روش خداوندی نسبت به خداوند جفا روا می‌دارند آنجاست که اشکال رخ می‌دهد و ناآرامی‌هایی که عامل فساد و شرند و امت‌های گذشته را به نابودی کشانده‌اند به این امت نیز روی می‌آورند:

﴿فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ﴿١٤﴾﴾ [المائدة: ۱۴].

«پس بخشی از آنچه بدان پند داده شده بودند فراموش کردند، پس [به جزای آن] دشمنی و کینه را تا روز قیامت در میان آن‌ها انداختیم و الله در روز قیامت آنان را از آنچه انجام می‌دادند آگاه خواهد کرد».

دایره‌ی این اشکال حتی به همه‌ی زمین و محیط زیست نیز کشانده می‌شود چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ [الروم: ۴۱].

«فساد در خشکی و دریا به سبب کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار گردید تا قسمتی از آنچه را انجام می‌دادند به آنان بچشانند باشد که برگردند».

زیرا رابطه‌ای محکم میان جهان و کارهایی که ما انجام می‌دهیم وجود دارد، اگر کارهای انسان‌ها براساس روش صحیح و با درک هدف از خلقت انسان و تحقق عبودیت پروردگار و تلاش برای به دست آوردن خشنودی وی و استقامت بر منهج او باشد، در این صورت است که خداوند از خزائن رحمت خود بر آن‌ها نازل کرده و خیرات زمین را در اختیار آن‌ها می‌نهد چنانکه نوح علیه السلام برای تشویق قوم خود به ایمان و طلب آموزش از پروردگارش چنین فرمود:

﴿فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا ﴿۱۱﴾ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا ﴿۱۲﴾ وَيُمِدُّكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا ﴿۱۳﴾﴾ [النوح: ۱۰-۱۲].

«پس گفتم از پروردگارتان آموزش بخواهید که او بسیار آمرزنده است (۱۰) تا بر شما از آسمان باران پی در پی فرو ریزد (۱۱) و شما را با اموال و فرزندان یاری دهد و برای شما باغ‌ها و رودهایی قرار دهد».

همچنین خداوند متعال درباره اهل شهرهایی که مورد عذاب قرار گرفتند می‌فرماید:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ [الأعراف: ۹۶].

«اگر اهل شهرها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌ساختند بی‌تردید برکت‌هایی را از آسمان و زمین بر آن‌ها باز می‌کردیم اما تکذیب نمودند پس آن‌ها را به سبب آنچه انجام می‌دادند به عذاب گرفتیم».

این آثار باقی‌مانده کسانی است که کتاب خداوند را پشت سر انداختند و هوای نفس خود را به خدایی گرفتند و در پی آنچه باعث خشم خداوند است افتادند و در نتیجه آثارشان عبرتی برای صاحبان خرد گردید:

﴿فَكَأَيُّ مَن قَرِيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَبِئْرٍ مُّعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ

مَشِيدٍ ﴿٤٥﴾ [الحج: ٤٥].

«و چه بسیار شهرها را که ستمکار بودند هلاکشان کردیم و [اینک] آن [شهرها]

سقف‌هایش فرو ریخته است و [چه بسیار] چاه‌های متروک و قصرهای افراشته را».

بنابراین، صاحبان خرد با شنیدن ندای خداوند که در کتاب او می‌خوانند راهی جز استجابت خدا و رسول او - صلی الله علیه و آله وسلم - در برابر خود نمی‌بینند، ندایی که استجابت آن عامل زندگی قلب است، قلب‌هایی که جز با روی آوردن به خداوند متعال و محقق ساختن عبودیت او و محبت و طاعت او و دوری از اسباب خشم خداوند با پیروی از پیامبر او - صلی الله علیه و آله وسلم - و دوست داشتن او و اتباع سنت و راه و روش او، زندگی حقیقی نخواهند داشت.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ

يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٢٤﴾ [الأنفال: ٢٤].

«ای کسانی که ایمان آورید، الله و پیامبر او را هنگامی که شما را به سوی آنچه زندگی‌تان در آن است فرا می‌خوانند لبیک گویند و بدانید که خداوند میان و بنده و قلب او حائل است و بدانید که به سوی او حشر می‌شوید».

زیرا خداوند - سبحانه و تعالی - میان مومن و کفر فاصله می‌اندازد، و میان کافر و ایمان نیز جدایی می‌اندازد، چنانکه ابن عباس - رضی الله عنه - می‌فرماید: «کسی نمی‌تواند بدون اذن او ایمان بیاورد یا کفر ورزد».

چنانکه در حدیثی که امام احمد در مُسند خود و نسائی و ابن ماجه در سنن خود با سند صحیح از نواس بن سمعان رضی الله عنه روایت کرده‌اند آمده است که رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - فرمودند: «هیچ قلبی نیست مگر آنکه بین دو انگشت از انگشتان رحمان پروردگار جهانیان است، که اگر خواست آن را استقامت دهد استقامت می‌دهد و اگر خواست آن را دستخوش تغییر قرار دهد دستخوش تغییر می‌گرداند». و رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - در دعای خود می‌فرمود:

یعنی: «ای گرداننده‌ی قلب‌ها، قلب مرا بر دینت ثابت بگردان» و می‌فرمود: «میزان به دست خداوند است، آن را بلند می‌کند یا پایین می‌آورد». پس ای بندگان خداوند تقوای او را پیشه‌سازید و ندای خدا و رسول را لبیک گوید و بدانید که پروردگار شما برای کسانی که از راه و روش او پیروی کنند عظمت و افتخار را تضمین نموده و وعده داده است که او را به جایگاه بلندی که می‌خواهد خواهد رساند. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ﴾ [الزخرف: ۴۴].

«و به درستی که آن یادآوری برای تو و برای قوم توست و به زودی مورد سوال قرار خواهید گرفت». و می‌فرماید:

﴿لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ [الأنبياء: ۱۰].

«بی‌تردید که به سوی شما کتابی را نازل ساخته‌ایم که یاد شما در آن است، پس آیا تعقل نمی‌ورزید؟».

در اینجا ذکر به معنای شرف و بزرگی و مکارم اخلاق و اعمال نیک و پیروزی دنیا و آخرت است.

خداوند متعال من و شما را با هدایت کتاب خود و سنت پیامبرش - صلی الله علیه وآله وسلم - سود رساند. این سخن خویش را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از خداوند بزرگ آمرزش می‌خواهم که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله است، او را سپاس گفته و از او یاری جسته و آمرزش می‌خواهیم، و از بدی‌های نفس خود و کارهای ناشایستمان به او پناه می‌بریم. الله هرکه را هدایت کند او گمراه‌گری نخواهد داشت و هرکه را گمراه سازد او هدایت‌گری نخواهد یافت، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی

می‌دهم که محمد بنده و پیامبر اوست. درود و سلام بسیار خداوند بر او و بر اهل بیت و یاران او باد.

اما بعد، ای بندگان خداوند:

مومن هنگامی که بر سر دو راهی قرار می‌گیرد و مناهج مختلف بر وی عرضه می‌شود دچار حیرت نمی‌شود و در این شک نمی‌کند که برنامه‌ پروردگار بهترین برنامه و تنها راه نجات و خوشبختی در دنیا و آخرت است.

و در آیات کتاب خود و داستان هبوط آدم از بهشت به واسطه اغوای شیطان و زینت دادن معصیت برای او بهترین دلیل بر این حقیقت است، پس هر که در پی هدایت پروردگار خود باشد او خوشبخت واقعی است.

﴿قَالَ أَهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى﴾ [طه: ۱۲۳].

«گفت از آن پایین آید که برخی دشمن برخی دیگرید. پس هر گاه از سوی من هدایتی برای شما آمد هر کس از هدایت من پیروی کند نه گمراه می‌شود و نه بدبخت». اما آنکه با مخالفت امر پروردگار و امر پیامبر او - صلی الله علیه وآله وسلم - از یاد او روی گردانی می‌کند و امر دیگران را استجابت می‌کند پایان کارش زیان است و زندگی تنگ:

﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمَى﴾ [طه: ۱۲۴] قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا ﴿۱۲۵﴾ قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيْتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى ﴿۱۲۶﴾ [طه: ۱۲۴-۱۲۶].

«و هر کس از یاد من روی گردانی کند زندگی سخت و تنگی خواهد داشت و روز قیامت او را در حالی که نابیناست محسوس می‌کنیم (۱۲۴) می‌گوید: پروردگارا چرا مرا نابینا برانگیختی در حالی که بینا بودم (۱۲۵) می‌گوید: همانگونه که آیات من به سوی تو آمد و آن را فراموش کردی اینچنین امروز نیز به فراموشی سپرده می‌شوی».

حافظ ابن کثیر این زندگی سخت را چنین به تصویر کشانده است: «یعنی: زندگی سخت و تنگ در دنیا؛ او نه آرامشی خواهد داشت و نه انشراح صدر، بلکه سینه‌اش به سبب گمراهی تنگ خواهد بود حتی اگر ظاهرش در خوشی و نعمت باشد و هر چه بخواهد بپوشد و هر چه بخواهد بخورد و در هر خانه‌ای که بخواهد زندگی کند؛ زیرا تا قلب او به هدایت و یقین نرسد همواره در نگرانی و حیرت و شک خواهد بود و همیشه در شک خود سرگردان خواهد ماند و این سختی و تنگی زندگی است».

خداوند ما را از چنین حالتی و از گمراهی پس از هدایت حفظ نموده و ما را از جمله کسانی بگرداند که به پروردگار خود بازگشته‌اند و توبه کرده و هدایت یافته‌اند. پس ای بندگان خداوند، تقوای او را پیشه سازید و بینات و هدایتی را که از سوی پروردگارتان برای شما آمده است بهترین توشه برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت بگردانید.

و بر بهترین انسان‌ها درود و سلام فرستید که پروردگارتان شما را به آن امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد درود و سلام فرست و از چهار خلیفه وی: ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه و اهل بیت و تابعین و همه کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی کنند راضی و خشنود باش و همچنین از ما با عفو و بزرگواری خویش راضی باش ای بهترین بخشنندگان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده؛ خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، و حوزه دین را حفظ نما و دشمنان دین و دیگر متجاوزان و مفسدان را نابود گردان. خداوندا میان دل‌های مسلمانان الفت ایجاد کن و صف آنان را یکی گردان و رهبران آنان را اصلاح نما و کلمه آنان را بر حق یکی گردان.

خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومن مجاهد صادق را یاری ده.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان ما را اصلاح نما. خداوندا ما را آنگونه که خود صلاح می‌دانی از دشمنانمان حفظ نما و ما را بر آن‌ها پیروز گردان، خداوندا ما تو را در برابر آن‌ها قرار می‌دهیم و از بدی آن‌ها به تو پناه می‌بریم. خداوندا عاقبت ما را در همهٔ امور به خیر گردان و ما را از خواری دنیا و عذاب آخرت نجات ده.

خداوندا دین ما را که نگهدارندهٔ امر ماست و دنیای ما را که محل زندگی ماست و آخرت ما را که بازگشتگاه ماست اصلاح نما و زندگی را برای ما عامل زیاده در نیکی‌ها و مرگ را عامل رهایی از بدی‌ها قرار ده.

خداوندا ما از تو انجام خوبی‌ها و ترک منکرات و دوستی مستمندان را خواهیم و از تو می‌خواهیم ما را مورد مغفرت و رحمت خود قرار دهی و اگر برای قومی ارادهٔ فتنه داشتی ما را بی‌آنکه دچار فتنه شویم به سوی خودت باز گردانی.

خداوندا مسلمانان را در همهٔ سرزمین‌های اسلام حفظ نما، خداوندا آنان را در سوریه و لیبی و یمن و در دیگر سرزمین‌ها حفظ نما، و آنان را از شر فتنه‌های آشکار و پنهان محافظ کن و میان دل‌های آنان الفت ایجاد کن.

«پروردگارا ما به خود ستم نمودیم و اگر ما را مورد مغفرت و رحمت خود قرار ندهی بی‌تردید از زیانکاران خواهیم بود» [الأعراف: ۲۳].

«پروردگارا قلب‌های ما را پس از آنکه هدایت‌مان نمودی دستخوش تغییر مگردان و ما را از جانب خود رحمتی عطا کن که همانا تو بخشنده‌ای» [آل عمران: ۸].

«پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بدار»

[البقرة: ۲۰۱].

و درود و سلام بر پیامبر ما محمد و بر اهل بیت و یاران او و الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه: عادت خطرناک سخن‌چینی

خطیب: دکتر صالح بن حمید

مسجدالحرام: جمعه ۱۵ رجب ۱۴۳۲ برابر با ۲۷ خرداد ۱۳۹۰

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است. او را حمد می‌گوییم که هرکه به او پناه آورد بیش از خواسته‌اش او را عطا می‌کند و هرکه از او بخواهد بیش از آن چه خواسته نصیب وی می‌شود. شکر و سپاس شایسته اوست که هر کس روی به سوی او آورد با عفو و قبول و آمرزش بر وی منت می‌نهد، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده پیامبر اوست. او که راه‌های هدایت را تبیین نمود و دین را به طور کامل به ما رساند. درود و سلام و برکات خداوند بر او و بر اهل بیت و یارانش باد که شریعت پروردگارش را به طور کامل برپا نمودند، و همچنین بر تابعین و کسانی که به نیکی از آنان پیروی نمایند...

اما بعد:

ای مسلمانان، شما و خود را به تقوای خداوند عزوجل سفارش می‌کنم، تقوای او را پیشه سازید و پیش از پایان عمر برای رهایی و خوشبختی خود راهی بجوید و از قرن‌های گذشته و پیشینیان عبرت بگیرید. از قبور، حال مردگان را پرسید زیرا خردمند آن است که عاقبت را در نظر می‌گیرد و هرکه از مرگ ناگهانی جان به در برد ناگزیر گرفتار پیری می‌شود. آیا حال رفتگان برای عبرت‌ماندگان کافی نیست؟!

ای بنده خداوند، اگر برای انجام کار نیکی عزم خود را جزم نمودی، آن را هر چه زودتر انجام بده که مرگ سررشته را قطع می‌کند و آخرت نیز عرصه جبران نیست و آنکس که مست هوا و هوس است سخت است که به عقل آید.

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُلْهِكُمْ ءَمْوَالُكُمْ وَلَا ءَوْلَادُكُمْ عَن ذِكْرِ ءَللّٰهِ وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ فَاُوْتِيْكَ هُمُ الْخَسِرُوْنَ ﴿٩﴾ وَاَنْفِقُوْا مِّن مَّا رَزَقْنٰكُمْ مِّن قَبْلِ اَنْ يَّآتِيَ اَحَدَكُمْ الْمَوْتُ فَيَقُوْلَ رَبِّ لَوْلَا اٰخِرْتَنِىْ اِلَىٰ اَجَلٍ قَرِيْبٍ فَاَصَّدَقَ وَاَكُن مِّنَ الصّٰلِحِيْنَ ﴿١٠﴾ وَلَنْ يُؤَخِّرَ ءَللّٰهُ نَفْسًا اِذَا جَآءَ اَجْلُهَا وَاَللّٰهُ خَبِيْرٌۢ بِمَا تَعْمَلُوْنَ ﴿١١﴾﴾ [المنافقون: ۹-۱۱].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید مال‌ها و فرزندان‌تان شما را از یاد الله مشغول نسازد و هر که چنین کند همان‌ها هستند که زیانکارانند (۹) و از آنچه به شما روزی داده‌ایم انفاق کنید پیش از آنکه مرگ یکی از شما در رسد و بگوید پروردگارا ای کاش مرا به اجلی نزدیک مهلت می‌دادی تا آنکه صدقه می‌دادم و از نیکوکاران می‌شدم (۱۰) و الله هیچ نفسی را آنگاه که اجلش سر رسد به تاخیر نمی‌اندازد و الله به آنچه می‌کنید آگاه است.»

سخنمان دربارهٔ خطری است عظیم که بزرگ‌ترین بدی‌ها و فسادها را در پی خود دارد. چه قلب‌ها که به واسطهٔ این عادت خطرناک به خون نشسته و چه بسیار روابط خویشاوندی که قطع گردیده و بی‌گناهی که به سبب آن جان خود را از دست داده‌اند و مظلومانی که بی‌گناه شکنجه شده و زنانی که از همسر خود جدا شده‌اند... چه بسیار زنان پاکدامنی که تهمت ناروا نثارشان شده و آبروهایی که ریخته شده و خانواده‌هایی که از هم پاشیده شده و خانه‌هایی که ویران شده‌اند... بسا فتنه‌هایی که از آتش این عادت بد روشن شده‌اند و باعث دشمنی و جدایی در سطح اشخاص و خانواده‌ها و کشورها و منطقه‌ها شده و روابط را به تباهی کشانده و مردم را نسبت به هم بدبین نموده و جایی را برای آرامش و صلح باقی نگذاشته است.

این، بیماری خطرناکی از بیماری‌های قلب و آفات زبان و یکی از دردهای جوامع است. دوران ما با امکانات رسانه‌ای و ارتباطی خود نیز به انتشار این پدیده و آثار آن کمک کرده است. آیا دانستید دربارهٔ چه دردی سخن می‌گوییم؟!

سخن ما دربارهٔ آفت خطرناک سخن‌چینی و دو به هم زنی است، یعنی نقل سخن مردم میان آن‌ها به قصد بدی و ایجاد کینه. سخن‌چینی اساس پیمان‌شکنی و بدی است؛ خداوند متعال خطاب به پیامبرش می‌فرماید:

﴿وَلَا تُطْعُ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ ﴿۱۰﴾ هَمَّازٍ مَشَّاءٍ بِنَمِيمٍ ﴿۱۱﴾ مَنَّاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ ﴿۱۲﴾ عُتْلٍ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٍ ﴿۱۳﴾﴾ [القلم: ۱۰-۱۳].

«و از هر بسیار قسم‌خور بی‌ارزش پیروی مکن (۱۰) آن که عیب‌جوست و برای سخن‌چینی گام برمی‌دارد (۱۱) مانع خیر متجاوز بسیار گناهکار است (۱۲) سنگدل، و گذشته از آن زنا زاده است».

صفت‌هایی در پی هم، که هر یک بدتر از دیگری است. «حَلَّاف»، یعنی کسی که بسیار قَسَم می‌خورد، چون او از درون خود خبر دارد و می‌داند که راستگو نیست و مردم به او اعتماد ندارند، «مَهِين» یعنی حقیر و بی‌ارزش حتی اگر در ظاهر باعظمت و بزرگ به نظر آید زیرا او خود، خودش را گرامی نداشته و برای مردم احترام و ارزش قائل نشده است، حقارت صفتی است که ممکن است در ذات انسان باشد حتی اگر دارای جاه و مال و جمال باشد.

«هَمَّاز» کسی است که با اشاره چشم و ابرو و با سخن و اشاره و در حضور یا پشت سر شخص، عیب‌جویی او را می‌کند.

«مَنَّاعٍ لِلْخَيْرِ» یعنی خیر و خوبی را از خود و از دیگران باز می‌دارد. او «معتدی» است یعنی حق و عدل و انصاف را زیر پا می‌نهد و به حریم آن تجاوز می‌کند چه رسد به آنکه اهل نیکی و نشر خوبی و محبت باشد.

او «اثیم» یعنی بسیار گناهکار است، در بدی‌ها و محرمات افتاده است، «عُتْلٍ» است یعنی بسیار سنگدل، حتی اگر ظاهراً نرمی و نرم‌دلی مصنوعی از خود به نمایش گذارد. «زَنِيمٍ» است و بد، از آزار رساندن به دیگران خوشش می‌آید و با بدی رساندن و کاشتن بذر کینه میان دیگران لذت می‌برد.

شخص نَمَام، دو رو است؛ با گروهی طور دیگری است و با گروه دیگر به رنگی دیگر، و براساس موقعیت و منفعت شخصی خود رنگ عوض می‌کند. جز به هدف کینه و دشمنی و یا همراهی با بدان یا حُب سخن گفتن و خودنمایی در مجالس و یا با هدف ضربه زدن به کسانی که درباره‌شان سخن‌چینی می‌کند، سخن نمی‌گوید.

سخن‌چین بدخواه، خود را فراموش می‌کند و به عیب دیگران مشغول می‌شود، اگر خوبی از کسی دید پنهانش می‌دارد و اگر بدی دید منتشر می‌کند، و اگر نه بدی دید و نه خوبی رو به دروغ‌پردازی می‌آورد.

سخن‌چینان و پاپوش‌سازان دین خود را به دنیای دیگران فروخته‌اند و با به دست آوردن رضایت مردم خشم خداوند را به جان خریده‌اند، مردم‌داری کرده‌اند و تقوای خداوند را زیر پا گذاشته‌اند.

سخن‌چین، زبانش شیرین است و قلبش آتشین، در چند لحظه چنان فساد می‌کند که بار می‌آورد که جادوگران در یک سال نمی‌کنند! نه اهل شهامتند و نه دارای مروت. حقا که سخن‌چین چه بار سنگینی از گناه و جرم بر دوش دارد و برای همین است که رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - می‌فرماید: «سخن‌چین به بهشت وارد نمی‌شود» [متفق علیه از حدیث حذیفه رضی الله عنه].

همچنین روایت شده است که رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - از کنار دو قبر عبور کردند و فرمودند: «این دو دارند عذاب می‌بینند و [ظاهرا] در مورد گناه بزرگی عذاب نمی‌شوند، اما [در واقع] آن گناه بزرگی است؛ یکی از آن دو سخن‌چینی می‌کرد و دیگری خود را از ادرارش پاک نمی‌داشت» [متفق علیه].

و در حدیثی که مسلم از حدیث عبدالله بن مسعود - رضی الله عنه - روایت کرده آمده است که رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - فرمودند: «آیا به شما بگویم که بهتان چیست؟ آن سخن‌چینی میان مردم است».

و در حدیثی دیگر آمده است که فرمودند: «در روز قیامت بدترین مردم نزد خداوند را شخصی می‌یابی که دو روست، نزد یک گروه با یک چهره و نزد گروه دیگر با چهره‌ای دیگری می‌رود».

ابوهریره - رضی الله عنه - می‌گوید: «سخن‌چین بدترین خلق خداست».

امت بر تحریم سخن‌چینی و دو به هم زنی اتفاق دارند زیرا از بزرگ‌ترین گناهان و از جمله کبائر است و در حدیث آمده است که رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم -

فرمودند: «بدترین بندگان خداوند آنان‌اند که سخن‌چینی می‌کنند و میان دوستان جدایی می‌افکنند و برای بی‌گناهان و بی‌خبران قصد بد دارند» [به روایت احمد].

سخن‌چینی بر دروغ و حسادت و نفاق استوار است که این نهایت پستی است و در بدی و زشتی بدتر از آن نمی‌توان تصور نمود.

سخن‌چینی بدترین آفتی است که به جان فضیلت‌ها افتاده و رابطه‌ها دچار آن شده‌اند و این خصالت بد می‌تواند از طریق سخن و نوشتن و حتی با ایما و اشاره باشد. برادران و خواهران گرامی:

سخن‌چینی و دو به هم زنی گاه به جان خانواده‌ها و همسران می‌افتد، خانه‌های آباد را به آتش خود می‌سوزاند و در میان خانواده‌ها تفرقه و شکاف ایجاد می‌کند. سینه‌ها را چرکین نموده و روابط خویشاوندی را قطع نموده و به تخریب مسئولان و کارفرمایان می‌پردازد.

لازم است بزرگان و صاحب‌منصبان و علما از برخی هم‌نشینان خود که در دینداری و امانت‌داری ضعیفند و خشنودی مردم را با خشم خداوند می‌خرند برحذر باشند. شایسته است این بزرگان دربارهٔ چیزهایی که به آن‌ها می‌رسد دقت کنند و در مورد درست یا نادرست بودن آن تحقیق نمایند تا آنکه ناخواسته دست مفسدان باز نشده و بی‌گناهان مورد مجازات قرار نگیرند.

از جمله مواردی که باید بسیار در مورد آن دقت نمود و به شدت نسبت به آن هشجاری پیشه ساخت اخباری است که رسانه‌ها منتشر می‌کنند یا برخی نویسندگان می‌نویسند که فلان و بهمان چنین و چنان گفته‌اند.

در دوران جنگ‌ها و فتنه‌ها و ناآرامی‌ها و شایعات قضیه سخت‌تر و پیچیده‌تر می‌شود که این خود نیازمند احتیاط و مراقبت بیشتری است، گذشته از این که چه بسا این سخنان و نظرات آکنده از دو به هم زنی و سخن‌چینی به سادگی در همهٔ دنیا منتشر می‌شود، سخنانی که گویندگان آن براساس قاعدهٔ ظلمانی «هدف وسیله را توجیه می‌کند» به نشر آن می‌پردازند.

ای مسلمانان:

کسی که نزد وی سخن‌چینی کردند یا بد کسی را گفتند یا در مجلس تمامی حاضر شد یا از سخن‌چین چیزی شنید نباید او را راستگو بپندارد زیرا چنین کسی فاسق است و خداوند درباره‌ی خبر فاسق گفته است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهْلَةٍ فَتُصِبْحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ ﴿٦﴾﴾ [الحجرات: ٦].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر فاسقی خبری برای شما آورد خوب آن را واری کنید که مبادا از روی نادانی گروهی را مورد آسیب قرار دهید و سپس برای آنچه کرده‌اید پشیمان شوید.»

همچنین لازم است از چنین اخلاق و منشی متغیر بود زیرا چنین کاری از بزرگ‌ترین گناهان است.

شایسته و زیبا است که انسان مسلمان نسبت به برادری که از وی سخنی را نقل می‌کنند بدگمان نباشد، و اگر سخنی به او رسید یا چیزی در مورد او دانست آن را دنبال نکند و دست به تجسس نزند، واجب است که انسان مسلمان از اینکه صفت سخن‌چین به خود گیرد برحذر باشد و هر چه را می‌شنود و هر چه را که به او می‌رسد نقل نکند.

همچنین قبل و بعد از همه این‌ها تقوای خداوند را در نظر گیرد و نصیحت و خیرخواهی پیشه سازد و اینگونه سخنان را با حکمت و نصیحت زیبا انکار نماید زیرا چنین خصلتی خطری است بزرگ و دارای اثری است ماندگار. شایسته است از روی خیرخواهی و دوستی و دلسوزی نسبت به برادران خود در راه هر آنچه باعث الفت میان قلب‌ها و وحدت کلمه و حفظ مودت و دوری از تفرقه و کینه است، تلاش نماید.

پس هشیار باشید و با شنیدن هر خبری تحقیق نمایید و عجله نکنید و ببخشید و عفو پیشه سازید و بشنوید و اطاعت کنید.

مردی سخن امام لیث بن سعد را به والی مصر رساند و سعی کرد برای او پاپوش درست کند، والی، لیث را احضار کرد و گفت: این مرد از تو نقل می‌کند که چنین و چنان

گفته‌ای. لیث گفت: «ای امیر از او بپرس چیزی که از من نقل می‌کند آیا من او را امین پنداشته بودم و او خیانت کرد و به شما نقل نمود که اگر چنین باشد شایسته نیست سخن خائن را بپذیری، و یا آنکه بر من دروغ بسته است که باز شایسته نیست سخن دروغگو را باور کنی» والی گفت: راست گفתי ای اباحارث.

و مردی به نزد وهب بن مُنبّه آمد و گفت: فلانی درباره تو چنین و چنان می‌گوید. وهب گفت: «آیا شیطان پستیچی دیگری جز تو نیافت؟»

اما بعد، ای بندگان خداوند:

این صفت مذموم و ناپسند چه بسیار بی‌گناهان و بی‌خبران پاکدل را به قربانگاه کشانده است، چه بسیار فاجعه‌ها که بار آورده و بسا جان‌ها که از پی خود به قتل‌گاه برده است و مال‌ها را که به غارت کشانده است و چه خانواده‌هایی را از هم پاشیده است. باعث آزار بسیاری از علما شده و مردم زیادی را از سرزمین خود در به در کرده و فاجعه‌ها و مصیبت‌ها به بار آورده و کودکان و مادران را از خانواده

«وای بر هر بدگوی عیب‌جو (۱) آنکه مالی فراهم آورده و آن را می‌شمارد (۲) گمان می‌کند مالش او را جاودان می‌سازد (۳) هرگز! قطعاً در آتش خُرد کننده فرو افتاده خواهد شد (۴) آن آتش برافروخته شده‌ی خداوند (۵) آتشی که به قلب‌ها می‌رسد (۶) آتشی که آن‌ها را فرا گرفته است (۷) در ستون‌هایی دراز».

خداوند من و شما را با هدایت کتاب خدا و سنت پیامبرش محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - سود رساند. این سخن خویش را گفته و برای خود و شما از هرگونه گناه و معصیتی از خداوند آمرزش می‌خواهم. پس از او آمرزش خواهید که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن خداوند است و او شایستهٔ حمد، او را حمد گفته و برای فضل همه‌گیر و خیر وافرش، شکر می‌گویم و گواهی می‌دهم که معبودی به حق جز الله نیست که واحد و بی‌شریک است، چیزی به مانند او نیست و او بسیار شنوا و بیناست، و گواهی می‌دهم که پیامبر و سرور ما محمد، بنده و پیامبر او و بشارت‌دهنده و هشدار دهنده و چراغ روشن‌گر است. درود و سلام و برکات خداوند ارزانی وی و اهل بیت والا و اصحاب گرامی او و تابعین و همهٔ کسانی باد که به نیکی پیروی آنان کنند و راه حق را در پی گیرند.

اما بعد:

ای مسلمان؛ برادران تو آنانی هستند که اگر از آن‌ها جدا شوی تو را حفظ می‌کنند و اگر نزدشان نباشی عیب تو را نمی‌جویند. کسی که تو را به بدی می‌رساند مانند کسی است که بدی را برای تو خواسته است و هرکه پیرو سخن چنین باشد دوست خود را از دست می‌دهد. هرکه سخن دیگران را نزد تو آورد بی‌تردید سخن تو را نیز به نزد دیگران خواهد برد. هرکه فحش دیگری را برای تو نقل کند در واقع خودش به تو فحش داده است. بدتر از سخن چنین کسی است که به او گوش دهد و اگر حرفی که سخن چنین

می‌گوید درست هم باشد این اوست که برای بیان فحش و بدگویی به خود جرات داده است.

اما کسی که سخن بد او را درباره‌ی تو نقل کرده‌اند بیش از شخص سخن‌چین شایسته‌ی بخشش و گذشت است، زیرا او حداقل این بدی را در مقابل تو نگفته است و در این حد احترام تو را نگه داشته است. کافی است به این سخن پیامبرمان محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - توجه کنید که می‌فرماید: «هیچ کدام از اصحاب من چیزی را از کسی نزد من نقل نکنند زیرا دوست دارم درحالی نزد شما بیایم که سینه‌ام [درباره‌ی شما] سالم است» [به روایت احمد].

خردمند به سخنی که سخن‌چینان نقل می‌کنند توجه نمی‌کند و هر سخنی را که از اهل فضل نقل می‌کنند و شایسته‌ی آن‌ها نیست به دیده‌ی تردید می‌نگرد زیرا اگر انسان به دیده‌ی تأمل بنگرد خواهد دانست که سرزنش سزاوار آن است که سخن را به تو نقل کرده است نه آنکه آن را گفته است.

به ام دردار - رضی الله عنها - گفتند: مردی نزد عبدالملک بن مروان بدگویی تو را کرده است. فرمود: «اگر اینبار به آنچه در ما نیست متهم شده‌ایم در مقابل بارها نیز با آنچه در ما نیست مورد ستایش قرار گرفته‌ایم».

در هر صورت اگر برای کسی سخن برادرش را نقل کردند اشکال ندارد که او را برای اشتباهش مورد عتاب قرار دهد و در صورت عذرخواهی عذر او را بپذیرد و خود را عادت دهد که در هنگام حفظ خداوندی شکر او را گوید و در صورت زیان، صبر پیشه سازد و بداند که نرمی با خطاکار خود عتابی برای اوست و بخشش از خصلت‌های آزادگان است.

پس تقوای الله را پیشه سازید و برادری اسلامی و رابطه‌ی ایمانی را حفظ نمایید که هر که خواهان در امان ماندن از گناه و باقی ماندن دوستی برادران خود است شایسته است سخن هیچ‌کس را درباره‌ی کس دیگر نپذیرد، زیرا مردمان بسیاری با سخن دیگران دوستی و دشمنی پیشه کردند و عاقبت پشیمان شدند.

و در پایان درود و سلام فرستید بر آن رحمت هدایتگر، و آن نعمت خداوندی، پیامبرتان محمد مصطفی، که خداوند در آیات محکم کتاب خود به آن امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

شخداوندا بر بنده و پیامبرت محمد مصطفی و بر اهل بیت پاک او درود و سلام و برکت ارزانی دار و از چهار خلیفه راشد او، ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه و تابعین و پیروان آنان راضی و خشنود باش و همچنین از ما با عفو و احسان و گرم خویش راضی و خشنود باش ای گرامی‌ترین گرامیان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزیز بگردان و شرک و مشرکان را خوار گردان و تجاوزگران و مُلحدان و دیگر دشمنان دین و امت را بی‌یار و یاور گردان. خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و والیان و مسئولان ما را اصلاح نما و مسئولیت ما را بر عهده کسانی قرار ده که تقوای تو را پیشه سازند و در پی خشنودی تو باشند.

خداوندا همه مسئولان و والیان مسلمان را برای عمل به کتاب و سنت پیامبرت - صلی الله علیه وآله وسلم - وفق گردان و آنان را رحمتی برای مردمشان قرار ده و کلمه آنها را بر حق یکی بگردان ای پروردگار جهانیان.

خداوندا برای امت اسلامی امر رُشدی قرار ده که در آن اهل طاعت عزیز شوند و اهل معصیت هدایت شوند و در آن به معروف امر شود و از منکر باز داشته شود که تو بر کاری توانایی.

خداوندا حال و روز مسلمانان را در همه جای جهان اصلاح نما خداوندا نعمت امنیت را بر آنها بگستران و کلمه‌شان را یکی گردان و سختی‌شان را از بین ببر و آنان را مورد عنایت خود قرار ده ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا یهودیان غاصب اشغالگر را به تو می‌سپاریم، خداوندا آن‌ها قادر به ناتوان ساختن تو نیستند، خداوندا عذاب خود را بر آن‌ها نازل ساز، عذابی که از جنایتکاران باز داشته نمی‌شود...

خداوندا ما را به سوی توبه و بازگشت موفق گردان و در استجابت و قبول را بر ما بگشای. خداوندا طاعات ما را بپذیر و اعمال ما را اصلاح نما و بدی‌های ما را بپوشان و بر ما توبه بپذیر و ما را مورد مغفرت و رحمت خویش قرار ده ای مهربان‌ترین مهربانان.

«پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش جهنم دور بدار»

[البقرة: ۲۰۱].

پاک و بی‌عیب است پروردگار تو از آنچه مشرکان به دروغ وصفش می‌کنند و سلام بر پیامبران و الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - بهترین الگو

خطیب: دکتر علی حدیفی

سجد نبوی شریف: جمعه ۲۹ رجب ۱۴۳۲ برابر با ۱۰ تیر ۱۳۹۰

خطبه‌ی اول:

ستایش مخصوص خداوند است، او را حمد گفته و از او یاری جسته و هدایت می‌خواهیم و از بدی‌های خود و اعمال بدمان به الله پناه می‌بریم. خداوند هرکه را هدایت کند او گمراه‌گری نخواهد داشت و هرکه را گمراه سازد او هدایتگری نخواهد یافت و گواهی می‌دهم که معبودی به حق جز الله نیست که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده و پیام‌رسان اوست. خداوند بر بنده و پیامبرت محمد، و بر اهل بیت و یاران او درود و سلام و برکت ارزانی دار.

اما بعد:

تقوای الله خداوند را پیشه سازید تا خشنودی و بهشت او را به دست آورید و از خشم وی نجات یابید که هیچ‌کس با طاعت خداوند شقی نگردید و کسی با مصیعت او خوشبختی را به دست نیاورد و بدانید که شما امروز در دنیای عمل و تلاشید و آخرت خانه‌ی پاداش است. خوش به حال آنکه از دنیای خود برای آخرت توشه گرفت و وای بر آنکه آرزوها او را فریفت و آخرت خود را به دنیایش فروخت. چه زیانکار است او و چه بد پشیمان خواهد شد و به فرصت بازگشت به دنیا را نخواهند داد تا باری دیگر عمل نیک انجام دهد.

ای مسلمانان:

اعمال خود را اصلاح کنید و آرزو را کوتاه کنید و از لغزش برحذر باشید. بدانید که دوام نیکی‌ها و در امان ماندن زمین از بدی‌ها با پایبندی اهل عمل و با وجود الگوی نیک برای نسل‌های جدید ممکن است. زیرا خداوند با عمل نیک اوضاع فرد و جامعه را اصلاح می‌نماید و دنیا به واسطه آن آباد می‌شود و زندگی در همه جوانب روی خوشبختی را به خود خواهد دید و انسان با عمل نیک است که بهترین جایگاه را در آخرت به دست خواهد آورد چنانکه خداوند متعال فرموده است:

﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا ﴿۱۷﴾﴾

[الکھف: ۱۰۷].

«بی‌تردید کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، بهشت‌های فردوس محل پذیرایی آن‌هاست».

الگوی نیک جوانان را از نظر عقیده و اخلاق و رفتار و از نظر آرزوها و اهداف به سوی راه راست هدایت می‌کند زیرا انسان در همه مراحل زندگی نیاز به الگوی نیکی دارد که از وی پیروی نماید و روش وی را در زندگی خود پیاده کند زیرا معنای اقتدای به الگو همین است: پیروی از کارهای الگو در دین و دنیا.

از رحمت خداوند بر بندگانش این بود که پیامبرانی را به سوی آن‌ها فرستاد که الگویی برای بندگان بودند و آنان را به سوی توحید و هر اخلاق نیکی رهنمون می‌شدند

و از شرک به خداوند و هر اخلاق ناپسند و هرگونه شر و فساد دور می‌ساختند و آنان را نسبت به آتش جهنم هشدار می‌دادند. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾ [النحل: ۳۶].

«به تحقیق در هر امتی پیامبری مبعوث ساختیم تا بگوید الله را بپرستید و از طاغوت پرهیزید».

و می‌فرماید:

﴿وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ﴾ [فاطر: ۲۴].

«و هیچ امتی نبوده است مگر آنکه هشدار دهنده‌ای در آن گذشته است».

پیامبر هر امت، الگوی آن‌ها در همه امور است و بهترین افراد هر امت اصحاب پیامبر آن امتند زیرا آن‌ها پیامبرشان را دیده‌اند و هم‌دوره او بوده‌اند و الگوبرداری آن‌ها از پیامبرشان کامل‌ترین الگوبرداری است و نسلی که پس از آن‌ها بیایند از نظر فضیلت کمترند زیرا الگوبرداری آن‌ها در برخی جوانب ضعیف‌تر خواهد بود.

خداوند متعال سلسله پیامبران را با سرور خلائق، محمد بن عبدالله - صلی الله علیه و آله وسلم - به پایان رساند و همه فضیلت‌ها را در وی یکجا گرداند و تمام مکارم اخلاق را به وی ارزانی داشت و با شریعت وی دیگر شریعت‌های پیش از وی را منسوخ نمود. خداوند هیچ عملی را از کسی نمی‌پذیرد مگر آنکه به محمد - صلی الله علیه و آله وسلم - ایمان آورد زیرا او وارث پیامبران و پیرو آنان و برانگیخته شده براساس ملت ابراهیم - علیه الصلاة والسلام - است.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ عَاتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنَّبُوءَةَ فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا

قَوْمًا لَيَسُوءَ بِهَا كَافِرِينَ﴾ ﴿۸۹﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَيُهْدِيهِمْ فَأَفْتَدِيَهُمْ ﴿[الأنعام: ۸۹-۹۰].

«آنانی کسانی‌اند که کتاب و داوری و نبوت را به آن‌ها عطا کردیم پس اگر این‌ها بدان کفر ورزند بی‌گمان گروهی دیگر را بر آن گماریم که به آن کفر نورزند (۸۹) آن‌ها کسانی هستند که الله هدایتشان نموده است پس به هدایت آن‌ها اقتدا کن».

و فرموده است:

﴿ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٢٣﴾﴾ [النحل: ۱۲۳].
 «سپس به تو وحی نمودیم که حق‌گرایانه از آیین ابراهیم پیروی کن و او از مشرکان نبود».

خداوند متعال سرور بشریت، محمد بن عبدالله - صلی الله علیه وآله وسلم - را الگویی نیک برای امت اسلام و برای همه کسانی قرار داده است که می‌خواهند وارد دین او شوند، از هر رنگ و نژادی که باشند، چنانکه خداوند متعال فرموده است:
 ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا ﴿٢١﴾﴾ [الأحزاب: ۲۱].

«به راستی که برای شما در شخصیت رسول الله اسوه‌ای نیکو بود برای هر که امید الله و روز آخرت را داشته باشد و الله را بسیار یاد می‌کند».
 زیرا خداوند وی را با جمع نمودن همه خصلت‌های نیک در شخصیت بزرگوار او مورد نعمت قرار داده و بر کمال بشری وی گواهی داده و فرموده است:

﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ ﴿٤﴾﴾ [القلم: ۴].

«همانا تو بر اخلاقی بس عظیمی».

و خداوند سوگند یاد نموده که پیامبرش - صلی الله علیه وآله وسلم - بر صراطی مستقیم است چنانکه می‌فرماید:

﴿يَس ١ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ ٢ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ٣ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ٤﴾

[یس: ۱-۴].

«یا سین (۱) قسم به قرآن حکیم (۲) که همانا تو از جمله‌ی پیامبرانی (۳) بر راهی راست».

و خداوند متعال در سوره فتح می‌فرماید:

﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا ١ لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِن ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ

عَلَيْكَ وَيَهْدِيكَ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا ٢﴾ [الفتح: ۱-۲].

«ما تو را پیروزی بخشیدیم، پیروزی آشکار (۱) تا الله از گناه گذشته و آینده‌ی تو درگذرد و نعمت خود را بر تو کامل گرداند و تو را به راه راست هدایت نماید».

چنین وصفی از سوی خداوند متعال، توصیفی است جامع همه نیکی‌ها و صفات نیک، و شهادتی است از سوی خداوند برای پاکی پیامبرش - صلی الله علیه وآله وسلم - از همه عیب‌ها و نقص‌ها و بدی‌ها.

رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - در خطبه‌اش می‌فرمود: «بهترین سخن، سخن خداوند است و بهترین راه و روش راه و روش محمد است و بدترین امور در دین، امور نوساخته است و هر بدعتی گمراهی است» [به روایت مسلم از حدیث جابر رضی الله عنه].

همچنین از عائشه - رضی الله عنها - درباره اخلاق رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - پرسیدند و ایشان در پاسخ فرمودند: «اخلاق او قرآن بود» [به روایت مسلم] یعنی او به همه آن عمل می‌نمود.

ای امت اسلام، چنین قدوه و الگویی و چنین راه راستی بر شما مبارک باد!

راز فضیلت و برتری صحابه نیز اقتدای کامل آن‌ها به رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - و همراهی و همیاری آنان با وی در راه تمکین دین خداوند در زمین و جهاد آنان به همراه او علیه دشمنان دین و بذل مال و جان در راه خداوند و تبلیغ کتاب و سنت بود، و آنان بهترین مردم پس از پیامبرانند.

خداوند و رسول وی - صلی الله علیه وآله وسلم - به فضیلت و بهشتی بودن آنان گواهی داده‌اند و جز منافقان و زندقان کسی آنان را دشمن نمی‌داند چنانکه رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «نشانه‌ی ایمان، دوست داشتن انصار و نشانه‌ی منافق کینه‌ی انصار است» [به روایت مسلم].

اگر در حق انصار چنین است پس دوست داشتن مهاجران از باب اولی نشانه‌ی ایمان است و کینه‌ی آنان نیز نشانه‌ی نفاق است. زیرا صحابه بودند که دین را به دیگران رساندند و

آنان واسطهٔ میان ما و رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - هستند، بر این اساس هر که آنان را بد بدارد در واقع دین را بد داشته است.

کسانی که پس از صحابه آمده‌اند نیز در فضیلت از آنان کمترند زیرا - به سبب عدم حضور پیامبر - اقتدای کامل به او چنان که صحابه انجام دادند ممکن نیست.

اقتدای نیک به پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - مهمترین مساله در زندگی یک مسلمان است که راه را برای او روشن کرده و او را بر راه راست استوار گردانده و پایان نیک را برای او روشن می‌کند و وی را به بهشت پر نعمت وارد ساخته و از راه‌های باطل و گمراهی در امان می‌دارد. الگوی مسلمان، نخست رسول خداوند - صلی الله علیه وآله وسلم - و پس از وی اصحاب او - رضی الله عنهم - و سپس امامان دینند.

مفسران در تفسیر این سخن خداوند متعال که فرموده است: «آنان که می‌گویند پروردگارا به ما از همسران و فرزندانمان آن چیزی عطا کن که مایه

و به آنچه صحابه بر آن پایبند بودند تمسک جوید که هرکه خلاف راه آنان رفت زیان دید چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصَلِّهِ ۗ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿١١٥﴾﴾ [النساء: ۱۱۵].

«هرکس پس از آنکه راه هدایت بر او آشکار گردید با پیامبر به مخالفت برخیزد و از غیر راه مومنان پیروی نماید وی را بدانچه روی خود را به آن سو کرده است و می‌گذاریم و به دوزخش می‌کشانیم و چه بد بازگشتگاهی است».

سنت رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - نیز برای آنکه در پی آن باشد مخفی نیست زیرا خداوند قرآن و سنت پیامبرش را حفظ نموده است.

اما کودکان و نوجوانان، پسران و دختران الگویی ندارند جز آنچه از پدر و مادر و برادران و خواهران بزرگ‌تر و معلمان و خود و جامعه خود می‌بینند و می‌شنوند. اگر خوبی ببینند و بشنوند به کسانی که خوبی از آن‌ها آموخته‌اند اقتداء می‌کنند و اگر بدی ببینند یا بشنوند تحت تاثیر آن بدی قرار می‌گیرند و ویژگی‌هایی که کسب کرده‌اند در همه زندگی به همراه آنان خواهد بود.

جوانان نیروی امت و ثروت واقعی آن هستند و بر هر شخص لازم است که الگوی نیک را در اختیار آن‌ها بگذارد به ویژه در مراحل آغازین زندگی زیرا آنان در این مرحله خود به خود بدی را از خوبی تشخیص نمی‌دهند و خود به تنهایی توانایی مطالعه تاریخ برای یافتن الگو را ندارند.

شایسته است پدران و مادران و برادران و خواهران و معلمان و همه افراد جامعه و همه مسئولان در زمینه‌ای که نسبت به آن تخصص دارند تقوای الله را پیشه سازند و در مورد کودکان از خداوند بترسند و برای آنان الگویی نیک در همه خوبی‌ها باشند و آن‌ها را از بدی‌ها دور بدانند که عوامل تاثیرگذار منفی بسیار شده‌اند؛ ماهواره با خوبی‌ها و بدی‌هایش، اینترنت با جوانب مثبت و منفی و تلفن همراه با همه تاثیرات آن در جامعه در حال تاثیر گذاری است.

جوانان امت را به سوی آنچه صلاح دین و دنیایشان در آن است راهنمایی کنید و اوقات آن‌ها در کار سودمند سرمایه‌گذاری نمایید. به آن‌ها روش سود بردن از دستاوردهای تکنولوژی را بیاموزید تا سودمند را بگیرند و از مضر دوری کنند و نوعی مصونیت و شناخت میان بدی و خوبی را به دست آورند.

پس ای مسلمانان، تقوای الله را پیشه سازید و لازم است هر مسلمان عمل به اسباب را ترک نکند و بداند که توفیق و هدایت به دست پروردگار زمین و آسمان‌ها و گرداننده قلب‌هاست. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿۲﴾ [المائدة: ۲].

«و بر نیکی و تقوا با هم همکاری کنید و بر گناه و تجاوز با هم همکاری نکنید و از الله پروا دارید که همانا الله سخت کیفر است.»

خداوند من و شما را به واسطه قرآن عظیم برکت رسانده و با آیات و ذکر حکیم و راه و روش سیدالمرسلین سود رساند. این سخن خویش را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از خداوند بزرگ از هر گناهی آمرزش می‌خواهم پس از او آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش مخصوص الله پروردگار جهانیان است، او که رحمن و رحیم است و مالک روز جزا است. و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده و پیامبر اوست. خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یاران او درود و سلام فرست.

اما بعد:

ای مسلمانان، تقوای الله را آنگونه که شایسته است پیشه سازید، پروای او را در پنهان و آشکار داشته باشید که او بر هر کس به آنچه کرده است مراقب است.

ای مسلمانان:

خداوند شما را به عمل کردن به اسباب امر نموده است، خداوند شما را به انجام کار نیک و کسب علم نافع تشویق نموده است زیرا علم نافع و عمل صالح مدار سعادت و خوشبختی در دنیا و آخرتند. خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید:

﴿وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عِلْمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۱۲۵﴾﴾ [التوبة: ۱۰۵].

«بگو عمل کنید که الله و رسول وی و مومنان به زودی عمل شما را خواهند دید و به زودی به نزد داننده‌ی نهان و آشکار باز خواهید گشت و او شما را به آنچه می‌کردید آگاه خواهد کرد».

اگر به اسباب عمل نمودید آنچه را خداوند به شما امر نموده است انجام داده‌اید و پس از آن بر عهده خداوند است که می‌فرماید:

﴿إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا ﴿۳۰﴾﴾ [الکهف: ۳۰].

«ما اجر کسی که عمل نیک انجام داده باشد را ضایع نمی‌کنیم».

پس ای مسلمانان:

تلاش خود را در جهت اصلاح قلب و اعمال خود استوار نمایید و سپس همه کوشش خود را در راه اصلاح جوانان امت در حد توان خود مبذول دارید زیرا امت به صلاح جوانان خود وابسته است و هر چه شر و بلا و بدی در آن است به سبب انحراف جوانان است.

ای مردم:

شما مصیبت‌هایی را که در این مدت بر مسلمانان می‌گذرد می‌شنوید و می‌بینید، پس برای اصلاح اوضاع مسلمانان دست به دعا بلند کنید.

از خداوند متعال مسالت دارم که جان مسلمانان و مال و ناموس آن‌ها را حفظ نماید و آن‌ها را در دین خود فهم عطا نماید و بر آن‌ها توبه پذیرد و اوضاع آن‌ها را اصلاح نماید

و آن‌ها را از شر هر صاحب شری در امان بدارد که او بر هر چیزی تواناست و او بسیار آمرزنده و توبه پذیر است.

صادقانه از خداوند درخواست نمایید که او - تبارک و تعالی - نزدیک و مجیب است و از او برای خود و همهٔ مسلمانان توبه و بازگشت به خداوند را بخواهید که هیچ بلائی نازل نگردید مگر به سبب گناهان و هیچ مصیبتی دور نشد مگر با توبه.

خداوندا ما و ذریهٔ ما را از شیطان و سربازان او حفظ نما ای پروردگار جهانیان. خداوندا مسلمانان و نسل‌های آنان را از ابلیس و سربازان او حفظ نما.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و والیان و مسئولان ما را اصلاح نما. خداوندا میان قلوب مسلمانان الفت ایجاد کن و آن‌ها را به راه‌های امن و امان هدایت نما و از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون آور. خداوند سختی و مصیبت را از هر مسلمانی دور نما. خداوندا بر ما و آنان توبه پذیر ای مهربان‌ترین مهربانان.

«پروردگارا اگر دچار فراموشی و اشتباه شدیم ما را مورد مواخذه قرار مده پروردگارا، هیچ بار گرانی بر (دوش) ما مگذار؛ همچنان که بر (دوش) کسانی که پیش از ما بودند نهادی» [البقرة: ۲۸۶].

خداوندا، ای دارای جلال و بزرگی، از تو می‌خواهیم بر پیامبر ما، پیامبر رحمت، محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - درود و سلامی ابدی فرستی و از صحابهٔ پیامبرت و از خلفای راشدین، آن امامان هدایت، ابوبکر و عمر و عثمان و علی راضی و خشنود باشی...

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَايِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿۹۱﴾ وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْفُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ﴿۹۲﴾﴾ [النحل: ۹۰-۹۱].

خداوند بزرگ را یاد کنید تا شما را یاد کند و او را برای نعمت‌هایش شکر گوید تا شما را افزون دهد، و همانا یاد الله بزرگ‌تر است و الله به آنچه می‌کنید آگاه است.

عنوان خطبه: تزکیه‌ی نفس و اصلاح قلب

خطیب: دکتر اسامه خیاط

مسجد الحرام: جمعه ۷ شعبان ۱۴۳۲ برابر با ۱۷ تیر ۱۳۹۰

خطبه‌ی اول:

ستایش مخصوص خداوند بلند مرتبه است، و گواهی می‌دهم که معبودی حقیقی جز او نیست که شریکی ندارد، آفرید و به زیبایی آفرید و اندازه‌گیری نمود و هدایت کرد، و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده و پیامبر او، فرستاده رحمت و هدایت است. خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یاران او، آن امامان نیک و نجیب و بر تابعین و کسانی که تا قیامت به نیکی پیروی آنان کنند، درود و سلام فرست.

اما بعد:

بندگان خداوند، تقوای او را پیشه سازید و بدانید که روزی در برابر او خواهید ایستاد و مورد سوال قرار خواهید گرفت.

﴿يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ ﴿٣٤﴾ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ ﴿٣٥﴾ وَصَلَاتِيهِ وَبَنِيهِ ﴿٣٦﴾ لِكُلِّ أَمْرٍ مِّنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ ﴿٣٧﴾﴾ [عبس: ۳۴-۳۷].

«روزی که انسان از برادرش می‌گریزد (۳۴) و از مادر و پدرش (۳۵) و از همسر و فرزندان (۳۶) برای هر کدام از آنان آنروز کاری است که وی را به خود مشغول می‌دارد».

بندگان خداوند:

پاک‌سازی درون و اصلاح قلب آروزی است که خردمندان در همه فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، از کهن‌ترین دوران‌ها در پی آن بوده‌اند و برای آن راه‌هایی گوناگون طی کرده‌اند و روش‌هایی مختلف بر ساخته‌اند که به گمانشان آن‌ها را به مطلوب رسانده و زندگی پاک و خوش و سعادت‌مند را نصیب آن‌ها گرداند.

از شکنجه بدن که به نام ریاضت و مجاهدت انجام می‌دادند گرفته، تا زیاده‌روی در شهوات و تلاش در راه لذت‌جویی و خسته نمودن بدن در این راه، تا تفکر و اندیشه بر اساس فلسفه و تاملاتی که بر شطحیات و خیالات غیر واقعی و غیر عقلانی بنا شده‌اند و دیگر راه‌ها و طریقه‌هایی که خردمند، گم‌شده‌اش را در آن نمی‌یابد...

جز اینکه هر کس بهره‌ای از انصاف و حُسن نظر و بصیرت برده باشد از اقرار به این ابایی ندارد که: سعادت واقعی که زندگی دنیا با آن شیرین می‌شود و قلب به آن آرام می‌گیرد و درون به واسطه پاک می‌گردد همان سعادت است که کتاب و سنت شریفه حقیقت آن را به روشن‌ترین روش بیان کرده‌اند.

خداوند پیامبران را فرستاده و کتاب‌هایش را فرو فرستاد تا مردم را به راه‌های تزکیه درون و اصلاح قلوب هدایت نماید و این را بیان نماید که چنین مهمی محقق نمی‌گردد مگر هنگامی که حق خداوند را در اخلاص عبادت برای او ادا نمایند که این هدف از آفرینش آنان است چنان که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴿٥٦﴾ مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِّن رِّزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطِيعُونِ ﴿٥٧﴾ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ ﴿٥٨﴾﴾ [الذاریات: ۵۶-۵۸].

«و جن و انس را جز برای این نیافریدم که مرا عبادت کنند (۵۶) نه از آنان روزی می‌خواهم و نه می‌خواهم که مرا غذا دهند (۵۷) همانا الله خود روزی دهنده‌ی نیرومند استوار است».

در کتاب خداوند و سنت پیامبرش - صلی الله علیه وآله وسلم - راه این تزکیه که خداوند رستگاری بنده را در گرو آن دانسته است، بیان شده است و در مقابل، خسران و زیان بنده را در ضد آن یعنی ناپاک گرداندن آن دانسته است. یعنی آلوده ساختن نفس با گناهان. خداوند متعال فرموده است:

﴿وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا ﴿٧﴾ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ﴿٨﴾ قَدْ أَفْلَحَ مَن زَكَّاهَا ﴿٩﴾ وَقَدْ خَابَ مَن دَسَّاهَا ﴿١٠﴾﴾ [الشمس: ۷-۱۰].

«سوگند به نفس و آنکه آن را درست کرد (۷) پس پلیدکاری و پرهیزکاری‌اش را به آن الهام نمود (۸) آنکه آن را پاک ساخت قطعا رستگار شد (۹) و هرکه آلوده‌اش ساخت قطعا بازنده گردید».

و در جای دیگر فرموده است:

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى ﴿١٦﴾ وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى ﴿١٥﴾﴾ [الأعلى: ۱۴-۱۵].

«آن کس که خود را پاک گرداند بی شک رستگار شد (۱۴) و [آنکه] نام پرورگارش را یاد کرد سپس نماز گزارد».

خداوند متعال هنگامی که موسی - علیه الصلاة والسلام - را به سوی فرعون فرستاد خطاب به او فرمود:

﴿أَذْهَبَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ﴿١٧﴾ فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَٰهٌ إِلَّا أَن تَزَكَّىٰ ﴿١٨﴾ وَأَهْدِيكَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخْشَىٰ ﴿١٩﴾﴾ [النازعات: ۱۷-۱۹].

«بسوی فرعون برو که او سرکشی کرده است (۱۷) و به او بگو آیا سر آن داری که پاکی پیشه سازی؟ (۱۸) و آنکه تو را به سوی پروردگارت رهنما شوم تا پروا بداری؟». و این کتابی است مبارک، که خداوند آن را به سان روحی گردانده که قلب‌ها به آن زنده می‌گردند و نوری که تاریکی‌ها به واسطه آن از بین می‌روند:

﴿وَكَذَٰلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَٰكِن جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِ مَن نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٥٢﴾﴾ [الشوری: ۵۲].

«و همچنین روحی از امر خودمان به سوی تو وحی نمودیم، تو نه می‌دانستی کتاب چیست و نه نمی‌دستی که ایمان چیست اما آن را نوری گردانیدیم که به واسطه‌ی آن هر کدام از بندگانمان را که بخواهیم هدایت می‌کنیم و همانا تو به راهی راست رهنمایی می‌کنی».

این کتاب مبارک تصریح نموده که اساس تزکیه در اسلام و روح و عمود و محور آن، توحید خداوند متعال است.

و حقیقت آن - چنانکه امام ابن قیم رحمه الله - می‌فرماید، این است که:

«بنده بر توحید خداوند متعال در خلقت و در فرمانروایی، شهادت دهد و اینکه هر چه او بخواهد می‌شود و هر چه نخواهد نمی‌شود، و ذره‌ای حرکت نمی‌کند مگر به اذن خداوند و همهٔ آفریده‌ها تحت قدرت اویند و هیچ قلبی نیست مگر آنکه میان دو انگشت از انگشتان خداوندند، اگر خواست آن را ثابت نگه دارد، ثابتش می‌دارد و اگر خواست دستخوش تغییرش سازد، دستخوش تغییرش می‌گرداند، زیرا قلب‌ها به دست اویند و او هر طور که بخواهد و اراده نماید آن‌ها را می‌گرداند و زیر و رو می‌سازد، و اوست که تقوا را در قلب مومنان قرار داده است و اوست که نفس آنان را هدایت نموده و پاک ساخته است و اوست که فجور و شقاوت را به قلب بدکاران الهام نموده.

خداوند هر که را هدایت نماید، او هدایت یافته است و هر که را گمراه سازد او هیچ هدایتگری نخواهد یافت، هر که را بخواهد با فضل و رحمت خود هدایت می‌کند و هر که را بخواهد با عدل و حکمتش گمراه می‌سازد، این فضل و عطای اوست که فضل کریمان تمام شدنی نیست و آن عدل و قضای اوست و «او در مورد آنچه می‌کند مورد پرسش قرار نمی‌گیرد و آنان مورد پرسش قرار خواهند گرفت» [الأنبياء: ۲۳] ...

اینجاست که بنده، از جانب نظری و عملی، مقام ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ را به دست می‌آورد و گام‌های وی در توحید ربوبیت استوار شده و سپس به سوی توحید الوهیت ارتقا می‌یابد، زیرا او اگر این یقین را به دست آورد که زیان و سود، و عطا و حرمان، و هدایت و گمراهی، و سعادت و بدبختی؛ همه به دست الله است نه کسی دیگر، و تنها اوست که قلب‌ها را چنان که بخواهد می‌گرداند و هیچ موفقیتی نیست مگر آنکه خداوند او را توفیق داده است، و هیچ ناکامی نیست مگر آنکه خداوند او را رها نموده است، و سالم‌ترین و استوارترین و صاف‌ترین و نرم‌ترین قلب‌ها، قلبی است که تنها خداوند را به عنوان اله و معبود خود قرار دهد، او - سبحانه و تعالی - از همه چیز و همه کس برای او محبوب‌تر می‌شود و بیش از همه پروای او را خواهد داشت و بیش از همه به او امید خواهد بست. بنابر این چنین بنده‌ای محبت خداوند را در قلب خود بر محبت

همه مخلوقات مقدم خواهد داشت؛ همه ترس‌های دیگر تابع ترس او از خداوند خواهد شد و امید به خداوند بر همه امیدهای دیگر پیشی خواهد گرفت...

این نشانه‌ی توحید الوهیت در این قلب است، و دری که توحید الوهیت از آن وارد قلب وی گردیده است، توحید ربوبیت است...

غرض این است که بنده با دیدن این صحنه‌ها و مطالعه گناهان و جریان آن بر خود و دیگر بندگان با تقدیر خداوند عزیز حکیم، و اینکه هیچ پناهی از خشم و اسباب غضب او نیست مگر خود او، و راهی برای طاعت او نیست مگر با یاری خود او، و خشنودی‌اش به دست نمی‌آید مگر با توفیق خود وی، با دیدن این‌ها و دانستن این که منبع همه امور و بازگشت همه آن‌ها به سوی اوست و عنان توفیق و یاری نیز نزد اوست، می‌داند که بندگان یاور و تکیه‌گاهی جز او ندارند، چنانکه شعیب، سخنور پیامبران می‌فرماید: «توفیق من جز به یاری الله نیست، بر او توکل نمودم و به سوی او باز می‌گردم» [هود: ۸۸] [پایان سخن امام ابن قیم].

تأثیر توحید در تزکیه نفس - و بلکه در زندگی مسلمان - در یگانه ساختن هدف و همراهی علم و عمل نمایان است. تا در نتیجه، فهم انسان مسلمان و عقیده و علم و عمل و هدف و حرکت قلبی و تلاش وی در یک مسیر واحد قرار گیرد، بی‌آنکه تناقض و تعارضی در آن نمایان باشد و آن دلتنگی و افسردگی که بر اثر تعارض اهداف و تناقض کارهایش به وجود می‌آید از وجود او رخت بر می‌بندد.

همینطور از جمله چیزهایی که باعث تزکیه نفس می‌شود، نوسازی مستمر ایمان است، زیرا ایمان نیز همانگونه که لباس کهنه می‌شود دچار کهنگی می‌شود برای همین صحابه رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - دست هم را می‌گرفتند و می‌گفتند: «بیا تا برای لحظاتی ایمان بیاوریم» و با هم می‌نشستند و یاد خداوند می‌کردند.

یاد خداوند متعال و تلاوت کتاب او و انجام طاعت او و نزدیکی به وی از بزرگ‌ترین اسباب نوسازی ایمان در درون انسان مومن است که می‌داند ایمان با طاعت زیاد شده و با معصیت کم می‌شود، بنابر این با روی آوردن راستین به سوی خداوند متعال ایمان خود

را افزایش می‌دهد. چنانکه در دعای نبوی آمده است: «اللهم أت نفوسنا تقواها، وزكّها أنت خيرٌ من زكّاهها» یعنی: «خداوندا نفوس ما را تقوا ارزانی دار، و آن را پاک ساز که تو بهترین پاک گرداننده‌ آنی».

یاد نمودن نعمت‌های خداوندی نیز از جمله اسباب تزکیه نفس و اصلاح قلب است، زیرا شمردن همه نعمت‌های او از توان بشر خارج است چنانکه خداوند متعال خود فرموده است: «اگر نعمت‌های الله را بشمارید نخواهید توانست آن را در شمار آورید؛ همانا الله بسیار آمرزنده و بسیار مهربان است» [النحل: ۱۸].

این یاد آوردن نعمت‌های خداوند باعث تعلق بیشتر انسان به خداوند و روی آوردن کامل به سوی او و خضوع و فروتنی در برابر او می‌شود، زیرا همه آنچه خداوند عطا کرده است، از زندگی و سلامتی و مال و فرزند و جاه و مقام و دیگر چیزها همه متنی است از سوی او و فضل و نعمتی است که هرگونه و هرگاه که بخواهد می‌دهد و هرگاه خواست پس می‌گیرد، زیرا او مالک حقیقی است و همه ملک در اختیار اوست، خیر به دست اوست به هرکه خواست عطا می‌کند و از هرکه اراده کند، دور می‌کند.

این شناخت و یادآوری آن باعث می‌شود بنده پی به ناتوانی و نیاز خود نسبت به خداوند متعال در همه امور ببرد، اما با این وجود، یادآوری نعمت‌ها باید با عمل و تلاشی که در جهت رضایت خداوند است همراه باشد، که همان: انجام نیکی‌ها و ترک بدی‌ها در سایه هدایت خداوندی و پیروی از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - است و در این میان باید اهمیتی ویژه نسبت به فرائضی که خداوند قرار داده است قائل شد، زیرا فرائض محبوب‌ترین وسیله‌ای است که بنده به واسطه آن به خداوند نزدیک می‌شود، چنانکه در حدیث صحیح قدسی آمده است که خداوند متعال فرمودند:

«هرکه با دوستی از دوستان من دشمنی کند با اون اعلان جنگ کرده‌ام و بنده‌ام با هیچ وسیله‌ای، دوست داشتنی‌تر از آنچه بر او فرض کرده‌ام به من نزدیک نمی‌شود و همچنان بنده‌ام به واسطه‌ی مستحبات خود را به من نزدیک می‌سازد تا آنکه او را دوست بدارم، پس آنگاه که او را دوست داشتم گوش او می‌شوم که با آن می‌شنود و چشم او می‌شوم

که با آن می‌بیند و دست او می‌شوم که با آن می‌گیرد و پایش می‌شوم که با آن می‌رود، و اگر از من درخواست کند به او عطا خواه کرد و اگر به من پناه جوید او را پناه خواهم داد» این حدیث را امام بخاری در صحیح خود از حدیث ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است.

از جمله اسباب تزکیه نفس و پاکسازی درون، اعمال قلوب است، یعنی کارهای نیک که انسان به واسطه قلب خود انجام می‌دهد، زیرا قلب پادشاه بدن است، با صلاح آن همه بدن صالح می‌شود و با فساد آن همه بدن به فساد کشیده می‌شود، چنانکه در حدیث صحیحی که شیخین، بخاری و مسلم در صحیح خود از حدیث نعمان بن بشیر - رضی الله عنهما - روایت کرده‌اند آمده است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «بدانید که در بدن تکه گوشتی است که اگر صالح گردید همه‌ی بدن صالح می‌گردد و اگر فاسد شد همه‌ی بدن فاسد می‌شود، بدانید که آن، قلب است».

و مهم‌ترین و عظیم‌ترین این اسباب، نیت انسان و هدفی است که از انجام هر کار نیک دارد، زیرا رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «همانا کارها به نیتها بستگی دارد، پس هرکه هجرتش به سوی خدا و رسولش باشد، هجرت او به سوی خدا و رسول وی است و هرکه هجرتش برای دنیا باشد که آن را به دست آورد یا برای زنی باشد که با او ازدواج کند، هجرتش برای همان چیزی است که به سوی آن مهاجرت کرده است» [به روایت بخاری و مسلم].

پس ای بندگان خداوند تقوای او را پیشه خود سازید و کتاب پروردگار و سنت پیامبرتان - صلی الله علیه وآله وسلم - را به عنوان بهترین منهج برای تزکیه درون و اصلاح قلب بگیرید و اینگونه در پی به دست آوردن خشنودی خداوند و پیروی از راه و روش مومنان باشید:

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَنَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾ [الزمر: ۱۸].

«آنان کسانی‌اند که الله هدایتشان نموده است و آنان صاحبان خردند».

خداوند من و شما را با هدایت قرآن و سنت پیامبرش - صلی الله علیه وآله وسلم - سود رساند. این سخن خویش را گفته و برای خود، و شما و همه مسلمانان از خداوند متعال آمرزش می‌خواهم که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش ویژه خداوند است، آنکه هر چه اراده کند انجام می‌دهد. او را می‌ستایم که هر چه بخواهد می‌آفریند و هر چه بخواهد انجام می‌دهد و گواهی می‌دهم که معبودی به حق جز الله واحد و بی‌شریک نیست و گواهی می‌دهم که پیامبر ما محمد، بنده الله و پیامبرسان او و صاحب اخلاق والا و منهج استوار است، خداوند بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یاران وی درود و سلام فرست.

اما بعد، ای بندگان خداوند:

نقص و اشتباه و تقصیر خصوصیتی هستند که از انسان جدا شدنی نیستند و کسی از آن‌ها در امان نمی‌ماند مگر آنکه خداوند او را حفظ نماید، برای همین خداوند متعال مردم را به توبه امر نموده و فرموده است:

﴿وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [النور: ۳۱].

«و ای مومنان همگی به سوی الله توبه کنید باشد که رستگار شوید».

توبه از بزرگ‌ترین اسباب تزکیه درون و اصلاح قلب است. زیرا عبادت توبه - چنانکه ابن قیم رحمه الله می‌گوید - «از محبوب‌ترین عبادت‌ها نزد خداوند و گرامی‌ترین آن‌هاست. زیرا او - سبحانه و تعالی - توبه کنندگان را دوست دارد و اگر توبه نزد او اینگونه محبوب نبود، بهترین بندگان را مبتلای گناه نمی‌ساخت و به سبب دوست داشتن توبه است که او بنده‌اش را مبتلای گناه می‌کند تا محبت خداوندی در پی توبه نصیب بنده شود.

توبه نزد خداوند متعال دارای منزلت و جایگاهی است که دیگر طاعات و عبادات از آن برخوردار نیستند، برای همین است که او - سبحانه و تعالی - در پی توبه بنده‌اش

چنان شاد می‌شود که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - برای نشان دادن آن چنین مثال زده است: به مانند شادی کسی که پس از گم کردن وسیله سواری‌اش که همه آذوقه‌اش بر آن بود، در بیابان بی‌آب و علف، آن را بیابد، آن هم هنگامی که از پیدا کردن آن مایوس شده بود. و خداوند از هیچ طاعتی اینگونه شاد نمی‌شود.

مشخص است که چنین شادی عظیمی از سوی خداوند تاثیر فراوانی در حال توبه‌کننده و قلب او خواهد داشت و این یکی از اسرار مقدر ساختن گناهان بر بندگان است. زیرا بنده به واسطه توبه به درجه محبت خداوندی دست می‌یابد و محبوب او می‌شود زیرا خداوند توبه‌کنندگان را بسیار دوست دارد، چون در عبادت توبه آن اندازه فروتنی و خضوع در برابر خداوند وجود دارد که باعث می‌شود خداوند این عبادت را بسیار بیشتر از بسیاری دیگر از اعمال ظاهر هرچند ظاهرا بزرگتر باشند، دوست بدارد، زیرا فروتنی و ذلت و خشوع در برابر خداوند روح عبادت و مغز آن است و توبه‌کار کامل‌تر از دیگران به این مراتب دست می‌یابد زیرا او همانند کسانی که گناه نکرده‌اند به خداوند نیازمند است و بندگی و محبت او را دارد اما بیش از آنان دچار دل‌شکستگی در برابر خداوند است.

برای همین است که نزدیک‌ترین حالت بنده به خداوند هنگامی است که در سجده است، زیرا سجده جایگاه ذلت و شکستگی در برابر پروردگار است، و گاه ممکن است گناه برای بنده سودمندتر از بسیاری از عبادات باشد، اگر در پی آن توبه رخ دهد، و این معنای سخن یکی از سلف است که می‌گوید: «ممکن است بنده گناهی انجام دهد و به واسطه همان گناه وارد بهشت گردد، و ممکن است به سبب طاعتی وارد آتش شود» گفتند: چگونه چنین چیزی ممکن است؟ گفت: «بنده گناهی انجام می‌دهد و آنچنان این گناه در همه حال روبروی اوست که باعث فروتنی در برابر خداوند و توبه و استغفار و پشیمانی او می‌شود و همین در پایان باعث نجات او می‌شود، و از سوی دیگر، ممکن است کار نیکی انجام دهد و همچنان این کار نیک را در همه حال روبروی خود ببیند و

هر گاه به یاد آن بیفتد دچار تکبر و رضایت از خود شود و همین در پایان سبب هلاکتش گردد».

اینجا گناه باعث به دست آمدن طاعات و حسنات بسیاری می‌شود از جمله ترس از خداوند و شرم از وی و فروتنی در برابر او و گریه و خجالت از درگاه وی که هر یک از این‌ها بسیار سودمندتر از سودمندترین طاعات است اگر موجب تکبر و خودبینی و کوچک شمردن دیگران شود.

شکی در این نیست که چنین گناهکاری نزد خداوند بسیار محبوب‌تر و نزدیک‌تر به نجات است از آن نیکوکاری که به آن متکبر است و بر خداوند و بر مردم منت می‌گذارد، حتی اگر به زبان خلاف آن گوید و تواضع ساختگی پیشه سازد زیرا خداوند به قلب او آگاه است» [پایان سخن امام ابن قیم].

همچنین باید این را در نظر گرفت که توبه در ذهن بسیاری از مردم معنای ناقصی دارد، و بسیاری چنانکه ابن قیم - رحمه الله - می‌گوید: «توبه را به عزم برای باز نگشتن به گناه و دست کشیدن فوری از آن، و پشیمان نسبت گناهانی که در گذشته انجام گرفته است، به اضافه‌ی اینکه اگر گناه در حق انسان دیگری باشد حلالیت خواستن از وی، تفسیر می‌کنند. اما این تعریف تنها بخشی از توبه است، و گرنه توبه در کلام خدا و رسول وی - صلی الله علیه وآله وسلم - علاوه بر شروطی که ذکر شد، همچنین عزم بر انجام خوبی‌ها و پابندی به آن است زیرا انسان تنها با دست کشیدن از گناه و عزم به باز نگشتن به آن و پشیمانی، ثواب نامیده نمی‌شود تا آنکه بر انجام آنچه خداوند و رسول وی - صلی الله علیه وآله وسلم - دستور داده‌اند عزم خود را جزم نماید.

زیرا حقیقت توبه بازگشت به سوی خداوند با پابندی به انجام آنچه دوست دارد، و ترک آنچه بد می‌دارد است، یعنی بازگشت از هرآنچه نزد خداوند مکروه است به سوی هرآنچه نزد او محبوب است؛ بازگشت به آنچه خداوند دوست می‌دارد بخشی از توبه است و بازگشت از آنچه بد می‌دارد بخش دیگر آن، برای همین خداوند متعال رستگاری مطلق را در انجام دستورات خداوند و ترک ممنوعات او دانسته و فرموده است: «ای

مومنان همگی به سوی الله بازگردید باشد که رستگار شوید» [النور: ۳۱] پس هر توبه کننده‌ای رستگار است و رستگار نخواهد بود مگر کسی که امر خداوند را انجام دهد و آنچه را که از آن نهی نموده ترک گوید و خداوند متعال فرموده است: «و هر که توبه نکند آنانند که ستمگرند» [الحجرات: ۱۱] ترک کننده امر خداوندی ستمگر است چنانکه انجام دهنده ممنوعات او نیز ستمگر است و برای آنکه نام ستمگر بر انسان نهاده نشود باید از هر دو چیز توبه کند: هم از ترک امر خداوند و هم از انجام ممنوعات او» [پایان سخن امام ابن قیم].

پس ای بندگان خداوند تقوای او را پیشه سازید و با پیروی از پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - برای به دست آوردن خشنودی الله به سوی او توبه کنید چنانکه می‌فرماید: «ای مردم! به سوی الله توبه کنید که من در روز صد بار به سوی او توبه می‌کنم» [به روایت مسلم].

و بر بهترین بندگان خداوند، محمد بن عبدالله - صلی الله علیه وآله وسلم - درود و سلام فرستید چنانکه خداوند متعال در کتاب خود شما را بدان امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [الأحزاب: ۵۶].

خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد درود و سلام فرست و از چهار خلیفه وی ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر اهل بیت و یاران و تابعین و هر که به نیکی تا قیامت از آنان پیروی نماید راضی و خشنود باش، و همچنین از ما با عفو و کرم خویش راضی باش ای بهترین بخشندگان.

خداوند اسلام و مسلمانان را عزت عطا کن، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت عطا کن. خداوندا حوزه دین را حفظ نما و دشمنان دین و دیگران متجاوزان و مفسدان را نابود ساز، خداوندا میان قلب‌های مسلمانان الفت ایجاد کن، و صف آنان را یکی گردان و رهبران آنان را اصلاح نما و کلمه آنان را بر حق یکی گردان ای پروردگار جهانیان.

خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبر محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - و بندگان مومن مجاهد صداقت را پیروز گردان.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان ما را اصلاح نما. خداوندا عاقبت ما را در همه امور نیک گردان و ما را از خواری دنیا و عذاب آخرت حفظ نما. خداوندا دین ما را که نگهدارنده امر ماست، و دنیای ما را که زندگی گاه ماست، و آخرت ما را که بازگشتگاه ماست، اصلاح نما و زندگی را برای ما عامل زیادی نیکی‌ها و مرگ را آسودگی از بدی‌ها قرار ده.

خداوندا ما از زوال نعمت تو و برگشت عافیت تو و خشم ناگهانیت به تو پناه می‌بریم.

«پروردگارا ما نسبت به خود ستم روا داشتیم و اگر تو ما را مورد مغفرت و رحمت خود قرار ندهی بی‌تردید از زیانکاران خواهیم بود» [الأعراف: ۲۳].

«پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از عذاب آتش در امان دار»

[البقرة: ۲۰۱].

و درود و سلام خداوند بر بنده و پیامبر وی محمد، و بر اهل بیت و یاران او والحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

اخلاق پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)

خطیب: دکتر عبدالمحسن القاسم

مسجد نبوی شریف: جمعه ۱۴ شعبان ۱۴۳۲ برابر با ۲۴ تیر ۱۳۹۰

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است، او را حمد گفته و از او یاری می‌خواهیم و آمرزش می‌طلبیم و از بدی‌های نفس خود و از اعمال ناشایستمان به الله پناه می‌بریم. الله هرکه را هدایت کند

او گمراه‌گری نخواهد داشت و هر که را گمراه سازد او هدایت‌گری نخواهد یافت و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر اوست. درود و سلام بسیار خداوند بر او و بر اهل بیت و یاران او باد.

اما بعد، ای بندگان خداوند، تقوای او را آنگونه که شایسته است پیشه خود سازید و در نهان او را مراقب خود بدانید.

ای مسلمانان: خداوند بنی آدم را گرامی داشت و آنان را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری بخشید و از میان آنان گروهی را به پیامبری خود انتخاب کرد و از میان آنان بهترین‌شان، محمد بن عبدالله که بهترین بنی‌هاشم است و آنان نیز بهترین قریش‌اند را برگزید... خداوند او را برای هدایت این امت به دین استوار خود و راه راست او انتخاب کرد، او که زندگی عملی‌اش عبادت بود و شکر خداوند، و دعوت و بردباری، و آزمایش و صبر، و اخلاقی والا به همراه خوش‌بینی... شمائلش عطرآگین و سیره‌اش پر بار...

ابن قیم رحمه الله می‌گوید: «نیاز بندگان به شناخت پیامبر و آنچه آورده است، و راستگو دانستن وی در اخباری که آورده است و طاعت از او امر او، بالاتر از ضرورت است».

هیچ خیری نیست مگر آنکه او امتش را بدان راهنمایی کرده است، و هیچ شری نیست مگر آنکه نسبت به آن هشدار داده، و خود درباره خود فرموده است: «هیچ خیری نزد من نیست مگر آنکه آن را از شما باز نخواهم داشت» [متفق علیه].

او نصف دوران رسالتش را تنها برای دعوت به سوی یک قضیه صرف نمود، دعوتی که هر کس آن را استجاب نکرد در آتش جاودانه می‌شود و بهشت بر او حرام می‌گردد، دعوتی که او رسالتش را بر کوه صفا با آن علنی نمود و خطاب به قریش فرمود: «بگویند لا إله إلا الله، رستگار شوید».

او ده سال را در مکه به چیزی جز این دعوت نکرد، سپس تا وفات خود به دیگر جنبه‌های شریعت - به همراه توحید - پرداخت و همه کسانی را که دعوتش را اجابت

کرده‌اند به دعای مستجاب خود در قیامت وعده داده و گفته است: «هر پیامبری دعایی مستجاب دارد و هر یک از آنان دعای خود را در دنیا خواسته‌اند اما من دعای خود را گذاشته‌ام که شفاعت من برای امتم در قیامت است که ان شاء الله به دست خواهد آمد، [آن هم برای کسانی] که کسی را به خداوند شریک نیاورده‌اند» [متفق علیه].

او برای خداوند بسیار عبادت‌گزار بود و طاعت و عبادت او را به بهترین وجه به جای می‌آورد، پاهایش از شدت طولانی بودن قیام می‌شکافت، گاهی تنها در یک رکعت بقره و آل عمران و نساء را می‌خواند، و در تلاوت قرآن بسیار خوش صدا بود. براء - رضی الله عنه - می‌گوید: «شنیدم که پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - در نماز عشاء ﴿وَالَّذِينَ وَالَّذِينَ﴾ را می‌خواند، پس ندیدم کسی از او خوش‌صداتر یا خوش‌قرائت‌تر باشد» [متفق علیه].

برای خداوند خاشع و فروتن بود، نماز می‌گزارد در حالی که بر اثر گریه از سینه‌اش صدایی مانند صدای دیگ بلند می‌شد و زبانش از یاد خداوند خسته نمی‌شد. عائشه - رضی الله عنه - می‌گوید: «در همه حالش خداوند را یاد می‌کرد» [به روایت مسلم]. و ابن عمر - رضی الله عنهما - می‌گوید: «ما برای رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - در یک مجلسش می‌شمردیم که صد بار می‌گفت: «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَتُبْ عَلَيَّ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» پروردگارا مرا مورد آمرزش قرار ده و توبه‌ام را بپذیر، که همانا تو بسیار توبه‌پذیر و مهربانی».

نماز را دوست می‌داشت و نسبت به آن سفارش می‌نمود؛ انس - رضی الله عنه - می‌گوید: عموم وصیت پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - در هنگام وفات این بود: «نماز، و بردگانتان». انس می‌گوید: آنقدر این را تکرار کرد تا جایی که سینه‌اش به غرغره افتاد اما زبانش نمی‌توانست آن را بگوید، - یعنی نسبت به نماز و بردگان آنقدر سفارش نمود تا آنکه روحش تسلیم جان آفرین گردید - [به روایت امام احمد].

وی کودکان صحابه را نسبت به نمازهای مستحب تشویق می‌کرد. یک بار به ابن عمر که نوجوان بود فرمود: «عبدالله بهترین مرد است اگر شب را نماز می‌گزارد» [متفق علیه].

یقین او نسبت به خداوند بسیار بالا بود، یقین داشت که شفا در کلام خدا است و خود را به واسطه کلام الله رقیه می‌کرد. عائشه - رضی الله عنها - می‌گوید: «هنگامی که از بیماری رنج می‌برد مَعْوَذَات - یعنی سوره‌های اخلاص و فلق و ناس - را بر خود می‌خواند و می‌دمید» [متفق علیه].

پیامبران پیش از خود را گرامی می‌داشت. یک بار مردی به او گفت: ای بهترین آفریدگان! پس در پاسخ او فرمود: «او ابراهیم است [که بهترین آفریدگان است]» [به روایت مسلم].

وی از زیاده‌روی و غلو در بزرگداشت خود نهی نمود و فرمود: «چنانکه نصارا در مورد فرزند مریم زیاده‌روی کردند در مورد من زیاده‌روی و غلو نکنید، بلکه من بنده‌ای هستم، پس بگویید: بنده‌ی خداوند و پیامبر او» [به روایت بخاری].

همه کس را - حتی اگر مخاطبش کودک بود - به این دین دعوت می‌کرد، یک بار نوجوانی یهودی را عیادت کرد و کنار سرش نشست و گفت: «اسلام بیاور» پس آن نوجوان اسلام آورد [به روایت بخاری].

در برابر کودکان فروتنی پیشه می‌کرد و عقیده را در قلب آنان می‌کاشت. یک بار خطاب به ابن عباس فرمود: «ای نوجوان! من سخنانی را به تو می‌آموزم: خداوند را حفظ کن تا تو را حفظ کند، خداوند را حفظ کن، او را در برابر خود خواهی یافت، اگر چیزی خواستی از الله بخواه و اگر یاری جستی از الله یاری بجوی» [به روایت ترمذی].

در آموزش صحابه نرمی را رعایت می‌کرد و محبت قلبی خود را برای آنان آشکار می‌کرد؛ یک بار دست معاذ را گرفت و خطاب به او فرمود: «به خدا سوگند که تو را دوست دارم، ای معاذ تو را سفارش می‌کنم که در پس هر نماز این را فراموش نکنی که بگویی: «اللهم اَعْنِي عَلَى ذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ وَحُسْنِ عِبَادَتِكَ» خداوندا مرا برای یاد خود و شکر خود و نیکو به جای آوردن عبادت خود یاری ده» [به روایت نسائی].

نه خشونت می‌ورزید و نه تکبر پیشه می‌کرد؛ بلکه سینه‌اش برای همه فراخ بود؛ یک روز در حالی که خطبه می‌گفت مردی وارد شد و گفت: ای رسول خداوندا! مردی غریبه

آمده است و دربارهٔ دین خود می‌پرسد، نمی‌داند دینش چیست! آن مرد می‌گوید: رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - خطبه‌اش را قطع کرد و به سوی من آمد تا آنکه نزد من رسید و برایش یک صندلی آوردند که گمان کردم پایه‌های آن از آهن است. راوی می‌گوید: پس رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - بر آن نشست و همچنان آنچه را خداوند به او یاد داده بود به من یاد داد، سپس به خطبه‌ی خویش برگشت و آن را به پایان رساند [به روایت مسلم].

وی نسبت به جوانان یاور و دلسوز بود. مالک بن حویرث می‌گوید: در حالی که جوانانی هم سن و سال بودیم به نزد پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - آمدیم، پس بیست شب نزد او ماندیم تا جایی که او گمان کرد دلمان برای خانواده‌هایمان تنگ شده است و از ما دربارهٔ بازماندگانمان پرسید و او را نسبت به آنان آگاه نمودیم. راوی می‌گوید: او بسیار نرم‌خو و مهربان بود، فرمود: «به سوی خانواده‌های خود برگردید و آنان را آموزش دهید و امر نمایید و همانطور که دیدید من نماز می‌گزارم، نماز بگزارید» [متفق علیه].

اخلاق وی بسیار نیک بود، بد زبان نبود و حیای او از حیای دوشیزه بیشتر بود و هیچگاه در زندگی خود کسی را با دست خود نزد، عائشه - رضی الله عنها - می‌گوید: «رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - هیچگاه چیزی را به دست خود کتک نزد، و نه هیچ زن و یا خادمی را نیز نزد، مگر آنکه در راه خداوند به جهاد برود، و هیچگاه برای خود انتقام نگرفت؛ بلکه عفو می‌کرد و می‌بخشید و اگر میان انتخاب دو چیز مختار می‌شد تا جایی که گناه نبود آسان‌ترین آن را بر می‌گزید».

او گشاده روی بود؛ جریر بن عبدالله می‌گوید: «رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - هیچ‌گاه من را نمی‌دید مگر آنکه تبسم می‌کرد».

پیوند خویشاوندی خویش را پیوسته می‌داشت و در سخن خود راستگو بود و نیاز محتاجان را برآورده می‌نمود؛ خدیجه خطاب به ایشان فرمود: «تو پیوند خویشاوندی را نگه می‌داری و راستگویی پیشه می‌کنی و ناتوانان و فقیران را یاری می‌رسانی..».

نسبت به پدر و مادرش نیکوکار بود، قبر مادرش را زیارت کرد و گریست تا آنجا که کسانی که دور و برش بودند را به گریه انداخت و فرمود: «از پروردگارم اجازه خواستم که برای او آمرزش بخواهم، پس به من اجازه داده نشد، و از او اجازه خواستم که قبرش را زیارت کنم و مرا اجازه داد» [به روایت مسلم].

نسبت به همسایه سفارش می‌نمود و بر حسن جوار و بزرگداشت همسایه تشویق می‌کرد. خطاب به ابوذر فرمود: «اگر آبگوشی پختی آب آن را زیاد کن و به همسایگان هم برس» [به روایت مسلم].

مهربان و رقیق القلب بود و نسبت به زیردستانش آسانگیر بود؛ انس ده سال خدمتکاری او را کرد و در این ده سال حتی اف به او نگفت، و هیچ‌گاه نگفت چرا این کار را کرده‌ای و یا چرا آن کار را نکرده‌ای.

نسبت به ناتوانان و بیماران مهربان بود و دستور داد هر کس آنان را امامت می‌کند به خاطر آنان نماز را کوتاه‌تر بخواند.

نسبت به مردم بسیار دلسوز و شکیبا بود، یک بار بیابان‌نشینی از روی نادانی در مسجد ادرار نمود، پس مردم او را دوره کردند تا او را تنبیه کنند، اما پیامبر خطاب به آنان فرمود: «او را رها کنید تا کارش را تمام کند و بر روی ادرارش دلوی آب بریزید، زیرا شما آسانگیر مبعوث شده‌اید نه سختگیر» [به روایت بخاری].

بسیار بخشنده و بزرگواری بود، هیچ سائل یا محتاجی را دست خالی بر نمی‌گرداند، حکیم بن حزام - رضی الله عنه - می‌گوید: «از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - مال خواستم، او به من عطا کرد، باز خواستم، باز به من عطا کرد، باز خواستم باز هم به من عطا کرد» [متفق علیه].

مردی به نزد او آمد، پس پیامبر به اندازه میان دو کوه به او گوسفندان غنیمت را عطا کرد. یک بار مردی پیامبر را دید که بُرده‌ای بر دوش دارد، گفت: چه زیباست! آن را به من بپوشان! پس پیامبر آن را به او بخشید [به روایت بخاری].

پاک بود و جز پاکی نمی‌خورد، از هرگونه شبهه‌ای در غذا دوری می‌کرد و می‌فرمود: «گاه به نزد خانواده‌ام بر می‌گردم پس خرمایی را می‌بینم که بر رختخواب من افتاده است، آن را بر می‌دارم که بخورم اما می‌ترسم که خرمای صدقه باشد و آن را می‌اندازم» [متفق علیه].

صحابه را حتی اگر کم سن و سال بودند گرامی می‌داشت، درباره‌ی اسامه بن زید که در آن روز تنها ۱۸ سال داشت فرمود: «شما را نسبت به او سفارش می‌کنم که او از صالحان شماست» [به روایت مسلم].

و اگر کسی از اصحاب بیمار می‌شد به عیادتش می‌شتافت و برای مصیبتش اندوهگین می‌شد. یک بار به عیادت سعد بن عبادۀ رفت و دید که به شدت بیمار است و در اثر آن گریست.

نسبت به اصحابش وفادار بود و هیچ‌گاه محبت و ایثارشان را فراموش نمی‌کرد. آخرین روزی که به منبر بالا رفت فرمود: «شما را نسبت به انصار سفارش می‌کنم؛ زیرا آنان گروه من و مورد اطمینان من و خاصان منند، آنچه را بر عهده‌شان بود انجام داده‌اند و حقوقی که بر گردن دیگران دارند باقی مانده است، پس از نیکانشان بپذیرید و از آنکه از آنان ستمی روا داشته است درگذرید» [به روایت بخاری].

جایگاه خدیجه و بخشش سخاوتمندانه و خرد او را از یاد نبرد و پس از وفات وی همیشه او را به نیکی یاد می‌کرد و رابطه‌ی خود را با خویشاوندان او حفظ می‌نمود و به دوستان او نیکی می‌کرد.

همچنین از روی وفای به ابوبکر صدیق در پایان عمر خود امر نمود که همه‌ی درهائی را که به مسجد باز می‌شوند جز در ابوبکر ببندند.

و با وجود سنگینی وظیفه‌ای که بر عهده‌ی او نهاده شده بود با خانواده‌اش به نیکی معاشرت می‌کرد و نسبت به آنان مهربان بود و همین که وارد خانه‌اش می‌شد به کار آنان مشغول بود تا آنکه برای نماز خارج می‌شد.

با فرزندان و نوه‌هایش بسیار مهربان بود و آنان را بزرگ می‌داشت. هنگامی که دخترش فاطمه وارد می‌شد برای او برمی‌خواست و دستش را می‌گرفت و او را در جایی که نشسته بود می‌نشاند.

حسن را بر گردن خود سوار می‌کرد و می‌گفت: «خداوندا من او را دوست می‌دارم پس او را دوست بدار» [متفق علیه].

یک بار بر صحابه خارج شد در حالی که نوه‌اش امامه بر دوش وی بود، پس با آنان نماز گزارد و هنگامی که به رکوع می‌رفت او را بر زمین می‌گذاشت و همین که بلند می‌شد او را بر می‌داشت [متفق علیه].

عثمان - رضی الله عنه - رفتار او با صحابه را چنین وصف می‌کند: «رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - را در سفر و حضر همراهی کردیم. او به عیادت بیمار ما می‌رفت و در تشییع جنازه‌های ما شرکت می‌کرد و همراه با ما به غزوه می‌آمد و با کم و زیاد با ما هم‌دردی می‌کرد» [به روایت احمد].

سختی زندگی را چشید چنانکه عائشه - رضی الله عنها - می‌فرماید: «زنی به همراه دو دخترش نزد من آمد و از من چیزی می‌خواست، اما نزد من جز یک دانه خرما نیافت» [متفق علیه].

از گرسنگی به شکم خود سنگ می‌بست؛ عمر - رضی الله عنه - می‌گوید: «آیا برایتان کافی نیست که هر چه می‌خواهید می‌خورید و می‌نوشید؟ من پیامبران را دیدم که حتی خرمای نامرغوب نمی‌یافت که شکمش را با آن سیر کند» [به روایت مسلم].

سخت‌ترین سختی‌ها و مصیبت‌ها را در دنیا تجربه کرد، یتیم بزرگ شد، از سرزمینش اخراج شد، سه سال در شعب در محاصره قرار گرفت، از دست قریش در غار مخفی شد، شش فرزند خود را در حیات خود از دست داد، قومش حتی در هجرت‌گاهش به جنگ او آمدند، اهل نفاق علیه او دست به نیرنگ زدند، به او زهر خورداندند، او را سحر کردند، و می‌گفت: «برای خداوند چنان ترسانده شدم که کسی ترسانده نشد، و در راه خداوند چنان اذیت شدم که کسی اذیت نشد».

اما با همه سختی‌ها و مصیبت‌هایی که در زندگی دید، همیشه در زندگی خود خوش‌بین بود و می‌گفت: «خوش‌بینی و خوش‌فالی و سخن نیک را دوست دارم» [متفق علیه].

از دنیا روی برگرداند و به آنچه نزد خداوند است امید ورزید و می‌گفت: «مرا چه به دنیا، من در دنیا نیستم جز به مانند سواره‌ای که به سایه‌ای پناه آورده سپس می‌رود و آن را ترک می‌گوید» برای همین از دنیا رفت و چیزی به جای نگذاشت. عائشه - رضی الله عنها - می‌گوید: «رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - از دنیا رفت و هیچ درهم و دینار و گوسفند و شتری به جای نگذاشت و به چیزی نیز وصیت نکرد».

علی - رضی الله عنه - او را چنین توصیف می‌کند: «نه پیش از او و نه پس از او به مانندش ندیدم».

اما بعد ای مسلمانان:

پیامبر ما امانت رسالت را ادا نمود و برای امتش خیرخواهی کرد و فرمود: «مثال من و شما به مانند مردی است که آتشی افروخته است، پس حشرات و پروانه‌ها به آن هجوم می‌آورند و در آن می‌افتند و او آن‌ها را از آتش دور می‌کند، و من نیز شما را گرفته‌ام که در آتش نیفتید و شما از دست من در می‌روید» [به روایت مسلم].

اما وفاداری امت نسبت به او این است که حق او را ادا نمایند که همان ایمان به او و راستگو دانستن اوست زیرا او - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «هیچ‌کس از این امت، نه یهودی و نه نصرانی نیست که، درباره‌ی من بشنوند و سپس در حالی بمیرد که به آنچه آورده‌ام ایمان نیاورده است، مگر آنکه از اهل آتش خواهد بود» [به روایت مسلم].

همین‌طور از دیگر حقوقی که او بر گردن امتش دارد مقدم داشتن محبت او بر دیگر دوست داشتنی‌هاست، رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود: «کسی از شما ایمان نمی‌آورد تا آنکه من نزد او از فرزندان و پدر و مادر او و همه‌ی مردم محبوب‌تر باشم» [متفق علیه].

همینطور اطاعت او در دستورات وی و دوری از آنچه نهی نموده است. رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «همه‌ی امت من به بهشت وارد می‌شوند مگر آنکه خود نخواهد» گفتند: ای رسول خدا! کیست که از وارد شدن به بهشت ابا و رزدد؟ فرمود: «هرکه اطاعت من کند به بهشت وارد می‌شود و هرکه از من سرپیچی کند خود ابا و رزیده است» [به روایت بخاری].

همچنین از اصول گواهی دادن به پیامبری او این است که عبادت خداوند، جز براساس شریعت او صورت نگیرد، چنانکه خود فرموده است: «از امور نوساخته در دین برحذر باشید».

همینطور مطالعه سیرت او و شناخت راه و روش او در همه حال و گسترش دعوت او در زمین، و اینکه مسلمان به همان چیزی دعوت کند که او مردم را به آن دعوت نمود یعنی: توحید و اوامر دین و نیکی‌ها و فضائل آن، و هرکه پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - را در عبادات و معاملات الگوی خود قرار دهد، به خوشبختی و سعادت دست یافته است.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ

كَثِيرًا ﴿٥١﴾ [الأحزاب: ٢١].

خداوند برای من و شما در قرآن عظیم برکت نهد و با آیات و ذکر حکیم سود رساند، آنکه را شنیدید گفتم و برای خود و شما و همه مسلمانان از هر گناهی از خداوند بزرگ آمرزش می‌خواهم پس از او آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش مخصوص خداوند است برای احسان وی، و او را برای توفیق و منتش شکر می‌گوییم و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است و

گواهی می‌دهم که پیامبر ما محمد، بنده و پیامبر اوست، درود و سلام خداوند بر او و بر اهل بیت و یاران او باد.

ای مسلمانان: سعادت دو جهان در طاعت او - علیه الصلاة والسلام - است و هدایت و عزت و رستگاری به اندازه‌ای است که بنده از وی پیروی نماید، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا﴾ [النور: ۵۴].

«و اگر از او پیروی کنید، هدایت می‌یابید.»

هر که از او اطاعت نماید دین و دنیایش به صلاح آمده و سینه‌اش فراخ می‌گردد. هر که می‌خواهد پیامبر رفیق و هم‌نشین او در آخرت باشد، باید پیرو او باشد و سنتش را در پی گیرد، و از هر آنچه با گواهی به پیامبری او در تضاد است روی گرداند. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا﴾ [النساء: ۶۹].

«هر که از الله و پیامبر اطاعت کند آنان با کسانی‌اند که خداوند بر آنها منت نهاده از پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان و چه نیک رفیقانی‌اند آنان!».

سپس بدانید که خداوند شما را به درود و سلام بر پیامبرش امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾

﴿۵۱﴾ [الأحزاب: ۵۶].

خداوند بر پیامبرت محمد درود و سلام فرست و از خلفای راشدین، ابوبکر و عمر و عثمان و علی، که به حق حکم می‌نمودند و از دیگر صحابه پیامبرت راضی و خشنود باش، و همچنین از ما با عفو و کرم خود خشنود باش ای گرامی‌ترین گرامیان.

خداوند اسلام و مسلمانان را عزت ده، و شرک و مشرکان را خوار گردان و دشمنان دین را نابود ساز و این سرزمین و دیگر سرزمین‌ها را در امن و امان بدار.

خداوندا اوضاع مسلمانان را در همه جای دنیا اصلاح نما، خداوندا جان آنان را حفظ نما و آن‌ها را به زیبایی به سوی خود باز گردان.

«پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بدار»

[البقرة: ۲۰۱].

خداوندا ما از تو توفیق و سعادت را در دنیا و آخرت خواهانیم. خداوندا ما را با پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان محشور گردان.

«پروردگارا ما به خود ستم نمودیم و اگر تو ما را مورد مغفرت و رحمت خود قرار

ندهی بی‌تردید از زیانکاران خواهیم بود» [الأعراف: ۲۳].

بندگان خداوند: «همانا الله شما را به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان سفارش

نموده و از فحشا و منکر و تجاوز باز می‌دارد، او شما را چنین پند می‌دهد باشد که پندپذیر گردید» [النحل: ۹۰].

پس خداوند بزرگ را یاد کنید تا شما را یاد کند و او را برای نعمت‌هایش شکر گویند

تا شما را افزون دهد، و همانا یاد الله بزرگ‌تر است و الله به آنچه می‌کنید آگاه است.

عنوان خطبه:

روزه و تقوای خداوند

خطیب: دکتر صالح آل طالب

مسجدالحرام: جمعه ۵ رمضان ۱۴۳۲ برابر با ۱۴ مرداد ۱۳۹۰

خطبه‌ی اول:

ستایش مخصوص خداوند است، ستایش مخصوص اوست که همیشه و همواره

خیرش به سوی ما روان است، دست او پر نعمت است و شبانه روز می‌بخشد و هیچ

بخششی از آن کم نمی‌کند، ستایش‌ها و بزرگواری‌ها همه از آن اوست و نمی‌توان ثنای او

را آنگونه که شایسته است ادا نمود. او را ستایش گفته و شکر می‌گویم و بر او ثنا گفته و

از او آموزش می‌خواهم. او که با بزرگ‌ترین ماه‌ها بر ما منت نهاد تا در آن اجر بزرگ به دست آریم.

و گواهی می‌دهم که معبودی به حق جز الله نیست که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر اوست، درود و سلام و برکات خداوند تا قیامت، بر او و بر اهل بیت و یاران او و پیروان آنان باد.

اما بعد:

توصیه بزرگ، توصیه به تقوا است، که عامل بخشش گناهان و نجات از سختی‌ها و شناخت حق در دوران گم‌گشتگی است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾ [الأنفال: ۲۹].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر تقوای الله را پیشه سازید برای شما میزانی قرار خواهد داد که میان حق و باطل جدایی اندازد و گناهان شما را بر شما خواهد بخشید و شما را مورد آموزش قرار خواهد داد و الله دارای فضلی است بس بزرگ».

خود را از سطح این دنیا بالاتر و بالاتر بدانید چنانکه صالحان در آن ژهد ورزیدند و توشه را برای آن سفر بزرگ آماده کردند، سفری که ناگزیر است، و با گذر روزها و سال‌ها عبرت گیرید و به خود آید که غفلت همه‌گیر شده است و طوفان فتنه‌ها نزدیک است، و خدای رحمت کند آنکه به خود آمد، و تفاوت است میان آنکه راه معصیت پروردگارش را برگزیده است و آنکه عمر خود را در معامله با پروردگار و یاد او گذارنده و همه عمر را بر در او ایستاده و سر بر خاک او نهاده است. آه از شرم شرمگینان و وای بر پشیمانی مقصران...

ای مسلمانان:

ماه بزرگ سر رسید و فرصت شما برای توشه‌گیری فرا رسید. بنده در این ماه یا موفق است و یا شکست‌خورده. به یاد داشته باشید که روزهایی از این ماه گذشتند و رفتند،

بدانید که روزهای این ماه به سرعت می‌روند و در این میان، موفقان اجر وافر و سعادت دنیا و آخرت را به کف خواهند آورد.

اما از آن سو، گروه‌هایی برای گذشت شب‌های آن و از کف دادن فرصت، اشک ندَم خواهند ریخت و آن هنگام پشیمانی و اشک چه فایده‌ای خواهد داشت؟ پس برای به دست آوردن نیکی‌ها از هم سبقت بگیرید و روزهای باقی‌مانده را با به دست آوردن باقیات صالحات غنیمت شمارید که از رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - به سند صحیح ثابت است که فرمودند: «هرکه رمضان را با ایمان و اخلاص روزه گیرد گناهان گذشته‌اش آمرزیده می‌شود» و همچنین فرموده است: «هرکه رمضان را با ایمان و اخلاص به نماز ایستد گناهان گذشته‌اش آمرزیده خواهد شد» و در جایی دیگر فرموده است: «هرکه شب قدر را با ایمان و اخلاص به نماز ایستد گناهان گذشته‌اش آمرزیده خواهد شد».

و همچنین از مصطفی - صلی الله علیه و آله وسلم - به سند صحیح روایت شده است که فرمودند: «به خاک مالیده شد بینی کسی که (یعنی خوار و ذلیل شد کسی که) رمضان را درک نمود و مورد آمرزش قرار نگرفت».

اما متأسفانه، چه بسیار بینی‌هایی که در این ماه به خاک مالیده می‌شود و شهوت‌ها و هوای نفس آنان را مشغول داشته است، ای کسانی که در پی سراب دنیا در حرکتید، ای کسانی که در پی همه اخبار و شایعاتید و ریز و درشت آن را دنبال می‌کنید، ای کسانی که شیفته سریال‌ها و کانال‌های ماهواره‌ای هستید و چشمانتان مسحور صفحه تلویزیون است، این فرصت شما است تا کمی دست ننگه دارید! این ماه شماست که درونتان کمی آرام گیرد، تا باز روحتان به سوی پروردگار باز گردد، تا در جستجوی سعادت به مسجد آید و رو به قرآن آورید، و تا در کنار خانواده آرام گیرد.

در این ماه، کمتر پی دنیا بگیرید و بیشتر به نیکی با نزدیکان و یاد خداوند و محقق ساختن تقوا که هدف روزه است، پردازید:

﴿كُنِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُنِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾

[البقرة: ۱۸۳].

«روزه بر شما مقرر شده است همانگونه که بر کسانی که پیش از شما بودند مقرر گردید باشد که تقوا پیشه کنید».

پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «هنگامی که روز روزه‌ی کسی از شماست، فحش ندهد و بدزبانی نکند، و اگر کسی او را بد گفت یا با او درگیر شد، بگوید: من روزه‌ام» [به روایت بخاری و مسلم].

این رهنمودی است برای نشان دادن کمال درونی و صفای روحی که شایسته است روزه‌دار از آن برخوردار باشد و همینطور تاثیر تقوا؛ زیرا رمضان درون انسان را به خداوند متصل می‌سازد تا آنکه از سوی خداوند شیرینی ایمان را دریافت دارد و هرکه شیرینی ایمان را چشید هرگز کینه و نفرت و دشمنی را نخواهد شناخت.

اگر تقوا در قلب محقق گردد ناپاکی از درون اهل آن بیرون خواهد رفت و به جای آن خشیت الهی و امید به او خواهد نشست، چنین انسان‌هایی از حرام دوری می‌گزینند، چشم آنان به حرام نخواهد نگریست و زبانشان از دروغ باز خواهد ایستاد، زیرا زبانشان به ذکر خداوند و استغفار مشغول است. آنان از آنجایی که خداوند و آخرت را خواسته‌اند دنیا در نظرشان کوچک خواهد شد. در چنین محیطی مردم از اینکه بازرگانی آنان را فریب دهد یا فاجری به حق آنان تجاوز روا دارد، خود را در امان می‌دانند.

ای مومنان:

روزه واقعی مومن را به سوی تقوای خداوند سوق خواهد داد و او را به عمل نیک و تلاش و سبقت به سوی نیکی‌ها و غنیمت شمردن اوقات باارزش و خواهد داشت. اما متاسفانه آنچه هم‌اکنون می‌بینم بیش از این نیست که بسیاری از مردم روزه را تنها نخوردن و نیاشامیدن می‌دانند بی‌آنکه کاری دیگر انجام دهند یا تقوای بیشتری پیشه کنند، در حالی که خداوند متعال هدف از روزه را به دست آوردن تقوا ذکر نموده و فرموده

است: ﴿لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾

اما اگر ایمانت در این ماه افزایش نیافت، یا اعمال نیکت بیشتر نشد و یا دست از بدی‌ها برنداشتی به خودت برگرد و ببین، شاید کوتاهی و تقصیری در کارت باشد. هنگامی که انسان به خداوند بزرگ ایمان آورد و به روز جزا و حساب یقین بدارد، این ایمان و یقین او را بر آن خواهد داشت تا در پی خشنودی پروردگار و آمادگی برای دیدار او و پایداری بر صراط باشد. ببیند خداوند متعال چه می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ [البقرة: ۱۸۳].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید روزه بر شما مقرر شده است همانگونه که بر کسانی که پیش از شما بودند مقرر گردید، باشد که تقوا پیشه کنید».

خداوند متعال این آیه را با ایمان آغاز نموده و با تقوا به پایان رسانده است.

این گمراهی است که انسان، حقیقت دین را چنان پایین آورد و اسلام را تنها کلماتی بداند که بر زبان جاری می‌شود یا آرزوهایی که تلاشی به همراه ندارد و هیچ وظیفه‌ای را بر عهده انسان نمی‌گذارد، و نه واجبی را انجام دهد و نه دست از منکر بکشد، و از جمله کسانی شود که دینشان بازی و سرگرمی است و زندگی دنیا آن‌ها را فریفته است. در هیچ آیه‌ای از کتاب خداوند ایمان به تنهایی ذکر نشده است، بلکه همیشه عمل نیک یا تقوا یا اسلام به همراه آن آمده است تا آنکه بدانیم رابطه تلاش عملی و ایمان، بسیار محکم و ناگسستنی است و در بسیاری از آیات، اسلام به واسطه کارهایی عملی و محدود شناسانده شده است. برای مثال خداوند متعال می‌فرماید:

﴿فَلَا أَقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ ﴿۱۱﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ ﴿۱۲﴾ فَكُ رَقَبَةً ﴿۱۳﴾ أَوْ إِطْعَمٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ ﴿۱۴﴾ يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ ﴿۱۵﴾ أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ ﴿۱۶﴾﴾ [البلد: ۱۱-۱۶].

«اما او از گردنه عبور نکرد (۱۱) و تو چه می‌دانی که آن گردنه چیست؟ (۱۲) آزاد کردن برده‌ای (۱۳) یا غذا دادن در روزی سخت (۱۴) یتیمی خویشاوند (۱۵) یا مستمندی به خاک نشسته».

و بلکه قرآن خودداری انسان از انجام برخی کارهای نیک را نشانه تهمی بودن درون از عقیده و ویرانی قلب دانسته است. چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ ﴿١﴾ فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ ﴿٢﴾ وَلَا يُحِصُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ ﴿٣﴾﴾ [الماعون: ۱-۳].

«آیا ندیده‌ای آنکه روز حساب را دروغ می‌انگارد؟ (۱) او همان است که یتیم را به سختی از خود می‌راند (۲) و به غذا دادن به مستمندان ترغیب نمی‌کند».

چنین چیزی را می‌توان در اوضاع کنونی و سستی جمعی و عدم انجام اعمال نیک به خوبی دید. مردمی هستند که گناهان، رابطه آنان با خداوند را به شدت ویران ساخته و هوای درون، آنان را به دور از خداوند به خود مشغول ساخته است، خداوند را به طور کامل فراموش کرده‌اند و قدر رمضان را ندانسته‌اند.

شما - ای مسلمانان - تاریخ امت‌هایی را می‌دانید که به سبب اعمال ناشایست خود نابود شدند و می‌دانید که خداوند بر قوم لوط به سبب ارتکاب فاحشه خشم گرفت و همینطور بر قوم شعیب به سبب کم‌فروشی و خیانت در ترازو. شما آخر و عاقبت این اقوام را به خوبی می‌دانید؛ اما آیا تنها این امت ماست که می‌خواهد بدون ترس و بی‌آنکه نگران چیزی باشد مرتکب بدی‌ها شود؟ اسلام، جدای از شریعت‌های گذشته نیست و ایمان را بدون عمل واجب نکرده است، بلکه هر دو را واجب و ضروری می‌داند. بلکه قرآن کریم داستان اقوام گذشته را برای عبرت ما ذکر نموده و فرموده است:

﴿وَلَقَدْ أَهَلَكْنَا الْقُرُونََ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ ﴿١٣﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاكَم خَلْفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ﴿١٤﴾﴾ [یونس: ۱۳-۱۴].

«قطعا نسل‌های پیش از شما را هنگامی که ستم کردند به هلاکت رساندیم و پیامبرانشان دلایل آشکار برایشان آوردند و [لی] بر آن نبودند که ایمان بیاورند؛ این گونه مجرمان را جزا می‌دهیم (۱۳) سپس شما را پس از آنان جانشینان (آنان) در زمین گرداندیم تا ببینیم چگونه عمل خواهید کرد».

اینگونه مورد امتحان قرار می‌گیریم و کارهایمان مورد مراقبت قرار می‌گیرد، و اینگونه خداوند ما را به ایمان و عمل - هر دو با هم - مکلف گردانده است، سپس خواهد دید که ما تا چه اندازه به این عهد خود وفادار خواهیم ماند.

خداوند متعال با این حقیقت آشکار، بنی آدم را مورد خطاب قرار داده و به آنان فهمانده است که نجاتشان در صلاح و تقوی است نه در نفاق و ادعا:

﴿يٰۤاَيُّهَا اٰدَمُ اِمَّا يٰٓتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَفْضُوْنَ عَلَيْكُمْ ءَايٰتِيۡ فَمَنْ اٰتَقٰى وَاَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ ﴿۳۵﴾ وَالَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِآيٰتِنَا وَاَسْتَكْبَرُوْا عَنْهَا اُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ النَّارِ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ ﴿۳۶﴾﴾ [الأعراف: ۳۵-۳۶].

«ای فرزندان آدم چون پیامبرانی از خودتان برای شما بیایند و آیات مرا بر شما بخوانند پس هر کس به پرهیزگاری و صلاح گراید نه بیمی بر آنان خواهد بود و نه اندوهگین می‌شوند (۳۵) و [اما] کسانی که آیات ما را دروغ انگاشتند و [از پذیرش] آن استکبار ورزیدند، آنان اصحاب آتشدن که جاودانه در آن می‌مانند».

بنابراین رمضان ماهی است که ثمره‌اش تقوا و عمل صالح است، نه تنها دست کشیدن از خوردن و آشامیدن، و چنانکه پیامبرمان - صلی الله علیه و آله وسلم - می‌فرماید: «هرکه سخن باطل و عمل به آن و جهل و سرکشی را ترک نگوید، خداوند نیز نیازی به این ندارد که او دست از غذا و نوشیدنی‌اش بکشد».

پس هرکه با خود صادق است رمضان را ماهی برای عبادت و خشوع و توبه و بازگشت قرار دهد، در آن به ادب پایبند باشد و از پستی‌ها و ناپاکی‌ها دوری گزیند و با روزه خود قصد عبادت داشته باشد و وقت خود را با طاعات و تلاوت قرآن و تدبر آیات آن، یا با صدقه و صلۀ رحم و احسان و نیکی و یاد خداوند و خشوع، آباد گرداند.

روزه‌دار همه روز را در این حالت می‌گذراند، و هنگامی که غروب نزدیک می‌شود، رمضان خود را به همه جهان نشان می‌دهد، چهره مردم با دیدن آن شاد می‌شود و زبان‌ها از آن یاد می‌کنند. بین که لحظه افطار چه آرامشی دنیا را فرا گرفته است، و مردم از

کش مکش بر سر دنیا آسوده شده‌اند. بین چگونه مرد خانه کنار خانواده خود در کنار زیباترین سفره و مجلس و سودمندترین مدرسه است!

پس از آن نیز نماز شب است و تلاوت قرآن و دعا و تضرع و توبه و استغفار پس «ای خواهنده‌ی خیر و نیکی، رو بیاور و ای خواهنده‌ی بدی و گناه، دست نگه دار!» خداوند متعال از من و شما بپذیرد...

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿۱۸۳﴾ أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامَ مَسْكِينٍ فَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَن تَصُومُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۱۸۴﴾ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْءَانُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِيُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِيُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿۱۸۵﴾ وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ ﴿۱۸۶﴾﴾ [البقرة: ۱۸۳-۱۸۶].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید روزه بر شما مقرر شده است همانگونه که بر کسانی که پیش از شما بودند مقرر گردید باشد که تقوا پیشه کنید (۱۸۳) [روزه در] روزهای معدودی [بر شما مقرر شده است] [ولی] هر کس از شما بیمار یا در سفر باشد [می‌تواند] تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بدارد] و بر کسانی که [روزه] طاقت فرساست کفاره‌ای است که خوراک دادن به بینوایی است و هر کس به میل خود بیشتر نیکی کند پس آن برای او بهتر است و اگر بدانید روزه گرفتن برای شما بهتر است (۱۸۴) ماه رمضان [آن ماهی] است که در آن قرآن نازل شده است [کتابی] که راهنمای مردم است و [متضمن] دلایل آشکار هدایت و [میزان] تشخیص حق از باطل است پس هر کس از شما این ماه را درک کند باید آن را روزه بدارد و کسی که بیمار یا در سفر است [باید به شماره‌ی آن] تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بدارد] خدا برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما

دشواری نمی‌خواهد تا شماره [مقرر] را کامل کنید و الله را به پاس آنکه هدایتان کرده است به بزرگی بستایید و باشد که شکرگزاری کنید (۱۸۵) و اگر بندگان من از تو درباره‌ی من پرسیدند، پس من نزدیکم دعای دعا کننده را هنگامی که مرا می‌خواند اجابت می‌کنم. پس آنان باید فرمان مرا استجابت کنند و به من ایمان آورند، امید است که راه یابند».

خداوند متعال برای من و شما در قرآن و سنت برکت دهد و با آیات و حکمت سود رساند، این سخن خویش را گفته و برای خود و شما از خداوند متعال آمرزش می‌خواهم.

خطبه‌ی دوم:

ستایش مخصوص الله، پروردگار جهانیان است، او که رحمن و رحیم است و مالک روز جزا است، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که پادشاه بر حق است و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر اوست. درود و سلام و برکات خداوند بر او و بر اهل بیت و یاران او باد.
اما بعد، ای مسلمانان:

هر سال منتظر این ماه می‌مانیم تا مدتی از خستگی و آشفتگی دنیا آرام گیریم. و تا قلب‌هایمان قدری آسوده شود و درونمان که در طول سال دچار خشکی شد است کمی تر و تازه شود.

ماه خیر از راه می‌رسد تا دست‌هایی که از هم دور شده‌اند باز به هم برسند، و تا ریسمان‌هایی که از هم گسیخته‌اند باری دیگر به هم متصل شوند، و داستان‌های جدایی و اختلاف که دادگاه‌هایمان پر از آن است پایان یابد و موذن دوستی فریاد «حی علی الصفا» سر دهد و در نتیجه قلب‌هایی دور از هم باز به هم رسند و برادری اسلامی متجلی گردد...

ماه رمضان باز می‌گردد تا خاطرات زیبا نیز به همراه آن بازگردند و درهای خوش‌بینی دوباره به روی امت باز شوند، امتی که از سرگستگی و مشکلات خسته است، و از زخم‌هایی خونین در رنج است، «و هر که به امور مسلمانان اهمیت ندهد از آنان نیست». قلب‌ها در این ماه به دعا وابسته می‌شود و هر شب در نماز که شعیره‌ای از شعائر این ماه عظیم است پروردگار خود را فرا می‌خوانند و بندگان خداوند در سجده‌ها و نمازهای خود به طور پنهان به دعا می‌پردازند و می‌دانند که غیب به دست خداوند است و او به انجام هر کاری تواناست:

﴿وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ﴾ [الأنعام: ۱۸].

«و اوست که بر بندگان خود چیره است و اوست آن حکیم آگاه». و اینگونه، منظره دعا، رساترین و موثرترین منظره این ماه می‌گردد همانگونه که خداوند متعال در خلال آیات روزه می‌فرماید:

﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ [المؤمن: ۶۰].

«و پروردگارتان فرمود: مرا فرا خوانید تا شما را استجابت کنم». زیرا در این بحران‌ها هیچ غالبی نیست جز خداوند، به او استعانت می‌شود و به او پناه برده می‌شود... پس به سوی خداوند بگریزید:

﴿وَأَعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ﴾ [الحج: ۷۸].

«و به الله چنگ زنید، اوست یاور شما، چه نیک یاور و چه نیک یاری‌رسانی است».

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾

[آل عمران: ۲۰۰].

«صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهبانی کنید و پروای الله را داشته باشید، باشد که رستگار شوید».

ای مسلمانان:

ماه روزه باز می‌گردد و مسلمان با گرسنگی خود به یاد گرسنگی برادران خود می‌افتد و از مال خود قسمتی را برای آنان جدا می‌کند و از غذای خود لقمه‌هایی را، تا با آن با

گرسنگان و محرومان هم‌درد شود و تا احسان به بندگان خداوند را در خود پرورش دهند و اینگونه شکر آن منعم را به جای آورند. و ما می‌بینیم گرسنگی چگونه شلاق خود را به سختی بر گروهی از انسان‌ها فرو آورده، و سرزمین سومالی از ما دور نیست... پس ای مسلمانان، به سوی نیکی‌ها سبقت بگیرید و از بهشت، درجاتی برای خود برگزید که امروز کار است و حساب نیست، و فردا حساب است و فرصت کار نیست. هرکه از روز حساب در هراس است همین امروز گرسنه‌ای را سیر کند که در صفات اهل جنت آمده است:

﴿وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا ﴿۸﴾ إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لُوجِهَ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا ﴿۹﴾ إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا ﴿۱۰﴾ فَوْقَهُمْ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّهْمُ نَصْرَةً وَسُرُورًا ﴿۱۱﴾ وَجَزَلَهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا ﴿۱۲﴾﴾

[الإنسان: ۸-۱۲].

«و به پاس محبت او مسکین و یتیم و اسیری را غذا می‌دهند (۸) همانا ما شما را برای الله غذا می‌دهیم و از شما نه پاداش و نه تشکری نمی‌خواهیم (۹) ما از پروردگار خود از روزی عبوس و سخت در هراسیم (۱۰) پس الله آنان را از شر آن روز در امان داشت و آنان را شادی و سرور بخشید (۱۱) و به پاس آنکه صبر پیشه کردند بهشت و ابریشم پاداش داد.»

و خداوند متعال درباره آرامش در روز قیامت، روز ترس بزرگ، چنین می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلاَنِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۲۷۴﴾﴾ [البقرة: ۲۷۴].

«آنانکه اموال خود را شبانه روز، پنهان و آشکار انفاق می‌کنند پاداششان را نزد پروردگارشان دارند و نه بر آنان ترسی است و نه اندوهگین می‌شوند.»

در پایان بر بهترین انسان‌ها و پاکترین آنان، محمد بن عبدالله درود و سلام فرستید؛ خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد، و بر اهل بیت پاک و صحابه نیک وی درود و سلام و

برکت ارزانی دار و از آن امامان هدایتگر، ابوبکر و عمر و عثمان و علی، و از دیگر صحابه پیامبرت و همه کسانی که راه آنان را در پیش گرفته‌اند راضی و خشنود باش. خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار گردان و دشمنان دین را نابود ساز و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امن و امان بدار. خداوندا هر کس را که برای ما و سرزمین ما اراده سوء یا تفرقه دارد به خود واگذار و مکر او را عامل نابودی خودش بگردان.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان ما را اصلاح نما. خداوندا گرانی و وبا و ربا و زنا و زلزله‌ها و فاجعه‌ها و فتنه‌های ظاهر و پنهان را از ما دور گردان. خداوندا اوضاع مسلمانان را در همه جا اصلاح نما، خداوندا اوضاع آنان را در همه جا اصلاح نما، خداوندا آنان را بر حق و هدایت یکی بگردان، خداوندا جان آنان را حفظ نما و ترسشان را به امنیت بدل کن و از دین و ناموس و مال و سرزمین آنان محافظت کن.

خداوندا تو پشت و پناه مظلومان و سختی‌دیده‌گان و اسیران باش، خداوندا مستضعفان مسلمان را در همه جا پیروز گردان، خداوندا آنان را در فلسطین پیروز گردان. خداوندا مرزداران مجاهد را در بیت‌المقدس و اطراف بیت‌المقدس حفظ نما. خداوندا آنان را بر حق یکی بگردان.

خداوندا دینت و کتابت و سنت پیامبرت و بندگان مومن را یاری ده. خداوندا دشمنانت را نابود ساز که آنان را یارای ناتوان ساختن تو نیست.

«پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بدار»

[البقرة: 201].

خداوندا نفس‌های ما را تقوا عطا کن و آن را پاک گردان که تو بهترین پاک گرداننده آنی و توی و مولای آنی.

خداوندا ما از تو عفو و عافیت و سلامت همیشگی را در دین و دنیا و آخرت خواهانیم.

خداوندا گناهان ما را بیامرز و عیب‌های ما را بپوشان و کارهای ما را آسان گردان و ما را به آن آرزوهایی که مایهٔ خشنودی توست برسان. پروردگارا ما و پدران ما را مورد مغفرت خود قرار ده که همانا تو شنوندهٔ دعایی.

خداوندا ما را برای انجام نیکی‌ها توفیق عطا کن و بدی‌های ما را ببخشای و نماز و روزه و دعا و کارهای نیک ما را بپذیر که تو شنوا و دانایی و بر ما توبه پذیر که تو بسیار توبه‌پذیر و مهربانی.

پاک و بی‌عیب است پروردگار تو از آنچه به دروغ و صفتش می‌کنند و سلام بر پیامبران و الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

وجوب تدبیر در قرآن

خطیب: دکتر اسامه خیاط

جمعه ۱۲ رمضان ۱۴۳۲ برابر با ۲۱ مرداد ۱۳۹۰

خطبه‌ی اول:

ستایش مخصوص خداوند والا و والامرتبه است، او را ستایش می‌گویم و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله واحد بی‌شریک، او که آنچه در آسمان‌ها و زمین و میان آن دو و زیر خاک است، از آن اوست؛ و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده و پیامبر او و امام پیامبران و خاتم آنان و بهترین انسان‌هاست. خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد، و بر اهل بیت و یاران او، آن امامان هدایت و آن ستارگان روشنگر، درود و سلام فرست.

اما بعد:

ای بندگان خداوند، تقوای او را پیشه سازید «و از روزی بترسید که در آن به سوی الله باز خواهید گشت، سپس هر کس آنچه را انجام داده است به طور کامل دریافت خواهد داشت و نسبت به آنان ستم نخواهد شد» [البقرة: ۲۸۱].

خداوند متعال با فرو فرستادن کتاب عزیز خود بر این امت منت نهاده است، کتابی با ارزش و مبارک که هیچ کژی در آن نیست، کتابی که به سوی آنچه استوارتر است هدایت می‌کند. خداوند به واسطه آن بندگان را به سوی هر خیری که با آن زندگی پاک را به دست بیاورند، و خوشبختی به درونشان راه یابد و عاقبت نیک را به دست آورند، راهنمایی کرده است. به واسطه این کتاب، قلب‌های مرده زنده شدند و تاریکی‌های راه از بین رفت، چنانکه خداوند متعال در وصف آن فرموده است:

﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿۲۹﴾﴾ [ص: ۲۹].

«آن کتابی است مبارک که بر تو نازل نمودیم تا در آیات آن تدبر کنند و تا صاحبان خرد یادآور گردند».

برکت‌های آن حدی ندارد، و پایان نمی‌پذیرد، جز اینکه راه به دست آوردن این برکت، راهی است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - آن را به ما نشان داده است. کسی که خداوند او را اسوه ما گردانده تا به او اقتدا کنیم و گام‌های او را در پیش گیریم و به روش او چنگ زنیم:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ

كَثِيرًا ﴿۲۱﴾﴾ [الأحزاب: ۲۱].

«بی‌شک در شخصیت رسول الله برای شما الگوی نیکی است برای هر که امید الله و روز آخرت را دارد و بسیار الله را یاد می‌کند».

رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - برای امت خود، بهترین روش را برای بهره بردن از قرآن و هدایت یافتن از آن، بیان نموده است. با آن قرآن برکت واقعی خود را نشان داده و راه عمل به قرآن مشخص می‌شود.

رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - بیان نموده‌اند که اشتغال مستمر به تلاوت این کتاب از چه برکتی برخوردار است؛ برکتی که صاحب خود را غرق در اجر و حسنات می‌کند و او را به درجات والا ترقی می‌دهد و او را به منازل شریف و باارزشی که خداوند برای حاملان قرآن در نظر گرفته است می‌رساند. چنانکه رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «قرآن را بخوانید، که آن - یعنی قرآن - در روز قیامت به عنوان شفیع برای یاران خود می‌آید» [به روایت مسلم در صحیح از حدیث ابو امامه رضی الله عنه].

و همینطور این سخن رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - که می‌فرماید: «در روز قیامت قرآن و اهل قرآن را که در دنیا به آن عمل می‌کردند می‌آورند در حالی که سوره‌ی بقره و آل عمران در جلو آنان قرار دارند و از صاحب خود دفاع می‌کنند» [به روایت مسلم در صحیح از حدیث نواس بن سمعان رضی الله عنه].

و در جایی دیگر می‌فرماید: «خداوند به واسطه‌ی این قرآن گروه‌هایی را بلندمرتبه ساخته و گروه‌هایی را پایین می‌آورد» [به روایت مسلم در صحیح از حدیث عمر بن خطاب رضی الله عنه].

و می‌فرماید: «آنکه قرآن را می‌خواند و در آن ماهر است همراه فرشتگان فرستاده شده‌ی بزرگوار نیک است، و آنکه قرآن را می‌خواند و خواندن آن برایش سخت است دو اجر دارد» [به روایت بخاری و مسلم در صحیح از حدیث عائشه رضی الله عنها].

و می‌فرماید: «در روز قیامت خطاب به صاحب قرآن گفته می‌شود: به ترتیل بخوان و بالا برو چنانکه در دنیا به ترتیل می‌خواندی، زیرا جایگاه تو نزد آخرین آیه‌ای است که می‌خوانی» [به روایت امام احمد در مسند و ترمذی و ابوداود در سنن از حدیث عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنهما با إسناد صحیح].

اما رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - تنها این را نگفته است، بلکه همچنین برای امت خود بیان کرده است که برکت این کتاب و سود بردن کامل از آن و راه بهره بردن از هدایت آن، برای کسی است که تنها هدف و دلمشغولی خود را خواندن آن قرار

ندهد، بلکه به تدبیر و فهم معانی آن نیز بپردازد زیرا هدف از خواندن و تلاوت قرآن همین است.

اهل علم تدبیر را چنین وصف کرده‌اند که قلب قاری قرآن به تفکر در معنی آنچه می‌خواند بپردازد و معنی هر آیه را بداند و به تامل در امر و نهی آن پرداخته و اعتقاد به پذیرش آن داشته باشد، و اگر از کسانی بوده که پیش از آن در مورد امر و نهی قرآن کوتاهی کرده است آمرزش بخواهد و اگر به آیه رحمت برسد خوشحال شود و از الله رحمت او را بخواهد و چون به آیه عذاب رسد در هراس افتد و به خداوند پناه برد و اگر به آیه تنزیه رسد خداوند را از هر نقصی پاک بداند و او را بزرگ بدارد و چون به آیه دعا رسد متضرعانه از خداوند درخواست کند.

رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - سهم والایی از این صفات داشت. حذیفه بن یمان - رضی الله عنه - می‌گوید: شبی همراه با رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - نماز گزاردم. ایشان سوره بقره را آغاز کرد، با خود گفتم نزد صد آیه به رکوع خواهد رفت، اما ادامه داد، با خود گفتم سوره بقره را در - هر دو رکعت - نمازش خواهد خواند، اما باز ادامه داد، سپس سوره نساء را آغاز کرد و آن را خواند، سپس سوره آل عمران را آغاز کرد و آن را خواند، و به آرامی می‌خواند و اگر به آیه‌ای که در آن تسبیح بود می‌رسید تسبیح می‌گفت و اگر به آیه‌ای که در آن درخواستی بود می‌رسید، درخواست می‌کرد و اگر به آیه‌ای می‌رسید که در آن پناه بردن به خداوند بود، به خداوند پناه می‌برد [به روایت مسلم در صحیح خود].

رسول خدا - علیه الصلاة والسلام - در تدبیر قرآن و کمال تفکر در آن و یاد آوردن معانی آن در قلب، و عظمت پروردگار گوینده قرآن، به جایی رسیده بود که یک شب را در نماز تنها به خواندن یک آیه گذراند، چنانکه در حدیثی که امام احمد در مسند خود و نسائی و ابن ماجه در سنن خود و حاکم در مُستدرک با سند صحیح از ابوذر غفاری - رضی الله عنه - روایت کرده‌اند آمده است که وی گفت: رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - شبی را تنها با یک آیه نماز گزارد تا آنکه صبح نمود. با آن رکوع می‌کرد و با آن

سجده می‌کرد و آن آیه، این سخن خداوند متعال است که می‌فرماید: ﴿إِنْ تُعَذِّبَهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ وَإِنْ تَغْفِرَ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [المائدة: ۱۱۸]. «اگر آن‌ها را عذاب دهی آن‌ها بندگان تو هستند و اگر آن‌ها را بیامرزی همانا تویی که عزیز و حکیمی».

عجیب نیست که این راه و روش نبوی تاثیر خود را در قلب و عقل سلف صالح ما - رضوان الله عليهم - به جای گذاشته باشد. مردی از زید بن ثابت - رضی الله عنه - پرسید: نظرت درباره خواندن همه قرآن در هفت روز چیست؟ گفت: «خوب است، اما خود من ترجیح می‌دهم که همه آن را در نیم ماه یا بیست روز بخوانم. از من پرس چرا؟» گفت: چرا؟ فرمود: «تا در آن تدبر کنم و بر معانی آن واقف شوم» [به روایت امام مالک در موطا و عبدالرزاق در مُصَنَّف خود].

روزی نصر بن عمران به ابن عباس گفت: من سریع قرآن می‌خوانم، و قرائت همه قرآن را در سه روز به پایان می‌رسانم. ابن عباس - رضی الله عنه - فرمود: «اینکه سوره بقره را در یک شب به پایان برسانم و در آن تدبر کنم و آن را به ترتیل بخوانم برایم دوست‌داشتنی‌تر از آن است که به مانند تو قرآن بخوانم».

مردی به عبدالله بن مسعود گفت: من مُفَصَّل - یعنی از سوره ق تا پایان قرآن - را در یک رکعت خوانده‌ام. ابن مسعود به او گفت: «یعنی همینطور سریع به مانند خواندن شعر؟ همانا اقوامی قرآن را می‌خوانند اما از گلویشان جلوتر نمی‌رود، اما اگر در قلب افتد و در آن راسخ شود آنگاه سودمند است».

و باز ابن مسعود - رضی الله عنه - می‌فرماید: «قرآن را بخوانید و با آن قلب‌ها را به حرکت در آورید و در کنار عجائب آن توقف کنید و همه فکر و ذکر یکی از شما به پایان رساندن سوره نباشد».

اما بسیاری از مردم در گذر زمان از این راه و روش نبوی و طریقه سلفی روی‌گردان شده‌اند و همه دل‌مشغولیشان - به ویژه در ماه رمضان - این است که تا می‌توانند با عجله تمام هر چه بیشتر قرآن را ختم کنند بی‌آنکه به تدبر و فهم معانی آن اهمیت دهند، و این همان چیزی است که ابن جوزی - رحمه الله - آن را از جمله تبلیس ابلیس دانسته و

گفته است: «ابلیس گروهی را با خواندن بسیار قرآن فریب داده است و آنان قرآن را به مانند شعر سریع می‌خوانند بی‌آنکه ترتیل را رعایت کنند و یا در آن فکر کنند و این حالت خوبی نیست، گرچه روایت شده است که برخی از سلف همه قرآن را در یک روز یا در یک رکعت خوانده‌اند اما این به طور نادر از آن‌ها سر زده است، اما اگر کسی به طور مداوم چنین کند - گرچه جایز است - اما ترتیل و آرام خواندن نزد علما مستحب‌تر است و رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - فرموده‌اند: «کسی که قرآن را در کمتر از سه روز بخواند آن را نخواهد فهمید» [به روایت ابوداوود و نسائی و ابن جبه در سنن خویش با اسناد صحیح].»

و در ادامه می‌گوید: «ابلیس بر گروهی از قاریان نیز تلبیس نموده به طوری که شبانه یک یا دو جزء از قرآن را بر مناره مسجد با صدای بلند می‌خوانند و اینگونه هم مردم را با جلوگیری از خوابشان آزار می‌دهند و هم خود را در معرض ریا قرار می‌دهند. برخی از آنان هم در مسجد به هنگام اذان قرآن می‌خوانند، زیرا در این هنگام مردم در مسجد هستند!

از عجیب‌ترین کارهایی که از برخی آنان دیده‌ام این است که: مردی نماز صبح را برای مردم امامت کرد سپس بعد از نماز سوره فلق و ناس را خواند و سپس دعای ختم قرآن را خواند تا مردم بدانند که قرآن را ختم کرده است! و این راه و رش سلف نیست زیرا آنان عبادات خود را مخفی نگه می‌داشتند. عمل ربیع بن خثیم مخفیانه بود تا جایی که گاه بر وی داخل می‌شدند و او قرآن را باز کرده بود اما آن را با لباسش می‌پوشاند و امام احمد بسیار قرآن می‌خواند اما کسی نمی‌دانست کی قرآن را ختم می‌کند.»

پس ای بندگان خداوند تقوای او را پیشه سازید و امر خداوند و راه و روش پیامبر وی - صلی الله علیه و آله وسلم - بهترین انگیزه برای شما باشد تا در کتاب خداوند تدبر نمایید، زیرا تدبر است که باعث عمل به قرآن می‌شود که هدف اصلی از قرائت قرآن است چنانکه خداوند متعال ما را به تدبر در قرآن تشویق نموده و فرموده است:

﴿أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾

[النساء: ۸۲].

آیا (در معانی) قرآن تدبر نمی‌کنند؟ اگر از جانب غیر الله بود بی‌شک در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند».

خداوند متعال من و شما را با راهنمایی کتاب خود و سنت پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - سود رساند. این سخن خویش را گفته و برای خود و شما و همه مسلمانان از خداوند بزرگ آمرزش می‌خواهم که همانا او آمرزنده مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن خداوند است، او که هر چه بخواهد انجام می‌دهد. او را ستایش گفته و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است، آنکه آغاز می‌کند و باز می‌گرداند، و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده خداوند و پیامبر او و صاحب راه و روش صحیح است. خداوند بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یاران او درود و سلام فرست.

اما بعد، ای بندگان خداوند.

این سخن خداوند متعال که می‌فرماید: «آیا [در آیات] قرآن تدبر نمی‌کنند؟ یا آنکه بر قلب‌هایشان قفل‌هایی نهاده شده است؟» [محمد: ۲۴] نزد برخی از علما به معنای وجوب تدبر قرآن برای همه مکلفین است، زیرا خداوند متعال با سرزنش کسانی که از تدبر قرآن روی گردان هستند به تدبر قرآن تشویق نموده است، و این نشان دهنده واجب بودن آن است، به ویژه در مورد مسائلی که هیچ مسلمانی عذری در ندانستن آن ندارد و ترک آن هرگز جایز نیست و عبادتی بدون آن مورد قبول قرار نمی‌گیرد، مانند توحید خداوند و برپا داشتن نماز و دادن زکات و روزه رمضان و حج خانه خدا، اما فروع آن و تفصیل احکام شرعی و اعتقادی و دیگر ابواب علم کار راسخان در علم است زیرا آنان اسباب آن را در اختیار دارند.

چه زیبا است که به هدف تدبیر قرآن مجالسی در مساجد و خانه‌ها و مدارس برپا گردد تا این نمونه از نمونه‌های هدایت، جا افتاده و وعده‌ای که پیامبر در این حدیث نبوی به آن اشاره نموده است محقق گردد که: «هیچ گروهی در خانه‌ای از خانه‌های خداوند جمع نمی‌شوند که کتاب خداوند را بخوانند و آن را در میان خود مورد مدارسه قرار دهند مگر آنکه آرامش بر آن‌ها نازل شده و رحمت آن‌ها را در بر می‌گیرد و خداوند آنان را نزد کسانی که پیش اویند یاد می‌کند» [به روایت مسلم در صحیح خود].

روزها و شب‌های این ماه مبارک می‌تواند بهترین موقعیت برای دستیابی به این امید باشد.

پس ای بندگان خداوند، تقوای او را پیشه خود ساخته و تدبیر در کتاب خداوند را بهترین توشه خود و قوی‌ترین انگیزه برای انجام اعمالی قرار دهید که باعث رضایت و خشنودی پروردگارتان گردد.

و در پایان بر پیامبر خداوند و برگزیده او محمد بن عبدالله درود و سلام فرستید که خداوند در کتاب خود شما را به آن امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

خداوند بر بنده و پیامبرت محمد، درود و سلام فرست و از چهار خلیفه وی ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر اهل بیت و یاران پیامبرت و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند راضی و خشنود باش؛ و همینطور از ما با عفو و کرم و احسان خود خشنود باش ای بهترین بخشنندگان.

خداوند اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوند اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوند اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوند اسلام و مسلمانان را عزت ده و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امن و امان بدار ای پروردگار جهانیان.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن بدار و مسئولان ما را اصلاح نما. خداوندا ما را
آنگونه که خود می‌دانی از دشمنانمان حفظ نما، خداوندا عاقبت ما را در همهٔ امور به خیر
گردان و ما را از خواری دنیا و عذاب آخرت محافظت کن.
خداوندا دین ما را که نگه‌دارندهٔ امر ماست و دنیای ما را که محل زندگی ماست و
آخرت ما را که بازگشت‌گاه ماست اصلاح نما و زندگی را برای ما سبب زیاده

ستایش از آن الله است، او را حمد گفته و از او یاری جسته و هدایت می‌خواهیم، و از بدی‌های خود و اعمال ناشایستمان به الله پناه می‌بریم. خداوند هرکه را هدایت کنه او گمراه‌گری نخواهد داشت و هرکه را گمراه سازد او هدایت‌گری نخواهد یافت، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که پیامبر و سرور ما محمد، بنده و پیامبر اوست. خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد، و بر اهل بیت و یاران او درود و سلام فرست.

اما بعد:

تقوای الله را آنگونه که شایسته است پاس دارید و به ریسمان محکم اسلام چنگ زنید.

ای مسلمانان:

عزت انسان در عبادت الله، بدون شریک قرار دادن برای اوست، و سعادت او در سر فرو آوردن برابر خداوند با انجام طاعات و محبت صادقانه است که این خوشبختی دنیا و پیروزی آخرت است. هرکه میان انجام امر خداوند و دوری از آنچه نهی نموده است جمع بندد از سابقین و از صالحینی است که نه ترسی دارند و نه اندوهگین می‌شوند. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ ﴿۱۰﴾ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ﴿۱۱﴾ فِي جَنَّةِ النَّعِيمِ ﴿۱۲﴾﴾ [الواقعة: ۱۰-۱۲].

«و سبقت‌جویندگان پیشگامند (۱۰) آنان همان مقربانند (۱۱) در بهشت‌های پرنعمت».

و فرموده‌اند:

﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذْنِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ﴿۳۲﴾﴾ [فاطر: ۳۲].

«سپس این کتاب را به آن بندگانمان که برگزیدیم به میراث دادیم، پس از آن‌ها گروهی به نفس خود ستم می‌کنند و گروهی مقتصدند و برخی از آن‌ها ایند که به فرمان پروردگار در انجام نیکی‌ها پیشروند که این خود توفیق بزرگ است».

«سابقین» یعنی پیشروان کسانی هستند که فرائض و واجبات را به جا می‌آورند و محرمات و مکروهات را ترک می‌کنند و اعمال مستحب را بسیار انجام می‌دهند. اما «مقتصدان» یعنی میانه‌روان از آنان پایین‌ترند و «آنان که بر نفس خود ستم کرده‌اند» کسانی‌اند که اعمال نیک و بد را در هم آمیخته‌اند.

عبادت‌تی که مسلمان به واسطه آن به خداوند نزدیک می‌شود هر سخن یا کردار ظاهر و پنهانی است که باعث خشنودی خداوند می‌شود، و بزرگ‌ترین عبادت پس از محقق گردیدن شهادتین، همین نماز است، زیرا خداوند در این فریضه اعمال قلب و اعمال بدن را یکجا گرداندن است، بنابراین هر که نمازش را برپا دارد و حق آن را ادا نماید بالاترین درجات را به دست آورده و نمازش او را از فحشاء و از حرام باز خواهد داشت و خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ ۗ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ﴿۱۵۰﴾

[العنکبوت: ۴۵].

«همانا نماز از زشتی و منکر باز می‌دارد، و قطعاً یاد الله بزرگ‌تر است و الله به آنچه می‌کنید آگاه است».

و در حدیث آمده است که رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: «نخستین چیزی که بنده در روز قیامت در مورد آن محاسبه خواهد شد، نماز است که اگر مورد قبول قرار گرفت اعمال دیگرش نیز مورد پذیرش قرار خواهد گرفت و اگر رد شد دیگر اعمالش نیز مردود است».

و از ابوذر - رضی الله عنه - روای است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - در زمستان در حالی که برگ درختان در حال ریختن بود از خانه بیرون آمد، پس شاخه‌ای از درخت را گرفت و برگ‌های درخت فرو ریخت و فرمود: «بنده‌ی مسلمان به نماز می‌ایستد در حالی که با آن خشنودی خداوند را می‌خواهد و گناهانش از او فرو می‌ریزند چنانچه این برگ‌ها از این درخت فرو ریخت» [به روایت امام احمد. هیشمی در مجمع الزوائد می‌گوید: رجال سند آن ثقه هستند].

ای مسلمانان...

آیا نمی‌خواهید بدانید چه چیز درجات انسان را افزایش می‌دهد و بدی‌های او را از بین می‌برد؟ آیا نمی‌خواهید بدانید سعادت‌مندان به واسطه‌ چه اعمالی اهل سعادت شدند و مقربان چگونه به خداوند نزدیک شدند؟

با کتاب خداوند و با سنت پیامبرتان با این اعمال آشنا شوید: «اعمال قلوب» یا همان «کارهای قلبی»؛ زیرا کارهای قلبی بهترین اعمال نزد خداوند است زیرا کار قلب اساس کارهای بدنی است و کارهای بدنی پیرو کار قلب است.

خداوند متعال نیز از ما خواسته است به واسطه‌ کارهای قلبی عبادت او را انجام دهیم تا قلب‌های ما از آنچه خلاف امر خداوند است در امان بماند و از خواست‌گاه‌هایی هوا و پرتگاه محرمات دور بماند و اینگونه درون ما پاک شود و اعمال ما نیز پالایش یابد. برای همین خداوند متعال از ما خواسته است با توکل بر او و رغبت به فضل و خیر او و پروا داشتن از او و مجازاتش و امید به اجر و پاداش او و نجات از آتش جهنم، عبادت او را به جای آوریم.

چنانکه او - سبحانه و تعالی - از ما می‌خواهد به واسطه‌ اخلاص در گفتار و کردار، و استقامت بر راه و روش سرورمان رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - عبادت او را به جای آوریم.

همچنین ما را به صبر و فروتنی در برابر خداوند و پاکی از نیرنگ و فریب و دورویی و حسد امر نموده و دوستی خداوند و پیامبر او - صلی الله علیه وآله وسلم - و دوستی آنچه را دوست دارند و بد داشتن آنچه را بد می‌دارند و توبه و انابه و مهربانی و خیرخواهی برای خدا و رسول و کتاب خدا و امامان مسلمان و همه‌ مسلمانان و دیگر کارهای قلبی را جزو عبادت قرار داده است، کارهایی که مردم به واسطه‌ آن بر هم سبقت می‌جویند.

بهترین کسان - پس از صحابه و تابعین - که به بهترین وجه کارهای قلبی را انجام دادند و بهترین کسی که متصف به حقایق این اعمال گردیده و ارکان و معانی آن را

عملی نموده است، صحابه و تابعین هستند؛ زیرا آنان معانی آن را دانسته و تطبیق نمودند و هر آنچه را نمی‌دانستند از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌پرسیدند چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [النحل: ۴۴].

«و ذکر را بر تو نازل نمودیم تا برای مردم آنچه را به سوی آنان نازل نمودیم تبیین نمایی و تا آنکه بیندیشند».

تو هم - ای مسلمان - راه آنان را در پی گیر، به آنچه می‌دانی عمل کن و درباره آنچه نمی‌دانی بی‌پرس، زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ [النحل: ۴۳].

«پس از آگاهان بپرسید اگر نمی‌دانید».

بر اهل علم فرض است که دین را به همه جهانیان برسانند و خداوند متعال فرموده است:

﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ [یوسف: ۱۰۸].

«بگو این راه من است، که براساس بصیرت به سوی الله فرا می‌خوانم، من و هر که از من پیروی کند، و پاک و بی‌عیب است الله، و من از مشرکان نیستم».

و پیامبر خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «از جانب من دین را برسانید، حتی اگر یک آیه باشد».

ای مسلمانان:

شما در رمضان، پروردگارتان عبادت پروردگارتان را به گونه‌های مختلف بجای آوردید و کارنامه اعمالتان را آکنده نیکی‌ها نمودید و کارهایی انجام دادید که پاک کننده گناهان است، پس این اعمال صالح خود را از نقص و از عواملی که کارهای نیکتان را باطل می‌گرداند پاک سازید زیرا همانطور که نیکی‌ها بدی‌ها را پاک می‌سازد، همانطور نیز بدی‌ها باعث کم شدن پاداش اعمال نیک می‌گردد و یا آنکه آن را باطل می‌گرداند.

بر عبادت‌ها به طور مداوم پایبند بمانید و بیش از آنکه به فکر انجام نیکی‌ها هستید، به فکر حفظ آن باشید و در همه ماه‌ها و همه اوقات عبادت پروردگار را به جای آورید که حق پروردگار بسیار بزرگ است و ما قادر به عبادت او آنگونه که شایسته اوست، نیستیم اما در پی انجام آنچه درست است باشید و زیاده‌روی نکنید و با پیروی از سنت عمل نیک انجام دهید و بشارت دهید و امیدوار باشید.

به بشر حافی گفتند: مردمی هستند که تنها در رمضان عبادت خداوند را انجام می‌دهند و همین که رمضان به پایان رسید دست از عمل می‌کشند. گفت: «چه بد قومی هستند؛ خداوند را نمی‌شناسند مگر در رمضان».

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ﴾ [الحجر: ۹۹]. «و پروردگارت را تا هنگامی که یقینت در رسد عبادت کن» که یقین در اینجا به معنای مرگ است، یعنی تا هنگام مرگ به عبادت پروردگارت بپرداز، زیرا عبادت خداوند پایان ندارد مگر آنکه مرگ در رسد.

استقامت کنید و بر دین خداوند پایدار باشید، همان دینی که خداوند از آن خشنود است و عمل کسی را می‌پذیرد که براساس آن عمل کند. خداوند متعال فرموده است:

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ [۱۳] ﴿أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [الأحقاف: ۱۳-۱۴].

«همانا کسانی که گفتند الله پروردگار ماست و استقامت پیشه کردند نه ترسی بر آن‌هاست و نه غمگین می‌شوند (۱۳) آن‌ها اهل بهشتند که به سبب آنچه می‌کردند جاودانه در آن می‌مانند».

خداوند برای من و شما در قرآن بزرگ برکت دهد و با آیات و ذکر حکیم، و با سنت سیدالمرسلین، سود رساند. این سخن خویش را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از هر گناهی از خداوند آمرزش می‌خواهم، پس از او آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش مخصوص خداوند است که اجابت کننده دعاهاست، او که آفریننده زمین و آسمان‌هاست، پروردگرم را ستایش می‌گویم و شکر او را به جای می‌آورم و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک و بی‌نیاز است، و گواهی می‌دهم که پیامبر و سرور ما محمد، بنده و پیامبر او و بهترین بنده‌ای است که با طاعات به خداوند نزدیکی جست. خداوند بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یاران او درود و سلام فرست.

اما بعد:

ای مسلمانان، تقوای او را پیشه سازید و از معصیت او بپرهیزید و در پی خشنودی او باشید.

بندگان خداوند:

خداوند متعال با طاعت خود در رمضان بر شما منت نهاد، پس ای مسلمان، طاعت خداوند را با طاعت شیطان عوض مکن، خداوند متعال فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ﴾

[محمد: ۳۳].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید از الله اطاعت کنید، و از پیامبر اطاعت کنید و اعمال خود را باطل نکنید.»

و بدانید که شیاطین در رمضان در غل و زنجیر بودند و شیطان می‌خواهد از شما انتقام بگیرد، برای همین از هر سو در برابر انسان مسلمان قرار خواهد گرفت، پس او را مایوس و خوار باز گردانید تا اعمال نیکتان را به باد ندهد.

و بدانید که بهترین وضعیت مسلمان این است که در پی بدی‌ها اعمال نیک انجام دهد و دست از بدی‌ها بکشد، و در درجه پایین‌تر اینکه در پی انجام بدی، عمل نیک انجام دهد و در همه حال بیدار و در حال توبه باشد. از معاذ - رضی الله عنه - روایت است که

رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «در همه حال تقوای الله را پیشه ساز، و در پی بدی نیکی انجام بده تا آن را محو گرداند و با اخلاق نیک با مردم رفتار کن».

بندگان خداوند، خداوند شما را به کاری امر نموده که نخست خود انجام داده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

پس بر سرور پیشینیان و پسینیان، و امام پیامبران، درود و سلام فرستید. خداوندا بر محمد و بر آل محمد درود فرست چنانکه بر ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی که همان تو ستوده شده و با عظمتی، خداوندا بر محمد و بر آل محمد برکت ارزانی دار چنانکه بر ابراهیم و بر آل ابراهیم برکت ارزانی داشتی، که همانا تو ستوده شده و با عظمتی و سلام بسیار فرست.

خداوندا و همچنین از همه صحابه پیامبرت و از تابعین و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نماید راضی و خشنود باشد. خداوندا و همچنین با عفو و بزرگواریت از ما نیز به همراه آنان راضی و خشنود باش ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا، از خلفای راشدین، آن امامان هدایت، ابوبکر و عمر و عثمان و علی، و از دیگر صحابه پیامبرت راضی و خشنود باش.

خداوندا ما از تو مسالت داریم که گناهان گذشته و آینده و گناهان پنهان و آشکار ما و آنچه خود بهتر از ما بدان آگاهی را مورد آمرزش قرار دهی، هیچ معبود حقیقی نیست جز تو.

خداوندا گناهان ما و زیاده‌روی ما در حق خودمان را بیامرز و گام‌های ما را استوار دار و ما را بر گروه کافران پیروز گردان.

خداوندا نفس‌های ما را تقوا ارزانی دار، و آن را پاک ساز که تو بهترین کسی هستی که آن را پاک می‌گردانی، و تو ولی و مولای آنی.

خداوندا عاقبت ما را در همهٔ امور به خیر گردان و ما را از خواری دنیا و عذاب آخرت در امان دار، ای پروردگار جهانیان.

خداوندا حق را آنگونه که هست به ما بنما و ما را توفیق پیروی از آن عطا کن، و باطل را آنگونه که هست به ما نشان ده و ما را توفیق دوری از آن عطا کن و آن را بر ما مشتبه نگردان که راه گمراهی را در پی گیریم ای پروردگار جهانیان.

خداوندا ما را از بدی‌های نفس خود در امان بگردان و از شر هر صاحب شری محافظت نما.

خداوندا ما را به سوی هدایت خود توفیق ده، خداوندا ما را به سوی هدایت خود موفق گردان که توی بر هر کاری توانایی داری.

خداوندا با حلال خود ما را از حرام بی‌نیاز گردان و با طاعت خود ما را از معصیت خود بی‌نیاز گردان و با فضل خود ما را از دیگران بی‌نیاز نما.

خداوندا ما از تو بهشت را خواهیم و هر گفتار و کرداری که ما را به آن نزدیک سازد، و از آتش و هر گفتار و کرداری که ما را به آن نزدیک سازد به تو پناه می‌بریم.

خداوندا، ای دارای جلال و بزرگی، مکر و فریب شیطان را باطل گردان، خداوندا نیرنگ دشمنان اسلام را باطل گردان، خداوندا نقشه‌های دشمنان اسلام را باطل گردان ای پروردگار جهانیان.

خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت را یاری گردان، ای قوی و ای متین. خداوندا راه و روش پیامبرت محمد را آشکار گردان، و سنت او را در همه حال و همه جا ظاهر و آشکار گردان ای پروردگار جهانیان. خداوندا دین او را بر همه

خداوندا سختی سختی دیدگان مسلمان را از بین ببر، خداوندا وام وام‌داران را ادا نما. خداوندا بیماران ما و دیگر بمیاران مسلمان را شفا ده ای پروردگار جهانیان. بندگان خداوند:

«همانا الله به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان سفارش نموده و از فحشا و منکر و تجاوزپیشگی باز می‌دارد. او شما را چنین پند می‌دهد باشد که یادآور گردید (۹۰) و چون با الله پیمان بستید به پیمان خود وفادار بمانید و سوگندهای خود را پس از استوار کردن آن مشکنید در حالی که الله را بر خود ضامن گرفته‌اید همانا الله به آنچه می‌کنید آگاه است» [النحل: ۹۰-۹۱].

خداوند بزرگ را یاد کنید تا شما را یاد کند، و او را برای نعمت‌هایش شکر گویند تا شما را افزون دهد، و همانا یاد الله بزرگ‌تر است و الله به آنچه می‌کنید آگاه است.

عنوان خطبه:

حسن ظن نسبت به خداوند و آثار آن

خطیب: دکتر اسامه خیاط

مسجدالحرام: جمعه ۲۵ شوال ۱۴۳۲ برابر با ۱ مهر ۱۳۹۰

خطبه‌ی اول:

ستایش مخصوص الله است، او که برای یارانش کافی است. او را حمدی می‌گوییم که به واسطه آن خواهان خشنودی او هستم و گواهی می‌دهم که معبودی به حق جز الله نیست که شریکی ندارد و هیچ پروردگار و معبودی جز او نیست و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد بنده الله و پیامبر او و بهترین پیامبران است که خداوند او را برگزید... خداوند بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یاران او درود و سلامی فرست که درون‌ها در پی آن پاک شوند و زندگی به آن نیک گردد.

اما بعد، بندگان خداوند، تقوای او را پیشه سازید و به سوی او توبه کنید و از او آمرزش خواهید تا «بر شما از آسمان باران پی در پی فرستد (۱۱) و شما را به واسطه‌ی اموال و فرزندان یاری دهد و برایتان باغ‌ها و رودها قرار دهد» [النوح: ۱۱-۱۲].

بندگان خداوند: روش خردمندان و متقیان و حال بندگان خداوند آن است که نسبت به پروردگار خود گمان نیک دارند و هرگز از این گمان نیک منحرف نمی‌شوند، و از این راه به کناره نمی‌روند و توقف نمی‌کنند. این راه و روش از سوی آنان عجیب نیست زیرا از سوی خداوند چیزهایی دیده‌اند که برای همیشه بر راه و روش حسن ظن به خداوند باقی خواهند ماند، چنانکه در حدیثی که بخاری و مسلم در صحیح خود از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت کرده‌اند آمده است که خداوند فرمود: من نزد گمان بندهام نسبت به خود هستم و من با اویم هنگامی که مرا یاد می‌کند...».

و در حدیثی که مسلم در صحیح خود از جابر بن عبدالله - رضی الله عنه - روایت کرده است آمده است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «کسی از شما نمیرد مگر در حالی که نسبت به خداوند متعال حسن ظن دارد».

این روش شدیداً با راه و روش کسانی که نسبت به خداوند گمان بد دارند در تضاد است؛ کسانی که خداوند به شدت راه و روش آنان را بد دانسته و در کلام خود و در معرض ذکر حوادث غزوه بدر و حوادث و عبرت‌های آن می‌فرماید:

﴿ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنَةً نُّعَاسًا يَعْتَبِي طَّائِفَةً مِّنْكُمْ وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ طَّ يَقُولُونَ هَلْ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ طَّ يُخْفُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ مَا لَا يُبْدُونَ لَكَ طَّ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَّا قُتِلْنَا هَاهُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ طَّ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿١٥٤﴾﴾

[آل عمران: ۱۵۴].

«سپس [خداوند] پس از آن اندوه آرامشی [به صورت] خواب سبکی بر شما فرو فرستاد که گروهی از شما را فرا گرفت و گروهی [تنها] در فکر جان خود بودند و

درباره‌ی الله گمان‌های ناروا همچون گمان‌های [دوران] جاهلیت می‌بردند می‌گفتند آیا ما را در این کار اختیاری هست بگو سررشته‌ی کارها [شکست یا پیروزی] یکسر به دست الله است آنان چیزی را در دل‌هایشان پوشیده می‌داشتند که برای تو آشکار نمی‌کردند می‌گفتند اگر ما را در این کار اختیاری بود [و وعده‌ی پیامبر واقعیت داشت] در اینجا کشته نمی‌شدیم بگو اگر شما در خانه‌های خود هم بودید کسانی که کشته شدن بر آنان نوشته شده قطعاً [با پای خود] به سوی قتلگاه‌های خویش می‌رفتند و [این‌ها] برای این است که خداوند آنچه را در دل‌های شماست [در عمل] بیازماید و آنچه را در قلب‌های شماست پاک گرداند و الله به راز سینه‌ها آگاه است».

سخن درباره‌ی گروهی است که نسبت به خداوند متعال دچار شک و تردید بودند و در روز نبرد احد، آن خواب سبک که باعث آرامش مسلمانان شد، آنان را فرا نگرفت که این به سبب نگرانی و جزع و ترس و گمان بدی بود که نسبت به خداوند داشتند، چنانکه خداوند متعال درباره‌ی این گروه فرموده است:

﴿بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَىٰ أَهْلِيهِمْ أَبَدًا﴾ [الفتح: ۱۲].

«بلکه شما گمان کردید که پیامبر و مومنان هرگز به سوی خانواده‌ی خود بر نخواهند گشت».

این گروه گمان داشتند که این پیروزی مشرکان نقطه‌ی فاصله و پایانی میان مسلمانان و مشرکان خواهد بود و خداوند پیامبر خود را پیروز نخواهد کرد و کار او به پایان رسیده است و عاقبت کشته خواهد شد، یا آنطور که ابن قیم می‌گوید: «آنان گمان کردند مصیبتی که به مسلمانان رسیده است براساس قضا و قدر و حکمت خداوندی نبوده است و این سخن آنان به معنای انکار حکمت و انکار قدر بود و اینکه خداوند کار پیامبرش را به کمال نخواهد رساند و دین او را بر دیگر ادیان برتری نخواهد داد».

و این همان گمان بد و سوء ظنی بود که منافقان و مشرکان در مورد خداوند داشتند که در سوره فتح به آن اشاره شده است آنجا که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَعَصِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿٦﴾﴾
[الفتح: ٦].

«و تا آنکه مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را که نسبت به الله گمان بد داشتند مورد عذاب قرار دهد. بدی‌ها و بلاها تنها آنها را در بر می‌گیرد و الله بر آنها خشمگین است و آنها را لعنت می‌کند و برای آنها جهنم را آماده ساخته است که بد جایگاهی است».

این گمان بد و جاهلی از آنجا به اهل جهل نسبت داده شده و گمانی براساس غیر حق نامیده شده است زیرا گمانی است که شایسته نام‌های نیک خداوند و صفات والای او که از هر بدی پاک و مبرا است، نیست و خلاف حکمت و یگانگی او در ربوبیت و الوهیت و وعده راست اوست که هرگز به خلاف آن نمی‌رود و مخالف کلمه اوست که هرگز دست از یاری پیامبرانش بر نخواهد داشت و لشکریان او همواره پیروز خواهند بود.

بر این اساس هر کس چنین گمان کند که خداوند پیامبرش را پیروز نخواهد ساخت و امر او را به کمال نخواهد رساند و او را یاری نخواهد کرد و لشکریانش را پیروز نخواهد کرد و آنان را برتر نخواهد گرداند و آنان را بر دشمنانشان پیروز نخواهد ساخت و شرک را بر توحید و باطل را بر حق برای همیشه غالب خواهد گرداند، چنین کسی نسبت به خداوند گمانی بد برده است، و آنچه را که خلاف کمال و جلال و صفات اوست به او نسبت داده است زیرا عزت و حکمت الهی از چنین وصفی ابا دارد و نمی‌پذیرد که حزب و لشکریان خود را ذلیل سازد و پیروزی همیشگی را از آن دشمنان مشرک خود سازد.

آنکه نسبت به خداوند چنین گمانی دارد نه او را شناخته است و نه صفات کمال او را، و همچنین کسی که گمان می‌کند این‌ها با قضا و قدر او نیست خداوند را نشناخته است و ربوبیت و پادشاهی و عظمت او را به جا نیاورند و همچنین هر کس گمان کند که خداوند این امور را بدون آنکه حکمت و هدفی در پشت آن نهان باشد، مقدر ساخته

است و بلکه همه این‌ها براساس صرف مشیت او و بدون داشتن هیچ حکمت و غایتی است، چنین کسی نیز خداوند را نشناخته است.

﴿ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ﴾ ﴿ص: ۲۷﴾.

«این گمان کسانی است که کفر ورزیده‌اند. پس وای به حال آنان که کفر ورزیده‌اند از آتس».

بیشتر مردم در مورد مسائل مربوط به خود و دیگران نسبت به خداوند گمانی ناحق و نادرست دارند و جز کسانی که خداوند را شناخته و نام‌ها و صفات او را می‌دانند و به موجب آن حمد او را به جای می‌آورند و حکمت او را می‌دانند، کسی از این گمان نادرست سالم نمی‌ماند، و هر کس از رحمت خداوند ناامید شود نسبت به او سوء ظن روا داشته است.

و هر کس برای خداوند این را جایز بشمارد که اولیای خود را با وجود نیکی و اخلاصشان، عذاب دهد و میان آن‌ها و دشمنانشان هیچ تفاوتی قائل نشود، نسبت به او گمان بد روا داشته است.

همچنین هر کس گمان می‌کند که خداوند بندگانش را بیهوده آفریده و نسبت به آنان هیچ امر و نهی روا نمی‌دارد، و پیامبرانش را به سوی آنان نمی‌فرسند و کتاب‌هایش را بر آن‌ها نازل نمی‌کند بلکه آنان را به مانند جانوران رها کرده است نسبت به او سوء ظن روا داشته است.

هر کس گمان کند که خداوند بندگان خود را پس از مرگ برای ثواب و عقاب در سرایی که نیکوکار با نیکی‌اش و بدکار براساس بدی‌اش مورد مواخذه قرار می‌گیرد، جمع نخواهد کرد، تا برای بندگانش آنچه را در آن اختلاف کرده‌اند بیان نماید، و تا برای جهانیان راستی خود و راستی پیامبرانش را ثابت سازد و دروغ دشمنانش را برملا گرداند، چنین کسی نسبت به پروردگارش گمان بد برده است.

هر کس گمان کند عمل صالح او که مخلصانه برای خداوند و برای اطاعت امر او انجام داده است، بیهوده است و خداوند بدون هیچ سببی آن را باطل می‌گرداند و او را به

سبب کاری که انجام نداده است و اختیار و نیرو و اراده‌ای در آن نداشته است مورد مجازات قرار می‌دهد و بلکه او را به سبب کاری که خود خداوند با او کرده است مجازات می‌کند، یا گمان کند که خداوند دشمنان خود را که معجزات او را که پیامبران خود را با آن یاری می‌دهد تکذیب می‌کنند، یاری می‌دهد و معجزاتی را در اختیار آنها قرار می‌دهد که با آن بندگان را گمراه کنند، و هر کاری از سوی او خوب است، حتی اگر کسی را که همه عمر را در طاعت او گذرانده است به درک اسفل اندازد و کسی را که همه عمر را در دشمنی با خدا و پیامبرانش و دینش گذرانده است به اعلیٰ علین بالا برد، و هر دوی این کارها در نیکی با هم برابرند، چنین کسی نسبت به خداوند سوء ظن روا داشته است.

و هر کس گمان کند که بنده اگر با رغبت و رهبت از خداوند چیزی بخواهد و به سوی او تضرع نموده و از او طلب کند و به او استعانت جوید و بر او توکل کند، خداوند او را مایوس خواهد کرد و آنچه را خواسته است به او نخواهد داد، نسبت به پروردگارش سوء ظن روا داشته است و در مورد او گمانی کرده است که شایسته نیست.

بیشتر مردم، و چه بسا غالب آنان - چنانکه امام ابن قیم می‌گوید - نسبت به پروردگار خود گمانی نادرست دارد، بیشتر انسان‌ها گمان می‌کنند حقشان زیر پا نهاده شده است و معتقدند که حقشان بیش از آن چیزی است که خداوند به آنها عطا کرده است و با زبان حال می‌گویند: پروردگارم به من ستم روا داشته است و حقم را به من نداده است در حالی که خود او علیه خود شهادت می‌دهد اما با زبان آن را انکار می‌کند و جرات بیان آن را ندارد و هر کس درون خود را مورد واکاوی قرار دهد و به شناخت درون و ناشناخته‌های آن بپردازد این موضوع را به مانند پنهان بودن آتش در اخگر مشاهده خواهد کرد...

پس در درون خود جستجو کن، آیا تو از سوء ظن نسبت به خداوند پاک هستی؟ شایسته است انسان خردمند نسبت به این موضوع دقت کند و در هر آن از سوء ظن نسبت به خداوند توبه کند و به نفس خود گمان بد برد که نفس منبع هر بدی است، و

برای گمان بد شایسته‌تر است از خداوندی که احکم الحاکمین و عادل‌ترین عادلان و رحیم‌ترین رحیمان و غنی و ستوده شده است، او که بی‌نیازی و ستایش کامل از آن اوست و در ذات و صفات و افعال و نام‌هایش دارای حکمت کامل است:

﴿هُوَ اللَّهُ الْخَلِيقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ يُسَبِّحُ لَهُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٢٤﴾﴾ [الحشر: ۲۴].

«اوست آن الله خالق نوساز صورتگر که دارای نام‌های نیک است. هر آنچه در آسمان‌ها و زمین است تسبیح او را می‌گویند و او است آن عزیز حکیم». خداوند من و شما را با هدایت کتاب خود و سنت پیامبرش - صلی الله علیه وآله وسلم - سود رساند. این سخن خویش را گفته و برای خود و شما و همه مسلمانان از خداوند بزرگ از هر گناهی آمرزش می‌خواهم که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش ویژه خداوندی است که آفرید و به نیکی آفرید و اندازه گرفت و هدایت نمود. او را ستایش می‌گویم، ستایش بنده‌ای شکرگزار و فروتن، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و هر آنچه در آسمان‌ها و زمین و میان آن دو و آنچه زیر خاک است، از آن اوست، و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده الله و پیامبران او و محبوب برگزیده اوست. خداوند بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یاران او، آن امامان هدایت و ستارگان شب، درود و سلام فرست. اما بعد، ای بندگان خداوند:

خداوند متعال سخن ابراهیم علیه الصلاة والسلام خطاب به قومش را اینگونه بازگو می‌کند که گفت:

﴿أَفَيْكَا ءَالِهَةً دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ ﴿٨٦﴾ فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٨٧﴾﴾ [الصافات: ۸۶-۸۷].

«آیا غیر از الله خواستار معبودانی سراپا دروغ هستید؟ (۸۶) پس گمانتان نسبت به پروردگار جهانیان چیست؟».

یعنی شما که جز او را عبادت کرده‌اید گمان می‌کنید هنگام دیدار با او با شما چه کند؟

هر که در این آیه دقت کند به این برداشت اهل علم خواهد رسید که حسن ظن نسبت به خداوند همان حسن عمل است، زیرا آنچه باعث می‌شود بنده دست به انجام اعمال نیک بزند این است که نسبت به پروردگار خود حسن ظن داشته باشد و بداند که برای اعمال نیک خود مورد پاداش او قرار خواهد گرفت و پروردگار عمل او را خواهد پذیرفت، اینجا حسن ظن باعث حسن عمل می‌گردد، وگرنه حسن ظن به همراه پیروی از هوای نفس چیزی جز ناتوانی نیست.

و به طور کلی می‌توان گفت که حسن ظن همراه با در پی گرفتن اسباب رستگاری است اما با در پی گرفتن اسباب هلاکت حسن ظنی وجود نخواهد داشت.

پس ای بندگان خداوند، تقوای او را پیشه خود سازید و گمانتان را نسبت به پروردگارتان نیک گردانید و عمل نیک انجام دهید تا به خشنودی و رضوان پروردگاری رحمان و رحیم دست یابید و در درجات والای بهشت ساکن گردید.

و در پایان بر سرور فرزندان عدنان درود و سلام فرستید که خداوند شما را به آن امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

خداوند بر بنده و پیامبرت محمد درود و سلام فرست و از چهار خلیفه

یکی گردان و رهبرانشان را اصلاح نما و کلمه آنان را بر حق یکی بگردان ای پروردگار جهانیان.

خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - و بندگان مومن مجاهد صادق را یاری ده.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان و والیان ما را اصلاح نما. خداوندا عاقبت ما را در همه امور نیک گردان و ما را از خواری دنیا و عذاب آخرت نجات ده.

خداوندا دین ما را که نگهدارنده امر ماست و دنیای ما را که زندگی‌گاه ماست، و آخرت ما را که بازگشت‌گاه ماست اصلاح نما و زندگی را برای ما سبب زیادی هر خیر و مرگ را راحتی از هر بدی بگردان.

خداوندا بیماران ما را شفا ده و مردگان ما را بیامرز و ما را به آن آرزهایمان که سبب خشنودی توست برسان.

«پروردگارا ما به خود ستم نمودیم و اگر تو ما را مورد مغفرت و رحمت خود قرار ندهی بی‌تردید از زیانکاران خواهیم بود» [الأعراف: ۲۳].

خداوندا ما از زوال نعمت و برگشت عافیت و خشم ناگهانیت و همه انواع خشمت به تو پناه می‌بریم.

«پروردگارا ما در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور گردان»

[البقرة: ۲۰۱].

و درود و سلام خداوند بر بنده و پیامبر او محمد، و بر اهل بیت و یاران او، والحمدلله رب العالمین.

عنوان خطبه:

مفهوم آزادی از دیدگاه اسلام

خطیب: دکتر سعود شریم

مسجدالحرام: جمعه ۲ ذوالقعدة برابر با ۸ مهرماه ۱۳۹۰

خطبه‌ی اول:

ستایش مخصوص خداوند واحد یکتاست، آن بی‌نیازی که نه می‌زاید و نه زاده شده است و کسی هم‌شأن او نیست. او که از احکام دین چیزی برای ما تشریح نمود که نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد را بدان سفارش نموده بود، پس دین را به پا دارید و در آن دچار تفرقه نشوید و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد بنده و پیامبر او و برگزیده‌ی بندگان و او خلیل اوست؛ رسالت را ابلاغ نمود و امانت را ادا نمود و برای امت خیرخواهی کرد و در راه خداوند آنگونه که شایسته است جهاد نمود؛ پس درود و سلام بسیار خداوند بر او و بر اهل بیت پاک و صحابه نیک او و بر تابعین و همه کسانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند.

اما بعد، ای بندگان خداوند، تقوای او را پیشه سازید و در پنهان و آشکار او را مراقب خود بدانید زیرا خداوند به نگاه خائنه و آنچه در دل‌ها نهان است آگاه است. و بدانید که هر نعمتی دارید از سوی خداوند است و هیچ نعمتی بزرگ‌تر و تاثیرگذارتر از نعمت اسلام و دین و پایبندی به امر خداوند و پیامبرش و پیگیری رضایت خداوند و دوری از عوامل خشم او نیست.

بندگان خداوند:

هر انسانی بر این کره خاکی آرزویی دارد که درون او را رها نمی‌کند و دور نیست اگر بگوییم این آرزو در مقدمه همه آرزوها و خواسته‌های او در زندگی قرار دارد که همانا: زندگی آزادانه و بزرگوارانه و با عزت است، زندگی‌ای که مساحتی وسیع از آزادی و استقلال را در اختیار او قرار دهد تا او آزادانه با دیگران مشارکت نموده و گفتگو نماید و داد و ستد داشته باشد.

می‌بینیم که شریعت ما چنین چیزی را برای هر مسلمانی تضمین نموده و پاس داشته است و او را چنان آزاد و بزرگووار و باعزت قرار داده است که هیچ کس و هیچ چیز جز سلطه شریعت خداوند بر او تسلط ندارد. او در همه مراحل زندگی، در کودکی و در جوانی و میان‌سالی و پیری در آزادی مطلق قرار دارد، تا جایی که به وظائف خود در مقابل پروردگارش و دین و مردمش اخلال وارد نسازد و تا هنگامی که موانع و محذوراتی را که آزادی منوط به آنهاست زیر پا نهد، زیرا رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - می‌فرماید: «نسبت به یکدیگر حسادت نورزید، و در خرید و فروش با یکدیگر حيله‌گری روا ندارید و به یکدیگر کینه نورزید و به هم پشت نکنید و بر فروش همدیگر نفروشید و بندگان خدا و برادران هم باشید؛ مسلمان برادر مسلمان است، نه به او ستم می‌ورزد و دست از یاری او می‌کشد و نه او را تحقیر می‌کند، تقوا اینجاست - و در این حال سه بار به سینه‌ی خود اشاره نمود - برای بدی یک انسان همین کافی است که برادر مسلمان خود را تحقیر کند. همه‌ی مسلمان بر مسلمان دیگر حرام است؛ خونس و مالش و آبرویش» [به روایت مسلم].

شریعت ضمانت در امان ماندن مصلحت عمومی است، و بر رحمت و عدالت و خیر بنا شده است که خداوند بندگان خود را بدان امر نموده است و به خوشبختی انسان‌ها در کوتاه مدت و بلندمدت منتهی خواهد گردید و بدی‌هایی که شریعت، مردم را از آن نهی نموده است نیست مگر برای در امان ماندن آن‌ها از زیان‌ها در کوتاه‌مدت و بلندمدت.

برای همین است که اسلام، مسلمان را از نظر روحی و بدنی و از نظر عقلی و قلبی به مقام و منزلت والایی می‌رساند. اسلام نه بر گردن انسان یوغ می‌نهد و نه در پاهایش غل و زنجیر قرار می‌دهد و نه پاکی‌ها را بر او حرام می‌کند. اما در همین حال او را همانند توپی سبک نمی‌گرداند که توسط بازیکنان به هر سو در حرکت باشد تا آنکه انسان گمان کند تنها برای خودش و برای دنیا زندگی می‌کند که در این صورت احمق‌هایی که اینطور فکر می‌کنند زندگی می‌کنند تا بخورند و عاقل‌هایشان می‌خورند تا زنده بمانند!

اما انسان مومن صادق که با محبت و خشیت خود نسبت به خداوند با او در رابطه است این سخن خداوند متعال را به یاد دارد که می‌فرماید:

﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ﴾ [المؤمنون: ۱۱۵].

«آیا گمان برده‌اید که ما شما را بیهوده آفریده‌ایم و اینکه شما به سوی ما باز نخواهید گشت؟».

شاطبی - رحمه الله - می‌گوید: «امت بر این اتفاق دارند که شریعت همانا برای محافظت از ضروریت‌های پنجگانه یعنی دین و جان و عقل و نسل و مال، وضع شده است و این دانش نزد امت مساله‌ای ضروری است».

ای مردم:

مردم همگی در جستجوی آزادی و کرامت هستند و در طلب آن خسته شده‌اند، جز اینکه بسیاری از آن‌ها مسیر آن را به خطا رفته‌اند و جایی که نیست به جستجوی آن پرداخته‌اند. برخی از آن‌ها آن را در دویدن در پی دنیا و زیبایی‌های آن می‌دانند و بلکه برخی از آن‌ها دورتر رفته‌اند تا جایی که مفهوم آزادی نزدشان این است که: اگر گرگ نباشی گرگ‌ها تو را خواهند درید و اگر فلاخی نهار تو نباشد تو شام او خواهی بود!

آزادی نزد آن‌ها این است که هر چه خواهی گویی و هر چه دوست داری انجام دهی و هر چه می‌خواهی بنویسی و در مورد هر کس که می‌خواهی سخن بگویی بی‌آنکه هیچ قید و بندی در برابرت باشد، و حتی اگر در مورد مسائل دین و عقیده و حق خداوند و حق پیامبر او - صلی الله علیه وآله وسلم - باشد.

اما آزادی حقیقی آن دینی است که به همراه عمل و عادت دادن درون بر تحمل سختی‌ها و روبرو شدن با مصیبت‌ها با صبر، و سختی‌ها با تلاش، و حفظ حدود، و تسلیم شدن در برابر شریعت و پایبندی به آن است. آزاد کسی است که باقی را بر فانی ترجیح دهد. آزادی آن است که انسان به پروردگاری الله راضی شود و اسلام را به عنوان دین خود با خشنودی بپذیرد و محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - را با خشنودی تمام، پیامبر

خود بداند و به آنچه نصیب او شده قانع باشد و به خالق خود اعتماد داشته باشد و از او یاری بجوید، و هرکه مزه ایمان را حس کند مزه آزادی را چشیده است.

بنابراین هرکه عبودیت برای خداوند را محقق گرداند بنده هوای نفس خود نخواهد شد و بندگی هیچ‌کس را نخواهد کرد زیرا نه شهوت و خواسته‌هایش بر او حاکم خواهد بود و نه مجبور به سازش با دیگران خواهد شد. چنین کسی را قانون «چقدر داری؟» و «پست و مقامت چیست؟» هدایت نخواهد کرد زیرا او در این حالت ارزش مردم را خواهد دانست نه ارزش ذات خود را تا با این نگاه مثبت انسانی «آزاد» باشد.

از جمله اساس‌های آزادی این است که بنده حق خداوند را آنگونه که خداوند می‌خواهد به جای آورد و حق مردم را آنگونه که خداوند تشریح نموده است به جای آورد، بنابراین در عرصه حلال و حرام، آزادی وجود ندارد زیرا خداوند متعال فرموده است:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾

[المائدة: ۳].

«امروز دینتان را برای شما کامل ساختم و نعمت خود را بر شما به کمال رساندم و اسلام را به عنوان دین برای شما پسندیدم».

و می‌فرماید:

﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلَلٌ وَهَذَا حَرَامٌ لِيَتَفَتَرُوا عَلَى اللَّهِ

الْكَذِبَ﴾ [النحل: ۱۱۶].

«و برای آنچه زبان شما به دروغ وصف می‌کند نگوئید این حلال است و این حرام است تا بر الله دروغ ببندید».

هیچ انسانی در مورد چیزهایی که به آبروی انسان‌های دیگر مربوط است از آزادی برخوردار نیست که در این صورت - یعنی در صورت تهمت زدن به آبروی دیگران - به شلاق محکوم خواهد شد، یا به رجم در زنا محکوم خواهد شد. و یا در مورد از بین بردن عقل خود و دیگران از آزادی برخوردار نیست که در صورت ارتکاب چنین کاری

ممکن است با مجازات اعدام - در صورت تجارت مواد مخدر - و یا تعزیر، روبرو شود و در مورد مال دیگران از آزادی برخوردار نیست زیرا در صورت ارتکاب جرم دزدی و یا غصب مال دیگران ممکن است با قطع دزد و یا تعزیر مجازات شود، و در مورد جان دیگران آزاد نیست و در صورت دست‌درازی به جان دیگران ممکن است قصاص شود. همچنین در تغییر دین خود آزادی مطلق ندارد زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَسِرِينَ ﴿۸۵﴾﴾

[آل عمران: ۸۵].

«و هر که دینی غیر از اسلام برگیرد از او پذیرفته نخواهد شد و او در آخرت از جمله‌ی زیانکاران خواهد بود».

و رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - می‌فرماید: «ریختن خون هیچ مسلمانی حلال نیست مگر به سه سبب: متاهل زناکار، و جان در برابر جان، و کسی که دین خود را ترک کند و جماعت مسلمانان را ترک گوید» [به روایت مسلم]

بنابراین هر کس که آزادی حقیقی را می‌خواهد باید میزان موافقت آن را با شریعت خداوند در نظر بگیرد و هر کس می‌خواهد آزادی را به خوبی پاس بدارد این سخن رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - را گوش دهد که می‌فرماید: «همانا خداوند متعال فریضه‌هایی را فرض گردانده است پس آن‌ها را ضایع نسازید، و حدودی را مشخص ساخته است پس از آن تجاوز نکنید، و چیزهایی را حرام گردانده است پس آن را زیر پا نگذارید، و از روی رحمت و نه فراموشی، در مورد برخی چیزها سکوت کرده است پس در جستجوی [حکم] آن نباشید» [حدیثی است حسن که دارقطنی و دیگران آن را روایت کرده‌اند].

حاصل سخن آنکه آزادی رابطه‌ای است محکم میان افراد یک جامعه و خانه‌ها و خانواده‌های آن که با هم در وظائف و در حقوق مشترکند و برخی بر برخی دیگر تجاوز روا نمی‌دارند و در حق یکدیگرستم روا نمی‌دارند و در برابر خود مساحت گسترده از امور مباح و حلال می‌بینند که شارع حکیم در مورد آن سکوت کرده است.

زیرا «اصحاب رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - نه منحرف بودند و نه اهل زهد ساختگی، بلکه در مجالس خود شعر می‌سرودند و دوران جاهلیت را به یاد می‌آوردند اما اگر کسی به دین آن‌ها طعنه وارد می‌ساخت چشمانشان از خشم از حدقه بیرون می‌آمد» [به روایت بخاری در ادب المفرد].

اینگونه بزرگ و کوچک، و شریف و وضعی، و غنی و فقیر، همه به دور از معانی دینار و درهم به هم متصل می‌شوند تا گرانها والا گردد و بی‌ارزش در نگاه مردم، پست گردد، نه آنکه خس و خاشاک به روی آب آید و دُرّ و گُهر به زیر آب رود!

شایسته است همه از حدود خداوند دوری گزینند زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا﴾ [البقرة: ۲۲۹].

«آن‌ها مرزهای الله است پس از آن تجاوز نکنید».

و می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ﴾ [الطلاق: ۱].

«و هرکه از مرزهای خداوندی تجاوز کند در واقع به خود ستم کرده است».

و باز می‌فرماید:

﴿تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ ﴿۱۳﴾ وَمَنْ يَعِصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ ﴿۱۴﴾ [النساء: ۱۳-۱۴].

«این مرزهای الله است و هرکه از الله و رسول او اطاعت کند او را وارد بهشت‌هایی خواهد ساخت که از زیر [قصرهای آن] رودهایی روان است و جاودانه در آن خواهند ماند و آن پیروزی بزرگ است (۱۳) و هرکه از [دستورات] الله و پیامبرش عصیان ورزد و از مرزهای او پافراتر نهد وی را به آتشی داخل خواهد ساخت که جاوده در آن خواهد ماند و برای او عذابی است خوارکننده».

خداوند برای من و شما در قرآن عظیم برکت نهد و با آیات و ذکر حکیم سود رساند. آنچه را گفتم، اگر درست بود از سوی خداوند، و از اگر خطا بود از نفس و از شیطان بود و از الله آمرزش می‌خواهم که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله است و درود و سلام بر آنکه پیامبری پس از وی نیست.

اما بعد:

بندگان خداوند، تقوای او را پیشه سازید و بدانید که محافظت از بنیان جامعه

و باز رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «اگر همه‌ی اهل آسمان و زمین در کشتن یک مومن شرکت کنند خداوند همه‌ی آنان را در آتش دوزخ خواهد انداخت».

و در جایی دیگر فرموده است: «مقتول در روز قیامت می‌آید درحالی که سر خود را در دست راست دارد که از رگ‌های آن خون می‌چکد و در برابر عرش خداوند می‌ایستد و می‌گوید: از این [قاتل] پرسید برای چه مرا کشت؟» [به روایت امام احمد].

ستمگران و متهورانی که لوله تفنگ خود را به سوی سینه برادران خود و فرزندان جامعه خود نشانه می‌روند و در کشتن زیاده‌روی می‌کنند و زشت‌ترین کشتارها را مرتکب می‌شوند بی‌آنکه حرمت خون و مال و فرزندان دیگران را پاس بدارند، تنهای برای به دست آوردن دنیایی زائل و موقت، و منافع شخصی خود را بر حرمت بندگان مقدم می‌دارند تا جایی که کشتن انسان‌ها برای برخی از آنها از کشتن مگس هم آسان‌تر شده است که به خداوند سوگند، به خداوند، به خداوند سوگند، این خسران و زیان بزرگ است.

﴿وَلَيْسَ لَنْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ﴾ [العنكبوت: ۱۳].

«و بی‌تردید روز قیامت درباره‌ی آنچه به دروغ افترا می‌بستند مورد پرسش قرار خواهند گرفت».

قاتل زندانی است، حتی اگر آزاد باشد، غمگین است حتی اگر بخندد، زیرا رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «مومن همچنان در دین خود گشایش و مجال دارد تا آنکه دست به خون حرام آلوده نکرده باشد» [به روایت بخاری].

و ابن عمر - رضی الله عنهما - می‌گوید: «از جمله مهلکه‌هایی که هیچ راه برون رفتی ندارد برای کسی است که خونی حرام را به زمین بریزد».

و در پایان ایستادن در برابر خداوند است. بنابراین همه کسانی که در سرزمین‌های خود دست به کشتن برادران خود می‌زنند باید از خداوند بترسند.

و در پایان درود و سلام فرستید بر بهترین انسان‌ها و پاک‌ترین آنان، محمد بن عبدالله، صاحب حوض و شفاعت، که خداوند شما را به کاری امر نموده که خود نخست آن را انجام داده و سپس فرشتگان تسبیح‌گوی او آن را انجام داده‌اند و فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [الأحزاب: ۵۶].

و رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «هرکه بر من یک درود فرستد، خداوند به سبب آن بر وی ده درود خواهد فرستاد».

خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد درود و سلام فرست و از چهار خلیفه او: ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه پیامبرت - صلی الله علیه وآله وسلم - و از تابعین و کسانی که تا قیامت به نیکی از آن‌ها پیروی نمایند راضی و خشنود باش و همچنین از ما به همراه آنان با عفو و کرم خود خشنود باش ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار بگردان. خداوندا دینت را و کتاب را و سنت پیامبرت و بندگان مومن را یاری ده.

خداوندا غم‌دارد و سختی سختی‌دیدگان را برطرف ساز و اسیران دربند را آزاد گردان، ای دارای جلال و بزرگواری، ای پروردگار جهانیان.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و امامان و مسئولان ما را اصلاح نما. خداوندا ولایت ما را در دست کسانی قرار ده که تقوای تو را پیشه ساخته‌اند و در پی خشنودی تو اند.

خداوندا اوضاع مسلمانان را در همه جا اصلاح نما. خداوندا اوضاع مسلمانان را در هر جا که هستند اصلاح نما. خداوندا اوضاع آنان را در مصر و سوریه و یمن و لیبی و دیگر سرزمین‌های مسلمان سامان بخش ای پروردگار جهانیان.

«پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بدار»

[البقرة: ۲۰۱].

پاک و بی‌عیب است پروردگار ما، پروردگار عزت از آنچه دروغ و صفش می‌کنند و سلام بر پیامبران و آخر سخن اینکه: الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

داستان ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام

خطیب: دکتر صلاح البدیر

مسجد نبوی شریف: جمعه ۱۶ ذوالقعدة ۱۴۳۲ برابر با ۲۲ مهر ۱۳۹۰

خطبه‌ی اول:

ستایش مخصوص خداوند است که به وجود آورنده موجودات است، بخشنده گناهان است، داننده پنهان‌هاست و آگاه از درون انسان‌هاست. او را ستایش می‌گوییم، ستایش کسی که به کوتاهی خود معترف است و از او آمرزش می‌خواهم، آمرزش کسی که از عذاب آتش بیمناک است؛ و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و علم و رحمت او همه چیز را در بر گرفته است و گواهی می‌دهم که پیامبر و سرور ما محمد، بنده و پیامبرسان او است، آن پیامبر رحمت که براساس حکمت به سوی راه پروردگار خود، دعوتگر است. درود و سلام و برکات خداوند بر او و بر اهل بیت و یاران او باد.

اما بعد، ای مسلمانان:

تقوای خداوند را پیشه سازید که تقوای او بهترین دستاورد و طاعت او بالاترین نسب است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ ۖ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿۱۳۲﴾

[آل عمران: ۱۰۲].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را آنگونه که شایسته است پاس دارید و نمی‌رید مگر در حالی که مسلمانید».

ای مسلمانان: در سیرت گذشتگان عبرت‌ها و رهنمون‌ها است و در داستان‌های پیامبران پندها و اندرزها است، امروزه امت چقدر نیازمند نظر انداختن در این داستان‌ها است تا راهنما و چراغی برای آنان باشد.

﴿وَكَلَّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ [هود: ۱۲۰].

«و هریک از سرگذشت‌های پیامبران را برای تو بازگو می‌کنیم تا قلب تو بدان استوار گردد و در این‌ها حقیقت برای تو آمده است و پند و یادآوری است برای مومنان».

داستان پدر پیامبران، و امام یکتاپرستان، ابراهیم - علیه الصلاة والسلام - بزرگ‌ترین پیامبران اولوالعزم، بعد از پیامبر ما محمد - صلی الله علیه وسلم - داستانی آکنده از نشانه‌ها و پندها و مملو از عبرت‌ها و اندرزها، ابراهیم خلیلی که امامت در نسل او باقی است و تا ابد خواهد ماند و تنها ستمگران ذریه او به آن دست نخواهند یافت.

از جمله ویژگی‌ها و فضیلت‌های او خلعتی باشکوه و درجه‌ای دست نیافتنی و ویژگی ممتازی است که خداوند به او ارزانی داشت و آن این است که هیچ کتابی بعد از او نازل نگردیده و هیچ پیامبری پس از او نیامده مگر آنکه از نسل و ذریه او بوده است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ﴾ [العنکبوت: ۲۷].

«و پیامبری و کتاب را در نسل او قرار دادیم».

هنگامی که ابراهیم به پیری رسید و همسرش ساره عقیم شد ترش تنهایی در او شدت گرفت و ابراهیم از خداوند خواست که ذریه‌ای صالح نصیب او بگرداند و با مشورت همسرش از هاجر صاحب فرزندی به نام اسماعیل شد و از این فرع شریف و شاخه باشکوه، آن گوهر تابناک و مروارید روشنگر، و بهترین اهل زمین و سرور فرزندان آدم، سرور و پیامبر ما محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - دیده به جهان گشود و کسی جز او از ذریه اسماعیل به پیامبری نرسیده است.

اما آتش غیرت زنانه در درون ساره شعله‌ور گردید و غم و اندوه او شدت گرفت و از ابراهیم خواست که هاجر و فرزندش را به جایی دیگر برد که آنان را نبیند و ابراهیم نیز آنان را برد تا آنکه به امر پروردگار به جایگاه بیت‌الحرام رسید، به صحرایی خشک و لم‌بزرع که نه انسانی در آن ساکن بود و نه انیس و همراهی. ابراهیم آن دو را آنجا با کمی آب و غذا رها کرد و رفت.

مادر اسماعیل او را دنبال کرد و گفت: ای ابراهیم! کجای می‌روی و ما را در این دره تنها می‌گذاری؟ ما را با چه کسی ترک می‌کنی؟ ابراهیم گفت: با خداوند. مادر اسماعیل گفت: راضی شدم. و در روایت دیگر است که گفت: پس او ما را ضایع نخواهد ساخت. چه عقیده صادقانه‌ای! عقیده‌ای که وجدان‌ها را بیدار می‌کند و احساس را به حرکت می‌آورد. عقیده‌ای که تسلیم قضای خداوند شده و تسلیم حکم او گردیده است و بدون هیچ تردید و سرکشی سر در برابر آن حی لایموت خم کرده است.

امروزه نیز شایسته است که زن مسلمان هاجر مومنه را الگویی برای پیروی و پابندی و اسوه‌ای برای صبر و ثبات بگرداند.

ابراهیم نیز در حالی که تکه‌ای از قلب و درون خود را به جا گذاشته بود و تسلیم قضای خداوند شده بود، در حالی که بر این بلا صبر و شکیبایی می‌نمود با یقین کامل چنین دعا نمود:

﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ ﴿٣٧﴾﴾
[ابراهیم: ۳۷].

«پروردگارا من [یکی] از فرزندانم را در دره‌ای لم‌بزرع نزد خانه‌ی حرامت سکنا داده‌ام. پروردگارا تا نماز را برپا دارند، پس دل‌های برخی از مردم را به سوی آنان گرایش ده و آن‌ها را از محصولات روزی ده باشد که شکرگذار گردند.»

هاجر مدتی را با قضای حتمی خداوندی به سر برد. توشه‌اش تمام شده بود و سینه‌اش خشکیده بود و حتی آبی نمی‌یافت که با آن لب‌های فرزندش را تر کند.

مخمصمه‌ای سخت بود و گرسنگی. بی‌تابی و ضجهٔ کودکش او را آشفته کرده بود. کودکی که به خود می‌پیچید و پای بر زمین می‌کشید گو آنکه برای مرگ بی‌تابی می‌کند. هاجر که دوست نداشت او را در این حالت ببیند به راه افتاد، به راه افتاد در حالی که قلبش پاره پاره می‌شد. بر صفا بالا رفت و دشت را در برابر خود داشت که شاید کسی را ببیند. دوباره به دره پایین آمد و به سرعت رفت تا آنکه با مروه بالا رفت و روبروی خود را پایید که شاید کسی به سوی او بیاید.

رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «و این همان سعی مردم میان صفا و مروه است».

همین که هفت بار میان صفا و مروه رفت و آمد کرد، ناگهان صدایی شنید و در خواست کمک کرد، درخواست واماندگان و استغاثه نمود، استغاثهٔ تشنگان... اگر می‌توانی مرا یاری ده...

ناگهان جبرئیل - علیه السلام - با پای خود بر زمین زد و در پی آن آب از زمین برجهید و زمزم از زمین جوشید...

خداوند هرکه تقوای او را پیشه سازد و به او امید آورد ناامید نمی‌سازد. پروردگار به ضعف هاجر رحم آورد و غم او را برطرف ساخت و زمین را از زیر پای او جوشاند. هاجر با دست خود برای آب حوضچه‌ای درست کرد و مشک خود را پر آب نمود. رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «خداوند رحمت کند مادر اسماعیل را؛ اگر زمزم را به حال خود می‌گذاشت چشم‌های روان می‌شد» [به روایت بخاری]. و این زمزم است که به اذن پروردگار حاجیان را آب می‌دهد و آتش عطش را فرو می‌نشاند. بهترین آبی است که در زمین وجود دارد و رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - دربارهٔ آن می‌فرماید: «بی‌شک این آبی است مبارک، که غذای خوردن است و دوی درد» [به روایت مسلم].

پرنندگان بر فراز آب به پرواز پرداختند و گروهی از «جُرْهُمیان» هاجر را یافتند و از او اجازه خواستند در آنجا منزل گزینند. مادر اسماعیل این را خوش داشت و به آنان اجازه

داد تا آنکه آنان انیس او شدند و خانه‌هایی از آن قبیله به آنجا نقل مکان کردند و قلب‌های برخی از مردم به سوی او گرایش یافت. اسماعیل نیز میان فرزندان آن قبیله بزرگ شد و به زبان آنان سخن گفت و عربی آموخت و او را گرامی یافتند و بزرگش داشتند و از خود به او همسر دادند.

سپس اسماعیل در وفات مادر صابرش اندوهگین شد و هاجر پس از آنکه اخلاق نیک و خصلت‌های والا را به او آموخت و اسماعیل برای خود مردی شد، دارفانی را وداع گفت.

تربیت فرزندان بزرگ‌ترین وظیفه زنان و نخستین نقش آنان است و هرگاه این وظیفه به فراموشی و اهمال سپرده شود همه امت و نسل‌های آن نیز رو به سوی فساد خواهند آورد.

ابراهیم اما گاه به گاه به فرزند خود سر می‌زد و سوز جدایی و دلتنگی فرزند و درد دوری او را می‌آزرد که سوز فرزند را نه صبر دوا می‌کند و نه هیچ سینه‌ای توان آن را دارد.

روزی ابراهیم به نزد فرزند آمد در حالی که اسماعیل در حال تراشیدن تیر بود، پس همین که اسماعیل، پدر را دید به سوی او برخاست و همان کاری را کردند که هر پدر و پسری پس از مدتی جدایی می‌کنند؛ سپس ابراهیم او را از امر پروردگار آگاه نمود که باید خانه را براساس توحید و حنیفیت و دوری از شرک و بت‌پرستی بسازند، پس ابراهیم پایه‌های خانه را برافراشته ساخت و اسماعیل در خدمت او بود و سنگ می‌آورد و پدر را در ساختن خانه یاری می‌داد. پس همین که خانه بالا رفت اسماعیل سنگی آورد تا پدر بر آن بایستد و ابراهیم بر سنگ «مقام» ایستاد در حالی که پابره‌نه بود و خانه را می‌ساخت و اسماعیل نیز به او سنگ می‌داد و هر دو با هم چنین دعا می‌کردند که:

﴿رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ [البقرة: ۱۲۷].

«پروردگارا ما از ما بپذیر که در حقیقت تو شنوای دانایی.»

کاری که مورد قبول نیفتد چه فایده‌ای دارد و اگر خشنودی در پی آن حاصل نیاید چه ارزشی دارد و اگر پاداشی نداشته باشد چه حاصل از آن؟ شما نیز اخلاص را وسیله‌ای برای پذیرفته شدن کار خویش قرار دهید و موافقت و پیروی از پیامبر - صلی الله علیه و آله وسلم - را نیز عاملی برای اجر و ثوابی که امید دارید بگردانید زیرا ریاکار هیچ سودی از تلاش خود نمی‌برد و بدعتگذار پاداشی در پی زحمت خود نخواهد یافت.

سپس بنا به پایان رسید و ابراهیم در زمین ندای اذان بلند کرد و مردم دسته دسته از دوران پدرمان ابراهیم - صلی الله علیه وسلم - تا امروز رو به سوی کعبه معظمه و سرزمین‌های مقدس حرام آوردند، همه با اختلاف نژادهایشان در یک لباس در آمدند و با وجود تفاوت سرزمین‌هایشان یک شعیره را انجام می‌دهند و بر فطرت اسلام و بر کلمه اخلاص و بر دین پیامبرمان محمد - صلی الله علیه وسلم - و بر ملت پدرمان ابراهیم که حنیف و مسلم بود، یکجا گردیدند.

یک خانه و یک بدن؛ بدنی که با خوشبختی یک قسمت آن، همه‌اش احساس خوشبختی می‌کند و با درد یک بخش آن، همه‌اش دچار درد و اندوه می‌شود. رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - می‌فرماید: «هر که نماز ما را برپا داشت، و رو به سوی قبله‌ی ما آورد، و ذبیحه‌ی ما را خورد، مسلمان است که در ذمه‌ی و پیمان خدا و رسول اوست پس پیمان خداوند را زیر پا نگذارید» [به روایت بخاری].

اینگونه کعبه مشرفه قبله امت محمد - صلی الله علیه و آله وسلم - گردید، هر که قبله‌ای دارد که روی به سوی آن می‌آورد و هر کس راه و روشی دارد که آن را خوش می‌دارد، و مسلمان روی به جایی می‌آورد که دینش او را فرمان می‌دهد و از آن سو منحرف نمی‌شود و در مورد دین خود از هیچ کس دیگری تقلید نمی‌کند و در سنت‌ها و ظواهرش خود را شبیه دیگران نمی‌گرداند.

چگونه ممکن است اهل اسلام رو به سوی دیگران آورند در حالی که وحی بر آنان نازل شده است و رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - در میان آنان مبعوث شده

است تا آنکه به برکت رسالت او و میمنت پیامبری و نور دعوتش بهترین امت‌ها گردیدند.

پس ای اهل اسلام، بر دین خود ثابت بمانید و برحذر باشید از اینکه در این راه پایتان بلغزد زیرا دین شما همان قبله صحیح است و شریعتتان همان راه راست و عقیده‌تان همان فطرت سالم دست نخورده.

خداوند من و شما را تا هنگام ملاقاتش بر حق و هدایت ثابت‌قدم بگردان. آنچه را شنیدید گفتم، و از خداوند برای خود و شما و دیگر مسلمانان از هر گناهی آمرزش می‌طلبم، پس از او آمرزش بخواهید که او آمرزنده مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش ویژه خداوند بزرگ والا مرتبه است، او را برای نعمت جزیل و فضل بزرگش سپاس می‌گویم و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز او که واحد و بی‌شریک است و از داشتن شریک و هم‌تا پاک و منزّه است، و گواهی می‌دهم که پیامبر و سرور ما محمد، بنده و پیامبر بزرگوار او و دارنده خصلت‌های نیک و شریف است. درود و سلام خداوند بر او و بر اهل بیت و یاران او باد که بهترین اصحاب و بزرگوارترین خاندانند.

اما بعد ای مسلمانان:

تقوای الله - عزوجل - را پیشه سازید زیرا با تقوا برکت حاصل می‌گردد و هلاکت و بلا دور می‌شود و همانا عاقبت از آن متقیان است.

ای مسلمانان:

ابراهیم در حال خواب رویایی دید - و رویای انبیاء، حق است - خوابی سخت، محنتی که کوه را از پای در می‌آورد. پیرمردی کهنسال که با گذر روزها دست و پنجه نرم کرده و سختی‌ها او را سست نموده چنین دستور یافته است که فرزند را با دستان خود ذبح کند.

چه کسی توانایی این امتحان را دارد و کدام قلب تحمل این سختی را دارد؟!

ابراهیم بر پدر وارد شد تا پدر رویای خود را با او بازگو نماید و محنت خود را با او در میان گذارد

﴿يَبْنِيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَىٰ﴾ [الصافات: ۱۰۲].

«ای فرزندانم، من در خواب می‌بینم که دارم تو را ذبح می‌کنم، پس ببین چه به نظرت می‌آید».

و اسماعیل، در حالی که مطیع پروردگار بود لبیک گفت و صابرا نه و کاملاً خشنود، گفت:

﴿يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ﴾ [الصافات: ۱۰۲].

«ای پدر آنچه را امر شده‌ای انجام ده، ان شاء الله مرا از صابران خواهی یافت».

«پس همین که تسلیم امر خداوند شدند و او را بر پهلو خوابانند» فرزند صالح مطیعانه سر بر فرمان نهاد گفت: «ای پدر آنچه را امر شده‌ای انجام ده که ان شاء الله مرا از صابران خواهی یافت».

پس همینکه کارد را بر گلوی فرزند نهاد ارحم الراحمین اینگونه او را ندا زد که

﴿يَا إِبْرَاهِيمُ ۖ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾ [الصافات: ۱۰۴-۱۰۶].

«ای ابراهیم (۱۰۴) به درستی که رویای خود را حقیقت بخشیدی (۱۰۵) به راستی این همان آزمایش آشکار بود».

و پروردگار او را به ازای ذبحی عظیم باز رهانید، او گوسفندی چاق را به جای او قرار داد تا بداند که امتحان برای عذاب و شکنجه نیست بلکه برای پاک‌سازی است.

هنگامی که قسمتی از قلب ابراهیم به اشغال محبت اسماعیل درآمد در حالی که خداوند او را خلیل خود گردانده بود، دستور داده شد تا فرزند را سر ببرد و همینکه ابراهیم، ذبح اسماعیل را آغاز کرد مشخص گردید که محبت خداوند در قلب ابراهیم از محبت فرزندش نیز بیشتر است و اینجا بود که مقام خلیلیت ابراهیم از هرگونه مشارکت با کسی یا چیزی دیگر پاک گردید و اینجا بود که دیگر نیازی به ذبح نبود.

پس کجایند آنان که قلبشان سرگردان است و درونشان در عشق و دلدادگی و دل‌بستگی و هوا و هوس دیگران است؟ دوستی غیر خداوند و صمیمیتی که براساس تقوا پایه نهاده نشده است که این لغزشی خطرناک و عیبی است که فراموش نمی‌شود.

محبت پروردگار والا با محبت معشوقان دیگر یکجا نمی‌شود:

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾ [البقرة: ۱۶۵].

«ولی کسانی که ایمان آورده‌اند الله را بیشتر دوست می‌دارند».

﴿الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ﴾ [الزخرف: ۶۷].

«یاران صمیمی آنروز برخی دشمن برخی دیگرند مگر متقیان».

چه اندرزی است این، اگر شنونده‌ای باشد، و چه یادآوری است! اگر توبه‌کننده‌ای باشد، و چه بیدارگری است، اگر پشیمانی فروتن باشد.

خلیل خداوند، امر به ذبح فرزند می‌شود و خود با دست خود این کار را انجام می‌دهد، و امروزه برخی از انجام شریعت خداوند تکبر می‌ورزند و از سر نهادن و نرمی در برابر احکام دین او سر باز می‌زنند.

پس وای بر متکبران و مستنکفان، آنانی که حق را نمی‌پذیرند و خلق را به گمراهی می‌کشاند، وای بر آنان از آن روزی که خوار و ذلیل و حقیر و کوچک، حشر خواهند شد:

﴿يَوْمَئِذٍ يُوقِفِيهِمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقُّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ﴾ [النور: ۲۵].

«آنروز الله جزای شایسته‌ی آنان را به طور کامل می‌دهد و خواهند دانست که الله همان حقیقت آشکار است».

ای مسلمانان:

از آنروز تاکنون قربانی نمادی برای ملت ابراهیم گردید و همینطور سنتی در شریعت محمدی که برای انسان، یادآور فداکاری و ایثار، و راستی و وفا، و صبر و پایداری در هنگام سختی و امتحان، و استجابت نیکو برای خداوند در آسانی و سختی است.

داستان ابراهیم و هاجر و اسماعیل این حقیقت را تبیین نمود که اسلام تنها نام مسلمانی و مسلمان دانستن خود نیست، و نه هم به محض مسلمان‌زادگی و ادعای مسلمانی است، بلکه آن ایمانی است راسخ و یقینی صادقانه که علامت آن سر نهادن در برابر کسی است که کسی نمی‌تواند رابطه با او را قطع کند...

داستان آزمایش بزرگ امت اسلام را در حالی که با امواج آزمایش‌ها دست و پنجه نرم می‌کند اینچنین یادآور می‌شود که هیچکس برای گمراهی و کج‌روی از راه مستقیم، بهانه‌ای ندارد و برای انحراف از راه حق شبهه‌ای ندارد و هیچ‌کس برای رویگردانی از روش آشکار و حجت روشن، نمی‌تواند تعلق و سستی ورزد و هیچ عذری برای سستی و نرمش به حساب عقیده و دین نیست.

پس سلام بر پدر پیامبران و سلام بر امام حنفاء...

بندگان خداوند:

خداوند متعال شما را به امری فرمان داده است که خود آن را آغاز نموده و سپس ملائکه را به آن امر نموده و در پایان شما را دستور به آن داده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد، درود و سلام فرست و از چهار خلیفه وی، اصحاب سنت پیروی شونده، ابوبکر و عمر و عثمان و علی، و از دیگر صحابه پیامبرت و از تابعین و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند، و همچنین از ما با عفو و کرم خود، راضی و خشنود باش، ای گرامی‌ترین گرامیان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، و شرک و مشرکان را خوار بگردان، و شرک و مشرکان را خوار بگردان و دشمنان دین را نابود ساز و بندگان موحدت را یاری ده و سرکشان و تجاوزکاران را نابود گردان، ای پروردگار جهانیان.

خداوندا امنیت و رفاه و عزت و استقرار سرزمین حرمین را مداوم و همیشگی بگردان...

خداوندا مسجدالاقصی را از ناپاکی یهود پاک گردان، خداوند یهودیان غاصب متجاوز را به تو شکایت می‌بریم، خداوندا آنان را به تو می‌سپاریم که یارای ناتوان ساختن تو را ندارند. خداوندا هیچ پرچمی از آنان را برافراشته مدار و هیچ هدفی از آنان را محقق مگردان و آنان را عبرتی برای پسینیان بگردان.

خداوندا اوضاع مسلمانان را در هر جا که هستند اصلاح نما، خداوندا اوضاع مسلمانان را در یمن و شام اصلاح نما، خداوندا جانشان را حفظ کن و ناموسشان را ایمن بدار و از اموال و امنیت و استقرارشان محافظت کن. ای پروردگار جهانیان.

خداوندا فتنه‌ها و بدی‌ها و جنگ را از سرزمین مسلمانان دور بدار، خداوندا فتنه‌ها و بدی‌ها و جنگ را از سرزمین مسلمانان دور بدار.

خداوندا کسی را با شکست ما شادمان مگردان و هیچ کافری را بر ما قدرتمند مساز. خداوندا بیماران ما را شفا ده و مبتلایانمان را عافیت ده و اسرای ما را آزاد گردان و مردگان ما را بیامرز و ما را بر دشمنانمان پیروز گردان ای پروردگار جهانیان.

خداوندا ای حی و ای قیوم، حاجیان خانهات را حفظ نما، خداوندا زائران مسجد پیامبرت - صلی الله علیه وآله وسلم - را با حفظ و عنایت خود محافظت نما.

خداوندا هرکه را برای ما و برای مسلمانان اراده بدی دارد به خود مشغول گردان و مکر او را در نابودی او قرار ده ای پروردگار جهانیان.

بندگان خداوند:

«همانا الله به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان امر نموده و از فحشاء و منکر و

تجاوز باز می‌دارد. او شما را چنین اندرز می‌دهد باشد که پندپذیر گردید» [النحل: ۹۰].

پس خداوند بزرگ را یاد کنید تا شما را یاد کند و او را بر نعمت‌هایش شکر گوئید تا شما را افزون دهد، و همانا یاد الله بزرگ‌تر است و الله به آنچه می‌کنید آگاه است.

عنوان خطبه: اسلام، دین اخلاق

خطیب: دکتر صالح بن حمید

مسجدالحرام: جمعه ۲۳ ذی القعدة ۱۴۳۲ برابر با ۶ آبان ماه ۱۳۹۰

خطبه‌ی اول:

ستایش مخصوص خداوند است، ستایش ویژه اوست که امت‌ها را پدید آورده و از بین می‌برد و خاکستر مردگان را دوباره زنده می‌گرداند، شاکرانه و فرمانبردارانه او را سپاس می‌گوییم و و عابدانه و وفروتنانه از او آمرزش می‌خواهم و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده خداوند و پیامبر اوست که پروردگارش او را با دین حق، هدایتگر و دعوتگر مبعوث نمود. درود و سلام بسیار و پی در پی خداوند بر وی و بر اهل بیت و یاران او باد.

اما بعد:

ای مردم شما و خود را به تقوای خداوند - عزوجل - سفارش می‌کنم، پس تقوای او را پیشه خود سازید:

﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ﴾ [البقرة: ۲۸۲].

«تقوای الله را پیشه سازید و الله شما را علم خواهد آموخت».

با علم، عمل درست خواهد شاد و با عمل حکمت به دست خواهد آمد و با حکمت است که زهد صحیح وجود خواهد داشت و با زهد دنیا شناخته می‌شود و هرکه دنیا را به خوبی بشناسد به آخرت دل خواهد بست و هرکه دل به آخرت بندد توفیق خداوندی را به دست خواهد آورد که توفیق خداوندی بهترین راهبر است و هرکه به قضای خداوندی خشنود شود هیچکس نخواهد توانست او را خشمگین سازد و هرکه به عطای پروردگار

قانع شود دچار حسد نمی‌شود و هر که درهای خیر را در برابر خود گشوده دید شایسته است به سوی آن بشتابد که او نمی‌داند این در کی بسته خواهد شد.

و بدانید که مرگ به همه ما خواهد رسید و قبر همه را در آغوش خود خواهد گرفت و قیامت همه ما را دوباره یکجا جمع خواهد کرد و خداوند است که میان ما داوری خواهد نمود و او بهترین داور است:

﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٤٨﴾﴾

[المائدة: ٤٨].

«پس در کارهای نیک بر یکدیگر سبقت بگیرید، بازگشت همه شما به سوی الله است، سپس شما را نسبت به آنچه در آن اختلاف داشتید آگاه خواهد ساخت.»

ای مسلمانان، حجاج بیت الله الحرام؛ خداوند عزوجل می‌فرماید:

﴿الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ ۗ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَتَزُودُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ ۗ وَاتَّقُوا يَتَأُولَى الْأَلْبَابِ ﴿١٩٧﴾﴾

[البقرة: ١٩٧].

«حج ماه‌هایی مشخص است پس هر که در این ماه‌ها حج را بر خود واجب گرداند [بداند که] هم‌بستری و گناه و جدل در حج [جایز] نیست و هر آنچه از خیر انجام دید الله آن را می‌داند، و توشه بگیرید که در حقیقت بهترین توشه تقوا است و ای خردمندان پروای مرا بدانید.»

قواعد رفتار، و معیارهای اخلاقی و آداب برخورد و تعامل با مردم معیار و مقیاسی آشکار از معیارهای پایبندی عملی به دین اسلام و نشانه‌ای از نشانه‌های پیشرفت تمدنی و تعالی انسانی است و آن قواعد و آدابی است که بر روابط میان انسان‌ها حاکم است، از هر طبقه و گروهی که باشند؛ قواعدی که احساس امنیت و محبت و حسن معاشرت و خوشبختی جامعه را در پی دارد.

حاجیان نیز در جمع خود و همچنین دیگر مسلمانان در اجتماع‌های خود، تجلی‌گر مظاهر این رفتار و اخلاق دین خود و پایبندی به تعالیم شریعت خود هستند و هر که

مردم را دوست بدارد آنان نیز او را دوست خواهند داشت و هر که را با نیکی با آنان رفتار نماید می‌پذیرند.

اخلاق نیک و برخورد خوب یکی زبان انسانی مشترک است که هر کس آن را می‌فهمد و بزرگواران جذب آن می‌شوند و حکیمان به آن گوش فرا می‌دهند. چهره‌ باز و بشاش بهترین وسیله را به دست آوردن مردم است و روی خوش کینه‌ها را از بین می‌برد و انسان حکیم کسی است که پیش از آن که مردم را با زبان مورد خطاب قرار دهد با عمل خود با آنان رابطه برقرار می‌کند.

ای مسلمانان، ای جمع حجاج:

در دین ما آن اندازه راهنمایی‌ها و توجیهاات فراوانی وجود دارد که قادر است شبکه‌ای وسیع از روابط را در دایره خانواده و جامعه و در دایره وسیع‌تر جهان اسلام و سپس دایره وسیع‌تر جامعه اسلامی، شکل دهد و مدیریت کند.

همچنین در نصوص دینی ما آمده است که: «کامل‌ترین مومنان از نظر ایمان بهترین آن‌ها از نظر اخلاق است» [به روایت احمد و ابوداود و ترمذی].

و در حدیث دیگری آمده است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «اموال شما برای عطا کردن به همه‌ی مردم کافی نیست پس شایسته است که چهره‌ی خود را برای آنان بشاش نمایید و اخلاقتان را نیک کنید» [به روایت ترمذی و حاکم از حدیث ابوهریره با سند صحیح].

و در حدیثی که امام مسلم از عبدالله بن عمرو بن عاص - رضی الله عنهما - روایت کرده است آمده که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «هر که دوست دارد از آتش دور شده و به بهشت داخل شود در حالی مرگش در رسد که به الله و روز قیامت ایمان دارد و طوری به نزد مردم آید که دوست دارد مردم به نزد او آیند».

مردم معادنی متفاوت و دارای طبقات و منزلت‌های گوناگونی هستند و رفتار با همه آن‌ها به یک نحو چیزی است که در زندگی امکان‌پذیر نیست، برای مثال آنچه برای این مناسب است برای آن یکی مناسب نیست و رفتاری که با این گروه مناسب است ممکن

است با آن گروه مناسب نباشد و رفتاری که با این یکی خوب است با دیگری زیبا نیست.

همینطور باید آنگونه مردم را مورد خطاب قرار داد که می‌دانند زیرا عقل و خرد انسان‌ها یکی نیست و فهم مردم با هم متفاوت است و طبیعت آنان نیز متفاوت است. پدر و فرزند، همسر و برادر، رئیس و مرئوس، زودفهم و دیر فهم، گرم و سرد، خویشاوند دار و دور از خویشاوندان، مردم و صفاتشان و حالاتشان، در سختی و آسانی، و شادی و غم و در همه این‌ها، خداوند بندگان خود را می‌آزماید...

حکیمان گفته‌اند: اگر خواستی ماهی صید کنی بر لبه قلاب خود طعمه‌ای مناسب بگذار، چه بسا کرمی برای این کار مناسب باشد و بهترین گوشت مناسب این کار نباشد! ای مسلمانان، حجاج بیت الله:

در اینجا قصد داریم بخشی کوچک از سیره مصطفوی و راه و روش محمدی و سنت نبوی را در انواع معاملات و توجیهاات برای گروه‌ها و شخصیت‌های متفاوت به نمایش بگذاریم؛ چرا که او آن برگزیده خداوند و هدایتگر بشریت است که خداوند او را با این سخن خویش بر دیگر بندگان ویژگی داده است:

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ [التوبة: ۱۲۸].

«پیامبری از سوی خود شما به نزد شما آمده است که رنج شما بر او سخت است، [به هدایت] شما حریص است و نسبت به مومنان مهربان و دلسوز است.»
و خداوند عزوجل فرموده است:

﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾ [آل عمران: ۱۵۹].

«پس به سبب رحمتی از سوی الله بود که با آنان نرمخو شدی و اگر تندخو و سنگدل بودی از پیرامون تو پراکنده می‌شدند پس از آنان درگذر و برای آنان آمرزش بخواه و در

کارها با آنان مشورت کن، پس هرگاه به کاری تصمیم گرفتی بر الله توکل کن زیرا الله توکل کنندگان را دوست دارد».

نخستین چیزی که در این سیره کریمه نبوی و راه و روش محمدی، انسان را به تامل وامی‌دارد، رفتار ایشان با خانواده و اهل بیت خود است.

محبوب و پیامبر ما محمد - صلی الله علیه و آله وسلم - انسانی مانند دیگر انسان‌ها بود، لباس خود را می‌شست، گوسفند می‌دوشید و خود کارهای شخصی خود را انجام می‌داد و در مشغولیت‌های خانواده خود می‌کوشید اما همینکه وقت نماز می‌شد برای نماز خارج می‌شد؛ [به روایت بخاری و ترمذی].

و می‌فرمود: «بهترین شما کسی است که با خانواده‌ی خود بهتر باشد، و من بهترین شما برای خانواده‌ی خود هستم» [به روایت ترمذی و ابن ماجه].

برخی از مردم به اشتباه گمان می‌کنند که مردانگی و شخصیت در چهره عبوس و در هم کشیده و صادر کردن امر و نهی و دوری از خوش گفتاری با خانواده و گوش ندادن به حرف‌های آنان است.

در حدیثی طولانی که ام زرع روایت کرده است داستان شب‌نشینی و سخن و شوخی میان رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - و همسرشان عائشه - رضی الله عنها - آمده است.

از دیگر نشانه‌های رفتار نیک با خانواده مشورت با آن‌ها در مسائل خانوادگی و دیگر مسائل است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنِ تَرَاضٍ مِّنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا﴾ [البقرة: ۲۳۳].

«پس اگر پدر و مادر بخواهند براساس رضایت دو طرف و مشورت با همدیگر کودک را از شیر بگیرند گناهی بر آن‌ها نیست».

و رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - در داستان صلح حدیبیه با همسرش ام سلمه مشورت نمود و به مشورت او نیز عمل کرد. همچنین در داستان افک با بریره مشورت کرد که قضیه کوچکی نبود.

بباید رفتار او را با اشتباهات مردم و غیرت زنانه ببینید؛ هنگامی که یکی از زنان او ظرف پر از غذایی را که دیگر همسر پیامبر برای او فرستاده بود شکست تنها کاری که او - علیه الصلاة والسلام - انجام داد این بود که با نرمی با وی برخورد کرد و فطرت و طبیعت زنانه را در نظر گرفت و فرمود: «مادرتان دچار غیرت شد» سپس غذا را با دستانش جمع کرد و گفت: «غذایی در برابر غذا، و ظرفی در برابر ظرف» [به روایت بخاری و ترمذی].

حافظ ابن حجر - رحمه الله - می‌فرماید: «در این حدیث این عبرت است که نباید زنان را برای غیرت در برابر یکدیگر سرزنش نمود زیرا در حالت به علت شدت خشمی که از غیرت سرچشمه می‌گیرد عقل آنان محجوب می‌شود». برخورد شدید و خشونت و زدن از هر کس بر می‌آید، اما حلم و بردباری و نرمش و گذشت و تسامح تنها از کسانی که دارای اراده‌ای قوی و اخلاق والا هستند بر می‌آید چنانکه صحابه می‌گویند: «پیامبر شما هیچ‌گاه هیچ زنی و نه هیچ خدمتکاری را نزد [وهرگز کسی را نزد] مگر آنکه در جهاد در راه خداوند باشد» [به روایت احمد و ابوداؤد].

اما درباره رفتار با کودکان می‌توان بسیار از راه و روش نبوی سخن گفت: از ملاحظات دقیق در مورد رفتار با کودکان این است که آنان تفاوت میان اوقات شوخی و اوقات جدی را نمی‌دانند. کودک گمان می‌کند که همه وقت دیگران از آن اوست و اسلام نیز به این احساس او ارج نهاده است؛ می‌بینیم که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - دختر خود را در نماز نیز برمی‌دارد و در هنگام رکوع او را به زمین می‌گذارد و دوباره هنگامی که از رکوع بلند می‌شود او را برمی‌دارد [متفق علیه].

و در جایی دیگر حسمن و حسین - رضی الله عنهما - در حالی که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - در نمازند سوار او می‌شوند و آن حضرت - صلی الله علیه وآله وسلم - سجده خود را طولانی می‌کند تا آنکه کودکان از سیر بازی شوند [به روایت احمد و نسائی].

و حتی یک بار هنگامی که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - در حال خطبه بود حسن - رضی الله عنه - به منبر بالا رفت و پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - او را در آغوش گرفت و بر سر او دست کشید و فرمود: «این فرزند من آقا است و شاید خداوند به دست او میان دو گروه بزرگ از مسلمانان را اصلاح نماید» [به روایت ابوداؤد].
ای مسلمانان:

بهترین راه و آسان‌ترین روش در برخورد با کودکان مهربان و شوخی با آنان و اهمیت دادن به آنان و توجه و عطوفت در حق آنان است و هیچ‌کس نسبت به خانواده‌اش مهربان‌تر از محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - نیست.

مشغولیت‌ها و بسیار بودن وظائف و مسئولیت‌ها نباید انسان را از چنین رفتاری با خانواده‌اش باز بدارد زیرا این نیز از جمله مسئولیت‌ها و وظائف انسان است.

انس - رضی الله عنه - می‌گوید: ابراهیم فرزند رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - در روستاهای نزدیک مدینه نزد دایه بود و رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - در حالی که ما با او بودیم به راه می‌افتاد و داخل آن خانه می‌شد و او را بر می‌داشت و می‌بوسید سپس باز می‌گشت [به روایت مسلم].

واژه‌های کلیدی رفتار با کودکان این‌ها هستند: بوسه‌ای از روی مهربانی، آغوشی گرم، بازی کودکانه، که همه این‌ها زبانی است ساده و کم‌هزینه اما دارای تاثیری بس بزرگ.

بیچاره آن سنگدلان خشک و خشن مانند این مرد که هنگامی که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - را در حال بوسیدن نوه‌اش حسن بن علی - رضی الله عنهما - دید گفت: مگر شما کودکان خود را می‌بوسید؟ من ده فرزند دارم که تاکنون یکی از آن‌ها را نبوسیده‌ام. اینجا بود که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود: «آیا من می‌توانم کاری انجام دهم وقتی خداوند رحمت و مهربانی را از قلب‌های شما برداشته است؟».

بلکه حتی رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - اگر در حال نماز صدای گریه کودکی را می‌شنید برای مراعات حال مادرش و برای آنکه دچار فتنه نشود نماز را کوتاه می‌کرد.

ای جمع دوست‌داران، ای حجاج بیت الله:

اما تعامل و رفتار با خدمتکاران و کارگران را این سخن انس - رضی الله عنه - درباره رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - به تصویر می‌کشد، آنجا که می‌فرماید: رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - را ده سال خدمتگذاری کردم و هیچگاه برای کاری که انجام دادم نگفت چرا آن را انجام دادی؟ و برای کاری که نکردم هیچگاه نگفت چرا آن را انجام ندادی؟

به این داستان که برای خود انس - رضی الله عنه - رخ داده است توجه کنید: انس - رضی الله عنه - برای انجام یکی از کارهای رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - از خانه بیرون رفت، اما کودکان را دید که در بازار به بازی مشغولند و با آنها مشغول بازی شد زیرا خود وی کودک و در سن آنها بود. رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - که تاخیر انس را دید برای یافتن او خارج شد و او را در حال بازی با کودکان یافت. انس می‌گوید: ناگهان رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - مرا از پشت سر گرفت، به او نگاه کردم و او در حالی که می‌خندید فرمود: «انس کوچولو! آیا آنجا که گفتم رفتی؟» گفتم: بله! خواهم رفت ای رسول خدا!

این درسی است که باید از پیامبر آموخت؛ درس انسانیت، نرم‌خویی و نرمی در صدا زدن کودکان: ایشان انس را «انس کوچولو» نامید و نه او را به تندی سرزنش کرد، چه رسد به آنکه بر سرش داد بزند یا آنکه او را مورد کتک و خشنونت قرار دهد.

همچنین هنگامی که مردی شکایت خدمتکارش را به نزد رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - برد و گفت: او بدی می‌کند و ستم می‌ورزد، آیا او را بزنم؟ فرمود: «هر روز هفتاد بار او را ببخش» [به روایت احمد و ابوداؤد و ترمذی].

آری ای مسلمانان:

از جمله جاهایی که آداب رفتار بزرگوارانه خود را به نمایش می‌گذارد، موضعی است که مردم در معاملات و خرید و فروش و وام گرفتن از یکدیگر به نمایش می‌گذارند، چنانکه رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «خداوند رحمت کند بنده‌ی

آسانگیر را هنگامی که می‌فروشد، هنگامی که می‌خرد، هنگامی که به آسانی قرض خود را ادا می‌نماید، و هنگامی که قرض خود را به نیکی و نرمی از مردم می‌خواهد» [به روایت بخاری].

﴿وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۲۸﴾﴾

[البقرة: ۲۸۰].

«و اگر [بدهکارتان] تنگدست باشد تا هنگام گشایش به او مهلت دهید و اگر او را ببخشید این برایتان بهتر است اگر می‌دانستید».

و رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «هرکه دوست دارد خداوند وی را از سختی‌های روز قیامت نجات دهد بر وامداری که دچار مشکل است آسان گیرد یا قرض را از او بردارد» [به روایت امام مسلم].

ای جمع حجاج:

اما درباره رفتار و برخورد با مکر فریبکاران و خیانت خیانتکاران و کفر کافران خداوند متعال خطاب به پیامبرش فرموده است:

﴿وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَىٰ خَائِنَةٍ مِّنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَأَصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ

الْمُحْسِنِينَ ﴿۱۳﴾ [المائدة: ۱۳].

«و تو همواره از خیانتی از سوی آنها آگاه می‌شوی مگر اندکی از آنان [که خیانتکار نیستند] پس آنان را ببخش و از آنان چشم‌پوشی کن. همانا الله نیکوکاران را دوست می‌دارد».

اگر انسان مسلم نگاهی به پیمان‌هایی که پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - با غیر مسلمانان بسته است بیندازد انواع و اقسام تسامح و جدال نیک و عفو و گذشت را مشاهده خواهد کرد که او را به تعجب و خواهد داشت چنانکه در فتح مکه می‌فرماید: «هرکه وارد خانه‌ی ابوسفیان شود در امان است، هرکه در را بر خود ببندد در امان است و هرکه سلاح را به زمین اندازد در امان است».

و خطاب به قریش با آن تاریخ سیاه و ستمگرانه‌شان با رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - و یارانش و شکنجه‌ای که در حق مستضعفان روا داشته بودند، در روز فتح چنین فرمود: «فکر می‌کنید با شما چه خواهم کرد؟» گفتند: برادری بزرگوار و برادرزاده‌ای بزرگوار، فرمود: «به شما چنان می‌گویم که یوسف به برادرانش گفت: «امروز هیچ سرزنشی بر شما نیست، الله شما را بیامرزد و او مهربان‌ترین مهربانان است» بروید که شما آزادید».

و هنگامی که به او گفتند تا علیه مشرکان نفرین کند فرمود: «من لعنت کننده مبعوث نشده‌ام بلکه به عنوان رحمت برانگیخته شده‌ام» [به روایت مسلم].
و بعد، ای بندگان خداوند:

ترازوی در اختیار شماست که تفاوتی در اندازه‌گیری‌اش نیست و معیاری است که کم و زیاد نمی‌کند، برای دیگران همان چیزی را بپسندید که برای خود می‌پسندید و برای دیگران همان چیزی را بد بدارید که برای دیگران بد می‌دارید و همانطور که دوست دارید در حق شما نیکی کنند، شما نیز در حق دیگران نیکی کنید و برای مردم همان چیزی را راضی باشید که برای خود راضی هستید، و به مردم چیزی نگویید که دوست ندارید به شما بگویند، به مردم ستم نکنید همانطور که ستم را در حق خود دوست ندارید و در حق اهل خیر و آنانی که اهل خیر نیستند خوبی کنید که اگر آنان اهل خیر نباشند شما اهل آن باشید.

بندگان خداوند:

چه بسیار بلاهای که به واسطهٔ یک نیکی از مسلمانی دفع گردیده است و چه بسا غم و غصه‌ای که به سبب نیکی از بین رفته و یا محتاجی را از تنگنا نجات داده است و هر که در دنیا نیکی پیشه کند در بهشت به زیر سایهٔ نعمت در آید و بهترین مردم کسی است که بیشتر امر به معروف نماید و از منکر نهی کند و بیشتر صلهٔ رحم به جای آورد و هر کس با مردم رفت و آمد کند و بر اذیت‌شان صبر پیشه کند بهتر از کسی است که با مردم رفت و آمد نداشته باشد و بر آزارشان صبر نکند.

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم:

﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ ﴿٣٤﴾ وَمَا يُلْقِنَهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقِنَهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ ﴿٣٥﴾ وَإِنَّمَا يَنْزِعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٣٦﴾﴾ [فصلت: ۳۴-۳۶].

«نیکی و بدی برابر نیستند تو به سوی آنچه بهتر است میل نما، آنگاه آنکه میان تو و او دشمنی وجود دارد چنان می‌شود که گویا دوستی یکدل است (۳۴) و این (خصلت) را جز کسانی که شکیبایند به دست نمی‌آورند و این خصلت را جز صاحب بهره‌ای بزرگ به دست نخواهد آورد (۳۵) و اگر از سوی شیطان دمدمه‌ای به تو رسید به الله پناه ببر که همانا او بسیار شنوا و داناست».

خداوند متعال من و شما را با قرآن بزرگ و راه و روش محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - سود رساند. این سخن خویش را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از هر گناهی از خداوند آمرزش می‌طلبم، پس از او آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن خداوند است، ستایش از آن خداوندی است که مردم را برای روزی که شکی در آن نیست جمع خواهد کرد، می‌داند که بنده چه چیز را پنهان کرده است، او را سپاس و ستایش می‌گویم و از او آمرزش و هدایت می‌خواهم و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است، گواهی بنده‌ای که با قلب خود به آن یقین دارد و به زبان اعلام می‌کند، و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده و پیامبر اوست که برای عبادت پروردگار پاهایش ورم می‌کرد و روزه می‌گرفت و آن را به هم صل می‌کرد زیرا پروردگارش او را آب و غذا می‌داد؛ درود و سلام و برکات خداوند بر او و بر اهل بیت و یاران او و تابعین و همه کسانی باد که تا قیامت از او پیروی نمایند.

اما بعد:

ای جمع دوستان، حجاج بیت الله الحرام:

از جمله آداب رفتار نیک این است که انسان یقین داشته باشد هیچ کس خالی از عیب نیست.

سعید بن مُسَیب - رحمه الله - می‌فرماید: «هیچ انسان شریف و بزرگوار و عالم و اهل فضلی نیست مگر آنکه عیب‌هایی در وی وجود دارد».

مردم از کسی که اشتباهاتشان را فراموش نمی‌کند و پی در پی آنان را به یاد خطاهایشان می‌اندازد بدشان می‌آید و روبرو شدن با مردم به این صورت کوتاه‌ترین راه برای دشمنی است و هر کس مسلمانی را بپوشاند خداوند نیز او را می‌پوشاند و متقیان کسانی هستند که خشم خود را فرو می‌خورند و مردم را مورد عفو قرار می‌دهند.

ارزش دیگران را بدان تا آنان نیز قدر تو را بدانند، به روی مردم لبخند بزن تا آنان به روی تو تبسم کنند و بدان که تبسم در چهره برادرت صدقه است. برانگیختن احساسات زیبا در درون مردم راهی حکیمانه و بزرگوارانه برای به دست آوردن دل آنان و تاثیر در آنان است.

در رفتار با دیگران تلاش کن از سخن گفتن درباره خود و نسبت دادن فضائل به خود و انداختن تقصیرات به گردن دیگران خودداری نمایی زیرا آنچه تو به آن افتخار می‌کنی شاید از نظر مردم یک عیب باشد. به سخن دیگران به خوبی گوش فرا ده زیرا قطع کردن سخن دیگران باعث جریحه دار شدن احساسات آنها می‌شود و بدان هر که مردم را تشکر نکند خداوند را شکر نگفته است، و در مود سخنی که دیگران می‌گویند تا تا امکان برداشت خوب وجود دارد گمان بد مبر.

اما بعد: این را بدانید که مردم - که شما نیز از آنان هستید - اول احساس هستند سپس

عقل و خرد.

پس تقوای الله را پیشه سازید زیرا هرکه اخلاق خود را نیکو نماید به مقام روزه‌دار شب‌زنده‌دار می‌رسد و انسان مومن کسی است که دیگران با او خو می‌گیرند و خیری در کسی که مردم به او نزدیک نمی‌شوند نیست و بهترین مردم سودمندترین آنانند.

و در پایان بر آن رحمت خداوندی پیامبران محمد رسول خداوند درود و سلام فرستید که خداوند شما را به آن امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد مصطفی و نبی مجتبی، و بر اهل بیت پاک او و همسرانش مادران مومنان درود و سلام و برکت ارزانی دار و از چهار خلیفه راشد، ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه و تابعین و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنها پیروی نمایند راضی و خشنود باش، ای کریم‌ترین کریمان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار گردان و ظالمان و گردنکشان و ملحدان و دیگر دشمنان دین و امت را خوار گردان.

خداوندا ما را در سرزمن‌هایمان ایمن گردان و مسئولان ما را اصلاح نما و ولایت ما را بر عهده کسانی بگذار که تقوای تو را پیشه سازند و در پی رضایت تو باشند.

خداوندا والیان امر مسلمانان را برای عمل به کتاب و سنت پیامبرت - صلی الله علیه وآله وسلم - موفق گردان و آنان را رحمتی برای بندگانت قرار ده و کلمه آنان را بر حق و هدایت یکی گردان.

خداوندا برای امت اسلام امر رشدی قرار ده که در آن اهل طاعتت عزیز شوند و اهل معصیت هدایت شوند و در آن به معروف امر شود و از منکر نهی شود، همانا تو بر هر کاری توانایی.

خداوندا برادران ما در سوماتی گرسنه‌اند آنان را غذا ده، بی‌لباسند آنان را بپوشان، پابره‌اند آنان را بلند کن، خداوندا بیمارشان را شفا ده و مردگانشان را بیامرزد و

کلمه‌ی‌شان را یکی گردان و وضعیتشان را اصلاح نما. خداوندا سختی را از سختی‌دیدگان برطرف نما و زیان را از زیان‌دیدگان بردار ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا دین ما را که نگه‌دارنده‌ی امر ماست، و دنیای ما را که زندگی‌گاه ماست و آخرت ما را بازگشتگاه ماست اصلاح نما و زندگی را برای ما عامل زیاده‌نیک‌ی‌ها و مرگ را آسودگی از هر بدی بگردان و عاقبت ما را در همه‌ی امور به خیر گردان و ما را از خواری دنیا و عذاب آخرت نجات ده.

خداوندا هرکه را برای دین ما و سرزمین ما و مسئولان ما و امنیت و امت و وحدت ما ارده‌ی بدی دارد به خود مشغول ساز و تدبیرش را در نابودی‌اش قرار ده ای پروردگار جهانیان.

خداوندا صهیونیست‌های غاصب را نابود گردان که آنان را یارای ناتوان ساختن تو نیست.

خداوندا تویی آن الله که مبعودی به حق جز تو نیست، تو بی‌نیازی و ما نیازمند، باران را بر ما نازل گردان و ما را از نومیدان مگردان.

خداوندا تویی آن الله که مبعودی به حق جز تو نیست، تو بی‌نیازی و ما نیازمند، باران را بر ما نازل گردان و ما را از نومیدان مگردان.

خداوندا تویی آن الله که مبعودی به حق جز تو نیست، تو بی‌نیازی و ما نیازمند، باران را بر ما نازل گردان و ما را از نومیدان مگردان.

خداوندا ما را باران ده، خداوندا ما را باران ده، خداوندا ما از تو آمرزش می‌خواهیم که تو بسیار آمرزنده‌ای، پس آسمان را بر ما بباران، و آن را برای ما نیرو و توانی برای طاعت خود بگردان.

خداوندا حج را برای حاجیان آسان گردان، خداوندا حج را برای آنان آسان گردان و حجشان را حجتی مبرور و تلاششان را مورد پذیرش و گناهاش را آمرزیده بگردان. خداوندا بازگشتشان را نیک گردان و آنان را سالم و غنیمت یافته و مورد قبول قرار گرفته به سوی سرزمینشان بازگردان.

«پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بدار»

[البقرة: ۲۰۱].

پاک و منزّه است پروردگار تو، پروردگار عزت از آنچه به دروغ و صفش می‌کنند و سلام بر پیامبران، والحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

راه‌های محافظت از طاعات و نیکی‌ها

خطیب: دکتر حسین آل شیخ

مسجد نبوی شریف: جمعه ۱۵ ذوالحجّه ۱۴۳۲ برابر با ۲۰ آبان ۱۳۹۰

خطبه‌ی اول:

سپاس مخصوص خداوند است برای نعمت اسلام، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و پادشاه داناست و گواهی می‌دهم که پیامبر ما محمد، بنده و فرستاده اوست؛ بهترین درووها و سلام‌های خداوند بر او باد. اما بعد، ای مسلمانان: خود و شما را به تقوای الله سفارش می‌کنم که تقوای او سبب رستگاری در دنیا و آخرت است.

ای مسلمانان، حجاج بیت الله:

پایان رساندن مناسک حج با سلامت و عافیت و این آسودگی خاطر بر شما مبارک باد؛ خداوند این نعمت‌ها را برای همه مومنان کامل گرداند و سختی‌ها و مصیبت‌ها را از آنان دور سازد، خداوند حجتان را مبرور و سعیتان را مشکور و گناهانتان را مغفور گرداند.

اما بعد، ای بندگان خداوند:

خداوند به واسطه حج مبرور گناهان را بخشیده و درجات انسان را افزون می‌گرداند و انسان را به بهشت وارد می‌سازد، اما این حج مبرور نشانه‌هایی دارد که با آن‌ها شناخته می‌شود و اهل علم با جستجو در کتاب و سنت برخی از آن‌ها را ذکر نموده‌اند:

نخستین نشانه‌های حج مبرور این است که بنده - پس از حج - بر طاعت خداوند - جل و علا - استقامت گزیده و به آخرت راغب شود و در انجام اعمال نیک کمر همت ببندد و تا زنده است بر طاعت خداوند پایبند بماند چنانکه خداوند متعال فرموده است:

﴿وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ﴾ [الحجر: ۹۹].

«و تا هنگام رسیدن مرگ به عبادت پروردگارت پرداز.»

آری از مهم‌ترین نشانه‌های قبولی طاعات - از جمله حج - استقامت و پایداری همیشگی بر نیکی و تقوا است و خداوند متعال خطاب به کسی که گناهان گذشته و آینده‌اش آمرزیده شده است و همینطور امت وی می‌فرماید:

﴿فَأَسْتَقِيمُ كَمَا أَمَرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطَّعُوا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ [هود: ۱۱۲].

«پس آن طور که دستور یافته‌ای پایداری پیشه کن و [همچنین] کسانی که همراه تواند و از حد به در نروید که او به آنچه می‌کنید بینا است.»

﴿فَأَسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَأَسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ﴾ [فصلت: ۶].

«پس به سوی او استقامت ورزید و از او آمرزش بخواهید و وای بر مشرکان.»

مردی نزد رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - آمد و گفت: ای رسول خداوند! برای من در اسلام سخنی بگو که پس از تو از کسی دیگر نپرسم. فرمود: «بگو به الله ایمان آوردم، سپس پایداری کن.»

ای مسلمانان:

این استقامتی است که کمال فروتنی در برابر خداوند و کمال محبت او را به همراه صبر بر انجام دستورات و دوری از محرمات، و صبر بر تقدیر و پیروی از زیبایی‌های اخلاق و صفات والا، در خود دارد.

مردی نزد حسن بصری آمد و گفت: پاداش حج مبرور، آمرزش و مغفرت خداوند است. حسن بصری به او گفت: «اما نشانه‌های آن این است که به کارهای بد گذشته خود باز نگردد».

ابن رجب حنبلی و دیگران نقل کرده‌اند که مردی به حج رفت و سپس شبی با قوم خود در مکه ماند، پس نفسش وی را به انجام گناهی فرا خواند. اینجا بود که هاتفی را شنید که می‌گوید: «ای تو! مگر حج نکرده‌ای؟!» و خداوند این را سببی برای عصمت و دوری او از آن گناه قرارداد.

ای مسلمانان:

گرچه حج از چنین اجر و پاداش عظیمی برخوردار است اما باید این را دانست که بزرگ‌ترین هدفی که انسان باید در این دنیا به آن بپردازد محقق ساختن ایمان به خداوند عزوجل است.

از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - پرسیده شد که کدام کارها بهتر است؟ فرمود: «ایمان به خداوند، سپس جهاد در راه خدا و سپس حج مبرور» [به روایت بخاری و مسلم].

ایمان به خداوند متعال همان هدفی است که انسان برای آن آفریده شده است:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴿٥٦﴾﴾ [الذاریات: ۵۶].

«و جن و انس را جز برای این نیافریده‌ام که مرا عبادت کنند».

این ایمانی است که محقق گرداندن توحید یعنی یکی ساختن خداوند در عبادت و ترس و امید و انابت و توکل و دعا را در خود دارد. مومن صادق کسی است که جز الله را عبادت نمی‌کند و جز الله را فرا نمی‌خواند و جز از او چیزی نمی‌خواهد. او دوری از زیان و به دست آوردن سود را جز از خداوند نمی‌خواهد، زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِنَ الظَّالِمِينَ

﴿١٦﴾﴾ [یونس: ۱۰۶].

«و به جای الله کسی را که نه سود و نه زیانی برای تو ندارد به دعا مخوان که اگر چنین کردی بی‌تردید از ستمگران خواهی بود».

و آیات در این باب بسیار است.

رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - در حدیثی که ابن مسعود از ایشان روایت نموده است می‌فرماید: «هرکه بمیرد در حالی که جز خداوند شریکی را فرا می‌خواند به آتش داخل می‌شود» [به روایت بخاری].

و جابر - رضی الله عنه - از رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - روایت می‌کند که ایشان فرمودند: «هرکه در حالی به ملاقات خداوند برود که چیزی را برای او شریک نیاورده است به بهشت وارد می‌شود و هرکه در حالی به ملاقات او رود که چیزی را برای او شریک آورده است به آتش داخل می‌شود» [به روایت مسلم].

و همینطور ایمان به رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - با طاعت او در انجام امر نموده است و دوری از آنچه نهی نموده و اینکه عبادت خداوند را انجام ندهد جز به همان روشی رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - با سخن یا عمل یا تقریر خود مشروع گردانده است.

و اما بزرگ‌ترین مجاهدت و تلاش در راه خداوند، جهاد با نفس بر طاعت خدا و رسول اوست، زیرا امام احمد و ترمذی با سندی حسن و صحیح از رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - چنین روایت کرده‌اند که: «مجاهد آن است که با نفس خود در راه خداوند جهاد نماید».

مردی نزد یکی از بزرگان صحابه آمد و گفت: من می‌خواهم به نبرد روم. او گفت: «نخست به نبرد نفس خود برو و آن را فتح کن، و شایسته است در راه خداوند با نفس خود به جهاد بپردازی».

آری؛ از بزرگ‌ترین جهادها این است که انسان با نفس خود بر انجام دستورات خداوندی جهاد کند، از جمله: محافظت بر نمازهای فرض به طوری که هیچ چیز او را از نماز فرض باز ندارد و مشغول نسازد مگر عذری موجه.

از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - در روایتی که امام مسلم نیشابوری تخریح نموده است، آمده که فرمودند: «آیا شما را به چیزی راهنمایی نکنم که خداوند به واسطه‌ی آن گناهان را پاک نموده و درجات انسان را بلند می‌گرداند؟ کامل ساختن وضو در سختی‌ها، و انتظار نمازی پس از نمازی دیگر، و بسیار گام برداشتن به سوی مساجد، که این است جهاد، این است جهاد، این است جهاد».

و از بزرگ‌ترین انواع جهاد با نفس این است که انسان دست و زبان و همه‌ی اعضای خود را از آزار رساندن به برادران مومن خود باز دارد، زیرا از بزرگ‌ترین چیزهایی که باعث از بین رفتن نیکی‌ها می‌شود زیر پا گذاشتن حقوق مخلوقات خداوند است. و پیامبر ما - صلی الله علیه وآله وسلم - در حدیث صحیحی که از وی روایت شده است می‌فرماید: «مهاجر کسی است که آنچه را خداوند نهی نموده است ترک گوید، و مسلمان کسی است که مسلمانان از دست و زبان او در امان باشند».

رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - ما را نسبت به ورشکستگی و فقر حقیقی هشدار داده و فرموده است: «آیا می‌دانید بی‌چیز کیست؟» صحابه گفتند: نزد ما بی‌چیز و فقیر کسی است که درهم و دیناری ندارد. فرمود: «مفلس و بی‌چیز کسی است که روز قیامت می‌آید در حالی که این را ناسزا گفته است و این را زده است و مال این را برداشته است، پس این یکی از نیکی‌هایش برمی‌دارد، و این یکی از نیکی‌هایش برمی‌دارد و هنگامی که نیکی‌هایش به پایان رسید از بدی‌های آنان برمی‌دارند و بر دوش او می‌گذارند و در پایان به آتش انداخته می‌شود».

ای مسلمانان:

همچنین از جمله‌ی جهاد با نفس این است که انسان دارای همتی بلند و نفسی والا و علاقمند به انجام کارهای نیک باشد، زیرا صحابه‌ی پیامبر ما - صلی الله علیه وآله وسلم - هنگامی که این سخن خداوند متعال را شنیدند که می‌فرماید: «به سوی انجام نیکی‌ها از یکدیگر سبقت گیرید» [البقرة: ۱۴۸] و «به سوی آمرزشی از سوی پروردگارتان بر یکدیگر

سبقت گیرید» [الحدید: ۲۱] هر کدام از آنها تلاش نمود تا از دیگری در انجام نیکی‌ها پیشی گیرد.

عمر بن خطاب - رضی الله عنه - می‌گوید: «به سوی هیچ کار نیکی مسابقه ندادیم مگر آنکه ابوبکر در انجام آن بر ما سبقت گرفت».

و رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «حسودی نیست مگر بر دو شخص: شخصی که خداوند به او مالی عطا کرده است و او در پنهان و آشکار از آن انفاق می‌کند، و شخصی که خداوند به او [علم] قرآن داده است و او شب و روز آن را می‌خواند و به دیگران یاد می‌دهد».

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم:

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿۳۰﴾﴾ [فصلت: ۳۰].

«آنان که گفتند پروردگار ما الله است سپس استقامت ورزیدند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که نترسید و غمگین نباشید و شما را به بهشتی بشارت باد که به آن وعده داده شده بودید».

خداوند برای من و شما در قرآن بزرگ برکت دهد و با آیات و رهنمون‌های آن سود رساند، این سخن را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از الله آمرزش می‌خواهم، پس از او آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش مخصوص الله پروردگار جهانیان است، او که رحمان و رحیم است و مالک روز جزا است. و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و معبود پیشینیان و پسینیان است، و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده خداوند و پیامبر اوست، بهترین درود و سلام تا قیامت بر او باد.

اما بعد، ای مردم، خود و شما را به تقوای الله سفارش می‌کنم زیرا این، سفارش خداوند برای پیشینیان و پسینیان است.

عباد الله:

ختم و پایان همه‌ی کارهای نیک، استغفار و درخواست آمرزش از خداوند است، از جمله حج زیرا خداوند متعال درباره‌ی آن فرموده است:

﴿ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾

[البقرة: ۱۹۹].

«سپس از از همانجا که مردم روانه می‌شوند شما نیز روانه شوید و از الله آمرزش بخواهید که همانا الله بسیار آمرزنده و مهربان است».

منظور استغفاری است که با قلب و زبان و به همراه توبه‌ی نصوح باشد، و گرنه کسی که با زبان خود آمرزش بخواهد و قلبش به گناهان بسته باشد و باز به گناهان برگردد این ترس بر او می‌رود که در قبول و اجابت بر او بسته شده باشد.

خداوند جل و علا هنگامی که احکام حج را یاد می‌کند در آخرین آیه‌ی مربوط به احکام حج در سوره‌ی بقره سفارشی بس عظیم دارد و آن تقوای خداوند در پنهان و آشکار و در همه حال و در همه‌ی سخنان و کردارها است:

﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾ [البقرة: ۲۰۳].

«و پروای الله را داشته باشید و بدانید که شما به سوی او برانگیخته خواهید شد».

سپس بدانید که خداوند عزوجل شما ما را به امری بزرگ فرمان داده است که همانا درود و سلام بر پیامبر بزرگوار اوست.

خداوند بر پیامبر و سرور ما محمد درود و سلام و برکت و نعمت ارزانی دار و از چهار خلیفه‌ی راشد وی: ابوبکر و عمر و عثمان و علی، و از دیگر اهل بیت و یاران او و همه‌ی کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند راضی و خشنود باش.

خداوند بر بندگان مومنان لطف ارزانی دار، خداوند رحمتی از رحمت‌هایت را بر آنان نازل گردان، که آنان را از جز تو بی‌نیاز گرداند و اوضاع آنان را به صلاح آورد، ای دارای جلال و بزرگواری.

خداوند مسلمانان را در هر جایی که هستند حفظ نما، خداوند مسلمانان را در هر جایی که هستند حفظ نما، خداوند آن‌ها را در شام و یمن حفظ نما، خداوند آنان را در شام و یمن و در دیگر سرزمین‌ها حفظ نما.

خداوند اوضاع و احوال برادران ما را در مصر و تونس و لیبی سامان بخش و زندگی پاک را نصیب آنان گردان و آنان را بر حق و بر نیکی و تقوا یکی گردان، ای دارای جلال و بزرگواری.

خداوند مسلمانان را شامل رحمت خود گردان، خداوند آنان را بیمارز، خداوند ما و آنان را مورد آمرزش خود قرار ده، خداوند ما و آنان را مورد آمرزش خود قرار ده.

خداوند مردان و زنان مسلمان، مردان و زنان مومن را مورد مغفرت خود قرار ده.

خداوند در میان ما هیچ بدبخت و محرومی قرار مده، خداوند در میان ما هیچ بدبخت و محرومی قرار مده، خداوند ما را از اهل رستگاری و سعادت بگردان، خداوند ما را از اهل رستگاری و موفقیت و خوشبختی بگردان، ای حی و ای قیوم.

خداوند بیماران ما و دیگر بیماران مسلمانان را شفا ده، خداوند بیماران ما و دیگر بیماران مسلمانان را شفا ده، خداوند حجاج بیت الله را سالم و غنیمت یافته، و در حالی که توبه نصیبشان گردیده است به سرزمین‌هایشان بازگردان، ای دارای جلال و بزرگواری.

خداوند با راه و روش و راهنمایی قرآن ما را سودمند گردان، خداوند ما را با راه و روش و سنت سرور فرزندان عدنان سود رسان.

خداوند تو بی‌نیازی و ما نیازمند، خداوند باران را بر ما نازل گردان، خداوند باران را بر ما نازل گردان، خداوند باران را با راه و روش و راهنمایی قرآن ما را سودمند گردان، خداوند ما را باران ده ای زنده و ای پایدار.

بندگان خداوند، خداوندا را بسیار یاد کنید و صبحگاه و شام‌گاه‌ها را تسبیح گویند، و آخر سخن اینکه: الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه: اسلام، دین پایدار

خطیب: دکتر صالح آل طالب

مسجد الحرام: جمعه ۲۲ ذوالحجه ۱۴۳۲ برابر با ۲۷ آبان ۱۳۹۰

خطبه‌ی اول:

ستایش مخصوص خداوند است، ستایش مخصوص اوست که حج بیت‌الله الحرام را برای بندگانش کامل گرداند و زیر پای نهادن آن سرزمین‌هایی را که قدم‌گاه پیامبران بوده است برای آنان آسان نمود. آن است عرفات و منی و این است مقام ابراهیم، نمادهای اسلام و رسم پیامبران که سال‌ها و روزها از آن می‌گذارد و همچنان باقی مانده‌اند تا آیندگان را به یاد گذشتگان اندازند و تا این جایگاه‌ها به سخن آیند و داستان پیامبران را که بر این خاک رخ داده است بازگو نمایند. تا کوه‌های این سرزمین سوره‌هایی را که بر آن نازل شده است و عقایدی را که بر آن راسخ گردیده و شریعت‌هایی که تشریح شده‌اند به یاد آورند.

گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که شریکی ندارد و گواهی می‌دهم که محمد بنده‌ی و پیامبر اوست؛ خداوند به واسطه‌ی او پیامبری را به پایان رساند و چه نیک پایانی بود! درود و سلام و برکات خداوند بر او و بر اهل بیت و یاران او باد.

اما بعد:

تقوای الله را آنگونه که شایسته است پاس دارید، و به ریسمان محکم اسلام چنگ

زنید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ ۖ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ (۱۳۲)

[آل عمران: ۱۰۲].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را آنگونه که شایسته است پاس دارید و نمی‌رید مگر در حالی که مسلمانید».

اما بعد، ای مسلمانان:

در این زندگی نظام‌های فکری و مناهج و اندیشه‌های مختلفی است، بناهایی باشکوه را می‌بینی که چونان درختی سربلندند، اما همین که بادها و طوفان وزیدن می‌گیرند و زمین به لرزه می‌افتد تصاویر قلبی فرو می‌ریزند و بناهای به ظاهر محکم به زیر می‌آیند و اینجاست که عیب و ایرادشان آشکار می‌گردد.

آنکه امروز در حال و روز جهان نظر افکند این فرو ریختن‌های پی در پی را به چشم می‌بیند. در دنیای پول و اقتصاد، در حکومت‌داری و سیاست، و در اندیشه و ایدئولوژی؛ حیرت و پریشانی صاحبان سرمایه و سیاستمداران را می‌بیند و سپس نگاهی به بنای سر به فلک کشیده‌ی اسلام می‌اندازد و آن را ثابت و مستقر می‌یابد که ریشه‌ی آن در زمین است و فرع آن در آسمان.

هنگامی که در مبادی اسلام در همه‌ی جوانب زندگی تامل می‌کنی ارزش‌هایی خواهی یافت ریشه‌دار و محکم، در همه‌ی زمینه‌ها؛ چه در عقیده و اندیشه، چه در عبادت و شریعت، و چه در اخلاق و رفتار؛ و آن را برای هر زمان و مکانی مناسب می‌بینی، و شایسته است هر مسلمانی پس از این تامل فضل خداوند را به یاد آورده و ارزش دین خود و نعمتی را که خداوند به او ارزانی داشته است قدر بداند.

ای مسلمان:

خداوند هیچ نعمتی را کامل‌تر و با ارزش‌تر و فراگیرتر از این به تو عطا نکرده است که مسلمانی هستی در میان دیگر مسلمانان، نه به سوی درختی سجده می‌بری و نه به سنگ، نه برای حیوانی خود را ذلیل می‌کنی و نه برای هیچ جمادی و نه حتی برای هیچ انسانی دیگر و تنها عبادت پروردگارت را به جای می‌آوری. این اسلام مبارکت باد و این

ایمان گوارایت؛ خداوند تو را در زمانه‌ای توفیق هدایت داد که بسیاری گمراه شدند، و هنگامی تو را راهنمایی نمود که بسیاری سرگردان شدند. بار دیگر تامل کن و به اساس دین خود و قاعده‌ی ایمانت تمسک بجوی و با شناخت فضیلت اسلام و توحید پروردگار به این بشارت پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - خطاب به معاذ - رضی الله عنه - دلخوش باش که می‌فرماید: «کسی نیست که صادقانه از قلب خود گواهی دهد که معبودی به حق جز الله نیست و محمد پیامبر خداوند است، مگر آنکه خداوند وی را بر آتش حرام می‌گرداند» [به روایت بخاری].

همچنین معاذ بن جل - رضی الله عنه - در جای دیگری از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت می‌کند که فرمود: «هر که در حالی به دیدار خداوند رود که برای او هیچ شریکی قائل نیست به بهشت وارد می‌شود» [به روایت بخاری و مسلم].
ای مسلمانان:

این توحید نشانه‌هایی دارد که پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - آن را بیان و ترسیم نموده است. این بشارت نبوی دارای شواهدی است که شایسته است مسلمان به آن چنگ زده و از جدایی انداختن میان آن‌ها دوری کند تا مبادا کارهایش بی‌ارزش شده یا تلاشش به هدر رود، زیرا چه بسا سرگردانانی که خود نمی‌دانند و چه گمراهانی که گمان می‌کنند بر راه هدایتند!

از ابن عباس - رضی الله عنه - روایت است که معاذ - رضی الله عنه - فرمود: رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - مرا به یمن فرستاد و فرمود: «تو به سوی گروهی از اهل کتاب خواهی رفت، پس آنان را به گواهی دادن به اینکه معبودی به حق جز الله نیست و اینکه من پیامبر خدایم فرا بخوان، پس اگر تو را اطاعت کردند آنان را آگاه ساز که خداوند نمازهای پنجگانه روزانه را بر آنان فرض نموده است، پس اگر از تو اطاعت نمودند آنان را آگاه ساز که خداوند صدقه‌ای را بر آنان واجب گردانده است که از ثروتمندان نشان گرفته شده و به فقرایشان بازگردانده می‌شود، پس اگر از تو اطاعت کردند

زنها که به اموالشان دست‌درازی نمایی و از دعای مظلوم بترس که میان آن و خداوند هیچ حجابی نیست» [به روایت بخاری و مسلم].

رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - در این حدیث اصول ایمان را توحید، سپس نماز، سپس زکات و سپس حفظ حقوق و مبدأ عدالت مطلق قرار داده است.
ای مسلمانان:

خداوند انسان را گرامی داشته است و برای او قوانینی را تشریح نموده است که وی را از خرافات و یا تعلق به اوهام دور گرداند و او را آزاد گردانده به طوری که جز به خداوند که خالق اوست وابسته نباشد و وابستگی به غیر خداوند را چه از نظر اعتقادی و چه عملی، منافی توحید دانسته است. از علی بن ابی طالب - رضی الله عنه - روایت است که گفت: شنیدم رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرمود: «خداوند لعنت کند کسی را که برای غیر خداوند ذبح نماید، و خداوند لعنت کند کسی را که بدعت‌گذاری را پناه دهد، و خداوند لعنت کند کسی که پدر و مادرش را نفرین کند، و خداوند لعنت کند کسی که علامت‌های زمین را تغییر دهد» (یعنی زمین مردم را به ناحق تصرف نماید) [به روایت مسلم].

چنانکه از نذر نمودن برای غیر خداوند نهی نموده و آن را از عمل مشرکان دانسته است. خداوند متعال در کتاب مبین خود فرموده است:

﴿وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا هَذَا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ وَهَذَا لِشُرَكَائِنَا فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ وَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَى شُرَكَائِهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ﴾ [الأَنْعَام: ۱۳۶].

«و [مشرکان] برای الله از آنچه از کشت و دام‌ها که آفریده است سهمی گذاشتند و به پندار خودشان گفتند این برای الله است و این ویژه‌ی بتان ما، پس آنچه خاص بتانشان بود به الله نمی‌رسید و [لی] آنچه خاص الله بود به بتانشان می‌رسید چه بد داوری می‌کنند».

از دیگر نشانه‌های این توحید، پناه جستن به خداوند است و نه هیچ کس دیگر؛ خداوند متعال درباره‌ی مشرکان فرموده است:

﴿وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا﴾ [الجن: ۶].

«و همانا مردانی از انسیان به مردانی از جنیان پناه می‌بردند و بر سرکشی آنان می‌افزودند».

از دیگر زیبایی‌های این دین این است که مسلمان جز خداوند را فرا نمی‌خواند و جز به الله امید ندارد، زیرا میان مسلمان و پروردگارش هیچ واسطه‌ای نیست؛ خداوند متعال فرموده است:

﴿ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً﴾ [الأعراف: ۵۵].

«پروردگارتان را به زاری و پنهانی بخوانید».

و فرموده است:

﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ

جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾ [المؤمن: ۶۰].

«و پروردگار شما گفت: مرا فرا بخوانید تا شما را استجابت کنم. همانا کسانی که از عبادت من تکبر می‌ورزند خوار و ذلیل به جهنم وارد می‌شوند».

خداوند متعال در این آیه دعا را عبادت دانسته است و در آیه‌ای دیگر پیامبر خود را به خالص گرداندن آن از هرگونه شائبه‌ای امر نموده و فرموده است:

﴿قُلِ اللَّهُ أَعْبُدُ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي﴾ [الزمر: ۱۴].

«بگو الله را عبادت می‌کنم در حالی که دین خود را برای او خالص گردانده‌ام».

و فرموده است:

﴿وَلَا تَدْعُ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ فَإِن فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِن الظَّالِمِينَ﴾

﴿وَإِن يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِن يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ

مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ [یونس: ۱۰۶-۱۰۷].

«و به جز الله چیزی را که نه سودی و نه زیانی برای تو ندارد فرا بخوان که اگر چنین کنی از ستمگران خواهی بود (۱۰۶) و اگر الله به تو زیانی برساند آن را برطرف‌کننده‌ای نیست جز او، و اگر برای تو خیری بخواهد بخشش او را رد کننده‌ای نیست، آن را به هر کس از بندگان که بخواهد می‌رساند و او آمرزنده‌ی مهربان است».

خداوند متعال کسانی را که جز او را به فریاد می‌طلبند چنین مورد خطاب قرار داده و فرموده است:

﴿إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ ۗ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿۱۷﴾﴾ [العنكبوت: ۱۷].

«کسانی که به جز الله عبادت می‌کنید برای شما مالک رزقی نیستند، پس نزد الله روزی بخواهید و او را عبادت کنید و شکر او را به جای آورید که به سوی او باز خواهید گشت».

خداوند متعال در جای دیگری می‌فرماید:

﴿وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَن دُعَائِهِمْ غَفْلُونَ ﴿۵﴾ وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ ﴿۶﴾﴾ [الأحقاف: ۵-۶].

«و چه کسی گمراه‌تر از آن کسی است که به جز الله کسی را به فریاد می‌خواند که تا روز قیامت او را استجابت نمی‌کند و آن‌ها از دعایشان بی‌خبرند (۵) و چون مردم محشور گردند دشمنان آنان می‌شوند و به عبادتشان کافر می‌شوند».

حتی خداوند متعال دعا و به فریاد خواندن غیر خود را شرک دانسته و در کلام خود فرموده است:

﴿وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ ﴿۱۳﴾ إِنَّ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ ۗ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ ۗ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ ﴿۱۴﴾﴾ [فاطر: ۱۳-۱۴].

«کسانی که به جز او فرا می‌خوانید مالک پوسته‌ی هسته‌ی خرمایی نیستند (۱۳) اگر آن‌ها را فراخوانید دعای شما را نمی‌شنوند و اگر بشنوند نخواهند توانست پاسخ شما را دهند و روز قیامت به شرک شما کفر می‌ورزند و کسی مانند [خداوند] آگاه تو را خبردار نمی‌کند».

بندگان خداوند:

از جمله مسائلی که باعث انحراف و فساد در دین‌داری است غلو و زیاده‌روی و مبالغه‌ی از روی بی‌علمی است و رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرموده‌اند: «از غلو در دین دوری کنید که کسانی که پیش از شما بودند به واسطه‌ی غلو و زیاده‌روی در دین هلاک شدند» [به روایت امام احمد و ترمذی و نسائی و ابن ماجه با سند صحیح] و در روایت مسلم آمده است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - سه بار پشت سر هم چنین فرمودند که: «افراط‌گرایان هلاک شدند».

و خداوند متعال فرموده‌اند:

﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ﴾ [النساء: ۱۷۱].

«ای اهل کتاب در دیتان زیاده‌روی نکنید و بر الله جز حق نگویند».

از جمله غلو و افراط و زیاده‌روی در دین، زیاده‌روی در بزرگداشت اولیا و صالحان یا بزرگداشت آثار آنان است و پیامبر ما - صلی الله علیه وآله وسلم - نسبت به چنین غلوی هشدار داده و فرموده است: «چنانکه نصاری در مورد عیسی بن مریم غلو کردند در مورد من غلو و زیاده‌روی نکنید؛ زیرا من بنده‌ی اویم پس بگویند: بنده‌ی خداوند و پیامبر او» [به روایت بخاری].

و از شقیق از عبدالله - رضی الله عنه - روایت است که گفت: شنیدم رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرمود: «از بدترین مردم کسانی هستند که در حالی که زنده‌اند قیامت برپا می‌شود، و کسانی که قبرها را مسجد می‌کنند» [به روایت امام احمد].

دین اسلام، همه‌اش نیکی است و زیبایی، و خداوند از چیزی نهی ننموده است مگر به سبب زیانی که به انسان‌های و جوامع وارد می‌سازد، مانند جادوگری و آمدن به نزد کاهنان و پیشگویان؛ خداوند متعال فرموده است:

﴿وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى﴾ [طه: ۶۹].

«و جادوگر هر جا که رود رستگار نمی‌شود».

و فرموده است:

﴿وَمَا يَعْلَمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ﴾ [البقرة: ۱۰۲].

«و [هاروت و ماروت] به کسی جادوگری یاد نمی‌دادند مگر آنکه [پیش از آن به او]

می‌گفتند همانا ما آزمایشی هستیم پس کافر مشو».

و در ادامه می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ﴾ [البقرة: ۱۰۲].

«و بی‌تردید دانسته بودند که هر کس خریدار این کالا باشد در آخرت نصیبی نخواهد

داشت».

چه بسیار مردمی که به این اوهام وابسته شده و دین و دنیای خود را از دست داده‌اند و عقلشان به درک خرافات سقوط کرده است، خرافاتی که آن را دین و آیین خود قرار داده‌اند. شکر خدای که ما را با اسلام گرامی داشته است.

از ابوهریره - رضی الله عنه - از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت است که فرمود: «از هفت گناه هلاک کننده دوری کنید» فرمودند: ای رسول خدا خداوندان! آن‌ها چه هستند؟ فرمود: «شُرک به خداوند، و جادوگری، و کشتن انسانی که خداوند حرام نموده است جز به حق، و خوردن ربا، و خوردن مال یتیم، و پشت کردن در روز نبرد، و تهمت زدن به زنان پاک‌دامن بی‌خبر» [به روایت بخاری و مسلم].

و نزد مسلم روایت است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «هر که نزد کاهن و طالع‌بینی بیاید و از او در مورد چیزی سوال کند، نماز او تا چهل شب

پذیرفته نخواهد شد» و نزد ابوداود روایت است که فرمودند: «هر که نزد کاهنی آید و او را تصدیق نماید از آنچه بر محمد نازل شده است بیزاری جسته است.»
ای مسلمانان:

از جمله نشانه‌های زیبای دین والا بردن و با ارزش نمودن محبت‌ها و عواطف و دوستی‌ها و یاری یکدیگر است، آن هم در زمانه‌ای که مبادی و ارزش‌های اهل دنیا رو به پستی نهاده است و محبت و یاری نیست مگر برای دنیا و منافع دنیایی؛ از انس - رضی الله عنه - از رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - روایت است که فرمود: «سه خصلت است که در هر که باشد شیرینی ایمان را خواهد چشید: اینکه الله و رسول نزد او از دیگران محبوب‌تر باشند، و اینکه شخص را جز برای خداوند دوست نداشته باشد، و اینکه بازگشت به کفر را چنان بد بدارد که افتادن در آتش را بد می‌دارد» [به روایت بخاری و مسلم].

ای مسلمانان:

این دین، دین خداوند است و این شریعت، شریعت اوست و بر هر کسی که کلام خداوند و سنت پیامبرش - صلی الله علیه و آله وسلم - به او رسیده است واجب است که از حق پیروی نماید و جز آن را ترک گوید، و کتاب و سنت را برای سخن هر کسی - هر که باشد - ترک نکند، و خداوند متعال فرموده است:

﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٦٤﴾﴾

[النور: ۶۴].

«پس کسانی که مخالفت امر او می‌کنند از این بترسند که دچار فتنه‌ای شوند یا عذابی دردناک به آنان برسد.»

خداوند متعال کسانی را که از بزرگان خود در مخالفت امر خداوند و پیامبر او اطاعت نمودند نکوهش نموده و فرموده است:

﴿اتَّخَذُوا أَحْبَابَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ ﴿٣١﴾﴾ [التوبة: ۳۱].

«آنان احبار و راهبان خود را به جای الله به الوهیت گرفتند.»

عدی بن حاتم - رضی الله عنه - که نصرانی بود و سپس اسلام آورد می‌گوید: هنگامی که شنیدم رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - این آیه را می‌خواند گفتم: ای رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - ما آنان را عبادت نمی‌کنیم. فرمود: «آیا اینگونه نیست که آنچه را خداوند حلال کرده حرام می‌کنند و شما نیز آن را حرام می‌کنید؟ و آنچه را حرام کرده حلال می‌گردانند و شما نیز آن را حلال می‌کنید؟» گفتم: آری. فرمود: «همین عبادت کردن آن‌هاست» [به روایت امام احمد و ترمذی].

خداوندا برای ما در کتاب و سنت برکت ده و با آیات و حکمت سود رسان، این سخن خود را گفته و برای خود و شما از خداوند بزرگ آمرزش می‌خواهم.

خطبه‌ی دوم:

ستایش مخصوص خداوندی است که با نعمت او نیکی‌ها به کمال می‌رسند، با نیکی‌ها به بندگان خود احسان نموده و از بدی‌ها در می‌گذرد، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله، و گواهی می‌دهم که محمد، بنده‌ی خداوند و پیامبر اوست، خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد، و بر اهل بیت و یاران او تا روز قیامت درد و سلام و برکت ارزانی دار.

ای مسلمانان:

توحید اعتقاد، توحید پیروی را به دنبال خواهد داشت، بنابراین بر مسلمان واجب است که پروردگار خود را دوست داشته و عمل خود را برای او خالص گرداند و احساسات خود را تسلیم خداوند نماید، مسلمان جز خداوند را فرا نمی‌خواند و جز او را عبادت نمی‌کند و جز دستور او را جرا نمی‌کند، آنچه را او حلال بداند حلال می‌داند، و آنچه را حرام بداند، حرام می‌داند و همانجایی می‌ایستد که خداوند تعیین کرده است و براساس خواست خداوند حرکت می‌کند.

مسلمان در برابر هر موجود زنده‌ای راست قامت است، پشت خود را جز برای خداوند خم نمی‌کند و شناخت او نسبت به خداوند و چیرگی کامل او بر همه

باعث می‌شود که احساس رغبت و رهبت و ترس و امید در وجود او به راه مستقیم رود و دچار انحراف و اضطراب نگردد.

برای همین است که پر شدن قلب از عقیده‌ی توحید اساسی برای قدرت و عزت است و مومن صادق هیچگاه از آن جدا نمی‌شود.

بندگان خداوند، حجاج بیت الله الحرام:

در پایان هر کاری، مسلمان این معیار را به یاد می‌آورد که معیار قبول هر عملی، خالص گرداندن آن کار برای خداوند و پیروی از رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - در انجام آن است، و بدانید که فضل خداوند بسیار وسیع است و از نشانه‌های پذیرش یک عمل از سوی خداوند این است که انسان پس از انجام یک نیکی، نیکی دیگری انجام دهد، و نشانه‌ی حج مبرور این است که بهتری از آنکه بودی از حج بازگردی، و هرکه نامه‌ی عملش با مغفرت خداوندی پاک شده است از این برحذر باشد که دوباره‌ی به ناپاکی گناهان باز گردد؛ زیرا عقب‌گرد بدتر از زخم است، و انسان باید سعی کند که پس از حج به افزایش نیکی‌های خود بپردازد زیرا این از نشانه‌های پذیرش عمل است.

سپس درودهای پاک و سلام دائم خداوندی بر بهترین بندگان خداوند، محمد بن عبدالله، و بر اهل بیت پاک او باد. خداوند بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت پاک و صحابه‌ی نیک وی درود و سلام و برکت ارزانی دار و از آن ائمه‌ی هدایت، و خلفای پیامبرت، ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه‌ی پیامبرت و همه‌ی کسانی که به راه آنان روند و از سنت آنان پیروی نمایند راضی و خشنود باش.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، و شرک و مشرکان را خوار گردان، و دشمنان دین را نابود گردان و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امن و امان بدار.

خداوندا هرکه را برای ما و سرزمین ما اراده‌ی سوء یا تفرقه دارد، مکر و حيله‌اش را به سوی خود او بازگردان و تدبیرش را در نابودی او قرار ده.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان ما را اصلاح نما. خداوندا گرانی و وبا و ربا و زنا و زلزله‌ها و سختی‌ها و فتنه‌های آشکار و پنهان را از ما دور گردان.

خداوندا اوضاع مسلمانان را در هر جا که هستند اصلاح نما، خداوندا آنان را بر حق و هدایت یکی گردان، خداوندا جان آنان را حفظ نما و ترسشان را به امنیت تبدیل کن و آنان را بر هر که به آنان ستم نموده است یاری ده.

خداوندا مستضعفان مسلمان را در هر جا که هستند یاری ده، خداوندا آنان را بر حق یکی گردان، خداوندا آنان را در فلسطین بر صهیونیست‌های اشغالگر یاری ده. خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومنت را یاری ده، خداوندا دشمنان دین را نابود ساز که آنان را یارای ناتوان ساختن تو نیست.

«پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از عذاب آتش دوزخ دور بدار»

[البقرة: ۲۰۱].

خداوندا گناهان ما را بیامرز و عیب‌های ما را بپوشان، و کارهای ما را آسان بگردان و ما را به آن خواسته‌هایی که باعث رضایت توست برسان. پروردگارا ما را و پدران و مادران ما را مورد آمرزش قرار ده که همانا تو شنونده‌ی دعایی.

خداوندا از حاجیان حجشان را بپذیر و دعایشان را مستجاب گردان. خداوندا حجشان را مبرور و سعی‌شان را مشکور و گناهانشان را مغفور قرار ده و آنان را سالم به دیارشان بازگردان، خداوندا از ما و آن‌ها بپذیر و ما و آن‌ها را بر حق و هدایت پایدار بگردان و عاقبت ما را به خیر بگردان ای مهربان‌ترین مهربانان.

از الله آمرزش می‌طلبیم، از الله آمرزش می‌طلبیم، از آن خداوندی که معبودی به حق جز او نیست، آن زنده‌ی به پای دارنده، آمرزش می‌خواهیم و به سوی او بازمی‌گردیم، خداوندا ای آنکه معبودی به حق جز تو نیست، تو بی‌نیازی و ما نیازمندانیم، باران را بر ما نازل گردان و ما را از نومیدان مگردان، خداوندا ما را باران ده، خداوندا ما را باران ده، خداوندا ما را باران ده، بارانی گوارا و پی در پی و گسترده و سودمند و همه‌گیر. خداوندا

ما را باران ده، خداوندا بارانی که به واسطه‌ی آن سرزمین‌ها را زنده کرده و بندگان را آب دهی و آن را به شهر نشینان و بادیه‌نشینان برسانی.

خداوندا باران رحمت، خداوندا باران رحمت، خداوندا باران رحمت و نه باران عذاب و بلا و ویرانی و غرق.

پروردگارا از ما بپذیر و که همانا تو شنونده و دانایی و از ما توبه بپذیر که همانا تو توبه‌پذیر و مهربانی.

پاک و بی‌عیب است پروردگار تو، آن پروردگار رحمت از آنچه مشرکان به دروغ وصفش می‌کنند و سلام بر پیامبران والحمدلله رب العالمین.

عنوان خطبه:

کوتاه‌نمودن آرزوها

خطیب: دکتر صالح بن حمید

مسجد الحرام: جمعه ۲۹ ذی الحجه ۱۴۳۲ برابر با ۴ آذر ۱۳۹۰

خطبه‌ی اول:

ستایش مخصوص خداوندی است که شب و روز را آفرید و آن دو را وقت‌هایی برای انجام اعمال و اندازه‌ای برای عمرها گرداند، معبودی به حق جز او نیست که گذر شب و روز را عبرتی برای اهل دنیا قرارداد. او را ستایش گفته و برای نعمت‌های بزرگش او را شکر می‌گوییم که شکر راهی است برای به دست آوردن نعمت‌های بیشتر؛ و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز او، آن گواهی و شهادتی که خالصانه و مخلصانه و به همراه صدق در عقیده است، و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده و پیامبر اوست؛ آن پیامبر درس‌ناخوانده‌ی عربی هاشمی برگزیده، درود و سلام خداوند بر او و بر اهل پاک و صحابه‌ی نیک وی و تابعین و همه‌ی آنانی باد که تا قیامت و پی در پی آمدن شب و روز راه آنان را بیمایند...

اما بعد: ای مردم خود و شما را به تقوای خداوند سفارش می‌کنم، پس تقوای او را پیشه سازید که هرکه خداوند را شناخت حق او را نیز ادا نمود و هرکه پیامبر خدا را دوست داشت به سنت او پایبند گردید و هرکه کتاب خدا را خواند به آن عمل نمود و هرکه در آرزوی بهشت است برای آن تلاش می‌کند و هرکه از آتش در هراس است از آن می‌گریزد و هرکه به مرگ یقین داشته باشد خود را برای آن آماده می‌سازد.

علی - رضی الله عنه - می‌فرماید: «ترسم از دو چیز، بسیار است: طولانی داشتن آرزو و پیروی از هوای نفس؛ آرزوی طولانی انسان را به فراموشی می‌کشاند، و پیروی هوا نیز انسان را از حق باز می‌دارد».

﴿أَفْرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَغَلَّبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَن يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾ [الجنائیه: ۲۳].

«پس آیا دیدی کسی را که هوای نفسش را به خدایی گرفته است و الله او را دانسته گمراه ساخته است و بر شنوایی و قلب او مهر زده و بر دیده‌اش پرده افکنده است؟ چه کسی پس از الله او را هدایت خواهد کرد؟ آیا یادآور نمی‌شوید؟».

ای مسلمانان، ای حجاج بیت الله الحرام:

هم‌اکنون با یک سال وداع نموده و به استقبال سالی دیگر می‌روید و سالی که گذشت همه اعمال شما و عمر شما بود. یک سال با کارهایی که در آن انجام دادید سپری شد و رفت، پس هرکه عمل نیک انجام داد شاد باشد و خداوند را سپاس گوید و عمل نیک را افزون‌تر کند که بهترین توشه، تقوا است، و هرکه کارنامه‌اش جز این بود بداند که همچنان مجالی دارد، پس جبران نماید که خداوند بر هرکه توبه کند، توبه‌پذیر است.

خداوندا این سال ما را سالی پربرکت گردان و روزهای ما را روزهای امن و امان و سلامت و اسلام بگردان، خداوندا ما را در این سال توفیق عمل نیک عطا کن و از فتنه‌های آشکار و پنهان به دور دار و کلمه‌ی مسلمانان را بر حق و هدایت و صلاح یکی گردان و اسلام و اهل آن را عزیز گردان و سرکشان و دشمنان امت را ذلیل ساز.

برادران و خواهران گرامی:

در گذشت روزها و سپری شدن سال‌ها فرصتی است برای مراجعه‌ی خود و محاسبه‌ی نفس؛ خوش به حال آنکه عبرت گیرد و اشک از چشمانش سرازیر شود، و آه و حسرت نصیب اهل غفلت است، پس هرکه به عمل خود نگاه بیندازد و ببیند که اهل آرزو کجایند و آرزوهایشان به کجا رسید؟
بندگان خداوند:

پدران و پدربزرگان کجایند؟! بیماران و سالمان و عیادت‌کنندگان کجایند؟! همه به سوی آنچه پیش فرستاده بودند رفتند... وعده‌گاه همه روز معاد است و ملاقات همه در روز قیامت؛ آن روز که در صور دمیده خواهد شد...
ای بنده‌ی خداوند:

خوشبخت کسی است که به واسطه‌ی دیگران پند گیرد؛ اگر از مردگان یاد شد خود را از آنان بدان و از زندگی برای مرگ، و از فراغت برای مشغولیت، و از سلامتی برای بیماری، و از بی‌نیازی برای فقرت توشه برگیر. اگر صبح را به شب رساندی در انتظار صبح مباش و اگر صبح را به شب رساندی منتظر شب مباش و بدان که هر چه آرزوها کوتاه‌تر شوند انسان در سعی و تلاش خود جدی‌تر خواهد شد.

چه بسا انسان‌هایی که یک روز را آغاز می‌کنند و آن را به پایان نمی‌رسانند، و چه بسیاری آنانکه آرزوی فردا را دارند و فردا را نمی‌بینند. هرکه به اجل خود فکر کند و مسیر خود را دریابد پی به حقیقت آرزو و فریب آن خواهد برد و سودمندترین روز مومن همان روزی است که گمان می‌کند پایان آن را نخواهد دید.

ای کسی که کمی بعد، در قبر خود تنها خواهی ماند، ای آنکه پس از پایان عمرت همدمان و یاران را رها کرده و تنها و بی‌کس خواهی ماند، دنیا را برای دیگران جمع‌آوری می‌کنی و همان‌هایی که از تو بهره خواهند برد تو را فراموش خواهند کرد، آیا بهتر نیست برای خانه‌ی ماندگارت توشه جمع کنی؟

پس پیش از بیماری از سلامتی خود سود بگیرد و امانت را برای کسانی که شما را امین داشته‌اند پاس دارید. هیچ‌چیز بی‌ارزش‌تر از دنیا نیست و هیچ‌چیز عزیزتر از جان

نیست، پس به آن اندازه که برایت کافی است قانع باش و نفس خود را با عفاف و پاکدامنی مصون دار و به حال خود بیندیش که مومن بسیار اهل اندیشه است.

ای بنده‌ی خداوند:

بهترین کارها، انجام آن چیزهایی است که خداوند بر تو فرض ساخته، و دوری از آنچه حرام گردانده و صدق نیت برای آنچه نزد خداوند است.

و بدان که خشنودی در طاعت خداوند است، پس هیچ طاعتی را خوار مشمار، و بدان که خشم خداوندی در معصیت اوست، پس هیچ معصیتی را کوچک به حساب نیاور، و با ارزش‌ترین اوقات آن اوقاتی است که در طاعت خداوند بگذرد، و کوچکی گناه را مبین بلکه بزرگی آن کسی را ببین که داری معصیت او را انجام می‌دهی.

و بدان که اگر نفس خود را در طاعت خداوند مشغول نگردانی تو را مشغول کارهایی خواهد ساخت که سودی برایت نخواهد داشت و قلب به مانند دیگ است که هر چه در آن باشد همان را به جوش خواهد آورد و گناهان فاسد کننده‌ی قلبند و نیرومند کسی است که بر طاعت پروردگار پایداری کند و ضعیف آن است که گناهان وی را مغلوب گرداند.

تلاش، سرمایه‌ی قدرتمندان است و آرزو توشه‌ی ناتوانان و عجله نکردن در هر چیزی خوب است جز در امور آخرت چنانکه خداوند متعال از قول موسی - علیه السلام - می‌فرماید:

﴿وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَى﴾ [طه: ۸۴].

«و ای پروردگرم به سوی تو عجله کردم تا خشنود شوی».

برکت در مال و کار حلال است. زیرا خداوند پاک است و جز پاکی را نمی‌پذیرد و خزائنش هیچگاه پایان نمی‌یابد زیرا او روزی‌دهنده‌ی قدرتمند است و صدقه بلا را دفع می‌کند و هیچ مالی با صدقه کم نشده است و آیا جز با ضعیفان از سوی خداوند یاری داده می‌شوید؟

قناعت گنجی است پایان ناپذیر و آسودگی تن در کم خوردن است و آسودگی روان در کمی گناهان. آسایش قلب در کمی دل‌مشغولی‌ها است و آسایش زبان در کمی گفتار و بدانید که اهل معروف در دنیا اهل معروف در آخرتند.

شکست‌خورده آن است که از درون شکست خورده باشد و هر که به قضای خداوندی راضی نباشد دردش دوایی ندارد. معاش انسان تامین است و روزی در میان بندگان تقسیم شده است و غم‌ها همیشگی نیستند.

هر که گمان می‌کند سلامت و عافیت او همیشگی است و هرگز دچار بلا نمی‌شود معنای تکلیف و تسلیم شدن در برابر خداوند را ندانسته است و ندانسته است که همه

و نزدیک‌ترین انسان‌ها به رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - در روز قیامت کسانی هستند که بهترین اخلاق را داشته باشند و نرم‌خویی در هیچ جا وارد نشد مگر آنکه آن را با ارزش گرداند و از چیزی کم نشد مگر آنکه آن را بی‌ارزش ساخت و خداوند با نرم‌خویی چیزی می‌دهد که در مقابل تندخویی عطا نمی‌کند، آنکه نیکی می‌کند به زمین نمی‌افتد و اگر افتاد تکیه‌گاهی خواهد یافت.

ای بنده‌ی خداوند:

قلب خود را به پروردگارت معلق گردان و اسباب را برگیر و همیشه توشه‌ات قناعت و صبر و شکر و امید به همراه عمل نیک و گمان خوب باشد.

همیشه ایستادن در کنار حق و گذر نکردن از مرز آن و ورع برای خداوند، زاد و توشه‌ات باشد تا به خود سود رسانده و مسئولیت خود را به انجام رسانی و هرکه این راه را در پی گیرد ایمانش نیک می‌شود و کارش سامان می‌گیرد و نه وقت خود را بیهوده تلف خواهد کرد و نه تلاش خود را در کار بی‌فایده هدر خواهد داد.

پس ای بندگان خداوند، همگی تقوای الله را پیشه سازید و مانند کسانی نباشید که قلبشان به سختی گراییده و حجابی ضخیم میان آنان و آیات خداوند جدایی انداخته است که نه از آن عبرت می‌گیرند و نه یادآور می‌شوند زیرا بسا گروه‌هایی که آیات پروردگار را دیدند اما به آن خندیدند و نشانه‌های پروردگار را پی در پی در برابر خود یافتند اما از آن رویگردان شدند.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

﴿يَتَأْتِيهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ وَأَخْشَوْا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنِ وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ ﴿٣٣﴾

إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿٣٤﴾ [لقمان: ٣٣-٣٤].

«ای مردم از پروردگار خود پروا کنید و از روزی بترسید که هیچ پدری به کار فرزندش نمی‌آید و هیچ فرزندی سودی برای پدرش نخواهد داشت. همانا وعده‌ی الله

حق است پس زندگی دنیا شما را نفریبد و (شیطان) فریبنده شما را نسبت به الله فریب ندهد (۳۳) همانا این الله است علم قیامت به نزد اوست و اوست که باران را نازل می‌کند و می‌داند که در رحم‌ها چه است، و کسی نمی‌داند که فردا چه به دست خواهد آورد و کسی نمی‌داند که در کدام سرزمین خواهد مرد. همانا الله است که بسیار دانا و بسیار آگاه است».

خداوند من و شما را با قرآن عظیم و راه و روش محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - سود رساند. این سخن خود را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از هر گناهی از خداوند آمرزش می‌خواهم پس از او آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش مخصوص الله است. او که قلب‌ها را با یادآوری و پند و اندرز زنده می‌سازد. او را ستایش گفته و برای خیر فراگیر و فضل فراوانش شکر می‌گوییم و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است، شهادتی که با آن از هرگونه شرک بزرگ و کوچکی بیزاری می‌جویم و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده‌ی خداوند و پیامبر او و مژده‌دهنده و بیم‌دهنده است. درود و سلام و برکات خداوند بر وی و بر اهل بیت پاک او و اصحاب نیک او و همه‌ی کسانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند.

اما بعد:

انسان، بدون دین چونان برگی است که بادها او را به هر سوی می‌برند، هیچ‌گاه بر یک حال استقرار نمی‌یابد و روی آرامش را نخواهد دید:

﴿وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخَطَفَهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوَى بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ

سَجِيْقٍ ﴿٣١﴾ [الحج: ۳۱].

«و هرکه برای الله شریک آورد به مانند این است که از آسمان افتاده است پس پرندگان او را ربوده‌اند یا آنکه باد او را به جایی دور افکنده است».

انسانی بی‌دیم نزد خود هیچ ارزش و جایگاهی ندارد، نگران است و پریشان، سرگردان است و منقلب، نه حقیقت وجود خود را می‌داند و نه حکمت از بودن خود را:

﴿فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٢٥﴾﴾
[الأنعام: ۱۲۵].

«پس الله هرکه را بخواهد هدایت کند سینه‌ی او را برای پذیرش اسلام می‌گشاید و هرکه را بخواهد گمراه سازد سینه‌اش را چنان تنگ می‌گرداند چنانکه انگار به زحمت در آسمان بالا می‌رود، اینچنین الله پلیدی را بر کسانی قرار می‌دهد که ایمان نمی‌آورند». انسان، بدون دین همانند حیوانی است درنده و زیانبار، نه فرهنگی او را باز خواهد داشت و نه هیچ ارزش و معیاری جلو او را خواهد گرفت:

﴿لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَمِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ ﴿١٧٩﴾﴾ [الأعراف: ۱۷۹].

«آنان قلب‌هایی دارند که با آن تفکر نمی‌کنند و چشم‌هایی دارند که با آن نمی‌بینند و گوش‌هایی دارند که با آن نمی‌شنوند. آنان به مانند چهارپایانند و بلکه گمراه‌ترند، آنان غافلانند».

جامعه‌ی بی‌دین نیز جنگلی بیش نیست، حتی اگر متمدن باشد یا آثار علم بر آن نمایان باشد. در چنین جامعه‌ای زندگی از آن قوی‌تر است نه نیکوکارتر یا متقی‌تر.

علوم، تنها انسان را به سوی وسائل و اسباب راهنمایی می‌کنند نه به سوی اهداف، تنها وسائل را در اختیار انسان می‌نهند نه ارزش‌ها را، اینگونه علمی تنها علم و دانایی محدودی است نسبت به ظاهر زندگی دنیا چنانکه خداوند در مورد گروه‌هایی چنین فرموده است:

﴿يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ ﴿٧﴾﴾ [الروم: ۷].

«تنها ظاهری از زندگی دنیا را می‌دانند و آنان از آخرت غافلند».

در ظاهر این دنیا ممکن است ثروت و قدرت برخی از مردم با گناه و عصیان‌شان

افزون گردد چنانکه در کلام خداوند چنین آمده است که:

﴿فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِم أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُم بَعْتَةً فِإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ ﴿٤٤﴾ فَقُطِعَ دَابِرَ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٥﴾﴾ [الأنعام: ٤٤-٤٥].

«پس چون آنچه را بدان پند داده شده بودند فراموش کردند درهای همه چیز را بر

آنان گشودیم تا آنکه به آنچه داده شده بودند شاد گردیدند ناگهان آنان را به عذاب گرفتار

کردیم و یکباره نومید شدند (٤٤) پس ریشه گروه ستمگران برکنده شد، و ستایش از آن

الله پروردگار جهانیان است».

بسیاری از گناهکاران هستند که تنبیه شده و متنبه می‌شوند، مورد مواخذه قرار

می‌گیرند و از خطای خود برمی‌گردند، بنابراین محرومیت در بسیاری اوقات باعث دوری

از گناه و توبه می‌شود.

اما بسیاری از گناهکاران هستند که دنیا به مانند امواجی طوفنده آنان را چونان غرقیتی

در خود می‌گیرد و هرگز از مهلکه بیرون نمی‌آیند تا آنکه نابود می‌شوند.

انواع آزمایش‌های خداوندی و انواع پاداش او بسیاری بیشتر از علم و درک ماست.

پس این سال خود را با عمل صالح آغاز کنید و گمان خود را نسبت به پروردگار اصلاح

نمایید و روابط میان خود را بهبود بخشید و تقوای خداوند را پیشه سازید و به پیامبر او

ایمان آورید «تا آنکه [خداوند] دو بهره از رحمت خویش را ارزانی شما سازد و برای

شما نوری قرار دهد که با آن راه ببینید و شما را مورد آمرزش خود قرار دهد، و همانا

الله بسیار آمرزنده و مهربان است» [الحديد: ٢٨].

از گناهان به سوی پروردگارتان توبه کنید و برای روزی آماده شوید و پاها و پیشانی‌ها

را بگیرند، آنچه را ماندگار است بر آنچه از بین رفتنی است ترجیح دهید، باشد که از

گروهی باشید که خداوند خطاب به آنان چنین می‌فرماید:

﴿كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ﴾ [الحاقة: ۲۴].

«بخورید و بیاشامید! گوارایتان باد، به پاداش آنچه در روزهای گذشته انجام دادید».
و سپس درود و سلام فرستید بر آن رحمت هدایتگر و آن نعمت خداوندی، پیامبرتان محمد بن عبدالله که خداوند در آیات محکم کتاب خود شما را به آن امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [الأحزاب: ۵۶].

خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد، آن محبوب برگزیده و بر اهل بیت پاک او و بر همسران وی، مادران مومنان درود و سلام فرست و از چهار خلیفه‌ی راشد، ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه و تابعین و کسانی که تا قیامت به نیکی پیروی آنان کنند راضی و خشنود باش، و همینطور از ما به همراه آنان خشنود باش ای گرامی‌ترین گرامیان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزیز گردان و شرک و مشرکان را خوار و ذلیل نما، و حوزه‌ی دین را حفظ نما و سرکشان و ستمگران و ملحدان و دیگر دشمنان دین و امت را خوار گردان.
خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان ما را اصلاح نما و مسئولیت‌های ما را بر عهده‌ی کسانی قرار ده که تقوای تو را پیشه ساخته و در پی خشنودی تو باشند.

خداوندا مسئولان مسلمان را برای عمل به کتاب تو و سنت پیامبرت - صلی الله علیه وآله وسلم - موفق گردان و آنان را رحمتی برای بندگان مومنت بگردان و کلمه‌ی آنان را بر حق و هدایت یکی نما، ای پروردگار جهانیان.

خداوندا برای امت اسلام امری رشید قرار ده که در آن اهل طاعت تو عزیز گردند و اهل معصیت هدایت شوند و در آن به معروف امر شده و از منکر باز داشته شود که همانا تو بر هر کاری توانایی.

خداوندا ما برادران و خواهران مستضعفی داریم که ستم و سختی بر آنان رفته است، دچار ظلم و طغیان شده‌اند، خون‌ها ریخته شده، بی‌گناهان کشته شدند، زنان بیوه گردیدند و کودکان یتیم شدند... خداوندا، ای یاور مستضعفان و ای ناجی مومنان، آنان را یاری ده، سختی‌شان را از بین ببر و زیان را از آنان دور گردان.

خداوندا اوضاع مسلمانان را بهبود بخش، خداوندا اوضاع مسلمانان را بهبود بخش، خداوندا جانشان را حفظ نما و کلمه‌شان را بر حق و هدایت یگی گردان و بهترین‌شان را بر آنان قرار ده و شر بدان را از آنان دور گردان و امنیت و عدالت و رفاه را در سرزمین آنان گسترش ده و آنان را از بدی‌ها و فتنه‌های آشکار و پنهان دور گردان.

خداوندا توی آن الله که معبودی به حق جز تو نیست، تو بی‌نیازی و ما نیازمند، باران را بر ما نازل گردان و ما را از نومیدان مگردان، تویی آن خداوندی که معبودی به حق جز تو نیست، باران را بر ما نازل گردان و ما را از نومیدان مگردان، خداوندا ما از تو آمرزش می‌خواهیم که تو بسیار آمرزنده‌ای پس آسمان را بر ما فرو ریزان و آن را برای ما نیرویی برای طاعت خود بگردان.

خداوندا ما آفریدگانی از آفریدگان توایم، به سبب گناهانمان فضل خود را از ما باز ندار.

«پروردگارا ما را از گروه ستمگران مگردان» [الأعراف: ۴۷].

«پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از عذاب آتش دور گردان»

[البقرة: ۲۰۱].

پاک و بی‌عیب است پروردگار تو آن پروردگار عزت از آنچه مشرکان به دروغ وصفش می‌کنند و سلام بر پیامبران و الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

مفهوم صلح در اسلام

خطیب: دکتر سعود شریم

مسجد الحرام: جمعه ۱۴ محرم ۱۴۳۳ برابر با ۱۸ آذر ۱۳۹۰

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن خداوند بزرگ والامرته است، آنکه دارای عزت و قدرت و جلال است، او که برق را می‌فرستد که بیم و امید بندگان را برانگیخته و ابرها سنگین را به وجود می‌آورد، شکافنده‌ی دانه است و او سخت‌کیفر است. هرآنچه در آسمان‌ها و زمین است، و سایه‌هایشان، شبانگاهان و صبح‌گاهان، مطیعانه یا به اجبار سجده‌ی او را می‌برند، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد است و شریکی ندارد، و گواهی می‌دهم که محمد، بنده‌ی او و پیامبرش است، او دارای خصلت‌های والا بود و در گفتار و کردار اسوه و الگو، راستگو بود و تصدیق شده از نظر قلب و زبان و جوارح، پس درود و سلام خداوند بر وی و بر همسران، مادران مومنان، و بر اهل بیت و یاران وی و تابعین و همه‌ی کسانی که تا قیامت به نیکی پیروی آنان نمایند.

اما بعد:

توصیه‌ای که به خود و شما می‌نمایم، تقوای خداوند - سبحانه و تعالی - است که همان توصیه‌ی وی برای پیشینیان و پسینیان است:

﴿وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ﴾ [النساء: ۱۳۱].

«و بی‌تردید کسانی را که پیش از شما به آنان کتاب دادیم و شما را چنین توصیه نمودیم که پروای الله را داشته باشید».

﴿فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ ۗ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ [العنكبوت: ۱۷].

«پس از نزد الله روزی بخواهید و او را عبادت کنید و شکر او را به جای آورید. به سوی باز خواهید گشت».

خداوند این جهان را چه جهان بالا و چه جهان پایین، با انس و جن آن، و ملائکه و جماد و حیوانات و پرندگانش آفرید تا تنها او را عبادت کنند و برای او شریکی نیاورند و

تا همهی این جهان در برابر عظمت او فروتن شود و نسبت به عبودیت پروردگار یقین یابند، چنانکه خداوند متعال فرموده است:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴿٥٦﴾﴾ [الذاریات: ۵۶].

«و جن و انس را جز برای آن که مرا عبادت کنند نیافریدم»
و چنانکه خداوند متعال در جای دیگری می‌فرماید:

﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَطْلًا ذَلِكُمْ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ ﴿٢٧﴾﴾ [ص: ۲۷].

«آسمان و زمین و آنچه میان آنهاست را بیهوده نیافریدیم. آن گمان کسانی است که کفر ورزیدند، پس وای از آتش بر کسانی که کفر ورزیده‌اند»
و می‌فرماید:

﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِعِبِينِ ﴿٣٨﴾ مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٩﴾﴾ [الدخان: ۳۸-۳۹].

«و آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو است را بازیچه نیافریدیم (۳۸) آن دو را به جز برای حق نیافریدیم اما بیشتر آنان نمی‌دانند».

زیرا آفریدگار متعال، این جهان را بیهوده نیافریده و آن را بیهوده در اختیار بندگانش قرار نهداده و زمین را بی‌هدف زیر سلطه‌ی آنان قرار نداده است که در اطراف و اکناف آن سیر کنند و از روزی آن بخورند، چگونه چنین چیزی ممکن است در حالی که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِعِبِينِ ﴿١٦﴾ لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهَؤُنَا لَاتَّخِذُنَهُ مِن لَّدُنَّا إِنْ كُنَّا فَعَلِينَ ﴿١٧﴾ بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ ﴿١٨﴾ وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ ﴿١٩﴾ يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ ﴿٢٠﴾﴾ [الأنبياء: ۱۶-۲۰].

«و آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو است را بازبچه نیافریدیم (۱۶) اگر می‌خواستیم بازبچه‌ای بگیریم بی‌تردید آن را از پیش خود برمی‌گرفتیم (۱۷) بلکه حق را بر باطل فرو می‌افکنیم پس آن را در هم می‌شکند و بناگاه نابود می‌گردد. وای بر شما از آنچه وصف می‌کنید (۱۸) و برای اوست هرکه در آسمان‌ها و زمین است و کسانی که نزد اویند از عبادت او استکبار نمی‌ورزند و درمانده نمی‌شوند (۱۹) شب و روز بی‌آنکه سستی ورزند تسبیح او را می‌گویند».

از اینجاست که خداوند متعال کسانی را که معنای خلقت آسمان‌ها و زمین را درک نکرده‌اند مورد توبیخ خود قرار می‌دهد، کسانی که خلقت را وسیله‌ای برای محقق ساختن عبودیت او به یگانگی قرار نداده‌اند. خداوند متعال درباره‌ی آنان فرموده است:

﴿قُلْ أَيْنَكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَنْدَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ [فصلت: ۹].

«بگو آیا شما به کسی کفر می‌ورزید که زمین را در دو روز آفرید و برای او شریکان قرار می‌دهید؟ این است پروردگار جهانیان».

تا آنجا که می‌فرماید:

﴿ثُمَّ أَسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ﴾ [فصلت: ۱۱].

«سپس قصد آسمان نمود در حالی که بخار بود پس به آن به زمین فرمود خواه یا ناخواه بیایید. گفتند: فرمان‌پذیر آمدیم».

واقعا عجیب است! چگونه آنان که در زمینند از عبودیت او استکبار می‌ورزند در حالی که آسمانی که سایه بر آنان افکنده و زمینی که بر آن هستند هر دو مطیع باری - جل جلاله - هستند؟ همین آن چیزی است که خداوند - سبحانه و تعالی - درباره‌ی آسمان‌ها و زمینش گفته است.

و درباره‌ی پرندگان آسمان گفته است:

﴿وَالطَّيْرُ صَفَّتْ كُلُّ قَدِّ عِلْمٍ صَلَاتُهُ وَتَسْبِيحُهُ﴾ [النور: ۴۱].

«و پرندگان که در آسمان بال گشوده‌اند همه ستایش و تسبیح خود را می‌دانند».

و درباره‌ی دیگر جنبندها و جمادات و درختان و سنگ‌ها فرموده است:

﴿وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَّا تُفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ﴾ [الإسراء: ۴۴].

«و هیچ چیز نیست مگر آنکه به ستایش او تسبیح می‌گویند اما شما تسبیح آنان را درک نمی‌کنید».

یعنی شما انسیان و جنیان عبادت و تسبیح آنان را درک نمی‌کنید.

پس ای انسان، عقل و قلب تو کجاست؟ و کجاست آن چیزی که خداوند به واسطه‌ی

آن تو را بر بسیاری از مخلوقاتش برتری داده است؟

کشته باد انسان، چه ناسپاس است، پروردگارش او را آفریده است، اما او در برابر

دیگران سر خم می‌کند، پروردگارش به او روزی می‌دهد، سپس او از دیگران تشکر

می‌کند، پروردگارش به واسطه‌ی عقل و حکمت و انسانیتی که به او عطا کرده است او را

گرامی داشته اما:

﴿فَأَبَىٰ أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا﴾ [الإسراء: ۸۹].

«ولی بیشتر مردم جز سر انکار ندارند».

﴿وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾ [البقرة: ۲۴۳].

«اما بیشتر مردم شکر نمی‌گذارند».

﴿وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [الأعراف: ۱۸۷].

«اما بیشتر مردم نمی‌دانند».

﴿وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ [هود: ۱۷].

«اما بیشتر مردم ایمان نمی‌آورند».

اما اسباب تعجب این است که: آنکه وسیله‌ی کامل را برای عبودیت در اختیار دارد از

دیگر آفریدگار خداوند فروتنی کم‌تری پیشه می‌کند:

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالْدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن مُّكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ﴾ ﴿١٨﴾ [الحج: ١٨].

«آیا ندیده‌ای که برای الله سجده می‌برد هر که در آسمان‌ها است هر که در زمین است و [همچنین] خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درختان و جنبندگان و بسیاری از مردم، و بسیاری هستند که عذاب بر آنان واجب شده است و الله هر که را خوار دارد او را هیچ گرامی دارنده‌ای نیست. همانا الله هر چه بخواهد انجام می‌دهد».

خوب در این آیه تامل نمایید که خداوند متعال از میان آفریده‌هایی که در ذکر نموده است تنها انسان‌ها را مستثنا گردانده است چنانکه در آیات دیگری می‌فرماید:

﴿فَمِنْهُمْ مَّنْ ءَامَنَ وَمِنْهُمْ مَّنْ كَفَرَ﴾ [البقرة: ٢٥٣].

«پس برخی از آن‌ها ایمان آوردند و برخی از آن‌ها کفر ورزیدند».

﴿وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ﴾ ﴿١٣﴾ [یوسف: ١٠٣].

«و بیشتر مردم حتی اگر [در هدایتشان] حریص باشی مومن نیستند».

بندگان خداوند:

ما در زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که در آن زندگی مادی و نظریات فلسفی و انقلاب فناوری و زرادخانه‌ی نظامی آکنده از روح خودخواهی و تجاوزکارانه، و اراده‌ی تکبر در زمین و از بین بردن جان‌ها و کشتزارها به اوج خود رسیده است. اما این تمدن نتوانست روح انسان‌ها را با رحمت و آرامش و حکمت و عدل و ایثار، سیر کند. دلیل این ادعا همین مسابقه‌ای است که انسان‌ها برای مسلح ساختن خود برگزار کرده‌اند، که چند برابر بیشتر از دیگر احتیاجات بشری از جمله اخلاق و غذا و آب است.

تا آنکه که این سه‌گانه‌ی خفه‌کننده، یعنی: خلأ روحی و تحریف تاریخ و قهر نظامی بر سینه‌ی بشر نشست و سپس اسلحه‌ی کشتار جمعی پا به عرصه گذاشت و صلح را به معنای حماقت، و مهربان را به معنای ناتوانی و عدل را به معنای تسلیم معرفی کرد، و مفهوم حماقت را در حق کسی صادق گرداند که سعی دارد حق خود را به نام عدالت و

رحمت بگیرد، تا آنکه به جایی رسیدیم نمی‌توان مفهوم عدل را یافت مگر آنجایی که ستم است، و نمی‌توان مفهوم صلح را دید مگر آنجا که جنگ است تا آنکه جهان امروز آکنده گردید از انواع رنگارنگی از تجاوزهای سیاسی و اقتصادی و نظامی، و امنیت برای بسیاری از جوامع تبدیل به سرابی شد دست نیافتنی.

راز پنهان در همه‌ی این مصیبت‌ها به حاشیه راندن صلح است؛ آری، صلح حقیقی که همان آرامش و استقرار است. صلحی که بندگی در برابر آن داورِ عادل را مقرر می‌گرداند و او را به عنوان پروردگار روزی دهنده که معبودی دیگر جز او نیست می‌شناسد. همان صلحی که خداوند، آن پادشاه پاک که نامش «سلام» است تشریح نموده است. همان صلحی که باطل از هیچ سو راهی بدان ندارد و از سوی حکیمی ستوده شده نازل شده است. صلحی از سوی پروردگار سوی به سوی بشریت:

﴿وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِّمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا﴾ [النساء: ۱۲۵].

«و دین چه کسی بهتر از آن است که خود را تسلیم الله کرده است در حالی که نیکوکار است و از دین ابراهیم که به دور از شرک بود پیروی نمود و الله ابراهیم را به دوستی گرفته بود».

بشریت هرچه قدر تلاش کند و هر چه علوم و دانسته‌هایش را صرف نماید و هرآنچه از اسباب را که در دست دارد استفاده نماید نخواهد توانست به مثقال ناچیزی از علم خداوند دست یابد چرا که خداوند می‌فرماید:

﴿وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ﴾ [البقرة: ۲۵۵].

«و به چیزی از علم وی احاطه نمی‌یابند مگر به آن اندازه که بخواهد».

پس بشریت را چه شده است که به شکوه و عظمت خداوند اقرار نمی‌کند، در حالی که آنان را در مراحل مختلف آفریده است؟ هیچ چیز جز صلحی که از سوی خداوند آمده است برای بشریت سودی نخواهد داشت.

در تاریخ هیچ مبدا یا دین یا اندیشه‌ای نبوده که مهربان‌تری و رؤوف‌تر و عادل‌تر از دین اسلام باشد، و برای این ادعا نمی‌توان دلیلی روشن‌تر از این آورد که در این دین در حل جنگ با دشمن نیز کشتن پیرمردان و کودکان و زنان و قطع کردن درختان جایز نیست، چه صلحی بزرگ‌تر از این صلح؟!

اما بسیار جای تاسف است که برخی از مسلمانان همه‌ی این‌ها را می‌دانند اما به سمت شعارهای براق و فلسفه‌هایی می‌شتابند که خداوند برای آن دلیلی نیاورده است و اسلام را آنگونه که نیست تفسیر می‌کنند.

بدون شک هرچه بیداری و نگاه تیزبین مسلمانان نسبت به حقیقت اسلام ضعیف‌تر باشد همان‌طور شوق آنان به سوی سراب صلح پوشالین بیشتر خواهد شد، رنگ زیبای آن را خواهند دید و طعم تلخ آن را حس نخواهند کرد، اشک دروغین را خواهند دید و توپخانه را نخواهند دید، می‌دانند که مار هنگام نیش زدن تبسم نمی‌کند اما کسانی را که در حال نیش زدن می‌خندند نخواهند دید.

چه زیبا است مثال ابو حاتم بُستی که از یکی از شیوخ خود نقل می‌کند که صیادی در روزی طوفانی گنجشک‌ها را شکار می‌کرد و باد باعث می‌شد گرد و خاک به چشم او رود و از آن اشک جاری شود. آن صیاد همین که گنجشکی را می‌گرفت بالش را می‌شکست و در کیسه می‌انداخت. مردی که این صحنه را می‌دید به دوستش گفت: چه دل‌رحم است! نمی‌بینی از چشمش اشک فرو می‌ریزد! دوستش به او گفت: به اشک چشمانش نگاه نکن، به کار دستش نگاه کن!

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اَدْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَآفَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٢٠٨﴾ فَإِن رَّزَلْتُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمُ الْبَيِّنَاتُ فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٠٩﴾﴾

[البقرة: ۲۰۸-۲۰۹].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید همگی به تسلیم و اطاعت الله درآیید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید که همانان او دشمنی آشکار برای شماست (۲۰۸) و اگر پس از آنکه برای شما دلایل آشکار آمد دستخوش لغزش شدید بدانید که الله عزیز و حکیم است.»

لازم است که هر کدام از ما خود را از خودخواهی و بی‌مسئولیتی برهاند و قید و بندهای منفی‌گرایی و بی‌مبالاتی را از خود باز کند تا بتواند تبدیل به یکی از آجرهای برج باشکوه اسلام شود. ساختمانی که هرکه بنایش کرد زیان نمی‌بیند و هرکه در آن ساکن شد پشیمان نمی‌شود.

زیرا شناخت واقعی خداوند و ایمان به آنچه از سوی وی آمده است تنها راه تفاوت نهادن میان صلح حقیقی و صلح دروغین است، زیرا صلح در اسلام به معنای عدالت و صدق و امانت‌داری و رحمت است، اما صلح در مفهوم دروغین خود بر مصلحت شخصی و قدرت و سلطه‌ی قوی‌ترها استوار است، همان اساس جاهلی که ظلم و ستم ورزیدن را از خصلت‌های اساسی بشر می‌داند، یا آنطور که می‌گویند: «هرکه ستم نمی‌کند حتما نمی‌تواند!» و خداوند متعال از قول اصحاب کهف چه زیبا می‌فرماید که:

﴿إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ وَلَنْ تُفْلِحُوا إِذًا أَبَدًا ﴿۲۰﴾

[الکهف: ۲۰].

«آن‌ها اگر به شما دست یابند سنگسارتان می‌کنند یا شما را به دین خود باز می‌گردانند و آنگاه هرگز رستگار نخواهید شد».

خداوند متعال برای من و شما در قرآن بزرگ برکت نهد و با آیات و ذکر حکیم سود رساند. این سخن خویش را گفته، اگر صحیح بود از سوی خداوند و اگر خطا، از سوی نفس و شیطان بود، و از خداوند آمرزش می‌خواهم که او بسیار آمرزنده است.

خطبه‌ی دوم:

خداوند را برای احسانش ستایش می‌گویم و برای توفیق و منتش شکر می‌گویم و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد بنده‌ی خدا و پیامبر او و دعوتگر به سوی رضوان اوست. درود و سلام خداوند بر او و بر اهل بیت و یاران او باد...

اما بعد، ای مردم:

ما هنگامی که درباره‌ی صلح که همان اسلام است سخن می‌گوییم و اعتقاد داریم این دین تنها راه نجات بشریت از تاریکی‌های سرگردانی و انحراف عقیدتی و اخلاقی و فکری و نظامی است، هنگامی که از این سخن می‌گوییم منظورمان این است که برای صلح حتماً باید پستی و سر به زیر انداختن و تسلیم را پذیرا شد، هرگز؛ امتی که جز برای پروردگار خود به رکوع نمی‌رود ممکن نیست برای کس دیگری فروتنی پیشه کند، امتی که جز الله را نمی‌شناسد ممکن نیست از کسانی که الله را نمی‌شناسند شکست بخورد، اما اسلام همان صلح حقیقی است با همه‌ی معنایی که این کلمه می‌دهد، زیرا خداوند متعال خود آنگونه است که خود فرموده است:

﴿السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ﴾ [الحشر: ۲۳].

«آن [خداوندی که] سلام مومن (امنیت دهند) مهیمن (نگهبان) عزیز جبار متکبر است».

لفظ «سلام» یعنی صلح به صورت متصرف ۴۴ بار در قرآن کریم آمده است در حالی که لفظ «حرب» یعنی جنگ تنها شش بار در کتاب خدا آمده است و مسلمانان در اقتدا به رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - روزانه ۱۰ بار این لفظ را بر زبان می‌آورند، زیرا ایشان پس از پایان نمازها می‌فرمودند: «أَسْتَغْفِرُ اللهَ، أَسْتَغْفِرُ اللهَ، أَسْتَغْفِرُ اللهَ، اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ، تَبَارَكَتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» [به روایت مسلم].

«سلام» یعنی صلح دین خداوند بر روی زمین است و خوشامدگویی مسلمانان به یکدیگر همین سلام است زیرا رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «سلام را در میان خود فاش سازید» [به روایت مسلم].

در میدان نبرد نیز اگر دشمن کلمه‌ی صلح و اسلام را بر زبان آورد واجب است که دست از او کشیده و او را مسلمان و برخوردار از صلح دانست زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا صَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمْ
السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَصَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَعَانِمٌ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِّن
قَبْلُ فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿٩٤﴾ [النساء: ٩٤].

«ای کسانی که ایمان آوردید، هنگامی که در راه الله به سفر [جهاد] رفتید خوب مطمئن شوید و به کسی که نزد شما اظهار اسلام می‌کند نگویید که تو مومن نیستی تا در پی متاع دنیا باشید زیرا نزد الله غنیمت‌های بسیاری است. پیش از این شما نیز اینگونه بودید پس الله بر شما منت نهاد، پس خوب رسیدگی کنید که همانا الله به آنچه می‌کنید آگاه است».

اگر این وضعیت دنیا باشد بهشتی که در آخرت است به طور کامل «دارالسلام» یعنی سرزمین صلح است:

﴿وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَىٰ دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٢٥﴾ [يونس: ٢٥].

«و الله به سوی سرای سلامت فرا می‌خواند و هر که را بخواهد به سوی راه مستقیم رهنمون می‌شود».

خوشامدگویی مومنان در روزی پروردگار خود را دیدار خواهند کرد نیز سلام است:

﴿تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا ﴿٤٤﴾ [الأحزاب: ٤٤].

«درودشان روزی که دیدارش کنند سلام است و برای آنان پاداش بزرگوارانه‌ای آماده کرده است».

ملائکه نیز هنگام وارد شدن بر اهل بهشت بر آنان سلام می‌فرستند:

﴿وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِّن كُلِّ بَابٍ ﴿٢٣﴾ سَلَّمَ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَىٰ

الدَّارِ ﴿٢٤﴾ [الرعد: ٢٣-٢٤].

«و فرشتگان از هر در بر آنان داخل می‌شوند (٢٣) [و می‌گویند] سلام بر شما به سبب

آنچه صبر پیشه کردید. چه نیکو است فرجام آن سرا».

زندگی مومنان در بهشت را نیز خداوند متعال چنین وصف نموده است:

﴿لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْتِيهَا إِلَّا قِيْلًا سَلَامًا سَلَامًا﴾ [الواقعة: ۲۵-۲۶].

«در آن سخن بیهوده و [یا] گناهی نمی‌شوند (۲۵) و سختی نیست جز سلام و درود». خداوند متعال برای من و شما در قرآن و سنت برکت نهاد. اما بعد، ای مسلمانان بدانید که خداوند شما را به کاری امر نموده که خود نخست انجام داده و سپس ملائکه را بدان امر نموده و سپس شما را به آن امر نموده و فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [الأحزاب: ۵۶].

خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یاران او و تابعین و کسانی که به نیکی تا قیامت از آنان پیروی نمایند درود و سلام فرست، و همینطور بر ما با عفو و کرم خویش ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، و قرض و وام را از وام‌داران بردار و بیماران ما و دیگر بیماران مسلمانان را شفا ده ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا نفس‌های ما را تقوا عطا کن و آن را پاک گردان که تو بهترین پاک‌کننده‌ی آنی، تو ولی و مولای آنی ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان ما را اصلاح نما و مسئولیت‌های ما را بر عهده‌ی کسانی قرار ده که خشیت و تقوای تو را داشته و در پی خشنودی تو باشند، ای پروردگار جهانیان.

خداوندا تو آن الهی که معبودی به حق جز تو نیست، تو بی‌نیازی و ما نیازمندانیم، باران را بر ما نازل گردان و ما را از نومیدان مگردان، باران را بر ما نازل گردان و ما را از نومیدان مگران، باران را بر ما نازل گردان و ما را مایوس مساز، خداوندا خیر خود را به سبب بدی ما از ما دور نگردان... خداوندا ما خلقی از مخلوقات توایم پس به سبب گناهانمان فضل خود را از ما باز مدار.

«پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و ما را از آتش دوزخ دور گردان»

پاک است و بی‌عیب پروردگار تو، پروردگار عزت از آنچه مشرکان به دروغ وصفش می‌کنند و سلام بر پیامبران و آخر سخن آنکه: الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه: فضیلت کلمه‌ی توحید

خطیب: دکتر عبدالرحمن سدیس

مسجدالحرام: جمعه ۲۱ محرم ۱۴۳۳ برابر با ۲۵ آذر ۱۳۹۰

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است، پروردگارا تو را ستایش گفته و از تو یاری می‌جوییم و به سوی تو باز می‌گردیم و تو را با همه‌ی نیکی‌ها می‌ستاییم، ثنایی بسیار و پی در پی... و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است، گواهی اقرار کننده‌ی به پروردگاری و خداوندی و توحید او، و بزرگداشت جلال او، و گواهی می‌دهم که پیامبر و سرور ما محمد، بنده‌ی الله و پیامبر اوست، او که پاک‌ترین دعوت‌کننده‌ی بسوی توحید از نظر اعتقاد و عمل است، درود خداوند بر او و بر اهل بیت پاک او که حقیاب بودند و صحابه‌ی وی که برای کلمه‌ی توحید هر چه داشتند فدا کردند و بر تابعین و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند... اما بعد، ای بندگان خداوند؛ اگر در پی برادری و وحدت کلمه هستید، اگر تمکین و عزت می‌خواهید و اگر ثواب خداوند و بهشت را آرزو دارید پس تقوای الله را در گفتار و کردار پیشه سازید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ ۖ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿۱۳۲﴾

[آل عمران: ۱۰۲].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را آنگونه که شایسته است پاس دارید و نمی‌رید مگر در حالی که مسلمانید».

ای مسلمانان، در این زمانه‌ی آکنده از تغییرات فکری و چالش‌های سیاسی و اجتماعی و موثرات فرهنگی و اطلاعاتی، و در حالی که در آغاز سال مبارک هجری جدید قرار داریم، نمی‌توان به آینده نگاه انداخت و نمی‌توان آفاق آن را ترسیم نمود مگر در روشنای نعمتی آشکار و پرفضیلت که عظیم‌ترین کلمه در همه‌ی این وجود است، جلیل‌ترین کلمه‌ای که بر زبان‌ها جاری شده است و پاک‌ترین سخنی که گوش‌ها شنیده‌اند؛

این کلمه آن نعمت بزرگ الهی و منت هدیه داده‌شده از سوی اوست، بزرگ‌ترین نعمتی که خداوند با آن بر هر کدام از بندگانش که بخواهد منت می‌نهد که کلمه

پروردگارا مرا چیزی بیاموز که با آن تو را یاد کنم و فرا بخوانم. خداوند فرمود: ای موسی! بگو: لا إله إلا الله. موسی گفت: پروردگارا! همه‌ی بندگان این را می‌گویند. خداوند فرمود: ای موسی! اگر همه‌ی آسمان‌ها و زمین و اهل آن جز من، و هفت زمین در یک کفه قرار گیرند، و لا إله إلا الله در یک کفه قرار گیرد بر آن‌ها سنگینی می‌کند» [به روایت حاکم و ابن حبان. ابن حبان آن را صحیح دانسته است].

اگر مسلمانان بر مقتضای کلمه‌ی اخلاص و احکام آن، و مضامین بدیع توقف می‌کردند، هرگز نه ظلمی می‌دیدیم و نه سرکشان بر بی‌گناهان تجاوز می‌کردند و نه دشمنان اینگونه عزت و شرف ما را می‌دریدند.
برادران و خواهران ایمانی:

این دین ارزشمند همان نعمت بزرگ و منت عظیم است که مومن به واسطه‌ی آن از اهل دیگر امت‌ها متمایز می‌شوند، هر چند آنان نیز با وی در نعمت وجود و عقل و روزی و دیگر نعمت‌ها شریکند اما تنها مسلمان است که از نعمت اسلام، از نعمت «لا إله إلا الله» برخوردار است که شایسته است برای این نعمت، برای شکر خداوند متعال پیشانی بر خاک نهیم.

هر که از نعمت این زندگی برخوردار نباشد در حقیقت مرده است:

﴿أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَتَّئِلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا﴾ [الأنعام: ۱۲۲].

«آیا کسی که مرده بود پس او را زنده گردانیدیم و برای او نوری قرار دادیم که با آن در میان مردم راه برود همانند کسی است که در تاریکی‌ها است و از آن بیرون آمدنی نیست».
و هر که با آن انس نمی‌گیرد تنها و بی‌کس واقعی است:

﴿أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِّن رَّبِّهِ ۗ فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُم مِّن ذِكْرِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ [الزمر: ۲۲].

«پس آیا کسی که الله سینه‌ی او را برای پذیرش اسلام گشاده ساخته است و از نوری از جانب پروردگارش برخوردار است [همانند تاریک‌دلان است؟] پس وای بر کسانی که از سنگدلی یاد خداوند نمی‌کنند؛ آنان در گمراهی آشکاری هستند».

آیا خداوند متعال نیست که ما را آفرید و نیکو خلق نمود؟ مگر این است که با فضل و احسان اوست که هستیم و زنده‌ایم؟ و مگر هرگاه او را فرا خواندیم ما را استجابت نکرد؟ و آیا او نبود که ما را از هر سختی و تنگنایی نجات داد؟

﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَّرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ ۗ أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ﴾ [النمل: ۶۲].

«یا کیست آنکه درمانده را آنگاه که فرایش خواند استجابت نموده و گرفتاری را برطرف می‌سازد و شما را جانشینان در زمین قرار می‌دهد؟ آیا معبودی به همراه الله است؟ چه کم یادآور می‌شوید».

پس ای عزیزان سختی‌دیده‌ی غم‌زده! هر جایی که هستید به دعا پناه ببرید و در برابر پروردگار زمین و آسمان به استغاثه بپردازید تا شما را از شر هر ستمگر و مستبدی نجات دهد.

از جمله والاترین معانی و مبادی این دین و بلکه زیباترین حقائق و ظرائف آن که جوهره‌ی و لبّ آن به شمار می‌رود، اظهار شکستگی و فقر و نیاز در برابر خداوند یگانه‌ی قهار است.

ای امت عقیده:

تنها کسانی کلمه‌ی توحید را فراچنگ می‌آورند که در پی آن هستند، و کسانی از یافتن آن ناتوانند که به جستجوی آن بر نمی‌آیند و سلسله‌ی توحید را با شرکیات و خرافات و سیل اعتقادات گوناگون آلوده می‌سازند، زیرا کلمه‌ی توحید تنها سختی نیست که بر زبان جاری می‌شود گرچه تنها به زبان آوردن آن جان و مال انسان را محترم می‌سازد بلکه این کلمه به مثابه‌ی خون برای بدن، و هوا برای جانداران و آب برای گیاهان که اگر در درون

صاحب خود جای گرفت بی‌درنگ فریاد برخواهد آورد که تنها معبودی شایسته‌ی عبادت الله واحد بی‌نیاز است...

اینگونه همه‌ی سخنان و کردارها و رفت و آمدهای او همه برای الله پروردگار جهانیان خواهد شد، او که شریکی ندارد:

﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۶۲﴾ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ ﴿۱۶۳﴾﴾ [الأنعام: ۱۶۲-۱۶۳].

«بگو همانا نماز و عبادات من و زندگی و مرگ من برای الله، پروردگار جهانیان است (۱۶۲) او هیچ شریکی ندارد و به این امر شده‌ام و من نخستین مسلمانانم».

و اینکه الله متعال در پروردگاری و الوهیت و در نام‌ها و صفات و در طاعت و فرمانبرداری از شریعت وی یگانه و بی‌شریک است، و این روح بندگی در کامل‌ترین بندگان خداوند و محبوب‌ترین آنان نزد او و گرامی‌ترینشان، یعنی پیامبران او تجسید یافته بود.

پیامبر و محبوب و اسوه‌ی ما محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - در روز بدر رو به قبله نمود و سپس دست به سوی آسمان دراز کرد و چنین پروردگارش را به فریاد خواند که: «خداوندا آنچه را به من وعده دادی انجام ده، خداوندا آنچه را به من وعده نمودی انجام ده، خداوندا اگر این گروه از اهل اسلام را هلاک کنی در زمین پرستیده نخواهی شد».

و همچنان پروردگارش را فرا می‌خواند تا آنکه ابوبکر آمد و او را از پشت سر در آغوش گرفت و گفت: «ای پیامبر خدا! دعا و درخواست از پروردگارت کافی است که او آنچه را به تو وعده داده است به انجام خواهد رساند...»

﴿إِذْ تَسْتَعِينُونَ رَبَّكُمْ فَأَسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ ﴿۹﴾﴾ [الأنفال: ۹].

«[به یاد آورید] آنگاه را که پروردگار خود را به فریاد می‌خواندید پس چنین شما را استجاب نمود که من شما را با هزار فرشته‌ی پیاپی یاری خواهم داد».

ای جمع دوست‌داران:

آنکه در این حدیث به خوبی تامل کند در آن تصویری زنده از خشوع و فروتنی و تضرع و فقر و نیاز و پناه‌آوردن به سوی خداوند واحد یگانه را از بهترین بنده‌ی او که درود و سلام خداوند بر وی باد، خواهد یافت.

در سایه‌ی تضرع و دعای خاشعانه‌ی در عروج‌گاه توحید خالص در برابر خداوند متعال از سوی همه‌ی پیامبران خدا، نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و ایوب و یونس و زکریا و محمد - درود و سلام خداوند بر آنان باد - است که اثر عقیده و محقق‌گردیدن خیر دنیا و آخرت، نمود می‌یابد.

امت توحید و سنت:

با وجود جایگاه والای کلمه‌ی توحید، حفاظت از آن و محقق ساختن شروط و مقتضیات آن به ویژه در میدان عمل و عرصه‌ی موضع‌گیری‌ها و آزمایشات هدف بزرگ همه‌ی زندگی است، زیرا بزرگ‌ترین مقصد از مقاصد شریعت حفظ دین و پاسداری از عقیده در برابر هرگونه تخلف به ویژه در زمانه‌ای است که کش‌مکش‌های عقیدتی و نعره‌های طائفه‌گری و اختلافات مذهبی در آن طغیان می‌کند.

در این دوران که دامنه‌ی بدی‌ها گسترده شده و بدعت‌ها منتشر گردیده است و گرمای اشک‌ها با غرش توپخانه‌ها درآمیخته و آنانی که به عقیده‌ی صحیح و سنت پیامبرشان - صلی الله علیه و آله وسلم - و راه و روش سلف صالحشان پایبند مانده‌اند، دچار مصیبت‌ها گردیده‌اند...

می‌گوییم: ای اهل توحید و سنت، هر جا که هستید صبر پیشه کنید، صبر پیشه کنید، و بشارت دهید که اینک پرچم‌های پیروزی از دور نمایان می‌شوند...

ای امت سلام:

با وجود شرایط تلخی که امت مسلمان ما در گوشه و کنار سرزمین اسلامی با آن روبرو است، اما با خوش‌بینی احساس می‌کنیم که این آتش خالص‌کننده برای روشن شدن راه ما در این سال هجری جدید لازم و ضروری است و به این مطمئنیم که کلمه‌ی

توحید زاد و توشه‌ی ما در هر سال جدید است و هیچ جایگزینی برای این کلمه برای رسیدن به سربلندی و افتخار و عزت و دستیابی به آرزویی که در پی آن هستیم و سروری و سربلندی امت نیست.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ [النور: ۵۵].

«الله کسانی از شما را که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند چنین وعده داده است که بی‌تردید آنان را در این سرزمین جانشین خواهد ساخت چنانکه کسانی که پیش از شما بودند را جانشین [پیشینیان] قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر گرداند و ترسشان را به امنیت تبدیل سازد [تا] مرا عبادتکنند و برای من شریکی قرار ندهند و هرکه پس از آن کفر ورزد آنانند که نافرمانانند».

خداوند متعال برای من و شما در قرآن سنت برکت نهد و با آیات و حکمت آن سود رساند. این سخن خویش را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از خداوند بزرگ از هر گناهی آمرزش می‌خواهم، پس از او آمرزش بخواهید و به سوی او توبه کنید که همانا پروردگار من بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله است و گواهی می‌دهم که معبودی به حق جز الله نیست، شهادتی روشن و نورانی، و گواهی می‌دهم که پیامبر ما محمد بنده‌ی خداوند و پیامبر اوست که خالصانه‌ی به سوی الله دعوت نمود و راه اصلاح را پیمود، خداوندا بر وی و بر اهل بیت و یارانش که دعوت توحید را شب و روز در پستی و بلندی منتشر نمودند و بر تابعین و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند، درود و سلام برکت ارزانی دار.

اما بعد، ای بندگان خداوند:

تقوای الله را در پنهان و آشکار پیشه‌ی خود سازید و او را برای توحید شکرگذار باشید و از آلوده ساختن آن به بدعت‌های آشکار و پنهان برحذر باشید و بدانید که بهترین سخن، کتاب خداوند است و بهترین راه و روش، راه و روش محمد - صلی الله علیه و آله وسلم - است و بدترین امور، امور نوساخته در دین است و هر بدعتی گمراهی است.

ای امت توحید و سنت:

تنها انسان بصیر و آگاهی که در پی بازیافت عزت امت خود است حوادث و پیشامدهای جدید را در سایه‌ی اصول کلی دین خود می‌بیند تا از پالش‌ها و کشمکش‌ها رهایی یابد، و ما در این شرایط که امت با سختی‌ها و محنت‌ها دست و پنجه نرم می‌کند به خداوند پناه می‌بریم که بلاها و مصیبت‌هایمان بیشتر از جانب خودمان باشد، نه از سوی دشمنان.

این مسئولیت و امانت به ویژه در این مرحله‌ی اخیر بر اهل علم و دعوت و اصلاح که پیرو منهج ربانی هستند و همینطور رهبران و سیاستمداران، سنگین‌تر است تا جوامع و نسل‌ها را از انحراف عقیدتی دور نگه دارند و توحید و سنت را به عنوان بهترین راه و روش برگزینند تا اوضاع امت رو به بهبود نهد و اتحاد آن محکم گردیده و به اهداف خود برسد که این ممکن نیست مگر با اعتصام به کتاب و سنت:

﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ [آل عمران: ۱۰۳].

«به ریسمان الله چنگ زنید و متفرق نشوید».

که در آن صورت خداوند متعال وعده‌ی خود را محقق ساخته و امت را یاری خواهد رساند:

﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُّهْتَدُونَ﴾

[الأنعام: ۸۲].

«کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را با ستم (یعنی شرک) آلوده نساختند آنان که امنیت از آنشان است و آنان هدایت یافتگانند».

و درود و سلام فرستید بر والامقام‌ترین انسان‌ها، آن ماه روشن که در تاریکی‌ها به سوی امت فرستاده شد، او که پرچم توحید و سنت را برافراشت، که خداوند متعال چنین امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

خداوند بر سرور پیشینیان و پسینیان، و بر اهل بیت و یاران وی درود و سلام فرست و از خلفای راشدین، و ائمه‌ی مهتدین، ابوبکر و عمر و عثمان و علی، و از دیگر صحابه‌ی پیامبرت و تابعین و همه‌ی کسانی که به نیکی پیروی آنان نمایند راضی و خشنود باش، و همینطور از ما با رحمت خود خشنود باش ای مهربان‌ترین مهربانان. خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، و شرک و مشرکان را خوار گردان و اهل طغیان و فساد و دیگر دشمنان دین را نابود ساز.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان در امن و امان بدار، خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن بدار، خداوندا ما را به سوی هر خیری توفیق ده... خداوندا یار و یاور برادران مستضعف ما باش، آنان که برای عقیده و پابندی به سنت پیامبرت و سلف صالح این امت در رنج افتاده‌اند... خداوندا آن‌ها را هر جا که هستند یاری ده ای پروردگار جهانیان.

خداوندا از جان و خون مسلمانان محافظت نما، خداوندا جان آنان را حفظ کن و اوضاع آنان را هر جا که هستند اصلاح نما.

خداوندا برادران و خواهران ما را در شام و یمن و هر جای دیگر در امنیت و استقرار بدار، ای حی و ای قیوم، ای دارای جلال و بزرگواری.

خداوندا، تویی آن خدایی که معبودی به حق جز تو نیست، تو بی‌نیازی و ما نیازمند، باران را بر ما نازل ساز و ما را از نومیدان مگردان، خداوندا ما را باران عطا کن، خداوندا ما را باران عطا کن، خداوندا ما آفریده‌ای از آفریده‌های تو هستیم، به سبب گناهانمان

فضل خود را از ما باز ندارد. خداوندا ما از تو آمرزش می‌خواهیم که تو بسیار آمرزنده‌ای، آسمان را بر ما بیاران.

«پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و ما را از آتش دوزخ دور بدار»

[البقرة: ۲۰۱].

پروردگارا از ما بپذیر که همانا تو بسیار شنوا و دانایی و بر ما توبه پذیر که همانا تو بسیار توبه‌پذیر و مهربان، و ما و والدین ما و همه‌ی مسلمانان و مومنان را - مردگان و زندگان - مورد آمرزش قرار ده، همانا تو شنوا و نزدیک و پذیرنده‌ی دعایی. و آخر سخن اینکه: الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه: صدق و راستی

خطیب: دکتر حسین آل شیخ

مسجد نبوی شریف: ۲۸ محرم ۱۴۳۳ برابر با ۲ دی ۱۳۹۰

خطبه‌ی اول:

ستایش مخصوص خداوندی است که مردم را به آنچه صلاح آنان است امر نموده و از آنچه باعث فساد زندگی‌شان می‌شود نهی کرده است، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که پیامبر ما محمد، بنده و پیامبران اوست، خداوند بر او و بر اهل و بیت و یارانش درود و سلام و برکت ارزانی دارد.

اما بعد، ای مسلمانان:

تقوای الله - جَلّ و علا - را پاس دارید تا اوضاع شما را اصلاح نموده و شما را در دو

دنیا سعادت ارزانی دارد:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧١﴾﴾ [الأحزاب: ۷۰-۷۱].

«ای کسانی که ایمان آوریده‌اید تقوای الله را پیشه سازید و سخنی راست گویند (۷۰) تا کارهای شما را برایتان به صلاح آورد و گناهانتان را برایتان بپامرزد، و هرکه از الله و پیامبرش اطاعت کند بی‌شک پیروزی بزرگ به دست آورده است.»

ای مسلمانان: از جمله اصول مورد اهمیت در اسلام، وجوب صدق و راستی در سخنان و کردارها، و در همه‌ی مجال‌های زندگی و همه‌ی رفتارهاست. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ ﴿١١٩﴾﴾ [التوبة: ۱۱۹].

«ای کسانی که ایمان آوریده‌اید تقوای الله را پیشه سازید و همراه با راستان باشید.»
ای مسلمانان:

راستی در شریعت اسلام در همه‌ی جنبه‌ها و همه‌ی تعاملات، چه کوچک و چه بزرگ مورد امر و تاکید قرار گرفته است. رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید:

«خریدار و فروشنده تا هنگامی که از هم جدا نشده‌اند اختیار فسخ معامله را دارند، پس اگر راستی پیشه کردند و به روشنی معامله کردند برای آنان در فروششان برکت قرار داده خواهد شد، و اگر دروغ گفتند و پنهان‌کاری نمودند برکت فروش آنان از بین خواهد رفت» [متفق علیه].

اما از زشت‌ترین رفتارها و ناشایست‌ترین روش‌ها، نیرنگ‌بازی و فریب است، به هر شکلی که باشد. پس هرکه شیطان فریب در معامله را برای او زینت داده است و هوای نفس وی کلاه‌برداری و نیرنگ زدن به دیگران را برای منفعت شخصی در چشم او زیبا گردانده است بدانند که خداوند در کمین‌گاه است، و او خود را در معرض عذاب قرار داده است.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ ﴿١﴾ الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ ﴿٢﴾ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَّزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ ﴿٣﴾ أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ ﴿٤﴾ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٥﴾ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦﴾﴾ [المطففين: ۱-۶].

«وای بر کم‌فروشان (۱) کسانی که اگر بر مردم پیمانانه گیرند به طور کامل گیرند (۲) و اگر برای مردم پیمانانه بگیرند کم می‌دهند (۳) آیا آنان نمی‌دانند که برانگیخته خواهند شد؟ (۴) برای روزی بزرگ (۵) روزی که مردم در برابر پروردگار جهانیان به پا خواهند ایستاد؟».

عبدالملک بن مروان می‌گوید: عربی بادیه‌نشین به من گفت: ای عبدالملک! خداوند متعال درباره‌ی کم‌فروشان چنان گفته است، تو که اموال مردم را بدون کیل و ترازو برمی‌داری درباره‌ی خود چه گمانی داری؟!

پس ای که اموال مردم را با فریب و نیرنگ تصاحب می‌کنی! از خداوند بترس، در این آیات بزرگ اندیشه کن و پیش از آن که فرصت از کف رود و مرگ در رسد نفس خود را از مهلکات و بدی‌ها دور کن.

برخی از محققان اهل علم گفته‌اند: هرکه در یک معامله‌ی تجاری یا هر معامله‌ی دیگری به هر روشی فریب‌کاری کند «مطفف» است و تحت وعید این آیه قرار می‌گیرد، زیرا فریب و تقلب نوعی فساد در زمین است و خیانت‌کاری و آزار رساندن به خلق خدا و حق‌خوری است.

خداوند عزوجل از قول شعیب نقل می‌کند که خطاب به قوم خود چنین گفت:

﴿وَيَقَوْمٌ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿٨٥﴾﴾ [هود: ۸۵].

«وای قوم من! ترازو را از روی عدل کامل دارید و حق مردم را کم مدهید و در زمین به فساد برمخیزید».

برادر و خواهر مسلمان:

پروای خداوند متعال را پیشه کن و بدان که فریب در همه‌ی معاملات، یکی از گناهان کبیره است و برای همین است که پیامبر ما - صلی الله علیه وآله وسلم - امت خود را از همه‌ی انواع فریب‌کاری، با هر شکل و عنوانی برحذر داشته است.

وی آنان را با لفظی بسیار تند از نزدیک شدن به فریب، هشدار داده و فرموده است: «هرکه با ما از در فریب در آید از ما نیست» و در لفظ دیگری فرموده است: «هرکه فریب‌کاری نماید از ما نیست» [به روایت امام مسلم].

و بلکه آن حضرت - صلی الله علیه وآله وسلم - از شدت حرصی که برای این امت داشت تنها به تحریم و نهی کلی از انواع فریب‌کاری اکتفا ننموده بلکه امتش را از هرگونه فریب و نیرنگ در برخی از رفتارها که بیشتر شایع هستند، برحذر داشته است:

از جمله در باب مسئولیت‌ها، ایشان - صلی الله علیه وآله وسلم - کسانی را که خداوند برخی از امور مردم را به آن‌ها واگذار نموده است از فریب‌کاری و خیانت و یا کم‌کاری و سهل‌انگاری در مورد حفظ منافع دینی و دنیوی مردم برحذر داشته است.

رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «هیچ مسئولی نیست که خداوند به وی مسئولیت مردمی را می‌دهد و او در حق آنان فریب و دغل می‌آورد مگر آنکه خداوند بهشت را بر وی حرام می‌گرداند» و در لفظ دیگری آمده است که: «بنده‌ای نیست که خداوند مسئولیت مردمی را عطا می‌کند و او در حق آن مردم دلسوزی روا نمی‌دارد مگر آنکه به همراه آنان به بهشت وارد نمی‌شود».

ای مسلمانان:

همچنین در عرصه‌ی معاملات مالی مانند خرید فروش و اجاره و دیگر معاملات تجاری، اسلام نسبت به فریب و دغلکاری به صورت قاطع نهی نموده است. خداوند عزوجل می‌فرماید:

﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ﴾ [البقرة: ۱۸۸].

«و اموال خود را در میان خود به باطل مخورید».

و رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «مسلمان، برادر مسلمان است، برای یک مسلمان حلال نیست که چیزی را به برادرش بفروشد که از وجود عیبی در آن آگاه است مگر آنکه آن را برای وی بیان نماید» [این حدیث را ابن ماجه روایت نموده و ابن حجر آن را حسن دانسته است].

و بلکه بالاتر از آن، اهمیتی که شریعت اسلام برای پیش‌گیری از فریب‌کاری و مبارزه‌ی با آن قائل است به جایی رسیده است که همه‌ی راه‌هایی که باعث فریب می‌شود را بسته است هرچند آن کار نه از سوی فروشنده و نه از سوی مشتری باشد. برای مثال، رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - در روایتی که شیخین - بخاری و مسلم - روایت کرده‌اند می‌فرماید: «با یکدیگری نجش نوزید» و نجش یعنی: کسی بدون آنکه قصد خریدن یک جنس را داشته باشد به قیمت آن بیفزاید تا بدین وسیله به فروشنده سود رسانده و یا باعث زیان خریدار شود.

برادران مسلمان:

از جمله خطرناک‌ترین انواع فریبکاری بر مسلمانان و بدعاقبت‌ترین آن‌ها کاری است که برخی از پیمانکاران در پروژه‌های دولتی یا شخصی انجام می‌دهند که پس از پایان کار آثار فریبکاری و تقلب را به سادگی می‌توان در آن پروژه مشاهده کرد، که این کاری است حرام و فسادکاری در زمین و خیانت به دولت و به مردم به شمار می‌رود.

رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - درباره‌ی چنین کارهایی می‌فرماید: «برای هر پیمان‌شکنی در روز قیامت پرچمی است که گفته می‌شود: این پیمان‌شکنی در حق فلان است» [متفق علیه].

اما تو ای برادر مسئول؛ این را بدان که پروژه‌های دولتی که تحت مسئولیت وزارت یا اداره‌ی تو است در واقع امانتی است که بر گردن تو گزارده شده است. تو برای پی‌گیری دقیق این پروژه‌ها با تمام حرص و اخلاص و صداقت و اهمیت، امین قرار داده شده‌ای. بنابراین هرگونه اهمال یا کم‌کاری در این مورد، فریبکاری و نیرنگی است بزرگ در حق مسلمانان و ولی امری که تو را برای این مسئولیت امین دانسته است.

پس ای کسی که خواهان نجات خود و خوشبختی دنیا و آخرت هستی! در همه

از بزرگ‌ترین انواع فریب و دغل‌بازی، دعوت به سوی زشتی و انتشار اسباب جرم و جنایت و زیر پا نهادن فضیلت‌ها است.

همچنین اصدار فتواهایی که تنها به یک رای فقهی استناد دارند با وجود آنکه مخالفت صریح این رای با ادله‌ی صحیح از قرآن و سنت، آشکار است، بلکه تنها به سبب تعصب مذهبی صادر شده است و با دلیل شرعی و یا مقصدی از مقاصد شریعت در تضاد است.

و از جمله زشت‌ترین انواع تقلب و فریب، نیرنگ در مسئولیتی است که خداوند و سپس ولی امر در اختیار انسان گذاشته است اما وی از این مسئولیت سوء استفاده نموده و در جذب نیروی جدید یا ترفیع، شخص کاردان را بر غیرکاردان ترجیح می‌دهد.

چنین کاری هنگامی بسیار زشت و زننده خواهد بود که برای منافع شخصی یا نژادی و قومی یا خانوادگی، انجام گیرد که چنین کاری با شریعت خداوند و هدف اولیای امور در سرزمین‌های اسلامی در تضاد است.

و بدانید که بهترین کارها درود و سلام بر آن پیامبر بزرگوار است...

خداوندا بر بنده و پیامبرت، پیامبر ما محمد درود و سلام و برکت فرست، و از چهار خلیفه‌ی راشد، آن امامان هدایت: ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه و اهل بیت پیامبر - صلی الله علیه و آله وسلم - و از تابعین و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند راضی و خشنود باش.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا دشمنان مسلمین را نابود گردان، خداوندا دشمنان مسلمین را نابود گردان، خداوندا شر آنان را هرگونه که خود می‌دانی از ما دور گردان که همانا تو بسیار شنوا و دانایی.

خداوندا هرکه را برای کسی از مسلمانان اراده‌ی بدی دارد به خودش مشغول گردان و تدبیرش را عامل نابودی‌اش بگردان.

خداوندا اوضاع ما و دیگر مسلمانان را اصلاح گردان، خداوندا اوضاع ما و دیگر مسلمانان را هرجا که هستند اصلاح نما. خداوندا مسلمانان را هرجا که هستند حفظ کن.

خداوندا سختی‌های آن‌ها را برطرف گردان. خداوندا سختی‌های آنان را برطرف گردان و غم و غصه‌ی آنان را به شادی بدل گردان.

خداوندا ای حی و ای قیوم، از تو مسئلت داریم که بهترین مسلمانان را بر آنان مسئولیت دهی و آنان را از شر بدانشان باز داری... خداوندا بدان و نا اهلان را آنگونه که خود صلاح می‌دانی از آنان دور گردان. ای شنوای دانا، ای قوی و ای عزیز...

خداوندا، ای حی و ای قیوم... از تو مسئلت داریم که قلب ما را با پیروزی مسلمانان در همه جا شاد گردانی. خداوندا قلب مومنان را با پیروزی مسلمانان شاد گردان. خداوندا قلب‌های ما را با آشکار شدن سنت در همه جای زمین شاد گردان، ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا مردان و زنان مومن، و مردان و زنان مسلمان، مردگان و زندگان را مورد آمرزش خود قرار ده.

خداوندا تو بی‌نیاز و ستوده‌شده‌ای، خداوندا ما را باران عطا کن، ما را باران عطا کن، ما را باران عطا کن، خداوندا ما را یاری رسان، خداوندا ضعیفان ما را مورد رحمت خود قرار ده، خداوندا ضعیفان ما را مورد رحمت خود قرار ده، خداوندا سختی و شکستگی ما را با باران خود شفا ده...

خداوندا ما را با گناهانمان مورد مواخذه قرار مده، خداوندا ما را به واسطه

خطیب: دکتر سعود شریم

مسجدالحرام: جمعه ۱۲ صفر ۱۴۳۳ برابر با ۱۶ دی ۱۳۹۰

خطبه‌ی اول:

ستایش مخصوص خداوند است، او که «آمرزنده گناه است و پذیرنده‌ی توبه و سخت‌کیفر و فراخ‌نعمت، معبودی به جز او نیست و بازگشت به سوی اوست» [المؤمن: ۳]. او را سپاس و ستایش گفته و به سوی او بازگشته و از او آمرزش می‌خواهم و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر او و برگزیده‌ی بندگان اوست که رسالت را ابلاغ نمود و امانت را به جای آورد و برای امت خیرخواهی نمود و ما را بر راه و روشی روشن که شب آن به مانند روز است باقی گذاشت و جز هلاک‌شده‌گان کسی از آن منحرف نمی‌شود. پس درود و سلام خداوند بر او و بر اهل بیت پاک و بر صحابه‌ی نیک او و بر تابعین و همه‌ی کسانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند.

اما بعد: بهترین سخن، کتاب خداوند است و بهترین راه و روش، راه و روش محمد - صلی الله علیه و آله وسلم - است و بدترین کارها نوآوری در دین است و هر نوآوری در دین بدعت است و هر بدعتی گمراهی است.

تقوای خداوند توشه‌ی هر امیدوار است و پشتوانه‌ی هر هراسناک، که بنده به واسطه‌ی آن از جایی که گمان نداشته است روزی به دست می‌آورد و از هر غم و تنگنایی راه برون رفت می‌یابد:

﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٢﴾ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿٦٣﴾﴾

[یونس: ۶۲-۶۳].

«آگاه باشید که دوستان الله نه ترسی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند (۶۲)

کسانی که ایمان آوردند و تقوا پیشه می‌کردند».

ای مسلمانان، اختلاف مردم و تفاوت آنان در شناخت و رغبت‌ها و طبایعشان بسیار زیاد است، با آنکه همه از یک پدر و مادرند، و این در واقع اسباب امتحان است چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا﴾ [الفرقان: ۲۰].

«و برخی از شما را آزمایش برخی دیگر قرار دادیم که آیا صبر پیشه می‌کنید و پروردگار تو بسیار بینا است.»

از سوی دیگر برخی از مردم شکبیا و اهل اندیشه و اخلاقند و از شنیدن کمی ناملایمتی کاری نمی‌کند که ضربه‌ای بزرگ‌تر ببیند.

اما برخی دیگر ناشکیبا و مغرورند و چنان زود از کوره در می‌روند که کوچک‌ترین عاملی باعث سر زدن حماقت از آنان شده و همیشه زبان و کردارشان پیش از عقلشان به کار می‌افتد.

اما مومن همیشه اهل اصلاح است، جمع می‌کند و جدایی نمی‌اندازد و اصلاح می‌کند و اهل فساد نیست و چنان از بردباری خود بر اهل دشمنی و تفرقه‌ارزانی می‌دارد که آنان را به سوی خیر و خوبی راهنما می‌شود و مردم به سبب اصلاح وی میان دشمنان، زبان به دعا و ثنای وی می‌گشایند.

شناخت دو جانبه و مودت میان مردم، دو نوع ویژه از محبتند که نظیر ندارند و باعث به هم رسیدن دو انسان به هم می‌شوند تا یکدیگر را کامل کنند.

اما کسی که امروزه در اوضاع مردم نظر بیندازد متوجه شکافی خواهد شد که خدشه در صفای مودت و برادری انداخته است و در پیروی از هوای نفس و فریفتگی هر شخص در مقابل رای و نظرش نمود یافته است و اینگونه خیمه‌ی دشمنی برافراشته‌اند و زبان‌ها و قلم‌هایشان میان عالم و جاهل و مسئول و غیرمسئول تفاوتی نمی‌گذارد.

کار به جایی رسیده است که منطق برخی از عاشقان چنان شده است که فرعون گفت

که:

﴿مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَى﴾ [المؤمن: ۲۹].

«جز آنچه می‌بینم به شما نشان نمی‌دهم».

و اینگونه است که ضابطه‌ی رفتار نزد آنان ناهماهنگ شده و اشتباهاتشان آنقدر زیاد شده است که باعث به وجود آمدن شکاف‌هایی سخت و جبران ناپذیر گردیده است و کنترل این وضعیت بی‌افسار برای مصلحان سخت شده است. امانت سخن فرو ریخته و اطمینان میان مردم و برادری‌ها از بین رفته است و در این چیزی خودنمایی نمی‌کند جز کینه و سوء ظن و زخم زبان‌هایی که بدتر از شمشیر هندی است.

راست گفت رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - که فرمود: «شیطان از این که نمازگزاران در جزیره‌ی العرب، وی را عبادت کنند ناامید شده است اما در ایجاد کینه‌ی میان آنان امیدوار است» [به روایت مسلم].

در هنگام این دشمنی‌ها و کشمکش‌ها، صلح و آشتی و وحدت کلمه بسیار پسندیده است و اگر اختلاف و نزاع و دشمنی مصیبت است، آشتی و صلح و از بین بردن تفرقه رحمت است.

گرچه اختلاف سنتی است از سنت‌های خداوندی در میان بندگان، چنانکه خود می‌فرماید:

﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً ۗ وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ﴾ [هود: ۱۱۸].

«و اگر پروردگار تو می‌خواست بی‌تردید مردم را یک امت واحد می‌گرداند و [لی] همچنان در اختلافند».

اما خداوند متعال در آیه بعد از میان بندگان گروهی را که به آنان رحمت عطا کرده است استثنا کرده و می‌فرماید:

﴿إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ﴾ [هود: ۱۱۹].

«جز آنانکه پروردگارت به آنان رحم کرده باشد».

زیرا دشمنی بلا است و آشتی رحمت است. در میان مسلمانان، صلح و آشتی و سازش در مورد حقوق جایز است و برای از بین بردن دشمنی و جفا واجب، که به واسطه‌ی آن دوران نزدیک می‌شوند و تنگناها فراخ می‌شوند.

با آشتی است که خودخواهی شکست می‌خورد و ایثار پیروز می‌شوند و خداوند متعال به طور کلی در مورد صلح چنین فرموده است که:

﴿وَالصَّلْحُ خَيْرٌ﴾ [النساء: ۱۲۸].

«و آشتی بهتر است».

و فرموده است:

﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ﴾ [الأنفال: ۱].

«پس از الله پروا کنید و روابط میان همدیگر را اصلاح کنید».

و باز فرموده است:

﴿لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّنْ نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ﴾

[النساء: ۱۱۴].

«خیری در بسیاری از نجوهای آنان نیست مگر کسی که به صدقه یا کاری نیک یا

اصلاح میان مردم امر نماید».

و در جایی دیگر فرموده است:

﴿وَإِن طَافَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ افْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا﴾ [الحجرات: ۹].

«و اگر دو گروه از مومنان با هم به جنگ پرداختند میان آنها آشتی برقرار نمایید».

و در ادامه می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ﴾ [الحجرات: ۱۰].

«همانا مومنان برادر یکدیگرند پس میان برادرانتان اصلاح نمایید».

و در میان همه‌ی بشریت هیچ مصلحی نبوده و نیست که همانند پیامبر - صلی الله

علیه وآله وسلم - سختی دیدن ما بر وی سخت باشد و به مانند او بر ما حریص و دلسوز

و مهربان باشد. اوست که میان قبائل و طوائف گوناگون و میان افراد و جوامع و میان

طلبکاران و بدهکاران و زن و شوهر صلح و آشتی برقرار نمود و در قضایای مربوط به

خون و مال و آبرو اختلافات را حل می‌نمود، زیرا اوست که می‌فرماید: «آیا شما را از

کاری که درجه‌ی آن از روزه و نماز و صدقه بالاتر است آگاه سازم؟» گفتند: آری؛ فرمود:

«اصلاح روابط، زیرا فساد روابط است که تراشنده [ایمان] است» [به روایت ابوداود و ترمذی].

و از سهل بن سعد - رضی الله عنه - روایت است که اهل قباء با هم درگیر شدند تا آنکه به سنگ پرانی به هم پرداختند پس پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - از قضیه باخبر شدند و گفتند: «برویم و میان آنها آشتی برقرار نماییم» [به روایت بخاری].
و چه بد کسانی هستند آنان که از اصلاح رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - در روابطشان با یکدیگر تکبر می‌ورزند و خداوند متعال می‌فرماید:

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [النساء: ۶۵].

«پس قسم به پروردگارت که ایمان نمی‌آورند تا آنکه تو را در اختلافی که میانشان رخ داده است داور کنند سپس در درون خود نسبت به آنچه حکم نموده‌ای هیچ حرجی نیابند و تسلیم شوند».

زیرا آشتی و اصلاح روابط باعث مودت و از بین رفتن جدایی‌ها می‌شود و قطعا از کشاندن قضیه به دادگاه‌ها بهتر است چرا که این به سبب حکم قضایی به سود یکی از دو طرف، باعث به وجود آمدن کینه و دشمنی می‌شود.

عمر - رضی الله عنه - به ابوموسی اشعری چنین نوشت که: «کسانی را که با هم اختلاف دارند برگردانید تا با هم آشتی کنند چرا که قضاوت باعث کینه‌ی میان آنان می‌شود».

آشتی و صلح خصلت عفو و گذشت را که نشانه‌ی همبستگی اجتماعی است همه‌گیر می‌کند. با آشتی و گذشت است که دادخواهی‌ها کم شده و بحران‌ها در نطفه خفه می‌شوند. با آشتی و صلح است که سوء تفاهم‌ها با فهم صحیح از بین می‌روند، و با آشتی و صلح است که پاداش چند برابر شده و گناه محو می‌شود.

با اصلاح روابط است که اوضاع خانواده‌ها که اصلاح اوضاع جامعه به آن بسته است اصلاح می‌شود و در پی آن حال و روز امت نیز رو به صلاح می‌آورد.

اما همه‌ی این‌ها رخ نمی‌دهد مگر هنگامی که عزم صادقانه و نیت خالصانه برای اصلاح از سوی دو متخاصم و از سوی مصلح وجود داشته باشد چرا که خداوند متعال موفقیت در اصلاح را به اراده‌ی نیک بسته دانسته است، آنجا که می‌فرماید:

﴿إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا﴾ [النساء: ۳۵].

«اگر قصد اصلاح داشته باشند الله در میان آن‌ها توفیق [اصلاح] می‌دهد».

که معنای دیگر آن این است که اگر اراده‌ی اصلاح میان فرد مصلح و میان دو طرف دعوا وجود نداشته باشد به توفیق دست نخواهند یافت.

دو فرد که با هم اختلاف داشتند از ثقیف به نزد حسن بصری - رحمه الله - آمدند. حسن بصری به آنان گفت: «شما هم با این سنی که دارید و با وجود خویشاوندی با هم اختلاف دارید؟» گفتند: ای اباسعید! همانا ما قصد صلح و آشتی داریم. حسن گفت: «پس سخن بگوئید» ناگهان دو طرف دعوا به هم پریدند و همدیگر را به دروغ متهم کردند. حسن بصری که این را دید فرمود: «به خدا قسم دروغ می‌گویید و قصد صلح ندارید زیرا خداوند متعال فرموده است: «اگر دو طرف دعوا قصد اصلاح داشته باشند خداوند میان آن‌ها توفیق اصلاح خواهد داد»».

پس ای بندگان خداوند تقوای او را پیشه سازید و دست از دشمنی و پشت به هم کردن بردارید به ویژه در مسائلی که ارزش آن را هم ندارد.

﴿فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ﴾ [الشوری: ۴۰].

«پس هر که گذشت نمود و اصلاح پیشه ساخت پس پاداش وی بر الله است. او ستمگران را دوست ندارد».

خداوند برای من و شما به واسطه‌ی قرآن عظیم برکت داده و با آیات و ذکر حکیم سود رساند. آنچه را شنیدید گفتم. اگر صحیح بود از سوی خداوند و اگر اشتباه، از نفس و از شیطان بود و از خداوند آمرزش می‌خواهم که او بسیار آمرزنده است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش مخصوص الله، پروردگار جهانیان است، و درود و سلام بر بهترین پیامبران...
اما بعد:

خانواده‌ی مسلمان، اساس جامعه‌ی مسلمان است و تصویر کلی یک جامعه نشان دهنده‌ی واقعیت خانواده‌های آن است. بنابراین اگر اختلاف و درگیری و دشمنی در خانواده پا بگیرد ناگزیر باید در چنین خانواده و جامعه‌ای منتظر تشتت و از هم گسیختگی بود و این مساله بیشتر در مورد زن و شوهر اهمیت دارد زیرا این دو اساس خانواده‌اند.

کسی که واقعیت جامعه را با چشم بصیرت نگاه کند مشکلاتی را که زندگی خانوادگی بسیاری از مردم با آن مواجه است را خواهد دید که همه‌اش با کم‌ترین و بیهوده‌ترین سبب‌ها رخ می‌دهد. چه بسا زنانی که به سبب کم بودن نمک غذا یا قفل بودن در طلاق داده می‌شوند، و گاه به اندازه‌ی تعداد ستاره‌های آسمان طلاق داده می‌شوند! اینجاست که قدرت مردانه اعمال می‌شود و حکمت و محبت زیر پا نهاده می‌شود که برعکس آن نیز صحیح است.

گاه نیز دخالت‌های نزدیکان و خویشاوندان باعث شعله‌ور شدن بیشتر اختلاف و درگیری می‌شود...

اما آنچه بدیهی است این است که خداوند متعال زن و شوهر را با یک اخلاق و یک طبع نیافریده و هرکه چنین گمانی داشته باشد در توهم زندگی می‌کند زیرا ممکن نیست که یکی از زوجین با عقل دیگری فکر کند یا با قلب دیگری احساس کند و هر کدام عقل خود و قلب خود را دارند.

از سوی دیگر انتظار آسایش و آرامش کامل میان زوجین نیز نوعی وهم و خیال است که جز در حالات نادر رخ نمی‌دهد. برای همین از روی خرد است که انسان همیشه انتظار برخی تنگناها را در زندگی داشته باشد زیرا کمال تنها از آن خداوند است و بنابراین بر جوامع مسلمان لازم است که نسبت به خانواده اهمیت خاصی قائل شوند و بدانند که وضعیت خانواده چراگاهی است سرسبز برای هرگونه اختلاف و دشمنی چرا

که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «ابلیس عرش خود را بر آب می‌نهد سپس سپاهیانش را می‌فرستد و نزدیک‌ترین آنان به او کسی است که فتنه‌اش بزرگ‌تر باشد. یکی از آنان می‌آید و می‌گوید: چنین و چنان کردم، ابلیس در پاسخ می‌گوید: کاری نکرده‌ای. سپس یکی دیگر می‌آید و می‌گوید: او را رها نکردم تا آنکه میان و همسرش جدایی انداختم. پس ابلیس آن شیطان را به خود نزدیک کرده و می‌گوید: آری، تو توانستی و او را گرامی می‌دارد» [به روایت امام مسلم].

دین ما نیز نسبت به اصلاح میان همسران و از بین بردن اختلافات خانوادگی تاکید و تشویق روا داشته است تا آنکه این بنیان فرو نریخته و باعث لرزه‌ی همه‌ی جامعه نشود. برای همین خداوند متعال فرموده است:

﴿وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَأَبْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ [النساء: ۳۵].

«اگر از جدایی میان آن دو [زن و شوهر] بیم دارید پس داوری از خانواده‌ی آن [شوهر] و داوری از خانواده آن [زن] تعیین کنید اگر سر سازگاری دارند الله میان آن دو سازگاری خواهد داد آری الله دانای آگاه است».

و فرموده است:

﴿وَإِنْ أَمْرًا خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا﴾ [النساء: ۱۲۸].

«و اگر زنی از شوهر خویش بیم ناسازگاری یا رویگردانی داشته باشد بر آن دو گناهی نیست که از راه صلح با یکدیگر به آشتی گریند که سازش بهتر است».

شارع حکیم چنان بر آشتی و از بین بردن عوامل دشمنی حریص بوده است که حتی کمی دروغ را برای اصلاح و از همبستگی جایز دانسته است چنانکه رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «کسی که روابط میان مردم را اصلاح می‌کند و سخن خیر می‌گوید یا سخن خیری را می‌رساند» [متفق علیه].

منظور از دروغ در این حدیث سخنی است که باعث همبستگی و یکی کردن قلب‌ها می‌شود. چه زیباست دروغ اگر برای اصلاح میان مردم باشد و چه بد است راستی اگر برای فساد و به هم زدن میان دیگران باشد. چه بد انسانی است آنکه زبانش شیرین است و قلبش تلخ که خداوند متعال درباره‌ی چنین کسانی فرموده است:

﴿وَمَنْ التَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ ۚ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ ﴿٢٠٤﴾ وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفَاسَادَ ﴿٢٠٥﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ ۗ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿٢٠٦﴾﴾
[البقرة: ۲۰۴-۲۰۶].

«و از میان مردم کسی است که در زندگی این دنیا سخنش تو را به تعجب وامی‌دارد و الله را بر آنچه در دل دارد گواه می‌گیرد و حال آنکه او سخت‌ترین دشمنان است (۲۰۴) و چون برگردد [یا ریاستی یابد] کوشش می‌کند که در زمین فساد نماید و کشت و نسل را نابود سازد و الله تباہکاری را دوست ندارد (۲۰۵) و چون به او گفته شود از الله پروا کن نخوت وی را به گناه کشاند پس جهنم برای او بس است و چه بد بستری است».

و در پایان بر بهترین انسان‌ها محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب، صاحب حوض و مقام شفاعت درود و سلام فرستید که خداوند شما را به آن امر نموده و فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴿٥٦﴾﴾ [الأحزاب: ۵۶].

خداوند بر بنده و پیامبرت محمد، درود و سلام فرست و از چهار خلیفه‌ی وی، ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه‌ی پیامبرت، و از صحابه و تابعین و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند و همچنین از ما همراه آنان، راضی و خشنود باش. خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و مشرکان را خوار بگردان. خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومنت را یاری ده. خداوندا غم غم‌داران و سختی سختی‌دیدگان را از بین ببر و وام‌وام‌داران را ادا کن و بیماران ما و دیگر بیماران مسلمانان را شفا ده ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا ما از تو بهترین چیزهایی را می‌خواهیم که بنده و پیامبرت محمد - صلی الله علیه و آله وسلم - از تو خواسته است و از بدترین چیزهایی که بنده و پیامبرت محمد - صلی الله علیه و آله وسلم - از آن‌ها به تو پناه برده است، به تو پناه می‌بریم.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن بدار و مسئولان ما را اصلاح نما و مسئولیت‌های ما را در دست کسانی قرار ده که تقوای تو را پیشه سازند و در پی خشنودی تو باشند.

خداوندا تویی آن خداوندی که معبودی به حق جز تو نیست، تو بی‌نیازی و ما نیازمند، باران را بر ما نازل فرما و ما را از نومیدان مگردان. باران را بر ما نازل ساز و ما را مایوس مگردان. خداوندا تو بی‌نیازی و ما فقیرانیم، باران را بر ما فرو ریزان و ما را از ناامیدان قرار مده. خداوندا خیر خود را به سبب شر ما از ما دریغ مدار، ای دارای جلال و عظمت...

پاک است و بی‌عیب پروردگار ما پروردگار عزت از آنچه وصف می‌کنند و سلام بر پیامبران و آخر سخن آنکه: الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

آداب تعامل در زندگی زناشویی

خطیب: دکتر صالح بن حمید

مسجدالحرام: جمعه ۲۶ صفر ۱۴۳۳ برابر با ۳۰ دی ۱۳۹۰

خطبه‌ی اول:

ستایش ویژه‌ی خداوند است، ستایش از آن اوست که با حکمت خود امور بندگان را تدبیر نمود و با فضل خود راه هدایت را به آنان نشان داد و با حجت خود اهل عناد را در جای خود نشانده. او را ستایش و سپاس می‌گوییم که نعمت‌های پروردگارانمان با شکر او افزون می‌شود و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک

است و از شبیه و همسان پاک و منزّه است و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده‌ی خدا و پیامبر اوست که پروردگار آن جایگاه محمود و حوض کوثر را ویژه‌ی او گرداند. درود و سلام و برکات خداوند بر او و بر اهل بیت پاک و یاران نیک وی و تابعین و همه‌ی کسانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند...

اما بعد:

ای مردم. شما و خودم را به تقوای خداوند عزوجل توصیه می‌کنم، پس پروای او را داشته باشید و «از روزی بترسید که در آن به سوی الله باز خواهید گشت» [البقرة: ۲۸۱] که هرکه از حساب بترسد، در اکتساب تقوا پیشه خواهد کرد و هرکه به کم قانع شد سختی برایش آسان‌تر خواهد بود و بدانید که گذر زمان کارها و آثار و یادها را به فراموشی خواهد سپرد.

پس برای کاری تلاش کنید که اثرش جاودانه است و یادی که ماندنی است و اثری که ماندگار است، یعنی ایمان و اخلاص و انجام نیکی‌ها و دوست داشتن مردم، زیرا قلب‌ها محبت کسی را در خود جای می‌دهند که به آنان نیکی روا دارد و بدانید که با سخن نرم دوستی‌ها دوام خواهد یافت و با اخلاق نیک زندگی شیرین خواهد شد و با تواضع است که کارها رو به سامان خواهند آورد:

﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ ﴿٣٤﴾ وَمَا يُلْقِنَهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقِنَهَا إِلَّا ذُو حِظٍّ عَظِيمٍ ﴿٣٥﴾﴾

[فصلت: ۳۴-۳۵].

«و نیکی و بدی با هم برابر نیستند، [بدی را] با آنچه بهتر است دفع کن که آنگاه کسی که میان تو و او دشمنی است گوئی دوستی یکدل می‌گردد (۳۴) و این [ویژگی] را جز کسانی که صبر ورزیده‌اند نمی‌یابند و آن نمی‌یابد جز کسی که دارای بهره‌ای عظیم است».

ای مسلمانان:

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ ﴾ [الأنبياء: ۸۹].

«و زکریا را یاد کن که گفت [پروردگارا مرا تنها مگذار و تو بهترین به ارث برندگان]».

انسان، طبیعتاً اجتماعی است، به همراه گروه زندگی می‌کند و از آن تاثیر می‌گیرد و بر آن تاثیر می‌گذارد. وی از همان کودکی روابط اجتماعی خود را با مادر و پدر و سپس افراد خانواده و خویشاوندان و همسایگانش برقرار می‌کند تا آنکه گستره‌ی روابط و کنش و واکنش وی در دایره‌هایی متصل به هم در مدرسه و بازار و محیط کار و دیگر انجای سرزمینی که در آن زندگی می‌کند و همه‌ی جامعه، گسترش می‌یابد.

هم‌گرایی جامعه و سلامت و توسعه و انسجام آن به واسطه‌ی یاری اعضایی منسجم و همگرا ممکن است که همه‌ی این‌ها از خانواده آغاز می‌شود، زیرا خانواده خشت اول در بنای بُنیه‌ی اجتماعی انسان است و زن و مرد هر دو از نظر انسانی خواهر و برادری تنی هستند که نقشی مشترک را در خانواده و جامعه بازی می‌کنند. آن دو یا نقش همسری و پدر و مادری دارند، یا نقش برادری و خواهری که برای زندگی محترمانه و سعادت‌مندانانه به کار و تلاش می‌پردازند:

﴿ وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ

الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ﴾ [البقرة: ۳۵].

«و گفتیم ای آدم تو و همسرت در این بهشت ساکن شوید و از هر کجای آن که خواهید فراوان بخورید و به این درخت نزدیک نشوید که از ستمکاران خواهید بود».

﴿ قَالَ أَهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا ﴾ [طه: ۱۲۳].

«فرمود: هر دو از آن فرو آید».

از اینجاست که ازدواج و زندگی زناشویی از نظر دین ما بسیار با اهمیت است و از سوی علما و اندیشمندان و اهل‌رای و جامعه‌شناسان و روانشناسان مسلمان مورد اهتمام قرار گرفته است زیرا آسودگی زن و شوهر و استقرار و استمرار زندگی آن دو به معنای استقرار و ادامه داشتن زندگی و خوشبختی و استقرار همه‌ی جامعه است.

همسران، دو شریک بزرگوارند که خداوند در میان آن‌ها مودت و رحمت را به وجود آورده است که هر دو با هم به آوردگاه زندگی پا می‌گذارند و اهداف خود را یکی پس از دیگری محقق می‌سازند، و ازدواج تنها رابطه‌ای میان دو نفر نیست بلکه رابطه‌ای است میان دو خانواده و پیمانی است محکم میان دو زوج:

﴿وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَىٰ بَعْضُكُمُ إِلَىٰ بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنكُم مِّيثَاقًا غَلِيظًا﴾

[النساء: ۲۱].

«در حالی که از یکدیگر کام گرفته‌اید و آنان [یعنی زنان] از شما پیمانی استوار گرفته‌اند».

پیمانی استوار که به راحتی نمی‌توان آن را زیر پا گذاشت، زیرا دو زوج، پیش از ازدواج هرکدام دارای طبیعت و تصورات و ترس‌ها و آرزوهای مخصوص خود بودند. این جدا از سنت‌ها و عادات و اعراف و سطح اجتماعی و اقتصادی آن دو است که ممکن است با هم متفاوت باشد، اما پس از ازدواج هر دو زوج نیاز به همگرایی و سازش با شرایط جدید و تجدید نظر در تصورات و ترس‌ها و آرزوهای گذشته‌ی خود دارند که این از سوی هر دو زوج و همینطور خانواده‌های آنان نیازمند تغییر است. ای مسلمانان:

همسران شریک همدن نه طلبکار، هر چه به سود مرد باشد بی‌تردید به سود زن نیز هست، و هر چه به سود زن باشد به سود مرد نیز خواهد بود، همینطور مصلحت خانواده و نزدیکان و جامعه. بر این اساس همکاری زن و شوهر یعنی تبادل منافع میان آن دو، و اشکالی ندارد اگر در شناخت مصلحت با هم اختلاف کنند یا آنکه از روی مشورت یک رای را بر رای دیگر ترجیح دهند اما به این شرط که هیچگاه از مصلحت برتر که همان احترام دوجانبه و فداکاری و گذشت دو جانبه از برخی خواسته‌های شخصی در زندگی خانوادگی است، نگذرند.

لازم است که خانواده با آسانگیری و مودت و صبر و دعوت به صبر، و آرامش و گفتگوی سازنده و تفاهم براساس تسامح اداره شود.

باید از تکبر و مفهوم برد و باخت یا به اجبار مطرح نمودن آرای شخصی در زندگی خانوادگی دوری کرد زیرا در یک خانواده کسی برنده یا بازنده نیست بلکه یا همه پیروزند یا همه بازنده‌اند.

سعادت در زیادی ثروت یا در جاه و مقام و غلبه‌ی کسی بر کس دیگر نیست، بلکه سعادت به ایمان و صفای درون و آسودگی وجدان و دوری از منفعت شخصی و خودخواهی، و جستجوی خشنودی خداوند و سپس اصلاح خانواده وابسته است. ای مسلمانان:

طبیعت انسان اینگونه است که در حالت خشم و ناراحتی تنها آنچه را خوب نیست به زبان می‌آورد و به شکار اشتباهات و بزرگ کردن خطاهای کوچک و طولانی کردن کوتاه و سخت کردن آسان آن می‌پردازد گرچه مشخص است که بیشتر انسان‌ها کارهای صحیحشان بیشتر از اشتباهاتشان است و خوبی‌هایشان بیش از بدی‌ها و نکات مثبتی که دارند بیش از نکات منفی‌شان است، اما در حالت خشم و نفرت، انسان تنها بدی‌ها را می‌بیند و از دیدن خوبی‌ها و نیکی‌ها کور می‌شود. پیامبر ما محمد - صلی الله علیه و آله وسلم - به این طبیعت بشری اشاره نموده و در حدیث صحیح می‌فرماید: «هیچ مرد مومنی از زن مومنی بد نبرد که اگر از یک اخلاق او بدش آمد اخلاق دیگرش را خواهد پسندید» [به روایت امام مسلم].

این موضوع بسیار وسیع است و سخن از آن ابعادی گوناگون را در بر می‌گیرد و طرح آن بسیار مهم و توجه به آن حیاتی است، بلکه می‌توان گفت قضیه‌ی خانواده و مشکلات آن از مهم‌ترین قضایا است و تاسف‌آور است که بسیاری از مردم در خانه‌هایشان و بسیاری از همسران در مشکلات خانوادگی خود به هیچ‌علاجی فکر نمی‌کنند جز طلاق. عجله کردن بدون اندیشه در طلاق، و بدون فهم اسباب و نگاه به عاقبت و تبعات آن در نهایت به افسردگی و عزلت و یأس و نومیدی منجر و باعث به وجود آمدن شک و وسواس می‌شود که در پایان فرد از توازن و عدل و اعتدال دور می‌شود زیرا انسان عجول از ثبات و استقرار برخوردار نیست.

شوهر با دیدن ویران شدن خانه و از هم گسیختن خانواده‌اش هرگز خوشبخت نخواهد بود، با فرزندانش چه خواهد کرد؟ او ذهنی پراکنده و فکری پریشان دارد. طلاق عجولانه زلزله‌ای است که نهاد خانواده را تهدید می‌کند و ارکان خانه را ویران می‌سازد و مگر یک خانه جز از دو رکن زن و مرد و مادر و پدر تشکیل شده است؟! برادران و خواهران:

طلاق که بدون نیاز واقعی و بدون اسباب صحیح رخ دهد خودش مشکلی است که راه حلی ندارد و بلکه تنها به زن و شوهر مربوط نیست بلکه شعله‌های آن دامن کودکان و حتی خانواده‌های دو طرف و سپس جامعه را خواهد گرفت.

طلاق عجولانه یعنی دوری از انس همراهی و هم‌صحبتی و آرامش و استقرار. اختلافی که در پی طلاق به وجود می‌آید آکنده از خشونت و کینه‌ی دوجانبه است و احساسی دشمنانه را در کودکان پدید می‌آورد به همراه خلأ عمیقی که میان کودک و اطرافیان او به وجود می‌آورد که گمان می‌برد از سوی آنان مورد پذیرش نیست و از سوی دیگران احساس کم‌رسی و اهمال و فقدان محبت می‌کند. همین‌طور احساس غم و بدبینی و خودکم‌بینی و دوری از مشارکت و کنش و واکنش اجتماعی و ضعف. چنین کودکی احساس سستی و گناه و درگیری درونی می‌کند و این احساس گناه و پشیمانی، درد و عزلت او را شدیدتر خواهد کرد.

فرزندان طلاق به خانواده‌ای از هم پاشیده تعلق دارند که محبت در آن اگر معدوم نباشد، کم است. آنان به همراه محبت، امنیت و حمایت و استقرار را نیز از دست می‌دهند و قربانی اختلاف پدر و مادر می‌شوند، چه این اختلاف بر سر حق حضانت آنان باشد یا برعکس، برای اینکه پدر و مادر بخواهند از دست آن‌ها راحت شوند.

همین‌طور ممکن است فرزندان از یکی از والدین یا هر دوی آن‌ها سخنانی نسنجیده بشوند که اعتماد آن‌ها را نسبت به خود و والدین و جامعه‌ی‌شان از بین ببرد که تاثیر چنین چیزی بر رفتار و تحصیل و روابط آنان پوشیده نیست.

پدر و مادر، پشتیبان و یار و یاور عاطفی و عقلی فرزندان خود و یاور آنان در مسیر زندگی و به ویژه در سال‌های نخست تربیت و تعلیم آنان هستند، اما با جدایی پدر و مادر از یکدیگر، فرزندان این منبع نصیحت و تربیت را از دست می‌دهند، جدای از احتمال انحراف و بزهکاری و افتادن در دام دوستان ناباب و محیط‌های نامناسب و شکست تحصیلی و بیماری‌های روحی و روانی و آوارگی و مواد مخدر و تکدی‌گری و انتشار جرم و جنایت که همه از عواقب طلاقند که پدیده‌هایی هستند بسیار خطرناک و آثارشان به همه‌ی جامعه خواهد رسید.

اما در مورد زنان، نگاه بسیاری از جوامع در مورد آنان نگاهی است کوتاه‌بین و بلکه اشتباه. نزد آنان زن مطلقه در همه حال گناهکار است. او به همراه وسائلش و همین‌طور دردها و اشک‌های خود به خانه برمی‌گردد در حالی که زخمی غیرقابل تحمل را در درون خود دارد. این فرهنگ اشتباه زن مطلقه را با نگاه تحقیر و شک می‌نگرد چنانکه آن زن همه‌ی تیرها را می‌بیند که گویی تنها به سوی او نشانه رفته‌اند و احساس گناه و شکست و ناامیدی را در او برانگیخته می‌سازند چنانکه گویی همه‌ی جامعه از مسئولیتی که در قبال او و فرزندانش دارند شانه خالی می‌کنند.

اما بعد، بندگان خداوند:

طلاق که براساس سنت و راه و روش نبوی نباشد کاری است ناشایست که کینه و رنجی سنگین را بر دوش خانواده‌ی از هم پاشیده تحمیل می‌کند. وبال خود را بر روح و روان و جسم و تن گذاشته و باعث رنجش بدن و شکستگی قلب و تنگی سینه می‌شود و صاحب خود را - چه مرد و چه زن - احساسی از ناامیدی و نگرانی و تنفر می‌بخشد.

تا جایی که می‌گویند: جدایی به واسطه‌ی طلاق، از جدایی به سبب مرگ بدتر است هرچند هر دو حالتی دردناکند، زیرا جدایی با طلاق در پی خود احساس گناه و خودزنی و شک می‌آورد اما جدایی مرگ باعث غم و دلسوزی و درد جدایی می‌شود هرچند در این حالت توازن درونی انسان مختل نمی‌شود.

پس تقوای الله را پیشه سازید و از خانه و خانواده و فرزندانتان محافظت کنید.

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم، بسم الله الرحمن الرحيم:

﴿يَأْتِيهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلَّقْتُمُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يُخْرَجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهُ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا ﴿١﴾ فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوَى عَدْلٍ مِنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ﴿٢﴾ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ وَإِنَّ اللَّهَ بَلِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا ﴿٣﴾﴾ [الطلاق: ١-٣].

خداوند متعال من و شما را با قرآن عظیم و با راه و روش محمد - صلی الله علیه وسلم - سود رساند. این سخن خود را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از هر گناهی آمرزش می‌خواهم پس از او آمرزش بخواهید که بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش مخصوص خداوند است، به سبب وسعت عطایش، و او را برای نعمت‌های فراگیرش شکر می‌گوییم و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد است و در پروردگاری و وحدانیت و نام‌های و صفاتش بی‌شریک است، و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده و پیامبرسان اوست که نامش را در زمین و آسمان بلندمرتبه ساخت. درود و سلام و برکات خداوند بر او و بر اهل بیت و یاران و دوست‌داران او و تابعین و همه‌ی کسانی باد که تا قیامت از آنان پیروی نمایند...

اما بعد، ای مسلمانان:

اسلام طلاق را بد دانسته است و در حدیثی که ابوداود با اسنادی متصل از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت کرده است آمده که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «خداوند هیچ چیزی را حلال نگردانده که نزد وی بدتر از طلاق باشد».

اما هنگامی که ناگزیر نیاز به آن پیش آید دردی است تلخ که تنها با ضوابط و اصول آن جایز است زیرا در زندگی زناشویی جز دو حالت ممکن نیست: «با باید [زن را] به نیکی نگاه داشت و یا آنکه به نیکی طلاق داد» [البقرة: ۲۲۹].

﴿وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِّن سَعَتِهِ﴾ [النساء: ۱۳۰].

«و اگر از یکدیگر جدا شوند، الله هر کدام را از گشایش خود بی‌نیاز می‌گرداند».

همانطور که سوء استفاده از طلاق خود مشکل و درد است نگه داشتن همسر به طور ناشایست و نامناسب بدتر و سخت‌تر از آن است. طلاق برای آن در اسلام مشروع گردیده است که راه برون‌رفت باشد نه آنکه باعث تنگنا و سختی بیشتر شود، یعنی هنگامی که همه‌ی راه‌ها بسته شده و مقاصد ازدواج که بر مودت و آسایش و همکاری در زندگی بنا شده است محقق نگردد اینجاست که طلاق براساس ضوابط شریعت یک راه حل خواهد بود نه یک مشکل که کننده‌ی آن پشیمان نخواهد شد.

از سوی دیگر اسلام هنگامی که طلاق را مشروع گرداند برای آن قوانینی قرار داد و آن را چنان تنظیم نمود که راه علاج و دارویی برای درد باشد و مقاصد بزرگ زندگی یعنی استقرار و خوشبختی و حفظ کیان خانواده را در نظر گرفته است. بر این اساس طلاق در شریعت اسلام رخ نمی‌دهد مگر پس از پایان یافتن همه‌ی وسائل اصلاح و هنگامی که زندگی سعادت‌مندانه و محبت و مودت دیگر ممکن نباشد.

این طلاقی که خود راه حل است، پیش از آنکه رخ دهد نیاز به عدم استعجال و اندیشه و نصیحت و جدا شدن در بستر و تهدید بدون خشونت و داوری خویشاوندان دارد. اما اگر همه‌ی این‌ها فایده‌ای نداشت و تصمیم بر طلاق گرفته شد لازم است که مرد منتظر پاکی زن از عادت ماهیانه شود، عادت ماهیانه‌ای که در آن نزدیکی صورت نگرفته است. پس از این همه انتظار و اندیشه تنها یک طلاق رجعی یعنی قابل بازگشت، صورت می‌گیرد.

اسلام مجال بازگشت به زندگی زناشویی را پس از طلاق باقی گذارده است زیرا چه بسا احساسات و عواطف زناشویی پس از طلاق دوباره بازگردد که در این صورت حق بازگشت در صورتی که یک یا دو طلاق رخ داده باشد وجود دارد.

اگر طلاق رخ داد و جدایی حاصل شد باید که طلاقی از روی احسان باشد، چنانکه خداوند عزوجل می‌فرماید. همینطور فراموشی اشتباهات و ترک پیگیری آن‌ها و گذشت نیز از احسان است. امام نسائی در سنن خود بابتی دارد به نام: «باب نهی از جستجوی عیب زنان» که این نام را از این حدیث نبوی برگرفته است که: «رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - از آنکه مرد شبانه (ناگهانی) از سفر به نزد همسرش بیاید نهی نمود» [به روایت بخاری].

که این در هنگام زندگی زناشویی است چه رسد به بعد از طلاق. همچنین از جمله‌ی جدایی از روی احسان، دوری از زخم زبان زدن و خشونت است که خشونت و سختی خود طلاق کافی است چنانکه پیامبر آن را شکستن نامیده است. همچنین محافظت از یاد و خاطره‌ی روزهای زیبا و لحظات محبت از جمله‌ی جدایی از روی احسان است زیرا این از روی عقل و حکمت و خود مرهم و دوايي است برای درد فراق و زخم طلاق:

﴿وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ﴾ [البقرة: ۲۳۷].

«و در میان یکدیگر بزرگواری را فراموش نکنید».

همینطور پرداخت سخاوتمندانه‌ی مخارج و هزینه‌های کودکان، چه در حضانت پدر باشند و یا در حضانت مادر، که این هرچند وظیفه‌ی مرد است همینطور بزرگواری و نیکی و احسان نیز هست.

ایوب سختیانی (رحمه الله) می‌گوید: «اگر بدانم فرزندانم سبزی می‌خواهند ساعتی با شما اینجا نمی‌نشستم».

این‌ها برخی از راه حل‌ها و آداب در زمینه‌ی امور خانواده و تعاملات آن است. پس تقوای خداوند را پیشه سازید و روابط میان خود را اصلاح نمایید. بر هر خویشاوندی

لازم است که در راه کم کردن دردها و عواقب و آثار طلاق از نظر مادی و معنوی یاری رسان باشد.

و در پایان درود و سلام فرستید بر آن رحمت هدایتگر و نعمت خداوندی، پیامبرتان محمد، فرستاده‌ی خداوند، که پروردگارتان در کتاب خود شما را بدان امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد مصطفی و نبی مجتبی، و بر اهل بیت و یاران پاک او و بر همسرانش مادران مومنان درود و سلام و برکت ارزانی دارد و از چهار خلیفه‌ی راشد، ابوبکر و عمر و عثمان و علی، و از دیگر صحابه و تابعین، و کسانی که تا قیامت از آنان به نیکی پیروی نمایند و همچنین از ما به همراه آنان راضی و خشنود باش، ای گرامی‌ترین گرامیان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت بخش، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار گردان و سرکشان و ستمگران و ملحدان و دیگر دشمنان دین و امت را خوار گردان.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان، خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان ما را اصلاح گردان و مسئولیت‌های ما را بر عهده‌ی کسانی قرار ده که تقوای تو را پیشه ساخته و در پی خشنودی تو باشند.

خداوندا مسئولان و والیان امر مسلمان را برای عمل به کتابت و سنت پیامبرت - صلی الله علیه وآله وسلم - موفق گردان و آنها را رحمتی برای بندگان مومنت قرار ده و کلمه‌ی آنها را بر حق و هدایت یکی گردانای پروردگار جهانیان.

خداوندا برای امت اسلام امر رشدی قرار ده که در آن اهل طاعتت عزت یابند و اهل معصیت هدایت شوند و در آن به معروف امر شود و از منکر باز داشته شود که همانا تو بر کاری توانایی.

خداوندا یهودیان تجاوزگر اشغالگر را به تو می‌سپاریم، خداوندا آنان را نابود ساز که آن‌ها را یارای ناتوان ساختن تو نیست، خداوندا عذاب خود را که از مجرمان بازگشت‌پذیر نیست بر آنان نازل گردان...

خداوندا ما را به سوی توبه و بازگشت توفیق عطا کن و درهای قبول و استجابت را بر ما بگشای. خداوندا طاعات و دعای ما را بپذیر و اعمال ما را نیک گردان و بدی‌های ما را بپوشان و بر ما توبه‌پذیر و ما را مورد آمرزش و رحمت قرار ده ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا، تو آن معبود به حقی که مبعودی دیگر جز تو نیست، تو بی‌نیازی و ما نیازمند، باران را بر ما نازل گردان و ما را از نومیدان مگران، خداوندا تویی آن الله که مبعودی به حق جز تو نیست، تو بی‌نیازی و ما فقیرانیم، باران را بر ما فرو ریزان و ما را از مایوسان مگردان، خداوندا ما را باران عطا کن، خداوندا ما را باران عطا کن، خداوندا ما را باران عطا کن. خداوندا ما از تو آمرزش می‌خواهیم که تو بسیار آمرزنده‌ای، پس باران را پی در پی بر ما نازل گردان و آن را برای ما نیرویی برای طاعتت بگردان.

خداوندا ما آفریده‌ای از آفریده‌های توایم، پس با گناهانمان فضل خود را از ما نستان. «بر پروردگاران توکل نمودیم، پروردگارا ما را فتنه‌ای برای گروه ستمگران مگردان» [یونس: ۸۵].

«پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بدار»

[البقرة: ۲۰۱].

پاک و بی‌عیب است پروردگار تو، پروردگار عزت از آنچه به دروغ وصفش می‌کنند، و سلام بر پیامبران، والحمدلله رب العالمین.

عنوان خطبه:

اسباب مجازات خداوندی

خطیب: دکتر صالح آل طالب

مسجدالحرام: جمعه ۴ ربیع الاول ۱۴۳۳ برابر با ۷ بهمن ۱۳۹۰

خطبه‌ی اول:

ستایش مخصوص خداوند است، او را حمد گفته و از او یاری جسته و آمرزش می‌خواهیمو از بدی‌های نفس خود و اعمال بدمان به الله پناه می‌بریم. الله هرکه را هدایت کند او گمراه‌گری نخواهد داشت و هرکه را گمراه سازد او هدایت‌گری نخواهد یافت، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر اوست. درود و سلام و برکات خداوند و بر او و بر اهل بیت و یاران او باد.

اما بعد:

بهترین سخن، کتاب خداوند است و بهترین راه و روش، راه و روش محمد - صلی الله علیه وسلم - است و بدترین کارها نوآوری در دین است و هر نوآوری در دین بدعت است و هر بدعتی گمراهی است.

سپس بهترین توصیه، توصیه‌ی به تقوای خداوند است که در هر قلبی جای گرفت آن قلب به سلامت گراید و به هر عقلی فرونشست برتری یافت و کسی از آن بهره نگرفت مگر آنکه راه صلاح را در پیش گرفت:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧١﴾﴾ [الأحزاب: ۷۰-۷۱].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را پیشه سازید و سخنی استوار گوید (۷۰) تا کارهای شما را برایتان به صلاح آورد و گناهانتان را بپامزد و هرکه از الله و رسول وی اطاعت کند بی‌تردید پیروزی بزرگی به دست آورده است».

ای مسلمانان:

همه‌ی انسان‌ها برای دست یافتن به زندگی آرام و سعادت‌مند تلاش می‌کنند و همه‌ی توانایی‌های خود را برای دوری از اسباب شقاوت و بدبختی و عذاب صرف می‌کنند. اگر

به خیری دست یافتند به هر وسیله‌ای در حفظ آن می‌کوشند و نسبت به از دست دادن یا کم شدن آن نگران می‌شوند.

چه بسا امت‌هایی که در امنیت و آرامش به سر می‌بردند و ثمرات همه چیز به سوی آنان سرازیر بود و روزیشان از هر سو به آسانی به آنان می‌رسید. نه قلبی از ترس به تپش می‌افتاد و نه کسی از گرسنگی رنج می‌برد... اما، ناگهان اوضاع آنان در یک چشم به هم زدن از این رو به آن رو شد، نعمت‌های زائل شدند و عافیت از بین رفت و سختی‌ها و دردها نازل شدند.

چه بسیار، تاریخ سخن از حکومت‌ها و ملت‌ها و افرادی گفته است که در پی عذاب یا عقوبت، از بیخ و بن برکنده شدند و اثری از آنان نماند و نه سلاح به داد آنان رسید و نه نیرویی که داشتند. از دست هر بشری می‌توان در رفت یا آسیب او را دفع نمود، اما هیچ پناهگاه و راه فراری از پروردگار نیست مگر به سوی خود او، زیرا اوست که نیروند و قاهر است، عزیز و قادر است و اوست آن بزرگی که بزرگ‌تر از او نیست.

خداوند را با بندگانش روزها و سنت‌هایی است؛ کجایند عاد و ثمود؟ کجایند فراعنه‌ی قدرتمند؟ کجایند آنان که کشورگشایی می‌کردند و کوه‌ها را می‌تراشیدند و اسباب قدرت را در دست داشتند؟ همین که خداوند را فراموش کردند خداوند نیز عذاب خود را بر آنان نازل کرد و تنها اثری از آنان باقی ماند و داستان و عبرتی شدند برای تاریخ:

﴿فَكَلاَّ أَخَذْنَا بِذَنبِهِ^ط فَمِنْهُمْ مَّنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَّنْ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَّنْ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَّنْ أَعْرَقْنَا وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٤٠﴾﴾ [العنكبوت: ٤٠].

«و هر یک [از ایشان] را به گناهِش گرفتار [عذاب] کردیم از آنان کسانی بودند که بر [سر] ایشان بادی همراه با شن فرو فرستادیم و از آنان کسانی بودند که فریاد [مرگبار] آن‌ها را فرو گرفت و برخی از آنان را در زمین فرو بردیم و بعضی را غرق کردیم و [این] خدا نبود که بر ایشان ستم کرد بلکه خودشان بر خود ستم می‌کردند.»

سنت‌های خداوندی با کسی شوخی ندارد و هیچ فرد و جامعه‌ای از مصونیت ذاتی برخوردار نیست و هرگاه امتی در فراهم کردن عوامل دفاع در برابر مصیبت‌ها کم‌کاری نمی‌کند مگر آنکه باید پذیرای نتایج این کم‌کاری باشد و خوشبخت کسی است که با دیگری پند گیرد و هیچ امتی در صورت فراهم شدن اسباب عذاب خداوندی، از آن در امان نخواهد بود و در صورت پی گرفتن این راه و باز کردن درهای گناه در امان نخواهد بود.

برای همین، خداوند متعال بسیار این امت را با ذکر مصیبت اقوام گذشته پند داده است و آنانی را که در امن و امان هستند از مکر کسانی که ارزش خداوند را آنگونه که باید پاس نمی‌دارند و به امر و نهی وی اهمیت نمی‌دهند، برحذر داشته است:

﴿أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٤٥﴾ أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقَلُّبِهِمْ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿٤٦﴾ أَوْ يَأْخُذَهُمْ عَلَى تَخَوُّفٍ فَإِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿٤٧﴾﴾ [النحل: ٤٥-٤٧].

«آیا کسانی که تدبیرهای بد می‌اندیشند ایمن شدند از اینکه خدا آنان را در زمین فرو ببرد یا از جایی که حدس نمی‌زنند عذاب برایشان بیاید (٤٥) یا در حال رفت و آمدشان [گریبان] آنان را بگیرد و کاری از دستشان برنیاید (٤٦) یا آنان را در حالی که وحشت‌زده‌اند فرو گیرد همانا پروردگار شما رئوف و مهربان است».

همچنین خداوند عزوجل می‌فرماید:

﴿أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيِّنًا وَهُمْ نَائِمُونَ ﴿٩٧﴾ أَوْ آمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يُلْعَبُونَ ﴿٩٨﴾ أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٩٩﴾ أَوْ لَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ أَهْلِهَا أَنْ لَوْ نَشَاءُ أَصَبْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَنَطْبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ﴿١٠٠﴾﴾ [الأعراف: ٩٧-١٠٠].

«آیا ساکنان شهرها ایمن شده‌اند از اینکه عذاب ما شامگاهان در حالی که به خواب فرو رفته‌اند به آنان برسد (٩٧) و آیا ساکنان شهرها ایمن شده‌اند از اینکه عذاب ما نیمروز در حالی که به بازی سرگرمند به ایشان دررسد (٩٨) آیا از مکر خدا خود را ایمن دانستند

[با آنکه] جز مردم زیانکار [کسی] خود را از مکر خدا ایمن نمی‌داند (۹۹) مگر برای کسانی که زمین را پس از ساکنان [پیشین] آن به ارث می‌برند باز ننموده است که اگر می‌خواستیم آنان را به [کیفر] گناهانشان می‌رساندیم و بر دل‌هایشان مهر می‌نهادیم تا دیگر نشوند».

در امان دانستن خود از تدبیر خداوندی، گناهی از گناهان کبیره است. از ابن مسعود - رضی الله عنه - روایت است که گفت: «گناهان کبیره این‌هایند: شرک آوردن به خداوند، و در امان دانستن خود از مکر خداوند، و نومیدی و یاس از رحمت خداوند» [به روایت طبرانی و بیهقی].

برای همین عارف‌ترین بندگان نسبت به خداوند و پارساترین آنان - صلی الله علیه وآله وسلم - هنگامی که ابری می‌دید یا بادی می‌وزید چهره‌اش تغییر می‌یافت، هنگامی که علت را از او جویا شدند فرمود: «چه چیز مرا از این ایمن می‌دارد که در آن عذابی باشد. زیرا اقوامی با باد عذاب شدند و قومی دیگر عذاب را به چشم خود دیدند و گفتند: «این ابری است که بر ما خواهد بارید» [الأحقاف: ۲۴]» [متفق علیه].

ای مسلمانان:

پیامبر ما - صلی الله علیه وآله وسلم - امت خویش را نسبت به مصیبت‌هایی که می‌ترسید بر آنان نازل شود و همچنین از اسبابی که منجر به آن می‌شود هشدار داده و فرموده است: «ای جمع مهاجرین! پنج آفت است که به خداوند پناه می‌برم از آنکه به آن مبتلا شوید: فحشا در قومی آشکار نمی‌شود تا آنکه آن را علنی انجام دهند مگر آنکه طاعون و بیماری‌هایی در میان آنان شیوع می‌یابد که در گذشتگان‌شان نبوده است، و ترازو و پیمان را کم نمی‌گیرند مگر آنکه با خشکسالی و گرانی و ستم حکام عذاب می‌بینند، و زکات اموالشان را نمی‌دهند مگر آنکه باران بر آن‌ها باز داشته می‌شود و اگر حیوانات نبودند هرگز باران بر آن‌ها نمی‌بارید، و پیمان خدا و رسول را زیر پا نمی‌گذارند مگر آنکه خداوند دشمنی از غیر خودشان بر آن‌ها مسلط می‌گرداند که برخی از آنچه دارند را از آن‌ها بگیرد، و اگر حاکمانشان به کتاب خدا حکم نرانند و از آنچه خداوند نازل نموده

هر چه را دوست داشتند اجرا کنند، خداوند شدت و خشم آن‌ها را میان خودشان قرار خواهد داد» [به روایت ابن ماجه و حاکم. حاکم آن را صحیح دانسته و ذهبی با وی موافقت نموده است].

آشکار شدن فحشا در میان مسلمانان و در رسانه‌ها، و کم‌فروشی و فریب در معاملات و ندادن زکات و خیانت در امانت و زیر پا گذاشتن پیمان‌ها و حاکم گردان هوای نفس و زیر پا نهادن شریعت اسباب مصیبت‌های عمومی هستند که اگر بر قومی نازل شوند کسی از آن در امان نخواهد ماند.

از دیگر اسباب عذاب‌های عمومی آن چیزی است که مصطفی - صلی الله علیه وسلم - در این حدیث به آن اشاره نموده است، آنجا که می‌فرماید: «در این امت خسف (یعنی در زمین فرو رفتن) و مسخ (یعنی تغییر یافتن به جانوران) و سنگباران رخ خواهد داد» مردی از مسلمانان پرسید؟ ای رسول خدا! آن کی خواهد بود؟ فرمود: «هنگامی که زنان خواننده و آلات موسیقی آشکار شوند، و خمر نوشیده شود» [به روایت ترمذی].

ابن قیم - رحمه الله - می‌گوید: «مسخ ناگزیر در این امت رخ خواهد داد که در میان دو گروه خواهد بود: نخست، علمای بد که بر خدا و رسول وی دروغ می‌بندند، کسانی که دین خدا و شریعت او را تغییر داده‌اند و خداوند نیز همانطور که دین او را دچار تغییر کردند چهره‌ی آنان را دچار تغییر خواهد کرد، و دوم، مجاهران، کسانی که فسق و فجور و گناه را علنی می‌کنند. و هر کس از آنان که در دنیا دچار مسخ نشود، در قبر یا در روز قیامت مسخ خواهد شد».

ای مومنان:

در یک جامعه همه‌ی افراد مسئولیند و همه امر به پیشگیری از مصیبت‌های همگانی شده‌اند، هر کس بر حسب جایگاهی که دارد. خداوند عزوجل فرموده است:

﴿وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً﴾ [الأنفال: ۲۵].

«از فتنه‌ای که تنها به ستمکاران شما نمی‌رسد بترسید».

ابن عباس - رضی الله عنهما - می‌گوید: «خداوند مومنان را چنین امر می‌کند که منکر را در میان خود به رسمیت نشناسند و آن را عادی ندانند که مبادا عذاب خداوند همه‌ی آنان را در بر گیرد و صالحان نیز دچار همان چیزی شوند که دیگر مردم دچار آن شده‌اند و همه یکجا هلاک شوند و در پایان همه براساس نیت‌هایشان مبعوث شوند».

بندگان خداوند:

دور ماندن از این مصیبت‌های عمومی ممکن نیست مگر با دوری از اسباب آن، و ستمگری یکی از بزرگ‌ترین اسباب مجازات‌های عمومی است که به سبب آن امت‌های گذشته و نسل‌های پیشین هلاک شدند و به سبب آن است که حکومت‌ها سقوط می‌کنند و شهرها نابود می‌شوند:

﴿وَتِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِم مَّوْعِدًا ۝۵۹﴾ [الکھف: ۵۹].

«و [مردم] آن شهرها چون بیدادگری کردند هلاکشان کردیم و برای هلاکشان موعدی مقرر داشتیم».

﴿وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ ۝۱۱﴾ [الأنبياء: ۱۱].

«و چه بسیار شهرها را که [مردمش] ستمکار بودند در هم شکستیم و پس از آنها قومی دیگر پدید آوردیم».

خداوند عزوجل مهلت می‌دهد اما رها نمی‌کند. رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - می‌فرماید: «همانا خداوند به ستمگر مهلت می‌دهد اما همینکه وی را گرفتار سازد دیگر از دست وی رهایی نخواهد یافت» سپس این آیه را قرائت نموده که: ﴿وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ ۝۱۲﴾ [هود: ۱۰۲]. «این گونه بود [به قهر] گرفتن پروردگارت وقتی شهرها را در حالی که ستمگر بودند [به قهر] می‌گرفت آری [به قهر] گرفتن او دردناک و سخت است» [به روایت بخاری].

پس از ستم به بندگان خداوند و خوردن حق کارگران و ضعیفان و حقوق عمومی که زیان آن به بسیاری از مردم می‌رسد، برحذر باشید.

از دیگر انواع ستمگری ترک یاری مظلوم و دست کشیدن از کمک کردن به اوست، زیرا این باعث عقوبت خداوندی است. رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «مردم اگر ستمگر را ببینند و او را از ستم کردن باز ندارند نزدیک است که خداوند همه‌ی آن‌ها را به عقوبت خود دچار سازد» [به روایت ترمذی. وی آن را حسن و صحیح دانسته است].

و شدیدترین ستم‌ها ستمی است که باعث از بین رفتن دین یا جان یا آبرو یا مال شود.

ای مومنان:

امر به معروف و نهی از منکر جامعه را از عذاب خداوندی ایمن می‌سازد، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ﴾ [هود: ۱۱۷].

«و پروردگار تو بر آن نیست که مردم شهرها را در حالی که مردم آن مصلحند هلاک سازد».

چه بزرگ است برکت مصلحان، و چه بد است رفتار مردم با آنان!

همچنین از جمله سنت‌های خداوند در بندگانش ایت است که اگر منکری در میان آن‌ها همه گیر شود و آن را تغییر ندهند، عقوبت خداوندی شامل همه‌ی آن‌ها خواهد شد و عذاب به همه خواهد رسید. رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «خداوند عزوجل همه‌ی مردم را با گناه برخی از آن‌ها عذاب نمی‌دهد مگر آنکه مردم منکر را در میان خود ببینند و قادر به انکار آن باشند و آن را انکار نکنند که اگر اینگونه انجام دهند خداوند هم آن گروه اندک را عذاب خواهد کرد و هم عموم مردم را» [به روایت امام احمد. حافظ ابن حجر آن را حسن دانسته است].

همچنین از نعمان بن بشیر - رضی الله عنه - از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت است که فرمود: «مثال کسی که حدود خداوند را رعایت می‌کند و کسی که آن را زیر پا می‌گذارد مانند گروهی است که برای نشستن در کشتی قرعه‌کشی نمودند، پس

برخی در بالای آن سوار شدند و برخی پایین آن، آنانی که در پایین بودند مجبور بودند برای برداشتن آب بر کسانی که بالا هستند عبور کنند، پس با خود گفتند: کاش [برای برداشتن آب] سوراخی در قسمت خودمان ایجاد می‌کردیم و کسانی را که بالا هستند اذیت نمی‌کردیم. حال اگر آنانی که بالا هستند کاری به کار آن‌ها نداشته باشند تا آنچه را می‌خواهند انجام دهند، همگی هلاک خواهند شد، و اگر از کار آن‌ها جلوگیری کردند همگی نجات خواهند یافت» [به روایت بخاری].

و از زینب بنت جحش - رضی الله عنها - از رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - روایت است که فرمود: «لا إله إلا الله، وای بر عرب از شری که نزدیک است. امروز از سد یاجوج و ماجوج به مانند این باز شده است» و انگشت ابهام و انگشت کنار آن را حلقه کرد. زینب می‌گوید: گفتم ای رسول خدا! آیا ما هلاک می‌شویم در حالی که صالحانی در میان ما هستند؟ فرمود: «آری اگر بدی‌ها زیاد شود» [متفق علیه].

امام احمد و ترمذی از حذیفه بن یمان روایت کرده‌اند که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود: «قسم به آنکه جانم در دست اوست؛ یا به معروف امر می‌کنید و از منکر باز می‌دارید، یا آنکه نزدیک است خداوند عذابی به سوی شما فرستد سپس او را دعا کنید و شما را استجابت نکند».

و رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «قومی نیست که در میانشان گناه انجام می‌شد و آنان توانایی این را دارند که آن را تغییر دهند ولی دست به ایجاد تغییر نمی‌زنند مگر آنکه نزدیک است خداوند آنان را به عذابی همه‌گیر از سوی خود گرفتار سازد» [به روایت ابوداود].

از جمله‌ی اسباب عذاب عمومی، کفران نعمت است:

﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّن كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ﴿١١٢﴾﴾ [النحل: ۱۱۲].

«و الله شهري را مثل زده است که امن و امان بود [و] روزیش از هر سو فراوان می‌رسید پس [ساکنانش] نعمت‌های الله را ناسپاسی کردند و الله هم به سزای آنچه انجام می‌دادند طعم گرسنگی و هراس را به [مردم] آن چشاند.»

گرسنگی و ترس، شبیحی است که همه‌ی زندگان از آن در هراسند. خداوند در این آیه می‌فرماید: «پس به نعمت‌های خداوند کفر ورزیدند» و نفرمود: به خود خداوند کفر ورزیدند؛ زیرا این کفران نعمت است که سبب گرسنگی و ترس، و سبب فتنه‌ها و ناآرامی‌ها است و همانا نعمت با شکر منعم است که پایدار می‌ماند.

خداوند متعال عطا نمود و عطای کامل ارزانی داشت، و نعمت داد و افزون عطا نمود:

﴿وَعَاثَكُمْ مِّن كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِن تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا﴾ [إبراهیم: ۳۴].

«و از هر چه از او خواستید به شما عطا کرد، و اگر نعمت الله را شماره کنید نمی‌توانید آن را به شمار آورید.»

و خداوند متعال که قادر به همه چیز است چنین وعده و وعید داده است که:

﴿وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾

[إبراهیم: ۷].

«و آنگاه که پروردگارتان اعلام کرد اگر شکر نمودید بی‌تردید [نعمت] را برای شما افزون می‌کنم و اگر کفر ورزیدید همانا عذاب من شدید است.»

از دیگر نمونه‌های کفران نعمت، اسراف و تبذیر و بی‌حرمتی به غذا و سرکشی و مباحات به چیزهایی است که مایه‌ی جلب خشم خداوند است.

ای مسلمانان:

همچنین از اسباب جلب عذاب عمومی، غفلت و غرق شدن در لهو و بیهودگی است. در مسند از عقبه بن عامر - رضی الله عنه - از رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - روایت شده است که فرمودند: «اگر دیدی خداوند به بنده‌ای با وجود گناهانش چیزهای دوست‌داشتنی از دنیا را می‌دهد، بدان که این استدارج است» سپس رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - این آیه را تلاوت نمودند:

﴿فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمَ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُم بَعْتَةً فِإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ﴾ [الأنعام: ۴۴].

«پس هنگامی که آنچه به آن پند داده شده بودند را فراموش کردند درهای همه چیز را بر آن‌ها گشودیم تا آنکه به آنچه داده شده بودند شاد و مغرور گردیدند، به ناگاه [گریبان] آنان را گرفتیم و یکباره نومید شدند».

حسن بصری - رحمه الله - می‌گوید: «قسم به پروردگار کعبه که این قوم مورد مکر خداوندی قرار گرفتند؛ نخست حاجتشان به آنان داده شد، سپس به عذاب خداوند گرفتار شدند».

قتاده می‌گوید: «امر خداوند، آن قوم را غافلگیر کرد و خداوند هیچ قومی را به عذاب خود دچار نمی‌کند مگر هنگام مستی و غفلت و در اوج نعمت».

پس نسبت به خداوند فریب نخورید که جز فاسقان کسی فریفته نمی‌شود و از خوش‌گذرانی و دنیا پرستی و رقابت بر آن دوری کنید که آن همان دردی است که امت‌های پیشین گرفتار آن شدند و همان چیزی است که پیامبر ما - صلی الله علیه و آله وسلم - امت خود را نسبت به آن هشدار داده و گفته است: «به خدا سوگند از فقر بر شما نمی‌ترسم ولی از این می‌ترسم که دنیا بر شما گشوده شود چنانکه بر کسانی که پیش از شما بودند گشوده شد و برای آن همانند شما با یکدیگر مسابقه دادند، و شما را همانطور که آنان را هلاک کرد، هلاک کند» [متفق علیه].

و در جای دیگری می‌فرماید: «از جمله چیزهایی که از آن بر شما می‌ترسم این است که زیبایی‌های دنیا و زینت آن بر شما گشوده شود» [متفق علیه].

از دیگر اسباب عقوبت‌های عمومی انتشار فحشا و زنا و اسباب فسق و فجوری است که به فحشا منجر میشود. خداوند عزوجل می‌فرماید:

﴿وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا

تَدْمِيرًا﴾ [الإسراء: ۱۶].

«هرگاه اراده نمودیم که شهری را هلاک سازیم، خوشگذران‌های آن را وادار نمودیم تا در آن به انحراف پردازند و در نتیجه عذاب بر آن شهر لازم گردد و آن را یکسره نابود سازیم».

و رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «فحشاء در میان قومی

﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ [الروم: ۴۱].

«به سبب دستاورد مردم فساد در زمین و دریا آشکار گردیده است تا [سزای] بعضی از آنچه کرده‌اند به آنان بچشاند باشد که بازگردند.»
و می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ يَرَوُا كَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّنْ لَكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ﴾ [الأنعام: ۶].

«آیا ندیده‌اند که پیش از آنان چه بسیار امت‌ها را هلاک کردیم [امت‌هایی که] در زمین به آنان امکاناتی دادیم که برای شما آن امکانات را فراهم نکرده‌ایم و [باران‌های] آسمان را بی در پی بر آنان فرو فرستادیم و رودبارها از زیر [شهرهای] آنان روان ساختیم پس ایشان را به [سزای] گناهانشان هلاک کردیم و پس از آنان نسل‌های دیگری پدید آوردیم.»

و در جای دیگری می‌فرماید:

﴿فَكَلَّا أَخَذْنَا بِذُنُوبِهِمْ﴾ [العنكبوت: ۴۰].

«پس هر کدام [از این اقوام] را به واسطه‌ی گناهانشان گرفتار ساختیم.»

﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ﴾ [الشوری: ۳۰].

«و هر مصیبتی که به شما می‌رسد به سبب دستاورد خود شماست و [خداوند] از بسیاری درمی‌گذرد.»

گناه چیزی نیست جز عامل ویرانی سرزمین‌های آباد، و از دست رفتن نعمت‌های آشکار و پنهان. پس روی به سوی توبه و استغفار آورید که این عامل در امان ماندن از عذاب است:

﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾ [الأنفال: ۳۳].

«تا تو در میان آن‌ها هستی الله بر آن نیست که آنان را عذاب کند و تا هنگامی که استغفار می‌کنند الله عذاب دهنده‌ی آنان نخواهد بود».

استغفار عامل جلب رحمت و لطف خداوند است:

﴿لَوْ لَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ [النمل: ۴۶].

«چرا از الله آمرزش نمی‌خواهید باشد که مورد رحمت قرار گیرید» و همینطور، ایمان و تقوا:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾

[الأعراف: ۹۶].

«اگر اهل شهرها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند بی‌تردید برکاتی از آسمان و زمین بر آن‌ها می‌گشودیم».

اما اگر بندگان تغییر کردند آنگاه است که سنت‌های خداوندی با کسی شوخی نخواهد داشت.

خداوندا ما از زوال نعمت و برگشتن عافیت و خشم ناگهانی تو و همه‌ی انواع خشم و غضبت به تو پناه می‌بریم.

و درود و سلام فرستید بر آن پیامبر مصطفی و رسول مجتبی... خداوندا درود و سلام و برکت ارزانی دار بر بنده و پیامبرت محمد، و بر اهل بیت و یاران پاک وی و صحابه‌ی نیک وی. خداوندا از امامان هدایتگر و خلفای راشد، ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه‌ی پیامبرت و همه‌ی کسانی که راه و روش آنان را در پی گیرند راضی و خشنود باش، ای پروردگار جهانیان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار گردان و دشمنان دین را نابود ساز و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امن و امان بدار.

خداوندا نیرنگ هرکه را برای ما و سرزمین ما اراده بد یا تفرقه دارد به خودش باز گردان و تدبیر و نیرنگش را باعث نابودی او بگردان.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان ما را اصلاح نما. خداوندا گرانی و بیماری‌ها و ربا و زنا و زلزله‌ها و سختی‌ها و فتنه‌های بد آشکار و پنهان را از ما دور گردان.

خداوندا اوضاع مسلمانان را در هر جا که هستند اصلاح گردان. خداوندا آنان را بر حق و هدایت یکی گردان. خداوند جان آنان را حفظ نما و ترس آنان را از بین ببر و گرسنه‌ی آنان را سیر نما و از آبروی آنان محافظت نما.

خداوندا خودت طاغیان و ستمگران را نابود گردان، خداوندا آنان را نابود گردان که یارای ناتوان ساختن تو را ندارند.

خداوندا یار و یاور برادران و خواهران ما در سوریه باش، خداوندا اوضاع آنان را بهبود بخش و جان آن‌ها را نجات ده و آنان را از ترس ایمن گردان، ای حی و ای قیوم، ای دارای جلال و بزرگواری.

خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومنت را یاری ده. خداوندا مستضعفان مسلمان را در هر جایی که هستند یاری ده و کلمه‌ی آنان را بر حق یکی گردان، ای پروردگار جهانیان. خداوندا آنان را در فلسطین بر صهیونیست‌های اشغالگر یاری ده. خداوندا دشمنان دین را نابود گردان که آنان توانایی عاجز ساختن تو را ندارند. خداوندا تجاوز پیشه‌گان و ستمگران را نابود گردان، خداوندا آنان را یاری ناتوان ساختن تو نیست.

«پروردگارا ما را در دنیا و در آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بدار»

[البقرة: ۲۰۱].

خداوندا گناهان ما را بیامرز و عیب‌های ما را بپوشان و کارهای ما را آسان گردان و ما را به آن آرزوهایی که باعث خشنودی توست برسان. پروردگارا ما و پدر و مادر ما را بیامرز، همانا تو شنونده‌ی دعایی.

از خداوند آمرزش می‌طلبیم، از خداوندی که معبودی به حق جز او نیست آمرزش می‌خواهیم و به سوی او توبه می‌کنیم. خداوندا تویی آن الله که معبودی به حق جز تو

نیست، تو بی‌نیازی و ما نیازمند، باران را بر ما نازل کن و ما را از نومیدان مگردان، خداوندا ما را باران ده، خداوندا ما را باران ده، خداوندا ما را بارانی گوارا و خوش و فراگیر و پی در پی و سودمند و بی‌زیان، نه باران بلا و ویرانی و غرق. خداوندا آنا را باران رحمت بگردان، خداوندا باران رحمت و نه باران عذاب و نابودی.

پروردگارا از ما بپذیر که همانا تو شنوا و دانایی و از ما توبه پذیر که همانا تو بسیار توبه پذیر و مهربانی. پاک و منزّه است پروردگار تو، پروردگار عزت از آنچه به دروغ وصفش می‌کنند و سلام بر پیامبران، والحمدلله رب العالمین.

عنوان خطبه:

اشتباهات شرعی در قضیه بخشش و وصیت

خطیب: دکتر حسین بن عبدالعزیز آل شیخ

مسجد نبوی شریف: جمعه ۱۱ ربیع الاول ۱۴۳۳ هجری قمری برابر با ۱۴ بهمن

۱۳۹۰

خطبه‌ی اول:

ستایش مخصوص الله، پروردگار جهانیان است، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و خداوند پیشینیان و آیندگان است، و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده و پیامبر اوست. خداوند بر او و بر اهل بیت و یاران او درود و سلام و برکت ارزانی دار.

اما بعد، ای مومنان:

خداوند عزوجل می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۖ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧١﴾﴾ [الأحزاب: ۷۰-۷۱].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید پروای الله دارید و سخنی استوار گوید (۷۰) تا کارهایتان را برایتان به سامان آورد و گناهانتان را ببخشد و هر که از الله و پیامبرش اطاعت نماید بی‌تردید پیروزی بزرگی فراچنگ آورده است.»

این امر متوجه مومنان است که سخنی استوار گویند و راه و روش صحیح را در پیش گیرند.

ای مردم، کسی که اوضاع مردم را در راهروهای برخی از دادگاه‌ها می‌بیند، رفتارهایی را از برخی از پدران می‌بیند که باعث به وجود آمدن دشمنی در بین وارثان می‌شود. چه بسیار به سبب این رفتارها است که میان وارثان دشمنی و جدایی و ناسزاگویی و شکایت‌ها پیش می‌آید، آن هم به سبب رفتاری که مخالف با شریعت خداوند عزوجل در مورد قضیه‌ی وصیت و بخشش است.

برای مثال، برخی از مردم برای آنکه پس از مرگ، مانع از تصرف فرزندان در مال خود شوند به حيله و نیرنگ بخشش آن مال متوسل می‌شوند و هدفشان از این بخشش فقط این است که مانع از تصرف فرزندان خود در مال موروث از طریق فروش یا هدیه یا نقل ملکیت شوند.

این کار از نظر شرعی و با نص صریح حدیث رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - نکوهیده است زیرا سبب وقوع مفسد و زیان‌های بسیاری در حق وارثان می‌گردد و شیخ الاسلام محمد بن عبدالوهاب - رحمه الله - اینگونه بخششی را نامشروع دانسته است، همینطور نوهی وی امام مجدد، عبدالرحمن بن حسن.

وی - رحمه الله - درباره‌ی نیت چنین بخششی می‌گوید: «واقف در چنین حالتی در حقیقت دو نیت دارد: نخست حرام کردن آنچه خداوند از فروش و هدیه و تصرف در مال برای وارثان حرام گردانده است، و دوم: محروم ساختن همسران پسران خانواده و

همسران دختران آن خانواده، که اینکار شبیه به همان چیزی است که خداوند در سوره‌ی انعام یاد کرده است».

ای مسلمانان:

از جمله رفتارهای اشتباه دیگر این است که شخص بخشش کننده، در بخششی که می‌کند برخی از فرزندان را بر برخی دیگر ترجیح دهد و این از جمله چیزهایی است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - حرام گردانده و فرموده است: «تقوای خداوند را پیشه سازید و میان فرزندان عدالت بورزید» و احادیث در این باب بسیارند.

اما اگر شخصی محتاجان و نیازمندان خانواده‌ی خود را بدون در نظر گرفتن نسبت آنان به بخشش خاصی مخصوص گرداند، اشکالی ندارد، زیرا بخاری روایت کرده است که ابن عمر - رضی الله عنهما - نصیب خود از خانه‌ی پدرش را برای سکونت نیازمندان خانواده بخشش نمود. و روایت است که زبیر - رضی الله عنه - تنها دختران نیازمند خود را مشمول بخشش گرداند.

یا آنکه در بخشش خود فرزندان را به طلب علم تشویق نماید و آن را مخصوص طالب علم قرار دهد نه شخص معین.

برخی دیگر از مردم تنها فرزندان پسران خود را مخصوص بخشش می‌نمایند نه فرزندان دختران خود را. کسی که به چنین بخششی می‌نگرد خواهد دانست که این شخص خواسته است در عاقبت امر، فرزندان دختران را از بخشش خود محروم سازد، یعنی دختر تا وقتی زنده است از بخشش پدر استفاده کند و پس از مرگ سهم وی قطع شود و فرزندان وی محروم شوند که خداوند چنین کاری را حرام گردانده است.

محققان اهل علم که پایبند به کتاب خدا و سنت پیامبرش - صلی الله علیه وآله وسلم - هستند و از تعصب و تقلید کور مذهبی به دورند، چنین بخششی را جزو گناهان دانسته‌اند. شیخ الاسلام، محمد بن عبدالوهاب، - رحمه الله - رساله‌ای مستقل را در رد بر کسانی تالیف نموده است که اینگونه بخشش ظالمانه را جایز دانسته‌اند، کسانی که خود

چنین ستمی را بر دختران خود یا بر خودشان، روا نمی‌دانند که برخی از فرزندان را بر برخی دیگر برتری دهند.

امام محمد بن عبدالوهاب - رحمه الله - می‌گوید: «مسأله‌ای که می‌خواهیم درباره‌ی آن سخن بگوییم اینگونه است که اگر کسی بخواهد مال خود را به دلخواه میان وارثان تقسیم کند و از تقسیم خداوندی شانه خالی کند و بر دین او تمرد ورزد، مانند اینکه بگوید همسر از نخلستان او محروم است و نمی‌تواند از آن استفاده کند مگر تا وقتی که زنده است از ثمره‌ی آن، یا آنکه برخی از فرزندان خود را بر برخی دیگر برتری دهد تا از وصیت خداوند به عدل بگریزد یا آنکه قصد محروم ساختن فرزندان دختران خود را داشته باشد یا وارثان خود را از فروش یک ساختمان محروم سازد...».

سپس می‌گوید: «سپس برخی از مفتی‌ها به او فتوا می‌دهند که این بدعت ملعون صدقه‌ای است که با آن به خداوندی نزدیک می‌شود، و کسی که به این هدف بخشش می‌کند نیتش به دست آوردن رضایت خداوند است. حال خود به این گونه بخشش نیک نظر بینداز و خوب در ادله‌ای که ذکر شد تامل کن».

و - رحمه الله - در ادامه می‌گوید: «می‌گوییم: از بزرگ‌ترین منکرات و بزرگ‌ترین گناهان کبیره، تغییر شریعت و دین خداوند است و حيله‌گری در این شریعت به قصد تقرب به اوست، مانند آنکه کسی بخواهد زن یا زن پسر، یا فرزندان دختران و دیگرانی را که خداوند برای آنان سهمی در نظر گرفته است محروم گرداند یا بیشتر از حقشان به آنان دهد، یا به کسی بیشتر یا کمتر از سهم خداوندی در ارث دهد، سپس با همین کار قصد نزدیکی به خداوند را داشته باشد در حالی که با این کار از خداوند دورتر شده است زیرا دلائل در بطلان این بخشش و وجوب بازگشت آن و سپس تقسیم شدن آن براساس تقسیم خدا و رسولش بیش از آن است که در شمار آید».

نوهی امام، شیخ عبدالرحمن بن حسن و دیگر محققان نیز همین سخن را گفته‌اند.

شیخ عبدالرحمن السعدی - رحمه الله - می‌گوید: «برای کسی حلال نیست که بخششی انجام دهد که دربرگیرنده‌ی حرام یا ستم باشد، مانند اینکه در بخشش خود تنها یکی از وارثان را در نظر گیرد».

وی سپس می‌گوید: «زیرا بنده حق این را ندارد که در مال خود براساس شهوت‌ها و خواسته‌های درونی خود تصرف نماید و حق ندارد مخالفت شریعت خداوند نموده و از عدالت خارج شود».

پس ای بندگان خداوند تقوای او را پیشه سازید و بدانید که چیزی جز شریعت خداوند شما را نجات نمی‌دهد، پس در تقسیم اموالتان به همان تقسیمی خشنود باشید که خداوند برای شما در نظر گرفته است تا در دنیا و آخرت سعادت‌مند شوید. این سخن خود را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از هر گناهی آمرزش می‌خواهم، پس از او آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

پروردگار را سپاس و ستایش می‌گوییم و شهادت می‌دهم که معبودی به حق جز او نیست که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که پیامبر ما محمد، بنده و پیامبر اوست. خداوند ابر او و بر اهل بیت و یاران او درود و سلام و برکت ارزانی دار. اما بعد، ای مسلمانان:

در کتاب خدا و سنتش پیامبرش - صلی الله علیه وسلم - به تواتر درباره‌ی بزرگداشت امانت و تحریم خیانت در آن، یا اهمال در مورد آن، آمده است.

ای ناظران اوقاف، شما با بر دوش نهادن چنین مسئولیت بزرگی، دچار آزمایش بسیار بزرگی شده‌اید، پس آن را همانگونه که خداوند عزوجل امر نموده‌اند انجام دهید.

بر اوقاف و بخشش‌های مالی و بر محافظت و توسعه‌ی آن و صرف آن در محلی که در نظر گرفته شده است، بدون برتری دادن کسی بر کسی دیگر، کوشا باشید.

در مورد اوقاف و بخشش‌ها تقوای خداوند را در نظر بگیرید و وای بر شما اگر از طریق این اوقاف به منافع شخصی خود نظر داشته باشید که این جنایتی است بس بزرگ

که روزی سزای آن را خواهید دید «روزی که نه مال و نه فرزندان سودی نخواهد داشت (۸۸) مگر کسی که با قلبی سالم به نزد الله آید» [الشعراء: ۸۸-۸۹].

و بدانید که یکی از بهترین و برترین اعمال، درود و سلام فرستادن بر آن پیامبر بزرگوار است:

خداوندا بر او و بر اهل بیت و همه‌ی یارانش درود و سلام و برکت ارزانی دار.
خداوندا مسلمانان را در هر جایی که هستند حفظ نما، خداوندا مسلمانان را هر جا که هستند حفظ نما، خداوندا با امنیت و آسایش و آرامش و استقرار بر آنان منت بده.
خداوندا کار آنان را برایشان سامان ده، خداوندا بهترینشان را بر آنان قرار ده، خداوندا بهترینشان را بر آنان قرار ده.

خداوندا مردان و زنان مسلمان، و مردان و زنان مومن، مردگان و زندگانشان را مورد آموزش خود قرار ده. خداوندا گناهان ما و آنان را بیامرز و از بدی‌های ما و آنان درگذر و درجات ما را افزون گردان.

خداوندا ما از تو مسالت داریم که با زندگی پاک در دنیا و آخرت بر مسلمانان منت گذاری. خداوندا بر ما و دیگر مسلمانان با زندگی پاک در دنیا و آخرت منت گذار.

خداوندا ما را از کسانی بگردان که پایبند دستورات خدا و راه و روش پیامبر اویند.

خداوندا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بدار.

خداوندا تو بی‌نیازی و ما نیازمند، باران را بر ما نازل گردان، خداوندا باران را بر ما نازل گردان، خداوندا باران را بر ما فرو ریزان، خداوندا تو نیاز ما را به باران می‌دانی، خداوندا پس ما را باران عطا کن، خداوندا سختی به ما رسیده است و تو مهربان‌ترین مهربانانی، خداوندا سختی به ما رسیده است و تو مهربان‌ترین مهربانانی.

خداوندا ما بندگان تو و نیازمند توایم، ما را با باران بی‌نیاز گردان، خداوندا ما را با باران بی‌نیاز گردان، خداوندا به حیوانات و ضعیفان ما رحم کن، خداوندا با آنچه نادانان ما می‌کنند، ما را مواخذه نکن، خداوندا با آنچه نادانان ما می‌کنند ما را مورد مواخذه قرار مده.

خداوندا سرزمین ما و دیگر سرزمین‌های مسلمان را باران عطا کن، خداوندا سرزمین ما و دیگر سرزمین‌های مسلمان را باران عطا کن. ای یار و یاور، ای بی‌نیاز و ای ستوده شده. بندگان خداوند: خداوند را بسیار یاد کنید و صبحگاه و شامگاه او را تسبیح گویند.

عنوان خطبه:

دوری از بی‌خردی

خطیب: دکتر سعود شریم

مسجدالحرام: جمعه ۱۸ ربیع الاول ۱۴۳۳ برابر با ۲۱ بهمن ۱۳۹۰

خطبه‌ی اول:

ستایش ویژه خداوند و الامرتبه‌ی قدیر است، اوست که بر بندگان خود چیره است و بر آنان نگهبانانی می‌فرستد:

﴿لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَىٰ وَالْآخِرَةِ ۖ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ [القصص: ۷۰].

«در این دنیای نخست و در آخرت ستایش از آن اوست، و حکم از آن اوست و به سوی او باز خواهید گشت».

و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر اوست که خداوند وی را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر دیگر ادیان چیره سازد حتی اگر مشرکان را خوش نیاید و او رسالت را تبلیغ نمود و امانت را به انجام رساند و برای امت خیرخواهی نمود پس درود و سلام خداوند بر وی و بر اهل بیت و یاران پاک او و بر همه‌ی کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند.

اما بعد، نصیحت من به خود و شما تقوای خداوند است زیرا که آن سلاح هر مومن و پناه هر ترسنده و بشارت هر راغبی است:

﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [المائدة: ۱۰۰].

«پس ای صاحبان خرد تقوای الله را پیشه سازید باشد که رستگار شوید».

ای مردم:

همه‌ی انسان‌ها با وجود تفاوتی که در فهم امور دارند بر این متفقند که عقل از بزرگ‌ترین نعمت‌های خداوند بر بنده است که به واسطه‌ی آن میان پاک و ناپاک و زشت و زیبا تفاوت می‌نهد. عقل نشانه‌ای است که با آن میان انسان و حیوانات و جمادات تفاوت حاصل می‌شود و قدر آن را نمی‌داند مگر کسی که از نعمت آن برخوردار است:

﴿وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ [النحل: ۷۸].

«و الله شما را از شکم مادرانتان خارج ساخت که هیچ نمی‌دانستید و برای شما گوش و چشم‌ها و دل‌ها قرار داد باشد که شکر گذار باشید».

و ارزش عقل را نمی‌داند مگر کسی که بی‌خردان را دیده است یا استفاده نبردن از عقل را مشاهده کرده باشد. اما کسی که از نعمت عقل برخوردار است اما این عقل اثری در زندگی او ندارد به مانند الاغی است که کتاب‌هایی بر پشت خود حمل می‌کند.

دوگانگی و تضاد به بسیاری از عقل‌ها نفوذ کرده است و باعث ناآرامی و بی‌خردی در رای و اندیشه و اخلاق شده است که ناگزیر به «سفاهت» منتهی شده است و سفیه کسی است که جهلش آشکار است و عقلش سبک و عقل خود را با تقلید کور و روی‌گردانی از نگاه و تفکر، بی‌ارزش دانسته است. در اندیشه‌اش خلل است، در ارزش‌هایش خلل است و در قلمش هم خلل، و عاقلان از او می‌گریزند.

سفاهت، دیوانگی یا از دست دادن عقل نیست بلکه بد استفاده کردن از آن یا به حاشیه راندن آن از نقشی است که برای آن آفریده شده است، بر این اساس هر صاحب عقلی که بر اساس خواست خداوند و خواست پیامبر او - صلی الله علیه وسلم - راه بی‌ماید از عقل سلیم برخوردار است و هر کس از خواسته خداوند و پیامبرش - صلی الله علیه وآله وسلم - دوری کند سفیه است حتی اگر از نظر نیروی عقلی از خردمندان نیز قوی‌تر باشد.

از اینجاست که خداوند متعال همه کسانی را که با او از در عناد وارد شده یا در مقابل شریعت و منهاج او سرکشی کرده‌اند سفیه نامیده است:

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَامِنُوا كَمَا ءَامَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا ءَامَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِن لَّا يَعْلَمُونَ ﴿۱۳﴾﴾ [البقرة: ۱۳].

«و اگر به آنان گفته شود ایمان بیاورید همانگونه که مردم ایمان آوردند می‌گویند: آیا همانطور که سفیهان ایمان آوردند ایمان آوریم؟ به درستی که آنان خود سفیهانند اما نمی‌دانند».

خداوند آن‌ها را به همهی عقل و هوش سرشاری که داشتند سفیه نامید زیرا با رنگ خدایی به مخالفت برخاسته بودند. برای همین خداوند متعال همهی سفیهانی را که از عقل خود در خشنودی خداوند بهره نمی‌برند یا از آن برای خشم خداوند استفاده می‌کنند چنین مورد وعید خود قرار می‌دهد:

﴿أُولَئِكَ كَالْأَنْعَمِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْعَافِلُونَ ﴿۱۷۹﴾﴾ [الأعراف: ۱۷۹].

«آنان به مانند چارپایان و بلکه گمراه‌ترند، آنان غافلانند».

سفاهت آفتی است که ممکن است انسان هم در امور دینی و هم امور دنیایی گرفتار آن شود؛ سفاهت در دین با مخالفت خدا و رسول و رویگردانی از شریعت خداوند یا ضدیت با آن و یا استهزای خدا و رسول وی - صلی الله علیه وسلم - یا مسخره کردن چیزی از امور دین یا کوچک شمردن شریعت خداوندی و توصیف نمودن آن به عقب افتادگی و نقص یا مناسب ندانستن آن برای جهان امروز است که همهی این‌ها سفاهت و نادانی است چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّهُمْ عَن قِبَلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا﴾ [البقرة: ۱۴۲].

«سفیهان مردم خواهند گفت چه چیز آنان را از قبله‌ای که بر آنان بودند برگرداند».

خداوند متعال در این آیه معترضان به تغییر قبله را به سفاهت وصف نموده است زیرا انسان عاقل به امر خداوند و پیامبر وی - صلی الله علیه وسلم - اعتراض نمی‌کند و

اینگونه به مقام عزت و کرامت دست می‌یابد، به خلاف معترضان که به ذلت و خواری دچار خواهند شد:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ فِي الْأَذَلِّينَ ﴿۲۰﴾﴾ [المجادلة: ۲۰].

«کسانی که با الله و پیامبرش مخالفت می‌کنند آنان از جمله زبونان خواهند بود». وصف سفاهت تنها محدود به گروهی از سفیهان انس نبوده و بلکه خداوند متعال در مورد گروهی از جنیان نیز این صفت را به کار برده است آنجا که از قول جنیان مومن می‌فرماید:

﴿وَأَنَّهُ كَانَ يَفُولُ سَفِيهًا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا ﴿۴﴾﴾ [الجن: ۴].

«و کم خرد ما درباره‌ی الله سخنان یاوه می‌گوید».

بینید چگونه انسیان و جنیان در سفیه دانستن کسی که در دین کنجروی کند و به غیر هدایت خداوند راه ببیماید متفقند، و خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يَرْعُبْ عَنِ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ ﴿۱۳۰﴾﴾ [البقرة: ۱۳۰].

«و جز آنکه سبک‌مغز است کسی از ملت ابراهیم روی برنمی‌تابد».

اینگونه است که عواقب سفاهت در امور دین بسیار وخیم است زیرا تنها به خود سفیه محدود نمی‌ماند بلکه دامنه‌ی آن به سفیه و عاقل و همه‌ی جامعه خواهد رسید و رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - هنگامی که از ایشان پرسیدند: آیا در حالی که صالحان در میان ما هستند نیز هلاک می‌شویم؟ فرمودند: «آری اگر ناپاکی زیاد شود».

برای همین است که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَأَنْتُمْ فِتْنَةٌ لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿۲۵﴾﴾

[الأنفال: ۲۵].

«و از فتنه‌ای بترسید که تنها به ستمگران شما نمی‌رسد و بدانید که الله سخت کیفر است».

از سفاهت سفیهان است که به سبب سفاهت و حماقت خود مصیبت و بدبختی را نصیب جامعه خود می‌کند. موسی - علیه السلام - نیز از آن جهت از سفاهت در دین

می‌ترسید که باعث عقوبتی فراگیر از سوی خداوند شوند و برای همین در نیایش با خداوند خود فرمود:

﴿قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ مِّن قَبْلُ وَإِنِّي أَتَّهَلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَن تَشَاءُ وَتَهْدِي مَن تَشَاءُ أَنْتَ وَلِيُّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ ﴿١٥٥﴾﴾ [الأعراف: ۱۵۵].

«پروردگارا اگر می‌خواستی آنان را و مرا پیش از این هلاک می‌ساختی آیا ما را به [سزای] آنچه کم‌خردان ما کرده‌اند هلاک می‌کنی این جز آزمایش تو نیست هرکه را بخواهی به وسیله‌ی آن گمراه و هرکه را بخواهی هدایت می‌کنی تو سرور مایی پس ما را بیامرز و به ما رحم کن و تو بهترین آمرزندگان.»

اما سفاهت در امور دنیا با مصرف مال در کارهایی که است مخالف شرع خداوند است و یا با اسراف و تبذیر و هدر دادن آن مانند: تجارت و سرمایه‌گذاری متهورانه بدون در نظر گرفتن حرمت آن که این عین سفاهت است و گذاشتن امور در غیر جایگاه آن است. بر این اساس خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَمًا﴾ [النساء: ۵].

«و اموال خود را که الله آن را [مایه‌ی] قوام [زندگی] شما گردانده است به سفیهان ندهید.»

سفاهت در این زمینه بسیار شده است و برخی از مردم نسبت به حقوق یکدیگر سهل‌انگار شده‌اند و بدون در نظر گرفتن امانت به تصرف در اموال مردم پرداخته‌اند و در نتیجه دشمنی‌ها و دعوای بسیار شده و ورشکستگی‌های ناگهانی و خسارت‌های پی در پی فزونی گرفته و فتنه‌ها در میان شریکان و سرمایه‌گذاران رخ داده که همه به سبب طمع و فزون‌خواهی و ضعف قناعت است که باعث سفاهت در مساله‌ی اموال شده است.

اما اساس و جامع امر در این زمینه سخن رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - که می‌فرماید: «هرکه مالی را با ادای حق آن دریافت نماید برای او در آن برکت داده می‌شود

و هرکه مالی را بدون ادای حق آن بگیرد به مانند کسی است که می‌خورد اما سیر نمی‌شود» [به روایت مسلم].

بنابراین کسانی که مردم آنان را امین اموال خود دانسته‌اند تقوای او را در نظر گیرند و در زمینه‌ای به معامله و جذب سود مشغول شوند که خداوند حلال گردانده است و از تهور و زیاده‌روی و از افتادن در شبهه دوری کنند و از اطمینان مردم سوء استفاده نکنند و این سخن رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - را به یاد داشته باشند که می‌فرماید: «هرکه مال مردم را به قصد ادای آن بردارد خداوند آن را از جانب وی ادا خواهد نمود، اما هرکه آن را به قصد اتلاف آن بردارد خداوند او را تلف کند» [به روایت بخاری].

از دیگر انواع سفاهت، کشتن نفسی است که خداوند جز به حق حرام گردانده است و هر چه یک شخص دستش به کشتن دیگران آلوده‌تر باشد، سفیه‌تر است. عجیب است کار کسانی که ملت و هم‌نوعان خود را می‌کشند، کسانی که پیامبر خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - آنان را سبک‌مغز می‌داند.

از ویژگی‌های این گروه چنین است که مسلمانان را می‌کشند و بت‌پرستان را رها می‌کنند چنانکه امروزه برای برخی از برادران و خواهران ما که کشته شده و یا مورد شکنجه قرار می‌گیرند رخ می‌دهد و چه بسیار غم‌انگیز است حال برادران ما در سوریه؛ کسانی که با شدیدترین انواع جور و ستم و قتل و وحشی‌گری مواجهند که خدا و رسول وی را خوش نمی‌آید و هیچ دین و آیین و عرفی آن را قبول ندارد. کشتار و پیمان‌شکنی و سرکشی... و هر چه به آن‌ها گفته شود تقوای خدا را پیشه کنید انگشت در گوش فرو کرده و اسلحه‌ی خود را نشانه رفته و استکبار می‌ورزند.

درباره‌ی امثال اینان سخن ابن عباس صدق می‌یابد که می‌گوید: «اگر می‌خواهی جهل عرب را [در جاهلیت] بدانی این سخن خداوند متعال را بخوان که می‌فرماید: ﴿قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ﴾ [الأنعام: ۱۴۰]. «بی‌تردید زیان‌کار شدند کسانی که فرزندان خود را

سفیهانه بدون آنکه بدانند، کشتند و آنچه را الله به آنان روزی داده بودند با دروغ بستن بر الله حرام گردانند، بی‌تردید آنان گمراه شدند و هدایت شده نبودند» [به روایت بخاری]. بدین مناسبت شایسته است همه‌ی حکومت‌ها و رهبران و علما و اندیشمندان و ملت‌هایی را که در راه انکار بر این جنایتکاران دست داشته‌اند و به ویژه کشورهای که سفیران خود را فراخوانده و در برابر ظلم و سرکشی ایستاده‌اند را مورد سپاس قرار داد. خداوند در این تلاش‌ها برکت اندازد.

﴿وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ ۚ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [یوسف: ۲۱].

«و الله بر کار خویش چیره است اما بیشتر مردم نمی‌دانند».

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ

لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۖ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧١﴾﴾ [الأحزاب: ۷۰-۷۱].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید پروای الله را بدارید و سخنی استوار گوید (۷۰) تا کار شما را به صلاح آورد و گناهانتان را بیامزد و هرکه الله و پیامبرش را اطاعت کند بی‌تردید پیروزی بزرگی به دست آورده است».

آنچه را گفتم اگر صحیح بود از سوی خداوند و اگر خطا بود از نفس و از شیطان بود و از الله آمرزش می‌خواهم که او بسیار آمرزنده است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش ویژه‌ی الله پروردگار جهانیان است و هیچ دشمنی نیست مگر با ستمگران و بر بنده و درود و سلام خداوند بر پیامبر وی محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - و بر اهل بیت و یاران وی.

اما بعد:

جوامع جدی و آگاه جوامعی هستند که تعامل متکامل را می‌دانند و جاهای اشکال و خلل را در میان فرزندان خود می‌شناسند تا از فرزندان موفق خود تشکر کرده آنان را گرامی دارند و آنان را که دارای اشکال هستند به خوبی اصلاح نمایند که نمونه‌ی این

تکامل گرفتن دست سفیهان و اصلاح آنان و تلاش برای از بین بردن عوامل سفاهت است تا آنکه کشتی جامعه غرق نگردد.

انسان سفیه و سبک مغز آفتی است در جامعه و سربار آن زیرا نمی‌داند کی سخن بگوید و کی سکوت پیشه کند. سفیه کسی است که به هر چیزی وارد می‌شود و به هر جایی سرک می‌کشد و در هر چیزی سخن می‌گوید. سفیه همان انسان بی‌ارزش و کم‌خردی است که در مسائل عمومی سخن می‌گوید و خود را هم‌پای اهل علم و متخصصان می‌داند.

بی‌خردی و سفیه بر عقلش پیشی می‌گیرد و خشمش بر شکیبایی و غفلتش بر بیداری. هم‌سخن شدن و پاسخ دادن به او تنها او را جری‌تر می‌کند و مدارا با او بر تکبرش می‌افزاید... دوی سفیه سکوت است و پاسخ ندادن به او که این غالباً برای او سخت‌تر از هر پاسخی است که چنین شخصی اگر جواب او را گویی شادش کرده‌ای و اگر رهایش کنی از خشم می‌میرد.

عمیر بن حبیب که از کسانی بود که رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - را درک کرده بود به فرزندش می‌گفت: فرزندم! از سفیهان دوری کن زیرا هم‌نشینی با آنان درد است و بدان هر که با سفیه شکیبایی کند شاد می‌شود و هر که پاسخش گوید پشیمان می‌شود... و در پایان درود و سلام فرستید بر بهترین انسان‌ها و پاک‌ترینشان، محمد بن عبدالله، صاحب حوض کوثر و مقام شفاعت که خداوند شما را بدان امر نموده و فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [الأحزاب: ۵۶].

خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد، و بر اهل بیت و یاران او و تابعین و همه‌ی کسانی که تا قیامت به نیکی از آن‌ها پیروی نمایند درود و سلام فرست. خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت بخش، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت بخش، و شرک و مشرکان را خوار بگردان. خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومنت را یاری ده.

خداوندا غم غم‌دیدگان و سختی سختی دیده‌گان را از بین ببر و وام‌داران را ادا نما و بیماران ما و دیگر بیماران را شفا ده ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن بدار و مسئولان ما را اصلاح نما و مسئولیت ما را به دست کسانی بگردان که تقوای تو را داشته و در پی خشنودی تو باشند.

خداوندا اوضاع مسلمانان را در همه‌ی جای دنیا اصلاح نما، خداوندا اوضاع آنان را در همه جا اصلاح نما، خداوندا تو یار و یاور برادران و خواهران مستضعف ما در سوریه باش، خداوندا یار و یاور آنان در سوریه باش، خداوندا یاور آنان باش نه علیه آنان، خداوندا آنان را یاری ده و بر آنان یاری مده، خداوندا بیماران آنان را شفا ده و اسیرانشان را آزاد کن و مردگانشان را بیامرز.

خداوندا ستمگران آنان را ذلیل گردان و کار آنان را به نابودی پایان ده، ای حی و ای قیوم، ای پروردگار جهانیان.

خداوندا تویی آن معبود به حقی که معبودی دیگر جز تو نیست، تو بی‌نیازی و ما نیازمندانیم، باران را بر ما نازل گردان و ما را از نومیدان مگردان، باران را بر ما فرو ریز و ما را از ناامیدان قرار مده...

«پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بدار»

[البقرة: ۲۰۱].

پاک و بی‌عیب است پروردگار تو، پروردگار عزت از آنچه به دروغ و صفش می‌کنند و سلام بر پیامبران، و آخر سخن آنکه: الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

کارهای آسان، پاداش‌های بزرگ

خطیب: دکتر عبدالمحسن القاسم

مسجد نبوی شریف: جمعه ۲۵ ربیع الاول ۱۴۳۳ برابر با ۲۸ بهمن ماه ۱۳۹۰

خطبه‌ی اول:

ستایش ویژه‌ی خداوند است، او را ستوده و از او یاری جسته و آمرزش می‌خواهیم و از بدی‌های خود و اعمال ناشایستمان به او پناه می‌بریم. الله هرکه را هدایت کند او گمراه‌گری نخواهد داشت و هرکه را گمراه سازد او هدایتگری نخواهد یافت و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله و محمد، بنده و پیامبر اوست، درود و سلام بسیار خداوند بر او و بر اهل بیت و یاران او باد.

اما بعد:

ای بندگان خدا، تقوای او را آنگونه که شایسته است پاس دارید که هرکه تقوای پروای پروردگار داشته باشد درجاتش بالا رود و عاقبتش نیک گردد.

ای مسلمانان:

هرگاه خداوند اراده کند بنده‌اش را با شناخت و محبت خود بزرگ دارد سینه‌ی او را برای پذیرش صفات خود گشاده می‌گرداند و از جمله صفات او - سبحانه و تعالی - کرم و بذل خیر بسیار و عطای جزیل است و همچنین شکر از صفات اوست، که کار کم را شکر گفته و برای آن پاداش بسیار و چند برابر عطا می‌فرماید:

﴿إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ﴾ [فاطر: ۳۴].

«همانا پروردگار ما بسیار آمرزنده و بسیار شکرگزار است».

کمترین میزان چند برابر شدن نیکی‌ها توسط خداوند، ده برابر شدن آن، و به دست آوردن بهشت‌های پرنعمت است. انسان مسلمان هیچ کار نیکی را کم نمی‌شمارد زیرا او نمی‌داند کدام عمل او باعث بهشتی شدن او می‌شود و رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - ما را چنین توصیه می‌کند که: «هیچ کار نیکی را حقیر بدان» [به روایت مسلم].

حافظ ابن حجر - رحمه الله - می‌گوید: «برای انسان مسلمان شایسته است که در انجام هیچ خیری زهد نرزد و برای دوری از هیچ گناهی کوتاهی نکند، زیرا او نمی‌داند با کدام نیکی رحمت خداوند را به دست می‌آورد و با کدام بدی دچار خشم او خواهد شد».

خداوند متعال برای انجام برخی از اعمال آسان پاداش‌های چند برابری را قرار داده است زیرا توحید، دین اهل فطرت است و پاداش آن بهشت؛ رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «هرکه در حالی به دیدار خداوند برود که چیزی را با او شریک نساخته است وارد بهشت می‌شود» [به روایت مسلم] و می‌فرماید: «هرکه آخرین سنخنش در دنیا «لا إله إلا الله» باشد به بهشت داخل می‌شود».

خداوند متعال در برابر فروع عبادات که هر روز و شب تکرار می‌شوند گناهان را می‌بخشد و درهای بهشت را باز می‌کند. پاکی را نصف ایمان دانسته و مسواک زدن باعث رضایت او می‌شود و «هرکه وضو گیرد و به نیکی آن را انجام دهد گناهانش از بدن او خارج می‌شود تا آنکه از زیر ناخن‌هایش بیرون می‌آید و هرکه پس از پایان یافتن وضو بگوید: «أشهد أن لا إله إلا الله، وأن محمداً عبداً لله ورسوله» درهای هشتگانه‌ی بهشت برای او گشوده می‌شود که از هر کدام که بخواهد وارد شود» [به روایت مسلم]. و «هرکه وضو گیرد و به نیکی آن را به جا آورد سپس با حضور قلب دو رکعت نماز به جای آورد بهشت بر او واجب می‌شود» [به روایت نسائی].

خداوند متعال گام‌های شخص به سوی نماز را چنین به شمار می‌آورد که یکی از آن‌ها گناهی را پاک می‌کند و دیگری یک درجه بر درجات او می‌افزاید و کسی که برای نماز اذان دهد تا جایی که صدایش می‌رود مورد آمرزش قرار می‌گیرد و هر تر و خشکی برای او گواهی می‌دهد و هرکه صدای موذن را شنید و به مانند آنچه او گفت به زبان آورد اجری به مانند اجر وی خواهد داشت و «هنگامی که موذن «أشهد أن محمداً رسول الله» می‌گوید، هر کس صدایش را بشنود بگوید: «وأنا أشهد، رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا، وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا، وَبِالإِسْلَامِ دِينًا» گناهِش آمرزیده می‌شود» [به روایت مسلم].

همچنین به سبب فضیلت نماز و جایگاه والای آن اجر آن نیز عظیم است، هرکه صبح و شب به مسجد رود با هر رفتن او برایش بساز یک مهمانی در بهشت آماده می‌شود و نماز جماعت بر نماز انفرادی بیست و هفت درجه برتری دارد و هرکه نماز صبح را به جای آورد تا شب در عهد و امان خداوند است.

هر که بر نماز عصر پایبندی نماید اجر او دوبرابر می‌شود. رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «این نماز بر کسانی که پیش از شما بودند عرضه شد پس آن را ضایع ساختند پس هرکه بر آن محافظت نماید اجر وی دو برابر خواهد بود» [به روایت مسلم].

و هرکه نماز عشاء را در جماعت به جای آورد به مانند آن است که نصف شب را نماز گزارده است و هرکه نماز صبح را در جماعت به جای آورد به مانند آن است که همه‌ی شب را در نماز بوده است.

دو رکعت پیش از نماز فجر بهتر از دنیا و مافیها است و هرکه در یک شبانه روز ۱۲ رکعت نمازهای سنت را به جای آورد خداوند برای او خانه‌ای در بهشت می‌سازد و دو رکعت ضحی (یعنی چاشت) شکر نعمت همه‌ی مفاصل انسان را ادا می‌کند.

همچنین خداوند متعال در نماز اذکاری قرار داده است که پاداش‌هایی چند برابر دارد. مردی پشت سر پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - به نماز ایستاد پس هنگامی که سرش را از رکوع بلند کرد گفت: «رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ» پیامبر خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود: «سی و چند فرشته را دیدیم که از هم سبقت می‌گیرند که کدام یک زودتر آن را بنویسد» [به روایت بخاری].

آمین گفتن به همراه امام در آخر سوره‌ی فاتحه در نماز اگر با آمین گفتن ملائکه همراه شود باعث آمرزش شخص می‌شود.

و «هرکه آیه الکرسی را پس از هر نماز بخوانند چیزی میان او بهشت نیست مگر مرگ» [به روایت نسائی].

و هرکه پس از نماز مغرب هفت بار بگوید: «اللَّهُمَّ أَجْرِي مِنَ النَّارِ» اگر همان شب بمیرد از آتش نجات می‌یابد، و هرکه آن را پس از نماز صبح بگوید و همان روز بمیرد از آتش نجات می‌یابد.

کتاب خدا، کتابی است مبارک که هرکه هر چه بیشتر به آن نزدیک شود مقامش والا شود، و هرکه حرفی از آن بخواند برای هر حرف آن یک حسنه دارد و هر حسنه ده برابر

می‌شود، و ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ معادل یک سوم قرآن است و هر که آن را دوست بدارد بهشتی است. مردی از انصار گفت: «ای رسول خدا! من آن را (یعنی سوره‌ی اخلاص را) دوست می‌دارم» رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود: «دوست داشتن آن باعث وارد شدن تو به بهشت گردید» [به روایت بخاری].

«در روز قیامت به قاری قرآن گفته می‌شود: بخوان و بالا برو و به ترتیل بخوان چنانکه در دنیا به ترتیل می‌خواندی زیرا منزلت تو نزد آخرین آیه‌ای است که می‌خوانی» [به روایت ابوداود].

اسلام رابطه‌ی برادری و محبت میان مسلمانان را بزرگ داشته و اجر فراوانی برای کسانی که آن را محکم سازند قرار داده است، برای همین هر دو مسلمانی که به هم برسند و با هم مصافحه کنند مورد آموزش قرار می‌گیرند.

و «هنگامی که مسلمانی به عیادت برادر مسمان خود رود در همچنان در خُرفه‌ای از بهشت است» گفتند: خرفه‌ی بهشت چیست ای رسول خدا؟ فرمود: «ثمرات آن» [به روایت مسلم].

سخن نیک نیز خود یک صدقه است. و هر که در تشییع جنازه شرکت کند تا بر آن نماز گزارند یک قیراط اجر دارد و هر قیراط به اندازه‌ی کوه احد است و هر که تا دفن آن بماند دو قیراط اجر دارد.

هر که به مسلمانان نیکی کند و دین خدا را یاری دهد پیروز شده و مقام والا یافته است، هر که برای خداوند مسجدی بسازد برای او خانه‌ای در بهشت ساخته می‌شود و هر که یتیمی را کفالت کند در بهشت همراه رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - خواهد بود، و «تلاش کننده برای بیوه‌زنان و مستمندان به مانند کسی است که نماز می‌گذارد و خسته نمی‌شود و به مانند روزه‌داری است که افطار نمی‌کند» [متفق علیه].

آنکه صدقه می‌دهد صدقه‌اش نزد خداوند عظیم می‌شود، خرمایی که صدقه داده می‌شود به خداوند می‌رسد و خداوند آن را پرورش داده تا به اندازه‌ی یک کوه می‌گردد

و هر که صدقه‌ای دهد و آن را مخفی دارد حتی اگر کم باشد، خداوند در روز قیامت او را در سایه‌ی عرش خود می‌دارد.

و هر که به انجام‌دهنده‌ی نیکی بگوید: «جزاك الله خيرا» او را ثنای بسیار گفته است.

اصلاح میان خویشان و آشنایان و دیگر مردم بهتر از درجه روزه و نماز و صدقه است، و به سبب بزرگی حُرمت مسلمان نزد خداوند، هر که آزاری را از او دور کند به بهشت وارد شود. رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «مردی را دیدم که در بهشت گردش می‌کرد، به سبب آنکه درختی را که باعث آزار مردم بود از راه آن‌ها برداشته بود» [به روایت مسلم].

بلکه حتی اگر کسی به حیوانات نیکی کند خداوند، او را شاکر می‌شود: «مردی سگی دید که از تشنگی لَه لَه می‌زد پس او را آب داد، پس خداوند، او را سپاس گفت و آمرزید» [به روایت بخاری].

همچنین خداوند متعال از روی کَرَم و بزرگواری خویش کلماتی اندک از اذکار را برگزیده و اجر آن را بسیار قرار داده است، «الحمد لله» ترازوی عمل را پر می‌کند، و هر که بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ» برای او در بهشت نخلی کاشته می‌شود.

«سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ» دو ذکری هستند که بر زبان سبک و در ترازوی عمل، سنگین و نزد خداوند رحمان محبوبند.

و هر که در یک روز صد بار بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ» گناهانش پاک می‌شود حتی اگر به مانند کف دریا باشد.

و «هر که صد بار «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید، برای او هزار نیکی نوشته یا هزار بدی از او پاک می‌شود» [به روایت مسلم].

«لا حول ولا قوة إلا بالله» گنجی از گنج‌های بهشت است و «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا

إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ» محبوب‌ترین سخن نزد خداوند است، و رسول خدا - صلی الله علیه

وآله وسلم - درباره‌ی آن می‌فرماید: «[این سخن] برای من محبوب‌تر از همه‌ی چیزهایی است که خورشید بر آن طلوع کرده است» [متفق علیه].

رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - خطاب به جویریة - رضی الله عنها - که از طلوع فجر تا بالا رفتن آفتاب به ذکر خداوند می‌پرداخت فرمود: «من پس از تو چهار سخن را سه بار تکرار کردم که اگر با آنچه تو گفتی وزن شود به مانند آن سنگینی کند: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ عَدَدَ خَلْقِهِ، وَرِضَا نَفْسِهِ، وَزِنَةَ عَرْشِهِ، وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ» [به روایت مسلم].

و هرکه ده بار بر پیامبر خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - درود فرستد خداوند به سبب آن بر وی ده درود خواهد فرستاد.

نعمت‌های خداوند پی در پی در حال فرو آمدن است، و هرکه در هنگام صبح بگوید: «اللَّهُمَّ مَا أَصْبَحَ بِي مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ» (خداوندا هر نعمتی که این صبح به من ارزانی داشتی تنها از توست که شریکی نداری، پس ستایش و سپاس از آن تو است) شکر آن روز را به جای آورده است و هرکه مانند آن را به وقت شب بگوید، شکر شبش را به جای آورده است» [به روایت ابوداؤد].

خداوند متعال انسان مسلمان را دوست دارد و او را گرامی داشته و از او دفاع می‌کند و اسبابی را برای محافظت او از دست دشمنانش قرار داده است، برای همین آیاتی کوتاه نازل نموده که انسان را در شب و روز، و در منزلش و در هنگام خواب حفظ می‌کند؛ مَعْوَذَتَيْنِ (یعنی سوره‌های فلق و ناس) به سان دژهایی محکمند که هیچ کس در شب و روز به قلعه‌ای محکم‌تر از آن پناه نبرده است و هرکه دو آیه از آیات پایانی سوره‌ی بقره را بخواند او را از هر بدی حفظ می‌کند و هرکه آیه‌ی الكرسی را پیش از خواب بخواند همچنان از سوی خداوند نگهبانی خواهد داشت تا صبح کند.

همینطور خداوند - سبحانه و تعالی - دعاهایی را مشروع گردانده است که هرکه آنها را حتی اگر در حال راه رفتن است بر زبان بیاورد از هر بدی حفظ خواهد شد. رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «هرکه در منزلگاهی فرود آید و بگوید:

«أعوذُ بكلماتِ الله التامّاتِ من شرِّ ما خلقَ» هیچ چیزی به زیانی نخواهد رساند تا هنگامی که از آن منزلگاه برود» [به روایت مسلم].

و «هرکه از خانه‌ی خود خارج شود و بگوید: «بسم الله، تو کَلْتُ علی الله، لا حول ولا قوة إلا بالله» ملائکه به او می‌گویند: «کفایت شدی و حفظ شدی» و شیطان از او کناره می‌گیرد» [به روایت ترمذی].

رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «هرکه از خداوند سه بار بهشت را بخواهد، بهشت می‌گوید: خداوند او را به بهشت داخل ساز، و هرکه سه بار از آتش به خداوند پناه برد آتش می‌گوید: خدایا او را از آتش دور ساز» [به روایت ترمذی].

و خداوند متعال با نعمت‌های فراگیرش بر بنده منت می‌نهد اما اگر بنده پس از همین نعمت خداوند را بر آن شکر گوید خداوند گناهایش را می‌آمرزد. رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «هرکه غذایی بخورد و بگوید: «الحمدُ لله الذي أطعمني هذا ورزقنيه من غير حولٍ مني ولا قوةٍ» گناهان گذشته‌اش آمرزیده می‌شود» [به روایت ترمذی].

خداوند متعال همینطور نَفحات خود را در مجالس مردم نیز گسترده است تا آنکه پس از سخنان بیهوده‌ای که می‌گویند پرونده‌هایشان باز سفید و پاک شود: «هرکه در مجلسی نشیند و سخنان گناه گوید سپس پیش از آنکه برخیزد بگوید: «سبحانك الله وبحمدك، أشهد أن لا إله إلا أنت، أستغفرُك وأتوبُ إليك» گناهان او در آن مجلس آمرزیده می‌شود» [به روایت ترمذی].

همینطور خداوند متعال با متنی که بر بندگان دارد زمان‌های باارزشی را قرار داده است که دعا در آن رد نمی‌شود: خداوند متعال در هر شب بر بندگان خود منت می‌نهد و هر چه بخواهد به آن‌ها عطا می‌کند. رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «همانا در هر شب ساعتی است که در آن هیچ مسلمانی از خداوند امر خیری از دنیا و آخرت نمی‌خواهد مگر آنکه آن را به وی عطا می‌کند و آن در هر شب است» [به روایت مسلم].

و «در پایان هر شب پروردگار ما به آسمان دنیا فرو می‌آید و می‌گوید: کیست که مرا دعا کند تا او را استجابت نمایم و کیست که از من بخواهد تا به او عطا کنم و کیست که از من آمرزش بخواهد تا او را ببامرزم» [متفق علیه].

و در ساعت پایانی روز جمعه نیز از روی بزرگواری خود دعاها را استجابت می‌کند، و در هر سال شب قدر را مخصوص گردانده است که هرکس با ایمان و از روی اخلاص آن را به پا دارد گناهان گذشته‌اش آمرزیده می‌شود.

روزه‌ی روز عرفه نیز کفاره‌ی گناهان دو سال است، و روزه‌ی عاشورا گناهان سال گذشته را تکفیر می‌کند و سه روز روزه‌ی هر ماه به مانند روزه گرفتن همه‌ی سال است و یک عمره در رمضان معادل یک حج است.

همچنین خداوند متعال مکان‌هایی را با چند برابر کردن نیکی‌ها در آن‌ها، برتری داده است. یک نماز در مسجدالحرام بهتر از صد هزار نماز است، و نمازی در مسجد پیامبر - صلی الله علیه و آله وسلم - بهتر از هزار نماز است و نمازی در مسجدالاقصی بهتر از پانصد نماز است و هرکه در خانه‌اش وضو گیرد و سپس به مسجد قبا بیاید و دو رکعت نماز بگذارد برای وی به مانند اجر یک عمره خواهد بود.

در زمانه‌ی فتنه‌ها و سختی‌ها خداوند عزوجل اجر و پاداش اعمال نیک را نیز چند برابر می‌کند زیرا کسی که در آخر الزمان به دینش چنگ بزند اجر پنجاه صحابی را خواهد داشت و «عبادت در هنگام فتنه‌ها مانند هجرت به سوی پیامبر است» [به روایت مسلم].

از سوی دیگر هر کس به سبب عذری از انجام کار نیکی ناتوان گردد در حالی که نیتش صادقانه است خداوند متعال از روی بزرگواری خویش به او اجر عمل کننده را خواهد داد حتی اگر آن را انجام نداده باشد، «پس هرکه صادقانه از خداوند شهادت را بخواهد خداوند او را به منزلت شهدا خواهد رساند حتی اگر در بستر خود بمیرد» [به روایت مسلم].

و هرکه آرزو کند که مالی داشت تا آن را صدقه دهد اجر صدقه‌دهندگان را به دست خواهد آورد و هرکه کسی را دوست بدارد با او محشور خواهد شد حتی اگر به مانند او نباشد. انس بن مالک - رضی الله عنه - می‌گوید: پس از اسلام آوردن از هیچ چیزی بیشتر این سخن رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - شاد نشدیم که فرمود: «تو با کسی هستی که دوستش داری» انس می‌گوید: «من نیز خداوند و پیامبرش و ابوبکر و عمر را دوست دارم و امیدوارم به همراه آنان محشور گردم حتی اگر به مانند آنان عمل نکرده باشم».

همینطور هنگامی که انسان به سفر رود یا بیمار شود خداوند اجر او را چنان که سالم و در شهر و کاشانه‌ی خود باشد می‌نویسد.

غم و اندوه نیز گناهان را می‌زداید و بلکه بالاتر از آن، از روی فضل بزرگ خداوند هرکه اراده‌ی قوی برای انجام کاری نماید و آن را انجام ندهد برای وی یک نیکی کامل نوشته خواهد شد، و هرکه قصد انجام کار بدی کند و آن را انجام ندهد خداوند نزد خود برای وی یک نیکی می‌نویسد».

ای مسلمانان:

موفق کسی است که گرم و شکر خداوند را بفهمد و به مقتضای صفات او عمل نماید و به سوی انجام نیکی‌ها سبقت جوید تا از سبقت جویان به سوی بهشت گردد و هرکه اعمال صالحه‌ی خود را تنوع بخشد لذت‌هایش در آخرت نیز متنوع خواهد شد و کار نیک با اخلاص چند برابر می‌شود و علامت قبولی کار نیک انجام دادن کار نیک دیگری پس از آن است.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِنْ تَكَ حَسَنَةً يُّضْعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا﴾

[النساء: ۴۰].

«همان الله به اندازه‌ی مِثْقَالِ ذَرَّة‌ی ستم نمی‌ورزد و اگر [آن ذره] کار نیکی باشد آن را چند برابر می‌کند و از نزد خود پاداش بزرگی می‌بخشد».

خداوند برای من و شما به واسطه‌ی قرآن عظیم برکت دهد و با آیات و ذکر حکیم سود رساند. این سخن را که شنیدید گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از هر گناهی آمرزش می‌خواهم پس از او آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش مخصوص خداوند است برای نیکی وی، و سپاس ویژه‌ی اوست برای توفیق و منت وی، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که پیامبر ما محمد، بنده و پیامبرسان اوست. درود و سلام خداوند بر او و بر اهل بیت و یاران وی باد.

ای مسلمانان:

از رحمت خداوند بر بندگان این است که به سوی آنان پیامبرانی فرستاد که مژده دهنده و بیم دهنده‌اند و آنان را با بدعت گذاری در دین به زحمت نینداخت، بلکه برای آنان آنچه را که باعث به دست آمدن رضایت و محبت اوست بیان نمود و قبول اعمال را به اخلاص عمل و طاعت پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - منوط گرداند و هر که در دین بدعت نهد در واقع خود را به زحمتی انداخته است که خداوند اجزهی آن را نداده است و عمل وی مردود است و جز خستگی و گناه چیزی به دست نخواهد آورد. ابن مسعود - رضی الله عنه - می‌گوید: «پیروی کنید و بدعت نیاورید که کفایت شده‌اید».

عمر - رضی الله عنه - قصد انجام کاری می‌کرد، اما همین که به او می‌گفتند پیامبر چنین کاری نکرده است دست از آن می‌کشید.

انسان مومن اخلاص برای خداوند، و پیروی از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - را یکجا با هم دارد و تا می‌تواند کار نیک انجام می‌دهد.

سپس بدانید که خداوند شما را امر به درود و سلام بر پیامبرش نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد درود و سلام فرست و از خلفای راشدین که به حق قضاوت می‌نمودند: ابوبکر و عمر و عثمان و علی، و از دیگر صحابه و همچنین از ما به همراه آنان راضی و خشنود باش.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، و شرک و مشرکان را خوار بگردان و دشمنان دین را نابود ساز و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امن و امان بدار. خداوندا همه‌ی کارهای ما را صالح و خالصانه برای خودت قرار ده و برای هیچ کس در آن سهمی باقی مگذار.

﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ [البقرة: ۲۰۱].

خداوندا اوضاع مسلمانان را در هر جای دنیا سامان ده، خداوندا ای قوی و ای عزیز، ای پادشاه و ای قدیر، خداوندا مستضعفان را در سرزمین شام یاری ده، خداوندا تو یار و یاور آنان باش، خداوندا آنان را با سربازانی از سوی خودت یاری ده، خداوندا قلبشان را آرام بگردان و با فرشتگانت با آنان باش، ای پروردگار جهانیان.

خداوندا بدی را بر دشمنت و دشمنشان قرار ده، خداوندا نیرنگشان را باعث نابودی‌شان بگردان و رعب و وحشت را در قلبشان بینداز و دشمنی‌شان را میان خود آنان قرار ده و تجهیزات و نیرویشان را علیه آنان بگردان. جمعشان را پراکنده ساز و آنان را عبرتی برای دیگران ساز، ای بزرگ و ای قوی و ای عزیز.

خداوندا تویی آن خداوندی که معبودی به حق جز تو نیست، تو بی‌نیازی و ما نیازمندانیم، باران را بر ما نازل گردان و ما را از نومیدان قرار مده، خداوندا ما را باران عطا کن، خداوندا ما را باران عطا کن، خداوندا باران را بر ما عطا کن.

«پروردگارا ما به خود ستم نمودیم و اگر تو ما را مورد مغفرت و رحمت خود قرار

ندهی بی‌تردید از زیانکاران خواهیم بود» [الأعراف: ۲۳].

«پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بدار»

[البقرة: ۲۰۱].

«همانا الله به عدل و احسان و نیکی به نزدیکان امر نموده و از فحشا و منکر و تجاوز باز می‌دارد، او شما را چنین پند می‌دهد باشد که پندپذیر باشید» [النحل: ۹۰].

پس خداوند بزرگ جلیل را یاد کنید تا شما را یاد کند و او را برای نعمت‌هایش شکر گوید تا شما را افزون دهد و همانا یاد الله بزرگ‌تر است و الله به آنچه می‌کنید آگاه است.

عنوان خطبه:

فضیلت و تاریخ سرزمین شام

خطیب: دکتر صالح آل طالب

مسجدالحرام: جمعه ۲ ربیع الثانی ۱۴۳۳ برابر با ۵ اسفند ۱۳۹۰

خطبه‌ی اول:

ستایش مخصوص خداوند است، ستایش مخصوص خداوندی است که امور به امر او تغییر می‌کنند و روزهای پیروزی و شکست را دست به دست می‌گرداند، چه بسیار خاندان‌هایی که قدرت را به دست گرفتند و گمان بردند که برای همیشه بر تخت سلطنت خواهند ماند اما مُلکشان زائل گردید و رفت. پروردگارم را ستایش و ثنا می‌گویم و سپاس او را گفته و به سوی او توبه می‌کنم و از او آمرزش می‌خواهم؛ و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله بزرگ متعال، او که مهلت می‌دهد اما رها نمی‌کند و اوست که سخت کیفر است. و گواهی می‌دهم محمد بنده و پیامبر او گرامی‌ترین پیامبران و کامل‌ترین انسان‌هاست. درود و سلام و برکات خداوند بر وی و بر اهل بیت و یاران او باد.

اما بعد:

بهترین سخن، کتاب خداوند است و بهترین راه و روش، راه و روش محمد - صلی الله علیه و آله وسلم - است و بدترین امور در دین، امورِ نوساخته است و هر نوساخته‌ای در دین بدعت است و هر بدعتی گمراهی است.

سپس بدانید که بهترین توصیه، توصیه به تقوا است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧١﴾﴾ [الأحزاب: ۷۰-۷۱].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را پیشه سازید و سختی استوار گوید (۷۰) تا کارهای شما را اصلاح نماید و گناهانتان را برایتان بیامزد و هر که از الله و پیامبرش اطاعت کند بی‌تردید پیروزی بزرگی به دست آورده است».

ای مسلمانان:

هنگامی که خداوند زمین را آفرید و خلق را خلقت نمود، در آن سرزمین‌هایی قرار داد و انسان‌هایی را در این سرزمین‌ها پراکنده ساخت، سپس خداوند میان این سرزمین‌ها و انسان‌ها برخی را برگزید:

﴿وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ ﴿٦٨﴾﴾ [القصص: ۶۸].

«و پروردگارت هر چه را بخواهد می‌آفریند و برگزیده می‌سازد».

اینگونه بود که مکه و سرزمین‌های حرام و مدینه‌ی طیبه و شام، سرزمین‌هایی ویژه گردیدند.

همینطور خداوند متعال از میان بندگان پیامبران را برگزید و سرزمین شام را در نگاه پیامبران جایگاه ویژه‌ای داد و آن را سرزمین بسیاری از آن‌ها و فرودگاه وحی از آسمان و سرزمین محشر قرار داد و هنگامی که خداوند در آخر الزمان مسیح را باز خواهد گرداند آن را در همین سرزمین نزد مناره‌ی سفید در شرق دمشق فرود خواهد آورد. [به روایت مسلم]

خوش به حال شام! فرشتگان خداوند بال‌های خود را بر آن گسترده‌اند... آن سرزمینی است که خداوند آن را به نص کتاب و سنت، مبارک گردانده است، آن آغوش باز اسلام

و پایتخت آن برای سال‌های متوالی است که بسیاری از دیوان‌های اسلام در آن نگاشته شده و بسیاری از صحابه و علمای مسلمان در خاک آن دفن شده‌اند.

چه اشک‌هایی که از چشم عابدان بر خاک آن فرو غلتیده و چه پرچم‌هایی که در این سرزمین برای جهاد بسته شده‌اند و چه بسیار جوهرهایی که در آن علوم را بر دفترها نگاشته و چه خون‌های پاکی از شهدا که بر آن جاری گشته است: صحابه و نیکان و برگزیدگان... حکومت به دست پادشاهان و سلاطین در آن دست به دست شد و هر کدام بر مجد و عزت و عظمت آن افزودند.

آن سرزمینی است که بر ساحل آن موج‌های حمله‌های صلیبی شکست... حملاتی که دو‌یست سال به طول انجامید و سپاهیان صلیبی پرشماری به اندازه

پیروز خواهند بود که عدم یاری هیچ‌کس به آنان زیانی نخواهد رساند تا آنکه قیامت برپا شود» [به روایت ترمذی].

برای همین صحابه‌ی رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - مدت زمان کمی پس از رحلت ایشان با قلب‌هایشان رو به سوی آن سرزمین که خداوند مبارکش ساخته و پیامبرش به آن توصیه نموده، آوردند و اینگونه بیرق‌های پیروزی و پرچم‌های جهاد در آن به اهتزاز در آمد و حماسه‌هایی از نور بر خاک آن نگاشته شد و ردای اسلام بر شام گسترده گردید و طلیعه‌داران ایمان که در مقدمه‌ی آنان خلاد بن ولید و ابو عبیده بن جراح و شُرْحبیل بن حسنَه و عمرو بن عاص و یزید بن ابوسفیان و قعقاع بن عمرو و ضرار بن أزور قرار داشتند، رو به سوی آن آوردند، در حالی که هزار صحابی که صد تن از آنان از اهل بدر بودند آنان را همراهی می‌کردند.

ولید بن مسلم می‌گوید: «ده هزار چشم که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - را دیده بودند به شام وارد شدند».

چشم‌هایی که بعد از پاکی مدینه، شام را می‌بینند و این عجیب نیست، چرا که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - آن را برای یاران خود برگزید و آن را به بهترین اصحاب خود توصیه نمود. رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «کار شما به جایی خواهد رسید که لشکرهایی مختلف خواهید شد، لشکری در شام، و لشکری در یمن، و لشکری در عراق» ابن حواله - رضی الله عنه - گفت: ای رسول خدا اگر آن روز را درک نمودم یکی از این لشکرها را برایم برگزین. پیامبر خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود: «شام را برگزین که آن بهترین سرزمین‌های خداوند است و بهترین بندگان خود را به سوی آن برمی‌گزیند، پس اگر نخواستید، یمن را برگزینید و از حوض‌هایتان آب برگزید که خداوند برای من شام و اهل آن را تضمین کرده است» [به روایت امام احمد و ابوداؤد].

و اینگونه سرزمین شام پایتخت حکومت اسلامی شد که در آن نخستین پادشاهان اسلام و عادل‌ترین آنان به پادشاهی رسیدند و از آن نور علم بر جهان تابیدن گرفت و

ردای عدل بر آن گسترده شد و ارزش‌های حق و آزادی در آن انتشار یافت و مسلمانان در آن سرزمین زیباترین نمونه‌های حسن هم‌جواری و رفتار بزرگوارانه با دیگران را به نمایش گذاردند.

مسلمانان، عهد و پیمان معتقدان به دیگر ادیان را پاس داشتند و مذاهب و عبادت‌گاه‌های آنان را باقی گذاشتند و اینگونه مردمان در امن و امان زندگی کردند، در حالی که در سرزمینشان و در اعتقاداتشان آزد بودند. سرزمین شام برکت عدل را به دست آورد و زندگی در آن زیبا شد و روزی بس فراوان، تا آنکه عمر بن عبدالعزیز که در آن بر تخت قدرت نشسته بود گفت: «بر قله‌ی کوه‌ها دانه بریزید تا نگویند پرنده‌ای در سرزمین مسلمانان گرسنه ماند.»

بر مرزهای این سرزمین لشکرهای مغول شکست خوردند و بر آن نور اسلام تأییدن گرفت تا آنجا که پرسش‌گری از ابن تیمیه - رحمه الله - پرسید: «آیا ماندن در شام به سبب پیروزی و شکوه اسلام در آن بهتر است یا در مکه و مدینه؟»

سپس زمانه برگشت و اوضاع تغییر کرد و کسانی در آن قدرت یافتند که اوضاع و احوال شام با آنان تغییر کرد. دیگر شام نه آن شام پیشین بود... سبزی آن رو به خشکی نهاد، گل آن پژمرده شد و زندگی بر اهل آن رو به تنگی نهاد و امنیت از سرزمین آن رخت بریست و دشمنان بخش‌هایی از آن را به اشغال در آوردند. اما همچنان علما و صالحانی در این سرزمین هستند. گرچه برخی از آن‌ها در دیگر سرزمین‌ها پراکنده شدند، طرد شده در حالی که دست ظلم و ستم در پی آنان است و چشمانشان گریان و اشکبار. این عجیب نیست، زیرا غریبان و دور افتادگان بیشتر بر سرزمین و هم وطنان خود دل می‌سوزانند... آنان بر صفحه‌ی تلویزیون‌ها سرزمین‌هایی را می‌بینند که می‌شناسند و از آن خاطرات در دل دارند... سرزمینی که اکنون در زیر آتش بمب‌افکن‌ها و توپخانه‌ها کوبیده می‌شود.

ای مسلمانان:

شام، بازمانده‌ی فاتحان صحابه و تابعین است و امانتی است از پیشینیان این امت برای پسینیان. تاریخ آن الهام‌گر است و حال آن دردناک و اهل آن در صبر و شکیابی داستانی طولانی دارند، باشد که صبرشان عاقبت به خیر و با نیکی سرانجام یابد.

ما هم اکنون با یادآوری آن گذشته‌ی افتخارآمیز و آن تاریخ قدیم بر دو زخم عمیق سرزمین شام می‌ایستیم. دو زخمی که خون از آن‌ها روان است... زخم فلسطین و زخم سوریه...

چگونه انسان در این روزها می‌تواند کشته شدن ارزش‌ها را در شام محبوبمان نادیده بگیرد در حالی که غدرِ نزدیکان و دست از یاری کشیدنِ دوران و خیانت مسئولان نسبت به مردم خود را می‌بیند که چگونه از اموال مردم برای کشتن و سرکوب و ذلیل کردن آنان استفاده می‌کنند. سلاحی که قرار بود با آن دشمن را دور کنند به سوی ملت نشانه رفته و برای کشتار و تکه تکه کردن آنان به کار می‌رود. ملت برای منافع کسانی سرکوب می‌شود که هیچگاه به فکر آن نبوده‌اند. اکنون، پوشیده‌ها آشکار شده است و شعارها رنگ باخته‌اند و آشکار گردید که دشمن پشت مرزها گاه مهربان‌تر از دشمنی است که در داخل مرزها حضور دارد.

زنان و کودکانی که حتی به سنگ مسلح نیستند، موشک‌های غدر و خیانت خانه‌هایشان را از هم پاشیده و بدن‌هایشان در زیر آوار تکه تکه شده است... دست‌ها و پاهای تکه تکه شده را می‌بینی و بدن‌هایی که زیر ویرانه‌ی خانه‌ها دفن شده‌اند... صحنه‌هایی که نشان‌دهنده‌ی اوج خالی بودن درون مرتکبان آن از انسانیت و ارزش‌ها و تهی بودن کارهایشان از نجابت و اصالت است.

خون شامیان سیل آسا روانه است، به مانند دجله و فرات، نه برای دشمنی آشکار بلکه به دست کسی که مدعی بعث و عربیت و نگاهبانی از ملت عرب است... جنایتی که هیچ عذر و توجیهی ندارد.

ملت بزرگوار شام:

سلاح شما بزرگوار است و کرامت دارد، آن را برای کشتن برادرانتان به کار نبرید. نیروی شما اندوخته‌ای برای عرب است، با آن بر هم‌میهنان خود زورگویی نکنید، سلاح خود را در حمایت از هم‌میهنان خود و برای دفاع از سرزمینتان به کار برید. بدانید که اگر لوله‌ی تفنگ‌هایتان را به سوی سینه‌های هم‌نشانه روید هیچ عذری در برابر خداوند و تاریخ نخواهید داشت:

﴿وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءُ لَهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا ﴿۹۳﴾ [النساء: ۹۳].

«و هر که یک مومن را به عمد بکشد جزای وی جهنم است که جاودانه در آن خواهد ماند و الله بر وی خشم گرفته و او را لعنت کرده و برای وی عذابی بزرگ آماده ساخته است.»

صف خود را یکی سازید و کلمه‌تان را یگانه کنید و به سوی خداوند استعانت جویید و صبر پیشه کنید.
بندگان خداوند:

فضیلت سرزمین شام و موجودیت آن به عنوان مرز مهم اسلام، بر مسلمانان لازم می‌گرداند که برای یاری اهل آن و دور ساختن تجاوز از آنان به پا خیزند. رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - صلاح شام را معیاری برای صلاح و نیکی همه‌ی امت دانسته است و این باعث می‌شود همه‌ی مسلمانان تا می‌توانند در برابر تغییر چهره‌ی زیبای شام توسط اهل فساد، ایستادگی کنند تا سرزمین شام همانطور که در همه‌ی تاریخ خود بوده است مهد ایمان و علم و تمدن و نور باشد و تا نسبت به فاتحان صحابه و علمای بزرگواری که بر خاک این سرزمین زندگی کرده و دفن شده‌اند وفاداری نموده و حق بزرگی را که این سرزمین بر گردن ما دارد ادا نماییم و همانگونه شود که عمر بن عبدالعزیز می‌خواست که حتی یک پرنده در آن گرسنه نماند و هیچ انسانی در آن در هراس نباشد.

ما امید صبحی را داریم که صفحه‌ی این شب سیاه را ورق زند و گل‌ها در آن باری دیگر نفس کشند و خورشید آزادی در آن طلوع کند. امیدمان به خداوند، بسیار است که روزهای خوش بار دیگر باز گردند و از آسمانی که ابری است امید برکت می‌رود... ای اهل شام! باشد که خداوند شبتان را صبح کند، از ترس امانتان دهد، بلایتان را عافیت دهد و بهتری‌تان را بر شما حاکم گرداند و شر بدان را از سرتان کوتاه نماید:

﴿وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ ۚ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [یوسف: ۲۱].

«و الله بر کار خویش چیره است اما بیشتر مردم نمی‌دانند».

خداوند برای من و شما به واسطه‌ی قرآن عظیم برکت ارزانی دارد و با آیات و ذکر حکیم سود رساند. این سخن خویش را گفته و برای خود و شما از خداوند آمرزش می‌خواهم.

خطبه‌ی دوم:

ستایش ویژه‌ی خداوند است که ولی و حمید است، هرچه بخواهد می‌آفریند و به هر نحو که بخواهد حکم می‌کند و اوست که عدل است. بخشش و منع، و ابتلا و عافیت، همه به دست اوست، و کارها و دستورات او از دایره‌ی حکمت و رحمت و مصلحت خارج نیست و ما بندگان او و فرزند بندگان اویم و حکم او در مورد ما شدنی است و قضای او در حق ما عدل است و او - سبحانه و تعالی - حکیم‌ترین حاکمان و رحیم‌ترین رحیمان است. او برای دوستانش هیچ حکمی مقدر نمی‌کند مگر آنکه در آن خیری برای آنهاست، چه از آن قضای الهی شاد شوند و چه غمگین، و او در هر چیزی که بر مومنان می‌گذرد صاحب حکمت است حتی اگر ظاهر آن قضا، بلا و شر باشد در باطن خود دارای حکمت‌ها و منافعی است که جز خداوند کسی آن را نمی‌داند:

﴿وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ ۗ وَاللَّهُ

يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۲۱۶].

«و چه بسا چیزی را بد بدارید در حالی که آن برای شما بهتر است و چه بسا چیزی را دوست بدارید و آن برای شما بد باشد و همانا الله می‌داند و شما نمی‌دانید».

هنگامی که مومنان نسبت به این حقیقت یقین پیدا کردند و در مصیبت‌هایی که دچار آن می‌شوند جنبه‌های خیر و رحمت را شناختند، قلب‌هایشان با ثبات و رحمت و امید به وعده‌ی خداوند و اطمینان به حُسن تدبیر و انتخاب او روشن خواهد شد:

﴿فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا﴾ [النساء: ۱۹].

«پس چه بسا آنکه چیزی را بد بدارید و الله در آن برای شما خیر بسیاری قرار داده باشد».

درست است، این زخم عمیق است، و این مصیبت، بس بزرگ، و این درد بسیار شدید است، اما با این وجود بیداری و شناختی که از پس از این ویرانی در امت به وجود آمد بسیار بزرگ و قابل توجه است. اگر شام از درد به خود نالید دیگر اعضای بدن این امت نیز با تب و بی‌خوابی با آن همراهی کردند. همگرایی میان مسلمانان خود را به نمایش گذاشت و زندگی در این بدنه‌ی یگانه به جریان افتاد. صدای دعا از مساجد برخاست و احساسات مدفون امت باری دیگر بیدار شد، احساساتی که نزدیک بود در زیر شهوت‌های زندگی مدفون و مسخ شود و دشمنان این دین همیشه با لذت‌ها و سرگرمی‌ها سعی در تخدیر آن داشتند.

اما ناگهان این احساس از نو بیدار شد و با دیدن خون‌های گرانقدری که در سرزمین شام در جریان است در قلب‌ها به حرکت افتاد و مردم باری دیگر صادقانه به دین خود بازگشتند. راستیِ راستان آشکار شد و دست‌آنانی که یارای یاری رساندن نداشتند رو شد. اعتماد مردم به سازمان ملل دچار تزلزل شد و آشکار گردید که آنان جز برای منافع شخصی خود هیچ حرکتی نخواهند کرد. نه گریه‌ی کودکان و نه آه و ناله‌ی مجروحان بر قلب اربابان این سازمان‌ها تاثیر نخواهد گذاشت.

اینجا بود که قلب مومنان با این سخن حق - سبحانه و تعالی - یقین پیدا کرد که:

﴿إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرْكُمْ مِنْ بَعْدِهِ ۗ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ [آل عمران: ۱۶۰].

«اگر الله را یاری کنید شکست دهنده‌ای نخواهید داشت و اگر او شما را یاری نکند پس چه کسی است که پس از او شما را یاری خواهد داد؟ و [شایسته است] مومنان بر الله توکل کنند».

ای مومنان، خداوند متعال هنگام هر مصیبت از ما می‌خواهد که اشک‌ها را پاک کرده و غم‌ها را شکست داده و دوباره تجدید توبه کنیم و دچار سستی و یاس و اندوه نشویم و با تقدیر خداوند به مقابله با تقدیر رویم:

﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [آل عمران: ۱۳۹].

«و سست نشوید و اندوهگین نباشید که اگر مومن باشید شما بالاتر هستید».
ای مسلمانان:

شناخت جنبه‌های خیر و رحمت در این حوادث و راضی شدن به قضا و قدر الهی و تسلیم شدن در برابر آن به معنای توکل و عجز و ناتوانی و رضایت در برابر فساد و ذلت و خواری و ترک اسباب پیروزی و عزت و کرامت نیست، بلکه چنین ایمانی باعث قوی شدن یقین به خداوند و اطمینان به یاری و تدبیر اوست.

ابتلاء و آزمایش باعث بالا رفتن درجات و پاک شدن و انتخاب شدن خوب از بد است و شهادت یعنی انتخاب شدن و برگزیده شدن از سوی خداوند متعال:

﴿وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ﴾ [القصص: ۶۰].

«و آنچه نزد الله است بهتر و ماندگارتر است».

امید در پی درد می‌آید و به اندازه‌ی سختی‌ها یقین به نزدیکی فرج افزایش می‌یابد. بدان که پیروزی به همراه صبر است و گشایش به همراه سختی است و همراه هر سختی، آسانی است.

به واسطه‌ی صبر یاری آسمانی میسر می‌شود:

﴿بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ﴾ [آل عمران: ۱۲۵].

«آری اگر صبر پیشه کنید و تقوا ورزید و آنان با همین جوش [و خروش] بر شما بتازند، پروردگارتان با پنج‌هزار فرشته نشاندار شما را یاری خواهد کرد».

و با صبر است که آزار دشمنان بی‌تاثیر می‌شود:

﴿وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا﴾ [آل عمران: ۱۲۰].

«اگر صبر کنید و تقوا پیشه ورزید نیرنگ آنان به شما زیانی نخواهد رساند».

خداوند متعال ثنای کسانی را گفته است که در سختی و مصیبت و هنگام دشواری شکیبایی می‌ورزند و فرموده است:

﴿أُولَٰئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾ [البقرة: ۱۷۷].

«آنان کسانی هستند که راستی پیشه کرده‌اند و آنان همان متقیانند».

هیچ جایگزینی برای صبر نیست و هیچ راه چاره‌ای جز صبر وجود ندارد. باید در برابر سختی‌ها و خشم و نومیدی و یاسی که گاه در پی این حوادث رخ می‌دهد صبر پیشه کرد. باید صبر پیشه کرد و یکدیگر را به آن توصیه نمود. ناگزیر باید در برابر تلاش ستمگران که سعی در شکست صبر مومنان دارند ایستادگی نمود.

حال که اهل باطل بر باطل خود اصرار می‌کنند و همچنان به راه کج خود ادامه می‌دهند چه شایسته است که اهل حق بیشتر صبر کنند و بیشتر بر آن اصرار ورزند:

﴿إِنْ تَكُونُوا تَأْلُمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلُمُونَ كَمَا تَأْلُمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ

عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ [النساء: ۱۰۴].

«اگر شما درد می‌کشید آنان نیز همانگونه که شما درد می‌کشید، درد می‌کشند [اما]

شما از الله امیدی دارید که آنان ندارند، و همانا الله بسیار دانا و حکیم است».

پس ای اهل شام «به الله استعانت جوید و صبر پیشه کنید. همانا زمین از آن الله است که آن را به هر کدام از بندگانش که بخواهد می‌دهد و پایان [نیک] از آن متقیان است».

[الأعراف: ۱۲۸].

خداوند عزوجل شام و اهل آن را برای پیامبرش تضمین کرده است و هرکس که خداوند کفالتش را بر عهده گیرد هرگز ضایع نخواهد شد و وصف برکتی که از شام در کتاب و سنت آمده است بشارت‌دهنده‌ی این است که دوران فتنه و طغیان در آن به طول نخواهد انجامید زیرا این سرزمین، سرزمین برکت و امنیت و ایمان است.

شام همیشه در تاریخ خود قبرستان متجاوزان بزرگ و کوچک بوده است. صلیبیان و مغولان در آن شکست خوردند و رومیان نیز در حوادث آخر الزمان در همین سرزمین شکست خواهند خورد و در همین سرزمین دجال و پیروان وی از یهود به هلاکت خواهند رسید. رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - نیز فساد شام را علامت رفتن خیر و نیکی از همه‌ی امت دانسته و صلاح و خیر آن را بشارتی برای صلاح همه

«ما بی‌تردید پیامبران‌مان و کسانی را که ایمان آورده‌اند در زندگی دنیا و در روزی که شاهدان به پا می‌خیزند، یاری می‌دهیم».

انتظار فرج از بزرگ‌ترین عبادت‌هاست و یاس و نومیدی از رحمت خداوند از گناهان بزرگ است. شایسته است که مومنان قلب خود را از خوش‌بینی به نزدیکی پیروزی و یقین به پایان کار ظالمان آکنده سازند:

﴿فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا﴾ [مریم: ۸۴].

«پس بر آنان عجله مکن. همانا ما [روزها] را برای آن‌ها می‌شماریم». خداوند برای بندگان خود اراده‌ی پیروزی‌ای بزرگ‌تر از آنچه انتظارش را دارند نموده است:

﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ وَإِنَّ اللَّهَ بَلِغٌ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾ [الطلاق: ۳].

«هرکه بر الله توکل کند، او برایش کافی است. همانا الله به انجام رساننده‌ی امر خود است، بی‌تردید الله برای هر چیزی اندازه‌ای مقرر کرده است».

و در پایان درود و سلام فرستید بر آن پیامبر مصطفی، و رسول مجتبی؛ خداوندا درود و سلام و برکت ارزانی دار بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و صحابه‌ی نیک و پاک وی. خداوندا از آن امامان هدایتگر و خلفای راشدین، ابوبکر و عمر و عثمان و علی، و از دیگر صحابه‌ی پیامبرت و کسانی که بر راه و روش آن‌ها روند و پیرو سنت آنان باشند.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، و شرک و مشرکان را خوار گردان، و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امن و امان بدار.

خداوندا هرکه را برای ما و برای سرزمین ما قصد سوء یا تفرقه دارد، نیرنگش را به خود او بازگردان و تدبیرش را عامل نابودی‌اش قرار ده.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان ما را اصلاح نما.

معبودی به حق نیست جز الله که بزرگ و شکبیا است، معبودی به حق نیست جز الله که پروردگار عرش عظیم است، معبودی به حق نیست جز الله که پروردگار آسمان‌ها و پروردگار عرش بزرگوار است، خداوندا معبودی به حق جز تو نیست، پناهت با عزت است، و ثنایت جلیل است و نام‌هایت مقدس، خداوندا ای آنکه لشکرت شکست نمی‌خورد و وعده‌ات خلاف نمی‌شود و امرت برگشت ناپذیر است، تو پاک و بی‌عیبی و ستایش ویژه‌ی توست.

خداوندا اوضاع مسلمانان را در هر جا که هستند بهبود بخش، خداوند اوضاع آنان را در سوریه بهبود بخش، خداوندا آنان را بر حق و هدایت متحد گردان و ترسشان را از بین ببر و گرسنه‌شان را غذا ده و آبرو و ناموسشان را حفظ کن و قلبشان را محکم بدار و قدم‌هایشان را ثابت بگردان و آنان را بر متجاوزان پیروز گردان. خداوندا محاصره‌شان را بشکن... خداوندا فرجت را نزدیک گردان، خداوندا فرجت را نزدیک گردان.

خداوندا ما برادران و خواهرانمان در سوریه را به تو می‌سپاریم، خداوندا خون‌هایشان، ناموسشان را به تو می‌سپاریم، ای آنکه امانت‌ش ضایع نمی‌شود. خداوندا از تو یاری تو را بریا بندگان مستضعف مظلوم خواهانیم. خداوندا یتیمان و بیوه‌زنان و ستم‌دیدگان را یاری ده. خداوندا رحمت را، رحمت را، ای ارحم الراحمین، ای ناصر مظلومان.

خداوندا طاغوتیان ستمگر را نابود ساز، خداوندا آنان را نابود ساز که هرگز یارای ناتوان ساختن تو را ندارند، خداوندا عذابت را بر قوم ستمگر نازل گردان.

خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومن را یاری ده. خداوندا مستضعفان مسلمان را در هر جای دنیا که هستند یاری ده و آنان را بر حق و هدایت متحد گردان.

«پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بدار»

خداوندا گناهان ما را بیامرز و عیب‌های ما را ببوشان، و کارهای ما را آسان گردان، و ما را به آن خواسته‌هایی که سبب خشنودی توست برسان. پروردگارا ما را و پدران و مادران ما و نسل و ذریه‌ی ما را مورد مغفرت خود قرار ده که همانا تو شنونده‌ی دعایی. از الله مغفرت می‌خواهیم، از الله مغفرت می‌خواهیم، از الله که معبودی به حق جز او نیست آمرزش می‌خواهیم و به سوی او توبه می‌کنیم.

خداوندا تویی آن معبود حقیقی که معبودی به حق جز تو نیست، تو بی‌نیازی و ما نیازمند، باران را بر ما نازل گردان و ما را از نومیدان مگردان، باران را بر ما فرو ریز و ما را از نومیدان مگردان، خداوندا ما را باران ده، خداوندا بارانی خوش و پی در پی و فراگیر و سودمند و بی‌زیان که با آن بندگان را سیراب کنی و سرزمین‌ها را زنده گردانی. خداوندا آن را باران رحمت بگردان نه باران عذاب و بلا و نابودی و غرق. پروردگارا از ما بپذیر که همانا تو شنوا و بینایی و از ما توبه پذیر که همانا تو بسیار توبه پذیر و مهربانی.

پاک و بی‌عیب است پروردگارت از آنچه به دروغ و صفتش می‌کنند و سلام بر پیامبران و الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

خطاهای به ظاهر کوچک، گناهان بزرگ

خطیب: دکتر عبدالمحسن قاسم

مسجد نبوی شریف: جمعه ۹ ربیع الثانی ۱۴۳۳ برابر با ۱۲ اسفند ۱۳۹۰

خطبه‌ی اول:

ستایش ویژه‌ی الله است، او را ستوده و از او یاری جسته و آمرزش می‌خواهیم و از بدی‌های نفس خود و کارهای ناشایستمان به او پناه می‌بریم. الله هرکه را هدایت کند او گمراه‌گری نخواهد داشت و هرکه را گمراه سازد او هدایت‌گری نخواهد یافت و گواهی

می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر اوست. درود و سلام بسیار خداوند بر او و بر اهل بیت و یاران او باد.

اما بعد:

ای بندگان خدا، تقوای او را آنگونه که شایسته است پیشه سازید که تقوا در مخالفت با هوای نفس است و شقاوت و نگون‌بختی در رویگردانی از هدایت خداوندی.

ای مسلمانان:

خداوند متعال با چنین دین کاملی که همه‌ی امور دنیا و دین را در بر می‌گیرد بر بندگانش منت نهاد؛ دینی که هرکه به آن تمسک جوید خداوند قلب وی را روشن کرده و او را به خود نزدیک می‌سازد و هرکه در آن کوتاهی ورزد در برابر عصیان‌ش کیفر می‌شود. خداوند نیز طاعت خود و اهل طاعت را دوست دارد و به آن امر می‌کند و معصیت و اهل آن را دوست نمی‌دارد و از آن نهی نموده و بلکه در برابر معصیت غیرت می‌ورزد، چنانکه رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - می‌فرماید: «بی‌تردید خداوند غیرت می‌ورزد و غیرت او هنگامی است که مومن مرتکب آن چیزی شود که خداوند حرام ساخته است» [به روایت بخاری].

زیان گناهان به مانند زبانی است که سم بر بدن دارد و به واسطه‌ی گناه انسان از مرتبه‌ی ایمان به مرتبه‌ی اسلام (که پایین‌تر است) نزول یافته و با آن است که به تدریج از اسلام نیز خارج می‌شود. از سوی دیگر، همچنانکه خداوند متعال با اعطای پاداش‌های بزرگ برای کارهایی آسان، بر بندگانش منت نهاده است، به همان ترتیب آنان را از انجام کارهایی برحذر داشته است که به ظاهر ساده‌اند اما گناهی بس بزرگ بر آنها مترتب می‌گردد و چه بسیارند انسان‌هایی که تنها به سبب حاصل زبان‌هایشان با صورت به آتش می‌افتند.

زشت‌ترین سخنی که ممکن است بر زبان آید، فرا خواندن کس دیگری به همراه خداوند و ابراز حاجت به نزد غیر خداوند از مردگان و بت‌ها است که این کار باعث از

بین رفتن اعمال و جاودانگی در آتش جهنم است و صاحبان آن نیز به مقصود خود نخواهد رسید. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَن دُعَائِهِمْ غَفِلُونَ ﴿٥﴾﴾ [الأحقاف: ٥].

«و چه کسی گمراه‌تر از آن است که جز الله را به فریاد می‌خواند که تا روز قیامت او را استجابت نمی‌کند و آنان از فریادخواهی او بی‌خبرند».

همینطور طعن وارد ساختن در ذات خداوند یا دین او و یا پیامبرش نشانه‌ی نقص در عقل و بی‌دینی است. خداوند متعال در این باره فرمود است:

﴿قُلْ أَبِاللَّهِ وَعَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِءُونَ ﴿٦٥﴾ لَا تَعْتَدِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ ﴿٦٦﴾﴾ [التوبة: ٦٥-٦٦].

«بگو آیا الله و آیات او و پیامبرش را مسخره می‌کردید؟ (٦٥) عذر نیاورید که بی‌تردید پس از ایمانتان کافر شدید».

شیخ عبدالرحمن بن حسن (رحمه الله) می‌گوید: «ممکن است انسان تنها با بر زبان آوردن یک جمله یا انجام یک کار به دایره‌ی کفر وارد شود و خطرناک‌ترین آن‌ها خواسته‌های قلبی است؛ زیرا آن به مانند دریایی است که ساحل ندارد، که از این باب، تمسخرِ علم و اهل علم و عدم احترام آن‌ها به سبب علمشان است».

خداوند متعال تنها کسی است که شایسته‌ی بزرگداشت است و هر که در قلب محبت کس دیگری را به همراه محبت خداوند و به همان اندازه جای دهد یا با قسم خوردن به غیر خداوند بزرگداشت کسی دیگر غیر از خداوند را اعلام دارد، مانند کسی که به پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - یا به نعمت یا به فرزندش قسم یاد می‌کند، دچار شرک (کوچک) شده است.

رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «هر که به غیر از خداوند سوگند یاد کند کفر ورزیده است یا مرتکب شرک شده است» [به روایت ترمذی].

و هر کس که یکی از اعمال شرک - هر چند به ظاهر کوچک - از او سر زند، مانند طواف کردن بر قبر یا ذبح کردن یا نذر برای آن، بوی بهشت نیز به مشامش نخواهد رسید.

به سبب زشتی شرک و ظلمی که به واسطه‌ی آن نسبت به حق ربوبیت و الوهیت خداوندی روا می‌شود خداوند متعال [در صورتی که بنده از آن توبه نکند] هرگز آن را مورد آموزش قرار نمی‌دهد. خداوند بزرگ می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ﴾ [النساء: ۴۸].

«همانا الله این را که به او شرک ورزیده شود نمی‌آمزد و غیر از آن را برای هر کس که بخواهد می‌آمزد».

همچنین جادوگر، مفسد دین و دنیا است؛ با ادعای نفع و ضرر با پروردگار در پروردگارش به نزاع برمی‌خیزد، برای همین جزایش مرگ است و هرکس به عمد به نزد ساحر آید کفرورزیده است. رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «هر کس سحر انجام دهد یا برایش سحر انجام دهند از ما نیست» [به روایت بزار].

آویزان کردن تعویذ شرک به خداوند است و جز سستی چیزی نصیب بنده نمی‌کند و خداوند کارش را برایش کامل نمی‌سازد.

خداوند متعال علم غیب را حتی از ملائکه‌ی خود مخفی ساخته است چنانکه می‌فرماید:

﴿قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ﴾ [النمل: ۶۵].

«بگو هیچکس جز الله در آسمان‌ها و زمین غیب را نمی‌داند».

بنابراین هرکس که مدعیان دانستن علم غیب از جمله کسانی که از برج‌های فلکی می‌نگرند یا کف‌بینی می‌کنند را تصدیق نماید کفر ورزیده است. رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «هرکه نزد کاهنی بیاید و او را در آنچه می‌گوید تصدیق نماید به آنچه بر محمد نازل شده است کفر ورزیده است» [به روایت ابوداؤد].

اگر بنده از کفر قولی و عملی در امان ماند، آنگاه است که شیطان او را به مرتبه‌ی پایین‌تر از آن یعنی گناهان کبیره می‌کشانند و او را دعوت به گفتن سخنانی می‌کند که خداوند حرام گردانده است که بدترین آن بردن آبروی مسلمان است. به همین سبب خداوند متعال از غیبت برادر مسلمان نهی نموده و آن را به خوردن گوشت مرده‌ی وی تشبیه نموده و شخص غیبت‌کننده در روز قیامت ناخن‌هایی از مس خواهد داشت که با آن صورت و سینه‌ی خود را زخمی خواهد نمود همانطور که در دنیا آبروی مسلمانان را خدشه‌دار می‌ساخت.

سخن شخصی که غیب می‌کند آنقدر کثیف است که اگر با آب دریا مخلوط شود آن را به گند می‌کشانند. عایشه - رضی الله عنها - روزی به رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - گفت: از صفیه همین برای تو کافی است که چنین و چنان است. - یعنی اینکه قد وی کوتاه است - رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - در پاسخ وی فرمود: «سختی به زبان آوردی که اگر با آب درجا مخلوط شود آن را تغییر دهد» [به روایت ابوداود].

سلف صالح - رحمهم الله - زبان خود را از این گناه پاک می‌داشتند. امام بخاری - رحمه الله - می‌گوید: «امیدوارم در حالی به دیدار خداوند روم که مرا برای آنکه غیبت کسی را کرده باشم محاسبه نکند».

سخن‌چین نیز شبیه غیبت‌کننده است و عقوبت وی در زودتر، در قبر به وی می‌رسد و خداوند در آخرت به او وعید این را داده است که از بهشت محروم می‌سازد. رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «هیچ سخن‌چینی به بهشت داخل نمی‌شود» [متفق علیه].

همچنانکه اسلام از سخن‌گفتن ناروا در عدم حضور شخص مسلمان نهی نموده است همانطور نیز از بی‌حرمتی به وی در حضورش نیز نهی نموده و گفته است: «ناسزا گفتن به مومن فسق است» [متفق علیه] و می‌فرماید: «و لعنت کردن وی به مانند کشتن اوست» [متفق علیه].

و می‌فرماید: «هرکس به برادر مسلمانش بگوید: «ای کافر» یکی از آن دو همان خواهد شد، اگر کافر باشد که هست و اگر نیست به سوی خود او باز خواهد گشت» [به روایت بخاری و مسلم].

و هر کس انسان پاکدامنی را تهمت به ناپاکی زند در دنیا و آخرت به نفرین خداوندی دچار شده و عذابی بس بزرگ برایش مهیا خواهد شد. و هر کس با استفاده از سوگند حق مسلمانی را به ناحق بخورد خداوند آتش را بر او واجب ساخته و بهشت را بر وی حرام می‌گرداند. مردی از رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - پرسید: حتی اگر چیز کوچکی باشد ای رسول خدا؟ فرمود: «حتی اگر چوب مسواکی باشد» [به روایت مسلم]. کسی که زبانش را آکنده‌ی نفرین گرداند از شفاعت و گواهی دادن در روز قیامت محروم می‌شود. رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - می‌فرماید: «بسیار نفرین‌کنندگان در قیامت گواهی دهنده و شفاعت‌دهنده نخواهند بود» [به روایت مسلم].

از آنجایی که دروغ از نشانه‌های نفاق است اسلام از آن نهی نموده است حتی اگر برای شوخی باشد. رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - می‌فرماید: «وای بر آنکه سخنی دروغ به زبان می‌آورد تا مردم را به خنده آورد؛ وای بر او، وای بر او» [به روایت ترمذی].

همینطور هر کس به دروغ ادعا کند که در خواب فلان رویا را دیده است، برای آنکه عذاب بیند، در روز قیامت مجبور به کاری می‌شود که توانایی آن را ندارد. رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - می‌فرماید: «هرکه ادعای خوابی را کند که ندیده است مجبوررش می‌کنند که دو دانه جو را به هم گره زند و نخواهد توانست» [به روایت بخاری].

هر کس مال مردم را از آنان گدایی کند در حالی که خود او به اندازه‌ی کافی دارد در حقیقت طلب زیاده‌ی آتش می‌کند و هر کس در حالی که سخن گروهی گوش فرا دهد که آنان دوست ندارند در روز قیامت سرب مذاب به گوش‌هایش می‌ریزند.

مومنی که زبان خود را حفظ می‌کند باید از اعضای بدن خود نیز محافظت نماید زیرا کارهایی هستند که در مرته‌ای پایین‌تر از شرک قرار دارند و زمان بسیار کمی می‌گیرند اما گناهشان نزد خداوند بسیار بزرگ است که بزرگ‌ترین آن کشتن انسان مسلمان است که خداوند قاتل مسلمان را به چند عقوبت یکجا وعید داده است. خداوند - سبحانه و تعالی - می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا ﴿۹۳﴾ [النساء: ۹۳].

«و هرکس مومنی را از روی عمد بکشد جزای وی جهنم است که تا ابد در آن می‌ماند و الله بر او خشم گرفته و او را نفرین می‌کند و برایش عذابی دردناک آماده ساخته است».

و رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - فرمود است: «اگر اهل آسمان‌ها و زمین در کشتن یک مومن هم‌دست باشند خداوند همه‌شان را به آتش خواهند انداخت» [به روایت ترمذی].

مسلمان نزد خداوند از همه‌ی دنیا گرامی‌تر است چنانکه رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - می‌فرماید: «نابودی دنیا برای خداوند ساده‌تر از کشته شدن انسانی مسلمان است» [به روایت ترمذی].

بلکه حتی خداوند متعال از این نهی نموده است که کسی خودش را بکشد، زیرا خداوند او را برای عبادت خود آفریده است؛ رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - می‌فرماید: «هر کس در دنیا خودش را با چیزی به قتل برساند در روز قیامت عذاب داده می‌شود» [متفق علیه].

و برای آنکه مسلمانان در زندگی خود در امنیت باشند خداوند متعال همه‌ی راه‌های منجر به قتل را بسته است چنانکه پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - می‌فرماید: «هر کس با چاقو به برادرش اشاره کند فرشتگان او را لعنت می‌کنند حتی اگر برادر تنی او باشد» [به روایت مسلم].

و هر کس با دوستی از دوستان خداوند دشمنی کند خداوند به او اعلان جنگ کرده است.

زنا راهی است بسیار بد که هر کس به آن در افتاد به روز بد خواهد افتاد. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّهُ كَانَ فَلْحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا﴾ [الإسراء: ۳۲].

«آن همواره زشت و بد راهی است».

و خداوند این گناه را به همراه شرک و قتل آورده است.

امام احمد - رحمه الله - می‌گوید: «بزرگ‌ترین گناهان نزد خداوند شرک سپس قتل، سپس زنا است» و جزا از جنس عمل است و از زشتی و شناعة این کار عقوبت زناکار متاهل سنگسار تا حد مرگ است.

ربا، حتی کم، مال بسیار را کثیف کرده و برکت را از آن گرفته و صاحب خود را به ورطه‌ی فقط خواهد کشاند. خداوند متعال فرموده است:

﴿يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا﴾ [البقرة: ۲۷۶].

«الله ربا را کم می‌کند».

و خداوند گیرنده‌ی ربا را نفرین نموده و با او اعلان جنگ کرده است و هر کس خداوند به جنگ او رود بی‌شک هلاک شده است.

همینطور خداوند دزد را به سبب سلب حقوق دیگران نفرین نموده است و آنکه مال یتیم را می‌خورد در واقع در شکم خود آتش می‌خورد و هر کس در شکم خود آتش می‌ریزد و هر کس مال مردم را بر می‌دارد که آن را از بین ببرد خداوند او را از بین خواهد برد و هر کس یک وجب از زمین به ناحق به ملک خود اضافه کند به هفت زمین فرو برده می‌شود، و هر کس بدعتگذار یا جنایتکاری را پناه دهد خداوند او را به نفرین خود دچار می‌کند.

هر کس مالی را پرداخت کند تا به آنچه حق وی نیست برسد رشوه دهنده است و رشوه دهنده و رشوه گیرنده هر دو توسط رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - نفرین شده‌اند.

و «سه کس خداوند در روز قیامت دشمن آنان است: کسی که با سوگند به خداوند چیزی به او دهند سپس خیانت کند، و کسی که انسان آزادی را بفروشد و پول آن را بخورد، و کسی که انسانی را اجیر کند و از او کار بکشد سپس پاداش وی را ندهد» [به روایت بخاری].

و هر کس خمر بنوشد تا چهل روز نماز وی پذیرفته نمی‌شود و در بهشت از نوشیدن آن محروم است و بلکه خداوند در روز قیامت به وی «طینة الخَبَال» می‌نوشاند که عرق اهل آتش یا عصاره‌ی آنان است.

لباس نیز از نعمت‌های خداوند متعال است؛ اما اگر انسان در پوشیدن آن با دراز کردن آن از روی تکبر معصیت خداوند کند در معرض عذاب او قرار می‌گیرد. پیامبر خدا - علیه الصلاة والسلام - می‌فرماید: «سه کس هستند که خداوند در روز قیامت با آنان سخن نگفته و به آنان نگاه نمی‌کند و پاکشان نمی‌سازد: آنکه لباسش را [از روی تکبر] دراز کند و کسی که بر مردم منت نهد و آنکه جنس خود را با قسم دروغ می‌فروشد» [به روایت مسلم].

زن نیز اگر با آنکه خداوند از آن نهی نموده است خود را آرایش کند مانند وصل کردن موی کس دیگر به موی خود یا وصل کردن موی کس دیگر به زنی دیگر و یا کندن و باریک کردن ابرو، در معرض نفرین خداوند قرار خواهد گرفت.

خداوند متعال اطاعت زن از شوهر را واجب ساخته است، بنا بر این اگر مردی همسر خود را به بستر فرا خواند و او [بدون عذر] سرپیچی کند فرشتگان تا صبح او را نفرین می‌کنند و عدالت اساس محبت است و «هر کس دو همسر دارد و به یکی از آن دو بیشتر میل داشته باشد در روز قیامت طوری خواهد آمد که یک طرف بدن او کج است» [به روایت ابوداود].

و هیچ مردی با زنی خلوت نمی‌کند مگر آنکه شیطان سومین آن‌هاست و هر کس پیوند خویشاوندی خود را قطع کند خداوند نیز پیوند خود را با وی قطع می‌سازد.

همچنین مسائلی در عبادات وجود دارد که هر کس در آن سهل‌انگاری کند مورد وعید خداوندی قرار می‌گیرد، برای مثال «آنکه از جلوی نمازگزار عبور می‌کند اگر می‌دانست چه گناهی بر وی هست اگر می‌توانست چهل سال صبر می‌کرد برای وی بهتر از آن بود که از روبروی او عبور می‌کرد» [متفق علیه].

و «آنکه [در نماز] بر امام پیشی می‌گیرد ترس آن است که خداوند سر او را به سر الاغ تبدیل کند یا صورت وی را صورت الاغ بگرداند» [متفق علیه].

همینطور رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - از نگاه کردن به آسمان در نماز نهی نموده و فرموده است: «یا دست از آن می‌کشند یا آنکه چشمانشان ربوده می‌شود» [به روایت بخاری].

مسلمان چه در حال حیات و چه پس از مرگ مورد احترام است و شکستن استخوان وی پس از مرگ به مانند شکستن استخوان او در حالی است که زنده است و نشستن بر قبر او اهانت در حق اوست چنانکه رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «اگر کسی از شما بر اخگری بنشیند و لباسش بسوزد و به پوستش برسد برای او بهتر از آن است که بر یک قبر بنشیند» [به روایت مسلم].

هنگامی که انسان عملی نیک انجام می‌دهد شیطان برای فاسد کردن آن از طریق ریا و خودنمایی تلاش می‌کند و هر کس در این تله بیفتد عملش باطل می‌شود.

همینطور بنده با اعتقاد قلبی خود مورد پاداش و جزا قرار می‌گیرد حتی اگر کاری انجام ندهد، پس هر کس اعتقاد داشته باشد که غیر خدا به او سود یا زیانی می‌رساند یا یکی از نام‌ها و صفات خداوند را تعطیل سازد کفر ورزیده است و دوست داشتن انصار نشانه‌ی ایمان و بد داشتن آن‌ها نشانه‌ی نفاق است.

هر کس که از رحمت گسترده‌ی خداوند مایوس شود گمراه شده است چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يَفْتَنُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ﴾ [الحجر: ۵۶].

«و چه کسی جز گمراهان از رحمت پروردگار نا امید می‌شود».

همینطور مغرور شدن با نفس و مال و لباس موجب عقوبت خداوندی است. رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «مردی که شیفته‌ی خود بود در حالی که لباس زیبایی پوشیده بود و موی سرش را به پشت انداخته بود در راهی می‌رفت که ناگهان خداوند او را به زمین فرو برد و تا قیامت در آن فرو می‌رود» [متفق علیه].

حسد نیز تاریک کننده‌ی قلب و از بین برنده‌ی نیکی‌ها است و کبریا از صفات خداوند است و هرکس در این صفت با او نزاع کند او را عذاب می‌کند و هر کس بر خداوند تکبر ورزد خداوند او را خوار می‌سازد چنانکه فرعون که گفت: «من پروردگار والای شمایم» را خداوند با آب غرق ساخت.

و هر کس بر خلق خدا تکبر ورزد را خداوند هلاک می‌گرداند. قوم عاد به نیروی خود مغرور شدند و گفتند: «چه کسی از ما نیرومندتر است؟» پس خداوند آنان را به واسطه‌ی باد هلاک گرداند.

اما بعد، ای مسلمانان:

دین، گرانباترین چیزی است که یک انسان دارد و آن اصل ضروریاتی است که اسلام برای حفظ آن آمده است، بنابراین بر مسلمان لازم است که زبان و جوارح و اعتقاد خود را حفظ نماید. اسلام دین فطرت است و وارد شدن به آن با کلمه‌ای است از روی علم به معنای آن گفته می‌شود و همینطور این دین بسیار لطیف است که هر کس کاری از نواقض و باطل کننده‌های آن را انجام دهد از بین می‌رود حتی اگر یک کلمه باشد و خوشبخت کسی است که به آن تمسک جوید و آن را دوست بدارد و نیکی آن را بگوید و دیگران را به آن فرا خواند و هر کس که خداوند او را بر آن ثابت بگرداند در دنیا و آخرت خود خوشبخت شده است.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم:

﴿مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ، وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا﴾ [النساء: ۱۲۳].

«هرکس کاری بدی انجام دهد در برابر آن کیفر می‌شود و جزا الله برای خود یار و مددکاری نمی‌یابد».

خداوند برای من و شما در قرآن عظیم برکت نهد و با آیات و ذکر حکیم سود رساند، آنچه را شنیدید گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از هر گناهی آمرزش می‌خواهم. پس از او آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش ویژه‌ی خداوند است برای احسان وی و شکر و سپاس برای توفیق و امتنان وی و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر اوست. درود و سلام بسیار خداوند بر او و بر اهل بیت و یاران او باد.

ای مسلمانان:

نصیحت و خیرخواهی، اصلی از اصول دین است. رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرموده‌اند: «دین نصیحت است» [به روایت مسلم].

مسلم خیرخواه دیگران است و اگر این نصیحت و خیرخواهی در یک جامعه فراگیر شود هم‌گرائی و مودت و صلاح در آن فراگیر می‌شود و گناه، اگر پنهان شود تنها به صاحب خود زیان خواهد رساند اما اگر علنی انجام شود به همه زیان خواهد رساند.

و کلید زندگی قلب تدبر قرآن و ترک گناهان است.

سپس بدانید که خداوند شما را به درود و سلام بر پیامبرش امر نموده و در آیات محکم کتاب خود فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

خداوندا بر بنده پیامبر ما محمد درود و سلام فرست و از خلفای راشد وی که به حق حکم می‌نمودند، ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه‌ی پیامبرت و همچنین از ما با عفو و کرم خود راضی و خشنود باشی گرامی‌ترین گرامیان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت بخش و شرک و مشرکان را خوار گردان و دشمنان دین را نابود گردان و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امن و امان بدار.

خداوندا اوضاع مسلمانان را در همه جای دنیا اصلاح نما و آنان را به زیبایی به سوی خود باز گردان. خداوندا ای قوی و ای عزیز، ای بزرگ و ای ملوک، ای جبار و ای مهمین، مستضعفان مسلمان را در سرزمین شام یاری ده. خداوندا یا و یاور آنان باش، خداوندا سربازان آسمان را به یاری آنان بفرست و سربازان زمین را برایشان مهیا گردان. خداوندا تیرشان را به هدف برسان و کلمه‌شان را یکی گردان.

خداوندا بلا و مصیبت را بر دشمنان خود و دشمنان آنان بگردان. خداوندا تو آنان را نابود گردان و از شر آنان به تو پناه می‌بریم. خداوندا سربازان و تجهیزاتشان را علیه آنان بگردان ای پروردگار جهانیان. خداوندا زمین را از زیر پای آنان به لرزه درآر و میان آنان تفرقه انداز ای دارای جلال و بزرگی.

خداوندا تویی آن خدای یگانه‌ای که معبودی به حق جز تو نیست. تو بی‌نیازی و ما نیازمندانیم، باران را بر ما نازل گردان و ما را از نومیدان مگردان. خداوندا ما را بران عطا کن.

«پروردگارا ما به خود ستم نمودیم و اگر تو ما را مورد مغفرت و رحمت خود قرار ندهی بی‌تردید از زیانکاران خواهیم بود» [الأعراف]:

پس خداوند بزرگ را یاد کنید تا شما را یاد کند و او را برای نعمت‌هایش شکر گویند تا شما را افزون دهد و بی‌تردید یاد الله بزرگ‌تر است و الله به آنچه می‌کنید آگاه است.

عنوان خطبه: به همراه سختی آسانی است

خطیب: دکتر اسامه خیاط

مسجدالحرام: جمعه ۱۶ ربیع الثانی ۱۴۳۳ برابر با ۱۹ اسفند ۱۳۹۰

خطبه‌ی اول:

ستایش ویژه‌ی خداوندی است که پس از سختی آسانی می‌آورد. او را ستایش می‌گویم، ستایشی که به واسطه‌ی آن بر نعمت و خیرش افزوده می‌شود و گواهی می‌دهم که معبود به حقی نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و هر آنچه بخواهد می‌آفریند و هر کس را که بخواهد برمی‌گزیند. تنها اوست که امر و نهی در جهان انجام شدنی است. و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده و پیامبرسان خداوند و بهترین بندگان است. خداوند بر بنده و پیامبر محمد و بر اهل بیت و یاران او درود و سلام فرست.

اما بعد:

بندگان خداوند تقوای او را پیشه‌سازید و به یاد داشته باشید که متقیان در دنیا زندگی پاک دارند و در آخرت بهشت‌هایی که از زیر آن‌ها رودها در جریان است.

ای مسلمانان:

آسان شدن سختی‌ها چیزی است که همه آرزوی آن را دارند برای همین برخی از مردم هنگامی که در بعضی از امورشان دچار سختی می‌شوند گمان می‌کنند که بلایی بزرگ بر آنان نازل شده و همه‌ی درها بر رویشان بسته شده است و راهی برایشان باقی

نمانده است؛ دنیا برایشان تنگ شده و نسبت به همه چیز بدگمان شده و اوضاعشان رو به بدی می‌نهد و چه بسا دست و زبانشان به کردارها و گفتارهایی ناشایست آلوده گردد. اما متقیان که خوشبخت‌ترین مردمان و خردمندترین آنان هستند به واسطه‌ی بینات و هدایتی که از سوی پروردگار به آنان رسیده است و با رهنمودهای پیامبرشان - صلی الله علیه و آله وسلم - در این مقام شأنی دیگر و موضعی متفاوت دارند. آنان به یاد می‌آورند که پروردگارشان به آنان وعده‌ای داده است که هرگز خلاف آن نمی‌رود و به آنان چنین بشارت داده است که پس از سختی آسانی در پیش است و در پی تنگنا گشایش خواهد آمد و فرموده است:

﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۖ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۖ﴾ [الشرح: ۵-۶].

«پس [بدان که] به همراه سختی آسانی است (۵) به همراه سختی آسانی است».

و فرموده است:

﴿سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا ۖ﴾ [الطلاق: ۷].

«الله به زودی پس از سختی آسانی قرار خواهد داد».

این وعده‌ای است که به شرط برگرفتن اسباب بستگی دارد که در مقدمه‌ی این اسباب تقوای خداوند است. تقوایی که توشه‌ی رهیویان و بهترین آمادگی برای سفر و توصیه

بنابراین عجیب نیست اگر تقوا از قوی‌تری اسبابی باشد که بنده به واسطه‌ی آن همه‌ی امور خود را آسان ساخته و هر عقبه‌ای را که جلوی رسیدن او را به اهدافش قرار گرفته است از سر راه بردارد:

﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا ۝﴾ [الطلاق: ۴].

«و هر که تقوای الله را پیشه سازد برای او در کارش آسانی خواهد نمود».

به همراه تقوا است که احسان در همه‌ی ابعاد آن تحقق می‌یابد همانند احسان به خود که با روی آوردن به سوی خداوند متعال و انجام دادن حقوق وی در توحید و انجام همه‌ی عبادات یعنی محبت و خوف و امید و توکل و خضوع و فروتنی و نماز و قربانی و زکات و روزه و ذکر و صدقه تنها برای او محقق می‌گردد زیرا این مقتضای کلمه‌ی توحید یعنی لا اله الا الله است یعنی: معبودی به حق جز الله نیست و این همان حقیقت تصدیق پاداش نیکوتر است که در این سخن خداوند متعال آمده است:

﴿فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى ۝ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى ۝ فَسَنِيْرُهُ وَّلِيْرِي ۝﴾ [اللیل: ۵-۷].

«پس اما آنکه بخشش نمود و تقوا ورزید (۵) و [پاداش] نیکوتر را تصدیق نمود (۶)

به زودی راه آسانی پیش روی او خواهیم نهاد».

آنچه مدلول و معنای چنین چیزی را واضح می‌سازد آن است که بنده می‌داند خداوند متعال متصف به صفات کمال است و او چنان است که ابن قیم - رحمه الله - می‌گوید که وی «بنده‌اش را به حسب صفات خود مورد پاداش قرار می‌دهد: او رحیم است و رحیمان را دوست دارد و نسبت به بندگان رحیم و مهربانش رحمت می‌ورزد و او پوشاننده است و برای بندگان نیز پوشیدن عیوب دیگران را می‌پسندد و اهل عفو است و آن بندگان را دوست دارد که از دیگر بندگان درمی‌گذرند و لطیف است و لطف را از بندگان خود دوست می‌دارد و سخنان تند و سخت را بد می‌دارد. اهل رفق و نرمی است و آن را دوست می‌دارد و شکیبایی است و شکیبایی را می‌پسندد. اهل نیکی است و نیکی و اهل آن را دوست دارد و عدل است و عدل را دوست دارد. عذر را می‌پذیرد و کسانی را که عذر بندگان را می‌پذیرند دوست دارد و بنابراین او بندگان را بر حسب بودن یا نبودن این

صفات در آنان مورد پاداش و جزا قرار می‌دهد؛ پس هر کس ببخشد خداوند نیز وی را می‌بخشد و هرکه با بندگان او نرمی پیشه کند او نیز با وی نرمی پیشه می‌کند و هرکه به آفریدگان او رحم کند او نیز به وی رحم می‌کند و هرکه به دیگران نیکی کند او نیز در حق وی نیکی خواهد کرد».

از جمله‌ی این احسان آسان‌گیری برای کسی است که در پرداخت قرض خود به سختی افتاده است یا مهلت دادن به او یا کم کردن قرض او است چنانکه در حدیث آمده است: «هر کس بر کسی که در دین خود به سختی افتاده است آسان گیرد خداوند نیز بر او در دنیا و آخرت آسان خواهد گرفت» [به روایت مسلم در صحیح].

همینطور اگر به همراه این احسان، همانند بندگان برگزیده‌ی خداوند، تضرع به سوی آفریدگار و دعای او را نیز داشته باشد چنانکه موسی - علیه الصلاة والسلام - می‌فرماید:

﴿قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ﴿٢٥﴾ وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ﴿٢٦﴾ وَأَحْلِلْ عُقْدَةَ مِنِّي لَيْسَانِي ﴿٢٧﴾ يَفْقَهُوا قَوْلِي ﴿٢٨﴾﴾ [طه: ۲۵-۲۸].

«گفت: پروردگارا سینه‌ی مرا فراخ گردان (۲۵) و کار مرا آسان ساز (۲۶) و گره از زبانم بگشای (۲۷) تا سخنم را بفهمند».

و همینطور دعایی که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - در هنگام سختی‌ها به زبان می‌آورد و می‌فرمود: «اللهم لا سهل إلا ما جعلته سهلا وأنت تجعل الحزن إذا شئت سهلاً». یعنی: خداوندا هیچ آسانی نیست مگر آنچه تو آسان گردانده‌ای و تو اگر بخواهی ناهم‌موازی‌ها را هموار می‌سازی.

همچنین پایبندی به آداب دعا و سنت‌های آن و اخلاص خداوند و پیروی از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - و آغاز دعا با حمد و ثنای خداوندی و درود و سلام بر پیامبر وی و ایستادن در برابر قبله و اصرار در دعا و عدم استعجال در دعا - که بگوید دعا کردم و اجابت نشد - و درخواست تنها از خداوند و نه هیچ کس دیگر جز او و اعتراف به گناهان در پیشگاه خداوند و اقرار به نعمت‌های او و توسل به نام‌های نیک و صفات والای پروردگار یا به عمل صالحی که پیش از آن انجام داده است یا به دعای

شخص صالحی که زنده و حاضر است و بلند کردن دست‌ها در دعا و وضو در صورت توانایی و خوردن روزی حلال و دوری از حرام و ناپاکی‌ها و دوری از تجاوز در دعا که مثلاً دعای کارِ گناه یا قطع صله‌ی رحم نماید یا بر ضد خود و خانواده یا مال و فرزندان دعا کند یا صدای خود را بیش از اندازه بلند نماید.

اینجاست که امید اجابت دعا می‌رود و باران رحمت ربانی فرو می‌ریزد و انتظار آسانی و گشایش می‌رود و انسان با فضل و رحمت خداوند شاد و مسرور می‌گردد:

﴿قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ﴾ [یونس: ۵۸].

«بگو به فضل و رحمت الله است که مومنان باید شاد باشند. این از هر چه گردآوری می‌کنند بهتر است».

خداوند من و شما را به واسطه‌ی کتاب خود و سنت پیامبرش سود رساند. این سخن خویش را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از خداوند متعال از هر گناهی آمرزش می‌خواهم که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله است. او را حمد گفته و از او یاری جسته و آمرزش می‌خواهیم و از بدی‌های خود و کارهای ناپسندمان به الله پناه می‌بریم. خداوند هرکه را هدایت کند او گمراه‌گری نخواهد داشت و هرکه را گمراه سازد او هدایت‌گری نخواهد یافت و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که یکتا و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد بنده و پیامبر اوست. درود و سلام بسیار خداوند بر او و بر اهل بیت و یاران او باد.

اما بعد ای بندگان خداوند:

در توضیح این سخن خداوند متعال که «پس همانا به همراه سختی یک آسانی است (۵) به همراه سختی یک آسانی است» [الشرح: ۵-۶] برخی از علمای تفسیر گفته‌اند: «این اشاره‌ای است بس عظیم به اینکه هرگاه سختی و دشواری باشد به همراه آن یک آسانی

خواهد بود و حتی اگر سختی به سوراخ سوسمار وارد شود آسانی بر آن وارد خواهد شد و آن را بیرون خواهد کشید چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: «به زودی الله پس از سختی آسانی قرار خواهد داد» [الطلاق]:

گردان. خداوند طاغیان و مفسدان را نابود گردان و میان دل‌های مسلمانان الفت ایجاد کن و صف آنان را یکی گردان و رهبرانشان را اصلاح نما و کلمه‌ی آنان را بر حق یکی گردان ای پروردگار جهانیان.

خداوندا دینت را و کتاب را و سنت پیامبرت و بندگان مومن مجاهد صادق را یاری ده. خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن بگردان و مسئولان ما را اصلاح نما.

خداوندا دشمنان تو و دشمنانمان را به تو می‌سپاریم و از شر آنان به تو پناه می‌بریم. خداوندا آنطور که خود می‌دانی شر آن‌ها را از سر ما کم بگردان، خداوندا آنطور که خود می‌دانی شر آنان را از سر ما کم بگردان.

خداوندا سختی و مصیبتی را که بر اهل سوریه آمده است از بین ببر. خداوندا بلایی را که برای آنان پیش آمده است از بین ببر و سختی‌شان را آسان گردان و آنان را از تنگنایی که گرفتار آند نجات ده و پوشیده‌هایشان را پوشیده بدار و ترسشان را از بین ببر و آنان را از آنچه می‌ترسند نجات ده ای پروردگار جهانیان و آنان را آنگونه که خود می‌دانی از دشمنانشان در امان دار و ضعیفشان را رحم نما و شکستشان را جبران نما و زخمی‌شان را شفا ده و شهادت را برای کشته شدگان آنان بنویس و اسیرانشان را آزاد گردان و بی‌لباسشان را بپوشان و ما و آنان را از شر فتنه‌های پنهان و آشکار در امان دار ای پروردگار جهانیان.

خداوندا سرانجام ما را در همه‌ی امور به نیکی منتهی گردان و ما را از خواری دنیا و عذاب آخرت نجات ده. خداوندا دین ما را که نگه دارنده‌ی امر ماست و دنیای ما را که محل زندگی ماست و آخرت ما را که بازگشتگاه ماست اصلاح نما و زندگی را برای ما عاملی برای زیاده‌ی در نیکی‌ها و مرگ را آسودگی از هر بدی بگردان.

خداوندا بیماران ما را شفا ده و مردگان ما را بیامرز و ما را به آن اهدافی که باعث خشنودی توست برسان و کارهای ما را با نیکی‌ها خاتمه ده.

خداوندا ما از زوال نعمت و برگشت عافیت و خشم ناگهانیت و همه‌ی عوامل خشمت به تو پناه می‌بریم.

«پروردگارا ما به خود ستم نمودیم و اگر تو ما را مورد مغفرت و رحمت خود قرار
ندهی بی‌تردید از زیانکاران خواهیم بود» [الأعراف:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾ [النساء: ۱].

«ای مردم از پروردگارتان پروا دارید که شما را از یک نفس واحده آفرید و از آن همسرش را آفرید و از آن دو مردان و زنان بسیاری پراکنده ساخت و از خداوندی پروا دارید که به نام او از همدیگر درخواست می‌کنید و همچنین از پیوند خویشاوندی، که همانا الله بر شما مراقب است».

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧١﴾﴾ [الأحزاب: ۷۰-۷۱].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را پیشه سازید و سخنی استوار گوید (۷۰) تا کارهایتان را برایتان به سامان آورد و گناهانتان را برایتان بیامزد و هر که از الله و پیامبرش اطاعت کند بی‌تردید پیروزی بزرگی فراچنگ آورده است».

اما بعد، ای مردم:

سلامت درون و پاکی آن از غل و غش و بی‌آلایشی آن از بیماری انتقام و پیروزی بر کسی که در حق شخص بدی مرتکب شده است، از ویژگی‌های انسان مومن صالح نرمخوی آسانگیر است؛ کسی که نه چرکی در درون دارد و نه حسادت. زندگی انسان در این زمین خاکی چه ارزشی دارد اگر قلبش از حُبِّ ذات آکنده باشد و در سنگدلی و نامهربانی هنرمندی ورزد و سنگدلی و کم‌تحملی را در خود تقویت کند؛ بد اخلاق شود و بی‌همت و خودخواه، و مردم همیشه از او دوری گزینند.

بسیاری در جستجوی سرچشمه‌های عزت و رستگاری هستند، سرچشمه‌هایی که بسیارند و رنگارنگ، و رسیدن به آن نیاز به امکانات زیادی ندارد، بلکه فقط کمی اراده می‌خواهد و کمی دوری از خودخواهی.

بنابراین پاکدلی و حسن ظن به دیگران و پذیرش عذر، و بخشش لغزش از سوی دیگران، و فرو بردن خشم، و عدالت در پاداش و جزا، همه‌ی این‌ها معیارهای پاکی و

صفا و نشانه‌های انسانی مترقی است که هدایت و راه و روش مترقی اسلام در تعامل با خود و دیگران را عملی ساخته است.

اما هرگاه دفاع از خود در برابر کسی که در حق انسان ظلمی روا داشته است از این دایره و از معیارهای اسلام خارج شد دیگر باید گفت انسان وارد دایره‌ی انتقام‌جویی شده است.

هنگامی که نفس بشری رنگ انتقام‌دوستی به خود گرفت آنگاه سنگدلی و کینه و نفرت و جبروت و زیاده‌روی و ستمگری نشانه‌های بارز شخصیت آن انسان خواهند شد، انسانی که همه او را الگویی برای ستم و پستی و وحشی‌گری خواهند دانست، زیرا تعریف انتقام چنین است: وارد ساختن عقوبت بر دیگری به همراه نفرتی که تا سر حد خشم و کینه و زیاده‌روی می‌رسد.

صفتی که از جنون خود بزرگ‌بینی و عشق به ستمگری و خشونت تراوش می‌کند چنانکه فرعون می‌گفت:

﴿مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَى﴾ [المؤمن: ۲۹].

«جز آنکه خود می‌بینم به شما نمی‌نمایم».

و چنانکه خداوند درباره‌ی قوم عاد می‌گوید:

﴿فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً﴾ [فصلت: ۱۵].

«پس در زمین به ناحق استکبار ورزیدند و گفتند: چه کسی از ما قوی‌تر است؟».

واژه‌ی انتقام غالباً در موضع نکوهش به کار می‌رود زیرا همیشه همراه با خشونت و سنگدلی و مرگ و جدان است و مردم عادی از این واژه همین را می‌فهمند.

هنگامی که اسلام ما را به گذشت و تسامح و فرو بردن خشم تشویق نموده است از ما نخواستار است که ضعیف یا ترسو باشیم و نخواستار است که ذلت و خواری را در درون ما بارور سازد؛ هرگز اینطور نیست؛ بلکه خواسته است این حقیقت را برای ما تبیین نماید که نرم‌خویی و آسانگیری بهترین وسیله برای از بین بردن کینه و نفرت از قلب کسانی است که به ما بدی کرده‌اند.

بنابراین، انتقام با وجود آنکه در ظاهر نشانه‌ی قدرت و قسوت است در واقع نشانه

منتقم، بی‌احساس است، از عاطفه تهی است، اگر عصبانی شود خروش بر می‌آورد، اگر خروش برآورد هجوم می‌آورد و چون هجوم آورد زخمی می‌کند... گرچه قتل از بزرگ‌ترین زخم‌هایی که ممکن است یک انسان در زندگی خود با آن مواجه شود اما خداوند متعال درباره‌ی آن فرموده است:

﴿وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطٰنًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنصُورًا

﴿۳۳﴾ [الإسراء: ۳۳].

«و هر که مظلوم کشته شود به ولی او قدرت داده‌ایم پس نباید در قتل زیاده‌روی نکند زیرا او [از سوی شرع] یاری داده شده است». اما انتقام‌گیران در این حد باقی نمی‌مانند و از درک این سخن خداوند متعال عاجزند که:

﴿وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ ﴿۱۲۶﴾

[النحل: ۱۲۶].

«و اگر عقوبت کردید به همان اندازه که مورد عقوبت قرار گرفته‌اید [متجاوز را] عقوبت کنید و اگر صبر پیشه کردید این برای صابران بهتر است». این آیه دلیل یاری شدن خانواده‌ی مقتول از سوی شرع است اما از سوی دیگر این را یادآوری می‌کند که گذشت بهتر و نیکوتر است:

﴿فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ﴾ [الشوری: ۴۰].

«پس هر که عفو نمود و اصلاح پیشه ساخت پاداشش با الله است».

هر که می‌خواهد از آسان‌ترین در به منزله‌ی تقوا وارد شود این سخن خداوند متعال را به کار بندد که می‌فرماید:

﴿وَأَنْ تَعَفُّوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى﴾ [البقرة: ۲۳۷].

«و اگر عفو کنید به تقوا نزدیک‌تر است».

انتقام در قلب برخی از مردم ریشه دوانده است و این صفت زشت در رفتار برخی از پدران با فرزندان یا برادر با برادر و مرد با همسر خود نمود یافته است. چه بسا مردانی که

ممکن است همسر خود را کتک بزنند یا در خانه حبسش کنند و یا او را بلاتکلیف بگذارند که نه حقوق همسری را رعایت کنند و نه طلاقش دهند. همه‌ی این رفتارها تنها به هدف انتقام و اثبات مردانگیِ قلبی است. همینطور درباره‌ی رابطه‌ی برخی همسایه‌ها بایکدیگر یا برخی مدیران با کارمندانشان یا برخی خانواده‌ها با خدمتکارانشان، یا مثال‌های دیگری که نشان‌دهنده‌ی خشک شدن احساس و نگاه از بالا در رفتار با دیگران به دور از مبادی این دین حنیف و اخلاق نیک است.

کاش این‌ها می‌دانستند بهترین وسیله برای انتقام از کسانی که به آنان بدی کرده‌اند این است که در بدی همانند آن‌ها نباشند تا کسی که در حق آنان بدی کرده است در درون خود احساس حقارت کند. مردی نزد رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - آمد و گفت: ای رسول خدا! من خویشاوندانی دارم که رابطه‌ام را با آنان حفظ می‌کنم اما آنان با من قطع رابطه می‌کنند و به آنان خوبی می‌کنم و در حق من بدی می‌کنند و در حقشان شکیبایی می‌کنم اما در حق من بد رفتاری می‌کنند. رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «اگر همینگونه باشی که می‌گویی مانند این است که به آنان خاکستر داغ می‌خورانی و تا هنگامی که اینگونه باشی از سوی خداوندی یاریگری خواهی داشت» [به روایت مسلم].

جعفر صادق - رحمه الله تعالی - می‌گوید: «اینکه برای بخشش بیست بار پشیمان شوم برایم بهتر از آن است که برای عقوبت کسی یک بار پشیمان شوم». سنت خداوند نیز بر این است که هر کس از زیر دست خود انتقام گیرد آنی که بالا دست اوست از او انتقام گیرد، و سنت خداوند با کسی محابا ندارد. برای همین است که لذت گذشت از لذت انتقام خوش‌تر است زیرا در پی لذت انتقام پشیمانی می‌آید اما پس از لذت گذشت عاقبت نیک است، و خداوند - عزوجل - در وصف بندگان نیک خود فرموده است:

﴿وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ﴾ [الشوری: ۳۷].

«و هنگامی که خشمگین شوند در می‌گذرند.»

این آیه نشانگر این است که انتقام شایسته‌ی نیکان و بزرگواران نیست. آنکه سرشتِ انتقام دارد چونان آسمانی ابری است که امید آفتابی شدن آن نمی‌رود، از گناه پنهانی نمی‌گذرد و عذر آشکار راضی‌اش نمی‌کند گناه را می‌بیند حتی اگر به اندازه‌ی سوراخ سوزن باشد و خوبی‌های را نمی‌بیند حتی اگر به اندازه‌ی کوه‌های تهامه باشد. دو گوش دارد که با یکی بهتان می‌شنود و با دیگری از شنیدن عذر ناتوان است. دو دست دارد که با یکی انتقام می‌گیرد و دیگری را از گذشت باز می‌دارد. مثال او چونان کسی است که خداوند متعال درباره‌اش می‌فرماید:

﴿وَإِذَا تَوَلَّى سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ ﴿٢٠٥﴾
وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُ لَهُ جَهَنَّمُ ۗ وَلَيْسَ الْيَهُادُ ﴿٢٠٦﴾﴾

[البقرة: ۲۰۵-۲۰۶].

«و چون ریاستی یابد برای افساد در زمین تلاش می‌کند و کشت و نسل را نابود کند و الله فسادکاری را دوست ندارد (۲۰۵) و اگر به او گفته شود که از الله پروا دار تکبر او را به گناه کشاند پس جهنم برای او بس است و چه بد بستری است.»

آیا به هوش می‌آیند و بیدار می‌شوند آن ستمگران انتقام‌جوی اسرافکاری که مردم خود را سخت‌ترین عذاب‌ها می‌چشانند و فرزندان‌شان را قربانی می‌کنند و زنان‌شان را بیوه... آنان که وجدان خود را فروخته‌اند و مهربانی را در وجود خود سر بریده‌اند و از روی گناه دچار تکبرند. در زمین استکبار ورزیده و مردم را دسته دسته کرده‌اند و همان سخن فرعون را به زبان می‌آورند که:

﴿قَالَ سَنُقْتِلُ أَبْنَاءَهُمْ وَنَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ ﴿١٢٧﴾﴾ [الأعراف: ۱۲۷].

«فرزندان‌شان را خواهیم کشت و زنان‌شان را زنده خواهیم داشت و ما بر آنان چیره‌ایم.»

اما مومنان صابر این سخن خداوند متعال را تکرار می‌کنند که می‌فرماید:

﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ ۗ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ

هَادٍ ﴿٣٦﴾ وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ ۗ أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِي انْتِقَامٍ ﴿٣٧﴾﴾ [الزمر: ۳۶-۳۷].

«آیا الله برای بنده‌اش کافی نیست؟ و تو را از کسانی جز او می‌ترسانند و الله هر گه را گمراه سازد او هدایت‌گری نخواهد داشت (۳۶) و الله هر که را هدایت کند او هیچ گمراه‌گری نخواهد داشت، آیا الله صاحب عزت و صاحب انتقام نیست؟».

خداوند برای من و شما در قرآن و سنت برکت دهد و با آیات و ذکر حکیم سود رساند. آنچه را گفتم اگر صحیح بود از سوی خداوند و اگر خطا بود از نفس بود و از شیطان، و از الله آمرزش می‌خواهم که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش تنها از آن خداوند است و درود و سلام بر آنکه پس از وی پیامبری نیست.
اما بعد:

ای بندگان خداوند، تقوای او را پیشه‌ی خود کنید و بدانید که خداوند دارای نام‌های نیکی است که در نهایت زیبایی و جمال است. و همچنین دارای صفاتی والا است که تنها لایق جلال و عظمت اوست. از جمله‌ی این صفات، انتقام است. انتقامی که با آن کمر جباران را پس از هشدار و برپا شدن عذر، می‌شکند. او انتقام را به همراه عزت خود ذکر کرده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ﴾ [إبراهيم: ۴۷].

«همانا الله عزیز و صاحب انتقام است.»

و فرموده است:

﴿وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ﴾ [المائدة: ۹۵].

«و هر که [به آن گناه] باز گردد الله از او انتقام می‌گیرد و الله عزیز و صاحب انتقام است.»

انتقام در شریعت ما به طور کلی مذموم است جز یک نوع انتقام که ستوده شده است و خداوند برای توازن میان مصالح و مفاسد آن را مشروع ساخته است، و این انتقام برای

کسی است که محارم خداوندی را زیر پا گذارد و از طریق حدود و تعزیرات و عقوبات شرعی انجام می‌شود. خداوند متعال فرموده است:

﴿الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيَشْهَدَ عَذَابُهُمَا طَآئِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٠﴾﴾
[النور: ۲].

«به هر زن و مرد زناکاری صد تازیانه بزنید و اگر به الله و روز بازپسین ایمان دارید در کار دین خدا بر آنان دلسوزی نکنید و باید گروهی از مومنان در کیفر آن دو حضور یابند».

خداوند متعال در این آیه ما را از دلسوزی در مورد حدود خداوندی و اقامه‌ی شرع او نهی کرده است.

از عائشه - رضی الله عنها - روایت است که گفت: «رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - هیچ‌گاه چیزی یا زنی یا خدمتکاری را به دست خود نزد مگر آنکه در راه خداوند به جهاد رود و هیچ‌کس در حق او ستمی روا نداشت که در برابر آن متقابلاً دست به انتقام زند مگر آنکه محارم خداوندی زیر پا گذاشته شود که در آن صورت برای خداوند انتقام می‌گرفت» [به روایت مسلم].

انتقام برای غیر خداوند عیب است چنانکه بردباری و سردی در برابر محارم خداوند نیز خیانتی است بزرگ.

و درود و سلام فرستید بر بهترین بشریت، و پاکترین انسان‌ها، محمد بن عبدالله، صاحب حوض کوثر و مقام شفاعت که خداوند شما را به آن امر نموده و فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴿٥٦﴾﴾ [الأحزاب: ۵۶].

خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد، درود و سلام فرست و از چهار خلیفه‌ی وی: ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه‌ی پیامبرت و از تابعین و کسانی که به نیکی پیروی آنان کنند راضی و خشنود باش و همچنین از ما با عفو و کرمت ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا دین ما را که نگه‌دارنده‌ی امر ماست و دنیای ما را که محل زندگی ماست و آخرت ما را که بازگشت‌گاه ماست اصلاح نما و زندگی را برای ما سبب زیاده‌ی در نیکی‌ها و مرگ را عامل آسودگی از بدی‌ها بگردان.

خداوندا ما از تو نعیمی می‌خواهیم که پایان نیابد و چشم‌روشنی‌ای که قطع نگردد و از تو لذت نگاه به چهره‌ی بزرگواریت و شوق به دیدارت را خواهانیم بدون آنکه دچار هیچ زیان و فتنه‌ای شویم.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن دار و مسئولان ما را اصلاح نما و مسئولیت‌های ما را در دست کسانی قرار ده که تقوای تو را پیشه ساخته و در پی خشنودی تو باشند.

خداوندا تویی آن معبود به حقی که معبودی دیگر جز تو نیست، تو بی‌نیازی و ما نیازمند، خداوندا باران را بر ما نازل ساز و ما را از نومیدان مگردان. خداوندا باران را بر ما نازل گردان و ما را از نومیدان مگردان، خداوندا ما را از نومیدان مگردان.

خداوندا ما را به سبب بدی‌هایمان از خیر خود محروم مساز، خداوندا ما بنده‌ای از بندگان توایم، ما را به سبب گناهانمان از فضل خود محروم مساز، ای حی و ای قیوم، ای دارای جلال و بزرگواری، ای پروردگار جهانیان.

«پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از عذاب آتش دور بدار»

[البقرة:]

خطبه‌ی اول:

الحمد لله، ستایش تنها از آن خداوندی است که شکافنده‌ی صبح است و اوست که شب را زمانی برای آسایش گردانده است، او که قائم به روزی بندگان است و همه‌ی آنان نیازمند اویند، تنها او بی‌نیاز است و جاودانگی از آن اوست و دیگران فنا می‌شوند. ستایشش را گفته و و او را برای نعمت‌های فراگیر و آشکار و پنهانش سپاس می‌گوییم و گواهی می‌دهم که معبودی به حق جز او نیست که تنها و بی‌شریک است، گواهی کسی که توحید او را محقق ساخته و در قیامت در امان خواهد بود، و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده‌ی الله و پیامرسان اوست که به سوی او دعوت نمود و دین را برپا داشت و در راه خداوند به حق جهاد نمود و هیچ سستی و ضعفی به خود راه نداد... درود و سلام و برکات خداوند بر وی و بر اهل بیت و یاران پاک و اصحاب نیک او باد که سروران و امامان مایند، و بر تابعین و همه‌ی کسانی که تا قیامت به نیکی پیروی آنان کنند...

اما بعد:

ای مردم، خود و شما را به تقوای الله سفارش می‌کنم، پس پروای الله را داشته باشید و از غفلت بپرهیزید و از آرزوهای دروغین دوری کند که مرگ در کمین است و چه نزدیک است فاصله‌ی بین مرگ و زندگی... اجل، عمرهای طولانی را قطع نموده و گذشت شب و روز بناهای سترگ را فرو آورده است که آنچه روزی حال بود اکنون خبر است و عبرت...

﴿مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى﴾ [یوسف: ۱۱۱].

«سخنی نیست که به دروغ ساخته شده باشد».

پس برای روز حساب آماده شوید که آن، روزی است بس طولانی، و حسابی است

بس سنگین و حاکم آن بس عادل است:

﴿يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَلَهُمْ﴾ ۶ ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾ ۷

وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ﴿۸﴾ [الزلزلة: ۶-۸].

«آن روز مردم به حالت پراکنده برآیند تا [نتیجه‌ی] کارهای خود را ببینند (۶) پس هرکه هم‌اندازه‌ی ذره‌ای کار نیک انجام دهد [نتیجه‌ی] آن را خواهد دید (۷) و هرکه هم‌اندازه‌ی ذره‌ای بدی انجام دهد [نتیجه‌ی] آن را خواهد دید».

ای مسلمانان:

سخن از داستانی است آشنا و پدیده‌ای که در جوامع به وضوح دیده می‌شود؛ مشکلی که در همه‌ی ملت‌ها و عصرها و تمدن‌ها وجود داشته است؛ مساله‌ای که هیچ جامعه‌ای تهی از آن نیست و هیچ حکومتی هرچند پیشرفته و ثروتمند باشد از آن در امان نیست. سخن از مساله‌ای است که دارای ابعاد اجتماعی گسترده و پژواک‌های رفتاری است. مشکلی که صرفاً وجود آن در یک ملت یا حکومت عیب نیست بلکه به فراموشی سپردن و سهل‌انگاری در مورد آن یا بررسی نکردن اسباب و سعی نکردن در علاج آن عیب است و ایجاد مسئولیت می‌کند؛ آن مساله مشکل فقر و فقراست.

بشریت از زمان‌های دور و طی دوره‌های پی در پی تاریخی با فقر آشنا است و همه‌ی انسان‌ها با ملت‌ها و مذاهب متفاوتشان و اندیشمندان و سیستم‌های حکومتی متفاوت سعی در حل این مشکل و کم کردن اندوه و درد فقرا داشته‌اند؛ گاه با نرمش و گاه با خشونت، گاه با نصیحت و پند و گاه با نظریه‌پردازی و ایده‌آل‌گرایی و گاه با مبادی افراطی چپ‌گرا و راست‌گرا، و این به جز نعره‌های ویرانگری است که برخی از بدخواهان با استفاده از مشکل فقر برای برانگیختن تعصبات طبقه‌ای و طائفه‌ای سر می‌دهند. بلکه می‌توان گفت که افکار و مبانی ویرانگر معمولاً لانه‌های خود را در شرایط فقر و محرومیت بنا می‌کنند.

اما در اسلام که دین عقیده و شریعت است، و دین عبادت و معاملات، و دین و دولت است و دینی است که بیان همه چیز را در خود دارد:

﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ ﴿۸۹﴾﴾

[النحل: ۸۹].

«و این کتاب را بر تو نازل نمودیم که بیان کننده‌ی همه چیز است و هدایت و رحمت و بشارتی است برای مسلمانان».

دینی که مردمان را از تاریکی‌ها به سوی نور و از ستم به سوی عدل و از فقر به سوی بی‌نیازی بیرون می‌برد. دینی که دنیا را به واسطه‌ی دین اصلاح می‌کند:

﴿فَمَنْ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى﴾ [طه: ۱۲۳].

«پس هر که از هدایت من پیروی کند نه گمراه می‌شود و نه نگون‌بخت می‌گردد».

﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ [ابراهیم: ۱].

«این کتابی است که آن را به سوی تو نازل نمودیم تا مردم را از تاریکی‌ها به سوی نور خارج گردانی».

برادران و خواهران:

از جمله ثوابت دین ما این قاعده است که: هر مشکلی حلی دارد و هر دردی دوایی؛ آنکه درد را آفریده است دوای آن را نیز آفریده است و آنکه بیماری را تقدیر کرده است علاج آن را نیز مقدر ساخته است؛ بنابراین، بیماری تقدیر خداوند است و علاج و شفا نیز با تقدیر اوست، و اگر فقر یک تقدیر و بلا است، مقاومت در برابر آن و تلاش در جهت رهایی از آن نیز تقدیر و علاج است.

اسلام به هدف صیانت از جامعه و خانواده و اشاعه‌ی روح برادری و سلامت دین و اخلاق، حقوق فقرا را اقرار نموده و آن را تضمین کرده است و بیش از چهارده قرن پیش به دفاع از آن برخواسته است.

ای مسلمانان:

فقر از دیدگاه اسلام بلا و مصیبتی است که مسلمانان را به پناه بردن از آن امر نموده و آنان را به تلاش در راه رهایی از آن رهنمون شده است. در هیچ آیه‌ای از کتاب خدا و هیچ حدیث صحیحی در سنت رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - مدح و ستایش فقر نیامده است، بلکه رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - از فقر به خداوند پناه برده

و آن را همراه کفر قرار داده و فرموده است: «خداوندا از کفر و فقر به تو پناه می‌برم» [به روایت ابوداود و دیگران].

و در حدیث دیگر از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت است که در دعای خود می‌فرمود: «خداوندا به تو پناه می‌برم از فقر و کمی و خواری، و به تو پناه می‌برم از آنکه ستم بورزم یا بر من ستم روا دارند» [به روایت ابوداود و نسائی و ابن ماجه و حاکم از ابوهریره].

و عمر - رضی الله عنه - می‌فرماید: «اگر فقر مردی بود او را می‌کشتم».

قرآن کریم نیز این حقیقت را یادآوری می‌کند که گرسنگی عذابی است که خداوند برخی از امت‌های گذشته را به سبب کفرِ نعمت گرفتار آن می‌کرد:

﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّن كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ﴿١١٢﴾﴾ [النحل: ۱۱۲].

«و الله شهری را مثل زده است که امن و امان بود [و] روزیش از هر سو فراوان می‌رسید پس [ساکنانش] نعمت‌های الله را ناسپاسی کردند و الله هم به سزای آنچه انجام می‌دادند طعم گرسنگی و ترس را به [مردم] آن چشانید».

و در مقابل، خداوند بر قریش منت می‌نهد زیرا آنان را از گرسنگی و ترس در امان داشته است.

در حدیث نیز آمده است که «چه بسا شخص به سبب گناهی که انجام می‌دهد از روزی محروم می‌شود» برعکس آن نیز درست است؛ غنا و ثروت نعمتی است که خداوند به هر کس از بندگانش که بخواهد عطا می‌کند و بلکه خداوند بر محبوب و خلیلش محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - به سبب غنا منت نهاده و فرموده است:

﴿وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى ﴿٨﴾﴾ [الضحی: ۸].

«و تو را تنگدست یافت و بی‌نیاز گردانید».

و رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - در دعای خود هنگامی که از خداوند هدایت و تقوا درخواست نمود در کنار آن غنا و بی‌نیازی نیز خواست و فرمود: «اللهم إني

أَسْأَلُكَ الْهُدَى، وَالتُّقَى، وَالْعِفَافَ، وَالْغِنَى» یعنی: «خداوندا از تو هدایت و تقوا و عفت و بی‌نیازی خواهانم» [به روایت امام مسلم].

رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - برای عبدالرحمن بن عوف و برخی دیگر از صحابه - رضی الله عنهم - دعای برکت در تجارت نمود و برای خادم خود انس - رضی الله عنه - چنین دعا نمود که: «خداوندا مال او را بسیار کن» و در حدیثی دیگر فرمودند: «هیچ مالی به اندازه‌ی مال ابوبکر به من سود نرساند» [به روایت احمد و ابن ماجه از ابوهریره].

و نزد بخاری چنین آمده است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - در دعای خود فرمودند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا طَيِّبًا، وَعَمَلًا صَالِحًا مُتَقَبَّلًا» یعنی: «خداوندا من از تو علمی سودمند و رزقی پاک و عملی صالح و پذیرفته شده خواهانم» کافی است این سخن خداوند متعال که می‌فرماید:

﴿فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا ﴿١١﴾ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا ﴿١٢﴾ وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَيَبِينْ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَرًا ﴿١٣﴾﴾ [النوح: ۱۰-۱۲].

«پس به آنان گفتم از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده است (۱۰) تا برای شما از آسمان باران پی در پی فرستد (۱۱) و شما را با اموال و فرزندان یاری کند و برایتان باغ‌ها قرار دهد و برای شما نهرها پدید آورد».

ای جمع دوستداران:

حال که اینگونه است، می‌توان گفت که فقر حالتی است که انسان در آن از برآورده ساختن نیازهای خود مانند غذا و لباس و مسکن و آموزش و اشتغال ناتوان است. فقر یعنی نداشتن درآمد یا کافی نبودن آن که در نتیجه فقیر از محقق ساختن خواسته‌های خود و زندگی محترمانه محروم می‌شود.

در حالت فقر، انسان فقیر نمی‌تواند زندگی مناسبی داشته باشد و در پی آن مشکلات فراوانی از جمله بیماری‌ها و سوء تغذیه و مرگ و میر بالا و سطح پایین آموزش و کار کودکان بروز می‌یابد.

آری ای برادران و خواهران. این حق فقیر است که شرایط مناسبی برای وی فراهم شود تا بتواند به ادای فرائض خداوند بپردازد و از پس نیازهای زندگی برآید و از محرومیت و رنج در امان باشد.

ای مسلمانان:

نخستین مسأله‌ای که برای حل این مشکل و علاج و کم کردن آثار آن مورد توجه قرار می‌گیرد درخواست از هر مسلمان توانا برای تلاش در جهت کسب روزی است که ناگزیر نیاز به ایجاد فرصت‌های شغلی مورد نیاز دارد. کار، نخستین وسیله و سلاح برای از بین بردن این مشکل است. کار، - به اذن خداوند - باعث جلب مال و باعث آبادی زمین است. کار و اشتغال، اساس اقتصاد و تولید و بی‌نیازی و پاکدامنی و ثروت است. کار، تلاشی شرعی و گرامی است که بنده به واسطه‌ی آن به آبادسازی زمینی برمی‌خیزد که خداوند وی را برای آبادسازی آن خلیفه گردانده است.

دین ما بر این تاکید دارد که خداوند زمین را آفریده و در آن برکت قرار داده و روزی‌ها را در آن مقدر ساخته و بر رو و زیر آن برکات و خیرات فراوانی نهاده که برای زندگی آسان و رفاه همه‌ی بندگان کافی است.

﴿وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعِيشًا قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ﴾

[الأعراف: ۱۰].

«و قطعاً شما را در زمین قدرت عمل دادیم و برای شما در آن وسایل معیشت نهادیم

[اما] چه کم سپاسگزاری می‌کنید».

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ

عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾ [الإسراء: ۷۰].

«به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکبها]

برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم».

و همچنین از رهنمودهای اسلام است که این خیرات و برکات و روزی‌های قرار داده شده در زمین جز با تلاش و کار به دست نمی‌آیند:

﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ ۗ وَإِلَيْهِ الْأَنْشُورُ

﴿١٥﴾ [المک: ١٥].

«اوست کسی که زمین را برای شما رام گردانید پس در فراخنای آن رهسپار شوید و از روزی [خدا] بخورید و رستاخیز به سوی اوست».

﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِن فَضْلِ اللَّهِ﴾ [الجمعة: ١٠].

«پس همینکه نماز به پایان رسید در زمین پراکنده شوید و روزی الله را بجوید».

﴿وَعَاخِرُونَ يَصْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِن فَضْلِ اللَّهِ﴾ [المزمل: ٢٠].

«و [عده‌ای] دیگر در زمین سفر می‌کنند [و] در پی روزی الله هستند».

بنابراین هر کس به تلاش پردازد و به جستجوی روزی خداوند در زمین حرکت کند شایسته‌ی به دست آوردن آن است اما هرکه نشست و تنبلی پیشه کرد و تنها به آرزو بسنده کرد شایسته‌ی حرمان است و رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «اگر شما آنگونه که شایسته است بر خداوند توکل می‌کردید بی‌شک همانطور که پرندگان روزی داده می‌شوند روزی داده می‌شدید که صبح گرسنه از لانه بیرون می‌روند و شب سیر به لانه باز می‌گردند».

برادران و خواهران گرامی:

کار، در اسلام یک عبادت است و هرچه نفع آن به مردم بیشتری برسد و تاثیر آن بیشتر باشد نزد خداوند بهتر است، و درهای کار و تلاش در اسلام باز است و هر کس می‌تواند هر کاری را که مناسب توانایی‌ها و مهارت و تجربه و موهبت اوست برگزیند چنانکه رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «تاجر راست‌کردار به همراه پیامبران و صدیقان و شهداست» [به روایت ترمذی و حاکم با سند حسن].

و می‌فرماید: «هیچ کس غذایی بهتر از دسترنج خود نخورده است» [به روایت بخاری] و می‌فرماید: «مسلمانی نیست که درختی یا کشتی بکارد و پرنده یا انسانی از آن بخورد مگر آنکه برای وی صدقه‌ای خواهد بود» [به روایت بخاری].

اصحاب رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - نیز در خشکی و دریا به تجارت می‌پرداختند و در نخلستان‌های خود به کار مشغول می‌شدند و آنان الگوی ما هستند. از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - پرسیده شد: کدام کسب بهتر است؟ فرمود: «کار شخص با دستان خود و هر خرید و فروش پاکی» [به روایت احمد].

اما نزد برخی از مردم نوعی نگاه به کار وجود دارد که باید کمی درباره‌ی آن سخن بگوییم زیرا رابطه‌ای مستقیم با قضیه‌ی مورد بحث دارد:

نگاه اول: موضع‌گیری اشتباهی است که از دوران جاهلیت نخست تا امروز همچنان وجود دارد و آن کوچک شمردن کار یا برخی از انواع کارها است، به ویژه نزد عرب که صنایع دستی و برخی حرفه‌ها را کوچک و خوار می‌شمارند که این نه از دین است و نه از اصالت و خرد.

دین شما ارزش کار را - هر کار حلالی که باشد - والا قرار داده است و بیکارگی و ناتوانی و وابستگی به دیگران را زشت دانسته و نسبت به آن هشدار داده است. بنابراین هر شغل حلال، کاری است شریف و بزرگ و محترم که صاحب آن دارای اجر است و در حدیث صحیح آمده است که: «اگر یکی از شما طناب خود را بردارد و بسته‌ای هیزم بر پشت خود بیاورد و آن را بفروشد و با آن از رو زدن در برابر مردم بی‌نیاز شود برای او بهتر است که از مردم درخواست کمک کند که شاید به او بدهند یا ندهند».

آری! حتی هیزم شکنی یک کار شریف است. آیا پس از شنیدن این سخن نبوی باز هم کسی می‌تواند این شغل را کم و حقیر به شمار آورد؟

پیامبران خدا که بهترین بندگان او و برگزیدگان اویند همه چوپانی کرده‌اند و موسی - علیه السلام - چوپان بود و برای ده سال نزد آن مرد صالح کار کرد و پیامبر ما - صلی الله علیه وآله وسلم - برای قریش چوپانی می‌کرد و برای بازرگانی به سفر می‌رفت.

در میان ائمه‌ی اسلام و علمای آن روغن فروش و قفل‌ساز و کفاش و شیشه‌ساز و خراز و هیزم‌شکن و گچ‌کار و خیاط و پارچه فروش و ساعت‌ساز و صاحبان دیگر حرفه‌ها بوده‌اند، و همین شرف کافی است که آنان اسوه‌ی ما هستند.

اما نگاه دوم: برخی از مردم به این دلیل که در سرزمین و شهر خودشان کاری پیدا نکرده‌اند دست از کار می‌کشند. سبحان الله! این‌ها بیکاری و نیازمندی و محرومیت را بر سعی و تلاش و عفت و بی‌نیازی ترجیح می‌دهند؟ مگر ندانسته‌اند که زمین خداوند گسترده است و روزی خداوند در گردش بر روی زمین و تلاش در گوشه و کنار آن است؟ روزی خداوند محدود به مکانی خاص نیست.

ما در این سرزمین مبارک می‌بینیم بسیاری از برادران خود را که از کشورهای دوست و برادر، از جاهایی دور آمده‌اند و به همراه ما در آبادانی این سرزمین مشارکت می‌کنند و در راه به دست آوردن روزی خود و خانواده و فرزندان‌شان تلاش می‌کنند و خوش آمده‌اند!

خدا می‌داند چه خوشحال می‌شویم وقتی می‌بینم فرزندان ما با این برادران در کسب و کار به رقابت شریف و برادرانه برمی‌خیزند:

﴿وَمَنْ يُّهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِمًا كَثِيرًا وَسَعَةً﴾ [النساء: ۱۰۰].

«و هر که در راه الله هجرت کند در زمین اقامتگاه‌های فراوان و گشایش‌ها خواهد یافت».

﴿وَأَخْرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ﴾ [المزمل: ۲۰].

«و [عده‌ای] دیگر در زمین سفر می‌کنند [و] در پی روزی الله هستند».

از یک مادر مسلمان سبب دوری فرزندان‌ش از هم را پرسیدند، در پاسخ گفت: همتشان آنان را از هم دور کرده است.

نگاه سوم: برخی از مردم با تکیه بر صدقات و زکات و کمک‌های مردم دست از کار و تلاش کشیده‌اند. و چه بسا برخی خود را به ثروتمندان و صاحب‌منصبان نزدیک می‌کنند

که کارشان شبیه به گدایی است. توانایی کار دارند اما درخواست عطایا و کمک می‌کنند در حالی که صدقه و زکات برایشان جایز نیست.

اسلام برای بیکاره‌ها و تنبل‌ها حقی در صدقات و خیرات مسلمانان قرار نداده است تا کسانی که توانایی کار و کسب حلال دارند رو به فعالیت و تلاش آورند و هیچ بنده‌ای در گدایی و سوال را بر خود نگشود مگر آنکه خداوند دری از فقر به روی وی باز می‌کند. خداوندا به تو پناه می‌بریم از ناتوانی و تنبلی، و از ترس و بخل، و از گناه و زیان، و از غلبه قرض و قهر مردان، و از فقر تنها به تو پناه می‌بریم. خداوندا ما را با حلالیت از حرام بی‌نیاز کن و با طاعتت از معصیتت، و ما را به واسطه‌ی فضل خود از دیگران بی‌نیاز گردان.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم:

﴿وَلَمَّا فَتَحُوا مَتَاعَهُمْ وَجَدُوا بِضَلْعَتَهُمْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْ قَالُوا يَا بَأْنَا مَا نَبِغِي هَذِهِ بِضَلْعَتِنَا رُدَّتْ إِلَيْنَا وَنَمِيرُ أَهْلَنَا وَنَحْفَظُ أَخَانَا وَنَزِدَادُ كَيْلٍ بَعِيرٌ ذَٰلِكَ كَيْلٌ يَسِيرٌ ﴿٦٥﴾﴾ [یوسف: ۶۵].

[و هنگامی که [برادران یوسف] بارهای خود را گشودند دریافتند که سرمایه‌شان بدانها بازگردانیده شده است. گفتند ای پدر [دیگر] چه می‌خواهیم این سرمایه‌ی ماست که به ما بازگردانیده شده است، قوت خانواده‌ی خود را فراهم و برادرمان را نگهداری می‌کنیم و [با بردن او] یک بار شتر می‌افزاییم و این [پیمانانه اضافی نزد عزیز] پیمانانه‌ای ناچیز است].

خداوند من و شما را به واسطه‌ی قرآن عظیم و راه و روش محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - سود رساند. این سخن خویش را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از هر گناهی از خداوند آمرزش می‌خواهم، پس از او آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

الحمد لله، ستایش مخصوص الله است، او که هرکس را که خواهان هدایت است هدایت می‌کند و به بنده بیش از آنچه آرزو دارد عطا می‌کند. او را ستایش گفته و برای

نعمت‌های فراگیرش شکر می‌گزارم و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد بنده‌ی الله و پیامبر اوست که وی را گرامی داشته و به خود نزدیک ساخته و ملکوت خود را به او نشان داده است. درود و سلام و برکات خداوند بر وی و بر اهل بیت پاک و صحابه‌ی گرامی وی و تابعین و همه‌ی کسانی باد که به نیکی پیروی آنان کنند.

ای مسلمانان:

حکومت نیز از نظر اسلام دارای مسئولیت‌هایی برای فراهم آوردن فرصت‌های شغلی و ایجاد امکانات آن است. وظیفه‌ی حکومت در اسلام وظیفه‌ای است مثبت و فراگیر یعنی: محافظت از همه، چه آن‌هایی که دارند چه آن‌هایی که ندارند.

جامعه در نگاه اسلام به هم پیوسته و مرتبط است، یک بدن واحد است که اگر عضوی از آن به درد آید دیگر اعضا با شب‌بیداری و تب با آن عضو همراهی می‌کنند. رابطه‌ی میان افراد و موسسات این جامعه نه رابطه‌ی تولید است و نه رابطه‌ی عرضه و تقاضا بلکه عمیق‌تر و قوی‌تر از آن، رابطه‌ی عقیده و اندیشه و عاطفه و رابطه‌ی وحدت نظام و شریعت است. یک بدن است که اعضای آن به هم کمک می‌کنند و از هم کمک می‌گیرند، به هم سود می‌رسانند و از هم سود می‌برند.

حکومت سر این جامعه است و دستگاهی است که این رابطه را نگه داشته و از آن محافظت می‌کند. رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - می‌فرماید: «همه شما چوپانید و همه‌ی شما مسئول رعیت خود، و مرد در خانواده‌ی خود مسئول است و درباره‌ی مسئولیت خود مورد سوال قرار خواهد گرفت...».

حکومت عدالت را برقرار می‌کند و به خیر و نیکی فرا می‌خواند و راه‌کارها و سائلی برای معالجه‌ی مشکل فقر در نظر می‌گیرد و آثار آن را کم می‌کند و زندگی محترمانه را برای همه‌ی نیازمندان فراهم می‌سازد و هم‌یاری میان آحاد جامعه را محقق می‌گرداند که وسائل و روش‌های آن با اختلاف زمان و مکان و اوضاع و شرایط تغییر می‌کند.

تلاش و سیاست‌ورزی نیک و مدیریت صحیح در این زمینه نقش بزرگی ایفا می‌کند تا هر کس به سوی همان فنی که در آن وارد است سوق داده شود و همچنین حقوق

عدالانه و تشویق کارمندان و کارگران خوب و تنبیه کسانی که کار خود را به طور شایسته انجام نمی‌دهند. اینگونه از ثروت‌های امت محافظت شده و سطح تولید و خدمات رو به رشد نهاده و از تلاش فرزندان امت و موهبت‌ها و استعدادهایشان تقدیر به عمل خواهد آمد.

و در پایان باید یادآور شویم که زندگی اسلامی یک زندگی پاک است که هرگز بیهودگی و فساد و بی‌بند و باری را، و هدر دادن مال را در راه حرام و لهو و بیهودگی و بی‌بند و باری به رسمیت نمی‌شناسد.

پس ای بندگان خداوند پرورای الله را پیشه سازید و بدانید که دینتان با احکام و قوانین و توصیه‌های خود به مبارزه با فقر می‌پردازد؛ یک مسلمان روز خود را بسیار زود در حال وضو و پاکی و با نماز و درون پاک و آسوده و اخلاق نیک شروع می‌کند و جان و مال و خانواده و وقت خود را پاس می‌دارد.

و در پایان بر آن رحمت و نعمت خداوندی، پیامبرتان محمد، درود و سلام فرستید که خداوند در آیات محکم کتاب خود بدان امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد آن حبیب مصطفی و نبی مجتبی و بر اهل بیت پاک و همسرانش، مادران مومنان درود و سلام و برکت ارزانی دار و از چهار خلیفه‌ی راشد: ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از همه‌ی اصحاب و تابعین و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند و همچنین از ما با عفو و احسان خود راضی و خشنود باش.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت بخش، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت بخش، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت بخش، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت بخشو شرک و مشرکان را خوار بگردان و از حوزه‌ی دین محافظت نما و سرکشان و ملحدان و دیگر دشمنان دین را خوار بگردان.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان ما را اصلاح نما و مسئولیت‌های آنان را به دست کسانی قرار ده که تقوای تو را داشته و در پی خشنودی تو باشند ای پروردگار جهانیان.

خداوندا رهبران مسلمان را برای عمل به کتابت و سنت پیامبرت - صلی الله علیه و آله وسلم - موفق گردان و آنان را رحمتی برای بندگان برگردان و کلمه‌ی آنان را بر حق و هدایت یکی گردان ای پروردگار جهانیان.

خداوندا برای امت اسلام امر رشدی قرار ده که در آن اهل طاعتت عزیز گردند و اهل معصیت هداست شوند و در آن به معروف امر شود و از منکر باز داشته شود که تو بر کاری توانایی.

خداوندا برادران و خواهران ما را در سوریه حفظ نما. خداوندا کلمه‌ی آنان را بر حق یکی گردان و جان و آبروی آنان را حفظ نما. خداوندا گرسنه‌شان را سیر گردان و مریضشان را شفا ده و درگذشتگانشان را بیامرزد. خداوندا آنان را بر تجاوزگران پیروز گردان و قلبشان را محکم بدار و قدم‌هایشان را ثابت نما. خداوندا برای آنان از هر غم و تنگنایی راه بیرون رفت عطا کن و از هر بلایی عافیت ده. خداوندا آنان را یاری ده و بر آنان یاری مده و آنان را پیروز گردان و دشمنشان را بر آنان پیروز مساز.

خداوندا طاغیان و ستمگران را در سوریه نابود گردان. خداوندا آنان را نابود گردان که سرکشی و طغیان و ستم و آزار و فساد پیشه نمودند و در طغیان زیاده‌روی کردند. خداوندا آنان را نابود گردان که یارای ناتوان ساختن تو را ندارند. خداوندا تدبیرشان را عامل نابودی‌شان بگردان و بدی را بر خود آنان باز گردان ای قوی و ای عزیز.

«پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بدار»

عنوان خطبه:

فضیلت درود بر رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)

خطیب: دکتر صلاح البدیر

مسجد نبوی شریف: جمعه ۷ جمادی الاول ۱۴۳۳ برابر با ۱۱ فروردین ۱۳۹۱

خطبه‌ی اول:

ستایش مخصوص خداوندی است که سینه‌ی مسلمانان را با هدایت گشاده نمود و قلوب اهل طغیان را تیره نمود که هرگز حکمت را درک نکنند و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله، گواهی کسی که به او ایمان آورده و هیچ‌کس را با او شریک نگردانده است، و گواهی می‌دهم که پیامبر ما محمد، بنده و پیامبر اوست. درود و سلام خداوند بر وی و بر اهل بیت و یاران او باد که ریسمان‌های هدایتند و چشمه‌های تقوا؛ درود و سلامی ماندگار و پی‌در پی...

اما بعد، ای مسلمانان:

تقوای الله را پیشه سازید که تقوای او بهترین دستاورد و طاعتش والاترین نَسَب است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَعَآمِنُوا بِرَسُولِهِ ء يُؤْتِكُمْ كَفْلَينِ مِن رَّحْمَتِهِ ء وَيَجْعَل

لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ ء وَيَغْفِرْ لَكُمْ ء وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٢٨﴾ [الحديد: ۲۸].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را پیشه سازید و به پیامبرش ایمان آورید تا

دو بهره از رحمتش را به شما عطا کند و برایتان نوری قرار دهد که به واسطه‌ی آن راه بیمایید و شما را بیامزد و همانا الله بسیار آمرزنده و مهربان است.»

ای مسلمانان:

خداوند سرور و پیامبران محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - را برگزید تا بار رسالت

و تبلیغ شریعت را بر دوش کشد؛ او پیامبر بزرگ و گرامی و سرور فرزندان آدم و بهترین

اهل زمین است. آن گوهر تابناک و مروارید درخشان.

وی بنده‌ی الله و پیامبر او و برگزیده و دوست خداوند و امین وحی او و بهترین بندگان اوست که ایمان بنده تا وقتی به رسالتش ایمان نیاورد و به پیامبری‌اش شهادت ندهد درست نخواهد بود.

او سرور پیامبران و امام آنان و آخرین انبیا و صاحب شفاعتشان است. اولین کسی است که در قیامت قبرش شکافته می‌شود و نخستین کسی است که در قیامت شفاعت می‌کند و نخستین پیامبری است که به همراه امتش از صراط می‌گذرد و پیامبری است که بیشترین پیروان را در روز قیامت خواهد داشت. وی صاحب بیرق بسته شده و مقام محمود و حوض کوثر است. بنده‌ی برگزیده خداوند و پیامبر مورد خشنودی او...

ابن عباس - رضی الله عنهما - می‌گوید: «خداوند کسی را گرمی‌تر از محمد - صلی الله علیه وسلم - نیافریده است و نشنیده‌ام که خداوند به جان کسی جز محمد سوگند یاد کند».

ابن کثیر - رحمه الله - می‌گوید: «خداوند به زندگی او قسم یاد کرده است که این تشریفی است بس عظیم و مقامی است والا و مکانتی است عریض».

ای مسلمانان:

برای اظهار فضل آن حضرت - صلی الله علیه وآله وسلم - و بزرگی شرف و منزلت و جایگاه والای ایشان، و به هدف بزرگداشت و بلند نمودن یاد وی و برای اشاره به منت رسالت و نعمت بعثت او و یادآوری وجوب محبت پیامبر و پیروی وی، خداوند متعال درود بر پیامبرش - صلی الله علیه وآله وسلم - را مشروع ساخته و آن را عبادتی بزرگ گردانده است چنانکه خود می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

«همانا الله و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او

درود و سلام فرستید».

ای مسلمانان:

بنده به سبب درود بر اشرف مخلوقات - صلی الله علیه وسلم - پاداش و بزرگواری و مغفرت و درودی از سوی خداوند به دست خواهد آورد. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «هرکه بر من یک درود فرستد خداوند به سبب آن بر وی ده درود خواهد فرستاد» [به روایت مسلم].

و از انس - رضی الله عنه - روایت است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «هرکه بر من یک درود فرستد خداوند بر او ده درود خواهد فرستاد و ده گناه از او پاک خواهد کرد و ده درجه بر درجات او خواهد افزود» [به روایت احمد و نسائی و ابن حبان].

و از عبدالله بن عامر بن ربیعہ از پدرش از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - چنین روایت است که فرمودند: «مسلمانی نیست که بر من درود فرستد مگر آنکه فرشتگان بر او درود می‌فرستند حال بنده کم یا زیاد بر من درود فرستد» [به روایت احمد و ابن ماجه].

ای مسلمانان:

بسیار درود فرستادن بر پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - سببی است برای آمرزش گناهان و از بین رفتن غم‌ها و غصه‌ها و بلاها. ابی بن کعب - رضی الله عنه - روایت می‌کند که گفتم: ای رسول خداوند! من بسیار بر تو درود می‌فرستم، آیا همه‌ی درودها - یعنی دعاها - را برای تو قرار ندهم؟ فرمود: «هرچه که می‌خواهی» گفتم: یک چهارم چطور است؟ فرمود: «هرچه که می‌خواهی و اگر بیشتر کنی برایت بهتری است» گفتم: نصف آن چطور است؟ فرمود: «هر طور که بخواهی اما اگر بیشتر کنی برایت بهتر است» گفتم: دو سوم چطور است؟ فرمود: «هر طور که می‌خواهی اما اگر بیشتر کنی برایت بهتر است» گفتم: آیا همه‌ی دعاها را برای تو قرار دهم؟ فرمود: «در این صورت غم و غصه‌ات برطرف می‌شود و گناهات آمرزیده می‌گردد» [به روایت احمد و ترمذی].

ای مسلمانان:

در سنت نیز تاکید درود بر پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - در روز جمعه وارد شده است. از ابوامامه - رضی الله عنه - روایت است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «درودهای امتم هر روز جمعه بر من عرضه می‌شود، پس هر کدامشان که بیشتر بر من درود فرستاده باشد در منزلت به من نزدیک‌تر است» [به روایت بیهقی؛ حافظ ابن حجر می‌گوید: إسناد آن مشکلی ندارد].

و از اوس بن اوس - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود: «از بهترین روزهایتان روز جمعه است؛ آدم در آن آفریده شد و در آن وفات یافت و در آن در صور دمیده می‌شود و در آن ضربه‌ی قیامت رخ می‌دهد، پس در این روز بسیار بر من درود فرستید زیرا درود شما بر من عرضه می‌شود» گفتند: ای رسول خدا! چگونه درود ما بر تو عرضه می‌شود در حالی که بدن شما پوسیده است؟ فرمود: «خداوند جسد پیامبران را بر زمین حرام نموده است» [به روایت احمد و ابوداؤد].

ابن قیم - رحمه الله - می‌گوید: «رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - سرور انسان‌ها است و روز جمعه سرور روزها است؛ بنابراین درود فرستادن بر وی در این روز مزیتی دارد. همینطور از روی سپاس و ادای کمی از حق او - صلی الله علیه وسلم - شایسته است که در این روز و شب آن بسیار بر وی درود فرستیم».

ای مسلمانان:

مستحب است که دعای خود را با حمد خداوند و بزرگداشت و ثنای او سپس درود بر پیامبرش محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - آغاز کنیم و پایان دهیم، زیرا از فضالهُ بن عُبَید روایت است که گفت: رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - شنید که مردی در نماز خود (در تشهد) نه بزرگداشت خداوند را می‌گوید و نه بر پیامبر درود می‌فرستد، پس فرمود: «ای نماز گزار، عجله کردی» و سپس رسول خدا کیفیت دعا را به آنان یاد داد. سپس مردی آمد و نماز گزارد و بزرگداشت خداوند را گفت و حمد او را به جای آورد و بر پیامبر درود فرستاد، پس رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود: «دعا کن که استجابت می‌شوی و بخواه که به تو عطا خواهد شد» [به روایت ترمذی].

همچنین اذان یکی از شعائر اسلام و علامات بارز آن است و خداوند برای بزرگداشت پیامبرش - صلی الله علیه و آله وسلم - درود بر او را پس از آن مشروع ساخته است. از عبدالله بن عمرو بن عاص - رضی الله عنهما - روایت است که رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - فرمودند: «هرگاه صدای مؤذن را شنیدید همان سخنانی را که او می‌گوید بگویید سپس بر من درود فرستید زیرا هر کس بر من یک درود فرستد خداوند به سبب آن بر او ده درود می‌فرستد و سپس از خداوند برای من «وسیله» را بخواهید زیرا آن جایگاهی است در بهشت که تنها یکی از بندگان خداوند شایستگی آن را دارد و امیدوارم که آن بنده من باشم و هر که از خداوند برای من وسیله بخواهد شفاعت را به دست خواهد آورد» [به روایت مسلم].

ای مسلمانان:

درود مومنان بر پیامبر - صلی الله علیه و آله وسلم - و سلام آنان بر وی عرضه می‌شود زیرا از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - فرمودند: «خانه‌های خود را به مانند قبرها نکنید و قبر من را محل تجمع و عید قرار مدهید و بر من درود فرستید که درود شما هر جا که باشید به من می‌رسد».

همچنین از عبدالله بن مسعود - رضی الله عنه - روایت است که رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - فرمودند: «خداوند فرشتگانی دارد که در زمین سیاحت می‌کنند و سلام امت من را به من می‌رسانند» [به روایت احمد و نسائی].

و از ابوهریره - رضی الله عنه - از رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - روایت است که فرمود: «کسی بر من سلام نمی‌فرستد مگر آنکه خداوند روحم را به من باز می‌گرداند تا سلام او را پاسخ گویم» [به روایت احمد و ابوداود].

از جمله خرافه‌هایی که برخی از مردم به آن اعتقاد دارند این است که پیامبر - صلی الله علیه و آله وسلم - دست خود را به سوی کسانی که نزد قبرش بر وی سلام کنند دراز می‌کند و این برای برخی از اولیاء رخ داده است! همه‌ی این داستان‌ها باطل و خرافانه‌اند و هیچ اصل و اساسی ندارند بلکه چنین داستان‌هایی خیال و توهمی بیش نیست.

از دیگر الزامات محبت آن حضرت - صلی الله علیه وآله وسلم - این است که هرگاه یاد وی شود درود و سلام بر وی را به زبان آوریم و جفا و تقصیر و بی‌احترامی است که نام سرور بشریت آورده شود و زبان به درود و سلام او به حرکت در نیاید. از حسین بن علی - رضی الله عنهما - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «بخیل آن است که من نزد او یاد شوم و بر من درود نفرستد» [به روایت احمد و ترمذی].

و از ابوهریره - رضی الله عنه - از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت است که فرمودند: «ناکام شود آنکه نزد او یاد شوم و بر من درود نفرستد» [به روایت ترمذی].

ای مسلمانان:

مجالس غفلت و شب‌نشینی‌ها و نشست‌های بیهوده همه باعث نقص و کاستی صاحبان خود و باعث حسرت آنان هستند. در مورد گروهی که با هم می‌نشینند و خداوند را یاد نمی‌کنند و بر پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - درود نمی‌فرستند در روایت ابوهریره از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - چنین آمده است: «هیچ قومی در مجلسی نمی‌نشینند که در آن یاد خدا را نمی‌کنند و بر پیامبرش درود نمی‌فرستند مگر آنکه [آن مجلس] برایشان عامل کمبود و حسرت خواهد گردید. حال خداوند اگر بخواهد آنان را عذاب می‌دهد و اگر بخواهد آنان را می‌آمرزد» [به روایت ترمذی].

و نزد ابن حبان چنین آمده است که: «هیچ قومی در مجلسی نمی‌نشینند که در آن یاد خدا را نمی‌کنند و بر پیامبر درود نمی‌فرستند مگر آنکه آن مجلس عامل حسرتشان در قیامت خواهد گردید اگرچه برای نیکی‌هایشان به بهشت وارد شوند».

پس مجالستان را با یاد خداوند عزوجل و تقفه در دین و آموزش سنت پیامبرش محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - و سیرت و راه و روش و طریقه و اخلاق او نیکو گردانید و از او پیروی نمایید تا عزت دنیا و شرف آن و ثواب و نعیم آخرت را به دست آورید.

و از مجالس طرب و قلیان و دود و مواد مخدر و خمر دوری کنید و از قهوه‌خانه‌های پر از منکرات و مهلکات و فیلم‌ها و کانال‌های فحشا برحذر باشید.
ای مسلمانان:

همینطور لازم است که هنگام نوشتن نام پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - نیز درود وی نوشته شود و هر گاه نام وی تکرار گردد درود بر وی نیز تکرار شود و شایسته است مسلمان از تکرار درود بر پیامبر خسته نشود و از نوشتن درود به صورت ناقص مانند (ص) یا (صلعم) خودداری کند زیرا چنین چیزی شایسته‌ی حق آن حضرت - صلی الله علیه وآله وسلم - نیست.

خداوندا بر آن پیامبر رحمت درود و سلامی ابدی فرست تا روز قیامت... آنچه را شنیدید بیان نمودم و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از هر گناهی از خداوند آمرزش می‌خواهم پس از او آمرزش بخواهید...

خطبه‌ی دوم:

ستایش مخصوص خداوند است برای احسان وی و سپاس و شکر برای توفیق و امتنان وی و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد بنده و پیامبر او و دعوتگر به سوی خشنودی اوست. درود و سلام خداوند بر وی و بر اهل بیت و یاران و برادران او باد.
اما بعد ای مسلمانان:

تقوای الله را آنگونه که شایسته‌ی اوست پاس دارید و به سوی مغفرت و رضوان او بشتابید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ ۖ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿١٠٢﴾﴾

[آل عمران: ۱۰۲].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را آنگونه که شایسته‌ی اوست پاس دارید و نمی‌رید مگر در حالی که مسلمانید».

ای مسلمانان:

درود بر پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - از سنن اسلام و نشانه‌های اهل آن است و این درود صیغه‌ها و روش‌های بسیاری دارد که توسط خود آن حضرت - صلی الله علیه وآله وسلم - بیان شده است، بنابراین به همان روش درود که در سنت صحیح آمده است پایبند باشید و از صیغه‌های ساختگی که معمولا خالی از عقاید فاسد یا غلوآمیز خالی نیستند دوری گزینید و از کار برخی از غالیان که مقام پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - را بالاتر از منزلت واقعی او قرار داده‌اند برحذر باشید.

هر که معتقد باشد که پیامبر به طور مطلق از غیب آگاه است یا پیش از وجود این جهان وجود داشته است یا ایشان نخستین کسی است که توسط خداوند خلق شده است یا آنکه جهان از نور آن حضرت - صلی الله علیه وآله وسلم - آفریده شده یا جهان به خاطر او به وجود آمده و یا آن حضرت - صلی الله علیه وآله وسلم - از نور عرش آفریده شده است، دچار اعتقادی دروغین و باطل شده است و هر کس به جز خداوند، پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - را به فریاد خواند و پس از وفات آن حضرت - صلی الله علیه وآله وسلم - از او کمک بخواهد دچار شرک شده و غلو نموده است.

غلو و زیاده‌روی نیز رخ نمی‌دهد مگر از سوی جاهلانی که از فهم مقاصد شریعت و معرفت معانیِ نصوص آن و حد و مرزهای آن ناتوانند، و یا از سوی صاحب بدعتانی که دست از شریعت خداوندی کشیده و دچار محبت بدعت و اختراع در دین خدا شده‌اند و به احادیثی ساختگی و دروغین چسبیده‌اند که از سوی زندیقان برای توطئه علیه اسلام و مسلمانان ساخته و پرداخته شده‌اند.

پس به سنت‌های صحیح چنگ زنید و از بدعت‌های گمراه کننده دوری گزینید تا به سعادت هر دو جهان دست یابید.

سپس بر پیامبر رحمت، آن شفاعت کننده‌ی شفاعت شونده در روز حساب درود و

سلام فرستید:

خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد درود و سلام فرست و از چهار خلیفه

خداوندا ای دارای عفو بزرگ، ای دارای عفو بزرگ، ای دارای مغفرت وسیع، ای دارای مغفرت وسیع، ای که رحمت نزدیک، ای که رحمت نزدیک است، ما را از نزد خودت مغفرت و رحمتی عطا کن و با تقوایت رستگارمان گردان و چنان تقوایی به ما عطا کن که گویا تو را می‌بینیم.

خداوندا مردگان ما را بیمارز و بیماران ما را شفا ده و اسیران ما را آزاد گردان و ما را بر دشمنانمان پیروز گردان ای پروردگار جهانیان.

خداوندا ما را باران عطا کن، خداوندا ما را باران عطا کن. خداوندا باران را بر ما فرو ریزان و ما را از مایوسان مگردان. خداوندا باران رحمت نه باران عذاب و نابودی و غرق. خداوندا ما از بندگان توایم... خداوندا ما از بندگان توایم... ما را به سبب گناهانمان از فضل خود محروم مگردان.

بندگان خداوند:

«همانا الله به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان امر می‌کند و از فحشا و منکر و تجاوز باز می‌دارد. او شما را چنین پند می‌دهد باشد که یادآور گردید» [النحل:

الحمد لله، ستایش از آن الله است که دین اسلام را دینِ آخرین، و کامل‌ترین ادیان قرار داد و پیروان آن را بهترین امت‌ها گرداند. ستایش از آن الله است او را ستوده و از او آموزش خواسته و از بدی‌های درون و اعمال ناشایستمان به او پناه می‌بریم. الله هرکه را هدایت کند او گمراه‌گری نخواهد داشت و هرکه را گمراه سازد او هدایتگری نخواهد یافت و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و بر حکمش هیچ ایرادی نیست و گواهی می‌دهم که محمد بنده و پیامبر اوست. درود و سلام و برکات خداوند بر وی و بر اهل بیت و همه‌ی یاران وی باد.

اما بعد:

آنگونه که شایسته‌ی خداوند است از او پروا نمایید و به ریسمان محکم اسلام چنگ زنید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿۱۳۲﴾

[آل عمران: ۱۰۲].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را آنگونه که شایسته است پاس دارید و نمی‌رید مگر در حالی که مسلمانید».

تنها پروای الله را بدارید و به او امید داشته باشید و آنگونه که شایسته

خدا - صلی الله علیه وسلم - بیعت نمودیم ناگهان شیطان از فراز عقبه با بلندترین صدا فریاد زد که: «ای اهل منازل آیا خبر دارید که مُدَمَم و بی‌دینانش بر جنگ با شما اجماع کرده‌اند؟!»

رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود: «این شیطان عقبه است... بشنو ای دشمن خداوند: سوگند به خداوند که برای [نبرد با] تو خود را فارغ خواهم کرد...» [به روایت امام احمد و دیگران].

این نخستین فریاد اسلام‌هراسی در تاریخ بود که شیطانی از شیاطین جن اعلام نمود که در آن شایعه‌ی خود چنین وانمود که تولدِ نخستینِ این امت، در واقع اجتماعی است برای جنگ با مردم.

در قرن‌های گذشته نیز در میان انسان‌ها کسانی بوده‌اند که از روی جهل یا به عمد این شایعه را دامن زده‌اند و تا امروز نیز همچنان اسلام‌هراسی و ترساندن از اسلام در تصمیمات جهانی و محافل بین‌المللی به شدت حاضر است و این به جز رسانه‌ها است که در این زمینه به شدت فعالند.

همچنان سیاستمداران و اهل رسانه برای به تصویر کشاندن اسلام به عنوان فرهنگی کینه‌توزانه پافشاری می‌کنند و سعی در این دارند که تسامح با دیگران را تنها از ویژگی‌های فرهنگ غربی بدانند، اما اگر با دیده‌ی عدل و انصاف می‌نگریستند بی‌تردید در اصول اسلام و مبادی آن کامل‌ترین ارزش‌ها و نمونه‌ها را در عدالت و تسامح می‌یافتند.

این تهمت دارای آثار بدی بر مسلمانان و دیگر انسان‌ها است زیرا همه‌ی پل‌های اعتمادسازی و همکاری را از بین برده و روابط بین‌المللی و منافع متبادل میان بنی‌آدم را نابود می‌سازد و ریشه‌های دشمنی و ترور را پرورش می‌دهد و همچنین خود نوعی تهدید و انکاری است برای حقوق برابر انسانی و تفاوت گذاشتن براساس دین و نژاد؛ به اضافه‌ی سختی‌هایی که در پی دارد و خشونت‌هایی که از آن بر آمده و قید و بندهایی که بر

آزادی‌های شخصی می‌نهد، چنانکه باعث مسخ حقی می‌شود که از سوی خداوند نهاده شده است.

به سبب دروغ اسلام هراسی کار به فتنه‌انگیزی و برانگیختن کینه‌های دینی رسید و برخی به مقدسات اسلامی دست‌درازی و اهانت کردند. دستان آلوده‌ی خود را به حرمت پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - دراز کردند و یا در حق قرآن بی‌حرمتی نمودند و قوانینی ضد حجاب زنان یا نقاب تصویب نمودند و در مجلات و رسانه‌های خود تصاویری به هدف تمسخر مسلمانان منتشر کردند و چهره‌ی مسلمانان و نشانه‌های دینی آنان را به تروریسم ربط دادند.

هنوز مسلمان بودن یک فرد یا یک جامعه عاملی است برای شکست وی در پی‌گیری حق خود و رد خواسته‌های به حق وی از سوی دیگران.

ترس از اسلام است که در پس ستم‌بزرگی که در حق فلسطینیان رخ داد، و دفاع قدرت‌های جهانی از دشمن غاصب به مدت شصت سال، و توجیه ستم‌پی در پی، و بی‌ارزش دانستن خون فلسطینیان و مصادره‌ی زمین‌هایشان، ایستاده است.

ترس از اسلام است که در پس همه‌ی شک‌ها و بدبینی‌ها نسبت به تلاش‌های ملت‌های مسلمان برای انتخاب راهی که خود می‌خواهند در پی بگیرند ایستاده است. انسان اندوهگین می‌شود هنگامی که می‌بیند بسیاری از انسان‌ها با تسامحی بسیار به ادیانی بت‌پرستانه می‌نگرند اما همینکه نوبت به اسلام می‌رسد عکس‌العمل آنان غالباً غیر عقلانی و بلکه صرفاً عاطفی و منفی است.

بسیار اتفاق می‌افتد که برای یاری رساندن به آسیب‌دیدگان تاخیر رخ می‌دهد یا در نجات دادن ستم‌دیدگان از دست ستمگران تردید می‌کنند آن هم تنها از ترس آنکه این به سود اسلام باشد! شکی در این نیست که موروثات فرهنگی نزد دیگران باعث شده است چنین دیدی نسبت به اسلام داشته باشند و رسانه‌های مغرض و سیاست‌های ظالمانه نیز به این آتش دامن زده‌اند تا جایی که دبیرکل کنونی سازمان ملل منصفانه می‌گوید: «موج

اسلام هراسی کنونی به درجه‌ی مبارزه‌ی نژادپرستانه با این دین رسیده است» پیش از او نیز دبیرکل سابق سازمان ملل سخنی شبیه به این گفته بود.

لازم است خردمندان جهان به انصاف و عدالت در برابر این قضیه‌ی خطرناک که نتیجه‌ای به جز جنگ‌ها و اختلافات بیشتر در بر ندارد بایستند و باید دانست عدم شناخت اسلام و تعالیم و اخلاقیات آن سببی اساسی برای اسلام‌هراسی است زیرا انسان معمولاً از آنچه نمی‌داند می‌ترسد.

هدف ما از این بحث نه اشک ریختن است و نه باز کردن زخم‌ها، بلکه تنها می‌خواهیم انسان‌های ساده‌دل دنیا و آزادگان آنان از حجم ناآگاهی‌شان نسبت به حقایق تاریخ و سیاق حوادث آن آگاه شوند و بدانند که بسیاری اوقات در جایگاه و موضعی اشتباه ایستاده‌اند که با ارزش‌هایی که خود به آن افتخار می‌کنند هم‌خوانی ندارد.

اسلام‌هراسی چرا؟

مسلمانان هیچگاه مسئول شعله‌ور شدن دو جنگ بزرگ جهانی نبودند که در جنگ اول هفده میلیون و در جنگ دوم پنجاه میلیون انسان جان خود را از دست دادند و این سوای میلیون‌ها زخمی و ویرانی عظیمی بود که این دو جنگ در محیط زیست و زیربنای انسانی بر جای گذاشت.

مسلمانان هیچ‌گاه دنیا را به استعمار نکشاندند و هرگز ملت‌های دیگر را در خدمت خود نگرفتند تا خیرات و منافع آن ملت‌ها را به سود خود بالا کشند. اسلام در تاریخ طولانی خود هیچگاه دادگاه‌های تفتیش عقاید برپا نکرد تا مردم را مجبور به تغییر دین خود کند بلکه برعکس، در طول پانزده قرن از تاریخ قدرت مسلمانان، همیشه اصحاب دیگر ادیان و فرقه‌ها در سرزمین اسلامی وجود داشته و معابد و کلیساهای خود را داشته‌اند و هیچ‌کس تعرضی علیه آنان روا نداشته است و همچنان این اقلیت‌ها در سرزمین‌های اسلامی با دیگر مسلمانان در همزیستی به سر می‌برند.

با نگاه به موضع‌گیری قدرت‌های بین‌المللی می‌توان مشاهده کرد که چگونه منافع تنگ مادی بر مبادی و ارزش‌ها غلبه یافته است و چگونه به سادگی ملت‌هایی - صرفاً به

سبب مسلمان بودنشان - از بین برده می‌شوند یا از ترس آنکه مبادا در سرزمین‌های خود به حقوق انسانی خود دست یابند!

این بسیار خجالت‌آور است که ملتی نابود شود و همه‌ی جهان از عمل به وظیفه‌ی اخلاقی و بین‌المللی خود دست بردارد آنهم تنها به سبب آنکه قربانیان مسلمان یا اهل سنت هستند!

آیا ارزش‌ها همین بودندند؟ مبادی و اساسیات انسانی همین بود؟ پس از آن اسلام را به نژادپرستی متهم می‌کنند! این اعتماد جهانیان را به همدیگر از بین می‌برد زیرا آنگونه که عیان است روابط بین‌المللی کنونی تنها بر منافع ملی استوار است نه بر اخلاق و اصول و قوانین.

در یکصد سال گذشته که سازمان‌های مدافع حقوق بشر شکل گرفته‌اند هرگز یک حادثه‌ی تجاوز به کشوری غیر مسلمان توسط یک کشور مسلمان به ثبت نرسیده است بلکه برعکس آن همیشه وجود داشته است، و حتی وجود یک شبهه یا تنها یک اتهام ثابت‌نشده نیز برای اشغال یک سرزمین اسلامی و کشته شدن یک میلیون تن از مردم آن و به غارت رفتن ثروت‌ها و از بین بردن زیرساخت‌های آن کافی است. پس از این همه ویرانی، قضیه بدون هیچ عذرخواهی یا جبران خسارت می‌گذرد.

رسانه‌های جهانی با موفقیت توانسته‌اند انتفاضه‌ی قربانیان را به عنوان حملاتی تروریستی و وحشیانه به تصویر کشند و مردم به جای ملامت جلاد، قربانی را ملامت می‌کنند!

چرا از اسلام در هراسند؟

در حالی که اسلام انسان‌ها را به تراحم و مهربانی در میان همدیگر سفارش کرده است:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ

رَقِيبًا ﴿١﴾ [النساء: ١].

«ای مردم از پروردگارتان پروا دارید که شما را از یک نفس واحد آفرید و از آن همسرش را خلق نمود و از آن دو مردان و زنان بسیاری پراکنده ساخت. و از خداوندی پروا دارید که به نام او از یکدیگر درخواست می‌کنید و همینطور از پیوند خویشاوندی». اسلام جامعه‌ی طبقاتی و نژادپرستی را الغا نمود در حالی که در بزرگ‌ترین و قوی‌ترین حکومت غربی کنونی عمر الغای نژادپرستی تنها پنجاه سال است:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ﴾ [الحجرات: ۱۳].

«ای مردم ما شما را از یک نر و ماده آفریدیم و شما را ملت‌ها و قبیله‌ها گردانیدیم تا با هم آشنا شوید. همانا گرامی‌ترین شما نزد الله باتقواترین شماست». چرا از اسلام در هراسند؟

در حالی که نخستین حقوق بشری در سایه‌ی همین دین به ثبت رسید. اسلام صریح‌ترین و واضح‌ترین راه و روش را در رد استبداد و ستم دارا می‌باشد، نه تنها از ناحیه‌ی سیاسی، بلکه اینگونه جنایت‌ها با جوهر و اساس دین که همان توحید است در تضاد هستند و قرآن دارای منهجی متکمال در رد ظلم و ستم و ابطال آن می‌باشد. چرا از اسلام در هراسند؟

در حالی که اسلام حتی حقوق حیوانات را به رسمیت شناخته است و براساس شریعت اسلام جایز نیست بیش از توان حیوان به آن تحمیل نمود و یا حیوان را گرسنه نگاه داشت و نباید میان حیوان و فرزندش جدایی انداخت و حتی جایز نیست جوجه‌ی پرنده از لانه‌ی آن برداشته شود.

چرا از اسلام در هراسند؟

آیا می‌ترسند اسلام آنان را از خوشی‌ها و زیبایی‌های دنیا محروم کند؟! هرگز، زیرا اسلام به شدت کسانی را که زینت‌های دنیا را که خداوند برای مردم خلق کرده است بر خود حرام می‌کند مورد نکوهش قرار داده و فرموده است:

﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ﴾ [الأعراف: ۳۲].

«بگو چه کسی زینت الله را که برای بندگان خود بیرون فرستاده است و روزی‌های پاک را حرام گردانده است؟».

اسلام حق زندگی و بهره بردن از خوشی‌ها و زیبایی‌های آن را به رسمیت شناخته است، بنابراین نه ترسی از اسلام روا است و نه هراسی.

چرا از اسلام در هراسند؟

در حالی که اسلام در دوره‌هایی از تاریخ تمدن صاحب پیشرفت‌ها و سهمی بزرگ در ارتقای تمدن بشری است که ملت‌های دیگر به تکمیل آن پرداختند.

چرا تصور می‌کنند که اسلام تخم کینه و تعصب و خشونت را با خود به همراه دارد، در حالی که تسامح و گذشت یکی از اصول اصیل اسلامی است؟ بلکه در قرآن کریم واژه‌های رحمت و رأفت و گذشت و عفو و مغفرت و صبر بیش از نهصد بار تکرار شده‌اند و این سوای احادیث رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - است. آیا دین یا فرهنگی وجود دارد که اینچنین به تربیت بر تسامح و گذشت اهمیت داده باشد؟

اما باید این را در نظر داشت که تسامح هرگز به معنی ذلت و خاری و سر فرو نهادن در برابر ستم و ستمگران نیست، بلکه صاحب راه و روشی است کامل، آنگونه خداوند متعال فرموده است:

﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ ﴿۳۹﴾ وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿۴۰﴾ وَلَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِّنْ سَبِيلٍ ﴿۴۱﴾ إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۴۲﴾ وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ﴿۴۳﴾﴾ [الشوری: ۳۹-۴۳].

«و کسانی که چون ستم بر ایشان رسد یاری می‌جویند [و به انتقام بر می‌خیزند] (۳۹) و جزای بدی مانند آن بدی است پس هرکه درگذرد و نیکوکاری کند پاداش او بر [عهدی] الله است. به راستی او ستمگران را دوست نمی‌دارد (۴۰) و هرکه پس از ستم [دیدن] خود یاری جوید [و انتقام گیرد] راه [نکوهشی] بر ایشان نیست (۴۱) راه [نکوهش] تنها بر کسانی است که به مردم ستم می‌کنند و در [روی] زمین به ناحق سر

برمی‌دارند. آنان عذابی دردناک [در پیش] خواهند داشت (۴۲) و هرکه صبر کند و درگذرد مسلماً این [خویشتن داری حاکی] از اراده‌ی قوی [در] کارهاست».

و تسامح یعنی: نیکی و انجام نیکی در برابر بدی که امری است مطلوب و زیبا اما تا هنگامی که باعث یاری رساندن به ستمگران یا باعث زیان رساندن به ستم‌دیدگان یا زیر پا نهادن اصل «عزت برای خدا و پیامبرش و مومنان» نشود.

اسلام اصل اخلاق نیک را آورده است و همه تفصیل و ریزه‌کاری‌های اخلاق نیک را در برابر انسان‌ها و محیط زیست بیان نموده است چنانکه میان جنبه روحی و جنبه مادی انسجام برقرار نموده است. بندگان خداوند:

حقیقت این است که اسلام‌هراسی قضیه‌ای ساختگی است که عمداً توسط گروهی مغرض برای ایجاد مانع میان اسلام و دیگر مردم جهان یا مسخ حقایق و ارزش‌ها و شعائر و شرایع آن برای اهدافی سیاسی و نژادپرستانه و هواهای نفسانی و شهوانی صاحبان آن، عَلم شده است، وگرنه اگر مردم به حال خود آزاد گذاشته شده بودند تا براساس فطرت و وجدان و عقل و خرد مستقل خود تصمیم می‌گرفتند و هدف تحریک و فتنه‌گری ضد اسلامی قرار نمی‌گرفتند هرگز از اسلام، هراسی در دل نمی‌داشتند.

اسلام دین عرب نیست و خیر و نیکی آن نیز تنها مخصوص و محدود به مسلمانان نیست بلکه رحمتی است برای همه جهانیان:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ [الأنبياء: ۱۰۷].

«و تو نفرستادیم جز رحمتی برای جهانیان».

بر مسلمانان واجب است که به اصول و ارزش‌های اسلام پایبند باشند و حقیقت آن را به صورت نمادین و تطبیقی برای دیگر مردم نمایان سازند و اسلامشان تنها تصنعی و ادعایی نباشد.

هیچ ترسی بر اسلام نیست زیرا خداوند حافظ دین خود است بلکه ترس از کسانی است که در حق آن کم‌کاری و سهل‌انگاری کرده‌اند یا مردم را از آن باز داشته‌اند:

﴿فَأَسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ [الزخرف: ۴۳].

«پس به آنچه به سوی تو وحی شده است تمسک بجوی. همانا تو بر راهی مستقیم هستی».

خداوند برای من و شما به واسطه‌ی قرآن عظیم برکت نهد و با آیات و ذکر حکیم سود رساند. این سخن خود را گفته و برای خود و شما از خداوند آمرزش می‌خواهم.

خطبه‌ی دوم:

ستایش ویژه‌ی الله پروردگار جهانیان است، او که رحمان است و رحیم است و مالک روز جزا است. و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است، و گواهی می‌دهم محمد بنده و پیامبر اوست. درود و سلام و برکات خداوند بر او و بر اهل بیت و همه یاران او باد.

اما بعد، ای مردم:

در حالی این سخنان را به زبان می‌آوریم که شبکه‌های ماهواره‌ای دیدگان ما را با منظره‌های کشتار و وحشت و آنچه در شام عزیز ما، سوریه می‌گذرد، پر کرده‌اند و جلاد آن سرزمین نیز از تنبیه و مواخذه‌ی دیگر کشورها در امان مانده است و گویا دیگر نشر این صحنه‌ها او را آزار هم نمی‌دهد و چه بسا برای ترساندن ملت خود از آن سود نیز می‌برد! این شرایط هرگز جلاد سوریه را آزار نمی‌دهد زیرا او دیگر کشورها را از این ترساننده است که با رفتن او مسلمان‌ها به سر کار خواهند آمد و قدرت‌های بین‌المللی نیز گویا این هشدار او را جدی گرفته‌اند و ندانستند که مسلمانان - به ویژه اهل سنت - نه تنها ان شاء الله پس ای وی به قدرت خواهند رسید بلکه پیش از حزب بعث قرن‌ها حاکمان این سرزمین بوده‌اند.

سرزمین شام بسیار باعزت‌تر و باصفا‌تر و آبادتر بود زمانی که زیر حکم مسلمانان قرار داشت و شومی و نگون‌بختی را تجربه نکرد مگر با ظهور این ستمگران و طاغیان.

اما امیدمان به خداوند بسیار است و هنگامی که کمک اهل زمین نباشد درهای آسمان باز می‌شوند و هر تلاش سیاسی یا فکری که باعث از بین رفتن این شرایط شود ستوده شده است.

باشد که خداوند این تلاش‌های صادقانه را موفق گرداند و پرده از چشمان بردارد و ستمگران و متکبران را نابود سازد.

﴿وَرُبِّيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَهُمْ أَيْمَةً وَجَعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾

[القصص: ۵].

«و خواستیم بر کسانی که در زمین مستضعف شده‌اند منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم و آنان را وارثان [زمین] قرار دهیم».

در پایان بر آن پیامبر مصطفی و نبی مجتبی درود و سلام فرستید. خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت پام و صحابه‌ی نیک وی درود و سلام و برکت ارزانی دار. خداوندا از آن امامان هدایتگر و خلفای راشدین: ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه‌ی پیامبرت و از همه‌ی کسانی که بر راه و روش آنان روند و از سنت آنان پیروی نمایند راضی و خشنود باش.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، و شرک و مشرکان را خوار گردان و دشمنان دین را نابود ساز و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمانان را در امن و امان بدار.

خداوندا همه‌ی آنان را که برای ما و سرزمین‌های ما اراده‌ی بدی دارند به خود مشغول ساز و تدبیرشان را عامل نابودی آنان بگردان.

خداوندا اوضاع مسلمانان را در همه جای دنیا اصلاح نما خداوندا اوضاع آنان را در سوریه و فلسطین بهبود بخش و آنان را بر حق و هدایت یکی گردان. خداوندا جان آنان را حفظ نما و ترسشان را از بین ببر و گرسنه‌شان را غذا ده و از ناموس آبرویشان محافظت نما و قلبشان را محکم بدار و گام‌هایشان را استوار گردان و آنان را بر متجاوزان

پیروز گردان. خداوندا حصرشان را بشکن... خداوندا پیروزی نزدیک تو را خواهانیم...
خداوندا پیروزی نزدیک تو را خواهانیم...

خداوندا پیروزی خود را بر بندگان مستضعف مظلوم خود نازل گردان. خداوندا یتیمان و بیوه‌زنان و ستم‌دیدگان را یاری ده. خداوندا رحمت، رحمتت... ای یاور مظلومان.
خداوندا ستمگران و طاغیان را نابود گردان... خداوندا آنان را نابود ساز که توانایی ناتوان ساختن تو را ندارند. خداوندا دستی از سوی حق بر آنان بگمار که آنها را از ریشه برکند... خداوندا آنان را نابود گردان که توانایی ناتوان ساختن تو را ندارند.
خداوندا دینت را و کتاب را و بندگان مومن را یاری ده. خداوندا مستضعفان مسلمان را در هر جایی که هستند یاری ده. خداوندا آنان را در فلسطین بر صهیونیست‌های اشغالگر یاری ده.

«پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بدار»

[البقرة:]

عنوان خطبه: هشدار نسبت به خوردن مال حرام

خطیب: دکتر اسامه خیاط

مسجد الحرام: جمعه ۲۱ جمادی الاولى ۱۴۳۳ برابر با ۲۵ فروردین ۱۳۹۱

خطبه‌ی اول:

ستایش ویژه‌ی خداوندی است که پاکِ حلال را دوست می‌دارد و خبیثِ حرام را بد می‌دارد. او را ستایشی می‌گوییم که به آن امید مزیدِ اکرام و انعام است، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است، آن پادشاهِ قدوسِ سلام، و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد بنده و پیامبر او و خاتم انبیا و سرور مردمان است. خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یاران او درود و سلامی ابدی فرست تا هنگامی که شب‌ها و روزها در پی هم می‌آیند.

اما بعد:

ای بندگان خداوند تقوای الله را پیشه سازید که تقوا بهترین توشه‌ی سالکان و رهروان به سوی پروردگار جهانیان است.

ای مسلمانان:

دوست داشتن مال و تعلق به درخواست آن و حرص بر جمع‌آوری و ازدیاد آن و تلاش در جهت حفاظت از آن، در فطرت و خرد و درون انسان‌ها ریشه دار و مستقر است.

در بیان قدرت این محبت - یعنی محبت مال - خداوند متعال فرموده است:

﴿وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا﴾ [الفجر: ۲۰].

«و مال را دوست دارید، دوست داشتنی بسیار».

و همچنین خداوند عزوجل در وصف انسان می‌فرماید:

﴿وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ﴾ [العاديات: ۸].

«و به راستی که او به شدت شیفته‌ی مال است».

و رسول رحمت و هدایت - صلی الله علیه و آله وسلم - می‌فرماید: «قلب پیر بر محبت دو چیز جوان است: محبت زنده ماندن - یا زندگی طولانی - و محبت مال» [به روایت بخاری و مسلم از ابوهریره رضی الله عنه].

این محبت شدید می‌تواند انسان را به هر راهی بکشاند و سوار هر مرکبی نماید تا بتواند بیشترین نصیب را از آن ببرد، جز آنکه خداوند متعال او را بی‌کس در برابر برق جادوی مال رها نکرده است تا اسیر فتنه و فریب آن شود و در راه جمع و خرج آن به هر سویی رود، بلکه برای وی نشانه‌ها و حدودی قرار داده است تا به بهترین هدف نائل شود.

این راه، همان راهی است که در آیات محکم کتاب پروردگار و سنت پیامبرمان - صلوات الله و سلامه علیه - به آن راهنمایی شده است و از جمله‌ی آن ثنای مال نیک است که روزی بنده‌ی صالح و مطیع و فرمانبردار می‌شود. بنده‌ای که حافظ حدود خداوند است؛ رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - می‌فرماید: «ای عمرو چه نیک است مال صالح همراه با مرد صالح» [به روایت امام احمد و ابن حبان از عمرو بن عاص رضی الله عنه].

صلاح مال با پاک بودن اصل آن و کسب آن از راه پاک و مشروع بودن منبع آن خواهد بود که این مستلزم دوری از هرگونه مال حرام و خبیث است که بی‌شک وبال آن بر گردن صاحبش خواهد بود. در حدیثی که امام مسلم در صحیح خود و ترمذی در جامع خود از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت کرده‌اند آمده است که رسول خدا - صلی الله علیه و سلم - فرمودند: «همانا الله پاک است و جز پاک را نمی‌پذیرد و خداوند مومنان را به همان چیزی امر نموده که پیامبران را به آن امر کرده و فرموده است: «ای پیامبران از پاک‌ی‌ها بخورید و کار نیک انجام دهید. همان من به آنچه می‌کنید آگاهم» [المومنون: ۵

به دراز می‌کشد و ژولیده مو و غبار آلود است و در این حال دو دستش را به آسمان دراز می‌کند و می‌گوید: پروردگارا! پروردگارا! در حالی که غذایش حرام است و نوشیدنی‌اش حرام است و با حرام تغذیه شده است، پس چگونه استجابت می‌شود؟».

و این حدیث - چنانکه اهل علم گفته‌اند - اشاره به این است که هیچ عملی پذیرفته و پاک نمی‌شود مگر با خوردن حلال، و حرام‌خوری باعث فساد عمل و عدم پذیرش آن است. معنای حدیث چنین است که پیامبران و امت‌هایشان مامورند که از پاکی‌ها بخورند که همان روزی حلال است و عمل صالح انجام دهند، پس تا هنگامی که خوردنی حلال باشد عمل صالح نیز پذیرفته شده است اما هرگاه غذای انسان حلال نباشد چگونه ممکن است عمل وی پذیرفته شود؟!.

برای همین است که صدقه با مال حرام مردود است و پذیرفته نمی‌شود، چنانکه در صحیح مسلم از ابن عمر - رضی الله عنهما - از رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - روایت است که فرمودند: «خداوند نمازی را بدون وضو و صدقه‌ای را که از مال غُلُول باشد، نمی‌پذیرد» و غُلُول غنیمتی است که پیش از تقسیم شدن بر مستحقان آن به ناحق برداشته شده باشد.

و در صحیح ابن خزیمه و صحیح ابن حبان و مستدرک حاکم با سند حسن از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: «هنگامی که زکات مالت را دادی آنچه را که بر عهده‌ی تو است ادا نموده‌ای و هرکه مال حرامی را جمع کند سپس آن را صدقه دهد در آن پاداشی نخواهد داشت و وبال آن بر گردنش خواهد ماند».

و در مراسیل ابوداود - رحمه الله - با سندی حسن از قاسم بن مُخیمره از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت است که فرمودند: «هرکه مالی را از راه حرام به دست آورد و سپس با آن صله‌ی رحم نمود یا با آن صدقه داد یا در راه خداوند انفاق کرد همه‌ی آن‌ها یکجا شده در آتش جهنم انداخته می‌شوند».

اما قضیه تنها به همین آثار - با همه‌ی شدت آن - محدود نیست بلکه فراتر از آن است و در پایان صاحب خود را در قیامت به آتش جهنم می‌کشاند، چنانکه در حدیثی که ابن حبان در صحیح خود با إسناد صحیح از جابر بن عبدالله - رضی الله عنهما - روایت کرده آمده است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «ای کعب بن عُجره! گوشتی که با سُّحت پرورش یافته است وارد بهشت نمی‌شود».

سُّحت یعنی حرام با همه‌ی گونه‌های آن، مانند رباخواری و خوردن مال یتیم و رشوه و درآمد فاحشه و کاهن، و پولی که در ازای فروش خمر و مواد مخدر گرفته می‌شود و هر مالی که از فروش حرام از جمله نوشیدنی‌ها و خوردنی‌ها و پوشیدنی‌های حرام به دست آید که شرح آن به طور مفصل در کتب اهل علم آمده است.

در جامع ترمذی نیز با سند صحیح از جابر بن عبدالله - رضی الله عنهما - روایت شده است که پیامبر خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «ای کعب بن عُجره! هیچ گوشتی با حرام رشد نمی‌کند مگر آنکه آتش به آن سزوارتر است».

این، پایانی است وحشتناک و عاقبتی است بس هراس‌انگیز که صاحب‌خردان را به فکر فرو می‌برد و باعث تلاش در جهت شناخت راه نجات و اسباب سلامت می‌شود که در طلّیعه‌ی آن تقوای خداوند متعال و حیای حقیقی نسبت به اوست که این از قوی‌ترین اسباب دوری از حرام‌خواری است.

چنانکه در حدیثی که امام ترمذی - رحمه الله - در جامع خود از عبدالله بن مسعود - رضی الله عنه - روایت کرده است چنین آمده که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «از خداوند آنگونه حیا کنید که حق آن است» راوی می‌گوید: گفتیم: ای پیامبر خدا! ما حیا می‌کنیم و برای آن خداوند را حمد می‌گوییم. فرمود: «[منظور] نه آن است. اما حق حیای خداوند آنگونه است که سر خود و اعضای آن را حفظ کنی و شکم خود را و آنچه را در آن است حفظ کنی، و مرگ و پوسیده شدن بدن را یاد آوری، و هرکه آخرت را بخواهد زینت دنیا را ترک گوید و هرکه چنین کند آنگونه که شایسته است از خداوند حیا نموده است».

بنابراین حفظ شکم و محتویات آن یعنی محافظت از شکم و غذا و نوشیدنی‌هایی است که در آن گذاشته می‌شود که انسان در پی حلال آن باشد و به این یقین داشته باشد که روزی‌ای که برای وی قرار داده شده است بی‌شک پیش از مرگش به او خواهد رسید بنابراین آرام رسیدن روزی او را بر آن نمی‌دارد که از راه گناه به آن دست یابد زیرا این سبب شومی و ناکامی است.

چنانکه در حدیث دیگری که بَزَّار در مسند خود با سند صحیح از حذیفه بن یمان - رضی الله عنه - روایت کرده است آمده که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - برخاست و فرمود: «به سوی من بیایید» صحابه به سوی رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - شتافتند و در برابرش نشستند، پس فرمود: «این فرستاده‌ی پروردگار جهانیان جبرئیل است که در درون من دمید که هیچ کس نمی‌میرد مگر آنکه روزی خود را به کمال دریافت دارد اگر چه آرام آرام به وی رسد، پس از الله پروا دارید و در طلب روزی میان‌ه‌رو باشید و آرام رسیدن روزی شما را بر آن ندارد که معصیت خداوند کنید که آنچه نزد خداوند است جز با طاعت وی به دست نیاید».

و شایسته است انسان همیشه این را به یاد داشته باشد که خداوند در روز قیامت از وی درباره‌ی آنکه مالش را از چه راه به دست آورده و در چه راهی خرج نموده است سوال و محاسبه خواهد کرد. سوالی که در پی آن جزای عادل خواهد بود و پروردگار در حق کسی ستم روا نمی‌دارد، چنانکه در حدیثی که ترمذی در جامع خود با سند صحیح از ابوبریزه‌ی اسلمی - رضی الله عنه - روایت کرده، آمده است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «قدم‌های بنده در روز قیامت از جای خود برداشته نمی‌شوند تا آنکه از عمر خود که در چه راهی گذرانده و از علم خود که با آن چه کرده است و از مال خود که از کجا به دست آورده و در چه راهی خرج کرده است و درباره‌ی بدن خود که در چه راهی فرسوده‌اش کرده است پرسیده شود».

و بداند که مال کمی که برای او کافی باشد بهتر از مال بسیاری است که او را از آنچه به صلاح اوست در دین و دنیایش است مشغول سازد و در حدیثی که امام احمد در

مسند خود با سند صحیح و همینطور ابن حبان در صحیح خود و حاکم در مستدرک از ابودرداء روایت کرده‌اند آمده است که رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: «خورشید هیچ روزی طلوع نمی‌کند مگر آنکه دو فرشته در آن فرستاده می‌شوند که ندایشان را همه جز جن و انس می‌شنوند و می‌گویند: ای مردم رو به سوی پروردگارتان آورید که همانا آنچه کم باشد و کفایت کند بهتر از زیادی است که انسان را مشغول سازد...».

تامل همیشگی در این شواهد و نصوص باعث می‌شود انسان متامل و اندیشمند ملکه‌ای به دست آرد که همیشه در جستجوی حلال و پاک و دوری از حرام و ناپاک در غذا و نوشیدنی و لباس و همه‌ی امور خود باشد تا بدین ترتیب خشتی در جهت اصلاح جامعه نهاده و دیگران را نیز به پیمودن این مسیر و بیان حسن عاقبت آن و گسترش برکت‌ها و خیرات آن و سعادت در دنیا و آخرت و به دست آوردن رضایت پروردگار فرا بخواند.

خداوند من و شما را با راه و روش کتاب و سنت سود رساند. این سخن خود را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از هر گناهی آمرزش می‌خواهم که همانا او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله است. او را ستایش گفته و از او یاری جسته و آمرزش می‌خواهیم و از بدی‌های خود و اعمال ناشایستمان به الله پناه می‌بریم. الله هرکه را هدایت کند او گمراه‌گری نخواهد داشت و هرکه را گمراه سازد او هدایتگری نخواهد یافت و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر اوست. درود و سلام بسیار خداوند بر وی و بر اهل بیت و یاران وی باد.

اما بعد، ای بندگان خداوند:

در تفسیر این سخن خداوند متعال که می‌فرماید:

﴿يَأْتِيهَا النَّاسُ كُلُّهُمْ مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَلًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطْوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ

عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿١٦٨﴾ [البقرة: ١٦٨].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید از آنچه در زمین است حلال و پاک را بخورید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید که همانا او برای شما دشمنی آشکار است.»
 برخی از علمای تفسیر گفته‌اند: «این خطابی است به همه‌ی مردم، مومنان و کافران که خداوند بر آنان منت نهاده است که از همه‌ی چیزهای موجود در زمین از جمله ثمرات و دانه‌ها و میوه‌ها و حیوانات بخورید تا هنگامی که بر شما حلال باشد و آن را نه با خشم دیگری و نه از طریق دزدی و نه با معامله‌ی حرام یا از طریق حرام یا در جهت کمک در حرام به دست نیاورید.

طیب: یعنی آنکه خبیث نباشد، مانند مردار و گوشت خوک و همه‌ی دیگر ناپاکی‌ها.
 پس ای بندگان خداوند، تقوای الله را پیشه سازید و به یاد داشته باشید که سلف صالح - رضوان الله علیهم - بسیار درباره‌ی این سخن خداوند متعال که می‌فرماید: «همانا الله از متقیان می‌پذیرد» [المائدة:

خداوند اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و از حوزه‌ی دین محافظت نما و دشمنان دین و دیگر طاغیان و مفسدان را نابود گردان و میان قلوب مسلمانان الفت ایجاد کن و صف آنانی را یکی گردان و رهبران آنان را اصلاح نما و کلمه‌ی آنان را بر حق یکی گردان ای پروردگار جهانیان.

خداوندا دینت را و کتابت را سنت پیامبرت محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - و بندگان مومن مجاهد صادق را در همه جا یاری ده ای پروردگار جهانیان.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان و والیان امر ما را اصلاح گردان.

خداوندا عاقبت ما را در همه‌ی امور به خیر گردان و ما را از خواری دنیا و عذاب آخرت نجات ده. خداوندا دین ما را که نگه دارنده‌ی امر ماست و دنیای ما را که زندگی گاه ماست و آخرت ما را که بازگشت ما به سوی آن است اصلاح گردان و زندگی را برای ما عامل زیاده در همه‌ی نیکی‌ها و مرگ را عامل راحت از همه‌ی بدی‌ها بگردان. خداوندا از زوال نعمت و برگشت عافیت و خشم ناگهانی‌ات و همه‌ی عوامل خشمت به تو پناه می‌بریم.

«پروردگارا ما به خود ستم نمودیم و اگر تو ما را مورد مغفرت و رحمت خود قرار ندهی بی‌تردید از زیانکاران خواهیم بود» [الأعراف: ۲۳].

خداوندا مسلمانان را در همه‌ی سرزمین‌هایشان حفظ نما. خداوندا آنان را از فتنه‌های آشکار و پنهان محافظت نما. خداوندا جان و مال و آبروی آنان را حفظ نما و زخمیان آنان را شفا ده و شهیدایشان را بپذیر ای پروردگار جهانیان.

«پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ حفظ نما»

[البقرة: ۲۰۱].

درود و سلام خداوند بر بنده و پیامبرش، پیامبر ما محمد، و بر اهل بیت و همه‌ی یارانش باد والحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه: اهمیت استقرار و آرامش در زندگی

خطیب: دکتر سعود شریم

مسجدالحرام: جمعه ۲ شعبان ۱۴۳۳ برابر با ۲ تیر ۱۳۹۱

خطبه‌ی اول:

ستایش ویژه‌ی خداوند یکتای یگانه است، او که یکی است و بی‌نیاز است، آن که نه زاده است و نه زاده شده است، آفرید و سامان بخشید و اندازه‌گیری نمود و هدایت کرد:

﴿لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَىٰ وَالْآخِرَةِ ۖ وَلَهُ الْحُكْمُ ۖ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ [القصص: ۷۰].

«در این [سرای] نخستین و در آخرت ستایش از آن اوست و فرمان از آن اوست و به سوی او بازخواهید گشت».

و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد، بنده‌ی الله و پیامبر او و محبوب او و بهترین بندگان اوست که خداوند وی را در نزدیکی قیامت به عنوان بشارت دهنده و بیم دهنده و دعوتگر به سوی خداوند و چراغی روشنگر فرستاد و ایشان رسالت خویش را رساند و امانت را ادا نمود، و برای امتش خیرخواهی نمود و در راه خداوند آنگونه که شایسته است جهاد نمود، پس درود و سلام بسیار خداوند بر وی و بر اهل بیت پاک و همسرانش مادران مومنان و بر صحابه و تابعین و همه‌ی کسانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند.

اما بعد: ای مردم خود و شما را به تقوای خداوند توصیه می‌کنم که آن کلید خوشبختی و راه رسیدن به نجات و پیروزی ابدی است:

﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۳۱﴾ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿۳۲﴾﴾

[یونس: ۶۲-۶۳].

«آگاه باشید که دوستان الله نه ترسی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند (۶۲)

کسانی که ایمان آوردند و تقوا پیشه می‌ساختند».

بندگان خداوند: سخنان درباره‌ی هدفی است مهم و خواسته‌ای که همه‌ی انسان‌ها بر سطح این کره‌ی خاکی در پی آنند زیرا می‌دانند زندگی بدون آن ناقص است. سخن از مطلبی شرعی و دنیوی، خواسته‌ای بین‌المللی و محلی و خانوادگی و سیاسی و اقتصادی و تربیتی است. سخنان درباره‌ی استقرار است. استقرار با همه‌ی بار معنایی وسیع و تعیین‌کننده‌ای که این کلمه با خود دارد زیرا بود و نبود همه‌ی امور زندگی به آن بستگی دارد.

استقراری که به معنای آسایش و ثبات و آرامش و اطمینان و تکامل و توازن است. آن استقراری که در برابر بی‌امنی و آشوب و اختلال قرار می‌گیرد و آن نظمی که در مقابل بی‌نظمی و آشفتگی است. زیرا با استقرار است که امنیت برقرار می‌شوند و با وجود امنیت است که انسان می‌تواند به سادگی و با آرامش خاطر به امور دین و دنیا پیش بردازد.

از سوی دیگر استقرار نعمتی است بزرگ که خداوند با آن بر بندگانش منت می‌نهد در حالی که فقدان آن بلا و امتحان است چنانکه خداوند متعال فرموده است:

﴿وَلْتَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالْثَّمَرَاتِ وَبَشِيرٍ
الصَّالِحِينَ ﴿١٥٥﴾﴾ [البقرة: ۱۵۵].

«و قطعاً شما را با چیزی از ترس و گرسنگی و کاهش در مال‌ها و جان‌ها و محصولات خواهیم آزمود و به صابران مژده ده».

هر که نیک در نعمت استقرار تامل کند با صفای اندیشه و خرد خود به این حقیقت پی خواهد برد که استقرار مسأله‌ای ضروری است که انسان‌ها و جن‌ها و حیوانات در ضرورت این نعمت مشترکند و همه‌ی این مخلوقات در پی آن هستند و زندگی بدون آن شیرین نیست تا جایی که از ادرار کردن در سوراخ‌هایی که در زمین وجود دارد نهی شده است زیرا این جاها از جمله اماکن جن‌ها است و این کار باعث آزار آنان می‌شود.

در مورد حیوانات نیز ابن مسعود - رضی الله عنه - روایت کرده است که ما در سفری به همراه رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - بودیم پس او برای حاجتی از نزد ما

رفت. پرنده‌ای کوچک را یافتیم که دو جوجه داشت؛ ما دو جوجه‌ی آن را برداشتیم پس آن پرنده آمد در حالی که آشفته در حال جستجوی جوجه‌های خود بود. رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - آمد و فرمود: «چه کسی این پرنده را با برداشتن دو جوجه‌اش وحشت‌زده کرده است؟ جوجه‌هایش را به او بازگردانید» [به روایت ابوداؤد].

اما اثر استقرار و نیازی که انسان‌ها به آن دارند را رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - در سخنانی اندک چنین بیان نموده و فرموده است: «هرکه شب را در امن و امان در خانه‌اش به صبح رساند و بدنش سالم باشد و قوت روزش را داشته باشد گویا همه‌ی دنیا در اختیار او قرار گرفته است» [به روایت ترمذی و بخاری در ادب المفرد].

و از آنجایی که اسلام شریعت و راه روش خداوندی و فطرتی است که او مردم را براساس آن آفریده است و او - سبحانه و تعالی - نسبت به بندگانش و آنچه برای آنان در دین و دنیا و کوتاه‌مدت و بلندمدت آنان سودمند است آگاه‌تر است شریعتی را برای آنان قرار داده است که عاملی برای استقرار آنان است.

و از آنجا که سیستم‌های مختلف سیاسی و اقتصادی و دینی و تربیتی بنای اجتماعی را که احتیاجات جوامع را تامین می‌سازد شکل می‌دهند شریعت غرای اسلام استقرار را مقیاسی اساسی هر پروژه‌ای قرار داده است که وجود آن باعث موفقیت و فقدان آن باعث ایجاد مشکل در سیر یک جامعه و اختلال در هر پروژه می‌گردد زیرا استقرار همان تکامل و توازن و نگهبان حرکت یک جامعه است.

هنگامی که خانواده را همانند یک جامعه‌ی کوچک می‌نگریم به توجه و عنایت اسلام به استقرار در این جامعه کوچک و دور کردن هرگونه خلل از این نهاد پی خواهیم برد زیرا خانواده خشتی از بنای جامعه‌ی کامل است و اسلام توجهی ویژه را به نهادینه ساختن استقرار در آن مبذول داشته و تلاش بسیاری نموده است که آن را از فروپاشی نجات دهد مگر در حالات بسیار بدی که حفظ آن ممکن نباشد. خداوند متعال درباره‌ی اختلاف میان زوجین می‌فرماید:

﴿وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَأَبْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِۦ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ [النساء: ۳۵].

«و اگر از جدایی میان آن دو ترسیدید داوی از خانواده آن [شوهر] و داوری از خانواده آن [زن] تعیین کنید که اگر قصد اصلاح داشته باشند الله میان آن‌ها سازگاری خواهد داد همانا الله بسیار دانا و بسیار آگاه است».

حال که موضع اسلام در برابر یک خانواده‌ی کوچک چنین است فکر می‌کنید در مورد خانواده‌ی بزرگ که همان جامعه‌ی مسلمان است که تحت رهبری یک امام و یک رهبر قرار دارد چیست؟ بی‌شک در این صورت مساله‌ای که با آن روبرو خواهیم بود بزرگ‌تر و خللی که به وجود خواهد آمد خطرناک‌تر خواهد بود زیرا عدم استقرار در آن به معنای عدم وجود زندگی حقیقی است.

مسئول این جامعه‌ی بزرگ همان رهبر و امام و ولی امر آن است که امور آن را براساس عدالت و حق و رحمت بر عهده می‌گیرد و برای همین است که شریعت اسلامی همه‌ی راه‌های ایجاد مشکل در مفهوم رهبری را گرفته است و رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - می‌فرماید: «هرگاه رهبری و مسئولیت شما به اراده و وحدت مردم در دست یک نفر است و کسی آمد تا جماعت شما را متفرق سازد او را بکشید» [به روایت مسلم].

و این نیست جز برای حمایت جامعه و محکم سازی استقرار آن زیرا کشتن بر هم زنده‌ی آرامش جامعه باعث زندگی همه‌ی مردم آن جامعه است.

اما با این وجود دعوت به استقرار به معنای تعطیل اصلاح اشتباهات نیست، همچنانکه این مساله سنگی بر سر راه انتقال از یک حکومت فاسد به یک حکومت صالح یا از یک حکومت خوب به یک حکومت بهتر یا جلوگیری از یک فساد بزرگ با فسادی کوچک‌تر نیست، زیرا همه‌ی این‌ها از بنیان‌های تصحیحند که با مبدأ استقرار هم‌خوانی دارند.

شایسته است این سیاست شرعی و در نظر گرفتن ارزش استقرار در تصمیم‌گیری‌ها و توازن میان مصالح و مفاسد را از این سخن رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - خطاب به ام المومنین عائشه - رضی الله عنها - بیاموزیم که فرمود: «اگر قوم تو تازه مسلمان نبودند خانه‌ی کعبه را ویران می‌کردم و سپس آن را بر اساسی که ابراهیم بنا نمود می‌ساختم...» [به روایت بخاری و مسلم].

چنین موضع‌گیری‌هایی هر چه آرامتر و مرحله‌ای‌تر باشند بیشتر به هدف منتهی می‌شوند زیرا بی‌نظمی جز به از هم گسیختگی منتهی نمی‌شود و آشوب نتیجه‌ای جز خشونت و ناآرامی در پی نخواهد داشت اما تلاش آرام بدون نگاه کردن به پشت سر بهتر از تلاشی است که انسان توجه خود را به پشت سر معطوف کند زیرا چنین کسی دیر به هدف خواهد رسید و این رخ نخواهد داد مگر آنکه استقرار در همه‌ی مراحل تلاش و سیر بر جامعه سایه افکنده باشد و راست گفت خداوند متعال که فرموده است:

﴿وَلَا تَنْزَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾

[الأنفال: ۴۶].

«و با هم نزاع مکنید که سست می‌شوید و هیبت شما از بین خواهد رفت و صبر پیشه کنید که همانا الله با صابران است».

خداوند متعال برای من و شما به واسطه‌ی قرآن عظیم برکت نهد و با آیات و ذکر حکیم سود رساند. آنچه را گفتم اگر صحیح بود از سوی خداوند و اگر خطا بود از نفس و شیطان بود و از خداوند آمرزش می‌خواهم که او بسیار آمرزنده است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش مخصوص خداوند است به سبب احسان و نیکی وی و شکر و سپاس

شایسته‌ی اوست به سبب توفیق و امتنان وی، اما بعد:

بندگان خداوند تقوای او را پیشه سازید و سپس بدانید که جهان ما جهانی است باز

که در آن قیل و قال بسیار است و عمل اندک، و اطلاعات گوناگون از در و دیوار آن فرو

می‌ریزد و چه بسا برخی از روی کنجکاوای فریب خورده و لباس فرهنگ بیگانه را به تن کردند و اینگونه بود که برخی از شکست خوردگان درونی از فرزندان جوامع اسلامی رنگ بیگانگان را به خود گرفتند و فریب آنان را خوردند بدون آنکه میزان سازگاری آن فرهنگ را با جوامع ما بسنجند یا آنکه به شناخت اسباب این فریب پردازند. اینجا بود که برخی از آنان گمان بردند که راه رسیدن به استقرار چیزی است که «آشوب سازنده» می‌نامند که به معنای به وجود آوردن آشوب و بی‌نظمی خاصی است که به ناآرامی جوامع منجر می‌شود تا در پی آن استقرار و آرامش از نو و در لباسی دیگر سر بر آورد. به گمان آنان این آشوب است که شجاعت و در پی آن صلح را به وجود می‌آورد و این فریب خوردگان ندانستند که مبدا و اساس این نظریه، اصلی الحادی است که نظریه انفجار جهانی نام دارد، یعنی آنکه همه‌ی جهان در پی یک آشوب و بی‌نظمی به وجود آمده است و در واقع نظم این جهان از بی‌نظمی پدید آمده است...

افسوس ما هنگامی که شدیدتر می‌شود که بدانیم آنچه آشوب سازنده نام دارد در واقعه اصطلاحی است که متجاوزان بیگانه به حجت تغییر جوامع و تغییر حکومت‌ها از آن استفاده کردند به این معنا که به وجود آوردن آشوب و ناآرامی باعث تغییر در جوامع و حکومت‌ها می‌شود.

خداوند این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را از هر بدی و آفت و از مکر و نیرنگ بدخواهان و متجاوزان مصون بدارد؛ همانا او بسیار شنوا و اجابت کننده

خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد درود و سلام فرست و از چهار خلیفه‌ی وی: ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر یاران پیامبرت محمد و از تابعین و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند راضی و خشنود باش و از ما نیز با عفو و بزرگواری‌ات به همراه آنان خشنود باش ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار گردان. خداوندا دینت را و کتاب را و سنت پیامبرت و بندگان مومن را یاری ده.

خداوندا غم غم‌داران و غصه‌ی داغ‌دیدگان مسلمان را از بین ببر و سختی سختی‌دیدگان را برطرف گردان و وام‌داران را ادا نما و بیماران و ما و دیگر بیماران مسلمان را شفا ده ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا برادران و خواهران مستضعف ما را در هر جایی که هستند یاری ده. خداوندا آنان را بر ستمگران یاری ده ای دارای جلال و بزرگی. خداوندا برادران و خواهران ما را در سوریه بر متجاوزان و ستمگران یاری ده. خداوندا آنان را به زودی پیروز گردان... خداوندا مردگان آنان را بیامرز و بیماران آنان را شفا ده و اسیرانشان را آزاد گردان و زنان داغ‌دیده‌ی آنان را مورد رحمت خود قرار ده ای دارای جلال و عظمت، ای پروردگار جهانیان.

«پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور بدار»

[البقرة:]

مسجدالحرام: جمعه ۹ شعبان ۱۴۳۳ برابر با ۹ تیر ۱۳۹۱

خطبه‌ی اول:

ستایش مخصوص خداوندی است که امر به همگرایی و وحدت کرده و از تفرقه‌ی میان مسلمانان نهی نموده است. او را ستایش می‌کنم، ستایشی که با آن امید نعمت و اکرام بیشتر از سوی خداوند است و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله، آن پادشاه پاک و منزله از هر عیب که واحد و بی‌شریک است، و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده‌ی الله و پیامرسان او و خاتم پیامبران و سرور انسان‌ها است. خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یاران او درودی و سلام فرست همیشگی تا آنگاه که روز و شب در پی هم بیایند و بروند...

اما بعد:

ای بندگان خداوند تقوای او را پیشه سازید و ایستادتان را در برابر او در روز بازپسین به یاد داشته باشید:

﴿يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تُجَدِّدُ عَنْ نَفْسِهَا وَتُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

﴾ [النحل: ۱۱۱].

«روزی که هر کس می‌آید و از خود دفاع می‌کند و هر کس براساس آنچه کرده بی‌کم و کاست پاداش داده می‌شود و به آنان ستم نخواهد شد».

یکدلی و احساسات مشترک و وحدت کلمه از آشکارترین صفات مسلمانان مخلص است؛ کسانی که خداوند قاعده‌ی برادری دینی را اساس روابط آنان قرار داده و فرموده است:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ...﴾ [الحجرات: ۱۰].

«در حقیقت مومنان با هم برادرند...».

و امت آنان را امت یگانه نامیده است:

﴿وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ﴾ [المؤمنون: ۵۲].

«در حقیقت این امت شما امتی یگانه است و من پروردگار شمایم پس از من پروا دارید».

و از آنجایی که تفرقه و دشمنی و به هم پشت کردن، به شدت با این اصل در تضادند و تفرقه تیشه‌ای بر بنیان این امت و سببی برای محدود ساختن عوامل قدرت و عزت و خیریت آن است خداوند ما را از اختلافاتی که در امت‌های پیش از ما رخ داد و با وجود آیات آشکاری که آنان را از وقوع در این بلا باز می‌داشت باعث درگیری میان آن‌ها و نفرین کردن یکدیگر شد، برحذر داشته و چنین هشدار داده است:

﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿۱۰۵﴾ يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ أُسْوِدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿۱۰۶﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ أَبْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ ففِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۱۰۷﴾﴾ [آل عمران: ۱۰۵-۱۰۷].

«و به مانند کسانی نباشید که پس از آنکه دلایل آشکار به سوی آنان آمد دچار تفرقه و اختلاف شدند و برای آنان عذابی دردناک است (۱۰۵) [در آن] روزی که چهره‌هایی سفید و چهره‌هایی تیره می‌گردد؛ اما سیاه‌رویان [به آنان گفته می‌شود] آیا پس از ایمانتان کفر ورزیدید؟ پس عذاب را به سبب آنچه کفر می‌ورزیدید بچشید (۱۰۶) و اما کسانی که چهره‌هایشان سپید می‌گردد در رحمت الله هستند که در آن جاودانه می‌مانند».

خداوند متعال این تفرقه‌ی در دین و اختلاف را باعث فساد دین و فروپاشی ارکان آن و دوری از دینداری و سببی برای بیزاری رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - از عاملان آن دانسته است:

﴿إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿۱۵۹﴾﴾ [الأنعام: ۱۵۹].

«همانا کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و فرقه فرقه شدند تو به هیچ وجه از آنان نیستی، همانا حسابشان با خداوند است سپس آنان را به آنچه می‌کنند آگاه خواهد ساخت».

و همانطور که شریعت از تفرقه نهی نموده و نسبت به آن هشدار داده است تکالیفی را تعیین نموده که همگرایی را تضمین کرده و از تفرقه جلوگیری می‌کنند. از جمله تشویق به ادای نمازهای پنجگانه در جماعت با ترغیب در آن و هشدار شدید نسبت به ترک آن، چنانکه در صحیحین از عبدالله بن عمر - رضی الله عنهما - آمده است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود: «نماز جماعت بیست و هفت درجه بر نماز فردی برتری دارد».

و همچنانکه در حدیثی که شیخین در صحیح خود از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت کرده‌اند هشدار شدید نسبت به ترک جماعت وارد شده است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرموده‌اند: «قسم به آنکه جانم در دست اوست قصد نموده‌ام که هیزم جمع کنند سپس دستور به برپایی نماز دهم و برای آن اذان دهند و سپس مردی را امر کنم که برای مردم امامت کند سپس به نزد مردانی روم که در نماز جماعت حاضر نمی‌شوند و خانه‌هایشان را بر آنان آتش زنم...».

همینطور وجوب دیدار هفتگی برای شنیدن یاد خدا و ادای نماز جمعه، و پس از آن امر به اجتماعی بزرگ‌تر از آن در نماز عید که بهتر است محل آن در صحرا باشد و تشویق به حضور مردان و زنان - حتی زنانی که عذر شرعی دارند - تا بیشترین تعداد مردم از این خیر بهره‌برند و سود آن فراگیر شود و بالاتر از آن، فرض گرداندن اجتماع بزرگی که جمع بسیاری از مردم را که از هر سو به سوی خانه‌ی خدا روان می‌شوند تا در زمانی مشخص برای ادای فریضه‌ی حج یکجا شوند، و به هم رسیدن این جمع عاملی شود برای حضور و شهود منافی که برای محکم‌تر شدن روابط میان برادران و تلاش در جهت توحید صفوف و کلمه لازم و ضروری است.

در سنت‌هایی که رسول هدایت - صلی الله علیه وآله وسلم - برای ما به جای گذاشته است توصیه‌ی به اتحاد و هم‌گرایی و هشدار نسبت به تفرقه و دشمنی آنقدر وارد شده است که نشان دهنده‌ی شدت حرص آن حضرت - صلی الله علیه وآله وسلم - بر اسباب وحدت و دال به آن است.

از جمله در سنت آمده است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - در یکی از سفرهایش مشاهده نمود که مردم هنگام توقف و منزل گرفتن، در دره‌ها و دشت‌ها پراکنده می‌شوند پس آن را بد داشت و از آن نهی نمود و فرمود: «متفرق شدن شما در دشت‌ها و دره‌ها از شیطان است» بنابراین صحابه پس از آن هیچگاه در منزل‌گاهی فرود نیامدند مگر آنکه در کنار هم قرار گرفتند و آنقدر به هم نزدیک می‌شدند که در مورد آنان گفته می‌شد: اگر لباسی بر آنها انداخته می‌شد همه‌شان را در بر می‌گرفت [به روایت امام احمد در مسند و ابوداود و نسائی در سنن با سند صحیح].

و از آنجایی که کشمکش و دشمنی برای دنیا از عادات اهل جاهلیت و کافران است رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - اهل اسلام را از آن برحذر داشته و در خطبه‌ی روز قربانی فرمود: «پس از من به کفر باز نگردید که برخی از شما گردن برخی دیگر را بزنند» ابن عباس - رضی الله عنهما - می‌گوید: به خدا قسم این سخن رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - که «پس از من کافر نشوید که برخی از شما گردن برخی دیگر را بزنند» وصیت پیامبر به امتش بود [به روایت بخاری در صحیح خود].

و از آنجایی که خروج از اجماع امت از بزرگ‌ترین اسباب تفرقه و درگیری و اختلاف است هشدار نسبت به خروج از طاعت ولی امر و جدا شدن از جماعت نیز بسیار شدید و عقوبت آن نیز سخت است. رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - در حدیثی که مسلم در صحیح خود از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت کرده است می‌فرماید: «هرکه از طاعت ولی امر خارج شود و از جماعت مسلمانان دوری گزیند و بر این حالت بمیرد، بر مرگ جاهلیت از دنیا رفته است و هرکه زیر پرچم جهالت و گمراهی کشته شود و برای تعصب [قومی و نژادی] خشمگین شود و برای آن بجنگد از امت من نیست و هر کس از امت من علیه آن خارج شود و به نیکان و بدان آن هجوم آورد و نه از مومن آن درگذرد و نه به عهد و پیمان هم‌پیمانان وفا کند از من نیست و من نیز از او نیستم».

و در حدیثی دیگر که امام مسلم - رحمه الله - روایت کرده است آمده است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «در آینده فتنه‌هایی رخ خواهد داد، پس هرکه

خواست امر این امت را در حالی که یکجا است متفرق گرداند او را - هر کسی که باشد - با شمشیر بزیند».

این نیست مگر برای آنکه تفرقه و خارج شدن از جماعت به سان میکروبی است که اگر به آن اجازه زنده ماندن داده شود باعث مرگ بدنه‌ی امت و هلاکت آن می‌شود و آنچه در روز احد رخ داد چیزی نبود جز شومی همین تنازع و اختلاف که از عصیان امر خداوند و امر پیامبرش - صلی الله علیه وآله وسلم - ناشی گردید و به شکست در جهادی منجر شد که مسلمانان برای آن جان و مال خود را تقدیم کرده بودند:

﴿وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ حُسُونَهُمْ بِإِذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَسَلْتُمْ وَتَنَزَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا أَرْبَبْنَاكُمْ مَّا تُحِبُّونَ مِنْكُمْ مَّن يُّرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَّن يُّرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفْنَا عَنْهُمْ لِبَنَاتِكُمْ وَلَقَدْ عَاةَنَّا عَنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٥٢﴾﴾

[آل عمران: ۱۵۲].

«[در نبرد احد] الله وعده‌ی خود را با شما راست نمود آنکه که به اذن او آنان را از پای درمی‌آوردید تا آنکه سست شدید و در کار [جنگ و غنایم] با یکدیگر به نزاع برخواستید و پس از آنکه آنچه را دوست داشتید به شما نمایاند سرپیچی نمودید [و دو دسته شدید] برخی از شما دنیا و برخی از شما آخرت را می‌خواست سبب برای آنکه شما را بیازماید شما را از آنان بازداشت و از [تعقیب] آنان منصرفتان گرداند و همانا از شما درگذشت و الله بر مومنان صاحب فضل [و منت] است».

نخستین موعظه‌ای که صحابه پس از پیروزی جنگ بدر شنیدند امر به یکپارچه ساختن صف‌هایشان و دوری از اختلاف و کشمکشی بود که به تفرقه بینجامد. خداوند متعال خطاب به مومنان می‌فرماید:

﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ﴾ [الأنفال: ۴۶].

«و از الله و پیامبرش اطاعت کنید و با هم نزاع نکنید که سست شوید و هیبت شما از

بین برود».

از آفت ضعف و سستی، و «از بین رفتن هیبت» هیچ راه نجاتی نیست مگر با چنگ زدن به ریسمان خداوند یعنی به دین او و کتاب و شریعت او و دور انداختن تفرقه؛ تفرقه‌ای که باعث کفران نعمت خداوند است، زیرا خداوند ما را به سوی اسلام هدایت نمود و ما را پس از دشمنی‌ها و کینه‌ها و تفرقه‌ی دوران جاهلیت برادر همدیگر گرداند تا در راه خیر و نیکی یار و یاور هم باشیم:

﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِّنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ [آل عمران: ۱۰۳].

«و همگی به ریسمان الله چنگ زنید و متفرق نشوید و نعمت الله را بر خودتان به یاد آورید آنگاه که دشمن یکدیگر بودید پس میان قلب‌های شما الفت ایجاد کرد و با نعمت او برادران هم شدید و بر لبه پرتگاه آتش بودید پس شما را از آن نجات داد. الله اینچنین آیات خود را برای شما بیان می‌کند باشد که هدایت شوید».

خداوند من و شما را با راه و روش کتاب و سنت سود رساند. این سخن خود را گفته و از خداوند بزرگ و جلیل برای خود و شما و دیگر مسلمانان از هر گناهی آمرزش می‌خواهم که همانا او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله است؛ او را حمد گفته و از او یاری جسته و آمرزش می‌خواهیم و از بدی‌های نفس خود و اعمال بدمان به الله پناه می‌بریم. الله هرکه را هدایت کند او گمراه‌گری نخواهد داشت و هرکه را گمراه سازد او هدایت‌گری نخواهد یافت و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که یگانه و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد بنده‌ی الله و پیامبر اوست. خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یاران او درود و سلام فرست.

اما بعد، ای بندگان خداوند:

اختلافی که ناشی از تفاوت درک و فهم و اختلاف خرده‌ها در استنباط است هرگز سببی برای تفرقه و درگیری نیست و شایسته هم نیست که چنین باشد، زیرا شریعت، اختلاف میان مجتهدان را روا دانسته است و امر این اختلاف را میان دو نوع اجر دانسته است: دو پاداش برای مجتهدی که رایش صحیح باشد و یک پاداش برای مجتهدی که در اجتهاد خود اشتباه کرده باشد چنانکه در حدیثی که بخاری در صحیح خود روایت نموده است به این موضوع اشاره شده است.

این نوع اجتهاد ارتباطی است میان نیت صحیح و نتیجه‌ی اندیشه، که هر گاه قصد و نیت انسان خیر باشد و وسیله‌ی رسیدن به آن هدف نیز صحیح باشد و آن شخص اهلیت و صلاحیت آن کار را نیز داشته باشد در این صورت هیچ دلیلی برای تنازع و درگیری وجود ندارد زیرا هدف، شناخت حقیقت و عمل به آن و راهنمایی دیگران به سوی آن با هدف توصیه‌ی به حق و توصیه‌ی به صبر است که این خود از اسباب همگرایی و اتحاد است نه تفرقه و دشمنی.

چه زیباست که رسانه‌های نوین نیز با امکاناتی که در اختیار می‌گذارند سببی برای وحدت کلمه و راهی به سوی اتحاد احساسات مردم باشند نه عاملی برای تفرقه و دشمنی.

پس ای بندگان خداوند تقوای او را پیشه سازید و از هر کوششی برای محقق ساختن اتحاد کلمه و وحدت صف فروگذار نکنید و از دشمنی و اختلاف و تنازع و درگیری و تفرقه که عامل سستی و ضعف است دوری کنید که بد سرنوشتی در انتظار کسانی که با یکدیگر از در دشمنی و حسد وارد می‌شوند.

و در پایان درود و سلام فرستید بر خاتم پیامبران محمد بن عبدالله که خداوند شما را در کتاب خود به آن امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد درود و سلام فرست و از چهار خلیفه‌ی وی ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر اهل بیت و یاران و تابعین و همه‌ی کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند راضی و خشنود باش و از ما نیز به همراه آنان خشنود باش ای بهترین بخشندگان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و حوزه‌ی دین را حفظ نما و دشمنان دین و دیگر متجاوزان و مفسدان را نابود گردان و میان دل‌های مسلمانان الفت ایجاد کن و صفشان را یکی گردان و رهبرانشان را اصلاح نما و کلمه‌شان را بر حق یکی گردان ای پروردگار جهانیان.

خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - و بندگان مومن مجاهد صادق را پیروز گردان.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان ما را اصلاح نما.

خداوندا ما را آنگونه که خود صلاح می‌دانی از شر دشمنان ما و دشمنانت حفظ نما ای پروردگار جهانیان.

خداوندا عاقبت ما را در همه‌ی امور خیر گردان و ما را از خواری دنیا و عذاب آخرت محافظت نما. خداوندا دین ما را که نگهدارنده‌ی امر ماست و دنیای ما را که زندگی‌گاه ماست و آخرت را که بازگشت‌گاه ماست اصلاح نما و زندگی را برای ما عاملی در افزونی همه‌ی نیکی‌ها و مرگ را عامل آسودگی از همه‌ی بدی‌ها بگردان.

خداوندا ما از زوال نعمت و برگشتن عافیت و خشم ناگهانی‌ات به تو پناه می‌بریم ای پروردگار جهانیان.

خداوندا مصر و مردم مصر را حفظ نما و رهبران آن را برای رسیدن به همه‌ی نیکی‌ها یاری ده و به واسطه‌ی آنان دینت و کتابت و سنت پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - را یاری ده.

خداوندا مستضعفان را در سوریه نجات ده، خداوندا جان آنان را حفظ نما، خداوندا از خون و جان مسلمانان در سوریه محافظت نما، خداوندا مردگانشان را بیامرزد و اجر شهادت در راه خودت را برای آنان قرار ده ای پروردگار جهانیان. خداوندا تو یار و یاور آنان باش، خداوندا تو درد آنان را دوا کن و تو به ضعف آنان رحم کن ای پروردگار جهانیان.

خداوندا گرسنه‌شان را غذا ده و بی‌لباسشان را بپوشان و آنان را بر دشمنانشان و دشمنانت یاری ده.

«پروردگارا ما به خود ستم نمودیم و اگر تو ما را مورد مغفرت و رحمت خود قرار ندهی بی‌تردید از زیانکاران خواهیم بود» [الأعراف:

شده و مقام والا می‌یابند و برخی سستی پیشه ساخته و به بیهودگی مشغول می‌شوند، و برخی دیگر به واسطه‌ی هوا و هوس به پایین‌ترین درجات سقوط می‌کنند.

پروردگرم را سپاس و ستایش می‌گویم و ثنای وی را گفته و از او آمرزش می‌خواهم و گواهی می‌دهم که معبودی به حق جز او نیست که یگانه و بی‌شریک است، او که برای کار اندک اجر عظیم می‌دهد و گناهان بزرگ را می‌بخشد، غم را از دل مومنان برمی‌چیند و زشتی‌ها را پوشانده و نیکی‌ها را عیان می‌کند، او که از شبیه و همانند و نظیر منزه است:

﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ [الشوری: ۱۱].

«چیزی به مانند او نیست و او شنوا و بینا است».

و گواهی می‌دهم که محمد بنده و پیامبر او و خلیل و برگزیده وی است، هرکه رهنمون و روش او را در پیش گیرد هدایت شده و هرکه با هوای نفس از رهنمون او دوری کند گمراه شود؛ درود و سلام بسیار خداوند بر وی و بر اهل بیت و یاران او و همه‌ی کسانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند.

اما بعد:

تقوای الله را آنگونه که شایسته است پیشه دارید و به ریسمان محکم اسلام چنگ

زنید:

﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلْقَوَةٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [البقرة: ۲۲۳].

«و از الله پروا دارید و بدانید که شما او را دیدار خواهید کرد و مومنان را بشارت ده».

ای مسلمانان:

روزها به سرعت می‌گذرند و ما در پی دنیا دوانیم و عمرهای ما کم می‌شود و در غفلتیم و نسبت به آنچه از ما خواسته شده است با کارهای دیگر مشغولیم در حالی که در سال گذشته حکومت‌ها تغییر کردند و مُلک‌هایی زایل گشتند و اوضاع تغییر یافت و چهره‌ی تاریخ دچار دگرگونی شد، سالی که در آن گردبادی از حوادث پرشتاب و پشت سر هم رخ داد که انسان از درک عمق آن عاجز است...

از رحمت و لطف خداوند است که امروز از خواب برخیزیم و صبحی از صبح‌های رمضان را با فضل و برکت و بشارت‌ها و پیروزی‌هایی که در طول تاریخ با خود داشته است در روبروی خود ببینیم. رمضان ساحلی است که کشتی دل پس از طوفان حوادث و غفلت ایام در کنار آن پهلو گرفته است، سالی که با تغییرات خود و مشغولیت‌ها و کم‌کاری‌های ما گذشت...

اکنون وقت آن است که روح‌های ما پس از خشکی تازه شوند و قلب‌های ما پس از آنکه سخت شده است نرم شود و به راستی که «بیچاره است آنکه رمضان را درک کند و آمرزیده نشود».

خداوندا این ماه را با امن و ایمان و سلامت و اسلام نصیب ما گردان.

ای مومنان:

مواسم خیر فرصت‌هایی گذرا هستند و هر یک از این مواسم همانطور که می‌آید در حال رفتن است و غنیمت بردن از آن تنها با صبر چند ساعت است که آنگاه انسان مسلمان پس از پذیرفته شدن عملش از برندگان و نزد آفریدگارش از مقربان خواهد بود. خداوندا! چه اجرهایی که در این مواسم به دست می‌آید و چه گردن‌هایی از بار گناه خلاصی می‌یابند، پس پروردگارا ما را در معرض نَفَحَاتِ خود قرار ده و ما را برای رسیدن به آمرزشت شتاب عطا کن و از جمله‌ی کسانی بگردان که رضوان و خشنودی تو را به دست آورده‌اند و در انجام عمل نیک توفیق ده و ما را از جمله پذیرفته شدگان قرار ده و عاقبت ما را ختم به خیر گردان.

ای مسلمانان:

روزه، شرعی است کهن:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ﴾

[البقرة: ۱۸۳]

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید روزه بر شما واجب گردید همانطور که بر کسانی که

پیش از شما بودند واجب شده بود».

و رمضان ماه رحمت‌ها و برکات و حسنات و خیرات است که درهای بهشت در آن گشوده شده و درهای آتش بسته می‌شوند و شب قدر که برتر از هزار ماه است در آن قرار دارد و خداوند در این ماه کسانی را از آتش آزاد می‌کند. در صحیحین - بخاری و مسلم - از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت است که «هرکه رمضان را از روی ایمان و احتساب روزه گیرد گناهان گذشته‌اش آمرزیده می‌شود» و همچنین «هرکه رمضان را از روی ایمان و احتساب به نماز ایستد گناهان گذشته‌اش آمرزیده می‌شود».

بوی دهان روزه‌دار نزد خداوند از بوی مشک خوش‌تر است و روزه‌دار دو شادی دارد: یک شادی هنگامی که افطار می‌کند و یک شادی هنگامی که با پروردگارش دیدار کند.

و در صحیح مسلم از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت است که فرمود: «... و [همچنین] رمضان تا رمضان باعث بخشیده شدن گناهانی است که میان آن‌ها رخ داده است اگر انسان از انجام گناهان کبیره اجتناب ورزد».

﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ﴾

[البقرة: ۱۸۵].

«ماه رمضان [همان ماه] است که در آن قرآن فرو فرستاده شده است [کتابی] که مردم را راهبر و [در بر گیرنده‌ی] دلایل آشکار هدایت و [میزان] تشخیص حق از باطل است».

جبرئیل - علیه السلام - در این ماه با رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - قرآن را مدرسه می‌نمود و سلف - رحمهم الله - هنگامی که رمضان فرا می‌رسید سخن را کم کرده و خود را برای قرائت قرآن فارغ می‌ساختند، و روزه و قرآن برای صاحب خود در قیامت شفاعت می‌کنند.

این، ماه تروایح و قیام و به صف شدن در محراب تهجد است در حالی که دیگر مردم در خوابند. این، ماه اشک ریختن و بخشش گناهان است و روزه‌دار در این ماه دعایی دارد که رد نمی‌شود:

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلِيُؤْمِنُوا بِى لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾ [البقرة: ۱۸۶].

«و هنگامی که بندگان من از تو درباره من پرسیدند [بگو] من نزدیکم و دعای دعا کننده را هنگامی که مرا بخواند اجابت می‌کنم. پس باید که فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان آورند، باشد که راهیاب شوند».

در رمضان درون‌ها پاک شده و اخلاق انسان وارسته می‌شود و روزه تربیتی است برای شکستن شهوت و قطع اسباب بندگی هواهای درونی و شهوات. در رمضان است که حس همدردی با فقرا و مستمندان به وجود می‌آید زیرا این ماه، ماه صدقه و همدردی است.

ای مسلمانان:

دین خود را برای خداوند خالص گردانید و از چرک و ناپاکی گناهان و معاصی خلاص شوید و آن را با آب توبه و استغفار بشوید زیرا گناهان، انسان را از طاعات باز می‌دارند و میان انسان و اسباب نزدیکی به خداوند حائل ایجاد می‌کنند.

سپس روزه‌ی خود را از آنچه باعث نقص یا از بین رفتن اجر آن می‌شود مصون بدارید. اخلاص و پیروی از سنت را در همه‌ی عبادات خود محقق گردانید و از شرک دوری کنید که شرک بدترین مانع در برابر پذیرفتن اعمال نزد خداوند است و از هر گونه بدعتی در دین دوری گزینید که خداوند عملی را که خود به عنوان دین قرار نداده است نخواهد پذیرفت.

روزه‌ی خود را از عواملی که به آن ضربه می‌زند حفظ کنید زیرا از ابوهریره - رضی الله عنه - از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت است که ایشان فرمودند: «هرکه سخن دروغ و باطل و عمل به آن را ترک نگوید خداوند نیز نیازی به این ندارد که وی غذا و نوشیدنی‌اش را ترک کند» [به روایت بخاری].

و در صحیح روایت است که پیامبر اسلام - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «هرگاه که روز روزه‌ی یکی از شما بود بدزبانی نکند و صدای خود را [به ناسزا] بلند نکند و اگر کسی به او ناسزا گفت یا با وی درگیر شد بگوید: من روزه‌ام».

ای روزه‌داران:

مقصود روزه تربیت نفس بر طاعت خداوند و پاکسازی آن به واسطه‌ی صبر و والا ساختن آن در برابر شهوات است و همانطور که بدن در حالت روزه از برخی مباحات منع می‌شود همینطور من باب اولی

ای روزه‌داران:

در سحرها اسرار و نفحات و رحمت‌هایی است، آنگاه که خداوند متعال به آسمان دنیا نازل می‌شود و چه بسیار دعاهایی که به واسطه‌ی آن‌ها سعادت ابدی برای صاحب آن نوشته می‌شود و در هنگام افطار دعایی است که رد نمی‌شود.

پس با بهره گرفتن از این ماه سعادت‌مند شوید و در آن تا می‌توانید برای خود عمل نیک پیش فرستید و به پروردگار خویش نزدیک شوید زیرا او شما را به سوی بهشت فرا خوانده و فرموده است:

﴿وَاللَّهُ يَدْعُوْا إِلَىٰ دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ﴾ [یونس: ۲۵].

«و الله شما را به سوی سرای سلامت (بهشت) فرا می‌خواند و هر کس را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند».

خداوند من و شما را به واسطه‌ی کتاب و سنت برکت دهد و با آیات و حکمت موجود در آن سود رساند. این سخن خویش را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از خداوند متعال آمرزش می‌خواهم. پس از او آمرزش خواهید که وی بسیار آمرزنده است.

خطبه‌ی دوم:

سپاس و ستایش مخصوص خداوندی است که روزه را سپری در برابر گناهان و سببی برای رسیدن به بهشت گرداند. او را حمد و سپاس می‌گویم که از روی فضل خود هدایت کرد و آسان گرداند و گواهی می‌دهم که معبودی به حق جز الله نیست که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد بنده و پیامبر اوست که ما را به سوی واضح‌ترین راه و استوارترین روش رهنمون گردید. درود و سلام خداوند بر وی و بر اهل بیت و یاران او و کسانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند.

ای مومنان روزه‌دار:

رمضان ماه خاطرات و فتوحات و پیروزی‌ها است و همان اندازه که به آمدن آن خوشحال می‌شوم، همانطور نیز امیدواریم که خداوند اوضاع امت را به سوی عزت و پیروزی و تمکین تغییر دهد و این امت را به زیبایی به سوی خود باز گرداند، و گرنه رمضان در حالی به نزد ما آمده است که پیکره‌ی امت زخمی است و از درد به خود می‌نالند.

رمضان در حالی آمده است که محل اسرای پیامبر ما - صلی الله علیه وآله وسلم - در اشغال ستمگران است.

رمضان در حالی آمده است که مرزداران مسلمان در بیت المقدس و اطراف بیت المقدس کشته می‌شوند و آواره می‌گردند...

رمضان در حالی آمده است که برادران و خواهران ما در سوریه ذبح و نابود می‌شوند و نیروهای شرارت نیز نسبت این کشتار سکوت پیشه می‌کنند، گرچه ما فرج آنان را نزدیک‌تر از گمان دیگران می‌بینیم. آن پیروزی که به دست صابران و در نتیجه دعای روزه داران و خاشعان به دست خواهد آمد و این برای خداوند سخت نیست که در روز عید فطر امسان در سرزمین شام دو عید داشته باشیم: عید فطر و عید پیروزی.

پس پروردگارا! بندگان خود را حفظ نما که تو خود به آنان داناتری که مصیبت‌های پی در پی به آنان رسیده است، پروردگارا! از سوی خود آنان را پیروزی عطا کن، پیروزی‌ای که برای آن کسی را جز تو سپاس نگویند و با آن از همه‌ی دشمنان خود و دشمنان تو بی‌نیاز گردند.

سپس پروردگارا بر بهترین انسان‌ها درود و سلام ارزانی دار: خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت پاک و صحابه‌ی نیک وی درود و سلام فرست. خداوندا و از آن امامان هدایتگر و خلفای راشد: ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه‌ی پیامبرت و همه‌ی کسانی که راه آنان را بپیمایند راضی و خشنود باش.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار گردان و دشمنان دین را نابود گردان و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امن و امان بدار.

خداوندا هر کسی را که برای این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان اراده‌ی بدی یا تفرقه دارد به خود مشغول ساز و تدبیرش را عامل نابودی خودش بگردان. خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان و والیان امر ما را اصلاح گردان.

خداوندا اوضاع مسلمانان را در هر جایی که هستند اصلاح نما، خداوندا اوضاع آنان را در سوریه اصلاح نما، خداوندا آنان را بر حق و هدایت متحد گردان، خداوندا از جان آنان محافظت نما و ترس‌شان را به امنیت مبدل گردان و گرسنه‌شان را سیر گردان و ناموس و آبروی‌شان را حفظ کن و قلب‌شان را محکم بدار و گام‌هایشان را استوار ساز و آنان را بر متجاوزان پیروز گردان. خداوندا محاصره‌شان را بشکن، خداوندا پیروزی نزدیک را خواهانیم، خداوندا پیروزی‌شان را کامل گردان.

خداوندا یتیمان و زنان فرزندی از دست داده و مظلومان را یاری ده، خداوندا آنان را مورد رحمت خود قرار ده ای رحیم‌ترین رحیمان و ای یاور مظلومان. خداوندا طاغوت‌های ستمگر را نابود گردان، خداوندا آنان را نابود گردان که یارای ناتوان ساختن تو را ندارند، خداوندا عذاب خود را بر آنان نازل گردان ای معبود به حق! خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بنده مومنت را یاری ده. خداوندا مستضعفان مسلمان را در هر جایی که هستند یاری کن و آنان را بر حق متحد گردان. خداوندا آنان را در فلسطین بر صهیونیست‌های غاصب یاری ده.

«پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از عذاب آتش حفظ نما»

[البقرة:]

پاک و منزّه است پروردگار تو از آنچه به دروغ و صغش می‌کنند و سلام بر پیامبران و ستایش تنها شایسته‌ی الله، پروردگار جهانیان اس.

عنوان خطبه:

فوائد و ویژگی‌های روزه در اسلام

خطیب: دکتر اسامه خیاط

مسجد الحرام: جمعه ۸ رمضان ۱۴۳۳ برابر با ۶ مرداد ۱۳۹۱

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن خداوندِ کریمِ مَنان است، او را حمد می‌گویم که عطا کننده‌ی نعمت‌ها است، بخشش وی کریمانه است و احسانش ازلی، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق جز او نیست که واحد و بی‌شریک است، او که این ماه مبارک را بر دیگر ماه‌ها ویژگی داده است و شهادت می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد بنده‌ی الله و پیامبران او و دارای مناقب زیبا و صفات نیکو است. خداوند ابر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یاران وی درود و سلام ارزانی دار.

اما بعد: ای بندگان خداوند تقوای او را پیشه سازید و به یاد داشته باشید که شما روزی در برابر او خواهید ایستاد و مورد پرسش قرار خواهید گرفت:

﴿يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تُجَدِّدُ عَنْ نَفْسِهَا وَتُوقَى كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

﴾ [النحل: ۱۱۱].

«[یاد کن] روزی را که هر کس می‌آید [و] از خود دفاع می‌کند و هر کس به آنچه کرده بی‌کم و کاست پاداش می‌یابد و بر آنان ستم نمی‌رود».

ای مسلمانان: اگر چه روزه فریضه‌ای است که خداوند همانند امت‌های گذشته بر امت اسلام نیز فرض ساخته است اما روزه در شریعت اسلام دارای ویژگی‌ها و مزایایی است که آن را تشریحی اصلاحی و تنظیمی و ربانی و والا ساخته است که بنده به

واسطه‌ی آن به خشنودی پروردگار دست یافته و مقام احسان و اضافه‌ی بر آن را به دست می‌آورد و تقوا را که بهترین توشه‌ی رهپویان و سالکان به سوی پروردگار جهانیان است فراچنگ می‌آورد.

این ویژگی‌ها و مزایا بسیارند از جمله:

روزه سبب محقق گردیدن بندگی برای الله، پروردگار جهانیان است زیرا امساک و افطار در اسلام تنها به همان صفت و روش و با همان وقت و زمانی است که خداوند و پیامبر وی - صلی الله علیه و آله وسلم - مشروع ساخته‌اند، زیرا روزه‌دار بنده‌ای است که به مقام عبودیت نخواهد رسید مگر با عبادت خداوند به یگانگی و با همان روشی که خود وی مشروع گردانده است. خلاصه‌ی دین این است که تنها الله عبادت شود و این عبادت نیز تنها به روشی که خود وی قرار داده است انجام گیرد.

بنابراین روزه - آنطور که برخی از علما می‌گویند - هم‌هش خضوع و فروتنی در برابر امر خداوند است، و پس از طلوع آفتاب هیچ خوردن و آشامیدنی برای روزه‌دار حلال نیست هر چه نفس سرکشی کند و هر چه شهوت خوردن و نوشیدن طغیان نماید.

و از سوی دیگر هیچ‌کدام از چیزهایی که تا پیش از غروب خورشید بر روزه‌دار حرام بودند پس از آن حرام نیستند، هر چند طبیعت زهد و عبادت در برخی از انسان‌ها از حد خود در رود، زیرا در این دین حکم و امر و نهی نه از آن نفس و شهوت و عادت بلکه تنها از آن الله است، و هر چه روزه‌دار از هوای نفس خود دورتر باشد و تسلیم حکم خداوند و شریعت وی شود در عبودیت خود صادق‌تر و نسبت به خداوند مطیع‌تر خواهد بود.

از دیگر ویژگی‌های روزه در شریعت اسلام این است که خداوند این عبادت را بر هر مسلمان مکلف توانایی فرض گردانده است، بنابراین وجوب آن تنها محدود به یک طبقه

مُحَقَّق رُؤِیْتِ نَمُودَه [یا از رُؤِیْتِ صَحِیْحِ آن اِطْلَاعِ یافْتَه] وَاِجْبِ گِرْدانْدَه اسْت و تَنْها
بِیْماران و مَسافِران و کَسانِی را کِه بَه سَببِ کِهولْتِ سِنِ یا دِیْگَر عَذْرها از اِنْجَامِ آن ناتوانند
مُسْتَسْتَنی

علیه وآله وسلم - به مدت دو روز روزه‌شان را ادامه داد تا آنکه هلال [عید] را رؤیت نمودند، سپس فرمود: «اگر هلال به تاخیر می‌افتاد بر شما می‌افزودم» و گویا این کار را برای تنبیه آنان به سبب دست نکشیدن از روزهی وصال انجام داد».

جز اینکه وی - صلی الله علیه وآله وسلم - برای کسی که قصد روزهی وصال دارد حدی را قرار داده است که تجاوز از آن برای وی جایز نیست و آن این است که تنها اجازه دارد تا سحر روز بعد به وصال خود ادامه دهد چنانکه در حدیثی که بخاری در صحیح خود از ابوسعید خُدَری - رضی الله عنه - روایت کرده است آمده که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «وصال نکنید و هر کس از شما قصد وصال نمود تا سحر وصال کند».

و این‌انطور که امام ابن قیم می‌فرماید «معتدل‌ترین نوع وصال و آسان‌ترین آن برای روزه‌دار است که در حقیقت همان به تاخیر انداختن شام است».

این شریعت همچنین با حلال گرداندن زناشویی و خوردن و آشامیدن و همه‌ی ممنوعات روزه در شب‌های روزه‌داری مانع از تَعَمُّق و غلو و زیاده‌روی در دین شده است:

﴿أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالْآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَأَبْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمْ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتِمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ﴾ [البقرة: ۱۸۷].

«در شب‌های روزه هم‌بستری با زنان با حلال گردیده است آنان برای شما لباسی هستند و شما برای آنان لباسی هستید الله می‌دانست که شما با خودتان ناراستی می‌کردید پس توبه‌ی شما را پذیرفت و از شما درگذشت پس اکنون [در شب‌های ماه رمضان می‌توانید] با آنان هم‌خوابگی کنید و آنچه را الله برای شما مقرر داشته طلب کنید و بخورید و بیاشامید تا رشته‌ی سپید بامداد از رشته‌ی سیاه [شب] بر شما نمودار شود سپس روزه را تا [فرا رسیدن] شب به اتمام رسانید».

از دیگر ویژگی‌های روزه در اسلام این است که روزه هرگز نشانه یا علامت عزا و غم و اندوه یا یادآور مصیبت‌ها و بلاها نیست بلکه عبادت و طاعت و نزدیکی به خداوند و سبب خوش‌بینی و بشارت و باعث شادی و سرور برای فضل و رحمت و پاداش خداوندی و جزای نیک وی برای کسی است که از روی ایمان و احتساب روزه گرفته است، آنگونه که در حدیث آمده است: «هر کار فرزند آدم چند برابر می‌شود که از ده برابر تا هفتصد برابر است، و خداوند متعال می‌فرماید: مگر روزه که برای من است و من پاداش آن را می‌دهم، [زیرا بنده‌ام] شهوت و غذای خود را برای من ترک می‌گوید. روزه دار دو شادی دارد: یک شادی هنگامی که افطار می‌کند و شادی دیگر هنگام دیدار پروردگار..» این حدیث را بخاری در صحیح خود روایت کرده است.

و در صحیحین از سهل بن سعد - رضی الله عنه - از رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - روایت شده است که فرمودند: «در بهشت دری وجود دارد که به آن ریّان گفته می‌شود و روزه‌داران در روز قیامت از آن وارد [بهشت] می‌شوند و کسی جز آنان از آن وارد نمی‌شود. پس هنگامی که از آن داخل شدند بسته می‌شود و کسی دیگر از آن داخل [بهشت] نخواهد شد». این حدیث را شیخین بخاری و مسلم در صحیح خود و همچنین نسائی و ترمذی روایت کرده‌اند و ترمذی افزوده است: «هر کس از آن وارد شود هرگز پس از آن احساس تشنگی نخواهد کرد».

همچنین در صحیح بخاری از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - فرمود: «هر کس رمضان را از روی ایمان و احتساب پاداش روزه بدارد گناهان گذشته‌اش آمرزیده می‌شود».

از دیگر ویژگی‌های روزه‌ی اسلامی این است که امساک در آن تنها محدود به دست کشیدن از خوردن و نوشیدن و شهوت و دیگر مُفطراتِ حسی نیست بلکه همچنین از دیگر کارهایی که با اهداف روزه منافات دارد و باعث از بین رفتن آثار و ثمرات آن و کم شدن اجر آن می‌شود نیز منع به عمل آمده است چنانکه در حدیث آمده است: «هنگامی

که روزه‌ی کسی از شما بود بد دهانی نکند و صدای خود را بلند نکند و اگر کسی به او دشنام داد یا با وی درگیر شد بگوید: «من روزه‌ام» [به روایت بخاری و مسلم در صحیح].
همینطور در حدیث آمده است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند:
«هر کس سخن دروغ و عمل به آن را ترک نکند خداوند نیز نیازی به این ندارد که وی غذا و نوشیدنی خود را ترک کند».

و در حدیث عثمان بن ابی العاص - صلی الله علیه وآله وسلم - آمده است که گفت:
شنیدم که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «روزه سپری در برابر آتش است همانند سپر یکی از شما در جنگ..» [به روایت امام احمد و نسائی و ابن ماجه با سند صحیح].

همه‌ی این‌ها حفاظ‌هایی از ادب و تقوا هستند که روزه‌ی بنده را از چرکِ گناهان حفظ می‌نمایند. یادآوری این مزایای عظیم باید باعث شکر خداوند متعال برای این نعمت شود که با ادای نیکوی آن و دوری از فرصت‌سوزی و عدم کم‌کاری ممکن است.
خداوند من و شما را با هدایت کتاب و سنت سود رساند؛ این سخن خویش را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از خداوند متعال از هر گناهی آمرزش می‌خواهم که همانا او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش ویژه‌ی خداوند کریم و رحیم است، او را حمد گویم، حمدی که به واسطه‌ی آن امید فضل و خیر فراگیر او را داریم، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است او که «رحمت خود را به هر کس بخواهد مخصوص می‌گرداند و همانا الله دارای فضل و بخشش بزرگ است» [آل عمران]:

اما بعد، ای بندگان خداوند:

از دیگری ویژگی‌های روزه در اسلام این است که تکالیف ایجابی و سلبی یعنی بایدها و نبایدها را یکجا دارد، یعنی همانطور که غذا و نوشیدنی و هم‌بستری و بددهنی و بیهودگی و غیبت و سخن‌چینی در هنگام روزه ممنوع است همانطور نیز ساعات روزه، زمان عبادت و طاعت و تلاوت قرآن و قیام و ذکر و استغفار و تسبیح و صدقه و نیکی و احسان و صله‌ی رحم و همدردی با دیگران است.

در همین باره ابن عباس - رضی الله عنهما - می‌گوید: «رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - بخشنده‌ترین مردم بود و در رمضان بیشتر [از دیگر روزهای سال] بخشنده بود، آن هنگام که جبرئیل به نزد او می‌آمد و قرآن را با وی مدارسه می‌نمود که در آن هنگام بخشنده‌تر از باد بارانی بود» [به روایت بخاری در صحیح].

و ترمذی در جامع خود و همچنین نسائی و ابن ماجه در سنن و ابن خزیمه و ابن حبان در صحیح خود با سند صحیح از زید بن خالد جُهَنی - رضی الله عنه - از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت کرده‌اند که فرمود: «هر کس روزه‌داری را افطار دهد به مانند پاداش وی به دست خواهد آورد جز آنکه از اجر آن روزه‌دار چیزی کم نمی‌شود».

و دیگر انواع نیکی و احسان به خود و به دیگران که حد و حدودی ندارد تا جایی که این ماه - آنطور که برخی از اهل علم گفته‌اند - بهار نیکوکاران و متقیان و عید عابدان و صالحان است که در آن اهمیت این امت به برپا داشتن احکام دینشان و فروتنی در برابر پروردگار و رِقَّت قلب و رقابت در انجام نیکی‌ها به زیباترین نحو متجلی می‌گردد که هیچ امتی به آن و نه حتی یک دهم آن دست نیافته است.

پس ای بندگان خداوند تقوای او را پیشه‌سازید و نعمت خداوند را سپاس گوید که شما را به اسلام هدایت نمود و با فریضه‌ی روزه بر شما منت گذاشت، فریضه‌ای که نظیر و همانندی در میان دیگر انسان‌ها ندارد، پس نیکویی پیشه کنید که خداوند نیکوکاران را دوست دارد و در برابر خداوند خیر و نیکی انجام دهید تا نزد او از رستگاران گردید.

و بر خاتم پیامبران و فرستاده‌ی پروردگار جهانیان درود و سلام فرستید که خداوند شما را در کتاب مبین خود بدان امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد درود و سلام فرست و از چهار خلیفه

خداوندا مسلمانان را در هر جایی که هستند حفظ نما. خداوندا مسلمانان را در سوریه محافظت نما، خداوندا تو یار و یاور آنان باش، خداوندا به ضعف آنان رحم نما، خداوندا شکستگی آنان را جبران کن و مردگانشان را بیمارز و پاداش شهادت در راه خود را نصیب آنان گردان. خداوندا بیمارانشان را شفا ده و گرسنه‌شان را سیر گردان و اسیرانشان را آزاد گردان.

خداوندا مسلمانان را در هر جا که هستند یاری ده خداوندا آنان را بر دشمنشان و دشمن خود پیروز گردان.

«پروردگارا ما به خود ستم نمودیم و اگر تو ما را مورد مغفرت و رحمت خود قرار ندهی بی‌تردید از زیانکاران خواهیم بود» [الأعراف: ۲۳].

«پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ حفظ نما»

[البقرة: ۲۰۱].

و درود و سلام خداوند بر بنده و پیامبرش محمد و بر اهل بیت و یاران وی،
والحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

قرآن... ای امت اسلام!

خطیب: دکتر سعود شریم

مسجدالحرام: جمعه ۱۵ رمضان ۱۴۳۳ برابر با ۱۳ مرداد ۱۳۹۱

خطبه‌ی اول:

ستایش ویژه‌ی خداوند شکيبا و مهربان است، او که دارای منت و فضل فراگیر است. او را ستایش می‌گوییم تا آنکه خشنود شود و او را ستایش گویم آنگاه که خشنود گردید و او را پس از خشنودی ستایش گویم و او را در همه حال ستایش می‌گوییم، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق جز او نیست که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که

محمد بنده‌ی خداوند و پیامبر او و بهترین بندگان او و بهترین بنده‌ای است که نماز گزارد و روزه گرفت و کتاب پروردگارش را تلاوت نمود و برای او شبانگاه به نماز ایستاد... رسالت را ابلاغ کرد و برای امت خیرخواهی نمود و در راه خداوند آنگونه که شایسته است جهاد نمود... پس درود و سلام خداوند بر او و بر اهل بیت پاک و یاران نیک وی و همه

﴿قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ ﴿١٥﴾ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿١٦﴾﴾
[المائدة: ۱۵-۱۶].

«قطعا برای شما از جانب الله نور و کتابی روشنگر آمده است (۱۵) الله هرکه را از خشنودی او پیروی کند به وسیله‌ی آن [کتاب] به راه‌های سلامت رهنمون می‌شود و به توفیق خویش آنان را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بیرون می‌برد و به راهی راست هدایتشان می‌کند».

روزی ابوجهل بر ولید بن مغیره وارد شد تا او را علیه پیامبر خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - و آیاتی که بر وی نازل می‌شد تحریک نماید پس خطاب به ولید گفت: سخنی درباره‌ی این قرآن بگو تا قومت بدانند که آن را بد می‌داری. گفت: چه بگویم؟ به خدا قسم در میان شما کسی از من داناتر نسبت به شعر و رجز و قصیده و نه حتی شعر جنیان نیست! به خدا چیزی که او می‌گوید شبیه به هیچ‌کدام از این‌ها نیست، به خدا سوگند آنچه می‌گوید شیرین و زیباست، بالایش پر ثمر است و پابینش پر آب و والاست و چیزی والاتر از آن نیست و آنچه را که پایین‌تر از آن است در هم می‌شکند.

آری ای بندگان خداوند؛ این است آن قرآنی که خردها را مدهوش ساخته، چشم‌ها را به گریه آورده و قلب‌ها را با خود برده و سر کفر را به زیر آورده است:

﴿وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا ءَأَمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ ﴿٨٣﴾﴾ [المائدة: ۸۳].

«و چون آنچه را به سوی این پیامبر نازل شده بشنوند می‌بینی بر اثر آن حقیقتی که شناخته‌اند اشک از چشم‌هایشان سرازیر می‌شود، می‌گویند پروردگارا ما ایمان آورده‌ایم پس ما را در زمره‌ی گواهان بنویس».

بخاری و مسلم در صحیح خود روایت کرده‌اند که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - با جمعی از یاران خود به سوی بازار عُکاظ به راه افتادند و در آن هنگام میان شیاطین و اخبار آسمان حائل ایجاد شده و شهاب‌سنگ‌ها به سوی آنان فرستاده شده بود،

پس شیاطین به سوی قوم خویش بازگشتند و آنان گفتند: شما را چه شده است؟ گفتند: میان ما و خبر آسمان حائل ایجاد شده است. قومشان به آنان گفتند: میان شما و خبر آسمان حائل نشده است مگر برای اینکه چیزی رخ داده است پس در مشرق‌ها و مغرب‌های زمین به جستجو روید و ببینید چه شده است.

آنان به راه افتادند و مشارق و مغارب زمین را به جستجو پرداختند تا ببینند چه چیز باعث شده است میان آنان و خبر آسمان حائل ایجاد شود. پس آن دسته از آنان که به سوی تهمامه رفته بودند به نزد رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - رسیدند که در منطقه‌ی نخله در میانه‌ی راه بازار عکاظ با یارانش نماز صبح را به جا می‌آورد پس هنگامی که قرآن را شنیدند به آن گوش فرا دادند و گفتند: این آن چیزی است که باعث پرده افتادن میان شما و خبر آسمان شده است.

اینجا بود که به نزد قوم خویش برگشتند و گفتند:

﴿إِنَّا سَمِعْنَا قُرْءَانًا عَجَبًا ﴿١﴾ يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ ۗ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا ﴿٢﴾﴾

[الجن: ۱-۲].

«بی‌تردید ما قرآنی شگفت‌آور شنیدیم (۱) که به سوی هدایت راهنمایی می‌کند پس به آن ایمان آوردیم و هرگز کسی را شریک پروردگاران قرار نخواهیم داد». این است حال مردم با کتاب پروردگارشان، چه مومن باشند و چه کافر:

﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْءَانَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا ﴿٩﴾﴾ [الإسراء: ۹].

«قطعا این قرآن به [آیینی] که خود پایدارتر است راه می‌نماید و به آن مؤمنانی که کارهای شایسته می‌کنند مژده می‌دهد که پاداشی بزرگ برایشان خواهد بود».

هیچ چیز برای بنده در زندگی دنیا و آخرت وی و برای نجات و سروری او در دو جهان سودمندتر از تلاوت کتاب پروردگار در دل شب و دو سوی روز و تدبر و اندیشه در معانی آیات آن نیست. زیرا این باعث می‌شود بنده به جوامع خیر و شر و حال اهل آن

آگاه شود و از چهره‌ی واقعی دنیا و امت‌های گذشته و روزهای عذاب و مثال‌هایی که بر آنان رفته است، آگاهی یابد.

تدبیر کننده در قرآن غرق شدن قوم نوح و صاعقه‌ی عاد و ثمود را خواهد دید، و غرق شدن فرعون و هامان را مشاهده خواهد کرد و به ماهیت راه شر و عاقبت اهل آن و راه خیر و فرجام نیکان پی خواهد برد.

﴿وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا﴾ [الكهف: ۴۹].

«و پروردگار تو به کسی ظلم نمی‌کند».

خداوند این کتاب را فرقانی میان حق و باطل قرار داده است و هرکه از آن هدایت بخواند خداوند عزیزش می‌گرداند و هرکه در غیر آن در پی هدایت آید ذلیل و خوار شود.

عمر فاروق - رضی الله عنه - نافع بن عبدالحارث را در عُسفان ملاقات نمود - و فاروق ولایت مکه را به او سپرده بود - پس به وی گفت: بر اهل وادی چه کسی را قرار داده‌ای؟ گفت: ابن اُبزی

«بگو این [کتاب] برای کسانی که ایمان آورده‌اند رهنمود و درمانی است و کسانی که ایمان نمی‌آورند در گوش‌هایشان سنگینی است و قرآن برایشان نامفهوم است و [گویی] آنان را از جایی دور ندا می‌دهند».

این کتابی است حفاظت شده توسط خداوند، نه تحریف تحریف‌گران و نه تاویل اهل باطل و نه عناد معاندین آن را دچار تغییر نخواهد کرد. اهل باطل آرزو دارند که اگر می‌توانستند آیات و احکام آن را به آب دریا بشویند تا اثر آن از هم می‌جود محو شود اما خداوند بر امر خود غالب است و اوست که فرموده است:

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ [الحجر: ۹].

«بی‌تردید ما این قرآن را [به تدریج] نازل نمودیم و بی‌تردید ما حافظ آن خواهیم بود».

یحیی بن اکثم می‌گوید: مامون مجلسی برای بحث و نظر داشت. روزی در میان مردم حاضر در مجلس او مردی یهودی نیز حاضر بود. راوی می‌گوید: آن یهودی سخن زیبا و بلیغ گفت و مجلس را به دست گرفت، پس مامون او را به حضور طلبید و گفت: از بنی اسرائیلی؟ گفت: آری. مامون گفت: اسلام بیاور تا برایت چنین و چنان کنم. و او را وعده داد.

پس از یک سال همان مرد در حالی که اسلام آورده بود به نزد مامون آمد. مامون او را فرا خواند و گفت: آیا تو همان دوست ما نیستی؟ گفت: آری. گفت: پس سبب اسلامت چه بود؟ آن مرد گفت: هنگامی که از نزد تو بیرون رفتم خواستم که این ادیان را بیازمایم، و من خط زیبایی دارم، بنابراین تورات را در سه نسخه نوشتم و در آن افزودم و از آن کم کردم و آن را به کنیسه دادم و آن را از من خریدند. سپس از روی انجیل سه نسخه نوشتم و در آن زیاده و نقصان وارد کردم و آن را به کلیسا دادم و آن‌ها را از من خریدند! سپس سه نسخه از قرآن نوشتم و در آن اضافه و نقص وارد ساختم و نسخه‌هایم را به وراقان دادم پس آن را ورق زدند و همینکه در آن اضافه و نقص دیدند به گوش‌های انداختند و از من نخریدند! پس دانستم که این کتاب محفوظ است و این سبب اسلام من شد.

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالَّذِي لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ ﴿٤١﴾ لَا يَأْتِيهِ الْبَطْلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ ﴿٤٢﴾﴾ [فصلت: ۴۱-۴۲].

«کسانی که به این قرآن چون بدیشان رسید کفر ورزیدند [به کیفر خود می‌رسند] و به راستی که آن کتابی ارجمند است (۴۱) از پیش روی آن و از پشت سرش باطل به سویش نمی‌آید فرو فرستاده شده‌ای است از حکیمی ستوده شده».

این کتاب کریم خداوند است که روح الامین، جبرئیل آن را فرو فرستاده است، اما رفتار ما با آن چگونه است؟ آیا این کتاب، قانون زندگی و رهبر ما در زندگی و سفر، و در حال خشم و خشنودی، و در حال آسایش و سختی است؟! یا آنکه تنها مهمانی است در قفسه‌های کتابخانه‌های ما که جز در رمضان یادی از آن نمی‌شود؟!!

آیا با بن دندان به آن تمسک بسته‌ایم یا چون شتری که آب بر پشت دارد از تشنگی در بیابان جان می‌دهیم؟ یا شنوایی‌مان چنان است که آیات آن را از یک گوش می‌شنویم و از گوش دیگر بیرون می‌دهیم؟

امام مسلم در صحیح خود روایت می‌کند که خداوند خطاب به پیامبرش فرمود: «همانا تو را برای آن مبعوث نمودم که آزمایشت کنم و به واسطه‌ی تو دیگران را بیازمایم و بر تو کتابی نازل کرده‌ام که آب آن را نمی‌شوید (یعنی محو نمی‌شود) و در حال خواب و بیداری آن را می‌خوانی».

حسن بصری - رحمه الله - می‌فرماید: «بردگان و کودکانی این قرآن را می‌خوانند که هیچ علمی به معنای آن ندارند در حالی که تدبر آیات جز با پیروی از آن ممکن نیست، نه با حفظ حروف آن و ضایع ساختن حدود آن! تا جایی که برخی از آن‌ها را می‌شنوی که می‌گویند همه‌ی قرآن را خواندم و حتی حرفی از آن را ساقط نکردم، در حالی که به خدا سوگند همه‌ی آن را ساقط کرده است و هیچ اثری از قرآن در اخلاق و رفتارشان نمی‌بینی، برخی از آنان می‌گویند: من یک سوره را با یک نفس می‌خوانم! به خدا اینان نه قاری‌اند و نه عالمند و نه حکیمند و نه اهل ورع!»

پس ای بندگان خداوند تقوای او را پیشه سازید و در این ماه با تلاوت و تدبر و عمل به کتاب خدا و برگرفتن از هدایت آن به وی نزدیک شوید:

﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذْنِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ﴿٣٢﴾﴾ [فاطر: ۳۲].

«سپس این کتاب را به آن بندگان خود که [آنان را] برگزیده بودیم به میراث دادیم پس برخی از آنان بر خود ستمکارند و برخی از ایشان میانه‌رو و برخی از آنان در کارهای نیک به فرمان الله پیشگامند و این خود توفیق بزرگ است».

خداوند برای من و شما به واسطه‌ی قرآن عظیم برکت دهد و با آیات و ذکر حکیم سود رساند. آنچه را گفتم اگر صحیح بود از سوی خداوند و اگر خطا بود از نفس من بود و از شیطان، و از الله آمرزش می‌خواهم که او بسیار آمرزنده است.

خطبه‌ی دوم:

خداوند را برای احسان وی ستایش می‌گویم و برای توفیق و امتنانش شکر می‌گرام. اما بعد:

بندگان خداوند، تقوای او را پیشه سازید و این ماه مبارک را برای تلاوت کتاب او و تدبر آیاتش و برگرفتن از عبرت و پندهایش غنیمت شمارید. زیرا که در این کتاب اخبار گذشتگان و آیندگان و فاصله‌ی میان ما و آنها بیان شده است، پس خوش به حال آنکه در کتاب پروردگارش آنطور که شایسته است تدبر نمود و گوارا باد برای آن کسانی که پوستشان از آن به لرزه می‌افتد و سپس پوست و قلبشان به یاد خداوند نرم می‌شود:

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ ﴿٣٧﴾﴾ [ق: ۳۷].

«همانا در این [آیات و داستان‌ها] برای هر کس که دارای قلب است و گوش فرا می‌دهد و خود شاهد است عبرتی است».

چه بسا امت اسلامی در این ماه مبارک نوع جدیدی از تدبر و تامل کتاب پروردگار را پس از این حوادث سریع و پی در پی تجربه می‌کند تا زبان حالش بگوید: امشب چه

بسیار به دیشب شبیه است و امروز تا چه اندازه به دیروز! و اینجاست که تاریخ خودش را تکرار می‌کند.

آری، اکنون است که زبان حال این امت می‌گوید: ما گمان می‌کردیم که فرعون و قارون و هامان و نمرود و ذوالنواس شخصیت‌هایی هستند که تاریخشان به سر آمده و دیگر در گذر زمان تکرار نخواهند شاد اما امت اسلام ناگهان فرعون‌هایی را در میان خود مشاهده کرد که جان و ناموس دیگران را مباح می‌شمارند و کسانی را دید که در زمین سرکشی می‌کنند و مردم را دسته دسته کرده و گروهی از آنان را مستضعف قرار داده و فرزندانشان را می‌کشند و زنانشان را زنده می‌گذارند.

جنایت‌های فرعون را خواندیم و گمان کردیم که آن داستان‌ها همانندی نخواهد داشت، اما با چشمان خود دیدیم که کسانی از قوم خود ما که به زبان ما سخن می‌گویند دست به قتل و کشتار و آواره نمودن مردم می‌زنند و مسلمانان ظلم و سرکوب را به چشم دیدند. کسانی را دیدیم که مردم را زنده به گور می‌کنند، کسانی را دیدیم که مردم را با اره به دو نیم می‌کنند و آنان را زنده زنده می‌سوزانند گویا صحنه‌های قوم فرعون و اصحاب اخدود پس از آنکه تنها خبرهایی از گذشته بودند که خوانده و شنیده می‌شدند، در برابر ما به نمایش گذشته می‌شوند...

اگر فرعونِ نخستین به مردمش می‌گفت: من جز خود برای شما خدایی را نمی‌شناسم، ما نیز همانند این سخن فرعون را شنیدیم و مردم برای آنکه طاغوت‌های خود را خدا بدانند و به خدایی آنان اعتراف کنند مورد آزار و آزمایش قرار گرفتند و مجبور به سجده به سوی عکس‌هایشان شدند و آن طاغوت‌ها شهرها و روستاها را از روی انتقام و ظلم و تجاوز نابود کردند تا حاکم باقی بمانند، گویا او و امثال او سخن فرعون اول را تکرار می‌کنند که گفت:

﴿مَا أَرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَىٰ وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ﴾ [المؤمن: ۲۹].

«جز آنچه می‌بینم به شما نشان نمی‌دهم و شما را جز به راه هدایت نمی‌برم».

﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَفُصُّ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٧٦﴾ وَإِنَّهُ لَهْدَىٰ وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿٧٧﴾﴾ [النمل: ۷۶-۷۷].

«بی‌گمان این قرآن بر بنی اسرائیل بیشتر آنچه را که آنان درباره‌اش اختلاف دارند حکایت می‌کند (۷۶) و به راستی که آن رهنمود و رحمتی برای مؤمنان است.»

هر مسلمانی که قلبی تپنده در سینه دارد و چشمی بینا، آنچه را بر برادران و خواهران ما در میانمار می‌گذرد و همچنین مصیبت‌ها و ظلم و ستم و تجاوزی که بر برادران و خواهران مان در شام و در سوریه‌ی خلافت و مجد و عظمت می‌گذرد نادیده نمی‌گیرد...

﴿وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَدْرُ مُوسَىٰ وَقَوْمَهُ لِيَفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَيَذَرَكَ وَآلِهَتِكَ قَالَ سَنُقَاتِلُ أَبْنَاءَهُمْ وَنَسَاءَهُمْ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ ﴿١٢٧﴾ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿١٢٨﴾ قَالُوا أُوذِينَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَمِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا قَالَ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ﴿١٢٩﴾﴾

[الأعراف: ۱۲۷-۱۲۹].

«و سران قوم فرعون گفتند آیا موسی و قومش را رها می‌کنی تا در این سرزمین فساد کنند و [موسی] تو و خدایانت را رها کند؟ [فرعون] گفت بزودی پسرانشان را می‌کشیم و زنانشان را زنده نگاه می‌داریم و ما بر آنان مسلطیم (۱۲۷) موسی به قوم خود گفت از الله یاری جوید و پایداری ورزید که زمین از آن الله است آن را به هر کس از بندگان که بخواهد می‌دهد و فرجام [نیک] برای پرهیزگاران است (۱۲۸) [قوم موسی] گفتند پیش از آنکه تو نزد ما بیایی و [حتی] بعد از آنکه به سوی ما آمدی مورد آزار قرار گرفتم. گفت امید است که پروردگارتان دشمن شما را هلاک کند و شما را روی زمین جانشین [آنان] سازد آنگاه بنگرد تا چگونه عمل می‌کنید.»

و در پایان بر بهترین انسان‌ها محمد بن عبدالله صاحب حوض و مقام شفاعت درود و سلام فرستید که خداوند شما را به آن امر نموده و فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [الأحزاب: ۵۶].

و رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «هر که بر من یک درود فرستد خداوند به واسطه‌ی آن بر وی ده درود خواهد فرستاد».

خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد درود و سلام و برکت ارزانی دار و از چهار خلیفه‌ی وی: ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه‌ی پیامبرت و از تابعین و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند راضی و خشنود باش و همچنین از ما به همراه آنان با عفو و کرم خود راضی باش از مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار گردان. خداوندا دینت را و کتابت را و بندگان مومن را یاری ده.

خداوندا غم غم‌داران مسلمان را از بین ببر و سختی سختی‌دیدگان را به آسانی بدل گردان و وام‌داران را ادا نما و بیماران ما و دیگر بیماران مسلمان را شفا ده. خداوندا برادران مستضعف ما را در همه‌ی سرزمین‌ها یاری ده، خداوندا برادران و خواهران ما را در میانمار و در سوریه و در دیگر سرزمین‌ها یاری ده. خداوندا آنان را بر دشمنان و دشمنانشان یاری ده ای دارای جلال و بزرگواری.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان ما را اصلاح نما و مسئولیت‌های ما را بر عهده‌ی کسانی قرار ده که تقوای تو را پیشه ساخته و در پی خشنودی تو باشند.

خداوندا مواسم خیر را باعث غنیمت و پیروزی ما بگردان و اوقات برکات و نَفَحَات را راهی برای رسیدن به رحمت خود قرار ده.

«پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از عذاب آتش محفوظ بدار»

[البقرة:]

عنوان خطبه: تدبر در امثال قرآن کریم

خطیب: دکتر سعود شریم

مسجد الحرام: جمعه ۲۶ رمضان ۱۴۳۲ برابر با ۴ شهریور ۱۳۹۰

خطبه‌ی اول:

ستایش ویژه‌ی خداوند بزرگ و متعال است، او که دارای عزت و جبروت و جلال است. ستایش در آغاز و در پایان از آن اوست و حکم و فرمان به دستش است و همه‌ی امور به او پایان می‌یابد، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد بنده‌ی خداوند و پیامبر اوست که صاحب خصلت‌های نیک و کارهای راستین است. درود و سلام خداوند بر وی و بر اهل بیت و یاران وی باد.

اما بعد:

ای مردم خود و شما را به تقوای خداوند و چنگ زدن به ریسمان محکم و برنامه‌ی راستین و استوار او توصیه می‌کنم و از تنبلی و ترک تلاش باز می‌دارم که هیچ انسان تنبلی به مقام عالی نرسیده و در میان خاصان جای نگرفته است:

﴿إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾ [یوسف: ۹۰].

«همانا آنکه تقوا و صبر پیشه کند بی‌شک الله اجر نیکوکاران را ضایع نمی‌سازد».

ای مردم: چه زیباست این ماه مبارک و چه باشکوه است! چه باصفاه است و چه گوارا! چونان شهدِ مُکَرَّر است و انس و آرامشی در آن نهفته است که لمس کننده‌ی آن آرزو می‌کند ای کاش همه‌ی سال رمضان بود!

آری ای بندگان خداوند:

بیشتر این ماه مبارک را پشت سر گذاشته‌ایم اما انگار چیزی از آن نگذشته است... روزهای آن سریع و در یک چشم به هم زدن گذشت و شب‌های آن همانند برگ خزان در باد وزان یک به یک فرو افتادند و تنها اثری از آن به جای ماند...

در این ماه مبارک با پاک‌ترین و راست‌ترین سخن - کلام خداوند - همراه بودیم، آن کتابی که عزت است و یاران آن شکست نمی‌خورند، و منهجی است که روندگان آن گمراه نمی‌شوند و معدن ایمان و چشمه‌ی علم است. آن، بهار قلب‌ها و دارویی است که پس از آن دردی نخواهد ماند. در آن اخبار گذشتگان و خبر از آیندگان است و خداوند به واسطه‌ی آن گروه‌هایی را والا مقام ساخته و مقام برخی دیگر را پایین می‌آورد، و هر کس به آن تمسک جوید به راه راست هدایت شود:

﴿وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا فَكُتِّبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ ﴿٨٣﴾﴾ [المائدة: ۸۳].

«و چون آنچه را به سوی این پیامبر نازل شده بشنوند می‌بینی بر اثر آن حقیقتی که شناخته‌اند اشک از چشم‌هایشان سرازیر می‌شود می‌گویند پروردگارا ما ایمان آورده‌ایم پس ما را در زمره‌ی گواهان بنویس.»

ما هیچ داستان و مثال و خبری را راست‌تر از آنچه در این کتاب آمده است نخواهیم یافت و هیچ سخنی مشوق‌تر و دلربا‌تر از سخن باری - سبحانه و تعالی - نیست، سخنی که توسط روح الامین بر قلب پیامبر ما - صلی الله علیه و آله وسلم - نازل شده است تا از هشدار دهندگان باشد و به زبان عربی آشکار است:

﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا ﴿٨٢﴾﴾ [النساء: ۸۲].

«آیا در قرآن تدبیر نمی‌کنند؟ اگر از جانب غیر الله بود بی‌شک در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند.»

و ماه مبارک رمضان بهترین فرصتی است که پیش می‌آید تا انسان مومن در این فضا زندگی کند و با فکر و اندیشه‌ی خود در امثال و عجایب این کتاب غوص کند:

﴿وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا ﴿۱۰۶﴾ قُلْ ءَامِنُوا بِهِ ءَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا ﴿۱۰۷﴾ وَيَقُولُونَ سُبْحٰنَ رَبِّنَا إِن كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا ﴿۱۰۸﴾﴾ [الإسراء: ۱۰۶-۱۰۸].

«قرآنی [با عظمت را] بخش بخش [بر تو] نازل کردیم تا آن را به آرامی به مردم بخوانی و آن را به تدریج نازل کردیم (۱۰۶) بگو [چه] به آن ایمان بیاورید یا نیاورید بی‌گمان کسانی که پیش از [نزول] آن دانش یافته‌اند چون [این کتاب] بر آنان خوانده شود سجده‌کنان به روی درمی‌افتند (۱۰۷) و می‌گویند منزّه است پروردگار ما که وعده‌ی پروردگار ما قطعاً انجام شدنی است».

اگر در مثال‌هایی که در قرآن زده شده است به دقت نظر بیندازیم قرآنی عجیب خواهیم شنید که به سوی هدایت رهنمون می‌شود، زیرا خداوند متعال فرموده است:

﴿وَلَقَدْ صَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ﴾ [الروم: ۵۸].

«و در این قرآن برای انسان‌ها از هر گونه مثالی آورده‌ایم».

در این قرآن چهل و سه مثال وارد شده است که کسی در آن تدبر نمی‌کند و بلاغت و زیبایی آن را حس نخواهد کرد، جز خردمندان. یکی از پیشینیان و سلف این امت می‌گوید: «من هنگامی که یکی از مثال‌های قرآن را می‌خواندم و آن را تدبر نمی‌کردم به حال خود می‌گریستم زیرا خداوند متعال فرموده است: «و این مثال‌ها را برای مردم می‌آوریم اما جز دانایان [کسی] آن را درک نخواهد کرد» [العنکبوت: ۴]

﴿فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَثُ ذَٰلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْضِصْ الْقِصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٧٦﴾﴾ [الأعراف: ۱۷۶].

«از این رو مثال او چون مثال سگ است [که] اگر بر آن حمله‌ور شوی زبان از کام برآورد و اگر آن را رها کنی [باز هم] زبان از کام برآورد؛ این مثل آن گروهی است که آیات ما را تکذیب کردند پس این داستان را [برای آنان] حکایت کن شاید که آنان بیندیشند».

و گاه نیز از انسان در مثال‌های خود بهره می‌برد چنانکه می‌فرماید:

﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمٌ لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلَىٰ مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوَجِّهُهُ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٧٦﴾﴾ [النحل: ۷۶].

«و الله مثلی [دیگر] می‌زند: دو مردند که یکی از آن‌ها لال است و هیچ کاری از او بر نمی‌آید و او سربار صاحبش می‌باشد هر جا که او را می‌فرستد خیری به همراه نمی‌آورد، آیا او با کسی که به عدالت فرمان می‌دهد و خود بر راه راست است یکسان است؟».

چه زیبایی‌ها این مثل‌های قرآنی و چه عظیم است پند و اندرز و عبرت موجود در آن که در اوج بلاغت و اختصار و تشبیه نیکو است، و راست گفت خداوند متعال که می‌فرماید:

﴿اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَابِهًا مَتَانًا تَفْشَعُرُ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَٰلِكَ هُدَىٰ اللَّهِ يَهْدِي بِهِ ۗ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ﴿٢٣﴾﴾ [الزمر: ۲۳].

«الله زیباترین سخن را [به صورت] کتابی متشابه متضمن وعد و وعید نازل کرده است آنان که از پروردگارشان می‌هراسند پوست بدنشان از آن به لرزه می‌افتد سپس پوستشان و دلشان به یاد الله نرم می‌گردد این است هدایت الله هرکه را بخواهد به آن راه نماید و هرکه را الله گمراه کند او را راهبری نیست».

و اگر از این مثل‌ها در شگفتید، شگفت‌انگیزتر آنگاه است که خداوند با یکی از حقیرترین و کوچک‌ترین مخلوقات خود برای انسان‌ها مثال می‌آورد؛ خداوند متعال درباره‌ی عنکبوت می‌فرماید:

﴿مَثَلُ الَّذِينَ أَخَذُوا مِنَ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٤١﴾﴾ [العنكبوت: ۴۱].

«مثال کسانی که جز الله یاورانی برگرفته‌اند همانند مثال عنکبوت است که خانه‌ای برگرفته است و همانا سست‌ترین خانه‌ها خانه‌ی عنکبوت است اگر می‌دانستند».

این حال و روز هر کسی است که به غیر خدا دل ببندد یا امید و هراس جز او را در دل داشته باشد و یا برای به دست آوردن خشنودی مردم خشم خداوند را به جان بخرد؛ زیرا آنکه خداوند را از دست دهد چه به دست آورده است؟ و آنکه خداوند را یافته است چه از دست داده است؟!

﴿قُلْ أَعْيَرَ اللَّهُ أَخِيذٌ وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ ﴿١٤﴾﴾ [الأنعام: ۱۴].

«بگو آیا غیر از الله، پدیدآورنده‌ی آسمان‌ها و زمین سرپرستی برگزینم و اوست که غذا می‌دهد و غذا داده نمی‌شود؟».

و از رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - روایت است که فرمودند: «هر کس چیزی (از جمله تعویذ و نوشته‌ای) به خود بیاوزید به همان چیز سپرده می‌شود» [به روایت ترمذی].

چه بیچاره است آنکه در هر امری از امورش به غیر خدا وابسته شود! همچنین خداوند از پشه، این موجود بسیار کوچک که آن را به حساب هم نمی‌آوریم جز برای کشتن، برای ما مثال آورده و گفته است:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا ﴿٢٦﴾﴾ [البقرة: ۲۶].

«الله از اینکه به پشه‌ای یا فروتر [یا فراتر] از آن مثل زند شرم نیاید پس کسانی که ایمان آورده‌اند می‌دانند که آن [مثل] از جانب پروردگارشان بجاست ولی کسانی که به کفر گرایده‌اند می‌گویند الله از این مثل چه قصد داشته است؟».

سبحان الله! آیا از خود پرسیده‌ایم که چرا خداوند برای ما با پشه مثال آورده است؟ آری، پشه‌ای که هنگام نزول این آیه تنها ظاهر آن برای مردم شناخته شده بود، اما ما در زمانه‌ای قرار داریم که قلب و مغز و چشم و عروق پشه نیز شناسایی شده است، بنابراین این آفریده‌ی کوچک را نمی‌توان تحقیر کرد یا کوچک و ساده شمرد.

هنگامی بیشتر تعجب می‌کنیم که خداوند به واسطه مگس مثال می‌آورد. مگسی که عموم مردم از آن بدشان می‌آید، اما خداوند به خلاف دیگر مثال‌های قرآن مردم را تشویق به شنیدن آن می‌کند و می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضَرْبٌ مِّثْلُ مَا سَمِعْتُمْ لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ، وَإِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبِ وَالْمَطْلُوبِ ﴿۷۳﴾ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿۷۴﴾﴾ [الحج: ۷۳-۷۴].

«ای مردم مثلی زده شد پس بدان گوش فرا دهید کسانی را که جز الله می‌خوانید هرگز [حتی] مگسی نمی‌آفرینند هر چند برای [آفریدن] آن اجتماع کنند و اگر آن مگس چیزی از آنان برباید نمی‌توانند آن را بازپس گیرند طالب و مطلوب هر دو ناتوانند (۷۳) قدر الله را چنانکه در خور اوست نشناختند در حقیقت الله است که نیرومند شکست‌ناپذیر است». شگفت‌آور است! چگونه خداوند با این آفریده‌ی بسیار کوچک که مردم به دیده‌ی تحقیر به آن می‌نگرند مثال می‌آورد؟ مخلوقی که اگر مردم اسرار آن را می‌دانستند بی‌شک به عظمت باری - جَلَّ شَأْنُهُ - پی می‌بردند و یقین می‌یافتند که علمشان به آن احاطه ندارد و خداوند ممکن است اسرار بزرگی را در ضعیف‌ترین آفریده‌های خود قرار دهد.

این مخلوق تا چه اندازه ذهن دانشمندان و پزشکان و داروسازان و صاحبان آزمایشگاه‌های بزرگ را به خود مشغول کرده است و چه آزمایش‌هایی که بر روی آن انجام نگرفته است و به نتایجی معجزه‌آسا دست یافته‌اند که باعث شگفتی می‌شود، و

عجیب نیست اگر برخی به واسطه‌ی همین آیه اسلام آورند زیرا یکی از اسرار خلقت مگس حس قوی این موجود برای فرار از ضربه است به طوری که به سبب این خاصیت، بسیار سخت است که آن را شکار کرد یا به دام انداخت. همچنین این موجود در یک آن بر یک بال خود بیماری و بر بال دیگرش پادزهر آن را دارد چنانکه رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - فرموده‌اند: «اگر مگس در ظرف یکی از شما افتاد آن را در ظرف فرو برد سپس بیرون اندازد زیرا در یکی از بال‌هایش بیماری و در بال دیگرش شفای آن قرار دارد».

الله اکبر! چه باعظمت است مثال‌های خداوند که نمی‌توانیم ثنا و بزرگی او را چنانکه شایسته است در شمار آوریم و او همانگونه است که خود ثنای خود را گفته است. حال که خلقت مگس چنین شگفت‌انگیز است درباره‌ی خلقت انسان‌ها چه می‌توان گفت؟ و اگر خلقت انسان چنین است که می‌بینیم و می‌دانیم و بخش‌هایی از آن را هنوز نمی‌دانیم، پس درباره‌ی خلقت آسمان‌ها و زمین چه می‌توانی بگویم؟ اینجاست که باید گفت: معبودی به حق نیست جز الله، به آنچه نازل نمود ایمان آوردیم و از پیامبرش پیروی نمودیم، پس خداوندا ما را از جمله‌ی گواهان بنویس:

﴿خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾

﴿۵۷﴾ [المؤمن: ۵۷].

«بی‌شک آفرینش آسمان‌ها و زمین بزرگ‌تر از آفرینش مردم است اما بیشتر مردم نمی‌دانند».

خداوند برای من و شما در قرآن عظیم برکت نهد و به واسطه‌ی آیات و ذکر حکیم سود رساند؛ آنچه را گفتم اگر صحیح بود از سوی خداوند و اگر خطا بود از نفس بود و از شیطان، و از الله آمرزش می‌خواهم که او بسیار آمرزنده است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش تنها از آن الله است، و درود و سلام بر آنکه پیامبری پس از وی نیست. اما بعد:

بندگان خداوند، تقوای او را پیشه سازید و بدانید که مثال‌های قرآن برای عبرت و پندآموزی است. ماوردی - رحمه الله - می‌گوید: «از بزرگ‌ترین علوم قرآن، علم امثال آن است، اما مردم با مشغول شدن به خود مثال‌ها و بی‌توجهی به آنچه خداوند از آن برای مثال استفاده کرده است، از این علم غافل شده‌اند».

زیرا مثال باعث زیر آمدن سر خصم و قانع کردن معاند می‌شود زیرا دارای تاثیری است که وصف مجرد از آن برخوردار نیست.

و اگر به مثال خداوند در مورد مگس و ادامه‌ی سخن خداوند متعال پس از آن دقت کنیم که می‌فرماید: «الله را آنگونه که شایسته‌ی اوست قدر ندانستند» به شکاف عمیقی که میان ما و یادآوری عظمت خداوند در همه‌ی امور زندگی مان وجود دارد پی خواهیم برد. پس آیا از نظر قولی و عملی آنچه را خداوند برای آن ما را آفریده است درک می‌کنیم؟ و آیا فروتنی همه‌ی آفریدگان را در برابر او احساس می‌کنیم؟

﴿وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِۦ وَلَٰكِن لَّا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ﴾ [الإسراء: ۴۴].

«و هیچ چیز نیست مگر آنکه به ستایش او تسبیح می‌گوید اما شما تسبیح آنان را درک نمی‌کنید».

﴿إِنْ كُلُّ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِي الرَّحْمٰنِ عَبْدًا﴾ [مریم: ۹۳].

«هر آنکه در آسمان‌ها و زمین است جز بنده‌وار به نزد رحمان نمی‌آید».

حتی حیوانات زبان‌بسته نیز دلیل خلقت خود را درک کرده‌اند، پس آیا ما نیز به این مهم پی خواهیم برد؟

رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - نماز صبح را به جای آورد سپس رو به مردم نمود و فرمود: «در حالی که مردی گاوی را به پیش می‌برد سوار آن شد و آن را زد، پس گاو گفت: ما برای این آفریده نشده‌ایم بلکه برای کشاورزی و درو آفریده شده‌ایم». مردم گفتند: سبحان الله! گاو حرف می‌زند! پس رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود:

«من به این ایمان دارم و ابوبکر و عمر نیز به آن ایمان دارند...» [به روایت بخاری و مسلم؛ لفظ روایت از بخاری است].

ببینید این گاو که حیوانی بی‌زبان است چگونه پی به سبب خلقت خود برده است، آیا بنی آدم نیز به این درک خواهند رسید که برای چه آفریده شده‌اند؟ و آیا خداوند را آنگونه که شایسته‌ی آن است قدر دانسته‌اند؟ چه کسی این گاو را به سخن آورد به جز خداوند عز و جل؟!

﴿وَقَالُوا لَوْلَا جِئُواهُمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ﴾ [فصلت: ۲۱].

«و [جهنمیان] به پوست‌های خود گفتند: چرا علیه ما گواهی دادید؟ گفتند: الله که همه چیز را به سخن آورده است ما را به سخن آورد.»

اگر از این روایت در تعجب و تعجب‌آورتر روایتی است که امام احمد در مُسند خود در داستان یک عرب بادیه‌نشین روایت کرده است که به نزد رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - آمد. ابوسعید خُدَری می‌گوید: «گرگ به گل‌های از گوسفندان حمله برد و یکی از آن‌ها را برداشت؛ چوپان در پی گرگ بر آمد و آن گوسفند را از او گرفت. پس آن گرگ بر دم خود نشست و گفت: از خداوند پروا نداری؟ روزی‌ای را که خداوند برای من فرستاده از من می‌گیری؟! آن عرب بادیه‌نشین گفت: عجب! گرگی بر نشیمن‌گاه خود می‌نشیند و با من همانند مردم سخن می‌گوید! گرگ گفت: آیا عجیب‌تر از آن را به تو نگویم؟ محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - در یثرب مردم را از خبر آنچه در گذشته رخ داده است آگاه می‌کند. راوی می‌گوید: پس آن چوپان در حالی که گله‌ی خود را هدایت می‌کرد به مدینه وارد شد و به نزد رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - آمد.

پاک و منزّه است خداوند، و معبودی به حق جز او نیست، و خداوند از همه چیز و همه کس بزرگ‌تر است! گرگی مردم را از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - آگاه می‌کند و به سوی او و دعوتش راهنمایی می‌کند! یک گرگ خداوند را آنگونه که شایسته‌ی اوست قدر دانسته است، ما کجاییم و حال ما چگونه است؟

امانت بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه شد اما آنان از برداشتن آن ابا کردند زیرا قدر و مقام پروردگار را به خوبی می‌شناختند و کسی آن را برداشت جز این انسان ستمگر و جاهل! همه مخلوقات خداوند را آنطور که شایسته‌ی اوست قدر دانستند جز بنی آدم.

خداوند متعال این را در کتاب خود ذکر کرده است که همه‌ی آنچه در آسمان‌ها و زمین است و خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درختان و جنبنندگان به او سجده می‌برند و نگفت همه‌ی مردم نیز به او سجده می‌برند بلکه فرمود: «و بسیاری از مردم...» [الحج:

قوی و عزیز است؟ راست گفت رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - که فرمود: «اگر دنیا نزد خداوند به اندازه پر پشه‌ای ارزش داشت به هیچ کافری آب برای نوشیدن نمی‌داد».

بینید ما در مقابل خداوند چه ناچیزیم و او فرموده است:

﴿مَا خَلَقْتُمْ وَلَا بَعَثْتُمْ إِلَّا كَتَفْسٍ وَاحِدَةً﴾ [لقمان: ۲۸].

«آفریدن و مبعوث ساختن شما [برای ما] جز به مانند آفریدن یک تن نیست».

آری، چه آسان است آفرینش برای خداوند، ابودرداء هنگامی که حکومت خسرو را دید که در برابر مسلمانان فرو می‌ریزد گریست. گفتند: چه چیزی باعث شده است در این شرایط گریه کنی؟ گفت: «چقدر بندگان در برابر خداوند هیچ و بی‌ارزشند اگر امر او را ضایع سازند. در حالی که آنان امتی قدرتمند و پیروز بودند امر خداوند را ترک گفتند و اینگونه شدند که می‌بینی».

پس ای بندگان خداوند تقوای او را پیشه سازید و بدانید که خداوند برای شما صدقه‌ی فطر را بر مرد و زن و آزاد و برده و کودک و پیر فرض ساخته است و رسول الله - صلی الله علیه وسلم - آن را پیش از خارج شدن برای نماز عید ادا می‌کرد و صحابه - رضی الله عنهم - نیز آن را یک یا دو روز پیش از عید ادا می‌کردند.

شما نیز این صدقه را با طیب نفس و با پیروی از پیامبران - صلی الله علیه وآله وسلم - ادا نمایید تا مورد رحمت خداوند قرار گیرید.

و بر بهترین انسان‌ها و پاک‌ترین آن‌ها محمد بن عبدالله، صاحب حوض و مقام شفاعت درود فرستید که خداوند شما را به آن امر نموده و فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [الأحزاب: ۵۶].

خداوند بر بنده و پیامبر محمد درود و سلام و برکت ارزانی دار و از چهار خلیفه‌ی وی ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه‌ی پیامبر و از تابعین و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند راضی و خشنود باش و همچنین از ما نیز به همراه آنان با عفو و کرم خود راضی باش ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، و شرک و مشرکان را خوار گردان. خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومن را یاری ده.

خداوندا غم غم‌داران و سختی سختی‌دیدگان را از بین ببر و وام‌داران را ادا کن و بیماران ما و دیگر بیماران مسلما را به رحمت خود شفا ده، ای مهربان‌ترین مهربانان. خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان و والیان امر ما را صالح گردان و مسئولیت‌های ما را بر عهده‌ی کسانی قرار ده که تقوای تو را پیشه ساخته و در پی خشنودی تو باشند ای پروردگار جهانیان.

خداوند مواسم خیر را باعث بُرد و سود و پیروزی ما بگردان و اوقات برکات و نَفَحَات را راهی برای رسیدن به رحمت خود قرار ده.

«پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از عذاب آتش دور نگه دار»

[البقرة:]

ستایش ویژه‌ی خداوندی است که با نعمت او نیکی‌ها کامل می‌شوند، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و پروردگار زمین و آسمان‌ها است، و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد بنده و پیامبر او و بهترین کسی است که به سوی انجام نیکی‌ها سبقت بسته است؛ خداوندا بر وی و بر اهل بیت و یاران او که اهل تقوا و اعمال صالحند درود و سلام و برکت ارزانی دار. اما بعد، ای مسلمانان:

خود و شما را به تقوای خداوند - جل و علا - سفارش می‌کنم که تقوا سبب رستگاری و عامل موفقیت و وسیله‌ی پیروزی در دنیا و آخرت است:

﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقْهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾ [النور: ۵۲].

«و هر کس از الله و پیامبرش فرمان بردد و از الله پروا کند و تقوای او را پیشه سازد، آنانند که کامیابند».

برادران و خواهران مسلمان:

اوامر قرآن در دعوت به استقامت بر تقوا و استمرار بر هدایت، بسیارند، پروردگار ما -

جل و علا - [خطاب به پیامبرش] می‌فرماید:

﴿فَأَسْتَقِمَّ كَمَا أَمَرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا﴾ [هود: ۱۱۲].

«پس همانگونه که امر شده‌ای استقامت بورز و [همینطور] کسانی که با تو توبه کرده‌اند، و طغیان نکنید».

توصیه‌های عظیمی که در بر گیرنده‌ی امر به برپا داشتن امور اسلام و پایبندی به راه و روش این دین و استمرار در پایبندی به آن و ایستادن در کنار حدودی است که تعیین نموده، و همچنین استجابت دستورات این دین و دوری کردن از آنچه نهی نموده است، به کامل‌ترین وجه و بهترین روش.

پیامبر ما - صلی الله علیه وسلم - نیز امت خود را با بهترین عبارات که با وجود اختصار دارای زیباترین معانی است اندرز می‌دهد، و آن توصیه به پایبندی بر اعتقاد صحیح و تمسک به صبر بر طاعات و دوری از منهیات است.

سفیان بن عبدالله ثقفی به نزد رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - آمد و گفت: ای رسول خدا! مرا توصیه‌ای کن و به من در اسلام سخنی بگو که پس از تو درباره‌ی آن از کسی دیگر نپرسم، پس پیامبر خدا - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «بگو: به الله ایمان آوردم، سپس استقامت بورز». این حدیث را مسلم در صحیح خود روایت کرده است. این‌ها توصیه‌هایی است که در قرآن و سنت وارد شده و ضامن زندگی به همراه خشنودی و حیات طیبه و سعادت ابدی است. پروردگار ما - عز وجل - می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿١٣﴾ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٤﴾﴾ [الأحقاف: ۱۳-۱۴].

«همانا کسانی که گفتند الله پروردگار ماست سپس پایداری نمودند هیچ ترسی بر آنان نیست و نه اندوهگین می‌شوند (۱۳) آنان اهل بهشتند که به پاداش آنچه انجام می‌دادند جاودانه در آن می‌مانند».

برادران و خواهران مسلمان:

برای کسی که خداوند بر وی فضل نموده تا در رمضان به سوی نیکی‌ها سبقت جوید شایسته است خداوند را آنطور که شایسته‌ی اوست شکر گوید و سپس بر راه راست خداوند گام بردارد و به مولای خود نزدیک‌تر شود و به شدت از این بپرهیزد که نیکی‌های خود را به دیگران هدیه دهد یا بدی‌های دیگران را به جان خرد، و این ممکن نیست مگر آنکه زبان خود را از آبرو و حیثیت و ناموس مسلمانان پاک بدارد و به شدت از رساندن آزار به مومنان بپرهیزد و از حقوق و مظالمی که نسبت به دیگر مسلمانان بر گردن دارد حلالیت بجوید.

در صحیح بخاری از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت است که فرمود: «هر کس ستمی در مورد ناموس و آبروی برادرش یا چیزی دیگر نزد خود دارد همین امروز حلالیت بخواهد پیش از آنکه روزی برسد که نه درهمی است و نه دینار، که اگر کار صالحی انجام داده است به اندازه‌ی ستمی که کرده از او ستانده می‌شود و اگر

حسناات و نیکی‌هایی نداشته باشد از بدی‌ها و گناهان کسی که در حقش ستم نموده برداشته می‌شود و بر دوش او گزارده می‌شود».

و در صحیح مسلم آمده است که پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود: «در امت من مفلس کسی است که در روز قیامت با نماز و روزه و زکات حاضر می‌شود اما به این دشنام داده است و به این تهمت زده است و مال این را خورده است و این را زده است و خون این را ریخته است؛ پس از نیکی‌هایش به این و آن داده می‌شود و اگر نیکی‌هایش پیش از پایان یافتن حقوق دیگران به پایان رسد از گناهان آنان برداشته شده و بر دوش وی گذاشته شده سپس به آتش انداخته می‌شود».

پس ای مسلمان، مواظب باش و راه سلامت را در پیش گیر زیرا پیامبر ما - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «مسلمان کسی است که مسلمانان از زبان و دستش در سلامت باشند».

برای همین در حدیث سفیان که نزد ترمذی روایت شده است و ترمذی آن را حسن و صحیح دانسته، آمده است: هنگامی که سفیان از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - درخواست توصیه و راهنمایی نمود گفت: ای رسول خداوند! از چه چیز بیشتر در مورد من می‌ترسی؟ رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - زبان مبارک خود را گرفت و فرمود: «مواظب این باش».

پس ای مسلمان اعضا و جوارح خود را حفظ کن و مواظب اعمال نیکی که انجام داده‌ای باش تا آنکه پاداش نیک را از جانب خداوند به دست آوری که این ممکن نیست مگر با استقامت بر طاعت خداوند. برای همین خداوند متعال پیامبرش را چنین مورد خطاب قرار داده و فرموده است:

﴿وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ﴾ [الحجر: ۹۹].

«و پروردگارت را عبادت کن تا آنکه مرگت فرا رسد».

خداوند برای من و شما به واسطه‌ی کتاب و سنت برکت دهد و با آیات و حکمت موجود در آن سود رساند. این را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از هر گناهی

از خداوند آمرزش می‌خواهم. پس از او آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله پروردگار جهانیان است، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و معبود پیشینیان و آیندگان است و گواهی می‌دهم که پیامبر ما محمد بنده و پیامبر او و بهترین آفریدگان است. خداوند بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یاران او درود و سلام و برکت ارزانی دار.

اما بعد، ای مسلمانان:

وقت‌های خود را با طاعت خداوند آباد سازید و خواسته‌های زندگی فانی دنیا شما را از حقایق باقی آخرت مشغول نسازد زیرا سعادت و پیروزی در استقامت بر طاعت خداوند تا هنگام مرگ است چنانکه روش پیامبر ما - صلی الله علیه وآله وسلم - اینچنین بود.

سپس بدانید که از پیامبر ما - صلی الله علیه وآله وسلم - به سند صحیح روایت شده است که فرمود: «هر کس رمضان را روزه گیرد و سپس آن را با روزه گرفتن شش روز از شوال ادامه دهد مانند این است که همهی دهر را روزه گرفته است».

بر اساس رای جمهور علما روزه‌ی شش روز از شوال مستحب است و تفاوتی ندارد که این روزه‌ها جدای از هم یا پی در پی باشند، اما کسی که روزه‌ی واجب دارد شایسته نیست هیچ روزه‌ی مستحبی را بر روزه‌ی واجب مقدم گرداند زیرا براساس قواعد شرع واجب اولی

خداوندا اوضاع ما و دیگر مسلمانان را اصلاح نما، خداوندا ما و دیگر مسلمانان را در هر جا که هستند حفظ نما، خداوندا جان مسلمانان را در هر مکان و زمان حفظ کن.
خداوندا از ما بپذیر که تو بسیار شنوا و دانایی و از بر ما توبه بپذیر که تو بسیار توبه‌پذیر و مهربانی.

خداوندا مردان و زنان مومن، و مردان و زنان مسلمان، زندگان و مردگان را، مورد مغفرت خود قرار ده.

خداوندا بیماران ما و دیگر بیماران مسلمان را شفا ده و سختی و غم و غصه

گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد است و شریک و همانند ندارد و گواهی می‌دهم که محمد پیامبر خداوند و بهترین بندگان است. درود و سلام و برکات خداوند بر او و بر اهل بیت و یاران او باد که اهل هدایتند، و همینطور بر تابعین و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند.

اما بعد:

ای مسلمانان: تقوی توصیه‌ی انبیا و زینت اولیا و بهترین توشه برای روز دیدار با خداوند است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ [الحشر: ۱۸].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را پیشه سازید و هر کس باید که بنگرد برای فردای خود چه پیش فرستاده است و تقوای الله را پیشه سازید، همانا الله به آنچه می‌کنید آگاه است».

ای مسلمانان:

همچنان رایحه‌ی خوش ماهی که گذشت بر لباسمان باقی است و در درون خود طراوتی از ترتیل قرآن داریم که هنوز تازه است و همچنان چشمانمان از وداع با رمضان نمناک است و کیست که آن را ملامت کند؟ چرا که خوشی طاعات و قُرَبَات است که از دست رفته و مَرَكَب زمان است که ما را از زمان عبادات دور گردانده است.

اگر انسان صبر پیشه سازد و بر هوای نفس غلبه کند و به عباداتی که در رمضان به آن عادت کرده است از جمله روزه و نماز قیام و قرائت قرآن و صدقه ادامه دهد همه‌ی زندگی‌اش به موسم خیر دائمی تبدیل می‌شود و در باغی از نیکی‌های پی در پی سیر خواهد نمود و چنان خواهد بود که خداوند متعال فرموده است:

﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الأنعام: ۱۶۲].

«بگو همانا نماز من و عبادات من و زندگی و مرگ من از آن الله پروردگار جهانیان

است».

ای مسلمانان:

زمین میراث خداوند برای بندگان است که در آن به اندازه‌ی تلاششان جایگاه خود را در آخرت تعیین می‌کنند:

﴿وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُوهُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ﴾

[الزمر: ۷۴].

«و گویند ستایش مخصوص الله است که وعده‌اش را بر ما راست گردانید و سرزمین [بهشت] را به ما میراث داد و از هر جای آن باغ [پهناور] که بخواهیم جای می‌گیریم». مومن حقیقی همیشه در حال حرکت به سوی پروردگار خود است، تلاش می‌کند و زحمت می‌کشد و دست از کوشش بر نمی‌دارد تا آنکه به بهشت رسد و تا هنگام مرگ از حرکت نمی‌ایستد:

﴿وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ﴾ [الحجر: ۹۹].

«و تا هنگامی که مرگت در رسد پروردگارت را عبادت کن».

حال گرچه ماه رمضان - که ماه چند برابر شدن پاداش‌ها است - به پایان رسیده است، اما خداوند پروردگار همه‌ی ماه‌هاست و در زندگی همیشه عرصه‌ی وسیعی برای انجام نیکی‌ها و پاداش‌هایی است چندین برابر می‌شوند و تجارتخانه‌ای است سودآور و راهی است که به سوی خشنودی خداوند و به دست آوردن رحمت او منتهی می‌شود که خداوند نیز در برابر آن پاداش بهشت ارزانی می‌کند، اما کجایند آنان که کمر همت می‌بندند؟!

عبدالله بن عمر - رضی الله عنهما - می‌گوید: رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - شانه‌های مرا گرفت و فرمود: «در دنیا چنان باش که گویی غریب یا رهگذری» و ابن عمر همیشه می‌گفت: «اگر شب کردی منتظر صبح مباش، و اگر صبح کردی منتظر شب نمان، و از سلامتی‌ات برای بیماری و از زندگی‌ات برای مرگ توشه بردار» [به روایت بخاری].

پیامبر خدا - صلی الله علیه وسلم - ما را به کارهای آسان راهنمایی کرده است که پاداش بسیاری دارند و درهای وسیعی از اعمال نیک را بر ما گشوده است که با آن برای روز حساب توشه برداریم و آن را برای دیدار با پروردگار ذخیره نماییم:

﴿وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا﴾

[الإسراء: ۱۹].

«و هر کس آخرت را بخواهد و برای آن تلاشش را بکند در حالی که مومن است پس اینانند که تلاششان مورد حق‌شناسی واقع خواهد شد».

از ابوذر - رضی الله عنه - روایت شده است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «هر صبح بر هر استخوان و مفصل هر یک از شما صدقه‌ای لازم است، پس هر تسبیحی صدقه است و هر الحمدلله گفتنی صدقه است و هر لا اله الا الله گفتنی صدقه است و هر تکبیری صدقه است و امر به معروف صدقه است و نهی از منکر صدقه است و دو رکعت نماز در هنگام ضُحی به جای همه‌ی این‌ها کافی است» [به روایت مسلم].

همچنین از وی - رضی الله عنه - روایت است که مردمی نزد رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - آمدند و گفتند: ای رسول خداوند! ثروتمندان اجرها را بردند! به مانند ما نماز می‌گزارند و همانند ما روزه می‌گیرند [اما در مقابل] با اموال اضافی خود صدقه می‌دهند. پیامبر خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود: «مگر خداوند برای شما کارهایی را قرار نداده است که با آن صدقه دهید؟ هر تسبیحی صدقه است و هر الحمدلله گفتنی صدقه است و هر لا اله الا الله گفتنی صدقه است، و امر به معروف صدقه است و نهی از منکر صدقه است و [حتی] عمل زناشویی شما صدقه است» گفتند: ای رسول خداوند آیا ممکن است کسی از ما شهوت خود را ارضا نماید و اجر نیز ببرد؟ فرمود: «مگر اینطور نیست که اگر شهوتش را در کار حرام نهد گناهکار می‌شود؟ همینطور اگر آن را در حلال نهد پاداش خواهد برد» [به روایت مسلم].

ممکن است انسان مسلمان با کاری آسان که به نظرش نمی‌آید به بالاترین منزلت‌ها دست یابد؛ از ابوهریره - رضی الله عنه - از پیامبر خدا - صلی الله علیه وآله وسلم -

روایت است که فرمود: «مردی را دیدم که به سبب کندن درختی که در راه قرار داشت و باعث آزار مسلمانان می‌شد، در بهشت گشت و گذار می‌کرد» [به روایت مسلم].
 و در روایت دیگری اینگونه آمده است که: «مردی از کنار شاخه‌ی درختی گذشت که در راه قرار داشت پس گفت: به خدا سوگند این را از راه مسلمانان برخوادم داشت تا به آنان آزار نرساند، پس [به همین سبب] به بهشت داخل گردید» همچنین در روایت دیگر آمده است: «در حالی که مردی از راهی می‌گذشت شاخه‌ای خار یافت که در راه افتاده بود پس آن را برداشت، خداوند نیز عمل او را ستود و او را مورد آمرزش قرار داد».
 ای مسلمانان:

گاه ممکن است انسان به واسطه‌ی یک سخن خشنودی پروردگار را به دست آورد: از آنس - رضی الله عنه - روایت است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «همانا خداوند از بنده خشنود می‌شود که غذایی بخورد و به سبب آن او را ستایش گوید یا نوشیدنی‌ای بنوشد و او را به سبب آن ستایش کند» [به روایت مسلم].

اما در مورد وضو و نماز که در روز چند بار تکرار می‌شوند این روایت ابوهریره - رضی الله عنه - را بشنوید: رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «هنگامی که بنده‌ی مسلمان وضو گیرد و چهره‌اش را بشوید همه‌ی گناهیانی را که با چشمانش انجام داده است با آب - یا با آخرین قطره‌ی آب - از چهره‌اش خارج می‌شود، و هنگامی که دستش را بشوید همه‌ی گناهیانی که با دستانش انجام داده است به همراه آب - یا با آخرین قطره‌ی آب - از دستانش بیرون می‌ریزد، و هنگامی که پاهایش را می‌شوید همه گناهیانی را که با پاهایش به سویشان گام برداشته است به همراه آب - یا با آخرین قطره‌ی آب - از آن بیرون می‌ریزد تا آنکه از گناهان پاک می‌شود» [به روایت مسلم].

و از ابوهریره - رضی الله عنه - از رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت است که فرمودند: «آیا شما را به چیز راهنمایی نکنم که خداوند به واسطه‌ی آن گناهان را پاک ساخته و درجات انسان را بلند می‌سازد؟» گفتند: آری ای رسول خدا. فرمود: «کامل

نمودن وضو در سختی‌ها و بسیار قدم برآشتن به سوی مساجد و انتظار نماز پس از نماز دیگر، که این است جهاد» [به روایت مسلم].

از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «نمازهای پنجگانه و جمعه تا جمعه و رمضان تا رمضان پاک کننده‌ی گناهانی هستند که میان آنها اتفاق افتاده است در صورتی که شخص از گناهان کبیره دوری گزیند» [به روایت مسلم].

باز ابوهریره - رضی الله عنه - روایت می‌کند که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «اگر مردم می‌دانستند در اذان و صف اول چه [اجری] است و راهی برای به دست آوردن آن جز قرعه کشی نمی‌یافتند حتماً برای به دست آوردن آن قرعه‌کشی می‌کردند و اگر می‌دانستند زود رفتن به نماز چه اجری دارد برای به دست آوردن آن با یکدیگر مسابقه می‌دادند و اگر می‌دانستند در نماز عشا و صبح چه [اجری] است حتماً حتی اگر به صورت سینه خیز در آن حاضر می‌شدند» [متفق علیه].

و از ابو عبدالله، ثوبان، برده‌ی آزاد شده‌ی رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت است که گفت: شنیدم رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «بر سجده‌ی بسیار کوشا باش زیرا تو برای خداوند سجده‌ای انجام نمی‌دهی مگر آنکه خداوند به واسطه‌ی آن درجه‌ای بر درجات افزوده و گناهی از گناهانت پاک می‌کند» [به روایت مسلم].

یاد خداوند عنوان خوشبختی و نشانه‌ی توفیق و صلاح است؛ از عبدالله بن بُسر - رضی الله عنه - روایت است که مردی خطاب به رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - گفت: ای رسول خداوند! شریعت‌های اسلام بسیار شده است، مرا به چیزی راهنمایی کن که به آن چنگ زنم. فرمود: «همچنان زیانت با یاد خداوند مرطوب باشد» [به روایت ترمذی].

و از ابودرداء - رضی الله عنه - از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت است که فرمود: «آیا شما را به بهترین کار و پاک‌ترین آن نزد خداوند که بیش از دیگر

اعمال باعث بالا رفتن درجات شما می‌شود و بهتر از انفاق طلا و نقره است، و بهتر از آن است که با دشمنان روبرو شوید و آنان را بکشید و آنان شما را بکشند، آگاه نسازم؟» گفتند: آری. فرمود: «ذکر خداوند متعال» [به روایت ترمذی. حاکم می‌گوید: سند آن صحیح است].

همچنین از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «هر کس بر استغفار پایبندی نماید خداوند برای او از هر تنگنا و غم و غصه‌ای راه برون رفت قرار خواهد داد و او را از جایی که به حساب نیاورده روزی خواهد داد» [به روایت ابوداود].

و از شداد بن اوس - رضی الله عنه - از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت است که فرمود: «دعای سید الاستغفار آن است که بنده بگوید: خداوندا تو پروردگار منی که معبودی به حق جز تو نیست، مرا آفریده‌ای و من بنده‌ی توام، و من تا جایی که بتوانم بر عهد و وعده‌ی تو خواهم ماند، از بدی‌هایی که انجام داده‌ام به تو پناه می‌برم، به نعمت تو بر خودم و به گناهان خود اعتراف می‌کنم، پس مرا مورد مغفرت خود قرار ده زیرا هیچکس جز تو گناهان را نمی‌آمرزد. هر کس آن را در روز با یقین بخواند و پیش از شب بمیرد از اهل بهشت است و هر کس آن را در شب با یقین بخواند و پیش از صبح از دنیا رود از اهل بهشت است» [به روایت بخاری].

در مورد نیکی به دیگر آفریدگان نیز هرگز در هیچ کار نیکی تردید نکن و هیچ عملی خیری را کوچک مشمار هرچند به ظاهر کم باشد؛ عدی بن حاتم - رضی الله عنه - می‌گوید: شنیدم رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرمود: «خود را از آتش دور کنید حتی اگر با نصف دانه‌ی خرما باشد» [متفق علیه].

و در روایتی دیگر از او آمده است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «کسی از شما نیست مگر آنکه پروردگارش با او سخن خواهد گفت در حالی که میانشان هیچ مترجمی نیست، پس به راست خود می‌نگرد، جز آنچه پیش فرستاده نمی‌بیند و به سمت چپ خود می‌نگرد، جز آنچه پیش فرستاده است نمی‌بیند، و به

روبروی خود نگاه می‌کند جز آتش را در مقابل خود نمی‌بیند، پس خود را از آتش دور کنید حتی اگر با نصف دانه‌ی خرما باشد، و هر کس آن را نیافت با سخنی نیک».

از ابوموسی - رضی الله عنه - نیز روایت است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «بر هر مسلمانی صدقه‌ای لازم است» راوی گفت: اگر صدقه‌ای نیافت چه؟ فرمود: «با دستان خود کار می‌کند و به خود سود رسانده و صدقه نیز می‌دهد» ابوموسی پرسید: اگر نتوانست چه؟ فرمود: «نیازمندی درمانده را کمک می‌کند» گفت: اگر آن را نیز انجام نداد؟ فرمود: «دست از شر رساندن به دیگران می‌کشد که آن نیز صدقه است» [متفق علیه].

خداوند من و شما را به واسطه‌ی کتاب و سنت و با آیات و حکمت آن سود رساند. این سخن را گفته و برای خود و شما از خداوند متعال آمرزش می‌خواهم.

خطبه‌ی دوم:

ستایش مخصوص الله، پروردگار جهانیان است، او که رحمن و رحیم است و مالک روز جزاست، و گواهی می‌دهم که مبعودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و پادشاه حقیقی است، و گواهی می‌دهم که محمد، بنده‌ی خداوند و پیامبر صادق و امین اوست. درود و سلام و برکات خداوند بر او و بر اهل بیت و یاران وی باد. بندگان خداوند:

کار نیکی که اجرش فزونی می‌یابد و ثوابش فراگیر است، جامعه‌ی مسلمان را در همه‌ی سطوح رابطه‌ای از جمله روابط با پدر و مادر و همسر و نزدیکان و همسایگان، در بر می‌گیرد. از عبدالله بن مسعود - رضی الله عنه - روایت است که مردی به نزد رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - آمد و گفت: ای رسول خداوند، چه کسی شایسته‌تر به حسن دوستی من است؟ فرمود: «مادرت، سپس مادرت، سپس مادرت، سپس پدرت، سپس نزدیک‌تر و نزدیک‌تر به تو [از نظر خویشاوندی]».

و از انس - رضی الله عنه - روایت است که رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «هرکه دوست دارد که روزی‌اش وسیع گردد و عمرش افزون شود رابطه‌ی خویشاوندی خود را حفظ کند» [متفق علیه].

از ابوهریره - رضی الله عنه - نیز روایت شده است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «کامل‌ترین مومن از نظر ایمان آنانی هستند که اخلاق بهتری دارند و بهترین شما کسانی هستند که با زنانشان بهترند» [به روایت ترمذی؛ وی می‌گوید: این حدیثی حسن و صحیح است].

از ابن عمر و عائشه - رضی الله عنهما - روایت است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «جبرئیل آنقدر مرا در مورد همسایه سفارش کرد که گمان کردم که همسایه از همسایه ارث می‌برد» [متفق علیه].

و از عبدالله بن مسعود - رضی الله عنه - از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت است که فرمود: «هر کس به الله و آخرت ایمان دارد باید که مهمانش را گرمی بدارد، و هر کس به الله و آخرت ایمان دارد پیوند خویشاوندی‌اش را پیوسته دارد، و هر کس به الله و آخرت ایمان دارد باید یا سخن خیر بگوید یا ساکت شود» [متفق علیه].

در مورد پوشیده داشتن عیب‌های مردم رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «هیچ بنده‌ای بنده‌ای دیگر را در دنیا پوشیده نمی‌دارد مگر آنکه خداوند در روز قیامت او را پوشیده خواهد داشت» [به روایت مسلم].

و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - درباره‌ی بیشترین چیزی که باعث بهشتی شدن مردم می‌شود پرسیدند، ایشان فرمودند: «تقوای خداوند و اخلاق نیک» و از بیشترین چیزی که باعث جهنمی شدن مردم می‌شود پرسیدند، ایشان فرمودند: «دهان و شرمگاه» [ترمذی آن را تخریج نموده و گفته است: این حدیثی صحیح است].

ای مسلمانان:

ای کسی که خداوند تو را با ماه مبارک رمضان گرامی داشته است! سنت است که شش روز از ماه رمضان را روزه بگیرد زیرا رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرموده است: «هرکه رمضان را روزه بگیرد و آن را با شش روز از شوال ادامه دهد [روزه‌اش] به مانند روزه‌ی دهر است» [به روایت مسلم].

همچنین صحیح است که این روزه پشت سر هم یا به صورت جداگانه گرفته شود. بنابراین کارهای نیک را بسیار انجام دهید و بر انجام طاعات مداومت کنید و از بدی‌ها برحذر باشید «و به مانند زنی نباشید که رشته‌های خود را پس از محکم بافتن یکی یکی از هم باز می‌کند» [النحل: ۹۲] و هر کس که به لطف پروردگار از آتش رهایی یافته است شایسته نیست که دوباره به گناهان بازگشته و به بردگی معاصی دچار شود.

سپس بر آن نبی مجبتی و رسول مرتضی درود و سلام فرستید. خداوند بر بنده و پیامبرت محمد، و بر اهل بیت پاک و صحابه‌ی نیک وی درود و سلام و برکت ارزانی دار. خداوندا و از آن امامان هدایتگر و خلفای راشد، ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه‌ی پیامبرت و همه کسانی که از راه و روش آنان پیروی کنند، راضی و خشنود باش ای پروردگار جهانیان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت عطا کن، و شرک و مشرکان را خوار بگردان و دشمنان دین را نابود ساز و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امن و امان بدار.

خداوندا هر کس که برای ما و سرزمین ما اراده بد یا قصد تفرقه دارد تدبیر و نیرنگش را عامل نابودی خودش بگردان.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان ما را اصلاح نما. خداوندا اوضاع مسلمانان را در هر جا که هستند سامان ده. خداوندا اوضاع مسلمان را در سوریه رو به سامان آور. خداوندا از جان آنان محافظت کن و ترسشان را به آرامش بدل گردان و گرسنه‌شان را غذا ده و ناموس و آبرویشان را حفظ کن و قلبشان را محکم بدار و

گام‌هایشان را استوار گردان و آنان را بر متجاوزان پیروز گردان. خداوندا محاصره‌ی آنان را به زودی بشکن، ای حی و ای قیوم! ای دارای جلال و بزرگواری. خداوندا یتیمان و زنان داغ‌دیده و مظلومان را یاری ده و آنان را مورد رحمت خود قرار ده ای مهربان‌ترین مهربانان و یاور مظلومان.

خداوندا طاغیان و ستمگران را نابود گردان، خداوندا آنان را نابود گردان که یاری ناتوان ساختن تو را ندارند، خداوندا عذاب خود را بر آنان نازل گردان ای معبود به حق! خداوندا دینت و کتابت و سنت پیامبرت و بندگان مومنت را یاری ده. خداوندا مستضعفان مسلمان را در هر جا که هستند یاری ده و آنان را بر حق متحد گردان ای پروردگار جهانیان. خداوندا آنان را در فلسطین بر صهیونیست‌های اشغالگر یاری ده. خداوندا مظلومان را در میانمار یاری ده. خداوندا جان آنان را حفظ کن و اوضاعشان را بهبود بخش و یار و یاور آنان باش ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا دینت را عزت ده و دوستانت را پیروز گردان و دشمانت را ذلیل گردان و امت محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - را در عافیت و آسایش قرار ده.

«پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از عذاب آتش دور گردان»

[البقرة:]

عنوان خطبه:

بر آنچه به سودت هست حریص باش!

خطیب: دکتر اسامه خیاط

مسجد الحرام: جمعه ۱۳ شوال ۱۴۳۳ برابر با ۱۰ شهریور ۱۳۹۱

خطبه‌ی اول:

ستایش ویژه‌ی خداوندی است که هر کس از او هدایت خواهد هدایت یابد، و هر کس از او یاری خواهد کفایت شود. او را ستایش می‌گوییم که ستایشش باعث به دست آمدن خشنودی اوست و گواهی می‌دهم که معبودی به حق جز الله نیست که واحد و بی‌شریک است و پروردگاری جز او نیست و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده‌ی الله و پیامبر او و امین وحی او و برگزیده‌ی اوست. خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یاران وی و همه‌ی کسانی که راه وی را در پی گیرند و از راه و روش او پیروی کنند.

اما بعد:

ای بندگان خداوند پروای الله را داشته باشید «و از روزی بترسید که در آن به سوی الله باز خواهید گشت سپس هر کس آنچه را کسب کرده است به طور کامل خواهد یافت و به آنان ستم نخواهد شد» [البقرة: ۲۸۱].

ای مسلمانان:

دو اصل بزرگند که همه‌ی اسباب موفقیت و خیر را در بر می‌گیرند که در این توصیه‌ی عظیم نبوی که مسلم در صحیح خود و احمد در مسند از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت کرده‌اند آمده است، آنجا که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «مومن قوی نزد خداوند بهتر و محبوب‌تر از مومن ضعیف است و در هر دو خیری است، بر آنچه به سودت است حریص باش و از الله یاری بخواه و اظهار ناتوانی مکن و اگر مصیبتی به تو رسید مگو اگر چنین و چنان می‌کردم فلان مصیبت به من

نمی‌رسید اما بگو: تقدیر الله است و او هر چه بخواهد می‌کند زیرا «اگر» در کار شیطان را باز می‌کند».

ای بندگان خداوند:

حریص بودن بر چیزی که برای انسان مفید است و یاری جستن از خداوند و اعتماد به او و توکل و بازگشت به سوی او به منزلت دو راهی هستند که هرکس توفیق پی گرفتن آن‌ها را یابد به آنچه می‌خواهد می‌رسد و از آنچه می‌ترسد در امان می‌ماند و آن به واسطه‌ی رسیدن به هر خیر در کوتاه‌مدت و بلندمدت است.

بالاترین این دستاوردها و شریف‌ترین و عظیم‌ترین آن‌ها به دست آوردن خشنودی خداوند و نظر انداختن به وجه الله در بهشت‌های پر نعمت است که این نظر همان «زیاده» ای است که خداوند به کسانی که عمل خود را نیک ساخته و نیت خود را خالص نموده‌اند وعده داده و فرموده است:

﴿لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٦٦﴾﴾ [یونس: ۲۶].

«برای کسانی که کار نیکو کرده‌اند نیکویی (یعنی بهشت) و زیاده [بر آن] است».

رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - در این حدیث با بلیغ‌ترین روش و بهترین رهنمون، میان این دو اصل عظیم جمع بسته، آنجا که امر به حرص بر اسباب و استعانت و یاری جستن از مُسَبَّب یعنی خداوند متعال نموده و از ناتوانی - به هر صورتی که باشد - چه بر اثر تقصیر در استفاده‌ی از اسباب یا کوتاهی در یاری جستن از خداوند - به تنهایی - نهی نموده است.

همه‌ی دین - چنانکه امام ابن قیم رحمه الله می‌فرماید - «زیر این دو جمله‌ی نبوی قرار می‌گیرد».

زیرا حرص بر هر آنچه سودمند است در واقع اساس همه‌ی خوشبختی و رستگاری انسان در دنیا و آخرت است و یاری جستن از الله متعال با اطمینان به وی و روی آوردن به سوی او و توکل بر او اصل، مقبولیت عمل و راه ثواب و هدایت به سوی صراط

مستقیم خداوندی است البته اگر انسان بر آنچه به سود اوست حریص باشد زیرا هیچ چیز در این دنیا برای بنده سودمندتر از عبادت پروردگارش نیست، عبادتی که غایت و هدف خلقت انسان است:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ [الذاریات: ۵۶].

«و جنیان و انسان‌ها را جز برای این نیافریدم که مرا عبادت کنند».

عبادت نیز انجام هر کاری است که خداوند آن را دوست می‌دارد و ترک هر آنچه از آن نهی نموده است که باید به هدف به دست آوردن خشنودی خداوند و با پیروی از راه و روش رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - انجام گیرد و همانطور که نماز و روزه و حج و زکات عبادتند، همانطور نیز شکر و صبر و خشنودی از خداوند و شوق به وی و دعا و فروتنی و تضرع و توبه و خشوع در برابر خداوند، همه عبادتند.

همینطور خوردن حلال و دوری از حرام ناپاک و امر به معروف و نهی از منکر و نیکی با والدین و اخلاق نیک و بزرگداشت بزرگ‌تر و مهربانی با کوچک‌تر و مستمندان و راستی در گفتار و ادای امانت و وفای به عهد و دوری از ربا و دیگر محرّمات و چشم فروهستن و دوری از زنا و محافظت از فرصت زندگی در برابر زیاده‌روی در هم‌نشینی‌های بیهوده و نگاه و سخن مباح بی‌فایده و زیاده‌روی در خوردن و خواب، همه عبادت به شمار می‌آیند.

همینطور حجاب در مورد بانوان و عفت و پاکدامنی و دعوت به سوی خداوند براساس بصیرت و جهاد در راه وی:

﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الأنعام: ۱۶۲-۱۶۳].
﴿لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ﴾ [الأنعام: ۱۶۳].

«بگو در حقیقت نماز من و عبادات من و زندگی و مرگ من برای الله پروردگار جهانیان است (۱۶۲) که هیچ شریکی برای او نیست و به این کار دستور داده شده‌ام و من نخستین مسلمانم».

که اگر به خداوند استعانت جوید، عبادت و بندگی جز او را ترک می‌کند که در مقدمه‌ی آنان عبادت شیطان است که سرآمد همه‌ی طاغوت‌ها است. طاغوت‌هایی که خداوند نسبت به عبادت آنان هشدار داده و فرموده است:

﴿أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَبْنَیْ ءَادَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّیْطَانَ ۖ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِیْنٌ ﴿۶۰﴾﴾

[یس: ۶۰].

«ای فرزندان آدم مگر با شما عهد نکرده بودم که شیطان را مپرستید زیرا وی دشمن آشکار شماست».

عبادت شیطان نیز اطاعت دستورات وی در کفر به خداوند و شرک آوردن به اوست. اگر بنده همه‌ی این امور را رعایت کند در واقع همه‌ی اسباب موفقیت را انجام داده و برکت این توصیه‌ی نبوی را به دست آورده و به بهترین و کامل‌ترین وجه از سرور بشریت - علیه الصلاة والسلام - صادقانه پیروی نموده است که این، کمکی است برای دستیابی او به زندگی طیبه در دنیا و پاداشی که خداوند کریم در بهشت برای متقیان و کسانی آماده ساخته است که در زندگی دنیا توفیق انجام اعمال نیک یافته‌اند.

پس ای بندگان خداوند، تقوای او را پیشه سازید و این نصیحتِ نبوی را که در بر دارنده‌ی این توصیه‌ی عظیم است استجابت نمایید و بر هر چه برای شما در دین و دنیایان مفید است حریص باشید و در همه‌ی کارهایتان به خداوند استعانت جوید و از آن عمل خیری که شایسته‌ی تلاش است دست نکشید تا خشنودی پروردگار را به دست آورید و درجات خود را افزون کنید و به آنچه در دین و دنیا خواهان آئید دست یابید.

خداوند من و شما را به واسطه‌ی رهنمون‌های کتاب و سنت سود رساند. این سخن خویش را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از خداوند متعال از هر گناهی آمرزش می‌خواهم، همانا او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش تنها از آن الله است، او را حمد گفته و از او یاری جسته و آمرزش می‌خواهیم و از بدی‌ها نفس خود و از اعمال ناشایستمان به الله پناه می‌بریم. الله هرکه را هدایت کند او گمراه‌گری نخواهد داشت و هرکه را گمراه سازد او هدایت‌گری نخواهد یافت، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد بنده و پیامبر اوست. خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل‌بیت و یاران او درود و سلام فرست.

اما بعد، ای بندگان خداوند:

شایسته نیست که انسان تلاش در راه آنچه به سود اوست را به بهانه قرار دادن تقدیر، ترک گوید. بلکه باید هر آنچه را الله و پیامبر او امر نموده‌اند انجام دهد، زیرا رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - انسان مسلمان را به این امر نموده که بر آنچه به سود اوست حریص باشد، و به دست آوردن آنچه به سود انسان است - چنانکه شیخ الاسلام ابن تیمیه می‌گوید - «نیاز به نبرد با شیاطین انس و جن دارد و دور راندن شری که مقدر شده با خیری که خداوند مقدر نموده است».

و با این وجود شایسته است که از خداوند یاری جوید زیرا هیچ نیرو و قدرتی نیست مگر با وی، و همچنین عملش تنها برای رضای خداوند و خالصانه برای او باشد زیرا خداوند هیچ عملی را نمی‌پذیرد مگر آن عملی را که تنها برای خشنودی او باشد و این حقیقت این سخن خداوند است که می‌فرماید: «تنها تو را عبادت می‌کنیم» و آنچه در آغاز گفتیم حقیقتش این سخن خداوند متعال است که می‌فرماید: «تنها از تو یاری می‌جوییم». بنابراین بر بنده لازم است که با انجام اوامر و ترک منهیات، خداوند را عبادت کند و در این راه به الله استعانت جوید. عبادت خداوند و طاعت او در آنچه امر نموده متضمن از بین بردن شری که مقدر شده با خیری است که خداوند مقدر نموده است، و همچنین دفع آنچه شیطان می‌خواهد و برای آن تلاش می‌کند به واسطه‌ی خیری که از سوی خداوند به او می‌رسد. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ لِلنَّاسِ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ﴾ [البقرة: ۲۵۱].

«و اگر الله برخی از مردم را به واسطه‌ی برخی دیگر دفع نمی‌کرد بی‌شک زمین تباه می‌گردید».

پس ای بندگان خداوند تقوای او را پیشه‌سازید و بر آنچه برایتان مفید است حریص باشید تا پیروز شوید، و یاری جستن از خداوند روش و راهتان برای رسیدن به رضایت خداوند باشد تا نزد او از رستگاران باشید.

سپس بر خاتم پیامبران و فرستاده‌ی پروردگار جهانیان درود و سلام فرستید که خداوند شما را در کتاب مبین خود بدان امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد درود و سلام فرست و از چهار خلیفه‌ی وی ابوبکر و عمر و عثمان و علی، و از دیگر اهل بیت و صحابه و تابعین و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی کنند خشنود بش ای گرامی‌ترین گرامیان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و حوزه‌ی دین را حفظ نما و دشمنان دین و دیگر سرکشان و مفسدان را نابود گردان و میان قلوب مسلمانان الفت ایجاد کن و صفشان را یکی گردان و رهبران‌شان را اصلاح گردان و کلمه‌شان را بر حق یکی گردان.

خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و سنت پیامبرت - صلی الله علیه وسلم - و بندگان مومن مجاهدت را یاری گردان.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان و مسئولان و والیان ما را اصلاح گردان.

خداوندا ما را آنگونه که خود می‌خواهی از شر دشمنانت و دشمنانمان حفظ کن.

خداوندا ما تو را در برابر آنان قرار می‌دهیم و از شرشان به تو پناه می‌بریم.

خداوندا دین ما را که نگه‌دارنده‌ی امر ماست و دنیای ما را که محل زندگی ماست و

آخرت ما را که بازگشت‌گاه ماست اصلاح گردان و زندگی را برای ما عامل زیاده‌ی در

نیکی‌ها و مرگ را مایه‌ی آسودگی از همه‌ی بدی‌ها بگردان.

خداوندا نفس ما را تقوا عطا کن و آن پاک گردان که تو بهترین پاک گرداننده‌ی آنی.
 خداوندا ما از زوال نعمت و برگشتِ عافیت و خشم ناگهانی‌ات و همه‌ی انواع
 خشمت به تو پناه می‌بریم.

خداوندا بیماران ما را شفا ده و مردگان ما را بیمارز و ما را به آن آرزوهایی که باعث
 رضایت توست برسان و اعمال ما را با صالحات خاتمه ده.

خداوندا برادران و خواهران ما را در سوریه و میانمار و فلسطین و در هر جای دیگر
 دنیا حفظ کن. خداوندا تو یار آنان باش. خداوندا به ضعیفشان رحم کن و گرسنه‌شان را
 غذا ده و بی‌لباسشان را بپوشان و با منت خود یار و یاور آنان باش ای پروردگار جهانیان.
 خداوندا آنان را با یاری خود تایید نما و پیروزشان گردان ای پروردگار جهانیان.

«پروردگارا ما به خود ستم نمودیم و اگر تو ما را مورد آمرزش و رحمت خود قرار
 ندهی بی‌شک از زیانکاران خواهیم بود» [الأعراف:

نخواهد یافت، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد بنده‌ی الله و پیامبر اوست.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿۱۰۲﴾﴾

[آل عمران: ۱۰۲].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را آنگونه که شایسته‌ی اوست پیشه سازید و نمی‌رید مگر در حالی که مسلمانید».

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا ﴿۱﴾﴾ [النساء: ۱].

«ای مردم از پروردگارتان که شما را از نفس واحدی آفرید و جفتش را [نیز] از او آفرید و از آن دو مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد پروا دارید و از الله که به [نام] او از همدیگر درخواست می‌کنید پروا نمایید و از قطع نمودن پیوند خویشاوندی بترسید که الله همواره بر شما نگهبان است».

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿۷۰﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿۷۱﴾﴾ [الأحزاب: ۷۰-۷۱].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را پیشه سازید و سخنی استوار گوید (۷۰) تا کارهایتان را برایتان به صلاح آورد و گناهانتان را برایتان بیامرزد و هر کس از الله و پیامبرش اطاعت کند بی‌شک پیروزی بزرگی به دست آورده است».

اما بعد:

همانا بهترین سخن، کلام خداوند و بهترین روش، راه و روش محمد - صلی الله علیه وسلم - است و بدترین امور، نوآوری در دین است و هر نوآوری در دین بدعت است و هر بدعتی گمراهی است، و به جماعت مسلمانان پایبند باشید که دست خداوند بر جماعت است.

ای مردم:

حق و حکمت، گم‌شده‌ی هر مسلمانِ منصفِ عادلِ است که به آفریدگارِ خود ایمان آورده و در پی خشنودیِ خداوند است، نه خشنودیِ مردم، و از راه و روش آن حکیمِ علیم، و آن لطیفِ خبیر، راهِ هدایت را برمی‌گیرد، زیرا تنها او - سبحانه و تعالی - به سوی حق، هدایتگر است.

﴿أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾ [یونس: ۳۵].

«پس آیا کسی که به سوی حق رهبری می‌کند سزاوارتر است مورد پیروی قرار گیرد یا کسی که راه نمی‌نماید مگر آنکه [خود] هدایت شود شما را چه شده چگونه داوری می‌کنید؟!».

معیار حق و عدالت و ضابطه‌ی پیروی نزد وی همان سخنی است که خداوند متعال درباره‌ی چنین مومنانی بیان داشته و فرموده است:

﴿رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ﴾ [آل عمران: ۵۳].

«پروردگارا ما به آنچه نازل نمودی ایمان آوردیم و از فرستاده‌ات پیروی کردیم پس ما را از گواهان قرار ده».

این همان مومنِ بابصیرتی است که زرق و برق‌ها و سراب‌ها برق از چشمش نمی‌برند، و زرق و برق‌ها و تدلیس‌ها نیز قلب او را به سوی خود مایل نمی‌سازند، قلب او، قلبِ مومنِ صادقی است که با نور پروردگارش می‌بیند و می‌داند که گناه، آن چیزی است که در سینه‌ی انسان مومن احساسی ناخوش‌آیند ایجاد کرده و بد می‌دارد که مردم از آن مطلع شوند. او با پروردگارش چنان تعامل می‌کند که گویا او را می‌بیند زیرا به این یقین دارد که خداوند او را می‌بیند.

بنابراین هیچ ارزشی برای امرِ اکثریت و اقلیت مردم قائل نمی‌شود، یعنی نه فریب اکثریتی که اشتباه می‌کنند را می‌خورد و نه از کمی کسانی که بر حق هستند دچار ترس می‌شود.

خداوند نیز چنین انسان خردمندی را به سوی شناخت علم یقین و حق یقین و عین یقین موفق می‌گرداند، و همچنین به سوی این شناخت که امر در گذشته و آینده تنها از آن الله است و هدف تنها باید آن چیزی باشد که مورد خشنودی خداوند است، و کثرت و جمعیت بسیار در پایان نمی‌تواند شفیع کسی باشد که دچار لغزش و خطا شده است. همینطور این سخن مشهور عرب که «مرگ به همراه جمع بسیار، رحمت است» سودی نخواهد داشت، زیرا مومن راستین این سخن خداوند متعال درباره‌ی بزرگان و اشراف امت‌های گمراه را به یاد خواهد آورد که هنگام فرو افتادن آنان در آتش جهنم خطاب به آنان می‌فرماید:

﴿وَلَنْ يَنْفَعَكُمْ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ﴿٣٩﴾﴾ [الزخرف: ۳۹].

«و امروز هرگز [پشیمانی] برای شما سود نمی‌بخشد چون ستم کردید در حقیقت شما در عذاب مشترک خواهید بود».

برخی از کسانی که بهره‌ای از علم ندارند گمان برده‌اند که کثرت و جمع بسیار، معیار شناخت حق و حقیقت است و در مقابل، کمی تعداد معیار خطا و اشتباه، که این گمانی است خطا که هیچ دلیل و برهانی از سوی خداوند ندارد. زیرا حق، هرچند که پیروانش کم باشند با دلیل و حجتی که دارد، بسیار است نه با پیروانش، و بسیار شدن پیروانش بر حق بودنش نمی‌افزاید، چنانکه کم بودن پیروان نیز به اندازه‌ی ذره‌ای از حق بودنش نمی‌کاهد، زیرا حق با مردم سنجیده نمی‌شود بلکه این مردم هستند که با حق سنجیده می‌شوند.

این سخن خداوند متعال را بخوانید که می‌فرماید:

﴿وَإِنْ تُطِيعُوا أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ لَيُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا

يَخْرُصُونَ ﴿١١٦﴾﴾ [الأنعام: ۱۱۶].

«و اگر از بیشتر کسانی که در زمین می‌باشند پیروی کنی تو را از راه خدا گمراه می‌کنند آنان جز از گمان [خود] پیروی نمی‌کنند و جز به حدس و تخمین نمی‌پردازند».

و از رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - با سند صحیح روایت شده است که فرمودند: «امت‌ها بر من عرضه شدند، پس پیامبری از کنار من گذشت که تنها یک تن همراه او بود، و پیامبری گذشت که دو تن همراه وی بودند و پیامبری که دسته‌ای کم‌شمار همراهش بودند و پیامبری دیگر که هیچ‌کس با وی نبود» [به روایت بخاری و مسلم].

این‌ها پیامبران خدا بودند که با پیروانی بسیار اندک در قیامت حاضر می‌شوند و برخی از آن‌ها حتی یک پیرو نیز ندارند. خداوند متعال درباره‌ی نوح - علیه السلام - که ۹۵۰ سال در میان قوم خود بود چنین می‌فرماید که «و به همراه او جز تعداد اندکی کسی ایمان نیاورد» [هود: ۴]

هر کس کارش چنین باشد بی‌خردی است که استقلال فکری ندارد و فرماندهی خود را بر عهده‌ی دشمن گذاشته و چشمش به کمیت است نه کیفیت.

ابن مسعود - رضی الله عنه - می‌فرماید: «إِمَّعَه مَبَاشَ كَه بَغْوِي: مَنْ بَا مَرْدَم؛ اِگر هِدَايَت يَافْتَنَد هِدَايَت مِي شوم و اِگر گَمراه شونَد گَمراه مِي شوم، خُودتَان رَا عَادَت دَهِيَد كَه اِگر مَرْدَم كَفَر و رَزِيْدَنَد شَمَا كَافِر نَشُوِيَد».

بنابراین مومن صادق با کثرت مردم و رواج یک پدیده و ادعای اینکه اکثریت با فلان چیز هستند یا تعداد کمی بر یک رای هستند فریب نمی‌خورد.

ابن قتیبه - رحمه الله - در این مورد وصف زیبایی دارد، آنجا که می‌گوید: «مردم همانند دسته‌های پرندگانند که از همدیگر پیروی می‌کنند و اگر در میان آن‌ها کسی ادعای پیامبری کند - با وجود آنکه می‌دانند رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - خاتم پیامبران است - با این وجود در میان مردم کسانی خواهند بود که از وی پیروی کنند».

برای همین اگر در کتاب پروردگار نظر بیندازیم خواهیم دید که کثرت در بسیاری از امور دین معیاری قابل اعتماد برای شناخت حق نیست.

برای مثال خداوند در مورد جانب ایمانی می‌فرماید:

﴿وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿۱۳۳﴾﴾ [یوسف: ۱۰۳].

«و بیشتر مردم حتی اگر [بر هدایتشان] حریص باشی ایمان نمی‌آورند».
و در مورد جنبه‌ی حق و قبول آن می‌فرماید:

﴿لَقَدْ جِئْنَاكُمْ بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَرِهُونَ ﴿۷۸﴾﴾ [الزخرف: ۷۸].

«قطعا حقیقت را برایتان آوردیم اما بیشترتان حقیقت را خوش نداشتید».
در مورد جنبه‌ی جنگ و دفاع نیز می‌فرماید:

﴿وَلَنْ نُعْطِيَ عَنْكُمْ فِئَتَكُمْ شَيْئًا وَلَوْ كَثُرَتْ وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۹﴾﴾ [الأنفال: ۱۹].

«و جمعتان هیچ سودی برایتان نخواهد داشت هرچند بسیار باشد و همانا الله با مومنان است».

و می‌فرماید:

﴿وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبْتَكُمْ كَثُرْتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا﴾ [التوبة: ۲۵].

«و در روز حنین آنگاه که جمع بسیاریان شما را به غرور واداشت پس هیچ سودی برایتان نداشت».

و در مورد شکر نعمت خداوندی می‌فرماید:

﴿اعْمَلُوا ءَالَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرِينَ﴾ [سبأ: ۱۳].

«ای خاندان داوود شکرگزار باشید و از بندگان من اندکی سپاس‌گزارند».

درباره‌ی معاملات مالی نیز خداوند چنین می‌فرماید:

﴿وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ﴾ [ص: ۲۴].

«و در حقیقت بسیاری از شریکان به همدیگر ستم روا می‌دارند به استثنای کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند و این‌ها بس اندکند».

همین‌طور درباره‌ی صحت اعتقاد انسان‌ها می‌فرماید:

﴿وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُّشْرِكُونَ﴾ [یوسف: ۱۰۶].

«و بیشترشان به الله ایمان نمی‌آورند مگر آنکه مشرکند».

در مورد عبرت و پند با دیدن آیات و دلایل، خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ﴾ [الشعراء: ۸-۹].

«همانا در این [هنرنمایی خداوند] نشانه‌ای است و بیشتر آنان مومن نبودند (۸) و در حقیقت پروردگار تو آن شکست‌ناپذیر مهربان است».

در این آیات ملاحظه می‌کنیم که اسلام در بسیاری از جوانب نگاه مثبتی به کثرت و جمع بسیار ندارد، به این معنا که کثرت و بسیار بودن محل اعتبار و اعتماد نیست زیرا چنین نگاهی باعث بسیاری از مفسد و انحراف از صراط مستقیم، و باعث موکول نمودن حق و حقیقت به مردم و نه به دلیل، خواهد شد.

در همین حال می‌بینیم که اسلام جمع کم را بی‌ارزش ندانسته و چه بسا در جاهایی، کمی تعداد و یا افرادی را که در اقلیت بوده‌اند ستوده است تا خطاب به مومن چنین بگوید که تو ای مومن با ایمان خود بسیاری حتی اگر تنها باشی، زیرا خداوند متعال فرموده است:

﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ [النحل: ۱۲۰].

«همانا ابراهیم خود امتی مطیع الله و حق‌گرا بود و از مشرکان نبود».

و در مورد جنبه‌ی ایمان و سبقت به آن، خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ثُلَّةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ ﴿۱۳﴾ وَقَلِيلٌ مِّنَ الْآخِرِينَ ﴿۱۴﴾﴾ [الواقعة: ۱۳-۱۴].

«گروهی از پیشینیان (۱۳) و اندکی از متاخران».

همچنین در مورد نبرد و تاثیر جمع بسیار در آن می‌فرماید:

﴿كَمْ مِّنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ﴾ [البقرة: ۲۴۹].

«چه بسیار گروه‌های اندکی بوده‌اند که به اذن الله گروه‌های بسیاری را شکست داده‌اند».

حاصل سخن آن است که با آیات و دلایلی که بیان نمودیم آشکار می‌شود که کثرت و بیشتر بودن یک جمع معیار حق و حقیقت نیست و نه می‌تواند وسیله‌ی برتری معنوی و ایمانی برای یک شخص یا جمع باشد، اما در همین حال در صورتی که از حدود معتبر شرعی خود تجاوز نکند می‌تواند مورد ستایش باشد و چه بسا در این حال سودمند نیز باشد چنانکه خداوند متعال کسانی را که اموال بسیاری را در راه خداوند و برای فقرا و مستمندان و یتیمان و در راه ماندگان صرف می‌کنند، ستوده است.

و در مقابل می‌بینیم که کمی جمعیت در بسیاری جاها به عنوان مدح و ستایش مطرح شده است زیرا به معنای بیان صادقانه‌ی عدم پذیرش پیروی از جمع بسیاری است که ممکن است با تعداد زیاد پیروان، خود را اینگونه به ذهن دیگران نشان دهد که بر حق است، برای همین کم بودن از نظر پیروان و کم‌تر داشتن مال و ثروت و کم‌تر بودن در میدان نبرد، هیچکدام مانع از این نبود که پیامبران را بر حق ندانیم...

برای ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - تنها بودنش در قضیه‌ی نبرد با مرتدین باعث نشد که حق با او نباشد زیرا او به تنهایی با داشتن حق، بسیار بود، و همینطور تنها بودن احمد بن حنبل در فتنه‌ی خلق قرآن زبانی به او نرساند.

و راست گفت رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - که می‌فرماید: «مردم همانند صد شترند که نزدیک است در میانشان یک شتر خوب برای سواری نیابی» [به روایت بخاری و مسلم].

خداوند متعال برای من و شما در کتاب و سنت برکت نهد و با آیات و حکمت آن سود رساند. آنچه را گفتم اگر صحیح بود از سوی خداوند و اگر خطا بود از نفس من و از سوی شیطان بود، و از الله آمرزش می‌خواهم که او بسیار آمرزنده است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش تنها از آن الله است و درود و سلام بر آنکه پیامبری پس از وی نیست. اما بعد: ای بندگان خداوند تقوای او را پیشه سازید و بدانید که آسمان‌ها و زمان به حق برپا شده‌اند پس در پی حق و اهل آن باشید هر جا که باشند و این سخن علی - رضی الله عنه - را به یاد داشته باشید که می‌فرماید: «زیاد بودن مردم در دور و بر من بر عزتم نمی‌افزاید و پراکنده شدن آنان از من باعث ترس و احساس تنهایی من نمی‌شود». بنابراین به سبب کمی رهروان راه حق، احساس ترس و تنهایی نکنید.

سپس بدانید که خداوند متعال در کتاب خود حال و روز بسیاری از مردم را بیان نموده و فرموده است: «اما بیشتر مردم نمی‌دانند» [الأعراف: ۱۸۷] و فرموده است: «و بیشترشان تعقل نمی‌کنند» [المائدة: ۱۰۳] و فرموده است: «اما بیشتر مردم ایمان نمی‌آورند» [الرعد: ۱] و فرموده است: «اما بیشتر مردم شکرگزار نیستند» [البقرة: ۲۴۳] و همچنین فرموده است: «و همانا بسیاری از مردم فاسقند» [المائدة: ۴۹].

زیرا خرد پیرو علم است و خداوند متعال در این باره فرموده است: ﴿وَمَا يَعْقُلُهَا إِلَّا أَلْعَلِمُونَ﴾ [العنكبوت: ۴۳]. یعنی: «و جز عالمان کسی آن را در نمی‌یابد» و هر کس که

به علم رسد خردمند می‌شود و هر کس خردمندی پیشه کند ایمن شود و شکر کند و خود را از فسق و انحراف دور می‌گرداند، برای همین هر کس دچار فسق شود در واقع به سبب نقص یکی از این امور است: یا عدم علم، یا عدم خردورزی، یا عدم ایمان و یا عدم شکر، که همه‌ی این‌ها باعث از دست رفتن ثبات و پایداری و رستگاری است. زیرا هلاک امت‌ها به سبب فسقی است که باعث از بین رفتن علم و عقل و ایمان و شکر می‌شود:

﴿وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا﴾ [الإسراء: ۱۶].

«و هنگامی که بخواهیم شهری را نابود سازیم خوشگذاران آن را و می‌داریم که در آن به انحراف بپردازند و در نتیجه عذاب بر آن لازم گردد و آن را یکسر نابود می‌سازیم».

وجود عقل و علم و ایمان و شکر، بی‌شک باعث به وجود آمدن ارزش مطلق می‌شود که در نصیحت و خیرخواهی و محافظت از کیان امت، نمود می‌یابد:

﴿وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلِهَا مُصْلِحُونَ﴾ [هود: ۱۱۷].

«و پروردگار تو بر آن نبوده است که شهرهایی را که اهل آن مصلحتند به ستم نابود سازد».

﴿أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ﴾ [ص: ۲۸-۲۹].

«یا [مگر] کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند به مانند کسانی می‌گردانیم که در زمین فساد می‌کنند، یا پرهیزگاران را چون پلیدکاران قرار می‌دهیم؟ (۲۸) این کتابی مبارک است که آن را به سوی تو نازل کرده‌ایم تا درباره‌ی آیات آن بیندیشند و خردمندان یادآور شوند».

و در پایان بر بهترین و پاک‌ترین انسان‌ها محمد بن عبدالله صاحب حوض و مقام شفاعت درود و سلام فرستید زیرا خداوند شما را به آن امر نموده و فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [الأحزاب: ۵۶].

خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد، صاحب چهره‌ی نورانی درود و سلام و برکت ارزانی دارد و از چهار خلیفه‌ی وی: ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه‌ی پیامبرت و از تابعین و کسانی که تا قیامت پیروی آنان کنند راضی و خشنود باش و همینطور از ما نیز به همراه آنان خشنود باش از مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، و شرک و مشرکان را خوار گردان. خداوندا دینت را و کتابت را سنت پیامبرت و بندگان مومنت را یاری ده.

خداوندا غم غم‌داران و سختی سختی دیدگان را از بین ببر و وام‌داران را دادا کن و بیماران ما و دیگر بیماران مسلمان را شفا ده ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان و والیان ما را اصلاح گردان و مسئولیت‌های ما را بر عهده‌ی کسانی قرار ده که تقوای تو را داشته و در پی خشنودی تو باشند.

خداوندا اوضاع برادران و خواهران ما را در همه‌ی سرزمین‌ها اصلاح گردان. خداوندا تو یاور برادران و خواهران مستضعف ما باش، خداوندا آنان را در میانمار و در سوریه و دیگر سرزمین‌های یاری ده. خداوندا به زودی یاری آنان را میسر گردان، خداوندا و دشمن آنان را پست و خوار گردان.

«پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دور گردان»

[البقرة]

عنوان خطبه:

چگونه پیامبران را یاری دهیم؟

خطیب: دکتر صالح آل طالب

مسجدالحرام: جمعه ۵ ذوالقعدة ۱۴۳۳ برابر با ۳۱ شهریور ۱۳۹۱

خطبه‌ی اول:

ستایش ویژه خداوند یگانه است که تنها پادشاهی از آن اوست و باعزت است، و رحمت و علمش همه چیز را در بر گرفته است و نعمت‌هایش را بر بندگان فرو فرستاده و در میان آنان پیامبری از خودشان ارسال نموده است. ستایش بسیار شایسته‌ی اوست چنانکه نعمتش نیز بسیار است و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد بنده‌ی الله و پیامبر او و بهترین بندگان و خردمندترین و داناترین و شکیباترین آنان است که پروردگارش روح و جسم او را پاک گرداند و از هرگونه عیب و ننگی مبرایش ساخت. درود و سلام و برکات خداوند بر او و بر اهل بیت پاک و صحابه‌ی نیک او و همه‌ی کسانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند.

اما بعد:

ای مردم تقوای خداوند را در پنهان و آشکار پیشه سازید و آن چیزی را آماده سازید که با آن در روز عرضه‌ی بر خداوند، نجات یابید که همه‌ی ما به سوی او روانیم و آنگاه چیزی نیست جز بهشت پرنعمت یا عذاب جهنم، و موفق آن است که خود را نجات دهد و برای آن امر بزرگ آماده شود. خداوند قلب‌هایمان را آرامش دهد و گناهانمان را بیامزد و ما را به سوی راهی رهنمون شود که از عذابش نجات یابیم و به رحمتش نزدیک شویم.

ای مردم:

سرزمین‌ها و مردم، و نوشته‌ها و سخنان ممکن است در اصل و اساس مجرد خود با هم مساوی باشند، اما اگر به چیزی منسوب شوند ارزش خود را از آن می‌گیرند. در این میان بزرگ‌ترین و گرامی‌ترین چیزی که می‌توان به آن منسوب شد، خداوند متعال است؛ برای همین، کتاب خدا تاج سر همه‌ی کتاب‌ها است و خانه‌ی خداوند پاک‌ترین خانه‌ها و کلام خداوند، عظیم‌ترین کلام‌ها و فرستادگان او نیز افتخار بشر و زینت جهانند. خداوند آنان را از میان برگزیدگان برگزید و پیش و پس از نبوت معصومان داشت و همه‌ی کمالات بشر را در ذات آنان، و مقام والای انسانیت را در روح آنان، و بهترین راه و روش را در روش و منش آنان به نمایش گذاشت.

پیامبران خداوند بهترین کسانی‌اند که پای بر خاک زمین گذاشته و گرامی‌ترین انسان‌هایند، که راهی به سوی بهشت نیست مگر با پیروی از آنان، و نجاتی از آتش جهنم نیست مگر با تصدیق آنان، و نمی‌توان به خداوند رسید مگر با راهنمایی پیامبران وی. در واقع عظمت پیامبر از عظمت کسی است که او را فرستاده است، و بزرگداشت او از بزرگداشت کسی است که وی را مبعوث ساخته و مقام پیامبران نزد خداوند بس بزرگ است.

خداوند نسبت به پیامبرانش غیرتمند می‌شوند و از آنان دفاع می‌کند و همه‌ی امت‌هایی که نابود شدند به سبب دعای پیامبرانشان علیه آنان بود، و چه بسیار سرزمین‌هایی که به سبب تکذیب پیامبرانشان و تمسخر آنان زیر و رو شده و دچار صاعقه و زلزله شدند:

﴿وَلَقَدْ أَسْتَهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾

﴿۱۰﴾ [الأنعام: ۱۰].

«و پیش از تو پیامبرانی به استهزا گرفته شدند پس آنچه را ریشخند می‌کردند گریبانگیر ریشخند کنندگان ایشان گردید.»

پیامبران در همه‌ی شریعت‌ها دارای جایگاهی والایند و هر پیامبری پیامبر پیش از خود را تصدیق نموده و به پیامبر بعد از خود بشارت داده است. همه‌ی پیامبران گذشته نیز به

اقوام خود بشارت پیامبری را داده‌اند که «احمد» نام دارد و آخرین آنان و امامشان خواهد بود و گرچه از نظر زمانی آخرین آنان است از نظر خیر و برکت پیشوای آنان است. درود و سلام خداوند بر پیامبران او و بر پیروان آنان.

ای مسلمانان:

همه‌ی عبارات ثنا و مدح و همه‌ی معانی در برابر عظمت آن پیامبر بزرگوار، محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب هاشمی قریشی عربی، کوتاهند و نه منبرهای خطابه و نه قلم‌ها توان آن را ندارند که شأن و مقام او را بیان کنند و سیرت شریف او نیازی به تعریف و تمجید ندارد...

ای مردم:

جهان از ازل تا ابد انسانی را در پاک‌ی سیرت و زیبای‌ی اخلاق و شدتِ تلاش و تعلقِ به پروردگار، به مانند محمد - صلی الله علیه و آله وسلم - به خود ندیده است.

و جهانیان هیچ کس را ندیده‌اند که همانند محمد - صلی الله علیه وسلم - راه کمال را طی نموده و آن را برای مردم آماده ساخته و آنان را به سوی آن دعوت کرده و نشانه‌های آن را به بهترین و کامل‌ترین روش، بیان کرده باشد و در راه خداوند سختی‌هایی را تحمل کرده باشد که کسی دیگر تحمل نکرده است.

تنها کسی گوش‌های از عظمت این پیامبر بزرگ را خواهد دانست که به پژوهش درباره‌ی فلاسفه‌ی اخلاق و جامعه‌شناسی و رهبران ملت‌ها و فرماندهان جنگی و موسسان تمدن‌ها و حکومت‌ها پرداخته و پس از پایان یافتن از این پژوهش همه‌ی این عظمت را در یک انسان کامل، یکجا بیابد و او کسی نیست جز: محمد بن عبدالله، تا در پایان ببیند که چگونه همه‌ی نابعه‌های زمین در برابر نور او کمرنگ شوند و آثارشان نیز در مقابل روش پیامبر کوچک و بی‌فروغ می‌گردد و هر امتیازی که بر هم رده‌های خود دارند در مقابل خورشید پیامبری «هیچ» می‌شود.

حقیقت آن پیامبر والاتر و بالاتر از چیزی که وصف می‌شود و تلاشی که او نمود باعث می‌شود هر مومنی برای نور ایمانی که از آن برخوردار است مدیون او شود:

﴿وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٥٢﴾ صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ ﴿٥٣﴾﴾ [الشوری: ۵۲-۵۳].

«و همانا تو به سوی راهی راست رهنمایی (۵۲) راه الله که هر چه در آسمان‌ها و زمین است از آن اوست. آگاه باشید که همه‌ی کارها به سوی الله باز می‌گردد».

محمد - صلی الله علیه وسلم - پس از پیامبرانی آمد که شیطان ثمره‌ی کار آنان را از بین برده بود و بعثت او آخرین سخن آسمان بود. پیامبری او از ضمانتی برخوردار بود که جلو هر گونه کژی و انحراف را گرفته تا آینده‌ی طولانی انسان را از گمراهی مصون بدارد. در قرآن کریم آمده است:

﴿تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ الْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٦٣﴾ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِلتَّبَيِّنِ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٦٤﴾﴾ [النحل: ۶۳-۶۴].

«سوگند به الله که به سوی امت‌های پیش از تو [رسولانی] فرستادیم [اما] شیطان اعمالشان را برایشان آراست و امروز [هم] سرپرستان هموست و برایشان عذابی دردناک است (۶۳) و ما [این] کتاب را بر تو نازل نکردیم مگر برای اینکه آنچه را در آن اختلاف کرده‌اند برای آنان توضیح دهی و [آن] برای مردمی که ایمان می‌آورند رهنمود و رحمتی است».

از سوی دیگر دین‌های ساختگی و سخنان دروغینی که شایسته‌ی خداوند نبود به او نسبت داده شده بود و اینگونه اعتقادات باطل چنان در جامعه رسوخ یافته که با آمدن حق به شدت در برابر آن مقاومت کرده و مردم جز بدبختی و نکبت از آن بهره‌ای نبردند. برای همین خداوند عزوجل می‌فرماید:

﴿فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَّبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ ۗ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ ﴿٣٢﴾ وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ ۗ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ﴿٣٣﴾ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِندَ رَبِّهِمْ ۗ ذَٰلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ ﴿٣٤﴾﴾ [الزمر: ۳۲-۳۴].

«پس کیست ستمگرتر از آن کس که بر الله دروغ بست و [سخن] راست را چون به سوی او آمد دروغ پنداشت آیا جای کافران در جهنم نیست؟ (۳۲) و آن کس که راستی آورد و آن را باور نمود آنانند که خود پرهیزگارانند (۳۳) برای آنان هر چه بخواهند پیش پروردگارشان خواهد بود این است پاداش نیکوکاران».

بعثت محمد - صلی الله علیه وسلم - در حقیقت تولد دوباره‌ی حقیقت به زیباترین شکل بود که شعاع نور آن اعلام نابودی حیرت و نگون‌بختی بشریت بود. اسلام آمد تا خدایی را معرفی نماید که همه چیز را آفریده و از مشابهت با هر چیزی پاک است:

﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿۱۱﴾ لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿۱۲﴾﴾ [الشوری: ۱۱-۱۲].

«هیچ چیز همانند او نیست و او شنوای بینا است (۱۱) کلیدهای آسمان‌ها و زمین از آن اوست و روزی را برای هر کس که بخواهد می‌گشاید یا تنگ می‌گرداند. همانا او به هر چیزی دانا است».

توحید مطلق پروردگار همان حقی است که اسلام از آن ارزش گرفته است. بعثت محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - به مثابه‌ی نجات از این الحاد و عواقب بد آن و از بین برنده‌ی ظلم و بندگی انسان توسط انسان و این از نخستین آیات رحمت فراگیری بود که صاحب این رسالت بزرگ با آن مبعوث گردید و پس از این توحید عمل و رفتار براساس شریعت قرار دارد؛ زیرا محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - به سوی همه‌ی انسان‌ها و نژادهای بشری دینی را آورد که آنان را به نیکی امر می‌کرد و از بدی باز می‌داشت و پاکی‌ها را برای آنان حلال قرار داده و بدی‌ها را برایشان حرام گرداد. محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - صنعتی خداوندی است که دیگر تکرار نشد. پاک و منزّه است آنکه محمد را آفرید و تربیت نمود.

ای مردم:

اکنون سخن از مکانت پیامبران و فضل و عظمت خاتمشان - صلی الله علیه وآله وسلم - و اثبات نبوت و رسالت وی نیست که این برای انسانی که به عقل خود احترام قائل است جای بحث ندارد و امروزه نیز وسائل شناخت و به دست آوردن اطلاعات بسیارند. اما چند اشاره و تامل درباره‌ی مسأله‌ی توهین به پیامبران محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - که باعث دل‌مشغولی و نگرانی مردم شد لازم است. امتی که برای پیامبرش خشمگین نشود خیری در آن نیست، اما از سوی دیگر در خشمی که خود باعث خشم خدا و رسول شود نیز خیری نیست.

غیر ممکن است انسانی که دارای فرهنگ محترم و عقل روشن است علیه محمد کینه در دل داشته باشد. چرا باید کینه‌ی او را به دل داشت؟! آیا به این خاطر که کتابی که او آورده خداوند را اینگونه زیبا وصف می‌کند؟

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾ [البقرة: ۲۵۵].

«الله که معبودی به حق جز او نیست و زنده و برپا دارنده است. نه خوابی سبک و نه خوابی سنگین او را فرا نمی‌گیرد. هر چه در آسمان‌ها و زمین است از آن اوست». محمد، پیامبر خدا که پدر و مادر و جانم فدای او باد، امروزه یک میلیارد و پانصد میلیون یا بیشتر، پیرو دارد که برایشان از جانشان و فرزندان و پدر و مادر و همه‌ی مردم محبوب‌تر است و جان خود را فدای او می‌کنند...

از آنکه مدعی آزادی بیان است سوالی دارم: این آتش کینه به سود چه کسی شعله‌ور شده است؟! به سود چه کسی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها در برابر هم قرار می‌گیرند؟! از کی آزادی بیان معنای تجاوز بی‌حد و مرز دارد؟!

آن هنگام که کسی کشتار یهودیان را که دهه‌ها قبل رخ داده است انکار می‌کند آزادی بیان کجاست؟ قضیه‌ای که بیش‌تر محصول سیاست است نه حقایق تاریخ، و کسی جرات انکار یا شک در آن را ندارد مگر آنکه سازمان‌ها و حکومت‌ها و دادگاه‌ها به تعقیب و مجازات او خواهند پرداخت! اما درباره‌ی آن پیامبر بزرگ، محمد - صلی الله علیه وآله وسلم -

وسلم - هر حرفی می‌توان زد و این آزادی را قانون بر عهده گرفته است! شما را چه شده؟ چگونه داوری می‌کنید؟!

رهبران و صاحبان رای باید این حقیقت را درک نمایند که عکس‌العمل ملت‌ها طوفانی است مهار نشدنی و آتشی است که نمی‌توان از آن در امان ماند و چه بسا کنترل اوضاع از دست برود و دیگر نه سخنی شنیده شود و نه حکمتی سودمند باشد به ویژه اگر سمبل مقدس یک امت مورد اهانت قرار گیرد.

بنابراین لازم است که خردمندان جلوی نادانان را بگیرند و سران و نخبگان، کسانی را که قصد آتش‌افروزی دارند منع نمایند و هیچ‌کس در مورد دین خود هیچ عذری را نخواهد پذیرفت.

ما خواهان گفتگو و تفاهم و تسامحیم اما همه‌ی این‌ها سودی نخواهد داشت مادامی که طرف مقابل هنوز کینه‌های قرن‌ها را نسل به نسل به ارث می‌برد و قلب خود را آلوده بغض و نفرت علیه اسلام و پیامبر و امت آن کرده است.

اکنون کجاست قانون بین الملل و پیمان‌نامه‌های جهانی که دعوت به نفرت و تبعیض نژادی را محکوم می‌داند به ویژه اگر تحریک مستقیم بر خشونت باشد؟

ما از جهانیان و سازمان‌های بین‌المللی که ادعای وضع قوانینی در جهت حمایت از همه‌ی مردم را دارند خواستاریم قانونی الزام‌آور را در جهت جرم دانستن هرگونه توهین به پیامبران و رسالت آسمانی آنان وضع نمایند.

خداوند متعال در کتاب خود پیامبرش محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - را اینگونه وصف نموده که: «و تو را نفرستادیم مگر به عنوان رحمتی برای همه‌ی جهانیان» [الأنبیاء:

ستایش ویژه‌ی الله پروردگار جهانیان است، او که رحمان و رحیم است و مالک روز جزا است، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز او که تنها و بی‌شریک است و پادشاه حقیقی است، و گواهی می‌دهم که محمد، بنده‌ی الله و پیامبر اوست. درود و سلام و برکات خداوند بر او و بر اهل بیت و یاران و تابعین و کسانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند...

بندگان خداوند:

به یکی از سلف گفتند: «فلانی غیبت تو را می‌کرد» گفت: «او تیری به سوی من انداخت که به من نخورد، تا اینکه تو آمدی و آن را به من رساندی!».

پیامبران خداوند نیز همیشه مورد آزار قرار می‌گرفتند و هم آنان و هم پیروانشان مورد تمسخر مخالفانشان بودند و این در هر زمانه و هر مکانی رخ می‌دهد:

﴿وَمَا يَأْتِيهِمْ مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾ [الحجر: ۱۱].

«و هیچ پیامبری به سوی آنان نمی‌آید مگر آنکه او را مورد تمسخر قرار می‌دادند».

حال که چنین چیزی از سوی پست‌ترین انسان‌ها رخ می‌دهد لازم است کسی که آن را می‌شنود اقدام به نشر آن ننماید و سخنی از آن نگوید مگر با مسئولانی که قادر به منع شخص متجاوز هستند.

برای همین شعرهایی که مشرکان در هجو و بدگویی رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌گفتند با وجود آنکه بسیار بود و کنیزکان بسیاری نیز آن را می‌سرودند از بین رفته و در همان زمان به فراموشی سپرده شد زیرا مسلمانان به آن اهمیتی نداده و اقدام به تداول و نشر آن ننمودند و اینگونه است که از اکثر آن شعرها دیگر یادی در دیوان‌های شعر و اخبار عرب نیست.

دین شما پیروز است و پیامبرتان نیز از سوی خداوند یاری داده شده است:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾

﴿۳۳﴾ [التوبة: ۳۳].

«او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین هدایت فرستاد تا آن را بر همه‌ی ادیان پیروز گرداند هرچند مشرکان را خوش نیاید».

و با توهین و بی‌احترامی یک ملحد نادان یا کافری شکست خورده هیچ آسیبی به مقام نبوت نمی‌رسد زیرا خداوند متعال فرموده است:

﴿إِنَّا كَفَيْتَكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ﴾ [الحجر: ۹۵].

«ما [شر] مسخره کنندگان را از تو دور خواهیم داشت».

زیرا مقام پیامبران محفوظ است و قدر و ارزش آنان عزیز و مصون، و در واقع آنکه به مقام آنان دست درازی نماید بیچاره و زیان‌دیده است:

﴿إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾ [الکوثر: ۳].

«همانا سرزنش‌کننده‌ی تو دم بریده [و بی‌تبار] است».

چه بسا این سخنان مرهمی باشد بر درون زخم دیدگان و آرامشی باشد بر قلب مومنان غیور و راهنمایی باشد برای غیرت ستوده‌ای که برای پیامبرشان دارند...
ای مسلمانان:

در حادثه‌ی تهمت زنی منافقان به همسر پیامبر - صلی الله علیه وسلم - ام المومنین عائشه - رضی الله عنها - خداوند متعال فرمود:

﴿لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ﴾ [النور: ۱۱].

«گمان مبرید که آن حادثه برای شما بد است، بلکه به سود شماست».

در این حادثه نیز احساسات سرد و منجمد برخی از مسلمانان به حرکت در آمد و نگاه غیر مسلمانان نیز به سوی این دین و پیامبرش کشانده شده و باعث به حرکت افتادن آبی شد که نزد مسلمانان و غیر مسلمانان از حرکت ایستاده بود.

حال اگر مسلمانان از این حادثه به خوبی استفاده کنند بی‌شک تبدیل به فتح و عزت خواهد شد، اما اگر در برخورد با آن بد عمل کنند تبدیل به شکست و عامل ایجاد نفرت علیه خود مسلمانان خواهد شد.

خیریتی که این امت موصوف به آن است، خیریتی است مطلق که قابل تجزیه نیست، برای همین لازم است که مسلمانان این خیر و نیکی را در عکس‌العمل‌های خود نیز نشان دهند و بی‌شک کشتن بی‌گناهان و از بین بردن اموال عمومی و آشوب و هرج و مرج در برخورد با حوادثی اینچنینی هرگز جزو خیر و نیکی به شمار نمی‌رود.

اگر مسلمانان در پی این حوادث بیش از پیش به راه و روش پیامبرشان تمسک می‌جستند و از وی پیروی می‌کردند و سیرت او را منتشر می‌ساختند و از پایگاه‌های اینترنتی برای ارتباط با دیگران بهره می‌جستند - چنانکه بسیاری از آنان چنین کردند - بی‌شک این بلیغ‌ترین و بهترین پاسخی بود که می‌شد به توهین‌کنندگان داد و در این صورت دشمنان آنان نیز با مشاهده این فعالیت دعوی متقابل، سعی در عدم تکرار چنین توهین‌هایی می‌نمودند زیرا چنین پاسخی سخت‌ترین ضربه‌ای است که می‌توان به توهین‌کنندگان زد و در جهت عکس اهداف آنان است.

اما نه حرکت در پی کسانی که خواهان شر و بدی برای این امت هستند، و مشغول ساختن آنان از وضعیتی که هم‌اکنون در آن به سر می‌برند یا تحریک اقلیت‌های مسلمان در کشورهای غربی برای انجام کارهایی غیرمسئولانه تا بدین وسیله بهانه‌ای برای بیرون راندن آنان از کشورهای غربی به دست آید - چنانکه احزاب راست افراطی در این کشورها در دستور کار دارند - یا بهانه قرار دادن این خشونت‌ها برای جلوگیری از هرگونه فعالیت دعوی در کشورهای غربی پس از آنکه اسلام را در همه‌ی گوشه و کنار سرزمین‌های خود حاضر دیده‌اند و آینده را از آن این دین می‌دانند.

مسلمانان باید بدانند که نیازی به حوادث جدیدی برای جلوگیری از پیشروی اسلام و از بین بردن دستاوردهای آن ندارند. برای مسلمانان شایسته است که در سطح بالایی از آگاهی و پختگی باشند و اشتباهات گذشته را دوباره تکرار نکنند و زندگی برای اسلام بسیاری اوقات برای دشمنان این امت بسیار موثرتر از مرگ برای آن است.

نصرت و یاری پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - هرگز به معنای خارج شدن از سنت وی و عمل بر خلاف راه و روش او نیست. حادثه‌ی توهین به پیامبر باید باعث

تمسک و پایبندی بیشتر امت او به این دین و غیرت‌مندی برای پیامبر و بازگشت به پیروی از سنت او در خوشی و ناخوشی و ضعف و قدرت است:

﴿فَأَصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفُّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ﴾ [الروم: ۶۰].

«پس صبر کن که همانا وعده‌ی الله حق است و کسانی که یقین ندارند تو را به سبکسری وادار نکنند».

خداوندا بر آن رحمت هدایتگر و آن نعمت الهی درود و سلام فرست، خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد، و بر اهل بیت پاک و صحابه‌ی نیک او درود و سلام و برکت ارزانی دارد. خداوندا از آن امامان هدایتگر و آن خلفای راشد: ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه‌ی پیامبرت و کسانی که به راه و روش آنان روند و از سنت آنان پیروی نمایند راضی و خشنود باش ای پروردگار جهانیان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار گردان و دشمنان دین را نابود ساز و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امن و امان بدارد. خداوندا هر کس را برای ما و سرزمین‌های ما اراده‌ی شر و زیان و تفرقه نموده است به خود مشغول ساز و حيله و تدبيرش را به خودش بازگردان.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان و والیان ما را اصلاح نما. خداوندا اوضاع مسلمانان را در هر جا که هستند اصلاح نما، خداوندا اوضاع آنان را در سوریه به سامان آور و کلمه‌ی آنان را بر حق و هدایت یکی گردان. خداوندا جان آنان را حفظ نما و ترسشان را از بین ببر و گرسنه‌شان را غذا ده و از آبرو و نامسشان محافظت کن و قلبشان را محکم بدار و گام‌هایشان را استوار ساز و آنان را بر متجاوزان پیروز گردان. خداوندا محاصره‌شان را بشکن و سختی‌شان را از بین ببر.

خداوندا یتیمان و زنان داغ‌دیده و ستم‌دیدگان را یاری ده. خداوندا رحمت را خواهانیم ای مهربان‌ترین مهربانان و ای یاری دهنده‌ی مظلومان.

خداوندا طاغیان و ستمگران را نابود گردان، خداوندا تو آنان را نابود گردان که آنان را یاری ناتوان ساختن تو نیست. خداوندا عذاب خود را بر آنان بفرست ای معبود به حق!

خداوندا دینت را و کتابت را و بندگان مومنت را یاری ده. خداوندا مستضعفان مسلمان را در هر جا که هستند یاری ده. خداوندا کلمه‌ی آنان را بر حق یکی گردان ای پروردگار جهانیان، خداوندا آنان را در فلسطین بر صهیونیست‌های غاصب پیروز گردان. خداوندا ستم‌دیدگان را در میانمار یاری ده. خداوندا جان آنان را حفظ کن و اوضاعشان را به صلاح آور و برای آنان یار و یاور باش ای پروردگار جهانیان و ای مهربان‌ترین مهربانان.

«پروردگارا ما را در دنیا و در آخرت نیکی عطا کن و از عذاب آتش دور بدار»

[البقرة: ۲۰۱].

خداوندا گناهان ما را بیامرز و عیب‌های ما را بپوشان و کارهای ما را آسان گردان و ما را به آن خواسته‌هایی که باعث خشنودی تو است برسان. پروردگارا ما و پدران و مادران ما و همسران و نسل‌های ما را مورد آمرزش خود قرار ده که همانا تو شنونده‌ی دعایی. پروردگارا از ما بپذیر که همانا تو شنونده و دانایی و بر ما توبه پذیر که تو توبه‌پذیر و مهربانی.

پاک و منزّه است پروردگار تو از آنچه به دروغ و صغش می‌کنند و سلام بر پیامبران و ستایش از آن الله پروردگار جهانیان است.

عنوان خطبه:

توصیه‌های قرآن کریم

خطیب: دکتر اسامه خیاط

مسجد الحرام: جمعه ۱۲ ذوالقعدة ۱۴۳۳ برابر با ۷ مهرماه ۱۳۹۱

خطبه‌ی اول:

ستایش ویژه‌ی خداوندی است که هر کس را بخواهد به سوی راه راست هدایت می‌کند. او را به پاکی ستایش می‌کنم که فضلش فراگیر است و گواهی می‌دهم که معبودی

به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و نیکوکار و مهربان و رحیم است و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده‌ی الله و پیامبر او و صاحب راه و روش درست و اخلاق والا است. خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یاران او و تابعین و کسانی که تا قیامت به نیکی از او پیروی کنند درود و سلام فرست.

اما بعد:

ای بندگان خداوند تقوای او را پیشه سازید و بدانید که روزی به دیدار او خواهید رفت و در برابر او به حساب خواهید ایستاد، پس سعادت‌مند آن است که توشه‌ی لازم را برای آن هنگام فراهم آورد و هر پستی و بلندی را به سوی خداوند بپیماید و هر سختی را برای آن به جان خرد و برای رسیدن به او، گفتار و کردار نیک را وسیله قرار دهد و از خداوند امید قبول و مغفرت و رضوانش را داشته باشد.

ای مسلمانان:

قرآن آنچنان مملو از پند و توصیه به هدایت و راهنمایی به خوشبختی در دنیا و به دست آوردن خشنودی پروردگار و بهشت پر نعمت در آخرت است که باعث می‌شود صاحبان خرد و توفیق‌یافتگان در آیات آن تفکر کنند و به تدبیر در معانی و کشف اسرار آن بپردازند تا امر خداوند متعال را استجابت کنند آنجا که می‌فرماید:

﴿كَتَبْنَا أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ [ص: ۲۹].

«آن کتابی است مبارک که به سوی تو نازل نمودیم، تا در آیات آن تدبیر کنند و تا خردمندان یادآور شوند».

همچنین سخن از فضل شریعت مبارک محمدی، شریعتی که حق است و رها کردن آن و عوض کردن آن با هواهای درونی کسانی که نمی‌دانند، هرگز جایز نیست.

اگر هوای نفس بدترین رهبر و زشت‌ترین اطاعت‌شونده و گمراه‌کننده‌ترین راهنما است، درباره‌ی هوای نفس کسانی که نمی‌دانند چه می‌توان گفت؟ آنانی که نسبت به حق جاهلند و از راه خداوند گمراهند و عمل به ضد آن می‌کنند، از جمله مشرکان دوران جاهلیت و کسانی که روش آنان را در پی گرفته و در گستره‌ی دوران‌ها روش آنان را

پسندیده‌اند. پیروی از چنین کسانی نه تنها راه سستی و شکست و زیان است، بلکه همچنین دلیلی است بر انتخاب بد انسان...

زیرا این حق ناشناسان و جاهلان و عمل‌کنندگان به باطل نمی‌توانند در روزی که بر خداوند عرضه می‌شوند هیچ سودی برای کسانی داشته باشند که از هوای نفس آنان پیروی کرده‌اند و نمی‌توانند خشم و عذاب خداوندی را از پیروان خود دفع کنند.

آنان همچنین توانایی زیان رساندن به دیگران را ندارند چنانکه خداوند عزوجل ضمن امر پیامبر خدا به پیروی از این شریعت مبارک و مداومت بر آن و هشدار نسبت به پیروی از این گروه گمراه، خطاب به گرامی‌ترین بندگانش - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید:

﴿ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨﴾ إِنَّهُمْ لَن يُغْنُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ ﴿١٩﴾﴾
[الجنائیه: ۱۸-۱۹].

«سپس تو را در طریقه‌ی آیینی [که ناشی] از امر [الله است] نهادیم پس از آن پیروی کن و هوس‌های کسانی را که نمی‌دانند پیروی مکن (۱۸) آنان هرگز در برابر الله از تو حمایت نمی‌کنند [و به هیچ وجه به کار تو نمی‌آیند] و ستمگران بعضی‌شان دوستان بعضی [دیگر] ند و الله یار پرهیزگاران است».

بلکه حتی این جاهلان در قیامت از کسانی که پیروی آنان را کرده‌اند و در پی هوا و هوس آنان رفته‌اند اعلان برائت و بیزاری می‌کنند چنانکه الله سبحانه و تعالی در بیان اوضاع آنان می‌فرماید:

﴿إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ ﴿١٦٦﴾﴾
[البقرة: ۱۶۶].

«آنگاه که رهبران از پیروان بیزاری جستند و عذاب را دیدند و روابط میان‌شان قطع گردید».

یعنی همه‌ی ارتباطاتی که در این دنیا میان آنان بود از جمله نزدیکی خویشاوندی و دینی و منافع دنیایی، همه قطع می‌شود.

مثال آنان در این بیزاری جستن همانند شیطان است که خداوند متعال درباره‌اش می‌فرماید:

﴿كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦﴾﴾ [الحشر: ۱۶].

«همانند شیطان که خطاب به انسان گفت: کافر شو، پس هنگام که کفر ورزید گفت: من از تو بیزارم، من از الله پروردگار جهانیان می‌ترسم».

اما شیطان در همین حد باقی نمی‌ماند بلکه اضافه بر آن به سرزنش آنان می‌پردازد تا بیش از این حسرت خورند و به شدت پشیمان شوند:

﴿وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقِّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِّنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَن دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَلَا مَوْمُوا أَنفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِن قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢٢﴾﴾ [ابراهیم: ۲۲].

«و چون کار از کار گذشت [و داوری صورت گرفت] شیطان می‌گوید در حقیقت الله به شما وعده داد وعده‌ی راست و من به شما وعده دادم و با شما خلاف کردم و مرا بر شما هیچ تسلطی نبود جز اینکه شما را دعوت کردم و اجابتم نمودید پس مرا ملامت نکنید و خود را ملامت کنید من فریادرس شما نیستم و شما هم فریادرس من نیستید من به آنچه پیش از این مرا [در کار خدا] شریک می‌دانستید کافر آری ستمکاران عذابی پر درد خواهند داشت».

این تنها دو راه است که سومی ندارد: یا هدایت خداوند و دین و شریعت او و یا هوا و هوس کسانی که «نمی‌دانند». حال انسان خردمندی که نسبت به خود دلسوز است و برای خود خواهان خیر و نیکی است کدام راه را انتخاب خواهد کرد و به کدام سو روی خواهد آورد؟

شکی در این نیست که هدایت خداوندی همان راه هدایت است و دین او همان دین حقی است که جز آن را از کسی نخواهد پذیرفت، و راه او همان راه مستقیمی است که

به خشنودی و بهشت او منتهی می‌شود و پیروی از غیر او چیزی نیست جز پیروی از هواهای درونی که خداوند پیامبرش را از آن برحذر داشته و بیان نموده که پی گرفتن آن چیزی نیست جز ستمی آشکار به خود:

﴿وَلَيْنَ أَتَيْتَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ مَّا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ وَمَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتَهُمْ وَمَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ وَلَيْنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿١٤٥﴾﴾ [البقرة: ۱۴۵].

«و اگر هر گونه معجزه‌ای برای اهل کتاب بیاوری [باز] قبله‌ی تو را پیروی نمی‌کنند و تو [نیز] پیرو قبله‌ی آنان نیستی و خود آنان پیرو قبله‌ی یکدیگر نیستند و پس از علمی که تو را [حاصل] آمده اگر از هوس‌های ایشان پیروی کنی در آن صورت بی‌شک از ستمکاران خواهی بود».

وی همچنین پیامبرش را امر نمود تا برای مردم تبیین نماید که وی آنان را از عبادت بت‌هایی که جز خداوند عبادت می‌کنند نهی نموده است و اگر او - یعنی پیامبر - از هواهای درونی آنان در عبادت این بت‌ها پیروی نماید عاقبتش گمراهی از راه مستقیم خداوند خواهد بود:

﴿قُلْ إِنِّي نُهَيْتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قُلْ لَأَتَّبِعُ أَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذَا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ ﴿٥٦﴾﴾ [الأنعام: ۵۶].

«بگو من از پرستش کسانی که به جز الله به فرمان می‌خوانید نهی شده‌ام، بگو از هواهای درونی شما پیروی نمی‌کنم [که در این صورت] بی‌شک گمراه شده‌ام و از هدایت شده‌گان نخواهم بود».

همچنین وی - سبحانه و تعالی - این کتاب را به حق نازل نموده تا میان مردم با دستور خداوند که در آن بیان شده حکم نماید، و او را از پیروی هواهای درونی اهل کتاب که برای داوری به نزد او آمده‌اند نهی نموده و او را هشدار داده که فریب آنان را نخورده و برخی از احکام کتاب را برای آنان ترک نکند و در پی احوای آنان نرود:

﴿وَأَن أَحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَأَحْذَرُهُمْ أَن يَفْتِنُوكَ عَن بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِن تَوَلَّوْا فَاعْلَمْ أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَن يُصِيبَهُم بِبَعْضِ دُنُوبِهِمْ وَإِن كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ ﴿٤٩﴾﴾ [المائدة: ٤٩].

«و میان آنان به موجب آنچه الله نازل کرده داوری کن و از هواهایشان پیروی مکن و از آنان برحذر باش مبادا تو را در بخشی از آنچه الله بر تو نازل کرده به فتنه دراندازند پس اگر پشت کردند بدان که الله می‌خواهد آنان را فقط به [سزای] پاره‌ای از گناهانشان برساند و در حقیقت بسیاری از مردم نافرمانند».

خداوند هنگامی که پیامبرش را امر به دعوت مردم به پایبندی دینی نمود که برای همه‌ی پیامبرانش تشریح کرده است و آنان را دستور به استقامت و ثبات بر این دین نمود همچنین آنان را از پیروی هوا و هوس مشرکان و گمراهان در عبادتِ جز خداوند و روی‌گرانی از هدایت خداوندی، نهی نمود و فرمود:

﴿فَلِذَلِكَ فَادَعُ وَاَسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ ءَامَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِن كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمُ لَنَا أَعْمَلْنَا وَلَكُمُ أَعْمَلُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ﴿١٥﴾﴾ [الشوری: ١٥].

«بنابراین به دعوت پرداز و همان‌گونه که ماموری ایستادگی کن و هوس‌های آنان را پیروی مکن و بگو به هر کتابی که الله نازل کرده است ایمان آوردم و مامور شدم که میان شما عدالت کنم الله پروردگار ما و پروردگار شماست اعمال ما از آن ما و اعمال شما از آن شماست میان ما و شما خصومتی نیست. الله میان ما را جمع می‌کند و فرجام به سوی اوست».

پس ای بندگان خداوند، تقوای الله را پیشه سازید و به بینات و هدایت خداوندی تمسک جوید و از پیروی هوای نفس برحذر باشید که پیروی از آن اساس گمراهی و راه کژی و ناکامی در دنیا و آخرت است.

خداوند من و شما را با هدایت کتاب خود و سنت پیامبرش سود رساند. این سخن خویش را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از خداوند متعال از هر گناهی آمرزش می‌خواهم. پس از او آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله است. او را ستوده و از او یاری جسته و آمرزش می‌خواهیم و از بدی‌ها نفس خود و کارهای ناشایستمان به او پناه می‌بریم. الله هرکه را هدایت کند او گمراه‌گری نخواهد داشت و هرکه را گمراه سازد هدایتگری نخواهد یافت، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد بنده‌ی الله و پیامبر اوست. خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد، و بر اهل بیت و یارانش درود و سلام فرست.

اما بعد، ای بندگان خداوند:

برخی از علما در بیان فضیلت این شریعت مبارک محمدی و آثار حاکم گرداندن آن در زندگی مردم گفته‌اند: «صلاح جوامع در شریعت اسلام و حاکم ساختن آن است؛ زیرا این شریعت همان عدالت حقیقی است که هیچ ظلم و ستمی در آن نیست و در بیان حکم هیچ مسأله‌ای از امور زندگی کوتاهی نکرده است و در راه رسیدن به هیچ مصلحت یا عدالتی از حرکت نایستاده و منفعت همه‌ی مردم را با اختلاف نژادی و زمانی که دارند در نظر گرفته است».

حکومت اسلامی در دوران نخستین خود منطقه‌ای وسیع از سرزمین چین در شرق، تا دورترین نقطه‌ی غرب را در بر گرفته بود و پرچم اسلام در همه‌ی مناطق مختلف این حکومت که مردمی متفاوت با نژادها و عبادات و سنت‌های مختلف را در خود داشت، برافراشته بود.

شریعت با حکومت اسلامی خود توانست امور این مردم و ملت‌ها را به بهترین نظام و دقیق‌ترین و دادگرانه‌ترین روش منظم سازد و هر چه خداوند متعال سرزمین‌های جدیدی را برای مسلمانان می‌گشود یا مسائل جدید و چالش‌های نوینی پیش می‌آمد علمای

شریعت با اجتهاد و استنباط از کتاب و سنت راه‌هایی را برای همه‌ی این مشکلات ارائه می‌دادند و در این راه از تحقیق هیچ سودی کوتاهی نمی‌کردند و در مقابل هیچ وسیله‌ای که هدف آن به دست آمدن مصلحتی عمومی و به دور از ستم بود مانع ایجاد نمی‌کردند.

در میان مسلمانان و زیر سایه‌ی آنان غیر مسلمانانی زندگی کردند که عدل اسلام شامل حال آنان نیز شد و شریعت اسلام آنان را نیز در بر گرفت و نه به آنان ظلمی روا داشت و نه حقی از حقوق آنان را زیر پا گذاشت بلکه همه‌اش خیر و نیکی بود و حتی از بسیاری از حاکمانی که بر دین خودشان بودند با آنان مهربان‌تر بود.

پس ای بندگان خداوند تقوای او را پیشه سازید و با تمسک به این شریعت مبارک و حاکم گرداندن آن در زندگی‌تان و عمل به خیر و صلاحی که در آن است بهترین دعوتگر به سوی دین اسلام باشید تا خشنودی پروردگار جهانیان را به دست آورید.

و بر بهترین بنده‌ی خداوند، محمد بن عبدالله درود و سلام فرستید که خداوند در کتاب خود شما را به آن امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد درود و سلام فرست و از چهار خلیفه‌ی وی: ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر اهل بیت و صحابه و تابعین و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند و همینطور از ما با عفو و کرم خویش راضی خشنود باش ای گرامی‌ترین گرامیان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت عطا کن، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت عطا کن، خداوندا اسلام و مسلمانان را حفظ کن و دشمنان دین و دیگر سرکشان و مفسدان را نابود گردان و میان قلب‌های مسلمانان الفت ایجاد کن و رهبرانشان را اصلاح نما و کلمه‌ی آنان را بر حق یکی گردان.

خداوندا دینت را و کتابت را سنت پیامبرت و بندگان مومن مجاهد صادقت را یاری ده.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان و والیان ما را اصلاح نما. خداوندا شر دشمنان ما را آنطور که خود می‌دانی از سر ما کوتاه گردان، خداوندا از بدی آن‌ها به تو پناه می‌بریم... خداوندا دین ما را که نگه دارنده‌ی امر ماست و دنیای ما را که زندگی‌گاه ماست و آخرت ما را که بازگشت‌گاه ماست اصلاح نما و زندگی را برای ما عامل زیاده در نیکی‌ها و مرگ را عامل آسودگی از هر بدی بگردان. خداوندا درون ما را تقوا عطا کن و آن را پاک گردان که تو بهترین پاک کننده‌ی آنی و تو ولی و مولای آنی. خداوندا ما از زوال نعمت و برگشت عافیتت و خشم ناگهانی‌ات و همه‌ی اسباب خشمت به تو پناه می‌بریم.

«پروردگارا ما به خود ستم نمودیم و اگر تو ما را مورد مغفرت و رحمت خود قرار

ندهی بی‌تردید از زیانکاران خواهیم بود» [الأعراف:

خطیب: دکتر عبدالرحمن سدیس

مسجد الحرام: جمعه ۱۹ ذی القعدة ۱۴۳۳ برابر با ۱۴ مهر ۱۳۹۱

خطبه‌ی اول:

ستایش ویژه‌ی خداوند است، ستایشی بی‌همتا و بی‌مثال؛ مبارک است پروردگار ما و بزرگوار است معبود ما که شریعتی را مخصوص ما ساخت که نور آن بر همه‌ی بشریت تابیدن گرفته و با رحمت خود تاریکی‌ها را روشن ساخته است.

و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است، شهادتی که هدایت و تقوای آن به درون جان‌ها راه می‌یابد، و گواهی می‌دهم که پیامبر و سرور ما محمد، بنده‌ی خداوند و پیامبر اوست که آیات محکم حق را آشکار ساخت... خدایا و پروردگارا! درود و سلام و برکت خود را بر وی که رحمتی فرستاده شده به سوی جهانیان و نعمتی است خاص از جانب خداوند، ارزانی دار، و همچنین بر اهل بیت و یاران وی که به قله‌ی مجد و بزرگی دست یافته‌اند و بر تابعین و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند.

اما بعد، ای بندگان خداوند:

بهترین وصیت، در پنهان و آشکار و برای همگان و خاصان: تقوای پروردگار و یار و یاور ماست که تقوای او چراغ مردم در تاریکی‌ها و نردبانی است برای دستیابی به بالاترین منازل بهشت و برهانی است برای استقامت و پایداری، و آن، بهترین توشه برای قلب‌های آرام و مطمئن است:

﴿وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ﴾ [البقرة: ۱۹۷].

«و توشه بگیرید که همانا بهترین توشه تقوا است. و ای خردمندان از من پروا دارید». ای مسلمانان:

در کشاکش موج‌های ناآرام و چالش‌های فراگیر و تحریک‌هایی که به نام آزادی‌های بی‌لگام سر برآورده‌اند، لازم است حقی که شریعت‌های پروردگار به سوی آن

فراخوانده‌اند و براساس آن تمدن‌ها و امت‌ها سر برآورده‌اند، روشن شود، تا دلایل خیر و راه راست آشکار شده و معانی هم‌زیستی انسانی میان بندگان آشکار شود...
ای مومنان:

از واضح‌ترین ویژگی‌های شریعت پاک اسلامی یکجا داشتن جوهر همه‌ی شریعت‌های آسمانی و عصاره‌ی رسالت‌های خداوندی است که افتخارات جوامع انسانی و شکوه تمدن‌های والا و لُبّ ارزش‌های والا را در خود دارد:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ [الأنبياء: ۱۰۷].

«و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم».

زیرا این، رسالتی است ربانی و جهانی، و خورشید حق و حقیقت است برای همه‌ی انسان‌ها که نتیجه‌ی آن چونان مرواریدی زیبا سر از صدف برآورده است که همان امت محمدی است:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ﴾ [آل عمران: ۱۱۰].

«شما بهترین امتی بودید که برای مردم پدیدار شدید».

در روشنای این نور است که انسانیت معنای خود را یافته و جوهر و کمال و عزت خود را در یک هم‌زیستی همگانی بین‌المللی و شراکتی انسانی باز می‌یابد.

دفاع از اصول مشترک دینی و تشویق به در نظر گرفتن نقاط مشترک انسان‌ها شریعتی محکم است که قوانین انسانی و زمینی بر آن تاکید دارند و قانون بین‌الملل را قانونی انسانی نمی‌نامند مگر به آن سبب که انسانیت و بزرگداشت انسان را در نظر گرفته است:

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَعْدِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ

عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾ [الإسراء: ۷۰].

«و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم».

ای مسلمانان:

این مفاهیم زیباست که انسانیت را به زندگی زیبا و امن و آینده‌ای کامل تر می‌رساند زیرا جوامع انسانی معاصر که درگیر تعصب و نگاه حذفی هستند راهی جز گفتگو و دیدار ندارند مگر آنکه باز رهسپار بیابان‌های سرگردانی و رنج شوند...

بشریت جز به وجود آوردن پل‌های اعتماد و هم‌گرایی راهی پیش رو نخواهد داشت جز خون‌ریزی و اختلاف، و هم‌زیستی و پذیرش یکدیگر عاقبتش صلح خواهد بود و آرامش...

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقْوَمُ﴾ [الحجرات: ۱۳].

«ای مردم ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را ملت‌ها و قبیله‌هایی قرار دادیم تا با یکدیگر آشنا شوید. همانا گرامی‌ترین شما نزد الله باتقواترین شما است.»

برادران و خواهران مومن!

از جمله بزرگ‌ترین و جلیل‌ترین مشترکاتی که نسیم آرامش را نصیب امت‌ها خواهد نمود عبادت بی‌شریک خداوند و ایمان به همه‌ی پیامبران - صلوات الله علیهم - و عدم دست‌درازی و اهانت به هیچ‌یک از آنها است. خداوند عزوجل می‌فرماید:

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا﴾ [آل عمران: ۶۴].

«بگو ای اهل کتاب بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که جز الله را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم.»

که این والاترین مناقب و بالاترین مراتب است که پایان آن چیزی نیست جز هم‌گرایی و وفاق.

اما متأسفانه گروه‌هایی از جامعه‌ی بشری به اصول شریعت ربانی هجوم آورده و عرف بین‌الملل را زیر پا گذاشتند و با همه‌ی جرات و جسارت و بدون هیچ پشیمانی و ندامت به حرمت رسول پروردگار جهانیان و نور چشم مسلمانان دست‌درازی نمودند.

برای همین لازم است بدون هیچ تاخیری تدبیری برای تشریح قوانین و ضمانت‌هایی برای جرم دانستن دست‌درازی به ادیان و شریعت‌های آسمانی و محافظت از حرمت پیامبران در برابر تهمت و بی‌ادبی اندیشیده شود و اینگونه جلوی بی‌ادب‌ها و حرمت‌شکنان سدی ایجاد شود و برای همه واضح و آشکار شود که چنین کاری در واقع توهین به حرمت همه‌ی پیامبران است:

﴿كُلُّ ءَامِنٍ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِ﴾ [البقرة: ۲۸۵].

«مومنان همگی به الله و فرشتگان او و کتاب‌هایش و پیامبران او ایمان آوردند [و گفتند] میان هیچ‌یک از پیامبران وی فرق نمی‌گذاریم».

ای امت اسلام:

در تاکید بر اصول هم‌زیستی انسانی و تمدنی و برای بالا بردن این شعار و محکم ساختن آن نیاز است که بر ارزش عدل در میان جهانیان تاکید شود، زیرا خداوند متعال که خود داور به حق و «عدل» است امر به آن نموده تا والاترین معانی حیاتی و ضروری محقق گردد:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾ [النحل: ۹۰].

«همانا الله امر به عدالت و احسان می‌کند».

و همچنین هم‌دستی و همکاری در جهت از بین بردن ستم و ظلم، زیرا ستم اساس همه‌ی بلاها و سختی‌ها و از بین برنده‌ی رفاه و نعمت‌ها است که اینجا باید پرسید: این عدالت در فلسطین کجاست؟ پرچم‌های عدل و داد در سوریه کجاست که ستم و ظلم در آن از حد بیان و وصف بیرون رفته است؟ که هر چه هست ویرانی است و خون‌ریزی و کودکانی که زیر آوار مانده‌اند و بدن‌های تکه تکه؟!

ملت‌هایی که آرزوی صلح جهانی را دارند و برای صفای انسانی همه‌ی تلاش خود را می‌کند به این آرزو نخواهند رسید مگر با سخنان درست و کار و تلاش عملی بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های نژادی و ملی که باعث تعصب و خشونت و دشمنی می‌شوند.

آنچه اکنون لازم است روح والای انسانی در باشکوه‌ترین و زیباترین جلوه است، و آیا این هم‌زیستی که آرزوی آن را داریم می‌تواند تراژدی میانمار را از یاد برد که انواع ستم و رنج را متحمل می‌شوند و تحت انواع ظلم و استبداد به سر می‌برند، آن هم در فضای سکوت رسانه‌ای و چشم‌پوشی جامعه‌ی جهانی.

ای جهانیان! و ای خردمندان دنیا! و ای شرفای جهان! ما از شما خواستاریم در برابر همه‌ی کسانی که سعی در توهین و بی‌حرمتی به رسالت‌های آسمانی و ثوابت و نمادهای دینی دارند بایستید. عدالت جهانی را دوباره زنده کنید و آن را منتشر سازید تا دوباره رشته‌ی مشترکات انسانی و تمدنی ترمیم شود و بدانید که انسانیت در گرو همه‌ی انسان‌ها است و به این ترتیب شأن ارزش‌های پاکی که تمدن‌ها از آن سرچشمه گرفته‌اند دوباره محترم و ارزش‌مند گردد.

پیامبر خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - که رحمت هدایتگر و نعمت خداوندی است می‌فرماید: «همانا برای این مبعوث شده‌ام که اخلاق نیک را کامل گردانم» [این حدیث را بخاری در ادب المُرَد و احمد در مُسَنَد خود روایت کرده‌اند].

و رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - در خانه‌ی عبدالله بن جُدعان شاهد پیمانی بود که حِلْفُ الْفُضُول یا پیمان جوانمردان نام داشت و هدف آن گسترش نیکی‌ها و عدل و رفاه و از بین بردن فقر و رنج و دردها و ایجاد مانع در برابر ستمگر و یاری ستمدیدگان بود که این می‌تواند نقطه‌ی شروعی برای رعایت مشترکات انسانی و محافظت از آن باشد.

اینجا نکته‌ی مهمی وجود دارد و آن این است که هرگاه اساس توافق جهانی بر مساوات باشد نه بر نگاه از بالا و بهتر دانستن کسی بر کس دیگر، و معیارهای دوگانه و دادگاه‌هایی با پس‌زمینه‌ی سیاسی، و بهره بردن از نیروی حق و نه نیروی «من» و منطق زور، در این صورت انسانیت به سوی محبت و رحمت و هم‌گرایی و انسان‌گرایی و نزدیکی و احترام و صلح گام خواهد برداشت و بلکه در آن صورت جهانیان همه‌ی

پیامبران الهی و در مقدمه‌ی آنان محمد بن عبدالله - صلی الله علیه وآله وسلم - را گرامی خواهند داشت.

آنگاه جهانیان زیبایی حق را - هنگامی که به پیروزی رسیده است - خواهند دانست و به درک زیبایی صلح و آرامش و عدالت و امنیت خواهند رسید و آن روز است که جهانیان با زندگی در سایه‌ی امنیت و اعتدال و صلح به خوشبختی خواهند رسید و پرچم نیکی و تسامح و هم‌گرایی که هدف و آرزوی همه است، برافراشته خواهد شد. از خداوند متعال سخن و کردار خالصانه و دوری از اشتباه و لغزش را خواهانیم؛ همانا او بسیار بخشنده و گرامی است.

خداوند متعال من و شما را به واسطه‌ی کتاب و سنت مبارک گرداند و با آیات و ذکر حکیم سود رساند. این سخن خویش را گفته و از خداوند متعال برای خود و شما و همه‌ی مسلمانان از هر گناه و معصیتی آمرزش می‌خواهم. پس به سوی او توبه کنید و از او آمرزش خواهید که پروردگار من بسیار بخشایشگر و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش مخصوص خداوند است که نعمت‌هایی عظیم را به ما ارزانی داشت و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که پیامبر ما محمد، پیامبر برگزیده‌ی او از میان جهانیان است. خداوند بر پیامبر و محبوب ما و رهبر و قدوه‌ی ما محمد بن عبدالله و بر اهل بیت و یاران او و تابعین و کسانی که از آنان به نیکی پیروی نمایند تا هنگامی که شب و روز در پی هم می‌روند درود و سلام فرست.

اما بعد، ای مردم:

تقوای الله را پیشه سازید و بدانید که محقق ساختن یاری پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و وفاداری به او تنها از طریق پیروی از راه و روش وی بدون هیچ غلو و زیاده‌روی ممکن است.

برادران و خواهران ایمانی:

از جمله مکارم و خصلت‌های نیک، آن روش اسلامی در دفاع از پیامبر و محبوب ما با استفاده از گام‌هایی عملی و متمدنانه و با بهره‌بری از پروژه‌های انسانی مثبت است. و در پایان درود و سلام فرستید بر آن پیامبر مصطفی و آن رهبر محبوب، که خداوند شما را به آن امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

خداوند از آن خلفای راشدین و امامان هدایت که به حق داوری می‌نمودند، ابوبکر و عمر و عثمان و علی و دیگر صحابه‌ی پیامبرت و از تابعین و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند و همچنین از ما به همراه آنان راضی و خشنود باشد ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوند اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوند اسلام و مسلمانان را عزت عطا کن و حجاج و عمره‌گزاران و زائران را صحیح و سلام بدار و حوزه‌ی دین را حفظ کن و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در رفاه و امنیت بدار.

خداوند ما را در سرزمین‌هایمان ایمن بدار، خداوند ما را در سرزمین‌هایمان ایمن بدار و مسئولان ما را به صلاح آور.

خداوند همه‌ی والیان مسلمان را موفق گردان، خداوند آنان را اجرا کنندگان شریعت و پیرو سنت پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - و یار و یاور دوستانت بگردان.

خداوند برادران و خواهران ستم‌دیده‌ی ما را در همه جا یاری ده، خداوند آنان را در فلسطین یاری ده، خداوند آنان را در سوریه یاری ده، خداوند آنان را در میانمار یاری ده. خداوند خون و جان آنان را حفظ کن ای حی و ای قیوم، ای داری جلال و بزرگی.

خداوند بیماران ما را شفا ده و مردگان ما را بیمارز. خداوند غم‌داران مسلمان را از بین ببر. خداوند سختی‌شان را به آسانی بدل کن و وام‌داران را ادا کن و بیماران ما

و دیگر بیماران مسلمان را شفا ده و مردگان ما را مورد آمرزش خود قرار ده، ای مهربان‌ترین مهربانان.

«پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از عذاب آتش دور بدار»

[البقرة: ۲۰۱].

«پروردگارا ما به خود ستم نمودیم و اگر تو ما را مورد مغفرت و رحمت خود قرار

ندهی بی‌تردید از زیانکاران خواهیم بود» [الأعراف: ۲۳].

پروردگارا از ما بپذیر که همانا تو بسیار شنوا و دانایی و بر ما توبه پذیر که همانا تو

بسیار توبه‌پذیر و مهربانی، و ما پدر و مادران ما و همهی مردان و زنان مسلمان، زندگان و

مردگان را مورد آمرزش خود قرار بده که همانا شنوا و نزدیک و اجابت‌کننده‌ی دعایی.

و آخر سخن اینکه: الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

حج؛ پندها و اندرزها

خطیب: دکتر سعود شریم

مسجد الحرام: جمعه ۲۶ ذی القعدة ۱۴۳۳ برابر با ۲۱ مهر ۱۳۹۱

خطبه اول:

ستایش ویژه‌ی خداوندی است که دارای عزت و جلال است، و صاحب قدرت و

کمال، او را ستایش می‌گوییم و شکرش را به جای می‌آوریم و به سوی او توبه کرده و از

او آمرزش می‌خواهیم که ستایش‌ها همه از آن اوست و همهی نیکی‌ها به دست اوست و

همهی کارها به سوی او باز می‌گردد. و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله

که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که سرور ما محمد، بنده‌ی الله و پیامبر او و

برگزیده و خلیل او است. بهترین کسی که نماز گزارد و زکات داد و حج نمود و روزه

گرفت. پس درود و سلام خداوند بر وی و بر اهل بیت پاک و همسران وی، مادران مومنان، و بر تابعین و همه‌ی کسانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند. اما بعد: ای مردم خود و شما را به تقوای خداوند سفارش می‌کنم که هر کس تقوای او را پیشه ساخت شکست نخورد و آنکه به او امید داشت ناامید نشد و هر کس از او عزت یافت ذلیل نگردد و هر کس توسط او عزیز نشد هیچگاه به عزت دست نیافت:

﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ يَتَأُولَىٰ الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [المائدة: ۱۰۰].

«پس از صاحبان خرد تقوای الله را پیشه سازید امید است که رستگار شوید».

ای مردم:

ای حجاج بیت الله الحرام

سرزمینی که تا گذشته‌ای نه چندان دور کسی قصد آن را نمی‌کرد مگر آنکه وصیت خود را نوشته شده نزد خود می‌گذاشت چرا که بار سفر بستن به سوی آن مساوی بود با گمان هلاکت، یا بر اثر گم کردن راه و یا از گرسنگی و تشنگی، یا به دست راهزنان، و چه بسا در گذشته می‌گفتند: آنکه به سوی مکه رود جزو مفقودان به شمار می‌رود، و آنکه از آن برگردد گویا دوباره به دنیا آمده است...

خداوند متعال نیز اینگونه به این سرزمین اشاره نموده و فرموده:

﴿وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بَلِغِيهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَعُوفٌ رَّحِيمٌ﴾

﴿النحل: ۷﴾

«و بارهای شما را به شهری می‌برند که جز با مشقت بدن‌ها بدان نمی‌توانستید برسید. قطعاً پروردگار شما رئوف و مهربان است.»

مفسران می‌گویند: منظور از این شهر، مکه است.

نعمت‌های خداوند اما پی در پی به سوی بندگان سرازیر است و آن چیزهایی را می‌آفریند که نه می‌دانستند و نه به ذهنشان خطور می‌کرد و اینگونه طی کردن آسمان و دریاها و صحراها را برایشان آسان گرداند و راه‌ها را برای آنان آسان نمود و با مرکب‌های مرفه و روزی پاک و مسکن راحت به آنان انعام نمود:

﴿وَعَاثَكُمْ مِّنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِن تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا﴾ [إبراهیم: ۳۴].

«و از هر چه از او خواستید به شما عطا کرد و اگر نعمت الله را شماره کنید نمی‌توانید آن را به شمار درآورید.»

اما با همه‌ی این‌ها باز سفر - چنانکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم می‌فرماید - تکه‌ای از عذاب است، و ورود به عرصه‌های مناسک حج از جمله واجبات و سنن آن در شریعت غرای ما در دایره‌ی خوش‌گذرانی و تفریح تعریف نشده است. هرگز! بلکه حج عبادتی است که ویژگی آن اشتراک تلاش بدنی با تلاش و بذل مالی است و هر چه وسائل آسایش و رفاه در این عصر به اوج خود برسند باز هم در سفر حج کسی از

سختی و مشقت و زحمت آن مُعاف نیست بلکه این سفر امتحانی است برای میزان صبر مسلمان که آیا شکیبایی می‌کند یا دچار خستگی و بی‌صبری می‌شود.

منع شدن شخص حاجی از کارهایی که تا پیش از احرام برایش بلا مانع بود نیز نبوده مگر به سبب حکمتی که خداوند متعال آن را می‌داند و احساس سختی و مشقت در راه خداوند را به انسان ارزانی می‌کند، و اگر اینطور نبود پس منع از برداشتن ناختن و کوتاه کردن مو و استفاده‌ی از عطر و پوشیدن لباس دوخته شده و خواستگاری و ازدواج و معاشرت با همسر برای چیست؟ جز اینکه همه‌ی این‌ها برای یاد آوردن نعمت‌های خداوندی است که در هنگام رفاه و نعمت بر وی ارزانی داشته است.

برای همین رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - خطاب به ام المومنین عائشه رضی الله عنها می‌فرماید: «همانا تو به اندازه‌ی سختی و خرجی که کرده‌ای اجر خواهی برد».

﴿ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾ [الحج: ۲۹].

«سپس باید آلودگی خود را بزدايند و به نذرهای خود وفا کنند و بر گرد آن خانه‌ی کهن [کعبه] طواف به جای آورند».

هنگامی که شخص حاجی یا مُعْتَمِر از آنچه خداوند برای وی در حال احرام، ممنوع قرار داده است دوری می‌کند به همین ترتیب در قلب خود مبدأ بسیار مهم ایستادن در کنار حدود خداوند و سمع و طاعت در آنچه مباح یا حرام قرار داده است را یادآور می‌شود، در مورد حرمت آن جدل نمی‌کند و آن را با خشنودی تمام می‌پذیرد، و این همچنین تعبدی است برای آن واحد قهار که آنان را از انجام آنچه نهی کرده منع نموده، و اینگونه درک می‌کنند که حُکم تنها از آن الله است و امر به دست اوست و معبودی به حق جز او نیست.

تو می‌توانی با هر کس که تو را از حقت محروم کرده یا می‌خواهد لباست را از تنت درآورد یا مانع معاشرت تو با همسرت شود یا نگذارد موی سرت را کوتاه کنی، به

مجادله پیردازی اما در مورد خداوند متعال اینطور نیست و او درباره‌ی آنچه می‌کند مورد سوال قرار نمی‌گیرد بلکه این مردمند که مورد پرسش قرار خواهند گرفت.

اینچنین است که درون‌های مومن در کشاکش محکم کردن رابطه‌ی با خداوند در حج، و تجدید ولاء با او بر توحید به واسطه‌ی لیبک، صیقل می‌خورند و پاک می‌شوند. صیغه‌ی تلبیه‌ی چنین است: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ». و همچنین تهلیل که صیغه‌ی آن چنین است: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حده لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» و همینطور تکبیر که صیغه‌ی آن اینگونه است: «اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَوَلِلَّهِ الْحَمْدُ» که در هنگام احرام و در عرفه و هنگام رمی جمار گفته می‌شوند.

گویا این توحید نشانه‌ی این است که هر کس خواهان مغفرت خداوند است باید توحید او را آنگونه که شایسته است به جای آورد و همه‌ی امرها را تنها از آن الله بداند، که هیچ کس توانایی تغییر کلمات خداوند را ندارد و پناهی جز او نخواهی یافت. برای همین پاداش کسی که شعائر توحید را در حج به پا دارد و دچار بددهنی و فسق نشود این است که همانند روزی که از مادر زاده شده است، پاک از گناهان به سرزمین خود باز گردد چنانکه در حدیث صحیح از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت شده است.

خداوند متعال دوری از ارتکاب گناهان کبیره را سببی برای کفاره‌ی گناهان قرار داده چنانکه فرموده است: «{اگر از [گناهان] کبیره‌ای که از آن نهی شده‌اید دوری کنید بدی‌های شما را از شما می‌زداییم و شما را در جایگاهی ارجمند قرار در می‌آوریم» [النساء: ۳۱].

در این صورت ترک شرک آوردن برای خداوند - چه شرک کوچک و چه بزرگ - و

برپا داشتن توحید من باب اولی

﴿الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ ۗ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ ﴿١٩٧﴾﴾
[البقرة: ۱۹۷].

«حج در ماه‌های معینی است پس هر کس در این [ماه]ها حج را [بر خود] واجب گرداند [بداند که] در اثنای حج همبستری و گناه و جدال [روا] نیست و هر کار نیکی انجام می‌دهید الله آن را می‌داند و برای خود توشه بگیرید که در حقیقت بهترین توشه پرهیزگاری است و ای خردمندان از من پروا کنید».

خداوند من و شما را به واسطه‌ی قرآن و سنت برک دهد و با آیات و حکمت سود رساند. این سخن را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از خداوند متعال از هر گناهی آمرزش می‌خواهم. پس از او آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

خداوند را برای احسانش ستایش می‌گویم و برای توفیق و امتنانش سپاس؛ و درود و سلام می‌فرستم بر پیامبرش که دعوتگر به سوی خشنودی اوست.

اما بعد:

ای بندگان خداوند و ای حجاج بیت الله الحرام؛ این را بدانید که از جمله‌ی مقاصد و اهداف حج، برپا داشتن ذکر خداوند با توحید او است که گاه با لبیک گفتن است و گاه با لا إله إلا الله گفتن و گاه با تکبیر، که همه‌ی این اذکار بر انفراد خداوند در ربوبیت و الوهیت و نام‌ها و صفات وی تاکید دارند.

اینگونه جمع حاجیان زبان به ذکر خداوند می‌کشایند که زمزمه‌ی آن قطع نمی‌شود و این در هر حال برای آنان مستحب است: در حال ایستاده و نشسته و در حالی که سواره‌اند یا پیاده و یا در حالی که به پهلو خوابیده‌اند و یا هنگامی که در حال راه رفتن هستند، و این برای کسی که وضو ندارد یا جُنُب است و زنی که عذر دارد و همینطور در شب یا روز و یا صبحگاهان و پس از نمازها یکسان است. و از رسول خدا - صلی الله

علیه وآله وسلم - پرسیدند: کدام حج بهتر است؟ فرمود: «بلند کردن صدا به لبیک گفتن و قربانی کردن شتران» [به روایت ترمذی].

و در حدیثی دیگر از رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - روایت است که فرمود: «همانا طواف خانه و سعی بین صفا و مروه و رمی جمار برای برپا داشتن یاد خداوند قرار داده شده‌اند» [به روایت امام احمد و ترمذی و ابوداؤد].

از جمله دلایل این سخن این است که همه‌ی اعمال حج آکنده از ذکر خدا هستند و خداوند متعال هنگامی که در کتاب خود سخن از رمی جمار نموده لفظ ذکر را آورده و فرموده است:

﴿وَأذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ﴾ [البقرة: ۲۰۳].

«و الله را در روزهایی معین یاد کنید پس هر کس شتاب کند [و اعمال را] در دو روز [انجام دهد] گناهی بر او نیست و هرکه تاخیر کند [و اعمال را در سه روز انجام دهد] گناهی بر او نیست».

در هنگام سعی نیز رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - بر صفا ایستاد و خداوند را به یگانگی یاد کرد و تکبیر گفت و فرمود: «لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد، وهو على كل شيء قدير، لا إله إلا الله وحده، أنجز وعده، ونصر عبده، وهزم الأحزاب وحده».

اینجا است که هر مومن موحدی به یاد خواهد آورد که خداوند وعده‌ی خود را عملی خواهد کرد و کسی جز او دشمن آنان را شکست نمی‌دهد و جمع آنان را پراکنده نمی‌سازد زیرا او بر بندگان خود چیره است و بر هر کاری توانا است و پیروزی تنها از سوی خداوند است که به هرکه بخواهد عطا می‌کند و اوست آن با عزتِ مهربان. اما بندگان اگر پیروزی و فتح خداوند نصیب آنان نشود، نه قدرتی دارند و نه اراده‌ای:

﴿وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿۱۳۶﴾ لِيَقْطَعَ طَرَفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْبِتَهُمْ فَيَنْقَلِبُوا خَائِبِينَ ﴿۱۳۷﴾﴾ [آل عمران: ۱۲۶-۱۲۷].

«و پیروزی جز از جانب الله توانای حکیم نیست (۱۲۶) تا برخی از کسانی را که کافر شده‌اند نابود کند یا آنان را خوار سازد تا نومید بازگردند».

شاید یکی از ظرائف انتخاب صفا و مروه برای یادآوری پیروزی و وعده‌ی الهی این باشد که این جا دقیقاً همانجایی است که هاجر مادر اسماعیل در آن به جستجوی فرج و محقق شدن وعده‌ی خداوند و جستجوی آب برای فرزند شیرخوار خود پرداخت و خداوند همانجا غم او را برطرف ساخت و فرج حاصل نمود.

همینطور از دیگر ظرائف آن این است که رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - هنگامی که در مکه در تنگنا قرار گرفت در موضعی که نزد صفا است ایستاد و فرمود: «به خدا سوگند که تو بهترین سرزمین خداوند و محبوب‌ترین سرزمین خداوند برای منی، و اگر مرا از تو بیرون نمی‌کردند هرگز بیرون نمی‌رفتم» [به روایت امام احمد].

بنابراین شایسته است هر حاجی این عبرت‌ها و پندها را به یاد آورد و از آن الهام گیرد و در حالی که بر صفا و مروه ایستاده است سخنان رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - را که معطر از عطر خوش‌بینی و تغییر حال از ضعف و ناتوانی به سوی نیرو و قدرت است را به یاد آورد.

این است حج؛ مناسکی که با ذکر آغاز می‌شود، با ذکر ادامه می‌یابد و با ذکر خداوند به پایان می‌رسد:

﴿فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَسِكَكُمْ فَادْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ ﴿٢٠٠﴾ وَمِنْهُمْ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿٢٠١﴾ أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿٢٠٢﴾﴾ [البقرة: ۲۰۰-۲۰۲].

«و چون آداب ویژه‌ی حج خود را به جای آوردید همان گونه که پدران خود را به یاد می‌آورید یا با یادکردنی بیشتر الله را به یاد آورید و از مردم کسی است که می‌گوید پروردگارا به ما در همین دنیا عطا کن و حال آنکه برای او در آخرت نصیبی نیست (۲۰۰) و برخی از آنان می‌گویند پروردگارا در این دنیا به ما نیکی و در آخرت [نیز] نیکی

عطا کن و ما را از عذاب آتش [دور] نگه دار (۲۰۱) آنانند که از دستاوردشان بهره‌ای خواهند داشت و الله زودشمار است».

و در پایان درود فرستید بر بهترین انسان‌ها و پاک‌ترین آن‌ها: محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب، صاحب حوض کوثر و مقام شفاعت که خداوند خود بر وی درود فرستاده و فرشتگانش را به آن امر نموده و سپس شما را به آن امر کرده و فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [الأحزاب: ۵۶].

خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد، درود و سلام و برکت ارزانی دار و از چهار خلیفه‌ی وی: ابوبکر و عمر و عثمان و علی و تابعین و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند، و همچنین از ما به همراه آنان راضی و خشنود باش ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار گردان. خداوندا دستت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومنت را یاری ده.

خداوندا غم غم‌داران مسلمان و سختی سختی‌دیدگان آنان را از بین ببر و وام‌داران را ادا کن و بیماران ما و دیگر بیماران را شفا ده ای مهربان‌ترین مهربانان. خداوندا حاجیان و مسافران را به سلامت بدار. خداوندا از آنان بپذیر که همانا تو شنوا و دانایی.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن بدار و مسئولان و والیان امر ما را اصلاح نما و مسئولیت‌های ما را در دست کسانی قرار ده که تقوای تو را پیشه سازند و در پی خشنودی تو باشند ای پروردگار جهانیان.

«پروردگارا ما را در دنیا و در آخرت نیکی عطا کن و از عذاب آتش دور بدار»

[البقرة: ۲۰۱].

پاک و بی‌عیب است پروردگار ما، پروردگار عزت از آنچه به دروغ و صفتش می‌کنند و سلام بر پیامبران، و آخر سخن اینکه: الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

یاری پیامبر - صلی الله علیه وسلم - چرا و چگونه؟

خطیب: دکتر صالح بن حمید

مسجدالحرام: جمعه ۳ ذی الحجه ۱۴۳۳ برابر با ۲۸ مهر ۱۳۹۱

خطبه‌ی اول:

ستایش مخصوص الله است، ستایش مخصوص خداوندی است که با نام بلندش یگانه است. او را حمد می‌گویم که همه چیز را با رحمت و علم خود در بر گرفته است و ثنایش می‌گویم و او را برای نعمت‌هایش که ما را در احاطه نموده و فضل و عطایش شکر می‌گویم، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله واحد و بی‌شریک، شهادتی خالصانه و مخلصانه که سبب رسیدن به خشنودی اوست، و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده‌ی الله و پیامبر اوست که خداوند به سبب او چشمان کور بسیاری را بینا ساخت و قلب‌های سنگی را نرم کرد و گوش‌های ناشنوایی را شنوا نمود، و از فضل خود علم و حکمت و قدرت عطایش نمود، پس درود و سلام و برکات خداوند بر وی و بر اهل بیت و یارانش باد که خردمندترین و شکیباترین و داناترین و آگاه‌ترین این امتند، و بر تابعین و کسانی که به نیکی از آنان پیروی نمایند...

اما بعد:

ای مردم خود و شما را به تقوای خداوند سفارش می‌کنم، پس تقوای او را آنچنان که شایسته است پیشه سازید زیرا زیانکار کسی است که بزرگ‌ترین فکر و ذکرش دنیا باشد و شکست خورده آن است که هوا و هوس خود را خدای خود کند و پشیمانی و حسرت برای کسی است که آتش جایگاهش باشد، بنابراین به عاقبت خود بیندیشید زیرا سعادت‌مند کسی است که در عاقبت خود نظر بیفکند، و برای آن عرضه‌ی بزرگ آماده شوید، آن روز که بی‌لباس و پابرنه با اعمال خود در معرض داوری قرار خواهید گرفت:

﴿يَأْتِيهَا النَّاسُ آتِفُوا رَبَّكُمْ وَأَخْشُوا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَارٍ
عَنْ وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ
﴾ [لقمان: ۳۳].

«ای مردم از پروردگارتان پروا بدارید و بترسید از روزی که هیچ پدری به کار
فرزندش نمی‌آید و هیچ فرزندی [نیز] به کار پدرش نخواهد آمد. آری وعده‌ی الله حق
است، زنهار تا این زندگی دنیا شما را نفریبید و زنهار تا شیطان شما را مغرور نسازد».
ای مسلمانان:

حُجَّاج بیت الله الحرام! اکنون قدم به سرزمین مقدس گزاردید، به مکه‌ی مکرمه،
محل تولد رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - و محل بعثت او، و به مدینه‌ی منوره،
هجرت‌گاه آن محبوبمان محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - و خانه‌ی او، چنانکه
می‌فرماید: «میان خانه و منبر من باغی از باغ‌های بهشت است».

خوش آمدید! خوش آمدید به حرمین شریفین، نزول‌گاه وحی و گهواره‌ی رسالت و
سرچشمه‌ی اسلام و آغازگاه دعوت. خداوند از من و شما بپذیرد و حجتان مبرور و
تلاشتان مشکور و گناهتان مغفور باد!

حججاج بیت الله الحرام! هم اکنون که در حال انجام این شعائر و در حال و هوای این
مشاعرید، مقام و منزلت پیامبران محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - و ارزش و احترام و
بزرگداشتی را که شایسته‌ی آن است بیاد می‌آورید، به ویژه در شرایطی که بی‌ادبان قصد
دست‌درازی به مقام و منزلت او را دارند.

اما در این مشاعر و مقدس و در حال انجام شعائر الهی باید بدانید که توهین به دین
حق و توهین به مقام و منزلت پیامبران و اهانت به آنچه آورده‌اند و بد دانستن شریعت
آنان، راه و روش و عادت دروغ‌انگاران تاریخ است.

زیرا تهمت‌زنندگان ستمگر سخنان به ظاهر زیبا و فریبنده‌ای در بدگویی این دین و
انواع و اقسام تمسخرها را به یگدیگر وحی می‌کنند که با پیشرفت وسائل و روش‌ها،

پیشرفته‌تر می‌شود و پیامبر ما - صلی الله علیه وآله وسلم - نیز از قاعده‌ی دیگر پیامبران
مستثنی

هم اکنون درباره‌ی این روش قرآنی، توقف و تأملی کوتاه خواهیم داشت:

- نخست اینکه: آنچه رخ داد دقیقا همان چیزی است که برای پیامبران پیش از محمد

- صلی الله علیه وسلم - نیز رخ داده است، چنانکه خداوند - عَزَّ شَأْنَهُ - می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ أَسْتَهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

﴿۱۰﴾ [الأنعام: ۱۰].

«و پیش از تو پیامبرانی به استهزا گرفته شدند پس آنچه را ریشخند می‌کردند

گریبانگیر ریشخندکنندگان ایشان گردید.».

﴿وَلَقَدْ كَذَّبْتَ رَسُولٌ مِّن قَبْلِكَ فَصَبْرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا وَأُودُوا حَتَّىٰ أَتَاهُمْ نَصْرُنَا﴾

[الأنعام: ۳۴].

«و پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب شدند ولی بر آنچه تکذیب شدند و آزار دیدند

شکیبایی کردند تا یاری ما به آنان رسید.».

- از دیگر نکات تأمل برانگیز این است که هر کس شأن انبیاء را کوچک شمارد یا

آن‌ها را مورد تمسخر و اهانت قرار دهد در واقع خود شکست خورده و دُم بریده

و بی‌نام و نشان و حقیر است، که این مساله ای است مشهور به اندازه‌ی خود

تاریخ!

ایمان به حق و نیکی و فضیلت ممکن نیست که بی‌ادامه بماند و راهش بی‌رهرو شود،

و مقیاس‌های خداوند غیر از مقیاس بشر است. کجایند کسانی که محمد - صلی الله علیه

وآله وسلم - را در طول تاریخ از نخستین روز بعثت او تا کنون و تا هنگامی که خدا

بخواهد مورد تمسخر و استهزاء قرار داده و می‌دهند؟!.

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

﴿۳۳﴾ [التوبة: ۳۳].

«او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه‌ی ادیان

چیره گرداند حتی اگر مشرکان را خوش نیاید.».

«آنکه تو را نکوهش می‌کند خود دم‌بریده است» [الکوثر: ۳] نکوهش کننده‌ی محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - و کینه‌توز و مسخره کننده‌ی او و آنکه تنفر دینش را به دل دارد خود ذلیل‌ترین مردم و محروم از خیر و محروم از یاد نیک و بی‌یار و رهرو خواهد بود، اما محمد - صلی الله علیه وسلم - یادش بلند است و امرش والا و دینش منتشر و پیروانش پیروزند.

«نکوهنده‌ی تو خود دُم بریده است» [الکوثر: ۳] این تقابل میان خیرِ بسیار و قطع ناشدنی در دنیا و آخرت که نصیب محمد - صلی الله علیه وسلم - شده است، و بی‌نام و نشانی و ذلت و پستیِ دشمنان او چه عجیب است و چه شگفت آور!

در این حدیث عجیب و این رهنمون گرامی نبوی خطاب به اصحاب و همه‌ی امت تا روز قیامت تأمل نمایید: در صحیحین بخاری و مسلم به روایت ابوهریره - رضی الله عنه - از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - نقل شده است که فرمودند: «آیا نمی‌بینید که خداوند چگونه ناسزا و لعن قریش را از من دور ساخته است؟! آنان «مُذَمَّم» را نکوهش می‌کنند و مذمم را نفرین می‌کنند، در حالی که من محمدم!» اینگونه خداوند نام و لقب او را از بدی حفظ کرد و نکوهش آنان را نصیب کسی گرداند که واقعا مذمم است!

حافظ ابن حجر - رحمه الله - در این باره می‌گوید: «کفار قریش به علت نفرت شدیدی که نسبت به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - داشتند او را با نامی که معنای مدح و ثنا داشت نام نمی‌بردند و برعکس آن را به زبان می‌آوردند و او را مُذَمَّم می‌نامیدند و هنگامی که از او به بدی یاد می‌کردند می‌گفتند: خداوند با مذمم چنان کند، در حالی که نام وی - علیه الصلاة والسلام - مذمم نبود و با این نام شناخته نمی‌شد. اینگونه بود که همه‌ی بدی‌ها و ناسزاهایی که آنان به زبان می‌آوردند نصیب کس دیگری می‌شد».

بنابراین همه‌ی آن کاریکاتورها و فیلم‌ها و تصاویر هرگز نشان دهنده‌ی شخص رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - نیست؛ نه نماینده‌ی نام وی است و نه نشان وی، زیرا محمد

روشنی است و پاکی و زیبایی، و محمد بزرگی است و تقدیر و بلندی؛ امرش والاست و دینش منتشر و بیروانش پیروز.

﴿يَحْسِرَةٌ عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾ [یس: ۳۰].

«دریغا بر این بندگان هیچ فرستاده‌ای بر آنان نیامد مگر آنکه او را به ریشخند می‌گرفتند».

برای همین است که ما مسلمانان می‌دانیم که دین محمد - صلی الله علیه وسلم - هر روز عقل‌ها و قلب‌ها و سرزمین‌های جدیدی را به دست می‌آورد در حالی که پیروان دیگران در حال کم شدن هستند.

- از دیگر تاملات در این مورد استمرار در دعوت و عمل به دین خدا است. کاروان می‌رود و به سر و صدای بدگویان توجه نمی‌کند. خداوند - عز شأنه - خطاب به پیامبرش می‌فرماید:

﴿فَأَصْدَعُ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضُ عَنِ الْمُشْرِكِينَ﴾ [الحجر: ۹۴-۹۵].

«پس آنچه را که بدان مامور شده‌ای آشکار کن و از مشرکان روی برتاب (۹۴) که ما [شر] مسخره‌کنندگان را از تو دور خواهیم ساخت».

و باز می‌فرماید:

﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ﴾ [الکوثر: ۲].

«پس برای پروردگارت نماز گزار و قربانی کن».

و می‌فرماید:

﴿فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُن مِّنَ السَّاجِدِينَ﴾ [الحجر: ۹۸-۹۹].

«پس به حمد پروردگارت تسبیح گوی و از سجده‌کنندگان باش (۹۸) و پروردگارت را عبادت کن تا آنکه مرگت فرا رسد».

و هرگز به موانع و سنگ‌اندازی‌های دشمنان توجه نکن زیرا خداوند حافظ و یار و یاور تو است:

﴿إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ﴾ [الحجر: ۹۵].

«ما [شر] تمسخر کنندگان را از تو برطرف خواهیم کرد».

و می‌فرماید:

﴿فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ [البقرة: ۱۳۷].

«به زودی الله [شر] آنان را از تو کفایت خواهد کرد که او شنوای داناست».

برای چنین کسی انواع عقوبت‌های خداوندی کافی است زیرا هیچ کس رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - و دین او را مورد تمسخر قرار نداد مگر آنکه خداوند به شدیدترین وجه او را هلاک ساخت و خوار و ذلیل گرداند:

﴿وَلَقَدْ أَسْتَهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾

﴿الأنعام: ۱۰﴾.

«و پیش از تو پیامبرانی به استهزا گرفته شدند پس آنچه را ریشخند می‌کردند گریبانگیر ریشخند کنندگان ایشان گردید».

- همچنین تامل در این سخن خداوند متعال است که می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ﴾ [الحجر: ۹۷].

«و قطعاً می‌دانیم که سینه‌ات از آنچه می‌گویند تنگ می‌شود».

زیرا رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - نیز انسانی است که سینه‌اش از شنیدن شرک به خداوند و تمسخر رسالت و دعوت حق تنگ می‌شود و برای دعوت غیرتمند می‌شود و از شنیدن و دیدن گمراهی و شرک و باطل دچار تنگنا می‌شود. این هشدار است که عواطف بشری چیزی است مُقَدَّر و ناگزیر اما شایسته نیست که باعث زمین‌گیر شدن انسان شود.

همین‌طور حماسه و شور نباید از حدود شریعت و مباح و مشروع خارج شود که این نیازمند شجاعت در پذیرش حق و حکمت و اندیشه و حفظ تعادل و رجوع به اهل علم

و خردمندان و صاحبان رای و حکمت است. و همینطور دوری از رفتارهایی که به منافع دین و مسلمانان ضربه وارد می‌سازد، و دوری از آن که زور، حاکم بر عقل باشد نه عقل، حاکم بر زور.

به همان اندازه که اندیشه‌ی انسان از روی عقل و آرامش باشد نتیجه نیز موثر خواهد بود.

- از جمله اموری که باید به آن توجه ویژه نمود دوری از رفتارهای غیر منضبط و آشوبگرانه است، به ویژه اگر به این نکته توجه کنیم که دیگران در حال رصد و بررسی رفتارهای ما هستند و بلکه از همین رفتارها و آثار آن برای اهداف تبلیغاتی خود استفاده می‌کنند، زیرا موضع‌گیری‌های ما منعکس‌کننده‌ی اخلاق ماست و اخلاق ما برگرفته از دین ماست، و آرامش و سکوت ما از روی عزت است نه از روی ضعف و ترس و سستی.

زیرا ما نه می‌پذیریم و نه راضی می‌شویم و نه اجازه می‌دهیم که کسی به مقام پیامبرمان محمد - صلی الله علیه وسلم - یا دین ما و کتاب پروردگارمان اهانتی روا دارد و همه‌ی این حوادث تنها باعث تمسک بیشتر ما به دینمان و محبت بیشتر ما نسبت به پیامبرمان محمد - صلی الله علیه وسلم - خواهد شد.

- از دیگر تاملات این است که مفاهیم حق و باطل و مبادی عدل و ظلم و مرزهای صحیح و خطا را در دهه‌های اخیر همین ستم‌هایی شکل داده است که از سوی ابرقدرت‌ها و رژیم اسرائیل صورت می‌گیرد و همینطور اجرا کردن دل‌خواه پیمان‌ها و معاهدات بین‌المللی و تفسیر ظالمانه و تطبیق سودجویانه‌ی این معاهدات و چشم‌پوشی از رفتارهای طرف ستمگر و حتی طرفداری از ظالم و دفاع از او و معیارهای دوگانه و بلکه چندگانه در رفتار با ظالم و مظلوم است. و همچنین سیاست‌ها و مواضع ستمگرانه و غالب گرداندن منافع محدود و اهانت در حق ملت‌ها و عدم احترام به آنان.

همه‌ی این‌ها باعث ایجاد احساس ستم و در پی آن ایجاد نفرت و کینه می‌شود، کینه از نفاق سیاسی که هر گاه بخواهند محکوم می‌کنند و هر گاه بخواهند سکوت می‌کنند! آنانی که سخن از آزادی بیان می‌رانند هرگاه حس کنند به این آزادی نیاز دارند یا منافعی که چنین اقتضا می‌کند هر پیمان و عرفی را زیر پا می‌گذارند، اما از یک سو، انصاف و اعتدالی که دین ما به ما یاد داده است بر این تاکید دارد که در میان دیگران نیز منصفان و خردمندانی هستند، و هستند کسانی که از حق دفاع می‌کنند و در پی حقیقتند و همینطور در میان آنان کسانی هستند که نمی‌دانند یا فریب داده شده‌اند...

حاشا که همه‌ی اینان در یک کفه قرار گیرند، بنابراین شایسته است با هر کس به اقتضای حال او رفتار شود...

ای مسلمانان:

- از دیگر مواضع شایسته‌ی تامل، این سخن خداوند عزوجل است که در بیان حال مومنان می‌فرماید:

﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ [یونس: ۸۵].

«پروردگارا ما را فتنه‌ای برای گروه ستمگران مگردان».

و در جای دیگر می‌فرماید:

﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُوا وَاَعْرِضْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾

[الممتحنة: ۵].

«پروردگارا ما را وسیله‌ی فتنه‌ی کسانی که کفر ورزیده‌اند قرار مده و ما را بیمارز پروردگارا! همانا تو باعزت و با حکمتی».

چه شایسته است که برخی از آنان را کسانی بدانیم که با نگاه به اوضاع و احوال مسلمانان دچار فتنه شده‌اند. برای مثال وقتی یکی از آنان نگاهی به مسلمانان و مظاهر ضعف و عقب‌ماندگی نمود یافته در زندگی آنان بیندازد خواهد گفت: اگر محمد واقعاً پیامبر است و اگر دینش حق است باید پیروان او در بهترین حالت از نظر سیاست و انضباط و رفتار و تدبیر در امور زندگی بودند و باید پیشرفته‌تر از دیگران بودند.

اما با این وضعیت غیر متمدنانه و در اوج ضعف و شکست در همه‌ی عرصه‌های علمی و اداری و اقتصادی و دیگر عرصه‌ها، اهل اسلام باعث فتنه‌ی دیگران شده‌اند...

﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ [یونس: ۸۵].

«پروردگارا ما را عامل فتنه‌ای برای گروه ستمگران قرار مده».

آری؛ این زیباست و این حق است که نسبت به کسانی که قصد اهانت به پیامبر و دینمان دارند خشمگین شویم، اما از سوی دیگر آیا این هم از روی حق و عدل است که به خود برنگردیم و از کم‌کاری و تقصیرات خودمان در پایبندی به دینمان و التزام به سنت پیامبرمان محمد - صلی الله علیه وسلم - و محاسبه‌ی کارها و رفتارهایمان خشمگین نشویم؟! ما در برابر مسئولیت‌هایی که بر عهده داریم و امانت‌داری در انجام کارهایمان کجا قرار داریم؟!

شایسته است با دیدن اهمال و شانه خالی کردنمان از کارهایی که بر عهده‌ی ماست نیز خشمگین شویم، از کسانی که از خودمان هستند و در کارهایشان کم‌کاری و تقصیر دارند. شایسته است بدانیم همانطور که برای مرگ جنگ به راه می‌افتد برای زندگی نیز باید جنگید، و همانطور که شایسته است در راه خداوند بمیریم همانطور شایسته است در راه خداوند و برای خداوند زندگی کنیم.

باید درس گرفت و عبرت آموخت تا آنکه فتنه‌ای برای کافران نشویم. باید ثابت کنیم که ما امت وسط و بهترین امت‌هاییم، امتی که به کتاب پروردگارش ایمان دارد و در راه پیامبرش قدم برمی‌دارد و از همه‌ی اسباب قدرت و عزت و وسائل علم و پیشرفت و فناوری که به سود امت و در راه رستگاری آن است بهره می‌برد. امتی که فرهنگ و عزت و اصالت و هویت خود را حفظ می‌کند و رسالت خود را که رحمتی برای جهانیان است منتشر می‌سازد.

به این نیازمندیم که امتی باشیم تولید کننده و نوآور؛ و آنکه قدرت ندارد آزادی این را نیز ندارد که آموزش و سیاست و جامعه و اقتصاد خود را اصلاح کند.

از جمله فوایدی که می‌تواند در پی این حوادث رخ دهد تلاش بیشتر در راه دعوت و دفاع از پیامبران - صلی الله علیه وسلم - از طریق آشنا ساختن دیگران با وی و نشر سیرت او به بهترین روش و بلیغ‌ترین سخن و آشکار ساختن جنبه‌ی تمدنی دینمان به روش گفتگو و طرد روش‌های غلوآمیز و خشونت و افراط و تفریط است.

آنچه گذشت تأملاتی چند بود درباره‌ی حوادث و رویدادهای اخیر؛ هر چند یقین داریم که مسخره و توهین دشمنان هیچ زبانی را متوجه پیامبران محمد - صلی الله علیه وسلم - نخواهد ساخت زیرا او کسی است که همه ستایش‌ها و مکارم را یکجا دارد، و او خاتم پیامبران است که خداوند به واسطه‌ی او دینش را کامل ساخت و نعمتش را به کمال رساند. تولدش فتح است و بعثتش فجر است و هجرتش پیروزی...

در واقع آنچه باعث تحرک و جنب و جوش این‌ها شده است چیزی نیست جز انتشار این دین و روی آوردن مردم به آن، که این‌ها همه بشارت‌هایی است برای مسلمانان، هنگامی که دشمنان نور اسلام را می‌بینند که تاریکی‌ها جهل و جهالت را شکافته و نیرنگ آنان را از بین می‌برد و به رغم کینه‌ی کینه‌توزان به راه خود ادامه می‌دهد.

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم:

﴿فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٩٢﴾ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩٣﴾ فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ ﴿٩٤﴾ إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ ﴿٩٥﴾ الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٩٦﴾ وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ ﴿٩٧﴾ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ ﴿٩٨﴾ وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ ﴿٩٩﴾﴾ [الحجر: ٩٢-٩٩].

«پس سوگند به پروردگارت که از همه‌ی آنان خواهیم پرسید (٩٢) درباره‌ی آنچه انجام می‌دادند (٩٣) پس آنچه را که بدان مامور شده‌ای آشکار کن و از مشرکان روی برتاب (٩٤) که ما [شر] مسخره‌کنندگان را از تو دور خواهیم ساخت (٩٥) همانان که با الله معبود دیگری قرار می‌دهند پس به زودی خواهند دانست (٩٦) و قطعاً می‌دانیم که که سینه‌ی تو از آنچه که می‌گویند تنگ می‌شود (٩٧) پس با ستایش پروردگارت تسبیح

گوی و از سجده کنندگان باش (۹۸) و پروردگارت را پرستش کن تا آنکه مرگت فرا رسد».

خداوند من و شما را به واسطه‌ی کتاب خود و سنت پیامبرش - صلی الله علیه وسلم - سودمند سازد. این سخن را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از خداوند متعال از هر گناهی آمرزش می‌خواهم، پس از او آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش مخصوص خداوند است، ستایش مخصوص اوست که قدر و ارزش ارزشمندان را افزود و با فضل خود گناه گناهکاران را از آنان زدود. او را ستایش می‌گویم و برای فضل پی در پی‌اش او را شکر می‌گزارم و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است؛ شهادتی که باعث نجات از آتش جهنم است، و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده‌ی الله و پیامبر او و برگزیده‌ی خداوند است. درود و سلام و برکات خداوند بر وی و بر اهل بیتش آن سروران پاک، و بر صحابه‌اش، - مهاجرین و انصار - باد که نیکان این امت بودند و بر تابعین و کسانی که به نیکی از آنان پیروی نمایند، تا هنگامی که شب و روز در پی هم می‌آیند...
اما بعد، ای مسلمانان:

محکوم نمودن و نشان دادن خشم کاری است مشروع، و بلکه مطلوب، زیرا نوعی انکار منکر است، به ویژه اگر خبر آن منکر منتشر شده و اهل منکر در انجام آن زیاده‌روی نمایند.

برای همین لازم است که همه‌ی امت، حاکمان و مردم و سیاستمداران و علما، و بازرگانان و اهل رسانه، و اقلیت‌های مسلمان، همه و همه برای یاری پیامبرشان محمد - صلی الله علیه وسلم - با آرامش و عمل‌گرایی و کار منظم زیر نظر هیئت‌ها و سازمان‌هایی متخصص وارد عمل شوند. سازمان‌هایی که صلاحیت آن‌ها در پی گرفتن موضع لازم و ایجاد ارتباطات مورد نیاز و پاسخ شایسته، براساس قانون و نظامی خاص باشد که بنابر

روشی عملی و در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی و به هدف توضیح حقایق دین و دفاع از آن و آشکار ساختن اهداف دشمنان اسلام و مسلمانان دست به فعالیت بزند. پس تقوای خداوند را پیشه سازید زیرا اسلام و آینده‌ی آن عظیم‌تر و بزرگ‌تر از همه‌ی نیرنگ‌ها است و همه‌ی امور به دست خداوند است و او بر کار خود غالب است هرچند بیشتر مردم نمی‌دانند.

و در پایان بر آن رحمت هدایتگر و آن نعمت خداوندی، پیامبران محمد رسول خداوند درود و سلام فرستید که پروردگارتان شما را به آن امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد، آن حبیب مصطفی و آن پیامبر مجتبی و بر اهل بیت پاک او و همسرانش مادران مومنان درود و سلام فرست. خداوندا و از چهار خلیفه‌ی راشد وی: ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دو نوه‌ی او: حسن و حسین و دیگر صحابه و تابعین و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند و همچنین از ما با عفو و کرم خود راضی و خشنود باش ای گرامی‌ترین گرامیان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، و شرک و مشرکان را خوار گردان و همه

خداوندا برای این امت امری راشد قرار ده که در آن اهل طاعت عزت یابند و اهل معصیت هدایت شوند و در آن به معروف امر شود و از منکر باز داشته شود، همانا تو بر هر کاری توانایی.

خداوندا برادران و خواهران ما را در سوریه و میانمار حفظ نما، خداوندا کلمه‌ی آنان را یکی گردان و جانشان را حفظ کن. خداوندا بیمارشان را شفا ده و درگذشتگانشان را بیمارز و آورده‌شان را سرپناه ده و کلمه‌شان را یکی گردان و اوضاعشان را سامان ده و برای آنان از هر تنگنایی فرجی حاصل کن و از هر بلایی عافیت ده. خداوندا آنان را بر دشمنشان که دشمن توست یاری ده.

خداوندا سرکشان و ستمگران را در سوریه و در هر جای دنیا نابود گردان. خداوندا آنان طغیان ورزیدند و ستمکاری کردند و آزار رساندند و فساد نمودند و در قتل و طغیان و سرکشی زیاده‌روی کردند... خداوندا تو آنان را نابود گردان که آنان را یاری ناتوان ساختن تو نیست.

خداوندا صهیونیست‌های غاصب اشغالگر را نابود گردان. خداوندا آنان را نابود گردان که توانایی ناتوان ساختن تو را ندارند.

خداوندا تویی آن معبود به حق که معبودی به حق جز تو نیست، خداوندا تو بی‌نیازی و ما نیازمندیم. خداوندا باران را بر ما نازل گردان و ما را از نومیدان مگردان. خداوندا تویی آن معبود به حق که معبودی به حق جز تو نیست، خداوندا تو بی‌نیازی و ما نیازمندیم. خداوندا باران را بر ما نازل گردان و ما را از نومیدان مگردان. خداوندا تویی آن معبود به حق که معبودی به حق جز تو نیست، خداوندا تو بی‌نیازی و ما نیازمندیم. خداوندا باران را بر ما نازل گردان و ما را از نومیدان مگردان.

خدایا به ما باران عطا کن، خداوندا ما را باران عطا کن، خداوندا ما از تو آمرزش می‌خواهیم که تو بسیار آمرزنده‌ای، پس باران را پی در پی بر ما فرو ریز. خداوندا آن را نیرویی بگردان برای طاعت... خداوندا ما آفریده‌ای از آفریده‌های تو هستیم، پس به سبب

گناهانمان فضل خود را از ما باز مدار، خداوندا ما از باران تو بی‌نیاز نیستیم پس به سبب گناهانمان فضل خود را از ما دریغ مدار.

«پروردگارا به تو توکل نمودیم و به سوی تو بازگشت نمودیم» [المتحنة: ۴] «پروردگارا ما را در دنیا و در آخرت نیکی عطا کن و از عذاب آتش دور گردان» [البقرة: ۲۰۱].
پاک و منزه است پروردگار تو، پروردگار عزت از آنچه مشرکان به دروغ وصفش می‌کنند و سلام بر پیامبران والحمدلله رب العالمین.

عنوان خطبه:

فضیلت ذکر در روزهای تشریق

خطیب: دکتر اسامه خیاط

مسجدالحرام: جمعه ۱۰ ذی الحجه ۱۴۳۳ برابر با ۵ آبان ۱۳۹۱

خطبه‌ی اول:

ستایش مخصوص خداوندی است که اراده نمود تا مردم به حج خانه‌اش بیایند؛ او را برای نعمت‌های بزرگش سپاس و ستایش می‌گوییم و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است، آن پادشاه پاک و بی‌عیب مبرا از هر بدی، و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده‌ی الله و پیامرسان او و خاتم پیامبران است. خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یارانش، آن امامان والامقام درود و سلام فرست.

اما بعد: ای بندگان خداوند تقوای او را پیشه سازید و ایستادن‌تان را در برابر او به یاد آورید، آن روزی که انسان به آنچه برای خود پیش فرستاده است نظر افکنده و کافران گویند: «ای کاش خاک می‌بودم» [نبا: ۴۰].

ای مسلمانان: محافظت از ساعات و دقایق عمر از تباهی و صرف آن در کارهای بی‌ارزش و زیان‌بار، روش انسان‌های موفق و عادت خردمندانی است که مواسم و مناسبت‌ها و فرصت‌هایی را که پروردگار بزرگوار برای آنان مهیا ساخته است با استفاده از طاعات و سبقت در انجام نیکی‌ها و رقابت در باقیات صالحات، غنیمت شمرده و پاس می‌دارند.

در این میان، روزهایی که خداوند خود امر به ذکر و یاد خود در آن‌ها نموده از گرامی‌ترین و بزرگ‌ترین روزها هستند که شایسته است تلاش‌ها در راه آن صرف شده و قلب‌ها و اعضا و جوارح به سوی آباد ساختن آن روند.

این روزها همان روزهایی است که خداوند در کتاب آن از آن به عنوان «روزهای مشخص» نام برده و فرموده است:

﴿وَأذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ...﴾ [البقرة: ۲۰۳].

«و الله را در روزهایی مشخص یاد کنید...».

که این روزها همان سه روز تشریق پس از روز قربان است که رسول هدایت - صلی الله علیه وسلم - آن را چنین وصف نموده است: «روزهای تشریق، روزهای خوردن و نوشیدن و ذکر خداوند عزوجل است» [این حدیث را امام مسلم در صحیح خود از نُبَيْشَةَ هَذَا لِي رَضِيَ اللهُ عَنْهُ روایت کرده است].

این روزها، روزهای مبارکی‌اند که برای مسلمان در آن‌ها دو نعیم و دو خوشی یکجا شده است: خوشی و نعیم قلب با ذکر و شکر، و نعیم بدن با خوردن و آشامیدن و لذت بردن از مباحاتی که در هنگام احرام بر حاجیان حرام شده بود.

ارتباط این دو نعمت دال بر این است که از نعمت‌های خداوند باید برای طاعت وی سود جست و آن را در آنچه باعث خشنودی اوست صرف نمود و هر کس از این نعمت‌ها در راه طاعت خداوند بهره ببرد به همین طریق شکر خداوند را به جای آورده و عکس آن نیز صحیح است، یعنی کسی که از نعمت‌های خداوند برای معصیت او بهره

ببرد و آن را در راه به دست آوردن خشم خداوند صرف نماید در واقع کفر نعمت نموده و شکرش را به جای نیاورده است.

از ویژه‌ترین نعمت‌ها در این روزهای مبارک، نعمت خوردن از گوشت چارپایان است، زیرا این چارپایان چنانکه اهل علم گفته‌اند مطیع خداوندند و معصیت او را نمی‌کنند و تسبیح گوی اویند، چنانکه خداوند سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِۦ وَلَٰكِن لَّا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا

﴿[الإسراء: ۴۴].﴾

«و هیچ چیز نیست مگر آنکه به ستایش او تسبیح گوی است اما شما تسبیح آنان را درک نمی‌کنید. همانا او بردبار و آمرزنده است.»

و این چارپایان برای خداوند سجده می‌برند چنانکه خداوند متعال در سوره

ذکر خداوند - سبحانه و تعالی - در پی نمازهای فرض با تکبیر و تهلیل، زیرا این دو ذکر نزد جمهور اهل علم تا پایان روزهای تشریق مستحب هستند. و از جمله‌ی این اذکار، ذکر خداوند هنگام ذبح قربانی است چنانکه خداوند متعال فرموده است:

﴿وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِّنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبَهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِيعُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿۳۶﴾ لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَائُهَا وَلَكِنَّ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَيْنَكُمْ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ ﴿۳۷﴾﴾ [الحج: ۳۶-۳۷].

«و شتران فربه را برای شما از [جمله] شعائر الله قرار دادیم در آنها برای شما خیر است پس نام الله را بر آنها در حالی که بر پای ایستاده‌اند ببرید و چون به پهلو در غلتیدند از آنها بخورید و به تنگدست [سائل] و به بینوا [ی غیر سائل] بخورانید. این گونه آنها را برای شما رام کردیم امید که شکرگزار باشید (۳۶) هرگز نه گوشت‌های آنها و نه خون‌هایشان به الله نمی‌رسد بلکه این تقوای شماست که به او می‌رسد. اینگونه آنها را برای شما رام کرد تا الله را به پاس آنکه شما را هدایت نموده به بزرگی یاد کنید و نیکوکاران را مژده ده.»

و همچنین ذکر خداوند هنگام رمی جمار چنانکه رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - انجام داده است و جابر بن عبدالله در وصف حج پیامبر - صلی الله علیه وسلم - روایت نموده و امام مسلم و دیگران این حدیث تخریح نموده‌اند و چنانکه در حدیث ابن عمر نزد شیخین بخاری و مسلم نیز آمده است که این ذکر مخصوص اهل منی است.

از دیگر اذکار، یاد نمودن خداوند هنگام خوردن و آشامیدن است که این، سبب خشنودی خداوند متعال است چنانکه در حدیثی که امام مسلم در صحیح خود از انس بن مالک رضی الله عنه روایت کرده آمده است که رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: «خداوند از بنده‌اش راضی می‌شود که غذا را بخورد و او را برای آن ستایش کند و نوشیدنی را بنوشد و او را برای آن ستایش گوید.»

و از دیگر انواع ذکر، یاد کردن خداوند به طور مطلق و بدون در نظر گرفتن زمان یا وضعیت مشخصی است که این ذکر همه‌ی اوقات را در بر می‌گیرد و در این روزها انجام دادن بسیار آن مستحب است و روایت شده است که «امیر المومنین عمر بن الخطاب - رضی الله عنه - در مسجد منی تکبیر می‌گفت و در روایت دیگر آمده است که در خیمه‌ی خود تکبیر می‌گفت و کسانی که در مسجد بودند نیز تکبیر می‌گفتند به طوری که بازارهای منی

نیست» و پس از آنان مومنانی آمدند که گفتند: «پروردگارا ما را در دنیا نیکی عطا کن و در آخرت [نیز] نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش دور بدار» پس خداوند متعال چنین نازل نمود که: «آنانند که از دستاوردشان بهره‌ای خواهند داشت و الله زود شمار است».

که این، دعایی است جامع و فراگیر برای همه‌ی خوبی‌ها در دنیا و در آخرت و چنانکه انس بن مالک در حدیثی که امام مسلم در مسند خود با سند صحیح تخریج نموده، می‌گوید، این دعا بیشترین دعایی بود که رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - به زبان می‌آورد.

برای همین است که بسیاری از سَلَف - رضوان الله علیهم - بسیار دعا کردن در این روزها را مستحب دانسته‌اند.

همچنین در امر به ذکر پس از پایان نُسُک اشاره به این است که همه‌ی عبادت‌ها به پایان می‌رسند اما ذکر خداوند باقی است و نه پایان می‌یابد و نه انسان از آن فراغت می‌یابد بلکه این عبادت برای مومنان در دنیا و آخرت همچنان مستمر و پایدار است و اعمال صالح همه پایان یافتنی هستند اما ذکر خداوند چنین نیست و همه‌ی اعمال با پایان دنیا قطع می‌شوند اما ذکر ادامه می‌یابد، زیرا مومن با ذکر خداوند زندگی می‌کند و با ذکر خداوند می‌میرد و با ذکر خداوند مبعوث می‌شود.

خداوندا ما را از جمله کسانی بگردان که بسیار تو را یاد می‌کنند و نعمت‌هایت را شکر می‌گویند و برای رسیدن به خشنودی تو در جستجوی وسیله هستند.

خداوند من و شما را با هدایت کتابش و با سنت پیامبرش - صلی الله علیه وسلم - سود رساند. این سخن خود را گفته و برای خود و شما و همه‌ی مسلمانان از هر گناهی از خداوند بزرگ آمرزش می‌خواهم که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

حمد و ستایش از آن الله است، او را ستایش گفته و از او یاری جسته و آمرزش می‌خواهیم و از بدی‌های نفس خود و کارهای ناشایستمان به او پناه می‌بریم. الله هرکه را هدایت کند او گمراه‌گری نخواهد داشت و هرکه را گمراه سازد او هدایت‌گری نخواهد

یافت و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد، بنده‌ی الله و پیامبر اوست. خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یاران او درود و سلام فرست.

اما بعد، ای بندگان خداوند:

این فضائل و این درجات را که اهل موسم و حجاج در منی به دست می‌آورند تنها مخصوص آن‌ها و منحصر به آن‌ها نیست، بلکه دیگر مسلمانان در دیگر سرزمین‌ها نیز بهره‌ای فراوان از آن دارند زیرا آنان نیز با تلاش و کوشش و روزه و ذکر و دیگر طاعات در این روزهای ده‌گانه شریک حجاج هستند و همچنین با قربانی کردن در روز عید و روزهای تشریق با آنان در تقرب به خداوند شریکند، و همین‌طور با آسودگی در عید و خوردن و نوشیدن...

چنانکه در ده روز اول ذی الحجة با انواع طاعات و عباداتی که برای انجام آن تلاش کرده‌اند و صبر پیشه نموده‌اند با دیگر حجاج شریکند. اینگونه همه‌ی امت در مهمانی خداوند بوده و از فضل وسیع او بهره برده‌اند و بر سفره‌ی جود و کرم و احسانش جمع شده و بر ذکر خداوند و ترجیح‌خشنودی او بر هوای نفس و شهوات متحد گشته‌اند و چهره‌ی امتی را برای جهانیان به ترسیم آورده‌اند که خداوند متعال آن را چنین توصیف نموده است:

﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾ [الأنبياء: ۹۲].

«این است امت شما که امتی یگانه است و من پروردگار شمایم، پس مرا عبادت کنید.»

پس ای بندگان خداوند، پروای او را پیشه سازید و نعمت‌های او را به یاد آورید که اینچنین مواسم خیر و فرصت‌ها و روزهای با ارزش را برای شما فراهم ساخته تا آن را با خشنودی پروردگار آباد سازید و آرامش قلبی را به دست آورید و درون خود را پاک سازید و زندگی پاک و خوش را به دست آورید.

و همیشه به یاد داشته باشید که خداوند شما را به درود و سلام بر خاتم پیامبران و فرستاده‌ی پروردگار جهانیان امر نموده و در کتاب خود فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

[الأحزاب: ۵۶].

خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد درود و سلام فرست و از چهار خلیفه‌ی وی: ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر اهل بیت و صحابه و تابعین و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند و همچنین از ما با عفو و بزرگواری و احسان خویش راضی و خشنود باش ای گرامی‌ترین گرامیان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و حوزه‌ی دین را محافظت نما و دشمنان دین و دیگر طاغیان و مفسدان را نابود گردان و میان قلوب مسلمانان الفت ایجاد کن و صف آنان را یکی گردان و رهبرانشان را اصلاح نما و کلمه‌ی آنان را بر حق متحد گردان ای پروردگار جهانیان.

خداوندا دینت را، و کتاب را، و سنت پیامبرت محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - و بندگان مومن مجاهد راستینت را یاری ده.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و والیان و مسئولان ما را اصلاح نما. خداوندا دین ما را که نگهدارنده‌ی امر ماست و دنیای ما را که محل زندگی ماست و آخرت ما را که بازگشت‌گاه ماست اصلاح نما و زندگی را برای ما عامل افزونی نیکی‌ها و مرگ را عامل آسودگی از بدی‌ها قرار ده.

خداوندا ما از تو انجام نیکی‌ها و ترک بدی‌ها و دوستی مستمندان را خواهانیم، و اینکه ما را مورد آمرزش و رحمت خود قرار دهی و اگر برای گروهی اراده‌ی فتنه‌ای داری ما را بی‌آنکه در فتنه واقع شویم به سوی خودت باز گردان.

خداوندا بیماران ما را شفا ده و مردگان ما را بیامرزد و ما را به آن خواسته‌هایی که باعث رضایت خودت هست برسان و اعمال ما را با نیکی‌ها خاتمه ده.

خداوندا مسلمانان را در هر جا که هستند حفظ نما، خداوندا آنان را در سوریه و در فلسطین و در میانمار محافظت کن. خداوندا آنان را بر دشمنان و دشمنانشان یاری ده. خداوندا آنان را پیروزی عطا کن، خداوندا برای آنان باش و علیه آنان مباش. خداوندا شکستشان را جبران کن و به ضعیفشان رحم کن و زخم دیده‌شان را شفا ده و به کشته شدگانشان اجر شهادت عطا کن. خداوندا عورت‌هایشان را بپوشان و ترسشان را از بین ببر، ای پروردگار جهانیان.

خداوندا انطور که خود می‌خواهی ما را از شر دشمنانمان و دشمنانمان محافظت کن. خداوندا ما تو را در برابر آنان قرار می‌دهیم و از بدی‌هایشان به تو پناه می‌بریم. خداوندا این حج را حجتی مبرور قرار ده، با گناهانی بخشیده شده و عمره‌ای پذیرفته شده.

«پروردگارا دل‌هایمان را پس از آنکه ما را هدایت نمودی دستخوش تغییر مگردان و ما را از جانب خود رحمتی عطا کن، همانا تویی که بخشنده‌ای» [آل عمران: ۸].

«پروردگارا ما در حق خود ستم روا داشتیم و اگر تو ما را مورد مغفرت و رحمت خود قرار ندهی بی‌تردید از زیانکاران خواهیم بود» [الأعراف: ۲۳].

«پروردگارا ما را در دنیا و در آخرت نیکی عطا کن و از عذاب آتش محافظت نما» [البقرة: ۲۰۱].

و درود و سلام خداوند بر پیامبرمان محمد و بر همه‌ی اهل بیت و یاران او، و الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

اهداف و مقاصد حج

خطیب: دکتر صالح آل طالب

مسجدالحرام: جمعه ۱۷ ذی الحجه ۱۴۳۳ برابر با ۱۲ آبان ۱۳۹۱

خطبه‌ی اول:

حمد و سپاس تنها از آن الله است، او را ستایش گفته و از او آمرزش می‌خواهیم و از بدی‌های درون و اعمال ناشایستمان به او پناه می‌بریم. الله هر که را هدایت کند او گمراه‌گری نخواهد داشت و هر که را گمراه سازد او هدایت‌گری نخواهد یافت و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است، و گواهی می‌دهم که محمد بنده‌ی الله و پیامبر اوست. درود و سلام و برکات خداوند بر وی و بر اهل بیت و یاران و تابعین و همه‌ی کسانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند.

اما بعد:

بدانید که راست‌ترین سخن، کلام خداوند است و بهترین راه و روش، راه و روش محمد - صلی الله علیه وسلم - است و بدترین کارها امور نوساخته در دین است و هر امر نوساخته‌ای در دین، بدعت است و هر بدعتی گمراهی است و هر گمراهی در آتش است.

بهترین توصیه پس از حمد و سپاس خداوندی، توصیه‌ی به تقوا است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧١﴾﴾ [الأحزاب: ۷۰-۷۱].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را پیشه سازید و سخنی استوار گوید (۷۰) تا کارهایتان را برای شما به صلاح آورد و گناهانتان را برای شما بپارزد و هر کس از الله و پیامبرش اطاعت کند بی‌شک پیروزی بزرگی به دست آورده است.»

تسلیم خداوند شوید و خود را برای روز معاد آماده سازید و در پنهان و آشکار برای خداوند اخلاص ورزید که چه بسیار انسان‌هایی که لباس بسیار دارند و عاری از نیکی‌هایند؛ در زمین یاد می‌شوند و در آسمان فراموش شده‌اند.

ای حجاج خان‌ی خدا در این سرزمین! ای کسانی که از هر سو به اینجا آمده‌اید، اکنون این است راه رسیدن! و این است سرچشمه؛ پس از آن بگیرید، که خداوند شما را با حضور در روزی بزرگ از روزهای اسلام و جایگاهی با عظمت، گرامی داشت؛ حجتان

را به پایان رساندید و آلودگی‌ها را از خود زدودید. به جایی آمدید که پیامبرانی پیش از شما آمده‌اند: آدم و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و دیگر پیامبران، و محمد - صلی الله علیه وسلم - آن پیامبر بزرگوار و یارانش، ابوبکر و عمر و عثمان و علی و دیگر اصحاب گرامی، و امامان مذاهب و دیگران صالحان.

و اکنون شما در این سرزمین مقدس پای در جای آنان گذاشته‌اید: یک پروردگار، یک آیین و یک هدف؛ پس چرا حال ما با حال آنان متفاوت است و آنان کسان دیگری بودند و ما کسانی دیگر؟!

نَسَبَ شما در اعتقاد به پیامبران خدا می‌رسد، پس چرا گوشه گرفته‌ایم؟ دیوان اسلام - یعنی قرآن و سنت - همچنان زنده و پایدار است و شواهد توحید نیز از دوران ابراهیم تاکنون پابرجا است، پس چرا آداب و عقایدمان با دیگران آمیخته شده است؟ و دیتتان، بزرگ‌ترین شریعتی است که از آسمان به زمین نازل شده است، پس ذلت برای چه؟

عبادتی را به پایان رسانده‌اید که شعارش توحید است، پس همین توحید را تا روزی که به دیدار پروردگارتان می‌روید شعار خود گردانید و بدانید که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرموده است: «هر کس در حالی که به خداوند شرک نیاورده است به دیدار او رود وارد بهشت می‌شود» [به روایت مسلم].

خداوند را بزرگ بدانید و پیامبرانش را گرامی، و آنچه را از نزد آن‌ها آمده است نیز بزرگ داشته و تسلیم امرشان شوید. نیت و کارتان را خالصانه برای خداوند انجام دهید و از راه و روش پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و یارانش که خداوند خشنودی‌اش را از آنان اعلام نموده پیروی کنید و هر عبادتی را بر قرآن و سنت عرضه دارید، و از هر عبادتی که در سنت نیامده است دوری کنید:

﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ [الحشر: ۷].

«و آنچه که فرستاده‌ی [خداوند] به شما داد برگیرید، و از آنچه شما را از آن بازداشت

دست بردارید».

ای مسلمانان:

حجاج خانه‌ی خدا! آنکه به حج بیت الله یا به عمره رود به خداوند نزدیک‌تر می‌شود و به او نزدیکی می‌جوید و آنان که به خداوند نزدیکند شایسته‌تر است ادبی خاص با خداوند داشته باشند و امید، باعث شود طاعتی بیشتر انجام دهند و حیا آنان را از انجام گناهان دور کند، به ویژه پس از آنکه خداوند آنان را گرامی داشته و گناهانشان را آمرزیده و مناسکشان را کامل گردانده است.

اکنون که خداوند شما را برای به دست آوردن خشنودی‌اش موفق ساخته و شما را در معرض نَفَحَاتش قرار داده است، پس بر امر وی استقامت جوید «و مانند آن زنی نباشید که رشته‌ی خود را پس از محکم بافتن [یکی یکی] از هم می‌گسست» [النحل: ۹۲].

از نخستین اموری که شایسته است پس از تقوای خداوند توصیه نمود، همان توصیه‌ای است که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - خطاب به سفیان - رضی الله عنه - نمود، هنگامی که سفیان گفت: ای رسول خدا! مرا در اسلام سخنی بگو که پس از تو از کسی نپرسم. فرمود: «بگو: به الله ایمان آوردم، سپس استقامت بورز» [به روایت مسلم].

و نخستین چیزی که پس از توحید شایسته است مومن بر آن استقامت ورزد محافظت بر نمازها است، زیرا نماز ستون دین، و عامل تفاوت میان مومنان و کافران است و خداوند عزوجل فرموده است:

﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ﴿٢﴾﴾ [المؤمنون: ۱-۲].

یعنی: «بی‌شک مومنان رستگار شدند (۱) آنانی که در نمازشان فروتنند».

ترمذی و نسائی و حاکم روایت کرده‌اند که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود: «بر من ده آیه نازل شده است که هر کس آنان را برپا دارد و بدان عمل نماید وارد بهشت شود» سپس سوره‌ی مومنان را تا آیه دهم تلاوت نمود.

﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ﴿٢﴾ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّعْوِ مُعْرِضُونَ ﴿٣﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ ﴿٤﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ﴿٥﴾ إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ﴿٦﴾ فَمَنْ أَبْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ

الْعَادُونَ ﴿٧﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمْنَتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ﴿٨﴾ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ﴿٩﴾
 أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ ﴿١٠﴾ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١١﴾ [المؤمنون: ۱-۱۱].

«بی‌شک مومنان رستگار شدند (۱) آنان که در نمازشان فروتنند (۲) و آنان که از بیهودگی روی‌گردانند (۳) و آنان که زکات را ادا می‌کنند (۴) و کسانی که پاکدامند (۵) مگر در مورد همسرانشان یا کنیزانشان که در این صورت بر آنان نکوهشی نیست (۶) پس هرکه فراتر از این جوید آنان تجاوزکارانند (۷) و آنان که امانت‌ها و پیمان خود را رعایت می‌کنند (۸) و آنان که بر نمازهایشان مواظبت می‌نمایند (۹) آنانند که وارثانند (۱۰) همانان که فردوس را به ارث می‌برند و در آنجا جاودان می‌مانند».

ای مومنان:

اسلام یعنی تسلیم شدن در برابر الله و گردن نهادن در برابر او با طاعت وی و خلوص از شرک و اهل آن. احکام حج چنانکه در مشاعر آن آمده است این تسلیم شدن در برابر خداوند را به نمایش می‌گذارند و سیره‌ی پیامبر خدا ابراهیم، و خانواده‌اش مثال عملی آن است؛ آن خانواده‌ی صالحی که پدر آن، ابراهیم تسلیم امر خداوند مبنی بر رها کردن همسر و کودک شیرخوارش در بیابانی لم یزرع گردید. زیرا این امر خداوند بود، و همسرش هاجر گفت: «آیا خداوند تو را بدین کار امر نموده است؟» گفت: «آری» همسرش گفت: «پس او ما را ضایع نخواهد کرد».

خداوند نیز آنان را رها نکرد و از زمین چشمه‌ی زمزم را جوشاند و در آن برکت نهاد و آن بیابان را آباد گرداند و دل‌های مردم را بسوی آنان گرداند و از پاکی‌ها روزی‌شان داد و سرزمین‌شان را سرزمینی امن گرداند.

ابراهیم همچنین تسلیم امر خداوند مبنی بر ذبح فرزندش شد و اسماعیل نیز تسلیم این امر شد. خداوند درباره‌ی آن دو فرموده است:

﴿فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ ﴿١٢٣﴾﴾ [الصافات: ۱۰۳].

«پس هنگامی که تسلیم [امر خداوند] شدند و [ابراهیم] او را بر پهلو خواباند...».

اما خداوند مهربان بر آن‌ها لطف نمود.

این مثالی است از خانواده‌ای صالح که تسلیم امر خداوند است، و درسی است مفصل برای همه‌ی امت. پاداش این خانواده نیز چنین بود که خداوند آنان را همراهی نمود و درجه‌شان را افزود و پیامبری را در میان آنان و نسل‌شان قرار داد و آثار آنان را تا قیامت مناسکی برای دیگر مومنان قرار داد.

بندگان خداوند:

از جمله روحانیات حج، تربیت براساس تقوا است و در میان آیات حج، خداوند متعال فرموده است:

﴿وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى﴾ [البقرة: ۱۹۷].

«و توشه بگیرید زیرا بهترین توشه، تقوا است».

این عبادتی است محدود در روزهایی مشخص و معدود که انسان مسلمان برای کامل ساختن آن تلاش می‌کند و از نقصان یا بطلان آن می‌ترسد و از خداوند امید قبول و رحمت و نجات از آتش دارد، و این خلاصه و مختصر همه‌ی زندگی است.

تقوا احساسی است قلبی که باعث می‌شود مسلمان مسیر خود را براساس خواسته‌ی خداوند ادامه دهد و پروای خداوند و امید به او دارد نه به آنچه نزد مردم است و اگر مسلمان خشنودی خداوند را هدف خود قرار دهد رستگار شده و نجات می‌یابد.

ای مسلمانان:

حج موسمی است روحانی که حقیقت پاک عبادت را میان مسلمانان گسترش می‌دهد: طاعت و استجابت ندای خداوند و تسلیم شدن در برابر شریعت و احکام وی؛ و هر چه انسان خود را در میان مظاهر اشرافی‌گری پنهان سازد باز هم نمی‌تواند احساس حقیقت را از خود دور سازد؛ این حقیقت که او نیز فردی است در میان میلیون‌ها انسان دیگر، و او نیز همانند دیگر انسان‌ها فقیر و محتاج خداوند و نیازمند رحمت و مغفرت و رضوان اوست.

بنابراین اساساً اشتباه است که انسان خواهان حجبی اشرافی باشد یا چون سختی نکشیده است از سختی و مشقتی که در آن به وی می‌رسد احساس ناراحتی و کلافگی کند، زیرا خداوند متعال درباره‌ی چارپایان فرموده است:

﴿وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بَلِغِيهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ﴾ [النحل: ۷].

«و بارهای شما را به سوی سرزمینی می‌برد که نمی‌توانستید به آن برسید مگر با مشقت بدن‌ها» که این سرزمین چنانکه مفسران گفته‌اند، مکه است.

بنابراین سادگی و دوری از مظاهر رفاه و فخر فروشی، یکی از مقاصد و اهداف حج است. حجبی که تربیت است و بندگی و تواضع و مساوات در هنگامی تضرع در برابر خداوند.

و همچنین تربیتی است برای مسلمانان تا رحمتی باشند برای دیگر برادرانشان و در مقابل آنان فروتن باشند و برای منافع آنان تلاش نمایند و از خودخواهی دوری کنند، چه رسد به آنکه در حق‌شان کوتاهی ورزند یا در انجام وظایف خود سهل‌انگاری کنند. ای بندگان خداوند:

از دیگر مشاهد حج این است که خداوند آن را در حفظ و رعایت خود فرا گرفته است و امنیت و آرامش را بر حجاج خانه‌اش فرو فرستاده. آن هم در روزهایی که جهان در آتش جنگ‌ها و ناآرامی‌ها می‌سوزد و ما نیز از حسودان و کینه‌توزان و متجاوزان در امان نیستیم، اما با این وجود، این خداوند است که بر ما لطف نمود و عافیت ارزانی داشت و نعمت‌های آشکار و پنهانش را بر ما فرو فرستاد.

پس سپاس و ستایش و ثنای زیبا، تنها شایسته‌ی خداوند است و راست گفت خداوند متعال که:

﴿أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيُنَظِّفُ الْنَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ﴾ [العنکبوت: ۶۷].

«آیا ندیده‌اند که ما [برای آنان] حرمی امن قرار دادیم و حال آنکه مردم از حوالی آنان ربوده می‌شوند».

این نعمتی است که واقعا شایسته‌ی یادآوری و شکر و هشیاری است...

خداوند برای من و شما به واسطه‌ی قرآن و سنت برکت دهد و با آیات و حکمت آن سود رساند. این سخن را گفته و برای خود و شما از الله متعال آمرزش می‌خواهم.

خطبه‌ی دوم:

ستایش خداوندی را که با نعمت او نیکی‌ها به کمال می‌رسند و گواهی می‌دهم که معبودی به حق جز الله نیست که واحد و بی‌شریک است، شهادتی که زندگی و مرگمان بر آن است، و گواهی می‌دهم که محمد، بنده‌ی او و پیامبرش است. درود و سلام و برکات خداوند بر وی و بر اهل بیت و یارانش و کسانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند.

اما بعد: ای مومنان:

کارهای بزرگ با استغفار پایان می‌یابند و خوش به حال آنکه در نامه‌ی اعمالش استغفار بسیاری باشد. و کار نیک درختی است پاک که نیاز به حفاظت و آبیاری دارد تا آنکه رشد کند و ثمر دهد.

از جمله نشانه‌های قبول یک نیکی این است که نیکی دیگری در پی آن بیاید، زیرا کسی که خداوند او را پذیرفته و به خود نزدیک ساخته است بی‌شک وی را به سوی انجام کارهای نیک یاری می‌دهد و از بدی‌ها محافظت می‌کند.

پس بر حفظ عمل خود و محافظت از نفس خود کوشا باشید و میانه‌روی کنید و بشارت دهید و امیدوار باشید و بدانید که مدار قبول اعمال بر اخلاص و درستی آن است. خداوند شما را برندگان بهشت کند و درجات والای آن را نصیبتان سازد و از جمله کسانی بگرداند که ملائکه برایشان دعا می‌کنند، چنانکه خداوند متعال فرموده است:

﴿الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿٧﴾ رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ ءَابَائِهِمْ

وَأَرْوَاهُمْ وَذَرِيَّتَهُمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٨﴾ وَفِيهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِيَ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٩﴾ [المؤمن: ۷-۹].

«کسانی که عرش را حمل می‌کنند و آن‌ها که پیرامون آنند به سپاس پروردگارشان تسبیح می‌گویند و به او ایمان دارند و برای کسانی که ایمان آورده‌اند طلب آمرزش می‌کنند، پروردگارا رحمت و دانش [تو بر] هر چیز احاطه دارد کسانی را که توبه کرده و راه تو را دنبال کرده‌اند ببخش و آن‌ها را از عذاب آتش نگاه دار (۷) پروردگارا آنان را در باغ‌های جاوید که وعده‌شان داده‌ای با هرکه از پدران و همسران و فرزندان‌شان که به صلاح آمده‌اند داخل کن زیرا تو خود ارحمند و حکیمی (۸) و آنان را از بدی‌ها نگاه دار و هرکه را در آن روز از بدی‌ها حفظ کنی البته رحمتش کرده‌ای و این همان کامیابی بزرگ است».

سپس درود و سلام فرستید بر بهترین و پاک‌ترین انسان‌ها و بهترین پیامبران: محمد بن عبدالله که هر کس بر وی یک درود فرستد خداوند بر وی ده درود خواهد فرستاد. خداوند بر بنده و پیامبرت محمد، و بر اهل بیت پاک و صحابه‌ی نیک وی، و هر کس که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نماید درود و سلام و فزونی و برکت ارزانی دار. خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ارزانی دار، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت عطا کن و سرکشان و ملحدان و مفسدان را خوار و ذلیل گردان. خداوندا دینت و کتابت و سنت پیامبرت و بندگان مومنت را یاری ده.

خداوندا برای این امت امر رُشدی قرار ده که در آن اهل طاعت عزیز شوند و اهل معصیت هدایت شوند و در آن به معروف امر شود و از منکر باز داشته شود.

خداوندا هر کس را که برای اسلام و مسلمانان اراده‌ی بدی دارد به خودش مشغول گردان و نیرنگش را به خودش باز گردان و بدی را علیه خودش قرار ده.

خداوندا مجاهدان در راهت را یاری ده. خداوندا مجاهدین در راهت را در فلسطین و در سرزمین شام و در هر جای دیگر دنیا یاری ده.

خداوندا محاصره‌شان را در هم شکن و اوضاعشان را بهبود بخش و دشمنشان را نابود گردان.

خداوندا مسجد الاقصی را از ظلم ظالمان و تجاوزان اشغالگران آزاد گردان.
 خداوندا اوضاع مسلمانان را بهبود عطا کن. خداوندا اوضاع آنان را در سوریه و در فلسطین و در هر جای دیگر دنیا سامان بخش و آنان را بر حق و هدایت، متحد گردان.
 خداوندا جانشان را حفظ کن و ترسشان را از بین ببر و گرسنه‌شان را غذا ده و آبرو و ناموسشان را حفظ نما و قلبشان را محکم بدار و گام‌هایشان را استوار گردان و آنان را بر کسانی که در حقشان ستم و تجاوز روا داشته‌اند پیروز گردان. خداوند محاصره‌شان را در هم شکن ای حی و ای قیوم! ای دارای جلال و بزرگواری.

خداوندا مسئولان مسلمان را برای حاکم گرداندن شریعتت و پیروی از سنت پیامبرت محمد - صلی الله علیه وسلم - موفق گردان و آنان را رحمتی برای بندگان مومنت قرار ده.

خداوندا خیر و نیکی را بر این سرزمین و همه‌ی سرزمین‌های مسلمان بگستران و ما را از شر بدان و نیرنگ فاجران و آفات شب و روز دور نگه دار.

«پروردگارا ما را در دنیا و در آخرت نیکی عطا کن و از عذاب آتش حفظ نما»

[البقرة: ۲۰۱].

«پروردگارا گناهان ما و آن زیاده‌روی را که در حق خود روا داشتیم بیامرز و گام‌هایمان را استوار دار و ما را بر گروه کافران پیروز گردان» [آل عمران: ۱۴۷].

خداوندا گناهان ما را بیامرز و عیب‌هایمان را بپوشان و کارهایمان را آسان گردان و ما را به آن خواسته‌هایی که باعث خشنودی تو است برسان. پروردگارا ما و پدران و مادران ما و همسران و نسل‌های ما را مورد آمرزش خود قرار ده که همانا تو شنونده‌ی دعایی. خداوندا ما از تو خشنودی‌ات و بهشت را خواهانیم و از خشم تو و آتش جهنم به تو پناه می‌بریم.

خداوندا توی آن الله که معبودی به حق جز تو نیست. تو بی‌نیازی و ما نیازمندانیم، باران را بر ما نازل گردان و ما را از نومیدان قرار مده. خداوندا ما را باران عطا کن، خداوندا به فریاد ما رس، خداوند ما را بارانی گوارا و پی در پی و فراگیر و سودمند عطا کن و با آن سرزمین‌ها را زنده گردانی و بندگان را آب دهی.

خداوندا باران رحمت! خداوندا باران رحمت! خداوندا باران رحمت! نه باران عذاب و بلا و ویرانی و غرق. خداوندا ما را باران عطا کن ای زنده‌ی پایدار، ای دارای جلال و بزرگواری.

خداوندا حاجیان و معتمران را حفظ کن و آنان را سالم و با غنیمت به سرزمین‌هایشان باز گردان و از ما و همه‌ی مسلمانان بپذیر.

پروردگارا از ما بپذیر که همانا تو شنوا و دانایی و بر ما توبه پذیر که همانا تو بسیار توبه پذیر و مهربان.

پاک و بی‌عیب است پروردگار تو پروردگار عزت از آنچه به دروغ و صفش می‌کنند و سلام بر پیامبران و الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

اندیشه و تدبیر در آفرینش باها

خطیب: دکتر سعود الشریم

مسجد الحرام: جمعه ۲۴ ذی الحجه ۱۴۳۳ برابر با ۱۹ آبان ۱۳۹۱

خطبه‌ی اول:

ستایش مخصوص خداوندی است که در جلال خود با کمال زیبایی و بزرگی، یگانه است، او که در تصریف کارها به تفصیل و اجمال از روی تقدیر و تدبیر، یکتا است، او که با عظمت و بزرگی‌اش والا است و فرقان را بر بنده‌اش نازل نمود تا هشدار دهنده‌ای برای جهانیان باشد. و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و

بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد، بنده‌ی الله و پیامبر اوست که با معجزات تایید شده است و از سوی پروردگار با باد صبا یاری داده شده است. بهترین درودها و سلام‌ها بر وی و بر اهل بیت و همسران وی مادران مومنان و بر صحابه‌ی وی و کسانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند.

ای بندگان خداوند تقوای او را پیشه سازید و بدانید که بهترین سخن، کلام خداوند است و بهترین راه و روش، راه و روش محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - است و بدترین کارها، نوآوری در دین است و هر نوآوری در دین، بدعت است و هر بدعتی گمراهی است و به جماعت مسلمانان پایبند باشید که دست خداوند بر جماعت است.

﴿وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصَلِّهِ ۖ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿١١٥﴾﴾ [النساء: ۱۱۵].

«و هر کس پس از آنکه راه هدایت برای او آشکار شد با پیامبر به مخالفت برخیزد و [راهی] غیر راه مؤمنان در پیش گیرد وی را بدانچه روی خود را بدان سو کرده واگذاریم و به دوزخش کشانیم و چه بازگشت‌گاه بدی است.»
ای مردم:

سخنمان درباره‌ی نشانه‌ای از نشانه‌های خداوند در این جهان است؛ نشانه‌ای که زندگی انسان به آن وابسته است و باعث نشاط و تحرک و عزیمت است. نشانه‌ای که اگر انسان در آن تفکر کند ایمانش به پروردگار افزون شده و خواهد دانست که او آفریدگار و مالک هر چیز است و معبودی به حق جز او نیست.

آن، نشانه‌ای است در آسمان و زمین که خداوند در کتاب خود به آن قسم یاد کرده است و در بیست و نه موضع در کتاب خود از آن یاد کرده است. بدیهی است هر سوگندی که خداوند در کتاب خود یاد کرده است عظیم است:

﴿وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لِّوَتَّعْلَمُونَ عَظِيمٌ ﴿٧٦﴾﴾ [الواقعة: ۷۶].

«اگر بدانید آن سوگندی بس بزرگ است.»

چنانکه خداوند متعال می‌تواند به هر یک از مخلوقات و نشانه‌هایش که عبرت و اندرزی برای صاحبان خرد است، سوگند یاد کند که این نشانه‌ها از سوی دیگر حجتی علیه غافلان و عامل حسرت آنان است که با دیدن آن یادی از الله نمی‌کنند و در آن تدبیر نمی‌کنند و اینانند که خداوند متعال درباره‌شان فرموده است:

﴿وَكَايِنٍ مِّنْ آيَةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ ﴿۱۰۵﴾ وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ ﴿۱۰۶﴾﴾ [یوسف: ۱۰۵-۱۰۶].

«و چه بسیار نشانه‌ها در آسمان‌ها و زمین است که بر آن‌ها می‌گذرند در حالی که از آن‌ها روی برمی‌گردانند (۱۰۵) و بیشترشان به الله ایمان نمی‌آورند جز اینکه [با او چیزی را] شریک می‌گیرند».

آری، خداوند متعال چهار بار در کتاب خود به این نشانه قسم یاد کرده است. الله - سبحانه و تعالی - می‌فرماید:

﴿وَأَلْمَسَتْ عُرْفًا ﴿۱﴾ فَأَلْعَصَفَتْ عَصْفًا ﴿۲﴾ وَالنَّشْرَاتِ ذُشْرًا ﴿۳﴾﴾ [المرسلات: ۱-۳].

«سوگند به بادهایی که پی در پی فرستاده می‌شوند (۱) که سخت توفنده‌اند (۲) و سوگند به افشانندگان افشان‌گر».

و فرموده است:

﴿وَالذَّرِيَّتِ ذَرَوًا ﴿۱﴾﴾ [الذاریات: ۱].

«سوگند به بادهای ذره‌افشان».

بندگان خداوند؛ این نشانه‌ی خداوندی، «باد» است.

بادی که خداوند آن را هر طور که بخواهد می‌گرداند و مطیع خداوند است و در برابر وی فروتن است، چنانکه آسمان‌ها و زمین در برابر خداوند فروتن و ذلیلند:

﴿ثُمَّ أَسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا

طَائِعِينَ ﴿۱۱﴾﴾ [فصلت: ۱۱].

«سپس [خداوند] آهنگ آسمان کرد و آن بخاری بود پس به آن و به زمین فرمود خواه

یا ناخواه بیایید. آن دو گفتند: فرمان‌پذیر آمدیم».

خداوند متعال نیز گرداندن بادها را نشانه‌ای قرار داده است «برای کسانی که می‌اندیشند». بادی که ممکن است سرد یا گرم باشد، از سمت جنوب بوزد یا شرق و شمال. ابرها را پراکنده می‌کند و یکجا می‌سازد و متراکم می‌کند و دانه‌های باران را می‌بینی که از میان آن خارج می‌شود و باعث بارور شدن ابرها و گیاهان می‌شود و یکی از منابع تولید برق و حرکت آسیاب‌های بادی و کشتی‌های بادبانی است و در حرکت هواپیماها نیز تاثیر گذار است. همه‌ی این‌ها باد را از اینکه نشانه‌ای از نشانه‌های خداوند و عرصه‌ای برای اندیشه و نظر در ملکوت آسمان‌ها و زمین و آفریده‌های خداوند باشد، خارج نمی‌سازد.

اما عجیب آن است که اندیشه‌ی برخی از مسلمانان به درجه‌ای از سقوط عقلی و ذلت علمی رسیده که فریب برخی پژوهش‌ها و فرهنگ‌های غیر اسلامی را خورده‌اند که پدیده‌های این جهان و فاجعه‌هایی که رخ می‌دهد را تنها از نگاه مادی صیرف می‌بینند، هم از جنبه‌ی مصدر این حوادث و هم سبب آن و هم از نظر نحوه‌ی تعامل با آن. آن هم در زمانه‌ای که حتی برخی از غیر مسلمانان نیز از خلال پژوهش‌ها و اکتشافات خود در مورد این پدیده‌ها درک کرده‌اند که قضیه تنها مربوط به «طبیعت» نیست و بلکه این بادها دارای حکمت، و «حکیم» و «مدبری» دانا است.

و چه بسا از دانستن آن به شگفت آیند و حتی برخی از آنان به اسلام گرایش یابند، آنگاه که بدانند اسلام به این جانب پرداخته و از نگاه آن بادها در واقع آفریده‌ای از آفریده‌های عجیب خداوند در جهان باعظمتی هستند که او خلق کرده است.

درست در هنگامی که برخی گمان می‌کنند پس از تلاش و پژوهش و صرف وقت و عمر بسیار به این اکتشاف دست یافته‌اند که بادها خارج از این چهار حالت نیستند که یا ساکن و بی‌حرکتند یا آرام یا تند و یا ویرانگر؛ در این هنگام است که به اوج شگفت‌زدگی خواهند رسید اگر بدانند کتاب خداوند قبل از پانزده قرن به بیان این حالات باد پرداخته است. آن هم در میان امتی امی که نه می‌خواندند و نه می‌نوشتند. خداوند متعال درباره‌ی باد ساکن می‌فرماید:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ ﴿٣٢﴾ إِنَّ يَشَأُ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَالِيِ ظَهْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿٣٣﴾﴾ [الشوری: ۳۲-۳۳].

«و از نشانه‌های او کشتی‌های کوه‌آسا در دریاست (۳۲) اگر بخواهد باد را ساکن می‌گرداند و [کشتی‌ها] بر پشت [آب] متوقف می‌مانند قطعا در این [امر] برای هر شکیبای شکرگزاری نشانه‌هاست».

مفهوم این آیه از نظر عموم مفسرانی که کتاب خداوند را در دوران گذشته تفسیر کرده بودند این بود که منظور آن کشتی‌های بادبانی است که اگر هوا ساکن شود نخواهند توانست به حرکت در دریا ادامه دهند اما این اعجاز علمی قرآن است که ناگهان ما را چنین مبهوت خود می‌کند که در واقع از اکتشافات جدید پیشی گرفته است که اگر باد به طور کامل ساکن شود کشتی‌ها توانایی ادامه‌ی سفر را نخواهند داشت، نه کشتی‌های بادی و نه کشتی‌های بخاری و نه کشتی‌های گول‌پیکری که با نیروی هسته‌ای کار می‌کنند. زیرا همه‌ی منابع انرژی که در این کشتی‌ها استفاده می‌شوند برای به جلو راندن این کشتی‌ها به اکسیژن موجود در هوا نیازمندند و اگر باد از حرکت بایستد اکسیژنی نخواهد بود و در پی آن کشتی‌ها نیز از حرکت خواهند ایستاد.

همینطور در مورد هواپیماها و آسیاب‌های بادی و دیگر چیزها. اما درباره‌ی باد آرام و باد تند خداوند متعال چنین فرموده است:

﴿هُوَ الَّذِي يُسَبِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرَيْنَ بِهِم بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ...﴾ [یونس: ۲۲].

«او کسی است که شما را در خشکی و دریا می‌گرداند تا وقتی که در کشتی‌ها باشید و آن‌ها با بادی خوش آنان را ببرند و ایشان بدان شاد شوند [بناگاه] بادی سخت بر آن‌ها وزد و موج از هر طرف بر ایشان تازد و یقین کنند که در محاصره افتاده‌اند...» تا آخر آیه. آنجا که مرگ اوج می‌گیرد، بلندتر از کشتی‌ها، و با سرعتی بسیار به سوی غرق شدن... آنجا که باد آرام و خوش تبدیل می‌شود به بادی طوفانی...

اما باد ویرانگر که به آن گردباد می‌گویند و به شکل عمودی است و آن بادی است که باعث می‌شود موج‌های سهمگین به وجود آمده از آن کشتی‌ها را در هم بکشند و غرق کند. گردباد ممکن است آتشین یا بدون آتش باشد که بیشتر گردبادها اینگونه‌اند.

از جمله اکتشافات جدید علمی نزد پژوهشگران زمین‌شناسی و جغرافی این است که گردباد آتشین از آتش‌سوزی جنگل‌های انبوه شکل می‌گیرد و این بدیهی است که قرآن بر امتی نازل گردید که در محیطی بیشتر صحرايي زندگي می‌کردند که در آن جنگلي وجود نداشت اما با این حال خداوند متعال در همان زمان فرموده‌اند:

﴿أَيُّودٌ أَحَدَكُمُ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ﴿۳۳۶﴾ [البقرة: ۲۶۶].

«آیا کسی از شما دوست دارد که باغی از درختان خرما و انگور داشته باشد که از زیر آن‌ها نهرها روان است، و برای او در آن (باغ) از هر گونه میوه‌ای (فراهم) باشد، و در حالی که او را پیری رسیده و فرزندان خردسال دارد، (ناگهان) گردبادی آتشین بر آن (باغ) زند و (باغ یکسر) بسوزد؟ این گونه، الله آیات (خود) را برای شما روشن می‌گرداند، باشد که شما بیندیشید.»

این کتاب خداوند است که پانزده قرن پیش از آنان پیشی گرفته است. دینی که حق است و ارزشمند. دینی که «رنگ خدایی» است:

﴿وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ ﴿۱۳۸﴾ [البقرة: ۱۳۸].

«و کیست خوش‌نگارتر از الله و ما او را پرستندگانیم.»

اما بعد:

باد سربازی از سربازان خداوند است، رأفتی است برای مومنان و بشارتی است پیش از رحمت او. ابرهایی سنگین را به سوی سرزمینی مرده می‌برد تا با آن به انسان‌ها و جانوران بسیاری آب برساند و نعمتی باشد برای بندگان مومن خداوند؛ و همچنین لشکری از لشکریان پروردگار جهانیان است، آنگاه که خداوند آن را به سوی دشمن

مومنان می‌فرستد چنانکه از رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - روایت شده که فرمود: «به واسطه‌ی باد صبا یاری داده شدم» [به روایت مسلم] و باد صبا بادی است که از سوی شرق می‌وزد.

ممکن است باد عذابی باشد که خداوند به سوی هر گروه از بندگانش که اراده کند بفرستد زیرا او حکیم است و دانا، و خداوند عاد را با باد بدفرجام توفنده نابود ساخت:

﴿وَأَمَّا عَادُ فَاهْلَكُوهَا فِرْعَوْنُ يَرْجِيحُ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ ﴿٦﴾﴾ [الحاقة: ۶].

«اما عاد با بادی توفنده و سرکش نابود شدند».

و خداوند به واسطه‌ی آن احزاب را که علیه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - دست به یکی شده بودند نابود ساخت چنانکه درباره‌ی آنان فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ﴿٩﴾﴾ [الأحزاب: ۹].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید نعمت الله را بر خود به یاد آرید آنگاه که لشکریایی به سوی شما [در] آمدند پس بر سر آنان تندبادی و لشکریایی که آن‌ها را نمی‌دیدید فرستادیم و الله به آنچه می‌کنید همواره بیناست».

باد همچنین از نشانه‌های صدق پیامبری رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - است؛ جابر - رضی الله عنه - می‌گوید: رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - از سفری باز می‌گشت و هنگامی که به مدینه نزدیک شد بادی شدید وزیدن گرفت که نزدیک بود سواران را مدفون کند، پس رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «این باد برای مرگ یک منافق برانگیخته شده است» و هنگامی که به مدینه رسید باخبر شدیم که یکی از بزرگان منافقان مرده است [به روایت مسلم در صحیح].

پس ای بندگان خداوند تقوای او را پیشه سازید و در منت خداوند متعال بر بندگانش با فرستادن بادهای خوب، بیاندیشید چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيُذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٤٦﴾﴾ [الروم: ۴۶].

«و از نشانه‌های او این است که بادهای بشارت‌آور را می‌فرستد تا بخشی از رحمتش را به شما بچشانند و تا کشتی به فرمانش روان گردد و تا از فضل او [روزی] بجوید و امید که سپاسگزاری کنید».

یکی از سلف می‌گوید: «بادهای بشارت‌آور را می‌فرستد» که مردم را شاد کند «و شما را از رحمت خود بچشانند» یعنی: به واسطه بارانی که بادهای آن را با خود به همراه دارند «و تا کشتی به امر او به جریان افتد» یعنی کشتی‌هایی که به واسطه باد حرکت می‌کنند «و تا از فضل وی روزی بجوید» یعنی با تجارت در دریاها که بادهای کشتی‌های آن را به حرکت می‌اندازند «و امید که شکرگزار باشید» یعنی خداوند را برای نعمت بادهای شکر گوید.

﴿وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ ۗ حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقِنَهُ لِبَدَلٍ مِّمَّا فَوَّضْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأُخْرِجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ ۗ كَذَٰلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ لِعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ [الأعراف: ۵۷].

«و اوست که بادهای را پیشاپیش [باران] رحمتش مژده‌رسان می‌فرستد تا آن گاه که ابرهای گرانبار را بردارند آن را به سوی سرزمینی مرده برانیم و از آن باران فرود آوریم و از هر گونه میوه‌ای [از خاک] برآوریم. بدینسان مردگان را [نیز از قبرها] خارج می‌سازیم باشد که شما متذکر شوید».

خداوند برای من و شما در قرآن عظیم برکت نهد و با آیات و ذکر حکیم سود رساند. آنچه را گفتم اگر صحیح بود از سوی خداوند و اگر اشتباه بود از نفس بود و از شیطان، و از خداوند آموزش می‌خواهم که او بسیار آمرزنده است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش تنها از آن الله است، و درود و سلام بر پیامبر برگزیده‌اش و بر اهل بیت و یارانش و هرکه راه آنان را در پی گیرد.

اما بعد، ای مردم:

چه بزرگ است این دین و چه نیکو است و چه وسیع و فراگیر است که هیچ شری را فرو نگذاشته مگر آنکه در مورد آن هشدار داده است و هیچ خیری را رها نکرده مگر آنکه به آن راهنمایی نموده است. ابوذر - رضی الله عنه - می‌گوید: «رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - از دنیا نرفت مگر آنکه حتی درباره‌ی پرنده‌ای که در آسمان پرواز می‌کرد دانشی به ما عطا کرده بود» [به روایت امام احمد و ابن حبان].

یکی از مشرکان خطاب به سلمان فارسی - رضی الله عنه - گفت: پیامبران همه چیز به شما یاد داده است حتی آداب رفتن به دستشویی؟! وی گفت: «آری و ما را نهی کرده است که در این حال روبروی قبله قرار بگیریم» [به روایت مسلم در صحیح].

و در شریعت غرای ما درباره‌ی تعامل با باده‌ها نیز آدابی وارد شده است. از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - به سند صحیح روایت شده است که در هنگام وزیدن باد می‌فرمود:

یعنی: «خداوندا من از تو خیر آن و خیر آنچه در آن است و خیر آنچه برایش فرستاده شده است را خواهانم و از شر آن و شر آنچه در آن است و شر آنچه برایش فرستاده شده است به تو پناه می‌برم» [به روایت مسلم].

همچنین رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - ما را از توهین و بدگویی باد - به هر نحوی - نهی کرده است و بلکه چهره‌ی رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - در روزهایی که باد می‌وزید و آسمان ابری بود به شدت تغییر می‌کرد و می‌رفت و می‌آمد، و هنگامی که باران می‌بارید شاد می‌شد و به حالت عادی برمی‌گشت. ام المومنین عائشه - رضی الله عنها - می‌گوید: از او سبب را پرسیدم، فرمود: «ترسیدم که عذابی بر امت من مسلط شده باشد» [به روایت امام مسلم].

از دیگر روش‌های رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - این بود که موذن وی در شب‌های بارانی یا شب‌های سردی که باد می‌وزید چنین ندا می‌داد که: «در خانه‌هایتان نماز بگذارید».

همینطور اهل علم بر جواز جمع نمازها در هنگام وزیدن باد شدید و سرد فتوا داده‌اند و از ادرار کردن خلاف جهت باد نهی کرده‌اند تا لباس انسان نجس نشود.

این دین ما و شریعت ماست:

﴿رَبُّكُمْ الَّذِي يُرْجِي لَكُمْ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ﴿٦٦﴾ وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَاهًا فَلَمَّا نَجَّكُم إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا ﴿٦٧﴾ أَفَأَمِنْتُمْ أَنْ يُخَسِّفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ وَكِيلًا ﴿٦٨﴾ أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَى فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِّنَ الرِّيحِ فَيُغْرِقَكُم بِمَا كَفَرْتُمْ ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِ تَبِيعًا ﴿٦٩﴾﴾ [الإسراء: ٦٦-٦٩].

«پروردگار شما کسی است که کشتی را در دریا برای شما به حرکت در می‌آورد تا از فضل او برای خود بجوید چرا که او همواره به شما مهربان است (٦٦) و چون در دریا به شما صدمه‌ای برسد هر که را جز او می‌خوانید ناپدید [و فراموش] می‌گردد و چون [خدا] شما را به سوی خشکی رها کنید روی گردان می‌شوید و انسان همواره ناسپاس است (٦٧) مگر ایمن شدید از اینکه شما را در کنار خشکی در زمین فرو برد یا بر شما طوفانی از سنگریزه‌ها بفرستد سپس برای خود نگاهبانی نیابد (٦٨) یا [مگر] ایمن شدید از اینکه بار دیگر شما را در آن [دریا] باز گرداند و تندبادی شکننده بر شما بفرستد و به سزای آنکه کفر ورزیدید غرقتان کند آنگاه برای خود در برابر ما کسی را نیابد که آن را دنبال کند».

سپس بر بهترین انسان‌ها و پاک‌ترین آنان، محمد بن عبدالله، صاحب حوض و مقام شفاعت درود و سلام فرستید که خداوند شما را به کاری امر نموده که نخست خود آغاز کرده و سپس ملائکه‌اش آن را انجام داده و پس از آن شما مومنان را بدان امر کرده و فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴿٥٦﴾﴾ [الأحزاب: ٥٦].

خداوند بر بنده و پیامبر محمد درود و سلام و برکت ارزانی دار و از چهار خلیفه‌ی وی ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه‌ی پیامبر محمد - صلی الله علیه

وسلم - و از تابعین و کسانی که تا قیامت از آنان به نیکی پیروی کنند و همچنین از ما با عفو و بزرگواری خود راضی و خشنود باش ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار گردان. خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومنت را یاری ده.

خداوندا غم غم‌داران و سختی سختی دیدگان مسلمان را از بین ببر و وام‌داران را ادا کن و بیماران ما و دیگر بیماران مسلمان را شفا ده.

خداوندا برادران و خواهران مستضعف ما را در همه‌ی سرزمین‌ها یاری ده. خداوندا برادران مستضعف ما را در دیگر سرزمین‌ها یاری ده. خداوندا برادران و خواهران ما را در میانمار و سوریه یاری ده. خداوندا آنان را بر ستمگران و متجاوزان پیروز گردان، ای دارای جلال و بزرگوای.

خداوندا منزلت دشمنشان را پایین آور و کارش را به شکست منتهی کن و بر آنان خشکسالی‌ای به مانند خشکسالی یوسف مستولی گردان.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان ما را اصلاح نما و مسئولیت‌های ما را بر عهده‌ی کسانی قرار ده که تقوای تو را داشته و در پی خشنودی تو باشند.

خداوندا! تویی آن الله که معبودی به حق جز تو نیست. تو بی‌نیازی و ما نیازمندانیم، باران را بر ما نازل گردان و ما را از نومیدان مگردان، خداوندا باران را بر ما نازل گردان و ما را از نومیدان مگردان، خداوندا باران را بر ما فرو ریز و ما را از مایوسان مگردان، خداوندا خیر خود را به سبب شر ما از ما دریغ مدار، خداوندا ما آفریده‌ای از آفریدگان تو هستیم، پس به واسطه‌ی گناهانمان فضل خود را از ما دریغ مدار، ای دارای جلال و بزرگواری، ای پروردگار جهانیان.

«پروردگارا ما را در دنیا و در آخرت نیکی عطا و از عذاب آتش دور مدار»

پاک و منزّه است پروردگار ما، پروردگار عزت از آنچه به دروغ و صفش می‌کنند و سلام بر پیامبران و آخرین سخن اینکه: الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

امید و خوش‌بینی با آغاز سال نو

خطیب: دکتر عبدالرحمن سدیس

مسجدالحرام: جمعه ۲ محرم ۱۴۳۴ برابر با ۲۶ آبان ۱۳۹۱

خطبه‌ی اول:

حمد و سپاس تنها از آن الله است، او را ستایش گفته و از او یاری جسته و آمرزش می‌خواهیم و به سوی او باز می‌گردیم و او را با همه‌ی نیکی‌ها می‌ستاییم، پروردگارا ستایش تنها از آن تو است نه کسی دیگر، که همه‌ی آفریدگان نیازمند تواند. و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است، شهادتی که از آن اراده و همت می‌یابیم، و گواهی می‌دهم که پیامبر و سرور ما محمد، بنده‌ی الله و پیامبر اوست که به واسطه‌اش تاریکی‌های یأس و نومیدی را زدود؛ درود و سلام و برکات خداوند بر وی و بر اهل بیت پاک و یاران و تابعین و کسانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند.

اما بعد، ای بندگان خداوند:

بهترین توصیه در هر حال و در گذر روزها و سال‌ها، تقوای خداوند است، زیرا تقوای خداوند نور شب‌های ظلمانی است و دژی است در برابر فتنه‌ها، و شفای دردها و حوادث است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ

بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٨﴾ [الحشر: ۱۸].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تقوای الله را پیشه سازید و هر کس ببیند برای فردای خود چه پیش فرستاده است، و تقوای الله را پیشه سازید. همانا الله به آنچه می‌کنید آگاه است.»

در کشاکش فتنه‌های تاریک و چالش‌هایی که از هر سو امت را در بر گرفته‌اند، زمان، یک دور کامل زد و سالی دیگر ماموریت خود را به پایان رساند و رفت، و این سنت خداوند در جهانی است که آفریده؛ روزهایی که می‌روند و ماه‌هایی که می‌آیند و سال‌هایی که تکرار می‌شوند: «و در سنت الله هرگز تغییری نخواهی یافت» [الأحزاب: ۶۲].
ای مسلمانان:

اینک امت مسلمان یک سال هجری دیگر را وداع می‌گوید، سالی که گذشت و رفت و جز یادی از آن باقی نماند. با این سال خداحافظی کردیم همانطور که با روزهایمان وداع می‌گوییم؛ روزهایی که آن را طولانی نمی‌دانیم.

هم‌اکنون در آغاز این سال جدید - که خداوند آن را آغاز پیروزی و عزت و تمکین بگرداند - راهی نداریم جز خوش‌بینی و امید؛ زیرا با وجود آنکه امت اسلامی ما در گرو محنت‌ها و فاجعه‌ها و سختی‌ها است، با وجود آن که بدن این امت آکنده از زخم‌ها است و فرزندانش در هر سوی این جهان در رنج به سر می‌برند، خونشان بر زمین می‌ریزد و ظالمانه بدن‌هایشان تکه تکه می‌شود... با وجود آن شایسته نیست که به وادی یاس و نومیدی سرگردان شویم، زیرا که یأس شبی است بس تاریک، و برای همین است که خداوند ما را از آن نهی کرده و فرموده است:

﴿وَلَا تَأْسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَأْسُ مِنَ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ ﴿۸۷﴾

[یوسف: ۸۷].

«و از رحمت الله نومید نباشید، زیرا جز گروه کافران کسی از رحمت الله ناامید نمی‌شود.»

و فرموده است:

﴿وَمَنْ يَفْظُظْ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ ﴿۵۶﴾ [الحجر: ۵۶].

«به جز گمراهان چه کسی از رحمت پروردگارش ناامید می‌شود؟».

ای امت مسلمان:

در لحظه‌های یأس و نومیدی هیچ سلاحی کارا تر از شمشیر بُرنده‌ی امید و پناه آوردن به خوش‌بینی نیست زیرا که امید، سختی تلاش را آسان می‌کند و ناامیدی و دل‌زدگی را از بین می‌برد، و پس از ظلمات شب است که خورشیدِ روزی نو سر بر می‌آورد. با خوش‌بینی و امید است که روحیه‌ی عزیمت قوی شده و نیروی اعتماد به نفس و مبارزه‌طلبی برانگیخته می‌شود، که این نیروی نورانی از ویژگی‌های این شریعت ربانی و سیرت رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - است.

زندگی گرامی آن پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نمونه‌ای است عملی از پناه آوردن به خوش‌بینی و امید و بشارت در بدترین و سخت‌ترین بحران‌ها و حوادث، تا جایی که ایشان اصحاب خود را در شرایط سخت چنین بشارت می‌داد که: «بی‌شک کار این دین به همه‌ی جاهایی که شب و روز رسیده است، خواهد رسید، و خداوند هیچ شهر و روستایی را رها نخواهد کرد مگر آنکه این دین را به آن وارد خواهد ساخت. خواه با عزیز شدن عزت‌مندان یا با ذلیل شدن ذلیلان، عزتی که خداوند با آن اسلام را عزیز گرداند و ذلتی که خداوند با آن کفر را ذلیل سازد» [به روایت امام احمد در مُسند].

ای امت ایمان:

در این تاریکی سختی‌ها و رنج‌ها، مومنان منتظر نور پیروزی و مژده‌ی فرج‌اند و شرایطی که اکنون در آن به سر می‌بریم بهترین گواه و راست‌ترین برهان برای این امید است:

چه بسیار امت‌هایی که پس از ذلت و سرکوب، عزت یافتند و پس از رخوت برخاستند و پس از بردگی، سروری یافتند. هم اکنون ستمگران و سرکشان در سرزمین شام آخرین ساعات زندگی خود را به نظاره نشسته‌اند، هرچند در پس دژهای محکم خود پناه گرفته‌اند، اما بشارت که محاصره‌شان هر لحظه تنگ‌تر می‌شود و خبرهای خوش‌تر در راه است:

﴿ هَذَا وَإِنَّ لِلظَّالِمِينَ لَشَرَّ مَقَابٍ ﴾ [ص: ۵۵].

«این است [حال بهشتیان] اما برای سرکشان بد سرانجامی است».

برادران و خواهران ما در فلسطین مقاوم، در سرزمین اسیرِ اقصی! شما را بشارت پیروزی می‌دهم. گذرگاه‌ها باز شده‌اند و محاصره‌تان آسان‌تر شده است و همه‌ی این‌ها باعث خوش‌بینی و بشارت است و ما پس از این سختی‌ها امید‌گشایش، و پس از تنگنا امید آسانی داریم:

﴿ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ ﴾ [الحشر: ۲].

«گمان نمی‌کردید که بیرون روند و خودشان گمان داشتند که دژهایشان در برابر الله حافظ آن‌ها خواهد بود و [لی] الله از آنجایی که تصور نمی‌کردند بر آنان درآمد و ترس در دل‌هایشان افکند».

ما به اذن خداوند خوش‌بینیم که صبحِ مبینِ پیروزی در همه جای جهان بدمد، بر همه جا، پستی‌ها و بلندی‌ها، در شام، در فلسطین، در میانمار... پیروزی از آنِ اسلام است، حتی اگر لژیمن نخواهند و دست به ستم و ترور و جنایت بزنند!

این سنت خداوند در میان بندگانش است اما آنچه می‌بینید آزمایش است، آزمایش!

﴿ وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوَنَّكُمْ ﴾ [محمد: ۳۱].

«و البته شما را آزمایش خواهیم کرد تا مجاهدان و صابرانِ شما را باز شناسانیم و گزارش‌های [مربوط به] شما را رسیدگی کنیم».

ای امتِ پیروزیِ موعود!

همیشه این را به یاد داشته باشید که امید و خوش‌بینی باید همراه با پیش‌رفت و تغییر باشد، که این دو بهترین از بین برنده‌ی تنبلی و خستگی هستند، البته به همراه حفظ اصول و ثوابت که با حفظ این دو غایت به دست خواهد آمد.

پس این سال را با تلاش و کوشش و امید پیروزی و غنیمت آغاز نمایید که آرزوهای بزرگ با تنبلی و این روز به آن روز انداختن به دست نمی‌آیند...

عبدالله بن زبیر - رضی الله عنهما - می‌فرماید: «هر کس از خداوند چیزی بخواهد نومید نمی‌شود، پس سخنی که می‌گویید را با کارت‌ان تایید کنید زیرا کار، ملاکِ راستیِ سخن است».

و این را به یاد داشته باشید که زمان همانند نفس‌هایی است که دیگر بر نخواهد گشت حتی اگر سپاه‌یانی برای بازگرداندن آن فراهم شوند...

پس خدا را! خدا را! در محقق ساختن عقیده‌ی صحیح و توحید و پایبندی به سنت و جماعت و حاکم گرداندن شریعت و اهتمام به جوانان و کودکان و میانروی و اعتدال و استفاده‌ی مناسب از وسائل ارتباط در خدمت به اسلام کوشا باشید که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلْيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ [الحج: ۴۰].

«بی‌شک الله کسی که او را یاری می‌دهد، یاری می‌کند، همانا الله نیرومندِ شکست‌ناپذیر است».

خداوند برای من و شما در قرآن عظیم برکت نهد و با آیات آن و ذکر حکیم سود رساند. این سخن را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از خداوند بزرگ از هر گناهی آمرزش می‌خواهم، پس از او آمرزش خواهید که پروردگار من بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش خداوند را که تقدیرگر زمان‌ها و عمرها و به وجود آورنده‌ی جهان بی‌مثال است، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و دارای صفات کمال و جلال و جمال است که با سخن و نوشتار، هر چند بلیغ، نتوان وصفش نمود، و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده‌ی الله و پیامبر او، بهترین کسی است که پروردگار را عبادت نمود. درود و سلام همیشگی خداوند، سحرگاهان و

شامگاهان، بر وی و بر اهل بیت و یاران نیک وی و تابعین و کسانی باد که به نیکی و با سخن و کردار نیک از وی پیروی نمایند...

اما بعد، ای مومنان:

تقوای خداوند را آنگونه که شاسیته‌ی اوست پیشه کنید که تقوای او محکم‌ترین پیمان‌ها و توشه‌ی هنگام سختی‌ها است که به آن حقیقت‌ها آشکار می‌گردد.
برادران و خواهران ایمانی:

آغاز سال هجری جدید ما را به یاد دو حادثه‌ی بزرگ می‌اندازد؛ حوادثی که مجرای تاریخ را تغییر دادند و باعث پیروزی و تمکین و عزت پیامبران و مومنان گردیدند. حوادثی که امید را در قلب می‌رویاندند.

نخستین حادثه، روز عاشورا است. آن روز که خداوند موسی و قومش را نجات داد و برای همین در سنت نبوی فضیلت روزه‌ی این روز وارد شده است، چنانکه در حدیث ابوقتاده - رضی الله عنه - آمده که از رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - درباره‌ی روزه‌ی عاشورا پرسیدند؛ ایشان فرمودند: «از خداوند چنین گمان دارم که باعث پاک شدن گناهان سال پیش از آن باشد» [به روایت مسلم در صحیح].

و دومین حادثه، واقعه‌ی بزرگ هجرت نبوی است که نقطه‌ی تحولی در تاریخ همه‌ی انسان‌ها بود، برای همین عمر فاروق - رضی الله عنه - این حادثه را آغاز تاریخ اسلامی و تقویمی برای ثبت وقایع قرار داد.

پس ای بندگان خداوند، تقوای او را پیشه سازید و امید خیر و نیکی داشته باشید تا آن را به دست آورید و این سال را با محاسبه‌ای جدی و صادقانه و توبه‌ای نصوح آغاز نمایید و بر انجام کارهای نیک مداومت کنید و تا می‌توانید طاعات و اعمال نیک انجام دهید و در صحیفه‌ی اعمال این سالتان چیزی ثبت نمایید که باعث شادی و سرورتان در دنیا و آخرت شود:

﴿يَقَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَّعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ ﴿٣٩﴾﴾ [المؤمن: ٣٩].

«ای قوم من! همانا این زندگی دنیا کالایی بیش نیست و همانا آخرت است که سرای ماندگاری است».

و در پایان بر آن بشارت دهنده و هشدار دهنده، و آن چراغ روشنگر، درود و سلام فرستید، چنانکه خداوند شما را به آن امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

و رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «هر کس بر من یک درود فرستد، خداوند به واسطه‌ی آن بر وی ده درود خواهد فرستاد».

خداوندا از خلفای راشدین، ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه و مادران پاک مومنان، و از تابعین و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند و همچنین از ما به همراه آنان راضی و خشنود باش ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده و شرک و مشرکان را خوار گردان و دشمنان دین را نابود گردان و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امن و امان و رفاه بدار.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن دار و مسئولان ما را اصلاح نما. خداوندا همه‌ی مسئولان مسلمان را در راه حاکم گرداندن شریعت و پیروی از سنت پیامبرت - صلی الله علیه وسلم - موفق گردان. خداوندا آنان را عامل پیروزی بندگان مومنت بگردان ای زنده‌ی پایدار، ای دارای جلال و بزرگی.

ای حی و ای قیوم! ای حی و ای قیوم! از رحمتت یاری می‌جویم، ما را حتی برای یک چشم به هم زدن به خودمان وامگذار و همه‌ی کارهای ما را به صلاح آور.

خداوندا برادران ما را که در راه تو جهاد می‌کند در هر جا که هستند یاری ده، خداوندا آنان را در فلسطین یاری ده، خداوندا آنان را در فلسطین یاری ده، خداوندا آنان را در فلسطین بر صهیونیست‌های غاصب پیروز گردان. خداوندا مسجدالاقصی را نجات

ده، خداوندا مسجدالاقصی را نجات ده، خداوندا مسجدالاقصی را از تجاوز تجاوزگران نجات ده ای حی و ای قیوم، ای دارای جلال و بزرگواری.

خداوندا تو یار و یاور برادران و خواهران ما در سوریه باش. خداوندا جان آنان را حافظ باش، خداوندا جان آنان را حافظ باش، خداوندا یار و یاور برادران و خواهران ما در میانمار و دیگر سرزمین‌ها باش ای دارای جلال و بزرگواری، ای صاحب نعمت.

خداوندا ما از تو همه‌ی نیکی‌ها را خواهانیم، نیکی‌های زود و نیکی‌های آینده، آنچه می‌دانیم و آنچه را نمی‌دانیم، و از همه‌ی بدی‌ها، آنچه را می‌دانیم و آنچه را نمی‌دانیم، به تو پناه می‌بریم.

خداوندا غم‌داران و سختی‌سختی‌دیدگانِ مسلمان را از بین ببر و زیان و مصیبت را از زیان‌دیدگان بردار ای دارای جلال و بزرگواری.

«پروردگارا ما را در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و از عذاب آتش دور بدار»

[البقرة: ۲۰۱].

خداوندا، تویی آن الله که معبودی به حق جز تو نیست. تو بی‌نیازی و ما نیازمند. باران را بر ما نازل گردان و ما را از نومیدان مگردان. خداوندا ما را باران عطا کن، خداوندا ما را باران عطا کن، خداوندا ما را باران عطا کن. خداوندا ما بندگانی از بندگان تو هستیم، به سبب گناهانمان فضل خود را از ما دریغ مدار.

خداوندا ما از تو آمرزش می‌خواهیم که تو بسیار آمرزنده‌ای، پس باران را بر ما فرو ریزان.

پروردگارا از ما بپذیر که همانا تو شنوا و دانایی و بر ما توبه پذیر که تو بسیار توبه پذیر و مهربانی، و ما و پدران و مادران ما و همه‌ی مردان و زنان مسلمان - زندگان و مردگان - را بیامرزش که تو شنوا و نزدیک و اجابت‌کننده‌ی دعایی.

و آخرُ سخن اینک: الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه: داستان عاشورا

خطیب: دکتر اسامه خیاط

مسجدالحرام: جمعه ۹ محرم ۱۴۳۴ برابر با ۳ آذر ۱۳۹۱

خطبه‌ی اول:

ستایش مخصوص الله، نجات دهنده‌ی مومنان و نابودگر کافران است. او را ستایش می‌گویم که حمد او در هر لحظه واجب است، و گواهی می‌دهم که معبودی حقیقی نیست مگر الله که واحد و بی‌شریک است؛ شهادتی که با آن امید پیروزی در روز قیامت داریم، و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبران محمد، بنده‌ی الله و فرستاده‌ی او و خاتم پیامبران و امام متقیان و رحمت بر جهانیان است. خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یاران نیک او و بر تابعین و کسانی که تا قیامت از آنان پیروی نمایند درود و سلام فرست.

اما بعد، ای بندگان خداوند تقوای او را پیشه سازید و در هر حال او را مراقب خود بدانید و به یاد داشته باشید که به زودی به دیدار او خواهید رفت و در برابر او به حساب خواهید ایستاد:

﴿يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِّنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ﴾ [الإنفطار: ۱۹].

«روزی که هیچ‌کس برای کسی دیگر صاحب چیزی نیست و امر در آن روز به دست الله است.»

ای مسلمانان:

یادآوری روزه‌های جاودانه و توقف در برابر آن برای عبرت و برای یاد آوردن نعمت‌های خداوند و ترسیم راهی که باید در پیش گرفت، براساس آن، راه و روش خردمندان و توبه‌کنندگان و بندگان برگزیده‌ی خداوند است.

از جمله مهم‌ترین روزهای خداوندی که مسلمانان به استقبال آن می‌روند، روز عاشورا است. آن روز بزرگی که خداوند، اهل ایمان را از یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های خود و مؤثرترین آن آگاه می‌سازد و آن نعمت، نعمتِ نجاتِ موسی - علیه السلام - و مومنان همراه او و غرق ساختن فرعون و حزب وی و سربازان اوست:

﴿الَّذِينَ طَعَوْا فِي الْبَلَدِ ﴿١١﴾ فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ ﴿١٢﴾﴾ [الفجر: ۱۱-۱۲].

«آنان که در سرزمین‌ها طغیان نمودند (۱۱) و در آن فسادِ بسیار کردند».

آنگاه که در زمین بدون حق استکبار ورزیدند، قیامت را انکار کردند و فرعون در تکبر و سرکشی و زیاده‌روی به جایی رسید که خطاب به قومش گفت:

﴿مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي﴾ [القصص: ۳۸].

«جز خود معبودی برای شما نمی‌شناسم».

و گفت:

﴿أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَىٰ ﴿٢٤﴾﴾ [النازعات: ۲۴].

«من پروردگار والاتر شمایم».

خداوند متعال نیز خبر او را در کتاب خود آورد تا عبرتی باشد ابدی و پندی برای

همه‌ی زمانه‌ها:

﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي إِنَّكُمْ مُتَّبِعُونَ ﴿٥٦﴾ فَأَرْسَلْنَا فِرْعَوْنَ فِي الْمَدَائِنِ

حَشِيرِينَ ﴿٥٧﴾ إِنَّ هَؤُلَاءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ ﴿٥٨﴾ وَإِنَّهُمْ لَنَا لَغَائِظُونَ ﴿٥٩﴾ وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَادِرُونَ ﴿٦٠﴾

فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿٥٧﴾ وَكُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ﴿٥٨﴾ كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿٥٩﴾

فَاتَّبَعُوهُمْ مُشْرِقِينَ ﴿٦٠﴾ فَلَمَّا تَرَاءَ الْجَمْعَانِ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَىٰ إِنَّا لَمُدْرِكُونَ ﴿٦١﴾ قَالَ كَلَّا إِنَّ

مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ ﴿٦٢﴾ فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَأَنْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ

كَالطُّودِ الْعَظِيمِ ﴿٦٣﴾ وَأَزَلْفْنَا ثُمَّ الْآخِرِينَ ﴿٦٤﴾ وَأَنْجَيْنَا مُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ ﴿٦٥﴾ ثُمَّ أَغْرَقْنَا

الْآخِرِينَ ﴿٦٦﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً ﴿٦٧﴾ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٦٧﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

﴿الشعراء: ۵۲-۶۸﴾.

«و به موسی وحی کردیم که بندگان مرا شبانه حرکت ده زیرا شما مورد تعقیب قرار خواهید گرفت (۵۲) پس فرعون ماموران جمع‌آوری [خود را] به شهرها فرستاد (۵۳) [و گفت] این‌ها عده‌ای ناچیزند (۵۴) و به راستی آن‌ها ما را بر سر خشم آورده‌اند (۵۵) و [لی] ما همگی به حال آماده‌باش درآمده‌ایم (۵۶) سرانجام ما آنان را از باغستان‌ها و چشمه‌سارها (۵۷) و گنجینه‌ها و جایگاه‌های پر ناز و نعمت بیرون کردیم (۵۸) [اراده‌ی ما] چنین بود و آن [نعمت‌ها] را به بنی اسرائیل میراث دادیم (۵۹) پس هنگام برآمدن آفتاب آن‌ها را تعقیب کردند (۶۰) چون دو گروه همدیگر را دیدند یاران موسی گفتند ما قطعاً گرفتار خواهیم شد (۶۱) گفت چنین نیست زیرا پروردگارم با من است و به زودی مرا راهنمایی خواهد کرد (۶۲) پس به موسی وحی کردیم با عصای خود بر این دریا بزن تا از هم شکافت و هر پاره‌ای همچون کوهی بزرگ بود (۶۳) و دیگران را بدانجا نزدیک گردانیدیم (۶۴) و موسی و همه‌ی کسانی را که همراه او بودند نجات دادیم (۶۵) آنگاه دیگران را غرق کردیم (۶۶) مسلماً در این [واقعه] عبرتی بود و [لی] بیشترشان ایمان‌آورنده نبودند (۶۷) و قطعاً پروردگار تو همان شکست‌ناپذیر مهربان است».

امام حافظ، ابن کثیر درباره‌ی معنای این آیات عظیم چنین می‌گوید:

«هنگامی که مدت زمان ماندن موسی در سرزمین مصر به طول انجامید و همه‌ی براهین خداوندی را برای فرعون و درباریان‌ش اقامه نمود و آنان با این وجود همچنان به تکبر و عناد خود ادامه دادند، راهی جز عذابِ آنان باقی نماند، پس خداوند موسی - علیه السلام - را امر نمود که بنی اسرائیل را شبانه از مصر خارج سازد و آنان را به جایی که امر نموده است ببرد. موسی - علیه السلام - آنچه را خداوند به او امر نموده بود اجرا کرد و پس از آنکه از قوم فرعون زینت بسیاری به استعاره گرفتند با آنان از مصر خارج شد.

خروج آنان چنانکه بسیاری از مفسران گفته‌اند هنگام طلوع ماه بود و صبح، هنگامی که قوم فرعون از خواب بیدار شدند و کسی را در مجلس خود نیافتند فرعون خشمگین شد و از آنجایی که خداوند قصد نابودی او را داشت، کینه‌اش بر بنی اسرائیل شدت گرفت و کسانی را به سرعت در قلمرو خود فرستاد تا لشکریان را فراهم آورند و به آنان

گفت: بنی اسرائیل گروهی اندک‌اند و هر چند وقت کاری می‌کنند که باعث خشم ما می‌شود و برای همین نسبت به آنان در حال آماده باشیم و قصد نابودی آنان داریم. خداوند نیز براساس همان نیتی که در دل داشت با او و لشکریانش رفتار کرد. پس از زندگی پر ناز و نعمتی که در آن به سر می‌بردند بیرون آمدند و از آن خانه‌های باشکوه و باغ‌ها و رودها و مال و پادشاهی و مقام والای دنیا بیرون آمدند چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشْرِقَ الْأَرْضِ وَمَغْرِبَهَا الَّتِي بَرَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ ﴿۱۳۷﴾﴾ [الأعراف: ۱۳۷].

«و به آن گروهی که پیوسته تضعیف می‌شدند [بخش‌های] غرق و شرق سرزمین [فلسطین] را که در آن برکت قرار داده بودیم به میراث عطا کردیم و به پاس آنکه صبر کردند و وعده‌ی نیکوی پروردگارت به فرزندان اسرائیل تحقق یافت و آنچه را که فرعون و قومش ساخته و افراشته بودند ویران کردیم».

تنی چند از مفسران گفته‌اند: فرعون با همراهی محفلی بزرگ از صاحبان رای و امیران و وزیران و بزرگان و رؤسا و لشکریان خارج شد و هنگام طلوع خورشید به قوم موسی رسید. هنگامی که دو گروه همدیگر را دیدند یاران موسی گفتند: «بی‌شک گرفتار شدیم» [الشعراء: ۶۱] اما موسی در پاسخ آنان گفت: «هرگز! پروردگارم با من است و مرا راهنمایی خواهد کرد» [الشعراء: ۶۲] یعنی: هیچ زیانی که بیم آن دارید به شما نخواهد رسید، زیرا الله - سبحانه و تعالی - مرا امر نموده تا با شما از اینجا بگذرم و او خلاف وعده نمی‌کند.

هارون - علیه السلام - و همراه با وی یوشع بن نون و مؤمن آل فرعون و موسی - علیه السلام - در آخر گروه بودند.

بسیاری از مفسران می‌گویند: آنان در این حال ایستاده بودند و نمی‌دانستند باید چه کنند و یوشع بن نون یا مومن آل فرعون خطاب به موسی گفتند: ای پیامبر خدا! خداوند تو را امر نموده تا اینجا به راه خود ادامه دهی؟ و او گفت: آری.

فرعون و لشکریانش به آنان نزدیک شدند و جز اندکی کسی از لشکریانش باقی نماند که در این هنگام خداوند پیامبرش موسی را امر نمود تا با عصای خود به دریا بزند. او عصا را به دریا زد و گفت: به اذن خداوند از هم بشکاف «پس [دریا] از هم شکافت، پس هر پاره‌ی آن همانند کوهی بزرگ بود» [الشعراء: ۶۳].

ابن عباس - رضی الله عنهما - می‌گوید: دریا تبدیل به دوازده راه شد، برای هر سبط یک راه جداگانه، و خداوند باد را به قعر دریا وزاند به طوری که همانند سطح زمین خشک شد. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿فَأَضْرَبَ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَا تَخْلُفُ دَرَكًا وَلَا تَخْشَى ﴿٧٧﴾﴾ [طه: ۷۷].

«و راهی خشک در دریا برای آنان باز کن که نه از فرا رسیدن [دشمن] بترسی و نه [از غرق شدن] بیمناک باشی».

و همچنین درباره‌ی این داستان می‌فرماید:

﴿وَأَرْزَلْنَا ثَمَّ الْأَخْرِيْنَ ﴿٦٤﴾﴾ [الشعراء: ۶۴].

«و دیگران را بدانجا نزدیک گردانیدیم».

یعنی: آنگاه فرعون و لشکریانش را به دریا نزدیک ساختیم و دریا را به آن‌ها، سپس موسی و بنی‌اسرائیل و کسانی را که پیرو دین آنان شده بودند نجات دادیم که هیچ‌یک از آنان هلاک نشدند و فرعون و سربازانش را غرق نمودیم که هیچ‌یک از آنان باقی نماند مگر آنکه به هلاکت رسید».

بندگان خداوند:

در این واقعه نشانه‌ها و عبرت‌هایی است بسیار که در حصر نیاید و نتوان همه را بیان نمود، از جمله آنکه: تنها خداوند متعال است که بندگان را از سختی‌ها و مشکلاتی که

برای مومنان پیش می‌آید نجات می‌دهد، به ویژه پیامبران، چنانکه خداوند متعال فرموده است:

﴿ثُمَّ نُجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِّ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۳﴾﴾ [یونس: ۱۰۳].

«سپس فرستادگان خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند نجات می‌دهیم زیرا این حقی است بر ما که مؤمنان را نجات دهیم».

که این نشانه‌ای است آشکار برای این حقیقت که ایمان و اسلام سبب نجات از هر زیان و بدی در دنیا و راه به دست آوردن هر خیر و خوشی در آخرت است، البته اگر انسان به مقتضیات آن پایبندی نموده و به احکام آن عمل نماید که همه‌ی این‌ها نیازمند خالص گردان عبادت برای خداوند و پناه آوردن صادقانه به سوی او و توکل کامل بر وی و چنگ زدن به درگاه او با فروتنی و اصرار و توسل به وی است:

﴿فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ﴿۶۵﴾﴾ [المؤمن: ۶۵].

«پس او را در حالی که دین [خود] را برای وی خالص ساخته‌اید به فریاد خوانید».

همچنین سنت خداوند در نابود ساختن طاغوت و شکست سربازان آن، سنتی است تغییر ناپذیر؛ برای همین خداوند متعال در بیان عاقبت فرعون فرموده است:

﴿فَأَخَذْنَاهُ وَجُودَهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ فَاَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ ﴿۴۰﴾ وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى التَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ ﴿۴۱﴾ وَأَتَّبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ ﴿۴۲﴾﴾ [القصص: ۴۰-۴۲].

«تا او و سپاهیانش را فرو گرفتیم و آنان را در دریا افکندیم بنگر که فرجام کار ستمکاران چگونه بود (۴۰) و آنان را پیشوایانی که به سوی آتش می‌خوانند گردانیدیم و روز رستاخیز یاری نخواهند شد (۴۱) و در این دنیا لعنتی بدرقه‌ی [نام] آنان کردیم و روز قیامت [نیز] ایشان از [جمله‌ی] زشت‌رویاند».

اما برعکس آنان، کسانی که در زمین به استضعاف کشانده شده بودند و تحت شدیدترین آزارها و تجاوزها قرار داشتند و مصیبت‌هایی چنین بر آنان تحمیل گردید در

پایان خداوند عاقبتشان را به عزت و سروری و رهبری و تمکین و استخلاف در زمین منتهی ساخت، چنانکه می‌فرماید:

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ﴿٥﴾
وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُم مَّا كَانُوا يَحْذَرُونَ ﴿٦﴾﴾
[القصص: ۵-۶].

«و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارث [زمین] کنیم (۵) و در زمین قدرشان دهیم و [از طرفی] به فرعون و هامان و لشکریانشان آنچه را که از جانب آنان بیمناک بودند بنمایانیم».

و این همیشه عاقبت حق و اهل آن است، هر چه چهره‌ی حق غبارآلود شود و باطل آن را بپوشاند و بشارت محقق شدن این عاقبت برای مومنان مستضعف در غزه و دیگر بخش‌های فلسطین و در سوریه و میانمار نیز ان شاءالله در افق دیده می‌شود.

بشارت باد آنان را و بشارت باد آنان را:

﴿فِي بَضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدٍ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ ﴿٤﴾ بِنَصْرِ
اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٥﴾﴾ [الروم: ۴-۵].

«و آن روز است که مومنان شاد می‌شوند (۴) از یاری الله، که هر کس را بخواهد یاری می‌دهد و اوست آن شکست‌ناپذیرِ مهربان».

خداوند من و شما را با راه و روش کتاب خود و سنت پیامبرش - صلی الله علیه وسلم - سود رساند. این سخن را گفته و برای خود و شما و همه‌ی مسلمانان از هر گناهی آمرزش می‌خواهم که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

سپاس و ستایش تنها از آن الله است. او را حمد گفته و از او یاری جسته و آمرزش می‌خواهیم و از بدی‌های نفس خود و از بدی‌های عمل خود به او پناه می‌بریم. الله هر که

را هدایت کند او هیچ گمراه‌کننده‌ای نخواهد داشت و هرکه را گمراه سازد هیچ هدایت‌گری نخواهد یافت و گواهی می‌دهم که محمد بنده‌ی الله و پیامبر اوست. خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد، و بر اهل بیت و یاران او درود و سلام فرست.

اما بعد، ای بندگان خداوند:

رسول هدایت - که درود و سلام خداوند بر وی باد - برای شکرگزاری خداوند به سبب نجات موسی - علیه السلام - و مومنان همراه او و غرق شدن فرعون و سربازانش و به هدف محکم ساختن رابطه‌ی میان پیامبران - علیهم السلام - و بیان یکی بودن دین آنان با وجود تعدد شریعت‌هایشان، روزه‌ی این روز بزرگ را برای امت خود سنت قرار داده است.

شیخین، بخاری و مسلم در صحیح خود از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت کرده‌اند که هنگام آمدن رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - به مدینه، وی مشاهده نمود که یهودیان روز عاشورا را روزه می‌گیرند، پس فرمود: «این روزه چیست؟» گفتند: این روز خوبی است، این روزی است که خداوند بنی‌اسرائیل را از دشمنشان نجات داد، پس موسی آن را روزه گرفت. پیامبر خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «من از شما به موسی شایسته‌ترم» پس آن را روزه گرفت و امر به روزه‌ی آن نمود.

این لفظ حدیث بخاری است، در لفظ امام مسلم - رحمه الله - آمده است که یهودیان گفتند: این روزی است بزرگ که خداوند در آن موسی و قومش را نجات داد و فرعون و قومش را غرق نمود، پس موسی آن را روزه گرفت.

و در لفظی که طبرانی روایت کرده آمده است که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «ما از شما شایسته‌تر به پیروی از موسی هستیم».

و رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - همچنین خبر از بزرگی اجر روزه‌ی این روز داده و فرموده است: «در مورد روزه عاشورا چنین گمان دارم که باعث بخشیده شدن گناهان سال قبل از آن باشد» این حدیث را مسلم در صحیح خود از ابوقتاده‌ی انصاری - رضی الله عنه - روایت کرده است.

همچنین در مورد روزه‌ی عاشورا سنت است که یک روز پیش از آن روزه گرفته شود، چنانکه امام مسلم در صحیح خود از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت کرده است که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «اگر تا سال آینده زنده بمانم حتما روز نهم را روزه می‌گیرم».

اما آنچه نزد عالمان به حدیث ثابت است، این است که در مورد روز عاشورا و شب آن هیچ حدیثی درباره‌ی شادی یا خرج کردن برای خانواده روایت نشده است و همه‌ی احادیث در این مورد مردود است و جز روزه‌ی این روز و یک روز پیش از آن هیچ کار دیگری در این روز مستحب نیست.

بنابراین واجب است از همه‌ی بدعت‌های این روز دوری کرد، از جمله: زنده داشتن شب عاشورا و مخصوص گرداندن آن به ذکر و عبادت و دعایی خاص که دعای عاشورا نام دارد و این اعتقاد که هرکس آن را بخواند در آن سال نخواهد مرد! و خواندن سوره‌ای که در آن از موسی - علیه السلام - یاد شده است در نماز صبح روز عاشورا و جمع شدن در روز آن برای ذکر و دعا و یاد کردن شهادت حسین - رضی الله عنه - در آن روز بر منابر و این اعتقاد که بُخورِ روزِ عاشورا رُقیه‌ای است که باعث دفع سحر و حسد و جن زدگی و سختی‌ها خواهد شد و دیگر بدعت‌هایی که خدا و رسولش - صلوات الله وسلامه علیه - اجازه‌ی انجام آن را نداده‌اند و نه هیچ یک از صحابه به آن عمل نکرده‌اند. رسول هدایت، پیامبر خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - ما را از نوآوری در دین خدا نهی نموده و فرموده است: «هر کس در این کار ما (یعنی دین) چیزی جدید بیاورد که جزو آن نیست، کارش مردود است» یعنی از صاحبش پذیرفته نمی‌شود. این حدیث را بخاری و مسلم در صحیح خود از ام المومنین عائشه - رضی الله عنها - تخریج کرده‌اند. در لفظی دیگر که مسلم روایت کرده است آمده که رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: «هر کس [در دین] کاری انجام دهد که دستور ما بر انجام آن نیست، کارش مردود است».

پس ای بندگان خداوند تقوای او را پیشه سازید و با روزهی این روز بزرگ و پایبندی به سنت و پیروی از رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - برای به دست آوردن این فضیلت بزرگ حریص باشید و از بدعت‌هایی که خداوند اجازه‌ی آن را نداده است دوری کنید که هر خیری در پیروی از سلف صالح است و همه‌ی بدی‌ها از بدعت‌هایی است که خَلَف ایجاد کرده‌اند.

و همیشه به یاد داشته باشید که خداوند متعال شما را به درود و سلام بر بهترین انسان‌ها امر نموده و در راست‌ترین سخن‌ها و بهترین کلام، فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد درود و سلام فرست و از چهار جانشین وی: ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر اهل بیت و صحابه و تابعین و همه‌ی کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند و همچنین از ما به همراه آنان راضی و خشنود باش ای کریم‌ترین کریمان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت ده، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت عطا کن و حوزه‌ی دین را حفظ نما و دشمنان دین و دیگر طاغیان و مفسدان را نابود گردان و میان قلوب مسلمانان الفت ایجاد کن و صف‌شان را یکی گردان و رهبرانشان را اصلاح نما و کلمه‌شان را بر حق و حقیقت یکی گردان ای پروردگار جهانیان.

خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت محمد - صلی الله علیه وسلم - و بندگان مومن مجاهد صداقت را یاری ده.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان ما را اصلاح نما. خداوندا دین ما را که نگه‌دارنده‌ی امر ماست و دنیای ما را که زندگی‌گاه ماست و آخرت ما را که بازگشت‌گاه ماست اصلاح نما و زندگی را برای ما عامل افزونی نیکی‌ها و مرگ را عامل آسودگی از هر بدی قرار ده.

خداوندا عاقبت ما را در همه‌ی امور به خیر و نیکی بگردان و ما را از خواری دنیا و عذاب آخرت نجات ده.

خداوندا ما از زوال نعمت و برگشت عافیت و خشم ناگهانی‌ات و همه‌ی عوامل خشمت به تو پناه می‌بریم. خداوندا ما از تو همه نیکی‌هایی را خواهانیم که بنده و پیامبرت از تو مسألت داشته و به تو از هر بدی و شری پناه می‌بریم که بنده و پیامبرت محمد - صلی الله علیه وسلم - از آن به تو پناه آورده است. تو یاری رسانی و هیچ نیرو قدرتی نیست جز از سوی تو.

خداوندا مسلمانان را در سوریه و در غزه و در دیگر بخش‌های فلسطین و در میانمار و در همه جای دنیا یاری ده و حفظ نما. خداوندا آنان را بر دشمنانشان یاری ده، خداوندا جان آنان را محافظت نما، خداوندا جان آنان را محفوظ بدار، خداوندا جان آنان را محفوظ بدار. خداوندا مجروحان‌شان را شفا ده و برای کشته شدگان‌شان اجر شهادت نصیب گردان ای پروردگار جهانیان.

خداوندا بیماران ما را شفا ده و مردگان ما را بیامرز و ما را به آن آرزوهایی که باعث خشنودی توست برسان و کارنامه‌ی ما را با کارهای نیک خاتمه ده.

خداوندا ما را از شر دشمنانت و دشمنانمان محفوظ دار ای پروردگار جهانیان. خداوندا ما را آنگونه که خود می‌دانی از شر دشمنانمان و دشمنانت محفوظ دار. خداوندا ما از تو در برابر آنان یاری می‌خواهیم و از شر آنان به تو پناه می‌بریم.

«پروردگارا ما به خود ستم نمودیم و اگر تو ما را مورد مغفرت و رحمت خود قرار ندهی بی‌شک از زیانکاران خواهیم بود» [الأعراف: ۲۳].

«پروردگارا دل‌های ما را پس از آنکه هدایت‌مان نمودی دست‌خوش تغییر مگردان و ما را از جانب خودت رحمتی عطا کن. همانا این تویی که بخشنده‌ای» [آل عمران: ۸].

«پروردگارا ما را در دنیا نیکی عطا کن و در آخرت [نیز] نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش محفوظ بدار» [البقرة: ۲۰۱].

و درود و سلام خداوند بر بنده و پیامبرش محمد و بر اهل بیت و یاران وی،
والحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه: شایعه و تأثیر بد آن بر امت

خطیب: دکتر صالح بن حمید

مسجدالحرام: جمعه ۱۶ محرم ۱۴۳۴ برابر با ۱۰ آذر ۱۳۹۱

خطبه‌ی اول:

حمد و سپاس مخصوص خداوند است، ستایش مخصوص اوست که صاحب عزت و قهار است و دارای سلطان و قدرت آشکار است. ستایش می‌گویم که عظمت از آن اوست و سلطانش والا است. دانست، اما پوشاند و توانست، اما مغفرت نمود. او را سپاس و ستایش می‌گویم که نعمتش فراگیر است و منتش کامل، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است، شهادتی که به سوی خشنودی و بهشتش رهنمون است و گواهی می‌دهم که سرورمان محمد، بنده‌ی الله و پیامبر او و بهترین آفریدگان خداوند و هدایت‌یافته‌ترین آن‌ها و راهنماترین آنان به راه اوست. درود و سلام و برکات خداوند بر وی و بر اهل بیت و یارانش آن سروران و نیکان و بر تابعین و کسانی باد که در گذر شب و روز به نیکی از آنان پیروی نمایند.

اما بعد:

ای مردم شما و خود را به تقوای خداوند توصیه می‌کنم زیرا خردمند کسی است که خود را مورد محاکمه قرار دهد و برای پس از مرگ خود عمل نماید و ناتوان کسی است که در پی هوا و هوس خود بیفتد و [بدون آنکه عملی انجام دهد] از خداوند آرزوهای بی‌جا داشته باشد.

در گذر سال‌ها، عمرها نیز می‌گذرند و چه سریع است گذر شب و روز:

﴿فَوَرَبِّكَ لَنَسَعَلَنَّاهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٩٢﴾ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩٣﴾﴾ [الحجر: ۹۲-۹۳].

«قسم به پروردگارت که همه‌شان را درباره‌ی آنچه می‌کردند مورد پرسش قرار خواهیم داد».

خداوند من و شما را از جمله کسانی قرار دهد که عمری طولانی می‌کنند و عمل نیک انجام می‌دهند و گناهانشان آمرزیده شده و ترازوی اعمالشان سنگین است. از جمله حکمت‌هایی که شایسته است مورد توجه قرار گیرد و باعث محاسبه‌ی دقیق انسان توسط خودش شود این سخن رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - است که می‌فرماید: «برای گناهکار شدن انسان همین کافی است که هر چه را می‌شنود به زبان آورد» [به روایت امام مسلم از حدیث ابوهریره رضی الله عنه].
ای مسلمانان:

سخن و تصویر، تاثیر خود را دارند؛ از هر تریبونی که صادر شوند؛ در یک خطبه یا مقاله، در یک سخنرانی یا در یک توییت؛ از سوی یک خطیب یا سخنران یا نویسنده یا دعوتگر یا ستون‌نویس... و از هر رسانه‌ای که باشد.

آن هم در این زمانه با فناوری‌ها و ارتباطات آن، با وجود وبلاگ‌ها و شبکه‌های اجتماعی و سایت‌ها، با انواع رسانه‌ها و کانال‌ها؛ سخن و تصویر تاثیر خود را دارد، بنابراین وای بر حال آنانی که در نوشته‌های خود سهل‌انگارند! چه بسا سرانجام کارشان از دست رفتن جان و مال و وقت‌های بسیاری باشد!

ای جمع دوست‌داران.

سهل‌انگاری مردم به ویژه پسران و دختران جوان در پرحرفی‌های گروهی که به وسیله‌ی تلفن‌ها و دیگر دستگاه‌های هوشمند سازماندهی می‌شود، عواقب خطرناکی در پی دارد. آنان حتی در نشر اطلاعات از همدیگر گوی سبقت می‌ربایند، بی‌توجه به درست بودن یا دقیق بودن یا خطرناک بودن آن اطلاعات؛ خطری که متوجه دین و عقیده و سرزمین و هم‌وطنان‌شان و امنیت و استقرار کشورشان خواهد بود که در نتیجه باعث به وجود آمدن ناآرامی و اضطراب و ترس می‌شود.

هنگامی این خطر و ترس و عاقبت ناگوار شدیدتر خواهد بود که منبع این اخبار و شایعات و همینطور هدف و غرض سازندگان آن و مصداقیت آنان نامشخص باشد و «برای گناهکار شدن انسان همین کافی است که هر چه را می‌شنود نقل کند».

این تکنولوژی‌ها و سایت‌ها محیطی مناسب برای انتشار شایعات و اخبار ساختگی و آراء و نظرات غیر مسئولانه هستند، به ویژه آنکه بسیاری از کسانی که مشغول نقل این سخنان و تصاویر و اخبار خطرناک هستند در واقع گروهی بی‌کار و بی‌مسئولیت هستند که مشغولیتی به نفع دین و امت و سرزمین‌شان ندارند تا با آن اوقات خود را پر کنند. هر دنبال‌کننده‌ی خردمند - چه رسد به متخصص - می‌داند که آنان هیچ مسئولیتی بر عهده ندارند، یکی از آنان شاید بر صندلی خود تکیه داده و تبلت خود را در دست گرفته یا در مقابل کامپیوتر خود نشسته و همینطور بی‌هیچ ضابطه‌ای در حال پراکندن سخن است.

اما چه بسیار نوشته‌هایی در محیط نت که صاحب خود را به اندازه‌ی فاصله‌ی میان مغرب و مشرق به قعر آتش جهنم می‌اندازد!

سخنانی چون تیر که از دهانه‌ی تفنگی خارج می‌شود که صاحب خود را به کشتن می‌دهد، خانواده‌اش را نابود می‌کند و کشورش را به تباهی می‌کشانند و دشمنان را جریء می‌کند و رقیبان را قدرتمند می‌سازد و بذر تفرقه می‌کارد و در بوق فتنه می‌دمد. سرانگشتانش به یاری زبان آمده تا نظر دهد و بنویسد و ویران کند و تباهی به بار آورد. نوشته‌ها و تصاویر و فیلم‌هایی که جامعه‌اش را به مسخره می‌گیرد؛ گویا داوطلب شده تا چهره‌ی جامعه و مردمش را در برابر دیگران خراب کند و آن را با صدا و تصویر به ثبت رساند. انگار مزدور شده تا خودش را نابود کند و خانه‌اش را ویران سازد و هویتش را انکار نماید.

همین که خبری را بشنود به سرعت آن را در هر جایی که بتواند پراکنده می‌کند؛ آن را منتشر ساخته و فخر می‌فروشد که او برای اولین بار منتشرش ساخته است. سخن نیز در بخشی از ثانیه با لمس انگشت یا یک کلیک همه‌ی دیوارهای زمان و مکان را در نور دیده

و کران تا کران را می‌پیماید. اما حق این بود که او پیش از نوشتن مقاله یا ارسال توییت، نخست خودش را مورد محاسبه قرار می‌داد.

حقیقت کجا رفت؟ مصلحت کجا رفت؟ دین‌داری کجا رفت؟ و امانت‌داری کجا؟ اما آیا اینان با این کارشان دارند افق دید ما را وسیع می‌کنند یا در حال کندن چاهند؟ دارند می‌سازند یا در حال ویران کردن‌اند؟ در حال یکجا کردن امت‌اند یا در حال تفرقه انداختن‌اند؟ آیا آرزو می‌کارند یا جامعه را به سوی یأس و ناامیدی می‌کشانند؟ آیا در حال بالا بردن مقام و منزلت مردم و سرزمین خود هستند یا دارند خود را ذلیل می‌کنند و مردم خود را کم ارزش؟

آنچه این بیچارگان فریب‌خورده در چند لحظه به بار می‌آورند را شاید نتوان در عرض چند سال جبران نمود و چه بسا هزینه‌ی مالی و جانی در پی داشته باشد و یا شاید اصلاً علاجش به سادگی ممکن نباشد، **ولا حول و لا قوة إلا بالله!**
ای مسلمانان:

«برای گناهکار شدن انسان همین کافی است که هر چه را می‌شنود به زبان آورد» و «انسان همین‌طور راست می‌گوید و در پی سخن راست می‌رود تا آنکه نزد خداوند به عنوان صدیق نوشته می‌شود و انسانی دیگر همچنان دروغ می‌گوید و در پی دروغ می‌افتد تا آنکه نزد خداوند به عنوان کذاب شناخته می‌شود».

و پیامبر ما محمد - صلی الله علیه وسلم - چنانکه در حدیث صحیح از وی روایت شده است در بیان احوال آخرت که به چشم دیده است می‌فرماید که «مردی را دید که دروغی را به زبان می‌آورد و آن دروغ در زمین پراکنده می‌شود، پس دهان و بینی و چشمانش را تا پس گردنش با اره می‌برند» چه عذاب سختی است آن عذاب و چه زمانی است طولانی آن زمان!!

این یک قضیه است، اما قضیه‌ای دیگر نیز به آن مربوط است که بزرگ‌تر و خطرناک‌تر است و آن «امنیت اطلاعات» است، که در واقع امنیت دین و ثواب و اصول آن، و امنیت وطن و وحدت و یکپارچگی آن است.

این فناوری‌ها و وسایل و سایت‌ها باعث شده‌اند مسئولیت ما نیز بزرگ‌تر شود و مفهوم آزادی را نیز دقیق‌تر کرده است، زیرا انسان آزاد کسی است که بر نفس خود تسلط داشته باشد و آن را با ضوابط عقل و دین و علم، ضابطه‌مند سازد. آزادی یعنی رها شدن از قید و بند شهوت‌ها و زندان خواسته‌ها. آزاد کسی است که مسئولانه و با ساختار اندیشه می‌کند نه با ولنگاری.

این تکنولوژی‌ها کسانی را رسوا ساخت که تنها با حضور مراقب دست به ساختار شکنی نمی‌زدند، چه رسد به مراقبت دین و وجدان و اخلاق و مبادی. ایمان، دین صحیح است، و شهروندی، خردمندی است، و مسئولیت، امانت است و همینطور پایداری و تلاش در راه منافع عمومی و حرکت در مسیر خیر و هدایت، و دعوت به سوی آن.

ای خردمندان:

ویران کردن آسان است، و سقوط به ته دره نیازی به تلاش ندارد. نگاهی به برخی از کشورهای همجوار بیندازید که چگونه با انفجار بمب از خواب بیدار می‌شوند و با خمپاره‌هایی که خانه‌ها و فروشگاه‌ها و خانه‌های عبادت و دفاتر و گروه‌ها را هدف می‌گیرند به خواب می‌روند؟

آنکه نگاهی به برخی از قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی بیندازد که در جهت شعله‌ور ساختن درگیری‌های طائفه‌ای و قبیله‌ای و مذهبی و منطقه‌ای در منطقه‌ی ما در تلاشند، خواهد دید که هدف آنان شعله‌ور ساختن فتنه و سپس بهره‌برداری از آن است تا کشورها را تکه تکه کنند و ملت‌ها را پراکنده سازند و در پی آن غنیمت‌ها را میان خود تقسیم کنند، و صد در صد آنچه برایشان مهم نیست منافع ملت‌های منطقه است که در پی گرسنگی بمیرند یا آواره و پراکنده شوند یا گروه‌هایی متفرق و دشمن یکدیگر شوند. و خوشبخت خردمند کسی است که با دیدن حال دیگری پند گیرد.

پس شایسته است که مسلمان به هوش باشد تا وسیله‌ای برای تباهی و انتشار تفرقه و ترک یاری رساندن به دین و وطنش نشود.

به هیچ عنوان جایز نیست که وحدت کشورها و محافظت بر دین و امنیت آن تحت هیچ بهانه‌ای مورد سوء قصد قرار گیرد.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم:

﴿وَأَقْبُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَعَلَّمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿۲۵﴾
وَأَذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ
وَأَيَّدَكُم بِنَصْرِهِ وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿۲۶﴾﴾ [الأنفال: ۲۵-۲۶].

«و از فتنه‌ای بترسید که تنها به ستمگران شما نمی‌رسد و بدانید که الله سخت کیفر است (۲۵) و آن هنگام را به یاد آورید که گروهی اندک و در زمین مستضعف بودید و می‌ترسیدید که مردم شما را برابند، پس شما را پناه داد و با کمک خود یاری نمود و از پاکی‌ها شما را روزی داد، باشد که سپاس‌گزار باشید».

خطبه‌ی دوم:

ستایش از آن الله است، او که قلب اهل سعادت را با نور ایمان روشن ساخت و آنان مطیعانه روی به طاعت پروردگار آوردند. او را ستایش و سپاس می‌گویم که سپاس‌گزاران را وعده‌ی فزونی داده است، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله واحد بی‌شریک، شهادتی که بزرگ‌ترین شهادت‌ها است، و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده‌ی الله و پیامبر اوست که خداوند او را برگزید و سروری داد؛ درود و سلام و برکات خداوند بر وی و بر اهل بیت و یارانش باد که در ایمان خود صادق بودند و در عبادت خود نیکوکار، و بر تابعین و کسانی که به نیکی از آنان پیروی نمایند...
اما بعد، ای مسلمانان:

مطالبه‌ی حق، حق است، و نصیحت متقابل، امری است مشروع؛ مردم نیز دارای حقوق و خواسته‌های مشروع خود هستند و بدیهی است که هر گونه نقص و اشکال باید برطرف گردد و خواسته‌های مردمی باید به مسئولان برسد و باید از سوی آنان شنیده شود. نقد و اصلاح‌طلبی نیز حقی است مشروع، اگر از راه صحیح آن باشد.

حق انتقاد و بیان و ابراز عقیده، همه مشروع است و بر عهده‌ی مسئولان، و تا هنگامی که ملتزم به ثوابت و با حفظ اصول دین و وحدت کشور و مردم است، باید آزاد باشد. این قابل قبول است که منتقد و مصلح در سخنان خود کمی تندى داشته باشد، اما نیرو گرفتن از غریبه‌ها و برانگیختن دشمنی دشمنان و دروغ‌گویی و تلبیس و تدلیس به هیچ عنوان قابل پذیرش نیست.

در کشورهای ما نویسندگان و سخنرانان و منتقدانی هستند که با تمام شجاعت و نیرو و خردمندی مطالب خود را بیان می‌کنند و درخواست‌های خود را ارائه می‌دهند اما هرگز از ثوابت دینی و منافع عمومی نمی‌گذرند. ولایشان با مردمشان است و با هیچ‌کس بده بستان نمی‌کنند، و در هر صورت کار انسانی ناگزیر دارای نقص است، و کمال، دست نیافتنی است، و اجتهاد انسانی گاه به راه صحیح می‌رود و گاه خطا.

باید تفاوت میان آزادی اندیشه و بیان، و آشوب و تحریک و به دست گرفتن تیشه‌ی تخریب و تفرقه‌اندازی، مشخص باشد. تفاوت است میان انتقاد سازنده و دعوت به اصلاح، با کاشتن تخم فتنه‌های طائفه‌ای و قبیله‌ای و منطقه‌ای.

اصحاب حقوق و خواسته‌های مشروع، حق‌شان است که حرف‌شان شنیده شود و همه‌ی مؤسسات متخصص رسمی و غیر رسمی برای شنیدن خواسته‌های آنان به پا خیزند و هر حقی که ثابت شود باید بر حسب توانایی و امکانات برای انجام آن تلاش صورت گیرد و در غیر این صورت به نیکی پاسخ آن داده شود و حق درخواست برای مردم محترم داشته شود.

پس تقوای الله را پیشه سازید، زیرا خوشبخت آن است که با دیدن دیگران عبرت گیرد و حکیم آن است که در عواقب کار نظر کند.

و در پایان بر آن رحمت هدایتگر، و آن نعمت خداوندی، پیامبرتان محمد، رسول خداوند، درود و سلام فرستید که خداوند شما را به آن امر نموده و در آیات محکم تنزیلش فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد، آن محبوب برگزیده و بر اهل بیت پاک و همسرانش مادران مومنان درود و سلام و برکت ارزانی دار، و از چهار خلیفه‌ی راشدِ وی: ابوبکر و عمر و عثمان و علی، و از دیگر صحابه‌ی او و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند راضی و خشنود باش و از ما نیز به همراه آنان خشنود باش ای گرامی‌ترین گرامیان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت عطا کن، و شرک و مشرکان را خوار و ذلیل گردان و طاغیان و ملحدان و دیگر دشمنان دین و امت را شکست عطا کن. خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان ما را اصلاح نما و مسئولیت‌های ما را بر عهده‌ی کسانی قرار ده که تقوای تو را داشته و در پی خشنودی تو باشند.

خداوندا مسئولان مسلمان را در راه عمل به کتابت و سنت پیامبرت محمد - صلی الله علیه وسلم - موفق بگردان و آنان را رحمتی برای بندگان قرار ده و کلمه‌شان را بر حق و هدایت یکی گردان ای پروردگار جهانیان.

خداوندا برای این امت امر رُشدی قرار ده که در آن اهل طاعتت عزت یابند و اهل معصیت هدایت شوند و در آن به معروف امر شود و از منکر باز داشته شود، همانا تو بر هر کاری توانایی.

خداوندا برادران ما را در سوریه حفظ نما، خداوندا از برادران و خواهران ما در سوریه و در میانمار محافظت نما؛ جان‌شان را حفظ کن و بیماران‌شان را شفا ده و مردگان‌شان را بیمارز و آواره‌شان را سرپناه ده و کلمه‌شان را بر حق یکی گردان و اوضاع‌شان را بهبود ده و برای آنان از هر سختی و هر تنگنا و بلایی فرج و گشایش و عافیت عطا کن. خداوندا آنان را بر دشمنان و دشمنان‌شان یاری ده.

خداوندا ستمگران و طاغیان را در سوریه و در میانمار نابود گردان. خداوندا آنان سرکشی کردند و دست به تجاوز و آزار و فساد و تباهی زدند و در سرکشی زیاده‌روی کردند. خداوندا آنان را نابود گردان که یارای ناتوان ساختن تو را ندارند. خداوندا جمع‌شان را متفرق کن و دایره‌ی بلا را به سوی آنان بگردان، ای قوی و ای عزیز. پاک و منزّه است پروردگار تو، پروردگار عزت از آنچه به دروغ وصفش می‌کنند، و سلام بر پیامبران والحمدلله رب العالمین.

عنوان خطبه:

تاملی در معنای برکت

خطیب: دکتر صالح آل طالب

مسجدالحرام: جمعه ۲۳ محرم ۱۴۳۴ برابر با ۱۷ آذر ۱۳۹۱

خطبه‌ی اول:

ستایش مخصوص الله است که در ذات خود مبارک است و هر یک از آفریدگانش را که بخواهد مبارک می‌گرداند. ستایش از آن آن والای گرامی است که هیچ بشری نمی‌تواند قدر او را پاس دارد و حقش را ایفا کند و هیچ آفریده‌ای از بندگی او خارج نیست و هیچ انسانی نمی‌تواند از بخشش و روزی او بی‌نیاز شود. اوست که در این وجود ازلی است و قیام و سجده تنها از آن اوست؛ او را ستایش می‌گوییم که هیچ وجودی همانند وجود او نیست و هیچ جودی، شبیه جود او نیست، و عذاب او کافران را در حال غفلت فرا می‌گیرد... گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد، بنده‌ی الله و پیامبر اوست. درود و سلام و برکات خداوند بر وی و بر اهل بیت و یاران و تابعین و کسانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند.

اما بعد:

ای مردم؛ خود و شما را به تقوای خداوند سفارش می‌کنم که تقوا، توشه‌ی هنگام سختی‌ها و یاور هنگام مشکلات و انس و آرامش روح است و باعث صبر و اطمینان و برانگیزنده‌ی نیرو و یقین و معراج انسان به سوی آسمان. تقوا است که گام‌های انسان را هنگام لغزش استوار می‌دارد و قلب را هنگام فتنه‌ها محکم می‌دارد:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧١﴾﴾ [الأحزاب: ۷۰-۷۱].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را پیشه سازید و سخنی استوار گوید (۷۰) تا کارهایتان را برایتان به صلاح آرد و گناهانتان را برایتان بیامزد و هر کس از الله و پیامبرش اطاعت کند بی‌شک پیروزی بزرگی به دست آورده است.»
ای مسلمانان:

در سلام و علیکی که روزانه با هم داریم کلماتی هست که شایسته‌ی تامل است. کلماتی که هر روز میان هم رد و بدل می‌کنیم، و همین‌طور در نمازهایمان، که خیر دنیا و آخرت و سعادت حال و آینده را در خود جمع کرده که آن دعای به برکت است. مسلمان هنگامی که با برادر خود ملاقات می‌کند می‌گوید: السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته؛ اما آیا در معنای دعای به برکت فکر کرده‌ایم؟

همین‌طور در نمازهایمان می‌گوییم: «وَبَارِكْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَعَلٰی آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا بَارَكْتَ عَلٰی إِبْرَاهِیمَ...». یعنی: «خداوندا بر محمد و بر آل محمد برکت ارزانی دار چنانکه بر ابراهیم و بر آل ابراهیم برکت ارزانی داشتی...». و در دعای نماز شب سنت است که بگوییم: «وَبَارِكْ لِي فِيهَا أُعْطِيتَ» یعنی: «و در آنچه عطا کرده‌ای برایم برکت قرار ده» و هنگام تبریک ازدواج به عروس و داماد می‌گوییم: «بَارِكْ اللَّهُ لَكُمْ، وَبَارِكْ عَلَیْكُمْ» یعنی: «الله برای شما برکت عطا کند و بر شما برکت ارزانی دارد».

اما حقیقت این برکات چیست؟

اصل برکت در لغت به معنای ثبوت و دوام و پایداری است، که در اصطلاح به معنای رشد و فراوانی و افزونی خیر و نیکی است. گفته می‌شود: خداوند او را مبارک گرداند، یا:

در وی برکت اندازد، یا: بر وی برکت ارزانی دارد، یا برای وی برکت عطا کند. مبارک نیز کسی [یا چیزی است] است که خداوند آن را مبارک گردانده است، چنانکه خداوند متعال درباره‌ی قرآن می‌فرماید:

﴿وَهَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ﴾ [الأنبياء: ۵۰].

«و این [کتاب]، ذکری است مبارک که آن را فرو فرستادیم».

که این به سبب فراوانی خیر و سود و دیگر انواع برکاتی است که در قرآن است. برکت‌ها همه از سوی خداوند است، زیرا تنها پروردگار متعال است که منبع برکت است و هر چه به وی منسوب شود مبارک است؛ پیامبرش با برکت است و بنده‌ی مومنش که برای آفریده‌های خداوند سودمند است، مبارک است؛ خانه‌ی حرامش مبارک است، و سرزمین مبارک شام که سرزمین برکت است و در آیات کتابش آن را مبارک خوانده و مسجد الاقصی و سرزمین‌های اطراف آن را مبارک گردانده است.

و تنها در حق خداوند متعال است که می‌گوییم: تَبَارَكَ یعنی والا است و مقام بلند دارد و مقدس است و با مجد و عظمت است، و در حق هیچکس دیگری جز الله متعال تَبَارَكَ گفته نمی‌شود. وی در ذات خود مبارک است و هر کس از بندگانش را که بخواهد مبارک می‌گرداند، چنانکه در حق خداوند گفته می‌شود: تَعَاظَمَ وَ تَعَالَى: یعنی عظیم است و والا است که این دلیلی است بر عظمت او و فراوانی خیری که از سوی او روان است و به سبب آنکه همه‌ی صفات کمال در وی یکجا جمع شده است و هر سود و خیری که در این جهان است حاصل سود و احسان اوست زیرا او دارای عظمت و جلال است و والا مقام است.

برای همین خداوند متعال سخن خود را و ذکر عظمت و کبریایش را با آن آغاز می‌کند. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾ [الفرقان: ۱].

«مبارک است کسی که بر بنده‌ی خود فرقان را نازل فرمود تا برای جهانیان هشدار

دهنده‌ای باشد».

و می‌فرماید:

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ۚ يُعْذِبُ اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ ۗ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ ۗ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٥٤﴾﴾ [الأعراف: ٥٤].

«در حقیقت پروردگار شما آن الله است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید سپس بر عرش قرار گرفت؛ روز را به شب که شتابان آن را می‌طلبد می‌پوشاند و [نیز] خورشید و ماه و ستارگان را که به فرمان او رام شده‌اند [پدید آورد] آگاه باش که آفرینش و امر از آن اوست مبارک است الله پروردگار جهانیان».

همچنین ممکن است خداوند برخی از بندگانش را مبارک گرداند و سودشان را زیاد و اثرشان را بزرگ گرداند به طوری که اسباب خیر و نیکی در آنان جمع شده و مردم از آنان سود بَرند، چنانکه عیسی بن مریم می‌فرماید:

﴿وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ﴾ [مریم: ٣١].

«و مرا هر جا که باشم مبارک گرداند».

برکت، فضل خداوندی است که از جایی که انسان احساسش را نمی‌کند و انتظارش را ندارد، نصیب وی می‌شود، برای همین هر گاه چیزی به طور نا محسوس افزونی یابد می‌گوییم: با برکت است یا در آن برکت افتاده است.

برکت هدیه‌ای است از سوی خداوند، بالاتر از اسباب مادی‌ای که انسان‌ها با آن سر و کار دارند. هر گاه خداوند در عمر کسی برکت اندازد عمر وی را در طاعت پروردگار زیاد می‌کند یا آنکه در آن خیر بسیاری را قرار می‌دهد و اگر در سلامتی برکت اندازد آن را برای انسان حفظ می‌کند و اگر در مال کسی برکت قرار دهد آن را رشد داده و زیاد می‌کند و مثمر و سودمند می‌گرداند و صاحبش را در جهت صرف آن در کارهای خیر و طاعت موفق می‌گرداند و اگر در فرزندان برکت اندازد آنان را نسبت به پدر و مادرشان نیک می‌گرداند و هدایتشان می‌کند و به صلاحشان می‌آورد و اگر در همسر برکت اندازد

وی را چشم‌روشنی شوهرش قرار می‌دهد که اگر در وی نظر اندازد شاد شود و در عدم حضورش حفظش می‌کند.

اگر خداوند در کاری برکت نهد اثر آن را طولانی می‌گرداند و نفع و نیکی‌اش را بزرگ می‌سازد و خداوندی هیچ برکتی را در عملی قرار نداده که بزرگ‌تر از اخلاص برای خداوند و پیروی از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - باشد.

ابن قیم - رحمه الله - می‌فرماید: «هر چیزی که برای الله نباشد برکت از آن برداشته می‌شود زیرا تنها الله متعال است که مبارک است و برکت‌ها همه از سوی اوست».

و در اثر قدسی وارد شده است که پروردگار متعال می‌فرماید: «من اگر اطاعت شوم خشنود می‌گردم و هر گاه خشنود شوم برکت می‌نهم، و برای برکت من پایانی نیست» [این روایت را امام احمد در کتاب زهد با سندی صحیح تا وهب بن مُنبه تخریج کرده است].

چه بسیار پیش آمده که مردم برکت خداوندی را در چیزهای مختلف یا اوقات گوناگون و در سخنان و کارها و اشخاص به چشم دیده‌اند؛ دیده‌اند که کم بسیار شده و سود فراگیر گردیده و خیر و نیکی همه‌گیر شده و خشنودی حاصل گردیده و دل‌ها خوش شده‌اند.

در سیرت بزرگان نیز برکات‌ها بسیاری روایت شده است که پند و اندرز است برای ما، در حالی که آنان نیز بشری بودند همانند ما، اما خداوند در کارها و عمرشان برکت نهاد. شریف‌ترین بندگان، محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - نیز روزش روزی مبارک بود و سودش همه‌گیر و برکتش پی در پی که همچنان تا هنگامی که خداوند زمین و هر که در آن است را به ارث برد ادامه دارد، با وجود آنکه دعوتش تنها بیست و سه سال بود.

خلافت ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - نیز تنها دو سال و چند ماه بود اما با این وجود در همین مدت کارهایی انجام داد که برای انجام آن نیاز به سال‌ها زمان بود.

در زمینه‌ی علم نیز درباره‌ی علما چیزهای عجیبی خواهی شنید؛ امام شافعی در حالی وفات یافت که تنها پنجاه و چهار سال داشت و طبری و نووی و ابن تیمیه را بین که چه میراث گرانبهایی از علم و تالیفات و کتاب‌ها به جای گذاشته‌اند که عمرها برای نوشتن آن کافی نیست و مردان بسیاری قادر به انجام آن نیستند، و این نیست مگر به سبب یاری خداوند و برکتی که در وقت و کارشان قرار داده بود.

اما درباره‌ی برکت در زندگی مردم؛ روزی کم هم برایشان کافی بود و روزی هر روز، همان روز نصیبشان می‌شد و گاه تنها یک خانه ماوای چند خانواده بود؛ غذای یک نفر برای دو نفر کافی بود؛ در سایه‌ی قناعت زندگی می‌کردند، خشنود بودند و خوشبخت.

ولی امروزه مردم در چه حالی هستند؟ روزی‌شان تنگ شده یا درون‌شان؟ وقت‌شان کم است یا همت‌شان؟

چنان اسباب آسایش و رفاه بر مردم گشوده شده که برای گذشتگان مهیا نبود و گنج‌های زمین به روی آنان باز شد و اموال و بازرگانی‌ها فراوان گردید و به واسطه‌ی اختراعات و اکتشافات و صنایع، راه‌های کسب درآمد نیز زیاد شد، اما آیا فقر مردم کم شد؟ و آیا جز بدبختی و سختی چیزی به دست آوردند؟

شکایت از فقر و نداری و تنگی زندگی و کمبود وقت و ترس از آینده بر مردم غالب شده است، هرچند همه‌ی اسباب رفاه در اختیار است؛ بنابراین اشکال کار کجاست؟! مشکل، از بین رفتن برکت است.

و چه زیبا گفته‌اند که «برکت به سبب فراوانی نیست، بلکه فراوانی به سبب بودن برکت است».

و از ابوهریره - رضی الله عنه - از رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - روایت است که فرمود: «خشکسالی این نیست که باران بر شما نیارد، بلکه خشکسالی این است که باران ببارد و ببارد، اما برای شما در آن برکت نهاده نشود» [به روایت مسلم].

و در کتاب پروردگار چنین آمده است که:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ [الأعراف: ۹۶].

«و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند قطعا برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم ولی تکذیب کردند پس به [کیفر] دستاوردها [گریبان] آنان را گرفتیم».

ایمان و تقوا و کار نیک، سبب برکت و روزی و آرامش و خشنودی‌اند:

﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا﴾ [طه: ۱۲۴].

«و هر که از یاد من روی گردانی کند برای او زندگی تنگی خواهد بود».

از سوی دیگر روی گرداندن از خداوند، سبب اصلی بدبختی و نکستی است که افراد و جوامع از آن رنج می‌برند.

آیا در اسباب ناآرامی‌هایی که بزرگ‌ترین قدرت‌های اقتصادی با وجود همه‌ی دانش و تدبیر خدا دادی که از آن بهره‌مند هستند، رنج می‌برند، اندیشیده‌ایم؟! آیا درباره‌ی غلبه‌ی ترس و ناامنی در بزرگ‌ترین و قدرتمندترین کشورهای جهان فکر کرده‌ایم؟! آیا به این اندیشیده‌ایم که چرا با وجود قوانین بسیار و پیمان‌نامه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، جنگ‌ها و کشتارها و بحران‌ها وسیع‌تر شده‌اند؟

آنکه در حقیقت جهان را اداره می‌کند خداوند متعال است، و کارها به پیش نمی‌روند مگر براساس سنت‌ها و قوانین وی، و بر همین اساس، هیچ رفاه و خوشبختی و سعادت‌ی رخ نمی‌دهد مگر براساس توصیه‌های وی، و اوست که فرموده است:

﴿يَمْحُكُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرِي الصَّدَقَاتِ﴾ [البقرة: ۲۷۶].

«الله از (برکت) ربا می‌کاهد، و بر صدقات می‌افزاید».

و اوست که می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُم بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُّهْتَدُونَ﴾

[الأنعام: ۸۲].

«کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را به شرک نیالوده‌اند امنیت از آن آنان است و ایشان هدایت یافتگانند».

و می‌فرماید:

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩٧﴾﴾ [النحل: ۹۷].

«هرکس از مرد یا زن کار شایسته کند و مؤمن باشد قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای حیات [حقیقی] بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد». ایمان و تقوا و کار نیک سبب به دست آمدن برکت و خوشبختی و خشنودی‌اند، اما در مقابل، گناهان و معاصی باعث از بین رفتن برکت و ناخوشی زندگی و تنگی روزی هستند:

﴿وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ﴿١١٢﴾﴾ [النحل: ۱۱۲].

«و الله شهری را مثل زده است که امن و امان بود [و] روزی‌اش از هر سو فراوان می‌رسید پس [ساکانانش] نعمت‌های الله را ناسپاسی کردند و الله هم به سزای آنچه انجام می‌دادند طعم گرسنگی و ترس را به [مردم] آن چشانید».

گرسنگی و ترس، شبحی است که همه‌ی موجودات زنده از آن در هراسند. گناهان و معاصی آثاری دارند که حتی به ذهن انسان خطور نمی‌کند. در حدیثی که بخاری در ادب المفرد تخریج نموده، آمده است که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: «میان دو دوست جدایی نمی‌افتد مگر به سبب گناهی که یکی از آنها مرتکب می‌شود».

همینطور شایسته است به تکرار تقوا و آثار آن در زندگی زناشویی، در سوره‌ی طلاق، دقت کنیم. خداوند متعال سپس در همین سوره می‌فرماید:

﴿وَكَايْنٍ مِّن قَرِيَةٍ عَتَتْ عَن أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسَبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَدَّبْنَاهَا
عَذَابًا نُكْرًا ﴿٨﴾ فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عِقَبُهُ أَمْرَهَا حُسرًا ﴿٩﴾ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا
فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ ﴿الطلاق: ٨-١٠﴾﴾

«و چه بسیار شهرها که از فرمان پروردگار خود و پیامبرانش سر پیچیدند و از آن‌ها حسابی سخت کشیدیم و آنان را به عذابی [بس] زشت عذاب کردیم (۸) تا کیفر زشت عمل خود را چشیدند و پایان کارشان زیان بود (۹) الله برای آنان عذابی سخت آماده کرده است پس ای خردمندان از الله پروا دارید».

این‌ها همه یک قانونند که بر خانه‌ها و افراد جاری است همانطور که بر ملت‌ها و شهرها...

حکیم به حِزام - رضی الله عنه - از رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - روایت کرده است که ایشان فرمودند: «خریدار و فروشنده تا وقتی که از هم جدا نشده‌اند اختیار لغو معامله را دارند، حال اگر راستی پیشه کردند و آشکار و شفاف عمل نمودند برای آن‌ها در فروششان برکت خواهد افتاد و اگر دروغ گفتند و کتمان کردند برکت معامله‌شان از بین می‌رود» [به روایت امام مسلم].

و در حدیثی که ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت کرده است رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - اصول گناهانی که از بین برنده‌ی برکت و جلب‌کننده‌ی فقر و بلا و تنگنا هستند را ذکر نموده است؛ این گناهان عبارتند از: فحشا، خیانت در پیمان‌ها و ترازو، منع زکات، زیر پا گذاشتن پیمان‌ها و خیانت در امانت و حاکم گرداندن غیر شریعت خداوند.

آیا بازرگانان و خریداران این حقیقت را درک خواهند کرد؟! آیا کسانی که از فریب‌کاری و رشوه‌گیری و پیمان‌شکنی و بازی با قراردادهای هیچ ابایی ندارند این را خواهند دانست؟! آیا دعوت‌گران به رذیلت و بی‌بند و باری که اقدام به نشر فحشا در میان مومنان می‌کنند این حقیقت را خواهند فهمید؟!

راست فرمود خداوند متعال که:

﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ﴾ [الشوری: ۳۰].

«و هر مصیبتی به شما برسد به سبب دستاورد خود شماست و [الله] از بسیاری درمی‌گذرد».

﴿أَوَلَمَّا أَصَبْتُمْ مُمْصِيْبَةً قَدْ أَصَبْتُمْ مِّثْلِيْهَا قُلْتُمْ أَلَنِي هَذَا قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ﴾

[آل عمران: ۱۶۵].

«آیا چون به شما [در نبرد احد] مصیبتی رسید [با آنکه در نبرد بدر] دو برابرش را [به دشمنان خود] رساندید گفتید این [مصیبت] از کجا [به ما رسید]؟ بگو آن از خود شما است».

همیشه پایبند به تقوا و کار نیک باشید و تاثیر آن را در سلامتی بدنی و آرامش روحی و رفاه زندگی و خوشختی خود ببینید. از خداوند برکت بخواهید و اسباب آن را رعایت کنید:

﴿وَاطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ [آل عمران: ۱۳۲].

«و از الله و پیامبر اطاعت نمایید امید است که مورد رحمت قرار گیرید».

خداوندا برای ما در قرآن عظیم برکت نه و ما را به راه راست خود هدایت کن. این سخن را گفته و از خداوند متعال برای خود و شما آمرزش می‌خواهم.

خطبه‌ی دوم:

ستایش مخصوص الله پروردگار جهانیان است، او که رحمان است و رحیم و مالک روز جزا است، و گواهی می‌یهم که معبودی به حق نیست جز الله آن پادشاه آشکار به حق، و گواهی می‌دهم که محمد، بنده‌ی الله و پیامبر صادق و امین اوست. درود و سلام و برکات خداوند بر وی و بر اهل بیت و همه‌ی یاران وی باد.

اما بعد، ای بندگان خداوند:

در صحیحین، بخاری و مسلم از عبدالرحمن بن ابی لیلی

را از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - شنیده‌ام؟ گفتم: آری. گفت: از رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - پرسیدیم که درود بر شما اهل بیت چگونه است؟ زیرا خداوند به ما یاد داده است که چگونه سلام بفرستیم. فرمود: «بگوئید: اللهم صلِّ على محمدٍ وعلى آل محمدٍ، كما صليتَ على إبراهيم وعلى آل إبراهيم، إنك حميدٌ مجيدٌ، اللهم بارِكْ على محمدٍ وعلى آل محمدٍ، كما باركتَ على إبراهيم وعلى آل إبراهيم، إنك حميدٌ مجيدٌ» (خداوندا بر محمد و بر آل محمد درود بفرست چنانکه بر ابراهیم و بر آل ابراهیم درود فرستادی که همانا تو ستوده شده و با عظمتی، خداوندا بر محمد و بر آل محمد برکت ارزانی دار چنانکه بر ابراهیم و بر آل ابراهیم برکت ارزانی داشتی، همانا تو ستوده شده و با مجد و عظمتی).

این دعا در حق پیامبر - صلی الله علیه وسلم - که «خداوندا بر محمد و بر آل محمد برکت ارزانی دار چنانکه بر ابراهیم و بر آل ابراهیم برکت ارزانی داشتی» متضمن این است که خداوند هر خیری را که به آل ابراهیم عطا کرده است به رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - نیز عطا کند و آن را ادامه دهد و چند برابر گرداند. خداوند متعال درباره‌ی ابراهیم و آل ابراهیم چنین می‌فرماید:

﴿وَبَرَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَىٰ إِسْحَاقَ﴾ [الصافات: ۱۱۳].

«و بر او و بر اسحاق برکت ارزانی داشتیم».

همچنین خداوند متعال درباره‌ی ابراهیم و اهل بیت او فرموده است:

﴿رَحِمْتُ اللَّهَ وَبَرَكَتُهُ وَعَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ﴾ [هود: ۷۳].

«رحمت الله و برکت‌های او بر شما باد ای اهل خانه. همانا او ستوده شده‌ای بزرگوار است».

خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت پاک وی درود و سلام و برکت ارزانی دار و از همه‌ی اصحاب پیامبرت و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند راضی و خشنود باش.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت عطا کن، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت عطا کن، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت و ملحدان و مفسدان را خوار گردان. خداوندا دینت را و کتابت را و بندگان مومن را یاری ده. خداوندا برای این امت امری رشید قرار ده که در آن اهل طاعتت عزت یابند و اهل معصیتت هدایت شوند و در آن به معروف امر شود و از منکر باز داشته شود، ای پروردگار جهانیان.

خداوندا مجاهدان در راهت را در فلسطین و در سرزمین شام و در هر جای دیگر جهان یاری ده ای پروردگار جهانیان. خداوندا محاصره‌شان را در هم شکن و اوضاع‌شان را بهبود بخش و دشمن‌شان را سرکوب کن.

خداوندا مسجد الاقصی را از ستم ستمگران و تجاوز اشغالگران آزاد گردان. خداوندا اوضاع مسلمانان را در هر جای دنیا بهبود بخش. خداوندا اوضاع‌شان را در سوریه بهبود عطا کن. خداوندا آنان را بر حق و هدایتی یکی گردان. خداوندا از جان‌شان محافظت نما و ترسشان را به ایمنی مبدل گردان و گرسنه‌شان را غذا ده و آبرویشان را حفظ نما و قلب‌شان را محکم بدار و گام‌های‌شان را استوار ساز و آنان را بر متجاوزان پیروز گردان. خداوندا محاصره‌شان را در هم شکن. خداوندا از تو فرج نزدیکت را خواهانیم.

خداوندا امنیت و رفاه را در سرزمین ما و دیگر سرزمین‌های مسلمان گسترده گردان و ما را از شر بدان و نیرنگ فاجران و مصیبت‌های شب و روز محافظت نما. «پروردگارا ما را در دنیا نیکی عطا کن و در آخرت نیکی عطا کن و از عذاب آتش محافظت نما» [البقرة: ۲۰۲].

«پروردگارا گناهان ما و زیاده‌روی ما را در حق‌مان بیامرز و گام‌هایمان را استوار گردان و ما را بر گروه کافران پیروز گردان» [آل عمران: ۱۴۷].

خداوندا گناهان ما را بیامرز و عیب‌های ما را ببوشان و کارهایمان را آسان گردان و ما را به آن خواسته‌هایی که باعث خشنودی تو است برسان. خداوندا ما و پدران و مادران و نسل‌های ما را مورد آمرزش قرار ده که همانا تو شنونده‌ی دعایی.

خداوندا ما از تو خشنودی‌ات و بهشت را خواهانیم و از خشم تو و آتش جهنم به تو پناه می‌بریم. خداوندا ما را از آزاد شدگان از آتش جهنم قرار ده. از الله آمرزش می‌خواهیم، از الله آمرزش می‌خواهیم، از الله که معبودی به حق جز او نیست آمرزش می‌خواهیم و به سوی او باز می‌گردیم.

خداوندا تویی آن الله که معبودی به حق جز تو نیست. تو بی‌نیازی و ما نیازمند. باران را بر ما نازل گردان و ما را از نومیدان مگردان، خداوندا ما را باران عطا کن، خداوندا ما را باران عطا کن، خداوندا ما را بارانی گوارا و پی در پی و فراگیر و سودمند و بی‌زیان عطا کن.

خداوندا باران رحمت، خداوندا باران رحمت، خداوندا باران رحمت نه باران عذاب و بلا و ویرانی و سیل.

پروردگارا از ما بپذیر که همانا تو شنوا و دانایی و از ما توبه پذیر که همانا تو توبه‌پذیر و مهربانی.

عنوان خطبه:

از خداوند یقین بخواهید...

خطیب: دکتر سعود شریم

مسجدالحرام: جمعه ۱ صفر ۱۴۳۴ برابر با ۲۴ آذر ۱۳۹۱

خطبه‌ی اول:

ستایش مخصوص الله است. او را ستایش گفته و از او یاری خواسته و به سوی او باز می‌گردیم و از بدی‌های نفس خود و کارهای ناشایست مان به الله پناه می‌آوریم. الله هر که

را هدایت کند او گمراه‌گری نخواهد داشت و هر که را گمراه سازد او هدایت‌گری نخواهد یافت و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد بنده‌ی الله و پیامبر اوست.

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تقوای الله را آنگونه که شایسته است، پیشه سازید و نمی‌رید مگر در حالی که مسلمانید» [آل عمران: ۱۰۲].

«ای مردم از پروردگارتان که شما را از نفس واحدی آفرید و جفتش را [نیز] از او آفرید و از آن دو مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد پروا دارید و از خدایی که به [نام] او از همدیگر درخواست می‌کنید پروا نمائید و زنهار از خویشاوندان مبرید که خدا همواره بر شما نگهبان است» [النساء: ۱].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید از الله پروا دارید و سخنی استوار گویند (۷۰) تا کارهای شما را به صلاح آورد و گناهانتان را بر شما بیامرزد و هر کس الله و پیامبرش را فرمان برد بی‌شک به رستگاری بزرگی نائل آمده است» [الأحزاب: ۷۰-۷۱].

اما بعد: همانا راست‌ترین گفتارها، سخن خداوند است و بهترین راه و روش، راه و روش محمد - صلی الله علیه وسلم - است و بدترین کارها در دین، نوآوری در دین است و هر نوآوری در دین بدعت است و هر بدعتی گمراهی است.
ای مسلمانان:

سخن از صفتی است با ارزش که به آسانی به دست نمی‌آید و هر انسان عاقلی در پی آن است؛ راهی است که روندگانش کم‌اند. راهنما و هدایتگر در سختی‌ها است و مونس و همدم هنگام وحشت و تنهایی، و نیروی هنگام ضعف و سستی و آب است در هنگام تشنگی. شعله‌ای در تاریکی‌ها و افزونی است در هنگام کمی.

هر که این ویژگی را به دست آورد به اوج آسمان‌ها دست می‌یابد حتی اگر در بستر خود باشد، و دارنده‌ی آن چنان هیبت و وقار و مقام و منزلت والایی به دست می‌آورد که با آن هرگز نیازمند حسَب و نَسَب و جاه و مقام دنیا نمی‌شود، که این مقام نه با مال خریده می‌شود و نه با زور به دست می‌آید.

سخن از صفت و خصلتی است که پیامبر و اسوه‌ی ما که درود و سلام خداوند بر او باد، ما را برای به دست آوردن آن بسیار تشویق نموده و فرموده است: «از خداوند یقین و مُعافات بخواهید، زیرا کسی پس از یقین چیزی بهتر از مُعافات به دست نیاورده است» [به روایت امام احمد] و مُعافات، یعنی آنکه خداوند شر مردم را از سر انسان کم کند و شر او را از سر مردم.

سخنمان درباره‌ی «یقین» است. یقینی که به همراه آن شناخت انسان نسبت به خداوند - جَل و علا - استقرار می‌یابد و دیگر دچار تغییر و تحول نمی‌شود بلکه آرامش قلب بر آنچه حقیقت است، او را در بر می‌گیرد و ایمان به غیب در گذشته و حال و آینده برایش محقق می‌گردد بطوری که برای وی هر شکی درباره‌ی خداوند از بین می‌رود.

و اینگونه انسان به همه‌ی مراتب مشهور یقین یعنی علم الیقین و عین الیقین و حق الیقین دست می‌یابد.

یقین در برابر ایمان به منزله‌ی روح برای بدن است؛ بنابراین هر کس بدون یقین زندگی کند صفات مرده‌ای را دارد که روح در بدن ندارد، برای همین لازم است که مومن به خبری که از سوی خداوند آمده است یقین داشته و به همه‌ی چیزهایی که خداوند متعال و پیامبرش - صلی الله علیه وسلم - ما را نسبت به آن آگاه ساخته‌اند مطمئن بوده و به امر و نهی خداوند و پیامبرش ایمان آورد.

تا در نتیجه احساس بلندی کند زیرا به درجه‌ای دست یافته است که پیش‌تر بهترین فرد امت محمد - صلی الله علیه وسلم - پس از او، یعنی ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - به آن دست یافته بود. کسی که یقینش باعث شد در سه موضع سخت که کوه‌ها را به لرزه در می‌آورد ثابت قدم و قدرتمند بماند و تاریخ با دواتی از نور آن را ثبت نماید:

نخست: آن‌گاه که کفار قریش به نزد او آمدند تا وی را در دینش و سخنان پیامبرش و دوستش - صلی الله علیه وآله وسلم - به شک اندازند، پس به او گفتند: دوست دو ادعا می‌کند که شبانه به بیت المقدس رفته و به آسمان عروج کرده است! و او بدون هیچ تردیدی و حتی پیش از آنکه خود این سخن را از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بشنود،

با اطمینان و یقین به آنچه می‌گوید، سخن مشهور خود را بر زبان راند که: «اگر او چنین گفته است حتماً راست می‌گوید».

آری، «اگر او چنین گفته است، بی‌شک سخنش حقیقت است»

دومین موضع هنگام وفات رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - بود که در برابر مردم نا باور و بهت‌زده ایستاد و گفت: «هر کس محمد را می‌پرستید بی‌شک محمد در گذشته است، و هر کس الله را می‌پرستید، بداند که الله آن زنده‌ای است که هرگز نمی‌میرد».

و سومین موضع‌گیری نوارانی وی هنگامی بود که یک تنه همانند یک امت برای نبرد با مرتدان پای فشاری کرد و سخن معروفش را به زبان آورد که: «به خدا سوگند با کسانی که نماز و زکات را از هم جدا بدانند خواهم جنگید؛ قسم به خداوند اگر زانو بند شتری را که به رسول الله - صلی الله علیه وسلم - می‌دادند از من باز بدارند به خاطر آن با آنان خواهم جنگید».

بنابراین یقین تنها یک پذیرش عقلی صیرف نیست و گرنه خداوند متعال خطاب به پیامبر ما - صلی الله علیه وسلم - که کامل‌ترین انسان‌ها از نظر عقلی و زیرک‌ترین آنان بود چنین نمی‌فرمود که:

﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا أَلَكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَٰكِن جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِ مَن نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٥٢﴾ صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ ﴿٥٣﴾﴾

[الشوری: ۵۲-۵۳].

«و همین گونه روحی از امر خودمان به سوی تو وحی کردیم تو نمی‌دانستی کتاب چیست و نه ایمان [کدام است] ولی آن را نوری گردانیدیم که هر که از بندگان خود را بخواهیم به وسیله‌ی آن راه می‌نماییم و به راستی که تو به خوبی به راه راست هدایت می‌کنی (۵۲) راه همان الله که آنچه در آسمان‌ها و در زمین است از آن اوست. آگاه باشید که همه‌ی کارها به سوی الله باز می‌گردد».

و از همین خواستگاه بود که هرقل از ابوسفیان - پیش از آنکه اسلام بیاورد - پرسید: آیا کسی از پیروان پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - پس از آنکه وارد این دین شوند به سبب بد داشتن آن، از آن بر می‌گردند؟ ابوسفیان گفت: «خیر». هرقل گفت: ایمان چنین است که اگر طراوتش وارد قلبی شد هیچ‌کس آن را بد نخواهد داشت.

و مشخص است که اگر طراوت ایمان به قلبی برسد صاحب خود را به درجه‌ی یقین، بالا خواهد برد، یقینی که باعث می‌شود صاحب آن هرگز کینه‌ای از دین خداوند در دل خود جای ندهد.

مومن اگر زندگی خود را با یقین به خداوند ادامه دهد خواهد دانست که دنیا نزد خداوند به اندازه‌ی بال پشه‌ای ارزش ندارد و از آن هیچ چیز نصیب او نخواهد شد مگر آن چیزی که برای وی نوشته شده است. زیرا او دارای هدفی والا است که با اهداف دیگران تفاوت دارد و هر کس آن را بچشد قدرش را خواهد دانست و آنکه دیده است مانند آن نیست که شنیده است، زیرا یقین کاری است قلبی میان انسان و پروردگارش و اثر آن را نمی‌بینند مگر انسان‌های صاحب بصیرت و تیزبین، به ویژه خشیت الهی در پنهان و آشکار و سخن حق در هنگام خشم و خشنودی و گردن نهادن در برابر دستورات خدا و پیامبرش - صلی الله علیه وسلم - در هنگام خوشی و ناخوشی.

بنابراین آنکه یقین را به دست آورده است شایسته است تا بصیرت و هدایت و رحمت را نیز به دست آورد زیرا اساس زندگی دینی چیزی نیست مگر همین سه خصلت، و راست فرمود خداوند متعال که:

﴿هَذَا بَصِيرٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ﴾ [الجاثية: ۲۰].

«این [کتاب] وسیله‌ی بینش مردمان و هدایت و رحمتی است برای قومی که یقین دارند».

آنکه نسبت به خداوند یقین حقیقی دارد کسی است که جز الله را نمی‌شناسد و جز به او به کسی دیگر امیدی ندارد و جز از او نمی‌ترسد؛ اگر او راه هدایت را ببیماید دیگر گمراهی دیگران به او زیانی نخواهد رساند. راضی می‌شود که مردم گوسفند و شتر و

دینار و درهم و جاه و مقام و نسب را به دست آورند و او پروردگارش را به دست آورد، زیرا آنکه خداوند را شناخت دیگر به آنانی که خداوند را نمی‌شناسند اهمیتی نمی‌دهد و هرکه حق را می‌شناسد از سوی کسانی که جز باطل نمی‌شناسند زبانی نمی‌بیند. و این اصلاً عجیب نیست، زیرا آنکه الله را یافت چه از دست داده است و آنکه الله را از دست داد چه چیز ممکن است به دست بیاورد؟!]

خداوند ابراهیم خلیل را با یقین گرامی داشت، چنانکه درباره‌ی وی می‌فرماید:

﴿وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ﴾

[الأنعام: ۷۵].

«و اینگونه ملکوت آسمان‌ها و زمین را به ابراهیم نمایاندم تا از جمله‌ی اهل یقین باشد».

یقین او به خداوند جز باعث افزایش ایمان او به پروردگارش نمی‌شد و ایمان به اینکه او بر حقی آشکار است، و این بیشتر او را به گمراهی قومش از راه راست مطمئن می‌ساخت، کسانی که به جز خداوند معبودانی دیگر برگرفته و از راه خداوند باز می‌داشتند.

همین یقین بود که باعث شد ابراهیم خلیل - علیه اسلام - به دستور پروردگارش مبنی بر ذبح فرزندش اسماعیل، گردن نهد و همین یقین بود که باعث شد فرزندش در برابر این امر خداوند خطاب به پدرش بگوید:

﴿أَفْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ﴾ [الصافات: ۱۰۲].

«کاری را که بدان امر شده‌ای انجام ده، ان شاء الله مرا از صابران خواهی یافت».

و رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «محبوب‌ترین کارها نزد خداوند ایمانی است که تردیدی در آن نیست، یا شکی در آن نیست» [به روایت امام احمد] که این همان درجه‌ی معروف علم الیقین است.

و ابن مسعود - رضی الله عنه - می‌فرماید: «صبر نصف ایمان است و یقین، همه‌ی آن»

[به روایت بخاری].

امکان ندارد که کسی در خانه و محل کار، و در میان جامعه و ملت خود انسانی اهل هدایت و هدایتگری باشد در حالی که فاقد یکی از اساسیات رهبری یعنی یقین است، زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ﴾ [السجدة: ۲۴].

«و چون صبر پیشه کردند و به آیات ما یقین داشتند برخی از آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می‌کردند».

و نفرمود شکر گزارند یا خردمندند یا گوش فرا می‌دهند، زیرا کسانی که از این صفات برخوردارند بسیارند.

برای همین از آنجایی که پیشوایی و رهبری دینی امری است دشوار، خداوند آن را با امری دشوار که محل آن قلب است یعنی یقین، مرتبط ساخته و کسی حقیقت یقین را درک نخواهد کرد و ثمره‌ی آن را نخواهد چشید مگر آنکه نگاهش به مرگ و زندگی، نگاه انسان آگاه و عارف باشد.

امیر المومنین علی - رضی الله عنه - به زیبایی و در مختصرترین عبارات، یقین حقیقی در تعامل با زندگی و مرگ را به تصویر کشیده است، آنجا که در دو بیت می‌فرماید:

أَيُّ يَوْمِي مِنَ الْمَوْتِ أَفْرِ؟ يَوْمٌ لَا يُقَدَّرُ أَوْ يَوْمٌ قُدِرَ؟
يَوْمٌ لَا يُقَدَّرُ لَا أَحَدْرَهُ وَمِنَ الْمُقَدَّرِ لَا يَنْجُو أَحَدْرَهُ!

کدام روز از مرگ بگریزم؟ / روزی که مرگم مُقَدَّر شده یا روزی که مقدر نشده است؟

آن روز که مرگم مقدر نشده از مرگ هراسی ندارم / و آن روز که مرگ مقدر است ترسو نجات نمی‌یابد!

و این یقینی است که انسان در هر لحظه‌ای که ممکن است به سبب زرق و برق دنیا در انجام امر خداوند سستی ورزد او را به هوش می‌آورد.

﴿أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَّعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ﴾

[التوبة: ۳۸].

«آیا به جای آخرت به زندگی دنیا دل خوش کرده‌اید [در حالی که] متاع زندگی دنیا در برابر آخرت جز اندکی نیست».

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿الْهَلِكُمْ التَّكَاثُرُ ﴿١﴾ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ﴿٢﴾ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٣﴾ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٤﴾ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ ﴿٥﴾ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ﴿٦﴾ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ ﴿٧﴾ ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ ﴿٨﴾﴾ [التكاثر: ۱-۸].

«افزون طلبی و تفاخر به آن شما را غافل داشت (۱) تا آنکه کارت‌ان به گورستان رسید (۲) هرگز چنین نیست؛ به زودی خواهید دانست (۳) باز هم چنین نیست؛ زود است که بدانید (۴) هرگز چنین نیست اگر علم یقین داشتید (۵) به یقین دوزخ را می‌بینید (۶) سپس آن را قطعا به عین یقین در می‌یابید (۷) سپس در آن روز از نعمت پرسیده خواهید شد».

خداوند برای من و شما در قرآن عظیم برکت نهد و با آیات و ذکر حکیم سود رساند. آنچه را گفتم اگر صحیح بود از سوی خداوند و اگر خطا بود از نفس بود و از شیطان، و از الله آمرزش می‌خواهم که او بسیار آمرزنده است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش تنها از آن الله است و درود و سلام بر آنکه پیامبری پس از وی نیست.

اما بعد:

بدانید که یقین به خداوند باعث می‌شود بندگان راسخ در علم درباره

در آن شکی ندارند و درباره‌ی حقیقت آن جدل نمی‌کنند و از آن عقب نمی‌روند و به برخی از آن ایمان نمی‌آورند و برخی دیگر را کافر نمی‌شوند.

﴿وَإِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ ﴿٤٩﴾ أَفِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَنْ يَحْيِفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولُهُ أَوْ بَلَىٰ أُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٥٠﴾﴾ [النور: ۴۹-۵۰].

«و اگر حق به جانب آنان باشد به حالت اطاعت به نزد او می‌آیند (۴۹) آیا در قلب‌هایشان بیماری است یا دچار شک شده‌اند یا از آن می‌ترسند که الله و پیامبرش بر آنان ستم ورزند؟ بلکه آنان خود ستمکارند».

بنابراین راضی شدن به همه‌ی شریعت به کامل‌ترین وجه، اساس یقین به خداوند است که قابل تجزیه و تبعیض نیست، و راست فرمود خداوند متعال که:

﴿أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿٥٠﴾﴾ [المائدة: ۵۰].

«آیا خواهان حکم جاهلیت‌اند؟ و برای مردمی که یقین دارند حکم چه کسی از الله بهتر است؟».

و از جمله دعاهای مصطفی - صلی الله علیه وآله وسلم - که در حدیث مشهور آمده است چنین بود که: «و آن یقینی عطا کن که با آن مصیبت‌های دنیا بر ما آسان شود» [به روایت ترمذی].

یعنی: آن یقینی به ما عطا کن که توسط آن به هر بلا و مصیبتی که حکمت تو بر آن است خشنود شویم تا از هیچ امر و تقدیری که از سوی توست ناراضی نباشیم و با جدل در تسلیم برابر شریعت تو، دوباره به عقب باز نگردیم.

یقین برای مومن مانند نوری است که از بالا بر او می‌تابد. نوری که همیشه آسمان او را روشن نگه می‌دارد زیرا او می‌داند که خداوند او را می‌بیند و نجوایش را می‌شنود و از سختی او آگاه است و ناله‌ی درون آکنده از یقینش را می‌شنود، و می‌داند که هر آنچه به او رسیده است ممکن نبود که به او نرسد و آنچه به او نرسیده ممکن نبود که به او برسد. خداوند او را مبتلا نساخته مگر برای آنکه شفایش دهد و از او نگرفته مگر آنکه به او عطا کند و از او کم نکرده مگر آنکه افزونش دهد. می‌داند که خداوند دستش را در سختی‌ها

می‌گیرد و اگر راهش سخت شود مسیرش را آسان می‌کند و در پایان تونل تاریک، پرتوی از روشنایی است، هر قفلی کلیدی دارد، تشنه به آب خواهد رسید. می‌داند که سختی‌ها راه رسیدن به فرصت‌ها است و در پی اندوه شادی است و زیر کف، شیر خالص است و دنیا نیست مگر همانند سراب و بازگشت همه‌ی ما به سوی خداوند است و این آخرت است که خانه‌ی ماندگاری است.

و در پایان بر بهترین انسان‌ها و پاک‌ترین آن‌ها: محمد بن عبدالله، صاحب حوض و مقام شفاعت درود بفرستید که خداوندا شما را به کاری فرمان داده که نخست خود آغاز نموده و سپس ملائکه‌اش، و فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [الأحزاب: ۵۶].

خداوندا درود و سلام و برکت ارزانی دار بر بنده و پیامبرت محمد، صاحب چهره‌ی نورانی و از چهار خلیفه‌ی وی ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه‌ی وی و از تابعین و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند راضی و خشنود باشد و از ما نیز به همراه آنان خشنود باش ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت عطا کن، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت عطا کن، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت عطا کن، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت عطا کن، و شرک و مشرکان را ذلیل بگردان. خداوندا دینت را و کتاب را و سنت پیامبرت و بندگان مومنت را یاری ده.

خداوندا غم و غصه‌ی غصه‌داران مسلمان را از بین ببر و سختی سختی‌دیدگان را برطرف گردان و وام‌داران را ادا کن و بیماران ما و دیگر بیماران مسلمان را شفا ده.

خداوندا اوضاع مسلمانان را در هر جایی که هستند بهبود بخش. خداوندا اوضاع مسلمانان را در هر جای دنیا بهبود بخش. خداوندا میان قلب‌هایشان الفت ایجاد کن. خداوندا تو یار و یاور برادران و خواهران ستم‌دیده‌ی ما در دیگر سرزمین‌ها باش. خداوندا برای آنان باش و بر آنان مباش و آنان را یاری ده و رهایشان مکن. خداوندا آنان را بر ستمگران پیروز گردان.

خداوندا برادران و خواهران مسلمان ما را در میانمار و در سوریه یاری رسان ای دارای جلال و بزرگواری. خداوندا کار دشمنان آنان را به نابودی منتهی گردان ای حی و ای قیوم، ای پروردگار جهانیان.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان ما را اصلاح نما و ولایت ما را بر عهده‌ی کسانی قرار ده که تقوای تو را داشته و در پی خشنودی تو باشند ای پروردگار جهانیان.

خداوندا تویی آن الله که معبود به حقی جز تو نیست. تو بی‌نیازی و ما نیازمند، باران را بر ما نازل گردان و ما را از نومیدان مگردان. خداوندا باران را بر ما نازل گردان و ما را از نومیدان مگردان. خداوندا باران را بر ما نازل گردان و ما را از نومیدان قرار مده. خداوندا ما آفریده‌ای از آفریده‌های توایم، پس به سبب گناهانمان فضل خود را از ما دریغ مدار.

«پروردگارا ما را در دنیا نیکی عطا کن و در آخرت نیکی عطا کن و از عذاب آتش حفظ نما» [البقرة: ۲۰۱].

پاک و بی‌عیب است پروردگار تو، پروردگار عزت از آنچه به دروغ و صفتش می‌کنند و سلام بر پیامبران و آخر سخن اینکه: الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه:

عظمت الهی

خطیب: دکتر عبدالرحمن سدیس

مسجدالحرام: جمعه ۸ صفر ۱۴۳۴ برابر با ۱ دی ۱۳۹۱

خطبه‌ی اول:

ستایش مخصوص خداوند است که در ذات و صفات و زیبایی خود مقدس است و در عظمت و والایی و جلالش عزیز است و در مجد و کمالش والا است. او را ستایش می‌گویم که مخلوقات را آفرید و در خلقتش نقص و عیبی نیست.

و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است، شهادتی که قلب‌ها در برابر آن فروتن‌اند، و گواهی می‌دهم که پیامبر و سرور ما محمد، بنده‌ی الله و پیامبر او، بهترین کسی است که خداوند را با گفتار و کردار بزرگ داشته است. درود و سلام خداوند بر او و بر اهل بیت و صحابه‌اش و تابعین و کسانی باد که به نیکی از آنان پیروی نموده‌اند...

اما بعد:

ای بندگان خداوند تقوای او را پیشه‌سازید و بدانید که تقوا نور دل‌ها برای رسیدن به خشیت الهی و چراغ روشن‌گر آن و راه رسیدن به محبت خداوند و راهنمای آن است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ

بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٨﴾ [الحشر: ١٨].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را پیشه‌سازید و هر کس ببیند برای فردایش چه پیش فرستاده است و از الله پروا دارید؛ همانا الله به آنچه می‌کنید آگاه است.»
ای مسلمانان؛

در دورانی که انسان در حلقه‌ی فتنه‌های مادی و نظری گرفتار شده و اندیشه‌های خطا و شُبُهات او را در بر گرفته‌اند و روحش با فناوری‌ها و لذت‌های گوناگون خو گرفته است، قضیه‌ای چون سپیده‌ی صبح نمایان می‌شود و درون را با نور خود روشنی می‌بخشد، قضیه‌ای زیبا و ربانی، آنقدر که بزرگ است و والا...

سخن‌مان در باب عظمت خداوند و نشانه‌های او و صفاتش است که از آن شیرینی ایمان و خنکی‌یقین می‌تراود و با آن پاداش رحمانی به دست می‌آید: در آخرت بهشت‌ها و رودها و در دنیا اُنس و بشارت:

﴿مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا ﴿١٣﴾ وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا ﴿١٤﴾ [النوح: ١٣-١٤].

«شما را چه می‌شود که برای الله عظمت و شکوهی قائل نیستید؟ (۱۳) در حالی که شما را در مراحل مختلف خلقت آفرید؟».

ابن عباس در شرح این آیه می‌گوید: «شما را چه شده که عظمت خداوند را نمی‌بینید؟».

و سعید بن جبیر می‌گوید: «شما را چه می‌شود که خداوند را آنگونه که شایسته‌ی اوست بزرگ نمی‌دارید؟».

آن، عظمت خداوند است که قرآن کریم توجه ما را بدان معطوف داشته است. آیاتی که از آن نور ایمان و یقین پرتو افکن است:

﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ [الشوری: ۱۱].

«چیزی همانند او نیست و او شنوا و بینا است».

برادران و خواهران ایمانی:

عظمت خداوند که در جلال و زیبایی و قیومیت و کمالش تبلور یافته است انسان را از جهل و غرورش آزاد ساخت و زنجیرهای سرکشی و بدی را از گردن او انداخت و او را به سوی آسمان حق و نور آن رهنمون گردید، چرا که او حق است و وعده‌اش حق است و او نور است و سخنش نیز، نور است:

﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ [النور: ۳۵].

«الله نور آسمان‌ها و زمین است».

این جهان با آیات و نشانه‌های عظمت و عبرت روشن است و با زینت دلایل و آثار خداوندی زیبا است، تا شکوه خداوندی به قلب‌ها رسد:

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ﴾

[آل عمران: ۱۹۰].

«بی‌شک در آفرینش آسمان‌ها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز نشانه‌هایی است برای خردمندان».

و اینک فلسفه‌های تحلیلی و نظریه‌های مادی و روش‌های جدلی الحادی است که بزرگان و سردمداران آن به جلال و عظمت خداوند اذعان داشته‌اند و توانایی سرکشی و انکار آن را ندارند:

﴿أَفَعَيَّرَ دِينَ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾

﴿۸۳﴾ [آل عمران: ۸۳].

«آیا دینی جز دین الله می‌جویند؟ با آنکه هرکه در آسمان‌ها و زمین است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است و به سوی او باز گردانده می‌شوید».

ای امت عقیده و توحید:

با وجود دلایل قاطع و برهان‌های روشن بر یگانگی باری تعالی در خلقت و تدبیر و حکمت و تقدیر، هیچ تاثیرگذاری در جهان و موجودات نیست مگر او، و برای اراده‌اش هیچ برگشتی نیست، و معبودی به حق جز او وجود ندارد، اما با این حال برخی از مردم درباره‌ی اشخاص و روزها و ماه‌ها و پدیده‌های مختلف اعتقادات پوچی دارند که آنان را از انجام برخی کارها باز می‌دارد!

آنان ندانسته‌اند که توحید خالص برای خداوند، اصل و اساس و جوهر زندگی و دین است:

﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۶۲﴾ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ

أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ ﴿۱۶۳﴾ [الأنعام: ۱۶۲-۱۶۳].

«بگو در حقیقت نماز من و عبادات من و زندگی و مرگ من [همه] برای الله پروردگار جهانیان است (۱۶۲) که شریکی برای وی نیست و به این [کار] امر شده‌ام و من نخستین مسلمانم».

توحید سرچشمه‌ی هر طالب هدایت است، هر کس در برابر آن بایستد گمراه است که هدایتگری نخواهد داشت.

کجاست عظمت خداوند و قدرت او نزد جادوگران و دجالان و کاهنان و ستاره‌شناسان؟ آن‌هایی که نادانان در پی‌شان روانند و اینگونه از قله‌ی بلند یقین به دره‌ی عمیق شک و گمراهی سقوط کرده‌اند؟

﴿وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ﴾ [الزمر: ۶۷].

«و الله را آنگونه که شایسته‌ی اوست به بزرگی نشناختند در حالی که زمین همه در روز قیامت در قبضه‌ی اوست».

او را آنگونه که شایسته بود بزرگ نداشتند و به صفات والا مُتَّصِفِ نمودند و او را از آنچه شایسته‌ی وی نیست پاک ندانستند:

﴿أَأَلَّهُ مَعَ اللَّهِ تَعَلَّى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ [النمل: ۶۳].

«آیا معبودی با الله است؟ الله از آنچه شرک می‌ورزند برتر [و والاتر] است».

ای مومنان:

چه بسیارند کسانی که از درک قدرت پروردگار و قهر و جبروت و کبریايش عاجزند، از جمله آنان که برادران و خواهران ما را در فلسطین و سوریه و میانمار زیر انواع ظلم و تجاوز و کشتار و استکبار گرفته‌اند. اما به خدا عاقبت ستم و ستمگران چیست مگر نابودی و خُسران؟

اما - الحمدلله - اکنون بشارت‌های نابودیِ نزدیکِ ستمگران دور نیست، ولی ننگ و عار نصیب جهان انسان‌های متمدنی است که به فضا دست یافته‌اند و در پی پا گذاشتن به سیاراتند اما ملتی مظلوم در برابر چشم و گوش‌شان کشته می‌شوند و دم بر نمی‌آورند...

کجاست قلب‌هایی که از هیبت خداوند به لرزش می‌افتد؟ کجاست درون‌های آکنده از خشیت خداوند؟ آنان که امنیت کشورها را به خطر انداخته‌اند و آشوب و ترس و خشونت و ترور پراکنده می‌کنند و خون مسلمانان و غیر مسلمانانی که گناهی ندارند را حلال می‌شمارند؟

ای امت اسلام:

راستی با خداوند و انس با نزدیکی به او در وجود ما نهادینه نخواهد شد مگر با احساس عظمت و جلال وی در وجدان و احساس و همه‌ی ارکان وجودی و اعضا و جوارح‌مان، و اینکه بدانیم تنها الله است که به پنهان و آشکار و نیکی‌ها و بدی‌ها آگاه است، و اینگونه از گناه و خطا دوری خواهیم کرد.

چه بسیارند کسانی که از بی‌نیازی و عظمت خداوند غفلت ورزیده و به فضیلت او پشت کردند و در نتیجه ارزش‌ها و دینداری‌شان ضعیف گشته و در امانت خیانت ورزیدند و وظایفی را که بر عهده داشتند ضایع ساختند و مسئولیت‌ها را زیر پا گذاشتند. کسانی که رو به سوی مست کننده‌ها و روان‌گردان‌ها آوردند و خود را نابود ساختند و حرمت‌ها را زیر پا گذاشتند و قدرت و عظمت خداوند را فراموش کردند:

﴿وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ﴾ [آل عمران: ۲۸].

«و الله شما را نسبت به [عقوبت] خود هشدار می‌دهد».

برای همین است که شناخت خداوند باعث به وجود آمدن محبت و هیبت و خشیت و مراقب دانستن او در قلب انسان می‌شود:

﴿فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونَ إِيَّانَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [آل عمران: ۱۷۵].

«پس اگر مومنین از آنان پروا مدارید و از من پروا دارید».

ابوسلیمان دارانی - رحمه الله - می‌گوید: «اساس تمام نیکی‌ها در دنیا و آخرت ترس از خداوند است و هر قلبی که ترس خداوند در آن نیست قلبی است ویران».

ای امت ارزش‌ها و نیکی‌ها:

آنانی که آتش شبکه‌های بی‌بند و بار ماهواره‌ای یا سایت‌های مستهجن را به راه می‌اندازند که تیشه به ریشه و اساس جوامع می‌زنند و بنیان خانواده‌ها و ارزش‌ها را به ویرانی می‌کشاند و حیا و غیرت را از بین می‌برد، آیا عظمت خداوند و قداست و قدرت او در درون چنین کسانی جایی دارد؟

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَلْحِشَةُ فِي الَّذِينَ ءَامَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾

[النور: ۱۹].

«کسانی که دوست دارند زشت‌کاری در میان آنان که ایمان آورده‌اند شیوع پیدا کند برای آنان در دنیا و آخرت عذابی پر درد خواهد بود».

از سردی احساس و خشک شدن آن و بی‌حسی در برابر عظمت آن خالق منان، آن بزرگ دین، به خداوند پناه می‌بریم...

﴿فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ﴾ [محمد: ۱۹].

«پس بدان که معبودی [به حق] نیست مگر الله و برای گناهت آمرزش بخواه و برای مردان و زنان مومن [نیز آمرزش بخواه] و همانا الله است که فرجام و مآل [هر یک از] شما را می‌داند».

ای جمع دوست‌داران:

نهایت شناخت عظمت خداوند متعال این است که بنده‌ی مسلمان، اسیر جلال و جمال خداوند و مومن و خاشع درگاه او باشد که روحش تازه از شبنم عشق و نسیم خشنودی خداوندی شود و این همان خضوع کامل در برابر قدرت آن پادشاه دانا است.

اما بعد:

آشنا ساختن مسلمانان و روشن‌گری آنان نسبت به عظمت آن خالق قهار و شریعت حکیمانه‌ی وی و راهنمایی آن به سوی نشانه‌های جهانی و شرعی وی که جامع میان دو جهان غیب و شهادت یعنی نهان و آشکار است، و باز داشتن آنان از این دوگانگی که در آن به سر می‌برند باعث روی آوردن آنان به سوی صلاح و نیکی و زندگی پاک، و خوشبختی آنان و همه‌ی جوامع مسلمان می‌شود تا اینچنین به والاترین آرزوها دست یافته و با یکدیگر بهترین و والاترین و ماندگارترین هم‌زیستی داشته باشند، که عظمت خداوندی و درک آن، راه طی کردن این مسیر است و دست یافتن به چنین امری برای خداوند سخت نیست.

این سخنان را گفته و برای خود و شما و همه‌ی مردان و زنان مسلمان از خداوند متعال از هر گناهی آمرزش می‌خواهم پس از او آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش مخصوص الله است، آنکه دارای عزت و ملکوت است، دارای نام‌های نیک و صفات والا است. او را سپاس و ستایش می‌گویم که هیچ چیزی از دید و علم او پنهان نیست و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست مگر الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که پیامبر ما محمد، بنده‌ی الله و پیامبر اوست. درود و سلام آشکار و پنهان خداوند بر وی و بر اهل بیتِ بهترین او و یاران مخلصش و تابعین و کسانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند.

اما بعد، ای بندگان خداوند:

تقوای الله را پیشه سازید و او را بزرگ بدارید و جلال و کمال او را پاس بدارید و او را مراقب بر اعمال خود بدانید تا اوضاعتان در دنیا و آخرت به صلاح آید.

ای مسلمانان:

بزرگداشت خداوند در ذات و صفات و نشانه‌ها و نام‌ها و صفات وی عامل در امان ماندن از فتنه‌ها و راه نجات از سختی‌ها است، به ویژه در این زمانه که الحاد سر بر آورده و میکروب‌های انکار و عناد خودی نشان داده‌اند و سخنان بیهوده درباره‌ی مسائل غیبی و پایان جهان به سادگی بر زبان‌ها جاری می‌شود، در حالی که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ﴾ [النمل: ۶۵].

«بگو هیچکس در آسمان‌ها و زمین غیب را نمی‌داند مگر الله».

همینطور مسائلی که باعث تشکیک در دین خداوند و اهانت به ذات او و رسالت‌های آسمانی می‌شود و بی‌ادبی در هنگام سخن گفتن از خداوند عزوجل و پیامبران او - علیهم الصلاة والسلام - و دست درازی به ساحت آخرین و بهترین‌شان محمد - صلی الله علیه

وآله وسلم - و فتنه‌هایی که برخی از رسانه‌ها در این مسیر بر پا می‌کنند و آنچه در شبکه‌های اجتماعی می‌گذرد.

همه‌ی این‌ها در جهت عدم بزرگداشت الله جل جلاله و عدم بزرگداشت او به آن صورتی است که شایسته است و این خطری است بزرگ برای عقیده‌ی امت و ثوابت و ارزش‌های آن. در این شرایط نیاز است که به سرعت در برابر گسترش این پدیده‌ی نامیمون ایستاد و برای جلوگیری از آن قوانین شرعی و بین‌المللی مورد نیاز را تصویب نمود تا آنکه متهوران جرات کوچک شمردن اصول و ثوابت و استهزای مبادی و ارزش‌ها را به خود ندهند.

اما عجیب‌تر از همه سخن گفتن آنان از آزادی‌های شخصی و حقوق بشر و بهانه قرار دادن آن است، و ندانسته‌اند که آزادی حقیقی یعنی نظم و اعتدال و مسئولیت‌پذیری، نه هرج و مرج و افسار گسیختگی فکری و شورش علیه ارزش‌ها و مُسَلّمات...

بی‌شک مسئولیت حکومت‌ها و علما و رسانه‌ها در جلوگیری از وسائل گسترش این شر، بسیار بزرگ است تا اینچنین از دین و مقدسات و امنیت و استقرار جوامع حمایت صورت گیرد و درون جوانان و این نسل و سیرت عملی آنان بر بزرگداشت خداوند خو گیرد...

و در پایان این امر خداوند را که بر آن پاداشی عظیم قرار داده است لیبک گویند، آنجا که می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

و رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرموده‌اند: «هر کس بر من یک درود فرستد خداوند به واسطه‌ی آن بر وی ده درود خواهد فرستاد».

خداوندا بر سرور پیشینیان و آیندگان، و رحمت بر جهانیان، و بر اهل بیت پاک و صحابه‌ی او، امامان هدایت درود و سلام فرست. خداوندا از خلفای راشد وی: ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه و تابعین و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان

خداوندا از تو آمرزش می‌خواهیم که تو بسیار آمرزنده‌ای پس باران را پی در پی بر ما فرو ریز.

پروردگارا از ما بپذیر که تو بسیار شنوا و دانایی و بر ما توبه پذیر که تو بسیار توبه‌پذیر و مهربانی و ما و پدران و مادران ما و همه‌ی مسلمانان - زندگان و مردگان - را مورد آمرزش خود قرار ده.

پاک و بی‌عیب است پروردگار تو، پروردگار عزت از آنچه به دروغ وصفش می‌کنند و سلام بر پیامبران والحمدلله رب العالمین.

عنوان خطبه:

روش صحیح اصلاح عیب‌های دیگران

خطیب: دکتر عبدالباری ثیتی

مسجد نبوی شریف: جمعه پانزده صفر ۱۴۳۴ برابر با ۸ دی ۱۳۹۱

خطبه‌ی اول:

ستایش مخصوص الله است، ستایش مخصوص اوست که از هر نقص و آفت و عیب، پاک و مبرا است و او را سپاس می‌گویم که شایسته‌ی ستایش است و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست مگر الله که واحد است و بی‌شریک و آگاه به پنهان و آشکار، و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد بنده‌ی الله و پیامبر اوست که رسالت را ابلاغ نمود و امانت را ادا کرد و تا پایان عمر در راه خداوند جهاد نمود... درود و سلام خداوند بر وی و بر اهل بیت و یاران او، درودی همیشگی که شفاعت پیامبر را نصیب صاحبش کند.

اما بعد: خود و شما را به تقوای خداوند توصیه می‌کنم؛ خداوند متعال می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ ۖ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ (۱۳۲)

[آل عمران: ۱۰۲].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را آنگونه که شایسته‌ی اوست پاس دارید و نمی‌رید مگر در حالی که مسلمانید».

«خدای رحمت کند آن را که عیب‌هایم را به من هدیه دهد... این سخنی است بس بزرگ و پر معنا و کسی قادر به گفتن آن و تطبیق معنای آن نیست مگر آنانی که دارای روحی بزرگ و قلبی پاک و تواضعی صادقانه‌اند؛ کسانی که عیب‌های خود را با شجاعت می‌پذیرند و با پایداری در برابر «خود» می‌ایستند و همه‌ی فکرشان اصلاح عیب‌های «خود» است:

﴿وَمَا يُلْقِنَهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقِنَهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ﴾ [فصلت: ۳۵].

«و این [خصلت] را جز کسانی که شکیبا بوده‌اند نمی‌یابند و آن را جز صاحب بهره‌ای بزرگ نخواهد یافت».

هیچ انسان شریف یا عالم یا خردمندی نیست مگر آنکه به حکم انسانیت دارای عیب‌هایی است، چنانکه یوسف پیامبر می‌فرماید:

﴿وَمَا أُبْرِئُ نَفْسِيَّ إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي﴾ [یوسف: ۵۳].

«و من نفس خود را تبرئه نمی‌کنم چرا که نفس قطعاً به بدی امر می‌کند مگر کسی را که خدا رحم کند».

هنگامی که انسان غرور خود را کنار بگذارد و در مسیر طاعت پروردگار ترقی کند به تدریج از اسرار درون خود آگاه شده و عیب‌های خود را خواهد دید، همچنین اگر انسان از نعمت دوست صالح برخوردار باشد، دوستی که بی‌دریغ و بدون آنکه آبرویش را به باد دهد او را از عیب‌هایش آگاه سازد، و چه بسا دشمن کینه‌توز سودمندتر از دوستی باشد که با انسان از در مدهانه و به اصطلاح «رو در وایسی» وارد می‌شود زیرا همانطور که ضرب المثل عربی می‌گوید: «چشم کینه، تنها بدی‌ها را می‌بیند».

یکی از سلف می‌گوید: «برادری که هنگام دیدنت تو را به یاد خداوند می‌اندازد و تو را از عیبی که داری آگاه می‌کند بهتر از برادری است که سکه‌ی طلا در دستت می‌گذارد».

یکی دیگر از پیشینیان می‌گوید: «اگر در برادرت عیبی یافتی در صورتی که کتمان کنی به او خیانت کرده‌ای، اگر به دیگری بگویی غیبتش کرده‌ای و اگر مستقیماً به او بگویی ناراحتش خواهی کرد» به او گفتند: پس باید چه کرد؟ گفت: «باید غیر مستقیم و در لفافه عیبش را به او بگویی».

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾ [الأنعام: ۱۰۴].

«به راستی رهنمودهایی از جانب پروردگارتان برای شما آمده است پس هر که به دیده‌ی بصیرت بنگرد به سود خود او و هر کس از سر بصیرت ننگرد به زیان خودش است».

اگر خداوند برای بنده‌ای اراده‌ی خیری کند او را به عیبی که دارد آگاه می‌سازد و هر کس بصیرتش کامل باشد عیب‌هایش از او پنهان نخواهد ماند و هنگامی که به عیبی در خود پی ببرد امکان درمان آن را خواهد یافت.

اما روی‌گردانی از شناخت عیب‌ها نشانه‌ی نقص و ضعف است و کسانی که چشم از دیدن عیب‌های خود می‌بندند کسانی‌اند که به گمان خود به مرحله‌ی کمال رسیده‌اند، در حالی که انسان ذات خود را اصلاح نمی‌کند و قادر به پیشرفت درونی و رفع ضعف‌های خود نخواهد بود مگر زمانی که به عیب‌های خود اعتراف کند، عیب‌هایی که در واقع آفات جامعه‌اند، نیروی امت را به هدر می‌دهند و دستاوردهای آن را از بین می‌برند و در مسیر آن به سوی توسعه و پیشرفت مانع ایجاد می‌کنند.

اما راه و روش صحیح بیان عیب‌ها بر ادب والا استوار است زیرا روش درست و سخن نیک و نرمش، و دوری از خشونت و نصیحت پنهانی و اشاره - نه بیان مستقیم - و بیان مودبانه و بیان سخنان محبت‌آمیز و ثنای به حق، باعث تاثیر بیشتر نصیحت می‌شود.

اما بیان عیب‌ها در جمع دیگران بیشتر توییح و تنبیه است و باعث بی‌آبرویی، و به عدم پذیرش عیب از سوی شخص مقابل منجر می‌گردد. قضیه هنگامی وخیم‌تر می‌شود

که گفتن عیب بهانه‌ای شود برای هجوم به اشخاص و تحقیر آنان و کوچک دانستن‌شان، که این نشان‌دهنده‌ی پستیِ شخص است.

اما اگر منتقد یا حتی شخص کینه‌توزی عیب تو را آشکار ساخت و از حد ادب پا فرا نهاد حداقل این است که دستش را بر روی درد تو گذاشته است و بهتر است به جای مشغول شدن به او به فکر خود باشیم و به اصلاح ایرادِ خود پردازیم و از بگو مگو و جبهه‌گیری یا انتقام، دست نگه داریم. خداوند عزوجل فرموده است:

﴿وَمَا أَصْبَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ﴾ [الشوری: ۳۰].

«هر مصیبتی که به شما رسد به سبب کاری است که انجام داده‌اید و [خداوند] از بسیاری [نیز] در می‌گذرد».

اما اوضاع ما در این دوران، برعکس است! اگر کسی در حق ما نیکی کند و عیب‌های ما را برایمان آشکار سازد با او به دشمنی برمی‌خیزیم و از او دوری می‌کنیم، ولی اگر کسی حقیقت ما را پنهان بدارد و عیب ما را نگوید و ما را ثنا و ستایش دروغین گوید به او نزدیک می‌شویم و با او دوستی می‌گیریم!

راه و روش شرعی در تعامل با عیب‌های خود و عیب‌های دیگران اینگونه است که آن را از مردم بپوشانیم و علنی نکنیم چنانکه خداوند آن را پوشانده و مردم را از آن مطلع نساخته است، خداوند نیز سِتیر است و پوشاندن را دوست دارد. رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید: «الله عزوجل شکبیا و با حیا و پوشاننده است و حیا و سِتیر را دوست دارد» [به روایت ابوداود و نسائی].

از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که گفت: شنیدم رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «همه‌ی امت من در خیر و سلامت‌اند مگر مُجَاهِرَان [یعنی کسانی که دیگران را از گناهی که کرده‌اند آگاه می‌کنند] و از جمله‌ی مجاهره این است که بنده در شب کار [گناهی] انجام دهد و سپس شب را به صبح رساند در حالی که خداوند او را پوشانده است و بگوید: ای فلانی! من دیشب فلان کار و فلان کار کرده‌ام! و روز را به شب برساند و [کاری گناه انجام دهد] در حالی که خداوند او را پوشانده و

شب را در حالی که پوشیده است به صبح رسانده و صبح‌هنگام ستر خداوندی را از خود برمی‌دارد» [به روایت مسلم].

بنده اگر در دنیا گناهی را مرتکب شود سپس از گناه خود باز گردد خداوند او را در دنیا می‌پوشاند، و هر کس گناهانش را برملا نسازد از زبان مردم و خشم خداوندی در امان است.

مردی به نزد رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - آمد و گفت: من در گوشه‌ی شهر از زنی لذت برده‌ام؛ هم‌اکنون اینجایم تا هر حکمی لازم است در مورد من روا داری. عمر [که آنجا حضور داشت] گفت: «خداوند تو را پوشانده بود اگر خودت خود را می‌پوشاندی»، پس رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - چیزی نگفت.

سپس آن مرد درخواست و رفت. پیامبر مردی را در پی آن شخص فرستاد تا او را فرا خواند و این آیه را بر وی تلاوت کرد: «در دو طرف روز و نزدیکی شب نماز را به پا دار؛ همانا نیکی‌ها بدی‌ها را از بین می‌برند. این پندی است برای پند گیرندگان» [هود: ۱۱۴] مردی از میان جمع درخواست و گفت: ای پیامبر خدا! آیا این [آیه] فقط مخصوص اوست؟ فرمود: «خیر؛ بلکه برای همه‌ی مردم است» [به روایت مسلم].

روش صحیح در تعامل با اشکالات و عیب‌های دیگران عدم اعلان آن است، زیرا علنی نکردن و مطلع نکردن دیگران از گناه، گناه‌کار را در ترک آن یاری می‌دهد و از سوی دیگر، رسوا ساختن گناه‌کار چه بسا باعث از بین رفتن دیوار زشتی و جری شدن افراد بر انجام گناهان باشد.

ستر و پوشاندن گناه سلاخی است اجتماعی که رذیلت‌ها و زشتی‌ها به واسطه‌ی آن محاصره شده و پاکی و سلامت جایگزین آن می‌شود و الفت و محبت را میان مردم گسترش می‌دهد و همچنین، باعث بنیان نهادن اساسی بس بزرگ می‌شود که همانا حسن ظن میان مومنان است. فضیل بن عیاض می‌گوید: «مومن می‌پوشاند و نصیحت می‌کند و منافق و بدکار رسوا می‌کند و بدگویی می‌کند».

و تفاوت است میان کسی که عیب برادرانش را به آنان هدیه می‌دهد و آنکس که شبانه‌روز همه‌ی ذهن و فکرش مشغول شکار عیب‌های دیگران است که این آفتی است بزرگ که از انسان‌های سالم به دور است و نشان دهنده‌ی درون ناپاک است آنگونه که چنین اشخاصی افسار زبان خود را رها کرده و در پی مردم می‌افتند، بدن خود را خسته می‌کنند و قلب خود را بیمار و عمر خود را به هدر می‌دهند و بصیرت‌شان از دیدن عیب خود ناتوان است.

رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - درباره‌ی چنین کسانی می‌گوید: «خاشاک را در چشم برادران می‌بینید و از دیدن تنه‌ی درخت در چشم خود ناتوانید». و می‌فرماید: «هر گاه شخص بگوید: مردم هلاک شدند، خودش هلاک‌شده‌ترین آنان است» [به روایت امام مسلم].

منبع این بیماری خودپسندی و تکبر و احساس نقص و عقده‌ی حقارت است؛ در نتیجه چنین شخصی در ظاهر خود را ناصح و دلسوز نشان می‌دهد و در درون کینه می‌پروراند و دشمنی و تفرقه می‌پراکند، چنانکه رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید: «تکبر یعنی نپذیرفتن حق و تحقیر مردم» [به روایت امام مسلم].

و می‌فرماید: «از بدی برای انسان همین کافی است که برادر مسلمانش را تحقیر کند». عربی بادیه‌نشین از مردی شنید که بد مردم را می‌گوید؛ پس گفت: «با بسیار عیب گفتن مردم عیب‌های خودت را نشان دادی، زیرا انسان به همان اندازه که عیب دارد در جستجوی عیب‌های دیگران برمی‌آید».

و یکی از سلف می‌گوید: «من چیزی را می‌بینم که آن را بد می‌دارم اما درباره‌ی آن سخنی نمی‌گویم از ترس آنکه خودم به آن مبتلا شوم».

و یکی دیگر از پیشینیان می‌گوید: «ما می‌گفتیم که خطاکارترین مردم کسی است که بیشتر برای ذکر خطای دیگران وقت دارد».

و دیگری می‌گوید: «اگر شخصی را دیدی که به عیب دیگران مشغول است و عیب خود را فراموش کرده است بدان که فریب خورده است».

و از یکی دیگر از بزرگان نقل است که گفت: «مردمی را دیدم که عیبی نداشتند اما به ذکر عیب مردم پرداختند؛ مردم نیز برای آنان عیب‌هایی یافتند و درباره‌ی آن سخن گفتند، و مردمی را دیدم که عیب‌هایی داشتند اما از ذکر عیب مردم دست نگه داشتند و مردم نیز عیب‌های آنان را فراموش کردند».

برخی از اینان را می‌بینی که در سخنان انسان و اشتباهات وی جستجو می‌کنند و حتی قلب انسان را می‌شکافند و نیت‌خوانی می‌کنند و نسبت به دیگران گمان بد روا می‌دارند. گشتن در پی عورت‌ها و پنهانی‌های مردم باعث فساد جامعه می‌شود و به گسترش حسد و کینه منتهی می‌شود، چنانکه در حدیث معاویه - رضی الله عنه - از پیامبر خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - آمده که ایشان فرمودند: «اگر در پی عورت‌های مسلمانان باشی آنان را به فساد می‌کشانی یا نزدیک است که آنان را فاسد کنی».

و از ابوبزره‌ی اسلمی - رضی الله عنه - روایت است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «ای کسانی که با زبان ایمان آورده‌اید اما ایمان به قلب‌هایتان راه نیافته است! غیبت مسلمانان نکنید و در پی پنهانی‌های آنان نباشید، زیرا هر کس در پی عورت‌ها و پنهانی‌های مردم باشد خداوند نیز در پی عورت‌های او می‌افتد و هر کس خداوند در پی عورت او افتد رسوا می‌شود، حتی اگر در خانه‌اش باشد» [به روایت ابوداود].

خداوند برای من و شما در قرآن عظیم برکت نهد و با آیات و ذکر حکیم سود رساند. این سخن را گفته و برای خود و شما از خداوند آمرزش می‌خواهم. پس از او آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش مخصوص خداوندی است که جمال و جلال مطلق تنها از آن اوست و او را در حال و در آینده شکر می‌گویم و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک و بزرگ و والا است و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده‌ی الله و پیام‌رسان اوست. درود و سلام خداوند بر وی و بر اهل بیت و یاران او باد.

اما بعد: خود و شما را به تقوای الله سفارش می‌کنم. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧١﴾﴾ [الأحزاب: ۷۰-۷۱].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید از الله پروا دارید و سخنی استوار گوید (۷۰) تا کارهایتان را برایتان به صلاح آورد و گناهانتان را برایتان مورد آموزش قرار دهد و هر کس از الله و پیامبرش اطاعت کند بی‌شک پیروزی بزرگی به دست آورده است».

امت اسلامی نیز همانند افراد آن بدون عیب نیست. عیب‌هایی که در روند نهضت و رستاخیز آن مانع ایجاد کرده و نیروی آن را ضعیف ساخته است. تحقیق و پژوهش درباره‌ی این عیب‌ها و شناخت آن باعث قدرتمند شدن این امت و بالا رفتن شان و مقام آن خواهد شد که این خواسته‌ای است مهم و شایسته است علما و دانشمندان و اندیشمندان دلسوز در صف جلوی آن باشند که عیب‌ها را بیابند و اشکالات را رفع کنند و به دور از جدل بی‌فایده و خودزنی و گریه بر ویرانی‌ها، راه حکمت و علم را ببینند. این عیبی است بزرگ که با تخریب اشخاص و گروه‌ها و انتقاد ویرانگر از موسسات و با هدف قرار دادن الگوهای خود در پی اصلاح باشیم. عیب است که از امت خود عیب‌جویی کنیم در حالی که عیب اصلی از خود ماست و در واقع این ماییم که عیب این امتیم، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ [الرعد: ۱۱].

«همانا الله حال و روز هیچ قومی را دستخوش تغییر قرار نمی‌دهد تا آنکه خودشان به تغییر خود بپردازند».

و در پایان بر پیامبر هدایت درود و سلام فرستید که خداوند در کتاب خود شما را بدان امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ۵۶].

خداوندا بر محمد و همسران و ذریه‌اش درود و سلام فرستاد چنانکه بر آل ابراهیم درود فرستادی و بر محمد و همسران و ذریه‌اش برکت ارزانی دارد چنانکه بر آل ابراهیم ارزانی داشتی. همانا تو ستوده‌شده و باعظمتی.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت عطا کن، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت عطا کن، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت عطا کن، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت عطا کن و شرک و مشرکان را خوار گردان و دشمنان دین را نابود ساز و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امن و امان بدار.

خداوندا ما از تو بهشت را خواهیم و هر سخن و کرداری که با آن به بهشت نزدیک شویم. خداوندا ما از تو هدایت و تقوا و عفاف و بی‌نیازی خواهیم.

خداوندا دین ما را که نگه‌دارنده‌ی امر ماست و دنیای ما را که محل زندگی ماست و آخرت ما را که بازگشت‌گاه ماست اصلاح نما و زندگی را برای ما عامل افزونی در نیکی‌ها و مرگ را آسودگی از هر بدی بگردان.

خداوندا برادران و خواهران ما را در سرزمین شام یاری ده، خداوندا آنان را در شام نصرت عطا کن و توفیق نصیب‌شان بگردان ای پروردگار جهانیان. خداوندا تو یار و یاور و یاری‌گر آنان باش ای پروردگار جهانیان. خداوندا دل‌هایشان را محکم بدار و کلمه‌شان را یکی گردان و صف‌شان را متحد نما و سخن‌شان را بر حق یکی گردان. همانا تو بر هر کاری توانایی.

خداوندا اسلام و اهل آن را در هر جای دنیا یاری ده، ای قوی و ای عزیز، تو بر هر کاری توانایی.

خداوندا همه‌ی مسئولان مسلمان را برای عمل به کتابت و حاکم ساختن شریعتت یاری ده ای پروردگار جهانیان.

خداوندا برای این امت امر رُشدی قرار ده که در آن اهل طاعت عزیز شوند و اهل معصیت هدایت گردند و در آن به معروف امر شو و از منکر باز داشته شود.

خداوندا غم غم‌داران مسلمان را از بین ببر و سختیِ سختی‌دیدگان را برطرف گردان و وام‌داران را ادا کن و اسیران ما و دیگر اسیران مسلمان را آزادی عطا کن و مردگان ما و دیگر رفتگان مسلمان را بیامرز.

«پروردگارا ما به خود ستم نمودیم و اگر تو ما را مورد مغفرت خود قرار ندهی بی‌تردید از زیانکاران خواهیم بود» [الأعراف: ۲۳].

«پروردگارا ما را در دنیا نیکی عطا کن و در آخرت [نیز] نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش دور بدار» [البقره: ۲۰۱].

«همانا الله به عدالت و نیکی و بخشش به نزدیکان امر نموده و از زشتی و منکر باز می‌دارد. او شما را پند می‌دهد باشد که یادآور شوید» [النحل: ۹۰].

پس الله را یاد کنید تا شما را یاد کند و او را برای نعمت‌هایش سپاس گوئید تا شما را افزون دهد و همانا یاد الله بزرگ‌تر است و الله به آنچه می‌کنید آگاه است.

عنوان خطبه:

نصیحت و فضیلت پذیرش آن

خطیب: دکتر صلاح بدیر

مسجد نبوی شریف: جمعه ۲۲ صفر ۱۴۳۴ هجری برابر با ۱۵ دی ۱۳۹۱

خطبه‌ی اول:

ستایش ویژه الله است که پدیدآورنده‌ی مخلوقات و زنده‌کننده‌ی مردگان و عطا‌دهنده است... او را ستایشی گوئیم که شایسته‌ی نعمت‌های روزافزون اوست و او را برای فضل و کرمش سپاس می‌گوئیم و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که یگانه و بی‌شریک است، شهادتی که از گمراهی جلوگیری نموده و سختی‌ها را برطرف می‌سازد، و گواهی می‌دهم که پیامبر و سرور ما محمد، بنده‌ی الله و پیامبر اوست که

رحمتی فرستاده شده برای همه‌ی جهانیان است. درود و سلام همیشگی خداوند بر وی و بر اهل بیت و یاران او باد.
اما بعد، ای مسلمانان:

تقوای الله را پیشه سازید زیرا تقوای او بزرگ‌ترین دستاورد و طاعت او والاترین نَسَب است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾

[آل عمران: ۱۰۲].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را پیشه سازید و نمیرید مگر در حالی که مسلمانید».

پذیرش نصیحت نشانه‌ی بلوغ فکری است و بازگشت به سوی حق فضیلت است. انسان خردمند هنگامی که کار ناشایستی انجام دهد و سپس مورد نصیحت قرار گیرد دست از کار پیشین خود می‌کشد و پند را پذیرفته و به سوی خداوند توبه می‌کند.

اما آنکه در معصیت فرو رفته است نه از نکوهش هراسی دارد و نه از ننگ، و نه از سرزنش می‌ترسد و نه توبیخ او را از کارش باز می‌دارد و نه خشونت علیه او فایده‌ای دارد. چنین کسی به نصیحت دلسوزان گوش نمی‌دهد و به پند و اندرز توجه نمی‌کند. بر گمراهی‌اش پافشاری می‌کند و به سرگردانی‌اش ادامه می‌دهد.

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ﴾ [البقرة: ۲۰۶].

«و اگر به او گفته شود از الله پروا کن نخوت، وی را به گناه می‌کشاند».

دچار تکبر و خشم می‌شود و با نصیحت‌گر از در گردن‌فرازی وارد می‌شود و او را نادیده می‌گیرد.

عبدالله بن مسعود - رضی الله عنه - می‌گوید: «همین گناه برای انسان کافی است که برادرش به او بگوید: از خدا بترس و او بگوید: به فکر خودت باش، کسی مثل تو من را نصیحت می‌کند؟!».

نپذیرفتن نصیحت و کم شمردن نصیحت‌گر و گردن‌کشی در برابر پند و اندرز، راه و روش سفیهان و کم‌خردان و متکبران، و صفت بدکاران و منافقان است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَإِذَا دُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ ﴿۱۳﴾﴾ [الصفات: ۱۳].

«و چون پند داده شوند، اندرز نگیرند».

خداوند متعال در نقل پاسخ قوم هود - علیه السلام - پس از آنکه آنان را هشدار داد و ترغیب و ترهیب نمود و حق را برایشان آشکار کرد چنین می‌فرماید:

﴿قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعَضْتَ أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنَ الْوَاعِظِينَ ﴿۱۳۶﴾﴾ [الشعراء: ۱۳۶].

«گفتند: برای ما فرقی ندارد، خواه اندرز دهی و خواه از اندرز دهندگان نباشی».

یعنی در هر صورت از کاری که انجام می‌دهیم باز نخواهیم گشت. و پیامبر خدا صالح - علیه السلام - پس از آنکه قومش هلاک شدند در توبیخ و سرزنش آنان فرمود:

﴿لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّصِيحِينَ ﴿۷۹﴾﴾

[الأعراف: ۷۹].

«به راستی من پیام پروردگارم را به شما رساندم و خیر شما را خواستم اما شما نصیحت‌گران را دوست ندارید».

ای مسلمانان:

هر که حق را شناخت بر وی واجب می‌شود که به آن برگشته و در برابر آن فروتنی کند و بازگشت به حق بسیار بهتر از ادامه دادن باطل است. از سوی دیگر پذیرش نصیحت هرگز قدر و شأن و منزلت نصیحت‌شده را پایین نمی‌آورد، بلکه همین ادامه ندادن اشتباه و عدم اصرار بر آن، جلالتِ قدر و منزلتِ والا و ثنای نیک دیگران را در پی خواهد داشت.

اما آنکه بر باطلش پافشاری کند و سخن ناصحان را سنگین بداند هم دیگران در خرد وی شک می‌کنند و هم در چشم آنان کوچک و خوار خواهد شد.

امام شافعی - رحمه الله تعالی - می‌فرماید: «کسی را نصیحت نکردم که نصیحتم را پذیرفت مگر آنکه هیبت و مقامش در دلم افتاد و او را دوست داشتم، و کسی نصیحتم را رد نکرد مگر آنکه از چشمم افتاد...».

ای مسلمانان:

چرا مردم به کسانی تمایل پیدا می‌کنند که اهل تملق و تعارفند و نصیحت نمی‌کنند؟ در حالی که کار اینان در واقع نوعی فریبکاری و همراهی در زیان است؟! و چرا از نصیحت‌گر دلسوز گریزانند در حالی که نصیحت او از روی رحمت و رأفت و نیکی و غیرت بر شخص مقابل است؟

خوش به حال آنکه سخن نصیحت‌گر راهنما را پذیرفت و از اهل گمراهی دوری گزید، اما بدبخت شد آنکه نصیحت دلسوزان را کوچک شمرد و خود را از شنیدن سخن صالحان بالاتر دانست و در کوری و گمراهی خود پافشاری نمود و به اخلاق بد خود ادامه داد.

آنکه قلبش بیدار است و خردمند و فهیم است، موعظه را درک کرده و اندرز به او سود می‌رساند:

﴿سَيَذَرُكَ مَنْ يُخْتَلَىٰ ﴿١٠﴾ وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَىٰ ﴿١١﴾﴾ [الأعلى: ۱۰-۱۱].

«آن کس که ترسد بزودی عبرت گیرد (۱۰) و نگون‌بخت خود را از آن دور می‌دارد».

ای مسلمانان:

اما مصیبت بزرگ آن است که شخص را با دلیلی از کتاب خدا یا سنت پیامبرش - صلی الله علیه وسلم - نصیحت کنند اما بر باطل خود اصرار ورزد و دلیل صحیح را با جدل و تأویل فاسد رد کند.

شعبی - رحمه الله - می‌گوید: «هنگامی به هلاکت رسیدید که آثار - یعنی احادیث صحیح - را رها کردید» [به روایت بیهقی].

حق واضح است، بی‌هیچ پوشیدگی، اما این هوای نفس است که انسان را کور و کر می‌کند و فریب می‌دهد.

پس ای مسلمانان تقوای الله را پیشه سازید و در برابر حق فروتن باشید و نصیحت امانت‌داران را بشنوید و از جمله کسانی نباشید که نصیحت‌گران را دوست ندارند. خداوند برای من و شما در قرآن و سنت برکت نهد و با آیات و بینات و پندها و حکمت‌های آن سودمند گرداند. آنچه را شنیدید گفتم، و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از خداوند از هر گناه و خطایی آمرزش می‌خواهم، پس از او آمرزش بخواهید که او آمرزش‌گر توبه‌کنندگان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش مخصوص خداوند است برای احسان و نیکی‌اش و سپاس از آن اوست به سبب توفیق و امتنانش، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و بزرگ مرتبه، و گواهی می‌دهم که پیامبر و سرور ما محمد، بنده

ای مسلمانان:

نصیحت کنید و نصیحت بپذیرید که خوشبختی نیست مگر در نصیحت کردن و پیروزی نیست مگر در پذیرفتن نصیحت، زیرا از ابورقیه، تمیم بن اوس داری - رضی الله عنه - از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت است که فرمود: «دین، نصیحت است» گفتیم برای چه کسی؟ فرمود: «برای خداوند و برای کتاب او و برای پیامبرش و برای مسئولان مسلمان و همه‌ی آنان» [به روایت امام مسلم].

و در پایان درود و سلام فرستید بر بهترین انسان‌ها که هر کس بر وی یک درود فرستد خداوند به خاطر آن بر وی ده درود خواهد فرستاد.

خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد درود و سلام فرست و راضی و خشنود باش از چهار خلیفه‌ی وی، صاحبان سنت پیروی شونده، ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه‌ی پیامبرت و از تابعین و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند و همچنین از ما با منت و بزرگواری و بخشدگی‌ات به همراه آنان خشنود باش ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت عطا کن، خداوندا اسلام را عزت عطا کن و مسلمانان را پیروز گردان. خداوندا اسلام را عزت عطا کن و مسلمانان را پیروز گردان و دشمنان دین را نابود ساز و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امن و امان بدار.

خداوندا همه‌ی مسئولان و رهبران مسلمان را برای حاکم گرداندن شریعت و پیروی از سنت پیامبرت محمد - صلی الله علیه وسلم - توفیق عطا کن.

خداوندا گرانی و بیماری‌های واگیر و ربا و زنا و زلزله‌ها و سختی‌ها را از ما دور گردان. خداوندا گرانی و وبا و ربا و زنا و زلزله‌ها و سختی‌ها و فتنه‌های بد آشکار و پنهان را از این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان دور گردان ای پروردگار جهانیان.

خداوندا برادران ما در دین و عقیده را در شام یاری ده. خداوندا دشمنان دین و سنت بر آنان تسلط یافته‌اند، خانه‌هایشان را ویران کرده و مردان و زنان و کودکان را کشتند و

آبروها بردند... خداوندا هلاکت و شکست آنان را نزدیک گردان، ای قوی و ای عزیز! ای پروردگار جهانیان. خداوندا عذاب و خشم را بر آنان نازل گردان ای پروردگار به حق، ای پروردگار جهانیان.

خداوندا تو پناه مایی، همه‌ی امیدها قطع شد مگر از تو و گمان‌ها از همه مایوس شد مگر از تو و اطمینانی نمانده مگر به تو. تو پناه مایی و تو پناه دهنده‌ای و توکل ما تنها بر تو است. خداوندا خویشان ما را در شام را پیروزی عاجل عطا کن. خداوندا آن خرافه‌پرستان را که بر خویشان ما مسلط شده‌اند نابود گردان.

خداوندا مسجدالاقصی را از ناپاکی یهودیان پاک گردان. خداوندا یهودیان غاصب و صهیونیست‌های پیمان‌شکن را نابود گردان. خداوندا تو آنان را نابود گردان که آنان را یارای ناتوان ساختن تو نیست.

خداوندا بیماران ما را شفا ده و مردگان ما را بیامرز و اسیران ما را آزاد گردان و ما را بر دشمنانمان یاری ده.

خداوندا پسران و دختران ما را در امتحاناتشان یاری ده. خداوندا آنان را موفق و پیروز و خوشبخت و صالح بگردان و از فتنه‌های نابودگر محافظت نما ای بزرگوار. بندگان خداوند:

«همانا الله به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان امر نموده و از فحشا و منکر و بدی و تجاوز باز می‌دارد. او شما را چنین اندرز می‌دهد باشد که یادآور گردید» [النحل: ۹۰]. پس خداوندا بزرگ جلیل را یاد کنید تا شما را یاد کند و او را برای نعمت‌هایش سپاس گویند تا شما را افزون دهد و همانا یاد الله بزرگ‌تر است و الله به آنچه می‌کنید آگاه است.

عنوان خطبه:

درجات والا، نتیجه‌ی کارهای نیک

خطیب: دکتر عبدالمحسن القاسم

مسجد نبوی شریف: جمعه ۲۹ صفر ۱۴۳۴ برابر با ۲۲ دی ۱۳۹۱

خطبه‌ی اول:

ستایش ویژه‌ی الله است؛ او را ستایش گفته و از او یاری جسته و آمرزش می‌خواهیم و از بدی‌های نفس خود و کارهای ناشایستمان به او پناه می‌بریم. الله هرکه را هدایت کند او گمراه‌گری نخواهد داشت و هرکه را گمراه سازد او هدایت‌گری نخواهد یافت، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر اوست. درود و سلام بسیار خداوند بر وی و بر اهل بیت و یاران او باد.

اما بعد، ای مسلمانان:

الله - جَلَّ و عَلا - دارای نام‌های نیک و مُتَّصِفٌ به صفات والا است، و او - سبحانه و

تعالی

«و نیکی پیشه سازید. همانا الله نیکوکاران را دوست دارد».

امام بَعُوّی - رحمه الله - می‌گوید: «یعنی: کارها و اخلاقتان را نیکو کنید».

نیک گرداندن کارها بر همه‌ی بندگان واجب است. پیامبر ما - علیه الصلاة والسلام - می‌فرماید: «خداوند، احسان (یعنی نیک انجام دادن کارها) را بر همه چیز واجب گردانده است» [به روایت امام مسلم].

ابن رجب حنبلی - رحمه الله - می‌گوید: «یعنی احسان را بر هر مخلوقی واجب نموده است».

پیامبر خدا - صلی الله علیه وسلم - کسی را که کار نیک انجام دهد مورد ستایش قرار داده و فرموده است: «بهترین مردم کسی است که عمرش به درازا کشد و عمل نیک انجام دهد» [به روایت ترمذی].

کار پیامبران نیز در اوج زیبایی و دقت و دلسوزی بود. برای مثال، نوح - علیه السلام - قوم خود را شب و روز و در پنهان و آشکار به مدت نهصد و پنجاه سال به سوی خداوند دعوت کرد.

همچنین خداوند، ابراهیم را اینگونه ستوده است که:

﴿وَابْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى﴾ [النجم: ۳۷].

«و ابراهیم که وفا کرد».

قَتَادَه - رحمه الله - می‌گوید: «یعنی در طاعت خداوندی وفا کرد و رسالت او را به بندگان رساند».

زندگی پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - نمونه‌ای کامل از نیکی و احسان بود؛ برای همین خداوند متعال بندگان را امر به پیروی از او نموده است:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ

كَثِيرًا﴾ [الأحزاب: ۲۱].

«بی‌شک برای شما در [اقتدا] به رسول الله الگویی نیکو است؛ برای آن کس که به الله

و روز آخرت امید دارد و الله را بسیار یاد می‌کند».

از فضل خداوند بر بندگان این است که طاعات پنداری و کرداری و گفتاری را برای آنان متنوع ساخته و بزرگ‌ترین پاداش را برای نیکوکاران قرار داده است، چنانکه می‌فرماید:

﴿هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ﴾ [الرحمن: ۶۰].
 «آیا پاداش نیکی، جز نیکی است؟».

ابن کثیر - رحمه الله - در تفسیر این سخن خداوند متعال می‌گوید: «برای کسی که در دنیای نیکی پیشه گرفته است چه پاداشی خواهد بود مگر نیکی در آخرت؟». اگر اعتقاد بنده نیک باشد اجر او نیز چند برابر خواهد شد. رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید: «اگر کسی از شما اسلامش را نیکو سازد برای هر کار نیکی که انجام دهد ده برابر اجر آن تا هفتصد برابر، نوشته می‌شود و هر گناهی که انجام دهد، یک گناه برای او نوشته خواهد شد» [متفق علیه].

و هر کس کلمه‌ی توحید را از روی یقین به زبان آورد و از روی صدق و اخلاص به مقتضای آن عمل کند و از باطل‌کننده‌های آن دوری نماید خداوند چهره‌اش را از آتش دور می‌سازد. رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «خداوند کسی را که برای به دست آوردن رضایتش لا إله إلا الله بگوید، بر آتش حرام گردانده است» [متفق علیه].

و اگر بنده منزلت توکل را محقق گرداند و همه‌ی کارهایش را به خداوند بسپارد، خداوند او را بدون حساب و عذاب وارد بهشت خواهد کرد، چنانکه پیامبر خدا - صلی الله علیه وسلم - درباره‌ی اینان می‌فرماید: «آنان کسانی هستند که از دیگران تقاضای رُقیه نمی‌کنند، و چیزی را نحس نمی‌دانند، و داغ نمی‌کنند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند» [متفق علیه].

کامل‌ترین مراتب دین‌داری، مرتبه‌ی احسان است؛ زیرا احسان در بر دارنده‌ی صدق و راستی ظاهری و باطنی است؛ رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در بیان احسان

می‌فرماید: «[احسان این است] که خداوند را عبادت کنی گویی او را می‌بینی، و اگر او را نمی‌بینی، [حداقل گویی] او تو را می‌بیند» [به روایت امام مسلم].

اگر انسان مسلمان عبادتش را در کمال زیبایی و دقت انجام دهد اجری بسیار می‌گیرد، برای مثال پیامبر خدا - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید: «هر کس که وضو گیرد و وضویش را کامل سازد سپس بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ»؛ هر هشت در بهشت برایش گشوده می‌شود که از هر کدام بخواهد به آن وارد شود» [به روایت امام مسلم].

بلند کردن صدا برای اذان نیز مستحب است، «زیرا صدای [اذان] او را جن و انس و هر چیز دیگری نمی‌شنود مگر آنکه در روز قیامت به سود او گواهی می‌دهند» [به روایت امام بخاری].

و اگر مؤذن در پایان اذانش بگوید: «لا إله إلا الله» «هر کس که صدای او را می‌شنود در پاسخ او از ته قلب بگوید: لا إله إلا الله، وارد بهشت می‌شود» [به روایت امام مسلم]. همچنین «راست گرداندن صف [نماز] از نیکی و زیبایی نماز است» [متفق علیه] و «بهترین صف مردان [در نماز] اولین صف است» و از جمله کسانی که خداوند آنان را [در قیامت] زیر سایه‌ی خود قرار می‌دهد «مردی است که قلبش وابسته‌ی مسجد است» [متفق علیه].

پاداش نیکی در نماز، پی در پی است؛ «مسلمانی نیست که وقت نماز فرض‌اش فرا می‌رسد و به نیکی وضو می‌گیرد و خشوع و رکوع آن را به خوبی انجام می‌دهد مگر آنکه کفاره‌ی گناهان گذشته‌اش خواهد بود اگر مرتکب گناه کبیره نشده باشد، و این [ویژگی] همیشگی است» [به روایت مسلم].

امام نووی - رحمه الله - می‌گوید: «تکفیر گناهان به سبب نماز، در همه‌ی زمان‌ها ادامه دارد و مختص زمان خاصی نیست».

همچنین «هر کس به نیکی وضو گیرد، سپس به نماز جمعه آید و به خوبی [به خطبه] گوش فرا دهد، [گناهان] میان این جمعه تا جمعه‌ی دیگر او، به اضافه‌ی سه روز دیگر، آمرزیده می‌شود» [به روایت امام مسلم نیشابوری].

و «دو رکعت [قبله‌ی] صبح از دنیا و هر چه در آن است، بهتر است» [به روایت امام مسلم].

و «نماز انسان در خانه‌اش بهتر از نماز او در مسجد است مگر نماز فرض، و بهترین نماز پس از نماز فرض، نماز شب است» [به روایت مسلم].

حتی مردگان نیز در نیکی کردن به آنان حقی دارند، چنانکه رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید: «اگر کسی از شما برادرش را کفن نمود، او را به نیکی کفن کند» [به روایت امام مسلم].

و درباره‌ی چگونگی کندن قبر برای میت می‌فرماید: «حفر کنید و آن را عمیق نمایید و این کار را به نیکی انجام دهید» [به روایت نسائی].

بخشش و صدقات نیز در اجر و پاداش برابر نیستند، مثلاً بهترین صدقه «این است که در حالی که در سلامت به سر می‌بری و به مال دنیا علاقمند و حریص هستی صدقه دهی». همینطور مخفی کردن آن بهتر از آشکار نمودن آن است، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ﴾ [البقرة: ۲۷۱].

«و اگر آن را پنهان سازید و به فقرا دهید این برای شما بهتر است».

و از جمله هفت گروهی که خداوند در قیامت، آنان را در زیر سایه‌ی خود قرار خواهد داد «کسی است که صدقه‌ای داد و آن را [چنان] مخفی ساخت که حتی دست چپش از آنچه دست راستش انجام داد خبردار نشد» [متفق علیه].

همینطور روزه و اجر روزه‌داران دارای درجات متفاوتی است؛ مثلاً «هر کس رمضان را از روی ایمان و احتساب پاداش، روزه گیرد گناهان گذشته‌اش آمرزیده می‌شود» و «محبوب‌ترین روزه‌داران نزد خداوند میانه‌روترین آنان در افطار است، و محبوب‌ترین

روزه‌ی مستحب، روزه‌ی داوود - علیه السلام - است که یک روز روزه می‌گرفت و یک روز افطار می‌کرد» و «بهترین روزه بعد از روزه‌ی رمضان، [روزه‌ی] ماه خدا، محرم است».

و «حج می‌رود پاداشی ندارد، مگر بهشت» [حج می‌رود حجاجی است که با گناهی آلوده نشده باشد].

گرامی‌ترین دانش‌ها نیز، دانش شریعت است. چنانکه خداوند - سبحانه و تعالی - می‌فرماید:

﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ﴾ [المجادلة: ۱۱].

«الله کسانی از شما را که ایمان آورده‌اند و کسانی که اهل علم‌اند [بر حسب] درجات، بلند گرداند».

آسان‌ترین راه برای رسیدن به بهشت، پیمودن راه علم است. پیامبر خدا - علیه الصلاة والسلام - می‌فرماید: «هر کس راهی بی‌ماید که در آن در پی علمی باشد، خداوند به واسطه‌ی آن برایش راهی به سوی بهشت آسان خواهد کرد» [به روایت ترمذی].

بهترین اهل علم کسانی هستند که با حفظ و فهم و عمل، در علم خود راسخ‌اند. ترمذی - رحمه الله - می‌گوید: «برتری اهل علم بر یکدیگر براساس حفظ و دقت علمی است».

بهترین دانش‌آموزان نیز کسانی‌اند که قرآن را آموخته و آن را به دیگران می‌آموزند، و پیامبر خدا - صلی الله علیه وسلم - برای کسی که حدیثی را حفظ کند و آن را به مردم برساند چنین دعا کرده است: «خداوند چهره‌ی کسی را بشاش گرداند که از ما حدیثی بشنود و آن را همانطور که شنیده است به دیگران برساند؛ زیرا چه بسا کسی که حدیثی به او رسیده است آن را بهتر از کسی درک کند که خود آن را [مستقیماً] شنیده باشد» [به روایت ابن حبان].

و «در هنگام فتنه، آنکه نشسته است بهتر از کسی است که ایستاده است» [متفق علیه] و «عبادت هنگام وقوع فتنه‌ها مانند هجرت به سوی پیامبر [صلی الله علیه وسلم] است» [به روایت مسلم].

بالاترین منازل صبر نیز صبری است که از روی خشنودی باشد نه با نارضایتی و جَزَع و فَزَع.

راست‌ترین سخن، کتاب خداوند است و آنکه در قرآن ماهر است با فرشتگان بزرگوار نیک همراه است، و آنکه در قرائت قرآن ماهرتر است امام دیگران می‌شود و رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - کشته شدگان در نبرد احد را دو نفر، دو نفر در قبر می‌گذاشت سپس می‌فرمود: «کدام یک قرآن بیشتری از حفظ دارد؟» و هنگامی که یکی از آن دو را نشان می‌دادند وی را زودتر در لَحْد می‌گذاشت [به روایت امام بخاری].

بهترین چیزی که بر زبان جاری می‌شود، یاد خداوند متعال است و «محبوب‌ترین سخن نزد خداوند متعال: سبحان الله، و الحمد لله، و لا إله إلا الله، و الله اکبر است» [به روایت مسلم نیشابوری].

و هیچ سخنی بهتر از سخن کسی نیست که براساس بصیرت و آگاهی به سوی خداوند دعوت می‌دهد، چنانکه خداوند - جَلَّ و عَلا - می‌فرماید:

﴿وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿۳۳﴾﴾

[فصلت: ۳۳].

«چه کس خوش‌گفتارتر از کسی است که به سوی الله دعوت کند و کار نیک انجام دهد و بگوید من از مسلمانانم».

دعا، همان عبادت است و مسلمان سعی می‌کند دعایی جامع کند؛ رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «اگر از خداوند چیزی خواستید، از او فردوس را بخواهید زیرا آن در میانه‌ی بهشت و بالاترین آن است؛ آن را به من نشان دادند که عرش رحمن بر آن بود و رودهای بهشت از آن سرچشمه می‌گیرند» [به روایت بخاری].

و «در روز جمعه وقتی است که بنده‌ای مسلمان در آن هنگام نماز نمی‌گزارد و از خداوند چیزی نمی‌خواهد مگر آنکه آن را به وی عطا می‌کند» [به روایت امام بخاری].
و دعای یک‌سومِ آخرِ شب رد نمی‌شود.

مومن قوی نیز نزد خداوند محبوب‌تر و بهتر از مومن ضعیف است و رفتار با مردم با اخلاق نیک عبادتی است که بنده به واسطه‌ی آن به بالاترین منازل دست خواهد یافت. رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید: «من متعهد خانه‌ای در بالای بهشت‌ام برای کسی که اخلاق‌اش نیک باشد» [به روایت ابوداود].
و بهترین پاسخ برای سلام، کامل‌ترین آن است:

﴿وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا﴾ [النساء: ۸۶].

«و چون به شما درود گفته شد، شما بهتر از آن یا همانند آن درود گوید». و «هر کس در پاسخ کسی که به او نیکی کرده است بگوید: جَزَاكَ اللهُ خَيْرًا در ثنای بر او مبالغه کرده است» [به روایت ترمذی].

شریعت همچنین میان ویژگی‌های مردم برتری‌هایی قرار داده است، مثلاً «بهترین متاع دنیا زن نیکوکار است» [به روایت مسلم] و بهترین همسران آنانی هستند که صالح‌ترند، چنانکه رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - توصیه نموده است: «آنکه دین‌دار است را انتخاب کن...» [متفق علیه].

سودمندترین فرزند برای پدر و مادر، فرزند صالحی است که پس از درگذشت آنان برایشان دعا کند. رسول الله - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید: «... یا فرزند صالحی که برایش دعا کند» [به روایت مسلم].

و «هر کس با داشتن دختران آزمایش شد و در حق آنان نیکی نمود آن‌ها برایش پرده‌ای خواهند شد در برابر آتش جهنم» [متفق علیه].

محبوب‌ترین نام‌ها نزد خداوند، عبدالله و عبدالرحمن است، و بهترین کارگزار آن است که قوی و امین باشد.

رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - بهترین خوش‌بویی و بهترین آب را معرفی کرده است چنانکه می‌فرماید: «بهترین خوش‌بویی، مُشک است» [به روایت بخاری] و سرور آب‌ها، آب زمزم است. رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید: «آن [آبی است] مبارک و سیر کننده است» [به روایت مسلم].

همچنین دین ما زمان‌هایی را برتری داده است تا مردم در این اوقات برای انجام طاعات از همدیگر سبقت جویند، برای نمونه، بهترین روزی که خورشید بر آن طلوع کرده است، روز جمعه است، و بزرگ‌ترین روزها نزد خداوند روز قربانی است، و شب قدر برتر از هزار ماه است و بهترین اوقات هر شب، یک‌سوم آخر هر شب است و بهترین ماه‌ها ماه رمضان است، و برای سحرخیزان این امت برکت نهاده شده است.

مکان‌ها نیز بر همدیگر برتری دارند؛ بهترین جاها نزد خداوند مساجد است و بهترین مساجد مسجد الحرام، سپس مسجد پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و سپس مسجد الاقصی است و مجالس علم، باغی از باغ‌های بهشت‌اند.

سلف و پیشینیان این امت نیز براساس این اصل عظیم یعنی زیبا انجام دادن کارها و اخلاص در انجام آن، عمل می‌کردند. امام بخاری - رحمه الله - صحیح خود را ظرف شانزده سال جمع‌آوری کرد و حدیثی در آن قرار نمی‌داد مگر آنکه برای خداوند دو رکعت نماز به جای می‌آورد و می‌گفت: «این کتاب را حجتی میان خود و خداوند قرار داده‌ام».

اما بعد، ای مسلمانان:

اسلام یعنی نیک انجام دادن عبادت و رفتار نیک با مردم، و مسلمان با مخلص گرداندن نیت خود برای خداوند اگر فرصت انجام کار نیکی یافت آن را انجام می‌دهد، حتی اگر به ظاهر کوچک باشد و اگر در آن کار برتری خاصی باشد به سوی آن سبقت می‌جوید و اگر بد باشد از آن دوری می‌گزیند. مومنان چیزی را خواهان‌اند که والاترین پاداش را نزد خداوند دارا باشد. روزی رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - از درهای بهشت نام برد؛ ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - فرمود: پدر و مادرم فدایت ای رسول

خداوند! کسی که از [یکی از] آن درها فراخوانده شود دیگر نیازی به خوانده شدن از دیگر درها دارد؟ آیا کسی از همه‌ی آن درها فرا خوانده می‌شود؟ فرمود: «آری؛ و امیدوارم تو از آن‌ها باشی» [متفق علیه].

انسان‌های بزرگ در پی امور والا هستند و نسبت به خداوند گمان نیک دارند.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

﴿وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ﴾ [البقرة: ۱۹۷].

«و توشه بگیرید که همانا بهترین توشه تقوا است، و ای خردمندان از من پروا دارید». خداوند برای من و شما در قرآن عظیم برکت نهد و با آیات و ذکر حکیم سود رساند. این سخن را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از خداوند متعال از هر گناهی آمرزش می‌خواهم.

خطبه‌ی دوم:

خداوند را برای احسان‌اش ستایش می‌گویم و برای توفیق و امتنان‌اش سپاس، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که پیامبر ما محمد بنده‌ی الله و پیام‌رسان اوست. درود و سلام بسیار خداوند بر او و بر اهل‌بیت و یاران او باد.

از جمله‌ی نیک انجام دادن کار، مداومت بر آن است. رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید: «محبوب‌ترین کارها نزد خداوند بادوام‌ترین آن‌ها است حتی اگر کم باشد» [متفق علیه].

ابن حجر - رحمه الله - می‌گوید: «صبر بر محافظت بر نمازها و ادای آن‌ها در وقت‌شان و محافظت بر نیکی به پدر و مادر امری است لازم که تکرار شدنی و همیشگی است و بر انجام امر خداوند صبر نمی‌کنند مگر صِدِّیقان».

مسلمان نیکی‌های متنوع و گوناگونی انجام می‌دهد تا لذت‌هایش در نعیم آخرت نیز متنوع شود و شریعت به بیان برترین نیکی‌ها پرداخته است تا انسان چیزی از آن را از دست ندهد و درجات‌اش را در بهشت ارتقا دهد.

سپس بدانید که خداوند شما را به درود و سلام بر پیامبرش امر نموده و در آیات محکم کتابش فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

خداوندا بر پیامبرت محمد درود و سلام فرست و از خلفای راشدین، ابوبکر و عمر و عثمان و علی، که به حق و عدالت حکم می‌راندند، و از دیگر صحابه راضی و خشنود باش و از ما نیز به همراه آنان خشنود باش ای گرامی‌ترین گرامیان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت عطا کن، و شرک و مشرکان را خوار گردان و دشمنان دین را نابود ساز و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امنیت و رفاه بدار.

خداوندا اوضاع مسلمانان را در همه جای دنیا بهبود بخش، خداوندا کلمه

بندگان خداوند:

«همانا الله به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان امر نموده و از فحشا و منکر و تجاوز باز می‌دارد. او شما را چنین اندرز می‌دهد، باشد که یادآور گردید» [النحل: ۹۰].
پس خداوند بزرگ جلیل را یاد کنید تا شما را یاد کند و او را برای نعمت‌هایش سپاس گویند تا شما را افزون دهد و بی‌شک یاد خداوند بزرگ‌تر است و خداوند به آنچه می‌کنید آگاه است.

عنوان خطبه:

از خداوند عافیت بخواهید

خطیب: دکتر سعود شریم

مسجد الحرام: جمعه ۶ ربیع الأول ۱۴۳۴ برابر با ۲۹ دی ۱۳۹۱

خطبه‌ی اول:

ستایش مخصوص خداوندی است که دارای عزت و جلال است، آمرزنده‌ی گناهان و پذیرنده‌ی توبه و سخت‌کیفر است. عطاکننده‌ی هر نعمت و فضلی است و از بین برنده‌ی هر سختی و تنگنا. او را برای نعمت‌های فراگیر و کرم وسیع و نعمت‌های بزرگش ستایش می‌گویم و از ظاهر و درون گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله و گواهی می‌دهم که محمد بنده‌ی الله و پیامبر اوست که وی را بشارت دهنده و هشدار دهنده‌ای به سوی انس و جن، و دعوتگری به سوی وی و چراغی روشنگر قرار داده است. درود و سلام و برکات خداوند بر وی و بر اهل بیت نیک و پاک و صحابه و تابعین و کسانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند...

اما بعد، ای مردم خود و شما را به تقوای الله - سبحانه و تعالی - سفارش می‌کنم که شما در این دنیا نیستید مگر مامورانی مکلف که در معرض بلاها و سختی‌ها قرار می‌گیرید و نعمت‌ها یکی یکی به شما می‌رسد اما نعمتی نمی‌آید مگر آنکه دیگری

می‌رود، رد پایی از شما به جای نمی‌ماند مگر آنکه رد پای دیگری پاک می‌شود و چیز نوری به دست نمی‌آورید مگر آنکه چیزی دیگری کهنه می‌شود. ریشه‌هایی گذشته‌اند که ما شاخه‌های آنیم؛ با رفتن ریشه چه سود از بقای شاخه؟

﴿وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْأٰخِرَةِ إِلَّا مَتَعٌ﴾ [الرعد: ۲۶].

«و زندگی دنیا در [برابر] آخرت جز بهره‌ای [اندک] نیست».

مردم به طور کلی محکوم به تلاش و سختی کشیدن هستند و خداوند نیز همه را در رنج آفریده است، چنانکه رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید: «همه‌ی مردم شب را به صبح می‌رسانند؛ همه خود را به فروش می‌رسانند که برخی نفس خود را آزاد می‌کنند و برخی دیگر هلاکش می‌سازند».

از میان مردم برخی رنج می‌کشند و لذت می‌برند و برخی درد؛ برخی از سختی به حد ذلت می‌رسند و برخی به مرز طغیان، اما از میان همه‌ی این‌ها زیرک کسی است که راه گمراهی و سرکشی را پیش نگیرد و در هر دو حالت نفس خود را کنترل کند و آن را مجبور به ایستادن در برابر درگاه آفریدگار و مولای خود نماید و از او عفو و عافیت دین و دنیا و خانواده و مالش را بخواهد، زیرا ترجیح عافیت فطرتی است که خداوند در درون انسان‌ها قرار داده است و برای همین است که هیچکس بلا و درد را دوست ندارد مگر آن کسی که از مزاجی نامتوازن برخوردار است.

ارزش عافیت را درک نمی‌کند مگر کسی که در دین و دنیای خود آن را از دست دهد، زیرا اگر کسی به مدتی طولانی از آن برخوردار باشد ارزش آن را نخواهد دانست و هنگامی به اهمیت آن پی خواهد برد که آن را از دست دهد، و لباس عافیت از زیباترین لباس‌های دین و دنیا است که به واسطه‌ی آن خوشی دنیا و عاقبت نیک در آخرت به دست می‌آید.

بر همین اساس، مصطفی - علیه الصلاة والسلام - از روی رحمت بر امت خود و حرص بر هدایت آنان فرموده است: «از خداوند عفو و عافیت بخواهید زیرا کسی پس از یقین، چیزی با ارزش‌تر از عافیت به دست نیاورده است» [به روایت امام احمد].

پیامبر خدا - صلی الله علیه وسلم - تنها به گفتن همین سخنان برای امتش اکتفا نکرده بلکه با روش عملی و همیشگی خود بر آن تاکید نموده تا امت وی ارزش این نعمت بزرگ را بدانند. وی که درود و سلام خداوند بر او باد همیشه در دعایش می‌فرمود: «اللهم إني أسألك العافية في الدنيا والآخرة، اللهم إني أسألك العفو والعافية في ديني ودنياي وأهلي ومالي» یعنی: «خداوندا من از تو عافیت را در دنیا و آخرت خواهانم. خداوندا من از تو عفو و عافیت را در دین و دنیایم و در خانواده و مالم، خواستارم..» [به روایت ابوداود و دیگران].

ابن جرّری - رحمه الله - می‌گوید: «آنکه عافیت را به دست آورد در واقع همه‌ی چیزهایی را که از نظر باطن و ظاهر و دین و دنیا امیدش را دارد و دوست می‌دارد به دست آورده و از آنچه در دنیا از آن در هراس است محافظت شده است.»

عافیت، ارزشی است مطلق که قابل تجزیه نیست؛ برای همین کسانی که آن را محدود به عافیت بدن می‌دانند در اشتباهند. بنابراین هر کس تنها در پی عافیت و سلامت بدنی باشد و در جستجوی عافیت در دین خود نباشد در حق خود زیاده‌روی نموده و از راه راست منحرف شده است. و هر کس تنها در پی عافیت و سلامت در دین خود باشد و به فکر بدن خود نباشد به خود ستم نموده و چه بسا به سبب ضعف و سستی بدنی، دین‌داری‌اش نیز دچار سستی و ضعف شود. برای همین مومن قوی نزد خداوند بهتر و محبوب‌تر از مومن ضعیف است.

خوشبخت نیز - چنانکه ابن جوزی رحمه الله می‌گوید - کسی است که در برابر خداوند فروتنی نماید و از او عافیت و سلامت بخواهد، زیرا وی به هر حال عافیت مطلق را به دست نخواهد آورد، و بلا و سختی، ناگزیر است. برای همین است که انسان خردمند همیشه از خداوند عافیت را می‌خواهد تا آنکه عافیت و سلامتی بر همه

هر خردمندی که با دیده‌ی بصیرت بنگرد متوجه خواهد شد که عموم مردم بیش از هر چیز به عافیت و سلامت بدن اهمیت می‌دهند و برای به دست آوردن این نعمت، وقت و تلاش صرف می‌کنند و همدیگر را به آن یادآوری نموده و از خداوند آن را خواهانند، اما در همین حال از ارزش عافیت در دین و سلامت آن از آفت‌ها و ابتلاها غفلت می‌ورزند، زیرا ضعف در دین‌داری باعث ضعف افراد می‌شود.

هرگاه بنده از به دست آوردن عافیت در دین خود کم‌کاری نماید خود را در خطر هلاکت و سرگردانی قرار داده است، و مصیبت و زیان هنگامی بیشتر خواهد بود که انسان گناه خود را علنی کند، یعنی خداوند او را بپوشاند اما او خودش را رسوا سازد و از رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - در حدیث صحیح وارد شده است که فرمودند: «همه‌ی امت من در عافیت‌اند مگر مُجَاهِرَان»، یعنی کسانی که گناه می‌کنند، سپس آن را علنی ساخته و برای مردم بیان می‌کنند.

کمبود عافیت در دین با انحراف از شریعت خداوند است، که یا با طغیان شهوت حیوانی است که صاحب خود را به قهقرا می‌کشانند، و یا با طغیان شبهه‌ای در دین است که انسان را به انحراف کشانده و او را به صف دشمنان دین و باز دارندگان از راه خداوند ملحق می‌سازد.

پیامبر ما - صلی الله علیه وآله وسلم - ما را از عوامل از بین برنده‌ی عافیت در دین، برحذر داشته و فرموده است: «فتنه‌هایی رخ خواهد داد که در آن نشسته، بهتر از ایستاده است و ایستاده، بهتر از رونده و رونده، بهتر از دونده؛ هرکه با آن روبرو شود، هلاکش کند» [به روایت بخاری و مسلم].

و از جمله چیزهایی که پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - به حسن بن علی - رضی الله عنهما - یاد داده بود، این بود که در دعا و قنوتش بگوید: «اللهم اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ، وَعَافِنِي فِيمَنْ عَافَيْتَ». یعنی: «خداوندا مرا در میان کسانی که هدایت نمودی هدایت ده و در میان کسانی که عافیت دادی، عافیت عطا کن» [به روایت امام احمد و اصحاب سنن].

از بزرگ‌ترین نمودهای فقدان عافیت در دین این است که انسان مفسد باشد نه مصلح، اهل مسخره باشد نه جدیت، و تیشه‌ای باشد برای ویران ساختن جامعه، نه عامل آبادی و بنا، و او را نیابی مگر در حال تمسخر یا در حال پی‌ریزی روش‌ها و سنت‌هایی که دین و فطرت خداوندی را مخدوش می‌سازد تا گناه خود و گناه کسانی را که تا قیامت به روش او عمل می‌کنند به دوش کشد.

در سنت نیز احادیثی وارد شده است که نشان دهنده‌ی نسبت دادن کارها به کسانی است که آن را نخستین بار در میان مردم جا انداخته‌اند و چنین کسانی تا روز قیامت گناه کار خود را که باعث شده است دیگران مرتکب اخلال در شریعت خداوند شوند، بر دوش خواهند کشید. چنانکه رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - می‌فرماید: «کسی از روی ستم کشته نمی‌شود مگر آنکه فرزند آدم بخشی از گناه آن را بر دوش خواهد داشت؛ زیرا او نخستین کسی بود که قتل را پایه‌ریزی کرد» [به روایت بخاری و مسلم].

خدا رحمت کند امام مالک را که یکی از شاگردانش را چنین نصیحت نمود: «مردم را بر دوش خود مگذار» یعنی گناه آنان را بر دوش مکش. و می‌فرماید: «با هر چه بازی می‌کنی، دینت را به بازی مگیر».

بنابراین بترسند کسانی که خشتی بر ساختمان فتنه و فساد دین و اخلاق می‌افزایند، بترسند و برحذر باشند از اینکه بی‌آنکه بدانند، گناهان خود و همچنین گناهان کسانی که همراه کرده‌اند بر دوش کشند.

و بترسند همه‌ی کسانی که فریب زرق و برق باطل را خورده‌اند، زیرا حق آشکار است و روشن، هر چند بر روی آن پرده کشند، و باطل، تاریک است و مبهم، و هر کس زیر پایش را بنگرد هیچگاه بر خار گام نخواهد گذاشت.

هر آنکه عافیت را به دست آورد خداوند را سپاس گوید زیرا هر کس در پی سلامت و عافیت باشد راه گمراهی در پی نمی‌گیرد و آن همچون دژی است محکم در سختی‌ها و انسان پس از یقین نعمتی بزرگ‌تر از عافیت به دست نیآورده است.

خداوند من و شما را به واسطه‌ی قرآن بزرگ برکت دهد و با آیات و ذکر حکیم سود رساند. آنچه را گفتم اگر صحیح بود از سوی خداوند و اگر خطا بود از نفس بود و از شیطان، و از خداوند آمرزش می‌خواهم که او بسیار آمرزنده است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش مخصوص خداوند است برای احسان وی و سپاس شایسته‌ی اوست برای توفیق و امتنان‌اش و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست مگر الله که واحد و بی‌شریک است و بزرگوار، و گواهی می‌دهم که محمد، بنده‌ی الله و پیامبر او و دعوتگر به سوی خشنودی اوست.

اما بعد:

بدانید که خواستن سلامت و عافیت در دین به این معنا نیست که انسان خواهان تن‌آسایی و نشستن و دست کشیدن از انجام نیکی‌ها است. آنچه واجب است، شایسته نیست که از آن دست کشیده شود، بلکه سلامت و عافیت‌خواهی در اماکن فتنه و ریا لازم است و همین‌طور در مواقعی که شناخت حق از ناحق سخت است که در چنین شرایطی، انسان آنچه را باعث شک و شبهه است ترک می‌کند و هر کس از شبهات دوری کند برای دین و آبرویش خواهان پاکی شده است و هر کس در شبهات افتاد در واقع در حرام افتاده است.

امام احمد - رحمه الله - می‌فرمود: «من کاری را اشکالی ندارد از ترس واقع شدن در کاری که اشکال دارد، ترک می‌کنم».

برای همین است که اعتقاد اهل سنت و جماعت در مورد فتنه‌ها چنین است که هیچ چیز با سلامت و عافیت برابر نیست و در این شرایط، نشستن بهتر است، مگر آنکه با ادله‌ی شرعی واضح و صریح و صحیح، حق برای آنان آشکار شود که در این حال بدون تردید به یاری حق می‌شتابند.

برخی از اهل علم درباره‌ی داستان اصحاب کهف این سخن مفسران را نقل کرده‌اند که می‌گویند: «این داستان دلیلی است بر این حقیقت که هر کس با دین خود از فتنه‌ها

بگریزد، خداوند نیز او را از آن‌ها محافظت می‌کند، و هر کس بر عافیت حریص باشد خداوند نیز او را سالم می‌دارد و هر کس به خداوند پناه ببرد، پناهش می‌دهد...». اما چیزی که باید از آن دوری گزید، فهم اشتباه برخی از نشستگان است که عافیت را بد می‌فهمند و به اشتباه به این سخن خداوند متعال استدلال می‌کنند که می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَيْكُمْ أَنفُسُكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَن ضَلَّ إِذَا أَهْتَدَيْتُمْ﴾ [المائدة: ۱۰۵].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خودتان بپردازید؛ هر گاه شما هدایت یافتید آن کس که گمراه شده است به شما زیانی نمی‌رساند». آنان به اشتباه گمان می‌کنند معنای این آیه، ترک امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح کردم و بیان سخن صحیح در هنگام فتنه‌ها است که این منظور از سخن خداوند متعال نیست، چنانکه ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - بیان می‌دارد.

بلکه معنای صحیح این آیه چنین است که اگر انسان به راه هدایت رود و به وظایفی که خداوند در مورد دیگران بر عهده‌ی او نهاده است یعنی راهنمایی آنان به سوی حق و هشدار دادن آنان در مورد باطل، عمل نماید، در این صورت گمراهی دیگران هیچ زیانی برای او نخواهد داشت، زیرا هدایت به دست خداوند است و بر عهده‌ی انسان نیست مگر رساندن حق...

و در پایان بر بهترین انسان‌ها محمد بن عبدالله، صاحب حوض کوثر و مقام شفاعت، درود و سلام فرستید که خداوند شما را به آن امر نموده و فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [الأحزاب: ۵۶].

خداوند بر بنده و پیامبر محمد درود و سلام و برکت و فزونی ارزانی دار و از چهار خلیفه‌ی وی: ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه‌ی پیامبر محمد - صلی الله علیه وسلم - و از تابعین و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند راضی و خشنود باش و همچنین از ما به همراه آنان خشنود باش از مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت عطا کن، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت عطا کن و شرک و مشرکان را خوار گردان. خداوندا دینت را و کتابت را و سنت پیامبرت و بندگان مومنت را یاری ده.

خداوندا غصه‌ی غصه‌داران و سختیِ سختی‌دیدگان مسلمان را از بین ببر و وام‌داران را ادا کن و بیماران ما و بیماران مسلمان را به رحمت خود شفا ده.

خداوندا ما از تو عفو و عافیت را خواهانیم. خداوندا ما از تو عفو و عافیت را در دین و مال و خانواده‌ی خود خواهانیم ای دارای جلال و بزرگواری، ای حی و ای قیوم. خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان در امن و امان بدار و مسئولان ما را اصلاح نما و مسئولیت‌های ما را بر عهده‌ی کسانی قرار ده که تقوای تو را پیشه ساخته و در پی خشنودی تو باشند.

خداوندا برادران و خواهران مستضعف ما را در هر جا که هستند یاری ده. خداوندا آنان را در هر جایی که هستند یاری ده و آنان را بر ستمگران پیروز گردان. خداوندا آنان را بر دشمنان‌شان و دشمنان یاری ده. خداوندا کار دشمن آنان را پست گردان. خداوندا پیروزی آنان را پیروزی عاجل عطا کن، ای مهربان‌ترین مهربانان، ای دارای جلال و بزرگواری.

خداوندا، ای الله که معبودی به حق جز تو نیست؛ تو بی‌نیازی و ما نیازمندانیم. باران را بر ما نازل گردان و ما را از نومیدان مگران، باران را بر ما فرو ریز و ما را از نومیدان مگردان. خداوندا ما آفریده‌ای از آفریدگان توایم، پس به واسطه‌ی گناهانمان فضلت را از ما دریغ مدار.

«پروردگارا ما را در دنیا و در آخرت نیکی عطا کن و از عذاب آتش دور گردان»

[البقرة: ۲۰۱].

پاک و منزّه است پروردگار تو، پروردگار عزت از آنچه به دروغ وصفش می‌کنند و سلام بر پیامبران و آخر سخن اینک: الحمد لله رب العالمین.

عنوان خطبه: دنیا را برای آخرت غنیمت بشمار

خطیب: دکتر علی الحدیفی

مسجد نبوی شریف: جمعه ۱۳ ربیع الاول ۱۴۳۴ برابر با ۶ بهمن ۱۳۹۱

خطبه‌ی اول:

سپاس خداوند را که همه چیز را آفرید و به دقت اندازه‌گیری نمود او که «شب را به روز درمی‌پیچد و روز را به شب درمی‌پیچد و آفتاب و ماه را تسخیر کرد که هر کدام تا مدتی معین روانند؛ آگاه باش که او همان شکست‌ناپذیر آمرزنده است» [الزمر: ۵].

پروردگرم را سپاس و ستایش می‌گویم و به سوی او بازگشته و از او آمرزش می‌خواهم و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و یگانه است و شکست‌ناپذیر، و گواهی می‌دهم که پیامبر و سرور ما محمد، بنده‌ی او و پیامبر برگزیده‌اش است. خداوند بر بنده و پیامبرت محمد و بر اهل بیت و یاران متقی و نیک وی درود و سلام و برکت ارزانی دار.

اما بعد: تقوای خداوند را آنگونه که شایسته است پیشه سازید و به ریسمان محکم اسلام چنگ زنید که هر کس تقوای او را پیشه ساخت از بدی‌ها و مهلکات در امان ماند و از عقوبت عافیت یافت و در آخرت خشنودی پروردگا و بهشت را به دست آورد.

بندگان خداوند:

پروردگار شما - عزوجل - این زندگی دنیا را خانه‌ی عمل قرار داده است که همه در آن اجل و مهلت معینی دارند و آخرت را خانه‌ی جزا و پاداش کارهایی قرار داده است که در این دنیا انجام داده‌ایم؛ اگر نیک بود نیکی و اگر بد بود بدی. خداوند متعال فرموده است:

﴿وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسْتَوُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ

أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى ﴿٣١﴾ [النجم: ۳۱].

«و هر چه در آسمان‌ها و هر چه در زمین است از آن الله است تا کسانی را که بد کرده‌اند به [سزای] آنچه انجام داده‌اند کیفر دهد و آنان را که نیکی کرده‌اند به نیکی پاداش دهد».

و فرموده است:

﴿إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَّهَا لِيَبْلُوَهُمَ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ [الكهف: ۷].

«در حقیقت ما آنچه را که بر زمین است زیوری برای آن قرار دادیم تا آنان را بیازماییم که کدام یک از ایشان نیکوکارترند».

خداوند نیز مردم را با مخلوقاتی که در اختیار و سلطه‌ی آنان قرار داده و با اسبابی که در اختیارشان نهاده است، برای رسیدن به هدفشان یاری داده است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ وَظِلْمَةً وَبَاطِنَةً﴾ [لقمان: ۲۰].

«آیا ندانسته‌اید که الله آنچه را که در آسمان‌ها و آنچه را که در زمین است مسخر شما ساخته و نعمت‌های ظاهر و باطن خود را بر شما تمام کرده است».

و فرموده است:

﴿اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ [۱۲] ﴿وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [الجماعه: ۱۲-۱۳].

«الله همان کسی است که دریا را به سود شما رام گردانید تا کشتی‌ها در آن به فرمانش روان شوند و تا از فزون بخشی او [روزی خویش را] طلب نمایید و باشد که سپاس دارید (۱۲) و آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است به سود شما کرد همه از اوست قطعاً در این [امر] برای مردمی که می‌اندیشند نشانه‌هایی است».

و فرموده است:

﴿وَسَخَّرَ لَكُمْ الَّيَّامَ دَائِبِينَ﴾ وَسَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ وَسَخَّرَ لَكُمْ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ ﴿٣٣﴾ وَعَاتَلَكُمْ مِّنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِن تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ ﴿٣٤﴾ [ابراهیم: ۳۲-۳۴].

«و رودها را برای شما مسخر کرد (۳۲) و خورشید و ماه را که پیوسته روانند برای شما رام گردانید و شب و روز را [نیز] مسخر شما ساخت (۳۳) و از هر چه از او خواستید به شما عطا کرد و اگر نعمت الله را شماره کنید نمی‌توانید آن را به شمار درآورید قطعا انسان ستم‌پیشه‌ی ناسپاس است.»

اگر انسان اندیشه کند و عبرت گیرد و هدایایی را که خداوند برای او آماده ساخت است و منزلتی را که برای او در نظر گرفته و او را برای انجام نیکی‌ها و ترک بدی‌ها یاری داده است، و بداند که خانه‌ی آخرت، خانه‌ی ابدیت است که یا خوشی ابدی است و یا عذابی دردناک؛ اگر انسان این را بداند وقت خود را از دست نمی‌دهد و به آن اهمیت می‌دهد و مدت زمان زندگی خود را با انجام کارهای نیک و دنیای خود را با عمل به شرع حنیف آباد می‌سازد...

هیچ خیری در دنیای کسی نیست که دین بر آن حاکم نیست و هیچ برکتی در زندگی کسی نیست که اسلام بر آن چیره نباشد؛ خداوند متعال می‌فرماید:

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصَلُّهَا مَذْمُومًا مَّدْحُورًا ﴿١٨﴾ وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا ﴿١٩﴾ كَلَّا نُمَدُّ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا ﴿٢٠﴾﴾ [الإسراء: ۱۸-۲۰].

«هرکس خواهان [دنیای] زودگذر است به زودی هرکه را خواهیم [نصیبی] از آن می‌دهیم آنگاه جهنم را که در آن خوار و رانده داخل خواهد شد برای او مقرر می‌داریم (۱۸) و هرکس خواهان آخرت است و نهایت کوشش را برای آن بکند و مؤمن باشد آنانند که تلاش آن‌ها مورد حق‌شناسی واقع خواهد شد (۱۹) هر دو [دسته‌ی] اینان و آنان را از عطای پروردگارت مدد می‌بخشیم و عطای پروردگارت [از کسی] منع نشده است.»

و می‌فرماید:

﴿فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ ﴿٥٥﴾﴾ [التوبة: ۵۵].

«اموال و فرزندانشان تو را به شگفت نیارود جز این نیست که الله می‌خواهد در زندگی دنیا به وسیله‌ی این‌ها عذابشان کند و جانشان در حال کفر بیرون رود».

و می‌فرماید:

﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ ﴿٣٢﴾﴾ [الأعراف: ۳۲].

«بگو زیورهای را که الله برای بندگانش پدید آورده و [نیز] روزی‌های پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده؟ بگو این [نعمت‌ها] در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند و روز قیامت [نیز] خاص آنان می‌باشد».

آیا هیچ عاقلی در این حقیقت شک دارد که زندگی دنیای متاعی زائل و لذتی زودگذر است؟! اگر کسی از این حقیقت غافل است بهتر است از گذشتگان عبرت گیرد که شرح حال آنان عبرتی برای خردمندان است.

حال ای خردمند! اگر این سخن خداوند متعال برایت آشکار است که می‌فرماید:

﴿بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴿١٦﴾ وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَأَبْقَى ﴿١٧﴾﴾ [الأعلى: ۱۶-۱۷].

«بلکه زندگی دنیا را ترجیح می‌دهید (۱۶) [در حالی که] آخرت بهتر و ماندگارتر است».

اگر این را دانستی برای آخرتی که ماندگار است کار کن و به هدف به دست آوردن آن خوشی بی‌مانع از بین نرفتنی تلاش کن تا از آتش شدید جهنم و قعر عمیق آن و غذای اهل آن که زقوم است و نوشیدنی آنان که حمیم و چرک و خونابه است، نجات یابی. خداوند متعال فرموده است:

﴿فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِّن تَارٍ يُصَبُّ مِن فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ ﴿١٩﴾ يُصْهَرُ بِهِ مَا فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ ﴿٢٠﴾ وَلَهُمْ مَقْلِعٌ مِّن حَدِيدٍ ﴿٢١﴾ كَلَّمَا أَرَادُوا أَن يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ﴿٢٢﴾﴾ [الحج: ۱۹-۲۲].

«و کسانی که کفر ورزیدند جامه‌هایی از آتش برایشان بریده شده است [و] از بالای سرشان آب جوشان ریخته می‌شود (۱۹) آنچه در شکم آن‌هاست با پوست [بدن] شان بدان گداخته می‌گردد (۲۰) و برای [وارد کردن ضربت بر سر] آنان گرزهایی آهنین است (۲۱) هر بار بخواهند از [شدت] غم از آن بیرون روند در آن باز گردانیده می‌شوند [که هان] بچشید عذاب آتش سوزان را».

از انس بن مالک - رضی الله عنه - روایت است که رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: «خوش‌گذران‌ترین جهنمی از اهل دنیا را می‌آورند و او را در آتش یک غوطه می‌دهند، سپس به او گفته می‌شود: ای فرزند آدم! آیا هرگز خیری دیده‌ای؟ آیا هیچ خوشی‌ای بر تو گذشته است؟ می‌گوید: نه ای پروردگار! به خدا سوگند هیچ خوشی‌ای ندیده‌ام. و سختی‌دیده‌ترین بهشتی از اهل دنیا را می‌آورند و در بهشت یک غوطه می‌دهند، سپس به او می‌گویند: ای فرزند آدم! آیا سختی‌ای دیده‌ای؟ آیا هرگز با ناخوشی‌ای مواجه شده‌ای؟ می‌گوید: نه ای پروردگار! به خدا سوگند که [تاکنون] هیچ ناخوشی و سختی‌ای ندیده‌ام» [به روایت امام مسلم].

بندگان خداوند:

خیر و نیکی‌ای که نزد خداوند است جز با طاعت او به دست نمی‌آید. بدانید که کالای خداوند گران است، بدانید که کالای خداوند، بهشت است.

مدت زمان عمر انسان، همان سرمایه‌ی تجارت اوست که اگر آن را در انجام نیکی‌ها به کار گیرد خوشبخت می‌شود و اگر آن را در بیهودگی و کارهای حرام هدر دهد بدبخت می‌شود. شایسته‌ترین انسان‌ها برای به دست آوردن زندگی پاک و سودمند و مبارک کسانی‌اند که در زندگی خود به پیامبر هدایت - صلی الله علیه وسلم - اقتدا نمایند، زیرا راه و روش پیامبر ما محمد - صلی الله علیه وسلم - کامل‌ترین روش‌ها است چنانکه

خود در خطبه‌اش می‌فرماید: «همانا بهترین سخن، کلام خدا است و بهترین راه و روش، راه و روش محمد است و هر بدعتی گمراهی است» [به روایت مسلم از حدیث جابر رضی الله عنه].

بنابراین هر کس در زندگی خود به روش سرورمان رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - اقتدا نمود همه‌ی خیر و نیکی و بهشت‌های پرنعمت را به دست آورده است اما هر کس هدایت پیامبر را از دست دهد همه‌ی خیر و نیکی را از دست داده است و هر کس بخشی از آن را از دست دهد به همان اندازه خیر و نیکی از دست او رفته است.

یکی از اصحاب - رضی الله عنهم - می‌گوید: «ما سیرت پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را به فرزندانمان یاد می‌دادیم چنانکه به آنان قرآن را تعلیم می‌دادیم».

هدف آنان اقتدای به رسول خدا - علیه الصلاة والسلام - بود که در واقع به این هدف دست یافتند و اینگونه بهترین امتی شدند که بر مردم خارج گردیدند.

اگر هر مسلمانی پایبندی خود به سنت پیامبر خدا - صلی الله علیه وسلم - و عمل به راه و روش او در عبادات و معاملات و اخلاص و یاری دین و استقامت در همه‌ی احوال، مورد آزمایش قرار دهد، به کوتاهی‌ها و تقصیرات خود در کارهایش پی برده و به یاری خداوند آنچه را از دست داده است جبران خواهد کرد و در همه‌ی کارهایش به راه راست خواهد رفت.

شایسته است انسان مسلمان از هدر دادن عمر خود در غفلت و روی گردانی از علم و نافع و عمل صالح، و مشغول شدن به آنچه در دین و دنیا به سود او نیست، دوری کند؛ به ویژه جوانانی که نیازی شدیدتری به حفظ دین و اخلاق پاک‌ی خود و آینده‌شان دارند. زیرا هر مرحله‌ای از مراحل زندگی انسان تحت تاثیر مرحله‌ی قبل است و مضرت‌ترین چیز - به ویژه برای جوانان - پی‌گیری سایت‌های زیانبار در اینترنت است که باعث ویرانی اخلاق اسلامی و تاثیر پذیری از اینگونه پایگاه‌های فاسد می‌شود. همچنین مطالعه‌ی کتاب‌های الحاد و فساد و دوستی با بدان و اهل شهوت و گناهان، و هدر دادن

وقت خود با سریال‌های ماهواره‌ای که مانع خیرند و بدی‌ها و حرام‌ها را زیبا جلوه می‌دهند.

از دیگر عادت‌های زیان‌بار، عادت به شب‌نشینی و نخوابیدن در شب و خواب روز است؛ زیرا این عادت زیان‌بار باعث تغییر طبیعت انسان می‌شود که غالباً در بیکاری و فراغت رخ می‌دهد. هر کس این راه و روش را در پیش گرفت تولیدش کم می‌شود و دچار افت تحصیلی می‌شود. بسیاری از جوانان به سبب همین عادت از درس و تحصیل باز می‌مانند و بسیاری از این افراد دچار بیماری‌های بدنی و روانی می‌شوند. اخلاق کسانی که به این عادت ادامه دهند بد می‌شود و صبر و تحمل‌شان کم شده و در انجام وظایف خود دچار اشکال خواهند شد. شیاطین بر چنین کسانی تسلط می‌یابند زیرا تسلطی که شیطان در شب بر انسان دارد در روز ندارد.

خواب روز به جای شب باعث تباهی عمر و منافع انسان می‌شود و چه بسا همین شب‌نشینی‌ها انسان را به سوی مواد مخدر و انحراف و ترک نماز بکشاند.

قضایای جوانان بسیار است که راه درمان همه‌ی آن‌ها پابندی به روش سرور ما محمد - صلی الله علیه وسلم - است. همچنین بر پدران و مادران و خردمندان جامعه لازم است که الگویی نیک برای جوانان باشند زیرا آنان تنها می‌توانند از کسانی که می‌بینند الگو گیرند و نه تنها با اطلاع از سیرت صالحان گذشته.

همچنین شایسته است همه با هم در راه استقامت و پابندی بر دستورات خدا و رسولش همکاری کنیم. چنانکه رسول خدا - علیه الصلاة والسلام - می‌فرماید: «مثال مومنان در دوستی و مهربانی و عطوفتی که میان همدیگر دارند همانند یک بدن است که اگر یک عضو آن به درد آید دیگر اعضای آن نیز با بی‌خوابی و تب با آن هم‌دردی می‌کنند».

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٨﴾ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿١٩﴾ لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ ﴿٢٠﴾﴾ [الحشر: ۱۸-۲۰].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید از الله پروا دارید و هر کسی باید بنگرد که برای فردا [ی خود] از پیش چه فرستاده است و [باز] از الله بترسید در حقیقت الله به آنچه می‌کنید آگاه است (۱۸) و چون کسانی مباشید که الله را فراموش کردند و او [نیز] آنان را دچار خودفراموشی کرد. آنان همان نافرمانانند (۱۹) دوزخیان با بهشتیان یکسان نیستند بهشتیانند که کامیابانند.»

خداوند برای من و شما در قرآن عظیم برکت نهد و با آیات و ذکر حکیم و سنت سید المرسلین سود رساند. این سخن را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از خداوند آمرزش می‌خواهم.

خطبه‌ی دوم:

ستایش مخصوص خداوند والامرته‌ی بزرگ است. او که هر کس را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند. پروردگار ما صاحب نعمت و فضل است و ثنای نیک از آن اوست. هر کس را بخواهد مورد آمرزش قرار می‌دهد و از هر کس که بخواهد توبه می‌پذیرد و او بسیار آمرزنده و مهربان است. و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک و شکست‌ناپذیر و حکیم است و گواهی می‌دهم که پیامبر و سرور ما محمد، بنده‌ی او و پیامبرش است که رحمتی فرستاده شده برای جهانیان است. خداوند بر بنده و پیامبرت محمد، و بر اهل بیت و یاران متقی او درود و سلام فرست.

اما بعد:

در پنهان و آشکار تقوای خداوند را پیشه سازید تا کارهایتان را به صلاح آورد و فرجام‌تان را نیک گرداند.

ای مسلمانان:

نعمت‌های آشکار و پنهان خداوند را به یاد آورید و با انجام فرائض و مستحبات - در حد توان - به شکر آن پردازید، زیرا شکر خداوند به جای نمی‌آید مگر با انجام طاعت او و ترک معصیت‌اش.

پیامبر خدا - صلی الله علیه وسلم - ما را آگاه ساخته است که عافیت در آغاز این امت قرار داده شده است و آخر آن با بلا و سختی مواجه خواهد شد. عافیت در آغاز این امت به سبب پابندی آنان به سنت بود، شما نیز به سنت پیامبرتان - صلی الله علیه وسلم - پابندی نمایید تا خداوند از هر بلائی محفوظتان دارد، و بلائی آخر این امت نیست مگر به سبب کاری که خود مردم انجام داده‌اند.

رسول الله - صلی الله علیه وسلم - ما را به سوی نجات از بدعت‌ها و محرمات و به دست آوردن درجات والا راهنمایی کرده و فرموده است: «شما را به تقوای خداوند و شنیدن و اطاعت کردن سفارش می‌کنم، حتی اگر برده‌ای بر شما امیر شود، زیرا هرکه از شما زندگی [طولانی] یابد اختلاف بسیاری خواهد دید؛ بنابر این به سنت من و سنت خلفای راشدین هدایت یافته چنگ بزنید و آن را با بن دندان بگیرید و وای بر شما از امور نوساخته [در دین]، زیرا هر بدعتی گمراهی است» [به روایت ترمذی از حدیث عریاض بن ساریه رضی الله عنه].

بندگان خداوند:

«همانا الله و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید [شما نیز] بر وی درود و سلام فرستید» [الأحزاب: ۵۶].

در این سخن خداوند متعال چنان اجر بزرگی نهفته است که کس توانایی به دست آوردن آن را ندارد مگر آنکه خداوند عزوجل قادرش سازد و رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید: «هر کس بر من یک درود فرستد، خداوند به واسطه‌ی آن بر وی ده درود خواهد فرستاد».

پس بر سرور پیشینیان و آیندگان درود و سلام فرستید. خداوندا بر محمد و بر آل محمد درود فرست چنانکه بر ابراهیم و بر آل ابراهیم درود فرستادی؛ همانا تو ستوده شده و باعظمتی.

خداوندا بر پیامبر ما محمد و بر اهل بیت و همسران و ذریه‌اش درود و سلام فرست و از همه‌ی صحابه‌ی وی و از تابعین و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند راضی و خشنود باشد. خداوندا همچنین از خلفای راشدین، آن امامان هدایت: ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه‌ی پیامبرت و همچنین از ما با کرم و احسان و رحمت راضی و خشنود باش از مهربان‌تری مهربانان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت عطا کن و کفر و کافران را خوار گردان. خداوندا شرک و مشرکان را ذلیل گردان و دشمنانت، دشمنان دین را نابود ساز ای پروردگار جهانیان.

خداوندا این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امنیت و رفاه بدار ای پروردگار جهانیان.

خداوندا سرزمین ما را از هر بدی و شری حفظ نما. خداوندا ما و همه‌ی مسلمانان را از هر آنچه باعث خشم تو است محافظت نما. خداوندا نعمت پایبندی به سنت پیامبرت - صلی الله علیه و آله وسلم - را به ما و همه‌ی مسلمانان ارزانی دار و همه‌ی ما را از شر بدعت‌ها که عامل ویرانی دین هستند حفظ نما.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن گردان و مسئولان ما را اصلاح نما.

خداوندا ما از تو برای درگذشتگانمان و درگذشتگان همه‌ی مسلمانان مغفرت می‌خواهیم.

خداوندا از تو بارانت را خواهانیم. خداوندا ما را باران عطا کن ای پروردگار جهانیان. همانا تو بر هر کاری توانایی.

خداوندا از تو مسألت داریم سختی و بلا و تنگنایی را که بر برادران و خواهرانمان در شام نازل شده است از آنان دفع نمایی. خداوندا سختی‌شان را از آنان بردار. خداوندا شر

دشمنان اسلام را آنطور که خود می‌دانی از سرشان کم کن. خداوندا زیان و سختی‌ها و مصیبت‌هایی را که بر آنان نازل شده است از آنان بردار.

خداوندا گرسنه‌شان را سیر گردان و بی‌لباس‌شان را بپوشان و فقیرشان را بی‌نیاز گردان ای پروردگار جهانیان. خداوندا آنان را به هیچ کس از بندگانت موکول نگردان. خداوندا هر سختی و بلایی که بر آنان نازل شده است، تنها توسط تو از آنان برداشته می‌شود. خداوندا تو از همه‌ی کسانی که در حق‌شان ستم روا داشتند و باعث آزار آنان شدند انتقام بگیر. خداوندا عذاب نزدیک خود را بر آنان نازل گردان. همانا تو بر هر کاری توانایی. خداوندا آنان را عبرت دیگران بگردان...

«پروردگارا ما را در دنیا و در آخرت نیکی عطا کن و از عذاب آتش دور بدار»

[البقرة: ۲۰۱].

بندگان خداوند:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَايِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿۹۰﴾ وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ﴿۹۱﴾﴾ [النحل: ۹۰-۹۱].

خداوند بزرگ را یاد کنید تا شما را یاد کند و او را برای نعمت‌هایش سپاس گویند تا شما را افزون دهد و همانا یاد الله بزرگ‌تر است و الله به آنچه می‌کنید آگاه است.

عنوان خطبه:

بیان فضیلت بخشش و انفاق

خطیب: دکتر عبدالباری الثبیتی

مسجد نبوی شریف: جمعه ۲۰ ربیع الاول ۱۴۳۴ برابر با ۱۳ بهمن ۱۳۹۱

خطبه‌ی اول:

سپاس و ستایش ویژه‌ی الله است؛ او که می‌فرماید:

﴿فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ ﴿٥﴾ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ ﴿٦﴾ فَسَنِيَرُهُو لِلْيُسْرَىٰ ﴿٧﴾﴾ [اللیل: ۵-۷].

«پس اما آنکه بخشید و پروا نمود (۵) و [پاداش] نیک [خداوندی] را تصدیق کرد (۶) به زودی راه آسانی پیش روی او خواهیم گذاشت».

او را ستایش گفته و برای نعمت‌های بی‌شمارش شکر می‌گویم و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است؛ او که در کتاب خود فرموده است:

﴿وَمَا كَانَ عِطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا ﴿٢٠﴾﴾ [الإسراء: ۲۰].

«و عطای پروردگارت (از کسی) منع نشده است».

و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده‌ی الله و پیام‌رسان او که درباره‌اش فرموده است:

﴿وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ ﴿٥﴾﴾ [الضحی: ۵].

«و بی‌شک پروردگارت آنچنان به تو عطا خواهد کرد که خشنود شوی».

درود و سلام خداوند بر وی و بر اصحاب و یارانش باد.

اما بعد: خود و شما را به تقوای الله سفارش می‌کنم؛ خداوند متعال می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ ۖ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿١٣٢﴾﴾

[آل عمران: ۱۰۲].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تقوای الله را آنگونه که شایسته‌ی اوست پیشه سازید و نمی‌رید مگر در حالی که مسلمانید».

بخشش، هم عبادت است و هم شکر خداوند برای نعمت‌هایی که عطا کرده است، و پیامبر بزرگوار ما - صلی الله علیه وسلم - زیباترین نمونه‌های بخشش را - در سیرت خود - برای ما به نمایش گذاشته است؛ بخشش وی فراگیر بود تا جایی که در دستان خود چیزی باقی نمی‌گذاشت.

جابر - رضی الله عنه - می‌گوید: «از پیامبر خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - چیزی نخواستند که «نه» بگوید. مردی از او به پُری میانِ دو کوه، از گوسفندان - غنیمت - را خواست و او همه را به وی داد».

بخشش او به جایی رسید که حتی لباسی را که بر دوش او بود، بخشید و از جمله عطای وی برای امتش این بود که همه‌ی زندگی‌اش را وقف امت خود نمود:

﴿إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ﴾ [سبأ: ۴۶].

«او نیست جز هشدار دهنده‌ای برای شما از عذاب سختی که در پیش است».

و از جمله عطای وی برای امتش محبت و دلسوزی بی‌نظیر وی برای آنان بود آنگونه که خود بسیار می‌فرمود که: «اگر برای امتم سخت نمی‌شد بی‌شک آنان را به چنین و چنان کار امر می‌کردم».

و هنگامی که مردی درباره‌ی حج از ایشان پرسید که آیا آن هر سال است؟ فرمود: «اگر بگویم: بله، [برای هر سال] واجب می‌شد و نمی‌توانستید».

و همیشه می‌فرمود: «خدایا، امتم، امتم» تا جایی که پروردگار در پاسخش فرمود: «تو را درباره‌ی امتات خشنود می‌کنیم و ناراحت نخواهیم کرد».

از خیر و برکت پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - است که عطا و بخشش وی تا روز قیامت ادامه دارد و یاران و برادرانش همچنان بر راه و روش وی می‌روند و از چشمه‌ی جوشان عطا و بخشش وی بر می‌گیرند.

ایشان درباره‌ی ابوبکر - رضی الله عنه - می‌فرماید: «هیچ مالی به اندازه‌ی مال ابوبکر به من سود نرساند». ابوبکر با شنیدن این سخن گریست و فرمود: و آیا جز این است که من و مال من هر دو از آن تو هستیم ای پیامبر خدا؟!!

عمر بن الخطاب - رضی الله عنه - هر شب به کارهای پیرزنی نابینا و ناتوان می‌رسید و زباله‌ها را از خانه‌ی وی پاک می‌کرد.

مُصعب بن عمیر - رضی الله عنه - نیز تابلویی زیبا از صحنه‌های بخشش را برای ما به نمایش گذاشته است چنانکه با ورود وی به مدینه بیشتر خانواده‌های آنجا به اسلام گرویدند.

سعد بن معاذ نیز بخشندگی و عطای انصار را چنین به نمایش می‌گزارد، آنجا که خطاب به رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «ای رسول خداوند! قسم به آنکه تو را به حق برانگیخت؛ اگر این دریا را در برابر ما قرار دهی و به آن وارد شوی، ما هم به همراه تو به دریا می‌زنیم؛ با هر کس می‌خواهی پیوند برقرار کن و رابطات را با هر کس که می‌خواهی قطع کن و هر آنچه از اموال ما که می‌خواهی برگیر، و ناخوش نیستیم اگر فردا با دشمنان روبرو شویم که ما در هنگام نبرد صبوریم و در هنگام روبرویی با دشمن، راستگو؛ چه بسا خداوند از ما چیزی به تو نمایان سازد که باعث چشم‌روشنی‌ات شود».

عطای ابن عباس - رضی الله عنهما - نیز چنین بود که پس از نماز صبح در حرم می‌نشست و می‌فرمود: «بشتابید! اهل قرآن به نزد من بیایند!» پس اهل قرآن نزد او می‌آمدند و تا طلوع خورشید به قرائت می‌پرداختند. سپس می‌فرمود: «برخیزید؛ اهل حدیث را بیاورید» پس از وی پرسش می‌کردند تا آنکه از کار آنان فراغت می‌یافت، می‌فرمود: «برخیزید؛ اهل فقه را بیاورید» سپس اهل تفسیر و اهل لغت، الی آخر، سپس به تربیت یارانش می‌پرداخت. وی در عطای خود هر دو نیکی را یکجا کرده بود: بذل علم و بذل مال.

چنین بخشش و عطای فراوان در همه‌ی مجال‌ها، باعث شد نسل اول این امت مسیر حوادث را تغییر دهند و تاریخ را دوباره از نو بنویسند و چه زیباست که مسلمان به بخشش و دوستی خیر و نیکی برای دیگران متصف شود زیرا عطای صادقانه حد و مرز و قید و شرطی ندارد؛ عطایی که همگانی است: هم برای کسانی که دوستشان داری و هم کسانی که دوستشان نداری.

اهل بخشش با بُخل و حرص و دشمنی بیگانه‌اند. اگر به دیگران چیزی بخشیدی بی‌شک چند برابر آن را به دست خواهی آورد و این بخشش، امید و شادی را به قلب‌هایی دردمند و غمناک وارد خواهد ساخت، به قلب یتیمی که محبت پدر را از دست داده است، بپوه‌ای که حمایت همسر را بر سر ندارد، برای برادران و خواهران مسلمانان در هر جای دنیا و برای نزدیکان، و بخشش میان همسران با محبت و عشق و مودت و رحمت است.

بنابر این در بخشش بسیار وسیع است: گاه با گذشت از کسی است که در حقت ستم روا داشته است یا با پیوند با کسی که رابطه‌اش را با تو قطع کرده است. با دعوت مسلمانان و غیر مسلمانان و پذیرش عذر دیگران و گذشت از لغزش آنان و گذشت از حق خود در هنگام لزوم.

بخشش یعنی ایده‌ای سودمند در کار روزانه‌ات که نصیب جامعه‌ات می‌کنی؛ بخشش مالی و بخشش علمی و تجربه‌ای. بخشش با استفاده از جایگاه اجتماعی و بخشش وقت و بخشش بدنی با خدمت‌گزاری به مردم و تلاش در راه منافع آنان و بخشش ایثار با نهادن جان خود در راه خداوند.

بخشش دری است که برای همه‌ی اقشار جامعه و همه‌ی مردم باز است و بسیار آسان و ساده است: یک لبخند، یک ملاقات، یک سخن نیک، دعا و یا خرج کردن برای ناتوانان... بنابراین چرا از در بخشش وارد نشویم؟ چرا بخشش را نیاموزیم و با آن به جامعه و سرزمین و مردم خود خدمت نکنیم؟!

اینگونه زندگی معنا خواهد یافت و تعامل با دیگران طعم دیگری می‌یابد و احساسات انسانی روح می‌یابد. نفسی که خوشبختی بخشش را در خود دارد خسته می‌شود تا دیگران سیر شوند و تلاش می‌کند تا زحمت و بخشش خود را در روز قیامت به عنوان یار و یاور خود ببیند.

کسی در این امت نیست که توانایی بذل و بخشش را نداشته باشد. در واقع او با دست ننگه داشتن از عطا و بخشش، حرکت خود را دچار جمود کرده و ذات خود را

زنده به گور نموده و استعدادهای خود را از بین برده است، چنانکه احساسات و عواطف چنین کسی همانند جسدی است بی‌روح. همه‌ی ما توانایی بخشش و عطا داریم و می‌توانیم با گفتار و کردار، به امت خود خدمت کنیم. بنابراین شایسته است موانع بخشش را از خود دور سازیم که بارزترین آن عجز و ناتوانی است چنانکه پیامبر ما - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید: «خداوندا من از ناتوانی به تو پناه می‌بریم» زیرا ناتوانی و اظهار عجز، غالباً سبب سستی و شکست است.

رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - در این مورد می‌فرماید: «از الله استعانت بجوی و اظهار ناتوانی نکن». اظهار ناتوانی باعث سست شدن همت و در هم شکستن آرزوهای انسان می‌شود و در نهایت رغبت انسان برای بذل و بخشش را از بین می‌برد و اینگونه انسان، بخش بزرگی از نیروی خود برای بخشش را از دست می‌دهد و ناتوان و بی‌اراده می‌شود؛ انسان ناتوان با دلایلی بی‌اساس به توجیه ناتوانی خود می‌پردازد.

به سبب همین ناتوانی و اظهار عجز است که بسیاری از مسلمانان از دست بالا (یعنی دست دهند) تبدیل به دست پایین (یعنی دست گیرنده) شده‌اند. می‌گیرند و سیر نمی‌شوند. زندگی خود را با توقع از دیگران و خودخواهی به سر برده‌اند؛ درونی حریص دارند و همتی ضعیف و چشمی که به سوی مال دیگران است، حتی اگر خود در رفاه باشند؛ در واقع فقیرند و بخشش را دوست ندارند.

«از الله یاری بجوی و اظهار ناتوانی نکن» یعنی: برخیز و دست بکار شو، اما پیش از آن و به همراه آن و بعد از آن از الله یاری بخواه؛ اینگونه است که چشمه‌ی جوشان خیر و نیکی را خواهی یافت و کمک دیگران را و توفیق پروردگار را که راهنما و یاورت خواهد بود.

بخشش بر بخشنده و بر جامعه‌ی وی تاثیر مثبت خود را خواهد داشت زیرا بذل و بخشش باعث شکوفا شدن توانایی‌های فرد و جامعه خواهد شد و افق‌های وسیعی را برای توسعه‌ی همه جانبه و عزت امت و اطمینان میان افراد آن خواهد گشود. جامعه،

انسان‌های بخشنده را دوست دارد و به آنان احترام می‌گذارد، و از سوی دیگر خود این فرد برای ذات خود احترام قائل شده و پروردگارش از او خشنود است.

در انسان‌های بخشنده همیشه از سوی دیگران کوبیده می‌شود و بخشش چنین کسی مستمر است و سودش فراگیر و حضورش همیشگی...

هنگامی که بخشش در راه خدا در قلب تو جای گیرد به سرعت شادی آن نیز به قلب راه خواهد یافت زیرا بخشش لذتی خاص دارد که از لذت گرفتن بیشتر است، و فرو رفتن در کار نیک و بذل و بخشش برای دیگران، انسان را از غم‌ها و دل‌مشغولی‌های بسیاری حفظ خواهد کرد.

پس بیا و نام خود را در میان بخشندگان بنویس و از پیشگامان آن باش، از کسانی باش که دست بالا دارند و بدان که: هر کس عطا کند، خداوند نیز به او عطا خواهد کرد و عطای خداوند چشم‌های است تمام ناشدنی.

امت ما که امروزه از رنجی جانکاه می‌نالند و با آتش جنگ‌ها و فتنه‌ها روبرو است بیش از هر وقت دیگر نیازمند احیای معنای بذل و بخشش است، تا این جهل منتشر را با علم و آگاهی، و فقر گسترده را با انفاق و توسعه، و یتیمی را با کفالت و رعایت، و ترس را با امنیت، و جنگ را با صلح، و فساد را با پاک‌دستی و شفافیت، از بین ببریم. زیرا هم‌اکنون هنگام بخشش است. خدای متعال فرموده است:

﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾ [الزلزلة: ۷].

«پس هر که هم‌وزن ذره‌ای نیکی انجام دهد [پاداش] آن را خواهد دید».

خداوند برای من و شما در قرآن عظیم برکت نهد و با آیات و ذکر حکیم سود رساند. این سخن را گفته و برای خود و شما از خداوند بزرگ آمرزش می‌خواهم، پس از او آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش مخصوص خداوند است، ستایش مخصوص خداوندی است که ما را از نعمت اسلام برخوردار نمود. او را حمد می‌گویم و شکری همیشگی، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است. شهادتی که به واسطه

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴾ [الأحزاب: ۵۶].

خداوندا بر بنده و پیامبرت محمد درود و سلام فرست و از چهار خلیفه‌ی راشد وی: ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از همه‌ی اهل‌بیت و یاران گرامی او راضی و خشنود باشد و از ما نیز به همراه آنان با عفو و کرم و احسان خود خشنود باش ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت عطا کن، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت عطا کن، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت عطا کن، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت عطا کن و کفر و کفران را ذلیل گردان و دشمنانت، دشمنان دین را نابود گردان و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امن و امان بدار.

خداوندا برادران و خواهران ما در شام دچار مصیبتی شده‌اند که خود به آن آگاهی و تو قادر به از بین بردن آن هستی؛ خداوندا بلا و زیان را از آنان دور گردان ای پروردگار جهانیان. خداوندا آنان پابرنه و بی‌لباسند، آنان را بپوشان، و گرسنه‌اند، سیرشان کن، و مظلومند، یاری‌شان کن...

خداوندا ای فرو آورنده‌ی کتاب و جریان دهنده‌ی ابرها و ای شکست دهنده‌ی احزاب، دشمنشان را شکست ده و آنان را پیروز گردان ای پروردگار جهانیان. خداوندا آنان را پیروزی عاجل عطا کن. خداوندا برادران ما در شام را پیروزی عاجل عطا کن. خداوندا صف آنان را یکی گردان و قلبشان را محکم بدار و کلمه‌شان را یکی گردان و پیروزشان گردان و تیرشان را به هدف برسان ای پروردگار جهانیان، ای رحمان و ای جبار و ای قوی و ای عزیز! تو بر هر کاری توانایی.

خداوندا ما از تو هدایت و تقوا و پاکدامنی و بی‌نیازی خواهانیم. خداوندا از تو بهشت را خواهانیم و هر گفتار و کرداری را که باعث نزدیک شدن ما به آن شود و از آتش به تو پناه می‌بریم و همچنین از هر گفتار و کرداری که ما را به آن نزدیک سازد.

خداوندا دین ما را که نگه دارنده‌ی امر ماست و دنیای ما را که محل زندگی ماست و آخرت ما را که بازگشت‌گاه ماست اصلاح نما و زندگی را برای ما عامل افزونی نیکی‌ها و مرگ را عامل آسودگی از بدی‌ها بگردان.

خداوندا ما را یاری ده و بر ما یاری مده و ما را هدایت ده و هدایت را برای ما آسان گردان و ما را بر متجاوزان پیروز گردان.

خداوندا ما را از جمله ذاکران و شاکران و فروتنان و بازگشت‌کنندگان به سویت قرار ده.

خداوندا توبه‌ی ما را بپذیر و گناه ما را پاک گردان و حجت ما را ثابت گردان و زبان ما را به گفتن نیکی‌ها استوار گردان ای پروردگار جهانیان.

خداوندا ما از تو خواهان خشنودی و بهشتات هستیم و از خشمات و از آتش به تو پناه می‌بریم.

خداوندا غم‌داران و سختی‌دیدگان مسلمان را از بین ببر و وام‌داران را ادا کن و بیماران ما و دیگر بیماران مسلمان را به رحمت خود شفا ده ای مهربان‌ترین مهربانان.

«پروردگارا ما به خود ستم نمودیم و اگر تو ما را مورد مغفرت و رحمت خود قرار ندهی بی‌تردید از زیان‌کاران خواهیم بود» [الأعراف: ۲۳].

«پروردگارا ما را در دنیا و در آخرت نیکی عطا کن و از عذاب آتش حفظ نما»

[البقرة: ۲۰۱].

«پروردگارا ما و برادران ما را که در ایمان از ما سبقت جستند بیامرز و در قلب‌های ما هیچ‌گونه کینه‌ای مگذار. پروردگارا همانا تو رؤوف و مهربانی» [الحشر: ۱۰].

«همانا الله به عدل و احسان و بخشش به نیکان امر نموده و از فحشا و منکر و تجاوز باز می‌دارد. او شما را چنین اندرز می‌دهد، باشد که اندرز گیرید» [النحل: ۹۰].

پس الله را یاد کنید تا شما را یاد کند و او را برای نعمت‌هایش سپاس گوئید تا شما را افزون دهد و همانا یاد الله بزرگ‌تر است و الله به آنچه می‌کنید آگاه است.

عنوان خطبه:

وسائل یاری رساندن به دین خداوند

خطیب: دکتر عبدالباری الثبتی

مسجد نبوی شریف: جمعه ۱۹ ربیع الثانی ۱۴۳۴ برابر با ۱۱ اسفند ۱۳۹۱

خطبه‌ی اول:

ستایش مخصوص خداوند است؛ حمد و سپاس ویژه‌ی خداوندی است که به نیرو و یاری دعوت داده است و او را برای نعمت هدایت شکر می‌گویم که به واسطه‌ی آن ما را از تاریکی به سوی نور خارج ساخت و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است؛ قرآن را نازل ساخت که با آن ما را از تفرقه نجات داد و میان ما محبت و الفت افکند و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده‌ی الله و پیامبران او و بهترین الگو است. درود و سلام خداوند بر وی و بر اهل بیت و یاران او باد که خداوند با آنان زمین را از اهل ستم و تجاوز پاک نمود.

اما بعد:

خود و شما را به تقوای خداوند سفارش می‌کنم، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾

[آل عمران: ۱۰۲]

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوی الله را آنگونه که شایسته‌ی اوست پیشه سازید و نمیرید مگر در حالی که مسلمانید».

هنگامی که به حوادث این دوران نظر می‌افکنی مظاهر درگیری میان خیر و شر را به چشم خواهی دید. این سنتی است که ممکن است زندگی بشر از آن خالی باشد... توهین در حق ذات الهی و تمسخر پیامبر او - صلی الله علیه وسلم - و بی‌احترامی به کتاب خدا و استهزای آیات آن و زیر پا گذاشتن مقدسات...

و از دیگر مظاهر این نبرد، جنگ وحشیانه‌ای است که علیه سرزمین‌های اسلامی در جریان است و در پی آن کشتار و آورگی و درد و یتیمی و فقر و گرسنگی... در کشاکش این اوضاع، مسلمان صادق درباره‌ی نقشی که بر عهده‌ی اوست و کاری که می‌تواند انجام دهد سوالات بسیاری در سر دارد. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ﴾ [الصف: ۱۴].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید یاران الله باشید».

نُصرت - یعنی یاری‌رسانی - وظیفه‌ای است دینی. یاری رساندن به کتاب خداوند و دین او و پیامبرش. یاری رسانی به ستم‌دیدگان و یتیمان و مستمندان. الله متعال فرموده است:

﴿وَإِنْ أَسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ﴾

[الأنفال: ۷۲].

«و اگر در [کار] دین از شما یاری جویند، یاری آنان بر شما [واجب] است مگر آنکه علیه گروهی باشد که میان شما و میان آنان پیمانی [منعقد شده] است».

و رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید: «برادرت را یاری کن؛ خواه ظالم باشد، خواه مظلوم». و همانطور که در ادامه‌ی حدیث آمده است یاری کردن ظالم چنین است که او را از ستم باز داریم زیرا این کار به سود اوست.

یاری رساندن دین با گسترش آن و بالا بردن شأن آن است؛ این که ما حامیان آن باشیم و به احکام آن پایبندی کنیم و اوامر و نواهی آن را پیاده سازیم؛ نیکی‌های آن را بیان نماییم و برای مردم آشکار نماییم که این دین تنها راه سعادت در دنیا و آخرت است. یاری رساندن دین منزلتی است بس والا و هدفی است ارزشمند؛ عزت است و پیروزی، و میدانی است وسیع که برای هر مرد و زن مسلمان گنجایش دارد.

اساس یاری رساند به دین خدا، ترک گناهان و راستی با خداوند - تبارک و تعالی - است. رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «همانا خداوند این امت را با ضعیفان آن یاری می‌رساند؛ با دعوت و نماز و اخلاص‌شان».

در راه نصرت دین خدا هیچ کار نیکی را کوچک بشمار. در صحیح مسلم از حدیث ابوهریره - رضی الله عنه - از پیامبر خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت شده است که فرمود: «مردی را دیدم که در بهشت گردش می‌کرد و آن به این سبب بود که درختی را که در راه مردم قرار داشت و باعث اذیت آنان می‌شد قطع کرده بود».

اصحاب پیامبر همه‌ی امکانات و استعدادهای خود را برای خدمت به این دین بسیج کرده بودند. برای مثال، بلال بن ابی رباح با صدای رسای خود به این دین خدمت نمود و زید بن ثابت با نوشتن وحی و خالد بن ولید با فرماندهی لشکرها. حسان بن ثابت در میدان رسانه از این دین و پیامبر خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - دفاع می‌کرد و عثمان بن عفان ثروت خود را در خدمت اسلام قرار داده بود؛ چاه‌ها را حفر می‌کرد و ارتش عُسره را تجهیز نمود و به مستمندان یاری می‌رساند. مصعب وظیفه‌ی رهبری دعوت را در مدینه بر عهده داشت و ابوبکر و عمر ستون‌های یاری رسانی به این دین و ارکان حکومت پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - بودند. خداوند از همه‌ی آنان خشنود باد.

وسائل یاری رسانی به این دین، محدود نیستند و همه می‌توانند در این نصرت شرکت داشته باشند. بنابراین هر کس در این کار مشارکتی هر چند اندک نماید اجری جزیل به دست خواهد آورد، چنانکه در حدیث آمده است: «خداوند به واسطه‌ی یک تیر سه تن را وارد بهشت می‌کند؛ سازنده‌ی آن که در ساختن آن امید نیکی داشته است، و تیر انداز و کسی که آن تیر را به او می‌رساند».

هر کس در نصرت دین خداوند با او راستی کند خداوند اجر آن را برایش خواهد نوشت حتی اگر به دلایلی از انجام آن باز بماند. رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید: «همانا دنیا از آن چهار تن است: بنده‌ای که خداوند به او علم و مال داده است و او با آن تقوای الله را پیشه می‌سازد و پیوند خویشاوندی‌اش را پیوسته می‌دارد و در آن برای خداوند حقی قائل است، که این شخص در بهترین جایگاه است. و بنده‌ای که خداوند علمی به وی داده است و از داشتن مال، محروم است اما در نیت خود صادق است و می‌گوید: اگر مالی در اختیار داشتم فلان کار را که فلانی انجام داده است، انجام

می‌دادم و او همان نیتش را دارد و اجر هر دو برابر است... تا پایان حدیث» [به روایت ترمذی].

همچنین از جمله‌ی نصرت، یاری رساندن رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - است، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ ۗ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [الأعراف: ۱۵۷].

«... پس کسانی که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاری‌اش کردند و از نوری که با او نازل شده است پیروی کردند آنان همان رستگارانند».

از جمله عظیم‌ترین وسائل نصرت رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - نشر سنت وی و طاعت او و اهمیت دادن به پیروی اوست. الله - سبحانه و تعالی - می‌فرماید:

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِيْٓ أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [النساء: ۶۵].

«ولی چنین نیست! به پروردگارت قسم که ایمان نمی‌آورند مگر آنکه تو را در مورد آنچه میان آنان مایه‌ی اختلاف است داور گردانند سپس از حکمی که کرده‌ای در دل‌هایشان احساس ناراحتی [و تردید] نکنند و کاملاً سر تسلیم فرود آورند».

همچنین محبت اهل بیت او و دوست داشتن یارانش و بزرگداشت آنان و اعتقاد به فضیلت آنان و تربیت فرزندان بر محبت اهل بیت و یاران پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - و بیان ویژگی‌های دعوت او و رد شبهات و دروغ‌هایی که درباره‌ی رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - و سیرت وی ساخته و پرداخته شده است و همینطور منتشر ساختن سیرت وی به دیگر زبان‌ها.

همینطور یاری رساندن ستم‌دیدگان در گوشه و کنار جهان، زیرا مظلوم این حق را بر گردن دیگران دارد که به او یاری رسانند تا آنکه حق خود را بازپس گیرد و جلوی ظالم گرفته شود تا آنکه از تجاوز و ستم باز داشته شود. چه بسیارند مسلمانانی که نیازمندند و

غمگین و اسیر دست ستمگرند و قلبی دردناک دارند؛ این را باید دانست که ستمگر با کسی که او را یاری رساند و آنکه او را دوست دارد، برابر است.

پیامبر خدا - صلی الله علیه وسلم - از عدم یاری دیگر مسلمانان نهی نموده است و فرموده است: «مسلمان برادر مسلمان است؛ به او ستم نمی‌ورزد و او را تسلیم نمی‌کند». یعنی او را در مصیبتی که بر وی نازل شده است تسلیم مشکلاتش نمی‌کند و رهایش نمی‌کند و دست از یاری‌اش نمی‌کشد. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ﴾

﴿۷۳﴾ [الأنفال: ۷۳].

یعنی: «کافران به یکدیگر یاری می‌رسانند و یار و یاور همدیگرند و شما - ای مسلمانان - اگر [مانند آنان] به همدیگر یاری نرسانید فتنه و فساد بزرگ در زمین رخ خواهد داد».

یاری رساندن به ستمدیدگان به واسطه‌ی گفتار و کردار است و امروزه این یاری‌رسانی در حق ستمدیدگان شام و میانمار ضروری‌تر است. در شرایطی که ما صدای آه و ناله‌ی آنان را می‌شنویم و صدای فریاد یاری‌خواهی آنان به گوش ما می‌رسد. خون‌های به زمین ریخته شده را می‌بینیم و بدن‌ها تکه تکه شده را که در هر سو پراکنده است... جنایت‌های وحشیانه و نسل‌کشی زشتی که تاریخ به مانند آن کم‌تر به یاد دارد... بدن‌های سوخته و قلب‌های به خون نشسته و هزاران هزار آواره... کودکانی که کشته می‌شوند و خانه‌هایی که ویران می‌شوند و تر و خشکی که با هم می‌سوزند...

عجیب است حال و روز جهانی که وجدانش مرده است و اینگونه خونسرد به این ستم و فاجعه پشت کرده است!

از جمله یاری‌رسانی به این دین، تشویق مسلمانان به انفاق است، تا مسلمان به وسیله‌ی مال خود با برادران و خواهرانش همدردی کند و دستش را برای بذل و عطا بگستراند. گرسنه را غذا دهد، بند از پای اسیران بگشاید و بیماران را مداوا نماید.

رسانه نیز در مسیر نصرت نقشی بسیار عملی دارد؛ یاد خدا را در دل مسلمانان زنده می‌گرداند و ایمان آنان را قوی می‌سازد و شرایط و حال و روز امت را برای آنان نمایان می‌سازد و روحیه‌ی آنان را قوی می‌گرداند و همت‌ها را بسیج می‌کند.

هم‌اکنون رسالتی که بر عهده‌ی رسانه‌ها است معرفی حقوق زیر پا گذاشته شده‌ی مسلمانان به جهانیان است تا حق به حقدار رسد و باطل رسوا گردد. عائشه - رضی الله عنها - در روایتی که امام مسلم از وی روایت کرده است می‌گوید: شنیدم که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - خطاب به حسان - رضی الله عنه - می‌فرمود: «روح القدس، (یعنی جبرئیل) تا هنگامی که به دفاع از خدا و پیامبرش برخیزی همراه و یاور تو خواهد بود».

پس هر که به دفاع از خدا و پیامبرش برخیزد خداوند نیز او را یاری رسانده و عزت‌مند خواهد ساخت.

از جمله انواع نصرت، یاری رسانی به واسطه‌ی دعا است که از جمله مهم‌ترین وسائل نصرت و سودمندترین و قوی‌ترین آن است که هیچ مسلمانی در ترک آن معذور نیست. دعا وسیله‌ای است موثر که هیچ‌کس از آن بی‌نیاز نیست. خداوند متعال در کتاب خود به اثر دعا اشاره نموده و فرمود است:

﴿كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ ﴿٩﴾ فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَأَنْتَصِرْ ﴿١٠﴾ فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ ﴿١١﴾ وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ ﴿١٢﴾﴾ [القمر: ۹-۱۲].

«پیش از آنان قوم نوح [نیز] به تکذیب پرداختند و بنده‌ی ما را دروغ‌زن خواندند و گفتند دیوانه‌ای است و [بسی] آزار کشید (۹) تا پروردگارش را خواند که من مغلوب شدم پس به داد من برس (۱۰) پس درهای آسمان را به آبی ریزان گشودیم (۱۱) و از زمین چشمه‌ها جوشانیدیم تا آب [زمین و آسمان] برای امری که مقدر شده بود به هم پیوستند».

پیامبر خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - در قنوت علیه کسانی که به مسلمانان ستم روا داشته بودند با نام‌هایش دعا می‌کرد.

هر چه فاجعه‌ها و بحران‌ها شدید باشند باز پناهی جز خداوند نیست و هیچ‌کس جز او نمی‌تواند سختی‌ها و زیان‌ها را دور گرداند:

﴿قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ رَعَمْتُمْ مِّنْ دُونِهِۦٓ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضَّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا﴾ ﴿٥٦﴾

[الإسراء: ۵۶].

«بگو کسانی را که به جای او [معبود خود] پنداشتید بخوانید. [آن‌ها] نه اختیاری دارند که از شما دفع زیان کنند و نه [آنکه بلایی را از شما] بگردانند».

هر چه اهل توطئه، توطئه بچینند و بدان مکر و حيله نمایند و در کمین نشستگان طرح بریزند، باز آینده از آن این دین است چنانکه رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرموده است: «این امت را به مقام والا و بلندی و پیروزی و قدرت در زمین مژده ده».

﴿وَيَأْتِي اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُۥٓ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾ ﴿٣٢﴾ [التوبة: ۳۲].

«اما خداوند نمی‌گذارد [که کفار نورش را خاموش سازند] تا آنکه نورش را کامل سازد، حتی اگر کافران را خوش نیاید».

خداوند برای من و شما در قرآن عظیم برکت نهد و با آیات و ذکر حکیم سود رساند. این سخن را گفته و برای خود و شما از خداوند بزرگ آمرزش می‌خواهم. پس از او آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش مخصوص خداوندی است که صاحب فضل عظیم است. او را سپاس و ستایش می‌گویم که حکیم است و علیم است و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و خداوند پیشینیان و آیندگان است و گواهی می‌دهم که سرور و پیامبر ما محمد، بنده‌ی الله و پیامبر اوست که با هدایت و نوری آشکار به

سوی جهانیان فرستاده شده است. درود و سلام خداوند بر وی و بر اهل بیت و همه‌ی یاران او باد.

اما بعد: خود و شما را به تقوای خداوند سفارش می‌کنم. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧١﴾﴾ [الأحزاب: ۷۰-۷۱].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را پیشه سازید و سخنی استوار گوید (۷۰) تا کارهایتان را برایتان به صلاح آورد و گناهانتان را بیامزد و هر کس از الله و پیامبرش اطاعت کند بی‌شک پیروزی بزرگی به دست آورده است».

یاری رساندن به ستمدیدگان باعث نجات جان انسان‌ها و حمایت از وطن و سببی است برای یاری خداوندی و باعث می‌شود رحمت خداوند بر بندگان و سرزمین‌ها نازل شود. خداوند متعال در این باره فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ ﴿٧٧﴾﴾ [محمد: ۷].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر الله را یاری دهید شما را یاری می‌دهد و گام‌هایتان را استوار می‌سازد».

و رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید: «هر کس یک سختی از سختی‌های دنیا را بر مومنی آسان سازد خداوند نیز یک سختی از سختی‌های روز قیامت را برای او آسان خواهد ساخت، و خداوند همچنان در یاری بنده است تا زمانی که بنده در حال یاری رساندن به برادرش باشد و خداوند رحمان برای بندگانِ مهربان، مهربان است». در واقع، این پاداشی است از جنس عمل.

یاری رساندن از محبوب‌ترین اعمال نزد خداوند است. پیامبر خدا - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید: «محبوب‌ترین انسان‌ها نزد خداوند آنی است که برای مردم سودمندتر باشد و محبوب‌ترین کارها نزد خداوند سُروری است که به [قلب] مسلمانی وارد می‌کنی یا سختی و اندوهی که از او دور می‌کنی یا آنکه گرسنگی را از او دور سازی یا وامی را از او ادا نمایی».

و در پایان بر پیامبر هدایت درود و سلام فرستید که خداوند در کتاب خود شما را به این کار امر نموده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

خداوندا بر محمد و همسران و ذریه‌ی او درود فرست چنانکه بر آل ابراهیم درود فرستادی و بر محمد و همسران و ذریه‌اش برکت ارزانی دار چنانکه بر آل ابراهیم ارزانی داشتی همانا تو ستوده شده و با عظمتی و از چهار خلیفه‌ی راشد، ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگران اهل بیت و یاران گرامی راضی و خشنود باش و از ما نیز به همراه آنان با عفو و بزرگواری و احسانت راضی باش، ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت عطا کن، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت عطا کن و شرک و مشرکان را خوار بگردان و دشمنان، دشمنان دین را نابود گردان و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امن و امان بدار.

خداوندا هر کسی را که برای ما و سرزمین ما و سرزمین‌های اسلامی اراده‌ی بدی دارد به خودش مشغول ساز و تدبیرش را عامل نابودی خودش بگردان.

خداوندا برادران و خواهران ما را در سرزمین شام محافظت نما و یاری کن. خداوندا برادران و خواهران ما را در میانمار و سوریه حفظ نما. خداوندا آنان را به نصرت خود یاری ده و با تاییدت پیروز گردان ای پروردگار جهانیان. خداوندا تو یار و یاور و پشتیبان آنان باش ای پروردگار جهانیان.

خداوندا میان قلب‌های آنان الفت ایجاد کن و صف‌شان را یکی گردان و کلمه‌شان را بر حق و هدایت متحد گردان. ای قوی و ای عزیز، همانا تو بر هر کاری توانایی.

خداوندا ما از تو بهشت را خواهانیم و هر گفتار و کرداری را که ما را به آن نزدیک گرداند.

خداوندا دین ما را که نگهدارنده‌ی امر ماست و دنیای ما را که محل زندگی ماست و آخرت ما را که بازگشت‌گاه ماست اصلاح نما و زندگی را برای ما عامل افزونی در نیکی‌ها و مرگ را عامل آسودگی از همه‌ی بدی‌ها بگردان ای پروردگار جهانیان.

خداوندا ما را یاری ده و بر ما یاری مده و ما را نصرت عطا کن و به سود ما تدبیر نما و علیه ما تدبیر مکن و ما را هدایت نما و هدایت را برای ما آسان گردان و ما را بر متجاوزان پیروز گردان.

خداوندا ما را از ذاکران و شاکران خود بگردان، آنان که به سوی تو باز می‌گردند. خداوندا توبه‌ی ما را بپذیر و گناهان ما را پاک گردان و حجت ما را قوی گردان و ناپاکی‌ها را از قلب ما بزدای. خداوندا ما از تو هدایت و پاکدامنی و تقوا و بی‌نیازی خواهانیم.

خداوندا مردگان ما را بیمارز و بیماران ما را شفا ده و اسیران ما را آزاد گردان و سختی سختی دیدگان را از بین ببر و وام‌داران را ادا نما.

خداوندا ما به واسطه‌ی نام‌های نیکت به تو متوسل می‌شویم؛ خداوندا ما را باران عطا کن، خداوندا ما را باران عطا کن. خداوندا ما را باران رحمت عطا کن نه باران عذاب و بلا و ویرانی و غرق.

خداوندا ما از تو رضوان و بهشتت را خواهانیم و از خشم تو و آتش جهنم به تو پناه می‌بریم.

«پروردگارا ما و برادران ما را که در ایمان بر ما سبقت جستند بیمارز و در قلب‌های ما هیچ کینه‌ای نسبت به مومنان قرار مده. پروردگارا همانا تو بسیار رئوف و مهربانی» [الحشر: ۱۰].

«پروردگارا ما در حق خود ستم روا داشتیم و اگر تو ما را مورد مغفرت و رحمت خود قرار ندهی بی‌شک از زیان‌کاران خواهیم بود» [الأعراف: ۲۳].

«پروردگارا ما را در دنیا و در آخرت نیکی عطا کن و از عذاب آتش دور بدار» [البقرة:

«همانا الله به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان امر نموده و از فحشا و منکر و تجاوز باز می‌دارد. او شما را چنین پند می‌دهد باشد که اندرز گیرید» [النحل: ۹۰].
پس خداوند را یاد کنید تا شما را یاد کند و او را برای نعمت‌هایش سپاس گویند تا شما افزون دهد و همانا یاد الله بزرگ‌تر است و او به آنچه می‌کنید آگاه است.

عنوان خطبه: اندرزهایی برای مسئولان و مردم

خطیب: دکتر حسین آل شیخ

مسجد نبوی شریف: جمعه ۲۶ ربیع الثانی ۱۴۳۴ برابر با ۱۸ اسفند ۱۳۹۱

خطبه‌ی اول:

ستایش از آن الله است. ستایش مخصوص اوست که نیکی‌ها و برکات با طاعت وی به دست آید و بلاها و مصیبت‌ها به واسطه‌ی معصیتش، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و پروردگار آسمان‌ها و زمین، و گواهی می‌دهم که سرور ما محمد، بنده‌ی الله و پیامبر او و سرور پیامبر و بهترین آفریدگان است. خداوند بر وی و بر اهل‌بیت و یاران او تا روز قیامت درود و سلام و برکت ارزانی دار. اما بعد، ای مسلمانان:

خود و شما را به تقوای خداوند سفارش می‌کنم که تقوا سبب خیرات و برکات است و به واسطه‌ی تقوا است که پس از سختی، آسانی و پس از تنگنا، گشایش حاصل می‌شود.

﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا﴾ [الطلاق: ۴].

«و هر کس تقوای الله را پیشه سازد [الله] برایش در کارش آسانی قرار دهد».
ای مسلمانان: فتنه‌های بس بزرگ و محنت‌های سهمناکی مسلمانان را در بر گرفته است چنانکه رسول الله - صلی الله علیه وسلم - درباره‌ی نزدیک شدن قیامت می‌فرماید:

«وقت قیامت نزدیک می‌شود؛ عمل کم می‌شود و حرص و طمع بسیار، و فتنه‌ها آشکار می‌شوند».

از بزرگ‌ترین فتنه‌ها و خطرناک‌ترین و زیانبارترین آن‌ها همین فتنه‌ها است که امروزه در بسیاری از جوامع مسلمان در جریان است؛ اختلاف و پراکندگی و انتشار کینه و دشمنی که همه به سبب رقابت بر سر این دنیا است که بر اثر آن شری فراگیر و زیانی بزرگ گریبانگیر سرزمین‌ها و بندگان شده است؛ زیانی که امنیت را از بین برده و به جان و ناموس و آبروی مردمان آسیب رسانده است.

فتنه‌هایی که باعث فدا شدن جان‌ها و آبروها و هدر رفتن اموال بسیاری شده است و کار به جایی رسیده است که برخی از مسلمانان به روی همدیگر اسلحه کشیده و به ناموس و مال برادر دست‌درازی می‌کنند و چنان شده‌اند که گویی این سخن خداوند متعال [که درباره‌ی یهودیان نازل گردید] بر آنان صدق یافته است:

﴿يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ﴾ [الحشر: ۲].

«خانه‌هایشان را با دستان خود ویران می‌کنند».

و این گفتار رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - که خطاب به امتش فرمود: «پس از من به کفر باز نگردید که برخی از شما گردن برخی دیگر را بزنند».

بدانید که از جمله بزرگ‌ترین ضمانت‌ها و اسباب در امان ماندن از فتنه‌ها، پایبندی بر ثوابت و اصول و چنگ زدن به مبادی و بنیادهایی است که شریعت مطهر آورده است. تنها به این وسیله است که بزرگ‌ترین ضمانت برای در امان ماندن از خطر فتنه‌ها به دست می‌آید و این تنها راه مصونیت برای دفع بدی‌ها و خطرات است.

از جمله‌ی این اصول آن است که یقین بداریم سبب هر بدی و ریشه‌ی هر بلایی که بر مسلمانان واقع می‌شود دوری از اسلام و سستی در طاعت خداوند و انحراف از تطبیق احکام اسلام است.

آیا پروردگار ما - عز وجل - نفرمودند که:

﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ ﴿٦٣﴾

[النور: ٦٣].

«برحذر باشند آنانی که از امر او - یعنی امر خداوند و پیامبر او - سرپیچی می‌کنند که دچار فتنه‌ای شوند یا آنکه عذابی دردناک به آنان رسد».

تقوای الله - جل و علا - و عمل به شریعت اسلام و حاکم گرداندن قرآن، همان عامل رهایی و کشتی نجات است:

﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ﴿٦٤﴾ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ ﴿٦٥﴾﴾ [الطلاق: ٢-٣].

«و هر کس تقوای الله را پیشه سازد برایش راه برون رفتی قرار می‌دهد (٢) و او را از آنجایی که به حساب نیاورده روزی می‌دهد و هرکس بر الله توکل نماید او برای وی بس است».

انجام آنچه مقتضای توحید است و ایمان و عمل در جهت تطبیق شریعت پروردگار جهانیان، سبب امن و امان است:

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ﴾ ﴿٨٢﴾ [الأنعام: ٨٢].

«آنانی که ایمان آوردند و ایمان‌شان را با ستم (یعنی شرک) نپوشانند، امنیت سزاوار آنان است و آن‌ها هدایت یافتگان».

در نصیحت جاودانه‌ی رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - خطاب به امتش آمده که: «خداوند را حفظ کن تا تو را حفظ کند».

بنابراین ای مسلمانان و ای امت اسلامی، اسلام را حفظ کنید، از احکام قرآن محافظت نمایید و بر سنت سرور پیامبران - صلی الله علیه وسلم - پایبندی کنید تا از حفظ و عنایت خداوندی برخوردار گردید.

امروزه این برای امت ما بسیار ننگین است که از هدایت سرور بشریت منحرف شود و جهانیان به تماشای مسلمانان که در بدترین وضعیت قرار دارند، بایستند. رسول خدا -

صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید: «ای مردم! من در میان شما چیزی رها کرده‌ام که هر گاه به آن چنگ زنیید هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و سنت من» [با سند صحیح].
چقدر زیاد است کنفرانس‌ها و همایش‌هایی که میان مسلمانان و سران آنان برگزار می‌شود؟ اما متأسفانه چشمان ما از دیدن این اندرزهای نبوی که صلاح این امت به آن بستگی دارد، ناتوان است.

وقت آن رسیده که همه‌ی ما - مسئولان و مردم - اگر اراده‌ی هدایت و سلامت و صلاح این امت را داریم با تمام نیرو و از روی صدق و اخلاص این اندرز نبوی را آویزه‌ی گوش خود نماییم که می‌فرماید: «بر شما باد تقوای خداوند و شنیدن و اطاعت کردن، حتی اگر برده‌ای حبشی امیر شما شود. پس از من اختلاف شدیدی خواهید داد؛ پس [در این حالت] بر شما باد سنت من و سنت خلفای راشدین هدایت یافته و با بن دندان، محکم آن را بگیریید و از امور نوساخته در دین برحذر باشید، زیرا هر بدعتی گمراهی است».

ای مسلمانان:

از جمله اصولی که به ویژه در هنگام فتنه‌ها باید از آن محافظت نماییم تقویت رابطه‌ی برادری ایمانی در میان ماست و اینکه بدانیم از محکم‌ترین گره‌های ایمان، دوست داشتن در راه خداوند است، آن هم در زمانه‌ای که قلب‌های بسیاری از ما با دنیا و دوستی آن گره خورده است.

در صحیح مسلم روایت شده است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «این امت شما عافیت در اول آن است و در پایان آن بلاها و اموری رخ خواهد داد که آن را بد خواهید داشت و فتنه‌هایی خواهد آمد که یکی از دیگری بدتر خواهد بود؛ فتنه‌ای می‌آید که مومن با خود می‌گوید: این هلاکت من است، سپس آن فتنه از بین می‌رود و فتنه‌ای دیگر رخ می‌دهد و مومن با خود می‌گوید: این است! این است! بنابراین هر کس دوست دارد که از آتش نجات یابد و به بهشت وارد شود در حالی بمیرد که به

الله و روز آخرت ایمان دارد و برای مردم همانگونه باشد که دوست دارند آنان برای او باشند».

این حدیث از نشانه‌ای پیامبری است، به ویژه آنکه امت دهه‌ها است وارد فتنه‌هایی پی در پی شده است؛ از یکی بیرون می‌آید و وارد دیگری می‌شود...
برادران و خواهران مسلمان:

از جمله اصولی که باید بدان تمسک جست و آن را مراعات نمود اصلی است عظیم که لازم است حاکمان و شهروندان ما آن را رعایت نمایند و آن، محافظت بر حقوق حاکمان و شهروندان است که اسلام برای صلاح این امت و برای مصلحت و منفعت سرزمین‌ها و مردم بر آن تاکید نموده است. حقوقی که هر گاه رعایت شوند امنیت و رفاه و استقرار و پیشرفت حاصل می‌شود و هرگاه مورد سهل‌انگاری قرار گیرند بدی‌ها و خطرات، رخ می‌نمایند، و تاریخ بهترین شاهد بر صحت این ادعا است.

بنابراین بر هر حاکم و مسئولی در هر کشوری لازم است که امانت و مسئولیت را با اخلاص و راستی و با در نظر داشتن خداوند متعال، پاس بدارد و همیشه این سخن خداوند متعال خطاب به پیامبرش داوود را به یاد داشته باشد که می‌فرماید:

﴿يٰۤاٰدٰوۤدُ اِنَّا جَعَلْنٰكَ خَلِيۡفَةً فِى الْاَرْضِ فَاَحْكُمۡ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوٰى فَيُضِلَّكَ عَنۡ سَبِيۡلِ اللّٰهِ﴾ [ص: ۲۶].

«ای داوود! ما تو را به عنوان خلیفه‌ای در زمین قرار دادیم، بنابراین میان مردم براساس حق داوری کن و از هوای نفس پیروی نکن که تو را از راه الله گمراه سازد».

بر هر حاکم و مسئول و رهبری لازم است که با جان و دل این سخن رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - درباره‌ی مسئولیت را به یاد آورد که خطاب به ابوذر - رضی الله عنه - فرمود: «این، امانت است و در روز قیامت خواری و پشیمانی خواهد بود مگر آنکه انسان آن را با رعایت حقش، بر عهده گیرد و آنچه را بر وی لازم است ادا نماید» [به روایت مسلم].

و آیا گمان می‌کنید که جاودانه خواهید بود؟ هرگز! این زندگی فانی است؛ چه برای حاکمان و چه برای مردم.

بر هر حاکمی واجب است که در هر آن این سخن پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را شعار خود قرار دهد، آنجا که فرمودند: «هر مسئولی که خداوند مسئولیت مردم را به دست او داده است اگر در حالی از دنیا رود که با مردمش از در فریب وارد شده است بوی بهشت بر او حرام می‌شود» [به روایت مسلم].

بنابراین ای حاکم و ای مسئول! خود براساس این سخن رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - ببین جایگاهت کجا است؛ بهشت یا جهنم؟

لازم است که همهی حاکمان در سرزمین‌های اسلامی با مردم خود براساس قاعده‌ی عدل و مبدأ انصاف رفتار کنند و به شدت از ظلم و نهادینه شده آن به هر شکلی برحذر باشند زیرا ممکن است ستم از جانب خود آنان اعمال نشود اما از جانب نزدیکان و یا مسئولانی که توسط آنان منصوب شده‌اند رخ دهد که در این صورت، خود حاکم مسئول کارهای آن شخص خواهد بود، زیرا خداوند عزوجل در حدیث قدسی فرموده‌اند: «من ستم را بر خود حرام داشته‌ام و آن را میان شما نیز حرام قرار داده‌ام».

با عدل است که هم حاکم و هم شهروندان در امان خواهند ماند و ستم، عامل فراگیر شدن بدی و انتشار فساد است و باعث ایجاد کینه و نفرت در قلب‌ها خواهد شد و انقلاب‌هایی که در کشورهای مسلمان رخ داد دلیلی است بر صحت این سخن...

لازم است که حاکمان به تفقد اوضاع مردم بپردازند و هیچ‌چیز آنان را از این وظیفه باز ندارد و مانعی میان آنان و مردم وجود نداشته باشد که در این صورت همهی پیوندهای میان آنان و مردم بریده شده و فساد و وسیع پدیدار خواهد شد.

از رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - با سند صحیح روایت شده است که فرمود: «هر کس خداوند چیزی از امور مسلمانان را به او بسپارد اما حاضر نشود برای رفع نیازشان به نزد آن‌ها خارج شود، خداوند نیز در روز قیامت برای رفع نیاز و فقرش حاضر نخواهد شد».

بر حاکم لازم است که تقوای خداوند را پیشه سازد و هوای نفس و تعصب را کنار نهد و از اهل تقوی و اهل طاعت و نیکی برای انجام امور مسلمانان کمک بگیرد؛ کسانی که به امانت‌داری معروفند و باعث جمع شدن مردم می‌شوند نه تفرقه‌ی آنان و باعث اصلاح میان مردم می‌شوند نه افساد، اما هر گاه حاکمی هم‌نشینان و مشاوران بدی برای خود برگزید آن هنگام خطر فراگیر شده و بدی‌ها منتشر می‌شوند.

تاریخ بزرگ‌ترین عبرت و حوادث آن عظیم‌ترین هشدار است، اما آنکه از حوادث درس نگیرد کی هشیار خواهد شد؟!

حاکم و دیگران از رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - روایت کرده‌اند که فرمود: «هر کس کاری را در میان مردمی بر عهده گیرد در حالی که می‌داند کسی در میان آنان هست که بهتر از وی هست، نسبت به خدا و پیامبرش و مومنان خیانت ورزیده است».

بنابراین ای حاکم در هر سرزمینی از سرزمین‌های مسلمان که هستی به هوش باش که دنیا را بر دینت ترجیح دهی و آن را با دنیای دیگران فاسد گردانی.

برای حاکم شایسته است که بداند دنیا همیشه بر درون بسیاری از مردم کنترل دارد و بدی‌ها در جوامع رخ نداده است مگر به سبب رقابت بر سر دنیا و مناصب و زرق و برق آن.

آنکه با داشتن مسئولیت مورد آزمایش قرار گرفته است باید نسبت به اهل دنیا هشیار باشد و از ستم به مردم دوری کند زیرا در صحیح بخاری از رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - روایت است که فرمودند: «همانا مردانی به ناحق در مال خداوند تصرف می‌کنند؛ نصیب اینان در روز قیامت، آتش جهنم است».

برای همین است که رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - در تطبیق عملی این مسئولیت می‌فرماید: «به خدا قسم من عطا می‌کنم و از کسی باز نمی‌دارم، همانا من تقسیم‌کننده‌ام و [این مال را] همان جایی می‌گذارم که به من امر شده است» [به روایت بخاری].

برای همین از مدرسه‌ی او - صلی الله علیه وآله وسلم - کسانی مانند ابوبکر و عمر و دیگر صحابه فارغ التحصیل شدند. در سیرت عمر - رضی الله عنه - روایت شده است که به وی گفتند: ای امیرالمومنین! کاش کمی از مال خداوند را برمی‌داشتی و به وضعیت خود می‌رسیدی.

گفت: «آیا می‌دانی مثال من و مردم چیست؟ ما همانند گروهی هستیم که با هم در مسافرتند و مالی از همدیگر می‌گیرند و به یکی از میان خود می‌دهند تا خرج سفرشان شود؛ آیا برای آن شخص جایز است که از اموال آنان برای امور شخصی خود استفاده کند؟».

بر حاکم واجب است که به شدت برای حفظ ضرورت‌های پنجگانه یعنی: دین و جان و عقل و آبرو و اموال مردم تلاش نماید که بزرگ‌ترین آن‌ها دین مردم است؛ برای همین است که حاکم باید در راه نشر وسائل دعوت به سوی خداوند و سنت پیامبرش - صلی الله علیه وسلم - تلاش نماید و امر به معروف و نهی از منکر را در سرزمین‌های تحت حکم خود احیا نماید و در همه‌ی امور به شریعت خداوند پایبند باشد و هر حکم خلاف شرع خداوند را به دور اندازد و از فعالیت مفسدان و اهل بدعت جلوگیری نموده و به هیچ کس اجازه‌ی نشر فساد یا کشاندن آن به سرزمین‌های مسلمان را ندهد.

زیرا خداوند متعال فرموده است:

﴿وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا﴾ [الأعراف: ۵۶].

«و پس از اصلاح زمین در آن به فساد مپردازید».

بر مردم و جامعه نیز لازم است که حقوق حاکم را رعایت نماید از جمله: اطاعت مسئولان در غیر معصیت خداوند و بذل نصیحت براساس اصول شرعی به صورت پنهانی و نه علنی، و با نرمی و لطف و همچنین دعای توفیق و صلاح برای حاکمان و مسئولان... بر آن‌ها لازم است که حق سلطان و احترام او را نگه دارند چنانکه در مُسند با سند صحیح از رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - روایت شده است که فرمود: «هر کس سلطان خداوند را در دنیا گرامی بدارد خداوند نیز او را در روز قیامت گرامی خواهد

داشت و هر کس سلطان خداوند را در دنیا مورد اهانت قرار دهد خداوند نیز او را در روز قیامت مورد اهانت قرار خواهد داد».

همچنین بر آنان لازم است که بر ستم حاکمان - در صورتی که بر آنان ستم روا داشتند - صبر نمایند زیرا در صحیح بخاری از رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت است که ایشان خطاب به صحابه فرمودند: «شما پس از من تبعیض و چیزهایی خواهید دید که آن را بد خواهید داشت» صحابه گفتند: «در این حالت ما را به چه کاری امر می‌نمایید؟» فرمود: «حقی که از آنان بر گردن شما است را ادا کنید و حق خود را از خداوند بخواهید».

همچنین باید به شدت از خروج بر حاکم مسلمان تا هنگامی که کفری آشکار از وی سر نزند، دوری جست، آن هم براساس شروطی که علما تعیین نموده‌اند نه اهل جهل، چنانکه در صحیح از عباده بن صامت - رضی الله عنه - روایت است که گفت: با رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - بر سمع و طاعت در حال نشاط و در حال ناخوشی و در حال سختی و در حال آسانی و در صورتی که علیه ما تبعیض رخ دهد، بیعت نمودیم و این که در این امر با اهل آن درگیر نشویم مگر آنکه کفری آشکار ببینیم که در مورد آن از سوی خداوند دلیل و برهانی داشته باشیم.

بندگان خداوند:

از بزرگ‌ترین فتنه‌ها شبیه شدن مسلمانان به کافران و مشرکان است به ویژه در مواردی که با ثوابت اسلام و احکام و رهنمودهای آن در تضاد است که این از جمله مواردی است که باعث کشیده شدن شر و زیان به سرزمین‌های اسلامی شده است. برای همین است که مصطفی - صلی الله علیه وآله وسلم - از این تشبیه نهی نموده و فرموده است: «هر کس خود را به قومی شبیه سازد از آنان است».

همچنین از جمله اصولی که مسئولان و مردم در هنگام فتنه‌ها باید به آن تمسک جویند اهمیت دادن به عوامل اتحاد و دوری از تفرقه و ایجاد دوستی میان مردم و دوری از کینه‌ها است.

و اینکه جامعه صبری را پیشه سازد که به واسطه‌ی آن از انجام کارهایی که سرانجام خوبی ندارد باز داشته شود زیرا بی‌صبری باعث شعله‌ور شدن اسباب فتنه‌ها و بدی‌ها و فساد می‌شود.

فتنه، آنگونه که علما می‌گویند یا به سبب ترک حق است یا به واسطه‌ی ترک صبر:

﴿وَالْعَصْرِ ﴿١﴾ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ﴿٢﴾ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ﴿٣﴾﴾ [العصر: ۱-۳].

«قسم به زمانه (۱) که انسان در زیان است (۲) مگر کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند و همدیگر را به حق توصیه نمودند و همدیگر را به صبر توصیه نمودند.»

بر مردم و مسئولان لازم است که شکبیا باشند و از عجله دوری گزینند زیرا تنها با آرامش است که واقعیت‌ها روشن می‌شود و از سوی دیگر بسیاری اوقات این عجله و بی‌دقتی در کارها است که باعث بروز حوادث ناخوشایند می‌شود.

همچنانکه باید همه در کارهای خود نرمش را رعایت کنند زیرا براساس رهنمودهای نبوی «نرمش با هیچ کاری همراه نشده است مگر آنکه آن را زیبا می‌کند و از چیزی کم نشده است مگر آنکه آن را زشت می‌کند، و نرمش همه‌ی نیکی است.»

پس ای مسلمانان، بر این نظام بزرگ پایبندی کنید تا کارهایتان به صلاح آید و سرزمین‌هایتان را اینگونه پاک سازید.

این سخن را گفته و برای خود و شما و همه‌ی مسلمانان از خداوند متعال از هر گناهی آمرزش می‌خواهم، پس از او آمرزش خواهید که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

خداوند را برای احسانش ستایش می‌گویم و برای توفیق و امتنانش سپاس، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست مگر الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم

که پیامبر و سرور ما محمد، بنده‌ی الله و پیامبر او و دعوتگر به سوی رضوان اوست. خداوندا بر او و بر اهل بیت و یارانش درود و سلام فرست. اما بعد؛ ای مسلمانان تقوای الله جل و علا را محقق گردانید تا در دنیا و آخرت سعادت‌مند گردید.

بندگان خداوند:

مسلمانان هرگاه که بر توحید خداوند استقامت ورزند و ایمان حقیقی را با همه‌ی حقوق و لوازم و مقتضیات آن برپا بدارند و به شریعت اسلام عمل نمایند و سیرت رسول خدا - که درود و سلام خداوند بر او باد - را در زندگی خود پیاده سازند، خداوند برای آنان از هر تنگنایی راه برون رفت قرار خواهد داد و از جایی که گمان نمی‌کنند روزی خواهد داد و از بدی‌ها و گناهان حفظشان خواهد کرد.

خداوند عزوجل می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ يُدْفِعُ عَنِ الَّذِينَ ءَامَنُوا﴾ [الحج: ۳۸].

«همانا الله از کسانی که ایمان آورده‌اند دفاع می‌کند».

بندگان خداوند:

از بهترین کارها، درود و سلام بر آن پیامبر گرامی است؛ خداوندا بر پیامبر و محبوب و اسوه‌ی ما محمد درود و سلام و برکت ارزانی دار و از خلفای راشد وی: ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر اهل بیت و یاران او و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند راضی و خشنود باش.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت بخش، خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت عطا کن و آنان را از بدی‌ها و گناهان محفوظ بدار. خداوندا مسلمانان را از شر فتنه‌ها محفوظ بدار. خداوندا کلمه‌شان را یکی گردان و صفشان را متحد ساز. خداوندا غم‌هایشان را از بین ببر و آنان را بر دشمن‌شان و دشمنت پیروز گردان...

ستایش از آن الله است، او را حمد گفته و از او یاری خواسته و آمرزش می‌طلبیم و از بدی‌های نفس خود و کارهای ناشایستمان به الله پناه می‌بریم. الله هرکه را هدایت کند او گمراه‌گری نخواهد داشت و هرکه را گمراه سازد هدایت‌گری نخواهد یافت، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد، بنده‌ی الله و پیامبر اوست. درود و سلام بسیار خداوند بر او و بر اهل بیت و یاران وی باد.

اما بعد؛ ای بندگان خداوند، تقوای الله را آنگونه که شایسته‌ی اوست پیشه سازید که تقوا، روشنگر راه هدایت است و روی‌گردانی از آن، راه نگون‌بختی. ای مسلمانان؛ خداوند بندگان را برای عبادت آفرید در حالی که خود از آنان بی‌نیاز است ولی آنان از وی بی‌نیاز نیستند و برای نیازی که آنان به او دارند عبادتش را بر آنها واجب ساخت؛ برای همین، نخستین دستور خداوند خطاب به بندگان در قرآن، امر به بندگی است:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿٦١﴾﴾

[البقرة: ۲۱].

«ای مردم پروردگارتان را عبادت کنید که شما و کسانی را که پیش از شما بودند آفرید؛ باشد که تقوا پیشه سازید».

همچنین، الله متعال پیامبرانش را به انجام نیکی‌ها امر نموده و فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ لَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَأَعْمَلُوا صَالِحًا ﴿٥١﴾﴾ [المؤمنون: ۵۱].

«ای پیامبران از پاک‌ی‌ها بخورید و کار نیک انجام دهید».

و خطاب به موسی - علیه السلام - فرمود:

﴿إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي ﴿١٤﴾﴾ [طه: ۱۴].

«همانا من الله هستم که معبودی به حق جز من نیست پس مرا عبادت کن و نماز را برای یاد من برپا دار».

و پیامبر ما، محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - را چنین امر نمود که:

﴿بَلِ اللَّهِ فَاعْبُدْ وَكُن مِّنَ الشَّاكِرِينَ﴾ [الزمر: ۶۶].

«بلکه الله را عبادت کن و از جمله‌ی سپاس گزاران باش.»

همه‌ی پیامبران نیز خطاب به قوم خود چنین گفتند که:

﴿أَعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ﴾ [الأعراف: ۵۹].

«الله را عبادت کنید که شما معبودی دیگر جز او ندارید.»

همینطور یکی از پیمان‌هایی که از بنی اسرائیل گرفته شد چنین بود که:

﴿لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ﴾ [البقرة: ۸۳].

«جز الله را عبادت نکنید.»

خداوند متعال قریشیان را نیز به عبادت امر نمود، چنانکه در سوره‌ی قریش آمده

است:

﴿فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ﴾ [قریش: ۳].

«بنا بر این پروردگار این خانه را عبادت کنند.»

و همچنین مومنان را به عبادت خود دستور داده و فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ﴾ [الحج: ۷۷].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید رکوع و سجود کنید و پروردگارتان را بپرستید.»

الله متعال، یاران پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را نیز به عبادت بسیار و آشکار بودن

آثار عبادت بر چهره‌ی آنان وصف نموده و درباره‌ی آنان فرموده است:

﴿تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ

السُّجُودِ﴾ [الفتح: ۲۹].

«آنان را در رکوع و سجود می‌بینی، فضل و خشنودی الله را خواستارند. علامت

[مشخصه‌ی] آنان بر اثر سجود در چهره‌هایشان است.»

شرف بنده در عبادت پروردگار است و به سبب همین منزلت والا است که سلیمان -

علیه السلام - از پروردگارش درخواست نمود تا وی نیز یکی از آنان باشد:

﴿وَأَدْخَلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ﴾ [النمل: ۱۹].

«و مرا با رحمت خویش در میان بندگان شایسته‌ات داخل کن.»

پیامبر ما - صلی الله علیه وآله وسلم - نیز هنگام برخاستن از رکوع می‌فرمود:

یعنی: «این حق‌ترین سخنی است که بنده بر زبان آورده است و

همه‌ی ما بنده‌ی توایم.»

هر مسلمانی در نمازهای فرض پنجگانه، روزی هفده بار با پروردگار خود بر عبادت

او به یگانگی پیمان می‌بندد و می‌گوید:

﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ [الفاتحة: ۵].

«تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌خواهیم.»

عبادت موحدانه‌ی خداوند تنها سبب وارد شدن به بهشت‌های پر نعمت است؛ مردی

به نزد رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - آمد و گفت: مرا به کاری راهنمایی کن که اگر

آن را انجام دهم به بهشت وارد شوم. فرمود: «الله را عبادت کن و به او شرک میاور»

[متفق علیه].

از فضلی که خداوند بر بندگان دارد، عبادت‌های متنوعی برای آنان مشروع ساخته

است، از جمله نماز شب که هیچ نمازی جز نماز فرض، از آن بهتر نیست. رسول خدا -

صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید: «بهترین نماز پس از نماز فریضه، نماز شب است» [به

روایت امام مسلم].

به جای آوردن این نماز از روی اخلاص، از نشانه‌های تقوا است. خداوند - سبحانه و

تعالی - می‌فرماید:

﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿١٥﴾ ءَأَخْذِينَ مِمَّا عَتَقْتَهُمْ رَبُّهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ

مُحْسِنِينَ ﴿١٦﴾ كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ ﴿١٧﴾﴾ [الذاریات: ۱۵-۱۷].

«همانا متقیان در [میان] باغ‌ها و چشمه‌هایند (۱۵) آنچه را پروردگارشان عطا فرموده

می‌گیرند زیرا که آن‌ها پیش از این نیکوکار بودند (۱۶) و از شب اندکی را می‌خوابیدند.»

همینطور - این نماز - پاک کننده‌ی گناهان است. رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - خطاب به مُعَاذ - رضی الله عنه - فرمود: «آیا تو را به درهای نیکی راهنمایی نکنم؟ روزه سِپَر است و صدقه [آتش] گناه را خاموش می‌کند چنانکه آب، آتش را، و نماز شخص در دل شب» یعنی این نماز نیز آتش گناهان را خاموش می‌کند چنانکه آب آتش را [به روایت ترمذی].

این نماز سبب رحمت خداوند برای بنده است. رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «خداوند رحمت کند آن کسی را که بخشی از شب را برخیزد و نماز بگذارد» [به روایت ابوداود].

این عبادت از جمله عبادت‌هایی است که باعث ادای شکر نعمت‌های فراوان خداوندی است. پیامبر خدا - صلی الله علیه وسلم - چنان شب را به نماز می‌ایستاد تا آنکه پاهایش ورم می‌کرد و می‌گفت: «آیا دوست نداشته باشم که بنده‌ای شاکر باشم؟» [به روایت امام بخاری].

نزدیک‌ترین زمان برای نزدیکی پروردگار از بنده، در دل شب است. پیامبرمان - علیه الصلاة والسلام - می‌فرماید: «اگر توانستی از جمله کسانی باشی که در آن هنگام به یاد الله هستند، اینگونه باش» [به روایت ترمذی].

همچنین نماز شب حافظ انسان از فتنه‌ها است. ام سلمه - رضی الله عنها - می‌گوید: شبی رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - وحشت‌زده از خواب برخاست و گفت: «سبحان الله! چه خزانه‌هایی که توسط خداوند نازل شده است! چه فتنه‌ها که فرود آمده است! چه کسی زنانم را از خواب بیدار می‌کند؟! چه بسیارند پوشیده‌هایی در دنیا که در آخرت بی‌لباسند» [به روایت امام بخاری].

این نماز، عامل انشراح صدر و آسودگی خاطر و شادی قلب است. ابن حجر - رحمه الله - می‌گوید: «راز شادی درونی در نماز شب نهفته است».

این نماز از جمله عوامل وارد شدن به بهشت است. الله - سبحانه و تعالی - می‌فرماید:

﴿تَتَجَافَى جُنُوبَهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ﴿۱۶﴾
فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۷﴾﴾ [السجدة: ۱۶-۱۷].

«پهلوهای‌شان از خوابگاه‌ها جدا می‌گردد [و] پروردگارشان را از روی بیم و طمع می‌خوانند و از آنچه روزی‌شان داده‌ایم انفاق می‌کنند (۱۶) هیچ کس نمی‌داند از آنچه روشنی بخش دیدگان است به [پاداش] آنچه انجام می‌دادند برای آنان پنهان کرده‌ایم».

عبدالله بن سلام - رضی الله عنه - می‌گوید: نخستین سخنی که از رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - هنگام آمدن ایشان به مدینه شنیدم این بود که: «ای مردم! سلام را افشا کنید و غذا بدهید و پیوند خویشاوندی را حفظ کنید و شبانه در حالی که مردم در خواب هستند نماز گزارید تا بی‌هیچ زبانی به بهشت وارد شوید» [به روایت ترمذی].

بلکه هر کس این نماز را به جای آورد در بالاترین منزل‌گاه‌های بهشت خواهد بود. رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «در بهشت خانه‌هایی است که بیرون آن از داخل دیده می‌شود و داخل آن از بیرون آشکار است» عربی بادیه‌نشین برخاست و گفت: این خانه‌های از آن چه کسی است ای فرستاده‌ی خدا؟ فرمود: «برای هر کس که سخن نیکو بگوید و غذا بدهد و بر روزه مداومت کند و شبانه در حالی که مردم خفته‌اند به نماز ایستد» [به روایت امام احمد].

خداوند نیز پیامبرش را امر نموده تا با این نماز، عبادتش را به جای آورد و اینگونه به درجات والا گام نهد:

﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا ﴿۷۹﴾﴾ [الإسراء: ۷۹].

«و پاسی از شب را زنده بدار تا برای تو [به منزله‌ی] نافلة‌ای باشد، امید که پروردگارت تو را به مقامی ستوده برساند».

و برای همین رسول الله - صلی الله علیه وسلم - این نماز را در هیچ حال ترک نمی‌کرد.

همچنین خداوند پیامبرش را امر نمود تا نصف شب یا بیش‌تر یا اندکی کم‌تر، به نماز ایستد و فرمود:

﴿يَتَأْتِيهَا الْمُزَّمِّلُ ۝۱ قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا ۝۲ تَصَفَّهُۥ أَوْ أُنْقِصْ مِنْهُ قَلِيلًا ۝۳ أَوْ زِدْ عَلَيْهِ﴾

[المزمل: ۱-۴].

«ای جامه بر خود پیچیده (۱) شب را به جز اندکی به پا خیر (۲) نیمی از شب یا اندکی از آن را بکاه (۳) یا بر (نصف) آن بیفزای...».

ام المومنین عایشه - رضی الله عنها - می‌گوید: «هر وقت شب که می‌خواستی او را در حال نماز می‌دیدی» [به روایت بخاری].

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿أَمَّنْ هُوَ قَنِيتٌ ءَأَنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ ۝۹﴾ [الزمر: ۹].

«یا آن کسی که او در طول شب در سجده و قیام اطاعت [خدا] می‌کند [و] از آخرت می‌ترسد و رحمت پروردگارش را امید دارد».

ابن عمر - رضی الله عنهما - درباره‌ی این آیه می‌گوید: «این آیه درباره‌ی عثمان بن عفان است».

ابن کثیر - رحمه الله - می‌گوید: «و این به سبب نماز بسیار امیرالمومنین، عثمان بن عفان در شب و قرآن خواندن بسیار او در این نماز بود...».

محبوب‌ترین کارها نزد خداوند، بادوام‌ترین آن‌ها است هر چند کم باشد و نماز خواندن انسان در خانه بهتر است به جز نماز فرض، چنانکه رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - می‌فرماید: «بهترین نماز شخص، نمازی است که در خانه می‌خواند، مگر نماز فرض» [متفق علیه].

نماز شب، همانطور که برای مردان مستحب است برای زنان نیز سنت است. رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - شبانه در خانه‌ی دخترش فاطمه - رضی الله عنها - و همسرش علی بن ابی طالب - رضی الله عنه - را زد و گفت: «آیا نماز نمی‌خوانید؟» [متفق علیه].

امام طبری - رحمه الله - می‌گوید: «اگر پیامبر خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - نسبت به بزرگی فضیلت نماز شب آگاه نبود هرگز دختر و پسر عمویش را در وقتی که خداوند آن را مایه‌ی آسایش بندگانش قرار داده است به زحمت نمی‌انداخت، اما به دست آوردن این فضیلت را برای آن‌ها بهتر از آسایش و استراحت می‌دانست».

همچنین پیامبر خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - برای کسی که همسرش را برای این نماز از خواب بیدار کند دعای رحمت کرده و فرموده است: «خدای رحمت کند مردی را که شب از خواب برخیزد و نماز بگزارد و همسرش را نیز بیدار کند» [به روایت ابوداود].

امیرالمؤمنین عمر - رضی الله عنه - نیز شب را به نماز می‌ایستاد و هنگام آخر شب خانواده‌اش را برای نماز بیدار می‌کرد و می‌گفت: «الصلاة، الصلاة» و این آیه را تلاوت می‌کرد که:

﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا﴾ [طه: ۱۳۲].

«خانواده‌ی خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن صبور باش».

نماز شب، باعث والا رفتن منزلت جوانان است چنان که نور و وقار پیران؛ پیامبر خدا - علیه السلام - خطاب به عبدالله بن عمر - که آن هنگام جوان بود - فرمود: «عبدالله بهترین مرد است، اگر نماز شب می‌خواند» [متفق علیه].

سالم، فرزند عبدالله بن عمر می‌گوید: «عبدالله پس از آن جز کمی از شب را نمی‌خوابید».

ابن حجر - رحمه الله - می‌گوید: «برای همین هر کس که نماز شب می‌خواند وصف «بهترین مرد» از آن اوست».

همچنین رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - عبدالله بن عمرو بن عاص را که نوجوان بود از ترک نماز شب برحذر داشت و گفت: «ای عبدالله! مانند فلانی نباش که شب را به نماز می‌ایستاد اما نماز شب را ترک کرد» [به روایت بخاری].

سَلَفِ این امت در حالی که کودک بودند نیز شب را زنده می‌داشتند. ابراهیم بن شَمَّاس - رحمه الله - می‌گوید: «احمد بن حنبل را در حالی که نوجوان بود می‌دیدم که شب را زنده می‌داشت».

به سبب همین بزرگداشت و شَرَفِ شب است که خداوند کتابش را در هنگام شب نازل کرده است و خواندن آن در شب سبب حفظِ آن می‌شود. رسول الله - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید: «اگر صاحبِ قرآن شباهنگام برخیزد و آن را در شب و روز بخواند آن را به یاد خواهد سپرد اما اگر به آن نپردازد، فراموشش خواهد کرد» [به روایت مسلم].

از جمله چیزهایی که باعث می‌شود فرد شایسته‌ی غبطه خوردن از سوی دیگران شود، قرآن خواندن او در دل شب است. پیامبر خدا - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید: «حسادت شایسته نیست مگر در مورد دو کس: کسی که خداوند به او قرآن داده است و او نیز در دل شب و روز به آن می‌پردازد، و کسی که خداوند به او مالی داده است و او شب و روز آن را انفاق می‌کند» [متفق علیه].

همچنین خواندن قرآن در هنگام شب بر فهم و تدبر معانی آن کمک می‌کند، چنانکه خداوند - عزوجل - فرموده است:

﴿إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَظَنًا وَأَقْوَمُ قِيلًا﴾ [المزمل: ۶].

«قطعاً برخاستن شب رنجش بیشتر و گفتار [در آن هنگام] راستین‌تر است».

ثواب تلاوت قرآن در شب، چند برابر است زیرا حتی کم آن، صفت غفلت را از انسان دور می‌سازد و مقدار متوسط آن انسان را مُتَّصِف به صفت «اهل قنوت» می‌کند و بسیار آن اجر بسیار عظیم را نصیب انسان می‌کند. پیامبر خدا - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید: «هر کس با ده آیه به نماز برخیزد جزو غافلان نخواهد شد، و هر کس صد آیه را در نماز بخواند جزو «قانتان» نوشته خواهد شد، و هر کس هزار آیه بخواند از کسانی خواهد بود که اجر بسیار بزرگ به دست خواهند آورد» [به روایت ابوداود].

منزلت دعای شب بسیار والا است، چنانکه پیامبرمان - علیه الصلاة والسلام - می‌فرماید: «در شب ساعتی وجود دارد که بنده‌ی مسلمان در آن از خداوند خیری درخواست نمی‌کند مگر آنکه خداوند آن را به وی عطا خواهد کرد» [به روایت مسلم].

پروردگار ما در یک سومِ آخرِ شب به آسمان دنیا نازل می‌شود و می‌گوید: «کیست که مرا بخواند تا او را اجابت کنم؟ کیست که از من بخواند تا به او عطا کنم؟ کیست که از من آمرزش بخواند تا او را بیامرزم؟» [متفق علیه].

هر کس شبانگام برخیزد و ذکرِی به زبان آورد و دعا کند، مورد استجاب قرار خواهد گرفت و اگر نماز بگزارد نمازش مورد قبول خواه بود. رسول خدا - علیه الصلاة والسلام - می‌فرماید: «هر کس هنگام شب برخیزد و بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»، سپس بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي»، یا دعا کند، مورد استجاب قرار خواهد گرفت، پس اگر وضو گیرد و نماز گزارد نمازش پذیرفته خواهد شد» [به روایت بخاری].

استغفار نیز بهترین چیزی است که بنده با آن عبادت شب را به پایان می‌رساند. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ﴾ [آل عمران: ۱۷].

«و آنان که هنگام سحرگاهان استغفار می‌کنند».

پذیرش توبه‌ی آن سه صحابه‌ای که از جنگ تبوک تَخَلَّف کرده بودند نیز در یک سوم شب نازل گردید، چنانکه بخاری در صحیح خود روایت کرده است.

همه‌ی شب، از پس از نماز عشاء تا پیش از نماز صبح، وقتِ نمازِ شب است و کم‌ترین آن یک رکعت است و حدی برای حداکثر آن تعیین نشده است و پایان شب بهترین وقت آن است؛ رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید: «آخرِ شب مورد شهود است» [به روایت مسلم].

به سبب اهمیتی که نماز شب دارد، برای کسی که به خواب افتاده است مشروع است که قضای آن را به جای آورد. پیامبر خدا - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید: «هر کس از مقدار مقرر که هر شب در نماز شب می‌خواند یا از بخشی از آن به سبب خواب، بازماند سپس آن را بین نماز صبح تا نماز ظهر به جای آورد به مانند این است که آن را در شب خوانده باشد» [به روایت امام مسلم نیشابوری].

خواندن اذکار شام انسان را برای بیدار شدن برای نماز شب یاری می‌کند و شب‌نشینی ممکن است باعث محروم شدن انسان از نماز شب شود و حتی اگر بتواند برای نماز برخیزد شاید خشوع خود را از دست دهد، و آنکه بر معصیت بخوابد غالباً نمی‌تواند برای طاعت از خواب برخیزد.

اما بعد، ای مسلمانان: فرصت دنیا کوتاه است و ماندن در آن اندک، و شب با فرصت نماز و تلاوت و دعا و تسبیح و استغفار، از بهترین زمان‌هایی است که بنده می‌تواند با استفاده از آن آخرت خود را آباد سازد که این بهترین توشه از اعمال نیکی است که می‌توان برای دیدار پروردگار آماده ساخت، و هشیار کسی است که آخر شب را برای اصلاح دین و دنیایش غنیمت شمارد.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم:

﴿وَأَذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلاً﴾ [الإنسان: ۲۵].

«و نام پروردگارت را بامدادان و شامگاهان یاد کن.»

خداوند برای من و شما در قرآن عظیم برکت نهد و با آیات و ذکر حکیم سود رساند. آنچه را شنیدید گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از هر گناهی آمرزش می‌خواهم، پس از او آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

خداوند را برای نیکی‌هایش ستایش می‌گویم و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که یگانه و بی‌شریک است و والا مقام، و گواهی می‌دهم که پیامبر ما

محمد، بنده‌ی الله و پیام‌رسان اوست. درود و سلام خداوند بر وی و بر اهل بیت و یاران وی باد.

ای مسلمانان:

از جمله عواملی که باعث جلبِ روزی است، قیام شب و استغفارِ بسیار در هنگام سحر و صدقه‌ی همیشگی و ذکر خداوند در آغاز و پایان روز است.

شَرَفَ مومن، نماز شب است؛ سعید بن مسیب رحمه الله می‌گوید: «شخص نماز شب به جای می‌آورد و خداوند به سببِ آن در چهره‌اش نوری قرار می‌دهد که هر مسلمانی او را دوست خواهد داشت».

نماز شب، کم‌یاب است. ابن عمر - رضی الله عنهما - می‌گوید: «نخستین عبادتی که از بین خواهد رفت، تهجد شب است».

مومن ساعتی از شبِ خود را برای تهجد ذخیره می‌کند و روز خود را برای دیگر عبادت‌ها و سود رساندن به مردم غنیمت می‌شمارد.

سپس بدانید که خداوند شما را به درود و سلام بر پیامبرش امر نموده و در آیات محکم کتاب خود فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿٥٦﴾ [الأحزاب: ٥٦].

خداوندا بر پیامبر ما محمد درود و سلام فرست و از خلفای راشدِ وی که به حق داوری می‌نمودند، ابوبکر و عمر و عثمان و علی و از دیگر صحابه راضی و خشنود باش و از ما نیز با عفو و بخشش خود به همراه آنان خشنود باش ای گرامی‌ترین گرامیان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت عطا کن و شرک و مشرکان را خوار گردان و دشمنان دین را نابود ساز و این سرزمین و دیگر سرزمین‌های مسلمان را در امن و امان و رفاه بدار.

خداوندا مستضعفان مسلمان را در هر جا که هستند یاری کن. خداوندا تو یار و یاور و پشت و پناه آنان باش. خداوندا گام‌هایشان را استوار گردان و تیرشان را به هدف برسان و کلمه‌شان را بر حق و تقوا یکی گردان.

خداوندا هر کس را که برای اسلام و مسلمانان اراده‌ی بدی دارد به خودش مشغول گردان و تدبیرش را عامل نابودی‌اش قرار ده و وحشت را در قلب وی جای ده. خداوندا ما از تو اخلاص را در گفتار و کردار خواهیم. خداوندا ما را بر ذکر و شکر و عبادتِ نیکو یاری ده. بندگان خداوندا:

«همانا الله به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان امر نموده و از فحشا و منکر و تجاوز باز می‌دارد. او شما را چنین پند می‌دهد، امید که اندرز گیرید» [النحل: ۹۰]. پس خداوند بزرگ را یاد کنید تا شما را یاد کند و او با برای نعمت‌هایش سپاس گوید تا شما را افزون دهد و همانا یاد الله بزرگ‌تر است و الله به آنچه می‌کنید آگاه است.

عنوان خطبه:

بسیار بودن راه‌های خیر

خطیب: دکتر علی الحذیفی

مسجد نبوی شریف: جمعه ۱۰ جمادی الاولی ۱۴۳۴ برابر با ۲ فروردین ۱۳۹۲

خطبه‌ی اول:

ستایش مخصوص خداوندی است که از جهانیان بی‌نیاز است، طاعتِ اهل طاعت برایش سودی ندارد و معصیتِ گناه‌کاران به او زیانی نمی‌رساند؛ هر کس راه طاعت در پیش گیرد اجر نیکوکاران را به دست آورد و هر کس روی به گناهان آورد با زیان‌کاران خواهد بود و هیچ زیانی به خداوند نمی‌رسد و او شاکران را پاداش نیک می‌دهد.

پروردگرم را برای نعمت‌های بی‌شمارش سپاس و ستایش می‌گویم و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که پروردگارِ همه‌ی مخلوقات است و گواهی می‌دهم که پیامبر و سرورِ ما محمد، بنده و پیامبر خداوند است که او را با هدایت و دینِ حق فرستاد و رحمتی برای جهانیان قرار داد. خداوندا بر بنده و پیامبر و خلیت محمد، و بر اهل بیت و یاران متقیِ او درود و سلام فرست.

اما بعد:

ای مسلمانان، با انجام آنچه باعث خشنودی خداوند است و دوری از محرمات، تقوای او را پیشه‌سازید و بدانید که عزت بنده در بندگی پروردگار است و نیروی مسلمان در توکل او بر مولایش - عزوجل - و بی‌نیازی‌اش در مداومت بر دعا و سپردن همه‌ی نیازهایش به الله متعال، و رستگارش‌اش در نمازِ نیکو و عاقبتِ خیرِ او در تقوای رب العالمین و گشایش سینه و شادی‌اش در نیکی به پدر و مادر و صله‌ی ارحام و نیکی در حق مردم، و آرامشِ قلبش در بسیار نمودن یاد خداوند است، و بدانید که سر و سامان گرفتن کارهای انسان و منظم شدن زندگی و پایداری‌اش به برگرفتن اسبابِ مشروع و ترک اسبابِ حرام و سپردن همه‌ی کارهای به آن آفریدگار مُدبّر و انجام دادنِ همه‌ی کارها در وقتِ مشخص آن، بدون تاخیر و تبلی بستگی دارد.

اما شکست و زیان بنده در دل سپردن به دنیا و خشنودی به آن و به فراموشی سپردن آخرت و روی گرداندن از بندگی پروردگار عزوجل است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ ﴿٧﴾ أُولَٰئِكَ مَا لَهُمْ مِنَ النَّارِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٨﴾﴾ [یونس: ۷-۸].

«کسانی که امید دیدار ما را ندارند و به زندگی دنیا راضی شده‌اند و به آن آرام گرفته‌اند و آنانی که از آیات ما در غفلتند (۷) جایگاه آنان آتش است به سبب آنچه انجام می‌دادند».

و می‌فرماید:

﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ﴾

[السجدة: ۲۲].

«چه کسی ستمگرتر از کسی است که آیات پروردگارش را به او یادآوری نمودند سپس از آن رویگردانی نمود؟ بی‌شک ما از مجرمان انتقام خواهیم گرفت.»

خداوند متعال در داستان‌های امت‌های گذشته برای شما عبرت‌هایی قرار داده است؛ خداوند به آنان طول عمر داد و از زیر خانه‌هایشان رودها روان کرد، قصرها ساختند و شهرها آباد کردند و از نیروی بدنی و شنوایی و بینایی برخوردار بودند و در زمین صاحب قدرت بودند و خداوند اسباب رفاه را در اختیار آنان نهاد، اما آیا نیرو و نعمت‌هایی که در اختیارشان بود سودی برایشان داشت؟ و آیا اموال و فرزندان توانست آنان را نجات دهد؟

الله متعال می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ مَكَّنَّهُمْ فِيمَا إِن مَّكَّنَّاكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَأَبْصَرًا وَأَفْئِدَةً فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَا أَبْصَرُهُمْ وَلَا أَفْئِدَتُهُمْ مِّنْ شَيْءٍ إِذْ كَانُوا يَجْحَدُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾ [الأحقاف: ۲۶].

«به راستی در چیزهایی به آنان امکانات داده بودیم که به شما در آن‌ها [چنان] امکاناتی نداده‌ایم و برای آنان گوش و دیده‌ها و دل‌هایی [نیرومندتر از شما] قرار داده بودیم و [لی] چون به نشانه‌های الله انکار ورزیدند [نه] گوششان و نه دیدگان‌شان و نه دل‌هایشان به هیچ وجه به دردشان نخورد و آنچه ریشخندش می‌کردند به سرشان آمد.»

خوشبخت آن است که با دیدن حال دیگری پند گیرد و بدبخت آن است که دیگران با دیدن حال او نصیحت شوند:

﴿فَلَا تَعُرَّكُمْ أَلْحِيوَةُ الدُّنْيَا وَلَا يُعُرِّتْكُمْ بِاللَّهِ الْعُرُورُ﴾ [لقمان: ۳۳].

«پس زندگی دنیا شما را فریب ندهد و [شیطان] فریبنده شما را مغرور نسازد.»

پس با انجام هر کار نیکی که توانایی آن را دارید برای دیدار با خداوند آماده شوید و دنیا و آرزوهای دور و دراز، کسی را نفریبید. خداوند عزوجل فرموده است:

﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ ﴿٩٩﴾ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِن وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿١٠٠﴾﴾ [المؤمنون: ۹۹-۱۰۰].

«تا آنکه مرگ یکی از آنان در رسد می‌گوید: پروردگارا مرا بر گردانید (۹۹) شاید من در آنچه وانهادم کار نیکی انجام دهم. هرگز چنین نیست و پیشاپیش آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته خواهند شد.»

بدانید که جامع همه‌ی نیکی‌ها، عبادت الله متعال به تنهایی و براساس سنت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - به همراه اخلاص و محبت خداوند و پیامبرش - علیه الصلاة والسلام - است.

بدانید که هیچ کس نمی‌تواند خشنودی خداوند را به دست آورد و وارد بهشت او شود و در زندگی دنیا و زندگی پس از مرگ به خوشبختی رسد، مگر با عبادت الله متعال. مُکَلَّفان (یعنی انسان‌ها و جنیان و فرشتگان) برای عبادت آفریده شده‌اند، چنانکه الله متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴿٥٦﴾﴾ [الذاریات: ۵۶].

«و جنیان و انسان‌ها را نیافریدم مگر برای آنکه مرا عبادت کنند.»

برای به دست آوردن خشنودی خداوند و به سبب بسیار بودن منافع آن برای مکلفان و برکت فراگیر و گسترده بودن خیر و نیکی آن در دو جهان است که خداوند دستور به انجام آن در شب و روز، و از روی وجوب و استحباب داده است تا سابقان و پیشروان، آن را بسیار انجام دهند و مقصران و کم‌کاران نیز به این کاروان برسند.

کمال بنده در کمال محبت او نسبت به خداوند، و کمال خشوع برای معبود - سبحانه و تعالی - به همراه موافقت با راه و روش پیامبر - صلی الله علیه وسلم - است.

به سبب رحمت خداوند عزوجل و لطف او نسبت به بندگانش و جود و کرم وی، او عباداتی برای همه‌ی مکلفان قرار داده است که با آن به وی نزدیک شوند و ثابت قدم باقی بمانند، و برای آنان اوقات برتری را معرفی نمود که در آن ثواب عبادات بیشتر

می‌شود تا نیکی‌های بیشتری به دست آورند و اگر این زمان‌ها را به آنان معرفی نمی‌کرد خود قادر به شناخت آن نبودند. الله متعال می‌فرماید:

﴿وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۱۵۱].

«و آنچه را نمی‌دانستید به شما یاد می‌دهد».

و می‌فرماید:

﴿فَإِذَا آمِنْتُمْ فَادْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۲۳۹].

«و چون ایمن شدید الله را یاد کنید چنانکه آنچه را نمی‌دانستید به شما آموخت».

هنگامی که خداوند، عبادتی را مشروع می‌سازد، بندگان را به انجام آن فرا می‌خواند تا اینگونه به او نزدیک شوند. حال اگر برخی از مکلفان نتوانستند آن را انجام دهند درهای دیگری از درهای طاعت را بر آنان می‌گشاید و طاعت‌های دیگری از جنس همان عباداتی که از دست داده‌اند برایشان مشروع می‌سازد تا اینگونه بنده عزت طاعت و ثواب نیکی‌ها را به دست آورد.

برای مثال هر کس از نعمت حضور پدر و مادر محروم است می‌تواند برای آنان دعا کند و به جای آنان صدقه دهد یا به حج رود و پیوند خود را با خویشاوندان آنان پیوسته بدارد و دوستان آنان را گرمی دارد. همینطور کسی که پدر و مادرش را درک نموده اما بعداً آنان را از دست دهد نیز می‌تواند به نیکی آنان ادامه دهد.

از ابی‌اسید ساعدی روایت است که مردی گفت: ای رسول خدا! آیا از نیکی به پدر مادر چیزی باقی مانده است که پس از مرگشان انجام دهم؟ فرمود: «آری؛ دعا برای آنان و درخواست آمرزش برایشان و انجام دادن وعده‌های آنان و برپا داشتن پیوند خویشاوندی که جز از جانب آنان ممکن نیست، و بزرگداشت دوستان آنان» [به روایت ابوداود].

خاله‌ی انسان به منزله‌ی مادر اوست. از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت است که مردی گفت: ای رسول خداوند! من گناهی بزرگ انجام داده‌ام، آیا می‌توانم توبه کنم؟

فرمود: «آیا مادرت در قید حیات است؟» گفت: نه. فرمود: «آیا خاله‌ات در قید حیات است؟» گفت: آری. فرمود: «پس به او نیکی کن» [به روایت ترمذی].

هر کس مالی برای صدقه نداشت می‌تواند با دستان خود کار کند و به خود سود رساند و به دیگران صدقه دهد. از سعید بن ابی‌بُرده از پدرش از پدربزرگش از پیامبر خدا - صلی الله علیه وسلم - روایت است که فرمودند: «بر هر مسلمانی صدقه‌ای لازم است» گفتند: اگر نتوانست چه؟ فرمود: «با دستان خود کار می‌کند و نیازمندان را یاری می‌رساند» گفتند: اگر نتوانست چه کند؟ فرمود: «دست از انجام بدی می‌کشد که همین صدقه‌ای است» [به روایت مسلم].

و در حدیث آمده است که پیامبر خدا - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: «هر که نماز صبح را در جماعت به جای آورد و سپس در نمازگاه خود بنشیند و تا هنگام طلوع خورشید خداوند را یاد کند و سپس دو رکعت نماز بگذارد، پاداش وی همانند یک حج و عمره‌ی کاملِ کاملِ کامل، خواهد بود».

آری چه بزرگ است نعمت‌های پروردگار بر بندگان، و چه بسیار است درهای نیکی و حَسَنَات!

پس ای مسلمان، با اخلاق و پیروی از راه و روش پیامبر تا می‌توانی اعمال نیک انجام ده و هیچ کار نیکی را - هر چند اندک - کم به شمار نیاور و بدی را - هر چند کوچک - حقیر بدان که همان نیز مورد پرسش قرار خواهد گرفت.

ای مسلمان: نسبت به کارهای نیکی که انجام می‌دهی کوشا باش و آن را از بدعت‌ها دور بدار که بدعت، عامل از بین رفتن دین و نیکی‌ها و کم شدن ثواب اعمال صالح است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا ءَعْمَلَكُمْ﴾

[محمد: ۳۳].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید الله را اطاعت کنید و از پیامبر [او نیز] اطاعت نمایید و اعمال خود را تباه نکنید».

و پیامبر خدا - صلی الله علیه وسلم - خطاب به کسانی که در دین او بدعت آورده‌اند و فرشتگان در روز قیامت آنان را از حوض وی دور می‌کنند، می‌گوید: «دور شوند، دور شوند آنانی که پس از من تغییر آوردند» [به روایت بخاری].

چنانکه باید از گناهان و معاصی دوری کنی و آن را بد بداری، زیرا گناهان باعث سخت شدن قلب و تقویت نفاق می‌شوند و از جمله اسباب فرجام بد هستند و باعث بیمار شدن درون انسان و سرکشی و جرات انسان بر انجام گناه می‌شود، بلکه می‌توان گفت اگر بنده‌ای بر معصیت خداوند پافشاری کند معمولاً قدرت کنترل نفس خود را از دست می‌دهد و نفسش او را به انجام هر بدی و گناهی می‌کشاند.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا ﴿٥٩﴾
إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا ﴿٦٠﴾﴾

[مریم: ۵۹-۶۰].

«آنگاه پس از آنان جانشینانی به جای ماندند که نماز را تباه ساخته و از هوس‌ها پیروی کردند و به زودی [سزای] گمراهی [خود] را خواهند دید (۵۹) مگر آنان که توبه کرده و ایمان آورده و کار شایسته انجام دادند که آنان به بهشت درمی‌آیند و ستمی بر ایشان نخواهد رفت».

مفسران درباره‌ی غَیّ می‌گویند: «آن دره‌ای است در جهنم که بسیار خبیث و داغ است».

همچنین بر مسابقه‌ی در انجام نیکی‌ها کوشا باش تا از جمله کسانی باشی که به درجات والا وعده داده شده‌اند و از تاخیر در انجام کارهای نیک و تنبلی از انجام عمل خیر برحذر باش که در این صورت از به دست آوردن درجه‌ی فائزان محروم شده و با ورود به آتش، مجازات خواهی شد.

رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید: «گروهی از مردم آنقدر تاخیر می‌کنند که خداوند آنان را به تاخیر می‌اندازد» و در روایت دیگری اینگونه آمده است که: «گروهی تا آنجا تاخیر می‌کنند که خداوند آنان را در آتش به تاخیر می‌اندازد».

و خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ ﴿۱۰﴾ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ﴿۱۱﴾ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿۱۲﴾﴾ [الواقعة: ۱۰-۱۲].

«و سبقت گیرندگان مقدمند (۱۰) آنان همان مقربانند (۱۱) در بهشت‌های پر نعمت».

خداوند برای من و شما به واسطه‌ی قرآن عظیم برکت دهد و با آیات و ذکر حکیم و راه و روش سرور پیامبران، سود رساند. این سخن را گفته و برای خود و شما و دیگر مسلمانان از خداوند بزرگ آمرزش می‌خواهم؛ همانا او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خطبه‌ی دوم:

ستایش ویژه‌ی الله است که قدرتش عظیم است و برهانش قوی و هر چه بخواهد شدنی است، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است و رحیم است و رحمان، و گواهی می‌دهم که پیامبر و سرور ما محمد، بنده‌ی او و پیامبرش و تایید شده با معجزه‌ی قرآن است. خداوند بر بنده و پیامبرش محمد و بر اهل بیت و یاران او که اهل ایمان و احسان بودند درود و سلام و برکت ارزانی دار. اما بعد: با محبت و طاعت خداوند، تقوای او را پیشه سازید و با معصیت، خود را در معرض خشم او قرار ندهید.

بندگان خداوند:

در راه حق یاوران هم باشید و در دین، برادر یکدیگر. اهل نصیحت باشید که نصیحت به معنای دوست داشتن هر نیکی و پیروزی و عزت و تایید برای نصیحت شونده است. از تمیم داری - رضی الله عنه - از رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - روایت است که فرمود: «دین نصیحت است» گفتند: برای چه کسی ای پیامبر خدا؟ فرمود: «برای الله و برای کتابش، و برای پیامبرش، و برای ائمه‌ی مسلمانان و عموم آنان» [به روایت مسلم].

از جمله‌ی حقوقی که مسلمان بر گردن دیگر مسلمانان دارند اهمیت به امور آنان و انجام حق‌شان و دعا برای آن‌ها و تلاش در راه سود رساندن به آنان و دست کشیدن از رساندن اذیت و زیان به آن‌ها است.

پیامبر خدا - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید: «از ما نیست کسی که بزرگ را محترم ندارد و به کوچک‌تر رحم نکند و به نیکی امر نکند و از منکر باز ندارد».

و در حدیث وارد شده است که پیامبر خدا - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: «مومن نسبت به مومن دیگر مانند یک بنا است که بخشی از آن بخش دیگر را محکم می‌دارد». همچنین در حدیث آمده است که رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: «مثال مومنان در محبت و دلسوزی و عطوفتی که میان همدیگر دارند همانند یک بدن یگانه است که اگر عضوی از آن به درد آید دیگر اعضای بدن نیز با شب زنده‌داری و تب با آن همراهی می‌کنند».

بندگان خداوند:

«همانا الله و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او

درود و سلام فرستید» [الأحزاب: ۵۶].

و رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید: «هر کس بر من یک درود فرستد، خداوند به واسطه‌ی آن بر وی ده درود خواهد فرستاد».

پس بر سرور پیشینیان و آیندگان و امام پیامبران درود و سلام فرستید. خداوندا بر محمد و بر آل محمد درود فرست چنانکه بر ابراهیم و بر آل ابراهیم درود فرستادی؛ همانا تو ستوده شده و بزرگواری.

خداوندا بر سرور و پیامبر ما محمد و بر همسران و ذریه و اهل بیتش درود و سلام فرست و از همه‌ی صحابه و خلفای راشدین، آن امامان هدایتگر: ابوبکر و عمر و عثمان و علی، و از دیگر اصحاب پیامبرت و از تابعین و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند راضی و خشنود باش، و از ما نیز به همراه آنان خشنود باش ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت عطا کن. خداوندا اسلام و مسلمانان را عزت عطا کن و کفر و کافران و شرک و اهل آن را ذلیل و خوار گردان. خداوندا دشمنانت، دشمنان دین را نابود گردان.

خداوندا دینت را و کتابت را یاری کن، ای پروردگار جهانیان؛ همانا تو قدرتمند و استواری.

خداوندا حق را آنگونه که هست برای ما نمایان گردان و پیروی از آن را نصیب ما گردان و باطل را همانگونه که هست به ما نشان ده و دوری از آن را نصیب ما گردان و آن را بر ما مُشْتَبَه مگردان که راه گمراهی در پی گیریم...

خداوندا گناهان گذشته و آینده و پنهان و آشکار ما و آنچه را خود به آن آگاه‌تری بیامرز. تویی که پیش می‌اندازی و تویی که به تاخیر می‌اندازی، معبودی به حق جز تو نیست.

خدایا ما را از شر خودمان و کارهای بدمان در امان بدار. خداوندا ما را از شر هر صاحب‌شری در امان بدار ای پروردگار جهانیان.

خداوندا ما و ذریه‌ی ما را از ابلیس و ذریه‌اش و سربازانش در امان بدار ای پروردگار جهانیان. خداوندا مسلمانان را از ابلیس و ذریه‌اش محافظت نما، همانا تو بر هر کاری توانایی.

خداوندا مردگان ما و درگذشتگان مسلمان را بیامرز، خداوندا مردگان ما و درگذشتگان مسلمان را بیامرز، خداوندا آنان را ببخش و بیامرز و از آنان درگذر. خداوندا مردان و زنان مسلمان - مردگان و زندگان‌شان - را بیامرز.

خداوندا جوانان ما و دیگر جوانان مسلمان را بیامرز ای پروردگار جهانیان. خداوندا اوضاع ما و اوضاع دیگر مسلمانان - بزرگ و کوچک‌شان - را بیامرز.

خداوندا هدایت ما را به ما الهام نما و ما را از شر نفس‌مان در امان بدار ای پروردگار جهانیان.

خداوندا ما را به رحمت خود نجات ده ای مهربان‌ترین مهربانان. خداوندا ما را باران رحمت عطا کن نه باران عذاب. همانا تو بر هر کاری توانایی.

خداوندا ما را در سرزمین‌هایمان ایمن بدار و مسئولان ما را اصلاح نما. خداوندا ای دارای جلال و بزرگواری، از تو مسالت داریم که عاقبت ما را در همهی امورمان خیر گردانی و ما را از خواری دنیا و عذاب آخرت نجات دهی. خداوندا ما از تو عفو و عافیت را در دنیا و آخرت خواهانیم ای مهربان‌ترین مهربانان.
بندگان خداوند:

«همانا الله به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان امر نموده و از فحشا و منکر و تجاوز باز می‌دارد. او شما را اینگونه پند می‌دهد، باشد که اندرز گیرید (۹۰) و چون با الله پیمان بستید به پیمان خود وفا کنید و سوگندهای [خود را] پس از استوار کردن آنها مشکنید با اینکه الله را بر خود ضامن [و گواه] قرار داده‌اید زیرا الله آنچه را انجام می‌دهید می‌داند» [النحل: ۹۰-۹۱].

پس خداوند بزرگ را یاد کنید تا شما را یاد کند و او را سپاس گوید تا شما را افزون دهد و همانا یاد الله بزرگ‌تر است و الله به آنچه می‌کنید آگاه است.